۳۷۵

گیتاشناسی نوین کشورها

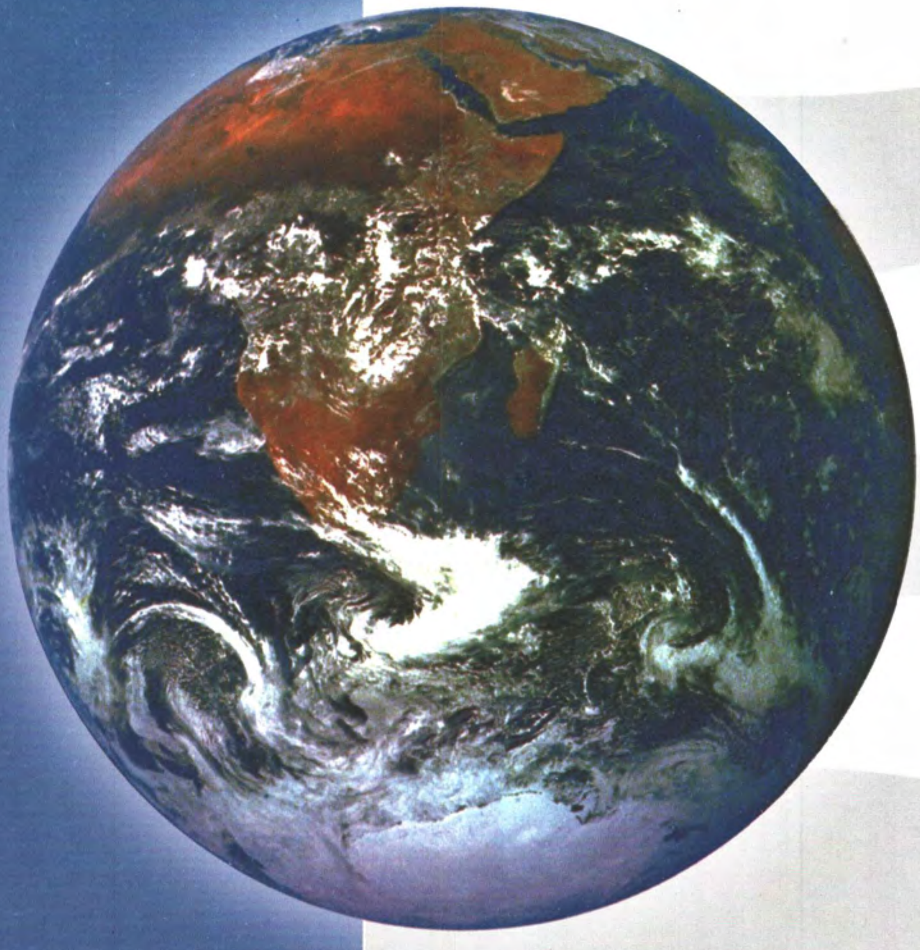


موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی
گیتاشناسی

۳۷۵

کتابخانه دانشکده ...
شماره ثبت ۷۹۱۴ تاریخ ورود ۹/۴/۸۴
دانشگاه جامع علمی کاربردی

گیتاشناسی نوین کشورها



گردآوری و ترجمه:
مهندس عباس جعفری

موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی
گیتاشناسی

جعفری، عباس، ۱۳۱۲ -
گیتاشناسی نوین کشورها / گردآوری و ترجمه عباس جعفری.— تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۲.
۶۰۰ ص.: نقشه (رنگی)، جدول؛ ۲۲ x ۲۹سم.—
(موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی)
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
واژه‌نامه.
۱.فرهنگ جغرافیائی. ۲.دائرة‌المعارفها و واژه‌نامه‌ها. الف.موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی. ب.عنوان.

۹۱۰/۳ G۱۰۳/۵/ج۷گ۹

کتابخانه‌ملی‌ایران ۸۲-۱۰۹۶م

طرح، تهیه، کارتوگرافی رایانه ای و چاپ از:
مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی

تهران: خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه ولی‌عصر، جنب پارک دانشجو، خیابان رازی، خیابان استاد شهریار، شماره ۱۵، کد پستی: ۱۱۳۳۷۳۴۶۱۱، صندوق پستی: ۳۴۴۱ - ۱۴۱۵۵،
تلفن: ۶۷۰۳۴۶۰ ، ۶۷۰۳۲۲۱، ۶۷۰۹۳۳۵ و ۶۷۱۳۶۰۳، نمابر: ۶۷۰۵۷۸۲
www. gitashenasi.com; E-mail: info@gitashenasi.com

* گیتاشناسی نوین کشورها
* گردآوری و ترجمه: مهندس عباس جعفری
* چاپ دوم: ۱۳۸۴
* چاپ: هامون
* صحافی: فرهنگ
* تیراژ: ۴,۰۰۰ جلد
* قیمت ۱۶۵,۰۰۰ ریال
* کلیه حقوق نشر برای مؤسسه گیتاشناسی محفوظ است.

هر گونه استفاده تکثیری، تقلید و اقتباس، اسکن و کپی‌برداری از این اثر، اعم از الکترونیکی و چاپ، چه بصورت کامل یا بخشی از آن، یا استفاده در نرم افزارها، بدون اجازه کتبی ازموسسه گیتاشناسی ممنوع است و متخلفین به موجب قانون حمایت از مؤلفان تحت تعقیب قضایی قرار خواهند گرفت.

شابک ۰-۱۴۳-۳۴۲-۹۶۴
ISBN 964-342-143-0

تقدیم به روان پاک
بنیانگذار مؤسسه گیتاشناسی
شادروان حاج عبادالله بختیاری

فهرست مطالب

به نام خدا

مقدمه ای از استاد گرانمایه
دکتر محمد حسن گنجی
استاد ممتاز دانشگاه تهران

در سال ۱۳۶۲ که از اینجانب خواسته شده بود مقدمه‌ای بر کتاب عظیم گیتاشناسی کشورها بنویسم پس از مطالعه دقیق تمام کتاب مزبور در مقدمه آن نوشته بودم که: «انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای جهانی آن وسعت فوق‌العاده و غیر مترقبه‌ای به معلومات جغرافیایی اقشار مختلف جامعهٔ ایرانی بخشیده و به عبارت دیگر نوعی بیداری جغرافیایی مبتنی بر جهان‌بینی در اذهان همگان به وجود آورده است که آثار آن را در اشارات روزمره به مسائل دوردستی مانند اوضاع نیکاراگوا، السالوادور، هندوراس، آنگولا، نامیبیا یا مطالب مهمتری دربارهٔ مناطق نزدیکتر مانند افغانستان، لبنان، فلسطین و دیگر کشورهای خاورمیانه در مطبوعات و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و از همه مهمتر در خطبه‌های نماز جمعه در سراسر کشور مشاهده می‌کنیم.» و از این نوشته چنین نتیجه گرفته بودم که کتاب گیتاشناسی کشورها می‌تواند جوابگوی کلیه مبهماتی باشد که ممکن است در نتیجه این جهان‌بینی در اذهان علاقمندان ایرانی به وجود آید.

از سال ۱۳۶۲ که انقلاب اسلامی ایران چهارمین سال عمر تاریخی خود را می‌گذراند و کتاب گیتاشناسی کشورها منتشر می‌شد تا کنون بیست سال و به تعبیری دو دهه گذشته است ولی آنچنان دو دهه سرنوشت سازی، که مجموع تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی، فنی و مخصوصاً ارتباطی آن را می‌توان دامنه‌دارتر، وسیع‌تر و اثربخش‌تر از جمیع تحولات جهان از زمان اکتشافات جغرافیایی (قرن پانزدهم) به بعد دانست.

در این بیست سال تغییرات شگرفی در نقشه‌های سیاسی جهان به وجود آمده؛ از آن جمله در اروپا تغییرات سیاسی آلمان و چکسلواکی از طرفی و جنگ‌های چند ساله بالکان و تجزیه یوگسلاوی سابق از طرف دیگر باعث شده است که نقشه اروپا تغییر کند. در این قاره تشکیل اتحادیه اروپا خود مسائل و نظام‌های جدیدی در روابط بین‌المللی مخصوصاً در مقررات ارزی و مرزی ایجاد کرده است.

در افریقا نیز تغییرات زیادی در نقشه سیاسی این قاره ایجاد شده و از همه مهمتر در آسیا از طرفی یکی از مهمترین سوانح تاریخ قرن بیستم یعنی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، به ایجاد چندین کشور مستقل در آسیای مرکزی منجر شده و از طرف دیگر استقلال‌طلبی بخش‌هایی از جمعیت اندونزی باعث تغییراتی در نقشه سیاسی آن کشور، یعنی پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی جهان شده است.

در آسیای جنوب غربی، اگرچه جنگ تحمیلی عراق بر ایران تغییرات سیاسی قابل ذکری در پی نداشته، ولی منازعات جمعیت مظلوم فلسطین با رژیم متجاوز صهیونیستی ناثباتی‌های مرزی فراوانی را باعث شده است.

در این دو دهه اجتماعات عظیم و بی‌سابقه سران جمیع کشورهای جهان در هلسینکی، ریودوژانیرو و نایروبی مسئله محیط زیست را که در واقع جان جغرافیا است، در صدر مسائل روز قرار داده و بحث دربارهٔ ابعاد طبیعی و انسانی آن (مخصوصاً تغییر اقلیم و افزایش جمعیت و شهرنشینی) و نیز شناسایی پیامدهای احتمالی آن که بعضاً زندگی بشر را در روی زمین تهدید می‌کند، بیشتر از هر زمانی انسان‌های متفکر را متوجه اهمیت علم جغرافیا در زندگی آنها کرده است.

مهمتر از همه این‌ها توسعه حیرت‌آور ابزارها و وسائل ارتباطی است، که فواصل زمانی و مکانی را تقریباً از میان برده و جهان بزرگی را که روزگاری سالها لازم بوده است تا بشر از وضع گوشه و کنار آن آگاهی اجمالی پیدا کند (سفر مارکوپولو و ابن بطوطه)، به صورتی درآورده است که از آن به دهکده جهانی تعبیر می‌کنند و در روند یکی شدن (جهانی شدن) آن در آینده تمهیداتی تدارک می‌بینند. نتیجه دیگری که از پیشرفت فناوری‌های ارتباطی به دست آمده، اطلاعات حیرت‌آوری است که انسان در باره کائنات و جهان خارج از محیط زمین و منظومه شمسی به دست آورده است.

جمیع این تحولات در دو دهه اخیر که اشاره کوتاهی به شمه‌ای از آن در این مختصر به عمل آمد، باعث شده است که دامنهٔ اطلاعات جغرافیایی مردم جهان به سرعت توسعه یابد و به موازات آن شوق و ذوق کسب اطلاعات در همهٔ افراد حتی در کسانی که از سواد اندکی برخوردارند، روز به روز شدیدتر گردد. از طرف دیگر در سطوح مختلف، در محیطهای آموزشی نیز این ضرورت احساس شده است که باید دیر یا زود منابع پژوهش و آموزش جغرافیا را به روز آورده، با اطلاعات جدید حاصل از تحولات اخیر هماهنگ سازیم. اینک در پاسخ به نیازهای گوناگون که در جهان علم وسیع جغرافیا به وجود آمده است، مؤسسهٔ گیتاشناسی به تجدید چاپ گیتاشناسی کشورها، این بار با امتیازات فوق‌العاده پرداخته و کتابی منتشر ساخته است که وجود آن روی میز هر پژوهنده و مشتاق کسب اطلاعات جدید نه فقط لازم بلکه ضروری به نظر می‌رسد.

این کتاب که «گیتاشناسی نوین کشورها» نامگذاری شده به وسیله دانشمندی دقیق و مترجمی متبحر که سالها است آثار مختلف جغرافیایی او به وسیلهٔ مؤسسهٔ گیتاشناسی منتشر می شود، یعنی مهندس عباس جعفری جمع آوری و تدوین شده و از چندین بخش تشکیل می شود.

دو بخش اول کتاب که حدود ۶۰ صفحه را در بر می گیرد، به صورتی که اینجا ارائه شده، ابتکاری است که تاکنون در کمتر کتاب یا اطلسی دیده شده و از چندین وچند مسئله مهم تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و امثال آن تشکیل می شود که بیشتر آن ناشی از تحولات همین دو دهه اخیر است که به صورت مسئله درآمده و اطلاع درباره آن مورد توجه هر دانشجو و خواننده کنجکاوی است که به سرنوشت انسان و محیط زیست او علاقمند باشد. در بخش مربوط به تاریخ جهان که از ماقبل تاریخ شروع شده و به سال های آغازین قرن بیست و یکم منتهی می گردد و مراحل سرنوشت ساز در هر مورد تحت عنوان دلچسبی ارائه می شود. آن هم به این صورت که در مورد قرن بیستم و مخصوصاً نیمهٔ دوم آن حوادث بر اساس دهه ها مورد اشاره واقع شده است.

بعد از این اشاره کوتاه به گذشته های تاریخی که ۲۶ صفحه کتاب را اشغال کرده، بحث «مسائل مهم جهان امروز» با توصیف محیط زیست و عوامل تخریب و پی آمدهای آن آغاز می شود و از جنگل زدایی و بیابان زایی و آلودگی و تغییرات اقلیمی و محدودیت آبهای شیرین کره زمین و امثال آن یاد می شود. سپس مسائل مربوط به جمعیت جهان و رشد مهار شده آن از ابعاد مختلف و از جمله جنسیت و نقش زنان در عرصه اجتماع با آمارهای مفصلی مطرح می گردد. در دنبال این قسمت به مسائل بهداشتی و روانی و بیماری های تازه‌ای که سلامت نسل بشر را تهدید می کند و تلاش های بین المللی به منظور جلوگیری و درمان آنها با نقل آخرین آمارها از منابع بهداشت جهانی اشاره می شود. بعد از آن و به مناسبت مسائل انسانی صحبت از فقر و تبعیض و کار و کارگری و تقسیم ثروت و قطب های ثروت جهان و همچنین مؤسسات مالی بین المللی به میان می آید و در پایان به مسئله مهم ارتباطات در جهان امروز اشاره‌ای می شود. در پایان این بخش که مسایل انسانی دیگری مانند مهاجران و کودکان و امثال آن مطرح می شود، آمارهای مستند و مفصلی در توجیه مسائل مطرح شده، ارائه می گردد. اطلاعات بخش دوم از منابع معتبر اقتباس و جمع آوری شده ولی از آن چنان تنوعی برخوردار بوده که طبقه‌بندی آن را تاحدی غیر مقدور ساخته است. از این رو می توان گفت که در آن بخش بسیاری از مسائل بدون رعایت نظم و ترتیب خاصی ارائه شده است.

بعد از این مقدمات، بخش اصلی کتاب که گیتاشناسی کشورهای جهان می باشد و خود ۸۰ درصد حجم کتاب را در بر دارد آغاز می شود. کثرت اطلاعات جغرافیایی گوناگون در این بخش که به صورت منظم و یکنواختی در باره تک تک کشورها و جزایر مهم جهان تدوین شده، به حدی است، که قبل از اصل مطالب، سه صفحه کتاب به راهنمای استفاده از جدول ها (صفحات ۶۱ تا ۶۳) اختصاص یافته و به مراجعه کنندگان و خوانندگان هم توصیه شده است که قبل از مراجعه به کشور مورد نظر خود این راهنما را که بر اساس الفبا تنظیم شده مرور نمایند. شرح کشورهای جهان که از آذربایجان شروع شده و به یونان منتهی می گردد گزارشی از جغرافیای ۲۵۹ کشور، سرزمین، جزیره و مجمع الجزایر است که ۱۹۱ کشور مستقل آن عضو سازمان ملل متحد و آژانس های وابسته به آنند. نکته در خور توجه این است که در این کتاب عظیم هیچ موضوع قابل اهمیتی در مورد هیچ‌یک از واحدهای جغرافیای فوق از قلم نیفتاده است.

آنگاه به بخش جغرافیایی محض، یعنی نقشه‌های جغرافیائی کتاب می‌رسیم که جمعاً ۴۸ صفحه را در بر دارد که به صورت رنگی به چاپ رسیده‌اند. از این تعداد حدود ۱۰ نقشه جهان‌نما است که مربوط به مسایل کلی جغرافیایی می شود و بقیه نقشه‌های قاره‌ای و منطقه‌ای و در بعضی موارد حساس و مهم، نقشه‌هایی از کشورها است. سپس بخش خاصی به سازمان ملل متحد و سازمان های وابسته به آن و همچنین سایر سازمان ها و مجامع بین المللی اختصاص یافته و بعد از آن واژه‌نامه‌ای از اصطلاحات جغرافیایی فارسی و انگلیسی آمده که پاره‌ای از آنها مورد قبول جغرافیدانان فارسی‌زبان قرار گرفته و تعدادی باید هنوز از محک آزمایش بگذرد و آرزوی این نویسنده است که کمیته جغرافیای فرهنگستان زبان هرچه زودتر اصطلاحات مصوب خود را اعلام نماید، تا تکلیف مترجمین و نویسندگان در این رشته و رشته‌های دیگر دانش روشن شود.

صفحات پایانی این کتاب عظیم به وقایع بسیار مهم جهان که در یکی دو ماه آخر قبل از انتشار آن بروز کرده مانند اقدام خودسرانه امریکا و انگلیس در انهدام و اضمحلال کشور عراق که بر خلاف رأی سازمان ملل متحد و تمایل قاطبه جمعیت جهان به عمل آمده، تخصیص یافته است.

در پایان، این نویسنده به عنوان یک دانشجوی جغرافیا که ۷۰ سال عمر خود را در راه تعلیم و تعلم این علم گذرانده مراتب قدردانی و گرامی داشت خود را نسبت به خدمات مؤسسهٔ گیتاشناسی به علم جغرافیا ابراز داشته، مزید توفیق این مؤسسه و مؤسسات خدمتگزار مشابه را از خداوند قادر متعال مسئلت دارد.

دکتر محمد حسن گنجی
متل قو
اردیبهشت ۱۳۸۲

پیشگفتار

مؤسسه گیتاشناسی مفتخر است که اکنون پس از گذشت بیست سال از انتشار نخستین چاپ «گیتاشناسی کشورها» مجموعه ارزنده دیگری را تحت‌عنوان «گیتاشناسی نوین کشورها» به علاقمندان مسائل جغرافیایی، اعم از جغرافیای طبیعی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقدیم می‌دارد. انتشار کتاب گیتاشناسی کشورها در سال ۱۳۶۲ با استقبال گسترده‌ای در میان عموم علاقمندان و دانش‌پژوهان مواجه شد و در طی مدت کوتاهی چندین بار تجدید چاپ گردید و علی‌رغم گذشت زمان، هنوز هم جایگاه خود را در میان کتابهای مرجع حفظ نموده است.
در طی این بیست سال جهان شاهد تحولات شگرفی هم در زمینهٔ علوم و فناوری و بخصوص ارتباطات، و هم در صحنهٔ سیاست جهانی و به تبع آن جغرافیای سیاسی بوده است.

مروری هرچند کوتاه بر تحولات سیاسی جهان، نشان می‌دهد که طی این مدت حدود ۲۵ کشور تازه به جرگه کشورهای مستقل جهان پیوسته‌اند و عظیم‌ترین رویداد سیاسی جهان در قرن بیستم، یعنی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روی داده است. در طی این مدت علاوه بر تجزیه شوروی، کشور یوگسلاوی نیز به پنج کشور تبدیل گردید و چکسلواکی نیز به دو جمهوری چک و اسلوواکی تجزیه شد. همچنین اریتره نیز از اتیوپی جدا شد و در آخرین تحول از این نوع، تیمور شرقی نیز استقلال خود را از اندونزی به‌دست آورد.
در کنار این جدایی‌ها دو مورد از وحدت کشورها نیز پیش آمد که اولی مربوط به آلمان شرقی بود که در سال ۱۹۹۰ عملاً به اتحاد با آلمان غربی پرداخت و درحقیقت در آن ادغام گردید. در قارهٔ آسیا نیز جمهوری عربی یمن و یمن جنوبی درهم ادغام گردیدند و دولت یمن متحد با رهبری جمهوری عربی یمن تشکیل شد. درطی این مدت چندین مستعمره نیز به استقلال کامل دست یافتند که از آن جمله می‌توان به پالائو، جزایر مارشال و میکرونزی اشاره کرد.
در طی این سالها مبارزات مردم نامیبیا به ثمر نشست و این کشور در سال ۱۹۹۰ استقلال خود را جشن گرفت. اما مبارزات مردم فلسطین که از سال ۱۹۴۸ میلادی تاکنون ادامه داشته، علی‌رغم کسب برخی موقعیت‌های جزئی و تشکیل حکومت خودگردان در بخشهایی از کرانهٔ باختری و نوار غزه، هنوز به نتیجهٔ کامل نرسیده و مردم آن هنوز برای کسب آزادی و استقلال عمل خود در مبارزه‌ای نابرابر با رژیم اشغالگر و نژادپرست اسرائیل و حامیان آن به مبارزه ادامه می‌دهند. در شمال غربی افریقا نیز مبارزات استقلال طلبانه مردم صحرا هنوز به‌بار ننشسته و دولت مغرب با همهٔ راه‌حلهای پیشنهادی سازمان ملل متحد برای برگزاری همه‌پرسی در این سرزمین مخالفت کرده است.
در آغاز سال ۱۳۸۲، تعداد کل کشورهای مستقل جهان که موردشناسایی مردم و دولت ایران نیز قرار دارد، به‌رقم ۱۹۴ رسیده است. از این تعداد ۱۹۰ کشور عضو سازمان ملل می‌باشند که با احتساب رژیم اشغالگر قدس، تعداد اعضای این سازمان به ۱۹۱ کشور بالغ می‌شود. جمهوری عربی صحرا که موردشناسایی ایران قرار دارد، هنوز از شناسایی کامل همه کشورهای جهان برخوردار نیست و دو کشور واتیکان و تایوان نیز در سازمان ملل متحد عضویت ندارند. فلسطین نیز اگرچه از سال ۱۹۷۴ به‌عنوان عضو ناظر در سازمان ملل حضور دارد، اما هنوز فاقد عضویت کامل می‌باشد.

مؤسسهٔ گیتاشناسی با آگاهی از رسالت خود در راه تأمین اطلاعات جغرافیایی و مسائل جنبی آن گام مؤثری برداشته و با تلاش بسیار و فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر و برقراری ارتباط با سازمان‌ها و مؤسسات معتبر جهانی توانسته است این مجموعهٔ بدیع و ارزنده را پدید آورد. شالوده و بنیان این کتاب با استفاده از دو کتاب ارزشمند «راهنمای جهان» و «سالنامهٔ بریتانیکا» و همچنین گزارشات «توسعهٔ انسانی» سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ که از سوی برنامهٔ توسعه سازمان ملل متحد انتشار یافته، بنا نهاده شده است. به علاوه در طی سه سالی که صرف تهیه این مجموعه گردیده از منابع و مآخذ فارسی، انگلیسی و آلمانی بسیاری استفاده شده و برای تکمیل و به‌روز رسانی اطلاعات کتاب، برخی سایت‌های اینترنتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در مجموع مهمترین منابع مورد استفاده عبارتند از:

۱- دائرةالمعارف فارسی، به سرپرستی شادروان دکتر غلامحسین مصاحب
۲- گیتاشناسی کشورها، از انتشارات مؤسسهٔ گیتاشناسی
۳- فرهنگ بزرگ اصطلاحات گیتاشناسی
۴- راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ازانتشارات مؤسسهٔ گیتاشناسی
5- The World Guide 1999/2000; 2001/2002
6- Britanica Book of the Year 2000; 2001; 2002
7- Human Development Report 2000; 2002
8- Der Fischer Welt Almanach 2000;2001;2002;2003
9- The World Almanac 2000; 2001; 2002; 2003
10- Britanica Almanac 2003
11- The 21st Century World Atlas, Trident Press International, 2000
12- The Times Concise Atlas of the World, Times Books, London, 2000

ذکر این نکته در خور توجه است که در حد فاصل چاپ و انتشار نخستین کتاب گیتاشناسی کشورها، بر اعتبار و تلاش سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی افزوده شده و نقش کلیدی سازمان ملل متحد در حل مسائل و معضلات بین‌المللی کاملاً آشکار و محرز گردیده است. تبدیل موافقتنامهٔ عمومی تعرفه و تجارت (گات) به سازمان تجارت جهانی از جمله گام‌های مهمی است که در زمینهٔ جهانی‌سازی اقتصاد برداشته شده و مقررات و شرایط خاصی برای عضویت کشورها در سازمان مزبور تهیه و تدوین گردیده است.
مطالعه در بارهٔ آلاینده‌های زیست‌محیطی و بررسی و شناخت عوامل تهدید کنندهٔ حیات، مطرح نمودن توسعهٔ پایدار و وضع قوانین و مقررات خاص حفظ حقوق انسانی به ویژه احقاق حقوق زنان و رعایت حقوق بین‌المللی را نیز از جمله اقدامات مؤثر و مفید سازمان ملل متحد می‌توان محسوب داشت. اقداماتی از همین گونه است که جهان را به سوی اتحاد و همنوایی و یا به زبان سیاسی امروزی دهکدهٔ کوچک جهانی سوق می‌دهد و بر نقش و اهمیت سازمان ملل متحد تأکید می‌دارد.

از چندین سال پیش که بحث تجدیدنظر کلی در مباحث گیتاشناسی کشورها پیش آمد، براساس پیشنهادات و انتقادات ارائه شده و همچنین مقایسه این کتاب با نمونه‌های مشابه خارجی، گزینه‌های مختلفی پیش‌رو بود و پس از بررسی‌های فراوان تصمیم گرفته شد که ساختار کلی کتاب تغییر نماید و با امکانات موجود شکل بهتری به آن داده شود. برهمین اساس مطالب مربوط به یکایک کشورها همچنان بدنهٔ اصلی کتاب را تشکیل داد، اما در نحوهٔ ارائه مطالب آن تغییراتی به‌وجود آمد و همچنین دو بخش دیگر نیز به مطالب کتاب افزوده شد.
بخش اول کتاب، تحت‌عنوان «جهان؛ از آغاز تاکنون»، به مرور مختصر تاریخ جهان، از تکوین و تکامل کرهٔ زمین، آفرینش و پیدایش انسان و دیگر موجودات زنده و مرور حوادث از روزگار ماقبل تاریخ تا عصر حاضر اختصاص یافته است. بخش دوم که درحقیقت تکمله‌ای است بر مباحث بخش اول، به مهمترین مسائل جهان عصر حاضر پرداخته است. مسائلی از قبیل وضعیت حیات بر روی کرهٔ زمین، جنگل‌زدایی، تغییرات جوی، آب و نزاع بر سر آن، وضعیت جمعیت در جهان، وضعیت زنان، محیط زیست و جنبشهای سبز، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، فقر و تبعیض، ارتباطات، بدهی‌های خارجی و...
بخش سوم کتاب، به توضیحات کلی درمورد یکایک کشورهای مستقل جهان و سرزمینهای وابسته پرداخته است. در این بخش ابتدا توضیحات مختصری درمورد موقعیت، اوضاع طبیعی و مسائل زیست محیطی آمده و سپس به تاریخ هر کشور، به‌ویژه تاریخ دوران اخیر پرداخته شده است. برای ایجاد اختصار و صرفه‌جویی در صفحات کتاب، عمدهٔ مطالب آماری کشورها، به‌صورت جدولی هماهنگ و یکسان ترکیب یافته، که تحت عناوین و تیترهای ثابتی، همچون جمعیت، اقتصاد و دارایی، حمل و نقل و ارتباطات، آموزش و بهداشت، و محیط زیست و توسعهٔ انسانی، بیش از ۹۰ مورد را شامل می‌شود. مطالب این جدولها طوری تنظیم گردیده که علاوه بر سهولت در یافتن مطالب موردنظر، بتوان آن را با موارد مشابه درمورد سایر کشورها نیز به‌آسانی مقایسه نمود. لازم به ذکر است که در ابتدای این جدول، علاوه بر یک نقشه مینیاتوری که موقعیت کشور موردنظر را در قارهٔ مربوط به هر کشور نشان می‌دهد، عناوین و موضوعات مربوط به جغرافیای سیاسی، نظیر نام، نام رسمی، تاریخ استقلال، نوع حکومت و نظایر آن درج گردیده است. در این بخش همچنین در یک نقشهٔ یک رنگ سعی شده تا به‌طور خلاصه موقعیت هر کشور و همسایگان، و شهرهای مهم آن مشخص گردد.
در قسمت چهارم، که با عنوان «اطلس نوین جهان» ارائه گردیده است، ۴۸ صفحه نقشهٔ رنگی از نقشه‌های مختلف جهان، قاره‌ها، مناطق مهم جهان و همچنین کشورهای بزرگ گنجانده شده است. قسمت اول این اطلس، چندین نقشهٔ موضوعی از جهان، اطلاعات متنوعی را درمورد مناطق زمانی جهان، پوشش گیاهی، توزیع جمعیت و آب و هوا ارائه می‌دهد. همچنین در صفحات اولیهٔ این اطلس پرچم همهٔ کشورهای مستقل جهان به چاپ رسیده است.
«سازمانها و مجامع بین‌المللی» عنوان بخش پنجم کتاب است که طی آن، ابتدا سازمان ملل متحد و مؤسسات وابسته به آن معرفی گردیده و سپس به سایر سازمانها و مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای پرداخته شده است. در بخش ششم نیز واژه‌نامهٔ کتاب گنجانده شده است. این واژه‌نامه درحقیقت فرهنگ اصطلاحات کوچکی از واژه‌های به‌کار رفته در

بخشهای مختلف کتاب، بخصوص بخش سوم، می‌باشد. صفحات پایانی کتاب نیز به «آخرین تغییرات» اختصاص یافته که سعی شده آخرین تحولات سیاسی کشورها که در مراحل مختلف چاپ کتاب بوقوع پیوسته است، در آن ذکر گردد.

در خاتمه لازم می‌داند از کلیه همکاران و دوستانی که در غنای هرچه بیشتر مطالب این کتاب کوشیدند و با زحمات خستگی‌ناپذیر خود سبب شدند تا این اثر به ثمر نشیند، بویژه از استاد ارجمند، جناب آقای مهندس عباس جعفری که زحمت گردآوری، ترجمه و تدوین توضیحات بخش‌های اول و سوم کتاب را به‌عهده داشته‌اند تشکر و تقدیر نماید. همچنین ارائه پیشنهادات و انتقادات علاقمندانی که طی سالیان اخیر با نظرات خود موجب گردیدند تا این اثر روند تکاملی خود را به نحو مطلوب طی نماید، مورد امتنان و سپاس قرار دارد و مطمئناً تداوم آن ما را در ارائه هرچه بهتر این‌گونه آثار یاری خواهد داد.

سعید بختیاری
مؤسسه گیتاشناسی
اردیبهشت ۱۳۸۲

گیتاشناسی
نوین
کشورها

بخش اول

جهان؛ از آغاز تا کنون



نیاکان ما

تشخیص منشاء و چگونگی پیدایش آدمی کار دشواری است و به بررسی آثار و سنگواره‌ها و ویژگی‌های وراثتی و تجزیه و تحلیل مدارک زمین‌شناسی نیازمند است. بیشتر دانشمندان حداقل در این زمینه متفق‌القولند که ریشهٔ آدمی میمون‌سانانی بوده‌اند که میلیون‌ها سال پیش می‌زیسته‌اند. بررسی‌های جاری گویای آن است که دو گونه آدم‌سانانی که از تکامل و جهش میمون‌سانان پدید آمده‌اند، بین ۵ تا ۷ میلیون سال پیش در افریقا بسر می‌برده‌اند. یکی از این گونه‌ها اوسترالوپیتکوس نام دارد که موجودی اجتماعی بوده و بین ۵ تا ۳ میلیون سال پیش زندگی می‌کرده و به دلایل ناشناخته‌ای از بین رفته است.

گونهٔ دیگر هوموهابیلیس‌ها هستند که جمجمهٔ نسبتاً بزرگی داشته، و راست قامت و هنرمند بوده‌اند. هوموهابیلیس‌ها که در حدود ۲/۵ میلیون سال قبل ظاهر شده‌اند در کلبه‌های موقتی بسر می‌بردند و احتمالاً با ابزارهای سنگی آشنایی داشته‌اند. ولی نزدیک‌ترین نیاکان انسان امروزی هومواِرکتوس‌ها هستند که حدود ۲ میلیون سال پیش در افریقا پدید آمده، و از آنجا به آسیا و اروپا کوچیده‌اند. این انسان‌ها از جمجمه‌ای بزرگ و اسکلتی شبیه استخوان‌بندی انسان امروزی برخوردار بوده‌اند. هوموارکتوس‌ها با شکار آشنایی داشته‌اند و آتش را مهار می‌کردند و به کمک گونه‌ای زبان ابتدایی با یکدیگر گفتگو می‌کرده‌اند. هوموساپینس‌ها که در مقایسه با هوموارکتوس‌ها از نظر مغز و اندیشه در مرحلهٔ پیشرفته‌تری قرار داشته‌اند، بین ۵۰۰،۰۰۰ تا ۵۰،۰۰۰ سال پیش در افریقا ظاهر شده‌اند و انسان‌های امروزی شاخه‌های فرعی و فرزندان و نوادگان آنان به شمار می‌آیند.

انسان‌های نخستین هماهنگ با تکامل و رشد فکری به مرور در سراسر کرهٔ خاکی پراکنده شدند و در حدود ۱۰۰،۰۰۰ سال پیش از راه تنگهٔ تیمور از آسیا به استرالیا مهاجرت نمودند و نخستین مهاجرت آدم‌های اولیه از آسیا به امریکا نیز در اواخر واپسین مراحل عصر یخبندان یعنی حدود ۱۲،۵۰۰ سال پیش رخ داده است.

عصر پارینه سنگی و فرهنگ‌های آغازین: گوناگونی فرهنگ در ارتباط با ابزارهای زندگی، نوع تغذیه، مسکن و احتمالاً قراردادهای اجتماعی و تجلّی معنویات، زمانی مطرح گردید که انسان خود را با شرایط جغرافیایی و اقلیمی هماهنگ ساخت و به پرورش روان و اندیشهٔ خویش و کسب دانش پرداخت.

پدران نخستین آدمی در حدود ۴۶۵،۰۰۰ سال پیش آتش را برای ایجاد گرما و روشنایی و آشپزی به کار گرفتند و از پیکان‌های چوبینی که با تیغ‌ها و رنده‌های سنگی استادانه ساخته و پرداخته، و به وسیلهٔ آتش مقاوم گردیده بودند، برای شکار استفاده می‌کردند.

ابزارهای لازم برای کندن گودال و عوارضی شبیه خندق و چاله که به حدود ۲۰۰،۰۰۰ تا ۳۰،۰۰۰ سال پیش تعلق دارد در اروپا و افریقای شمالی و خاورمیانه و آسیای مرکزی پیدا شده و آثاری از پوست جانوران که به عنوان پوشاک استفاده می‌شده به دست آمده است.

همزمان با مسکون شدن استرالیا، نیاکان آدمی نحوهٔ ناوبری و دریانوردی را فرا گرفتند و به وسیلهٔ قایق‌هایی ابتدایی از این سو به آن سو روان شدند، و به یاری ابزارهای استخوانی که در حدود ۸۰،۰۰۰ سال پیش ساخته شده و در کنگو به دست آمده است به ماهیگیری پرداخته‌اند. در میان نیاکان اولیهٔ انسان، هنرمندان و موسیقیدان‌هایی نیز یافت می‌شدند که تاریخ پیدایش و ظهور آنان به ۶۰،۰۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. نقاشی‌های دیواری و تزیین غارها به وسیلهٔ سنگ‌های رنگین و عاج فیل در ۳۰،۰۰۰ سال قبل در اروپا رواج یافت و آثاری که در بیش از ۲۰۰ غار واقع در جنوب فرانسه و شمال اسپانیا کشف شده، بیانگر نمونه‌های زیبایی از نقاشی‌های دیواری است. گونه‌هایی از آلات موسیقی مانند فلوت‌های استخوانی که سوراخ‌های ظریفی روی آن ایجاد شده در اروپای دورهٔ پارینه‌سنگی (اوایل عصر حجر) یافت شده که به ۴۰،۰۰۰ تا ۸۰،۰۰۰ سال پیش تعلق دارد.

عصر نوسنگی: مشخصهٔ این عصر که از حدود ۱۰،۰۰۰ سال پیش آغاز شده، از تحولات تکنولوژیکی و دگرگونی‌های اجتماعی حکایت می‌کند. رو به خشکی نهادن و گرم شدن کرهٔ زمین، انسان‌ها را با کشاورزی آشنا نمود و به سکونت دایمی واداشت. در پی آن جانوران را اهلی کردند و به سفالگری روی آوردند و شیوهٔ تهیه و پوشیدن لباس را آموختند. این تحولات باعث شد تا جمعیت کرهٔ زمین فزونی گیرد و آدمی را قادر ساخت تا طبیعت را به خدمت خویش درآورد و بر فضاهای قابل زیست بیفزاید.

آثار فراوانی در خاور و جنوب آسیا، اروپای غربی و بخش‌هایی از جنوب صحرای افریقا یافت شده که از حدود ۶۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد به جا مانده است. تنوع غلات و بقولات، برنج، جو، ریشه‌های خوراکی گیاهان و برخی شواهد دیگر بیانگر آن است که این تحولات به طور مستقل و جداگانه در گوشه و کنار زمین به وقوع پیوسته و از مجزا بودن و دورافتادگی جوامع بشری حکایت دارد.

آغاز تاریخ

نخستین برگ‌های تاریخ با درخشش تمدن‌های کهن در بین‌النهرین آغاز می‌گردد. رودخانه‌های دجله و فرات، گاهوارهٔ تمدن سومری‌ها است. کتیبه‌های گلی آنان از رویدادهای مربوط به ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح حکایت دارد. خط میخی در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد اختراع گردید و به وسیلهٔ سومری‌ها به همسایگانشان منتقل شد. سومری‌ها در ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد شهرهای بزرگی چون اریدو، اور، اوروک، نیپور، کیش و لاگاش را بنا نهادند و معبدها و پرستشگاه‌های متعددی به وجود آوردند و با احداث شبکه‌های وسیع آبیاری، دشت‌های پهناور پیرامون خود را به زیر کشت بردند، و با به کارگیری گاوآهن و خیش به زراعت پرداختند.

اختراع قایق‌های دریانوردی و چرخ و ارابه و اسباب‌های سفالین از آنان است. سومری‌ها کوره‌های آجرپزی و سفالگری ساختند و مس را ذوب نمودند. مفرغ اندکی بعد ساخته شد و سنگ‌های معدنی را که از فواصل دوری حمل می‌کردند در کوره‌ها ذوب می‌نمودند. آهن در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد شناخته شد و توسط حتی‌های ساکن آسیای صغیر و سوریه کنونی توسعه داده شد و در ۱۲۰۰ قبل از میلاد همگانی گردید.

بعد از سومری‌ها که احتمالاً از خاور آمده بودند و به زبان غیر سامی گفتگو می‌کردند و دارای نظام پادشاهی بودند، دولت اکد در صحنهٔ بین‌النهرین نمایان گردید. سارگن اول در سال ۲۳۵۰ پیش از میلاد به پادشاهی رسید و حمورابی که به وسیلهٔ قانون معروفش شهرت جهانی دارد، از ۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ قبل از میلاد بر بخش‌هایی از بین‌النهرین حکومت کرد. ساکنان بین‌النهرین باستان در ریاضیات دست داشتند و در احداث ساختمان‌های بزرگ و تجارت و سازماندهی ماهر بودند. آثار به جای مانده از دولت‌های اولیهٔ بین‌النهرین از استادی و کاردانی آنان در نجوم، درختکاری، پرورش دام و حجاری حکایت دارد و نوشته‌های پزشکی و بهداشتی، آگاهی و دانش آنان را در کاربرد گیاهان طبی بیان می‌دارد. سومری‌ها بر این باور بودند که خداوند دارای کالبد انسانی است و نیروهای طبیعی را در اختیار دارد و از زیگورات‌های خود که معبدهای عظیم پلکان مانندی بود، برای قربانی و جلب رضایت خدایان استفاده می‌نمودند.

فنیقی‌ها که در کرانه‌های خاوری دریای مدیترانه زندگی می‌کردند و دریانوردان تجارت پیشه‌ای بودند، نخستین الفبای آوایی را در سال ۱۶۰۰ پیش از میلاد اختراع کردند. الفبای مزبور، غالب الفباهای پیشرفتهٔ بعدی را پایه‌گذاری کرد.

مصر: روستاهای ساحل رود نیل در ۳۳۰۰ سال قبل از میلاد باهم در آمیخته و دو کشور پادشاهی را در مصر علیا و مصر سفلی پایه‌گذاری کردند. کشورهای مزبور در ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد و در زمان پادشاهی فرعون منس باهم متحد شدند و بناها و شبکه‌های آبیاری وسیعی احداث نمودند. اهرام معروف مصر که تاریخ ساختمان آنها به ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد، از جمله شاهکارهای معماری همان زمان است. این سرزمین در روزگار سومین و چهارمین خاندان سلطنتی مصر به اوج ترقی خود رسید و اختراع خط هیروگلیف را در ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد از خود به یادگار گذارد. مصریان با همین خط، فلسفه، تاریخ و علوم را می‌نگاشتند و برخی جانوران و پرندگان را به عنوان توتم خویش برمی‌گزیدند.

درهٔ سند: درهٔ رود سند، واقع در شمال شبه جزیرهٔ هند نیز یکی دیگر از مهدهای تمدن بشری است. تمدن هند باستان که به پیدایش شهرها و نواحی مسکونی در درّهٔ سند و سواحل دریای عرب در ۳۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح منجر گردیده بود، شهرها و آثار ارزشمندی چون هاراپا و موهنجودارو را از خود به یادگار گذارد. در طراحی شهرهای مزبور از شکل‌ها و خطوط هندسی استفاده شده بود و شبکهٔ فاضلاب و ساختمان انبارهای غلّه از کارآیی و دقت و نظم و سلیقهٔ طراحان حکایت می‌کرد. آنان مفرغ را به خدمت گرفتند و ابزارهای فراوان و شایان توجهی ساختند. زندگی مذهبی ظاهراً بنیانگذار تمدن آنان شد که به فرهنگ و تمدن سند معروف گردید. این تمدن با یورش اقوام آریایی که از شمال غرب به این نواحی سرازیر شده بودند، از میان رفت و فرهنگ آریایی و زبان هند و اروپایی در هندوستان و پاکستان امروزی جای آن را گرفت. آریایی‌ها از درهٔ سند به سوی خاور و جنوب پراکنده شدند و سامانهٔ کاست را که هنوز هم در این شبه قاره پابرجاست، بنیان نهادند و آیین هندو را اشاعه دادند.

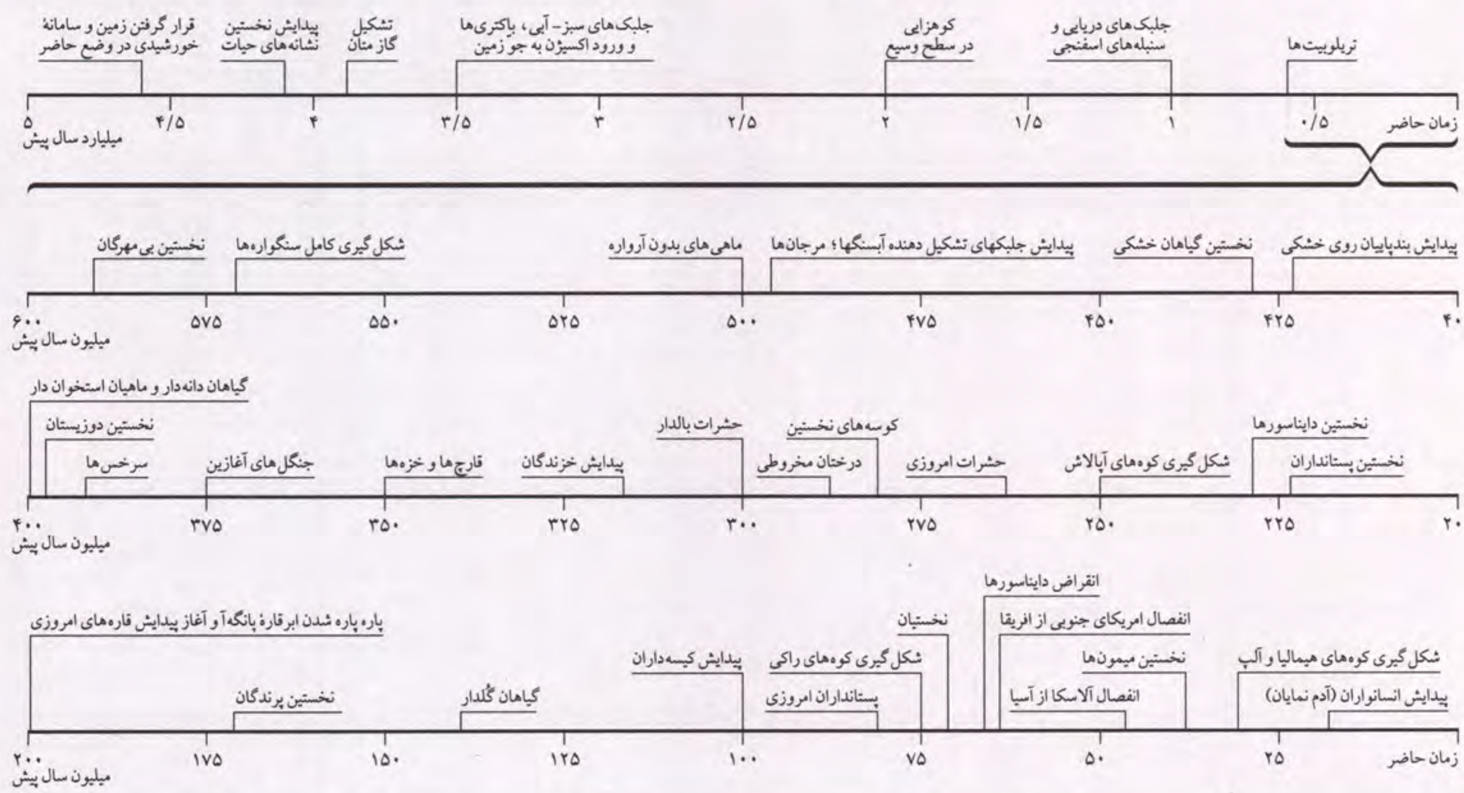
اروپا: در جزیره کرت واقع در دریای اژه و در عصر مفرغ، تمدنی به نام مینوسی در ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد پدید آمد که اقتصادی شکوفا و کارهای هنری تزیینی و همچنین توسعه دریانوردی از مشخصات آن بود. تمدن مزبور به مرور در سرزمین یونان و کشور شهرهای اطراف و همچنین در آسیای صغیر گسترش یافت.

چین: در آسیای خاوری تمدن نوسنگی بخش پهناوری از شمال و جنوب خاوری چین را زیر پوشش قرار داد و نخستین دولت مقتدر و بزرگ چین در ۱۵۲۳ پیش از میلاد به سرپرستی خاندان شانگ پایه‌گذاری شد. شاهان شانگ که خود را فرزندان آسمان می‌دانستند، به قربانی کردن انسان و حیوانات اعتقاد داشتند.

خاندان سلطنتی چو در سال ۱۰۲۷ قبل از میلاد زمام کشور چین را در دست گرفتند و الفبایی را که از حدود ۲۰۰۰ حرف تشکیل می‌شد، اختراع نمودند. پیشرفت‌های فنی در تولید کاشی

سرگذشت حیات

اگر چه تاریخ‌هایی که در نمودار زیر نشان داده شده تقریبی است و بر پایهٔ سن سنگواره‌های کشف شده و فن‌آوری‌های نوین تاریخ‌گذاری تعیین گردیده‌اند ولی در توالی رویدادها تردیدی نیست و مورد پذیرش همهٔ دانشمندان است.



و سرامیک و سنگ‌های گرانبها از یادگارهای همین دوره است و به کارگیری مفرغ و ریختن آن در قالب‌های گوناگون، یکی از پیشرفته‌ترین صنایع آن روزگار محسوب می‌شود.

امریکا: نخستین تمدن نیمکرهٔ غربی به نام تمدن اولمکا در ساحل خلیج مکزیک و در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد ظاهر گردید. ایجاد شهرها و پرستشگاه‌های سنگی عظیم که تاریخ بنای آنها به ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد از همین دوره است و تدوین تقویم و گونه‌ای الفبای نوشتاری یادگار این تمدن است.

تمدن‌های باستان از ۱۰۰۰ تا ۴۰۰ سال پیش از میلاد

یونان: پس از دوران انحطاط سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد، در یونان و نواحی پیرامون دریای اژه تمدنی بی‌همتا پایه‌گذاری شد. آگاهی از تمدن‌های بین‌النهرین و کسب دانش‌های آنان در زمینه‌های اوزان و اندازه‌گیری، نجوم، تدوین تقویم‌های قمری و خورشیدی، موسیقی، اقتباس الفبای فنیقی و تبدیل آن به الفبای یونانی، فراگیری هنر مصری و پیدایش کشورشهرهای اژه‌ای، روزگار درخشان و زندگی هوشمندانه‌ای را نوید داد. شاعران نامداری مانند هومر حماسه‌ها و آثار جاویدانی چون ایلیاد و اودیسه بر جای گذاردند که تاریخ آن احتمالاً به حدود سدهٔ هشتم قبل از میلاد بازمی‌گردد.

تجارت و ضرب سکّه که به وسیلهٔ لیدیایی‌های ساکن آسیای صغیر در ۷۰۰ قبل از میلاد اختراع شده بود در ماندگاه‌های پیرامون دریای مدیترانه و دریای سیاه رواج یافت.

علم و فلسفه در ارتباط با اندیشیدن دربارهٔ طبیعت اشیاء پایه‌گذاری شد و طالس اندیشمند معروف یونانی که از ۶۳۴ تا ۵۴۶ پیش از میلاد می‌زیست، آثار ارزشمندی از خود باقی گذارد. به دنبال آن اندیشمندان دیگری چون هراکلیتوس (۵۳۵ تا ۴۱۵ قبل از میلاد) و پارمنیداس در ۵۱۵ پیش از میلاد پا به عرصهٔ وجود نهادند. افلاطون، متفکر بزرگ که از ۴۲۸ تا ۳۴۷ قبل از میلاد زندگی می‌کرد، آثار جاودانی به جای نهاد و همراه با شاگرد خود ارسطو (۳۸۴ تا ۳۲۲ قبل از میلاد) در زمرهٔ پیشگامان بسیاری از علوم قرار گرفتند.

هنر از جایگاه والایی برخوردار شد و معماری با شاهکارهایی چون پارتنون به اوج کمال رسید. نمایشنامه‌نویسانی مانند آشیل (۵۲۵ تا ۴۵۶ قبل از میلاد) سوفوکلس (۴۹۶ تا ۴۰۶ پیش از میلاد)، اثوریپیدس(۴۸۴ تا ۴۰۶ قبل از میلاد) پا به صحنهٔ هنر نمایش گذاردند و بازی‌های ورزشی المپیک و ژیمناستیک پایه‌گذاری گردید. از سوی دیگر دولتمردان کشورشهرها اختلافات میان خود را به کنار گذاردند و با اتحاد و مقاومت و ایستادگی، یورش ایرانی‌ها به فرماندهی داریوش بزرگ و خشایارشا را در نبرهای ماراتون (۴۹۰ پیش از میلاد) و سالامیس (۴۸۰ پیش از میلاد) ناکام گذاردند. اما جنگ‌های داخلی مانند جنگ‌های پلوپونزی (۴۳۱ تا ۴۰۴ قبل از میلاد) و پیروزی اسپارت‌ها بر آتنی‌ها، اگرچه موجب تضعیف قدرت یونان شد، اما فرهنگ آن در سراسر جهان باستان گسترش یافت.

عبری‌ها: در ۱۲۰۰ قبل از میلاد عبری‌ها وارد کنعان شدند و در میان ساکنان سامی‌زبان آن نواحی سکنا گزیدند و یکتاپرستی را به رسالت رسولانی چون ابراهیم و موسی اشاعه دادند. شاهانی چون داوود و سلیمان به فرمانروایی مذهبی آن نواحی پرداختند. فنیقی‌ها که همسایهٔ شمالی کنعانیان بودند با اتکاء به استعداد ذاتی خود، دریای مدیترانه و بخش‌هایی از اقیانوس اطلس را درنوردیدند و امپراتوری توانمند کارتاژ را در سال ۸۱۴ قبل از میلاد در شمال افریقا تأسیس نمودند. معبد اورشلیم به یکی از مراکز مهم مذهبی تبدیل شد و قربانی کردن انسان در راه خدایان منسوخ گردید. بعد از سلیمان، کشور عبریان که به دو قسمت شده بود، در برابر یورش آشوری‌ها تاب مقاومت نیاورد و تن به استثمار آشوریان داد و در پی آن بابلی‌ها واپسین پایداری عبریان را در هم شکستند.

آسیای خاوری: در عصر خاندان سلطنتی چوی خاوری (۷۷۰ تا ۲۵۶ پیش از میلاد) تمدن چینی رو به خاور گسترش یافت و کرانه‌های رود یانگ‌تسه را به زیر پوشش خود برد و هنر موسیقی و رقص و حرکات موزون آرام آرام اشاعه یافت. بخشی از دیوار بزرگ چین ساخته شد و روش ریخته‌گری و قالب‌گیری رو به ترقی و توسعه نهاد. کشاورزی پیشرفت کرد و دهقانان چینی مالک زمین‌های خود شدند و اشراف و اصیل‌زادگان از ارتش‌های محلی و استقلال داخلی بهره‌مند گردیدند. شهرهای چین از نظر تعداد و وسعت رو به گسترش گذاردند و داد و ستد کالا و بازرگانی تهاتری رونق گرفت. فلسفه و ادبیات به دوران شکوفایی گام گذارد و کنفوسیوس (۵۵۱ تا ۴۷۹ قبل از میلاد) فلسفه چینی را پایه‌گذاری کرد و اندیشه‌های او سراسر آسیای خاوری را در بر گرفت. منکیوس(منگ‌تسه) دیگر اندیشمند چینی در ۲۸۹ پیش از میلاد با باور آسمانی بودن سلاطین چین به مبارزه برخاست و باورهای عقلانی و قانون را جایگزین آن نمود.

آسیای جنوبی: مرکز سیاسی و فرهنگی سند به درهٔ گنگ تغییر مکان یافت و آیین‌های بودایی، جین و ودایی در خلال سال‌های ۵۰۰ تا ۳۰۰ قبل از میلاد توسعه یافت. در شمال هند شمار زیادی از دولت‌های کوچک اعم از سلطنتی و جمهوری تشکیل شد و دولت مقتدر ماگادها در ۵۴۲ پیش از میلاد در سرزمین بهار(بیهار) تأسیس شد و سلسلهٔ ماوریا به وسیلهٔ چاندراگوپتا در ۳۲۱ قبل از میلاد تأسیس گردیدو به مرور بر وسعت قلمرو خود افزود و دولت‌های کوچک اطراف خود را ضمیمهٔ خاک خویش نمود و سراسر شمال هند را به زیر یک پرچم درآورد. آشوکا (۲۷۴ تا ۲۳۶ قبل از میلاد) بخش اعظم شبه قارهٔ هند را تصرف نمود و یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخ هند باستان را پدید آورد. آیین بودایی همگانی شد و هنر معماری به اوج زیبایی و کمال خود رسید.

آسیای غربی: قوم آریایی ماد در آغاز هزارهٔ یکم پیش از میلاد بر سرزمین ایران استیلا یافت و

زرتشت، پیغمبر آریایی‌ها که در ۶۲۸ قبل از میلاد زاده شد، آیین زرتشتی را بر پایهٔ نبرد میان نیک (اهورامزدا) و بد (اهریمن) بنیان گذارد و ایرانیان را بر آن داشت تا کتاب اوستا و سرود گاتها را گرامی بدارند و آیین زرتشتی را به رسمیت شناسند.

افریقا: کشور نوبه یا نوبیا در حدود سال ۲۶۰۰ قبل از میلاد به تصرف مصر درآمد و تا ۶۶۱ پیش از میلاد در تصرف مصر باقی ماند و در آن سال به استقلال رسید و کشور پادشاهی کوش به پایتختی شهر مروئه که حدود ۱۰۰۰ سال دوام یافت، تأسیس گردید. در سوی دیگر این قاره یعنی نیجریه، در عصر آهن تمدنی به نام نوک در حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد پدیدار شد.

امریکا: در امریکا و شمال پرو، تمدن و فرهنگ چاوین بین سال‌های ۹۰۰ تا ۲۰۰ قبل از میلاد درخشیدن گرفت و با هنر معماری و سرامیک و نساجی خود سرآمد دیگر تمدن‌های موجود در سرزمین پرو شد. از سوی دیگر تمدن مایا در اوایل ۱۵۰۰ پیش از میلاد در امریکای مرکزی رو به گسترش نهاد.

امپراتوری‌های بزرگ ۴۰۰ قبل از میلاد تا ۴۰۰ پس از میلاد

ایران: کوروش فرمانروای پارس در سال ۵۵۹ پیش از میلاد اتحاد میان پارس و ماد را برقرار کرد و طی ۱۰ سال، آسیای صغیر و بابل و نواحی دیگر را ضمیمهٔ قلمرو خود نمود. پسرش کمبوجیه (کامبوزیا) فتوحات پدر را دنبال کرد و داریوش بزرگ(۵۲۲ تا ۴۸۶ قبل از میلاد) طی ۳۶ سال سلطنت خود، اراضی پهناوری را که یک سو به درهٔ سند و آسیای مرکزی و از دیگر سو به مرزهای غربی مصر امروزی ختم می‌شد، ضمیمهٔ امپراتوری پهناور خود نمود. این امپراتوری که به وسیلهٔ شاهان محلی تحت فرمان پادشاه مرکزی یا شاهنشاه، اداره می‌شد تا فروپاشی آن در سال ۳۲۱ پیش از میلاد ادامه داشت.

یونان: فیلیپ دوم پادشاه مقدونیه در دوران سلطنت خود سراسر یونان و مصر را ضمیمهٔ خاک خود نمود و پس از او پسرش اسکندر طی ۱۳ سال که از ۳۳۶ قبل از میلاد شروع می‌شد، ایران هخامنشی را نیز به تصرف درآورد و افکار ارسطو اندیشمند بزرگ و آموزگار خویش را بر دنیای شناخته شدهٔ عصر خود گسترش داد. با مرگ اسکندر که در سال ۳۲۳ قبل از میلاد روی داد، جانشینانش متصرفات پهناور او را بین خود تقسیم کردند و هریک جداگانه امپراتوری وسیعی را به وجود آوردند. سلوکوس سلسلهٔ سلوکیان را در سرزمین‌های خاوری و ایران تأسیس کرد و بطلمیوس به مصر قدیم پرداخت و سلسلهٔ بطالسه را پایه‌گذاری کرد و سردار سوم، یعنی آنتیگونوس به اداره مقدونیه، یونان و متصرفات اروپایی اسکندر سرگرم شد. بدینسان تمدن یونان طی ۳۰۰ سال به سراسر دنیای شناخته شدهٔ آن زمان اشاعه یافت و دوره‌ای به نام عصر هلنیستی پایه‌گذاری شد که از غرب به اروپا و از خاور تا هندوستان گسترده بود. در این عصر که مرکز عمدهٔ فرهنگی آن اسکندریه و پرگاموس بود، رفاه ثروتمندان فزونی گرفت و تعلیم و تربیت به طبقهٔ ممتازه و اغنیا منحصر گردید. ادبیات رونق فراوان یافت و کتابخانه‌های بزرگ چندی تأسیس شد. حجاری رونق بسیار یافت و مجسمه‌سازی به اوج ترقی و اعتلای خود رسید. موزه و کتابخانهٔ بزرگ و معروف اسکندریه در همین زمان تأسیس شد و ریاضیات و هندسه و به ویژه هندسهٔ اقلیدسی به کمال رسید. نجوم نیز از جمله علومی بود که در عصر هلنیستی رواج فراوان یافت و چهره‌های درخشانی چون آریستارخوس، نخستین ارائه دهندهٔ تئوری خورشید مرکزی (۳۱۰ تا ۲۳۰ قبل از میلاد) و بطلمیوس در عرصهٔ فرهنگ و علوم درخشیدند و اراتستن (۲۷۶ تا ۱۹۴ قبل از میلاد) کتاب جغرافیای خود را که حاوی نقشه‌های جهان آن روز بود تدوین کرد و پیرامون کرهٔ زمین را اندازه گرفت و ارشمیدس (۲۸۷ تا ۲۱۲ قبل از میلاد) در زمینهٔ هیدرولیک مطالعات ارزشمندی نمود.

روی کار آمدن پارتیان در ایران و پیدایش سلسلهٔ اشکانی، بخش خاوری دنیای هلنیستی را از ۲۵۰ قبل از میلاد تا ۲۲۹ میلادی تحت کنترل خود درآورد و جانشینانشان یعنی سلسلهٔ ساسانیان (۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی) با رومیان که خود را وارثان تمدن هلنیستی می‌دانستند به مبارزه و جنگ و زد و خورد پرداختند و آیین زرتشتی را در سراسر ایران رسمیت بخشیدند.

روم: بنابر افسانه‌های موجود، شهر رم در سال ۷۵۳ قبل از میلاد ساخته شد. بعدها دولتمردان رومی به کمک ارتش خویش، قبایل و کشورشهرهای اطراف را ضمیمهٔ قلمرو خود ساختند و طی یکصد سال که تا ۲۸۶ قبل از میلاد به درازا کشید، سراسر شبه جزیرهٔ ایتالیا را از جنوب تا درهٔ رودپو در شمال به زیر سلطهٔ خویش درآوردند. آنان به یاری ارتش مجهز و نیرومند خود، دولت قدرتمند کارتاژ را طی سال‌های ۲۶۴ تا ۱۴۶ قبل از میلاد به زانو درآوردند و سیسیل و اسپانیا و شمال افریقا را ضمیمهٔ امپراتوری خود کردند. در سدهٔ دوم قبل از میلاد، یونان و آسیای صغیر نیز به متصرفاتشان پیوست و به دنبال آن مصر و کلیه کشورشهرها و نواحی ساحلی دریای مدیترانه نیز به تصرف امپراتوری نوبنیاد رومیان درآمد و از سوی خاور تا مرزهای غربی امپراتوری اشکانیان پیش رفتند. سرزمین گل (فرانسه کنونی) در ۵۸ تا ۵۱ قبل از میلاد و کشور بریتانیا در سال ۴۳ میلادی تحت استیلای امپراتوری روم قرار گرفت و حیطهٔ نفوذ آن در سال ۱۰۷ میلادی تا رود دانوب گسترش یافت.

توسعهٔ سریع قلمرو رومیان آثار نامطلوبی در داخلهٔ کشور از خود به جای گذارد و دولتمردان رومی که عنوان سناتوری داشتند با سوء استفاده از مقام خویش به ثروت‌های سرشار دست یافتند و بر شدت اختلافات طبقاتی دامن زدند و موجبات نارضایتی توده ضعیف کشور را فراهم ساختند، تا جایی که بردگان سیسیلی دوبار سر به شورش برداشتند که با کشتار بی‌رحمانه از سوی رومیان درهم شکستند.

رومی‌ها در مهندسی و صنعت پیشرفت شایان توجهی داشتند و در ساخت آسیاب‌های آبی و بادی به مهارت فراوان دست یافتند. حمام‌های آبگرم معدنی آنان معروف است و طول شبکهٔ راه‌های ارتباطیشان که آثار بعضی از آنها هنوز پابرجاست، به حدود ۸۵،۰۰۰ کیلومتر می‌رسید. احداث تونل‌هایی حتی به درازای ۵/۵ کیلومتر از جمله پیشرفت‌های مهندسی این دوره است. احداث شبکه‌های آبیاری هوایی و زیرزمینی و فاضلاب نیز از دیگر پیشرفت‌های مهندسی آنان حکایت دارد. هنر و ادبیات را که از یونانیان اقتباس کرده بودند، متحول ساختند و در نقاشی و تزیین دیوارها و احداث آمفی‌تئاتر و مراکز تفریحی نیز موفقیت بسیار به دست آوردند.

عجایب هفتگانه

هنر معماری عصر باستان به پیشگامی بابل و مصر و یونان و روم، آثار شگفت‌انگیزی آفرید که به عجایب هفتگانه موسوم است. شگفتیهای مزبور که غالب مورخان و نویسندگان در مورد آنها متفق‌القولند، عبارتند از:

۱- اهرام مصر: تنها اثر باقیمانده از عجایب هفتگانه که هنوز هم همچنان پابرجا و استوار باقی مانده اهرام مصر است. این آثار که در جیزه در ساحل غربی رود نیل و نزدیک قاهره جای دارند در ۲۷۰۰ تا ۲۵۰۰ قبل از میلاد به عنوان آرامگاه شاهان مصر ساخته شدند. سه هرم از اهرام مزبور بنام‌های خوفو، خفرع و منکورع در ردیف اول عجایب هفتگانه جای دارند. هرم خوفو تودهٔ یکپارچهٔ سختی است که از پاره سنگ‌های آهکی در زمینی به وسعت حدود ۵۱،۵۰۰ مترمربع بنا شده و ارتفاع آن به ۱۳۸ متر می‌رسد. در ساختمان این هرم حدود ۲/۳ میلیون پاره سنگ بزرگ به کار رفته و حدود یک صد هزار کارگر به مدت ۲۰ سال روی آن کار کرده‌اند.

۲- باغ‌های معلقهٔ بابل: بنای مزبور که از آجر و خشت ساخته شده بود در ارتفاعی برابر ۲۳ متر بالاتر از سطح زمین قرار داشت و به وسیلهٔ تلمبه‌هایی آب رود فرات را برای آبیاری باغ‌های آن به بالا می‌بردند. باغ‌های مزبور احتمالاً به وسیلهٔ بختنصر دوم برای همسرش سمیرامیس در حدود سال ۶۰۰ قبل از میلاد ساخته شده بود.

دیوارهای شهر بابل که ظاهراً از آجرهای لعابی رنگین ساخته شده بود نیز از نظر برخی جزء عجایب هفتگانه به شمار می‌آید.

۳- فانوس دریایی اسکندریه: ارتفاع این بنا که در حدود ۲۷۰ قبل از میلاد و در زمان سلطنت بطلمیوس دوم، به وسیلهٔ معماری یونانی به نام سوستراتوس ساخته شد، بین ۶۱ متر تا ۱۸۵ متر بوده است.

۴- کولوسوس رودس: تندیس برنزی عظیمی بود از خدای آفتاب به نام هلیوس. برای ساختن این تندیس، خارس مجسمه‌ساز یونانی ۱۲ سال کار کرد و در سال‌های بین ۲۹۲ تا ۲۸۰ پیش از میلاد در بندر رودس نصب گردید. تندیس مزبور در زمین لرزهٔ سال ۲۲۴ قبل از میلاد سرنگون شد.

۵- معبد آرتمیس در افسوس: یا معبد دیانا، بزرگترین معبد عصر باستان بود که در حدود سال ۵۵۰ پیش از میلاد ساخته شد. سراسر معبد غیر از کتیبه‌های آن از مرمر بود و سقفی از چوب آن را می‌پوشانید. پرستشگاه مزبور که در شهر افسوس و برای آرتمیس ساخته شده بود، در شب تولد اسکندر مقدونی به وسیلهٔ یکی از اهالی افسوس آتش زده شد و بعدها به دست اسکندر بازسازی گردید. پس از استیلای رومیان بر شهر افسوس به معبد دیانا موسوم شد و در ۲۶۲ میلادی به وسیلهٔ گوت‌ها ویران گردید.

۶- موسولئوم هالیکارناس: آرامگاه مرمرینی بود در جنوب خاوری آسیای صغیر که به فرمان ارتمیسیا برای شوهرش ماوسولوس که در حدود ۳۵۳ پیش از میلاد بدرود زندگی گفته بود، ساخته شد. ارتفاع گنبد آن حدود ۴۱ متر بود و در قسمت بالایی آن تندیسی مرمرین از ارابه‌ای قرار داشت که به وسیلهٔ چهار اسب کشیده می‌شد.

۷- تندیس زئوس: مجسمه‌ای بود نشسته بر تخت از زئوس خدای خدایان که به وسیلهٔ فیدیاس در ۴۵۷ پیش از میلاد ساخته شده بود. بدن این تندیس از عاج مزین به طلا بود و حدود ۱۲ متر ارتفاع داشت.

هند: خاندان سلطنتی گوپتا (سال ۳۲۰ میلادی) نواحی شمالی هند را دوباره متحد ساختند و تحت یک حکومت واحد درآوردند. مذهب هندو را اشاعه دادند و عصر طلایی فرهنگ هند را پایه‌گذاری کردند. آثار نقاشی عصر گوپتا در غارهای آجانتا و حجاریهای آن در بعضی معابد هنوز محفوظ است. عصر گوپتا را باید با فلسفهٔ ودایی و پژوهش‌های ریاضی همگام دانست. به کار گرفتن عدد صفر و ترتیب شماره‌نویسی ده‌تایی که امروزه در سراسر جهان متداول است، از ابتکارات دانشمندان هندی همین زمان است. هماهنگ با این دوره، فرهنگ و تمدن نواحی جنوبی هند نیز رو به ترقی و تکامل نهاد و حکومت سلطنتی پالاوا بیشتر نواحی جنوبی شبه قارهٔ هند را طی سالهای ۳۵۰ تا ۸۸۰ میلادی تحت کنترل درآورد و تمدن هندی را در آسیای جنوب خاوری گسترش داد.

چین: شی هوانگ تی که از ۲۲۱ تا ۲۱۰ قبل از میلاد در چین سلطنت کرد و به عنوان نخستین امپراتور چین شناخته شد، کنترل سراسر چین را با اقتدار تمام در دست گرفت و شیوهٔ نگارش و زبان و قوانین و اوزان و اندازه‌ها را در سراسر کشور یکسان نمود و به ضرب سکه و آمارگیری جمعیت پرداخت، ولی از سوی دیگر بیشتر متون فلسفی را از میان برد.

خاندان سلطنتی هان که از ۲۰۲ قبل از میلاد تا ۲۲۰ میلادی سلطنت کردند، خدمات فراوانی را به انجام رساندند و هم در این زمان کاغذ را اختراع کردند و کشاورزی را رونق بخشیدند. ساعت آبی و آفتابی از ابتکارات همین زمان است و نجوم و ریاضیات و نقاشی نیز در این عصر رواج و رونق گرفت. توسعهٔ چین از هر سو، باب بازرگانی و داد و ستد با هند و نواحی جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه را گشود و راه‌های دریایی و کاروانرو احداث گردید و هیئت‌های مذهبی هندی آیین بودا را برای چین به ارمغان بردند و نخستین فرهنگ یا واژه‌نامه و دایرة‌المعارف چینی به رشتهٔ تحریر درآمد. بسط و توسعهٔ فرهنگی تا زمان فروپاشی خاندان سلطنتی هان همچنان ادامه داشت.

اشاعهٔ یکتاپرستی

روم: دین در امپراتوری روم در آغاز جنبهٔ آنیمیسم داشت و ارواح موجودات و اشیاء مقدس بود. سپس به شناخت خدایان جنگ و عدالت مانند ژوپیتر و مارس و غیره روی آوردند و به مرور با باورهای مذهبی خاور زمین آشنا گردیدند و شهروندان رومی به ایسیس خدای مصریان، میترا (مهر) خدای ایرانیان، دمتر خدای یونانیان و کوبله خدای فریگیایی‌ها نیز اعتقاد یافتند و خدایان خود را با خدایان جدید منطبق نمودند و سرانجام به امپراتورپرستی شرقی روی آوردند.

یهودیت: یهودیت که کهن‌ترین آیین یکتاپرستی مشرق زمین بود نه تنها طرفدارانی در امپراتوری پهناور روم نداشت، بلکه با واکنش نامطلوب شهروندان و دولتمردان رومی نیز روبرو شد و گاه به نزاع با یهودیان و کشتار آنان انجامید، آن چنان که تمرد یهودیان در سال‌های ۶۶ تا ۷۰ و ۱۳۵ میلادی به ویرانی اورشلیم و کشتار قوم یهود منجر شد و آنان از سرزمین‌هایشان تبعید و آواره شدند.

مسیحیت: دین مسیح نیز که در نیمهٔ دوم سدهٔ اول میلادی در سرزمین‌های شرقی قلمرو امپراتوری روم ظاهر گردید، نخست مورد بی‌مهری رومیان قرار گرفت و مسیحیان را به این بهانه که از پیروی دین و دولت و امپراتور روم سرباز می‌زدند، مورد آزار و شکنجه و حتی کشتار قرار می‌دادند. آزار مسیحیان به ویژه در زمان نرون (۶۴ میلادی) و گروهی دیگر از امپراتوران روم به اوج خود رسید ولی بعدها مسامحه و رعایت حال مسیحیان آغاز شد و نخستین مدرسهٔ آموزش‌های مذهبی و تربیت کشیش در سده دوم در اسکندریه آغاز به کار کرد و سرانجام در زمان امپراتوری کنستانتین اول (۳۰۶ تا ۳۳۷ میلادی) آزادی مسیحیان رسماً اعلام شد و کلیساها تحت نظارت مستقیم امپراتور قرار گرفت و دولت رسماً نسبت به ایجاد کلیسا و سازمان‌های وابسته به آن اقدام نمود و قوانین جاری را با مبانی مسیحیت هماهنگ ساخت و از فعالیت دیگر ادیان به ویژه یهودیت به شدت جلوگیری کرد.

اسلام: حضرت محمد(ص) پیغمبر اسلام در سال ۶۱۰ میلادی و در سن ۴۰ سالگی در مکه به پیغمبری مبعوث گردید و کلیهٔ خدایان و الاهگان را به جز اللّه مردود دانست و قرآن را به عنوان کتاب رسمی مسلمانان معرفی نمود. حضرت محمد(ص) و گروهی از پیروانش در سال ۶۲۲ میلادی از مکّه به مدینه مهاجرت کردند و بدینسان سال جدیدی را پایه‌گذاری کردند و تقویم هجری قمری را در میان مسلمانان رسمیت بخشیدند. مکه در سال ۶۲۹ میلادی به دست مسلمانان فتح شد و اندکی بعد سراسر شبه جزیرهٔ عربستان به زیر پرچم اسلام درآمد و برای نخستین بار اعراب متفرق و ناسازگار دست اتحاد به هم دادند و امپراتوری وسیعی را پی‌ریزی کردند. پس از رحلت پیغمبر اسلام، مسلمانان رهبری خلیفه یا جانشینی پیغمبر اسلام را پذیرفتند و ابوبکر را به عنوان نخستین خلیفه (۶۳۲ تا ۶۳۴ میلادی) برگزیدند. بعد از او عمر و سپس عثمان و حضرت علی(ع) بر جای پیغمبر نشستند و زمام امور دنیای اسلام را تا سال ۶۶۰ میلادی در دست گرفتند. در زمان خلفای مزبور وسعت امپراتوری اسلام فزونی گرفت و امپراتوری ایران نیز ضمیمهٔ دنیای اسلام گردید. امپراتوری روم شرقی یا بیزانس نیز از تهدیدهای مسلمانان در امان نماند و بسیاری از متصرفات خاوری خود را از دست داد و بالاخره شامات و فلسطین و مصر و بین‌النهرین نیز یکی پس از دیگری ضمیمهٔ امپراتوری اسلام شد.

در روزگار خلفای اموی که کوتاه زمانی پس از شهادت حضرت علی‌ابن ابی طالب(ع)، خلیفهٔ چهارم بر مسند حکومت دنیای اسلام قرار گرفتند، سراسر شمال افریقا و بخش عمده‌ای از اندلس یا اسپانیا و همچنین آسیای صغیر و قسمت‌هایی از آسیای مرکزی تا درّهٔ رود سند به زیر پرچم اسلام درآمد و مذهب اسلام در نیمی از دنیای شناخته شدهٔ آن زمان رسمیت یافت. در بسیاری از متصرفات، زبان عربی به عنوان زبان رسمی پذیرفته شد و به مرور جایگزین زبان مادری گردید. اما ایران و دیگر نواحی خاوری در عین پذیرش اسلام، فرهنگ و زبان و هویت ملّی و موجودیت خود را حفظ کردند و حتی به القاء و اشاعهٔ فرهنگ خویش در عالم اسلام پرداختند و بخش عمده‌ای از تمدن اسلامی را به خود اختصاص دادند.

جهان از ۴۰۰ تا ۹۰۰ میلادی

هجوم قبایل وحشی: اقوام آلمانی در هزارهٔ اول پیش از میلاد از بالتیک، سرزمین مادری خود به سوی جنوب و خاور روان شدند و در سدهٔ اول قبل از میلاد به جنوب آلمان رسیدند و در ۲۱۴ میلادی به کرانه‌های دریای سیاه دست یافتند و به شماری قبایل مختلف که دارای شاهان منتخب بودند تقسیم شدند و با امپراتوری روم همسایه گردیدند.

هون‌ها که در سال ۳۷۲ میلادی از آسیا به اروپا سرازیر شده بودند، درسال ۴۵۳ تحت فرماندهی آتیلا به سرزمین گل تاختند و ایتالیا و بالکان را نیز از یورش‌های ویرانگر خود بی‌بهره نگذاردند.

از سوی دیگر ویزیگوت‌ها یا گوت‌های غربی که گروه عمده‌ای از ژرمن‌ها بودند به پیشروی به سوی ایالات روم شرقی در ناحیهٔ دانوب پرداختند ولی در رویارویی با هون‌ها تاب مقاومت نیاوردند و پراکنده شدند. اما از سوی دیگر ارتش امپراتور روم را در آدریانوپل به کلی در هم شکستند (۳۷۸ میلادی) و چند ایالت رومی را به تصرف خود درآوردند. در زمان آلاریک اول در سراسر ایتالیا شروع به پیشروی نمودند و شهر رم را در سال ۴۱۰ میلادی تاراج کردند، سپس به سوی گُل و شمال اسپانیا روان شدند و متصرفات واندال‌ها را در اسپانیا به چنگ آوردند. ویزیگوت‌ها درسال ۵۰۷ از فرانک‌ها شکست خوردند و تمام متصرفات خود را در شمال پیرنه از دست دادند و آخرین پادشاه آنان نیز در ۷۱۱ میلادی مغلوب طارق‌ابن زیاد سردار عرب شد.

سلت‌ها یا کلت‌ها قبایلی بودند که به گویش هند و اروپایی گفتگو می‌کردند و تا قبل از روی کار آمدن رومیان در بیشتر نواحی اروپای غربی پراکنده بودند. آنان از یک سو به جزایر بریتانیا وارد شدند و از سوی دیگر در فرانسه و ایتالیا و اسپانیا پیشروی نمودند و به اشاعهٔ فرهنگ سلتی پرداختند. در اروپای خاوری با مقدونیه جنگیدند و از راه یونان به آسیای صغیر وارد شدند و به چپاول و دستبرد به مراکز هلنیستی پرداختند. آنان در رویارویی با ژرمن‌ها تاب ایستادگی نیاوردند و بسیاری از متصرفات خود را در شمال و آلمان از دست دادند.

سلت‌ها در فرهنگ اروپایی به ویژه اروپای غربی از نقش ارزنده‌ای برخوردار بوده‌اند و فولکلورهای اروپایی عمدتاً از سلت‌ها سرچشمه گرفته است.

فرانک‌ها نیز گروهی از قبایل ژرمن بودند که در سدهٔ سوم پس از میلاد در بخش علیای رود راین سکنی داشتند و از سال ۲۵۳ میلادی به بعد به کرات به امپراتوری روم حمله کردند و گروهی از آنان در بخش‌هایی از گُل مستقر شدند. کلوویس اول (۴۸۱ تا ۵۱۱ میلادی) فرانک‌های پراکنده را متحد ساخت و آیین کاتولیک را به عنوان مذهب رسمی آنان اعلام نمود. امپراتوری مزبور در سده‌های ششم و هشتم بر بیشتر اراضی فرانسه و آلمان و اتریش و ایتالیا استیلا یافت. امپراتوری فرانک‌ها در زمان سلطنت خاندان مروونژیان غالباً به چند کشور منقسم بود و کشورهای مزبور همواره باهم در جدال و جنگ داخلی بودند. در زمان سلطنت شارلمانی(۷۶۸ تا ۸۱۴) از خاندان کارولنژیان، قلمرو فرانک‌ها بار دیگر وحدت یافت ولی بعد از وی یک بار در ۸۴۳ و بار دیگر در ۸۷۰ به پاره‌های چندی تقسیم گردید. فرانک‌های غربی کشور فرانسه را تشکیل دادند و قلمرو فرانک‌های شرقی به کشور آلمان امروزی مبدل گردید.

امپراتوری بیزانس: یا امپراتوری روم شرقی از تقسیم امپراتوری عظیم روم در زمان دیوکلسین (۲۸۴ تا ۳۰۵ میلادی) به وجود آمد. کنستانتین اول در سال ۳۳۰ میلادی شهر بیزانس قدیم را به پایتختی برگزید و آن را کنستانتینوپل نامید و نام بیزانس را بر امپراتوری خود نهاد.

امپراتوری بیزانس در عمر طولانی خود بارها گرفتار یورش بیگانگان شد که حملات گوت‌ها، هون‌ها، ایرانی‌ها، اعراب، ترک‌های سلجوقی، ایتالیایی‌ها و ترکان عثمانی و غیره را می‌توان از آن جمله شمرد. امپراتوری مزبور در زمان یوستی نیانوس اول (۵۲۷ تا ۵۶۵ میلادی) به اوج قدرت و وسعت خود رسید و بخش پهناوری از امپراتوری روم غربی نیز به آن ضمیمه شد. وی کلیسای ایاصوفیه را که در سال ۳۶۰ میلادی ساخته شده بود بازسازی کرد و هنر و معماری بیزانس را به اوج شکوه خود رساند. پس از او امپراتوری روم شرقی رو به زوال نهاد و رقیبان وی هریک بخشی از خاک آن را به تصرف خود درآوردند و از امپراتوری جز نام و فساد و اعمال وحشیانه و قتل و کشتار چیزی باقی نماند. از این زمان تا پایان عمر امپراتوری، فراز و نشیب‌های چندی در تاریخ آن به وقوع پیوست که دورهٔ اقتدار باسیلیوس اول (۸۶۷ تا ۸۸۶) و آلکسیوس اول (۱۰۸۱ تا ۱۱۱۸) را می‌توان از آن جمله برشمرد. پس از آن دورهٔ فساد و انحطاط امپراتوری آغاز شد تا جایی که در چهارمین جنگ صلیبی شهر قسطنطنیه تاراج

گردید و امپراتوری تجزیه شد و سرانجام با فتح قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح (۱۴۵۳ میلادی) عمر آن به سر آمد.

خلفای عباسی: بغداد در حدود سال ۷۶۲ میلادی توسط عباسیان بنا شد و آنان که جانشین امویان شده بودند، این شهر را پایتخت خویش قرار دادند. با روی کار آمدن عباسیان دورهٔ طلایی امپراتوری اسلام آغاز گردید و زبان عربی در سراسر امپراتوری عمومیت یافت. نوشته‌ها و کتاب‌های علمی ایرانی و سانسکریت و یونانی و سریانی به زبان عربی ترجمه شد و از تجربه و کاردانی مشاوران ایرانی در امور اداری استفاده گردید. به دستور هارون‌الرشید خلیفهٔ عباسی، پزشکی، ریاضیات و علوم در بغداد، قرطبه و قاهره تدریس شد و زمینهٔ مساعدی برای ظهور چهره‌های درخشانی چون ابوعلی سینا (۹۸۰ تا ۱۰۳۷ میلادی) و ابن رشد (۱۱۲۶ تا ۱۱۹۸) و غیره فراهم آمد. ترجمهٔ کتابها و متون یونانی‌ای که در این عصر به زبان عربی صورت گرفت، بعدها از عربی به لاتین برگردانده شد و دورهٔ نوینی در فرهنگ و تفکر مسیحیت و اروپا پدید آورد.

دوران انحطاط امپراتوری عباسی از ۸۷۴ میلادی و با پیدایش دولت‌های مستقل محلی به ویژه در ایران و نواحی ترک‌نشین و غیره آغاز شد و تنها مذهب اسلام بود که ارتباط خلیفه را با دیگر نواحی مسلمان‌نشین برقرار می‌کرد. سرانجام فرقه‌گرایی مسلمانان و نفوذ بیش از اندازهٔ غلامان ترک در دستگاه خلافت و بی‌لیاقتی و سستی بعضی از خلفا، کار را به جایی رسانید که مغولان پس از فتح ایران به سرکردگی هولاکوخان، بغداد را در سال ۱۲۵۸ میلادی برابر ۶۵۶ هجری قمری تصرف کردند و حکومت عباسیان را برانداختند.

افریقا: کشور سلطان‌نشین اکسوم در سدهٔ اول میلادی در حبشه (اتیوپی فعلی) پایه‌گذاری شد و در سدهٔ سوم میلادی مسیحیت به عنوان مذهبی رسمی پذیرا گردید. کشور اکسوم تا سدهٔ ششم بر بخش‌هایی از حبشه و سودان فرمانروایی کرد و به مرکز عمدهٔ تجارت بین هند و عربستان و یونان و روم مبدل شد و با برقراری ارتباط سیاسی با امپراتوری بیزانس، موقعیت خود را استحکام بخشید. سرانجام فرمانروایان مصر در سال ۱۱۰۰، ارتباط اکسوم و بیزانس را قطع کردند و این دولت را به سوی اضمحلال و فروپاشی سوق دادند.

در سوی دیگر قارهٔ افریقا، کشور غنا نواحی نیجر و سنگال علیا را در سالهای ۴۰۰ تا ۱۲۴۰ به تصرف درآورد و کنترل معادن طلا و تجارت آن نواحی را در دست گرفت.

ژاپن: ژاپنی‌ها که فن ذوب آهن و تولید ابزارهای آهنی و ریخته‌گری مفرغ را از چینی‌ها فرا گرفته بودند، دولت واحدی تشکیل دادند و آیین شینتو را در سراسر کشور رسمیت بخشیدند و در سدهٔ ششم میلادی ارتش آموزش دیده و مجهزی را سازماندهی کردند. فرهنگ چینی که به طور مؤثری الهام‌بخش فرهنگ و تمدن ژاپنی بود، آیین بودایی را در ژاپن اشاعه داد. نقاشی و مجسمه‌سازی و ادبیات و معماری نیز که متأثر از تمدن چین بود در سدهٔ هفتم رو به رونق و گسترش نهاد. واکنش مردم نسبت به آیین بودا و دیگر ارمغان‌هایی که از چین به ژاپن وارد شده بود، به تعدیل سبک‌های چینی و هماهنگی آن با خواسته‌ها و ذوق ژاپنی‌ها منجر شد.

مردمان جنوب خاوری آسیا که حدود ۲۵۰۰ سال پیش، از چین و تبت به آن نواحی مهاجرت کرده بودند، به کشت برنج و سیب‌زمینی هندی در وسعت زیاد دست زدند و فرهنگ و تمدن هندی و آیین هندو و بودایی را پذیرا شدند.

سلطان‌نشین فونان (سدهٔ یکم تا هفتم میلادی) باب تجارت دریایی با غرب به ویژه ایران را باز کرد و امپراتوری خمر (۶۰۰ تا ۱۳۰۰ میلادی) نیز که به شدت از فرهنگ و تمدن هند متأثر بود، معبد معروف آنگکور وات را بنا نهاد.

سلطان‌نشین نام‌ویت در آنام که تحت تأثیر هزار سالهٔ فرهنگ چین بود، در سدهٔ دهم میلادی پا به صحنهٔ تاریخ گذارد. در سوماترا، امپراتوری سری‌ویجایا در سدهٔ هفتم تا دهم میلادی کنترل راه‌های دریایی را در دست گرفت و آیین بودایی را رسمیت بخشید و بنای عظیم بوروبودور را که در سده‌های هشتم و نهم میلادی در جاوه ساخته شد، از خود به یادگار گذارد.

چین: خاندان سلطنتی سوئی (۵۸۱ تا ۶۱۸ میلادی) عصر زرین بازرگانی، هنری و علمی را در چین به وجود آورد و خاندان سلطنتی تانگ نیز که از ۶۱۸ تا ۹۰۶ میلادی در چین حکمروایی داشتند، همان خط مشی پیشین را ادامه دادند و افزون بر آن قطب‌نمای مغناطیسی، باروت و چتکه را نیز اختراع کردند و نقاشی و رنگ‌آمیزی نیز همچنان به راه کمال خود ادامه داد. علم طب به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافت و پزشکان چینی آب مروارید چشم را جراحی و درمان کردند. صادرات ابریشم و چینی‌آلات و کارهای هنری روی عاج و مانند آن رونق یافت و راه کاروان‌روی آسیای مرکزی و راه‌های دریایی به سوی افریقا مفتوح گردید.

خاندان سلطنتی سونگ (۹۶۰ تا ۱۱۲۶) نیز از دیگران عقب نماندند و صنعت چاپ و نشر اسکناس و برات و سفته را رواج دادند. کشت برنج پر محصول در چین به فزونی جمعیت آن کمک کرد و جمعیت کشور را به صد میلیون نفر بالغ گردانید.

امریکا: از سال ۳۰۰ تا ۶۰۰ میلادی، دولت سلطنتی مستقر در درّه‌های مکزیک و گواتمالا به پایتختی شهر تئوتی اواکان (سال ۱۰۰ قبل از میلاد) تأسیس شد. دولت مزبور رو به جنوب گسترش یافت و تمدن معروف مایا را طی سال‌های ۱۵۰ تا ۹۰۰ میلادی پایه‌گذاری کرد. در امریکای جنوبی نیز تمدن و فرهنگ اینکا در ناحیه‌ای به نام تیاهواناکا واقع در بولیوی و نزدیک دریاچهٔ تی‌تی‌کاکا شروع به رشد و خودنمایی کرد.

اروپا از ۹۰۰ تا ۱۳۰۰ میلادی

وایکینگ‌ها: یا ماجراجویان، دریازنان و بازرگانان مشرک اسکاندیناویایی، از اواخر قرن هشتم میلادی به کرانه‌های اروپا و جزایر بریتانیا و فرانسه و حتی سواحل شمالی مدیترانه حمله می‌بردند و طی ۲۰۰ سال، به تدریج در بریتانیا و نورماندی سکنی گزیدند. افزون بر آن، وایکینگ‌ها بر ایسلند(سال ۸۷۴) و گروئنلند(سال ۹۸۶) و نواحی شمالی امریکا (حدود سال ۱۰۰۰ میلادی) نیز دست یافتند. آنان از طریق رودخانه‌ها و راه‌های آبی وارد روسیه شدند و به نام وارانگیان به تجارت پرداختند و به تدریج با اسلاوها در آمیختند و امپراتوری بیزانس را مورد تاخت و تاز قرار دادند و سرانجام در اسلاوها تحلیل رفتند.

نورمان‌ها: یا نورس‌ها در واقع وایکینگ‌هایی بودند که در سدهٔ دهم نورماندی را تصرف کردند وبا پذیرش مسیحیت وآداب و رسوم فرانسوی، دست از راهزنی و خونریزی کشیدند و به بازرگانی پرداختند. آنان جنوب ایتالیا و سیسیل را تصرف کردند و در سال ۱۱۳۰ مملکت سیسیل را تشکیل دادند. نورمان‌ها به زودی زبان و آداب و رسوم ایتالیایی را فرا گرفتند و در بروز جنگ‌های صلیبی از نقش مهمی برخوردار شدند.

اسلاوها: ظاهراً منشأ اسلاوها ناحیهٔ کارپات در اروپای مرکزی بوده و در حدود سال ۱۵۰ میلادی شروع به خودنمایی کردند و از هر سو رو به پیشروی نهادند. در سدهٔ هفتم به کرانه‌های دریای آدریاتیک و دریای اژه دست یافتند و ساکنان رومی تبار بالکان را بیرون راندند و نخستین دولت اسلاوی را در سال ۶۲۸ میلادی در موراوی و در ۶۸۰ در بلغارستان و بالکان تأسیس نمودند. اسلاوها در سدهٔ نهم به مسیحیت گرویدند و در سده‌های میانه (قرون وسطی) از بخش خاوری آلمان رانده شدند. اساساً اسلاوها را به سه گروه تقسیم می‌کنند. اسلاوهای غربی که در لهستان، چک، اسلوواکی و در شرق آلمان سکونت دارند و اسلاوهای شرقی که شامل روس‌ها و اوکراینی‌ها و روس‌های سفید هستند و اسلاوهای جنوبی که صرب‌ها، کروآت‌ها، اسلوونیایی‌ها، مقدونیه‌ای‌ها و بلغارها را شامل می‌گردند.

در اروپای مرکزی پس از شارلمانی، امپراتوری پهناورش تجزیه شد ولی اوتوی اول (۹۳۶ تا ۹۷۳) وحدت آلمان را دوباره تأمین کرد و ارتباط میان آلمان و امپراتوری مقدس روم را برقرار نمود.

وقوع جنگ‌های صلیبی (۱۰۹۵ تا ۱۲۹۱) قدرت پاپ را فزونی بخشید و اطاعت امرا و پادشاهان مسیحی اروپا را خواستار شد.

با گرایش فرانسه به آیین مسیح، نفوذ مسیحیت از مرزهای جنوبی و کوه‌های پیرنه فراتر رفت و در اسپانیای سدهٔ یازدهم شروع به گسترش نمود و مسلمانان را تحت فشار قرار داد. فردیناند پنجم پادشاه اسپانیا که کاتولیک متعصبی بود، مسلمانان را رسماً به مبارزه طلبید و سرانجام آنان را در سال ۱۴۹۲ از اسپانیا بیرون راند.

اقتصاد: شکوفایی اقتصاد اروپا که با انجام طرح‌های کشاورزی، زهکشی زمین‌های آبگیر و پست و پاک کردن جنگل‌ها و آماده‌سازی زمین برای کشاورزی، و استفاده از خیش و گاوآهن همراه بود، در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی به اوج خود رسید و افزایش جمعیت روستایی اروپا را باعث گردید و به دنبال آن شهرهای بزرگی در شمال ایتالیا و فنلاند و شمال آلمان تأسیس شد. از آنجایی که احداث کارگاه‌های نساجی و غیره به داد و ستدهای شهری و میان شهری نیازمند بود، از این رو در سدهٔ دوازدهم تا پانزدهم فن بانکداری در ایتالیا پایه‌گذاری شد و از آنجا به دیگر کشورهای اروپایی سرایت کرد.

کلیسا: در اصطلاح عادی به سازمان‌های فرق مختلف مسیحی اطلاق می‌شود. در آغاز، پس از رسمیت یافتن مسیحیت، امپراتوران روم خود را فرمانروای کلیسا می‌دانستند، ولی از سال ۴۰۰ به بعد قدرت دولتی بر کلیسا تضعیف شد و قدرت روحانی جای آن را گرفت. پیدا شدن قدرت‌های سیاسی نیرومندی چون امپراتوری مقدس روم، نزاع بین دستگاه پاپ و فرمانروایان سیاسی را به همراه آورد که قرن‌ها به درازا کشید. اساساً پاپ‌ها که خود را نمایندهٔ خدا در روی زمین می‌دانستند خویشتن را موظف می‌دیدند تا بر امور سیاسی و کشورداری نیز نظارت کنند. مع‌الوصف پس از مستقر شدن پاپ در واتیکان ارتباط وی با امور دنیوی قطع شد و گاه عملاً پاپ‌ها از امپراتوران و شاهان پیروی نمودند.

معماری: شیوه رمانسک در معماری و هنر اروپا که از سدهٔ یازدهم شروع شده، تا قرن دوازدهم، یعنی آغاز عهد گوتیک ادامه می‌یابد. اساساً سبک‌های هنری و معماری رمانسک را می‌توان حد فاصل میان معماری و هنر رومی و دورهٔ گوتیک به شمار آورد و از بعضی جنبه‌ها هنر و معماری شرقی به ویژه شیوه‌های متداول در ایران و ماوراءالنهر را نیز از عوامل رشد و تکامل آن محسوب داشت. علاوه بر آن برخی عوامل و عناصر تصویری سلتی و لومباردی نیز در سبک رمانسک مؤثر بوده است و صحنه‌هایی از کتاب مقدس نیز زینت‌بخش آن گردیده است.

علاوه بر پیشرفت‌های هنری، علومی چون حقوق و قانون، فلسفه و پزشکی نیز در این عصر رو به ترقی نهاد که دانشگاه بولونیا را که در اواخر سدهٔ یازدهم تأسیس گردید، از آن جمله می‌توان محسوب داشت. در سدهٔ دوازدهم آثار کلاسیک یونانی به ویژه نوشته‌های ارسطو ترجمه شد و فلسفه مدرسی از مکتب قدیس انسلم (۱۰۳۳ تا ۱۱۰۹) تا مکتب توماس آکویناس (۱۲۲۵ تا ۱۲۷۴) مورد توجه قرار گرفت.

جنگ‌های صلیبی

از سدهٔ هفتم میلادی که اورشلیم به تصرف مسلمانان درآمد تا آغاز سدهٔ یازدهم، مشکلی برای رفت و آمد و اعمال مذهبی مسیحیان وجود نداشت. در اوایل سدهٔ یازدهم خلیفه فاطمی مصر به آزار مسیحیان پرداخت و با استیلای سلجوقیان بر اورشلیم، راه زیارت برای مسیحیان بسته شد و امپراتوری بیزانس که خود را در معرض خطر می‌دید از مسیحیان مغرب زمین یاری خواست و پاپ اوربانوس دوم را در سال ۱۰۹۵ وادار نمود تا برای آزادی اورشلیم و رفع خطر از امپراتوری بیزانس اقدام کند و اماکن مقدس را از دست مسلمانان خارج سازد. پاپ اوربانوس شورایی تشکیل داد و ضمن توزیع صلیب‌هایی وعده داد که شرکت در نبرد علیه مسلمانان به جای توبه و کفارهٔ گناهان مورد قبول خواهد بود. پیشنهاد پاپ همه جا با حسن استقبال مسیحیان روبرو گردید و فرانسه در این امر پیشقدم شد. سپاهیان مسیحی در سال ۱۰۹۶ به سوی مشرق‌زمین به راه افتادند و در سر راه خود یهودیان را به قتل رساندند و پس از رسیدن به قسطنطنیه با ترکان سلجوقی به نبرد پرداختند و به سختی شکست خوردند. ولی مسیحیان آرام ننشستند و به نبرد ادامه دادند و سرانجام در ۱۰۹۹ اورشلیم را آزاد کردند. در سال ۱۱۴۴ روابط مسلمانان و مسیحیان دوباره تیره شد و مجدداً جنگ میان آنان در گرفت. در این نبرد مسلمانان به فرماندهی صلاح‌الدین ایوبی و نورالدین محمود زنگی بر مسیحیان پیروز شدند و بیت‌المقدس را به تصرف درآوردند. در نبرد سوم که از ۱۱۸۹ تا ۱۱۹۲ به درازا کشید، مسیحیان کاری از پیش نبردند و پس از انعقاد قرارداد صلح به کشورهایشان بازگشتند.

خلاصه این که جنگ‌های صلیبی که شمارشان به ۹ می‌رسد تا سال ۱۲۹۱ میلادی (۶۹۰ هجری قمری) ادامه داشت و طی آن‌ها مسیحیان هیچگاه به هدف‌هایی که داشتند نرسیدند و تنها ثمره‌ای که از جنگ‌های مزبور به جای ماند این بود که اروپاییان با مشرق‌زمین و مسلمانان و تمدن آنان آشنا شدند و بر اطلاعات جغرافیایی‌شان افزوده شد و ادبیات و هنر اروپا متحول گردید.

پیدایش قدرت‌های نیرومند در آسیای مرکزی ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی

ترک‌ها: ترک‌های آسیای مرکزی از سدهٔ ششم میلادی تهدیدی نظامی برای ایران و بیزانس محسوب می‌شدند و پس از گرایش تدریجی به مذهب اسلام، بغداد را در سال ۱۰۵۵ تصرف نمودند و ایران و بین‌النهرین را در سال ۱۰۷۱ به متصرفات خود افزودند و در پی آن به آسیای صغیر روان شدند و در سرزمین مزبور سکنی گزیدند. امپراتوری ترکان در سدهٔ دوازدهم به دولت‌های کوچکی مانند سلجوقیان، کردها و ممالیک مصر تقسیم گردید و تا ظهور امپراتوری عثمانی به موجودیت خود همچنان ادامه داد.

عثمان اول (۱۲۹۰ - ۱۳۲۶ میلادی) و جانشینانش که به سلاطین عثمانی معروفند، جنگجویان ترک را گرد هم آوردند و علیه بیزانس و کشورهای مسیحی بالکان به نبرد برخاستند و با ضمیمه نمودن بخش اعظم بالکان، امپراتوری وسیع و نیرومندی را به پایتختی شهر قسطنطنیه که در سال ۱۴۵۳ به تصرفشان درآمده بود پایه‌گذاری کردند. در اواسط سدهٔ شانزدهم مجارستان و بخش‌هایی از خاورمیانه و شمال افریقا نیز ضمیمهٔ امپراتوری عثمانی گردید.

پیشروی ترک‌های عثمانی به سوی اروپای مرکزی پس از رسیدن به شهر وین (سال ۱۵۲۹) متوقف گردید و نبرد دریایی لپانتو (۱۵۷۱) علیه اسپانیا و جنگ با جمهوری ونیز و پاپ نیز موجبات ناکامی آنان را فراهم آورد.

سلطان محمود غزنوی (۹۷۱ تا ۱۰۳۰ میلادی) که از ترک‌تباران آسیای مرکزی بود، به سوی شمال هند حمله برد و طی سال‌های ۱۰۰۲، ۱۰۱۴ و ۱۰۲۵ پنجاب و بخش‌هایی از هند را تصرف کرد و ذخایر معابد ثروتمند آن کشور را به تاراج برد. فرمانروایی ترکان در سال ۱۲۰۶ بر هند استحکام یافت و حکومت اسلامی هند را به پایتختی شهر دهلی تأسیس نمود. امپراتوری مزبور تا زمان فتح هند به توسط انگلیسی‌ها (سدهٔ نوزدهم) همچنان پا برجا بود.

مغول‌ها: چنگیزخان مغول (۱۱۶۷ تا ۱۲۲۷) قبایل مختلف مغول را متحد کرد و ارتش مقتدر و جنگجویی پدید آورد و همراه با جانشینانش وسیع‌ترین امپراتوری جهان را در سال ۱۲۷۹ به وجود آورد که از سواحل آسیای خاوری تا رود دانوب در اروپا و از استپ‌های سیبری تا دریای عرب و اقیانوس هند گسترده بود. مغول‌هایی که در نواحی غربی این امپراتوری زندگی می‌کردند به اسلام گرویدند و پس از آن که رو به ضعف نهادند، به وسیله موج دیگری به فرماندهی امیر تیمور گورکانی دوباره به اوج قدرت رسیدند و دور دیگری از جهان‌گشایی را آغاز کردند.

روسیه: با سقوط دولت بیزانس، دولت جدیدی مرکب از لهستان و لیتوانی روی کار آمد، اما به وسیلهٔ مغولان مغلوب گردید و آنان بر نواحی شمالی دریای سیاه و کیف نیز مسلط شدند.

دولت نووگورود واقع در شمال روسیه تنها امیرنشین مستقل روسیه محسوب می‌شد و کمی بعد مهین دوک مسکو، دولت‌های کوچک پیرامون را به زیر سلطهٔ خود درآورد و مغولان را نیز در سال ۱۴۸۰ شکست داد. ایوان سوم (۱۴۶۲ تا ۱۵۰۵) تزار مسکو، پس از سقوط قسطنطنیه حکومت مستقلی با مذهب ارتدوکس تأسیس نمود و دامنهٔ قلمرو خود را رو به جنوب توسعه داد.

ایران: بعد از اسلام، با شروع سدهٔ دهم شاعر و حماسه‌ساز بزرگی چون فردوسی (۹۳۵ تا ۱۰۲۰ میلادی)، فرهنگ و زبان پارسی را زنده کرد و کتاب معروف شاهنامه را تدوین نمود. پس از تصرف ایران به دست مغولان در سدهٔ سیزدهم، سبک نقاشی چینی متداول گردید و زبان و فرهنگ ایرانی نیز مورد استقبال مغولان قرار گرفت و افزون بر آن در امپراتوری عثمانی و حتی دولت‌های بالکان و هند نیز معمول گردید. در این عصر اندیشمندان و شعرای گرانمایه‌ای مانند مولانا جلال‌الدین رومی (۱۲۰۷ تا ۱۲۷۳) و عبدالرحمن جامی (۱۴۱۴ تا ۱۴۹۲) فلسفه و حکمت را در قالب شعر و ادب فارسی رواج دادند و حافظ و سعدی دو ستاره تابناک شعر و ادب فارسی هم در این عصر می‌زیستند و به فرمان جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی تقویم هجری شمسی اصلاح گردید.

افریقا: حکومت‌های مرابطون (۱۰۵۰ تا ۱۱۴۰) و موحدون (۱۱۲۵ تا ۱۲۶۹) در شمال غربی افریقا پا به صحنهٔ تاریخ گذاردند و وسعت و نفوذ خود را از صحرا تا اسپانیا گسترش دادند و هم در این زمان ماندگاه‌ها و دولت‌های چندی با تبار ایرانی و عرب در سدهٔ سیزدهم در سواحل خاوری افریقا، به ویژه تانزانیا و زنگبار تأسیس گردید.

جنوب خاوری آسیا: بازرگانان ایرانی، عرب و هندی که به جزایر ماله و اندونزی رفت و آمد می‌کردند، مذهب اسلام را اشاعه دادند و شهرهای ساحلی مسلمان‌نشینی در نواحی مزبور پدید آوردند که دولت مالاکا (۱۴۰۰-۱۵۱۱) را می‌توان عمده‌ترین آنها محسوب داشت.

چین: قوبلای قاآن (۱۲۱۵ تا ۱۲۹۴) که از جانشینان چنگیزخان مغول بود، سلسله مغولی یوآن را تأسیس نمود. وی که مدیر لایقی بود، خانبالق (شهر پکن) را به پایتختی چین برگزید و سنن و آداب چینی و مغولی را تلفیق کرد. در بازرگانی و طبابت از مشاوران ایرانی و یهودی و سریانی استفاده نمود و به آن رونق فراوان بخشید. مارکوپولو جهانگرد معروف ونیزی در عصر همین امپراتور به چین سفر کرد و مدت بیست سال در دستگاه‌های اداری چین مصدر امور بود. پول کاغذی در این زمان رواج کامل یافت و آیین لاما مورد احترام قرار گرفت. راه‌ها و کاروانسراهای متعدد ساخته شد و سرویس منظم پستی دایر گردید. نوانخانه‌های چندی در چین تأسیس شد و فرهنگ و ادب چینی مورد حمایت و تشویق قرار گرفت.

هنر و سیاست از ۱۲۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی

عصر رُنسانس: در سدهٔ چهاردهم نهضتی فرهنگی و فراگیر در ایتالیا آغاز شد که در سده‌های پانزدهم و شانزدهم به اوج شکوفایی خود رسید و علم و ادب و هنر و به ویژه معماری و نقاشی را حیات و جانی تازه بخشید. این جنبش که از آن به عنوان رنسانس یاد شده، از ایتالیا به فرانسه، انگلستان، اسپانیا، آلمان و دیگر نواحی اروپا گسترش یافت. رُنسانس در ایتالیا، تحت حمایت خاندان مدیچی در فلورانس و خاندان سفورتسا در میلان و عوامل دیگر پرورش یافت و به کمال رسید و لئوناردو داوینچی (۱۴۵۲ - ۱۵۱۹)، میکلانژ (۱۴۷۵ - ۱۵۶۴)، ماکیاولی (۱۴۶۹ - ۱۵۲۷) و پترارک (۱۳۰۴ - ۱۳۷۴) و شمار بسیاری دیگر، از بزرگان این عصر محسوب می‌گردند.

خلاصه این که رنسانس یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ بشر است و تأثیر آن حتی تا دورهٔ معاصر نیز محسوس است. نهضت اومانیسم عهد رنسانس با دگرگونی‌های عظیمی در معماری و هنر و ادب اروپا همراه بود و اگرچه آثار کلاسیک رم مورد اقتباس معماران ایتالیایی سدهٔ پانزدهم قرار گرفت، معماری رنسانس به تدریج جایگزین معماری سبک گوتیک شد و سبک‌های باروک و روکوکو رایج گردید. کلیسای بزرگ فلورانس، موزهٔ لوور، کاخ فونتنبلو و کاخ ورسای را می‌توان نمونه‌های بارزی از معماری دورهٔ رنسانس به حساب آورد و شخصیت‌هایی چون آلونسو بروگته، اینیگوجونز، کریستوفر ورن، پیرلسکو و شارل لوبرن را از جمله بزرگترین معماران این عصر به شمار آورد.

ایتالیا: امپراتوری کارولنژیان در سدهٔ نهم تقسیم شد و در پی آن ایتالیا دستخوش هرج و مرج گردید. اوتوی اول پادشاه آلمان در ۹۶۲ ایتالیا را تصرف کرد. در سدهٔ یازدهم جنوب ایتالیا به تصرف نورمان‌ها درآمد و سپس خاندان هوهنشتافن بر آن نواحی دست یافتند.

در بعضی شهرهای شمالی ایتالیا مانند ونیز و جنوا، امپراتوری‌های وسیع تجارتی تأسیس گردید و صرافان آنها بر امور مالی اروپا مسلط گشتند. در ۱۴۹۴ ایتالیا میدان جنگ‌های فرانسه و خاندان هاپسبورگ گردید و شروع جنگ‌های جانشینی، ایتالیا را به کلی تحت استیلای بیگانگان درآورد.

فرانسه: فیلیپ ششم در ۱۳۲۸ به پادشاهی فرانسه رسید و همزمان ادوارد سوم پادشاه انگلستان که مدعی سلطنت فرانسه بود، خود را شاه فرانسه نامید و بدینسان جنگ‌های صد ساله که از ۱۳۳۷ تا ۱۴۵۳ به درازا کشید، شروع شد و بخش پهناوری از خاک فرانسه به اشغال انگلستان درآمد. قیام ژاندارک (۱۴۱۲ - ۱۴۳۱)، اتحاد و مقاومت فرانسویان را در برابر انگلیسی‌ها تقویت کرد و سرانجام انگلیسی‌ها در سال ۱۴۵۳ از تمام متصرفات خود در فرانسه دست کشیدند. سال‌های ۱۴۸۳ تا ۱۵۶۰ را باید سال‌های تجدید قدرت فرانسه محسوب داشت. در ۱۵۶۲ آتش جنگ‌های مذهبی شعله‌ور گردید و به انعقاد اتحادیه مقدس توسط کاتولیک‌ها منجر شد. هانری چهارم در ۱۵۹۴ به عنوان نخستین شاه فرانسه از سلسلهٔ بوربون به فرمانروایی فرانسه نشست.

انگلستان: پس از استیون آخرین پادشاه نورمان‌ها که از ۱۰۶۶ تا ۱۱۵۴ بر انگلستان سلطنت کردند، جان لکلند در ۱۱۹۹ به سلطنت رسید و ماگناکارتا یا فرمان بزرگ را که مهم‌ترین سند تاریخ مشروطیت انگلستان است، در سال ۱۲۱۵ صادر نمود. در سال ۱۳۳۷ میلادی جنگ‌های صدساله میان انگلستان و فرانسه آغاز شد و تا ۱۴۵۳ به درازا کشید و پیامدهای ناگواری را به همراه آورد و به پارلمنت انگلستان اجازه داد تا نظارت بیشتری بر امور کشور داشته باشد.

مرگ سیاه (بیماری طاعون) بر وخامت اوضاع افزود و شورش دهقانان در سال ۱۳۸۱ را به همراه آورد و در پی آن جنگ گُل‌ها (۱۴۵۵ - ۱۴۸۵) برای تصاحب تاج و تخت انگلستان بین خاندان لنکستر و خاندان یورک روی داد و در پایان آن هنری هفتم از خاندان تودور به سلطنت رسید.

خاندان تودور که از ۱۴۸۵ تا ۱۶۰۳ بر انگلستان سلطنت کردند، فصل نوینی را در تاریخ انگلستان گشودند. در روزگار هنری هشتم کلیسای انگلستان از کلیسای رُم جدا شد و تحت نظارت شاه انگلستان درآمد و با به سلطنت رسیدن الیزابت اول در سال ۱۵۲۳ و درهم شکسته شدن نیروی دریایی اسپانیا موسوم به آرمادا(۱۵۸۸)، انگلستان به یک قدرت دریایی برتر مبدل گردید. الیزابت اول در سال ۱۶۰۳ درگذشت و سلطنت از خاندان تودور به خانوادهٔ استوارت منتقل شد.

در اواخر سدهٔ چهاردهم، زبان فرانسه و لاتین در انگلستان منسوخ شد و زبان و ادبیات انگلیسی رسمیت یافت شعرای بزرگی چون ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶) و ادموند اسپنسر (۱۵۵۲ - ۱۵۹۹) در آسمان ادبیات انگلستان شروع به درخشیدن کردند.

آلمان: در دورهٔ امپراتوری هانری سوم و هانری چهارم، اختلاف میان امپراتور و پاپ بالا گرفت و با به سلطنت رسیدن خاندان هوهنشتافن (۱۱۳۸ - ۱۲۵۴) به اوج خود رسید و آلمان به اتحادیه‌ای مرکب از چند دولت کوچک سست بنیاد مبدل گردید. خاندان هاپسبورگ از سال ۱۲۷۴ بر آلمان و اتریش مستولی شدند و از سال ۱۴۳۸ عنوان امپراتور مقدس روم را به دست آوردند. در سال ۱۴۷۷، هلند، لوکزامبورگ و بورگوندی نیز تحت تسلط آنان درآمد و مقاومت در مقابل تهاجم ترک‌های عثمانی موجب شد تا مجارستان نیز تحت کنترل اتریش قرار گیرد.

اسپانیا: در سال ۱۴۹۲ دو کشور کاستیل و آراگون متحد شدند و مسلمانان را از اسپانیا بیرون راندند و یهودیان را نیز از کشورشان اخراج نمودند.

قارهٔ امریکا در همان سال به وسیلهٔ کریستف کلمب کشف شد و امپراتوری پهناور اسپانیا تأسیس گردید و در زمان شارل اول به حداکثر وسعت و عظمت خود رسید. در روزگار سلطنت فیلیپ دوم، اسپانیا تحت حکومت سلطنتی خودکامه و متمرکز قرار گرفت و تفتیش عقاید مذهبی به منتهی درجهٔ خود رسید. در ضمن سیل ثروت از متصرفات اسپانیا در امریکا و فیلیپین به این کشور سرازیر شد.

دراواخر سدهٔ شانزدهم و در سدهٔ هفدهم ادبیات و هنر در اسپانیا رونق گرفت و نویسندگان و هنرمندانی مانند سروانتس (۱۵۴۷ - ۱۶۱۶)، ال گرگو (۱۵۴۱ - ۱۶۱۴) و ولاسکوئز (۱۵۹۹ - ۱۶۶۰) در عرصهٔ تاریخ و ادب اسپانیا درخشیدن گرفتند.

مرگ سیاه: طاعونی که در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ میلادی از آسیا به اروپا سرایت کرد، نیمی از جمعیت قارهٔ مزبور را به کام مرگ فرستاد. در پی این بیماری که تا سال ۱۴۰۰ به دفعات تکرار شد، دستمزدها بالا رفت و دهقانان انگلیسی سر به شورش برداشتند. میزان کشتار این بیماری آن چنان بود که نام بعضی از خانواده‌ها به کلی از صفحهٔ روزگار محو گردید.

اکتشافات: جنگ‌های صلیبی توجه اروپاییان را به ثروت‌های مشرق زمین معطوف کرد و جهانگردانی مانند مارکوپولو ونیزی بر وسعت این اطلاعات افزودند. با ظهور امپراتوری عثمانی، راه‌های زمینی تجارت با مشرق زمین بسته شد و اروپاییان را به چاره‌اندیشی واداشت. در نیل به این هدف دریانوردان پرتغالی در ۱۴۱۸ سواحل غربی افریقا را درنوردیدند و واسکودوگاما در ۱۴۹۷ افریقا را از طریق دماغهٔ امیدنیک دور زد و خود را به هندوستان رسانید. کریستف کلمب دنیای جدید را طی سالهای ۱۴۹۲ تا ۱۵۰۴ کشف نمود و فردیناند ماژلان (۱۴۸۰-۱۵۲۱) کره زمین را با پیمودن اقیانوس آرام دور زد و ثابت شد که دنیای جدید (امریکا) از قارهٔ آسیا جدا است.

هند: ظهیرالدین بابر که از نوادگان تیمور بود در سال ۱۵۲۶ به هندوستان حمله کرد و پس از تصرف دهلی خود را امپراتور هند نامید. پس از وی جانشینانش مانند اکبرشاه، شاه جهان و اورنگ زیب به سلطنت رسیدند و هرکدام مصدر خدمات ارزنده‌ای شدند و کاخ‌ها و مسجدهای با شکوه و دژهای عالی و آرامگاه‌های شگفت‌انگیز و باغ‌های زیبا و دلفریب از خود به یادگار گذاردند که تاج محل و باغ‌های شالیمار از آن جمله‌اند. دوران سلطنت ۲۰۰ ساله این خاندان یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخ هند است.

ایران: خاندان صفویه در سال ۱۵۰۲ به وسیلهٔ شاه اسماعیل اول به سلطنت ایران رسید. پس از وی جانشینانش تا سال ۱۷۳۶ بر ایران سلطنت کردند. شاه عباس اول بزرگترین و مقتدرترین شاه ایران بعد از اسلام از همین خانواده است. وی در سال ۱۵۸۸ به سلطنت رسید و شهراصفهان را به پایتختی برگزید. در روزگار سلطنت خاندان صفویه که از معتبرترین و سازنده‌ترین شاهان ایران بعد از اسلام به شمار می‌روند، وحدت و یکپارچگی ایران تأمین گردید و هنر و ادب به ویژه در زمینه‌های معماری، نقاشی، منبت‌کاری، خوشنویسی وقالیبافی به کمال خود رسید وساختمان‌های با ارزشی چون کاخ چهلستون، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف‌الله، سی و سه پل، پل خواجو، مدرسهٔ چهارباغ و غیره ساخته شد.

چین: خاندان مینگ که از ۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ بر چین حکومت راندند، پایتخت را از ۱۳۶۸ تا ۱۴۲۱ به نانکینگ منتقل کردند و سپس به پکن انتقال دادند. آنان مغولان را از چین بیرون راندند و کشور را به منتهای وسعت خود رساندند. با وجود این که شاهان مینگ با تجارت با خارجیان مخالف بودند، اما پرتغالی‌ها در ۱۵۵۷ مهاجرنشینی در ماکائو تأسیس نمودند و اسپانیاییها نیز در همان سال و هلندی‌ها هم در سال ۱۶۰۶ به چین راه یافتند.

منچوها که از اقوام شمالی چین محسوب می‌شوند، در سال ۱۶۴۴ پکن را تصرف کردند و پس از برانداختن سلسلهٔ مینگ با عنوان خاندان منچو یا چینگ تا سال ۱۹۱۲ بر این کشور حکمفرمایی کردند.

ژاپن: حکومت واقعی ژاپن از قرن دوازدهم در دست فرماندهان نظامی این کشور، یعنی شوگون‌ها بود. خاندان شوگونی میناموتو اولین دسته از این نظامیان بود که بر ژاپن حاکم شدند و از سال ۱۱۹۲ تا ۱۳۳۳ میلادی از شهر کاماکورا به ادارهٔ امور پرداختند، سپس خاندان آشیکاگا در سال ۱۳۳۸ قدرت را به دست گرفت که حکومت آنان تا سال ۱۵۹۷ دوام یافت و پایتخت در دورهٔ آنان به کیوتو منتقل شد.

اصلاح دینی و توسعه طلبی ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی

اصلاح دینی: با اصلاح مذهب کاتولیک در سدهٔ شانزدهم آغاز شد و به نهضت پروتستان انجامید. در این عصر فساد دستگاه پاپی به منتهی رسید و بعضی از پاپ‌ها امور دنیوی را بر مصالح روحانی ترجیح می‌دادند و به شکوه و جلال دنیا روی آورده بودند و برای تأمین نیازهای مادی خود آمرزش می‌فروختند و مقام‌های روحانی را در برابر دریافت پول واگذار می‌کردند.

یکی از عوامل مؤثر در زمینهٔ انقلاب دینی، مذهب اومانیسم دورهٔ رنسانس بود که با پیروی کورکورانه از مقامات مذهبی مخالفت می‌کرد. از طرف دیگر شاهان و حکومت‌های مطلقه نیز با مداخلات کلیسا در امور سیاسی و دنیوی و کسب درآمدهای سرشار توسط کلیسا به شدت مخالف بودند.

نهضت اصلاح دینی به وسیلهٔ مارتین لوتر (۱۴۸۳ - ۱۵۴۶) آلمانی آغاز شد. وی بر علیه آمرزش فروشی کلیسا به اعتراض برخاست و به زودی طرفداران بسیاری پیدا کرد. در فرانسه نیز ژان کالون (۱۵۰۹ - ۱۵۶۴) در اعتراض به اعمال و رفتار کلیسا، معترضین یا پروتستان‌های فراوانی را به دور خود جمع کرد و آنان را علیه کلیسای کاتولیک بر انگیخت و افکار وی در هلند نیز سخت مورد توجه قرار گرفت.

اصلاح دینی در انگلستان در زمان سلطنت هنری هشتم آغاز شد و طی آن کلیسای انگلستان در سال ۱۵۳۴ اعلام استقلال نمود. در اسکاتلند نیز ماری استوارت که کاتولیک سرسختی بود، در مقابل اصلاح طلبی چون جان ناکس مغلوب شد و بدینسان اصلاح دینی در اسکاتلند نیز پیاده گردید.

جنگ‌های مذهبی: با قیام دهقانان جنوب آلمان در سال ۱۵۲۴ علیه اشراف، و اجحاف مالکین، جنگ‌های مذهبی شروع شد و با مخالفت مارتین لوتر و حمایت وی از فرمانروایان و اشراف موقتاً به پایان رسید. مرحلهٔ جدّی‌تر جنگ‌های مذهبی در فرانسه شکل گرفت و از ۱۵۶۲ تا ۱۵۹۸ به درازا کشید. علت این جنگ‌ها کوشش پروتستان‌ها برای تحصیل آزادی مذهب بود. در این جنگ‌ها لویی دوکنده و هانری چهارم و پولیتیک‌ها(کاتولیک‌های میانه‌رو) از پروتستان‌ها طرفداری می‌کردند و در سوی دیگر خانوادهٔ گیز کاتولیک‌ها را به شدت مورد حمایت قرار می‌دادند. در طی حدود ۳۶ سال ۸ جنگ مذهبی در فرانسه درگرفت. در سه جنگ اول که از ۱۵۶۲ شروع شد و تا ۱۵۷۰ ادامه داشت، پروتستان‌ها پیروز شدند. پیروزی پروتستان‌ها، کاترین دومدیسی مادر شارل نهم (پادشاه فرانسه) و دیگر دولتمردان کاتولیک فرانسه رابه وحشت انداخت و کشتار معروف سن بارتلمی را در سال ۱۵۷۲ باعث گردید که طی آن پروتستان‌های زیادی اعم از زن و مرد و کودک در سراسر فرانسه قتل عام شدند. خلاصه این که جنگ‌های مذهبی در فرانسه که تا سال ۱۵۹۸ ادامه داشت با صدور فرمان نانت به نفع پروتستان‌ها پایان یافت. اما در سدهٔ هجدهم با روی کار آمدن ریشلیو فرمان نانت نقض

گردید و قدرت پروتستان‌ها در فرانسه در هم شکسته شد.

انقلاب علمی: یکی از بزرگترین دستاوردهای عصر رنسانس پیشرفت‌های علمی این دوره است. نوشته‌ها و افکار ارسطو و دیگر دانشمندان یونانی و متأخرین که تا اواخر قرون وسطی معتبر بود، به مرور مورد شک و تردید قرار گرفت و تجدید نظر و تکمیل آنها الزامی گردید. هیئت بطلمیوس که پایه فرضیات و تصورات کیهانی قرون وسطی و قبل از آن را تشکیل می‌داد، با نظریهٔ نیکلاوس کوپرنیک (۱۴۷۳ - ۱۵۴۳) منجم لهستانی که بر پایهٔ نظریهٔ خورشید مرکزی استوار بود به کل دگرگون شد و یوهانس کپلر (۱۵۷۱ - ۱۶۳۰) با ارائهٔ قوانین معروف خود، صحت آن راتأیید کرد. گالیله (۱۵۶۴ - ۱۶۴۲) با اختراع تلسکوپ معروفش به کشف قمرهای مشتری و چرخش خورشید به دور خود موفق شد. آیزاک نیوتن (۱۶۴۲ - ۱۷۲۷) در زمینهٔ مکانیک و جاذبهٔ زمین و پدیده‌های کیهانی نظرات ارزنده‌ای ارائه کرد و رنه دکارت (۱۵۹۶ - ۱۶۵۰) علم هندسهٔ تحلیلی و بیان موقعیت نقاط بر صفحهٔ مختصات را ارائه داد.

در زمینهٔ علوم پزشکی ویلیام هاروی (۱۵۷۸ - ۱۶۵۷) گردش خون را کشف کرد و لیونهوک (۱۶۳۲ - ۱۷۲۳) در بارهٔ گردش خون در مویرگ‌ها و موجودات ذره‌بینی و گویچه‌های خون تحقیقات ارزنده‌ای به عمل آورد. در شیمی رابرت بویل (۱۶۲۷ - ۱۶۹۱) دانشمند انگلیسی بین عناصر شیمیایی و مواد مرکب تمیز گذاشت و فعل و انفعال و تحلیل شیمیایی را تعریف کرد و نخستین ماشین بخار عملی به وسیلهٔ تامس سیوری در سال ۱۶۹۶ ساخته شد.

در زمینهٔ هنر و ادبیات، شیوهٔ کار میکلانژ (۱۴۷۵ - ۱۵۶۴) پیکرتراش، نقاش و شاعر نابغه ایتالیایی در هنری تجلی یافت که در قالب عنوان و سبک نمی گنجید و اغلب آن را به سبک رنسانس اعلی یا دوره‌های باروک نسبت داده‌اند. رامبرانت (۱۶۰۶ - ۱۶۶۹) و ژان ورمر (۱۶۳۲ - ۱۶۷۵) نقاشان هلندی و ژان راسین (۱۶۳۹ - ۱۶۹۹) ادیب و نویسندهٔ فرانسوی از جمله نوابغ این عصر به شمار می‌آیند.

معماری باروک: ویژگی معماری باروک در آزادی در طراحی و تضاد آن با شیوه‌های کلاسیک است. این سبک در اواخر سدهٔ شانزدهم در ایتالیا به وجود آمد و یک قرن بعد در سراسر اروپا به اوج خود رسید. در میان نمونه‌هایی که از هنرمندان سبک باروک به جای مانده است، می‌توان به کارهای برنینی (۱۵۹۸-۱۶۸۰) مانند طاقٌ‌های ستون‌دار پیرامون میدان سان پیترو اشاره کرد.

نهضت باروک در موسیقی نیز بی‌تأثیر نبود و سبک خاصی را به وجود آورد که دورهٔ آن از حدود ۱۶۰۰ تا ۱۷۵۰ به درازا کشید. از جمله معروفترین موسیقیدانان این سبک باید به یوهان سباستیان باخ (۱۶۸۵ - ۱۷۵۰)، آهنگساز آلمانی، اشاره نمود.

دنیای جدید: آزتک‌ها هندی‌شمردگانی بودند که همزمان با فتوحات اسپانیا در قارهٔ جدید (سال ۱۵۱۹) بر سرزمین مکزیک استیلا داشتند و امپراتوری پهناوری را به پایتختی شهر تنوچتیتلان که جمعیتی حدود ۳۰۰،۰۰۰ تن داشت اداره می‌کردند. آزتک‌ها مردمان کشاورزی بودند که از هنر معماری نیز بهرهٔ کافی داشتند. معابدشان هرمی شکل بود و کاخ‌هایشان از عظمت شگفت‌انگیزی برخوردار بود. آنان در راهسازی نیز مهارت داشتند و خط نوشتاریشان تصویری بود. طلا و نقره را برای زینت به کار می‌بردند و از دین شگفت‌آور و وحشت‌انگیزی پیروی می‌کردند و قربانی‌های دسته‌جمعی معمول می‌داشتند.

در سوی دیگر قارهٔ جدید، بخش وسیعی از امریکای جنوبی در سلطهٔ امپراتوری اینکا قرار داشت. امپراتوری مزبور که در حدود سال ۱۲۰۰ میلادی تأسیس شده بود، مساحتش به حدود ۱/۵ میلیون کیلومترمربع بالغ می‌شد و جمعیت آن به ۶ میلیون نفر می‌رسید. آنان در ارتفاعات پرو ساکن بودند و شهر کوزکو پایتختشان بود. خورشید وآفتاب را می‌پرستیدند و در آغاز به قربانی کردن انسان به ویژه کودکان اعتقاد داشتند و بعدها قربانی کردن لاما را جایگزین انسان کردند. مرده‌های خود را مومیایی می‌کردند و در کشاورزی، فلزکاری و سرامیک‌سازی نیز تبحر داشتند.

ارناندو کورتز سردار و کشورگشای اسپانیایی در سال ۱۵۱۸ به مکزیک وارد شد و در ۱۵۱۹ تنوچتیتلان پایتخت امپراتوری آزتک را تصرف کرد و در ۱۵۲۱ امپراتوری مزبور را برانداخت. در سوی دیگر فرانسیسکو پیزارو سردار و کشورگشای دیگر اسپانیایی در ۱۵۲۶ وارد امریکای جنوبی شد و با امپراتور اینکا طرح دوستی ریخت و فریبکارانه او را اسیر کرد و به قتل رسانید و بدینسان امپراتوری اینکا را برانداخت و در پی آن پرو را طی سال‌های ۱۵۳۲ تا ۱۵۳۵ تصرف نمود.

اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها در سدهٔ شانزدهم غالب اراضی مکزیک و امریکای مرکزی و امریکای جنوبی را تصرف کردند و با اعزام هیئت‌های مذهبی، بومیان آن نواحی را به پذیرش آیین مسیحیت فراخواندند و حتی با بسیاری از آنان آمیزش کردند و گروهی از مستیزوها یا دورگه‌های اسپانیایی و سرخپوست امروزی را به وجود آوردند.

در پی اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها، اروپاییان دیگر نیز راهی دنیای جدید گشتند و گروه کثیری از سیاهان افریقایی را به صورت برده در کشتزارهای وسیعی که در سرزمین‌های نویافته احداث کرده بودند، به کار گرفتند و بازار خرید و فروش برده را رواج دادند.

هلند: در سال ۱۴۷۷ خاندان هاپسبورگ بر اراضی هلند استیلا یافتند و شارل پنجم پادشاه اسپانیا در سال ۱۵۴۹ هلند را ضمیمهٔ اسپانیا نمود. در سال ۱۵۶۸ کالونیست‌های هلند که از فشار کاتولیک‌های اسپانیایی به تنگ آمده بودند، سر به شورش برداشتند و در ۱۵۷۷ بخش عمدهٔ سرزمین امروزی هلند را آزاد ساختند و همچنان به مبارزه علیه اسپانیا ادامه دادند. سرانجام در سال ۱۶۴۸ نواحی شمالی هلند به استقلال رسید و بخش جنوبی آن تحت عنوان هلند اسپانیا همچنان در تصرف اسپانیا باقی ماند.

هلندیها در سدهٔ هفدهم به یکی از قدرت‌های مهم دریایی مبدل شدند و مهاجرنشین‌هایی در آسیای خاوری و جزایر هند شرقی، هندوستان، افریقای جنوبی و جزایر هند غربی تأسیس نمودند. آنان آزادی مذهب را محترم شمردند و آوارگان مذهبی غالب کشورهای اروپایی را در کشور خود پناه دادند و در زمینهٔ هنر و ادب، علوم و فلسفه و بانکداری به موفقیت‌های زیادی نایل گشتند.

انگلستان: دوران سلطنت الیزابت اول که از سال (۱۵۵۸ تا ۱۶۰۳) ادامه داشت، با قدرت یافتن و اعتلای کشور انگلستان مترادف است. پس از او سلطنت به خانوادهٔ استوارت رسید. در این دوران که از سال ۱۶۰۳ آغاز می گردد، بین پادشاه و پارلمنت اختلاف افتاد و مردم طبقهٔ متوسط که طرفدار پارلمنت بودند سر به شورش برداشتند و به دنبال آن جنگ داخلی شروع شد و چارلز اول در سال ۱۶۴۹ اعدام گردید. پس از آن، کوتاه زمانی حکومت جمهوری در انگلستان اعلام شد و سپس کرامول اختیار کشور را خودکامانه در دست گرفت و در پی آن خاندان استوارت در سال ۱۶۶۰ دوباره به سلطنت بازگشتند. استقلال طلبان ایرلندی که طی سال‌های ۱۶۴۱ و ۱۶۸۹ سر به شورش برداشته بودند، به شدت سرکوب شدند و سرزمینشان ضمیمهٔ انگلستان گردید. اسکاتلند که در دورهٔ جیمز اول از خاندان استوارت، با انگلستان تحت سلطنت واحد درآمده بود، در سال ۱۷۰۷ به ادغام پارلمنت خود با انگلستان پرداخت و مقدمات تشکیل امپراتوری بریتانیای کبیر و ایرلند فراهم گردید.

فرانسه: هانری چهارم در سال ۱۵۹۴ به عنوان نخستین پادشاه از خاندان سلطنتی بوربون به سلطنت رسید. وی در سال ۱۶۱۰ کشته شد و پس از او لوئی سیزدهم زمام امور کشور را در دست گرفت. وی با استفاده از مشاوران بزرگی چون ریشلیو و مازارن اوضاع فرانسه را بهبود بخشید و قدرت هوگنوها یا پروتستان‌های کالونی را درهم شکست. با روی کار آمدن لویی چهاردهم (۱۶۴۳ - ۱۷۱۵) عصر طلایی تاریخ فرانسه آغاز گردید. فرانسه در این دوره مستعمرات یا ماندگاه‌هایی در کانادا و دریای کارائیب و هند به دست آورد و به اوج قدرت و اقتدار خود رسید.

سوئد: کریستیان دوم پادشاه دانمارک در ۱۵۲۰ گروه کثیری از نخبگان سوئدی را در استکهلم قتل عام کرد و بدینسان سوئدی‌ها را به مبارزه و رویارویی با دانمارک واداشت. آنان گوستاو اول را در سال ۱۵۲۳ به سلطنت سوئد برگزیدند. وی که مؤسس کشور سوئد است، میهنش را از استیلای بیگانگان رهایی بخشید و آیین لوتری را مذهب رسمی سوئد قرار داد. اریک چهارم در ۱۵۶۱ استونی را ضمیمهٔ سوئد نمود و گوستاو دوم (۱۵۹۴ - ۱۶۳۲) سوئد را به یکی از دولت‌های مقتدر اروپا مبدل کرد. کارل دهم که در جنگ با لهستان و دانمارک پیروز شده بود، مستبدانه بر سوئد سلطنت کرد و کارل دوازدهم (۱۶۸۲ - ۱۷۱۸) سوئد را به اوج اقتدار و عظمت رسانید.

لهستان: سیگیسموند دوم (۱۵۴۸ - ۱۵۷۲) پس از اتحاد با لیتوانی وسعت کشورش را از دریای بالتیک تا دریای سیاه گسترش داد و در جنگ باترک‌های عثمانی به پیروزی رسید. در سال ۱۶۹۷ استقلال لهستان عملاً از میان رفت و استانیسلاوس دوم که در ۱۷۶۴ به سلطنت رسید، تنها به کمک روس‌ها توانست خود را حفظ کند.

چین: خاندان منچو یا چینگ در سال ۱۶۴۴ زمام امور چین را در دست گرفتند. در زمان سلطنت کانگ‌شی (۱۶۶۱ - ۱۷۲۲) و چین لونگ (۱۷۳۶ - ۱۷۹۶) که از بزرگترین امپراتوران این خانواده هستند، اصلاحاتی در چین انجام شد و این کشور مجدداً به قدرت پیشین بازگشت. امپراتوری چین در روزگار سلطنت این خانواده، منچوری، مغولستان، تبت، فرمز و بخش‌هایی از ترکستان واقع در آسیای مرکزی را شامل می گردید.

ایران: پس از شاه عباس اول صفوی، سلسلهٔ صفویه رو به ضعف نهاد و با روی کار آمدن شاه سلطان‌حسین (۱۶۹۳) که مرد بی‌کفایتی بود، محمود افغان از فرصت استفاده کرد و در ۱۷۲۱ به ایران لشگر کشید و کشور ایران را از پای درآورد و سلسلهٔ صفویه را تقریباً منقرض نمود.

ژاپن: با ورود پرتغالی‌ها به ژاپن (۱۵۴۲) باب تجارت مختصری با مغرب‌زمین بازگردید و در پی آن هیئت مذهبی مسیحی به سرپرستی فرانسوا گزاویه در سال ۱۵۴۹ به ژاپن وارد شد و به تبلیغ آیین مسیحیت پرداخت. در اواخر سدهٔ شانزدهم جنگجویان بزرگی چون نوبوناگا و هیدیوشی و ایباسو، ژاپن را تحت سلطهٔ خود درآوردند. ایباسو سلسلهٔ شوگونی توکوگاوا را تأسیس نمود که از ۱۶۰۳ تا ۱۸۶۷ بر ژاپن فرمان راندند. آنان شهر توکیو را به پایتختی انتخاب کردند و از توسعهٔ مسیحیت جلوگیری نمودند و هرگونه رابطه با کشورهای بیگانه را ممنوع ساختند.

فلسفه، صنعت و انقلاب ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی

فلسفه: که علم به حقایق اشیاء و روابط آن با یکدیگر و شناخت نفس انسان و کسب بصیرت و فهم ارزش‌ها و مفاهیم است و در قرون وسطی در خدمت دین قرار داشت، از عهد رنسانس به این سو خود را آزاد کرد و گاه به صورت علم جلوه‌گر شد. فرانسیس بیکن (۱۵۶۱ - ۱۶۲۶) فیلسوف انگلیسی که از جمله نخستین اندیشمندان آغاز دورهٔ رنسانس است در بسط علوم تجربی و آشنا کردن اروپاییان با علم و فلسفه جدید تأثیر بزرگی به جای گذارد. رنه دکارت

(۱۵۹۶ - ۱۶۵۰) فیلسوف و ریاضیدان فرانسوی، بخشی از افکار فلسفی خویش را در بارهٔ پیدایش جهان و انفعالات انسانی متمرکز ساخت و نخستین اثر کتبی را در هندسهٔ تحلیلی تدوین نمود. آیزک نیوتن(۱۶۴۲ - ۱۷۲۷) فیلسوف و ریاضیدان انگلیسی، افکار مردمان سده هجدهم را به شدت تحت تأثیر قرار داد. باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲ - ۱۶۷۷) فیلسوف هلندی به داشتن اعتقاد بر یکی بودن خدا و طبیعت و طرد هوای نفسانی و طرفداری ازحکومت دموکراسی معروف بود.

ویژگی فیلسوفان فرانسه در سدهٔ هجدهم، خردگرایی و مبارزه با خرافات است و به همین مناسبت روزگار آنان را عصر روشنگری نامیده‌اند. مونتسکیو (۱۶۸۹ - ۱۷۵۵)، فیلسوف و مورخ فرانسوی با نوشتن کتاب روح القوانین حکومت‌ها را از نظر علمی مقایسه کرد و نظرات خویش را در بارهٔ تعادل و تفکیک قوای سه گانه بیان داشت.

ولتر (۱۶۹۴ - ۱۷۷۸) که به شدت تحت تأثیر آزادی و شیوه حکومت انگلیسی‌ها قرار داشت، با منتهای قدرت علیه استبداد قضایی مبارزه کرد و فلسفهٔ خویش را بر پایه بدبینی و اصالت عقل بنا نهاد و با اعتقادات خرافی مبارزه کرد. ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ - ۱۷۷۸) طبیعت پرست معروف بر این باور بود که تمدن فساد می‌آورد و مالکیت و صنعت، برابری و مساوات را از میان می‌برد. دنی دیدرو (۱۷۱۳ - ۱۷۸۴) که از شخصیت‌های عصر روشنگری است، دایرةالمعارف معروف خود را در سال‌های ۱۷۵۱ تا ۱۷۷۲ به رشتهٔ تحریر درآورد.

در انگلستان، با ترکیب عقاید سیاسی و مذهبی و آزادی، مکتبی به وجود آمد و ظهور فلاسفه و دانشمندانی چون دیوید هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶)، ادموند برک (۱۷۲۹-۱۷۹۷)، جرمی بنتم (۱۷۴۸ - ۱۸۳۲) آدام اسمیت (۱۷۲۳ - ۱۷۹۰) و دیگران را موجب گردید.

نویسندگان و اندیشمندان آلمانی مانند کریستیان فون ولف (۱۶۷۹ - ۱۷۵۴)، فیلسوف و ریاضیدان، ایمانوئل کانت (۱۷۲۴ - ۱۸۰۴)، بزرگترین و مشهورترین فیلسوف جهان که غالب افکار فلسفی بعد از خود را تحت تأثیر قرار داد، نیز سهم به سزایی در فلسفهٔ نوین دارند.

ایتالیا نیز با پرورش شخصیت‌هایی مانند گالوانی(۱۷۳۷ - ۱۷۹۸)، پزشک و جراح و کارشناس الکتریسیته، آلساندرو ولتا (۱۷۴۵ - ۱۸۲۷) فیزیکدان، جووانی ویکو (۱۶۶۸-۱۷۴۴) فیلسوف و مورخ، مارکزه بکاریا (۱۷۳۸ - ۱۷۹۴) اقتصاددان و قاضی، از نقش ارزنده‌ای در عصر روشنگری برخوردار است و سرانجام بنجامین فرانکلین (۱۷۰۶ - ۱۷۹۰)، دانشمند و نویسندهٔ امریکایی نیز از جمله بزرگان این عصر محسوب می‌شوند.

هنر روکوکو: که سبکی در معماری و تزیین داخلی است و از سبک باروک ناشی گردیده، در اوایل سدهٔ هجدهم در فرانسه به وجود آمد و هنرهای چینی را به شدت مورد توجه قرار داد. این شیوه از فرانسه به آلمان و اتریش سرایت کرد و سپس معماری و تزیینات داخلی انگلستان را نیز تحت تأثیر قرار داد. آنتوان واتو(۱۶۸۴ - ۱۷۲۱) که از جمله نقاشان فرانسوی است، کارهای هنری ماندگاری از خود به جای گذارد و هنرهای نئوکلاسیسم یا کلاسیسم نوین که اقتباسی از هنر و ادب یونان و روم باستان است، در تمام مراحل فرهنگی اروپا رسوخ یافت تا جایی که آکادمی افلاطون در فلورانس تأسیس گردید و در سبک آثار نقاشان بنامی چون ژاک لویی داوید (۱۷۴۸ - ۱۸۲۵) فرانسوی اثر گذارد.

انقلاب صنعتی: که در انگلستان از حدود سال ۱۷۵۰ آغاز شد و حدود یکصد سال به درازا کشید، ساختار اقتصادی و اجتماعی انگلستان را دگرگون کرد. جیمز وات در سدهٔ هجدهم نیروی بخار را جانشین نیروی آب و باد کرد. ماشین‌های نساجی اختراع شد و احداث راه‌آهن و تولید کشتی بخار تغییرات شگرفی را موجب گردید.

انقلاب صنعتی پس از انگلستان به مرور به سراسر اروپا سرایت کرد. آلمان از ۱۸۵۰ به بعد، کشور امریکا بعد از جنگ داخلی، کشورهای غربی اروپا در نیمهٔ دوم سدهٔ نوزدهم و ژاپن در سدهٔ بیستم به کشورهای صنعتی تبدیل شدند و ثروتمند و مقتدر گردیدند. علیرغم مزایای بسیار انقلاب صنعتی، پیامدهای منفی نیز به همراه داشت. از جمله آن که اکثریت مردم تحت استثمار سرمایه‌داران و صنعتگران قرار گرفتند و کشورهایی که از انقلاب صنعتی بی‌بهره ماندند، مورد تعدی دولت‌های مقتدر و صنعتی واقع شدند. از سوی دیگر فاصلهٔ میان سرمایه‌داران و کارگران فزونی یافت و مبارزات طبقاتی برای حصول به برابری اجتماعی شکل گرفت.

انقلاب امریکا: یا جنگ استقلال امریکا که از ۱۷۷۵ تا ۱۷۸۳ به درازا کشید، بدین دلیل رخ داد که بین انگلستان و مهاجرنشین‌های نیم‌قارهٔ امریکای شمالی، اختلافات طبقاتی چشمگیری پیدا شد. در همین اوان بریتانیا که گرفتاری‌های مالی پیدا کرده بود، مالیات‌های سنگینی بر مستعمرات مزبور بست و آنان را به شدت خشمگین نمود تا جایی که از وارد کردن اجناس انگلیسی خودداری کردند و به فرماندهی جورج واشینگتون با سپاهیان انگلیسی جنگیدند و در ژوئیه ۱۷۷۶ استقلال خود را اعلام داشتند.

اروپای مرکزی: فردریک دوم (۱۷۱۲ - ۱۷۸۶) یا فردریک کبیر، شاه پروس که مستبدی خیرخواه بود، ارتش مجهز و مقتدری را به وجود آورد و دست به یک رشته اصلاحات اساسی زد. با فلاسفه و دانشمندان هم عصر خود باب مکاتبه و مراوده بازنمود و بر علیه ماری ترز پادشاه اتریش لشگرکشی کرد و سیلیزی علیا و سیلیزی سفلی را تصرف نمود. در جنگ‌های هفت ساله نیز پیروزی‌هایی به دست آورد و پروس را به مقتدرترین کشور اروپا از نظر نظامی تبدیل کرد.

روسیه: پتر اول و کاترین دوم بر وسعت کشور خود افزودند و از شیوه‌های اداری غرب پیروی کردند و تجارت و داد و ستد با غرب اروپا را رونق بخشیدند و پایتخت را به سنت‌پترزبورگ منتقل نمودند.

انقلاب فرانسه: حکومت فرانسه در سدهٔ هفدهم و هجدهم در دست طبقات ممتاز بود و برای کارگران و تودهٔ زحمتکش محلی وجود نداشت. انتقادهای ولتر از کلیسا و حکومت و نوشته‌های دانشمندان دیگر بخصوص دیدرو و مونتسکیو و روسو، چشم و گوش مردم را باز کرد. لوئی شانزدهم شاه فرانسه در اوت ۱۷۸۸ با انتخابات اتاژنرو موافقت نمود و تحت فشار تودهٔ مردم که تشکیل مجلس ملی را خواستار بودند، اجباراً به تشکیل مجلس مزبور تن در داد. مردم که از نفوذ درباریان در شاه و دخالت ناروای آنان ناراضی بودند، سر به شورش برداشتند و در ژوئیه ۱۷۸۹ زندان باستیل را فتح کردند و شورش روستاییان نیز به سوزاندن کاخ‌ها و آزار مالکان و اربابان منجر شد. در ۱۵ اکتبر ۱۷۸۹ جمعی از مردم پاریس به سوی کاخ ورسای روانه شدند و خانوادهٔ سلطنتی را به شهر پاریس بردند و تحت نظر خود در کاخ تویلری جای دادند و اختیارات شاه را محدود کردند و اراضی متعلق به کلیسا را ملی اعلام داشتند. لوئی شانزدهم که وحشت کرده بود، به سوی اتریش فرار کرد ولی در نزدیکی‌های مرز دستگیر شد و به پاریس بازگردانده شد. اشراف و مخالفین انقلاب که از فرانسه فرار کرده بودند، کشورهای همسایه و بیگانگان را به مداخله نظامی در امور فرانسه تشویق کردند. شایعهٔ تماس شاه و ملکه با بیگانگان به شورش دیگری در ۱۷۹۲ انجامید و لوئی شانزدهم از سلطنت خلع شد و در سپتامبر همان سال رژیم سلطنتی نیز ملغی گردید و لوئی شانزدهم به جرم خیانت به کشور محاکمه و با گیوتین اعدام شد. این امر به شورش سلطنت‌طلبان منجر گردید و در پی آن انگلستان با فرانسه وارد جنگ شد و بدینسان وحشت بر همه جا مستولی گردید. در اوت ۱۷۹۵ مجلس کنوانسیون، قانون اساسی جدیدی وضع کرد و قوهٔ مجریه را به یک هیئت پنج نفره به نام دیرکتوار محول نمود. دیرکتوار نیز از عهدهٔ کار برنیامد و فرانسه در پرتگاه سقوط قرار گرفت. ناپلئون بناپارت، افسر جوان ارتش، دیرکتوار را در ۱۷۹۹ منحل کرد و رژیم کنسولا را برقرار نمود و خود نخست در رأس آن جای گرفت و اندک زمانی بعد رسماً به امپراتور فرانسه مبدل گردید.

هند: شورش سیخ‌ها، هندوها و افغان‌ها در سدهٔ هجدهم از قدرت و نفوذ خانوادهٔ سلطنتی مغول کاست و بعد از شکست فرانسه در جنگ‌های هفت ساله و خارج شدن آن از هندوستان، انگلستان به قدرت برتر اقتصادی در شبه قارهٔ هند مبدل شد و بنگال و بهار را نیز ضمیمهٔ خود کرد و کمپانی هند شرقی انگلیس در سال‌های ۱۷۲۵ تا ۱۷۷۴ موقعیت خود را در هند تثبیت نمود و ضمن در انحصار گرفتن تجارت هند، زمام امور کشور را نیز عملاً در دست گرفت.

ایران: طهماسب دوم که در سال ۱۷۲۲ (۱۱۳۵ هجری قمری) به سلطنت نشست، در سال ۱۷۳۲ به دست نادرقلی افشار از سلطنت معزول شد. نادر افغان‌ها را به سختی در هم شکست و از ایران بیرون راند. سپس بغداد را تصرف کرد و توپال عثمان سردار عثمانی را شکست داد و او را به قتل رسانید. سپس به تصرف قفقاز و داغستان پرداخت و در ۱۷۳۵ با عنوان نادرشاه افشار رسماً به سلطنت نشست. وی در طول یازده سال سلطنت خود قندهار و لاهور و دهلی را تصرف کرد. با کشته شدن نادرشاه در سال ۱۷۴۷، بار دیگر آشوب و ملوک‌الطوایفی بر ایران حاکم شد و تا روی کار آمدن آقا محمدخان قاجار، حکومت در دست خاندان زند قرار گرفت.

روسیه: پتر کبیر که از ۱۶۸۹ تا ۱۷۲۵ با عنوان امپراتور روسیه سلطنت کرد، وضع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشورش را دگرگون ساخت و ارتش منظمی ایجاد کرد. در سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۷۲۱ بخش‌هایی از استونی و فنلاند و لوونیا را تصرف نمود و شهر سنت‌پترزبورگ را در ساحل خلیج فنلاند بنا نهاد و پایتخت روسیه را به آنجا منتقل نمود و روسیه را در زمره کشورهای مقتدر اروپا قرار داد. کاترین دوم روسیه را به عمده‌ترین دولت برّی اروپا تبدیل نمود و در سال ۱۷۸۳ کریمه را ضمیمهٔ روسیه کرد و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان را مورد احترام و تکریم قرار داد.

جهان از ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی

عصر ناپلئون: ناپلئون بناپارت در ۱۷۹۹ دیرکتوار فرانسه را برانداخت و کنسولا را برقرار کرد و خود کنسول اول شد. در سال ۱۸۰۱ با کلیسا صلح کرد و تدوین مجموعهٔ قانونی جدیدی را آغاز نمود. در ۱۸۰۰ اتریش را شکست داد و در ۱۸۰۲ کنسول مادام‌العمر شد و در ۱۸۰۴ خود را امپراتور فرانسه نامید و در دسامبر همان سال به دست پاپ پیوس هفتم در پاریس تاج امپراتوری فرانسه را بر سر نهاد. در سال ۱۸۰۵ اتریش را در اوسترلیتز و در ۱۸۰۶ پروس را در ینا، و در ۱۸۰۷ روسیه را در فریدلاند شکست داد و با انعقاد قرارداد صلح تیلزیت خود را فرمانروای قارهٔ اروپا ساخت و نقشهٔ سیاسی اروپا را تغییر داد. در ۱۸۱۲ به روسیه حمله کرد و تا مسکو پیش رفت ولی ناگزیر از عقب‌نشینی شد و سپاه بزرگ ۵۰۰،۰۰۰ نفری او نابود گردید. در ۱۸۱۳ در رویارویی با اتحاد کشورهای روسیه، پروس، انگلستان، سوئد و اتریش شکست خورد و در آوریل ۱۸۱۴ از کار کناره گیری کرد و به جزیرهٔ الب تبعید شد. وی مجدداً به فرانسه بازگشت و یک دورهٔ فرمانروایی صد روزه را آغاز نمود. در پایان این مدت در نبرد واترلو به سختی شکست خورد و به وسیلهٔ انگلیسی‌ها به جزیرهٔ سنت‌هلنا تبعید گردید و سرانجام در ۱۸۲۱ در همان محل درگذشت و جسدش را در سال ۱۸۴۰ به فرانسه بردند و در انوالید پاریس دفن کردند.

کنگرهٔ وین که از سپتامبر ۱۸۱۴ تا ژوئن ۱۸۱۵، پس از استعفای اول ناپلئون تشکیل گردید، مرزهای فرانسه را تقریباً مطابق با مرزهای کنونی تعیین نمود و لوئی هجدهم از خانوادهٔ بوربون را به سلطنت فرانسه نشاند. پس از او شارل دهم در ۱۸۲۴ به سلطنت رسید. وی که مرد خودکامه‌ای بود با واکنش مردم آزادیخواه فرانسه روبرو شد و از سلطنت خلع گردید ولوئی فیلیپ به جای او نشست. در روزگار سلطنت او تجارت و صنعت توسعه یافت و فرمان مشروطیت مورد تجدید نظر قرار گرفت. انقلاب فوریهٔ سال ۱۸۴۸ به سلطنت او پایان داد و لوئی ناپلئون، برادرزاده ناپلئون، به عنوان رئیس جمهوری دوم فرانسه انتخاب گردید. وی در کودتای سال ۱۸۵۲ خود را امپراتور فرانسه خواند و به ناپلئون سوم موسوم گردید. توسعه مستعمرات و رونق مادی فرانسه از ویژگی‌های این دوره محسوب می‌شود. ناپلئون سوم در جنگ فرانسه و پروس (۱۸۷۰ - ۱۸۷۱) شکست خورد و آلزاس و لورن را از دست داد و دوران فرمانروایی او نیز پایان یافت. پس از او جمهوری سوم فرانسه آغاز شد و ژنرال ماکمائون در ۱۸۷۳ به ریاست جمهوری انتخاب گردید. تعدد احزاب و ائتلاف‌های شکنندهٔ آنها، دولت‌های زودگذر پیاپی‌ای را موجب گردید و ثبات فرانسه را متزلزل نمود.

انقلاب فرانسه و در پی آن ظهور ناپلئون، تحولات و دگرگونی‌های چندی را در اروپا موجب گردید، از جمله برقراری جمهوری باتاو که به امر ناپلئون کشور هولاند نامیده شد؛ جمهوری هلوتیا که ناپلئون آن را به کنفدراسیون سوئیس مبدل کرد؛ جمهوری سیزالپین در ایتالیای شمالی؛ جمهوری لیگوریا در ایتالیا؛ و بالاخره جمهوری پارتنوپی که چندی در صحنهٔ سیاست اروپا خودنمایی کردند.

بریتانیا: با اتحاد انگلستان (انگلند)، اسکاتلند و ایرلند، بریتانیای کبیر تأسیس گردید. در جنگ صد سالهٔ دوم با فرانسه، دست فرانسه از امریکای شمالی و هند کوتاه شد و پس از پیروزی انگلستان در جنگ‌های اروپایی و شکست فرانسه و تبعید ناپلئون، بر قدرت بریتانیا افزوده شد. در داخل کشور، دولت پارلمانی برقرار گردید و رابرت والپول به عنوان اولین نخست‌وزیر بریتانیا بر سر کار آمد. در سدهٔ نوزدهم حزب لیبرال تأسیس شد و در ۱۸۳۲ قدرت به طبقهٔ متوسط جامعه منتقل گردید. در دوران سلطنت ملکه ویکتوریا (۱۸۳۷ - ۱۹۰۱) رونق و شوکت بریتانیا به اوج خود رسید. منافع انگلستان در چین، جنگ تریاک را در سال ۱۸۴۰ موجب شد. با قدرت یافتن اتحادیه‌های کارگری، کارگران بریتانیا در سال ۱۸۶۷ و ۱۸۸۵ حق رأی به دست آوردند و حزب کارگر را در سال ۱۹۰۰ به وجود آوردند.

آلمان: ناپلئون اول در سال ۱۸۰۶ امپراتوری مقدس روم را برانداخت و اتریش و آلمان را از هم جدا کرد. انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ وحدت آلمان را تأمین نمود و بیسمارک صدراعظم معروف آلمان دست اتریش را از میهنش کوتاه کرد و ویلهلم اول پادشاه پروس در سال ۱۸۷۱ به نام امپراتور آلمان موسوم گردید و بدینسان رایش دوم به وجود آمد.

ایتالیا: ناپلئون بناپارت چندبار نقشهٔ سیاسی ایتالیا را دگرگون کرد و سرانجام در سال ۱۸۰۵ کشور ایتالیا تحت سلطنت ناپلئون تأسیس گردید. میهن‌پرستان ایتالیایی که از نحوهٔ استعماری حکومت کشور خویش ناراضی بودند، جمعیت‌های سری و انقلابی تشکیل دادند و به فعالیت‌های زیرزمینی پرداختند. کنگرهٔ وین در سال ۱۸۱۵ ایتالیا را به وضع قبل از زمان ناپلئون بازگردانید. ولی از نارضایتی میهن‌پرستان کاسته نشد. سرانجام به کوشش ویکتور امانوئل دوم وگاریبالدی و کاوور، وحدت ایتالیا تأمین شد و کشور تا شروع سدهٔ بیستم از حکومت نسبتاً آزاد و دموکراتیکی برخوردار بود و مستعمراتی را چون سومالی‌لند، اریتره و لیبی به دست آورد و از جنبهٔ صنعتی توسعه یافت.

کشور امریکا: از اواسط سدهٔ هجدهم فکر ایجاد یک تمدن امریکایی خاص، در مردم مهاجرنشین امریکا پیدا شد و سازمان‌های تعلیم و تربیت عالی همچون دانشگاه هاروارد و کینگز کالج (دانشگاه کلمبیای امروزی) تأسیس شد. افکار و اقدامات جانتن ادواردز (۱۷۰۳ - ۱۷۸۵) فیلسوف و اندیشمند امریکایی و بنجامین فرانکلین (۱۷۰۶-۱۷۹۰) در بارور کردن نهضت روشنفکری، تأثیر فراوان به جای گذارد. انقلاب امریکا به اعلام استقلال کشور مزبور در سال ۱۷۷۶ انجامید و در ۱۷۸۷ قانون اساسی امریکای فدرال تدوین گردید و جورج واشینگتون به ریاست جمهوری انتخاب شد و الگزاندر همیلتن (۱۷۵۸ - ۱۸۰۴) که در تدوین و تصویب قانون اساسی نقش مؤثری داشت، پایه‌های یک دولت نیرومند را تقویت کرد و حزب فدرالیست را بنیان نهاد. انقلاب سال ۱۸۰۰ فدرالیست‌ها را از قدرت انداخت و در سال ۱۸۶۰ آبراهام لینکلن ریاست جمهوری را عهده‌دار شد و چندی بعد آتش جنگ داخلی بین ایالات شمالی و جنوبی شعله‌ور گردید. در سال‌های آخر سدهٔ نوزدهم، فعالیت‌های دولت روی توسعهٔ خطوط راه‌آهن متمرکز شد و اقتصاد و صنعت پیشرفت شایان توجهی یافت. در همین دوران شرکت‌های بزرگی چون استاندارد اویل تأسیس گردید و سیل مهاجران به سوی کشور جوان امریکا سرازیر شد. جزایر هاوایی در سال ۱۸۹۸ به کشور امریکا پیوست و جنگ اسپانیا و امریکا به تصرف پوئرتوریکو و جزایر فیلیپین و گوآم از سوی امریکا انجامید و کوبا تحت‌الحمایهٔ امریکا قرار گرفت و کشور نوبنیاد امریکا به مرور به یک قدرت جهانی مبدل گردید.

افریقا: سوداگران پرتغالی، هلندی، بریتانیایی و فرانسوی در سده‌های شانزدهم و هفدهم به افریقا روی آوردند. جان هنینگ اسپیک پویندهٔ انگلیسی دریاچه‌های تانگانیکا، ویکتوریا و نیانزا را در سال ۱۸۵۸ کشف نمود و سرچشمهٔ رود نیل را شناسایی کرد و دیوید لیوینگستن مبلغ مذهبی اسکاتلندی قارهٔ افریقا را از سویی به سوی دیگر پیمود. ثروت سرشار قارهٔ افریقا توجه اروپاییان را به سوی خود جلب کرد تا جایی که این قاره را در اوایل سده بیستم بین خود تقسیم کردند و فقط مصر و حبشه و لیبریا تا اندازه‌ای استقلال خود را حفظ نمودند. در افریقای جنوبی، بوئرها، یعنی ساکنان هلندی‌تبار افریقای جنوبی، در برابر نیروهای انگلیسی به سختی و رشادت هرچه بیشتر جنگیدند، ولی سرانجام انگلیسی‌ها در سال ۱۹۰۰ پیروز شدند و بخش عمدهٔ سرزمین بوئرها را تصرف نمودند.

امریکای لاتین: هائی‌تی با استفاده از شورش بردگان به عنوان نخستین کشور امریکای لاتین در سال ۱۸۰۴ به کسب استقلال نایل شد و سیمون بولیوار (۱۷۸۳-۱۸۳۰) علیه استعمارگران اسپانیایی به پا خاست و برزیل نیز در سال ۱۸۲۲ از زیر یوغ استعمار پرتغالی‌ها رهایی یافت و اعلام استقلال کرد.

چین: دوری جستن و احتراز چینی‌ها از دنیای غرب، آنان را با تکنولوژی بیگانه کرد و در مقابل مقاصد استعماری غربی‌ها به ویژه انگلیسی‌ها درمانده نمود و جنگ تریاک انگلیسی‌ها را بر این سرزمین مستولی ساخت و بندر هنگ‌کنگ به تصرف آنان درآمد.

استیلای اروپاییان بر آسیا: با انحطاط و زوال تدریجی امپراتوری عثمانی، پای اروپاییان به سرزمین‌های بالکان و شمال افریقا و کانال سوئز باز شد و روس‌ها رو به جنوب شروع به پیشروی کردند (۱۸۸۴) و سراسر ترکستان و قفقاز و اراضی متعلق به چین در آسیای خاوری را به تصرف درآوردند. اسلاوهای بالکان علیه عثمانی‌ها به پا خاستند و جنگ‌های استقلال بالکان را آغاز نمودند.

ایران: شروع سلطنت آقامحمدخان، سردودمان قاجار با انقلاب فرانسه و رقابت‌های سیاسی و نظامی و بازرگانی روس و انگلیس همزمان شد. در جنگ‌های ایران و روس، بخش وسیعی از آذربایجان ایران به تصرف روسیه درآمد و جنگ‌های هرات نیز به جدایی هرات از ایران منجر شد. دوران سلطنت طولانی ناصرالدین‌شاه که با استبداد و خودکامگی همراه بود، با ترور وی درسال ۱۸۹۵ به پایان رسید.

ژاپن: این کشور که از جانب امریکا و اروپاییان تحت فشار بود، ناگزیر از انزوا بدر آمد و موتسوهیتو امپراتور ژاپن رژیم شوگونی را درسال ۱۸۶۸ برانداخت و خود رأساً عنان اختیار کشور را در دست گرفت و به اصلاحات اساسی دست زد.

برمه: در سال ۱۸۲۵ به تصرف بریتانیا درآمد و هندوچین در سال‌های ۱۸۶۲ تا ۱۸۹۵ به مستعمرهٔ فرانسه مبدل شد.

استرالیا: جیمز کوک پویندهٔ معروف انگلیسی در سال ۱۷۷۰ در ساحل خلیج باتنی پیاده شد و مدعی مالکیت بریتانیا بر سواحل خاوری استرالیا گردید. نخستین ماندگاه تبعیدیان انگلیسی در سال ۱۷۸۸ در محل سیدنی امروزی تأسیس گردید و انگلیسی‌ها در سال ۱۸۲۹ بر سراسر جزیرهٔ استرالیا مستولی شدند. کشف معادن طلا در سال ۱۸۵۱ گروه زیادی را به استرالیا جلب کرد و ملل مشترک‌المنافع استرالیا در ۱۹۰۱ از اتحاد مهاجرنشین‌های مختلف تأسیس گردید.

تحولات اجتماعی: با صدور بیانیهٔ مارکس و انگلس، موسوم به مانیفیست کمونیست، در سال ۱۸۴۸ مرحلهٔ نوینی در نحوهٔ تفکر جوامع انسانی پیدا شد و حقوق کارگران و دهقانان مطرح گردید و مطمح نظر دولت‌های اروپایی قرار گرفت.

رابرت اوون (۱۷۷۱ - ۱۸۵۸) سوسیالیست انگلیسی و یکی از پیشروان شرکت‌های تعاونی و کارل هاینریش مارکس (۱۸۱۸ - ۱۸۸۳) فیلسوف، اندیشمند و اقتصاددان آلمانی که یکی از مؤثرترین اندیشمندان مکتب سوسیالیسم و بنیانگذار حزب کمونیست بود، افکار سیاسی آزادیخواهانه‌ای ارائه داد.

چارلز داروین (۱۸۰۹ - ۱۸۸۲) طبیعی‌دان انگلیسی مطالعات و نظرات بسیار جالبی در زمینهٔ تکامل بیان داشت و کتاب معروف خود به نام اصل انواع یا بنیاد انواع را منتشر نمود و تحول عظیمی در نگرش به چگونگی آفرینش و وراثت پدید آورد و لوئی پاستور (۱۸۲۲ - ۱۸۹۵) شیمی‌دان و باکتری‌شناس فرانسوی وجود موجودات ذره‌بینی زنده را کشف کرد و با ارائهٔ نظریه پاستوریزاسیون، دگرگونی بزرگی در بهداشت و پیشگیری از شیوع بیماری‌ها به وجود آورد.

در صحنهٔ سیاست، لیبرال‌ها یا آزادیخواهان شروع به خودنمایی کردند و آزادگانی چون دیوید ریکاردو (۱۷۷۲-۱۸۲۳) اقتصاددان انگلیسی که از پیشروان مکتب کلاسیک بود، تأثیر فراوانی بر افکار کارل مارکس به جای گذارد. جان استوارت میل (۱۸۰۶ - ۱۸۷۳) فیلسوف و اقتصاددان بریتانیایی کتاب خود را در باب اخلاق و سیاست تدوین نمود و با اعتقاد بر این که اساس دانش انسان بر دریافت‌های مستقیم وی از راه استنتاج به دست می‌آید، گام بزرگی در تحولات فکری برداشت.

در آن سوی اقیانوس اطلس، داروثیا لینددیکس (۱۸۰۲ - ۱۸۸۷) بانوی امریکایی و از پیشگامان نهضت درمان بیماران روانی به صحنهٔ فرهنگ و تمدن بشری قدم گذارد و سوزان براونل انتونی (۱۸۲۰ - ۱۹۰۶) مصلح اجتماعی امریکایی رهبری جنبش حق رأی برای زنان را بر عهده گرفت و از سوی دیگر طی سال‌های ۱۸۳۳ تا ۱۸۸۸ برده‌داری در امپراتوری بریتانیا و کشور امریکا و برزیل ملغی شد.

رمانتیسم: یا نهضت رمانتیک، نهضتی است ادبی و هنری مربوط به نیمهٔ دوم سدهٔ هجدهم و سدهٔ نوزدهم که به آزاد بودن و رهایی هنرمند از هرگونه قیدی معتقد است. ژان ژاک روسو عقاید خود را در بارهٔ تعلیم و تربیت در کتاب امیل و در همین قالب بیان داشت و شخصیت‌هایی مانند لسینگ (۱۷۲۹ - ۱۷۸۱) نویسنده و نقاد آلمانی، هردر (۱۷۴۴ - ۱۸۰۳) فیلسوف و شاعر آلمانی، گوته (۱۷۴۹ - ۱۸۳۲) شاعر و داستانسرا و متفکر آلمانی، از جمله چهره‌های تابناک نهضت رمانتیک به شمار می‌آیند.

رمانتیسم در سبک معماری گوتیک که از سبک‌های قدیمی مربوط به حدود قرن دوازدهم الهام گرفته بود، نیز اثر گذارد و به آن جانی تازه بخشید.

در صحنهٔ ادبیات و نویسندگی رمانتیک، هارس والپول (۱۷۱۷ - ۱۷۹۷) نویسندهٔ انگلیسی، ویلیام بلیک (۱۷۵۷-۱۸۲۷) هنرمند و شاعر انگلیسی و تامس کارلایل (۱۷۹۵ - ۱۸۸۱) ادیب بریتانیایی در آسمان رمانتیسم به درخشیدن پرداختند.

ویلیام وردزورث (۱۷۷۰ - ۱۸۵۰) شاعر انگلیسی از نخستین پیشگامان رمانتیسم و جورج بایرون (۱۷۸۸ - ۱۸۲۴) شاعر رمانتیک انگلیسی، ویکتور هوگو (۱۸۰۲ - ۱۸۸۵) شاعر و درام‌نویس فرانسوی و بسیاری دیگر، از جمله ستارگان عالم نهضت رمانتیک محسوب می‌شوند.

در زمینهٔ هنرهای زیبا، به دنبال تأسیس مدرسهٔ بوزار پاریس در سال ۱۸۶۱، اپرای وین نیز طی سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۹ تأسیس شد و مجسمهٔ آزادی که توسط بارتولدی فرانسوی ساخته شده بود، در سال ۱۸۸۴ در نیویورک نصب گردید و هنرمندانی چون کامی پیشارو (۱۸۳۰-۱۹۰۳) و پیراوگوست رنوآر (۱۸۴۱-۱۹۱۹) نقاشان فرانسوی، شروع به خودنمایی کردند. در زمینهٔ داستان‌نویسی رئالیستی چارلز دیکنز (۱۸۱۲ - ۱۸۷۰) و جورج الیوت (۱۸۱۹ - ۱۸۸۰) داستان نویسان انگلیسی در آسمان ادبیات جهان درخشش یافتند و نیکولاویچ(لئو) تولستوی (۱۸۲۸ - ۱۹۱۰)رمان‌نویس و ادیب روسی و اونوره دو بالزاک (۱۷۹۹ - ۱۸۵۰)، رمان‌نویس فرانسوی را نیز باید از جمله ستارگان مزبور به شمار آورد.

توسعهٔ صنعت: انقلاب صنعتی انگلستان در سراسر اروپا، به ویژه آلمان به سرعت شیوع یافت و در امریکا به تولید انبوه اقلام صنعتی انجامید و با به کارگیری شیوه بسمر میزان تولید فولاد فزونی گرفت و ماشین خیاطی و ماشین‌آلات صنعتی بسیاری در نمایشگاه سال ۱۸۵۱ کریستال پالاس در لندن به نمایش گذارده شد.

از آنجایی که نیاز تجارت و داد و ستد با نواحی دوردست تحول در حمل و نقل و ارتباطات را ضروری می‌کرد، از این رو خطوط راه‌آهن که نخستین بار در دههٔ ۱۸۲۰ در انگلستان به کار گرفته شده بود، در سراسر اروپا و امریکا توسعه یافت و طول شبکه خطوط آهن از ۲۴۰،۰۰۰ کیلومتر به ۴۰۰،۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۸۸۰ بالغ گردید.

استفاده از نیروی بخار در کشتی با استقبال تمام روبرو شد و نخستین کشتی بخار به نام ساوانا، اقیانوس اطلس را در سال ۱۸۱۹ در نوردید. خطوط تلگراف با پیدایش الفبای مورس دنیای جدید و قدیم را به هم پیوند داد و نخستین کابل زیردریایی میان قاره‌های اروپا و امریکا در سال ۱۸۶۶ کار گذارده شد و خطوط تلفن تجارتی و همگانی در ۱۸۷۸ در امریکا دایر شد.

با ظهور طبقهٔ جدید کارگر که محصول انقلاب صنعتی بود، آنان به تدریج اتحادیه‌های خود را در انگلستان (سال۱۸۲۴)، فرانسه (۱۸۸۴) و امریکا (۱۸۸۶) به ثبت رساندند و رسماً شروع به فعالیت کردند. قانون کار که به کارگیری خردسالان در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را منع می‌کرد، طی سال‌های ۱۸۳۳ تا۱۸۵۰ در کشورهای صنعتی به تصویب رسید و اولین سازمان تأمین اجتماعی در خلال سال‌های ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۹ به وسیلهٔ بیسمارک صدر اعظم آلمان پی‌ریزی گردید.

قرن بیستم؛ جنگ‌های بزرگ ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ میلادی

آرامش قبل از توفان: فاصلهٔ زمانی بین ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴ را به دورهٔ صلح مسلّح نامگذاری کرده‌اند. در این مدت کشورهای بزرگ به تکمیل سلاح‌های جنگی و تجهیز ارتش‌های خود پرداختند و کشورهای اروپایی به صف‌آرایی در مقابل یکدیگر مشغول شدند و اتحاد مثلث و اتفاق مثلث را پدید آوردند. روسیه، فرانسه و بریتانیای کبیر که از توسعه‌طلبی‌های آلمان نگران بودند با هم اتفاق کردند و در سوی دیگر ویلهلم دوم که در سال ۱۸۹۰ به امپراتوری آلمان رسیده بود، سیاست‌های تجاوزکارانه پیش گرفت و در توسعهٔ صنایع آلمان کوشید و با تقویت نیروی دریایی خود به رقابت با بریتانیا پرداخت و همراه با کشورهای اتریش-هنگری، و ایتالیا اتحاد مثلث یا دول مرکزی را درسال ۱۹۰۲ ایجاد نمود. کشور ژاپن نیز در همان سال با انگلستان متحد شد و دولت عثمانی هم به صف آلمان و متحدانش پیوست.

امپراتوری عثمانی: بلغارستان در سال ۱۹۰۹ استقلال خود را از عثمانی اعلام نمود و همزمان بوسنی و هرزگوین به امپراتوری اتریش-هنگری پیوستند. در ۱۹۱۱ طرابلس غرب (لیبی) نیز پس از جنگ عثمانی و ایتالیا از تصرف عثمانی خارج شد و جنگ‌های بالکان، متصرفات اروپایی عثمانی را به ناحیهٔ کوچک تراکیا منحصر نمود. بریتانیا در ۱۸۹۹ کویت و در ۱۹۰۶ صحرای سینا را از تصرف عثمانی به در آورد. در ۱۹۰۸ نهضت ترک‌های جوان که در میان سپاهیان ناراضی عثمانی به وجود آمده بود، سلطان عثمانی را به پذیرش قانون اساسی و تشکیل مجلس ملی واداشت و در پی آن دستگاه‌های جاسوسی و سانسور منحل گردید.

بریتانیا: پس از سال ۱۹۰۰ که بریتانیا از نظر تجارت و استعمارطلبی با رقیبی چون آلمان روبرو شده بود، دست به انعقاد یک سری اتحاد نظامی در اروپا زد و قارهٔ مزبور را به مسابقهٔ تسلیحاتی کشانید.

اتریش: جنگ اتریش و پروس در سال ۱۸۶۶ دست اتریش را از آلمان کوتاه کرد و در مقابل در ۱۸۶۷ با مجارستان (هنگری) نظام پادشاهی دوگانه‌ای به نام اتریش - هنگری تأسیس نمود و در پی آن از ضعف امپراتوری عثمانی استفاده کرد و در بالکان به دست‌اندازی و گسترش نفوذ خود پرداخت. در سال ۱۸۷۸ بوسنی و هرزگوین را اشغال کرد و کشمکش با صربستان به جنگ جهانی اول انجامید.

آسیای خاوری: صنعت ژاپن رو به توسعه نهاد و جنگ دریایی سال ۵-۱۹۰۴ که به شکست نیروی دریایی روسیه انجامید، قدرت نظامی ژاپن را مسجّل نمود. به دنبال آن، ژاپن در سال ۱۹۰۵ پورت‌آرتور و در ۱۹۱۰ کره را ضمیمهٔ خاک خود نمود و شانتونگ را به تصرف درآورد و اراضی متصرفی آلمان در اقیانوس آرام را تملک نمود.

فرانسه: سیاست خارجی در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول ادامهٔ توسعهٔ مستعمرات در افریقا و آسیا بود. وحشت از توسعهٔ قدرت نظامی آلمان، فرانسه را به روسیه و سپس به انگلستان نزدیک کرد و اتفاق مثلث پایه گذاری شد.

روسیه: پس از قتل الکساندر دوم در سال ۱۸۸۱ الکساندر سوم به سلطنت رسید. وی که مرد خودکامه و مرتجعی بود رژیم پلیسی را بر روسیه حاکم کرد و توسعهٔ صنایع را تشویق نمود. پس از او نیکولای دوم در ۱۸۹۴ سمت تزاری روسیه را بر عهده گرفت. وی نهضت‌های انقلابی را سرکوب کرد و در جنگ دریایی با ژاپن (۵-۱۹۰۴) شکست خورد و ناخرسندی مردم روسیه را تشدید نمود. وی با وجود این که از بروز جنگ به شدت هراسان بود، تن به اتفاق با فرانسه و انگلستان داد و خود را برای رویارویی با آلمان آماده کرد.

ارتباطات: توسعهٔ حمل ونقل و ارتباطات و حرکت و جابجایی توده‌های مردم، جهان را به سوی تحول بزرگی به نام عصر ماشین هدایت کرد. نخستین خودرو در سال ۱۸۸۵ به وسیلهٔ گوتلیب دایملر و کارل بنز آلمانی ساخته شد و در پی آن کارخانهٔ اتومبیل سازی امریکایی فورد در سال ۱۹۰۳ به تولید انبوه خودرو پرداخت تا جایی که در سال ۱۹۱۰ تقریباً ۵۰۰،۰۰۰ اتومبیل در امریکا به ثبت رسیده و شماره‌گذاری شده بود. برادران رایت از اهالی امریکا، نخستین پرواز موفقیت‌آمیز با هواپیما را در دسامبر ۱۹۰۳ انجام دادند و در زمینهٔ صنایع مربوط به ناوبری و هدایت کشتی، دستگاه قطب‌نمای ژیروسکوپی در ۱۹۱۰ اختراع گردید و کشتی سریع‌السیر لوزیتانیا در سال ۱۹۰۶ حد فاصل اروپا و امریکا را در اقیانوس اطلس را در ۵ روز درنوردید. نخستین دستگاه تلگراف بی‌سیم در ۱۹۰۱ اختراع شد و ۶ سال بعد مارکونی ایتالیایی ارتباط رادیویی میان قاره‌های اروپا و امریکا را برقرار کرد و ارسال تصاویر تلگرافی در سال ۱۹۰۴ میسر شد و فن متحرک ساختن تصاویر که سابقهٔ آن به سال‌های ۱۸۹۰ می‌رسید، به وسیلهٔ برادران لومیر فرانسوی تکمیل گردید و به نام سینماتوگراف به ثبت رسید و استفاده از آن در ۱۹۰۹ عمومیت یافت و اندک زمانی بعد دستگاه فونوگراف نیز اختراع شد.

جنگ و انقلاب: قتل ولیعهد اتریش در شهر سارایوو (ژوئن ۱۹۱۴) بهانه‌ای بود تا اتریش به صربستان اعلان جنگ دهد و به دنبال آن آلمان به روسیه و فرانسه نیز اعلان جنگ داد و بدون مقدمه به بلژیک حمله کرد و سرانجام با اعلان جنگ آلمان و بریتانیا(اوت ۱۹۱۴) جنگ جهانی اول آغاز گردید.

در شروع جنگ، آلمان با سرعتی خیره کننده در جبهه‌های مختلف پیشروی کرد و روس‌ها را که به پروس شرقی حمله برده بودند، مغلوب نمود. در اوت ۱۹۱۴ ژاپن به متفقین پیوست و علیه آلمان و متحدانش اعلان جنگ داد و متصرفات آلمان در اقیانوس آرام را تصرف نمود و مستعمرات آلمان در افریقا نیز به اشغال متفقین درآمد.

از سوی دیگر دولت عثمانی در نوامبر ۱۹۱۴ به کمک متحدانش شتافت و دامنهٔ جنگ را تا آسیای غربی و ایران گسترش داد. در سال ۱۹۱۵ آلمان حملهٔ تازه‌ای را شروع کرد و روس‌ها را از لهستان بیرون راند و در مه همان سال کشتی لوزیتانیا را که حامل گروهی مسافران امریکایی بود در اقیانوس اطلس غرق کرد و این امر اگرچه باعث ناخشنودی امریکاییان گردید، اما دولت امریکا همچنان بی‌طرفی خود را حفظ کرد.

ایتالیا در مه ۱۹۱۵ به اتریش اعلان جنگ داد و حملهٔ آلمان‌ها در فوریهٔ ۱۹۱۶ به وردن که برای نخستین بار تانک در آن به کار رفته بود، با مقاومت شدید فرانسوی‌ها و تلفات سنگین آلمان پایان یافت. انگلیسی‌ها به کمک لورنس، اعراب خاورمیانه را علیه دولت عثمانی به شورش واداشتند و عرصه را بر عثمانی‌ها تنگ کردند.

در فوریهٔ ۱۹۱۷ کشور امریکا علیه آلمان و متحدانش وارد جنگ شد و نبرد زیردریایی‌های آلمان در آوریل همان سال به اوج خود رسید و ۱۹۶ کشتی بریتانیایی غرق گردید.

در مارس ۱۹۱۷، شورش روس‌ها علیه تزار نیکولای دوم آغاز شد و به برافتادن نظام سلطنتی انجامید. در نوامبر همان سال بلشویک‌ها زمام امور روسیه را در دست گرفتند و قرارداد صلح برست - لیتوفسک رادر مارس ۱۹۱۸ با آلمان امضاء نمودند.

انگلیسی‌ها در مارس ۱۹۱۷ بغداد را تصرف کردند و به دنبال آن بر بیت‌المقدس (اورشلیم) نیز استیلا یافتند. در سپتامبر ۱۹۱۸ متفقین به بلغارستان حمله کردند و کشور مزبور را وادار به قبول صلح نمودند و اتریشی‌ها را از صربستان بیرون راندند و سرانجام دولت اتریش در سوم نوامبر ۱۹۱۸ تن به صلح داد و قرارداد متارکهٔ جنگ را امضاء نمود.

در جبههٔ آسیای غربی، نیروهای عثمانی تسلیم انگلیسی‌ها شدند و دمشق و حلب را به متفقین واگذار کردند و در ۳۰ اکتبر قرارداد متارکهٔ جنگ را امضاء کردند.

آلمان بر اثر بالا گرفتن احساسات ضد جنگ در داخل ناگزیر، تن به صلح داد و در ۱۶ نوامبر ۱۹۱۸ متارکهٔ جنگ را آغاز نمود و ویلهلم دوم در نهم نوامبر همان سال از فرمانروایی آلمان کناره گرفت و سرانجام در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ قرارداد متارکهٔ جنگ را در کومپینی امضاء نمود.

انقلاب روسیه: جنگ روس و ژاپن در سال ۱۹۰۵ به اعتبار روسیه صدمهٔ فراوان وارد کرد و ناخرسندی عمومی مردم روسیه را موجب گردید. شکست روسیه در جنگ جهانی اول اوضاع

را وخیم‌تر کرد و کارگران را در مسکو و پتروگراد(سنت‌پترزبورگ) به اعتصاب واداشت و سربازان نیز با کارگران به اظهار همدردی پرداختند.

تزار که فرمان انحلال دوما (پارلمان) را صادر کرده بود با واکنش سخت کارگران روبرو شد. اعتصابیونْ شهر پتروگراد را تصرف کردند و تزار را در ۱۵ مارس ۱۹۱۷ وادار به کناره‌گیری نمودند. الکساندر کرنسکی که ریاست دولت موقت را بر عهده گرفته بود از پس بلشویک‌ها برنیامد و حکومت در نوامبر ۱۹۱۷ (در تقویم قدیم روسی با اکتبر حالیه منطبق است) به دست بلشویک‌ها افتاد و شورای کمیسرهای مردم به ریاست لنین تشکیل شد. دولت جدید الغای مالکیت ارضی را اعلام داشت و دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار نمود و با دول آلمان و متحدانش صلح کرد و پیمان برست - لیتوفسک را در مارس ۱۹۱۸ امضاء نمود. با روی کار آمدن بلشویک‌ها، سلطنت‌طلبان، آنارشیست‌ها و سوسیالیست‌ها سر به شورش برداشتند و جنگ داخلی بین ارتش سرخ (بلشویک‌ها) و ارتش سفید (مخالفان بلشویک‌ها) در روسیه آغاز شد و همزمان تزار و خانواده‌اش به طور دسته‌جمعی اعدام شدند. عدم هماهنگی سفیدها به پیروزی سرخ‌ها منجر شد و آخرینْ دستهٔ نیروهای سفید در پایان سال ۱۹۲۰ دست از مخاصمه کشیدند و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۱۹۲۲ سازمان یافت.

پرتغال: با استعفای مانوئل دوم در سال ۱۹۱۰ رژیم سلطنتی برافتاد و نظام جمهوری از سال ۱۹۱۱ روی کار آمد.

ایرلند: آفت سیب‌زمینی در دههٔ ۱۸۴۰ حدود یک میلیون ایرلندی را از گرسنگی و بیماری به کام مرگ فرستاد و قریب ۱،۶۰۰،۰۰۰ تن به خارج از کشور مهاجرت کردند. نهضت ملی شین‌فین که خواهان استقلال ایرلند بود به شورش عید ایستر (پاک) در سال ۱۹۱۶ و جنگ‌های سال ۱۹۱۸ منجر شد و ظهور نویسندگانی چون جورج برناردشاو (۱۸۵۶ - ۱۹۵۰) و جیمز جویس (۱۸۸۲ - ۱۹۴۱) حس ملیت ایرلندیها را برانگیخت و سرانجام بخش جنوبی ایرلند در سال ۱۹۲۱ از انگلستان جدا شد و به استقلال رسید و قانون اساسی سال ۱۹۳۷، کشور آزاد ایرلند را به جمهوری ایره (نام ایرلندی جزیرهٔ ایرلند) تبدیل نمود.

آلمان: پس از شکست در جنگ جهانی اول، ویلهلم دوم در سال ۱۹۱۸ استعفاء داد و با پذیرفتن شرایط سخت معاهدهٔ ورسای، جمهوری وایمار تشکیل گردید. متعاقباً فریدریش ابرت به عنوان نخستین رئیس جمهور آلمان انتخاب شد. در زمان ریاست جمهوری مارشال هیندنبورگ وضع اقتصادی آلمان به مرور رونق گرفت و با روی کار آمدن نازی‌ها، جای خود را در ردیف کشورهای مقتدر اروپایی باز کرد.

مجارستان: این کشور که سال‌ها پیش از جنگ جهانی عملاً در کشور اتریش ادغام شده و کشور اتریش-هنگری را به وجود آورده بود، در حین جنگ و پس از آن آسیب فراوان دید و ملیّون مجار خواهان استقلال کشور و خارج شدن از جنگ گردیدند. در اکتبر ۱۹۱۸ کنت کارولیی به نخست‌وزیری رسید و با شکست اتریش در جنگ، امپراتوری اتریش - هنگری نیز از هم پاشید و کشور مجارستان به یک جمهوری مستقل تبدیل شد. در ۱۹۱۹ کمونیست‌ها قدرت را به دست گرفتند و در پی آن آشوب و بی‌سروسامانی تا سال ۱۹۴۱ گریبان کشور را گرفت و سرانجام به نزدیک شدن به آلمان نازی منجر گردید.

اتریش: در نتیجهٔ شکست در جنگ جهانی اول، امپراتور کارل فرانتس یوزف در نوامبر ۱۹۱۸ استعفاء داد و نظام جمهوری جای رژیم سلطنتی را گرفت. درسال ۱۹۳۳ نهضت نیرومندی به طرفداری از نازی‌ها به وجود آمد و پس از مقتول شدن انگلبرت دولفوس صدراعظم اتریش در سال ۱۹۳۴، به خاک آلمان ملحق گردید(مارس ۱۹۳۸).

چین: خانوادهٔ سلطنتی منچو سرنگون شد و در اکتبر ۱۹۱۱ چین به یک کشور جمهوری مبدل گردید و دکتر سون یاتسن به عنوان نخستین رئیس جمهور چین بر سر کار آمد. وی کمی بعد به نفع یوآن شی - کای از کار کناره‌گیری کرد و در پی آن کشمکش‌های داخلی آغاز گردید. در جنگ جهانی اول به نفع متفقین وارد جنگ شد و چون در پایان جنگ به خواسته‌های آن توجهی نشد، موج ناآرامی و شورش سراسر کشور را در بر گرفت. ناگزیر کنفرانس ۱۹۲۲ واشینگتون تمامیت ارضی چین را تضمین کرد و شبه جزیرهٔ شانتونگ از اشغال ژاپن خارج گردید و مجدداً به چین پیوست.

دکتر سون یاتسن که برای بار دوم در سال ۱۹۲۱ به ریاست جمهوری رسیده بود، در سال ۱۹۲۵ درگذشت و جانشین وی ژنرال چیانگ کای شک رهبری کشور را در دست گرفت و نانکینگ رابه پایتختی انتخاب کرد. در ۱۹۲۷ میان حزب کوئومینتانگ (ملّیون به رهبری ژنرال چیانگ کای شک) و کمونیست‌ها که بسیار قوی شده بودند اختلاف افتاد و ژاپن از این فرصت استفاده کرد و منچوری را تصرف نمود و در ژوئیه ۱۹۳۷ جنگ میان چین و ژاپن آغاز شد.

ژاپن: پیروزی ژاپن بر روسیه در سال ۵-۱۹۰۴ اعتبار کشور را فزونی بخشید. در سال ۱۹۱۰ کره راتصرف کرد و سپس شانتونگ را که جزء متصرفات آلمان بود به دست آورد. در ۱۹۳۰ نظامیان افراطی زمام امور کشور را در دست گرفتند و بر تجهیز و تقویت ارتش تأکید ورزیدند و به دنبال آن در ۱۹۳۱ منچوری را اشغال نمودند و دولت دست‌نشاندهٔ منچوکوئورا در آنجا تأسیس کردند و همزمان بر توان اقتصادی کشور به نحو شگفت‌انگیزی افزودند. ژاپن در ۱۹۳۷ به بهانهٔ حادثه‌ای که در پکن روی داد به نواحی شمالی چین لشگر کشید و جنگ چین و ژاپن را آغاز نمود.

ایران: روزگار کوتاه زمامداری مظفرالدین‌شاه با انقلاب مشروطیت همزمان گردید و نظام حکومتی ایران در سال ۱۹۰۵ به سلطنتی مشروطه مبدل شد. تاخت و تاز روس‌ها و عثمانی‌ها در جنگ جهانی اول، نابسامانی و اغتشاش در امور ایران را موجب گردید و سرانجام خاندان قاجار با کودتای ۱۹۲۱ رضاخان سردار سپه و انتقال سلطنت به خاندان پهلوی (۱۹۲۶) منقرض شد. از اقدامات مؤثر و مفیدی که در این دوره از تاریخ در ایران به وقوع پیوست، تأسیس دارالفنون به دست امیرکبیر، صدراعظم مقتول ناصرالدین شاه را باید نام برد.

هند: نارضایتی مردم هند نسبت به حکومت استعماری انگلیس به پیدایش نهضت مقاومت منفی به رهبری مهاتما گاندی (۱۸۶۹ - ۱۹۴۸) منجر شد و انگلیسی‌ها را به واکنش‌های شدید وادار ساخت تا جایی که حدود ۴۰۰ نفر از مردم غیر مسلّح هند را که در تظاهرات آرام آوریل ۱۹۱۹ شهر آمریتسار شرکت کرده بودند، به ضرب گلوله از پای درآوردند. اقدامات و رهبری‌های گاندی افزون بر آن که استقلال هند را در اوت ۱۹۴۷ به ارمغان آورد، از جنبهٔ مبارزه با اختلافات و تبعیضات طبقاتی مرسوم در هند، و اصلاح وضع اسف‌بار طبقهٔ نجس‌ها نیز بسیار تأثیرگذار بود. از جمله چهره‌های درخشان این دوره از تاریخ هند باید به رابیندرانات تاگور (۱۸۶۱-۱۹۴۱) نویسنده و شاعر نامدار و برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل سال ۱۹۱۳ اشاره نمود.

جامعهٔ ملل: از جمله دستاوردهای جنگ جهانی اول تأسیس جامعهٔ ملل، به منظور حفظ صلح و داوری در مورد اختلاف بین کشورها و ترویج همکاری بین‌المللی بود. جامعهٔ مزبور در اثر مساعی و مجاهدات اشخاصی مانند یان کریستیان اسماتس سیاستمدار هلندی‌تبار افریقای جنوبی، لئون بورژوآ فیلسوف و سیاستمدار فرانسوی و رابرت سسیل سیاستمدار انگلیسی و حمایت وودرو ویلسون رئیس جمهور وقت امریکا تأسیس شد و مقر آن در شهر ژنو قرار داشت.

امتناع دولت امریکا از قبول عضویت در جامعهٔ مزبور، کناره‌گیری ژاپن از عضویت آن درسال ۱۹۳۱ و عدم توانایی در جلوگیری از جنگ بولیوی و پاراگوئه (۱۹۳۵)، و خروج آلمان از عضویت جامعه در ۱۹۳۶، به انحطاط جامعهٔ ملل منجر شد و پس از پایان جنگ جهانی دوم سازمان ملل متحد جای آن را گرفت.

جهان میان دو جنگ ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹ میلادی

امریکا: تحت تأثیر استفاده از فن‌آوری‌هایی همچون اتومبیل، تلفن، رادیو و غیره، زندگی به کلی دگرگون شد و مردم به ثروت‌های هنگفت رسیدند. شرایط مزبور در سال ۱۹۲۹ دگرگون شد و بحران اقتصادی بزرگی امریکا و پس از آن، سراسر جهان را فرا گرفت و زندگی سخت و ناگوار گردید و هم کلیّه رؤسای جمهور سال‌های بعد امریکا صرف مبارزه با این نابسامانی شد. امریکا در این روزگار سیاست بی‌طرفی و عدم مداخله در امور فرامرزی را پیش گرفت و از دخالت در مسائل جهانی مانند عملیات تحریک‌آمیز آلمان نازی در اروپا، و ژاپن در خاور دور و شعله‌ور شدن جنگ در چین و اتیوپی و اسپانیا و حتی سالهای اول شروع جنگ جهانی دوم، خودداری کرد.

آلمان: بحران اقتصادی عالمگیر سال ۱۹۲۹ در اقتصاد آلمان نیز اثر گذارد و این کشور را به ورشکستگی کشاند. پیروزی حزب ناسیونال سوسیالیسم (نازی) آلمان در انتخابات سال ۱۹۳۲، آدولف هیتلر (۱۸۸۹ - ۱۹۴۵) را به صدراعظمی آلمان رسانید. هیتلر در رایش سوم کلیهٔ امور را به نازی‌ها سپرد و برای تجدید تسلیحات آلمان به اقدامات مؤثری دست زد. در مارس ۱۹۳۸ اتریش را به آلمان ملحق نمود ودر ۱۹۳۶ با حکومت ایتالیا به رهبری موسولینی متحد شد و نیروهای محور را به وجود آورد. در جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶ - ۱۹۳۹) به طرفداری از فاشیست‌ها مداخله کرد و در ۱۹۳۸ ناحیه سودت در چکسلواکی را ضمیمهٔ خاک آلمان نمود و در پی آن در سال ۱۹۳۹ بوهم و موراوی را تصرف نمود و به منظور دستیابی به دانتزیگ به لهستان حمله کرد و جنگ جهانی دوم را آغاز نمود.

بریتانیا: انگلستان پس از جنگ جهانی اول از یک سو با دشواری‌های اقتصادی روبرو شد و از سوی دیگر با شورش ایرلندی‌ها و وقایع هند و اعتصاب‌های دسته‌جمعی مواجه گردید و از بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۲۹ - ۱۹۳۱ آسیب فراوان دید. با نخست‌وزیر شدن نویل چمبرلین انگلستان سیاست مسالمت‌آمیز با نیروهای محور را در پیش گرفت و با امضای پیمان مونیخ در سال ۱۹۳۸ بخش بزرگی از کشور چکسلواکی را بدون مشورت با کشور مزبور به آلمان واگذار کرد.

چکسلواکی: پس از تجزیهٔ امپراتوری اتریش - هنگری (مجارستان) در سال ۱۹۱۸ کشور چکسلواکی هم به وجود آمد. ظهور هیتلر در آلمان کشور چکسلواکی را در بن‌بست سیاسی تنهاگذارد و اقلیت آلمانی آن با تحریکاتی که از سوی هیتلر می‌شد، خواستار الحاق به آلمان گردید. پیمان مونیخ (سال ۱۹۳۸) بدون مشورت با چکسلواکی ناحیهٔ مرزی سودت را به آلمان واگذارد و با استعفای ادوارد بنش از ریاست جمهوری چکسلواکی، آلمان بر این کشور استیلا یافت.

فرانسه: این کشور نیز از بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ سخت آسیب دید و برنامه‌های اقتصادی دولت‌های ائتلافی و متزلزل با شکست مواجه شد و با شرکت در پیمان مونیخ (۱۹۳۸) راه مسالمت با آلمان نازی و ایتالیای فاشیست را در پیش گرفت.

لهستان: پس از جنگ جهانی اول و شکست کشورهای روسیه، آلمان و اتریش، استقلال خود را بازیافت و جمهوری لهستان در سال ۱۹۱۸ تأسیس گردید. با روی کار آمدن حکومت نازی در آلمان، لهستان بار دیگر دستخوش تجاوز قدرت‌های بیگانه شد و در برابر پاسخ منفی به

آلمان در مورد واگذاری دالان دانتزیگ، در اول سپتامبر ۱۹۳۹ مورد یورش برق‌آسای آلمان نازی واقع شد و آتش جنگ جهانی دوم شعله‌ور گردید.

ایتالیا: در جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۱۵ ایتالیا به نفع متفقین و علیه آلمان و متحدانش وارد جنگ گردید. در کنفرانس صلح پاریس به وعده‌هایی که به ایتالیا داده شده بود، اعتنای چندانی نشد و موجبات عدم رضایت میهن پرستان ایتالیایی را فراهم آورد و نارضاییها و تشنجات سیاسی به پیدایش و روی کار آمدن فاشیسم به رهبری بنیتو موسولینی (۱۸۸۳ - ۱۹۴۵) منجر شد. موسولینی در ۱۹۲۲ زمام امور ایتالیا را در دست گرفت و ضمن سرکوب مخالفان، اقدامات مفیدی در کشور به عمل آورد. حبشه را در ۶-۱۹۳۵ تصرف کرد و در جنگ‌های داخلی اسپانیا (۹-۱۹۳۶) مداخله نمود و آلبانی را نیز در ۱۹۳۹ به تصرف درآورد و در همان سال رسماً با آلمان متحد شد و در ۱۹۴۰ به نفع آلمان وارد جنگ جهانی دوم شد.

اتحاد جماهیر شوروی: با درگذشت لنین در سال ۱۹۲۴، ژوزف استالین (۱۸۷۶ - ۱۹۵۳) زمام امور کشور را با قدرت و استبداد هر چه تمامتر در دست گرفت وبا اجرای برنامهٔ پنج ساله، اتحاد جماهیر شوروی را به یکی از نیرومندترین کشورهای صنعتی جهان مبدل کرد. در سال ۱۹۳۴ به عضویت جامعهٔ ملل درآمد و در ۱۹۳۹ باآلمان نازی پیمان عدم تجاوز منعقد کرد و آلمان را در شروع و سال‌های اول جنگ آزاد گذارد و در مقابل، نواحی خاوری لهستان و جمهوری‌های بالتیک راتصرف کرد.

ژاپن: پس از جنگ جهانی اول تا چند سال نیروهای میانه‌رو و آزادیخواه بر کشور حکومت کردند و انگیزه‌های کشورگشایی تا حدی تخفیف یافت. بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ تجارت ابریشم ژاپن را نابود کرد و نارضایی عمومی به سود ملیّون افراطی و طرفداران قدرت نظامی تمام شد. در ۱۹۳۱ ارتش ژاپن منچوری را اشغال کرد و دولت دست‌نشاندهٔ منچوکوئو را بر آن سرزمین تحمیل نمود و در مقابل اعتراض جامعهٔ ملل، از عضویت آن بیرون آمد. از سال ۱۹۳۰ دورهٔ رونق اقتصادی ژاپن آغاز شد و صادرات آن فزونی گرفت و از ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۷ به بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در چین شمالی پرداخت. در ۱۹۳۷ به بهانهٔ حادثه‌ای که در پکن روی داد، به استان‌های شمالی چین لشگر کشید و در ۱۹۴۰ دولت دست‌نشانده‌ای در نانکینگ به وجود آورد و سپس به هندوچین نیرو فرستاد و عملاً وارد جنگ جهانی دوم شد.

چین: با مرگ دکتر سون یاتسن در سال ۱۹۲۵، ژنرال چیانگ کای شک سرپرستی دولت چین را برعهده گرفت و کشور را تحت لوای واحد درآورد و شهر نانکینگ رابه پایتختی برگزید. در ۱۹۲۷ بین ملیّون و کمونیست‌های چین اختلاف افتاد، ژاپن از این فرصت استفاده کرد و منچوری را تصرف نمود و در پی آن در سال ۱۹۳۷ جنگ دامنه‌داری را با چین آغاز نمود و بیشتر نواحی اقتصادی چین را اشغال کرد و بدینسان چین را به جنگ جهانی دوم وارد نمود.

جنگ گرم و سرد

جنگ جهانی دوم: انعقاد پیمان مونیخ در سال ۱۹۳۸ ناحیهٔ مرزی سودت را به آلمان واگذار کرد و انعقاد پیمان عدم تعرض بین آلمان و اتحاد شوروی (اوت ۱۹۳۹) دست آلمان را برای تجاوز به لهستان باز نمود. در پی آن آلمان در یکم سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان حمله کرد و برق‌آسا دانمارک، نروژ، هلند و بلژیک را به زانو درآورد و ایتالیا نیز به نفع آلمان وارد جنگ شد. در بریتانیا، دولت چمبرلین که در برابر حملات برق‌آسای ارتش مجهز آلمان غافلگیر و درمانده شده بود، جای خود را به دولت وینستون چرچیل داد و خود را برای نبردی سخت آماده کرد.

در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۰ فرانسه نیز پس از دفاعی ناموفق به زانو درآمد و بریتانیا را در برابر حملات بی‌امان هوایی و دریایی آلمان تنها گذارد. در اکتبر ۱۹۴۰ ایتالیا به یونان حمله برد و آلمان در آوریل ۱۹۴۱ یونان و یوگسلاوی راتصرف نمود.

در ژوئن ۱۹۴۲ آلمان با وجود پیمان عدم تعرضی که با اتحاد جماهیر شوروی منعقد کرده بود به آن کشور حمله‌ور شد و تا حدود مسکو پیش رفت و شهر لنینگراد را محاصره نمود و پس از تصرف سواستوپل به منطقهٔ نفت‌خیز قفقاز نزدیک شد.

کشور امریکا که در مقابل حملهٔ بدون اعلان جنگ ژاپن به بندر پرل هاربر در دسامبر ۱۹۴۱ غافلگیر شده بود، از سیاست بی‌طرفی دست کشید و در سال ۱۹۴۲ عملاً وارد جنگ شد.

در سپتامبر ۱۹۴۰ ایتالیا به مصر حمله کرد و در پی آن آلمان و متفقین در افریقای شمالی درگیر شدند و پس از یک نبرد نسبتاً طولانی و عملیات رزمی شگفت‌انگیز مارشال رومل فرماندهٔ ارتش آلمان، سرانجام آلمان در مه ۱۹۴۳ تسلیم متفقین گردید.

نیروهای بریتانیایی در آوریل ۱۹۴۱ عراق و سوریه را اشغال نمودند و در ماه اوت همان سال ارتش‌های بریتانیا و شوروی به خاک ایران وارد شدند و زمینه را برای کنفرانس تهران و پل پیروزی فراهم کردند. امریکا و متفقین در سپتامبر ۱۹۴۳ از جنوب به سرزمین ایتالیا یورش بردند و دولت موسولینی را برانداختند. در پی آن ایتالیا از نیروهای محور جدا شد و علیه آلمان اعلان جنگ داد وآلمان پس از نبردی سخت در مقابل متفقین تاب مقاومت نیاورد واز ایتالیا عقب‌نشینی کرد. در جبههٔ شرق، حملهٔ مارس ۱۹۴۳ ارتش سرخ، آلمانی‌ها را از قفقاز بیرون راند و آنها را وادار به عقب‌نشینی نمود و در پی آن اوکراین، پروس شرقی، لهستان و یوگسلاوی نیز از وجود ارتش آلمان پاک‌سازی شد.

ارتش بریتانیا نیز در اکتبر ۱۹۴۴ یونان را تصرف نمود و بخش اعظم شبه جزیرهٔ بالکان را آزاد کرد و سپاهیان شوروی هم در ۱۹۴۵ لهستان، اتریش و چکسلواکی را از تصرف آلمان در آوردند و خود را به برلین شرقی رساندند.

امریکا و بریتانیا در ژوئن ۱۹۴۴ در نرماندی پیاده شدند و جبههٔ غرب را به فرماندهی ژنرال آیزنهاور باز کردند. آنان پس از نبردهای سخت، آلمان را شکست دادند و فرانسه، هلند و بلژیک را آزاد ساختند و با گذشتن از رود راین و تصرف برلین غربی آلمان را در دوم ماه مه ۱۹۴۵ وادار به تسلیم نمودند.

جنگ جهانی دوم در خاور دور و اقیانوس آرام: ژاپنی‌ها پس از حمله به پرل‌هاربر واقع در جزایر هاوایی به تایلند و شبه جزیره مالایا یورش بردند و سنگاپور را از تصرف بریتانیاییها خارج کردند و بر بیشتر جزایر اقیانوس آرام استیلا یافتند. در مه ۱۹۴۲ نیروی هوایی امریکا به ناوگان ژاپن در دریای مرجان حمله‌ور شد و خسارات سنگینی به آنها وارد نمود. با حملهٔ مارس ۱۹۴۳ به ناوگان ژاپن در دریای بیسمارک، نیروی دریایی ژاپن را در هم کوبید و در پی آن برمه و فیلیپین در ۱۹۴۵ از تصرف ژاپن خارج شد و با استیلا بر پایگاه‌های هوایی ایووجیما و اوکیناوا، مقدمات حملهٔ هوایی علیه خاک ژاپن فراهم شد و بمب‌های اتمی اوت ۱۹۴۵ که بر شهرهای هیروشیما و ناگازاکی فرو ریخت، ژاپن را به زانو درآورد و این کشور در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ تسلیم متفقین گردید.

تلفات انسانی: جنگ جهانی دوم را باید یکی از مصیبت‌بارترین رویدادهای تاریخ بشر به شمار آورد. علاوه بر جنایات نازی‌ها در برخورد با اسرای جنگی و تشکیل اردوهای کار اجباری و کوره‌های آدم‌سوزی مانند اردوی کار آوشویتس و کشتن و سوزاندن حدود ۵ تا ۶ میلیون اسیر جنگی به ویژه یهودیان و کشته شدن و آوارگی کولی‌ها و مخالفان سیاسی و شیوع انواع بیماری و اعمال وحشیانه‌ای که علیه اسلاوها، به ویژه رهبران آنها صورت گرفت، حدود ۷۰،۰۰۰ تن از مردم عادی و بی‌دفاع در بمباران شهرهای انگلیس و حدود یکصد هزار چینی در عملیات نظامی ژاپن برای تصرف نانکینگ کشته شدند. همچنین بمباران شهرها و تأسیسات آلمان توسط امریکا و متفقین و نیز بمباران شهرهای ژاپن توسط امریکا که شمار تلفات آنها به ۸۰،۰۰۰ تا ۲۰۰،۰۰۰ تن فقط در شهر هیروشیما می‌رسد را باید به آمار تلفات این جنگ عظیم افزود. در مجموع، رقمی بین ۴۵ تا ۵۰ میلیون نفر در طی جنگ جهانی دوم کشته شدند.

پیامدها و دستاوردهای جنگ: جامعهٔ ملل که از دستاوردهای جنگ جهانی اول بود، به دلیل نارسایی و ضعف در نیروی اجرایی به سازمان ملل متحد تبدیل شد. در جلسات تأسیس این سازمان که در شهر سانفرانسیسکو در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ برگزار شد، ۵۰ کشور شرکت داشتند.

دادگاه نورنبرگ نیز از دیگر دستاوردهای جنگ جهانی دوم است. در این دادگاه که در سپتامبر ۱۹۴۶ در شهر نورنبرگ آلمان برگزار شد، ۲۲ تن از سران نازی به اتهام جنایات جنگی محاکمه شدند و گروهی به اعدام محکوم گردیدند. در سال ۱۹۴۸ نیز ۲۳ نفر از رهبران و نظامیان ژاپن به همین اتهام در توکیو تحت محاکمه قرار گرفتند.

اتحاد جماهیر شوروی بعد از جنگ کنترل بخش اعظم اروپای خاوری را در دست گرفت و در کشورهای مزبور حکومت‌های کمونیستی دست‌نشانده برقرار کرد و بدین ترتیب مقدمات جنگ سرد فراهم آمد.

جنگ سرد: کشورهای غربی که از توسعهٔ نفوذ اتحاد شوروی و ایجاد سازمان کمینفرم در سال ۱۹۴۷، که از حزب‌های کمونیست اتحاد شوروی، بلغارستان، چکسلواکی، فرانسه، مجارستان، ایتالیا، لهستان، رومانی و یوگسلاوی تشکیل می‌شد، به هراس افتاده بودند، متقابلاً سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را به وجود آوردند. جنگ داخلی یونان و فشار سیاسی اتحاد جماهیر شوروی بر ترکیه، امریکا را به چاره‌اندیشی وپی‌ریزی دکترین ترومن در مارس ۱۹۴۷ و ارائه طرح مارشال واداشت. دولت امریکا همچنین برای جلوگیری از نفوذ روز افزون کمونیست‌ها در آسیا، پیمان آسیای جنوب خاوری را در سال ۱۹۵۴ و پیمان بغداد را که بعدها به سازمان پیمان مرکزی تغییر نام یافت، در آسیای غربی به وجود آورد.

جنگ کره: بعد از جنگ جهانی دوم، اختلاف و نبرد میان کمونیست‌ها و غیر کمونیست‌های کره، سرزمین مزبور را به دو منطقهٔ شمالی، تحت نفوذ اتحاد جماهیر شوروی و جنوبی، تحت استیلا و نفوذ امریکا تقسیم نمود. نیروهای کرهٔ شمالی که به جمهوری دموکراتیک خلق کره موسوم بود، در ژوئن ۱۹۵۰ به بخش جنوبی کره حمله‌ور شدند و شورای امنیت سازمان ملل متحد را بر آن داشتند تا اعضای خود را برای مقابله با متجاوز فرا خواند. بر این اساس، کشور امریکا و ۱۵ کشور دیگر نیروهای نظامی به کره اعزام داشتند. در ۱۹۵۱ ابتدا نیروهای کرهٔ جنوبی و امریکا به عقب رانده شدند و در حملهٔ متقابلی که از راه دریا صورت گرفت، کمونیست‌ها به کرهٔ شمالی عقب‌نشینی کردند. رسیدن نیروهای کمکی چین کمونیست، نیروهای جنوبی را تا مدار ۳۸ درجه عقب راند و سرانجام مذاکرات ترک مخاصمه در ژوئیه ۱۹۵۳ به نتیجه رسید و جنگ کره پایان یافت.

جنگ کره خرابی‌ها و تلفات فراوان به‌بار آورد. از نیروهای سازمان ملل متحد حدود ۷۴،۰۰۰ تن کشته و ۲۵۰،۰۰۰ تن زخمی و ۸۳،۰۰۰ نفر ناپدید و اسیر شدند و کشته شدگان و زخمی‌های چین به قریب نهصد هزار تن و کرهٔ شمالی به ۵۲۰،۰۰۰ نفر تخمین زده شد و حدود ۴۰۰،۰۰۰ غیر نظامی نیز در این جنگ زندگی خود را از دست دادند.

بریتانیا: پس از شکست از آلمان در نروژ، چمبرلین از نخست‌وزیری استعفاء داد و چرچیل کابینهٔ زمان جنگ بریتانیا را تشکیل داد. بریتانیا در حملات هوایی آلمان‌ها که بسیار پردامنه و ویرانگر بود، آسیب فراوان دید و با به اجرا افتادن طرح مارشال از سوی امریکا به اقتصاد ورشکستهٔ خود سر و سامان بخشید. پس از تسلیم آلمان و پایان جنگ، کلمنت اتلی از حزب

کارگر به نخست‌وزیری رسید و در سال ۱۹۴۸ با استقلال هند موافقت کرد.

آلمان: در ماه مه ۱۹۴۵ به طور بلاشرط تسلیم متفقین شد. دولت اتحاد شوروی تمام نواحی واقع در شرق رود البِ و نواحی خاوری آلمان را اشغال کرد و متفقین غربی بر نواحی شمال غربی و آلمان جنوبی و راینلاند استیلا یافتند و برلین را به عنوان مقر ستاد شورای نظارت تعیین نمودند. از آنجایی که ادامهٔ همکاری بلوک شرق و غرب در ادارهٔ آلمان عملی نبود، از این رو کشور مزبور به دو جمهوری مجزا تقسیم شد. جمهوری فدرال آلمان، یا آلمان غربی که در نواحی اشغالی متفقین به وجود آمد و موجودیت آن در سال ۱۹۵۲ رسماً اعلام گردید و بخش خاوری آلمان که تحت عنوان جمهوری دموکراتیک آلمان، یا آلمان شرقی در سال ۱۹۴۹ تأسیس شد و از سوی کشور اتحاد جماهیر شوروی مورد شناسایی قرار گرفت و در ۱۹۵۵ به پیمان ورشو پیوست.

فرانسه: در اوایل جنگ (سال ۱۹۴۰) مغلوب آلمان شد و مارشال پتن پیمان ترک مخاصمه با آلمان را امضاء نمود و رئیس حکومت دست نشاندهٔ ویشی گردید.

ژنرال دوگل که هنگام جنگ در لندن بسر می‌برد و فرانسهٔ آزاد را رهبری می‌کرد، در نبرد شمال افریقا دولت موقت فرانسه را در الجزایر تشکیل داد و پس از آزادی فرانسه، در اوت ۱۹۴۴ دولت خود را به پاریس منتقل نمود.

وضع اسفبار اقتصاد فرانسه پس از پایان جنگ، با کمک‌های اقتصادی امریکا تحت عنوان طرح مارشال رو به بهبودی گذارد و در سال ۱۹۴۶ جمهوری چهارم فرانسه اعلام گردید و در پی آن برای حفظ منافع خود در خاور دور به هندوچین نیرو فرستاد و با ایجاد پادگان نظامی دین‌بین‌فو در نوامبر ۱۹۵۳، جنگ ویتنام را تشدید کرد.

اتحاد جماهیر شوروی: در ۱۹۴۱ مورد حملهٔ غافلگیرانهٔ ارتش آلمان نازی قرار گرفت و مسکو و لنینگراد و قفقاز از سوی ارتش آلمان مورد تهدید قرار گرفت، ولی دفاع شجاعانه و سرسختانهٔ ارتش سرخ، آلمانی‌ها را به عقب‌نشینی وادار کرد و در پایان جنگ، بخش خاوری آلمان و همچنین قسمت اعظم اروپای شرقی را به تصرف درآورد و بدینسان اتحاد شوروی به یکی از قدرت‌های بزرگ نظامی و صنعتی جهان مبدل گردید.

امریکا: با شروع جنگ جهانی دوم و سقوط فرانسه به تقویت نظامی خود پرداخت. حملهٔ ناگهانی ژاپن در دسامبر ۱۹۴۱ به پرل هاربر امریکا را رسماً وارد جنگ نمود و در کنفرانس‌های کازابلانکا، قاهره، تهران و یالتا شرکت کرد و در تأسیس سازمان ملل متحد نقش عمده‌ای بر عهده گرفت و با بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، ژاپن را در اوت ۱۹۴۵ وادار به تسلیم نمود و در پیروزی متفقین علیه آلمان در اروپا و تسلیم آلمان و پایان دادن به جنگ جهانی دوم (مه ۱۹۴۵) نقش عمده‌ای ایفا کرد. برای مقابله با سیاست‌های توسعه طلبانهٔ اتحاد جماهیر شوروی، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را در سال ۱۹۴۸ پی‌ریزی کرد و در جنگ کره از نقش عمده و کلیدی برخوردار بود. با اجرای طرح مارشال که از سوی جورج مارشال وزیر خارجه وقت امریکا به منظور احیای اقتصاد بعد از جنگ بعضی از کشورهای اروپایی طرح‌ریزی شده بود، به یاری کشورهای آسیب‌دیده اروپایی در جنگ جهانی دوم شتافت.

چین: حزب کمونیست چین به رهبری مائوتسه تونگ که به وسیلهٔ اتحاد جماهیر شوروی حمایت می‌شد، بر ناحیهٔ صنعتی منچوری مستولی گردید و پس از شکست خوردن ژاپن در ۱۹۴۵ و تخلیه چین، با حزب کوئومینگ‌تانگ (ملی) چین به مخالفت برخاست و آتش جنگ داخلی را شعله‌ور کرد. با وجود این که ملّیون چین به رهبری ژنرال چیانگ کای شک از کمک‌های امریکا برخوردار بودند ولی در برابر کمونیست‌ها تاب مقاومت نیاوردند و به جزیرهٔ تایوان پناهنده شدند و دولت چین ملی را به پایتختی شهر تایپه تشکیل دادند و به دنبال آن کمونیست‌ها در اکتبر ۱۹۴۹ تأسیس جمهوری خلق چین به پایتختی شهر پکن و ریاست جمهوری مائوتسه تونگ را اعلام داشتند که در همان سال از سوی اتحاد جماهیر شوروی مورد شناسایی و تأیید قرار گرفت و از ۱۹۵۰ به بعد نیز از سوی غالب کشورهای جهان به جز امریکا به رسمیت شناخته شد.

ژاپن: با بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی در ۱۴ اوت ۱۹۴۵، ژاپن تسلیم شد و قانون اساسی جدیدی در سال ۱۹۴۷ به مورد اجرا گذارده شد و جنبه الهی امپراتور نفی گردید. در سپتامبر ۱۹۵۱ پیمان صلحی بین ژاپن و غالب دشمنانش در سانفرانسیسکو به امضاء رسید و ژاپن از آوریل ۱۹۵۲ استقلال خود را بازیافت.

هند: مبارزات مردم هند به رهبری مهاتما گاندی سرانجام به ثمر رسید و این کشور در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ استقلال خود را به دست آورد. با بروز اختلاف میان هندوها و مسلمانان، سرزمین مزبور به دو کشور مجزا تقسیم شد و همزمان با هند، پاکستان نیز به استقلال رسید.

ایران: وضع یأس‌آور متفقین در سال ۱۹۴۱، آنان را به فکر ایران انداخت تا از آن به عنوان پل پیروزی برای ارسال تجهیزات و تدارکات به کشور اتحاد شوروی که برای ادامهٔ مبارزه با آلمان شدیداً به آن نیازمند بود استفاده کنند. با این که دولت ایران در جنگ جهانی اعلان بی‌طرفی کرده بود، مع‌الوصف بریتانیا و اتحاد شوروی به ایران نیرو فرستادند و رضاشاه پهلوی را که از آلمان‌ها هواداری می‌کرد وادار به استعفاء نمودند. با برکناری رضاشاه و تبعید او به جزیرهٔ موریس، فرزندش محمدرضا پهلوی به سلطنت ایران نشست و در تاریخ ۱۹۴۳ به دولت‌های آلمان و ژاپن اعلان جنگ داد.

در کنفرانس تهران که در آخرین ماه سال ۱۹۴۳ تشکیل گردید، سران سه کشور بزرگ متفق در جنگ یعنی روزولت، چرچیل و استالین شرکت جستند و در مورد جنگ با آلمان و ژاپن به رایزنی پرداختند. با وجود این که طی اعلامیهٔ پایانی کنفرانس تهران، استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ایران محترم شمرده شده بود، ایادی اتحاد جماهیر شوروی به نام حزب دموکرات که از حزب کمونیست شوروی الهام می‌گرفت، به زمزمهٔ خودمختاری آذربایجان پرداختند و با تأسیس حکومتی به ظاهر خودمختار غائله آذربایجان را در سال ۱۹۴۶ به وجود آوردند که با عملیات نظامی و حمایت امریکا از ایران خاتمه پیدا کرد و حکومت دموکرات‌های آذربایجان سرنگون شد و سران آن به شوروی متواری شدند.

نیمهٔ دوم قرن بیستم؛ دههٔ ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۹ میلادی

استعمارزدایی: زوال قدرت نظامی و سیاسی کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم، نفوذ آنان را در آسیا و افریقا کاهش داد تا جایی که بیشتر کشورهای افریقای شمالی به غیر از الجزایر در این دهه به استقلال رسیدند. استقلال الجزایر که اقلیت قابل توجهی از فرانسویان در آن به سر می‌بردند تا سال ۱۹۶۲ به تأخیر افتاد.

غنا در میان سرزمین‌های سیاهپوست‌نشین افریقایی، نخستین کشوری بود که در سال ۱۹۵۷ استقلال خود را به دست آورد و بقیه تا پایان سال ۱۹۶۲ از نعمت استقلال بهره‌مند گردیدند. استقلال این گروه از کشورها که غالباً با زد و خورد و جنگ‌های قومی و قبیله‌ای همراه بود، سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا تدابیری در جهت نیل به برقراری آرامش و جلوگیری از جنگ و خونریزی به عمل آورد. اعزام نیروهای حافظ صلح به قبرس در سال ۱۹۶۴ و جلوگیری از جنگ داخلی نیجریه در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ را از جمله اقدامات مفید سازمان ملل متحد می‌توان محسوب داشت.

بین بعضی از رهبران کشورهای افریقایی که با پاره‌ای از کشورهای آسیایی قرابت و هماهنگی ایدئولوژیکی برقرار بود، بلوک‌های سیاسی آسیایی - افریقایی تشکیل گردید و کنفرانس باندونگ در سال ۱۹۵۵ در همین زمینه تشکیل شد. در زمینهٔ اقتصاد و بازرگانی، تحولات و همگرایی‌های قابل توجهی در سراسر جهان به ویژه در اروپا صورت گرفت که از آن جمله می‌توان به تشکیل جامعهٔ اقتصادی اروپا در سال ۱۹۵۷، تأسیس سازمان تجارت آزاداروپا در ۱۹۶۰ و ایجاد سازمان کومکون در سال ۱۹۴۹ اشاره کرد. در دههٔ ۱۹۵۰ توان اقتصادی کشور امریکا به آنچنان رشدی دست یافت که حدود ۹/۳ میلیون وسیلهٔ نقلیه موتوری فقط در سال ۱۹۵۵ تولید گردید.

اتحاد جماهیر شوروی: با مرگ استالین در ۱۹۵۳، روابط شرق و غرب رو به بهبودی نهاد و کنفرانس سران کشورهای شوروی و امریکا در وین و ژنو در ۱۹۵۵ تشکیل گردید. از فشارهای سیاسی در داخل کشور شوروی کاسته شد و گروه کثیری از زندانیان و تبعیدیان سیاسی آزاد شدند و نیکیتا خروشچف سیاست ضد استالینی را توسعه داد.

مبارزهٔ آزادیخواهانهٔ مردم مجارستان در ۱۹۵۶ سرکوب شد و پرواز هواپیماهای جاسوسی یو-۲ بر فراز اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۰ جنجال و مناقشات سیاسی بسیاری را به همراه آورد.

اروپای خاوری: فشارهای سیاسی و اقتصادی اتحاد شوروی به واکنش و شورش منجر شد که از آن جمله به شورش کارگران برلین شرقی در سال ۱۹۵۳، شورش کارگران لهستانی در شهر پزنان (ژوئن ۱۹۵۶) و انقلاب سرکوب شده مجارستان در اکتبر ۱۹۵۶ را که به ۷،۰۰۰ کشته منجر شد، باید از مهم‌ترین آنها به شمار آورد.

چین: توجه به صنعتی شدن و پیشرفت کشاورزی و دگرگونی‌های اجتماعی در قانون اساسی منظور گردید. اعدام و سر به نیست کردن میلیون‌ها نفر از هواداران کوئومینگ‌تانگ تحت عنوان پاکسازی دشمنان انقلاب به مورد اجرا گذارده شد و طی سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ برنامهٔ پرش بزرگ به سوی آینده مورد توجه قرار گرفت.

در هندوچین، نیروهای استقلال‌طلب هوشی‌مین که به وسیلهٔ اتحاد جماهیر شوروی و چین کمونیست حمایت و تقویت می‌شدند، علیه استعمار فرانسه و هواداران آنها به جنگ پرداختند و اردوگاه استراتژیکی دین بین فو را در مه ۱۹۵۴ تصرف کردند. قرارداد ژنو سرزمین ویتنام را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم نمود و استقلال لائوس و کامبوج را نیز به رسمیت شناخت و امریکا ویتنام جنوبی را که ضد کمونیست بود مورد حمایت و پشتیبانی قرار داد.

خاورمیانه: در مصر رژیم ملی و در عین حال چپگرای نظامی به رهبری ژنرال نجیب و جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۲ بر سر کار آمد و در عراق نیز عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ رژیم سلطنتی را سرنگون کرد و نظام جمهوری دموکراتیک چپگرا را جایگزین آن نمود.

جمهوری متحدهٔ عربی که از اتحاد مصر، سوریه، یمن و لیبی در سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ تشکیل شده بود به فرجامی نرسید و منحل شد.

کشورهای عرب از شناسایی اسرائیل خودداری کردند و واکنش‌های سیاسی و اقتصادی آنها به جنگ میان اعراب واسرائیل منجر شد و اسرائیل بر صحرای سینا استیلا یافت و بریتانیا و فرانسه نیزکانال سوئز را در اکتبر ۱۹۵۶ تصرف نمودند که با مخالفت و واکنش سازمان ملل متحد و امریکا و شوروی روبرو شد.

در ایران، دولت ملی دکتر محمد مصدق که در مه ۱۹۵۱ صنعت نفت را ملی کرده بود با مخالفت و واکنش بریتانیا روبرو شد و کودتای نظامی ۱۹۵۳ که با یاری بریتانیا و امریکا طرح‌ریزی شده بود، دولت وی را سرنگون کرد.

در امریکای لاتین، خوآن پرون رهبر آرژانتین، اصلاحات ارضی را به مورد اجرا گذارد و

بعضی از سازمان‌ها و تأسیسات کشور را ملی کرد و با کودتای سپتامبر ۱۹۵۵ سرنگون گردید.
در کوبا رژیم باتیستا در ژوئن ۱۹۵۹ به وسیلهٔ فیدل کاسترو سرنگون شد و نظام کشور به رژیم کمونیستی که از حمایت اتحاد جماهیر شوروی برخوردار بود، تبدیل گردید. فیدل کاسترو وضع بهداشت و آموزش و پرورش را بهبود بخشید و در آوریل ۱۹۶۱ مخالفان خود را که در خلیج خوک‌ها پیاده شده بودند و از حمایت امریکا برخوردار بودند، مغلوب نمود.
برخی از جزایر دریای کارائیب که مستعمرهٔ بریتانیا بودند در این دهه به خودمختاری نایل شدند.
پیشرفت‌های تکنولوژی: کشورهای امریکا و اتحاد شوروی در زمینهٔ صنایع نظامی به موفقیت‌های شایان توجهی دست یافتند و در صنایع هسته‌ای پیشرفت نمودند. بمب هیدروژنی امریکا در سال ۱۹۵۲ و بمب هیدروژنی شوروی در ۱۹۵۳ و بمب هیدروژنی بریتانیا در سال ۱۹۵۷ با موفقیت آزمایش شد و موشک‌های قاره‌پیما در اواخر دههٔ ۱۹۵۰ تکمیل گردید.
اتحاد جماهیر شوروی ماهوارهٔ معروف خود به نام اسپوتنیک را که اولین ماهواره در نوع خود در جهان بود، در اکتبر ۱۹۵۷ به مدار ماه فرستاد و نیمهٔ نامرئی کرهٔ مزبور را در برابر دیدگان شگفت‌زدهٔ آدمی به نمایش گذارد.

دههٔ ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۹ میلادی

رفرم و اصلاحات: جان اف کندی که در ۱۹۶۱ دوران ریاست جمهوری خود را رسماً آغاز کرد و جوان‌ترین رئیس جمهور امریکا بود، بر آموزش و پرورش جوانان و مراقبت‌های بهداشتی سالمندان و گسترش حقوق مدنی تأکید کرد. وی در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ در شهر دالاس ترور شد و در ردیف شهدای ملی جای گرفت. در زمان کندی جنبش‌های اصلاح‌طلبانهٔ اجتماعی بنیانگذاری شد و در دیگر کشورهای جهان نیز گسترش یافت.
تظاهراتی از سوی سیاهپوستان امریکایی برای کسب حقوق مدنی بر پا شد و مارتین لوترکینگ رهبر آنان در ۴ آوریل ۱۹۶۸ به قتل رسید.
در سال ۱۹۶۹ تظاهراتی علیه جنگ امریکا در ویتنام، به ویژه از سوی دانشجویان و جوانان صورت گرفت و دنبالهٔ آن به زد و خوردهای خشونت‌بار اکتبر ۱۹۶۹ کشیده شد و احساسات چپگرایانهٔ مارکسیستی و مائوئیستی در امریکا و اروپا آغاز به خودنمایی کرد و در فرانسه تا جایی پیش رفت که ده میلیون کارگر در ماه‌های مه تا ژوئن ۱۹۶۸ دست به تظاهرات خیابانی و اعتصاب زدند ولی در انتخابات پیروزی به دست نیاوردند.
در زمینهٔ علم پیشرفت‌های شایان توجهی حاصل شد و با پیاده شدن انسان بر کرهٔ ماه فصل نوینی در پژوهش‌های کیهانی و دانش الکترونیک بازگردید و اشعهٔ لیزر کشف شد.
کشاورزی و بهداشت نیز با موفقیت و پیشرفت همراه بود و قانون منع استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در ۱۹۶۸ به تصویب رسید.
چین: انقلابیون پیرو مائو بر سر عقاید مسلکی با اتحاد جماهیر شوروی اختلاف پیدا کردند و کارشان به مشاجرات لفظی کشید، تا جایی که در ۱۹۶۹ در مرز چین و شوروی به زد و خورد پرداختند. انقلاب فرهنگی مائو که غالباً با زد و خوردهای خونین همراه بود، با خشونت و شدت هرچه تمامتر پیاده شد.
هندوچین: کمونیست‌هایی که مورد حمایت ویتنام شمالی بودند، در سال ۱۹۶۰ علیه ویتنام جنوبی به جنگ پرداختند و نگوین دیم، رئیس جمهور ویتنام جنوبی، در ۱۹۶۳ به قتل رسید و دخالت امریکا در عملیات نظامی خلیج تونکن به جنگ خونین ویتنام تبدیل شد. نیروهای امریکایی که شمارشان در آوریل ۱۹۶۹ به ۵۴۳۴۰۰ تن می‌رسید، عملاً وارد جنگ گردیدند و با انبوه سربازان و جنگجویان ویتنام شمالی درگیر شدند و لائوس و کامبوج اعلان بی‌طرفی کردند.
جهان سوم: گروهی از کشورهای تازه استقلال یافته که در جبههٔ سیاسی مخالف امریکا قرار داشتند، سازمانی به نام گروه غیرمتعهدها تشکیل دادند و در کنفرانس بلگراد در سال ۱۹۶۱ و قاهره (۱۹۶۴) و لوزاکا (۱۹۷۰) که به همین منظور تشکیل شده بود، شرکت جستند.
اتحاد جماهیر شوروی در کوبا پایگاه موشکی تأسیس کرد و مصر و الجزایر و گینه و دیگر کشورهایی که رهبرانشان قهرمانان انقلابی شناخته شده بودند و سیاست ضد غربی و ضد استعماری داشتند، جبههٔ واحدی تشکیل دادند.
در کنگو پاتریس لومومبا در ۱۹۶۱ به قتل رسید و در غنا قوام نکرومه در ۱۹۶۶ از کشورش تبعید شد و دکتر سوکارنو در اندونزی با کودتای سال ۱۹۶۵ از صحنهٔ سیاست خارج گردید.
در خاورمیانه، مناقشات اعراب و اسرائیل به جنگ ژوئن ۱۹۶۷ منجر گردید و در پایان جنگ، اسرائیل به یک قدرت منطقه‌ای مبدل شد. روابط کشورهای عرب منطقه با غرب به ویژه امریکا رو به سردی نهاد و به اتحاد شوروی نزدیک شدند و با آن دسته از کشورهای کمونیستی‌ای که روابطشان را با اسرائیل قطع کرده بودند، ارتباط سیاسی و دوستانه برقرار کردند. مصر و عربستان سعودی در جنگ خونین ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۰ یمن شرکت کردند و نیروهای لبنانی با کوماندوهای فلسطینی درگیر شدند.
اروپای خاوری: در آلمان شرقی برای جلوگیری از فرار مهاجرینی که به طور دسته جمعی کشور را ترک می‌کردند، دیوار برلین احداث گردید. از نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در آلبانی که از چین کمونیست حمایت می‌کرد، کاسته شد و در دسامبر ۱۹۶۱ به قطع روابط سیاسی مسکو - تیرانا منجر گردید.
رومانی در سال ۱۹۶۴ رفتار مستقلانه‌ای در زمینهٔ صنعت و سیاست خارجی در پیش گرفت و مردم آزادیخواه چکسلواکی در بهار ۱۹۶۸ با یورش نیروهای مسلح ۵ کشور عضو پیمان ورشو به سختی سرکوب گردیدند و بهارپراگ را در صفحات تاریخ جای دادند.

دههٔ ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ میلادی

امریکا: پروژهٔ هواپیمای سوپرسونیک (فراصوتی) در ۱۹۷۱ متوقف گردید و آزمایش‌های هسته‌ای سال ۷۸ - ۱۹۷۷ در اقیانوس آرام با اعتراض بومیان و ساکنان آن نواحی روبرو شد.
امریکا از ویتنام جنوبی دست کشید و کشور مزبور را در آوریل ۱۹۷۵ تخلیه نمود. جنجال و افتضاح واترگیت، ریچارد نیکسون را در اوت ۱۹۷۴ از ریاست جمهوری امریکا خلع کرد.
چین: پس از مرگ مائوتسه تونگ در ۱۹۷۶، برای رهبری و جانشینی مائو مبارزه در گرفت و همسر مائو بازداشت شد و رهبران جدید چین حدود یکصد هزار زندانی سیاسی را آزاد کردند و محدودیت‌هایی را که مائو برقرار کرده بود کاهش دادند. با ژاپن و کشورهای غربی روابط بازرگانی برقرار کرد و برعکس روابط سیاسی با اتحاد شوروی، کوبا و ویتنام رو به تیرگی نهاد و محدود شد.
اروپا: برای تشکیل اتحادیهٔ اروپا اقداماتی به عمل آمد و کلیهٔ کشورهای غیر کمونیست به سرعت رو به دموکراتیزه شدن حرکت کردند. در اسپانیا ۷ ماه پس از مرگ فرانکو، انتخابات آزاد برگزار شد و رژیم پرتغال در آوریل ۱۹۷۴ سرنگون گردید و در یونان پس از ۷ سال حکومت مستبدانهٔ نظامیان، در ۱۹۷۴ قدرت به مردم و پارلمان واگذار شد. دولت سوئد پس از ۴۴ سال که حکومت در دست سوسیالیست‌ها بود، در انتخابات ۱۹۷۶ به دست محافظه‌کاران افتاد. گروگانگیری تعدادی از ورزشکاران اسرائیلی در خلال بازی‌های المپیک مونیخ در سال ۱۹۷۴ توسط چریک‌های فلسطینی سپتامبر سیاه به فرجامی خونین منتهی شد.
مذهب و سیاست: گرایش‌های مذهبی و تمایل به اسلام در کشورهای مسلمان از دههٔ ۱۹۵۰ آغاز گردید و غیر از سرزمین‌های اسلامی تحت سلطهٔ اتحاد جماهیر شوروی و چین در دیگر کشورهای اسلامی آغاز به خودنمایی کرد و بخشی از ثروت‌هایی که بعضی از کشورهای عرب از راه نفت به دست آورده بودند، در راه حمایت از اسلامگرایان به مصرف رسید.
معمّر قذافی رهبر لیبی قوانین اسلامی و سوسیالیسم را در هم آمیخت و مسلمانان را برای حرکت به سوی اسپانیا و سیسیل فراخواند. حزب اخوان‌المسلمین مصر مورد اتهام حملات تروریستی و بمب‌گذاری قرار گرفت.
در ترکیه برای نخستین بار پس از سال ۱۹۲۰ حزب رستگاری ملی در سال ۱۹۷۴ به عنوان اولین نهضت اسلامی در دولت ائتلافی به قدرت رسید. در ایران، آیت‌الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی، رژیم شاه را در ژانویهٔ ۱۹۷۹ سرنگون کرد و نظام جمهوری اسلامی را جایگزین آن نمود. در عربستان سعودی نهضت‌های اسلامی شروع به خودنمایی کردند و در اقدامی خشونت‌بار، مسجد اعظم مکّه را در سال ۱۹۷۹ تصرف نمودند. مسلمانان متعصب و تندرو پاکستان با کمک به ارتش، ذوالفقار علی بوتو، نخست‌وزیر را در ژوئیه ۱۹۷۷ از کار برکنار کردند و وی را به چوبهٔ دار سپردند. پس از جنگ خونین سال ۱۹۷۱، پاکستان شرقی با حمایت هند استقلال یافت و به کشور مستقل‌بنگلادش تبدیل گردید.
در هندوستان اختلاف میان مسلمانان و هندوها در مارس ۱۹۷۷، دولت خانم گاندی را سرنگون کرد و در فیلیپین جنوبی مسلمانان با حمایت لیبی در سال ۱۹۷۳ علیه حکومت مرکزی دست به شورش زدند.
تمایل به مسیحیت ارتدوکس در میان مردمان روس احیاء گردید و سولژنیتسین با نوشته‌های خود بر آن تأکید کرد. میانه‌روهای اسرائیل پس از ده‌ها سال که از حکومت برکنار بودند، در سال ۱۹۷۷ با انتخاب مناخم بگین در صحنهٔ سیاست اسرائیل ظاهر گردیدند. در ایرلند شمالی، جنگ‌های مذهبی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها که سابقهٔ آن به سال ۱۹۶۹ می‌رسید، مجدداً آغاز شد و در لبنان نیز در سال ۱۹۷۵ بین مسیحیان و مسلمانان اختلاف بروز کرد و در پی جنگ میان اعراب و اسرائیل، گفتگوهای صلح میان مصر و اسرائیل در ۱۹۷۹ نهایی شد و برعکس دامنهٔ مناقشات و زد و خوردها در کرانهٔ غربی رود اردن شدت یافت.
امریکای لاتین: رژیم‌های محافظه‌کار در غالب کشورهای امریکای لاتین موقعیت خود را مستحکم کردند و در شیلی حکومت دموکراتیک سالوادور آلنده با کودتای خونین ژنرال پینوشه در سپتامبر ۱۹۷۳ سرنگون شد.
کودتاهای نظامی پی‌درپی در کشورهای امریکای لاتین، از جمله آرژانتین در سال ۱۹۷۶، بولیوی (۱۹۷۱ و ۱۹۷۹) و پرو (۱۹۷۶) به وقوع پیوست.
در امریکای مرکزی، نفوذ چپگرایان و لیبرال‌ها، رژیم سوموزا در نیکاراگوئه را سرنگون کرد و زد و خوردها و شورش‌هایی در السالوادور صورت گرفت.
هندوچین: پیروزی کمونیست‌ها در ویتنام و کامبوج و لائوس در مه ۱۹۷۵ به آشوب و هرج و مرج منتهی شد و رژیم پول‌پوت طی سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۹، حدود یک میلیون تن را در کامبوج به کشتن داد و صدها هزار چینی و اقوام دیگر را از ویتنام آواره کرد و هجوم ویتنامی‌ها به کامبوج منجر به آوارگی و مهاجرت گروه کثیری از مردم و ویرانی کشور گردید.
نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در بعضی کشورها مانند مصر در سال ۱۹۷۲ با ناکامی روبرو شد و

گروههای کوبایی در عملیات رزمی آنگولا (۱۹۷۵ - ۱۹۸۹) و اتیوپی (۱۹۷۷ - ۱۹۸۸) شرکت کردند و اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۷۹ به افغانستان حمله‌ور شد.

افریقا: بقیه مستعمرات اروپاییان در افریقا به کسب استقلال نایل شدند و صحرای اسپانیا در ۱۹۷۶ و جیبوتی در ۱۹۷۷، پس از ده سال جنگ داخلی و مذاکرات و گفتگوهای مفصّل به استقلال رسیدند. دررودزیا دولت بومی سیاهان بر سر کار آمد و نام کشور به زیمبابوه تبدیل گردید، ولی اقلیّت‌های سفیدپوست در افریقای جنوبی همچنان بر سر کار ماندند و اتحاد شوروی در آنگولا و اتیوپی، و فرانسه در چاد و زئیر و موریتانی دخالت کردند. حضور ده‌ها هزار رزمندهٔ کوبایی در کشورهای چپگرای قارهٔ افریقا، این قاره را در دههٔ ۱۹۷۰ به صحنهٔ جنگ‌های خونینی مبدل نمود.

دههٔ ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ میلادی

روسیه و اروپای خاوری: سال‌های پر مشقت ۸۵ - ۱۹۸۰ برای اتحاد شوروی با یک دورهٔ ۵ سالهٔ حیرت‌آور، دستخوش تغییر و دگرگونی شد و سرانجام کمونیزم تسلیم آزادی گردید.

پس از مرگ لئونید برژنف در سال ۱۹۸۲ و به دنبال آن حکومت آندروپوف در ۱۹۸۴ و چرننکو در ۱۹۸۵ و پس از پیامدهای جنگ افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹، میخائیل گورباچف به فرمانروایی (۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱) اتحاد شوروی رسید. وی با اعلام برنامه‌های گلاسنوست و پرسترویکا و انجام اصلاحات اجتماعی که به وسیلهٔ حزب کمونیست نیز حمایت می‌شد، در ژوئیه ۱۹۸۸ پیمان خلع سلاح را امضاء کرد و از سال ۱۹۸۸ بودجهٔ نظامی را کاهش داد و نیروهای شوروی را از افغانستان فراخواند و کشور را به سوی دموکراتیزه شدن سوق داد و با دادن آزادی به مردم روسیه و کشورهای تحت سلطهٔ اتحاد شوروی به جنگ سرد پایان داد.

در لهستان اتحادیهٔ کارگری به رهبری لخ والسا که در ۱۹۸۲ منحل شده بود، در ۱۹۸۸ جنبهٔ قانونی پیدا کرد و نخستین انتخابات آزاد، پس از استیلای کمونیست‌ها در ژوئن ۱۹۸۹ برگزار شد و تادئوس مازوویتسکی به ریاست جمهوری رسید و لخ والسا سمت مشاورت وی را بر عهده گرفت و در اوت ۱۹۸۹ سمت نخست‌وزیری را به دست آورد. در مجارستان، آلمان شرقی، چکسلواکی، بلغارستان و رومانی نظام‌های کمونیستی یکی پس از دیگری سرنگون شد و رژیم‌های دموکراتیک جای آنها را گرفت و دیوار برلین در نوامبر ۱۹۸۹ برداشته شد.

امریکا: در سال‌های ریاست جمهوری ریگان (۱۹۸۱ - ۱۹۸۸) مبارزات ضد کمونیستی به اوج خود رسید و نظام‌های ضد کمونیستی امریکای مرکزی مورد حمایت، و برعکس حکومت‌های چپگرا به صورت آشکار و پنهان مورد تعدی قرار گرفت و هزینه‌های دفاعی کشورهای مورد تهدید کوبا از طریق امریکا تضمین گردید. امریکا با مطرح ساختن جنگ ستارگان وبرقراری مسابقات تسلیحاتی به ویژه در بارهٔ موشک‌های ام ایکس، اتحاد شوروی را به مبارزه فراخواند. دیدارهای چهارگانهٔ گورباچف و ریگان در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ به انعقاد قرار داد سال ۱۹۸۷ انجامید و جنگ سرد میان دو ابرقدرت پایان یافت.

موضوع ایران - کنترا در سال ۱۹۸۷ به یک جنجال سیاسی در امریکا تبدیل شد و جورج بوش معاون ریگان در انتخابات ۱۹۸۸ به ریاست جمهوری رسید.

خاورمیانه: عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد و جنگ ۸ سالهٔ ایران و عراق را که حدود یک میلیون کشته و معلول به جای گذاشت، به ایران تحمیل کرد.

در لیبی، اتهام امریکا مبنی بر حمایت از تروریسم بین‌الملل منجر به قطع روابط سیاسی با امریکا در مه ۱۹۸۱ شد و عملیات تروریستی در فرودگاه‌های رم و وین، امریکا را واداشت تا با متهم نمودن لیبی به هدایت این عملیات، این کشور را در آوریل ۱۹۸۶ مورد بمباران قرار دهد.

اسرائیل در ۱۹۸۰ شهر قدس را، علیرغم مخالفت‌های بین‌المللی، به پایتختی کشور اعلام داشت و تأسیسات اتمی عراق را در ۱۹۸۱ و در حین جنگ ایران و عراق با حملات هوایی ویران نمود و در ۱۹۸۲ به لبنان حمله برد و مبارزان فلسطینی را که در لبنان پناه گرفته بودند، از آن سرزمین اخراج نمود. انتفاضهٔ مردم فلسطین در دسامبر ۱۹۸۷ با پرتاب سنگ و بطری به سوی سربازان و نیروهای اسرائیلی در نوار غزه آغاز گردید و به کرانهٔ باختری کشیده شد. نیروهای اسرائیلی در واکنش به این قیام بیش از ۳۰۰ فلسطینی را کشتند و حدود ۶,۰۰۰ نفر نیز بازداشت شدند. خروج اسرائیل از لبنان در فوریهٔ ۱۹۸۵ آغاز شد و در ژوئن همان سال به پایان رسید. اختلافات مذهبی بین مسیحیان و مسلمانان ساکن بیروت تشدید گردید و ادامهٔ زد و خوردها ۲۰۰ کشته و ۷۰۰ زخمی به جای گذارد.

امریکای لاتین: در کشور نیکاراگوآ ساندینیست‌های چپگرا که بعد از سال ۱۹۷۹ به قدرت رسیده بودند، با مخالفت‌های داخلی طرفداران امریکا مواجه شدند، که این کشور را به یک جنگ داخلی درازمدت سوق دادند. در السالوادور کودتای نظامی اکتبر ۱۹۷۹ در جلوگیری از عملیات وحشیانهٔ راست‌های افراطی و تروریست‌های چپگرا ناتوان ماند و اسقف اسکار رومرو در مارس ۱۹۸۰ ترور شد و از ژانویه تا ژوئن ۱۹۸۰ قریب ۴,۰۰۰ غیر نظامی کشته شدند. در انتخابات ۱۹۸۴ خوزه ناپلئون دوآرته به ریاست جمهوری رسید و تظاهرات خشونت‌بار همچنان ادامه یافت.

در شیلی ژنرال آگوستینو پینوشه که مقام ریاست جمهوری را در انتخابات دموکراتیک ۱۹۸۹ واگذار نموده بود، موقعیت خود را در ارتش حفظ کرد و فرماندهی کل ارتش شیلی را در دست گرفت. او که از سال ۱۹۷۳ بر مسند امور شیلی قرار داشت، چپگراها و مخالفان خود را به سختی سرکوب کرد و با اجرای برنامه‌های اقتصادی وضع مالی کشور را سر و سامان داد.

افریقا: طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ وضع اقتصادی کلیهٔ کشورهای افریقایی سیر نزولی داشت، زیرا جمعیت رو به فزونی نهاده بود و از سوی دیگر کشورها از ثبات سیاسی لازم محروم بودند. این وضعیت موجب گردید تا حدود ۶۰ میلیون افریقایی در سال ۱۹۸۱ با گرسنگی کامل روبرو گردند و خشکسالی نیز بر وخامت اوضاع افزود. جنگ اتیوپی و سودان و برخوردهای نظامی در دیگر کشورهای افریقایی و شیوع مهارنشدنی بیماری ایدز باعث بدتر شدن مضاعف اوضاع شد.

در افریقای جنوبی تظاهراتی علیه تبعیض نژادی صورت گرفت و پلیس در برخورد با تظاهرکنندگان با خشونت هرچه تمام‌تر عمل نمود. شورش رنگین پوستان افریقایی و آسیایی‌های مقیم افریقای جنوبی که حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، پیر بوتا نخست‌وزیر را از کار برکنار کرد و دکلرک که در انتخابات سپتامبر ۱۹۸۹ به ریاست جمهوری رسیده بود، به شورشیان قول مساعد داد تا نسبت به خواسته‌های آنان اقدام کند.

چین: دولت کمونیستی چین در دههٔ ۱۹۸۰ به رهبری دنگ شیائو پینگ اقدامات مؤثری در زمینهٔ توسعهٔ اقتصادی و تکنولوژی به عمل آورد و روابط نزدیک‌تر و دوستانه‌تری با دنیای غرب برقرار نمود و در ۱۹۸۹ دست به اصلاحات اجتماعی زد، ولی در برخورد با تظاهرات دانشجویانی که در میدان تین‌آن‌من گرد آمده بودند با خشونت عمل نمود. این تظاهرات که حدود صد هزار دانشجو و کارگر در آن شرکت کرده بودند با دخالت نیروهای مسلح درهم شکسته شد و حدود ۵۰۰ تا ۷,۰۰۰ تن کشته شدند و حدود ۱۰,۰۰۰ تن بازداشت و یا ناپدید گردیدند و ۳۱ نفر به اعدام محکوم شدند. در پی این تظاهرات، ژائو ژیانگ، رهبر حزب کمونیست چین برکنار شد و دفتر سیاسی حزب به بعضی اصلاحات لازم تن در داد.

اروپا: جامعهٔ اروپا همراه با یونان و پرتغال و اسپانیا یک بازار مشترک پدید آوردند و جمعیتی برابر ۳۰۰ میلیون نفر را در زیر چتر خود گرفتند. مارگارت تاچر نخست‌وزیر بریتانیا برای اولین بار در سدهٔ بیستم سه دوره پشت سر هم به نخست‌وزیری رسید. در انتخابات ۱۹۸۱ فرانسه نخستین رئیس جمهور سوسیالیست فرانسه به نام فرانسوا میتران مصدر امور شد. وی در انتخابات ۱۹۸۸ نیز بار دیگر ریاست جمهوری فرانسه را از آن خود کرد. در انتخابات ۱۹۸۳ ایتالیا نیز اولین نخست‌وزیر سوسیالیست بر سر کار آمد.

خاورمیانه: شاه ایران در ۱۹۷۹ از سلطنت برکنار شد و مسلمانان انقلابی به رهبری امام خمینی جمهوری اسلامی برقرار کردند. در ۸۱ - ۱۹۷۹ دانشجویان پیرو خط امام سفارت امریکا در تهران را اشغال نمودند و ۲۵ تن از اعضای سفارت مزبور را به مدت ۴۴۴ روز به گروگان گرفتند و دولت مهندس مهدی بازرگان را وادار به استعفاء نمودند.

در لبنان، وقوع انفجاری در ستاد فرماندهی نیروی دریایی امریکا در بیروت ۲۴۱ تن امریکایی را به کشتن داد و انفجار بمبی که در یک خودرو جاسازی شده بود و در نزدیک یک پادگان فرانسوی پارک کرده بود، ۵۸ تن را به دیار نیستی فرستاد.

در مصر انورسادات در خلال یک رژهٔ نظامی در ۱۹۸۱ به دست خالد اسلامبولی ترور شد و خانم گاندی نخست‌وزیر هند در ۱۹۸۴ به قتل رسید ورشید کرامی نخست‌وزیر لبنان در ۱۹۸۷ کشته شد.

دههٔ ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ میلادی

اروپای شرقی و روسیه: فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تجزیهٔ آن به ۱۵ کشور مستقل که جامعهٔ جهانی را غرق در حیرت و شگفتی نمود، بی گمان بزرگترین رویداد آخرین دههٔ قرن بیستم محسوب می گردد. از دههٔ ۱۹۸۰ نشانه‌هایی از زوال و تلاشی قدرت کمونیزم چه در اتحاد جماهیر شوروی و چه در کشورهای اروپای شرقی، مشاهده می‌شد. فروپاشی اتحاد شوروی با اعلامیهٔ استقلال جمهوری‌های بالتیک یعنی لیتوانی، لاتویا و استونی و کودتای نظامی علیه میخائیل گورباچف در اوت ۱۹۹۱ آغاز شد و به دنبال آن جمهوری‌های دیگر نیز اعلام استقلال نمودند. در دسامبر ۱۹۹۱، روسیه، اوکراین و روسیهٔ سفید پایان موجودیت اتحاد جماهیر شوروی را اعلام داشتند و پارلمان اتحاد شوروی نیز انحلال خود را اعلام داشت. پیمان ورشو و شورای همکاری‌های اقتصادی و (کومکون) منحل شدند و جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته‌ای که از تجزیهٔ سرزمین وسیع اتحاد جماهیر شوروی پدید آمده بودند، جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را به وجود آوردند.

مردم روسیه که از این دگرگونی دچار بهت و حیرت شده بودند، روزهای دشوار و توأم با ناکامی اقتصادی دوران ریاست جمهوری بوریس یلتسین را تجربه کردند. نیروهای مخالف یلتسین در اکتبر ۱۹۹۳ ساختمان پارلمان روسیه را اشغال نمودند و با نیروهای مسلح روسیه به زد و خورد پرداختند و در این زد و خورد ۱۴۰ نفر جان خود را از دست دادند. جمهوری خودمختار چچن که خواهان جدایی از روسیه و کسب استقلال بود، در دسامبر ۱۹۹۴ مورد حملهٔ نیروهای نظامی روسیه قرار گرفت و پس از حدود ۲۱ ماه جنگ و نبرد خونین در سال ۱۹۹۶ تن به آتش‌بس و صلح داد و روس‌ها نیز متقابلاً* از آن سرزمین خارج شدند. در ۱۹۹۹ روسیه، با نهضت مسلمانان داغستان که در همسایگی چچن قرار داشت، روبرو شد و مجدداً جنگ و زد و خورد در منطقه آغاز شد و سرانجام با مهار شورشیان پایان یافت. بوریس یلتسین

در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ از ریاست جمهوری روسیه کناره گرفت وولادیمیرپوتین در مارس ۲۰۰۰ به جای وی زمام امور روسیه را در دست گرفت.

اروپا: کشور یوگسلاوی تجزیه شد و جمهوری‌هایی که از نظر قومی و مذهبی هماهنگی و وفاق داشتند مانندکروآسی، اسلوونی و مقدونیه در ۱۹۹۱ اعلام موجودیت کردند و در پی آن بوسنی و هرزگوین مسلمان‌نشین در سال ۱۹۹۲ به استقلال رسید و پس از نبردهای قومی خونین و دخالت امریکا و تنظیم موافقت نامهٔ دیتون در سال ۱۹۹۵ به آرامش دست یافت. صربستان و مونته‌نگرو که در کنار هم باقی مانده بودند جمهوری جدید یوگسلاوی را تشکیل دادند.

در بهار ۱۹۹۹ نیروهای ناتو، یوگسلاوی را به دلیل درگیری‌های قومی با آلبانیایی تبارهای ساکن‌کوزوو بمباران کردند و سرانجام با وارد شدن نیروهای حافظ صلح ناتو به کوزوو، صلح و آتش‌بس برقرار شد.

دو بخش شرقی و غربی آلمان با هم متحد شدند و پس از ۴۵ سال جدایی، در اکتبر ۱۹۹۰ کشور آلمان واحد را تشکیل دادند. هلموت کهل صدر اعظم آلمان از حزب دموکرات مسیحی، پس از ۱۶ سال از صدارت عظمای آلمان کناره گرفت وگرهارد شرودر از حزب سوسیال دموکرات در انتخابات سپتامبر ۱۹۹۸ به این مقام رسید.

چکسلواکی به طور مسالمت‌آمیز از ژانویهٔ ۱۹۹۳ به دو کشور مستقل جمهوری چک و جمهوری اسلوواکی تقسیم شد.

در لهستان، لخ والسا که در انتخابات دسامبر ۱۹۹۱ به ریاست جمهوری برگزیده شده بود، در انتخابات نوامبر ۱۹۹۵ جای خود را به رقیب انتخاباتیش واگذار کرد.

ناتو در ۱۹۹۷ طی توافقی با روسیه زمینهٔ توسعهٔ خودرا در اروپای شرقی و سرزمین‌هایی که در بلوک شوروی سابق قرار داشتند فراهم آورد و جمهوری‌های اوکراین و چک و مجارستان و لهستان در ژانویهٔ ۱۹۹۹ به عضویت ناتو درآمدند و ناتو پنجاهمین سال تأسیس خود را جشن گرفت.

تلاش‌هایی در زمینهٔ وحدت اروپا با ایجاد بازار واحد در نوامبر ۱۹۹۵ به عمل آمد و جامعهٔ اروپا به اتحادیه اروپا مبدل گردید و قراردادماستریخت که در نوامبر ۱۹۹۳ به امضاء رسیده بود، به مورد اجرا گذارده شد و مقدمات رواج پول واحد اروپا به نام‌یورو فراهم آمد.

در بریتانیا، خانم مارگارت تاچر در انتخابات نوامبر ۱۹۹۰ پست نخست‌وزیری و رهبری حزب محافظه‌کار را به‌جان میجر واگذار کرد و ۷ سال بعد جان میجر با شکست در انتخابات مه ۱۹۹۷ جای خود را به رهبر حزب کارگر، تونی بلر واگذار نمود.

پرنسس دایانا که قبلاً از پرنس چارلز ولیعهد بریتانیا جدا شده بود، در یک حادثهٔ رانندگی در اوت ۱۹۹۷ در پاریس کشته شد و خبر مزبور سرمقالهٔ غالب مطبوعات جهان قرار گرفت.

مذاکرات و گفتگوهای صلح درایرلندشمالی با مشارکت شین فین، شاخهٔ سیاسی ارتش جمهوری‌خواه ایرلند، صورت گرفت و ایرلند شمالی در دسامبر ۱۹۹۹ به کسب خودمختاری نایل آمد.

خاورمیانه: در اوت ۱۹۹۰، ارتش عراق به ریاست جمهوری و فرماندهی صدام حسین به کشور کویت حمله کرد. سازمان ملل متحد در نوامبر همان سال عمل عراق را محکوم نمود و رئیس جمهور امریکا جورج بوش از تمامی دولت‌های جهان خواست تا در مقابل هجوم نظامی و مجازات عراق همکاری کنند. نیروهای مشترک در ژانویه ۱۹۹۱ عراق را بمباران کردند و از طریق زمینی به سوی بغداد پیش راندند و عراق را در آوریل ۱۹۹۱ به پذیرش صلح و آتش‌بس وادار نمودند. نیروهای امریکایی و ارتش‌های متحد خاک عراق را تخلیه کردند و یک منطقهٔ پرواز ممنوع بر فراز نواحی کردنشین شمالی و شیعه‌نشین جنوبی برقرار نمودند تا کردها و شیعیان عراق از تعرض دولت بغداد در امان باشند. سازمان ملل متحد طی صدور قطعنامه‌ای از دولت بغداد خواست تا مفاد آتش‌بس را رعایت کند و به بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل اجازه دهد تا سلاح‌های کشتار جمعی آن کشور را منهدم نمایند.

آخرین گروگان‌های غربی در لبنان در ژوئن ۱۹۹۲ آزاد شدند و سازمان آزادیبخش فلسطین در سپتامبر ۱۹۹۳ قرارداد صلحی با اسرائیل امضاء نمود و به موجب آن به فلسطینیان اجازه داده شد تا به صورت خودمختار اداره شوند و در باریکهٔ غزّه و در برخی مناطق کرانهٔ باختری حکومتی خودمختار تأسیس نمایند.

نخست‌وزیر اسرائیل اسحاق رابین و وزیر خارجهٔ کشور مزبور شیمون پرز و یاسرعرفات به دلیل امضای قرارداد صلح ۱۹۹۴، به دریافت جایزهٔ صلح نوبل موفق شدند و در همین سال قرار شد شش کشور عرب از تحریم اسرائیل دست بردارند و اسرائیل و اردن نیز قرارداد صلحی در تاریخ اکتبر ۱۹۹۴ امضاء نمودند. اسحاق رابین در نوامبر ۱۹۹۵ به وسیلهٔ یکی از تندروهای اسرائیلی مخالف صلح، ترور شد و بعد ازانتخاباتی که در مه ۱۹۹۶ صورت گرفت بنجامین نتانیاهو از حزب راستگرای لیکود به سمت نخست‌وزیری اسرائیل برگزیده شد و در مقابله با اعراب و فلسطینیان روش انعطاف‌ناپذیر و خشن‌تری در پیش گرفت. یاسر عرفات در انتخابات ژانویهٔ ۱۹۹۶ مجدداً به ریاست دولت خودمختار فلسطین انتخاب شد و در مه ۱۹۹۹ ایهود باراک از سوی حزب کارگر به نخست‌وزیری اسرائیل رسید.

ملک حسین شاه اردن در فوریهٔ ۱۹۹۹ درگذشت و پسرش ملک عبدالله دوم به جای او نشست.

آسیای خاوری: هنگ کنگ در ژوئیه ۱۹۹۷ پس از ۱۵۶ سال که مستعمرهٔ بریتانیا بود به چین ملحق گردید. چین که در دههٔ ۱۹۹۰ از نظر اقتصادی به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته بود، پذیرفت که برای اداره کردن هنگ‌کنگ از یک سیاست داخلی دوگانه، موسوم به یک کشور و دو نظام استفاده کند. در دسامبر ۱۹۹۹ ماکائو پس از ۴۰۰ سال که در تصرف پرتغال بود، به چین واگذار گردید.

جیانگ زمین رهبر حزب کمونیست چین در مارس ۱۹۹۳ به عنوان رئیس جمهور نیز انتخاب شد و در مقام شخص اول چین پس از دنگ شیائو پینگ مشغول به کار گردید. در پی آن گروهی از زندانیان سیاسی چین آزاد شدند و در نوامبر ۱۹۹۹ قرارداد همکاری مشترک میان امریکا و چین به امضاء رسید.

در اندونزی، تظاهراتی علیه رژیم ۳۲ سالهٔ سوهارتو به عمل آمد و عبدالرحمن وحید در انتخابات اکتبر ۱۹۹۱ که نخستین انتخابات دموکراتیک کشور محسوب می‌شد، به سمت ریاست جمهوری اندونزی انتخاب شد. در همه پرسی اوت ۱۹۹۹ مردم تیمور شرقی به استقلال خود رأی دادند و نیروهای اندونزیایی سرزمین مزبور را ترک کردند.

در کرهٔ جنوبی، کیم دایجونگ در انتخابات دسامبر ۱۹۹۷ به ریاست جمهوری رسید و دوتن از رؤسای جمهور پیشین کره به نام روتائه‌وو و چون دوهوآن به جرم فساد محکوم شدند ولی از سوی ریاست جمهوری مورد عفو قرار گرفتند.

در مارس ۱۹۹۵ اعضای یک فرقهٔ مذهبی در متروی توکیو در ژاپن گاز سمی سارین پخش کردند که به کشته شدن ۱۲ تن و زخمی شدن بیش از ۵۰۰، ۵ نفر منجر گردید.

در سری لانکا شورشیان تامیل به عملیات تروریستی و مبارزهٔ خود همچنان ادامه دادند و در افغانستان گروه طالبان رژیم بنیادگرایانه و ارتجاعی خود را تحت لوای حکومت اسلامی پیاده کردند و در سپتامبر ۱۹۹۶ کنترل شهر کابل را در دست گرفتند و به مرور بر حدود سه چهارم افغانستان حاکم شدند.

در کرهٔ شمالی کیم ایل سونگ که از مدت‌ها قبل مستبدانه بر کرهٔ شمالی حکومت می‌کرد در ژوئیهٔ ۱۹۹۴ زندگی را وداع گفت و پسرش کیم جونگ ایل به جای پدر به حکومت نشست. وی طی موافقت‌نامه‌ای که با امریکا منعقد نمود تعهد کرد تا تولید سلاح‌های هسته‌ای خود را محدود سازد.

در هندوستان هندوهای افراطی مسجد مسلمانان را در دسامبر ۱۹۹۲ ویران کردند و نیروهای نظامی هند استقلال طلبان مسلمان کشمیر را که مورد حمایت پاکستان بودند سرکوب نمودند.

هر دو کشور هند و پاکستان در سال ۱۹۹۸ سلاح‌های هسته‌ای خود را آزمایش کردند و در کودتای بدون خونریزی اکتبر ۱۹۹۹ ژنرال پرویز مشرف، دولت نواز شریف را سرنگون کرد و خود زمام امور پاکستان را شخصاً در دست گرفت.

افریقا: در افریقای جنوبی، پرزیدنت اف دبلیو دکلرک، نلسون ماندلا را از زندان آزاد کرد و سفیدپوستان نژادپرست از سمت‌های مهم کشور برکنار شدند. نلسون ماندلا که در فوریهٔ ۱۹۹۰ پس از ۲۷ سال زندان آزاد شده بود، در انتخابات آوریل ۱۹۹۴ به ریاست جمهوری افریقای جنوبی رسید و قانون اساسی جدید کشور را در دسامبر ۱۹۹۶ به تصویب رسانید و در انتخابات ژوئن ۱۹۹۹ جای خود را به امبکی واگذار کرد.

در نیجریه ژنرال اوباسانجو در فوریهٔ ۱۹۹۹ به ریاست جمهوری رسید.

در زئیر موبوتو سه‌سکو پس از مدت‌ها حکومت در مه ۱۹۹۷ در پی یک شورش گسترده سرنگون شد و جای خود را به لوران کابیلا واگذار کرد و کوتاه زمانی بعد درگذشت و کابیلا رئیس جمهور جدید نام کشوررا از زئیر به‌جمهوری دموکراتیک کنگو برگردانید. رؤسای جمهور کشورهای بوروندی و روآندا در آوریل ۱۹۹۴ در یک سانحهٔ هوایی کشته شدند و در روآندا شورش خونین هوتوها و توتسی‌ها صدها هزار تن را به کشتن داد. شورش مزبور به اردوگاه آوارگانی که در زئیر و بوروندی پناه گرفته بودند نیز گسترش یافت.

در سومالی بعد از پرزیدنت محمد زیاد باره جنگ خونینی در ژانویه ۱۹۹۱ روی داد و سازمان ملل متحد نیروهایی برای حفظ صلح از امریکا به آنجا روانه نمود، اما شورش به حدی بود که از نیروهای حافظ صلح کاری جز دادن چند کشته که در میان آنها ۲۳ تن از پاکستان و ۱۸ نفر از نیروهای امریکا بود، برنیامد و سازمان ملل به ناچار نیروهای حافظ صلح را در مارس ۱۹۹۵ از آن سرزمین جنگ‌زده فراخواند.

سازمان بهداشت جهانی در گزارش مورخ ۱۹۹۵ خود اشاره نمود که ۷۵ درصد بیماران مبتلا به ایدز در افریقا به سر می‌برند. کشور نامیبیا در مارس ۱۹۹۰ رسماً به استقلال رسید. کشور مزبور از سال ۱۹۱۹ مورد ادعای افریقای جنوبی بود و تا سال ۱۹۷۱ تحت نظارت و قیمومت سازمان ملل متحد قرار داشت.

در الجزایر ارتش برای دومین بار مجلس این کشور را که در ژانویهٔ ۱۹۹۲ به دلیل حضور شمار قابل توجهی از اسلامگرایان در آن، منحل کرد و در پی آن اسلامگرایان دست به مبارزه مسلحانه و شورش زدند که در طی سالیان اخیر به کشته شدن عده زیادی از دو طرف منجر شد و سرانجام در ۱۹۹۹ بین طرفین صلح برقرار شد.

امریکای شمالی و مرکزی: بین کشورهای امریکا و کانادا و مکزیک قرارداد تجارت آزاد منعقد گردید و از ژانویهٔ ۱۹۹۴ به مورد اجرا گذارده شد. در کشور امریکا، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۲ بیل کلینتون را به ریاست جمهوری رساند و جورج بوش پس از یک دوره ریاست جمهوری، جای خود را به وی واگذار کرد.

در مکزیک ارنستو زدیلو در انتخابات ژوئیه ۱۹۹۴ به ریاست جمهوری رسید و در امریکای مرکزی ژان برتراند آریستید در انتخابات دسامبر ۱۹۹۰ هائی‌تی مقام ریاست جمهوری را از آن خود کرد ولی پس از ۹ ماه زمامداری، به وسیلهٔ یک کودتای نظامی سرنگون شد. سازمان ملل

متحد از امریکا یاری خواست تا رئیس جمهور منتخب مردم را در مقام خود ابقاء نماید. در نیکاراگوآ در انتخابات فوریهٔ ۱۹۹۰ ویولتا چامارو دانیل اورتگا را شکست داد و در پاناما نیروهای امریکایی به مقر ریاست جمهوری حمله بردند و مانوئل نوریگا را که متهم به دست داشتن در قاچاق مواد مخدّر بود، در ژانویهٔ ۱۹۹۰ دستگیر کردند و بدینسان دولت امریکا استقرار خود را بر منطقهٔ پاناما استحکام بخشید. در امریکای جنوبی، آلبرتو فوجیموری در ژوئن ۱۹۹۰ به ریاست جمهوری پرو رسید و پس از اصلاح قانون اساسی پرو در انتخابات سال ۱۹۹۵ نیز برای بار دوم در این مقام ابقاء گردید. در سپتامبر ۱۹۹۲ رهبر شورشیان راه درخشان دستگیر شد.

در آرژانتین سائول منم از حزب پرونیست‌ها در ۱۹۸۹ و بار دیگر در ۱۹۹۵ به ریاست جمهوری برگزیده شد. وی در انتخابات ۱۹۹۹ جای خود را به فرناندو دلاروآ واگذار کرد.

ژنرال آگوستینو پینوشه که پس از ریاست جمهوری شیلی تا مارس ۱۹۹۸ در پست فرماندهی ارتش خدمت می‌کرد، در اکتبر ۱۹۹۸ در لندن به جرم جنایت و دست داشتن در قتل‌های سیاسی بازداشت شد ولی به دلیل پیری و بیماری از محاکمه و کیفر معاف گردید. در برزیل ارناندو هنریک کاردوسو در سال ۱۹۹۴ به ریاست جمهوری رسید و در ۱۹۹۸ برای بار دوم پست ریاست جمهوری را برای خود محفوظ داشت. در پی اوج گیری مسائل زیست‌محیطی، نخستین کنفرانس زمین که از سوی سازمان ملل متحد و برای حفظ محیط زیست تشکیل شده بود، در ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو با شرکت ۱۷۸ کشور برگزار شد.

در دهه ۱۹۹۰ چندین عملیات تروریستی بر علیه امریکا صورت گرفت، که به برخی از آنها اشاره می شود: اتومبیلی مملو از مواد منفجره در پارکینگ مرکز تجارت جهانی نیویورک (فوریهٔ ۱۹۹۳) منفجر شد و ۶ کشته به جای گذارد. درعربستان سعودی تروریست‌ها در بمب‌گذاری مرکز آموزش‌های نظامی ارتش امریکا در نوامبر ۱۹۹۵ و بار دیگر در یک پادگان نظامی امریکایی در ژوئن ۱۹۹۶ جمعاً ۲۶ تن را به قتل رساندند و انفجار بمب در مجاورت سفارت امریکا درکنیا و تانزانیا در اوت ۱۹۹۸ بیش از ۲۲۰ نفر را به قتل رساند و به همین بهانه ارتش امریکا مرکز آموزش‌های تروریستی در افغانستان و سودان را موشک‌باران نمود. در اوایل ۱۹۹۵ نیز در انفجار ساختمان فدرال ایالت اوکلاهماسیتی ۱۶۸ تن کشته شدند.

علوم: رصدخانهٔ فضایی قدرتمند هابل در ۱۹۹۰ توسط امریکا به فضا فرستاده شد و آینه‌های آن که نیاز به تنظیم و تعمیر داشت، در یک راهپیمایی فضایی (در دسامبر ۱۹۹۳) تعمیر شد. فضاپیمای آتلانتیس در ژوئن ۱۹۹۵ به ایستگاه فضایی میر، متعلق به روسیه، ملحق شد و فضانوردان امریکایی و روسی متفقاً به پژوهش‌های کیهانی پرداختند.

آخرین سرنشینان ایستگاه فضایی میر در ۱۹۹۹ ایستگاه مزبور را ترک کردند و آن را به حال خود رها کردند. درنوامبر ۱۹۹۸ اولین قسمت از ایستگاه فضایی بین‌المللی جدیدی از پایگاهی در قزاقستان به فضا روانه گردید. دو فضاپیمای بدون سرنشین نیز در سال ۱۹۹۹ توسط امریکا به کرهٔ مریخ فرستاده شد، ولی هر دو قبل از کار و پیش از ارسال پیام ناپدید شدند. یان ویلمت دانشمند اسکاتلندی در فوریهٔ ۱۹۹۷ اعلام داشت که عمل کلونینگ یا شبیه‌سازی روی یک گوسفند ماده با موفقیت انجام شده و در این عمل از هستهٔ سلول یک گوسفند ماده سالمند استفاده گردیده است.

آغاز هزارهٔ جدید: ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ میلادی

امریکای شمالی و جنوبی: ویسنته فوکس از حزب راست میانه اقدام ملی، در ژوئیه سال ۲۰۰۰ به ریاست جمهوری برزیل برگزیده شد و حزب نهاد انقلابی را که مدت زمانی طولانی بر مکزیک حاکمیت داشت، شکست داد. آلبرتو فوجیموری، رئیس جمهوری پرو، در پی یک رسوایی امنیتی و سیاسی مجبور به کناره‌گیری شد و از ژاپن درخواست پناهندگی نمود. جورج بوش، پس از یک انتخاب پر سر و صدا و مبهم که بحث‌انگیزترین انتخابات تاریخ امریکا لقب گرفت، در ژانویه سال ۲۰۰۱ به کاخ سفید راه یافت. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در همین سال، که توسط ۴ فروند هواپیمای مسافربری ربوده شده صورت گرفت، وضعیت جورج بوش را تغییر داد و وی به یکی از محبوب‌ترین رؤسای جمهوری امریکا تبدیل گردید. در این عملیات حدود ۳۰۰۰ نفر و از جمله ۲۶۵ مسافر هواپیماهای مزبور کشته شدند و برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک کاملاً منهدم گردید. به علاوه پنتاگون، ساختمان وزارت دفاع امریکا نیز مورد اصابت یکی از این هواپیماها قرار گرفت و هواپیمای چهارم در پنسیلوانیا سقوط کرد.

پس از وقوع این عملیات، امریکا در پیشبرد سیاست نظم نوین جهانی، و حاکمیت بلامنازع خویش پی‌گیرانه دست به اقدام زد و در اولین گام با حمله به کشور افغانستان گروه طالبان را از حاکمیت این کشور برانداخت. حمله به افغانستان با همکاری و همگامی بسیاری از کشورهای جهان همراه بود و هنوز نیز نیروهای نظامی امریکا و متحدین آن در این کشور حضور دارند. در دومین گام نیز دولت امریکا سعی نمود که با همراه نمودن سایر کشورهای جهان، سرزمین نفت‌خیز عراق را به تصرف خود درآورد. اگرچه بیشتر کشورهای جهان با حملهٔ امریکا به عراق مخالفت نمودند، و علی‌رغم قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، نیروهای امریکایی از بیستم ماه مارس سال ۲۰۰۳ اقدام به حملهٔ هوایی، زمینی و دریایی به خاک عراق نمودند و به کمک نیروهای انگلیسی بیشتر مناطق و اراضی عراق را به تصرف خود درآوردند.

خاورمیانه: با اوج گیری تعرضات رژیم صهیونیستی بر علیه فلسطینی‌ها و متقابلاً گسترش عملیات انتحاری از سوی فلسطینیان، روند صلح عملاً متوقف گردید، و تداوم خشونت‌ها در این سرزمین موجب شد تا آریل شارون از رهبران افراطی و تندرو حزب لیکود در فوریه ۲۰۰۱ به نخست‌وزیری اسرائیل برسد. در ژوئن سال ۲۰۰۰ حافظ اسد رئیس جمهور سوریه درگذشت و بشار اسد، پسر وی، به جای او انتخاب شد. تهاجم نظامی امریکا و انگلیس به عراق با مخالفت بیشتر کشورهای عرب مواجه شد، اما کشورهای عربستان سعودی، کویت، قطر و بحرین پایگاه‌های خود را در اختیار این دو کشور قرار دادند. یاسر عرفات رئیس دولت خودگردان فلسطین، تحت فشارهای دولت امریکا، محمود عباس معروف به ابومازن را در اوایل سال ۲۰۰۳ به عنوان نخست‌وزیر معرفی کرد، تا شاید بدین وسیله راه برقراری صلح در خاورمیانه هموار گردد.

اروپا: اسلوبودان میلوشویچ از قدرت کنار گذاشته شد و وویسلاو کوشتونیتسا به ریاست جمهوری یوگسلاوی رسید. در آوریل ۲۰۰۱، میلوشویچ تحویل دادگاه بین‌المللی لاهه گردید تا به اتهام جنایت علیه بشریت، در جنگ‌های قومی دههٔ ۱۹۹۰، در بوسنی و هرزگوین و کوزوو محاکمه گردد. سقوط نخستین جت کنکورد در ژوئیه سال ۲۰۰۰ منجر به مرگ ۱۱۳ تن از سرنشینان آن در نزدیکی پاریس شد. زیردریایی هسته‌ای روسی کورسک در ماه اوت ۲۰۰۰ در آب‌های دریای بارنتز غرق شد و ۱۱۸ خدمهٔ آن همگی کشته شدند. از ابتدای سال ۲۰۰۲، یورو، واحد پول اروپایی در ۱۲ کشور از ۱۵ عضو اتحادیه اروپا رایج شد و این ۱۲ کشور به تدریج پول‌های ملی خود را کنار گذاشتند.

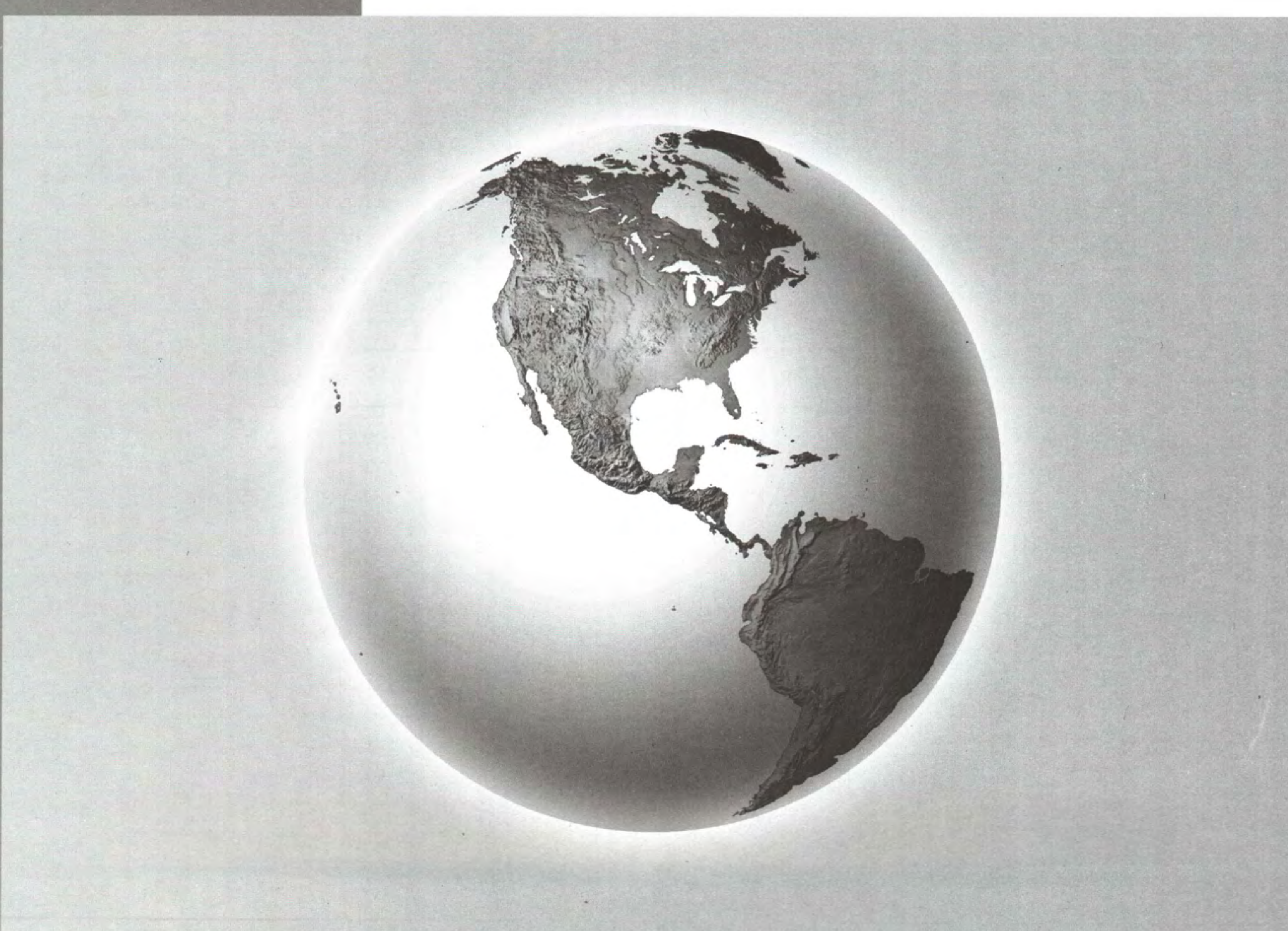
آسیا: کیم دائه جونگ و کیم جونگ ایل، رهبران کره جنوبی و شمالی در ماه ژوئن ۲۰۰۰ با یکدیگر دیدار کردند تا راه‌های رسیدن به صلح و وحدت مجدد دو کره را مورد بررسی قرار دهند. شاه بیرندرا، پادشاه نپال و تمامی اعضای خانوادهٔ وی در حادثهٔ تیراندازی ولیعهد، دیپندرا، کشته شدند و دیپندرا نیز که در پایان تیراندازی اقدام به خودکشی کرده بود، دو روز بعد درگذشت (ژوئن ۲۰۰۱). جیانگ زمین، رئیس جمهور چین در ژوئیه سال ۲۰۰۱، با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه دیدار کرد و دو رهبر پیمان دوستی میان دو کشور را امضاء کردند.

افریقا: کنفرانس ایدز در ژوئیهٔ ۲۰۰۱ در شهر دوربان افریقای جنوبی به منظور بررسی راههای کاهش و کنترل بیماری ایدز در کشورهای در حال توسعه برگزار گردید. اتیوپی و اریتره در ماه دسامبر ۲۰۰۰ پیمان صلح امضاء کردند. لوران کابیلا، رئیس جمهور کنگو کینشاسا توسط یکی از محافظانش به قتل رسید و ژوزف کابیلا، پسر وی، جانشین او گردید.

گیتاشناسی نوین کشورها

بخش دوم

مسائل مهم جهان امروز



ویرانگری حیات؛ تهدیدی جدّی

منابع زیستی کرهٔ زمین که طبیعت به گونه‌های مختلف بر آدمیان ارزانی داشته، در دهه‌های اخیر با روندی سریع و بی‌سابقه رو به نابودی گذارده و عفریت ویرانگری حیات را برای ما به ارمغان آورده است.
گفتگوها و چاره‌اندیشی‌های سازمانهای بین‌المللی هنوز از مرحلهٔ حرف و بازی با الفاظ و تعارفات دیپلماتیک فراتر نرفته و مشکلی را حل نکرده است.
جوامع محلی که با این معضل بزرگ دست به گریبانند، خود نیز باید دست به کار شوند و از ویرانگری بیشتر حیات بپرهیزند، تا مگر نعمت حیات را که طبیعت ظاهراً بر ما زمینیان منحصر نموده است، از خطر نابودی برهانند و با پاسداری از تنوع حیات و حفظ قداست محیط زیست بر حیات خود و فرزندانشان ترحم آورند و هویت طبیعی زادگاه خویش را محفوظ بدارند.

واژهٔ تنوع حیات در سالهای دههٔ ۱۹۶۰، هنگامی که بعضی دول و جوامع پیشرفته، مراتب نگرانی خود را در مورد از بین رفتن انواع موجودات زنده اظهار داشتند، مطرح گردید.
شرکتهای بزرگ اقتصادی در این ویرانگری بی‌تأثیر نبوده‌اند و هرکدام از کشورها نیز به طرق ممکن و دلخواه در مصرف بی‌رویهٔ این منبع ارزشمند سهیم بوده و با تشبّث به انگیزه‌هایی چون مال‌اندوزی و توسعه و تملک، بر شتاب این روند افزوده‌اند. سلطه‌جویان اروپایی در سدهٔ نوزدهم، پیکر قاره‌های سیاه و امریکا را میدان تاخت و تاز خود قرار دادند و بی‌رحمانه به غارت منابع حیات وحش پرداختند و به دنبال آنها، امریکا نیز با انگیزه‌هایی مشابه به جدال و تملک منابعی که به بومیان تعلق داشت دست زد و با صیدهای بی‌رویه و زدایش جنگل‌ها و روییدنی‌ها بر ویرانگری حیات و محیط زیست افزود. دولت‌ها و جوامع تازه استقلال یافتهٔ برآمده از دوران استعمار بنا بر مصالح خود و اقتضای سیاست و غیره با صاحبان صنایع قدرتمندی چون کارخانه‌ها و مؤسسات شیمیایی و دارویی و غذایی، کنار آمده و آنان را در کار خود کاملاً آزاد گذارده‌اند.
برای تنوع حیات و منابع زیستی و الفاظی این‌چنین، هنوز تعریف و استنباط روشنی وجود ندارد، از این رو به طور مجمل به تفکیک و تعریف آن می‌پردازیم و نخست منابع زیستی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:
کلیهٔ موجودات زنده، اعم از سازواره‌های شناخته شدهٔ جهانی و یا ناشناخته‌ای که به گونه‌ای مورد استفادهٔ جوامع انسانی قرار می‌گیرند، از جمله منابع زیستی به‌شمار می‌آیند. یکی از پژوهشگران دانشگاه ملی کستاریکا، این منابع را به سه گروه تقسیم می‌کند.
نخست سازواره‌های جانوری یا گیاهی، اهلی یا وحشی که از کیفیت آنها به طور کامل بهره می‌گیریم. مانند: برنج یا گندم که در مصارف خوراکی به کار می‌روند.
دوم سازواره‌هایی که ویژگی شیمیایی دارند و با توجه به خصیصه‌های مولکولی یا ترکیبی، آنها را در تولید مصنوعاتی چون دارو و امثال آن به کار می‌بریم و بخشی از نیازهای روزمره را با آنها برطرف می‌کنیم. مانند: گیاهان و یا جانورانی که در داروسازی مورد استعمال دارند.
سوم آن دسته از موجوداتی که از ویژگیهای ژنتیکی آنها در جهت بهبود و بالا بردن کیفیت فرآورده‌های کشاورزی و دامی بهره می‌گیریم و به کمک فن‌آوری‌های گوناگون به منابع جدید با ویژگی‌های متفاوت دست می‌یابیم.
در قطعنامهٔ کنفرانس محیط زیست ریودوژانیرو در برزیل که در سال ۱۹۹۲ برگزار شد، تنوع حیات، تنها به موجودات و منابعی که به طور کاملاً طبیعی تولید مثل می‌کنند و به عنوان منابع زیستی شناخته می‌شوند، منحصر و تعریف گردید. این تعریف هنوز از اعتبار بین‌المللی برخوردار نیست.

فقر در کنار ثروت

بررسی عواملی چون محیط‌های جغرافیایی، شرایط اقلیمی، پیشینه و سوابق تاریخی و دوری و نزدیکی به مراکز تمدن و تجمع جوامع فرهنگی نشان‌دهندهٔ آن است که کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته، سهم بزرگتری از منابع طبیعی و زیست‌آوری را به خود اختصاص داده‌اند. کشورهایی مانند برزیل، کلمبیا، مکزیک، ماداگاسکار و مالزیا که از منابع طبیعی خوبی برخوردارند، از جملهٔ این کشورها محسوب می‌شوند. این کشورها را به راستی باید گنجینهٔ حیات وحش به‌شمار آورد. گنجینه‌ای سرشار از گونه‌های زیستی با تنوعی بس وسیع و شایان توجه.
مطالعهٔ منابع کشاورزی که نتیجهٔ همکاری و هماهنگی طبیعت و فرهنگ انسانی است، گویای آن است که بیش از ۹۰ درصد مواد خوراکی مردم جهان تنها به بیست محصول کشاورزی منحصر می‌گردد.
پس از جنگ جهانی دوم، امید طرفداران «انقلاب سبز» برای ساختن دنیایی بدون گرسنگی رو به افزایش گذاشت. اما باید دانست که بیشتر گرسنگی‌ها زاییدهٔ عوامل سیاسی است و کمبود مواد غذایی در آن نقش چندانی ندارد. نویدهای امیدبخش برای بالا بردن کیفیت و ازدیاد تنوع مواد خوراکی به تدریج به دست فراموشی سپرده شده و پوزش‌های بعدی را به همراه آورده است.
طرح انقلاب سبز که برای ترویج و یکسان‌سازی محصولات کشاورزی منظور شده بود، منابع طبیعی شمال و جنوب را به سوی روندی رو به تحلیل سوق داده است. ال گور معاون ریاست جمهوری امریکا در کتاب خود به نام «زمین در ترازو» می‌نویسد:
طی سالهای ۱۹۰۰ در ایالات متحدهٔ امریکا تنها ۳ درصد از انواع سبزی‌های ثبت شده در فهرست وزارت منابع طبیعی به بازار عرضه شده و امریکاییان از شناخت و کارآیی و کیفیت بقیه ناآگاهند.
واندانا شیوا، پژوهشگر هندی در آغاز قرن بیستم، به بیش از سی‌هزار گونهٔ شناخته شدهٔ برنج اشاره می‌کند و می‌نویسد: تنها پنجاه نوع آن امروزه کشت می‌گردد و پیش‌بینی می‌کند که تا چند سال آینده، شمار انواع برنج هندوستان، فقط به ده گونه منحصر خواهد شد. ارقام مزبور ناآگاهی انسان از منابع طبیعی و بی‌اعتنایی او به استعدادهای ژنتیکی را نشان می‌دهد.
در عین حال با شگفتی باید گفت کشورهایی که از منابع طبیعی ضعیفی برخوردارند و با تجارت و صنعت روزگار می‌گذرانند، دست به دامن روش‌های ژنتیکی جدیدی زده و برای حفاظت از فرآورده‌های کشاورزی در مقابل آفات گیاهی و کشف ژن‌های ناشناخته در جهت بهبود کیفیت و کمیت محصولات کشاورزی سخت به تلاش افتاده‌اند.

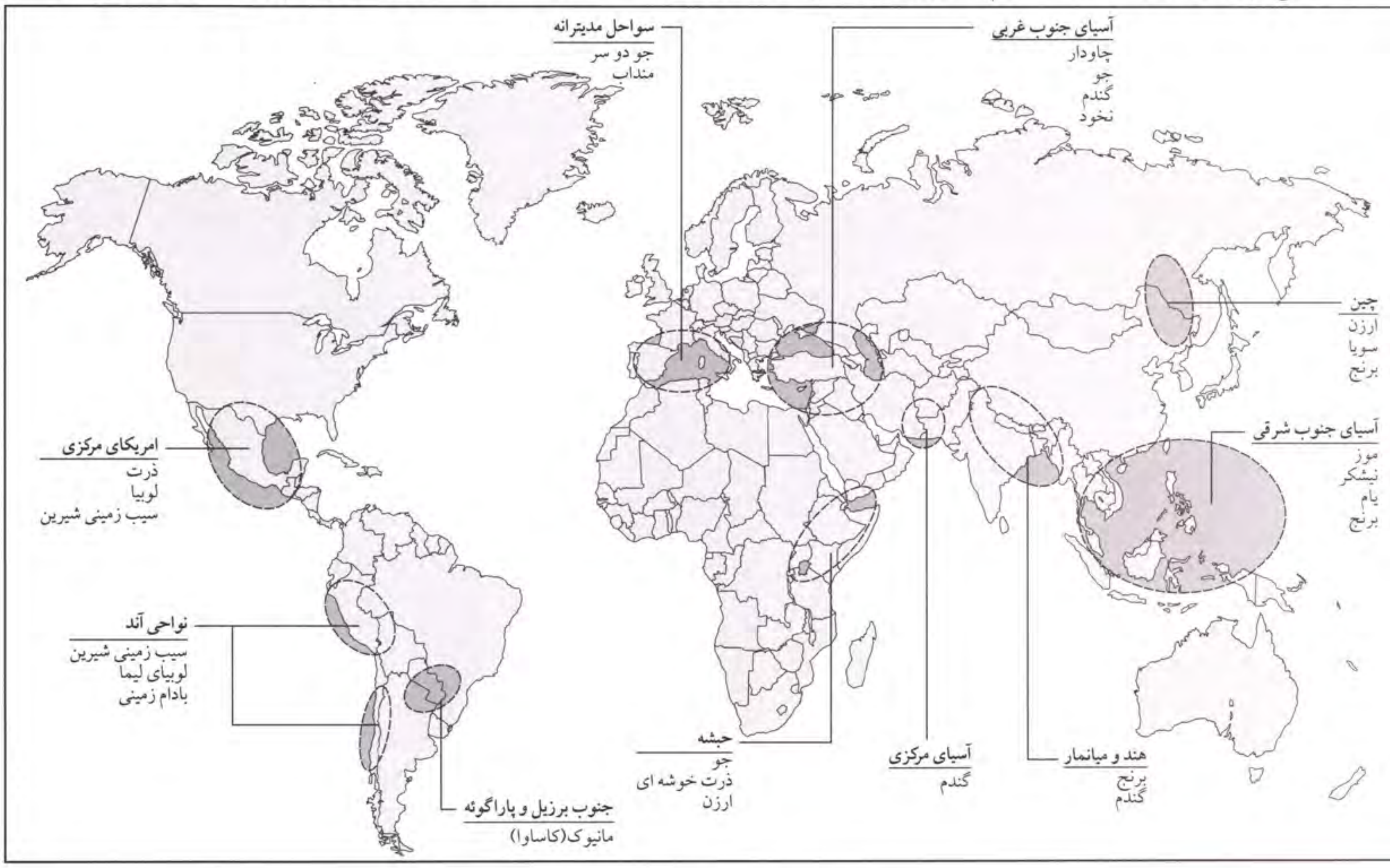
تنوع حیات و فرهنگ

تأثیر حیات بر فرهنگ اگرچه از اهمیت خاصی برخوردار است ولی مورد توجه چندانی قرار نگرفته و کمابیش با بی‌مهری روبرو شده است. آدمی در همه‌جای زمین از کرانه‌های دریا و اقیانوس‌ها و جزایر گرفته تا درّه‌ها و کوهپایه‌ها، بیابان‌ها و صحراهای سوزان و سرزمین‌های پوشیده از برف و یخ پراکنده است.
در بعضی نقاط دورافتاده با قبایلی روبرو می‌شویم که همچون بشر اولیه روزگار می‌گذرانند و از فرهنگ و تاریخ بی‌بهره‌اند. اما حتی از اعماق جنگل‌ها و دورافتاده‌ترین نقاط روی زمین تا شهرها و نواحی متمدن، همه‌جا آثار دخالت انسان در طبیعت به خوبی آشکار است.
ویکتور تولدو زیست‌شناس مکزیکی که سالها در بارهٔ رابطهٔ فرهنگ و منابع زیستی به ویژه در کشورهای امریکای لاتین به تحقیق پرداخته، معتقد است که بیرون راندن بومیان از زادگاهشان در کشورهایی چون برزیل، کنیا، تایلند، غیره و تبدیل نواحی مزبور به پارک‌های ملی و حفاظت شده، نه‌تنها در بهبود وضعیت منابع زیستی تأثیری نداشته، بلکه مردمانی را که خود حافظ و عامل تعادل محیط زیست بوده‌اند، آواره و خانه به دوش ساخته است.
فرهنگ کشاورزی میراثی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. کشاورزان هُندوراسی با به کارگیری روش‌های سنتی، فرآورده‌هایی چون ذرت، لوبیا و امثال آن تولید می‌کنند و با بهره‌گیری از شیوه‌های خاص سنتی به مبارزهٔ آفات گیاهی و تقویت خاک رفته و بر کیفیت محصولات خود افزوده‌اند و موفقیت‌های شایان توجهی هم به دست آورده‌اند.

جلوه‌هایی از پایان قرن بیستم

مهندسی ژنتیک که ره‌آورد پایان قرن بیستم است، از جمله خطراتی است که منابع طبیعی را جداً تهدید می‌کند. به نظر می‌رسد انقلاب فن‌آوری‌های زیستی که تغییرات سریعی در زندگی ما پدید آورده است، قصد جایگزینی انقلاب سبز را دارد و این در حالی است که پژوهشگران در مورد اهداف و پی‌آمدهای زیان‌بار آن تردید دارند.
المر رومپسکی جامعه‌شناس آلمانی به موفقیت‌های این انقلاب چندان خوشبین نیست و آیندهٔ وخیمی را از دیدگاه عواملی چند پیش‌بینی می‌کند. زیرا، تمرکز و انحصار تحقیقات در دست چند کمپانی بزرگ چند ملیتی است و دیگران را در آن راهی نیست. اشاعه و پخش تصادفی مواد بیماری‌زا با دستکاری‌های ناشیانه و فریبکارانه، تکثیر غیر قابل کنترل اینگونه مواد و سرانجام استفاده‌های احتمالی ارتش‌ها از نتایج این تحقیقات، زنگهای خطر را به صدا درآورده است.
حتی اگر از روش‌های سنتی ژنتیکی استفاده شود، نبایستی به حمایت از این شیوه‌ها منجر

نقشه توزیع مراکز اولیه تولید محصولات مهم کشاورزی، بر اساس طبقه بندی واویلوف، که حدود ۹۰ درصد کالری مصرفی مردم جهان از آنها تأمین می شود.



شود، زیرا هدف تنها به گسترش و اصلاح محصولات کشاورزی و دامی منحصر نمی گردد، بلکه مقاصد خاص و از پیش طراحی شده‌ای را دنبال می کند و تحقیقات را در زمینه‌هایی از اینگونه، محدود می سازد.

از جمله خطراتی که طبیعت و حیات وحش و تنوع حیات را تهدید می کند، کاربرد نسنجیدهٔ اعتبارات و کمک‌های فنی در زمینهٔ حفاظت و یا توسعهٔ منابع طبیعی است. بطور مثال می توان به احداث جنگل‌های مصنوعی با غرس گونه‌های معینی از درختان به جای جنگل‌های طبیعی سرشار از انواع گونه‌ها و گیاهان اشاره نمود که به تشویق و توصیه سازمان فائو در گوشه وکنار دنیا صورت می گیرد. به طور نمونه، کشور تایلند با از دست دادن بیش از ۸۰ درصد جنگل‌های طبیعی خود، اقدام به جنگل‌کاری مصنوعی در سطحی وسیع نموده و انواع درختان از دست رفته را فقط با درختان اوکالیپتوس جایگزین نموده است. دستکاری‌هایی از این گونه، تنوع حیات و منابع طبیعی را به شدت تهدید می‌کند و در عوض سود سرشاری را نصیب کارخانه‌های داروسازی و یا تولیدکنندهٔ مواد غذایی و مانند آن که به گونه‌های خاصی از گیاهان نیازمندند، می سازد.

اشاره به این نکته ضروری است که حفظ تنوع حیات و پاسداری از منابع طبیعی بدون در نظر گرفتن عواملی چون طبیعت، فرهنگ، تاریخ و بافت جغرافیایی آنها میسر نیست و رعایت شرایط طبیعی اکوسیستم‌ها و حذف محدودیت‌های زیستی و عدم تحمیل خواسته و مصالح بشری بر طبیعت، از ضروریات است و حمایت از اعتقادات بومی و احترام به سنت‌ها و باورهای آن دسته از جوامعی که توانایی‌های خود را در حراست و ازدیاد منابع طبیعی در بسیاری از موارد نشان داده و ثابت کرده‌اند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اعتراضات بومیان ایبان در استان ساراواک مالزیا و توپینیکیم‌های برزیل و بومیان منطقهٔ کولا در آرژانتین، نمونه‌هایی از اعتراضات اواخر سدهٔ بیستم علیه نابودی محیط زیست به شمار می آید.

بهره‌برداری‌های مستمر از منابع طبیعی، چه در خشکی و چه در دریا، باید تحت ضوابط و مقررات سنجیده شده و قاطع صورت پذیرد، در غیر این صورت آیندهٔ تاریک و نومیدکننده‌ای را پیش رو خواهیم داشت.

رام کردن پستانداران وحشی در ناحیهٔ پوپو، کشور اکوادور، حفاظت از مصب رودخانه‌ها و آبهای ساحلی توسط ماهیگیران محلی در جنگل‌های استوایی و جایگزینی جنگل‌های طبیعی با جنگل‌های مصنوعی مشابه در سری‌لانکا، از جمله موارد ارزشمندی از نقش مردم مناطق مختلف در نجات و پاسداری از این گونه منابع است.

امید است، دانشمندان زیست‌شناس با تجدید نظر در دیدگاههای خود و پژوهش و بررسی‌های بیشتر در زمینهٔ روش‌های مناسب برای حفظ محیط زیست و مبارزه با ویرانگری طبیعت، با عزمی راسخ قدم در میدان گذارند و واقعیت‌ها را از نظر دور ندارند.

جنگل‌زدایی؛ ره‌آورد دنیای صنعتی

جنگل‌ها یکی از غنی‌ترین اکوسیستم‌های جهان محسوب می‌شوند و بیش از ۶۰ درصد منابع طبیعی کرهٔ زمین را تشکیل می‌دهند. جنگل‌ها گذشته از ارزش طبیعی و اجتماعی، محافظت از خاک را نیز بر عهده دارند و از فواید اقتصادی بس ارزشمندی برخوردارند.

گروهی از آدمیان به ویژه قبایل بومی، مواد غذایی، دارویی، میوه، عسل، خانه، سوخت و گرمایش و بسیاری از نیازهای دیگر خود را از جنگل‌ها تأمین می کنند.

گیاهان در از بین بردن دی‌اکسید کربن موجود در هوا نقش به‌سزایی دارند و موجودیت و بقای جنگل‌ها برای برقراری نظم طبیعت و حفظ شرایط مطلوب زیست و جلوگیری از گرم شدن کرهٔ زمین، بسیار سرنوشت‌ساز هستند.

در طول سال‌های دههٔ ۱۹۸۰ در بسیاری از نواحی جهان، زدایش و نابودی جنگل را شاهد بوده‌ایم. طبق آمار، تنها در نواحی استوایی و گرمسیری زمین، همه‌ساله پانزده میلیون هکتار از مساحت جنگل‌ها کاسته شده است و این روند در دههٔ ۱۹۹۰ سرعت بیشتری داشته و در سدهٔ بیست و یکم همچنان ادامه دارد.

از آنجایی که تعریف مناسب و روشنی از جنگل وجود ندارد، آمار نابودی این منبع عظیم خیر و برکت نیز در پرده ابهام است. آخرین تعریف سازمان فائو که بخشی از مسئولیت رسمی آن حفاظت از جنگل‌هاست، آن چنان بُعدی را در بر می گیرد که حتی بیشتر فضاهای سبز داخل شهرها را نیز بخشی از جنگل‌کاری به شمار می‌آورد. شگفت آن است که جنگل‌های طبیعی با جنگل‌های مصنوعی که درختان آن به دو تا سه گونهٔ مثلاً اوکالیپتوس، کاج، سرو و امثال آن منحصر می گردد، از دیدگاه سازمان فائو فاقد تفاوت است و میان یک عارضهٔ طبیعی و یک عارضهٔ مصنوعی اختلافی از نظر آنان موجود نیست. برای مثال، اروپا در طول سدهٔ نوزدهم

بیشتر جنگل‌های طبیعی قدیمی خود را از دست داد و این در حالی است که گزارش سازمان فائو با شگفتی از افزایش سطح جنگل‌های نواحی معتدل و جوان حکایت دارد. لازم به تذکر است که قسمت اعظم این گونه جنگل‌ها به کمبود منابع زیستی دچارند. در آنها از خاک خوب جنگلی، روییدنی‌های کوچک و بوته‌های پوشانندهٔ کف جنگل و انواع پرنده‌ها و جانوران اثری نیست و محیط های مزبور در حقیقت به جنگل باغ‌هایی با دو یا سه گونه درخت، بیشتر شباهت دارند و فاصلهٔ میان آنها و جنگلهای طبیعی بس زیاد و غیر قابل قیاس است.

انگیزه‌های مشهود جنگل‌زدایی

خانه‌سازی و تبدیل اراضی جنگلی به زمین‌های کشاورزی و مراتع دامپروری، کشف معادن و ذخایر نفتی، باران‌های اسیدی و آتش‌سوزی را از جمله انگیزه‌ها و عوامل مشهود جنگل‌زدایی می‌توان محسوب داشت. علاوه بر آن، احداث کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی و مهاجرت کشاورزان و کارگران به حاشیهٔ جنگل‌ها را نیز باید از زمرهٔ انگیزه‌های مشهود به شمار آورد.

کشاورزان و کارگران مهاجر معمولاً خانه‌های خود را کنار جاده‌های جنگلی می‌سازند و با پاک‌سازی بخشی از جنگل، کشتزارهای کوچکی برای امرار معاش و یا فروش محصولات کشاورزی در نظر می‌گیرند. از آنجایی که خاک جنگل‌های نواحی گرمسیری برای کشت گیاهان و محصولات کشاورزی مناسب نیست، از این رو زمین‌های پاک شده قابلیت باروری خود را به سرعت از دست می‌دهند و کشاورزان پس از چند سال مجبور به ترک قطعهٔ مزبور و تصرف قطعهٔ دیگری از زمین‌های جنگلی می‌گردند و قاعدتاً مدتی از زمین مزبور برای دامداری استفاده می‌کنند و دام‌ها نیز رمق خاک را می‌گیرند و زمینی بی‌بار و بر و بایر که حتی تا سال‌ها بعد نیز قابل استفاده نخواهد بود، بر جای می‌گذارند.

باید گفت این گونه تخریبهای تدریجی تنها به نواحی گرمسیری زمین منحصر نیست، بلکه در بسیاری از نواحی دیگر مانند امریکای شمالی و اروپای غربی نیز این شیوه عیناً به همین وضع متداول است. نابودی جنگل‌ها، غالباً انحطاط و فرسایش خاک و در بعضی موارد متروک ماندن زمین‌های بایر را پس از کوچ همراه داشته است.

احداث کارخانه‌های چوب‌بری در کنار جنگل‌ها را نیز باید یکی دیگر از عوامل اصلی مشهود نابودی نواحی جنگلی محسوب داشت. در آغاز دههٔ ۱۹۹۰، کارخانه‌های چوب‌بری تولید الوار برای خانه‌سازی در کانادا و مالزیا، هرکدام درختان با ارزش قدیمی را تا شعاع چند کیلومتری از بین برده‌اند.

در برخی موارد، سابقه و حوداث تاریخی کشورها در زدایش و ویران‌سازی جنگل‌ها نقش مؤثری داشته است. برای مثال سرتاسر ایرلند و اسکاتلند در گذشته‌های دور از جنگل‌های انبوه پوشیده بوده است. با شروع سلطه‌گری بریتانیا بر سرزمین‌های مزبور و وضع قوانین استعماری، تقریباً همهٔ درختان جنگل‌ها برای ساخت کشتی‌های نیروی دریایی انگلستان قطع و به آن کشور فرستاده شد.

امروزه خانه‌سازی همچنان یکی از عوامل مهم تهدید کنندهٔ جنگل‌ها در کشورهایی مانند افریقای مرکزی، سیبری شرقی، کلمبیا و غیره به شمار می‌رود و ظاهراً کنترلی هم در کار وجود ندارد.

انگیزه‌های نامشهود

در طول دهه‌های اخیر، بحران جنگل‌ها احساسات و توجه بسیاری از طرفداران محیط زیست در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را برانگیخته است، اما تنها شمار کمی از آنها به موفقیت آن هم خیلی محدود، دست یافته‌اند و تقریباً همهٔ آنها به این نتیجه رسیده‌اند که عدم موفقیت آنان به دلیل پرداختن فقط به عوامل و انگیزه‌های مشهود بوده و عوامل نامشهود را از یاد برده‌اند. به طور مثال می‌توان به شرکت‌های بزرگ چند ملیتی که پروژه‌های اقتصادی کوتاه‌مدت را در دست داشته و به سودهای کلانی دست یافته‌اند، اشاره نمود و یا ساختارهای اجتماعی ریشه‌دار را که موجب تقسیم نابرابر و غیر منصفانهٔ زمین میان ساکنان بومی منطقه و یا کشاورزان مهاجر و به طور کلی افراد مستمند و بی‌بضاعت می‌گردد، مورد توجه قرار داد.

افزون بر آن، عوامل سیاسی مانند سهیم کردن کشاورزان در استملاک زمین‌های مزروعی، نفوذ ارتش و نیروهای مسلح و خرید و تصاحب زمین‌های روستایی توسط شهرنشینان را نباید از یاد برد. مصرف بی‌رویهٔ مواد اولیه در کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی نیز یکی دیگر از انگیزه‌های نامشهود از بین رفتن جنگل‌هاست و این در حالی است که بسیاری از کارگاهها و کارخانه‌های صنعتی در زمین‌های بایر درون جنگل‌ها و یا حاشیهٔ آنها ساخته می‌شوند و با آلوده‌سازی محیط و انتشار گازهای سمی و امثال آن، ریزش باران‌های اسیدی را موجب می‌گردند.

نابودی جنگل‌ها علل گوناگون و متعددی دارد و تحقیق در بارهٔ کلیهٔ این انگیزه‌ها و علت‌ها تا حد زیادی غیر ممکن است، ولی شاید بتوان با بررسی برخی نمونه‌ها به ماهیت این عوامل و رابطهٔ آنها پی‌برد.

کشاورزی کوتاه مدت

طبق آمار سازمان فائو، ۹۰ درصد نابودی جنگل‌ها به علت کشاورزی غیر مستمر و خانه‌سازی صورت می‌گیرد، اما حتی بدون مراجعه به آمار نیز به صراحت می‌توان گفت که عمده‌ترین دلیل از بین رفتن جنگل‌ها در بعضی کشورها، کشاورزی کوتاه مدت یا موقت است. معمولاً کمتر کسی حاضر به ترک محل زندگی خود و نقل مکان به حاشیهٔ جنگلها، قطع درختان و آماده‌سازی زمین برای کشاورزی می‌شود. یکی از دلایلی که برخی از مردم را وادار به این کار می‌کند، مسائل و مصالح سیاسی برخی دولت‌هاست. در این گونه کشورها، برای پیشگیری از اعتراض و شورش، دولت مردم ناراضی را به نواحی دوردست و کنار جنگل‌ها روانه می‌کند و آنان را رودرروی مالکان اصلی زمین‌های حاشیهٔ جنگل قرار می‌دهد و این امر اغلب به اعتراض مالکان و نزاع و زد و خورد با تازه‌واردان منجر می‌گردد. در این هنگام دولت به حمایت از ناراضیان تنگدست وارد صحنه می‌شود و زمین‌ها را به رایگان در اختیار آنان می‌گذارد. بدینسان دسترسی به جنگل‌ها و نابودی آنها با ابتکار دولت آغاز می‌گردد و با تکمیل پروژه‌های راهسازی از میان جنگل‌ها، صنایع چوب‌بری، شهرک‌سازی، معدن و کشاورزی و دامداری کوتاه مدت در آن نواحی ایجاد می‌شود و به نابودی جنگل‌ها سرعت می‌بخشد.

پی‌آمدهای جهانی

در بسیاری نقاط، جنگل‌ها برای کشاورزی مدرن و دامپروری جهت بازار صادرات مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. در امریکای مرکزی، برای دامپروری، در برزیل برای کشت سویا و در اندونزی برای کاشت درخت‌های مخصوص کاغذسازی، جنگل‌ها را تخریب می‌کنند.

در نمونهٔ اول دام‌ها را جهت تجارت سودآور تهیهٔ غذاهای فوری و سرپایی ارزان‌قیمت مانند همبرگر و امثال آن که به گوشت ارزان و با کیفیت پایین نیاز دارد، پرورش می‌دهند. در امریکای مرکزی مناطق وسیعی از جنگل‌ها را برای این کار اختصاص داده‌اند و به پرورش دام‌های گوشتی پرداخته‌اند. از آنجایی که پرورش این گونه دام‌ها مستلزم تولید مقادیر زیادی علوفه و غلات پروتئینی است و دانهٔ سویا نیز مناسبت‌ترین و ارزان‌ترین غله برای این کار به شمار می‌رود، لذا سطح وسیعی از جنگل‌های برزیل و بسیاری دیگر از کشورهای امریکای جنوبی را به کشت دانهٔ سودآور سویا اختصاص داده‌اند.

تولید کاغذ نیز از موقعیت مشابهی برخوردار است. افزایش میزان مصرف کاغذ بخصوص در کشورهای تراز اول و پیشرفته، دستیابی به چوب ارزان یا اصطلاحاً چوب خمیر را ایجاب می‌کند. به همین مناسبت بخش پهناوری از جنگل‌های اندونزی و نقاط دیگر جهان زیر کشت درختان اوکالیپتوس رفته است.

با توضیحات بالا به خوبی درمی‌یابیم که پرورش دام‌های گوشتی و تولید کاغذ و امثال آن چگونه با جنگل‌ها به مبارزه برخاسته و با چه روند سریعی از وسعت آنها می‌کاهند و جنگل‌های طبیعی را رو به تباهی و نابودی سوق می‌دهند.

دام‌های گوشتی و محصولات کشاورزی‌ای که در نواحی جنگلی تولید می‌گردند، معمولاً بلافاصله پس از تولید، روانهٔ بازار مصرف می‌شوند. نمی‌توان گفت که نابودی جنگل‌ها پی‌آمد تهیهٔ غذا برای گرسنگان جهان است زیرا تقریباً همهٔ آنها اعم از قهوه، گوشت، کاکائو و سویا و مانند آن، اکثراً به کشورهای پیشرفته و مرفه جهان صادر می‌گردند و بالطبع هرگونه طرح و نظری که از سوی برخی دولت‌ها و یا سازمان‌هایی مانند فائو در جهت حمایت و حفظ جنگل‌ها ارائه شود، از جانب کشورهای مصرف کننده بامخالفت روبرو می‌گردد و شانس خود را از دست می‌دهد.

تخریب جنگل‌ها؛ زاییدهٔ یک معضل جهانی

تخریب و انحطاط جنگل‌ها در کشورهای شمالی و جنوبی به طور یکسان رخ می‌دهد و ریشهٔ انگیزه‌های نامشهود آن در همه جا تقریباً یکسان است. کشورهای صنعتی و پیشرفته نه فقط در گذشته، بلکه حتی امروزه نیز در از بین بردن جنگل‌ها نقش مؤثری دارند. در کشورهایی مانند کانادا، امریکا و استرالیا با قطع درختان و در سوئد، فرانسه و فنلاند با بریدن درختان متبر و باقی گذاردن درختان نازک و نهال‌ها به روند جنگل‌زدایی ادامه می‌دهند و بخشی از منابع طبیعی خود را بدینسان از دست می‌دهند.

پیدایش پدیده‌های جدید ناشی از صنعتی شدن نواحی جنگلی و ریزش باران‌های اسیدی نیز در این میان بی‌تأثیر نیست. جنگل‌های کشورهای کمتر توسعه یافته موسوم به «جنوب» برای کاشت فرآورده‌های صادراتی، نظیر نخل، روغن، پرورش دام یا ساخت مصنوعات چوبی مانند مبلمان و امثال آن از درختان قدیمی کاملاً پاک شده است.

برخی انگیزه‌های نامشهود نابودی جنگل‌ها وابسته به سیاست‌های داخلی کشورها است و

بعضی هم ریشه‌های برون‌مرزی دارند. ولی در هر حال مسئولیت آن غالباً بر دوش کشورهای پیشرفته و ثروتمند موسوم به «شمال» است.

سیاست‌های کلان اقتصادی که به طرق مختلف بر کشورهای «جنوب» تحمیل شده‌اند، نیز می‌توانند در ویرانی جنگل‌ها مؤثر باشند. یکی از نتایج بارز این سیاست‌ها، افزایش صدور محصولات کشاورزی از کشورهای توسعه نیافته به کشورهای پیشرفته است و بهایی که این کشورها برای بازاریابی کالاهای خود می‌پردازند، همانا نابودی منابع طبیعی آنهاست.

تمرکز قدرت و ثروت در شمال همراه با ایجاد انگیزه‌های قوی، مصرف کنندگان فراوانی را که اکثراً کشورهای کم‌درآمد جنوب هستند، جذب بازارهای خود نموده و دست در دست دولت‌ها و سرمایه‌داران بزرگ جنوب در ویرانی و پاکسازی جنگل‌ها سهیم گشته‌اند.

دولت‌های جنوب، حقوق بومیان به ویژه حق مالکیت آنان را نادیده گرفته و آنان را از زمین‌های اجدادی خود می‌رانند و بدین ترتیب بر تخریب هرچه بیشتر منابع طبیعی سرعت می‌بخشند.

پیامد این سیاست‌ها آن است که حاصلخیزترین زمین‌های کشاورزی اکثراً در انحصار دولت یا چند سرمایه دار بزرگ قرار می‌گیرد و بومیان و دهقانان تهی‌دست به حاشیهٔ جنگل‌ها مهاجرت می‌کنند و برای گذراندن زندگی به قطع درختان جنگلی روی می‌آورند. سیاست دولت‌ها در غالب موارد به دخالت سازمان‌های چند ملیتی و مؤسسات بزرگ و حتی شرکت‌های تعاونی منجر می‌گردد. احداث جاده‌های بین شهری که از میان جنگل‌ها می‌گذرند، به معنای قطع درختان بیشتر است. این جاده‌ها راه را برای ورود شرکت‌های خانه‌سازی، مهاجرت کشاورزان آواره، کاوشگران معدن و بسیاری دیگر از دست‌اندرکاران باز می‌کند. راهسازی در جنگل‌ها یکی از بزرگترین فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری چند ملیتی مانند بانک جهانی و بانک‌های مشابه است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد با پیروی از سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در جهت افزایش هرچه بیشتر حجم صادرات گام بردارند. شرکت‌های فراملیتی شهری نیز توجه خاصی به جاده‌سازی دارند، زیرا بدین ترتیب می‌توانند به منابع طبیعی مستقیماً دسترسی پیدا کنند و محصولات خود را نیز به بازارهای مصرف روانه سازند.

گامی به جلو

سازمان‌های بین‌المللی لااقل در چهارچوب همایش‌ها و تبادل نظر دربارهٔ جنگل‌های زمین به اتفاق آراء به این نتیجه رسیده‌اند که ریشه‌یابی و شناخت انگیزه‌های نامشهود، به دستیابی به راه‌های جلوگیری از انحطاط اکوسیستم جنگل‌ها، نعمت بزرگی که تعادل نظام طبیعی کره زمین تا حد بسیار زیادی به آن بستگی دارد، کمک خواهد کرد. همچنین سازمان‌های خصوصی شرکت‌کننده در همایش‌ها، آمادگی خود را در زمینهٔ همکاری همه‌جانبه با دولت‌ها و مجامع بین‌المللی برای شناخت هرچه بیشتر انگیزه‌های نامشهود ویرانی جنگل‌ها و یافتن راه حل‌های مناسب اعلام داشته‌اند.

شاید بهتر است یادآور شود که جنگل‌ها نه‌تنها به علت بی‌اعتنایی مردم و دولت‌ها و یا کمبود برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت ناصحیح رو به ویرانی و نابودی می‌روند، بلکه گاه سیاست‌های ملّی یا بین‌المللی برخی از کشورها نیز در فراهم آوردن زمینه‌های مناسب جنگل‌زدایی از نقش مهمی برخوردارند.

با این تفاصیل چه باید کرد؟ می‌دانیم که حفظ جنگل‌ها برای بشریت و حیات خاکی، ضروری و سرنوشت‌ساز است و در این راه مبارزه‌ای سخت و طولانی لازم است.

باید به تلاش‌های خود مجدّانه ادامه دهیم واز موانع و دشواری‌ها و انگیزه‌های مشهود و نامشهود نهراسیم، زیرا حیات موهبتی است الهی که با مطلوب‌ترین وجه به آدمیان ارزانی گردیده و در حفظ آن باید هوشیار و سخت کوشا باشیم.

تغییرات جوّی؛
فقدان مسئولیت‌پذیری یا ناتوانی در پیش‌بینی

> تأثیرات شگفت‌آور و ویرانگر عوامل جوی، نظیر پدیدهٔ ال نینو و افزایش روند کویرزایی و تبدیل مراتع و نواحی آباد به زمین‌های خشک، بیانگر آن است که توجه و تلاش سازمان‌های بین‌المللی برای کاستن از وخامت وضع و جلوگیری از زوال محیط زیست کافی نبوده و عملکرد جوامع بشری بر شدت آن افزوده است.

حفظ تعادل محیط زیست به روابط متقابل انسان و طبیعت بستگی مستقیم دارد و وضع کنونی نتیجهٔ روند تاریخی و تحولاتی است که به وسیلهٔ انسان در ادوار مختلف روی داده است. در بررسی تغییرات کلی جو زمین مانند مطالعهٔ لایه‌های هیدروسفر (آبکره)، ژئوسفر (زمینکره) و بیوسفر (زیستکره) به دو عامل کاملاً متفاوت ولی مرتبط برمی‌خوریم، اول تغییرات منظم یاسیستماتیک، دوم تغییرات فزاینده یا انباشتی.

تغییرات سیستماتیک عبارت از تغییراتی است که در سطح جهانی روی می‌دهد، مانند افزایش میزان گاز کربنیک، گرم شدن کرهٔ زمین، بالا آمدن سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها، تحلیل رفتن لایهٔ اوزون و غیره. حال آن که تغییرات نوع دوم که فزاینده یا انباشتی هستند، اگرچه در نواحی محدودتر و به طور موضعی روی می‌دهند، ولی اگر با عوامل دیگری توأم گردند تأثیر سراسری پیدا می‌کنند و ظرفیت بیوسفر (زیستکره) را از نظر پذیرش و جذب گاز کربنیک کاهش می‌دهند.

تغییرات سیستماتیک؛ پدیدهٔ ال نینو

وضعیت هوا و شرایط جوّی اساساً تحت تأثیر عوامل مشابهی قرار دارند و میانگین تغییرات ادواری آن را که ساعت به ساعت، روز به روز و ماه به ماه اندازه‌گیری می‌شود، اقلیم می‌نامند.

رویدادهای فوق‌العاده‌ای چون سیلاب‌های مهیبی که هر بیست سال تا صد سال یکبار رخ می‌دهند، تغییرات طبیعی گوناگونی را موجب گردیده و چالش‌هایی را باعث شده‌اند و گروهی از دانشمندان را برای یافتن پاسخ به این سئوال‌ها به خود واداشته‌اند که عامل اصلی تغییرات غیر عادی هوا چیست؟ آیا عوامل طبیعی سبب پدید آمدن این تغییراتند؟ و این که انسان تا چه اندازه در به وجود آمدن آنها مقصّر است.

در آغاز قرن بیستم کارشناسان هواشناسی، هنگام بررسی پدیدهٔ مونسون یا باران‌های موسمی که به شدت و در یک دورهٔ خاص در کشور هند می‌بارند، رابطه‌ای را میان سیستم‌های پرفشار اطراف کرهٔ زمین مشاهده کردند و آن را نوسان جنوبی نامیدند. با توأم شدن پدیدهٔ مزبور و سیستم‌های کم‌فشار مسلط بر نواحی مرکزی اقیانوس آرام، جریان آب گرمی در اقیانوس مزبور ایجاد می‌گردد که حوالی میلاد مسیح یا کریسمس به سواحل کشور پرو در امریکای جنوبی می‌رسد و آن را ال‌نینو (پسربچه) می‌نامند.

این جریان گرم تقریباً دوبار در هر ده سال جایگزین جریان‌های آب سرد می‌شود و به میزان قابل توجهی از مقدار ماهی‌های موجود در منطقه می‌کاهد و بارش باران‌های موسمی سیل‌آسایی را موجب می‌گردد.

پدیدهٔ مخالف آن به نام لانینا (دختربچه) که با عملکرد ضعیف‌تری همراه است، یکی دو سال بعد خودنمایی می‌کند. پدیدهٔ ال‌نینو، موجب ریزش باران‌های شدید در بعضی نواحی و سبب خشکسالی در نواحی دیگر می‌گردد ولی پدیدهٔ لانینا، در هریک از این نواحی، درست برعکس آن عمل می‌کند.

این دو پدیده سراسر کرهٔ زمین را باتغییرات اقلیمی چشمگیری مواجه کرده و کشورهای «جنوب» را بیش از «شمال» دستخوش تغییرات منفی خود قرار می‌دهد. کثرت و شدت رویدادهای مزبور که از دههٔ ۱۹۷۰ رو به فزونی گذاشته است، کارشناسان را در اندیشهٔ ریشه‌یابی آن فرو برده ولی هنوز نمی‌دانند که افزایش تغییرپذیری هوا باعث آن است و یا این که انسان‌ها را که در گرم کردن کرهٔ زمین نقش مؤثری دارند، باید مقصر و عامل اصلی قلمداد کرد.

ال‌نینوی فاجعه‌آمیز سال ۸۳-۱۹۸۲ که به مادر ال‌نینوها معروف شده است، دانشمندان را بیش از پیش به فکر و بررسی و پژوهش دربارهٔ شناخت هرچه بیشتر این پدیده واداشت و پیش از آن که به نتایج مثبتی دست یابند با ال‌نینوی وحشتناک سال ۱۹۹۸ روبرو گردیدند.

تغییرات انباشتی؛ کویرزایی

اصطلاح کویرزایی برای نخستین بار دربارهٔ مناطقی در افریقا به کار گرفته شد. مناطق مزبور به علت عدم استفاده، رفته رفته به زمین‌های بایر و کویری تبدیل شدند. کنفرانس اتحادیهٔ بین‌المللی جغرافی دانان که در سال ۱۹۵۶ در ریودوژانیرو تشکیل شد به طور جدّی به بررسی مشکلات کشورهایی که با این پدیده دست به گریبان بودند پرداخت و در کنفرانس‌های مونترئال (۱۹۷۲)، مسکو (۱۹۷۶) و نایروبی (۱۹۷۷)، اولین گام‌ها برای مقابلهٔ جهانی و همه‌جانبه با مسئلهٔ بیابان زایی برداشته شد و سرانجام به تصویب و صدور اعلامیه کنفرانس بین‌المللی محیط زیست ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ منجر گردید.

می‌دانیم که زندگی روی کرهٔ زمین به لایهٔ آسیب‌پذیر و نه چندان ضخیم خاک بستگی دارد. میلیون‌ها سال طول کشیده تا این پوستهٔ زنده که ژرفای آن از چند سانتی‌متر در زمین‌های سنگی و چهار تا پنج متر در نواحی گرمسیری و مرطوب متغیّر است، پدید آید و سهل‌انگاری و ساده‌نگری انسان‌ها در حفظ آن، گناهی نابخشودنی و کفران نعمت است.

مواد غذایی و معدنی یا خاک برگ با ضخامت چند سانتیمتر، تنها در لایهٔ خاک یافت می‌شود و زوال خاک در یک دورهٔ زمانی بسیار کوتاه منتج به کاهش بهره‌وری زیست‌محیطی و در نهایت افزایش همزمان گاز کربنیک در جوّ زمین خواهد شد.

بنا بر گزارش همایش ریو، بیش از یک سوم زمین‌های هموار و قابل کشت کرهٔ زمین در خطر تبدیل شدن به نواحی خشک و لم‌یزرع هستند و تغییرات اقلیمی و بی‌توجهی انسان‌ها از دلایل عمدهٔ این تخریب به شمار می‌رود. تضعیف خاک تنها به علت عدم استفادهٔ صحیح و به کار نگرفتن فن‌آوری کشاورزی نیست، بلکه دلایل پیچیدهٔ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز به زوال آن کمک می‌کند.

در بسیاری از مناطق گرمسیری، نابودی جنگل‌ها پس از چند سال منجر به خشک شدن و بی‌مصرف گردیدن زمین‌های جنگلی گشته و در نواحی مرطوب، بارش باران‌های مداوم، فرسایش و زوال خاک خوب را باعث می‌گردد.

اجلاس نایروبی خاطرنشان می‌کند که مشکل بیابان‌زایی تنها به یک یا چند کشور اختصاص ندارد و یک اقدام همه‌جانبه را ایجاب می‌نماید و همهٔ مردم کرهٔ زمین باید دست به دست هم داده و باعوامل مخرّب انسانی و طبیعی مقابله نمایند.

مسئولیت انسان

دانش امروز می‌تواند تا حدّ معینی وقوع برخی حوادث فاجعه‌آمیز طبیعی مانند ال‌نینو را پیش‌بینی کند. ولی در کنار آن انسان به میل خود در طبیعت دخل و تصرف کرده، خاک خوب را از بین می‌برد، مناطق سرسبز و جنگلی را به زمین‌های بایر تبدیل می‌کند، منابع طبیعی را ویران می‌سازد و در مصرف مواد غذایی موجود در دریاها افراط می‌کند. همهٔ اینها باعث افزایش میزان گاز کربنیک در جوّ، گرم شدن تدریجی کرهٔ زمین و بالا آمدن سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها می‌گردند.

برای غلبه بر تغییرات اقلیمی و مقابله با عوامل تخریب منابع طبیعی، بایستی برنامه‌های آموزشی گسترده‌ای در همهٔ سطوح اجرا شود تا آگاهیهای عمومی افزایش یابد و مسئولیت همگانی در مقابل مشکلات زیست محیطی تقویت گردد.

آب؛ انگیزهٔ نزاع

قرن بیستم به پایان رسید و آب این سرچشمهٔ حیات که به دست انسان رو به تباهی و تحلیل می‌رود، یک عامل استراتژیک و انگیزه‌ای برای درگیری و نزاع شده است. برخی کشورهای افریقایی و خاورمیانه و به ویژه سرزمین هایی که توسط اسرائیل اشغال شده‌اند، بیش از همه از این فاجعه رنج می‌برند.

بیش از ۷۰ درصد سطح کرهٔ زمین را آب فرا گرفته است، ولی تنها ۳ درصد از این منبع عظیم را آبهای شیرین به خود اختصاص داده‌اند. تباهی و نابودسازی آب‌های شیرین، رفته رفته به مشکل و معضل بزرگی تبدیل شده و احتمال بروز کشمکش‌های درون‌مرزی و ستیزهای برون‌مرزی را فراهم آورده است. مسئلهٔ آب به ویژه در کشورهای خاورمیانه که از منابع آب کافی محرومند، از اهمیت خاصی برخوردار است.

اگرچه آب منبع قابل تجدید و تأمینی است، ولی ظرفیت آب‌های مناسب زمین محدود و در برابر فعالیت‌های روزمرهٔ آدمی بسیار آسیب‌پذیر است. میزان مصرف آب در سطح جهانی از دههٔ ۱۹۵۰ میلادی پیوسته رو به فزونی نهاده است.

از کل آب مناسب سطح زمین، ۶۹ درصد به بخش کشاورزی، ۲۱ درصد به مصرف صنعتی، ۶ درصد برای مصارف شهری و ۴ درصد بقیه نیز عمدتاً در منابع ذخیره هرز می‌رود. در سدهٔ بیستم آب مصرفی بخش کشاورزی، افزایشی به میزان ده درصد داشته و پیش‌بینی می‌شود که تا سی سال آینده ۸۰ درصد از کل غذای جهان از این بخش تأمین گردد و بالطبع بر میزان آب مصرفی آن نیز افزوده خواهد شد.

بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت ۶ میلیاردی کرهٔ زمین از آب شیرین و تمیز محرومند و ۱/۷ میلیارد نفر نیز از بهداشت مناسب بی‌بهره‌اند.

طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۸۶ حدود ۰۰۰، ۲۷ نفر بر اثر استفاده از آب‌های آلوده و غیر بهداشتی، جان خود را از دست داده‌اند و ۲۶ کشور افریقایی و خاورمیانه و بعضی از کشورهای اروپایی مانند هلند با کمبود آب مواجهند.

کمبود منابع آب در بعضی کشورها به مرز ۱۰۰۰ مترمکعب برای هر نفر در سال رسیده است و این به معنای حداقل آب لازم برای زندگی است. کشورهای افریقای شمالی، خاورمیانه و چین بیش از نقاط دیگر تحت تأثیر بحران کم‌آبی قرار دارند و بیشتر شهرهای بزرگ جهان سوم از بهداشت مناسب که یکی از لازمه‌های آن آب است، محرومند.

شهرها معمولاً نزدیک منابع آب شیرین مانند رودخانه‌ها و چشمه‌سارها بنا شده‌اند. ۴۷ درصد شهرها و روستاها در کنار رودخانه‌ها قرار دارند و سه چهارم زمین‌های حاصلخیز پنجاه کشور جهان در حوضهٔ رودخانه‌ها جای گرفته‌اند. طبق آمار، ۲۱۷ رودخانه در روی زمین وجود دارد که کشورهای مختلف از آنها به طور مشترک استفاده می‌کنند. از این تعداد ۵۷ رودخانه در افریقا و ۴۸ رودخانه در اروپا واقع‌اند. نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت کرهٔ زمین در کنار رودخانه‌های مشترک به سر می‌برند و دو میلیارد نفر از این منبع حیاتی به طور مشترک استفاده می‌نمایند.

از آنجایی که مسیر مهم‌ترین رودخانه‌های جهان غالباً از چندین کشور می‌گذرد، برای حراست و بهره‌برداری از آنها تمایل زیادی برای امضای توافق‌نامه‌های بین‌المللی وجود دارد، ولی کشورهایی که برای استفاده از منابع آب شیرینی که از آن سوی مرزهایشان سرچشمه می‌گیرد و قاعدتاً باید به همسایه‌هایشان متکی و وابسته باشند، سهم زیادی در این گفتگوها ندارند.

اتحادیهٔ اروپا، مقرراتی برای بهره‌برداری صحیح و منطقی از منابع آبی مشترک، به ویژه قوانینی در زمینهٔ حفظ کیفیت آب وضع نموده است. شاید با ابتکاری مشابه بتوان برای مشکلات و مسائل آبی دیگر نواحی جهان نیز راه حل‌هایی یافت.

خاورمیانه و افریقا

بسیاری از کشورهای خاورمیانه و افریقای شمالی با بحران کم‌آبی دست به گریبانند. مسئلهٔ دسترسی به آب، گاه به صورت سلاحی تهدیدآمیز برای جنگ به کار می‌رود. تأسیسات آبی دشمن از جمله نقاط استراتژیکی به شمار می‌روند و هر کشوری با کمبود آب بیشتری روبرو

باشد، تأسیسات آبی آن از اهمیت نظامی بیشتری برخوردار خواهد بود.

کشمکش بر سر چند رودخانهٔ مهم، تقریباً سابقهٔ تاریخی دارد. یکی از آنها رود نیل است که از کشورهای اتیوپی و سودان و مصر می‌گذرد، رودخانه‌های دجله و فرات نیز کشورهای ترکیه و سوریه و عراق را درمی‌نوردد و رودخانه‌های اُردن و لیطانی انگیزهٔ کشمکش‌های سیاسی میان کشورهای لبنان، سوریه، اسرائیل و اردن بوده‌اند.

بنا بر گزارش مرکز بین‌المللی بررسی‌های استراتژیک در واشینگتون، در آغاز سدهٔ بیست و یکم، بحران کمبود منابع آب شیرین، اختلافات و کشمکش‌های سیاسی میان کشورهای خاورمیانه را تشدید کرده و جوّی از آشوب و ناآرامی بی‌سابقه به وجود آورده است.

در سال ۱۹۷۹ انورسادات، رئیس جمهور وقت مصر، در یکی از سخنرانی‌های خود خاطرنشان ساخت که تنها انگیزه‌ای که ممکن است مصر را به جنگ بکشاند آب است و نیز در سال ۱۹۹۰ ملک حسین جمله‌ای مشابه دربارهٔ کشورش اُردن به زبان آورد.

رود نیل

اگرچه ۸۵ درصد سرچشمه‌های رود نیل در کشور اتیوپی قرار دارد و کشورهای سودان و مصر سهم جغرافیایی کمتری را دارا هستند ولی کشور مصر که از اوضاع سیاسی و اقتصادی بهتری برخوردار است، با تسلط بر وضعیت جغرافیایی در حکم فرمانروای منطقه محسوب می‌گردد.

نرخ بالای رشد جمعیت در این کشورها که طبق آمار، تنها در مصر به ۷۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی می‌رسد، از حساسیت هرچه بیشتر آب خبر می‌دهد. ولی به گمان کارشناسان، پیچیده‌ترین مسئله‌ای که این کشورها با آن روبرو هستند، غیر قابل پیش‌بینی بودن حجم آب رود نیل است که بارها اراضی مسیر خود را با خشکسالی و گاه با سیل‌های مهیب روبرو کرده است.

لازم به یادآوری است که علیرغم همهٔ مسائل، رود نیل تنها رودخانه‌ای است که دو کشور همسایه، مصر و سودان برای سهم بردن از آب آن، پیمان‌نامه‌ای رسمی میان خود به امضاء رسانده‌اند. پیمان مزبور که روز هشتم نوامبر سال ۱۹۵۹ به امضاء رسیده، حق بهره‌برداری از حجم تقریبی آب رودخانهٔ مزبور را میان دو کشور نامبرده تعیین کرده و کمیتهٔ مشترکی از مقامات مسئول دو کشور، برای رسیدگی و حل اختلافات احتمالی تعیین گردیده است.

رودخانه‌های دجله و فرات

هر دو رودخانهٔ دجله و فرات از کشور ترکیه واقع در خاورمیانه، تنها کشوری که تا به امروز با بحران کم‌آبی روبرو نبوده است، سرچشمه می‌گیرند. با وجود این که کشورهای سوریه و عراق در مسیر رودخانه‌های مزبور قرار دارند، ولی تاکنون هیچ قراردادی برای نحوهٔ استفاده از آب آنها میان سه کشور مزبور به امضاء نرسیده است.

یک پروژه بسیار گسترده تأسیسات آبی در جنوب خاوری ترکیه، تنها منطقهٔ کشور مزبور که با بحران کم‌آبی روبروست، در دست ساختمان است و این پروژه همراه با سیزده پروژهٔ کوچک دیگر که شش طرح آن برای رودخانهٔ دجله و هفت طرح برای رودخانهٔ فرات در نظر گرفته شده توأم با احداث ۲۱ سد کوچک و بزرگ و ۱۹ نیروگاه هیدروالکتریک که تمام هزینهٔ آن از سوی دولت ترکیه تأمین خواهد شد، قسمتی از این طرح عظیم است. اجرای طرح مزبور که وابستگی هرچه بیشتر عراق و سوریه را به ترکیه همراه خواهد داشت، با نظرات انتقادآمیز کشورهای عرب مواجه گردیده و اقدام ترکیه را عملی ستیزه جویانه و خصمانه تلقی کرده‌اند.

رودخانه‌های اردن و لیطانی

رودخانهٔ اردن از ارتفاعات جولان واقع در سوریه و قسمتی از مناطق اشغال شده به وسیلهٔ اسرائیل سرچشمه می‌گیرد و از سرزمین‌های تحت قلمرو اردن می‌گذرد. ساکنان سراسر این نواحی از کمبود آب شیرین، عدم مدیریت صحیح در حفظ و بهره‌برداری از منابع آب و بدتر از همه از جنگ‌های بی‌پایان قومی و منطقه‌ای رنج می‌برند.

اسرائیل که مناطق وسیعی از این سرزمین‌ها را تحت تصرف خود دارد، با دقت و وسواس از منابع آب شیرینی که پس از جنگ‌ها و درگیری‌های بی‌شمار از کشورهای سوریه، اردن و لبنان به غنیمت گرفته است، محافظت می‌کند و تا کنون از احداث سدّی که قرار بود به عنوان یک پروژهٔ مشترک به وسیلهٔ اردن و سوریه برای استفاده از آب رودخانهٔ یرموک ساخته شود، جلوگیری کرده و اعلام داشته است که هرگز نخواهد گذاشت، این سدّ به مرحلهٔ بهره‌برداری برسد و آن را بمباران خواهد کرد.

رودخانهٔ لیطانی، تنها در کشور لبنان جاری است و از آن برای احداث سدّ و تولید برق استفاده می‌شود و به علّت پایین بودن درجهٔ املاح و نمک، به عنوان آب آشامیدنی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی از آنجایی که رودخانهٔ مزبور به رودخانهٔ حاصبانی واقع در منطقهٔ اشغال شده توسط اسرائیل در جنوب لبنان می‌ریزد، بهره‌گیری از آن چندان امیدوار کننده به نظر نمی‌رسد.

اگرچه لبنان هنوز به طور جدّی با بحران کم‌آبی روبرو نشده و سوریه نیز از منابعی چون رودخانه‌های فرات ویرموک استفاده می‌کند، ولی بحران کم‌آبی، آیندهٔ اسرائیل و اردن و سرزمین‌های اشغالی را با موقعیت وخیمی روبرو کرده است.

آب؛ دلیل توسعه طلبی اسرائیل

مشکل عمدهٔ اسرائیل، بهره‌کشی بیش از اندازه از منابع آب و فقدان مدیریت صحیح و عادلانه است. این کشور بعد از مصرف کلّیهٔ منابع آب شیرین، به احداث بزرگترین سیستم بازیافت فاضلاب در دنیا مبادرت ورزیده و قسمت اعظم آب‌های بازیافتی را به بخش کشاورزی اختصاص داده است. اما وضعیت در ساحل غربی رود اردن متفاوت است. اعراب به منابع آب‌های زیرزمینی وابسته‌اند و تقسیم آب میان فلسطینیان و اسرائیلی‌ها به طور ناعادلانه صورت می‌گیرد و اسرائیل با وضع قوانین تحمیلی، کنترل کامل تقسیم آب آن ناحیه را در دست دارد.

از سال ۱۹۶۷ مقامات اسرائیلی تنها ۳۴ اجازه نامهٔ حفر چاه برای فلسطینی‌ها صادر کرده‌اند و در نتیجه بسیاری از ساکنان نواحی غربی را به ترک روستاهای خود و مهاجرت به شهرها وادار نموده‌اند. در شرایطی که ساکنان مناطق یهودی‌نشین می‌توانند چاه‌هایی به ژرفای ۸۰۰ متر حفر کنند، فلسطینی‌ها به حفر چاه‌هایی به عمق بیشتر از ۱۲۰ متر (عمقی که شوری آب در آن در سطح بالایی قرار دارد) مجاز نیستند. طبق آمار مقامات اسرائیلی در سال ۱۹۹۰ فلسطینی‌های مقیم نواحی غربی رود اُردن، ۱۱۹ مترمکعب و اسرائیلی‌ها ۳۵۴ مترمکعب به طور سرانه به مصرف رسانده‌اند. افزون بر آن نرخ آب بها در اسرائیل و مناطق اشغالی برای فلسطینی‌ها و یهودیان متفاوت است. مسئولیت اداره و نگهداری منابع آب از سال ۱۹۸۲ به یک شرکت اسرائیلی به نام مکوروت محول شده و شرکت مزبور نرخ آب بها را برای فلسطینی‌ها دو برابر اسرائیلی‌ها (منابع فلسطینی رقم ۵ برابر را صحیح می‌دانند) تعیین کرده است.

در نوار غزه نیز وضع بحرانی است و سهمیهٔ مصرف آب برای فلسطینی‌ها از میزان تعیین شدهٔ سال ۱۹۶۷، زمان تصرف این مناطق توسط اسرائیل تا کنون تغییر نکرده است. در این ناحیه، تقسیم غیر منصفانه آب به مرحلهٔ نگران کننده‌ای رسیده و فسلطینی‌ها ۲۰ برابر یهودیان که از کمک‌های مالی دولت نیز بهره می‌برند، برای آب مصرفی خود پول می‌پردازند. بیشتر آب آشامیدنی نوار غزه از قنات‌هایی که اغلب آنها لایروبی نشده و پس از بیست سال بهره‌دهی نشست کرده و یا با آب شور دریا مخلوط شده‌اند، تأمین می‌گردد. کیفیت پایین این آبها خطری جدّی برای سلامت و بهداشت عمومی این ناحیه به شمار می‌رود.

نوار غزه با بحران کم‌آبی روبروست و جبران این کمبود تا حدودی از طریق کمک‌های خارجی و به روش نمک‌زدایی و تصفیهٔ آب یا بازیافت فاضلاب‌ها میسّر است. با رسیدن جمعیت نوار غزه در سال ۲۰۰۰ میلادی به مرز یک میلیون نفر، آب آشامیدنی منطقه به پایان خواهد رسید و چهرهٔ جدّی بحران نمایان‌تر خواهد شد.

توزیع و کنترل منابع آبی در بلندی‌های جولان، سرزمین‌های متعلق به سوریه که اسرائیل در سال ۱۹۶۷ آن‌ها را اشغال کرده است نیز در انحصار شرکت مکوروت است و قوانین غیر منصفانه در تقسیم و دسترسی به آب در این نواحی نیز اعمال می‌شود.

گفتاری پیرامون رشد جمعیت

> جمعیت جهان از مرز شش میلیارد نفر گذشته است و بحث پیرامون رشد جمعیت و تقسیم منابع کُره زمین که از دو قرن پیش آغاز شده، همچنان ادامه دارد.

از سدهٔ هجدهم، زمانی که تامس مالتوس رسالهٔ خود دربارهٔ جمعیت را به رشتهٔ تحریر درآورد، دو نظریهٔ مخالف در مورد نقاط ضعف یا قوت رشد جمعیت و رابطهٔ آن با دسترسی به منابع کرهٔ زمین مطرح گردیده است.

به گمان مالتوس، منابع کرهٔ زمین در مقایسه با نیازهای جمعیت که هر دم بر شمار آن افزوده می‌گردد، محدود است و باید از طریق کنترل موالید، رشد جمعیت را مهار کرد. در مقابل این

کتابخانه دانشگاه جامع علمی کاربردی
شماره ثبت ۷۹۱۴ تاریخ ورود ۱۳/۶/۹۰

نظریه، گروه مخالف بر این باورند که جمعیت بیشتر، موجب افزایش تولید و رشد اقتصادی گردیده و آزادی روند افزایشی آن ضروری است.
تا پایان نیمهٔ اول سدهٔ بیستم، مباحث شناخت جمعیت به گنجایش و پراکندگی یکسان جمعیت در سطح کرهٔ زمین منحصر بود، ولی بعد از جنگ دوم جهانی، افزایش جمعیت به یکی از موانع اصلی پیشرفت و توسعه در دو سوم جهان و ۸۰ درصد جمعیت کرهٔ زمین به شمار آمد.
در دههٔ ۱۹۵۰ بسیاری از کشورهای پیشرفته بر اساس تئوری‌های کارشناسان، به کشورهای در حال توسعه و فقیر پیشنهاد کردند برای نیل به پیشرفت‌های فرهنگی و اقتصادی، برنامهٔ تنظیم خانواده را جزء خطوط اصلی سیاست داخلی خود قرار دهند.

برنامهٔ تنظیم خانواده در افریقا و آسیا

سرزمین هند، اولین کشور جهان سوم بود که با برنامهٔ تنظیم خانواده در سال ۱۹۵۲ موافقت کرد و به دنبال آن در کشورهایی چون مصر و چین که از نرخ رشد جمعیت بالایی برخوردار بودند نیز به اجرا گذارده شد. برخی کشورها برای اجرای برنامهٔ مزبور از کشورهای پیشرفته درخواست کمک کردند که در همایش سال ۱۹۷۴ سازمان ملل متحد در شهر بخارست مورد موافقت و تصویب قرار گرفت.
چین از میان کشورهای پر جمعیت، تنها کشوری است که در اجرای سیاست برنامه‌ریزی تنظیم خانواده به موفقیت‌های شایان توجهی دست یافته و رشد جمعیت خود را از میزان ۴ درصد در سال ۱۹۵۵ به میزان ۱/۷ درصد در سال ۱۹۹۶ کاهش داده است و به موجب قانون، برای هر خانواده داشتن بیش از یک فرزند منع گردیده است. در مقابل، هندوستان که سال‌ها با اجرای برنامهٔ تنظیم خانواده سروکار داشته است، در این زمینه ناکام مانده و نرخ رشد جمعیت آن همچنان رقم بالای ۳/۹ تا ۲/۶ درصد را نشان داده است.
آمار رشد جمعیت در کشورهای جنوب آسیا ۲/۸ درصد در سال ۱۹۹۶ و در کشورهای مرکزی افریقا ۴/۲ درصد بوده است.

طرفداران رشد جمعیت در اروپا

بعضی از کشورهای اروپایی نه تنها با برنامهٔ تنظیم خانواده مخالفت کرده‌اند، بلکه خانواده‌های پر جمعیت را مورد حمایت مالی و تشویق نیز قرار داده‌اند. این برنامه به ویژه در آلمان نازی، در دههٔ ۱۹۳۰، با هدف افزایش نژاد برتر به اجرا گذارده شد.
همچنین کشورهای بلژیک، سوئد، انگلستان و فرانسه در دوره‌های متفاوت و با پایین آمدن آمار باروری، از سیاست حمایت از خانواده‌های پر جمعیت پیروی کرده‌اند.
در برخی از کشورهای جهان سوم نیز متعاقب استقلال، برای قطع وابستگی و افزایش شمار کارگران و کشاورزان بومی، برنامهٔ حمایت از خانواده‌های پر جمعیت به اجرا گذارده می‌شد.
اگرچه آمار باروری در کشورهای فقیر همچنان بالاست، ولی پراکندگی جغرافیایی این ارقام یکسان نیست و در کشورهایی که از نظر اقتصادی و در زمینهٔ شهرنشینی پیشرفت‌های بیشتری داشته‌اند، در دهه‌های اخیر سیر نزولی داشته است.
از طرفی، کشورهایی که جمعیت روستانشین آنها بیشتر است و هنوز از روشهای سنتی در کشاورزی استفاده می‌کنند، همچنان از نرخ رشد جمعیت بالایی برخوردارند. برای مثال می‌توان از سنگال، سیرالئون، افغانستان و لائوس که رقم ۴ درصد در سال را دارا هستند، نام برد.
در مقابل، آمار باروری در کشورهای صنعتی از سال ۱۹۶۴ به بعد سیر نزولی طی کرده و در کشورهای آلمان و دانمارک که در حال حاضر رشد سالیانهٔ حتی منفی داشته‌اند، به پایین‌ترین سطح خود رسیده است.

مرگ و میر نوزادان

مرگ و میر نوزادان نیز یکی از عوامل مهم بازدارندهٔ رشد جمعیت در جهان است. شمار این مرگ و میرها در کشورهای پیشرفته و ثروتمند بسیار کم است و آمار سال ۱۹۹۶ کشورهایی مانند امریکا، ژاپن، استرالیا، زلاندنو و کشورهای شمال و غرب اروپا، رقم ۰/۶ درصد را نشان می‌دهد.
میزان مرگ و میر نوزادان در بعضی کشورهای جنوبی و شرقی اروپا بیشتر از دیگر نواحی قارهٔ مزبور است و در کشورهای جهان سوم به گونه‌ای کاملاً متفاوت است، آن چنان که کشورهای حاشیهٔ صحرای افریقا با رقم ۱۰/۵ درصد، در ردیف اول جدول جای دارند و سرزمین‌های جنوب آسیا با ۸ درصد و امریکای لاتین با ۳/۵ درصد در ردیف‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

گفتاری در حاشیه

قبل از رسیدن به نرخ رشد جمعیت، بررسی توزیع نامساوی و غیر عادلانهٔ درآمدها ضروری به نظر می‌رسد. مصرف بی‌رویه و خارج از اندازهٔ جوامع ثروتمند را باید عامل اصلی تخریب منابع غذایی به شمار آورد و مصرف اکثریت کم‌درآمد را از آن مستثنی نمود. زیرا:
۱- میانگین سالیانهٔ رشد محصولات غذایی جهان در بیست سال گذشته بالای ۳ درصد و نرخ رشد جمعیت جهان در همان مدت، بالای ۲ درصد بوده است. با این حساب، این نظریه که برای مقابله با گرسنگی باید رشد جمعیت جهان را متوقف کرد، بی‌پایه به نظر می‌رسد.
۲- اگر کشورهای جهان سوم بتوانند تولیدات غذایی خود را کنترل کرده و بهبود و افزایش دهند، هرگز با خطر قحطی یا مرگ بر اثر گرسنگی روبرو نخواهند شد. در حال حاضر و تا زمانی که سازمانهای مالی و اقتصادی جهانی تصمیم می‌گیرند که چه محصولی، چه زمانی و به چه میزان باید تولید گردد، تأمین نیازهای غذایی جوامع قابل تأمل خواهد بود.
۳- مساحت زمین‌های قابل کشت دنیا را حدود ۱/۵ میلیارد هکتار برآورد کرده‌اند و این در حالی است که تنها نیمی از این زمین‌ها برای تولید غذا به زیر کشت رفته و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. اگرچه از میزان زمین‌های زیر کشت برخی کشورها به علت مهاجرت روستاییان به شهرها و یا تغییر کاربری زمین‌ها، کاسته شده ولی تأثیر نامطلوب و نامناسب فن‌آوری‌ها به ویژه در کشورهای فقیر و استفادهٔ تجاری به جای استفادهٔ زراعی از زمین‌های کشاورزی را باید بزرگترین تهدید به شمار آورد.
۴- فن‌آوری تجاری که از دههٔ ۱۹۶۰ با توصیه و تشویق کشورهای شمال به بهانهٔ مبارزه با گرسنگی رواج یافته است، به جای رسیدن به اهداف خود، پی‌آمدهای زیر را همراه داشته است:
الف - زمین‌های کوچک کشاورزی در کشتزارهای بزرگ وابسته به کمپانیها ادغام گردیدند زیرا مالکان این گونه زمین‌ها قادر به تأمین و پرداخت هزینه‌های جانبی کشاورزی نوین از قبیل ماشین‌آلات کشاورزی، بذر، کود و سم‌های گیاهی نبودند و غالباً پس از واگذاری زمین‌ها، راهی شهرها شده و شهرنشینی پیشه کرده‌اند.
ب - با تغییر گونه‌های گیاهی و نباتی بومی که از ارزش غذایی نسبتاً خوبی برخوردار بودند و خود را با آفات و شرایط اقلیمی محل کاشت وفق داده بودند، به تخریب منابع زیست محیطی کمک شد و گیاهان و محصولات ترکیبی و تغییر شکل یافتهٔ آزمایشگاهی جایگزین گیاهان بومی گردید.
پ - و سرانجام با حمایت از وابستگی به مواد اولیهٔ وارداتی، هزینه‌های تولید فزونی گرفت و افزایش بهای تولیدات را در بازارهای داخلی موجب گردید.

زنان در عرصهٔ اجتماع

> در آغاز هزارهٔ سوم، زنان این تودهٔ ۳/۱ میلیاردی، از لحاظ حقوق مادی و معنوی در وضعیت‌های بسیار متفاوتی به سر می‌برند. ولی آنچه همهٔ زنان دنیا در آن مشترکند، تبعیض، عدم حمایت و جدال بی‌پایان و مستمری است که برای دستیابی به حقوقی برابر با مردان با آن دست به گریبانند.

در بعضی از کشورها زنانی که در انتظار فرزند به سر می‌برند با پی بردن به دختر بودن نوزاد و با تصور این که کودکشان پا به دنیایی نامهربان خواهد گذاشت، در صدد سقط جنین برمی‌آیند و گاه به قتل نوزاد دختر خود تن درمی‌دهند. در برخی موارد، تغذیه و بهداشت نامناسب نوزادان دختر به نارسایی و نقص عضو و حتی مرگ کودک منجر شده است.
پاکستان با آمار ۹۰۶ زن در مقابل هر ۱۰۰۰ مرد (آمار سال ۱۹۸۱) مثال مناسبی در این زمینه است. باید خاطرنشان کرد میانگین جمعیت زنان در جهان ۱۱۱ زن در مقابل هر ۱۰۰ مرد می‌باشد.
در میان افراد ۱۵ تا ۴۰ سال، میزان مرگ و میر زنان ۷۵ درصد بیش از مردان گزارش شده است. از علل اصلی این مسئله، کم‌خونی و سوء تغذیه و تأثیر رفتارهای نامطلوب را می‌توان برشمرد. فرهنگ و قوانین بعضی ملل، زنان را از دسترسی حتی به نور آفتاب و هوای تازه منع

می‌کند و آنان را در معرض ابتلا به انواع بیماری‌ها قرار می‌دهد.

راه طولانی پیش روی زنان

در آغاز سدهٔ بیستم زنان غربی مبارزه علیه پایمال شدن حقوق خود را آغاز کردند و رفته رفته پس از اعتراضات شدید به موفقیت‌هایی دست یافتند. در دههٔ ۱۹۶۰ شکل گیری جنبش‌های جدید زنان با هدف‌هایی چون به دست آوردن حق رأی و شرکت در انتخابات، تغییرات انقلابی در وضعیت اجتماعی، زمینه‌های شغلی و شرکت در برنامه‌های تنظیم خانواده را شاهد بوده‌ایم. موضوعات مطرح شده در جنبش‌هایی که پیش‌کسوتان اجتماعات زنان آن را رهبری می‌کردند، دورنماهای عقیدتی، و روش‌های سازماندهی آنها، نشان از روندهای متفاوت در کشورهای گوناگون دارد و با فرهنگ و تاریخ هر کشور مستقیماً در تناسب است.

نخستین کنفرانس جهانی زنان که در سال ۱۹۷۵ توسط سازمان ملل متحد در کشور مکزیک گشایش یافت، قوانین کشورها را در به وجود آوردن حقوق نابرابر اجتماعی برای زنان مقصّر دانست. سازمان ملل متحد دههٔ ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ را دههٔ زنان اعلام کرد و دومین کنفرانس زنان نیز در پایان این دهه در شهر نایروبی برگزار گردید. سرانجام نزدیک به پایان هزارهٔ دوم، یعنی در سال ۱۹۹۵، در همایش پکن، اجتماع بزرگ زنان مشکلات حقوقی و اجتماعی خود را به گوش جهانیان رساندند. برای درک بهتر موقعیت‌های اجتماعی زنان، بررسی دو موضوع کلیدی ضروری است:

نخست مسئلهٔ شرکت زنان در تولید و خدمات در چهارچوب رو به توسعهٔ نظام سرمایه‌داری و دوم از نظر تولید مثل و حفظ بقاء. این دو موضوع، از مهمترین مشغله‌های ذهنی جوامع سراسر جهان در ارتباط با زنان محسوب می‌شوند.

بازار کار و جهانی‌سازی

کلمهٔ «کار» معمولاً به شغل یا عملی که در یک مدت زمان معیّن خارج از منزل انجام گرفته و درمقابل آن مزدی دریافت شود، اطلاق می‌گردد و از انقلاب صنعتی تاکنون در جوامع گوناگون، وضعیت برای مردان شهرنشین اینگونه بوده است.

در زمان ما شمار قابل ملاحظه‌ای از زنان وارد بازار کار شده‌اند و با انجام کار مضاعف در خانه و محیط کار، احساس خستگی کرده و خود را فرسوده می‌سازند. بنابراین حتی اگر امروز بیش از ۵۰ سال پیش شاهد شرکت زنان در فعالیت‌های شغلی هستیم، این افزایش به معنای پیشرفت در امور اجتماعی نیست، بلکه زنان در کشورهای فقیر و رو به توسعه از آن رو تن به کار خارج از منزل می‌دهند که سطح درآمد خانواده را بالا برند و تا حدّی هزینهٔ زندگی را تأمین نمایند.

بررسیهای دقیق اقتصادی نشان داده‌اند که تنگدستی و فقر، که زنان را بیشتر از مردان تحت فشار قرار می‌دهد، عامل اصلی ورود زنان به بازار کار بوده و زنان شاغل برای انجام وظایف خانه‌داری و بچه‌داری، فشار زیادی را تحمل می‌کنند.

زنان و کار در روستاها

ورود زنان به بازار کار در کشورهای مختلف بنا بر سیاست‌های شغلی یا فرهنگ و قوانین، ابعاد گوناگونی دارد. نخستین تفاوت بزرگ به میزان سازگاری نظام اقتصادی کشور بستگی دارد. برای مثال از اواخر دههٔ ۱۹۸۰ زنان قبیلهٔ چایاهوئیتا در جنگل‌های پرو در مهمترین فعالیت ناحیهٔ مزبور یعنی کشاورزی مشارکت داشته‌اند و علاوه بر کشت بعضی محصولات، مانند سبزیجات که به عهدهٔ زنان است، پا به پای مردان در مزارع بزرگ نیز کار می‌کنند.

در کشاورزی تجاری، زنان از هنگام بذرافشانی تا زمان درو، به طور تمام وقت اما به صورت دستیار فعالیت می‌کنند زیرا مدیریت و تصمیم گیری با مردان است. زنان بسیاری از کشورهای افریقایی شرایط مشابهی دارند و تولیدکنندگان اصلی مواد غذایی خانواده هستند در حالی که مردان تنها برای صادرات و فروش محصولات به کشاورزی می‌پردازند. در جوامع روستایی با سیاستهای اقتصادی محدود، مسئولیت کارهای خانه که شامل تغذیه و تیمار حیوانات اهلی، جمع‌آوری تخم‌مرغ، پختن غذا و نان، نگهداری از فرزندان، آماده‌سازی و بسته‌بندی تولیدات برای عرضه به بازار و بسیاری کارهای سخت و توانفرسای دیگر که مشاغل نامرئی نام دارند، به عهدهٔ زنان است.

مشاغل نامرئی

در جوامع شهری، تعداد بی‌شماری از زنان با داشتن کارهای غیر رسمی، نیمه‌وقت یا موقت، اصطلاحاً شاغلین نامرئی به شمار می‌روند.

یکی از مشکلات عمده در بررسی نقش زنان در بخش غیردولتی، نبودن آمار دقیق و گویاست. در حالی که استخدام زنان در این گونه مشاغل در کشورهای جنوب رو به افزایش گذاشته، درصد بزرگی از نیروی زنان شاغل در بخش‌های خدماتی چون خانه‌داری و پرستاری از کودکان متمرکز گردیده است. کارگرانی که در خانه‌ها استخدام می‌شوند از شرایط و حقوق و مزایای گوناگونی برخوردارند. در بعضی کشورها آنان نیز حقوقی برابر با دیگر کارگران دارند، اما در بسیاری موارد دستمزدی کمتر از مردان دریافت می‌کنند. ساعات کاری آنان طولانی‌تر است و کمتر می‌توانند به زندگی خصوصی خود بپردازند. در نقاطی از کشورهای جنوب شرقی آسیا، خانواده‌ها دختران جوان خود را می‌فروشند. دلالان آنان را بدون گذرنامه به مناطق دوردست می‌برند و مانند برده به فروش می‌رسانند.

اصلاحات و تغییرات ساختاری

بسیاری از کشورهای جنوب اضطراراً به تغییرات و اصلاحات ساختاری و بنیادی در مورد زنان تن در داده‌اند و مشاغل و وظایفی را به زنان محول نموده‌اند که بیش از مردان بر آنان تأثیرگذار بوده است. در بعضی کشورها، شغل‌هایی که جزء مسئولیت انجمن‌های شهری و یا ایالتی و دولتی است بر عهدهٔ زنان واگذار می‌گردد. مانند ادارهٔ سازمان‌های نیکوکاری و خیریّه، نگهداری از کودکان بی‌سرپرست و معلول و امثال آن که به صورت نیمه‌وقت یا تمام‌وقت از زنان داوطلبی که در مقابل کار خود دستمزدی دریافت نمی‌دارند، استفاده می‌شود.

سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها نیز اثرات گوناگونی بر مردان و زنان دارد. بطور نمونه، توسعهٔ صنعت تولید پوشاک در بنگلادش موجب مهاجرت هزاران زن و دختر جوان از روستاها به شهرها شده و در حالی که از حق انتخاب دیگری محرومند، در شرایط شغلی نامناسب و حتی بدی به کار اشتغال ورزیده‌اند.

جنسیّت و مشاغل

در برخی از کشورهای شمال و یا جنوب، زنان پست‌ها و مشاغلی را که در قدیم به مردان تعلق داشته است، اشغال می‌کنند. اگرچه آمار مردان در دسترسی به مشاغل حسّاس همچنان بالاتر است ولی با رو به فزونی نهادن تعداد زنان تحصیل کرده و متخصص، روند اشتغال زنان در بخش خدمات، خانه‌داری و کارگاهها و کارخانه‌های تولید قطعات و وسایل الکترونیکی که نیاز به مهارت و دقت بالایی دارد نیز رو به افزایش است.

امکانات جدید

درصد بالایی از زنان پس از ورود به بازار کار و دسترسی به درآمدی مستمر و قابل توجه در نقطه‌نظرهای خود نسبت به همه‌چیز تجدید نظر می‌کنند و قدم در جادهٔ به اصطلاح استقلال می‌گذارند و با بیان جملاتی چون:

اقساط خانه را من پرداخته‌ام... اتومبیل را با پس‌انداز خودم خریده‌ام... حتی روزهای تعطیل هم کار کرده‌ام و..... شخصیت مستقل خود را به رخ اطرافیان و گاه همسر خویش می‌کشند و مشکلات و دردسرهای خانوادگی را موجب می‌گردند.

زنان؛ جنسیّت و استقلال

در همایش بین‌المللی جمعیت و توسعه سال ۱۹۹۴ قاهره و چهارمین همایش بین‌المللی زنان سال ۱۹۹۵ پکن، مسائلی چون جنسیّت، نقش زن در مسائل جنسی و تولید مثل و بهداشت زنان به بحث و بررسی گذارده شد. جنسیّت را می‌توان از دو بعد خصوصی و عمومی مورد بررسی قرار داد. اگرچه به نظر می‌رسد که جنسیّت زن کاملاً خصوصی است، ولی با یک نگاه دقیق‌تر می‌بینیم که کل جامعه را در بر می‌گیرد، زیرا عامل مؤثر در حفظ نسل‌های آینده، زنانند و از این رو یکی از اساسی‌ترین عوامل ساختار جوامع بشری به شمار می‌روند.

دفاع از ناموس هنوز هم یکی از شعارهای مهم بعضی از جوامع در سیاست جانبداری از زنان محسوب می‌شود. برای مثال در ترکیه، بسیاری از خانواده‌ها دختران جوان خود را پیش از ازدواج برای معاینه و اطمینان خاطر از باکره بودن به کلینیک‌های تخصصی زنان می‌برند و این مسئله با آبرو و حیثیت خانواده‌ها ارتباط مستقیم دارد. جنبش‌های مدافع حقوق زنان با این گونه اعمال مخالفند و معتقدند با این کار آینده و بهداشت روانی دختران درمعرض خطر قرار می‌گیرد. برعکس، در میان مردم جزایر تروبریاند در پاپوآ- گینهٔ نو، دختران تا هنگامی

جدول ۱ – وضعیت زنان در عرصه اجتماع

نام کشور	میزان اقتدار زنان		میزان کرسیهای زنان در پارلمان (درصد)	میزان حضور زنان در امور قانونگذاری، اجرایی و مدیریت (درصد)	میزان زنان متخصص و حرفه‌ای (درصد)	نسبت تقریبی حقوق زنان نسبت به مردان
	رتبه	مقدار				
آذربایجان	؟	؟	۱۰/۵	؟	؟	؟
آرژانتین	؟	؟	۳۱/۳	؟	؟	؟
آلبانی	؟	؟	۵/۷	؟	؟	؟
آلمان	۸	۰/۷۶۵	۳۱	۲۷	۵۰	۰/۵۰
آنتیگوآ و باربودا	؟	؟	۸/۳	؟	؟	؟
آنگولا	؟	؟	۱۵/۵	؟	؟	؟
اتریش	۱۲	۰/۷۴۵	۲۵/۱	۲۸	۴۹	۰/۵۰
اتیوپی	؟	؟	۷/۸	؟	؟	؟
اردن	؟	؟	۳/۳	؟	؟	؟
ارمنستان	؟	؟	۳/۱	؟	؟	؟
اریتره	؟	؟	۱۴/۷	؟	؟	؟
ازبکستان	؟	؟	۷/۲	؟	؟	؟
اسپانیا	۱۵	۰/۷۰۲	۲۶/۶	۳۲	۴۵	۰/۴۳
استرالیا	۱۰	۰/۷۵۹	۲۶/۵	۲۶	۴۸	۰/۶۹
استونی	۲۷	۰/۵۶۸	۱۷/۸	۳۶	۶۷	۰/۶۴
اسرائیل	۲۲	۰/۵۹۶	۱۳/۳	۲۶	۵۵	۰/۵۲
اسلوواکی	۲۹	۰/۵۴۵	۱۴	۳۱	۶۲	۰/۶۵
اسلوونی	۲۵	۰/۵۸۵	۱۲/۲	۳۱	۵۱	۰/۶۲
افریقای جنوبی	؟	؟	۲۹/۸	؟	؟	؟
افریقای مرکزی	؟	؟	۷/۳	؟	؟	؟
اکوادور	۴۶	۰/۴۸۴	۱۴/۶	۲۸	۴۷	۰/۲۹
الجزایر	؟	؟	۴	؟	؟	؟
السالوادور	۵۲	۰/۴۵۴	۹/۵	۳۳	۴۷	۰/۳۵
امارات متحده عربی	؟	؟	۰	۸	۲۵	؟
اندونزی	؟	؟	۸	؟	؟	؟
انگلستان	۱۶	۰/۶۸۴	۱۷/۱	۳۳	۴۵	۰/۶۱
اوروگوئه	۳۶	۰/۵۱۹	۱۱/۵	۳۶	۵۴	۰/۵۱
اوکراین	۵۷	۰/۴۲۸	۷/۸	۳۶	۶۳	۰/۵۳
اوگاندا	؟	؟	۲۴/۷	؟	؟	؟
ایالات متحده امریکا	۱۱	۰/۷۵۷	۱۳/۸	۴۵	۵۴	۰/۶۲
ایتالیا	۳۱	۰/۵۳۹	۹/۱	۱۹	۴۴	۰/۴۴
ایران	؟	؟	۳/۴	؟	؟	؟
ایرلند	۱۷	۰/۶۷۵	۱۳/۷	۳۴	۵۰	۰/۴۰
ایسلند	۲	۰/۸۳۳	۳۴/۹	۲۷	۵۳	۰/۶۱
باربادوس	۱۸	۰/۶۵۸	۲۰/۴	۴۰	۵۵	۰/۶۱
باهاما	۱۹	۰/۶۵۲	۱۹/۶	۳۱	۵۱	۰/۶۴
بحرین	؟	؟	؟	؟	؟	؟
برزیل	؟	؟	۶/۷	؟	۶۲	؟
برونئی	؟	؟	؟	؟	؟	؟
بلژیک	۱۴	۰/۷۰۶	۲۴/۹	۱۹	۵۰	۰/۴۴
بلغارستان	؟	؟	۲۶/۲	؟	؟	؟
بلیز	۴۵	۰/۴۹۹	۱۳/۵	۳۷	۳۹	۰/۲۴
بنگلادش	۶۶	۰/۲۲۳	۲	۵	۳۵	۰/۵۷
بنین	؟	؟	۶	؟	؟	؟
بوتان	؟	؟	۹/۳	؟	؟	؟
بوتسوانا	؟	؟	۱۷	؟	؟	؟
بورکینافاسو	؟	؟	۱۱	؟	؟	؟
بوروندی	؟	؟	۱۴/۴	؟	؟	؟
بولیوی	۵۵	۰/۴۵۰	۱۰/۲	۳۶	۴۰	۰/۴۵
بیلاروس	؟	؟	۱۸/۴	؟	؟	؟
پاپوآگینه نو	؟	؟	۱/۸	؟	؟	؟
پاراگوئه	۵۹	۰/۴۰۸	۸	۲۳	۵۴	۰/۳۲
پاکستان	؟	؟	؟	۹	۲۶	؟
پاناما	۴۸	۰/۴۷۵	۹/۹	۳۳	۴۶	۰/۴۹
پرتغال	۲۰	۰/۶۳۸	۱۸/۷	۳۲	۵۰	۰/۵۳
پرو	۳۹	۰/۵۱۶	۱۸/۳	۲۸	۳۹	۰/۲۵
تاجیکستان	؟	؟	۱۲/۴	؟	؟	؟
تانزانیا	؟	؟	؟	۲۲/۳	؟	؟
تایلند	۵۰	۰/۴۵۸	۹/۶	۲۷	۵۵	۰/۶۲
ترکمنستان	؟	؟	۲۶	؟	؟	؟
ترکیه	۶۳	۰/۳۱۲	۴/۲	۹	۳۶	۰/۴۶
ترینیداد و توباگو	۲۱	۰/۶۱۱	۲۰/۹	۴۲	۵۳	۰/۴۴
توگو	؟	؟	۴/۹	؟	؟	؟
تونس	؟	؟	۱۱/۵	؟	؟	؟
جامائیکا	؟	؟	۱۶	؟	؟	؟
جیبوتی	؟	؟	۰	؟	؟	؟
چاد	؟	؟	۲/۴	؟	؟	؟
چک	۲۸	۰/۵۶۰	۱۴/۲	۲۶	۵۳	۰/۵۸
چین	؟	؟	۲۱/۸	؟	؟	؟
دانمارک	۴	۰/۸۲۱	۳۸	۲۳	۵۰	۰/۷۰
دومینیکا	؟	؟	۱۸/۸	؟	؟	؟
دومینیکن	۴۰	۰/۵۱۴	۱۴/۵	۳۱	۴۹	۰/۳۵
روآندا	؟	؟	۲۵/۷	؟	؟	؟
روسیه	۵۳	۰/۴۵۰	۶/۴	۳۷	۶۴	۰/۶۴
رومانی	۵۴	۰/۴۵۰	۹/۳	۲۶	۵۷	۰/۵۸
زامبیا	؟	؟	۱۲	؟	؟	؟
زلاند نو	۹	۰/۷۶۵	۳۰/۸	۳۸	۵۴	۰/۶۷
زیمبابوه	؟	؟	۱۰	؟	؟	؟
ژاپن	۳۲	۰/۵۲۷	۱۰	۹	۴۵	۰/۴۴
سائوتومه و پرنسیپ	؟	؟	۹/۱	؟	؟	؟
ساحل عاج	؟	؟	۸/۵	؟	؟	؟
ساموآ	؟	؟	۶/۱	؟	؟	؟
سری لانکا	۶۴	۰/۲۷۴	۴/۴	۴	۴۹	۰/۴۸
سلیمان، جزایر	؟	؟	۰	؟	؟	؟
سنت کیتس و نویس	؟	؟	۱۳/۳	؟	؟	؟
سنت لوسیا	؟	؟	۱۳/۸	؟	؟	؟
سنت وینسنت و گرنادین	؟	؟	۲۲/۷	؟	؟	؟
سنگاپور	۲۳	۰/۵۹۲	۱۱/۸	۲۳	۴۲	۰/۵۰
سنگال	؟	؟	۱۹/۲	؟	؟	؟
سوئد	۳	۰/۸۲۴	۴۲/۷	۲۹	۴۹	۰/۶۸
سوئیس	۱۳	۰/۷۱۸	۲۲/۴	۲۲	۴۲	۰/۵۰
سوازیلند	؟	؟	۶/۳	؟	؟	؟
سودان	؟	؟	۹/۷	؟	؟	؟
سورینام	۳۷	۰/۵۱۸	۱۷/۶	۲۸	۵۱	۰/۳۷
سوریه	؟	؟	۱۰/۴	؟	؟	؟
سیرالئون	؟	؟	۸/۸	؟	؟	؟
سیشل	؟	؟	۲۳/۵	؟	؟	؟
شیلی	۴۹	۰/۴۷۴	۱۰/۱	۲۶	۵۲	۰/۳۷
عربستان سعودی	؟	؟	؟	؟	؟	؟
عمان	؟	؟	؟	؟	؟	؟
غنا	؟	؟	۹	؟	؟	؟
فرانسه	؟	؟	۱۰/۹	؟	؟	؟
فنلاند	۵	۰/۸۰۳	۳۶/۵	۲۷	۵۶	۰/۷۰
فیجی	؟	؟	؟	؟	؟	؟
فیلیپین	۳۵	۰/۵۲۳	۱۷/۲	۳۵	۶۶	۰/۵۹
قبرس	۳۴	۰/۵۲۵	۱۰/۷	۱۴	۴۲	۰/۴۹
قرقیزستان	؟	؟	۶/۷	؟	؟	؟
قزاقستان	؟	؟	۱۱/۲	؟	؟	؟
قطر	؟	؟	؟	؟	؟	؟
کامبوج	؟	؟	۹/۳	؟	؟	؟
کامرون	؟	؟	۵/۶	؟	؟	؟
کانادا	۷	۰/۷۷۷	۲۳/۶	۳۵	۵۳	۰/۶۲
کروآسی	۳۳	۰/۵۲۷	۱۶/۲	۲۵	۵۳	۰/۵۶

نام کشور	میزان اقتدار زنان		میزان کرسیهای زنان در پارلمان (درصد)	میزان حضور زنان در امور قانونگذاری، اجرایی و مدیریت (درصد)	میزان زنان متخصص و حرفه‌ای (درصد)	نسبت تقریبی حقوق زنان نسبت به مردان
	رتبه	مقدار				
کره جنوبی	۶۱	۰/۳۷۸	۵/۹	۵	۳۴	۰/۴۵
کستاریکا	۲۶	۰/۵۷۹	۱۹/۳	۳۳	۴۶	۰/۳۷
کلمبیا	۴۲	۰/۵۰۹	۱۲/۲	۳۸	۴۹	۰/۴۷
کنگو، جمهوری	؟	؟	۱۲	؟	؟	؟
کنگو، جمهوری دموکراتیک	؟	؟	؟	؟	؟	؟
کنیا	؟	؟	۳/۶	؟	؟	؟
کوبا	؟	؟	۲۷/۶	؟	؟	؟
کومور	؟	؟	؟	؟	؟	؟
کویت	؟	؟	۰	؟	؟	؟
کیپ‌ورد	؟	؟	۱۱/۱	؟	؟	؟
گابون	؟	؟	۱۱	؟	؟	؟
گامبیا	؟	؟	۲	؟	؟	؟
گرجستان	؟	؟	۷/۲	؟	؟	؟
گرنادا	؟	؟	۱۷/۹	؟	؟	؟
گواتمالا	؟	؟	۸/۸	؟	؟	؟
گویان	؟	؟	۲۰	؟	؟	؟
گینه	؟	؟	۸/۸	؟	؟	؟
گینه استوایی	؟	؟	۵	؟	؟	؟
گینه بیسائو	؟	؟	۷/۸	؟	؟	؟
لائوس	؟	؟	۲۱/۲	؟	؟	؟
لاتویا	۳۰	۰/۵۳۹	۱۷	۳۷	۶۷	۰/۷۲
لبنان	؟	؟	۲۳	؟	؟	؟
لسوتو	؟	؟	۱۰/۷	؟	؟	؟
لوکزامبورگ	؟	؟	۱۶/۷	؟	؟	؟
لهستان	۲۴	۰/۵۹۰	۲۰/۷	۳۳	۶۱	۰/۶۱
لیبی	؟	؟	؟	؟	؟	؟
لیتوانی	۴۷	۰/۴۸۳	۱۰/۶	۴۲	۷۰	۰/۶۷
ماداگاسکار	؟	؟	۸	؟	؟	؟
مالاوی	؟	؟	۹/۳	؟	؟	؟
مالت	؟	؟	۹/۲	؟	؟	؟
مالدیو	۶۲	۰/۳۶۱	۶	۱۵	۴۰	۰/۶۰
مالزیا	۴۳	۰/۵۰۵	۱۴/۵	۲۰	۴۵	۰/۴۶
مالی	؟	؟	۱۲/۲	؟	؟	؟
مجارستان	۴۴	۰/۵۰۰	۸/۳	۳۴	۶۱	۰/۵۸
مصر	۶۵	۰/۲۶۰	۲/۴	۱۰	۳۱	۰/۳۸
مغرب	؟	؟	۰/۵	؟	؟	؟
مغولستان	؟	؟	۱۰/۵	؟	؟	؟
مقدونیه	؟	؟	۶/۷	؟	؟	؟
مکزیک	۳۸	۰/۵۱۷	۱۵/۹	۲۴	۴۱	۰/۳۸
موریتانی	؟	؟	۳	؟	؟	؟
موریس	۵۸	۰/۴۱۰	۵/۷	۲۳	۳۸	۰/۳۶
موزامبیک	؟	؟	۳۰	؟	؟	؟
مولداوی	۵۱	۰/۴۵۶	۱۲/۹	۳۳	۶۷	۰/۶۵
میانمار	؟	؟	؟	؟	؟	؟
نامیبیا	؟	؟	۲۰/۴	؟	؟	؟
نپال	؟	؟	۷/۹	؟	؟	؟
نروژ	۱	۰/۸۳۷	۳۶/۴	۲۵	۴۹	۰/۶۴
نیجر	؟	؟	۱/۲	؟	؟	؟
نیجریه	؟	؟	۳/۳	؟	؟	؟
نیکاراگوآ	؟	؟	۲۰/۷	؟	؟	؟
وانوآتو	؟	؟	۰	؟	؟	؟
ونزوئلا	۵۶	۰/۴۴۲	۹/۷	۲۴	۵۸	۰/۴۱
ویتنام	؟	؟	۲۶	؟	؟	؟
هائی‌تی	؟	؟	۹/۱	؟	؟	؟
هلند	۶	۰/۷۸۱	۳۲/۹	۲۷	۴۶	۰/۵۲
هند	؟	؟	۸/۹	؟	؟	؟
هندوراس	۶۰	۰/۴۰۵	۵/۵	۳۶	۵۱	۰/۳۶
هنگ‌کنگ (چین)	؟	؟	؟	۲۵	۳۸	؟
یمن	؟	؟	۰/۷	؟	؟	؟
یونان	۴۱	۰/۵۱۲	۸/۷	۲۵	۴۷	۰/۴۴

که زوجی مناسب برای ازدواج پیدا نکرده‌اند، در روابط جنسی کاملاً آزادند.

در برخی جوامع، کنترل زنان حتی بعد از ازدواج هم ادامه می‌یابد. در قوانین این جوامع برای زنان بدون شوهری که مرتکب گناه شوند نیز شلاق و زندان و مجازات‌های دیگر در نظر گرفته شده است.

محمدعلی جناح رهبر و بنیانگذار استقلال پاکستان در یکی از سخنرانی‌های سال ۱۹۴۷ خود گفت: «ما قربانیان سنت‌های خود هستیم... زندانی کردن‌زنان در چهاردیواری خانه‌ها گناهی بزرگ درقبال بشریت است». سالها بعد، وقتی ضیاءالحق دیکتاتور به ظاهر مذهبی پاکستان با حمایت امریکا بر سر کار آمد، وضعیت زنان در کشور مزبور وخیم‌تر هم شد. بدینسان ملاحظه می‌شود که سنت‌هایی که آثار باقیماندهٔ رسوم قدیمی به نظر می‌رسند، در حقیقت زاییدهٔ سیاست‌های زمانند.

در بسیاری از نقاط امریکای لاتین، طبق سنت‌های مرسوم، مردان می‌توانند زنان خاطی خود را با خشونت فیزیکی و یا هر وسیلهٔ دیگر مجازات کنند.

باورها و ارزش‌ها

دیدگاههای مختلف زنان درجوامع متفاوت، پیچیده و گوناگون است. امروزه زنان می‌دانند که با در نظر گرفتن ارزش‌های قومی و دینی خود، حق انتخاب دارند اما موضوع تولید مثل و حفظ بقاء هنوز هم در بسیاری از کشورها مسئلهٔ اصلی مورد مناقشه است.

آیا زنان در ازدواج یا در انتخاب تعداد فرزندان و یا اینکه چه وقت بچه‌دار شوند آزادند و یا مانند کشور چین که با بحران افزایش جمعیت روبروست، دولت برایشان تصمیم می‌گیرد؟ در زمینهٔ رشد جمعیت، طرق گوناگون جلوگیری از بارداری و در صورت بارداری سقط جنین به زنان توصیه می‌شود، اما سقط جنین خود موضوع بحث‌انگیزی است. این کار علاوه بر اینکه از سوی غالب ادیان مذموم و گناه شمرده شده، معمولاً در شرایط نامناسب انجام می‌شود و سلامت زنان را به مخاطره می‌اندازد. امریکای لاتین و جزایر کارائیب بالاترین آمار سقط جنین غیر بهداشتی را که در موارد زیادی مرگ مادران را در پی داشته است، به خود اختصاص داده است.

جنبش‌های طرفدار حقوق زنان، مناسب‌ترین راه را در زمینهٔ بارداری‌های ناخواسته برای زنان سراسر جهان خواستار شده‌اند. آن‌ها معتقدند هنگامی که سقط جنین تنها چارهٔ کار باشد زنان باید بتوانند از بهترین امکانات پزشکی در بیمارستان‌ها استفاده کنند وقوانین باید مورد تجدید نظر قرار گیرند.

در نهایت، علیرغم اینکه مبارزهٔ زنان در بیشتر کشورها علیه تبعیض و نابرابری حقوق، موفقیت‌های چندانی در بر نداشته است، وضعیت زندگی آنان به کندی رو به پیشرفت است. در مذاهب و جوامع مختلف فعالیتهای گروهها بر اساس اصول و عقاید دیگری پایه‌گذاری می‌شود. اما در هر صورت، زنان با شهامت هرچه تمام‌تر برای دستیابی به دنیایی که در آن زن و مرد با حقوق و شرایط برابر زندگی کنند در تلاشند.

محیط زیست و چهل سال تلاش

جنبش‌های حمایت از محیط زیست که برخی تصور می‌کردند به صورتی بدون تداوم و فقط به کشورهای پیشرفته و ثروتمند منحصر شود، اکنون نه تنها در سراسر جهان فراگیر شده، بلکه به یکی از ارگان‌های حیاتی کشورها تبدیل گردیده و اقداماتی که در جهت تضعیف اهداف آنها به عمل می‌آمد، خنثی شده است.

در اواخر دههٔ ۱۹۶۰ در کشورهای صنعتی، اجتماعات کوچک و نوپایی برای طرفداری و حفاظت ازمحیط زیست تشکیل شد. عده‌ای برای آن عمر کوتاهی پیش‌بینی کردند، ولی

اجتماعات مزبور پس از چهل سال با اسامی و هدف‌های گوناگون در سیاست، فرهنگ و زندگی اجتماعی کشورهای مختلف نقش اصلی را ایفا می‌کنند و در مواردی مقامات بالای دولتی، استادان دانشگاهها و حتی وزیران کابینه‌ها از اعضا یا نمایندگان جنبش‌های سبز هستند.

افزایش طرفداران محیط زیست

طرفداران محیط زیست یا جنبش‌های سبز از عوامل مهم و تأثیرگذار در جوامع مختلف به شمار می‌روند. از آنجا که دست‌اندرکاران مسائل اقتصادی، در برخی کشورها به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی منابع طبیعی نامحدود و تمام نشدنی است، مردم اعتماد خود، به طرح‌های توسعه را به تدریج از دست داده‌اند. بنابراین پیدایش اجتماعات طرفدار محیط زیست و افزایش روزافزون اعضای آن در چنین کشورهایی طبیعی به نظر می‌رسد.
جنبش‌های سبز در سرزمین‌هایی که منابع طبیعی آنها تحت تأثیر سیاست‌های سرمایه‌داری در معرض تخریب قرار گرفته‌اند، بیش از مناطق دیگر فعالیت می‌کنند و با توجه به این که به عقیدهٔ مردم این کشورها، نتایج مدرنیزه شدن به اندازهٔ ضررهای عدم پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ناخوشایند است، می‌توان به خوبی به علت این که جنبش‌های طرفدار محیط زیست در کنار حفاظت از نمونه‌های گیاهی در معرض خطر نابودی، دفاع از منابع غیر قابل تجدید و مخالفت با تجارت بین‌المللی منابع طبیعی محدود، برنامه‌های دیگری را نیز در فهرست هدف‌های خود قرار داده‌اند، پی برد.
جنبش‌های سبز، دولت‌ها را در سه مورد اصلی زیر سئوال می‌برند:
۱- طرق و میزان مصرف (کاری که تا چند سال قبل در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای جنوب بی‌سابقه بوده است).
۲- انواع انرژی‌های مصرفی از جمله انرژی‌های اتمی.
۳- ساختار اجتماعی، شامل کار، فرهنگ و مسائل رفاهی.
و بالاخره، فراگیر شدن جهانی اجتماعات طرفدار محیط زیست (به ویژه در اروپا و امریکا) در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نشان‌دهندهٔ ارتباط نزدیک اهداف آنها و مردم کشورهای مختلف است.
در حال حاضر گروه صلح سبز و دوستداران زمین که از فعّال‌ترین هواداران طرفدار محیط زیست در جهان هستند، صدها هزار عضو در کشورهای رو به توسعه و پیشرفته دارند و روز به روز بر نفوذ فرهنگی آنها افزوده می‌شود.

جنبش‌های سبز در کشورهای فقیر

پیدایش جنبش‌های طرفدار محیط زیست در کشورهای فقیر، این نظریه را که اجتماعات مزبور از قدرت تداوم و گسترش برخوردارند به اثبات می‌رساند. تا ۲۰ سال پیش، طرفداری از محیط زیست یک تفنن به شمار می‌رفت ولی از اواخر دهٔ ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شاهد فراگیری این فعالیت در کشورهای در حال توسعه نیز بوده‌ایم.
تخریب تدریجی محیط زیست در کشورهای افریقایی، امریکای لاتین و آسیا، بیش از نقاط دیگر جهان دیده می‌شود. اما دلایل آن با علل بروز این خسارت در کشورهای پیشرفته مغایر است. در این کشورها معمولاً قدرت سیاسی بیش از توسعهٔ اقتصادی و صنعتی، محیط زیست را تهدید می‌کند. زیرا سران اقتصادی از مصرف کنندگان حمایت می‌کنند و همچنین مبارزهٔ مردم فقیر برای بقاء تهدیدی جدّی برای منابع طبیعی محسوب می‌شود.
شاید یکی از علل افزایش جنبش‌های طرفدار محیط زیست در امریکای لاتین، آسیا و افریقا نقش مهمی است که مردم این کشورها در مصرف منابع و عرضهٔ فرآورده‌ها به بازارهای جهانی دارند. حال آن که خود نتیجهٔ زحمتشان را نمی‌بینند.

سیاست‌گرایی جنبش‌های سبز

اگرچه چهل سال طرفداری از محیط زیست، این مبارزه را در سطح جهانی فراگیر کرده، ولی در عین حال به تقسیم شدن گروه‌ها به دو بخش کاملاً مجزا منجر گردید. بخش اول هواداران اجتماعی محیط زیست و گروه دوم شامل اجتماعاتی است که نفوذ در دستگاههای سیاسی را در مقاصد خود دخالت می‌دهند.
با گذشت زمان و افزایش روزافزون بحران‌های زیست‌محیطی، جنبش‌های سبز به این نتیجه رسیده‌اند که جلوگیری از صدمات وارده به محیط زیست و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی مردم، سخت‌تر از تصورات اولّیهٔ آنهاست. بنابراین بسیاری این توهّم را که می‌توان با بیدار کردن وجدان‌ها از طریق هُشدارهای گوناگون یا اعمال نفوذ در دستگاههای دولتی و جلب رضایت نمایندگان مردم در مجالس قانونگذاری با بحران مقابله کرد، کنار گذاشته‌اند. به همین خاطر شکست‌های پیاپی به تقویت گروههای سیاست‌گرای طرفدار محیط زیست منجر شده و آنها با انتقادات شدید، سیاست‌های حاکم و رایج را مسئول تغییرات بنیادی در زندگی اجتماعی، کار، تولید و بالاخره تخریب منابع طبیعی می‌دانند.

تداوم جنبش‌ها و قضاوت‌های اجتماعی

بنا به عقیدهٔ بسیاری از بوم‌شناسان (اکولوژیست‌ها)، با بحران موجود، نمی‌توان تنها با طرفداری از محیط زیست مبارزه کرد و به همین لحاظ آنان معتقدند که تنها با توسعهٔ پایدار می‌توان به یک جامعهٔ مطلوب رسید. آنان معتقدند که می‌توان جامعه‌ای داشت که در آن شرایط زیست‌محیطی به گونه‌ای مطلوب اما با دیکتاتوری سیاسی و یا نظامی حاکم شود، اما طبیعتاً چنین چیزی به توسعهٔ پایدار اجتماعی و سیاسی منجر نخواهد شد.
بدین ترتیب اهداف گروه دوستداران زمین فقط در حفظ محیط زیست خلاصه نمی‌شود بلکه آنها خواستار جامعه‌ای آزاد باتوسعهٔ مُستمر در کنار دفاع از صنایع زیست‌محیطی هستند و برای دستیابی به این مهم، رابطهٔ نزدیکی با جنبش‌های اجتماعی مانند اتحادیه‌ها، کارگران روستایی و شهروندان دیگر ایجاد کرده و با حمایت خود در بهبود شرایط زندگی آنان می‌کوشند. در بسیاری موارد گروه دوستداران زمین با دشواریهایی مانند شرایط تغذیه، دفع زباله‌ها، کار، مسکن و حمل و نقل شهری که در آغاز آن را مورد توجه قرار نداده بودند، مواجه شدند و همزمان، رویاروی جنبش‌های سبزی که عقیده دارند تصمیم‌گیری دربارهٔ محیط زیست و منابع طبیعی، حق مسلم انسان‌هاست قرار گرفتند. گروههای مزبور از نظریهٔ اجتماعی داروین که می‌گوید جامعه با قوانین مشابه قانون‌های طبیعی اداره می‌شود، تبعیت می‌کنند وبر این باورند که نباید برای از دست رفتن جان انسان‌ها در مصائب و بلایای طبیعی متأسف بود زیرا طبیعت خود شایسته‌ترین افراد را برای حفظ و موجودیت وبقاء انتخاب می‌کند و بدین ترتیب هرگونه فعالیتی برای حفاظت از طبیعت را حق مسلم و قانونی خود می‌دانند.

روش‌های گوناگون مبارزه

گرایش برخی جنبش‌های طرفدار محیط زیست به سیاست، موجب تجزیهٔ این جنبش گردید و در طول دههٔ اول مبارزات، با ایجاد فاصله میان دولت و مردم از شرکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی جلوگیری گردید ولی از حدود ۳۰ سال قبل به این سو شرایط تغییر کرده است.
گروههایی مانند «صلح سبز» بدون آلودگی به سیاست، فعالیت خود را روی انتقاد از واحدهای تولیدی آلاینده، برپایی اعتراضات همگانی و تذکر دادن به دولت‌ها متمرکز کرده‌اند. در حالی که اجتماعات دیگر برای شرکت در انتخابات شهری یا کشوری نامزد انتخاباتی معرفی می‌کنند و از این رهگذر در رد یا قبول طرح‌های دولت دخالت مستقیم دارند.
برای مثال می‌توان از گروه سبزها در آلمان نام برد که در دههٔ ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ با شرکت در دولت، نمایندگان خود را در بسیاری از شهرها بر سر مشاغل حساس دولتی به کار گمارند و اکنون نیز در دولت فدرال حضور دارند.

خطر ناچیز شمردن

عامل مهمی که بر آیندهٔ جنبش‌های سبز در هر پنج قاره تأثیر خواهد گذاشت، از اهمیت افتادن موضوع محیط زیست است، زیرا اگر این اجتماعات در طول سال‌های اولیه با تأکید بیشتر بر انتقادات ریشه‌ای از جامعه، مردم و عقاید دولتمردان عمل می‌کردند، امروز بسیاری از خواسته‌های آنها با عملکرد صحیح کمپانی‌ها، دولت‌ها، مراکز فرهنگی و عموم شهروندان از هر طبقه‌ای به تحقق پیوسته است. ولی در حال حاضر اکثریت مردم به حفاظت از محیط زیست پیرامون خود، بیش از حفظ محیط زیست جامعه وسرزمینی که در آن زندگی می‌کنند، اهمیت می‌دهند. بنابراین بدون تردید گروههای طرفدار محیط زیست در چند سال آینده با چالش‌هایی که هرگز مؤسسین اولیهٔ جنبش‌ها قادر به پیش‌بینی آنها نبودند روبرو خواهند شد.

آموزش و پرورش

آموزش و پرورش با بحران روبروست و پس از پیدایش روش‌های جدید در علم و فن‌آوری به جای وظیفه و هدف اصلی خود یعنی تعلیم و تربیت شهروندان، به ابزاری برای سوق دادن دانش‌آموزان به عرصهٔ بازار جهانی تبدیل شده است.

پس از انقلاب فرانسه و در طول قرن نوزدهم، کشورهای صنعتی شمال به نقش تعلیم و تربیت در دگرگونی جامعه پی بردند و دریافتند که شهروندان آینده تنها از طریق آموزش و پرورش به افرادی مفید تبدیل خواهند شد. این باور و نظریه مرسوم درسدهٔ هجدهم که علم و منطق وقتی در راه توسعه وپیشرفت به خدمت گرفته شود، خوشبختی مردم را همراه خواهد آورد موجب گردید تا آموزش و پرورش پس از انقلاب صنعتی در کنار تغییرات سیاسی و ساختاری در جهت تربیت افراد خلاق و با استعداد که چون چرخ‌دنده‌های ماشین نظام سرمایه‌داری عمل خواهند کرد به خدمت گرفته شود.

مبارزه با بیسوادی در کشورهای صنعتی اروپایی و امریکای شمالی در اولویت قرار گرفت و در سدهٔ بیستم در سراسر جهان فراگیر شد. کشورهای تازه استقلال یافته نیز با بیسوادی، به عنوان یک هدف ملی، به مبارزه پرداختند و ریشه‌کنی آن را لازمهٔ توسعه و عدالت اجتماعی برشمردند. آموزش و پرورش به عامل موفقیت افرادی که با انگیزه‌های نژادی، جنسیت یا فرهنگی مورد تبعیض قرار گرفته و به دنبال جایگاهی در جامعه بودند، تبدیل گردید و در شعار «فرزندان باید بیشتر از والدینشان بدانند» خلاصه گردید.

شروع بحران

در نیمهٔ دوم سدهٔ بیستم الگوی پیشرفت تحصیلی کشورهای پیشرفته بدون هیچ اصلاح یا تغییری به کشورهای رو به توسعه منتقل شد و در طول سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ روند طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی به نقطهٔ اوج خود رسید و تعداد دانشگاه‌ها در سراسر جهان به سرعت افزایش یافت و سرانجام در اواخر سدهٔ بیستم، با انقلاب رایانه (کامپیوتر) و عرضهٔ آن به بازارهای جهانی، بسیاری از کشورها لزوم اجتناب‌ناپذیر ادامهٔ تقلید از کشورهای پیشرفته را برای آموزش محصلین خود و توانایی حضور در عرصهٔ جهانی را حس کردند. بدینسان تقریباً همهٔ کشورهای جهان برنامهٔ آموزش و پرورش خود را با مدل‌های کشورهای پیشرفته هماهنگ کردند غافل از این که الگوی مزبور با بحران روبرو شده است. با افزایش سریع دانش‌آموزان در سراسر جهان، ظرفیت آموزشی به مرز اشباع رسیده است و این در حالی است که تفاوت در نظام فرهنگی و اقتصادی کشورها دانش‌آموزان و دانشجویان را با دشواری‌های بسیاری در راه رسیدن به هدفهایشان روبرو کرده است. برای مثال در کشورهای پیشرفته در اثر مهاجرت اقوام گوناگون، تعداد بی‌شماری از دانش‌آموزان نامتجانس و ناهماهنگ که هریک باید بنا بر فرهنگ سنّتی یا ملی خود تحت آموزش قرار گیرند، با محصلین بومی آن سامان درهم آمیخته‌اند و مشکلات فراوانی ایجاد کرده‌اند.

انتقال دانش

مسئولان آموزش و پرورش کشورهای پیشرفته بر این باورند که دانش‌آموز امروز، بیشتر از نسل قبل، از توانایی درک و پذیرش اطلاعات برخوردار است. بنابراین در این نظام، انواع لوازم کمک آموزشی، افراد خلاق و نخبه و آموزگاران کاردان و شایسته به ابزار کار تبدیل شده و دانش‌آموزان به جعبه‌هایی تعبیر شده‌اند که باید آنها را طبق یک برنامهٔ از پیش تنظیم و تعیین شده، با علم و دانش پر کرد، در آن را بست و به بازار روانه ساخت. به نظر می‌رسد این طریقهٔ انتقال دانش، بر پایهٔ دو باور استوار باشد:

نخست درک فوری، به این معنا که اگر دروس به طور واضح و روشن تشریح شوند، دانش‌آموز آنها را کامل و سریع درک و جذب می‌کند و دوم این عقیده که در صورت درک و یادگیری صحیح، حافظهٔ دانش‌آموزان گنجایش پذیرش هر علم و دانشی را به طور نامحدود خواهد داشت.

با تغییر در سیستم‌های کامپیوتری، این آرمان بزرگ به تحقق پیوسته است زیرا که هر روز داده‌های پیچیدهٔ بیشتر و جدیدتری در واحدها و سلول‌هایی که آنها نیز به نوبهٔ خود روزانه کوچک و کوچک‌تر می‌شوند اضافه می‌گردد و انتقال ماشینی دانش به نوعی درک جدید منجر شده که به موجب آن می‌توان دانش‌آموزان امروزی را با دستگاه‌های هوشمندی به مرور جایگزین کرد.

دستگاه‌های هوشمند یا انسان‌های بی‌ارادهٔ سدهٔ بیستم

هدف آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت انسان‌های توانا با قدرت تشخیص و تحقیق، درک اشتباهات گذشته و کسب رفتار مدنی است. ولی رسیدن به این مهم در جوامع رایانه‌ای (کامپیوتری) با موانعی مواجه شده است، زیرا دانش‌آموزان امروزی توانایی خواندن و نوشتن به شیوهٔ سنتی را رفته رفته از دست می‌دهند. در مواردی چون تحصیل دانش‌آموزان با ملیت‌های مختلف در سرزمین‌های غربی، ناتوانی در درک عبارات مکتوب، نتیجهٔ تضاد میان نحوهٔ تعلیم شفاهی و فرهنگ کشورهای اولیهٔ محصّلین است. برای مثال تفاوت میان الگوی آموزشی و پیشینهٔ فرهنگی در کشورهای رو به توسعه موجب افت تحصیلی و خلأ فرهنگی دانش‌آموزان شده به گونه‌ای که محصلین الجزایری در پاریس، پاکستانی‌ها و هندی‌ها در انگلستان، یا ترک‌ها در آلمان، هدفی جز دستیابی به مدرک و ورود به بازار کسب و کار ندارند. بنابراین بدون وجود سازگاری میان تعلیم و تربیت و رفتار و فرهنگ یک جامعه، پیوستن به یک عرصهٔ جهانی، آرزویی غیر واقعی و دست نیافتنی خواهد بود، ولی با توجه به سیاست‌های جدید اقتصادی و اجتماعی و فراگیر شدن یادگیری زبان‌های بیگانه، جهان خواه ناخواه رو به یگانگی پیش می‌رود.

در مناطقی از افریقا، روی بدن دانش‌آموختگان، طی مراسمی علامتگذاری می‌شود. نشانه‌هایی دائمی که احترام و ارزش این اشخاص را در جامعه مشخص می‌کند، ولی در جوامع غربی این علامت که نامرئی است معنای خود را از دست داده است، زیرا به جای دانش و ارزش‌های معنوی، دانش‌آموز رفتارهایی کُدبندی شده را فرا می‌گیرد. در قبال جامعه مانند یک ماشین عکس‌العمل‌های بسیاری از این جوانان که ریشه‌های فرهنگی خود را از یاد برده‌اند بهشت‌های مصنوعی را در مواد مخدّر یا بزهکاری می‌یابند.

کلام آخر این که بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها و به کارگیری آنها در تعلیم و تربیت، دستیابی به یک هماهنگی اجتماعی ناممکن به نظر می‌رسد.

بهداشت و درمان

رسیدن به این واقعیت که بدن انسان از هزاران هزار ریزاندام (میکرو ارگانیزم) تشکیل شده و هر بیماری به علت وجود میکروب خاصی بروز می‌کند، بزرگترین موفقیت سدهٔ بیستم در زمینهٔ پزشکی به شمار می‌آید. ولی این دستاوردها با انتقادات زیادی همراه بوده‌اند، انتقادهایی که داروها و علم داروسازی را به زیر سؤال می‌برند.

در طول تاریخ علم پزشکی در غرب توسعهٔ داروسازی با بررسیهای زیست‌شناسی همگام و توأم بوده است. بنابراین بسیار طبیعی بود که دیدگاههای مکانیستی در حوزه زیست‌شناسی به علم پزشکی نیز راه یافت و طی سالیان دراز بدن انسان را به عنوان ماشین، بیماری را یک فعالیت نادرست سلولی یا مولکولی، و پزشکان را کارشناسان رفع ایرادها و اختلالات این ماشین به کمک دارو تلقی می‌کردند و امروزه نیز پزشکان و داروسازان با اعتقاد بر این باور هر روز اجزأ کوچکتری از بدن انسان را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهند.

تندرستی کامل

بنا بر نظر سازمان بهداشت جهانی سلامتی، داشتن یک وضعیت سالم جسمی و روحی و اجتماعی است و تنها بیمار نبودن به معنای سلامتی کامل نیست.

این تعریف نظر ما را به جنبهٔ مذهبی و تأثیرات روانی آن هنگام بیماری متوجه می‌سازد و نقش حکیم‌باشی‌های سنتی را که از روزگاران قدیم با استفاده از تجربه و علم گیاه‌شناسی به درمان بیماران می‌پرداختند، یادآوری می‌کند. آنان بر این عقیده بودند که علت بروز بیماری وجود اختلال جسمی و روحی در بدن شخص است و با محیط و شرایط زندگی بیمار و اعتقادات مذهبی او ارتباط مستقیم دارد. شیوهٔ درمان حکیم‌باشی‌ها به گونه‌ای مختلف که گاه جنبهٔ جادوگری پیدا می‌کند، هنوز هم در برخی نواحی دورافتادهٔ جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد و توکل و ایمان به خدا و استفاده از شیوه‌های گوناگون نیز مرسوم است.

پزشکان سنتی برخلاف پزشکان امروزی هرگز فقط به دارو متکی نیستند، بلکه از طریق اجرای مراسم، تلقین یا اسباب و ادوات مخصوص کوشش می‌کنند ارواح خبیثه یا ترس را از ذهن بیمار دور کنند و به این ترتیب به بیمار قدرت و روحیه القاء نمایند.

داروهای جدید

آغاز سدهٔ نوزدهم با اوج اکتشافات در زمینهٔ زیست‌شناسی و ساخت داروهای جدید همراه بود. دانش نوپای پزشکی شناخت ساختار بسیاری از اجزاء بدن انسان را مدیون دکتر کلود برنارد است. پزشکان و زیست‌شناسان با یاری گرفتن از مطالعات و تحقیقات او آزمایش‌های خود را روی اجزاً کوچک و کوچکتر متمرکز کردند و بررسی‌های خویش را به دو بخش تقسیم کردند:

بخش یکم، کشفیات دکتر رودولف ویرچو بود که طبق نظریهٔ او کلیهٔ بیماری‌ها باعث بروز تغییرات ساختاری در سلولها می‌شوند و زیست‌شناسی سلولها باید اساس علم داروسازی قرار گیرد.

شاخهٔ دوم نتیجهٔ کاوشهای دکتر لوئی پاستور کاشف ریزاندام‌ها بود که از آن تاریخ تاکنون مبنای تحقیقات داروسازان بوده است. پاستور به وضوح ارتباط میان باکتری‌ها و بیماری‌ها را تشریح کرد و به همین علت، کشفیات او تأثیر سرنوشت‌سازی همراه آورد، ولی در طول تاریخ داروسازی جدید، پزشکان با این پرسش روبرو بوده‌اند که آیا تنها یک عامل موجب وقوع بیماری می‌شود و یا چند عامل گوناگون به طور همزمان عمل می‌کنند و بیمار را از پای می‌اندازند؟ دکتر کلود برنارد در نتیجهٔ مطالعات خود به اهمیت عوامل داخلی یا خارجی در بروز یک بیماری اشاره و تصریح کرده است که از دست دادن تعادل داخلی، باعث به وجود آمدن عوامل بیماری‌زا می‌شود. اما دکتر پاستور بررسی‌های خود را برای یافتن نقش باکتری‌ها در پیدایش بیماری‌ها با تحقیق در بارهٔ رابطهٔ بیماری‌ها و میکروب‌ها آغاز کرد و توانست نظریه‌های خود را تحت عنوان «تئوری میکروب‌ها» که می‌گوید هر میکروب خاصی موجب بروز یک نوع بیماری می‌شود به اثبات برساند. این تئوری از طرف پزشکان دنیا مورد تأیید قرار گرفت و مدتی بعد، دکتر رابرت کُخ پس از آزمایش‌های دقیق ثابت کرد که بدون تردید میکروبها عامل بروز بیماری‌ها هستند و به این ترتیب علم اتیولوژی یا دانش شناخت علت بیماری‌ها پا به عرصهٔ وجود گذاشت.

جدول ۲– وضعیت بهداشت در کشورهای جهان

نام کشور	هزینه های بهداشتی			امید به زندگی در هنگام تولد	تعداد پزشکان (برای هر صدهزار نفر)	میزان دسترسی جمعیت به آب آشامیدنی مناسب (درصد)	میزان دسترسی جمعیت به داروهای اساسی (درصد)	واکسیناسیون بر علیه سرخک (درصد)
	نسبت به تولید ناخالص داخلی		سرانه (دلار امریکا)					
	بخش عمومی (درصد)	بخش خصوصی (درصد)						
آذربایجان	۱	۰/۶	؟	۷۱	۳۶۰	؟	۵۰–۷۹	۹۹
آرژانتین	۲/۴	۶/۱	۶۵۴	۷۲/۹	۲۶۸	۷۹	۵۰–۷۹	۹۹
آلبانی	۲	۰/۹	۳۶	۷۲/۸	۱۲۹	؟	۵۰–۷۹	۸۵
آلمان	۷/۹	۲/۶	۲۶۹۷	۷۷/۳	۳۵۰	؟	۹۵–۱۰۰	۷۵
آنتیگوآ و باربودا	۰/۴	۱/۶	۱۷۹	؟	۱۱۴	۹۱	۵۰–۷۹	۹۹
آنگولا	؟	؟	؟	۴۴/۶	۸	۳۸	۰–۴۹	۴۶
اتریش	۵/۹	۲/۳	۲۱۲۱	۷۷/۷	۳۰۲	۱۰۰	۹۵–۱۰۰	۹۰
اتیوپی	۱/۲	۲/۴	۴	۴۴/۵	؟	۲۴	۵۰–۷۹	۲۷
اردن	۳/۶	۳/۸	۱۳۹	۶۹/۷	۱۶۶	۹۶	۹۵–۱۰۰	۹۴
ارمنستان	۴	۴/۲	؟	۷۲/۴	۳۱۶	؟	۰–۴۹	۹۱
اریتره	؟	؟	؟	۵۱/۵	۳	۴۶	۵۰–۷۹	۸۸
ازبکستان	۳/۴	۰/۶	۲۵	۶۸/۳	۳۰۹	۸۵	۵۰–۷۹	۹۶
اسپانیا	۵/۴	۱/۶	۱۰۴۳	۷۸/۱	۴۲۴	؟	۹۵–۱۰۰	۹۳
استرالیا	۶	۲/۶	۱۷۱۴	۷۸/۷	۲۴۰	۱۰۰	۹۵–۱۰۰	۸۹
استونی	۵/۱	۱/۳	۲۴۳	۷۰	۲۹۷	؟	۹۵–۱۰۰	۹۲
اسرائیل	۶	۳/۶	۱۶۰۷	۷۸/۳	۳۸۵	؟	۹۵–۱۰۰	۹۴
اسلوواکی	۵/۷	۱/۵	۲۸۵	۷۲/۸	۳۵۳	۱۰۰	۹۵–۱۰۰	۹۹
اسلوونی	۶/۷	۰/۹	۷۴۶	۷۵	۲۲۸	۱۰۰	۹۵–۱۰۰	۹۸
افریقای جنوبی	۳/۳	۳/۸	۲۳۰	۵۶/۷	۵۶	۸۶	۸۰–۹۴	۸۲
افریقای مرکزی	۲	۱	۹	۴۴/۳	۴	۶۰	۵۰–۷۹	۳۹
اکوادور	۱/۷	۲	۵۹	۶۹/۵	۱۷۰	۷۱	۰–۴۹	۹۹
الجزایر	۲/۶	۱	؟	۶۸/۹	۸۵	۹۴	۹۵–۱۰۰	۸۳
السالوادور	۲/۶	۴/۶	۱۴۳	۶۹/۱	۱۰۷	۷۴	۸۰–۹۴	۹۹
امارات متحده عربی	۰/۸	۷/۶	۱۴۲۸	۷۴/۶	۱۸۱	؟	۹۵–۱۰۰	۹۵
اندونزی	۰/۸	۰/۹	۸	۶۵/۱	۱۶	۷۶	۸۰–۹۴	۷۱
انگلستان	۵/۸	۱/۲	۱۶۷۵	۷۷/۲	۱۶۴	۱۰۰	۹۵–۱۰۰	۹۱
اوروگوئه	۱/۹	۷/۳	۶۲۱	۷۳/۹	۳۷۰	۹۸	۵۰–۷۹	۹۳
اوکراین	۲/۹	۱/۵	۲۸	۶۸/۱	۲۹۹	؟	۵۰–۷۹	۹۹
اوگاندا	۱/۹	۴/۱	۱۸	۴۱/۹	؟	۵۰	۵۰–۷۹	۵۳
ایالات متحده امریکا	۵/۷	۷/۱	۴۲۷۱	۷۶/۵	۲۷۹	۱۰۰	۹۵–۱۰۰	۹۲
ایتالیا	۵/۶	۲/۶	۱۶۷۶	۷۸/۲	۵۵۴	؟	۹۵–۱۰۰	۷۰
ایران	۱/۷	۲/۵	۱۲۸	۶۸	۸۵	۹۵	۸۰–۹۴	۹۹
ایرلند	۵/۲	۱/۶	۱۵۶۹	۷۶/۱	۲۱۹	؟	۹۵–۱۰۰	۷۷
ایسلند	۷/۴	۱/۳	۲۷۰۱	۷۸/۹	۳۲۶	؟	۹۵–۱۰۰	۹۹
باربادوس	۴/۵	۲/۲	۶۰۱	۷۶/۴	۱۲۵	۱۰۰	۹۵–۱۰۰	۸۶
باهاما	۲/۵	۱/۸	۶۱۲	۶۹	۱۵۲	۹۶	۸۰–۹۴	۸۶
بحرین	۲/۶	۱/۶	۳۵۸	۷۲/۹	۱۰۰	؟	۹۵–۱۰۰	۹۴
برزیل	۲/۹	۳/۶	۳۰۸	۶۷/۲	۱۲۷	۸۷	۰–۴۹	۹۹
برونئی	؟	؟	؟	۷۵/۵	۸۵	؟	۹۵–۱۰۰	۹۴
بلژیک	۶/۳	۲/۵	۲۱۳۷	۷۷/۹	۳۹۵	؟	۹۵–۱۰۰	۸۳
بلغارستان	۳/۹	۰/۲	۶۲	۷۰/۸	۳۴۵	۱۰۰	۸۰–۹۴	۹۶
بلیز	۲/۳	۰/۵	۸۲	۷۳/۶	۵۵	۷۶	۸۰–۹۴	۸۲
بنگلادش	۱/۷	۱/۹	۱۲	۵۸/۱	۲۰	۹۷	۵۰–۷۹	۷۱
بنین	۱/۶	۱/۶	۱۲	۵۳/۵	۶	۶۳	۵۰–۷۹	۷۹
بوتان	۳/۲	۳/۶	۳۶	۶۰/۷	۱۶	۶۲	۸۰–۹۴	۷۶
بوتسوانا	۲/۵	۱/۵	۱۲۷	۴۴/۴	۲۴	؟	۸۰–۹۴	۸۶
بورکینافاسو	۱/۵	۲/۸	۹	۴۵/۳	۳	؟	۵۰–۷۹	۵۳
بوروندی	۰/۶	۳	۵	۴۰/۶	؟	؟	۰–۴۹	۷۵
بولیوی	۴/۱	۲/۴	۶۹	۶۱/۴	۱۳۰	۷۹	۵۰–۷۹	۷۹
بیلاروس	۴/۶	۱	۸۵	۶۸/۵	۴۴۳	۱۰۰	۵۰–۷۹	۹۸
پاپوآگینه نو	۲/۵	۰/۷	۲۵	۵۵/۶	۷	۴۲	۸۰–۹۴	۵۸
پاراگوئه	۱/۷	۳/۶	۸۶	۶۹/۶	۱۱۰	۷۹	۰–۴۹	۹۲
پاکستان	۰/۷	۳/۱	۱۸	۵۹	۵۷	۸۸	۵۰–۷۹	۵۴
پاناما	۴/۹	۲/۳	۲۴۶	۷۳/۶	۱۶۷	۸۷	۸۰–۹۴	۹۰
پرتغال	۵/۱	۲/۵	۸۵۹	۷۵/۲	۳۱۲	؟	۹۵–۱۰۰	۹۶
پرو	۲/۴	۳/۸	۱۴۱	۶۸	۹۳	۷۷	۵۰–۷۹	۹۳
تاجیکستان	۵/۲	۰/۹	۱۳	۶۷/۲	۲۰۱	؟	۰–۴۹	۷۹

همـان طور کـه گـفتـه شـد، در طول سـدهٔ بیسـتم، علم زیست‌شناسی و داروسـازی با یک ارتبـاط تنگاتنگ، سیـر پیشرفت را طی کردند و وسایل جدید آزمایشگاهی از قبیل استتوسکوپ (گوشی پزشکی)، دستگاه اندازه‌گیری فشار خون و ابزار و آلات جراحی یکی پس از دیگری در طول این قرن اختراع و تکمیل شد.

از بیمار تا بیماری

رفته رفته پزشکان توجه خود را از بیمار به بیماری معطوف کردند. امراض نقاط مختلف بدن انسان شناخته شد، مورد آزمایش قرار گرفت و طبق یک سیستم مشخص، طبقه‌بندی گردید. بیمـارسـتان‌ها از یک مکان مقـدس قـرون وسطایی خارج شدند و به مراکزی برای تحقیق، مشاورهٔ پزشکی و یادگیری تبدیل گردیدند و بدینسان، فرآیند کشف و ساخت داروهای ویژه که تا اواخر قرن بیستم به اوج خود رسید، آغاز شد. تحقیقات و آزمایش‌های دامنه‌دار و مشابهی در زمینهٔ ناهنجاری‌های روانی به نام علم روانپزشکی صورت گرفت. پزشکان به جای بررسی ابعاد روانی بیماری‌ها با هدف یافتن علل پیدایش آنها، به مطالعهٔ عفونتها، سوء تغذیه، صدمات مـغزی و عـوامل مـحیطی پرداختند. ناکامی در مـداوای بیماری‌های روحی الهام‌بخش دستیابی به راههای جدید شد و پیامد این تحقیقات، موفقیت‌های چشمگیر دکتر زیگموند فروید در علم روان‌شناسی و روان درمانی بود.

واکسن‌ها؛ آنتی بیوتیک‌ها و هورمون‌ها

علم داروسازی با گرایش تدریجی زیست‌شناسـان به سـمت شناخت پدیده‌های مولکولی در مسیر جدیدی قـرار گرفت و اولین نتـیجـهٔ این مطالعـات، کشف بسـیـاری از داروها و واکسـن‌ها برای مقـابله با باکـتری‌های بیـماری‌زا از قـبیل تیـفـوس، کـزاز و دیفـتـری بود. مـدتی بعـد واکسـن‌های بیماری‌هایی که ویروس‌ها عامل بروز آنها بودند ساخته شد و در پی آن با برنامه‌های گستردهٔ مصون‌سازی و مبارزه و محو آفات در سرزمین‌های گرمسیری و مبارزه علیه پشه‌های ناقل بیماری، ریشه‌کنی امراض سه گانهٔ مناطق حارّه، مـالاریا، تب زرد و جذام آغاز گردید.

کشف پنی‌سیلین در سال ۱۹۲۸ آغاز دوره‌ای جدید در علم پزشکی است. دوره‌ای کـه در دهـهٔ ۱۹۵۰ با سـاخت انواع میکروب‌کشهـا به نقطهٔ اوج خود رسید. یکی از مـهـمترین پیروزیها در داروسازی با پیشرفت در زمینهٔ علم غددشناسی و مطالعـه روی غـدد درون ریز و انواع ترشـحـات آنهـا به نام هورمـونهـا به دست آمـد. پزشکـان پس از پی بردن بـه این مـوضوع که هورمونهـا بـا حرکت در مسیـر جـریان خـون، علمکرد فـیـزیـولوژیکی بـدن انسـان را تنظیم می‌کنند، به بزرگترین موفقیت خود یعنی کشف انسولین نائل شـدند. صدها هزار انسان با کشف هورمون انسولین از مرگ نجات یافتند و توانستند با تزریق‌های روزانه به زنـدگی طبیـعی ادامه دهند. دومـین مـوفـقـیت غـددشنـاسـان، کـشف هورمـون کـورتیزون بود کـه با ترشح از غـدد فوق کلیـه مـانع از التهـاب می‌شود.

نمـونه‌های بیـشـمـاری از این دست، نشـان می‌دهـند کـه داروسـازان کـوشش کـرده‌اند با کـشف و سـاخت داروها به مصاف بیماری‌های گوناگون بروند اما متأسفانه، دانش آنها فقط محدود بـه قسـمتی از تأثیرات داروهای جـدید است و هنوز از «عوارض جانبی» بسیاری از داروها اطلاعی در دست نیست.

نام کشور	هزینه های بهداشتی: نسبت به تولید ناخالص داخلی — بخش عمومی (درصد)	هزینه های بهداشتی: نسبت به تولید ناخالص داخلی — بخش خصوصی (درصد)	هزینه های بهداشتی: سرانه (دلار امریکا)	امید به زندگی در هنگام تولد	تعداد پزشکان (برای هر صدهزار نفر)	میزان دسترسی جمعیت به آب آشامیدنی مناسب (درصد)	میزان دسترسی جمعیت به داروهای اساسی (درصد)	واکسیناسیون بر علیه سرخک (درصد)
تانزانیا	۱/۳	۱/۸	۸	۵۱/۱	۴	۵۴	۵۰-۷۹	۷۲
تایلند	۱/۹	۴/۱	۱۱۲	۶۹/۶	۲۴	۸۰	۹۵-۱۰۰	۹۶
ترکمنستان	۴/۱	۱/۱	۳۰	۶۵/۴	۳۰۰	؟	۵۰-۷۹	۹۷
ترکیه	۳/۳	۱/۴	۱۵۳	۶۹	۱۲۱	۸۳	۹۵-۱۰۰	۸۰
ترینیداد و توباگو	۲/۵	۱/۸	۲۰۴	۷۳/۸	۷۹	۸۶	۵۰-۷۹	۹۱
توگو	۱/۳	۱/۳	۹	۵۱/۳	۸	۵۴	۵۰-۷۹	۴۳
تونس	۲/۲	۲/۹	۱۰۸	۶۹/۵	۷۰	؟	۵۰-۷۹	۸۴
جامائیکا	۳	۲/۵	۱۵۷	۷۴/۸	۱۴۰	۷۱	۹۵-۱۰۰	۹۶
جیبوتی	۵/۴	۱/۶	؟	۴۵/۵	۱۴	۱۰۰	۸۰-۹۴	۲۱
چاد	۲/۳	۰/۶	۷	۴۵/۲	۳	۲۷	۰-۴۹	۳۰
چک	۶/۶	۰/۶	۳۸۰	۷۴/۳	۳۰۳	؟	۸۰-۹۴	۹۵
چین	۲/۱	۳	۴۰	۶۹/۸	۱۶۲	۷۵	۸۰-۹۴	۹۰
دانمارک	۶/۹	۱/۵	۲۷۸۵	۷۵/۹	۲۹۰	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	۹۲
دومینیکا	۳/۸	۲/۲	۲۰۸	؟	۴۹	۹۷	۸۰-۹۴	۹۹
دومینیکن	۱/۹	۳	۹۵	۶۷/۳	۲۱۶	۷۹	۵۰-۷۹	۹۶
روآندا	۲	۲/۱	۱۰	۳۹/۴	؟	۴۱	۰-۴۹	۸۷
روسیه	؟	۱/۲	؟	۶۶/۱	۴۲۱	۹۹	۵۰-۷۹	۹۷
رومانی	۳/۸	۱/۵	۸۶	۶۹/۸	۱۸۴	۵۸	۸۰-۹۴	۹۸
زامبیا	۳/۶	۳/۴	۲۳	۴۰/۵	۷	۶۴	۵۰-۷۹	۹۰
زلاند نو	۶/۳	۱/۸	۱۱۶۳	۷۷/۲	۲۱۸	؟	۹۵-۱۰۰	۸۳
زیمبابوه	۳	۴	۳۶	۴۲/۹	۱۴	۸۵	۵۰-۷۹	۷۹
ژاپن	۵/۷	۱/۶	۲۲۴۳	۸۰/۵	۱۹۳	؟	۹۵-۱۰۰	۹۴
سائوتومه و پرنسیپ	؟	؟	؟	؟	۴۷	؟	۰-۴۹	؟
ساحل عاج	۱/۲	۲/۵	۲۸	۴۷/۷	۹	۷۷	۸۰-۹۴	۶۲
ساموآ	۴/۸	۱/۳	۸۵	۶۸/۵	۳۴	۹۹	۹۵-۱۰۰	؟
سری لانکا	۱/۷	۱/۸	۲۹	۷۱/۶	۳۶	۸۳	۹۵-۱۰۰	۹۵
سلیمان، جزایر	؟	؟	؟	۶۷/۴	۱۴	۷۱	۸۰-۹۴	؟
سنت کیتس و نویس	۳/۱	۲/۷	۴۰۸	؟	۱۱۷	۹۸	۵۰-۷۹	۹۹
سنت لوسیا	۲/۴	۱/۲	۱۵۱	۷۳	۴۷	۹۸	۵۰-۷۹	۹۵
سنت وینسنت و گرنادین	۴/۲	۲/۱	۱۷۵	؟	۸۸	۹۳	۸۰-۹۴	۸۷
سنگاپور	۱/۱	۲/۱	۶۷۸	۷۷/۱	۱۶۳	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	۹۳
سنگال	۲/۶	۱/۹	۲۳	۵۲/۳	۸	۷۸	۵۰-۷۹	۶۰
سوئد	۶/۶	۱/۳	۲۱۴۵	۷۹/۳	۳۱۱	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	۹۶
سوئیس	۷/۶	۲/۸	۳۸۵۷	۷۸/۶	۳۲۳	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	۸۱
سوازیلند	۲/۵	۱	۴۶	۵۰/۸	۱۵	؟	۹۵-۱۰۰	۸۲
سودان	؟	؟	؟	۵۵	۹	۷۵	۰-۴۹	۵۳
سورینام	؟	؟	؟	۷۰/۱	۲۵	۹۵	۹۵-۱۰۰	۸۵
سوریه	۰/۹	۱/۶	۱۱۶	۷۰/۵	۱۴۴	۸۰	۸۰-۹۴	۹۷
سیرالئون	۰/۹	۴/۴	۸	۳۷/۳	۷	۲۸	۰-۴۹	۶۲
سیشل	۴/۸	؟	؟	؟	۱۳۲	؟	۸۰-۹۴	۹۹
شیلی	۲/۷	۳/۱	۲۸۹	۷۴/۹	۱۱۰	۹۴	۸۰-۹۴	۹۶
عربستان سعودی	؟	؟	؟	۷۰/۹	۱۶۶	۹۵	۹۵-۱۰۰	۹۴
عمان	۲/۹	۰/۶	؟	۷۰/۵	۱۳۳	۳۹	۸۰-۹۴	۹۹
غنا	۱/۷	۲/۹	۱۹	۵۶/۳	۶	۶۴	۰-۴۹	۷۳
فرانسه	۷/۳	۲	۲۲۸۸	۷۸/۱	۳۰۳	؟	۹۵-۱۰۰	۸۴
فنلاند	۵/۲	۱/۷	۱۷۰۴	۷۷/۲	۲۹۹	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	۹۶
فیجی	۲/۹	۱/۴	۸۶	۶۸/۴	۴۸	۴۷	۹۵-۱۰۰	۷۵
فیلیپین	۱/۶	۲/۱	۳۷	۶۸/۶	۱۲۳	۸۷	۵۰-۷۹	۷۹
قبرس	؟	؟	؟	۷۷/۸	۲۵۵	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	؟
قرقیزستان	۲/۲	۲/۲	۱۱	۶۶/۹	۳۰۱	۷۷	۵۰-۷۹	۹۷
قزاقستان	۲/۷	۲/۹	۶۲	۶۴/۱	۳۵۳	۹۱	۵۰-۷۹	۹۹
قطر	؟	؟	؟	۶۸/۹	۱۲۶	؟	۹۵-۱۰۰	۸۷
کامبوج	۰/۶	۶/۳	۱۷	۵۶/۵	۳۰	۳۰	۰-۴۹	۵۵
کامرون	۱	؟	؟	۵۰	۷	۶۲	۵۰-۷۹	۶۲
کانادا	۶/۶	۲/۷	۱۹۳۹	۷۸/۵	۲۲۹	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	۹۶
کروآسی	۹/۵	۲	؟	۷۳/۳	۲۲۹	؟	۹۵-۱۰۰	۹۲
کره جنوبی	۲/۴	۳	۴۷۰	۷۴/۳	۱۳۶	۹۲	۹۵-۱۰۰	۸۵
کستاریکا	۵/۲	۱/۵	۲۵۷	۷۶	۱۴۱	۹۸	۹۵-۱۰۰	۸۸

نام کشور	هزینه های بهداشتی: نسبت به تولید ناخالص داخلی — بخش عمومی (درصد)	هزینه های بهداشتی: نسبت به تولید ناخالص داخلی — بخش خصوصی (درصد)	هزینه های بهداشتی: سرانه (دلار امریکا)	امید به زندگی در هنگام تولد	تعداد پزشکان (برای هر صدهزار نفر)	میزان دسترسی جمعیت به آب آشامیدنی مناسب (درصد)	میزان دسترسی جمعیت به داروهای اساسی (درصد)	واکسیناسیون بر علیه سرخک (درصد)
کلمبیا	۵/۲	۴/۲	۲۲۷	۷۰/۴	۱۱۶	۹۱	۸۰-۹۴	۷۵
کنگو، جمهوری	۲	۳/۸	۴۰	۵۰/۹	۲۵	۵۱	۵۰-۷۹	۲۳
کنگو، جمهوری دموکراتیک	؟	؟	؟	۵۰/۵	۷	۴۵	؟	۱۵
کنیا	۲/۴	۵/۵	۳۱	۵۲/۲	۱۳	۴۹	۰-۴۹	۷۹
کوبا	؟	؟	؟	۷۵/۷	۵۳۰	۹۵	۹۵-۱۰۰	۹۶
کومور	؟	؟	؟	۵۸/۸	۷	۹۶	۸۰-۹۴	؟
کویت	؟	؟	؟	۷۵/۹	۱۸۹	؟	۹۵-۱۰۰	۹۶
کیپ‌ورد	۱/۸	۱	۳۷	۶۸/۹	۱۷	۷۴	۸۰-۹۴	؟
گابون	۲/۱	۱	۱۲۲	۵۲/۴	؟	۷۰	۰-۴۹	۵۵
گامبیا	۲/۳	۱/۹	۱۳	۴۵/۴	۴	۶۲	۸۰-۹۴	۸۸
گرجستان	۰/۸	۲	۱۶	۷۲/۷	۴۳۶	؟	۰-۴۹	۸۰
گرنادا	۲/۹	۲/۵	۱۹۳	؟	۵۰	۹۴	۹۵-۱۰۰	۹۴
گواتمالا	۲/۱	۲/۳	۷۸	۶۴	۹۳	۹۲	۵۰-۷۹	۸۳
گویان	۴/۵	۰/۸	۵۱	۶۳/۷	۱۸	۹۴	۰-۴۹	۸۷
گینه	۲/۳	۱/۵	۱۹	۴۶/۵	۱۳	۴۸	۸۰-۹۴	۵۲
گینه استوایی	؟	؟	؟	۵۰	۲۵	۴۳	۰-۴۹	۲۴
گینه بیسائو	؟	؟	؟	۴۴/۱	۱۷	۴۹	۰-۴۹	۷۰
لائوس	۱/۲	۱/۳	۶	۵۲/۵	۲۴	۹۰	۵۰-۷۹	۷۱
لاتویا	۴	۲/۶	۱۶۶	۶۹/۶	۲۸۲	؟	۸۰-۹۴	۹۷
لبنان	۲/۲	۹/۷	۴۶۹	۷۲/۶	۲۱۰	۱۰۰	۸۰-۹۴	۸۸
لسوتو	؟	؟	؟	۵۱/۲	۵	۹۱	۸۰-۹۴	۷۷
لوکزامبورگ	۵/۷	۰/۴	۲۷۳۱	۷۷	۲۷۲	؟	۹۵-۱۰۰	۹۱
لهستان	۴/۷	۱/۵	۲۴۸	۷۲/۸	۲۳۶	؟	۸۰-۹۴	۹۷
لیبی	؟	؟	؟	۷۰	۱۲۸	۷۲	۹۵-۱۰۰	۹۲
لیتوانی	۴/۷	۱/۵	۱۸۳	۷۱/۴	۳۹۵	؟	۸۰-۹۴	۹۷
ماداگاسکار	۱/۱	۱	۵	۵۱/۶	۱۱	۴۷	۵۰-۷۹	۵۵
مالاوی	۲/۸	۳/۵	۱۱	۴۰/۷	؟	۵۷	۰-۴۹	۸۳
مالت	؟	؟	؟	۷۷/۶	۲۶۱	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	۶۰
مالدیو	۳/۷	۴	۱۵۰	۶۵/۴	۴۰	۱۰۰	۵۰-۷۹	۸۶
مالزیا	۱/۴	۱	۸۱	۷۱/۹	۶۶	؟	۵۰-۷۹	۸۸
مالی	۲/۱	۲/۲	۱۱	۵۰/۹	۵	۶۵	۵۰-۷۹	۵۷
مجارستان	۵/۲	۱/۶	۳۱۸	۷۰/۷	۳۵۷	۹۹	۹۵-۱۰۰	۹۹
مصر	؟	؟	؟	۶۶/۳	۲۰۲	۹۵	۸۰-۹۴	۹۵
مغرب	۱/۲	۳/۲	؟	۶۶/۶	۴۶	۸۲	۵۰-۷۹	۹۰
مغولستان	؟	؟	؟	۶۱/۹	۲۴۳	۶۰	۵۰-۷۹	۹۳
مقدونیه	۵/۳	۱	۹۰	۷۲/۷	۲۰۴	؟	۵۰-۷۹	۹۸
مکزیک	۲/۶	۲/۸	۲۳۶	۷۲/۲	۱۸۶	۸۶	۸۰-۹۴	۹۵
موریتانی	۱/۴	۳/۴	۱۹	۵۰/۵	۱۴	۳۷	۵۰-۷۹	۶۲
موریس	۱/۸	۱/۶	۱۲۰	۷۰/۷	۸۵	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	۷۹
موزامبیک	۲/۸	۰/۷	۸	۴۰/۶	؟	۶۰	۵۰-۷۹	۵۷
مولداوی	۲/۹	۲/۱	۲۵	۶۶/۶	۳۵۰	۱۰۰	۵۰-۷۹	۹۹
میانمار	۰/۲	۱/۶	۹۷	۵۵/۸	۳۰	۶۸	۵۰-۷۹	۸۵
نامیبیا	۳/۳	۳/۳	۱۴۲	۴۵/۱	۳۰	۷۷	۸۰-۹۴	۶۶
نپال	۱/۳	۴/۲	۱۱	۵۷/۳	۴	۸۱	۰-۴۹	۷۳
نروژ	۷	۲/۲	۳۱۸۲	۷۸/۱	۴۱۳	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	۹۳
نیجر	۱/۲	۱/۴	۵	۴۴/۲	۴	۵۹	۵۰-۷۹	۳۶
نیجریه	۰/۸	۲	۳۰	۵۱/۳	۱۸	۵۷	۰-۴۹	۴۱
نیکاراگوآ	۸/۵	۴	۵۴	۶۷/۷	۸۶	۷۹	۰-۴۹	۹۹
وانوآتو	؟	؟	؟	۶۷/۲	۱۲	۸۸	؟	؟
ونزوئلا	۲/۶	۱/۶	۱۷۱	۷۲/۴	۲۳۶	۸۴	۸۰-۹۴	۸۲
ویتنام	۰/۸	۴	۱۷	۶۷/۲	۴۸	۵۶	۸۰-۹۴	۹۳
هائی‌تی	۱/۴	۲/۸	۲۱	۵۲	۸	۴۶	۰-۴۹	۵۴
هلند	۶	۲/۸	۲۱۷۳	۷۷/۹	۲۵۱	۱۰۰	۹۵-۱۰۰	۹۶
هند	؟	۴/۲	؟	۶۲/۳	۴۸	۸۸	۰-۴۹	۵۰
هندوراس	۳/۹	۴/۷	۷۴	۶۵/۶	۸۳	۹۰	۰-۴۹	۹۸
هنگ‌کنگ (چین)	؟	؟	؟	۷۹/۱	؟	؟	؟	؟
یمن	؟	؟	؟	۵۹/۴	۲۳	۶۹	۵۰-۷۹	۷۴
یونان	۴/۷	۳/۶	۹۶۵	۷۸	۳۹۲	؟	۹۵-۱۰۰	۸۸

عمل‌های جراحی

بررسی‌های علم زیست‌شناسی در سطح سلولی و مولکولی، با کشف سه گروه خونی، اختراع دستگاههای انتقال خون، ساخت ترکیباتی که از لخته شدن خون جلوگیری می‌کنند وپیشرفت در زمینهٔ بیهوشی، آزادی عمل و موفقیت پزشکان در عمل‌های جراحی را افزایش داد.

با کشف آنتی‌بیوتیک‌ها، خطر عفونت پس از عمل‌های جراحی از بین رفت و به تدریج پیوند پوست، اعضاء بدن و استخوان با به کارگیری موادی چون فلز و پلاستیک امکان‌پذیر شد.

در دههٔ ۱۹۶۰ دکتر کریستین برنارد اولین عمل جراحی پیوند قلب را با موفقیت انجام داد و با این دستاوردها علم پزشکی و داروسازی روز به روز گسترده‌تر و بر ضرورت وجود آن در زندگی و سلامت جامعهٔ امروز افزوده شد.

سلامتی و شیوهٔ زندگی

علیرغم پیشرفتهای پزشکی، کشورهای اروپایی و امریکای شمالی با بحران سلامت جسمانی و روانی دست به گریبانند. مردم، به نحوهٔ برخورد در مراکز درمانی، کمبود خدمات و بی‌اعتنایی بسیاری از پزشکان معترضند و مهمتر از همه از عدم وجود هماهنگی میان بهای داروها و تأثیرات آنها شکایت دارند.

قیمت داروهای موجود در بازار در طول سه دههٔ اخیر، چند برابر شده اما طبق آمار، سلامت عمومی با میزان نه چندان قابل توجهی رو به بهبود رفته است. از آنجا که ارزشیابی دقیقی در ارتباط با سلامت فردی، سلامت جامعه، ناهنجاری‌های روانی و آسیب‌های اجتماعی صورت نگرفته وآمار مراجعه به پزشکان، کلیهٔ بیماری‌ها را یکسان در بر می‌گیرد، قضاوت دربارهٔ رابطهٔ میان تأثیر داروها و تندرستی همگانی کار مشکلی است. همچنین به عقیدهٔ برخی منتقدین، گرچه داروها در ریشه‌کنی یا بهبود بیماری‌های گوناگون مفید بوده‌اند اما این به معنای تأمین سلامت عمومی جامعه نیست.

نقش روان‌پزشکان و آسیب‌شناسان اجتماعی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت زیرا وقتی علائم فیزیکی یک بیماری تحت تأثیر دارو ظاهراً متوقف شود بیماری می‌تواند به قسمتهای دیگر بدن آسیب وارد سازد. طبق بررسی‌های انجام شده، ۲۵٪ از جمعیت جهان دچار انواع مشکلات روانی هستند و باید تحت درمان قرار گیرند. همچنین افراد معتاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی و تعداد قربانیان تصادفات، خودکشی‌ها و جرائم از آمار بسیار بالایی برخوردارند و تقریباً کلیهٔ این اشخاص از دشواریهای روانی رنج می‌برند.

فشارهای روانی

به عقیدهٔ روانشناسان، تندرستی انسان باآموزش و پرورش صحیح، تغذیه و شرایط محیطی خوب تأمین می‌گردد ولی از آنجا که این عوامل در فرهنگ‌های مختلف، با هم متفاوتند، از این رو در هر کشوری بیماری‌هایی یافت می‌شود که خاص همان ناحیه است. همچنین با تغییر شرایط فرهنگی سرزمین‌ها، رفتارها نیز در کنار انواع آسیب‌های اجتماعی تغییرپذیرند. به این ترتیب می‌بینیم که امراضی از قبیل عفونت‌های شدید که در قرن نوزدهم در اروپا و امریکا هزاران نفر را به کام مرگ فرستاد، اکنون تنها در کشورهای

جهان سوم دیده می‌شود و به جای آن مردم کشورهای پیشرفته به بیماری‌های جدیدی که با نوع زندگی مرفه و زیاده‌روی در مصرف، ارتباط مستقیم دارد مبتلا شده‌اند.
از آنجا که امراض قلبی، سرطان و قند یا دیابت بیشتر زاییدهٔ فشارهای روانی، نداشتن تحرک، رعایت نکردن رژیم غذایی مناسب، مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر و بالاخره آلودگی هوا هستند، بنابراین آنها بیماری‌های ویژه کشورهای ثروتمند به شمار می‌روند.
داروهای جدید غربی به دلیل اینکه پزشکان کمتر به وضعیت روانی و شرایط زندگی بیماران توجه می‌کنند، تأثیر کمتری در درمان بیماری‌ها دارند و جالب آن است که بدانیم پزشکان، خود به علت وضعیت شغلی بیش از دیگران تحت فشارهای روحی و جسمی قرار دارند. میانگین عمر مفید یک پزشک بین ده تا پانزده سال از متوسط عمر افراد عادی پایین‌تر است و بسیاری از دکترهای جوان پس از ورود به دانشکده و هنگامی که آموزش از مرحلهٔ تئوری به عملی تبدیل می‌شود، دچار فشارهای روحی می‌شوند.

آسیب‌های اجتماعی

یکی از راههای دستیابی به سلامت جامعه ایجاد تغییر در بینش اجتماعی مردم نسبت به داروها و بیماری‌هاست. بیشتر مردم استعمال دارو را به تغییر رفتارهای ناخوشایند خود ترجیح می‌دهند. آنها تحت فشارهای روانی، به جای روبرو شدن با مشکلات، ناتوانی پزشکان و کمبود دارو را مقصر می‌دانند. بسیاری، از فشار خون بالا رنج می‌برند اما حاضر نیستند در نحوهٔ کار و رژیم غذایی خود تجدید نظر کنند. آنان آمار بالای مرگ و میر در اثر سرطان را می‌پذیرند اما سیگار را ترک نمی‌کنند و حل این مشکلات را بر دوش جامعهٔ پزشکی می‌گذارند. اما دسترسی به یک محیط زندگی سالم تنها زمانی امکان‌پذیر است که همهٔ ما با عزمی راسخ، در تغییر فرهنگ و طرز فکر جامعه بکوشیم.

مبارزه با سرطان؛ آیا داروها مؤثر و بی خطرند؟

طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، در سال ۱۹۹۶ بیش از ۱۰ میلیون نفر به مبتلایان بیماری سرطان افزوده شده و ۶ میلیون نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند. در حالی که پزشکان سرگرم تحقیق دربارهٔ راههای مبارزه با بیماری‌های مختلف هستند و علیرغم بالا رفتن عمر متوسط مردم جهان، آمار ابتلا به سرطان همچنان رقم بالایی را نشان می‌دهد.
همه روزه شاهد هشدارهای گوناگون سازمان‌های بهداشتی و مراکز درمانی در بارهٔ طرق پیشگیری از سرطان و ایدز هستیم و رسانه‌های گروهی ارقام نجومی سرمایه گذاری در پروژه‌های تحقیقاتی برای یافتن راههای درمان این بیماری‌ها را به اطلاع عموم می‌رسانند. اما امید دستیابی به داروهای مؤثر بیش از تحقیقات جدید پزشکی، به سیاستهای کمپانی‌های قدرتمندی که دست‌اندر کار تجارت این داروها و ابزار هستند بستگی دارد. آنچه در زیر آمده دو نمونه از نتیجهٔ تحقیقات جدید برای یافتن داروهای بیماریهای سرطان و ایدز است.
دکتر رایکه گرید هامر از دانشگاه توبینگن آلمان با ارائهٔ نوعی روان درمانی عصبی موسوم به سایکو-نوروتیک، مدعی یافتن طریقهٔ درمان سرطان شد. وی رئیس بخش رادیولوژی بیمارستان و استاد دانشکده پزشکی بود. او با روش ابداعی خود، مرکز سلولهای سرطانی را به وسیلهٔ یک شوک عصبی شدید مورد حمله قرار می‌داد و موجب تحریک قسمتی از مغز می‌شد. بنا به ادعای او بیمار پس از طی دورهٔ درمان با کسب رفتاری آرام و مثبت درد را به خوبی و با روحیه‌ای قوی تحمل می‌کرد. هامر به جرم مخالفت با استفاده از شیمی‌درمانی و رادیوتراپی به یک سال زندان در سال ۱۹۹۷ محکوم شد و این در حالی بود که پانزده سال گذشته را به تحقیق و آزمایش روی شیوهٔ خود پرداخته بود.
مدتی قبل در کشور فرانسه دکتر میرکو بلیانسکی و همسرش دکتر مونیک بلیانسکی ادعا کردند به دارویی برای درمان بیماری ایدز و سرطان دست یافته‌اند اما داروی آنها نتوانست آزمایشهای لازم را با موفقیّت پشت سر بگذارد و رئیس مؤسسهٔ پزشکی پاستور، دکتر ژاک مونو برندهٔ جایزهٔ نوبل که در اثر تبلیغات منفی، حیثیت خود را خدشه‌دار می‌دید، دستور اخراج این زن و شوهر پزشک را صادر کرد.
داروی معرفی شده ترکیبی از عصاره‌های گیاهی بود و تنها روی برخی موارد سرطانی و ویروس‌ها به طور محدود تأثیر مثبت داشت. این دو پزشک معتقد بودند داروی آنها تأثیر رادیوتراپی و شیمی‌درمانی را افزایش داده و به این ترتیب از تکثیر سلولهای سرطانی جلوگیری می‌کند. آنها همچنین مدعی شدند داروی معروف AZT که در حال حاضر برای بیماران مبتلا به ایدز در سراسر دنیا تجویز می‌شود و یکی از تولیدات کارخانهٔ داروسازی ولکام می‌باشد برای اولین بار توسط شرکت دیگری در سال ۱۹۶۰ تولید شده اما مجوز لازم را کسب نکرده است.
ادعای آنان از سوی دادگاه مورد قبول قرار نگرفت و داروی AZT که در دورهٔ ریاست جمهوری ریگان تولید و با تأیید مراکز پزشکی امریکا روانهٔ بازار شده بود موجب شهرت کارخانهٔ داروسازی ولکام و چند برابر شدن بهای سهام آن گردید.

فقر و تبعیض؛ مهمترین عامل مرگ و میر کودکان

تعداد کودکانی که علیه شش بیماری اصلی زمان کودکی واکسینه شده‌اند، از ۵ درصد در سال ۱۹۷۴ به ۸۰ درصد در سال ۱۹۹۵ رسیده است. اما هر ساله میلیونها کودک در اثر ابتلا به بیماریهای قابل پیشگیری از قبیل اسهال خونی می‌میرند و مردم مناطقی از کرهٔ زمین هنوز از پزشک، دارو و امکانات درمانی محرومند.

تا اواسط قرن اخیر، بیشتر مردم قبل از رسیدن به سن ۵۰ سالگی می‌مردند. ولی در حال حاضر بیشتر آنها تا سالها بعد به زندگی ادامه می‌دهند. میانگین عمر انسانها از ۴۸ سال در سال ۱۹۵۵ به ۵۹ سال در سال ۱۹۷۵ رسیده است و جمعیت جهان رو به پیری می‌رود. در ۱۹۹۷ بیش از ۳۸۰ میلیون نفر بالای ۶۵ سال عمر داشتند و پیش‌بینی می‌شود این رقم به بیش از ۶۹۰ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ برسد.
آمار مرگ و میر در سال ۱۹۹۶ بیش از ۵۲ میلیون نفر را نشان می‌دهد که از این تعداد ۴۰ میلیون نفر تنها در کشورهای جهان سوم و ۹ میلیون نفر در کشورهای فقیرتر جان خود را از دست داده‌اند. ۴۳ درصد از این مرگ و میرها در اثر بیماریهای عفونی و انگلی، ۱۷ درصد کهنسالی و متفرقه و ۴۰ درصد باقیمانده در اثر ابتلا به سرطان، امراض قلبی و بیماریهای وخیم رخ داده است. نزدیک به ۲۰٪ از آمار، به نوزادان زیر یک ماه و کودکان زیر پنج سال تعلق دارد، که سوء تغذیه علت اصلی اغلب این مرگ و میرها به شمار می‌رود. نیمی از کودکان جنوب آسیا و یک سوم کودکان کشورهای صحرای افریقا از سوء تغذیه رنج می‌برند و از داشتن آب آشامیدنی سالم و خدمات بهداشتی و پزشکی محرومند.
شیر مادر بهترین غذا برای نوزادان محسوب می‌شود. در نقاطی که مرگ و میر نوزادان در اثر اسهال یا امراض عفونی آمار نسبتاً بالایی را نشان داده است، نوزادانی که از شیر مادر تغذیه کرده‌اند، کمتر به این بیماری‌ها مبتلا شده‌اند.
طبق گزارش یونیسف در سال ۱۹۹۸ حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد از جمعیت کل ۳۵ کشور فقیر جهان به مراکز درمانی دسترسی نداشته‌اند. بیشتر از ۱/۱ میلیارد نفر از داشتن آب آشامیدنی سالم محرومند و ۲/۹ میلیارد نفر در محیط آلوده وبدون رعایت موارد بهداشتی زندگی می‌کنند. شیوع بیماریهای عفونی در چنین شرایطی، امری طبیعی به نظر می‌رسد، که نتیجهٔ آن مرگ ۳ میلیون نفر در اثر سل، ۲/۵ میلیون نفر در اثر اسهال و ۲ میلیون نفر در اثر مالاریا در سال ۱۹۹۶ بوده است.
وجود تبعیض میان زنان و مردان در بسیاری از کشورها یکی دیگر از علل سوء تغذیه و عدم رعایت بهداشت به شمار می‌رود. همچنین محروم کردن زنان از حضور در جامعه و تحصیلات، تأثیرات منفی در سلامت و بهداشت خانواده و فرزندان آنها گذارده است. اما علیرغم اینکه آمار مرگ و میر نوزادان از پنجاه سال پیش تا به امروز ۵۰ درصد پایین آمده و از سال ۱۹۸۰ شرایط تغذیه کودکان جهان بهبود یافته است، با این حال بنابر آخرین گزارش سازمان غیر دولتی نجات کودکان، در کشور انگلستان، تعداد کودکانی که از بهداشت و درمان محرومند هرگز به میزان امروز بالا نبوده است. طبق آمار این سازمان، تعداد کل اینگونه کودکان ۸۰۰ میلیون نفر است که از این عده ۲۰۰ میلیون در کشورهای حاشیه‌ای صحرای افریقا، ۳۰۰ میلیون در مناطق روستایی هندوستان، ۲۰۰ میلیون در شهرهای هندوستان و حداقل ۱۰۰ میلیون در کشورهای فقیر جنوب آسیا مانند نپال، بنگلادش و لائوس زندگی می‌کنند.

جدول ۳- وضعیت کودکان در کشورهای جهان

نام کشور	مرگ و میر کودکان (در هر هزار تولد) (۲۰۰۰)	مرگ و میر مادران (در هر صدهزار تولد) (بین ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۹)	درصد کودکان کمتر از پنج سال زیر وزن طبیعی (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰)	درصد کودکان کمتر از پنج سال زیر قد طبیعی (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰)	درصد نوزادان زیر وزن طبیعی (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰)
آذربایجان	۷۴	۸۰	۱۷	۲۰	۱۰
آرژانتین	۱۸	۴۱	؟	؟	۷
آلبانی	۲۷	؟	۱۴	۳۲	۵

نام کشور	مرگ و میر کودکان (در هر هزار تولد) (۲۰۰۰)	مرگ و میر مادران (در هر صدهزار تولد) (بین ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۹)	درصد کودکان کمتر از پنج سال زیر وزن طبیعی (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰)	درصد کودکان کمتر از پنج سال زیر قد طبیعی (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰)	درصد نوزادان زیر وزن طبیعی (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰)
آلمان	۴	۸	؟	؟	۷
آنتیگوآ و باربودا	۱۳	۱۵۰	۱۰	۷	۸
آنگولا	۱۷۲	؟	؟	؟	؟
اتریش	۵	؟	؟	؟	۷
اتیوپی	۱۱۷	؟	۴۷	۵۱	۱۲
اردن	۲۸	۴۱	۵	۸	۱۰
ارمنستان	۲۵	۳۵	۳	۱۴	۹
اریتره	۷۳	۱۰۰۰	۴۴	۳۸	۱۴
ازبکستان	۵۱	۲۱	۱۹	۳۱	۶
اسپانیا	۵	۶	؟	؟	۶
استرالیا	۶	؟	؟	؟	۷
استونی	۱۷	۵۰	؟	؟	۵
اسرائیل	۶	۵	؟	؟	۸
اسلوواکی	۸	۹	؟	؟	۷
اسلوونی	۴	۱۱	؟	؟	۶
افریقای جنوبی	۵۵	؟	؟	۲۵	؟
افریقای مرکزی	۱۱۵	۱۱۰۰	۲۴	۳۹	۱۳
اکوادور	۲۵	۱۶۰	۱۵	۲۷	۱۶
الجزایر	۵۰	۲۲۰	۶	۱۸	۷
السالوادور	۳۴	۱۲۰	۱۲	۲۳	۱۳
امارات متحده عربی	۸	۳	۱۴	۱۷	؟
اندونزی	۳۵	۳۸۰	۲۶	؟	۹
انگلستان	۶	۷	؟	؟	۸
اوروگوئه	۱۴	۲۶	۵	۸	؟
اوکراین	۱۷	۲۵	۳	۱۵	۶
اوگاندا	۸۱	۵۱۰	۲۶	۳۸	۱۳
ایالات متحده امریکا	۷	۸	۱	۲	۸
ایتالیا	۶	۷	؟	؟	۶
ایران	۳۶	۳۷	۱۱	۱۵	۷
ایرلند	۶	۶	؟	؟	۴
ایسلند	۴	؟	؟	؟	۴
باربادوس	۱۲	؟	۵	۷	۱۰
باهاما	۱۵	؟	؟	؟	؟
بحرین	۱۳	۴۶	۹	۱۰	۱۰
برزیل	۳۲	۱۶۰	۶	۱۱	۹
برونئی	۶	؟	؟	؟	؟
بلژیک	۶	؟	؟	؟	۸
بلغارستان	۱۴	۱۵	؟	؟	۹
بلیز	۳۴	۱۴۰	۶	؟	۴
بنگلادش	۵۴	۳۵۰	۴۸	۴۵	۳۰
بنین	۹۸	۵۰۰	۲۹	۲۵	۱۵
بوتان	۷۷	۳۸۰	۱۹	۴۰	۱۵
بوتسوانا	۷۴	۳۳۰	۱۳	۲۳	۱۱
بورکینافاسو	۱۰۵	۴۸۰	۳۴	۳۷	۳۶
بوروندی	۱۱۴	؟	۴۵	۵۷	۱۶
بولیوی	۶۲	۳۹۰	۱۰	۲۶	۸
بیلاروس	۱۷	۲۰	؟	؟	۵
پاپوآگینه نو	۷۹	۳۷۰	۳۵	؟	؟
پاراگوئه	۲۶	۱۹۰	۵	۱۱	۹
پاکستان	۸۵	؟	۳۸	؟	۲۱
پاناما	۲۰	۷۰	۷	۱۴	۱۰
پرتغال	۶	۸	؟	؟	۷
پرو	۴۰	۲۷۰	۸	۲۶	۱۰
تاجیکستان	۵۴	۶۵	؟	؟	۱۳
تانزانیا	۱۰۴	۵۳۰	۲۹	۴۴	۱۱
تایلند	۲۵	۴۴	۱۹	۱۶	۷
ترکمنستان	۵۲	۶۵	؟	؟	۵
ترکیه	۳۸	۱۳۰	۸	۱۶	۱۵
ترینیداد و توباگو	۱۷	۷۰	۷	۴	؟
توگو	۸۰	۴۸۰	۲۵	۲۲	۱۳
تونس	۲۲	۷۰	۴	۱۲	۵
جامائیکا	۱۷	۹۵	۴	۳	۱۱
جیبوتی	۱۰۲	؟	۱۸	۲۶	؟
چاد	۱۱۸	۸۳۰	۲۸	۲۸	۲۴
چک	۵	۹	۱	۲	۶
چین	۳۲	۵۵	۱۰	۱۷	۶
دانمارک	۴	۱۰	؟	؟	۶
دومینیکا	۱۴	۶۵	۵	۶	۸
دومینیکن	۴۲	۲۳۰	۵	۶	۱۳
روآندا	۱۰۰	؟	۲۹	۴۳	۱۲
روسیه	۱۸	۴۴	۳	۱۳	۷
رومانی	۱۹	۴۲	۶	۸	۹
زامبیا	۱۱۲	۶۵۰	۲۵	۵۹	۱۱
زلاند نو	۶	۱۵	؟	؟	۶
زیمبابوه	۷۳	۷۰۰	۱۳	۲۷	۱۰
ژاپن	۴	۸	؟	؟	۷
سائوتومه و پرنسیپ	۵۸	؟	۱۶	۲۶	۷
ساحل عاج	۱۰۲	۶۰۰	۲۱	۲۲	۱۷
ساموآ	۲۱	؟	؟	؟	؟
سری لانکا	۱۷	۶۰	۳۳	۱۷	۱۷
سلیمان، جزایر	۲۱	۵۵۰	۲۱	۲۷	؟
سنت کیتس و نویس	۲۱	۱۳۰	؟	؟	۱۳
سنت لوسیا	۱۷	۳۰	۱۴	۱۱	۸
سنت وینسنت و گرنادین	۲۱	۴۳	؟	؟	۱۰
سنگاپور	۴	۶	۱۴	۱۱	۸
سنگال	۸۰	۵۶۰	۱۸	۱۹	۱۲
سوئد	۳	۵	؟	؟	۴
سوئیس	۳	۵	؟	؟	۶
سوازیلند	۱۰۱	۲۳۰	۱۰	۳۰	؟
سودان	۶۶	۵۵۰	۱۷	؟	؟
سورینام	۲۷	۱۱۰	؟	؟	۱۱
سوریه	۲۴	۱۱۰	۱۳	۲۱	۶
سیرالئون	۱۸۰	؟	۲۷	۳۴	۲۲
سیشل	۱۳	؟	۶	۵	۱۰
شیلی	۱۰	۲۳	۱	۲	۵
عربستان سعودی	۲۴	؟	۱۴	۲۰	۳
عمان	۱۲	۱۴	۲۴	۲۳	۸
غنا	۵۸	۲۱۰	۲۵	۲۶	۹
فرانسه	۴	۱۰	؟	؟	۶
فنلاند	۴	۶	؟	؟	۶
فیجی	۱۸	۳۸	۸	۳	۱۲
فیلیپین	۳۰	۱۷۰	۲۸	۳۰	۱۸
قبرس	۶	؟	؟	؟	؟
قرقیزستان	۵۳	۶۵	۱۱	۲۵	۶
قزاقستان	۶۰	۶۵	۴	۱۰	۶
قطر	۱۲	۱۰	۶	۸	۱۰
کامبوج	۹۵	۴۴۰	۴۶	۴۶	۹
کامرون	۹۵	۴۳۰	۲۱	۳۵	۱۰
کانادا	۶	؟	؟	؟	۶
کروآسی	۸	۶	۱	۱	۶
کره جنوبی	۵	۲۰	؟	؟	؟
کستاریکا	۱۰	۲۹	۵	۶	۶
کلمبیا	۲۵	۸۰	۷	۱۴	۷
کنگو، جمهوری	۸۱	؟	۱۴	۱۹	؟

نام کشور	مرگ و میر کودکان (در هر هزار تولد) (۲۰۰۰)	مرگ و میر مادران (در هر صدهزار تولد) (بین ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۹)	درصد کودکان کمتر از پنج سال زیر وزن طبیعی (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰)	درصد کودکان کمتر از پنج سال زیر قد طبیعی (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰)	درصد نوزادان زیر وزن طبیعی (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰)
کنگو، جمهوری دموکراتیک	۱۲۸	؟	۳۴	۴۵	۱۵
کنیا	۷۷	۵۹۰	۲۳	۳۷	۹
کوبا	۷	۳۳	۴	۵	۶
کومور	۶۱	؟	۲۵	۴۲	۱۸
کویت	۹	۵	۱۰	۲۴	۷
کیپ‌ورد	۳۰	۳۵	۱۴	۱۶	۱۳
گابون	۶۰	۵۲۰	؟	؟	؟
گامبیا	۹۲	؟	۱۷	۱۹	۱۴
گرجستان	۲۴	۵۰	۳	۱۲	۶
گرنادا	۲۱	۱	؟	؟	۱۱
گواتمالا	۴۴	۱۹۰	۲۴	۴۶	۱۲
گویان	۵۵	۱۱۰	۱۲	۱۰	۱۴
گینه	۱۱۲	۵۳۰	۲۳	۲۶	۱۰
گینه استوایی	۱۰۳	؟	؟	؟	؟
گینه بیسائو	۱۳۲	۹۱۰	۲۳	۲۸	۲۰
لائوس	۹۰	۶۵۰	۴۰	۴۱	؟
لاتویا	۱۷	۴۵	؟	؟	۵
لبنان	۲۸	۱۰۰	۳	۱۲	۶
لسوتو	۹۲	؟	۱۶	۴۴	؟
لوکزامبورگ	۵	؟	؟	؟	۴
لهستان	۹	۸	؟	؟	۶
لیبی	۱۷	۷۵	۵	۱۵	۷
لیتوانی	۱۷	۱۸	؟	؟	۴
ماداگاسکار	۸۶	۴۹۰	۳۳	۴۹	۱۵
مالاوی	۱۱۷	۱۱۰۰	۲۵	۴۹	۱۳
مالت	۵	؟	؟	؟	۷
مالدیو	۵۹	۳۵۰	۴۳	۲۷	۱۲
مالزیا	۸	۴۱	۱۸	؟	۹
مالی	۱۴۲	۵۸۰	۴۳	؟	۱۶
مجارستان	۸	۱۵	۲	۳	۹
مصر	۳۷	۱۷۰	۱۲	۲۵	۱۰
مغرب	۴۱	۲۳۰	۹	۲۳	۹
مغولستان	۶۲	۱۵۰	۱۳	۲۵	۶
مقدونیه	۲۲	۷	۶	۷	۶
مکزیک	۲۵	۵۵	۸	۱۸	۹
موریتانی	۱۲۰	۵۵۰	۲۳	۴۴	؟
موریس	۱۷	۲۱	۱۶	۱۰	۱۳
موزامبیک	۱۲۶	۱۱۰۰	۲۶	۳۶	۱۳
مولداوی	۲۷	۲۸	۳	۱۰	۷
میانمار	۷۸	۲۳۰	۳۶	۳۷	۱۶
نامیبیا	۵۶	۲۳۰	۲۶	۲۸	۱۵
نپال	۷۲	۵۴۰	۴۷	۵۴	۲۱
نروژ	۴	۶	؟	؟	۵
نیجر	۱۵۹	۵۹۰	۴۰	۴۰	۱۲
نیجریه	۱۱۰	؟	۲۷	۴۶	۹
نیکاراگوآ	۳۷	۱۵۰	۱۲	۲۵	۱۳
وانوآتو	۳۵	؟	۲۰	۱۹	۷
ونزوئلا	۲۰	۶۰	۵	۱۴	۶
ویتنام	۳۰	۹۵	۳۳	۳۶	۹
هائی‌تی	۸۱	۵۲۰	۲۸	۳۲	۲۸
هلند	۵	۷	؟	؟	؟
هند	۶۹	۵۴۰	۴۷	۴۶	۲۶
هندوراس	۳۲	۱۱۰	۲۵	۳۹	۶
هنگ‌کنگ (چین)	؟	؟	؟	؟	؟
یمن	۸۵	۳۵۰	۴۶	۵۲	۲۶
یونان	۵	۱	؟	؟	۷

نیروی کار

کشورهای صنعتی شمال به دلیل افزایش نرخ بیکاری راههای کاستن از ساعات کاری را مورد بررسی قرار داده‌اند. این در حالی است که درصد بالایی از کارگران جهان به ویژه در کشورهای فقیر و رو به توسعه هنوز از حقوق و مزایای شغلی محرومند و در بسیاری از همین مناطق طرح‌هایی در جهت حذف قانون کار ارائه شده تا طی آنها با تغییر شرایط شغلی به ضرر کارگران، آنان را وادار سازند که به صورت انفرادی با کارفرمایان به توافق برسند.

در آغاز سدهٔ بیستم، کارگران در کشورهای بسیار پیشرفتهٔ صنعتی، مبارزه برای دستیابی به قانون هشت ساعت کار روزانه را آغاز کردند و جنبش‌های نوپا با متحد کردن گروههای کوچک، اتحادیه‌های کارگری را به وجود آوردند. کارفرمایان به ناچار موجودیت اتحادیه‌ها را پذیرفتند و به مذاکرات فی‌مابین تن در دادند و دولت‌ها به نسبت تفاوتهایشان به عنوان واسطه و اغلب به دفاع از حقوق کارگران میان این دو گروه پادرمیانی کردند.

در سال ۱۹۱۹ سازمان بین‌المللی کار(ایلو)، که بعد از جنگ جهانی اول، همزمان با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، کار خود را آغاز کرد، با تشکیل اجلاس‌هایی ساعات کار در کارخانه‌ها وشرکتهای صنعتی را به هشت ساعت در روز و چهل و هشت ساعت در هفته کاهش داد و این قانون به تدریج در بسیاری از کشورها، حتی مناطق غیر صنعتی به اجرا گذاشته شد. در سال ۱۹۲۹ افزایش روزافزون بیکاران در اثر بحران اقتصادی، تغییر سیاست‌های کاری و وضع قوانین جدید را در پی داشت و حتی در برخی کشورها، ساعات کاری به ۴۰ ساعت در هفته تقلیل یافت.

قطعنامهٔ نشست سال ۱۹۳۵ سازمان بین‌المللی کار اشاره دارد که:

«با توجه به افزایش بی‌رویهٔ نرخ بیکاری، پیشنهاد می‌شود با سهیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها، صنعت را توسعه بخشیده و با یک همکاری همه‌جانبه بر بازده کار بیفزاییم و تا جایی که ممکن است از ساعات کار بکاهیم».

رفع بحران اقتصادی در دهه‌های بعد، شرایط شغلی را تا حدودی بهبود بخشید و اتحادیه‌ها با ثبات بیشتری در حمایت از کارگران به فعالیت خود ادامه دادند. اما بخش خصوصی در تجارت و خدمات نیز در کنار صنعت، روند رو به رشد سریعی را پشت سر گذاشت و به این ترتیب، ساختار شغلی در کشورهای صنعتی دستخوش دگرگونی شد. با استخدام تعداد بی‌شماری از بیکاران در بخش خصوصی خدمات و بازرگانی، کارگران کارخانجات تولیدی و صنعتی تنها قسمت کوچکی از جمعیت فعال اقتصادی را به خود اختصاص دادند و این وضعیت تا بحران مالی شدید دههٔ ۱۹۷۰ ادامه داشت. بحران یک بار دیگر پیشرفتهای به دست آمده در کشورهای صنعتی پیشرفته را تحت‌الشعاع قرار داد و بیشتر مردم جهان را در طول ۲۵ سال گذشته با تغییرات بنیادی روبرو ساخت.

برخی کشورها در زمینه صنعت به پیشرفتهای بزرگی دست یافتند و سقوط اقتصاد سوسیالیستی و همچنین فناوری‌های جدید، تسلط کامل نظام سرمایه‌داری در بخش تولید را در پی داشت. در حال حاضر علیرغم رشد اقتصادی، نرخ بیکاری همچنان رو به افزایش است. خودکار شدن دستگاهها در کارخانجات مدرن، کارفرمایان را به گونه‌ای از نیروی کار انسانی بی‌نیاز کرد که حتی گسترش موقعیت‌های شغلی در بخشهای خصوصی خدمات و بازرگانی نیز نتوانست این کمبود را جبران کند. در آستانهٔ قرن جدید، به علت ناتوانی نظام اقتصادی در به وجود آوردن موقعیت‌های شغلی، پیشنهاد کاهش ساعات کار یک بار دیگر مطرح شده است. ولی اگر مسئولین نتوانند به راه‌کارهای عملی دست یابند، کارگران و کارفرمایان به طور یکسان در تنگنا قرار خواهند گرفت.

در شرایطی که اتحادیه‌ها از قدرت زیادی برخوردار نیستند، کاهش بیشتر ساعات کاری باید همه‌گیر و بدون تغییر در حقوق و مزایا صورت گیرد و کارفرمایانی که ممکن است قانون جدید را زیر پا بگذارند تحت نظارت دقیق واقع شوند.

همچنین، احتمال مذاکرات خصوصی میان کارگران و کارفرمایان را نباید نادیده گرفت، زیرا کارفرمایان می‌دانند کارگرانی که اطمینانی به آینده شغلی خود ندارند، ممکن است به هر شرایطی تن در دهند. به این ترتیب، اتحادیه‌ها بر سر دوراهی قرار گرفته‌اند. از سویی با

احتیاجات کارگران شاغل و با خیل بیکاران مواجهند و از طرفی، به نظر می‌رسد تغییرات ومشکلات روزافزون ساختار شغلی جامعه خارج از ظرفیت نمایندگی آنهاست.
در این میان صاحبان صنایع برای پایین نیامدن میزان تولید پس از کاهش ساعات کار باید سیاستهای دیگری اتخاذ کنند. یکی از راهها، افزایش تعداد مشاغل در صورت بالا نرفتن هزینه‌هاست اما در شرایط رقابت با کمپانی‌های کشورهایی که از نیروی کار ارزانتری استفاده می‌کنند، این کار دشوار خواهد بود.
بنابراین، مذاکرات دربارهٔ قوانین ساعات کار و توافق بر سر حقوق و مزایا باید بین کارگران و کارفرمایان به طور مجزا و با درنظر گرفتن احتیاجات دو طرف صورت گیرد و در این میان دولت‌ها با حمایت از هر دو طرف نقشی حیاتی خواهند داشت.
برای مثال می‌توان به اقدام سیاسی دولت فرانسه در اواخر دههٔ ۱۹۹۰ برای خروج از این بن‌بست اشاره کرد. در پی ماهها تظاهرات واعتصاب کارگران برای اضافه شدن دستمزدها واعتراض به نرخ بالای بیکاری، دولت در مقابل تضمین ایجاد ۲۰۰ هزار تا ۷۰۰ هزار موقعیت شغلی جدید، بدون کاهش دستمزدها، میزان کار در هفته را به ۳۵ ساعت تقلیل داد. کارگران از اقدام دولت حمایت کردند اما این طرح بامخالفت کارفرمایان روبرو شد و احزاب میانه و دست راستی با پیشنهاد قوانین جدید، خواستار دادن آزادی‌های بیشتر به کارفرمایان و عدم اجبار آنان به اجرای قانون فوق شدند.

کارگران در سرزمین‌هایی بدون قانون کار

در حالی که کشورهای پیشرفته بامشکلات موجود در قوانین کار دست به گریبانند، بسیاری از کارگران در کشورهای رو به توسعه یا کم‌درآمد در شرایطی ناامن و بدون امید به آینده مشغول به کارند. میانگین ساعات کاری آنها اغلب بیش از هشت ساعت در روز است و از دستمزد و مزایای کمتری برخوردارند. توافق‌های بین‌المللی در قرن گذشته تنها قسمتی از نیروی کار انسانی را در بر می‌گیرد و هنوز بعضی از کشورها تصویب‌نامهٔ اجلاس سال ۱۹۱۹ سازمان بین‌المللی کار را مورد تأیید قرار نداده‌اند.
همچنین میلیونها نفر در کارگاه‌های کوچک یا بخش غیر دولتی بدون حمایت اتحادیه‌ها، حتی در شرایطی خطرناک به کار ادامه می‌دهند و یکی از مهم‌ترین مواردی که علیرغم موافقت نامه‌های بین‌المللی از طرف برخی کشورها نادیده گرفته می‌شود، اشتغال کودکان در شرایط کاری بزرگسالان است. وجود بخشهای مختلف شغلی، بدون رعایت قوانین کار و حمایت اتحادیه‌ها و دولت در یک کشور، باعث پیدایش تفاوت در سطح زندگی اجتماعی گروههای کارگری می‌گردد و این پدیده در کشورهای در حال توسعه و کم‌درآمد که با سیستم دوگانهٔ اقتصاد سرمایه‌داری در تولید در کنار بخشهای بسیار جدید و پیشرفته اداره می‌شوند، بیشتر به چشم می‌خورد.
در کشورهای امریکای لاتین، سهم بزرگتری از مشاغل متعلق به بخش غیر دولتی است به طوری که در سال ۱۹۹۰، ۶/۵۱ درصد از جمعیت فعال در این بخش مشغول به کار بودند و این روند رو به افزایش در سال ۱۹۹۵ به ۵۶ درصد رسیده است.
در آسیا میلیونها نفر در بخش غیر دولتی و بدون امنیت شغلی فعالیت می‌کنند و از هر پنج کودک یک نفر شاغل است. در افریقا از هر ده نفر تنها یک نفر شغلی با ثبات در بخش صنعت یا خدمات دارد و بقیه، بخصوص زنان بدون حمایت دولت یا اتحادیه‌ها با دستمزدهای ناچیز در مشاغلی پست به کار اشتغال دارند. در کشورهای حاشیهٔ صحرای افریقا نزدیک به ۷۵ درصد از نیروی کار (در حدود ۳۱۴ میلیون نفر) و ۱۶ میلیون کودک ۱۰ تا ۱۴ سالهٔ شاغل از حمایت قانون بی‌بهره‌اند.

قوانین کار؛ در حال تغییر

در حال حاضر در سراسر جهان، قوانین کار را مورد تجدید نظر قرار داده‌اند. در طول دو دههٔ اخیر سیاستهای اجتماعی و اقتصادی به سوی نقطه‌نظرهای «نئولیبرال» که از لغو قوانین و عدم دخالت دولت‌ها در زمینهٔ مشاغل طرفداری می‌کنند گرایش داشته‌اند.
دست‌اندرکاران اقتصادی، قوانین فعلی کار را سد راه توسعه و پیشرفت در بازار کار دانسته و آنها را زیر سئوال برده‌اند. اما از آنجا که در اثر انعطاف‌پذیری و سهل‌انگاری بعضی دولتها، میزان دستمزدها در برخی کشورها پایین‌تر از کشورهای دیگر است، ایجاد تغییرات ساختاری در بازار رقابت، کار دشواری به نظر می‌رسد. زیرا این شرایط که ویژهٔ کشورهای در حال توسعه و کم‌درآمد است، معمولاً سبب جذب و ورود سرمایه‌های خارجی به بخش تولید می‌گردد.
به این ترتیب لغو قوانین به معنای وضع قوانین جدید است و علیرغم مطرح شدن طرح‌های بی‌شمار در اجلاسهای گوناگون هنوز بسیاری از قوانین و تبصره‌ها در مراکز استخدامی با بی‌اعتنایی کارفرمایان زیر پا گذاشته می‌شوند.

پرسش‌های بی‌پاسخ

دستیابی به حقوق اجتماعی و مزایای شغلی یکی از دست‌آوردهای قرن بیستم است و شرایط زندگی کارگرانی که بدون حمایت اتحادیه‌ها فعالیت می‌کنند تا حدودی بهبود یافته است. اما چشم‌انداز قرن جدید چندان خوش‌بینانه هم نیست. زیرا مشکلات نیروی کار در نتیجهٔ قوانین کاری متفاوت در کشورهای گوناگون مانع از ایجاد رقابت شده و اتحادیه‌ها همچنان برای دسترسی به قوانینی ماندگار بدون از دست دادن حقوق فعلی کارگران در تلاشند.
بدون تردید قوانین کار نقش مهمی در مسائل اقتصادی ایفا می‌کنند، اما احتمالاً در چند سال آینده تغییرات چشمگیری در وضع این قوانین پیش خواهد آمد. مسلماً جهت‌گیری این قوانین بیش از همه تحت تأثیر گفتگوها و دیدگاههای سازمانها و نهادهای کارگری و کارفرمایی قرار خواهد داشت.

اشتغال کودکان

در بیشتر نواحی جهان، کودکان با محرومیت از تحصیل و عدم طی سیر رشد طبیعی و با به خطر انداختن سلامتی و گاه جانشان، در مشاغل گوناگون به کار مشغولند.
طبق آخرین آمارهای سازمان بین‌المللی کار (ایلو)، حدود ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله به صورت پاره‌وقت یا تمام وقت در کشورهای رو به توسعه مشغول به کارند.
از این رقم ۶۱ درصد در آسیا، ۳۳ درصد در افریقا و ۷ درصد در کشورهای امریکای لاتین به کار اشتغال دارند. بسیاری از این کودکان در شرایط طاقت‌فرسایی به‌سر می‌برند. گاه از آنان سوءاستفاده‌های جنسی می‌شود و بعضاً برده‌وار به بیگاری می‌روند.
گرچه آسیا بیشترین شمار کودکان شاغل در جهان را دارد اما درصد بیشتری از کودکان افریقایی به نسبت جمعیت این کشورها (در حدود ۴۱٪) به کار مشغولند. در آسیا از هر ۱۰۰ کودک ۲۲ نفر و در امریکای لاتین از هر ۱۰۰ کودک ۱۷ نفر شاغلند.
باید خاطرنشان کرد که در برخی مناطق پیشرفته و صنعتی مانند کشورهای اروپای شرقی و مرکزی نیز بحران‌های اقتصادی، کودکان را در جهت تأمین معاش خانواده به کار واداشته است. به طور میانگین در مقابل هر سه پسر دو دختر به سر کار می‌روند و بیشترین آمار مشاغل دختران با ۳۷٪ از کل کودکان شاغل، متعلق به افریقاست. لازم به ذکر است که تعداد دقیق دختران شاغل معمولاً مشخص نمی‌شود، زیرا بیشتر آنان بدون دریافت دستمزد در خانه یا مزرعه کار می‌کنند، و آمار آنها توسط مأمورین آمارگیری محاسبه نمی‌شود. همچنین بعضی دختران بین ۸ تا ۱۲ ساله بدون دستمزد تنها به این دلیل که پدر و مادرانشان مجبور به کار در خارج از خانه هستند، به طور تمام وقت کارهای خانه‌داری و بچه‌داری را انجام می‌دهند. با احتساب کلیهٔ این کودکان، تفاوت میان شمار دختران و پسران شاغل از بین می‌رود هرچند که در بعضی مناطق تعداد دختران از پسران بیشتر است.
بسیاری از مأمورین آمارگیری، تنها کودکان ۱۰ سال به بالا را تحت پوشش آماری قرار می‌دهند حال آن که کودکان زیادی هستند که در سنین کمتر هم به کار اشتغال دارند.
بررسی‌ها نشان داده است که در برخی کشورها، تعداد کودکان شاغل زیر ده سال ۲۰ درصد کل کودکان شاغل در مناطق روستایی و ۵ درصد کودکان شاغل در مناطق شهری است. این ارقام بدون در نظر گرفتن مشاغلی چون پادویی یا خدمتکاری و امثال آن است.

ارتباطات؛ از تلفن تا ماهواره

> این رؤیای آرمانگرایانه که فن‌آوری ارتباطات بتواند مردم سراسر جهان را مانند ساکنین یک دهکدهٔ کوچک به صورتی به هم نزدیک کند که بتوانند چهره به چهره، مسائل مهم جهان را مورد گفتگو قرار دهند، هنوز به حقیقت نپیوسته است ولی به تدریج به این نتیجه می‌رسیم که تکنولوژیهای پیشرفتهٔ ارتباطی تنها ابزار و وسایلند و به تنهایی قدرتی برای حل مشکلات انسانها ندارند.

«امروزه اساس ساختار اقتصادی جهان بر پایهٔ تبادل اطلاعات استوار است.»
جملهٔ فوق که در بسیاری از مقالات تحقیقی در بارهٔ پیشرفتهای سیاسی و اجتماعی تکرار شده و تعبیری از تأثیر پیشرفتهای مهم در زمینهٔ اطلاع رسانی و ارتباطات در سالهای اخیر به شمار می‌رود، نشان‌دهندهٔ نظر روشنفکران دنیای امروز است.
ارتباطات به معنی تبادل عقاید، اطلاعات و نگرشهای مردم است و مواردی چون نقل و انتقالات افراد و اجناس نیز در این تعریف گنجانده شده‌اند.
امروزه سیستم پیچیدهٔ ارتباطی، شبکهٔ گسترده‌ای شامل بزرگراهها، پُل‌ها، هواپیماها، وسائل نقلیه، تلفن، تلگراف، ماهواره، کامپیوتر، امواج رادیویی، تصاویر، کتابها و حتی صداها را دربر می‌گیرد و قوانین بی‌شمار این سیستم در کنفرانس‌ها و توافق‌نامه‌های گوناگون و به زبان‌های مختلف مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرند. بسیاری از وسایل ارتباطی در یک قرن اخیر اختراع شده‌اند و برخی دیگر مراحل پیشرفت و تکامل خود را در این قرن طی کرده‌اند و کاربرد اصلی همهٔ آنها تبادل یا جلوگیری از تبادل اطلاعات است.

ارتباط از فراز اقیانوس اطلس

در سال ۱۹۰۱ گوگلیلمو مارکونی اولین پیغام بدون استفاده از سیم را از اروپا به آن سوی اقیانوس اطلس مخابره کرد. این آزمایش نشان داد که برقراری ارتباط با استفاده از امواج رادیویی غیرممکن نیست و این آغاز راه بود.
قرن نوزدهم شاهد بسیاری از اختراعات در زمینهٔ ارتباطات و رسانه‌های گروهی بود. عکاسی، سینما، چاپ، راه‌آهن و کشتی‌های بخار زندگی مردم را دگرگون ساختند. اما مهمترین اختراعات در این زمینه بدون تردید تلفن وتلگراف بودند. اگرچه تلفن و تلگراف ارتباط سریع و فوری در فواصل دور را میسر ساختند اما نتوانستند جایگزین تبادل نامه و بسته از طریق پُست شوند.
پیشرفت سیستم ارتباطات بی‌سیم، در هوانوردی، دریانوردی، تجارت و بسیاری از مشاغل دیگر تغییرات بنیادی ایجاد کرد ولی این پیشرفتها در کشورهای مختلف جهان یکسان نبود.
قدرتمندترین کشورهای اروپایی در یک طرف جهان وامریکا در آن سوی اقیانوس اطلس در خط مقدم توسعهٔ سیستم‌های اطلاع رسانی قرار گرفتند. انگلستان نخستین کشوری بود که توانست با رد کردن سیم‌های تلگراف از زیر آبهای اقیانوس‌ها و دریاها با سرزمین‌های دیگر ارتباط برقرار کند و در سالهای قبل از جنگ جهانی اول، طول سیم‌های مزبور را از کل طول سیم‌های تلگراف در سراسر امریکا فزونی بخشید. مدتی بعد شرکتهای امریکایی شمار تیرهای تلگراف را دو برابر کردند و به این ترتیب گامی به جلو برداشتند.
بروز جنگ به تحقیقات بیشتر در زمینه‌های ارتباطی و وسائل حمل و نقل سرعت بخشید و نتیجهٔ آن تکمیل اختراع هواپیما بود که بلافاصله پس از خاتمهٔ جنگ برای غیر نظامیان مورد استفاده قرار گرفت. در دههٔ ۱۹۲۰ توانستندتصاویر را به کمک امواج رادیویی از جایی به جای دیگر بفرستند و در ۱۹۳۰ تلویزیون را به یک وسیلهٔ همگانی مبدل سازند. در ۱۹۲۲ رادیوهای کوچک در امریکا روانه بازار شدند و چند سال بعد استفاده از رادیو در اتومبیل‌های سواری متداول شد و بالاخره در اواخر دههٔ ۱۹۲۰ خطوط هوایی مختلف در بسیاری از نقاط دنیا به جابه جا کردن مسافرین و بار پرداختند.
جنگ جهانی دوم نیز تأثیر مشابهی داشت، کشورهای صنعتی اختراعات را تکمیل کردند و به خدمت نیروهای نظامی درآوردند. اختراع رادار در طول جنگ و به کار گرفتن آن در هواپیماها، به صنعت هواپیمایی رونق بخشید و تحقیقات سالهای بعد، پیشرفت در صنعت هواپیماسازی و هوا - فضا را تسهیل نمود.
با اختراع ترانزیستور در سال ۱۹۴۷ دورهٔ جدید تکمیل و دگرگونی دستگاههای ارتباطی آغاز شد و امریکا و اروپا از این فن‌آوری در راه پیشرفتهای اقتصادی و جنگی بهره گرفتند و کشورهای دیگر چون شوروی، چین و ژاپن که در ابتدای راه بودند، در نیمهٔ دوم قرن به تکنولوژی‌های جدید دست یافتند. در این میان کشورهای فقیر و در حال توسعه نیز نقش گیرنده و نه فرستنده را عهده‌دار گردیدند.

آژانس‌های خبری

در دنیای پیشرفته، ارتباطات، اخبار روزنامه‌ها و برنامه‌های تلویزیون به یکی از اقلام مصرفی که در مقابل دریافت پول به دست مردم می‌رسد، تبدیل شدند. رسانه‌های گروهی برای راهنمایی سیاستمداران، بازرگانان ودست‌اندرکاران مسائل اقتصادی و جبران هزینه‌هایشان به کسب خبر از چهارگوشهٔ جهان نیاز داشتند و در طول قرن نوزدهم، چهار آژانس خبری بزرگ، دنیا را به چهار ناحیهٔ مشخص تقسیم کردند.
پاول یولیوس رویتر آلمانی تحت حمایت دولت انگلستان قسمت‌هایی از اروپا، بخشی از آسیا و کشورهای ساحل مدیترانه را تحت پوشش قرار داد. شارل لوئی هاواس فرانسه، جنوب غربی اروپا و امریکای جنوبی و سرویس آلمانی ولف اتریش، مجارستان، کشورهای اسکاندیناوی و نواحی اسلاونشین را تحت کنترل خود قرار دادند و بالاخره امریکا برای رقابت با آژانس‌های اروپایی، امپراتوری خبری یونایتدپرس را تأسیس نمود اما تا بعد از جنگ جهانی اول نتوانست با خبرگزاری‌های اروپایی به رقابت برخیزد.
با شکست آلمان در جنگ جهانی اول خبرگزاری ولف از جرگه خارج شد و مسئولیت آنرا هاواس و رویتر بر عهده گرفتند. اما علیرغم بسیاری کارشکنی‌ها، این دو هستهٔ مرکزی خبر نیمی از دنیا را زیر پوشش خود قرار دادند و با انعقاد پیمانهایی با کشورهای مختلف اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای شمال را از نظر توزیع خبر به زیر سلطهٔ خود گرفتند.
بعد از جنگ جهانی دوم، قدرتهای پیروز همچنان به کنترل اطلاعات و اخبار ادامه دادند. مرکز خبری تاس روسیه و هاواس با نام جدید فرانس پرس به یونایتدپرس و رویتر پیوستند و همراه با آسوشیتدپرس کنترل بازارهای مهم خبری را در اختیار گرفتند.

دورهٔ بعد از جنگ

پیروزی متفقین در جنگ در روابط بین‌المللی و سیستم ارتباطات بی‌تأثیر نبود. سرزمینهای مستعمره که از سال ۱۹۴۵ تا اواخر دههٔ ۱۹۶۰ یکی پس ازدیگری استقلال یافتند، یکی از مهمترین هدفهایشان دستیابی به جایگاهی در جامعهٔ بین‌المللی بود ودر این رابطه، داشتن ارتباطات و اطلاعات جدید حیاتی به نظر می‌رسید. سرمایه‌گذاری در کشورهای تازه استقلال یافته موجب ساخت راههای جدید و تأسیس مراکز علمی، فرهنگی، تجاری، خطوط هوایی، شبکه راه‌آهن و بنادر شد. اما ورود به جریان اطلاع رسانی بین‌المللی در حیطهٔ قدرت این کشورها نبود. فن‌آوری‌های پیچیده، ویژه کشورهای ثروتمند و صنعتی بود. امتیاز ساخت وسایل الکترونیکی و تفاهم نامه‌های تأسیس مراکز اطلاع رسانی همچنین کُدهایی که از آنها برای نوشتن و ارسال پیام‌ها استفاده می‌شد، در انحصار کشورهایی بود که خود تولیدکننده‌های این سیستم‌ها محسوب می‌شدند. به این ترتیب اخبار تنها در برابر پرداخت هزینه‌ها و خرید خدمات مراکز خبری بزرگ سریعاً در دسترس قرار می‌گرفت و دستیابی به اطلاعات و اخبار سراسر جهان از طرق دیگر، تقریباً غیرممکن بود.
در دههٔ ۱۹۷۰، یونسکو طرح ایجاد یک شبکهٔ اطلاع رسانی بین‌المللی را که بدون جهت‌گیری سیاسی و انحصارگرایی قادر به رساندن خبر به سراسر جهان باشد، ارائه داد و گزارش مشهور مک براید در ۱۹۸۰ شامل راه‌کارهای ارتباطی در زمینهٔ ساختار و مالکیت رسانه‌های گروهی، انحصار آژانس‌های خبری و سیستم خبررسانی آنها بود. این طرح با هدف رفاه عمومی به تصویب کنگره‌های بین‌المللی رسید و با تشویق و در مواردی با سکوت بعضی دست‌اندرکاران روبرو گردید. ولی تغییر بنیادی و تأیید کشورهای غیر پیشرفته فقط با ایجاد این سیستم اطلاع رسانی جدید میسر نبود. این طرح فقط بخشی از یک پروژهٔ بلندپروازانه و در نتیجه مشکل بود چرا که پیدایش یک سیستم اقتصادی جدید، وضع قوانین نو در تجارت وبسیاری موارد دیگر را طلب می‌کرد و به این ترتیب با ناکامی در ایجاد نظم نوین اقتصادی، به ناامیدی هرچه بیشتر در ایجاد نظم نوین اطلاع‌رسانی منجر شد.

راهی دیگر

اختراع ترانزیستور در سال ۱۹۴۷ راهگشای اختراعات دیگری چون تلویزیون، رادیوهای

جدول ۴- وضعیت ارتباطات در کشورهای جهان

نام کشور	تعداد خطوط تلفن (برای هر هزار نفر)		تعداد مشترکین تلفن همراه (در هر هزار نفر)		تعداد کاربران اینترنت (در هر هزار نفر)	
	(۱۹۹۰)	(۲۰۰۰)	(۱۹۹۰)	(۲۰۰۰)	(۱۹۹۰)	(۲۰۰۰)
آذربایجان	۸۶	۱۰۴	۰	۵۶	؟	۰/۲
آرژانتین	۹۳	۲۱۳	؟	۱۶۳	۰/۲	۷/۴
آلبانی	۱۲	۳۹	۰	۸	؟	۰/۱
آلمان	۴۴۱	۶۱۱	۴	۵۸۶	۵/۸	۲۴/۸
آنتیگوآ و باربودا	۲۵۳	۴۹۹	؟	۲۸۷	۲/۴	۴/۲
آنگولا	۸	۵	۰	۲	۰	؟
اتریش	۴۱۸	۴۶۷	۱۰	۷۶۲	۶/۶	۵۹
اتیوپی	۳	۴	۰	؟	؟	؟
اردن	۵۸	۹۲	؟	۵۸	؟	۰/۱
ارمنستان	۱۵۷	۱۵۲	۰	۵	؟	۰/۸
اریتره	؟	۸	؟	۰	۰	؟
ازبکستان	۶۹	۶۷	۰	۲	؟	؟
اسپانیا	۳۱۶	۴۲۱	۱	۶۰۹	۱/۳	۱۱/۳
استرالیا	۴۵۶	۵۲۵	۱۱	۴۴۷	۱۷/۱	۸۵/۷
استونی	۲۰۴	۳۶۳	۰	۳۸۷	۲/۴	۲۸/۴
اسرائیل	۳۴۳	۴۸۲	۳	۷۰۲	۴/۹	۲۹/۵
اسلوواکی	۱۳۵	۳۱۴	۰	۲۰۵	۰/۵	۷
اسلوونی	۲۱۱	۳۸۶	۰	۶۱۲	۲/۸	۱۱
افریقای جنوبی	۹۳	۱۱۴	؟	۱۹۰	۱/۲	۴/۴
افریقای مرکزی	۲	۳	۰	۱	۰	؟
اکوادور	۴۸	۱۰۰	۰	۳۸	؟	؟
الجزایر	۳۲	۵۷	؟	۳	؟	؟
السالوادور	۲۴	۱۰۰	۰	۱۱۸	؟	۰/۱
امارات متحده عربی	۲۰۶	۳۹۱	۱۷	۵۴۸	۰/۲	۱۴/۳
اندونزی	۶	۳۱	؟	۱۷	؟	۰/۱
انگلستان	۴۴۱	۵۸۹	۱۹	۷۲۷	۷/۵	۲۸/۲
اوروگوئه	۱۳۴	۲۷۸	۰	۱۳۲	۰/۲	۱۶/۳
اوکراین	۱۳۶	۲۰۶	۰	۱۶	؟	۰/۷
اوگاندا	۲	۳	۰	۸	؟	؟
ایالات متحده امریکا	۵۴۵	۷۰۰	۲۱	۳۹۸	۲۳	۲۹۵/۲
ایتالیا	۳۸۸	۴۷۴	۵	۷۳۷	۱/۳	۱۷/۸
ایران	۴۰	۱۴۹	۰	۱۵	؟	؟
ایرلند	۲۸۱	۴۲۰	۷	۶۵۸	۳/۷	۲۹/۷
ایسلند	۵۱۰	۷۰۱	۳۹	۷۸۳	۳۱	۱۴۳
باربادوس	۲۸۱	۴۳۷	۰	۱۱۱	؟	۰/۴
باهاما	۲۷۴	۳۷۶	۸	۱۰۴	۱	۰/۱
بحرین	۱۹۲	۲۵۰	۱۰	۳۰۰	۰/۲	۱/۷
برزیل	۶۵	۱۸۲	؟	۱۳۶	۰/۱	۵/۲
برونئی	۱۳۶	۲۴۵	۷	۲۸۹	۰/۵	۱۴/۴
بلژیک	۳۹۳	۴۹۸	۴	۵۲۵	۳	۲۹/۴
بلغارستان	۲۴۲	۳۵۰	۰	۹۰	۰/۱	۲/۲
بلیز	۹۲	۱۴۹	۰	۷۰	؟	۱/۲
بنگلادش	۲	۴	۰	۱	۰	؟
بنین	۳	۸	۰	۹	۰	۰
بوتان	۴	۲۰	۰	۰	۰	۱/۲
بوتسوانا	۲۱	۹۳	۰	۱۲۳	؟	۱/۵
بورکینافاسو	۲	۴	۰	۲	۰	؟
بوروندی	۲	۳	۰	۲	۰	۰
بولیوی	۲۸	۶۰	۰	۷۰	؟	۰/۲
بیلاروس	۱۵۳	۲۶۹	۰	۵	؟	۰/۲
پاپوآگینه نو	۸	۱۳	۰	۲	۰	۰/۱
پاراگوئه	۲۷	۵۰	۰	۱۴۹	۰	۰/۲
پاکستان	۸	۲۲	؟	۲	؟	؟
پاناما	۹۳	۱۵۱	۰	۱۴۵	۰/۱	۵/۴
پرتغال	۲۴۳	۴۳۰	۱	۶۶۵	۱/۲	۶/۲
پرو	۲۶	۶۷	؟	۵۰	؟	۰/۴
تاجیکستان	۴۵	۳۶	۰	؟	۰	؟
تانزانیا	۳	۵	۰	۵	۰	؟
تایلند	۲۴	۹۲	۱	۵۰	۰/۱	۱/۱
ترکمنستان	۶۰	۸۲	۰	۲	۰	۰/۳
ترکیه	۱۲۱	۲۸۰	۰	۲۴۶	۰/۱	۱/۱
ترینیداد و توباگو	۱۴۱	۲۳۱	۰	۱۰۳	؟	۵/۱
توگو	۳	۹	۰	۱۱	۰	؟
تونس	۳۸	۹۰	؟	۶	؟	؟
جامائیکا	۴۵	۱۹۹	۰	۱۴۲	۰/۱	۰/۶
جیبوتی	۱۱	۱۵	۰	؟	۰	؟
چاد	۱	۱	۰	۱	۰	؟
چک	۱۵۸	۳۷۸	۰	۴۲۴	۲/۱	۱۵/۴
چین	۶	۱۱۲	؟	۶۶	؟	۰/۱
دانمارک	۵۶۷	۷۲۰	۲۹	۶۳۱	۹/۷	۶۲/۹
دومینیکا	۱۶۴	۲۹۴	۰	۱۶	۰	۲/۴
دومینیکن	۴۸	۱۰۵	؟	۸۲	؟	۰/۹
روآندا	۲	۲	۰	۵	۰	۰/۱
روسیه	۱۴۰	۲۱۸	۰	۲۲	۰/۱	۲/۲
رومانی	۱۰۲	۱۷۵	۰	۱۱۲	۰/۱	۱/۹
زامبیا	۹	۸	۰	۹	؟	۰/۱
زلاند نو	۴۳۴	۵۰۰	۱۶	۵۶۳	۱۴/۸	۹۰/۶
زیمبابوه	۱۲	۱۸	۰	۲۳	؟	۰/۳
ژاپن	۴۴۱	۵۸۶	۷	۵۲۶	۲/۱	۳۶/۵
سائوتومه و پرنسیپ	۱۹	۳۱	۰	۰	۰	۵/۴
ساحل عاج	۶	۱۸	۰	۳۰	؟	؟
ساموآ	۲۶	۴۷	۰	۱۷	۰	۱۴/۲
سری لانکا	۷	۴۰	؟	۲۳	؟	۰/۱
سلیمان، جزایر	۱۵	۱۸	۰	۳	؟	۰/۸
سنت کیتس و نویس	۲۳۷	۵۶۹	؟	۳۱	۰	۰/۱
سنت لوسیا	۱۲۷	۳۱۳	؟	۱۶	۰	۰/۲
سنت وینسنت و گرنادین	۱۲۴	۲۲۰	۰	۲۱	۰	؟
سنگاپور	۳۴۹	۴۸۴	۱۷	۶۸۴	۶/۶	۴۵/۲
سنگال	۶	۲۲	۰	۲۶	؟	۰/۲
سوئد	۶۸۱	۶۸۲	۵۴	۷۱۷	۱۶/۴	۶۷/۳
سوئیس	۵۷۴	۷۲۷	۱۸	۶۴۴	۱۱/۳	۳۶/۷
سوازیلند	۱۷	۳۲	۰	۳۳	؟	۱
سودان	۲	۱۲	۰	۱	۰	۰
سورینام	۹۲	۱۷۴	۰	۹۴	؟	؟
سوریه	۴۱	۱۰۳	۰	۲	۰	؟
سیرالئون	۳	۴	۰	۲	۰	؟
سیشل	۱۲۴	۲۳۵	۰	۳۲۰	۰	۰/۱
شیلی	۶۶	۲۲۱	۱	۲۲۲	۰/۶	۴/۹
عربستان سعودی	۷۷	۱۳۷	۱	۶۴	؟	۰/۲
عمان	۶۰	۸۹	۲	۶۵	۰	۰/۳
غنا	۳	۱۲	۰	۶	؟	؟
فرانسه	۴۹۵	۵۷۹	۵	۴۹۳	۲/۶	۱۹/۱
فنلاند	۵۳۴	۵۵۰	۵۲	۷۲۰	۴۱/۷	۱۰۲/۳
فیجی	۵۷	۱۰۶	۰	۶۸	۰/۱	۰/۷
فیلیپین	۱۰	۴۰	۰	۸۴	؟	۰/۳
قبرس	۴۱۹	۶۴۷	۵	۳۲۱	۰/۶	۱۱/۹
قرقیزستان	۷۲	۷۷	۰	۲	۰	۰/۴
قزاقستان	۸۰	۱۱۳	۰	۱۲	؟	۰/۵
قطر	۱۹۰	۲۶۸	۸	۲۰۲	۰	۰/۱
کامبوج	؟	۲	۰	۱۰	۰	؟
کامرون	۳	۶	۰	۱۰	۰	؟
کانادا	۵۶۵	۶۷۷	۲۲	۲۸۵	۱۲/۷	۷۷/۴
کروآسی	۱۷۲	۳۶۵	؟	۲۳۱	۰/۵	۳/۷

نام کشور	تعداد خطوط تلفن (برای هر هزار نفر)		تعداد مشترکین تلفن همراه (در هر هزار نفر)		تعداد کاربران اینترنت (در هر هزار نفر)	
	(۱۹۹۰)	(۲۰۰۰)	(۱۹۹۰)	(۲۰۰۰)	(۱۹۹۰)	(۲۰۰۰)
کره جنوبی	۳۱۰	۴۶۴	۲	۵۶۷	۰/۶	۸/۵
کستاریکا	۱۰۱	۲۴۹	۰	۵۲	۰/۵	۱/۹
کلمبیا	۶۹	۱۶۹	۰	۵۳	۰/۱	۱/۱
کنگو، جمهوری	۷	۷	۰	۲۴	۰	؟
کنگو، جمهوری دموکراتیک	۱	؟	۰	؟	۰	؟
کنیا	۸	۱۰	۰	۴	؟	۰/۱
کوبا	۳۱	۴۴	۰	۰	؟	۰/۱
کومور	۸	۱۰	۰	۰	۰	۰/۱
کویت	۲۴۷	۲۴۴	۱۵	۲۴۹	۰/۷	۱/۸
کیپ‌ورد	۲۴	۱۲۶	۰	۴۵	۰	۰/۱
گابون	۲۲	۳۲	۰	۹۸	۰	؟
گامبیا	۷	۲۶	۰	۴	۰	؟
گرجستان	۹۹	۱۳۹	۰	۳۴	؟	۰/۳
گرنادا	۱۷۷	۳۳۲	۲	۴۶	۰	؟
گواتمالا	۲۱	۵۷	؟	۶۱	؟	۰/۵
گویان	۲۰	۷۹	۰	۴۶	۰	۰/۱
گینه	۲	۸	۰	۵	؟	؟
گینه استوایی	۴	۱۳	۰	؟	۰	۰
گینه بیسائو	۶	۹	۰	۰	۰	؟
لائوس	۲	۸	۰	۲	۰	؟
لاتویا	۲۳۴	۳۰۳	۰	۱۶۶	۰/۵	۱۰/۷
لبنان	۱۱۸	۱۹۵	۰	۲۱۲	؟	۱/۷
لسوتو	۷	۱۰	۰	۱۰	۰	؟
لوکزامبورگ	۴۷۸	۷۵۰	۲	۸۶۱	۴/۶	۲۷/۱
لهستان	۸۶	۲۸۲	۰	۱۷۴	۰/۶	۸/۸
لیبی	۴۸	۱۰۸	۰	۷	۰	؟
لیتوانی	۲۱۲	۳۲۱	۰	۱۴۲	۰/۱	۴/۸
ماداگاسکار	۲	۳	۰	۴	۰	؟
مالاوی	۳	۴	۰	۵	۰	؟
مالت	۳۶۰	۵۲۲	۰	۲۹۲	۰/۲	۱۷/۱
مالدیو	۲۹	۹۱	۰	۲۸	۰	۱
مالزیا	۸۹	۱۹۹	۵	۲۱۳	۰/۲	۳/۱
مالی	۱	۳	۰	۱	۰	؟
مجارستان	۹۶	۳۷۲	؟	۳۰۲	۱/۵	۱۰/۴
مصر	۳۰	۸۶	؟	۲۱	؟	؟
مغرب	۱۶	۵۰	؟	۸۳	؟	۰/۱
مغولستان	۳۲	۵۶	۰	۴۵	۰	۰/۱
مقدونیه	۱۴۸	۲۵۵	۰	۵۷	؟	۰/۸
مکزیک	۶۵	۱۲۵	۱	۱۴۲	۰/۱	۵/۷
موریتانی	۳	۷	۰	۳	۰	؟
موریس	۵۲	۲۳۵	۲	۱۵۱	۰	۲/۸
موزامبیک	۳	۴	۰	۲	۰	؟
مولداوی	۱۰۶	۱۳۳	۰	۳۲	؟	۰/۴
میانمار	۲	۶	۰	؟	۰	؟
نامیبیا	۳۹	۶۳	۰	۴۷	؟	۱/۹
نپال	۳	۱۲	۰	؟	؟	؟
نروژ	۵۰۲	۵۳۲	۴۶	۷۵۱	۱۹/۳	۱۰۱/۱
نیجر	۱	۲	۰	؟	۰	؟
نیجریه	۳	۴	۰	؟	۰	؟
نیکاراگوآ	۱۳	۳۱	۰	۱۸	؟	۰/۳
وانوآتو	۱۸	۳۴	۰	۲	۰	۱/۱
ونزوئلا	۷۶	۱۰۸	؟	۲۱۷	۰/۱	۰/۷
ویتنام	۱	۳۲	۰	۱۰	۰	؟
هائیتی	۷	۹	۰	۳	۰	؟
هلند	۴۶۴	۶۱۸	۵	۶۷۰	۱۱/۱	۱۰۱/۹
هند	۶	۳۲	۰	۴	؟	؟
هندوراس	۱۷	۴۶	۰	۲۴	۰	؟
هنگ‌کنگ (چین)	۴۵۰	۵۸۳	۲۴	۸۰۹	۲/۹	۳۴/۳
یمن	۱۱	۱۹	۰	۲	۰	؟
یونان	۳۸۹	۵۳۲	۰	۵۵۷	۰/۷	۱۰/۵

کوچک، ماشین حسابهای الکترونیکی و کامپیوتر بود.

در پایان جنگ جهانی دوم در سراسر جهان تعداد انگشت‌شماری کامپیوتر که هریک سالن‌ها و اتاقهای زیادی را اشغال می‌کرد و تنها چند متخصص قادر به کار کردن با آنها بودند، وجود داشت. به کمک ترانزیستور، کامپیوترها و دستگاههای الکترونیکی هر روز کوچکتر شدند، به طوری که به آسانی روی یک میز تحریر، درون یک کیف دستی و یا حتی در کف دست جا می‌گرفتند و در پردازش داده‌ها، صدها برابر دقیق‌تر و سریع‌تر از کامپیوترهای غول‌آسای اولیه عمل می‌کردند.

با ایجاد شبکه‌های جهانی و مرتبط ساختن کامپیوترها، گامی بزرگ در راه تبادل اطلاعات برداشته شد. امروزه بیش از ۴۰۰ میلیون نفر از اینترنت استفاده می‌کنند و این رقم به طور روزانه رو به افزایش است و شبکهٔ اینترنت به وسیله‌ای ضروری و منحصر به فرد تبدیل شده است.

دسترسی فوری به کلیهٔ منابع اطلاعاتی، دریافت آخرین اخبار جهان و بهره بردن از پست الکترونیکی، مشترکین این شبکه را از وابستگی به اطلاعات یک طرفه و تحمیلی مراکز خبری بی‌نیاز کرده است. هزاران سازمان غیر دولتی و مؤسسهٔ خصوصی در کنار دولتها با پرداخت هزینه‌ای مناسب به طور مداوم به این شبکه دسترسی دارند و از آخرین اخبار و اطلاعات سراسر جهان باخبر می‌شوند. هرکس در دورترین نقطهٔ دنیا می‌تواند با مردم سرزمین‌های دیگر صحبت کند، به عضویت گروهها و انجمن‌ها پذیرفته شود و یا تنها به مبادلهٔ اطلاعات بپردازد.

اگرچه آزادسازی دسترسی همگان به اخبار و اطلاعات در حال حاضر عاملی غیر قابل تغییر و حیاتی به نظر می‌رسد، اما این پیشرفت نیز خود نقطه ضعف‌هایی دارد. کشورهایی که زبان ملی آنها با حروف غیر لاتین خوانده و نوشته می‌شود، برای پیوستن به این شبکهٔ جهانی و درک اطلاعات با مشکلات زیادی روبرو هستند. البته یافتن برنامه‌هایی به زبان‌هایی چون عربی و چینی در اینترنت کار آسانی است اما از آنجا که اغلب مراکز مهم خبری و اطلاعاتی از کشورهای صنعتی و پیشرفته، بخصوص امریکا تغذیه می‌شوند، برای ورود به بزرگراه اطلاعات شبکه اینترنت باید به زبان انگلیسی که همچنان زبان اول جهان است آشنایی داشت.

در حال حاضر، دنیای اقتصاد به اطلاعاتی که تقریباً به سرعت نور از جایی به جای دیگر منتقل می‌شود وابسته است و بدون تردید تبادل سریع اخبار در بازار بورس جهانی و شرکتهای وابسته، ارتش‌ها، بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، شرکتهای بیمه و بالاخره کلیهٔ مراکز اداری، بازرگانی و تولیدی عاملی سرنوشت‌ساز به شمار می‌رود.

وابستگی اطلاعاتی در زمینه‌های ارتباطات، اطلاع‌رسانی و رسانه‌های گروهی، ایجاد شرکتها و مؤسسات قدرتمند کامپیوتری را در پی داشت. شرکتهایی چون میکروسافت که بدون رقیب بیش از ۹۰ درصد از بازار نرم‌افزارهای جهانی را در دست دارد.

از یک دیدگاه عمومی، اگرچه یکی از تأثیرات شبکهٔ اطلاع رسانی اینترنت، الحاق و یکپارچگی جوامع در دسترسی به اطلاعات و اخبار بوده است اما طبق پیش‌بینی مارشال مک‌لوهان رؤیای عرصهٔ جهانی یا دهکدهٔ جهانی هنوز به حقیقت نپیوسته است زیرا اکثریت مردم جهان از دسترسی به وسایل مورد نیاز برای پیوستن به این شبکه محرومند و از طرفی اعضاء جامعهٔ اطلاعاتی شرایط لازم برای پیوستن به دهکدهٔ جهانی را دارا نیستند.

تلویزیون، تلگراف، تلفن، ماهواره و اینترنت عواملی در راه اتحاد و همبستگی جوامع محسوب می‌شوند اما آنها باایجاد تفاوت‌های شدید در بسیاری از کشورهای جهان، چه کم‌درآمد و چه پیشرفته، جداسازی اجتماعی آزار دهنده‌ای را به دنبال داشته‌اند. اگرچه در جامعه وجود تفاوت و رقابت ضروری است ولی دنیای اطلاعات باید از تبدیل تفاوت به نفاق و تفرقه جلوگیری کند.

بدهی‌های خارجی؛ چرخه‌ای بی‌پایان

تبادل نظرهای بین‌المللی نه تنها در کاهش و یا از بین بردن بدهی‌های خارجی کشورهای جهان سوم موفق نبوده‌است، بلکه موجب افزایش خروج سرمایه‌ها و بالا رفتن میزان بدهی‌ها به ویژه در کشورهای افریقایی شده است و در این میان کشورهای پیشرفته و ثروتمند، شیوهٔ جدیدی از سیاست استعمار اقتصادی را تجربه می‌کنند.

اگرچه کشورهای افریقایی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۶ دو برابر مبلغ بدهی‌های خود را پرداخت کرده‌اند، ولی هنوز مبالغ به مراتب بیشتری را به کشورهای سرمایه‌داری بدهکارند. میزان بدهی کشورهای مزبور که درسال ۱۹۸۰ چیزی حدود ۸۴/۳ میلیارد دلار بوده است، در سال ۱۹۹۷ به رقم ۲۵۳/۴ میلیارد دلار افزایش یافته و تفاوت این دو رقم، که ۱۷۰ میلیارد دلار است با چهار برابر هزینهٔ سالانهٔ بهداشت و آموزش و پرورش کشورهای افریقایی برابری می‌کند.

مجموع بدهی‌های ۴۸ کشور افریقایی در سال ۱۹۹۴، به ۴۸ میلیارد دلار بالغ گردید و ۳۱ کشور در لیست کشورهای فقیر و مقروض قرار گرفتند. این کشورها برای پرداخت قروض خود بخش اعظمی از صادرات خود را با تخفیف قابل توجه ارائه کردند و برای پرداخت کامل بدهی‌ها می‌بایست درآمد کامل سه سال صادرات خود را در اختیار کشورهای بیگانه قرار می‌دادند.

از دههٔ ۱۹۸۰ بهای اقلام صادراتی کشورهای افریقایی در بازارهای جهانی نسبت به واردات آنها از کشورهای صنعتی، به تدریج سیر نزولی طی کرد و علیرغم افزایش موقت قیمت برخی از تولیدات کشاورزی مانند قهوه و کاکائو، بهای تولیدات صادراتی دیگر در مقایسه با اجناس وارداتی تقریباً ۵۰ درصد کاهش داشته است.

یکی از راههای جبران ضرر و زیان برای کشورهای افریقایی افزایش حجم صادرات بود، اما از آنجا که در اثر این عمل بهای تولیدات سریعتر از بهای کالاهای وارداتی کاهش می‌یافت، این طرح راه حل مناسبی به نظر نمی‌رسید.

حساب بانکی با کسری دائمی

در سیستم داد و ستد بین‌المللی، حجم کم تولیدات صادراتی برای کشورهای رو به توسعه، به ویژه کشورهای افریقایی، یک نقطهٔ ضعف به‌شمار می‌رود و از طرفی هرگونه افزایش در حجم صادرات، بهای کالاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو تعادلی میان واردات و صادرات وجود ندارد و حسابهای بانکی همواره با کسری روبروست و سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول پس از ده سال تلاش برای برقراری موازنهٔ بازرگانی با شکست مواجه بوده است.

در سال ۱۹۹۵ تنها یک درصد از سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی کشورهای صنعتی در کشورهای واقع در صحرای افریقا صورت گرفت (۲/۲ میلیارد دلار از ۲۴۰/۳ میلیارد دلار)، در صورتی که شمار معدودی از کشورهای افریقایی که از منابع معدنی و ذخائر نفتی برخوردارند، مانند افریقای جنوبی، نیجریه، آنگولا، گابون و کامرون، بیش از ۹۰ درصد از سرمایه‌گذاریهای کشورهای ثروتمند را به خود اختصاص دادند. در این بین دفاتر مرکزی شرکتهای چند ملیتی در افریقا، سود سرشاری را که گاهی به دو برابر سرمایه‌گذاری آنها می‌رسد، به کشورهای پیشرفته روانه کرده‌اند. گزارش‌های رسانه‌های گروهی و مؤسسات مالی بین‌المللی واقعیت را منعکس نمی‌کنند و علیرغم دریافت مبالغ هنگفتی از مطالبات خود میزان بدهی‌های خارجی این کشورها را همه ساله افزایش می‌دهند.

فرانسوا میتران رئیس جمهور وقت فرانسه در اجلاس هفت کشور صنعتی موسوم به گروه هفت درماه جولای ۱۹۹۴ گفت:

« . . . باید توجه داشت با وجود کمک‌های مالی قابل ملاحظه، خروج سرمایه از افریقا به سوی کشورهای صنعتی، بسیار بیشتر از ورود سرمایه‌های خارجی به این قاره است».

جدول ۵- وضعیت بدهیهای کشورهای جهان

نام کشور	میزان بازپرداخت سالانه بدهیها (درصد)			
	نسبت به تولید ناخالص داخلی		نسبت به میزان صادرات	
	(۱۹۹۰)	(۲۰۰۰)	(۱۹۹۰)	(۲۰۰۰)
آذربایجان	؟	۳/۴	؟	۸
آرژانتین	۴/۴	۹/۶	۳۷	۷۱/۳
آلبانی	۰/۱	۰/۷	۰/۹	۲
آنتیگوآ و باربودا	؟	؟	؟	؟
آنگولا	۳/۲	۱۳/۶	۸/۱	۱۵/۱
اتیوپی	۳/۴	۲/۲	۳۴/۹	۱۳/۹
اردن	۱۵/۵	۸	۲۰/۳	۱۱/۴
ارمنستان	؟	۲/۲	؟	۷/۶
اریتره	؟	۰/۵	؟	۱/۱
ازبکستان	؟	۱۱/۷	؟	۲۶/۴
استونی	؟	۸/۶	؟	۸/۷
اسرائیل	؟	؟	؟	؟
اسلوواکی	۲/۱	۱۳/۵	؟	۱۸
اسلوونی	؟	؟	؟	؟
افریقای جنوبی	؟	۳/۱	؟	۱۰
افریقای مرکزی	۲	۱/۵	۱۳/۲	۱۲/۹
اکوادور	۱۰/۱	۹/۴	۳۲/۵	۱۷/۳
الجزایر	۱۴/۲	۸/۴	۶۳/۴	۱۹/۶
السالوادور	۴/۳	۲/۸	۱۵/۳	۶/۷
امارات متحده عربی	؟	؟	؟	؟
اندونزی	۸/۷	۱۲/۲	۳۳/۳	۲۵/۳
اوروگوئه	۱۰/۶	۶/۷	۴۰/۸	۲۹/۲
اوکراین	؟	۱۱/۵	؟	۱۸/۶
اوگاندا	۳/۴	۲/۶	۵۸/۹	۲۳/۷
ایران	۰/۵	۳/۳	۳/۲	۱۱/۴
باربادوس	؟	؟	؟	؟
باهاما	؟	؟	؟	؟
بحرین	؟	؟	؟	؟
برزیل	۱/۸	۱۰/۵	۲۲/۲	۹۰/۷
برونئی	؟	؟	؟	؟
بلغارستان	۶/۶	۹/۹	۱۹/۴	۱۶/۲
بلیز	۵	۸/۱	۷/۵	۱۶/۱
بنگلادش	۲/۵	۱/۷	۲۷/۴	۹/۱
بنین	۲/۱	۳/۵	۸/۲	۱۲/۶
بوتان	۱/۸	۱/۴	۵/۵	۴/۲
بوتسوانا	۲/۸	۱/۳	۴/۴	۱/۸
بورکینافاسو	۱/۲	۲/۵	۶/۸	۱۷/۳
بوروندی	۳/۷	۳/۱	۴۳/۴	۳۷/۲
بولیوی	۷/۹	۸	۳۸/۶	۳۹/۱
بیلاروس	؟	۰/۸	؟	۲/۹
پاپوآگینه نو	۱۷/۲	۸	۳۷/۲	۱۳/۵
پاراگوئه	۶/۲	۴/۴	۱۲/۲	۱۰/۴
پاکستان	۴/۸	۴/۶	۲۳	۲۶/۸
پاناما	۶/۵	۹/۴	۶/۲	۱۰
پرو	۱/۸	۸/۱	۱۰/۸	۴۲/۸
تاجیکستان	؟	۸/۸	؟	۱۰/۹
تانزانیا	۴/۲	۲/۴	۳۲/۹	۱۶/۲
تایلند	۶/۲	۱۱/۵	۱۶/۹	۱۶/۳
ترکمنستان	؟	۱۰/۹	؟	۳۱/۸
ترکیه	۴/۹	۱۰/۶	۲۹/۴	۳۶/۱
ترینیداد و توباگو	۸/۹	۶/۸	۱۹/۳	۱۰/۳
توگو	۵/۳	۲/۴	۱۱/۹	۶/۱
تونس	۱۱/۶	۹/۸	۲۴/۵	۲۰/۲
جامائیکا	۱۵/۶	۸/۷	۲۶/۹	۱۴/۱
جیبوتی	۳/۶	۲/۴	؟	۵/۵

نام کشور	میزان بازپرداخت سالانه بدهیها (درصد) – نسبت به تولید ناخالص داخلی		نسبت به میزان صادرات	
	(۱۹۹۰)	(۲۰۰۰)	(۱۹۹۰)	(۲۰۰۰)
چاد	۰/۷	۱/۹	۴/۴	۹/۳
چک	۳	۹/۴	؟	۱۲/۷
چین	۲	۲	۱۱/۷	۷/۴
دومینیکا	۳/۵	۳/۸	۵/۶	۷/۱
دومینیکن	۳/۳	۲/۶	۱۰/۴	۴/۸
روآندا	۰/۸	۲	۱۴	۲۴/۷
روسیه	۲	۴/۶	؟	۱۰/۱
رومانی	؟	۶/۴	۰/۳	۱۸/۸
زامبیا	۶/۲	۶/۴	۱۴/۹	۱۸/۷
زیمبابوه	۵/۴	۶/۴	۲۳/۱	۲۲/۱
سائوتومه و پرنسیپ	۴/۹	۹/۵	۳۴	۳۱/۷
ساحل عاج	۱۱/۷	۱۰/۹	۳۵/۴	۲۲/۴
ساموآ	۲/۷	۳/۶	۵/۸	۱۰/۸
سری لانکا	۴/۸	۴/۵	۱۳/۸	۹/۶
سلیمان، جزایر	۵/۵	۳/۳	۱۱/۹	۶/۷
سنت کیتس و نویس	۱/۹	۶/۲	۲/۹	۱۲/۵
سنت لوسیا	۱/۶	۵/۷	۲/۱	۱۱
سنت وینسنت و گرنادین	۲/۲	۴/۶	۲/۹	۸/۵
سنگاپور	؟	؟	؟	؟
سنگال	۵/۷	۵/۲	۲۰	۱۴/۴
سوازیلند	۵/۶	۱/۶	۵/۷	۲/۳
سودان	۰/۴	۰/۵	۷/۵	۳/۲
سورینام	؟	؟	؟	؟
سوریه	۹/۷	۲	۲۱/۸	۴/۸
سیرالئون	۲/۴	۶/۷	۱۰/۱	۴۸
سیشل	۵/۹	۲/۸	۹	۳/۴
شیلی	۹/۱	۸/۷	۲۵/۹	۲۶
عربستان سعودی	؟	؟	؟	؟
عمان	۷	۷/۷	۱۲/۳	۷/۳
غنا	۶/۳	۹/۱	۳۶/۹	۱۹/۳
فیجی	۷/۷	۲	۱۲	۲/۵
فیلیپین	۸/۱	۹	۲۷	۱۳/۶
قبرس	؟	؟	؟	؟
قرقیزستان	؟	۱۳/۳	؟	۲۹/۳
قزاقستان	؟	۱۰/۱	؟	۱۶/۸
قطر	؟	؟	؟	؟
کامبوج	۲/۷	۱	؟	۲
کامرون	۴/۷	۶/۳	۲۲/۵	۲۰/۵
کروآسی	؟	۱۲/۸	؟	۲۵/۵
کره جنوبی	۳/۳	۵/۱	۱۰/۸	۱۰/۹
کستاریکا	۸/۸	۴/۱	۲۳/۹	۸/۲
کلمبیا	۹/۷	۶/۴	۴۰/۹	۲۸/۶
کنگو، جمهوری	۱۹	۱/۳	۳۵/۳	۱/۶
کنگو، جمهوری دموکراتیک	۳/۷	۰/۳	۱۳/۵	۱/۲
کنیا	۹/۳	۴/۶	۳۵/۴	۱۷/۳
کوبا	؟	؟	؟	؟
کومور	۰/۴	۱/۳	۲/۳	۵
کویت	؟	؟	؟	؟
کیپ‌ورد	۱/۷	۲/۹	۴/۸	۷/۵
گابون	۳	۹/۵	۶/۴	۱۵
گامبیا	۱۱/۹	۴/۴	۲۲/۲	۷
گرجستان	؟	۳/۹	؟	۹/۵
گرنادا	۱/۹	۲/۹	۴	۵
گواتمالا	۲/۸	۲/۳	۱۲/۶	۹/۴
گویان	۷۴/۵	۱۶/۲	؟	۱۹/۵
گینه	۶	۴/۴	۲۰	۱۵/۳
گینه استوایی	۳/۹	۰/۴	۱۲/۱	۰/۲
گینه بیسائو	۳/۴	۲/۹	۳۱	۸/۶
لائوس	۱/۱	۲/۵	۸/۷	۸/۱
لاتویا	؟	۷/۹	؟	۱۵/۸
لبنان	۳/۵	۱۱	۳/۳	؟
لسوتو	۳/۸	۷/۳	۴/۲	۱۲/۱
لهستان	۱/۶	۶/۵	۴/۹	۲۰/۹
لیبی	؟	؟	؟	؟
لیتوانی	؟	۸	؟	۱۷/۱
ماداگاسکار	۷/۲	۲/۴	۴۵/۵	۷/۷
مالاوی	۷/۱	۳/۵	۲۹/۳	۱۱/۷
مالت	؟	؟	؟	؟
مالدیو	۴/۴	۳/۶	۴/۸	۴/۳
مالزیا	۹/۸	۶/۷	۱۲/۶	۵/۳
مالی	۲/۸	۴/۲	۱۲/۳	۱۲/۱
مجارستان	۱۲/۸	۱۷/۴	۳۴/۳	۲۴/۴
مصر	۷/۱	۱/۸	۲۲/۵	۸/۴
مغرب	۶/۹	۱۰	۲۱/۵	۲۵/۹
مغولستان	؟	۳	؟	۴/۷
مقدونیه	؟	۴/۵	؟	۹/۳
مکزیک	۴/۳	۱۰/۱	۲۰/۷	۳۰/۲
موریتانی	۱۴/۳	۱۰/۷	۲۹/۹	۲۵/۹
موریس	۵/۹	۱۲/۶	۸/۸	۲۰/۸
موزامبیک	۳/۲	۲/۳	۲۶/۲	۱۱/۴
مولداوی	؟	۱۰/۵	؟	۱۶/۷
میانمار	؟	؟	۹	۴/۷
نامیبیا	؟	؟	؟	؟
نپال	۱/۹	۱/۸	۱۳/۴	۶/۵
نیجر	۴	۱/۶	۱۷/۴	۹/۴
نیجریه	۱۱/۷	۲/۵	۲۲/۶	۴/۳
نیکاراگوآ	۱/۶	۱۲/۵	۳/۹	۲۳
وانوآتو	۱/۶	۱	۲/۱	۱/۴
ونزوئلا	۱۰/۳	۴/۹	۲۳/۲	۱۵/۷
ویتنام	۲/۷	۴/۲	۸/۹	۷/۵
هائیتی	۱/۲	۱	۱۱	۸
هند	۲/۶	۲/۲	۳۲/۴	۱۲/۸
هندوراس	۱۲/۸	۹/۷	۳۵/۳	۱۹/۳
هنگ‌کنگ (چین)	؟	؟	؟	؟
یمن	۳/۵	۲/۶	۵/۶	۳/۸

این گفته تنها نیمی از حقیقت است زیرا نمی‌توان کمک‌های مالی به این کشورها را چند جانبه یا قابل ملاحظه دانست. افزایش کمک‌های مالی در ۴۵ سال گذشته در پایین‌ترین سطح خود یعنی (سی و سه صدم درصد) از کل تولیدات ناخالص ملی کشورهای پیشرفته بوده است و این در حالی است که سازمان ملل متحد در پایان دهۀ ۱۹۶۰ رقم (هفت دهم درصد) را پیشنهاد کرد و سران کشورهای پیشرفته قول دادند تا پایان سال ۱۹۹۲ این رقم را به سه برابر افزایش دهند.

سیاست‌های مالی شمال – جنوب

کشورهای فقیر و در حال توسعۀ دیگر نواحی جهان نیز از نظر بدهی وضعیت مشابهی با کشورهای حاشیۀ صحرای افریقا دارند. از نیمۀ دوم دهۀ ۱۹۶۰، بانکداران کشورهای پیشرفته در صدد یافتن مکانی برای سرمایه‌گذاری پولهای مازاد خود خارج از دایرۀ دلارهای نفتی برآمدند. در زمان ریاست رابرت مک‌نامارا (وزیر دفاع امریکا در دوران جنگ ویتنام)، بانک جهانی میزان وام‌های خود را از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ به ده برابر افزایش داد.

همزمان با بروز بحران اقتصادی سال ۱۹۷۳، فرستادگان بانکها و مؤسسات مالی کشورهای پیشرفته، دولتهای افریقایی را برای درخواست وام ترغیب کردند. پیشنهاد بهره‌های پایین و کمیسیونهای بالا، سران دولتهای افریقایی را متقاعد کرد تا تعهدات مالی کشورهای حاشیۀ صحرای افریقا از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ را به دوازده برابر افزایش دهند.

در اوائل دهۀ ۱۹۸۰، تحت فشار خزانه‌داری امریکا، میزان بهره‌ها به طور ناگهانی بالا رفت و

بحران اقتصادی به نقطهٔ اوج خود رسید. کشورهای مقروض، از طرفی با کاهش بهای اقلام صادراتی خود و از سوی دیگر با سه برابر شدن میزان بهره‌های وام‌های دریافتی روبرو شدند و برای بازپرداخت دیون خود دست به دامان دریافت وام‌های دیگر گردیدند که این موضوع باعث رشد بدهی آنها به طور مضاعف شد.

استمداد برای رهایی از دست دوستان ناباب

بیش از یک سوم تعهدات مالی کشورهای افریقایی به مؤسسات مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک توسعهٔ افریقا است. بوروندی ۷۹٪، روآندا ۸۱٪، جمهوری افریقای مرکزی ۷۷٪، گینهٔ بیسائو ۶۱٪ و اوگاندا ۷۷٪ از کل بدهی‌های خود را به این مؤسسات مقروضند. بدینسان ملاحظه می‌شود که هرچه کشوری فقیرتر باشد، مقدار تعهدات مالی آن نیز بیشتر است.

از آنجا که میزان بهرهٔ بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، بالاتر از مؤسسات دیگر است، این دو مرکز در اولویت بازپرداخت وام‌ها قرار دارند و ناگزیر کشورهای افریقایی مقروض، قسمت اعظمی از کمک‌های بلاعوض کشورهای ثروتمند را به پرداخت دیون خود اختصاص می‌دهند.

غیر از افریقای جنوبی (به خاطر اقتصاد قدرتمند آن) و سودان (به خاطر قطع ارتباط با این نهادها)، دیگر کشورهای کم‌درآمد افریقایی به کمک‌های صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و باشگاه پاریس وابسته‌اند و سیاست‌های مالی خود را غالباً تحت کنترل مؤسسات مزبور قرار داده‌اند.

در حال حاضر در بیشتر کشورهای افریقایی، سیاست برنامه‌های تعدیل اعمال می‌شود. برای این کار بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از یک سیستم مشابه حق‌السکوت گرفتن استفاده می‌کنند. به این ترتیب که مقامات این کشورها تنها در صورت پذیرفتن پیشنهادات و موافقت با برنامه‌هایی که از سوی آنها ارائه می‌شود به دریافت اعتبار موفق می‌گردند. کاهش درآمد دولت‌ها، اُفت درآمد در بخش‌های تولیدی کشاورزی و نیمه صنعتی و شرایط وخیم زندگی برای اکثریت مردم از اثرات فاجعه‌آمیز اجتماعی و اقتصادی برنامه‌های تعدیل به شمار می‌رود.

برای مثال در زیمبابوه از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ دولت ۳۷ میلیون دلار در بخش آموزش و پرورش ابتدایی سرمایه‌گذاری کرد. در حالی که در همان هنگام ۱/۳ میلیارد دلار بدهی خارجی داشت. به معنای دیگر در مقابل هریک دلار سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و پرورش، دولت باید ۳۵ دلار به کشورهای ثروتمند پرداخت می‌کرد. در سال ۱۹۹۵ سرمایه‌گذاری دولت مزبور در آموزش و پرورش ابتدایی به طور سرانه به شش برابر کمتر از سال ۱۹۸۵ رسید و بودجهٔ بخش بهداشت و درمان سی درصد کاهش یافت و از این رو پرداخت ۸۰ درصد از هزینهٔ تحصیل دانش‌آموزان مرحلهٔ ابتدایی به عهدهٔ خانواده‌ها واگذار گردید و آمار مرگ و میر نوزادان طی همین سالها، ۲۰ درصد فزونی گرفت.

بخشش از سر ترحّم

از سال ۱۹۹۴ «باشگاه پاریس» که از طرف صندوق بین‌المللی پول حمایت می‌شود، در زمینهٔ کاهش بدهی‌های خارجی، با کشورهای افریقایی وارد مذاکره شد و اقدامات خود را با قول کاهش ۶۷ درصد از بدهی‌های دو جانبهٔ کشورهای مقروض آغاز کرد. اما دستیابی به چنین هدفی دشوار به نظر می‌رسید. اوگاندا اولین کشوری که مورد بخشش قرار گرفت، تنها توانست ۳٪ از بدهی‌های خود را کاهش دهد و مجموع بخشش‌ها و امتیازهایی که در سال ۱۹۹۵ برای مابقی کشورهای کم‌درآمد افریقایی در نظر گرفته شد، فقط ۱ درصد از میزان قروض آنها بود.

در سال ۱۹۹۶ بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و باشگاه پاریس به اتفاق آراء طرح تعویق بازپرداخت کشورهای فقیری را که بدهی‌های آنها به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده بود، مطرح کردند. اگرچه دادن فرصت بیشتر برای بازپرداخت قروض، تا حدودی موجب کاهش بدهی‌های آنها شد، ولی اغلب این کشورها تا مدت‌ها بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی همچنان مقروض باقی خواهند ماند. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اعلام کردند که ۷ میلیارد دلار را به تأمین بودجهٔ این طرح اختصاص داده‌اند که این مبلغ با هزینهٔ ساخت پارک تفریحی بزرگ یورو دیزنی در فرانسه برابری می‌کند.

بدهی‌های خارجی کشورهای حاشیهٔ صحرای افریقا که ۱۰٪ جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند تنها یک درصد از کل تعهدات مالی دنیا به شمار می‌رود. چنانچه کشورهای ثروتمند بتوانند این قروض را به عنوان کمک‌های بلاعوض تلقی کنند، جان بسیاری از مردم جهان را از مرگ حتمی نجات خواهند داد.

کمک‌های خارجی؛ سیاست‌های متناقض

کمک‌های به اصطلاح بلاعوض برای توسعه، تنها یک روی روابط میان کشورهای ثروتمند و فقیر است و به شدت تحت تأثیر سیاست‌های سازمان‌های مالی بین‌المللی و روابط تجاری بین کشورها قرار گرفته، و در سالهای اخیر نیز به طور فزاینده‌ای نظرات شرکتهای چند ملیتی بر آنان تحمیل شده است.

نحوهٔ برخورد در مواردی چون تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری، حفظ صلح و کاهش بدهی‌های خارجی، و همچنین تجارت اسلحه، حفظ محیط زیست و سیاست‌های خارجی، در ایجاد فضایی مناسب برای پیشرفت بشر بسیار ضروری‌تر و مؤثرتر از مسئلهٔ کمک‌های خارجی به کشورهای کم‌درآمد محسوب می‌شود. برای مثال، چه حالی به شما دست می‌دهد که ببینید کمک‌های مالی کشورهای ثروتمند در حمایت از بومیان برای نگهداری و استفاده صحیح از جنگل‌ها استفاده می‌شود، اما در همان حال عوامل رسمی دولت‌ها، درختان جنگل‌ها را قطع کرده و چوب آن را به همان کشورهای ثروتمند و به اصطلاح حامی جنگل صادر می‌کنند؟

در بیشتر مواقع همکاری‌ها منوط به دفاع و حمایت از حقوق بشر شده و پیشرفت‌های اقتصادی، مدرنیزه کردن صنعت و هرگونه انتقال منابع در درجهٔ دوم اهمیت قرار گرفته است. سیاست‌های ضد و نقیض هم خود جای بحث و گفتگو است و تجارت اسلحه اغلب نقش اساسی را بازی می‌کند. به طور مثال در حمله به اردوگاههای آوارگان برمه‌ای از هواپیماهای سوئیسی استفاده شد و اردوگاه‌هایی که کشور سوئیس خود احداث کرده بود مورد بمباران قرار گرفت.

کرالا؛ یک نمونهٔ مثبت

ایالت کرالا در هندوستان موردی مثبت و نمونه‌ای موفق از سیاست مشارکت مردم در توسعه است. مردم کرالا علیرغم رویارویی با ناملایمات، توانسته‌اند با مشارکت و همیاری فقر را از بین ببرند. اصلاح گسترده زمین‌های کشاورزی، مبارزه با بیسوادی بخصوص در مورد زنان، تحصیلات ابتدایی رایگان، پیدایش انجمن‌ها و اجتماعات طرفدار محیط زیست و مهم‌تر از همه مشارکت صمیمانهٔ روستاییان وکارگران کم‌درآمد در کنار قشر متوسط و مرفه، از عوامل اصلی موفقیت جامعهٔ کرالا به شمار می‌روند.

البته نمی‌توان گفت فقر در این ایالت، کاملاً ریشه‌کن شده است بلکه باید تأمل کرد و دستاوردهای مردم کرالا را ارزشیابی کرد. اما نکتهٔ قابل ذکر این است که موفقیت‌های کرالا به طُرُقی متفاوت از روشهای پیشنهادی کشورهای پیشرفته به دست آمده‌اند. این در حالی است که میزان فقر در کشورهای ثروتمند رو به افزایش است. بنابر آخرین آمار در کشورهای بسیار پیشرفته، پنج میلیون نفر بی‌خانمان و ۳۷ میلیون نفر بیکار وجود دارد و بیش از ۱۰۰ میلیون نفر با درآمدی زیر خط فقر (یعنی کمتر از نصف میانگین درآمد) زندگی می‌کنند.

اقدامات سازمان‌های غیر دولتی

بسیاری از سازمان‌های غیر دولتی که در پیشرفت و توسعهٔ جوامع بشری نقش به‌سزایی دارند، بر این باورند که انسان‌ها همیشه عامل هر تغییرند و خود آنان بایستی نحوهٔ پیشرفت و توسعهٔ خود را تعیین کنند.

سازمان‌های مزبور با تأمین منابع، آموزش و کمک در اطلاع رسانی، نقش مهمی را در برقراری ارتباط میان مردم کشورهای پیشرفته و رو به توسعه و فقیر به عهده دارند. بر فعالیت تشکّلهای اجتماعی جدید در کشورهای رو به توسعه هر روز افزوده می‌شود و آنان به تدریج جایگزین قدرت دولت‌ها و شرکت‌ها می‌شوند. آنها آموزش و تشویق در راه پیشرفت‌های اجتماعی را از افراد معمولی جامعه آغاز می‌کنند، حال آن که در کشورهای پیشرفته با وجود تجارب بین‌المللی وسیع و با بهره‌گیری از نفوذ سیاسی و اجتماعی خود، سطح آگاهی مردم در

بارهٔ حقایق جوامع رو به توسعه را بالا می‌برند. به این ترتیب سازمان‌های غیر دولتی و سایر عوامل دیگر، در شمال و جنوب، با اهداف مشترک در راه توسعه و پیشرفت گام برمی‌دارند.

دورنمای قرن بیست ویکم

کشورهای عضو «کمیتهٔ همیاری برای توسعه»(داک)، در گزارشی از نشست خود تحت عنوان دورنمای قرن بیست و یکم، بسیاری از اهداف و طرح‌های کنفرانس‌های سازمان ملل را مورد تأیید قرار دادند. فقرزدایی همه‌جانبه و کاستن ۵۰ درصد از تعداد افراد زیر خط فقر مطلق تا سال ۲۰۱۵ میلادی، از بین بردن تفاوت میان زن و مرد، از طریق اصلاح نظام تعلیم و تربیت از اولین سالهای آموزش ابتدایی تا رسیدن به تساوی حقوق کامل تا سال ۲۰۰۵ میلادی، کاهش دوسوم از میزان آمار مرگ و میر نوزادان و کودکان زیر ۵ سال و پایین آوردن آمار مرگ و میر مادران تا میزان سه چهارم تا سال ۲۰۱۵ میلادی، از جمله طرح‌هایی است که به اتفاق آراء مورد توافق و تصویب قرار گرفته است.

پیشنهاد ۲۰: ۲۰

در کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی سال ۱۹۹۵، دولت‌ها به طور داوطلبانه، تعهدات طرح موسوم به «پیشنهاد ۲۰ : ۲۰» را پذیرفتند. طبق این طرح کشورهای ثروتمند ۲۰ درصد از کمک‌های خود را در راه توسعهٔ کشورهای کم‌درآمد صرف می‌کنند و کشورهای دریافت کنندهٔ کمک نیز ۲۰ درصد از مخارج عمومی را به بخش خدمات زیربنایی اختصاص خواهند داد. آموزش و پرورش همگانی در سطح ابتدایی، بهداشت و درمان، تغذیه ودسترسی به آب آشامیدنی، بالا بردن سطح درآمد فقرا در روستاها و شهرها و تقویت سازمان‌های خدمات اجتماعی و بیمه را ازاهداف اصلی پیشنهاد ۲۰ : ۲۰ می‌توان برشمرد.
اگرچه کشورهای عضو کمیته همیاری برای توسعه، در سال ۱۹۶۹ متعهد شده بودند که هفت دهم درصد از درآمد ناخالص ملی خود را به عنوان کمک در اختیار کشورهای فقیر قرار دهند ولی تاکنون تعداد کمی از آنها به این تعهد عمل کرده‌اند. علیرغم کاهش میزان کمک‌ها در سالهای اخیر، شماری از کشورهای عضو (داک) بجز کشور امریکا، همچنان در همایش‌ها بر پایداری خود به تعهدات پافشاری می‌کنند. آخرین توافقنامه در ماه ژوئن ۱۹۹۷ در جلسهٔ ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تأیید اعضاء رسید.

کمک‌های بدون قید و شرط

کمک کشورهای ثروتمند هرگز بدون قید و شرط نبوده است و اخیراً جنبش‌هایی با هدف افزایش فقرزدایی، حذف کامل شروط غیر عادلانه را خواستار شده‌اند. با وجود این که طرح حذف شرایط در کمک‌های بلاعوض جزو برنامه‌های دولت انگلستان قرار دارد اما هنوز گام مؤثری برای دستیابی به این منظور برداشته نشده است.

روابط بین‌الملل

بیش از پنجاه سال از تأسیس سازمان ملل متحد می‌گذرد، اما هنوز این سازمان نتوانسته است نقش خود را به‌عنوان یک ارگان مؤثر و میانه‌رو در روابط بین‌المللی ایفاء کند و جامعهٔ جهانی و به‌ویژه قدرت‌های بزرگ در تضعیف و شکست‌های این سازمان سهیمند.

سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ با هدف حفظ صلح و عدالت بین‌المللی تأسیس یافت اما در حقیقت تا سال ۱۹۸۹ تحت تأثیر جنگ سرد بین دو قدرت بزرگ، امریکا و شوروی، اداره می‌شد. با دست‌آویز سقوط دیوار برلین و برقراری سیاست‌های جدید بین‌المللی، امریکا کنترل کامل سازمان ملل را در دست گرفت ولی تغییرات سریع جغرافیایی و بحران‌های اقتصادی موجب شد تا کلیهٔ پروژه‌های اصلاحی منظور شده در برنامه پنجاهمین سالگرد تأسیس، که در ۱۹۹۵ طی مراسم پر خرج و با شکوهی در مقر سازمان ملل در نیویورک جشن گرفته شد، با شکست روبرو گردد. سازمان ملل به طور جدی دچار کسری بودجه است و میزان حق عضویت پرداخت نشده درماه اوت سال ۱۹۹۵ بالغ بر ۳/۹ میلیارد دلار بوده است (۸۵۸ میلیون دلار از بودجه عادی و ۳ میلیارد دلار از بودجهٔ حفظ صلح). قدرتمندترین کشورهای جهان از زیر بار پرداخت کمک‌های مالی شانه خالی کرده‌اند و حال آن که مبالغ مزبور بسیار ناچیزتر از هزینه‌هایی است که برای تسلیحات نظامی یا بخش خدمات آنها مصرف می‌شود.
هربار که در گوشه‌ای از جهان جنگی درمی‌گیرد، سازمان ملل با ارائهٔ طرح‌های پر خرج و بی‌حاصل در صدد رفع اختلافات برمی‌آید اما امریکا از نمایندگان این سازمان برای شرکت در اجلاس‌های بزرگی چون مذاکرات صلح پاکستان یا بوسنی دعوت به عمل نمی‌آورد.
واشینگتون از سازمان ملل به عنوان ابزاری تلافی‌جویانه برای مقابله با برخی دولت‌ها استفاده می‌کند. برای مثال می‌توان از روشهای اعمال زور و سرکوب، مانند حفظ شرایط فقر و گرسنگی در عراق یا مجازات لیبی، بدون این که اتهام بمب‌گذاری آن در دادگاهی رسمی به اثبات رسیده باشد، نام برد.
متأسفانه ضعیف‌ترین کشورها، مظلوم‌ترین ملت‌ها و مردم تحت ستم و استثمار، سازمان ملل را ارگانی حافظ صلح و عدالت در سطح ملی و بین‌المللی نمی‌دانند. این در حالی است که پایه‌گذاران و گردانندگان اصلی سازمان ملل، خود ثروتمندترین دولتهای جهان هستند، و ارگان مزبور یارای مقابله با آنها را ندارد.
در طول دههٔ ۱۹۷۰ پیشنهادهایی در جهت تغییرات ساختاری و به وجود آوردن یک چهارچوب اقتصادی جدید مطرح شد ولی تجسم یک نظام اقتصادی متفاوت در آینده، مخالفت بسیاری از اعضای سازمان با طرح‌های ارائه شده را در پی داشت.

فروش اسلحه برای حفظ امنیت

بحران سازمان ملل را نمی‌توان بیش از این پنهان نگه داشت و از این رو مذاکرات برای ایجاد تغییرات بنیادی و اصلاح شرایط فعلی، قریب‌الوقوع به نظرمی‌رسد. زیربنای اصلاحات باید بر مبنای افزایش تعداد اعضای شورای امنیت با حقوقی مساوی صورت گیرد حال آن که آخرین تغییرات در سال ۱۹۶۳ تنها باافزودن ۴ کرسی به ۱۱ کرسی انجام گرفت. اغلب دولتها معتقدند پیوستن هرچه بیشتر کشورهای در حال توسعه به شورای امنیت گامی مؤثر در راه حفظ صلح جهانی خواهد بود. اما گروه تحقیق در این زمینه، کار خود را تنها با این نتیجه که اختلاف نظرهای مهمی میان کشورها وجود دارد، به پایان رسانید.
از آنجایی که طبق قانون سازمان ملل، هرگونه لایحه و طرحی برای تصویب و اجرا به حمایت دوسوم ازمجموع اعضاء و کل اعضای شورای امنیت نیاز دارد، وضعیت کنونی قابل تغییر به نظر نمی‌رسد.
ترکیب فعلی شورای امنیت، منعکس کنندهٔ ضابطه‌های انتخاب اعضای دائمی آن و در واقع برندگان جنگ جهانی دوم است. چنین بود که در هنگام تشکیل سازمان ملل متحد، مسئولیت تضمین صلح به عهدهٔ کشورهایی که قدرت سیاسی، مالی و نظامی بیشتری در اختیار داشتند، گذاشته شد. نمونه‌هایی چون جنگ چچن و سرکوب قیام مردمی در میدان تین‌آن‌من پکن، ماهیت دولت‌های روسیه و چین و منظور آنها از صلح داخلی و امنیت را به خوبی نشان داد و سیاست‌های سه عضو اصلی دیگر نیز حسب اوضاع و احوال و مصلحت آنان، از اعتبار چندانی برخوردار نیست.
شورای امنیت اعمال زور را تحریم می‌کند و بر رسالت خود که کنترل میزان تسلیحات و استفادهٔ کمتر از منابع اقتصادی در جهت تولید و خرید اسلحه است، تأکید دارد اما همین قدرت‌های بزرگ رقبای اصلی بازار اسلحه به شمار می‌روند و وزرای دفاع این کشورها معمولاً نقش مدیران فروش مصنوعات نظامی را ایفاء می‌کنند.
امریکا و متحدینش عضویت دائمی آلمان و ژاپن را در شرایطی می‌پذیرند که این دو کشور حقانیت اهداف خود در دفاع از صلح و امنیت را به اثبات برسانند، ولی بسیاری آن روی سکه را می‌بینند و معتقدند تصمیم‌ها در جای دیگری گرفته می‌شود و شعار «دموکراسی برای ثروتمندان» در رأس امور جای دارد.
طبق روند کنونی، سازمان ملل هرچه بیشتر زیر دین مؤسسات مالی وابسته‌ای چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول خواهد رفت و این به معنای دورتر شدن از آرمانهای این ارگان که بر پایهٔ تساوی میان ملت‌ها، بدون در نظر گرفتن وضعیت مالی، ظرفیت نظامی و هرگونه عقیده و گرایش آنها به سوی صلح استوار است، خواهد بود.

تغییر ساختار و بودجه

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ با گرد آمدن ۵۱ نماینده از کشورهای متحد و درگیر در جنگ جهانی دوم به عنوان جانشین جامعهٔ ملل که در جلوگیری از بروز جنگ ناموفق بود و با هدف حفظ صلح و امنیت تأسیس گردید.

در حال حاضر، ۱۸۵ کشور عضو با همکاری یکدیگر در اصلاح ساختاری و کارایی هرچه بیشتر سازمان ملل می‌کوشند اما وسعت سازمان، فقدان مدیریت مؤثر و عدم وجود وحدت و انعطاف‌پذیری در رویارویی با مشکلات جوامع بین‌المللی موجب شده تا این ارگان در پنجاهمین سالگرد تأسیس خود در سال ۱۹۹۵ مورد مؤاخذه و سرزنش قرار گیرد.

کوفی عنان برای این که بتواند یک بار دیگر در سال ۱۹۹۶ نامزد دبیر کلی سازمان ملل شود، شرایط امریکا را در طرح اصلاحیهٔ خود گنجاند. شرایطی که سَلَف او پطرس غالی مصری هرگز با آنها موافقت نمی‌کرد و به همین علت حمایت امریکا را از دست داد. کوفی عنان در کنار مواد دیگر در طرح خود کاهش تعداد شاغلین سازمان ملل از ۹۰۰۰ نفر به ۸۰۰۰ نفر، پاکسازی دوسوم مدیران و ادغام سازمان‌های یونیسف، آندپ و آنفپا را که به ترتیب در زمینه‌های حمایت از کودکان، و در زمینهٔ توسعه و کنترل جمعیت فعالیت می‌کنند، خواستار گردید. این طرح صرفه‌جویی ۱/۳ میلیارد دلار در سال را در پی داشت و هزینه‌های جانبی را از ۳۸ درصد به ۲۵ درصد از کل بودجه تقلیل می‌داد. کوفی عنان همچنین برای جلب اعتماد کشورهای جهان سوم اعلام کرد مبالغ صرفه‌جویی شده در جهت رفاه و توسعهٔ کشورهای فقیر صرف خواهد شد. اما در اواخر سال ۱۹۹۷ برای اولین بار در تاریخ تأسیس سازمان ملل، از طرف دفتر دبیرکل گزارشی مبنی بر کسری بودجه برای سالهای ۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ انتشار یافت.

یکی از مهمترین معضلات سازمان ملل حق عضویت‌های پرداخت نشده به مبلغ تقریبی ۴ میلیارد دلار است و ایالات متحدهٔ امریکا مسئولیت ۳۰ درصد از این بدهی را داراست.

آوارگان؛ قربانیان فجایع انسانی

عبارات جهانی سازی (*Globalization*) و آزادی سازی (*Liberalization*) که از اواخر سدهٔ بیستم در سخنرانی های سیاسی متداول شد، با وضعیت دهها میلیون آواره که در سخت‌ترین شرایط، تنها برای دستیابی به اساسی‌ترین و اولیه‌ترین حقوق خود، یعنی زندگی و صلح به سر می‌برند، هماهنگی ندارد.

طبق قوانین وضع شده در کنفرانس «بررسی وضعیت آوارگان» در سال ۱۹۵۱، آواره به شخصی گفته می‌شود که علیرغم رعایت موازین قانونی و مقررات تنها بر اساس انگیزه‌های نژادی، مذهبی، ملیت و یا داشتن عقاید سیاسی مورد آزار و اذیت قرار گرفته و کشور خود را ترک کند. اما مهاجرت به علل دیگر نیز صورت می‌گیرد. برای مثال آوارگان «محیط زیستی» کسانی هستند که کمبود زمین و خشکسالی یا سیاستهای اقتصادی تحمیلی آنها را وادار به مهاجرت می‌کند.

کمیسیون عالی پناهندگان وابسته به سازمان ملل (آنکر) مسئولیت تضمین امنیت آوارگان و کمک به دولتهای کشورهایی که این اشخاص را در خود پناه داده‌اند، بر عهده دارد. همچنین بازگرداندن پناهندگان به میهنشان پس از رفع مشکلات سیاسی، از وظایف این سازمان است.

طبق گزارش آنکر در دسامبر ۱۹۹۷، تعداد آوارگان تحت پوشش، از ۲۷/۴ میلیون در سال ۱۹۹۵ به ۲۲/۷ میلیون نفر در ۱۹۹۷ کاهش یافته است. اما این به معنای بهبود وضعیت آوارگان نیست زیرا بنا بر پیش‌بینی مسئولین، تعداد افرادی که مجبور به ترک وطن خود می‌شوند رو به افزایش است و در آینده تنها تعداد کمی از آنها در مناطق امن اسکان داده خواهند شد. مردمی که تحت تأثیر جریان‌های سیاسی جلای وطن می‌کنند، معمولاً از فقیرترین کشورهای جهان هستند. درآمد سرانهٔ ۲۰ کشور که بالاترین رقم مهاجرت را دارند تنها ۷۰۰ دلار در سال است.

نزاع ادامه دارد

بحران آوارگان با تغییر ماهیت و دلایل کشمکش‌ها که در برخی موارد به منظور بیرون راندن و پراکندن بخش وسیعی از جمعیت کشورهاصورت می‌گیرد و همزمان با آن بسته شدن مرزها، شکل حادتری به خود می‌گیرد. اگرچه ده میلیون آواره از سال ۱۹۹۰ به این طرف به خانه‌های خود بازگردانده شده‌اند، ولی به تعداد مردم بی‌خانمان گرفتار در مناطق جنگی و پشت مرزهای بسته هر روز افزوده می‌شود. بنابر آمار تخمینی سازمان آنکر، در حال حاضر ۳۰ میلیون نفر در چنین شرایطی به سر می‌برند.

ناتوانی در خروج از مرزها نشان می‌دهد که این افراد از دسترسی به کمک‌های بین‌المللی محرومند و حقوق آنان کاملاً نادیده گرفته می‌شود. افریقا بیش از ۱۶ میلیون بی‌خانمان داخلی دارد و این رقم در آسیا به ۷ میلیون، در اروپا ۵ میلیون و در امریکا به ۳ میلیون نفر می‌رسد. اگرچه قوانین آنکر شامل آوارگان داخلی کشورها نمی‌شود ولی این سازمان در ۱۹۹۷، ۴/۹ میلیون آوارهٔ داخلی و خارجی را تحت پوشش خود قرار داده است.

پناهندگان دیگری که به این سازمان رو می‌آورند، مردمی هستند که به علت تغییرات گسترده و بنیادی در وضعیت سیاسی کشورهایشان ملیت خود را از دست داده‌اند. برای مثال، می‌توان از مردم شوروی سابق که بعد از فروپاشی نظام و تجزیه، به جمهوری‌های کوچک تبدیل شد، نام برد.

تا دسامبر سال ۱۹۹۷، ۲۹ کشور جهان، هریک بیش از ۱۰۰ هزار پناهنده را در خود جای داده بودند و درصدر این فهرست، دو میلیون افغانی در ایران، ۱/۲۶ میلیون نفر در آلمان و ۱/۲ میلیون نفر در پاکستان به چشم می‌خورد.

رانده شدگان جنگی

خروج آوارگان افغانی از کشورشان، از سال ۱۹۷۹ با تهاجم ارتش شوروی سابق آغاز شد و در حال حاضر بالاترین رقم پناهندگان تحت پوشش سازمان آنکر متعلق به این کشور است. بجز ایران ۱/۴۷ میلیون افغانی در عراق، ۸۲۰ هزار نفر در پاکستان و بسیاری در روسیه به‌سر می‌برند.

علیرغم بازگشت ۳/۸۹ میلیون نفر به افغانستان از آغاز جنگ با شوروی تا سال ۱۹۹۶، پس از تسخیر کابل و شرق افغانستان توسط گروه طالبان، تعداد آوارگان جنگی یکبار دیگر به طور بی‌سابقه‌ای رو به افزایش گذاشت.

کشور لیبریا با ۷۷۸ هزار و بوسنی و هرزگوین با ۶۷۳ هزار آواره به ترتیب بعد از افغانستان از بیشترین کمک‌های امنیت آنکر استفاده می‌کنند. حفظ امنیت آوارگان در طول مدت پناهندگی و تضمین بازگشت آنها به وطن، بعد از تثبیت اوضاع، از مهمترین مسائل مربوط به این قربانیان فجایع بشری به شمار می‌رود.

صدها هزار آواره قبل از رفع مشکلات کشورهایشان و یا به علت بروز اغتشاش در کشوری که آنان را به عنوان پناهنده پذیرفته است با توسل به زور به خانه‌هایشان بازگردانده شده‌اند. برای مثال با شروع مبارزات لورن کابیلا و نیروهای متحد او برای آزادی کنگو (زئیر) و برکناری موبوتو از مقام ریاست جمهوری، کلیهٔ پناهندگان روآندایی در کنگو را به کشور خود بازگرداندند.

مشکلات جدید؛ سدّ راه آوارگان

بحران آوارگان و محدودیت‌های قانونی کشورها در پذیرش پناهندگان خارجی در دههٔ ۱۹۹۰ به مرحله‌ای رسید که مؤسسات کمک‌رسانی بین‌المللی قادر به رفع مشکلات بی‌شمار آنان نبودند.

در کشورهای اروپای غربی و در هنگامهٔ جنگ یوگسلاوی، زمانی که عبور از مرز برای خارجیان بسیار دشوار بود، شمار درخواست‌های پناهندگی از ۶۹۰ هزار در سال ۱۹۹۲ به ۲۵۰ هزار در ۱۹۹۶ تقلیل یافت.

کشورهای صنعتی‌تر (اروپای غربی، امریکای شمالی، ژاپن و استرالیا) از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵، ۵ میلیون درخواست پناهندگی دریافت کرده‌اند و نزدیک به یک پنجم این متقاضیان در سال ۱۹۹۸ همچنان در انتظار پاسخ بوده‌اند. دبیر کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل آنکر، ساداکو اوگاتا در یکی از سخنرانی‌های خود گفت: «امیدواریم در قرن بیست و یکم قادر باشیم امنیت انسانها راتضمین کنیم زیرا تا زمانی که مردم در وطن خود احساس امنیت نکنند، امنیت کشورها نیز تأمین نخواهد شد».

گسترش ناتو

پایان جنگ سرد در دههٔ ۱۹۹۰ سرآغاز گسترش ناتو را، علیرغم اصول اولیهٔ آن به همراه داشت. برای امریکا و کشورهای غربی متحدش، ساختار نظامی ناتو همچنان بهترین راه برای گردآوری و به‌ویژه کنترل کشورهای دیگر به نظر می‌رسد.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سال ۱۹۴۹ با هدف محافظت از کشورهای اروپایی در برابر تهاجم احتمالی شوروی سابق تأسیس شد و پس از فروپاشی شوروی، انحلال این سازمان انتظار می‌رفت. اما در عوض، پیمان نظامی گسترهٔ فعالیت خود را متوجه اروپای شرقی کرد و با هزینهٔ ۱۰۰ میلیارد دلار که از سوی امریکا پرداخت می‌شد، کشورهای لهستان، مجارستان و جمهوری چک را نیز در بر گرفت.

به عقیدهٔ رئیس جمهور امریکا بیل کلینتون، گسترش ناتو برای حفظ ساختار اروپای متحد و دموکراتیک ضروری و لازم است. اما در بارهٔ این که چرا ناتو باید قبل از سال ۱۹۹۹ اروپای شرقی را تحت پوشش قرار دهد و یا چرا کشورهایی که قبلاً دشمنان امریکا به شمار می‌رفتند، حالا فقط با عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی جزو دوستان این کشور محسوب می‌شوند، ذکری به میان نرفته است.

جرج کنان سفیر سابق امریکا در اتحاد جماهیر شوروی توسعهٔ ناتو را بزرگترین اشتباه سیاسی امریکا در دورهٔ بعد از جنگ سرد می‌داند و معتقد است این کار در برقراری دموکراسی در روسیه تأثیر نامطلوبی خواهد داشت.

مرکز اطلاعات وزارت دفاع در واشینگتون نیز هشدار داد گسترش ناتو، کلیهٔ معاهده‌های کنترل تسلیحات در دههٔ اخیر را زیر سؤال می‌برد. در واقع، گسترش ناتو نه‌تنها موجب شد روسها عملیات کاهش تسلیحات اتمی را متوقف سازند، بلکه قانون سیاست نظامی خطرناکی که به روسیه اجازه می‌داد در صورت بروز جنگ، اولین طرفی باشد که از تسلیحات اتمی استفاده می‌کند را به تصویب رساندند. آنها برای این کار به نظریهٔ میخائیل گورباچف که در ۱۹۹۳ گفته بود: «تسلیحات اتمی را علیه کشورهای فاقد نیروگاهها و تسلیحات اتمی به کار نمی‌بریم»، استناد کرده بودند. به این ترتیب سیاست فعلی روسیه بی‌شباهت به پشتیبانی امریکا از تفاهم نامهٔ ناتو در طول جنگ سرد نیست.

فوائد گسترش ناتو

هربار که تیری شلیک می‌شود، موشکی پرتاب می‌گردد و یک جنگنده چند میلیون دلاری سقوط می‌کند، قراردادهای صنایع نظامی ارزش بیشتری پیدا می‌کنند. مرکز اطلاعات وزارت دفاع امریکا هشدار داده است که گسترش ناتو از مقاصد محرمانهٔ یافتن بازارهای جدید برای صنایع نظامی امریکا پرده برمی‌دارد.

هدف دیگر امریکا از تمرینات نظامی در اروپای شرقی، تعویض و مدرنیزه کردن تجهیزات نظامی در این کشورهاست. تانک‌های تی-۷۲، بمب‌افکن‌های میگ روسی و سیستم‌های ارتباطی قدیمی که امروزه دیگر کاربردی ندارند، به کمک ناتو با فن‌آوریهای دیجیتالی مدرن تعویض می‌شوند. به این ترتیب کشورهای اروپای شرقی برای خرید تجهیزات نظامی و ارتباطی میلیون‌ها دلار به جیب تولیدکنندگان اسلحه سرازیر می‌کنند.

واشینگتون میزان سرمایه‌گذاری در این زمینه تا ۱۳ سال آینده را از ۲۷ میلیارد تا ۳۵ میلیارد دلار پیش‌بینی می‌کند. شرکت تسلیحاتی رَند و کمیسیون بودجهٔ کنگره امریکا مبلغ ۳۰ تا ۱۲۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۰ میلادی را تخمین زده‌اند و بالاخره منابع غیر وابسته رقم ۱/۴ میلیارد دلار در هر سال را برآورد کرده‌اند. اما ارقام هرچه باشند، بیشترین منافع این معاملات نصیب تولیدکنندگان صنایع نظامی خواهد شد.

دلارهای امریکایی تنها به شرطی به لهستان، مجارستان و جمهوری چک پرداخت می‌شوند که این کشورها پول دریافتی را صرف خرید اسلحه از ناتو کنند. بنابراین برنامه‌های کمک‌های نظامی خارجی امریکا، دلارهای میلیون‌ها مالیات‌دهنده را به خزانهٔ چند شرکت بزرگ امریکایی یا در مواقعی به بهانهٔ مساعدت برای پیروزی در انتخابات به جیب سیاستمداران سرازیر می‌کند.

توماس فریدمن در مقاله‌ای در نیویورک تایمز می‌نویسد: «ترس اروپای غربی نه از روسیه بلکه از کشورهای اروپای شرقی است چرا که نظام اقتصادی جدید و بازار آزاد در این کشورها تهدید اصلی به شمار می‌رود. کارخانجات و مزرعه‌داران کشورهای اروپای شرقی محصولات خود را با قیمت‌های پایین‌تر برای صادرات عرضه می‌کنند و کارگران برای استخدام در کشورهای غربی دستمزد کمتری مطالبه می‌کنند. از این رو، تانک‌ها و موشک‌های روسی تهدیدی غیر قابل پیش‌بینی و دور به نظر می‌رسند اما کالباس‌های ارزان لهستانی و کارگران چک با دستمزدهای نسبتاً کمشان یک خطر جدی و واقعی محسوب می‌شوند».

اروپا؛ دژی مستحکم

اگر عضویت در ناتو، دفاع از دموکراسی و بازار آزاد است چرا بلژیک، فرانسه، آلمان، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال و اسپانیا با امضای پیمان شنگن اروپا را به قلعه‌ای تسخیرناپذیر تبدیل کرده‌اند.

اگرچه با این اقدام مرزهای این کشورها بر روی هم گشوده شدند اما آنها معتقدند برای جلوگیری از ورود مواد مخدر و مجرمین باید از مرزهای شرقی مراقبت بیشتری به عمل آورند. بنابراین در حالی که کشورهای غربی برای پیوستن به دژ مستحکم اروپا در سال ۱۹۹۸ عجله داشتند یک پرده آهنین جدید به نام پردهٔ شنگن را به وجود آورده‌اند. اتریش به پیشنهاد آلمان و با هزینهٔ ۱۴۰ میلیون دلار مرزهای شرقی خود را به برج‌های مراقبت، هلیکوپترهای گشتی، سربازان مسلح و حصارهای اشعهٔ مادون قرمز مجهز کرده است.

در حالی که ناتو درهای خود را به روی مجارستان، لهستان و جمهوری چک می‌گشاید، قرارداد شنگن این درها را می‌بندد و هنگامی که ساکنین اروپای غربی به راحتی از مرزها عبور می‌کنند، اهالی کشورهای اروپای شرقی باید ساعت‌ها در نوبت بایستند و مدارکشان از طریق کامپیوتر و تماس با مرکز کنترل مدارک در استراسبورگ فرانسه که سابقهٔ ده میلیون نفر را در خود جای داده است، تأیید شود.

در مصاحبه‌ای که خبرنگاری به نام اریک گیجر با مسافرین منتظر در مرز نیکلسدورف اتریش انجام داد، یک رانندهٔ مجارستانی گفت:

«پروژه‌هایشان را که به اتمام برسانند، یک بار دیگر اروپا را به دو قسمت تقسیم می‌کنند».

و بالاخره بنابر گزارش یک مجلهٔ آلمانی، «سیاست به انزوا کشاندن جدید به خوبی چگونگی به وجود آمدن تدریجی یک ساختار ضد دموکراسی را نشان می‌دهد. روزی که پیمان شنگن اجرا شد، گامی بزرگ، اما در جهتی اشتباه برداشته شد».

بازگشت به شوروی سابق

در چهار سال گذشته، بیشتر از سه میلیون نفر به جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع یا کشورهایی که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفته‌اند، مهاجرت کرده‌اند.

روسی زبانانی که از کشورهای آسیای مرکزی به روسیه بازگشته‌اند، پناهندگان جنگی، مهاجرین غیرقانونی به ویژه چینی‌ها و آوارگانی از افریقا و کشورهای خاورمیانه با هدف پناهندگی، به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع روی آورده‌اند.

پس از تجزیه شوروی سابق، تحولات بی‌سابقه‌ای در اوضاع سیاسی نواحی مزبور رخ داده است. اما تمامی ۲۸۷ میلیون مردمی که در اثر این تغییرات، ملیت خود را از دست داده‌اند، موفق به یافتن یک کشور جدید نشده‌اند. برای مثال، تنها دو سوم از ۱/۶ میلیون روسی ساکن کشورهای بالتیک شامل لاتویا، استونی و لیتوانی به عنوان شهروند، مدارک معتبر دریافت کرده‌اند. کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل آنکر در اوایل سال ۱۹۹۸ اعلام کرد که ۲۵ میلیون روسی پشت مرزهای جمهوری فدرال روسیه زندگی می‌کنند.

بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ نزدیک به چهار میلیون روسی از جمهوریهای شوروی سابق به روسیهٔ فعلی مراجعت کرده‌اند، اما بیشتر این افراد حتی در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بدون مدارک قانونی پناهندگی به سر می‌برند. شعبهٔ آنکر در مسکو که در سال ۱۹۹۲ تأسیس یافت، اخیراً فعالیتی را برای تحت پوشش قرار دادن ۲۰۰ هزار آوارهٔ چچنی را آغاز کرده است، اما دولت موضوع رسیدگی به مهاجرین خارجی را در اولویت قرار نداده و با این مشکل نیز نظیر معضلات معمولی اجتماعی، بازسازیِ پس از بحران و مسائل سیاسی برخورد می‌کند.

تا سال ۱۹۹۳ جمهوری فدرال روسیه فاقد سازمانی برای رسیدگی به امور مهاجرین بود و دولت به بهانهٔ این که افزایش تعداد خارجیان، آمار بیکاران و جرائم را بالا می‌برد، فقط ۶۰۰ تا ۸۰۰ تقاضا از ۱۲ هزار درخواست پناهندگی را مورد بررسی قرار داد. در حال حاضر، ۶۵ درصد از متقاضیان پناهندگی، از افغانستان به روسیه می‌آیند و بیشتر آنها مردانی هستند که به خوبی به زبان و فرهنگ روسیه آشنایی دارند. لازم به ذکر است که از هفت هزار متقاضی اهل آنگولا، اتیوپی، عراق، روآندا، سومالی، سری‌لانکا و زئیر (جمهوری دموکراتیک کنگو)

جدول ۶- وضعیت خرید و فروش سلاحهای متعارف و تعداد نیروهای مسلح

نام کشور	خرید و فروش سلاحهای متعارف (بر اساس قیمتهای سال ۱۹۹۰)				تعداد نیروهای مسلح	
	واردات (میلیون دلار)		صادرات			
	(۱۹۹۱)	(۲۰۰۱)	(میلیون دلار) (۲۰۰۱)	درصد صادرات جهان (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱)	هزار نفر (۲۰۰۰)	نسبت به سال ۱۹۸۵ (۱۰۰=۱۹۸۵)
آذربایجان	؟	؟	؟	؟	۷۲	؟
آرژانتین	؟	۹۷	۳	؟	۷۱	۶۶
آلبانی	؟	؟	؟	؟	۵۴	۱۳۴
آلمان	۷۴۱	۸۰	۶۷۵	۵/۴	۲۲۱	۴۶
آنتیگوآ و باربودا	؟	؟	؟	؟	؟	۲۰۰
آنگولا	؟	۲۵۵	؟	؟	۱۰۸	۲۱۷
اتریش	۲	۱۵	۶۱	۰/۱	۴۰	۷۴
اتیوپی	۶۰	؟	؟	؟	۳۵۲	۱۶۲
اردن	۳۵	۲۸۰	؟	؟	۱۰۴	۱۴۸
ارمنستان	؟	؟	؟	؟	۴۱	؟
اریتره	؟	۶۰	؟	؟	۲۰۰	؟
ازبکستان	؟	۵	؟	؟	۵۹	؟
اسپانیا	۹۰	۹۰	۴	۰/۷	۱۶۶	۳۳
استرالیا	۱۳۰	۶۸۷	؟	۰/۵	۵۱	۷۲
استونی	؟	؟	؟	؟	۵	؟
اسرائیل	۱۲۳۴	۴۵	۲۰۳	۰/۹	۱۷۲	۱۲۱
اسلوواکی	؟	؟	۲۱	۰/۴	۳۹	؟
اسلوونی	؟	۵۳	؟	؟	۹	؟
افریقای جنوبی	۲۰	۱۷	۲۰	۰/۱	۶۳	۶۰
افریقای مرکزی	؟	؟	؟	؟	۳	۱۳۵
اکوادور	۱۸۰	؟	؟	؟	۵۸	۱۳۵
الجزایر	۱۰۳۷	۳۶۵	؟	؟	۱۲۴	۷۳
السالوادور	۱۸	؟	؟	؟	۱۷	۴۰
امارات متحده عربی	۲۳۷	۲۸۸	؟	؟	۶۵	۱۵۱
اندونزی	۸	۳۸	۲۰	۰/۱	۲۹۷	۱۰۷
انگلستان	۹۴۵	۱۲۴۷	۱۱۲۵	۶/۶	۲۱۲	۶۴
اوروگوئه	۶۹	؟	؟	؟	۲۴	۷۴
اوکراین	؟	؟	۴۳۰	۲/۱	۳۰۴	؟
اوگاندا	؟	؟	؟	؟	۵۰	۲۵۰
ایالات متحده امریکا	۳۴۴	۱۱۴	۴۵۶۲	۴۵	۱۳۶۶	۶۳
ایتالیا	۹۲	۴۲۸	۳۵۸	۱/۷	۲۵۱	۶۵
ایران	۱۲۹۵	۳۳۵	؟	؟	۵۱۳	۸۴
ایرلند	۱۰	۴۶	؟	؟	۱۲	۸۴
ایسلند	؟	؟	؟	؟	؟	؟
باربادوس	؟	؟	؟	؟	۱	۶۰
باهاما	۲	؟	؟	؟	۱	۱۸۰
بحرین	۶۴	۳۰	۲	؟	۱۱	۳۹۳
برزیل	۱۱۸	۵۹۷	۵۵	۰/۱	۲۸۸	۱۰۴
برونئی	۲	۱	؟	؟	۵	۱۲۲
بلژیک	۸۶	۳۳	۷۲	۰/۵	۳۹	۴۳
بلغارستان	۳۳۵	؟	۴	۰/۲	۸۰	۵۴
بلیز	؟	؟	؟	؟	۱	۱۸۳
بنگلادش	۴۷	۱۸۰	؟	؟	۱۳۷	۱۵۰
بنین	؟	؟	؟	؟	۵	۱۰۷
بوتان	؟	؟	؟	؟	۶	۲۰۰
بوتسوانا	۳	۳۲	؟	؟	۹	۲۲۵
بورکینافاسو	۳	؟	؟	؟	۷	۱۷۰
بوروندی	؟	؟	؟	؟	۴۰	۷۶۹
بولیوی	۱۰	؟	؟	؟	۳۲	۱۱۸
بیلاروس	؟	؟	۳۳۳	۱/۲	۸۳	؟
پاپوآگینه نو	۱۰	؟	؟	؟	۴	۱۳۸
پاراگوئه	۳	؟	؟	؟	۲۰	۱۴۰
پاکستان	۴۹۲	۷۵۹	؟	؟	۶۱۲	۱۲۷
پاناما	؟	؟	؟	؟	؟	؟
پرتغال	۹۹۵	۳۸	؟	؟	۴۵	۶۱
پرو	۹۵	۱۷۸	؟	؟	۱۱۵	۹۰
تاجیکستان	؟	؟	؟	؟	۶	؟
تانزانیا	؟	؟	؟	؟	۳۴	۸۴
تایلند	۳۹۹	۱۶۲	؟	؟	۳۰۱	۱۲۸
ترکمنستان	؟	؟	؟	؟	۱۴	؟
ترکیه	۷۷۷	۴۴۲	۲	؟	۶۱۰	۹۷
ترینیداد و توباگو	؟	۱	؟	؟	۳	۱۲۹
توگو	۱۰	؟	؟	؟	۷	۱۹۴
تونس	۴	۱۸	؟	؟	۳۵	۱۰۰
جامائیکا	؟	؟	؟	؟	۳	۱۳۳
جیبوتی	۱	۱	؟	؟	۸	۲۸۰
چاد	؟	؟	؟	؟	۳۰	۲۴۷
چک	؟	۲۷	۹۵	۰/۴	۵۸	۲۸
چین	۱۹۴	۳۱۰۰	۵۸۸	۲/۲	۲۸۱۰	۷۲
دانمارک	۱۱۹	۱۱۶	؟	؟	۲۲	۷۴
دومینیکا	؟	؟	؟	؟	؟	؟
دومینیکن	؟	؟	؟	؟	۲۴	۱۱۰
روآندا	؟	؟	؟	؟	۷۰	۱۳۴۶
روسیه	؟	؟	۴۹۷۹	۱۷	۱۵۲۰	۲۹
رومانی	۳۹	۱۱۰	؟	؟	۲۰۷	۱۰۹
زامبیا	؟	؟	؟	؟	۲۲	۱۳۳
زلاند نو	۳۳	۶۰	؟	؟	۹	۷۴
زیمبابوه	۳۶	۷	؟	؟	۴۰	۹۸
ژاپن	۱۵۰۲	۲۰۶	؟	؟	۲۳۷	۹۷
سائوتومه و پرنسیپ	؟	؟	؟	؟	؟	؟
ساحل عاج	؟	؟	؟	؟	۸	۶۴
ساموآ	؟	؟	؟	؟	؟	؟
سری‌لانکا	۱۰۸	۴۰	؟	؟	۱۱۵	۵۳۲
سلیمان، جزایر	۴	؟	؟	؟	؟	؟
سنت‌کیتس و نویس	؟	؟	؟	؟	؟	؟
سنت‌لوسیا	؟	؟	؟	؟	؟	؟
سنت‌وینسنت‌وگرنادین	؟	؟	؟	؟	؟	؟
سنگاپور	۲۵۷	۱۴۱	؟	۰/۱	۶۰	۱۱۰
سنگال	؟	؟	؟	؟	۹	۹۳
سوئد	۴۲	۹۳	۴۸۶	۱	۵۳	۸۰
سوئیس	۲۸۳	۳۳	۳۶	۰/۳	۲۸	۱۳۸
سوازیلند	؟	؟	؟	؟	؟	؟
سودان	۳۹	؟	؟	؟	۱۰۴	۱۸۵
سورینام	؟	؟	؟	؟	۲	۱۰۰
سوریه	۳۹۰	؟	؟	؟	۳۱۶	۷۹
سیرالئون	؟	؟	؟	؟	۳	۹۷
سیشل	؟	؟	؟	؟	؟	۱۷
شیلی	۱۰۳	۱۶	؟	؟	۸۷	۸۶
عربستان سعودی	۱۱۴۲	۱۴۳	؟	؟	۲۰۲	۳۲۲
عمان	؟	۳۰	؟	؟	۴۴	۱۴۹
غنا	۱	۹	؟	؟	۷	۴۶
فرانسه	۱۰۱۸	؟	۱۲۸۸	۸/۶	۲۹۴	۶۳
فنلاند	۵۶	۱۰	۳	؟	۳۲	۸۷
فیجی	؟	؟	؟	؟	۴	۱۳۰
فیلیپین	۴۳	۱۳	؟	؟	۱۰۶	۹۲
قبرس	۱۰۴	۱۵	؟	؟	۱۰	۱۰۰
قرقیزستان	؟	؟	؟	؟	۹	؟
قزاقستان	؟	۳۱	۹	۰/۲	۶۴	؟
قطر	۱۶	۸	؟	؟	۱۲	۲۰۵
کامبوج	؟	؟	؟	؟	۱۴۰	۴۰۰
کامرون	؟	۱	؟	؟	۱۳	۱۷۹

نام کشور	خرید و فروش سلاحهای متعارف (بر اساس قیمتهای سال ۱۹۹۰) — واردات (میلیون دلار) (۱۹۹۱)	واردات (میلیون دلار) (۲۰۰۱)	صادرات (میلیون دلار) (۲۰۰۱)	صادرات — درصد صادرات جهان (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱)	تعداد نیروهای مسلح — هزار نفر (۲۰۰۰)	نسبت به سال ۱۹۸۵ (۱۹۸۵=۱۰۰)
کانادا	۶۴۶	۴۷۰	۱۵۲	۰/۹	۵۹	۷۱
کروآسی	؟	۵۹	؟	؟	۶۱	؟
کره جنوبی	۸۳۲	۴۰۱	۱۵۰	۰/۲	۶۸۳	۱۱۴
کستاریکا	؟	؟	؟	؟	؟	؟
کلمبیا	۵۱	۲۲۲	؟	؟	۱۵۲	۲۳۰
کنگو، جمهوری	؟	؟	؟	؟	۱۰	۱۱۵
کنگو، جمهوری دموکراتیک	؟	؟	؟	؟	۵۶	۱۱۶
کنیا	۱۳	؟	؟	؟	۲۲	۱۶۲
کوبا	۹۶	؟	؟	؟	۵۸	۳۶
کومور	؟	؟	؟	؟	؟	؟
کویت	۵۹۵	۳۴	؟	۰/۱	۱۵	۱۲۸
کیپ ورد	؟	؟	؟	؟	۱	۱۴
گابون	؟	؟	؟	؟	۵	۱۹۶
گامبیا	؟	؟	؟	؟	۱	۱۶۰
گرجستان	؟	۸۰	؟	۰/۲	۲۷	؟
گرنادا	؟	؟	؟	؟	؟	؟
گواتمالا	؟	؟	؟	؟	۳۱	۹۹
گویان	؟	؟	؟	؟	۲	۲۴
گینه	؟	۱۵	؟	؟	۱۰	۹۸
گینه استوایی	؟	؟	؟	؟	۱	۵۹
گینه بیسائو	۶	؟	؟	؟	۷	۸۵
لائوس	؟	؟	؟	؟	۲۹	۵۴
لاتویا	؟	۲۲	؟	؟	۵	؟
لبنان	؟	۱	۴۵	؟	۶۴	۳۶۶
لسوتو	۴	۲	؟	؟	۲	۱۰۰
لوکزامبورگ	؟	؟	؟	؟	۱	۱۱۴
لهستان	۱۴۸	۶۳	۴۴	۰/۳	۲۱۷	۶۸
لیبی	؟	؟	؟	؟	۷۶	۱۰۴
لیتوانی	؟	۱۹	؟	؟	۱۳	؟
ماداگاسکار	؟	؟	؟	؟	۲۱	۱۰۰
مالاوی	؟	؟	؟	؟	۵	۹۴

تنها با ۸۰ درخواست پناهندگی موافقت شده است. اما قصد بسیاری از این افراد، عبور از روسیه و رفتن به اروپا و امریکا از طرق قانونی یا غیر قانونی است.

کشورهای غربی که شوروی سابق را برای ندادن اجازهٔ خروج از کشور به مردم مورد انتقاد قرار می‌دادند با وضع قوانین دشوار مهاجرت، بر تعداد مهاجرینی که به ناچار در روسیهٔ فدرال ماندگار خواهند شد، می‌افزایند.

ناتو و محیط زیست

کمیتهٔ ویژه ناتو دربارهٔ چالش‌های جامعهٔ نوین، طی گزارشی بعضی از مشکلاتی که در طول ۲۵ سال فعالیت نظامی در کشورهای مختلف بروز کرده است را منتشر کرد. از جمله موارد اشاره شده در این گزارش عبارتند از: نشت سموم یا مواد شیمیایی خطرناک، در حین حمل و جابجایی آنها در وسایل نقلیهٔ نظامی، آلودگی آبها در مناطق ساحلی، آلودگی هوا در نواحی کارخانجات یا از طریق دود موتورخانهٔ کشتی‌ها، تخلیهٔ زباله‌های نظامی، مواد آلاینده و حتی زباله‌های حاوی مواد رادیواکتیو در مناطق مختلف و رودخانه‌ها و بالاخره آلودگی صوتی.

آلمان باعضویت در ناتو نزدیک به ۶۰۰ هزار پرواز نظامی در سال انجام می‌دهد و بیش از یک ششم این تعداد، تنها در ارتفاع ۲۲۵ پایی زمین صورت می‌گیرد. هریک از جت‌های اف-۱۶ علاوه بر بنزین مخصوص به طور متوسط ۲۷ لیتر هیدرازین (سوختی سمی و مهلک) را حمل می‌کند. فقط یک گرم هیدرازین برای کشتن یک انسان کافی است.

از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۸ هواپیماهای مزبور حدود ۲۲۰ هزار تن گازهای سمی مانند اکسید نیتروژن، دی‌اکسید کربن، هیدروژن کارباید، دی‌اکسید سولفور و دوده را در فضای آلمان غربی پخش کرده‌اند و در یک مورد، بنزین منتشر شده باعث بروز آتش‌سوزی وسیعی در جنگلهای نزدیک پایگاه نظامی امریکا در شهر رامشتین شد.

بسیاری از هواپیماها بر اثر برخورد با پرندگان، سقوط کردند و در سال ۱۹۸۸، حدود ۱۲۰ نفر در اینگونه سوانح هوایی جان خود را از دست دادند. پرواز هواپیماها در سطح پایین

نام کشور	خرید و فروش سلاحهای متعارف (بر اساس قیمتهای سال ۱۹۹۰) — واردات (میلیون دلار) (۱۹۹۱)	واردات (میلیون دلار) (۲۰۰۱)	صادرات (میلیون دلار) (۲۰۰۱)	صادرات — درصد صادرات جهان (بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱)	تعداد نیروهای مسلح — هزار نفر (۲۰۰۰)	نسبت به سال ۱۹۸۵ (۱۹۸۵=۱۰۰)
مالت	؟	؟	؟	؟	۲	۲۶۲
مالدیو	؟	؟	؟	؟	؟	؟
مالزیا	۳۴	۲۰	؟	؟	۹۶	۸۷
مالی	؟	؟	؟	؟	۷	۱۵۱
مجارستان	۲۸	۱۴	؟	؟	۴۴	۴۱
مصر	۸۶۶	۴۸۶	؟	؟	۴۴۸	۱۰۱
مغرب	۵۹	؟	؟	؟	۱۹۸	۱۳۳
مغولستان	؟	؟	؟	؟	۹	۲۸
مقدونیه	؟	۱۲۶	؟	؟	۱۶	؟
مکزیک	۲۸	۱۳	؟	؟	۱۹۳	۱۴۹
موریتانی	۱۷	؟	؟	؟	۱۶	۱۸۵
موریس	؟	؟	؟	؟	؟	؟
موزامبیک	؟	؟	؟	؟	۶	۳۹
مولداوی	؟	؟	۵	۰/۲	۱۰	؟
میانمار	۱۸۵	؟	؟	؟	۳۴۴	۱۸۵
نامیبیا	؟	۲۵	؟	؟	۹	؟
نپال	؟	۱۰	؟	؟	۵۰	۲۰۰
نروژ	۳۸۳	۱۰۹	۱۵۶	۰/۲	۲۷	۷۲
نیجر	؟	؟	؟	؟	۵	۲۴۱
نیجریه	۲۰	۱	؟	؟	۷۶	۸۱
نیکاراگوآ	۱	؟	؟	؟	۱۶	۲۵
وانوآتو	؟	؟	؟	؟	؟	؟
ونزوئلا	۲۶۲	۱۱۶	؟	؟	۵۶	۱۱۴
ویتنام	؟	۷۴	؟	؟	۴۸۴	۴۷
هائی‌تی	؟	؟	؟	؟	؟	؟
هلند	۱۸۹	۱۵۳	۲۲۵	۱/۸	۵۲	۴۹
هند	۱۲۸۸	۱۰۶۴	۱	؟	۱۳۰۳	۱۰۳
هندوراس	؟	؟	؟	؟	۸	۵۰
هنگ کنگ (چین)	؟	؟	؟	؟	؟	؟
یمن	۷۴	۳۳	؟	؟	۶۶	۱۰۳
یونان	۴۵۹	۸۹۷	۱۱	۰/۱	۱۵۹	۷۹

عواقبی چون کاهش تخم گذاری مرغان خانگی، کوچ پرندگان مهاجر، از بین رفتن لانه‌های پرندگان، سکته‌های قلبی، سقط جنین وایجاد اختلال در شنوایی کودکان را در پی داشته است. همچنین برخی از کودکان از ترس صدای هواپیماها در روزهای آفتابی از خانه خارج نمی‌شوند و بسیاری دیگر حتی از سایهٔ پرندگان نیز وحشت می‌کنند.

بخش سوم

گیتاشناسی کشورها



راهنمای استفاده از جدول‌ها

برای ایجاد سهولت در یافتن برخی توضیحات ضروری در مورد اصطلاحات به کار رفته در جداول کشورها، این اصطلاحات به صورت الفبایی تنظیم شده است.

اسامی دیگر: در این بخش اسامی قدیمی، تاریخی و نظایر آن آورده شده است.

امید به زندگی: یا به عبارت کاملتر «امید به زندگی در هنگام تولد»، متوسط سن مردم هر کشور را بیان می‌دارد. از آنجایی که معمولاً امید به زندگی در مورد زنان از رقم بالاتری در مقایسه با مردان برخوردار است، از این رو رقم نخست مربوط به زنان و رقم دوم به مردان اختصاص یافته است. بدیهی است، ارقام بالاتر شرایط بهداشتی بهتر را نشان می‌دهد.

انرژی / میزان تولید (میزان مصرف): در این قسمت دو گروه آمار ذکر شده است: یکی مقدار تولید هریک از حامل‌های انرژی مانند: برق، زغال‌سنگ، نفت خام و تصفیه شده و گاز طبیعی و غیره و دیگری مقدار مصرف هریک از حامل‌های فوق که در داخل پرانتز ذکر گردیده‌اند. در هر دو مورد از واحد یکسانی برای سنجش حامل‌های انرژی استفاده گردیده است.

اینترنت: تعداد کاربران اینترنت تخمینی است و از طریق بررسی‌های جانبی به دست آمده است.

بدهی خارجی: ارقام این بخش نشان‌دهنده میزان بدهی‌های یک دولت یا زیر مجموعهٔ دولت و آن بخش از بدهی‌های بخش خصوصی است که بازپرداخت آن توسط دولت تضمین شده و واحد آن معمولاً[*] دلار است.

بنادر مهم: در این بخش عمدتاً بنادری که در مجاورت دریاهای آزاد قرار دارند ذکر شده و فقط در چند مورد استثناء، آن هم در مورد کشورهایی که به دریاهای آزاد راه ندارند، بنادر واقع در کنار دریاچه‌های بزرگ ذکر شده‌اند.

پایتخت: علاوه بر نام پایتخت، سعی شده است در این بخش آخرین آمار قابل دسترسی در مورد جمعیت هر پایتخت نیز ذکر گردد.

پیش‌بینی جمعیت: نشریهٔ وضعیت جمعیت جهان در سال ۲۰۰۰ ملاک عمل بوده و در مورد بعضی کشورها آمار سالیانهٔ بریتانیکا ۲۰۰۱ مورد استفاده قرار گرفته است.

تاریخ استقلال: از آنجایی که هر کشور روند مخصوص به خود را در روند کسب استقلال طی نموده و از نظر مردم آن کشورها نیز تاریخ‌های متفاوتی در مورد زمان استقلال آنها موجود است، حتی‌المقدور تاریخی ذکر شده که مبین اعمال عملی استقلال هر کشور باشد.

تراز بازرگانی: بیانگر موازنه میان کل صادرات و واردات هر کشور بوده و کالاهایی که بدون هیچ تغییر مجدداً صادر شده‌اند مستثنی شده‌است. ارقام مثبت نشان دهندهٔ فزونی صادرات بر واردات و ارقام منفی نمایندهٔ فزونی واردات بر صادرات است. درصد کل نیز مبین مقدار این تفاوت نسبت به جمع مبلغ صادرات و واردات می‌باشد.

تراکم جمعیت: برای تعیین تراکم جمعیت طرق مختلفی وجود دارد که در این کتاب تنها به در نظر گرفتن مساحت و جمعیت هر کشور بسنده شده و از طریق تقسیم جمعیت بر مقدار مساحت، عدد متعلق به تراکم جمعیت به دست آمده است.

تعداد اتومبیل: آمار ارائه شده در این بخش از سالنامهٔ بریتانیکا نقل شده که مأخذ آن نیز «آمار راه‌های جهان» است که از انتشارات فدراسیون بین‌المللی راه می‌باشد.

تعداد پزشک: آمارهای ارائه شده در این کتاب به آن دسته از افرادی اطلاق می‌گردد که بنابر استانداردهای سازمان بهداشت جهانی مدارج علمی مورد لزوم را طی کرده و پزشک شناخته شده‌اند. بدیهی است آن گروه از پزشکانی که در بخش‌های اداری، آموزشی، تحقیقاتی و مانند آن نیز به کار مشغولند، در این قسمت منظور گردیده‌اند.

تعداد تخت بیمارستان: آمار این قسمت در مورد تخت‌هایی است که به طور تمام وقت در اختیار بیماران قرار دارد و به عبارت دیگر تخت‌هایی در نظر گرفته شده که از آنها به منظور بستری کردن بیماران در بیمارستان‌های خصوصی یا دولتی استفاده شده است.

تعداد دام زنده: تعداد احشام موجود در دامپروری‌های هر کشور را در عرض یک سال بیان می‌دارد.

تعداد کامیون و اتوبوس: ارقام ذکر شده در این بخش نیز از نشریهٔ «آمار راه‌های جهان» از انتشارات فدراسیون بین‌المللی راه، نقل شده است.

تعداد مبتلایان به ایدز: از گزارش توسعهٔ انسانی در سال ۲۰۰۰ استخراج شده و مأخذ آن گزارش مشترک سازمان جهانی بهداشت و برنامهٔ ملل متحد برای مبارزه با ایدز در سال ۲۰۰۰ است. در قسمت اول این آمار، تعداد کل مبتلایان به ایدز ذکر شده و در بخش دوم نسبت بیماران موجود در سنین ۱۵ تا ۴۹ سال به کل جمعیت کشور آمده است.

تعداد مبتلایان به سل: از آمارهای منتشره توسط سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۰ استخراج گردیده و شمار بیماران را در هر یکصد هزار نفر بیان می‌دارد.

تلفن: این ارقام توسط ادارات مخابرات کشورها ارائه شده و از دقت نسبتاً کافی برخوردار است.

تلفن همراه: این ارقام نیز مانند تلفن از سوی سازمان‌های ذیربط اعلام گردیده و از دقت نسبتاً کافی برخوردار است.

تلویزیون: آمار گیرنده‌های تلویزیونی موجود تخمینی است و آمار دقیقی برای آن وجود ندارد.

توزیع جنسی: از سالنامهٔ بریتانیکا اقتباس شده و مبنای آن شمار مردان یا زنان نسبت به کل جمعیت بوده است.

توزیع سنی: ارقام مربوط به این بخش بر اساس آخرین آمارهای موجود تدوین گردیده و معمولاً به طور ثابت چهار گروه سنی زیر ۱۵ سال، ۱۵ تا ۲۹ سال، ۳۰ تا ۵۹ سال و ۶۰ سال به بالا را در بر می‌گیرد.

توزیع نیروی کار: آمارهای این بخش عمدتاً بر اساس سه گروه شغلی عمده یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات تهیه گردیده و بیکاران و جویندگان کار نیز بر اساس پیشینهٔ شغلی خود در یکی از سه گروه فوق قرار می‌گیرند. در بعضی موارد استثنایی شمار بیکاران جداگانه محاسبه، و در این قسمت منظور گردیده است.

تولیدات صنعتی: آمار این قسمت عمدتاً بر اساس قیمت کل ذکر شده و در پاره‌ای موارد ارزش افزوده یا وزن تولیدات صنعتی مبنای محاسبه بوده است.

تولیدات معدنی: در این بخش فقط آمارهای مربوط به بهره‌برداری از معادن ذکر شده و ذخایر معدنی موجود در هر کشور در نظر گرفته نشده است. در مورد کشورهایی که شمار اقلام استخراجی آنها زیاد بوده است فقط به معدودی از آنها که با خانهٔ جدول متناسب بوده، اکتفا شده است.

تولید تخم‌مرغ: فقط تخم مرغان خانگی را شامل بوده و آمار آن بر اساس وزن آن و بر حسب تن (۱۰۰۰ کیلوگرم) تعیین گردیده است.

تولید چوب: این شاخص تولید انواع چوب در هر شکل را در بر می‌گیرد و شامل بریدن درخت جنگل‌ها و یا جنگل‌های مصنوعی (با پوست یا بدون پوست) می‌شود.

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن: ارقام مذکور در این بخش از سوی مرکز تجزیه و تحلیل اطلاعات دی‌اکسید کربن، در سال ۱۹۹۹ انتشار یافته است.

تولید مرغ: آمارهای این بخش که از سالنامهٔ بریتانیکا نقل شده، توسط سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) تهیه شده و ناظر بر تولید مرغ در طی یک دورهٔ یک ساله می‌باشد.

تولید ناخالص ملی: آمار ارائه شده در این بخش میزان تولید ناخالص ملی را طی یک سال بیان می‌کند و غیر از موارد استثناء، بر اساس قیمت‌های جاری می‌باشد. در برخی موارد که آمار مربوط به تولید ناخالص ملی در دسترس نبوده، تولید ناخالص داخلی ذکر شده است.

جمعیت: آمار جمعیت ذکر شده در این قسمت بر اساس تخمین‌هایی است که در کتاب سالنامه بریتانیکا ذکر شده و به جز چند مورد استثناء بقیه موارد از این منبع استفاده شده است.

جمعیت شهری: علاوه بر ذکر نسبت جمعیت شهرنشین به کل جمعیت کشور، رشد سالانهٔ جمعیت شهری نیز برآورد شده و ذکر گردیده است.

جهانگردی: بر مبنای دو عامل زیر بررسی شده:

الف - میزان پولی که گردشگران خارجی در کشور مورد نظر خود خرج می‌کنند.

ب - مقدار پولی که گردشگران داخلی با خود از کشور خارج می‌سازند و در کشور یا کشورهای دیگر هزینه می‌کنند.

درآمد بودجه: آمار ذکر شده برای درآمدهای بودجه فقط مربوط به دولت مرکزی و فعالیت‌های آن است و بودجه‌های استانی، ایالتی و یا نظایر آن را در بر نمی‌گیرد.

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: طبق تعاریف سازمان جهانی بهداشت، دلایل مرگ و میر عبارت است از بیماری یا جراحتی که شرایط مرگبار را فراهم آورد یا مستقیماً به مرگ منجر شود. طبقه‌بندی دلایل مرگ و میر توسط سازمان جهانی بهداشت صورت می‌گیرد و تا کنون ده بار مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفته است.

دین: آمار مربوط به این قسمت تمام پیروان ادیان و مذاهب را، بدون توجه به میزان تقید آنان، نسبت به کل جمعیت نشان می دهد و معمولاً دین والدین به کودکان آنها نیز تعمیم یافته است. در مورد کشورهایی که دین رسمی آنها طبق قانون اساسی مشخص شده، آن دین نیز ذکر گردیده است.

رئیس حکومت: منظور از رئیس حکومت در این بخش، شخصی است که به عنوان نماد رسمی کشور شناخته می‌شود و معمولاً[*] رئیس جمهور یا پادشاه است که حیطهٔ وظایف وی بر اساس قوانین اساسی هر کشور، متفاوت می‌باشد. در حکومت‌های سلطنتی مشروطه، پادشاه عملاً از قدرت اجرایی برکنار است و فقط سمتی تشریفاتی دارد. در این بخش همچنین زمان به قدرت رسیدن رئیس حکومت و همچنین نحوهٔ تعیین رؤسای جمهور و مدت دورهٔ آنان ذکر گردیده است. البته چون بیشتر رؤسای جمهور مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند، این گزینه ذکر نشده و هرجا که رئیس جمهور توسط پارلمان یا هر مرجع غیر مستقیم دیگر انتخاب

می‌شود، مشخص شده است.

رئیس دولت: منظور از این عنوان شخصی است که امور اجرایی کشور به عهدهٔ او است و ممکن است رئیس جمهور، نخست‌وزیر و یا صدراعظم این مسئولیت را بر عهدهٔ داشته باشد. در برخی کشورها رئیس دولت همان رئیس کشور، یعنی رئیس جمهور است و وی هم نماد رسمی کشور محسوب می‌شود وهم امور اجرایی را به عهده دارد. در این گونه موارد که نخست‌وزیر وجود ندارد، معاون رئیس جمهور به عنوان قائم مقام و یا دستیار رئیس جمهور، وی را در ادارهٔ امور یاری می‌دهد.

رادیو: در این مورد آمار دقیقی وجود ندارد و ارقام ارائه شده صرفاً اعدادی تخمینی است که بر اساس برخی پژوهش‌ها نظیر بررسی میزان خرید و فروش رادیو، تعداد خانه‌های موجود در یک کشور ومانند آن تهیه شده است.

راه: در برگیرندهٔ کل راه‌های موجود در یک کشور است و راه‌های شوسه، آسفالته، بزرگراه و آزادراه‌ها را شامل می‌گردد و بر حسب کیلومتر بیان می‌شود.

راه‌آهن: آمارهای این بخش در بر گیرندهٔ تمام راه‌آهن‌های موجود در هر کشور می‌شود و فقط خطوط مانوری و فرعی موجود در ایستگاه‌ها، استثناء شده است. مأخذ این آمارها نشریهٔ آمارهای بین‌المللی راه‌آهن از انتشارات اتحادیه بین‌المللی راه‌آهن می‌باشد.

رایانهٔ شخصی: در این مورد نیز آمار دقیقی وجود ندارد ومانند رادیو با بررسی مسائل جانبی، ارقام تخمینی در مورد تعداد رایانه‌های شخصی در هر کشور به دست آمده است.

رشد سالانهٔ تولید ناخالص ملی: آمار این بخش از نشریه گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۰۰ اقتباس گردیده و بر اساس میانگین سالانه ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ تهیه شده است. در برخی موارد که نام کشوری در جدول گزارش توسعهٔ انسانی ذکر نشده، از منابع دیگر استفاده شده است.

رشد سالانهٔ جمعیت: در مورد اکثریت قریب به اتفاق کشورها از نشریهٔ وضعیت جمعیت جهان در سال ۲۰۰۰ که از سوی دفتر جمعیت سازمان ملل متحد (آنفپا) منتشر شده اخذ گردیده است و مبنای محاسبهٔ آن میانگین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ بوده است.

رشد طبیعی جمعیت در هر هزار نفر: ارقام ذکر شده در این بخش، از مقایسه میزان تولد در هر هزار نفر و میزان مرگ و میر در هر هزار نفر به دست آمده و نمایانگر مقدار افزایش سالانه جمعیت بدون محاسبهٔ سایر عوامل نظیر مرگ و میر کودکان و مهاجرت می‌باشد.

روز ملی: روزی است که در تاریخ هر کشور از اهمیت خاصی برخوردار است و عمدتاً سالروز استقلال یا تشکیل حکومت موجود و یا قیام ملی به عنوان روز ملی شناخته می‌شود که عمدتاً در قانون اساسی و یا قوانین موضوعه مربوط به این مسئله به طور رسمی ذکر می‌شود. در این کتاب علاوه بر آن که روز ملی به لحاظ تاریخ ذکر شده، تا آنجا که منابع در دسترس بوده، به مناسبت آن نیز اشاره شده است.

روزنامه: آمار نشریاتی است که به طور مرتب و در طی روزهای هفته منتشر می‌گردند. از آنجایی که در بسیاری از کشورها شمار روزنامه‌ها همواره در تغییر است و شمارگان یا تیراژ آنها نیز دستخوش دگرگونی است، از این رو رعایت احتیاط در کاربرد آمارهای مزبور ضروری به نظر می‌رسد.

زبان و خط: در این قسمت زبان‌های رسمی در تقدم یک قرار گرفته و زبان‌های مهم دیگری چون زبان اقلیت‌های قومی نیز منظور گردیده و خط رسمی کشور در مرحلهٔ آخر جای گرفته است.

زمان دوبرابر شدن جمعیت: در این مبحث با استفاده از وضعیت فعلی هر کشور به لحاظ رشد جمعیت، پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته و بر همین اساس با تغییر شرایط جمعیتی هر کشور طی سال‌های آینده ممکن است که این ارقام عملاً موضوعیت خود را از دست بدهند. شایان ذکر است که در مورد کشورهایی که از رشد جمعیت بسیار کم و یا منفی برخوردارند، عملاً زمانی برای دوبرابر شدن جمعیت آنها متصور نیست و یا این که حداقل در صد سال آینده جمعیت آنها به دوبرابر میزان کنونی نخواهد رسید.

سرانهٔ تولید ناخالص ملی: از تقسیم مقدار تولید ناخالص ملی به جمعیت کل کشور به دست آمده و عمدتاً برحسب دلار امریکا محاسبه شده است.

سرانهٔ کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: مقادیر ذکر شده در این مورد، از آمارهای تخمینی یونسکو در سال ۱۹۹۹ استخراج گردیده است.

سرانهٔ مصرف روزانهٔ کالری: در این قسمت نخست میانگین مصرف روزانهٔ کالری توسط افراد یک کشور بیان شده و سپس نسبت این میزان به حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در داخل پرانتز ذکر گردیده است. لازم به توضیح است که حداقل کالری توصیه شده توسط فائو برای کشورهای مختلف متناسب با شرایط اقلیمی آنها متفاوت است به طوری که برای کشورهای سردسیر از مقدار بالاتری برخوردار است و افزون بر آن مقدار پروتئین مصرفی و میزان چربی مصرفی روزانه نیز به طور متوسط ذکر گردیده است. در مواردی که آمار مصرفی پروتئین و چربی وجود نداشته، آمار مصرفی فرآورده‌های گیاهی یا گوشتی و لبنی آورده شده است.

سطوح آموزشی: در این بخش شمار مراکز آموزشی فعّال و همچنین معلمان و استادان و دانش‌آموزان هر مقطع تحصیلی مشخص گردیده است. برای مقطع ابتدایی سنین ۷ تا ۱۲ سال و برای مقطع متوسطه سنین ۱۳ تا ۱۹ سال تعیین شده و مقطع‌های فنی و حرفه‌ای نیز جزء دوره متوسطه به حساب آمده است. مدارج فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر جزء دوره‌های عالی منظور گردیده است.

شاخص توسعهٔ انسانی: برنامهٔ توسعهٔ ملل متحد (آندپ)، از سال ۱۹۹۰ گزارش سالانه‌ای را در بارهٔ وضعیت جمعیت در جهان منتشر نموده که طی آن، ضمن انتشار آمارها و جداول گوناگون به بررسی وضعیت زیستی جوامع و کشورها می‌پردازد. از جمله فعالیت‌های این نهاد، تعیین «شاخص توسعهٔ انسانی» (اچ دی آی) است که به طور مرتب و همه ساله بر مبنای میانگین «امید به زندگی در هنگام تولد»، «آموزش و پرورش» و «درآمد» تعیین و اعلام می‌گردد. آمار ذکر شده در این قسمت از نشریه گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۰ که بر مبنای آمارهای سال ۱۹۹۸ تهیه گردیده، استخراج شده است. طبق بررسی‌های این گزارش، کشور کانادا در سال ۱۹۹۸ با کسب شاخص ۰/۹۳۵، رتبهٔ اول کشورهای جهان را به خود اختصاص داده، و کشور سیرالئون با کسب شاخص ۰/۲۵۲ در رتبهٔ صد و هفتاد و چهارم قرار گرفته است. لازم به یادآوری است که تعداد کشورهای مورد بررسی در سال‌های مختلف فرق می‌کند و در سال ۲۰۰۰ فقط ۱۷۴ کشور مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

شاخص قیمت‌ها و درآمدها: از مقایسهٔ تغییرات شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی و همچنین شاخص درآمدها در یک دورهٔ زمانی معین به دست آمده است. از مقایسهٔ این دو شاخص در یک دورهٔ زمانی معین افزایش یا کاهش قدرت خرید یک جامعه حاصل می‌گردد.

شهرهای مهم: در این بخش شهرهای مهم بر اساس آخرین آمار جمعیتی موجود ذکر شده است از آنجا که برای همهٔ کشورها ۲ سطر برای این مبحث در نظر گرفته شده، ممکن است در مورد کشورهای بزرگ که شهرهای مهم زیادی دارند، تعدادی از آنها، درج نشده باشد.

صادرات: ابتدا میزان صادرات هر کشور، در طی یک دورهٔ یک ساله که عمدتاً بر مبنای واحد پول هر کشور می‌باشد، ذکر شده و سپس میزان کالاهای صادراتی به درصد آمده است. در پایان نیز کشورهای مقصد که صادرات به آنها صورت گرفته، ذکر شده است. نکتهٔ قابل ذکر این که، برخی کشورها در اقلام صادراتی خود، صادرات مجدد نیز دارند که منظور کالاهایی است که به منظور صادرات به کشور ثالث وارد شده و بدون هیچ تغییری، مجدداً صادر می‌شود.

صید ماهی: بیانگر میزان استحصال آبزیانی چون ماهیان، سخت‌پوستان، نرم‌تنان و مانند آن است، ولی وال، شیر دریایی (سیل) و دیگر پستانداران دریایی را شامل نمی‌گردد. ماهیان و آبزیانی که از آب‌های داخلی صید گردیده و یا در بندرهای داخلی و خارجی تخلیه یا بارگیری شده باشند در همین ردیف منظور می‌گردند.

عضویت در سازمان‌های بین‌المللی: تحت این عنوان، ابتدا عضویت هر کشور در سازمان ملل و تاریخ عضویت در این سازمان مشخص شده و سپس نام سایر سازمان‌هایی که کشور مورد نظر در آنها عضویت دارد، آمده است. برای رعایت اختصار، اسامی بیشتر سازمان‌ها به طور مخفف ذکر شده که راهنمای اسامی مخفف نیز در صفحه ۶۴ کتاب آمده است. به علاوه توضیحات مبسوطی در مورد سازمان‌های بین‌المللی در بخش پنجم کتاب ذکر گردیده است.

فرودگاه: ارقام ضبط شده در این قسمت از نشریه آمارهای حمل و نقل هوایی جهان، مربوط به انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی (یاتا) ذکر شده و در برگیرندهٔ آمار فرودگاههایی است که در آنها پروازها بر اساس جداول از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد.

قوهٔ مقننه: در این بخش سعی شده به طور خلاصه تاریخ ایجاد و تدوین قانون اساسی موجود و تاریخ آخرین تغییرات در آن آورده شود. به علاوه نام مجلس یا مجالس قانونگذاری، تعداد اعضای آنها، مدت دورهٔ هر مجلس قانونگذاری، نحوهٔ انتخاب یا انتصاب اعضای آن و همچنین نتایج آخرین انتخابات موجود ذکر شده است. در مورد بیشتر کشورها سعی شده که نتایج دو دوره از انتخابات ذکر گردد تا بدین وسیله تغییرات حاصل در تعداد کرسی‌های احزاب مشخص گردد.

کاربری زمین: میزان توزیع زمین بر اساس پوشش گیاهی زمین و کاربری اقتصادی آن در نظر گرفته شده و عوارضی مانند آب‌ها و دریاچه‌های داخلی منظور نشده‌اند. در این زمینه، چهار گزینهٔ زیر مورد توجه بوده‌اند:

الف - کشاورزی: شامل زمین‌هایی که زیر کشت دائمی یا موقت قرار داشته‌اند.

ب - مرتع و چمنزار: شامل زمین‌هایی که به طور دائم یا موقت برای تغذیه دام و احشام منظور شده‌اند.

پ - جنگل: که در بر گیرندهٔ جنگل‌های طبیعی و مصنوعی است.

ت - سایر موارد: که عمدتاً مناطق مسکونی و تأسیسات دیگر را در بر می‌گیرد.

کتاب: آمار کتاب‌ها و نشریاتی را مشخص می‌سازد که شمار صفحات آن بیش از ۴۹ بوده و به صورت مجلدات جداگانه به چاپ رسیده‌اند. بدیهی است نشریات تبلیغاتی، برنامه حرکت قطارها و امثال آن و دفاتر راهنمای تلفن، فهرست قیمتها و کاتالوگ‌ها جزء این گروه به شمار نخواهند آمد. آن دسته از کتاب‌ها و آثاری که به طور همزمان در چند کشور چاپ و منتشر می‌شوند، در آمار هر کشور به طور جداگانه منظور گردیده است.

کشتی بالای صد تن: آمارهای مربوط به این بخش، از جداول آماری کشتیرانی شرکت بیمه لویدز استخراج شده است. نکته قابل ذکر این است که این ارقام نشان‌دهندهٔ کشتیهای به ثبت رسیده در یک کشور است و ممکن است در برخی کشورهای بسیار کوچک، به لحاظ قوانین مالیاتی سهل گیرانهٔ این کشورها، تعداد زیادی کشتی تجاری از سوی شرکت‌های خارجی به ثبت رسیده باشد، که این نشان‌دهندهٔ تملک آن کشور یا اتباع آن بر این کشتی‌ها نیست.

کمک‌های خارجی: ارقام این شاخص به صورت منفی یا مثبت ذکر شده است. شاخص‌های منفی نشان‌دهندهٔ آن است که کشور مورد نظر این مقدار از کمک را به سایر کشورها پرداخته و در نتیجه از دارایی‌های کشور کاسته شده است. شاخص‌های مثبت نشان‌دهندهٔ دریافت کمک از سایر کشورها است و در حقیقت به میزان دریافتی‌ها افزوده شده است.

مجلات ادواری: طبق تعریف یونسکو، مجلهٔ ادواری عبارت است از نشریه‌ای که در طی دوره‌های منظم منتشر می‌شود و برای ارائه به عموم مردم در نظر گرفته شده است. طبق این تعریف بولتن‌ها و نشریاتی که به طور مرتب و در دوره‌های مشخص چاپ می‌شوند، اما در حیطهٔ ادارات و سازمان‌ها پخش می‌شوند، جزء مجلات ادواری محسوب نمی‌شوند.

محصولات کشاورزی: ارقام این بخش عمدتاً در برگیرندهٔ محصولات کشاورزی، یعنی آنچه مستقیماً از طریق کشت به دست می‌آید می‌باشد و معمولاً وزن آنها ذکر شده است. در بعضی مواقع برخی محصولات کشاورزی در معنای عام آن نیز در این بخش ذکر شده، مانند شیر، گوشت و نظایر آن. به علت محدودیت جدول در این بخش نیز میزان تولیدات کشاورزی فقط تا حد مقدور ذکر شده و ممکن است در مورد کشورهای بزرگ فقط عمده‌ترین محصولات کشاورزی ذکر شده باشد و سایر اقلام که در جدول جا نشده است، حذف شده باشند.

مرگ و میر کودکان در هر هزار تولد: آمار این بخش در بر گیرنده کودکانی است که قبل از رسیدن به یک سالگی فوت شده‌اند و به نوعی تعیین کننده سطح سلامت و بهداشت در جوامع مختلف می‌باشد.

مرگ و میر مادران در هر صد هزار تولد: این ارقام نشان دهنده میزان مرگ و میر مادران در اثر نارسایی‌های دوران بارداری و همچنین هنگام زایمان است که در مورد کلیهٔ کشورهایی که آمار آنها ذکر شده، مأخذ آمارها سال ۲۰۰۰ می‌باشد که به علت کمی جا، در جدول‌ها ذکر نشده است. لازم به ذکر است که ارقام این شاخص در حد فاصل صفر تا ۵۰ گرد نشده‌اند، اما از ۵۰ تا ۱۰۰ به ضریب ۵ گرد شده‌اند و اعداد ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ به ضریب ۱۰ و از ۱۰۰۰ به بالا به ضریب ۱۰۰ گرد شده‌اند.

مساحت: در این قسمت، تلاش شده تا با بررسی منابع مختلف و سیر تحولات کشورها، دقیق‌ترین ارقام ذکر گردد و به علاوه، رتبهٔ کشورها نیز ذکر گردیده است.

منشأ تولید ناخالص ملی: بیانگر سهم بخش‌های مهم اقتصادی در تولید ناخالص ملی است و نشریهٔ گزارش توسعهٔ انسانی سال ۲۰۰۰ ملاک عمل بوده است.

میانگین زایمان زنان بارور: ارقام این بخش از طریق بررسی‌های آماری هر کشور به دست آمده و نشان‌دهنده تعداد کودکانی است که هر زن بارور، به طور متوسط، در طی سنین باروری، یعنی از سن ۱۵ سالگی تا ۴۹ سالگی می‌تواند به دنیا آورد (بریتانیکا).

میزان ازدواج در هر هزار نفر: این آمار مربوط به ازدواج‌های رسمی و قانونی است که در میان هر ۱۰۰۰ نفر در طی یک سال به قوع پیوسته است.

میزان باسوادی: آماراین بخش دربر گیرندهٔ کلّیهٔ کسانی است که به سن تعلیم و آموزش خواندن و نوشتن رسیده و قدرت خواندن و نوشتن متن‌های یک زبان را دارا گردیده‌اند.

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ارقام این بخش که از طریق مقایسه تولید ناخالص داخلی نسبت به میزان کل مصرف هر کشور محاسبه شده، از نشریهٔ گزارش توسعهٔ انسانی در سال ۲۰۰۰ اقتباس گردیده است.

میزان تحصیلات: تحت این عنوان در کشورهای مختلف، آمار مربوط به دانش‌آموختگان مقاطع مختلف تحصیلی ذکر شده است. در مورد بیشتر این کشورها، این ارقام راجع به افراد بالاتر از ۲۵ سال ذکر شده، اما در مورد برخی کشورها، این آمارها در مورد افراد بالاتر از ۱۵ سال در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است که این آمار در برخی موارد که مشخص نیز نشده است، در بر گیرندهٔ سطوح تحصیلی افراد مشغول به تحصیل و یا نیروهای فعال اقتصادی می‌باشد.

میزان تولد در هر هزار نفر: آمار مربوط به این ردیف از سالنامهٔ بریتانیکا نقل شده و بر مبنای مقایسهٔ میزان تولد در هر کشور نسبت به کل جمعیت همان کشور محاسبه شده است.

میزان جنگل‌زدایی سالانه: آمار این بخش از گزارش توسعهٔ انسانی در سال ۲۰۰۰ استخراج گردیده و به طور معمول دو دورهٔ زمانی ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ و ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ مورد بررسی قرار گرفته و میانگین جنگل‌زدایی سالانه در هر دوره ذکر شده است. اعداد منفی در این شاخص نشان‌دهندهٔ آن است که در کشور مورد نظر میزان جنگل‌ها افزایش یافته است.

میزان سرمایه‌گذاری خارجی: در سال‌های اخیر، این شاخص یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نشان‌دهندهٔ رشد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود و ارقام بالاتر، یکی از علائم وجود ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

میزان طلاق در هر هزار نفر: ارقام این بخش مربوط به طلاق‌هایی است که به صورت قانونی اجرا شده و به ثبت رسیده است.

میزان مرگ و میر در هر هزار نفر: این آمار نیز از مقایسه تعداد کل مرگ و میرها نسبت به کل جمعیت به دست آمده است و ارقام بالاتر نشان‌دهندهٔ وضعیت نامساعد بهداشتی هر جامعه می‌باشد.

نام رسمی: در این بخش نامی که از سوی کشور مربوطه به عنوان نام رسمی کشور ذکر شده آورده شده است. اگرچه در بیشتر کشورها نام رسمی در حقیقت تعیین کنندهٔ نوع حکومت نیز هست، اما این امر در همه موارد ساری و جاری نیست و در برخی موارد امور کلی دیگری در آن مشخص می‌شود.

نام محلی: عبارت است از نام هر کشور به صورتی که در زبان رسمی آن کشور ذکر می‌شود و در بیشتر مواقع با نام بین‌المللی آن کشور یکسان نمی‌باشد.

نرخ تورم: اعداد مربوط به این شاخص از نشریه گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۰ اخذ شده وبا استفاده از منابع دیگر در حد امکان تکمیل شده و سالهای متعددی را در بر گرفته است.

نژاد / ملیت: آمار این قسمت از سالنامهٔ بریتانیکا اقتباس شده و توزیع جمعیت را بر اساس نژاد، قومیت یا گروه‌های زبانی نمایش می‌دهد و مأخذ آن ظاهراً سرشماری‌های رسمی یا مطالعات و بررسی‌های آماری است.

نوع حکومت: عموماً سعی شده در یک سطر و به طور خلاصه نوع حکومت، تعداد مجالس قانونگذاری و تاریخ اعمال آن در کشور مورد نظر نیز درج شود.

نیروی دفاعی: وضعیت و مدت خدمت وظیفه و شمار نفرات ارتش و نیروهای مسلح و توزیع عوامل دفاعی در نیروهای سه گانهٔ زمینی، هوایی و دریایی مورد نظر قرار داشته و سرانهٔ هزینهٔ دفاعی که از تقسیم کل هزینهٔ دفاعی بر تعداد کل جمعیت هر کشور به دست می‌آید نیز ذکر گردیده است.

نیروی کار: در محاسبهٔ نیروی کار چهار عامل زیر مورد نظر قرار داشته‌اند:

الف - جمعیت فعال اقتصادی: که بیانگر فعالیت در حوزهٔ اقتصادی است.

ب - نسبت نیروی کار به کل جمعیت: که از نسبت میان افراد شاغل و فعال به کل جمعیت حکایت می‌کند.

پ - میزان مشارکت: که بیانگر سن رسمی اشتغال و میزان مشارکت مردان و زنان یک جامعه است.

ت - میزان بیکاری: که از درصد بیکاران نسبت به کل نیروی کار حکایت دارد.

واحد پول: واحد پول رسمی کشورها بر مبنای مبادلات ارزها در سپتامبر ۲۰۰۰ تدوین شده و نرخ برابری آنها به دلار و ریال نیز بر مبنای هر دلار ۸۰۰۰، ۸ ریال در نظر گرفته شده است. در این کتاب، در هرکجا که دلار به تنهایی آمده، منظور دلار امریکا است که در مبادلات بین‌المللی بیش از هر پول دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجا که در طی مدت تهیه کتاب، نرخ برابری ارزها دچار تغییرات زیادی شده، در اینجا آخرین نرخ برابری ارزهای مهم با ریال که از سوی بانک ملی ایران در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۸۲ اعلام شده است، ذکر می‌گردد:

نام کشور (واحد پول)	خرید (ریال)	فروش (ریال)
اتحادیهٔ اروپا (یک یورو)	۹۱۰۰	۹۱۶۵
استرالیا (یک دلار)	۵۰۹۰	۵۱۵۰
امارات متحدهٔ عربی (یک درهم)	۲۲۱۳	۲۲۲۳
انگلستان (یک پوند)	۱۳۰۱۴	۱۳۰۷۹
ایالات متحدهٔ امریکا (یک دلار)	۸۱۴۲	۸۱۵۴
بحرین (یک دینار)	۲۱۳۰۶	۲۱۶۰۰
دانمارک (یک کرون)	۱۲۲۶	۱۲۳۶
ژاپن (صد ین)	۶۸۰۸	۶۸۶۷
سوئد (یک کرون)	۱۰۰۱	۱۰۱۰
سوئیس (یک فرانک)	۶۰۳۵	۶۰۹۰
سوریه (یک لیره)	۱۴۶	۱۵۰
عربستان سعودی (یک ریال)	۲۱۶۷	۲۱۷۷
کانادا (یک دلار)	۵۷۱۲	۵۷۶۷
کویت (یک دینار)	۲۶۴۱۰	۲۷۱۲۵
نروژ (یک کرون)	۱۱۵۸	۱۱۶۸

واردات: میزان واردات هر کشور در طی یک سال و عمدتاً بر مبنای واحد پول هر کشور محاسبه شده و حجم کالاهای وارداتی بر حسب درصد بیان گردیده است و کشورهای مبدأ که واردات از آنها صورت گرفته نیز مشخص شده‌اند.

ویژگیهای خانوار: در این بخش از جدول تا آنجا که آمارها موجود بوده، چندین شاخصه و ویژگی خانوار در هر کشور مورد بررسی قرار گرفته است. در ابتدا تعداد میانگین نفرات یک خانوار ذکر شده که ممکن است با هم نسبت فامیلی داشته باشند و یا خیر. سپس میانگین درآمد هر خانوار یعنی میزان دریافتی تمامی افراد بالای ۱۵ سال هر خانوار در طی یک دورهٔ معین (سالانه یا ماهانه) ذکر شده است. پس از آن منبع درآمد بر مبنای انواع درآمد از قبیل حقوق و دستمزد؛ خوداشتغالی؛ پرداخت‌های انتقالی (از قبیل مستمری، کمک‌های دولت، مستمری دوران بیکاری و نظایر آن) و سایر درآمدها (شامل بهره سهام، اجاره، زمینداری و نظایر آن) آمده است. میزان درآمد هر خانوار به صورت ناخالص و پیش از کسور متعلقه مانند مالیات ذکر شده است. آمار مربوط به هزینهٔ خانوار مربوط به مصارف شخصی یا هزینهٔ عمومی خانوار شامل کالا و خدمات است و معمولاً پس‌انداز، مالیات و بیمه در نظر گرفته نمی‌شود.

هزینه بودجه: مانند درآمد بودجه، ارقام ذکر شده مربوط به هزینه‌های دولت مرکزی است و هزینه‌های استانی، ایالتی و نظایر آن را در بر نمی‌گیرد. به علاوه هزینه‌های عمرانی که با کمک خارجی تأمین شده‌اند، معمولاً در این آمارها ذکر نشده است.

علائم اختصاری سازمان‌های بین المللی

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در توضیحات کشورها که از صفحهٔ مقابل آغاز می‌شود، عناوین بیشتر سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی به اختصار آورده شده تا حداکثر استفاده از صفحات کتاب به عمل آید. اکثر علائم اختصاری مورد استفاده، از صورت انگلیسی اسامی اخذ شده و به ترتیب الفبایی حروف اختصاری تنظیم گردیده است. توضیحات کلی مربوط به هریک از سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی نیز در بخش چهارم، از صفحهٔ ۵۲۹ به بعد آمده است.

آپک: شورای همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام.
آدب: بانک توسعه آسیا.
آسه‌آن: انجمن ملل جنوب شرقی آسیا.
آکپ: کشورهای افریقا، کارائیب و اقیانوس آرام.
آی - آدب: بانک توسعه ملل امریکایی.
افتا: انجمن بازرگانی آزاد اروپا.
اکو: سازمان همکاری اقتصادی.
اکوواس: جامعه اقتصادی کشورهای غرب افریقا.
او ا سی دی: سازمان همکاری اقتصادی و توسعه.
اوپک: سازمان کشورهای صادرکنندهٔ نفت.
اوسه: سازمان امنیت و همکاری اروپا.
اونکتاد: کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد.
ایبرد: بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی).
ایتو: اتحادیه بین‌المللی مخابرات راه دور.
ایدا: انجمن بین‌المللی توسعه.
ایدب: بانک توسعه اسلامی.
ایفک: بنگاه مالی بین‌المللی.
ایکائو: سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری.
ایلو: سازمان بین‌المللی کار.
ایمف: صندوق بین‌المللی پول.
ایمو: سازمان بین‌المللی کشتیرانی.
پیف: مجمع جزایر اقیانوس آرام.
سپک: کمیسیون اقیانوس آرام جنوبی.
سفتا: انجمن بازرگانی آزاد اروپای مرکزی.
سیس: کشورهای مستقل مشترک‌المنافع.
فائو: سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد.
فز: منطقه فرانک.
کاریکوم: جامعه و بازار مشترک کارائیب.
مرکوسور: بازار مشترک جنوبی.
ملل مشترک‌المنافع: جامعه ملل مشترک‌المنافع.
ناتو: سازمان پیمان آتلانتیک شمالی.
ومو: سازمان جهانی هواشناسی.
وهو: سازمان جهانی بهداشت.
ویپو: سازمان جهانی مالکیت معنوی.
یا ا آ: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.
یوپو: اتحادیه جهانی پست.
یونسکو: سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد.
یونیدو: سازمان توسعه صنعتی ملل متحد.
یونیسف: صندوق کودکان ملل متحد.

آذربایجان AZERBAIJAN

کشور جمهوری آذربایجان در حوزهٔ قفقاز (انتهای جنوب خاوری اروپا)، دامنهٔ جنوبی کوههای قفقاز و ساحل غربی دریای خزر جای دارد. پس از جدایی جمهوری آذربایجان از اتحادجماهیر شوروی، در منابع مختلف نسبت به موقعیت آن، تفاوتهایی وجود دارد، برخی از منابع این کشور را مانند گذشته جزء اروپا محسوب می‌دارند و برخی دیگر آن را جزیی از آسیا می‌دانند.

این کشور از شمال به جمهوری فدراتیو روسیه، از خاور به دریای خزر، از جنوب به ایران و از غرب به ارمنستان و گرجستان محدود است و ناحیه برونبومی نخجوان که دارای حکومت جمهوری خودمختار است، با مساحتی برابر ۵۵۰۰ کیلومترمربع میان ایران و ارمنستان و ترکیه قرار دارد.

نیمهٔ شمالی و غربی این کشور را کوههای بلند قفقاز در بر گرفته که بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه بازاردوزو، در رشته‌کوههای قفقاز شمالی (مرز آذربایجان و روسیه)، ۴۴۶۶ متر ارتفاع دارد. دشت پهناور کورا (کُر) و همچنین دشت مغان که از شمال غربی به جنوب شرقی ممتد است، بخش عمدهٔ نواحی مرکزی و خاوری را زیر پوشش قرار داده و رودخانهٔ کورا(کُر) که از گرجستان وارد خاک این کشور می‌شود، دشت مزبور را درمی‌نوردد و پس از آمیختن با رود ارس که مرز جنوبی این کشور با ایران را تشکیل می‌دهد، در نقطه‌ای از جلگهٔ ساحلی که ارتفاع آن حدود ۲۸ متر پایین‌تر از سطح دریا است، به دریای خزر می‌ریزد. نواحی کوهستانی این کشور از جنگل پوشیده شده و نفت و گاز و مس و آهن و آلومینیوم از ذخایر طبیعی آن است و پنبه و غلات و توتون و چای از فرآورده‌های عمدهٔ کشاورزی آن به شمار می‌روند.

اقلیم کشور آذربایجان در دشتهای مرکزی و نواحی پست خاوری، خشک و نیمه گرمسیری، با زمستانهای نسبتاً معتدل و تابستانهای گرم و گاه مرطوب و خشکسالی‌های متناوب همراه است و نواحی کوهستانی دارای زمستانهای پر برف و سرد و یخبندان است. بطور کلی آذربایجان در بیشتر ایام سال از آب و هوای خشک و مطبوعی برخوردار است. این کشور مانند همسایه‌اش ارمنستان از آفت مرگبار سموم گیاهی که بطور وسیعی در کشتزارهای پنبه به کار می‌رود و خاک آن را به شدت آلوده می‌سازد رنج می‌برد. آلودگی آبهای سطحی و حتی زیرزمینی، نیز خود مسئله‌ساز خطرناکی است. تقریباً نیمی از ساکنان این سرزمین از امکانات فاضلاب و دفع آبهای آلوده محرومند و فقط حدود یک چهارم آبهای جاری به مصارف بهداشتی و نوشیدن می‌رسد.



تاریخچه

آذری‌ها که مورخان یونان باستان آنان را گاه آلبانیایی می‌نامند، از اقوام کهن ساکن قفقاز خاوری هستند که در سدهٔ نهم پیش از میلاد در یکی از استانهای تابع دولت باستانی ماد زندگی می‌کردند. سرزمین مزبور در روزگار امپراتوری هخامنشیان بخشی از ایران بود و زمانی که در سال ۳۲۸ پیش از میلاد، امپراتوری هخامنشی به دست اسکندر مقدونی منقرض گردید، نام آذربایجان از آتورپات فرماندار ایرانی آن سرزمین اقتباس شد و به وسیلهٔ مورخان یونانی در نوشته‌ها و متن‌های تاریخی منتشر گردید. پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی، تابعیت آذربایجان از ایران همچنان ادامه یافت و پس از جانشینان اسکندر، اشکانی‌ها و ساسانیان نیز بر خطه آذربایجان حکمفرمایی داشتند.

در سال ۶۲۴ بعد از میلاد اعراب مسلمان، آذربایجان را تصرف کردند و از سال ۸۱۶ تا ۸۳۷ بابک خرم‌دین که از مردم آذربایجان بود، علیه اعراب قیام کرد و سرزمین مزبور را کوتاه‌مدتی از تصرف خلفای عباسی به در آورد.

طی سده‌های هفتم تا دهم میلادی، راه تجارتی معروف و مهم آن زمان که اروپا را به آسیای خاوری متصل می‌کرد و به راه ابریشم معروف بود، از این سرزمین عبور می‌کرد و به رونق اقتصادی آن یاری می‌داد. از سدهٔ یازدهم تا چهاردهم میلادی ترکان سلجوقی آذربایجان و حوزهٔ قفقاز را تصرف کردند و فرهنگ و زبان ترکی را در آن سامان رواج دادند.

بین سده‌های پانزدهم و شانزدهم، دولت صفوی به دست شاه اسماعیل اول پایه‌گذاری شد و صفویان که آذری‌تبار بودند بر این خطه نیز حکمفرمایی کردند و آذربایجان را به یکی از مهمترین استانهای ایران مبدل ساختند. طی سده‌های شانزدهم تا هجدهم، آذربایجان یا قفقاز خاوری صحنهٔ زد و خوردها و جنگهای مکرر بین ایران و عثمانی بود و در سدهٔ هجدهم امپراتوری روسیه نیز پا به میدان گذارد و بسوی جنوب شروع به دست‌اندازی کرد. تا این زمان بیشتر خانات آذربایجان در تابعیت ایران قرار داشتند، ولی در اوایل سدهٔ نوزدهم روسها که به نواحی متصرفی ایران تجاوز کرده بودند، با ایران به جنگ پرداختند و پس از دو جنگ بزرگ بر اساس پیمانهای گلستان در سال ۱۸۱۳ و ترکمن‌چای در سال ۱۸۲۸، آن قسمت از آذربایجان را که درشمال رود ارس قرار داشت ضمیمهٔ خاک خود کردند. با پیدا شدن منابع نفت در آذربایجان، موقعیت سرزمین مزبور اهمیت یافت و در سال ۱۹۰۱ حزب ملی گرای مساوات پایه‌گذاری شد و در تابستان ۱۹۱۸ استقلال این کشور را اعلام داشت. استقلال آذربایجان بیش از دو سال دوام نیاورد و ارتش سرخ باکو را تصرف کرد و آذربایجان را تحت کنترل شوروی درآورد و جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان را تشکیل داد. در سال ۱۹۲۲ همراه با ارمنستان و گرجستان، مشترکاً جمهوری شوروی سوسیالیستی ماوراء قفقاز را تشکیل دادند. در اوایل دههٔ ۱۹۲۰ تلاشهای ملی گرایانهٔ مردم آذربایجان، مسکو را بر آن داشت تا منطقهٔ قره‌باغ را که قبلاً جزئی از ارمنستان بود، ضمیمهٔ آذربایجان کند. اما این وضع دیری نپایید و نواحی قره‌باغ و نخجوان هرکدام به یک جمهوری خودمختار مبدل شدند.

در دسامبر ۱۹۳۶، جمهوری شوروی سوسیالیستی ماوراء قفقاز منحل شد و آذربایجان، با عنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، ضمیمهٔ اتحاد شوروی شد. در سال ۱۹۲۹ خط لاتین جایگزین خط عربی گردید و از سال ۱۹۴۰ خط سیریلی جای خط لاتین را گرفت.

بین سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۲ رهبری حزب کمونیست آذربایجان در دست حیدر علی‌اف قرار گرفت و موقعیت او مورد تأیید مسکو واقع شد. در سال ۱۹۸۶ هنگامی که میخائیل گورباچف رهبری اتحاد شوروی را در دست داشت و سیاست گلاسنوست و پروسترویکا را اعلام نمود، اعتصابات و جنبش‌های سیاسی متعددی تحت رهبری جبههٔ خلق آذربایجان بروز کرد و این جبهه خواستار حقوق بیشتر مردم و انتخابات آزاد و استقلال اقتصادی شد و علاوه بر آن در مقابل ادعای ارمنستان نسبت به قره‌باغ، ایستادگی و مخالفت کرد و منطقهٔ مزبور را جزئی از آذربایجان دانست. بدینسان دامنهٔ اختلافات و زد و خورد میان آذربایجان و ارمنستان بالا گرفت تا حدی که در سال ۱۹۸۸ ارامنهٔ شهرهای سومقاییت و باکو از شهر و خانهٔ خود آواره شدند و عدهٔ زیادی از آنان به قتل رسیدند. به دنبال این رویداد، مبارزان آذری و ارمنی با یکدیگر به جنگ و زرد و خورد پرداختند و شورای عالی قره‌باغ خواستار جدایی از آذربایجان و پیوستن به ارمنستان شد و متقابلاً شورای عالی آذربایجان نیز آن را صریحاً رد کرد و غیرقانونی دانست و از سوی دیگر ارمنستان قره‌باغ را جزئی از خاک خود اعلام داشت. در سی‌ام اوت ۱۹۹۱ استقلال جمهوری آذربایجان به وسیلهٔ هیئت رئیسهٔ اتحاد شوروی مورد تصویب قرار گرفت و به دنبال آن انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان برگزار شد و حزب کمونیست منحل گردید و ایاز مطلب‌اف به ریاست جمهوری رسید. در ۲۲ دسامبر ۱۹۹۱ جمهوری آذربایجان به عضویت جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع پذیرفته شد و در دوم فوریهٔ ۱۹۹۲ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. در دسامبر ۱۹۹۱ مردم قره‌باغ با اکثریت ۹۹ درصد به استقلال خود رأی دادند و به دنبال آن جنگ و زد و خورد بین مبارزان مسلح آذری و ارمنی شدت یافت.

نارضایتی مردم آذربایجان از اعلام استقلال قره‌باغ و عدم کارآیی و ناتوانی ارتش آذربایجان، به اعتراض و شورش مردم انجامید و ایاز مطلب‌اف از کار برکنار و یوری مامدوف به جای او نشست.

در آوریل سال ۱۹۹۲ نبرد میان آذری‌ها و ارمنیها دامنهٔ وسیعی پیدا کرد و به نخجوان نیز کشیده شد. در مه ۱۹۹۲ پارلمان آذربایجان دوباره به روی کار آمدن ایاز مطلب‌اف را مورد تأیید قرار داد و به این بهانه رهبران ملی و اعضای جبههٔ خلق، ساختمان پارلمان را مسلحانه محاصره کردند و خواستار برکناری مطلب‌اف شدند و سرانجام پس از دو روز تظاهرات و زد و خورد خیابانی، مطلب‌اف مجدداً برکنار شد و مامدوف به ریاست جمهوری رسید.

در سال ۱۹۹۲ ابوالفضل ایلچی‌بیگ، رهبر جبههٔ خلق در انتخابات پیروز شد و به ریاست جمهوری رسید و در پی آن دامنهٔ نبرد بین آذربایجان و ارمنستان گسترش یافت و ارامنه پیروزی‌هایی به دست آوردند. در همین زمان آذربایجان که به امریکا و غرب نزدیک شده بود، از جامعهٔ کشورهای مشترک‌المنافع خارج شد و الفبای لاتین را جایگزین الفبای سیریل کرد.



نام رسمی: جمهوری آذربایجان

نام محلی: آذربایجان Azärbaycan

اسامی دیگر: –

پایتخت: باکو (۱،۷۰۸،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: اعلام ۱۹۹۱/۸/۳۰؛ اجرا: ۱۹۹۱/۱۰/۱۸، از شوروی

روز ملی: ۲۸ ماه مه (روز اعلام جمهوری در ۱۹۱۸) و سی‌ام اوت (روز استقلال)

نوع حکومت: جمهوری فدرال چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری ، از سال ۱۹۹۵

رئیس حکومت: رئیس جمهور: حیدرعلی اف، از ژوئن سال ۱۹۹۳(دورهٔ دوم از سال ۱۹۹۸)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آرتور راسی‌زاده، از سال ۱۹۹۶

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۵؛ مجلس ملی با ۱۲۵ عضو به مدت ۵ سال ؛ کرسی‌های مجلس ملی(۲۰۰۱): حزب آذربایجان نوین ۷۵ کرسی؛ حزب خلق ٦ کرسی؛ حزب وحدت شهروندی ۳ کرسی؛ حزب کمونیست ۲ کرسی؛ حزب مساوات نوین ۲ کرسی؛ حزب استقلال ۲ کرسی؛ بقیه ۳۵ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی (ناظر)، ایدب، اکو، شورای اروپا، سیس، کنفرانس اسلامی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۸٦،٦۰۰ کیلومترمربع (صدودوازدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۷،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نودمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸۸/۹ نفردرکیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹۵):** ۰/۵٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۹/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۵۸ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵٦/٦٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰ – ۱۹۹۵): ۱/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۳۲/۸٪ ؛ ۲۹ – ۱۵ سال ۲۵/۹٪ ؛ ۵۹ – ۳۰ سال ۳۲/۳٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۹٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/۱٪ ؛ زن ۵۰/۹٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان: ٦۷/٦سال؛ مردان: ۵۸/۸سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۱/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۵نفر

مرگ و میر کودکان در هر هزار تولد: ۸۱/٦ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۲/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: بیماریهای گردش خون ۳۳٦/۳ نفر: حوادث، مسمومیت و ضرب و جرح ۹۹/۱ ؛ بیماریهای تنفسی ۹۸/٦ ؛ بیماریهای عفونی وانگلی ۲۹؛ بافتهای بدخیم(سرطان) ٦۷/٦؛ بیماریهای دستگاه گوارش۳۱/۷؛ نارسائیهای غدد و سوخت و ساز بدن ۱٤/۲؛ بیماریهای دستگاه عصبی ۱۲/۱ نفر (۱۹۹٤)

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۲/۷نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۳۷ نفر

میزان ازدواج در هر هزار نفر(۱۹۹٤): ٦/۳مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٤):** ۰/۸ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹۵): آذربایجانی ۸۹٪ ؛ روس ۳٪ ؛ لزگی ۲/۲٪ ؛ ارمنی ۲٪

دین(۱۹۹۵): مسلمان ۹۳/٤٪(شیعه ٦۵/٤٪) ؛ ارتدوکس روسی ۱/۱٪ ؛ ارمنی ۱/۱٪ ؛ دینهای دیگر ٤/٤٪

زبان و خط: ترکی آذربایجانی (زبان رسمی)؛ روسی؛ ارمنی؛ لزگی؛ خط : لاتین و سیریلی

شهرهای مهم(۱۹۹۷): گنجه (۲۹۱،۹۰۰ نفر) ، سومقاییت (۲٤۸،۵۰۰ نفر)، مینگه چویر (۹۷،۲۰۰ نفر)

بنادر مهم: باکو (دریای خزر)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: منات(A.M.)= ۱۰۰ گوپک ؛ یک دلار = ٤،۵۳۷ منات ؛ صد منات = ۱/۷٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲/۳۲ میلیارد منات ؛درآمد مالیاتی ۹۳/۷٪ (شامل : مالیات بر ارزش افزوده ۳۰٪، مالیات بر درآمد افراد ۱۷/۸٪ ، مالیات بر سود بازرگانی ۱٤/۱٪ ، مالیات بر بازرگانی خارجی ۱۲/٦٪ ، سایر موارد ۱۹/۲٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ٦/۳٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸) : ۲/٦٤میلیارد منات؛ تأمین اجتماعی ۲۳/۳٪ ، آموزش و پرورش ۲۱/٤٪ ، اقتصاد ملی ۸/٦٪ ، بهداشت ۵/۸٪، فرهنگ ۳/۵٪ ، سایر موارد ۳۷/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳،۸۲۱میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ۹۵ – ۱۹۷۵ : ؟ ؛ ۹۸ – ۱۹۹۰ : ۹/٦-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی۲۰/۳٪ ؛ صنعت ،۳۸/۷٪ ؛ خدمات ٤۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالیانه ۹۲ – ۱۹۸۷) : ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۱۰۸۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳۰۷،۷۰۰،۰۰۰ دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۸۸/۷ + میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٤/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالیانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳۲۲/۳٪ ؛ (۱۹۹۸): ۸/۳-٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): غلات ۹۳۲،۱۱۱ تن ،میوه ٤۸۲،۸٤٦ ؛ سبزیجات بجز سیب‌زمینی ۳٦۹،۰۰۰، سیب‌زمینی ۳۳٤،۰۰۰ ؛ پنبه ۳۹،۰۰۰ ؛ توتون ۹،۰۰۰ ؛ چای ۸۵٦ تن

کاربری زمین: کشاورزی ٤۸/۵ ٪ ؛ مرتع ۲۵/٤٪ ؛ جنگل ۱۱٪ ؛سایر موارد ۱۵/۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند و بز ۵،۵۰۲،۸۰۰ رأس؛ گاو ۱،۹۰۹،۸۰۰ ؛ اسب ۵۵،۸۰۰ ؛ خوک ۲٦،۱۰۰

تولید چوب(۱۹۹۳): ۱۷،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤،٦۷۸ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۳،۲۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۹،٤۰۰ تن

تولیدات معدنی(۱۹۹٦): سنگ آهن ۱،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ آلونیت ٦۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): (میلیارد منات): فرآورده‌های نفتی ۲،۹۸۰ ، برق و گاز ۲،۰۰۵ ، محصولات غذائی ۱،۹۷۲، منسوجات ٤٦۸ ، مواد شیمیائی ۳۲۰ ، تجهیزات ماشین‌سازی و فلزکاری ۲٤۹، مواد معدنی ۱۳۷

انرژی/میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۷): ۱٦/۸ میلیارد کیلووات ساعت (۱٦/۸ میلیارد کیلووات ساعت)؛ زغال سنگ(۱۹۹٤) :صفر (۸۰۰۰ تن)؛ نفت خام(۱۹۹۷): ٦٦،۷۰۳،۰۰۰ بشکه (۷٦،٦۷۲،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹۸): ۷،۸۰۰،۰۰۰ تن (٦،۲۰۰،۰۰۰) ؛گاز طبیعی (۱۹۹۸): ٦ میلیارد مترمکعب (٦ میلیارد مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۳،۷٤۳،۸۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۷/۱٪ ؛ میزان مشارکت: در مردان (در سنین ۱٦ تا ۵۹)۸۵/۹٪، و زنان (در سنین ۱۵ تا ۵٤) ۸۲/۱٪ ؛ میزان بیکاری: ۱/۳٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۳۳٪ ؛ صنعت ۱۷٪ ؛ خدمات ۵۰٪

نیروی دفاعی: (مدت نظام‌وظیفه: ۱۷ ماه) ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ٦٦،۹۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۵/۳٪ ؛ نیروی دریائی ۳/۱٪ ؛ نیروی هوائی ۱۱/٦٪ ؛ سرانه هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۲۹ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۰۷۷ میلیون دلار، شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات ٤۰/٤٪ ، مواد غذائی ۱٦/٤٪ ، فلزات ۱۲/٤٪ ، مواد شیمیائی ۷/٤٪ ؛ عمدتاً از کشورهای ترکیه ۲۰/٤٪ ، روسیه ۱۸٪ ، اوکراین ۸/٦٪ ، انگلستان ٦/٤٪ ، آلمان ٤/۳٪ ،امارات متحدهٔ عربی ٤/۲٪؛ ایران ٤٪، امریکا ۳/۷٪

صادرات(۱۹۹۸): ٦۰٦ میلیون دلار؛ شامل: فرآورده‌های نفتی ٦۹/۱٪ ، منسوجات ۹/۲٪ ، مواد غذائی ۷/۷٪ ، ماشین‌آلات و تجهیزات ٦٪ ، فلزات ۲/۲٪ ، به کشورهای ترکیه ۲۲/٤٪ ، روسیه ۱۷/٤٪ ؛گرجستان ۱۲/۷٪ ، ایتالیا ۷/٤٪

تراز بازرگانی:

	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	+۵۷۳/۳	+۳۵۷/٦	-۱٤۰/٤	-۱۲۲	-۳۲۹/٤	-۱۳	-٤۷۱
درصد کل	۲۲/۳٪	۲۲٪	۹/۹٪	۱۰/۱٪	۲۰/۷٪	۰/۸٪	۲۸٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):

	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱۱۹/۹	۹۹/۵	۹۹/۲
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۷): ۵/۲ نفر ؛ درآمد هر خانوار: ؟؛ منابع درآمد (۱۹۹۳): دستمزد و حقوق ۵۰/۹٪ ؛ کشاورزی ۲٤٪ ؛ مزایای اجتماعی ۱۰/۲٪ ؛ هزینه‌ها: غذا ٦۱/۲۱٪ ؛ پوشاک ۱۱/۱٪ ؛ خدمات ۳٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱۲۵ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج ۱۷۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ٤۵،۸۷۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۲،۱۲۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۲۸۱،۱۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۱۰٤،۳۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹۸): ٦۹ فروند — **فرودگاه:** ۳ فرودگاه با برنامه منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۵): ٦ روزنامه در ۲۱۰،۰۰۰ نسخه (۲۸ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٤۹ عنوان در ۸۰۱،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۵٤۲ عنوان در ۲،٦٤۳،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ٤،۸۸۰ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱۷۵،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۲۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۹۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۵٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٦۸۰،۰۰۰ خط تلفن (۸۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٦۵،۰۰۰ خط (۸/۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانهٔ شخصی (۱۹۹۸): ٤۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٤۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	٤،٤٦۲	۳٤،۲۰۱	٦۹۷،۵۱۰	۲۰/٤
متوسطه	؟	۱۰۵،٦۵٦	۸۱۲،٦٦۰	۷/۷
فنی و حرفه‌ای	۷۸	؟	۲٦،۵۸۵	؟
عالی	۲۳	؟	۱۲۰،۸۷۰	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۸): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۷/۳٪ ؛ مردان: ۹۸/۹٪ ؛ زنان: ۹۵/۹٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۵ سال(۱۹۹۵): ابتدائی ۱۲/۱٪ ؛ متوسطه ۳٦/٦٪ ؛ عالی ۷/٦٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۲۸،۸۵۰ نفر (هر ۲۷٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۸): ۷۱،۱۰۰ تخت (هر ۱۱۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر (۰٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ٦۰/۵ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۱۹۱ کالری (۸٦٪حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو) (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦٦ گرم؛ مصرف چربی: ۳۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰ – ۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹۵ – ۱۹۹۰) : صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷) : ۰/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹٦): ۳۰/۱میلیون تن؛ هر نفر ٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۲۲ (نودمین کشور جهان)

همزمان با این تحولات حیدر علی‌اف، رئیس شورای عالی نخجوان به ریاست مجلس ملی آذربایجان برگزیده شد و ابوالفضل ایلچی‌بیگ بر اثر فشارهای صورت حسین‌اف از ریاست جمهوری کناره گرفت و به نخجوان گریخت و حیدر علی‌اف از سوی مجلس موقتاً عهده‌دار ریاست جمهوری شد و صورت حسین‌اف را به نخست‌وزیری برگزید. در همه‌پرسی اکتبر سال ۱۹۹۳ حیدر علی‌اف رسماً به ریاست جمهوری رسید و آذربایجان مجدداً به عضویت جامعهٔ کشورهای مشترک‌المنافع وارد گردید.

اختلاف بر سر مالکیت قره‌باغ که همچنان به قوت خود باقی بود، ارامنه را به پیروزیهای بیشتری نایل کرد و تمام خاک قره‌باغ و حتی بخشهایی از سرزمین آذربایجان به تصرف ارامنه درآمد.

اقداماتی که از طرف کشورهای مختلف و جوامع بین‌المللی صورت گرفته، تاکنون بی‌نتیجه مانده و بحران قره‌باغ آسیب‌های فراوانی بر اقتصاد دو کشور نوپای آذربایجان و ارمنستان وارد ساخته است.

در سال ۱۹۹۷ کنسرسیومی مرکب از ۱۲ شرکت نفتی که ۴۰ درصد سهامشان به امریکا تعلق دارد، برای استخراج نفت در کشورهای آذربایجان و قزاقستان و ترکمنستان تشکیل شد تا به اکتشاف و استخراج نفت در یکی از بزرگترین میدانهای نفتی جهان مبادرت کند. هنوز اقدامات این کنسرسیوم به نتیجهٔ مثبتی نرسیده و موضوع مسیر انتقال لوله‌های نفت از یک سو و آلودگی دریای خزر از سوی دیگر مورد بحث و گفتگوست و کشورهای بزرگ منطقه یعنی روسیه و ایران با حساسیت تمام بر این تحولات نظاره می‌کنند. در سال ۱۹۹۹ نیز یک شرکت ژاپنی ۲/۳ میلیارد دلار به صورت مشترک با آذربایجان برای بهره‌برداری از مناطق نفتی سرمایه‌گذاری کرد. در انتخابات مجلس ملی که در ژانویه ۲۰۰۱ برگزار گردید، حزب آذربایجان نوین، به رهبری حیدر علی‌اف، ۷۵ کرسی از ۱۲۵ کرسی مجلس را به خود اختصاص داد. از ماه اوت ۲۰۰۱ خط سیریلی از مکاتبات رسمی کنار گذاشته شد، اما به علت آماده نبودن کیبوردها و فونتهای لاتین برای کار در کامپیوترها، مشکلاتی در سطح کشور پدید آمد.

منطقهٔ خودمختار قره‌باغ کوهستانی

از سال ۱۹۱۸، مقامات بلشویکی مسکو بر این تصمیم مردد بودند که منطقهٔ ناگورنوقراباغ (قره‌باغ کوهستانی) که اکثر جمعیت آن را ارامنه تشکیل می‌دهند و در دل جمهوری آذربایجان قرار دارد باید به جمهوری آذربایجان منضم شود و یا به کشور ارمنستان ملحق گردد. سرانجام در سال ۱۹۲۳ منطقهٔ مزبور را به یکی از استانهای جمهوری آذربایجان مبدل نمودند و سالها بعد اعتصاب عمومی سال ۱۹۸۸ اولین نشانه‌های بی‌ثباتی در این گوشه از خاک کشور اتحاد جماهیر شوروی را آشکار ساخت.

در سال ۱۹۹۱ پارلمان محلی قره‌باغ کوهستانی نه تنها اعلام استقلال کرد، بلکه منطقهٔ شائومیا را نیز ضمیمهٔ خود نمود. سه ماه بعد اکثر جمعیت آن به استقلال کامل خود و جدا شدن از جمهوری آذربایجان رأی دادند و از آن به بعد میان ارامنهٔ قره‌باغ که از سوی ارمنستان حمایت می‌شدند و جمهوری آذربایجان جنگ درگرفت که به کشته‌شدن ۴۶۰۰ قره‌باغی و حدود ۳۰،۰۰۰ آذربایجانی انجامید. در ۱۹۹۴ آذربایجان و قره‌باغ قراردادی برای متارکه جنگ منعقد کردند و طی آن قره‌باغ به یک جمهوری خودمختار داخلی مبدل گردید و در نخستین انتخابات سال ۱۹۹۶ روبرت کوچاریان به ریاست جمهوری قره‌باغ رسید. در سال ۱۹۹۷ کوچاریان به سمت نخست‌وزیری ارمنستان منصوب شد وقره‌باغ را به سوی ارمنستان ترک کرد و جای خود را به آرکادی گوکاسیان واگذار نمود.

از سال ۱۹۹۸ به بعد، مسئلهٔ قره‌باغ کوهستانی یکی از مسائل سیاسی جمهوری آذربایجان را تشکیل داده و هنوز راه حل معقولی برای آن پیدا نشده است.

آرژانتین ARGENTINA

کشور آرژانتین در جنوب نیم قارهٔ امریکای جنوبی و در کنار اقیانوس اطلس قرار دارد. این کشور از شمال به کشورهای بولیوی و پاراگوئه، از شمال خاوری به برزیل و اوروگوئه، از خاور به اقیانوس اطلس و از جنوب و غرب به کشور شیلی محدود است.

نواحی غربی و جنوبی این سرزمین را کوهستان آند و ارتفاعات پاتاگونیا که در واقع دنبالهٔ جنوبی کوههای آند محسوب می‌شود، فرا گرفته و آب‌پخشان کوههای آند، مرز میان این کشور و شیلی را تشکیل می‌دهد. مرتفع‌ترین نواحی آرژانتین در همین قسمت قرار دارد و کوه آکونکاگوآ با ارتفاع ۶۹۶۰ متر که بلندترین نقطهٔ نیمکرهٔ غربی زمین است، مرتفع‌ترین کوه آرژانتین به‌شمار می‌آید. از دیگر کوههای مرتفع آرژانتین می‌توان از کوههای مرسداریو، توپانگاتو و آتشفشان مایپو نام برد.

دامنه‌های خاوری کوههای آند و ارتفاعات پاتاگونیا با شیب ملایم به دشتهای مرکزی و استپ‌های خاوری پاتاگونیا منتهی می‌گردد و نیم کم آبی و بارندگی کم از ویژگیهای اقلیمی این منطقه به‌شمار می‌رود. انتهای شمالی این ناحیه را پهنهٔ گران‌چاکو فرا گرفته که از جنگلهای بارانی و اراضی باتلاقی پوشیده شده و در قسمت خاوری آن ناحیهٔ معروف پامپاس واقع است که یکی از بزرگترین چراگاههای جهان است و بیشتر فعالیتهای دامداری آرژانتین در همین قسمت متمرکز است.

رودخانهٔ پارانا یا لاپلاتا بزرگترین رودخانهٔ آرژانتین است ورودهای اوروگوئه (اوروگوای)، سالادو، پیلکومایو، کلرادو، چوبوت و نگرو از دیگر رودهای مهم این سرزمین محسوب می‌گردند.

آرژانتین از نظر اقلیمی کلاً کشوری است نسبتاً پرباران، دشتهای مرکزی و خاوری آن نیم کم آب و نسبتاً کم باران است و نواحی کوهستانی آن از آب و هوای کوهستانی و سرد برخوردار است. دریاچه‌های متعددی در آرژانتین به ویژه در دامنه‌های خاوری کوهستان آند وجود دارد که بزرگترین آنها دریاچهٔ بوئنوس‌آیرس در مرز آرژانتین و شیلی واقع است که ۲۲۱۵ کیلومترمربع مساحت دارد و درازای آن به ۱۲۰ کیلومتر می‌رسد و جزیرهٔ تیئرادل فوئگو که در جنوبی‌ترین ناحیهٔ آرژانتین واقع است، با مساحتی برابر ۴۶،۳۵۰ کیلومترمربع بزرگترین جزیرهٔ این کشور است.

بیشتر مردم آرژانتین اروپایی تبار هستند که عمدتاً از اسپانیا و ایتالیا در سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۹۵۰ به آنجا مهاجرت کرده و بزرگترین جامعهٔ یهودی امریکای جنوبی را نیز در خود جای داده‌اند. مذهب اکثر مردم آرژانتین کاتولیک است و اقلیت به پروتستانها، یهودیان و مسلمانان تعلق دارد. زبان‌رسمی مردم آرژانتین اسپانیایی است و عدهٔ کمی نیز به زبانهای‌محلی گفتگو می‌کنند.

نوع حکومت آرژانتین جمهوری است و دارای دو مجلس نمایندگان و مجلس سنا است و از نظر تقسیمات کشوری به ۵ ناحیهٔ سرزمینی، ۲۲ استان، یک بخش فدرال و یک سرزمین ملی (تیئرادل فوئگو) تقسیم می‌گردد.

آرژانتین کشوری است صنعتی و کشاورزی و دارای صنایعی چون فولادسازی، ذوب آهن، ماشین‌سازی، اتومبیل‌سازی، شیمیایی و سیمان است و غلات و سیب‌زمینی و انواع میوه و گوشت و صنایع غذایی و ماهیگیری از عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن است و از نظر منابع زیرزمینی مانند نفت و گاز، سنگ آهن، زغال‌سنگ، سرب و روی و غیره نیز غنی است.





نام رسمی: جمهوری آرژانتین

نام محلی: آرختینا Argentina

اسامی دیگر: سرزمین نقره

پایتخت: بوئنوس آیرس (۲،۹۰٤،۱۹۲ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۸۱٦/۷/۹ ، از اسپانیا

روز ملی: بیست و پنجم ماه مه، روز انقلاب (۱۸۱۰)

نوع حکومت: جمهوری فدرال با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۸۵۳

رئیس حکومت: رئیس جمهور موقت: ادواردو دوآلده، از سال ۲۰۰۲

رئیس دولت: رئیس جمهور موقت: ادواردو دوآلده، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٤، با تغییراتی در سال ۱۹۹۷؛ مجلس نمایندگان با ۲۵۷ عضو به مدت ٤ سال و مجلس سنا با ۷۲ عضو به مدت ۹ سال، کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۹ (۲۰۰۱): اتحادیه شهری رادیکال ۱۰۰ (۷۱) کرسی، جبههٔ همبستگی (فره‌پاسو) ۲۷ (۱۷) کرسی، حزب پرونیست ۱۰۱ (۱۱٦) کرسی و بقیه ۲۹ (۵۱) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹٤۵) ، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، ایدب، مرکوسور

جمعیت

مساحت: ۲،۷۸۰،۰۹۲ کیلومترمربع (هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۷،۰۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (سی و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۳/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹۵):** ۱/۳٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٤۷/۲ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸۸/۹٪ رشد سالانه(۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۵٪

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ۲۸/۹٪ ؛ ۲۹ – ۱۵ سال ۲٤/۸٪ ؛ ۵۹ – ۳۰ سال ۳۳/۱٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱۳/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۵): مرد ٤۹/۰٦٪ ؛ زن ۵۰/۹٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان: ۷۸/٤ سال؛ مردان ۷۱/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱۸/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۷/۸ نفر

مرگ و میر کودکان در هر هزار تولد(۱۹۹۹): ۱۹/۱ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱۱/۱نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۵): بیماریهای قلبی ۲۲۷/۷ نفر، بافتهای بدخیم (سرطان) ۱٤۱/٦ نفر؛ بیماریهای مغزی۶۹/۲ نفر؛ حوادث ۲۸ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰– ۱۹۹۵): ۲/٦ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۳۸نفر

میزان ازدواج در هر هزار نفر: ٤/۲ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۸٦): اروپائی ۸۵٪ ؛ دورگه و سرخپوست ۱۵٪

دین: (دین رسمی)کاتولیک رومی۸۷/۷٪ ؛ پروتستان ۷/۵٪ ؛ مسلمان ۱/۵٪ ؛ یهودی ۰/۷٪ ؛ سایر ادیان ۲/٦٪

زبان و خط: اسپانیائی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): بوئنوس آیرس (۱۲،٤۲۳،۰۰۰نفر با حومه)؛کوردووا (۱،۲۷۵،۵۸۵)؛ روزاریو(۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ ماردل پلاتا(۵۷۹،٤۸٤)؛ لاپلاتا (۵۵٦،۳۰۸ نفر)

بنادر مهم: بوئنوس آیرس و لاپلاتا در کنار رود لاپلاتا و باهیابلانکا و ماردل پلاتا در ساحل اقیانوس اطلس

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پزو (Arg$)= ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار = یک پزو؛ یک پزو = ۸۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ٤۷/۲۵ میلیارد پزو (شامل درآمد جاری ۹۹/۷٪ ، درآمد مالیاتی ۹٤/٦٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۵/۳٪، (درآمد سرمایه‌ای ۰/۳٪)

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ٤۹/۰۵ میلیارد پزو؛ بیمه بازنشستگی ۳۵/۳٪ ؛ خدمات اقتصادی ۱٦/۰٪ ؛ آموزش و پرورش ۹/۹٪ ؛ دفاع ۹/۹٪ ؛ بدهی ۷/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۹۰/۲٦ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۸،۰۳۰دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۰/۱٪ ؛ ۹۸ – ۱۹۹۰ : ٦/۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۵/۷٪ ؛ صنعت ۲۸/۷٪ ؛ خدمات ٦۵/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷) : ۱،۸۰۳ میلیون دلار؛(۱۹۹۸): ۵،٦۹۷میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۷۷ میلیارد دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۷٦/۷ + میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۷/٤٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰) : ۷/۸٪ ؛ ۱۹۹۸ : ۲/۰-٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۷): نیشکر ۱۹،٤۵۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱۵،۵۳٦،۰۰۰؛ گندم ۱٤،۸۰۰،۰۰۰ ؛ سویا ۱۱،۰۰۰،۰۰۰ ؛ تخم آفتابگردان ۵،٤۵۰،۰۰۰ ؛ انگور ۲،۵۰۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین: ؟

تعداد دام زنده(۱۹۹۷): گاو ۵٤،۵۰۰،۰۰۰ رأس ؛ گوسفند ۱۷،۳۰۰،۰۰۰رأس

تولید چوب(۱۹۹۷): ۱۳،۱۹۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱،۱۸۲،۷۲۵ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٦۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۳٦،۱۷۰ تن

تولیدات معدنی(۱۹۹۷): نقره ۱،۸۱۹،۷۳۰ تروی ؛ طلا ۸۰،۳۷۷تروی

تولیدات صنعتی: سیمان ۵،۱۱۷،۰۰۰ تن؛ روغن نباتی ٤،۱٤۸،۰۰۰؛ آرد گندم ۳،٦۰۷،۰۰۰؛ شکر ۱،٦٤۹،۰۰۰ ؛ کاغذ ۱،۱۲۱،۰۰۰ تن؛ شراب ۱۳،۲۷۳،۰۰۰ هکتولیتر؛ آبجو ۱۰،۸۲۵،۰۰۰ هکتولیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۵): ٦۷ میلیارد کیلووات ساعت (٦۹ میلیارد کیلووات ساعت)؛ زغال سنگ ۳۰۵،۰۰۰ (۱،٦٦۷،۰۰۰ تن)؛ نفت خام(۱۹۹٦): ۲۷۵،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۱٦۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۵): ۲۱،۵۵٤،۰۰۰ تن (۲۰،٤۷۱،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۱۷،۳۳٦ میلیون مترمکعب (۳۲،۹۵٤،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۵): ۱٤،۳٤۵،۱۷۱ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۱/۵٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٦٤/۵٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۳٦/۹٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): ۱۷٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱۲٪ ؛ صنعت ۳۱/۵٪ ؛ خدمات ۵٦/۵٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱٤ ماه؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۸: ۷۳،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۵٦/۲٪ ؛ نیروی دریائی ۲۷/٤٪ ؛ نیروی هوائی ۱٦/٤٪ ؛ سرانه هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۰٤ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۳۰/۳۸ میلیارد دلار؛ شامل: ماشین‌آلات وتجهیزات حمل و نقل ٤۸/۸٪ ؛ مواد شیمیائی ۱٦/۱٪ ؛ مواد تولیدی۱۵٪ ؛ تولیدات غذائی و حیوانات زنده ٤٪ ؛ از برزیل ۲۲/۷٪ ؛ امریکا ۲۰٪ ؛ ایتالیا ۵/۷٪؛ آلمان ۵/٤٪ ؛ فرانسه ٤/۵٪ ؛ اسپانیا ٤/۱٪ ؛ ژاپن ۳/۷٪

صادرات(۱۹۹۷): ۲٦/۲۲ میلیارد دلار؛ شامل: مواد غذائی و حیوانات زنده ۳۷/۷٪ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱۵٪؛ مواد تولیدی ۱۱/۷٪ ؛ نفت و تولیدات نفتی ۱۱/۷٪ ؛ روغن های نباتی و حیوانی ۸/٤٪ ؛ مواد شیمیائی ۵/۹٪؛ به کشورهای برزیل ۳۰/۷٪ ؛ امریکا ۸/٤٪ ؛ شیلی ۷/۳٪ ؛ هلند ۳/۳٪ ؛ چین ۳/۳٪ ؛ اوروگوئه ۳/۱٪ ؛ ایتالیا ۲/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	٤،۰۰۲ -	۳،۰۰۵+	۱،٦۲۱+	۲،۱۸۳-	۳،۱۱۷-	۷۷۵-
درصد کل	۱۱/۳٪	۷/۷٪	۳/۵٪	٤٪	۵/٦٪	۱/٦٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۲/۹	۹٦/۷	۱۰۰	۱۰۰/۲	۱۰۰/۷	۱۰۱/٦
شاخص درآمد ماهانه	۹۵/۲	۱۰۱/۷	۱۰۰	۱۰۰/۷	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۳/۸ نفر؛ هزینه‌ها (۸٦-۱۹۸۵)؛ غذا ۳۸/۲٪ ؛ حمل و نقل ۱۱/٦٪ ؛ مسکن ۹/۳٪ ؛ سوخت ۹٪ ؛ پوشاک ۸٪ ؛ بهداشت ۷/۹٪ ؛ سرگرمی ۷/۵٪ ؛ دیگر موارد ۸/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۵،۰٦۹ میلیون دلار؛ هزینه‌ها : ۲،٦۸۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۲۱۸،۲۷٦ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۳۵،۷۵۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٤،٤۵۹،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۹۵۵،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹۸): ٤۲۳ فروند — **فرودگاه:** ۳۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱۸۱ روزنامه در ٤،۳۲۰،۰۰۰ نسخه (۱۸۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۹،۸۵۰ عنوان در ۳۹،٦٦۳،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ٤،۰۲۷ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۲٤،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (٦۸۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۰،٦۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۹۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷،۱۳۲،۰۰۰ خط تلفن (۱۹۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه (۱۹۹۸): ۲،۵۳۰،۰۰۰ خط (۷۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۵۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	۲۲،٦۳٦	۳۱۳ ، ۷٦٤	۵ ،۰٤٤ ،۸۲۷	۱٦/۱
متوسطه فنی و حرفه‌ای	۷،۲۳۹	۲۳۳ ،۵٦٤	۲،۲۳۸، ۰۹۱	۹/٦
عالی	۱،۷۰۵	۱۱۸ ،٦۹۵	۹۲٦،۷۹۳	۷/۸

میزان باسوادی: افراد بالای ۱۵ سال: ۹٦/۲٪ ؛ مردان: ۹٦/۲٪ ؛ زنان: ۹٦/۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: تحصیلات غیر رسمی: ۲۸٪؛ ابتدائی ۳٤/٦٪ ؛ متوسطه ۲۵/۳٪ ؛ عالی ۱۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹۲): ۸۸،۸۰۰ نفر (هر ۳۷٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹٦): ۱۱۵،۸۰۳ تخت (هر ۳۰٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۲۰،۰۰۰ نفر (۰/٦۹٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ سال)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ۳٤/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹٦): ۳،۱۱۹ کالری (۱۸۳٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۷۷) مصرف پروتئین : ۹۵ گرم؛ مصرف چربی: ۱۱۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰ – ۱۹۸۰) : ۰/٦٪ ؛ (۱۹۹۵ – ۱۹۹۰): ۰/۳٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷) : ۱۵/۹کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹٦): ۱۳۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۳۷ (سی و پنجمین کشور جهان)

تاریخچه

پاتاگونیاییها و آندی‌ها اقوام عمده‌ای بودند که در آغاز سدهٔ شانزدهم میلادی در آرژانتین کنونی زندگی می‌کردند. دسته‌ای ازپاتاگونیاییها متمدن بودند و بقیه با شکار و جمع کردن دانه روزگار می‌گذراندند. آندی‌ها هم که مردمانی کوه‌نشین بودند، از تمدن خاصی بهره‌مند بوده و با اینکاها ارتباط داشتند وبا احداث شبکه‌های آبیاری به کشاورزی سرگرم بودند و در نواحی شمال غرب و غرب آرژانتین به سر می‌بردند.

در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی، زمانی که فاتحان اسپانیایی سرگرم اکتشاف و تصرف سرزمینهای امریکای جنوبی بودند، قوم آروکا از شیلی به سوی نواحی مرکزی و جنوب غربی آرژانتین مهاجرت کردند و در آن نواحی سکونت گزیدند.

اسپانیایی‌ها در سدهٔ شانزدهم به سرپرستی آمریگووسپوتچی و خوآن دیاز. د. سولیس کابوت به دهانهٔ رودخانهٔ لاپلاتا (پلاتا به زبان اسپانیایی معنای نقره و ریودولاپلاتا در واقع سیمینه‌رود را تداعی می‌کند) رسیدند و به مناسبت اولین برخوردشان با رودخانهٔ مزبور آنجا را آرژانتین یا سرزمین نقره‌ای نامیدند.

در سال ۱۵۲۶ سباستین اسپانیایی، قلعه‌ای در ساحل رودخانهٔ کارکارینا احداث کرد و اولین ماندگاه اروپایی را در خاک آرژانتین بنا نهاد. در سال ۱۵۳۶ پدرو مندوزا شهرکی به نام سانتاماریا دل‌بوئن‌آیره در محل کنونی بوئنوس آیرس احداث کرد و به دنبال آن دیگران نیز به احداث شهرکهایی چند در آرژانتین دست زدند و شهرهای امروزی سانتیاگو، کوردووا و سانتافه را پایه‌گذاری کردند. در سال ۱۵۸۰ شهر بوئنوس‌آیرس که به وسیلهٔ بومیان ویران شده بود، بازسازی شد و به یکی از مراکز سیاسی و استراتژیکی و اقتصادی مبدل گردید.

در سال ۱۷۷۶ از سوی پادشاه اسپانیا نایب‌السلطنه‌ای برای ریودولاپلاتا منصوب گردید و ادارهٔ سرزمینهای شیلی و پاراگوئه و آرژانتین امروزی و اوروگوئه و بخشی از بولیوی به وی واگذار گردید و بوئنوس‌آیرس بعنوان پایتخت ایالات مؤتلفه انتخاب شد. در سال ۱۸۳۳ انگلیسی‌ها جزایر مالویناس یا فالکلند را تصرف کردند و با اسپانیایی‌ها به رقابت و زد و خورد پرداختند. جنگهای طولانی اسپانیا و انگلستان به تضعیف اسپانیا انجامید و انگلیسی‌ها به قصد تصرف آرژانتین، در بوئنوس‌آیرس نیرو پیاده کردند ولی با ایستادگی و مقاومت سرسختانهٔ مردم روبرو شدند و به مالویناس عقب نشستند.

به دنبال حملهٔ ناپلئون به اسپانیا در سال ۱۸۰۸، مردم آرژانتین از فرصت استفاده کردند و در صدد استقلال برآمدند و فرماندار اسپانیایی را از آرژانتین اخراج کردند و سرتاسر آرژانتین را در سال ۱۸۱۰ به تصرف درآوردند و در ژوئیهٔ سال ۱۸۱۶ استقلال خود را رسماً اعلام داشتند و دولت مؤتلفهٔ آرژانتین را پدید آوردند. همزمان، ژنرال خوزه‌سان‌مارتین، سردار آرژانتینی ارتشی تشکیل داد و برای آزادسازی و استقلال شیلی و پرو با اسپانیایی‌ها جنگید و آنها را شکست داد.

در سال ۱۸۲۶ اولین انتخابات آزاد در آرژانتین برگزار شد و نخستین رئیس جمهور کشور به نام برناردینو ریواداویا انتخاب گردید. اما چندی بعد ناچار به استعفاء شد و خوآن مانوئل دوروساس به جای وی نشست و تا سال ۱۸۵۲ با استبداد تمام حکومت کرد. کودتای سال ۱۸۵۲ به دوران حکومت سرکوبگرانه و مستبدانهٔ وی خاتمه داد و با استقرار یک حکومت ملی، جمهوری فدرال آرژانتین تشکیل گردید.

نیمهٔ دوم سدهٔ نوزدهم توسعهٔ اقتصادی آرژانتین را به همراه آورد و این کشور به یکی از مراکز مهم تولید و صدور غله و گوشت مبدل گردید و صنایع آن توسعه یافت و به مرور به یکی از ثروتمندترین کشورهای امریکای جنوبی تبدیل شد. اما بحران اقتصادی سال ۱۸۹۰، روند پیشرفت را کند کرد.

آرژانتین در جنگهای اول و دوم جهانی، بی‌طرفی خود را حفظ کرد ولی در اواخر جنگ دوم ناچار شد به دولتهای محور اعلان جنگ دهد. در سال ۱۹۴۵ به سازمان ملل متحد پیوست و در سال ۱۹۴۶ ژنرال خوآن پرون به ریاست جمهوری رسید. وی تا سال ۱۹۵۵ با قدرت تمام بر آرژانتین حکومت کرد و در آن سال با یک کودتای نظامی سرنگون گردید و ژنرال لئوناردی به قدرت رسید و کوتاه زمانی بعد، ژنرال پدرو آرامبورو مصدر امور گردید. در سال ۱۹۵۸ آرتور فروندیزی طی انتخابات آزاد به ریاست جمهوری رسید ولی او نیز در سال ۱۹۶۲ برکنار شد و حکومت مجدداً به دست ارتشیان افتاد. در سال ۱۹۷۳ مجدداً انتخابات برگزار شد و هکتور کامپورا که از پرونیست‌ها بود به ریاست جمهوری رسید. اندکی بعد او نیز از مقام خود استعفاء داد و ژنرال پرون مجدداً به حکومت رسید. وی در سال ۱۹۷۴ درگذشت و همسرش ایزابل پرون به جای او نشست. ایزابل پرون نیز در کودتای سال ۱۹۷۶ برکنار شد و ژنرال خورخه رافائل ویدلا مسئولیت کشور را بر عهده گرفت و به دستگیری ملّیون و آزادیخواهان پرداخت. حکومت ویدلا در سال ۱۹۸۱ به پایان رسید و ژنرال روبرتو ویولا جانشین او گردید و چندی بعد او نیز جای خود را به ژنرال لئوپولدو گالتیاری واگذار کرد.

در سال ۱۹۸۲ آرژانتین جزایر مالویناس (فالکلند) را تصرف کرد و انگلستان نیروی دریایی خود را برای باز پس گرفتن جزایر مزبور به منطقه اعزام داشت و با آرژانتین به نبرد دریایی پرداخت. با وساطت و میانجیگری امریکا جنگ به پایان رسید و آرژانتین از جزایر مزبور عقب‌نشینی کرد.

در سال ۱۹۸۳ دکتر رائول آلفونسین از اتحادیهٔ شهری رادیکال به ریاست جمهوری رسید و به حکومت هشت سالهٔ ارتشیان پایان داد. مبارزه با بحران اقتصادی و رفع اختلافات مرزی با کشور شیلی و محاکمه و تنزیل درجهٔ بعضی از رؤسای جمهور نظامی پیشین مانند ژنرال ویدلا، از جمله اقدامات دولت آلفونسین بود. اما نظامیانی که از محاکمه افسران و فرماندهان خود ناراضی بودند، دست به شورش زدند و دولت آلفونسین را تحت فشار قرار دادند.

اقدامات دولت آلفونسین در مبارزه با تورم و بحران اقتصادی نیز به جایی نرسید و هزاران شغل از بین رفت و عدهٔ کثیری بیکار شدند. در تابستان ۱۹۸۸ نظامیان بار دیگر سر به شورش برداشتند و کشور را با بحران جدیدی روبرو کردند و آلفونسین را وادار به استعفاء نمودند.

در انتخابات سال ۱۹۸۹ یکی از پرونیست‌ها به نام کارلوس سائول مُنِم با ۴۷/۶ درصد آراء به ریاست جمهوری رسید. مُنم روابط سیاسی با انگلستان را که در پی بحران جزایر مالویناس تیره و قطع شده بود، از سر گرفت و دست به اصلاحات زد و شورش سال ۱۹۹۰ درجه‌داران ارتش را فرو نشاند.

در جنگ خلیج فارس، آرژانتین بدون مشورت و تصویب پارلمان، شرکت جست و به دنبال آن در سال ۱۹۹۲ از جنبش عدم تعهد خارج گردید و خود را به سیاست امریکا نزدیک نمود و با دولت مزبور دربارهٔ نقض حقوق بشر در کوبا هم‌آواز شد. با وجود این که اقدامات غرب گرایانهٔ مُنم با نارضایتی و استعفای گروهی از مشاوران نزدیک او همراه بود، مع‌الوصف در انتخابات سال ۱۹۹۱ مجدداً پیروز شد و با تحکیم موقعیت خود، تا حدی از بحران اقتصادی و تورم کاست و آن را تا میزان ۷/۴ درصد در سال ۱۹۹۳ کاهش داد.

در دسامبر ۱۹۹۵ کشورهای آرژانتین و برزیل، پاراگوئه و اوروگوئه، بازار مشترک منطقه‌ای را ایجاد نمودند و از همان سال رسماً آن را به مورد اجرا گذاردند. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۳ پرونیست‌ها اکثریت نسبتاً قابل توجهی به دست آوردند و موقعیت کارلوس مُنم پرونیست را مستحکم کردند و بدینسان او را در انجام برنامه‌های اقتصادی و اجرای طرح‌های ضد تورم یاری دادند.

قتل خوزه لوئیس کابزاس، عکاس و خبرنگار یکی از مجلات که از دولت انتقاد می‌کرد، بحران جدیدی پدید آورد و به دنبال آن در اوایل سال ۱۹۹۸ کاپیتان آلفردوآستیز طی اعلامیهٔ همگانی، از اعمال غیرقانونی دوران دیکتاتورهای نظامی (۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳) پرده برداشت و با دفاع از آنان، بحران را تشدید کرد. در انتخابات سال ۱۹۹۹، ائتلاف اتحادیهٔ شهری رادیکال و حزب همبستگی (فره‌پاسو) به پیروزی رسید و کاندیدای آن، فرناندو د لاروا، از اتحادیه شهری رادیکال با کسب حدود ۵۰٪ آراء به ریاست جمهوری برگزیده شد.

در پی بروز بحران مالی دسامبر ۲۰۰۱، آشوب سراسر این کشور را در برگرفت و دلاروا، از مقام ریاست جمهوری کناره گیری کردو پس از چند تغییر وتحول، سرانجام ادواردو دوآلده به عنوان رئیس جمهور موقت برگزیده شد تا زمان انتخابات بعدی که درسال ۲۰۰۳ برگزار می‌گردد، وظایف ریاست جمهوری را به انجام برساند.

آلبانی ALBANIA

آلبانی کشوری است واقع در جنوب شرقی اروپا، در غرب شبه جزیرهٔ بالکان و در ساحل خاوری دریای آدریاتیک و سرزمینی است کوهستانی. همسایگان آن را به ترتیب یوگسلاوی در شمال، مقدونیه در شرق و یونان در جنوب شرقی تشکیل می‌دهند. اراضی غربی آن را که از مرز یوگسلاوی در شمال تا خلیج ولورا ادامه دارد، دشت ساحلی نسبتاً همواری فرا گرفته که در زمستان از باتلاق‌های متعدد پوشیده می‌شود و نواحی شمالی آن را بخشی از دنبالهٔ کوهستان آلپ به نام آلپ‌های آلبانی شمالی تشکیل می‌دهد و بیشتر اراضی مرکزی و خاوری را رشته کوههای پیندوس که ارتفاع بلندترین قلّهٔ آن به نام کوه کوراب به ۲۷۶۴ متر می‌رسد، زیر پوشش قرار داده است. رودخانه‌های آلبانی که کلاً[*] از شرق به غرب جریان دارند، از همین ارتفاعات سرچشمه می‌گیرند. رود درین با ۲۸۰ کیلومتر طول (در شمال)، اشکومبین و سمان (در نواحی مرکزی) و رود ویوسه (در جنوب) از عمده‌ترین رودخانه‌های آن به‌شمار می‌آیند و دریاچه‌های مرزی شکودار (اسکوتاری؛ در مرز آلبانی و یوگسلاوی) و اوخرید (مرز آلبانی و مقدونیه) و پرسپا (مرز آلبانی و مقدونیه و یونان) نیز از جمله عوارض آبی چشمگیر و جالب این سرزمین محسوب می‌گردند.

آب و هوای آلبانی مدیترانه‌ای است و کوهستانهای خاوری آن که عمدتاً از جنگل پوشیده شده، از استعداد دامداری سنتی نسبتاً غنی برخوردار است. پنبه و تنباکو و ذرت، از جمله



نام رسمی: جمهوری آلبانی

نام محلی: شکیپری (شکیپنی) Shqipëri(Shqipni)

اسامی دیگر: -

پایتخت: تیرانا (۴۲۷،۰۰۰ نفر با حومه در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۱۲/۱۱/۲۸ ، از عثمانی

روز ملی: بیست و هشتم نوامبر، روز آزادی (۱۹۴۴) و استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: آلفرد اسپیرو موسیو، از سال ۲۰۰۲، توسط مجلس خلق به مدت ۴ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: فاتوس نانو (حزب سوسیالیست)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۸ ؛ مجلس خلق با ۱۵۵ عضو به مدت ۴ سال؛ ترکیب مجلس خلق در انتخابات سال ۲۰۰۱: حزب سوسیالیست آلبانی ۷۳ کرسی، اتحاد برای پیروزی (ائتلاف حزب دموکرات، جبهه ملی آلبانی، حزب جمهوری خواه و ...) ۴۶ کرسی، حزب دموکرات ۶ کرسی، حزب سوسیال دموکرات ۴ کرسی، حزب حقوق بشر ۳ کرسی، حزب کشاورزان ۳ کرسی، حزب اتحاد دموکراتیک ۳ کرسی، مستقلها ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یااآ ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو ، یونیسف، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، کنفرانس اسلامی ، اوسه

جمعیت

مساحت: ۲۸،۷۴۸ کیلومترمربع (صد و چهل و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۳،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (یکصدوسی‌امین کشور)

تراکم جمعیت: ۱۰۷/۸ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹۵):** ٪-۰/۴

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳/۸ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۵۴ سال

جمعیت شهری(۱۹۹۸): ٪۳۸/۳ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰ – ۱۹۹۵): ٪۲/۲

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۳۰/۸ ؛ ۲۹ – ۱۵ سال ٪۲۶/۳ ؛ ۵۹ – ۳۰ سال ٪۳۲/۹ ؛ بالای ۶۰ سال ٪۱۰

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪۴۸/۹ ؛ زن ٪۵۱/۱ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۴/۲ سال؛ مردان ۶۸/۴ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۹/۹ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۶/۵ نفر

مرگ و میر کودکان در هر هزار تولد (۱۹۹۹): ۴۳/۱نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۴ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۳): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۸۷ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفس ۸۴/۵ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۵۳/۸ ؛ حوادث، مسمومیت و نزاع ۴۱/۷، بیماریهای دستگاه عصبی ۲۴/۱ ؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۱۶/۵؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۱۰/۸ ، نارسائیهای غدد و سوخت و ساز بدن ۵/۱ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۴ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج در هر هزار نفر(۱۹۹۰): ۸/۹ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۰):** ۰/۸ مورد

نژاد/ملیت (۱۹۸۹): آلبانیایی ٪۹۸ ؛ یونانی ٪۱/۸ ؛ مقدونی ٪۰/۲

دین (۱۹۹۵): مسلمان ٪۷۰ ؛ ارتدوکس آلبانی٪۷/۳ ؛ دیگرارتدوکس‌ها٪۴ ؛کاتولیک ٪۵/۲ ؛ غیره ٪۱۳/۵ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: آلبانی توسک (زبان رسمی)؛ یونانی؛ خط: لاتین و یونانی

شهرهای مهم(۱۹۹۱): دوراس ۸۶،۹۰۰ نفر، شکودار ۸۳،۷۰۰ نفر، الباسان ۸۳،۲۰۰ نفر

بنادر مهم: ولورا، دوراس (در ساحل دریای آدریاتیک)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لک (Lek) = ۱۰۰ کیندارکا، یک دلار= ۱۴۸/۸۵ لک؛ یک لک= ۵۳/۷ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۱۰۷/۸ میلیارد لک (٪۷۷/۶ مالیات شامل: ٪۲۷/۶ مالیات بر ارزش افزوده ،٪۱۷/۱ عوارض گمرکی و مالیات صادرات ،٪۱۶/۸ حق بیمه تأمین اجتماعی، ٪۹/۶ مالیات بر درآمد و ٪۶/۵ سایر موارد)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۲۲/۴

هزینه بودجه: ۱۶۵/۱۶ میلیارد لک؛ هزینه جاری ٪۷۹/۶ از جمله هزینهٔ کارکنان ٪۱۸/۹ ، سود بدهی‌ها ٪۲۱/۲ ، تأمین اجتماعی ٪۱۶/۷ ، نگهداری و عملکرد دولت ٪۱۶ و ٪۶/۸ سایر موارد؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۲۰/۴

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲،۷۱۸ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۸۱۰دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵ – ۱۹۷۵) : ؟ ؛ ۹۸ – ۱۹۹۰ : ٪-۰/۳

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۵۴/۴ ؛ صنعت ٪۲۴/۵ ؛ خدمات ٪۲۱

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲ – ۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۴۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۷۰۱ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۲۴۲/۲ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪-۶/۷

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸ – ۱۹۹۰) : ٪۵۱/۵ ؛ ۱۹۹۸: ٪۲۴/۸

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): ۵۱۱،۵۰۰ تن غلات؛ سبزیجات و صیفی‌جات (بیشتر لوبیا، نخود، پیاز، گوجه‌فرنگی، کلم، بادنجان و هویج)۴۴۶،۵۰۰ تن، ۲۲۰،۰۰۰ تن هندوانه، ۱۶۱،۹۰۰ تن سیب زمینی

کاربری زمین: ؟

تعداد دام زنده(۱۹۹۸) گوسفند ۱،۹۴۱،۰۰۰ رأس، بز ۱،۱۲۰،۰۰۰ ، گاو،۷۲۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۴۰۹،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳،۲۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۴،۰۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ (۱۹۹۹):** ۲۰،۲۰۰ تن

تولیدات معدنی(۱۹۹۹): کروم ۷۹،۰۰۰ تن، مس ۳۴،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی (۱۹۹۹): ۱۰۶،۰۰۰ تن سیمان، ۶۷،۰۰۰ تن نان، ۲۰،۰۰۰ تن ورق فولاد ، ۷،۰۰۰ تن پنیر، ۹۱،۰۰۰ هکتولیتر آبجو، ۱۰،۰۰۰ هکتولیتر شراب

انرژی /میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۹) : ۵ میلیارد (۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰) کیلووات ساعت، زغال سنگ (۱۹۹۶): ۱۱۱،۰۰۰ تن(۹۱،۰۰۰)، نفت خام(۱۹۹۹): ۲،۳۶۸،۰۰۰ بشکه (۳،۲۵۷،۰۰۰)، فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۶): ۲۸۲ هزار تن(۳۶۳ هزار تن)، گاز طبیعی (۱۹۹۶): ۲۳ میلیون مترمکعب(۲۳ میلیون مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۱،۳۲۰،۰۰۰ نفر؛نسبت نیروی کار به کل جمعیت ٪۳۹/۴ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ٪۶۹/۹ ؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ٪۳۹/۲ ؛ میزان بیکاری: ٪۱۷/۸

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۵۰/۵ ؛ صنعت ٪۳۱ ؛ خدمات ٪۱۵/۲

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱۸ ماه ؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۶: ۵۴،۰۰۰ نفر ؛نیروی زمینی ٪۸۳/۳ ؛ نیروی هوائی ٪۱۲/۱ ؛ نیروی دریائی ٪۴/۶ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی ۱۹ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۹۳۸ میلیون دلار؛ شامل: غذا، نوشیدنی، حیوانات زنده و توتون ٪۲۴/۸ ؛ کالای صنعتی ٪۲۳/۵ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۱۹؛ مواد شیمیائی ٪۷/۶ ؛ سوختهای معدنی٪۴/۷ ؛ مواد خام ٪۴/۱ ؛ از ایتالیا ٪۳۷/۵ ؛ یونان ٪۲۸/۱ ؛ آلمان ٪۵/۵ ؛ ترکیه٪۵/۵ و بلغارستان ٪۳

صادرات(۱۹۹۹): ۲۷۴ میلیون دلار؛ شامل: کالاهای گوناگون صنعتی ٪۶۴/۱ ؛ کالای تولیدی ٪۱۲ ؛ مواد خام ٪۷/۳ ؛ غذا و نوشیدنی ٪۶/۷ ؛ به کشورهای ایتالیا ٪۶۷/۳ ؛ یونان ٪۱۴/۳ ؛ آلمان ٪۶/۴؛ بلژیک – لوکزامبورگ ٪۰/۹

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۴۹۰	-۴۶۰	-۴۷۵	-۶۷۸	-۵۳۵	-۶۲۱	-۶۶۴
درصد کل	٪۶۸/۷	٪۶۲	٪۵۳/۷	٪۵۸/۲	٪۶۲/۸	٪۶۰/۲	٪۵۴/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۵/۷	۹۲/۸	۱۰۰	۱۱۲/۷	۱۵۰/۱	۱۸۱/۱	۱۸۱/۸
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ۳/۹ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار روستائی (۱۹۸۹): ۸۰۸۳۵ لک؛ منابع درآمد: دستمزد ٪۵۳ ؛ انتقال از خویشاوندان خارج از کشور ٪۲۱/۵ ؛ بیمهٔ اجتماعی ٪۱۱/۴

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۵۴ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج : ۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۱۸،۰۰۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۶):** ۶۷۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۶۷،۰۳۱ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۳۴،۰۵۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹۲): ۲۴ فروند | **فرودگاه:** یک فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۶): ۵ روزنامه در ۱۱۶،۰۰۰ نسخه (۳۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۴۳ عنوان در ۳،۴۷۷،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۳۸۱ عنوان در ۵،۷۱۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۴،۹۸۷ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۸۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۲۵۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۴۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۱۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۱۶،۰۰۰ خط تلفن (۳۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۵،۶۰۰ خط(۱/۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۹۳۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۱،۷۸۲	۳۱،۳۶۹	۵۵۸،۱۰۱	۱۷/۸
متوسطه	۱۶۲	۴،۱۴۷	۷۱،۳۹۱	۱۷/۲
فنی و حرفه‌ای	۲۵۹	۲،۱۷۴	۱۸،۵۰۴	۸/۵
عالی	۱۰	۲،۳۴۸	۳۴،۲۵۷	۱۴/۶

میزان باسوادی (۱۹۸۹): افراد بالای ۱۰ سال: ٪۹۱/۸ ؛ مردان: ٪۹۵/۵ ؛ زنان: ٪۸۸

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال(۱۹۸۹): ابتدائی ٪۶۵/۳ ؛ متوسطه ٪۲۹/۱ ؛ عالی ٪۵/۶

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۴،۸۴۸ نفر (هر ۶۶۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۴): ۱۰،۲۰۰ تخت (هر ۳۳۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر (۰/۰۱ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ۱۹/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۹۷۶ کالری (٪۱۲۲ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۹۹ گرم؛ مصرف چربی : ۷۹ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰ – ۱۹۸۰): ؟ (۱۹۹۵ – ۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷) : ۶/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹۶): ۱/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۶ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۱۳ (نودوچهارمین کشور جهان)

فرآورده‌های دشت ساحلی است و برنج و انگور و زیتون و غلات در درّه‌های مرکزی و خاوری آن به دست می‌آید و منابع زیرزمینی آن به ویژه از نظر ذخایر نفتی قابل توجه است.
آلبانیاییها از نظر قومی، مردمانی یکدست و کوه نشین‌اند و با اقلیتی از یونانی‌ها در این مرز و بوم به‌سر می‌برند. زبانشان آلبانیایی است که با دو لهجهٔ عمدهٔ توسک (در نواحی جنوبی) و گگ (در نواحی شمالی) تکلم می‌شود. علاوه بر مسلمانان که اکثریتی حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، مسیحیان ارتدوکس و کاتولیک‌ها، جوامع مذهبی آلبانی را به خود اختصاص داده‌اند.
کشور آلبانی از نظر اداری یک دولت جمهوری سوسیالیستی پارلمانی است و از ۲۶ استان تشکیل یافته و احزاب سوسیال‌دموکرات (کمونیست پیشین) و لیبرال‌ها و دموکرات‌ها از جمله اجتماعات سیاسی آن هستند.

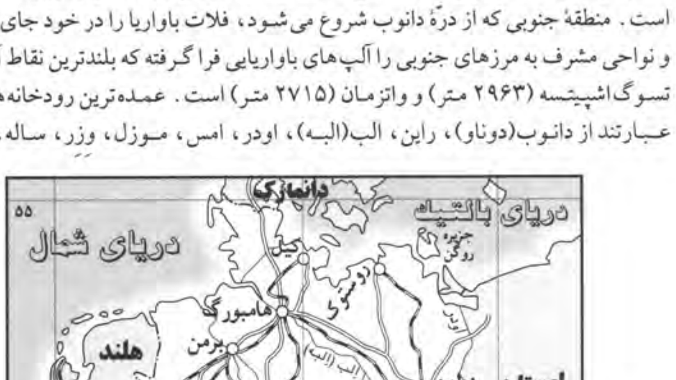


تاریخچه

آلبانیاییها فرزندان قوم ایلوریاییهای باستانند و از نژاد هند و اروپایی هستند که از نواحی مرکزی اروپا به سوی جنوب مهاجرت کردند و در آغاز عصر آهن در شمال یونان ساکن شدند. رومی‌ها در سال ۱۶۸ پیش از میلاد سراسر نواحی ایلوریا را تصرف کردند و آنجا را به یکی از استانهای امپراتوری روم به نام ایلوریکوم مبدل نمودند. طی سده‌های سوم تا پنجم میلادی اسلاوها به آلبانی هجوم بردند و آنجا را اشغال نمودند ولی آلبانیاییها فرهنگ و زبان و آیین‌های خود را حفظ کردند.
در سال ۱۴۳۱ امپراتوری عثمانی به آلبانی حمله کرد و پس از ۴۷ سال جنگ و زد و خورد آنجا را به تصرف خود درآورد و دین اسلام را در آنجا اشاعه داد. در سال ۱۹۱۲ نخستین زمزمه‌های استقلال آلبانی آغاز گردید و ترک‌های اشغالگر را وادار نمود تا خودمختاری آنان را به رسمیت بشناسند. با شروع جنگهای بالکان، آلبانی استقلال کامل خود را اعلام کرد و اعضای کنفرانس لندن آن را به رسمیت شناختند. در سال ۱۹۲۰ عضو جامعهٔ ملل شد و طی سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۸ دارای حکومت جمهوری گردید و در سال ۱۹۴۴ نیروهای متفقین در آنجا پیاده شدند و پس از پایان جنگ به تصرف ارتش سرخ درآمد و انورخوجهٔ کمونیست زمام امور را به دست گرفت. طی سالهای ۱۹۶۰ از طرف اتحاد شوروی تحت فشار استالینیسم قرار گرفت و بدین بهانه از کشور مزبور دوری جست و به جمهوری توده‌ای چین نزدیک شد و مانند چین به انقلاب فرهنگی پرداخت. با درگذشت انور خوجه در سال ۱۹۸۵، رامیز عالیا به رهبری حزب کمونیست و کشور آلبانی رسید و رفته رفته تماس‌ها و رفت و آمد با کشورهای همسایه فزونی یافت و به بیداری مردم انجامید و زمزمه‌های آزادی‌خواهی آغاز گردید و قرار بر این شد تا پس از ۴۶ سال، نخستین انتخابات آزاد در سال ۱۹۹۱ برگزار شود. در انتخابات مزبور که با نظارت سازمانهای بین‌المللی و روزنامه‌نگاران خارجی انجام شد نامزدهای حزب کارگران آلبانی برندهٔ اکثریت شدند. در ماه مارس ۱۹۹۱ بیش از سیصد هزار کارگر آلبانیایی دست به اعتصاب زدند و خواهان ۵۰ درصد افزایش حقوق و خلع مقامات حزب کارگران آلبانی شدند. اعتصابات مزبور فاتوس نانو نخست‌وزیر را ناگزیر ساخت تا کابینهٔ خود را ترمیم کند و پست‌های مهمی را به مخالفان خود در حزب دموکرات واگذار نماید. پس از آن که آلبانی به عنوان سی و ششمین عضو شورای اروپا برگزیده شد، روابط سیاسی آن با کشورهای دیگر به ویژه همسایگانش رو به بهبودی نهاد و یک قرارداد همکاری نظامی با امریکا نیز به امضاء رسید.
در ماه مارس ۱۹۹۲ انتخابات دیگری برگزار شد و طی آن نامزدهای حزب دموکرات حائز اکثریت چشمگیر شدند و سالی بریشا را به عنوان اولین رئیس جمهور غیر کمونیست پس از جنگ دوم جهانی به ریاست جمهوری برگزیدند. حزب کارگران آلبانی که در این انتخابات به سختی شکست خورده بود، نام خود را به حزب سوسیالیست تغییر داد و به تجدید نظر در دیدگاه‌های خود پرداخت.
بحران مالی سال ۱۹۹۷ که با فاجعه‌ای خونین و ویرانگر همراه بود، سالی بریشا را وادار نمود تا از مقام خود استعفاء دهد و در ماه ژوئن رجب میدانی از سوی مجلس جایگزین او گردد و نانو به عنوان نخست‌وزیر مسئولیت کشور را بر عهده بگیرد. نانو با تلاش بسیار تورم را تا حد زیادی مهار کرد و دست به اصلاحات اقتصادی زد.
با تحولاتی که در یوگسلاوی روی داد و مسئلهٔ استقلال خواهی استان کوزوو مطرح گردید، جو سیاسی آلبانی به شدت دگرگون شد. هنگامی که ساکنان استان کوزوو که آلبانیایی‌تبار و از نظر جغرافیایی در تابعیت یوگسلاوی بودند، اعلام استقلال نمودند و علیه صرب‌های دولت مرکزی به مبارزه برخاستند، آلبانی را ناگزیر نمودند تا نیروهای نظامی خود را در مرز متمرکز نماید. نبرد شدید صرب‌ها علیه آزادی‌خواهان کوزوو به قتل و کشتار وسیع اهالی استان مزبور منجر گردید و آنان را به مهاجرت و پناه بردن به آلبانی وادار ساخت. دخالت نیروهای ناتو، صرب‌های یوگسلاوی را به تسلیم واداشت و مسئلهٔ کوزوو تحت بررسی قرار گرفت و آوارگان کوزوو بتدریج به زادگاه خود بازگشتند و بحران کوزوو تا حد زیادی فروکش کرد.
در پی بروز اختلافات شدید میان دولت مقدونیه و آلبانیایی تبارهای آن کشور در سال ۲۰۰۱، دولت آلبانی سعی نمود تا با همراهی جامعه بین المللی در حل این مناقشات گام بردارد.
درانتخابات پارلمانی در ژوئن و ژوئیه ۲۰۰۱، حزب سوسیالیست با کسب ۷۳ کرسی، اکثریت مطلق خود را درمجلس خلق همچنان حفظ نمود.

آلمان GERMANY

آلمان کشوری است در اروپای مرکزی که از شمال غربی به دریای شمال، از شمال به دانمارک و دریای بالتیک، از خاور به کشورهای لهستان و جمهوری چک، از جنوب به اتریش و سوئیس و از غرب به فرانسه، لوکزامبورگ، بلژیک و هلند محدود است.
نواحی شمالی کشور را دشتهای پهناور فرا گرفته و کرانه‌های دریای بالتیک از بریدگیهای فراوان و خلیج‌های باریک و ژرف تشکیل شده است. نواحی مرکزی این سرزمین از رشته‌کوههای بسیار کهن مانند کوههای هارتس پوشیده شده و فلاتها و رودهای چندی در آن به چشم می‌خورد. مهمترین عارضهٔ این منطقه، ناحیهٔ جنگل سیاه (شوارتس والد) و راینلاند است. منطقهٔ جنوبی که از درّهٔ دانوب شروع می‌شود، فلات باواریا را در خود جای داده است و نواحی مشرف به مرزهای جنوبی را آلپ‌های باوارایی فرا گرفته که بلندترین نقاط آن قله‌های تسوگ‌اشپیتسه (۲۹۶۳ متر) و واتزمان (۲۷۱۵ متر) است. عمده‌ترین رودخانه‌های آلمان عبارتند از دانوب(دوناو)، راین، الب(البه)، اودر، امس، موزل، وزر، ساله، مولده،





نام رسمی: جمهوری فدرال آلمان

نام محلی: دویچلاند Deutschland

اسامی دیگر: پروس (نام قدیمی)

پایتخت: برلین (۳،٤۲٥،۷٥۹ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: تاریخ وحدت دو آلمان ۱۹۹۰/۱۰/۳

روز ملی: سوم ماه اکتبر (سالروز اتحاد دو آلمان)

نوع حکومت: جمهوری فدرال چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری ، از سال ۱۹٤۹

رئیس حکومت: رئیس جمهور: یوهانس راو، از سال ۱۹۹۹، به مدت ٥ سال توسط دو مجلس

رئیس دولت: صدراعظم: گرهارد شرودر، از سال ۱۹۹۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٤۹، آخرین تغییرات سال ۱۹۹۸؛ مجلس نمایندگان (بوندستاگ) با ٦۷۲ عضو (در سال ۲۰۰۲، ٦۰۳ عضو) و مجلس فدرال (بوندسرات) با ٦۸ عضو برای مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): سوسیال دموکرات ۲۹۸ (۲٥۱) کرسی، دموکرات مسیحی ۲٤٥ (۲٤۸) کرسی، اتحاد ۹۰ (سبزها) ٤۷ (٥٥) کرسی، دموکرات آزاد ٤۳ (٤۷) کرسی، سوسیالیزم دموکراتیک ۳٦ (۲) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۷۳)؛ اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، آ د ب، آی ـ آ د ب ، شورای اروپا، گروه هشت، ناتو، او ا سی دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۳٥۷،۰۲۲ کیلومترمربع (شصت و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۸۲،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (دوازدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۳۰/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ۰/۱٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۸۰/۲ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** بیش از ۱۰۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸۷/۱٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰ – ۱۹۹٥): ۰/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱٥ سال ۱٥٪ ؛ ۲۹ – ۱٥ سال ۱۸/۳٪ ؛ ٥۹ – ۳۰ سال ٤٤٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۲۲/۷٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٤۸/۷۲٪ ؛ زن ٥۱/۲۸٪ — **امیدبه‌زندگی(۹۷-۱۹۹٥):** زنان۸۰/۲ سال،مردان۷٤/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹٦): ۹/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹٦):** ۱۰/٥ نفر

مرگ ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹٦): ٥ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹٦):** ۰/٦- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: بافتهای بدخیم (سرطان) ۲٥۹/۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ٥۲۰ ؛ بیماریهای دستگاه تنفس٥٦/۷؛ ذات‌الریه ۲۱/۲؛ برونشیت مزمن ۱۳/۲؛ خودکشی۱٤/۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۷): ۱/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۸ نفر

میزان ازدواج در هر هزار نفر: ٥/۱ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۲/۳ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹۸): آلمانی۹۱/۳٪؛ ترک۲/٦٪؛ ایتالیایی ۰/۷٪؛ یونان ۰/٤٪؛ لهستان ۰/۳٪؛ سایر نژادها ٤/۷٪؛ کرد ۰/٥٪

دین: لوتری ٤۰/۸٪ ؛ کاتولیک ۳۳/۹٪ ؛ مسلمان ۲/۱٪ ؛ دیگر ادیان ۳۳/۲٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: آلمانی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٦): هامبورگ (۱،۷۰۸،٥۰۰ نفر)؛ مونیخ (۱،۲۳۲،۸۰۰)؛ کلن (۹٦٤،٤۰۰)؛ فرانکفورت (٦٤۸،٤۰۰) ؛ اسن (٦۱۲،۳۰۰)؛ دورتموند(٥۹۷،۹۰۰)؛ اشتوتگارت(٥۸٥،٤۰۰)؛ دوسلدورف(٥۷۰،۸۰۰)؛ برمن(٥٤۸،۹۰۰ نفر)

بنادر مهم: روستوک، ویسمار، اشترالزوند ، لوبک (دریای بالتیک)؛ هامبورگ و برمن در سواحل دریای شمال

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€)=۱/۹٦ مارک آلمان (منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو=۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۱،۷۸۷،۷۲۰،۰۰۰،۰۰۰ مارک؛ (شامل مالیات ۸۳/٦٪)

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۱،۸۷٦،٤۸۳،۰۰۰،۰۰۰مارک؛ مستمری‌ها و سایر پرداختهای تأمین اجتماعی۳٤/۱٪ خرید کالا و خدمات جاری ۲۲/۳٪ ؛ هزینهٔ کادر اداری ۲۰/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲،۱۸۰ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲٦،٥۰٥ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱/۱٪ ؛ صنعت ۳۳/۱٪ ؛ خدمات ٦٥/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲٥٦۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۹،۸۷۷ میلیون دلار

بدهی خارجی: ۷۱۸/٤٤ میلیارد مارک — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٥،٥۸۱- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۲/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/۲٪ ؛ ۱۹۹۸: ۰/۹٪

محصولات کشاورزی(۹۷-۱۹۹٦): غلات ٦،۸۱۹،۰۰۰،۰۰۰ مارک؛ میوه ۳،٤٥٥،۰۰۰،۰۰۰؛ گل و گیاه تزئینی ۳،۱٤۰،۰۰۰،۰۰۰ ؛ چغندر ۲،٥٤۹،۰۰۰،۰۰۰ ؛ انگور شرابی ۲،۳۲۲،۰۰۰،۰۰۰ ؛ سبزیجات ۲،۲۰٤،۰۰۰،۰۰۰؛ سیب‌زمینی ۱،٥٥۹،۰۰۰،۰۰۰ ؛ گل و درخت ۲،۰٤۰،۰۰۰،۰۰۰ ؛ دانه‌های روغنی ۷٦٥،۰۰۰،۰۰۰ مارک

کاربری زمین: کشاورزی ۱۹/۹٪ ؛ مرتع و چمنزار ۱٥/۱٪ ؛ جنگل ۳۰/٦٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۲٦،۲۹۹،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱٤،۹٤۳،۰۰۰؛ گوسفند ۲،۲۹۸،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳٦،٤٤۱،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹٦):** ۲۹۸،۰۱۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۰۳،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم‌مرغ(۱۹۹۹):** ۸٦۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی(۱۹۹۷): پتاس ۳٥،۹۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده کالاها به میلیون مارک)کالاهای سرمایه‌ای ۲٥۲،۲۲٦ (شامل: ماشین‌آلات۹۰،۲۱۳، تجهیزات حمل و نقل ۸۰،٤۱۸ ؛ تجهیزات برقی ٥۷،۲٦۹)؛ مواد شیمیائی ٦۰،۸٤۲ ؛ غذا و نوشیدنی ۳۹،۱۸٤ ؛ پلاستیک و دیگر محصولات ترکیبی۲۷،۸٥۳ ؛ ظروف شیشه‌ای و سفال ۲۲،۷۳۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٤): ٥۲۸ میلیارد کیلووات ساعت (٥۳۰،٥٥۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ: ٥۷،٦۲۳،۰۰۰ تن (٦٦،۲٥٥،۰۰۰ تن)؛ لیگنیت ۲۰۷،۰۷۷،۰۰۰تن(۲۰۹،۳۰۸،۰۰۰)؛ نفت خام: ۲۱،٥۳٥،۰۰۰ بشکه (۷۹۳،٥۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۹۹،٥۷۸،۰۰۰ تن (۱۱۳،۸۳۹،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ٤۰،۲۸۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۹٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۷۰/٥٪ ؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤۳/۱٪ ؛ میزان بیکاری: ۱۰/۷٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۲/۹٪ ؛ صنعت ۳٤/۳٪ ؛ خدمات ٦۲/۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱۲ ماه ؛ تعداد نفرات ارتش(۱۹۹۹)؛ ۳۳۲،۸۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۸/٦٪ ؛ نیروی دریائی ۸/٤٪ ؛ نیروی هوائی ۲۳٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٤۰۱ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۷٥٥/۸٦، میلیارد مارک، شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳٤/۲٪ (شامل: تجهیزات حمل و نقل ۹/۹٪؛ ماشین‌های الکتریکی بجز تجهیزات اداری ٦/۹٪)؛ کامپیوتر ٤/۷٪ ؛ مواد شیمیائی ۸/۸٪ ؛ مواد غذائی و نوشیدنی ۷/٤٪؛ از فرانسه ۱۰/٥٪؛ هلند ۸/٥٪ ؛ ایتالیا ۷/۸٪ ؛ امریکا ۷/۷٪ ؛ انگلستان ۷٪؛ بلژیک ٦/۲٪ ؛ ژاپن ٤/۹٪

صادرات(۱۹۹۷): ۸۸٦/۷۸ میلیارد مارک ، شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۹/٦٪ ؛(از جمله تجهیزات حمل و نقل راهها٦ /۱٦٪ ؛ ماشینهای الکتریکی بجز تجهیزات اداری ۷/۹٪ ؛ تجهیزات اداری ۲/٤٪)؛ مواد شیمیائی ۱۳/۲٪ ؛ به فرانسه ۱۰/٦٪ ؛ امریکا ۸/٦٪ ؛ انگلستان ۸/٤٪ ؛ ایتالیا ۷/۳٪ ؛ هلند ۷٪ ؛ بلژیک – لوکزامبورگ ٥/۸٪ ؛ اتریش ٥/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون‌مارک	+۸۸/۷۳	+۱۰۳/٤	+۱۱۷/۳٥	+۱۳۷/۳٥	+۱٤۸/٦٦	+۷٦/۹
درصد کل	٦/۸٪	۷/٤٪	۸٪	۸/٤٪	۸/٤٪	۸/۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٥/٦	۹۸/۲	۱۰۰	۱۰۱/٥	۱۰۳/۳	۱۰٤/۳	۱۰٤/۹
شاخص درآمد ساعتی	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: درآمد سالانهٔ هر خانوار (۱۹۹۷): ۸٤،٦۲٤ مارک؛ منابع درآمد: دستمزد ۷۷/٦٪ ؛ کار آزاد ۱۲٪ ؛ پرداختهای انتقالی ۱۰/٤٪ ؛ هزینه‌ها: اجاره ۲٤/٥٪ ؛ غذا و نوشیدنی ۲۱٪ ؛ حمل و نقل ۱۷/۱٪ ؛ آموزش و تفریح و اوقات فراغت ۱۱/۹٪ ؛ عملکردهای خانگی، لوازم با دوام و حفظ و نگهداری ۷/۱٪ ؛ پوشاک و کفش٦/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱٦،٤۲۹ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ٤٦،۹۳۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۲۳۱،۰۷٦ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۸۷،۲۰۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ٤۱،۳۲٦،۹۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۲،٤۲۸،۳۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹٥): ۱،٤۷٦ فروند — **فرودگاه:** ۳٥ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۳۷٥ روزنامه در ۲٥،٥۰۰،۰۰۰ نسخه (۳۱۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۹،۰۱۰ عنوان در ۳۹٥،۰۳٦،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۷۱،٥۱٥ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۷۷،۸۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۹٤۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤۷،٥۹۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٥۸۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٤٦،٥۳۰،۰۰۰ خط تلفن (٥٦۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۳،۹۲٥،۰۰۰ خط (۱۷۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانهٔ شخصی(۱۹۹۸): ۲٥،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۷،٥۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۱۷،۹۱۰	۱۹۹،٦۲۳	۳،٦۳٤،۳٤۲	۱۸/۲
متوسطه	۱۷،۷۱۱	٤۰۲،٤۷۲	٥،۸۲۲،۲٤۲	۱٤/٥
فنی و حرفه‌ای	۹،۲٤٥	۱۰۷،٥٤۸	۲،٤۳٥،۷٥۳	۲۲/٦
عالی	۳۳٥	۱٥۲،٤۰۱	۱،۸۳۸،٤٥٦	۱۲/۱

میزان باسوادی: افراد بالای ۱٥ سال: ۱۰۰٪ ؛ مردان: ۱۰۰٪ ؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹٦): ابتدائی‌وراهنمائی٥٤/٥٪، متوسطه‌وفنی و حرفه‌ای۹/۳٪ ،فوق‌دیپلم وعالی ۱۸/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۲۸۲،۷۳۷ نفر (هر ۲۹۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹٦): ٥۹۳،۷٤۳ تخت (هر ۱۳۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۳٥،۰۰۰ نفر (۰/۰۸٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر: ۱۳/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳۳۸۲ کالری؛ مصرف پروتئین: ۹٦ گرم؛ مصرف چربی: ۱٤٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷) : ۹٤/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹٦): ۸٦۲/٦ میلیون تن؛ هر نفر ۱۰/٥ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۱۱ (چهاردهمین کشور جهان)

نایسه، رور، شپره و هاول. دریاچه‌های متعددی به ویژه در کوهستانهای جنوبی به چشم می‌خورد که بزرگترین آنها دریاچهٔ بودن ۵۴۵ کیلومترمربع مساحت دارد. بزرگترین جزیرهٔ آلمان، جزیرهٔ روگن، با ۹۳۰ کیلومترمربع وسعت در دریای بالتیک قرار دارد.
نهشت‌های عظیمی از زغال‌سنگ و لیگنیت در حاشیهٔ بستر رودخانه‌های رور و امس وجود دارد که درواقع ستون فقرات صنعت آلمان را تشکیل می‌دهد. درّهٔ رور و نواحی مرکزی راینلاند و ساکس سفلی از متمرکزترین نواحی صنعتی کشور است. نواحی جنوب خاوری آلمان، سرشار از کانه‌های زغال‌سنگ، لیگنیت، سرب، نقره و اورانیوم است و صنایع شیمیایی و فلزی و فولادسازی در همین قسمت قرار دارند و به همین مناسبت هوای این منطقه بسیار آلوده است و گازهای زهرآگینی چون سولفور دی‌اکسید این ناحیه، پانزده‌بار بیشتر از نواحی غربی کشور می‌باشد و بارانهای اسیدی و آلودگی رودخانه‌های این نواحی آبهای دریای بالتیک و شرایط زیست‌محیطی را به سختی تهدید می‌کند. اقلیم آلمان عمدتاً مرطوب و پر باران است. تابستانهای آن معتدل و خنک و زمستانهای سرد و یخبندان دارد.

تاریخچه

نخستین اشاره‌ای که به اقوام ژرمن شده، ظاهراً به سالهای ۵۸ تا ۵۱ پیش از میلاد برمی گردد و آن زمانی است که ژولیوس سزار، امپراتور روم، سرزمینهای گل و نواحی شمال آلپ و غرب رود راین را تصرف کرد. ژرمن‌ها در واقع فرزندان توتون‌ها و کیمبری‌هایی هستند که بین سالهای ۱۱۳ و ۱۰۱ پیش از میلاد به نواحی مدیترانه و شبه جزیرهٔ ایتالیا یورش بردند.
در سال نهم بعد از میلاد یکی از رؤسای قوم ژرمن که بعدها به عنوان قهرمان ملی قوم مزبور شناخته شد، با رومیان به جنگ پرداخت و سه لژیون رومی را درهم شکست. در نیمهٔ دوم سدهٔ سوم میلادی، اقوام ژرمن باهم متحد شدند و با رومیان آنقدر ستیز کردند تا سرانجام آنان را از سرزمینهای خود بیرون راندند. در سدهٔ چهارم آتیلا رهبر هون‌ها به سرزمین ژرمن‌ها حمله کرد و گروه زیادی از مردم آن سامان را وادار به مهاجرت و ترک زادگاه خود نمود و خرابی‌های فراوان به بار آورد. در سال ۴۵۵ میلادی ژرمن‌ها هون‌ها را شکست دادند و امپراتوری هون‌های مغول‌تبار را مضمحل نمودند. در سده‌های چهارم و پنجم، ژرمن‌ها به امپراتوری روم تاختند و اراضی اسلاوها و خاور رود الب را اشغال نمودند. بعدها فرانک‌ها، قبایل ژرمن را مطیع خود ساختند و امپراتوری مرو ونژیان و کارولنشریان را تشکیل دادند. با تجزیه شدن امپراتوری شارلمانی، نواحی خاوری تحت حکومت لوئی ژرمنی قرار گرفت و امپراتوری قرون وسطایی آلمان پدید آمد. اوتوی اول در سال ۹۳۶ میلادی به سلطنت رسید و وحدت آلمان را تأمین نمود و آن را به یکی از نیرومندترین کشورهای اروپایی تبدیل کرد و تاریخ آلمان با تاریخ امپراتوری مقدس روم وجوه مشترک یافت. در زمان هانری سوم و هانری چهارم، بین امپراتور و پاپ اختلاف افتاد و در سال ۱۵۳۶ اختیارات امپراتور آلمان در ارتباط با پاپ فزونی یافت و تا حدی پیش رفت که شارل چهارم ارتباط خود را با پاپ قطع کرد و همزمان مارتین لوتر اصلاح‌طلب، نوآوری‌های مذهبی را آغاز نمود و مذهب پروتستان را بوجود آورد و کلیسای آلمان را از کلیسای روم جدا کرد و در سال ۱۶۰۸ اتحادیه پروتستان‌ها تشکیل گردید.
جنگهای سی ساله که سراسر اروپا را فرا گرفت (۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸) به کاهش جمعیت اروپای مرکزی انجامید و حدود ۳۰ درصد از جمعیت آنجا کاسته شد و همزمان در داخل سرزمین آلمان دو دولت نیرومند اتریش و پروس به وجود آمد. در سدهٔ هجدهم، امپراتوری پروس به یک قدرت سیاسی و اقتصادی مبدل شد. ناپلئون در جنگ با پروس (سال ۱۸۰۶)، امپراتوری مقدس روم را برانداخت و اتریش را از آلمان جدا کرد و بدینسان رقابت دو کشور مزبور موقتاً پایان یافت.
در سدهٔ هجدهم، مرکز اروپا، کانون فرهنگ و علم و فلسفه گردید و کانت، هردر، گوته، شیلر و... را پدید آورد و دورهٔ درخشان فرهنگ ژرمن آغاز شد. با سقوط ناپلئون، شاهزادگان آلمانی با هم متحد شدند و کنفدراسیونی را مرکب از ۳۹ ایالت پدید آوردند که همگی غیر از روابط خارجی، از استقلال بهره‌مند بودند. رویارویی اتریش و پروس در سال ۱۸۳۰ منجر به زد و خوردها و جنگهایی میان آن دو کشور گردید. در سال ۱۸۳۴ اقتصاد پروس رو به توسعه نهاد و بدینسان جمعیت شهرنشین و تعداد شهرهای صنعتی فزونی گرفت و نیروی کار و کارگر قدرت یافت و بدنبال آن موج انقلابات صنعتی سالهای ۱۸۴۸ تا ۱۸۴۹ فرارسید. از نتایج این شورش‌ها، تشکیل کوتاه مدت پارلمان بود که با ایجاد انشقاق در میان اصلاح‌طلبان و قدرت یابی مجدد عوامل رژیم سابق، آن هم منحل شد. پس از آن با قدرت گرفتن بیسمارک، دست اتریش از آلمان کوتاه گردید و وحدت آلمان تأمین شد. با پیروز شدن پروس در نبرد سال ۱۸۶۶ ویلهلم اول که امپراتور پروس بود به عنوان قیصر آلمان شناخته شد و آلمان از جنبهٔ نظامی و اقتصادی به عمده‌ترین کشور قارهٔ اروپا مبدل گشت و این روند تا سالهای بعد از ۱۸۷۱ همچنان ادامه داشت. توسعه‌طلبی‌های ویلهلم دوم انگلستان را به وحشت انداخت و آلمان را به سوی جنگ جهانی اول هدایت کرد. در سال ۱۹۱۴ رونق اقتصادی و نظامی و سیاسی آلمان در اوج خود قرار گرفت و در پایان جنگ اول (۱۹۱۸) که به شکست آلمان منتهی شد، به شدت سقوط کرد. ویلهلم دوم ناگزیر به استعفاء گردید و معاهدهٔ ورسای به آلمان تحمیل شد و جمهوری وایمار که تا سال ۱۹۳۳ دوام آورد به روی کار آمد. در ابتدای دوران جمهوری وایمار (سال ۱۹۲۵) وضع اقتصادی آلمان تا حدی بهبود یافت و می‌رفت که روزنه‌های امید باز شود، ولی بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ همه را ناامید کرد و کشور را با مسائل اقتصادی دشوار و پیچیده‌ای مواجه نمود. در انتخابات سال ۱۹۳۲ حزب ناسیونال سوسیالیست به رهبری آدولف هیتلر برنده اکثریت شد و هیتلر به صدراعظمی آلمان رسید و کلیهٔ اختیارات را در دست گرفت. معاهدهٔ ورسای را لغو کرد و برنامه تسلیحاتی آلمان را با شدت هرچه تمامتر آغاز و پی گیری نمود. به دنبال آن راینلاند را که در پایان جنگ جهانی اول از آلمان جدا شده بود، دوباره به آلمان بازگردانید و سپس اتریش را ضمیمهٔ آلمان کرد (مارس ۱۹۳۸)، با ایتالیا پیمان نظامی بست و دولتهای محور را به وجود آورد. در جنگهای داخلی اسپانیا شرکت نمود (۱۹۳۶ - ۱۹۳۹)، سپس با توافق دولتهای غربی، بخشهایی از کشور چکسلواکی را تصرف نمود و به دنبال آن خواستار الحاق دانتزیگ و قسمتی از دالان آن که به لهستان تعلق داشت گردید. در اوت ۱۹۳۹ به لهستان حمله کرد و جنگ جهانی دوم را که شش سال به درازا کشید آغاز نمود و سرانجام در مه ۱۹۴۵ شکست خورد و تسلیم گردید. پس از جنگ، آلمان در اختیار متفقین قرار گرفت. ارتش سرخ شوروی نواحی واقع در خاور رود الب و بیشتر نواحی آلمان مرکزی و همچنین قسمت خاوری شهر برلین را اشغال نمود و کشورهای غربی شامل انگلستان و امریکا و فرانسه بقیهٔ آلمان را در اختیار گرفتند و اختلاف میان دول غربی و اتحاد شوروی بر سر نواحی اشغالی و غرامات جنگ آغاز گردید. در سال ۱۹۴۹ آلمان به دو جمهوری آلمان غربی و آلمان شرقی تقسیم شد. جمهوری آلمان غربی در نواحی اشغالی انگلستان، فرانسه و امریکا دارای حکومت دموکراسی پارلمانی شد و در سال ۱۹۵۲ رسماً به استقلال رسید و در همان سال به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) پیوست و به سرعت رو به صنعتی شدن نهاد و در ردیف کشورهای بزرگ صنعتی جای گرفت. در انتخابات سال ۱۹۵۷ حزب دموکرات مسیحی به رهبری کونراد آدنائر، برندهٔ اکثریت شد و آدنائر به صدراعظمی آلمان غربی رسید.
جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی نیز در سال ۱۹۴۹ در منطقهٔ اشغالی اتحاد شوروی تشکیل شد و حزب وحدت سوسیالیستی (کمونیست)، تنها حزب حاکم آن گردید و در سال ۱۹۵۵ از سوی اتحاد شوروی به رسمیت شناخته شد.
آلمان شرقی با الحاق به پیمان ورشو به مسلح شدن خود پرداخت و به یکی از قطب‌های صنعتی بلوک شرق مبدل گردید. نارضایتی مردم از حکومت بارها به شورش و فرار از کشور انجامید و دولت کمونیست آلمان را وادار نمود تا در سال ۱۹۶۱ مهاجرت به آلمان غربی را ممنوع کند، مع‌الوصف حدود ۳ میلیون نفر به آلمان غربی مهاجرت و یا فرار نمودند. همین امر باعث شد که دولت آلمان شرقی دیواری بین قسمتهای شرقی و غربی برلین بنا نهد. در سال ۱۹۷۱ اریش هونکر رهبری کشور را بر عهده گرفت. در سال ۱۹۸۹ حدود ۳۵۰٫۰۰۰ نفر از آلمان خاوری به آلمان غربی مهاجرت کردند.
به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی و نارضایتی و تظاهرات خیابانی، اریش هونکر استعفاء داد و اگون کرنتس به جای او نشست. وی مرزها را باز کرد و دیوار برلین را خراب نمود و به دنبال آن هلموت کهل، صدراعظم آلمان غربی خواستار الحاق دو آلمان گردید. در فوریهٔ ۱۹۹۰ آلمان شرقی با پیشنهاد صدر اعظم آلمان غربی موافقت کرد و کلیهٔ نیروهای بیگانه را از خاک خود اخراج نمود و با آلمان غربی متحد گردید. در اوت ۱۹۹۰ جمهوری فدرال آلمان، با اتحاد دو آلمان، موجودیت خود را رسماً اعلام داشت. در نخستین انتخابات بعد از اتحاد که در دسامبر ۱۹۹۰ برگزار شد، هلموت کهل در حالی که اکثریت حزب طرفدار خود در پارلمان را از دست داده بود همچنان در مقام صدراعظمی آلمان ابقاء گردید و توسعهٔ اقتصادی کشور روند رو به افزایش خود را همچنان حفظ کرد تا جایی که در سال ۱۹۹۵ یعنی ۵ سال پس از اتحاد دو آلمان، رشد اقتصادی کشور به ۳ درصد رسید.
فعالیتهای نژادپرستانه یکی از مشکلاتی است که دولت آلمان با آن روبرو است. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی هجوم مهاجران اروپای شرقی و دیگر کشورها به آلمان فزونی گرفت و جوانان احساساتی نئونازی به رفتار خشن و واکنشهای تند علیه مهاجران دست زدند و دولت آلمان را وادار ساختند تا علیه آنان دست به اقدام اساسی بزنند. مع‌الوصف گاهگاه واکنشهای تند نژادپرستانه در گوشه و کنار کشور به چشم می‌خورد و امنیت مهاجران را متزلزل می‌سازد.
انتخابات دسامبر ۱۹۹۸ به حکومت شانزده سالهٔ دموکرات مسیحی‌ها و هلموت کهل پایان داد و با پیروزی حزب سوسیال دموکرات، گرهارد شرودر به عنوان صدراعظم معرفی شد.
در سال ۲۰۰۱، پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، گرهارد شرودر، صدر اعظم آلمان، حمایت همه جانبه خود را از مبارزه جهانی امریکا علیه تروریزم اعلام نمود، اما یوشکا فیشر، وزیر خارجه آلمان تأکید نمود که دولت امریکا بایستی از ماجراجویی‌های نظامی پرهیز کند.
با تصمیم دولت امریکا مبنی بر تعمیم مبارزه با تروریزم به جنگ با دولت عراق، در آلمان انتقادات بسیاری نسبت به این سیاست ابراز شده است. انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ در حالی صورت گرفت که دو حزب اصلی این کشور یعنی سوسیال دموکرات و دموکرات مسیحی از آرای تقریباً برابری برخوردار بودند.



نام رسمی: آنتیگوآ و باربودا

نام محلی: آنتیگوآ اند باربودا Antigua and Barbuda

اسامی دیگر: -

پایتخت: سنت جونز (۳۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۸۱/۱۱/۱ از انگلستان

روز ملی: اول نوامبر (روز استقلال)

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت حکومت تشریفاتی انگلستان)، از سال ۱۹۸۱

رئیس حکومت: فرماندار کل (از سوی پادشاه یا ملکهٔ انگلیس): سر جیمز کارلایل از سال ۱۹۹۳

رئیس دولت: نخست‌وزیر: لستر برایانت برد، از سال ۱۹۹٤

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۱؛ مجلس سنا و مجلس نمایندگان (هرکدام ۱۷ عضو) برای یک دورهٔ پنج ساله؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۹): حزب کارگر آنتیگوآ ۱۲ کرسی ، حزب مترقی متحد ٤ کرسی ، جنبش مردم باربودا ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۸۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آ اوسیس، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ٤٤۲ کیلومترمربع (صدوهشتادودومین کشور جهان)

جمعیت: ٦۹،۱۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوهشتادوپنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٥٦/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۰۲): ۷۹،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳٦/۳٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥) :؟

توزیع سنی(۱۹۹۱): زیر ۱٥ سال ۳۰/٤٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۷/۸٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۰/۷٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱۱/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۱): مرد ٤۸/۲۰٪ ؛ زن ٥۱/۸۰٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٤ سال ، مردان ٦۹/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۷): ۲۱/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ٦/٤ نفر

مرگ و میر کودکان در هر هزار تولد(۱۹۹۹): ۲۰/۷ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ۱٥/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۹٥-۱۹۹۳): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲٥۸/۱ نفر (شامل بیماریهای عروق مغزی۱۰۳/۳، بیماریهای سیستم تنفسی و دیگر بیماریهای قلبی ۷٦/۹) ، بافتهای بدخیم (سرطان) ۱۰٤/۹ ، نابسامانی غدد و سوخت و ساز بدن ۷۳/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج در هرهزارنفر(۱۹۹٥): ۲۲/۱ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٤):** ۰/۲ مورد

نژاد/ملیت: سیاهپوست ۹۱/۳٪ ؛ دورگه ۳/۷٪ ؛ سفیدپوست ۲/٤٪ ؛ سوری ولبنانی ۰/٦٪ ؛ هندی وپاکستانی٤/۰٪ ؛سرخپوست ۰/۳٪

دین(۱۹۹۱): پروتستان ۷۳/۸٪ (از جمله انگلیکان ۳۲/۱٪)، کاتولیک ۱۰/۸٪ گواهان خداوند ۱/۲٪ راستافاری ۰/۸٪، بقیه ۱۳/٥٪ ؛(دین رسمی ندارد)

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ انگلیسی با لهجهٔ محلی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم: ندارد

بنادر مهم: سنت جونز، واقع در بین اقیانوس اطلس و دریای کارائیب

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار کارائیب شرقی (EC$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۲/۷ دلار؛ یک دلار= ۲۹٦۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۳٦۲ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ (شامل: مالیات معاملات بین‌المللی ۳٥/٦٪ ؛ عوارض گمرکی ۱٥/۸٪ ؛مالیات بر مصرف ۲٤/۹٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۲/٥٪ ؛ (مالیات بر درآمد شرکتها ۷/۱٪)

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ٤۲۷/۳ میلیون دلار کارائیب شرقی ؛ هزینه‌های جاری ۹۰/۱٪ ؛ هزینه‌های عمرانی ۹/۹٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٥٦٥ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۸،٤٥۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/۱٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤٪ ؛ صنعت ۱۸/۹٪ ؛ خدمات ۷۷/۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱٥ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٤۰٦/٤ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۹/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲٤/۱٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/٦٪ ؛ (۱۹۹۸): ۲/۸٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): میوه‌های نواحی حاره (شامل: پاپایا، میوه گواوا، پرتقال) ٦،٥۰۰ تن؛ انبه ۱۳۰۰ بادنجان ۲٥۰ ؛ لیمو شیرین ولیمو ترش ۲۲۰ ؛ هویج ۲۱۰ ؛ آناناس ۱٥۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤): کشاورزی ۱۸٪ ؛ مرتع و چمنزار ۹٪ ؛ جنگل ۱۱٪ ؛ سایر موارد ٦۲٪

تعداد دام زنده: گاو ۱٥،۷۰۰ رأس؛ گوسفند ۱۲،۲۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٥۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۹۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱٥۰ تن

تولیدات معدنی: سنگ‌های خرد شده برای استفادهٔ محلی

تولیدات صنعتی: آبجو و مالت ۱٦٦،۰۰۰ صندوق؛ پیراهن مردانه ۱۷۹،۰۰۰ دست، دیگر تولیدات صنعتی شامل: سیمان، صنایع دستی، مبلمان و لوازم منزل و قطعات برقی برای صادرات

انرژی /میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۷): ۱٥٤ میلیون کیلووات ساعت (۱۱٥،۳۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر(صفر)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹٦): اندک (۱۰٥،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۲٦،۷٥۳ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤٥/۱٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٦۹/۷٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤٥/٦٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٥٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۹٪ ؛ صنعت ۲۰/۳٪ ؛ خدمات ۷۰/۷٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۷): ۱٥۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۳/۳٪، نیروی دریائی ۱٦/۷٪ (که بخشی از نیروی دفاعی منطقه‌ای کارائیب شرقی محسوب می‌شود)

واردات(۱۹۹۸): ۳٥۸ میلیون دلار؛ شامل: تولیدات کشاورزی ۱۱٪ ؛ سایر کالاها از جمله فرآورده‌های نفتی برای صادرات مجدد۸۹٪ ؛ از امریکا۲٦/۳٪ ؛ انگلستان ۱۰٪ ؛ کشورهای عضو کاریکوم ۷/۸٪

صادرات(۱۹۹۸): ۳٦/۲ میلیون‌دلار؛ شامل:صادرات مجدد، از جمله صادرات فرآورده‌های نفتی برای جزایر همسایه ٥۹/۱٪ صادرات وسایل ساخت داخل ٤۰/۹٪ ؛ به امریکا ٤۰٪ و بقیه به انگلستان ، کانادا و کشورهای عضو کاریکوم

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۲٦۳	-۲۷٦	-۳۰۱	-۲۹٤	-۳۲۱
درصد کل	٪۷٤/۸	٪۷۲/٤	٪۸۰	٪۷۹/٥	٪۸۱/٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٦):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٤/٦	۹۸/۲	۹٦/۹	۱۰۰	۹۸/۹	۱۰۳/٦
شاخص درآمد سالانه	؟	؟	؟	۱۰۰	۱۰۰	۱۰٦

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱):۳/۲ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ، منابع درآمد:؟، هزینه‌ها(۱۹۷٤): غذا و نوشیدنی‌های غیر الکلی ٤۲/۹٪ ؛ مسکن‌سازی ۲۳/۳٪ ؛ حمل و نقل ۱۰٪ ؛ پوشاک و کفش ۷/٥٪ ؛ سوخت ٥/٥٪ ؛ مشروبات الکلی و توتون ۳/٦٪ ؛ دیگر موارد ۷/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۸۸/۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج (۱۹۹٦) : ۲٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۲٥۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ؟

تعداد اتومبیل(۱۹۹٥): ۱۳،٥۸۸ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۱،۳٤۲ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹۲): ۲۹۲ فروند — **فرودگاه:** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱ روزنامه در ٦،۰۰۰ نسخه (۹۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۸): ۳٦،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (٥٤۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳۱،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤٥۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳٤،۰۰۰ خط تلفن (٤٦۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۳۰۰ خط (۱۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱٦۷ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٥۸	٥٥۹	۱۲،۲۲۹	۲۱/۹
متوسطه	۱۳	۳۸۹	٤،۲٦۰	۱۱
فنی و حرفه‌ای	-	-	-	-
عالی	۱	۱٦	٤٦	۲/۹

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۰٪ ؛ مردان: ؟ ؛ زنان: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ابتدائی ٥۰/٥٪ ؛ متوسطه ۳۳/٤٪ ؛ فوق دیپلم ٥/٤٪ ؛ دانشگاه ٦/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۷٥ نفر (هر ۹۱٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹٦): ۲٥٥ تخت (هر ۲٦۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل (۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر: ۷/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٤٤۹ کالری (۱۰٤٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین : ۸۱ گرم؛ مصرف چربی: ۹۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷) : ۳/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹٦): ۰/۳ میلیون تن؛ هر نفر ٤/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۳۳ (سی و هفتمین کشور جهان)

آنتیگوآ و باربودا ANTIGUA AND BARBUDA

کشوری در مجمع‌الجزایر هند غربی، جزایر لیوارد(بادپناه) و شمال خاوری دریای کارائیب، اقیانوس اطلس، به مساحت ۴۴۲ کیلومترمربع. این کشور از سه جزیره آنتیگوآ به مساحت ۲۸۰ کیلومترمربع، باربودا به وسعت ۱۶۰ کیلومترمربع و جزیرهٔ کوچک ردوندا به مساحت ۲ کیلومترمربع وابسته به گروه جزایر لیوارد از مجمع‌الجزایر آنتیل کوچک تشکیل یافته است.
جزیرهٔ بزرگ آنتیگوآ از آبسنگ‌های مرجانی بس زیبا و شنزارهای پهناور و کوهستانهای سبز و خرم تشکیل شده و خلیج‌های متعدد و وسیع، آن را از دیگر جزایر دریای کارائیب متمایز نموده و پناهگاههای امن و مطمئنی را پدید آورده است. جزیرهٔ باربودا نیز یک جزیرهٔ مرجانی است که مرداب پهناوری در حاشیهٔ غربی آن جای دارد و آتشفشان کوچکی به‌نام کوه بوگی به ارتفاع ۴۰۲ متر در آن به چشم می‌خورد. ردوندا، جزیرهٔ کوچک سنگی خالی از سکنه‌ای است که از آن به عنوان یک منطقهٔ حفاظت شده برای حفظ جانوران و گیاهان بومی استفاده می‌شود. آب و هوای آنتیگوآ گرم و مرطوب و پر باران است و پنبه و نیشکر و دیگر میوه‌های گرمسیری از فرآورده‌های کشاورزی آن است. انواع غذاهای دریایی از صادرات آن محسوب می‌گردد و علاوه بر آن از صنعت پالایش نفت نیز برخوردار است.
قطع درختان و پاکسازی جنگل‌ها برای تجارت چوب، عوارض نامطلوب زیست محیطی ایجاد کرده و موجبات مهاجرت و رو به کاستی نهادن جمعیت را که در غالب جزایر هند غربی عمومیت یافته، فراهم کرده است. اکثر مردم آنتیگوآ بومیان افریقایی‌تبار هستند که ۹۱/۳ درصد جمعیت این کشور را تشکیل داده و همراه با اقلیت‌های دیگری چون اروپائیان و مستیزوها(دورگه‌های سرخپوست و سفیدپوست) و عربها و هندی‌ها و غیره، جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند.



تاریخچه

کاریب‌ها احتمالاً نخستین اقوامی هستند که در جزایر هند غربی ساکن شدند و دریای مجاور آن را به نام خود کارائیب نامیدند ولی بعدها به دلیل کمبود آب شیرین به مرور آنجا را ترک کردند.
در سال ۱۴۹۳ کریستف کلمب به جزیرهٔ آنتیگوآ وارد شد و نام کلیسای آنتیگوآ (در شهر سویلیا) را به آن جزیره داد. اسپانیاییها در سال ۱۵۲۰ و فرانسوی‌ها در سال ۱۶۲۹ در جزایر مزبور ساکن شدند و چندی بعد آنها نیز به دلیل کمبود آب شیرین آنجا را رها کردند و فقط انگلیسی‌ها که تعدادشان در سال ۱۶۴۰ به ۳۰ تن می‌رسید، راه ذخیره کردن آب باران را آموختند و در آنجا باقی ماندند و به مرور کاریب‌هایی را که حاضر به ترک زادگاهشان نبودند، از بین بردند و به تنهایی مالک جزایر مزبور شدند و بردگان افریقایی را برای کشت تنباکو و نیشکر به خدمت گرفتند.
در سال ۱۶۶۶ فرماندار فرانسوی جزیرهٔ مارتینیک به آنتیگوآ حمله‌ور شد و بردگان افریقایی را دزدید و با خود برد. ولی انگلیسی‌ها آرام ننشستند و با حمایت نظامی سرهنگ کادرینگتن فرماندهٔ نظامی آنتیگوآ، جزیرهٔ باربودا را به تصرف درآوردند و بردگان جدیدی از افریقا وارد کردند و به طور وسیعی به کشت نیشکر و تنباکو پرداختند. نخستین اتحادیهٔ کارگری در سال ۱۹۳۹ تشکیل شد و حزب کارگر آنتیگوآ در صحنهٔ سیاسی و اقتصادی مهاجرنشین مزبور خودنمایی کرد. در انتخابات سال ۱۹۶۰ حزب کارگر برندهٔ اکثریت آراء شد و رهبر آن به نام وره‌برد به نخست‌وزیری آنتیگوآ رسید. در سال ۱۹۶۶ قانون اساسی جدیدی وضع گردید و طی آن جزایر آنتیگوآ و باربودا تا حدی به خودگردانی نائل شدند ولی پست‌های دفاع و روابط خارجی همچنان در دست انگلیسی‌ها باقی ماند. در سال ۱۹۷۹ رهبر حزب مخالف به نام جورج والتر مسئلهٔ حقوق بشر را عنوان کرد و با اعتصاب آموزگاران مدارس، استقلال جزایر مزبور را خواستار شد. سرانجام در سال ۱۹۸۱ جزایر مزبور به استقلال رسید و درهمان سال به عضویت سازمان ملل درآمد. سران کشور پس از استقلال خود را به امریکا نزدیک کردند و به ارتش کشور مزبور اجازه دادند تا از کشورشان به عنوان پایگاه نظامی استفاده کند.
توفند سهمگین سال ۱۹۹۵ خسارت سنگینی به آنتیگوآ وارد کرد و حدود ۶۰ درصد تأسیسات شهری و روستایی و صنعتی را نابود کرد و ۳۰۰ میلیون دلار خسارت وارد نمود و دولت را به اجرای طرحهای اقتصادی و صرفه‌جویی وادار کرد. با وجود اینکه خسارت مزبور تا حد زیادی جبران شده، ولی سیاست اقتصادی و صرفه‌جوییهای مالی همچنان ادامه دارد و چهار بانک به دلیل بحران مالی و تخلف از قانون به تعطیل کشیده شده‌اند. در خلال سالهای ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ نیز دو توفند بزرگ آسیب‌های زیادی به مردم و تأسیسات زیربنایی مناطق و جزایر دریای کارائیب وارد کرد.
دولت انگلستان که به مدت دو سال تحریم‌هایی را در مورد مبادلات مالی با آنتیگوآ و باربودا اعمال کرده بود، با مبارزات مستمر دولت آنتیگوآ برعلیه پول شویی، این مقررات را درسال ۲۰۰۱، حذف نمود. به دنبال آن امریکا نیز از اقدام انگلستان پیروی نمود.

آندورا ANDORRA

کشوری کوچک در جنوب غربی اروپا، بین دو کشور اسپانیا و فرانسه، که وسعت آن حدود نصف شهر تهران است. آندورا در دامنهٔ جنوبی قسمت شرقی رشته کوههای پیرنه واقع شده و کوههای بلند و دره‌های باریک به آن مناظری زیبا و دلپذیر بخشیده است. رودهای متعددی در آن جریان دارد که مهمترین آنها رود والیرا است که خود از اتصال دو رود والیرای شرقی و والیرای جنوبی به وجود آمده و به سوی خاک اسپانیا روان است. بلندترین نقطهٔ آندورا، قلهٔ کوماپدروسا، حدود ۲۹۴۶ متر ارتفاع دارد و در شمال غربی آن واقع شده است. آب و هوای آن در تابستانها ملایم و مطبوع و در زمستانها سرد است.
اگرچه حکومت رسمی این کشور پرنس‌نشین است، اما می‌توان گفت که از نوعی حکومت سه گانه برخوردار است، بدینصورت که حکومت آن پرنس‌نشین است، زیرا توسط دو پرنس (از فرانسه و اسپانیا) اداره می‌شود؛ جمهوری است، زیرا نهادهای تقنینی و اجرایی آن توسط مردم تعیین می‌شود؛ فئودالی است، زیرا هنوز هم به دو پرنس ذکر شده حقوق و سهم اربابی پرداخت می‌شود. حقوق سالانهٔ آنان شامل حدود ۲۱۰ دلار برای رئیس جمهور فرانسه وحدود ۶/۵ دلار برای اسقف کلیسای اورخل می‌شود. همچنین حق اربابی نیز که شامل ۱۲ خروس، ۱۲ بسته ژامبون و ۲۴ بسته پنیر است همه ساله در هنگام کریسمس برای آنان ارسال می‌شود که تهیهٔ آن به عهدهٔ تمامی ۶ بخش آندورا می‌باشد.



تاریخچه

در سال ۱۲۷۸، با امضای پیمانی میان اسقف کلیسای اورخل در اسپانیا و کنت‌های فرانسوی فوا، به منازعات دیرینه در مورد این ناحیه پایان داده شد و موجودیت آن به رسمیت شناخته شد. بر اساس مفاد این پیمان، این کشور به طور مشترک توسط کنت فوا و اسقف کلیسای اورخل اداره می‌شد. این پیمان قدیمی‌ترین توافقنامهٔ جهان است که هنوز همچنان معتبر است



نام رسمی: پرنس‌نشین آندورا

نام محلی: آندورا Andorra

اسامی دیگر: دره‌های آندورا (نام کامل)

پایتخت: آندورا لاولا (۲۱،۵۱۳ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۲۷۸/۹/۸ میلادی

روز ملی: هشتم سپتامبر (روز استقلال)

نوع حکومت: پرنس‌نشین مشترک پارلمانی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۳

رئیس حکومت: رئیس جمهور فرانسه و اسقف ناحیه اورخل اسپانیا

رئیس دولت: نخست‌وزیر: مارک فورنه مولنه، از سال ۱۹۹٤

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳؛ مجلس شورای عمومی با ۲۸ عضو برای یک دورهٔ ٤ ساله؛ کرسی‌های مجلس شورای عمومی در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۱): اتحادیه لیبرال ۱۸ (۱٦) کرسی، گروه‌بندی دموکراتیک ملی ٦ کرسی، دموکراسی نوین ۲ کرسی، پیشگام دموکراسی ملی ۲ کرسی، حزب سوسیال دموکرات (٦) کرسی، حزب دموکرات (٥) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۳)، اونکتاد، ایتو، یونسکو، وهو، ویپو، ومو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، اوسه

جمعیت

مساحت: ٤٦٨ کیلومترمربع (صدوهشتادمین کشور جهان)

جمعیت: ٦٦،٧٠٠ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوهشتاد و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٤۲/٥ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۷۹،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۹۳ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۹٥

توزیع سنی (۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۱٥/۲٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۲٪ ؛ ٥۹-۳۰سال ٤۷/۲٪؛ بالای ٦۰ سال ۱٥/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٥۲/۳٦٪، زن ٤۷/٦٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۸٦/٥ سال ؛ مردان ۸۰/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱۰/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۳/۳ نفر

مرگ ومیر کودکان در هر هزارتولد(۱۹۹۸): ٦/٤ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۷/٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: بافتهای بدخیم(سرطان) ۱۱٤ نفر، بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۱۰ نفر، بیماریهای دستگاه تنفسی ۳۱ نفر، تصادفات و خشونت ۲٦ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۳نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ۳/۲ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۹۷): اسپانیائی٤۲/۸٪؛ آندورایی۲۱/۷٪ ؛ پرتغالی۱۰/۷٪ ؛ فرانسوی ٥/٦٪ ؛ دیگرملیت ها۱۹/۲٪

دین: کاتولیک رومی ۸۷/۱٪ ؛ پروتستان ۰/۲٪ ؛ دیگر ادیان مسیحی ۰/٥٪ ؛ سایر ادیان ۱۲/۲٪

زبان و خط: کاتالانی (زبان رسمی) اسپانیایی؛ فرانسوی؛ خط : هر سه زبان با خط لاتین نوشته می‌شود

شهرهای مهم (۱۹۹۹): لزسکالد- انگوردانی ۱٥،۳۸۹ نفر، انکام ۱۰،۳۸٥ نفر

بنادر مهم: دسترسی به دریای آزاد ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€)= ۱٦٦/٤ پستا = ٦/٥٦ فرانک فرانسه (منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو= ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ٥۰،۷۲۰ میلیون پستا؛ درآمدهای فوق‌العاده ٤٥/۹٪ ؛ مالیات‌های غیر مستقیم ٤۱/۱٪ ؛ درآمدهای مایملک ۷/۳٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ٥۱ میلیارد پستا؛ هزینه‌های فوق‌العاده ٤۳٪ ؛ هزینه‌های جاری ۳۰/۸٪ ؛ هزینه‌های توسعه ۲٦/۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): ۸۷۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۷):** ۱۳،۱۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟

منشاء تولید ناخالص ملی: ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹٤): ۱۲٥ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی(۱۹۹۷): توتون ۱،۰٤۷ تن؛ دیگر محصولات شامل یونجه، سیب‌زمینی و انگور

کاربری زمین(۱۹۹٤): کشاورزی ۲٪ ؛ مرتع و چمنزار٥٦٪ ؛ جنگل ۲۲٪ ؛ سایر موارد ۲۰٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۷): گوسفند۲،۰۲۱ رأس، گاو۱،۱۸۷ رأس، اسب ۷۳۸ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی:** ؟

تولید مرغ: ؟ — **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی: سنگ مرمر به مقدار کم استخراج می‌شود.

تولیدات صنعتی: (ارزش کالاهای صنعتی صادر شده به میلیون پستا)، ماشین‌آلات برقی ۱،۳۹۷ ، وسایل نقلیهٔ موتوری و قطعات یدکی ۹٤۷، روزنامه و مجله ۷٤۳؛ پوشاک ٦۳۲، اسباب بازی و بازیهای کامپیوتری ٤٥۹، بقیهٔمحصولات شامل مبلمان، سیگار و لیکور

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۹): ۱۱٦ میلیون کیلووات ساعت (۳۹۳ میلیون کیلووات ساعت)؛ زغال‌سنگ: صفر(-)؛ فرآورده‌های نفتی : صفر(-) ؛ گاز طبیعی: صفر (-)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۲۹،۰۸۸ نفر ؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤٤/٥٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٦۰/۹٪ ؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ؟ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): صفر

توزیع نیروی کار(۱۹۹۹): کشاورزی ۱٪، صنعت ۲۰٪ ، خدمات ۷۹٪

نیروی دفاعی: امور دفاعی آندورا به عهدهٔ فرانسه و اسپانیا قرار دارد و پلیس این کشور نیز یک سال درمیان توسط ژاندارمری فرانسه و پلیس بارسلون حمایت می‌شود.

واردات(۱۹۹۷): ۱٥۷ میلیارد پستا؛ شامل: غذا، نوشیدنی و توتون ۳۰/۲٪ ؛ ماشین‌آلات ۱٤/٥٪ ؛ مواد شیمیائی و تولیدات شیمیایی۸/۷٪؛ تجهیزات حمل و نقل ۷/۷٪ ؛ منسوجات و پوشاک ۷/٦٪ ؛ لوازم عکاسی، انواع لنز و ساعت ٤/٥٪ ؛ از اسپانیا ٤۰/۲٪ ؛ فرانسه ۲۹/۲٪ ؛ انگلستان ٥/۷٪ ؛ امریکا٤/۹٪ ؛ آلمان ٤/٦٪

صادرات(۱۹۹٦): ۷ میلیارد پستا ؛ شامل: وسیلهٔ نقلیه ۱۳/٤٪ ؛ ماشین‌آلات و ماشین‌های برقی ۱۹/۸٪ ؛ روزنامه و مجله ۱۰/٦٪ ؛ پوشاک ۹٪ و اسباب‌بازی و عروسک ٦/٥٪ ؛ به اسپانیا ٤۷/٤٪ ؛ فرانسه ٤۱/٦٪ ؛ بلژیک ۳/٤٪ ؛ هلند ۲/٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون‌پستا	-۱۱۲،۱۷۹	-۱۱۳،۲۸۲	-۱۱۷،۸۷٦	-۱۲٥،٥۰۷	-۱۲۹،٥۷۹	-۱٥۰،۰۱٦	-۱٥۲،۷۷۷
درصد کل	٪۹۳	٪۹۱/۱	٪۸۹/۷	٪۹۱/۱	٪۹۱/۷	٪۹۱/٤	٪۸۹/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۱/۲	۹٥/٥	۱۰۰	۱۰۳/٦	۱۰٥/٦	۱۰۷/٥	۱۱۰
شاخص درآمد سالانه	۸۸	۹۳/۹	۱۰۰	۱۰۳	۱۰٦/۳	۱۰٦/۳	۱۰۸/٥

ویژگیهای خانوار: ؟

جهانگردی(۱۹۹۷): ٦ میلیون جهانگرد؛ تعداد هتل (۱۹۹٦): ۲۲۲

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٤): ۲٦۹ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۳٥،۳٥۸ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٤،۲۳۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ندارد — **فرودگاه:** ندارد

روزنامه(۱۹۹٦): ۳ روزنامه در ٤۰۰۰ نسخه (٦۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ٥۷ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۱٦،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۲٤۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۰۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۳،۰۰۰ خط تلفن (٤٤۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱٤،۰۰۰ خط (۱۸۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٤٥۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱۲	؟	٥،٤۲٤	؟
متوسطه	٦	؟	۲،٦٥٥	؟
فنی و حرفه‌ای	؟	-	-	-
عالی	؟	-	۹۳۲	؟

میزان باسوادی: افراد بالای ۱٥ سال :۱۰۰٪ ؛ مرد: ۱۰۰٪ ؛ زن: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال: ابتدائی ٤۷/۳٪ ؛ متوسطه ۲۱/٦٪ ؛ بعد از متوسطه ۲٤/۹٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۱٤۸ نفر (هر ٤۳٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۱٤۱ تخت (هر ٤٥٥ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹٥): ۳،٤٦۳ کالری (۱۳۹٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف مواد گیاهی ٦۷٪، مصرف مواد حیوانی ۳۳٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن: ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟

و به مفاد آن عمل می‌شود. اگرچه در طی این مدت تغییراتی در آن صورت گرفته و وظیفهٔ کنت‌فوا، سالها بعد به پادشاهان فرانسه و سپس در نهایت به رؤسای جمهور آن سپرده شده است، رییس جمهور فرانسه و اسقف ناحیه اورخل در امور داخلی این کشور هیچگونه دخالتی ندارند و تمامی امور توسط شورای عمومی آندورا که ۲۴ عضو دارد و اعضای آن توسط مردم انتخاب می‌شوند، انجام می‌شود و تنها سیاست خارجی آن به عهدهٔ فرانسه است.
مردم آندورا از زمان استقلال خود تاکنون درگیر هیچ منازعهٔ داخلی، منطقه‌ای یا بین‌المللی نبوده‌اند و به همین خاطر، آندورا صلح‌آمیزترین کشور جهان لقب گرفته است. در سالیان اخیر در کنار قاچاق کالا که از دیرباز در این کشور رایج بوده است، برخی فعالیت‌های غیر قانونی نظیر پولشویی (اصطلاحی کـه به درآمدهای ناشی از قاچاق مواد مخدر و نظایر آن اطلاق می‌شود) در این کشور آغاز شده و از بانک‌های آن به عنوان واسطه استفاده شده است.

ANGOLA آنگولا

کشوری در جنوب غربی قارهٔ افریقا، کنار اقیانوس اطلس. از شمال به کشورهای کنگو، از خاور به کنگو و زامبیا، از جنوب به کشور نامیبیا و از غرب به اقیانوس اطلس محدود است.
اراضی غربی این سرزمین که استان برونبومی کابیندا را نیز شامل می‌گردد، جلگه‌ای ساحلی است به طول حدود ۱۶۰۰ کیلومتر و پهنای بین ۵۰ تا ۱۵۰ کیلومتر. نواحی مرکزی آن را فلات مرتفع افریقای مرکزی یا فلات بیه با ارتفاع بین ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ متر در بر گرفته و بلندترین نقطهٔ آن کوه موکو به ارتفاع ۲۶۲۰ متر است و عمده‌ترین رودهای آن کوبانگو(۱۵۹۹ کیلومتر)، کوانزا، کنگو، کویتو و ریزابه‌های رود زامبزی است. شمال این کشور از جنگلهای بارانی و مرکز آن از علفزارهای وسیع نوع ساوانا پوشیده شده و جنوب آن را دشتهای پهناور و خشک فرا گرفته است.
تراکم جمعیت در آنگولا با توجه به مساحت قابل ملاحظهٔ آن اندک است و جمعیت عمدهٔ کشور در نواحی شمالی و مرکزی آن سکونت دارند و قهوه و شکر و روغن نخل از فرآورده‌های کشاورزی آن است. از نظر منابع زیرزمینی، بسیار غنی است و الماس و نفت و کانه‌های فلزی به ویژه آهن و فسفات از مهمترین آنها محسوب می‌گردد.



آلودگی محیط و کمبود آب آشامیدنی یکی از مسائل اساسی این سرزمین است و اغلب بیماری وبا همه‌گیر است. قطع درختان و پاکسازی جنگل‌ها نیز شرایط زیست محیطی نامطلوب و مخاطره‌آمیزی را فراهم آورده است.
این کشور از نظر اداری از ۱۸ استان تشکیل شده و پایتخت آن شهر لوآندا است.

تاریخچه

ساکنان اولیهٔ سرزمینی که امروزه آن را آنگولا می‌نامیم، شکارچیان و دانه‌جمع‌کن‌های قبل از تاریخ بوده‌اند. در هزارهٔ اول روزگار بعد از تاریخ، گروههای بزرگی از مهاجران بانتوزبان به افریقای جنوبی واز جمله به کنگو و آنگولا سرازیر شدند و عصر آهن و کشاورزی را در آن سرزمین آغاز نمودند و در گوشه و کنار آن سکونت گزیدند. اسکان مهاجران مزبور در سدهٔ هفدهم میلادی تکمیل گردید و متعاقب آن سلطان‌نشین بانتو (امپراتوری افریقایی کنگو) بر سرتاسر نواحی کنگو و آنگولا به حکومت پرداخت و سلطان ن گولا نام خود را بر سرزمین امروزی آنگولا نهاد.
در سال ۱۴۸۳ کاشفان پرتغالی به سواحل آنگولا رسیدند و امیران محلی را مسیحی کردند و باب داد و ستد را با آنان باز نمودند. شکار انسان و صدور برده، روابط پرتغال و حکمرانان محلی را تیره کرد و موجبات نگرانی امپراتوری را فراهم ساخت. اما پرتغالی‌ها از سود کلان تجارت برده دست‌بردار نبودند و تا جایی پیش رفتند که در آغاز سدهٔ هفدهم میلادی سالانه چیزی حدود ۵،۰۰۰ تا ۱۰،۰۰۰ برده از بندر لوآندا صادر می‌کردند.
تسلط پرتغالیها بر سرتاسر سرزمین آنگولا در اواسط سدهٔ هجدهم میلادی کامل گردید و جنگ و شکار انسان و صدور برده به کاهش چشمگیر جمعیت آنگولا انجامید، آنچنان که شمار آن از ۱۸ میلیون نفر در سال ۱۴۵۰ به ۸ میلیون در سال ۱۸۵۰ کاهش یافت.
پرتغالی‌ها پس از آن که مهاجمان هلندی را در سال ۱۶۴۸ به عقب راندند و تسلط خود را بر آنگولا مسجل ساختند، به تشکیل مهاجرنشین‌های پرتغالی پرداختند تا جایی که شمار آنها در قبل از استقلال آنگولا به ۳۵۰،۰۰۰ تن رسید که اکثراً به کشف معدن‌های الماس و کشت قهوه و صدور برده اشتغال داشتند. در سال ۱۹۶۱ گروههای استقلال‌طلب دست به تشکل زدند و دولت استعمارگر پرتغال به رهبری دیکتاتور معروف الیوئیراسالازار را به شدت تحت فشار قرار دادند و سرانجام با سرنگونی سالازار و فشارهای بین‌المللی در یازدهم نوامبر ۱۹۷۵ به استقلال دست یافتند. با اعلام استقلال آنگولا، بین گروههای چریکی مختلف مانند میلا، فنلا و یونیتا برای کسب قدرت زد و خورد درگرفت. چریک‌های میلا توسط شوروی و کوبا حمایت می‌شدند و گروه های دیگر از کمک‌های دنیای غرب به ویژه دولت افریقای جنوبی بهره‌مند بودند. سرانجام مارکسیست‌های میلا حکومت را در دست گرفتند و رهبر آنان به نام آگوستینونتو در دسامبر ۱۹۷۹ به عنوان اولین رییس جمهور آنگولا حکومت را در دست گرفت. اما گروههای دیگر دست‌بردار نبودند و با حمایت کشور افریقای جنوبی و دولتهای غربی به نواحی مرزهای جنوبی حمله کردند و صدها کشته و ویرانی به جای گذاردند. در سال ۱۹۷۹ آگوستینونتو در گذشت وخوزه ادواردو دوس سانتوس به جای او به حکومت رسید. در سال ۱۹۸۱ دولت افریقای جنوبی از هوا و زمین به آنگولا حمله کرد و به بهانهٔ سرکوبی نیروهای شورشی تا ۲۰۰ کیلومتر در خاک آنگولا پیشروی کرد و صدها تن کشته و زخمی و صدها هزار بی‌خانمان و آواره باقی گذارد.
در سال ۱۹۸۴ مخالفان دولت مرکزی آنگولا با پشتیبانی دولت امریکا دست به مبارزه زدند و دولت مرکزی نیز به تلافی آن در سال ۱۹۸۶ موفق به انعقاد یک قرارداد نظامی با شوروی شد.
با فروپاشی دولت اتحاد شوروی و قطع همکاریها و حمایتهای مالی و سیاسی، دولت آنگولا آمادگی خود را برای گفتگو و سازش با نیروهای مخالف به ویژه یونیتا اعلام داشت و قانون عفو عمومی از سوی دولت اعلام گردید. در ماه مه ۱۹۹۱، سیستم چند حزبی به رسمیت شناخته شد و کمی بعد آخرین سربازان کوبایی نیز کشور را ترک کردند. پس از ۱۶ سال جنگ داخلی، اولین قرارداد ترک مخاصمه میان شورشیان یونیتا و دولت آنگولا به امضاء رسید و مقدمات انتخابات چند حزبی فراهم آمد. مدتی بعد در همان سال ژوناس ساویمبی، رهبر شورشیان مسلح یونیتا، پس از ۱۵ سال تبعید به کشور بازگشت تا در مبارزات انتخاباتی شرکت کند. در انتخابات سال ۱۹۹۲ میلا حدود ۵۵٪ آراء و یونیتا ۳۰٪ آراء را کسب نمود ولی نتایج انتخابات مورد قبول یونیتا واقع نشد و ساویمبی خواستار پست معاونت ریاست جمهوری شد که پذیرفته نشد و بحران ادامه یافت. در آوریل ۱۹۹۷ گفتگو بین دولت و یونیتا مجدداً آغاز شد و امتیازهای بیشتری به نیروهای شورشی یونیتا به سرپرستی ژوناس ساویمبی واگذار گردید و حتی به آنان اجازهٔ مشارکت در پست‌های دولتی و احراز مقامات قانونگذاری و فرماندهی سطوح بالای ارتش داده شد، مع‌الوصف نتیجهٔ رضایت‌بخشی عاید نگردید.
سقوط موبوتو سسه‌سکو در زئیر که از یونیتا حمایت می‌کرد، موقعیت گروه مزبور را تضعیف نمود و بحران‌ها و مسائل اجتماعی بسیاری را به همراه آورد. آمارهایی که از سوی سازمان ملل متحد در همین زمینه در سال ۱۹۹۴ منتشر شده، حدود ۴/۵ میلیون آواره و بی‌خانمان آنگولایی را نشان می‌دهد. وجود منابع مهم معدنی در سرتاسر کشور، ناامنی‌های اجتماعی فراوانی را باعث شده و توافق‌ها و قراردادهایی که بین طرفین متخاصم به امضاء رسیده، کشمکش‌های



نام رسمی: جمهوری آنگولا

نام محلی: آنگولا Angola

اسامی دیگر: افریقای غربی پرتغال (نام قدیمی)

پایتخت: لوآندا (۲،۵۵۵،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۵/۱۱/۱۱ از پرتغال

روز ملی: یازدهم نوامبر (روز استقلال)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۵

رئیس حکومت: رئیس جمهور: خوزه ادواردو دوس‌سانتوس (مپلا)، از سال ۱۹۷۹، در دوره‌های ۵ ساله

رئیس دولت: نخست وزیر: فرناندو دا پیده دیاس دوس سانتوس(مپلا)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۵، آخرین تغییرات ۱۹۹۵؛ مجلس ملی با ۲۲۰ عضو برای ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۲): جبهۀ خلق برای آزادی آنگولا (مپلا) ۱۲۹ کرسی، اتحاد ملی برای استقلال کامل آنگولا (یونیتا) ۷۰کرسی، سایرین ۲۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷٦)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ

جمعیت

مساحت: ۱،۲٤٦،۷۰۰ کیلومترمربع (بیست و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۱۲،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصت و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹۵):** ۳/۲٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۵/۱ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۲ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۲/۹٪ ؛ رشد سالانه(۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٥/٦٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤۳/۲٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٦/٥٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٥/۷٪ ؛ بالای ٦۰ سال ٤/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٥۰/٦۱٪، زن ٤۹/۳۹٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۳۹/۳ سال، مردان ۳٦/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۷/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٥/۳ نفر

مرگ ومیر کودکان در هر هزارتولد(۱۹۹۹) ۱۹۷/۸ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۱/۹ نفر

دلایل عمدۀ مرگ و میر در هرصد مرگ(۱۹۹۰): بیماریهای اسهالی ۲٥/۸ نفر؛ مالاریا ۱۹/٤ نفر؛ وبا ۷/۳ نفر؛ بیماریهای عفونی تنفسی حاد ٦/۸ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٦/٦ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ٤/٥ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۸۳): اوویمبوندو ۳۷/۲٪، امبوندو ۲۱/٦٪، کنگو ۱۳/۲٪، لوئیمبه - انگانگوئلا ٥/٤٪ ؛ نیانکا - هومبه ٥/٤٪

دین: مسیحی ۷۰/۱٪ (شامل: کاتولیک ٥۰/۷٪؛ پروتستان ۱٤/٦٪) ؛ عقیده‌های سنتی ۲۹/۹٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: پرتغالی (زبان رسمی) ولی زبانهای محلی هم روا ج دارد؛ خط: لاتین

شهرهای مهم: هوآمبو ٤۰۰،۰۰۰ نفر، بنگوئلا ۱٥٥،۰۰۰ نفر (۱۹۸۳)، لوبیتو ۱٥۰،۰۰۰ نفر (۱۹۸۳) ، لوبانگو ۱۰٥،۰۰۰ نفر (۱۹۸٤)

بنادر مهم: لوبیتو، لوآندا و بنگوئلا (ساحل شرقی اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کوانزای جدید(Kz) = ۱۰۰ لوائی؛ یک دلار= ۱۲/۷۸ کوانزا ؛یک کوانزا = ٦۲٦ ریال

درآمد بودجه (۱۹۹۷): ٦۳۷/۹ میلیارد کوانزا؛ درآمد مالیاتی ۷۷/۸٪ (شامل: مالیات بر درآمد ٤۲/٦٪ ؛ مالیات بر نفت ۲۲/٦٪) ؛ عوارض گمرکی ٥/۳٪؛ سایر مالیات ها ۷/۳٪؛ درآمد غیرمالیاتی ۲۲/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ٥۹۸/٦۲ میلیارد کوانزا؛ دفاع و امنیت داخلی ۳٦/۳٪ ؛ دولت ۱۷/۷٪ ؛ بهره ۹/۹٪ ؛ سرویس‌های اقتصادی ۸/۷٪؛ آموزش و پرورش ٤/۹٪ ؛ بهداشت ۳/۱٪ ؛ سایر موارد ۱۹/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤،٥۷۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۳/۳-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۲/۳٪ ؛ صنعت ٥۱/٥٪ ؛ خدمات ۳٦/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۷۸ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۹٦ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۰،٦۱٦ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۳٥/۲ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۳۰/٤

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۹۲٤/۳٪ ؛ ۱۹۹۸: ٦۰/۹٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): ریشۀ کاساوا ۳،۱۲۹،۷۳٤ تن؛ ذرت ٤۲۸،۰٤٥؛ نیشکر ۳٤۰،۰۰۰؛ موز ۲۹۰،۰۰۰ ؛ میوۀ نخل روغن ۲٥۰،۰۰۰ ؛ سیب‌زمینی شیرین ۱۸۲،۰٥۰؛ ارزن ۱۰۱،۷۳٦ ؛ لوبیای خشک ٦۷،٥۰۹؛ آناناس ۳۲،۰۰۰ ؛ بادام زمینی ۲۳،۰۰۰ ؛ قهوه ٥،۲۲۰ تن

کاربری زمین: کشاورزی ۲/۸٪ ؛ مرتع و چمنزار ٤۳/۳٪ ؛ جنگل ۱۸/٥٪ ؛ سایر موارد ۳٥/٤٪

تعداددام زنده(۱۹۹۹): گاو ۳،۹۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۲،۰۰۰،۰۰۰ ؛ خوک ۸۰۰،۰۰۰؛ گوسفند ۳۳٦،۰۰۰ رأس

تولید چوب (۱۹۹۸): ٦،٤۷۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی (۱۹۹۸):** ۱٤٥،۸۱۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٦،٦٥۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤،۲۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): الماس ۱،۲۱۲،۰۰۰ قیراط

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): نان ۱٥۰،۰۹۹ تن؛ آرد گندم ٥۱،۹٥۷؛ آرد ذرت ٥۰،۹٦۰؛ ماهی منجمد ۱۲،۹۷۱؛ صابون ۱۰،٦۷۲؛ ماکارونی ۲،٥۸۷ تن؛ کفش چرمی ۱۸٦،۰۰۰ جفت؛ آبجو ۱۱٥،۰٤۷ هکتولیتر؛ پارچه ۳،۲٦٤،۰۰۰ مترمربع

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۲ میلیارد کیلووات ساعت (۲ میلیارد)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)نفت خام(۱۹۹٦): ۲٥۷،٦٦۲،۰۰۰ بشکه (۱۲،٤۲٥،۰۰۰) ؛ فرآورده‌های نفتی: ۱،۳۰۰،۰۰۰ تن (۳٥۰،۰۰۰)؛ گازطبیعی: ۱۷۹،۳۸۹،۰۰۰ مترمکعب (۱۷۹،۳۸۹،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ٥،۳٦۳،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٥٦/۱٪ ؛ میزان مشارکت (۱۹۹۱) : مردان (بالاتر از ۱۰ سال): ٦۰/۱٪ ؛ زنان (بالاتر از ۱۰ سال): ۳۸/٤٪ ؛ میزان بیکاری: ۲/۲٪ (۱۹۹۱)

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۷۱/٤٪ ؛ صنعت ۱۰٪ ؛ خدمات ۱۸/٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۸: ۱۱۲،٥۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۸/۹٪ ؛ نیروی دریائی ۱/۳٪ ؛ نیروی هوائی ۹/۸٪ ؛ سرانۀ هزینۀ دفاعی (۱۹۹۷): ۱٤۷ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۲،٤۷۷ میلیون دلار؛ کالاهای مصرفی جاری ٥۰/۲٪ ؛ کالاهای سرمایه‌ای ۲۰/۲٪ ؛ کالاهای مصرفی واسطه‌ای ۱۸/۹٪؛ تجهیزات حمل و نقل ٦/۸٪ ؛ از پرتغال ۲۰/٦٪ ؛ افریقای جنوبی ۱٤/۱٪ ؛ امریکا ۱۳/۲٪ ؛ اسپانیا ۸/۲٪ ؛ انگلستان ٦/۲٪ ؛ فرانسه ٥/٦٪ ؛ برزیل ۳/۸٪

صادرات(۱۹۹۷): ٥،۰۰۸ میلیون دلار؛ شامل سوختهای معدنی ۹۰٪ ؛ الماس ٦/۹٪ ؛ به امریکا ٦۳/٦٪ ؛ چین ۱۲/۹٪ ؛ بلژیک ٦٪، فرانسه ۳/۸٪ ؛ تایوان ۲/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیون‌دلار	+۱٤۳۷	+۱٥٦۳	+۱۸۷۱	+۳۰٥٥	+۲٥۳۱
درصد کل	۳۲/۹٪	۳٥٪	۳۳/٦٪	٤۲/۸٪	۳۳/۹٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	٤،۲٤٥/۲	۱۳،٥٥۰/۱	۲٥،۳۲۷/۳	۹۷،۸۰۷
شاخص درآمد ماهانه	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازۀ خانوار(۱۹۹۸): ٥ نفر ؛ درآمد سالانه هر خانوار: ؟ ، منابع درآمد: ؟ ، هزینه‌ها: ؟

جهانگردی: درآمد(۱۹۹۸): ۸ میلیون دلار؛ هزینه‌ها (۱۹۹۷): ۷۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۷۲،٦۲٦ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲،۹٥۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۲۰۷،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون واتوبوس(۱۹۹٦):** ۲٥،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹۲): ۱۱۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱۷ فرودگاه با برنامۀ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٥ روزنامه در ۱۲۸،۰۰۰ نسخه (۱۳/۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۲۲ عنوان در ٤۱۹،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۱۹،۰٤٥ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٦۳۰،۰۰۰ گیرندۀ رادیوئی (٥٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۷۰،۰۰۰ گیرندۀ تلویزیونی (۱٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷۲،۰۰۰ خط تلفن (٦ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۹،۸۰۰ خط (۰/۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،٥۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۲)	٦،۳۰۸	۳۱،۰٦۲	۹۸۹،٤٤۳	۳۱/۸
متوسطه	٥،۲۷٦	٥،۱۳۸	۱۹٦،۰۹۹	۳۸/۱
فنی و حرفه‌ای	؟	٥٦٦	۲۲،۸۸۸	٤۰/٤
عالی	۱	۷۸۷	٦،۳۳۱	۸

میزان باسوادی(۱۹۹۸): افراد بالای ۱٥ سال: ٤۱/۷٪ ؛ مردان: ٥٥/٦٪ ؛ زنان: ۲۸/٥٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۷۳٦ نفر (هر ۱۲،۹۸٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۰): ۱۱،۸٥۷ تخت (هر ۸٤٥ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۱۰،۰۰۰ نفر (۲/۱۲٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ۱۲۳/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۱،۹۲۰ کالری (۸۲٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ٤۰ گرم؛ مصرف چربی: ۳۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/٦٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰) ؛ ۱٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن (۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٥/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/٤ تن

شاخص توسعۀ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۰٥ (صدوشصتمین کشور جهان)

سیاسی را مهار نکرده و برخوردهای مسلحانه را محتمل ساخته است.
سازمان ملل متحد و حتی دولت امریکا رهبر یونیتا یعنی ژوناس ساویمبی را زیر فشار گذارده‌اند تا نکات مورد توافق را رعایت کند و از خصومت و کینه‌توزی دست بردارد. با وجود این که یونیتا دارای چهار وزیر و هفت معاون وزیر در دولت بوده و قاعدتاً باید طالب صلح باشد، ولی چنین نبوده و نگرانی از تجدید جنگ، آن هم بین نیروهایی که با سلاح‌های مدرن‌تر و مخوف‌تر مجهزند، همچنان وجود دارد. در تداوم فعالیت‌های تروریستی، اعضای یونیتا در سال ۲۰۰۱ به یک قطار مسافربری حمله کردند و ۲۵۰ نفر را یکجا به قتل رساندند. در اوایل سال ۲۰۰۲، ژوناس ساویمبی، رهبر یونیتا طی یک درگیری با نیروهای دولتی کشته شد و سرنوشت این گروه را با ابهام بیشتری روبرو نمود.

اتریش AUSTRIA

سرزمین محصوری در مرکز اروپا که از شمال به آلمان و جمهوری چک، از خاور به اسلوواکی و مجارستان، از جنوب به اسلوونی و ایتالیا و از غرب به سوئیس و لیختن‌اشتاین محدود است. اتریش به سه منطقهٔ جغرافیایی متمایز تقسیم می‌گردد. منطقهٔ کوهستانی آلپ که تقریباً سراسر کشور را شامل می‌شود، زمینهای نسبتاً پست اطراف رود دانوب و دشت وین. کوههای آلپ اتریش از غرب به شرق ممتد هستند و بلندترین نقطهٔ آن کوه گروس گلوکنر ۳۷۹۷ متر ارتفاع دارد. رودهای اتریش که همگی از کوههای آلپ سرچشمه می‌گیرند، عبارتند از: دانوب، انس، این و دراو و بزرگترین دریاچهٔ آن به نام نوی‌زیدلر، ۳۲۰ کیلومترمربع مساحت دارد.
آب و هوای اتریش در زمستانها سرد و در تابستانها ملایم و مطبوع است و میزان بارندگی آن قابل توجه است. وجود کانه‌های فلزی مانند آهن و مس و منگنز و سرب و روی و تا حدی نفت و همچنین نهشت‌های غنی زغال، که عمدتاً در نواحی وین، لینتس، اشتایر و گراتس متمرکز است، این کشور را در ردیف کشورهای صنعتی قرار داده و کشاورزی و دامداری و مرغداری در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارد. رودخانهٔ دانوب که از دامنه‌های شمالی کوههای آلپ و از غرب به شرق می‌گذرد، همراه با شبکهٔ وسیعی از آزادراهها و خطوط راه‌آهن، ارتباط نواحی داخلی کشور را برقرار می‌سازند.
نشر گازهای سمّی کارخانه‌های صنعتی و ترافیک انبوه شهری و استفاده از کودهای شیمیایی به آلودگی محیط انجامیده و شرایط زیست محیطی را در معرض خطر قرار داده است.
اکثر مردم اتریش آلمانی هستند و اسلاوها و لهستانی‌ها و مجارها و اقلیت‌های قومی دیگر جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. مردم اتریش عمدتاً کاتولیک مذهب هستند و زبان رسمی آنان آلمانی است.
نام رسمی این کشور جمهوری اتریش است و از نُه استان نسبتاً خودمختار تشکیل شده و به صورت جمهوری فدرال اداره می‌شود و دو مجلس قانونگذاری دارد و واحد پولشان شیلینگ است.



تاریخچه

تاریخ اوّلیه سکونت در اتریش به عصر پارینه‌سنگی بازمی‌گردد. طی سالهای ۸۰۰ تا ۴۵۰ پیش از میلاد، فرهنگ عصر آهن، نام خود را از منطقهٔ هالشتات اقتباس نمود. در سدهٔ پنجم قبل از میلاد سلت‌ها به سوی نواحی خاوری آلپ حرکت کردند و حکومت سلطنتی نوریکوم را بنا نهادند. رومی‌ها به دلیل جاذبه‌های نظامی و استراتژیکی به این سرزمین روی آوردند و در حدود سال ۱۵ پیش از میلاد سراسر اتریش را به تصرف خود درآوردند و نوریکوم را به یک استان رومی مبدل نمودند.
ژرمن‌ها، رومیان را در خلال سالهای ۱۶۶ تا ۱۸۰ میلادی از اتریش بیرون راندند و در سده‌های چهارم تا ششم میلادی هون‌ها و استروگوت‌ها و لومباردها و باویرها بدانجا تاختند و اقوامی از آنها در آنجا سکونت گزیدند. شارلمانی در سال ۷۸۸ آنجا را تصرف کرد و برای جلوگیری از هجوم قوم آوار، ایالتی به نام اوستررایش، (یا قلمرو شرقی) پدید آورد. سپس نوبت هجوم مجارها رسید و در سال ۹۵۵ اوتوی اول آنجا را تسخیر نمود و اوستر رایش دوم را که با ایالت باویر همراه بود تشکیل داد.
اتریش از سال ۹۷۶ مرزبان‌نشین بود و در سال ۱۱۵۶ به دوک‌نشین مبدل گردید. در سال ۱۲۵۱ به تصرف اتوکار دوم پادشاه بوهم درآمد و سپس به رودولف اول از خاندان هاپسبورگ واگذار شد. در زمان فردریک دوم از خاندان هاپسبورگ، مورد تجاوز ترکان عثمانی و مجارها قرار گرفت ولی با سرسختی تمام مقاومت کرد و از نفوذ عثمانی‌ها به اروپا جلوگیری نمود.
اصلاح دینی و نوآوری‌های مذهبی مارتین لوتر و کالون، به کشمکش میان هاپسبورگ‌ها و پروتستان‌ها انجامید و به جنگ سی‌ساله (۱۶۱۸ - ۱۶۴۸) منجر گردید. پس از جنگ، تفوق خاندان هاپسبورگ در امور آلمان از بین رفت و منحصر به اتریش گردید. اتریش در جنگهای ناپلئون چندبار شکست خورد، مع‌الوصف پس از سقوط ناپلئون (۱۸۱۵) و برقراری کنگرهٔ وین، رهبری اتحادیهٔ آلمانی را با هدایت و کاردانی‌های مترنیخ عهده‌دار شد. انقلاب ۱۸۴۸ تأثیر بسزایی بر امپراتوری اتریش به جای گذارد، تا جایی که در سال ۱۸۵۹ لومباردی را از دست داد و پس از شکست از آلمان (۱۸۶۶) دستش از آلمان نیز کوتاه شد. در ۱۸۶۷ همراه با مجارستان یا هنگری، امپراتوری اتریش - هنگری را به وجود آورد و برای بسط قدرت و نفوذ خود به سوی کشورهای بالکان متوجه گردید و در سال ۱۸۷۸ بوسنی و هرزگوین را اشغال کرد و در ۱۹۰۸ آن را ضمیمهٔ خاک خود نمود.
کشمکش‌ها و اختلافات امپراتوری اتریش - هنگری با صربستان منجر به جنگ جهانی اول شد و به غرامت شکست در جنگ، موجودیت خود را در سال ۱۹۱۸ از دست داد و امپراتور کارل فرانتس ژوزف در نوامبر همان سال از مقام خود استعفاء داد و پس از امضای پیمان سن‌ژرمن، جمهوری اتریش پدید آمد. جمهوری مزبور که از مواد خام و بازارهای گذشته محروم شده بود، با بحران اقتصادی روبرو شد و کشمکش‌های سیاسی بین احزاب آغاز گردید.
در انتخابات سال ۱۹۳۳ دلفوس از حزب سوسیال دموکرات برنده شد و به ریاست جمهوری اتریش رسید و با آلمان نازی شروع به مخالفت نمود. وی در ژوئیهٔ سال ۱۹۳۴ به قتل رسید و اتریش در مارس ۱۹۳۸ به آلمان نازی ملحق گردید. در پایان جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵) به وسیلهٔ متفقین اشغال شد و مجدداً به جمهوری اتریش مبدل گردید و در سال ۱۹۴۶ مورد شناسایی قرار گرفت. در اکتبر ۱۹۵۵ نیروهای متفقین از خاک اتریش خارج شدند و در همان سال به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و سال بعد به شورای اروپا ملحق شد. در سال ۱۹۶۹ برونوکرایسکی از حزب سوسیالیست به نخست‌وزیری رسید و موفقیت وی در انتخابات سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۸۰ تکرار گردید. در انتخابات ۱۹۸۶ کورت والدهایم، دبیرکل سابق سازمان ملل به ریاست جمهوری برگزیده شد و در سال ۱۹۹۲ توماس کلستیل به جای وی نشست.
با فروپاشی اتحاد شوروی و سقوط دولتهای کمونیست اروپای شرقی و فرو ریختن دیوار برلین، سیل مهاجران و پناهندگان به کشورهای آزاد اروپایی منجمله اتریش فزونی گرفت و نئونازی‌ها که ملّیون افراطی هستند، شروع به آزار و کشتار مهاجران و پناهندگان کردند. در فوریهٔ ۱۹۹۳ بیش از ۲۰۰,۰۰۰ نفر از مردم اتریش علیه نئونازی‌ها دست به تظاهرات خیابانی زدند و از تصویب لایحه‌ای که از حقوق مهاجران و بیگانگان و شمار آنان می‌کاست، جلوگیری کردند. همه‌پرسی سال ۱۹۹۴ اتریش را به اتحادیهٔ اروپا وارد کرد و افزایش شمار بیگانگان که تعدادشان در اواسط سال ۱۹۹۴ به سیصد هزار تن می‌رسید، عملیات تروریستی و آزار بیگانگان و پناهندگان را افزایش داد و بحران اجتماعی دیگری پدید آورد.
در اوایل سال ۱۹۹۶ نرخ بیکاری به ۴/۴ درصد افزایش یافت و سیصد هزار تن بیکار شدند و حدود ۱۶۰۰ شرکت اعلام ورشکستگی نمودند. در ژانویهٔ ۱۹۹۷ فرانتس ورانیتزکی، صدراعظم اتریش کنار رفت و ویکتور کلیما به جای او صدراعظم شد. اتریش در ژوئیهٔ ۱۹۹۸ به ریاست دوره‌ای اتحادیهٔ اروپا منصوب گردید.
انتخابات سال ۱۹۹۹ منجر به پیروزی نسبی ائتلاف حزب آزادی به رهبری یورگ هایدر با کسب ۵۲ کرسی و ۲۷/۲٪ آراء شد. به علت اتخاذ سیاست‌های راستگرایانه و نژادپرستانه افراطی، تشکیل دولت ائتلافی با شرکت حزب آزادی (لیبرال) و حزب مردم مخالفت‌های شدیدی را در میان اعضای اتحادیهٔ اروپا، امریکا و اسرائیل برانگیخت و منجر به اعلام



نام رسمی: جمهوری اتریش

نام محلی: اوستررایش Österreich

اسامی دیگر: کشور والس

پایتخت: وین (۱،۶۰۸،۱۴۴ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: بیست و ششم اکتبر

نوع حکومت: جمهوری فدرال با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۱۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: توماس کلستیل، از سال ۱۹۹۲ (برای دومین بار از سال ۱۹۹۸ به مدت ٦ سال)

رئیس دولت: صدراعظم: ولفگانگ شوسل، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی ۱۹۲۰؛ آخرین تغییرات قانون اساسی: ۱۹۹۸؛ مجلس ملی (ناسیونالرات) با ۱۸۳ عضو به مدت ٤ سال و مجلس فدرال (بوندسرات) با ٦۳ عضو، کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۹ (۲۰۰۲): حزب سوسیال دموکرات ٦٥ (٦۹) کرسی، حزب آزادی ٥۲ (۱۸) کرسی، حزب مردم ٥۲ (۷۹) کرسی، سبزها ١٤ (۱۷) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملـل متحـد (۱۹٥٥)؛ اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، آ د ب، فنز، شورای اروپا، او اسی دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۸۳،۸٥۸ کیلومترمربع (صدوسیزدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۸،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتادوهشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۹۷/۸ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ۰/٥٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۸/۲ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦٤/٥٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۰/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ۱۷/۱٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۱۹/۸٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۳/۳٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱۹/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۸/٥۳٪ ؛ زن ٥۱/٤۷٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۸۰/۹ سال؛ مردان ۷٤/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۹/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/٦ نفر

مرگ ومیر کودکان در هر هزار تولد(۱۹۹۹): ٤/٤ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** صفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خـون ٥۳۳/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۳۹/۲

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ٤/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۲/۲ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹٥): اتریشی ۹۱/۲٪؛ ترک ۱/٦٪ ؛ یوگسلاو ٤٪ ؛ غیره ۳/۲٪

دین: کاتولیک ۷٥/۱٪ ، پروتستان ٥/٤٪، بدون دین ۸/٦٪، مسلمان ۲/۱٪، ارتدوکس ۰/۷٪، یهودی ۰/۱٪ ؛ نامشخص ٦/۱٪ (بدون دین رسمی)

زبان و خط: آلمانی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۸): گراتس(۲۳۹،۹۹۰ نفر)؛ لینتس (۱۸۹،۰۷۳)؛ زالتسبورگ (۱٤٤،٦۹۲) ؛ اینسبروک (۱۱۰،٤٥٤ نفر)

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€)=۱۳/۷٦ شیلینگ اتریش (منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو=۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۹۱٦ میلیارد شیلینگ؛ درآمد مالیاتی ۹۰/۹٪ (شامل: حق بیمه تأمین اجتماعی ۳۷/۷٪ ؛ مالیات بر ارزش افزوده ۱٦/٤٪ ؛ مالیات بر درآمد افراد ۱٥/٦٪)

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ۹/ ۱،۰۰۹ میلیارد شیلینگ؛ تأمین اجتماعی ٤۱/۲٪ ؛ بهداشت ۱۳٪ ؛ آموزش ۹/۲٪ ؛ دفاع ۲/٦٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۱٦،٦۹۷میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲٦،۸۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی : (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۲/٦٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۲/۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱/٤٪ ؛ صنعت ۳۰/٥٪ ؛ خدمات ٦۸/۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٦٤۸ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٥،۹۱٥ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۱۲۱ میلیارد دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٤٥٦- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲٤/۸٪

نرخ تورم: میانگین سالانه (۹۸-۱۹۹۰): ۲/٥٪؛ ۱۹۹۸: ۱٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۸): چغندرقند ۲،۹۳۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱،٥۷۳،۰۰۰ ؛ گندم ۱،۳٤۲،۰۰۰ ؛ جو ۱،۲۱۲،۰۰۰ ؛ سیب‌زمینی ٦٦۳،۰۰۰ ؛ سیب ۳۹۲،۰۰۰؛ چاودار ۲۳٦،۰۰۰ ؛ انگور ۲۳٤،۰۰۰ ؛ جو دوسر ۲۰۳،۰۰۰ ؛ دانهٔ منداب ۱٤٤،۰۰۰ تن

کاربری زمین: کشاورزی ۱۸/۳٪ ؛ مرتع و چمنزار ۲٤/۳٪ ؛ جنگل ۳۹/۲٪ ؛ سایر موارد ۱۸/۲٪

تعداد دام زنده: خوک ۳،٦۸۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۲،۱۹۸،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱٥،۳۲٥،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی (۱۹۹٦):** ٤،٤٥۸ تن

تولید مرغ(۱۹۹۸): ۱۳،۹٥۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۹۹،٤۱۱ تن

تولیدات معدنی(۱۹۹۷): سنگ آهن ۱،۷۹٤،۰۰۰ تن؛ منیزیت ۷۹۰،۰۰۰ ؛ پودر تالک ۱٤۲،۰۰۰ ؛ گرافیت ۱۲،٦۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): (ارزش افزوده به میلیارد شیلینگ): تجهیزات و ماشین‌آلات برقی٤٦/۷ ؛ غذا و نوشیدنی ٤٦/۲ ؛ تجهیزات و ماشین‌آلات غیر برقی٤۱/۳ ؛ تولیدات فلزی ۳۸/۹؛ مواد شیمیائی و تولیدات شیمیائی ۳۸/۷ ؛ تجهیزات حمـل و نقـل ۲۳/۳

انرژی /میزان تولید(میزان مصرف): برق: ٥۷،۳۹٦،۰۰۰ کیلووات ساعت (٥٤،۰۷۷ میلیون کیلووات ساعت) ؛ زغال‌سنگ: ۱،۱۰٤،۰۰۰ تن (٥،۰٥۰،۰۰۰) ؛ نفت خام: ٦،۷۹۹،۰۰۰ بشکه (٦۳،۰٥۳،۰۰۰) ؛ فرآورده‌های نفتـی: ۷،۹۸۹،۰۰۰ تـن (۱۰،۱۸٦،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۱،٦۳۲،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۸،۰۱۳،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۳،۸۸٤،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ٤۸/۱٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۷۰/۷٪ ؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤۲/۹٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ۷/۲٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۰/۹٪ , صنعت ۳۰/۹٪ , خدمات ٦۸/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ٦ ماه؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ٤۰،٥۰۰ نفر؛ نیروی زمینی: ۸۹/٥٪ ؛ نیروی هوائی: ۱۰/٥٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۲۲۲ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۷۹۰/۳ میلیارد شیلینگ ؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۸/۲٪ ؛ (وسایل نقلیه ۱۱٪ ؛ تجهیزات و ماشین‌آلات۷/۳٪)؛ مواد شیمیائی ۱۰/٦٪؛ مواد غذائی ٥/٦٪ ؛ پوشاک ٤/٥٪ ؛ از آلمان ٤۱/۷٪؛ ایتالیا ۸/٥٪ ؛ امریکـا ٥/٤٪ ؛ فرانسه ٤/۷٪ ؛ سوئیس ۳/۳٪ ؛ هلند ۳/۳٪

صادرات(۱۹۹۷): ۷۱٥ میلیارد شیلینگ؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۱٪ (وسایل نقلیه ۸/٦٪, ماشین‌آلات و تجهیزات برقی ۷/۷٪)، مواد شیمیائی ۹/۷٪, کاغذ و تولیدات کـاغذی ٥/۱٪, تولیـدات فلـزی ٤/۹٪, بـه آلمـان ۳٥/۱٪ ؛ ایتالیـا ۸/۳٪ ؛ سوئیس ٤/۹٪ ؛ مجارستان ٤/۹٪ ؛ فرانسه ٤/۱٪ ؛ انگلستان ٤/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیاردشیلینگ	۹۷/۷-	۱۱٦/٤-	۸۸-	۱۰۰/٦-	۷٥/۳-	٦۷/٤-	٦۸/۲-
درصد کل	٪۹/٥	٪۱۰/۲	٪۷/۱	٪۷/٦	٪٥	٪٤/۲	٪٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۷/۸	۱۰۰	۱۰۱/۸	۱۰۳/۲	۱۰٤/۱	۱۰٤/۷	۱۰۷/۳
شاخص درآمدهای قراردادی	۹٦/۷	۱۰۰	۱۰۲/٤	۱۰٤/۲	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۷): ۲/٥ نفـر؛میـانگین درآمـد هـر خـانوار (۱۹۹۳): ۲۹۱،۹۳۰ شیلینگ؛ هزینه‌ها (۱۹۹٤): غذا و نوشیدنی ۱٦/٦٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱٥/۹٪ ؛ مسکن ۱٥/۱٪ ؛ هزینه‌های کافه و هتل ۱۰/٥٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱۱،۱۸٤ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۹،٥۱۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۲۰۰،۰۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ٥،٦۷۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۳،۷۸۲،٥٤٤ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۳۱۰،٤٤٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ندارد — **فرودگاه:** ٦ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۲۳ روزنامه در ۳،۷۳٦،۰۰۰ نسخه (٤٦٥ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۲،٤۸۱ عنوان

کتاب: ۸،۰٥٦ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ٦،۰۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۷٥۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤،۲۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٥۱٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳،۹۹۹،۰۰۰ خط تلفن (٤۹۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲،۰۳۰،۰۰۰ خط (۲٤۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۹۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت:** ۱،۱۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	٤،٥۳۹	٦٦،٤٦٦	٦٤۹،۰۷٥	۹/۸
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۷۰۰	٤۰،۳۰٥	۳۰٦،٦۹۱	۷/٦
عالی	٤٤	۱٦،۰٤٥	۲۲٤،۹۳٥	۱٤

میزان باسوادی: افراد بالای ۱٥ سال: ۱۰۰٪ ؛ مردان: ۱۰۰٪ ؛ زنان ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۳): متوسطه ۳۷/٥٪ ؛ دیپلم فنی ٤٤/٦٪ , فوق دیپلم ٦/۱٪ , عالی ۱۱/۸٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۲۷،۸٦۹ نفر (هر ۲۸۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹٦) : ٦۸،٦٤۱ تخت(هر ۱۱۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۷٥۰۰ نفر (۰/۱۸٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر: ۱٦/٥ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳٥۳٦ کالری (۱۳٤٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۰۳ گرم؛ مصرف چربی: ۱٦۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷۲/٥ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹٦): ٥۹/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۷/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۰۸ (شانزدهمین کشور جهان)

تحریم‌هایی بر علیه اتریش در اوایل سال ۲۰۰۰ شد، ولی در اواخر همان سال این تحریم‌ها برداشته شد.
در انتخابات پارلمانی ۲۴ نوامبر ۲۰۰۲، حزب آزادی که در دوره قبل به ۵۲ کرسی مجلس ملی دست یافته بود، به شدت سقوط کرد و تنها موفق به کسب ۱۸ کرسی شد و در عوض موقعیت حزب مردم تحکیم گردید.

اتیوپی ETHIOPIA

کشوری افریقایی، محصور در میان کشورهای اریتره در شمال، جیبوتی و سومالی در خاور و جنوب خاوری، کنیا در جنوب و سودان در مغرب. اتیوپی سرزمینی کوهستانی و فلاتی است مرتفع با اقلیمی کاملاً متفاوت که ارتفاع بلندترین نقطهٔ آن کوه دهشان (دشان) به ۴۶۲۰ متر بالغ می‌گردد. بخشی از این سرزمین که متوسط ارتفاع آن به ۲۵۰۰ متر می‌رسد، سرد و بارانی است و محل مناسبی برای دامداری و کشت غلات است. درّه‌های ژرف نواحی کوهستانی، گرم و بارانی است و محل رویش و رشد گیاهان استوایی است. ارتفاع اینگونه درّه‌ها که در اصطلاح محلی کولا نام دارند، گاه به ۱۵۰۰ متر بالغ می‌گردد. در مناطقی که ارتفاع متوسط آنها بین ۱۵۰۰ متر تا ۲۵۰۰ متر است و اقلیمی خشک‌تر دارند، قهوه و پنبه به دست می‌آید و متراکم‌ترین نواحی کشور از نظر جمعیت محسوب می‌گردند. در منطقهٔ اوگادن واقع در خاور اتیوپی که نسبتاً مرتفع و خشک است، بادیه‌نشینان سومالیایی‌تبار که بیشتر به گله‌داری و پرورش گوسفند مشغولند به سر می‌برند. بسیاری از نواحی کشور که زمانی پوشیده از جنگل و گیاه بوده‌اند، امروزه به بیابانهای خشک و سنگلاخ‌های بایر مبدل شده و روند بیابان‌زایی همچنان ادامه دارد.
رودخانه‌های چندی در این کشور مرتفع جریان دارند که عمده‌ترین آنها آبایی (نیل آبی)، آواش، شبیلی، اومو و دیندر است و دریاچهٔ تانا با مساحتی برابر ۲۶۰۰ کیلومترمربع بزرگترین عارضهٔ آبی اتیوپی است.
حدود دوسوم جمعیت اتیوپی را امهری‌ها و اورومو‌تبارها تشکیل می‌دهند و در کنار آنها اقوام دیگری چون تیگره‌ها، نیلوتی‌ها، دناقیل یا دنقلی‌ها و سومالیایی‌ها نیز دیده می‌شوند.
اتیوپیایی‌ها اکثراً مسیحیان قبطی هستند و گروههایی نیز که از انواع مذاهب رایج در افریقا پیروی می‌کنند، در کنار آنان وجود دارند. زبان آنان عربی و امهری است و حداقل به یکصد زبان محلی دیگر نیز گفتگو می‌کنند.



تاریخچه

یونانیان باستان، واژهٔ اتیوپی را به مفهوم سیه چرده یا چهره‌سوخته به کار می‌بردند و بعدها آن را برای عموم افریقایی‌ها به صورت چهره‌سوختگان استعمال می‌کردند.
حبشه، نام دیگر اتیوپی از واژهٔ عربی حبَشت که نام قومی است که در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، از یمن به افریقا مهاجرت کرده‌اند، اقتباس شده است. کشور اکسوم در شمال اتیوپی امروزی در روزگار گذشته مرکز فعالیتهای بازرگانی بین درّهٔ نیل علیا و بندرهای دریای سرخ بوده است. این منطقه در سدهٔ اول میلادی در اوج ترقی و تعالی خود بود و اتیوپی نیز به تبع از آن، در ثروت و رفاه به سر می‌برد. با ظهور دین اسلام در سدهٔ هفتم میلادی و توسعهٔ جهان اسلام و گرویدن مصریان به دین اسلام، اتیوپی را که در سدهٔ چهارم میلادی مسیحیت قبطی را پذیرفته بود، به انزوا کشید و از جهان فعال آن روزگار به کنار ماند و رابطهٔ آن با دنیای مسیحیت قطع گردید.
مسلمانان که تشکیلات بازرگانی و اقتصادی توانمندی در کرانه‌های دریای سرخ ایجاد کرده بودند، اتیوپی منزوی را ناگزیر نمودند تا باب دوستی با اروپاییان را باز کند و از آنان یاری نظامی طلب نماید. در سال ۱۴۹۰ یک دریانورد پرتغالی به نام کوویلیائو وارد حبشه شد و نامه‌ای از شاه پرتغال (ژان دوم) برای فرمانروای اتیوپی که عنوان نگوس داشت، آورد. در سال ۱۵۲۰ سفیری از پرتغال به دربار حبشه آمد تا برای مقابله با توسعه‌طلبی‌های مسلمانان چاره‌اندیشی کنند. اندک زمانی بعد احمدابن محمد فرمانروای سومالی با حمایت عثمانی‌ها به نبرد علیه نگوس، شاه اتیوپی پرداخت و او را مغلوب نمود و بیشتر پرتغالی‌هایی را که در اتیوپی به سر می‌بردند، به قتل رسانید. ولی استیلای احمدابن محمد دیری نپایید و با مرگ وی نیروهای تحت فرماندهی او ناچار به عقب‌نشینی و خروج از اتیوپی گردیدند. تلاش‌هایی که در همین اوان برای استقرار مذهب کاتولیک در اتیوپی به عمل آمد، ناکام ماند و کیش کاتولیک کلا از این سرزمین ریشه‌کن شد و کلیسای قبطی همچنان برقرار ماند.
در سده‌های بعد، اختلافات داخلی در اتیوپی بالا گرفت و در نتیجهٔ جنگهایی که بین فرمانروایان امهرا و تیگره به وقوع پیوست، غالب ساختمانها و بناهای شهری ویران گردید.
سرانجام در سدهٔ نوزدهم اتیوپی دگربار به یک سرزمین واحد مبدل شد و تئودور دوم که نسبت به مسلمانان بسیار کینه‌توز بود در سال ۱۸۵۵ به سلطنت رسید. وی با انگلیسی‌ها از در ناسازگاری و ستیز برآمد و با آنان به جنگ پرداخت و پس از شکست در سال ۱۸۶۸ خودکشی کرد. پس از او پسرش یوحنا به سلطنت رسید. او نیز به آزار مسلمانان پرداخت و کشمکش میان اتیوپی و ایتالیا در زمان او آغاز شد. وی ایتالیایی‌ها را که به خاک اتیوپی تجاوز کرده بودند شکست داد و وادار به عقب‌نشینی نمود(۱۸۸۷). سپس منلیک دوم در سال ۱۸۸۹ به سلطنت رسید. وی نیز با ایتالیایی‌ها جنگید و آنان را شکست داد و استقلال اتیوپی را تثبیت کرد. وی در سال ۱۹۱۳ از سلطنت کناره گرفت و دخترش به جای او تا سال ۱۹۱۷ سلطنت کرد. پس از وفات وی هایلسلاسی به امپراتوری رسید. در زمان او اختلاف میان ایتالیا و اتیوپی شدت گرفت تا جایی که در سال ۱۹۳۵ به جنگ تبدیل شد. ژنرال ایتالیایی به نام پادوگلیو که فرماندهی ارتش ایتالیا را در اختیار داشت، در جنگ پیروز شد و اتیوپی در سال ۱۹۳۶ به تصرف ایتالیا درآمد. دوران استعمار ایتالیا بر اتیوپی تا سال ۱۹۴۱ به درازا کشید. در آن سال ارتش انگلستان ایتالیایی‌ها را از اتیوپی بیرون راند و هایلسلاسی امپراتور اتیوپی که در دوران تصرف اتیوپی کشور را ترک کرده بود به میهن خود بازگشت. پس از پایان جنگ جهانی دوم، اریتره طبق رأی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتیوپی واگذار گردید و امپراتور دست به اصلاحات دموکراسی زد و به دنبال آن ناآرامی و اغتشاش در بعضی استانهای اتیوپی آغاز گردید. با مرگ هایلسلاسی در سال ۱۹۷۵، ناآرامی‌ها شدت گرفت و سراسر کشور دستخوش آشوب شد و منجر به کودتای نظامی افسران مارکسیست در سال ۱۹۷۷ گردید و ژنرال منگیستوهایله ماریام به ریاست جمهوری رسید. وی با کشورهای کمونیست روابط دوستانه برقرار کرد و در عین حال با شورشیان و استقلال طلبان اریتره و تیگره به نبرد پرداخت.
طی سالهای بعد خشکسالی و قحطی به ویژه در استانهای تیگره و الو، دشواریهای فراوان به بار آورد و در سال ۱۹۸۵ نبرد با سومالی و شورشیان اریتره شدت گرفت و خشکسالی سراسری ناآرامی عمومی را به وجود آورد. در سال ۱۹۸۶ کنفرانس وحدت افریقا در آدیس‌آبابا تشکیل شد و سیاست نژادپرستانهٔ دولت افریقای جنوبی محکوم گردید.
در نبرد خونین دسامبر ۱۹۸۷، شورشیان مسلح اریتره یکی از پادگانهای نظامی اتیوپی را با ۱۸,۰۰۰ اسیر و تعدادی مستشار روسی به تصرف درآوردند. در سال ۱۹۸۹ دوازده لشگر اتیوپیایی که در خط جبههٔ نبرد با سومالی بودند، در غیاب هایله‌ماریام که در آلمان غربی بود، دست به کودتا زدند. هایله‌ماریام با شتاب از آلمان بازگشت و کودتاچیان را سرکوب کرد و فرماندهٔ نیروی هوایی و رئیس ستاد نیروهای مسلح اتیوپی را اعدام نمود. در همان سال جیمی کارتر رئیس جمهور پیشین امریکا از نمایندگان دولت اتیوپی و استقلال‌طلبان اریتره دعوت به عمل آورد تا در امریکا با یکدیگر ملاقات کنند و نسبت به رفع بحران اریتره اقدام نمایند ولی این پیشنهاد با مخالفت هایله ماریام روبرو گردید و مسکوت گذارده شد. در سپتامبر ۱۹۸۹ دولتهای اتیوپی و سومالی با یکدیگر صلح کردند و مستشاران کوبایی که دیگر به خدمتشان در ارتش اتیوپی نیازی نبود به کوبا بازگردانده شدند. دولت هایله ماریام پس از صلح به اسرائیل



نام رسمی: جمهوری دموکراتیک فدرال اتیوپی

نام محلی: اتیوپیا Ityopiya

اسامی دیگر: حبشه؛ آبیسینا (اسامی قدیمی)

پایتخت: آدیس‌آبابا (۲،۲۰۹،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: بیست و هشتم ماه مه (سالروز سقوط منگیستوهایله ماریام)

نوع حکومت: جمهوری فدرال با دو مجلس قانونگذاری؛ از سال ۱۹۹٤

رئیس حکومت: رئیس جمهور: گیرما وولده گیورگیس، از سال ۲۰۰۱ به مدت ٥ سال توسط شورای نمایندگان مردم

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ملس زناوی (جبهه دموکراتیک انقلابی خلق اتیوپی)، از سال ۱۹۹٥

قوه مقننه: قانون اساسی ۱۹۹٥؛ شورای نمایندگان مردم با ٥٤٨ عضو و شورای فدرال با ۱۱۷عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس شورای نمایندگان مردم در انتخابات سال ۲۰۰۰: جبههٔ دموکراتیک انقلابی خلق اتیوپی ٤۷۲ کرسی، سایر احزاب ۱٥ کرسی، مستقل‌ها ۸ کرسی، کرسی‌های خالی ٥۳

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، اینو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، سازمان تجارت جهانی، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱،۱۳۳،۸۸۲ کیلومترمربع (بیست و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ٦۲،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هجدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٥٥/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ٪۲/٥

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۱۱٥/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۱٦/۷٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٥/۱٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٤٦/۷٪ ، ۲۹-۱٥ سال ۲٦/٥٪ ، ٥۹-۳۰ سال ۲۲/۳٪ ، بالای ٦۰ سال ٤/٥٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٥۰/۱۹٪ ؛ زن ٤۹/۸۱٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤٦/۳ سال، مردان ٤٤/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤٥/۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۷/٥ نفر

مرگ ومیر کودکان‌درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۱۰۲/۸ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۷/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر: (آمارگیری نمونه از مرگ و میر در بیمارستانها در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ از هر ۱۰۰ مرگ): بیماریهای عفونی و انگلی ۳۳/۱ نفر؛ بیماریهای تنفسی ۱٥/۷ ؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۱۰/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۷/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت: گالا(اورومو)۳۱/۸٪ ، امهر ۲۹/۳٪،سومالیائی ٦/۲٪ ،تیگرینیا٥/۹٪ ؛والایتا ٤/٦٪ ، گوراگه ٤/۲٪ ، سیدامو ۳/٤٪

دین(۱۹۹٤): ارتدوکس اتیوپی ٥۰/۳٪ ؛ مسلمان ۳۲/۹٪ ؛ اعتقادات سنتی ٤/۸٪ ؛ پروتستان ۱۰/۱٪ ؛ سایر ادیان ۱/۹٪

زبان و خط: امهری (زبان رسمی)؛ عربی ؛ خط : ؟

شهرهای مهم(۱۹۹٤): دیرداوه (۱٦٤،۸٥۱ نفر)؛ هرر (۱۳۱،۱۳۹)؛نازرت (۱۲۷،۸٤۲) ؛ قندار (۱۱۲،۲٤۹ نفر)

بنادر مهم: دسترسی به دریای آزاد ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: بیر(Br)=۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۸/۲بیر؛ یک بیر=۹۷٦ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۹،٦۸٦ میلیون بیر؛ مالیات ٥٤/٤٪ (شامل: عوارض گمرکی ۲۱٪ ؛ مالیات بر درآمد و سود۱۷/۱٪ ؛مالیات فروش ۱۲/۲٪ ؛ عوارض صادرات ۱/۹٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۲۹/۲٪ ؛ کمک‌های مالی ۱۳/۱٪ ؛ عواید ناشی از خصوصی سازی ۳/۳٪

هزینه بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۷،۱٤۰ میلیون بیر؛ خدمات عمومی ٤٥/۲٪ ؛ دفاع ۲۹/۳٪ ؛ تأمین اجتماعی ۲٤/۱٪ ؛ آموزش و پرورش ۱٥/۸٪ و سلامت عمومی ٥/٦٪ ؛ پرداخت بدهی ۱۲/۳٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٦/۱۷ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۷):** ۱۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤۹/۸٪ ؛ صنعت ٦/۷٪ ؛ خدمات ٤۳/٥٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۷۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۹/٦۲ میلیارد دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٦٤۷/٥+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٦/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰) : ۸٪ ؛ ۱۹۹۸ : ۹/۷٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): ذرت ۲،۸٤۰،۰۰۰ تن، نیشکر ۲،۲۰۰،۰۰۰ تن، ذرت خوشه‌ای ۱،۳٤۰،۰۰۰ تن، گندم ۱،۱٥۰،۰۰۰ تن، جو ۹۷۰،۰۰۰ تن، ارزن ۳۸۱،٤۸٦ تن، سیب‌زمینی ۳۷۰،۰۰۰ تن، یام ۲٦۷،۰۰۰ تن، قهوه ۲۳۲،۰۲۰ تن، تخم پنبه ٤٥،٥۰۰ تن

کاربری زمین: کشاورزی ۱۱٪ ؛ مرتع و چمنزار ۲۰٪ ؛ جنگل ۱۳/۳٪ ؛ سایر موارد ٥٥/۷٪

تعداد دام زنده: گاو ۳٥،۰۹٥،۲۳۰ رأس؛ گوسفند ۲۲،۰۰۰،۰۰۰ ؛ بز ۱٦،۹٥۰،۰۰۰ ؛ اسب و قاطر ۸،٥۸۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٥۰،۱٤۸،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱٤،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٥٤،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۷٥،٥۰۰ تن

تولیدات معدنی(۱۹۹٤): سیمان ٤۰۰،۰۰۰ تن؛ سنگ‌آهک ۲۰۰،۰۰۰ ؛ نمک ۱٦٥،۰۰۰ تن؛ طلا ٤٥۰۰ کیلوگرم؛ پلاتین ٤۸ تروی

تولیدات صنعتی: (ارزش محصولات): مواد غذائی ۱،۳٥۱،۲۰۰،۰۰۰ بیر، نوشیدنی ۸۷٦،٤۰۸،۰۰۰، منسوجات ٥۹۳،۳٤۱،۰۰۰، چرم و کفش ٤۸۳،۳٦٤،۰۰۰، سیگار ۲٤۰،۳۷۱،۰۰۰، کاغذ و محصولات کاغذی ۱۲٦،۳۱٦،۰۰۰ ، مواد شیمیائی ۲۹،٦۸۸ بیر

انرژی /میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۱،٦۷٥،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،٦۷٥،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ صفر (نامعلوم)؛ نفت خام (۱۹۹٦): نامعلوم (٥،٥٤۹،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ٦۱۲،۰۰۰ تن (۸٦۱،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: نامعلوم (نامعلوم)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷):۲٦،٤۰۸،۰۰۰ نفر ؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤٤/۸٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۷۲/۲٪ ؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤۱٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹٤): ٦۲/۹٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۷۸/۱٪ ؛ صنعت ۸/٥٪ ؛ خدمات ۱۳/٤٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ۳۷٥،٥۰۰ نفر؛ نیروی زمینی: ۹۳/۳۰ ٪؛ نیروی هوائی : ٦/۷٪؛ نیروی دریائی ندارد. سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۲ دلار

واردات(۹۸-۱۹۹۷): ۷/٦۲ میلیارد بیر؛ شامل: کالاهای مصرفی ۲٤/۹٪ ؛ کالاهای نیمه ساخته ۱۷/۲٪؛ فرآورده‌های نفتی ۱٦/۲٪ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۱۳/۲٪ ؛ مواد غذائی و حیوانات زنده ۱۳/۹٪ ؛ ماشین‌آلات ۱۳/۱٪؛ مواد خام ۲/۱٪؛ از ژاپن ۱۰/٥٪ ؛ آلمان ۹/۸٪ ؛ عربستان سعودی ۹/۷٪؛ ایتالیا ۹/٥٪ انگلستان ٦٪ ؛ هند ٥/۷٪ و امریکا٤/۷٪

صادرات(۹۸-۱۹۹۷): ۳/۹۷ میلیارد بیر؛ شامل: قهوه٦۹/۸٪ ، پوست خام۸/٤٪، دانهٔ غلات۲/٥٪، فرآورده‌های نفتی۰/۲٪؛ به آلمان ۲٤/۸ ٪ ؛ ژاپن ۱۲/۲٪ ؛ عربستان سعودی ۹/۹٪ ، ایتالیا ٦/۸٪ ، امریکا ٦/۸٪ ، بلژیک ٤/٤٪ ، فرانسه ۳/٦٪

تراز بازرگانی:

	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-٥۰۷/۱	-٥٥۳/۷	-۷۱۳/۷	-۳۸٤/۷	-٤۳۰/٥	-٤۷۳/۹
درصد کل	٪٥٦	٪٤۲/۷	٪٤٥/۸	٪۲۷	٪۲٦/۸	٪۲۹/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):

	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۱/٦	۸٤/٥	۹۰/۹	۱۰۰	۹٤/٦	۹۱/٤	۹۸/۹	۱۱۰
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ٥ نفر؛ درآمد هر خانوار (۸۲-۱۹۸۱): ۱۷۲۸ بیر؛ منابع درآمد (۸۲-۱۹۸۱): کار آزاد ۷۹/٥٪ ؛ دستمزد و حقوق ۰/۲٪ ؛ دیگر موارد ۲۰/۳٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۸): غذا ٦٦/۷٪؛ سوخت و نیرو ۱٥/۹٪ ؛ پوشاک و کفش ٦/۸٪ ؛ بهداشت ۳/۱٪ ؛ آموزش ۲/٥٪ ؛ کالاهای خانگی ۲/۱٪

جهانگردی(۱۹۹٥): درآمد: ۳٦ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲٥ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۹،٥۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۷۸۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ٥۲،۰۱۲ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۳۹،۹۳٦ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ؟ — **فرودگاه:** ۳۱ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹۷): ٤ روزنامه در ۸٦،۰۰۰ نسخه (۱/٥ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۲٤۰ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۱۱،۷٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۲۰۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٥/۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱٦٤،۱٤۰ خط تلفن (۲/۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳٥،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٦،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٥)	۹،۲۷٦	۸۳،۱۱۳	۲،۷۲۲،۱۹۲	۳۲/۸
متوسطه	۱،۲۰۹	۲۲،۷۷۹	۷٤۷،۱٤۲	۳۲/۸
فنی و حرفه‌ای	؟	۸۲٦	۹،۱۰۳	۱۱
عالی	۱۱	۱،۹۳۷	۳۲،٦۷۱	۱٦/۹

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۳٥/٥ ٪ ؛ مردان: ٤٥/٥٪ ؛ زنان: ۲٥/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۸۸): ۱،٤٦٦ نفر (هر ۳۰،۱۹٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۷): ۱۱،۷٤٥ تخت (هر ۳،۸۷۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲،٦۰۰،۰۰۰ نفر؛ (۹/۳۱٪ افراد ۱٥تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ۹۷/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۱،۸۰٥ کالری (۷۷٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷) : مصرف پروتئین: ٥٤ گرم؛ مصرف چربی: ۲۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/٥٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹٦): ۳/٤ میلیون تن؛ هر نفر صفر

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳۰۹ (صد و هفتادویکمین کشور جهان)

روی آورد و در مقابل دریافت کمک های نظامی، با مهاجرت ۱۷،۰۰۰ یهودی اتیوپیایی، موسوم به فالاشه‌ها، به اسرائیل موافقت نمود. در سال ۱۹۹۰ اتحاد جماهیر شوروی که آخرین روزهای حیات سیاسی خود را می گذرانید، مستشاران نظامی خود را از اریتره فرا خواند و به دنبال آن شورشیان اریتره بلافاصله بندر مصوع را تصرف کردند و تنها اسمره را که هنوز در تصرف نیروهای اتیوپیایی بود، باقی گذاردند.

در ماه مه ۱۹۹۱، منگیستوهایله‌ماریام که وضعیت خود را پس از فروپاشی اتحاد شوروی در خطر می‌دید به طور ناگهانی و غیر منتظره از کشور گریخت و دست شورشیان اریتره را در کسب پیروزی و استقلال باز گذارد و در پی آن تسفایه گابره کیدانه، معاون رئیس جمهور مسئولیت کشور را به طور موقت بر عهده گرفت. کیدانه به سرعت باب گفتگو با تمامی مخالفان را گشود و در اولین مرحله با استعفای خود قدرت را بدون خون‌ریزی به «جبههٔ دموکراتیک انقلابی خلق اتیوپی»، به رهبری ملس زناوی واگذار کرد. ملس زناوی به عنوان رئیس جمهور موقت وعده داد تا جنگ داخلی را از میان ببرد و گفتگوهای صلح در مورد استقلال اریتره را پی‌گیری نماید. تداوم گفتگوهای صلح منجر به تأیید استقلال استان ساحلی اریتره در سال ۱۹۹۳ گردید. در سال ۱۹۹۴ یک شورای موقت قانونگذاری ۸۷ نفره پیش‌نویس قانون اساسی جدید این کشور را تدوین نمود که بر اساس آن حکومت جمهوری دموکراتیک فدرال اتیوپی پایه‌گذاری شد و این قانون در همه‌پرسی سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید.

در انتخابات پارلمانی سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰، که عمدهٔ گروههای مخالف آن را تحریم کرده بودند، جبههٔ دموکراتیک انقلابی خلق اتیوپی، با اکثریت مطلق آراء تعیین نخست‌وزیر و هیئت دولت را به عهده گرفت. علیرغم بهبود نسبی در وضعیت اقتصادی اتیوپی، در طی دههٔ اخیر، این کشور همواره در خطر مواجهه با قحطی و خشکسالی های متناوب قرار داشته است.

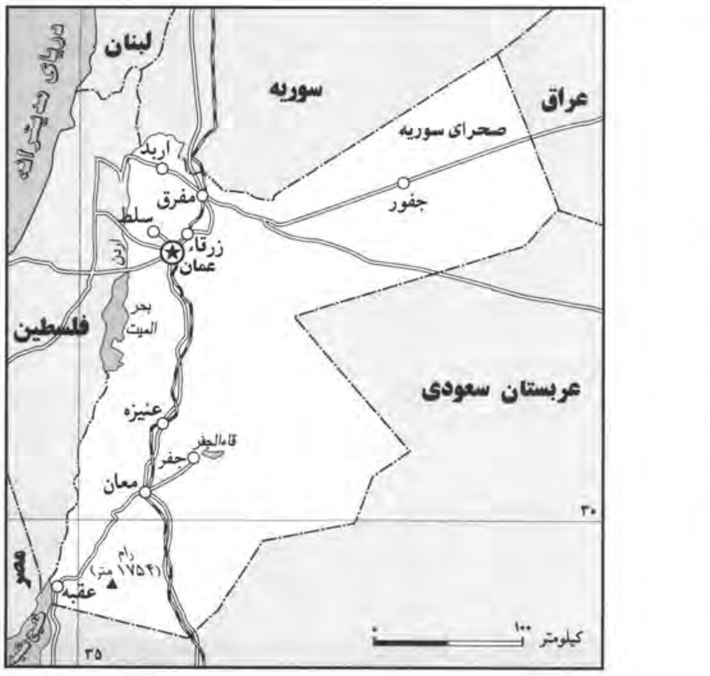
در آوریل ۲۰۰۱، دانشجویان دانشگاه آدیس آبابا در اعتراض به عدم تحقق خواسته هایشان با پلیس ضد شورش درگیر شدند که طی آن حدود ۴۰ دانشجو کشته شدند و بیش از ۳،۰۰۰ نفر نیز توسط نیروهای ارتشی بازداشت شدند و دانشگاه نیز به مدت چندین هفته تعطیل شد. در پی این حوادث در جبههٔ انقلابی خلق اتیوپی انشعابی رخ داد و بخشی از اعضای جبهه آزادیبخش خلق تیگره در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه و رفرمیستی، از آن جدا شدند.

اردن JORDAN

کشوری در غرب آسیا، محصور میان کشورهای سوریه در شمال، عراق و عربستان سعودی در خاور، عربستان سعودی در جنوب و فلسطین در غرب. تنها راه دستیابی این کشور به دریا، بندر عقبه در جنوب غربی است که از طریق دریای سرخ با آبهای بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند. حدود ۷۵ درصد اراضی این کشور را بیابانهای وسیع و نسبتاً مرتفع که ارتفاع متوسط آنها بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ متر است فرا گرفته. نواحی غربی نیمه کوهستانی است با بلندی حداکثر ۱۷۵۴ متر (جبل رام). در این قسمت شکافت‌هایی دیده می‌شود که به دریای سرخ و فروزمین بزرگ افریقای خاوری منتهی می گردند. روند تکاملی شکافت های مزبور در روزگار گذشته به تشکیل درّهٔ رود اردن منتهی گردیده که شیب آن تا دریای سرخ ممتد است. علاوه بر رود اردن که بزرگترین رودخانهٔ کشور است، رود یرموک نیز از دیگر رودهای این سرزمین محسوب می گردد و دریاچهٔ بحرالمیت، با ۱۰۲۰ کیلومترمربع وسعت، که در غرب کشور جای دارد، بزرگترین و چشمگیرترین عارضهٔ آبی و پست‌ترین نقطه (ارتفاع حدود ۳۹۶- متر) کشور است.

فرآورده‌های کشاورزی اردن منحصر به سبزیجات، صیفی جات، مرکبات و زیتون است و پرورش گاو، گوسفند، بز و شتر نیز رواج دارد. کمبود آب عمده‌ترین مسئلهٔ زیست محیطی اردن است و بیابان‌زایی و روند توسعهٔ نواحی شهری، تهدیدی برای اراضی قابل کشت درّهٔ رود اردن به شمار می‌رود.

اکثریت جمعیت اردن را فلسطینی‌هایی که از سرزمین مادری خود آواره و رانده شده و به اردن مهاجرت کرده‌اند، تشکیل می‌دهد. بومیان اصلی از حدود ۲۰ قوم مختلف بادیه‌نشین که هنوز یک سوم آنان به صورت چادرنشینی زندگی می‌کنند، تشکیل یافته و در کنار آنان اقلیت کوچکی از چرکسهای قفقازی‌تبار نیز به سر می‌برند که در روابط اقتصادی و اداری امروز کشور نقش عمده‌ای بر عهده دارند. بیش از ۹۰ درصد اردنی‌ها مسلمانان سنی هستند و اقلیتی از شیعه‌ها که به سرعت بر شمارشان افزوده می‌شود، نیز در کنار آنان دیده می‌شود. زبان رسمی مردم اردن عربی است و گاهگاه به زبان انگلیسی هم گفتگو می‌کنند.



تاریخچه

سرزمین امروزی اردن در عهد عتیق مسکون بود و تمدن روند تکاملی خود را طی می‌کرد. در سالهای اولیهٔ میلاد مسیح پترا به یکی از استانهای امپراتوری روم مبدل شد و در سدهٔ هفتم میلادی به صحنهٔ نبرد یرموک که طی آن اعراب علیه امپراتوری بیزانس به نبرد پرداختند، تبدیل شد و در جنگهای صلیبی غالباً صحنهٔ کارزار مسلمانان و مسیحیان بود. در سدهٔ شانزدهم میلادی به بخشی از امپراتوری عثمانی مبدل گردید و ضمیمهٔ استان دمشق شد و تا سال ۱۹۱۸ تحت تسلط عثمانی‌ها بود. در ۱۹۲۰ ضمیمهٔ کشور نوبنیاد سوریه گردید و سپس تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. در سال ۱۹۲۳ به صورت امیرنشین نیمه مستقلی زیر فرمان عبدالله ابن حسین هاشمی درآمد. قیمومیت انگلستان بر اردن درسال ۱۹۴۶ پایان یافت و استقلال اردن اعلام گردید. در سال ۱۹۴۸ همراه با دیگر اعضای اتحادیهٔ عرب با اسرائیل به نبرد پرداخت و قسمتهایی از اراضی فلسطین موسوم به کرانه باختری را ضمیمهٔ خاک خود کرد. ملک عبدالله که از سال ۱۹۲۳ بر اردن حکومت می‌کرد، در سال ۱۹۵۱ درگذشت و پسرش ملک طلال تا سال ۱۹۵۲ بر اردن سلطنت کرد. پس از وی پسرش ملک حسین به جای او نشست. وی در سال ۱۹۵۷ لژیون عرب انگلیسی‌ها را منحل کرد و روابط اردن و انگلستان ظاهراً قطع گردید. در نبرد سال ۱۹۶۷ مورد حملهٔ اسرائیل قرار گرفت و تمامی کرانهٔ باختری، واقع در غرب رود اردن را از دست داد. در سال ۱۹۷۰ در پی اختلاف میان دولت اردن و فلسطینیان، شمار زیادی از فلسطینی‌ها به دست ارتش اردن کشته شدند و عدهٔ زیادی از اردن اخراج گردیدند. در نبرد سال ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، دولت اردن روابط خود را با فلسطینیان بهبود بخشید و در سال ۱۹۸۵ ملک حسین و یاسر عرفات نظرات مشترک خود را در مورد صلح خاورمیانه اعلام داشتند. با شروع بحران خلیج فارس و حملهٔ عراق به کویت (اوت ۱۹۹۰) دولت اردن سخت بلاتکلیف شد و از شرق و غرب تحت فشار عراق و اسرائیل قرار گرفت.

با وجود این که گروههای اسلامی در مقایسه با دیگر کشورهای عرب، در اردن فعالیت کمتری داشتند، مع‌الوصف پیچیدگی روابط بنیادگرایان اسلامی با شاه اردن، هرگونه گفتگو و تماسی را با اسرائیل دشوار و حتی ناممکن ساخت، با این حال بر اثر فشار و اصرار امریکا، اسرائیل و اردن در سال ۱۹۹۴ در واشینگتون پیمان صلح و دوستی بستند و به جنگ و منازعات ۴۶ سالهٔ خود پایان دادند. به دنبال آن ۶۰،۰۰۰ تن از آوارگان فلسطینی به زادگاه خود بازگشتند و اسرائیل نیز ۳۰۰ کیلومترمربع از بیابانهایی را که در نبردهای گذشته اشغال کرده بود به اردن بازگردانید. در سال ۱۹۹۵ ملک‌حسین که برای شرکت در مراسم تشییع جنازه و تدفین اسحاق رابین به آن کشور مسافرت کرده بود، برای نخستین بار از بیت‌المقدس دیدن کرد. با از سرگیری بمباران عراق توسط امریکا در فوریهٔ ۱۹۹۸، موجی از آوارگان عراقی به سوی اردن سرازیر و پناهنده شدند. در سال ۱۹۹۹ ملک حسین بر اثر بیماری سرطان درگذشت و پسرش، ملک عبدالله دوم، به جای او نشست.

پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، اولین رهبر عربی بود که از امریکا دیدن کرد و حمایت کامل خود را از مبارزهٔ دولت امریکا بر علیه تروریزم اعلام نمود.



نام رسمی: پادشاهی اردن هاشمی

نام محلی: المملکةالاردنیةالهاشمیه

اسامی دیگر: -

پایتخت: عمان (۱،۲۷۲،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۳)

تاریخ استقلال: ۱۹٤٦/۳/۲۲ از انگلستان

روز ملی: بیست و پنجم ماه مه (روز استقلال)

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۵۲

رئیس حکومت: پادشاه: ملک عبداللّه دوم، از سال ۱۹۹۹

رئیس دولت: نخست‌وزیر: علی ابوالراغب، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۵۲؛ آخرین تغییرات ۱۹۹۲؛ مجلس اعیان با ٤۰ عضو انتصابی توسط پادشاه و مجلس نمایندگان با ۸۰ عضو انتخابی توسط مردم برای مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۷): مستقل‌های طرفدار پادشاه ٦۲ کرسی، اسلامگرایان مستقل ۸ کرسی، ملی گرایان و چپگرایان ۱۰ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۸۹،۳۲٦ کیلومترمربع (صدویازدهمین کشور جهان)

جمعیت: ٤،۹۸۲،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوهشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۵/۸ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹۵):** ۳٪

پیش‌بینی جمعیت(۲۰۲۰): ۷،۹۲۰،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۳/۱٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵) ٤/۱٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ۳۷/۹٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۳۰/۹٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲٦/۱٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۵/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۵۲/۲۳٪ ؛ زن ٤۷/۷۷٪ — **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ۷۹/۹ سال، مردان ۷٤/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۲٦/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۲/٦ نفر

مرگ ومیر کودکان در هر هزار تولد(۱۹۹۸): ۳۳/۲ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۲۳/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آماری در دسترس نیست.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ۳/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٤۱ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۵): عرب ۹۸٪ (حدود ۵۰٪ فلسطینی)؛ ارمنی ۱٪ ؛ چرکس ۱٪

دین: اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان سنی ۹٦/۵٪ ؛ مسیحی ۳/۵٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ خط : عربی

شهرهای مهم(۱۹۹٤): زرقاء ۳٤٤،۵۲٤ نفر، اربد ۲۰۸،۲۰۱ نفر، سلط ۱۸۷،۰۱٤ نفر، رصیفه ۱۳۱،۱۳۰ نفر، مفرق ۱۰۹،۸٤۱ نفر

بنادر مهم: عقبه (کنار خلیج عقبه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دینار (JD)= ۱۰۰۰ فلس؛ یک دلار= ۰/۷۱ دینار؛ یک دینار= ۱۱۲٦۸ ریال

درآمد بودجه: ۱،٦۸۸ میلیون دینار؛ مالیات ۵۰/۸٪ (شامل: مالیات فروش ۲۰/۷٪ ؛حقوق گمرکی ۱۷/۱٪ ؛ مالیات بر درآمد و سود ۸/۳٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۳۷/۱٪ (از جمله صدور مجوز و اجرت کار ۱۱/٤٪، کمکهای خارجی ۱۲٪)

هزینه بودجه: ۲،۰٤۷میلیون دینار؛ هزینهٔ جاری ۸۱/۹٪ (شامل: دفاع ۲٤/۱٪ ؛ دستمزدها و حقوق ۱۷/۲٪ سود وام ۱۱/۷٪) ؛ هزینهٔ عمرانی ۱۸/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۵ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۱۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٦/۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳٪ ؛ صنعت ۲۵/۷٪ ؛ خدمات ۷۱/۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲۱ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۲۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۷،۰۵٦ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٤۰۸/۲ + میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۳/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳/۳٪ ؛ ۱۹۹۸: ۳/۷٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): گوجه‌فرنگی ۳۰۵،۱۰۰ تن؛ هندوانه ۹۷،٤۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۹۲،٦۰۰؛ زیتون ۵۵،۰۰۰؛ خیار ۷۳،۹۰۰؛ موز ۷۲،۵۰۰؛ لیموترش و لیموشیرین ٤۱،٦۰۰؛ سیب ۳٤،۲۰۰؛ کدو تنبل و کدوحلوایی ۳۱،٤۰۰؛ کلم ۲۸،٤۰۰ تن

کاربری زمین: کشاورزی ٤/٦٪ ؛ مرتع و چمنزار ۸/۹٪ ؛ جنگل ۰/۸٪ ؛ سایر موارد ۸۵/۷٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): گوسفند ۲،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۷۹۵،۰۰۰ ؛ گاو ٦۵،۰۰۰ رأس ؛ شتر ۱۸،۰۰۰ نفر

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤۷۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۳،۳۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۸،۱۱۹ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): فسفات ۵،۹۲۵،۰۰۰ تن؛ پتاس ۱،۵۲۷،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی: (ارزش افزوده به هزار دینار) : مواد شیمیائی ۱۳۰،۲۷٦، فرآورده‌های معدنی غیر فلزی و ظروف سفالی و چینی ۱۱٤،۸۹۷، دخانیات ۹٦،۳۸۰ ، فرآورده‌های غذائی ۸۰،۹۹٤، نفت تصفیه‌شده ٦۰،۰۲۸ ، فرآورده‌های پلاستیکی ۲۵،٦۲۷

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق: ٦ میلیارد کیلووات ساعت (٦ میلیارد کیلووات ساعت)؛ نفت خام: ۱٤،٤۰۰ بشکه (۲۳،۷۹۰،۰۰۰) ؛ فرآورده‌های نفتی: ۳،۱۰۲،۰۰۰ تن (۳،۹۳۲،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۳): ۸۵۹،۳۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲۲/۲٪ ؛ میزان مشارکت: مردان(در سنین ۱۵ سال به بالا): ٤۳/٦٪ ؛ زنان (در سنین ۱۵ سال به بالا): ۱٤٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): ۱۳٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۷/٦٪ ؛ صنعت ۲۱/۹٪ ؛ خدمات ۷۰/۵٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش(۱۹۹۹): ۱۰٤،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸٦/۵٪ ؛ نیروی دریائی ۰/۵٪ ؛ نیروی هوائی ۱۳٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی ۱٤۵ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۲،۷۱۹/۹ میلیون دینار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۸/۵٪ ؛ غذا و حیوانات زنده۱۹/٦٪ سوخت ماده‌های معدنی ۹/٤٪ ؛ موادشیمیائی ۱۲/۷٪؛ آهن و فولاد ٤٪؛ از عراق ۸/۸٪ ؛ امریکا ۹/۵٪ ؛ آلمان ۹/۸٪ ؛ ایتالیا ٤/۹٪ ؛ ژاپن ۵/۸٪ ؛ انگلستان ۵/۱٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱،۲۷۵/٦ میلیون دینار؛ شامل کالاهای داخلی ۸۱/۹٪ (از جمله مواد و فرآورده‌های شیمیائی ۲۵/۳٪، کود فسفات ۱۱٪، پتاس ۸/۷٪ ، میوه، سبزیجات و میوه‌های مغزدار ۸/۳٪، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳/۵٪)؛ صادرات مجدد کالاها ۱۸/۱٪؛ به هند ۱۱/۲٪ ، عراق ۱۰/۳٪ ، عربستان سعودی ۹/۹٪، لبنان ۲/۹٪، کویت ۲/٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون‌دینار	۱۳٦۷/٤	-۱۳٤۹/۳	-۱۸۵۱	-۱٦۰۹	-۱٤۳٦/۵	-۱۳۳٦/٤
درصد کل	٤۰/۷٪	۳۵/۲٪	٤۱/۸٪	۳۸/۲٪	۳٦٪	۳٤٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹٦٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۱/٤	۹٤/٤	۹۷/۷	۱۰۰	۱۰٦/۵	۱۰۹/۷	۱۱٤/٦	۱۱۵/۳
شاخص درآمد روزانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۵): ٦/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹۵): ٤۰۱۰ دینار؛ منابع درآمد (۱۹۹۵): دستمزد و حقوق ۵۱/٤٪ ؛ درآمد از اجاره و مایملک ۲۳/۸٪ ؛ پرداختهای انتقالی ۱۳/۷٪ ؛ کار آزاد ۱۱/۱٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۲): غذاونوشیدنی٤۰/٦٪ ؛ مسکن وسوخت۲٦/۹٪ ؛ حمل ونقل۱۱/۲٪؛ پوشاک وکفش ۸/۲٪ ؛آموزش ۳/۵٪؛بهداشت ۲/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۸۵۳ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ٤۵۱میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۷،۱۳۳ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ٦۷۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۲۱۳،۸۷٤دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۷۹،۱۵۳ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹۸): ۵ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ۲۵۰،۰۰۰ نسخه (٤۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳۱ عنوان در ٤۳،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۵۱۱ عنوان در ۲،٦۷۳،۰۰۰ نسخه (فقط کتابهای چاپ اول)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،٦٦۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۳۹۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۵۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۸۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۵۱۱،۰۰۰ خط تلفن (۸۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۷۰،۰۰۰ خط (۱۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۷۷،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٦۱،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۲،۵۳۱	۵۱،۷۲۱	۱،۰۷٤،۸۷۷	۲۰/۸
متوسطه	۷٤۱	۸،٦۱۵	۱٤۳،۰۱٤	۱٦/٦
فنی و حرفه‌ای	۵٤	۲،۳۰٦	۳۳،۱۰۹	۱٤/٤
عالی	۵۵	٤،۸۲۱	۹۹،۰۲۰	۲۰/۵

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱۵ سال: ۸۸/۸٪ ؛ مردان: ۹٤/۹٪ ؛ زنان: ۸٤/٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵سال(۲۰۰۰): ابتدایی ٤۹/۲٪ ؛ متوسطه ۳٦/۲٪ ؛ عالی ۸/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۷،٤۸۰ نفر (هر ٦۲۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۸،۵٦۵ تخت (هر ۵٤٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): تعداد کل : ؟ ؛(۰/۲٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ٦/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳۰۱٤ کالری؛ مصرف پروتئین: ۷۵ گرم؛ مصرف چربی: ۸٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۳-٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۲/۵٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۵/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹٦): ۱۳/۸ میلیون تن ؛ هر نفر ۲/۵ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۲۱ (نودودومین کشور جهان)

ارمنستان ARMENIA

ارمنستان کشوری است کوهستانی که در حد فاصل اروپا و آسیا واقع شده، اگرچه در بیشتر منابع جزء اروپا به حساب آمده، ولی در برخی منابع نیز جزء آسیا ذکر شده است. این کشور از شمال به گرجستان، از خاور به جمهوری آذربایجان، از جنوب به ایران و آذربایجان (جمهوری خودمختار نخجوان) و ترکیه و از غرب به کشور ترکیه محدود است. سرزمینی است محصور در خشکی که بیشتر نواحی آن را کوههای قفقاز کوچک به ارتفاع متوسط ۱۸۰۰ متر فرا گرفته است. عمده‌ترین کوههای این کشور کوههای زنگه‌زور، واردنیس و شاه‌داغ است و بلندترین نقطهٔ آن کوه آراگاتس ۴۰۹۰ متر ارتفاع دارد. علاوه بر کوههای مزبور، آتشفشانهای خاموش چندی نیز در این سرزمین دیده می‌شود و وقوع زمین‌لرزه‌های پراکنده از روند کوهزایی آن حکایت دارد. درّه‌های ژرف این سرزمین، بستر رودهایی چون ارس، آرپاچای و هرازدان است.

اقلیم ارمنستان خشک و قاره‌ای است، تابستانهای گرم و طولانی و زمستانهای بسیار سرد از ویژگیهای آن است. در نواحی هموار و دشتگون، غلات، حبوبات، سبزیجات، پنبه، تنباکو و چغندرقند به دست می‌آید و تاکستانهای آن نسبتاً پهناور و انگور و شراب مطبوعی دارد. دامپروری و گله‌داری منحصر به نواحی کوهستانی است و مس و آلومینیوم و مولیبدن از ذخائر طبیعی آن است. علاوه بر کوههای مرتفع و درّه‌های ژرف و زیبا، دریاچهٔ سوان با مساحتی حدود ۱۴۰۰ کیلومترمربع، یکی دیگر از چشم‌اندازهای زیبا و طبیعی این کشور محسوب می‌گردد. این دریاچه در ارتفاعی برابر ۱۹۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد و رودخانه‌های کوچک متعددی مانند رود هرازدان به آن می‌ریزند. استفادهٔ بیش از حد از آب رودخانهٔ هرازدان، سطح آب دریاچهٔ مزبور را تا حد قابل توجهی کاهش داده و علاوه بر برهم زدن شرایط زیست‌محیطی، بناهایی با قدمت حدود ۲۰۰۰ سال از زیر آب خارج شده‌اند. کاربرد سموم گیاهی، اراضی و آبهای جاری این کشور را به شدت آلوده ساخته و محیط زیست را با خطر جدی روبرو کرده است.



تاریخچه

ارامنه یکی از کهن‌ترین اقوام هند و اروپایی بشمار می‌روند. نخستین باری که نام ارمنستان به میان آمده، در سنگنبشته‌های به خط میخی متعلق به داریوش اول هخامنشی در سده‌های ششم تا پنجم پیش از میلاد است. اما سفال‌ها و الواح گلی‌ای که از هیتی‌ها به دست آمده سوابق تاریخی این قوم را به سدهٔ دوازدهم قبل از میلاد می‌رساند و بیانگر آن است که درسدهٔ نهم تا ششم پیش از میلاد، دارای دولت مقتدری بوده‌اند و پایتختشان شهر توشپا (وان کنونی در ترکیه) بوده است.

ارمنستان قبل از پیدایش امپراتوری هخامنشی، بخشی از کشور ماد بود، سپس ضمیمهٔ دولت هخامنشی شد. با حملهٔ اسکندر به ایران و فروپاشی هخامنشیان، ارمنستان به استقلال دست یافت و دوران استقلال آن از ۳۲۲ تا ۲۱۵ پیش از میلاد به درازا کشید، سپس به تصرف سلوکی‌ها درآمد و پس از آن مجدداً استقلال یافت و آرتاکسیاس یا آرتاشس به عنوان نخستین بنیانگذار سلسلهٔ مستقل ارمنستان شناخته شد. در عصر تیگران بزرگ (۵۵ تا ۹۵ پیش از میلاد)، بر وسعت ارمنستان افزوده شد و تمام سرزمینهای ارمنی زبان در یک دولت متحد شدند و مرزهای آن تا مدیترانه و دریای سیاه و دریای خزر گسترش یافت. جنگ تیگران بزرگ با امپراتوری روم به شکست وی منجر شد و دوران شکوفایی و قدرت ارمنستان پس از ۴۰۰ سال به زوال گرایید و به کشوری میانگیر بین اشکانیان و رومیان مبدل شد. سپس در سال ۱۱ میلادی ضمیمهٔ امپراتوری اشکانی گردید و شاهزادگان اشکانی بر ارمنستان سلطنت کردند.

در سال ۳۰۱ میلادی، ارمنستان به مسیحیت گروید و در سال ۴۰۵ الفبای ارمنی که از ابداعات قدیس مسروپ بود، برای نوشتن به کار گرفته شد. در سال ۴۵۱ میلادی کلیسای ارمنی ارتدوکس جدا شد و عنوان نخستین وقدیمی‌ترین کلیسای ملی را به خود اختصاص داد.

در پایان سدهٔ چهارم، ارمنستان میان ایران ساسانی و امپراتوری روم تقسیم گردید و با فروپاشی ساسانیان، تحت سلطهٔ اعراب مسلمان درآمد و در سال ۶۵۵ میلادی سرتاسر این سرزمین، تحت تسلط اعراب قرار گرفت. دوران تسلط تازیان با شورشهای متعددی از سوی ارامنه همراه بود تا جایی که در زمان متوکل خلیفهٔ عباسی وسعت بیشتر یافت و خلیفه را وادار نمود تا یکی از ارامنه را بنام آشوت از خاندان باگراتید به امیری ارمنستان بگمارد. بعدها آشوت سلطان ارمنستان شد و سلسلهٔ باگراتید را بنیان نهاد که تا اواسط سدهٔ یازدهم میلادی دوام آورد و ارمنستان را به اوج عظمت رسانید. در اواسط سدهٔ یازدهم، ارمنستان توسط امپراتوری روم شرقی تصرف شد و سلسلهٔ باگراتید منقرض گردید.

ترکان سلجوقی که آذربایجان را تصرف کرده بودند، به ارمنستان نیز دست یافتند و پایتخت سلسلهٔ باگراتید یعنی شهر آنی را ویران نمودند. مظالم سلجوقیان به فرار بسیاری از ارامنه به آسیای صغیر و کرانه‌های دریای مدیترانه انجامید و دولت ارمنستان صغیر پدید آمد که تا سال ۱۳۷۵ میلادی موجودیت خود را حفظ کرد. دولت ارمنستان صغیر در جنگ‌های صلیبی علیه مسلمانان با صلیبیون متحد شد و با مغولان نیز همصدا گردید. در سال ۱۳۷۵ ارمنستان صغیر به تصرف سلطان مصر درآمد و سپس ضمیمهٔ امپراتوری عثمانی گردید.

سرزمین اصلی ارمنستان پس از سلجوقیان مورد حملهٔ مغولان و ایلخانان قرار گرفت و سپس به تصرف تیموریان درآمد و ترکان آق قویونلو نیز بر آن دست یافتند. در زمان صفویه ارمنستان بین ایران و عثمانی به صحنهٔ رقابت و نبرد تبدیل شد و خسارات فراوانی را تحمل کرد. شاه عباس اول صفوی ارمنستان را تصرف نمود و جمع کثیری از ارامنه را به جلفای اصفهان و روستاهای اطراف آن کوچ داد.

در اوایل سدهٔ نوزدهم و در جنگ‌های ایران و روس، بخش بزرگی از ارمنستان به تصرف روسیه درآمد و بخش دیگر آن را نیز از دست عثمانی‌ها خارج نمود و ارمنستان را ضمیمهٔ خاک خود ساخت.

با امضای پیمان برلین، روسها قسمتی از ارمنستان را که قبلاً از عثمانی‌ها گرفته بودند، به ترک‌ها واگذار کردند. در ۱۸۹۴ تا ۱۹۱۵ عثمانی‌ها جمع کثیری از ارامنه را به قتل رساندند و عدهٔ زیادی را به ترک وطن واداشتند. در اواخر سدهٔ نوزدهم مردم ارمنستان روس دست به جنبش‌های انقلابی زدند و حزب داشناکسیون یا حزب سوسیال ملی را پدید آوردند. با شروع جنگ جهانی اول، دولت عثمانی به بهانهٔ شرکت ارامنه در ارتش روس، دست به کشتار دیگری از ارامنه زد و با سقوط امپراتوری روس تزاری، ملل تابعهٔ آن به خودمختاری رسیدند و با روی کار آمدن بلشویک‌ها، آذربایجان و ارمنستان و گرجستان کمیساریای ماوراء قفقاز را تشکیل دادند و از پیوستن به بلشویک‌ها خودداری نمودند.

ارمنستان عثمانی که به وسیلهٔ ارتش روسیهٔ تزاری در جنگ جهانی اول اشغال شده بود، پس از پیمان صلح به عثمانی واگذار گردید. اما عثمانی‌ها خواستار الحاق سراسر ارمنستان به خاک خود بودند. ارامنهٔ روسیه که با الحاق خود به خاک ترکیه سخت مخالف بودند، در ۲۸ مه ۱۹۱۸ استقلال خود را اعلام داشتند و نخستین دولت ارمنی در تاریخ معاصر را تشکیل دادند.

در پی آن کشورهای اروپایی استقلال جمهوری ارمنستان را به رسمیت شناختند ولی در سال ۱۹۳۶ اتحاد شوروی آن را به یکی از جمهوریهای تشکیل‌دهندهٔ خود تبدیل نمود و موضوع استقلال آن به فراموشی سپرده شد. با روی کار آمدن میخائیل گورباچف و اعلام پروسترویکا و گلاسنوست، احساسات ملی گرایانهٔ ارامنه بالا گرفت و خواهان استقلال و همچنین الحاق ناحیهٔ قره‌باغ کوهستانی به ارمنستان گردیدند. بدینسان اختلاف و زد و خورد بین دولتهای نوپای آذربایجان و ارمنستان پایه‌گذاری شد و هر دو کشور را از نظر اقتصادی فلج نمود. در دسامبر ۱۹۸۸ زمین‌لرزهٔ شدیدی ارمنستان را به لرزه درآورد و ویرانی‌های بسیار به جای گذاشت و حدود ۲۵,۰۰۰ تن را به دیار نیستی فرستاد و توان اقتصادی کشور را بیش از پیش تضعیف نمود. در انتخابات سال ۱۹۹۰ لئون ترپتروسیان به ریاست جمهوری ارمنستان برگزیده شد و ارمنستان با رأی اکثریت مردم در همه‌پرسی ۲۱ سپتامبر (روز ملی)، در ۲۰ اکتبر سال ۱۹۹۱ رسماً به استقلال رسید. پتروسیان در سپتامبر ۱۹۹۶ برای بار دوم برندهٔ انتخابات ریاست جمهوری شد و در اوت ۱۹۹۷ قرارداد اقتصادی و سیاسی و دفاعی و فرهنگی با جمهوری فدراتیو روسیه امضاء نمود. در مارس ۱۹۹۸ پتروسیان کناره گرفت و روبرت کوچاریان از رهبران ارامنهٔ قره‌باغ به ریاست جمهوری رسید. در حمله پنج مرد مسلح در ۲۷ اکتبر سال ۱۹۹۹ به مجلس ملی، نخست‌وزیر به همراه وزیر دفاع و شش تن دیگر کشته شدند و در پی آن آرام سرکیسیان به جای برادرش وازگن سرکیسیان به نخست‌وزیری رسید. در ماه مه ۲۰۰۰، سرکیسیان از کار برکنار گردید و آندرانیک مارکاریان، رهبر فراکسیون حزب جمهوری‌خواه در مجلس ملی، به جای وی برگزیده شد.



نام رسمی: جمهوری ارمنستان

نام محلی: هایاستان Hayastan

اسامی دیگر: –

پایتخت: ایروان (۱،۲٤۸،۲۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۹/۲۱ ، از شوروی

روز ملی: بیست و یکم سپتامبر ، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: روبرت کوچاریان، از سال ۱۹۹۸ (به مدت ٥ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آندرانیک مارکاریان، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٥؛ مجلس ملی با ۱۳۱ عضو برای مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۹): ائتلاف میاسنوتیان (وحدت) توسط دو حزب جمهوری‌خواه و حزب خلق ٦٤ کرسی، حزب کمونیست ۱۰، اتحاد انقلابی ارمنی (داشناکسیون) ۷، حق و اتحاد ۷، سرزمین حق ٦، اتحاد دموکراتیک ملی ٦، سایر احزاب و مستقل‌ها ۳۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، سیس، اوسه

جمعیت

مساحت: ۲۹،۸۰۰ کیلومترمربع (صدوسی و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۳،٥۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوبیست و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۱۷/٥ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ٪-۰/۳

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۳/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** بیش از ۱۰۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪٦۹/٤ ؛ رشد سالانه(۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪۱/٦

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٪۲٥/٦ ؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۳/۳؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۳۷/٤ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۱۳/۷

توزیع جنسی(۱۹۹۸) مرد ٪٤۸/٦٤ ؛ زن ٪٥۱/۳٦ — **امیدبه‌زندگی(۱۹۹۹):** زنان۷۱/۱سال ؛ مردان ٦۲/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۳/٥ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹ نفر

مرگ ومیر کودکان‌درهرهزار تولد(۱۹۹۹): ٤۱/۱ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۹): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳٤۲/۱ نفر، سرطان ۱۰٦ ، بیماریهای تنفسی ۳٦/۲، حوادث، درگیری و خشونت ۳۳/۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۳٥ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۹): ۳/۳ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۹):** ۰/۳ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۸۹): ارمنی ٪۹۳/۳؛ آذری ٪۲/٦ ؛ دیگر نژادها ٪٤/۱

دین: مسیحی گریگوری ٪٦٤/٥ ؛ فرقه‌های دیگر مسیحی ٪۱/۳؛ سایر ادیان و بدون دین ٪۳٤/۲ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: ارمنی (زبان رسمی)؛ خط: ارمنی

شهرهای مهم(۱۹۹۸): وانادزور ۱٥۹،۰۰۰ نفر، گیومری (کومایری) ۱۲۰،۰۰۰ نفر (۱۹۹۸)

بنادر مهم: دسترسی به دریای آزاد ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: درام(ARD)=۱۰۰ لوما؛ یک دلار = ٥۳۸/۹ درام؛ یک درام = ۱٤/۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۱۱٦/٦ میلیارد درام؛ درآمد مالیاتی ٪۷۲/۹ (شامل مالیات بر سود بازرگانی ٪۱٤/٤؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪۱۸/٤ ؛ مالیات دستمزدها ٪۱۲/٦ ؛ مالیات بر درآمد ٪۷/٥ ؛ سایر مالیات‌ها ٪۲۰؛ هدیه و کمک ٪۸/۳)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۲۷/۱

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ۱۷۳/٤٥ میلیارد درام؛ هزینه‌های جاری ٪۷٤/۸ (شامل: حقوق بازنشستگی و رفاه اجتماعی ٪۱۸/٥ ، سود ٪۱۰، دستمزد ٪۱۰/۹ ، بهداشت و آموزش ٪٥/٦ ؛ سایر موارد ٪۲۹/۸)؛ هزینهٔ سرمایه‌ای و سود وام ٪۲٤/۷

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱/۷۳ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٪-٥/۷

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۳۲/۹ ؛ صنعت ٪۳۱/۸ ؛ خدمات ۳٥/۳

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۸ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۲۳۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ٥۱۲ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۳۸/٥ + میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪-۱٤/۲

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۳٤۹/۱ ؛ ۱۹۹۸: ٪۱۱/۲

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): سیب‌زمینی ٤۲٥،۲۰۰ تن، گوجه فرنگی ۱٤٥،۰۰۰ ، گندم ۲۲۰،۰۰۰ ، انگور ۱۰٥،۹۰۰ جو ٦٥،۰۰۰ تن، هندوانه ٦۰،۰۰۰ ، سیب ٥٦،۰۰۰ تن

کاربری زمین: کشاورزی ٪۲۰/۱ ، مرتع و چمنزار ٪۲۳/۱، جنگل ٪۱۳/٤ ، سایر موارد ٪٤۳/٤

تعداد دام زنده: گوسفند و بز ٥٥۰،۰۰۰ رأس، گاو ٥۰٥،۰۰۰ ، خوک ٥۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳٥،۷۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۳،۰٥۰ تن

تولید مرغ: ۲،۸۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ:** ۱۲،۱٥۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): مس ۹،۰۸۰،۰۰۰ تن، پرلیت ۲۰۰،۰۰۰ ، مولیبدن ۱،۸۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (میلیون درام): تجهیزات ماشین‌سازی و فلزکاری ۱۸،٤۳٦، موادغذائی ۱۳،۸٤۲ ، مواد شیمیائی ٥،۳۳۰ ، فلزات ٥،۲٥۹؛ مصالح ساختمانی ۳،۱٥٤ ، منسوجات ۲،٥۰۰ تولیدات چرمی ۲،۳۳٥

انرژی /میزان تولید(میزان مصرف): برق: ٦/۲۲ میلیارد کیلووات ساعت (٦/۲۲ میلیارد کیلووات ساعت)؛ زغال سنگ: صفر (٥،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (۱،۰۲٦،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی : صفر (۳٥۸،۰۰۰ تن) ؛ گاز طبیعی: صفر (۱،۰٥۰، ۷۰۰ مترمکعب)

نیروی کار(۱۹۹٦): جمعیت فعال اقتصادی: ۱،٥۸۳،٥۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۲/۱ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٦ تا ٦۰): ٪۷٥/۱؛ زنان (در سنین ۱٦ تا ٥٤): ٪٤٥ ؛ میزان بیکاری : ٪۱۱ (۱۹۹۸)

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۱۹ ، صنعت ٪۳۹ ، خدمات ٪٤۲

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه : ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۸: ٥۳،٤۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۱۰۰ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱۰۰ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۷٥۹/٦ میلیون دلار؛ شامل: مواد غذائی ٪۳۲/٤ ، موادمعدنی ٪۲۸/٥؛ جواهرات ٪۱٥/۲ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات؛ از روسیه٪۱٤/۷ ، ترکمنستان ٪۱۰/۱ ، ایران ٪۱۷/٥ ، امریکا ٪۱۲/۱ ،آلمان ٪۲، فرانسه٪۱/٤

صادرات(۱۹۹٦): ۲۹۰/٤ میلیون دلار؛ شامل: جواهرات ٪٤۸/۳، ماشین‌آلات و تجهیزات ٪۲۹/۷ ، مواد معدنی ٪۹؛ به روسیه ٪۳۳/۱ ، بلژیک ٪۱٥/٤ ، ایران ٪۱۳/۷ ، آلمان ٪۱/۳ ، ترکمنستان ٪٦

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیون‌دلار	-۹۸	-۱۷۸/۳	-٤۰۳	-٤٦۹/۲	-٦٥۹/۸
درصد کل	٪۲۳/۹	٪۲۹/۳	٪٤۲/۷	٪٤٤/۷	٪٥۸/۷

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۱	۳٦	۱۰۰	۱۱۹	۱۳٥	۱٤۷
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین‌اندازهٔ خانوار (۱۹۸۹): ٤/۷ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹٤): ٤۷،۳٥۲ درام؛ منابع درآمد (۱۹۹٤): دستمزد و حقوق ٪٥۲/۳؛ درآمد کشاورزی ٪۷/۷؛ دیگر موارد ٪٤۰ ؛ هزینه‌ها(۱۹۹٤): کالا و خدمات ٪۷۸ ، پرداخت مالیاتها به دولت ٪۲۲

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها ٤۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۸،٤۳۱ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۸۳۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱،۳۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ٤،٤٦۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ؟ — **فرودگاه:** یک فرودگاه

روزنامه: ۱۱ روزنامه در ۸٥،۰۰۰ نسخه (۲۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٤٤ عنوان در ٥٤۱،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۲۲٤ عنوان در ۱،۷۳۹،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۷۷٦۳/۳۹ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۸٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۲۳۹ دستگاه‌برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۸٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۳۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٥٥٦،۰۰۰ خط تلفن (۱٥۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۷،۰۰۰ خط (۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانهٔ شخصی(۱۹۹۸): ۱٥،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٤،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی(۱۹۹۷)	۱،٤۰۲	۱۳،٦۲۰	۲٥٦،٤۷٥	۱۸/۸
متوسطه	؟	٥۷،۳۲٥	۳٦٥،۰۲٥	٤/٦
فنی و حرفه‌ای	٦۹	؟	۲٥،۲۰۰	؟
عالی	۱٤	٤،۰٦٥	۳٥،٥۱۷	۸/۷

میزان باسوادی(۱۹۸۹): افراد بالای ۱٥ سال :۹۸/۸؛ مردان: ٤/۹۹؛ زنان: ٪۹۸/۱

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ابتدائی ٪۷/٤ ؛ متوسطه ٪۷٦/۳؛ عالی ٪۱۳/۸

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۱۳،۰۰۰ نفر (هر ۲۸۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان : ۳۰،۰۰۰ تخت (هر ۱۲٥ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر (٪۰/۰۱ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ۸/۹ ۲نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۳٥٦ کالری (٪۹۲ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷) : مصرف پروتئین: ٦٥ گرم؛ مصرف چربی: ٥٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰) : ٪-۲/۷

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳/۷ میلیون تن؛ هر نفر یک تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۲۱ (نودوسومین کشور جهان)

در ژانویه سال ۲۰۰۱، ارمنستان به عضویت کامل شورای اروپا در آمد. در ماه سپتامبر همان سال مراسم هزار و هفتصدمین سال پذیرش مسیحیت به عنوان دین رسمی کشور با حضور پاپ ژان پل دوم، رهبر کاتولیکهای جهان، در ارمنستان برگزار گردید.
اقتصاد ارمنستان به ویژه به مناسبت درگیری با مسئلهٔ قره‌باغ، با بحران‌ها و دشواری‌های فراوان روبروست و اقدامات میانجیگرانهٔ کشورهایی مانند ایران و روسیه و ترکیه و جوامع بین‌المللی تاکنون نتیجه‌بخش نبوده است. مهاجران ارمنی به ویژه در اروپا و امریکا در مورد معرفی و شناخت فرهنگ و هویت ملی ارامنه، نقش عمده‌ای داشته‌اند و پس از استقلال ارمنستان، کمکهای ارزنده‌ای به سرزمین مادری خود کرده‌اند و از ارمنستان به شدت هواداری نموده‌اند.

اریتره ERITREA

کشوری در شمال خاوری افریقا که از غرب و شمال به سودان، از خاور به درازای حدود ۱۰۰۰ کیلومتر به دریای سرخ و از جنوب به کشورهای جیبوتی و اتیوپی محدود است. اریتره که در واقع در دنبالهٔ شمالی فلات اتیوپی واقع است عمدتاً کوهستانی است و بلندترین نقطهٔ آن قلهٔ سویرا ۲۹۸۹ متر ارتفاع دارد. رودهای فصلی انسبا و بارکه که عمده‌ترین رودخانه‌های آنند از همین کوهستانها سرچشمه می‌گیرند. جلگهٔ ساحلی جنوب که در مقایسه با دیگر نواحی کشور از ارتفاع کمتری برخوردار است، دشتی است خشک و فوق‌العاده گرم که اکثراً شبانان بادیه‌نشین حبشی‌تبار در آن سکونت دارند. بزرگترین جزیرهٔ این کشور، جزیرهٔ دهلک کبیر با ۷۵۰ کیلومترمربع وسعت، جزء مجمع‌الجزایر دهلک و در دریای سرخ واقع است. پنبه و قهوه و تنباکو و نمک مهمترین فرآورده‌های اریتره محسوب می‌گردند.
جمعیت اریتره را اقوام مختلفی که بیشتر به شبانی و کشاورزی اشتغال دارند، تشکیل می‌دهند. بیست درصد کشاورزی مردم این سرزمین در شهرها زندگی می‌کنند و بقیه بادیه‌نشینند. حدود نیم‌میلیون آوارهٔ اریتره‌ای در سودان به سر می‌برند و ۴۰,۰۰۰ تن در اروپا و ۱۵,۰۰۰ تن در امریکا سکونت دارند. زبان رسمی مردم اریتره تیگرینیا است و زبانهای بومی به تعداد اقوام نُه‌گانهٔ آن نیز در میان مردم رواج دارد.



تاریخچه

اریتره مانند دیگر نواحی مملکت قدیم اکسوم که طی سده‌های اول تا ششم بعد از میلاد به وجود آمده بود، یکی از نواحی تشکیل دهندهٔ امپراتوری اتیوپی است. در سدهٔ شانزدهم ضمیمهٔ امپراتوری عثمانی شد و از سدهٔ هفدهم تا نوزدهم، اکثراً مورد اختلاف عثمانی‌ها و اتیوپی بود. با عقد قرارداد سال ۱۸۹۰ بین ایتالیا و منلیک دوم امپراتور اتیوپی، مالکیت ایتالیا بر نواحی ساحلی دریای سرخ و جزایر آن مسجّل گردید و نام اریتره که به زبان لاتین دریای سرخ را می‌رساند بر آن نواحی اطلاق گردید.
اریتره طی سالهای ۱۸۹۶ و ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۶ به عنوان پایگاه اصلی برای عملیات نظامی و حمله به اتیوپی از سوی ایتالیا مورد استفاده قرار گرفت و به یکی از شش استان ایتالیا در افریقای خاوری مبدل شد.
در سال ۱۹۴۱ انگلیسی‌ها بر ایتالیایی‌ها پیروز شدند و آنان را از این سرزمین بیرون راندند. پس از پایان جنگ جهانی دوم، در دسامبر ۱۹۵۰، سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای، اریتره را ضمیمهٔ اتیوپی نمود تا به صورت یک استان فدرال (خودمختار) وابسته به امپراتوری اتیوپی اداره شود. در سال ۱۹۶۲ هایلسلاسی امپراتور حبشه، مجلس ملی اریتره را به شدت تحت فشار گذارد تا الحاق اریتره به اتیوپی را به رسمیت بشناسد و به آن جنبهٔ قانونی بدهد.
این عمل با واکنش شدید ملّیون و آزادی‌خواهان اریتره که طی زد و خورد و مبارزه با استعمارگران ایتالیایی نوعی وحدت و همدلی در میانشان به وجود آمده بود، روبرو گردید و نخستین پایه‌های آشوب و استقلال‌طلبی مردم اریتره گذارده شد. تلاشهای استقلال‌طلبانه آزادی‌خواهان اریتره به ویژه در سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۶ تا جایی بالا گرفت که کشور سودان را به میانجی‌گری واداشت. در فوریهٔ ۱۹۹۰ آزادی‌خواهان اریتره بندر مصوع را تصرف کردند و در پی آن تقریباً بر سرتاسر اریتره تسلط یافتند و در ۲۵ مه همان سال شهر اسمره و راههای ارتباطی آن با اتیوپی را تحت کنترل خویش درآوردند. به دنبال این رویداد، طرفین با برگزاری یک همه‌پرسی زیر نظارت سازمان ملل متحد موافقت کردند. در همه‌پرسی سال ۱۹۹۳، ۹۹/۸ درصد مردم اریتره به استقلال خود و جدایی از اتیوپی رأی دادند و در ۲۴ مه همان سال موجودیت کشور جدید اریتره را اعلام داشتند و ایسایاس افه‌ورکی را به ریاست جمهوری برگزیدند.
در اواخر سال ۱۹۹۷ اریتره واحد پول خود را عوض کرد و ناکفا را جایگزین بیر اتیوپی نمود. از اواسط سال ۱۹۹۸ اختلافات ارضی میان اریتره و اتیوپی رو به گسترش نهاد و در ماه مه سال ۲۰۰۰، نیروهای هوایی و زمینی اتیوپی بخشهایی از نواحی مرکزی و غربی نقاط مرزی اریتره را مورد حمله قرار دادند و نیروهای اریتره مجبور به عقب نشینی از این نواحی شدند. با دخالت سازمان ملل متحد و تشکیل نیروهای حافظ صلح، آتش بس میان طرفین برقرار گردید و مذاکراتی در جهت حصول به تفاهم کامل آغاز شد.
در سال ۲۰۰۰ گروهی از اعضای «جبهه خلق برای دموکراسی و عدالت» و از جمله یکی از بنیانگذاران آن، خواستار اعمال قانون اساسی جدید که در سال ۱۹۹۷ به تائید مردم رسیده شدند و در سال ۲۰۰۱، پانزده نفر از آنان این جبهه را ترک کردند و با انتشار نامه سرگشاده‌ای به انتقاد از نحوهٔ حکومت افه‌ورکی پرداختند. درماه سپتامبر ۲۰۰۱، یازده نفر از این گروه بدون ذکر هیچ اتهامی بازداشت شدند و نماینده اتحادیه اروپا از این کشور اخراج گردید.



نام رسمی: دولت اریتره

نام محلی: ارتره Ertra

اسامی دیگر: -

پایتخت: اسمره (۴۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۲)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۳/۵/۲۴ ، از اتیوپی

روز ملی: بیست و چهارم ماه مه (روز استقلال)

نوع حکومت: دولت انتقالی با یک مجلس قانونگذاری موقت، از سال ۱۹۹۳

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ایسایاس افه ورکی(جبهه خلق برای دموکراسی و عدالت)، از سال ۱۹۹۳

رئیس دولت: رئیس جمهور: ایسایاس افه ورکی(جبهه خلق برای دموکراسی و عدالت)، از سال ۱۹۹۳

قوه مقننه: قانون اساسی در سال ۱۹۹۷ به تصویب رسیده است؛ مجلس ملی انتقالی از سال ۱۹۹۳ امور قانونگذاری را به عهده دارد؛ جبهۀ خلق برای دموکراسی و عدالت ۱۰۴ کرسی مجلس ملی را به خود اختصاص داده است. نخستین انتخابات برای تشکیل مجلس ملی قرار بود در دسامبر ۲۰۰۱ برگزار شود که ۷۵ عضو آن توسط جبهۀ خلق برای دموکراسی و عدالت منصوب می‌شود و ۷۵ عضو نیز مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۳)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا ، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان وحدت افریقا، جنبش عدم تعهد.

جمعیت

مساحت: ۱۲۱،۱۴۴ کیلومترمربع (نودوهشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۳،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوبیستمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۲/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹۵):** ۳/۸٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۶/۷ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۳ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۱۸٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۴/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۴۲/۹٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۹/۱٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۲/۹٪ ؛ بالای ۶۰ سال ۵/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۴۹/۸۹٪ ؛ زن ۵۰/۱۱٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۵۷/۸ سال ؛ مردان ۵۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۴۲/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۲/۵ نفر

مرگ ومیر کودکان‌درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۷۸/۲ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳۰ نفر

دلایل عمدۀ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار قطعی و دقیق وجود ندارد ولی شایع‌ترین دلایل مرگ و میر عبارتند از: بیماریهای عفونی مانند مالاریا و بیماریهای انگلی، سوء تغذیه، اسهال و اسهال خونی

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران درهر صد هزار تولد:** ۱۰۰۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۶/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** وجود ندارد

نژاد / ملیت(۱۹۷۶): تیگرینیا ۴۹٪ ، تیگره ۳۱/۷٪ ، عفار ۴/۳٪ ، هدارب ۳/۹٪ ،بیلن ۳/۱٪ ، ساهو ۳٪

دین: مسلمان ۶۹/۳٪، مسیحی ۳۰/۷٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: تیگرینیا؛ عربی خط: ؟

شهرهای مهم(۱۹۹۲): عصب (۵۰،۰۰۰ نفر)؛ کرن (۴۰،۰۰۰) ؛ مصوع (۴۰،۰۰۰)؛ مندفرا (۱۴،۸۳۳ نفر)

بنادر مهم: مصوع، عصب (در کنار دریای سرخ)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: ناکفا(Nfa)=۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۹/۵ ناکفا؛ یک ناکفا = ۸۴۲ ریال

درآمد بودجه: ۱/۹۷ میلیارد ناکفا (مالیات ۴۸/۸٪ ؛ مالیاتهای مستقیم ۲۲/۸٪ ، عوارض گمرکی ۱۵/۲٪ ، مالیاتهای غیر مستقیم ۱۰/۸٪) ؛ درآمد غیر مالیاتی ۵۱/۲٪

هزینه بودجه: ۲/۵۹ میلیارد ناکفا؛ هزینه‌های جاری ۵۵/۸٪ (از جمله دستمزد و حقوق ۲۷/۳٪ ؛ مواد ۲۰/۱٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۴۴/۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۷۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۹/۳٪ ؛ صنعت ۲۹/۵٪ ؛ خدمات ۶۱/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸):؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۴۴ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۵۸/۲+میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۹-٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰) : ۱۰/۱٪ ؛ ۱۹۹۸: ۰/۹-٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): حبوبات ۲۷۰،۰۰۰ تن؛محصولات ریشه‌ای وتکمه‌ای ۱۲۵،۰۰۰؛ ذرت خوشه‌ای ۱۵۰،۰۰۰؛ ارزن ۳۰،۰۰۰ ؛ جو ۴۰،۰۰۰ ؛ دانۀ حبوبات ۳۰،۰۰۰ ؛ سبزیجات و صیفی‌جات ۲۸،۰۰۰؛ گندم ۱۵،۰۰۰؛ ذرت ۱۵،۰۰۰ ؛ کنجد ۴،۲۰۰ ؛ لوبیا خشک ۳،۰۰۰؛ بادام زمینی ۱،۸۰۰؛ نخود ۱۰۰۰تن

کاربری زمین: کشاورزی ۵/۱٪، مرتع و چمنزار ۶۹٪ ؛ جنگل ۷/۳٪ ؛ سایر موارد ۱۸/۶٪

تعداد دام زنده: گوسفند ۱،۵۳۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۴۰۰،۰۰۰ ؛ گاو ۱،۳۲۰،۰۰۰رأس ؛ شتر ۶۹،۰۰۰ نفر

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۶):** ۳،۲۷۲ تن

تولید مرغ: ۴،۳۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ:** ۵،۹۳۴ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۵): نمک ۳۰۵،۱۲۰ تن؛ سنگ مرمر و گرانیت برای ساختمان

تولیدات صنعتی: (هزار ناکفا)، محصولات غذائی ۲۰۳،۷۰۰ ، نوشیدنی ۱۵۹،۶۰۰، محصولات چرمی و کفش ۶۹،۴۰۰ ، محصولات نساجی ۶۲،۸۰۰، محصولات شیمیائی ۵۹،۷۰۰، محصولات فلزی ۴۴،۳۰۰، محصولات غیر فلزی ۲۸،۵۰۰ ، توتون و کبریت ۱۶،۶۰۰، کاغذ و محصولات چاپ ۱۱،۳۰۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): منابع عمدۀ انرژی مصرفی عبارتند از: نیروی برقابی، سوختهای فسیلی، نیروی زمین گرمایی، زغال، بیوگاز، نیروی خورشیدی و باد، در سال ۱۹۹۷ به میزان ۱۷۹،۱۹۲ هزار کیلووات ساعت برق تولید شده است.

نیروی کار: ؟

توزیع نیروی کار(۱۹۹۲): کشاورزی ۲/۶٪ ، صنایع ۴۹/۵٪ ، خدمات ۴۷/۹٪

نیروی دفاعی: تعداد نفرات نیروی دفاعی اریتره حدود ۱۸۰،۰۰۰ تا ۲۰۰،۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود که عمدتاً از همان نیروهای چریکی قبل از استقلال تشکیل می‌شوند (۱۹۹۹).

واردات(۱۹۹۷): ۴۸۹/۵ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۷/۸٪ ، کالاهای تولیدی ۲۲/۲٪ ، مواد غذائی ۱۹/۶٪ ، مواد شیمیائی ۶٪ ، مواد خام ۲/۲٪، روغن حیوانی و نباتی۱/۹٪، از عربستان سعودی ۱۵/۷٪، ایتالیا ۱۳/۷٪، امارات متحده عربی ۱۳/۱٪، آلمان ۵/۵٪، امریکا ۳/۱٪، اتیوپی ۹٪ ، انگلستان ۴/۶٪، ژاپن ۴/۱٪، هلند ۱/۷٪

صادرات(۱۹۹۷): ۵۳/۱ میلیون دلار؛ شامل مواد خام ۳۴/۵٪، موادغذائی ۲۱/۷٪، کالاهای تولیدی ۱۷/۱٪ ، نوشیدنی و دخانیات ۲/۴٪، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲/۹٪، مواد شیمیائی ۲/۲٪، به اتیوپی ۶۳/۵٪ ، سودان ۱۶/۶٪، ایتالیا ۴/۹٪ عربستان سعودی ۱/۹٪ آلمان ۰/۶٪ ، انگلستان ۰/۵٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
میلیون‌دلار	۲۳۹-	۳۳۱/۴-	۳۲۳/۲-	۴۱۸/۵-	۴۳۶/۴-
درصد کل	۵۸/۱٪	۷۲٪	۶۶/۷٪	۶۸/۷٪	۸۰/۴٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۲):	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۱/۹	۱۰۰	۱۱۹/۲	۱۲۷/۴	۱۴۱/۳
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازۀ خانوار (۱۹۹۸): ۴/۷ نفر

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد ۹۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۴،۰۱۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۳۰۶ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۵،۹۴۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ؟

کشتی بالای صد تن: ؟ — **فرودگاه:** ۲ فرودگاه با برنامۀ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱۰۶ عنوان در ۴۲۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۳،۹۶۲/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳۴۵،۰۰۰ گیرندۀ رادیوئی (۱۰۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۵۰،۰۰۰ گیرندۀ تلویزیونی (۱۴ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۴،۰۰۰ خط تلفن (۶/۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۵۴۹	۵،۴۷۶	۲۴۰،۷۳۷	۴۴
متوسطه	۸۶	۱،۹۰۹	۸۸،۰۵۴	۴۴/۹
فنی و حرفه‌ای	۴	۱۱۲	۱،۱۴۵	۱۰/۲
عالی	۱	۱۹۸	۳،۰۹۶	۱۵/۶

میزان باسوادی(۱۹۹۸): مردان ۶۶٪ ؛ زنان ۳۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۶۹ نفر (هر ۳۶،۰۰۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۷): ۲،۴۴۹ تخت (هر ۱،۱۰۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): تعداد کل: ؟ ؛ (۳/۱۷٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ۲۴۳/۶ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۱،۷۴۴ کالری (۷۵٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۵۱ گرم؛ مصرف چربی: ۲۰ گرم (۱۹۹۷)

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

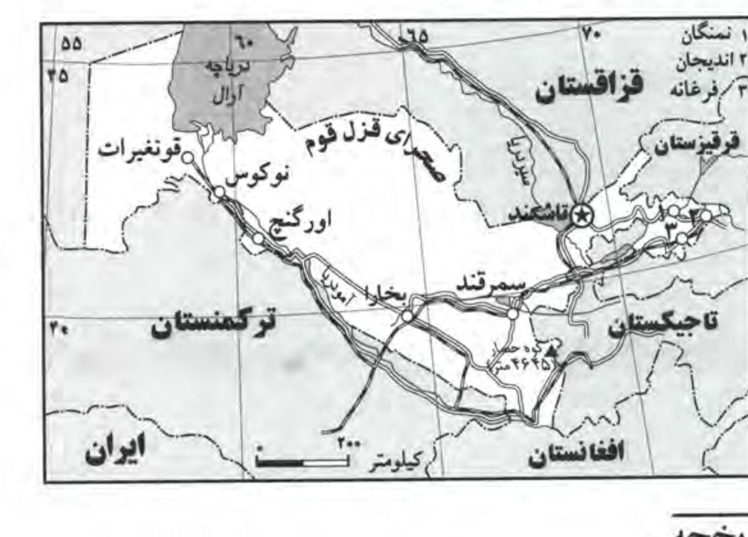
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): صفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹۶): ۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱۱/۲ تن

شاخص توسعۀ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۴۰۸ (صدوپنجاه و نهمین کشور جهان)

ازبکستان UZBEKISTAN

ازبکستان کشوری است در آسیای مرکزی محصور میان کشورهای قزاقستان در غرب و شمال، قرقیزستان و تاجیکستان در شرق و افغانستان و ترکمنستان در جنوب. این کشور که بیشتر اراضی میان رودخانه‌های سیردریا (سیحون) و آمودریا (جیحون) را به خود اختصاص داده است، ترکیبی است از دشت‌ها و صحراهای نسبتاً پهناور در غرب و نواحی مرکزی و کوهستانهای مرتفع در خاور. صحرای توران که در جنوب و خاور دریاچهٔ آرال واقع شده، از جنوب به صحرای قزل‌قوم می‌پیوندد و نواحی خاوری این کشور که به صورت زائده‌ای در خاک کشورهای قزاقستان و قرقیزستان و تاجیکستان پیش رفته است، دنبالهٔ غربی کوههای آلای و تین‌شان را اشغال کرده و درّهٔ حاصلخیز فرغانه و شبکه‌های وسیع آبیاری استپ میرزاشول را در خود جای داده است. دریاچهٔ آرال که با مساحتی حدود ۶۶,۵۰۰ کیلومترمربع در شمال و در مرز میان ازبکستان وقزاقستان قرار گرفته است بر اثر استفادهٔ بی‌رویه و بیش از اندازه از آب رودخانه‌های سیردریا و آمودریا به مرور کوچک شده و عارضه‌ای که زمانی چهارمین دریاچهٔ بزرگ جهان بشمار می‌رفت، در حال خشکیدن و از میان رفتن است. طولانی‌ترین رودخانهٔ ازبکستان رود آمودریا یا جیحون است و مهمترین ریزابه آن رود زرافشان است. بلندترین نقطهٔ ازبکستان، کوه حصار، که در نزدیکی مرز این کشور با تاجیکستان واقع است ۴۶۴۵ متر ارتفاع دارد و پست‌ترین نقطهٔ آن گودالی است بنام مین‌بولاق در صحرای قزل‌قوم که ارتفاع آن به ۱۲- متر می‌رسد. پنبه و برنج و ابریشم از فرآورده‌های کشاورزی آن است و نفت و گاز طبیعی و طلا و سرب و زغال‌سنگ از منابع زیرزمینی آن محسوب می‌گردد. اقلیم ازبکستان خشک و قاره‌ای است، زمستانهای کوتاه و ملایم دارد و تابستانهایش طولانی و گرم و خشک است. اکثر جمعیت این سرزمین را ازبک‌ها تشکیل می‌دهند و روس‌ها و تاجیک‌ها و قزاق‌ها و قراقالپاق‌ها و تاتارها نیز اقلیتهای قومی آن هستند. مردم ازبکستان اکثراً مسلمان سُنی هستند (۸۸ درصد) و ارتدوکس‌ها و لائیک‌ها اقلیتهای مذهبی آن به شمار می‌آیند. زبان رسمی آنان ازبکی است و زبانهای روسی و تاجیکی نیز مورد استعمال محدودتری دارد.



تاریخچه

در سرزمینی که امروزه آن را ازبکستان می‌نامند، در روزگاران گذشته، واحدهای کشاورزی چندی مانند خوارزم، ماوراءالنهر و درّهٔ فرغانه پدید آمد و پایه‌گذار تجمع اقوام هند و اروپایی را فراهم کرد. در سدهٔ ششم پیش از میلاد به بخشی از ساتراپ بزرگ باختری وابسته به امپراتوری هخامنشی مبدل شد و بعد از فروپاشی هخامنشیان، اسکندر مقدونی و سلوکیان بر آنجا دست یافتند. در سدهٔ اول میلادی به تصرف امپراتوری کوشان درآمد و سپس هون‌های سفید یا هفتالیان در سال ۴۲۵ میلادی آنجا را تصرف کردند. ترکان در سدهٔ ششم تا هشتم میلادی هفتالیان را برانداختند و تمام نواحی عمدهٔ آسیای مرکزی را تحت لوای امپراتوری خاقان‌های ترک درآوردند. در اواسط سدهٔ هشتم میلادی، اعراب مسلمان بر این سرزمین دست یافتند و دین اسلام را به سرعت در آنجا رواج دادند. در اواخر سدهٔ نهم، سامانیان قدرت را به دست گرفتند و فرهنگ و زبان فارسی را در آنجا اشاعه دادند و به اوج شکوفایی خود رساندند و بخارا به مرکز علم و تمدن آن روزگار مبدل گردید. پس از سامانیان سلجوقیان وقراختاییان و خوارزمشاهیان بر آن نواحی حاکم شدند و خوارزمشاهیان در پی حملهٔ ویرانگر مغول برافتادند و چندی بعد نوبت به حملات تاتارها به رهبری امیرتیمور رسید. تیمور سمرقند را پایتخت خود قرار داد و خود وی و جانشینانش در آبادانی و شکوه شهر کوشیدند. در سدهٔ پانزدهم، قوم ازبک در نواحی مرکزی قزاقستان شروع به خودنمایی کرد و در سدهٔ شانزدهم شیبک‌خان ازبک معروف به شیبانی، آخرین امیر تیموریان را برانداخت و حکومت ازبکان را در سرزمین امروزی ازبکستان و خاور افغانستان مستقر نمود. با کشته شدن شیبک‌خان ازبک به دست شاه اسماعیل‌اول صفوی، سرزمین ازبکستان به خاناتی چند تقسیم گردید و خان‌نشین‌های خوارزم و سمرقند و خوقند و بخارا از سدهٔ هجدهم تا سدهٔ نوزدهم بر آن نواحی حکومت کردند. در پایان سدهٔ هجدهم، روس‌ها شروع به نفوذ و دست‌اندازی در ماوراءالنهر کردند و در سال ۱۸۶۵ تاشکند را تصرف نمودند و در پی آن سمرقند و بخارا را در سال ۱۸۶۸ و خیوه را در سال ۱۸۷۳ به تحت‌الحمایگی خود درآوردند و سرانجام تسلط خویش را بر سرتاسر ماوراءالنهر در سال ۱۸۷۶ تکمیل کردند و به نام ترکستان ضمیمهٔ امپراتوری روسیهٔ تزاری نمودند. همزمان با استقرار نیروهای روس در سدهٔ نوزدهم، سیل مهاجران روسی و اسکان آنان در نواحی آباد و خوش آب و هوای ترکستان آغاز شد و موجبات نارضایتی و شورش سال ۱۸۹۸ اندیجان را فراهم کرد که این ناآرامی‌ها تا سال ۱۹۱۶ در سرتاسر ترکستان ادامه داشت. بعد از انقلاب اکتبر، فرمانداری ترکستان در ۱۹۱۸ به جمهوری ترکستان تبدیل شد. در سال ۱۹۲۴ جمهوری ترکستان تجزیه شد و جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان تأسیس گردید که تاجیکستان نیز جزیی از آن بود. در سال ۱۹۲۹ تاجیکستان از جمهوری ازبکستان جدا شد و در سال ۱۹۳۶ و همچنین در تقسیمات کشوری سال ۱۹۶۳ جمهوری خودمختار قراقالپاق و همچنین بخشی از استپ‌هنگری که به قزاقستان تعلق داشت به ازبکستان واگذار شد.

طی سالهای تسلط روسها بر این سرزمین، فرهنگ عمومی به نحو چشمگیری بالا رفت و کشاورزی به ویژه در زمینهٔ کشت پنبه توسعه یافت و به یکی از تولیدکنندگان بزرگ پنبهٔ دنیا مبدل گردید. با اعلام فضای باز سیاسی گورباچف، ازبکستان خودمختاری بیشتری درامور داخلی به دست آورد و اسلام کریم‌اف به ریاست جمهوری برگزیده شد و در اول سپتامبر ۱۹۹۱ استقلال رسمی خود را اعلام داشت و در ۲۱ دسامبر همان سال به جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع پیوست. با اعلام استقلال، جنبش‌های سیاسی و مذهبی چندی در گوشه و کنار کشور شروع به خودنمایی کرد، از آن جمله حزب احیای سنت‌های اسلامی بود که خواهان ادارهٔ کشور براساس موازین شرعی و دینی بود. فعالیتهای این حزب در ژانویهٔ ۱۹۹۳ به دستور دادگاه عالی ازبکستان ممنوع اعلام گردید و حزب مزبور از آن به بعد به صورت مخفی و زیرزمینی وارد عمل شد. ازبکستان و تاجیکستان در سال ۱۹۹۳ پیمان دوستی و صلح بستند و قرار بر آن گذاردند تا ازبکستان، تاجیکستان را از نظر دفاعی و امنیتی حمایت کند. در اکتبر ۱۹۹۳ خط سیریل که از زمان تسلط روسها رایج شده بود، به خط لاتین تبدیل شد و زبان ازبکی، زبان رسمی کشور گردید. در سال ۱۹۹۶ پارلمان ازبکستان قانون حقوق بشر را تصویب کرد و رئیس جمهور ازبکستان از فرانسه و امریکا دیدار کرد و روابط خود را با کشورهای غربی نزدیک کرد. در اوایل سال ۱۹۹۸ دولت ازبکستان، حساسیت و نگرانی خود را نسبت به روند رو به رشد بنیادگرایی اسلامی، در ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان و اعمال نفوذ مذهبیون وهابی در درّهٔ فرغانه بیان داشت و آمادگی خود را برای مبارزه و جلوگیری از نفوذ و توسعهٔ فرقه‌های مذهبی اعلام نمود.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ که برخی ناظران آن را غیر منصفانه و بدون آزادی انتخابات اعلام کردند، اسلام کریم اف، با کسب ۹۲ درصد آراء برای ۵ سال دیگر در مقام خود ابقاء گردید. در مارس همین سال «دیده‌بان حقوق بشر» مبارزه خشونت‌بار دولت ازبکستان علیه فعالیتهای مذهبی را به شدت محکوم نمود.



نام رسمی: جمهوری ازبکستان

نام محلی: ازبکستان Ŭzbekiston

اسامی دیگر: –

پایتخت: تاشکند (۲،۱۳۷،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۶)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۸/۳۱ از شوروی

روز ملی: اول سپتامبر (روز استقلال)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۲

رئیس حکومت: رئیس جمهور: اسلام کریم‌اف، از سال ۱۹۹۱ (از سال ۲۰۰۰ به مدت ٥ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: اوتکیر سلطان‌اف (حزب دموکراتیک خلق)، از سال ۱۹۹٥

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲ ؛ مجلس عالی با ۲٥۰ عضو برای مدت ٥ سال؛ نتایج آخرین انتخابات (۱۹۹۹): حزب دموکراتیک خلق ٤۸ کرسی، فداکارلر (فدائیان) ۳٤ کرسی، حزب ترقی وطن ۲۰ کرسی، حزب عدالت ۱۱ کرسی، ملی تیکلنیش ۱۰ کرسی، مستقل‌ها ۱۱۰ کرسی، سایر احزاب ۱٦ کرسی و یک کرسی خالی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی (عضو ناظر)، آدب، اکو، سیس، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، اوسه

جمعیت

مساحت: ٤٤۷،٤۰۰ کیلومترمربع (پنجاه و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ۲٤،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (سی و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٥٤/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ۱/٦٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۳۳/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤۱/۸٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۲/۸٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۳۷/۹٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۷/۷٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۲۷/٥٪ ؛ بالای ٦۰ سال ٦/۹٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/٥٥٪ ؛ زن ٥۰/٤٥٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۷/۷ سال؛ مردان ٦۰/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲٦/۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷/۹ نفر

مرگ ومیر کودکان‌درهرهزارتولد(۱۹۹۸): ۷۱/٦ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۸/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۳): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۰۳/٦ نفر، بیماریهای دستگاه تنفسی ۱۱٥، حوادث، مسمومیت، خشونت ٥۰، سرطان ٤۸/۷، بیماریهای عفونی و انگلی ۳۸/٤، بیماریهای دستگاه گوارش ۳۱/۸، بیماریهای دستگاه عصبی ۱۰/۳، نارسائی‌های غدد و سوخت و ساز بدن ۱۰/۳ نفر (۱۹۹۳)

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۱ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۷/۹ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۱/۱ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۸): ازبک ۷٥/۸٪ ، روس ٦٪ ، تاجیک ٤/۸٪، قزاق ٤/۱٪ ، تاتار ۱/٦٪ ، بقیه ۷/۷٪

دین: مسلمان (اکثریت سنی) ۸۸٪، ارتدوکس روسی ۱٪، یهودی ۰/۲٪ ؛ دیگر ادیان ۱۰/۸٪، (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: ازبکی (زبان رسمی)، روسی؛ خط: لاتین، سیریلی

شهرهای مهم(۱۹۹٦): سمرقند (۳٦۲،٤۰۰ نفر)، نمنگان (۳٦۲،۳۰۰) ، اندیجان (۳۱۹،۹۰۰)، بخارا(۲۳۸،۲۰۰ نفر)

بنادر مهم: دسترسی به دریای آزاد ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: سُوم (.U.S)= ۱۰۰ تیجین؛ یک دلار= ۷۷٥ سُوم؛ یک سُوم = ۱۰/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ٤٤۰ میلیارد سُوم؛ (مالیات بر درآمد و سود ۳۱/٥٪ ، مالیات بر ارزش افزوده ۳۰/۲٪ ، مالیات غیر مستقیم ۱۸/۹؛ مالیات بر اموال و زمین ۱۲/٥٪؛ دیگر موارد ٦/۹٪)

هزینه بودجه: ٤۸۸/۳ میلیارد سُوم؛ شامل: امور فرهنگی و اجتماعی۳٤/۲٪ ، سرمایه‌گذاری ۱۹/٤٪ ، اقتصاد ملی ۱۱/۲٪، هزینه‌های انتقالی ۹/۲٪ ، هزینه‌های اداری ۲/۳٪، بهرهٔ وام ۲٪ ، سایر موارد ۲۱/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۲ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۹٥۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳۱/۲٪؛ صنعت ۲۷٪ ؛ خدمات ٤۱/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷) : ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۸٥ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲ میلیارد دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱٤٤/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۹٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰) : ۳٥٦/۷٪ ؛ ۱۹۹۸: ۳۳/۲٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): دانه پنبه ۳،٦۸۰،۰۰۰ تن، سبزیجات ۲،۸۰۰،۰۰۰ ، میوه (بجز انگور) و توت ۱،۳٥۰،۰۰۰ ، انگور ٦٥۰،۰۰۰ ، سیب‌زمینی ٦٤۹،٦۰۰، برنج ٥٤۱،۰۰۰، جو ۱۰۹،۰۰۰ تن

کاربری زمین: کشاورزی ۱۰/۱٪ ؛ مرتع و چمنزار ٤٦/٥٪؛ جنگل ۲/۹٪ ؛ سایر موارد ٤۰/٥٪

تعداد دام زنده: گوسفند ۸،۰۰۰،۰۰۰ رأس، گاو ٥،۲۲٥،۲۰۰ رأس، بز ٦۹۷،۹۰۰ ، خوک ۲۰۸،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۰): ۱٥،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۲،۷۹۸ تن

تولید مرغ: ۱۳،۹۳٥،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦۸،۳۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): مس ۸۹،۹۳۰ تن، روی ۳۸،۰۰۰، اورانیوم ۲،۰۰۰، طلا ۸٥ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): سیمان ۳،۳٥۸،۰۰۰ تن، الیاف پنبه‌ای ۱،۱۳۸،۰۰۰ ، کود معدنی ۸۹۷،۰۰۰، فولاد ۳٦۰،۰۰۰، محصولات آهنی ۳۲۲،۰۰۰ تن، تلویزیون ۱۹۲،٤٦۸ دستگاه، اتومبیل سواری ٥٤،٤٥٦ دستگاه، ویدئو ٥۰،۰۹٦ دستگاه، یخچال ۱٦،۰۰۰ ، تراکتور ۳۰۰۰ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ٤٦ میلیارد کیلووات ساعت (٤٦ میلیارد کیلووات ساعت)؛ زغال سنگ ۲،۹٥۲،۰۰۰ تن (۲،۷۹۲،۰۰۰)؛ نفت خام ٥۹،٤۰۰،۰۰۰ بشکه(٥۷،۸۷۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۸،۱۰٤،۰۰۰ تن (٦،۹۳٤،۰۰۰)؛ گاز طبیعی ٥۱،۲٤٥،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (٤٤/۲٥ میلیارد مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۹) : ۸،۸۳۱،۰۰۰ نفر ، نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳٦/٤٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٦ تا ٥۹) : ۷۰/٤٪ ؛ زنان (در سنین ۱٦ تا ٥٤) ٤۳٪ ؛ میزان بیکاری: ۰/٦٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۳۹/۳٪؛ صنعت ۲٤/۱٪ ؛ خدمات ۳٦/٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ۷٤،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۷/٦٪ ، نیروی هوائی ٥/٤٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ٦۲ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۲،۷۱۷ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و محصولات فلزکاری ٤۹/٦٪، محصولات غذائی ۲۰/۹٪، سایر موارد ۲۹/٥٪ ؛ از اروپای غربی ۳۰/٦٪ ، روسیه ۲۰/٥٪ ، قارهٔ آسیا ۱٤/۲٪ ، قزاقستان ٥/۲٪ ، اوکراین ۳/۲٪

صادرات(۱۹۹۸): ۲،۸۸۸ میلیون دلار؛ شامل: پارچهٔ کتانی ٤۱/٥٪ ، انرژی ۲۲/۷٪ ، طلا ٦٪ ، سایر موارد ۲۹/۸٪ ، به اروپای غربی ۳۳/۷٪، روسیه ۲۲/٦٪ ، قارهٔ آسیا ۱۱/٦٪ ، اوکراین ٥/٤٪ ، قزاقستان ٥/٤٪ ، تاجیکستان ۲/۹٪ ، ترکمنستان ۲/٥٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون‌دلار	-۳۷۸	+۲۱٤	+۲۳۷	-۷۰٦	-۷۲	+۱۷۱
درصد کل	٦/۲٪	۳/۸٪	۳/٥٪	۹/۱٪	۱٪	۳٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۹۹٥=۱۰۰):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	٤٤/٤	۱۰۰	؟	؟	؟
شاخص درآمد ماهانه	۲۸/٥	۱۰۰	۲۰۲/٤	۳٤٥/٥	٥۰٦

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ٥/٥ نفر؛ درآمد هر خانوار: ۳٥،۱٦٥ سُوم (۱،۰٤۰ دلار)؛ منابع درآمد: دستمزد و حقوق ٦۳٪؛ سوبسید، کمک و درآمد غیر دستمزد ۳٤/۹٪ ؛ دیگر موارد ۲/۱٪؛ هزینه‌ها: غذا و نوشیدنی ۷۱٪؛ پوشاک و کفش ۱٤٪ ؛ تفریحات ٦٪؛ لوازم خانگی با دوام ٤٪؛ مسکن ۳٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد ۱۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۸٤،٤۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۳،٦٥٥ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٤): ۸٦٥،۳۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۱٤،٥۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ندارد — **فرودگاه:** ۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ٤ روزنامه در ۱٦۰،۰۰۰ نسخه (۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۷۰ عنوان در ۲،۰۳۲،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱،۳٤۰ عنوان در ٤٤،۰۳۳،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۳۲،۸٦۰/٤٤ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱۰،۸۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (٤٦٥ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٦،٦۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۷۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،٥۳۷،۰۰۰ خط تلفن (٦٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۷،۰۰۰ خط (۱/۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦) متوسطه	۹،۳۰۰	٤۱۳،۰۰۰	٥،۰۹۰،۰۰۰	۱۲/۳
فنی و حرفه‌ای	۲٤۸	۲۲،۱٦٤	۲٤۰،۱۰۰	۱۱
عالی	٥٥	؟	۲۷۳،۳۰۰	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۷): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۹٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸۹): ابتدائی ۱۳/۳٪ ؛ متوسطه ۷۷/٥٪ ؛ عالی ۹/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹٥): ۷٦،۰۰۰ نفر (هر ۳۰۲ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان : ۱۹۲،۰۰۰ تخت (هر ۱۲۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر: ٥٤/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٥٦٤ کالری (۱۰۰٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو) (۱۹۹۷) : مصرف پروتئین: ۷۰ گرم؛ مصرف چربی: ۷۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰) : ۲/٦-٪

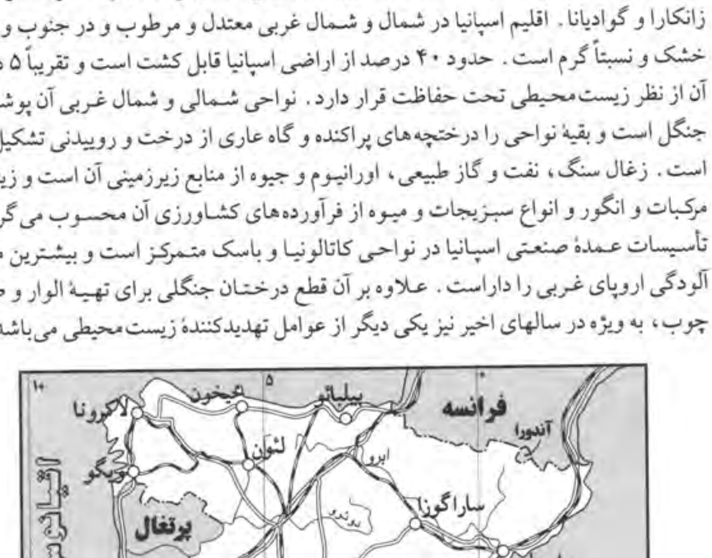
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹٦): ۹٥/۱ میلیون تن؛ هر نفر ٤/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۸٦ (صدوششمین کشور جهان)

اسپانیا SPAIN

کشوری در جنوب غربی اروپا که از شمال به خلیج گاسکونی (بیسکی) و کشورهای فرانسه و آندورا، از خاور و جنوب به دریای مدیترانه و تنگهٔ جبل طارق و خلیج کادیز (کادیث) و از غرب به کشور پرتغال و اقیانوس اطلس محدود است. این سرزمین ۸۲ درصد شبه جزیرهٔ ایبری را شامل بوده و همراه با جزایر بالئار و کاناری (قناری) کشور اسپانیا را تشکیل می‌دهد.
بخشهای مرکزی اسپانیا را فلات بزرگی به ارتفاع متوسط ۶۰۰ متر فرا گرفته که از رشته کوههای کانتابری در شمال تا کوههای سیراموِرنا و سیرانوادا در جنوب ممتد است. فلات مزبور به وسیلهٔ درّهٔ رودخانه‌های دوئرو، تاگوس و گوادیانا قطع می‌گردد و درّهٔ پهناور رود ابرو در شمال خاوری آن را از رشته کوههای پیرنه که مرز میان اسپانیا و فرانسه و آندورا را تشکیل می‌دهد، جدا می‌سازد. قلّهٔ مولاسن با بلندی ۳۴۸۲ متر واقع در کوههای سیرانوادا بلندترین نقطهٔ کشور محسوب می‌شود و کوههای پیکو. د. آنتو (۳۴۰۴ متر) در کوههای پیرنه و آلمانزور (۲۵۹۲ متر) واقع در ۱۵۰ کیلومتری غرب مادرید از دیگر کوههای مرتفع اسپانیا به شمار می‌آیند.
مهمترین رودخانه‌های اسپانیا عبارتند از: ابرو، تاگوس (تاخوس)، دوئرو، گوادالکوئیویر، زانکارا و گوادیانا. اقلیم اسپانیا در شمال و شمال غربی معتدل و مرطوب و در جنوب و خاور خشک و نسبتاً گرم است. حدود ۴۰ درصد از اراضی اسپانیا قابل کشت است و تقریباً ۵ درصد آن از نظر زیست‌محیطی تحت حفاظت قرار دارد. نواحی شمالی و شمال غربی آن پوشیده از جنگل است و بقیهٔ نواحی را درختچه‌های پراکنده و گاه عاری از درخت و رویدنی تشکیل داده است. زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی، اورانیوم و جیوه از منابع زیرزمینی آن است و زیتون و مرکبات و انگور و انواع سبزیجات و میوه از فرآورده‌های کشاورزی آن محسوب می‌گردند.
تأسیسات عمدهٔ صنعتی اسپانیا در نواحی کاتالونیا و باسک متمرکز است و بیشترین میزان آلودگی اروپای غربی را داراست. علاوه بر آن قطع درختان جنگلی برای تهیهٔ الوار و صنایع چوب، به ویژه در سالهای اخیر نیز یکی دیگر از عوامل تهدیدکنندهٔ زیست‌محیطی می‌باشد.



تاریخچه

نخستین اقوامی که در شبه جزیرهٔ امروزی ایبری سکونت گزیدند، ظاهراً باسک‌ها بوده‌اند. سپس ایبرها و سلت‌ها به نواحی مرکزی شبه جزیرهٔ مزبور راه یافتند و پس از آمیزش باهم، قوم سلتیبری را به وجود آوردند. فنیقی‌ها در سدهٔ یازدهم پیش از میلاد و سپس یونانی‌ها و کارتاژی‌ها در آنجا سکنی گزیدند. امپراتوری روم طی سالهای ۲۱۸ تا ۲۰۱ پیش از میلاد کارتاژی‌ها را از ایبری بیرون راند و بیشتر اراضی شبه جزیرهٔ مزبور را به تصرف درآورد و آداب و رسوم رومی را در آنجا گسترش داد. با سقوط امپراتوری روم غربی، مسیحیت در آنجا اشاعه یافت و ویزیگوت‌ها از آنجا سوی پیرنه به داخل ایبری سرازیر شدند و سرتاسر آنجا را اشغال نمودند و به مدت ۳۰۰ سال بر آنجا حکومت کردند.
در سال ۷۰۰ میلادی، اعراب مسلمان از جنوب به ایبری یورش بردند و رودریگو آخرین شاه ویزیگوت‌ها را مغلوب نمودند و دوران اسلامی تاریخ اسپانیا را پایه‌گذاری کردند. با تسلط یافتن اعراب بر نواحی جنوبی ایبری، ویزیگوت‌ها به شمال مهاجرت کردند و کشورهای کوچکی چون کاستیل، کاتالونیا، ناوار، آراگون، لئون و پرتغال را تأسیس نمودند. همینان بودند که بعدها دست اتحاد به هم دادند و وحدت اسپانیا را فراهم ساختند و با اعراب به جنگ پرداختند. عرب‌ها طی استیلای خود بر نواحی جنوبی ایبری که آن را اندلس می‌نامیدند، این سرزمین را در سدهٔ دهم میلادی به اوج عظمت فرهنگ و هنر رساندند و با احداث شهرهایی چون کوردوبا که آن را قرطبه می‌نامیدند با سرزمینهای خاوری شروع به داد و ستد کردند. انعطاف‌پذیری و احترام به حقوق پیروان دیگر ادیان الهی از سوی اسلام، شرایطی را در اسپانیا به وجود آورد تا مسلمانان و یهودیان و مسیحیان برادرانه در کنار هم زیست کنند و علومی چون نجوم، پزشکی و فلسفه را به کمال برسانند. دانشمندان دوران اسلامی اندلس، کتابها و نوشته‌های یونان باستان را رونویسی و ترجمه کردند و یکی از پایه‌های لازم برای پیدایش عصر رُنسانس را فراهم نمودند.
در سال ۱۴۹۲ ایزابل دوم، ملکهٔ آرگون و فردیناند پنجم، پادشاه کاستیل باهم ازدواج کردند و اسپانیای واحد را تأسیس نمودند و پس از تصرف آخرین پایگاه مسلمانان، یهودیان و مورها را نیز از اسپانیا بیرون راندند.
کشف قارهٔ امریکا که به دست کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ صورت گرفت، امپراتوری اسپانیا را پایه‌گذاری کرد. امپراتوری مزبور در سال ۱۵۱۶ در زمان شارل اول به اوج عظمت و نهایت وسعت خود رسید. بعد از او پسرش فیلیپ دوم به سلطنت اسپانیا رسید. در زمان وی که شاهی مطلق‌العنان و خودکامه بود، تفتیش افکار مذهبی به طرز وحشتناکی بر سراسر کشور حاکم گردید و همزمان سیل طلا و جواهرات از متصرفات اسپانیا در امریکا بسوی اسپانیا سرازیر شد. سالهای آخر سدهٔ شانزدهم و بخشی از سدهٔ هفدهم، عصر طلایی هنر و ادبیات اسپانیا بود. اما شکست نیروی دریایی اسپانیا موسوم به آرمادا از انگلستان، سرآغاز نزول و سقوط امپراتوری اسپانیا بود. جنگهای سی‌ساله (۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸) نیز به زیان و شکست اسپانیا تمام شد و قسمتی از متصرفات خود را از دست داد. جنگ جانشینی اسپانیا (۱۷۰۱ تا ۱۷۱۴) نیز زیان اسپانیا را به همراه آورد و روند انحطاطی آن را تشدید کرد. ناپلئون اول در سال ۱۸۰۸ فردیناند هفتم شاه اسپانیا را وادار به استعفاء نمود و برادر خویش، ژوزف بناپارت را به سلطنت اسپانیا نشانید. این امر موجبات دلتنگی و شکایت ملّیون اسپانیا را فراهم کرد و شورش آغاز شد. ژوزف بناپارت در سال ۱۸۱۲ استعفاء داد و فردیناند هفتم بار دیگر به سلطنت اسپانیا رسید. در سال ۱۸۲۵ بیشتر متصرفات اسپانیا از دستش خارج شد. پس از فردیناند هفتم دخترش ایزابل دوم و پس از او آمادئوس به سلطنت رسیدند. دوران سلطنت این دو تن با قیام و شورش محافظه‌کاران و لیبرال‌ها و گروههای سیاسی دیگر همزمان شد تا جایی که آمادئوس در سال ۱۸۷۳ ناگزیر از استعفاء گردید و حدود یک سال بعد جمهوری اعلام شد.
در سال ۱۸۷۶ آلفونسوی دوازدهم و در سال ۱۸۸۵ آلفونسوی سیزدهم به سلطنت رسیدند. آلفونسوی سیزدهم اسپانیا را در جنگ جهانی اول بی‌طرف نگاه داشت. در انتخابات سال ۱۹۳۱ جمهوری‌خواهان پیروز شدند و آلفونسوی سیزدهم را از سلطنت خلع کردند و حکومت جمهوری اعلام داشتند. از ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ اسپانیا دچار هرج و مرج سیاسی و جنگهای داخلی بود. سرانجام ژنرال فرانکو حکومت فاشیستی اسپانیا را به دست گرفت ولی از اتحاد و همکاری با دول محور خودداری کرد و در جنگ جهانی دوم بی‌طرفی خود را حفظ نمود. فرانکو در سال ۱۹۴۷ حکومت اسپانیا را سلطنتی اعلام کرد ولی تا سال ۱۹۶۰ از روی کار آمدن خاندان سلطنتی بوربون جلوگیری نمود. در سال ۱۹۵۳ اسپانیا به طرف دولتهای غربی متمایل شد و در مقابل واگذاری پایگاههای نظامی به امریکا، از دولت مزبور کمکهای نظامی دریافت کرد.
در سال ۱۹۵۵ به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد و در سال ۱۹۵۸ کشور مغرب که سابقاً تحت‌الحمایهٔ اسپانیا بود، به استقلال رسید. در سال ۱۹۷۵ ژنرال فرانکو درگذشت و خوآن کارلوس اول از خاندان سلطنتی بوربون و فرزندخواندهٔ فرانکو به سلطنت رسید و حکومت دموکراسی بر کشور حاکم شد. در سال ۱۹۸۲ به عضویت سازمان پیمان آتلانتیک (ناتو) درآمد و در انتخابات اکتبر همان سال فیلیپ گونزالس رهبر حزب کارگران سوسیالیست به نخست‌وزیری رسید و موقعیت وی در انتخابات سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۹۳ نیز تکرار گردید.
در زمان نخست‌وزیری گونزالس، اسپانیا در صحنهٔ روابط بین‌المللی و سیاست خارجی فعّال شد، از جمله به جامعهٔ اقتصادی اروپا پیوست و در مورد ادعای مالکیت بر تنگهٔ جبل طارق که از سال ۱۷۰۴ تحت کنترل بریتانیا بود، با انگلستان به گفتگو نشست، افزون بر آن دربارهٔ کاستن حضور نظامی امریکا در اسپانیا با امریکا به مذاکره پرداخت و در جنگ خلیج فارس (سال ۱۹۹۰) شرکت جست. در سال ۱۹۹۵ دولت سوسیالیستی گونزالس موقعیت خود را در پارلمان از دست داد و در همان سال ریاست دوره‌ای شش ماههٔ اتحادیهٔ اروپا را بر عهده گرفت. در انتخابات سال ۱۹۹۶ گونزالس، با از دست دادن اکثریت پارلمانی، جای خود را به خوزه ماریا آزنار رهبر حزب مردم واگذار کرد. انتخابات سال ۲۰۰۰ به تحکیم موقعیت حزب مردم منجر شد و این حزب اکثریت مطلق را به دست آورد. در این انتخابات حزب کاگران



نام رسمی: پادشاهی اسپانیا

نام محلی: اسپانیا España

اسامی دیگر: –

پایتخت: مادرید (۲،۸۸۱،۵۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: دوازدهم اکتبر (سالروز کشف امریکا توسط کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲)

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری ، از سال ۱۹۷۸

رئیس حکومت: پادشاه: خوآن کارلوس اول، از سال ۱۹۷۵

رئیس دولت: نخست‌وزیر: خوزه ماریا آزنار لوپز، از سال ۱۹۹۶

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۸، آخرین تغییرات ۱۹۹۲؛ مجلس نمایندگان با ۳۵۰ عضو و مجلس سنا با ۲۰۸ عضو برای مدت ٤ سال؛ کرسیهای مجلس نمایندگان در انتخابات سال ۲۰۰۰: حزب مردم ۱۸۳ کرسی، حزب کارگران سوسیالیست ۱۲۵، حزب همگرائی و اتحاد ۱۵، چپ متحد ۸ ، حزب ملی گرای باسک ۷، ائتلاف قناری ٤، سایرین ۸ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، آ د ب، آی – آ د ب، شورای اروپا، ناتو، او اسی دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۵۰٤،۷۸۲ کیلومترمربع (پنجاهمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۹،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (بیست و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸۷/۵ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹۵):** صفر

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳٦/۷ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۷/۱ ٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۰/٤٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ۱۵٪ ، ۲۹-۱۵ سال ۲۲/۸٪ ، ۵۹ – ۳۰ سال ٤۰/٦٪ ، بالای ٦۰ سال ۲۱/٦٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٤۸/۸۷٪ ، زن ۵۱/۱۳٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۸۲/۱ سال، مردان ۷٤/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۹/۲ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۹/۱ نفر

مرگ ومیر کودکان درهرهزا رتولد(۱۹۹۸): ۵/۲ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۰/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٦): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۳۹/۹ نفر؛ بافتهای بدخیم (سرطان) ۲۲۷/۲؛ بیماریهای تنفسی ۸۸/٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۱ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٦ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٦): ۹/۳ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۱): اسپانیائی ۷٤/٤٪ ؛ کاتالان ۱٦/۹٪ ؛ گالیسیایی ٦/٤٪ ؛ باسکها ۱/٦٪ ، بقیه ۰/۷٪

دین: کاتولیک ٦٦/۷٪ ؛ مسلمان ۱/۲٪ ؛ پروتستان ۰/۸٪ ؛ دیگر ادیان ۳۱/۳٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: اسپانیائی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۸): بارسلون(۱،۵۰۵،۵۸۱ نفر) ؛ والنسیا (۷۳۹،٤۱۲) ؛ سویلیا (۷۰۱،۹۲۷)؛ ساراگوزا (٦۰۳،۳٦۷ نفر)

بنادر مهم: بارسلون، والنسیاومالاگا (دریای مدیترانه)؛ ویگو (اقیانوس اطلس)؛ بیلبائو و خیخون (خلیج بیسکی)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€)= ۱٦٦/٤ پستا (منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو = ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه: ۱۷،۲٤۲/۳ میلیارد پستا؛ مالیاتهای مستقیم ٤٦/۲٪ ، مالیاتهای غیرمستقیم ٤۰٪ (شامل: مالیات بر ارزش افزوده بر تولیدات ۲۵/٤٪)؛ مالیاتهای دیگر بر تولیدات ۱۳/٤٪

هزینه بودجه: ۱۸،۷۲۹/۹ میلیارد پستا؛ شامل: بهداشت ۱۹/۱٪ ، تأدیه بدهی ۱۷٪ ، آموزش و پرورش ٦/۱٪ ، حقوق بازنشستگی ٤/۹٪ ، امور دفاعی ٤/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۵۵۵/۲٤ میلیارد دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱٤،۱۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۵٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): کشاورزی ۳/٤٪ ؛ صنعت ۳۳/۲٪ ؛ خدمات ٦۳/٤٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۹،۹٤۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۱،۳۰۷ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٤۷،۰۱۹ میلیارد دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۳۷٦- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۱/۹٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٤/۲٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲/۲٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۸): جو ۱۰،۹۰۲،۰۰۰ تن، چغندر قند ۸،۹۱۸،۰۰۰ گندم ۵،۳٤۷،۰۰۰، انگور ٤،۸٤۲،۰۰۰، ذرت ٤،۱۵٤،۰۰۰ ، زیتون ۳،۵٦٤،۰۰۰ ، گوجه فرنگی ۳،۵۵٤،۰۰۰ ، سیب زمینی ۳،۱۸٤،۰۰۰ ، پرتقال ۲،٤۰۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین: کشاورزی ٤۱٪ ، چمنزار و مرتع ۲۱٪ ، جنگل ۳۱٪ ، بقیه ۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گوسفند ۲٤،۵٤۲،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱۹،۳٤٦،۰۰۰ ؛ گاو ۵،۸۸٤،۰۰۰؛ بز ۲،۸۹۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱٦،۰۲۱،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹٦):** ۱،۳۲٦،۰۰۰ تن

تولید مرغ: ۱۲۷،۰۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ:** ۵۹۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): روی ۱٤۷،۰۰۰ تن؛ سنگ آهن ۵۸،۰۰۰ تن؛ سرب ۲۳،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش افزوده به میلیون دلار): ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۰،۳۲۲ ، محصولات غذائی ۱۱،۰۷۲ ، مواد شیمیائی ۸،٦۱۸ ، محصولات فرهنگی ٦،۰۸۲ ، محصولات چوبی ۳،۲۰۸

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۵): ۱٦٦/۳۸ میلیارد کیلووات ساعت (۱۷۰/۸۷ میلیارد کیلووات ساعت)؛ زغال‌سنگ: ۲۸،٤۰۳،۰۰۰ تن (٤۲،٦٤۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ٦،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (٤۱۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ٤۷،۰٦٤،۰۰۰ تن (٤۲،۳۲۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۱۷۸ میلیون مترمکعب (۸،۸۷۹) (۱۹۹۵)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۱٦،۱۲۱،۰۰۰ نفر ؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۱٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٦ تا ٦٤): ٦۰/۷٪ ؛ زنان (در سنین ۱٦ تا ٦٤) ۳۸/۳٪ ؛ میزان بیکاری: ۲۲/۹٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱۱/٦٪ ؛ صنعت ۳۱/۲٪ ؛ خدمات ٤۹/۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه : ۹ ماه؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۸: ۱۹۳،۹۵۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۵/۵٪ ، نیروی دریائی ۱۹٪ ، نیروی هوائی ۱۵/۵٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۲۲۱ دلار (۱۹۹۵)

واردات(۱۹۹۷): ۱۷،۹٦٦ میلیارد پستا؛ شامل: ماشین‌آلات ۱۲٪ ، انرژی و سوخت ۹٪ (از جمله نفت خام ۸/۹٪)، تجهیزات حمل و نقل ۹٪ ، تولیدات کشاورزی ۷٪ ؛ از فرانسه ۱۷/٤٪، آلمان ۱٤/۸٪، ایتالیا ۹/٤٪ ، انگلستان ۸/۱٪ ؛ ژاپن ۲/۸٪

صادرات(۱۹۹۷): ۱۵،۲٦۸ میلیارد پستا؛ شامل: تجهیزات حمل و نقل ۱۹/۲٪ ، تولیدات کشاورزی ۱۵/۱٪ ، ماشین‌آلات ۸٪ به فرانسه ۱۸/۳٪ ، آلمان ۱۳/٤٪ ؛ ایتالیا ۹/۸٪ ، انگلستان ۸/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون‌پستا	-۲،۳۷٦/٤	-۲،۵۵۹/۷	-۲،۷٦۷/۱	-۲،۵۰٤/۵	-۲،٦۹۹/۱	-۳،۵٤۷/۱
درصد کل	٪۱۳/۲	٪۱۱/٦	٪۱۰/۸	٪۸/۸	٪۸/۱	٪۹/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۱/۲	۹۵/۵	۱۰۰	۱۰۳/٦	۱۰۵/٦	۱۰۷/۵	۱۰۹/۸
شاخص درآمد ماهانه	۹۱/۳	۹۵/٤	۱۰۰	۱۰۵/۳	۱۰۹/٦	؟	۱۱۵/۵

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۳/٤ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹٦): (۲۳،٤۰۸ دلار) ۲،۹٦٤،۸٤۳ پستا، هزینه‌ها (۱۹۹۵): مسکن ۲٦٪؛ غذا ۲٤٪ ؛ حمل و نقل ۱۲/۸٪ ؛ پوشاک و کفش ۷/٤٪ ؛ خدمات و کالای خانگی ٦/۱٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۲٦،٦۵۱میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ٤،٤٦۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳٤٦،۵٤۸ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۱۳،۲۸۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱۵،۲۹۷،۳٦٦ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۳،۲۵٦،۰۰۹ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ۲۱۹۰ فروند | **فرودگاه:** ۲۵ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱٤۸ روزنامه در ٤،۱۰۰،۰۰۰ نسخه (۱۰٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ٤٦،۳۳۰ عنوان در ۱۹۲،۰۱۹،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ٤،۱٤٤/۵ نسخه)

رادیو(۱۹۹۸): ۱۲،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۳۳۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱۹،۹۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵۰۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۷): ۱۵،۸۵٤،۰۰۰ خط تلفن (۳۹۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۷): ٤،۳۳۸،۰۰۰ دستگاه خط (۱۰۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۷): ٤،۸۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۷۳۳،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۱٦،۵٤۰	۱٦۲،۱۱۲	۲،۷۹۹،۹٦۰	۱۷/۳
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۲۵،۷۷۵	۲۷۰،۸٦٦	٤،۱۱۷،۰۵۲	۱۵/۲
عالی	۱،٤۱۵	۸۹،۰۹۳	۱،۵۹۱،۸٦۳	۱۷/۹

میزان باسوادی: افراد بالای ۱۵ سال: ۹٦/۵٪ ؛ مردان: ۹۸/۱٪ ؛ زنان: ۹۵/۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٦ سال(۱۹۹۷): ابتدائی ۲٦/٦٪ ؛ متوسطه ۵۸/۹٪ ؛ عالی ۸/۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۱٦۲،٦۵۰ نفر (هر ۲٤۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۱): ۱٦۸،۵۱٤ تخت (هر ۲۳٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۲۰،۰۰۰ نفر؛ (۰/۵۷٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۷/۵ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۳۱۰ کالری (۱۳۵٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۰۷ گرم؛ مصرف چربی: ۱٤۵ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۵۵/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن(۱۹۹٦): ۲۳۲/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۵/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۹۹ (بیست و یکمین کشور جهان)

سوسیالیست با کسب ۱۲۵ کرسی به بدترین نتیجه تاریخ فعالیت خود دست یافت و رهبر آن خواکین آلمونیا با پذیرفتن مسئولیت خود در این شکست از مقام خود استعفاء نمود.
پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دولت اسپانیا به امید کسب حمایت بین المللی در مبارزه با جدایی طلبان ایالت باسک، موسوم به اتا، که بیش از سه دهه است که به مبارزه‌ای قهرآمیز علیه دولت اسپانیا روی آورده‌اند، حمایت همه جانبه خود از مبارزهٔ امریکا بر علیه تروریزم را اعلام نمود.

افریقای شمالی اسپانیا SPANISH NORTH AFRICA

افریقای شمالی اسپانیا، عنوان سرزمین‌هایی است که از دوران استعمار اسپانیا بر مناطقی از افریقا باقی مانده و شامل دو قلمرو کوچک و محصور در قسمت شمالی خاک مغرب و چند جزیره و جزیرک است. این مناطق عبارتند از سبته (سئوتا)، ملیله و دو گروه جزایر پنیون دِ آلوسماس و چافاریناس در دریای مدیترانه. طبق قانونی که در سال ۱۹۹۵ در پارلمان اسپانیا به تصویب رسیده، این سرزمین‌ها جزء جدایی‌ناپذیر اسپانیا محسوب می‌شوند و ادارهٔ آنها به عهدهٔ وزارت کشور اسپانیا گذاشته شده است.

سبته (سئوتا) Ceuta

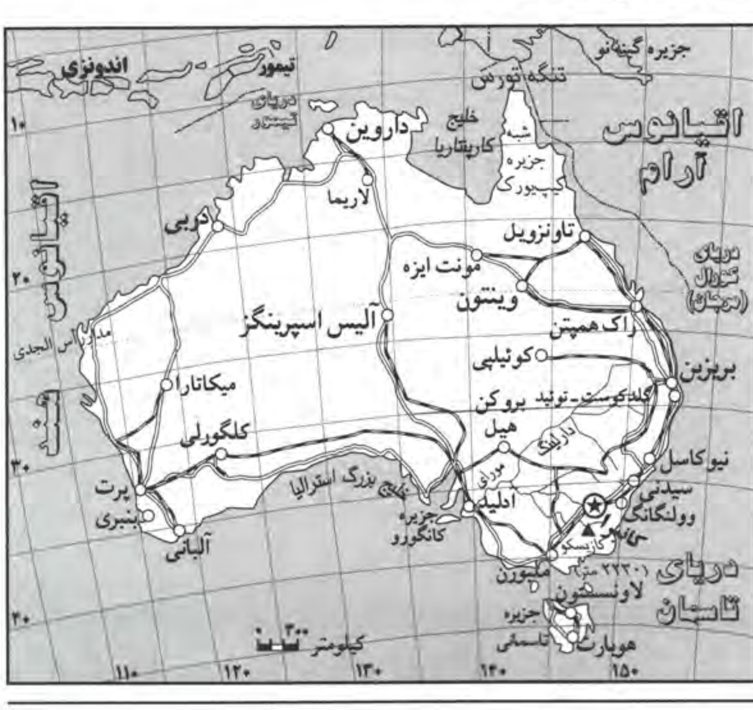
سبته یا به اسپانیایی سئوتا منطقهٔ کوچکی است به وسعت ۱۹/۷ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۷۲،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۴، واقع در خاک مغرب، خاور بندر معروف طنجه، و ساحل جنوبی تنگهٔ جبل طارق. اقلیم مدیترانه‌ای با تابستانهای خیلی گرم و زمستانهای معتدل دارد و بارندگی پراکنده و نامنظم از ویژگیهای اقلیمی آن است.
هشتاد درصد جمعیت آن اسپانیایی هستند و ده درصد را عربها و ده درصد دیگر را سایر اقوام تشکیل داده‌اند. اکثراً مسیحی کاتولیک هستند و مسلمانان و ادیان دیگر در اقلیت قرار دارند و به زبان عربی و اسپانیایی صحبت می‌کنند. شهردار یا رئیس آن از سوی اسپانیا تعیین می‌گردد و از نظر اداری تابع استان کادیز (کادیث) اسپانیاست. امور انتظامی و امنیتی با فرماندهٔ نظامی‌ای است که از ارتش اسپانیا دستور می‌گیرد و یک نماینده در پارلمان اسپانیا دارد.
در سال ۱۵۱۴ پرتغالی‌ها آنجا را تصرف کردند و در ۱۶۸۸ آن را به اسپانیا واگذار کردند. بعد از استقلال مغرب در سال ۱۹۵۶، همچنان در تصرف اسپانیا باقی ماند. به رغم کلیهٔ اقداماتی که چه به طریق مذاکرات مستقیم و چه از طریق سازمان ملل متحد به عمل آمده، تاکنون در دست اسپانیایی‌ها باقی مانده و از آن به صورت یک بندر استفاده می‌شود و حدود دوسوم مساحت آن برای مقاصد نظامی منظور گردیده است.

ملیله (ملیلا) Melilla

شبه جزیرهٔ کوچکی است به مساحت ۱۲/۵ کیلومترمربع و جمعیت حدود ۵۸،۰۰۰ نفر(۱۹۹۴)، در ساحل شمالی کشور مغرب و جنوب دریای مدیترانه. شبه جزیرهٔ مزبور که توأم با چند جزیرک نزدیک به ساحل در اختیار اسپانیا قرار دارد، از اقلیم مدیترانه‌ای مشابه به سبته (سئوتا) بهره‌مند است و از نظر مذهب و زبان و دیگر ویژگیهای اجتماعی به سبته شباهت دارد.
ملیله یک شهرک محصور قدیمی است که بر فراز تپه‌ای ساخته شده و شهر جدید به سبک نوین اروپایی در دشت مجاور تپهٔ مزبور احداث گردیده است. بندری است شبیه سبته با جاذبه‌های گردشگری.
شهرک قدیم به وسیلهٔ فنیقی‌ها ساخته شد و بعدها در اختیار رومیان و گوت‌ها و عرب‌ها قرار گرفت. در ۱۴۹۵ به تصرف اسپانیا درآمد. چند بار مورد حملهٔ ریفی‌ها و بربرها قرار گرفت که آخرین بار آن در سال ۱۹۲۱ بود. جزئی از خاک مغرب است و مانند سبته مورد ادعای دولت مغرب می‌باشد. به صورت یک بندر و پایگاه نظامی توسط اسپانیا اداره می‌شود و حدود نیمی از وسعت آن برای مقاصد نظامی اختصاص یافته است.
علاوه بر شهر و بندر ملیله، مجموعه‌ای از چند جزیرک نزدیک به ساحل به نام‌های پنیون د ولز، د لا گومرا، پنیون د آلوسماس، مار، تیرا، مجمع‌الجزایر چافاریناس شامل کنگرسو، ایزابل دوم و ری نیز توسط ملیله اداره می‌شود.

استرالیا AUSTRALIA

استرالیا که سرزمین قاره‌ای اقیانوسیه را همراه با جزیرهٔ تاسمانی شامل می‌گردد، کشور پهناوری است که در میان سه اقیانوس آرام، هند و جنوبگان واقع شده است. این کشور را از نظر جغرافیایی می‌توان به چهار منطقهٔ متمایز تقسیم کرد.
۱- دشتهای مرکزی که از آب زیرزمینی نسبتاً فراوانی برخوردار است. در شمال این قسمت چراگاههای پهناوری برای دامداری وجود دارد و در بخش‌های جنوبی آن که در واقع حوضهٔ رودخانهٔ ماری (مورای) است علاوه بر گله‌داری، گندم فراوانی نیز به دست می‌آید.
۲- فلات غربی که عمدتاً بیابان است و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه بروس ۱۲۲۷ متر ارتفاع دارد.
۳- جلگهٔ ساحلی خاوری که در واقع کوهپایه‌های شرقی رشته کوههای گریت دیواید (آب‌پخشان بزرگ) است. این قسمت باریکه‌ای است که عمده‌ترین نواحی مسکونی و بزرگترین بندرهای استرالیا را در خود جای داده است.
۴- ارتفاعات خاوری که به گریت دیواید (آب‌پخشان بزرگ) معروف است، این رشته که از جنوب شبه جزیرهٔ کیپ‌یورک در شمال شروع می‌شود، تا شمال تنگهٔ باس در جنوب ادامه می‌یابد. بلندترین نقطهٔ استرالیا به نام کوه کازیسکوبا ۲۲۳۰ متر ارتفاع در قسمتهای جنوبی همین رشته قرار دارد.
علاوه بر عوارض چهارگانهٔ بالا، عارضهٔ چشمگیر دیگری به نام گریت بریرریف (سد آبسنگی بزرگ) نیز در دوراب‌های کرانهٔ شمال خاوری استرالیا دیده می‌شود.
رودخانه‌های ماری (مورای)، دارلینگ، فیتسروی، باردیکن، فلیندرز و سوآن، عمده‌ترین رودهای استرالیا محسوب می‌گردند و دریاچه‌های متعدد نمک، از جمله دریاچهٔ ار با ۹۹۱۰ کیلومترمربع (بزرگترین دریاچهٔ استرالیا)، از جمله دیگر عوارض آبی این سرزمین به شمار می‌آیند.
از نظر اقلیمی بیشترین میزان بارندگی مربوط به شمال استرالیاست. آب و هوای مرطوب و مدارگانی این ناحیه موجب رویش و رشد جنگلهای انبوه شده است. ۷۵ درصد جمعیت استرالیا در جنوب خاوری این کشور که از اقلیم نیمه مدارگانی برخوردار است و تقریباً در تمام فصول سال باران می‌بارد، سکونت دارند. جوی دوسر، چاودار، نیشکر و گندم از محصولات همین قسمت است.





نام رسمی: مشترک‌المنافع استرالیا

نام محلی: آوسترالیا Australia

اسامی دیگر: کشور قاره‌ای

پایتخت: کانبرا(۳۰۸،۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۰۱/۱/۱، از انگلستان

روز ملی: ۲۶ ژانویه (ورود اولین مهاجر اروپایی به استرالیا)

نوع حکومت: دولت‌فدرال‌پارلمانی تحت‌حکومت تشریفاتی‌پادشاه‌انگلستان،ازسال ۱۹۰۱

رئیس حکومت: فرماندارکل:پیتر هالینگورث، از سال ۲۰۰۱

رئیس دولت: نخست‌وزیر: جان وینستون هوارد، از سال ۱۹۹۶

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۰۱؛ مجلس نمایندگان با ۱۴۸ نماینده (۱۵۰ نماینده در سال ۲۰۰۱) برای ۳ سال و مجلس سنا با ۷۶ عضو برای ۶ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۱): ائتلاف حزب لیبرال و حزب ملی ۸۰ (۸۱) کرسی، حزب کارگر استرالیا ۶۷ (۶۵) کرسی، بقیه ۱ (۴) کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا،ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، کمیسیون پاسیفیک جنوبی، آ د ب ، آپک، او اسی دی، جامعه اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۷،۶۸۲،۳۰۰ کیلومترمربع (ششمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۸،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجاه و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانهٔ جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۳/۱ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** بیش از ۱۰۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸۴/۷٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۲٪

توزیع سنی(۱۹۹۶): زیر ۱۵ سال ۲۱/۶٪، ۲۴-۱۵ سال ۱۴/۵٪، ۶۴-۲۵ سال ۵۱/۸٪، بالای ۶۵ سال ۱۲/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۶): مرد ۴۹/۴۶٪؛ زن ۵۰/۵۴٪ — **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ۸۱ سال؛ مردان ۷۶ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۱۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۷/۶ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۶ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۵/۴ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۳۸/۲ نفر؛ سرطان ۲۲۱/۲؛ بیماریهای تنفسی ۶۱/۹؛ حوادث، مسمومیت ، درگیری ۳۴/۳ ؛ دیابت ۱۵/۴؛ خودکشی ۱۴/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ۱/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۰/۹ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۲/۷ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۶): سفیدپوست ۹۵/۲٪ ؛ بومیان استرالیائی ۲٪؛ آسیائی ۱/۳٪؛ غیره ۱/۵٪

دین(۱۹۹۶): مسیحی ۷۰/۹٪ (از جمله کاتولیک‌ها ۲۷٪، کلیسای انگلیکان استرالیا ۲۲٪) ، مسلمان ۱/۱٪ ، بودائی ۱/۱٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۸): سیدنی(۳،۹۸۶،۷۰۰ نفر)؛ ملبورن (۳،۳۷۱،۳۰۰)؛ بریزبن (۱،۵۷۴،۶۰۰)، پرت (۱،۳۴۱،۹۰۰)؛ آدلید (۱،۰۸۸،۴۰۰) نیوکاسل (۴۷۳،۹۰۰)، گلدکوست – توئید (۳۷۹،۲۰۰)، وولنگانگ (۲۶۰،۱۰۰ نفر)

بنادر مهم: سیدنی، بریزبن، نیوکاسل (اقیانوس آرام)، ملبورن، آدلید (اقیانوس جنوبی)، پرت (اقیانوس هند)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار استرالیا ($A)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار = ۱/۸۷ دلار استرالیا؛ یک دلار استرالیا = ۴،۲۷۸ ریال

درآمد بودجه(۹۷-۱۹۹۶): ۱۳۰/۱۶ میلیارد دلار استرالیا؛ مالیات بر درآمد ۷۱/۲٪ (از جمله مالیات بر درآمد افراد ۵۰/۷٪ و مالیات بر شرکتها ۱۵/۱٪) عوارض کالاهای داخلی و مالیات بر فروش ۲۱٪

هزینه بودجه: ۱۲۹/۶۹ میلیارد دلار استرالیا، تأمین و رفاه اجتماعی ۳۷/۷٪؛ بهداشت ۱۵٪ ، خدمات اقتصادی و عمومی ۱۲/۷٪ ؛ انتقالی‌ها به دولت‌های ایالتی ۱۲/۹٪ ، بهرهٔ وام‌ها ۷/۵٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳۸۷ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۰،۶۴۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۷٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۹٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳/۲٪ ؛ صنعت ۲۶/۲٪ ؛ خدمات ۷۰/۶٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۶،۳۱۲ میلیون دلار؛(۱۹۹۸) ؛ ۶،۵۶۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۹۸-۱۹۹۷): ۸۹ میلیارددلار استرالیا — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۹۶۰- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۱/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰) : ۱/۷٪ ؛ ۱۹۹۸ : ۰/۶٪

محصولات کشاورزی(۹۷-۱۹۹۶): (میلیون دلار استرالیا): گندم ۴،۸۷۸؛ پشم ۲،۶۲۱/۲؛ تخم‌پنبه ۱،۳۴۲؛ جو ۱،۳۰۶/۱؛ نیشکر ۱،۱۸۶/۴؛ انگور ۷۲۲،۶۰۰؛ سیب‌زمینی ۴۴۹؛ سیب ۳۹۳/۸؛ برنج ۳۱۰؛ پرتقال ۲۶۴/۸؛ ذرت خوشه‌ای ۲۵۷؛ لوبیا ۲۵۰؛ روغن کانولا ۲۳۹؛ جو دوسر ۲۲۷؛ موز ۲۱۷؛ گوجه فرنگی ۱۷۷

کاربری زمین: کشاورزی ۶/۳٪ ؛ چمنزار و مرتع ۵۴/۲٪ ؛ دیگر موارد ۳۹/۵٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گوسفند ۱۱۹،۶۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۲۶،۷۱۰،۰۰۰ ؛ خوک ۲،۶۸۰،۰۰۰رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲۳،۰۵۹،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۶):** ۲۱۹،۴۹۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۸): ۸۳،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ آهن ۱۵۷،۱۰۰،۰۰۰ تن؛ بوکسیت ۴۴،۴۰۰،۰۰۰ ؛ روی ۱،۰۰۰،۰۰۰؛ سرب ۵۳۱،۰۰۰تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دلار) مواد غذائی ۱۲،۲۳۹؛ تجهیزات حمل و نقل ۵،۷۴۵؛ چاپ و نشر ۵،۲۵۲؛ مواد فلزی ۴،۸۴۰؛ فلزات غیر آهنی ۴،۷۶۶؛ ماشین‌آلات غیر برقی ۴،۰۵۴

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۴): ۱۶۷/۱۵ میلیارد کیلووات ساعت (۱۶۷/۱۵ میلیارد کیلووات ساعت)؛ زغال‌سنگ: ۱۷۶،۰۷۸،۰۰۰ تن (۵۲،۶۷۸،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱۵۹،۱۶۰،۰۰۰ بشکه (۲۰۲،۴۹۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی ۳۳،۰۸۶،۰۰۰ تن (۳۳،۷۰۷،۰۰۰) ؛ گاز طبیعی : ۲۵،۱۸۵،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۷،۴۳۸،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: (۹۷-۱۹۹۶) جمعیت فعال اقتصادی: ۹،۲۱۰،۹۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۵۰/۴٪ ؛ میزان مشارکت مردان (در سنین ۱۵ سال به بالا): ۶۴/۳٪ ؛ زنان (در سنین ۱۵ سال به بالا): ۴۳/۱٪؛ میزان بیکاری: ۸/۶٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۵/۱٪ ؛ صنعت ۲۴/۴٪؛ خدمات ۷۰/۵٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه:؟؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸) ۵۷،۴۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۴۴/۳٪ ؛ نیروی هوائی ۲۴/۹٪؛ نیروی دریائی ۳۰/۸٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۴۶۵ دلار

واردات(۹۸-۱۹۹۷): ۹۰/۶۸ میلیارد دلار استرالیا؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۴۶/۲٪ (از جمله وسیلهٔ نقلیهٔ موتوری ۱۲/۵٪ ، ماشینهای اداری و کامپیوتر ۷/۷٪ ؛ ماشین‌آلات برقی ۶٪)، تولیدات اساسی ۱۳/۸٪ ، (از جمله نخ و پارچه ۲/۸٪ ، آهن‌وفولاد۲/۶٪)؛ مواد شیمیائی ۱۱/۳٪؛ از امریکا ۲۱/۹٪، ژاپن ۱۴٪ ، انگلستان ۶/۲٪، چین ۵/۸٪ ، آلمان ۵/۷٪

صادرات(۹۶-۱۹۹۵): ۸۷/۷۷ میلیارد دلار استرالیا؛ شامل: مواد خام بجز سوخت ۲۰/۴٪ (از جمله سنگ فلزات آهنی و آهن قراضه۱۱/۹٪؛ نخ‌پارچه‌بافی۵/۸٪)، غذا و دام زنده ۱۸/۳٪ (از جمله غلات ۵/۸٪؛ گوشت ۴/۲٪ ؛ فرآورده‌های لبنی ۲/۲٪) به ژاپن ۲۰٪، امریکا ۸/۹٪، کرهٔ جنوبی ۷/۳٪، زلاند نو ۶/۵٪، تایوان ۴/۸٪، هنگ‌کنگ ۴/۷٪ چین ۴/۴٪؛ سنگاپور ۴/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلاراسترالیا	۳،۱۸۳-	۵،۸۱۰-	۱،۴۲۴-	۱،۴۲۳-	۷،۸۰۸-	۳،۲۹۵-
درصد کل	۲/۴٪	۳/۹٪	۰/۹٪	۰/۸٪	۴/۲٪	۷/۵٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۳/۸	۹۵/۶	۱۰۰	۱۰۲/۶	۱۰۲/۹	۱۰۳/۷
شاخص درآمد هفتگی	۹۲/۱	۹۵/۱	۱۰۰	۱۰۴	۱۰۸/۳	۱۱۲/۷

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار: ۲/۶ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار: ۳۱،۷۰۰ دلار استرالیا؛ منابع درآمد: دستمزد و حقوق ۵۵/۵٪ ، پرداختهای انتقالی ۲۹٪ ، شغل آزاد ۶/۵٪ ؛ دیگر موارد ۹٪ ؛ هزینه‌ها: غذا و نوشیدنی ۱۸/۴٪، حمل و نقل و ارتباطات ۱۵/۵٪؛ مسکن ۱۴/۲٪؛ تفریحات ۱۳/۲٪ ، کالای بادوام خانگی ۶/۶٪ ؛ پوشاک و کفش ۵/۶٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد ۷،۳۳۵ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج ۵،۳۸۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۹۱۳،۰۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۳۳،۰۹۹ کیلومتر (دولتی)

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۸،۸۷۹،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۲،۱۲۹،۴۷۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ۶۹۵ فروند — **فرودگاه:** ۴۰۰ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۶۵ عنوان در ۵،۷۳۰،۰۰۰ نسخه (۲۹۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱۰،۸۳۵ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۲۵،۵۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۱،۳۹۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۳،۲۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۷۰۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۹،۵۴۰،۰۰۰ خط تلفن (۵۰۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۵،۳۴۲،۰۰۰ (۲۸۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۷،۷۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳،۰۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۷،۷۱۳	۱۰۲،۲۶۷	۱،۸۴۸،۱۶۹	۱۸/۱
متوسطه	۱،۹۱۷	۱۰۱،۷۰۶	۱،۲۹۴،۸۴۶	۱۲/۷
فنی و حرفه‌ای	۵۴۱	۲۶،۳۴۵	۹۸۵،۴۲۸	۳۴/۷
عالی	۴۴	۲۶،۹۲۰	۶۳۴،۰۹۴	۲۳/۶

میزان باسوادی: افراد بالای ۱۵ سال: ۱۰۰٪ ؛ مردان: ۱۰۰٪ ؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۴۷،۴۰۰ نفر (هر ۳۸۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۸۰،۹۶۵ تخت (هر ۲۲۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۱۱۰۰۰ نفر (۰/۱۴٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۶/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۲۲۴ کالری (۱۱۵٪ حداقل مقدار توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۰۷ گرم؛ مصرف چربی: ۱۳۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰) : صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۸۸/۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۳۰۷/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۲۹ (چهارمین کشور جهان)

استرالیا یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گندم است. علاوه بر آن استرالیا بیشترین شمار گوسفند را داراست. گله‌های بزرگ گوسفند در استپ‌ها و ساواناهای درون‌بومی پرورش داده می‌شود و به همین مناسبت بزرگترین صادرکنندهٔ پشم جهان نیز هست. در تولید و صدور گوشت و فرآورده‌های شیری نیز مقام بزرگی دارد. از نظر منابع معدنی مانند آهن، بوکسیت، زغال‌سنگ، روی، مس، نیکل و اورانیوم، یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان است. از نظر سوخت هیدروکربن خودکفاست و نواحی صنعتی عظیمی در جنوب خاوری آن متمرکز است و به همین مناسبت، میزان آلودگی این نواحی بسیار زیاد بوده و تهدیدکنندهٔ حیات‌وحش و محیط زیست است.

زمانی که انگلیسی‌ها در سال ۱۷۸۸ به استرالیا آمدند، شمار بومیان اصلی آن سرزمین به حدود ۲۵۰,۰۰۰ نفر می‌رسید که تقریباً به ۵۰۰ طایفهٔ مختلف تقسیم می‌شدند. در سال ۱۹۰۱ حدود ۶۶,۰۰۰ تن از بومیان مزبور زنده مانده بودند، ولی امروزه با توجهاتی که نسبت به آنها شده و از آنها حفاظت به عمل آمده است، شمار آنان به حدود ۲۰۰,۰۰۰ تن می‌رسد که چیزی حدود یک درصد جمعیت کشور است. انگلیسی‌تبارهایی که طی سالیان گذشته به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند، چیزی حدود ۲۳درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و بقیه متعلق به مهاجران آسیایی، اروپایی و امریکای لاتین است که روند افزایشی آن ادامه دارد.

استرالیا از شش استان و دو سرزمین تشکیل شده و از نظر اداری جزء کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیا محسوب می‌گردد و به صورت سلطنتی پارلمانی اداره می‌شود. فرماندار کل آن از سوی ملکه الیزابت دوم، پادشاه انگلستان انتخاب می‌گردد و نخست‌وزیر آن توسط مجلس نمایندگان تعیین می‌گردد.

تاریخچه

نخستین ساکنان استرالیا حدود ۵۰,۰۰۰ سال پیش از جنوب شرقی آسیا به این سرزمین وارد شدند و مردمانی که امروز آنان را بومیان اصلی یا استرالوئید می‌نامند، تشکیل داده‌اند. بومیان مزبور به بیشتر از ۲۶۰ زبان مختلف گفتگو می‌کنند و هرکدام نیز دارای فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود هستند. آنان از راه شکار و جمع‌آوری دانه روزگار می‌گذراندند و زمین به همگان تعلق داشت و هرکس در آداب و رسوم و انجام فرایض دینی خود آزاد بود.

در سال ۱۶۰۶ یک دریانورد اسپانیایی به نام تورس از تنگه‌ای که امروز به نام او تنگهٔ تورس خوانده می‌شود و بین سرزمین استرالیا و جزیره گینهٔ نو قرار دارد عبور کرد. سه سال بعد فرناندز. د. کوئیروس اسپانیایی به عنوان نخستین اروپایی از استرالیا دیدن کرد. ولی تا زمانی که کاپیتان جیمز کوک انگلیسی در اواخر سدهٔ هجدهم به قارهٔ استرالیا وارد شد، هیچ ماندگاهی از سوی اروپاییان در آن سامان احداث نگردید. در سال ۱۷۸۸ گروهی از تبعیدی‌های انگلیسی، اولین ماندگاه را در محل شهر کنونی سیدنی احداث کردند. در سال ۱۸۲۹ سرتاسر استرالیا به تصرف انگلیسی‌ها درآمد و در سال ۱۸۵۱ گروه زیادی به استرالیا وارد شدند تا به کشف معادن طلا بپردازند. در سال ۱۹۰۱ مهاجرنشین‌های مختلف باهم متحد شدند و ملل مشترک‌المنافع استرالیا را به وجود آوردند. در سال ۱۹۰۲ قانون استرالیای سفید به تصویب حکومت فدرال رسید و به موجب آن، مهاجرت افراد آسیایی و رنگین‌پوست به استرالیا ممنوع شد. ارتش استرالیا چند سال پیش از جنگ جهانی اول تأسیس شد و همراه با ارتش زلاند نو در جنگ شرکت جست و با نیروی دریایی آلمان در آبهای خاور دور و با عثمانی‌ها در خاورمیانه به نبرد پرداخت. نیروهای مسلح استرالیا در جنگ دوم جهانی نیز شرکت جستند و به اتفاق امریکایی‌ها در نبرد دریای کورال(مرجان) شرکت کردند و ژاپنی‌ها را از گینهٔ نو بیرون راندند. با پایان یافتن جنگ، سازمان ملل متحد سرپرستی بعضی از سرزمینها و جزیره‌های پیرامون استرالیا را به آن کشور واگذار کرد. در سال ۱۹۸۰ بزرگترین معدن الماس جهان در استرالیا کشف شد و دسته‌جاتی از ارتش استرالیا به عنوان پاسدار صلح به منطقهٔ نبرد اعراب و اسرائیل(صحرای سینا) اعزام شدند. در انتخابات سال ۱۹۸۳ باب هاوک، رهبر حزب کارگر به سمت نخست‌وزیر استرالیا تعیین گردید.

جامعهٔ بومیان اصلی استرالیا مردمانی هستند که نسبت به جمعیت خود، بیشترین شمار زندانیان استرالیا را دارا هستند. نسبت بومیان مجرم و زندانی در سال ۱۹۸۱، ۷۷۵ نفر در هر صد هزار نفر بوده است، در حالی که این میزان برای اروپاییان، ۶۷ تن در هر صدهزار نفر است. بطور مثال بومیان مزبور که شمار آنان نسبت به جمعیت استان کوئینزلند به دو درصد می‌رسد، نسبت به کل زندانیانشان به ۳۵ درصد بالغ می‌گردد. بررسیهایی که به دستور دولت فدرال استرالیا به عمل آمده تاکنون به نتیجه مثبت نرسیده و راه حلی ارائه نشده است.

بومیان مزبور از نظر بهداشت نیز در مقایسه با دیگران در شرایط نامطلوب‌تری به سر می‌برند. در سال ۱۷۸۸ هنگامی که انگلیسی‌ها برای اولین بار به استرالیا وارد شدند، بومیان را از داشتن حقوق مدنی و حق مالکیت محروم کردند. البته بعدها تا اندازه‌ای از حقوق اجتماعی برخوردار شده‌اند ولی هنوز در مقایسه با حقوق اروپاییان از تضییع حقوق فراوان و محرومیت‌های اجتماعی رنج می‌برند.

افزایش فاصلهٔ طبقاتی در اواخر دههٔ ۱۹۸۰ دولت باب هاوک، رهبر حزب کارگر استرالیا را تحت فشار زیادی قرار داد. او که تا قبل از اشغال پست نخست‌وزیری به مدت ۱۱ سال ریاست بزرگترین اتحادیهٔ کارگری این کشور را به عهده داشت، از محبوبیت زیادی در نزد کارگران برخوردار بود که اکنون رفته رفته از میزان این محبوبیت کاسته می‌شد و علاوه بر مخالفت‌های عمومی در سطح کشور، جناح‌هایی از درون حزب کارگر نیز به مخالفت با وی برخاستند. عاقبت در انتخابات داخلی حزب کارگر درسال ۱۹۹۱، پل کیتینگ به پیروزی رسید و نخست‌وزیر شد.

در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۳، حزب کارگر با کسب اکثریت ضعیفی به حکومت خود ادامه داد. مهمترین وعدهٔ انتخاباتی حزب کارگر، رسیدگی به وضعیت بومیان اصلی استرالیا بود. در ژوئن همان سال دادگاه عالی استرالیا با وضع «قانون مابو»، به اعمال قانونی که از سال ۱۷۸۸، بومیان اصلی را از حقوق قانونی و همچنین حق مالکیت زمین منع می‌کرد، پایان داد. این یکی از مهمترین تصمیمات قانونی بوده است که از زمان تشکیل دولت استرالیا تاکنون اتخاذ شده است. از سال ۱۹۹۵ بحث جدی در میان مردم استرالیا برای تبدیل نظام حکومتی به جمهوری اوج گرفت و کیتینگ اعلام کرد که قصد دارد تا سال ۲۰۰۱، نظام جمهوری را جایگزین سیستم فعلی نماید. خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در طی سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ اوج گرفت و شرکت هوایی کانتاس، بانک کامنولث، و قسمتی از سهام شرکت مخابراتی تلسترا به بخش خصوصی واگذار گردید.

آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در جزیره موروروا، اعتراضات گسترده‌ای در میان کشورهای حوزهٔ اقیانوس آرام و از جمله استرالیا برانگیخت و از آنجا که اعتراضات دولت استرالیا با همراهی انگلستان مواجه نشد، گرایشات ضد انگلیسی و طرفداری از رژیم جمهوری را در این کشور تقویت کرد. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۶، حزب لیبرال به رهبری جان وینستون هاوارد به پیروزی رسید و به حکومت حزب کارگر پایان داد. در اوایل این سال قانون دیگری به تصویب دادگاه عالی استرالیا رسید که به موجب آن، بومیان اصلی از حق اجاره زمین برای کشاورزی و معدن‌داری برخوردار شدند. در آوریل ۱۹۹۸، حدود ۱۴۰۰ نفر از کارگران بنادر اخراج شدند که با اعتصاب گسترده اتحادیه کارگران کشتیرانی و بنادر، همهٔ کارگران اخراجی به کار خود بازگشتند. در سال ۱۹۹۹ نیروهای ارتش استرالیا به عنوان نیروهای حافظ صلح وارد تیمور شرقی شدند تا شرایط امنی را برای طی مراحل کسب استقلال تیمور شرقی ایجاد نمایند. همه‌پرسی سال ۱۹۹۹ به منظور تغییر رژیم استرالیا به جمهوری با شکست مواجه شد و ۵۴٪ مردم به حفظ وضعیت موجود تحت سلطنت انگلستان رأی دادند. مخالفان، دولت را سرزنش کردند که با تعیین نحوهٔ انتخاب رئیس جمهور توسط نخست‌وزیر و با نظر رهبر مخالفان و سپس تأیید پارلمان، باعث شده است، آنان که به انتخاب مستقیم رئیس جمهور، از طریق آرای عمومی معتقد بوده‌اند، به این همه‌پرسی نظر منفی بدهند. بیست و هفتمین دوره بازی‌های المپیک در سپتامبر سال ۲۰۰۰ در سیدنی استرالیا برگزار شد که در برنامه افتتاحیه آن توجه ویژه‌ای به بومیان اصلی و روند شکل گیری استرالیا شده بود. در ژوئن سال ۲۰۰۱، پیتر هالینگورث، اسقف اعظم بریزبن به سمت فرمانداری کل منصوب شد. در طی سال‌های اخیر دولت استرالیا سیاست سختگیرانه‌ای نسبت به پذیرش مهاجران اعمال کرده و همچنین قوانین سختی بر علیه مهاجران غیر قانونی به تصویب رسیده است. همین امر موجب شده که در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ تعداد زیادی از پناه جویان در اردوگاه‌های پناهندگان دست به شورش بزنند و دولت استرالیا تاکنون چندین بار کشتی‌های حامل پناهندگان را از ساحل خود رانده است.

در پی وقوع انفجاری مهیب در یک رستوران، در جزیرهٔ بالی اندونزی در سال ۲۰۰۲ تعداد زیادی از جهانگردان استرالیایی کشته شدند و مأموران امنیتی استرالیا برای یافتن عاملان این بمب‌گذاری به آن کشور اعزام شدند.

سرزمینهای خارجی استرالیا AUSTRALIAN EXTERNAL TERRITORIES

جزیرهٔ کریسمس
Christmas Island

جزیره‌ای به مساحت ۱۳۰ کیلومترمربع و جمعیتی برابر ۹۰۰ نفر واقع در اقیانوس هند و در ۲۵۰۰ کیلومتری شمال باختری شهر پرت(استرالیا) و ۳۸۰ کیلومتری جنوب جاوه (اندونزی). جزیره‌ای است کوهستانی و بایر و خشک. حدود ۶۶ درصد جمعیت آن را چینی‌تباران تشکیل داده‌اند و گروهی ماله‌ای و اقلیت کوچکی استرالیایی نیز در آن به سر می‌برند. عمدتاً مسیحی پروتستان هستند و عده‌ای نیز پیرو مذهب کنفوسیوس و تائوئیسم می‌باشند. به زبانهای انگلیسی و ماله‌ای وکانتونی گفتگو می‌کنند. مرکز جزیرهٔ کریسمس شهرک فلایینگ‌فیش‌کاو است و به وسیلهٔ فرماندار استرالیایی اداره می‌شود.

جزیرهٔ کریسمس در سال ۱۶۵۰ شناسایی شد و در سال ۱۸۸۸ به تصرف انگلستان درآمد و در جنگ جهانی دوم (سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵) در تصرف ژاپنی‌ها بود. در یکم اکتبر سال ۱۹۵۸ به استرالیا واگذار گردید. دارای معدن فسفات است و ساکنان آن که کلاً در معدن مزبور کار می‌کنند، از سال ۱۹۸۱ به تابعیت دولت استرالیا درآمده‌اند. در سال ۱۹۸۷ معدن فسفات آن ملی اعلام گردید و به بخش خصوصی واگذار شد و از نظر رعایت بهداشت و حفاظت محیط

زیست، زیر نظارت دولت استرالیا قرار گرفت. از سال ۱۹۹۱ امکانات مناسبی برای گردشگری در آن به وجود آمد.

جزایر کوکوس
Cocos Islands

مجموعه‌ای از چندین جزیرهٔ مرجانی به مساحت ۱۴ کیلومترمربع و جمعیتی برابر ۶۰۰ تن در اقیانوس هند، جنوب غربی جاوه (اندونزی). از میان این جزایر که شمارشان به ۲۷ می‌رسد، فقط دوتایشان به نام وست و هوم مسکون است. آب و هوایش استوایی و بارانی است و اراضی آنها هموار و مسطح است و از کشتزارهای نارگیل پوشیده شده و نام کوکوس از نارگیل که به انگلیسی کوکونات Coconut است، گرفته شده.

جمعیت جزیرهٔ هوم را کارگران ماله‌ای تشکیل می‌دهند و ساکنان جزیرهٔ وست را اکثراً استرالیایی‌ها تشکیل داده‌اند. زبانشان انگلیسی است و عمدتاً پروتستان هستند. مرکز جزایر، وست نام دارد و فرماندار آن از سوی استرالیا تعیین می‌گردد.

جزایر کوکوس در سال ۱۶۰۹ کشف شد و در اوایل سالهای ۱۸۰۰ شرکت راس آن را تصاحب کرد و از سال ۱۸۵۷ به تصرف انگلستان درآمد و در سال ۱۹۵۵ به استرالیا واگذار شد. شرکت راس گروهی کارگران ماله‌ای را برای کار در کشتزارهای نارگیل استخدام کرد و آنان را در جزیرهٔ هوم ساکن نمود. در سال ۱۹۷۸ دولت استرالیا جزایر مزبور را از شرکت راس خریداری کرد و یک پادگان نظامی در جزیرهٔ وست احداث نمود و بدنبال همه‌پرسی سال ۱۹۸۴ ساکنان جزایر مزبور به تابعیت دولت استرالیا درآمدند.

جزیرهٔ نورفک
Norfolk Island

جزیره‌ای به مساحت ۳۶ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۳۰۰۰ تن واقع در اقیانوس آرام، جنوب مجمع‌الجزایر ملانزی و شمال غربی نورث‌آیلند (جزیرهٔ شمالی زلاند نو)، ۱۷۵۰ کیلومتری خاور کرانه‌های شرقی استرالیا. ساکنان این جزیره، فرزندان شورشیان کشتی معروف بونتی هستند که در سال ۱۸۵۶ از جزیرهٔ پیتکرن به آنجا کوچانده شده‌اند.

مرکز جزیره کینگستون نام دارد و فرماندار آن از سوی فرماندار کل استرالیا تعیین می‌گردد. آب و هوای مدارگانی دارد و بادهای دریایی آن را معتدل می‌کند.

در سال ۱۷۷۴ به وسیلهٔ کاپیتان کوک انگلیسی کشف گردید. بین سالهای ۱۸۲۵ تا ۱۸۵۵ زندان و تبعیدگاه مجرمین انگلیسی بود. در سال ۱۹۱۳ به عنوان بخشی از سرزمینهای ماوراء بحار، به استرالیا واگذار گردید و در همه‌پرسی سال ۱۹۷۶ دوسوم ساکنان آن به الحاق جزیره به استرالیا رأی موافق دادند و از ۱۹۷۹ به خودمختاری داخلی نایل گردیدند.

سرزمین جزایر اشمور و کارتیه
Territory Of Ashmore And Cartier

این جزایر در حدود ۸۵۰ کیلومتری و ۷۹۰ کیلومتری غرب شهر داروین، در دریای تیمور و شرق اقیانوس هند واقع شده‌اند. جزایر اشمور از سه جزیره غربی، مرکزی و شرقی تشکیل شده و وسعت آنها همراه با جزیره کارتیه به ۴/۹ کیلومترمربع می‌رسد. سطح این جزایر پوشیده از شن و ماسه، مرجان و آبسنگ‌های مرجانی است و حداکثر ارتفاع آنها به ۲/۵ متر می‌رسد. خیار دریایی در آنها به وفور یافت می‌شود و در بعضی فصول لاک‌پشت‌ها نیز به آن هجوم می‌آورند. مجموعهٔ این جزایر غیر مسکونی است و توسط سرزمین شمالی استرالیا اداره می‌شود.

دولت انگلستان جزایر اشمور را در سال ۱۸۷۸ تحت مالکیت خود درآورد و جزیرهٔ کارتیه نیز در سال ۱۹۰۹ ضمیمهٔ آن شد. ادارهٔ امور آن درسال ۱۹۳۱ به مشترک‌المنافع استرالیا واگذار گردید و در سال ۱۹۳۸ جزء سرزمین شمالی استرالیا شد. از سال ۱۹۷۸ تحت کنترل دولت مرکزی درآمد و به طور دوره‌ای توسط نیروی دریایی و نیروی هوایی استرالیا مورد بازرسی قرار می‌گیرد.

در سال ۱۹۸۳، جزیرهٔ اشمور به عنوان «پناهگاه ملی طبیعی» تحت حفاظت ویژه قرار گرفت و ماهیگیران اندونزیایی اجازه یافتند که در آبهای این جزایر به ماهیگیری بپردازند و از جزیرهٔ غربی نیز به منظور تهیه آب شرب استفاده کنند. از سال ۱۹۸۵ ادارهٔ آن به سرزمین شمالی سپرده شده است.

سرزمین جنوبگان استرالیا
Australian Antarctic Territory

این سرزمین که بخشی از سرزمین جنوبگان فرانسه، یعنی سرزمین آدلی است، بین نصف‌النهارهای ۴۵ درجهٔ شرقی و ۱۳۶ درجهٔ شرقی و ۱۴۲ درجهٔ شرقی تا ۱۶۰ درجه شرقی جای دارد و از سال ۱۹۳۶ تحت کنترل استرالیا قرار گرفته است. «ادارهٔ جنوبگان» که در سال ۱۹۴۸ به عنوان یک نهاد دائمی برای اداره و نظارت بر این سرزمین تأسیس شده، سه ایستگاه دائمی ماوسون، دیویس و کیسی را به منظور تحقیقات و اکتشافات علمی در این سرزمین تأسیس نموده است. وسعت این سرزمین حدود ۵,۸۹۶,۵۰۰ کیلومتر است و تنها تعداد معدودی از متخصصان و دانشمندان در ایستگاه‌های تحقیقاتی آن حضور دارند و فاقد جمعیت بومی یا دائمی است.

جزایر دریای مرجان (کورال‌سی)
Coral Sea Islands

مجموعه‌ای از چند جزیرهٔ کوچک واقع در آبهای خاوری استان کوئینزلند (استرالیای خاوری)، اقیانوس آرام. بزرگترین جزایر این مجموعه جزیره‌های کاتو و چیلکات است و مجمع‌الجزایر ویلیس نیز جزء آن محسوب می‌گردند.

غیر از یک ایستگاه هواشناسی که در جزیرهٔ کاتو نصب شده، بقیه غیر مسکونی‌اند و از نظر اداری از سال ۱۹۶۹ (زمان تأسیس این مجموعه) تحت نظر دولت مرکزی استرالیا قرار دارند در حالی که مالکیت آنها به دولت استرالیا رسماً واگذار نشد. تحولات آینده به ویژه از نظر منابع زیرزمینی و احتمالاً در مواد ئیدروکربن و قابلیت ماهیگیری به روشن شدن وضع جزایر مزبور و احتمالاً انتقال آن به دولت فدرال کوئینزلند کمک خواهد کرد. واحد پول این جزایر دلار استرالیاست.

سرزمین جزیره هرد و جزایر مک دونالد
Territory of Heard Island And The Mcdonald Islands

این سرزمین تشکیل شده از جزیرهٔ هرد، جزیرهٔ شاگ و جزایر مک دونالد که مجموعاً حدود ۳۶۹ کیلومترمربع وسعت دارد و در ۴,۰۰۰ کیلومتری غرب شهر پرت‌استرالیا، در اقیانوس هند و شمال سرزمین جنوبگان واقع شده است. تقریباً سطح تمام جزایر از یخ پوشیده شده و همهٔ آنها غیرمسکونی است. از سال ۱۹۴۷ ادارهٔ این سرزمین بر عهدهٔ دولت فدرال استرالیا قرار داشته و در آن سال یک مرکز تحقیقاتی علمی در جزیره هرد تأسیس شد که فعالیت‌های آن تا سال ۱۹۵۵ ادامه داشت. در جزیره هرد که ۲۰ کیلومتر عرض و ۴۴ کیلومتر طول دارد، یک آتشفشان فعال به نام بیگ‌بن وجود دارد. در سال ۱۹۹۱ گروهی از دانشمندان جهان به منظور بررسی انتقال امواج صوتی در زیر اقیانوس‌ها به جزیره هرد مسافرت کردند تا از این بررسی بتوانند اثرات گلخانه‌ای و گرم شدن هوای زمین را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. جزیره هرد تنها جزیره‌ای است که از آن به تمام ۵ اقیانوس جهان مسیر مستقیم وجود دارد و می‌توان نحوهٔ انتقال صدا بین این پنج اقیانوس را از این محل مورد بررسی قرار داد.

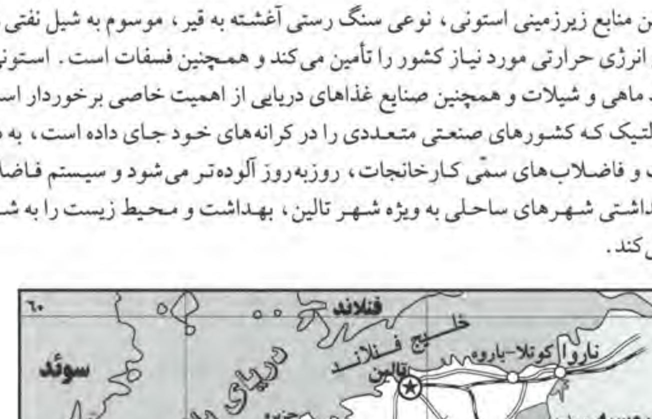
استونی ESTONIA

استونی کشوری است واقع در ساحل شمال خاوری دریای بالتیک، و شمال شرقی اروپا. این کشور از شمال به خلیج فنلاند، از خاور به جمهوری روسیه، از جنوب به کشور لاتویا واز غرب به دریای بالتیک محدود است. استونی کشوری است تقریباً هموار و مسطح با دریاچه‌ها و رودخانه‌های فراوان که میانگین ارتفاع آن به ۵۰ متر می‌رسد. از بقایای عصر یخبندان حدود ۱۵۰۰ دریاچه در این کشور به جای مانده که بزرگترین آنها دریاچهٔ پیپوس (۳۶۰۰ کیلومترمربع، چهارمین دریاچهٔ بزرگ اروپا) و دریاچهٔ ورتس یارو است. حدود ۳۸ درصد اراضی استونی را جنگل فرا گرفته و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه موناماگی، ۳۱۸ متر ارتفاع دارد و بزرگترین رودخانهٔ آن پارنو است.

آب و هوای آن کلاً معتدل است. میانگین دمای آن در تابستان ۲۸ درجهٔ سانتیگراد و در زمستان صفر درجهٔ سانتیگراد است. طول کرانه‌های این کشور در دریای بالتیک که به ۱۲۴۰ کیلومتر می‌رسد، از چندین آبدرّه و یخکند و خورهای متعدد تشکیل شده. این کشور دارای حدود ۸۰۰ جزیره است که یک دهم مساحت کشور را شامل می‌گردند و بزرگترین آنها، جزیرهٔ سارما، ۲۷۴۲ کیلومترمربع وسعت دارد.

کرانه‌های خلیج فنلاند واقع در شمال، خلیج‌های آزاد و مناسبی دارد که بزرگترین آنها خلیج تالین است.

عمده‌ترین منابع زیرزمینی استونی، نوعی سنگ رستی آغشته به قیر، موسوم به شیل نفتی، که بیشترین انرژی حرارتی مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند و همچنین فسفات است. استونی از نظر صید ماهی و شیلات و همچنین صنایع غذاهای دریایی از اهمیت خاصی برخوردار است. دریای بالتیک که کشورهای صنعتی متعددی را در کرانه‌های خود جای داده است، به دلیل ضایعات و فاضلاب‌های سمّی کارخانجات، روزبه‌روز آلوده‌تر می‌شود و سیستم فاضلاب غیر بهداشتی شهرهای ساحلی به ویژه شهر تالین، بهداشت و محیط زیست را به شدت تهدید می‌کند.



تاریخچه

استونیایی‌ها به تیره‌ای از قوم فینواویغوری تعلق دارند. آنان در روزگار گذشته به شکار و ماهیگیری و کشاورزی و گله‌داری اشتغال داشتند و در عین حال به دریانوردی می‌پرداختند و با همسایگان خود داد و ستد می‌کردند. در سدهٔ سیزدهم میلادی جنگجویان آلمانی که از جنگهای صلیبی بازگشته بودند به جنوب استونی حمله کردند و اراضی آنجا و همچنین زمینهای شمال لاتویا را تصرف کردند و دولت لیوونیا را تشکیل دادند و مردم آنجا را به مسیحیت دعوت و ارشاد نمودند. در نیمهٔ دوم سدهٔ شانزدهم، مالکان اراضی و بازرگانان آلمانی، مردم استونی را با مذهب جدید پروتستان آشنا کردند. در سال ۱۵۶۱ روس‌ها و در سال ۱۵۶۹ لهستانی‌ها به لیوونیا حمله کردند و یکصد سال بعد سوئدی‌ها آنجا را تصرف نمودند. روس‌ها در سال ۱۷۲۱ لیوونیا را از تصرف سوئدی‌ها به در آوردند و خود بر آنجا استیلا یافتند و به دنبال آن در سال ۱۷۷۲ روسیه بخش لهستانی لیوونیا را نیز به تصرف درآورد و سراسر منطقهٔ مزبور را در سال ۱۷۸۳ به یک استان روسی تبدیل کرد.

به دنبال الغاء رژیم ارباب رعیتی در روسیه (۱۸۶۱)، ملّیون استونیایی نیز در جهت احقاق حقوق خود به پا خاستند و کنترل شهر تالین را به دست گرفتند. پس از سقوط خاندان سلطنتی روسیه در سال ۱۹۱۷، تظاهراتی از سوی ۴۰,۰۰۰ تن استونیایی در شهر پتروگراد برگزار شد و از دولت انقلابی روسیه درخواست گردید که به آنان خودمختاری داده شود. در ۲۴ فوریهٔ ۱۹۱۸ استونی استقلال خود را اعلام داشت و برای خود دولت مستقلی تعیین نمود. روز بعد نیروهای آلمانی شهر تالین را تصرف کردند و دولت یک روزهٔ استونی را وادار به سقوط نمودند. بعد از جنگ جهانی اول، استونیایی‌ها علیه ارتش سرخ و همچنین آلمان‌ها به نبرد برخاستند و دولت اتحاد شوروی را وادار نمودند تا استقلال استونی را به رسمیت بشناسد و در پی آن یک دولت دموکراتیک پارلمانی در کشور برقرار کردند.

قرارداد محرمانهٔ مولوتوف - ریبن‌تروپ (وزیران خارجهٔ اتحاد شوروی و آلمان نازی) که در سال ۱۹۳۹ به امضاء رسید، استونی و لاتویا و لیتونی را به اتحاد شوروی واگذار کرد و دولت استونی نیز طی قراردادی جداگانه با مسکو، به ارتش سرخ اجازه داد تا پایگاه دریایی در کشور استونی ایجاد نماید. در ژوئن ۱۹۴۰ استالین رهبر اتحاد شوروی به بهانهٔ گم شدن چند سرباز روسی دولت استونی را سرنگون کرد و یکی از کمونیست‌های محلی را به جای آن منصوب نمود و نام کشور را به جمهوری شوروی سوسیالیستی استونی تغییر داد و در پی آن در سال ۱۹۴۱ کشورهای سه گانهٔ حوزهٔ بالتیک به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ضمیمه گردید و حدود ۶۰,۰۰۰ تن استونیایی به زندان و تبعید در سیبری محکوم شدند. آلمان‌ها در سال ۱۹۴۱ هنگام حمله به شوروی، به استونی یورش بردند و نظام فاشیستی ضد یهود، ضد کولی و ضد ملّیون استونیایی را در آنجا مستقر ساختند. ارتش سرخ در سال ۱۹۴۴ کشورهای بالتیک را از تصرف آلمان خارج کرد و دوباره ضمیمهٔ کشور خود ساخت و در پی آن ملّیون و آزادیخواهان استونیایی علیه ارتش سرخ شروع به مبارزه نمودند و حدود ۸۰,۰۰۰ استونیایی از کشور خود فرار کردند و به دنیای غرب پناهنده شدند. به دستور دولت مسکو تاریخ استونی بازنویسی شد و آرم ملی آن تعویض گردید و زبان و فرهنگ روسی جایگزین زبان و فرهنگ استونیایی گردید. در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ هنگامی که عصر برژنف رو به پایان بود، مبارزات آزادیخواهان و ملّیون استونیایی جنبهٔ علنی‌تر پیدا کرد و با شروع اصلاحات سیاسی گورباچف در سال ۱۹۸۵ فعالیتهای مبارزان استونیایی جدی‌تر و علنی‌تر شد. در اوت ۱۹۸۷ تظاهرات وسیعی در شهر تالین برگزار شد و لغو قرارداد مولوتوف - ریبن تروپ و علنی ساختن مفاد آن از دولت مسکو خواسته شد. در ژانویه ۱۹۸۸ زندانیان و تبعیدیان پیشین، حزب استقلال استونی را پایه‌گذاری کردند و استقلال کشور خود را خواستار شدند و پرچم ملی استونی را به اهتزاز درآوردند. در اوت ۱۹۸۹ حدود دو میلیون نفر استونیایی ولاتویایی و لیتونیایی صفی به درازای ۵۶۰ کیلومتر از تالین تا ویلنیوس تشکیل دادند و خواهان استقلال سه کشور حوزهٔ بالتیک شدند. در فوریهٔ ۱۹۹۰ نمایندگان استونی اعلامیهٔ استقلال کشور خود را امضاء کردند و در مه ۱۹۹۰ نخستین انتخابات بعد از استقلال برگزار شد و ادگار ساویسار به عنوان رئیس دولت استونی انتخاب گردید. استونی دو روز پس از وقوع کودتای سال ۱۹۹۱، یعنی در ۲۰ اوت استقلال خود را از اتحاد شوروی اعلام نمود. در سپتامبر ۱۹۹۱ اتحاد شوروی استقلال سه دولت بالتیک را به رسمیت شناخت و در همان ماه هر سه کشور به عضویت سازمان ملل متحد درآمدند.

جمهوری روسیه که طرف اصلی قراردادهای بازرگانی با استونی بود و سوخت کشور مزبور را تأمین می‌کرد، برای نفت خام خود قیمت بین‌المللی را خواستار شد و همچنین صدور گندم و وسایل برقی و پوشاک را به استونی محدود کرد. در سپتامبر ۱۹۹۲ دولت استونی از کشور روسیه خواستار شد که نیروهای مسلح خود را از کشور مزبور خارج سازد و در همان سال، استونی به عنوان نخستین کشور اروپای شرقی، روبل را از گردش خارج کرد و پول ملی خود، کرون را جایگزین آن نمود. در اوت ۱۹۹۴ روسیه نیروهای خود را از استونی خارج کرد و استونی برای عضویت در پیمان ناتو، ابراز تمایل نمود. در فوریهٔ ۱۹۹۸ کشورهای سه گانهٔ بالتیک با کشور امریکا قرارداد مودت امضاء کردند و دولت امریکا طی آن متعهد گردید تا از عضویت کشورهای مزبور در پیمان ناتو پشتیبانی کند.

واگذاری ۴۹ درصد سهام نیروگاههای برق به یک شرکت امریکایی در سال ۲۰۰۰، مخالفتهایی را در داخل کشور برانگیخت. در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پارلمان استونی آرنولد روئوتل، از کمونیستهای قدیمی و کاندیدای حزب اتحاد مردم را به ریاست جمهوری برگزید.



نام رسمی: جمهوری استونی

نام محلی: استی Eesti

اسامی دیگر: -

پایتخت: تالین (۴۱۱،۵۹۴ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۸/۲۰، از شوروی

روز ملی: ۲۴ فوریه (سالروز تأسیس جمهوری استونی در سال ۱۹۱۸)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: آرنولد روئوتل (حزب اتحاد مردم)، از سال ۲۰۰۱ به مدت ۵ سال، توسط پارلمان

رئیس دولت: نخست‌وزیر: سیم کالاس(حزب اصلاحات)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲؛ مجلس ریگیکوگو با ۱۰۱ عضو برای مدت ۴ سال؛ کرسی‌های مجلس (۱۹۹۹): حزب مرکز ۲۸ کرسی، اتحاد میهنی ۱۸ کرسی، حزب اصلاحات ۱۸، حزب میانه‌رو ۱۷؛ حزب ائتلاف ۷، اتحادیه کشاورزان ۷، حزب اتحاد مردم ۶ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۱)؛ اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، اوسه

جمعیت

مساحت: ۴۵،۲۲۷ کیلومترمربع (صدوسی‌امین کشور جهان)

جمعیت: ۱،۴۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و چهل و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪-۱/۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱/۱ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۷۳/۸ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪-۰/۱

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۱۸/۶؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۱/۹؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۳۹/۶ ؛ بالای ۶۰ سال ٪۱۹/۹

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٪۴۶/۵۳ ؛ زن ٪۵۳/۴۷ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۷۵/۵ سال؛ مردان ۶۴/۴ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۸/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱۳/۴ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد: ۹/۳ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۴/۹- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: بیماریهای دستگاه گردش خون ۷۳۲/۸ نفر، بافتهای بدخیم (سرطان) ۲۳۵/۱ نفر؛ حوادث، نزاع و قتل ۱۶۲/۲ نفر؛ بیماریهای مربوط به دستگاه گوارش ۴۴/۴ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۷): ۱/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۳/۷ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۳/۱ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۹): استونیایی ٪۶۵/۲ ؛ روس ٪۲۸/۱ ؛ اوکراینی ٪۲/۵؛ بیلاروس ٪۱/۵؛ فنلاندی ٪۰/۹؛ بقیه ٪۱/۸

دین: مسیحی ٪۳۸/۱ (از جمله ارتدوکس روسی ٪۱۹/۶ ؛ پروتستان لوتری ٪۱۳/۷)؛ بقیه(عمدتاً بدون دین) ٪۶۱/۹

زبان و خط: استونیایی (زبان رسمی)؛ روسی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): تارتو(۱۰۰،۵۷۷ نفر)؛ ناروا (۷۳،۸۳۱)؛ کوتلا-یاروه (۶۶،۵۴۲)؛ پارنو (۵۱،۳۵۷ نفر)

بنادر مهم: تالین در کنار خلیج فنلاند؛ پارنو در کنار خلیج ریگا

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کرون (EEK) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۱۷/۹۹ کرون؛ یک کرون = ۴۴۵ ریال

درآمد بودجه: ۲۴/۱ میلیارد کرون: حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ٪۳۲/۹ ؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪۲۶/۶ ؛ عوارض کالاهای داخلی ٪-۱۱/۶ مالیات بر درآمد شخصی ٪۱۱/۴

هزینه بودجه : ۲۴/۱ میلیارد کرون: تأمین اجتماعی ٪۳۰/۶ ، بهداشت ٪۱۶/۴ ، آموزش ٪۸/۶ ، پلیس ٪۷/۳، دفاع ٪۴

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۴/۸۸ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،۳۶۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪-۲/۸

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۶/۳ ؛ صنعت ٪۲۶/۷ ؛ خدمات ٪۶۷

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۵۸۱ میلیون دلار

بدهی خارجی(۹۸-۱۹۹۷): ۲۳۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۹۰+میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۹/۷

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۷۵/۴ ؛ ۱۹۹۸ : ٪۹/۴

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): سیب‌زمینی ۳۴۰،۰۰۰ تن، جو ۱۹۸،۰۰۰ ، گندم ۱۳۵،۰۰۰ ، جو دوسر ۸۵،۰۰۰ ، چاودار ۴۴،۰۰۰ ؛ دانهٔ منداب ۳۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴): کشاورزی ٪۳۲/۲؛ مرتع و چمنزار ٪۷/۲ ؛ جنگل ٪۴۴/۷ ، سایر موارد ٪۱۵/۹

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۳۲۶،۴۰۰ رأس؛ گاو ۳۰۷،۵۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۶،۰۶۱،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۲۳،۸۷۳ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲،۶۳۶،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۵،۱۶۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): شیل نفتی ۱۰،۹۱۳،۰۰۰ تن؛ تورب ۳۳۳،۵۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۶): (میلیون کرون) گوشت مواد غذائی گوشتی ۲،۸۸۸ ، فرآورده‌های لبنی ۲،۲۶۰ ، محصولات چوبی بجز مبلمان ۲،۰۵۴، نوشیدنی ۱،۵۶۶، ماهی و فرآورده‌های شیلات ۱،۴۹۲، مبلمان ۱،۴۸۳، منسوجات ۱،۴۷۱

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق: ۸،۵۲۱،۰۰۰ کیلووات ساعت (۵،۵۷۹،۰۰۰،۰۰) ، زغال‌سنگ سخت : صفر (۹۷،۰۰۰ تن)، لیگنیت (زغال‌سنگ قهوه‌ای):۱۴،۷۰۰،۰۰۰ تن(۱۶،۰۰۰،۰۰۰)،نفت خام: صفر(نامشخص)، فرآورده‌های نفتی: ۳۴۴،۰۰۰ تن (۱،۲۰۰،۰۰۰)، گازطبیعی: صفر (۶۸۹،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۷): ۷۰۷،۸۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۴۸/۴؛ میزان مشارکت : در سنین ۱۵ تا ۶۴ : ٪۷۱/۳ ؛ زنان : ٪۴۷/۹؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٪۹/۹

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۱۳؛ صنعت٪۴۲/۶؛ خدمات ٪۳۸/۳

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۲ ماه ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۴،۸۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۹۰ ؛ نیروی دریائی ٪۷/۱، نیروی هوائی ٪۲/۹؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی : ۷۶ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۶۷،۳۶۴ میلیون کرون؛ شامل: ماشین‌آلات برقی و غیر برقی٪۲۵/۵؛ مواد غذائی ٪۱۶/۹ ؛ تجهیزات حمل و نقل ٪۹/۳ ؛ از فنلاند ٪۲۲/۶؛ روسیه ٪۱۱/۱؛ آلمان ٪۱۰/۸، سوئد ٪۹

صادرات (۱۹۹۸): ۴۵،۵۵۲ میلیون کرون؛ شامل: ماشین‌آلات برقی و غیر برقی ٪۱۹/۷ ؛ مواد غذائی ٪۱۵/۹ ؛ چوب و محصولات چوبی ٪۱۲/۷ ؛ منسوجات و لباس ٪۱۱/۵ ؛ به فنلاند ٪۱۸/۷؛ سوئد ٪۱۶/۷ ، روسیه ٪۱۳/۴، لاتویا ٪۹/۴؛ آلمان ٪۵/۵

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون کرون	-۱،۱۹۵	-۴،۵۵۷	-۸،۰۴۶	-۱۳،۸۶۱	-۲۰،۹۲۵	-۲۱،۸۱۲
درصد کل	٪۵/۳	٪۱۱/۹	٪۱۶	٪۱۲/۷	٪۲۰/۴	٪۱۹/۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۷/۷	۱۰۰	۱۲۳/۱	۱۳۶/۱	۱۴۷/۲	۱۵۲/۱
شاخص درآمد ماهانه	۷۱/۹	۱۰۰	۱۲۶/۷	۱۵۱/۶	۱۷۴	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۲/۳ نفر؛ میانگین درآمد هر خانوار: ۵۳،۰۴۹ کرون (۳،۷۶۹ دلار)؛ منابع درآمد:دستمزد و حقوق ٪۶۳/۸، نقل و انتقال ٪۲۴/۱، کار آزاد ٪۶/۲، دیگر موارد ٪۵/۹ ؛ هزینه‌ها: غذا و نوشیدنی ٪۳۵/۵ ، مسکن ٪۱۴/۶ ، حمل و نقل ٪۱۰/۷ ، پوشاک و کفش ٪۹

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۴۶۵ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۱۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۱۶،۴۳۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۱،۰۱۸ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۴۵۱،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۸۶،۹۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹۲): ۲۳۴ فروند — **فرودگاه:** ۱ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹۶): ۱۵ روزنامه در ۲۵۵،۰۰۰ نسخه (۱۷۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۵۱۷ عنوان در ۲،۳۲۳،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۲،۶۲۸ عنوان در ۶،۶۶۲،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ : ۲،۵۳۵ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۰۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۶۹۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۶۰۵،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۴۱۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۴۹۹،۰۰۰ خط تلفن (۳۴۴ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۴۷،۰۰۰ خط (۱۷۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۵۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۵۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۷۲۷	؟	۱۲۵،۷۱۸	؟
متوسطه	؟	۹،۲۹۹	۹۵،۳۴۲	۱۰/۳
فنی و حرفه‌ای	؟	۱،۷۳۹	۱۶،۸۷۰	۹/۴
عالی	۳۷	؟	۴۰،۶۲۱	؟

میزان باسوادی: افراد بالای ۱۵ سال: ٪۹۹/۷ ؛ مردان: ٪۹۹/۹، زنان: ٪۹۹/۶

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ابتدائی ٪۳۹؛ متوسطه ٪۴۵/۱؛ عالی ٪۱۳/۷ ؛ غیر رسمی ٪۲/۲

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۴،۴۷۱ نفر (هر ۳۲۴ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۱۰،۵۰۹ تخت (هر ۱۳۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر؛ (٪۰/۰۱ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ۵۱/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۸۴۹ کالری(٪۱۱۱ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۹۵ گرم؛ مصرف چربی: ۹۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪-۱

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۳۸/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۱۶/۴ میلیون تن؛ هر نفر ۱۱/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۰۱ (چهل و ششمین کشور جهان)

اسرائیل ISRAEL

لازم به توضیح نیست که رژیم نژادپرست و اشغالگر صهیونیستی که در حال حاضر سلطهٔ جابرانه خود را بر تمامی خاک فلسطین و همچنین بلندیهای جولان در سوریه گسترده است، از نظر مردم ایران محکوم و مطرود است و توضیحاتی که ذیلاً راجع به این کشور (به عنوان یک واقعیت موجود) آورده شده، صرفاً جهت آشنایی و شناساندن هرچه بهتر این «غدهٔ سرطانی» در منطقهٔ خاورمیانه است و به هیچ وجه دال بر شناسایی موجودیت آن نیست.

کشور اسرائیل در منطقهٔ خاورمیانه و شرق دریای مدیترانه واقع شده و از شمال به لبنان، شمال شرقی به سوریه، شرق به اردن و از جنوب به مصر محدود است. از کل سرزمین فلسطین با ۲۷,۰۰۰ کیلومترمربع وسعت، حدود ۲۰,۷۰۰ کیلومترمربع آن در سال ۱۹۴۸ توسط دولت اسرائیل اشغال شد و بقیهٔ آن نیز در سال ۱۹۶۷ به تصرف آن دولت درآمد. به علاوه بلندی‌های جولان در خاک سوریه به وسعت ۱۱۵۰ کیلومترمربع و بخش‌های کوچکی از جنوب لبنان نیز در تصرف این کشور قرار دارد. این سرزمین به چهار ناحیه متفاوت قابل تقسیم است: جلگه‌های ساحلی با آب و هوای مدیترانه‌ای که مرکز کشاورزی آن محسوب می‌شود؛ بخش مرکزی که تپه‌ماهور و کوهستانی است و از جلیله در شمال تا یهودیه امتداد دارد؛ اراضی پست نواحی شرقی که به رود اردن ختم می‌شود و به درهٔ رود اردن مشهور است و صحرای نقب که در جنوب واقع شده و حدود نیمی از مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. آب و هوا در کناره‌های ساحلی مدیترانه‌ای و در سایر نقاط گرم و خشک است. بلندترین نقطهٔ اسرائیل، جبل جرمق (کوه مرون) با ۱۲۰۸ متر ارتفاع در بخش شمالی این کشور قرار دارد. نهر اردن، مهمترین رود آن محسوب می‌شود که برخی از ریزابه‌های آن در خاک سوریه و لبنان تشکیل می‌شود. این رود پس از عبور از دریاچه طبریه (دریای جلیل) به بحرالمیت (دریای مرده) در مرز اسرائیل و اردن می‌ریزد. مهمترین ریزابه‌های نهر اردن در سرزمین فلسطین عبارتند از: نهر جابور، وادی بیره، وادی فارعه و وادی عوجه.



تولیدات صنعتی در این کشور رو به گسترش است و مسئلهٔ آب و منابع آن یکی از مهمترین مشکلات آن به شمار می‌رود. تنها حدود ۲۰۰۰ کیلومترمربع از خاک آن زیر کشت است و در طی سالیان اخیر کوشش شده تا در بخشهایی از صحرای نقب نیز با کویرزدایی، کشاورزی توسعه یابد. آلودگی محیط زیست که زاییدهٔ زندگی شهری و گسترش صنایع است، به علاوه استفاده از سموم دفع آفات نباتی در امور کشاورزی، نیز از مشکلات مبتلا به این کشور است.

تاریخچه

روند تشکیل دولت اسرائیل جدا از تاریخ و شکل گیری جنبش صهیونیزم نیست. از دیرباز که یهودیان در کشورهای مختلف جهان پراکنده بودند، همیشه تمایلی در آنان وجود داشته است که روزی بتوانند در یک سرزمین گرد آیند. این امر به ویژه در میان یهودیان اروپای شرقی که از آزار و اذیت گروه‌های ضد سامی رنج می‌بردند، پررنگ‌تر بوده است. یهودیان در مناطقی که با رفتارهای تبعیض‌آمیز مواجه بودند، همواره گروه متمایزی تشکیل می‌دادند که هدفشان حفظ منافع خویشتن بود. در قرون هجدهم و نوزدهم که ملت‌ها روش تساهل بیشتری را با یهودیان در پیش گرفتند، موجباتی فراهم شد که آنان نیز رفته‌رفته فرهنگ مللی را که در میان آنها می‌زیستند اتخاذ کنند. این امر سبب نگرانی برخی از رهبران یهود شد که اتخاذ فرهنگ‌های دیگر را مخالف آیین یهود می‌دانستند. طرز فکر غالب در اواخر قرن نوزدهم این بود که یهود ملتی در شرف تکوین است و نیازمند سرزمینی مختص به خود است، اما این سرزمین موعود ضرورتاً فلسطین نبود. با این حال یهودیان اروپای شرقی بر آرزوی دیرین خود برای بازگشت به سرزمین فلسطین پافشاری می‌کردند.

در حقیقت جنبش صهیونیزم که نام خود را از کلمهٔ صهیون (قسمتی از شهر بیت‌المقدس که در کتاب مقدس به عنوان شهرداود تعریف شده و در اصل این لفظ به قلعهٔ یبوسیان در تپهٔ جنوب شرقی بیت‌المقدس اطلاق می‌شده است) گرفته است، برای اولین بار در نخستین کنگره جهانی صهیونیزم (۱۸۹۷) در شهر بال، تشکیل یک سرزمین خاص برای یهودیان را به تصویب رساند، اما در این کنگره نیز بر سر محل تشکیل کشور مستقل یهودی اجماع حاصل نشد. در کنگرهٔ ۱۹۰۵، اکثریت نمایندگان بر تأسیس دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین تأکید کردند و پیشنهاد انگلستان را که حاضر شده بود اوگاندا را به آنان واگذار کند، نپذیرفتند. از این سال فعالیت‌های صهیونیست‌ها برای تشکیل دولت اسرائیل در خاک فلسطین تشدید شد و اقدامات گسترده و فراگیری در جهت نیل به این مقصود صورت گرفت. در این سالها امتیازاتی از سلاطین عثمانی که فلسطین در قلمرو حکومت آنان بود به دست آمد و با شروع جنگ جهانی اول با گرایش به انگلستان که در مقابل دولت عثمانی قرار داشت، زمینهٔ صدور اعلامیه بالفور را فراهم نمودند. در سال ۱۹۱۷ آرتور جیمز بالفور، وزیر خارجه وقت انگلستان با انتشار اعلامیه بالفور برای نخستین بار پشتیبانی رسمی بریتانیای کبیر را از تشکیل دولت اسرائیل در خاک فلسطین اعلام نمود.

با پایان یافتن جنگ جهانی اول و شکست امپراتوری عثمانی، قلمرو آن تجزیه شد و قیمومیت سرزمین فلسطین در سال ۱۹۲۳، ازسوی جامعهٔ ملل به انگلستان واگذار گردید. هدف عمدهٔ این کار در واقع اجرای مفاد اعلامیه بالفور بود، زیرا پیش از آن جامعهٔ ملل حق داشتن یک موطن و نه یک دولت برای یهودیان در سرزمین فلسطین را به رسمیت شناخته بود.

صهیونیست‌ها با نادیده گرفتن حقوق مردم فلسطین و به طور یک جانبه خود را محق دیدند که برای مقابله با برخی بدرفتاری‌های اروپاییان با آنان، به غصب سرزمین فلسطینیان بپردازند و حتی آنان را از خانه و کاشانهٔ خود آواره نمایند. در ابتدا به شیوه‌های قانونی به مهاجرت به خاک فلسطین پرداختند و به تدریج به خرید زمین‌های کشاورزی و دایری که عمدهٔ مالکان آنان در خارج از فلسطین به سر می‌بردند پرداختند و کشاورزانی را که روی این زمین‌ها کار می‌کردند، اخراج و به تدریج با جایگزینی شیوه‌های دیگر منجمله تهدید و ارعاب و در نهایت شیوه‌های تروریستی، اعراب فلسطینی را مجبور به مهاجرت و ترک دیار خود نمودند. تعداد یهودیان فلسطین در سال ۱۸۸۰ حدود ۲۴,۰۰۰ نفر بود که حدود ۵٪ کل جمعیت را تشکیل می‌داد. در سال ۱۹۱۴ این رقم به ۸۵,۰۰۰ نفر رسید، در حالی که تعداد ساکنین فلسطین ۷۵۰,۰۰۰ نفر بود و میزان یهودیان در جمعیت ۱/۵ میلیون نفره سال ۱۹۳۸ به ۳۰٪ رسید.

تعداد مهاجرین یهودی به فلسطین در سال‌های اول قیمومیت افزایش بسیار یافت و دیری نگذشت که بین انگلستان و صهیونیست‌ها بر سر تعبیر و تفسیر برخی از مواد اعلامیه بالفور اختلاف نظر پیش آمد و این امر سبب ایجاد اختلاف بین رهبران صهیونیست‌ها با انگلستان شد.

در سال ۱۹۳۱ دولت انگلستان با انتشار کتاب سفید اعلام نمود که قصد دارد دولت مستقل فلسطین را طی ۱۰ سال ایجاد نماید که شامل دو ملت یهود و فلسطینی خواهد بود. این طرح با مخالفت صهیونیست‌ها و همچنین فلسطینیان مواجه شد و عملاً راه به جایی نبرد. از سال ۱۹۳۹ با شروع جنگ جهانی دوم و تعقیب و شکنجه و کشتار یهودیان اروپا به وسیلهٔ هیتلر، هجوم سیل‌آسای مهاجرین یهودی از اروپا به فلسطین آغاز شد، که انگلستان از پیاده شدن آنان در بنادر فلسطینی جلوگیری کرد. این امر سبب شد تا صهیونیست‌ها با انجام اعمال خرابکارانه و تروریستی، دولت انگلستان را مجبور به پذیرش مهاجران مزبور نمایند. از سوی دیگر صهیونیست‌ها مرکز فعالیت سیاسی خود را به امریکا منتقل نمودند و تلاش بسیاری برای جلب



نام رسمی: دولت اسرائیل

نام محلی: یسرائیل(عبری) Yisra'el ؛ اسرائیل (عربی) Isrā'il

اسامی دیگر: رژیم اشغالگر قدس – رژیم صهیونیستی

پایتخت: تل‌آویو (۳٤۸،۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی : ۱۹٤۸/۵/۱٤

روز ملی: چهاردهم ماه مه

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٤۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: موشه کاتساو،ازسال ۲۰۰۰ (به مدت ۵ سال توسط کنست)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آریل شارون، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی مدون ندارد؛ کنست با ۱۲۰ نماینده به مدت ٤ سال که انتخاب رئیس جمهور برای یک دورهٔ پنج ساله نیز به عهدهٔ آن است. کرسیهای کنست (۱۹۹۹): ائتلاف انتخاباتی یک اسرائیل ۲٦ کرسی، حزب لیکود ۱۹ ، شاس ۱۷، مرتس ۱۰، اسرائیل برای مهاجرت ٦ ، شینوئی ٦، حزب مرکز ٦، حزب ملی مذهبی ۵ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹٤۹)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آی – آ د ب .

جمعیت

مساحت: ۲۰،۷۰۰ کیلومترمربع (صد و پنجاهمین کشور جهان)

جمعیت: ٦،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نودوهشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۹۹/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰–۱۹۹۵) :** ٪۲/۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۸/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۹۱٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰–۱۹۹۵) : ٪۱/٦

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۲۷/۹٪، ۲۹-۱۵ سال ۲۵/۱٪ ، ۵۹-۳۰ سال ۳۳/۹٪، بالای ٦۰ سال ۱۳/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/۷۲٪ ؛ زن ۵۰/۲۸٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۸۰/۵ سال؛ مردان ۷٦/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۹/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦/۲ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۸/۱ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۵): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۷۱/٦ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱٤۵/۲؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۲٦/۵ ؛ حوادث ۲٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۲/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ٦/۷ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۸):** ۱/٦ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): یهودی ۷۹/۲٪؛ عرب و دیگر نژادها ۲۰/۸٪

دین: یهودی ۷۹/۲٪ ؛ مسلمان (سنی) ۱٤/۹٪ ؛ مسیحی ۲/۱٪ ؛ دروزی ۱/٦٪ ؛ سایر ادیان ۲/۲٪ ؛ دین رسمی ندارد

زبان و خط: عبری؛ عربی (زبانهای رسمی)؛ خط: عبری و عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۸): قدس (اورشلیم) ٦۳۳،۷۰۰ نفر، حیفا ۲٦۵،۷۰۰، ریشون له صهیون (عیون قاره) ۱۸۸،۲۰۰، حولون ۱٦۳،۱۰۰، پتاه تیقوا (ملبس) ۱۵۹،٤۰۰ نفر

بنادر مهم: حیفا و تل‌آویو (در کنارهٔ شرقی دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: شکل جدید (NIS)= ۱۰۰ آگوروت؛ یک دلار = ٤/۰٦ شکل؛ یک شکل = ۱،۹۷۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۱۷۸/۰۲ میلیارد شکل؛ درآمد مالیاتی ۷٤/٤٪ (شامل: مالیات بر درآمد و مالیات بر دارائی ۳۵/۵٪ ، مالیات بر ارزش افزوده ۲٦/۳٪ ، مالیات فروش و مالیات سوخت ٤/۳٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۸/۷٪ ؛ کمک مالی ٦/۹٪

هزینه بودجه : ۱۷۸/۰۲ میلیارد شکل؛ هزینهٔ جاری ۹۰/۸٪ (شامل هزینه‌های انتقالی ۳۷/۱٪؛ بهرهٔ وام ۱۳/٤٪ ، دفاع ۱۱/٦٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۵/۲٪ ، پس‌انداز ٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۹٦،٤۸۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱٦،۱۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳/۸٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۵/۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹٤): کشاورزی ٤٪ ؛ صنعت ۳۸٪ ؛ خدمات ۵۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۸۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۸۳۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹٦): ۲٦ میلیارد دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱،۰٦۵/۹ + میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۹/۲٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۱٪ ؛ ۱۹۹۸: ۵/٤ ٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): گوجه فرنگی ٤٦۳،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۳۸۵،۰۰۰ تن؛ گریپ فروت ۳۳۵،۰۰۰، سیب‌زمینی ۳۳۳،۸۰۰، هندوانه ۳۳۳،٤۰۰، تخم پنبه ۱۳۳،۹۸۱ ، خیار ۱۱۵،٤۸۰ ، سیب ۱۰۲،۰۰۰، ذرت ۹۱،٤۰۰، گندم ۸۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین: ؟

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۳۰۰،۰۰۰ رأس، گوسفند ۳٤۰،۰۰۰، خوک ۱٦۳،۰۰۰، بز ۷۳،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۲٤،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲۳،۳۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۵،۳٤۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم‌مرغ(۱۹۹۹):** ۸٦،۸۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): فسفات ۲،٤۵۰،۰۰۰ تن؛ پتاس ۲،۵۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): سیمان ٦،۷۲۳،۰۰۰ تن؛ پلی اتیلن ۱٤٤،۱٤۷؛ اسید سولفوریک ۱۳۰،۰۰۰؛ کاغذ ۱۱٤،٤۰۳؛ مقوا ۱۱۳،۲۷۸؛ کلر ۳٤،٦۳۰ تن؛ شراب ۱۲،۷۳۳،۰۰۰ لیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۳۷،۹۳٤،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳۲،٦٤۹،۰۰۰)؛ زغال سنگ (۱۹۹٦): صفر (۷،۸۰۸،۰۰۰ تن)؛ نفت خام : ۲۹۰،۰۰۰ بشکه (۷۷،۰۰۰،۰۰۰) ؛ فرآورده‌های نفتی : ۹،۹٦۳،۰۰۰ تن (۹،۵۷۹،۰۰۰)؛ گاز طبیعی : ۱۳،۱٤۳،۰۰۰ مترمکعب (۱۳،۱٤۳،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۲،۲۷۱،٦۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۳۹/٦٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (۱۵ سال به بالا): ۵۳/٦٪؛ زنان (۱۵ سال به بالا): ٤٦/۳٪ ؛ میزان بیکاری : ۸/۹٪ (۱۹۹۹)

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۲/٤٪ ؛ صنعت ۱۹/۵؛ خدمات ۷۸/۱٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام وظیفه فقط خاص یهودیان و دروزیها و مدت آن ۳ سال است؛ نفرات ارتش ۱۹۹۸: ۱۷۳،۵۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۵٪ ؛ نیروی هوائی ۲۱/۳٪؛ نیروی دریائی ۳/۷٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱،٦۹۸ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۲۷/٤۷ میلیارد دلار؛ شامل: کالاهای سرمایه‌ای ۱٦/۸٪ ؛ کالاهای مصرفی ۱٤/۳٪؛ الماس ۱٤/۲٪؛ سوخت و گریس ٦/۷٪ ؛ از امریکا ۱۹/۹٪ ؛ بلژیک ۱۰/۵٪ ؛ آلمان ۹٪ ؛ انگلستان ۷/٦٪ ؛ ایتالیا ٦/۸٪

صادرات(۱۹۹۸): ۲۳/۳ میلیارد دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۱٪ ؛ الماس ۲۵/۳٪ ؛ مواد شیمیائی ۱۲/۲٪ ؛ لباسهای فاخر ٤/٤٪ ؛ لاستیک و پلاستیک ۳/۹٪ ؛ غذا، نوشیدنی و دخانیات ۲/۳٪ ؛ به امریکا ۳۵/٤٪ ؛ انگلستان ۵/۷٪ ؛ آلمان ٤/۸٪ ؛ بلژیک ٤/۷٪ ؛ هنگ کنگ؛ ۳/٤٪ ؛ ژاپن ۳/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۷،۷۹۸	-۸،۳۵۳	-۱۰،۵۳۳	-۱۱،۰۷۵	-۸،۱۹۱	-٦،۰۵٦	-۷،۳٦٦
درصد کل	٪۲۰/۸	٪۱۹/۸	٪۲۱/۷	٪۲۱/۲	٪۱۵/٤	٪۱۱/۵	٪۱۲/۵

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۰/۹	۹۰/۹	۱۰۰	۱۱۱/۳	۱۲۱/۳	۱۲۷/۹	۱۳٤/۵
شاخص درآمد روزانه	۷۸/۸	۸۷/۱	۱۰۰	۱۱۳/۹	۱۳۰/۸	۱٤۳/۹	۱۵۵/٤

ویژگیهای خانوار(۱۹۹۸) : میانگین اندازهٔ خانوار: ۳/٦ نفر؛ درآمد ماهانه هر خانوار: ٦،۱۲۵ شکل؛ منابع درآمد (۱۹۹۳): دستمزد و حقوق ٦۳/٤٪ ؛ سهمیه و کمک ۱۸/۹٪ ؛ کار آزاد ۱٤/٦٪ ؛ دیگر موارد ۳/۱٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۸): مسکن ۲۳/۷٪؛ غذا و نوشیدنی و دخانیات ۲۱/۱٪؛ کالاهای بادوام خانگی ۸/۲٪ ؛ پوشاک، کفش و لوازم شخصی ٤/۵٪ ؛ سوخت ٤/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲،٦۵۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲،۳۷٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۱۵،٤٦٤ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ٦۱۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۱،۲۷۳،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۲۹٤،۱۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ۵۸ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۷ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۸): ۳٤ روزنامه در ۱،٦۵۰،۰۰۰ نسخه (۲۹۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۲،۳۱۰ عنوان در ۹،۳٦۸،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ٤،۰۵۵/٤ نسخه؛ فقط بخش خصوصی)

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۰۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۵۲٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۹۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۱۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲،۸۱۹،۰۰۰ خط تلفن (٤۷۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲،۱٤۷،۰۰۰ خط (۳۵۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۳۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٤۵۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۱،٦۵۱	۵۷،۷۳۸	۵۳۲،۰۷۰	۹/۲
متوسطه	٦۵۳	٦۲،۰۵٤	٤۱٤،٤۰۵	٦/۷
فنی و حرفه‌ای	۳۳۸	۱۷،۱٤۱	۱۰٦،۳۹۳	؟
عالی	۷	۹،۵٤٦	۱۸۱،۰۳۸	۱۹

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۵/٦٪؛ مردان: ۹۷/۷٪ ؛ زنان: ۹۳/٦٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ۲۲/۵٪ ؛ متوسطه ۳۹/٦٪ ؛ عالی ۳۱/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۲۱،۱۰۰ نفر (هر ۲٦۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۳٦،٤۰۰ تخت(هر ۱۵٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۰۷٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۳،٤٦٦ کالری (۱۳۵٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۱۰۵ گرم؛ مصرف چربی: ۱۱۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤۹/۵ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۵۲/٤ میلیون تن، هر نفر ۹/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۸۳ (بیست و سومین کشور جهان)

نظر دولت امریکا به عمل آوردند. در سال ۱۹۴۲ کنفرانس نیویورک، برنامهٔ بیلتمور را تصویب نمود که طی آن صهیونیست‌ها خواستار لغو برنامه‌های کتاب سفید سال ۱۹۳۹ انگلستان شدند و پیشنهاد می‌کردند که کشور مشترک‌المنافع یهود در فلسطین تأسیس شود.

بر اثر فشار صهیونیست‌ها، ترومن رئیس جمهور وقت امریکا در سپتامبر ۱۹۴۵ از دولت بریتانیا تقاضا کرد که حدود ۱۰۰,۰۰۰ پناهندهٔ یهودی اروپایی را در فلسطین بپذیرد و هر دو کشور پذیرفتند که تجزیهٔ فلسطین در صورتی عملی شود که هر دو طرف یهودی و فلسطینی به آن رضایت دهند. نقشهٔ تأسیس یک دولت فدرال، معروف به طرح موریسون، نیز مورد قبول امریکا قرار نگرفت و تقسیم فلسطین و مناطق یهودی و عربی هم مورد توافق هیچ یک از طرفین واقع نشد.

با پیچیده‌تر شدن اوضاع فلسطین، دولت بریتانیا حل مسئلهٔ فلسطین را به سازمان ملل واگذار کرد و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز کمیتهٔ خاصی را مأمور حل مسئلهٔ فلسطین نمود. با عدم کارایی این کمیته، دولت بریتانیا در سپتامبر ۱۹۴۷ به کمیتهٔ مزبور اطلاع داد که اگر مسئلهٔ فلسطین لاینحل باقی بماند، این کشور با فراخوان نیروهای خود از فلسطین به حکومت خود در آن پایان خواهد داد. از دیگر سو، اتحاد جماهیر شوروی که باقی ماندن نیروهای انگلیسی را به زیان خود می‌دانست، در یکی از توافقات نادر خود با ایالات متحده امریکا طرحی را ارائه کرد که صورت دیگری از تجزیهٔ فلسطین بود و از شورای امنیت سازمان ملل می‌خواست که آن را به مرحلهٔ اجرا بگذارد. بر طبق این طرح قیمومت انگلستان بر فلسطین حداکثر می‌بایست تا اول اوت ۱۹۴۸ پایان پذیرد. این قطعنامه همچنین فلسطین را به دو دولت عرب و یهود تقسیم می‌کردو ناحیه بیت‌المقدس را تحت نظارت بین‌المللی درمی‌آورد. به علاوه قرار شد کمیسیونی از طرف سازمان ملل متحد مرکب از ۵ عضو بر تشکیل دولت‌های عرب و صهیونیست که قرار بود هر دوی آنها در اول اکتبر ۱۹۴۸ تشکیل شود، نظارت کند. با مخالفت‌های گسترده‌ای که از سوی اعراب به عمل آمد، این طرح نیز عملاً با شکست روبرو شد و در پی آن آشوب و اغتشاش سراسر فلسطین را در بر گرفت. دولت انگلستان نیز متعاقباً اعلام نمود که در ۱۵ ماه مه به حکومت قیمومی خود بر فلسطین پایان خواهد داد.

گروه‌های صهیونیستی که با قاچاق گستردهٔ اسلحه و مهمات روسی از چکسلواکی به داخل فلسطین و همچنین حمله به مراکز نظامی انگلستان، ازتوان نظامی بسیار بالایی برخوردار شده بودند، عملیات تروریستی گسترده‌ای را آغاز نمودند. در نهم آوریل ۱۹۴۸ یک سازمان تروریستی صهیونیستی به نام ایرگون که تحت رهبری مناخیم بگین عمل می‌کرد، دست به قتل عام کامل اهالی روستای دیریاسین زد. در این کشتار وحشیانه تمامی ۲۵۰ سکنهٔ این روستا قتل عام شدند. این قتل عام موجب ترس و وحشت شدید فلسطینیان شد و آنان که برخلاف صهیونیست‌ها از سازماندهی و رهبری متمرکزی برخوردار نبودند، در مقابل موج حملات گروه‌های صهیونیستی مجبور به ترک خانه و کاشانهٔ خود شده و صهیونیست‌ها را در پاکسازی قومی مناطق تحت نفوذ خویش آزاد گذاردند.

در روز چهاردهم ماه مه ۱۹۴۸ کمیسر عالی انگلستان از فلسطین خارج شد و بلافاصله در همان روز دیوید بن گوریون، از رهبران اصلی صهیونیست‌ها، ایجاد دولت اسرائیل را اعلام نمود. پس از خروج نیروهای انگلیسی از فلسطین قوای نظامی مصر، اردن، عراق، سوریه، لبنان و عربستان سعودی به دفاع از فلسطینیان وارد این سرزمین شدند، اما نتوانستند به مقابلهٔ جدی با صهیونیست‌ها بپردازند و تنها قسمت‌هایی را که خارج از نفوذ صهیونیست‌ها بود، به تصرف خود درآورند. با اجرای آتش‌بس ژانویه ۱۹۴۹، جنگ خاتمه یافت و این در حالی بود که صهیونیست‌ها ۴۰٪ بیش از آنچه قطعنامهٔ سازمان ملل متحد در نظر گرفته بود، به دست آورده بودند. در این دوره گرایش‌های سوسیالیستی غیر مارکسیستی در جریانات فعال صهیونیستی وجه غالب بود و با همین دیدگاه به ایجاد مزارع اشتراکی گسترده‌ای به نام کیبوتص پرداخته بودند.

با پایان گرفتن موقت جنگ، اسرائیل ۷۸٪ خاک فلسطین را در اختیار داشت و کرانهٔ غربی ضمیمهٔ اردن و نوار غزه ضمیمهٔ مصر شد. بیش از ۷۵۰,۰۰۰ فلسطینی آواره به چادرهای پناهندگان در غزه، لبنان، اردن و سوریه منتقل شدند. اسرائیل دول عرب همسایه خود را مسئول قتل‌ها، هجوم‌ها و خرابکاریها می‌دانست و نیروی نظامی خود را عامل ایجاد احترام و امنیت برای کشور خود به حساب می‌آورد. در همین حال سیل مهاجرت یهودیان به مناطق تحت اشغال در سال ۱۹۵۱ به اوج خود رسید و جمعیت آنان را از ۶۱۵,۰۰۰ نفر در سال ۱۹۴۷ به ۱,۳۳۷,۰۰۰ نفر در این سال رساند.

در سال ۱۹۵۶ که دولت جمال عبدالناصر کانال سوئز را ملی کرد و خلیج عقبه را به روی کشتی‌های اسرائیلی بست، نیروهای ارتش اسرائیل با پشتیبانی فرانسه و انگلستان به مصر حمله بردند و تمام صحرای سینا را به اشغال خود درآوردند که در پی فشار سازمان ملل متحد و امریکا و به ویژه تهدیدات شوروی، مجبور به ترک نواحی تصرفی شدند.

سومین جنگ بزرگ اعراب و اسرائیل که به جنگ ۶ روزه موسوم است در روز پنجم ماه ژوئن ۱۹۶۷ آغاز شد. در این روز هواپیماهای اسرائیلی با عبور از مرز کشورهای عربی در عرض مدت ۲ ساعت نیروی هوایی کشورهای مصر و سوریه را از کار انداختند و تمامی خاک فلسطین به انضمام صحرای سینا در خاک مصر و بلندی‌های جولان در سوریه را به اشغال خود درآوردند. این تهاجم گسترده به انزوای هرچه بیشتر این رژیم منجر شد و نیات تجاوزگرانهٔ آن را بیش از پیش آشکار ساخت. قطعنامهٔ ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل که در ۲۲ نوامبر آن سال به تصویب رسید، از اسرائیل می‌خواست که از مناطق اشغالی عقب‌نشینی کند، اما اسرائیل با این بهانه که برای مقابله با تهدیدهای اعراب نیاز به مناطق و مرزهای امن دارد، از اجرای آن سرباز زد. با تثبیت برتری نظامی اسرائیل، اعراب تن به ترک مخاصمه و متارکه دادند. اسرائیل نیز به تحکیم مواضع خود در نوار مرزی جدید پرداخت و بخصوص استحکامات نظامی متعددی در غرب صحرای سینا و همچنین بلندی‌های جولان ایجاد نمود.

در اکتبر سال ۱۹۷۳، ارتش مصر با عبور از دیوار دفاعی بارلو که تبلیغات زیادی روی آن صورت گرفته بود، وارد صحرای سینا شد و با پشتیبانی نیروی هوایی تمام صحرای سینا را از اسرائیل پس گرفت و سوریه نیز در جبههٔ شمالی به بلندی‌های جولان یورش برد. در طی این جنگ که به جنگ رمضان و یوم کیپور معروف شد، افسانهٔ شکست ناپذیری ارتش اسرائیل از میان رفت، ولی با کمک‌های گسترده و سریع امریکا، اسرائیل موفق شد که مواضع آزاد شده را مجدداً اشغال نماید. با پایان این جنگ، گرایش مصر به غرب آغاز شد که در نهایت به امضای معاهدهٔ کمپ‌دیوید میان انورسادات رئیس جمهوری مصر و مناخیم بگین نخست‌وزیر اسرائیل با نظارت جیمی کارتر، رئیس جمهور امریکا، درسال ۱۹۷۸ ختم شد. بر طبق مفاد این معاهده اسرائیل متعهد شد که صحرای سینا را تخلیه نماید و همچنین طی ۵ سال به فلسطینیان مناطق اشغالی خودمختاری بدهد.

در سال ۱۹۷۷ برای اولین بار در تاریخ اسرائیل حزب کارگر اکثریت پارلمانی خود را از دست داد و بلوک لیکود با کمک احزاب کوچکتر توانست دولت ائتلافی خود را با نخست‌وزیری مناخیم بگین تشکیل دهد. این شرایط تا حدود زیادی ناشی از تضادهای درون اسرائیل به ویژه بین اشکنازی‌های اروپایی و سفارادی‌های شرقی بود. در این سال‌ها با اوج گیری عملیات ضد فلسطینی و نقض گسترده حقوق مردم سرزمین‌های تحت اشغال، مسئلهٔ فلسطین در صدر توجهات بین‌المللی قرار گرفت و دولت اسرائیل که روزی با توجه به نسل‌کشی یهودیان در اروپا مشروعیتی را برای خود کسب کرده بود، همان شیوهٔ رفتار نازی‌ها را با فلسطینیان به کار برد. به این ترتیب زمانی که در سال ۱۹۸۰، شهر قدس به عنوان پایتخت اسرائیل اعلام شد، حتی کشورهای بزرگ حامی اسرائیل مانند امریکا نیز به مخالفت با این تصمیم برخاستند.

در ژوئن ۱۹۸۲، اسرائیل به بهانهٔ جلوگیری از نفوذ چریک‌های فلسطینی از داخل خاک لبنان لشکرکشی بی‌سابقه‌ای را به این سرزمین آغاز نمود و تا بیروت پیشروی نمود. این عملیات که با عنوان صلح برای جلیله صورت گرفت و قصدش این بود که سازمان آزادیبخش فلسطین را که تنها نمایندهٔ قانونی مردم فلسطین بود ازمیان بردارد با مقاومت سرسختانهٔ فلسطینیان و نیروهای مترقی لبنان مواجه گشت. در پی محاصرهٔ ۷۹ روزهٔ شهر بیروت و مذاکرات طولانی امریکا و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، فلسطینیان پذیرفتند که با تضمین امنیت پناهندگان توسط نیروهای امریکا، فرانسه و ایتالیا، چریک‌های این سازمان از لبنان خارج شوند. اما نیروهای ناظر مدت زیادی در بیروت نماندند و با خروج آنان گروههای لبنانی تحت حمایت اسرائیل به کشتار وحشیانه‌ای در اردوگاههای صبرا و شتیلا دست زدند، که در طی آن حدود ۴,۰۰۰ آوارهٔ فلسطینی به قتل رسیدند. حمله به لبنان اختلافات درونی اسرائیل را فعال‌تر کرد و جنبش صلح با برپایی یک تظاهرات ۴۰,۰۰۰ نفره به اقدامات ارتش اسرائیل در خاک لبنان اعتراض کرد و خواستار تشکیل کمیسیونی برای بررسی نقش ارتش اسرائیل و به ویژه وزیر جنگ آن یعنی آریل شارون شد.

در دسامبر سال ۱۹۸۷ تعدادی از جوانان فلسطینی به دست ارتش اسرائیل کشته شدند که تشییع جنازهٔ آنان در نوار غزه به اعتراضات گسترده‌ای تبدیل شد. در پی آن این اعتراضات به سایر مناطق اشغالی سال ۱۹۶۷ نیز کشیده شد و دولت اسرائیل با موج فزاینده‌ای از اعتراضات و قیام‌های مردمی مواجه شد که تنها سلاحشان سنگ بود و به همین جهت این خیزش‌ها به انقلاب سنگ یا انتفاضه موسوم شد. رودررویی خشن نیروهای اسرائیلی با این اعتراضات سبب می‌شد که فلسطینیان از مشروعیت بیشتری در افکار عمومی مردم جهان برخوردار شوند و به عکس، اسرائیل روزبه‌روز منزوی‌تر می‌شد.

دولت اردن در ژوئیه ۱۹۸۸، کلیهٔ روابط خود با کرانهٔ باختری را به حالت تعلیق درآورد و ادارهٔ امور آن را به ساف واگذار نمود. در سال ۱۹۸۹ شورای ملی فلسطین با به رسمیت شناختن قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸، در حقیقت موجودیت دو کشور یهودی و فلسطینی را به رسمیت شناخت و به این ترتیب راه برای گفتگو میان دولت امریکا و فلسطینیان گشوده شد.

در ۳۰ اکتبر سال ۱۹۹۱ کنفرانس صلح خاورمیانه به رهبری امریکا و شوروی در مادرید برگزار شد. نمایندگان اردن، لبنان، سوریه و اسرائیل در کنفرانس حاضر شدند و از آنجایی که دولت اسرائیل از شناسایی رسمی ساف خودداری می‌کرد، کشور اردن نمایندگی فلسطین را نیز به عهده داشت. این کنفرانس با استقبال گسترده‌ای در داخل اسرائیل مواجه شد و جنبش‌های طرفدار صلح تظاهرات بزرگی را در حمایت از تداوم گفتگوها برگزار کردند. با بروز اختلاف شدید در دولت ائتلافی لیکود به رهبری اسحاق شامیر، انتخابات زودرس ۲۳ دسامبر ۱۹۹۲ به پیروزی بزرگ حزب کارگر به رهبری اسحاق رابین منجر شد. در دسامبر ۱۹۹۳ بعد از ماهها مذاکرات مخفی و فشرده میان اسرائیل و ساف در اسلو، توافقنامه‌ای در واشینگتون به امضای طرفین رسید که طبق آن اسرائیل می‌پذیرفت که طی یک دورهٔ ۵ ساله، ادارهٔ سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ را به فلسطینیان واگذار نماید و نیروهای نظامی خود را از کرانهٔ غربی و نوار غزه خارج سازد. توافق اسرائیل و ساف علیرغم مقبولیت و حمایت جهانی، از سوی برخی گروههای فلسطینی و همچنین صهیونیست‌های تندرو و به خصوص

شهرک‌نشینان صهیونیست مستقر در کرانهٔ غربی مورد مخالفت قرار گرفت، زیرا برخی از گروه‌های فلسطینی حاضر به شناسایی دولت اسرائیل نبودند و از ایدهٔ تشکیل دولت فلسطین در تمام خاک فلسطین حمایت می‌کردند. از طرف دیگر صهیونیست‌های افراطی، تشکیل دولت مستقل فلسطین را اولین گام در جهت توسعهٔ این دولت به سراسر خاک فلسطین می‌دانستند.

با عقب‌نشینی اسرائیل از نوار غزه و اریحا در کرانهٔ باختری، یاسر عرفات رهبر ساف و رئیس دولت خودگردان در ژوئیه ۱۹۹۴ وارد نوار غزه شد و حکومت ۲۷ سالهٔ اسرائیل بر نوار غزه و بخش‌هایی از کرانهٔ غربی پایان یافت. کمی پس از آن دولت اردن با امضای قراردادی به حالت جنگ با اسرائیل پایان داد. در پی آن کشورهای مغرب و تونس نیز به عادی‌سازی روابط با اسرائیل پرداختند و شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز به لغو تحریم‌های تجاری مبادرت کردند.

در سال ۱۹۹۵، جامعهٔ اسرائیل شدیداً دو قطبی شد و در مقابل بخش‌هایی از مردم اسرائیل که طرفدار صلح کامل و تشکیل دولت مستقل فلسطین بودند، گروه‌های راستگرای افراطی شدیداً با هرگونه سیاست صلح‌آمیز دولت اسرائیل مخالفت می‌کردند. با شدت گرفتن دامنهٔ این مخالفت‌ها، اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل، در ۴ نوامبر ۱۹۹۵ توسط یکی از راستگرایان افراطی هدف قرار گرفت و کشته شد. علیرغم ترور وی، شیمون پرز، جانشین اسحاق رابین، عملیات عقب‌نشینی از شهرهای فلسطینی را ادامه داد.

سال ۱۹۹۶ شاهد اوجگیری حمایت از جناح محافظه‌کار بود و بنیامین نتانیاهو، از حزب لیکود برندهٔ انتخابات ماه مه شد. نتانیاهو گفتگوهای صلح با فلسطینیان را معوق گذارد و این امر به افزایش تنش بیشتر منجر شد و منطقه را تا آستانهٔ یک جنگ دیگر نزدیک کرد. در ماه مارس ۱۹۹۷، دولت اسرائیل طرح ایجاد یک تونل در زیر مسجدالاقصی (قبلهٔ اول مسلمانان و سومین مکان مذهبی مسلمانان بعد از مکه و مدینه) را اعلام نمود که منجر به اعتراضات گسترده فلسطینیان شد که در طی آن ده‌ها نفر از فلسطینیان و تعدادی از سربازان اسرائیلی کشته شدند. تصمیم نتانیاهو به ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانهٔ باختری با مخالفت شدید دولت خودگردان فلسطین و همچنین دولت امریکا مواجه شد.

در سال ۱۹۹۸، رژیم اسرائیل اتحاد نظامی خود را با ترکیه محکم‌تر کرد و دولت لبنان طرح نتانیاهو برای گفتگوهای صلح را نپذیرفت و در عوض خواستار عقب‌نشینی کامل و بدون قید و شرط اسرائیل از جنوب لبنان شد. روند صلح در ماه ژوئن به ضعیف‌ترین نقطهٔ خود رسید، زیرا دولت تصمیم گرفته بود که شهرک‌نشینان ساکن کرانهٔ باختری را به طور کامل مسلح کند. بالاخره در پی فشارهای بین‌المللی نتانیاهو با کلینتون، رئیس جمهور وقت امریکا و یاسر عرفات در وای‌ریور، امریکا، دیدار کرد و اجرای بخش‌هایی از تعهدات دولت‌های قبلی را پذیرفت. این روند به تضعیف موقعیت نتانیاهو در میان حزب لیکود و در پی آن کاهش طرفداران حزب لیکود منجر شد. در انتخابات سال ۱۹۹۹، ایهودباراک از حزب کارگر با اکثریت شکننده‌ای به پیروزی دست یافت و با تشکیل یک دولت ائتلافی پر قدرت کار خود را آغاز نمود. در ماه نوامبر دولت اسرائیل پس از پنجاه سال برای اولین‌بار حالت فوق‌العاده را که از زمان اعلام استقلال در سال ۱۹۴۸ برقرار شده بود، لغو کرد. اگرچه این کشور در عین حال رکورد دار طولانی‌ترین وضعیت فوق‌العاده در جهان شد.

در ماه مه ۲۰۰۰ نیروهای اسرائیل از جنوب لبنان عقب‌نشینی کردند و بخش‌های کوچکی از مزارع شبعا در کنترل اسرائیل باقی ماند. در اواخر سپتامبر، به دنبال دیدار آریل شارون از مسجدالاقصی، موج گسترده‌ای از اعتراضات مردمی سراسر فلسطین را در بر گرفت و خشونت‌های بسیاری را از سوی سربازان ارتش اسرائیل موجب شد که طی آن ده‌ها نفر از جوانان فلسطینی کشته شدند و این واقعه آغازگر موج دوم انتفاضه، موسوم به انتفاضه مسجدالاقصی بود. در پی این حوادث موج خشونت‌های جدید سراسر خاک اسرائیل و نواحی تحت اشغال پس از سال ۱۹۶۷ را در بر گرفت و با گسترش و ازدیاد حملات انتحاری فلسطینیان بر علیه اسرائیل، ارتش این کشور و نیروهای امنیتی آن نیز به دامنهٔ سرکوب خود افزودند.

در میانهٔ این کشاکش‌ها، محبوبیت آریل شارون در میان مردم اسرائیل به سرعت افزایش یافت و در انتخابات سال ۲۰۰۱، وی با کسب ۶۲/۴٪ آراء، ایهود باراک (۳۷/۶٪) از حزب کارگر را شکست داد. در فضای ایجاد شده پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر، نیروهای اسرائیلی به عملیات سرکوبگرانه وسعت بیشتری دادند و این امر در مقابل، منجر به افزایش عملیات انتحاری فلسطینیان شد، که از یک عدم برابری فاحش در مقابل نیروهای اسرائیل رنج می‌بردند. به تدریج ارتش اسرائیل به اشغال مجدد شهرها و نواحی ای که ادارهٔ آنها به دولت خودمختار فلسطین واگذار شده بود، پرداخت و در طی تهاجمات خود بیشتر ساختمان‌ها و مراکز دولت خودمختار فلسطین را به طورکامل نابود کرد و مقر دولت خودگردان و رئیس آن یاسرعرفات را تحت محاصرهٔ کامل درآورد. دولت اسرائیل مانند همیشه با بی‌توجهی کامل به افکار عمومی جهان و رد تمامی مصوبات نهادهای مختلف سازمان ملل متحد و حتی دولت امریکا که پشتیبان اصلی آن محسوب می‌شود، تنها با استفاده از نیروهای نظامی و امنیتی خود، به درخواست‌های استقلال‌طلبانهٔ مردم فلسطین پاسخ داده است.

اسلوواکی SLOVAKIA

اسلوواکی کشوری است، در اروپای مرکزی که از شمال به کشورهای چک و لهستان، از خاور به اوکراین، از جنوب به مجارستان و از غرب به اتریش محدود است. کشوری است کوهستانی که عمدتاً از کوههای بسکیدز و تاترا (کوههای کارپات) به بلندی حداکثر ۲ ۶۵۴ متر (کوه گرلاخوفکا) که سراسر از جنگل مستور هستند، پوشیده شده. بخش جنوبی آن که جزئی از جلگه بزرگ مجارستان است، حاصلخیز است و کشتزارهای وسیع آن به وسیلهٔ رود دانوب و ریزابه‌های آن مانند واه، هرون و اونداوا سیراب می‌گردد. آب و هوای آن قاره‌ای است و زمستان‌های سرد و برفگیر و تابستان‌های گرم و معتدل از مشخصات آن است.

کانه‌هایی چون آهن، مس، جیوه، طلا، نقره، سرب، لیگنیت و همچنین نفت و گاز طبیعی از منابع عمدهٔ زیرزمینی آن است. گردشگاهها و چشمه‌های آب گرم معدنی آن معروف است. تاکستانها و باغهای میوه و پرورش دام از منابع کشاورزی و درآمد آن است.



تاریخچه

اسلوواک‌ها که تیره‌ای از قوم اسلاو هستند، بین سده‌های ششم و هفتم میلادی از منطقه‌ای واقع در درّهٔ ویستول به این سرزمین مهاجرت کردند و در آنجا ساکن شدند. در سدهٔ نهم میلادی اسلوواکی ضمیمهٔ امپراتوری موراوی گردید و با ارشاد قدیس سیریل به مسیحیت گروید. از آغاز سدهٔ دهم تا سال ۱۹۱۸ در تصرف مجارستان بود و اکثر سکنهٔ آن را یهودیان و آلمانی‌ها تشکیل می‌دادند. در جنگ جهانی اول دو ملت اسلوواک و چک باهم متحد شدند و در سال ۱۹۱۸ کشور چکسلوواکی را تشکیل دادند. حدود یک میلیون مجاری که در پی پیمان سال ۱۹۲۰ در اسلوواکی باقیمانده بودند، اشکالات اجتماعی فراوانی را به وجود آوردند که تا این تاریخ همچنان ادامه دارد. اسلوواکی در سال ۱۹۳۸ به خودمختاری دست یافت و قسمتی از اراضی خود را به مجارستان واگذار کرد. در اثر منازعات شدید قومی و مختل شدن امور، ادوارد بنش که از سال ۱۹۳۵ ریاست جمهوری را به عهده داشت مجبور به استعفاء و ترک کشور شد. با تصرف بوهم و موراوی به توسط آلمان در مارس ۱۹۳۹، اسلوواکی به دست‌نشاندهٔ آلمان نازی مبدل گردید و در جنگ جهانی دوم جانب آلمان‌ها را گرفت و در سال ۱۹۴۴ توسط ارتش سرخ اشغال شد. پس از پایان جنگ دوباره به یکی از دو قسمت اصلی تشکیل‌دهندهٔ کشور چکسلوواکی تبدیل گردید. شوروی‌ها در سال ۱۹۴۸ دولتی کمونیست در چکسلوواکی روی کار آوردند و ادوارد بنش از تبعید بازگشت ودوباره مصدر امور گردید. قانون اساسی سال ۱۹۶۰ خودمختاری اسلوواکی را سخت محدود کرد و دولت آن را نیز منحل نمود. با فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ دامنهٔ اختلاف میان چک‌ها و اسلوواک‌ها وسعت یافت وکشور چکسلوواکی به دو کشور کوچک اسلوواکی و چک تقسیم گردید و در ۱۵ فوریهٔ ۱۹۹۳ میخال کواچ به ریاست جمهوری اسلوواکی انتخاب شد. جدا شدن اسلوواکی از چک



نام رسمی: جمهوری اسلوواکی

نام محلی: اسلوونسکو Slovensko

اسامی دیگر: -

پایتخت: براتیسلاوا (۴۵۱،۳۹۵ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۳/۱/۱، از چکسلوواکی

روز ملی: اول ژانویه (روز استقلال)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۳

رئیس حکومت: رئیس جمهور: رودولف شوستر، از سال ۱۹۹۹ (به مدت ۵ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: میکولاش دزوریندا، از سال ۱۹۹۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳، آخرین تغییرات ۱۹۹۹؛ مجلس شورای ملی با ۱۵۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسیهای مجلس شورای ملی ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): جنبش برای اسلوواکی دموکرات ٤۳ (۳٦) کرسی، ائتلاف دموکراتیک اسلوواکی ٤۲ (۵۸) کرسی، حزب دموکراتیک چپ ۲۳ (-) کرسی، حزب ائتلاف مجارها ۱۵ (۲۰) کرسی، حزب ملی ۱٤ (-) کرسی، حزب قرارداد شهروندان ۱۳ (-) کرسی، حزب راه سوم (۲۵) کرسی، حزب کمونیست (۱۱) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۳)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، اوسه ، سفتا

جمعیت

مساحت: ٤۹،۰۳٦ کیلومترمربع (صدوبیست و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۵،٤۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوسومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۱۰/۱ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۰/۱

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۵/٤ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪٦۰/۲ ؛ رشد سالانه: (۲۰۰۰-۱۹۹۵) ٪۱/۲

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۲۰/۱ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲٤/۸ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۳۹/۷ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۱۵/٤

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۸/٦۲ ؛ زن ٪۵۱/۳۸ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۷/٦ سال؛ مردان ٦۹/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۰/٤ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۷ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۸/۳ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۰/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ۵۲۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۰۹؛ بیماریهای دستگاه تنفس ۷۱، بیماریهای دستگاه گوارش ٤۱ نفر (۱۹۹۷)

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۳ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۹ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۵/۱ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۱/۸ مورد

نژاد/ ملیت(۱۹۹۸): اسلوواک٪۸۵/۷ ؛ مجار٪۱۰/٦؛ کولی٪۱/٦؛ چک ٪۱/۱ ؛ روتنیایی ٪۰/۳ ؛ اوکراینی ٪۰/۳؛ آلمانی ٪۰/۱

دین(۱۹۹۱): کاتولیک ٪٦۰/۳؛ بدون دین ٪۹/۷ ؛ پروتستان ٪۷/۹ ، کاتولیک یونانی ٪۳/٤ ، ارتدوکس شرقی ٪۰/۷

زبان و خط: اسلوواکیایی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٦): کوشیتسه (۲٤۲،۱۷۰ نفر)؛ پرشوف (۹۳،٤٦۱ نفر)

بنادر مهم: به دریای آزاد دسترسی ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کرون (Sk) = ۱۰۰ هالر؛ یک دلار= ۵۰/۵۸ کرون؛ یک کرون= ۱۵۸/۲ ریال

درآمد بودجه: ۳۰٤/۱ میلیارد کرون؛ درآمد مالیاتی ٪۸۷/۵ (حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ٪۳۳، مالیات بر ارزش افزوده ٪۱۸/۲ ؛ مالیات بر درآمد ٪۱٤)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۱۲/۵

هزینه بودجه : ۳٤۰/۲ میلیارد کرون؛ هزینه‌های جاری ٪۳٤/۱ (تأمین اجتماعی ٪۳۱/٦ ، دستمزدها ٪۱٦/٦ ، بهداشت ٪۱۳/۱ ، بهره و قسط وامها ٪۵/۱)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۱۳/۹

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۹،۹٤۱ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،۷۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٪۰/۱

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٤/٤؛ صنعت ٪۳۱/٦ ؛ خدمات ٪٦٤

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه: ۹۲-۱۹۸۷): ۹۱ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸) : ٤٦٦ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ٤،٦۵۸ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۵٤/۵ + میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲۸/۲

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱۱/٤ ؛ ۱۹۹۸: ٪۵/۱

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): غلات ۲،۸۷٤،۷۰۰تن شامل: (گندم ۱،۲۰٦،۷۰۰ تن، ذرت ۷۷۹،۲۸٦ تن، جو ۷٦۰،۵۰۰ تن، چاودار ۷٤،۲۰۰ تن)

کاربری زمین: کشاورزی ٪۳۲/۹ ؛ مرتع و چمنزار ٪۱۷؛ جنگل ٪٤۰/٦ ؛ سایر موارد ٪۹/۵

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۱،۵۹۲،۵۹۹ رأس؛ گاو ۷۰٤،۷۹۲؛ گوسفند ۳۲٦،۱۹۹ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۵،۵۳۲،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۲،۵۳۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۳،۱۱۷،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦٤،۷۹۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ آهن ۱،۰۵٦،۰۰۰ تن؛ سنگ‌مس ٦۷۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی: فولاد خام ۳،٤۸٤،۰۰۰ تن؛ آهن خام ۳،۱۷۲،۰۰۰؛ سیمان ۳،۱۳٦،۰۰۰ ؛ پلاستیک و رزین ٤۰۵،۲۷۰؛ آرد ۳۲۸،۰۰۰ ، کود نیتروژنی ۲۲٦،۱۰۲ ؛ نخ پنبه‌ای ۹،۳۸٤ تن ، آبجو ۵،۵۷۷،۰۰۰ هکتولیتر؛ یخچال و فریزر ۳۰،۰۹۲ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۲۵/٤۷ میلیارد کیلووات ساعت (۲۱/۰۲ میلیارد)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹٦): ۳،۸۲۹،۰۰۰تن (۷،۱٤۲،۰۰۰) ؛ نفت خام (۱۹۹۷): ٤٦۲،۸۰۰ بشکه (۳۸،٤۹۷،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۳،۹۳۰،۰۰۰ تن (۲،۱۳٤،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹۷): ۲۸٤ میلیون مترمکعب (۵،۷٤۳،٤۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۹): ۲،٦٦۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۷/٦ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٪۷٦/۸ ؛ زنان: ٪٦۷/۳ ؛ میزان بیکاری : ٪۱۷/۱

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۱٤؛ صنعت ٪٤٤؛ خدمات ٪٤۲

نیروی دفاعی(۱۹۹۷): مدت نظام‌وظیفه: ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ٤٤،۸۸۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۳/۳ ؛ نیروی هوائی ٪۲٦/۷ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱٦۷ دلار (۱۹۹۷)

واردات(۱۹۹۹): ۱۱،۳۰۱ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪٤۰؛ کالاهای نیمه ساخته ٪۱۸/۱ ؛ نفت و فرآورده‌های نفتی ٪۱۰/۹، مواد شیمیائی ٪۱۰/۷؛ کالاهای ساخته شده ٪۱۰ ؛از آلمان ٪۲٦/۲؛ چک٪۱٦/۷ ، ایتالیا ٪۷/۱ ، روسیه ٪۱۲، اتریش ٪٤/۸، فرانسه ٪۳/۹، لهستان ٪۲/۸

صادرات(۱۹۹۹): ۱۰،۱۹۷ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۳۹/۵، کالاهای ساخته شده ٪۲۷/۳، سوخت ٪۱۵/۳، محصولات شیمیائی ٪۷/۹، مواد غذائی ، نوشیدنی و دخانیات ٪۵؛ به آلمان ٪۲۷/۷ ، چک ٪۱۸/۱ ، ایتالیا ٪۸/۸ ، اتریش ٪۸/۱ ، لهستان ٪۵/۳ ، مجارستان ٪٤/۵

تراز بازرگانی:	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۲۲۸	-۲،۲۹۳	-۲،۰۸۱	-۲،۳۵۳	-۱،۱۰٤
درصد کل	٪۱/۳	٪۱۱/۵	٪۹/۷	٪۹/۹	٪۵/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۰/۲	۹۱	۱۰۰	۱۰۵/۸	۱۱۲/۳	۱۱۹/۸	۱۳۲/۵
شاخص درآمد سالانه	۷٤/۸	۸۷/۵	۱۰۰	۱۱۰/۲	۱۱۰/۲	۱۲۲/٤	۱٤٦/۹

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۷): ۳/۲ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹۷): ۷٤،۰۵۲ کرون (۲،۱۹٤ دلار)؛ منابع درآمد (۱۹۹۷): دستمزد و حقوق ٪۵٤/٤ ، پرداختهای انتقالی ٪۲۰/٤، سایر موارد ٪۲۵/۲ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۷): مواد غذائی و نوشیدنی ٪۲۲/۳ ، سپردهٔ امانی ٪۱۲/٤ ، پوشاک ٪۷/۹، حمل و نقل ٪۷/۳، حق بیمه ٪۷، مسکن ٪٦/۸ ، تفریحات ٪۵/٦

جهانگردی: تعداد جهانگردان: ۸۱٤،۱۳۸ نفر(۱۹۹۷)؛ درآمد (۱۹۹٦): ٦۷۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱۷،٦۲۷ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۳،٦۷۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱،۱۳۵،۹۱٤ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۱۰۰،۲۵٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ندارد | **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱۹ روزنامه در ۹۸۹،۰۰۰ نسخه (۱۸٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٤۲٤ عنوان در ۸،۷۲۵،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۳،۸۰۰ عنوان در ٦،۱۳۹،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱،٦۱۵/۵ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۱۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۵۸۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲،٦۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۸٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،۵۳۹،۰۰۰ خط تلفن (۲۸٦ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٤٦۵،۰۰۰ خط (۸٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳۵۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۵۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۲،٤۸۲	۳۹،۵۳۵	٦٤۵،۹٤۱	۱٦/۳
متوسطه	۱۹۸	۵،۸٤۹	۸۰،۱۱٦	۱۳/۷
فنی و حرفه‌ای	۳٦۵	۱۰،۱۰٤	۱۱٦،٦۸۱	۱۱/۵
عالی	۱۸	۸،۵٤٤	۸۳،۹٤۲	۹/۸

میزان باسوادی: افراد بالای ۱۵ سال: ٪۱۰۰ ؛ مردان ٪۱۰۰؛ زنان ٪۱۰۰

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ابتدائی ٪۳۷/۹؛ متوسطه ٪۵۰/۹؛ عالی ٪۹/۵ ؛ نامشخص ٪۰/۹

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۱۷،۹٤۰ نفر (هر ۳۰۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ٦۱،۲۸۸ تخت (هر ۸۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ۲٤/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۹۵۳ کالری (٪۱۲۱ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷) مصرف پروتئین: ۸۱ گرم؛ مصرف چربی : ۱۰۵ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۰/۱-

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤۰/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳۹/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۷/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۲۵ (چهلمین کشور جهان)

به اقتصاد ناتوان این کشور صدمهٔ فراوان زد و بیش از ۵۰۰,۰۰۰ تن بیکار شدند و تورم به ۱۸ درصد رسید. در آوریل ۱۹۹۳ کارگران اسلوواکی در خیابانهای پایتخت دست به تظاهرات زدند و سیاستهای اقتصادی دولت را مورد انتقاد قرار دادند. از سوی دیگر دولت مجارستان از احداث تأسیسات هیدروالکتریک روی دانوب که دولت پیشین چکسلوواکی موافقت آن را قبلاً اخذ کرده بود، جلوگیری کرد و اختلاف میان دو دولت را تشدید نمود و از سوی دیگر به تحریک اقلیت مجار ساکن در اسلوواکی که خواهان استفادهٔ رسمی از زبان ملی خود در مدارس بودند پرداخت. در پایان سال ۱۹۹۳ بحران اقتصادی و تورم به بالاترین حد خود رسید و صنایع ساختمانی زیانهای سنگینی را تحمل کرد. در ژانویهٔ ۱۹۹۴ دولت اسلوواکی آمادگی خود را برای پیوستن به پیمان ناتو اعلام داشت و در سال ۱۹۹۷ نود درصد مردم اسلوواکی همه‌پرسی راجع به عضویت کشورشان در پیمان ناتو را تحریم نمودند. در اواخر این سال ۵ گروه مخالف دولت با تشکیل ائتلاف دموکراتیک اسلوواکی، به یک برنامه کاری مشترک دست یافتند. در انتخابات سال ۱۹۹۸، ائتلاف دموکراتیک اسلوواکی به پیروزی رسید و میکولاش دروزیندا، از اتحاد دموکراتیک و مسیحی، نخست وزیر شد.

در ژوئیه ۱۹۹۹ حدود هزار نفر از کولیهای اسلوواکی در اعتراض به تبعیضهای اعمال شده توسط دولت این کشور، از فنلاند تقاضای پناهندگی کردند که رئیس جمهور اسلوواکی نقطه نظرات آنان را پذیرفت و دولت اقداماتی را در جهت رفع این تبعیضها آغاز نمود.

اسلوونی SLOVENIA

کشوری واقع در اروپای جنوبی، محصور میان کشورهای اتریش در شمال، مجارستان در خاور، کروآسی در جنوب خاوری و جنوب و دریای آدریاتیک و ایتالیا در غرب. سرزمینی است کوهستانی که کوههای آلپ شرقی از جمله آلپ‌های یولیایی و کاراوانگن و فلات کارست بخش اعظم آن را پوشانده است. عمدتاً از جنگل مستور است و دره‌های ژرف آن حاصلخیز و بارآور است. بلندترین نقطهٔ اسلوونی کوه تریگلاو ۲۸۶۴ متر ارتفاع دارد. رودخانه‌های مهم آن که از کوههای آلپ سرچشمه می‌گیرند عبارتند از: مورا، دراوا و ساوا، که از شمال غربی به سوی جنوب شرقی روانند و از منطقه‌ای سرشار از نهشت‌های زغال‌سنگ عبور می‌کنند. به دلیل داشتن تاکستانهای وسیع و شراب مرغوب معروف است. آب و هوایش عمدتاً مدیترانه‌ای است و نوسان دمای آن در پایتخت برای زمستان بین ۹ تا ۱- درجه سانتیگراد و در تابستان به حداکثر ۱۹ تا ۲۰ درجه سانتیگراد می‌رسد. عمده‌ترین منابع زیرزمینی آن زغال‌سنگ و جیوه است و صنعت پیشرفته‌ای دارد.



تاریخچه

اسلوونیایی‌ها از تیرهٔ اسلاوهای جنوبی هستند که در سدهٔ ششم میلادی در این سرزمین ساکن شده‌اند. در حدود سال ۷۴۳ میلادی مطیع باواریایی‌ها شدند و بعدها ضمیمه امپراتوری کارولنژیان گردیدند. در سدهٔ نهم میلادی بخشی از امپراتوری کارولنژیان به آلمان واگذار شد و اراضی شمال رود دراوا کلاً به آلمان تعلق گرفت. اما اسلوونیایی‌ها که اکثراً کاتولیک مذهب بودند، فرهنگ و آداب و رسوم خود را حفظ کردند و در بیگانگان ادغام نشدند. بعد از سال ۱۸۰۹ قسمت عمدهٔ سرزمین اسلوونی ضمیمهٔ امپراتوری ناپلئون بناپارت شد و پس از سقوط وی به تصرف اتریش درآمد و نخستین نشانه‌های اتحاد اسلاوها و صرب‌ها و کروآت‌ها در سال ۱۸۷۰ نمایان گردید. در سال ۱۹۱۷ اسلوون‌ها و صرب‌های جنوبی باهم متحد شدند و بصورت یک استان خودمختار و تحت نظارت اتریش درآمدند. پس از پایان جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۱۹ استانهای صرب و کروآت و اسلوونی درهم ادغام شدند و کشور یوگسلاوی (سرزمین اسلاوهای جنوبی) را پدید آوردند.

قدرت‌طلبی صرب‌ها و زیاده‌خواهی آنان در مقایسه با دیگر جمهوری‌های خودمختار یوگسلاوی، کروآت‌ها و اسلوونیایی‌ها را به جنبش علیه صرب‌های قدرت‌طلب واداشت و زمزمه‌های جدایی و استقلال‌طلبی به گوش رسید.

در جنگ جهانی دوم، سرزمین اسلوونی بین ایتالیا و آلمان و مجارستان تقسیم گردید و جنبش‌های آزادیخواهانه نمایان‌تر شد. با تأسیس جمهوری فدرال یوگسلاوی در سال ۱۹۴۵، اسلوونی به یکی از شش عضو فدراسیون یوگسلاوی مبدل شد و بصورت خودمختار اداره گردید. در سال ۱۹۷۴ به جمهوری سوسیالیستی اسلوونی مبدل شد و به صورت یکی از قطب‌های صنعتی و فرهنگی به ویژه از جنبهٔ صنایع سنگین و فولاد یوگسلاوی درآمد. نخستین تأسیسات انرژی هسته‌ای یوگسلاوی در سال ۱۹۱۸ در آنجا دایر گردید و اسلوونیایی‌ها به مرور به ثروتمندترین و پردرآمدترین مردم یوگسلاوی تبدیل شدند. در ژانویهٔ ۱۹۹۰ حزب کمونیست اسلوونی در پی تغییر و تحولاتی که در کشورهای کمونیست اروپای شرقی در شرف وقوع بود، از حزب کمونیست یوگسلاوی جدا شد و به حزب دموکرات اسلوونی تغییر نام داد و به دنبال آن مقدمات جدا شدن از جمهوری یوگسلاوی فراهم گردید. در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۱ دو کشور کروآسی و اسلوونی استقلال خود را اعلام داشتند. به دنبال اعلامیهٔ مزبور نیروهای مسلح جمهوری فدرال یوگسلاوی به سوی اسلوونی حرکت کردند و پس از نبردی سخت و بمباران شهر لیوبلیانا، اوضاع ظاهراً آرام شد و دولت بلگراد از این که کنترل اوضاع را به دست گرفته است اظهار رضایت کرد. آتش‌بس و صلح موقت تا ژوئیهٔ ۱۹۹۱ ادامه یافت و در پی گفتگوها و مذاکرات مکرر که با میانجی‌گری جامعهٔ اروپا به عمل آمد بر مالکیت یوگسلاوی بر اسلوونی موقتاً تأکید شد. مسئلهٔ استقلال اسلوونی به مدت سه ماه مسکوت گذارده شد و قرار بر آن گردید که ارتش فدرال نیز به پادگانهای خود بازگردد. با پایان یافتن مهلت سه ماهه، رهبران اسلوونی پول در گردش خود را از دینار یوگسلاوی به تولار تبدیل کردند و در هشتم اکتبر ۱۹۹۱ استقلال خود را عملاً به اجرا درآوردند. اگرچه دولت فدرال یوگسلاوی استقلال اسلوونی و کروآسی را بین سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ به رسمیت شناخت، ولی جنگهای داخلی تا مدتها ادامه یافت. در سال ۱۹۹۳ اسلوونی خود را از کشورهای بالکان جدا کرد و با برقراری روابط نزدیک و حسنه با اتحادیهٔ اروپا خود را به یک کشور کاملاً اروپایی مبدل نمود. در مه ۱۹۹۵ جامعهٔ اروپا موضوع عضویت اسلوونی را در دستور کار خود قرار داد ولی به علت مخالفت ایتالیا قرار شد تا سال ۲۰۰۱ میلادی به تعویق افتد.

در ژانویهٔ ۱۹۹۷ انتخابات سراسری اسلوونی برگزار شد و میلان کوچان که در انتخابات ۱۹۹۰ نیز به ریاست جمهوری رسیده بود برای بار دیگر به رهبری کشور برگزیده شد. در سال ۱۹۹۸ وضع اقتصادی اسلوونی به درجه‌ای از ترقی رسید که از بسیاری از کشورهای بزرگ اروپای شرقی پیشی گرفت و موجبات جلب توجه اتحادیهٔ اروپا را فراهم کرد.

در کنفرانس سران اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲، از اسلوونی دعوت شد تا با چند کشور دیگر اروپایی خود را برای پیوستن به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ آماده کند. این دعوت در حقیقت مهر تأییدی بر سیاستهای اقتصادی این کشور در جهت تطبیق یافتن با شرایط اتحادیهٔ اروپا بود.



نام رسمی: جمهوری اسلوونی

نام محلی: اسلوونیا Slovenija

اسامی دیگر: -

پایتخت: لیوبلیانا (۲۷٤،۳۷۷ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/٦/۲٥، از یوگسلاوی

روز ملی: بیست و پنجم ژوئن (روز استقلال)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: یانز درنوفشک (لیبرال دموکرات)، از سال ۲۰۰۲ به مدت ٥ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آنتون روپ (لیبرال دموکرات)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱، آخرین تغییرات: سال ۲۰۰۰؛ شورای ملی با ٤۰ عضو برای مدت ٥ سال و مجلس ملی با ۹۰ عضو برای مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی ۱۹۹٦ (۲۰۰۰): حزب لیبرال دموکرات ۲٥ (۳٤) کرسی، حزب خلق مردم ۱۹ (۹) کرسی، سوسیال دموکرات ۱٦ (۱٤) کرسی، دموکرات مسیحی ۱۰ (۸) کرسی، فهرست متحد سوسیال دموکراتها ۹ (۱۱) کرسی، حزب دموکرات بازنشستگان ٥ (٤) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)،اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو،ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آی – آ د ب ، شورای اروپا، اوسه، سفتا

جمعیت

مساحت: ۲۰،۲٥٦ کیلومترمربع (صد وپنجاه و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدو چهل و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۹۸/۷ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۰/۱-٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۱/۸ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** قابل حصول نیست

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٥۲٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥) : ۱/۲٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ۱۷٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۲/۱٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۲/٥٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱۸/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۸/۷۸٪ ؛ زن ٥۱/۲۲٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۸/۷ سال؛ مردان ۷۰/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۹ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۹/٦ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد: ٥/۲ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۰/٦- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۸۱/۱ نفر، انواع سرطان ۲٤۳/۹ نفر؛ حوادث، قتل و خودکشی ۸۸/٦ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفس ۸۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ٥٥/۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۳ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۱ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۳/۸ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۱ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۱): اسلوونیایی ۸۷/۸٪ ؛ کروآت ۲/۸٪ ؛ صرب ۲/٤٪ ؛ بوسنیایی ۱/٤٪ ؛ مجار ۰/٤٪

دین(۱۹۹٥): مسیحی ۸٦/۲٪ (کاتولیک ۸۲/۷٪ ؛ ارتدوکس ۲٪ ؛ پروتستان ۱/۳٪)؛ مسلمان ۱٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: اسلوونیایی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): ماریبور (۱۳۲،۰٥۸ نفر)؛ کرانیه (٥۱،۹۸۳نفر)؛ نوومستو (٥۱،٦۰۸ نفر)؛ سلیه (٤۹،۷۷٦ نفر)

بنادر مهم: کوپر (در ساحل دریای آدریاتیک)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: تولار (SIT) = ۱۰۰ استوتین؛ یک دلار = ۲٤۱/٦ تولار؛ یک تولار = ۳۳/۱ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱،٤۸۹/۷ میلیارد تولار؛ شامل: مالیات ٥٤/٥٪ (مالیات بر ارزش افزوده ۲۹/۷٪ ؛ مالیات بر درآمد افراد ۱۷/٤٪ ، حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۳٤/٤٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۰/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸) : ۱،٥۰۷/۹٤ میلیارد تولار؛ حقوق بازنشستگی ۲۸/٦٪؛ تأمین اجتماعی (به استثناء حقوق بازنشستگی) ۱٦٪؛ بهداشت ۱٤/۷٪ ؛ پرداخت سود وام ۲/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۹،۳۸٥ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۹،۷۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤٪ ؛ صنعت ۳۸/٦٪ ؛ خدمات ٥۷/٤٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳۷ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۱٦٥ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۲،۰٦۷ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۹/٦ + میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۳/۷٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰) : ۲۷٪ ؛ ۱۹۹۸: ۷/٤٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۸): سیب‌زمینی ٤۹٥،۰۰۰ تن؛ ذرت ۳٥٥،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۲۸۹،۰۰۰ تن، گندم ۱۹۱،۰۰۰ تن؛ انگور ۱۲۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین: کشاورزی ۱۱/٦٪ ؛ مرتع ۲٤/۸٪ ؛ جنگل ٥۳/۲٪ ؛ سایر موارد ۱۰/٤٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): خوک ٥۷۸،۰۰۰ رأس ؛ گاو ٤٤٦،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲،۲۰۹،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲،۳٤٥ تن

تولید مرغ: ۸،٥٥۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ:** ۲٤،۲۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): کائولین ۱۰،۰۰۰ تن؛ سیلیکات آهن ۱۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): (ارزش افزوده به میلیون دلار): محصولات غذائی ۷٦۲، ماشین‌آلات برقی ٥۳٤، آهن و فولاد ٥۰۹، مواد شیمیائی صنعتی ٤۳۸، کاغذ و محصولات کاغذی ٤۰٦ ، مبلمان ۳۲۳، ماشین‌آلات غیر برقی ۳۲۲

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۷): ۱۲،۳٤۹،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۹،۹۷۱،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ٤،۹٥۳،۰۰۰ تن (٥،٤٥٦،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱۰،۰۰۰بشکه (۲،۹۱۷،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹٥): ٤۸۸،۰۰۰ تن (۲،۲٥٦،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۱٦،۷۰۹،۰۰۰ مترمکعب (۸۰۰،۲۷۹،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۹٦۷،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۸/٦٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٦۷/۹٪ ؛ زنان: ٤٦/٤٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹-۱۹۹۸): ۷/۷٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱/۷٪ ؛ صنعت ٥۱/۳٪ ؛ خدمات ٤۷٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۷ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۹،٥٥۰ نفر؛ نیروی زمینی ۱۰۰٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ٦۱٤ دلار (۱۹۹۷)

واردات(۱۹۹۸): ۱۰،۱۱۰ میلیون دلار، شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳٦/٤٪ ؛مواد شیمیائی ۱۰/٦٪؛ غذا ٥/۷٪ ؛ سوخت‌های معدنی ٥/٦٪؛ از آلمان ۲۰/۷٪ ؛ ایتالیا ۱٦/۸٪ ؛ فرانسه ۱۲/٤٪ ؛ اتریش ۷/۹٪ ؛ کروآسی ٤/۳٪

صادرات(۱۹۹۸): ۹،۰٤۸ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳٦/۷٪ ؛ مواد شیمیائی ۱۰/٤٪ ؛ غذا ۲/٦٪ ؛ سوخت‌های معدنی ۱/۹٪ ؛ به آلمان ۲۸/٤٪ ؛ ایتالیا ۱۳/۹٪ ؛ کروآسی ۹٪ ؛ فرانسه ۸/۳٪ ؛ اتریش ٦/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	٤۷٦-	۱،۱۷٦-	۱،۱۱۱-	۹۹۷-	۱،۰٦۲-	۱،۳٤۸-
درصد کل	۳/٤٪	٦/٦٪	٦/۳٪	٥/٦٪	٥/٥٪	۷/۳٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۸/۸	۱۰۰	۱۰۹/۷	۱۱۹/۷	۱۲۹/۹	۱۳۸/٥	۱٥۰/۷
شاخص درآمد ماهانه	۸٤/۳	۱۰۰	۱۱٤/۸	۱۲۷/۹	۱٤۰/۱	۱٥۳/۲	۱٦٥/۹

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹٤) : ۳/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹٦): ۲،۱۰٥،۷۲۷ تولار (۱٥،٥٥٦ دلار)؛ منابع درآمد (۱۹۹٦): دستمزد ٥۳/٤٪ ؛ انتقالی‌ها ۲۳/۸٪، کار آزاد ۱۰٪ ؛ دیگر موارد ۱۲/۸٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹٦): غذا ۲٥/۷٪؛ حمل و نقل ۱۸/۳٪؛ تهیه لوازم منزل ۱۱/۲٪ ؛ پوشاک و کفش ۸/٥٪ ؛ تفریحات ٦٪ ؛ سوخت ٦٪ ؛ مسکن ٤/٦٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱،۱۱۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ٥۷٥ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱٤،۸٥۱ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۱،۲۰۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۷٦٤،۷۸۹ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس:** ٥۹،٤٥۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ۱۳ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۱ فرودگاه

روزنامه: ۷ روزنامه در ۳۹۷،۰۰۰ نسخه (۱۹۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۷۸٤ عنوان

کتاب: ۳،٤٤۱ عنوان در ٦،۲٦۷،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۸۲۱ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۸۰٥،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (٤۰۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۷۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳٥٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷٥۷،۰۰۰ خط تلفن (۳۸۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱٦۲،۰۰۰ خط (۸۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٥۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۸۲٤	۱٥،٤٤۳	۲۰۰،٤۳۷	۱۳
متوسطه	۲۲۳	۱۰،۸۰۹	۱۱٥،٥۷۰	۱۰/۷
فنی و حرفه‌ای	–	–	–	–
عالی	؟	۳،۸٤٦	٥۰،٦٦۷	۱۳/۲

میزان باسوادی(۱۹۹۱): افراد بالای ۱٥ سال: ۱۰۰٪ ؛ مردان ۱۰۰٪ ؛ زنان ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۱): ابتدائی ٤٥/۱٪ ؛ متوسطه ٤۲/٤٪ ؛ عالی ۱۰/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ٤،٥۲۰ نفر (هر ٤۳۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۱۱،۲۳۳ تخت (هر ۱۷۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر (۰/۰۱٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲٥ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۱۰۱ کالری (۱۲۷٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ۱۰۳ گرم؛ مصرف چربی: ۱۰۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹٥ – ۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲۲/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۳/۱ میلیون تن؛ هر نفر ٦/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸٦۱ (بیست و نهمین کشور جهان)

افریقای جنوبی SOUTH AFRICA

کشوری واقع در انتهای جنوبی قارهٔ افریقا، که از شمال به کشورهای نامیبیا، بوتسوانا، زیمبابوه و از خاور به موزامبیک و سوازیلند و اقیانوس هند، از جنوب به اقیانوس هند و از غرب به اقیانوس اطلس محدود است و کشور کوچک لسوتو در درونبوم خاوری آن جای دارد.

قسمت عمدهٔ این سرزمین فلات مرتفعی است با ارتفاع بین ۶۰۰ تا ۱۸۵۰ متر و کوههای دراکن (دراکنزبرگه) در قسمت خاوری آن واقع است. بلندترین نقطهٔ این سرزمین قلّهٔ اینجاسوتی است که ۳۴۰۸ متر ارتفاع دارد و مهمترین رودهای آن اورانژ، وال، لیمپوپو وکالدون است. آب و هوای این کشور کلاً ملایم و خشک است و بیشتر اراضی آن نیازمند آبیاری و استفاده از منابع آب زیرزمینی است. ذرت، غلات، توتون، پنبه، پستهٔ زمینی، میوه و نیشکر از فرآوردههای کشاورزی آن است. نوار ساحل خاوری آن گرم و مرطوب است و کشتزارهای وسیع نیشکر و تاکستانهای متعدد دارد.

حدود ۴۰ درصد سطح کشور را منطقهٔ نیمکماب کارو، در غرب کشور، در بر گرفته و بخشهایی از آن به دامداری و به ویژه پرورش گوسفند اختصاص یافته است. علاوه بر نواحی بالا، منطقهٔ «هایولد» که رو به شمال ممتد است از نظر منابع زیرزمینی و کشاورزی بسیار غنی است و بالاخره از منطقهٔ مسکونی و صنعتی ترانسوال باید نام برد که شهرهای عظیم و کارخانههای صنعتی در آن متمرکز است و بیشترین جمعیت کشور را در خود جای داده است.

کشور افریقای جنوبی بزرگترین تولیدکنندهٔ طلا و الماس است و دومین کشور از نظر تولید منگنز محسوب میگردد و از بابت تولید زغالسنگ در ردیف هشتم جهان جای دارد. زیادهروی در استفاده از آبهای زیرزمینی به شور شدن زمین به ویژه در نواحی خشک انجامیده و همچنین فرسایش خاک مسئلهای است جدّی که به ویژه برای بومیان مسئلهساز بوده است.



تاریخچه

در سال ۱۶۵۲ اولین بار هلندیها در کیپتاون ساکن شدند. حدود ۱۵۰ سال پیش از این، واسکودوگامای پرتغالی سفردریایی معروف خود را شروع کرد و هنگام عبور از مقابل دماغهٔ امیدنیک با مردمانی به نام خویخوی که از حدود ۱۰۰۰ سال پیش در آنجا میزیستند، روبرو شد. یانوان ریبیک هلندی، اولین اروپایی ای بود که با خویخویها جنگید و در محل امروزی کیپتاون که پیرامونش را کشتزارهایی پوشانیده بود، ماندگاهی احداث کرد تا نیازهای مسافران دریایی به اندونزی و کمپانی هند شرقی هلند را تأمین کند. به تعداد ساکنان کیپتاون بهمرور افزوده شد تا جایی که در سال ۱۶۸۸ شمارشان به ۶۰۰ نفر رسید. از این عده گروهی کشاورزی میکردند و عدهای به زد و خورد با خویخویها و پاسداری از ماندگاه خود میپرداختند. سختی زندگی و تنازع برای بقا، از آنان مردانی به نام بوئر (جامعهٔ کشاورزان افریقای جنوبی) ساخت که در تاریخ افریقای جنوبی از نقش مهمی برخوردار گشتند. بوئرهای هلندیتبار که به مرور بر وسعت زمینهای خود میافزودند به دستور کمپانی هند شرقی هلند از داد و ستد با بومیان و ساکنان محلی محروم بودند و فقط به تأمین نیاز کشتیهای تجارتی کمپانی مزبور موظف بودند. این وضعیت موجبات نارضایتی بوئرها را فراهم کرد و آنان را به مقابله با کمپانی هند شرقی هلند واداشت. بوئرها رفته رفته نیرومند شدند و بر وسعت زمینهای پیرامون خود افزودند و در پایان سدهٔ هفدهم به یک جامعهٔ نسبتاً مقتدر و فعال که در پی یافتن بازار فروش کالاهای خود بودند، مبدل گردیدند.

با رو به ضعف نهادن امپراتوری هلند، بوئرها از پشتیبانی لاهه محروم شدند و انگلیسیها بتدریج جای آنان را در کیپتاون گرفتند و با بومیان به داد و ستد دوستانه پرداختند و رؤسای قبایل بومی را واسطه معاملات خود قرار دادند و اعتماد و حمایت آنان را جلب کردند. بوئرها که به افریکانر نیز شناخته شده بودند، به دلیل از دست دادن بازارهای خود در سال ۱۸۳۴ به سوی شمال مهاجرت کردند و کشورهای ترانسوال و اورانژ و ناتال را تأسیس نمودند.

در نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۹ با پیدا شدن الماس و طلا در اورانژ و ترانسوال، مهاجران بسیاری از جمله انگلیسیها به آن نواحی روی آوردند و با بوئرها که به دفاع از منافع خود برخاسته بودند به جنگ پرداختند که به جنگ بوئرها (۱۸۹۹ تا ۱۹۰۲) معروف گردید. در این جنگ انگلیسیها پیروز شدند و در ۱۹۱۰ اتحادیهٔ افریقای جنوبی را تأسیس نمودند.

پس از جنگ جهانی دوم، سیاست تبعیض نژادی و امتیازات ناحقی که سفیدپوستان اروپایی برای خود قائل شده بودند شدت یافت و رنگین پوستان و سیاهان را از سکونت و آمیزش با سفیدپوستان منع کرد و آنان را به مقاومت و مبارزه با سفیدپوستان واداشت ولی به شدت از سوی پلیس سرکوب شد.

در سال ۱۹۴۳ نلسون ماندلا و اولیور تامبو در صحنهٔ سیاست افریقای جنوبی ظاهر شدند و کنگره پانآفریکن را پایهگذاری کردند و در سال ۱۹۶۰ تظاهراتی در شهر شارپویل برپا داشتند. در این تظاهرات که با مخالفت دولت و تیراندازی پلیس روبرو شد، ۷۰ نفر کشته شدند و کنگره ملی افریقا و کنگره پانآفریکن منحل شد. در سال ۱۹۶۳ رهبران کنگره دستگیر شدند و نلسون ماندلا به زندان افکنده شد. در دههٔ ۱۹۶۰ شمار مهاجران سیاهپوست که در کشتزارها کار میکردند به شهرها فزونی یافت و در سال ۱۹۷۶ جامعهٔ سیاهان حومهٔ شهر یوهانسبورگ دست به شورش زدند. در سال ۱۹۷۰ هفتاد و پنج درصد کارگرانی که در کشتزارها و معادن کار میکردند از سیاهان بودند و بدینسان کنترل سفیدپوستان بر منابع تولید را محدود کردند. با اعلام استقلال آنگولا و موزامبیک در سال ۱۹۷۵ و زیمبابوه در سال ۱۹۸۰، بر شمار حامیان برونمرزی انقلابیون افریقای جنوبی افزوده شد. در ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد به افریقای جنوبی توصیه نمود که به نامیبیا که از متصرفات آن کشور در جنگ جهانی اول بود، استقلال داده شود. این توصیه مدتها با واکنش منفی افریقای جنوبی روبرو بود ولی سرانجام در ۲۱ مارس ۱۹۹۰ استقلال نامیبیا را اعلام نمود.

در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ به دستور پیدبلیو بوتا، رئیس جمهور افریقای جنوبی به هندیتباران و رنگینپوستان اجازهٔ شرکت در انتخاب بطور محدود داده شد ولی سیاهان را همچنان از دادن رأی محروم نگاه داشتند. این عمل با مخالفت بسیاری از سیاهان ورنگین پوستان روبرو شد و شرکت در انتخابات بایکوت و منع گردید و موقعیت سیاسی و اقتصادی دولت را متزلزل ساخت و تظاهرات و شورشهایی را به همراه آورد. در پایان سال ۱۹۸۶ بیش از ۷۵۰ تن از سیاهان و مخالفان تبعیض نژادی کشته شدند و هزاران مخالف دولت بازداشت و زندانی گردیدند. در انتخابات اوت ۱۹۸۹ بوتا جای خود را به دکلرک اصلاح طلب واگذار کرد و در فوریه ۱۹۹۰ به دستور دکلرک، نلسون ماندلا رهبر معروف سیاهان پس از ۲۷ سال از زندان آزاد شد.

ماندلا پس از آزادی مجدداً به فعالیتهای سیاسی پرداخت و پس از مدتها مذاکره با دولت دکلرک، رفع بحران اجتماعی و عادی شدن اوضاع در افریقای جنوبی را اعلام داشت و از کشورهای آزاد و سازمانها و جوامع اقتصادی بینالمللی درخواست نمود تا در سیاستهای خود نسبت به افریقای جنوبی تجدید نظر کنند و دولت را در برطرف کردن مشکلات و مسائل اقتصادی یاری دهند. در مه ۱۹۹۰ سیاست تبعیض نژادی از سوی دولت دکلرک لغو گردید و در ۱۹۹۳ جایزهٔ صلح نوبل به نلسون ماندلا و دکلرک رئیس جمهور افریقای جنوبی اعطا شد.

در انتخابات آوریل ۱۹۹۴ نلسون ماندلا با ۸۷ درصد آراء به ریاست جمهوری افریقای جنوبی برگزیده شد و اولین دولت اتحاد ملی را در افریقای جنوبی تشکیل داد و بعضی از اعضای دولت دکلرک را در پستهای خود باقی گذارد. در سال ۱۹۹۶ ماندلا برای میانجی گری بین لیبی و امریکا و انگلستان که اختلافاتشان در پی سقوط هواپیما در لاکربی به اوج خود رسیده بود به طرابلس، پایتخت لیبی سفر کرد.

نلسون ماندلا، که از اعتبار و مشروعیت داخلی و بینالمللی گستردهای برخوردار بود، علیرغم خواست مردم افریقای جنوبی، در پایان مدت ریاست جمهوری خود حاضر به پذیرش مجدد این پست نشد و ترجیح داد، در بهترین روزهای محبوبیت خود از صحنهٔ سیاست اجرایی کشورش کنارهگیری نماید. بدین ترتیب در انتخابات سال ۱۹۹۹، تابوامبکی، از قوم خوسا و رهبر کنگرهٔ ملی افریقا، به این سمت انتخاب شد.

در طی سال ۲۰۰۱ مناقشات بسیاری در مورد مبارزه با بیماری ایدز در افریقای جنوبی درگرفت و در یک گزارش تحقیقاتی اعلام شد که اگر اقدامات ضروری صورت نگیرد تا سال ۲۰۱۰



نام رسمی: جمهوری افریقای جنوبی

نام محلی: زوید آفریکا Suid Afrika

اسامی دیگر: -

پایتخت: پرتوریا (۱،۰۸۰،۱۸۷ نفر در سال ۱۹۹۱)

تاریخ استقلال: ۱۹۱۰/۵/۳۱، از انگلستان

روز ملی: ۲۷ آوریل (روز آزادی)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: تابوامبکی (کنگره ملی افریقا)، از سال ۱۹۹۹ (برای مدت پنج سال توسط مجلس ملی)

رئیس دولت: رئیس جمهور: تابوامبکی (کنگره ملی افریقا)، از سال ۱۹۹۹ (برای مدت پنج سال توسط مجلس ملی)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۷؛ مجلس ملی با ۴۰۰ عضو و شورای ملی استانها با ۹۰ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسیهای احزاب در آخرین انتخابات مجلس ملی (۱۹۹۹): کنگرهٔ ملی افریقا ۲۶۶ کرسی، حزب دموکرات ۳۸، حزب آزادی اینکاتا ۳۴، حزب ملی نوین ۲۸، جنبش متحد دموکرات ۱۴، حزب دموکرات مسیحی افریقائی ۶ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۱،۲۱۹،۰۹۰ کیلومترمربع (بیست و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۴۰،۴۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (بیست و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۳/۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۱/۵

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۴۶ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۷۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۴۹/۹؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۳

توزیع سنی(۱۹۹۶): زیر ۱۵ سال ٪۳۳/۹ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۸/۶ ؛ ۵۹ —۳۰ سال ٪۲۹/۳ ؛ بالای ۶۰ سال ٪۷

توزیع جنسی (۱۹۹۶): مرد ٪۴۷/۹۸ ؛ زن ٪۵۲/۰۲ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۵۴/۲ سال، مردان ۵۱/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۲/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۵ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۵۷/۱ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۹۴-۱۹۹۳): حوادث و خشونت ۲۲۱/۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۰۲/۳ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۵۱/۸ نفر؛ بیماریهای ناشی از شرایط بد ۴۲۴ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۳/۶ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت: سیاهپوست ٪۷۶/۳ (زولو ٪۲۲ ، خوسا ٪۱۸، پدی ٪۹ ، سوتو ٪۷ ، تسوانا ٪۷)؛ سفیدپوست ٪۱۲/۷

دین: مسیحی ٪۶۶/۴ (پروتستان ٪۳۶/۶، کلیسای مستقل سیاهپوستان ٪۲۲/۲، کاتولیک ٪۷/۶)، هندو ٪۳/۱

زبان و خط: انگلیسی،آفریکانس،ندبله، سوتو(شمالی و جنوبی)، ستسوانا،سواتی،تسونگا،وندا،خوسا،زولو(رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۱): کیپ‌تاون (۲،۳۵۰،۱۵۷ نفر)؛ یوهانسبورگ (۱،۹۱۶،۰۶۳)؛ دوربان (۱،۱۳۷،۳۷۸)؛ پورت الیزابت (۸۵۳،۲۰۴ نفر)

بنادر مهم: کیپ‌تاون (اقیانوس اطلس)؛ دوربان و پورت‌الیزابت (اقیانوس هند)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: راند (R) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۷/۲۹ راند؛ یک راند= ۱،۰۹۷ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۱۶۳ میلیارد راند؛ شامل مالیات بر درآمد کارکنان ٪۳۹/۹؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪۲۴/۶؛ مالیات بر درآمد شرکتها ٪۱۳/۷

هزینه بودجه (۹۸-۱۹۹۷): ۱۹۰/۲ میلیارد راند؛ آموزش ٪۲۱/۱؛ سود بدهی‌های خارجی ٪۲۰؛ بهداشت ٪۱۰/۶ ؛ پلیس و زندانها ٪۹/۹؛ دفاع ٪۵/۶

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۳۶،۸۶۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،۳۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۱/۷ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۱/۷

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۴ ؛ صنعت ٪۳۱/۸ ؛ خدمات ٪۶۴/۳

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲۴- میلیون دلار؛ (۱۹۹۸) :۳۷۱ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۱۰،۶۲۷ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۵۱۲/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۶/۹

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱۰/۶ ؛ ۱۹۹۸ : ٪۷/۹

محصولات کشاورزی(۱۹۹۶): (میلیون راند): ذرت ۵،۹۹۵ ؛ طیور ۴،۶۵۹؛ گوشت گاو ۲،۸۹۹؛ نیشکر ۲،۲۰۷؛ میوه‌های معتدله ۱،۹۷۶؛ گندم ۱،۹۲۹ ؛ شیر ۱،۸۰۲ ؛ سبزیجات ۱،۶۸۸؛ مرکبات ۱،۳۷۷؛ انگور ۱،۲۱۴؛ سیب‌زمینی ۹۷۱؛ گوشت گوسفند و بز ۹۷۰

کاربری زمین: کشاورزی ٪۱۰/۸ ؛ مرتع و چمنزار ٪۶۶/۷؛ جنگل ٪۶/۷؛ سایر موارد ٪۱۵/۸

تعداد دام زنده: ؟

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲۵،۳۳۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۵۰۹،۳۹۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۶۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۳۴،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۶): طلا ۲۶،۴۸۲ میلیون راند؛ الماس نتراشیده ۱۶،۴۳۱؛ زغال‌سنگ ۱۴،۹۱۰ میلیون راند

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دلار): محصولات غذائی ۳،۰۲۸ ؛ آهن و فولاد ۲،۷۰۰؛ تجهیزات حمل و نقل ۲،۳۳۴؛ محصولات فلزی ۱،۸۲۵؛ ماشین‌آلات غیر برقی ۱،۸۱۹؛ نوشیدنی‌ها ۱،۶۶۰ ؛ فرآورده‌های نفتی ۱،۴۵۷

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۹): ۲۰۳،۵۳۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۸۷،۵۱۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۲۲۰،۳۲۰،۰۰۰ تن (۱۳۶،۹۰۳،۰۰۰)؛ نفت خام (۱۹۹۶): ۳،۶۵۰،۰۰۰ بشکه (۱۵۸،۵۱۱،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۹،۱۷۴،۰۰۰ تن (۱۶،۸۵۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۱،۸۴۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱،۸۴۰،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: (۱۹۹۵) جمعیت فعال اقتصادی : ۱۴،۳۵۶،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت : ٪۳۵/۱؛ میزان مشارکت: (۱۵ سال به بالا): ٪۵۳ ؛ زنان (۱۵ سال به بالا): ٪۴۳/۶ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ٪۲۵

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۵/۱؛ صنعت ٪۴۴؛ خدمات ٪۵۰/۹

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۸۲،۴۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۱/۱؛ نیروی هوائی ٪۱۳/۲ ؛ نیروی دریائی ٪۶/۷ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی ۵۵ دلار (۱۹۹۷)

واردات(۱۹۹۵): ۹۸،۶۱۴ میلیون راند؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات ٪۳۱/۹؛ مواد شیمیائی ٪۱۲/۵؛ وسایل نقلیه ٪۱۱/۶ ؛ از آلمان ٪۱۳/۵ ؛ امریکا ٪۱۲/۴ ؛ انگلستان ٪۱۱/۲ ؛ ژاپن ٪۷/۴ ؛ ایران ٪۵/۴

صادرات(۱۹۹۵): ۱۰۱،۳۹۷ میلیون راند؛ شامل: طلا ٪۱۹/۹ ؛ فلزات کم‌بها و مصنوعات فلزی ٪۱۵/۴؛ الماس ٪۹/۸؛ غذا ٪۷/۴ ؛ به انگلستان ٪۱۲؛ امریکا ٪۵/۵؛ ژاپن ٪۴/۹ ؛ آلمان ٪۴ ؛ نامشخص ٪۲۴/۲

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون راند	۱۵،۸۶۲	۲،۷۸۳	۱۱،۵۴۷	۱۳،۲۰۲	۲،۱۹۲	۱۶،۰۹۱
درصد کل	٪۹/۳	٪۱/۴	٪۴/۶	٪۴/۸	٪۰/۸	٪۵/۲

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۲/۱	۱۰۰	۱۰۷/۴	۱۱۶/۵	۱۲۴/۶	۱۳۰/۵	۱۳۹/۲
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۶): ۴/۵ نفر؛ میانگین درآمد خالص هر خانوار (۱۹۹۶): ۴۷،۶۰۰ راند (۱۱،۰۷۰ دلار)؛ هزینه‌ها (۱۹۹۸): غذا، نوشیدنی و دخانیات ٪۳۱/۳؛ حمل و نقل ٪۱۴/۳؛ مسکن ٪۹/۳؛ تهیه و تجدید لوازم خانگی ٪۸/۹

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲،۷۳۸ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱،۸۴۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۵): ۳۳۱،۲۶۵ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲۰،۳۱۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۴،۰۰۴،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۱،۶۶۴،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ۲۱۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۶):** ۲۴ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹۶): ۱۷ روزنامه در ۱،۲۸۸،۰۰۰ نسخه (۳۴ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۱ عنوان در ۲،۱۴۹،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۵،۴۱۸ عنوان در ۳۱،۳۴۹،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۵،۷۸۶ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱۳،۷۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۳۵۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۵،۴۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۳۴ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۵،۰۷۵،۰۰۰ خط تلفن (۱۲۵ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲،۵۰۰،۰۰۰ خط (۶۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲،۱۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۲۶۶،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۲۰،۸۶۳	۲۲۴،۸۹۶	۸،۱۵۹،۵۳۰	۳۶/۳
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	؟	۱۲۸،۶۱۱	۳،۷۴۹،۴۴۹	۲۹/۲
عالی	؟	۲۷،۰۹۹	۶۱۷،۸۹۷	۲۲/۸

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۸۱/۸ ؛ مردان: ٪۸۱/۹ ؛ زنان : ٪۸۱/۷

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۴): تحصیلات غیر رسمی ٪۱۴/۵ ، ابتدائی و متوسطه ناقص ٪۶۱/۶

تعداد پزشک(۱۹۹۶): ۲۳،۸۵۵ نفر (هر ۱،۷۴۲ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۶) : ۱۳۵،۶۹۴ تخت (هر ۳۰۶ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله : ۲،۹۰۰،۰۰۰ نفر (٪۱۲/۹۱ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۴۲/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۹۹۰ کالری (٪۱۲۲ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین : ۷۷ گرم؛ مصرف چربی : ۷۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/۱ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۰/۲

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲۴/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۲۹۳/۲ میلیون تن ؛ هر نفر ۶/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۶۹۷ (صدوسومین کشور جهان)

حدود پنج تا هفت میلیون نفر در این کشور در اثر ابتلا به بیماری ایدز خواهند مرد. به همین سبب دولت اقدام به واردات داروهای ضد ویروس ایدز به قیمت ارزان نمود.

در سال ۲۰۰۱، کنفرانس سازمان ملل متحد بر علیه تبعیض نژادی، در افریقای جنوبی برگزار شد که به علت اینکه در این کنفرانس قرار بود صهیونیزم معادل نژاد پرستی اعلام شود، امریکا و اسرائیل آن را تحریم کردند و در نهایت با فشار برخی کشورهای اروپایی، لحن قطعنامهٔ کنفرانس تعدیل گردید.

افریقای مرکزی CENTRAL AFRICAN REPUBLIC

افریقای مرکزی کشوری است واقع در مرکز قارهٔ افریقا که از هرسو با خشکی محصور است، از شمال به کشور چاد، از شمال خاوری و خاور به سودان، از جنوب به کشورهای کنگو کینشاسا و کنگو برازاویل و از غرب به کامرون محدود است. کوهستان نسبتاً وسیعی است مرکب از فلاتهای اوبانگی و مونگوس با ارتفاع حداکثر ۱۴۲۰ متر (کوه کایاگانگیری) که به وسیلهٔ ریزابه‌های رود کنگو مانند اوهام، کوتو و اوبانگی که این آخری یکی از راههای اصلی ارتباطی و صادراتی کشور است، سیراب می‌گردد. نواحی جنوب غربی کشور مستور از جنگلهای انبوه استوایی است و پنبه و قهوه و تنباکو و غلات از فرآورده‌های کشاورزی آن است و معدن الماس عمده‌ترین منبع درآمد کشور به شمار می‌آید. آب و هوای آن گرم و مرطوب و پرباران است و بهره‌برداریهای بیش از حد و غیر علمی از اراضی، فرسایش زمین را باعث گردیده و از باروری آن کاسته است و کمبود آب و آلودگی رودخانه‌ها نیز از جمله مسائل مهم زیست‌محیطی کشور به شمار می‌آید.



تاریخچه

امپراتوری اوبانگی شاری، نام پیشین سرزمینی است که امروزه آن را جمهوری افریقای مرکزی می‌نامیم. سرزمین اوبانگی در سدهٔ نوزدهم به یکی از مستعمرات افریقایی فرانسه مبدل شد. بعد از جنگ جهانی دوم، زمانی که فرانسه توان مالی و اقتصادی خود را از دست داده بود اوبانگی را به یک مستعمره نیمه خودمختار تبدیل کرد.

در سال ۱۹۴۹ نخستین نشانه‌های شورش و نارضایتی مردم اوبانگی آشکار گردید و حزب جنبش انقلابی سیاهان افریقا به رهبری مردی به نام بوگاندا پی‌ریزی گردید. بوگاندا یک سال قبل از استقلال میهنش در مارس سال ۱۹۵۹ در یک سانحه هوایی کشته شد و دیوید داکو که یکی از یاران نزدیک او بود، رهبری حزب جنبش انقلابی سیاهان را بر عهده گرفت و در سال ۱۹۶۰ پس از اعلام استقلال افریقای مرکزی به ریاست جمهوری رسید.

در سال ۱۹۶۵ سرهنگ بوکاسا پسرعموی داکو در یک کودتای نظامی قدرت را به دست گرفت و داکو را سرنگون کرد. سرهنگ بوکاسا پس از ده سال مقام خود را به یک امپراتور مستبد ترقی داد و با خودکامگی و شقاوت تمام حکومت کرد و هزاران نفر را به خاک و خون کشید.

در ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹ زمانی که بوکاسا سرگرم دیدار از لیبی بود، دیوید داکو با حمایت فرانسه مجدداً بر سر کار آمد و در ۱۹۸۰ روابط کشورش با لیبی و اتحاد شوروی را قطع کرد.

در کودتای نظامی سپتامبر ۱۹۸۱ داکو بار دیگر سرنگون شد و ژنرال کولینگبا به قدرت رسید.

در سال ۱۹۸۳ کنفرانس سران افریقا و فرانسه در بانگی تشکیل شد و فرانسوا میتران، رئیس جمهوری فرانسه در کنفرانس مزبور شرکت کرد. در انتخابات ۲۱ نوامبر ۱۹۸۶ ژنرال کولینگبا برندهٔ اکثریت شد و ریاست جمهوری قانونی کشور را عهده‌دار گردید. در ۱۹۸۶ بوکاسا که از تبعیدگاه خود در فرانسه به میهنش بازگشته بود دستگیر و زندانی شد.

کولینگبا در سپتامبر ۱۹۸۶ فرمان آزادی زندانیان سیاسی منجمله بوکاسا را صادر کرد.

در انتخابات ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۳ فلیکس پاتاسه که قبلاً نخست‌وزیر بود به ریاست جمهوری رسید و در سال ۱۹۹۵ قانون اساسی جدید افریقای مرکزی را به تصویب آراء عمومی رسانید.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۹، پاتاسه مجدداً به ریاست جمهوری برگزیده شد.

در ژانویه سال ۲۰۰۰ یک گردان از ارتش افریقای مرکزی که در دو کودتای نافرجام، از رئیس جمهور حمایت کرده بود، در اعتراض به عدم اجرای تعهدات دولت در مقابل خواسته‌های ارتشیان، دست به شورش زدند و تا چند روز اوضاع کشور را بحرانی نمودند.

ارتشیان شورشی که گفته می‌شد از آندره کولینگبا، رئیس جمهور سابق افریقای مرکزی حمایت می‌کنند، با کمک مزدوران رواندایی و آنگولایی، کاخ ریاست جمهوری افریقای مرکزی در شهر بانگی را در ماه مه ۲۰۰۱ مورد حمله قرار دادند و بیست نفر را کشتند. فلیکس پاتاسه به سرعت از لیبی و چاد در خواست کمک نمود و با حمایت آنها به سرکوب این شورش پرداخت. در طی درگیریهای متعاقب آن حدود ۲۵۰ الی ۳۰۰ نفر کشته شدند و بسیاری از سربازان شورشی‌نیز اعدام شدند. اگر چه بعد از این اتفاقات کولینگبا دستگیر نشد، اما حزب «تجمع دموکراتیک افریقای مرکزی» که وی رهبری آن را به عهده داشت، به اتهام مشارکت در این شورش منحل گردید.



نام رسمی: جمهوری افریقای مرکزی

نام محلی: کوردوتی به آفریکا Kördö ti Bê-Afrîka

اسامی دیگر: اوبانگی شاری

پایتخت: بانگی (۵۲٤،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹٦)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۰/۸/۱۳ ، از فرانسه

روز ملی: اول دسامبر

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری ، از سال ۱۹۸٦

رئیس حکومت: رئیس جمهور: آنگه فلیکس پاتاسه، از سال ۱۹۹۳ (برای بار دوم از سال ۱۹۹۹ به مدت ٦ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: مارتین زگوئله (جنبش آزادیبخش مردم افریقای مرکزی)، ازسال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۵؛ مجلس ملی با ۱۰۹ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسیهای احزاب در مجلس ملی (۱۹۹۸): جنبش آزادیبخش مردم افریقای مرکزی ٤۷ کرسی، تجمع دموکراتیک افریقای مرکزی ۲۰ کرسی، جنبش دموکراسی و توسعه ۸ کرسی، جبهۀ میهنی ترقی‌خواه ۷ کرسی، حزب سوسیال دموکرات ٦ کرسی، اتحاد برای دموکراسی و ترقی ۵ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، فز، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ٦۲۲،۹۸٤ کیلومترمربع (چهل و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۳،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدو بیست و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵/۸ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱/۹٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۵/۷ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۵ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤۰/۳٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۳/۵٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤۳/٦٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۷/۷٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۳/۲٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۵/۵٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/٤۳٪ ؛ زن ۵۰/۵۷٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۹/۱ سال؛ مردان ٤۵/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۸ نفر | **میزان مرگ‌و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۸/۳ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۰۳/٤ نفر | **رشدطبیعی جمعیت‌درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۹/۷نفر

دلایل عمدۀ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی در دست نیست، ولیکن در دهۀ ۱۹۹۰ موارد زیر بیشترین علل مرگ و میر بوده‌اند: بیماریهای دستگاه تنفس به ویژه سل و ذات‌الریه؛ بیماریهای دستگاه گوارش؛ بیماریهای اسهالی؛ مالاریا؛ هپاتیت؛ مننژیت؛ سوء تغذیه و ایدز

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵ نفر | **مرگ ومیرمادران‌درهرصد هزارتولد:** ۱،۱۰۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۹۸): بایا۲۳/۷٪، باندا ۲۳/٤٪، مانجیا۱٤/۷٪، انگباکا۷/٦٪، سارا ٦/۵٪ ، امبوم٦/۳٪،کاره ۲/٤٪ ، فرانسوی۰/۱٪

دین: مسیحی ٤۲/۷٪ (پر وتستان ۲۵/٦٪؛ کاتولیک ۱٦/۹٪)، باورهای قبیله‌ای ۲٤٪ ، مسلمان ۱۵٪، بقیه ۱۸/۳٪

زبان و خط: فرانسوی، سانگو (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٤): بربراتی ٤۷،۰۰۰ نفر؛ بوار ٤۳،۰۰۰ نفر؛ بامباری ٤۱،۰۰۰ نفر؛ کارنوت ٤۱،۰۰۰ نفر؛ بوسانگوا ۳۳،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد دسترسی ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی اف آ (CFAF) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار = ۷۵٤/۲۸ فرانک؛ یک فرانک= ۱۰/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ٤۵ میلیارد فرانک سی اف آ؛ مالیات ۹٤/۲٪ (مالیات تجارت بین‌المللی ۳۸٪؛ مالیات غیر مستقیم کالاهای داخلی ۳٦/۷٪ ؛ سایر موارد ۱۹/۵٪)؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۵/۸٪

هزینه بودجه : ۹ /۸۲ میلیارد فرانک سی اف آ؛ هزینه‌های جاری ٦۳٪ (از جمله دستمزدها ۳۲/۱٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۳۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،۰۵۳ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ۹۵-۱۹۷۵: ۰/۸٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۵۲/٦٪ ؛ صنعت ۱۸/٦٪ ؛ خدمات ۲۸/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷):؟ ؛ (۱۹۹۸): ٤ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۸۳۰ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۱۹/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٤/٤٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰) : ٥/٤٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱/۸٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): کاساوا ۵۵۹،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی هندی ۳٦۰،۰۰۰ ؛ موز ۱۱۵،۰۰۰؛ بادام زمینی ۱۱۰،۰۰۰؛ تارو ۱۰۰،۰۰۰ ؛ ذرت ۹۵،۰۰۰؛ نیشکر ۹۰،۰۰۰؛ موز سبز ۸۲،۰۰۰؛ تخم پنبه ۳٦،۰۰۰؛ دانۀ کنجد ۳٦،۰۰۰؛ حبوبات ۲۹،۰۰۰؛ ذرت خوشه‌ای ۲۹،۰۰۰ ؛ پرتقال ۲۲،۰۰۰ ؛ برنج ۲۱،۰۰۰ ؛ یونجه ۱۲،۰۰۰؛ قهوه ۱۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین: کشاورزی ۳/۲٪ ؛ مرتع ٤/۸٪ ؛ جنگل ۷۵٪ ؛ سایر موارد ۱۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۲،۹۹۲،۱۰۰ رأس؛ بز ۲،۳۵۰،۰۰۰؛ خوک ٦۲۲،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۲۰٦،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳،۵۱۸،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱۳،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۹۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،٤۰٤ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): طلا ۲۹ کیلوگرم؛ الماس ٤۸٦،۸۰۰ قیراط

تولیدات صنعتی: (ارزش افزوده به دلار؛ ۱۹۹٤): مواد غذائی ، نوشیدنی و دخانیات ۱۹،۰۰۰،۰۰۰؛ مواد شیمیائی ۳،۰۰۰،۰۰۰؛ محصولات چوبی ۲،۰۰۰،۰۰۰ ؛ منسوجات، پوشاک و محصولات چرمی ۱،۰۰۰،۰۰۰؛ تجهیزات حمل و نقل ۱،۰۰۰،۰۰۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱۰٤ میلیون کیلووات ساعت (۱۰٤ میلیون)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام : صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۹۲۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۸۸): ۱،۱۸٦،۹۷۲ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۸/۲٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۷۸/۳٪ ؛ زنان: ٤٦/۸٪ ؛ میزان بیکاری ۷/۵٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٦۵/۸٪ ؛ صنعت ٦/۸٪ ؛ خدمات ۲۷/٤٪

نیروی دفاعی: (مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال)؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲،٦۵۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹٤/۳٪؛ نیروی هوائی ۵/۷٪؛ سرانۀ هزینۀ دفاعی: ۱۲ دلار (۱۹۹۷)

واردات(۱۹۹۷): ۸٤/٤ میلیارد فرانک سی اف آ؛ شامل (۱۹۹۲): مواد غذائی ۲۲/۲٪؛ تجهیزات حمل و نقل ۱٦/٦٪؛ مواد شیمیائی ۱۳/۷٪؛ حاملهای انرژی ۱۱٪؛ از فرانسه ۳۰/۵٪، ساحل عاج ۱۸٪؛ کامرون ۱۰/۸٪؛ آلمان ۳/٦٪؛ بلژیک – لوکزامبورگ ۳/٦٪؛ امریکا۲/٤٪

صادرات(۱۹۹۷): ۸۹/۷ میلیارد فرانک سی اف آ؛ شامل: الماس ۳۸/۷٪، چوب ۲۵/٤٪ ؛ پنبه ۱٦/۱٪، قهوه ۱۰/۳۵٪؛ به کشورهای بلژیک – لوکزامبورگ ۳٦/۲٪ ، ساحل عاج ۵/۲٪، اسپانیا ٤/٤٪؛ فرانسه ۳٪؛ جمهوری دموکراتیک کنگو ۱/۸٪ ؛ جمهوری کنگو ۱/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیاردفرانک سی‌اف‌آ	-۱۳	-۱۰/۱	-٤/۵	+٦/٦	-۱/٦	+۲/۸	+۵/۳
درصد کل	۳۲/۹٪	۱۵/۲٪	٦/۷٪	٤/۱٪	۰/۹٪	۱/۹٪	۳٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	٦۹/٤	٦۷/٤	۸۳/۹	۱۰۰	۱۰۳/۷	۱۰۵/٤	۱۰۳/٤
شاخص درآمد	؟	؟	؟	۱۰۰	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازۀ خانوار (۱۹۹۸): ۵/۹ نفر؛ میانگین درآمد سالانۀ هر خانوار (۱۹۹۸): ۹۱،۹۸۵ فرانک سی اف آ (٤۳۵ دلار)؛ منابع درآمد:؟ هزینه‌ها (۱۹۹۱): غذا ۷۰/۵٪ ؛ پوشاک ۸/۵٪ ؛ دیگر مواد تولیدی ۷/٦٪؛ سوخت ۷/۳٪؛ خدمات (شامل حمل و نقل و ارتباطات، تفریحات و بهداشت) ٦/۱٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد ۵ میلیون دلار ؛ هزینه‌ها: ۳۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۲٤،۰۰۰ کیلومتر | **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۹،۵۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۷،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ندارد | **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه (جهت پروازهای بین‌المللی)

روزنامه(۱۹۹٦): ۳ روزنامه در ٦۰۰۰ نسخه (۱/۸ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲۸۳،۰۰۰ گیرندۀ رادیوئی (۸۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۹،۰۰۰ گیرندۀ تلویزیونی (٥/٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۹،٦۰۰ خط تلفن (۲/۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۷۰۰ خط (۰/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳،۵۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۲)	۹۳۰	٤،۰۰٤	۲۷۷،۹٦۱	؟
متوسطه	٤٦	۸٤۵	٤۲،۲٦۳	؟
فنی و حرفه‌ای			۱،٤۷۷	؟
عالی	۱	۱۳۹	۲،۹۲۳	۲۱

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٦۰٪؛ مردان : ٦۸/۵٪ ؛ زنان ۵۲/٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال(۱۹۸۸): بدون تحصیلات رسمی ۵۹/۳٪ ؛ ابتدائی ۲۹/٦٪ ، متوسطه ۹/۸٪ ، عالی ۱/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۲): ۱۵۷ نفر (هر ۱۸،٦٦۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۱): ٤،۲۵۸ تخت (هر ٦۷۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۸۰،۰۰۰ نفر؛ (۱۰/۷۷٪ افراد ۱۵-٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۰۵٦ کالری (۹۱٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤٤ گرم؛ مصرف چربی: ٦٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۸-۱۹۹۰): ۰/٤٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/٤٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): صفر

تولیدسالانه‌گازدی‌اکسیدکربن(۱۹۹٦): ۰/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعۀ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳۷۱ (صدو شصت و ششمین کشور جهان)

افغانستان AFGHANISTAN

افغانستان سرزمینی است در آسیای جنوب غربی، مرکب از دشتها و کوهستانهای مرتفع و بخشی از فلات ایران. این کشور به وسیلهٔ چند رشته ارتفاعات شرقی غربی که عمدتاً هندوکش نام دارند و در فلات پامیر به هم می‌پیوندند و به رشته کوههای هیمالیا متصل می‌گردند، به دوبخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. افغانستان که شهرهای عمدهٔ آن در درّه‌های خاوری ارتفاعات مزبور جای دارند، کلاً سرزمینی است خشک و کم‌باران با دشت‌ها و درّه‌های حاصلخیزی که پنبه و غلات و انواع میوه از فرآورده‌های آن است و زغال‌سنگ و گاز طبیعی و کانه‌های آهنی و مسی و نمک از منابع زیرزمینی آن محسوب می‌گردند. بخش ناچیزی از این کشور به وسیلهٔ جنگل پوشیده شده (حدود ۳ درصد مساحت کشور) که آن هم دستخوش پاکسازی و نابودی است و فرسایش خاک از عوامل تهدیدکنندهٔ آن است. آلودگی آبهای جاری و کمبود آب آشامیدنی سالم که همواره از جمله دشواریهای جدّی این کشور بوده، بهداشت و سلامت مردم این سامان را دستخوش تهدید دائمی قرار داده است.

کوه بابا با ارتفاع ۵۱۴۳ متر بلندترین کوه این کشور است و رشته کوههای هندوکش و سلیمان و سیاه کوه و سفیدکوه از دیگر کوههای مرتفع این سرزمین به شمار می‌آیند.

رودخانهٔ هیرمند(هلمند) با درازای ۱۳۹۰ کیلومتر، رودخانه‌ای است که نواحی مرکزی افغانستان را از شرق به غرب می‌پیماید و رود مرزی آمودریا (جیحون) که مرز میان افغانستان و ازبکستان و تاجیکستان را تشکیل می‌دهد و هریرود و رود کابل و فراه‌رود و رودخانهٔ مرغاب از دیگر رودهای مهم افغانستان هستند. تنگهٔ خیبر که رودخانهٔ کابل را از میان خود عبور می‌دهد، با موقعیت حساس و تاریخی خود ارتباط میان این سامان و کشور پاکستان را برقرار می‌سازد.

افغانستان که از شمال به کشورهای ترکمنستان و ازبکستان و تاجیکستان، ازخاور به کشورهای چین و پاکستان، از جنوب به کشور پاکستان و از غرب به کشور ایران محدود است، از ۳۲ استان تشکیل یافته است.



تاریخچه

در زمان هخامنشیان بخشی از امپراتوری ایران بود و سپس به تصرف اسکندر مقدونی درآمد و بعدها مورد نزاع و کشمکش اشکانیان و جانشینان اسکندر قرار گرفت. در سده‌های اول و دوم میلادی فرهنگ بودایی در این سرزمین راه یافت و در زمان ساسانیان دوباره به تابعیت ایران درآمد. با ظهور اسلام و فروپاشی ساسانیان، اعراب مسلمان بر آن دست یافتند و دین اسلام به تدریج در آنجا رواج یافت. طاهریان و صفاریان وسامانیان و سپس غزنویان هرکدام مدتی بر آن حکمروایی کردند و سلطان محمود غزنوی کشورگشاییهای خود را از همین سرزمین آغاز کرد و نام افغان از همین زمان بین مورخان رواج یافت. مدتی در تصرف امرای غُز و خوارزمشاهیان بود و سپس به تصرف مغولان درآمد و چندی نیز تحت استیلای ایلخانان ایران قرار گرفت. امرای آل کرت حدود ۲۰۰ سال بر بخش عظیمی از افغانستان حکومت کردند و به دست امیر تیمور گورکان برافتادند. با سرنگونی تیموریان، نوبت به حکمرانی خاندان شیبانی و ازبکان رسید و زمزمهٔ استقلال افغانستان به مرور آغاز گردید. در زمان صفویان غالباً در تصرف ایران بود و با ضعف صفویه افغانان به ایران حمله کردند و با برانداختن صفویان کوتاه زمانی بر ایران حکمرانی کردند.

نادرشاه افشار دست آنان را به سرعت از ایران کوتاه کرد و سراسر افغانستان را به تصرف ایران درآورد. پس از قتل نادرشاه، احمدخان ابدالی به نام احمدشاه دُرّانی به سلطنت افغانستان نشست و سلسلهٔ پادشاهی سدوزایی را تأسیس نمود. سلسلهٔ مزبور در سدهٔ نوزدهم میلادی به دست دوست محمّدخان افغان برافتاد و افغانستان به صحنهٔ مبارزات سیاسی و نظامی میان روسیهٔ تزاری و انگلستان مبدل شد. دوست محمّدخان با انگلیسی‌ها از در سازش درآمد و موقعیت خود را تحکیم بخشید و جانشینان وی به ویژه عبدالرحمن‌خان و حبیب‌اللّه خان و امان‌اللّه خان در سروصورت دادن به اوضاع کشور و برقراری آرامش، تلاش فراوان کردند. امان‌اللّه خان که با شورش روحانیون و بچه‌سقا روبرو شده بود، از سلطنت کناره گرفت و محمّدنادرشاه به جای او به سلطنت رسید. با کشته شدن محمّدنادرشاه (۱۹۳۳ میلادی)، محمّدظاهر شاه به سلطنت رسید و کودتای سال ۱۹۷۳ به رهبری سردار محمّدداوودخان به سلطنت او خاتمه داد و محمّد داوودخان ریاست جمهوری افغانستان را عهده‌دار شد.

در دوران حکومت داوودخان افغانستان صحنهٔ رقابتهای سیاسی و نظامی کشورهای امریکا و شوروی گردید تا این که نورمحمّد ترکی که از دست‌نشاندگان دولت شوروی بود در سال ۱۹۷۸ داوودخان را سرنگون کرد و خود نیز در سال ۱۹۷۹ به دست حفیظ اللّه امین سرنگون شد و اندک زمانی بعد او هم به سرنوشت حکمرانان قبلی دچار گردید و ببرک کارمل جای او را گرفت. به دنبال آن ارتش سرخ شوروی از مرز عبور کرد و کشور افغانستان را به اشغال خود درآورد. مسلمانان افغانستان که از حکومت کمونیستهای دست‌نشاندهٔ شوروی و اشغال سرزمین خود ناراضی بودند، با پشتیبانی امریکا و ایران و پاکستان و عربستان سعودی، علیه اشغالگران دست به مبارزه زدند و طی جنگهای متعدد و پراکنده و تحمل تلفات سنگین، ارتش اشغالگر را تحت فشار قرار دادند. ببرک کارمل که ظاهراً بیمار بود برای درمان به مسکو سفر کرد و پست دبیرکلی حزب کمونیست افغانستان را به ژنرال نجیب‌اللّه پشتوتبار واگذار کرد.

نجیب‌اللّه با شورشیان و ناراضیان به مذاکره پرداخت و سرانجام در سال ۱۹۸۸ ارتش سرخ پس از ۶ سال خاک افغانستان را ترک کرد در پی آن گروهها و دسته‌های مختلفی در صحنهٔ سیاسی کشور ظاهر شدند و علیه یکدیگر به مبارزه پرداختند.

با فروپاشی اتحاد شوروی، دولت مرکزی افغانستان از دریافت کمک محروم شد و ژنرال نجیب‌اللّه در سال ۱۹۹۲ از حکومت برکنار گردید و به دفتر سازمان ملل متحد در کابل پناه برد. جانشینان نجیب اللّه که چهارتن از معاونانش بودند، آمادگی خود را برای مذاکره و یافتن راه حل معضل افغانستان اعلام داشتند. ورود احمدشاه مسعود تاجیک‌تبار از حزب جمعیت اسلامی به کابل با اعتراض پشتوها روبرو گردید و گلبدین حکمتیار رهبر گروه بنیادگرایان افغانی به نام حزب اسلامی افغانستان نیز با او از در مخالفت درآمد و اختلاف آنان به نبردی سنگین و بمباران شهر کابل منجر شد. با ائتلاف گروههای مسلمان میانه‌رو به سرپرستی احمدشاه مسعود و نادیده گرفتن بنیادگرایان اسلامی تحت رهبری حکمتیار، دولتی به ریاست موقتی سبقت‌اللّه مجددی در کابل تشکیل گردید و وزارت دفاع به احمدشاه مسعود واگذار شد. دولت موقت افغانستان در مه ۱۹۹۲ انحلال حزب کمونیست وطن را اعلام داشت و به دنبال آن قوانین و مقررات اسلامی را به ویژه دربارهٔ ممنوعیت نوشیدن مشروبات الکلی و پوشش زنان به مورد اجرا گذارد و بدینسان گروهی از ناراضیان مسلمان مانند حزب اسلامی و جمعیت اسلامی حمایت خود را از دولت مرکزی اعلام داشتند و برگزاری انتخابات و برکناری گروهی از نظامیان و غیر نظامیان مسلح را خواستار شدند. چند روز پس از این توافق، سبقت‌اللّه مجددی که به طور معجزه‌آسا از یک سوء قصد جان به در برده بود، از ریاست جمهوری استعفاء داد و بدینسان امید به صلح از میان رفت و شهر کابل و دیگر نواحی کشور دستخوش آشوب و صحنهٔ زد و خورد میان گروه های مختلف گردید.

برهان‌الدین ربانی که به جای مجددی به سرپرستی حکومت منصوب شده بود، مردم و گروههای متخاصم را به صلح و سازش دعوت کرد. اما گلبدین حکمتیار که از شرکت احمدشاه مسعود در کابینه ناراضی بود، همچنان به مخالفت و مبارزهٔ خود ادامه داد و برکناری احمدشاه مسعود و ژنرال عبدالرشید دوستم را خواستار شد. در آغاز سال ۱۹۹۳ گروههای متخاصم آمادگی خود را برای عقد قرارداد صلح و برقراری آرامش در افغانستان اعلام داشتند و قرار بر آن نهادند تا زمان برگزاری انتخابات، برهان‌الدین ربانی و حکمتیار به ترتیب پست‌های ریاست جمهوری و نخست‌وزیری را هرکدام به مدت ۱۸ ماه بطور موقت عهده‌دار گردند. با نخست‌وزیر شدن حکمتیار، احمدشاه مسعود از پست وزارت دفاع برکنار شد و در ردیف ناراضیان قرار گرفت. برهان‌الدین ربانی نیز در پایان دورهٔ ریاست جمهوری از واگذاری مقام خود به حکمتیار خودداری کرد و اعتراضات و شورش‌ها دوباره آغاز شد.

ظهور طالبان در سال ۱۹۹۵ در جنوب افغانستان، چهرهٔ سیاسی کشور و مسیر جنگ و زد و خوردها را عوض کرد. طالبان که در پاکستان آموزش دیده بودند و هدفشان ظاهراً برقراری یک دولت واحد اسلامی در افغانستان بود، پادگانهای نظامی نواحی مرکزی و غرب کشور را به سرعت تصرف کردند و دولت مرکزی و متحدان وی که از روی کار آمدن نیروی ناشناخته و تازه‌نفس طالبان شگفت‌زده و مأیوس شده بودند، در سال ۱۹۹۶ با ۸۰۰۰ تن از طالبان مسلح و جنگجو که شهر کابل را بمباران می‌کردند، روبرو شدند و ناگزیر از عقب‌نشینی و تسلیم پایتخت گردیدند. احمدشاه مسعود که به چهرهٔ بارز و شاخص ضد طالبان معروف شده بود،



نام رسمی: دولت اسلامی افغانستان

نام محلی: افغانستان Afghānestān

اسامی دیگر: -

پایتخت: کابل (۱،۷۸۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۱۹/۸/۸ ، از انگلستان

روز ملی: پانزدهم فوریه، روز خروج قوای شوروی در سال ۱۹۸۸

نوع حکومت: دولت موقت انتقالی تحت نظارت سازمان ملل متحد

رئیس حکومت: نخست‌وزیر موقت: حامد کرزایی، از ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱

رئیس دولت: نخست‌وزیر موقت: حامد کرزایی، از ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۷، آخرین تغییرات سال ۱۹۹۰ ؛ با سقوط دولت طالبان که از سال ۱۹۹۶ قدرت را در این کشور در دست داشت و تشکیل یک دولت موقت، تحت نظر سازمان ملل متحد، این دولت اقدام به تشکیل لویه جرگه (مجلس ریش سفیدان) نمود. مجلس لویه جرگه در ژوئن ۲۰۰۲ به دولت کرزای رأی اعتماد داد.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٦)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، آدب، ایدب، اکو، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ٦٥٢،٢٢٥ کیلومترمربع (چهلمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۲،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهل و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳٤/۸ نفر در کیلومترمربع　**رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/۹

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٤٤/۹ میلیون نفر　**زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۸ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ؟ رشد سالانه : (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۷/۷

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ٪٤۳ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۷/٤ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۲٥/۱ ؛ بالای ٦۰ سال ٪٤/٥

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٪٥۱/٥ ؛ زن ٪٤۸/٥　**امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ٤٦/۳ سال؛ مردان ٤۷/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ٤۲/٤ نفر　**میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱۷/٤ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۱٤٤/٦ نفر　**رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۲٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار جدیدی در دسترس نیست.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ٦ نفر　**مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟　**میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۹۰): پشتو ٪٥۲/٤؛تاجیک ٪۲۰/٤؛ هزاره ٪۸/۸؛ ازبک ٪۸/۸؛ بقیه(عمدتاً چهاراویماق،ترکمن و بلوچ)٪۹/٦

دین(۲۰۰۰): مسلمان سنی ٪۸۹/۲؛ مسلمان شیعه ٪۸/۹؛ زرتشتی ٪۱/٤؛ هندو ٪٤؛ دین رسمی: اسلام

زبان و خط: پشتو، فارسی دری (زبان رسمی)؛ خط : عربی

شهرهای مهم: مزارشریف(۱۹۹۷): ۲،٥۰۰،۰۰۰ نفر؛ قندهار (۱۹۹۸): ۲۲٥،٥۰۰ نفر؛ هرات ۱۷۷،۳۰۰ نفر؛ جلال‌آباد(۱۹۸۲) ٥۸،۸۰۰ نفر؛ قندوز ٥۷،۱۰۰ نفر؛ بغلان ٤۱،۲۰۰ نفر؛ میمنه ٤۰،۲۰۰ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد دسترسی ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: افغانی (Af) = ۱۰۰ پول؛ یک دلار=٤،٦۷۹ افغانی؛ یک افغانی = ۱/۷ ریال (قیمت رسمی)

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): عمدتاً از داد و ستد مواد مخدر تأمین می‌شود.

هزینه بودجه: بیشتر از ٪۹۰ درآمد برای تدارکات جنگ استفاده می‌شود.

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٦،۷۳۸ میلیون دلار　**سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۸۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی: ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۳): ٥،۳۸۱ میلیارد دلار　**کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): گندم ۲،۸۳٤،۰۰۰ تن؛ برنج ٤٥۰،۰۰۰ تن؛ انگور ۳۳۰،۰۰۰ تن؛ جو ۳۰۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۲٤۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲۳٥،۰۰۰ تن؛ زردآلو ۳۷،٥۰۰ تن؛ خشخاش ٤،٦۰۰ تن (٪۷٥ تولید جهانی)

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۱۲/٤ ؛ مرتع و چمنزار ٪٤٦ ؛ جنگل ٪۲/۹ ؛ سایر موارد ٪۳۸/۷

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱٤،۳۰۰،۰۰۰ رأس، بز ۲،۲۰۰،۰۰۰ ؛ گاو ۱،٥۰۰،۰۰۰ ؛ خر ۱،۱٦۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸،۰۹۱،۰۰۰ مترمکعب　**صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱،۲٥۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۷،۲۰۰،۰۰۰ قطعه　**تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۸،۳۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): نمک ۱۳،۰۰۰ تن؛ مس ٥،۰۰۰ تن

تولیدات‌صنعتی(۸۹-۱۹۸۸): (ارزش افزوده به میلیون افغانی) مواد غذایی٤،۰۱۹ ؛ تولیدات چرم و خز ۲،٦۷۸ ؛ نساجی ۱،۷٦۰ ؛ نشر و چاپ ۱،۰۷۰ ؛ مواد شیمیایی و صنعتی ۱،۰٥۳ ؛ کفش ۹۹۹

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٥۹۳ میلیون کیلووات ساعت (۷۰۳ میلیون کیلووات ساعت) ؛ زغال‌سنگ: ٤۰۰۰ تن (٤۰۰۰) ؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۲٥٤،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: ۱٦۰،۱٦۹،۰۰۰ مترمکعب (۱٦۰،۱٦۹،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٤): ٥،٥٥۷،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۲۹/٤ ؛ میزان مشارکت: مردان: ؟ ؛ زنان ٪۹ ؛ میزان بیکاری : ٪۸ (۱۹۹٥)

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪٥۷/۳ ؛ صنعت ٪۱۳/٥ ؛ خدمات ٪۲۹/۲

نیروی دفاعی: مدت خدمت نظام وظیفه (در قانون سابق): ۲ سال؛ هیچ ارتش ملی از سال ۱۹۹۲ نداشته است.

واردات(۱۹۹۷): ٥۲٥ میلیون دلار؛ شامل (۱۹۹٥): مواد غذایی ٪۱۸/۸ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۱٥/۲ ؛ موارد نامشخص ٪٤٦/٥ ؛ از کشورهای (۱۹۹۷): سنگاپور ٪۱۹/۲ ؛ ژاپن ٪۱۸/٥ ؛ چین ٪٦/۹ ؛ هند ٪٤/۸ ؛ روسیه ٪٤

صادرات(۱۹۹۷): ۱٤۹ میلیون دلار؛ شامل (۱۹۹٥): فرش و گلیم ٪٥٤/۳ ؛ میوه‌های خشک شده و خشکبار ٪۱٥/۳ ؛ به کشورهای (۱۹۹۷): پاکستان ٪۲۰/۱ ؛ بلژیک - لوکزامبورگ ٪۸/۷ ؛ فرانسه ٪۷/٤ ؛ امریکا ٪٦/۷ ؛ ژاپن ٪٦

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۲۱۷	+۲٦۳	-۲٤٥	-۱۹۳	-۳۷۱	-۳۷٦	-۳۰۰
درصد کل	٪۳۷/٥	٪۲۳/٦	٪٥٤/٦	٪۳٦/۸	٪٥۹/۸	٪٥٥/۳	٪٥۰

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۰):	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤
شاخص قیمتهای مصرفی	٦٤/۳	۸۳/۱	۱۰۰	۲٦٦	٤۲۰/۸	٥٦۳/۹	٦۷٦/۷
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : ؟

جهانگردی(۱۹۹٥): درآمد: یک میلیون دلار؛ هزینه‌ها (۱۹۸۷): یک میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۲۱،۰۰۰ کیلومتر　**راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲٥ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۳۱،۰۰۰ دستگاه　**تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۲٥،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد　**فرودگاه(۱۹۹٦):** ۳ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۱۲ روزنامه در ۱۱۳،۰۰۰ نسخه (٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۲،۷۹٥ عنوان در ۳،۷٤۱،۰۰۰ نسخه

رادیو(۱۹۹۷): ۲،۷٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۳۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۹،۰۰۰ خط تلفن (۱/٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟　**اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۲،۱٤٦	۲۱،۸٦۹	۱،۳۱۲،۱۹۷	٦۰
متوسطه	؟	۱۹،۰۸٥	٥۱۲،۸٥۱	۲٦/۹
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	؟	؟	۱۲،۸۰۰	؟

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۳۱/٥ ؛ مردان: ٪٤۷/۲ ؛ زنان: ٪۱٥/۱

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸۰): ابتدایی ٪۷/۱ ؛ متوسطه ٪٤/٤ ؛ عالی؟

تعداد پزشک(۱۹۹۱): ۲،۲۳۳ نفر (هر ٦،۷۰۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان: ؟

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۱،۷٤٥ کالری (٪۷۲ مقدار حداقل کالری توصیه شده توسط فائو)؛ ٪۹۲ مواد غذایی از فرآورده‌های گیاهی و ٪۸ از فرآورده‌های گوشتی و پروتئینی

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

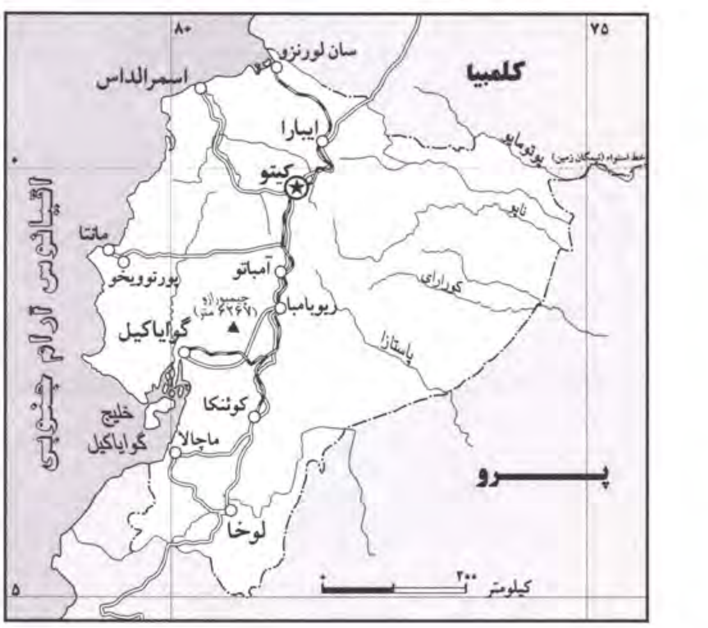
تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟

به اتفاق برهان‌الدین ربانی در صدد استقرار یک دولت مستقل در شمال خاوری کشور برآمد. طالبان که با حمایت پاکستان و عربستان و دولت امریکا در صحنهٔ مبارزات سیاسی افغانستان ظاهر شده بودند، به مرور به اکثر نواحی کشور استیلا یافتند و بر آن گردیدند تا بر اساس شرع اسلام و قوانین قرآن حکومت کنند و زنان را از ظاهر شدن در مجامع عمومی و هرگونه فعالیت اجتماعی بازدارند و از پخش موسیقی و نمایش فیلمهای سینمایی و تئاتر و صرف نوشابه‌های الکلی و کلاً هر چیزی که به نظر آنان مغایر با شرع اسلام باشد، جلوگیری نمایند. علی‌رغم این که گروه طالبان حاکمیت خود را بر بیش از ۹۰٪ خاک افغانستان گسترده بودند، با این حال از شناسایی بین‌المللی برخوردار نبودند و تنها، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و پاکستان حکومت طالبان بر افغانستان را به رسمیت شناخته بودند و همچنان دولت ربانی به عنوان نمایندهٔ رسمی مردم افغانستان از شناسایی بین‌المللی برخوردار بود.
وقایع تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در امریکا، که ارتکاب آن به گروههای تندرو اسلامی و به ویژه گروه القاعده به رهبری اسامه‌بن لادن نسبت داده شده بود، موجب گردید که دولت طالبان تحت فشار شدید قرار گیرد. اسامه‌بن لادن که از تابعیت عربستان سعودی برخوردار بود، در طی جنگهای مجاهدین افغان و دولت‌های کمونیستی افغانستان، هم خود به حمایت مالی و تسلیحاتی مجاهدین همت گماشته بود و هم کمک‌های امریکا را به آنان می‌رساند. پس از قدرت یافتن گروه طالبان، اسامه‌بن لادن پایگاههای آموزشی متعددی در این کشور تأسیس کرد و به آموزش و تسلیح داوطلبانی که عمدتاً از کشورهای عربی و مسلمان به گروههای وی می‌پیوستند، اقدام نمود.
در پی هشدارهای دولت امریکا به گروه طالبان و درخواست تسلیم اسامه بن لادن به امریکا و عدم تمکین ملامحمدعمر، رهبر گروه طالبان، نیروهای امریکایی و متحدان آن به منطقه اعزام شدند و بمباران هوایی شهرهای مهم افغانستان و مراکز تسلیحاتی و آموزشی گروه طالبان و گروه القاعده در خاک این کشور آغاز شد. در پی چندین هفته بمباران و موشک‌باران هواپیماهای امریکایی و انگلیسی، نیروی جبههٔ متحد شمال به سمت کابل پیشروی کرده و این شهر را آزاد کردند. در نشست بُن که به مدت یک هفته و تحت نظارت سازمان ملل متحد و ۴ گروه عمدهٔ افغانی در کشور آلمان برگزار شد، دولت موقتی به سرپرستی حامد کرزایی تعیین شد تا از ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱ (اول دی ماه) زمام امور را در دست بگیرد و با ایجاد امنیت در سراسر افغانستان شرایط مناسب جهت برگزاری انتخابات و تعیین دولت را فراهم نماید. ادامه حکومت وی در همایش سران افغانستان یا لوی جرگه (مجلس ریش سفیدان) که در ۱۳ ژوئن ۲۰۰۲ برگزار شد، مورد تائید قرار گرفت و افغانستان پس از یک بحران طولانی و هرج و مرج، رو به آرامش و بازسازی نهاد.

اکوادور ECUADOR

کشور اکوادور در غرب امریکای جنوبی واقع است و چون خط استوا از نواحی شمالی آن می‌گذرد به اکوادور (در زبان اسپانیایی به معنای خط استوا) موسوم شده است. این کشور از شمال به کشور کلمبیا، از خاور و جنوب به پرو و از غرب به اقیانوس آرام محدود است.
اکوادور از نظر جغرافیایی به سه ناحیه تقسیم می‌گردد:
۱- جلگهٔ ساحلی واقع در کنار اقیانوس آرام و دامنه‌های غربی کوههای آند که جریان آب سرد هامبولت واقع در اقیانوس آرام از حوالی غربی آن می‌گذرد. این ناحیه دارای هوای معتدلی است و بیش از نیمی از جمعیت کشور در آن به سر می‌برند و کاکائو، موز، برنج و قهوه از محصولات آن است.
۲- ناحیهٔ کوهستانی که از دو رشتهٔ موازی کوههای آند تشکیل شده و حد فاصل میان دو رشتهٔ مزبور را زمینهای مرتفعی فرا گرفته و اقلیم آن متناسب با ارتفاع در تغییر است. در این ناحیه چندین آتشفشان زنده مانند چیمبورازو (۶۲۶۷ متر) به عنوان بلندترین نقطهٔ اکوادور و کوتوپاکسی (۵۸۹۶ متر) و کایامبه (۵۷۹۰ متر) و سانگای (۵۲۳۳ متر) دیده می‌شود و حدود نیمی از جمعیت کشور نیز در این ناحیه زندگی می‌کنند.
۳- ناحیهٔ خاوری که در دامنه‌های شرقی کوههای آند واقع است و از دشتهای بکر و دست نخورده و جنگلهای انبوه بارانی ترکیب یافته است. در این ناحیه اخیراً منابع نفت کشف شده که بیشتر به مصرف داخلی می‌رسد و فقط کمی از آن صادر می‌گردد.
غالب ریزابه‌های آمازون، مانند رودهای پوتومایو، ناپو و پاستازا از کوههای این کشور سرچشمه می‌گیرند. اکوادور کشوری است زلزله‌خیز و تاکنون خسارتهای فراوانی را از این بابت تحمل کرده است.
جمعیت اکوادور غالباً فرزندان قوم کچوا هستند و اکثریت نژادی آنان را دورگه‌های سرخ و سفید تشکیل می‌دهند و در میان آنان اقلیتهای اروپایی و افریقایی نیز دیده می‌شود. مذهب آنان کاتولیک (۹۴ درصد) و پروتستان (۶ درصد) است. زبان رسمیشان اسپانیایی است و حدود ۴۰ درصد مردم به زبان کچوایی نیز گفتگو می‌کنند.
مجمع‌الجزایر گالاپاگوس که به این کشور تعلق دارد، در دوراب‌های حدود ۱۰۰۰ کیلومتری ناحیهٔ ساحلی اقیانوس آرام واقع است.



تاریخچه

در گذشته‌های دور نواحی شمالی اکوادور امروزی که قوم کچوا در آن به سر می‌بردند، تحت نفوذ فرهنگی و قدرت امپراتوری اینکا به مرکزیت شهر کیتو به عالی‌ترین مرحلهٔ تمدن خود رسید و از نظر اقتصادی به موقعیت بسیار درخشانی دست یافت و به مرکز بازرگانی و فرهنگی تمدن بزرگ اینکا تبدیل شد. در ۱۴۷۸ اینکاتوپاک یوپانگی، مردمانی را که در گوشه و کنار اکوادور امروزی به کشاورزی مشغول بودند متحد ساخت. با درگیری و مناقشه میان آتاهوالپا و هواسکار، دو برادری که هردو ادعای امپراتوری اینکا را داشتند، امپراتوری مزبور رو به ضعف نهاد و فاتحان اسپانیایی در سال ۱۵۳۴ به فرماندهی سباستیان. د. بنالکاثار از این فرصت استفاده کردند و شهر کیتو را تصرف نمودند. کیتو در آغاز به وسیلهٔ یک نایب‌السلطنه اسپانیایی که در پرو اقامت داشت اداره می‌شد. در سال ۱۷۱۷ کیتو به سرزمینهای تحت اشغال اسپانیا در کلمبیا و ونزوئلا و پانامای امروزی ملحق گردید. در سال ۱۸۲۲ ژنرال آنتونیو خوزه. د. سوکره، معاون سیمون بولیوار، آزادیخواه معروف، نیروهای اسپانیایی را درهم شکست و به دوران سلطهٔ اسپانیایی‌ها خاتمه داد و کیتو را ضمیمهٔ کلمبیای بزرگ کرد. در ۱۸۳۰ کیتو و نواحی تحت نظارت آن از کلمبیای بزرگ جدا شد و به مناسبت قرار گرفتنش در روی خط استوا نام جمهوری اکوادور را برای خود برگزید و درسال ۱۸۳۲ جزایر گالاپاگوس را نیز ضمیمهٔ خود کرد. اکوادور تا پیش از سال ۱۹۴۲ کشور پهناوری بود و مساحت آن به حدود ۱,۰۴۰,۰۰۰ کیلومترمربع می‌رسید. به دلیل نظام اشرافی و ضعف مدیریت و سیاست نادرست و جنگهای متوالی، اراضی خود را به مرور از دست داد تا به وسعت امروزی رسید.
انقلاب لیبرال که تحت رهبری الوی آلفارو در سال ۱۸۹۵ به وقوع پیوست امیدهای زیادی را در مردم زنده کرد و در اثر این انقلاب همهٔ اراضی متعلق به کلیسا ملی شد.
در سال ۱۹۴۴ رئیس جمهور وقت، کارلوس آلبرتو آرویو، در اثر یک قیام عمومی بر کنار شد و ائتلافی شکننده از محافظه‌کاران، کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها تا مدتها پس از آن فضای سیاسی کشور را در اختیار داشت. در سال ۱۹۶۲ رئیس جمهور وقت به نام کارلوس آروسمنا که از سوی دولت امریکا به شدت تحت فشار قرار داشت، روابط خود را با کوبا قطع کرد. در دههٔ ۱۹۷۰ صادراتی چون کاکائو و قهوه جای خود را به نفت خام داد و همزمان وضع سیاسی کشور نیز دگرگون شد و ژنرال گیلرمو رودریگزلارا، طی یک کودتای نظامی، سرپرستی دولت اکوادور را بر عهده گرفت و اکوادور را به عضویت کشورهای صادرکنندهٔ نفت (اوپک) درآورد و آبهای ساحلی کشورش را تا ۳۵۰ کیلومتری ساحل افزایش داد. در اوت ۱۹۷۹ خائیمه رولدوس از حزب همگرایی نیروهای مردمی، به ریاست جمهوری رسید و روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای کوبا و چین و آلبانی برقرار کرد. در ژانویه ۱۹۸۱ میان اکوادور و پرو جنگی درگرفت که به نبرد ۵ روزه معروف شد و علت آن اختلافات مرزی بود که از سال ۱۹۴۲ همچنان لاینحل باقی مانده بود. در مه ۱۹۸۱ رئیس جمهور رولدوس در یک سانحهٔ هوایی مشکوک کشته شد و معاونش اوسوالدوهورتادو به جای او نشست. در انتخابات سال ۱۹۸۴ لئون کوردرو از حزب سوسیال مسیحی، به ریاست جمهوری برگزیده شد. وی که از



نام رسمی: جمهوری اکوادور

نام محلی: اکوادور Ecuador

اسامی دیگر: -

پایتخت: کیتو (۱،٦١٦،٠٠٠ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: اعلام استقلال: ۱۸۰۹/۸/۱۰ ؛ استقلال واقعی : ۱۸۲۲/۵/۲٤

روز ملی: دهم اوت (روز استقلال)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: لوسیو ادوین گوتیرز، از سال ۲۰۰۳ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: لوسیو ادوین گوتیرز، ازسال ۲۰۰۳ به مدت ٤ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۹، آخرین تغییرات ۱۹۹۸؛ مجلس نمایندگان با ۱۲۱ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۲): حزب سوسیال مسیحی ۲٤کرسی، حزب رولدوسیست اکوادور ۱۵کرسی، حزب چپ دموکراتیک ۱۳کرسی، حزب تجدید حیات بنیادی اقدام ملی ۱۰کرسی، جنبش متحد پاچاکوتیک ۵کرسی، دموکراسی خلق -اتحاد دموکرات مسیحی ٤کرسی، جنبش دموکراتیک خلق (کمونیستها) ۳کرسی، حزب میهنی ۲۱ ژانویه ۲کرسی، بقیه ۱۸کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکائی، آی – آ د ب، جنبش عدم تعهد.

جمعیت

مساحت: ۲۷۲،۰٤۵ کیلومترمربع (هفتادوچهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۲،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصت و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٤٦/۳ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۷/۸ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۱٦/۱؛ رشد سالانه: (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۳/۱

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ٪۳۵/٤ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۹/۱ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۸/۹ ؛ بالای ٦۰ سال ٪٦/٦

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٪۵۰/۲۳ زن ٪٤۹/۷۷ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٤/۹ سال؛ مردان ٦۹/۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۲/۳ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۵/۱ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۰/۷ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۱/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۵): بیماریهای دستگاه گردش خون ۵۵/۱ نفر؛ حوادث ، مسمومیت و درگیری ۲۹/۲ نفر؛ ذات‌الریه ۲۷/۲ نفر؛ دیابت ۱۵/٤ نفر؛ سرطان ۱۲/۷ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۱۲/۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/٦ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱٦۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۵/٦ نفر | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۰/٦ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۸۹): سرخپوست ٪٤۰ ؛ دورگه ٪٤۰؛ سفیدپوست ٪۱۵؛ سیاهپوست ٪۵

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ٪۹۳/٤؛ دیگر ادیان ٪٦/٦ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: اسپانیولی (زبان رسمی)؛ کچوا؛ شوار؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): گوایاکیل ۲،۱۱۸،۰۰۰، نفر؛ کوئنکا ۲۷۸،۰۰۰ نفر، ماچالا ۲۱۷،۰۰۰ نفر، پورتوویخو ۱۸۱،۰۰۰ نفر، آمباتو ۱۷٤،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: گوایاکیل (خلیج گوایاکیل)، مانتاواسمرالداس (در ساحل شرقی اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار امریکا ($) =۱۰۰ سنت (از سال ۲۰۰۰ به جای سوکره)؛ یک دلار=۸۰۰۰ ریال

درآمد بودجه: ۱۰،۲۳۳ میلیارد سوکره (هر ۲۵،۰۰۰ سوکره در سال ۲۰۰۰ معادل یک دلار بوده است)؛ شامل درآمد از نفت ٪٤۵/۹ ؛ مالیات‌های غیر مستقیم ٪۳۰/۹ ؛ مالیات‌های مستقیم ٪۱۱/۱

هزینه بودجه: ۱۱،۸۳٦/۷ میلیارد سوکره؛ شامل هزینه‌های سیستم اداری ٪٤۰/۸ ، بهره وام‌های خارجی ٪۲۰/۷؛ پرداخت یارانه (سوبسید) ٪۷/٤

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۸/٤۵ میلیارد دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۵۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۳/۲ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٪۳/٤

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۲/۹ ؛ صنعت ٪۳۵/۲ ؛ خدمات ٪۵۱/۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۵۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۸۳۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۱۲،۵۸۹ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۷٦/۱ + میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۹/۳

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۳۲ ؛ ۱۹۹۸: ٪۲۵/۸

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): نیشکر ٦،۸۰۰،۰۰۰ تن؛ موز ٤،۵٦۳،۰۰۰ تن؛ برنج ۱،۰٤۳،۰۰۰ تن؛ ذرت ٦۸۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین: ؟

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۵،۵۳٤،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲،۸۹۲،۰۰۰؛ گوسفند ۲،۱۸۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۱،۳٤۰،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٦۸۸،۲۹۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٦٤،۷۵۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦۰،۲۷۸ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٤): سنگ آهک ۱،۹۰۰،۰۰۰ تن؛ طلا ۷۰۰۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون سوکره): مواد شیمیائی ۲،۳٦٤،۰۹۱؛ محصولات غذائی ۱،۷۷۹،۸۹٤؛ تولیدات معدنی غیر فلزی ٤۵۳،۱٤۸ ؛ منسوجات ۳۰۵،۳٦۹

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۹،۲٦۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۹،۲٦۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱۳۷،۲۰۳،۰۰۰ بشکه (۵۸،۳۷۳،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی : ۷،۱۳۰،۰۰۰ تن (۵،۷۲٦،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۵۳٤،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۵۳٤،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۳،۳۷۳،۸۱۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ٪٤٤/۹ ؛ میزان مشارکت: (۱۵ سال به بالا): ٪٦٤/۲ ؛ زنان ٪۳۹/۱

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۳٤/٦ ؛ صنعت ٪۱۸/۹ ؛ خدمات ٪٤٦/۱

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱ سال ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۵۷،۱۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۸۷/٦ ؛ نیروی هوایی ٪۵/۲؛ نیروی دریایی ٪۷/۲ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٦۲ دلار

واردات(۱۹۹۷): ٤،۵۱۰/٦ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۳۵/٦ ؛ مواد مصرفی صنایع ٪۳٤/۹ ؛ کالاهای مصرفی ٪۱٤/۱ ، مواد غذایی و حیوانات زنده ٪۷/٦ ؛ سوخت‌های معدنی ٪۷/٦؛ از امریکا ٪۳۰/۵ ، کلمبیا٪۱۰/٦ ، ونزوئلا ٪٦/۷، ژاپن ٪۵/۸، آلمان ٪٤/۲، اسپانیا ٪۳/٦

صادرات (۱۹۹۷): ۵،۲۱٤/۱ میلیون دلار؛ شامل مواد غذائی و حیوانات زنده ٪۵٦/٦ (موز ٪۲۵/٤، انواع خرچنگ ٪۱٦/۸)؛ نفت خام ٪۲٦/۹ ؛ به کشورهای امریکا ٪۳۸/۲ ، کلمبیا ٪٦/۸ ، ایتالیا ٪۵/۲ ، شیلی ٪٤/٦

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	+۵۰۸	+۵۳۲/٤	+۱،۵۱۰/۵	+۷۰۹/۵	-۸۰۹/۸	+۱،۷۱٤/۱
درصد کل	٪۷/۳	٪٦/٦	٪۱۸/۳	٪۷/۳	٪۸/۸	٪۲۳/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	٦۳/۹	۸۱/٤	۱۰۰	۱۲٤/٤	۱٦۲/۵	۲۲۱/۱	۳۳٦/۷
شاخص درآمد ساعتی	٤٦/۸	٦۹/۲	۱۰۰	۱۳۵/۸	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۰): ٤/۱ نفر، میانگین درآمد سالانهٔ هر خانوار (۱۹۹۵): ۹،۸۲۵،٦۱۰ سوکره؛ منابع درآمد (۱۹۹۵): کار آزاد ٪۷۰/۹ ؛ دستمزد ٪۱٦ ؛ پرداخت‌های انتقالی ٪٦/۷ ؛ دیگر موارد ٪٦/٤ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۵): غذا و دخانیات ٪۳۷/۹ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۱۵ ؛ پوشاک ٪۹/۲ ؛ اسباب منزل ٪٦/۵

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۹۱ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲٤۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ٤۳،۱۹۷ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۹٦٦ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٤٦٤،۹۰۲ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۵۲،٦۳۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ۱۵٤ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٦):** ٤ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۲٤ روزنامه در ۸۲۰،۰۰۰ نسخه (۷۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۹۹ عنوان

کتاب: ۱۲ عنوان در ۱۹،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱،۵۸۳/۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٤،۱۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳٤۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲،۵۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۰۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۹۹۱،۰۰۰ خط تلفن (۸۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲٤۳،۰۰۰ خط (۲۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲۲۵،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱۷،۳٦۷	۷٤،٦۰۱	۱،۸۸۸،۱۷۲	۲۵/۳
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۲،۲۰۷	٦۲،٦۳۰	۸۱۳،۵۵۷	۱۳
عالی	۲۱	۱۲،۸۵٦	۲۰٦،۵٤۱	۱٦/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۹۰/۱ ؛ مردان: ٪۹۲ ؛ زنان: ٪۸۸/۲

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۰): غیررسمی٪۲/۲، ابتدایی‌ناقص٪۵٤/۳، ابتدایی٪۲۸، متوسطه‌وعالی٪۱۵/۵

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۲۰،۲٤۳ نفر (هر ۵۹۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۱۸،۵۱۰ تخت (هر ٦٤۵ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۸،۰۰۰ نفر؛ (٪۰/۲۸ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷۹/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲٦۷۹ کالری (٪۱۱۷ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین ۵۹ گرم؛ مصرف چربی: ۹۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۷ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰) : ٪۱/٦

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۳/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲٤/۵ میلیون تن؛ هر نفر ۲/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۲۲ (نودویکمین کشور جهان)

امپراتوری اینکا

امپراتوری اینکا در حدود سال ۱۳۰۰ میلادی پایه‌گذاری شد و تقریباً در ۱۴۵۰ به اوج عظمت و شکوه خود رسید و در ۱۵۳۲ مضمحل گردید. پایه‌گذاران امپراتوری مزبور، احتمالاً مهاجرانی بوده‌اند که در پیرامون دریاچهٔ تیتیکاکا و درهٔ کوزکو می‌زیستند و قصد داشتند در سرتاسر نواحی کوهستانی آند حکومت یکپارچه‌ای را به وجود بیاورند. امپراتوری اینکا که نام بومی آن تاهوآنتینسویو *Tahuantinsuyo* است، شامل بخش کوچکی از کلمبیای جنوبی، ارتفاعات و دشتهای ساحلی پرو و فلات مرتفع بولیوی، اراضی شمال غربی آرژانتین و کلیهٔ زمینهای خشک شمالی و سرزمینهای حاصلخیز و بارآور شیلی مرکزی تا درهٔ رودخانهٔ مائوله بوده است.

امپراتوری مزبور از دو منطقهٔ متفاوت یکی کوهستانی، جایی که تاهوآنتینسویو پایه‌گذاری شد و دیگری سواحل گرم و مرطوب و باتلاقی اکوادور و کرانه‌های خشک و بایر پرو و شیلی تشکیل می‌شد و جالب آن بود که اینکاها هیچگاه میل به نفوذ و زندگی در نواحی جنگلی را نداشتند.

دو شاهراه بزرگ شمالی جنوبی، ستون فقرات ارتباطات و محورهای اقتصادی امپراتوری اینکا را تشکیل می‌داد. نخستین شاهراه در نوارهای ساحلی اقیانوس آرام ساخته شده بود و طول آن به حدود ۴۰۵۰ کیلومتر می‌رسید و دومین شاهراه در کوهستانهای آند احداث شده بود که درازای آن به ۵۱۸۰ کیلومتر بالغ می‌گردید. جمعیت امپراتوری را بین ۱۰ تا ۱۶ میلیون نفر تخمین زده‌اند، ولی بررسیهای اخیر رقم دوازده میلیون تن را تأیید می‌کند که با توجه به وسعت امپراتوری، ۱۳ تن در هر کیلومترمربع می‌زیستند. همچنین پژوهشگران بر این باورند که شمار ارتش امپراتوری اینکا به ۲۰۰٫۰۰۰ تا ۳۰۰٫۰۰۰ تن بالغ بوده است.

امپراتوری اینکا نیز مانند دیگر امپراتوری‌ها، فرهنگ گذشتگان خود را که قبایل چاوین، تیاهواناکو-اهواری، نازکا، موچه و چیمو بوده‌اند، اقتباس کردند و بر آن قدرت نظامی، سیاست و درایت و طراحی اقتصادی و کنترل اجتماعی را افزودند. شهر کوزکو پایتخت امپراتوری در سال ۱۵۳۲ حدود ۲۰۰٫۰۰۰ تن جمعیت داشت. شهر مزبور در درهٔ کوزکو واقع در کوهستان آند که زمینهای حاصلخیز و چشم‌اندازهای زیبا داشت، بنا شده بود و مساحت آن به ۶ کیلومترمربع می‌رسید. این شهر از نظر طراحی به یوزپلنگ که برای اینکاها جانوری مقدس محسوب می‌شد، شبیه بود و در محل تلاقی چهار استان اصلی کشور قرار داشت. استان آنتی‌سویو در ربع شمال خاوری، استان کونتی‌سویو در ربع جنوب غربی، استان کولاسویو در ربع جنوب شرقی و استان چینچای‌سویو در ربع شمال غربی جای داشت. آنان از تقویمی که بر اثر گردش خورشید تنظیم شده بود استفاده می‌کردند و برنامه‌های زندگی خود از قبیل کشاورزی و امور مذهبی و برگزاری جشن‌ها و آیین‌ها و غیره را بر مبنای آن قرار داده بودند.

هواداران دو آتشهٔ ریگان رئیس جمهور وقت امریکا بود، روابط خود را با نیکاراگوآ قطع کرد و کمکهای مالی و اقتصادی متعددی به کونتراها (مخالفان مسلح دولت ساندینیست نیکاراگوآ) ارائه کرد.

در انتخابات سال ۱۹۸۸ رودریگو بورخا از حزب سوسیال دموکرات، به ریاست جمهوری رسید و در انتخابات ۱۹۹۲ سیکستودوران از ائتلاف چپ میانه جای او را گرفت. در اوایل سال ۱۹۹۵ درگیریهای نظامی جدیدی با کشور پرو در یکی از نواحی مرزی که از نظر نفت و اورانیوم دارای اهمیت بود و موقعیت آن به وضوح روشن نشده بود، به وقوع پیوست. در سال ۱۹۹۷ فابیان آلارکون به ریاست جمهوری اکوادور رسید و در ۱۹۹۸ آخرین تغییرات قانون اساسی از طریق همه‌پرسی به تصویب رسید. در همین سال خامیل ماهواد با پشتیبانی اکثریت عظیمی به ریاست جمهوری کشور برگزیده شد، اما سیاست‌های متناقض و ویرانگر او که به افزایش سریع تورم و کاهش ارزش پول ملی منجر شد، شورش‌های گسترده‌ای را در کشور به وجود آورد. در ژانویهٔ ۲۰۰۰، تعداد زیادی از بومیان اصلی اکوادور، دانشجویان، اعضای اتحادیهٔ کارگری و سربازان و درجه‌داران ارتش اقدام به اشغال پارلمان و مراکز دولتی در کیتو نمودند و خواستار لغو تصمیم رئیس جمهور مبنی بر جایگزینی دلار با پول ملی اکوادور یعنی سوکره شدند. در اثر فشارهای خارجی به ویژه از سوی امریکا، شورشیان مواضع خود را ترک کردند و ماهواد نیز از مقام خود استعفاء داد و معاون وی گوستاوو نوبوآ بخارانو، ادارهٔ امور را به عهده گرفت.

در دومین دور انتخابات ریاست جمهوری اکوادور که در اکتبر سال ۲۰۰۲ برگزار گردید، لوسیو ادوین گوتیرز با کسب ۵۸/۷٪ آراء به پیروزی رسید. گوتیرز که افسر بازنشستهٔ ارتش می‌باشد، با شعارهای چپگرایانهٔ خود توانست گوستاوو نوبوآ، ثروتمندترین مرد اکوادور را شکست دهد.

الجزایر ALGERIA

الجزایر کشوری است در شمال افریقا و در ساحل جنوبی دریای مدیترانه. از خاور به تونس و لیبی، از جنوب به نیجر و مالی و از غرب به موریتانی، صحرا و مغرب (مراکش) و از شمال به دریای مدیترانه محدود است. این سرزمین از سه ناحیهٔ کاملاً متمایز جلگهٔ ساحلی، کوهستان اطلس و دشت پهناور صحرا تشکیل یافته. جلگهٔ ساحلی که پهنای آن بطور متوسط به ۱۳۰ کیلومتر می‌رسد، شمالی‌ترین ناحیهٔ الجزایر است و از جنوب به رشته کوههای اطلس یا جبال اطلس صحرایی ختم می‌گردد. کوهستان اطلس به عرض متوسط ۵۰۰ کیلومتر بین جلگهٔ ساحلی و صحرا واقع شده و بلندترین قلهٔ آن جبل شلیا ۲۳۳۲ متر ارتفاع دارد. دشت پهناور صحرا، جنوبی‌ترین ناحیهٔ الجزایر است که رو به جنوب و غرب بر وسعت آن افزوده می‌گردد. این ناحیه از خاور به ارتفاعات احجار منتهی می‌شود که مرتفع‌ترین نقطهٔ آن به نام جبل تهت ۲۹۱۸ متر ارتفاع دارد. ناحیهٔ مزبور از نظر منابع نفت و گاز و کانه‌های فلزی به ویژه آهن و فسفات و زغال‌سنگ در خور توجه است.

شرایط کاملاً متفاوت اقلیمی و تغییرات دما از ویژگی‌های آب و هوای الجزایر است. جلگهٔ ساحلی از اقلیم مدیترانه‌ای برخوردار است و محصولاتی چون انگور، مرکبات، زیتون و غلات و امثال آن از فرآورده‌های آن است. دشتهای جنوبی کم‌آب و خشک است و شهرها و آبادیهای آن پراکنده و دور از هم هستند و اکثراً به واحه‌هایی کوچک شباهت دارند. نواحی کوهستانی اطلس و احجار به کم‌آبی دشتهای جنوبی نیست و جنگل‌های تنک در آن به چشم می‌خورد.

رودخانه‌های الجزایر کلاً کوچک و غالباً فصلی هستند و خشکرود وادی‌الشلف که درازای آن به حدود ۷۰۰ کیلومتر می‌رسد، عمده‌ترین و بزرگترین آنها محسوب می‌گردد. فرسایش خاک و پیشروی صحرای جنوبی خطر بزرگی برای گیا و زیای این سرزمین بوده و حدود ۱۲ میلیون





نام رسمی: جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر

نام محلی: الجزائر

اسامی دیگر: –

پایتخت: الجزیره (۲،۵٦۱،۹۹۲ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۲/۷/۵ ، از فرانسه

روز ملی: اول نوامبر (سالروز انقلاب ۱۹۵٤)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری ، ازسال ۱۹٦۲

رئیس حکومت: رئیس جمهور: عبدالعزیز بوتفلیقه،از سال ۱۹۹۹ (به مدت ۵ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: علی بنفلیس (جبهه آزادیبخش ملی)، ازسال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٦؛ مجلس ملی با ۳۸۰ عضو به مدت ۵ سال و شورای ملت با ۱٤٤ عضو به مدت ٦ سال؛ کرسیهای مجلس ملی (۲۰۰۲): جبهۀ آزادیبخش ملی ۱۹۹ کرسی، جنبش اصلاحات ملی ٤۳ کرسی، مجمع ملی برای دموکراسی ٤۷ کرسی، جنبش اجتماعی برای صلح (اسلامگرا) ۳۸ کرسی، حزب کارگران ۲۱ کرسی، جبهه ملی الجزایر ۸ کرسی، بقیه احزاب و مستقلها ۳۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، ایدب، اوپک، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی.

جمعیت

مساحت: ۲،۳۸۱،۷٤۱ کیلومترمربع (یازدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۱،۵۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (سی و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۳/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۳٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٤٦/٦ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۲ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵۷/۹٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۳/۵٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ۳٦/۲٪ ، ۲۹-۱۵ سال ۳۰/٦٪ ، ۵۹-۳۰ سال ۲٦/٦٪ ، بالای ٦۰ سال ٦/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ۵۰/۵٦٪ ، زن ٤۹/٤٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۰/۵ سال، مردان ٦۸/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۵/۵ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٤۳/۸ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۱/۵ نفر

دلایل عمدۀ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٦): (فقط آمار مرگ و میر میان بیماران عفونی در دسترس بوده است): سرخک (سرخجه) ٦۷/۸ نفر، حصبه ۱۵/۲ نفر، هپاتیت ۱۱/۳ نفر، اسهال خونی (دیسانتری) ۱۰/۱ نفر، منتژیت ۹/٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۰/٦ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۲): عرب ۸۰٪ ؛ بربر ۲۰٪

دین(۱۹۹۰): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان ۹۹/۹٪ (سنی ۹۹/۵٪ ، اباضیه ۰/٤٪)، کاتولیک ۰/۱٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)، بربر، فرانسه؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۸): وهران (۹۹۱،۸۸۵ نفر)، قسطینه (٦۸۹،۹۸۲ نفر)، سطیف (٦٤۸،۰۷۲ نفر)، باطنه (٦۳۹،۳٦٤ نفر)

بنادر مهم: الجزیره و وهران (دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دینار الجزایر (DA) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار = ۷۸/٤ دینار؛ یک دینار = ۱۰۲ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۹۲٦/٦ میلیارد دینار؛ مالیات بر هیدروکربن‌ها ٦۳/۹٪ ، مالیات بر ارزش افزوده ۱٦٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۸٤۵/۱ میلیارد دینار؛ هزینه‌های جاری ٦۹/٤٪ ، هزینه‌های عمرانی ۳۰/٦٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤٦،۳۸۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۵۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳/٦٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/٤٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۲/۱٪ ؛ صنعت ٤۷/۳٪ ؛ خدمات ٤۰/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۵۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲۸،٤٦۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۸۸/۸ +میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۷/۲٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲۱/۱٪ ؛ ۱۹۹۸: ٤/۲-٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): گندم ۱،۵۰۳،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱،۱۰۰،۰۰۰ تن، گوجه فرنگی ۷۹۰،۰۰۰ تن، جو ٤۸۱،۰۰۰ تن، خرما ٤۲۷،٦۰۰ تن، پیاز ٤۰۰،۰۰۰ تن، زیتون ۳۱۱،۲۰۰ تن، پرتقال ۳۰۷،۳۰۰ تن، انگور ۱۹۰،۳۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤): کشاورزی ۳/٤٪؛ مرتع و چمنزار ۱۳/۳٪ ؛ جنگل ۱/٦٪ ، سایر موارد (عمدتاً کویر) ۸۱/۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۳،۲۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۷): ۲،۷۳۵،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۹۹،۳۳۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۰۵،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۲۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۹): سنگ‌آهن (ناخالص) ۲،۳۳۰،۰۰۰ تن ؛ سنگ‌فسفات(ناخالص) ۱،۳۰۰،۰۰۰تن؛ جیوه ۱۲،۰۰۰ بطری

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دلار): آهن و فولاد ٦۳٤؛ مواد غذائی ٦۲۲؛ مصنوعات فلزی ۵۱۸؛ سیمان، آجر و کاشی ۳۹٤؛ تجهیزات حمل و نقل ۳۵۲؛ ماشین‌آلات برقی ۲٤۱

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۲۰،٦۵٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲۰،۳۷۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ ۲۲،۰۰۰ تن (۱،۲۰۲،۰۰۰)؛ نفت خام: ۲۹۷،۳۵٤،۰۰۰ بشکه (۱٦۵،۲۲۰،۰۰۰) ؛ فرآورده‌های نفتی: ۳۹،٦۲۸،۰۰۰ تن (۷،۵۱۰،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ٦٦،۱۹۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۲۵،۹۸۱،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٤): ٦،۸۱٤،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲٤/۸٪ ؛ میزان مشارکت (۱۹۸۷؛ در سنین ۱۵ تا ٦٤ سال): ٤٤/۳٪ ؛ زنان: ۹/۲٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): حدود ۲۸٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱۳/٦٪ ؛ صنعت ۲۹٪ ؛ خدمات ۳٦/۱٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱۲۲،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸٦/۱٪ ، نیروی هوایی ۸/۲٪ ، نیروی دریایی ۵/۷٪ ؛ سرانۀ هزینۀ دفاعی (۱۹۹۷): ٦۱ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۹،۱۰۲ میلیون دلار؛ شامل مواد غذایی ۲۷/۵٪ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات ۱۵/۸٪ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۷٪ ؛ از کشورهای فرانسه ۲۸/۳٪ ، ایتالیا ۸/۷٪ ، امریکا ۸/٦٪، اسپانیا ۷/٤٪ ، برزیل ۵/۳٪

صادرات(۱۹۹٦): ۱۳،۵۸٦میلیون دلار؛ شامل نفت خام و فرآورده‌های نفتی ٦۱/۷٪ ، گاز طبیعی ۳۱/۷٪ ، خرما ۰/۵٪ به کشورهای ایتالیا ۱۹/۵٪، امریکا ۱۷/۳٪ ، فرانسه ۱٤/۲٪، اسپانیا ۱۰/۲٪ ، هلند ۵/٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	+۱،٤۵۳	-٦۸۰	-۵۸۳	+٤،٤۸٤	+۵،۲۰٦	+۸۰۳
درصد کل	۷/٦٪	۳/۵٪	۲/۸٪	۱۹/۸٪	۲۳/۱٪	٤/۱٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۵۸/٦	۷۵/۷	۱۰۰	۱۲۱/٦	۱۲٦/۳	۱۲۹
شاخص درآمد	۸۸/۸	۹۰/۹	۱۰۰	۱۱۰	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازۀ خانوار (۱۹۹۸): ۷/۱ نفر، درآمد هر خانوار؟؛ منابع درآمد (۱۹۹۷):دستمزد و حقوق ٤۳/۲٪ ؛ کار آزاد ۳۹/۱٪ ؛ انتقالی ۱۷/۷٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۵) : غذا و نوشیدنی ۵۸/۵٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ۹/۵٪ ؛ پوشاک و کفش ۱۳/۹٪ ؛ بهداشت ٤/٤٪ ؛ دیگر موارد ۱۳/۷ ٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد ۲۰ میلیون دلار؛ هزینۀ جهانگردان در خارج: ٤۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۵): ۱۰۲،٤۲٤ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۳،۹٤۵ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۷۲۵،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۷۸۰،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ۱٤۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۲۸ فرودگاه

روزنامه: ٦ روزنامه در ۱،۲۵۰،۰۰۰ نسخه (٤٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٤۸ عنوان در ۸۰۳،۰۰۰ نسخه

کتاب: ٦۷۰ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۷،۱۰۰،۰۰۰ گیرندۀ رادیوئی (۲۵۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳،۲۰۰،۰۰۰ گیرندۀ تلویزیونی (۱۰٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،٤۷۷،۰۰۰ خط تلفن (٤۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۸،۰۰۰ خط (۰/٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱٦۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱۵،٤۲٦	۱۷۰،۹۵٦	٤،٦۷٤،۹٤۷	۲۷/۳
متوسطه	۳،۹۵٤	۱۵۱،۹٤۸	۲،٦۱۸،۲٤۲	۱۷/۲
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	؟	۱۹،۹۱۰	۳٤۷،٤۱۰	۱۷/٤

میزان باسوادی(۱۹۹۸): افراد بالای ۱۰ سال ٦۸/۱٪ ؛ مردان ۷٦/۳٪ ؛ زنان: ۵۹/۷٪

میزان تحصیلات افراد بالای ٦ سال(۱۹۹۸): غیر رسمی ۳۰/۱٪ ؛ ابتدایی ۲۹/۹٪ ، متوسطه ۳٤/۱٪ ؛ عالی ٤/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۲۷،٦۵۰ نفر (هر ۱،۰۱۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۳٤،۵٤٤ تخت (هر ۸۱۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۰۷٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ٤۵/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۸۵۳ کالری (۱۱۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۷۹ گرم؛ مصرف چربی : ۷۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ۱/۲٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۲٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۳/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۹٤/۵ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۳ تن

شاخص توسعۀ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۸۳ (صد و هفتمین کشور جهان)

هکتار از اراضی قابل کشت را که بالغ بر ۴۵ درصد اراضی مزروعی کشور محسوب می گردد، مورد تهدید و نابودی قرار داده است.

۸۰ درصد جمعیت الجزایر عرب و ۲۰ درصد دیگر را بربرها و اقوام بادیه‌نشین که با نیجرها و اتباع کشور مالی خویشاوندی دارند، تشکیل می دهد. دین رسمی الجزایر اسلام و زبان رسمی آن عربی است. علاوه بر زبان عربی، اکثر مردمان الجزایر به زبان فرانسه گفتگو می کنند، ولی زبان و فرهنگ عربی به مرور جای زبان مزبور را می گیرد و میل به عرب گرایی فزونی می یابد.

تاریخچه

بربرها نخستین اقوامی هستند که از روزگار بس دور در این سرزمین سکونت داشته‌اند. اولین‌بار فنیقی‌ها در سدهٔ دوازدهم پیش از میلاد به این کشور هجوم آوردند و مهاجرنشین هایی در کرانه‌های شمالی آن پدید آوردند. سپس کارتاژها به آنجا وارد شدند و نواحی خاوری آن را به تصرف درآوردند. رومی‌ها پس از برانداختن دولت کارتاژ، بر این سرزمین دست یافتند و چندی بر سواحل شمالی افریقا و سرزمینهای ساحلی الجزایر حکومت کردند. و اندالها در ۴۳۰ بعد از میلاد، دست رومی‌ها را از الجزایر کوتاه کردند و اعراب مسلمان در سدهٔ هفتم میلادی به افریقای شمالی تاختند و بربرها را وادار به تسلیم نمودند و دین اسلام و زبان عربی را در آنجا رواج دادند. مدتی چند در تسلط مرابطون و موحدون بود و در سدهٔ شانزدهم میلادی به تصرف امپراتوری عثمانی درآمد. گرچه تسلط عثمانی‌ها عمدتاً بر باریکه‌ای از جلگهٔ ساحلی محدود بود، ولی از عهدهٔ دریازنانی که در همان نواحی و آبهای جنوبی دریای مدیترانه به تاخت و تاز و دست‌اندازی مشغول بودند، برنیامدند. دولت فرانسه که با دریازنان در مبارزه بود، به بهانه‌های سیاسی درسال ۱۸۳۰ شهر الجزیره را تصرف کرد و در پی آن بر بندرهای بجایه و بونه و وهران نیز تسلط یافت. پس از جنگ ارتش فرانسه با عبدالقادر جزایری، دوران استعمار فرانسه آغاز گردید و تا پایان سدهٔ نوزدهم سرتاسر الجزایر به تصرف فرانسه درآمد. در جنگ جهانی دوم یکی از عمده‌ترین پایگاههای متفقین در شمال افریقا به شمار می‌رفت و ضمناً پایتخت موقت دولت فرانسه و مقر ستاد فرماندهی ژنرال دوگل بود.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، زمزمهٔ استقلال‌طلبی در الجزایر آغاز شد و به انقلاب سال ۱۹۵۴ بر علیه فرانسه انجامید. پیشنهادهای اصلاح طلبانهٔ فرانسه سودی نبخشید و با مخالفت سخت مسلمانان وبعضی فرانسویان افراطی روبرو شد و تا حدی پیش رفت که منجر به سقوط جمهوری چهارم فرانسه و روی کار آمدن ژنرال دوگل و جمهوری پنجم گردید. چون همه‌پرسی سال ۱۹۵۹ استقلال کامل الجزایر را نشان می‌داد، از این رو ژنرال دوگل با وجود مخالفت شدید نظامیان و ملیون افراطی فرانسه، قرارداد استقلال الجزایر را در سال ۱۹۶۲ امضاء کرد و جمهوری سوسیال دموکراتیک الجزایر بلافاصله اعلام موجودیت نمود و احمدبن بلاً بعنوان نخستین رئیس جمهور الجزایر انتخاب شد. در سال ۱۹۶۵ وزیر دفاع الجزایر، هواری بومدین دست به کودتا زد و با زندانی کردن احمدبن بلاً خود به مقام ریاست جمهوری الجزایر دست یافت. هواری بومدین درسال ۱۹۷۸ درگذشت و شاذلی بن جدید به ریاست جمهوری رسید و در سال ۱۹۸۱ احمدبن بلاً را پس از ۱۴ سال از زندان آزاد کرد.

شاذلی بن جدید در سال ۱۹۸۴ مجدداً به ریاست جمهوری برگزیده شد. خشکسالی سال ۱۹۸۸ و بی‌آبی و کمبود مواد غذایی و بحران اقتصادی به نارضایتی عمومی انجامید و موج آشوب و اغتشاش به ویژه در بین مسلمانان همه جا فرا گرفت و دولت بن جدید را در سال ۱۹۹۱ وادار به سقوط کرد و نیروهای مسلح دولتی و شورشیان را رودرروی یکدیگر قرار داد. بنیادگرایان اسلامی که از موقعیت اجتماعی محکمی برخوردار بودند، خواستار برگزاری هرچه زودتر انتخابات گردیدند. دور اول انتخابات در دسامبر ۱۹۹۱ با روی کار آمدن مجدد شاذلی بن جدید و پیروزی گروههای اسلامی پایان یافت و ۱۸۸ کرسی از ۴۳۰ کرسی پارلمان به توسط اسلام‌گرایان به ویژه جبههٔ نجات اسلامی، اشغال شد. شاذلی بن جدید که از پیروزی بنیادگرایان اسلامی احساس خطر می‌کرد و از سوی نظامیان و گروههای مخالف اسلام‌گرایان نیز به شدت تحت فشار بود، از مقام خود استعفاء داد و جای خود را به یک شورای چهارنفره مرکب از سه تن از افسران عالیرتبه ارتش و نخست‌وزیر واگذارکرد. شورای مزبور در اوایل سال ۱۹۹۲ تشکیلات بنیادگرایان اسلامی را منحل کرد و آراء حدود ۴۰۰ شهر و آبادی را که اسلام‌گرایان در آنها به پیروزی رسیده بوند، باطل نمود و دامنهٔ اختلافات بین دولت و اسلام‌گرایان را هرچه بیشتر گسترش داد و زد و خوردهای خیابانی شدت گرفت و محمد بوضیاف سرپرست شورای دولتی، توسط یکی از محافظان خود ترور شد و به قتل رسید و علی کافی به جای او منصوب گردید و بر شدت مخالفت علیه اسلام‌گرایان تندرو افزود.

در سال ۱۹۹۳ امین زروال که پست وزارت دفاع را بر عهده داشت به سرپرستی کشور برگزیده شد و مبارزه و نبردهای خونین بین بنیادگرایان اسلامی و نیروهای دولتی همچنان ادامه یافت و یک هزار مبارز زندانی از زندان دولتی فرار داده شدند. جنگهای خونین خانگی تا سال ۱۹۹۵ همچنان رو به گسترش بود وزروال به مبارزه با اسلام‌گرایان با شدت هرچه تمامتر ادامه می‌داد. انتخابات ریاست جمهوری نوامبر سال ۱۹۹۵ با گزینش مجدد زروال پایان یافت و در ژانویهٔ سال ۱۹۹۷ نبرد بین نیروهای دولتی و مبارزان مسلح اسلامی شدت گرفت و طی آن بیش از ۲۵۰ تن به قتل رسیدند. در اوت ۱۹۹۷ عباس مدنی رهبر اسلام‌گرایان که به تازگی از زندان آزاد شده بود، تلاش کرد تا به زد و خوردهای خونین و وحشیانه پایان دهد و ضمن تماس و گفتگو با دولتیان به راه حلی مسالمت‌آمیز دست یابد. در انتخابات سال ۱۹۹۹، عبدالعزیز بوتفلیقه به مقام ریاست جمهوری رسید و با اعلام عفو زندانیان سیاسی مسلمان، متقابلاً آمادگی دولت را برای یافتن راه حل مناسب اعلام داشت. کمی پس از آن در ماه نوامبر، عبدالقادر حشانی مرد شماره ۳ جبههٔ نجات اسلامی توسط گروههای تندرو اسلامی، در اعتراض به روند صلح میان دولت و گروههای صلح طلب ترور و کشته شد.

پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، دولت الجزایر اعلام آمادگی نمود تا اطلاعات موجود در مورد الجزایری‌های عضو القاعده را در اختیار امریکا قرار دهد. در انتخابات پارلمانی ماه مه ۲۰۰۲، جبههٔ آزادیبخش ملی توانست با کسب ۱۹۹ کرسی به پیروزی بزرگی دست یابد و اکثریت مطلق مجلس ملی را به دست آورد.

السالوادور EL SALVADOR

السالوادور که کوچکترین کشور امریکای مرکزی محسوب می‌شود، از شمال و خاور به کشور هندوراس، از جنوب به اقیانوس آرام و از غرب و شمال غربی به کشور گواتمالا محدود است. بیشتر اراضی آن کوهستانی است و یک رشته کوههای آتشفشانی از شرق به غرب آن کشیده شده که مرتفع‌ترین آنها سانتاآنا (۲۳۵۵ متر) و سان‌میگل (۲۱۲۲ متر) است و بلندترین نقطهٔ السالوادور کوه سرو ال پیتال است که ۲۷۳۰ متر ارتفاع دارد. رودخانه‌های این کشور که عمدتاً از ارتفاعات فراسوی مرزهایش سرچشمه می گیرند، عبارتند از رود لمپا و رود گرانده سان‌میگل.

اقلیم آن به دلیل ارتفاع زیاد معتدل بارانی است و قهوه عمده‌ترین محصول نواحی مرتفع محسوب می گردد. علاوه بر قهوه، پنبه و ذرت، بقولات و برنج نیز از دیگر فرآورده‌های کشاورزی آن است. در نواحی ساحلی اقیانوس آرام جایی که هوا گرمتر است کشتزارهای نیشکر وجود دارد.



تاریخچه

سرزمین السالوادور در روزگار گذشته مسکن اقوام چیبچا و مایا بود. در سال ۱۵۲۵ پدروآلوارادو سردار اسپانیایی، آزتک‌های مکزیک را به زانو درآورد و شهر السالوادور. د. کوسکاتلان را بنا نهاد و آن را به گواتمالا که خود بخشی از نایب‌السلطنه‌نشین مکزیک بود، ضمیمه کرد.

امریکای مرکزی در سال ۱۸۲۱ از اسپانیا جدا شد و به صورت یک کشور مستقل فدراتیو درآمد. در سال ۱۸۲۷ بین سلطنت‌طلبان و جمهوری‌خواهان جنگ خانگی درگرفت. در سال ۱۸۳۹ ژنرال فرانسیسکو موارزان، رئیس جمهور امریکای مرکزی تلاش فراوان کرد تا از تجزیهٔ فدراسیون امریکای مرکزی جلوگیری کند ولی موفق نشد و السالوادور استقلال خود را اعلام داشت. انگلیسی‌ها از موقعیت متزلزل فدراسیون مزبور استفاده کردند و در امریکای مرکزی مستقر شدند. در سال ۱۸۴۸ دوروتئو واسکونسلوس رئیس جمهور وقت السالوادور با انگلیسی‌ها از در مخالفت درآمد و انگلیسی‌ها نیز متقابلاً بندرهای السالوادور را محاصرهٔ دریایی نمودند. در اواخر سدهٔ نوزدهم امریکایی‌ها به مرور به منطقهٔ مزبور وارد شدند و انگلیسی‌ها را از آنجا بیرون راندند. در سال ۱۹۲۹ وضع اقتصادی کشور بحرانی شد و حزب



نام رسمی: جمهوری السالوادور

نام محلی: ال‌سالوادور El Salvador

اسامی دیگر: -

پایتخت: سان‌سالوادور (۶۱۰،۷۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: اعلام استقلال ۱۸۲۱/۹/۱۵ ، استقلال قطعی: ۱۸۴۱، از اسپانیا

روز ملی: پانزدهم سپتامبر (روز استقلال)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۳

رئیس حکومت: رئیس جمهور: فرانسیسکو گیلرمو فلورس پرز (آرنا)، از سال ۱۹۹۹ (به مدت ۵ سال، فقط برای یکبار)

رئیس دولت: رئیس جمهور: فرانسیسکو گیلرمو فلورس پرز (آرنا)، از سال ۱۹۹۹ (به مدت ۵ سال، فقط برای یکبار)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۳؛ مجلس ملی با ۸۴ نماینده به مدت ۳ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۰): جبهۀ آزادیبخش ملی فاراباندو مارتی ۳۱ کرسی، ائتلاف جمهوری‌خواهان ملی‌گرا (آرنا) ۲۹، حزب آشتی ملی ۱۴، حزب دموکرات مسیحی ۵، سایرین ۵ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی –آ د ب

جمعیت

مساحت: ۲۱،۰۴۱ کیلومترمربع (صدوچهل و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۶،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نودوششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۹۹/۴ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰–۱۹۹۵) :** ٪۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۹/۱ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۴۵/۹؛ رشد سالانه (۲۰۰۰–۱۹۹۵): ٪۲/۹

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ٪۳۷/۴، ۲۹–۱۵ سال ٪۳۰/۴ ؛ ۵۹–۳۰ سال ٪۲۵/۳ ؛ بالای ۶۰ سال ٪۶/۹

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٪۴۹/۰۴ ؛ زن ٪۵۰/۹۶ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۳/۲ سال؛ مردان ۶۵/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۹/۴ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۶/۴ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۰/۲ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۳ نفر

دلایل عمدۀ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۲۴ نفر؛ درگیری ۷۳ نفر؛ حوادث ۶۲ نفر؛ بافتهای بدخیم (سرطان) ۵۲ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۴۲ نفر؛ بیماریهای ناشی از شرایط بد ۱۲۹ نفر (۱۹۹۴ ؛ بر اساس آمارگیری از ٪۷۷ موارد مرگ و میر)

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۴ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۵/۱ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۰/۵ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۳): دورگۀ سرخ و سفید ٪۸۹ ؛ سرخپوست ٪۱۰ ؛ سفیدپوست ٪۱

دین: کاتولیک ٪۷۸/۲ ؛ پروتستان ٪۱۷/۱ ؛ سایر مسیحیان ٪۱/۹ ؛ سایر ادیان ٪۲/۸ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: اسپانیولی (زبان رسمی)، زبانهای بومی سرخپوستان از جمله ناهوا و مایا؛ انگلیسی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۵): نوئوا سان سالوادور (سانتاتکلا) ۱۹۱،۶۰۰ نفر؛دلگادو ۱۴۴،۹۰۰ نفر؛ میخکانوس ۱۳۸،۸۰۰ نفر؛ سویا پانگو ۱۲۹،۸۰۰ نفر؛ (۱۹۹۲): سانتاآنا ۲۰۷،۳۳۷ نفر؛سان‌میگل ۱۸۲،۸۱۷ نفر، آپوپا ۱۰۰،۷۶۳ نفر

بنادر مهم: لایونیون در کنار خلیج فونسکا (در اقیانوس آرام)، آکاخوتلا در کنار اقیانوس آرام

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کولون (₡) = ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار= ۸/۷۴ کولون؛ یک کولون = ۹۱۵ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۱۱،۳۴۵ میلیون کولون؛ شامل مالیات بر فروش ٪۵۰/۲ ، مالیات بر درآمد شرکتها ٪۱۴/۷ ، مالیات بر درآمد افراد ٪۱۱/۷ تعرفه‌های گمرکی ٪۱۱/۲

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۱۲،۰۲۷ میلیون کولون؛ شامل هزینه‌های آموزش و پرورش ٪۱۹/۶ ، پلیس ٪۱۶/۳ ، خدمات عمومی ٪۱۳/۶ ، حمل و نقل و ارتباطات ٪۱۲/۴ ، بهداشت ٪۱۰/۳ ، دفاع ٪۷/۱

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۱،۲۰۷ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۸۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵–۱۹۷۵): ٪۰/۳– ؛ ۹۸–۱۹۹۰: ٪۵/۲

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۲/۱ ، صنعت ٪۲۸ ، خدمات ٪۵۹/۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲–۱۹۸۷) : ۱۵ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،۴۴۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۷۹/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۴

نرخ تورم: (میانگین سالیانه ۹۸–۱۹۹۰): ٪۸/۹ ؛ ۱۹۹۸: ٪۲/۶

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): نیشکر ۵،۵۰۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۶۸۳،۵۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۱۸۱،۵۰۰ تن؛ قهوه ۱۴۳،۸۰۰ تن؛ لوبیای خشک ۷۱،۷۰۰ تن؛ موز ۷۰،۰۰۰ تن؛ برنج ۶۰،۴۰۰ تن؛ پاثوپتا ۵۳،۰۰۰ تن؛ توتون ۱،۱۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴): کشاورزی ٪۳۵/۲ ؛ مرتع و چمنزار ٪۲۹/۵ ؛ جنگل ٪۵ ؛ سایر موارد ٪۳۰/۳

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱،۱۴۱،۰۰۰ رأس؛ خوک ۳۳۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۵،۱۲۹،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۰،۹۸۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۸،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۴۵،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ آهک ۳،۰۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۶): (ارزش افزوده به میلیون کولون): محصولات غذائی ۱،۴۲۶ ؛ پوشاک ۱،۰۰۹؛ مواد شوینده و آرایشی ۹۳۲ ؛ فرآورده‌های نفتی ۸۶۵؛ نوشیدنی ۷۵۶؛ منسوجات ۵۸۹؛ فرآورده‌های معدنی غیر فلزی ۴۵۳

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۳،۷۶۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳،۱۸۴،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام (۱۹۹۶): صفر (۵،۳۵۸،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۶۹۸،۰۰۰ تن (۱،۳۴۸،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۵): ۲،۱۳۶،۴۰۰ نفر؛نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳۹/۱ ؛ میزان مشارکت در سنین ۱۵ تا ۶۴ سال: ٪۶۲/۹ ، زنان: ٪۳۷/۱ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٪۷/۵

توزیع نیروی کار(۱۹۹۶): کشاورزی ٪۲۸/۱ ؛ صنعت ٪۲۴/۹ ؛ خدمات ٪۴۷

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲۴،۶۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۹۰/۷ , نیروی هوائی ٪۶/۵ , نیروی دریائی ٪۲/۸ ؛ سرانۀ هزینۀ دفاعی: ۱۷ دلار (۱۹۹۷)

واردات(۱۹۹۷): ۲،۹۶۱/۵ میلیون دلار؛ شامل: مواد شیمیائی ٪۱۷ ؛ مواد غذایی و نوشیدنی ٪۱۳/۶؛ ماشین‌آلات و تجهیزات غیر برقی ٪۱۲/۸ ؛ سوخت‌های معدنی ٪۱۱/۴ ؛ از کشورهای امریکا ٪۴۱/۴ ؛ گواتمالا ٪۱۰/۹ ؛ مکزیک ٪۷/۹ ؛ کستاریکا ٪۳/۹ ؛ آلمان ٪۳/۲

صادرات(۱۹۹۷): ۱،۳۵۳/۹ میلیون دلار؛ شامل قهوه ٪۳۸/۱ ؛ کاغذ و محصولات کاغذی ٪۴/۸ ؛ مواد دارویی ٪۳/۹؛ شکر خام ٪۳/۹ ؛ فرآورده‌های نفتی ٪۳/۳ ؛ به کشورهای گواتمالا ٪۱۹/۵؛ امریکا ٪۱۹/۲ ؛ آلمان ٪۱۷/۵ ؛ هندوراس ٪۱۰ ؛ کستاریکا ٪۸/۲

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۱،۱۸۰/۵–	۱،۴۴۸/۹–	۱،۸۵۵/۳	۱،۶۴۶/۵–	۱،۶۰۷/۶–	۱،۴۸۹/۶–
درصد کل	٪۴۴/۶	٪۴۷/۱	٪۴۸/۲	٪۴۴/۶	٪۳۷/۵	٪۴۲/۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۰/۹	۱۰۰	۱۰۹/۸	۱۱۴/۷	۱۱۷/۶	۱۱۸/۲	۱۱۸/۷
شاخص درآمد ماهانه	۹۱/۴	۱۰۰	۱۰۸/۵	۱۱۶/۷	۱۲۱/۹	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازۀ خانوار (۹۳–۱۹۹۲): ۴/۸ نفر؛ میانگین درآمد هر خانوار (۹۳–۱۹۹۲): ۲۲،۹۳۰ کولون (۲،۵۶۲ دلار)؛ هزینه‌ها (۹۱–۱۹۹۰) : غذا و نوشیدنی ٪۳۷ ؛ مسکن ٪۱۲/۱ ؛ حمل ونقل و ارتباطات ٪۱۰/۲ ؛ پوشاک و کفش ٪۶/۷

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۷۵ میلیون دلار؛ هزینه‌ها ۷۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱۰،۰۲۹ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۵۶۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱۷۷،۴۸۸ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۱۸۴،۵۸۹ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ۱۵ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامۀ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۶): ۵ روزنامه در ۲۷۸،۰۰۰ نسخه (۴۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۴۵ عنوان در ۷۷۴،۰۰۰ نسخه

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲،۷۵۰،۰۰۰ گیرندۀ رادیوئی (۴۷۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۸۰۰،۰۰۰ گیرندۀ تلویزیونی (۱۳۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۴۸۲،۰۰۰ خط تلفن (۸۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۰۶،۰۰۰ خط (۱۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۵،۰۲۵	۳۴،۴۹۶	۱،۱۳۰،۹۰۰	۳۲/۸
متوسطه	؟	۹،۲۵۵	۱۴۳،۵۸۸	۱۵/۵
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	؟	۵،۹۱۹	۱۱۲،۲۶۶	۱۹

میزان باسوادی(۱۹۹۲): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۷۴/۱ ؛ مردان : ٪۷۷/۴ ؛ زنان: ٪۷۱/۳

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۲): ابتدایی ٪۴۸/۴ ؛ متوسطه ٪۹/۴ ؛ عالی ٪۶/۴

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۶،۱۷۷ نفر (هر ۹۳۶ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۶): ۹،۵۷۱ تخت (هر ۵۹۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۱۸،۰۰۰ نفر؛ (٪۰/۵۸ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲۵۶۲ کالری (٪۱۱۲ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۶۴ گرم؛ مصرف چربی: ۵۵ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰–۱۹۸۰): ٪۲/۳ ؛ (۱۹۹۵–۱۹۹۰): ٪۳/۳

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۴/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۷ تن

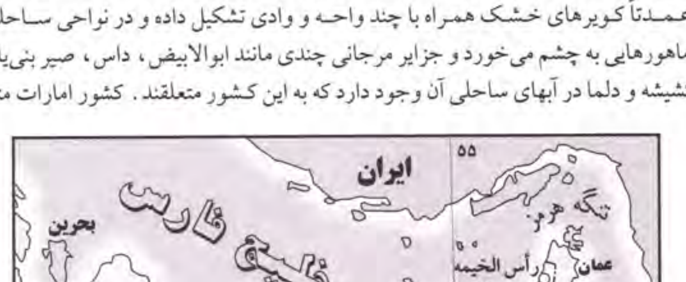
شاخص توسعۀ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۶۹۶ (صدوچهارمین کشور جهان)

کمونیست السالوادور به همراهی فاراباندو مارتی تظاهرات و شورش وسیعی را طراحی و رهبری کرد. در سال ۱۹۳۲ شورش مردم بی‌رحمانه سرکوب شد و حدود ۳۰,۰۰۰ السالوادوری توسط نیروهای ژنرال ماکسیمیلیانو مارتینز که قدرت را در سال ۱۹۳۱ به دست گرفته بود قتل عام شدند. حکومت نظامیان حدود ۵۰ سال به درازا کشید و طی آن ۱۲,۰۰۰ السالوادوری کشته شدند. بحران اقتصادی دههٔ ۱۹۶۰ که به مهاجرت حدود ۳۰۰,۰۰۰ السالوادوری به هندوراس انجامید، جنگ ژوئن سال ۱۹۶۹ بین السالوادور و هندوراس را موجب گردید. اوایل دههٔ ۱۹۷۰ مقارن بود با فعالیت‌های رو به افزایش اتحادیه‌های کارگری و جنبش‌های مردمی که در پی آن جنگهای چریکی سراسر السالوادور را در بر گرفت. انتخابات تقلبی سال ۱۹۷۷ که طی آن ژنرال کارلوس امبرتو رومرو به ریاست جمهوری رسید، شورش عمومی را تشدید کرد و حدود ۷,۰۰۰ کشته به جای گذارد. در مارس ۱۹۸۰ اسکار رومرو، اسقف سان‌سالوادور در حالی که برای دفاع از حقوق بشر سخنرانی می‌کرد به قتل رسید. در اکتبر همین سال پنج گروه مسلح ضد رژیم تصمیم گرفتند با تشکیل «جبههٔ آزادیبخش فاراباندومارتی» با یکدیگر متحد شوند. در سال ۱۹۸۱ دولت امریکا که از اوضاع نابسامان السالوادور احساس خطر می‌کرد مستقیماً درگیر مسائل سیاسی و اجتماعی السالوادور گردید. در انتخابات ۱۹۸۴ ناپلئون دوآرته را با حمایت خویش به ریاست جمهوری رسانید و شورش و نارضایتی و اختلافات و زد و خورد میان گروههای سیاسی را تشدید نمود. زمین‌لرزهٔ شدید اکتبر ۱۹۸۶ طرفین منازعه را به آتش‌بس و صلح موقت واداشت ولی دیری نپایید و اختلافات و زدوخوردها دوباره آغاز گردید. در ژانویهٔ ۱۹۹۲ پس از ۲۱ هفته مذاکره و گفتگو بین گروههای مخالف، صلح برقرار شد و ۷۵,۰۰۰ کشته و ۸,۰۰۰ مفقودالاثر را از روزهای نابسامانی کشور به یادگار گذارد. در ۲۰ مه ۱۹۹۴ نخستین انتخابات پس از جنگ‌های خانگی برگزار شد و آرماندوکالدرون‌سول، کاندیدای ائتلاف چپ، به ریاست جمهوری السالوادور رسید. در انتخابات بعدی ریاست جمهوری که در سال ۱۹۹۹ برگزار شد، فرانسیسکو گیلرمو فلورس، از ائتلاف جمهوری خواهان ملی‌گرا (آرنا) برای مدت پنج سال قدرت را به دست گرفت.

زلزله شدیدی که در ژانویه ۲۰۰۱، السالوادور و به ویژه اطراف پایتخت را به لرزه درآورد، بیش از ۱۲۰۰ کشته و ۱/۶ میلیارد دلار خسارت به جای گذاشت. اقدام دولت در جهت جایگزینی پول ملی با دلار امریکا در همین سال، با مخالفت گستردهٔ مردم مواجه شد و عملاً در طی سال مردم ترجیح دادند که بیشتر از کولون برای معاملات خود استفاده نمایند.

امارات متحدهٔ عربی UNITED ARAB EMIRATES

کشوری است واقع در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، جنوب غربی آسیا که از شبه جزیرهٔ قطر در غرب تا شبه جزیرهٔ مُسندم و تنگهٔ هرمز در شرق ممتد است، و از شمال به خلیج فارس، از خاور به عمان و دریای عمان و از جنوب و غرب به عربستان سعودی محدود است. اراضی آن را عمدتاً کویرهای خشک همراه با چند واحه و وادی تشکیل داده و در نواحی ساحلی آن تپه‌ماهورهایی به چشم می‌خورد و جزایر مرجانی چندی مانند ابوالابیض، داس، صیر بنی‌یاس، بوکشیشه و دلما در آبهای ساحلی آن وجود دارد که به این کشور متعلقند. کشور امارات متحدهٔ



عربی که به دلیل منابع قابل توجه نفت از اهمیت خاصی برخوردار است، اقلیمی خیلی گرم و خشک و کم‌باران دارد.

جمعیت امارات متحدهٔ عربی را ۲۵ درصد عرب (که از این عده ۱۲ درصد بومیان محلی و ۱۳ درصد دیگر را کشورهای عرب به ویژه کشور مصر تشکیل داده‌اند) به وجود آورده و در کنار آنان گروه وسیعی از مهاجران کشورهایی چون بنگلادش، هند، پاکستان، سری‌لانکا، ایران و دیگر نواحی آسیا، افریقا، اروپا و امریکا تشکیل داده‌اند که اکثراً در زمینهٔ کشف و استخراج نفت و یا امور بازرگانی و غیره فعالیت دارند. مردم امارات مسلمانند ۹۴/۹ درصد که از این عده ۸۰ درصد سنی و ۱۶ درصد شیعه هستند و مسیحی‌ها و دیگر مذاهب نیز در میانشان دیده می‌شود. زبان رسمی این کشور عربی است و زبان انگلیسی نیز بین مهاجران و بازرگانان رواج دارد.

نام رسمی این کشور دولت امارات متحدهٔ عربی است و از ۷ امیرنشین ابوظبی، دوبی، شارجه (شارقه)، رأس‌الخیمه، عجمان، فجیره و ام‌القیوین (ام‌القوین) ترکیب یافته است و به صورت فدرال اداره می‌شود.

تاریخچه

سرزمین امارات متحدهٔ عربی در واقع قسمتی از بخش ساحلی شبه جزیرهٔ عربستان در کنار خلیج فارس است که در سدهٔ ششم میلادی واحه‌هایی چند از مردمان عرب را که بدوی نامیده می‌شدند و به گویش‌های مختلف عربی گفتگو می‌کردند در خود جای داده بود. گروهی از آنان به کشاورزی و گله‌داری به ویژه پرورش شتر و بز مشغول بودند و جماعتی به داد و ستد و پیله‌وری اشتغال داشتند. در سدهٔ هفتم میلادی شبه جزیرهٔ عربستان به یکی از صحنه‌های درگیری و نبرد میان امپراتوری‌های ساسانی و روم شرقی یا بیزانس تبدیل گردید و به همین انگیزه، بادیه‌نشینان آن سامان با دنیای متمدن ارتباط پیدا کردند و از فرهنگ و دانش دنیای دیگر بهره جستند. در سدهٔ هفتم میلادی دین اسلام به سرعت در میان ساکنان شبه جزیرهٔ عربستان رواج یافت و شیوهٔ زندگی آنان را دگرگون ساخت. با رحلت پیغمبر اسلام و انقراض خلفای راشدین، مدتی امویان بر این سامان حکومت کردند و در سدهٔ نهم، خلفای عباسی که ادعای رهبری جهان اسلام را داشتند، جای آنان را گرفتند. از حدود قرون نهم و دهم میلادی سواحل جنوبی خلیج فارس به پایگاههای دریازنان تبدیل شد و به تدریج که کار آنان بالا گرفت، این سواحل به سواحل دریازنان شهرت یافت. در سدهٔ پانزدهم بندرگاههای خلیج فارس به تدریج رونق یافت و به محل داد و ستد کالاهایی که از چین و خاور دور می‌آمد تبدیل شد. در سده‌های هفدهم و هجدهم امپراتوری عثمانی، قسمت اعظم شبه جزیرهٔ عربستان را تصرف کرد ولی به دلیل مقاومت و ایستادگی بادیه‌نشینان نواحی ساحلی از دستیابی به کرانه‌های جنوبی خلیج فارس به ویژه بحرین که در تصرف ایران بود، خودداری نمود. با کشف راه دریایی خاور دور به وسیلهٔ پرتغالیان، ناوگان اروپایی به ویژه انگلیسی‌ها در خلیج فارس حضور یافتند و بندرگاههای آن را به عنوان پادگانهای سر راه اشغال نمودند. در آغاز سدهٔ نوزدهم، انگلستان تسلط خود را بر سواحل جنوبی خلیج فارس مستحکم کرد و با مستمسک قرار دادن فعالیت دریازنان و مقابله با آنان و عقد قراردادهایی با رؤسای قبایل محلی موقعیت و سیانت خود را در آن نواحی تثبیت نمود و نام سواحل دریازنان را به سواحل متصالح که شامل ابوظبی، دوبی و شارجه بود مبدل نمود. در سال ۱۹۱۴ دولت جدید عربستان سعودی به عنوان نیرومندترین قدرت شبه جزیرهٔ عربستان بنیان گرفت و با عثمانی‌های در حال احتضار به نبرد پرداخت. با حضور یافتن روس‌ها و آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها در منطقه، انگلیسی‌ها رسماً با بحرین و کویت و عمان ارتباط برقرار کردند و با شروع جنگ جهانی اول که به سقوط امپراتوری عثمانی انجامید، بعضی از دولتهای شبه جزیرهٔ عربستان به استقلال رسیدند و انگلستان موقعیت خود را به عنوان حامی دولت نوبنیاد عربستان سعودی تحکیم نمود. با پیدایش صنعت هواپیمایی و استقرار خطوط هوایی، فرودگاههای خلیج فارس و مصر و فلسطین و عراق از موقعیت ممتازی در خاورمیانه برخوردار شدند. بعد از جنگ جهانی دوم، روابط میان کشورهای عرب دگرگون شد و جامعهٔ جدید اتحادیهٔ عرب در سال ۱۹۴۵ تأسیس گردید که خود قدمی در راه استقلال و تمامیت ارضی کشورهای عرب محسوب می‌شد. با کشف عظیم‌ترین منابع نفت و گاز جهان در منطقهٔ خلیج فارس در دههٔ ۱۹۶۰، امریکا نیز در منطقهٔ مزبور حضور یافت و در کنترل و نظارت بر امور دولتها و امارات خلیج فارس که تقریباً صددرصد درآمد خود را از راه صادرات نفت تأمین می‌کردند، با انگلستان به همکاری پرداخت. محبوبیت و نفوذ جمال عبدالناصر در دنیای عرب، انگلستان را ناگزیر به تجدید نظر در روابط خود با دولتها و امارات خلیج فارس کرد و در جهت جلب محبت آنان برآمد. در سال ۱۹۶۸ همزمان با پایه‌گذاری سازمان اوپک، انگلستان نیروهای خود را از خلیج فارس خارج نمود. در سال ۱۹۷۱ شیخ‌نشین ابوظبی به یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت جهان مبدل شد و با تثبیت مرزهای خود اعلام استقلال کرد و به دنبال آن و در پی اعمال نفوذ انگلستان، فدراسیون جدیدی از امارات یا شیخ‌نشین‌های خلیج فارس بدون مشارکت بحرین و قطر تشکیل گردید و کشور جدید امارات متحدهٔ عربی تأسیس شد. در سال ۱۹۷۳ زمانی که کشورهای عضو اوپک قیمتهای نفت خود را افزایش دادند، درآمد حاصل از فروش نفت، توان



نام رسمی: امارات متحدهٔ عربی

نام محلی: الامارات‌العربیةالمتحده

اسامی دیگر: امارات عربی متحده به سواحل متصالح؛ عمان متصالح (اسامی سابق)

پایتخت: ابوظبی (۹۲۸،۳٦۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۱/۱۲/۲، از انگلستان

روز ملی: دوم دسامبر، روز استقلال

نوع حکومت: فدراسیون‌متشکل‌از۷ امیرنشین‌بایک‌مجلس‌مشورتی‌انتصابی،ازسال ۱۹۷۱

رئیس حکومت: امیر: زایدبن سلطان آل نهیان،از سال ۱۹۷۱

رئیس دولت: نخست‌وزیر: شیخ مکتوم‌بن راشد آل مکتوم، از سال ۱۹۷۹

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۱ ، آخرین تغییرات ۱۹۷۹؛ شورای ملی فدرال با ٤۰ عضو که اعضای آن توسط امرای ۷ امیرنشین ابوظبی، دوبی، شارجه، رأس‌الخیمه، عجمان، فجیره و ام‌القیوین برای مدت ۲ سال انتخاب می‌شوند. در امارات هیچ حزب سیاسی فعالیت ندارد.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای خلیج، ایدب، اوپک، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۸۳،٦۰۰ کیلومترمربع (صدوچهاردهمین کشور جهان)

جمعیت: ۲،٤۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوسی و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۸/۷ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳/۳ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۵۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۸۵/۲ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۲/۵

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۲٦/۲ ، ۲۹-۱۵ سال ٪۲۹/۲ ، ۵۹-۳۰ سال ٪٤۲/۹ ، بالای ٦۰ سال ٪۱/۷

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٦۷/۲۲ ، زن ٪۳۲/۷۸ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٦/۳ سال، مردان ۷۱/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۸ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳/٦ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۸/۷ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٤/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بیماریهای قلبی ٤٤/۱ نفر؛ حوادث و مسمومیت ۳۱/۱ نفر؛ بافتهای بدخیم (سرطان) ۱۵/۳ نفر؛ بیماریهای مادرزادی ۹/٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/٦ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۳ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۲/۷ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۰/۹ مورد

نژاد / ملیت: پاکستانی و هندی ٪٤۵ ؛ عرب ٪۲۵ (عرب اماراتی ٪۱۲) ، ایرانی ٪۱۷ ، سایر آسیایی‌ها و افریقایی‌ها ٪۸

دین(۱۹۹۵): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان ٪۹٦ (سنی ٪۸۰ ، شیعه ٪۱٦)؛ سایر ادیان (عمدتاً مسیحی و هندو) ٪٤

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ انگلیسی؛ هندی؛ اردو؛ فارسی؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۵): دوبی ٦٤۷،۱۰۰ نفر؛ شارجه ٤۰۰،٤۰۰ نفر؛ العین ۲۲۵،۹۷۰ نفر؛ عجمان ۱۱٤،۳۹۵ نفر؛ رأس‌الخیمه ۷۷،۵۵۰ نفر

بنادر مهم: دوبی و ابوظبی (ساحل جنوبی خلیج فارس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: درهم (Dh) = ۱۰۰ فلس؛ یک دلار = ۳/٦۷ درهم؛ یک درهم= ۲۱۸۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۹،۸۹۵ میلیون‌درهم؛شامل‌حق‌بیمه٪۷۰/۱ ؛سود شرکتهای تابعه و مابه ازاء ارائهٔ خدمات ٪۲۹/۹

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۲۱،۳۹۳ میلیون درهم؛ هزینه‌های جاری ٪۹۰/۷ (امور داخلی و دفاع ٪٤۰/۹ ، آموزش و بهداشت ٪۲۲/۵)؛ هزینه‌های عمرانی ٪٦/۳ ، پرداخت وام و قرضه ٪۳

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤۸،٦۷۳ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۷،۸۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۵/۳ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۲

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): کشاورزی ٪۳ ؛ صنعت ٪۵۰/٦ ؛ خدمات ٪٤٦/٤

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۵۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی: ؟ | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +٤ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۲/٤ ؛ ۱۹۹۸: ٪۱/٦ ؛ ۱۹۹۹: ٪٤

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): گوجه فرنگی ۷٤۵،۰۰۰تن؛ خرما ۲۹۵،۰۰۰ تن؛ طالبی و هندوانه ٦۵،۰۰۰ تن؛ کلم ۳۱،۲۰۰ تن؛ انواع کدو ۳۱،۰۰۰ تن، بادنجان ۲٤،۵۰۰ تن؛ لیموترش و لیموشیرین ۲۱،۰۰۰ تن؛ خیار ۱٦،۰۰۰ تن؛ انبه ۱۰،۵۰۰ تن

کاربری زمین: کشاورزی٪۰/۵ ؛ مرتع‌وچمنزار٪۲/٤ ؛ جنگل (صفر)؛ اراضی‌مسکونی،صنعتی، لم‌یزرع‌وسایرموارد ٪۹۷/۱

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۱،۰۵۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ٤٤۰،۰۰۰ رأس؛ شتر ۱۹۵،۰۰۰ نفر؛ گاو ۸۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۱٤،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱٤،۵۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱٤،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): گوگرد ۲۵۹،۰۰۰ تن؛ گچ ۹۰،۰۰۰ تن؛ کروم ۵٦،۰۰۰ تن؛ آهک ۵۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۳): (میلیارد درهم) مواد شیمیایی ۱۳،۰۸٦؛ مصنوعات فلزی ۲۲،۳٤۰؛ غذا ، نوشیدنی و دخانیات ۲،۱۲۲؛ فرآورده‌های معدنی غیر فلزی ۲،۰۲۵ ؛ مصنوعات فلزی کم‌بها ۱،۹۹۲ ؛ منسوجات، پوشاک و محصولات چرمی ۱،۱۳۵

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱۹،۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹،۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ۷۷۷،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۷۷،۲٦۸،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۷،٤۸۵،۰۰۰ تن (۷،۷٦۵،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹۷) : ۳۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۹۹٦): (۲۹،۵۰۹،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۱،۳۱۳،۵۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۵۰/۹ ؛ میزان مشارکت (۱۹۹۵): (در سنین ۱۵ سال به بالا): ٪۵۵/٤ ؛ زنان ٪۱۹/٤ ؛ میزان بیکاری : ٪۱/۸ (۱۹۹۵)

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ٪۷/٦ ؛ صنعت ٪۳٤/۵ ؛ خدمات ٪۵۷/۹

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ٦٤،۵۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۹۱/۵ ؛ نیروی هوائی ٪٦/۲ ؛ نیروی دریائی ٪۲/۳ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱،۰۰٤ دلار (۱۹۹۷)

واردات(۱۹۹۷): ۱۰۹/۱ میلیارد درهم؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۳۸/٤ ؛ تولیدات اصلی ٪۲٤/۸ ؛ غذا و حیوانات زنده ٪۹/۷ ؛ مواد شیمیائی ٪٦/۱ ؛ مواد معدنی خام ٪۱/٦ ؛ سوخت‌های معدنی ٪۱/٤ ؛ از ژاپن ٪۱۰/۲ ؛ امریکا ٪۹/٤ ؛ انگلستان ٪۸/۷ ؛ چین ٪۸ ؛ آلمان ٪٦/۹ ؛ هند ٪۵/۸ ؛ ایتالیا ٪۵/۲ ؛ کرهٔ جنوبی ٪۵/۱

صادرات (۱۹۹۷): ۱۳۹/۵ میلیارد درهم؛ شامل: نفت خام ٪۳۷/٦ ؛گاز طبیعی ٪۷/۱ ؛ فرآورده‌های نفتی ٪٤/۸ ؛ به ژاپن ٪۳٦/۲ ؛ هند ٪٦/٦ ؛ سنگاپور ٪٦/٤ ؛ کرهٔ جنوبی ٪٦/۱ ؛ ایران ٪۳/۷ ؛ عمان ٪۳/۷

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیارد درهم	+۱٦/٦	+۲۱/۱	+۱٦/۵	+۲۲/٦	+۲۹/۵	+۳۰/٤
درصد کل	٪۱۰/۱	٪۱۲	٪۸/۸	٪۱۱	٪۱۲/۷	٪۱۲/۲

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
شاخص قیمتهای مصرفی	۸٦/۹	۹۱/۳	۹۵/۸	۱۰۰	۱۰۳/۲	۱۰٦/۷
شاخص درآمد سالانه	؟	۱۰٤/۱	۱۰۱/۱	۱۰۰	۱۰۳	۱۰۲/۷

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۵/۳ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۱): اجاره، سوخت و روشنائی ٪۲۳/۹ ؛ غذا ٪۲۲/۷ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۱٤/۱ ؛ تهیه و تأمین لوازم خانگی ٪۱۱/٦ ؛ آموزش، تفریح و سرگرمی ٪۸/٦

جهانگردی(۱۹۹٦): تعداد جهانگردان وارد شده ۱،۷٦۸،۰۰۰ نفر

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٤،۸۳۵ کیلومتر | **راه‌آهن:** صفر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۲۰۱،۰۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس:** ۵٦،۹۵۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹۲): ۲۷٦ فروند | **فرودگاه:** ٦ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۷ روزنامه در ۳۸٤،۰۰۰ نسخه (۱۷۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۸۰ عنوان در ۹۲۲،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۲۹۳ عنوان در ۵،۱۱۷،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۷،٤٦٤/۱ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۸۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیوئی (۳۵۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۷۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۰٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۹۱۵،۰۰۰ خط تلفن (۳۸۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٤۹۳،۰۰۰ خط (۲۱۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ۲۵۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت:** ۲۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۵۱۲	۱٦،۱٤۸	۲۵۹،۵۰۹	۱٦/۱
متوسطه		۱۲،۳۸۸	۱۷۸،۸۳۹	۱۲
فنی و حرفه‌ای	۹	۲٤۹	۱،۹۲۵	۷/۷
عالی	٤	۵۱۰	۱۷،۹۵۰	۱۹/۲

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۷۹/۲ ؛ مردان: ٪۷۸/۹ ؛ زنان ٪۷۹/۸

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال: غیر رسمی ٪٤۷/٦ ؛ ابتدائی ٪۲۷/۸ ؛ متوسطه ٪۱٦ ؛ عالی ٪۸/٦

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ٤،۰۹۵ نفر (هر ۵٤۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان : ٦،۱۹۳ تخت (هر ۳٦۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (٪۰/۱۸ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر : ٪۲۲/٤

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۳،۳۷۲ کالری (٪۱۳۹ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۱۰٤ گرم ؛ مصرف چربی : ۱۰۹ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ٪-٤٦/٦ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰) : صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٪۱۸/۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۸۲ میلیون تن ؛ هر نفر ۳٦/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۱۰ (چهل و پنجمین کشور جهان)

اقتصادی امارات متحدهٔ عربی را به میزان قابل توجهی بالا برد. در جنگ ۸ سالهٔ ایران و عراق (دههٔ ۱۹۸۰)، امارات متحدهٔ عربی ظاهراً بی‌طرفی پیشه کرد ولی در خفا از عراق پشتیبانی نمود تا از نفوذ اسلام گرایان جلوگیری کند. با پایان یافتن جنگ ایران و عراق، امارات متحده به سومین تولیدکنندهٔ نفت بعد از عربستان و لیبی تبدیل شد و در سال ۱۹۸۶ به جنبش عدم تعهد پیوست و از حقوق مردم فلسطین دفاع نمود و با اتحاد شوروی و جمهوری پنین روابط سیاسی برقرار کرد. در سال ۱۹۸۷، روابط خود با مصر را که در اعتراض به شرکت مصر در مذاکرات کمپ دیوید، قطع شده بود، مجدداً برقرار کرد و در جنگ خلیج فارس جانب نیروهای سازمان ملل متحد را گرفت و کمکهای مالی عرضه داشت.

در پی توسعهٔ اقتصادی امارات متحدهٔ عربی، موجی از مهاجران کشورهای مختلف به ویژه بنگلادش، هند، پاکستان، ایران و مصر به سوی کشور مزبور روان شد تا جایی که مطابق آمارها نسبت عرب‌های بومی به حدود ۱۲ درصد جمعیت کشور که ۸۸ درصد آن را مهاجران کشورهای مختلف تشکیل می‌داد، کاهش یافت. بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ نفوذ اسلام‌گرایان در امارات عربی رو به فزونی نهاد و رئیس امارات مزبور را بر آن داشت تا شرع اسلام را در امور کشور حاکم سازد. در سال ۱۹۹۸ رأس‌الخیمه که یکی از هفت امیرنشین فدرال کشور امارات است به یک شهر آزاد تجارتی تبدیل شد. در سال ۲۰۰۱، زایدبن سلطان آل نهیان برای هفتمین بار توسط شورای امیران هفت امیرنشین، در مقام ریاست امارات ابقاء گردید.

امارات متحده عربی توانست در سال ۲۰۰۱ عنوان بزرگترین تاجر را در میان کشورهای منطقه خلیج فارس کسب نماید، زیرا مجموع صادرات و واردات آن حتی از عربستان سعودی نیز پیشی گرفت.

اندونزی INDONESIA

اندونزی بزرگترین کشور مجمع‌الجزایری جهان است. این کشور که از حدود ۱۳,۶۰۰ جزیره (حدود ۶۰۰۰ جزیرهٔ آن مسکونی است) تشکیل شده، در جنوب خاوری آسیا و در آبهای اقیانوس هند جای دارد و بخشی از جزایر هند شرقی و مجمع‌الجزایر ماله را شامل می‌گردد. بزرگترین جزیره‌های آن سوماترا، جاوه، سلب، بالی، هالماهرا است و به علاوه قسمت غربی جزیرهٔ گینهٔ نو و نواحی جنوبی جزیرهٔ بورنئو (کالیمانتان) و قسمت غربی جزیرهٔ تیمور را در اختیار دارد. خط استوا از میان آن می‌گذرد و اقلیم آن گرم و پر باران است و جنگلهای انبوه پرباران دارد. از نظر جمعیت چهارمین کشور بزرگ جهان محسوب می‌شود. جمعیت آن بطور نابرابر و پراکنده پخش شده، بطوری که جزیرهٔ جاوه که جمعیت انبوهی را در خود جای داده، با تراکمی برابر ۶۴۰ نفر در کیلومترمربع یکی از متراکم‌ترین نواحی روی زمین به شمار می‌آید حال آن که تراکم جمعیت جزیرهٔ بورنئو به ۱۰ نفر در کیلومترمربع می‌رسد. قهوه، چای، کائوچو و روغن نخل از جمله فرآورده‌های کشاورزی آن است و از نظر منابع زیرزمینی دهمین کشور تولیدکنندهٔ نفت و سومین تولیدکنندهٔ قلع جهان محسوب می‌گردد.

کشور اندونزی کلاً سرزمینی است نیمه‌کوهستانی که بلندترین نقطه‌اش به نام کوه جایا، واقع در جزیرهٔ گینهٔ نو، ۵۰۲۹ متر ارتفاع دارد و عمده‌ترین رودخانه‌اش رود باریتو، در جزیرهٔ بورنئو، است که طول آن به ۸۹۰ کیلومتر می‌رسد. چشم‌گیرترین عارضهٔ آبی این کشور دریاچهٔ توبا است که ۲۵۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد و در جزیرهٔ سوماترا واقع شده است. جلگه‌های آن عمدتاً در جزیره‌های جاوه و سوماترا و سوندای کوچک واقع است و جزیره‌های بورنئو و گینهٔ نو و سوماترا از جنگل مستور است. اندونزی نیز مانند همسایه‌اش مالزیا از قطع درختان و پاکسازی جنگلها که اکثراً برای صنایع کاغذسازی و تولید الوار و گسترش کشتزارها و دامداری به مصرف می‌رسد، سخت رنج می‌برد و شرایط زیست محیطی نامطلوبی را پیش‌رو دارد.

تاریخچه

اندونزی، مسکن یکی از قدیمی‌ترین انسانهای روی زمین یعنی انسان دانا (هوموساپین) است. مردم کنونی اندونزی ماله‌ای‌هایی هستند که در حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد به جزایر جاوه و سوماترا مهاجرت کردند و فرهنگ و باورهای مذهبی هندی را با خود به همراه بردند. اندونزی در سدهٔ پانزدهم میلادی به اوج توانمندی خود رسید و آن زمانی بود که دولت موجوپاهیت مرزهای خاوری خود را تا آن سوی جزایر جاوه، بالی، سوماترا و بورنئو گسترش داد و از نظر فرهنگی و بازرگانی با چین پیوندهایی برقرار کرد. در پایان سدهٔ سیزدهم میلادی، عرب مردم اندونزی را با دین اسلام آشنا کردند و آن با سرعت تمام در آن سرزمین رواج دادند و همزمان کالاهای اندونزی را به اروپا ارسال داشتند و اروپاییان را مشتاق داد و ستد با آن دیار نمودند. پرتغالی‌ها در سال ۱۵۲۱ در جزایر ملوک مستقر شدند و در پی آنان، اسپانیایی‌ها در سال ۱۵۹۵ وارد جزایر ملوک شدند. هلندی‌ها نیز که مشتاق بازرگانی ادویهٔ خاور دور بودند، به سرعت دست به کار شدند و در سال ۱۶۰۲ کمپانی هند شرقی هلند را پایه گذاری کردند و تجارت اندونزی را در انحصار خود گرفتند.

طی سده‌های هفده و هجده اندونزی صحنهٔ رقابت و جنگ میان دولتهای استعمارگر اروپایی شد و بریتانیایی‌ها نیز کمپانی هند شرقی انگلیس را دایر نمودند. کمپانی هند شرقی هلند در سال ۱۷۹۸ منحل شد و دولت هلند خود رأساً وارد صحنهٔ اندونزی گردید و شروع به مداخله در امور داخلی کشور مزبور نمود. در اوایل سدهٔ بیستم، نشانه‌های استقلال خواهی در اندونزی آشکار شد. در جنگ دوم جهانی، ژاپنی‌ها جزایر هند شرقی هلند را تصرف کردند و همزمان ملّیون و استقلال‌طلبان اندونزی به فعالیت زیرزمینی خود ادامه دادند و پس از پایان جنگ دوم در اوت ۱۹۴۵ جمهوری اندونزی را تأسیس نمودند. دولت هلند نخست با ملّیون استقلال طلب اندونزی به مخالفت و جنگ و ستیز پرداخت ولی سرانجام در سال ۱۹۴۷ استقلال اندونزی را به رسمیت شناخت، اما از واگذاری جاوه و بعضی نواحی دیگر به دولت مزبور خودداری نمود و اختلاف و زد و خورد مجدد میان هلند و اندونزی را موجب گردید. هلند در سال ۱۹۴۸ جاکارتا را اشغال کرد و سران جمهوری را دستگیر و زندانی نمود، ولی سرانجام تن به سازش داد و با استقلال کامل اندونزی به صورت ایالات متحدهٔ اندونزی موافقت نمود (۲۸ دسامبر ۱۹۴۹).





نام رسمی: جمهوری اندونزی

نام محلی: ایندونزیا Indonesia

اسامی دیگر: هند هلند. هند شرقی هلند. ایالات متحده اندونزی (اسامی قدیمی)

پایتخت: جاکارتا (۹،۳٤۱،٤۰۰ نفر در سال ۱۹۹٦)

تاریخ استقلال: ۱۹٤٥/۸/۱۷ ، از هلند

روز ملی: هفدهم اوت، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٤٥

رئیس حکومت: رئیس جمهور: مگاواتی سوکارنوپوتری، از سال ۲۰۰۱ (جانشین عبدالرحمان وحید)

رئیس دولت: رئیس جمهور: مگاواتی سوکارنوپوتری، از سال ۲۰۰۱ (جانشین عبدالرحمان وحید)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٤٥، آخرین تغییرات ۱۹٦۹؛ مجلس نمایندگان مردم با ٥۰۰ عضو (شامل ۳۸ نماینده انتصابی رئیس جمهور) و مجلس مشورتی مردم شامل ٥۰۰ عضو مجلس نمایندگان مردم و ۲۰۰ عضو انتصابی؛ کرسیهای مجلس نمایندگان مردم (۱۹۹۹): حزب دموکراتیک اندونزی ۱٥٤ کرسی، حزب گلکار ۱۲۰، حزب متحد ترقی (اسلامگرا) ٥۸ ، حزب کبانگیتان بانگسا ٥۱ ، بقیه ۷۹ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٥۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آ د ب ، آپک، ایدب، اوپک، آسه‌آن، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱،۹۰٤،٤۳۳ کیلومترمربع (پانزدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۱۲،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۱۱/٤ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۱/٤

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۲۷۳/٤ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۳۸/۳ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪٤/۱

توزیع سنی(۱۹۹٥): زیر ۱٥ سال ٪۳٥/٦ ؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۷/٥ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۳۰/٤ ؛ بالای ٦۰ سال ٪٦/٥

توزیع جنسی (۱۹۹٥): مرد ٪٤۹/۷۷ ؛ زن ٪٥۰/۲۳ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۰/۱ سال؛ مردان ٦٥/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۳ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦/۳ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٤۳/۷ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٦/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد مرگ و میر (۱۹۸٦): بیماریهای عفونی و انگلی ٤۳/٥ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۲۱/۹ نفر؛ بیماریهای قلبی ۹/۷ نفر؛ بیماریهای دستگاه عصبی ٦ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۷ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٤٥۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۷/٥ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۰): جاوه‌ای ٪۳۹/٤ ؛ سوندایی ٪۱٥/۸ ؛ اندونزیایی (ماله‌ای) ٪۱۲/۱ ؛ مادورایی ٪٤/۳ ؛ بقیه ٪۲۸/٤

دین(۱۹۹۰): (دین رسمی : یکتاپرستی) ؛ مسلمان ٪۸۷/۲ ؛ مسیحی ٪۹/٦ (کاتولیک ٪۳/٦)؛ هندو ٪۱/۸ ؛ سایر ادیان ٪۱/٤

زبان و خط: باهاسا اندونزیایی(زبان‌رسمی)؛ جاوه‌ای‌و بیش از ۱۷۰ نوع‌زبان‌ولهجهٔ‌مالزیایی؛چینی، انگلیسی، هلندی و عربی

شهرهای مهم(۱۹۹٦): سورابایا ۲،۷٤۳،۰۰۰ نفر؛ باندونگ ۲،٤۲۹،۰۰۰ نفر؛ مدان ۱،۹٤۲،۰۰۰ نفر؛ پالم بانگ ۱،۳۹٤،۳۰۰؛ سمارانگ ۱،۳٦٦،٥۰۰؛ اوجونگ پادانگ(ماکاسار) ۱،۱۲۱،۳۰۰ نفر؛ مالانگ ۷٥٥،۹۰۰ ؛ پادانگ ۷۳۹،٥۰۰ نفر

بنادر مهم: جاکارتا، سمارانگ، سورابایا، مدان و پالم بانگ، در کنار دریای جاوه و تنگهٔ مالاکا

اقتصاد و دارایی

واحد پول: روپیه اندونزی (Rp) = ۱۰۰ سن؛ یک دلار= ۸،۸۰۰ روپیه؛ ۱۰۰ روپیه = ۹۱ ریال

درآمد بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۱۳٤،۳۰۲ میلیارد روپیه؛ شامل درآمد از نفت و گاز ٪۳۷ ؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪۲۱/٥ ؛ مالیات بر درآمد ٪۱۸/۸ ؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۸/۷ ؛ مالیات بر کالاهای داخلی ٪٥/۸

هزینه بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۲۱٥،٥۹۰ میلیارد روپیه؛ انتقالی‌ها ٪۳۳/۱ ؛ توسعهٔ ملی ٪۳۱/٥؛ هزینه‌های اداری ٪۱۸/۹ ؛ بازپرداخت وام‌ها ٪۱٤/٤

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۳۰/٦ میلیارد دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٦٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪٦/۷ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٪٤/۱

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۹/٥ ؛ صنعت ٪٤٥/۳ ؛ خدمات ٪۳٥/۲

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۹۹۹ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳٥٦-میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٦٦،۹٤٤ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱،۲٥۷/۷+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲٤/۱

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰) : ٪۱۲/۲ ؛ ۱۹۹۸ : ٪۷۳/۱ ؛ ۱۹۹۹: ٪۲

محصولات کشاورزی(۱۹۹۸): برنج ٤۸،٤۷۲،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۲۷،٥۰۰،۰۰۰ ؛ روغن میوه نخل ۲٦،۸۰۰،۰۰۰ ؛ کاساوا ۱٤،۷۲۸،۰۰۰ ؛ ذرت ۱۰،۰٥۹،۰۰۰ ؛ کائوچوی طبیعی ۱،٥٦٤،۰۰۰ تن

کاربری زمین: ؟

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): بز ۱٥،۱۹۸،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱۲،۲۳۹،۰۰۰؛ گوسفند ۸،۱٥۱،۰۰۰ رأس ؛ بوفالو ۳،۱٤٥،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲۰۲،۹۸۹،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٤،۷۹۰،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۰٦،۰۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹۸): کنسانتره‌مس ۲،٦٤۰،۰۰۰ تن؛سنگ‌نیکل ۱،٦٤۲،۰۰۰؛بوکسیت ٥۱۳،۰۰۰تن؛طلا ۱۱۸،۲٤٦کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیارد روپیه): نساجی ۹،٦۱۱/۸؛ تجهیزات حمل و نقل ۹،۳۳۰/٦ ؛ دخانیات ۸،۸۳۹/۹ ؛ آهن و فولاد ۸،۷۰۳/۱ ؛ مواد غذایی ۷،۸٦۲/٥ ؛ ماشین‌آلات برقی ٦،۷٦٦/۲

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۷۳،۷۹٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۷۳،۷۹٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹۹) : ۷۰،۷۰٤،۰۰۰تن(۱۹۹٦: ۱٥،۷۹٦،۰۰۰) ؛نفت‌خام (۱۹۹۹): ٥۰۰،٦٤۲،۰۰۰ بشکه(۱۹۹٦: ۳۱۱،۲۰۱،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹٦): ٤۳،۳۰۷،۰۰۰ تن (٤۰،۷٥۹،۰۰۰) ؛گازطبیعی(۱۹۹۸) : ۸٤،۳٤۸،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب(۳۸،۸۸٥،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۸۷،۰٥۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۳/۲ ؛ میزان مشارکت: درسنین ۱۰ سال به بالا ٪٥۷/۱ ؛ میزان بیکاری ٪٤/۷

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ٪٤۱/۲ ؛ صنعت ٪۱۹ ؛ خدمات ٪۳۹/۸

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۲۹۹،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۸/٦ ؛ نیروی دریایی ٪۱٤/٤ ؛ نیروی هوایی ٪۷ ؛ سرانه هزینه دفاعی: ۲٤ دلار (۱۹۹۷)

واردات(۱۹۹۷): ٤۱،٦۷۹/۸ میلیون دلار؛ شامل:ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪٤۲/۲ ؛ تولیدات اساسی ٪۱٥/٦ ؛ مواد شیمیایی ٪۱٤/۲ ؛ سوخت‌های معدنی ٪۹/۷ ؛ مواد خام ٪۷/۱ ؛از ژاپن ٪۱۹/۸ ؛ امریکا ٪۱۳/۱؛ سنگاپور ٪۸/۲ ؛ آلمان ٪٦/۳

صادرات (۱۹۹۷): ٥۳،٤٤۳/٦ میلیون دلار؛ شامل: نفت خام ٪۱۰/۳ ؛ گاز طبیعی ٪۹/۱ ؛ تختهٔ چندلا ٪۸/٦ ؛ پوشاک ٪٥/٤ ؛ لاستیک ٪۳/۷ ؛ به ژاپن ٪۲۳/٤ ؛ امریکا ٪۱۳/٤ ؛ سنگاپور ٪۱۰/۲ ؛ هلند ٪۳/٤

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیون دلار	+٤،۹۳۷	+۸،۸۷۲	+۱۱،٤۹٦	+۸،۸۸۳	٥،۲۸٥	+۹،٤٥٦
درصد کل	٪۹/۲	٪۱۳/٤	٪۱٦/۸	٪۱۰/۸	٪٥/٦	٪۹/۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۱/٤	۱۰۰	۱۰۸	۱۱٥/۲	۱۸۱/۷	۲۱۸/۹
شاخص درآمد ماهانه	۸۳/۹	۱۰۰	۱۰٥/٤	۱۱٦/۱	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹٥): ٤/۳ نفر

جهانگردی(۱۹۹۸): ٤،۰٤٥ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲،۱۰۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳٤۲،۷۰۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ٦،٤٥۸ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۲،٦۳۹،٥۲۳ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۲،۱٥۹،۷۹۹ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ۲،۱۰٤ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۸۱ فرودگاه

روزنامه: ٦۹ روزنامه در ٤،٦٦٥،۰۰۰ نسخه (۲۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۱٥ عنوان در ٤،۱۷۳،۰۰۰ نسخه

کتاب: ٤،۰۱۸ عنوان در ۸،۱۰۳،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ : ۲،۰۱٦/٦ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳۱،٥۰۰،۰۰۰ گیرنده رادیویی (۱٥٥ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۸،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۳٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٥،٥۷۲،۰۰۰ خط تلفن (۲۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۰٦٦،۰۰۰ خط (٥/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۷۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱٥۰،٥۹٥	۱،۱٦٥،۷۸٦	۲٥،۷٥٥،۰۸۳	۲۲/۱
متوسطه	۲۸،٦۰۹	٦٤٥،۲۷۰	۱۰،۲٥٥،٥۲٤	۱٥/۹
فنی و حرفه‌ای	۳،٤۰۰	۱۰۹،۱۲۷	۱،٦۲۸،۱۰۰	۱٤/۹
عالی	۱،۳۷۰	۱٥۸،۳٥۷	۲،۳٥۰،۹۷۱	۱٤/۸

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۸۳/۸ ؛ مردان: ٪۸۹/٦ ؛ زنان : ٪۷۸

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۰): غیر رسمی ٪۳٤/٦؛ ابتدایی ٪٥۱/٥ ؛ متوسطه ٪۱۲/٥؛ عالی ٪۱/٤

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۳۱،٤۳٥ نفر (هر ٦،۲٥۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹٦): ۱۲۰،۰۸۳ تخت (هر ۱،٦۳۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٥۲۰۰۰ نفر؛ (٪۰/۰٥ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۸۸٦ کالری(٪۱۲٦ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ٦۷ گرم؛ مصرف چربی : ٥۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/۸ : (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۱

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲٤٥/٥ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۷۰ (صد و نهمین کشور جهان)

سوکارنو نخستین رئیس جمهور اندونزی در سال ۱۹۵۰ ایالتهای متحدهٔ اندونزی را به یک کشور واحد مبدل نمود و هلندی‌ها را نیز از میهن خود بیرون راند، ولی اختلاف این کشور با هلند بر سر گینهٔ نوی غربی همچنان ادامه یافت. سوکارنو در کودتای سال ۱۹۶۵ سرنگون شد و ژنرال سوهارتو قدرت را به دست گرفت و حزب کمونیست اندونزی را غیرقانونی اعلام کرد. در همه‌پرسی سال ۱۹۶۸ ایریان باختری به اندونزی پیوست و در سال ۱۹۷۵ تیمور شرقی که قبلاً در دست پرتغالی‌ها بود، به تصرف اندونزی درآمد.

در انتخابات سال ۱۹۸۳ سوهارتو برای ۵ سال دیگر به ریاست جمهوری برگزیده شد. ادامهٔ تسلط اندونزی بر تیمور شرقی که با نارضایتی عمیق مردم تیمور شرقی همراه بود، به موقعیت بین‌المللی اندونزی لطمهٔ شدید زد تا جایی که مورد انتقاد کشورهای عضو جنبش عدم تعهد قرار گرفت و پارلمان اروپا نیز بر حق حاکمیت تیمور شرقی تأکید کرد.

سوهارتو در سال ۱۹۸۸ برای بار دیگر در مقام ریاست جمهوری ابقاء شد. در آمارگیری سال ۱۹۹۷، جمعیت اندونزی از مرز ۲۰۰ میلیون نفر گذشت و در مارس سال ۱۹۹۸ پارلمان اندونزی برای هفتمین بار سوهارتو را برای مدت ۵ سال دیگر در پست ریاست جمهوری ابقاء نمود. اما در پی شورشهای گسترده و تظاهرات اعتراض‌آمیز در ماه مه همان سال سوهارتو از کار برکنار شد و یوسف حبیبی معاون او به ریاست جمهوری رسید.

در همه‌پرسی ۳۰ اوت ۱۹۹۹ از مردم تیمور شرقی که با توصیه و نظارت سازمان ملل متحد برگزار شد، ۷۸/۵ درصد مردم به استقلال کشور خود و جدا شدن از اندونزی رأی دادند.

تداوم اعتراضات مردمی به حضور طرفداران سوهارتو در نهادهای اجرایی موجب شد که پس از ۴۴ سال نخستین انتخابات آزاد در سال ۱۹۹۹ برگزار شود، که طی آن حزب دموکراتیک اندونزی به رهبری مگاواتی سوکارنوپوتری، دختر احمد سوکارنو، پایه‌گذار استقلال اندونزی، حدود یک سوم کرسی‌های مجلس نمایندگان مردم را به دست آورد. با تشکیل مجلس جدید، عبدالرحمان وحید، رهبر گروه اسلامی «نهضت‌العلما»، از سوی مجلس به ریاست جمهوری این کشور برگزیده شد.

در طی سه سال گذشته، پس از استعفای سوهارتو کشور اندونزی شاهد شورش‌ها و وقوع خشونت‌های متعدد و ظهور و قدرت‌یابی جنبش‌های استقلال‌طلبانه به ویژه در ایالات آچه و ایریان‌جایا بوده است. از اوایل سال ۲۰۰۱، عبدالرحمان وحید با مخالفت‌های گسترده‌ای در داخل کشور مواجه شد و با اتهامات زیادی مبنی بر عدم کفایت و فساد سیاسی روبرو شد. در ماه ژوئیه، مجلس به بررسی وضعیت وی پرداخت و در ۲۳ ژوئیه، وی را از ریاست جمهوری عزل، و معاون وی، مگاواتی سوکارنوپوتری را با اکثریت مطلق به این مقام برگزید.

انفجاری مهیب در یک مرکز تفریحی در جزیره بالی اندونزی در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲، موجب کشته شدن بیش از ۱۹۰ نفر گردید که بیشتر آنان را جهانگردان استرالیایی تشکیل می‌دادند. در پی این حادثه دولت، بنیادگرایان اسلامی را مظنون اصلی دانست و برخی از رهبران آنها را بازداشت نمود.

انگلستان UNITED KINGDOM

انگلستان کشوری است جزیره‌ای، واقع در غرب اروپا و آبهای خاوری اقیانوس اطلس شمالی. دریای ایرلند از غرب، دریای شمال از شمال و خاور و دریای مانش از جنوب این کشور را محصور ساخته‌اند. کشور انگلستان از بریتانیای کبیر (شامل مناطق اسکاتلند و انگلند و ویلز) و ایرلند شمالی (آلستر) و چند جزیرهٔ نسبتاً کوچک تشکیل شده است.

منطقهٔ اسکاتلند که شمالی‌ترین و مرتفع‌ترین بخش بریتانیاست ناحیه‌ای است کوهستانی که رشته کوههای گرمپینز بخش اعظم آن را اشغال کرده است. بلندترین نقطهٔ آن به نام بن‌نویس ۱۳۴۳ متر ارتفاع دارد و مرتفع‌ترین کوه انگلستان نیز محسوب می‌گردد. اسکاتلند از جنگلهای نسبتاً انبوه و چمنزارهای نسبتاً وسیع و پراکنده مستور است و رودخانهٔ دی عمده‌ترین رود آن به شمار می‌آید.

مناطق انگلند و ویلز جنوبی‌ترین قسمت بریتانیا هستند که عمدتاً از دشتها و تپه‌ماهورها و کوههای نه چندان بلندی چون پناین (انگلند) و کامبرین (ویلز) با حداکثر ارتفاع ۱۰۸۵ متر (کوه مسنودن) پوشیده شده و رودهای تیمز (بلندترین و مهمترین رودخانهٔ انگلستان)، اوز، مرزی، سورن و ترنت، عمده‌ترین رود آن محسوب می‌گردند و دریاچهٔ ویندرمیر و دیگر دریاچه‌های کوهستان کامبرین، از زیباترین نواحی انگلستان به شمار می‌آیند.

منطقهٔ ایرلند شمالی یا آلستر که در شمال جزیرهٔ ایرلند قرار دارد، ناحیه‌ای است نسبتاً کم ارتفاع و پوشیده از جنگل که رودهایی چون بن و واتر عمده‌ترین رودخانه‌های آنند.

اقلیم انگلستان معتدل و مرطوب و بارانی است و نهشت‌های عظیم زغال و آهن که از مهمترین منابع زیرزمینی آن هستند، استخوان‌بندی صنعت پیشرفتهٔ آن محسوب می‌گردند. کشف نفت و گاز در دریای شمال بر رونق اقتصادی این کشور افزوده و آن را در ردیف یکی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان مواد نفتی جهان قرار داده است. کشور انگلستان از نظر صنعت یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان است و به همان میزان آلودگی محیط به ویژه آلودگی هوا را نیز موجب گردیده و مسئلهٔ زیست‌محیطی بسیار جدی و خطرناکی را مطرح ساخته است.



تاریخچه

نخستین ساکنان شناخته شده انگلستان شکارچیان پارینه‌سنگی هستند. پس از آخرین عصر یخبندان اقوام کشاورز در این جزیره ساکن شدند و جامعهٔ خاصی را پی‌ریزی کردند. در آخرین هزارهٔ پیش از میلاد، اقوام سلت در آن سرزمین سکونت گزیدند و در سال ۴۴ میلادی رومیان به نواحی جنوبی بریتانیا حمله‌ور شدند و در سال ۹۰ میلادی استان رومی بریتانیا را تأسیس کردند و در سالهای ۷۰ تا ۱۰۰ شهر لندن را بنا نهادند. در آغاز سدهٔ پنجم میلادی، رومیان جزیرهٔ بریتانیا را ترک کردند و آنجا را به قبایل آلمانی انگل و ساکسون و ژوت واگذاردند. آنان سلت‌ها را به سوی غرب راندند و کشور سلطنتی انگلوساکسون را در نواحی جنوبی جزیرهٔ بریتانیا تأسیس نمودند.

در سدهٔ پنجم میلادی ساکنان ایرلند و ویلز مسیحیت را پذیرفتند و در سدهٔ هفتم تحت نظارت و کنترل کلیسای رم قرار گرفتند. در سدهٔ یازدهم نورمان‌ها تحت فرماندهی ویلیام فاتح، به انگلستان تاختند و حکومت سلطنتی آن کشور را به دست گرفتند. در سالهای ۱۱۸۹ تا ۱۱۹۹ یکی از رهبران جنگهای صلیبی به نام ریچارد شیردل به سلطنت رسید و در زمان جان لکلند (جان بی‌زمین) که از ۱۱۹۹ تا ۱۲۱۶ سلطنت کرد، اختیارات پادشاه محدود شد و در زمان هنری سوم مجلس عوام در کنار مجلس اعیان قرار گرفت. در زمان ادوارد اول، ویلز به تصرف انگلستان درآمد و در اوایل سدهٔ شانزدهم، زمان سلطنت هنری هشتم، ایرلند نیز ضمیمهٔ انگلستان شد.

طی سالهای ۱۳۳۷ تا ۱۴۵۳ جنگهای معروف به صدساله بین انگلستان و فرانسه در خاک فرانسه روی داد و در دورهٔ اول جنگهای مزبور، فرانسه شکست خورد. دورهٔ اول جنگهای صدساله در سال ۱۳۶۰ پایان یافت و در دورهٔ دوم فرانسوی‌ها پیروز شدند و بیشتر سرزمینهایی را که در دورهٔ اول از دست داده بودند، بازپس گرفتند.



نام رسمی: پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی

نام محلی: یونایتد کینگدام (گریت‌بریتن)(United Kingdom (Great Britain

اسامی دیگر: انگلیس، بریتانیا، بریتانیای کبیر

پایتخت: لندن (۷،۱۲۲،۲۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: دومین شنبهٔ ماه ژوئن (سالروز تولد ملکه)

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۲۱

رئیس حکومت: ملکه الیزابت دوم، از سال ۱۹۵۲

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آنتونی چارلز لینتون (تونی) بلر (حزب کارگر)، از سال ۱۹۹۷

قوه مقننه: قانون اساسی مدون ندارد؛ مجلس نمایندگان (عوام) با ٦٥٩ عضو به مدت ٥ سال و مجلس اعیان (لردها) با ۷۰٥ عضو؛ کرسی‌های مجلس عوام در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۱): حزب کارگر ٤۱۹ (٤۱۳) کرسی، حزب محافظه‌کار (توری) ۱٦٥ (۱٦٦) کرسی، حزب لیبرال ٤٦ (٥۲) کرسی، حزب وحدت گرای آلستر (ایرلند شمالی) ۹ (٦) کرسی، حزب دموکراتیک وحدت گرا ۲ (٥) کرسی، شین فین (ایرلند شمالی) ۲ (٤) کرسی، بقیه ۱٦ (۱۳) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیهٔ اروپا، سپک، آدب، آی-آدب، شورای اروپا، گروه ۸، ناتو، او اسی دی، اوسه، جامعهٔ اقیانوس آرام، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲٤٤،۱۰۰ کیلومترمربع (هفتادوهشتمین کشور جهان)

جمعیت: ٥۸،۸۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (بیست و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲٤۰/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۰/۲٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٦۰ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸۹/٤٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۰/٤٪

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱٥ سال ۱۹/۳٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۱۹/۹٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۰/٤٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۲۰/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/۰۸٪ ؛ زن ٥۰/۹۲٪ — **امید به زندگی(۱۹۹٦):** زنان ۷۹/۷ سال؛ مردان ۷٤/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۱/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰/٤ نفر

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٥/۸ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱/٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ٤٤۲/۱ نفر (از جمله بیماریهای کم‌خونی، قلب ۲۳۷/٦ نفر، بیماریهای مربوط به رگهای مغز ۱۱۲/٤ نفر)؛ بافتهای بدخیم (سرطان) ۲٦۱/۲ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفس ۱٦٥/۸ نفر (از جمله ذات‌الریه ۱۰٦/٦ نفر)؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۳۹/٥ نفر؛ بیماریها غدد داخلی ۱۳/۸ نفر (از جمله دیابت ملیتوس ۱۱ نفر)؛ بیماریهای دستگاه تناسلی ۱۲/٥ نفر؛ خودکشی ۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۷): ۱/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۷ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ٥/٤ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۲/۷ مورد

نژاد / ملیت: انگلندی ۸۰٪ ؛ اسکاتلندی ۱۰٪؛ ایرلندی٤٪ ؛ ویلزی ۲٪؛ هندی ۱٪؛ بقیه (عمدتاً سیاهپوست و پاکستانی) ۳٪

دین: پیرو کلیسای‌انگلیکان (دین‌رسمی) ٤۳/٥٪ ؛کاتولیک ۹/۸٪ ، پریسبیتری ٤/٥٪، مسلمان ۲/٦٪، متدیست ۲/۲٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٦): بیرمنگام (۱،۰۲۰،٦۰۰ نفر)؛ لیدز (۷۲٦،۹۰۰)؛ گلاسگو (٦۱٦،٤۰۰)؛ شفیلد (٥۳۰،٤۰۰)؛ برادفورد (٤۸۳،٤۰۰)؛ لیورپول (٤٦۸،۰۰۰)؛ ادینبورگ (٤٤۸،۹۰۰)؛ منچستر (٤۳۰،۸۰۰)؛ بریستول(۳۹۹،٦۰۰)؛ کر کلیز(۳۸۸،۸۰۰نفر)

بنادر مهم: لندن در مصب رود تیمز؛ گلاسگو(رود کلاید)؛ لیورپول وبلفاست (دریای ایرلند)؛ کاردیف (تنگهٔ بریستول)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پوند(لیره) استرلینگ (£) = ۱۰۰ پنی؛ یک دلار= ۰/٦۹ پوند؛ یک پوند= ۱۱،٥۹٤ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۲۸۷،۰۲٦ میلیون پوند؛ شامل مالیات بر درآمد ٤۱٪ ، عوارض گمرکی و عوارض کالاهای داخلی ۳۱/۳٪ ؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۱۷/۲٪

هزینه بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۲۸۹،٦۲۱ میلیون پوند؛ شامل هزینه‌های تأمین اجتماعی ۲٤/۹٪؛ بهداشت ۱۱٪؛ بهرهٔ وام ۷/۲٪؛ دفاع ۷/۲٪

تولیدناخالص‌ملی(۱۹۹۸): ۱،۲٦٤،۲٦۲میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۱،٤۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۲/۳٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۹٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱/۸٪ ؛ صنعت ۳۱/٥٪ ؛ خدمات ٦٦/۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲۲،۱٥٦ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٦۳،۱۲٤ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ٤۰٤،۲۸۳ میلیون پوند — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳،۸٦٤- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱٥/٤٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲/٥٪ ؛ ۱۹۹۹: ۱/۷٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): گندم ۱٤،٦٥٥،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۱۰،۰۰۲،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۷،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ جو ٦،۷۳۰،۰۰۰ تن؛ دانهٔ منداب ۱،۷٦٤،۰۰۰ تن؛ هویج ٦۱۸،۰۰۰ تن؛ جو دوسر ٦۰۰،۰۰۰ تن؛ نخود سبز ٤۱۷،۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤): کشاورزی ۲٤/۸٪ ؛ مرتع و چمنزار ٤٥/۹٪ ؛ جنگل ۱۰/٤٪ ؛ سایر موارد ۱۸/۹٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ٤٤،٤۷۱،۰۰۰ رأس ؛ گاو ۱۱،۳۳۹،۰۰۰ رأس؛ خوک ۷،۷۲۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۷،٤۰۳،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱،۰۱۷،۱٥۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱٥٤،۱۸۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٥۸۳،٦۷٤ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ‌آهک ۱۰۲،۸۰۰،۰۰۰ تن؛ قلع و سرب ٥،٦۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون پوند): تجهیزات برقی و بصری ۱۸،۲۷۰؛ مواد غذایی و نوشیدنی ۱۷،٦۲۲؛ کاغذ، چاپ و انتشارات ۱٦،۲۱٤؛ مواد شیمیایی ۱٥،۸۱۹؛ فلزات و مصنوعات فلزی ۱٥،۱۹۹ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۱۳،۹۱٤؛ ماشین‌آلات ۱۲،۱۹٦، منسوجات و تولیدات چرمی ۷،۱۸٦.

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٤): ۳۲٥،۳۸۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳٤۲،۲۷۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ٤۷،۷۱۷،۰۰۰ تن (۸۰،٥۸۲،۰۰۰)؛ نفت خام: ۸۸۸،٤٥٤،۰۰۰ بشکه (٦۲۹،۳٥٤،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۸٦،۱۸٤،۰۰۰ تن (۷٥،۰۲۱،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۷٦،٦۸۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۷۹،۳۹۱،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۲۸،۷۱۳،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۸/٥٪ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٦ تا ٦٤ سال): ٦۸٪ ؛ زنان: ٤٤/۷٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٦/۲٪ ؛ (۱۹۹۹): ٦/۱٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۱/۸٪؛ صنعت ۲۲/٥٪ ؛ خدمات ۷٥/۷٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: برای زنان و مردان به مدت ۳ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲۱۲،٤۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٥۳/٤٪؛ نیروی هوایی ۲٦٪؛ نیروی دریایی ۲۰/٦٪ ؛ سرانه هزینه دفاعی (۱۹۹۷): ٦۰۰ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۱۸۹،۰۷۹ میلیون پوند؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۳/۸٪ (شامل تجهیزات برقی ۱۹/۷٪ و وسایل نقلیه ۱۱/۸٪)؛ مواد شیمیایی ۹/٥٪ ؛ مواد غذایی ۷/٤٪ ؛ پوشاک و کفش ٤/۷٪ ؛ نفت و فرآورده‌های نفتی ۲/۸٪؛ منسوجات ۲/۷٪ ؛ از کشورهای آلمان۱۳/۷٪؛ امریکا ۱۳/۲٪؛ فرانسه ۹/٥٪؛ هلند ٦/٦٪؛ ایرلند ٤/۹٪

صادرات(۱۹۹۷): ۱۷۲،۹۰۸ میلیون پوند؛ ماشین‌آلات و تجهیزات‌حمل‌ونقل ٤٥/۹٪ (از جمله تجهیزات برقی ۱۹/۹٪ و وسایل نقلیه ۸/٦٪)؛ مواد شیمیایی ۱۲/٦٪ ؛ نفت و فرآورده‌های نفتی ٥/٥٪ ؛ تجهیزات حرفه‌ای و علمی ٤/۱٪ ؛ مواد غذایی ۳/۸٪ ؛ به کشورهای امریکا ۱۲/۱٪ ؛ آلمان ۱۱/۹٪ ؛ فرانسه ۹/٥٪ ؛ هلند ۸٪ ؛ ایرلند ٥/٤٪ ؛ بلژیک - لوکزامبورگ٤/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون پوند	۱٤،٥۳٤-	۱٤،۷۰۲-	۱٦،٥٤۹-	۱٥،٥٤۰-	۲٥،٤٦٦-	۲۹،۷٦٥-
درصد کل	٥/۲٪	٤/٦٪	٤/۷٪	٤/۳٪	۷/۲٪	۸/۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٤/٤	۹٦/۷	۱۰۰	۱۰۲/٤	۱۰٥/۷	۱۰۹/۳	۱۱۱
شاخص درآمد ماهانه	۹۳/۱	۹٦/۷	۱۰۰	۱۰۳/٥	۱۰۸	۱۱۳/٥	۱۱۹

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۹۷-۱۹۹٦): ۲/٤ نفر؛ میانگین درآمد خالص هر خانوار: ۱۸،٤۹٤ پوند (۳۱،٤۰۰ دلار)؛ منابع درآمد: دستمزد و حقوق ٦٦/٦٪ ؛ بیمهٔ تأمین اجتماعی ۱۳/۱٪؛ درآمد کار آزاد ۷/۸٪ ؛ سود و پاداش ٦/۹٪ ؛ هزینه‌ها: غذا و نوشیدنی ۱۷٪ ؛ حمل و نقل و وسیلهٔ نقلیه ۱٦/٦٪ ؛ مسکن ۱٥/٦٪ ؛ کالای خانگی ۸/۲٪ ؛ پوشاک ٦/۱٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۰،۹۷۸ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۳۲،۲٦۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳٦۹،۸٦۷ کیلومتر — **راه‌آهن(۹٦-۱۹۹٥):** ۳۷،۸٤۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۲۱،٦۸۱،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۲،۳۱۷،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹۲): ۱،٦۳۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ٥۷ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۹۹ روزنامه در ۱۹،۳۳۲،۰۰۰ نسخه (۳۳۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱۰۷،۲٦۳ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۸٤،٥۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱،٤٤۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳۸،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٦٤٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۲،۸۲۹،۰۰۰ خط تلفن (٥٥۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱٤،۸۷٤،۰۰۰ خط (۲٥۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱٥،٥۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۸،۰۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٥)	۳۲،۳۸٥	۲۳۱،٦٥۹	٤،۹۰٦،٤۳۹	۲۱/۲
متوسطه		۲۲۸،۱۸۷	۳،۷۷۹،۲٦۲	۱٦/٦
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	٥۸٦،۰۰۰	؟
عالی	۷۰	٤۸،۰۰۰	۸۱۰،۰۰۰	۱۷

میزان باسوادی(۱۹۹۰): افراد بالای ۱٥ سال: ۱۰۰٪ ؛ مردان: ۱۰۰٪ ؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۹۲،٤۷٤ نفر (هر ٦۲۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان : ۲۸۳،۸۱٤ تخت (هر ۲۰٥ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲٥۰۰۰ نفر (۰/۰۹٪ ؛ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر: ۱۰/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳۲۷٦ کالری (۱۳۰٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۹٥ گرم؛ مصرف چربی: ۱٤۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰) : ۰/٥-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۱۲/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٥٥۷/۹ میلیون تن ؛ هر نفر ۹/٥ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۱۸ (دهمین کشور جهان)

طی سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ میلادی بیماری طاعون در انگلستان شیوع یافت و هزاران تن را به هلاکت رسانید.

در سال ۱۳۹۹ ریچارد دوم از سلطنت خلع شد و هنری چهارم از خاندان لنکستر به سلطنت رسید. طی سالهای ۱۴۵۵ تا ۱۴۸۴ انگلستان میان دو خاندان سلطنتی لنکستر و یورک که بر سر تصاحب کامل سلطنت باهم می‌جنگیدند، تقسیم شد. در سال ۱۴۸۵ هنری تودور، ریچارد سوم را شکست داد و به نام هنری هفتم به سلطنت رسید. دورهٔ سلطنت خاندان تودور که از ۱۴۸۵ تا ۱۶۰۳ به درازا کشید، یکی از درخشان‌ترین ادوار سلطنتی انگلستان است. هنری هشتم (۱۵۰۹ تا ۱۵۴۷) موجب اصلاح دینی انگلستان شد و کلیسای انگلستان را از کلیسای رُم جدا نمود و عنوان ریاست کلیسای انگلستان را بر عهده گرفت و ایرلند را ضمیمهٔ انگلستان نمود.

در سال ۱۵۵۸ الیزابت اول به پادشاهی رسید و طی سلطنت ۴۵ سالهٔ خود، انگلستان را به بزرگترین قدرت دنیای آن روز تبدیل کرد و با غلبه بر نیروی دریایی اسپانیا (آرمادا) به بزرگترین و قوی‌ترین قدرت دریایی جهان تبدیل شد. الیزابت در سال ۱۶۰۳ درگذشت و چون وارثی برای تصرف تاج و تخت انگلستان نداشت، لذا دورهٔ خاندان تودور به پایان رسید و جیمز اول از خاندان استوارت اسکاتلند به پادشاهی دست یافت و پس از او پسرش چارلز اول به سلطنت رسید و چون مردی خودکامه و مستبد بود میان او و پارلمان جنگ درگرفت و اولیور کرامول، رهبر مخالفان شاه، چارلز اول را شکست داد. چارلز اول در سال ۱۶۴۹ به دست مخالفان خود اعدام شد و حکومت سلطنتی به جمهوری تبدیل گردید و کرامول به ریاست جمهوری رسید و با قدرت تمام حکومت کرد. در دوران حکومت کرامول حضور انگلستان در صحنه‌های سیاسی جهان محسوس شد. کرامول در سال ۱۶۵۹ درگذشت و پسرش ریچارد کرامول به جای او نشست ولی پس از ۸ ماه از حکومت کناره گرفت و با به سلطنت رسیدن چارلز دوم، خاندان استوارت پس از ۲۰ سال دوباره صاحب تاج و تخت انگلستان شدند. چارلز دوم مدت ۲۵ سال با ستمگری و خشونت تمام حکومت کرد و پس از او جیمز دوم به سلطنت رسید. در زمان او انقلاب معروف به انقلاب با شکوه به وقوع پیوست (۱۶۸۹) و در پی آن جیمز دوم از سلطنت برکنار شد و پس از او مری دخترش و ویلیام سوم دامادش توأماً به سلطنت رسیدند و حکومت مشروطهٔ سلطنتی انگلستان را پایه‌گذاری کردند.

در نیمهٔ دوم سدهٔ هفدهم، انگلستان به یکی از بزرگترین قدرتهای استعماری جهان تبدیل شد و صدها هزار کیلومترمربع از نقاط مختلف جهان را تصرف نمود. در سال ۱۷۰۷ پارلمان‌های انگلستان و اسکاتلند در هم ادغام شدند و دولت پادشاهی بریتانیای کبیر به وجود آمد. در سال ۱۷۱۳ انگلستان جزایر مینورکا، جبل‌طارق و نووا اسکوتیا را به موجب پیمان اوترشت تصاحب کرد. در سال ۱۷۱۴ سلطنت به جرج اول، امیر ناحیهٔ هانوور آلمان که از نوادگان جیمز استوارت اول بود رسید. در زمان وی که سرسلسلهٔ خاندان هانوور به شمار می‌آید، اختیارات سلطنت بسیار محدود شد و عمدهٔ اختیارات به دست پارلمان افتاد.

مالیاتهای سنگینی که انگلستان در سال ۱۷۶۵ بر مستعمرات خود در امریکا تحمیل کرد، به قیام و شورش امریکاییان و اعلام استقلال آنان در سال ۱۷۷۶ منجر گردید، ولی اندک زمانی بعد سرزمینهای وسیعی را در اقیانوسیه تصرف نمود.

طی سالهای ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ انگلستان از یک کشور کشاورزی به یک کشور صنعتی درجهٔ اول جهان تبدیل شد و در اواخر سدهٔ هجدهم در آسیای جنوب شرقی به اعمال نفوذ پرداخت و جنگ معروف به تریاک را علیه چین آغاز نمود.

با سرکوب شدن ملیون و نهضت‌های انقلابی ایرلند در سال ۱۷۹۸، ایرلند رسماً ضمیمهٔ انگلستان شد و دولت پادشاهی بریتانیای کبیر و ایرلند در سال ۱۸۰۱ به وجود آمد. انگلستان طی جنگهای متوالی با فرانسه، به ویژه پس از جنگ معروف واترلو، سرزمینهای جدیدی را به دست آورد. در ۱۸۳۷ دوران سلطنت ۶۴ سالهٔ ملکه ویکتوریا آغاز شد و دوران اقتدار و شکوه و قدرت سیاسی انگلستان شروع گردید. در این سال حزب محافظه‌کار پی‌ریزی گردید و در پی جنگ معروف تریاک، هنگ‌کنگ به انگلستان واگذار شد (۱۸۳۹). ملکه ویکتوریا در سال ۱۹۰۱ درگذشت و پس از او فرزندش ادوارد هفتم به سلطنت رسید. در زمان او تغییراتی در سیاست خارجی انگلستان به وقوع پیوست و اروپا از نظر سیاسی جبهه‌بندی شد و مسابقهٔ تسلیحاتی بین کشورهای مختلف اروپا آغاز گردید که سرانجام منجر به جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) شد. طی جنگ اول انگلستان تفوق دریایی خود را حفظ کرد و متصرفات آلمان در افریقا به تدریج به تصرف انگلستان درآمد. پس از پایان جنگ اول جهانی (۱۹۱۸)، شورش‌هایی در ایرلند به وقوع پیوست که به استقلال قسمت اعظم ایرلند و پایه‌گذاری دولت جمهوری ایرلند جنوبی منجر گردید.

در آغاز جنگ جهانی دوم، انگلستان در سوم سپتامبر ۱۹۳۹ علیه آلمان نازی اعلان جنگ داد و عملاً وارد جنگ شد و طی آن خسارات و صدمات زیادی را تحمل کرد. جنگ دوم در فوریهٔ ۱۹۴۵ به پایان رسید و با قدرت یافتن امریکا پس از این جنگ، قدرت انگلستان رو به افول گذارد. دولت محافظه‌کار چرچیل در انتخابات شکست خورد و کلمنت اتلی از حزب کارگر به نخست‌وزیری رسید. در سال ۱۹۴۷ کشورهای هند و پاکستان که از مستعمرات انگلستان بودند به استقلال رسیدند و به عضویت جامعهٔ کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان درآمدند و طی دهه‌های بعد، مستعمرات دیگر نیز به مرور استقلال یافتند. در سال ۱۹۴۹ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی با همکاری انگلستان و امریکا و در جهت مبارزه با رشد و گسترش کمونیزم پی‌ریزی شد.

در ۱۹۵۶ دو کشور انگلستان و فرانسه متفقاً در عملیات نظامی آبراههٔ سوئز شرکت کردند، ولی به دلیل عدم حمایت امریکا ناگزیر به عقب‌نشینی از منطقهٔ سوئز گردیدند و بحران سیاسی بزرگی را به همراه بردند. در سال ۱۹۵۷ دولت انگلستان نخستین بمب هیدروژنی خود را در اقیانوس آرام آزمایش کرد. در انتخابات سال ۱۹۶۴ هارولد ویلسون رهبر حزب کارگر نخست‌وزیر شد. در زمان او رودزیای جنوبی (زیمبابوه) اعلام استقلال نمود. در سال ۱۹۷۰ انگلستان به عضویت بازار مشترک اروپا درآمد و ادوارد هیث به نخست‌وزیری رسید. در سال ۱۹۷۴ هارولد ویلسون مجدداً نخست‌وزیر شد و در سال ۱۹۷۹ مارگارت تاچر از حزب محافظه‌کار نخست‌وزیری انگلستان را در دست گرفت.

در آوریل ۱۹۸۲ دولت مارگارت تاچر نیروی دریایی انگلستان را که شامل ناو هواپیمابر و زیردریایی اتمی بود به‌جزایر فالکلند یا مالویناس که به وسیلهٔ ارتش آرژانتین اشغال شده بود، اعزام داشت. پس از ۴۵ روز زد و خورد و مذاکرات سیاسی، انگلستان پیروز شد و جزایر مزبور را از آرژانتین پس گرفت. در اکتبر ۱۹۸۳ دولت انگلستان و چین پس از مذاکرات مفصل موافقت کردند که هنگ‌کنگ در ژوئن ۱۹۹۷ به چین واگذار شود. در انتخابات ۱۹۸۷ تاچر برای سومین بار پیاپی به نخست‌وزیری رسید و با امریکا به همکاری نزدیک پرداخت. در فوریهٔ ۱۹۹۰ روابط انگلستان و آرژانتین که در پی بحران جزایر فالکلند قطع شده بود دوباره برقرار گردید. تاچر در نوامبر ۱۹۹۰ از حکومت کناره گرفت و جان میجر رهبر حزب محافظه‌کار به جای او نخست‌وزیر شد. در ۱۹۹۱ انگلستان در جنگ خلیج فارس شرکت جست.

در مه ۱۹۹۷ تونی بلر رهبر حزب کارگر در انتخابات برنده شد و نخست‌وزیری انگلستان را عهده‌دار گردید و در پی آن آمادگی خود را برای مذاکرات با مقامات ایرلند شمالی اعلام داشت و در ژوئن ۱۹۹۷ انگلستان هنگ‌کنگ را رسماً به چین تحویل داد.

برای نخستین بار در تاریخ انگلستان، شهردار لندن در انتخابات سال ۲۰۰۰، از طریق آراء مستقیم و عمومی مردم انتخاب شد و بدین ترتیب شهردار لندن بالاترین مقام اجرایی انگلستان است که از طریق آراء مستقیم انتخاب می‌شود. در پی حوادث ۱۱ سپتامبر امریکا، دولت انگلستان بیشترین همکاری را با دولت امریکا در مبارزه با تروریزم به عمل آورد و نیروها و امکانات زیادی را به منطقهٔ خاورمیانه و کشور افغانستان اعزام نمود.

ایرلند شمالی

بحران ایرلند شمالی که از اوایل سال ۱۹۶۰ اوج گرفته بود، معضل سیاسی بزرگی را برای دولتهای انگلستان فراهم کرد. در سال ۱۹۶۹ آشوبها و نارضایتی‌های کاتولیک‌های ایرلند شمالی که به صورت آتش زیر خاکستر بود شروع به خودنمایی کرد و در زدوخورد میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها عده‌ای کشته، و گروه زیادی نیز زخمی شدند. انگیزهٔ شورشها این بود که کاتولیک‌ها حقوق مساوی و امکانات دسترسی به یک زندگی بهتر در زمینه‌های آموزش و پرورش و امنیت اجتماعی را خواهان بودند. پروتستان‌ها که بیشتر امور سیاسی و امنیتی ایرلند شمالی را در دست داشتند، در برابر خواسته‌ها و تظاهرات آنان از نیروی پلیس محلی استفاده کردند و نفاق و دشمنی را تشدید نمودند. دولت انگلستان برای جلوگیری از برخورد میان دو طرف، دسته‌جات نظامی به ایرلند شمالی اعزام داشت تا قدرت پلیس محلی را از دست دولت بلفاست خارج کند. در ۳۰ ژانویه ۱۹۷۲ واقعهٔ تأسف‌بار یکشنبهٔ خونین روی داد و طی آن سربازان انگلیسی به روی تظاهرکنندگانی که آرام و به دور از خشونت در خیابانهای لندندری راهپیمایی می‌کردند، آتش گشودند. در این حادثه ۱۳ کاتولیک کشته شدند و صدها زخمی بر جای ماند و پلیس ایرلند شمالی (*IRA*) نیز عده‌ای از کاتولیک‌ها را به قتل رسانید. در مارس ۱۹۷۳ مردم ایرلند شمالی در یک همه‌پرسی شرکت کردند و طی آن ۴۱/۴ درصد پروتستان‌ها به ابقاء ایرلند شمالی در داخل کشور انگلستان رأی دادند. در ۱۹۸۱ گروهی از زندانیان پلیس محلی ایرلند، درخواست کردند تا آنان را به عنوان زندانیان سیاسی بشناسند. این پیشنهاد از سوی انگلستان رد شد و در نتیجهٔ اعتصاب غذای متعددی که در پی آن روی داد ۱۲ تن از زندانیان کشته شدند. در سال ۱۹۹۷ تونی بلر نخست‌وزیر انگلستان آمادگی دولت را برای آتش‌بس و مذاکرات سیاسی با مقامات ایرلند شمالی و کاتولیک‌ها اعلام داشت و در اوایل سال ۱۹۹۸ مذاکرات مزبور با قرارداد صلح به پایان رسید و بر اساس آن توافق شد که ایرلند شمالی از خودمختاری بیشتر برخوردار شود و کاتولیک‌ها نیز از حقوق بیشتری بهره‌مند گردند. در همه پرسی سال ۱۹۹۸ در جمهوری ایرلند، مردم آن با ۹۵٪ آراء به هرگونه ادعای این کشور بر ایرلند شمالی خاتمه دادند و به موازات آن دولت انگلستان نیز پذیرفت که ایرلند شمالی نیز مانند ولز و اسکاتلند از یک مجلس قانونگذاری مستقل برخوردار شود.

مستملکات پادشاهی بریتانیا UNITED KINGDOM DEPENDENCIES

جزیره من و جزایر چنل که در آبهای خارج از سواحل انگلستان قرار گرفته‌اند، به عنوان سرزمین‌های جدا از خاک اصلی انگلستان محسوب می‌شوند و تحت نظر مستقیم دستگاه سلطنتی انگلستان و با خودمختاری نسبتاً زیادی اداره می‌شوند.

جزایر چنل
The Channel Islands

جزایر چنل که تشکیل شده از دو جزیرهٔ بزرگ و چند جزیره و یک جزیرک، در مجاورت آب‌های ساحلی شمال غربی فرانسه و جنوب انگلستان واقع شده و مساحت آن به ۱۹۷/۶ کیلومترمربع می‌رسد. این سرزمین‌ها از زمان‌های ماقبل تاریخ مسکونی بوده و از سال ۹۳۳ بخشی از نورماندی فرانسه بود. از سال ۱۱۰۶ ضمیمهٔ انگلستان شد و در سال ۱۲۵۴ تحت نظر مستقیم پادشاه انگلستان قرار گرفت. در پیمان برتینی در سال ۱۳۶۰ میلادی، حاکمیت انگلستان بر این جزایر توسط فرانسه به رسمیت شناخته شد. در طی جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۴۰ در تصرف قوای آلمان نازی قرار داشت و در نهم ماه مه ۱۹۴۵ توسط ارتش انگلستان آزاد شد.

جزیرهٔ جرزی: جزیره جرزی با ۱۱۶/۲ کیلومترمربع وسعت، بزرگترین جزیره از مجموعهٔ جزایر چنل محسوب می‌شود و جمعیت آن در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۸۴,۰۸۲ نفر بوده است. این جزیره در ۲ کیلومتری جنوب شرقی جزیره گرنزی واقع شد و مرکز آن شهر سنت هلیر می‌باشد. فرماندار و بخشدار آن توسط پادشاه منصوب می‌شود، اما قدرت اجرایی در دست منتخبین مجلس قانونگذاری آن است.

جزیره گرنزی: این جزیره با ۶۵ کیلومترمربع وسعت، غربی‌ترین جزیره این مجموعه به شمار می‌رود ومرکز آن شهر سنت‌پیترپورت می‌باشد. جمعیت آن در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۵۸,۸۶۷ نفر بوده است. این جزیره نیز برای خود دارای فرماندار و بخشدار مستقل است که از طرف پادشاه انگلستان تعیین می‌شود و امور اجرایی آن به عهدهٔ گروهی از منتخبان مجلس‌قانونگذاری آن است. جزیرهٔ آلدرنی با (۷/۹ کیلومترمربع) وسعت، سارک (۵/۵ کیلومترمربع)، هرم (۲ کیلومترمربع) و ژتو (۰/۶ کیلومترمربع) نیز توسط گرنزی اداره می‌شوند.

جزیره من
The Isle of Man

جزیرهٔ من با ۵۷۲ کیلومترمربع وسعت و ۶۹,۷۸۸ نفر جمعیت (۱۹۹۱)، در دریای ایرلند و بین جزیره اصلی بریتانیا و ایرلند واقع شده است. این جزیره همان طور که گفته شد جزء مستملکات سلطنتی محسوب می‌شود دارای مجلس قانونگذاری و سیستم قضایی و اجرایی مستقل می‌باشد. امور دفاعی و سیاست خارجی آن به عهدهٔ دولت بریتانیا است و مرکز آن شهر داگلاس (۲۲,۲۱۴ نفر در سال ۱۹۹۱) می‌باشد. جزیرهٔ من تا سال ۱۲۹۰ میلادی که به تصرف انگلستان درآمد، تا حدود ۵۰۰ سال در کنترل نروژ قرار داشت و از آن به بعد، انگلستان و اسکاتلند به تناوب بر آن حکومت می‌کردند. در سال ۱۴۰۶ هنری چهارم آن را به خاندان استنلی واگذار کرد و از سال ۱۸۶۶، دارای خودمختاری شد.

سرزمینهای تابعه انگلستان BRITISH DEPENDENT TERRITORIES

آنکوئیلا
Anguilla

سرزمینی است نیمه خودگردان در مجمع‌الجزایر هند غربی، خاور امریکای مرکزی و شمال شرقی دریای کارائیب و غرب اقیانوس اطلس که کلاً ۹۶ کیلومترمربع وسعت و حدود ۱۰۳۰۰ نفر (۱۹۹۴) جمعیت دارد. این سرزمین از دو جزیره یکی به نام آنگوئیلا به مساحت ۹۱ کیلومترمربع و جزیرهٔ کوچک دیگری به نام سامبررو به وسعت ۵ کیلومترمربع تشکیل یافته است. این جزیره‌ها که بخشی از جزایر لیوارد (بادپناه) واقع در مجمع‌الجزایر آنتیل‌های کوچک محسوب می‌شود، از آب و هوای گرم و مرطوب و پر باران برخوردار است و نهشت‌های نمکی آنها قابل توجه است.

مردم آنگوئیلا کلاً بومیان افریقایی تباری هستند که در سده‌های گذشته به صورت برده به این جزایر آورده شده و با آمیزش اروپائیان ساکن آنجا، پدید آمده‌اند. علاوه بر آن اقلیت انگلیسی کوچکی نیز در میان آنان به سر می‌برند. بومیان آنگوئیلا که اکثراً بطور دائم در جزایر ویرجین و یا دیگر جزیره‌هایی که در مالکیت دولت امریکاست به سر می‌برند، کلاً مسیحیانی هستند که از ۴۰ درصد پیروان کلیسای انگلستان (انگلیکان)، ۳۳ درصد متدیست، ۷ درصد ادونتیست، ۵ درصد باپتیست، ۳ درصد کاتولیک و ۷ درصد پیروان دیگر ادیان تشکیل یافته‌اند. زبان رسمی انگلیسی است و مرکز آن شهر کوچک ولی و واحد پول رایج دلار کارائیب شرقی است. ادارهٔ امور کشور به عهدهٔ یک فرماندار کل انگلیسی و سروزیر منتخب مردم می‌باشد.

آنگوئیلا شمالی‌ترین بخش جزایر لیوارد (بادپناه) را به خود اختصاص داده است. به دلیل کمبود آب شیرین، کشاورزی شایان توجهی ندارد و به همین دلیل و به مناسبت فقدان منابع زیرزمینی، مورد توجه چندانی از سوی بریتانیا نبوده است. جزایر مزبور همراه با جزیره‌های سنت‌کیتس، نویس و ویرجین از ۱۸۱۶ تا ۱۸۷۱ مشترکاً و به وسیلهٔ یک فرماندار کل انگلیسی اداره می‌شدند. جزایر ویرجین در سال ۱۸۷۱ از این گروه جدا شد و آنگوئیلا که به عنوان جزئی از جزیرهٔ سنت کیتس اداره می‌شد تحت‌الحمایهٔ انگلستان باقی‌ماند. مدتی بعد آنگوئیلا نیز در صدد جدا شدن از سنت‌کیتس برآمد و با وجود مخالفت انگلستان، مصرانه خواستار خودمختاری شد. در سال ۱۹۷۶ قانون اساسی آنگوئیلا توسط انگلستان تهیه شد و در سال ۱۹۸۰ به صورت یک دولت نیمه‌خودگردان و تحت‌الحمایهٔ انگلستان درآمد و رولاند وبستر به سروزیری برگزیده شد. در دههٔ ۱۹۸۰ ایجاد تأسیسات زیربنایی برای صنعت جهانگردی موجب شد که نسبت بیکاران از ۲۶ درصد به یک درصد کاهش یابد و به ویژه توریست‌های امریکایی و انگلیسی برای استراحت و دیدن چشم‌اندازهای طبیعی بدانجا روی آوردند.

در انتخابات سال ۱۹۹۴ هیوبرت هیوز برنده اکثریت شد و به سروزیری آنگوئیلا رسید و رشد اقتصادی کشور که به دامداری و تولید نمک و ماهیگیری و گردشگری وابستگی تام دارد به ۷ درصد فزونی یافت. از مارس سال ۲۰۰۰، سروزیری به عهدهٔ اوزبرن فلمینگ قرار دارد و فرمانداری کل (نمایندهٔ ملکه انگلستان) نیز از فوریه همین سال به عهده پیتر جانستون می‌باشد.

اسنشن (آسنسیون)
Ascension

این جزیره با مساحت ۸۸ کیلومترمربع به مناسبت موقعیت استراتژیکی خود در اقیانوس اطلس جنوبی، دارای اهمیت شایان توجهی است و در ۱۲۰۰ کیلومتری شمال غربی سنت‌هلنا جای دارد و مرکز تقویت و برقراری ارتباطات رادیویی بین افریقای جنوبی و اروپا و کشور امریکاست. دارای پایگاه نظامی و دستگاه‌های هدایت موشک‌های هدایت شونده است که از سوی انگلستان به امریکا واگذار شده است. پایگاه نظامی آن در جنگ مالویناس (سال ۱۹۸۲) برای پشتیبانی هوایی و عملیات لجستیکی نیروهای انگلیسی درگیر در جنگ با آرژانتین (بر سر مالکیت جزایر مالویناس یا فالکلند) به کار گرفته شد. اکثر مردم جزایر اسنشن در استخدام دولت سنت‌هلنا هستند. شمار آنان مطابق آمار سال ۱۹۹۶ به ۱۱۵۲ نفر می‌رسید که عمدتاً از اهالی سنت‌هلنا هستند و انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها نیز در اقلیت‌های بعدی قرار دارند. اکثراً از مذهب پروتستان پیروی می‌کنند و زبان رسمی آنان انگلیسی است و مدیر آن از سوی فرماندار سنت‌هلنا منصوب می‌گردد.

برمودا
Bermuda

مجمع‌الجزایری است به مساحت ۵۳ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۶۳,۵۰۰ نفر (۲۰۰۱)، در آبهای غربی اقیانوس اطلس، ۷۵۰ کیلومتری شمال خاوری شبه جزیرهٔ فلوریدا (در ایالات متحده). مجمع‌الجزایر برمودا از ۳۶۰ جزیرهٔ بسیار کوچک مرجانی که خاک آنها اکثراً گچی و قابل نفوذ است، ترکیب یافته و جزیرهٔ اصلی برمودا ۱۵۰ جزیره از جزایر مزبور را که فقط ۱۳۰ تای آنها مسکونی است به خود اختصاص داده. جریان گرم گُلف استریم به اعتدال و لطافت هوای آن کمک کرده و گردشگران بسیاری را که بیشتر امریکایی هستند، برای استراحت و دیدن زیباییها به خود جلب کرده است.

حدود ۶۰ درصد ساکنان جزایر مزبور افریقایی‌تبار هستند و پرتغالی‌تباران مادیرا و آسور (آزور) و دورگه‌های اروپایی و سرخپوستان جزء اقلیت‌های قومی آن هستند. عمدتاً از مذهب انگلیکان پیروی می‌کنند و متدیست‌ها و ادونتیست‌ها و کاتولیک‌ها و پیروان مذاهب دیگر، جزء اقلیت‌های مذهبی آن به شمار می‌آیند و زبان رسمی آنان انگلیسی است. نام رسمی این سرزمین برمودا و نام بین‌المللی آن برمیودا است. مرکز آن شهر هامیلتون یا همیلتن (حدود ۱۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۱) است و سنت‌جورج جزء مهمترین مراکز مسکونی آن به شمار می‌آید. حکومت برمودا تابع انگلستان است و فرماندار آن از سوی ملکهٔ انگلستان انتخاب می‌گردد. نخست‌وزیر آن به موجب آراء عمومی برگزیده می‌شود و دولت خود را با نظر فرماندار تشکیل می‌دهد و دارای دو مجلس قانونگذاری است. مجلس سنای آن ۱۱ نماینده و

مجلس نمایندگان از ۴۰ نماینده تشکیل می‌گردد. روز ملی آن ۲۴ مه (روز برمودا) است و واحد پول رایج دلار برمودا است.

مجمع‌الجزایر برمودا، اولین مستعمرهٔ بریتانیاست. دریانورد اسپانیایی به نام خوآن برمودز در سال ۱۵۰۳ میلادی از آن دیدن کرد و در سال ۱۶۰۹ به وسیلهٔ مهاجران انگلیسی که کشتی آنان هنگام سفر به امریکا در حوالی آن به گل نشست و آسیب دید، مسکون گردید و در سال ۱۶۸۴ تحت نظارت اداری انگلستان قرار گرفت و نخستین پارلمان آن تأسیس گردید و علیرغم اکثریت داشتن جمعیت سیاهپوست، مالکان زمینهای کشاورزی از حق رأی و انتخاب بهره‌مند شدند. در سدهٔ بیستم، کشاورزی به کنار گذارده شد و تمام فعالیتها روی گردشگری متمرکز گردید. در سال ۱۹۴۱ دولت امریکا پایگاه هوایی و دریایی در آن تأسیس نمود و نیروهای انگلیسی از سال ۱۹۵۷ جای خود را به نیروهای امریکایی واگذار کردند. حزب ترقی‌خواه کارگر که مایل به کسب استقلال بود، در سال ۱۹۶۳ تأسیس شد و درسال بعد نیز حزب متحد برمودا از سوی محافظه‌کاران به فعالیت پرداخت. در سال ۱۹۶۸ انگلستان خودمختاری بیشتری به دولت برمودا اعطا کرد و حق انتخاب نخست‌وزیر به آنان داده شد.

موقعیت استراتژیکی برمودا در اقیانوس اطلس شمالی و قرار گرفتن آن در سر راه ارتباطی میان اروپا و امریکا ایجاب نمود که نیروهای انگلیسی و کانادایی و امریکایی در برمودا حضور یابند. در ۱۹۸۹ جان سوآن، از حزب متحد برمودا، برای بار دوم به نخست‌وزیری انتخاب گردید. در ۱۹۹۲ سر جان ودینگتن از سوی دولت انگلستان به سمت فرمانداری برمودا منصوب گردید. در انتخابات ۵ اکتبر ۱۹۹۳ جی. اروینگ پیرمن به سمت معاون نخست‌وزیر برگزیده شد. استقلال کامل برمودا که از سوی نخست‌وزیر پیشنهاد شده بود، مورد قبول اکثریت رأی‌دهندگان در همه‌پرسی اوت ۱۹۹۵ واقع نگردید. در مارس ۱۹۹۷ پاملا گوردون به نخست‌وزیری انتخاب شد و در ژوئن همان سال تورولد مسفیلد به سمت فرمانداری برمودا منصوب گردید. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۸، حزب ترقی‌خواه کارگر، حائز اکثریت شد و جنیفر اسمیت به نخست‌وزیری برگزیده شد.

تریستان دا کونا
Tristan da Cunha

مجموعهٔ جزایری است به مساحت ۲۰۱ کیلومترمربع واقع در اقیانوس اطلس جنوبی، ۲۴۰۰ کیلومتری غرب کیپ تاون، افریقای جنوبی که از نظر اداری زیر نظارت جزیرهٔ سنت‌هلنا قرار دارد و از جزایری چون تریستان داکونا (۹۸ کیلومترمربع)، ایناکسسیبل (۱۰ کیلومترمربع، واقع در ۳۲ کیلومتری غرب تریستان‌داکونا)، جزایر نایتینگل (۲ کیلومترمربع، واقع در ۳۲ کیلومتری جنوب تریستان‌داکونا) و دیگوآلوارس یا گاف (۹۱ کیلومترمربع، واقع در ۳۵۰ کیلومتری جنوب تریستان‌داکونا)، تشکیل یافته است. جمعیت جزایر مزبور حدود ۳۰۰ نفر است که عمدتاً در جزیرهٔ اصلی تریستان داکونا به سر می‌برند.

جزایر مزبور منشأ آتشفشانی دارند و دارای خاکی حاصلخیز بوده و بلندترین نقطهٔ آنها به نام کوه کوئین مری که حدود ۲۰۶۰ متر ارتفاع دارد در جزیره تریستان داکونا واقع شده است. اکثر جمعیت آن در استخدام دولت هستند و در کارخانهٔ شیلات در قسمت آمودن خرچنگ و کنسرو ماهی به کار مشغولند. آتشفشان کوئین مری که در سال ۱۹۶۱ شروع به فعالیت نمود، منجر به تخلیه جزیره گردید و پس از آن که در سال ۱۹۶۳ خاموش شد، اهالی به خانه‌ها و زادگاه خود بازگشتند. در جزیرهٔ دیگوآلوارس ایستگاه هواشناسی کوچکی نصب شده و به وسیلهٔ دولت افریقای جنوبی اداره می‌گردد. مذهب عمدهٔ مردم این جزایر پروتستان است و زبان رسمی انگلیسی است و به وسیلهٔ مدیری از طرف فرماندار سنت‌هلنا انتخاب می‌شود و با نظارت یک شورای محلی با ۸ عضو منتخب، اداره می‌گردد. مردم تریستان داکونا مانند اهالی سنت‌هلنا تقاضا کرده‌اند تا جزء شهروندان انگلیسی محسوب گردند. تا سال ۱۹۸۰ کمک‌های دولت انگلستان به این جزایر ادامه داشت و از آن سال به علت رسیدن به خودکفایی، این کمک‌ها قطع شده است.

تورکس و کایکوس
Turks and Caicos

مجمع‌الجزایری است به مساحت ۴۳۰ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۱۶,۰۰۰ نفر (۱۹۹۸) که در حاشیهٔ غربی اقیانوس اطلس و در خاور کوبا و شمال جزیرهٔ هیسپانیولا واقع شده و جنوبی‌ترین جزایر از گروه جزایر باهاما محسوب می‌شود. از شمار بالغ بر ۳۰ جزیره این مجموعه، فقط هشت جزیرهٔ آن مسکون است که عبارتند از: گراندتورک، سالت‌کی، کایکوس جنوبی (ساوث‌کایکوس)، کایکوس مرکزی (سنترال کایکوس)، کایکوس شمالی (نورث‌کایکوس)، پراویدنشلز، پاین‌کی و پاروت‌کی. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و جریانهای اقیانوسی بر اعتدال آن کمک می‌کنند. جزایر تورکس و کایکوس در مسیر عبور توفندهای منطقه‌ای قرار دارند و به دفعات مورد آسیب و ویرانی قرار گرفته‌اند. ماهیگیری عمده‌ترین فعالیت اقتصادی آن است.

بیشتر مردم تورکس و کایکوس افریقایی‌تبارند و اقلیتی از سفیدپوستان نیز در میانشان دیده می‌شوند و اکثراً باپتیست و متدیست و انگلیکانیست و ادونتیست هستند و زبان رسمی انگلیسی است.

مرکز آن شهرک کاکبرنتاون (حدود ۳,۷۶۱ نفر در سال ۱۹۹۵) است که در جزیرهٔ گراند تورک واقع است. فرماندار آن از سوی دولت انگلستان منصوب می‌شود و همراه با سرروزیری که به وسیلهٔ فرماندار انتخاب می‌گردد، زیر نظر شورای قانونگذاری، به ادارهٔ امور می‌پردازد. شورای قانونگذاری از ۱۳ عضو انتخابی، ۳ عضو از دولت، ۳ عضو انتصابی فرماندار و رئیس شورا تشکیل می‌شود. واحد پول رایج دلار امریکا است.

تورکس و کایکوس دو رشته جزایری هستند که به وسیلهٔ یک تنگهٔ ژرف از هم جدا می‌شوند و در حدود ۱۵۰ کیلومتری شمال هائی‌تی قرار دارند. جزایر مزبور نخستین‌بار به وسیلهٔ آراواک‌ها مسکون گردید. در سال ۱۴۹۲ کریستف کلمب بر این جزایر پا گذارد و نخستین اروپاییانی که در این جزایر سکونت گزیدند استخراج کنندگان نمک بودند که از برمودا به آنجا وارد گردیدند. در سده‌های بعد چندین بار مورد یورش نیروهای فرانسوی و اسپانیایی و دزدان دریایی قرار گرفت. اسپانیایی‌ها در آنجا کشتزارهای پنبه ایجاد کردند و بردگان افریقایی را به بیگاری کشیدند و سرانجام انگلیسی‌ها بودند که بر این جزایر تسلط یافتند و از باهاما به ادارهٔ آن پرداختند. بعد از سال ۱۸۷۴ جزایر مزبور ضمیمهٔ جامائیکا گردید و با استقلال جامائیکا به یک مستعمرهٔ جداگانه مبدل شد. در جنگ جهانی دوم امریکایی‌ها باند فرودگاهی در کایکوس جنوبی احداث کردند و در ۱۹۵۱ یک پایگاه پرتاب موشک به آن اضافه نمودند. در سال ۱۹۷۲ زمانی که باهاما مستقل گردید، جزایر تورکس و کایکوس خود دارای فرماندار شدند. در تدوین قانون اساسی سال ۱۹۷۶ قدمی به سوی خودمختاری بیشتر برداشته شد و علاوه بر ایجاد مجلس قانونگذاری، دادگاه عالی و دادگاه استیناف نیز در آن تأسیس شد. در ۱۹۸۰ بریتانیا به جزایر مزبور استقلال داخلی داد. در ۱۹۹۳ مارتین بورک به سمت فرمانداری جزایر منصوب گردید و درک تیلر سرروزیری را عهده‌دار شد و در ۱۹۹۶ جان کلی جای فرماندار پیشین را گرفت. در سال ۲۰۰۰، مروین جونز در سمت فرماندار به این جزایر اعزام شد.

جبل طارق
Gibraltar

شهر و شبه جزیره‌ای در صخرهٔ جبل‌طارق واقع در جنوبی‌ترین کرانهٔ اسپانیا، ۲۳ کیلومتری ساحل مغرب. طول صخرهٔ جبل‌طارق حدود ۴۵۰۰ متر، پهنای آن حداکثر ۱۲۰۰متر و مساحت آن حدود ۵ کیلومترمربع است. موقعیت جبل‌طارق از آن جهت دارای اهمیت است که ارتباط میان دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس را برقرار می‌کند و رفت و آمد میان آنها را کنترل می‌نماید. جبل‌طارق از نام طارق‌بن‌زیاد که در ۷۱۱ میلادی در آنجا پیاده شد، اقتباس گردیده است. اعراب مسلمان در سال ۱۱۶۰ میلادی شهری در آنجا بنا نهادند و آن را مدینةالفتح نامیدند. جبل‌طارق در سال ۱۳۰۹ میلادی به تصرف فردیناند چهارم، پادشاه کاستیل درآمد و در سال ۱۵۴۰ به دست خیرالدین بارباروسا دریازن معروف ترک تاراج گردید. در طی جنگ جانشینی اسپانیا، در سال ۱۷۰۴ به تصرف بریتانیا درآمد و هنوز در تصرف دولت مزبور باقی است. در سال ۱۷۲۶ اسپانیا آنجا را محاصره کرد ولی بدون نتیجه آنجا را رها نمود. در جنگ جهانی اول پایگاه دریایی مهمی بود و در جنگ دوم جهانی نیز از اهمیت به سزایی برخوردار بود. تلاش اسپانیا در سال ۱۹۶۴ نیز برای کنترل بر جبل‌طارق بی‌نتیجه ماند و همه‌پرسی سال ۱۹۶۷ از ساکنان شهر جبل‌طارق، تمایل به ادامهٔ وابستگی به انگلستان را نشان داد و سازمان ملل در سال ۱۹۶۸ اسپانیا را به صبر و شکیبایی و خویشتن‌داری توصیه کرد. شهر جبل‌طارق یک پایگاه نظامی است و بیشتر ساکنان آن انگلیسی و انگلیسی تبارها هستند و اسپانیایی‌ها اغلب به صورت کارگران روزانه به آنجا رفت و آمد می‌کنند. مذهب انگلیسی‌ها مسیحی انگلیکان و مذهب اسپانیایی‌ها مسیحی کاتولیک است. زبان رسمیشان انگلیسی است و به زبان اسپانیایی هم گفتگو می‌کنند. از نظر اداری تابع انگلستان است و فرماندار انگلیسی دارد و تحت نظارت سازمان ملل متحد اداره می‌شود و جمعیت آن حدود ۳۰,۰۰۰ نفر است و پول رایج آنها پوند استرلینگ است.

جزایر پیتکرن
Pitcairn Islands

جزایری به مساحت حدود ۳۵/۵ کیلومترمربع و ۴۴ نفر (۲۰۰۰) جمعیت در انتهای جنوب خاوری جزایر پولینزی فرانسه، در اقیانوس آرام، خاور استرالیا. جزایر مزبور که مجموعه‌ای از چهار جزیرهٔ پیتکرن (۴/۵ کیلومتر)، هندرسُن (۳۰ کیلومتر)، دوسی و اوئنو هستند منشأ آتشفشانی دارند و تنها جزیرهٔ پیتکرن در میان آنها مسکونی است و مدار رأس‌الجدی با فاصلهٔ اندکی از شمال آنها می‌گذرد. اراضی این جزایر ناهموار و تپه‌ماهور است و بلندترین نقطهٔ آنها ۴۴۰ متر ارتفاع دارد.

اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و به وسیلهٔ بادهای دریایی معتدل و نسبتاً لطیف می‌گردد. ماهیگیری، کشاورزی سنتی و صنایع دستی از عمده‌ترین فعالیتهای اقتصادی آن

است و بین ماههای نوامبر تا مارس غالباً دستخوش توفند می‌گردد.

مردم آن از نوادگان ملوانان شورشی کشتی معروف بونتی هستند که با زنان پولینزیایی تاهیتی ازدواج کرده‌اند و همگی از مذهب ادونتیست روز هفتم پیروی می‌کنند. زبان رسمی انگلیسی است و مرکز آن آدامز تاون می‌باشد. کمیسیونر عالی انگلستان که در اوکلند زلاندنو مستقر است، بر امور آن نظارت دارد و امور داخلی آن زیر نظر یک شورای ده نفره اداره می‌گردد و واحد پول رایج دلار زلاندنو است.

مانند دیگر جزایر این ناحیه، پولینزیایی‌ها نخستین ساکنان پیتکرن بوده‌اند. در ۱۷۶۷ رابرت پیتکرن دریانورد انگلیسی از این جزایر دیدن کرد. در ۱۷۸۹ خدمهٔ کشتی بونتی متعلق به نیروی دریایی انگلیس پس از سفر شش ماهه به تاهیتی، در بازگشت به انگلستان شورش کردند. کاپیتان کشتی و چند نفر دیگر را در قایقی سوار کردند و خود به تاهیتی بازگشتند. پس از مدت کوتاهی که در تاهیتی اقامت کردند، به پیتکرن نقل مکان نمودند. گروهی که به وسیلهٔ فلچر کریستین رهبری می‌شد از ۸ خدمه، ۶ مرد و ۸ زن تاهیتی تشکیل شده بود. ده سال بعد از بین خدمهٔ شورشی فقط جان اوانس و ۱۱ زن و ۲۳ بچه زنده مانده بودند که موجبات وابستگی پیتکرن به انگلستان را فراهم نمودند. شمار ساکنان پیتکرن در سال ۱۹۳۷ به ۲۰۰ تن رسید. از آن سال به بعد جوانان جزیره در پی یافتن کار و زندگی بهتر به زلاندنو مهاجرت کردند و شمار ساکنان آن رو به کاهش نهاد. بین سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۰ پیتکرن تحت نظارت اداری فرماندار فیجی قرار داشت. در سال ۱۹۷۰ به فرمانداری کل زلاندنو ملحق شد و یک شورای محلی به نظارت بر ادارهٔ امور پرداخت.

در حال حاضر ارتباط این جزیره با دنیای خارج به امواج رادیویی و کشتیهایی که گاهگاه در کنار آن لنگر می‌اندازند منحصر است. مع‌الوصف مسئلهٔ آموزش و پرورش کودکان از اهمیت خاصی برخوردار است و کلیهٔ کودکان ۵ تا ۱۵ سال زیر چتر آموزش قرار دارند و آموزگاران آنان برای مدت دو سال از سوی زلاندنو مأمور می‌گردند. مردمان پیتکرن عمدتاً با ماهیگیری و کشاورزی روزگار می‌گذرانند و به کشت سبزیجات و انواع میوه‌های گرمسیری اشتغال دارند و چاپ و انتشار تمبرهای یادگاری یکی از منابع درآمد آن است.

در تحقیقات زمین‌شناسی سال ۱۹۹۲ به وجود منابعی چون منگنز، آهن، مس، روی، نقره و طلا در زیر آبهای زیرزمینی پیتکرن پی‌برده شد. در ۱۹۹۵ رابرت جان السِتن به فرمانداری پیتکرن انتخاب شد. شمار ساکنان پیتکرن در سالهای اخیر همچنان رو به کاهش گذارده بطوری که در ژانویه ۱۹۹۸ فقط ۳۰ تن در جزایر مزبور باقی مانده بودند که تنها ۸ تن از آنها کار داشتند.

در جزایر پیتکرن فرودگاه وجود ندارد و موجودیت جزایر مزبور به عنوان آخرین مستعمرهٔ بریتانیا در اقیانوس آرام به رفت و آمد کشتی‌هایی بستگی دارد که هرچندگاه یک بار برای تأمین نیازمندیهای ساکنان آن بدانجا رفت و آمد می‌کنند و همین بی‌توجهی موجبات تشویق مهاجرت از جزایر پیتکرن را فراهم آورده است.

جزایر جورجیای جنوبی و ساندویچ جنوبی
South Georgia and the south Sandwich Islands

جزیرهٔ جورجیای جنوبی با ۳۵۹۲ کیلومترمربع وسعت، در جنوب اقیانوس اطلس، و در حدود ۱۳۰۰ کیلومتری جنوب شرقی جزایر فالکلند واقع شده. جزایر ساندویچ جنوبی که وسعت آن به ۳۱۱ کیلومترمربع می‌رسد، در حدود ۷۵۰ کیلومتری جنوب شرقی جزیرهٔ جورجیای جنوبی قرار دارد. این جزایر در سال ۱۷۷۵ به مالکیت انگلستان درآمد و در سال ۱۹۰۸ به همراه بخشی از سرزمین جنوبگان و جزایر واقع در آن نواحی، ضمیمهٔ جزایر فالکلند شد. دولت آرژانتین در سال ۱۹۲۷ مدعی مالکیت جزیرهٔ جورجیای جنوبی و در ۱۹۴۸ مدعی مالکیت جزایر ساندویچ جنوبی شده است. جورجیای جنوبی تا سال ۱۹۸۲ که توسط نیروهای آرژانتین تصرف شد، دارای یک ایستگاه تحقیقاتی بود که پس از بازپس‌گیری آن توسط ارتش انگلستان، ایستگاه مزبور تعطیل گردید. از سال ۱۹۸۵ ادارهٔ این سرزمین‌ها به فرماندار جزایر فالکلند واگذار شده است.

فالکلند (مالویناس)
Falkland (Malvinas) Islands

مجمع‌الجزایری به مساحت حدود ۱۱,۴۰۰ کیلومترمربع در آبهای جنوبی اقیانوس اطلس، ۴۸۰ کیلومتر خاور کرانه‌های آرژانتین، مشتمل بر حدود یکصد جزیره. مجمع‌الجزایر مزبور که جزایر جورجیای جنوبی و ساندویچ و شتلند را نیز شامل می‌گردد از دو جزیرهٔ نسبتاً بزرگ فالکلند خاوری یا سولداد و فالکلند غربی یا گران‌مالویناس تشکیل شده و تنگهٔ سان‌کارلوس یا تنگهٔ فالکلند آنها را از هم جدا می‌کند.

کرانه‌های جزایر مزبور مضرّس و ناهموار و کوهستانی است و بیش از نیمی از سکنهٔ آن در شهر پورت‌استنلی، مرکز جزایر که در جزیرهٔ فالکلند شرقی (سولداد) واقع است سکونت دارند. فعالیت عمدهٔ اقتصادی ساکنان فالکلند گله‌داری و پرورش گوسفند است و گاز و نفت از منابع عمدهٔ زیرزمینی آن محسوب می‌گردد. نزدیکی جزایر مزبور به قارهٔ جنوبگان موقعیت استراتژیکی خاصی به جزایر فالکلند بخشیده و کشف منابع نفت بر اهمیت آن افزوده است.

جمعیت جزایر فالکلند حدود ۲۰۰۰ نفر است. علاوه بر آن از سال ۱۹۸۲ یک پادگان ۴۰۰۰ نفره انگلیسی نیز به آن افزوده شده که به حفاظت و نگهداری از جزایر مزبور مشغولند. زبان رسمی مردم فالکلند یا مالویناس انگلیسی است و مرکز آن پورت‌استنلی یا پوئرتوآرختینو است. جزایر مزبور زیر نظارت دولت انگلستان قرار دارند و فرماندار آن از سوی بریتانیا تعیین می‌گردد و واحد پولشان پوند استرلینگ است.

هنگامی که اسپانیاییها در سال ۱۵۲۰ وارد جزایر فاکلند شدند، آن را خالی از سکنه یافتند. در سدهٔ هجدهم میلادی ماهیگیران و صیادان فرانسوی نهنگ ماندگاهی در آنجا تأسیس کردند و در سال ۱۷۶۴ لویی آنتوان دوبوگنویل، پورت‌لویی را در جزیرهٔ فالکلند شرقی (سولداد) بنا نهاد که مورد اعتراض اسپانیاییها که نسبت به آن ادعای مالکیت داشتند، قرار گرفت. انگلیسی‌ها که جزایر مزبور را از سال ۱۶۹۰ فالکلند نامیده بودند، شهرک فورت‌اگمونت را در مقابل ۲۴,۰۰۰ پوند انگلیسی به اسپانیاییها واگذار کردند و اسپانیایی‌ها آن را به پوئرتوسولداد تغییر نام دادند. با اعلام استقلال آرژانتین در سال ۱۸۲۰ فرمانداری از سوی آرژانتین برای جزایر مزبور تعیین گردید و فرماندار دیگری در سال ۱۸۳۱ دو فروند کشتی امریکایی را که در آبهای پیرامون جزیره به ماهیگیری غیر قانونی مشغول بودند، توقیف و جریمه نمود. این عمل باعث شد که یک ناوگان امریکایی که ظاهراً به منظور دیدار امریکای جنوبی به آبهای جزایر مزبور وارد شده بود، پوئرتو سولداد را متقابلاً گلوله‌باران کند و پادگان نظامی و خانه‌های مسکونی را ویران نماید و آرژانتینی‌ها را فراری دهد.

در ژانویه ۱۸۳۳ یک کشتی انگلیسی گروهی مرکب از چند خانوار مهاجر و یک دستهٔ کوچک نظامی در جزیرهٔ مزبور پیاده کرد تا به تملک و حفاظت آن بپردازند.

پس از جنگ جهانی دوم سازمان ملل متحد پیشنهاد خودگردانی ساکنان فالکلند را که غالباً انگلیسی بودند، موجه ندانست و مالکیت آرژانتین بر جزایر مزبور را قانونی خواند. در دوم آوریل ۱۹۸۲ نیروی دریایی آرژانتین جزایر مالویناس را تصرف کرد و محافل بین‌المللی را با واکنش‌های متفاوتی روبرو ساخت. این عمل به تیرگی روابط آرژانتین و بریتانیا منتهی شد و متعاقب آن نیروی دریایی انگلستان در جزیره پیاده شد و پس از جنگ و زدوخوردی چند روزه جزایر مزبور را به تصرف درآورد. با روی کار آمدن کارلوس مُنم روابط سیاسی آرژانتین و انگلستان دوباره برقرار شد اما موضوع مالکیت جزایر فالکلند در حالت تعلیق باقی ماند اما زمانی که داگلس هرد وزیر خارجهٔ وقت بریتانیا از جزایر مزبور دیدن می‌کرد، بر مالکیت انگلستان تأکید نمود و متعاقب آن در نوامبر ۱۹۹۱ فرماندار انگلیسی فالکلند کشف و استخراج نفت و گاز جزایر مزبور و آبهای پیرامون آن را به یک کمپانی نفتی واگذار کرد.

در مارس سال ۱۹۹۴ وزیر دفاع آرژانتین اعلام داشت که پس از جریانات سال ۱۹۸۲، حداقل ۹ تن از اسرای ارتش آرژانتین به دست نیروهای انگلیسی کشته شده‌اند و این برخلاف قوانین مربوط به کنوانسیون ژنو دربارهٔ اسرای جنگی است.

در سال ۱۹۵۵ با به رسمیت شناختن قرارداد منعقده بین رئیس جمهور آرژانتین (کارلوس مُنم) و نخست‌وزیر بریتانیا (جان میجر)، توافق گردید که کشف و استخراج منابع زیردریایی آبهای غربی جزایر فالکلند که در نوار مرزی میان آرژانتین و فالکلند واقع است بطور مشترک انجام شود. در مه ۱۹۸۸ کمپانی نفتی امریکایی به نام امرادا هس اعلام داشت که عملیات گمانه‌زنی و حفاری در ۱۹۰ کیلومتری شمال جزایر به منابع نفت نه‌چندان وسیعی رسیده و کاوش و حفاری همچنان ادامه خواهد یافت.

جزایر کیمَن
Cayman Islands

مجمع‌الجزایری است به مساحت ۲۵۹ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۳۴,۰۰۰ نفر (۱۹۹۸) در شمال دریای کارائیب، جنوب کوبا و غرب جامائیکا، در امریکای مرکزی. جزایر کیمن بخشی از آنتیل‌های بزرگ است و از سه جزیرهٔ کیمن بزرگ، کیمن کوچک و کیمن براک تشکیل یافته است. هر سه جزیره دارای منشأ آتشفشانی است و بیشتر جمعیت در کیمن بزرگ به سر می‌برند. اقلیم جزایر کیمن گرم و مرطوب و بارانی است و جریان‌های دریایی بر اعتدال آن کمک می‌کند.

۴۰ درصد جمعیت کیمن را دورگه‌های سرخ‌پوست و سفیدپوست، ۲۰ درصد را اروپایی‌تباران و ۲۰ درصد دیگر را افریقایی‌تباران تشکیل داده‌اند. عمدتاً از مذهب پروتستان پیروی می‌کنند و زبان رسمی مردمان آن انگلیسی است. نام رسمی آن جزایر کیمن (کیمن آیلندز) است و از ۸ بخش ترکیب یافته است. مرکز آن شهر جورج تاون (حدود ۱۵,۰۰۰ نفر) است و وست‌بی و بادن‌تاون از شهرهای مهم آن هستند. جزایر کیمن به وسیلهٔ یک فرماندار انتصابی از سوی ملکهٔ انگلستان و یک مجلس قانونگذاری مرکب از ۱۵ عضو منتخب و ۳ نفر از مسئولین دولتی اداره می‌شود و واحد پول آن دلار جزایر کیمن است.

در سال ۱۵۰۳ کریستف کلمب از آن دیدن کرد و آنجا را جزایر ترتل (سنگ‌پشت) نامید. زیرا سنگ‌پشت و تمساح و سوسمار تنها ساکنان آن بودند. اندک زمانی بعد فرانسوی‌ها بر آن دست یافتند و سپس دزدان دریایی در آن پناه گرفتند. به دلیل لنگرگاههای مناسب و موقعیت مکانی در سدهٔ هفدهم به مرکز فرمانروایی دزدان دریایی آنتیل‌ها مبدل گردید. اولین ماندگاه استعماری فرانسه در جزیرهٔ کیمن بزرگ تأسیس گردید و بیشتر ساکنان آن از جامائیکا به آنجا

مهاجرت کردند و در ۱۸۳۳ دو جزیره دیگر نیز مسکون گردید. آنتیل‌ها از جمله جزایری هستند که استعمارگران اروپایی بر سر آن مبارزه‌ها کرده‌اند، این مبارزات زمانی به اوج خود رسید که جامائیکا در سال ۱۶۷۰ به موجب پیمان مادرید به انگلستان واگذار شد و جزایر کیمن در تابعیت جامائیکا درآمد و در سال ۱۹۵۹ رسماً جزء مستعمرات انگلستان منظور گردید. قانون اساسی سال ۱۹۷۲ تا حدی به آن خودمختاری داد و فرماندار آن از سوی دولت پادشاهی انگلستان منصوب گردید و شورای اجرایی و شورای قانونگذاری برای آن تعیین شد. یکی از منابع درآمد کیمن صنعت گردشگری است و علاوه بر آن پرورش لاک‌پشت، صنایع دستی و کشاورزی نیز از جمله منابع تغذیهٔ داخلی و درآمد ارزی آن به شمار می‌آیند. در مجموعهٔ این جزایر درخواست‌های استقلال‌طلبانه وجود نداشته و اکثریت مطلق ساکنان آن خواستار حفظ روابط خود با پادشاهی انگلستان می‌باشند. جهانگردی یکی از مهمترین منابع تأمین درآمد این جزایر است و علاوه بر آن معافیت‌های مالیاتی باعث شده تا بانک‌های زیادی در جزایر کیمن تأسیس شود.

جزایر ویرجین انگلستان
British Virgin Islands

جزایری است به مساحت ۱۵۳ کیلومترمربع و جمعیتی معادل ۲۰,۰۰۰ نفر (۲۰۰۰) در حاشیهٔ شمال خاوری دریای کارائیب، غرب اقیانوس اطلس و امریکای مرکزی. بخش خاوری جزایر ویرجین که به انگلستان تعلق دارد از ۳۶ جزیره و آبسنگ تشکیل شده که از آن میان ۱۶ جزیره مسکون است. عمده‌ترین جزایر این گروه تورتولا (۵۴/۴ کیلومترمربع)، آنگادا (۳۸/۸ کیلومترمربع)، ویرجین گوردا و جوست واندایک هستند که بیشترین جمعیت را در خود جای داده‌اند. جزایر مزبور منشأ آتشفشانی دارند و اراضی آنها تپه‌ماهور است و ارتفاع بلندترین نقطهٔ آن از ۵۳۰ متر تجاوز نمی‌کند. اقلیم آن معتدل است و بارندگی نامنظم آن، کشاورزی محدودی را تحمیل کرده و به اندکی میوه و سبزیجات منحصر ساخته است. ماهیگیری و گردشگری مهمترین فعالیتهای اقتصادی آن است و آلودگی پلاژها و صدماتی که گردشگران به صخره‌های مرجانی می‌زنند، آفت زیست محیطی آن به شمار می‌آید.
بیشتر جمعیت این جزایر را افریقایی‌تباران تشکیل می‌دهند و انگلیسی‌ها در ردیف اقلیتهای قومی آن جای دارند. از نظر مذهبی عمدتاً پروتستان هستند و انگلیکان‌ها، ادونتیست‌ها، باپتیست‌ها و کاتولیک‌ها جزء اقلیتهای مذهبی آن هستند و زبان رسمی انگلیسی است.
پایتخت آن شهرک رود تاون با حدود ۶,۳۰۰ نفر جمعیت (۱۹۹۵) است که در جزیره تورتولا قرار دارد. فرماندار آن از سوی دولت انگلستان منصوب می‌گردد و به کمک یک شورای اجرایی و یک سروزیر که امور داخلی را اداره می‌کند، امور محوله را عهده‌دار می‌گردد. انتخاب سروزیر از سوی شورای قانونگذاری منتخب مردم که دارای ۹ عضو است، صورت می‌گیرد. واحد پول آن دلار امریکاست.
نام جزایر ویرجین توسط کریستف کلمب در ۱۴۹۳ به این جزایر داده شد. در اواسط سدهٔ شانزدهم کلیهٔ بومیان اصلی آن یعنی آراواک‌ها و کاریب‌ها، قتل عام و تار و مار شدند. در سدهٔ هجدهم میلادی انگلیسی‌ها کنترل جزایر مزبور را در دست گرفتند و بردگان افریقایی را در کشتزارها به کار گماردند و به کشت نیشکر و پنبه پرداختند. از سال ۱۸۷۲ جزایر مزبور ضمیمهٔ جزایر لیوارد (بادپناه) گردید و به صورت تحت‌الحمایه فدرال اداره شد. فدراسیون مزبور در سال ۱۹۵۶ منحل شد و فرماندار جزایر لیوارد، سرپرستی جزایر ویرجین را نیز بر عهده گرفت. ادارهٔ امور آن در ۱۹۶۰ در اختیار فرمانداری که مستقیماً از سوی دولت انگلستان منصوب می‌گردید، قرار داده شد. در سال ۱۹۷۷ قانون اساسی جزایر مورد تجدید نظر و تصویب قرار گرفت و فقط امور دفاعی و مسائل امنیتی و روابط خارجی جزء مسئولیت‌های فرماندار منظور گردید. در مارس ۱۹۸۸ اومار هاج، سروزیر وقت، از کارکناره‌گیری کرد و رالف اونیل به جای او مسئولیت دولت را عهده‌دار شد. در اکتبر ۱۹۹۱ پیتر آلفرد پنفولد به سمت فرمانداری منصوب شد و در ۱۹۹۵ جای خود را به دیوید مکیلیگین واگذار کرد و در ژوئن همان سال رالف اونیل سرپرستی دولت را پس از مرگ لاویتی اسکات، مجدداً عهده‌دار گردید. فرانک ساویج در سال ۱۹۹۸ به سمت فرماندار جزایر منصوب گردید.

سرزمین جنوبگان انگلستان
The British Antarctic Territory

سرزمین جنوبگان انگلستان در محدوده نواحی متعلق به پیمان جنوبگان، یعنی نواحی جنوبی عرض جغرافیایی ۶۰ درجه جنوبی واقع شده و در سوم مارس ۱۹۶۲ تشکیل یافته است. این سرزمین شامل تمامی جزیره‌ها و اراضی واقع در محدوده جنوب مدار ۶۰ درجه جنوبی، بین نصف‌النهارهای ۲۰ درجه غربی و ۸۰ درجه غربی است و جزایر اورکنی جنوبی، جزایر شتلند جنوبی، شبه جزیرهٔ جنوبگان و نواحی جنوب و شرق دریای ودل را در بر می‌گیرد، وسعت آن به ۱,۷۱۰,۰۰۰ کیلومترمربع می‌رسد و فاقد جمعیت بومی است. در طی سال حدود ۶۰ نفر از دانشمندان و کادر پشتیبانی آنان در ایستگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی این نواحی حضور دارند. مهمترین مراکز تحقیقاتی انگلستان عبارتند از: داموی‌پوینت، فسیل‌بلاف، هالی، روترا و سیگنی.

سرزمین‌های انگلستان در اقیانوس هند
The British Indian Ocean Territory

این سرزمین‌ها در سال ۱۹۶۵ از ادغام جزایر الدبرا (آلدابرا)، دروشه و فارکوئر با مجمع‌الجزایر چاگوس به وجود آمد. در سال ۱۹۷۶، هنگام استقلال مجمع‌الجزایر سیشل، جزایر الدبرا، دروشه و فارکوئر به آن کشور واگذار گردید. بدین ترتیب تنها مجمع‌الجزایر چاگوس، و از جمله جزیره دیگو گارسیا با ۶۰ کیلومتر مربع مساحت، در پهنه‌ای به وسعت ۵۴,۴۰۰ کیلومترمربع از آب‌های اقیانوس هند، در محدودهٔ این سرزمین باقی ماند. منظور از تأسیس این سرزمین تأمین نیازهای امنیتی و دفاعی کشورهای انگلستان و امریکا در اقیانوس هند می‌باشد که از طریق پایگاه‌های نظامی مستقر در این جزایر صورت می‌گیرد. فعالیت اقتصادی در این جزایر سابقاً منحصر به ماهیگیری و کشت نارگیل بود و مالکیت این جزایر در اختیار یک شرکت خصوصی قرار داشت.
پس از خرید این جزایر توسط دولت انگلستان در سال ۱۹۶۷، ساکنین این جزایر مخیر شدند که به موریس یا سیشل نقل مکان یابند، که بیشتر آنان (حدود ۱۲۰۰ نفر) طی سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳ به موریس انتقال یافتند. دولت موریس از همان ابتدا مدعی مالکیت جزایر چاگوس بود و خواهان استرداد این جزایر شد که این درخواست با حمایت همه جانبه سازمان وحدت افریقا نیز روبرو شد. در سال ۱۹۸۲ با پرداخت غرامتی به مبلغ ۴ میلیون لیره از سوی دولت انگلستان، این ادعاها پایان یافت، اما در اوایل سال ۱۹۸۴ ساکنان سابق جزیره دیگوگارسیا خواهان غرامتی به مبلغ ۶ میلیون دلار از دولت امریکا شدند که مورد پذیرش واقع نشد. در سال ۱۹۶۶ قراردادی میان انگلستان و امریکا به امضاء رسید که به موجب آن دو کشور موافقت کردند به مدت ۵۰ سال به طور مشترک از این جزایر استفاده کنند. در ابتدا از جزیره دیگوگارسیا به عنوان یک مرکز مخابراتی استفاده می‌شد. در سال ۱۹۷۲ با گسترش حضور نیروی دریایی اتحاد جماهیر شوروی در اقیانوس هند، دولت امریکا اقدام به ساخت یک پایگاه نیروی‌دریایی در این جزیره نمود که تأسیسات آن طی سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶ و ۱۹۷۹ گسترش یافت. در دههٔ ۱۹۸۰ تجهیزات جدیدی به این پایگاه اضافه شد و با گسترش جنگ ایران و عراق در نیمهٔ دوم این دهه، جزیرهٔ دیگو گارسیا به مرکز سوختگیری و پایگاه هلی‌کوپترهای مین‌روب مبدل گردید. پس از اشغال کویت توسط ارتش عراق، از جزیره دیگو گارسیا به عنوان پایگاه هواپیماهای بمب‌افکن ب۵۲ امریکا برای بمباران عراق استفاده شد.
از ژانویه ۱۹۸۸، مجدداً دولت موریس ادعای خود در مورد مالکیت بر جزایر چاگوس را تکرار کرد و خواهان ایجاد منطقهٔ صلح و عاری از سلاح در اقیانوس هند گردید. مجمع‌الجزایر چاگوس در حال حاضر فاقد جمعیت بومی است و تعداد نفرات ارتش امریکا و انگلستان درسال ۱۹۹۵ بالغ بر ۱۲۰۰ نفر بوده و حدود ۱۷۰۰ نفر نیز به عنوان کارکنان شرکت‌های خدماتی در آن به سر می‌برند.

سنت هلنا
St. Helena

جزیره‌ای است به وسعت ۱۲۲ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۶۵۰۰ نفر، واقع در جنوب اقیانوس اطلس، حدود ۲۰۰۰ کیلومتر غرب ساحل آنگولا، به فاصله کمی در غرب نصف‌النهار گرینویچ. سنت هلنا جزیره‌ای کوهستانی است و دارای منشأ آتشفشانی است. فاقد منابع زیرزمینی و صنعت است و تنها فعالیت اقتصادی آن کشاورزی و ماهیگیری است. اقلیم آن معتدل و نسبتاً پر باران است. جمعیت سنت‌هلنا را عمدتاً افریقایی‌تباران تشکیل می‌دهند که شمار زیادی از آنان طی دهه‌های اخیر به افریقای جنوبی و بریتانیا مهاجرت کرده‌اند. مذهب رایج پروتستان و انگلیکان و باپتیست و ادونتیست و کاتولیک است و زبان رسمی انگلیسی است.
نام رسمی آن سنت‌هلنا است و سنت‌هلن و سن‌هلن نیز گفته می‌شود که از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شده است. پایتخت آن شهرک جیمز تاون (حدود ۱۸۰۰ نفر) است و از نقاط دیدنی آن لانگ‌وود، تبعیدگاه معروف ناپلئون بناپارت است. فرماندار آن از سوی دولت انگلستان منصوب می‌شود و دارای یک شورای اجرایی و یک شورای قانونگذاری است که از ۱۵ نماینده که ۱۲ نفرشان بر اساس آراء عمومی و ۲ نفرشان از سوی فرماندار تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود و واحد پول آن پوند استرلینگ سنت هلنا است که معادل یک پوند انگلستان می‌باشد. فرماندار سنت‌هلنا همچنین به نیابت از پادشاه انگلستان ادارهٔ امور جزیره اسنشن و جزایر تریستان داکونا را نیز به عهده دارد.
تا زمان ورود پرتغالی‌ها (۱۵۰۲) جزیرهٔ مزبور خالی از سکنه بوده است. در سال ۱۶۵۹ یک دفتر نمایندگی کمپانی هند شرقی در آنجا دایر شد و از آن به بعد سنت‌هلنا به یکی از مستعمرات انگلستان مبدل گردید. معروفیت سنت‌هلنا بیشتر از زمانی آغاز شد که ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه را در سال ۱۸۱۵ به آنجا تبعید کردند. وی تا سال ۱۸۲۱ که درگذشت، در این جزیره به حالت تبعید به سر می‌برد. در سال ۱۸۳۴ سنت‌هلنا به مستعمرهٔ فرمانگذار انگلیس مبدل گردید. سازمان ملل متحد طی بیانیه‌های رسمی، از خودگردانی و استقلال جزیرهٔ مزبور حمایت کرده و در دسامبر ۱۹۸۴، انگلستان را از افراط در صید ماهی منع کرده و ترویج صنایع

دستی و جنگل کاری را توصیه نموده است. تنوع زیست محیطی و حیات وحش سنت هلنا مورد توجه زیست شناسان قرار دارد و حدود ۴۰ نوع از گونه های گیاهی آن در هیچ کجای جهان دیده نشده است. قانون اساسی ژانویه ۱۹۸۹، اختیارات بیشتری را به نمایندگان محلی واگذار کرده است. عمده ترین صادرات و منبع درآمد سنت هلنا، صید ماهی است که متأسفانه به دلیل زیاده روی در صید، حجم تولید آن از ۲۷ تن در سال ۱۹۸۵ به ۹ تن در سال ۱۹۹۰ کاهش یافته است. حق شهروندی انگلستان که درسال ۱۹۸۱ از ساکنان جزیره سنت هلنا صلب شده بود، مجدداً در سال ۱۹۹۹ برقرار گردید.

مونتسرات (مانتسرات)
Montserrat

جزیره‌ای است به مساحت ۱۰۲ کیلومترمربع و جمعیتی معادل ۱۱،۰۰۰ نفر(۱۹۹۸)، در حاشیهٔ خاوری دریای کارائیب و امریکای مرکزی. این جزیره که یکی از جزایر لیوارد (بادپناه) و جزیی از آنتیل های کوچک است که در ۴۰۰ کیلومتری جنوب خاوری پوئرتوریکو و ۶۰ کیلومتری شمال غربی گوادلوپ واقع شده است. منشأ آتشفشانی دارد و کاملاً کوهستانی است و با ارتفاع حداکثر حدود ۱،۰۰۰ متر (آتشفشان چنس)، اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و وزش بادهای دریایی بر اعتدال و لطافت هوای آن کمک می کند. دشتهای کوچک آن عمدتاً به کشت نیشکر و پنبه اختصاص یافته است.

اکثر جمعیت آن را افریقایی تباران و مهاجران اروپایی تشکیل می دهند. عمدتاً پیرو مذهب کاتولیک هستند و انگلیکان ها و متدیست ها نیز در رده های بعدی قرار دارند. زبان رسمی انگلیسی است و اکثر ساکنان آن با گویش های محلی نیز گفتگو می کنند.

نام رسمی این جزیره مستعمره مونتسرات است و پایتخت آن شهر پلیموت (حدود ۱۵۰۰ نفر) است. توسط فرماندار انگلیسی که از سوی شاه انگلستان منصوب می گردد و در رأس یک شورای اجرایی ۷ نفره قرار دارد، اداره می شود. یک شورای قانونگذاری که اعضای آن را مردم جزیره انتخاب می کنند بر ادارهٔ امور نظارت دارد و واحد پول دلار کارائیب شرقی است.

پیش از آن که کریستف کلمب در سال ۱۴۹۳ از این جزیره دیدن کند، بومیان کاریب در آن به سر می بردند و تاریخ آن بعد از سفر کریستف کلمب، مشابه تاریخ دیگر جزایر آنتیل های کوچک است. به دلیل نامرغوب بودن خاکش که جز نیشکر و پنبه در آن نمی روید، کمتر مورد توجه اروپاییان و همسایگان بوده و ایرلندی هایی که در سنت کیتس، جزیرهٔ مجاور آن می زیستند، جزء اولین اروپاییان ساکن آن به شمار می آیند.

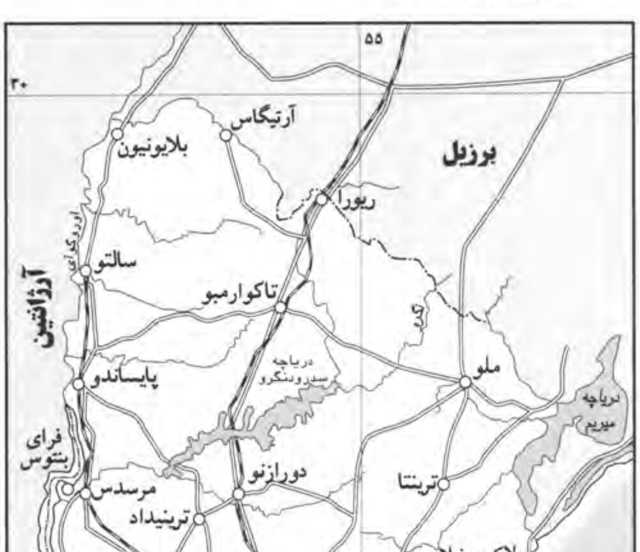
جمعیت آن در اواسط سدهٔ نوزدهم حدود ۱۰،۰۰۰ نفر بود که ۹،۰۰۰ تن آنان را بردگان افریقایی تشکیل می دادند. مونتسرات نخست یکی از اعضای فدراسیون لیوارد بود و بعداً به عضویت فدراسیون هند غربی درآمد. پس از انحلال این فدراسیون که در سال ۱۹۶۲ صورت گرفت، مونتسرات به نوعی خودمختاری داخلی دست یافت و چند حزب سیاسی در آن تأسیس گردید. در سال ۱۹۷۹ جان آسبرن به نخست وزیری آن منصوب گردید و اقداماتی در زمینهٔ بهبود وضع اقتصادی آن به عمل آورد. نیمی از اراضی جزیره که مناسب کشاورزی است به ویژه به کشت نیشکر و پنبه اختصاص داده شد و بقیه برای دامداری منظور گردید و از ۱۹۷۹ صنعت گردشگری نیز مورد توجه قرار گرفت. نصب فرستنده های رادیو آنتیل و صدای آلمان نیز یکی دیگر از منابع درآمد آن است.

توفند هوگو در سال ۱۹۸۹ ویرانی و خسارات فراوانی به بار آورد و ۳۵ میلیون دلار برای بازسازی مناطق آسیب دیده هزینه گردید. در ۱۹۹۳ فرانک سویج به فرمانداری جزیره منصوب شد. در ۱۹۹۷ برنارد آسبرن از نخست وزیری کناره گرفت. از سال ۱۹۹۵ که آتشفشان چنس شروع به فعالیت و پرتاب خاکستر نموده، مردم جزیره را در وحشت و نگرانی قرار داده و نحوهٔ تخلیه و جابجایی آنان مورد بحث و مذاکرهٔ مقامات مسئول قرار داشته است.

اوروگوئه URUGUAY

کشور اوروگوئه در مرکز جنوب خاوری امریکای جنوبی قرار دارد و از شمال به کشور برزیل، از خاور به برزیل و اقیانوس اطلس، از جنوب به رودخانهٔ لاپلاتا و از غرب به کشور آرژانتین محدود است. اوروگوئه سرزمینی است کمابیش هموار و تپه ماهور که در دنبالهٔ جنوبی ارتفاعات خاوری برزیل قرار گرفته و بلندترین نقطهٔ آن، قلهٔ کاتدرال، ۵۱۳ متر ارتفاع دارد. بیشتر خاک آن را پامپاها و جلگه ها و نواحی پست پوشانیده و رودخانهٔ نگرو که عمده ترین رود آن محسوب می شود، آن را از شمال خاوری به سوی جنوب غربی طی می کند و علاوه بر آن رودهای اوروگوآی و لاپلاتا نیز از دیگر رودهای مهم آن هستند که حدود ۱۱۰۰ کیلومتر از آنها قابل کشتیرانی است.

اقلیم اوروگوئه معتدل و مرطوب و پر باران است و پامپاها و علفزارهای وسیع، آن را برای گله داری و پرورش گوسفند مساعد ساخته است. پلاژهای ساحلی این کشور غالباً از شن و ماسه پوشیده شده و استراحتگاههای دریایی مناسبی را فراهم نموده است. تأسیسات گرمابرقی کاندیوتا واقع در کشور برزیل، جمعیت نواحی شمالی کشور را به فزونی سوق داده و رودخانه ها و نهرهای آلوده از فاضلاب های صنعتی و مواد سمی کشاورزی تهدیدی برای محیط زیست محسوب می گردند.



تاریخچه

در آغاز سدهٔ شانزدهم میلادی سه قوم چاروا و چانا و گوارانی در سرزمینی که امروزه اوروگوئه می نامند به سر می بردند. چارواها شکارچی بودند، چاناها کشاورزی می کردند و گوارانیها علاوه بر کشاورزی، با سفالگری و دریانوردی روزگار می گذراندند.

در سال ۱۵۲۷ سباستین کبت رودخانه های پارانا و اوروگوآی را درنوردید و نخستین ماندگاه اسپانیایی را در آن سامان بنا نهاد. هوای معتدل و شرایط اقلیمی مساعد و خاک مرغوب، اروپاییان مقیم اوروگوئه را به گله داری و پرورش گاو و گوسفند و تربیت چهارپایان تشویق کرد. آزمندی آنان برای تصرف اراضی بیشتر منجر به رویارویی اسپانیایی ها و پرتغالیها در سدهٔ هفدهم و تسلط پرتغالی ها بر اوروگوئه منجر شد.

در سال ۱۷۲۴ دولت اسپانیا به فرماندار بوئنوس آیرس دستور داد تا از رودخانهٔ لاپلاتا عبور کند و پس از تصرف اوروگوئه در کنار خلیج مونته ویدئو دژی به نام مونته ویدئو بنا نهد. دژ مزبور تا سال ۱۷۷۶ مانند بوئنوس آیرس تحت نظارت نایب السلطنهٔ پرو اداره می شد، در آن سال بوئنوس آیرس به مقر نایب السلطنه لاپلاتا مبدل شد و قلعهٔ مونته ویدئو که به مرور به شهرکی



نام رسمی: جمهوری شرقی اوروگوئه

نام محلی: اوروگوآی Uruguay

اسامی دیگر: -

پایتخت: مونته ویدئو (۱،۳۷۸،۷۰۰ نفر در سال ۱۹۹۶)

تاریخ استقلال: ۱۸۲۵/۸/۲۵ ، از اسپانیا

روز ملی: بیست و پنجم اوت، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: خورخه باتله ایبانیز، از سال ۲۰۰۰ (به مدت ۵ سال)

رئیس دولت: رئیس جمهور: خورخه باتله ایبانیز، از سال ۲۰۰۰ (به مدت ۵ سال)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۶۶، آخرین تغییرات ۱۹۹۷؛ مجلس نمایندگان با ۹۹ عضو و مجلس سنا با ۳۱ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۹): حزب ملی (بلانکو) ٤۰ کرسی، حزب کلرادو ۳۲ کرسی، حزب ملی ۲۳ کرسی، فضای جدید ٤ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی-آدب، مرکوسور

جمعیت

مساحت: ۱۷۶،۲۱۵ کیلومترمربع (هشتادونهمین کشور جهان)

جمعیت: ۳،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و بیست و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۸/۷ نفر در کیلومترمربع　**رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۷٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳/۹ میلیون نفر　**زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۹۰/۹٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۰/۸٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ۲٤/۸٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۳/٤٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳٤/۷٪؛ بالای ٦۰ سال ۱۷/۱٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٤۸/۵۱٪ ؛ زن ۵۱/٤۹٪　**امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۹/۲ سال؛ مردان ۷۲/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱٦/۸ نفر　**میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۸ نفر

مرگ ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۳/۵ نفر　**رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۰): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۷۸/٤ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۲۲/۸ نفر؛ بیماریهای تنفسی ۷٦/۳ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۳ نفر　**مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۱ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ۵/٦ مورد　**میزان طلاق در هر هزار نفر:** ۲/۱ مورد

نژاد/ ملیت(۱۹۹۰): سفیدپوست(با منشاءاسپانیایی‌وایتالیایی)۸٦٪؛ دورگه‌سرخ و سفید ۸٪ ؛ سیاهپوست یا دورگه سیاه وسفید٦٪

دین(۱۹۹۷): کاتولیک ۷۸/۵٪ ؛ پروتستان ٤/۵٪ ؛ سایر مسیحیان ۳/۵٪ ؛ یهودی ۰/۹٪ ؛ بقیه ۱۲/٦٪

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۵): سالتو ۸۰،۸۲۳ نفر؛ پایساندو ۷٦،۱۹۱ نفر؛ لاس پیدراس ۵۸،۲۸۸ نفر؛ ریورا ۵۷،۳۱٦ نفر؛ ملو ٤۲،٦۱۵ نفر؛ تاکوارمبو ٤۰،۵۱۳ نفر؛ مرسدس ۳٦،۷۰۲ نفر؛ میناس ۳٤،٦٦۱ نفر

بنادر مهم: مونته ویدئو (در ساحل رودخانه لاپلاتا) و لاکورونیلا (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پزو اوروگوئه ($U) = ۱۰۰ سنتسیمو؛ یک دلار= ۱۲/۳۸ پزو؛ یک پزو= ٦٤٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۷۰،٦٦٤ میلیون پزو؛ شامل مالیات کالاها و خدمات ۳۹/٤٪ ؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۲۸/٦٪ ؛ مالیات بر درآمد ۱۲/٦٪ ؛ درآمد غیر مالیاتی ۷/۱٪ ؛ دریافتی از بازرگانی خارجی ۳/۷٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۷۲،٦۷۳ پزو؛ شامل تأمین اجتماعی ٦۱/٤٪ ؛ خدمات عمومی ۷/٤٪ ؛ آموزش ۷٪؛ بهداشت ۵/۸٪ ؛ پرداخت بهرهٔ وامها ٤/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۹،۹٦۰ میلیون دلار　**سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٦،۰۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۱/۲٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٤/۵٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۸/۵٪ ؛ صنعت ۲۷/۵٪ ؛ خدمات ٦٤٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱٦ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱٦٤ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۵،۱٤۲ میلیون دلار　**کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۲٤/۱ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۵/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٤۰/۵٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱۰/۷٪ ؛ ۱۹۹۹: ٤٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): برنج ۱،۳۲۸،۰۰۰ تن؛ گندم ۳۷۷،۰۰۰ تن؛ ذرت ۲٤۳،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۱۸٦،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۱۸۵،۰۰۰ تن؛ تخم آفتابگردان ۱٦۱،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۸): کشاورزی ۷/۵٪ ؛ مرتع و چمنزار ۷۷/۳٪ ؛ جنگل و سایر موارد ۱۵/۲٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱۵،۵۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱۰،۷۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٦،۱٦۳،۰۰۰ مترمکعب　**صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱٤۰،٦۰۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۳،۰۰۰،۰۰۰ قطعه　**تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۷،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی(۱۹۹۷): سیمان ۷۷۰،۰۰۰ تن؛ گچ ۱۸۳،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دلار): محصولات غذایی ۱،۰۱۲ ؛ نوشیدنی ٤۲٦ ؛ محصولات شیمیایی ٤۰۲؛ منسوجات ۲۸۱ ؛ دخانیات ۲۱۱

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٦،٦٦٦،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٦،۵۳۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر (۱۳،۹٤۲،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱،۸۲۱،۰۰۰ تن (۱،٦۲٦،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۱،۲۳۹،٤۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۷٪ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٤ سال به بالا): ٦۰/٤٪ ؛ زنان: ٤٤٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): ۱۱/۳٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱٤/۵٪ ؛ صنعت ۲۵/۳٪ ؛ خدمات ۵۱/۹٪

نیروی دفاعی: خدمت داوطلبانه به مدت یک الی ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲۵،٦۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۸/۸٪ ؛ نیروی دریایی ۱۹/۵٪ ؛ نیروی هوایی ۱۱/۷٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷) : ۸۸ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۳،۳۵٦/۸ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات ۲۲/۲٪ ؛ مواد شیمیایی ۱٤/٦٪ ، محصولات معدنی ۱۱/٦٪ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۹/۱٪ ؛ مواد غذایی ۷/۱٪ ؛ پلاستیک، رزین و لاستیک ۷٪ ؛ مصنوعات فلزی ٤/۸٪ ؛ از آرژانتین ۲۲٪ ؛ برزیل ۲۰/۸٪ ؛ امریکا ۱۲/۱٪ ؛ فرانسه ٤/۷٪ ؛ ایتالیا ٤/٦٪

صادرات(۱۹۹۹): ۲،۲۳٦/۸۵ میلیون دلار؛ شامل حیوانات زنده و محصولات آنها ۳۰/۱٪ ؛ محصولات گیاهی ۱۵/۸٪ منسوجات و محصولات آن ۱۱/۸٪ ؛ پوست خام و دباغی شده ۹/۸٪؛ مواد غذایی ۵/٤٪ ؛ به کشورهای (۱۹۹۸): برزیل ۳۳/۸٪ آرژانتین ۱۸/۵٪ ؛ امریکا ۵/۷٪ ، آلمان ٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۷۰٦	-۵٦۳	-٦۸٦/۹	-۷۰٤/٤	-۷۷۲/۱	-۸٦۸/٤
درصد کل	۱۵/۵٪	۱۱/٦٪	۱۲/۳٪	۱۱/۲٪	۱۲٪	۱۵/۹٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	٤۸/٦	۷۰/۳	۱۰۰	۱۲۸/۳	۱۵۳/۸	۱۷۰/٤	۱۸۰
شاخص درآمد ماهانه	٤۹/٦	۷۲/٤	۱۰۰	۱۱۵/۱	۱۳۸/۲	۱۵۵/۹	۱٦۷/۳

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۵): ۳/۳ نفر؛ میانگین سالانه درآمد هر خانوار (۱۹۸۵): ۲٦٦،۲٦۱ پزو (۲،٦۲۵ دلار)؛ منابع درآمد: دستمزد ۵۳/۵٪؛ کار آزاد ۱۷٪ ؛ پرداخت‌های انتقالی و دیگر موارد ۲۹/۵٪ ؛ هزینه‌ها (۸۳-۱۹۸۲): غذا ۳۹/۹٪ ؛ مسکن ۱۷/٦٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۰/٤٪ ؛ بهداشت ۹/۳٪؛ پوشاک ۷٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ٦۹۵ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲٦۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۸،٦۸۳ کیلومتر　**راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۲،۰۷۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ٦۱۵،۸۸۹ دستگاه　**تعداد کامیون‌واتوبوس(۱۹۹۷):** ۵۰،۲٦٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ۹۳ فروند　**فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه

روزنامه: ۳٦ روزنامه در ۹۵۰،۰۰۰ نسخه (۲۹٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۹۳٤ عنوان در ۱،۹۷۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۲،۱۰۹/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۹۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۰۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۷۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵۳۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۸۲٤،۰۰۰ خط تلفن (۲۵۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۹٦،۰۰۰ خط (٦۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳۰۰،۰۰۰ دستگاه　**اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۳۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۲،٤۱۰	۱٦،۷۲۱	۳٤۸،۱۹۵	۲۰/۸
متوسطه	٤۱۳	۱۹،۱۰٤	۱۹۲،۳۹۹	۱۰/۱
فنی و حرفه‌ای	۱۰۱	؟	۵۸،۲٤٦	؟
عالی	۲	۹،۹۰۷	۷۹،٦۹۱	۸

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۷/۳٪ ؛ مردان: ۹٦/۹٪ ؛ زنان: ۹۷/۷٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹٦): غیر رسمی ۳/٤٪ ؛ ابتدایی ۵۳/٦٪؛ متوسطه ۳۱/۷٪ ؛ عالی ۱۰/۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۹): ۱۲،۳۵۷ نفر (هر ۲٦۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۹): ٦،٦۵۱ تخت (هر ٤۸۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله : ۵۲۰۰ نفر (۰/۳۳٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۸٦٦ کالری (۱۰۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ۸٤ گرم؛ مصرف چربی: ۱۰٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ۰/۲-٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۱/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۵/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۲۵ (سی و نهمین کشور جهان)

تبدیل شده بود به یک پایگاه دریایی مبدل گردید و منطقهٔ اوروگوئه به یکی از استانهای فدرال آرژانتین تبدیل شد. در سال ۱۸۱۴ نهضت استقلال‌طلبی مردم اوروگوئه آغاز گردید و در سال ۱۸۱۶ مورد تهاجم پرتغالی‌ها قرار گرفت و تا سال ۱۸۲۳، زمانی که برزیل به استقلال رسید، در تصرف پرتغالی‌ها باقی ماند. در آن سال اوروگوئه به صورت یکی از استانهای برزیل درآمد. در سال ۱۸۲۵ مردم اوروگوئه سر به شورش برداشتند و در سال ۱۸۲۸ استقلال خود را اعلام داشتند. بلافاصله بعد از استقلال جنگهای داخلی میان طرفداران دو حزب سیاسی عمدهٔ کشور، یعنی حزب بلانکو و حزب کلرادو، بروز کرد که این تنازعات تاکنون نیز همواره ادامه یافته و صحنهٔ سیاسی این کشور شاهد رقابت‌های این دو حزب بوده است. در سال ۱۸۶۴ نیز میان اوروگوئه و پاراگوئه و برزیل جنگی درگرفت. آرامشی که در سدهٔ بیستم بر اوروگوئه حاکم گردید، دولت را به اصلاحاتی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی قادر ساخت و اوروگوئه به یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای امریکای لاتین تبدیل شد.

در سال ۱۹۵۲ مقام ریاست جمهوری لغو گردید و یک شورای ملی نه نفری که اعضاء آن هر ۴ سال یک بار انتخاب می‌شدند جایگزین آن شد. شورای مزبور در سال ۱۹۶۶ منحل شد و مسئولیت کشور مجدداً به پست ریاست جمهوری محول گردید. در کودتای سال ۱۹۷۶ مندز رهبر راستگرایان به قدرت رسید و استبداد و خفقان کامل را بر کشور حاکم ساخت. در کودتای سفید سال ۱۹۸۱ آلوارز ریاست جمهوری را از آن خود ساخت و در انتخابات ۱۹۸۴ خولیوماریا سانگینتی، از حزب کلرادو، به ریاست جمهوری انتخاب گردید و انتخابات نوامبر ۱۹۸۹ لوئیس آلبرتو لاکاله از حزب بلانکو (حزب ملی) را با اکثریت عظیمی به ریاست جمهوری رساند.

در مارس ۱۹۹۱ کشورهای آرژانتین، اوروگوئه، برزیل و پاراگوئه پیمان مرکوسور را امضاء کردند و در انتخابات نوامبر ۱۹۹۴ سانگینتی، با اکثریتی ضعیف‌تر، مجدداً به ریاست جمهوری برگزیده شد. در اکتبر ۱۹۹۵ فیدل کاسترو رهبر کوبا از اوروگوئه دیدار کرد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰، «جبههٔ گسترده» که از ائتلاف احزاب و گروههای چپ‌گرا به وجود آمده بود، اکثریت نسبی را به دست آورد و حزب کلرادو مقام دوم را کسب نمود. در دور دوم، با حمایت حزب بلانکو، از حزب کلرادو، کاندیدای آن، خورخه باتله ایبانیز، با کسب ۵۲٪ آراء به پیروزی دست یافت.

شیوع تب برفکی در میان دامهای اوروگوئه در سال ۲۰۰۱، به اقتصاد راکد این کشور صدمات زیادی وارد ساخت و صادرات گوشت آن را با کاهش قابل ملاحظه‌ای روبرو نمود.

اوکراین UKRAINE

کشور اوکراین (دومین کشور وسیع اروپا بعد از روسیه)، در مرکز جنوب خاوری اروپا و بین کشورهای روسیهٔ سفید (بیلاروس) در شمال، روسیه در شمال و خاور، دریای سیاه و دریای آزوف و کشورهای مولداوی و رومانی در جنوب و مجارستان و اسلوواکی و لهستان در غرب قرار دارد.

اوکراین سرزمینی است که عمدتاً از استپ‌های حاصلخیز و نسبتاً هموار پوشیده شده و نواحی جنوب غربی آن را کوهپایه‌های کارپات با بلندی حداکثر ۲۰۶۱ متر (کوه هوورلا) تشکیل داده است. علاوه بر ناحیهٔ کوهستانی غرب، کوههای کریمه واقع در شبه جزیرهٔ کریمه که ارتفاع آنها حداکثر به ۱۵۴۵ متر می‌رسد نیز از دیگر نواحی کوهستانی این کشور است و اقلیم آن معتدل و عمدتاً قاره‌ای است. بخش نسبتاً وسیعی از اوکراین را منطقهٔ معروف چرنوزیوم یا خاک سیاه در بر گرفته و کشور مزبور را به یکی از مناطق عمدهٔ گندم‌خیز اروپا تبدیل نموده است. شمال غربی این سرزمین را ماندابهای پریپت و غرب آن را کوهپایه‌های خاوری کارپات زیر پوشش قرار داده و کلاً حدود ۱۴ درصد سطح آن از جنگل و علفزار پوشیده است. رودخانه‌های بوگ جنوبی و دنیپر، دونتس و دنیستر آن را مشروب می‌سازند. آلودگی آب رودخانه‌ها و به ویژه هوای کشور به مرز خطرناکی رسیده و همانند انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل زندگی حدود سه میلیون نفر را در معرض خطر قرار داده است. صنایع اوکراین در قسمتهای مرکزی و خاوری آن متمرکز است و معادن آهن و زغال‌سنگ حوضهٔ دونتس، زیربنای صنعتی آن را تشکیل داده است.



تاریخچه

در سدهٔ سوم پیش از میلاد مسکن سرمت‌های آریایی‌نژاد بود و سپس مورد تهاجم گوت‌ها و هون‌ها و آوارها قرار گرفت. اسلاوها در سدهٔ هفتم میلادی در این سرزمین ساکن شدند و تحت حاکمیت خزرها بطور پراکنده به زندگی پرداختند. وارانگیان که تیره‌ای از وایکینگ‌های اسکاندیناوی بودند، در سال ۸۶۲ به این سرزمین وارد شدند و در بخش اعظمی از روسیه از جمله اوکراین به حکومت پرداختند. در زمان اولک که از خاندان وارانگیان بود، شهر کیف به پایتختی برگزیده شد و کشور کیف به وجود آمد که آن را روس کیف می‌نامیدند. طی سالهای ۹۶۴ تا ۹۷۲ کشور کیف که به صورت دوک‌نشین اداره می‌شد، به اوج ترقی خود رسید و از هرسو گسترش یافت. در پایان سدهٔ دهم میلادی، مسیحیت در این سرزمین رواج یافت و کلیسای ارتدوکس شرقی، مذهب رسمی آن گردید. در سال ۱۰۵۴ کشور کیف تجزیه شد و به دوک‌نشین‌های چندی مبدل گردید و کشمکشهای داخلی و حملات بیگانگانی چون قبچاقها به قدرت دوک‌نشین کیف پایان داد و با حملهٔ مغولان کشور کیف از میان رفت.

در سدهٔ سیزدهم میلادی، باتوخان مغول (نوهٔ چنگیزخان)، امپراتوری اردوی زرین را در نواحی جنوبی روسیه ایجاد نمود و اوکراین را تحت کنترل اردوی زرین درآورد. تاتارها در سدهٔ پانزدهم شبه جزیرهٔ کریمه را اشغال کردند و خانات کریمه را تأسیس نمودند. همزمان، دولتهای لهستان و لیتوانی بر قسمتهای دیگری از اوکراین دست یافتند و نظام ارباب رعیتی خاصی را در آن نواحی برقرار ساختند. گروهی از دهقانان که از مظالم ارباب‌ها به جنوب مهاجرت کرده بودند با اقوام ترک‌نژاد آمیزش کردند و قزاق‌هایی را پدید آوردند که به قزاق‌های اوکراینی معروف شدند. قزاق‌های اوکراینی به مرور قدرت یافتند و از سوی دولت لهستان به نوعی خودمختاری نایل شدند. قزاق‌ها در سال ۱۶۴۸ علیه لهستانی‌ها قیام کردند و استقلال خود را اعلام داشتند و برای مقابله با فشارها و حملاتی که از سوی لهستان بر آنها وارد می‌شد، با روسیه متحد گردیدند و به تحت‌الحمایهٔ روس مبدل شدند. جنگ میان روس و لهستان سالها به درازا کشید تا اینکه سرانجام در سال ۱۶۶۷ به انعقاد صلح موسوم به آندروسوف منجر شد و به موجب آن روسیه بر شهر کیف و نواحی خاوری رود دنیپر استیلا یافت و اوکراین عملاً در تصرف روسها قرار گرفت.

در سال ۱۷۷۲ نواحی غربی اوکراین به تصرف اتریش درآمد و در ۱۷۹۳ کیف و قسمت اعظم اوکراین در تصرف روسها باقی ماند. کیف بعدها به یکی از استانهای روسیه مبدل شد و فرهنگ روسی در آن سرزمین حاکم گردید. در سدهٔ نوزدهم ملی‌گرایی اوکراینی‌ها شکل گرفت و روحیهٔ استقلال‌طلبی در آنان به وجود آمد. با سقوط امپراتوری روسیهٔ تزاری در سال ۱۹۱۷، اوکراین به جمهوری خلق اوکراین تبدیل شد و میخائیلو هروشفسکی به عنوان نخستین رئیس جمهور اوکراین انتخاب گردید. در سال ۱۹۱۸، طبق پیمان برست - لیتوفسک، اوکراین به آلمان واگذار شد و پس از پایان جنگ اول مجدداً در اختیار اتحاد شوروی قرار گرفت. در سال ۱۹۲۱ اوکراین تجزیه شد و قسمت غربی آن به لهستان و چکسلوواکی و رومانی واگذار شد و بخش خاوری آن به همان صورت باقی ماند. در ۱۹۲۲ با عنوان جمهوری متحد شوروی سوسیالیستی اوکراین به یکی از جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی مبدل شد. در جنگ جهانی دوم میلیونها تن از مردم اوکراین کشته شدند ولی پس از پایان جنگ سرزمین‌هایی را که پس از جنگ اول از دست داده بود، دوباره به دست آورد.

اصلاحات سیاسی گورباچف در اوکراین به کندی انجام یافت. در سال ۱۹۸۶ نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل منفجر شد و در پی آن جنبشهای متعددی در اوکراین آغاز گردید و با اعتصاب کارگران معادن به اوج خود رسید، تا جایی که ولادیمیرشچربیتسکی رهبر حزب کمونیست اوکراین که از وفاداران برژنف بود، ناچار به کناره‌گیری شد (۱۹۸۹) و در ژوئیهٔ ۱۹۹۰ لئونید کراوچوک دبیر دوم حزب کمونیست اوکراین به جای او نشست. پس از شکست کودتای مسکو، حزب کمونیست اوکراین تقریباً منحل شد و در ۲۴ اوت ۱۹۹۱ اوکراین استقلال خود را اعلام داشت و در انتخابات دسامبر ۱۹۹۱ لئونید کراوچوک در پست ریاست جمهوری منصوب گردید.



نام رسمی: جمهوری اوکراین

نام محلی: اوکراینا Ukrayina

اسامی دیگر: -

پایتخت: کیف (۲،٦۲۹،۳۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۸/۲٤، از شوروی

روز ملی: بیست و چهارم اوت ، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور:لئونید کوچما،ازسال۱۹۹٤ (ازسال۱۹۹۹ برای‌دومین‌باربه مدت ٥ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ویکتور یانوکوویچ، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٦؛ شورای عالی با ٤٥۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های شورای عـالی (۱۹۹۸): بلوک اوکراین ما(احزاب طرفدار ویکتور یوشچنکو) ۱۱۲ کرسی، به خـاطر اوکرایـن متحـد(ائتلاف ٥ حـزب) ۱۰۲ کرسـی، حزب کمونیست ٦٦ کرسی، حزب سوسیالیست ۲٤ کرسی، حزب سوسیال دموکرات متحد ۲٤ کرسی، بلوک انتخابـاتی یولیـا تیموشنکو ۲۱ کرسی، حزب وحدت ٤ کرسی، حزب دموکرات و اتحاد دموکراتیک ٤ کرسی، مستقلها ۹۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، یا ا آ، ایبرد، ایکائو، تقاضای عضویت در ایدا و سازمان تجارت جهانی، ایفک، ایلو،ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، شورای اروپا، سیس ، اوسه

جمعیت

مساحت: ٦۰۳،۷۰۰ کیلومترمربع (چهل و سومین کشور جهان)

جمعیت: ٥۰،٥۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (بیست و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸۳/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** -۰/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٤٥/۷ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۱/٦٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۰/٦٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۱۸/٤٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۱/۷٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۹/٥٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۲۰/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤٦/۳۰٪ ؛ زن ٥۳/۷۰٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۱/۹ سال؛ مردان ٦۰/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۹/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٦/٤ نفر

مرگ ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲۱/۷ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** -۷/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٥): بیماریهای دستگاه گردش خون ۸۷٤ نفـر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۹۹ نفر؛ حوادث ۱٦۰ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۸۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲٥ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۸): اوکراینی ٦٤/۷٪ ؛ روس ۳۲/۸٪؛ یهودی ۰/۷٪ ؛ مولداویایی ۰/٦٪ ؛ تاتار ۰/٤٪ ؛ بیلاروس ۰/۳٪

دین: ارتدوکس اوکراینی ۲۹/۲٪ ؛ کاتولیک اوکراینی ۷٪؛ پروتستان ۳/٦٪ ؛ سایر ارتدوکسها ۱/٦٪

زبان و خط: اوکراینی (زبان رسمی)، روسی؛ خط: سیریلی و لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۸): خارکوف (خارکیو) ۱،٥۲۱،٤۰۰ نفر؛ دنیپروپتروفسک ۱،۱۲۲،٤۰۰ نفر؛ دونتسک ۱،۰٦٥،٤۰۰ نفر؛ اودسا ۱،۰۲۷،٤۰۰ نفر؛ (۱۹۹۷): زاپوروژیه ۸۷۱،۰۰۰ نفر؛ لووف (لویو) ۷۹۷،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: اودسا، یالتا و سواستوپول (در کنار دریای سیاه)؛ بردیانسک ، (دریای آزوف)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: هریونیا (UAH) = ۱۰۰ کوپک؛ یک دلار= ٥/٤٦ هریونیا؛ یک هر یونیا = ۱،٤٦٥ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۳٦،۸۹۲ میلیون هریونیا؛ شامل درآمد مالیاتی ۹٥/٥٪ (از جمله مالیات بر کالاها و خدمات ۳۱/٥٪؛ مالیات حقوق و دستمزدها ۲۹/۳٪ ؛ مالیات بر درآمد ۲٦/۳٪ ؛ مالیات بر دارایی ۳٪ ؛ عوارض کالاهـای داخلـی ۲/٦٪)؛ درآمـد غیر مالیاتی ٤/٥٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۳۹،۷۱٤ میلیون هریونیا؛ شامل هزینه‌های تـأمین اجتمـاعی ۳٦/۳٪ ؛ اقتصـاد ملی ۱٥/۱٪ ؛ آموزش ۱۱/۳٪ ؛ بهداشت ۹/۱٪ ؛ دفاع ۳/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤۹،۲۰۷ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۹۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : -۱۰/٤٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱٤/٤٪ ؛ صنعت ۳٤/٤٪ ؛ خدمات ٥۱/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷) : ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۷٤۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۸،٦۰٦ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۸۰/٤+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۷/۷٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰) : ٤٤۰٪ ؛ ۱۹۹۸ : ۱۳/۲٪ ؛ ۱۹۹۹: ۱۹/۲٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): سیب‌زمینی ۱٥،٤۰٥،۱۰۰ تن؛ چغندرقند ۱۳،۸۹۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۱۳،٤۷٦،۲۰۰ تن؛ جو ٦،۳۸۲،۱۰۰ تن؛ ذرت ۱،۷۳۲،٥۰۰ تن؛ چاودار ۹۰۸،۰۰۰ تن، جو دو سر ۷٥۹،۳۰۰ تن

کاربری زمین: ؟

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱۱،۷۲۲،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱۰،۰۸۳،۰۰۰ رأس؛ گوسفند و بز ۲،۰۲٦،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۰،۰٥۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤٦۲،۳۰۸ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۰٥،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۸۱،٥۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): سنگ آهن ٥۰،۷۰۰،۰۰۰ تن؛ منگنز ۲،۲۲٦،۰۰۰ تن؛ اورانیوم ٥۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): فلزات آهنی ۱۹ میلیارد هریونیا؛ ماشین‌آلات ۱۳ میلیارد هریونیا؛ محصولات غذایی ۱۲ میلیارد هریونیا؛ سوخت ۱۰ میلیارد هریونیا؛ مواد شیمیائی ٥ میلیارد هریونیا

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۷): ۱۷٦،۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۷٥،٦٤٦،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹۹): ۸۱،٦٤۸،۰۰۰ تن (۱۹۹٦: ۷۹،٥۰۰،۰۰۰)؛ لیگنیت (۱۹۹۹): ۱،۱۸۸،۰۰۰ تن (۱۹۹٦: ٤،۳۰۰،۰۰۰)؛ نفت خـام (۱۹۹۷): ۳۰،۰٥۳،۰۰۰ بشکه (۸۹،٤٤۳،۰۰۰) ؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۱۱،۷٥۹،۰۰۰ تن (۱٦،۱٦۸،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۲۲،٥۹۸،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤٤/٦٪ ؛ میزان مشارکت (مردان‌درسنین۱٥ تا ٥۹ سـال و زنـان ۱٦ تـا ٥۹ سـال): ۷۹/۷٪ ؛ زنـان (۱۹٤٤): ٥۱٪ ؛ مـیزان بیکـاری (آمارهـای رسمی سال ۱۹۹۹): ٥٪ ؛ غیر رسمی ۳۰٪ تا ٤۰٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۲٥/۱٪ ؛ صنعت ۲۸٪ ؛ خدمات ٤٦/۹٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۳۱۱،٤۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٤۹/۷٪ ؛ نیروی هوایی ۳۲/۱٪؛ نیروی دریایی ٤/۲٪ ؛ بقیه ۱٤٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۸٥ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱٦،۲۸۳ میلیون دلار؛ شامل سوخت و انرژی ۳۳/۹٪ ؛ ماشین‌آلات ۱۸/۸٪ ؛ مواد شیمیایی ۱۱٪ ؛ مواد غذایی ٤/٦٪ ؛ محصولات صنعتی ۳/۸٪؛ فلزات آهنی و غیر آهنی ۳/٤٪ ؛ چوب و محصولات چوبی ۲/٥٪ ؛ از کشـورهای روسیه ۳۹/۹٪؛ آلمان ٦/۷٪ ؛ ترکمنستان ٥٪ ؛ امریکا ۳/۳٪ ؛ لهستان ۲/۸٪ ؛ ایتالیا ۲٪ ؛ روسیه سفید ۲٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱۳،٦۹۹ میلیون دلار؛ شامل (۱۹۹۷): فلزات آهنی ۳۸/۳٪ ؛ ماشین‌آلات ۱۲/۸٪؛ مواد شیمیایی ۱۳/۱٪ ؛ مواد غذایی ۱۱/۷٪ ؛ سوخت ۷/٤٪ ؛ محصولات صنعتی ٤/۲٪ ؛ به کشورهای روسیه ۲٤/۷٪ ؛ چین ۷٪ ؛ روسیهٔ سـفید ٥/٤٪ ؛ ترکیه ٤/۲٪ ؛ آلمان ۳/۷٪ ؛ ایتالیا ۲/٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۲،٥۷٥	-۲،۷۰۲	-٤،۲۹٦	-٤،۲۰٥	-۲،٥۸٤	-٤۸۲
درصد کل	٪۸/٥	٪۸/۷	٪۱۲/۱	٪۱۲	٪۸/٦	٪۱/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٦)	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۲٥/٤	۷۱/٦	۱۰۰	۱۱۰/۱	۱۳۲/۱
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	۱۰۰	۱۰۸/۹	۱۱٥

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۳ نفر؛ درآمد هر خانوار(۱۹۹٦): ٤،۹٦۸ هریونیـا؛ منابع درآمـد(۱۹۹٥): دستمزد و حقوق ٦٦/٤٪ ؛ فروش تولیـدات کشـاورزی ۹/۳٪ ؛ سوبسید ٦/۹٪ ؛ حقـوق بازنشسـتگی ٦/٥٪ ؛ پاداش سـختی کـار ٥/۳٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹٥): غذا و نوشیدنی ٤۳/۱٪؛ کالاهای مصرفی ۲۷/٥٪ ؛ خدمات ۷/۲٪ ؛ مسکن ٦/۷٪ ؛ مالیات ٦/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۱۳٥ میلیون دلار، هزینه: ۱۳۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱۷۲،۳۷۸ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۲۲،٥٦٤ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ٤،۸۸٥،٦۹۱ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ؟

کشتی بالای صد تن: ؟ — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٤٤ روزنامه در ۲،۷۸۰،۰۰۰ نسخه (٥٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۷۱۷ عنوان در ۲،٥۲۱،۰۰۰ نسخه

کتاب: ٦،۲٥٥ عنوان در ٦۸،۸۷٦،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۱،۰۱۱/۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٤٥،۰٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۸۸۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۱،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۱۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۹،٦۹۸،۰۰۰ خط تلفن (۱۹۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۱٦،۰۰۰ خط (۲/۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۷۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱٥۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦) / متوسطه	۲۱،۹۰۰	٥۷٦،۰۰۰	۷،۰۰۷،۰۰۰	۱۲/۱
فنی و حرفه‌ای	۷۸۲	؟	٦۱۸،۰۰۰	؟
عالی	۲٥٥	؟	۹۲۲،۸۰۰	؟

میزان باسوادی(۱۹۸۹): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۸/٤٪ ؛ مردان: ۹۹/٥٪ ؛ زنان: ۹۷/٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥سال(۱۹۸۹): ابتدایی ۲۰/٦٪؛ متوسطه ٤۹/٥٪ ؛ فوق دیپلم ۱۹/٥٪ ؛ عالی ۱۰/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۱٥۰،۳۸۲ نفر (هر ۳۳٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۸): ٥۰۸،۰۳۰ تخت (هر ۹۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله : ۱۱۰،۰۰۰ نفر؛ (۰/٤۳٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر: ٥۲/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۸۷۸ کالری (۱۱۲٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷۸ گرم؛ مصرف چربی: ۷۲ گرم.

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰ - ۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): -۰/۱٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۳/۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳۹۷/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۷/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷٤٤ (هفتادوهشتمین کشور جهان)

اگر چه اوکراین یکی از اعضای جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به شمار می‌آید ولی با هرگونه مداخله در امور داخلی اعضای جامعهٔ مزبور به شدت مخالف است و از تسلط مجدد روسیه به ویژه بر اوکراین بیمناک است. یکی از مشکلاتی که اوکراین پس از استقلال با آن روبروست، مسئلهٔ خودمختاری کریمه و تمایل اعضای پارلمان کریمه پیوستن به روسیه است. علاوه بر آن ناوگان دریای سیاه که روسیه آنها را از آن خود می‌داند، نیز مسئلهٔ دیگری است که مورد منازعه میان اوکراین و روسیه قرار دارد. ناوگان مزبور در پایگاه دریایی سواستوپول که به اوکراین تعلق دارد متمرکز هستند و اوکراین ظاهراً آنها را از آن خود می‌داند. در این زمینه توافق‌هایی بین روسیه و اوکراین به عمل آمده و قرار شده که ناوگان مزبور بطور مساوی بین دو طرف تقسیم گردد و روسیه پایگاه دریایی مزبور را از اوکراین اجاره نماید.
وجود سلاح‌های هسته‌ای در اوکراین نیز از دیگر موارد اختلاف بین روسیه و اوکراین است. اوکراین در مقابل انهدام سلاح‌های مزبور، تضمین امنیت ملی و تثبیت مرزهای خود را خواستار است و علاوه بر آن امکان استفادهٔ صلح‌آمیز از نیروی هسته‌ای را خواهان است.
در انتخابات ۲۷ مارس ۱۹۹۴ لئونید کوچما که طی سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ مقام نخست‌وزیری اوکراین را عهده‌دار بود به ریاست جمهوری رسید.
در آوریل سال ۱۹۹۶ که مصادف با دهمین سال انفجار نیروگاه چرنوبیل بود، مجامع بین‌المللی انزجار خود را نسبت به طرح‌های هسته‌ای کشورهای وابسته به اتحاد جماهیر شوروی پیشین اعلام داشتند. به موجب بررسیهای به عمل آمده حدود یک میلیون نفر تحت تأثیر مستقیم تشعشعات مرگبار اتمی نیروگاه مزبور قرار گرفته و حدود ۲/۴ میلیون نفر دیگر در معرض خطرات بعدی واقع شده‌اند و ۲ درصد کشتزارهای کشور به مواد خطرناک رادیواکتیویته آلوده گردیده است.
در سپتامبر ۱۹۹۷ کشورهای امریکا، روسیهٔ سفید، روسیه، قزاقستان و اوکراین قرارداد جدیدی را برای خلع سلاح امضاء کردند که جایگزین قرارداد سالت ۲، میان شوروی و امریکا که به حالت تعلیق درآمده بود، می‌شد. در انتخابات سال ۱۹۹۸ شوارای عالی، احزاب چپ و چپ میانه اکثریت پارلمانی را به دست آوردند. اوکراین از اتحادیه اروپا درخواست کرده است تا به عضویت آن پذیرفته شود و در یکی از نخستین اقدامات خود جهت مطابقت یافتن قوانین اوکراین با اتحادیهٔ اروپا، حکم اعدام در سال ۲۰۰۰ در این کشور لغو شد. در همین سال مذاکراتی میان پوتین، رئیس جمهور روسیه و کوچما رئیس جمهور اوکراین در جهت گسترش همکاریهای فنی و نظامی برگزار شد.
در ژانویه ۲۰۰۱ خانم یولیا تیموشنکو، از رقیبان اصلی انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در سال ۲۰۰۴، از مقام خود در معاونت نخست وزیر در امور انرژی و سوخت برکنار گردید. در همین اوان، درپی انتشار مطالب یک نوار صوتی، حاوی دستورات لئونید کوچما برای قتل یک خبرنگار، موجی از تظاهرات ضد دولتی در اوکراین به راه افتاد و تا چند روز ادامه یافت.

اوگاندا UGANDA

اوگاندا کشوری است در مرکز خاوری قارهٔ افریقا که از شمال به سودان، از خاور به کنیا، از جنوب به دریاچهٔ ویکتوریا و تانزانیا و روآندا و از غرب به کنگو (کینشاسا) محدود است. سرزمینی است کوهستانی و مرتفع که رو به شمال‌غرب از ارتفاع آن کاسته می‌شود. آتشفشانهای چندی در جنوب غربی آن وجود دارد.
یکی از ریزابه‌های اصلی رود نیل به نام بحرالجبل از ارتفاعات این کشور سرچشمه می‌گیرد و نیل ویکتوریا و نیل آلبرت از عمده‌ترین رودهای آنند. علاوه بر دریاچهٔ بزرگ ویکتوریا که میان این کشور و کنیا و تانزانیا قرار دارد و یکی از بزرگترین منابع ماهیگیری اوگاندا محسوب می‌گردد، دریاچه‌های متعدد دیگری مانند آلبرت، کیوگا و ادوارد و چند دریاچهٔ کوچک دیگر نیز از جمله عوارض آبی این کشور به شمار می‌آیند. اقلیم اوگاندا گرم و مرطوب و نسبتاً پرباران است و حدود ۶/۵ درصد سطح کشور را جنگلهای بارانی پوشانیده است. بلندترین نقطه، قلهٔ مارگریتا (روونزوری) با ۵۱۰۹ متر ارتفاع و بزرگترین دریاچهٔ آن دریاچهٔ ویکتوریا با ۶۹,۵۰۰ کیلومترمربع وسعت می‌باشد.



تاریخچه

در سدهٔ سیزدهم میلادی قوم باکوزی که مردمانی رمه‌چران بودند از شمال به این سرزمین مهاجرت کردند و بانتوهایی را که در آنجا ساکن بودند، مطیع خود ساختند. خصوصیات باکوزی‌ها در احداث چهاردیواری‌های بزرگی بود تا خود و رمهٔ خود را در میان آن جای دهند و از گزند بیگانگان در امان بدارند.
باکوزی‌ها به مرور با بانتوها آمیزش کردند و فرهنگ و زبان و روش زندگی بانتوها را اختیار نمودند و قوم جدیدی را به نام باهیما به وجود آوردند. علاوه بر قوم مزبور، اقوام دیگری مانند بونیورو، بوگاندا، بوسوگا(سوگا) و انکوله نیز وجود داشتند که در نواحی خاوری می‌زیستند و با سودانی‌ها به خرید و فروش برده می‌پرداختند.
در اوایل سدهٔ نوزدهم، اعراب زنگبار به قصد تصرف اوگاندا به آن نواحی حمله‌ور شدند ولی موفق به تصرف آن نگردیدند. در سال ۱۸۵۸ جان هنیگ اسپیک پویندهٔ انگلیسی از دریاچهٔ ویکتوریا دیدن کرد و با سواحل اوگاندا از نزدیک آشنا شد. در سال ۱۸۸۸ سوداگران عرب همراه با بومیان مسلمان، کشوری به نام بوگاندا تأسیس کردند که در سال ۱۸۹۰ تحت استیلای کمپانی انگلیسی افریقای شرقی درآمد و اندک زمانی بعد به تحت‌الحمایهٔ انگلستان مبدل شد و رهبر آن دست‌نشانده و مورد حمایت انگلیس قرار گرفت.
اوگاندا در سال ۱۹۶۲ به استقلال رسید و میلتون اوبوته به ریاست جمهوری انتخاب شد و ژنرال عیدی امین را به فرماندهی کل قوا منصوب کرد. عیدی امین در کودتای سال ۱۹۷۱ اوبوته را سرنگون کرد و به تانزانیا تبعید نمود و خود رأساً ادارهٔ امور کشور را بر عهده گرفت و مدت ۸ سال با قدرت توأم با فساد حکومت کرد و برای نزدیک شدن به اعراب با اسرائیل قطع رابطه نمود و اموال بازرگانان انگلیسی را مصادره کرد. در جنگ امین با تانزانیا، بخشهایی از اوگاندا به تصرف تانزانیا درآمد. در آوریل ۱۹۷۹ جنگ به پایان رسید و عیدی امین که خود را رئیس جمهور مادام‌العمر خوانده بود، سرنگون شد و میلتون اوبوته به حمایت ژنرال اوجوک در انتخابات سال ۱۹۸۰ به مقام ریاست جمهوری رسید و پس از مذاکرات فراوان و پافشاریهای بسیار، سرانجام موافقت تانزانیا را برای تخلیه کشورش کسب کرد و آخرین سربازان تانزانیایی در سال ۱۹۸۱ خاک اوگاندا را ترک کردند. در انتخابات سال ۱۹۸۳ اوبوته مجدداً به پیروزی دست یافت و مقام ریاست جمهوری را برای خود حفظ کرد.
در ژوئیه ۱۹۸۵ ژنرال باسیلیواوکلّو طی یک کودتای بدون خونریزی اوبوته را پس از ۵ سال برکنار کرد و حکومت را شخصاً به دست گرفت. وی با شورشیان مسلح اوگاندا که طی سالها به مبارزه با دولت و خونریزی و ویرانی مشغول بودند به مذاکرات صلح‌آمیز پرداخت. در کودتای خونین ژانویهٔ سال ۱۹۸۶ ژنرال اوکلو نیز سرنگون شد و رهبر کودتاچیان به نام یووری موسوینی به ریاست جمهوری رسید. وی که با کشوری ویران و حدود یک میلیون کشته و دو میلیون آواره و ۶۰۰,۰۰۰ مجروح و معلول روبرو شده بود، دست به کار اصلاحات شد.
در فوریهٔ ۱۹۹۵ جان پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان از اوگاندا دیدن کرد و از بی‌بند و باری‌های اجتماعی و شیوع بیماریهای جنسی اظهار نگرانی نمود. در انتخابات مه ۱۹۹۶ موسوینی مجدداً به ریاست جمهوری رسید و کینتو موسوکه به نخست‌وزیری منصوب گردید.
در طی سال ۱۹۹۷ تنش‌هایی بین اوگاندا و سودان بروز کرد و هر دو کشور به مسلح کردن مخالفان طرف مقابل پرداختند. در درگیری‌های این سال دهها هزار نفر از طرفین کشته شده و تعداد زیادی نیز آواره شدند. دولت امریکا در قبال فعالیت‌های اوگاندا بر علیه سودان کمک‌های نظامی و تسلیحاتی متعددی در اختیار این کشور قرار داد. در اواسط سال ۱۹۹۸ نیروهای اوگاندا جهت کمک به مخالفان دولت تازه مستقر شده جمهوری دموکراتیک کنگو



نام رسمی: جمهوری اوگاندا

نام محلی: اوگاندا Uganda

اسامی دیگر: بوگاندا (نام قدیمی)

پایتخت: کامپالا (۱،۱۵٤،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۲/۱۰/۹ از انگلستان

روز ملی: نهم اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری غیر حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: سرتیپ یووری کاگوتا موسوینی، از سال ۱۹۸٦ (هر دوره به مدت ٥ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آپولو نسیمبامبی، از سال ۱۹۹۹

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٥؛ پارلمان با ۲۹۲ عضو (۲۱٤ عضو انتخابی و ۷۸ عضو انتصابی یا منتخب غیر مستقیم، به علاوه وزرای کابینه که در انتخابات رأی نیاورده‌اند) به مدت ٤ سال؛ در انتخابات سال ۲۰۰۱ همهٔ داوطلبان به صورت مستقل کاندید شده‌اند، ولی برتری طرفداران جنبش ملی مقاومت در پارلمان کاملاً مشخص است. احزاب عمده دیگر عبارتند از: حزب دموکرات، کنگره خلق اوگاندا و جنبش میهنی اوگاندا.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲٤۱،۰۳۸ کیلومترمربع (هفتادونهمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۱،۸۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهل و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت:	۹۰/٤ نفر در کیلومترمربع	**رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :**	٪۲/۸
پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥):	٤٤/٤ میلیون نفر	**زمان دوبرابر شدن جمعیت:**	۲۲ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۱۳/٥ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰ – ۱۹۹٥): ٪٥/٤

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٪٥۱/۱ ، ۲۹ – ۱٥ سال ٪۲٦/۱ ، ٥۹ – ۳۰ سال ٪۱۹/۳ ، بالای ٦۰ سال ٪۳/٥

توزیع جنسی (۱۹۹۹):	مرد ٪٤۹/۹٦ ، زن ٪٥۰/۰٤	**امید به زندگی(۱۹۹۹):**	زنان ٤۳/۲ سال، مردان ٤۱/۹ سال
میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹):	٤۸/٦ نفر	**میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):**	۱۸/۹ نفر
مرگ ومیر کودکان‌درهرهزارتولد(۱۹۹۹):	۹٥/۲ نفر	**رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):**	۲۹/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار در دسترس نیست.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹):	۷ نفر	**مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:**	٥۱۰ نفر
میزان ازدواج درهرهزارنفر:	؟	**میزان طلاق در هر هزار نفر:**	؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۱): عمدتاً ازقبایل سیاهپوست گاندا ٪۱۸/۱ ؛ انکوله ٪۱۰/۷ ؛کیگا٪۸/٤؛ سوگا ٪۸/۳ ؛ لانگو ٪٥/۹

دین(۱۹۹٥): مسیحی ٪٦٦ (شامل کاتولیک ٪۳۳ ؛ پروتستان ٪۳۳)؛ باورهای قبیله‌ای ٪۱۸ ؛ مسلمان ٪۱٦

زبان و خط: سواحلی و انگلیسی (زبانهای رسمی) ؛ زبانهای بومی مانند بوگاندا، بانیورو، لانگو، آخولی وتورکانا نیز رایج است.

شهرهای مهم(۱۹۹۱): جینجا (٦۱،۰۰۰ نفر)؛ امبالی(٥۳،٦۰۰ نفر)؛ ماساکا (٤۹،۱۰۰ نفر)؛ گولو (٤۲،۸۰۰ نفر) انتبه (٤۱،٦۰۰ نفر)

بنادر مهم: به دریای آزاد دسترسی ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: شیلینگ (U Sh) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۱،۸۲٥ شیلینگ؛ یک شیلینگ = ٤/٤ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۱،۱۹۳/۱ میلیارد شیلینگ: مالیات ٪٦۲/۷ (شامل حقوق گمرکی ٪۲٥/٥؛ مالیات فروش ٪۲۰/۲؛ مالیات بر درآمد ٪۱۰/٥)؛ کمک‌های خارجی ٪۳۳/۳

هزینه بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۱،۲۳۹/۹ میلیارد شیلینگ؛ هزینه‌های جاری ٪٥۸/۷ (شامل دستمزدها و حقوق ٪۲۰/٦)؛ آموزش ٪۱٦/٦؛ امنیت ٪۱۱ ؛ بهداشت ٪٤/۳ ؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪٤۱/۳

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸):	٦،٥٦٦ میلیون دلار	**سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):**	۳۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۷/۱

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٤٤/٦ ؛ صنعت ٪۱۷/٦ ؛ خدمات ٪۳۷/۸

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۲۱۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸):	۳،٤۰۲ میلیون دلار	**کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :**	٤۷۰/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪٥/۷

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱٥/۳ ؛ (۱۹۹۸): ٪۱۰/۷

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): موزسبز ۹،٤۰۰،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۳،٤۰۰،۰۰۰؛ سیب‌زمینی شیرین ۲،٥۲۰،۰۰۰ ؛ نیشکر ۱،٦۰۰،۰۰۰ ؛ ذرت ۷۸۰،۰۰۰ ؛ ارزن ٦۳۸،۰۰۰ ؛ ذرت خوشه‌ای ٤٥٤،۰۰۰ ؛ سیب‌زمینی ٤٤۹،۰۰۰ ؛ قهوه ۱۹۸،۰۰۰؛ بادام زمینی ۱۸۳،۰۰۰ ؛ برنج ۹٦،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤): کشاورزی ٪۳٤ ؛ مرتع ٪۹/۱ ؛ جنگل ٪۳۱/٥ ؛ سایر موارد ٪۲٥/٤

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ٥،۷۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۳،٦٥۰،۰۰۰ ؛ گوسفند ۱،۹۷۰،۰۰۰ ؛ خوک ۹٦۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸):	۱٥،٦٤۹،۰۰۰ مترمکعب	**صید ماهی(۱۹۹۸):**	۲۲۰،٦۲٦ تن
تولید مرغ(۱۹۹۹):	۲۳،۰۰۰،۰۰۰ قطعه	**تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):**	۱۸،۱۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): طلا ۳،۰۰۰ کیلوگرم

تولیدات‌صنعتی(۱۹۹۸): سیمان ۲۷۸،۰۰۰ تن؛شکر ۹۳،۰۰۰ تن؛ صابون ۳٦،۱۰۰تن؛تولیدات‌فلزی ۲۲،٤۰۰ تن؛ گوشت ۳،۷۰٦ تن، کفش ۹۹٥،۰۰۰ جفت؛ آبجو ٥٥۲،۰۰۰ هکتولیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۱،۲۸۲،۸۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۸۷۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر؛ (صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۳۱۹،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۸،۳٦٥،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۹/٦ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٪۷۸/۹ ؛ زنان: ٪۳٥/۲ ؛ میزان بیکاری: ؟

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۸۲/٦ ؛ صنعت ٪٥/۱ ؛ خدمات ٪۱۲/۳

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): حدود ۳۰،۰۰۰ الی ٤۰،۰۰۰ نفر؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱۲ دلار (۱۹۹۷)

واردات(۹۸-۱۹۹۷): ۱،٤۱۱/۱ میلیون دلار؛ شامل (۱۹۹٦): ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۳۳/۸ ؛ کالاهای صنعتی اساسی ٪۲۲ ؛ مواد شیمیائی ٪۱٥/۹ ؛ مواد غذایی و حیوانات زنده ٪۷/۳ ؛ از کشورهای (۱۹۹٦): کنیا ٪۲۱/٥ ؛ انگلستان ٪۱٤/۲ ؛ ژاپن ٪۹/۱ ؛ امارات متحدهٔ عربی ٪٦/۱

صادرات(۹۸-۱۹۹۷): ٤٥۸،٤۰۰،۰۰۰ دلار؛ شامل قهوهٔ خام ٪٥۸/۷ ؛ چای ٪۷/٦ ؛ ماهی ٪٦/۱ ؛ پنبه ٪۲/٥ ؛ به کشورهای (۱۹۹٦) : انگلستان ٪۲۰/۸ ؛ بلژیک – لوکزامبورگ ٪۱۲/۳ ؛ اسپانیا ٪۹/۱ ؛ امریکا ٪۸/۱ ؛ فرانسه ٪٦/٤ ؛ آلمان ٪٤/۳

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیارد شیلینگ	-٤٥٦/٥	-٥۷۸/۲	-٦۳۳/۸	-۸۳۱/۱	-۹٥۲/۷
درصد کل	٪۳٦/۷	٪۳۹/۳	٪۳٤/۱	٪٤۱/۱	٪٥۰/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸٤	۹۲	۱۰۰	۱۰۷	۱۱٥	۱۱٥	۱۲۲
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار :میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ٤/۸ نفر ؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۹۳-۱۹۹۲) : دستمزد و کار آزاد ٪۸٦/٤ ؛ انتقالی ٪۱۱/۷ ؛ اجاره ٪۱/۹ ؛ هزینه‌ها (۹۳-۱۹۹۲) : غذا و نوشیدنی ٪٦٤ ؛ اجاره، سوخت و خدمات ٪۱۸/۳ ؛ آموزش ٪٥ ؛ بهداشت ٪٤/۲

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۱۳٥ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۳۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦):	۲٦،۸۰۰ کیلومتر	**راه‌آهن(۱۹۹۸):**	۱،۲٤۱ کیلومتر
تعداد اتومبیل(۱۹۹٦):	۳٥،۳٦۱ دستگاه	**تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):**	٤۸،۳٤۰ دستگاه
کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲):	۲ فروند	**فرودگاه(۱۹۹۸):**	یک فرودگاه

روزنامه: ۲ روزنامه در ٤۰،۰۰۰ نسخه (۲/۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۲٦ عنوان در ۱٥۸،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۲۸۸ عنوان در ۲،۲۲۹،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۷،۷۳۹/٥ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۲،٦۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۳۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٥۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٥۷،۰۰۰ خط تلفن (۲/۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳۰،۰۰۰ خط (۱/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸):	٤۰،۰۰۰ دستگاه	**اینترنت(۱۹۹۸):**	۱٥،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٥)	۸،٥۳۱	۷٦،۱۳٤	۲،٦۳٦،٤۰۹	۳٤/٦
متوسطه	؟	۱٤،٤٤۷	۲٥٥،۱٥۸	۱۷/۷
فنی و حرفه‌ای	؟	۱،۷۸۸	۳٦،۰٦۳	۲۰/۲
عالی	؟	۲،۰۰٦	۲۹،۳٤۳	۱٤/٦

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪٦۱/۸ ؛ مردان: ٪۷۳/۷ ؛ زنان: ٪٥۰/۲

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ٪٤۲/۱ ؛ متوسطه ٪۱۰/٥ ؛ عالی ٪۰/٥

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۸٤۰ نفر (هر ۲۲،۳۹۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۹): ۲۰،۱۳٦ تخت (هر ۸۱۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۹۳۰،۰۰۰ نفر؛ (٪۹/٥۱ افراد ۱٥تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صدهزار نفر ۱۳۳/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۲۱٦ کالری (٪۹٥ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ٤٥ گرم؛ مصرف چربی: ۲۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ٪۰/۹ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰)؛ ٪۰/۹

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱ میلیون تن ، هر نفر (صفر)تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۰۹ (صد و پنجاه و هشتمین کشور جهان)

وارد این کشور شده و به حمایت از شورشیان آن کشور پرداختند. در طی سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ کمک‌های خارجی متعددی به این کشور شد تا بر گرسنگی مردم فقیر این کشور که بیش از نیمی از آنان زیر خط فقر زندگی می‌کنند پایان دهد.

در سال ۲۰۰۰ مذاکراتی جهت از سرگیری مجدد روابط با سودان، که از سال ۱۹۹۵ قطع شده بود آغاز شد و همزمان سازمان ملل متحد تحقیقاتی را در مورد مسلح کردن شورشیان آنگولا موسوم به یونیتا، توسط دولت اوگاندا آغاز نمود. در همین اوان نیروهای مخالف دولت اوگاندا که دست به تشکیل نیروی مسلحی به نام «ارتش مقاومت خداوند» زده بودند به گسترش نبرد در نواحی شمالی کشور پرداختند. در ماه مارس همین سال یک گور دسته‌جمعی متعلق به صدها نفر از پیروان فرقهٔ مسیحی «اعاده ده فرمان خداوند» که گفته می‌شد با هم خودکشی کرده بودند، در روستای کانونگو کشف شد. در ماه مه صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بانک توسعه افریقا مشترکاً تصمیم گرفتند که به علت شهرت این کشور به تأمین امنیت برای سرمایه‌گذاری خارجی، حدود ۶۴۰ میلیون دلار از بدهی‌های آن را کاهش دهند. البته این در حالی بود که چند هفتهٔ قبل از آن موسوینی ۳۵ میلیون دلار برای خرید یک هواپیمای جت اختصاصی صرف کرده بود.

در انتخابات ریاست جمهوری که در ۱۲ مارس ۲۰۰۱ برگزار گردید، موسوینی با کسب ۶۹/۳٪ آراء در سمت خود ابقاء گردید. در انتخابات پارلمانی نیز که در ۲۶ ژوئن برگزار گردید ۲۳۰ تن از کاندیداهای جنبش ملی مقاومت که همگی به عنوان مستقل ثبت‌نام کرده بودند، به مجلس راه یافتند.

ایالات متحدهٔ امریکا
UNITED STATES OF AMERICA

کشور امریکا سرزمین پهناوری است در نیم قارهٔ امریکای شمالی که از نظر وسعت چهارمین کشور جهان محسوب می‌گردد. از شمال به کشور کانادا، از خاور به اقیانوس اطلس، از جنوب به خلیج مکزیک و کشور مکزیک و از غرب به اقیانوس آرام(کبیر) محدود است. کشور مزبور علاوه بر سرزمین اصلی، ایالتهای برون‌مرزی آلاسکا و مجمع‌الجزایر هاوایی را که در اقیانوس آرام قرار دارد، نیز شامل می‌گردد. کشور امریکا از نظر اقتصادی به چهار منطقهٔ ژئو-اکونومیک به شرح زیر تقسیم می‌گردد:

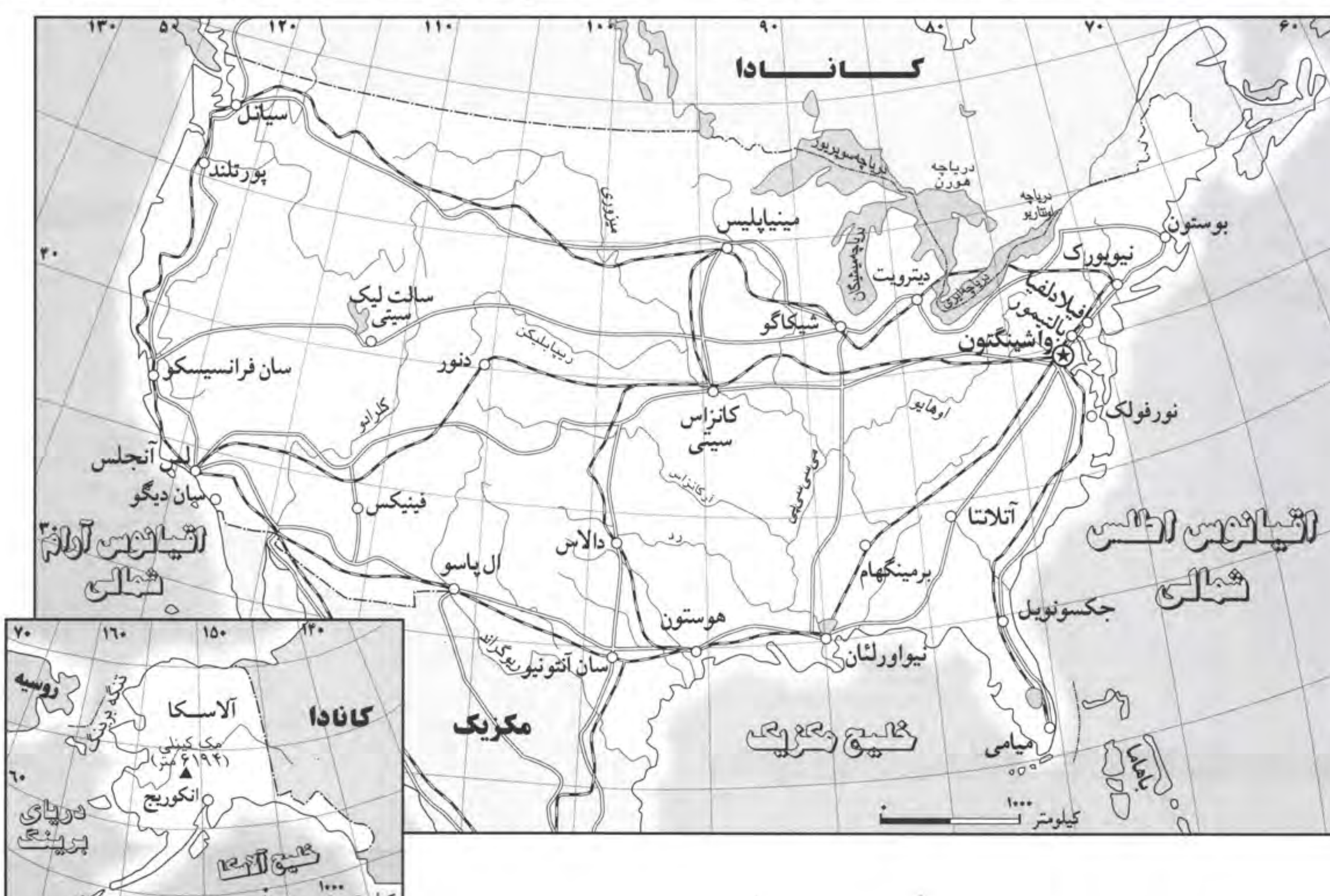
۱- منطقهٔ خاوری که شامل نیوانگلند، کوههای آپالاش و قسمتی از دریاچه‌های بزرگ و کرانه‌های اقیانوس اطلس است. دشت رسوبی وسیعی است که ازدهانهٔ رودخانهٔ هودسن در شمال تا شبه جزیرهٔ فلوریدا در جنوب ممتد است. کوههای آپالاش با بلندی حداکثر ۲۰۳۸ متر (مونت میچل) در غرب آن واقع است و نهشت‌های معدنی مانند کانه‌های آهن و زغال در آن به وفور یافت می‌شود. این منطقه از نظر جمعیت متراکم‌ترین نواحی کشور بوده و تأسیسات صنعتی وسیعی چون مجتمع عظیم فولاد را در خود جای داده است. کشاورزی بسیار پیشرفتهٔ آن، تأمین کنندهٔ غذای شهرهای بزرگ منطقهٔ مزبور است.

۲- منطقهٔ غرب میانه که از کرانه‌های غربی دریاچهٔ ایری تا کوههای راکی (روشوز) با بلندی حداکثر ۴۳۹۹ متر (مونت البرت) ممتد است و همچنین نواحی مرکزی می‌سی‌سی‌پی را شامل می‌شود و دشت سرسبز مرکزی امریکا را در خود جای داده است. این قسمت از کشور وسیع‌ترین نواحی کشاورزی است و تأسیسات دامداری و تولید شیر و گوشت در شمال آن واقع است و غلات و ذرت در نواحی جنوبی آن کشت می‌گردد. مراکز عمدهٔ صنعتی این منطقه نزدیک دریاچه‌های بزرگ در شمال متمرکزند و نهشت‌های آهن و زغال در جنوب و در کنار ناحیهٔ کشاورزی این منطقه جای دارد. رودخانهٔ می‌سی‌سی‌پی و ریزابه‌های متعدد آن مهمترین رودخانهٔ این منطقه است.

۳- منطقهٔ جنوبی، منطقهٔ نیمه گرمسیر همواری است واقع در جنوب دشت می‌سی‌سی‌پی، شامل شبه جزیرهٔ فلوریدا و ایالت‌های تکزاس و اوکلاهما. این منطقه کشتزار بس گسترده‌ای است که پنبه، نیشکر و برنج از فرآورده‌های عمدهٔ آن محسوب می‌شود. علاوه بر آن دامداری و تربیت چهارپایان به ویژه در ایالت تکزاس در خور توجه است. منطقهٔ مزبور از نظر منابع زیر زمینی مانند نفت، زغال و آلومینیوم و غیره بسیار غنی است ورودخانهٔ آرکانزاس و می‌سی‌سی‌پی عمده‌ترین رود آن محسوب می‌گردد.

۴- منطقهٔ غربی، منطقه‌ای است عمدتاً کوهستانی و سرشار از منابع معدنی مانند نفت، مس، سرب و روی. علاوه بر آن پرورش گل در مقیاس وسیع در دره‌های حاصلخیز این منطقه مانند دره رود ساکرامنتو و سان‌اواکین واقع در کالیفرنیا رواج دارد و تأسیسات صنعتی وسیعی در ساحل اقیانوس آرام به چشم می‌خورد.

افزون بر چهار ناحیهٔ بالا، کشور امریکا دارای دو ایالت برون‌مرزی یکی به نام آلاسکا واقع در شمال غربی نیم قارهٔ شمالی امریکا است که کوه مک‌کینلی با ارتفاع ۶۱۹۴ متر (بلندترین قلهٔ نیم قارهٔ امریکای شمالی و مرتفع‌ترین نقطهٔ کشور امریکا) در آن واقع است و دیگری ایالت هاوایی است که مجمع‌الجزایری است در اقیانوس کبیر. رود میزوری - می‌سی‌سی‌پی به طول





نام رسمی: ایالات متحدهٔ امریکا

نام محلی: یونایتد استیس آو اَمریکا United States of America

اسامی دیگر: اتازونی، ینگه‌دنیا

پایتخت: واشینگتون (۵۱۹،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۷۷۶/۷/٤ ، از انگلستان

روز ملی: چهارم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری فدرال با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۷۸۹

رئیس حکومت: رئیس جمهور: جورج دبلیو بوش، از سال ۲۰۰۱ (به مدت ٤ سال به انتخاب ۵۳۸ عضو کالج انتخاباتی)

رئیس دولت: رئیس جمهور: جورج دبلیو بوش، از سال ۲۰۰۱ (به مدت ٤ سال به انتخاب ۵۳۸ عضو کالج انتخاباتی)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۷۸۹، آخرین تغییرات ۱۹۹۲؛ مجلس نمایندگان با ٤۳۵ عضو به مدت ۲ سال و مجلس سنا با ۱۰۰ عضو (از هر ایالت ۲ نماینده) برای مدت ٦ سال (انتخابات مجلس سنا هر ۲ سال یکبار برای انتخاب یک سوم اعضای آن برگزار می‌شود؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): حزب جمهوری‌خواه ۲۲۳ (۲۲۳) کرسی، حزب دموکرات ۲۱۱ (۲۰۸) کرسی، مستقل ۱ (۱) کرسی، نامشخص (۳) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، سپک، آدب، آپک، آی ـ آدب، گروه ۸، ناتو، او اسی دی، اوسه، جامعهٔ اقیانوس آرام

جمعیت

مساحت: ۹،۳٦۳،۳٦٤ کیلومترمربع (چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۷۸،٤۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۹/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۸٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳۲۵/٦ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** حدوداً ۱۰۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷٦/۸٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۲٪

توزیع سنی(۱۹۹٦): زیر ۱۵ سال ۲۱/۸٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۰/۸٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٤۰/۹٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱٦/۵٪

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ٤۸/۹۳٪ ؛ زن ۵۱/۰۷٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۷):** زنان ۷۹/۷ سال، مردان ۷٤/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱٤/۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۷ نفر

مرگ ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۷): ۷/۱ نفر — **رشدطبیعی جمعیت‌درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۵/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای قلبی ۳۵۳/۹ نفر(از جمله بیماریهای کم خونی قلب ۱۷۷/۳ نفر؛ عروق‌مغزی ٦۰ نفر؛ سخت شدن شاهرگها ۱۰ نفر)؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۰۲/٤ ؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۷۲ (ازجمله‌ذات‌الریه ۳۱/۲)؛ حوادث ۳٤/۱ (از جمله تصادفات ۱٦/۵ نفر)؛ خودکشی ۱۱/۵ نفر؛ ایدز ۱۰/۵ نفر؛ دیابت ۲۳/۳؛ دردهای مزمن سیروز کبدی ۹/۳ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۸ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ۸/۹ مورد — **میزان طلاق درهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ٤/۳ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹۵): سفیدپوست ۷٤٪؛ سیاهپوست ۱۳٪؛ مهاجران امریکای‌لاتین ۱۰٪؛ بومیان سرخپوست و اسکیمو ۱٪

دین(۱۹۹۵): مسیحی ۸۵/۳٪ (پروتستان ۵۷/۹٪)؛ یهودی ۲/۱٪ ؛ مسلمان ۱/۹٪؛ بدون مذهب ۸/۷٪ ؛ بقیه ۲٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط : لاتین؛ در برخی از نواحی زبان اسپانیایی نیز رایج است

شهرهای مهم(۱۹۹۹): نیویورک ۷،٤۲۸،۱٦۲ نفر؛ لس‌آنجلس ۳،٦۳۳،۵۹۱ ؛ شیکاگو ۲،۷۹۹،۰۵۰؛ هوستون ۱،۸٤۵،۹٦۷ ؛ فیلادلفیا ۱،٤۱۷،٦۰۱ ؛ سان‌دیگو ۱،۲۳۸،۹۷٤ ؛ فینیکس ۱،۲۱۱،٤٦٦ ؛ سان‌آنتونیو ۱،۱٤۷،۲۱۳

بنادر مهم: نیویورک، بالتیمور، فیلادلفیا (اقیانوس اطلس)؛ نیواورلئان، هوستون (خلیج مکزیک)؛ لس‌آنجلس، سان‌فرانسیسکو

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار امریکا (U.S.$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار = ۸،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۱،۸۲۷/۳ میلیارد دلار؛ مالیات بر درآمد افراد ٤۸/۱٪ ؛ مالیات و حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۳۳/۵٪ ؛مالیات بردرآمد شرکتها ۱۰/۱٪ ؛ سایر موارد ۸/۳٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۱،۷۰٤/۵ میلیارد دلار؛ شامل تأمین اجتماعی و مراقبت‌های پزشکی ۳٤٪؛ امور دفاعی ۱٦/۲٪ ؛ تأمین و تضمین درآمدها ۱۳/۹٪ ؛ بهرهٔ وامها ۱۳/۵٪ ؛ بهداشت ۸/۳٪ ، بقیه ۱٤/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): ۹،۲۸۸/۲ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۹):** ۳٤،۰۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۸٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۲/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱/۸٪ ؛ صنعت ۲٦/۲٪ ؛ خدمات ۷۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤٦،۲۱۱ میلیون دلار، (۱۹۹۸): ۱۹۳،۳۷۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۵،٦۰٦/۵ میلیارد دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۸،۷۸٦ – میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۷/۱٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱/۹٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱٪ ؛ ۱۹۹۹: ٤٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): (میلیون دلار): ذرت ۱۷،۹۵۰ ؛ دانهٔ سویا ۱۲،٤۵۱ ؛ گندم ۵،۹۰٤ ؛ وش پنبه ۳،۸۳٦ ؛ انگور ۲،۹٤۳ ؛ سیب‌زمینی ۲،۷۸۳؛ توتون ۲،۳۲۹ ؛ پرتقال ۱،۸۰۷؛ سیب ۱،٦۷۹ ؛ برنج ۱،۲۵۷ ؛ چغندرقند ۱،۱۸۱ ؛ توت‌فرنگی ۱،۱۱۸ ؛ نیشکر ۱،۰٦۱ ؛ بادام زمینی ۹۹۲؛ ذرت خوشه‌ای ۹۷۱ ؛ کاهو ۹۷۱

کاربری زمین: کشاورزی ۲۰/۵٪ ؛ مرتع و چمنزار ۲٦/۱٪ ؛ جنگل ۳۲/۳٪ ؛ سایر موارد ۲۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۹۸،۵۰۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ٦۲،۲۰٦،۰۰۰ ؛ گوسفند ۷،۲۳۵،۰۰۰؛ اسب ٦،۰۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤۲۰،٤۵۸،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱،۷۲۲ میلیون دلار

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱،۷۲۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤،۸۸۵،۰۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹٦): آهن ۳۹،۳٤۲،۰۰۰تن؛مس ۱،۹۱۰،۰۰۰؛ روی ٦۲۰،۰۰۰؛ سرب ٤۳۰،۰۰۰؛ مولیبدن ۵۷،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (میلیون دلار) وسایل نقلیه ۳۲۹،۱۵۵؛ ماشین‌آلات صنعتی ۱۳۵،۳۹۳؛ لوازم الکترونیکی ۱۲۷،۹۹٦ ؛ رایانه و لوازم اداری ۱۰۳،۲۷۰ ؛ فرآورده‌های گوشتی ۱۰۲،۱۰۳ ؛ هواپیما ۸۳،۳۹٤ ؛ امور چاپ تجاری ٦۷،۸٤۲ ؛ لوازم پزشکی ٤۷،٤۰٦ ؛ سیگار ۲۸،۹۸۷ ؛ مبلمان منزل ۲۵،٤۲٦ ؛ لوازم عکاسی ۲۲،۲۹۷ ؛ لوازم خانگی ۲۲،۱۵۷

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٤): ۳،۲٦۸،۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳،۳۱۲،۸۸۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۹۳۷،۵۸۰،۰۰۰ تن (٤۸۳،۸۷۳،۰۰۰)؛ نفت خام: ۲،٤٦٤،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۵،۰۲٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های‌نفتی: ۷۰٤،۲۰۱،۰۰۰ تن (۷۳۷،٦۸۱،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۵۳۰،۰۱٤،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۵۹۲،۲۰۹،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۱۳۷،٦۷۳،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۵۰/۹٪ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۷۷/٤٪ ؛ زنان ٤٦/۲٪ ؛ میزان بیکاری ٤/۵٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲/۸٪ ؛ صنعت ۲٦/٤٪ ؛ خدمات ٦۸/۹٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام وظیفه از سال ۱۹۷٤ به صورت داوطلبانه و در دوره‌های ۲،۳،٤،۵ و یا ٦ ساله انجام می‌شود؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۱،٤۰۱،٦۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۳٤/۲٪ ؛ نیروی هوایی ۲٦/٤٪ ؛ نیروی دریایی ۲۷/۲٪

واردات(۱۹۹۷): ۸۷۰،٦۷۰/۷ میلیون دلار؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤٤/۹٪ (از جمله وسایل نقلیه و قطعات یدکی ۱٦/۳٪)؛ پوشاک ۵/۸٪ ؛ مواد شیمیایی ۵/٦٪ ؛ نفت و فرآورده‌های نفتی ٤/۷٪ ؛ موادغذایی و حیوانات زنده ۲/٦٪ ؛ از کشورهای کانادا ۱۹/۳٪ ؛ ژاپن ۱٤٪ ؛ مکزیک ۹/۹٪ ؛ چین ۷/۲٪ ؛ آلمان ۵٪؛ انگلستان ۳/۸٪ ؛ تایوان ۳/۷٪

صادرات(۱۹۹۷): ٦۸۹،۱۸۲/٤ میلیون دلار؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤٦/٤٪ (از جمله وسایل نقلیه و قطعات‌یدکی ۱۵/۷٪)؛ موادشیمیایی ۹/٤٪؛ تجهیزات علمی ودقیق ۵/٤٪؛ غذا وحیوانات زنده ٤/۵٪؛ به‌کشورهای کانادا ۲۲٪؛ ژاپن ۹/۵٪ ؛ مکزیک ۱۰/٤٪ ؛ انگلستان ۵/۳٪ ؛ کرهٔ جنوبی ۳/٦٪ ؛ آلمان ۳/۵٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۱۵۱/۳	-۱۵۸/۸	-۱۸۹/۲	-۱۸۱/۹	-۲۳۱/۱	-۳٤۳/۳
درصد کل	۱۲/۹٪	۱۲٪	۱۳/٤٪	۱۱/۷٪	۱٤/۵٪	۲۰٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۹۹۵=۱۰۰):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٤/۸	۹۷/۳	۱۰۰	۱۰۲/۹	۱۰۵/۳	۱۰۷	۱۰۹/۳
شاخص درآمد ساعتی	۹۵	۹۷/۵	۱۰۰	۱۰۳/۳	۱۰٦/٤	۱۰۹/۱	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۷): ۲ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار: ۳۷،۰۰۵ دلار؛ منابع درآمد: حقوق و دستمزد ۵۵/۸٪ ؛ پرداخت‌های انتقالی ۱٦/۵٪ ؛ خوداشتغالی ۷/۹٪ ؛ هزینه‌ها: حمل و نقل ۱۸/٦٪ ؛ مسکن ۱۸/٤٪ ؛ مواد غذایی ۱٤٪ ؛ سوخت ٦/۸٪؛ لوازم منزل ۵/۹٪ ؛ تفریحات ۵/۵٪ ؛ بهداشت ۵/٤٪ ؛ پوشاک ۵/۳٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۹٤،۱٦۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ٦۹،٤۵۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ٦،۳٤۸،۲۲٦ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲۲۲،۰۰۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱۲۹،۷٤۹،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۷۸،۰۰۵،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن(۱۹۹٦): ۵۰۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۸۳٤ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱،۵۲۰ روزنامه در ۵۹،۹۹۰،۰۰۰ نسخه (۲۱۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۱،۵۹۳ عنوان

کتاب: ٦۸،۱۷۵ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۵۷۵،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲،۱۱٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۳۱،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۸٤۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۷۹،۸۲۲،۰۰۰ خط تلفن (٦٦۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۸۵،۰۱۸،۰۰۰ خط (۳۱۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۲٤،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٦۰،۰۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموزبه معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۸۵،۳۹۳	۱،۷۸٤،۰۰۰	۳۳،٤۱۰،۰۰۰	۱۸/۷
متوسطه / فنی و حرفه‌ای		۱،۱۸۷،۰۰۰	۱۷،۳۹۰،۰۰۰	۱٤/٦
عالی	۵،۷۸۵	۸۳۳،۰۰۰	۱٤،۲۱۰،۰۰۰	۱۷/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۸): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۵/۵٪ ؛ مردان: ۹۵/۷٪ ؛ زنان : ۹۵/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۷۵٦،۰۰۰ نفر (هر ۳٤۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۵) : ۱،۰۸۱،۰۰۰ تخت (هر ۲٤۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۸۲۰،۰۰۰ نفر (۰/۷٦٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٦/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،٦۹۹ کالری (۱٤۰٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)
مصرف پروتئین: ۱۱۲ گرم؛ مصرف چربی: ۱٤۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۳-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱٤۵/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۵،۳۰۹/۷ میلیون تن، هر نفر ۱۹/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۲۹ (سومین کشور جهان)

۵۹۶۹ کیلومتر، طویل‌ترین رود، دریاچهٔ سوپریور با ۸۲,۱۰۰ کیلومترمربع وسعت بزرگترین دریاچه و جزیرهٔ هاوایی با ۱۰,۴۵۸ کیلومترمربع مساحت، بزرگترین جزیرهٔ آن محسوب می‌شود.

کشور امریکا یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گازهای سمی جهان مانند دی‌اکسید کربن است که در بالا بردن دمای کرهٔ زمین نقش مؤثری دارد و مسئولیت خطیر امریکا را در حفظ بهداشت محیط زیست سنگین‌تر می‌کند.

جمعیت کشور امریکا را تنها ۱/۹ میلیون تن بومیان امریکایی تشکیل می‌دهند و در کنار آنان اکثریت بزرگ اروپایی تباران بخصوص انگلیسی‌ها، آلمانی‌ها، ایرلندی‌ها، روسی‌ها و ایتالیاییها قرار دارند و مهاجران افریقایی (۱۱ درصد) و آسیایی (۸ درصد) نیز از دیگر جوامع امریکا محسوب می‌گردند.

تاریخچه

آن قسمت از قارهٔ امریکای شمالی که امروز به کشور امریکا موسوم است، حدود ۳۰,۰۰۰ سال پیش به وسیلهٔ اقوامی احتمالاً آسیایی که از راه تنگهٔ برینگ به این سرزمین وارد شده بودند، مسکون گردید. اقوام مزبور که ترکیبی از قبیله‌های آپاچی، آراپاهو، چروکی، شاین، چیپوآ، کراو، کامنچی، هوپی، ایراکویی، لاکوتا، ناواهوونز و غیره بودند، با صحرانشینی و شکار و جمع‌آوری دانه روزگار می‌گذراندند. آنان به تدریج با کشاورزی آشنا شدند و گروهی هم به شهرنشینی روی آوردند و به احداث شهرک‌هایی چون چاهوکیا در محلی نزدیک شهر سنت‌لوییس امروزی که جمعیت آن در سال ۱۰۰۰ پیش از میلاد به ۴۰۰۰ تن می‌رسید، پرداختند.

نخستین اروپاییانی که به امریکا پا گذاردند، وایکینگ‌های دریانورد گروئنلندی بودند. بعد از سفر اکتشافی و معروف کریستف کلمب در ۱۴۹۲، اسپانیاییها ماندگاههایی در سنت‌آگوستین و فلوریدا و سانتافه احداث کردند و تکزاس و کالیفرنیا را درنوردیدند. بعد از اسپانیاییها نوبت به انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و هلندی‌ها رسید تا سراسر نیم‌قاره را بپویند و ماندگاههایی در گوشه و کنار آن احداث نمایند. ارناندو دسوتو که در سال ۱۵۴۰ از امریکا دیدن کرده است از قبیلهٔ چروکی به عنوان قبیله‌ای با کشاورزی پیشرفته یاد می‌کند و به ارتباط آنان با اوهایوو ساکنان می‌سی‌سی‌پی و آزتک‌ها اشاره می‌کند. در سال ۱۷۶۰ جمعاً حدود ۹۰,۰۰۰ افریقایی برده که شمارشان دو برابر مهاجران سفیدپوست اروپایی آن زمان بود، در امریکا مشغول به کار بودند. غالب انگلیسی‌هایی که به امریکا مهاجرت کرده بودند، کسانی بودند که یا از نظر مذهبی تحت فشار بودند و یا مضیقه‌های مالی و سیاسی آنان را به مهاجرت واداشته بود. در ۱۷۳۳ جمعاً ۱۳ ماندگاه انگلیسی که ساکنان آن عمدتاً به کشاورزی و ماهیگیری و داد و ستد روزگار می‌گذراندند، در امریکا دایر بود. در سال ۱۷۶۳ در پی جنگ انگلیس و فرانسه، ماندگاههای فرانسوی در می‌سی‌سی‌پی خاوری به انگلیسی‌ها واگذار شد و ماندگاههای نواحی غربی در اختیار اسپانیاییها قرار گرفت.

زمزمه‌های استقلال‌طلبی و جنگ با نیروهای دولتی انگلیس، در سال ۱۷۷۵ آغاز گردید و با حمایت فرانسوی‌ها به عقد قرارداد ۴ ژوئیهٔ ۱۷۷۶ و استقلال امریکا منجر شد. در سال ۱۷۸۹ جورج واشینگتون فرماندهٔ ارتش امریکا به عنوان نخستین رییس جمهور برگزیده شد. در ۱۸۱۹ میان امریکا و اسپانیا بر سر انضمام فلوریدا جنگ درگرفت و به دنبال نبرد سال ۱۸۴۵ با مکزیک، سرزمین کالیفرنیا نیز ضمیمهٔ امریکا شد و در سال ۱۸۵۰ به یکی از ایالتهای دولت فدرال امریکا مبدل شد. در سال ۱۸۵۳ اورگون نیز به ایالات متحدهٔ امریکا پیوست.

طی سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ جنگهای داخلی که انگیزهٔ آن ظاهراً لغو برده‌داری بود و در حقیقت مایه‌های اقتصادی داشت، بین ایالت‌های شمال و جنوب درگرفت. آبراهام لینکلن که در سال ۱۸۶۰ به ریاست جمهوری رسیده بود، به جنگ داخلی خاتمه داد و با یک میلیون کشته به برده‌داری پایان داده شد. طی سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰ جمعیت امریکا از ۳۸ میلیون به ۱۰۶ میلیون نفر رسید و تعداد ایالتهای آن نیز از ۳۷ به ۴۸ فزونی یافت. در پایان سدهٔ نوزدهم دو حزب سیاسی جمهوری‌خواه و دموکرات تأسیس گردید و سالهای ۱۸۸۹ تا ۱۹۲۰ به مبارزه برای دفاع از حقوق و آزادی زنان امریکایی صرف گردید. زمانی که جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ آغاز شد، امریکا نخست بی‌طرفی پیشه کرد ولی در سال ۱۹۱۷ به دولتهای آلمان و اتریش و عثمانی اعلان جنگ داد و پس از پایان جنگ در سال ۱۹۱۸ در انعقاد پیمان صلح ورسای و نظم بخشیدن به اروپا، دخالت مستقیم نمود و در سال ۱۹۲۰ به عضویت جامعهٔ ملل درآمد. اگرچه امریکا از جنگ اول پیروز و نیرومندتر از قبل بیرون آمد، ولی با بحران اقتصادی موسوم به سقوط بزرگ وال استریت در سال ۱۹۲۹ روبرو گردید و طی آن بانکهای زیادی ورشکسته شدند و صنایع امریکا آسیب فراوان دید و شمار بیکاران به ۱۱ میلیون تن رسید.

فرانکلین روزولت رییس جمهور سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ در کنترل بحران تلاش بسیار کرد و در حالی که اروپا برای جنگ جهانی دوم آماده می‌شد، کنگرهٔ امریکا در سال ۱۹۳۵ بی‌طرفی امریکا را به تصویب رسانید. ولی توسعهٔ جنگ و حساسیت اوضاع بین‌المللی از یک سو و حملهٔ ژاپن به پایگاه دریایی پرل‌هاربر از سوی دیگر، امریکا را در سال ۱۹۴۱ به مداخله در جنگ ناگزیر ساخت و به حمایت انگلستان و فرانسه به نیروهای محور اعلان جنگ داد. جنگ دوم به روند توسعه و پیشرفت امریکا سرعت بخشید و شمار مشاغل را به میزان چشمگیری افزایش داد. پس از شکست آلمان در اروپا و درگذشت فرانکلین روزولت، هری ترومن به ریاست جمهوری رسید و در ششم و نهم اوت ۱۹۴۵ برای اولین بار دستور بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپن را صادر کرد و بدینسان ژاپن را به پای میز مذاکرات صلح کشانید و در همان سال سازمان ملل متحد افتتاح گردید. ترومن در سال ۱۹۴۸ برای بار دوم به ریاست جمهوری برگزیده شد و امریکا به قدرت اول جهانی مبدل گردید.

جنگ سردی که اندک زمانی پس از پایان جنگ دوم با اتحاد شوروی آغاز گردید، دو ابرقدرت جهانی را رودرروی یکدیگر قرار داد و پیمان نظامی آتلانتیک شمالی به همین انگیزه پایه‌گذاری شد. در سال ۱۹۵۲ ژنرال دوایت آیزنهاور به ریاست جمهوری امریکا برگزیده شد. جنگ کره یکی از مهمترین رویدادهای دورهٔ ریاست جمهوری وی بود. در سال ۱۹۶۰ رییس جمهور امریکا و خروشچف رهبر اتحاد شوروی با یکدیگر دیدار کردند. در انتخابات سال ۱۹۶۰ جان. اف. کندی از حزب دموکرات به پیروزی دست یافت و ریاست جمهوری را از آن خود کرد. در سال ۱۹۶۱ بحران خلیج خوک‌ها در کوبا که نزدیک بود به جنگ سوم منجر شود، روی داد و ترور جان کندی در شهر دالاس وحشت و نگرانی را بر جامعهٔ امریکا حاکم ساخت. لیندن جانسون که پس از ترور کندی جانشین او شده بود، در سال ۱۹۶۴ مجدداً به ریاست جمهوری رسید.

جنگ ویتنام که به خشونت شدید و بن‌بست نظامی رسیده بود، موج نارضایتی و اعتراض امریکاییان را برانگیخت و دولت امریکا را وادار ساخت تا راه حلی برای خروج از جهنم ویتنام بیابد. ترور مارتین لوترکینگ رهبر سیاهان امریکا به بحران اجتماعی کمک کرد و با جنبش بومیان که در سال ۱۹۶۹ به تصرف زندان آلکاتراز منجر شد، به اوج خود رسید. در انتخابات سال ۱۹۶۸، ریچارد نیکسون از حزب جمهوری‌خواه به ریاست جمهوری رسید و در انتخابات ۱۹۷۲ موقعیت خود را برای بار دوم تثبیت کرد. او در سال ۱۹۷۳ از مسکو و پکن دیدار کرد و در سال ۱۹۷۴ فرمان خروج نیروهای امریکا را از ویتنام صادر کرد و در همان سال در پی بحران واترگیت ناگزیر به کناره‌گیری شد و جرالد فورد معاون او به جای او مسئولیت امور را برعهده گرفت. در سال ۱۹۷۸ هزاران نفر از سرخپوستان در اعتراض به وضع اسف‌بار زندگیشان دست به طولانی‌ترین راهپیمایی زدند.

دولت جمهوری‌خواه امریکا به ریاست رونالد ریگان که از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ بر سر کار بود برای به زانو درآوردن اقتصاد دولت در حال نزاع شوروی، جنگ ستارگان را مطرح کرد و چند بار با میخائیل گورباچف رهبر شوروی دیدار کرد.

در انتخابات سال ۱۹۸۸ جورج بوش به ریاست جمهوری رسید و در فوریهٔ سال ۱۹۹۱ رهبری نیروهای چند ملیتی را در رویارویی با عراق و جنگ خلیج فارس رهبری کرد و دکترین نظم نوین جهانی را مطرح نمود. بیل کلینتون در انتخابات سال ۱۹۹۲ از حزب دموکرات حکومت امریکا را در دست گرفت. در سال ۱۹۹۴ قرارداد تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) بین امریکا و کانادا و مکزیک منعقد شد. در ژانویهٔ ۱۹۹۴ کلینتون و بوریس یلتسین رییس جمهور روسیه با یکدیگر دیدار کردند و در مورد محدود کردن سلاح‌های اتمی به مذاکره پرداختند. در نوامبر ۱۹۹۵ کلینتون رهبری عملیات نظامی در بوسنی هرزگوین را عهده‌دار شد و در اکتبر ۱۹۹۶ فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را برای مذاکره پیرامون صلح خاورمیانه به واشینگتون دعوت کرد. در انتخابات نوامبر ۱۹۹۶ کلینتون برای بار دوم به مقام ریاست جمهوری امریکا منصوب شد و در مه ۱۹۹۷ به درخشان‌ترین پیروزی سیاسی خود یعنی جلب موافقت روسیه با توسعهٔ پیمان ناتو در کشورهای اروپای شرقی دست یافت. قطعنامهٔ شمارهٔ ۱۱۳۴ سازمان ملل متحد دربارهٔ خلع سلاح عراق صادر شد و بغداد را در صورت ممانعت از بازرسی تسلیحاتی به عملیات نظامی تهدید کرد. در فوریهٔ ۱۹۹۸ هزاران امریکایی در اعتراض به سیاست کلینتون در رهبری عملیات نظامی علیه عراق و مردم بی‌دفاع آن دست به تظاهرات زدند. در سال ۱۹۹۸ امریکا رهبری عملیات نظامی نیروهای ناتو علیه یوگسلاوی در مورد مسئلهٔ کوزوو را بر عهده گرفت.

در طی دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱، امریکا شاهد رشد مداوم قدرت اقتصادی خود بود و رکورد طولانی‌ترین دورهٔ رشد اقتصادی مداوم بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ برای وی ثبت شد. در این دوره اگرچه اصلاحاتی در مورد قوانین تأمین اجتماعی به عمل آمد، اما هنوز هم فاصلهٔ بین فقرا و ثروتمندان همچنان در حال افزایش بود و این امر بیش از همه به طبقهٔ متوسط فشار وارد می‌کرد. انتخابات سال ۲۰۰۰ برای تعیین چهل و سومین رییس جمهور امریکا به دلیل نزدیکی آرای دو کاندیدای اصلی یعنی ال گور از سوی دموکراتها و جورج واکربوش از سوی جمهوری‌خواهان به بحرانی چند ماهه در این کشور منجر شد که در نهایت با شمارش مجدد آراء در چند حوزه رأی نهایی به نفع جورج بوش صادر شد.

در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، هنوز چند ماهی از آغاز دوران ریاست جمهوری جورج بوش نگذشته بود که چند حملهٔ تروریستی وحشتناک به مراکز مهم اقتصادی، نظامی و سیاسی امریکا جهان را در حیرت فرو برد. در این روز چند هواپیمای مسافربری غول‌پیکر که از فرودگاههای بوستون، نیویورک و واشینگتون به پرواز درآمده بودند، توسط هواپیماربایانی که فقط به سلاح‌های سرد مسلح بودند، ربوده شدند و به سبک عملیات انتحاری به ساختمان‌های مهمی نظیر مرکز تجارت جهانی نیویورک و وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) کوبیده شدند. در این مجموعه عملیات تمامی مسافران هواپیماها، هواپیماربایان و هزاران نفر از ساکنین برج‌های

دوقلوی مرکز تجارت جهانی و ساختمان‌های اطراف آن کشته شدند و علاوه بر برج‌های دوقلوی فوق، چندین ساختمان کوچکتر نیز که در مجاورت آنها قرار داشت به طور کامل منهدم شد. دولت امریکا بلافاصله گروه القاعده، مستقر در افغانستان را مظنون اصلی این عملیات معرفی نمود و با مشارکت گسترده برخی از کشورهای جهان عملیات گسترده‌ای را از ماه اکتبر برای انهدام کامل گروه القاعده و طالبان که از استرداد اسامه بن لادن رهبر القاعده خودداری کرده بود، آغاز نمود. حملات همه جانبهٔ زمینی و هوایی امریکا و متحدان آن باعث از بین رفتن حکومت طالبان شد و نیروهای اتحاد شمال و سایر مخالفان گروه طالبان، با حمایت امریکا ادارهٔ امور افغانستان را به عهده گرفتند. اگرچه تقریباً تمامی خاک افغانستان از گروه طالبان پاکسازی شده، اما هنوز نیروهای چند ملیتی مستقر در افغانستان موفق به دستگیری رهبران طالبان و گروه القاعده نشده‌اند.

حملهٔ تروریستی ۱۱ سپتامبر، موقعیت متزلزل جورج بوش را که در پی یک انتخاب مبهم و با نتایج ضعیف به ریاست جمهوری رسیده بود کاملاً مستحکم کرد و نتایج نظرخواهی‌ها حکایت از آن داشت که میزان محبوبیت و اعتبار وی در میان تمام رؤسای جمهور امریکا به بالاترین حد خود رسیده است. به علاوه حادثهٔ ۱۱ سپتامبر تأثیر عمیقی بر معادلات صحنهٔ سیاسی جهان گذارد که نتایج آن تا سالیان آینده نیز ادامه خواهد داشت.

در طی سال ۲۰۰۲، دو مسئله عمده در امریکا مورد بحث بود: یکی، دلایل شکست سیستم امنیتی این کشور در مقابل حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، و دیگری نحوهٔ مقابله با دولت عراق. در مورد اول، پس از بحثهای فراوان سرانجام دولت امریکا اقدام به تأسیس وزارت امنیت داخلی نمود. در مورد دوم نیز دولت امریکا با پیش گرفتن یک سیاست جنگ‌طلبانه، نیروهای نظامی زیادی را از اواخر سال ۲۰۰۲ به منطقهٔ خلیج فارس اعزام نمود و به گسترش حضور خود در این منطقه به منظور حمله به خاک عراق پرداخت.

سرزمین‌های مشترک‌المنافع امریکا
UNITED STATES COMMONWEALTH TERRITORIES

کشور امریکا دارای دو سرزمین مشترک‌المنافع است که عبارتند از: جزایر ماریانای شمالی، واقع در اقیانوس آرام و پوئرتوریکو در دریای کارائیب. این سرزمین‌ها از خودمختاری کامل برخوردارند و به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از خاک ایالات متحده امریکا محسوب می‌شوند.

پوئرتوریکو
Puerto Rico

جزیره‌ای است به وسعت حدود ۹۱۰۴ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۳,۸۲۹,۰۰۰ (۲۰۰۱) نفر در حاشیهٔ شمالی دریای کارائیب و غرب اقیانوس اطلس، در امریکای مرکزی. پوئرتوریکو که کوچکترین و خاوری‌ترین جزیرهٔ آنتیل‌های بزرگ است در خاور جمهوری دومینیکن قرار دارد و از شمال به آبهای اقیانوس اطلس محدود است و جزایر ویرجین در خاور و دریای کارائیب از جنوب آن را محدود کرده است. پوئرتوریکو سرزمینی است کوهستانی با ارتفاع حداکثر ۱۳۳۸ متر (قلهٔ پونتا) که از جنگلهای بارانی پوشیده شده و ذرت و مانیوک (گیاهی که برای گرفتن نشاسته به کار می‌رود) در نواحی مرتفع آن به دست می‌آید. در دامنه‌های غربی کوههای مرکزی کشتزارهای وسیع قهوه و در نواحی مرکزی مزارع کوچک توتون و تنباکو وجود دارد و دامنه‌های شمالی کوهها به باغهای مرکبات و آناناس و نیشکر اختصاص یافته که محصول آنها اغلب به کشور امریکا صادر می‌گردد. اقلیم پوئرتوریکو گرم و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های لاپلاتا، گرانده دماناتی و گرانده دآناسکو از مهمترین رودهای آن هستند.

پوئرتوریکو علاوه بر جزیرهٔ اصلی از جزایر کوچک دیگری چون ویلس (۴۳ کیلومترمربع)، مونا (۴۰ کیلومترمربع) و کولبرا تشکیل یافته است. جمعیت پوئرتوریکو را افریقایی‌تباران (۲۰ درصد) و اسپانیایی‌تباران (۸۰ درصد) تشکیل می‌دهند. حدود ۳,۰۰۰,۰۰۰ نفر از اهالی پوئرتوریکو طی دهه‌های اخیر به کشور امریکا مهاجرت کرده و خاک وطن خود را به دلیل بیکاری و فقر و تنگدستی ترک نموده‌اند. پوئرتوریکو فاقد مذهب رسمی است. کاتولیک‌ها ۶۵٪، پروتستان‌ها حدود ۲۹٪ و دیگر مذاهب ۶٪ جمعیت را شامل گردیده‌اند. زبان‌های رسمی پوئرتوریکو انگلیسی و اسپانیایی است. ولی بیشتر مردم به زبان اسپانیایی صحبت می‌کنند. نام رسمی این سرزمین، مشترک‌المنافع پوئرتوریکوست. مرکز آن شهر سان‌خوآن (حدود ۱,۱۰۰,۰۰۰ نفر) است و پونسه، کاگواس، مایاگوئز و آرسیبو از جمله شهرهای مهم آن هستند.

پوئرتوریکو دارای حکومت مشترک‌المنافع در پیوند با ایالات متحده امریکا است و در امور داخلی خود از استقلال نسبی برخوردار است. فرماندار آن بر پایهٔ انتخابات عمومی برگزیده می‌شود و زیر نظر مجلس سنا با ۲۷ عضو و مجلس نمایندگان با ۵۱ عضو به ادارهٔ امور می‌پردازد. روز ملی آن ۲۳ سپتامبر (شروع انقلاب علیه استعمار) است و واحد پول رایج دلار امریکاست.

در سال ۱۵۰۹، پانزده سال بعد از ورود کریستف کلمب به این سرزمین که در آن هنگام توسط آراواک‌ها مسکونی گردیده و بورینکوئن نامیده می‌شد، تحت تسلط استعمارگران اسپانیایی درآمد. پوئرتوریکو خاوری‌ترین جزیرهٔ آنتیل‌های بزرگ است و چون در مدخل دریای کارائیب قرار دارد، از موقعیت استراتژیکی ممتازی برخوردار است. پوئرتوریکو حدود ۴۰۰ سال در تصرف اسپانیایی‌ها قرار داشت. در دهه‌های اول سدهٔ شانزدهم اقتصاد جزیره بر مبنای تولید شکر پایه‌گذاری شد و بردگان افریقایی در کشتزارها به کار گمارده شدند. به طوری که شمار آنان در سال ۱۵۶۰ به ۱۵,۰۰۰ تن می‌رسید و به همین مناسبت فرهنگ مردم پوئرتوریکو به شدت تحت تأثیر فرهنگ استعمارگران اسپانیایی و بردگان افریقایی قرار دارد.

طی سالهای ۱۸۲۲، ۱۸۲۶، ۱۸۴۳ و ۱۸۴۸ افریقایی‌تباران و بومیان علیه استعمارگران اسپانیایی به پا خاستند که از سوی اسپانیایی‌ها سرکوب گردید. در ۱۸۶۸، پنج سال قبل از الغاء برده‌داری، گروهی به رهبری رامون امتریو بتانس قیام کردند و برای کسب آزادی شروع به مبارزه نمودند و استقلال پوئرتوریکو را در شهر لارس اعلام داشتند. اگرچه این قیام به موفقیتی دست نیافت، حداقل به شکل گیری ملت پوئرتوریکو منتهی گردید. در سال ۱۸۹۷ نیروهای مسلح کوبا به رهبری خوزه مارتی به پوئرتوریکو وارد شدند و نیروهای امریکایی نیز همزمان با جنگهای امریکا و اسپانیا، پوئرتوریکو را تصرف کردند و در کنفرانس پاریس در سال ۱۸۹۸ مالکیت خود را بر پوئرتوریکو رسمیت بخشیدند و پوئرتوریکو به صورت قسمتی از خاک امریکا مورد شناسایی قرار گرفت. مردم آن در سال ۱۹۱۷ ملیت امریکایی یافتند ولی از حق شرکت در انتخابات عمومی و ریاست جمهوری امریکا منع گردیدند و زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی پوئرتوریکو تعیین گردید و یک پایگاه نظامی در آن احداث گردید. نهضت‌های استقلال طلبی ۱۹۳۰ و ۱۹۵۰ به سختی سرکوب شد و پدرو آلبیزو کامپوس، رهبر استقلال طلبان تبعید گردید.

فشارهای خارجی در سال ۱۹۴۷ دولت امریکا را وادار کرد تا با انتخاب فرماندار از طریق مراجعه به آراء عمومی موافقت کند. در انتخابات سال ۱۹۴۸ لوئیس مونیوس مارین، رهبر حزب دموکراتیک مردمی، به سمت نخستین فرماندار محلی انتخاب شد و با اقداماتی که انجام داد، پوئرتوریکو را به خودمختاری داخلی رسانید و آن را به یکی از اعضای مشترک‌المنافع امریکا تبدیل نمود. در سال ۱۹۵۹ قانون اساسی پوئرتوریکو تدوین و تصویب گردید. عضویت پوئرتوریکو در جامعهٔ مشترک‌المنافع امریکا تا این زمان همچنان ادامه دارد و امور دفاعی و مالی و روابط خارجی آن تحت نظر دولت امریکا انجام می‌شود. در دوران فرمانداری مونیوس مارین صنایع پوئرتوریکو ترقی قابل توجهی کرد و از شرکتهای امریکایی در امور مختلف آن سرمایه‌گذاریهای قابل توجهی به عمل آمد. در دههٔ ۱۹۶۰، جنبش‌های استقلال‌طلبی مجدداً اوج گرفت، اما همه‌پرسی سال ۱۹۶۷ به تداوم وضع موجود رأی داد. در انتخابات سال بعد، حزب ترقی‌خواه نوین که خواهان تبدیل پوئرتوریکو به عنوان پنجاه و یکمین ایالات امریکا است، به پیروزی رسید. در انتخابات ۱۹۷۲ رافائل ارناندس، از حزب دموکراتیک مردمی، به فرمانداری رسید و در انتخابات ۱۹۷۶ جای خود را به کارلوس رومرو بارسلو، از حزب ترقی‌خواه نوین، واگذار کرد.

پوئرتوریکو دارای یک نماینده در کنگرهٔ امریکاست که از دادن حق رأی محروم است و در عوض به پوئرتوریکو اجازه داده شد تا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۸۰ امریکا شرکت کند. در انتخابات نوامبر ۱۹۸۴ رافائل ارناندس کولون به سمت فرمانداری پوئرتوریکو برگزیده شد و انتخابات سال ۱۹۸۸ موقعیت وی را مجدداً تأیید نمود. کمیتهٔ ضد استعمار سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۸۹ علاقهٔ خود را نسبت به کسب حقوق و آزادیهای مشروع انسانی مردم پوئرتوریکو تا حصول به استقلال اعلام داشت.

در انتخابات ۱۹۹۲ پدرو روسلّو که از الحاق پوئرتوریکو به امریکا حمایت می‌کرد به فرمانداری برگزیده شد. وی اعلام داشت که زبان انگلیسی را به عنوان تنها زبان رسمی کشور به رسمیت خواهد شناخت و از اهمیت زبان اسپانیایی خواهد کاست. این نظریه با مخالفت وسیع مردم پوئرتوریکو مواجه شد و در نتیجه در ۱۹۹۳ زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی توأماً رسمیت یافت. در ۱۹۹۷ روسلّو برای بار دوم به فرمانداری پوئرتوریکو انتخاب گردید. در همه پرسی سال ۱۹۹۸، بیشتر مردم به حفظ وضعیت موجود رأی دادند و استقلال طلبان تنها حدود ۲.۵٪ آراء را به دست آوردند، در حالی که بیش از ۴۰٪ مردم خواهان تبدیل پوئرتوریکو به ایالت پنجاه و یکم امریکا شدند. در انتخابات سال ۲۰۰۱، سیلا ماریا کالدرون، از حزب دموکراتیک مردمی به پیروزی رسید و وعده داد تا در سال ۲۰۰۳، همه‌پرسی جدیدی در بارهٔ حفظ وضعیت موجود یا استقلال جزیره برگزار نماید.

جزایر ماریانای شمالی
Northern Mariana Islands

مجموعه جزایری است به مساحت ۴۶۴ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۷۳,۴۰۰ نفر (۲۰۰۱)، در زمره جزایر میکرونزی، در آبهای غربی اقیانوس آرام، خاور فیلیپین و جنوب ژاپن. این جزایر از ۱۶ جزیره (غیر از جزیرهٔ گوآم) ترکیب یافته که شش جزیرهٔ آن مسکونی است

و مهمترین و بزرگترین آنها جزایر سایپان (۱۲۲ کیلومترمربع)، تینیان (۱۰۱ کیلومترمربع) و روتا (۸۵ کیلومترمربع) است. جزایر مزبور عمدتاً کوهستانی هستند و منشأ آتشفشانی دارند. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و اکثر جزایر از جنگلها و روییدنی‌های بارانی پوشیده‌اند. در اثر جزر و مدهای متوالی بخش‌های زیادی از خاک این جزایر به زیر آب می‌رود و به همین دلیل مساحت آن از ۴۵۷ تا ۴۷۷ کیلومترمربع در نوسان است.

اکثریت مردم آن را فیلیپینی‌ها و چاموروها تشکیل می‌دهند و ژاپنی‌ها، چینی‌ها، کره‌ای‌ها، اروپائی‌ها و میکرونزیایی‌ها جزء اقلیت‌های قومی آن هستند. مذهب رایج عمدتاً کاتولیک است و زبان رسمی انگلیسی است و به زبان چامورو نیز گفتگو می‌کنند. نام رسمی آن مشترک‌المنافع جزایر ماریانای شمالی است و مرکز آن، کاپیتال هیل با ۲،۹۶۸ نفر جمعیت (۱۹۹۵) در جزیره سایپان قرار دارد. گاراپان، سان‌آنتونیو، چالان‌کانوا و سان‌هوزه از شهرها و روستاهای مهم آن هستند. جزایر ماریانای شمالی جزء مشترک‌المنافع دولت امریکا محسوب می‌گردد و رئیس جمهور امریکا ریاست آن را بر عهده دارد. فرماندار آن از سوی مردم انتخاب می‌گردد و دارای دو مجلس قانونگذاری است که عبارتند از: مجلس نمایندگان با ۱۸ عضو و مجلس سنا با ۹ عضو. روز ملی آن هشتم ژانویه (روز مشترک‌المنافع) است و واحد پول دلار امریکاست.

سایپان که بزرگترین جزیرهٔ مجمع‌الجزایر ماریانای شمالی است از ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسکون بوده است. فردیناند ماژلان در سال ۱۵۲۱ از آن دیدن کرد و آن را به مالکیت اسپانیا درآورد و تا سال ۱۸۹۹ که به آلمان فروخته شد، در اختیار اسپانیا باقی ماند. در جنگ جهانی اول تحت کنترل ژاپن قرار گرفت و در جنگ دوم نیز به تصرف ژاپن درآمد. در سال ۱۹۴۴ پس از یک نبرد خونین، جزایر سایپان و تینیان به تصرف امریکا درآمد و جزء سرزمین‌های تحت‌الحمایه امریکا در اقیانوس کبیر قرار گرفت و با تأسیس سازمان ملل متحد، قیمومت آن به امریکا واگذار شد.

در همه‌پرسی سال ۱۹۷۵ از مجموعهٔ سرزمین‌های تحت‌الحمایه امریکا خارج شد و به یکی از سرزمین‌های آزاد ولی پیوسته به امریکا مبدل شد و قانون اساسی آن در سال ۱۹۷۷ به تصویب جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا رسید و دارای دو مجلس قانونگذاری گردید و یک پایگاه نظامی در جزیرهٔ تینیان احداث شد و تبدیل به انبار سلاح‌های اتمی گردید. در زمان رئیس جمهوری ریگان (۱۹۸۴)، از پاره‌ای حقوق سیاسی و اجتماعی بهره‌مند گردیدند.

در سال ۱۹۸۶ ماریانای شمالی به یکی از اعضای مشترک‌المنافع امریکا مبدل گردید و مردم آن از حقوق و مزایای یک شهروند امریکایی به غیر از حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری بهره‌مند گردیدند و یک کرسی پارلمانی در کنگرهٔ امریکا، بدون حق رأی به آنان داده شد.

عمده‌ترین فعالیت اقتصادی ماریانای شمالی ماهیگیری و کشاورزی است و علاوه بر آن گردشگری نیز با به کارگیری ۱۰ درصد نیروی کار، یکی دیگر از منابع درآمد این سرزمین محسوب می‌شود. پدیدهٔ توفندهای سهمگین که هرچند وقت یک بار بر این سرزمین می‌تازد یکی از عوامل عمدهٔ ویرانگری و خسارت‌های اقتصادی آن است. جزیرهٔ روتا در توفند ژانویهٔ ۱۹۸۸ به سختی آسیب دید و ویران گردید و توفند ژانویهٔ ۱۹۹۰ نیز بر جراحات آن افزود. در انتخابات فرمانداری سال ۱۹۸۹ لاری گررو از سوی جمهوری‌خواهان برنده شد و سمت فرمانداری ماریانای شمالی را از آن خود کرد و فرمانداری در انتخابات سال ۱۹۹۲ به فرویلان تنوریو تعلق گرفت و در سال ۱۹۹۴ نیز برای بار دوم به این سمت برگزیده شد و در انتخابات ژانویهٔ ۱۹۹۸ پدرو تنوریو به سمت فرمانداری برگزیده شد.

سرزمین‌های خارجی امریکا
UNITED STATES EXTERNAL TERRITORIES

این سرزمین‌ها که عمدتاً شامل جزایر ساموآی امریکا، جزیرهٔ گوآم، جزایر ویرجین امریکا و چند جزیرهٔ کوچک دیگر می‌شوند، به عنوان اجزاء ناپیوستهٔ این کشور محسوب می‌شوند.

جزایر ویرجین امریکا
The United States Virgin Islands

جزایری است به مساحت ۳۴۷ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۱۰۲،۰۰۰ نفر (۱۹۹۹)، در حاشیهٔ شمال خاوری دریای کارائیب، خاور پوئرتوریکو، بخش غربی گروه جزایر ویرجین را تشکیل داده و مشتمل بر سه جزیرهٔ اصلی سنت‌کروآ (۲۱۵ کیلومترمربع)، سنت‌توماس و سنت‌جان حدود ۵۰ جزیرک غیر مسکون دیگر است. این جزایردارای منشأ آتشفشانی و کلاً کوهستانی است و حداکثر ارتفاع در آنها به ۴۷۴ متر می‌رسد.

اقلیم گرم و مرطوب و بارندگی منظم دارند و قدری میوه و سبزیجات که در سنت‌کروآ و سنت‌توماس می‌رویند، از فرآورده‌های کشاورزی آن است. صنعت گردشگری عمده‌ترین منبع درآمد آن است و محصولات پالایشگاه بزرگ نفت سنت‌کروآ، به بازارهای امریکا صادر می‌شود. بیشتر مردم این جزایر انگلیسی‌زبان هستند و افریقایی‌تباران اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند و اسپانیایی‌تباران و پوئرتوریکوییها جزء اقلیتهای قومی آن به شمار می‌آیند. عمدتاً از مذاهب پروتستان و کاتولیک پیروی می‌کنند و زبان رسمی انگلیسی است، اگرچه به زبانهای اسپانیایی و کریول نیز کمابیش گفتگو می‌کنند. پایتخت آن شهر شارلوت آمالیه (۱۲،۳۳۱ نفر درسال ۱۹۹۰) واقع بر جزیره سنت‌توماس است. فرماندار جزایر توسط مردم انتخاب می‌گردد و یک شورای قانونگذاری مرکب از ۱۵ نماینده انتخابی نیز بر ادارهٔ امور نظارت دارد و واحد پول رایج دلار امریکاست.

کاریب‌ها و آراواک‌ها قدیمی‌ترین ساکنان جزایر ویرجین امریکا بودند. کریستف کلمب در سال ۱۴۹۳ به آنجا وارد شد و به دنبال آن ساکنان بومی به دست تازه‌واردان اروپایی قتل عام شدند و نابود گردیدند. بعد از اسپانیایی‌ها، هلندی‌ها در سدهٔ هجدهم بر این جزایر استیلا یافتند و به احداث کشتزارهای پنبه و نیشکر پرداختند و بردگان افریقایی را در مزارع مزبور به بیگاری گرفتند. در دورهٔ دوم ریاست جمهوری آبراهام لینکلن، دولت امریکا جزایر مزبور را به تصرف خود درآورد و در پایان جنگ اول جهانی با پرداخت ۲۵ میلیون دلار به هلندی‌ها، مالکیت آنها را از آن خود کرد. اولین قانون اساسی آن در سال ۱۹۶۹ به تصویب رسید و به مورد اجرا گذارده شد. اقتصاد محلی جزایر ویرجین به کمکهای امریکا بستگی مستقیم دارد. پالایشگاهی که در جزیره سنت‌کروآ نصب شده، یکی از بزرگترین پالایشگاه‌های جهان در نوع خود می‌باشد و تولید آن به ۷۰۰،۰۰۰ بشکه در روز بالغ می‌گردد. وجود پالایشگاه مزبور در اقتصاد جزیره تأثیر بس بزرگی دارد و همراه با درآمدی که از راه گردشگری نصیب دولت محلی می‌گردد، رقم قابل توجهی را نشان می‌دهد.

توفند سال ۱۹۸۹ آسیب فراوانی به جزایر مزبور رسانید و ۸۰ درصد ساختمانها را ویران کرد و مطابق برآوردهایی که انجام شد میزان خسارت به رقمی معادل یک میلیارد دلار بالغ گردید و دولت امریکا ۵۰۰ میلیون دلار برای بازسازی آن اختصاص داد. کارخانهٔ اکسید آلومینیوم که در سال ۱۹۸۵ تعطیل شده بود، توسط یک گروه بین‌المللی خریده و دوباره در سال ۱۹۸۹ راه‌اندازی شد. میزان تولید این کارخانه به ۷۰۰،۰۰۰ تن در سال رسیده و محصولات آن اکثراً به امریکا و اروپا صادر می‌شود. در سال ۱۹۹۵ روی اشنایدر از حزب دموکرات به سمت فرمانداری جزایر انتخاب شد.

ساموآی امریکا
American Samoa

جزایری است به مساحت ۱۹۷ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۴۷،۰۰۰ نفر (در سال ۱۹۹۹)، در آبهای غربی اقیانوس آرام، که بخش خاوری مجمع‌الجزایر ساموآ واقع در جزایر پولینزی را در بر گرفته و به فاصلهٔ کمی از خاور خط بین‌المللی زمان (روزگردان) و شمال غربی جزایر فیجی قرار دارد. جزایر ساموآی امریکا از هفت جزیره به نام توتوئیلا (که پایتخت در آن واقع است)، تائو، اولوسگا، أفو، انّو، روز و سوینز تشکیل یافته است. کلاً منشأ آتشفشانی دارند و کوهستانی هستند و بلندترین نقطهٔ آنها به نام کوه لاتا که در جزیرهٔ تائو واقع است و ۹۳۱ متر ارتفاع دارد. بزرگترین جزیره آن، توتوئیلا ۱۳۵ کیلومترمربع وسعت دارد. خاک دشتهای آن حاصلخیز است و اقلیم آن گرم و مرطوب و بارانی است و بر اثر وزش بادهای دریایی معتدل و نسبتاً لطیف می‌گردد. اکثراً از جنگلهای انبوه پوشیده شده و رودخانه‌های کم‌آب و کوچکی دارد. غذاهای دریایی به ویژه ماهی تن آن به خارج صادر می‌شود و از جمله منابع درآمد آن محسوب می‌گردد.

مردم ساموآی امریکا بیشتر پولینزیایی‌تبار هستند و تونگایی‌ها و دیگران جزء اقلیتهای قومی آن محسوب می‌گردند. از نظر مذهب اکثراً مسیحیان پروتستان هستند و کاتولیک‌ها و پیروان مذاهب دیگر نیز کمابیش وجود دارند. زبان رسمی آنان انگلیسی ا ست و زبان ساموآیی نیز کاربرد دارد.

پایتخت آن شهرک پاگوپاگو (حدود ۹،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۴) نام دارد. رئیس جمهور امریکا سرپرستی جزایر مزبور را داراست و فرماندار آن از سوی مردم انتخاب می‌شود و طبق قانون اساسی که توسط وزارت کشور امریکا به تصویب رسیده به ادارهٔ امور می‌پردازد. مجلس نمایندگان با ۲۱ عضو منتخب مردم و مجلس سنا با ۱۸ عضو که اعضای آن طبق رسوم بومیان ساموآ، از میان رهبران قبایل انتخاب می‌شوند، بر امور داخلی آن نظارت دارد. همچنین یک نماینده انتخابی در مجلس نمایندگان امریکا شرکت می‌کند. مردم آن دارای ملیت امریکایی هستند ولی از شرکت در انتخابات رئیس جمهوری امریکا تا زمانی که در این جزایر زندگی می‌کنند، محرومند. واحد پول رایج دلار امریکاست.

در سدهٔ هجدهم میلادی، حدود ۱۵۰ سال بعد از ورود اروپاییان، ساموآ مورد نزاع و اختلاف کشورهای آلمان، بریتانیا و امریکا قرار داشت. پیمان سال ۱۸۹۹ مالکیت امریکا را بر این جزایر به رسمیت شناخت. در سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۰۴ دولت امریکا، امور داخلی جزایر هفتگانهٔ مزبور را به رؤسای قبایل همان جزایر واگذار کرد. در سال ۱۹۲۵ جزیره سوینز هم به این جزایر منضم شد. تا سال ۱۹۵۱ توسط نیروی دریایی امریکا اداره می‌شد و از آن تاریخ به وزارت کشور محول گردید و امور داخلی آن از سال ۱۹۷۷ به یک فرماندار انتخابی سپرده شد. در دسامبر ۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد حق خودمختاری و استقلال این جزایر را

به رسمیت شناخت و از دولت امریکا خواست تا آموزش‌های کافی را به مردم آن ارائه کند تا با آگاهی کامل نسبت به وضعیت خویش در مورد پیوستن به امریکا یا کسب استقلال تصمیم بگیرند. ظاهراً اکثریت مردم این کشور راغب هستند تا وضعیت کنونی حفظ شود، زیرا در حال حاضر به راحتی می‌توانند به امریکا مسافرت نمایند و از حق مهاجرت به آن کشور نیز برخوردار هستند. در نوامبر ۱۹۸۴ ای. پی. لوتالی به فرمانداری جزایر انتخاب شد و موقعیت وی در انتخابات ۱۹۹۲ مجدداً تثبیت گردید و در نوامبر ۱۹۹۶ جای خود را به تائوسه پیتا سونیا واگذار کرد.

گوآم
Guam

جزیره‌ای است به مساحت ۵۶۱ کیلومترمربع و جمعیتی معادل ۱۵۸,۰۰۰ نفر (۲۰۰۱)، در اقیانوس آرام، ۲۱۰۰ کیلومتری خاور فیلیپین و بزرگترین و جنوبی‌ترین جزیره از جزایر ماریانای شمالی محسوب می‌شود. این جزیره دارای منشأ آتشفشانی است و غیر از جلگه ساحلی شمالی، دیگر نواحی آن از کوه پوشیده شده و ارتفاع بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه لام‌لام ۴۰۵ متر است. اقلیم جزیرهٔ گوآم در ماههای ژوئن تا نوامبر گرم و مرطوب و پر باران، و از دسامبر تا مه خنک و خشک‌تر است. حدود یک‌سوم جزیره به تأسیسات نظامی اختصاص یافته است.
حدود ۳۸ درصد مردم گوآم را بومیان چامورو، ۲۳ درصد را فیلیپینی‌ها و ۱۰ درصد را افراد نظامی ارتش امریکا و ۱۸ درصد بقیه را ژاپنی‌ها، چینی‌ها، کره‌ای‌ها و غیره به خود اختصاص داده‌اند و ۷۵٪ آنان از مذهب کاتولیک پیروی می‌کنند و سایر مسیحیان ۱۵٪ و پیروان سایر مذاهب ۱۰٪ بقیه را تشکیل می‌دهند. زبان رسمی انگلیسی است و به زبانهای چامورو و ژاپنی و غیره نیز گفتگو می‌شود.
نام رسمی آن، سرزمین گوآم و نام قدیمی آن گواخان است. مرکز گوآم شهر آگانا یا آگانیا (حدود ۱۱۴۰ نفر در سال ۱۹۹۰) است و تامونینگ، آپرا هاربر و مانگیلائو از دیگر شهرها و آبادیهای مهم آن هستند. فرماندار گوآم از سوی مردم این سرزمین انتخاب می‌شود و وظایف اداری خود را زیر نظر وزارت کشور امریکا انجام می‌دهد. قانونگذاری در امور داخلی به عهدهٔ پارلمان گوآم است که ۲۱ عضو دارد و دورهٔ آن ۲ سال است. مردم آن دارای تابعیت امریکایی هستند و دارای یک نماینده، بدون حق رأی در کنگره امریکا می‌باشند و در انتخابات ریاست جمهوری امریکا نیز شرکت نمی‌کنند و واحد پول رایج دلار امریکاست.
گوآم از نظر پیشینهٔ تاریخی با دیگر جزایر میکرونزی شریک است. ساکنان اولیهٔ آن که هزاران سال در آنجا سکونت داشتند در سالهای ۱۶۶۸ و ۱۶۹۵ به دست اسپانیایی‌ها قتل عام و نابود شدند و بسیاری از آنهایی هم که زنده ماندند، به دلیل عدم مصونیت در مقابل بیماریهای استعمارگران اسپانیایی از بین رفتند تا جایی که شمار آنان که در آغاز سدهٔ هفدهم به ۱۰۰,۰۰۰ نفر می‌رسید، در ۱۷۴۱ به حدود ۵,۰۰۰ نفر کاهش یافت. آن دسته از بومیانی که جان سالم به در بردند با فیلیپینی‌ها و اسپانیایی‌ها آمیزش کردند و چاموروها را پدید آوردند. گوآم حدود سیصد سال در دست اسپانیایی‌ها باقی ماند و به عنوان منزل بین راه مکزیک به فیلیپین به کار می‌رفت و انبار مهم کالاهای بازرگانان اسپانیایی محسوب می‌شد.
پیمان پاریس در سال ۱۸۹۸ گوآم را از تسلط اسپانیا خارج کرد و همراه با فیلیپین در اختیار دولت امریکا قرار داد. در سال ۱۹۴۱ مورد حملهٔ ژاپنی‌ها قرار گرفت و تا سال ۱۹۴۴ در تصرف ژاپن باقی ماند و در آن سال دوباره به تصرف امریکا درآمد. در سال ۱۹۷۳ سازمان ملل متحد به دولت امریکا توصیه کرد تا به ساکنان گوآم خودگردانی داده شود. در همه‌پرسی سال ۱۹۸۲، حدود ۷۵ درصد مردم گوآم به الحاق خود به امریکا رأی دادند. در سال ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد اعلام داشت که وجود پایگاههای نظامی امریکا در گوآم، مانع از رسیدن مردم به حق حاکمیت خویش است.
در فوریه ۱۹۸۸ گوآم کمک‌های اقتصادی شایان توجهی از امریکا دریافت داشت و خرابی‌ها و خسارت‌های ناشی از توفند سهمگین ماه ژانویه را تا اندازه‌ای جبران کرد. در انتخابات نوامبر ۱۹۹۴ کارل گاتیرز، کاندیدای حزب دموکرات گوآم از سوی مردم به فرمانداری گوآم انتخاب گردید. گفتگوهای مربوط به اعطای آزادی و خودمختاری بیشتر در سال ۱۹۹۶ بین سازمان ملل متحد و دولت امریکا از سر گرفته شد. در نوامبر همین سال انتخابات پارلمانی برگزار گردید که حزب جمهوری‌خواه با کسب ۱۱ کرسی حائز اکثریت شد و ۱۰ کرسی باقیمانده به داوطلبان حزب دموکرات رسید.
در سپتامبر ۱۹۹۶ پایگاه هوایی گوآم برای سوختگیری و حمل بمب و راکت هواپیماهای بمب‌افکن امریکایی، در حمله به عراق مورد استفاده قرار گرفت. در سالیان اخیر صنعت جهانگردی در این سرزمین رو به گسترش نهاد و تنها در سال ۲۰۰۰، حدود یک میلیون جهانگرد، عمدتاً از ژاپن، کره جنوبی و تایوان، از گوآم دیدن کردند. در اواخر سال ۲۰۰۱، از پایگاه نظامی گوآم استفاده زیادی برای حمله به افغانستان صورت گرفت.

سایر سرزمین ها OTHER TERRITORIES

آبسنگ حلقوی جانستون
Johnston Attol

آبسنگ حلقوی جانستون در اقیانوس آرام، حدود ۱۳۱۹ کیلومتر غرب جنوب غربی هونولولو (هاوایی) واقع شده و از جزیرهٔ جانستون (۱۷۳ نفر در سال ۱۹۹۰)، جزیره غیر مسکونی سند و دو جزیرهٔ مصنوعی نورت (شمال) یا آکوا و ایست (شرق) یا هیکینا تشکیل یافته است. مساحت کل آن نیز بالغ بر ۲/۶ کیلومترمربع است. این جزیره در سال ۱۸۰۷ توسط انگلیسی‌ها کشف شد و ایالات متحده در سال ۱۸۵۸ مدعی مالکیت آن شد. از سال ۱۹۳۴ به کنترل وزارت دفاع امریکا درآمد و بعدها به نیروی هوایی واگذار گردید. در حال حاضر توسط فرماندهی نیروی هوایی امریکا در سان‌فرانسیسکو اداره می‌شود. در سال ۱۹۸۳ اعلام شد که طرح‌هایی برای ایجاد تأسیساتی برای انهدام سلاح‌های شیمیایی در این جزیره به تصویب رسیده است.
در سال ۱۹۸۹، امریکا شروع به انهدام مقدار زیادی گلوله‌های توپ، حاوی بیش از ۴۰۰ تن گاز اعصاب نمود. انهدام این گلوله‌ها که به جمهوری فدرال آلمان تعلق داشت، موجب اعتراضات گسترده کشورهای ناحیهٔ اقیانوس آرام و گروه‌های طرفدار محیط زیست شد و در سال ۱۹۹۱ گروهی از دانشمندان برای بررسی و نظارت بر نحوهٔ انجام امور و اثرات تخریبی انهدام این گلوله‌ها بر محیط زیست، از این جزیره دیدن کردند. در اوت ۱۹۹۴ توفند سهمگینی این جزیره را درنوردید و موجب شد که ۱۱۰۵ نفر ساکنان و افراد ارتش از این جزیره تخلیه شوند و حدود ۱۵ میلیون دلار نیز خسارت به تأسیسات آن وارد شد. از اوایل سال ۱۹۹۶ انهدام گازهای سمی با شدت و سرعت بیشتری آغاز شد و تا ماه مه اعلام شد که تمامی گازهای اعصاب نابود شده است و حدود ۱۰۰۰ تن مواد شیمیایی موجود در مین‌های زمینی، بمب‌ها و موشک‌ها باقی مانده است.

آبسنگ کینگمن
Kingman Reef

جزیره‌ای از جزایر لاین، واقع در اقیانوس آرام، در حدود ۱۵۰۰ کیلومتری جنوب غربی جزایر هاوایی، که از یک آبسنگ و آبتل به طول ۱۵ کیلومتر و عرض ۸ کیلومتر تشکیل یافته است. این جزیره در سال ۱۷۹۸ کشف شده و درسال ۱۹۲۲ به مالکیت امریکا درآمده است. آبسنگ کینگمن تحت نظر نیروی دریایی امریکا اداره می‌شود و ورود افرادمتفرقه به آن ممنوع است.

پالمیرا
Palmyra

جزیره‌ای کوچک به وسعت تقریبی ۲/۵ کیلومترمربع، واقع در مرکز اقیانوس آرام و حدود ۱۶۰۰ کیلومتری جنوب جزایر هاوایی و در انتهای شمالی جزایر لاین. از حدود ۵۰ جزیرک کم‌ارتفاع تشکیل یافته و غیر مسکونی است. در سال ۱۸۰۲ به وسیلهٔ کاپیتان ساول، ناخدای کشتی امریکایی پالمیرا کشف شد و درسال ۱۸۶۲ به کنترل پادشاهی هاوایی درآمد. انگلستان در سال ۱۸۸۹ آن را به تصرف خود درآورد و در سال ۱۹۱۲، دولت امریکا آن را اشغال نمود.
در سال ۱۹۹۰ کنگره امریکا پیشنهاد نمود که این جزیره در محدودهٔ مرزی ایالت هاوایی قرار گیرد. تا سال ۱۹۹۶ در مالکیت یک خانواده اهل هاوایی قرار داشت و در این سال قرار شد که به یک شرکت امریکایی واگذار گردد که به احتمال زیاد برای انبار کردن مواد زائد اتمی از آن استفاده شود. در همین حال دولت کیریباتی نیز مدعی مالکیت این جزیره می‌باشد و خواستار الحاق آن به کیریباتی است.

جزایر بیکر و هاولند
Baker and Howland Islands

دو جزیرهٔ غیر مسکونی بیکر (۲/۶ کیلومترمربع) و هاولند (۱/۹ کیلومترمربع) در حدود ۲۵۷۵ کیلومتری جنوب غربی هونولولو (هاوایی) واقع شده‌اند و از منشأ مرجانی برخوردارند.
هر دو جزیره در طی قرن نوزدهم به واسطهٔ بهره‌برداری از ذخایر گوانو مورد استفاده بودند و پس از ساخت مواد مصنوعی مشابه آن، این جزایر متروک شدند. جزیرهٔ هاولند در سال ۱۸۴۲ توسط امریکایی‌ها کشف شد و در سال ۱۸۵۶، به همراه جزیره جارویس و بیکر مورد ادعای امریکا قرار گرفت. در سال ۱۹۳۵ دو ماندگاه در این جزایر تأسیس شد که در خلال جنگ جهانی دوم، به علت بمباران‌های نیروی هوایی ژاپن، سکنهٔ آن تخلیه شدند. این جزایر به

پناهگاه ملی حیات وحش تبدیل شده و از سال ۱۹۷۴، توسط ادارهٔ ماهیگیری و حیات وحش ایالات متحده امریکا اداره می‌شود. دارای فرودگاهی است که اجازهٔ فرود در آن، توسط ادارهٔ فوق صادر می‌شود. در سال ۱۹۹۰، کنگرهٔ امریکا پیشنهاد کرد که این جزایر در محدودهٔ مرز جغرافیایی ایالت هاوایی قرار بگیرد.

جزیره جارویس
Jarvis Island

جزیره‌ای مرجانی، از جزایر لاین، واقع در حدود ۲۰۹۰ کیلومتری جنوب هاوایی، در مرکز اقیانوس آرام، که ۲/۵ کیلومترمربع وسعت دارد و غیر مسکونی است. در سال ۱۹۳۵ دولت امریکا ماندگاهی در آن تأسیس کرد که در طی جنگ جهانی دوم متروک گردید. این جزیره نیز از سال ۱۹۷۴ به عنوان پناهگاه ملی حیات وحش شناخته شده و توسط ادارهٔ ماهیگیری و حیات وحش امریکا اداره می‌شود. کنگرهٔ امریکا در سال ۱۹۹۰ پیشنهاد کرد که این جزیره نیز در قلمرو ایالت هاوایی قرار گیرد.

جزیره میدوی
Midway Island

جزیره‌ای واقع در اقیانوس آرام شمالی، در حدود ۱۸۵۰ کیلومتری شمال غربی جزایر هاوایی، که در حقیقت یک آبسنگ مرجانی است که از دو جزیرهٔ سند و ایسترن، و چند جزیرک در داخل آبسنگ تشکیل شده و مساحت آن به ۵ کیلومترمربع می‌رسد. این جزیره درسال ۱۸۵۹ توسط امریکایی‌ها کشف شده و در سال ۱۸۶۷ به اشغال آن درآمده است. نبرد میدوی در اواسط جنگ جهانی دوم میان امریکا و ژاپن در این ناحیه روی داد و در نتیجه آن نیروی دریایی ژاپن فلج شد و احتمال حملهٔ ژاپن در اقیانوس کبیر از میان رفت. این جزیره توسط نیروی دریایی امریکا اداره می‌شود و ورود بدون مجوز به آن ممنوع می‌باشد.

جزیره ویک
Wake Island

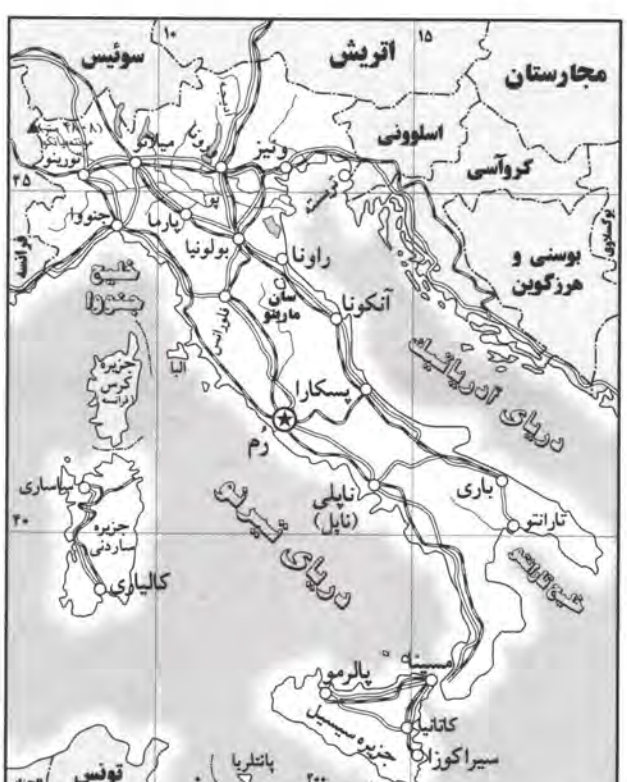
این جزیره در حقیقت یک آبسنگ حلقوی مرجانی است که از ۳ جزیرک مرجانی ویک، پیل و ویلکس تشکیل یافته است و مساحت آن به ۷/۸ کیلومترمربع می‌رسد. جزیره ویک در اقیانوس آرام شمالی و در حدود ۲۰۶۰ کیلومتری شرق گوآم واقع شده و جمعیت آن در سال ۱۹۸۸ بالغ بر ۲۰۰۰ نفر بوده است. جزیره ویک در سال ۱۷۹۶ توسط انگلیسی‌ها کشف شد و درسال ۱۸۹۸ به مالکیت امریکا درآمد. در جنگ جهانی دوم توسط ژاپن اشغال شد و تا سال ۱۹۴۴ تحت کنترل آن کشور قرار داشت. از سال ۱۹۷۲ توسط نیروی هوایی امریکا اداره می‌شود و دولت جزایر مارشال نیز به خاطر اهمیت ویژهٔ این جزیره برای میکرونزیایی‌های آن کشور، خواستار الحاق این جزیره به خود می‌باشد.

ایتالیا ITALY

کشور ایتالیا شبه جزیره‌ای است که در جنوب اروپا جای دارد و از شمال به کشورهای سوئیس و اتریش، از خاور به اسلوونی و دریای آدریاتیک، از جنوب به دریای مدیترانه و از غرب به دریای مدیترانه و فرانسه محدود است. نواحی شمالی آن را دشت آبرفتی پو دربر گرفته که تا کوهپایه‌های آلپ در شمال ممتد است. دشت پو مرکز فعالیت‌های اقتصادی کشور است و بیشتر تأسیسات صنعتی و کشاورزی ایتالیا در آن متمرکز است. دامداری و پرورش چهارپایان در سرتاسر ایتالیا رواج دارد و غلات و زیتون و انگور از فرآورده‌های کشاورزی آن است. تاکستانهای وسیع کرانه‌های جنوبی، کشور ایتالیا را در ردیف یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نوشابه‌های الکلی قرار داده است.

کوه آپنینو(آپنین) به بلندی حداکثر ۲۹۱۴ متر (قلّهٔ گران‌ساسو) که از شمال به جنوب ممتد است، شبه جزیرهٔ ایتالیا را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده و جزیره‌های سیسیل و ساردنی و چند جزیرهٔ کوچک دیگر مانند البا و پانتلریا بخشی از این کشور محسوب می‌گردد و کشورهای کوچک واتیکان و سان‌مارینو در درون‌بوم آن جای دارند.

عمده‌ترین رودخانه‌های ایتالیا پو (۶۷۶ کیلومتر) و آدیجه (۳۶۲ کیلومتر) و آرنو (۲۴۰ کیلومتر) است و بلندترین نقطهٔ آن کوه مونته بیانکو (مون‌بلان) واقع در مرز ایتالیا و فرانسه (کوههای آلپ) است که ۴۸۰۸ متر ارتفاع دارد. علاوه بر کوههای آلپ و آپنینو، آتشفشان‌های نیمه فعالی به نام وزوو (کنار خلیج ناپل) و اتنا (جزیرهٔ سیسیل) نیز در این کشور به چشم می‌خورد و دریاچهٔ مادجوره (ماجوره) با وسعت حدود ۲۱۰ کیلومترمربع چشمگیرترین عارضهٔ آبی این کشور محسوب می‌گردد. جزیرهٔ سیسیل با ۲۴,۴۶۰ کیلومترمربع وسعت، بزرگترین جزیرهٔ آن است.



تاریخچه

در سدهٔ سیزدهم پیش از میلاد، مردم اروپای مرکزی قدیم در نواحی شمالی سرزمینی که امروز آن را ایتالیا می‌خوانند ساکن شدند. با سقوط امپراتوری حتّی در حدود سال ۹۰۰ پیش از میلاد، اتروسک‌ها در شمال رود تیبر مسکن گزیدند و یونانی‌ها نیز در کرانه‌های جنوبی ایتالیا مستقر شدند. در اواخر سدهٔ ششم پیش از میلاد سلت‌ها به ایتالیا تاختند و اتروسک‌ها را از درّهٔ رود پو به سوی جنوب عقب راندند و هم آنان بودند که با سامنیت‌ها، لاتین‌ها و سابین‌ها درهم آمیختند و با تصرف اراضی پیرامون و حتی دوردست خود، امپراتوری بزرگ روم را پایه‌گذاری



نام رسمی: جمهوری ایتالیا

نام محلی: ایتالیا Italia

اسامی دیگر: رم یا روم (نام قدیمی)

پایتخت: رم (۲،٦٤٣،٥٨١ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: اولین یکشنبهٔ ماه ژوئن (سالروز تأسیس جمهوری ایتالیا در سال ۱۹٤٦)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٤٦

رئیس حکومت: رئیس جمهور: کارلوآتزلیو چامپی، از سال ۱۹۹۹ (به مدت ۷ سال توسط نمایندگان ۲ مجلس)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: سیلویو برلوسکونی، از سال ۲۰۰۱ (از ائتلاف خانه آزادی)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٤۸؛ مجلس نمایندگان با ٦۳۰ عضو و مجلس سنا با ۳۱۵ عضو (به اضافه ۱۱ عضو انتصابی) به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (سنا) در سال ۲۰۰۱: ائتلاف راست موسوم به خانه آزادی ۲۷٦ (۱۷۷) کرسی، ائتلاف چپ میانه موسوم به زیتون ۱۸۸ (۱۳۰) کرسی، سایرین ۱٦٦ (۸) کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٥٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، آدب، آی‌-آدب، شورای اروپا، گروه ۸، ناتو، او اسی دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۳۰۱،۳۲۳ کیلومترمربع (هفتادمین کشور جهان)

جمعیت: ٥۷،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (بیست و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۹۰/۲ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥):** صفر

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٥۱/۳ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦٦/۸٪؛ رشد سالانه(۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۰/۲٪

توزیع سنی(۱۹۹٦) زیر ۱٥ سال ۱٤/۹٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۱/۹٪؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۰/۷٪؛ بالای ٦۰ سال ۲۲/٥٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۸/٥۳٪؛ زن ٥۱/٤۷٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۸۲/۳ سال؛ مردان ۷٥/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۹/۲ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۷): ٥/٥نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۰/۷- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٥): بیماریهای دستگاه گردش خون ٤۲٤/۳ نفر؛ بافت‌های بدخیم ۲٥۸/۲ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٥۹/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ٥۲/۲ نفر؛ حوادث و درگیری ۳۸/۸ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۲ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۷ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ٤/۷ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٤):** ۰/٥ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹۱): ایتالیایی ۹٤/۱٪؛ ساردنیایی ۲/۹٪؛ رتو-رومانیایی ۱/۳٪؛ آلمانی ۰/٥٪؛ فرانسوی ۰/٤٪؛ آلبانیای ۰/۲٪

دین(۱۹۹٦): کاتولیک ۸۱/۷٪؛ مسلمان ۱/۲٪؛ بی‌دین ۱۳/٦٪؛ سایر ادیان ۳/٥٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: ایتالیایی (زبان رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): میلانو(میلان) ۱،۳۰۰،۹۷۷ نفر؛ ناپلی (ناپل) ۱،۰۰۲،٦۱۹؛ تورینو (تورین) ۹۰۳،۷۰۳؛ پالرمو ٦۸۳،۷۹٤؛ جنووا(جنوا) ٦۳٦،۱۰٤؛ بولونیا ۳۸۱،۱٦۱؛ فلورانس (فیرنتسه) ۳۷٦،٦۸۲؛ کاتانیا ۳۳۷،۸٦۲؛ باری ۳۳۱،۸٤۸ نفر

بنادر مهم: ونیز؛ تریسته (شمال دریای آدریاتیک)؛ جنووا (خلیج جنووا)؛ ناپل (خلیج ناپل)؛ تارانتو (خلیج تارانتو)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) = ۱۹۳٦/۳ لیره ایتالیا(منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو= ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٥): ٤۷۲،۰٦٦ میلیارد لیره؛ مالیات بر درآمد ٤۱٪ (از جمله مالیات بر درآمد افراد ۳٥/۱٪)؛ مالیات بر درآمد شرکتها ٥/۹٪؛ مالیات بر ارزش افزوده و عوارض کالاهای داخلی ۳۰/٦٪

هزینه بودجه(۱۹۹٥): ۸٦۰،٦۹٦ میلیارد لیره؛ بازپرداخت بدهی‌های خارجی ۲۷/٥٪؛ تأمین اجتماعی ۱۸/٤٪؛ آموزش و پرورش ۹/۱٪؛ حمل و نقل ٤/۷٪؛ امور دفاعی ۲/۸٪

تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،۱٥۷،۰۰۱ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۰،۰۹۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ۹٥-۱۹۷٥ : ۲/۹٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲/٦٪؛ صنعت ۳۰/٥٪؛ خدمات ٦٦/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤،۳۱۷ میلیون دلار؛(۱۹۹۸): ۲،٦۱۱ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۳۱۹ میلیارد دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲،۲۷۸ – میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۱/۹٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٤/٤٪؛ ۱۹۹۸: ۲/۹٪؛ ۱۹۹۹: ۱/٦٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): چغندرقند ۱۲،٥۲۱،۰۰۰ تن؛ انگور ۹،۲۰۸،۰۰۰؛ ذرت ۹،۰۳۱،۰۰۰؛ گندم ۷،۸٤۰،۰۰۰؛ گوجه‌فرنگی ٥،۳٦۹،۰۰۰؛ زیتون ۲،٦۷۹،۰۰۰؛ سیب‌زمینی ۲،۲۲٤،۰۰۰؛ سیب ۲،۱۱٥،۰۰۰؛ پرتقال ۱،۹۲۱،۰۰۰؛ هلو و شلیل ۱،٤۲۸،۰۰۰؛ برنج ۱،٤۰۰،۰۰۰؛ دانهٔ سویا ۱،۲۳۱،۰۰۰؛ جو ۱،۲۰۰،۰۰۰ تن.

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۳۷/۹٪؛ مرتع و چمنزار ۱٥/٤٪؛ جنگل ۲۳٪؛ سایر موارد ۲۳/۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱۰،۷۷۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۸،۲۲٥،۰۰۰ رأس؛ گاو ۷،۱٥۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤،۳٦۷،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹٦):** ٦۰۹،۷٦۸ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۰٦،۰۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۷۸۳،۳۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹۷): سنگ‌نمک ۳،٥۰۷،۰۰۰ تن؛ فلدسپات ۲،۲۰۰،۰۰۰؛باریت ۲٦،۳۰۰؛سرب ۱۷،٦۰۰؛روی ۱٥،٤۰۰تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): سیمان ۳۳،۷۱٤،۹۱٤ تن؛ فولاد خام ۲٤،۲۸٤،۹۰۰؛ آهن خام ۱۰،۳۲٤،۳۰۰؛ شیشه ۳،۹۸۱،۱۰٤؛ منسوجات ۲،۳٤۰،٦۰۰؛ اسید سولفوریک ۲،۲۱٤،۰۰۰؛ شراب ٦۰،۰۰۰،۰۰۰ هکتولیتر؛ آبجو ۱۰،٦۱٦،۱۷۳ هکتولیتر؛ روغن‌زیتون ٦،۲۹۰،۰۰۰ هکتولیتر؛ ماشین لباسشویی ٦،۹۹٥،۸۱۸ دستگاه؛ یخچال ۳،۰٦۳،۹۹۹ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف ۱۹۹٤): برق: ۲۳۱،۷۸۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۲٦۹،۳۸۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ: ۲٦۷،۰۰۰ تن (۱٦،٦۷۲،۰۰۰)؛ نفت خام: ۳۳،٤۲۲،۰۰۰ بشکه (٥۸۲،٦٤٤،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۸۳،۰٤۹،۰۰۰ تن (۸۹،٥۰۰،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲۰،۲۰۹،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (٤۸،۳۲٦،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۷): ۲۲،۲۰۳،۱۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۳۸/٦٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٥۷/۷٪؛ زنان: ۳٤/٦٪؛ میزان بیکاری: ۱۲/٦٪ (۱۹۹۹: ۱۱/٦٪)

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٥/۹٪؛ صنعت ۳۲/۹٪؛ خدمات ٦۱/۲٪

نیروی دفاعی: مدت خدمت نظام وظیفه: ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲٦٥،٥۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۲/٤٪؛ نیروی هوایی ۲۳/۳٪؛ نیروی دریایی ۱٤/۳٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۳۹٥ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۳٥٤،٤٥٥/۷ میلیارد لیره؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۳/۸٪؛ مواد شیمیائی ۱۳/۸٪؛ فلز ۱۰/۹٪؛ مواد غذایی ۷/٦٪؛ منسوجات ٥/٤٪؛ انواع پلاستیک ۲/۲٪؛ از کشورهای آلمان ۱۸٪؛ فرانسه ۱۳/۲٪؛ انگلستان ٦/۷٪؛ هلند ٦/۲٪؛ امریکا ٥٪؛ اسپانیا ٤/۸٪

صادرات(۱۹۹۷): ٤۰٥،۷۳۱/٦ میلیارد لیره؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۰/۸٪؛ منسوجات و پوشاک ۱۱/٤٪؛ مواد شیمیایی ۸/۲٪؛ پلاستیک ۳/٤٪؛ به کشورهای آلمان ۱٦/٤٪؛ فرانسه ۱۲/۲٪؛ امریکا ۷/۹٪؛ انگلستان ۷/۲٪؛ اسپانیا ٥/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیارد لیره	٥۰،۷۸۹	٥۰،۹٥۷	٦٥،۸٤۱	٦۷،۷۷٥	٥۱،٦۰۹	٤٥،۹۷۲
درصد کل	۱۰/٦٪	۹/۱٪	۹/٦٪	۹/٦٪	٦/۸٪	٥/۸٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹٤٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۱/۳	۹٥	۱۰۰	۱۰٤	۱۰٦/۱	۱۰۸/۲	۱۱۰
شاخص درآمد	۹۳/۷	۹۷	۱۰۰	۱۰۳/۲	۱۰٦/۹	۱۰۹/۹	۱۱۲/٤

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار: ۲/۷ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۸٤): ۱۹،٦۹۲،۰۰۰ لیره؛ منابع درآمد(۱۹۹٤): دستمزد و حقوق ٤۰/۲٪؛ درآمد دارایی و کار آزاد ۳۷/۹٪؛ پرداخت‌های انتقالی ۲۱/۹٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹٤) غذا و نوشیدنی ۲۱/۷٪؛ مسکن ۱۹/٥٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱٦/۸٪؛ سرگرمی و آموزش ٦/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۹،۸٦٦ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۷،٦٥۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٥): ۳۱٤،۳٦۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۱۹،٥۲۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٥): ۳۱،۷۰۰،۰۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٥):** ٥،۱۲۷،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹٥): ۱،۳٥٥ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۳٤ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۷٤ روزنامه در ٥،۹۸٥،۰۰۰ نسخه (۱۰٥ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۹،۹٥۱ عنوان در ۸۰،٤٦۹،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۳٥،۲۳٦ عنوان در ۲۷۸،۸۲۱،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۷،۹۱۲/۹ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٥۰،٥۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۸۸۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۸،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۸۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲٥،۹۸٦،۰۰۰ خط تلفن (٤٥۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۰،٤۸۹،۰۰۰ خط (۳٥۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳،۰۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۱۹،٤۱۸	۲۸۹،۰٥٥	۲،۸۱٦،۱٦۱	۹/۸
متوسطه	۸،۸۲۹	۲۱٤،۸٦۱	۱،۸۰٦،٦۱۳	۸/۹
فنی و حرفه‌ای	۷،۸٤۸	۳۱۳،۰۰۱	۲،٦۲۸،۳۷۷	۸/٥
عالی	٤۸	٥۸،۸۷٤	۱،٦۰۱،۸۷۳	۲۷/۲

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۸/۱٪؛ مردان: ۹۸/٦٪؛ زنان: ۹۷/٦٪

میزان تحصیلات (افراد بالای ۱٥ سال (۱۹۹٥): ابتدایی ٤۰/٤٪؛ متوسطه ۳۰/٥٪؛ فنی ٥/۱٪؛ عالی ۲۳/٥٪

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۲۰۷،۳۱۹ نفر (هر ۱۹۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۳): ۳٥٥،۷۳۹ تخت (هر ۱٦۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۹۰،۰۰۰ نفر؛ (۰/۳۱٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۸/٥ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،٥۰۷ کالری (۱۳۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۰۹ گرم؛ مصرف چربی: ۱٤۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/۱-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٦۷/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤۰۳/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۷/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۰۳ (نوزدهمین کشور جهان)

کردند. امپراتوری روم در سال۳۹۵میلادی به دو امپراتوری روم غربی و روم شرقی تقسیم شد. امپراتوری روم غربی که مقر آن در ایتالیا قرارداشت، تا سال ۴۷۶ میلادی ادامه‌یافت و امپراتوری روم شرقی یا بیزانس که بر جنوب وجنوب شرقی اروپا و غرب آسیا حکومت می‌کرد تا سال ۱۴۵۳ دوام آورد. امپراتوری روم شرقی که خود را جانشین امپراتوری روم غربی می‌دانست و ایتالیا را از آن خود می‌شمرد، در اواخر سدهٔ پنجم به فرماندهی تئودوریک کبیر به ایتالیا حمله برد و آنجا را تصرف نمود. پس از مرگ تئودوریک، ایتالیا مدتی دچار هرج و مرج شد و تنها پاپ بود که مقام و موقعیت خود را همچنان محفوظ داشت.

در سال ۵۶۸ لومباردها که در اتریش و مجارستان می‌زیستند به نواحی شمالی ایتالیا حمله بردند و به مرور بر سرتاسر ایتالیا بجز ایالات پاپی و رم و سواحل جنوبی استیلا یافتند. در نیمهٔ اول سدهٔ هشتم میلادی لومباردها به رم تاختند و پاپ را وادار نمودند تا از شاه فرانسه کمک بخواهد. شارلمانی پسر پادشاه فرانسه لومباردها را مغلوب کرد و در سال ۸۰۰ میلادی با حمایت پاپ به عنوان امپراتور روم غربی در رم تاجگذاری کرد. شارلمانی و پدرش قلمرو پاپ را توسعه دادند و خود را از تسلط امپراتوری روم شرقی رها ساختند. شارلمانی در سال ۸۱۴ درگذشت و لوئی اول به جای او به سلطنت رسید و با مرگ وی در سال ۸۴۰ متصرفاتش میان سه تن از پسرانش تقسیم شد و ایتالیا به پسر ارشدش لوتار اول رسید. در سال ۹۶۲ میلادی اوتوی اول پادشاه آلمان به دعوت پاپ به ایتالیا حمله کرد و به نام امپراتور تاجگذاری نمود و با اتحاد آلمان و ایتالیا، امپراتوری مقدس روم را تأسیس نمود. اما تسلط امپراتوران مزبور بر ایتالیا همواره متزلزل بود. در سدهٔ یازدهم میلادی ایتالیا به دست نورمان‌ها افتاد و چندی بعد به تصرف خاندان هوهنشتاوفن درآمد. سپس به آنژون‌ها و پادشاهان سیسیل منتقل گردید و بعدها به کشور شهرهای چندی مانند ونیز و جنوا که رونق بسیار داشتند تبدیل شد.

در سال ۱۴۹۴ ایتالیا به میدان جنگ فرانسه و خاندان هاپسبورگ مبدل گردید و جنگهای سدهٔ هفدهم و هجدهم ایتالیا را به تصرف بیگانگان درآورد. طی جنگهای انقلاب فرانسه، ایتالیا به تصرف ناپلئون درآمد و تغییرات فراوانی در نقشهٔ سیاسی آن به عمل آمد و در سال ۱۸۰۵ رسماً تحت سلطنت ناپلئون اول قرار گرفت و امید میهن‌پرستان ایتالیائی را مبدل به یأس کرد و جمعیت‌های سری انقلابی تشکیل گردید.

کنگرهٔ وین در سال ۱۸۱۵ وضع ایتالیا را به زمان قبل از ناپلئون بازگرداند. سرانجام فعالیتهای میهن پرستان ایتالیا پس از سالها تلاش و مبارزه در سال ۱۸۴۸ به نتیجه رسید و به کوشش ویکتور امانوئل و کاوور و گاریبالدی، وحدت ایتالیا تأمین گردید. ویکتور امانوئل در سال ۱۸۶۱ به پادشاهی ایتالیا رسید، در حالی که هنوز رم و ونسی و بخشی از ایالات پاپی از تصرف او خارج بود. در جنگ ۱۸۶۶ اتریش و پروس، ایتالیا به طرفداری پروس وارد جنگ شد و ونسی را به دست آورد و رم را نیز در سال ۱۸۷۰ تصرف نمود.

ایتالیا در اوایل سدهٔ بیستم مستعمراتی مانند سومالی‌لند، اریتره و لیبی را در افریقا به دست آورد و به سرعت رو به صنعتی شدن نهاد. در جنگ جهانی اول با متفقین به همکاری پرداخت و پس از پایان جنگ مناطقی چون تیرول جنوبی، تریست، ایستریا، جزایر دالماسی و دودکانز را به دست آورد. نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بعد از جنگ به ظهور فاشیسم منتهی شد و بنیتوموسولینی رهبر حزب فاشیست، در سال ۱۹۲۲ به نخست‌وزیری رسید. وی مخالفان خود را تصفیه کرد و به اصلاحاتی چند دست زد. در سال ۱۹۳۵ حبشه را تصرف کرد و در جنگهای داخلی اسپانیا (۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹) مداخله نمود و آلبانی را در سال ۱۹۳۹ به تصرف درآورد و در همان سال رسماً با آلمان متحد شد و در سال ۱۹۴۰ وارد جنگ جهانی دوم گردید. در سال ۱۹۴۳ متصرفات افریقایی و همچنین سیسیل را از دست داد. به دستور شاه ایتالیا موسولینی از کار برکنار شد و ژنرال بادوگلیو مأمور تشکیل کابینه گردید. وی ایتالیا را به متفقین تسلیم کرد و از جنگ دست کشید. با سقوط آلمان نازی و پایان جنگ جهانی دوم، نحوهٔ حکومت ایتالیا به همه‌پرسی سال ۱۹۴۶ واگذار شد و ایتالیا جمهوری را برگزید.

در سال ۱۹۴۹ به پیمان آتلانتیک شمالی پیوست و در سال ۱۹۵۵ به عضویت سازمان ملل متحد و در ۱۹۵۷ به عضویت جامعهٔ انرژی اتمی اروپا درآمد و در پی توسعهٔ صنعتی کشور، درآمد متوسط ایتالیایی‌ها به دوبرابر فزونی یافت. اوضاع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آشفتهٔ ایتالیا طی دهه‌های اخیر، دولتها را یکی پس از دیگری به سقوط واداشته و حتی به ربودن و قتل نخست‌وزیر مستعفی ایتالیا انجامیده است و دولتها بحرانهای حادّی را یکی پس از دیگری پشت سر گذارده‌اند. از جمله بحرانهای حاد، مربوط به اکتبر ۱۹۹۷ است و آن زمانی بود که حزب کمونیست ایتالیا، دولت پرودی را به قطع پشتیبانی و جلوگیری از تصویب بودجهٔ سال ۱۹۹۸ با این درخواست که تعداد ساعات کار هفتگی کارگران باید به ۳۵ ساعت در هفته تقلیل یابد، تهدید نمود و سرانجام دولت را وادار ساخت تا میزان ساعات کار را برای کارگاههای با بیش از ۱۵ کارگر، به ۳۵ ساعت در هفته، از سال ۲۰۰۱ کاهش دهد.

در فوریهٔ ۱۹۹۸ یک فروند هواپیمای امریکایی که در ارتفاع خیلی کم پرواز می‌کرد، پس از برخورد با کابل‌های هوایی انتقال نیرو سرنگون شد و ۲۰ تن ایتالیایی را به کشتن داد. این حادثه موجب شد که اعتراضات فراوانی بر علیه گسترش و توسعهٔ پایگاه آویانو در جنوب ایتالیا که بزرگترین پایگاه ناتو محسوب می‌شود صورت بگیرد.

انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱ به حکومت ۶/۵ سالهٔ چپ میانه در ایتالیا پایان داد و راست میانه با ائتلاف «خانه آزادی» با اختلاف بسیار زیادی به پیروزی رسید. در رأس این ائتلاف سیلویو برلوسکونی ثروتمندترین مرد ایتالیا قرار داشت که به کمک شبکه عظیم رسانه‌ای و همچنین ارائهٔ برنامهٔ اصلاحات اقتصادی گسترده، توانست آراء زیادی را به سود این ائتلاف جذب نماید. کمی پس از پیروزی برلوسکونی و تکیه بر اریکهٔ نخست‌وزیری، در طی برگزاری کنفرانس سران گروه ۸ (رهبران هشت کشور صنعتی جهان: امریکا، کانادا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و روسیه)، در شهر جنوا، تظاهرات بزرگی با شرکت دهها هزار نفر در مخالفت با سیاست‌های جهانی‌سازی برگزار شد که به کشته شدن یکی از تظاهرکنندگان به دست پلیس منجر شد. با شروع مقابلهٔ امریکا با گروه القاعده در افغانستان، کشور ایتالیا همراهی کامل خود را با دولت امریکا اعلام نمود و علاوه بر واگذاری تسهیلات فرودگاهی و بنادر این کشور، تعدادی از نیروهای نظامی خود را نیز راهی افغانستان نمود.

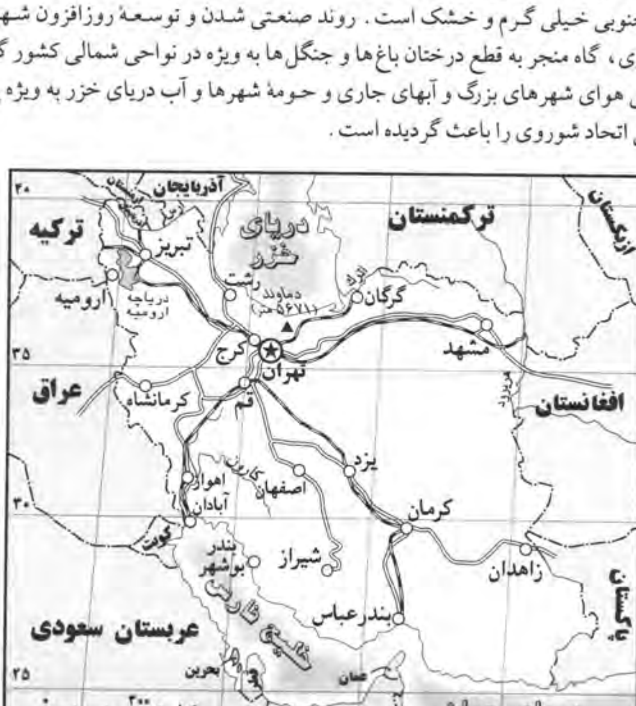
جولیو آندرئوتی از سیاستمداران با سابقهٔ ایتالیا که چندین بار نخست وزیری این کشور را به عهده داشته‌است در جریان محاکمه‌ای در سال ۲۰۰۲ به ۲۴ سال زندان محکوم شد، اما به علت مصونیت وی در مقام سناتور مادام‌العمر، این حکم به اجرا در نیامد. در اوایل سال ۲۰۰۳ نیز وی مجدداً به اتهام همکاری با مافیا تحت محاکمه قرار گرفت.

ایران IRAN

ایران سرزمینی است در غرب آسیا که از شمال به کشورهای ارمنستان، جمهوری آذربایجان، جمهوری ترکمنستان و دریای خزر و از خاور به ترکمنستان و افغانستان و پاکستان، از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس و از غرب به عراق و ترکیه محدود است.

نیمی از خاک ایران را کوهستانهای مرتفع مانند کوههای البرز در شمال با حداکثر ارتفاع ۵۶۷۱ متر (قله دماوند)، کوههای زاگرس در غرب و جنوب غربی با بلندی حداکثر ۴۴۰۹ متر (کوه دنا) و کوههای مرکزی با ارتفاع حداکثر ۴۴۶۵ متر (کوه هزار) فرا گرفته و بقیه را دشت‌های هموار و خشکی چون کویر لوت و دشت کویر که از خشک‌ترین نواحی جهان محسوب می‌گردند، همراه با دشتها و جلگه‌های کوچک دیگر زیر پوشش قرار داده است. حدود ۸۰ درصد نواحی مسکونی این کشور در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ها قرار دارند و متمرکزترین و پرجمعیت‌ترین بخش کشور را همین نواحی تشکیل می‌دهند. غیر از دامنه‌های شمالی البرز، ایران از نظر آب و بارندگی در ردیف خشک‌ترین و کم‌بارش‌ترین نواحی کرهٔ زمین قرار دارد و به همین جهت استفاده از آبهای زیرزمینی بصورت سنتی (قنات) از هزاران سال پیش رواج داشته است.

ایران سرزمینی است با اقلیم‌های کاملاً متفاوت، آب و هوای دامنه‌های شمالی البرز مدیترانه‌ای معتدل توأم با بارندگی نسبتاً زیاد و کوهستانهای غرب از اقلیمی معتدل و نیمه‌خشک بهره‌مندند و نواحی درون‌بومی کشور دارای هوای معتدل مایل به گرم و خشک و نواحی جنوبی خیلی گرم و خشک است. روند صنعتی شدن و توسعهٔ روزافزون شهرها و خانه‌سازی، گاه منجر به قطع درختان باغ‌ها و جنگل‌ها به ویژه در نواحی شمالی کشور گردیده و آلودگی هوای شهرهای بزرگ و آبهای جاری و حومهٔ شهرها و آب دریای خزر به ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی را باعث گردیده است.





نام رسمی: جمهوری اسلامی ایران

نام محلی: ایران Iran

اسامی دیگر: پرشیا - پارس (نام قدیمی بین‌المللی)

پایتخت: تهران (۶،۷۵۸،۸۴۵ نفر در سال ۱۹۹۶)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: دوازدهم فروردین و بیست و دوم بهمن

نوع حکومت: جمهوری اسلامی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹)

رئیس حکومت: ولی فقیه: آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، از سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹)

رئیس دولت: رئیس جمهور: سید محمد خاتمی، از سال ۱۳۷۶(۱۹۹۷) برای بار دوم از سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹)، آخرین تغییرات ۱۳۶۸ (۱۹۸۹)؛ مجلس شورای اسلامی با ۲۹۰ عضو که برای یک دورهٔ چهار ساله انتخاب می‌شوند. مصوبات مجلس شورای اسلامی به لحاظ عدم مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی بایستی به تأیید شورای نگهبان نیز برسد. نتایج انتخابات ۱۳۷۸ (۲۰۰۰): اصلاح‌طلبان ۱۸۹، رادیکالها ۵۴، مستقلها ۴۲ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، ایدب، اوپک، اکو، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱،۶۴۸،۱۹۵ کیلومترمربع (هفدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۶۷،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شانزدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۴۱/۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۱/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۹۴/۵ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۵۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۶۰/۶ ؛ رشد سالانه(۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۳

توزیع سنی(۱۹۹۶): زیر ۱۵ سال ٪۳۹/۵ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۸/۴ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۵/۴ ؛ بالای ۶۰ سال ٪۶/۷

توزیع جنسی (۱۹۹۶): مرد ٪۵۰/۸۱ ؛ زن ٪۴۹/۱۹ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۰/۷ سال؛ مردان ۶۸/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۹/۴ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۵/۵ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۳۱/۳ نفر — **رشدطبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: (بر اساس آمارگیری از ٪۲۰ موارد مرگ و میر؛ ۱۹۹۰): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۰۴ نفر؛ حوادث و درگیری ۱۰۸ نفر؛ بافتهای بدخیم (سرطان) ۶۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۴۸ نفر؛ بیماریهای عفونی **و**واگیردار ۳۴ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۴ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۳۷ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۹۵): فارس ٪۵۱؛ آذربایجانی ٪۲۴؛ گیلکی و مازندرانی ٪۸؛ کرد ٪۷ ؛ عرب ٪۳، لر ٪۲؛ بلوچ ٪۲

دین(۱۹۹۶): اسلام (دین‌رسمی)؛ مسلمان٪۹۹/۶(شیعه٪۹۳/۹ ،سنی٪۵/۷)؛ مسیحی٪۰/۱۳؛ زرتشتی ٪۰/۰۵؛ یهودی ٪۰/۰۲

زبان و خط: فارسی (زبان رسمی)؛ ترکی آذری، کردی؛ خط : فارسی

شهرهای مهم(۱۹۹۶): مشهد ۱،۸۸۷،۴۰۵ نفر؛ اصفهان ۱،۲۶۶،۰۷۲ نفر؛ تبریز۱،۱۹۱،۰۴۳ نفر؛ شیراز۱،۰۵۳،۰۲۵ نفر؛ کرج ۹۴۰،۹۶۸ نفر؛ اهواز ۸۰۴،۹۸۰ نفر؛ قم ۷۷۷،۶۷۷ نفر؛ کرمانشاه ۶۹۲،۹۸۶ نفر

بنادر مهم: بندرانزلی، بندرنوشهر(دریای‌خزر)؛ آبادان،خرمشهر(اروندرود)؛ بندربوشهر(خلیج‌فارس)؛ بندرعباس(تنگهٔ‌هرمز)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: ریال(RI)= ۱۰۰دینار(عملاً درچرخهٔ پول کشوروجودندارد): ۱۰،۰۰۰ریال = ۱/۲۵دلار؛ یک دلار= ۸،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۵۳،۷۶۲ میلیارد ریال؛ مالیات ٪۳۴/۸ (از جمله مالیات بر درآمد شرکتها ٪۱۴/۷ و عوارض گمرکی٪۸/۲)؛ درآمد از فروش نفت و گاز طبیعی ٪۳۰/۹ ؛ دیگر موارد ٪۳۴/۳

هزینه بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۷۱،۴۷۴ میلیارد ریال؛ هزینه‌های جاری ٪۷۵/۳، هزینه‌های عمرانی ٪۲۴/۷

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۰۲،۲۴۲ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۶۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۰/۴ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۴

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۲۴/۹ ؛ صنعت ٪۳۶/۷ ؛ خدمات ٪۳۸/۴

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۲۹- میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۷،۶۷۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۶۳/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۴/۵

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۲۸/۳ ؛ ۱۹۹۸: ٪۱۵/۹ ؛ ۱۹۹۹: ٪۲۰

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): گندم ۱۲،۰۰۰،۰۰۰ تن، چغندرقند ۴،۷۵۴،۰۰۰؛ مرکبات ۳،۶۳۹،۰۰۰؛ سیب‌زمینی ۳،۳۰۰،۰۰۰؛ گوجه‌فرنگی ۲،۷۰۰،۰۰۰؛ برنج ۲،۶۰۰،۰۰۰ ؛ جو ۲،۳۰۰،۰۰۰ ؛ انگور ۲،۲۰۰،۰۰۰ ؛ سیب ۲،۰۰۰،۰۰۰ ؛ پیاز ۱،۵۴۰،۰۰۰ ؛ ذرت ۱،۰۰۰،۰۰۰؛ خرما ۹۰۰،۰۰۰ ؛ دانهٔ غلات ۵۵۹،۰۰۰ ؛ تخم پنبه ۴۸۶،۰۰۰ ؛ میوهٔ مغزدار ۳۴۱،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ٪۱۱/۱ ؛ مرتع ٪۲۶/۹ ؛ جنگل ٪۷

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گوسفند ۵۳،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۸،۶۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۷،۰۹۹،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۳۴۹،۹۲۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۳۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۵۳۸،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ مس ۱۴،۲۰۰،۰۰۰ تن؛ سنگ‌آهن ۱۲،۷۵۰،۰۰۰ ؛ گچ ۸،۹۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دلار)؛ آهن و فولاد ۱،۳۹۳ ؛ مواد غذایی ۱،۱۷۰؛ منسوجات ۹۸۹؛ تجهیزات حمل و نقل ۷۶۳ ؛ ماشین‌آلات برقی ۷۱۶ ؛ آجر، سفال و سیمان ۷۰۳

انرژی/میزان‌تولید(میزان مصرف): برق(۹۸-۱۹۹۷): ۹۷،۷۴۴،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹۵: ۸۱،۳۳۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱،۷۵۰،۰۰۰ تن (۱،۳۲۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱،۳۲۲،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۱۹۹۵: ۳۴۷،۷۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹۵): ۴۷،۷۳۶،۰۰۰ تن (۴۹،۲۰۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۴۷،۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۴۷،۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۶): ۱۶،۰۲۶،۵۷۲ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۲۶/۷ ؛ میزان مشارکت (۱۹۹۱)؛ (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ٪۴۶/۸ ؛ زنان : ٪۱۲/۷ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ٪۹/۱

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۲۴/۹ ؛ صنعت ٪۲۱/۷ ؛ خدمات ٪۵۳/۴

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۲۱ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۵۴۳،۰۰۰ نفر؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ٪۲۳؛ نیروی زمینی ٪۶۴/۵ ؛ نیروی دریایی ٪۳/۸ ؛ نیروی هوایی ٪۸/۷ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۷۸ دلار

واردات(۹۷-۱۹۹۶): ۱۴،۴۶۷ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات غیر برقی ٪۱۵/۴ ؛ آهن و فولاد ٪۱۳/۶ ؛ غلات و حبوبات ٪۱۲/۴ ؛ ماشین‌آلات برقی ٪۷/۸ ؛ تجهیزات حمل و نقل ٪۴/۶ ؛ از کشورهای آلمان ٪۱۳/۹ ؛ بلژیک ٪۶/۱ ؛ ژاپن ٪۵/۸ ؛ سوئیس ٪۵/۴ ؛ آرژانتین ٪۵/۳

صادرات(۹۷-۱۹۹۶): ۲۲،۳۷۷ میلیون دلار؛ شامل: نفت و گاز طبیعی ٪۸۶/۱ ؛ فرش ٪۲/۹ ؛ پسته ٪۲/۱ ؛ به کشورهای انگلستان ٪۱۷/۵ ؛ ژاپن ٪۱۷ ؛ ایتالیا ٪۸/۱ ؛ کرهٔ جنوبی ٪۷/۷ ؛ یونان ٪۵

تراز بازرگانی:	۹۴-۱۹۹۳	۹۵-۱۹۹۴	۹۶-۱۹۹۵	۹۷-۱۹۹۶	۹۸-۱۹۹۷	۹۹-۱۹۹۸
میلیون دلار	-۱،۲۰۷	+۷،۶۳۳	+۵،۵۸۶	+۷،۹۱۰	+۴،۲۵۸	-۸۹۶
درصد کل	٪۳/۲	٪۲۴/۴	٪۱۷/۹	٪۲۱/۵	٪۱۳/۱	٪۳/۳

شاخص قیمتهاودرآمدها(۱۰۰=۹۱-۱۹۹۰):	۹۵-۱۹۹۴	۹۶-۱۹۹۵	۹۷-۱۹۹۶	۹۸-۱۹۹۷	۹۹-۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۲۴۵/۲	۳۶۱/۷	۴۵۷/۲	۵۲۸/۵	۶۲۰/۷
شاخص درآمد روزانه	۲۰۰/۴	۲۷۸/۲	۳۷۲/۱	۴۳۸/۸	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۶): ۴/۸ نفر؛ درآمدهرخانوار شهری (۱۹۸۸): ۱،۳۳۹،۹۷۰ ریال؛ منابع درآمد شهری(۱۹۸۸): دستمزد ٪۳۷/۴ ؛ کار آزاد ٪۳۰/۵ ؛ دیگر موارد ٪۳۲/۱ ؛ هزینه‌ها (۹۱-۱۹۹۰) : غذا، نوشیدنی و دخانیات ٪۴۲/۶ ؛ مسکن وسوخت ٪۲۴/۹ ؛ پوشاک ٪۱۱/۸ ؛ لوازم خانگی ٪۶/۴

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۳۲۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲۵۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۱۶۲،۰۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۶):** ۵،۹۶۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۱،۷۹۳،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۶۹۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۴۰۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۶):** ۱۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۳۲ روزنامه در ۱،۶۵۱،۰۰۰ نسخه (۳۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳۱۸ عنوان در ۶،۱۶۶،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۵،۷۰۳ عنوان در ۸۷،۸۶۱،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۵،۵۹۵ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱۷،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۶۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۰،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۵۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷،۳۵۵،۰۰۰ خط تلفن (۱۱۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳۹۰،۰۰۰ خط (۵/۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۶): ۲،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۶۳،۱۰۱	۲۹۸،۷۵۵	۹،۲۳۸،۳۹۳	۳۰/۹
متوسطه	؟	۲۲۸،۸۶۹	۷،۲۸۴،۶۱۱	۳۱/۸
فنی و حرفه‌ای	؟	۲۰،۴۱۸	۳۶۸،۲۱۸	۱۸
عالی	؟	۴۰،۴۷۷	۵۷۹،۰۷۰	۱۴/۳

میزان باسوادی(۱۹۹۴): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۷۲/۱ ؛ مردان: ٪۷۸/۴ ؛ زنان: ٪۶۵/۸

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۶): بدون تحصیلات رسمی ٪۱۲/۸؛ ابتدایی؟؛ متوسطه ٪۳۸ ؛ عالی ٪۷/۸

تعداد پزشک(۹۷-۱۹۹۶): ۵۰،۷۷۰ نفر (هر ۱،۱۸۲ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۹۷-۱۹۹۶) : ۹۸،۵۴۹ تخت (هر ۶۰۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۷/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۸۳۶ کالری (٪۱۱۸ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۷۵ گرم؛ مصرف چربی: ۶۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۸ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۱/۸

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۳/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۲۶۷/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۰۹ (نودوهفتمین کشور جهان)

عمده‌ترین رودخانه‌های ایران، کارون (۸۹۰ کیلومتر) و سفیدرود (۷۶۵ کیلومتر) و کرخه (۷۵۵ کیلومتر) و زاینده‌رود (۴۹۵ کیلومتر) است و دریاچهٔ ارومیه به وسعت ۴,۸۷۰ کیلومترمربع وسیع‌ترین عارضهٔ آبی درون‌بومی محسوب می‌شود.

تاریخچه

در سدهٔ هجدهم پیش از میلاد، اقوام هندواروپایی به سرزمین ایران وارد شدند و ساکنان پیشین آن را که به گله‌داری و شبانی مشغول بودند مطیع خود ساختند. اقوام مزبور که مهاجرتشان به ایران تا سدهٔ دهم قبل از میلاد ادامه داشت و آریایی نامیده می‌شدند، وطن خود را به ایران یا سرزمین آریایی‌ها موسوم کردند. مادها از جمله آریایی‌هایی بودند که در شمال غربی ایران سکونت داشتند. آنان نخستین دولت ایرانی را در اوایل سدهٔ هفتم پیش از میلاد تأسیس کردند و کشور خود را تا ارمنستان غربی و کاپادوکیه توسعه دادند. دولت ماد در سال ۵۵۰ قبل از میلاد به دست کوروش بزرگ سردودمان هخامنشیان منقرض شد و سلطنت ایران به پارسیان که خود قومی آریایی بودند، منتقل گردید. آنان بین‌النهرین را به تصرف خود درآوردند و نخستین امپراتوری جهان را به نام هخامنشیان پایه‌گذاری کردند. امپراتوری مزبور در زمان داریوش کبیر به منتهای وسعت خود رسید؛ آن چنان که از خاور تا رود سند و نواحی غرب هندوستان و پامیر و از غرب تا آسیای صغیر و یونان و دریای آدریاتیک و مصر، و از دریای عمان تا کوههای قفقاز و دریای خزر و آن سوی رود جیحون گسترده بود. در سال ۳۳۰ پیش از میلاد امپراتوری عظیم هخامنشیان به دست اسکندر مقدونی برافتاد و ایران جزئی از امپراتوری اسکندر و جانشینانش گردید. سلوکیان یا جانشینان اسکندر از ۳۱۲ تا ۶۴ پیش از میلاد بر ایران حکومت کردند و به دست قوم آریایی پارت منقرض گردیدند. پارت‌ها یا اشکانیان از حدود ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ بعد از میلاد بر ایران سلطنت کردند و به دست اردشیر بابکان سردودمان ساسانیان برافتادند.

در زمان ساسانیان که از ۲۲۶ پس از میلاد تا ۶۵۲ میلادی بر این سرزمین سلطنت کردند، ایران دوباره فرّ و شکوه پیشین خود را بازیافت و به اوج قدرت و عظمت خود رسید و حدود مرزهای آن از درهٔ رود سند تا دریای سرخ ممتد گردید. آخرین پادشاه ساسانی به نام یزدگرد سوم در سال ۶۵۲ میلادی به دست اعراب مسلمان سرنگون شد (۲۱ هجری قمری) و سرتاسر ایران طی ۲۰ سال به تصرف مسلمانان درآمد. با قتل عثمان، سوّمین خلیفه از خلفای راشدین، ایرانیان در صحنهٔ سیاسی خلفای مسلمان ظاهر شدند و با روی کار آمدن امویان نشانه‌هایی از ناخشنودی در میان آنان آشکار شد. ابومسلم خراسانی به یاری سیاه‌جامگان ایرانی حکومت امویان را در سال ۱۳۲ هجری قمری (۱۲۸ هجری خورشیدی) برانداخت و خلافت را از بنی امیه به بنی‌عباس منتقل ساخت.

ایرانیان در اوایل خلافت عباسیان مقام‌های حساس حکومت را در دست گرفتند و آیین‌های باستانی ایران را احیاء کردند و بدنبال زمزمه‌های استقلال‌خواهی، قدرتهای بالنسبه مستقلی چون طاهریان و صفاریان و آل زیار و سامانیان و دیلمیان در گوشه و کنار ایران به حکومت پرداختند. سامانیان به دست غزنویان برافتادند و خود آنان نیز به دست ترکان سلجوقی سرنگون شدند. سلجوقیان که دولت مقتدری تشکیل داده بودند نیز به توسط خوارزمشاهیان سرنگون گردیدند و آنان نیز با حملهٔ مغولان از بین رفتند. حملهٔ مغول در همه جای ایران با کشتار و ویرانی و غارت توأم بود و به فرهنگ و تمدن ایران آسیب فراوان رسانید. مغولان مستعصم آخرین خلیفهٔ عباسی را به قتل رساندند و حکومت ۵۰۰ ساله عباسیان را برانداختند.

استیلای مغول بر ایران به حکومت ملوک‌الطوایفی انجامید که آنان نیز به دست امیر تیمور سرنگون شدند. جانشینان امیرتیمور به دست ترکان آق‌قویونلو و قره‌قویونلو برافتادند و خود به دست شاه اسماعیل اول صفوی سرنگون گردیدند. شاه اسماعیل اول صفوی در سال ۹۰۷ هجری قمری (۸۷۹ خورشیدی) تاجگذاری کرد و وحدت ایران را پس از حدود ۹۰۰ سال دوباره تأمین نمود و مذهب تشیع را در ایران رسمیت بخشید. در روزگار صفویان به ویژه در زمان شاه عباس اول، ایران به اوج عظمت خود در بعد از اسلام رسید و آثار و بناهای ارزشمندی از آنان به یادگار ماند. دولت صفویه در زمان شاه سلطان حسین رو به ضعف نهاد آنچنان که محمود افغان وی را به آسانی سرنگون کرد. (۱۱۳۵ هجری قمری برابر ۱۱۰۰ خورشیدی). اشرف افغان جانشین محمود افغان به دست نادر سردار رشید ایران که بعدها به نادرشاه معروف گردید قلع و قمع شد. نادرشاه تجاوز عثمانیان و روسیان را دفع کرد و به هند لشگر کشید و غنائم بسیار مانند الماس‌های دریای نور و کوه نور و غیره را با خود به ایران آورد. وی در سال ۱۱۶۰ هجری قمری (۱۱۲۵ خورشیدی) به دست سه تن از سردارانش کشته شد. با مرگ نادر ایران میان جانشینان او و سران طوایف زند و قاجار تقسیم گردید و هرکدام در گوشه‌ای از ایران به حکومت پرداختند.

آخرین بازماندهٔ سلسلهٔ افشار در سال ۱۲۱۸ هجری قمری (۱۱۸۱ خورشیدی) و آخرین بازماندهٔ زندیه نیز در ۱۲۰۹ هجری قمری (۱۱۷۲ خورشیدی) به دست آقامحمّدخان قاجار از میان رفتند و وحدت ایران مجدداً تأمین گردید. آقامحمّدخان قاجار در سال ۱۲۱۰ هجری قمری (۱۱۷۳ خورشیدی) در تهران تاجگذاری کرد و در سال ۱۲۱۲ هجری قمری (۱۱۷۵ خورشیدی) در شهر شوشی کشته شد. در جنگ ایران و روس که در زمان فتحعلیشاه قاجار روی داد، ایران شکست خورد و نواحی شمالی رود ارس از ایران جدا شد و به تصرف روسیه درآمد. در زمان ناصرالدّین شاه قاجار، میرزا تقی‌خان امیرکبیر به صدارت رسید و در دوران صدارت خود اصلاحات مفیدی انجام داد و دارالفنون را تأسیس کرد، اما در سال ۱۲۶۸ هجری قمری (۱۲۳۰ خورشیدی) از کار برکنار شد و در کاشان به قتل رسید. و هم در این زمان بود که بلوچستان خاوری و نواحی شرقی افغانستان از ایران جدا شد.

ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ هجری قمری (۱۲۷۳ خورشیدی) به دست میرزا رضا کرمانی به قتل رسید و پس از او پسرش مظفرالدین میرزا به پادشاهی رسید. در زمان او مردم قیام کردند و خواستار مشروطه و پارلمان شدند. مظفرالدین شاه در سال ۱۳۲۴ هجری قمری (۱۲۸۴ خورشیدی) فرمان مشروطه را امضاء و چندی بعد درگذشت. پسرش محمّدعلی شاه که مردی مستبد بود با انقلابیون و مشروطه‌خواهان به ستیز برخاست و مجلس شورای ملی را به توپ بست و شمار زیادی از آزادی‌خواهان را کشت. ولی مردم از پای ننشستند و سرانجام او را از سلطنت خلع کردند و نظام مشروطهٔ سلطنتی را بر ایران حاکم ساختند و احمد میرزا پسر نوجوان محمّدعلی شاه را به سلطنت برداشتند. روزگار سلطنت او با جنگ جهانی اول و اختلافات و مناقشات داخلی و مداخلات بیگانگان به ویژه روس و انگلیس و قیام‌های میرزا کوچک‌خان و شیخ محمّد خیابانی و کلنل محمّدتقی‌خان پسیان، همزمان بود. در سوّم اسفند سال ۱۲۹۹ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) رضاخان فرماندهٔ بریگاد قزاق کودتا کرد و تهران را اشغال نمود.

در سال ۱۳۰۴ خورشیدی احمدشاه قاجار از سلطنت خلع شد و رضاخان که عنوان سردار سپهی داشت به نام رضاشاه پهلوی به سلطنت نشست. در دوران ۱۶ ساله سلطنت رضاشاه اقدامات و اصلاحات چندی مانند تأسیس ارتش، احداث خط آهن سراسری، احداث دانشگاه تهران و سرو صورت بخشیدن به نظام اداری و مالیاتی و غیره صورت گرفت، ولی بعضی از اقدامات او مانند فرمان رفع حجاب مورد اعتراض روحانیون قرار گرفت. در اواخر سلطنت او جنگ جهانی دوم درگرفت و ایران به اشغال نظامی متفقین درآمد و رضاشاه که از آلمان نازی هواداری می‌کرد از سلطنت خلع و از ایران تبعید شد. پس از او پسرش محمّدرضا پهلوی به سلطنت رسید. دوران سلطنت او با آزادیهای سیاسی و اختلافات و مناقشات بین‌المللی و نهضت‌های آزادی‌خواهی شروع شد. اتحاد جماهیر شوروی که قرار بود پس از خاتمهٔ جنگ ایران را تخلیه کند، دست به تحریکاتی در آذربایجان زد و عوامل خود را در آنجا به حکومت رسانید ولی در مقابل فشارهای بین‌المللی به ویژه امریکا تسلیم شد و آذربایجان را در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ تخلیه نمود. نهضت‌های آزادی‌خواهی که به مرور جان گرفته بود به نخست‌وزیری دکتر محمّد مصدق رهبر جبههٔ ملی منجر شد و به ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ (۱۹۵۰ میلادی) انجامید. دکتر مصدق طی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از نخست‌وزیری برکنار شد و سپهبد زاهدی زمام امور دولت را به دست گرفت. انگلستان که بر اثر مصائب جنگ دوم به شدت تضعیف شده بود، جای خود را در غالب صحنه‌های بین‌المللی از جمله ایران به امریکا واگذار کرد.

اقدامات به ظاهر اصلاحی بعد از کودتا به ویژه برگزاری جشنهای دو هزاروپانصدسالهٔ شاهنشاهی، جشن تاجگذاری، جشن هنر شیراز و تغییر تقویم از هجری به شاهنشاهی نارضایتی‌های تودهٔ مردم به ویژه جامعهٔ روحانیت به رهبری امام خمینی را به همراه آورد. سخنرانی امام در عاشورای سال ۱۳۴۲ در قم با یورش مسلحانهٔ مأموران امنیتی و پلیس مواجه گردید و در پی تبعید امام خمینی به عراق فعالیتهای پنهانی گروههای سیاسی و روحانیت آغاز شد و حسنعلی منصور نخست وزیر در سال ۱۳۴۴ ترور شد و امیرعباس هویدا به نخست‌وزیری انتخاب گردید. با روی کار آمدن جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا از حزب دموکرات، خط مشی سیاسی امریکا در ایران تغییر یافت و با مطرح شدن سیاست حقوق بشر، از خفقان عمومی اندکی کاسته شد و هویدا نخست‌وزیر جای خود را به جمشید آموزگار داد. با درج مقاله‌ای در روزنامهٔ اطلاعات مورخ ۱۷ دی ۱۳۵۶، نخستین جرقه‌های انقلاب زده شد و به دنبال اعتراضات روحانیون در قم، آشوب و انقلاب سراسر کشور را فرا گرفت.

در ۵ شهریور ۱۳۵۷ جمشید آموزگار جای خود را به دولت مهندس شریف‌امامی داد و در روز ۱۳ شهریور همان‌سال نماز عید فطر در قیطریهٔ تهران با شکوه بسیار برگزار شد و نمازگزاران که جمعیت انبوهی را تشکیل می‌دادند، از قیطریه به مرکز شهر روان شدند. رژیم که در بن‌بست قرار گرفته بود، شریف‌امامی را برکنار کرد و سپهبد ازهاری را به نخست‌وزیری برگزید. دولت ازهاری نیز در برابر فشار افکار عمومی و تظاهرات و اعتصابات همه سویه تاب مقاومت نیاورد و جای خود را به شاپور بختیار که از یاران دکتر مصدق بود واگذار کرد. شاپور بختیار شاه را وادار به ترک ایران نمود و امام خمینی در ۱۲ بهمن در میان بزرگترین استقبال تاریخ به ایران وارد شد و اندکی بعد مهندس مهدی بازرگان را به نخست‌وزیری موقت انقلاب اسلامی برگزید. سرانجام رژیم پهلوی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی) سقوط کرد و با برگزاری همه‌پرسی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ فصل نوین تاریخ ایران، یعنی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید.

۱۳ آبان ۱۳۵۸ دانشجویان انقلابی، سفارت امریکا در تهران را تصرف کردند و اعضای آن را به گروگان گرفتند. در مرداد ۱۳۵۹ محمّدرضاشاه در مصر فوت کرد و درسی و یکم شهریور ماه ۱۳۵۹ (۱۹۸۰ میلادی) عراق به ایران حمله کرد و جنگ عراق بر علیه ایران آغاز شد. به دنبال مذاکرات مفصل سیاسی، گروگانهای سفارت امریکا در ۳۰ بهمن ۱۳۶۰ (ژانویه

۱۹۸۱)آزاد شدند. در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ مقر حزب جمهوری اسلامی به‌طرز وحشتناکی منفجر شد و ۷۲ تن از رهبران سیاسی آن کشته شدند و در انفجار نخست‌وزیری، محمّدعلی رجایی رئیس جمهور و دکتر جواد باهنر نخست‌وزیر شهید گردیدند و در پی آن آیت‌اللّه خامنه‌ای به ریاست جمهوری برگزیده شد. علیرغم جنگ ایران و عراق، ایران در سال ۱۳۶۴ قراردادهای بزرگی با کشورهای آلمان، ژاپن، سوئیس، سوئد، ایتالیا منعقد نمود.

در مرداد سال ۱۳۶۷ جنگ ایران و عراق پس از ۸ سال به پایان رسید و اروندرود بالمناصفه میان دو کشور تقسیم گردید. با رحلت امام خمینی در خرداد ۱۳۶۸ (۱۹۸۹ میلادی) و جانشینی ایشان به وسیلهٔ آیت‌اللّه خامنه‌ای، تغییری در سیاست خارجی ایران پدیدار نشد و امریکا به عنوان دشمن شماره یک انقلاب اسلامی، موقعیت خود را همچنان حفظ کرد. در اولین انتخابات بعد از رحلت امام خمینی، آیت‌اللّه هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری منصوب گردید. در جنگ خلیج فارس سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰ میلادی) ایران ضمن محکوم کردن تجاوز عراق به کویت، بی‌طرفی خود را حفظ کرد. طرح برنامهٔ ۵ ساله توسعه ایران در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسید.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران با کشورهای تازه استقلال یافته بلوک شرق روابط دیپلماتیک برقرار کرد و در کشورهای حوزهٔ قفقاز و آسیای میانه، سفارتخانه دایر نمود. در انتخابات سال ۱۳۷۲ آیت‌اللّه رفسنجانی مجدداً به پیروزی رسید و پست ریاست جمهوری را به مدت ۴ سال دیگر برای خود حفظ کرد. در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ حجت‌الاسلام سید محمّد خاتمی با اکثریت چشمگیری به ریاست جمهوری رسید و در دی‌ماه ۱۳۷۶ کنفرانس سران اسلامی تهران را افتتاح نمود. طی اجلاس مزبور سیاست تسلیحاتی و تجاوزکارانهٔ اسرائیل محکوم گردید. در اسفند ۱۳۷۷ (مارس ۱۹۹۸) خانم معصومهٔ ابتکار، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، سیاست طالبان دربارهٔ زنان افغانستان را محکوم کرد.

در اواسط سال ۱۳۷۷ قتل چندین روزنامه‌نگار و سیاستمدار مخالف دولت، موجی از ابهام را در بارهٔ عاملان آنها موجب شد. تحقیقات رسمی کمی بعد نشان داد که برخی عوامل خودسر در وزارت اطلاعات دست به این جنایت‌ها زده‌اند. در تیرماه ۱۳۷۸ اعتراضات گروهی از دانشجویان به تعطیلی روزنامهٔ سلام به بروز اغتشاشاتی چند روزه منجر گردید. پیروزی اصلاح طلبان طرفدار سیّدمحمّد خاتمی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ به محکم شدن حاکمیت آنان انجامید. در انتخابات ریاست جمهوری ۱۸ خرداد ۱۳۸۰، سیّد محمّد خاتمی بار دیگر با کسب اکثریت مطلق در سمت خود برقرار ماند. جمهوری اسلامی ایران حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به امریکا را محکوم کرد و از ارائهٔ هرگونه کمک به گروه بن لادن و فراریان آن گروه خودداری کرد.

ایرلند IRELAND

کشور ایرلند سرزمینی است در اروپای غربی که بخش اعظم جزیرهٔ ایرلند را شامل گردیده است. این کشور از جنوب و غرب و شمال به اقیانوس اطلس، از شمال خاوری به ایرلند شمالی و از خاور به دریای ایرلند محدود است.

نواحی جنوبی آن را مجموعه‌ای از ارتفاعات سنگی مانند کوههای گالتی و ویکلو با حداکثر ارتفاع ۱۰۰۰ متر پوشانیده و نواحی مرکزی آن را دشت نسبتاً وسیعی که از شرق به غرب ممتد است، دربر گرفته و بوسیلهٔ رودهای کوچک فراوانی چون بارو، ارن، شانن و بلک‌واتر مشروب می‌گردد. بلندترین نقطهٔ ایرلند قلهٔ کرنتوئل است که ۱۰۴۱ متر ارتفاع دارد و طویلترین رود آن نیز رود شانن با ۳۷۰ کیلومتر طول می‌باشد. دریاچه‌های متعددی در این کشور وجود دارد که عمده‌ترین آنها دریاچهٔ کارب (۱۶۸ کیلومترمربع) و درگ است. اقلیم ایرلند معتدل و مرطوب و پر باران است و خاک آن از نظر کشاورزی چندان مرغوب نیست. کشاورزی ایرلند عمدتاً در دامنه‌های خاوری ارتفاعات و درّهٔ رود شانن متمرکز است و گندم و جو و سیب‌زمینی و چغندر و گوشت و لبنیات از مهمترین فرآورده‌های آن محسوب می‌گردند. کشور ایرلند علاوه بر سرزمین اصلی، از جزایر کوچک چندی نیز تشکیل شده که بزرگترین آنها به نام اکل ۱۴۵ کیلومترمربع مساحت دارد.



تاریخچه

ایرلند قبل از مسیحیت، چند بار مورد هجوم قبایل سلت قرار گرفت. آنان تمدن و فرهنگ خود را در این سرزمین رواج دادند. در سدهٔ هشتم میلادی، نورمان‌ها به آنجا وارد شدند و ایرلند را به پنج ایالت به نام آلستر، مانستر، لنستر، کانات و میث تقسیم کردند. هر ایالت پادشاهی داشت که تابع شاه بزرگ ایرلند بود. مسیحیت در سدهٔ پنجم میلادی در ایرلند رواج یافت. انگلیسی‌ها از یک سو و نورمان‌ها از سوی دیگر به مرور اراضی بسیاری را در ایرلند تصرف کردند و مسئلهٔ اختلاف بین مالک و رعیت را به وجود آوردند. هنری دوم در سال ۱۴۹۵ سرتاسر ایرلند را به تصرف درآورد و قدرت قانونگذاری را به پارلمان انگلستان محول نمود. در سدهٔ شانزدهم، مردم ایرلند به تنگدستی و فقر عمومی گرفتار شدند و این وضع تا مدتها ادامه داشت. در سدهٔ شانزدهم انگلستان به مذهب پروتستان گروید و با قوانین کیفری‌ای که بر ضد کاتولیک‌ها وضع شد، کشمکش میان ایرلندی‌ها و انگلیسی‌ها رنگ مذهبی گرفت.

در زمان الیزابت اول، مردم محروم ایرلند سر به شورش برداشتند که به شدت سرکوب شد و در پی آن دولت انگلستان مهاجران اسکاتلندی را در آلستر (ایرلند شمالی) سکنی داد و نارضایتی ایرلندی‌ها را تشدید کرد.

انقلاب ایرلندی‌ها در سال ۱۶۴۱ که ده سال به درازا کشید، ۶۰۰,۰۰۰ کشته بر جای گذارد و الیور کرامول انقلاب را به سختی سرکوب کرد و ایرلندی‌های درویدا را قتل عام نمود.



نام رسمی: ایرلند

نام محلی: ایره Éire

اسامی دیگر: هیبرنیا Hibernia؛ امرالد آیل Emerald Isle؛ ارین Erin

پایتخت: دوبلین (۱،۰۰۸،۲٤۰ نفر در سال ۱۹۹٦)

تاریخ استقلال: ۱۹۲۱/۱۲/٦، از انگلستان

روز ملی: هفدهم مارس (روز سنت‌پاتریک)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۳۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: مری مک آلیس، از سال ۱۹۹۷ (به مدت ۷ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: برتیه آهرن، از سال ۱۹۹۷ (حزب فیانافیل)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۳۷، آخرین تغییرات ۱۹۹۹؛ مجلس نمایندگان با ۱٦٦ عضو و مجلس سنا با ٦۰ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسیهای مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۲): فیانافیل (محافظه‌کار) ۷۷ (۸۱) کرسی، فاین گیل (ایرلند متحد) ٥٤ (۳۱) کرسی، حزب کارگر ۱۷ (۲۱) کرسی، دموکراتهای مترقی ٤ (۸) کرسی، چپ دموکراتیک ٤ (-) کرسی، حزب سبز ۲ (٦) کرسی، شین‌فین ۱ (٥) کرسی، سوسیالیست (۱) کرسی، مستقل‌ها ۷ (۱۳) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٥٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، شورای اروپا، اواسی دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۷۰،۲۸٥ کیلومترمربع (صد و هجدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۳،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدو بیست و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٥۲/٦ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۰/۷٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٤/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٥۸/۱٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۰/۸٪

توزیع سنی(۱۹۹٦): زیر ۱٥ سال ۲۳/۷٪؛ ۲٤-۱٥ سال ۱۷/٥٪؛ ٥۹-۲٥ سال ٤۳/٦٪؛ بالای ٦۰ سال ۱٥/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ٤۹/٦٤٪؛ زن ٥۰/۳٦٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۹/٥ سال؛ مردان ۷۳/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱٤/٤ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٥/۷ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بیماریهای قلبی و گردش خون ۳٦٤/٤ نفر (از جمله بیماریهای کم خونی قلب ۹۹/۳ نفر)؛ بافتهای بدخیم (سرطان) ۲۰٦/۹ نفر؛ بیماریهای تنفسی ۱۳۱/۸ نفر؛ ذات‌الریه ٦۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٦ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت: اکثریت قریب به مطلق جمعیت را ایرلندی‌ها تشکیل می‌دهند.

دین(۱۹۹۱): کاتولیک ۹۱/٦٪؛ پیرو کلیسای انگلیکان ۲/٥٪؛ وابسته‌به کلیسای پرسبیتری ۰/٤٪؛ دیگرادیان ٥/٥٪

زبان و خط: ایرلندی و انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٦): کُرک ۱۸۰،۰۰۰ نفر؛ لیمریک ۷۹،۱۰۰ نفر؛ گالوی ٥۷،٤۰۰ نفر؛ واترفورد ٤٤،۲۰۰ نفر

بنادر مهم: دوبلین (دریای ایرلند)؛ کرک (رود لی و خلیج آن)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) =۰/۷۹ پوند ایرلند (منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو= ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱٥،٤۹۷ میلیون پوند؛ مالیات بر درآمد ۳٥/٦٪؛ مالیات بر ارزش افزوده ۲٥/۹٪؛ مالیات غیرمستقیم ۱۷/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱٥،۱۹٦ میلیون پوند؛ رفاه اجتماعی ۳۱/٤٪؛ بهداشت ۱۹٪؛ بازپرداخت وامها ۱۷/۳٪؛ آموزش ۱٥/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۱): ٦۹،۳۲۲ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۸،۷۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۳/۱٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٦/۷٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٥/٦٪؛ صنعت ۳۳/۸٪؛ خدمات ٦۰/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٦۱٥ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٦،۸۲۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹٦): ٤۷،۸۷٦ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۹۹- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۳۷/٤٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲٪؛ ۱۹۹۸: ۲/٤٪؛ ۱۹۹۹: ۳/۸٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): چغندرقند ۱،٤۰۰،۰۰۰ تن؛ جو ۱،۰۷۳،۰۰۰ تن؛ گندم ٦۷۳،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ٤۸۲،۰۰۰ تن؛ جو دوسر ۱۱۹،۰۰۰ تن؛ شیر ٥۱،۹۰۰،۰۰۰ هکتولیتر

کاربری زمین : کشاورزی ۱٤٪؛ مرتع و چمنزار ۷۱٪؛ جنگل ٥٪؛ سایر موارد ۱۰٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گوسفند ۸،۳۷۳،۰۰۰ رأس؛ گاو ۷،۷۹٥،۰۰۰؛ خوک ۱،۸۱۹،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۷): ۲،۱۸۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹٦):** ۳۳۲،۳۱٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۰،۹۹۱،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): گچ ٤۷۷،۰۰۰ تن؛ سنگ روی ۱۹٤،۸۰۰ تن؛ سنگ سرب ٤٥،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): (ارزش افزوده به میلیون پوند): تجهیزات اداری و کامپیوتر ۲،۱٦۳؛ مواد شیمیایی ۲،۱۱۲؛ بازتولید محصولات سمعی و بصری ۱،٥۳۱؛ دارو ۸۸٤؛ نوشابه‌های الکلی ۷۳٥

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق: ۱۷،۸۷۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۷،۸٦۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱،۰۰۰ تن (۲،٤٤۱،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر (۱٦،۰۰۰،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۲،۱۸۰،۰۰۰ تن (٤،۹۷٦،۰۰۰،۰۰۰)؛ گاز طبیعی ۲،٥۰۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۲،٦۲۹،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹٦): ۱،٤۷٥،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۰/۷٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٥۹/۲٪؛ میزان بیکاری: ۱۱/۹٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۸/٥٪؛ صنعت ۲۸/۳٪؛ خدمات ٦۳/۱٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام وظیفه ندارد؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۱۱،٥۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۰/۸٪؛ نیروی دریایی ۹/٦٪؛ نیروی هوایی ۹/٦٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۲۰۳ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۲۲،٤٦۸/۲ میلیون پوند؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۲٪؛ مواد شیمیایی ۱۲/۳٪؛ کالاهای ساخته شده ۱۰/۸٪؛ غذا ٦/۹٪؛ نفت و فرآورده‌های نفتی ۳/۷٪؛ مواد خام (غیر خوراکی) ۱/۸٪؛ نوشیدنی و دخانیات ۱٪؛ از انگلستان ۳۱/۹٪؛ امریکا ۱٥/٤٪؛ آلمان ٦/۸٪؛ ژاپن ٥/٤٪؛ سنگاپور ٤/٤٪؛ فرانسه ۳/۹٪؛ هلند ۳٪

صادرات(۱۹۹٦): ۳۰،۲۹٤/۳ میلیون پوند؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳٤/۷٪؛ مواد شیمیایی ۲۲/۲٪؛ مواد غذایی ۱۳/۷٪؛ کالاهای ساخته شده به کشورهای انگلستان ۲۱/۹٪؛ آلمان ۱۲/۹٪؛ امریکا ۳/۹٪؛ فرانسه ۸/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون پوند	+٥،٤۷۰	+۷،۲۰٦	۷،۹۷۸	+۹،٤٥٤	+۱۳،۹۳۹	+۲۲،۸٤٥
درصد کل	۱۳/۷٪	۱٤/۹٪	۱٥/۱٪	۱٥/٤٪	۱۸/۲٪	۲۰/۹٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٥/۳	۹۷/٥	۱۰۰	۱۰۱/۷	۱۰۳/۲	۱۰٥/۷	۱۰۷/٤
شاخص درآمد هفتگی	۹٥/۱	۹۷/۸	۱۰۰	۱۰۲/٥	۱۰٥/٤	۱۱۰/۲	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۷): ۳/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار (۹٥-۱۹۹٤): ۱٦،۲۲٤ پوند؛ هزینه‌ها (۱۹۹٦) غذا و نوشیدنی ۳٥/٤٪؛ حمل و نقل ۱۳/۹٪؛ اجاره و لوازم خانگی ۱۱/٦٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۳،۱۸۹ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲،۲۲۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۹۲،٥۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۱،۹٤۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱،۰٥۷،۳۸۳ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱٦۱،۳٥٥ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱۸۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۹ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ٦ روزنامه در ٥٤۳،۰۰۰ نسخه (۱٥۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲،٥٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۹۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،٥۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۰۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،٦۰۰،۰۰۰ خط تلفن (٤۳٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۹٤٦،۰۰۰ خط (۲٥۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۳،۲۰۱	۲۱،۰٥۲	٤۷۸،٦۹۲	۲۲/۷
متوسطه	٤٤٥	۱۲،۷۳٦	۲۲۳،٦۰٥	۱۷/٦
فنی و حرفه‌ای	۳۲۳	۸،۱٦٦	۱٤٦،٦٤۸	۱۸
عالی	۳۰	٤،۸۷۳	۹۳،۹۸۰	۱۹/۳

میزان باسوادی(۱۹۹۱): افراد بالای ۱٥ سال: ۱۰۰٪؛ مردان: ۱۰۰٪؛ زنان ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال(۱۹۹۷): ابتدایی ۳۳/۷٪؛ متوسطه ٥٥/۳٪؛ عالی ۱۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۸،۱۱٤ نفر (هر ٤٥۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٥): ۱۱،۹٥۳ تخت (هر ۳۰۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱،۷۰۰ نفر (۰/۰۹٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،٥٦٥ کالری(۱٤۲٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۱۱ گرم؛ مصرف چربی ۱۳۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۲/٦-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷۹/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳٥ میلیون تن؛ هر نفر ۹/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۰۷ (هجدهمین کشور جهان)

طرفداری ایرلندی‌ها از جیمز دوم به سختگیری بیشتر انگلیسی‌ها علیه ایرلندی‌ها منجر شد و صنعت پشم ایرلند را نابود کرد. در سال ۱۸۰۰ در زمان نخست‌وزیری ویلیام پیت، مجلس‌های انگلستان و ایرلند درهم ادغام شدند و نمایندگان ایرلند با اکراه به عضویت پارلمان انگلستان درآمدند. در سال ۱۸۲۹ قانون آزادی کاتولیک‌ها تصویب شد ولی چون سایر علل نارضایی ایرلندی‌ها رفع نگردید، به شورش بی‌نتیجه‌ای انجامید. در سال ۱۸۶۹ کلیسای ایرلند منحل شد، در دههٔ ۱۸۴۰ آفت سیب‌زمینی موجب از بین رفتن محصول مزبور شد و در عرض ۵ سال حدود یک میلیون ایرلندی از گرسنگی و بیماری جان باختند و حدود ۱,۶۰۰,۰۰۰ تن به خارج مخصوصاً امریکا مهاجرت کردند. در ۱۸۷۰ ایرلندی‌ها از در مخالفت با اتحاد با انگلستان درآمدند و نهضت شین‌فین پایه‌گذاری شد. نهضت مزبور شورش عید ایستر(پاک) سال ۱۹۱۶ و جنگهای سال ۱۹۱۸ را ترتیب داد و مقاومت آنان را در برابر نیروهای نظامی انگلستان موجب گردید و پیدایش نویسندگان بزرگی چون جورج برنارد شاو، حس ملیت و غرور ایرلندی‌ها را تقویت کرد.

در سال ۱۹۲۱ لوید جورج نخست‌وزیر انگلستان و رهبر شین‌فین ملاقات و گفتگو کردند و بر سرتشکیل کشور آزاد ایرلند به توافق رسیدند. از آنجایی که توافق مزبور مشروط به شرایطی بود، عناصر جمهوری‌خواه ایرلند ناراضی شدند و شین‌فین به دو جناح چپ و راست انشعاب یافت و جنگ داخلی درگرفت که به پیروزی عناصر محافظه‌کار انجامید. قانون اساسی سال ۱۹۳۷ کشور آزاد ایرلند را به جمهوری مستقل ایره (نام ایرلندی جزیرهٔ ایرلند) تبدیل نمود. در جنگ جهانی دوم ایرلند بی‌طرفی اختیار کرد و پس از جنگ به مخالفت و تحریکات خود علیه جدایی ایرلند شمالی از کشور ایره ادامه داد. در انتخابات سال ۱۹۴۸ دولت ائتلافی جان کاستلو روی کار آمد و در سال ۱۹۴۹ به موجب قانون جمهوری، ایرلند کشور کاملاً مستقلی شد و از تبعیت انگلستان به طور کامل رهایی یافت. در انتخابات سال ۱۹۵۹ د - والرا به ریاست جمهوری رسید و در ۱۹۵۵ ایرلند به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد. از آن پس جمهوری ایرلند کمابیش رو به آرامش گذارد و فقط به مخالفت خود با انگلیسی‌ها بر سر مسئلهٔ اشغال ایرلند شمالی ادامه داد و شاخهٔ نظامی ارتش آزادیبخش ایرلند (IRA) را به مبارزه علیه انگلیسی‌های مستقر در ایرلند شمالی مورد حمایت و تقویت قرار داد. بین سال‌های ۱۹۶۹ تا اواسط سال ۱۹۹۴ بیش از ۳,۱۰۰ تن از مردم ایرلند جان خود را از دست دادند و قربانی جنگ‌های مذهبی میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها شدند.

در همه‌پرسی مارس سال ۱۹۷۳ حدود ۶۰ درصد مردم ایرلند شمالی به باقی ماندن در انگلستان، رأی موافق دادند. در سال ۱۹۷۴ کارگران پروتستان آلستر، دست به اعتصاب عمومی در ایرلند شمالی زدند و از دولت انگلستان خواستند تا بر قدرت اجرایی خود در ایرلند شمالی بیفزاید. در ۱۹۷۶ سفیر انگلستان در دوبلین بوسیله IRA ترور شد و دولت ایرلند اقدامات ضد تروریستی شدیدی به عمل آورد. در همه‌پرسی مه ۱۹۸۷، ۶۹/۹ درصد مردم ایرلند به شرکت کشورشان در اتحادیهٔ اروپا رأی موافق دادند. در نوامبر ۱۹۹۰ ماری رابینسون به عنوان ریاست جمهوری ایرلند برگزیده شد. وی اولین زنی بود که در تاریخ ایرلند، در پست ریاست جمهوری منصوب می‌گردید. در ژانویهٔ ۱۹۹۲ در یک عملیات تروریستی که به وسیلهٔ IRA انجام شد، هفت کارگر ساختمانی پروتستان به قتل رسیدند. در همه‌پرسی اواسط ژوئیهٔ ۱۹۹۲، ۶۹ درصد مردم ایرلند به عضویت این کشور در پیمان ماستریخت، و جامعهٔ اروپا، رأی موافق دادند. در سپتامبر ۱۹۹۷، ماری رابینسون، رئیس جمهور از مقام خود استعفاء داد و در ۱۱ نوامبر همان سال مری مک‌آلیس به جای وی به ریاست جمهوری رسید. در آوریل ۱۹۹۸ بین تجزیه‌طلبان کاتولیک و طرفداران اتحاد با انگلستان پس از مدتها توافق به عمل آمد و آشتی و صلح میان آنان حاصل گردید. در انفجار بمب اوت ۱۹۹۸ حدود ۳۰ تن کشته شدند.

در آوریل ۱۹۹۸ مذاکرات میان نخست‌وزیر انگلستان و مقامات ایرلند شمالی و مقامات جمهوری ایرلند و کاتولیک‌ها به امضای قرارداد صلح انجامید و براساس آن توافق گردید که ایرلند شمالی از خودمختاری بیشتری برخوردار شود و کاتولیک‌ها نیز از حقوق بیشتری بهره‌مند گردند و اعضای مجلس قانونگذاری ایرلند، مستقیماً از سوی ایرلندی‌های شمالی انتخاب گردند و جمهوری ایرلند نیز از ادعاهای خود نسبت به ایرلند شمالی (آلستر) صرفنظر نماید. درهمه پرسی ژوئن ۲۰۰۱، مردم ایرلند به گسترش اتحادیه اروپا رأی منفی دادند واین درحالی بود که اتحاد مالی وپولی اتحادیه اروپا قبلاً مورد تأیید قرارگرفته بود. ازاول ژانویه سال ۲۰۰۲، پوند ایرلند که ازسال ۱۹۲۸ درجریان بود، از دورخارج شد ویورو، واحد پول اروپایی، جایگزین آن گردید.

ایسلند ICELAND

کشور ایسلند جزیره‌ای است در میان آبهای شمالی اقیانوس اطلس و جنوب اقیانوس منجمد شمالی (شمالگان) در شمال غربی اروپا.

پیرامون این کشور کوهستانی را آب فرا گرفته و کوههای آن که اکثراً از برف و یخ و یخچال مستور است، در میان آن و از شرق به غرب امتداد یافته است. بلندترین نقطهٔ کشور که به کوه هوانا دالشنوکور موسوم است و ۲۱۱۹ متر ارتفاع دارد. در همین کوهها واقع است. رودخانه‌های کوچک متعددی چون رود تیورسا(به طول ۲۳۰ کیلومتر) که همگی از یخسارهای همین کوهها سرچشمه می‌گیرند، در این کشور جریان دارد.

خطوط ساحلی این کشور با شیب تند و اکثراً قائم به دریا ختم می‌شود و آبدره‌ها و خلیج های متعددی بوجود آورده است. بیشتر جمعیت ایسلند در کرانه‌های جنوبی و غربی، جایی که تحت تأثیر جریانهای آب گرم اقیانوس اطلس از اعتدال جوی بهتر و مناسبتری برخوردار است، ساکن هستند. ریکیاویک، پایتخت این کشور و همچنین دیگر شهرهای مهم آن و نیز مراکز اقتصادی آن در یک جلگهٔ حاصلخیز قرار دارند. سواحل شمالی ایسلند تحت تأثیر جریانهای آب سرد اقیانوس شمالگان سردتر از دیگر نواحی این کشور است و بالطبع جمعیت کمتری را نیز در خود جای داده است.

آبفشانها و آتشفشانهای فعال فراوانی که شمارشان به حدود ۱۰۰ می‌رسد، در این کشور دیده می‌شود که مهمترین آنها آتشفشان هکلا به ارتفاع ۱۴۴۸ متر است.



تاریخچه

در سال ۸۷۴ میلادی مهاجران نروژی و اسکاتلندی و ایرلندی در جزیرهٔ ایسلند سکنی گزیدند. ایسلند طی سالهای ۹۳۰ تا ۱۲۶۴ میلادی از دولت مستقلی برخوردار بود، ولی طبق «معاهدهٔ کهن» مصوب سال ۱۲۶۳ به بخشی از دولت پادشاهی نروژ مبدل شد.

در ۱۳۸۱ ایسلند و نروژ به تصرف دانمارک درآمدند و ایسلند تا سال ۱۸۱۴ تحت حمایت دانمارک باقی ماند. در سال ۱۹۱۸ ایسلند به یکی از استانهای وابسته به دانمارک تبدیل گردید تا این که در سال ۱۹۴۴ به یک کشور جمهوری مستقل مبدل شد و اتحاد با دانمارک را لغو کرد و در سال ۱۹۴۶ به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد. در ۱۹۷۰ به عضویت اتحادیه بازرگانی آزاد اروپا(افتا) درآمد. قانون مرزهای آبی که در ۱۹۷۲ به تصویب پارلمان ایسلند رسید به اختلافات مرزی با انگلستان منجر گردید. در اکتبر ۱۹۷۵ ایسلند رسماً اعلام داشت که آبهای سرزمین خود را تا ۲۰۰ مایل دریایی افزایش داده است. در فوریه ۱۹۷۶ روابط ایسلند و انگلستان به تیرگی گرایید و بطور موقت قطع گردید. در سال ۱۹۸۰ ویگدیس فینبوگادوتیر برندهٔ انتخابات ریاست جمهوری شد و به عنوان نخستین رئیس جمهور زن در تاریخ ایسلند شناخته شد. وی در سال ۱۹۸۴ بدون آن که رقیبی داشته باشد، دوباره به ریاست جمهوری ایسلند برگزیده شد. در مه۱۹۸۵ پارلمان ایسلند قانونی تصویب نمود که به موجب آن ایسلند از هرگونه فعالیت هسته‌ای منع گردید و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را غیرقانونی اعلام داشت. در اکتبر ۱۹۸۶ رونالد ریگان رئیس جمهور امریکا و میخائیل گورباچف رهبر اتحاد شوروی در ایسلند با هم دیدار و مذاکره کردند. در ژوئن ۱۹۸۸ خانم فینبوگادوتیر برای بار سوم به ریاست جمهوری ایسلند برگزیده شد. در یکم ژانویه ۱۹۹۳ ایسلند به عضویت



نام رسمی: جمهوری ایسلند

نام محلی: ایسلند Island

اسامی دیگر: سرزمین آتشفشان – سرزمین چشمه‌های آب گرم

پایتخت: ریکیاویک (۱۰۸،۳۵۱ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹٤٤/٦/۱۷ ، از دانمارک

روز ملی: هفدهم ژوئن (روز استقلال)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٤٤

رئیس حکومت: رئیس جمهور: اولافور راگنار گریمسون، از سال ۱۹۹٦ (برای دومین بار از سال ۲۰۰۰)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: داوید اودسون، از سال ۱۹۹۱ (حزب استقلال)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٤٤؛ مجلس (آلثینگ) با ٦۳ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسیهای آلثینگ در انتخابات ۱۹۹۹: حزب استقلال۲٦ کرسی، ائتلاف احزاب اتحاد سوسیالیستی خلق، سوسیال دموکرات و اتحاد زنان ۱۷ کرسی، حزب ترقی‌خواه ۱۲ کرسی، حزب سبزهای چپ ٦ کرسی، حزب لیبرال ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٦)؛ اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، افتا، شورای اروپا، ناتو، او اسی دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۱۰۲،۸۱۹ کیلومترمربع (صدوپنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۸۱،۰۰۰ نفر درسال ۲۰۰۰ (صدوهفتادویکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳۲۸،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۸۱ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۹۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۲٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ۲۳/۵٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۲/۹٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۸/٤٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱۵/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۵۰/۰٦٪ ؛ زن ٤۹/۹٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۸۱/۱ سال؛ مردان ۷٦/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱۵/۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ٦/۷ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳/٦ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۸/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٤): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۰۰/٤ نفر (از جمله بیماریهای کم‌خونی قلب ۱۷۵/٦ نفر و عروق مغزی ٦۹/۲ نفر)؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ۱٦٦/۵ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۸۰/۱ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۹): ۵/٦ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۹):** ۱/۷ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۸): ایسلندی ۹۵٪ ؛ دانمارکی ۰/۸٪ ؛ سوئدی ۰/٦٪ ؛ امریکایی ۰/۵٪ ؛ لهستانی ۰/٤٪ ؛ آلمانی ۰/۳٪

دین(۱۹۹۹): لوتری انجیلی ۸۸/۷٪ (دین رسمی)؛ دیگر لوتری‌ها ۳/۸٪ ؛ کاتولیک ۱/۷٪ ؛ سایر ادیان و نامشخص ۵/۳٪

زبان و خط: ایسلندی (زبان رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٦): کوپاووگور ۲۲،۵۸۷ نفر؛ هافنارفیوردور ۱۹،۱۵۰ نفر؛ آکوریری ۱۵،۱٤۳ نفر؛ گاردهابر ۷،۹۲۸ نفر

بنادر مهم: ریکیاویک (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کرون ایسلند (ISK) = ۱۰۰ آورار؛ یک دلار= ۸۳/۸۲ کرون؛ یک کرون= ۹۵/٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۱۹۳،۵٦۷ میلیون کرون؛ شامل مالیات‌های غیر مستقیم (از جمله مالیات بر ارزش افزوده ۲٦٪)، مالیات‌های مستقیم ٤٤/٤٪ ؛ درآمدهای غیر مالیاتی ٦/۵٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۱۹۷،۸۰٤ میلیون کرون؛ شامل بهداشت و رفاه عمومی ۳۹/٦٪ ؛ آموزش ۱٤/۳٪ ؛ هزینه‌های اداری ۸/۷٪ ؛ ارتباطات ۷/۵٪ ؛ امور فرهنگی ٦/۲٪ ؛ کشاورزی ٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۷،٦۲٦ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۷،۸۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳/۸٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۲/٦٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۱/۳٪ ؛ صنعت ۲۵/۷٪ ؛ خدمات ٦۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲- میلیون دلار؛ ۱۹۹۸ : ۱۱۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۲،٦۳٦/۲ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۸/۵٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/۹٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱/۷٪ ؛ ۱۹۹۹: ٤/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سیب‌زمینی ۹،۰۰۰ تن؛ علوفه انبار شده ۱،٦۱۲،۵۰۰ مترمکعب؛ علوفه خشک ۷۲۲،۸۰۰ مترمکعب

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۰/۱٪ ؛ مرتع و چمنزار ۲۲/۷٪ ؛ جنگل ۱/۲٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ٤۹۰،۵۰۰ رأس؛ اسب ۷۷،۳۰۰ رأس؛ گاو ۷٤،۵۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۹):** ٤۳،۱٦٦ میلیون کرون

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۸۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲،۲۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): دیاتومیت ۲۷،۱۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۳): (ارزش افزوده به میلیون کرون): آماده‌سازی و کنسرو ماهی ۱۷،۵۳٤؛ چاپ و نشر ۵،۰۲۰ ؛ تولیدات فلزی ۳،۹۹٦؛ گوشت ۲،۵٦۹ ؛ مبلمان چوبی ۱۲،۲۷۵

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۵،۱۳۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ۵،۱۳۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ(۱۹۹٦): صفر (٦٦،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): صفر (۲٦۳،۰۰۰ بشکه)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۱۵۲،۱۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت : ۵۵/۵٪ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٦ تا ۷٤)؛ ۷۹/۵٪ ؛ زنان: ٤٦/۸٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ۲/۷٪ ؛ ۲۰۰۰: ۱/۹٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۸/٦٪ ؛ صنعت ۲۵/۵٪ ؛ خدمات ٦۵/۹٪

نیروی دفاعی: کشور ایسلند دارای گارد ساحلی با ۱۲۰ عضو (۱۹۹۹) می‌باشد و امور دفاعی آن از طریق عضویت در پیمان آتلانتیک‌شمالی،توسط‌نیروهای‌امریکایی(۱،٦٤۰عضودرسال۱۹۹۹) مستقردراین‌کشور به انجام می‌رسد؛ سرانه‌هزینه‌دفاعی:صفر

واردات(۱۹۹۹): ۱۸۲،۳۲۱/۵ میلیون کرون؛ شامل ابزار و تجهیزات غیر برقی ۱۱/۲٪ ؛ وسیلهٔ نقلیه ۱۱٪ ؛ مواد غذایی ۸/۹٪ ؛ مواد شیمیایی ۸٪ ؛ ابزار و ماشین‌آلات برقی ٦/۳٪ ؛ فرآورده‌های نفتی ۵/۲٪ ؛ از کشورهای آلمان ۱۱/۸٪ ؛ امریکا ۱۰/۹٪ ؛ نروژ ۱۰/٤٪ ؛ انگلستان ۹/۲٪ ؛ دانمارک ۸/۱٪ ؛ سوئد ٦/۲٪ ؛ ژاپن ۵/۵٪

صادرات(۱۹۹۹): ۱٤٤،۹۲۸/۱ میلیون کرون؛ شامل محصولات دریایی ٦۱/۲٪ (از جمله ماهی ۳٦/۳٪ ؛ ماهی نمک‌زده ۱۵٪ خرچنگ و میگو ۸/۳٪) ؛ آلومینیوم ۱۵/٦٪ ؛ تجهیزات حمل و نقل ٤/۵٪ ؛ به کشورهای انگلستان ۱۹/٦٪ ؛ امریکا ٤/۷٪ ؛ آلمان ۱۳/۱٪ ؛ هلند ٦٪ ؛ فرانسه ۵/۲٪ ؛ اسپانیا ۵/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون کرون	+۱۰،۱۱۳	+۲،۹۹۳	-۱۰،۳۰٤	-۱۲،۰۱٤	-۳۹،۵۱٦	-۳٦،۱۸۹
درصد کل	٪٤/۷	٪۱/۳	٪۳/۹	٪٤/٤	٪۱۲/٦	٪۱۱/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦/۹	۹۸/٤	۱۰۰	۱۰۲/۳	۱۰٤/۱	۱۰۵/۹	۱۰۹/۳
شاخص درآمد ساعتی	۹٦/۳	۹٦/۸	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازه خانوار (۱۹۹۰): ۳/٦ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۹۵): ۱،۹۷٦،۰٦٦ کرون (۳۰،۵٤٦ دلار)؛ منابع درآمد: حقوق و دستمزد ۷٤/۱٪ ؛ مستمری ۱۰/۵٪ ؛ شغل آزاد ۲/۷٪ ؛ دیگر موارد ۱۲/۷٪ ؛ هزینه‌ها: مواد غذایی و نوشیدنی ۲٤٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ۲۰/۸٪ ؛ تفریحات و آموزش ۱۳/۹٪ ؛ لوازم منزل ۸/۳٪ ، پوشاک ۸٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۰۷ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج : ۳۹٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۲،۳۷۸ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۹): ۱۵۱،٤۰۹ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۹):** ۱۹،٤۲۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳۹٤ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۲٤ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۵ روزنامه در ۱٤۵،۰۰۰ نسخه (۵۳۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۹۳۸ عنوان در ۳۸٤،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱،۵۲۷ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۲٦۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۹۵۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳٦۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۷۸،٤۲۸ خط تلفن (٦۵۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۹۱،٤٦۸ خط (۳۳۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۹۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲٤،۸۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۹)	۲۰۵	۳،۵۱۸	٤۲،٤۲۱	۱۲/۱
متوسطه	۳۵	۱،٤۸۳	۱۸،۰۹۷	۱۲/۲
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۱٤	۵۰۸	۸،۱۵۸	۱۵/۷

میزان باسوادی(۱۹۹۷): افراد بالای ۱۵ سال: ۱۰۰٪ ؛ مردان: ۱۰۰٪ ؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۸۸٤ نفر (هر ۳۰۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): ۲،۷۹۸ تخت (هر ۹۵ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲۰۰ نفر؛ (۰/۱٤٪ افرد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۳،۲۲۲ کالری (۱۲۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ۱۱۳ گرم؛ مصرف چربی: ۱۲۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤۱/۳ کیلوگرم برای هر نفر

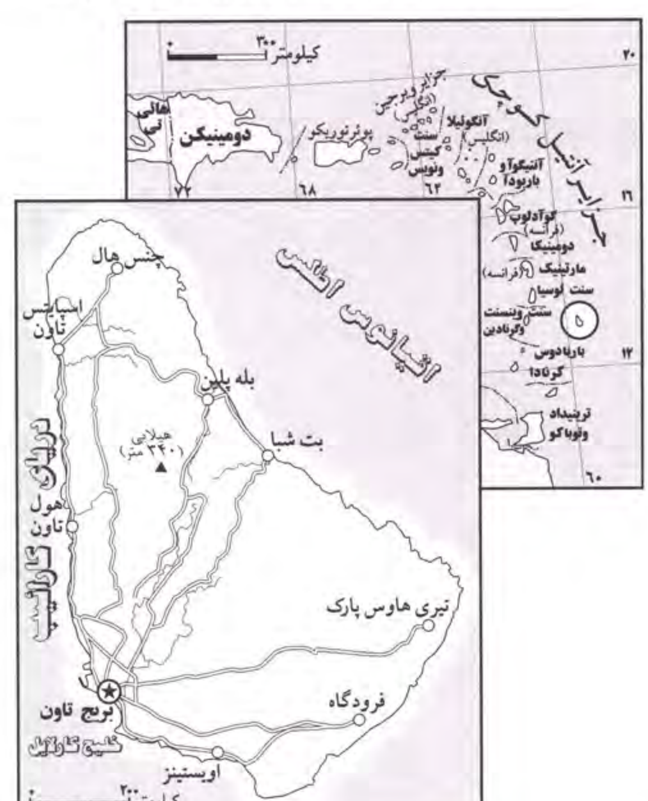
تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۸/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۲۷ (پنجمین کشور جهان)

اتحادیهٔ اروپا درآمد. در انتخابات ۲۹ ژوئن ۱۹۹۶ خانم فینبوگادوتیر جای خود را پس از ۱۶ سال به اولافور راگنار گریمسون واگذار کرد. در پایان سال ۱۹۹۷ ایسلند در مذاکرات مربوط به کاهش گازهای آلاینده که در ژاپن برگزار شد، شرکت نمود.

باربادوس BARBADOS

کشور کوچکی در منطقهٔ کارائیب که جزئی از جزایر آنتیل کوچک واقع در خاور دریای کارائیب و آبهای غربی اقیانوس اطلس است. دارای منشأ آتشفشانی است و خاوری‌ترین جزیره از مجمع‌الجزایر آنتیل کوچک محسوب می‌گردد. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و جزیره‌ای است، سبز و خرم و حاصلخیز که نیشکر، پنبه و موز و قهوه و برنج از فرآورده‌های کشاورزی آن است. رودهای آن کوتاه و بالنسبه پرآب هستند و عمده‌ترین آنها رود کانستیتوشن است و بلندترین نقطهٔ آن آتشفشانی است به نام هیلابی که ۳۴۰ متر ارتفاع دارد. مهمترین مسئلهٔ زیست محیطی آن فاضلابهای آلوده و فرسایش خاکهای ساحلی است.



تاریخچه

قبل از این که اسپانیایی‌ها در اوایل سدهٔ شانزدهم به این جزیره وارد شوند. کاریب‌ها در آنجا زندگی می‌کردند. اسپانیایی‌ها پس از ورود به جزیره، بومیانی را که حاضر به قبول مسیحیت نبودند، قتل عام کردند و بقیه را برای تفریح و خوشامد دولتیان با خود بردند. در سال ۱۶۲۵ انگلیسی‌ها به آنجا وارد شدند و آن را خالی از سکنه و حاصلخیز یافتند. در حدود سالهای ۱۶۴۰ جمعیت جزیره به حدود ۳۰,۰۰۰ تن می‌رسید که اکثریت آنان را کشاورزان و خانوادهٔ آنان و مبلغین مذهبی و مأموران دولت انگلیس تشکیل می‌دادند. آنان با کشت تنباکو، پنبه، فلفل و میوه و همچنین پرورش گله و بخصوص خوک و مرغداری روزگار می‌گذراندند. به مرور به شمار ساکنان و فعالیت آنان افزوده شد تا جایی که در سال ۱۶۹۶ به مقتدرترین مستعمره انگلستان در امریکا تبدیل شد. در اواخر سدهٔ هجدهم جزیرهٔ باربادوس به مجتمع عظیم تولید شکر مبدل گردید و حدود ۸۰,۰۰۰ بردهٔ افریقایی در کشتزارهای نیشکر آن کار می‌کردند.

در سال ۱۸۳۴ برده‌داری لغو گردید و در سال ۱۹۶۱ به آن خودمختاری داخلی داده شد و بالاخره در سال ۱۹۶۶ استقلال یافت و به یکی از اعضای جامعهٔ مشترک‌المنافع انگلستان تبدیل گردید. در همین سال ارول بارو از حزب دموکراتیک کارگر به نخست‌وزیری برگزیده شد و در سال ۱۹۷۸ به یکی از بزرگترین تولیدکنندگان شکر و یکی از زیباترین مراکز گردشگری ناحیهٔ کارائیب تبدیل شد. در سال ۱۹۷۶ تام آدامس از حزب کارگر به نخست‌وزیری رسید و دولت امریکا را وادار نمود تا پایگاه دریایی خود را در جزیره سنت‌لوسیا برچیند و این کار در سال ۱۹۷۹ عملی شد. در سال ۱۹۸۱ تام آدامس برای بار دوم به نخست‌وزیری برگزیده شد و در انتخابات سال ۱۹۸۶ جای خود را به ارول بارو واگذار کرد. بارو روابط نزدیکتری با امریکا برقرار نمود. بارو در سال ۱۹۸۷ در پی یک سکتهٔ قلبی درگذشت و ارسکین سندیفرد به جای او به نخست‌وزیری رسید. در سال ۱۹۸۸ حدود ۴۵۰,۰۰۰ گردشگر از باربادوس دیدن کردند و درآمد آن از راه گردشگری به حدود ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۳ رسید. در سال ۱۹۹۴ دولت باربادوس با یک شرکت امریکایی قراردادی برای کشف و استخراج نفت در آبهای ساحلی آن کشور منعقد نمود.

در انتخابات سپتامبر اوون‌آرتور، از حزب کارگر به نخست‌وزیری رسید. در اجلاس سران کشورهای امریکایی که در سال ۱۹۹۸ در شیلی برگزار شد، اوون آرتور تمایل خود را به شرکت رهبر کوبا در نشست بعدی سران اعلام کرد. انتخابات سال ۱۹۹۹ با پیروزی بزرگی برای حزب کارگر همراه بود و این حزب توانست ۲۶ کرسی از ۲۸ کرسی مورد منازعه را از آن خود نماید.

در سال ۲۰۰۱، درپی کشف مواد مخدر در کانتینرهای حاوی کالاهای صادراتی یک شرکت کانادایی مستقر در باربادوس، این شرکت مجبور به تعطیل کارخانه خود شد و شرکتهای صادراتی را با موانعی روبرو ساخت. پس از آنکه، در اثر خشکسالی، کاهش تولید نیشکر (عمده ترین محصول صادراتی باربادوس)، به اقتصاد این کشور لطمه وارد کرد، کاهش ورود جهانگردان در پی عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر، نیز صنعت جهانگردی این کشور را با بحران مواجه ساخت.



نام رسمی: باربادوس

نام محلی: باربادوس Barbados

اسامی دیگر: -

پایتخت: بریج تاون (۶،۷۲۰ نفر در سال ۱۹۹۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۶/۱۱/۳۰ ؛ از انگلستان

روز ملی: سی‌ام نوامبر؛ روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت حکومت تشریفاتی انگلستان)، از سال ۱۹۶۶

رئیس حکومت: فرماندار کل: سِر کلیفورد هازبندز، از سال ۱۹۹۶

رئیس دولت: نخست‌وزیر: اوون اس آرتور، از سال ۱۹۹۴ (حزب کارگر باربادوس)

قوه مقننه: قانون اساسی ۱۹۶۶ ؛ مجلس نمایندگان با ۲۸ عضو انتخابی و مجلس سنا با ۲۱ عضو انتصابی به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۹): حزب کارگر باربادوس ۲۶ کرسی؛ حزب دموکراتیک کارگر ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۶۶)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آی – آدب، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۴۳۰ کیلومترمربع (صدوهشتادوسومین کشور جهان)

جمعیت: ۲۷۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوهفتادودومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۶۲۷/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۹۷،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** بیش از ۱۰۰ سال دیگر

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۴۸/۹٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۷٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ۲۲٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۴/۲٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۴۱/۸٪ ؛ بالای ۶۰ سال ۱۲٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ۴۸/۲۴٪ ؛ زن ۵۱/۷۶٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۸ سال، مردان ۷۲/۴ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۴/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۶/۲ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۶/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۵): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۶۹/۷ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۶۳/۶ نفر؛ نارسائی‌های غدد و سوخت و ساز بدن ۱۵۱/۳ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ۳۶/۴ نفر، بیماریهای دستگاه تنفسی ۵۶/۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۳۴/۵ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۲۷/۶ نفر؛ بیماریهای دستگاه عصبی ۲۳ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۲ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۵): ۱۳/۵ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۵):** ۱/۵ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۰): سیاهپوست ۹۲/۵٪ ؛ سفیدپوست ۳/۲٪ ؛ دورگه ۲/۸٪ ؛ بقیه ۱/۵٪

دین(۱۹۹۵): پروتستان ۶۳٪ ، کاتولیک ۴/۸٪ ؛ سایر مسیحیان ۲٪ ؛ بی‌دینان و پیروان سایر ادیان ۳۰/۲٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۰): اسپایتس تاون (۳۵،۰۰۰ نفر)

بنادر مهم: بریج تاون (خلیج کارلایل – اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار باربادوس(BDS$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۱/۹۹ دلار باربادوس؛ یک دلار باربادوس = ۴،۰۲۰ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۱،۴۵۸،۲۷۴،۰۰۰ دلار باربادوس؛ شامل: درآمد مالیاتی ۹۴/۷٪ (از جمله مالیات کالا و خدمات ۴۹/۵٪مالیات بر درآمد افراد و شرکتها ۲۹/۵٪ ؛ عوارض گمرکی ۸/۸٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۵/۳٪

هزینه بودجه(۱۹۸-۱۹۹۷): ۱،۵۰۸،۸۶۹،۰۰۰ دلار باربادوس؛ هزینه‌های جاری ۸۳/۲٪ (از جمله آموزش و پرورش ۱۸/۸٪؛ خدمات اقتصادی ۱۱/۵٪ ، بهداشت ۱۰/۹٪ ؛ تأمین اجتماعی و رفاه عمومی ۸/۳٪)

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۶): ۲،۹۵۱/۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۶):** ۸،۳۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۱٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۱٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۶/۶٪ ؛ صنعت ۲۰٪ ؛ خدمات ۷۳/۴٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۶ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳۸۷/۸ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۵/۶ + میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۶/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/۴٪ ؛ ۱۹۹۸: ۳/۸٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): شکر خام ۴۸،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۵،۱۰۰ تن؛ خیار ۱،۴۰۰ تن؛ یام ۱،۳۲۰ تن؛ کلم ۱،۲۰۰ تن؛ کدو ۱،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۸۲۰ تن؛ هویج ۷۸۵ تن؛ پیاز ۴۸۰ تن؛ کاهو ۴۴۵ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۴۰٪ ؛ مرتع و چمنزار ۵٪ ؛ جنگل ۱۲٪ ؛ سایر موارد ۴۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گوسفند ۴۱،۰۰۰ رأس؛ خوک ۳۳،۰۰۰ رأس؛ گاو ۲۳،۰۰۰ رأس؛ بز ۴،۵۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲،۷۶۴ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۶۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۹۸۰ تن

تولیدات معدنی: ؟

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به هزار دلار باربادوس): غذا، نوشیدنی و دخانیات (بیشتر شکر، شیرهٔ چغندر، رُم، آبجو و سیگار) ۱۰۸،۰۰۰ ؛ تولید کاغذ، چاپ و نشر ۳۳،۴۰۰ ؛ مواد فلزی و قطعات الکترونیکی جهت مونتاژ ۲۸،۰۰۰ ؛ منسوجات و پوشاک ۱۱،۷۰۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۶): ۶۵۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۵۷۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: ۳۶۴،۰۰۰ بشکه (۱،۵۵۲،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۲۵۵،۰۰۰ تن (۲۸۸،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲۹،۱۱۲،۰۰۰ مترمکعب (۲۹،۱۱۲،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۷): ۱۳۵،۸۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۵۱/۳٪ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ سال به بالا): ۶۷/۵٪ ؛ زنان: ۶۲/۱٪ ؛ میزان بیکاری ۱۴/۵٪ ؛ ۱۹۹۹: ۱۱/۱٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۴/۳٪؛ صنعت ۲۰/۹٪ ؛ خدمات ۷۴/۴٪

نیروی دفاعی: (مدت نظام وظیفه:؟)؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ۶۱۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۲٪ ؛ نیروی دریایی ۱۸٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۶): ۵۴ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۱،۹۹۱،۰۰۱،۰۰۰ دلار باربادوس؛ شامل واردات مصرفی ۹۲/۷٪ ؛ (از جمله کالاهای سرمایه‌ای ۲۰/۴٪ غذا و نوشیدنی ۱۵٪؛ مصالح ساختمانی ۸/۲٪ ؛ مواد شیمیایی ۵/۶٪ ؛ سوخت ۳/۷٪)؛ واردات جهت صادرات مجدد ۷/۳٪ ؛ از امریکا ۴۵/۴٪ ؛ ترینیداد و توباگو ۹/۲٪ ؛ انگلستان ۸/۱٪ ؛ کانادا ۳/۹٪

صادرات(۱۹۹۷): ۵۶۵،۸۸۷،۰۰۰ دلار باربادوس؛ شامل: کالاهای ساخت داخل ۷۴/۴٪ (از جمله شکر ۱۲/۷٪ ؛ مواد شیمیایی ۱۰٪ ؛ قطعات الکترونیکی ۹/۲٪ ؛ رُم ۴/۹٪ ؛ کره گیاهی و پیه ۲٪؛ پوشاک ۱/۲٪)؛ صادرات کالاهای وارداتی ۲۵/۶٪ به انگلستان ۱۷/۱٪ ؛ امریکا ۱۴/۷٪؛ جامائیکا ۶/۶٪؛ ترینیداد و توباگو ۵/۵٪ ؛ سنت‌لوسیا ۳/۷٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون‌دلارباربادوس	-۷۷۷/۱	-۸۶۵/۶	-۱،۰۶۳	-۱،۱۰۶	-۱،۴۲۵	-۱،۵۱۰
درصد کل	٪۵۱	٪۵۴/۴	٪۵۲/۷	٪۴۹/۶	٪۵۵/۷	٪۵۹/۷

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۸/۱	۹۸/۲	۱۰۰	۱۰۲/۴	۱۱۰/۳	۱۰۸/۹	۱۱۳
شاخص درآمد ساعتی	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۰): ۳/۵ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۸): ۱۳،۴۵۵ دلار باربادوس؛ منابع درآمد؟؛ هزینه‌ها (۱۹۹۴): غذا ۳۹/۴٪ ؛ مسکن ۱۶/۸٪ ؛ حمل و نقل ۱۰/۵٪ ؛ امورات منزل ۱۸/۱٪ ؛ نوشابه‌های الکلی و دخانیات ۶/۴٪ ؛ سوخت و روشنایی ۵/۲٪ ؛ پوشاک و کفش ۵٪ ؛ دیگر موارد ۸/۶٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۷۰۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج ۸۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۱،۶۵۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۴۳،۷۱۱ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۱۰،۵۸۳ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳۷ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** یک فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۶): ۲ روزنامه در ۵۳،۰۰۰ نسخه (۱۹۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲۳۷،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۸۸۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۷۷،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۸۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۱۳،۰۰۰ خط تلفن (۴۲۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۲،۰۰۰ خط (۴۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۷۹	۹۹۴	۱۸،۵۱۳	۱۸/۶
متوسطه	۲۱	۱،۲۶۳	۲۱،۴۵۵	۱۷
فنی‌وحرفه‌ای	۸(۱۹۸۸)	۷۹(۱۹۸۸)	۹۹۶(۱۹۸۸)	۱۲/۶(۱۹۸۸)
عالی	۴	۵۴۴(۱۹۸۴)	۶،۶۲۲	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۷/۴٪ ؛ مردان: ۹۸٪ ؛ زنان: ۹۶/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۹): ابتدایی ۲۳/۷٪ ؛ متوسطه ۶۰/۳٪ ؛ عالی ۱۱/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹۲): ۳۱۲ نفر (هر ۸۴۲ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۲): ۱،۹۶۶ تخت (هر ۱۳۴ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۴۳۰۰ نفر؛ (۲/۸۹٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۱۷۶ کالری (۱۳۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو) مصرف پروتئین : ۹۲ گرم؛ مصرف چربی: ۱۰۹ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰) : صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۸/۴ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۸ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۵۸ (سی‌امین کشور جهان)



نام رسمی: مشترک‌المنافع باهاما

نام محلی: باهاماز Bahamas

اسامی دیگر: جزایر باهاما

پایتخت: ناسائو(۱۷۲،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۳/۷/۱۰، از انگلستان

روز ملی: دهم ژوئیه؛ روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل(تحت حکومت تشریفاتی انگلستان)، از سال ۱۹۷۳

رئیس حکومت: فرماندار کل: آیوی دومونت، از سال ۲۰۰۱

رئیس دولت: نخست‌وز یر: پری کریستی(حزب ترقی خواه لیبرال)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۳ ؛ مجلس نمایندگان با ۴۰ عضو و مجلس سنا با ۱۶ عضو (انتصابی) به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۲): جنبش ملی آزاد ۳۴ (۷) کرسی، حزب ترقی‌خواه لیبرال ٦ (۲۹) کرسی، مستقل ها (٤) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۳)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آی - آدب، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۱۳،۹۳۹ کیلومترمربع (صدوپنجاه و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۰۷،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوشصت و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۲ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٤۱٥،۰۰۰ نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤٦ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸۷/۸٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۱/۹٪

توزیع سنی(۱۹۹٥): زیر۱٥ سال ۳۱/٤٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۷/۹٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۳/۹٪ ؛ بالای ٦۰ سال ٦/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹٥): مرد ٤۸/۹۱٪ ؛ زن ٥۱/۰۹٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۷/٦ سال؛ مردان ۷۰/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹٦): ۲۰/۷ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹٦):** ٥/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۸/٤ نفر | **رشدطبیعی‌جمعیت‌درهرهزارنفر(۱۹۹٦):** ۱٥/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٥): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱٦۰/۱ نفر؛ بیماریهای ناشی از عملکرد نادرست غدد و سوخت و ساز بدن ۱۳۷/٤ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۸٥/٦ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۳ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱٦ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٦): ۹/۳ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٦):** ۱/٤ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹٦): سیاهپوست ۸٦٪ ؛ سفیدپوست ٦٪ ؛ دورگه و سایر نژادها ۸٪

دین (۱۹۹٥): پروتستان (به غیر از انگلیکان) ٤٥/٤٪ ؛ کاتولیک ۱٦/۸٪ ؛ انگلیکان ۱۰/۸٪ ؛ سایر ادیان و بی‌دینان ۲۷٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): فریپورت (در جزیره گراند باهاما) ۲٦،٦۰۰ نفر؛ های‌راک (در جزیره گراند باهاما) ۸،۱۰۰ نفر؛ وست‌اند (در جزیره گراند باهاما) ۷،۸۰۰ نفر؛ کوپرتاون (در جزیره آباکو) ٥،٥۰۰ نفر

بنادر مهم: ناسائو؛ فریپورت (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار باهاما (B$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= یک دلار باهاما؛ یک دلار باهاما= ۸۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۷۳۰/۱ میلیون دلار باهاما؛ شامل عوارض گمرکی ٤٥/۱٪ ؛ مالیات بر تمبر بر واردات ۱۱٪ ؛ صدور مجوزهای کاری و حرفه‌ای ۷/٤٪ ؛ مالیات بر خروج از کشور ٦/٦٪ ؛ جریمه و تاوان ٦/۱٪

هزینه بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۷٤۸/۱٥ میلیون دلار باهاما؛ آموزش ۱۹/۷٪ ؛ بهداشت ۱٥/٥٪ ؛ بهره وام ۱۳/۲٪ ؛ هزینه‌های اداری ۱۲/۸٪ نظم عمومی ۱۱/۱٪ ؛ صنعت جهانگردی ٦٪ ؛ امور دفاعی ۳/۷٪ (۹۹-۱۹۹۸)

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): ۳،۲۸۸ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۷):** ۱۱،۳۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٦/۳٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۰/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی: کشاورزی ٥٪ ؛ صنعت ۱۱٪ ؛ خدمات ۸٤٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۹ میلیون دلار (۱۹۹۸): ۲۳٥ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۱،٥۱۲ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۲۲/٦ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/۹٪ ؛ ۱۹۹۸ : ۱/۳٪

محصولات کشاورزی، دامداری و شیلات (۱۹۹۸): خرچنگ خاردار ٥٤،۱۰۰،۰۰۰ دلار باهاما؛ فرآورده‌های طیور ۲۸،۳۰۰،۰۰۰ ؛ مرکبات و سایر میوه‌ها ۲۱،۳۰۰،۰۰۰ ؛ گل و گیاه تزئینی ٦،۰۰۰،۰۰۰ دلار باهاما

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۱٪ ؛ مرتع ۰/۲٪ ؛ جنگل ۳۲/٤٪ ؛ سایر موارد ٦٦/٤٪

تعداد دام زنده: ؟

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۱۷،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی:** ؟

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۸۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،۰٥٦ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): نمک ۱۸،۱۰۰،۰۰۰ دلار باهاما؛ آراگونیت ٤،۹۰۰،۰۰۰ دلار باهاما

تولیدات صنعتی: (ارزش کالاهای صنعتی صادراتی؛ ۱۹۹٦): دارو و سایر فرآورده‌های شیمیایی (۱۹۹٥) ۷٤،۲۰۰،۰۰۰ دلار باهاما؛ رُم ٥،۲۰۰،۰۰۰ دلار باهاما

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۱،۳٤۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،۳٤۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (٥٥٥،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ۱٤٦،٦۳٥ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ٥۱/٦٪ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۷۷/۸٪ ؛ زنان: ٤۷/٥٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ۹/٥٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹٤): کشاورزی ٥/٤٪ ؛ صنعت ۱۲/۹٪ ؛ خدمات ۸۱/۱٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹٦: ۸٦۰ نفر؛ شبه نظامیان گارد ساحلی ۱۰۰٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۰۰ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۱،۳٦٥ میلیون دلار باهاما؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲٤/۹٪ ؛ مواد غذایی ۱٦/٤٪ نفت برای استفادهٔ داخلی ۱٤/۱٪ ؛ مواد شیمیایی ۹/۲٪ ؛ از کشورهای امریکا ۹۳/۸٪ ؛ اتحادیه اروپا ۲/۳٪

صادرات(۱۹۹٦): ۱۷۸ میلیون دلار باهاما؛ شامل: صادرات کالاهای داخلی ٦٤/۳٪ (از جمله خرچنگ خاردار ۳۸/۹٪ نمک ۹/۸٪) ؛ صادرات مجدد کالاها ۳٥/۷٪ ؛ به کشورهای امریکا ۸۰/۱٪ ؛ اتحادیه اروپا ۹٪ ؛ کانادا ۱/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار باهاما	-۷۹۲	-۹۰٤	-۱،۰٦۷	-۱،۱٦۳	-۱،٤٤۱	-۱،٥۷۲
درصد کل	٪۷۰/۹	٪۷۳	٪۷٥/۲	٪۷٦/٤	٪۷۹/۹	٪۷۲/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦/٦	۹۸	۱۰۰	۱۰۱/٤	۱۰۱/۹	۱۰۳/۳	۱۰٤/٤
شاخص درآمد سالانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹٦): ۳/۹ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۹٦): ۲۷،۲٥۲ دلار باهاما؛ منبع درآمد:؟؛ هزینه‌ها(۱۹۹٥): مسکن ۳۲/۸٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱٤/۸٪؛ غذا و نوشیدنی ۱۳/۸٪ ؛ لوازم خانگی ۸/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۱،٤۱٦ میلیون دلار؛ هزینه‌ها ۲٥۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٥): ۲،٤٥۰ کیلومتر | **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۸۹،۲٦۳ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱۷،۲۲۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱،۰٦۱ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۳ روزنامه در ۲۸،۰۰۰ نسخه (۱۰۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲۱٥،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۷۳۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٦٦،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۳۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۰٦،۰۰۰ خط تلفن (۳٥۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۸،۱۰۰ خط (۲۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ | **اینترنت:** ٤۹۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱۱۳	۱،٥٤۰	۳٤،۱۹۹	۲۲/۲
متوسطه	؟	۱،۳٥۲	۲۷،۹۷۰	۲۰/۷
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۱	۱٦۰	۳،٤٦۳	۲۱/٦

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۸/۲٪ ؛ مردان: ۹۸/٥٪ ؛ زنان: ۹۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۰): ابتدایی و راهنمایی ۸۳٪ ؛ متوسطه و عالی ۱۳/٥٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ٤۱۹ نفر (هر ٦۷۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۱،۱۱۹ تخت (هر ۲٥۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٦،۳۰۰ نفر (۳/۷۷٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹٦): در هر صد هزار نفر: ۳۰/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٤۹۹ کالری (۱۰۳٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۷۸ گرم؛ مصرف چربی: ۸۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) : ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰) : ۲/٦٪

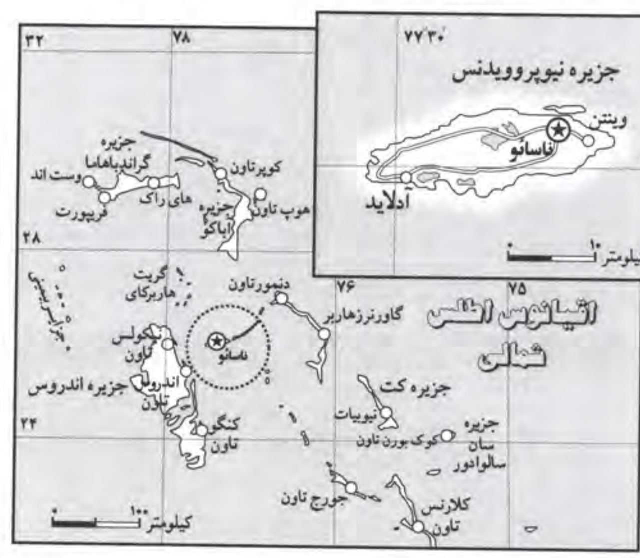
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۰/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱/۷ میلیون تن؛ هر نفر ٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸٤٤ (سی و سومین کشور جهان)

باهاما BAHAMAS

کشوری مرکب از حدود ۷۵۰ جزیره، واقع در شمال خاوری کوبا و خاور شبه جزیرهٔ فلوریدا و آبهای غربی اقیانوس اطلس. این کشور که فقط ۳۰ جزیرهٔ آن مسکون است، در خاور قارهٔ امریکا جای دارد و عمده‌ترین جزایر آن نیوپروویدنس (که پایتخت کشور در آن واقع است)، گراندباهاما و اندروس است که همگی منشأ آهکی دارند و غالباً از نوع آبسنگ مرجانی هستند. بلندترین نقطهٔ آن حدود ۱۲۲ متر ارتفاع دارد و بزرگترین جزیرهٔ آن نیز، اندروس، ۴۱۵۰ کیلومترمربع وسعت دارد. با وجود این که اقلیم گرم و مرطوب و پرباران دارد، مع‌الوصف به دلیل فقدان رودخانه از کشاورزی پیشرفته و وسیع محروم است و زراعت آن به غلات و پنبه و کنف و موز محدود است و صنعت گردشگری عمده‌ترین منبع عایدات آن محسوب می‌گردد. توسعهٔ نواحی صنعتی و گرم شدن آبهای پیرامون آن و از همه مهمتر وقوع توفندهای وحشتناک وفرسایش ساحلی از جمله تهدیدهای زیست محیطی باهاما محسوب می‌گردند.



تاریخچه

مجمع‌الجزایر باهاما تا پیش از آمدن اروپاییان، مسکن سرخپوستان آاراک و کاریب‌ها بود. کریستف کلمب کاشف معروف در ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲ بر این جزایر پا گذارد و به گرمی از سوی آاراک‌ها مورد استقبال قرار گرفت. بین سده‌های هفده و هجده به پناهگاه دزدان دریایی تبدیل شد و مالکیت آن بین اسپانیا و انگلستان مورد اختلاف بود. انگلیسی‌ها در سال ۱۷۸۳ آنجا را تصرف کردند و ۱۹۰ سال برآنجا حکومت کردند. در سال ۱۹۷۳ باهاما استقلال خود را مشروط برآن که عضوی از جامعهٔ کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان باقی بماند اعلام داشت. باهاما با کشور امریکا روابط دوستانه و نزدیکی داشته و غالب گردشگرانی که از این کشور و پلاژهای زیبا و گرم و کازینوها و هتل‌های لوکس و راحت آن دیدار می‌کنند، امریکاییها بوده‌اند. در سال ۱۹۴۲ امریکاییها یک پایگاه دریایی در فریپورت احداث کردند تا رفت و آمد کشتی‌ها میان خلیج مکزیک و اقیانوس اطلس را کنترل کنند.

حزب ترقی‌خواه لیبرال که از دوران قبل از استقلال، حاکمیت جزایر را در دست داشت، در انتخابات سال ۱۹۸۷ نیز به پیروزی رسید و رهبر آن لیندن پیندلینگ به حکومت بیست ساله خود ادامه داد. در سال ۱۹۹۱ افزایش چشمگیری در شمار جهانگردان به وجود آمد و تعداد آنان در طی سال به حدود ۳ میلیون نفر رسید. در همین حال دولت ایالات متحده، پیندلینگ را متهم به کمک به قاچاقچیان مواد مخدر نمود و اعلام کرد نتایج بازجویی‌ها از ژنرال نوریگا، رئیس جمهور برکنار شده پاناما که به امریکا انتقال یافته، حاکی از آن است که وی بابت این کمک‌ها ۵ میلیون دلار دریافت کرده است.

با پیروزی جنبش ملی آزاد در انتخابات سال ۱۹۹۲، به حکومت ۲۵ ساله پیندلینگ پایان داده شد و هیوبرت اینگراهام، از دستیاران سابق پیندلینگ به نخست‌وزیری رسید. مهمترین مشکلات فراروی دولت عبارت بود از بیکاری و تعداد زیاد پناهندگان هائیتیایی و کوبایی که بازار کار را به شدت تحت تأثیر قرار داده بودند. در سال ۱۹۹۵ توافقی با هائیتی صورت گرفت که به موجب آن اتباع آن کشور به میهنشان بازگردانده شدند. اما پناهندگان کوبایی از بازگشت به کوبا خودداری کرده و خواستار انتقال به ایالات متحده شدند که در نهایت آنان نیز به کوبا بازگردانده شدند. توفند سهمگین فلوید در سپتامبر ۱۹۹۹ تمامی این جزایر را به مدت ۱۲ ساعت تحت یورش قرار داد و سرعت آن تا ۲۴۰ کیلومتر در ساعت نیز رسید. در اثر این طوفان وحشتناک قایق‌ها و کشتی‌های بسیاری نابود شدند و دهها هزار نفر بی‌خانمان شدند. برخلاف درخواست گروههای مدافع حقوق بشر، در سال ۲۰۰۰ یک نفر محکوم به اعدام شد و عفو بین‌الملل از دولت باهاما خواست که قانون اعدام را از قوانین قضایی خود حذف نماید. در سال ۲۰۰۱، دولت باهاما فعالیت چندین بانک خارجی را که در این کشور به ثبت رسیده و در عملیات پول‌شویی دست داشتند، تعطیل نمود. این اقدام درپی گزارش سنای امریکا به انجام رسید و پس از آن نیز فعالیت ۱۰۰,۰۰۰ مؤسسه تجاری بین‌المللی نیز که در این کشور به‌طور ناشناس به ثبت رسیده بودند، ممنوع گردید.

بحرین BAHRAIN

بحرین مجمع‌الجزایری است واقع در آبهای جنوبی خلیج فارس و جنوب غربی آسیا. این کشور که از ۳۳ جزیره ترکیب یافته در مدخل خلیج بحرین و میان شبه جزیرهٔ قطر در خاور و عربستان سعودی در غرب واقع است. بزرگترین جزیرهٔ این مجموعه که به بحرین موسوم است ۴۸ کیلومتر درازا، ۱۵ کیلومتر پهنا و ۵۹۸ کیلومترمربع وسعت دارد. اراضی آن شنزار و بیابانی و اقلیم آن گرم و مرطوب است. منامه پایتخت این کشور که عمده‌ترین مرکز اقتصادی این سرزمین به شمار می‌رود در ساحل شمال خاوری جزیرهٔ بحرین جای دارد و محرق، ام نعسان، ستره و رکا از دیگر جزایر عمدهٔ این کشورند و کوه دوخان با ارتفاع ۱۴۲ متر بلندترین نقطهٔ آن محسوب می‌گردد. خرما و سبزیجات و انگور و انجیر مهمترین فرآوردهٔ کشاورزی آن هستند و تولید نفت و مواد غذایی از جمله صنایع آن به شمار می‌روند. بحرین از نظر زیست‌محیطی با مسائلی مشابه دیگر کشورهای خلیج فارس روبرو است و آلودگی هوا و آبهای ساحلی تهدیدکننده‌ترین شرایط زیست‌محیطی آن است.



تاریخچه

بحرین در زمان سومری‌ها مرکز داد و ستد میان بین‌النهرین و هندوستان بود. جزیرهٔ بحرین از ادوار پیش از اسلام تا ظهور اسلام تحت تسلط ایران بود و پس از ظهور اسلام به یکی از قلمروهای امپراتوری اسلام تبدیل شد. در اوایل سدهٔ چهارم هجری، به مرکز قرامطه مبدل گردید و آنان حجرالاسود را از مکه به آنجا آوردند و حدود ۲۰ سال در آن سرزمین نگهداری کردند. بعد از قرامطه تا اوایل سدهٔ هفتم هجری تحت تسلط امرای محلی بود. دریانوردان



نام رسمی: دولت بحرین

نام محلی: البحرین

اسامی دیگر: -

پایتخت: منامه (۱٤۰،٤۰۲ نفر در سال ۱۹۹۲)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۱/۸/۱۵ ، از انگلستان

روز ملی: شانزدهم دسامبر

نوع حکومت: پادشاهی با دو مجلس قانونگذاری، ازسال ۲۰۰۲

رئیس حکومت: پادشاه: شیخ حمدبن عیسی آل خلیفه، از سال ۱۹۹۹

رئیس دولت: نخست‌وزیر: شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه، از سال ۱۹۷۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۲۰۰۲؛ مجلس نمایندگان با ٤۰ عضو انتخابی و مجلس شورا با ٤۰ عضو انتصابی پادشاه به مدت ٤ سال؛ در انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۰۲، ۱۹ کرسی نصیب جریانات اسلامگرا و ۲۱ کرسی نیز نصیب مستقلها و عناصر غیر مذهبی شده است.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای خلیج، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ٦۹٤ کیلومترمربع (صد و هفتاد و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ٦۹۱،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجاه و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۹۹٥/۷ نفر در کیلومترمربع　**رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۸٥۸،۰۰۰ نفر　**زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤۱ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۹۱/٦٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۲/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ۳۱٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۸/٤٪ ، ٥۹-۳۰ سال ۳۷٪ بالای ٦۰ سال ۳/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٥۸/٥۱٪ ، زن ٤۱/٤۹٪　**امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٥/٥ سال، مردان ۷۰/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۱/۲ نفر　**میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲۱/۳ نفر　**رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۷/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بیماریهای دستگاه گردش خون ۸٥/۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۳۷/۸ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۲۲/۷ نفر؛ بیماریهای مربوط به غدد، تغذیه و سوخت و ساز بدن ۲۲/۷ نفر؛ حوادث و درگیری ۱٤/٥ نفر؛ بیماریهای مربوط به دستگاه گوارش ۱۳/۳ نفر؛ ناهنجاریهای مادرزادی ۷/٦ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۸ نفر　**مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۷ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ٥/۷ مورد　**میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۸):** ۱/۲ مورد

نژاد/ ملیت(۱۹۹۱): عرب‌بحرینی٦۳/٦٪ ؛ ایرانی،هندی،پاکستانی‌ودیگرآسیایی‌ها۳۰/۳٪ ؛ دیگرعربها ۳/٥٪ ؛اروپایی۱/۲٪

دین(۱۹۹۱): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان ۸۱/۸٪ (شیعه ٦۱/۳٪ ؛ سنی ۲۰/٥٪)؛ مسیحی ۸/٥٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ فارسی؛ انگلیسی؛ خط : عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۱): محرق ۷٤،۲٤٥ نفر؛ رفاع ٤۹،۷٥۲ نفر؛ جدحفص ٤٤،۷٦۹ نفر؛ مدینهٔ عیسی ۳٤،٥۰۹ نفر

بنادر مهم: منامه؛ ستره (خلیج فارس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دینار بحرین (BD) = ۱۰۰۰ فلس؛ یک دلار = ۰/۳۸ دینار؛ یک دینار= ۲۱،۰٤۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ٥٦٦ میلیون دینار بحرین؛ درآمد از ایجاد اشتغال و دارایی‌ها ٥۷/۷٪ ؛ عوارض گمرکی ۸/٤٪ ؛ کمک‌های خارجی ٦/۷٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۷۲٦ میلیون دینار؛ (۱۹۹٥): مدیریت و نظم عمومی ۳۳/۲٪ ، دفاع ۱۷/۳٪ ، آموزش ۱۳/٤٪ ، سوخت و انرژی ۹/٦٪ ، بهداشت ۹/۳٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ۹٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤،۹۰۹ میلیون دلار　**سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۷،٦٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/٥٪

منشاء تولید ناخالص ملی: کشاورزی ۰/۹٪ ؛ صنعت ۳۹/۹٪ ؛ خدمات ٥۹/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٥۸ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹٥): ۳،۲۰۰ میلیون دلار　**کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٤۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٤۲/۱٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۰/۲-٪ ؛ ۱۹۹۸ : ٤/۹-٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): میوه ۲۱،۸۰۰ تن؛ شیر گاو ۱٤،۰۰۰ تن؛ خرما ۱٦،۸۰۰ تن؛ گوجه فرنگی ٤،٦۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : مرتع و چمنزار ٥/۸٪ ؛ کشاورزی ۲/۹٪ ؛ اراضی غیر قابل استفاده و مناطق مسکونی ۹۱/۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱۷،۱۰۰ رأس ؛ بز ۱٦،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱۳،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟　**صید ماهی(۱۹۹۸):** ۹،۸٤۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٤٥٥،۰۰۰ قطعه　**تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲،۹٦۸ تن

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): گازوئیل ۲۸،۹۰۰،۰۰۰ بشکه؛ نفت سیاه ۲۰،۹۰۰،۰۰۰ بشکه؛ نفت سفید ۱۰،٤۰۰،۰۰۰ بشکه؛ بنزین ۷،۷۰۰،۰۰۰ بشکه؛ سوخت جت (بنزین سفید) ۷،۱۰۰،۰۰۰ بشکه؛ نفت (نفتا) ۱،۸٦۰،۰۰۰ بشکه، پروپان ۱،٥۰۰،۰۰۰ بشکه؛ بوتان ۱،۱۹۰،۰۰۰ بشکه؛ آلومینیوم (۱۹۹۸): ۷۱۲،۲۰۰ تن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ٥،۷۷۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٥،۲۲٦،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱۳،۷٥۱،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ۸۲،۷۲۳،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۱۳،۱۰۰،۰۰۰ تن (٥۳۸،۰۰۰)؛ گاز طبیعی(۱۹۹۸): ۱۰،۰٦۸،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۰،۰٦۸،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۱): ۲۲٦،٤٤۸ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤٤/٦٪ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٥ تا ٦٤ سال): ٦٦/۱٪ ؛ زنان: ۱۷/٥٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): حدود ۳۰٪ ؛ (۱۹۹۹): حدود ۲٥٪ الی ۳۰٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲٪ ؛ صنعت ۳٤/٤٪ ؛ خدمات ٦۳/٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ۱۱،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۷/۳٪ ؛ نیروی دریایی ۹/۱٪ ؛ نیروی هوایی ۱۳/٦٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی ۸۸۳ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۳٤۰/۹ میلیون دینار؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۷/٦٪ ؛ فرآورده‌های نفت خام ۲۰/٤٪ ؛ مواد غذایی و حیوانات زنده ۱۲/۸٪ ؛ مواد شیمیایی ۱۱/۲٪؛ از کشورهای ژاپن ۱۱/٥٪ ؛ امریکا ۱۰/٤٪ ؛ استرالیا ۹/۷٪ ؛ انگلستان ۷/٤٪ ؛ عربستان سعودی ۷/۲٪ ؛ ایتالیا ٥/۸٪ ؛ آلمان ٥/۷٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱،۲۲۹/٦ میلیون دینار؛ شامل: فرآورده‌های نفتی ٥۱/۸٪ ؛ فلز و محصولات فلزی ۲۹/٥٪ ؛ به عربستان سعودی ۸/۲٪ ؛ امریکا ٦٪ ؛ ژاپن ٤/٤٪ ؛ هند ۲/۸٪ ؛ تایوان ۲/٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دینار	-٥۰/٦	-٤۹/۳	+۱٤۹/۳	+۱٦۰/٥	+۱۳٤/٦	-۱۱۱/۳	+۱۸۸
درصد کل	۱/۸٪	۱/۸٪	٥/۱٪	٤/۸٪	٤/۳٪	٤/۳٪	٦/۱٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٤/۱	۹٦/٥	۹۷/۳	۱۰۰	۹۹/۸	۱۰۲	۱۰۱/٦
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۱): ٥/۸ نفر؛ درآمد سالانهٔ هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد؟؛ هزینه‌ها (۱۹۸٤): مواد غذایی و دخانیات ۳۳/۳٪ ؛ مسکن ۲۱/۳٪ ، لوازم خانگی با دوام ۹/۸٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ۸/٥٪ ؛ تفریحات ٦/٤٪؛ پوشاک ٥/۹٪ ؛ آموزش ۲/۷٪ ؛ بهداشت ۲/۳٪ ؛ سوخت و آب ۲/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۳٦٦ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج : ۱٤۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۳،۱٦٤ کیلومتر　**راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱٤۹،٦۳٦ دستگاه　**تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۳۲،۲۱۳ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۸۷ فروند　**فرودگاه(۱۹۹۷):** یک فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ٦۷،۰۰۰ نسخه (۱۱۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۲٦ عنوان در ۷۳،۰۰۰ نسخه

کتاب: ٤۰ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۳۳۸،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٥۸۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲٦٥،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۱۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱٥۸،۰۰۰ خط تلفن (۲٤٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۹٤،۰۷۸ خط (۱٤٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٦۰،۰۰۰ دستگاه　**اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۱۳۲	۳،۷٦۱	٦۹،٤۲۲	۱۸/٥
متوسطه	٤۸	۲،٤۰۹	۳٤،٦٥٤	۱٤/٤
فنی و حرفه‌ای	۷	۷۲۱	۷،٥۲۸	۱۰/٤
عالی	٤	٦٥٥	۷،٦۷٦	۱۱/۷

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۸٥/۲٪ ؛ مردان: ۸۹/۱٪ ؛ زنان: ۷۹/٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ۲٦/۲٪ ؛ متوسطه ۲٥/۱٪ ؛ عالی ۱۰/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۷۰۹ نفر (هر ۹۰۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۱،۸۳۲ تخت (هر ۳٥۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ؟ ؛ (۰/۱٥٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲٦/٥ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۰/٦ میلیون تن؛ هر نفر ۱۸/٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۲۰ (چهل و یکمین کشور جهان)

پرتغالی در سال ۱۵۰۷ میلادی بحرین را تصرف کردند و حدود یکصد سال آن را در تصرف خود نگاه داشتند. در سال ۱۶۰۲ میلادی (۹۸۱ هجری شمسی) شاه عباس اول صفوی پرتغالی‌ها را از آنجا بیرون راند و آن را ضمیمهٔ خاک ایران نمود و از آن تاریخ تا سال ۱۷۸۳ تحت حکومت ایران و جزئی از سرزمین ایران محسوب می‌گردید. در سال ۱۷۸۲ شیخ احمد بن خلیفه بر آن سرزمین تسلط یافت که فرزندان وی هنوز بر مسند امارت این کشور قرار دارند. در سال ۱۸۲۰ میلادی، امیر وقت بحرین که از نفوذ و تسلط مجدد ایرانی‌ها نگران بود به دولت انگلستان پناه برد و در ۱۹۱۴ رسماً به تحت‌الحمایگی انگلستان درآمد. طی جنگهای جهانی اول و دوم، بحرین یکی از پایگاههای مهم نظامی انگلستان در خاورمیانه به شمار می‌آمد. در سال ۱۹۳۲ نخستین چاه آن به نفت رسید.

طی سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۵۴ جنبش‌های ملی به منظور احقاق حق کارگران صنعت نفت پی‌ریزی شد و در سال ۱۹۵۴ به اعتصاب عمومی کارگران منجر گردید. در سال ۱۹۵۶ سازمانهای اداری انگلیسی‌ها مورد حمله قرار گرفت و نیروهای مسلح انگلیسی را وادار به مداخله و بازداشت رهبر مخالفان نمود. در دههٔ ۱۹۷۰ انگلیسی‌ها به دلایل اقتصادی نیروهای خود را از شرق سوئز و بحرین خارج کردند و قطر و بحرین از پیوستن به امارات متحدهٔ عربی خودداری کردند. چون مالکیت بحرین مورد ادعای تاریخی ایران بود و همواره بر حاکمیت انگلیسیان بر بحرین اعتراض داشت، از این رو به توصیهٔ سازمان ملل متحد برای رسیدگی و تعیین تکلیف بحرین در ۱۵ اوت ۱۹۷۱ به همه‌پرسی مردم بحرین مراجعه شد و چون اکثریت به استقلال بحرین رأی دادند، کشور مزبور به استقلال رسید و شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه به امارت رسید و به امریکا اجازه داد تا پایگاه دریایی در بحرین ایجاد نماید.

با سقوط رژیم شاهنشاهی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران، روابط بین ایران و کشورهای عرب ناحیهٔ خلیج فارس به تیرگی گرایید و فزونی یافتن شمار شیعیان ایرانی در بحرین، موجب نگرانی مقامات بحرین شد. در سال ۱۹۸۱ بحرین به شورای همکاریهای خلیج فارس که برای مقابله با ایران تشکیل شده بود ملحق گردید. در اواخر سال ۱۹۸۶ بحرین موشکهای زمین به هوا از امریکا دریافت کرد تا در مقابل حملات احتمالی ایران به کار گیرد.

در جنگ خلیج فارس بحرین از نظر آلودگی هوا و انتشار دود و گاز حاصل از انفجار مخزن‌های نفت و گاز کویت، به سختی در زحمت افتاد. در سال ۱۹۹۲ هنگامی که پس از جنگ خلیج فارس، صلح و آرامش به منطقه بازگشت غالب شرکتهای خارجی که موقتاً منطقه را ترک کرده بودند، به بحرین بازگشتند و به کار خود ادامه دادند و ضمناً بحرین در کنفرانس صلح خاورمیانه که با مشارکت کشورهای عرب و اسرائیل در مسکو برگزار شد شرکت نمود.

در اکتبر ۱۹۹۴ یوسی سارید یکی از وزرای دولت اسرائیل از منامه دیدن کرد و این اولین رابطه میان کشورهای عرب خلیج فارس با اسرائیل بود. در دسامبر ۱۹۹۴ شیخ‌الجمری رهبر شیعیان بحرین به دلیل امضاء و صدور اعلامیه‌ای که خواستار تغییراتی در قانون اساسی بحرین شده بود، بازداشت گردید. بازداشت او منجر به شورشهایی گردید که طی آن دو دانشجو و یک افسر پلیس کشته شدند. اغتشاش و آشوب در سال ۱۹۹۶ وسعت بیشتری پیدا کرد و برخوردهای چندی را بین آشوبگران و پلیس به همراه آورد.

به دلیل ادامهٔ اغتشاشات و وسعت یافتن دامنهٔ ناامنی‌ها، چندین مؤسسهٔ تجارتی و مالی خارجی بحرین را ترک کردند و به دوبی انتقال یافتند. در مارس ۱۹۹۸ بحرین و دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، عمان، کویت، قطر و امارات متحدهٔ عربی) برای رهایی از وابستگی پول ملی خود به دلار امریکا کنفرانسی تشکیل دادند و راه حلهای مختلفی را بررسی کردند تا از سقوط بیشتر قیمت نفت جلوگیری شود.

در ماه مارس ۱۹۹۹ امیر بحرین، شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه، پس از ۳۷ سال حکومت، در اثر حمله قلبی درگذشت وپسر وی، شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه به قدرت رسید. در ماه دسامبر همان سال امیر بحرین در نطق خود به مناسبت سالروز استقلال این کشور، وعده داد که نهادهای دموکراتیک را احیاء خواهد کرد و به زودی شوراهای شهرداری تشکیل خواهد شد. در سال ۲۰۰۰ محاکمات عبدالوهاب حسین، دومین رهبر مهم جنبش آزادیبخش بحرین که در سال ۱۹۹۶ به اتهام امضای یک بیانیه سیاسی، حاوی درخواست دموکراسی بیشتر، دستگیر شده بود، آغاز شد.

در سال ۲۰۰۱، امیر بحرین به اصلاحات قانون اساسی و سیاسی که از سال پیش شروع شده بود، سرعت بیشتری داد. در ماه فوریه «منشور اقدام ملی» که از طرف دولت پیشنهاد شده بود با آرای مثبت ۹۸/۴٪ رأی‌دهندگان به تصویب رسید. در این منشور از جمله تشکیل نهادهای قانونگذاری و تفکیک قوا پیش‌بینی شده بود. در پی آن حدود ۹۰۰ نفر از زندانیان سیاسی آزاد شدند و همچنین به تبعیدیان نیز اجازه داده شد تا به بحرین بازگردند. اختلافات قطر و بحرین که از دههٔ ۱۹۳۰ بر سر مالکیت جزایر حوار و چند جزیرهٔ کوچک دیگر ادامه یافته بود، با رأی دیوان عالی لاهه از ماه مارس ۲۰۰۱، پایان یافت و مالکیت جزایر حوار به بحرین و چند جزیره کوچک دیگر به قطر واگذار گردید. بلافاصله دو کشور با ساخت پلی ارتباطی بین دو کشور به طول ۴۵ کیلومتر موافقت کردند.

در فوریه سال ۲۰۰۲، قانون‌اساسی جدید بحرین منتشر شد و طبق آن حکومت کشور از سیستم امیرنشین به پادشاهی تبدیل گردید و دو مجلس نیز برای امور قانونگذاری تعیین شد.

برزیل BRAZIL

برزیل، پنجمین کشور وسیع جهان، در خاور نیم قارهٔ امریکای جنوبی واقع است. این کشور از شمال به ونزوئلا، گویان، سورینام و گویان فرانسه؛ از خاور و جنوب به اقیانوس اطلس و اوروگوئه و از باختر به کشورهای آرژانتین، پاراگوئه، بولیوی، پرو و کلمبیا محدود است و خط استوا از شمال آن می‌گذرد. برزیل را دشتهایی پهناور و فلاتهایی چند در بر گرفته: جلگهٔ آمازون و دشتهای پارانا و دشت حوضهٔ رود پاراگوای و جلگهٔ ساحلی، نواحی هموار این کشور را تشکیل می‌دهند. دشت هموار حوضهٔ آمازون را بزرگ‌ترین جنگل بارانی جهان فرا گرفته و رود عظیم آمازون با ریزابه‌های متعدد و فراوان آن چون تاپاجوس، مادیرا، پوروس، نگرو و توکانتینس در آن جریان دارند.

در مرزهای شمالی آن کوههایی چون توموکوماک و پاکارایما با ارتفاع حداکثر ۲۵۷۹ متر (قلهٔ مارائواکا) فرا گرفته و جنوب شرقی کشور را کوههای نسبتاً مرتفعی مانند اسپیناسو و مانتیکرا و مار و برزیل با حداکثر ارتفاع ۲۸۸۴ متر (کوه باندیرا) زیر پوشش قرار داده‌اند. قلهٔ نبلینا (۳۰۱۴ متر) بلندترین نقطهٔ برزیل است و طویل‌ترین رود آن، آمازون، حدود ۶۴۲۰ کیلومتر طول دارد. وسیع‌ترین جزیره برزیل، یعنی ماراژو ۴۶,۵۹۷ کیلومترمربع وسعت دارد. برزیل از نظر منابع معدنی و کانیهایی چون آهن، منگنز، مس، نیکل و بوکسیت یکی از غنی‌ترین کشورهای دنیاست و قهوه و پنبه و غلات و نیشکر و لوبیای سویا از فرآورده‌های عمدهٔ کشاورزی آن است. علاوه بر آن از نظر دامداری و پرورش گاو و گوسفند و خوک زمینهٔ بسیار فعالی دارد.

اقلیم برزیل در حوضهٔ آمازون بسیار گرم و مرطوب و پر باران و در نواحی مرتفع نسبتاً معتدل و مرطوب و بارانی است. قطع درختان جنگلی به ویژه در حوضهٔ آمازون به حیات وحش و محیط زیست آسیب فراوان رسانیده و بسیاری از انواع جانوران و گیاهان را از بین برده است.

جمعیت برزیل را عمدتاً گوارانی‌ها که از تبار بومیان اولیه این سرزمین هستند تشکیل می‌دهند. افریقاییان و اروپاییان و عرب‌ها و ژاپنی‌ها نیز اقلیت‌های قومی این سرزمین هستند.



تاریخچه

سرزمینی که امروز برزیل نامیده می‌شود، مسکن اقوام مختلفی چون توپی، گوارانی، کاریب و آراواک بوده است. آنان غالباً در حوضهٔ آمازون به سر می‌بردند و با ماهیگیری و زراعت



نام رسمی: جمهوری فدراتیو برزیل

نام محلی: براسیل (برازیل)Brasil

اسامی دیگر: -

پایتخت: برازیلیا (۱،۸۲۱،۹٤٦ نفر در سال ۱۹۹٦)

تاریخ استقلال: ۱۸۲۲/۹/۷ ، از پرتغال

روز ملی: هفتم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری فدرال چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: لوئیس ایناسیو دا سیلوا (حزب کارگر)، از سال ۲۰۰۳ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: لوئیس ایناسیو دا سیلوا (حزب کارگر)، از سال ۲۰۰۳ به مدت ٤ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۸ ، آخرین تغییرات ۱۹۹۷؛ کنگرهٔ ملی متشکل از مجلس نمایندگان با ۵۱۳ عضو به مدت ٤ سال و مجلس سنا با ۸۱ عضو به مدت ۸ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): جبههٔ لیبرال ۱۰٦ (۸٤) کرسی، سوسیال‌دموکرات ۹۹ (۷۱)، جنبش دموکراتیک ۸۲ (۷٤)، ترقی‌خواه ٦۰ (٤۹)، کارگر ۵۸ (۹۱)، کارگر برزیل ۳۱ (٢٦)، دموکراتیک کارگر ۲۵ (۲۱)، سوسیالیست ۱۹ (۲۲)، لیبرال ۱۲ (۲٦)، کمونیست ۷ (۱۲)، بقیه ١٤ (۳۷) کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی - آدب، مرکوسور

جمعیت

مساحت: ۸،۵٤۷،٤۰٤ کیلومترمربع (پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۷۰،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۹/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱/۳٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۱۷/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٦۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸۰/۲٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹٦): زیر ۱۵ سال ۳۱/۵٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۲/۳٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۷/۹٪

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ٤۹/۳٪ ؛ زن ۵۰/۷٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۸/۲ سال، مردان ۵۸/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۹/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۹/۳ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۵): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۱۳ نفر؛ حوداث، قتل، درگیری ۱۰۰ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۸٦ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۷۲ نفر؛ نارسائی‌های غدد و سوخت و ساز بدن ٤۳ نفر؛بیماریهای عفونی و انگلی ۳٤ نفر؛ مرگ و میر ناشی از صدمات هنگام تولد و بیماریهای مادرزادی ۳۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۳۳ نفر؛ بیماریهای ناشی از شرایط بد ۱۲٦ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱٦۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۵): ٤/۷ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۵):** ۰/٦ مورد

نژاد/ملیت: سفیدپوست٤ /۵٤٪ ؛ دورگه ٤۰/۱٪ ؛ سیاهپوست و دورگه‌سیاه وسرخ٤/۹٪ ؛ آسیایی۰/۵٪ ؛سرخپوست۰/۱٪

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ۷٤/۳٪ ؛ پروتستان ۲۳/۲٪ ؛ سایر مسیحیان ۰/۹٪ ؛ سایر ادیان ۱/٦٪

زبان و خط: پرتغالی (زبان رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای‌مهم(۱۹۹٦): سائوپائولو ۱٦،۵۸۳،۲۳٤نفر با حومه؛ ریودوژانیرو ۱۰،۱۹۲،۰۹۷؛ سالوادور ۲،۷۰۹،۰۸٤؛ بلوهوریزونت ۳،۸۰۳،۲٤۹؛ فورتالزا ۲،۵۸۲،۸۲۰؛ کوریتیبا ۲،٤۲۵،۳٦۱؛ رسیف ۳،۰۸۷،۹٦۷ نفر؛ پورتوآلگره ۳،۲٤٦،۸٦۹ نفر باحومه

بنادر مهم: سانتوس، ریودوژانیرو، سالوادور، رسیف، ویتوریا، ریوگرانده (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: رئال (R$) = ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار= ۱/۸۵ رئال؛ یک رئال = ٤،۳۲٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۵): ۳۲۰،۱۷۸ میلیون رئال؛ دریافت‌های عمرانی ٦۲/٦٪ (از جمله اعتبارات ۵۸/٤٪)؛ دریافت‌های جاری۳۷/٤٪ (از جمله حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۱۹/۳٪ و مالیات‌ها ۱۳/۳٪)

هزینه بودجه(۱۹۹۵): ۳۲۰،۱۷۸ میلیون رئال؛ هزینه‌های اداری و برنامه‌ریزی ۵۹/۵٪ ؛ تأمین اجتماعی ۱۳/۹٪ ؛ توسعه‌منطقه‌ای٦٪ ؛ بهداشت ٤/۹٪ ؛ کشاورزی ۳/۱٪ ؛ آموزش ۲/۷٪ ؛ امور دفاعی و نظم عمومی٦ /۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۷٦۷،۵٦۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤،٦۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۷٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۲/۷٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۸/٤٪ ؛ صنعت ۲۸/۸٪ ؛ خدمات ٦۲/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱،۵۱۳ میلیون دلار؛ ۱۹۹۸: ۲۸،۷۱۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۹۸،۹۵۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۲۹/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۸/٦٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰) : ۳٤۷/٤٪ ؛ ۱۹۹۸ : ۳/۷٪ ؛ ۱۹۹۹: ۸/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): نیشکر ۳۳۸،۳٤۸،۰۰۰ تن؛ دانهٔ سویا ۳۱،۳۵۷،۰۰۰؛ ذرت ۲۹،۲۹۷،۰۰۰ ؛ پرتقال ۲۲،۹۸۷،۰۰۰ ؛ کاساوا ۱۹،۸۰۹،۰۰۰ ؛ برنج ۷،۷۹٦،۰۰۰ ؛ موز ۵،۵۵۱،۰۰۰؛ گوجه فرنگی ۲،٦۹۲،۰۰۰ ؛ سیب‌زمینی ۲،٦۳٤،۰۰۰؛ گندم ۲،۲۲۲،۰۰۰ ؛ لوبیا خشک ۲،۱۸٤،۰۰۰ ؛ پاپایا۱،۷۰۰،۰۰۰ ؛ قهوه ۱،٦۹۰،۰۰۰تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٦٪ ؛ مرتع و چمنزار ۲۱/۹٪ ؛ جنگل ۵۷/۷٪ ؛ سایر موارد ١٤/٤٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گاو ۱٦۱،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۳۱،٤۲۷،۰۰۰ رأس ؛ گوسفند ۱۸،۳۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲۲۰،۳۱۳،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹٦):** ۸۵۰،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۹۵۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،۵۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): سنگ‌آهن۲،٦٦۸ میلیون‌دلار؛ مس‌نیمه آماده ١٦۵ ؛ فرونیوبیوم ۱۵۳؛ بوکسیت ۱۱۵ میلیون دلار

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش افزوده به میلیون دلار): مواد غذایی ۱۹،۵٤۰ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۱٦،۰۵۰ ؛ صابون و دارو ۱۵،٦۰۰؛ ماشین‌آلات برقی ۱۲،۳۵۰؛ ماشین‌آلات غیر برقی ۱۱،٦۰۰؛ مواد شیمیایی صنعتی ۱۱،۰۰۰ ؛ آهن و فولاد ۸،۸۰۰ منسوجات ۷،۱۰۰ ؛ مصنوعات فلزی ٦،۰۰۰ ؛ سیمان و آجر و کاشی ۵،۷۰۰ ؛ کاغذ ۵،۲۵۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۲۸۹،۸۱۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹۷: ۲۷٤،۲۷۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ٤،۸۰۵،۰۰۰ تن (۱۷،۲۹٤،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱۹۹۷: ۳۰۵،۵۱۸،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ٤۸۵،۳٤۳،۰۰۰) ؛ فرآورده‌های نفتی: ۵۷،۳۷۸،۰۰۰ تن (٦٦،۳۸۸،۰۰۰) ؛ گاز طبیعی(۱۹۹۷): ۹،۵٦۷،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب(۱۹۹٦: ٤،۹۳٦،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹٦): ۷٤،۱۳۸،٤٤۱ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت کشور: ٤۸/۷٪ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ تا ۵۹ سال): ۷۳/۲٪ ؛ زنان ٤۰/٤٪ ؛ میزان بیکاری(۱۹۹۹): ۸٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۳/٤٪ ؛ صنعت ۲۰/۱٪ ؛ خدمات ۵٦/۵٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲۹۱،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦٤/۹٪ ؛ نیروی دریایی ۱۷/۹٪ ؛ نیروی هوایی ۱۷/۲٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۸۹ دلار

واردات(۱۹۹۷): ٦۱،۳۵۸ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات ۳۲/۲٪ ؛ مواد شیمیایی ١٤/۵٪ ؛ سوختهای معدنی ۱۰/۱٪ ؛ وسایل نقلیهٔ موتوری ۸/۸٪ ؛ مواد غذایی ۵/٤٪ ؛ از کشورهای امریکا ۲۳/۳٪ ؛ آرژانتین ۱۳/۲٪ ؛ آلمان ۸/۳٪ ؛ ژاپن ۵/۹٪ ؛ ایتالیا ۵/٦٪ ؛ فرانسه ۲/۷٪ کانادا ۲/٤٪ ؛ انگلستان ۲/٤٪ ؛ کره جنوبی ۲/۲٪

صادرات(۱۹۹۷): ۵۲،۹۸٦ میلیون دلار؛ شامل تجهیزات حمل و نقل ۱۲/۸٪ ؛ مصنوعات فلزی ۱۱/٤٪ ؛ دانهٔ سویا ۱۰/۸٪ ؛ مواد شیمیایی ۷/۲٪ ؛ ماشین‌آلات غیر برقی ٦/٤٪ ؛ قهوه ۵/۸٪ ؛ سنگ‌آهن و سایر سنگهای معدنی ۵/۸٪ ؛ به کشورهای امریکا ٤/۸٪ ؛ ایتالیا ۳/۲٪ ؛ بلژیک ۲/۸٪ ؛ پاراگوئه ۲/٦٪ ؛ انگلستان ۲/۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	+۱۰،۸٦۱	-۳،۱۵۷	-۵،٤۵۳	-۸،۳۷۲	-٦،٦۰۳	-۱،۲۰۷
درصد کل	١٤٪	۳/۳٪	۵/٤٪	۷/۳٪	٦/۱٪	۱/۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	٦۰/۲	۱۰۰	۱۱۵/۸	۱۲۳/۸	۱۲۷/۷	۱۳۳/۹	۱٤۱/۵
شاخص درآمد ماهانه	۷۳/۹	۱۰۰	۱۲۰	۱۳۰	۱٤۱/۷	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۷): ۳/۸ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۹۳): ٦۰۸،۳٦٤ کروزیرو (۲،۱۷۸ دلار)؛ منابع درآمد (۱۹۸۸): دستمزد و حقوق ٦۲/٤٪ ؛ شغل آزاد ١٤/۷٪ ؛ انتقالی‌ها ۱۰/۹٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹٦): مسکن، انرژی و لوازم‌خانگی۲۸/۸٪ ؛ موادغذایی‌ونوشیدنی۲۳/٤٪ ؛حمل و نقل و ارتباطات ۱۳/۸٪ ؛ بهداشت ۹/۲٪ ؛ آموزش و تفریحات ۸/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۳،٦۷۸ میلیون دلار؛ هزینه‌ها ۵،۷۳۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱،۹۸۰،۰۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۲۹،۸۹۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۱۲،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۳،۱٦۰،٦۸۹ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ٦۳۵ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱۳۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۳۸۰ روزنامه در ٦،۷٤۲،۰۰۰ نسخه (۵۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۲۱،۵۷٤ عنوان در ۱۰٤،۳۹۷،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ٤،۸۳۹/۰۱ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۷۱،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۳٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤۵،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۷۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۹،۹۸۷،۰۰۰ خط تلفن (۱۲٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۷،۷٦۱،۰۰۰ خط (٤۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۵،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۵۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۱۹۵،۷٦۷	۱،۳۸۸،۲٤۷	۳۳،۱۳۱،۲۷۰	۲۳/۹
متوسطه	۱۵،۲۱۳	۳۲٦،۸۲۷	۵،۷۳۹،۰۷۷	۱۷/٦
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۸۵۱	۱٤۱،٤۸۲	۱،٦٦۱،۰۳٤	۱۱/۷

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۸۳/۳٪ ؛ مردان: ۸۳/۳٪ ؛ زنان: ۸۳/۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۲۰۵،۸۲۸ نفر (هر ۷۷٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۵۰۱،۸۷٦ تخت (هر ۳۱۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۵۸۰،۰۰۰ نفر (۰/٦۳٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۵۱/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۹۷٤ کالری (۱۲٤٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۷٦ گرم؛ مصرف چربی: ۸٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/٦٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰) : ۰/۵٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۳/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲۷۳/۸ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷٤۷ (هفتاد و چهارمین کشور جهان)

ابتدایی روزگار می‌گذراندند و برخی که در ساواناهای خشک زندگی می‌کردند به شکار و دانه جمع‌کنی مشغول بودند. در سال ۱۵۰۰ هنگامی که نخستین کشتی پرتغالی در محل امروزی سانتوس لنگر انداخت با جمعیتی بیش از دو میلیون نفر در آنجا روبرو شد. در سال ۱۴۹۴ دنیای خارج از اروپا بر اساس قرارداد توردسیلیاس بین دو ابرقدرت آن زمان یعنی اسپانیا و پرتغال تقسیم شد و برزیل جزء سهمیهٔ پرتغال قرار گرفت. در سالهای ۱۵۰۱ و ۱۵۰۲ یک ناوگان اکتشافی به فرماندهی گاسپار دلموس نواحی بین ریوگرانده و رودخانه لاپلاتا را شناسایی کرد و آنجا را سانتاکروز نامید. از نظر پرتغالی‌هایی که به دنبال طلا و فلزات گرانبها بودند، این سرزمین جالب توجه نبود و در مقایسه با افریقا و هند فاقد ارزش بنظر می‌آمد.

در سال ۱۵۳۲ پرتغالی‌ها اولین ماندگاه خود را در سائو ویسنته، در جزیره‌ای در نزدیکی سائوپائولو تأسیس کردند. به دنبال آن فرانسویها در سالهای ۱۵۵۵ تا ۱۵۶۰ در ریودوژانیرو و هلندی‌ها در ۱۶۳۰ تا ۱۶۵۴ در پرنامبوکو به تأسیس ماندگاه پرداختند. در حملهٔ ناپلئون به پرتغال، ژان ششم پادشاه پرتغال به ریودوژانیرو گریخت و آنجا را به پایتختی موقت امپراتوری پرتغال مبدل نمود. پس از شکست ناپلئون ژان ششم به پرتغال بازگشت و برزیل را به ولیعهد خود سپرد. وی در سال ۱۸۲۲ استقلال برزیل را اعلام کرد و خود با عنوان پدروی اول امپراتور برزیل شد. پس از مرگ او با تنظیم قانون اساسی جدید در سال ۱۸۳۴، نظام نیابت سلطنت بر این کشور حاکم شد. در سال ۱۸۳۵ دیگوآنتونیو به نیابت سلطنت برگزیده شد و علیه شورشیان جنوب به جنگ پرداخت. او در سال ۱۸۳۷ از کار کناره گرفت و جای خود را به پدرو آرائوژو لیما واگذار کرد. در سال ۱۸۴۰، پدرو آلکانتارا که به سن قانونی رسیده بود، با عنوان پدروی دوم امپراتوری برزیل را به دست گرفت.

در دوران سلطنت پدروی دوم کشور برزیل از هر سو وسعت یافت و جمعیت آن از ۴ میلیون به ۱۴ میلیون نفر رسید و کشاورزی آن به ویژه در زمینهٔ قهوه رشد فراوان یافت و به یکی از منابع درآمد کشور تبدیل شد و دامداری آن رونق گرفت. اختلاف طبقاتی به مرور خودنمایی کرد و زمزمه‌های نارضایی و شورش از هرسو به گوش می‌رسید تا جایی که پدروی دوم در سال ۱۸۸۹ از سلطنت خلع شد و به اروپا تبعید گردید. از این زمان سیستم ادارهٔ کشور به جمهوری فدرال تبدیل شد و به ایالات متحدهٔ برزیل تغییر نام یافت. در انتخابات سال ۱۸۹۴ پرودنته د مورائیس به ریاست جمهوری رسید.

طی سالهای جنگ اول جهانی، از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ برزیل به یکی از بزرگترین صادرکنندگان قهوهٔ دنیا تبدیل شد و اقتصاد آن به سرعت رو به رشد نهاد. در کودتای سال ۱۹۳۰ ژنرال ژتولیو وارگاس ریاست جمهوری را از آن خود کرد و مسئلهٔ ارباب و رعیتی را که از جمله دشواریهای برزیل بود، لغو نمود و به توسعهٔ صنایع پرداخت تا جایی که در جنگ جهانی دوم به یکی از تولیدکنندگان بزرگ آهن و فولاد تبدیل شد. وارگاس که از ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۵ مانند یک رئیس جمهور خودکامه عمل می‌کرد، در سال ۱۹۵۰ به نام یک مرد ملی و طرفدار حقوق کارگر شناخته شد و به ریاست جمهوری انتخاب گردید. در سال ۱۹۶۰ پایتخت کشور از شهر ریودوژانیرو به شهر جدید برازیلیا منتقل گردید. در انتخابات سال ۱۹۶۱ ژوآئو گولارت، رهبر حزب کارگر که سمت معاونت رئیس جمهور را دارا بود به ریاست جمهوری رسید. انتخاب وی با مخالفت شدید نظامیان بلندپایه مواجه شد و سرانجام نیز با کودتای سال ۱۹۶۴ که با حمایت امریکا صورت گرفت، از کار برکنار شد. در سال ۱۹۶۴ قانون اساسی برزیل مورد تجدید نظر قرار گرفت و با تغییراتی چند به تصویب رسید. در ۱۹۶۷ قانون اساسی دیگری به مورد اجرا گذارده شد و ژنرال آرتور دا کوستا ا سیلوا به ریاست جمهوری انتخاب شد. در سال ۱۹۶۹ ژنرال دا کوستا ا سیلوا از کار برکنار شد و ژنرال امیلیو مدیسی که قبلاً ریاست سازمان امنیت ملی را عهده‌دار بود، روی کار آمد.

در ۱۹۷۴ شورای نظامی حاکم ژنرال ارنستو گیسل را به مقام ریاست جمهوری منصوب کرد. صنایع تسلیحاتی برزیل در دوران ریاست جمهوری گیسل رشد فراوان کرد و برزیل در ردیف پنجم مهمترین کشورهای تولیدکنندهٔ اسلحه و مهمات جای گرفت. در سال ۱۹۷۹ ژنرال گیسل جای خود را به ژنرال باپتیستا فیگوئیردو رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور واگذار کرد. در دوران وی به علت بحرانهای اقتصادی به جای مانده از حاکمیت درازمدت نظامیان، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی آغاز گشت. در انتخابات سال ۱۹۸۴ تانکردو د آلمیدا نوس برنده شده و به مقام ریاست جمهوری رسید. تانکردو در ۱۹۸۵ درگذشت و معاونش خوزه سارنی رئیس جمهور شد. در سال ۱۹۸۸ قانون اساسی جدیدی وضع شد و در آن انتخابات مستقیم رئیس جمهور گنجانده شد.

در انتخابات دسامبر ۱۹۸۹ حدود ۸۰ میلیون برزیلی شرکت جستند و فرناندو ملو را به ریاست جمهوری برگزیدند. اقدامات ملو برای سر و سامان دادن به وضع اقتصادی کشور و کنترل تورم و برقراری امنیت اجتماعی به جایی نرسید، آنچنان که در ۱۹۹۱ بیش از ۳۵۰ پسربچهٔ خیابان گرد در ریودوژانیرو به قتل رسیدند. تحقیقات بعدی نشان داد که جنایت و آدم‌کشی وسیع‌تر از آن بوده و حدود ۵۰۰۰ کودک قربانی آن شده‌اند. در سپتامبر ۱۹۹۱ هزاران نفر که وابسته به جنبش مردم بی‌زمین بودند در ایالت ریوگرانده دوسول دست به تظاهرات زدند. در سپتامبر ۱۹۹۲ ایتامار فرانکو، معاون رئیس جمهور بطور موقت به ریاست جمهوری رسید و فرناندو ملو به جرم مسئولیت‌های جنایی از کار برکنار شد و تا سال ۲۰۰۰ از حقوق سیاسی محروم گردید. در همان سال ۱۱۱ زندانی در سائوپائولو که به علت اختلافات گروههای رقیب دست به شورش زده بودند به دست پلیس کشته شدند. در ژوئیه ۱۹۹۳ هشت پسربچه خیابانگرد در حالی که جلوی در کلیسایی خوابیده بودند توسط پلیس کشته شدند. در ماه بعد ۵۰ مأمور امنیتی وارد یکی از حلبی‌آبادهای شهر ویگاریو ژرال شدند و ۲۱ بیگناه را به تلافی قتل چهار افسر پلیس که در زد و خورد با قاچاقچیان مواد مخدر کشته شده بودند، به قتل رساندند.

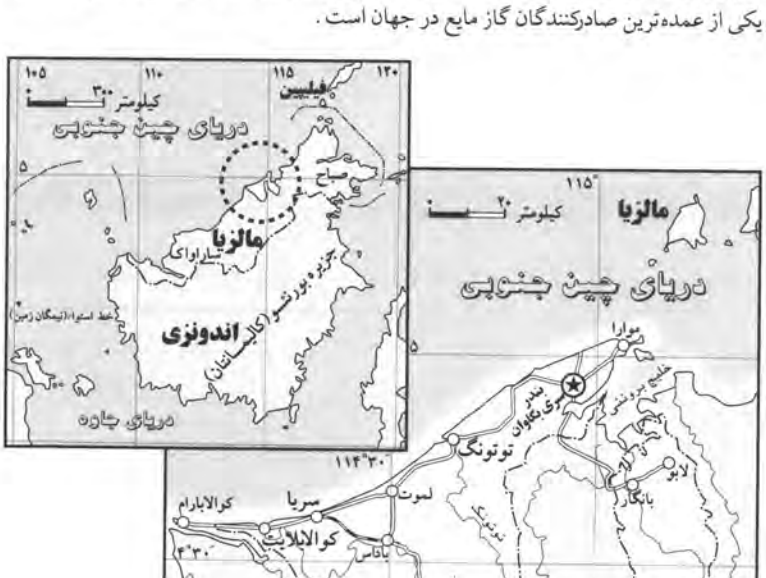
مقارن پایان سال ۱۹۹۳، وزیر اقتصاد برزیل، فرناندو انریکوئه کاردوسو، «طرح رئال» را برای مقابله با افزایش روزافزون نرخ تورم به اجرا گذارد. موفقیت این طرح محبوبیت بسیار زیادی را برای وی به ارمغان آورد، به طوری که در انتخابات سال ۱۹۹۴ کاردوسو به ریاست جمهوری رسید. گزارشات سال ۱۹۹۵ نشانگر شکاف عمیق طبقاتی میان مردم برزیل بود. در سپتامبر سال ۱۹۹۷، کاردوسو لایحه‌ای را به تصویب رساند که به موجب آن ۸/۴ میلیون هکتار از اراضی کشور به مردم بومی بدون زمین واگذار شد.

در سال ۱۹۹۸، بدترین آتش‌سوزی‌های تاریخ آمازون اتفاق افتاد و طی آن حدود یک چهارم از جنگل‌های استان شمالی رورایما از میان رفت و ساکنین آن به سایر نقاط برزیل انتقال یافتند.

در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲، لوئیس ایناسیو دا سیلوا، از سیاستمداران چپگرای برزیل، با کسب ۶۱ درصد آراء به پیروزی رسید و از اول ژانویه ۲۰۰۳ قدرت را به دست گرفت. همزمان با برگزاری مجمع اقتصادی جهان در شهر دادوس سوئیس، مجمع اجتماعی جهان نیز از سوی مخالفان جهانی سازی در شهر پورتو آلگره برزیل در اواخر ژانویه ۲۰۰۳ برگزار گردید.

برونئی BRUNEI

کشوری است مرکب از دو سرزمین جدا از هم در شمال غربی جزیرهٔ بورنئو در مجمع‌الجزایر اندونزی، جنوب خاوری آسیا. این کشور از شمال به دریای چین جنوبی و از خاور و جنوب و غرب به کشور مالزیا محدود است. ارتفاعات آن با حداکثر بلندی ۱۸۵۰ متر (کوه بوکیت پاگون) عمدتاً در خاور واقعند و بقیهٔ اراضی آن تقریباً هموار و مسطحند. اقلیم آن نسبتاً گرم و مرطوب و بارانی است و قرار گرفتن آن در کنار دریا به اعتدال نسبی آن کمک کرده است. کائوچو از جنگلهای انبوه آن به دست می‌آید و منابع نفت و گاز آن در ساحل دریا قرار دارند و یکی از عمده‌ترین صادرکنندگان گاز مایع در جهان است.



تاریخچه

سلطان‌نشین امروزی برونئی یادگاری از امپراتوری اسلام در سدهٔ سیزدهم میلادی است. در سدهٔ شانزدهم پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها و هلندیها در این منطقه قدم گذاردند و برای تصرف و



نام رسمی: دولت برونئی دارالسلام

نام محلی: نگارا برونئی دارالسلام Negara Brunei Darussalam

اسامی دیگر: -

پایتخت: بندر سری بگاوان (۵۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۸٤/۱/۱ ؛ از انگلستان

روز ملی: بیست و سوم فوریه

نوع حکومت: سلطنتی اسلامی، از سال ۱۹۸٤

رئیس حکومت: سلطان حاجی حسن البولکیاه، معزالدین والدوله، از سال ۱۹٦۷

رئیس دولت: سلطان حاجی حسن البولکیاه، معزالدین والدوله، از سال ۱۹٦۷

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۵۹ ؛ آخرین تغییرات ۱۹۸٤؛ یک شورای مشورتی ۲۱ نفره انتصابی، به سلطان در مسائل قانونگذاری کمک می‌کند. در برونئی هیچ حزب و گروه سیاسی اجازه فعالیت ندارد.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۸٤)، اونکتاد، ایبرد، ایکائو، ایمف، ایمو، ایتو، یسوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آپک، ایدب، آسه‌آن، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۵،۷٦۵ کیلومترمربع (صد و شصت و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۲۸،۰۰۰ نفر درسال ۲۰۰۰ (صد و شصت و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵٦/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٤۵۹،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۱/۱٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵):۲/۲٪

توزیع سنی(۱۹۹٦): زیر ۱۵ سال ۳۲/۹٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۷/۵٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۳٤/۹٪ ؛ بالای ٦۰ سال ٤/۷٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ۵۳/۰٦٪ ؛ زن ٤٦/۹٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۸ سال ؛ مردان ۷٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۱/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۹نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٤): بیماریهای قلبی ۵۱/۸ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ٤۱/۸ نفر؛ حوداث، مسمومیت و درگیری ۲۰ نفر؛ ذات‌الریه ۱۲/۳ ؛ نابهنجاریهای مادرزادی ۷/۳ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۵): ٦/۱ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۲):** ۱/۱ نفر

نژاد/ ملیت(۱۹۹۹): مالایایی(مالەای) ٦۷/٦٪ ؛ چینی ۱٤/۹٪ ؛ سایر بومیان ۵/۹٪ ؛ هندی و بقیه ۱۱/٦٪

دین(۱۹۹۱): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان ٦۷/٦٪ ؛ بودایی ۱۲/۸٪ ؛ مسیحی ۱۰٪ ؛ پیروان سایر ادیان و بی‌دینان ۱۰٪

زبان و خط: مالایایی (زبان رسمی)؛ انگلیسی ؛ چینی؛ خط: مالایایی

شهرهای مهم(۱۹۹۱): کوالابلایت ۲۱،۱٦۳ نفر؛ سریا ۲۱،۰۸۲ نفر؛ توتونگ ۱۳،۰٤۹ نفر

بنادر مهم: بندر سری‌بگاوان (دریای چین جنوبی)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار برونئی (BR$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار=۱/۷۵ دلار برونئی ؛ یک دلار برونئی = ٤،۵۷۱ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲،۷۷۵ میلیون دلار برونئی؛ درآمد مالیاتی ۵٤/٦٪ (از جمله مالیات بردرآمد شرکتها ٤۷/۳٪ و عوارض گمرکی ۷/۲٪) ؛ درآمد غیر مالیاتی ٤۵/٤٪ (از جمله درآمد از دارایی‌ها ۳۳/۸٪ ؛دریافت‌های تجاری ۱۰/۹٪)

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ٤،۲۹۵ میلیون دلار برونئی؛ هزینه‌های جاری٦۵/۵٪ ؛ هزینه‌های عمرانی ۳٤/۵٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۷،۲۰۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۲،۲۷۸ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ ۱/۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲/۸٪ ؛ صنعت ۳۹/۱٪ ؛ خدمات ۵۸/۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷) ؛ ۱ میلیون دلار؛ ۱۹۹۸ : ٤ میلیون دلار

بدهی خارجی: ندارد — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۰/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱/۱٪ ؛ ۱۹۹۸ : ۰/۲-٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سبزیجات و صیفی‌جات ۸،۷۰۰ تن؛ میوه ۵،۲۲۵ تن؛ کاساوا ۱،۵۰۰ تن؛ آناناس ۷۰۰ تن؛ برنج ۲۹۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۱/۳٪ ؛ مرتع و چمنزار ۱/۱٪ ؛ جنگل ۸۵/٤٪ ؛ سایر موارد ۱۲/۲٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بوفالو ٦،۰۰۰ رأس ؛ خوک ٤،۵۰۰ رأس؛ بز ۳،۳۰۲ رأس؛ گاو ۱،۹۲٤ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲۹٦،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٤،٦۷۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٤،۹۲۹،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳،۷۵۰ تن

تولیدات معدنی : شن و ماسه برای امور ساختمان‌سازی

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): بنزین ۱۸۷،٦۰۰ تن؛ سوخت نفتی تقطیر شده ۱٤۷،۸۰۰ تن؛ نفت سفید ۷٦،۵۰۰ تن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۱،۵۷۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،۵۷۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: ٦۰،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۹۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۸۵۱،۰۰۰ تن (۹۰۹،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۹،۲۱۸،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱،۲٦۹،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۱۱۱،۹۵۵ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۳٪ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ تا ٦٤ سال): ٦۷/٦٪ ؛ زنان: ۳۲/۹٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۱): ٤/۷٪ ؛ (۱۹۹۸): ۵٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۳/۵٪ ؛ صنعت ۲۰/۳٪ ؛ خدمات ۷٦/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (فقط مالایایی‌ها به خدمت گمارده می‌شوند؛ ۱۹۹۹): ۵،۰۰۰ نفر نیروی زمینی ۷۸٪ ؛ نیروی دریایی ۱٤٪ ؛ نیروی هوایی ۸٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۱،۱۹۰ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۳،۱۵٤ میلیون دلار برونئی؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۹٪ ؛ کالاهای ساخته شده ۲۵/۵٪ قطعات مختلف صنعتی ۱۱/٦٪ ؛ مواد غذایی و حیوانات زنده ۱۱/۱٪ ؛ مواد شیمیایی ٦/٤٪ ؛ موادخام ۳/٤٪ ؛ از کشورهای عضو آسه‌آن ٤۵/۵٪ (از جمله سنگاپور ۲۵/٦٪ و مالزی ۱۳/٦٪)؛ اتحادیه اروپا۱۷/۹٪ ؛ ژاپن ۱۱/۲٪

صادرات(۱۹۹۷): ۳،۹۷۳ میلیون دلار برونئی؛ شامل گاز طبیعی ٤٦/۸٪ ؛ نفت خام ٤۱/۵٪ ؛ فرآورده‌های نفتی ۲/۸٪ ؛ به ژاپن ۵۳/۱٪ ؛ کشورهای عضو آ سه آن ۲۰/۹٪ (از جمله تایلند ۱۱/۲٪ و سنگاپور ٦/٦٪)؛ کرهٔ جنوبی ۱۸/۱٪ ؛ تایوان ۲/۷٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیون دلار برونئی	+۱،٤۹۷/٤	+۵۷۷/۵	+۵۳۰	+۳۳۸	+۱۵۳/۲	+۸۱۹
درصد کل	٪۲۳/۷	٪۸/٦	٪۸/۸	٪۵/۲	٪۲/۱	٪۱۱/۵

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۷/۲	۸۸/۳	۹۲/۲	۹٤/۳	۱۰۰	۱۰۱/۸	۱۰۳/۷
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۵/۸ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها(۱۹۹۰) غذا ۳۸/۷٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۹/۹٪ ؛ مسکن ۱۸/٦٪ ؛ پوشاک ٦/٤٪ ؛ دیگر موارد ۱٦/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۵): درآمد: ٤۰ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج یک میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱،۷۱۲ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۱۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۹۱،۰٤۷ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۱۵،۹۱۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۵۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** یک فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱ روزنامه در ۲۱،۰۰۰ نسخه (٦۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۵ عنوان در ۱۳۲،۰۰۰ نسخه

کتاب: ٤۵ عنوان در ۵٦،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۱،۲٤٤/٤ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۹۳،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۰۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٦۳۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷۸،۰۰۰ خط تلفن (۲٤۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٤۹،۰۰۰ خط (۱۵٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۵): ۸،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۱۸٤	۳،۸۵۸	۵۸،۵٤۸	۱۵/۲
متوسطه	۳۸	۲،٦۳٦	۳۰،۹۵٦	۱۱/۷
فنی و حرفه‌ای	۹	۵۱٦	۲،۵۵۳	٤/۹
عالی	٤	۳۷۰	۲،۰۸۰	۵/٦

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۸۹/۱٪ مردان: ۹۳/۲٪ : زنان ۸٤/٦٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ٤۳/۳٪ ؛ متوسطه ۲٦/۳٪ ؛ عالی ۱۲/۹٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۲۸۱ نفر (هر ۱،۰۸٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۹٦۱ تخت (هر ۳۱۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۲۰٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۵۸/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۸۵۱ کالری (۱۲۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو) (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۸۳ گرم؛ مصرف چربی: ۸۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/٦٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۵/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱٦/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸٤۸ (سی و دومین کشور جهان)

استعمار جزیرهٔ بزرگ بورنئو به رقابت برخاستند. در آغاز سدهٔ نوزدهم انگلیسی‌ها نیز در منطقه حضور یافتند و سلطان نشین برونئی را تحت حمایت خود گرفتند و در سال ۱۸۸۸ ساراواک و صباح را نیز به آن افزودند. در سال ۱۹۲۹ کمپانی شل هلند به آثاری از منابع نفت دست یافت و در ۱۹۳۰ اولین چاه به نفت و گاز طبیعی رسید و میزان استخراج آن به ۱۷۵،۰۰۰ بشکه در روز بالغ گردید. بعد از جنگ دوم جهانی، زمزمه‌های آزادی و استقلال‌طلبی آغاز گردید و بر اساس قراردادی که انگلستان با راجه بروک در ۱۹۴۶ منعقد نمود، ساراواک و صباح به کلنی‌های انگلستان مبدل شدند و کالیمانتان (بورنئوی هلند) استقلال یافت و ضمیمهٔ دولت نوبنیاد اندونزی شد (۱۹۵۴).

در سال ۱۹۶۲ فدراسیونی از مالزی و سنگاپور و استانهای شبه جزیرهٔ ماله تشکیل گردید و عمر، سلطان برونئی از عضویت در آن استقبال نمود. این نظریه با مخالفت حزب مردم برونئی روبرو شد و به دست فراموشی سپرده شد. در سال ۱۹۶۷ سلطان عمر به نفع پسرش، حسن البولکیاه معزالدین، از سلطنت کناره گرفت. در سال ۱۹۷۷ با استقلال برونئی موافقت گردید و قرار شد ازاول ژانویه ۱۹۸۴ رسماً به مورد اجرا گذارده شود. در ۱۹۸۴ برونئی به عضویت سازمان ملل متحد و همچنین سازمان آسه‌آن پذیرفته شد. در سال ۱۹۸۵ سلطان حسن البولکیاه شورای مشورتی و پست نخست‌وزیری را حذف کرد و به حکومت مطلقه پرداخت و در ۱۹۹۲ به عضویت جامعهٔ کشورهای غیر متعهد درآمد. در اکتبر ۱۹۹۵ برونئی به بانک جهانی پیوست. در سال ۱۹۹۸ آتش‌سوزی وسیع جنگلهای اندونزی در جزیره بورنئو، هوای کشور برونئی را به شدت آلوده کرد و بر زندگی روزمرهٔ ملت برونئی اثر نامطلوبی گذارد. شدت آلودگی و تهدید گسترش آتش‌سوزی به حدی بود که به پیشنهاد سلطان، مردم نماز آیات برگزار کردند تا مگر باران ببارد و آتش‌سوزی را مهار و خاموش سازد.

بحران فساد مالی وزیر دارایی سابق برونئی، شاهزاده جفری بولکیاه، کوچکترین برادر پادشاه، از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ دامنگیر این کشور شده بود. وی متهم شد که با سوء استفاده از مقام خود ۱۵ میلیارد دلار از درآمد نفت را در یک شرکت خصوصی بزرگ سرمایه گذاری نموده و با ساخت تعدادی قصر و هتل‌های مجلل به حیف و میل اموال دولتی پرداخته است.

بلژیک BELGIUM

کشور بلژیک سرزمینی است در اروپای غربی با زمینهایی اکثراً هموار و پستَ که آن را دشت فلاندر نیز می‌نامند. اراضی آن از ته‌نشست رودخانه‌های موز و اسکو و ریزابه‌های متعدد آنها پدید آمده و بخشی از فلات آردن با حداکثر ارتفاع ۶۹۴ متر (قلهٔ بوترانژ) جنوب این کشور را



زیر پوشش قرار داده است. طویل‌ترین رود آن رود موز است که حدود ۹۴۹ کیلومتر طول دارد و از کوههای شمال فرانسه سرچشمه گرفته و پس از عبور از خاک بلژیک و هلند به دریای شمال می‌ریزد.

بلژیک از نظر جمعیت یکی از متراکم‌ترین کشورهای اروپایی است. این کشور از کشاورزی بسیار پیشرفته‌ای برخوردار است و شبکه‌های ارتباطی آن سرتاسر کشور را پوشانیده و مراکز کشاورزی و صنعتی و جغرافیایی را در بر گرفته است. مراکز صنعتی بلژیک در مجاورت معادن زغال‌سنگ درّهٔ سامبر - موز واقعند و از نظر صنعت نساجی شهرت فراوان دارد. رودخانهٔ موز که آب آشامیدنی حدود ۵ میلیون بلژیکی را تأمین می‌کند، بر اثر ریزش فاضلاب کارخانجات به مرور وضعیت تهدیدکننده‌ای یافته است. دود و گازهای متصاعد شده از کارخانجات متعدد آن، هوای نواحی صنعتی را آلوده کرده و موجبات ریزش بارانهای اسیدی را فراهم نموده است.

تاریخچه

بلژیک و هلند و لوکزامبورگ و نواحی شمال فرانسه که در ساحل دریا قرار دارند، از زمانهای قدیم به سرزمینهای پست موسوم بوده‌اند. اولین ساکنان این سرزمینها پس از پایان عصر یخبندان بدانجا روی آورده‌اند. در سدهٔ اول میلادی هنگامی که رومیان به این نواحی وارد شدند، با اقوام سلت و ژرمن روبرو گردیدند و جنوب دلتای رود راین را به استانهای بلژیک و ژرمنیک موسوم ساختند. اراضی شمال دلتای راین در تصرف قوم فریزیا که مردمانی ماهیگیر و دامدار بودند باقی ماند، حال آن که بلژیکی‌ها و ژرمن‌ها از راه کشاورزی روزگار می گذراندند و در روستاها و شهرها زندگی می‌کردند. بلژیک که مسکن بلژها بود از سدهٔ سوم تا نهم میلادی به توسط فرانک‌ها اداره می‌شد و بعدها جزء امپراتوری مقدس روم شد و پس از تجزیه این امپراتوری، به دوک‌نشین‌های چندی، از جمله بربان و لوکزامبورگ و کنت‌نشین انو تقسیم گردید. در سدهٔ پانزدهم سرتاسر بلژیک در تصرف دوک‌های بورگونی بود. از سال ۱۴۸۲ تحت استیلای خاندان هاپسبورگ درآمد و در سال ۱۷۹۷ ضمیمهٔ فرانسه گردید. در سال ۱۸۱۵ پس از سقوط ناپلئون و انعقاد معاهدهٔ پاریس به کشور هلند واگذار شد. بلژیکی‌ها که از این وضع ناراضی بودند، در سال ۱۸۳۰ علیه ویلیام اول قیام کردند و استقلال کشور خود را اعلام داشتند و لئوپولد اول را در سال ۱۸۳۱ به پادشاهی انتخاب نمودند. در دورهٔ لئوپولد دوم بلژیک به سرعت رو به صنعتی شدن گذارد.

با آن که بلژیک در جنگ جهانی اول بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود، مع‌الوصف به توسط آلمان‌ها تصرف گردید و در جنگ جهانی دوم لئوپولد سوم پس از دو هفته نبرد بلژیک را تسلیم آلمان‌ها کرد. در سپتامبر ۱۹۴۴ متفقین بلژیک را آزاد کردند و لئوپولد سوم که در اسارت آلمانی‌ها بود به کشور بازگشت. در پی بروز برخی مخالفت‌ها با لئوپولد سوم، در نهایت وی به نفع پسرش از حکومت کناره گرفت و بودوئن اول به سلطنت رسید(۱۹۵۱). در ۱۹۴۷ سه کشور بلژیک و هلند و لوکزامبورگ اتحادیهٔ گمرکی بنلوکس را تشکیل دادند که این اتحادیه هنوز نیز برقرار است. در سال ۱۹۴۹ بلژیک به عضویت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی درآمد و در ۱۹۵۲ عضویت جامعهٔ زغال‌سنگ و فولاد اروپا را پذیرفت و در ۱۹۵۵ عضو جامعهٔ اقتصادی اروپا و در ۱۹۵۷ عضو جامعهٔ انرژی اتمی اروپا شد. در ۱۹۶۰ کنگوی بلژیک که بعدها به زئیر، و اخیراً به جمهوری دموکراتیک کنگو موسوم گردید، استقلال یافت و به دنبال آن در سال ۱۹۶۲ روآندا و بوروندی، از مستعمرات بلژیک، نیز به استقلال رسیدند.

در سال ۱۹۸۳ صدها هزار تن در خیابانهای بروکسل به تظاهرات برخاستند و خواستار برچیدن موشکهای اتمی ناتو از خاک کشور خود شدند و سازمان مزبور را وادار کردند تا موشکهای اتمی را در سال ۱۹۸۸ از خاک بلژیک خارج کند.

در ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۳ بودوئن اول پادشاه بلژیک پس از ۴۲ سال سلطنت درگذشت و برادرش آلبرت دوم به جای او به سلطنت رسید. در سال ۱۹۹۴ قانون اساسی بلژیک اصلاح گردید و نظام ادارهٔ کشور به مشروطهٔ سلطنتی فدرال تبدیل شد.

در سال ۱۹۹۶، بروز چندین رسوایی اخلاقی در مورد تجارت تصاویر پورنوگرافی و سوء استفاده جنسی از کودکان، همهٔ نهادهای کشور از جمله پلیس، قوهٔ قضائیه و حتی گروههای سیاسی را زیر سئوال برد. بلژیک در سال ۱۹۹۷ به عضویت پیمان ماستریخت درآمد و به اتحادیهٔ پولی اروپا پیوست. کشف مادهٔ سمی دی‌اُکسین در فرآورده‌های دامی، تنها چند روز پیش از انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۹، مردم این کشور را شوکه کرد. این رسوایی باعث سقوط ژان لوک دهنه از نخست‌وزیری شد و در عین حال به ۴۱ سال حکومت حزب سوسیال مسیحی(مردم) پایان داد. حزب لیبرال دموکرات فلامان به رهبری گوی فرهوفشتادت، اگرچه اکثریت پارلمانی را به دست نیاورده بود، در ائتلافی با احزاب سوسیالیست و سبزها، از هر دو جامعه فلامان و والون، توانست دولت جدیدی را تشکیل دهد.

مجلس نمایندگان بلژیک، پس از بحث‌های فشرده و طولانی در سال ۲۰۰۱، قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن اختیارات بیشتری به دولت‌های محلی سه گانه این کشور، از جمله سیاست‌های کشاورزی، تجارت خارجی، همکاریهای عمرانی و کنترل شوراهای شهری و استانی، اعطاء می‌شد. در این سال ازدواج افراد همجنس قانونی شناخته شد و



نام رسمی: پادشاهی بلژیک

نام محلی: بلژیک، بلگیه، بلگین Belgique, België, Belgien

اسامی دیگر: -

پایتخت: بروکسل (۹۵۹،۳۱۸ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۸۳۰/۱۰/٤ ، از هلند

روز ملی: بیست و یکم ژوئیه، سالروز رسمیت یافتن پادشاهی لئوپولد اول (۱۸۳۱)

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی فدرال با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۸۳۱

رئیس حکومت: پادشاه: آلبرت دوم، از سال ۱۹۹۳

رئیس دولت: نخست‌وزیر: گوی فرهوفشتادت، از سال ۱۹۹۹ (حزب لیبرال دموکرات فلامان)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۸۳۱، آخرین تغییرات ۱۹۹٤؛ مجلس نمایندگان با ۱۵۰ عضو و مجلس سنا با ۷۱ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۹): سوسیال مسیحی: فلامان ۲۲، والون ۱۰، سوسیالیست: والون ۱۹، فلامان ۱٤؛ لیبرال‌دموکرات: فلامان ۲۳، والون ۱۸؛ بلوک فلامان ۱۵، اتحاد مردم ۱۸، اکولو(سبزهای والون) ۱٤، سبزهای فلامان ۹، جبههٔ ملی ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، آدب، آی - آدب، شورای اروپا، ناتو، او اسی دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۳۰،۵۲۸ کیلومترمربع (صد و سی و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتاد و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۳٤/۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۱٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۹/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۹۷/۲٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵) : ۰/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹٤): زیر ۱۵ سال ۱۸/۱٪؛ ۲۹ - ۱۵ سال ۲۰/۷٪؛ ۵۹ - ۳۰ سال ٤۰٪؛ بالای ٦۰ سال ۲۱/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ٤۹/۰۲٪ ؛ زن ۵۰/۹۸٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۸۱/۱ سال؛ مردان ۷٤/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۱/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٤/۸ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۰/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۲): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۸۳/۳ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۷۲/٦ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۹۰/٦ نفر؛ حوادث و درگیری ٤۰/۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/٦ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ٤/۷ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٤):** ۲/۲ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹۲): بلژیکی ۹۱٪ (فلامان ۵۷/۷٪ ؛ والون ۳۲/٦٪)، ایتالیایی ۲/٤، مغربی ۱/٤٪، فرانسوی ۰/۹٪، ترک ۰/۸٪

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ۸۷/۹٪؛ مسلمان ۲/۵٪ ؛ دیگر مسیحیان ۲/٤٪ (از جمله پروتستانها ۱٪)؛ یهودی ۰/۳٪

زبان و خط: هلندی، فرانسوی، آلمانی (زبانهای رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): آنتورپ (آنورس) ٤٤٦،۵۲۵ نفر؛ گنت (گان) ۲۲٤،۱۸۰ نفر؛ شارلروا ۲۰۰،۸۲۸ نفر؛ لیژ ۱۸۵،٦۳۹ نفر؛ بروژ (بروگه) ۱۱٦،۲٤٦ نفر؛ نامور ۱۰۵،٤۱۹ نفر

بنادر مهم: آنتورپ و گنت (روداسکو)؛ اوستند و زه‌بروگه (دریای شمال)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) = ٤۰/۳٤ فرانک بلژیک (منسوخ شده)؛ یک دلار = ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو=۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۳،۸٤۲،۸۰۰ میلیون فرانک بلژیک؛ مالیات بر درآمد ۳٦٪ ؛ حق بیمه تأمین اجتماعی ۳۳/۲٪ ؛ مالیات بر فروش ۱۵/۸٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ٤،۰۱۸،۸۰۰ میلیون فرانک بلژیک؛ هزینه‌های جاری ۹۵/۳٪ ؛ هزینه‌های عمرانی ٤/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۵۸،۹٦۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۵،۳۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵ - ۱۹۷۵): ۲/۲٪ ؛ (۹۸-۱۹۹۰): ۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱/۲٪ ؛ صنعت ۲۷/٦٪ ؛ خدمات ۷۱/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۷،۲۱٤ میلیون دلار؛ ۱۹۹۸: ۲۰،۸۸۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲٦۵،٦۰۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۸۸۳- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۲/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/۳٪ ؛ ۱۹۹۸ : ۰/۹٪ ؛ ۱۹۹۹: ۱/۳٪ ؛ ۲۰۰۰: ۲/٦٪ ؛ ۲۰۰۱: ۳/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): چغندرقند ٦،۱۵۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲،۷۰۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۱،٦۰۰،۰۰۰ تن؛ سیب ٤٤۷،۰۰۰ تن؛ جو ٤۰۰،۰۰۰ تن؛ گوجه فرنگی ۳۰۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۲٤/۲٪ ؛ مرتع و چمنزار ۲۱٪ ؛ جنگل ۲۱/۳٪ ؛ بقیه ۳۳/۵٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۷،٦۷۱،۰۰۰ رأس؛ گاو ۳،۱۸۵،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱۵۵،۰۰۰ رأس؛ اسب ٦۷،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳،۷٦۵،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳۰،۸۳۵ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۸،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۳۵،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ‌آهک ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ گرانیت ۲،۱۱۵،۰۰۰ مترمکعب؛ سنگ مرمر ٤۰۰ مترمکعب

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون فرانک بلژیک): مصنوعات فلزی ٤٦۸،۸۹٤؛ مواد غذایی ۲٦۳،۳۸۲؛ مواد شیمیایی ۲٤۳،۷۸۷؛ چاپ ٦۹،۹۹۱؛ منسوجات ٦٦،۵۲٤؛ مبلمان ۵۸،۱۱۵

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۸۳،۲۲٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦): (۸۰،۲٤۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹٦): ناچیز(۱۱،۵۵٦،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (۲۳۱،۳۰۵،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۲۸،٤۰۰،۰۰۰ تن (۱۷،٦۸٤،۰۰۰) ؛ گاز طبیعی: ۲،۵۱٤،۰۰۰ مترمکعب (۱٤،۰۸٦،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ٤،۱۹٦،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۱/۳٪ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٤ تا ٦٤ سال): ٦۱/۱٪؛ زنان ٤۱/٦٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): ۹/٦٪ ؛ ۱۹۹۹: ۱۰/۸٪ ؛ ۲۰۰۰: ۸/۲٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲/۵٪ ؛ صنعت ۲۳/۹٪ ؛ خدمات ۷۳/٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ٤۳،۷۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦٤/٦٪ ؛ نیروی دریایی ۵/۹٪ نیروی هوایی ۲٦/۵٪ ؛ خدمات پزشکی ۳٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۳٦۲ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۵،۵۷۵،۲۰۰ میلیون فرانک بلژیک؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۰٪ ؛ مواد شیمیایی ۱۵/۲٪ ؛ مواد غذایی ۸/۳٪ ؛ سوختهای معدنی ۷٪ (از جمله فرآورده‌های نفتی ۵٪)؛ الماس ٤/۱٪؛ از کشورهای آلمان ۱۸/۸٪ ؛ هلند ۱۸/۱٪ ؛ فرانسه ۱٤/٤٪ ؛ انگلستان ۹/۱٪

صادرات(۱۹۹۷): ٦،۰۱۷،۹۰۰ میلیون فرانک بلژیک؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۸/٤٪ ؛ مواد شیمیایی ۱۸/٦٪ (از جمله مواد پلاستیکی ٤/۵٪)؛ مواد غذایی ۹٪ ؛ آهن و فولاد ۵/۲٪ ؛ الماس ۳/۷٪ ؛ فرآورده‌های نفتی ۲/٦٪ ؛ منسوجات ۱/۷٪ ؛ به کشورهای آلمان ۱۹/٤٪ ؛ فرانسه ۱۷/۱٪ ؛ هلند ۱۲/٦٪ ؛ انگلستان ۱۰/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون‌فرانک‌بلژیک	+٤۵۳،۰۰۰	+٤۱۵،۰۰۰	+۳٦٤،۰۰۰	+٤٤۲،۰۰۰	+۵٦۲،۰۰۰	+۵۸۱،۰۰۰
درصد کل	٪۵	٪٤/۲	٪۳/۵	٪۳/۸	٪٤/٦	٪٤/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦/۳	۹۸/٦	۱۰۰	۱۰۲/۱	۱۰۳/۷	۱۰٤/۷	۱۰۵/۹
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۲/۷ نفر؛ منابع درآمد (۱۹۹۲): دستمزد ٤۹/٦٪ ؛ پرداختهای انتقالی ۲۰/۷٪ ؛ درآمد از دارایی ۱۸/۸٪ ؛ کار آزاد ۱۰/۹٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۲): غذا ۱۸٪ ؛ مسکن ۱۷٪ ؛ حمل و نقل ۱۳/۳٪ ؛ بهداشت ۱۱/۸٪ ؛ کالاهای با دوام ۱۰/۷٪ ؛ پوشاک ۷/۷٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۵،۲۷۵ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۸،۲۷۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱٤۳،۸۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۳،۳۸۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ٤،٤۱۵،۳٤۳ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ٤٤۹،۹۰٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲۳۲ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۳۰ روزنامه در ۱،٦۲۵،۰۰۰ نسخه (۱٦۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۳،۷۰٦ عنوان

کتاب: ۱۳،۹۱۳ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۸،۰۷۵،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۷۹۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۵،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵۲۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۵،۰۷۳،۰۰۰ خط تلفن (۵۰۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۷۵٦،۰۰۰ خط (۱۷۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲،۹۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۸۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٤،٤۰۱	۷۲،۵۸۹	۷۳۷،۸۲۳	؟
متوسطه	۱،۷۲۷	۱۱۰،۵۹۹	۷۹٦،۹٤۵	؟
فنی و حرفه‌ای	۳۰٤	۱٤،۵٤۸	۱۵۵،۱۹۲	؟
عالی	۱۵۱	۱۰،۵۱۷	۱۳۵،٦۵۹	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۹٪ ؛ مردان: ۹۹٪ ؛ زنان: ۹۹٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۵ سال(۱۹۸۱): کمتر ازمتوسطه ۷۰/۹٪ ؛ بالاتر از متوسطه ۱۷٪ ؛ فنی و حرفه‌ای ۲/۹٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۳۸،۳٦۳ نفر (هر ۲٦٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٤): ۷۷،۱۸۱ تخت (هر ۱۳۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰تا ٤۹ ساله: ۷،۵۰۰ نفر (۰/۱٤٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۲/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،٦۱۹ کالری (۱۳۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۰۲ گرم ؛ مصرف چربی : ۱٦۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰ - ۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۲۲/۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۰٦/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۱۰/۵ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۲۵ (هفتمین کشور جهان)

همچنین مصرف حشیش برای افراد بالای ۱۸ سال نیز بلامانع اعلام شد. به علاوه اقداماتی در مجلس این کشور آغاز شد که به موجب آن قتل از روی ترحم برای بیماران لاعلاج نیز قانونی اعلام شد.
برای نخستین بار دادگاههای بلژیک، طی محاکمهٔ ۴ نفر، به جرائم علیه بشریت که قانون آن در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسیده بود، رسیدگی کرد. در این محاکمات ۲ راهبه، یک استاد دانشگاه و یکی از صاحبان صنایع به جرم مشارکت در قتل عام ۸۰۰,۰۰۰ نفر از اقوام توتسی روآندا در سال ۱۹۹۴، مقصر شناخته شدند. به دنبال وقایع تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، شرکت هواپیمایی سابنا اعلام ورشکستگی نمود. با آغاز سال ۲۰۰۲ میلادی، فرانک بلژیک، پس از ۱۷۰ سال استفاده، از چرخه داد و ستد این کشور خارج شد، و یورو واحد پول اروپایی، جایگزین آن گردید.

بلغارستان BULGARIA

بلغارستان کشوری است در شبه جزیرهٔ بالکان که در غرب دریای سیاه جای دارد و از شمال به رومانی، از خاور به دریای سیاه، از جنوب به ترکیه و یونان و از غرب به مقدونیه و یوگسلاوی محدود است. بلغارستان سرزمینی است که بخشی از آن را کوههای بالکان (استاراپلانینا)، با ارتفاع حداکثر ۲۳۷۷ متر در نواحی مرکزی و بخشی دیگر را کوههای رودوپ با بلندی حداکثر ۲۹۲۵ متر (کوه موسالا، بلندترین نقطهٔ بلغارستان) در جنوب غربی و جنوب فراگرفته و بقیهٔ اراضی آن را جلگه‌های حاصلخیزی چون دشت دانوب در شمال و جلگهٔ ساحلی جنوب شرقی زیر پوشش قرار داده‌اند. رودخانهٔ دانوب، به طول ۲۸۵۰ کیلومتر، عمده‌ترین رود این سرزمین، و رودخانه‌های ماریتسا، تونجا و استروما از دیگر رودهای آن است. اقلیم کشور بلغارستان در ارتفاعات معتدل کوهستانی است و در سایر نواحی معتدل و مرطوب و نسبتاً پر باران است.
گندم و ذرت در جلگهٔ دانوب و غلات و سیب‌زمینی همراه با دامداری و پرورش گوسفند در کوههای بالکان و رودوپ و تنباکو و پنبه و برنج و انگور و پرورش گل در جلگهٔ ساحلی متداول است. بلغارستان از نظر منابع زیرزمینی کشوری است نسبتاً غنی و سرب و روی و مس و آهن و زغال سنگ و نفت عمده‌ترین کانیهای آن است. این کشور از نظر صنعت نیز در خور اهمیت است و صنایع عمدهٔ آن فرآورده‌های غذایی، فلزکاری، مهندسی، نساجی، شیمیایی و ماشین‌سازی است. صنایع شیمیایی و تولید نفت و گاز خطرات بزرگی برای نواحی صنعتی آن که عمدتاً در کنار رودخانه‌های بزرگ جای دارند، فراهم آورده و شرایط زیست محیطی تهدید کننده‌ای به وجود آورده است. علاوه بر آن قطع درختان جنگلی به ویژه در کوهستانهای بالکان از دیگر عوامل تهدیدکنندهٔ زیست محیطی به شمار می‌آید.



تاریخچه

در سالهای میان سده‌های هفتم و ششم پیش از میلاد، سرزمینی که امروز آن را بلغارستان می‌نامند به تصرف قوم اسلاو درآمد. بلغارها که همراه آتیلا وهون‌ها به اروپا وارد شده بودند، جنگجویانی خشن بودند و از راه قتل و کشتار و غارت روزگار می‌گذراندند. آنان در پایان سدهٔ پنجم میلادی در استپ‌های شمال دریای سیاه و شمال خاوری دانوب سکنی گزیدند. گروهی از آنان به مرور از بین رفتند و گروهی به بردگی ترکان درآمدند و آنهایی که باقی ماندند در اواسط سدهٔ هفتم مورد هجوم خزرها قرار گرفتند و ناگزیر شدند تا از دانوب بگذرند و تحت تابعیت امپراتوری روم شرقی یا بیزانس درآیند. کنستانتین چهارم، امپراتور بیزانس موجودیت آنان را به رسمیت شناخت و در سال ۶۸۱ بلغارستان را به یکی از استانهای امپراتوری خود مبدل ساخت. بلغارها به مرور با اسلاوها درآمیختند و زبان و فرهنگ آنان را اقتباس کردند. بوریس اول، خان بلغارستان، در ۸۶۵ میلادی به مسیحیت گروید و آیین مسیح را در میان بلغارها رواج داد. سیمئون اول بر وسعت قلمرو خود افزود و به عنوان تزار بر بلغارستان حکومت کرد.
سرزمین بلغارستان که از سال ۱۰۱۸ تا ۱۱۸۶ مطیع دولت بیزانس بود، در دورهٔ ایوان اول به امپراتوری مبدل شد و شهر ترونووو را به پایتختی برگزید. امپراتوری بلغارستان در زمان ایوان دوم به اوج عظمت خود رسید ولی در سال ۱۳۳۰ خراجگذار صربستان گردید.
عثمانی‌ها در سال ۱۳۹۳، زمان سلطان بایزید اول، بلغارستان را تصرف نمودند و آن را ضمیمهٔ خاک خود کردند. مسیحیان که از فشار ترکان مسلمان ناراضی بودند، سر به شورش برداشتند و در سال ۱۸۷۵ با خشونت تمام سرکوب شدند و بدینسان موجبات جنگ روسیه و عثمانی را طی سالهای ۱۸۷۷ تا ۱۸۷۸ فراهم نمودند. پیمان سان استفانو (۱۸۷۸) به جنگ خاتمه داد و بلغارستان به امیرنشینی خودمختار مبدل شد. پیمان مزبور در کنگرهٔ برلین مورد تجدید نظر قرار گرفت و بلغارستان به سه قسمت به نام بلغارستان شمالی، روملیای شرقی و مقدونیه تقسیم گردید. در سال ۱۸۸۵ آلکساندر باتنبرگی امیر بلغارستان، روملیای شرقی را به خاک خود منضم نمود و در زمان فردیناند ساکس کوبورگ گوتا(۱۹۰۸)، بلغارستان اعلام استقلال کرد.
در جنگ جهانی اول، بلغارستان جزء دول مرکزی وارد جنگ شد و قسمت جنوبی دوبروجا و راه دسترسی این کشور به دریای اژه را از دست داد. در سال ۱۹۱۹ استامبولیسکی به نخست‌وزیری بلغارستان رسید و تا سال ۱۹۲۳ با استبداد تمام بر کشور حکومت کرد. در جنگ جهانی دوم بلغارستان به دول محور پیوست و علیه متفقین به جنگ پرداخت و قسمتهایی از یوگسلاوی و یونان را اشغال نمود. در سال ۱۹۴۴ اتحاد شوروی به بلغارستان اعلان جنگ داد و آنجا را تصرف نمود و دولتی طرفدار شوروی بر سر کار آمد. کوتاه زمانی بعد رژیم سلطنتی ملغی شد و در ۱۵ سپتامبر ۱۹۴۶ جمهوری خلق بلغارستان تشکیل گردید. قانون اساسی جدید آن در سال ۱۹۴۷ تصویب گردید و بلغارستان قالب اقتصادی شوروی را پذیرفت. در مارس ۱۹۴۹ گئورگی دیمیتروف که از سال ۱۹۴۶ به نخست‌وزیری رسیده بود، از کار کناره گرفت و وولکو چرونکوف به جای او نشست. در سال ۱۹۵۴ تئودور ژیوکوف دبیرکل حزب کمونیست، پست نخست‌وزیری را نیز اشغال کرد.
در حملهٔ اتحاد شوروی به چکسلوواکی در سال ۱۹۶۸، بلغارستان به عنوان نزدیک‌ترین هم‌پیمان شوروی شرکت جست. در سال ۱۹۸۸ بلغارستان و ترکیه قرارداد همکاری اقتصادی امضاء نمودند، مع‌الوصف در ژوئن ۱۹۸۹ بیش از ۸۰,۰۰۰ تن از اقلیتهای ترک بلغارستان، از این کشور اخراج گردیدند. ترکیه نخست در صدد تأمین جا برای آوارگان مزبور برآمد ولی هنگامی که در آخر اوت همان سال ۳۱۰,۰۰۰ ترک دیگر از بلغارستان اخراج شدند، مرزهای خود را با بلغارستان بست و ۳۰,۰۰۰ تن از رانده‌شدگان قبلی را نیز به بلغارستان بازگرداند.
به دنبال ایجاد فضای باز سیاسی در میان کشورهای کمونیست که از زمان روی کار آمدن میخائیل گورباچف در شوروی شروع شده بود، بزرگترین تظاهرات ضد دولتی در نوامبر سال ۱۹۸۹، در اعتراض به ایجاد یک نیروگاه اتمی در یکی از جزایر رود دانوب برگزار گردید. کمی بعد کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست تئودور ژیوکوف را از کار برکنار کرد و پتور ملادنوف را به جای وی گماشت. مجلس ملی نیز ممنوعیت تظاهرات ضد دولتی را لغو نمود که این امر منجر به گسترش سریع تظاهرات مخالفان شد.
در مارس ۱۹۹۰ اتحاد نیروهای دموکرات که از ۱۶ حزب مخالف تشکیل شده بود، خواستار برگزاری انتخابات و تجدید نظر در قانون اساسی گردید. در انتخابات ژوئیه همان سال دولت ائتلافی یلیو یلف بر سر کار آمد و در ژوئیهٔ ۱۹۹۱ قانون اساسی جدید به تصویب رسید. بدین ترتیب حکومت بلغارستان جمهوری پارلمانی شد و فیلیپ دیمیتروف از سوی مجلس به نخست‌وزیری رسید. وی در انتخابات ژانویه ۱۹۹۲ به مقام ریاست‌جمهوری بلغارستان ارتقاء یافت. در ژوئن ۱۹۹۲ بلغارستان به شورای اروپا پیوست و در همان سال تئودور ژیوکوف رهبر حزب کمونیست و سه تن از نخست‌وزیران پیشین همراه با گروهی از اعضای دولت سابق بازداشت شدند. دیمیتروف پست نخست‌وزیری را به لیوبن بروف واگذار کرد. وی تا سال ۱۹۹۴ در مقام نخست‌وزیری بلغارستان باقی ماند. در ژانویهٔ ۱۹۹۵ رهبر سوسیالیستها به نام ژان ویدنوف کابینهٔ جدیدی تشکیل داد. در انتخابات نوامبر ۱۹۹۶ پتار استویانوف، رهبر



نام رسمی: جمهوری بلغارستان

نام محلی: بُلگاریا Bâlgarija

اسامی دیگر: –

پایتخت: صوفیا (۱،۱۱۶،۸۲۳ نفر در سال ۱۹۹٦)

تاریخ استقلال: ۱۹۰۸/۹/۲۲ ، از امپراتوری عثمانی

روز ملی: سوم مارس

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری ، از سال ۱۹۹۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: گئورگی پاروانف (رهبر حزب سوسیالیست)، از سال ۲۰۰۱ (به مدت ٤ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: سیمئون ساکس کوبورگ گوتا (رهبر جنبش ملی سیمئون دوم)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱؛ مجلس ملی (نارودنوسوبرانیه) با ۲٤۰ عضو به مدت ٤ سال، کرسیهای مجلس ملی در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۱): اتحاد نیروهای دموکراتیک ۱۳۷ (٥۱) کرسی، ائتلاف چپ دموکراتیک ٥۸ کرسی، جنبش برای حقوق و آزادیها (اقلیت ترک‌تبار) ۱۹ (۲۱) کرسی، چپ اروپایی ۱٤ کرسی، بلوک بازرگانی بلغارستان ۱۲ کرسی، جنبش ملی سیمئون دوم (۱۲۰) کرسی، ائتلاف برای بلغارستان (حزب سوسیالیست و چند حزب دیگر) (٤۸) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٥٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، اینو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، اوسه، سفتا

جمعیت

مساحت: ۱۱۰،۹۹٤ کیلومترمربع (صد و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۸،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتادوهفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۷۳/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪-۰/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۷ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦۹/٤٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥) : ۰/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۱٦/۲٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۲٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۰/۱٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۲۱/۷٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۸/۷۷٪ ؛ زن ٥۱/۲۳٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٦ سال؛ مردان ٦۸/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۷/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱٤/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۱۲/۸ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ٦/٤- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بیماریهای دستگاه گردش خون ۹٥٤/٤ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۹۲/۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٦۷/٦ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ٦۰/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱٥ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٦): ٤/۳ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٦):** ۱/۳ مورد

نژاد / ملیت (۱۹۹۲): بلغار ۸٥/۷٪ ؛ ترک ۹/٤٪ ؛ کولی ۳/٦٪ ؛ بقیه (عمدتاً ارمنی، یونانی و روس) ۱/۲٪

دین (۱۹۹٥): ارتدوکس‌بلغاری ۳٦/٥٪ ؛ پروتستان ۱/٤٪ ؛ کاتولیک ۰/۸٪ ؛ مسلمان‌سنی ۱۳/۱٪ ؛ سایرادیان‌وبی‌دینان ٤۷/۸٪

زبان و خط: بلغاری(زبان رسمی)؛ ترکی؛ یونانی؛ ارمنی؛ خط: سیریلی

شهرهای مهم(۱۹۹٦): پلوودیف ۳٤٤،۳۲٦ نفر؛ وارنا ۳۰۱،٤۲۱ نفر؛ بورگاس ۱۹۹،٤۷۰ نفر؛ روسه ۱٦۸،۰٥۱ نفر؛ استارا زاگورا ۱٤۹،٦٦٦ نفر؛ پلون ۱۲٥،۰۲۹ نفر؛ سلیون ۱۰۷،۰۱۱ نفر؛ دوبریچ ۱۰۳،٥۳۲ نفر

بنادر مهم: وارنا و بورگاس (دریای سیاه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لف جدید (Lw) = ۱۰۰ استوتینکی؛ یک دلار= ۲/۲٥ لف جدید؛ یک لف جدید = ۳،٥٥٥ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۸،۹۱۳،۰٦٤/۲ میلیون لف(قدیم)؛ درآمد مالیاتی ۷۹/٤٪ (شامل حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۲۲/۹٪ ؛ مالیات بر ارزش افزوده ۲۰/٦٪ ؛ مالیات بر درآمد ۱۱/٥٪ ؛ مالیات بر سود ۹/٦٪؛ مالیات کالاهای داخلی ۷/٦٪ ؛ عوارض گمرکی ٥٪ بقیهٔ موارد ۲/۲٪) ؛ درآمد غیر مالیاتی ۲۰٪ ؛ سایر موارد ۰/٦٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۸،٦۸۹،۱۸۸/٦ میلیون لف (قدیم)؛ تأمین اجتماعی ۲۷/۱٪ ؛ هزینه‌های اداری ۱٦/۳٪ ؛ دستمزدها ۱۲/۹٪ ؛ بهرهٔ وامها ۱۱٪ ؛ هزینهٔ سرمایه‌ای ۱۰/۹٪ ؛ امور دفاعی ۱۰/۸٪ ؛ آموزش ۱۰/۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۰،۰۸٥ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،۲۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥) : ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/۷-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۸/۷٪ ؛ صنعت ۲٥/٥٪ ؛ خدمات ٥٥/۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳٤ میلیون دلار؛ ۱۹۹۸: ٤۰۱ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۷،۷۸۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۳۲/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۳/۷٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۱٦/۹٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲۲/۲٪ ؛ ۲۰۰۰: ۱۱/٤٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): گندم ۳،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱،۱۰۰،۰۰۰ تن؛ دانهٔ آفتابگردان ۷۰۰،۰۰۰ تن؛ انگور ٦۳٦،۰۰۰ تن؛ جو ٥۰۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٥) : کشاورزی ۳۸٪ مرتع و چمنزار ۱٦/۲٪ ؛ جنگل ۳۰/۲٪ ؛ سایر موارد ۱٥/٦٪

تعداد دام زنده(۱۹۹٥): گوسفند ۲،۷۷٤،۰۰۰ رأس؛خوک ۱،۷۲۱،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۰٤۸،۰۰۰ رأس؛ گاو ٦۷۱،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳،۰٤۱،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱۰،۷٥٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱٤،٦۲٦،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۹۲،٦۸۰ تن

تولیدات معدنی(۱۹۹۷): سنگ آهن ۸۹٥،۰۰۰ تن؛ سرب ۷۲،۹۷٥ ؛روی ۷۲،۷٥٥؛منگنز ٥٥،٦۰۰ تن؛نقره ۲۳،۷۹۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): (ارزش افزوده به میلیون لف قدیم): مواد غذایی، نوشیدنی و دخانیات ۲،۸۳٤،٤۱۳؛ مواد شیمیایی و فرآورده‌های نفتی ۱،٦۳۳،٥۸۳؛ ماشین آلات و فلزکاری ۱،٤٦۰،۲۲۰؛ متالورژی ۸۹۰،٦۱٤؛ لوازم برقی و الکترونیکی ٥۲٤،۳۸۳

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ٤۲،۸۰۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٤۲،۸۰۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۳۱،۲٤۸،۰۰۰ تن (۳٤،۲۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ۲۳۲،۳٦۰ بشکه (٥۰،۹۷۹،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ٥،۸۱۰،۰۰۰ تن (٤،۳٦۱،۰۰۰) ؛ گاز طبیعی (۱۹۹٦): ٤٤،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب(٦،۱۹۷،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۷): ۳،٥۸۱،۸۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٥۱/۹٪ ؛ میزان مشارکت (مردان در سنین ۱٦ تا ٥۹ سال و زنان در سنین ۱٦ تا ٥٤ سال): ٥۷/۳٪ ؛ زنان: ٤۷/٦٪ ؛ میزان بیکاری: ۱۹۹۷: ۱۳/۷٪ ؛ ۲۰۰۰: ۱۷/۹٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱۷٪ ؛ صنعت ٤۸/٤٪ ؛ خدمات ۳٤/٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۸۰،۷٦۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۰/۸٪ ؛ نیروی هوایی ۲۲/۷٪ ؛ نیروی دریایی ٦/٥٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۱٤ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۸،۲٦۸،٤٦۲،۲۰۰ لف جدید؛ شامل نفت و گاز طبیعی ۲۸/۷٪ ؛ تجهیزات ماشین‌سازی و فلزکاری ۱۳/۹٪ ؛ مواد شیمیایی ۹/۹٪ ؛ لوازم برقی و الکترونیکی ٦/٦٪ ؛ مواد غذایی؛ نوشیدنی و دخانیات ٦/۳٪ ؛ منسوجات و کشباف ٤/٥٪ ؛ از روسیه ۲۸٪ ؛ آلمان ۱۱/۸٪ ؛ ایتالیا ۷/۲٪؛ یونان ٤/۲٪ ؛ امریکا ۳/۷٪ ؛ اوکراین ۳/۷٪

صادرات(۱۹۹۷): ۸،۲۸۱،۳۸٦،٥۰۰ لف جدید؛ شامل مواد شیمیایی و پلاستیک ۲۲/۳٪ ؛ مواد غذایی، نوشیدنی و دخانیات ۱۳/٥٪ ؛ تجهیزات ماشین‌سازی و فلزکاری ۹/٦٪ ؛ پوشاک و کفش ۷/۱٪ ؛ به کشورهای ایتالیا ۱۱/۷٪ ؛ آلمان ۹/٥٪ ؛ ترکیه ۹٪ ؛ یونان ۸/۲٪ ؛ روسیه ۷/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون لف جدید	-۱۰/۸	-۲۰/۳	-۳۲/۳	+۱۲/۹	-۱،۱۹٥	-۲،۷٤۰
درصد کل	٪۲/٤	٪۲/۸	٪۱/۸	٪۰	٪۷/۳	٪۱٥/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۳۱/٥	٦۱/۷	۱۰۰	۲۲۳	۲،٦۳٦/٦	۳،۲۲٤/۳
شاخص درآمد ماهانه	٤٤/٥	٦۸/٤	۱۰۰	۱۷٤/٤	۱،۸٦٤/٤	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین‌اندازهٔ خانوار(۱۹۹٥): ۳ نفر؛ درآمد هرخانوار (۱۹۹٥): ۱۸۹،٥۲۳الف؛ منابع درآمد(۱۹۹٥): دستمزدوحقوق۳۷/٥٪؛ کارآزاددرکشاورزی۲٥/۲٪؛پرداختهای‌انتقالی۱٥/۷٪؛هزینه‌ها(۱۹۹٥):غذا٤۲/۸٪ ؛مسکن‌سازی‌وسوخت ۷/٥٪؛ پوشاک ۷/۲٪؛ حمل و نقل ٦/٦٪؛ کالای بادوام خانگی ٤٪؛ مسئولیتهای بهداشتی ۳/٥٪؛ آموزش و فرهنگ ۲/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۹٦٦ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج ٥۱۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۳۷،۳۲۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ٦،٤۷۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۱،۷۳۰،٥۰٦ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس (۱۹۹۸):** ۲٥۱،۳۸۲ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۸): ۱۰۷ فروند — **فرودگاه (۱۹۹۷):** ۳ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱۷ روزنامه در ۲،۱٤٥،۰۰۰ نسخه (۲٥۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۷۷۲ عنوان در ۱،۷٤۰،۰۰۰ نسخه

کتاب: ٤،۸٤۰ عنوان در ۲۰،۳۱۷،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ٤۱۹۷/۷ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٤،٥۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٥۳۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳،٤۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۰۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲،۷٤۲،۰۰۰ خط تلفن (۳۲۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۲۷،۰۰۰ خط (۱٥ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲٥۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱٥۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸) متوسطه	۳،۲٥۸	٦۹،۸٥۰	۹٤۰،۷۹٤	۱۳/٥
فنی و حرفه‌ای	٥٤٥	۱۸،٥٦۳	۱۹٦،۳٥۱	۱۰/٦
عالی	۸٦	۲۲،۳۸۲	۲٦٦،۷٤۷	۱۱/۹

میزان باسوادی (۱۹۹٥): افراد ۱٥ سال: ۹۸٪ ؛ مردان: ۹۸/۸٪ ؛ زنان: ۹۷/٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال (۱۹۹۲): ابتدایی ٤٤/٤٪ ؛ متوسطه ۳٥/۷٪ ؛ عالی ۱٥٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۲۸،۸۲۳ نفر (هر ۲۸٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۸٥،٤۰۸ تخت (هر ۹۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۰۱٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هرصد هزار نفر ٤۰/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٦۸٦ کالری؛ مصرف پروتئین: ۸۰ گرم؛ مصرف چربی: ۹۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰) ؛ صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٥٥/٤ میلیون تن؛ هر نفر ٦/٥ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۷۲ (شصتمین کشور جهان)

اتحاد نیروهای دموکراتیک به ریاست جمهوری رسید و ایوان مارازوف را به نخست‌وزیری منصوب نمود. در تجدید انتخابات ژانویهٔ ۱۹۹۷ پتار استویانوف مجدداً به ریاست جمهوری رسید و ایوان کوستوف را به مقام نخست‌وزیری برگزید.

در سال ۱۹۹۸ تمامی درخواست‌های صندوق بین‌المللی پول برای اعطای وام به بلغارستان برآورده شد. در ماه مه سوبسیدهای کشاورزان حذف شد و در برنامه‌های خصوصی‌سازی اقتصاد، تعداد زیادی از مؤسسات دولتی از جمله شرکت مخابرات، شرکت هواپیمایی بلغارستان و چندین بانک به بخش خصوصی واگذار گردید. در سال ۱۹۹۹، اتحادیه اروپا از بلغارستان خواست تا برای جایگزینی نیروگاه اتمی کوزلودوی تدابیری را اتخاذ کند. این نیروگاه ۴۵٪ برق مصرفی کشور را تأمین می‌کند. در سال ۲۰۰۰، سازمان ملل متحد دولت بلغارستان را متهم به ارسال اسلحه و ارائهٔ آموزش‌های نظامی به گروه شورشی یونیتا در اوگاندا نمود.

در بهار سال ۲۰۰۱ اعلام شد که سیمئون دوم پادشاه سابق بلغارستان برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری به این کشور باز خواهد گشت. چون طبق قانون اساسی، وی از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری منع شده بود، با تشکیل «جنبش ملی سیمئون دوم»، در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱ شرکت نموده و ۱۲۰ کرسی از ۲۴۰ کرسی مجلس ملی را از آن خود کرد. در دومین دور انتخابات ریاست جمهوری که درنوامبر برگزار گردید، گئورگی پاروانف، از حزب سوسیالیست توانست پتار استویانوف، کاندیدای راست میانه را شکست دهد.

بلیز BELIZE

بلیز کشوری است در جنوب غربی شبه جزیرهٔ یوکاتان واقع در امریکای مرکزی. این کشور از شمال به کشور مکزیک، از خاور به دریای کارائیب و از جنوب و غرب به کشور گواتمالا محدود است. شمال آن سرزمینی است جلگه‌ای و هموار با اقلیمی گرم و بارانی و جنوب آن تپه‌ماهور و پوشیده از جنگلهای بارانی. جلگهٔ ساحلی آن پست و باتلاقی است و جزایری چند در دوراب‌های نزدیک به ساحل آن قرار دارند و لنگرگاههای طبیعی ممتازی در جنوب آن به چشم می‌خورد. بررسیهای زمین‌شناسی از وجود منابع نفت و گاز در آبهای ساحلی آن



حکایت می‌کند. عمده‌ترین رودخانهٔ این کشور رود بلیز، به طول ۲۹۰ کیلومتر، و بلندترین نقطهٔ آن کوه ویکتوریا با ۱۱۲۲ متر ارتفاع است و بزرگترین جزیرهٔ آن ترنف نام دارد.

کشور بلیز همانند دیگر کشورهای ناحیهٔ کارائیب با مسائلی چون قطع درختان جنگلی، آلودگی آب و خاک به ویژه پیرامون شهرهای بزرگ و عدم کنترل فاضلاب کارخانجات، بخصوص کارخانهٔ تصفیهٔ نیشکر و همچنین زباله‌های صنعتی دست به گریبان است.

تاریخچه

در روزگار گذشته بلیز و گواتمالا و جنوب مکزیک جزء امپراتوری مایا بودند. مایاها در بلیز شهرهای لوبانتون و پوسیلها و همچنین شهر دیگری که باستان‌شناسان آن را سان‌خوزه نامیده‌اند، ساخته بودند که سومی تحت بررسی باستان‌شناسان است. در سال ۱۵۰۴ ناوگان کریستف کلمب در محلی که امروزه خلیج هندوراس می‌نامند، لنگر انداختند و اسپانیایی‌ها نخستین اروپاییانی بودند که در این سامان ماندگاه ایجاد کردند. اسپانیایی‌ها به موجب عهدنامهٔ پاریس (سال ۱۷۶۳) به انگلیسی‌ها اجازه دادند تا در بلیز به قطع درختان جنگلی و صدور چوب و الوار بپردازند. این توافق در عهدنامهٔ ورسای (۱۷۸۳) مجدداً مورد تأیید و تأکید قرار گرفت. انگلیسی‌ها به مرور در منطقه نفوذ یافتند و تلاشهای اسپانیایی‌ها برای بیرون راندن آنان به جایی نرسید تا جایی که انگلیسی‌ها در سال ۱۷۹۸ کاملاً بر این سرزمین تسلط یافتند و ادعای مالکیت اسپانیا تا زمانی که بلیز رسماً به یک تحت‌الحمایهٔ انگلیس مبدل شد، ادامه یافت. از سال ۱۸۶۲ تا ۱۸۸۴، بلیز از نظر اداری تابع جامائیکا بود. در آن سال از جامائیکا جدا شد و تحت کنترل مستقیم دولت انگلستان قرار گرفت. توفند شدید سال ۱۹۳۱ بیشتر نواحی شهر بلیزسیتی را ویران کرد.

در سال ۱۹۵۰ حزب مردم به وسیلهٔ شخصی به نام جورج پرایس پایه‌گذاری شد و در سال ۱۹۶۴ به نخست‌وزیری محلی انتخاب گردید. در سال ۱۹۷۰ پایتخت از بلیزسیتی به بلموپان منتقل شد و در ژوئن ۱۹۷۳ از هندوراس انگلیس به بلیز تغییر نام یافت و در ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۱ به استقلال دست یافت. در انتخابات دسامبر ۱۹۸۴ مانوئل اسکیول به نخست‌وزیری رسید و در انتخابات ۱۹۸۹ جای خود را به جورج پرایس واگذار کرد. در سپتامبر ۱۹۹۱ دولت گواتمالا پس از سالها مخالفت و کارشکنی سرانجام بلیز را به رسمیت شناخت و متقابلاً دولت بلیز هم به گواتمالا اجازه داد تا از خلیج هندوراس برای دسترسی به دریا و آبهای آزاد استفاده کند. طی سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ گروههای بزرگی از مردم هائی تی به بلیز وارد شدند و به عنوان کارگر در کشتزارها به کار مشغول شدند. در انتخابات ژوئن ۱۹۹۳ مانوئل اسکیول مجدداً به نخست‌وزیری رسید.

توفند میچ در سال ۱۹۹۷ هزاران نفر از مردم بلیز را کشت و خسارات زیادی را به زیرساخت‌های اقتصادی کشور وارد کرد. حزب اتحاد مردم برای اولین بار از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۵۰، توانست اکثریت کرسی‌های پارلمان را (در سال ۱۹۹۸) به دست آورد و رهبر آن سعید ویلبرت موسی به نخست‌وزیری رسید.

توفند شدید موسوم به ایریس در اکتبر ۲۰۰۱ خسارت فراوانی به بلیز وارد ساخت و حدود ۱۳،۰۰۰ نفر را بی‌خانمان نمود. سرعت باد در این توفند به ۲۲۵ کیلومتر در ساعت رسید.



نام رسمی: بلیز

نام محلی: بلیز Belize

اسامی دیگر: هندوراس انگلیس (نام سابق)

پایتخت: بلموپان (۷،۱۰۵ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۸۱/۹/۲۱، از انگلستان

روز ملی: بیست و یکم سپتامبر ، روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت‌حکومت تشریفاتی پادشاه انگلستان)، از سال ۱۹۸۱

رئیس حکومت: فرماندار کل: کالویل نوربرت یانگ ، از سال ۱۹۹۳

رئیس دولت: نخست‌وزیر: سعید ویلبرت موسی، از سال ۱۹۹۸ (حزب اتحاد مردم)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۱؛ مجلس نمایندگان با ۲۹ عضو برای مدت ۵ سال و مجلس سنا با ۸ عضو منصوب فرماندار کل؛ کرسیهای مجلس نمایندگان (۱۹۹۸): حزب اتحاد مردم ۱۷ کرسی، ائتلاف حزب اتحاد دموکراتیک و اتحاد ملی برای حقوق مردم بلیز ۱۲ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۸۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آی - آدب

جمعیت

مساحت: ۲۲،۹۶۵ کیلومترمربع (صد و چهل و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هفتادوسومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۰/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۸ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤٦/٤٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/٦٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ٤۱/۲٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٦/٥٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٥/٥٪ ؛ بالای ٦۰ سال ٦/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۹/٦۹٪ ؛ زن ٥۰/۳۱٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۱/۳ سال؛ مردان ٦۷/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۰/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٥/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲۷ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٤/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۵): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۱۹/۸ نفر؛ حوادث و درگیری ٥۷/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٤۷/۸ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۳۸/۱ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۲۳/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر (۱۹۹۷): ٦/٦ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر (۱۹۹۷):** ۰/۲ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹۱): دورگه‌اسپانیایی و سرخپوست٤۳/٦٪؛ دورگه‌سیاه و سفید۲۹/۸٪؛ سرخپوستان مایا۱۱٪؛ گاریفونا۳/۹٪

دین(۱۹۹۱): کاتولیک ٥۷/۷٪ ؛ پروتستان ۳٤/۳٪ (انگلیکان ۷٪)؛ دیگر مسیحیان ۱/۷٪ ؛ بی‌دین یا نامشخص ٦٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ انگلیسی کریول، اسپانیایی؛ گاریفونا؛ مایایی و کچی؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۸): بلیز سیتی ٥٥،۸۱۰ نفر؛ اورنج واک ۱٥،٥۰٥ نفر؛ سان ایگناسیو (سانت النا) ۱۱،٥۷۰ نفر؛ کوروزال ۸،۰۸٥ نفر

بنادر مهم: بلیزسیتی (دریای کارائیب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار بلیز (BZ$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار = ۱/۹۷ دلار بلیز؛ یک دلار بلیز = ٤،۰٦۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۳۲٤/٦ میلیون دلار بلیز؛ درآمد مالیاتی ۷۷/٤٪ (شامل: عوارض گمرکی ۲٥/۷٪ ؛ مالیات عمومی خرده فروشی ۲۳/٦٪)؛ کمک‌های خارجی ۱۲/۷٪ ؛ درآمد غیر مالیاتی ۹/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۳٦۲/۳ میلیون دلار بلیز؛ (آموزش ۲۰/٥٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات۱٦/۷٪ ؛ هزینه‌های اداری ۱۱/٤٪ ؛ بهداشت ۸/۲٪ ؛ دفاع ٥/٤٪)

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٦۳٥ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،٦٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٦/٥٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ ۳/٥٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۸/۷٪ ؛ صنعت ۲٥/٥٪ ؛ خدمات ٥٥/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱٤ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲۸۲ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱٥+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۸/۹٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳/۱٪ ؛ ۱۹۹۸: ۰/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): نیشکر ۱،۲۰۸،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۱۷۰،۰۰۰ تن؛ موز ۸۱،۰۰۰ تن؛ گریپ فروت ٤۱،۰۰۰ تن؛ ذرت ۳۷،۰۰۰ تن؛ برنج ۱۷،۰۰۰ تن؛ لوبیای قرمز ٥،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۳،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۳/٦٪ ؛ مرتع و چمنزار ۲/۲٪ ؛ جنگل ۹۲/۱٪ ؛ سایر موارد ۲/۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ٥۸،۰۰۰ رأس، خوک ۲۳،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۸۷،٦۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۲،٦۲۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱،٤۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،٦۳۸ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): شن و ماسه ۳٥۰،۰۰۰ تن؛ سنگ آهک ۳۱۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): شکر ۱۲۳،۸۰۰ تن؛ ملاس ٥۱،۸۰۰ تن؛ آرد ۱۳،۰۰۰ تن؛ کنسانتره پرتقال ۱۱٤،۰۰۰ هکتولیتر؛ آبجو ۳٤،۰۰۰ هکتولیتر؛ کنسانتره گریپ فروت ۳٤،۰۰۰ هکتولیتر؛ سیگار ۸۰،۰۰۰،۰۰۰ نخ؛ پوشاک ۲،۱۰۰،۰۰۰ دست

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۱٥۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۷۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۱۱٦،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۸٥،٥۹٥ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۳٦/۲٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٤ تا ٦٤): ٦٤/۱٪ ؛ زنان: ۳٤/٥٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ۱٤/۳٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲۷/٦٪ ؛ صنعت ۱٤/٦٪ ؛ خدمات ٤۳/۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱،۰٥۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹٥/۲٪ ؛ بخش دریایی ٤/۸٪ ؛ سرانه هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۸): ۳٥ دلار

واردات(۱۹۹۸): ٥۹٤/۱ میلیون دلار بلیز ؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲٥/٦٪ ؛ مواد غذایی و نوشیدنی ۱٦/۷٪ ؛ سوختهای معدنی و گریس ۱۱/۱٪ ؛ مواد شیمیایی ۱۰/۷٪ ؛ از امریکا ٥۳/٦٪ ؛ مکزیک ۱۱/۷٪ ؛ انگلستان ٤/۷٪ ؛ کشورهای عضو بازار مشترک کارائیب ۳/٦٪ ؛ سایر کشورهای اتحادیهٔ اروپا ٥/۳٪

صادرات(۱۹۹۸): ۳۳٦/۷ میلیون دلار بلیز؛ شامل: کالاهای تولید داخل ۹۰/۹٪ (از جمله شکر خام ۲٦/٤٪ ؛ کنسانتره مرکبات ۱۲/۸٪ ؛ موز ۱٤/٦٪ ؛ شیلات ۱۲/۹٪ ؛ لباس ۱۱/۷٪)؛ صادرات مجدد کالاها ۹/۱٪ ؛ به امریکا ٤۲/٦٪ ؛ انگلستان ۳۳/۳٪ ؛ کشورهای عضور بازار مشترک کارائیب ۷/٥٪ ؛ سایر کشورهای عضو اتحادیهٔ اروپا ۱۱/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار بلیز	-۲۸۸/۹	-۲۱۷/۹	-۱۹۳/٦	-۱۷٥/۷	-۲۱۹/۷	-۲٥۷/٤
درصد کل	۳٤/٦٪	۲٦/٥٪	۲۳٪	۲۰/۸٪	۲۳/۸٪	۲۷/٦٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۷/۲	۱۰۰	۱۰٦/٤	۱۰۷/٥	۱۰٦/٦	۱۰٥/۳
شاخص درآمد	۹٦/۳	۱۰۰	۱۰۲/٥	۹۸/۸	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹٦): ٥/۳ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۹۳): ٦،٤٥۰ دلار بلیز؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۰): غذا، نوشیدنی و دخانیات ۳٤٪ ؛ حمل و نقل ۱۳/۷٪ ؛ سوخت و آب ۹/۱٪ ؛ مسکن سازی ۹٪ ؛ پوشاک و چکمه ۸/۸٪ ؛ اثاثیه خانگی ۸٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۸۷ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان درخارج: ۳۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٥): ۲،۲٥۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۹،٦۹٥ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس (۱۹۹۷):** ۱۱،٦۹۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳۲ فروند — **فرودگاه (۱۹۹۷):** ۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ٤ روزنامه در ۲۳،٥۰۰ نسخه (۰/٥ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۷۰ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۱۳۳،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٥۹۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۸۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۲،۰۰۰ خط تلفن (۱۳۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳،٤۰۰ خط (۱٥ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۲٤۷	۲،۰۱٥	٥۳،۱۱۸	۲٦/٤
متوسطه	۳۰	۷۲٦	۱۱،۲٦۰	۱٥/٥
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۱۲	۲۲۸	۲،۷٥۳	۱۲/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۱): افراد بالای ۱٤ سال: ۷۰/۳٪ ؛ مردان : ؟ زنان: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ٦٤/۳٪ ؛ متوسطه ۱٤/۹٪ ؛ عالی ٦/٦٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۱٥٥ نفر (هر ۱،٥٥۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ٥٥٤ تخت (هر ٤۳٥ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲۱۰۰ نفر ؛ (۱/۸۹٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۹/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۹۰۷ کالری(۱۲۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ٦٥ گرم؛ مصرف چربی: ۷٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۳٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/۳٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۱/٦ تن

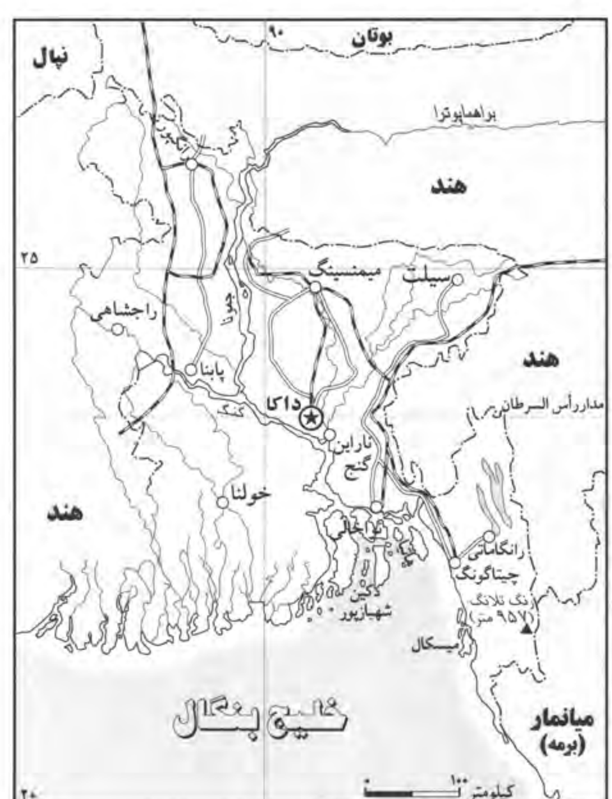
شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۷۷ (پنجاه و هشتمین کشور جهان)

بنگلادش BANGLADESH

کشوری است در دلتای رود گنگ، در جنوب آسیا، و از غرب و شمال و خاور به کشور هند و از جنوب خاوری به کشور میانمار (برمه) و از جنوب به خلیج بنگال محدود است. سه رودخانهٔ بزرگ گنگ و براهماپوترا (جمونا) و مگنا در این کشور با هم تلاقی می‌کند و از آبرفت آنها سرزمین حاصلخیز بنگلادش پدید می‌آید. اراضی این کشور کلاً هموار و کم‌ارتفاع است و ارتفاعات و جنگلهای آن در ناحیهٔ جنوب خاوری آن جای دارند. بلندترین نقطهٔ بنگلادش کوه رنگ‌تلانگ است که با ارتفاع ۹۵۷ متر در مرز میانمار (برمه) قرار دارد.

برنج، چای، ژوت، نیشکر، پنبه و غلات از فرآورده‌های کشاورزی آن است. غالب اراضی بنگلادش را باتلاقهای متعدد و جنگلهای وسیع بارانی پوشانیده و آب و هوای گرم و مرطوب و پرباران دارد که به ویژه بر میزان آن در ماههای ژوئن تا سپتامبر افزوده می‌شود و معمولاً با توفندهای شدید و سیلابهای فراوان همراه می‌گردد. منابع زیرزمینی بنگلادش به زغال‌سنگ نامرغوب و گاز طبیعی محدود است. نواحی ساحلی آن به دلیل تخلیهٔ فاضلاب‌های متعدد به شدت آلوده بوده و زندگی و محیط زیست را به سختی تهدید می‌کند. صنایع عمدهٔ این کشور نساجی (به ویژه گونی‌بافی)، سیمان و چرمسازی و تهیهٔ کودهای شیمیایی است.

جمعیت بنگلادش را کلاً مردمانی متجانس و هم‌نژاد که طی ۲۵ قرن از آمیزش بومیان بنگالی و مهاجران آسیای مرکزی و هندیها پدید آمده‌اند، تشکیل می‌دهد. روی هم رفته ۹۸ درصد مردم آن بنگالی و بقیه اقلیتهای بیهاری هستند.



تاریخچه

اگرچه بنگلادش کشور جوانی است، ولی مردم آن ریشه در دولت چند هزار سال پیش بنگال دارند که در مهابهارات بدان اشاره شده است. در سدهٔ سوم پیش از میلاد به جزئی از امپراتوری موریا مبدل شد و از سدهٔ هشتم تا دوازدهم میلادی در تصرف پادشاهان هند شمالی بود. در سدهٔ سیزدهم میلادی به توسط مسلمانان تصرف گردید، در سدهٔ هفدهم میلادی مغولها بر آن دست یافتند. در همان زمان کمپانی هند شرقی انگلیس آن را به بنگال موسوم کرد و با احداث پاسگاههای نظامی و خرید دهکده‌های اطراف آنها به مرور بر آن مستولی گردید و در جنگ ۱۷۵۷ که به جنگ پلاسی موسوم است، با ۵۰۰ سرباز انگلیسی و تحت فرماندهی رابرت کلیو، ارتش نواب سراج‌الدوله را درهم کوبید و بدینسان دوران ۱۹۰ سالهٔ فرمانروایی بریتانیا بر بنگال را فراهم کرد.

در سال ۱۹۴۷ نواحی مسلمان‌نشین به بنگال شرقی موسوم گردید و با عنوان پاکستان شرقی ضمیمهٔ دولت اسلامی پاکستان شد و قسمت هندونشین به هندوستان ملحق گردید. این تقسیم‌بندی موجبات نارضایتی پاکستان شرقی (یا بنگال شرقی) را فراهم کرد و از این که می‌دیدند ثروت ملی آنان به پاکستان غربی حمل می‌شود، احساس ناخشنودی می‌کردند. در سال ۱۹۷۰ پاکستان شرقی اعلام استقلال نمود که با مخالفت دولت پاکستان غربی روبرو شد و با اقدامات نظامی و سرکوبی آزادیخواهان از استقلال آن جلوگیری گردید. مردم پاکستان شرقی تحت رهبری شیخ مجیب‌الرحمان که به هندوستان تبعید شده بود، در ۲۶ مارس ۱۹۷۱ اعلام استقلال نموده و نام وطن خود را به بنگلادش تغییر دادند و شیخ مجیب‌الرحمان را به ریاست جمهوری برگزیدند. طی جنگها و مبارزاتی که به استقلال بنگلادش انجامید، حدود سه میلیون تن کشته شدند و ده میلیون آواره از مرز گذشتند و به هندوستان وارد گردیدند. در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۲ قانون اساسی بنگلادش به تصویب رسید و کلیهٔ صنایع بزرگ و بانکها و شرکتهای بیمه، ملی گردیدند.

در ژانویه ۱۹۷۵ در پی ترور چند تن از رهبران حزب عوامی لیگ، مجیب‌الرحمان وضع فوق‌العاده در کشور اعلام نمود و پارلمان را منحل کرد و کلیهٔ احزاب سیاسی را که اکثراً چپ‌گرا بودند، غیرقانونی اعلام داشت و حزب مردم (عوامی لیگ) را به حزب جامعهٔ خلق دهقانان و کارگران تغییر نام داد. مجیب‌الرحمان در کودتای ۱۵ اوت ۱۹۷۵ سرنگون شد و به قتل رسید و اندکی بعد ژنرال خالد مشرف زمام امور را در دست گرفت. وی نیز بعد از ۴ روز سرنگون شد و ژنرال ضیاءالرحمان به قدرت رسید. وی ابوسادات سایم محمد را به ریاست جمهوری منصوب کرد و خود زمام امور کشور را در دست گرفت و در سال ۱۹۷۸ مقام ریاست جمهوری را نیز از آن خود کرد. در سال ۱۹۸۱ هنگامی که ضیاءالرحمان از شهر چیتاگونگ بازدید می‌کرد، ترور شد و معاون او عبدالستار زمام امور را موقتاً در دست گرفت. او در انتخابات نوامبر ۱۹۸۱ رسماً به ریاست جمهوری رسید ولی کودتای مارس ۱۹۸۲، ژنرال ارشاد را جایگزین او کرد.

در سی‌ام آوریل ۱۹۹۱ یکی از شدیدترین توفندهای تاریخ بنگلادش و شدیدترین آن بعد از سال ۱۹۷۰، بنگلادش را درهم کوبید و نزدیک به صدهزار کشته بر جای گذارد و بیشتر اراضی و جزایر دلتای گنگ را به کلی نابود کرد. بنگلادش در سال ۱۹۷۴ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و سپس به جنبش عدم تعهد پیوست و به عضویت کنفرانس اسلامی نیز پذیرفته شد. در قانون اساسی مصوبهٔ ۱۹۸۹ اسلام به عنوان دین رسمی کشور اعلام شد. در ۱۹۹۱ ژنرال ارشاد از کار برکنار شد و بیگم خالده ضیاء، همسر ضیاءالرحمان، از حزب ملی بنگلادش به نخست‌وزیری رسید و چندی بعد حکومت بنگلادش را از سیستم ریاست جمهوری به حکومت پارلمانی تبدیل کرد. حسین محمد ارشاد، رئیس جمهور پیشین به دلیل سوء استفاده از قدرت به ده سال زندان محکوم شد.

جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱ - ۱۹۹۰) موقعیت اسلامی کشور بنگلادش را تحکیم بخشید و به یک کشور کاملاً مذهبی و اسلامی مبدل نمود.

در سال ۱۹۹۴ تسلیمه نسرین نویسندهٔ زن بنگلادشی به دلیل انتقاد از اسلام و نوشتن کتاب شرم، از طرف مجامع مذهبی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت تا جایی که از بیم جان به خارج از کشور گریخت. در همان سال گروهها و احزاب سیاسی علیه بیگم خالده ضیاء به مخالفت برخاستند و شیخ حسینه واجد، دختر شیخ مجیب‌الرحمان، رهبر استقلال بنگلادش، برگزاری انتخابات آزاد را درخواست نمود. در انتخابات فوریه ۱۹۹۶ زنان برای اولین بار از حق رأی و انتخاب برخوردار شدند و پانزده زن برای نخستین بار در تاریخ بنگلادش به پارلمان وارد شدند. در این انتخابات خالده ضیاء به نخست‌وزیری انتخاب شد. از آنجایی که انتخابات مزبور مورد پذیرش مخالفان دولت نبود، حزب عوامی لیگ اعلام اعتصاب عمومی کرد و تجدید نظر در انتخابات را خواستار شد. در انتخابات ژوئن ۱۹۹۶ شیخ حسینه واجد به نخست‌وزیری رسید.

در سال ۱۹۹۸، دادگاهی در شهر داکا چند تن از نظامیان را به جرم مشارکت در قتل شیخ مجیب‌الرحمان به اعدام محکوم کرد. در دیدار رسمی بیل کلینتون رئیس جمهور امریکا از بنگلادش در سال ۲۰۰۰، وی حمایت کشورش را از مبارزه بنگلادش با فقر گسترده مردم آن اعلام نمود و در عین حال این کشور را خطرناک‌ترین کشور جهان نامید که این اشاره‌ای بود به اختلافات هند و پاکستان و حمایت تسلیحاتی و تدارکاتی بنگلادش از جدایی‌طلبان کشمیر هند.

در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱، ائتلاف حزب ملی بنگلادش و ۳ حزب دیگر با کسب ۲۱۴ کرسی به پیروزی بزرگی دست یافت و خالده ضیاء، رهبر حزب ملی بنگلادش سمت نخست‌وزیری را به عهده گرفت. در این انتخابات حزب عوامی لیگ که از سال ۱۹۹۶ قدرت را در دست داشت بدترین شکست را متحمل گردید و تنها صاحب ۶۲ کرسی پارلمان شد. در خلال سال ۲۰۰۱ این کشور شاهد تنشها و خشونت‌های متعددی بود و طی آن در مراسم‌ها و مراکز احزاب عمدهٔ کشور بمب‌گذاریهایی صورت گرفت که به مرگ دهها تن انجامید.

بنگلادش یکی از فقیرترین و پر جمعیت‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود و بیش از ۱۳ میلیون نفر از مردم آن در حلبی‌آبادهای حواشی شهرها زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۰۱، نرخ رشد تولید ناخالص ملی به بیش از ۶٪ رسید که در تاریخ این کشور این حد از رشد تولید ناخالص ملی سابقه نداشته است. این در حالی بود که میزان تورم در حد ۱/۵۹٪ قرار داشت.



نام رسمی: جمهوری خلق بنگلادش

نام محلی: بنگلادش Bangladesh

اسامی دیگر: بنگال شرقی – پاکستان شرقی (نام سابق)

پایتخت: داکا (۷،۸۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۱/۳/۲۶ از پاکستان

روز ملی: ۲۶ مارس، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: تاج الدین احمد، از سال ۲۰۰۲ به مدت ۵ سال، توسط پارلمان

رئیس دولت: نخست‌وزیر: خالده ضیاء (رهبر حزب ملی بنگلادش)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۲ ، آخرین تغییرات ۱۹۹۶: پارلمان (جاتیا سانگساد) با ۳۳۰ عضو (۳۰ کرسی آن برای زنان در نظر گرفته شده و ۳۰ عضو نیز انتصابی می‌باشند)، به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های پارلمان در سال ۱۹۹۶ (۲۰۰۱): عوامی لیگ ۱۴۷ (۶۲) کرسی، حزب ملی بنگلادش ۱۱۶ (۱۹۱) کرسی، حزب جاتیا ۳۱ (۱۴) کرسی، جماعت اسلامی ۳ (۱۸) کرسی، سایرین ۳ (۱۵) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۴) ، اونکتاد، یونسکو، فائو، یاآآ، ایرد، ایکائو، ایسدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۱۴۷،۵۷۰ کیلومترمربع (نودودومین کشور جهان)

جمعیت: ۱۲۹،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸۷۵/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱/۷٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۷۸/۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۴۱ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۹): ۲۱٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰ – ۱۹۹۵): ۵/۲٪

توزیع سنی(۱۹۹۶): زیر ۱۵ سال ۴۲٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۶/۴٪ ؛ ۵۹ – ۳۰ سال ۲۶/۷٪ ؛ بالای ۶۰ سال ۴/۹٪

توزیع جنسی (۱۹۹۶): مرد ۵۱/۷۲٪ ؛ زن ۴۸/۲۸٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۵۹/۵ سال؛ مردان ۶۰/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۵/۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۷۳/۳ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۶/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد مورد گزارش شده (۱۹۹۰): حصبه ۱۹/۸ نفر؛ سالخوردگی ۱۴/۸ نفر؛ کزاز ۱۰/۱ نفر؛ سل و سایر بیماریهای تنفسی ۸/۷ نفر؛ اسهال ۶/۴ نفر؛ خودکشی، حوادث و مسمومیت ۵/۱ نفر؛ بیماریهای قلبی و فشار خون بالا ۵ نفر

میانگین زایمان زنان بارور(۱۹۹۹): ۲/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۴۴۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۶): ۱۰/۱ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۸۱):** ۳/۶ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): بنگالی ۹۷/۷٪ ؛ قبیله‌ای ۱/۹٪(شامل چاکما ۰/۴٪ ؛ سائونتال ۰/۲٪ ؛ مارما ۰/۱٪) ؛ بقیه ۰/۴٪

دین(۱۹۹۱): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان ۸۸/۳٪ ؛ هندو ۱۰/۵٪ ؛ بودایی ۰/۶٪ ؛ مسیحی ۰/۳٪ ؛ دیگر ادیان ۰/۳٪

زبان و خط: بنگالی (زبان رسمی)؛ اردو؛ انگلیسی ؛ خط: بنگالی

شهرهای مهم(۱۹۹۱): چیتاگونگ ۲،۰۴۰،۶۶۳ نفر با حومه؛ خولنا ۸۷۷،۳۸۸ نفر؛ راجشاهی ۵۱۷،۱۳۶ نفر؛ میمنسینگ ۱۸۵،۵۱۷ نفر با حومه

بنادر مهم: چیتاگونگ و خولنا (خلیج بنگال)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: تاکا (Tk) = ۱۰۰ پایسا؛ یک دلار = ۵۴/۱ تاکا؛ یک تاکا= ۱۴۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۹۶/۱ میلیارد تاکا؛ شامل: مالیات بر ارزش افزوده ۳۸/۶٪ ؛ گمرکات ۲۵٪ ؛ مالیات بر درآمد ۹/۹٪ ؛ ارائه خدمات ۴/۸٪ ؛ تلفن عمومی ۳/۸٪ ؛ دریافت سود وام‌ها ۲/۸٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۴۵/۱ میلیارد تاکا؛ کالاها و خدمات ۵۸/۵٪ ؛ پرداختهای انتقالی ۲۴/۱٪؛ پرداختهای بهره‌ای ۱۳/۵٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۴۴،۲۴۴ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۴/۷٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۴/۹٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸) : کشاورزی ۲۲/۲٪ ؛ صنعت ۲۷/۹٪ ؛ خدمات ۴۹/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲ میلیون دلار؛ ۱۹۹۸: ۳۱۷ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۵،۸۰۴ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱،۲۵۱/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۷/۱٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳/۶٪ ؛ ۱۹۹۸: ۵/۳٪ ؛ ۱۹۹۹: ۳/۴٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): برنج شلتوک ۲۸،۲۹۳،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۷،۳۷۹،۰۰۰ تن؛ گندم ۱،۸۰۳،۰۰۰ تن؛ ژوت ۱،۰۸۷،۰۰۰ تن؛ موز ۶۲۵،۰۰۰ تن؛ دانه‌های روغنی ۵۹۱،۰۰۰ تن؛ حبوبات ۵۰۸،۰۰۰ تن؛ انبه ۱۸۷،۰۰۰ تن؛ آناناس ۱۴۹،۰۰۰ تن؛ چای ۵۱،۰۰۰ تن.

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ۷۴/۵ ٪ ؛ مرتع ۴/۶٪ ؛ جنگل ۱۴/۶٪ ؛ بقیهٔ موارد ۶/۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): بز ۳۳،۵۰۰،۰۰۰ رأس ؛ گاو ۲۳،۴۰۰،۰۰۰؛ گوسفند ۱،۱۵۸،۰۰۰ ؛ بوفالو ۸۵۴،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۲،۳۳۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۶):** ۱،۱۷۰،۳۶۵ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۳۸،۲۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۳۰،۱۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): نمک دریایی ۳۵۰،۰۰۰ تن؛ سنگ‌آهک صنعتی ۲۵،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دلار): منسوجات ۶۵۱؛ مواد شیمیایی صنعتی ۴۴۱؛ مواد غذایی ۳۳۱؛ پوشاک ۲۴۲؛ دخانیات ۳۴۷؛ تجهیزات حمل و نقل ۱۲۸؛ آهن و فولاد ۱۰۸

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۶): ۱۲،۴۰۴،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۲،۴۰۴،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(بسیار کم)؛ نفت خام: ۵۲،۰۰۰ بشکه (۱۰،۴۲۳،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۶۸۸،۰۰۰ تن(۲،۰۴۹،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۸،۲۷۸،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۸،۲۷۸،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۹۶-۱۹۹۵): ۵۶،۰۱۴،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۴۶٪ ؛ میزان مشارکت (۱۰ سال به بالا) ۶۴/۸٪ ؛ زنان: ۳۸/۱٪ ؛ میزان بیکاری ۲/۵٪

توزیع نیروی کار(۹۶-۱۹۹۵): کشاورزی ۶۱/۷٪ ؛ صنعت ۹/۳٪ ؛ خدمات ۲۹٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش(۱۹۹۸): ۱۲۱،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۳/۵٪ ؛ نیروی دریایی ۸/۷٪ نیروی هوایی ۷/۸٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۵ دلار

واردات(۹۷-۱۹۹۶): ۳۰۳ میلیارد تاکا؛ شامل: نخ پارچه‌بافی، پارچه و پوشاک ۲۴/۴٪ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱۳/۵٪ ؛ مواد شیمیائی ۶/۹٪ ؛ آهن و فولاد ۶/۲٪ ؛ نفت و مواد نفتی ۵/۳٪ ؛ از هند ۱۶٪ ؛ اروپای غربی ۱۵٪ ؛ چین ۹٪ ؛ هنگ کنگ ۷٪ ؛ ژاپن ۷٪ ؛ کرهٔ جنوبی ۶٪ ؛ سنگاپور ۶٪ ؛ امریکا ۳٪

صادرات(۹۷-۱۹۹۶): ۱۶۵،۷۱۰ میلیون تاکا؛ شامل: پوشاک آماده ۵۹/۷٪ ؛ ماهی و میگو ۸/۴٪ ؛ مصنوعات ساخته شده از ژوت ۸/۵٪ ؛ پوست و پشم و چرم ۵/۴٪ ؛ ژوت خام ۳/۲٪ ؛ چای ۰/۹٪ ؛ به کشورهای اروپای غربی ۴۹٪ ؛ امریکا ۳۳٪ ؛ ژاپن ۲/۷٪ ؛ هنگ کنگ ۲/۴٪ ؛ کانادا ۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون تاکا	-۵۹،۲۳۳	-۱۰۷،۷۲۰	-۱۱۰،۹۸۸	-۹۹،۴۷۸	-۱۱۸،۷۷۲	-۱۴۹،۴۹۳
درصد کل	٪۲۱/۷	٪۲۹/۷	٪۲۸/۷	٪۲۳	٪۲۴/۸	٪۲۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۲/۱	۱۰۰	۱۰۴/۱	۱۰۹/۵	۱۱۸/۶	۱۲۶/۱
شاخص درآمد ماهانه	۹۳/۹	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۵/۶ نفر؛ میانگین سالانهٔ درآمد هر خانوار (۹۲-۱۹۹۱) : ۴۰،۰۹۲ تاکا؛ منابع درآمد (۹۲-۱۹۹۱): کار آزاد ۵۱/۶٪ ؛ دستمزد و حقوق ۲۳/۱٪ ؛ پرداخت‌های انتقالی ۱۰/۳٪ ؛ دیگر موارد ۱۵٪ ؛ هزینه‌ها(۹۲-۱۹۹۱): غذا و نوشیدنی ۶۶/۶٪ ؛ مسکن و اجاره ۱۰/۴٪ ؛ سوخت ۵/۶٪ ؛ پوشاک ۴/۷٪ ؛ دیگرموارد ۱۲/۷٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۵۱ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۹۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۲۰۴،۰۲۲ کیلومتر — **راه‌آهن(۹۷-۱۹۹۶):** ۲،۷۰۶ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۵۴،۷۸۴ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۶۹،۳۹۴ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳۰۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۸ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۶): ۳۷ روزنامه در ۱،۱۱۷،۰۰۰ نسخه (۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۸): ۸،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۶۴ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۹۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۷/۴ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۷۸،۰۰۰ خط تلفن (۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۷۵،۰۰۰ خط (۰/۶ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۲۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۲۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	۶۲،۶۱۷	۲۴۸،۷۸۳	۱۶،۴۲۹،۰۰۰	۶۶
متوسطه	۱۲،۵۵۳	۱۴۸،۸۷۸	۵،۵۳۱،۰۰۰	۳۷/۲
فنی و حرفه‌ای	۹۹	۱،۸۹۴	۲۵،۸۱۸	۱۳/۶
عالی	۲،۸۴۵	۳۰،۰۹۴	۲،۳۸۸،۵۵۱	۷۹/۴

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۳۸/۱٪ ؛ مردان: ۴۹/۴٪ ؛ زنان: ۲۶/۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۱): بدون تحصیلات رسمی ۶۵/۴٪؛ ابتدایی ۱۷/۱٪؛ متوسطه و عالی ۱۷/۵٪

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۲۵،۵۸۷ نفر (هر ۴،۷۵۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۵) : ۳۸،۷۴۲ تخت (هر ۳،۳۱۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۲۱،۰۰۰ نفر؛ (۰/۰۳٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۵۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۰۸۵ کالری (۸۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۴۵ گرم؛ مصرف چربی: ۲۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱/۸٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۹٪

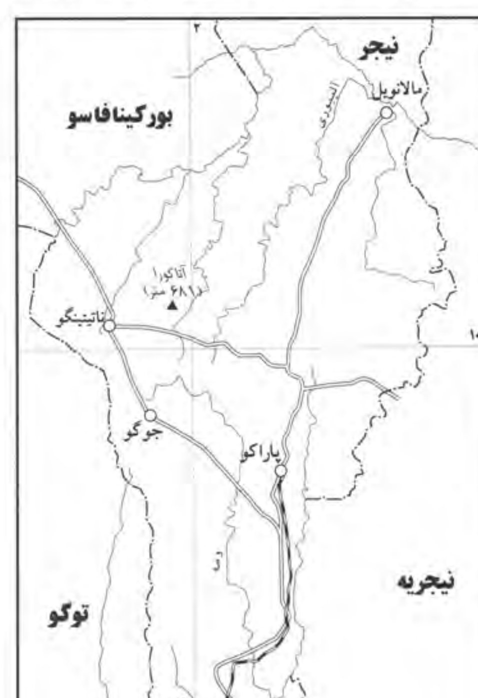
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۲۳ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۴۶۱ (صد و چهل و ششمین کشور جهان)

بنین BENIN

بنین کشوری است در غرب افریقا که به صورت نوار باریکی از خلیج بنین به سوی شمال کشیده شده، از شمال به کشور نیجر از خاور به نیجریه، از جنوب به خلیج بنین، از غرب به کشور توگو و از شمال غربی به بورکینافاسو محدود است. جلگهٔ ساحلی آن به درازای ۱۲۰ کیلومتر از شن و ماسه پوشیده شده و نارگیل و روغن از فرآورده‌های کشاورزی این ناحیه است. در شمال جلگهٔ ساحلی اراضی پست پوشیده از جنگلهای استوایی قرار دارد و پس از آن رو به شمال بتدریج بر ارتفاع افزوده می‌شود. رودخانه‌های بنین که مهمترین آنها رودهای اوکپارا، مکرو، ومه، سوواَلیبوری هستند، از این ارتفاعات سرچشمه می‌گیرند و رو به جنوب روان می‌شوند و به خلیج بنین می‌ریزند. بلندترین نقطهٔ این کشور کوه آتاکورا که در شمال واقع است، حدود ۶۸۱ متر ارتفاع دارد. آب و هوای آن گرم و مرطوب و پر باران است.



تاریخچه

بنین که تا سال ۱۹۷۵ داهومی نامیده می‌شد و یکی از فقیرترین کشورهای جهان است، بقایای سلطان‌نشینی است به نام فون که در سدهٔ هفدهم در اطراف شهر آبومی پدید آمد و به مرور بر وسعت خود بسوی شمال و جنوب افزود. کشور مزبور تا سال ۱۸۹۲ استقلال خود را حفظ کرد. سلطان فون در سال ۱۸۵۱ میلادی با فرانسویان پیمان تجارتی منعقد نمود و به همین بهانه فرانسویان شروع به مداخله در امور داخلی آن کردند. فرانسویان سرانجام در سال ۱۸۹۲ سرزمین مزبور را کاملاً اشغال نمودند و سلطان و ارتش آن را در جنگلها متواری ساختند و این مستعمره را به داهومی موسوم نمودند.

در سال ۱۹۰۴ داهومی به جزئی از افریقای غربی فرانسه مبدل شد و در ۱۹۵۸ به خودمختاری نایل آمد و در اوت ۱۹۶۰ به استقلال کامل رسید. از آغاز استقلال تا سال ۱۹۷۲ که سرگرد ماتیو کرکو، طی یک کودتا در آنجا روی کار آمد، همواره دستخوش آشوب و اغتشاش و ناامنی بود. در سال ۱۹۷۵ نام آن به جمهوری خلق بنین تغییر یافت و کلیهٔ اموال و دارایی‌های بیگانگان ملی گردید و رهبر حزب انقلابی خلق، سرگرد کرکو، ادارهٔ امور کشور را در دست گرفت. در سال ۱۹۸۲ در آبهای ساحلی آن نفت کشف گردید و از بابت سوخت تا حدی به خودکفایی رسید. در هشتم دسامبر ۱۹۸۹ تظاهرات وسیعی در کشور برگزار شد و رئیس جمهور ماتیو کرکو را وادار نمود تا نظام مارکسیست لنینیستی حاکم را ملغی نماید و قانون اساسی جدیدی تنظیم و تصویب گردد. بر اساس قانون اساسی جدید اصلاحات اقتصادی و سیاسی جدیدی به ویژه در مورد مالکیت فردی اعمال شد.

در انتخابات سال ۱۹۹۱، نیسه‌فور سوگلو، که قبلاً سمت نخست‌وزیری را به عهده داشت به پیروزی دست یافت و ریاست جمهوری را به عهده گرفت. وی به آزادسازی اقتصاد کشور که از سال ۱۹۸۹ آغاز شده بود ادامه داد و در سال ۱۹۹۴ به ریاست حزب رنسانس (بازسازی) بنین که قبلاً توسط همسر وی تأسیس شده بود برگزیده شد. حزب رنسانس در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۵، از حزب بازسازی دموکراتیک شکست خورد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۶، سوگلو از کرکو شکست خورد و مقام ریاست جمهوری را به وی واگذار کرد. در اثر پیروی دولت کرکو از برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و ارائهٔ بودجه ضد اجتماعی برای سال ۱۹۹۸، اتحادیه‌های کارگری اعتراضات و اعتصابات متعددی را سازماندهی و اجرا کردند. در سال ۱۹۹۸، نخست‌وزیر آدرین هونگبجی استعفاء نمود اما کرکو به جای معرفی نخست‌وزیر جدید خود وظایف وی را نیز به عهده گرفت. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۱ ماتیو کرکو برای دومین بار پس از اصلاحات قانون اساسی سال ۱۹۹۰، برندهٔ این انتخابات شد.



نام رسمی: جمهوری بنین

نام محلی: بنین Bénin

اسامی دیگر: داهومی (نام سابق)

پایتخت: پورتو نوو (۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۰/۸/۱ از فرانسه

روز ملی: اول ماه اوت، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ماتیو کرکو، از سال ۱۹۹٦ (برای دومین بار از سال ۲۰۰۱) به مدت ٥ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: ماتیو کرکو، ازسال ۱۹۹۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۰؛ مجلس ملی با ۸۳ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۹): حزب رنسانس (نوسازی) بنین ۲۷ کرسی، حزب بازسازی دموکراتیک ۱۱، جبههٔ اقدام برای بازسازی و توسعه ۱۰، حزب سوسیال دموکرات ۹، جنبش افریقایی برای دموکراسی و ترقی ٦، ایجاد ترقی و دموکراسی ٤، اتحاد ستاره ٤، سایرین ۱۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، یوهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، فز، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱۱۲،٦۲۲ کیلومترمربع (صدمین کشور جهان)

جمعیت: ٦،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نودونهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٥٤/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ٪۲/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۱۱/۱ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۹): ٪٤۱/٥ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪٤/٦

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٪٤۷/٦ ؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۷/۷ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۲۱ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۳/۷

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۹/۲۸ ، زن ٪٥۰/۷۲ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٥٦/۲ سال، مردان ٥۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤٥/٤ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۲/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۹۷/۸ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آماری در دسترس نیست.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٦/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٥۰۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۸٥): ۱۲/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۸٥):** ۰/۸ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۲): قبایل‌فون٪۳۹/۷ ؛ یوروبا٪۱۲/۱ ؛ آجارا ٪۱۱/۱ ؛باریبا٪۸/٦ ؛آیزو٪۸/٦ ؛سومبا ٪٦/٦ ؛ فولانی ٪٥/٦

دین(۱۹۹۲): مسیحی ٪۳٥/٤ (کاتولیک ٪۲٥/۹ ؛ پروتستان ٪۹/٥) ؛ باورهای قبیله‌ای ٪۳٥ ؛ مسلمان ٪۲۰/٦ ؛ بقیه ٪۹

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ بیش از ٦۰ زبان و لهجه افریقایی ؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): کوتونو ۸۰۰،۰۰۰ نفر؛ پاراکو ۱۷٥،۰۰۰ نفر؛ جوگو (۱۹۹٤) ۱۳۲،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: کوتونو و پورتو نوو(خلیج بنین)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی اف آ (CFAF) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار = ۷٥٤/۲۸ فرانک؛ یک فرانک = ۱۰/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲٥٥/۱ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ درآمد مالیاتی ٪۷۱/٥ ؛ کمک‌های خارجی ٪۱۷/۳ ؛ دریافتهای غیر مالی ٪۱۱/۲

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۲۳۳/٤ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ هزینه‌های جاری ٪٦٤/٥ ؛ (از جمله پرداخت بدهی‌ها ٪۱۲/۷)؛ هزینه‌های عمرانی ٪۳٤/۳

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲،۲٥۲ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۱۹۹٥-۱۹۷٥) ٪۳ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٪٤/۸

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۳۸/٦ ؛ صنعت ٪۱۳/٥ ؛ خدمات ٪٤۷/۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸) ۲٦ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،٤٦۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۱۰/٤+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۸/۳

نرخ تورم: میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰: ٪۱۰/۱ ؛ ۱۹۹۸ : ٪٤/۲

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): کاساوا ۲،۳۷۷،۳۳۹ تن؛ سیب‌زمینی هندی (یام) ۱،۷۷۰،۹۷۳ تن؛ ذرت ۸۲۲،۷۳۹ تن؛ دانهٔ پنبه ٤۳٦،۲٤۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۱٥۳،۷۸۲ تن؛ گوجه فرنگی ۱٤۹،٤۲۷ تن؛ میوهٔ نخل روغن ۱۳٥،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۱۲۱،۲٦۳ تن؛ لوبیای خشک ۹٤،۳٤۲ تن

کاربری زمین(۱۹۹٥) : کشاورزی ٪۱۷ ؛ مرتع وچمنزار ٪٤ ؛ جنگل ٪۳۰/۷ ؛ بقیه ٪٤۸/۳

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱،۳٤٥،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۰۸۷،۰۰۰ ؛ گوسفند ٦۳٤،۰۰۰ ؛ خوک ٤۷۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٥،۹۹٤،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٤۳،۷۷۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۹،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۹،٤٤۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۳): سنگ آهک ٥۰۰،۰۰۰ تن؛ نمک دریایی ۱۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): سیمان ۳۸۰،۰۰۰ تن؛ پارچهٔ پنبه‌ای ۱۷٥،۰۰۰ تن؛ گوشت ۷۰،۰۰۰ تن؛ آرد گندم ۱۲،٥۰۰ تن؛ روغن نخل ۱۱،۰۰۰ تن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٦،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳٦۹،٤۳۲،۰۰۰)؛ زغال سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: ٦٥۲،۰۰۰ بشکه (بسیار اندک)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۱٤۹،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۲،٦۰۸،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت : ٪٤٤/۲ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤ سال): ٪۸٤/۳ ؛ زنان: ٪٤۸/۳ ؛ میزان بیکاری (فقط نقاط شهری: ۱۹۹۷): ٪۲٥

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪٦۷/۷ ؛ صنعت ٪۷/٥ ؛ خدمات ٪۲٤/۸

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٤،۸۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۹۳/۸ ؛ نیروی دریایی ٪۳/۱ نیروی هوایی ٪۳/۱ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٥ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۳۰۰/۸ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ نخ و پارچهٔ پنبه‌ای ٪۲۰/۲ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۱٦/۲ ؛ آهن و فولاد ٪٤/٥ ؛ از کشورهای فرانسه ٪۲۷/۱ ؛ انگلستان ٪۹/٦ ؛ چین ٪۹/۳ ؛ تایلند ٪۹/۱ ؛ هنگ‌کنگ ٪۸/۸ ؛ هلند ٪٥/٦ ؛ امریکا ٪٤/۸ ؛ آلمان ٪٤/۳

صادرات(۱۹۹۷): ۲۳۱/۱ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ نخ پنبه‌ای ٪٥۱/٦ ؛ صادرات مجدد کالاها ٪۳۸/٥؛ دانهٔ پنبه ٪۲/۸ نفت خام ٪۲/۲ ؛ به کشورهای برزیل ٪۱۸ ؛ پرتغال ٪۱۱؛ مغرب ٪۱۰ ؛ هند ٪٦/٥ ؛ لیبی ٪٦ ؛ ایتالیا ٪٤/٥ ؛ امریکا ٪٤/٥

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیارد فرانک	-٥۰/۱	-٥٦/۱	-۳٦/٥	-۷٦	-٦٤/۲	-٦۹/۷
درصد کل	٪۳۳/۷	٪۲۲/٥	٪۹/٦	٪۱٥/۸	٪۱۲/۹	٪۱۳/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۹۹٥=۱۰۰):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	٦۳/۱	۸۷/٤	۱۰۰	۱۰٤/۹	۱۰۸/٦	۱۱٤/۸
شاخص درآمد ساعتی	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۲): ٥/۹ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۳): ۲٤۰ دلار؛ منابع درآمد: کار آزاد ٪۷۳/۷ ؛ دستمزد و حقوق ٪۲٦/۳ ؛ هزینه‌ها: ؟

جهانگردی(۱۹۹۸): ۳۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٦،۷۸۷ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ٥۷۸ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۳۷،۷۷۲ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۸،۰٥۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱۲ فروند — **فرودگاه:** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱ روزنامه در ۱۲،۰۰۰ نسخه (۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۸٤ عنوان در ٤۲،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ٥۰۰ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٦۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۱۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٦٥،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۸،۰۰۰ خط تلفن (٦/٦ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٦،۳۰۰ خط (۱/۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۷،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۳،۰۷۲	۱۳،۹٥۷	۷۷۹،۳۲۹	٥٥/۸
متوسطه	۱٤٥	٥،۳٥۲	۱٤٦،۱۳٥	۲۷/۳
فنی و حرفه‌ای	۱٤	۲۸۳	٤،۸۷۳	۱۷/۲
عالی	۱٦	۹٦۲	۱٤،۰۸٥	۱٤/٦

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۳۷ ؛ مردان: ٪٤۸/۷ ؛ زنان: ٪۲٥/۸

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۲): ابتدایی ٪۱۰/۸؛ متوسطه ٪۹/٤ ؛ پس از متوسطه ٪۱/۳

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۳٦۳ نفر (هر ۱٤،۲۱٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): ۱،۲۳٥ تخت (هر ٤،۱۸۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٥٤،۰۰۰ نفر؛ (٪۲/۰٦ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۳/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٥۷۱ کالری (٪۱۱۲ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ٥۹ گرم؛ مصرف چربی: ٤٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/٤ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۱/۲

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۱۱ (صد و پنجاه و هفتمین کشور جهان)



نام رسمی: پادشاهی بوتان

نام محلی: دروک یول Druk-Yul

اسامی دیگر: بهوتان Bhutan

پایتخت: تیمپو (۳۰،۳۰۰ نفر در سال ۱۹۹۳)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: هفدهم دسامبر (سالروز تاجگذاری اوگن وانگچوک در ۱۹۰۷)

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۹

رئیس حکومت: پادشاه: جیگمه سینگیه وانگچوک، از سال ۱۹۷۲

رئیس دولت: نخست‌وزیر: لیونپوخاندو وانگچوک، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی مدون وجود ندارد، اما اصلاحات سال ۱۹۹۸ از قدرت پادشاه کاسته است. مجلس ملی بـا ۱۵۰ نماینده ، که ٤٥ عضو آن از طرف پادشاه و گروههای ذی‌نفوذ مذهبی تعیین می‌شوند و مدت آن ۳ سال اسـت. در ایـن کشـور هیچ حزب قانونی وجود ندارد.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۷۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایمـف، ایتـو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، آدب ، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ٤٧،۰۰۰ کیلومترمربع (صد و بیست و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۷٦۷،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجاه و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٦/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/۸

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱،۵۳۰،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۵ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪٦/۷ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪٦/۳

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ٪٤۰/۳ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲٦/٤ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۷ ؛ بالای ٦۰ سال ٪٦/۳

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٪۵۰/۹۷ ؛ زن ٪٤۹/۰۳ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۳ سال، مردان ٦۰ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳٦/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٦۰ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۷/۵ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد مورد(۱۹۸۹): عفونت دسـتگاه تنفسـی ۱۹/۵ نفر؛ اسهال / اسـهال خونـی ۱۵/۲ نفر؛ عفونتهای پوستی ۱۲/۲ نفر؛ شیوع کرم‌های انگلی ۱۰ نفر؛ مالاریا ۹/٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۳): بهوتیا(نگالوپها) ٪۵۰ ؛ نپالی (گورونگ) ٪۳۵ ؛ شارچوپها ٪۱۵

دین(۲۰۰۰): بودایی مهایانه (دین رسمی) ٪۷٤ ؛ هندو ٪۲۰/۵ ؛ بقیه ٪۵/۵

زبان و خط: دزونگخا (تبتی) زبان رسمی؛ زبانهای نپالی و هند و ایرانی نیز در آن رواج دارد.

شهرهای مهم(۱۹۹۳): فونت‌شولینگ ۱۰،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: نگولتروم (Nu) = ۱۰۰ چتروم؛ یک دلار= ٤٦/۱۱ نگولتروم؛ یک نگولتروم = ۱۷۳/۵ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ٦،۸٤٤ میلیون نگولتروم؛ درآمدهای داخلـی ٪٤٥/۲ ؛ کمـک از سازمان ملـل و سایر سـازمانهای بین‌المللی ٪۲۱/٦ ؛ کمک از دولت هند ٪۳۳/۲

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ٦،۹۹۹ میلیون نگولتروم؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۵۹/۳ ؛ هزینه‌های جاری ٪٤۰/۷

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳۵٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵):؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٪۵/۱

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۳٦/۷؛ صنعت ٪۳۵/۱ ؛ خدمات ٪۲۸/۲

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۱۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۵۵/۷+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۳۷/۹

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۹/۷ ؛ ۱۹۹۸: ٪۵/۹

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): پرتقال ۵۸،۰۰۰ تن؛ برنج ۵۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۳۹،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۳٤،۱۰۰ تن؛ نیشکر ۱۲،۸۰۰ تن؛ فلفل سبز و فلفل قرمز ۸،۵۰۰ تن؛ ارزن ۷،۰۰۰ تن؛ سـیب ۵،۵۰۰ تـن؛ گنـدم ۵،۰۰۰ تـن؛ جـو ٤،۰۰۰ تـن؛ حبوبات ۱،٦۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪۲/۸ ؛ مرتع و چمنزار ٪۵/۸ ؛ جنگل ٪٦٦ ؛ سایر موارد ٪۲۵/٤

تعداددام زنده(۱۹۹۹): گاو ٤۳۵،۰۰۰ رأس؛خوک ۷۵،۰۰۰ ؛گوسفند ۵۸،۵۰۰ رأس؛ بز ٤۲،۰۰۰ رأس ؛ اسب ۳۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،۷۰۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۳۳۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۱۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۸۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ آهک ۲۷۰،۰۰۰ تن؛ دولومیت ۲۵۰،۰۰۰ تن؛ گچ ۵۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): مواد شیمیایی ٤۱۹،۰۰۰،۰۰۰ نگولتروم؛ سیمان ۲۵۵،۱۰۰،۰۰۰ نگولتروم؛ مصنوعات چوبی ۲۳۰،٦۰۰،۰۰۰ نگولـتروم؛ فرآورده‌هـای تقطیر و عـرق گـیری ۱۷۸،۳۰۰،۰۰۰ نگولـتروم؛ میوه‌هـای عمـل آمـده ۱۰۳،۰۰۰،۰۰۰ نگولتروم

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۱،۷۳۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲٦۱،۰۰۰،۰۰۰) ؛ زغال سنگ: ۲،۰۰۰ تن (۲۳،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۳۹،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۸٤): ۳٤۸،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۵۳/٤ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤ سال): ٪۹٤/۸ ؛ زنان: ٪۵۵ ؛ میزان بیکاری: ٪٦/۵

توزیع نیروی کار(۱۹۸٤): کشاورزی ٪۹۳ ؛ صنعت ٪۰/۷ ؛ خدمات ٪٦/۳

نیروی دفاعی: نظام وظیفه: داوطلبانه ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۳): ۷،۰۰۰ نفر ؛ نیروی زمینی ٪۱۰۰

واردات(۱۹۹۷): ٤،۹۷۸ میلیون نگولتروم؛ شامل: فرآورده‌های نفتی ٪٤/٦ ؛ برنج ٪٤/٦ ؛ انواع روغن و کره نباتی ٪۳ ؛ محصولات فولادی ٪۲/٤ ؛ گندم ٪۲ ؛ ماشین‌آلات صنعتی ٪۱/۷ ؛ عمدتاً از هند ٪۷۰/۵

صادرات(۱۹۹۷): ٤،۲۷٤/۱ میلیون نگولتروم؛ شامل: برق (۱۹۹٦): ٪۲۱ ؛ کربور کلسیم ٪۱۵ ؛ چوب نئوپان ٪۸ ؛ سیمان ٪۷/۱ ؛ عمدتاً به کشور هند ٪۹٤/۵

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیون نگولتروم	-۷۵٤/۹	-۷۹۳/۷	-۲۹۲/۸	-۹۷۱/٤	-۷۰۳/۹
درصد کل	٪۱۵/۹	٪۱٦	٪٤/۲	٪۱۲	٪۷/٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
شاخص قیمتهای مصرفی	٦٦/۱	۷٦/۸	۸۵/٤	۹۱/۳	۱۰۰	۱۰۸/۸	۱۱۵/۹
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۸۰): ۵/٤ نفر؛ درآمد هـر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۷): غذا ٪۷۲/۳ ؛ پوشاک ٪۲۱/۲ ؛ سوخت ٪۳/۷ ؛ کالای با دوام خانگی ٪۰/۷ ؛ لوازم شخصی و دیگر موارد ٪۲/۱

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ٦ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۳،۲۸۵ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۲،۵۹۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس (۱۹۹۸):** ۱،۳٦۷ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۳۷،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۲،۵۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۰،۰۰۰ خط تلفن (۱٦ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲،۵۰۰ دستگاه — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٤)	۲۳۵(۱۹۹۳)	۱،٦۱۱	٦۰،۰۸۹	۳۷/۳
متوسطه	۳۱(۱۹۹۰)	۵٤٤	۷،۲۹۹	۱۳/٤
فنی و حرفه‌ای	۸(۱۹۹۰)	۹۵	۱،۸۲۲(۱۹۹۰)	۱۲/۲(۱۹۹۰)
عالی	۲(۱۹۹۰)	۵۷(۱۹۹۰)	۲،۰۵۵	۹/۱(۱۹۹۰)

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪٤۲/۲ ؛ مردان: ٪٥٦/۲ ؛ زنان: ٪۲۸/۱

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۱۰۰ نفر (هر ۸،۰۰۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٤): ۹۷۰ تخت (هر ۸۲۵ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷۰/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۷۷-۱۹۷۵): ۲،۰۵۸ کالری (٪۸۹ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ٪۹۸ ؛ مصرف فرآورده‌های حیوانی ٪۲

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/٦ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۰/۳

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): صفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۳ میلیون تن ؛ هر نفر ۰/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۸۳ (صد و چهل و دومین کشور جهان)

بوتان BHUTAN

بوتان کشوری است واقع در کوهستان هیمالیا که در مرکز جنوبی آسیا جای دارد و از شمال غربی و شمال به جمهوری خلق چین و از خاور و جنوب و جنوب غربی به هند محدود است. کشوری است کوهستانی، در شرق رشته کوههای هیمالیا، با سه اقلیم و سه منطقهٔ جغرافیایی متفاوت که از هر سو در خشکی محصور است:

۱- منطقهٔ دشت دوآر در جنوب که مرطوب و نسبتاً گرم است و از جنگلهای انبوه پوشیده شده و ارتفاع آن بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر است، بارندگی فراوان از ویژگیهای آن است.

۲- منطقهٔ مرکزی که دارای اقلیم معتدل است و ارتفاع آن تا ۳۰۰۰ متر می‌رسد و نسبتاً پرباران است.

۳- و بالاخره کوهستانهای شمالی که سرتاسر سال از برف پوشیده شده وارتفاع آن حدود ۷۰۰۰ متر است و اقلیم آن بسیار سرد و پربارش است.

جنگلهای انبوه، رودخانه‌های پرآب و آبشارهای متعدد، منبع انرژی سرشاری است که همراه با کانیهایی چون گرافیت، مرمر، گرانیت و سنگ آهک توأم با فعالیتهای کشاورزی و دامپروری و گردشگری و کوهنوردی، جلوهٔ خاصی به اقتصاد کشور بخشیده است.

بلندترین کوه آن قلّه کولاکانگری با ارتفاع ۷۵۵۴ متر است و عمده‌ترین رودهای آن که اغلب ریزابه‌های رود براهماپوترا هستند، عبارتند از: مناس، سانکوش، تورسا، آمو، تونگسا، وونگ و رایداک.



تاریخچه

نخستین کاشفان و فرستادگان سیاسی انگلستان، این سرزمین را بوتان یا مسکن بوتی‌ها نامیده‌اند. با وجود این که بوتان میان دو کشور بزرگ چین و هند قرار گرفته و دارای بلندترین کوههای جهان است، مع‌الوصف برای دیگر نواحی جهان چندان شناخته شده نیست و حتی امروز هم هنوز چیزی از آن به درستی نمی‌دانند و از معنای لغوی بوت آگاهی ندارند. گروهی معتقدند که بوتان از زبان سانسکریت گرفته شده و مفهوم آن پایان تبت است و عده‌ای بر این باورند که بوتان در زبان سانسکریت، سرزمین مرتفع را می‌رساند، ولی مردمان بوتان وطن خود را دروک‌یول یعنی سرزمین تُندر و اژدها می‌نامند و همین جا بود که مذهب بودا در سدهٔ هفتم میلادی شروع به درخشیدن و خودنمایی کرد. بعد از مدتها رقابت و چشم همچشمی میان گروهها و اقوام مختلف، سرانجام در سدهٔ هفدهم مردی به نام انگُوانگ نامگیال که از بزرگان مذهب بودا به شمار می‌رفت، اقوام مزبور را با هم متحد و نزدیک کرد و مسکن آنان را دروک نامید و خود سمت رهبری روحانی و دنیوی میهنش را عهده‌دار شد.

در ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷ اوگن وانگچوک نظام سلطنتی موروثی را در بوتان برقرار کرد و خود به پادشاهی نشست. سازمان امور مستعمراتی انگلستان در هند، طی چند قرارداد مهم که طی سالهای ۱۷۷۴ و ۱۸۶۵ و ۱۹۱۰ با بوتان منعقد نمود، استقلال داخلی بوتان را به رسمیت شناخت و به پادشاه بوتان قول داد که در امور داخلی آن کشور دخالت نکند و فقط به مالکیت بوتان اکتفا نماید. پس از پایان جنگ جهانی دوم و به استقلال رسیدن هند، قرارداد مزبور عیناً با همین مفاد بین بوتان و هندوستان برقرار شد. بوتان با شرکت خود در طرح کلمبو (سالهای ۱۹۶۰) و اتحادیهٔ بین‌المللی پست در سال ۱۹۶۹ از حالت انزوا و گوشه‌گیری خارج شد و نخستین وزارت خارجهٔ خود را در سال ۱۹۷۱ تأسیس نمود و در همان سال به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و با هندوستان روابط سیاسی برقرار نمود و بعدها به جنبش عدم تعهد نیز ملحق شد.

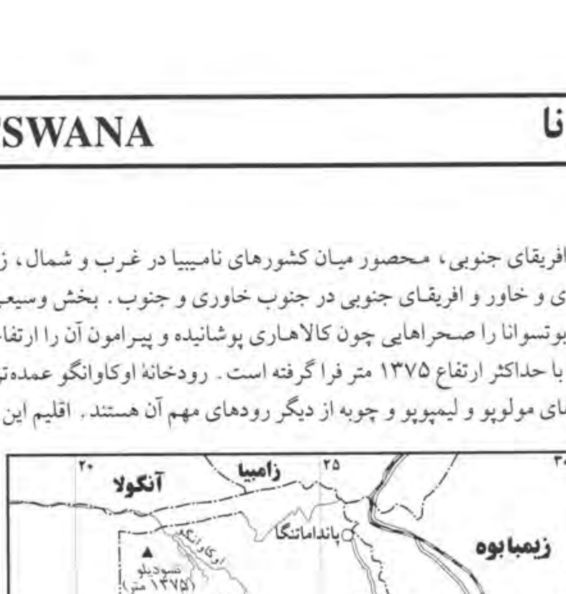
پادشاه بوتان به نام جیگمه سینگیه‌وانگچوک در سال ۱۹۷۲ تاجگذاری کرد و دست به اصلاحات اساسی زد و برنامه‌های پنجساله برای توسعه و عمران کشور طرح‌ریزی، و با احداث شبکه‌ای از راههای داخلی با تبت و هندوستان ارتباط برقرار نمود. در این دوران، وی تأسیسات برقابی متعددی بر روی رودخانه‌ها و آبشارها احداث نمود و نه‌تنها نیروی برق داخلی را تأمین کرد، بلکه شروع به فروختن برق به نواحی مرزی هندوستان نیز کرد. مع‌الوصف عقب‌افتادگی کشور آنچنان بود که توده‌های عظیم ساکن شهرهای بزرگ بخصوص تیمپو را در سپتامبر ۱۹۹۰ به تظاهرات خیابانی کشانید و حدود ۳۰۰ کشته به جای گذارد.

بوتان از نظر واردات و تأمین نیازهای داخلی و سوخت به هندوستان وابسته است و ۹۳ درصد مصنوعات خود را در هند به فروش می‌رساند. در سال ۱۹۹۶ پارلمان اروپا، بوتان را به دلیل رعایت نکردن حقوق بشر محکوم کرد. در سال ۱۹۹۸ نیز عفو بین‌الملل دولت بوتان را به دلیل نقض سازمان یافته حقوق بشر محکوم کرد. در این سال پادشاه ایجاد تغییراتی را در نحوهٔ ادارهٔ کشور اعلام نمود و مجلس ملی اجازه یافت به قانونگذاری بپردازد و حتی تصمیمات پادشاه را وتو نماید. اما مخالفان، پادشاه را متهم نمودند که پس از نصب افراد مورد وثوق خود در مجلس ملی به ارائهٔ این اصلاحات ظاهری پرداخته است.

در سال ۱۹۹۹ دولت هند از ورود تبعیدیان بوتانی مستقر در نپال که می‌خواستند برای تظاهرات وارد خاک بوتان شوند جلوگیری نمود. در سالیان اخیر، اقتصاد بوتان به علت تأسیس نیروگاههای برقابی و صادرات برق به هند از وضعیت مناسب‌تری برخوردار شده است. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، ورود جهانگردان به این کشور به شدت کاهش یافت.

بوتسوانا BOTSWANA

کشوری در افریقای جنوبی، محصور میان کشورهای نامیبیا در غرب و شمال، زیمبابوه در شمال خاوری و خاور و افریقای جنوبی در جنوب خاوری و جنوب. بخش وسیعی از کشور کم‌جمعیت بوتسوانا را صحراهایی چون کالاهاری پوشانیده و پیرامون آن را ارتفاعاتی مانند کوه تسودیلو با حداکثر ارتفاع ۱۳۷۵ متر فرا گرفته است. رودخانهٔ اوکاوانگو عمده‌ترین رود آن است و رودهای مولوپو و لیمپوپو و چوبه از دیگر رودهای مهم آن هستند. اقلیم این کشور گرم





نام رسمی: جمهوری بوتسوانا

نام محلی: بوتسوانا Botswana

اسامی دیگر: بچوانالند (نام سابق)

پایتخت: گابرون (۱۸۳،٤۸۷ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹٦٦/۹/۳۰ ، از انگلستان

روز ملی: سی‌ام سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦٦

رئیس حکومت: رئیس جمهور: فستوس جی موگائه، از سال ۱۹۹۸ (از حزب دموکراتیک بوتسوانا به مدت ٥ سال)

رئیس دولت: رئیس جمهور: فستوس جی موگائه، از سال ۱۹۹۸(از حزب دموکراتیک بوتسوانا به مدت ٥ سال)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٦٦، آخرین تغییرات ۱۹۹۷؛ مجلس ملی با ٤٠ عضو انتخابی و ٦ عضو انتصابی به مدت پنج سال و یک مجلس مشورتی ۱٥ نفره از رؤسای قبایل؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۹): حزب دموکراتیک بوتسوانا ۳۳ کرسی، جبههٔ ملی بوتسوانا ٦ کرسی، حزب کنگرهٔ بوتسوانا ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۹٦)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ٥۸۱،۷۳۰ کیلومترمربع (چهل و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ۱،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و چهل و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲/۸ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۱/۹

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۲،۲۰۰،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦۸/۸٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٦/۳٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱٥ سال ٤۰/٦٪ ، ۲۹-۱٥ سال ۳۰/۸٪ ، ٥۹-۳۰ سال ۲۲/۷٪ ، بالای ٦۰ سال ٥/۹٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٤۸/٥۸٪ ، زن ٥۱/٤۲٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۳):** زنان ٦٥/٦ سال؛ مردان ٥۹/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۲۹/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۲۲/۱ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۳۹ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۷/٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد مورد مرگ و میر(۱۹۹۲): بیماریهای تنفسی ۱٤/۳ نفر؛ ذات‌الریه ۱۰ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۸/۹ نفر؛ عروق مغزی ٤/۲ نفر؛ ایدز ۳/۹ نفر؛ بیماریهای کلیه ۳ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ۳/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۳۳۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۸۷): ۱/٦ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): قبایل‌سوتو- تسوانا٧٥/٥٪ ؛ شونا۱۲/٤٪ ؛سان(بوشمن)۳/٤٪ ؛خویخوین(هوتن‌توت)۲/٥٪؛ اندیله ۱/۳٪

دین(۱۹۹۷): باورهای قبیله‌ای ٥٥٪ ؛ مسیحی افریقایی ۲۷/٥٪ ؛ پروتستان ۱۳/٥٪ ؛ کاتولیک ٤٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ تسوانا؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): فرانسیس تاون ۸۸،۱۹٥ نفر؛ سلبی - پیکوه ٤٥،٦٥۱ نفر؛ موله پولوله ۳٦،۹۳۱ نفر؛ کانیه ۳۱،۳٥٤ نفر.

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پولا (P) =۱۰۰تبه؛ یک دلار=٥/۲٦ پولا؛ یک پولا= ۱،٥۲۱ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۸،٤٦۸/۹ میلیون پولا؛ حق امتیاز معادن ٥۷/۷٪ ؛ گمرک و مالیاتهای غیر مستقیم ۱٤٪ ؛ درآمد از دارایی ۱۳/۲٪ ؛ مالیات بر درآمد غیر از مواد معدنی ٦/٤٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۷،٦۱٦/٤ میلیون پولا، آموزش ۲٤/۲٪ ، دفاع ۸/٤٪ ، بهداشت ٥/۱٪ ، بهرهٔ وامها ۱/۳٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤،۷۹٥ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،۰۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۱۲/۳٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۳/۹٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): کشاورزی ٤٪ ؛ صنعت ٤٥٪ ؛ خدمات ٥۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤۷ میلیون دلار؛(۱۹۹۸): ۱٦۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٥۰۸/۲ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۰٦/٤+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۱/۸٪

نرخ تورم: (میانگین ۹۸-۱۹۹۰): ۱۰/۳٪ ؛ ۱۹۹۸ : ۷/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): غلات ۱۹،۸۰۰ تن (از جمله: ذرت خوشه‌ای ۱۳،۰۰۰ تن؛ ذرت ٥،۰۰۰ تن؛ ارزن ۱،۳۰۰ تن)؛ سبزیجات و صیفی‌جات ۱٥،۰۰۰ تن؛ حبوبات ۱٦،۰۰۰ تن؛ گیاهان تکمه‌ای ۱۲،۰۰۰ تن؛ میوه ۹،٥۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۸) : کشاورزی ۰/۷٪ ؛ مرتع ٤٥/۲٪ ؛ جنگل ٤٦/۸٪ ؛ سایر موارد ۷/۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گاو ۲،۳۸۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۸۳٥،۰۰۰ ؛ گوسفند ۲٥۰،۰۰۰ رأس؛ قاطر و الاغ ۲۳۷،٥۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،۰٦٦،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۲،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،٥۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳،۲۲۲ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): نیکل ۱۹،٤۳۲ تن؛ مس ۱٥،٥۹۳ تن؛ کبالت ۳٥۲ تن؛ الماس ۱۹،۷۷۳،۰۰۰ قیراط

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش افزوده به میلیون پولا): مواد غذایی ۱٦٤/۳ ؛ پوشاک ۷۸/۹ ؛ کاغذ و تولیدات کاغذی ۲۸؛ مواد شیمیایی صنعتی ۱۸/۷ ؛ تولیدات چوبی ۱۷/٥

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۳): ۹۷۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۹۷۰،۰۰۰،۰۰۰) زغال‌سنگ (۱۹۹۲): ۹۰۱،٤٥۲ تن(؟) ؛ نفت خام: صفر (؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹٥): ٤۳۹،۹۳۳ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۲۹/۹٪ ؛ میزان مشارکت: (۱۹۹۱؛ درسنین ۱٥ تا ٦٤): ٥۹/٦٪ ؛ زنان: ۳٥/٥٪ ؛ میزان بیکاری: ۲۱/٥٪ ؛ ۱۹۹۷: ۲۱٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٤/٦٪ ؛ صنعت ۳۰/۲٪ ؛ خدمات ٦٥/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۹،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹٤/٤٪ ؛ نیروی دریایی ندارد؛ نیروی هوایی ٥/٦٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱٦۸ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۸،۲٥٥/۸ میلیون پولا؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۷/٦٪ ؛ (از جمله تجهیزات حمل و نقل ۲۰٪) ؛ مواد غذایی و نوشیدنی و دخانیات ۱۳/۱٪ ؛ فلزات و مصنوعات فلزی ۱۰/۷٪ ؛ مواد شیمیایی و لاستیک ۹/۱٪ از کشورهای عضو اتحادیه گمرکی جنوب افریقا ۷۲/٤٪ ؛ کرهٔ جنوبی ۹/٥٪ ؛ زیمبابوه ٤/٥٪ ؛ انگلستان ۲٪ ؛ امریکا ۱/۱٪

صادرات(۱۹۹۷): ۱۰،۳۹۰/۷ میلیون پولا؛ شامل: الماس ۷۳/۸٪ ؛ اتومبیل و قطعات یدکی اتومبیل ۱۱/٤٪ ؛ مات مس -نیکل ٤/٦٪ ؛ منسوجات ۲/٤٪ ؛ فرآورده‌های گوشتی ۲/۲٪ ؛ به انگلستان ٥٦/۲٪ ؛ کشورهای عضو اتحادیه گمرکی جنوب افریقا ۱٤/۳٪ زیمبابوه ۳/۷٪ ؛ امریکا ۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون پولا	+٦٦۸/٤	+۱،۲۱٦/۳	+۱،٦۲۳/٦	+۲،۳۹۸/۹	+۲،۱٤۰/۷	+۲۱۷/۷
درصد کل	٪۸/٤	٪۱٤	٪۱٥/٦	٪۱۷/۳	٪۱۱/٥	٪۱/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۱/۹	۹۰/٥	۱۰۰	۱۱۰/۱	۱۱۹/٦	۱۲۷/٦	۱۳٦/٦
شاخص درآمد ماهانه	۸۹/۲	۹۳/٥	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۱): ٤/۸ نفر؛ میانگین درآمد سالانهٔ هر خانوار (۸٦-۱۹۸٥): ۳،۹۱۰ پولا؛ منابع درآمد (۱۹۸۷) : دستمزد و حقوق ۷۳/۳٪ ؛ کار آزاد ۱٥/۹٪ ؛ انتقالی ۱۰/۸٪ ؛ هزینه‌ها: غذا ۳۹/٤٪ ؛ کالاهای با دوام خانگی ۱٤٪ ؛ اجاره و خدمات ۱۳/۳٪ ؛ حمل و نقل ۱۳/۱٪ ؛ پوشاک ٥/٦٪ ؛ بهداشت ۲/۳٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱۷٥ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۲٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۸،۳۲۷ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۹۷۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۳۰،٥۱۷ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٥۹،۷۱۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۷ فرودگاه

روزنامه: ۱ روزنامه در ٤۰،۰۰۰ نسخه (۲۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱٤ عنوان در ۱۷۷،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱٥۸ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۲۳۷،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱٥٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۰۲،۰۰۰ خط تلفن (٦٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۳،۰۰۰ خط (۱٥ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٤۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۷۱٤	۱۱،٤٥٤	۳۲۲،۲٦۸	۲۸/۱
متوسطه	۲۷٤	٦،۷۷۲	۱۱٦،۰۷٦	۱۷/۱
فنی و حرفه‌ای	٥۳	۲،۸۸۹	۱۱،٤۸۲	٤
عالی	۱	٥۰۷	۸،۰۰۷	۱۰

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱٥ سال ۷۷/۲٪ ؛ مردان: ۷٤/٤٪ ؛ زنان ۷۹/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۳): ابتدایی ٤٤/۱٪ ؛ متوسطه ۱۹/۸٪ ؛ فوق دیپلم و بالاتر ۱/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۳۳۹ نفر (هر ٤،۳۹٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): ۳،۲۹۹ تخت (هر ٤۳٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۹۰،۰۰۰ نفر (۲٥/۱۰٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٤٥٥/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۱٥۹ کالری (۹۳٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷۰ گرم؛ مصرف چربی: ٦۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/٥٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/٥٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٥۹۳ (صد و بیست و دومین کشور جهان)

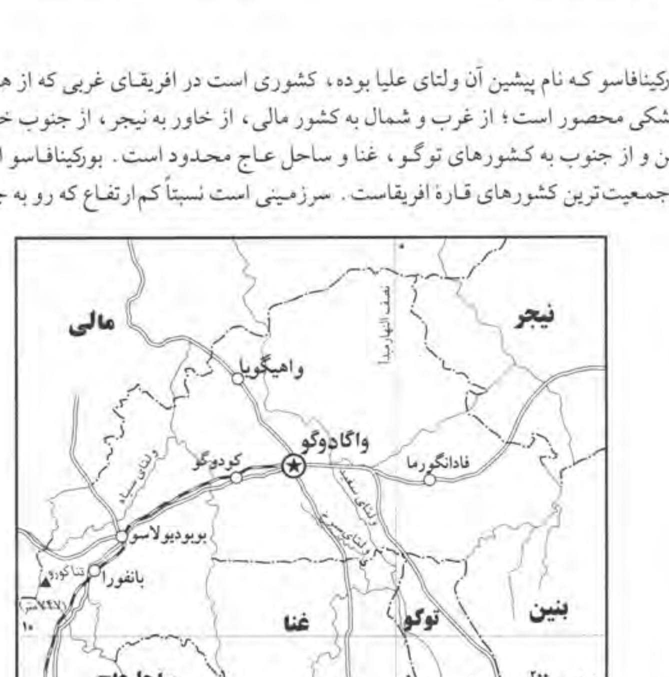
و خشک و کم‌باران است و بیشتر جمعیت آن در امتداد باریکه‌ای در خاور و در امتداد خط آهن فرانسیس تاون به گابرون زندگی می‌کنند.

تاریخچه

بچوانالند نامی است که انگلیسی‌ها به این سرزمین داده‌اند و در گذشته آن را چهارراه مرگ نیز می‌نامیدند، زیرا در مرکز افریقای جنوبی قرار دارد و گذرگاه گروههای استعماری بوده است. در سدهٔ نوزدهم میلادی تسوآناها و بوئرها باهم متحد شدند تا به مقابله با قوم مهاجم اندبله قادر گردند. در ۱۸۹۴ سه تن از رهبران قبایل بوتسوانا به لندن سفر کردند تا کمکها و پشتیبانی‌های دولت انگلستان را در مقابل اقوام مهاجم و مسائل داخلی بدست آوردند. همین مسئله بهانه‌ای شد تا انگلستان بر کشور مزبور تسلط یابد و آن را به تحت‌الحمایگی خود درآورد.
در سال ۱۹۶۰ اقداماتی از سوی ملیون و استقلال‌طلبان بوتسوانایی به عمل آمد و پس از مبارزاتی چند سرانجام در ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۶ به استقلال نایل آمد و اولین رئیس جمهور آن به نام سرتسه‌خاما، رهبر حزب دموکراتیک بوتسوانا، سال بعد انتخاب گردید. سرتسه‌خاما در ژوئیه ۱۹۸۰ درگذشت و معاون او به نام کتومیل ماسیره به ریاست جمهوری رسید. بوتسوانا، بعد از استرالیا و کنگوکینشاسا از نظر استخراج الماس در ردیف سوم جهان قرار دارد و بخش اعظم صادرات آن مربوط به الماس است.
در انتخابات پارلمانی ۱۹۸۹ حزب دموکرات بوتسوانا اکثریت کرسی‌های مجلس ملی را اشغال نمود و کتومیل ماسیره نیز برای بار دوم به ریاست جمهوری رسید و در انتخابات ۱۹۹۴ مقام ریاست جمهوری را برای بار سوم بدست آورد.
مشکلات و نارساییهای بهداشتی در این کشور بسیار مسئله‌ساز شده و به ویژه شیوع بیماری ایدز در میان بزرگسالان، طبق گزارش سازمان ملل در سال ۱۹۹۸ به بیش از ۳۰٪ رسیده است. با این حال بر اساس بررسی‌های بانک جهانی، این کشور سریع‌ترین رشد اقتصادی را در طی سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۶ داشته و میانگین رشد سالانه سرانه تولید ناخالص ملی حدود ۲/۹٪ بوده است. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۸، فستوس گونته‌بانیه موگائه، پس از کناره‌گیری ماسیره از انتخابات، به پیروزی رسید.
طبق گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی در سال ۲۰۰۱، بوتسوانا از حداقل فساد دولتی در میان کشورهای قاره افریقا برخوردار بوده و در سطح جهانی نیز در ردهٔ بیست و ششم قرار داشته است.

بورکینافاسو BURKINA FASO

بورکینافاسو که نام پیشین آن ولتای علیا بوده، کشوری است در افریقای غربی که از هر سو در خشکی محصور است؛ از غرب و شمال به کشور مالی، از خاور به نیجر، از جنوب خاوری به بنین و از جنوب به کشورهای توگو، غنا و ساحل عاج محدود است. بورکینافاسو از جمله پرجمعیت‌ترین کشورهای قارهٔ افریقاست. سرزمینی است نسبتاً کم‌ارتفاع که رو به جنوب بر



بلندی آن افزوده می‌گردد و رو به شمال به صحرای بزرگ افریقا منتهی می‌شود. اراضی آن به وسیلهٔ درّه‌های رودخانه‌های ولتای سیاه، ولتای سفید و ولتای سرخ قطع می‌گردد و به حاصلخیزی خاک آن کمک می‌کند. بلندترین نقطهٔ این کشور قله تناکورو با ارتفاع ۷۴۷ متر در جنوب غربی بورکینافاسو قرار دارد. کشاورزی آن عمدتاً به شیوهٔ سنتی و ابتدایی عمل می‌شود و مهمترین فرآورده‌های آن پنبه، نیشکر، بادام زمینی و غلات است. آب و هوای آن در بیشتر نواحی گرم و مرطوب و در نواحی شمالی گرم و خشک است.

تاریخچه

در سدهٔ یازدهم میلادی، اقوام موسّی، همسایگان خود را که در سرچشمه‌های رود ولتا زندگی می‌کردند مطیع خود ساختند و به مرور دولتهای سلطنتی مقتدری در آن نواحی پایه‌گذاری کردند و به اتفاق قوم مانده تا سدهٔ بیستم میلادی بر آن نواحی حکومت کردند. جنگهایی که دولتهای مزبور به ویژه واگادوگو با همسایگان خود یعنی مالی و سونغایی کردند، به تضعیف آنان انجامید و نفوذ فرانسویان در منطقه به آخرین نیروی آنان پایان داد و سرزمین ولتای علیا را کاملاً تحت سلطهٔ فرانسه درآورد.
طی سالهای ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۴ فرانسویان دست به کشتار مردم نواحی مرکزی آن سامان زدند و خانه‌های آنان را به آتش کشیدند و حیواناتشان را کشتند و تاحدی در اعمال خشونت علیه مردم ولتای علیا پیش رفتند که گروه بسیاری از مردم بی‌پناه به کشورهای همسایه بخصوص غنا مهاجرت کردند. در سال ۱۹۳۲ این سرزمین بین ساحل عاج و مالی و نیجر که آنها نیز جزء مستعمرات فرانسه بودند تقسیم گردید ولی در سال ۱۹۴۷ نواحی تجزیه شده دوباره بهم پیوستند و سرزمین ولتای علیا را تشکیل دادند. در سال ۱۹۵۸ به این کشور خودمختاری داده شد و سرانجام در سال ۱۹۶۰ به استقلال رسید.
در انتخابات پس از استقلال موریس یامئوگو، نخست‌وزیر دوران پیش از استقلال، به ریاست جمهوری رسید و در سال ۱۹۶۵ برای بار دوم در مقام خود ابقاء گردید. در کودتای ۱۹۶۶ یامئوگو به دست سرهنگ لامیزانا سرنگون شد و با آغاز دوران استبداد و خفقان در ولتای علیا حدود ربع جمعیت کشور جلای وطن کردند و به کشورهای همسایه مهاجرت نمودند. لامیزانا نیز در کودتای ۱۹۸۰ سرنگون گردید و سرهنگ سایه‌زربو زمام امور را در دست گرفت. پس از آن کودتاهای دیگری در نوامبر ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۳ و ۴ اوت ۱۹۸۳ به وقوع پیوست و در آخرین کودتا افسر جوانی به نام سروان توماس سانکارا بر مسند حکومت ولتای علیا نشست. برنامه‌های اصلاحی و دموکراتیک او موجب محبوبیتش در بین سربازان و مردم فقیر گردید و کشور از ولتای علیا به بورکینافاسو (سرزمین فسادناپذیر) تغییر نام یافت. در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۷ سانکارا طی یک کودتا توسط بلسه کومپائوره به قتل رسید و کومپائوره قدرت را به دست گرفت.
در سپتامبر ۱۹۸۹ چهار تن از افسران عالی‌رتبهٔ ارتش به اتهام توطئه علیه کومپائوره دستگیر و اعدام شدند. در همه‌پرسی دوم ژوئن ۱۹۹۱، قانون اساسی جدید با اکثریت ۹۰ درصد رأی دهندگان به تصویب رسید و جمهوری چهارم بورکینافاسو آغاز گردید. در انتخابات مه ۱۹۹۲ کامپائوره به ریاست جمهوری رسید و یوسف ودرائوگو به نخست‌وزیری منصوب گردید. بحران اقتصادی و تنزل ارزش پول ملی کشور به اعتصابات و تظاهرات وسیع ۱۹۹۲ انجامید و ودرائوگو در مارس سال ۱۹۹۴ جای خود را به مارک کریستین کابوره واگذار کرد. نخست وزیر جدید در دنبالهٔ اقدامات اقتصادی خود در سال ۱۹۹۵ بورکینافاسو را به عضویت سازمان تجارت جهانی درآورد.
انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۸، از سوی مخالفان تحریم شد و در نتیجه کومپائوره بدون هیچ رقیبی در این انتخابات به پیروزی رسید. در فوریه سال ۲۰۰۰ کمیسیون ویژه‌ای درخواست اعاده حیثیت از توماس سانکارا، که در کودتای کومپائوره کشته شده بود، کرد. این عمل در جهت جلوگیری از پی‌گیری مسئلهٔ یک خبرنگار که بر روی شیوه قتل سانکارا تحقیق می‌کرد و خود در وضعیتی مبهم کشته شد، صورت گرفت. در سال ۲۰۰۱ فرمانده گارد ریاست جمهوری متهم به قتل خبرنگار مزبور شد.



نام رسمی: جمهوری دموکراتیک بورکینافاسو

نام محلی: بورکینا فاسو Burkina Faso

اسامی دیگر: ولتای علیا (نام سابق)

پایتخت: واگادوگو (۶۳۴،۴۷۹ نفر در سال ۱۹۹۴)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۸/۵، از فرانسه

روز ملی: یازدهم دسامبر؛ روز اعلان جمهوری

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: بلسه کومپائوره ، از سال ۱۹۸۷ با کودتا؛ از سال ۱۹۹۲ با انتخابات مستقیم؛ دوردوم:۱۹۹۸

رئیس دولت: نخست‌وزیر: پارامانگا ارنست یونلی، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱، آخرین تغییرات ۱۹۹۷؛ مجلس نمایندگان خلق با ۱۱۱ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان خلق در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۲): کنگره برای دموکراسی و پیشرفت ۱۰۱ (۵۷) کرسی، حزب دموکراسی و پیشرفت ۶ (۱۰)، مجمع دموکراتیک افریقایی ۲ (۹)، اتحاد برای دموکراسی و فدراسیون ۲ (۸)، ائتلاف نیروهای دموکرات (۵)، حزب افریقایی استقلال (۵)، حزب رنسانس ملی(٤)، منشور پان‌افریقایی سانکاریست (۳)، بقیه (۱۰) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۶۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۲۷٤،۲۰۰ کیلومترمربع (هفتادوسومین کشور جهان)

جمعیت: ۱۱،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصت و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٤۳/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۳/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۱۷/٤ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۸/۹

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪٤۷/۷ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۷/۳ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۰/٤ ؛ بالای ۶۰ سال ٪٤/۶

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۸/۷۰ ؛ زن ٪۵۱/۳۰ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۷/۳ سال؛ مردان ٤۶/۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۵/۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۷/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۱۰/۳ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۸/۵ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار کاملی وجود ندارد، اما در سال ۱۹۹۱بیشترین میزان مرگ و میر در میان افراد کوچکتر از ۱۵ سال سن در اثر ابتلا به مالاریا، بیماریهای تنفسی، بیماریهای روده‌ای و واگیردار و منتزیت بوده است.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۶/۵ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): قبایل موسی٪٤۷/۹ ؛ مانده٪۸/۸ ؛ فولانی ٪۸/۳ ؛ لوبی ٪۶/۹ ؛ بوبو ٪۶/۸ ؛ سنوفو٪۵/۳ ؛ کروسی ٪۵/۱

دین(۱۹۹٤): مسلمان ٪۵۰ ؛ باورهای قبیله‌ای ٪٤۰ ؛ مسیحی(عمدتاً کاتولیک) ٪۱۰

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ زبانهای متعددی میان قبایل مختلف رایج است؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۳): بوبودیولاسو ۳۰۰،۰۰۰ نفر؛ کودوگو ۱۰۵،۰۰۰ نفر؛ واهیگویا ۳۸،۹۰۲ نفر؛ بانفورا ۳۵،۳۱۹ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ (CFAF) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۷۵٤/۲۸ فرانک؛ یک فرانک = ۱۰/۶ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۲۳۸/۱ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ درآمد مالیاتی ٪۹۳/٤ (شامل: مالیات فروش ٪٤۳/۳؛ عوارض گمرکی ٪۲۵/۳ ؛ مالیات بر درآمد افراد ٪۲۲/۶ ؛ سایر موارد ٪۲/۲)؛ درآمدهای غیر مالیاتی ٪۶/۶

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۲٤۶/۹ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ دستمزد و حقوق ٪۲۷/۵ ؛ سرمایه‌گذاری ٪۲۷/۳ ؛ بهداشت و آموزش ٪۲۲/٤ ؛ هزینه‌های انتقالی ٪۱۷/۳ ؛ بازپرداخت وامها ٪۵/۵

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲،۵۷۵ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۳/۲ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٪٤/۱

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۳۳/۳ ؛ صنعت ٪۲۷/۲ ؛ خدمات ٪۳۹/۵

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲ میلیون دلار ؛(۱۹۹۸): ۱٤ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۲۲۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۹۷/۵+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۲/٤

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۶/۶ ؛ ۱۹۹۸ : ٪۳/۱

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): ذرت خوشه‌ای ۱،۱۷۸،٤۰۰ تن؛ ارزن ۹٤۵،۰۰۰ تن؛ ذرت ٤۶۸،۹۰۰ تن؛ نیشکر ٤۰۰،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۲۸۱،٤۰۰ تن؛ تخم پنبه ۲۸۰،۰۰۰ تن؛ برنج ۹٤،۲۰۰ تن؛ حبوبات ۲۲،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۱۷،۳۰۰ تن؛ کنجد ۱۲،۶۰۰ تن؛ کاساوا ۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪۱۳ ؛ مرتع ٪۲۱/۹ ؛ جنگل ٪۵۰/۵ ؛ سایر موارد ٪۱٤/۶

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۷،۹۵۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۶،۳۵۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ٤،۵۵۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۰،۷۹٤،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۸،۳۳۵ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۱،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۷،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۹): طلا ۸۶۹ کیلوگرم ؛ نقره ۱۲۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۹): شکر ۲۹،۹۰۵ تن؛ آرد ۲۱،٤۵٤ تن؛ صابون ۹،۹۱۰ تن؛ روغن خوراکی ۱۱،۸۵۰ تن؛ آبجو ۳۸۷،۰۰۰ هکتولیتر؛ نوشیدنی غیر الکی ۱۵۵،۰۰۰ هکتولیتر؛ چاپ پارچه ۱،٤۶۲،۰۰۰ مترمربع؛ دوچرخه ۲٤،۰۷۹ دستگاه؛ موتور گازی ۱۷،۳۶٤ دستگاه؛ سیگار ۶۰،۰۰۰،۰۰۰ پاکت.

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۲۶۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۲۶۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۶): صفر (۳۱۵،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ٤،۶۷۹،۱۹۳ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۵۰/۹ ؛ میزان مشارکت: (۱۰ سال به بالا): ٪۷۸/۱ ؛ زنان: ٪٤۸/۷ ؛ میزان بیکاری: ٪۱/۱

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۹۲/۳ ؛ صنعت ٪۲/۸ ؛ خدمات ٪٤/۹

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۵،۶۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۹۶/۶ ؛ نیروی هوایی ٪۳/٤ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ؟

واردات(۱۹۹۹): ۳۶۸/۷ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل: تجهیزات سرمایه‌ای ٪۳۶/۸ ؛ فرآورده‌های نفتی ٪۱۶/۹ ، محصولات غذایی ٪۱۲/۳ ؛ موادخام ٪۹/۵ ؛ از فرانسه ٪۲۹/۸ ؛ ساحل عاج ٪۱۷/٤ ؛ ژاپن ٪۵/٤ ؛ امریکا ٪۳/۶ ؛ ایتالیا ٪۳/۳ هلند ٪۳ ؛ آلمان ٪۲/۹

صادرات(۱۹۹۹): ۱۵۶/۶ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل: پنبهٔ خام ٪۵۳/۳ ؛ دام زنده ٪۱۰/۱ ؛ طلا ٪۵/۹؛ پوست و پشم ٪۷/۵ ؛ به کشورهای (۱۹۹۸): فرانسه ٪۲۳/۱؛ بلژیک ٪۱۰/۸؛ ساحل عاج ٪۹/۸ ؛ سنگاپور ٪۳/۶ ؛ مالی ٪۱/۷

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون فرانک	-۱۱٤/٤	-۱۶۳/۹	-۲۲۷/۲	-۲۰٤/۶	-۲۳۱/٤	-۲۱۲/۱
درصد کل	٪۳۰	٪۳٤/٤	٪٤۱/۵	٪۳۸	٪٤۹/۱	٪٤۰/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷٤/٤	۹۳/۱	۱۰۰	۱۰۶/۲	۱۰۸/۶	۱۱٤/۲	۱۱۲/۹
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۵): ۶/۲ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار: ۳۰۳،۰۰۰ فرانک سی‌اف‌آ؛ منابع درآمد: ؟ هزینه‌ها(۱۹۸۵): غذا ٪۳۸/۷ ؛ حمل و نقل ٪۱۸/۶ ؛ برق و سوخت ٪۱۳/۷ ؛ نوشیدنی ٪۹؛ بهداشت ٪۵/۲ ؛ مسکن ٪۵/۱

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ٤۲ میلیون دلار؛ هزینه‌ها (۱۹۹٤): ۲۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۱۲،۱۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۶۲۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۳۸،۲۲۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۱۷،۹۸۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۲ فرودگاه

روزنامه: ٤ روزنامه در ۱٤،۰۰۰ نسخه (۱/۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳۷ عنوان در ۲٤،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۲ عنوان در ۱٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۱،۱۶۶/۶ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٤۱،۰۰۰ خط تلفن (۳/۶ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲،۷۰۰ خط (۰/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۳،۵۶۸	۱٤،۰۳۷	۷۰۲،۲۰٤	۵۰
متوسطه	۲۵۲	٤،۱۶۲	۱۳۷،۲۵۷	۳۳
فنی و حرفه‌ای	٤۱	۷۳۱	۹،۵۳۹	۱۳
عالی	۹	۶۳۲	۹،۵۳۱	۱۵/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۲۳ ؛ مردان ٪۳۱/۲ ؛ زنان ٪۱۳/۱

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال(۱۹۸۵): بدون تحصیلات رسمی ٪۸۶/۱ ؛ ابتدایی ٪۷/۳ ؛ متوسطه ٪۲/۲

تعداد پزشک(۱۹۹۱): ۳٤۱ نفر (هر ۲۷،۱۵۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۱) : ۵،۰٤۱ تخت (هر ۱،۸۳۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۳۷۰،۰۰۰ نفر (٪۷/۱۷ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱٤/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری (۱۹۹۸): ۲،۱٤۹ کالری (٪۹۱ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۶۲ گرم؛ مصرف چربی: ٤۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/۷ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۰/۷

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳۰۳ (صد و هفتادودومین کشور جهان)



نام رسمی: جمهوری بوروندی

نام محلی: اوبوروندی Uburundi

اسامی دیگر: اوروندی (نام سابق)

پایتخت: بوجومبورا (۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۶)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۲/۷/۱، از بلژیک

روز ملی: اول ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: رژیم انتقالی با یک مجلس قانونگذاری انتقالی، پس از کودتای ۱۹۹۶

رئیس حکومت: رئیس جمهور: سرگرد پیر بویویا (از قبایل توتسی)، از سال ۱۹۹۶

رئیس دولت: رئیس جمهور: سرگرد پیر بویویا (از قبایل توتسی)، از سال ۱۹۹۶

قوه مقننه: قانون اساسی موقت (برای دورهٔ انتقالی) سال ۱۹۹۸؛ مجلس ملی با ۸۱ نماینده که در حال حاضر به جای آن «مجلس ملی انتقالی» با ۱۲۱ عضو امور قانونگذاری را به انجام می‌رساند.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۶۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ

جمعیت

مساحت: ۲۷،۸۳۴ کیلومترمربع (صد و چهل و سومین کشور جهان)

جمعیت: ۶،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نود و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۴۰/۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵):** ۱/۷٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۱/۶ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸/۴٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۶/۴٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۴۷/۵٪ ، ۲۹-۱۵ سال ۲۶/۱٪ ، ۵۹-۳۰ سال ۲۲/۱٪ ، بالای ۶۰ سال ۴/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۴۹/۵۱٪ ؛ زن ۵۰/۴۹٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۴۷/۲ سال، مردان ۴۵/۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۴۰/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۶/۶ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۷۲/۳ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۴/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آماری در دسترس نیست، اما مهمترین دلایل مرگ و میر عبارتند از: مالاریا، آنفلوآنزا، بیماریهای اسهالی، سرخک و ایدز.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۶/۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۵): روندی ۹۸٪ (شامل هوتوها ۸۲/۵٪؛ توتسی‌ها ۱۴/۵٪؛ تواپیگمه ۱٪)؛ بقیه ۲٪

دین(۱۹۹۰): کاتولیک ۶۵/۱٪ ؛ پروتستان ۱۳/۸٪؛ مسلمان ۱/۶٪ ؛ باورهای قبیله‌ای ۰/۳٪ ؛ بدون دین ۱۸/۶٪ ؛ بقیه ۰/۶٪

زبان و خط: کی‌روندی، فرانسوی (زبانهای رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۰): گیته‌گا ۱۰۱،۸۲۷ نفر؛ موبینگا ۷۹،۳۳۵ نفر؛ نگوزی ۷۴،۲۱۸ نفر؛ کایانزا ۶۲،۶۱۳ نفر؛ کیروندو ۶۲،۵۴۶ نفر؛ بوبانزا ۶۰،۲۶۶ نفر

بنادر مهم: به دریاهای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک بوروندی (FBu) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۸۰۲/۸ فرانک؛ صد فرانک= ۹۹۶/۵ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۷۰/۴ میلیارد فرانک بوروندی؛ درآمد مالیاتی ۹۲/۹٪ (شامل مالیات بر کالا و خدمات ۳۹/۲٪ مالیات بر بازرگانی خارجی ۲۳/۳٪ ؛ مالیات بر درآمد ۱۳/۸٪ ؛ مالیات بر درآمد شرکتها ۱۳/۱٪ ؛ دریافت‌های اداری ۳/۴٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۷/۱٪

هزینه بودجـه(۱۹۹۹): ۹۹ میلیارد فرانک بوروندی؛ دستمزدها و حقوق ۲۹/۱٪ ؛ کالاها و خدمات ۲۸٪ ؛ یارانه‌ها و انتقالی‌ها ۸/۵٪ ؛ بازپرداخت وامها ۶/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۹۱۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۴۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۴/۴٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۱/۹-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۵۴/۲٪ ؛ صنعت ۱۶/۳٪ ؛ خدمات ۲۹/۵٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۰۷۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۷۶/۵+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲/۵-٪

نرخ تورم: (میانگین سالانهٔ ۹۸-۱۹۹۰): ۱۱/۸٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱۲/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): موز ۱،۵۱۱،۲۷۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۷۳۴،۱۷۲؛ کاساوا ۶۱۷،۴۸۳؛ لوبیای خشک ۲۲۷،۴۲۸ ؛ نیشکر ۱۷۵،۰۰۰ ؛ ذرت ۱۲۸،۷۰۶ ؛ یام و تارو ۱۰۲،۸۶۱ ؛ ذرت خوشه‌ای ۵۹،۹۹۲؛ برنج ۵۸،۶۳۰؛ قهوه ۳۰،۰۰۰ ؛ سیب‌زمینی ۲۴،۳۹۳؛ ارزن ۱۰،۱۰۵؛ بادام زمینی ۹،۸۸۳؛ گندم ۷،۰۸۵ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ۴۵/۹٪ ؛ مرتع و چمنزار ۳۸/۶٪ ؛ جنگل ۱۲/۷٪ ؛ سایر موارد ۲/۸٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۵۹۳،۶۵۷ رأس؛ گاو ۳۲۹،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱۶۵،۰۰۰ رأس؛ خوک ۶۱،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،۷۹۹،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳۲،۰۳۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۴،۴۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳،۴۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۵): تورب ۸،۰۰۰ تن؛ کائولین ۵،۰۰۰ تن؛ طلا ۱۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): آبجو ۱،۰۳۶،۳۲۱ هکتولیتر، نوشیدنی گازدار ۶۰۰،۳۹۰ هکتولیتر، روغن نباتی ۱۳۳،۶۰۰ لیتر، سیگار ۳۱۶،۸۲۰،۰۰۰ بسته؛ پتو ۱۷۴،۴۰۷ تخته؛ کفش ۷۴،۸۹۰ جفت

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۱۰۷،۰۸۱،۰۰۰ کیلووات ساعت(۱۱۲،۲۰۹،۰۰۰)؛ زغال سنگ: صفر(؟) نفت خام: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۶۰،۶۶۷ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(؟)؛ تورب (۱۹۹۸): ۸،۰۰۰ تن (۸،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۷): ۳،۴۷۵،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۶۳/۱٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴ سال): ۹۱/۴٪ ؛ زنان ۴۸/۹٪ ؛ میزان بیکاری: ؟

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۹۳/۱٪ ؛ صنعت ۲/۳٪ ؛ خدمات ۴/۶٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه:؟ ؛ تعدادنفرات ارتش (۱۹۹۹) ۴۰،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۱۰۰٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۱ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۵۵/۳ میلیارد فرانک بوروندی؛ شامل(۱۹۹۴)؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۱/۳٪ ؛ مواد غذایی ۱۷/۹٪ ؛ فرآورده‌های نفتی ۸/۲٪ ؛ دارو ۶/۴٪ ؛ از کشورهای(۱۹۹۷): بلژیک –لوکزامبورگ ۲۳/۲٪ ؛ فرانسه ۲۱٪ ؛ زامبیا ۸/۲٪ ؛ هلند ۷/۵٪ ؛ آلمان ۶/۴٪ ؛ ژاپن ۵/۲٪ ؛ امریکا ۱/۲٪ ؛ کنیا ۱/۲٪

صادرات(۱۹۹۸): ۲۸/۶ میلیارد فرانک بوروندی؛شامل: قهوه ۷۹/۷٪ ؛ چای ۱۷/۱٪ ؛ پوست و پشم حیوانات ۰/۲٪؛ به کشورهای (۱۹۹۷) انگلستان ۲۵/۲٪ ؛ آلمان ۲۱/۴٪ ؛ بلژیک –لوکزامبورگ ۱۰٪ ؛ فرانسه ۸/۱٪ ؛ امریکا ۰/۹٪ ، روآندا ۰/۴٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون فرانک بوروندی	-۳۴،۶۸۳	-۲۶،۴۳۴	-۲۴،۰۱۸	-۲۶،۰۳۹	-۱۲،۴۸۲	-۲۶،۷۰۰
درصد کل	٪۵۳/۶	٪۳۰/۶	٪۳۱/۱	٪۵۳/۶	٪۱۶/۹	٪۳۱/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۳	۸۳/۸	۱۰۰	۱۲۶/۴	۱۶۵/۸	۱۸۶/۵	۱۹۲/۸
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازه خانوار(۱۹۹۸): ۵ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد:؟ هزینه‌ها(۱۹۹۰): غذا ۵۹/۶٪ ؛ پوشاک و کفش ۱۱/۱٪ ؛ مبلمان و لوازم خانگی ۶٪ ؛ سوخت و آب ۵/۸٪ ؛ مسکن ۴/۴٪ ؛ دیگر موارد ۱۳/۱٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۱۴،۴۸۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۱۹،۲۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۱۸،۲۴۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹۶): ۱ روزنامه در ۲۰،۰۰۰ نسخه (۳/۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۴۴۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۶۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۸،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۴/۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۸،۰۰۰ خط تلفن (۲/۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۶۲۰ خط (۰/۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۱،۴۱۸(۱۹۹۳)	۱۰،۴۰۰(۱۹۹۳)	۴۵۳،۷۴۶	؟
متوسطه	۱۱۳(۱۹۹۱)	۲،۵۶۲(۱۹۹۳)	۵۶،۸۸۷	؟
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	۵،۷۱۲	؟
عالی	۸(۱۹۹۱)	۵۵۶(۱۹۹۳)	۴،۳۷۹	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۳۵/۳٪ ؛ مردان ۴۹/۷٪ ؛ زنان: ۲۲/۵٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۶): ۳۲۹ نفر (هر ۱۶،۵۰۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۶): ۳،۵۶۰ تخت (هر ۱،۵۲۶ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۲۶۰،۰۰۰ نفر؛ (۸/۳۰٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۶۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۱،۵۷۸ کالری (۷۵٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۵۱ گرم؛ مصرف چربی: ۱۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۲/۲-٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۴٪

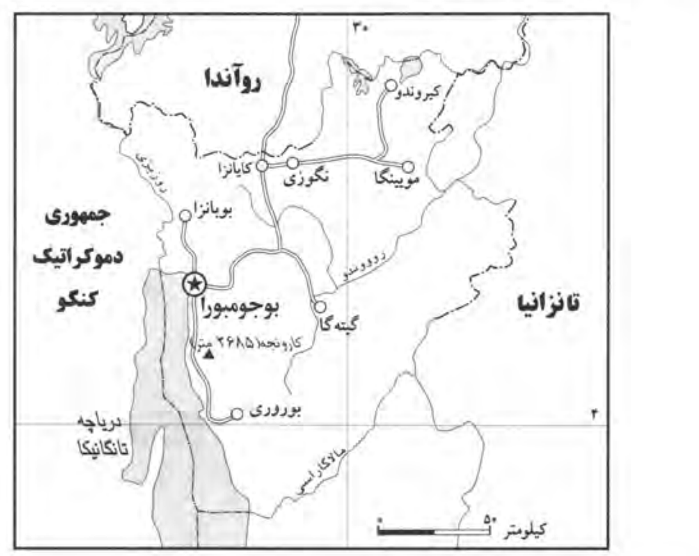
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): صفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۲ میلیون تن؛ هر نفر صفر

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳۲۱ (صد و هفتادمین کشور جهان)

بوروندی BURUNDI

بوروندی کشوری است در مرکز جنوب شرقی افریقا، محصور میان کشورهای روآندا در شمال، تانزانیا در خاور و جنوب و کشور کنگوکینشاسا در غرب. این کشور که در شمال خاوری دریاچهٔ تانگانیکا واقع است، سرزمینی است کوهستانی و سرسبز با ارتفاع حداکثر ۲۶۸۵ متر (کوه کارونجه) و چراگاههای طبیعی عالی. رودهای آن که رووووندو و مالاگاراسی و روزیزی از مهمترین آنها هستند، کلاً به دریاچه‌های تانگانیکا و ویکتوریا می‌ریزند. جنگلهای آن عمدتاً در ناحیه کم‌ارتفاع جنوب غربی و در حوالی دریاچهٔ تانگانیکا قرار دارند و اکثر مردم آن از راه زراعت و کشت ذرت، قهوه، پنبه، چای و موز روزگار می‌گذرانند و اقلیم آن معتدل کوهستانی و پرباران است.



تاریخچه

بوروندی یکی از فقیرترین کشورهای جهان و یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای افریقایی است. هوتوها از جمله اقوامی هستند که از دیرگاه در این سرزمین به کشاورزی مشغول بوده‌اند. حدود ۵۰۰ سال پیش به دست توتسی‌ها که از اوگاندا و اتیوپی به اینجا مهاجرت کرده بودند مغلوب شدند. توتسی‌ها طی سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی به قدرت قابل توجهی رسیدند و بعد از آن به مرور رو به ضعف نهادند تا جایی که سرزمینشان در سال ۱۸۹۰ به یک مستعمرهٔ آلمانی مبدل گردید. در سال ۱۸۹۹، مستعمره‌های بوروندی و روآندا درهم ادغام گردیدند و کلنی روآندا اوروندی را که یک مستعمرهٔ آلمانی بود و از نظر تجارت عاج اهمیت فراوان داشت، تشکیل دادند. پس از شکست آلمان در جنگ اول جهانی بلژیک از سوی جامعهٔ ملل قیمومیت آن را به عهده گرفت و روآندا و بوروندی را از هم جدا کرد. پس از جنگ دوم جهانی سازمان ملل متحد قیمومت بلژیک بر بوروندی را به رسمیت شناخت و در سال ۱۹۶۲ دولت پادشاهی بوروندی به استقلال رسید.

در سال ۱۹۶۶ جمهوری‌خواهان طی کودتایی بر پادشاه غلبه کردند و حکومت جمهوری برقرار نمودند و کاپیتان میشل میکومبرو نخست‌وزیر و رهبر کودتا به ریاست جمهوری رسید. میکومبرو که خود از قوم اقلیت توتسی بود، در دوران ریاست جمهوری خود دست به تصفیه قومی وسیعی زد و هوتوهایی را که در سازمانهای دولتی مشغول به کار بودند، از کار برکنار کرد و در سال ۱۹۷۱ حدود ۳۵۰,۰۰۰ نفر از هوتوها را به قتل رسانید و ۷۰,۰۰۰ تن از آنان را وادار به ترک وطن و مهاجرت از کشور کرد. در سال ۱۹۷۶ سرهنگ ژان باپتیست باگازا میکومبرو را سرنگون کرد و زمام امور کشور را به دست گرفت. وی با ایجاد اصلاحاتی سعی کرد حقوق از دست رفته هوتوها را به آنان بازگرداند. در سال ۱۹۷۹ قانون اساسی بوروندی مورد تجدید نظر قرار گرفت و در انتخابات ۱۹۸۲ باگازا به ریاست جمهوری رسید. در سپتامبر ۱۹۸۷ هنگامی که باگازا در کنفرانس سران کشورهای فرانسوی زبان در کانادا شرکت کرده بود، به وسیلهٔ سرگرد پیر بویویا طی یک کودتای خونین سرنگون گردید.

در انتخابات ۱۹۹۳ بویویا جای خود را به ملکیور اندادایه، از قوم هوتو، واگذار کرد ولی او نیز در ۲۴ اکتبر ۱۹۹۳ در حالی که فقط سه ماه از دوران حکومتش گذشته بود، در یک کودتا به قتل رسید و پس از سرکوبی کودتا، سیپرین انتاریامیرا، به انتخاب مجلس ملی، به قدرت دست یافت. علیرغم شکست کودتا، هواداران اندادایه به قتل عام گسترده مخالفان که عمدتاً از توتسی‌ها بودند، پرداختند و دهها هزار نفر در درگیریهای متقابل کشته شدند. در آوریل ۱۹۹۴ انتاریامیرا درگذشت و سیلوستر انتیبانتونگانیا، از هوتوها، به جای او حکومت را در دست گرفت. در کودتای ژوئیه ۱۹۹۶ پیر بویویا مجدداً زمام امور را به دست گرفت و مقام ریاست جمهوری بوروندی را از آن خود کرد.

تصفیه‌های قومی در بوروندی که از جمله مسائل داخلی مهم این کشور بوده است، همچنان ادامه دارد و اختلافات مرزی و ارضی این کشور با همسایگانش به ویژه تانزانیا گاه تا مرز انفجار و درگیریهای نظامی پیش می‌رود. هنگامی که جولیوس نایره رئیس جمهور پیشین تانزانیا مذاکرات صلح بین بوروندی و تانزانیا را رهبری می‌کرد و به نتایج ملموسی نیز رسیده بود، ناگهان شرایط دگرگون شد و هر دو طرف یکدیگر را به تجاوز به خاک دیگری متهم کردند. زمانی که تانزانیا به حمایت از ۲۰۰,۰۰۰ تن آشوبگران هوتویی پرداخت، مقامات بوروندی آن را دخالت در امور داخلی خود دانستند و ادعا کردند که تانزانیا قصد ضمیمه نمودن بوروندی به خاک خود را دارد. در فوریهٔ ۱۹۹۸ شمار قربانیان جنگهای داخلی در بوروندی از ۲۵۰,۰۰۰ تن تجاوز کرد و توصیه‌های سازمان ملل متحد در زمینهٔ رعایت حقوق بشر و گزارشهای مکرر سازمان عفو بین‌المللی هیچ تأثیری در روند تصفیه‌های قومی و برقراری نظم و آرامش اجتماعی در این کشور نداشته است.

در ژانویه سال ۲۰۰۰، بیل کلینتون، رئیس جمهور امریکا، حمایت شخصی و قاطع خود را از میانجیگری نلسون ماندلا، رئیس جمهور سابق افریقای جنوبی، برای برقراری صلح میان دو گروه اکثریت هوتو و اقلیت توتسی در بوروندی اعلام کرد. با تلاش‌های پی‌گیرانه نلسون ماندلا و نشست‌های متعدد گروه‌های مختلف هوتو و توتسی در شهر آروشا، تانزانیا، در ژوئیه ۲۰۰۱ طرح صلح جدیدی برای تعیین یک دولت انتقالی ۱۸ ماهه به تصویب تمام گروه‌های درگیر در مسئله بوروندی رسید. در ماه نوامبر دولت انتقالی تشکیل شد که در آن پیر بویویا به عنوان رئیس جمهور و دومیتین اندایزیه، از قوم هوتو، به عنوان معاون رئیس جمهور برای ۹ ماه اول تعیین شدند و قرار شد برای ۹ ماههٔ دوم هریک از آنان جای خود را به دیگری بدهد.

بوسنی و هرزگوین BOSNIA & HERZEGOVINA

کشور جدید بوسنی و هرزگوین در اروپای جنوبی و شمال غربی شبه جزیرهٔ بالکان جای دارد. این کشور از جنوب و غرب و شمال به کشور کروآسی و از خاور به یوگسلاوی محدود است و به وسیلهٔ باریکه‌ای به عرض ۲۰ کیلومتر با دریای آدریاتیک مرتبط است. این کشور نام خود را





نام رسمی: جمهوری بوسنی و هرزگوین

نام محلی: بوسنا ئی هرتسه گووینا Bosna i Hercegovina

اسامی دیگر: –

پایتخت: سارایوو (۳۶۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۲/۳/۱، از یوگسلاوی

روز ملی: اول مارس ، سالروز رفراندوم استقلال در سال ۱۹۹۲

نوع حکومت: جمهوری فدرال چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۲

رئیس حکومت: ۳ رئیس جمهور: سلیمان تیهیچ(مسلمان)؛ میرکو سارووییچ (صرب)؛ دراگان کوویچ (کروآت)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: زلاتکو لاگومجیا(رهبر حزب سوسیال دموکرات)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۵؛ مجلس نمایندگان با ٤۲ عضو (۲۸ عضو از فدراسیون مسلمانان و کروآتها و ١٤ عضو از جمهوری صربها) و مجلس سنا با ۱۵ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسیهای مجلس نمایندگان در سال ۲۰۰۰ (۲۰۰۲): حزب سوسیال‌دموکرات ۹ (٤) کرسی؛ حزب اقدام دموکراتیک (مسلمانان) ۸ (۱۰) کرسی؛ حزب دموکرات صرب ٦ (٥) کرسی؛ جامعهٔ دموکراتیک کروآت ٥ (٥) کرسی؛ حزب بوسنی و هرزگوین ٥ (٦) کرسی؛ بقیه ۹ (۱۲) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی(عضو ناظر)، اوسه

جمعیت

مساحت: ٥۱،۱۲۹ کیلومترمربع (صد و بیست و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ٤،۰۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هفدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۷۸/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۳

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٤/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۹): ٤۲/٥٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٦/۱٪

توزیع سنی(۱۹۹٥): زیر ۱٥ سال ۲۱/۹٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۳/٥٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۲٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱۲/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹٥): مرد ٤۹/٤٦٪ ؛ زن ٥۰/٥٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۳ سال؛ مردان ٦٦/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۳/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۷ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲٦/٤ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۸۹): بیماریهای گردش خون ۳٤٤/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۲۲/٦ نفر؛ حوادث، درگیری و مسمومیت ٤۷/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۲۹/۲ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۲۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۱): ٦ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۱):** ۰/۳ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۹): بوسنیایی ٤٤٪ ؛ صرب ۳۱٪ ؛ کروآت ۱۷٪ ؛ بقیه ۸٪

دین(۱۹۹۹): مسلمان سنی ٤۳٪ ؛ ارتدوکس صربی ۳۰٪ ؛ کاتولیک ۱۸٪ ؛ بقیه (عمدتاً بدون دین) ۹٪

زبان و خط: بوسنیایی؛ کروآتی (با خط لاتین)؛ صربی (با خط سیریل)؛ هر سه زبان رسمی است.

شهرهای مهم: توزلا(۱۹۹٥) ۲۳۰،۰۰۰ نفر؛ بیهاچ(۱۹۹٥) ۲۰۰،۰۰۰ نفر؛ بانیالوکا (۱۹۹۷) ۱٦۰،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۹۱): زنیتسا ۱٤٥،٥٥۷ نفر؛ موستار ۱۲٦،۰٦۷ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: مارکای بوسنی و هرزگوین (KM) = ۱۰۰ فنیگ؛ یک دلار = ۲/۲ مارکا؛ یک مارکا = ۳،٥٥٥ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۳،۱٤۸ میلیون مارکا؛ درآمد مالیاتی ٦٤/٦٪ (از جمله مالیات بر کالا و خدمات ۳۷/۸٪ ؛ عوارض گمرکی ۱۲/۹٪) ؛ درآمد غیر مالیاتی ۳٥/٤٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۳،٦٥۷ میلیون مارکا؛ صندوق تأمین اجتماعی ۲٤/۹٪ ؛ هزینه‌های بخشها، کانتونها و شهرداریها ۲۲/۷٪ ؛ مستمری معلولین ۱۰/۲٪ ؛ امور دفاعی ۱۰/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): ٤،۷۰٦ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۹):** ۱،۲۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی:

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،۹۸۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ۱۹۹۷: ۲/۷٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سیب‌زمینی ۳۸۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۱۸۸،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱٦۰،۰۰۰ تن؛ کلم ۸۰،۰۰۰ تن؛ جو دوسر ٥۱،۰۰۰ تن؛ آلو ۲٥،۰۰۰ تن؛ توتون ٤،۳۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : جنگل ٥۳/۱٪ ؛ مرتع و چمنزار ۲۳/٥٪ ؛ کشاورزی ۱٥/۷٪ ؛ سایر موارد ۷/۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۳٥۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۲۸٥،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲،٥٥۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۸۷۱،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۸،۰۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹٦): سنگ‌آهن‌ناخالص ۱۰۰،۰۰۰تن؛ بوکسیت ۷٥،۰۰۰ تن؛ کائولین ۳،۰۰۰ تن؛ کنسانتره‌باریت ۲،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): سیمان ۱٥۰،۰۰۰ تن؛ فولادخام ۱۱٥،۰۰۰ تن؛ چدن خام ۱۰۰،۰۰۰ تن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۲،۲۰۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۲،٤۰۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱،٦٤۰،۰۰۰ تن(۱،٦٤۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (٥۱٦،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (۲٥۲ میلیون مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۹۹۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲۲/۷٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤ سال): ۳٥/٦٪ ؛ زنان(۱۹۹۰): ۳۷/۷٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): ٤۰٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲۰٪ ؛ صنعت ٤۰٪ ؛ خدمات ٤۰٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ آماری از تعداد نیروهای دفاعی بوسنی در دسترس نیست، اما حدود ۳۱،۰۰۰ نفر از نیروهای‌ناتوجهت‌حصول‌اطمینان‌ازاجرای‌مفادقرارداد «دیتون» در این کشور حضور دارند؛ سرانهٔ هزینهٔ‌دفاعی(۱۹۹۷): ۷۸ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۲،٥۲٦ میلیون دلار؛ از کروآسی ۲۸٪ ؛ آلمان ۱٥٪ ؛ اسلوونی ١٤٪ ؛ ایتالیا ۱۲٪ ؛ مجارستان ٦٪

صادرات(۱۹۹۸): ۸۱۷ میلیون دلار؛ به کروآسی ۲۹٪ ؛ ایتالیا ۲۲٪ ؛ آلمان ۱۹٪ ؛ اسلوونی ۸٪ ؛ اتریش ٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	۷۳۹-	۹۳۰-	۳۳٦+	۱،۷٥۸-	۱،۷۰۹-	۱،٤۱٥-
درصد کل	٪۹۱/۱	٪۷٥/٤	٪۱۰۰	٪٦۰/٤	٪٥۱/۱	٪٤۲/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰٤/٥	۱۰۰	۷٥/٥	۸۳/۷	۸۷/۹	۸۷/٦
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۱): ۳/٤ نفر ؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹۰): ۷۲،۸٥۰ دینار؛ منابع درآمد(۱۹۹۰): دستمزد ٥۳/۲٪ ؛ انتقالی ۱۸/۲٪ ؛ کار آزاد ۱۲/٥٪ ؛ دیگر موارد ۱٦/٦٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۸): غذا ٤۱/۳٪ ؛ پوشاک ۸/۳٪ ؛ سوخت و روشنایی ۷/۸٪ ؛ مسکن سازی ۷/۸٪ ؛ حمل و نقل ٦٪ ؛ نوشیدنی و توتون ٥/۷٪

جهانگردی(۱۹۹٦): درآمد ۱٦ میلیون دلار؛ هزینه ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۲۱،۸٤٦ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۹):** ۱،۰۳۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۹٦،۱۸۲ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱۰،۹۱۹ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٥): ۳ روزنامه در ٥۲۰،۰۰۰ نسخه (۱٥٥ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۹٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲٦۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳۸٥،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۱۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۳۳،۰۰۰ خط تلفن (۹۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲٥،۰۰۰ خط (٦/۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۱)	۲،۲۰٥	۲۳،۳٦۹	٥۳۹،۸۷٥	۲۳/۱
متوسطه	۲۳۸	۹،۰۳۰	۱۷۲،۰٦۳	۱۹/۱
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	٤٤	۲،۸۰۲	۳۷،٥٤۱	۱۳/٤

میزان باسوادی: افراد بالای ۱۰ سال: ۸٥/٥٪ ؛ مردان: ۹٦/٥٪ ؛ زنان: ۷٦/٦٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ٥،۰۰۰ نفر (هر ۷۰۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۱٥،٥۸٦ تخت (هر ۲۰۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۸۰۱ کالری (۱۱۰٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ میزان مصرف فرآورده‌های نباتی ۹۱٪ ؛ میزان مصرف فرآورده‌های حیوانی ۹٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟

از دو ناحیه عمده بوسنیا در شمال و هرزگوین در جنوب گرفته است. قسمت عمدهٔ کشور را کوههای آلپ دیناریک با ارتفاع حدود ۲۰۰۰ متر فرا گرفته و ارتباطات زمینی با نواحی مختلف کشور را دشوار ساخته است. بلندترین نقطهٔ بوسنی و هرزگوین، کوه پلوچنو با ۲۲۲۸ متر ارتفاع است.

رودخانه‌های ساوا و نرتوا و ریزابه‌های آنها این کشور را مشروب می‌سازند. رودخانهٔ بوسنا که قسمتی از نام این کشور از آن اقتباس شده، یکی از ریزابه‌های رود ساوا است. آلودگی هوا در شهرها سلامتی مردم را به شدت تهدید می‌کند و آلودگی آبهای جاری به ویژه رودخانهٔ ساوا خطرات زیست محیطی را مطرح می‌سازد.

تاریخچه

ایلیری‌ها، نخستین اقوام ساکن سرزمین بوسنی و هرزگوین هستند. پس از آن که این سرزمین در اواسط سدهٔ دوم پیش از میلاد به تصرف امپراتوری روم درآمد، استان ایلیریا تشکیل گردید. صرب‌ها در سدهٔ هفتم میلادی در آنجا ساکن شدند و به استثنای سالهای ۱۰۸۱ تا ۱۱۰۱ مردم بوسنی و هرزگوین همواره جدا از صرب‌ها زیسته‌اند. در سدهٔ دوازدهم میلادی مجارستان بر بوسنی تسلط یافت. طی دوران تسلط مجارها، بوسنی به صورت قلعه و سنگر بدعت گزاران فرقهٔ بوگومیل درآمد و در مقابل جنگهای مذهبی صرب‌های ارتدوکس و کروآت‌های کاتولیک به سختی مقاومت کرد، با این حال شماری از مردم آن به مسیحیت گرویدند. طی سالهای ۱۲۵۴ تا ۱۳۹۵ حکومت پادشاهی مقتدری در بوسنی بر سر کار آمد و استان هوم (هرزگوین) را ضمیمهٔ خاک خود کرد. در سال ۱۳۸۶ ترک‌های عثمانی صرب‌ها را مغلوب نمودند و در سال ۱۴۵۹ صربستان و بوسنی را به یکی از استانهای امپراتوری عثمانی مبدل ساختند و با اشغال هرزگوین در سال ۱۴۸۲ منطقهٔ مزبور را کاملاً به تصرف خود درآوردند. عثمانی‌ها در این مناطق به ترویج دین اسلام پرداختند و مرکز حکومت خود را در سارایوو مستقر ساختند. در ۱۶۹۷ پرنس اوژن ساوویی سارایوو را اشغال نمود.

بوسنی و هرزگوین در سال ۱۷۱۸ به اتریش واگذار شد و در ۱۷۳۹ مجدداً به تصرف ترک‌های عثمانی درآمد. در سال ۱۸۳۷ هرزگوین اعلام استقلال کرد. شورش ترک‌های جوان در سال ۱۹۰۸ موج ناآرامی و انقلاب و آزادیخواهی را در سراسر امپراتوری عثمانی گسترش داد و اتریش و مجارستان از این فرصت استفاده کردند و بدون رضایت روسیه، بوسنی و هرزگوین را به خاک خود ملحق کردند. در سال ۱۹۱۴ ولیعهد اتریش و همسرش به دست یک صرب بوسنیایی در سارایوو به قتل رسیدند و به همین بهانه، جنگ جهانی اول آغاز گردید. پس از سقوط امپراتوری اتریش - مجارستان در سال ۱۹۱۸ بوسنی و هرزگوین به صربستان ملحق گردید. در جنگ جهانی دوم، بوسنی و هرزگوین دست‌نشاندهٔ آلمان نازی گردید و جمع زیادی از صرب‌های آن قتل عام شدند.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، بوسنی و هرزگوین ضمیمهٔ کشور جدید یوگسلاوی گردید. اگرچه سرزمین مزبور از حق خودمختاری و آزادیهای اجتماعی و مذهبی تا اندازه‌ای برخوردار بود، ولی تعارض و نارضایی در میان مردم کاملاً محسوس بود. در آوریل ۱۹۹۰ حزب کمونیست یوگسلاوی منحل شد و اولین انتخابات چند حزبی بعد از جنگ در آن کشور برگزار شد و علی عزت بگوویچ نمایندهٔ مسلمانان به عنوان رئیس جمهور بوسنی و هرزگوین انتخاب گردید و در اکتبر ۱۹۹۱ مجلس ملی آن کشور اعلامیه‌ای صادر نمود و طی آن استقلال بوسنی و هرزگوین را اعلام داشت. در ژانویهٔ ۱۹۹۲ از جمهوری فدرال یوگسلاوی خارج گردید، در حالی که صرب‌های بوسنی علاقمند بودند تا همچنان در جمهوری فدرال یوگسلاوی باقی بمانند. عزت بگوویچ که به اتحاد و تمامیت ارضی کشورش علاقمند بود، به اقلیتهای غیر مسلمان قول داد که میهنشان را به یک کشور مذهبی اسلامی مبدل نخواهد کرد و حقوق کلّیهٔ اقلیتها را محترم خواهد شمرد.

رفراندوم مارس سال ۱۹۹۲، مسلمانان با ۹۹/۴ درصد آراء رأی به استقلال میهن خود دادند و در هفتم آوریل همان سال جامعهٔ اروپا و همچنین امریکا، استقلال بوسنی و هرزگوین را به رسمیت شناختند و عضویت آن را در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا پذیرفتند. در ماه مه همان سال عضویت آن در سازمان ملل متحد مورد پذیرش قرار گرفت. در همان موقع صرب‌ها نیز موجودیت جمهوری صرب بوسنی و هرزگوین را اعلام داشتند و به رویارویی با مردم مسلمان بوسنی و هرزگوین پرداختند. در ژانویه ۱۹۹۳ صرب‌ها معاون نخست‌وزیر را در سارایوو ترور کردند و به دنبال آن تصفیهٔ قومی و کشتار و خونریزی حتی به روستاهای کوچک نیز کشیده شد. بنا به گزارش سازمان عفو بین‌الملل و همچنین سازمان ملل متحد، هزاران غیر نظامی و نظامی به قتل رسیدند و ۴۰,۰۰۰ زن مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند. در اعلامیهٔ مجامع بین‌المللی صرب‌ها مقصر و مسلمانان معصوم و قربانی اعلام گردیدند و به دنبال آن نیروهای ۲۰,۰۰۰ نفری حافظ صلح سازمان ملل متحد به منطقه اعزام شدند. در ژوئن ۱۹۹۳ اسلوبودان میلوسویچ، رئیس جمهوری یوگسلاوی، پیشنهاد کرد که بوسنی و هرزگوین به سه منطقهٔ صرب‌نشین و کروآت‌نشین و مسلمان‌نشین تقسیم گردد و هرکدام به صورت یک دولت خودمختار در کشور یوگسلاوی باقی بمانند و این در حالی بود که جنگ خونین در سرتاسر منطقه حاکم بود و ساکنان شهر سارایوو از نبودن آب و برق و غذا و امکانات بهداشتی و درمانی به شدت در مضیقه بودند و توسط توپخانهٔ صرب‌ها همواره در معرض گلوله باران قرار داشتند.

در اوایل سال ۱۹۹۴ سازمان ملل متحد به صرب‌هایی که شهر سارایوو را در محاصرهٔ خود داشتند، پیشنهاد کرد که توپخانهٔ خود را از پیرامون شهر دور کنند. این پیشنهاد با مخالفت روسیه روبرو شد و به دنبال آن سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) مواضع صرب‌ها را تهدید به بمباران هوایی نمود. این تهدید صرب‌ها را وادار به تسلیم نمود و کنفرانس صلح با نظارت سازمان ملل متحد و اتحادیهٔ اروپا تشکیل گردید و قرار شد تا کروآتها و مسلمانان با هم متحد شوند و کشور جمهوری بوسنی و هرزگوین را متفقاً تشکیل دهند. این پیشنهاد با موافقت مسلمانان و کروآتها و مخالفت صرب‌ها روبرو شد و در ۱۹۹۴ امریکا و روسیه، صرب‌ها را برای قبول پیشنهاد مزبور تحت فشار قرار دادند. سرانجام پس از گفتگوها و تبادل نظرهای بسیار و فشار مجامع بین‌المللی، طبق قرارداد دیتون، صلح برقرار گردید و قرار شد مقام ریاست جمهوری به طور دوره‌ای بین صرب‌ها و کروآتها و مسلمانان گردش کند. بدین ترتیب که علی عزت بگوویچ در اولین دوره (۱۹۹۶) و نمایندهٔ صرب‌ها در دورهٔ دوم و نمایندهٔ کروآتها در دور سوم ریاست جمهوری را عهده‌دار گردند.

در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۰، پیروزی بزرگی نصیب حزب چند نژادی سوسیال دموکرات شد و در مقابل حزب اقدام دموکراتیک (مسلمانان)، کرسی‌های متعددی را از دست داد. پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، کشور بوسنی و هرزگوین به عنوان یکی از مراکز مورد علاقهٔ تروریست‌ها برای پنهان شدن اعلام شد. وزیر کشور بوسنی اعلام کرد که اگرچه در دوران جنگ داخلی به برخی از اعضای گروه القاعده پاسپورت این کشور اعطاء شده، اما وجود هرگونه پایگاه آموزشی القاعده در این کشور را تکذیب نمود.

در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان که ۵ اکتبر ۲۰۰۲ برگزار گردید رؤسای جمهور هر سه گروه قومی تغییر کردند و حزب اقدام دموکراتیک (مسلمانان بوسنی) که در انتخابات سال ۲۰۰۰ چند کرسی از دست داده بود، اکثریت نسبی را در مجلس نمایندگان از آن خود ساخت.

بولیوی BOLIVIA

بولیوی کشوری است محصور در خشکی، واقع در غرب امریکای جنوبی که از شمال و خاور به کشور برزیل، از جنوب به کشورهای پاراگوئه و آرژانتین، شیلی و پرو در غرب محدود است. این سرزمین از سه ناحیهٔ جغرافیایی متمایز به شرح زیر تشکیل یافته است:

۱- منطقهٔ کوهستانی و مرتفع آند یا آلتی پلانو با حداکثر ارتفاع ۶۵۴۲ متر (کوه نوادوساخاما) که دارای اقلیم سرد و خشک است و حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور در آن به سر می‌برند. منابع معدنی عمدهٔ این کشور مانند قلع (سومین تولیدکننده جهان)، نقره، روی، سرب و مس در همین منطقه جای دارند.





نام رسمی: جمهوری بولیوی

نام محلی: بولیویا Bolivia

اسامی دیگر: -

پایتخت: لاپاز (۱،۰۰۰،۸۹۹ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۸۲۵/۸/۶ ، از اسپانیا

روز ملی: ششم ماه اوت، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: گونزالو سانچز د لوزادا (جنبش ملی انقلابی)، از سال ۲۰۰۲ به مدت ۵ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: گونزالو سانچز د لوزادا (جنبش ملی انقلابی)، از سال ۲۰۰۲ به مدت ۵ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۴۷ با تغییرات متعدد کنگره، شامل مجلس نمایندگان با ۱۳۰ عضو و مجلس سنا با ۲۷ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان(۲۰۰۲): جنبش ملی انقلابی ۳۶ کرسی، جنبش به سوی سوسیالیزم ۲۷ کرسی، جنبش چپ انقلابی ۲۶ کرسی، نیروهای جمهوریخواه نوین ۲۵ کرسی، جنبش بومیان پاچاکوتی ۶ کرسی، اتحاد همبستگی شهروندان ۵ کرسی، ائتلاف دموکراتیک ملی ٤ کرسی، حزب سوسیالیست ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ ، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی-آدب، مرکوسور، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱،۰۹۸،۵۸۱ کیلومترمربع (بیست و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۸،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتاد و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۷/۶ نفردر کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/۳

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۳/۱ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳٤ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۶۳/۲ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۳/۸

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ٪٤۰/۶ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۷/۵ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۵/۹ ؛ بالای ۶۰ سال ٪۶

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٪٤۹/۹۹ ؛ زن ٪۵۰/۰۱ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۶۵/۹ سال؛ مردان ۶۰/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۳۱/۹ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۸/۶ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۶۲ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۲۳/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هــزار نفـر(۸۱-۱۹۸۰): بیماریهای عفونی و انگلی ۲۳/۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۹/۵ ؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۱٤؛ حوادث، قتل نفس، درگیری ۹/۸؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۸/۶ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۸ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۳۹۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۸۰): ٤/۸ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۶): سرخپوست ٪۵۵ ؛ دورگه سرخ و سفید ٪۳۰ ؛ سفیدپوست ٪۱۵

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ٪۸۸/۵ (دین رسمی)؛ پروتستان ٪۹ ؛ دیگر ادیان ٪۲/۵

زبان و خط: اسپانیایی، آیمارا، کچوا(زبانهای رسمی)؛ سایر زبانهای بومی از قبیل گوارانی نیز رایج است؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): سانتاکروز ۱،۰۱۶،۱۳۷ نفر؛ کوچابامبا ۶۰۷،۱۲۹ نفر؛ ال آلتو ۵۶۸،۹۱۹ نفر؛ اورورو ۲۳۲،۳۱۱ نفر؛ سوکره ۱۹۲،۲۳۸ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: بولیویانو (Bs) = ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار= ۶/۲۶ بولیویانو؛ یک بولیویانو = ۱،۲۷۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۱،۶۹۸/۵ میلیون بولیویانو، درآمد مالیاتی ٪۷۸/۹ (از جمله مالیات غیر مستقیم ٪٤۹ ؛ مالیات بر نفت و فرآورده‌های نفتی ٪۱۸/۸)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۸/۹

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۳،۶۸۱/۳ میلیون بولیویانو؛ هزینه جاری ٪۷۸/۸ (از جمله دستمزد و حقوق ٪۳۱/۳ ، انتقالی‌ها ٪۲۱/۹) هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۲۱/۲

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۸،۰۱۳ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۰۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪٤/۶

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی٪۱۵/٤ ؛ صنعت ٪۲۸/۷ ؛ خدمات ٪۵۵/۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۵۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۸۷۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٤،۳۰۷ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۶۲۸/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۰/۸

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۹/۹ ؛ ۱۹۹۸: ٪۷/۷ ؛ ۲۰۰۰: ٪۳/٤

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ٤،۱۶۰،۰۰۰ تن؛ دانه سویا ۷۶۲،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۷۸۳،۰۰۰ تن؛ موز و موز سبز ۷۶۷،۰۰۰ تن؛ ذرت ۶۱۳،۰۰۰ تن؛ کاساوا ٤۰۰،۰۰۰ تن؛ برنج ۱۸۹،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۱٤۸،۰۰۰ تن؛ گندم ۱٤۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۲/۲ ؛ مرتع و چمنزار ٪۲٤/٤ ؛ جنگل ٪۵۳/۵ ؛ سایر موارد ٪۱۹/۹

تعداددام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۸،۵۷۵،۰۰۰ رأس؛ گاو ۶،۵۵۶،۰۰۰ ؛خوک ۲،۷۱۵،۰۰۰؛ بز ۱،۵۰۰،۰۰۰؛ الاغ ۶۳۱،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،۹۸۹،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۶،۰۵۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۸۵،۰۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۶۸،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): روی ۱۵۰،۷۰۹ تن؛ سرب ۱۳،۸٤۸ ؛ قلع ۱۰،۵٤۲؛ نقره ٤۰۲؛ طلا ۱٤/٤ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش افزوده) فرآورده‌های نفتی ۳۷۵،۰۰۰ دلار، مواد غذایی ۱۶۹،۰۰۰ دلار؛ نوشیدنی ۹۹،۰۰۰ دلار؛ فرآورده‌های معدنی غیر فلزی ۳۶،۰۰۰ دلار؛ منسوجات ۲۳،۰۰۰ دلار؛ چاپ و نشر ۱۹،۰۰۰ دلار؛ فلزات غیر آهنی ۱۸،۰۰۰ دلار

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۳،۷۷۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلوواتساعت(۳،۲۵۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: ۱۲،۶۲۸،۰۰۰ بشکه(۱۰،۳۸۲،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹۶) ۱،۳۲۵،۰۰۰ تن(۱،٤۸۰،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹۸): ۳،۱۰۶،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱،۵۱۱،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۳،۶٤۵،۱۶۵ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۶/۶ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶٤ سال): ٪۷۲/۱ ؛ زنان ٪٤۳/۷ ؛ میزان بیکاری ٪۲/۱؛ ۱۹۹۹: ٪۶

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪٤۲/۳ ؛ صنعت ٪۱۸/۱ ؛ خدمات ٪۳۹/۶

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱۲ ماه ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۳۲،۵۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۶/۹ ؛ نیروی دریایی ٪۱۳/۸ ؛ نیروی هوایی ٪۹/۲ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۲۰ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۹۸۳ میلیون دلار: مواد خام ٪٤۲/۲ (شامل: مواد خام برای صنایع ٪۳۲/۸)؛ کالای سرمایه‌ای ٪٤۰ (شامل: تجهیزات حمل و نقل ٪۲۳/۱ و کالای سرمایه‌ای برای صنایع ٪۱۵/۹)؛ کالاهای مصرفی ٪۱۸/۲؛ سایر موارد ٪۰/٤. از امریکا ٪۲۶/۳ ؛ ژاپن ٪۲۰ ؛ برزیل ٪۱۰/۳ ؛ آرژانتین ٪۱۰ ؛ شیلی ٪۶ ؛ پرو ٪۳/۷ ؛ فرانسه ٪۱/۱

صادرات(۱۹۹۸): ۱۰٤/۹ میلیون دلار؛ شامل: روی ٪۱٤/۱؛ سویا ٪۱۳/۶ ؛ طلا ٪۱۰/۱ ؛ نقره ٪۶/۶ ؛ نفت ٪۵/۸ ؛ گاز طبیعی ٪۵/۱ ؛ قلع ٪۵/۱ ؛ الوار چوب ٪٤/۶ ؛ به کشورهای امریکا ٪۱۸/٤؛ انگلستان ٪۱۷/۸ ؛ پرو ٪۱۱/۹ ؛ آرژانتین ٪۱۰/۹ ؛ شیلی ٪۲/۹؛ برزیل ٪۲/٤ ؛ آلمان ٪۱/۹

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۸۹/۳	-۱۶۲/۵	-۳۱۳/٤	-۵۳۱/۶	-۷۲۱	-٤۲/۹
درصد کل	٪٤/۱	٪۶/۹	٪۱۲/۱	٪۱۸/۶	٪۲٤/۶	٪۲

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۰/۸	۱۰۰	۱۱۲/٤	۱۱۷/۷	۱۲۶/۸	۱۲۹/۵
شاخص درآمد	۹۲/۷	۱۰۰	۱۰۸/۸	۱۱۷/۱	۱٤۶/۳	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۷): ٤/٤ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۸):غذا ٪۳۵/۵ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۱۷/۷ ؛ مسکن ٪۱٤/۸ ؛ کالاهای با دوام خانگی ٪۷/۳ ؛ پوشاک و کفش ٪۵/۱ نوشیدنی و دخانیات ٪٤/۵ ؛ سرگرمی ٪۲/۷ ؛ بهداشت ٪۲/۱ ؛ آموزش ٪۰/۳

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱۷٤ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۷۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ٤۹،٤۰۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۳،۵۱۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۲۲۳،۸۲۹ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۱۳۸،۵۳۶ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱٤ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱۸ روزنامه در ٤۲۰،۰۰۰ نسخه (۵۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۵،۲۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۶۷۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۹۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۱۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۷): ۵۳۵،۰۰۰ خط تلفن (۶۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۱۸،۰۰۰ خط (۲۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۶۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۷،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۱)	۹،۷۵۸	۵۱،۷۶۳	۱،۲۷۸،۷۷۵	۲٤/۷
متوسطه	۷۲٤	۱۲،٤۳٤	۲۱۹،۲۳۲	۱۷/۶
فنی و حرفه‌ای	٤۷			
عالی	۱۰	٤،۲۶۱	۱۰۹،۵۰۳	۲۵/۷

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۸۲/۳ ؛ مردان ٪۹۲/۱ ؛ زنان : ٪۷۹/٤

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۲): ابتدایی ٪٤۲ ؛ متوسطه ٪۱۵/۵ ؛ عالی ٪۹/۸

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۱،۹۷۶ نفر(هر ۳،۶۶۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٤): ۷،۲۰۳ تخت (هر ۱،۰۰۵ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲۶۰۰ نفر(٪۰/۰۷ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۲۶/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۱۷٤ کالری (٪۹۳ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۵۷ گرم؛ مصرف چربی : ۵۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/۸ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۱/۲

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۱۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۶٤۳ (صد و چهاردهمین کشور جهان)

۲- منطقهٔ نیمه گرمسیری یونگاس که در کوهپایه‌های خاوری آند واقع است و مهمترین مرکز کشاورزی بولیوی محسوب می گردد. قهوه، کاکائو، نیشکر و موز از مهمترین فرآورده‌های کشاورزی آن به شمار می‌آید.
۳- دشت‌های گرمسیری خاور و شمال که پوشیده از جنگل و سبزه است و غلات، برنج و نیشکر و دامداری و فرآورده‌های گوشتی و لبنیاتی از محصولات آن است و نفت و گاز از عمده‌ترین و مهم‌ترین منابع زیرزمینی آن به شمار می‌آید.
بولیوی را سه رودخانهٔ بزرگ به نام مادیرا، پاراگوای و پیلکومایو و ریزابه‌های آنها چون آبونا، بنی، ماموره ریوگرانده (حدود ۱,۵۰۰ کیلومتر) و راپولو مشروب می‌سازند و دریاچه‌های تی‌تی‌کاکا (۸,۲۸۵ کیلومترمربع)و پوپو، چشمگیرترین و زیباترین عارضهٔ آبی آن هستند.
قطع درختان جنگلی به منظور تهیهٔ چوب و الوار، منابع جنگلی این سرزمین را تهدید می‌کند و آلودگی آبهای جاری و چاهها و همچنین آلودگی هوای نواحی صنعتی و شهرها، محیط زیست و حیات موجودات زنده را به خطر انداخته است. اگرچه به لحاظ تاریخی و طبق مفاد قانون اساسی، شهر سوکره پایتخت این کشور محسوب می‌شود، اما از سال ۱۸۹۸، عملاً پایتخت به لاپاز منتقل شده است.

تاریخچه

سرزمین امروزی بولیوی در حدود سال ۲۰۰۰ پیش از میلاد به وسیلهٔ کشاورزان آندی و شکارچیان جنگلی و دانه‌جمع‌کن‌های خاوری، مسکون گردید. در سالهای ۶۰۰ پیش از میلاد تا ۱۰۰۰ میلادی، دولت پادشاهی مقتدری در پیرامون دریاچهٔ تی‌تی‌کاکا به نام کشور تیاهوآناکو هوآری تشکیل گردید. کشور مزبور در حدود سال ۸۰۰ میلادی به امپراتوری آند مبدل شد و در سال ۱۱۰۰ میلادی جای خود را به امپراتوری اینکا داد. هنگامی که اسپانیایی‌ها در اوایل سدهٔ شانزدهم میلادی به بولیوی وارد شدند، با امپراتوری وسیع اینکا که سرزمینهای کلمبیا و پرو و نواحی شمالی شیلی را شامل می‌شد و جمعیت آن به دوازده تا سیزده میلیون تن می‌رسید، روبرو شدند. کشور بولیوی که در آن زمان تاهوآنتینسویو نام داشت، به وسیلهٔ اقوامی به نام توپی و گوارانی مسکون گردیده بود و زبانهای آیمارا و کچوا مورد گفتگوی آنان قرار داشت. در سال ۱۵۴۵ اسپانیاییها در پوتوسی موفق به کشف نقره شدند و میلیونها بومی بی‌گناه و ناآگاه را در انفجار معدنهای خود قربانی کردند. اعمالی از اینگونه، رفته رفته موجبات خشم بومیان را برانگیخت تا جایی که در سالهای ۱۷۸۰ تا ۱۷۸۲ به شورش عمومی مبدل شد و در سال ۱۸۰۹ پدرو دومینگوموریلو رهبری شورشیان استقلال‌طلب را بر عهده گرفت و در سال ۱۸۲۵ بولیوی را به استقلال رسانید و آن را به افتخار سیمون بولیوار سردار آزادی‌بخش امریکای جنوبی، بولیوی نامیدند. رئیس جمهور بولیوی مارشال آندرس دوسانتا کروز در سال ۱۸۴۱ به اصلاحات اساسی در این کشور دست زد و دانشگاههایی چند تأسیس نمود و تأسیسات دادگستری و دیوان عالی کشور را بنا نهاد.
در سالهای ۱۸۷۹ تا ۱۸۸۳ شیلی علیه بولیوی و پرو به جنگ پرداخت و استان استراتژیک تاراپاکا، که تنها راه دسترسی بولیوی به اقیانوس کبیر بود، به شیلی واگذار گردید. در سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۵ بین بولیوی و پاراگوئه جنگ درگرفت وبولیوی طی جنگهای مزبور اراضی ساحلی خود را از دست داد و سه چهارم خاکش به تصرف کشورهای پاراگوئه و شیلی درآمد و علاوه بر آن استان آمازونیاس نیز در سال ۱۹۰۴ تحت اشغال برزیل قرار گرفت.
در ۲۱ ژوئیه ۱۹۴۶ گوآلبرتو ویلاروئل رئیس جمهور وقت بولیوی از مقام خود سرنگون شد و در شهر لاپاز با چوبهٔ دار اعدام گردید و خرمان بوش افسر ارتش به جای او نشست. او منابع نفت کشور را ملی کرد ولی از سوی امریکا متهم به طرفداری از آلمان نازی شد.
در اوایل نیمهٔ دوم سدهٔ بیستم جنبش انقلاب ملی پس از زد و خوردهای خونین قدرت را در دست گرفت و مجلس را منحل کرد و در انتخابات سال ۱۹۵۶ از ویکتور پاز استنسورو حمایت نمود و او را برای بار دوم به ریاست جمهوری رسانید. در دوران ریاست جمهوری وی ارتش در امور داخلی کشور نفوذ یافت و قدرت را بطور غیر مستقیم در دست گرفت و جنبش انقلاب ملی را منحل نمود. در ۱۹۶۷ ارنستو چه‌گوارا انقلابی معروف امریکای لاتین با تشکیل گروههای چریکی علیه دولت بولیوی به مبارزه پرداخت ولی سرانجام با کمک نیروهای ویژه امریکا دستگیر و در هشتم اکتبر ۱۹۶۷ اعدام گردید.
در سال ۱۹۶۹ ژنرال خوآن خوزه تورس قدرت را به دست گرفت و دست به اقدامات اصلاحی وسیعی زد. وی در اوت ۱۹۷۱ به وسیلهٔ سرهنگ هوگو بانزر سوارز سرنگون شد که پس از آن دولت ائتلافی نظامیان و سیاستمداران متمایل به جنبش انقلاب ملی تا سال ۱۹۷۸ قدرت را در دست داشت.
از سال ۱۹۷۸ تا سال ۱۹۸۰ کودتاهای متعددی یکی پس از دیگری در بولیوی روی داد و رؤسای جمهوری مختلفی بر سر کار آمدند و در اندک زمانی به دست دیگری سرنگون شدند، تا این که در انتخابات ۲۹ ژوئن ۱۹۸۰، ائتلاف اتحاد مردمی دموکراتیک به پیروزی رسید و ارنان سیلس زوآزو به ریاست جمهوری برگزیده شد ولی او نیز طی کودتای خونینی به دست ژنرال لوئیس گارسیامزاکانبا از کار برکنار گردید و هزاران نفر به قتل رسیدند و یا شکنجه شدند. در دهم اکتبر ۱۹۸۲ در حالی که ۱۸ سال از حکومت پیاپی نظامیان گذشته بود، ارنان سیلس زوآزو توسط کنگره دوباره به ریاست جمهوری انتخاب گردید و در زمینه‌های اقتصادی و کشاورزی و اجتماعی دست به اصلاحات زد ولی مسائل و دشواریهای اقتصادی سرانجام او را از پا درآورد و برگزاری انتخابات ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۵ را پیشنهاد کرد. در این انتخابات پازاستنسورو برندهٔ اکثریت شد و به ریاست جمهوری رسید. در انتخابات سال ۱۹۸۹ دولت ائتلافی پاز زامورا عهده‌دار امور گردید. در آوریل ۱۹۹۱ کنگرهٔ بولیوی از افسران ارتش امریکا دعوت کرد که به این کشور بیایند و پرسنل محلی را در مبارزه با مواد مخدّر آموزش دهند، اما علیرغم تمام اقدامات بر وسعت کشتزارهای کوکائین افزوده شد و درآمد کشتکاران کوکائین به ۹۵۰ میلیون دلار در سال رسید. در ژانویهٔ ۱۹۹۲ پاز زامورا و فوجی موری رؤسای جمهوری بولیوی و پرو قراردادی امضاء کردند و طی آن پرو موافقت نمود تا ۳۲۷ هکتار از اراضی ساحلی خود را در اختیار بولیوی قرار دهد تا بدینسان کشور بولیوی از طریق یک بندر آزاد واقع در جنوب پرو به دریا راه یابد.
در انتخابات ژوئن ۱۹۹۳ گونزالو سانچز به ریاست جمهوری رسید و ویکتور هوگو کاردناس را به معاونت خود برگزید. در سال ۱۹۹۴ بولیوی و برزیل قراردادی منعقد کردند تا طی آن ۲ میلیارد دلار گاز طبیعی از طریق احداث خط لوله بین سانتاکروز دلاسیرا به سائوپولو از بولیوی به برزیل حمل گردد. در انتخابات ژوئن ۱۹۹۷ هوگو بانزر سوارز به مقام ریاست جمهوری دست یافت و به دنبال آن اتحادیهٔ کشتکاران کوکائین در مورد کاستن از اراضی زیر کشت خود با دولت به توافق رسیدند و تعهد نمودند که فروش آنان از ۴۰ میلیون دلار در سال تجاوز نکند.
در طی سالهای ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹، اتحادیه‌های کارگری تلاش کردند تا سیاست‌های بانزر را به چالش بطلبند، اما اختلافات داخلی مانع از شکل گیری هر نوع وحدت رویه میان آنها گردید.
در ماه اوت ۲۰۰۱، بانزر که در امریکا بستری بود به علت ابتلا به بیماری سرطان ریه و کبد از مقام خود استعفاء نمود و معاون وی خورخه کیروگا رامیرز ادارهٔ امور را به دست گرفت.
در انتخابات ریاست جمهوری ۳۰ ژوئن ۲۰۰۲، گونزالو سانچز د لوزادا، از جنبش ملی انقلابی با کسب ۲۲٪ آراء به پیروزی رسید.

پاپوآ گینهٔ نو PAPUA NEW GUINEA

پاپوآ گینهٔ نو کشوری است در خاور کشور اندونزی، شمال استرالیا و درست در زیر خط استوا. اقیانوس آرام و دریای بیسمارک در شمال، دریای سلیمان در خاور و دریای مرجان (کورال)، در جنوب و ایریان جایا (کشور اندونزی) در غرب آن واقع است. این کشور که قسمت خاوری جزیرهٔ عظیم گینهٔ نو (نیو گینی) و گروهی از جزایر کوچک و بزرگ مجمع‌الجزایر بیسمارک و مجمع‌الجزایر لویزیاد را شامل می گردد، سرزمینی است کوهستانی با حداکثر ارتفاع ۴۶۹۴ متر (کوه ویلهلم)، پوشیده از جنگل های بارانی و اقلیم گرم و مرطوب در جلگه‌های ساحلی و معتدل و مرطوب و پر باران در نواحی کوهستانی. مهمترین و طویل‌ترین رودخانهٔ آن فلای نام دارد که طول آن به ۱۰۴۶ کیلومتر می‌رسد و بزرگترین جزیره‌های آن بریتانیای جدید با ۳۶,۵۱۹ کیلومترمربع وسعت و ایرلند جدید با ۶۹۹۳ کیلومترمربع وسعت می‌باشد.





نام رسمی: دولت مستقل پاپوآ گینهٔ نو

نام محلی: پاپوآ نیو گینی Papua New Guinea

اسامی دیگر: -

پایتخت: پورت مورسبی (۲۵۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹۷٥/۹/۱٦ ، از استرالیا

روز ملی: شانزدهم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت حکومت تشریفاتی پادشاه انگلستان)، از سال ۱۹۷٥

رئیس حکومت: فرماندار کل: سر سیلاس آتوپاره؛ از سال ۱۹۹۷

رئیس دولت: نخست‌وزیر: سر مایکل سوماره، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷٥؛ پارلمان ملی با ۱۰۹ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های پارلمان ملی (۲۰۰۲): حزب اتحاد ملی ۱۹ کرسی، جنبش دموکراتیک مردم ۱۳ کرسی، حزب مترقی مردم ۸ کرسی، اتحاد پاپوآ گینهٔ نو ٦ کرسی، حزب اقدام مردم ٥ کرسی، حزب کارگر مردم ٤ کرسی، حزب دموکرات مسیحی ۳ کرسی، حزب اتحاد ملانزیایی‌ها ۳ کرسی، حزب ملی پاپوآ گینهٔ نو ۳ کرسی، حزب متحد ۳ کرسی، مستقلها و بقیه احزاب ٤۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سپک، آکپ، آدب، آپک، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، جامعهٔ اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع، عضو ناظر در آسه‌آن

جمعیت

مساحت: ٤٦۲،۸٤۰ کیلومترمربع (پنجاه و سومین کشور جهان)

جمعیت: ٤،۸۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و دهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۲/۲٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۷/٥ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۱٦/۸٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥) : ٤٪

توزیع سنی (۲۰۰۰): زیر ۱٥ سال ۳۸/۸٪ ؛ ۲۹ – ۱٥ سال ۲۸/۷٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٦/۸٪ ؛ بالای ٦۰ سال ٥/۷٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٥۱/۳۰٪ ؛ زنان ٤۸/۷۰٪ — **امید به زندگی (۲۰۰۰):** زنان ٦٥/۳ سال؛ مردان ٦۱/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر (۲۰۰۰): ۳۲/۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر (۲۰۰۰):** ۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد (۲۰۰۰): ٥۹/۹ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر (۲۰۰۰):** ۲٤/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹۳): بیماریهای عفونی تنفسی حاد ۳٤/٦ نفر؛ ذات‌الریه ۲۷/۸ نفر؛ منتزیت ۷/٦ نفر؛ شرایط ناشی از دوران بارداری و زایمان ٦/۲ نفر؛ مالاریا ۳/۸ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور (۲۰۰۰): ٤/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت (۱۹۹۳): پاپوآ گینه نوئی ۸٤٪ ؛ ملانزیایی ۱٥٪ ؛ بقیه (عمدتاً چینی و اندونزیایی) ۱٪

دین (۱۹۹۲): پروتستان ٥۸٪ ؛ کاتولیک ۳۳٪ ؛ بقیه (عمدتاً آنیمیست) ۹٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان‌رسمی)؛ انگلیسی‌بومی‌شده (توک‌پیسین) وموتو (زبانهای ملی)؛ ۷۰۰زبان‌بومی‌قبایل؛ خط: لاتین

شهرهای مهم (۱۹۹۰): لائه ۸۰،٦٥٥ نفر؛ مادانگ ۲۷،۰٥۷ نفر؛ وواک ۲۳،۲۲٤ نفر؛ گوروکا ۱۷،۸٥٥ نفر؛ مونت هاگن ۱۷،۳۹۲ نفر؛ رابائول ۱۷،۰۲۲ نفر

بنادر مهم: پورت مورسبی، لائه، مادانگ و رابائول (در اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کینا (K) = ۱۰۰ توئا؛ یک دلار = ۲/۸ کینا؛ یک کینا=۲،۸٥۷ ریال

درآمد بودجه (۱۹۹۹): ۲،٤۸٥ میلیون کینا؛ (مالیاتهای مستقیم ٤۱/۷٪ ؛ مالیاتهای غیر مستقیم ۲۹/۲٪ ؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۰/٥٪ ؛ کمکهای خارجی ۱۸/٦٪)

هزینه بودجه (۱۹۹۹): ۲/٦۳ میلیون کینا؛ هزینه‌های جاری ٦۷/۲٪ (از جمله انتقال به دولت‌های استانی ۱۹٪ و پرداخت سود ۱٥/۲٪)؛ هزینه‌های عمرانی ۳۲/۸٪

تولید ناخالص ملی (۱۹۹۸): ٤،۱۰٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی (۱۹۹۸):** ۸۹۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۱/۳٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/٥٪

منشاء تولید ناخالص ملی (۱۹۹۸): کشاورزی ۲٤/٤٪ ؛ صنعت ٤۲/۳٪ ؛ خدمات ۳۳/۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۳۸ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۰ میلیون دلار

بدهی خارجی (۱۹۹۸): ۱،٤۱۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی (۱۹۹۸) :** ۳٦۱/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی (۱۹۹۸): ۲۸/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۷/۱٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱۰/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نارگیل ۷۳٤،۰۰۰ تن؛ موز ٦۸۰،۰۰۰ ؛ سیب‌زمینی شیرین ٤٦۰،۰۰۰ ؛ نیشکر ٤۰۰،۰۰۰ ؛ روغن نخل ۲۹۹،۰۰۰ ؛ سیب‌زمینی هندی ۲۰۰،۰۰۰ ؛ تارو ۱٦۰،۰۰۰؛ کاساوا ۱۱۲،۰۰۰؛ قهوه ٦٦،۰۰۰؛ هستهٔ نخل ٦۳،۰۰۰ ؛ کاکائو ٤۰،۰۰۰ ؛ آناناس ۱۰،٥۰۰؛ چای ۷،۲٦۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۷) : کشاورزی ۱/٥٪ ؛ مرتع و چمنزار ۰/۲٪ ؛ جنگل ۹۲/۳٪ ؛ سایر موارد ٦٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): خوک ۱،٥۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۸٦،۰۰۰ رأس

تولید چوب (۱۹۹۸): ۸،۷۷۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی (۱۹۹۸):** ٦۷،٦٤۰ تن

تولید مرغ (۱۹۹۹): ۳،٦۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ (۱۹۹۹):** ۳،۹۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): مس ۱۸٦،۷۱٥ تن؛ نقره ٥۹،۰۳۷ کیلوگرم؛ طلا ٥۱،٥۷۳ کیلوگرم

تولیدات صنعتی (۱۹۸٥): (ارزش افزوده): مواد غذایی، نوشیدنی ودخانیات ۱٦۲،٥٥۸،۰۰۰ کینا؛ فلزات، مصنوعات فلزی، ماشین‌آلات و تجهیزات ٤۷،٤۹۳،۰۰۰ کینا؛ محصولات چوبی ۲۹،۸۰۷،۰۰۰ کینا

انرژی/ میزان تولید (میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱،۷۹۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،۷۹۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (۱،۰۰۰ تن)؛ فرآورده‌های نفتی: ٥۰،۰۰۰ تن (۷۲۷،۰۰۰)، نفت خام: ٥٤٦،۰۰۰ بشکه (۷،٥۰۰)؛ گاز طبیعی ۸۳،۳۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۸۳،۳۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۸۰): ۷۳۲،۸۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲٤/٦٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۰ سال به بالا): ۳٥/۲٪ ؛ زنان: ۳۹/۸٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ۱۲/۸٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٦۸٪؛ صنعت ۱٥/۱٪ ؛ خدمات ۱٦/۹٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه:؟؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۷): ٤،۳۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۸/٤٪ ؛ نیروی دریایی ۹/۳٪ ؛ نیروی هوایی ۲/۳٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱٤ دلار

واردات (۱۹۹۷): ۲،۸۲۷ میلیون کینا؛ شامل (۱۹۹۰): ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۸/۷٪؛ کالاهای صنعتی اساسی ۲۰/٤٪ ؛ غذا و حیوانات زنده ۱۷/۹٪ ؛ مواد شیمیایی ۷/٥٪ ؛ سوختهای معدنی، روغن گریس و مواد مرتبط ۲/۷٪ ؛ از استرالیا ٥۱/۲٪ ؛ امریکا ۱۳/٦٪ ؛ سنگاپور ۷/٦٪ ؛ ژاپن ۷/۳٪ ؛ زلاند نو ۳/۸٪ ؛ هنگ کنگ ۲/٤٪ ؛ انگلستان ۰/۷٪

صادرات (۱۹۹۷): ۳،۱٤۱ میلیون کینا؛ شامل (۱۹۹۸): طلا ۳۳٪ ؛ نفت خام ۲۱٪ ؛ مس ۱۳/۱٪ ؛ قهوه ۷/۷٪ ؛ روغن نخل ۷/٥٪ دانهٔ کاکائو ۲/۳٪ ؛ به کشورهای (۱۹۹۷): استرالیا ٤۰/٦٪؛ ژاپن ۱۳/۱٪؛ انگلستان ۹/٤٪ ؛ امریکا ۸/۷٪ ؛ آلمان ۷/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون کینا	+۱،۳۲٦	+۱،۷۸۰	+۱،۳۱۸	+۹۲۸/٤	+۱،۳٥٦/۱	+۲،۱۷۳/۱
درصد کل	۳۳/۲٪	۳٥/٥٪	۲٤/۸٪	۱۷/۹٪	۲٤/۲٪	۲۸/٥٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸٥/۳	۱۰۰	۱۱۱/٦	۱۱٦	۱۳۱/۸	۱٥۱/٥
شاخص درآمد هفتگی	۱۰۰	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۰): ٤/٦ نفر؛ درآمد در هر خانوار (۷٦-۱۹۷٥): ۲،۷۷۱ کینا؛ منابع درآمد (۱۹۷۰): دستمزد و حقوق ٥۷/۳٪ ؛ پرداخت‌های انتقالی ۱/۱٪ ؛ کار آزاد و سایر موارد ٤۱/٦٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۷) غذا و نوشیدنی ٤۰/۹٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۳٪ ؛ مسکن ۱۲/٥٪ ؛ پوشاک و کفش ٦/۲٪

جهانگردی (۱۹۹٦): درآمد: ٦۸ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۷۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه (۱۹۸٦): ۱۹،۷۳٦ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل (۱۹۹٤): ۱۳،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس (۱۹۹٤):** ۳۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۸۷ فروند — **فرودگاه (۱۹۹٦):** ۱۲۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه (۱۹۹٦): ۲ روزنامه در ٦٥،۰۰۰ نسخه (۱٥ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱۲۲ عنوان

رادیو (۱۹۹۷): ٤۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۹۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون (۱۹۹۹): ۳٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۸۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن (۱۹۹۸): ٤۷،۰۰۰ خط تلفن (۱۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه (۱۹۹۸): ۳،۰۰۰ خط (۰/۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت (۱۹۹۸):** ٥۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٥)	۲،۷۹۰	۱۳،٦٥۲	٥۲٥،۹۹٥	۳۸/٥
متوسطه	۱۳٥	۲،٤۱٥	٦۸،۸۱۸	۲٤/۱
فنی و حرفه‌ای	۱۱۷	۸۷۸	۹،۹٤۱	۱۲/۹
عالی	۲	۹۰۲	۱۳،٦٦۳	۷/۱

میزان باسوادی (۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۷۲/۲٪ ؛ مردان: ۸۱٪ ؛ زنان: ٦۲/۷٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال (۱۹۹۰): بدون تحصیلات رسمی ۸۲/٦٪ ؛ ابتدایی ۱۳/۲٪؛ حدود متوسطه و بالاتر ٤/۲٪

تعداد پزشک (۱۹۹۸): ۳٤۲ نفر (هر ۱۳،۷۰۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۹): ۱٥،۳۳٥ تخت (هر ۲۳٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز (۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٤،٥۰۰ نفر (۰/۱۹٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل (۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۷۷/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری (۱۹۹۸): ۲،۱٥۸ کالری (۹٥٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤۸ گرم؛ مصرف چربی: ٤۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۱-٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/٤٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن (۱۹۹۷): ۰/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۰/٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٥٤۲ (صد و سی و سومین کشور جهان)

تاریخچه

پاپوآ گینهٔ نو بین ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد به وسیلهٔ ملانزیایی‌ها مسکون گردید. اکثر نزدیک به اتفاق ساکنان این سرزمین در جنگلهای انبوه آن زندگی می‌کردند و بالطبع ارتباطی با جهان خارج نداشتند و با حدود ۷۰۰ گویش مختلف با هم گفتگو می‌کردند. آنان از تمدن و پیشرفت جوامع دیگر ناآگاه بودند و حتی از آهن و چرخ و کاربرد آنها چیزی نمی‌دانستند. در سالهای ۱۹۳۰ زمانی که اروپاییان به آنجا وارد شدند مردم آن به یکباره از عصر حجر به عصر پلاستیک گام نهادند و به اروپاییانی که معدن‌های دست‌نخوردهٔ مس و طلا و نفت میهنشان را غارت می‌کردند، با دیدهٔ تعجب و شگفتی می‌نگریستند. در سال ۱۹۰۶ کشور کنونی پاپوآ گینهٔ نو که تحت‌الحمایهٔ انگلستان بود و به وسیلهٔ دولت استرالیا اداره می‌شد به مستعمرهٔ گینهٔ نو آلمان ملحق گردید. این وضعیت تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت و پس از پایان جنگ دوباره زیر نظر استرالیا و تحت قیمومیت جامعهٔ ملل قرار گرفت. در سال ۱۹۶۴ به خودمختاری داخلی نایل شد و در سال ۱۹۷۵ به استقلال رسید و به یکی از اعضای کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیا مبدل شد.

نظام حکومتی این کشور پارلمانی است و روابط خیلی نزدیکی با استرالیا دارد. در مه ۱۹۸۸ این کشور با جزایر وانوآتو و سلیمان قراردادی به منظور حفظ فرهنگ و سنت‌های ملانزیایی امضاء نمود و در مقابل با دولت اندونزی که نیمهٔ غربی جزیرهٔ گینهٔ نو را در اختیار دارد، از نظر مسائل اراضی و اجتماعی و غیره درگیر بوده است. در ۱۹۸۹ با مالزیا و دیگر کشورهای آسیای جنوب خاوری روابط دوستانه برقرارکرد و به عنوان ناظر به عضویت پیمان آسه‌آن درآمد. فساد اجتماعی و ارتشاء در این کشور تا اندازه‌ای است که نخست‌وزیران ظاهراً از پس مبارزه با آن برنیامده‌اند و حتی خود به جرم فساد و ارتشاء سرنگون گشته و به پای میز محاکمه کشیده شده‌اند. در اوت ۱۹۹۴ نخست‌وزیر پالاتس و ینگتی جای خود را به جولیوس چان داد. نخست‌وزیر جدید نسبت به آزمایش اتمی فرانسه (اکتبر ۱۹۹۵) در اقیانوس آرام به شدت اعتراض کرد.

کشف معدن‌های مس و طلا در جزیرهٔ بوگن‌ویل و دخالت بیگانگان در استخراج و تعطیل عملیات و ارتباط آن با مسائل اجتماعی و فساد و تباهی حاکم بر جامعه به ویژه دولتمردان کشور مزبور، منجر به برکناری جولیوس چان و روی کار آمدن بیل اسکیت در ۱۹۹۷ گردید. وی در اواخر سال ۱۹۹۷ عملیات اکتشاف و استخراج معادن جزیرهٔ بوگن ویل را دوباره آغاز کرد. تشدید بحران اقتصادی سالهای ۱۹۹۷ و ۹۸ کشورهای جنوب شرقی آسیا منجر به تعطیل شدن ۱۳ شرکت که به قطع درختان جنگلی و صدور چوب آن به خارج از کشور اشتغال داشتند، گردید و حدود ۴,۰۰۰ فرصت شغلی از بین رفت.

در ژوئیه ۱۹۹۹، به دنبال اعلام برقراری روابط دیپلماتیک با کشور تایوان و اعلام واگذاری ۲/۵ میلیارد دلار تسهیلات اعتباری از سوی آن کشور به پاپوآ گینهٔ نو، پارلمان ملی، از نخست‌وزیر، بیل اسکیت خواست که استعفاء دهد. به دنبال استعفای وی، پارلمان ملی، رهبر حزب مخالف یعنی جنبش دموکراتیک مردمی را با رأی بسیار بالا، به نخست‌وزیری برگزید. مکره موراتوتا نخست‌وزیر جدید، در اولین اقدام خود، روابط با کشور تایوان را به حالت تعلیق درآورد و برای جبران تسهیلات اعتباری تایوان به صندوق بین‌المللی پول روی آورد. وضعیت اقتصادی در سال ۲۰۰۰ رو به وخامت گذاشت و میزان تورم از مرز ۲۰٪ هم گذشت. استان جدایی‌طلب بوگن‌ویل پس از ده سال تنش و اختلاف با دولت مرکزی، سرانجام در ژوئن ۲۰۰۱ به توافقی با دولت مرکزی دست یافت که طبق آن از خودمختاری داخلی وسیعی برخوردار گردید و در عین حال قرار شد طی سالهای ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۶ به این استان استقلال کامل داده شود.

پاراگوئه PARAGUAY

پاراگوئه کشوری است محصور در خشکی، واقع در مرکز جنوبی نیم قارهٔ امریکای جنوبی که از شمال غربی و شمال به کشور بولیوی، ازخاور به کشور برزیل و از جنوب خاوری و جنوب و غرب به کشور آرژانتین محدود است. در قلب حوضهٔ رودخانهٔ لاپلاتا قرار دارد و به وسیلهٔ رودخانهٔ مزبور به دو منطقهٔ جغرافیایی مجزا تقسیم می‌گردد:

الف - منطقهٔ خاوری دشتی است که به وسیلهٔ ریزابه‌های رودخانه‌های پاراگوای وپارانا مشروب می‌شود و پوشیده از جنگل‌های بارانی است. این منطقه عمده‌ترین ناحیهٔ کشاورزی پاراگوئه بوده و کاساوا، لوبیای سویا، نیشکر، غلات، ذرت و تنباکو از فرآورده‌های آن است.

ب - منطقهٔ غربی یا چاکوی شمالی، علفزار خشکی است که پنبه‌کاری و دامداری عمده‌ترین شغل ساکنان آن است.

بلندترین نقطهٔ پاراگوئه (کوه سان رافائل) حدود ۷۰۰ متر ارتفاع دارد و رودهای پارانا به طول ۳۸۰. ۶ کیلومتر، پاراگوای(پاراگوئه) ۵۵۰ ,۲ کیلومتر و پیلکومایو به طول ۶۰۹ ,۱ کیلومتر، طویل‌ترین رودهای آن محسوب می‌شوند که بیشتر طول مسیر خود را در خارج از پاراگوئه طی می‌کنند. آب و هوای آن نیمه گرمسیری است و در نواحی جنوبی گرم و مرطوب و در سایر نواحی خشک می‌باشد.

محیط زیست این کشور نیز همانند غالب کشورهای جهان سوم از قطع درختان جنگلی و آلودگی‌های ناشی از تمدن جدید به ویژه کارخانجات صنعتی و فاضلاب و زباله‌های شهرهای بزرگ به شدت رنج می‌برد و آلودگی آبهای جاری حیات موجودات زنده را تهدید می‌کند.



تاریخچه

در سدهٔ شانزدهم میلادی در حوضهٔ رودخانهٔ پاراگوای، سه طایفه زندگی می‌کردند. گوارانی‌ها در مرکز، و گوآیکوروس‌ها و پایاگوآس‌ها در ناحیهٔ چاکو که در جنوب قرار داشت. گوارانی‌ها با زراعت سیب‌زمینی شیرین و ذرت و کدو روزگار می‌گذراندند و گوآیکوروس‌ها و پایاگوآس‌ها با شکار و صید ماهی زندگی می‌کردند و اغلب به کشتزارهای گوارانی‌ها حمله می‌بردند و آنان را غارت می‌کردند. همین امر باعث شد تا گوارانی‌ها به اسپانیایی‌هایی که در اواسط سدهٔ شانزدهم به آن منطقه وارد شده بودند، متوسل گردند و دفع آنان را خواستار شوند. اسپانیایی‌ها که برای کشف کوه افسانه‌ای نقره به آن سرزمین وارد شده بودند در سال ۱۵۳۷ قلعه نوئسترا سنیورا د آسونسیون را به وسیلهٔ خوآن دسالازار بنا نهادند و گروه کوچکی را در آن به سکونت و نگهبانی گماشتند. همین دژ بود که به مرور گسترش یافت و پایتخت استان ریودو لاپلاتا (رودخانهٔ نقره) گردید.

وجود گله‌های گاو وحشی توجه اسپانیایی‌ها را که از کشف نقره مأیوس شده بودند، به خود جلب کرد و رفته رفته به ارزش زمین‌های قابل کشت دشتهایی چون بانداااوریئتال (اوروگوئهٔ امروزی) و پامپاهای آرژانتین پی بردند و تجارتخانه‌هایی در بندرهای بوئنوس آیرس و



نام رسمی: جمهوری پاراگوئه

نام محلی: پاراگوای Paraguay

اسامی دیگر: -

پایتخت: آسونسیون (۵۵۰،۰۶۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۸۱۱/۵/۱٤ ، از اسپانیا

روز ملی: چهاردهم ماه مه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦۷

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور: لوئیس‌آنخل گونزالس ماچی، از سال ۱۹۹۹(از حزب کلرادو به مدت ۵ سال برای یک‌بار)

رئیس دولت: رئیس جمهور: لوئیس آنخل گونزالس ماچی، از سال ۱۹۹۹(ازحزب کلرادوبه‌مدت۵ سال برای یک بار)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲؛ کنگرهٔ ملی متشکل از مجلس نمایندگان با ۸۰ عضو و مجلس سنا با ٤٥ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۸): حزب کلرادو ٤٥ کرسی، ائتلاف دموکراتیک (حزب رادیکال لیبرال / بلانکو و حزب مواجهه ملی) ۳۵ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی – آدب، مرکوسور

جمعیت

مساحت: ٤۰٦،۷۵۲ کیلومترمربع (پنجاه و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۵،۵۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۳/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/٦

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۹/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۵٤/٦ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۳/۸

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۳۹/۳ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲٦/۲ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۷/۸ ؛ بالای ٦۰ سال ٪٦/۷

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪۵۰/۲۱ زن ٪٤۹/۷۹ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٦ سال؛ مردان ۷۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۱/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۲/۳ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٦/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٤): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱٦۳ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۵۳ نفر؛ حوادث و تصادفات ٤۸ نفر؛ بیماریهای مربوط به دستگاه تنفسی ۳۸ نفر؛ بیماریها عفونی و انگلی ۲۹ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۹۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۲): ۳/۹ نفر — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): دورگه سرخ و سفید ٪۹۵؛ سرخپوست (گوارانی) ٪۲ ؛ سفیدپوست ٪۲ ؛ آسیایی ٪۱

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ٪۸۸/۵ ؛ پروتستان ٪۵ ؛ دیگر ادیان ٪٦/۵ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: اسپانیایی و گوارانی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۲): سیوداد دل‌استه ۱۳۳،۸۸۱ نفر؛ سان‌لورنزو ۱۳۳،۳۹۵ نفر؛ لامباره ۹۹،۵۷۲ نفر؛ فرناندو دلامورا ۹۵،۰۷۲ نفر؛ کاپیاتا ۸۳،۱۸۹ نفر؛ انکارناسیون ۵۵،۳۵۸ نفر؛ پدروخوآن کابالرو ۵۳،٦۰۱ نفر

بنادر مهم: آسونسیون (رود پاراگوای)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: گوارانی (₲) = ۱۰۰ سنتیمو؛ یک دلار= ۳،۵۰۰ گوارانی؛ صدگوارانی = ۲۲۹ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ٤،۰۱۱/۲ میلیارد گوارانی؛ درآمد مالیاتی ٪٦۹/٤ (شامل: مالیات بر کالا و خدمات ٪۳۹؛ مالیات بر درآمد ٪۱۳/٤ ؛ عوارض گمرکی ٪۱۰/۳ ؛ حق بیمه تأمین اجتماعی ٪٦/۷)؛ درآمد غیر مالیاتی و کمک‌های خارجی ٪۳۰/٦

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ٤،٦۰۵/۸ میلیارد گوارانی؛ هزینه‌های جاری ٪۷۵/٦ (شامل دستمزدها ٪٤۲/٦؛ انتقالی‌ها ٪۲۱/۹ ؛ کالا و خدمات ٪٤/۵ ؛ بهرهٔ بدهی‌ها ٪٤/۱)؛ هزینه‌های عمرانی ٪۲٤/٤

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۹،۱۷۲ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۷٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۵/٦ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٪۲/۳

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۲٤/۹ ؛ صنعت ٪۲٦/۲ ؛ خدمات ٪٤۸/۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۵۱ میلیون دلار؛ ۱۹۹۸: ۱۹۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۵۹۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۷٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱٦/٦

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱٤/٦ ؛ ۱۹۹۸: ٪۱۳/۸ ؛ ۲۰۰۰: ٪۸/٦

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): کاساوا ۳،۵۰۰،۰۰۰ تن؛ سویا ۳،۳۰۳،۵۰۰ تن؛ نیشکر ۲،۸۷۲،۲۷۰ تن؛ ذرت ۸۱۷،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۲۳۰،٦۳۲ ؛ دانهٔ پنبه ۲۰۲،۲۸۳ تن؛ وش پنبه ۱۲۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۷۹،۳٦۵ تن؛ موز ٦۹،۹٦۸ تن

کاربری زمین : کشاورزی ٪۵/٦ ؛ مرتع و چمنزار ٪۵٤/٦ ؛ جنگل ٪۳۱/٦ ؛ سایر موارد ٪۸/۲

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۹،۸٦۳،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲،۵۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸،۰۹۷،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۲٦،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۵،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۵،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ آهک ٦۰۰،۰۰۰ تن؛ کائولین ٦٦،۷۰۰ تن؛ گچ ٤،۵۰۰ تن

تولیدات صنعتی (۱۹۹۸): (ارزش افزوده به قیمت ثابت سال ۱۹۸۰؛ میلیون گوارانی): محصولات غذایی ۵۹،۱۰۰ ؛ محصولات چوبی‌ومبلمان ۲۳،۵۰۰ ؛صنایع‌دستی ۱۰،۳۰۰ ؛چاپ‌ونشر ۹،۲۰۰ ؛ چرم‌وپوست ۷،۰۰۰ ؛ منسوجات ٦،٦۰۰ ؛ مصنوعات غیر فلزی ٦،٦۰۰ ؛ فرآورده‌های نفتی ۳،۸۰۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ٤۸،۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۷،۹۳۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر(۱،۱٤۳،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۵۷،۰۰۰ تن(۱،۰۸٤،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹٦): ۱،۷٤۷،٤۸۸ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳۵/۳ ؛ میزان مشارکت (۱۹۹۲؛ در سنین ۱۲ سال به بالا): ٪۵۱ ؛ زنان: ٪۲۳/۸ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): ٪۹/۸ ؛ ۱۹۹۸: ٪۷/۲ ؛ ۲۰۰۰: ٪۲۱/۳

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪٤۲/۹ ؛ صنعت ٪۱۹/۱ ؛ خدمات ٪۳۸

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲۰،۲۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۳/۸ ؛ نیروی دریایی ٪۱۷/۸ ؛ نیروی هوایی ٪۸/٤ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۹): ۲۵ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۲،٤۷۰/۸ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۳۰/٦ (از جمله تجهیزات حمل و نقل ٪۸/۱)؛ مواد غذایی، نوشیدنی و دخانیات ٪۲۳/۷ ؛ سوخت و روغن‌های روانکاری ٪۷/٦؛ مواد شیمیایی و دارویی ٪۵/٤؛ از کشورهای برزیل ٪۳۲/۲ ؛ امریکا ٪۲۰/۲ ؛ آرژانتین ٪۱۵/٦ ؛ هنگ‌کنگ ٪٦/۹ ؛ ژاپن ٪۲/۷

صادرات(۱۹۹۸): ۱،۰۱٤/۱ میلیون دلار؛ شامل: آرد سویا ٪٤۳/۷ ؛ الیاف پنبه‌ای ٪۹/۱ ؛ الوار چوب ٪٦/۹ ؛ روغن نباتی٪۷/۵ (از جمله روغن سویا ٪٦)؛ فرآورده‌های گوشتی ٪٦/۷ ؛ پوست ٪۳/۸ ؛ به کشورهای برزیل ٪۲۸/۱ ؛ آرژانتین ٪۲۵/۷ ؛ هلند ٪۱۵/۳ ؛ ژاپن ٪٤/۸ ؛ شیلی ٪٤/۷ ؛ امریکا ٪۲/۷ ؛ ایتالیا ٪۲

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۱،۳۲۳/٦	-۱،۸۸۷/٦	-۱،۸۰۷	-۱،۸٦۸/۵	-۱،۸٦٦/٤	-۱،٤۵٦/۷
درصد کل	٪٤٤/۸	٪۵۰/۵	٪٤٦/٤	٪٤٦/۲	٪٤۵/۹	٪٤۱/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۸/۲	۱۰۰	۱۰۹/۸	۱۱۷/۵	۱۳۱	۱۳۹/۹
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ٤/۷ نفر؛ منابع درآمد (۱۹۸۹): دستمزد و حقوق ٪۳۳/۹ ؛ پرداخت‌های انتقالی ٪۲/۵

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۵۹۵ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱٤۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۲۹،۵۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ٤٤۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۷۱،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۵۰،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۳۸ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۵ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۵ روزنامه در ۲۱۳،۰۰۰ نسخه (٤۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱۵۲ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۹۲۵،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۸۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۵۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۰۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۸۸،۰۰۰ خط تلفن (۵۵ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۱۵،۰۰۰ خط (٤۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۵۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۵،۹۲۸	٤۱،۷۱۳	۸۹۵،۷۷۷	۲۱/۵
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۱،٤۵٤	۱۷،٦٦۸	۲۹۳،٦۵۱	۱٦/٦
عالی	۲	۷٤۲	٤۲،۳۰۲	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۹۲/۱ ؛ مردان: ٪۹۳ ؛ زنان: ٪۹۰/٦

میزان تحصیلات‌افرادبالای۱۵سال(۱۹۹۲): بدون تحصیلات رسمی ٪۷ ؛ ابتدایی ٪٦۱/۲ ؛ متوسطه ٪۲۳/۲ ؛ عالی ٪٦/٦

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۳،۷۳۰ نفر(۱،۲۹٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۵): ٦،۷۵۹ تخت (هر ۷۱٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۳،۲۰۰ نفر(٪۰/۱۳ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۹/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٦۰۰ کالری (٪۱۱۳ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷۷ گرم؛ مصرف چربی: ۷۹ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۲/۵ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۲/٦

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۳٦ (هشتاد و یکمین کشور جهان)

مونته‌ویدئو تأسیس نمودند و آسونسیون را به دست فراموشی سپردند. زمین‌های پیرامون بوئنوس‌آیرس و مونته‌ویدئو به مرور ارزش ملکی فراوانی یافت و همزمان یسوعی‌ها نیز به احداث ماندگاههای زراعی در سرزمینی که امروزه پاراگوئه نامیده می‌شود، پرداختند. جامعهٔ یسوعی‌ها در ۱۷۶۷ از بین رفت و ساکنان بومی آن به عنوان برده به مزارع نیشکر برزیل و دامداری‌های آن برده شدند. اگرچه استان پاراگوئه به انقلاب لیبرال ۱۸۱۰ امریکای لاتین نپیوست، با این حال طبقات و گروههای مؤثر اجتماعی، فرماندار اسپانیایی پاراگوئه را در ۱۴ ماه مه ۱۸۱۱ از کار برکنار کرده و خواستار تجارت آزاد چای‌ماته و توتون شدند. این تاریخ بیانگر روز استقلال پاراگوئه است. پس از آن قدرت به دست گاسپار رودریگز د فرانسیا افتاد که با شیوهٔ دیکتاتوری به حکومت پرداخت.

پاراگوئه دهها سال بدون این که ارتباطی با دنیای خارج داشته باشد، به رشد و توسعهٔ خود پرداخت و به دور از اعمال نفوذ و دست‌اندازی انگلیسی‌ها به راه خود ادامه داد. در سال ۱۸۶۵ سه کشور آرژانتین، اوروگوئه و برزیل با پشتیبانی انگلستان و حمایت بانک انگلیسی بارینگ برادرز، به بهانهٔ اختلافات مرزی با پاراگوئه به جنگ پرداختند و از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۵ دو همسایه و دو برادر یعنی پاراگوئه و بولیوی بر سر ناحیهٔ چاکو باهم جنگیدند. هرچند جنگ مزبور به سود پاراگوئه پایان یافت ولی به قیمت جان و زندگی حدود ۵۰،۰۰۰ پاراگوئه‌ای تمام شد.

از ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۴ بیست و دو رئیس جمهور بر پاراگوئه حکومت کردند و کودتای ۱۹۵۴ به حکومت آخرین آنها پایان داد و ژنرال آلفردو استروسنر به ریاست جمهوری رسید. وی که از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۸ مقام ریاست جمهوری را ۷ بار پیاپی از آن خود کرده بود، دست به اقدامات اصلاحی زد و موجبات رشد و توسعهٔ صنعتی کشور را فراهم ساخت و در مقابل، آزادیخواهان را سرکوب نمود و مخالفت شدید کاتولیک‌ها را فراهم آورد. در سوم فوریه ۱۹۸۹، ژنرال استروسنر طی کودتایی سرنگون شد و پدر عروسش، ژنرال آندرز رودریگز، فرمانده نیروی زمینی، حکومت را در دست گرفت و بلافاصله فرمان برگزاری انتخابات آزاد را در پاراگوئه صادر نمود. در انتخابات یکم مه ۱۹۸۹ کلیهٔ احزاب سیاسی به جز کمونیست‌ها شرکت کردند و ژنرال رودریگز را به ریاست جمهوری برگزیدند. در دسامبر ۱۹۹۱ قانون اساسی کشور مورد تجدید نظر قرار گرفت و همزمان طرح عظیم هیدروالکتریک ایتائیپو در مرز برزیل به مرحلهٔ اجرا گذارده شد و موجبات همکاریهای اقتصادی دو کشور برزیل و پاراگوئه را فراهم آورد.

قانون اساسی جدیدی در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید که به موجب آن مجازات اعدام برای جرائم عادی لغو گردید. در انتخابات مه ۱۹۹۳ خوآن کارلوس واسموسی به مقام ریاست جمهوری رسید و زمام امور کشور را به عنوان نخستین رئیس جمهور غیرنظامی در دست گرفت. در سال ۱۹۹۴ ژنرال رامون روزاس رودریگز که فرماندهی جنگ علیه تولیدکنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر را بر عهده داشت، قبل از ارائهٔ گزارشی که مطابق آن چند تن از فرماندهان ارتش منجمله ژنرال لینو اوویدو در قاچاق مواد مخدر دست داشتند، ترور شد و در پی آن شورش و ناامنی سراسر کشور را فرا گرفت و طی آن صدها تن به دست پلیس زخمی شدند. در سال ۱۹۹۵ گروهی مرکب از ۸ افسر عالیرتبهٔ ارتش به فرمان رئیس جمهور بازنشسته شدند و همین امر بهانه‌ای شد تا در آوریل ۱۹۹۶ ژنرال لینو اوویدو پادگانهای نظامی را تصرف کند و افسران جوان را به شورش وادارد.

در انتخابات داخلی برای تعیین کاندیدای ریاست جمهوری از طرف حزب کلرادو در سپتامبر ۱۹۹۷ کارلوس واسموسی جای خود را به ژنرال لینو اوویدو واگذار کرد. در آوریل ۱۹۹۸ ژنرال اوویدو به دلیل سوء استفاده از مقام خود و شرکت در کودتاهای گذشته و دخالت در انتخابات ریاست جمهوری، به دادگاه نظامی فرا خوانده شد و به ده سال زندان محکوم گردید و در انتخابات ۱۰ مه ۱۹۹۸ که به دور از اعمال نفوذ ژنرال اوویدو برگزار شد رائول کوباس از حزب کلرادو، به ریاست جمهوری رسید.

مدتی بعد کوباس، ژنرال اوویدو را از زندان آزاد کرد و این امر موجب برپایی شورش‌ها و اعتراضات گسترده‌ای شد که در پی آن کوباس در مارس ۱۹۹۶ به برزیل و ژنرال اوویدو به آرژانتین گریخت. بلافاصله رئیس کنگرهٔ ملی، لوئیس گونزالس ماچی، به عنوان رئیس جمهور موقت سوگند یاد کرد و سپس از سوی دادگاه عالی به او اجازه داده شد که تا سال ۲۰۰۳ این مقام را در اختیار داشته باشد. در طی سال ۲۰۰۱، رئیس جمهور این کشور با اعتراضات و تظاهرات متعددی روبرو بود که خواهان استعفای وی بودند. پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، دولت پاراگوئه یکی از تنها دو کشور امریکای لاتین بود که پیشنهاد اعزام نیرو برای شرکت در نبرد ضد تروریسم در افغانستان را ارائه داد.

پاکستان PAKISTAN

پاکستان در جنوب آسیا جای دارد و از شمال به افغانستان، از خاور به چین و هند، از جنوب به دریای عرب (اقیانوس هند) و از غرب به ایران محدود است. پاکستان را از نظر جغرافیایی به دو منطقه می‌توان تقسیم نمود:

الف – حوضهٔ رود سند که در خاور کشور واقع است و از ارزش اقتصادی و حیاتی فراوانی برخوردار است. رودخانهٔ سند از کوههای هیمالیا(هیمالایا) سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از کشمیر و نواحی خاوری پاکستان به دریای عرب می‌ریزد و اکثریت جمعیت کشور در حوضهٔ همین رودخانه بسر می‌برند و غلات و پنبه و برنج و کتان و کنف و لوبیای سویا از مهمترین فرآورده‌های کشاورزی آن است. اقلیم این منطقه در نواحی شمالی معتدل و نیمه‌مرطوب و در نواحی جنوبی گرم و مرطوب است. رودهای مهم این منطقه، علاوه بر سند (به طول ۳۱۸۰ کیلومتر) عبارتند از: ساتلج، چناب، جلوم(جهلوم) و راوی.

ب – نواحی واقع در غرب رود سند، سرزمینی است کوهستانی که از فلات پامیر در شمال شروع می‌شود و با شامل شدن قسمتهایی از کوههای هندوکش و سلیمان به ناحیهٔ کوهستانی و خشک بلوچستان پایان می‌یابد. بلندترین نقطهٔ کشور پاکستان به نام قله تیریچ‌میر ۷۶۹۰ متر ارتفاع دارد. اقلیم این منطقه در شمال سرد و نیمه مرطوب و درجنوب به ویژه در بلوچستان گرم و خشک است. رودهای مهم این منطقه خیبر، ژوب، هب(حب)، هنگول و دشت است.



تاریخچه

تاریخ پاکستان در روزگار بس دور با تاریخ امپراتوری ایران و هند قرابت دارد و تا پیش از ظهور اسلام اکثراً بخشی از امپراتوری ایران بوده است. نخستین مسلمانانی که به این سرزمین وارد شدند، بازرگانان مسلمان ایرانی و عرب بوده‌اند. محمدابن قاسم در سال ۷۱۱ میلادی درهٔ سند را تصرف کرد و رسماً به ترویج دین اسلام پرداخت. در سدهٔ سیزدهم میلادی زمانی که حکومت اسلامی هند پایه گذاری شد و دهلی را به پایتختی برگزید، موقعیت مرزهای خود را به ویژه از سوی غرب تحکیم نمود و سرزمین پاکستان امروزی را ضمیمهٔ خود ساخت. حکومت اسلامی هند به دست مغولان منقرض گردید. نفوذ و تسلط انگلیسی‌ها بر شبه قارهٔ هند، به تقویت هندوها در مقابله با مسلمانان کمک کرد تا جایی که در اوایل سدهٔ بیستم، رهبران مسلمان را بر آن داشت تا نسبت به تشکل سیاسی مسلمین اقدام کنند.

در ۱۹۰۶ نمایندهٔ رهبران مسلمین با نایب‌السلطنهٔ هند دیدار کرد و حوزهٔ انتخابیهٔ جداگانه‌ای را برای مسلمانان درخواست نمود و در همان سال حزب مسلم لیگ در شهر داکا تأسیس گردید تا از حقوق مسلمانان دفاع کند. در سال ۱۹۰۹ انگلیسی‌ها با درخواست مسلمانان در مورد حوزهٔ انتخابیهٔ جداگانه موافقت کردند و حزب مسلم لیگ را به عنوان نمایندهٔ جامعهٔ مسلمانان



نام رسمی: جمهوری اسلامی پاکستان

نام محلی: پاکستان Pākistān

اسامی دیگر: -

پایتخت: اسلام‌آباد (۷۹۹،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹٤۷/۸/۱٤ ، از انگلستان

روز ملی: چهاردهم اوت و بیست و سوم مارس

نوع حکومت: جمهوری‌اسلامی‌بادومجلس‌قانونگذاری،(ازسال۱۹۹۹رژیم‌نظامی‌موقت)

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ژنرال پرویز مشرف، از سال ۲۰۰۱

رئیس دولت: نخست وزیر: میر ظفرالله‌خان جمالی (مسلم لیگ – شاخه قائد اعظم)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۳، آخرین تغییرات ۲۰۰۱؛ مجلس شورا با ۳٤۲ نماینده(۱۰ کرسی آن برای اقلیتهای دینی و ٦۰ کرسی برای زنان در نظر گرفته شده است) به مدت ٤ سال و مجلس سنا با ۸۷ عضو(هر دو سال یک‌بار یک سوم اعضای آن انتخاب می‌شوند)؛ کرسی‌های مجلس‌شورا (۲۰۰۲): حزب مردم ۷۱کرسی، حزب مسلم‌لیگ(شاخه قائد اعظم)٦۹، مجلس عمل‌متحد(اسلامگرا) ۵۳، حزب مسلم‌لیگ(شاخه نوازشریف) ۱٤، جنبش قومی‌متحد ۱۳، ائتلاف‌ملی ۱۲، بقیه ۱۱۰کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۷)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، ایدب، اکو، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع (عضویت آن پس از کودتای ۱۹۹۹ به حالت تعلیق درآمده است)

جمعیت

مساحت: ۷۹٦،۰۹۵ کیلومترمربع (سی و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۵٦،۵۰۰،۰۰۰ نفر درسال ۲۰۰۰ (ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۹٦/٦ نفردر کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/۸

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲٦۳ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۳۵/۹ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪٤/٦

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ٪٤۳/۲ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲٦/۹ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲٤/٤ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۵/۵

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٪۵۱/۹۵ ؛ زن ٪٤۸/۰۵ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۱/۵ سال؛ مردان ۵۹/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۳/۱ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۸٤/٦ نفر | **رشدطبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۳/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد مورد(۱۹۸۷): مالاریا ۱۸/۲ نفر؛ بیماریهای کودکان ۱۲/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۹/۸ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۹/۲ نفر؛ بیماریهای عفونی روده‌ای ۷/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/۷ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۸): پنجابی ٪۵۰ ؛ سندی ٪۱۵ ؛ پشتو ٪۱۵ ؛ بلوچ ٪۵ ؛ بقیه ٪۱۵

دین(۱۹۹۳): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان ٪۹۵ ؛ مسیحی ٪۲ ؛ هندو ٪۱/۸ ؛ دیگر ادیان ٪۱/۲

زبان و خط: اردو (زبان رسمی)؛ پنجابی؛ سندی؛ پشتو؛ بلوچی؛ براهویی؛ انگلیسی؛ خط : اردو

شهرهای مهم(۱۹۹۸): کراچی ۹،۲٦۹،۰۰۰ نفر؛ لاهور ۵،۰٦۳،۰۰۰ نفر؛ فیصل‌آباد(لیالپور) ۱،۹۷۷،۰۰۰ نفر؛ راولپندی ۱،٤۰٦،۰۰۰ نفر؛ مولتان ۱،۱۸۲،۰۰۰ نفر؛ گوجرانواله ٦۵۸،۷۵۳ نفر؛ پیشاور ۵٦٦،۲٤۸ نفر

بنادر مهم: کراچی (دریای عرب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: روپیه پاکستان (PRs) = ۱۰۰ پایسا؛ یک دلار= ۵۹/٤۵ ؛ یک روپیه = ۱٤۳/۵ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ٤۵۰،۲۱۲ میلیون روپیه؛ درآمدهای غیر مالیاتی ٪۲۲/۷ ؛ مالیات بر درآمد ٪۲۲/۳ ؛ عوارض گمرکی ٪۱۹/۳ ؛ مالیات کالاهای داخلی ٪۱٤/٤ ؛ عوارض اضافی ٪٦/۷

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ٤٦۱،۹۰٦ میلیون روپیه؛ بازپرداخت بدهی‌ها ٪۵۳/۷ ؛ دفاع ٪۲۹ ؛ کمک و سوبسید ٪۵/۹ ؛ هزینه‌های اداری ٪٤/٤

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): ٦۱،٤۵۱ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪٦/۲ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪٤/۳

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۲٦/٤ ؛ صنعت ٪۲٤/۷ ؛ خدمات ٪٤۸/۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲۲۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٤۹۷ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲٦،۰٦۱ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱،۰٤۹/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۲/۷

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱۱/۱ ؛ ۱۹۹۸: ٪۷/۸ ؛ ۲۰۰۰: ٪۳/٦

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): نیشکر ۵۳،۱۰٤،۰۰۰ تن؛ گندم ۱۷،۸٦۸،۰۰۰ تن؛ برنج ۷،۰۱۱،۰۰۰ تن؛ دانهٔ پنبه ٤،٤۸٦،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱،٤۲٦،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱،۲٦۰،۰۰۰ تن؛ نخود ۷٦۷،۰۰۰ تن؛ دانهٔ منداب ۲۷۵،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪۲۷/۷ ؛ مرتع ٪٦/۵ ؛ جنگل ٪٤/۵ ؛ سایر موارد ٪٦۱/۳

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): بز ٤۸،۵۷۵،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۳۲،۳۸۳،۰۰۰؛ بوفالو ۲۱،۲۱۳،۰۰۰ ؛ گاو ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۰،۹۰۸،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۵۷۵،۱۳۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۲۳،۰۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۸۵،٦۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۹۷-۱۹۹٦): سنگ‌آهک ۹،۷۲۰،۰۰۰تن؛سنگ‌نمک ۱،۰۲٤،۰۰۰؛ گچ ۵٦۱،۰۰۰؛ ماسه‌سیلیسی ۱۸۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): سیمان ۹،۵۷۱،۰۰۰ ؛ کود شیمیایی ٤،۱٦۵،۰۰۰ (از جمله اوره ۳،۲۵۷،۰۰۰ تن)؛ شکر تصفیه شده ۲،٤۷۰،۰۰۰ ؛ نخ پنبه‌ای ۱،٤٦۵،۰۰۰ ؛ فرآورده‌های گیاهی ۷۱۷،۰۰۰ ؛ مواد شیمیایی ۳۹۷،۰۰۰؛ مصنوعات ژوت ۷۰،٦۰۰ تن؛ پارچه‌های نخی ۳۲۷،۰۰۰،۰۰۰ مترمربع؛ سیگار ٤٤،۷۰۱،۰۰۰،۰۰۰ پاکت؛ لاستیک وسایل نقلیه ۱،۰۰۳،۰۰۰ حلقه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۵۹،۰۸۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۵٦،۹٤٦،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۳،۱٤٤،۰۰۰ تن (٤،۷۱۸،۰۰۰)؛ نفت خام: ۲۰،۰۵۲،۰۰۰ بشکه(٤۹،٦۰۹،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۵،۸۹۰،۰۰۰ تن(۱۵،۸٤۲،۰۰۰) گاز طبیعی: ۱۹،۸۰۹،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب(۱۷،۸۹٤،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال‌اقتصادی(۹۷-۱۹۹٦): ۳۷،۱۵۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۲۷/۵ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤ سال): ٪٤۱/۳ ؛ زنان (۹۵-۱۹۹٤): ٪۱۲/۸ ؛ میزان بیکاری ٪۵/٤ ؛ (۲۰۰۰-۱۹۹۹): ٪٦/۱

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪٤۹/٦ ؛ صنعت ٪۱۹/۲ ؛ خدمات ٪۳۱/۲

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸) ۵۸۷،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۸۸/٦ ؛ نیروی دریایی ٪۳/۷ نیروی هوایی ٪۷/۷ ؛ سرانه هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۲٦ دلار

واردات(۹۷-۱۹۹٦): ۱۱،۸۹٤/۲ میلیون دلار؛ شامل: فرآورده‌های نفتی ٪۱۹ ؛ ژنراتورهای برق ٪۸/٤ ؛ ماشین‌آلات ٪۹/٦ مواد شیمیایی آلی ٪۵/٤ ؛ روغن و کرهٔ نباتی ٪۵/۳ ؛ گندم ٪٤ ؛ مصنوعات آهنی و فولادی ٪۳/۹ ؛ از امریکا ٪۱۲ ؛ ژاپن ٪۸/۷؛ کویت ٪٦/۹ ؛ عربستان سعودی ٪٦ ؛ امارات متحدهٔ عربی ٪۵/۷ ؛ آلمان ٪۵/٦ ؛ انگلستان ٪۵؛ مالزیا ٪٤/۷ ؛ چین ٪٤/٦

صادرات(۹۷-۱۹۹٦): ۸،۳۲۰/۳ میلیون دلار؛ شامل: منسوجات ٪۵/۲ ؛ لباسهای آماده ٪۲۱/٤؛ برنج ٪۵/٦ ؛ کالاهای چرمی ٪۳ ؛ الیاف پنبه‌ای و ضایعات آن ٪۰/۹ ؛ به امریکا ٪۱۷/۸ ؛ هنگ‌کنگ ٪۹/۳ ؛ آلمان ٪۷/۵ ؛ انگلستان ٪۷/۲ ؛ ژاپن ٪۵/۸ ؛ امارات متحدهٔ عربی ٪٤/۷ ؛ هلند ٪۳/۳ ؛ ایتالیا ٪۲/۹

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۱،۵۳۱/٦	-۳،٤۹۵/٦	-۲،۸۵٦/۳	-۲،۸٦۹/۸	-۸۲۰/٤	؟
درصد کل	٪۹/٤	٪۱۷/۹	٪۱۳/۳	٪۱٤	٪٤/٦	٪۱۰

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۹	۱۰۰	۱۱۰/٤	۱۲۲/۹	۱۳۰/٦	۱۳٦
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۸۸): ٦/۳ نفر؛ درآمد هر خانوار: ۲۵،۵۷۲ روپیه؛ منابع درآمد: کار آزاد ٪۵٦ ؛ دستمزد و حقوق ٪۲۲ ؛ دیگر موارد ٪۲۲ ؛ هزینه‌ها: غذا ٪٤۷ ؛ مسکن سازی ٪۱۲ ؛ پوشاک و کفش ٪۸ ؛ دیگر موارد ٪۳۳

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۱۱۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۳٦٤ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۲۲۹،۹۳٤ کیلومتر | **راه‌آهن(۹۷-۱۹۹٦):** ۸،۷۷۵ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ٦٦۵،۱۰۲ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۲۹۱،٦۸۳ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۷۳ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۳۵ فرودگاه

روزنامه: ۲٦٤ روزنامه در ۲،۸٤۰،۰۰۰ نسخه (۲۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱۲٤ عنوان در ۷۱٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۵،۷۵۸/۰٦ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱۳،۵۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۰۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۳،۱۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲،۷۵۷،۰۰۰ خط تلفن(۲۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۰۲،۰۰۰ خط (۱/۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۵٦۱،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ٦۱،۹۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۱۵۸،۵۱۱	۳٤٦،۰۰۰	۱٦،٦٤۲،۰۰۰	٤۸/۱
متوسطه	۲۵،۹۱۳	۲۵۹،۲۰۰	۵،۵٤۵،۰۰۰	۲۱/٤
فنی و حرفه‌ای	٦۷۳	۷،۵۰۰	۹۵،۰۰۰	۱۲/۷
عالی	۹۸٤	۳٤،۱۰۰	۱،۰۵۳،۰۰۰	۳۰/۹

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۳۷/۸ ؛ مردان: ٪۵۰ ؛ زنان: ٪۲٤/٤

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۰): بدون تحصیلات رسمی٪۷۳/۸ ؛ ابتدایی ٪۹/۷ ؛ متوسطه ٪۱٤

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۷۸،٤۷۰ نفر(هر ۱،۷۲٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۸۹،۹۲۹ تخت (هر ۱،۵۰٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٦٤،۰۰۰ نفر(٪۰/۰۹ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٤۷٦ کالری(۱۹۹۵: ٪۱۰۷ حداقل‌مقدار کالری‌مورد نیاز توصیه شده توسط فائو) مصرف پروتئین : ٦۱ گرم؛ مصرف چربی: ٦۵ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۳/۱ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۲/۹

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱/٤ کیلوگرم برای هر هزار نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۹٤/۵ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۵۲۲ (صد و سی و پنجمین کشور جهان)

به رسمیت شناختند. در سالهای ۱۹۳۰ زمزمهٔ هویت خواهی مسلمانان فزونی گرفت و حزب مسلم لیگ تحت رهبری محمدعلی جناح مبارزات سیاسی خود را برای جداسازی پاکستان از هند شدت بخشید و به دنبال آن رابطهٔ میان هندوها و مسلمانان تیره شد و منجر به زد و خوردها و تشنج های سیاسی در شبه قارهٔ هند گردید و رهبر کنگرهٔ ملی هند را وادار نمود تا تأسیس پاکستان را بعنوان راه حل این معضل بپذیرد. در سوم ژوئن ۱۹۴۷ طرح جدایی هند و پاکستان از طرف رهبران مسلم لیگ و حزب کنگره مورد تصویب قرار گرفت و در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ دولت جدید پاکستان که شامل دو قسمت پاکستان غربی (شامل بلوچستان و سند و پنجاب) و پاکستان شرقی یا بنگال خاوری بود، تأسیس گردید.

نخستین قانون اساسی پاکستان در مارس ۱۹۵۶ تصویب گردید و دولت غیر نظامی پاکستان در کودتای اکتبر ۱۹۵۸ برکنار شد و حکومت نظامی اعلام گردید و ژنرال ایوب خان فرماندهی نیروهای مسلح و همچنین رهبری کشور را برعهده گرفت. حکومت نظامی در سال ۱۹۶۲ لغو شد و قانون اساسی جدیدی که اختیار مطلق را به رئیس جمهور اعطا می کرد، به تصویب رسید. ایوب خان در مارس ۱۹۶۹ برکنار شد و ژنرال یحیی خان به ریاست جمهوری رسید.

در سال ۱۹۷۰ اولین انتخابات عمومی در پاکستان برگزار شد و حزب های عوامی لیگ و مردم پاکستان در هر دو سرزمین (پاکستان شرقی و پاکستان غربی) برندهٔ اکثریت گردیدند. مردم پاکستان شرقی که از الحاق سرزمینشان به پاکستان غربی و امتیازهای ظاهراً بناحق پاکستان غربی ناراضی بودند، جدا شدن از پاکستان غربی و استقلال سرزمین خود را اعلام داشتند و کشور بنگلادش را تحت رهبری حزب عوامی لیگ در مارس ۱۹۷۱ تأسیس نمودند. شیخ مجیب‌الرحمان رهبر حزب عوامی لیگ دستگیر شد و جنگ میان دو پاکستان درگرفت و حزب عوامی لیگ دولت در تبعید بنگلادش را تشکیل داد و سرانجام با پشتیبانی ارتش هند، استقلال بنگلادش در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۱ رسمیت یافت.

ذوالفقار علی بوتو، رهبر حزب مردم پاکستان پس از کناره گیری ژنرال یحیی خان در سال ۱۹۷۲ دولت غیر نظامی پاکستان را تشکیل داد. وی که در انتخابات ۱۹۷۷ مجدداً به ریاست جمهوری رسیده بود، به دست ژنرال ضیاءالحق سرنگون شد و بازداشت گردید و به مرگ محکوم شد و با چوبهٔ دار اعدام گردید. ضیاءالحق کشور پاکستان را به سرعت رو به اسلامی شدن سوق داد و شرع اسلام را بر کشور حاکم گردانید و با استبداد و خودکامگی تمام حکومت کرد و کلیهٔ احزاب را منحل نمود. ضیاءالحق در اوت ۱۹۸۸ در یک سانحهٔ هوایی کشته شد و غلام اسحاق خان رئیس مجلس سنا ریاست جمهوری موقت کشور را بر عهده گرفت و در نوامبر ۱۹۸۸ انتخابات برگزار گردید و با پیروزی حزب مردم، بی‌نظیر بوتو دختر مرحوم ذوالفقار علی بوتو به نخست‌وزیری رسید و دموکراسی را پس از ۱۱ سال به پاکستان بازگردانید. وی کلیهٔ زندانیان سیاسی زمان ضیاءالحق را آزاد کرد و به زنان موقعیت و شخصیت حقوقی و سیاسی و اجتماعی بخشید.

پاکستان که در سال ۱۹۵۴ به سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی (سیتو) پیوست و در ۱۹۵۵ به سازمان پیمان مرکزی (سنتو) نیز ملحق گردید، غالباً با امریکا روابط نزدیک و دوستانه داشته است. در مقابل از نظر مالکیت کشمیر با هندوستان اغلب روابط تیره‌ای داشته و جنگهای بی‌نتیجهٔ سالهای ۱۹۴۸، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ به آتش‌بس موقت انجامیده است. در دههٔ ۱۹۸۰ هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی نیروهای نظامی خود را به افغانستان گسیل داشت، پاکستان موضع سختی در قبال کشور شوروی اتخاذکرد و به تجهیز و پشتیبانی مجاهدین افغانی پرداخت و گروه‌های مقاومت افغانستان را در پاکستان جای داد و به امریکا اجازه داد تا از پایگاههای پاکستانی علیه اشغال گران استفاده کند و به حمایت و پشتیبانی مبارزان افغانی بپردازد.

در ششم اوت ۱۹۹۰ غلام اسحاق خان بی‌نظیر بوتو را به بهانهٔ فساد اداری از مقام نخست‌وزیری برکنار کرد و غلام مصطفی را مأمور تشکیل دولت کرد. در انتخابات اکتبر ۱۹۹۰ نوازشریف، از حزب عوامی لیگ، به نخست‌وزیری رسید. بعد از حملهٔ عراق به کویت و شروع جنگ خلیج فارس، پاکستان در کنار امریکا قرار گرفت و به عربستان سعودی نیرو فرستاد. در نوامبر ۱۹۹۰ یک سری بحران‌های سیاسی و اداری کشور را فرا گرفت و بعضی بانکها اعلام ورشکستگی کردند. در فوریهٔ ۱۹۹۲ اختلاف میان پاکستان و هند بر سر کشمیر، کشورهای مزبور را به پرتگاه جنگ کشانید. هواداران جبههٔ آزادیبخش جامو و کشمیر دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند و استقلال خود را خواستار شدند. در پی آن بحران در مرزهای هند و پاکستان در جامو و کشمیر وارد مرحلهٔ جدید و خطرناکی شد و عده‌ای از تظاهرکنندگان کشته شدند. از سوی دیگر روابط پاکستان با امریکا به علت برنامه‌های پاکستان برای تهیهٔ سلاح‌های اتمی رو به تیرگی نهاد.

در نوامبر ۱۹۹۲ بی‌نظیر بوتو راهپیمایی بزرگی را بین راولپندی و اسلام‌آباد ترتیب داد و خواستار برکناری نواز شریف شد و به دنبال آن پلیس بی‌نظیر بوتو و حدود ۱,۶۰۰ تن از تظاهرکنندگان را دستگیر کرد و بی‌نظیر بوتو را به مدت ۳۰ روز در زندان کراچی بازداشت کرد. در آوریل ۱۹۹۳ غلام اسحاق خان رئیس جمهور پاکستان نوازشریف را به بهانهٔ فساد و عدم کارآیی از نخست‌وزیری برکنار کرد و نوازشریف نیز متقابلاً رئیس جمهور را به قانون‌شکنی و جرائم دیگر متهم نمود و در نتیجه هر دو رهبر از کار کناره گیری کردند و معین کوره‌چی مقام ریاست جمهوری را موقتاً عهده‌دار گردید. در انتخابات اکتبر و نوامبر ۱۹۹۳ فاروق احمد لقاری و بی‌نظیر بوتو که هردو از حزب مردم پاکستان بودند به مقام ریاست جمهوری و نخست‌وزیری رسیدند.

با روی کار آمدن خانم بی‌نظیر بوتو، آشوب و تظاهرات خیابانی سراسر پاکستان را فرا گرفت و در رویارویی مخالفان، حدود ۳,۵۰۰ تن جان خود را از دست دادند. یکی از مشکلات بی‌نظیر بوتو برادر او مرتضی بوتو بود که در رویارویی با پلیس در سپتامبر ۱۹۹۶ کشته شد. مرتضی بوتو که فرماندهی گروهی از شورشیان مسلح را بر عهده داشت و خواستار برکناری نخست‌وزیر بود از زمان اعدام پدرش در سال ۱۹۷۷ در صحنه‌های سیاسی با خواهرش مخالفت می کرد.

در سال ۱۹۹۶ بوتو برای برکنار شدن از مقام نخست‌وزیری تحت فشار شدید قرار گرفت و ناگزیر تن به برگزاری انتخابات داد و نواز شریف رهبر حزب مسلم لیگ، مقام نخست‌وزیری را اشغال کرد. در سال ۱۹۹۸ پاکستان در پاسخ به آزمایش هسته‌ای هند، نخستین بمب هسته‌ای خود را آزمایش کرد و رویارویی هند و پاکستان بر سر مسئلهٔ کشمیر دو کشور همسایه را تا لب پرتگاه جنگ کشانید و دولت نواز شریف مراجعه به آراء عمومی را برای خودمختاری کشمیر پیشنهاد نمود.

در دوازدهم اکتبر ۱۹۹۹، ژنرال پرویز مشرف فرمانده عملیات پاکستان در نواحی کشمیر با یک کودتا، نواز شریف را از کار برکنار کرد و خود قدرت را به دست گرفت. این کودتا پس از آن صورت گرفت که نواز شریف وی را از مقامش خلع نموده بود. کمی بعد نواز شریف توسط دادگاهی به اتهام اقدام به آدم‌ربایی (ربودن ژنرال مشرف) محکوم گردید. در سال ۲۰۰۱، پرویز مشرف اقداماتی را آغاز کرد تا با معرفی خود به عنوان رئیس جمهور قانونی کشور بتواند با نخست‌وزیر هند دیدار کند و به حل آشتی جویانه مسئلهٔ کشمیر بپردازد. از سوی دیگر پشتیبانی تمام‌عیار و کامل این کشور از حاکمیت گروه طالبان در افغانستان، این کشور را با معضلات زیادی روبرو ساخته بود.

پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا و اتهام امریکا به گروه القاعده که رهبر آن، اسامه بن لادن در افغانستان زندگی می کرد، به دست داشتن در این عملیات مشکلات دولت پاکستان نیز رو به فزونی نهاد. از سویی دولت امریکا، از گروه طالبان می خواست که اسامه بن لادن و تمامی رهبران آن را به امریکا تسلیم نماید و گروه طالبان از اجرای این خواسته سر باز می زد و فضای جنگ بین امریکا و گروه طالبان پررنگ‌تر می شد و از سوی دیگر مردم پاکستان نیز تظاهرات بزرگی را در حمایت از گروه طالبان برگزار می کردند. این در حالی بود که ژنرال پرویز مشرف حمایت تمام و کمال خود را از اقدامات امریکا در افغانستان اعلام می کرد و پایگاههای نظامی در اختیار ارتش امریکا قرار می داد.

با سرنگونی دولت طالبان در افغانستان، پاکستان سعی دارد با بهبود بخشیدن به روابط خود با مخالفان گروه طالبان که اکنون قدرت را به دست گرفته‌اند، مواضع از دست رفتهٔ خود در افغانستان را بازیابد. در نیمهٔ اول سال ۲۰۰۲ چندین عملیات تروریستی بر علیه افراد و ساختمانهای امریکایی در پاکستان صورت گرفت و یک اتوبوس حامل نیروهای نظامی فرانسوی مورد حمله واقع شد.

پس از انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۰۲ که در آن آراء میان احزاب گوناگون پخش شد و هیچ حزبی به اکثریت نرسید، میر ظفرالله خان جمالی از رهبران مسلم لیگ - شاخه قائد اعظم، با تفاهم احزاب عمدهٔ پاکستان، پست نخست وزیری را به عهده گرفت.

پالائو PALAU

کشوری مرکب از چندین جزیرهٔ مرجانی که در آبهای غربی اقیانوس آرام، حدود ۹۰۰ کیلومتری خاور جزیرهٔ میندانائو (در کشور فیلیپین) قرار گرفته است. این کشور که از حدود صد جزیره و جزیرک ترکیب یافته و بخشی از مجمع‌الجزایر کارولین است، در ۱۶۰۰ کیلومتری جنوب خاوری مانیل واقع است و عمده‌ترین جزیره‌های آن بابلتوآپ، اوروکتاپل، پللیو، الی‌ملک و کورور است و از نظر صید انواع ماهی یکی از غنی‌ترین نواحی جهان محسوب می گردد.



نام رسمی: جمهوری پالائو

نام محلی: پالائو(بلائو) Palau (Belau)

اسامی دیگر: –

پایتخت: کورور (۱۲،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۹٤/۱۰/۱؛ از امریکا

روز ملی: اول اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷٤

رئیس حکومت: رئیس جمهور: توماس رِمِنگِسائو، از سال ۲۰۰۱ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: توماس رِمِنگِسائو؛ از سال ۲۰۰۱ به مدت ٤ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۱ ، آخرین تغییرات ۱۹۹٤؛ کنگرهٔ ملی متشکل از مجلس نمایندگان با ۱٦ عضو و مجلس سنا با ۱٤ عضو به مدت چهار سال؛ هیچ حزبی در این کشور فعالیت ندارد. آخرین انتخابات مجلس نمایندگان در سال ۲۰۰۰ برگزار شده است.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹٤)، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایمف، یوپو، وهو، سپک، آآوسیس، جامعهٔ اقیانوس آرام، پیف

جمعیت

مساحت: ٤۸۸ کیلومترمربع (صدو هفتادو نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۸،۸۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدونودودومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۸/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۲۳،۵۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۹): ۷۲٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵):؟

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۲۷/۱٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٤/۱٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٤۱/۸٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۷٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۵۳/٤۹٪ ؛ زن ٤٦/۵۱٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۱/۵٪ ؛ مردان ٦۵/۲٪

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۰/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷/۵ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۷/۷ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۲/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۳): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۹۲/۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم و خوش‌خیم (سرطان) ۱۳٦/۹ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ۱۱۲ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٤۳/٦ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ٤۳/٦ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۵ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): پالائویی ۷٤/۵٪ ؛ فیلیپینی ۱٦٪ ؛ چینی ۳/۲٪ ؛ سایر میکرونزیایی‌ها ٦/۳٪

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ۳۸/٤٪ ؛ پروتستان ۲٤/۷٪؛ باورهای قبیله‌ای ۲٦/۵٪ ؛ دیگر ادیان ۱۰/٤٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: پالائویی، انگلیسی (زبانهای رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم: ملکنوک؛ نگت‌بونگ؛ آیرای؛ نگاراماش

بنادر مهم: کورور (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار امریکا (U.S.$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۸،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۵۹،۱۰۲،۰۰۰ دلار؛ شامل: کمکهای دولت امریکا ٤۰/۵٪ ؛ درآمدهای مالیاتی ۳۹٪ ؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۲۰/۵٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ٦۹،۹۰۰،۰۰۰ دلار؛ هزینه‌های جاری ۸٦٪ (از جمله: ۳۸/۹٪ برای دستمزدها و حقوق)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۱٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): ۱۵۹/۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۷):** ۸،۸۰٦ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): کشاورزی ٦/۹٪ ؛ صنعت ۱۲/۵٪ ؛ خدمات ۸۰/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،٤۳۳،۰۰۰ دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی (۱۹۹۳): تخم‌مرغ ۲٦۲،۷۰۱ دلار؛ میوه و سبزیجات ۱۲٦،۳۲۵ دلار؛ فوفل ٦۰،۳۷٦ دلار؛ گیاهان تکمه‌دار و ریشه‌ای (تارو، کاساوا و سیب‌زمینی شیرین) ٤۳،۷۱۸ دلار

کاربری زمین : ؟

تعداد دام زنده(۱۹۸٤): خوک ۱،۳٤۳ رأس؛ گاو ۸۲ رأس؛ بز ۵۲ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱،۵۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۸٤): ۹،۵۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی: شامل: صنایع دستی و موارد جزئی

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۲۰۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲۰۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟) نفت خام: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۸۰،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۵): ۸،۳٦۸ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ٤۸/٦٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ سال به بالا): ٦٦/۲٪ ؛ زنان: ۳٦/۹٪ ؛ میزان بیکاری: ۷٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۵): کشاورزی ۸/۷٪ ؛ صنعت ۱٤٪ ؛ خدمات ۷۷/۳٪

نیروی دفاعی: بر اساس مفاد قرارداد مشارکت آزاد میان پالائو و امریکا در سال ۱۹۹٤، مسئولیت امور دفاعی این کشور به عهدهٔ امریکا می‌باشد.

واردات(۱۹۹۸): ٦۳،۲۲۲،۰۰۰ دلار؛ شامل (۱۹۹۷): ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۷/۸٪ ؛ مواد غذایی، نوشیدنی و دخانیات ۲۷/۱٪ ؛ کالاهای صنعتی ۲۷/۱٪ ؛ سوختهای معدنی ۱۳/۲٪ ؛ مواد شیمیایی ٤/۵٪ ؛ از امریکا ٤٤/۱٪؛ گوآم ۱۹/۳٪؛ ژاپن ۱٤/۸٪؛ سنگاپور ۱٤/۳٪ ؛ تایوان ٤/۵٪ ؛ چین ٤/۵٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱۱،۰۹۵،۰۰۰ دلار؛ شامل (۱۹۸٤): مواد غذایی و محصولات کشاورزی ٦۹/۱٪ ؛ کالاهای ساخته شده ۳۰/۹٪ ؛ عمدتاً به کشورهای ژاپن ۵۸/۸٪ و امریکا ۸٪

تراز بازرگانی: ؟

شاخص قیمتها و درآمدها : ؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۵): ٤/۹ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۹): ۸،۸۸۲ دلار؛ منابع درآمد (۱۹۸۹): دستمزد ٦۳/۷٪ ؛ بیمهٔ بازنشستگی ۱۲٪؛ کار آزاد ۷/٤٪ ؛ بازنشستگی ۵/۵٪ ؛ سود سهام و اجاره‌بها ٤/۳٪ ؛ دریافت از خارج ٤/۱٪ ؛کمکهای عمومی ۱٪ ؛ دیگر موارد ۲٪ ؛ هزینه‌ها:؟

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ٦۸/۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۳): ٦٤ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل و کامیون(۱۹۹٤): ٤،۲۷۱ دستگاه — **تعداد اتوبوس:** ؟

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۱): ٤ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** یک فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱۲،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦٦۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱۱،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٦۰٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹٤): ۲،٦۱۵ خط تلفن (۱٦۰ خط تلفن برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۲٦	۲۸۹	۱،٤۵۰	؟
متوسطه	٦		٤۹۰	؟
فنی و حرفه‌ای	–	–	–	–
عالی	۱	؟	۱۳۰	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۷): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۷/٦٪ ؛ مردان: ۹۸/۳٪ ؛ زنان: ۹٦/٦٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۷): ابتدایی ۱۰/۱٪ ؛ متوسطه ۵۷/۳٪ ؛ عالی ۱۹/۵٪

تعدادپزشکان دولتی(۱۹۹۰): ۱۰ نفر (هر ۱،۵۱۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۰): ۷۰ تخت (هر ۲۰۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟

جزیرهٔ بابلتوآپ که بزرگترین و مهمترین جزیرهٔ این کشور است، جزیره‌ای است کوهستانی و پوشیده از جنگلهای بارانی. زمین آن حاصلخیز است و مساحت آن به ۳۶۵ کیلومترمربع بالغ می‌گردد.



تاریخچه

حدود ۵۰۰۰ سال پیش دریانوردان چینی در جزایر میکرونزی ساکن شدند و جوامع پیشرفته‌ای را پدید آوردند. اروپاییان در سدهٔ نوزدهم به آنجا رسیدند. در ۱۸۹۹ آلمانی‌ها جزایر پالائو را از اسپانیایی‌ها خریداری کردند و ژاپنی‌ها در سال ۱۹۱۴ آن را از تصرف آلمان‌ها به در آوردند. در جنگ جهانی دوم، نیروی دریایی ژاپن پایگاه عمدهٔ خود را در این جزایر تأسیس کرد و به دلیل نزدیک بودن آن به فیلیپین به یکی از صحنه‌های نبرد سهمگین بین امریکا و ژاپن مبدل شد و سرانجام به تصرف امریکایی‌ها درآمد. در پایان جنگ جهانی دوم، بومیان پالائو از ۴۵,۰۰۰ تن به ۶,۰۰۰ نفر تقلیل یافتند و تحت قیمومت امریکا قرار گرفتند و کشورشان بعنوان محلی مناسب برای آزمایش‌های اتمی امریکا انتخاب گردید و در مقابل به آنان خودمختاری داده شد.
در سال ۱۹۷۸ از مجمع‌الجزایر میکرونزی جدا شد و در ژانویهٔ ۱۹۷۹ قانون اساسی آن تدوین گردید که طبق آن آزمایش و به کارگیری و نصب و انبار و دفن هر نوع سلاح و ضایعات هسته‌ای در آن کشور ممنوع شد و آبهای ساحلی آن به حدود ۳۵۰ کیلومتر افزایش یافت.
امریکا که به شدت علاقمند به احداث یک پایگاه نظامی در پالائو بود، دولت این کشور را به سختی تحت فشار گذارد و سرانجام رئیس جمهور وقت هاروئور ملیک را وادار نمود تا امریکا را از قانون اساسی کشور مستثنی کند. در مقابل امریکا یک نیروگاه هسته‌ای به قدرت ۱۶ مگاوات در پالائو تأسیس نمود تا برق و انرژی مصرفی این کشور را تأمین نماید. در سال ۱۹۸۴ نیروگاه مورد بحث دایر شد و هاروئور ملیک از سوی امریکا تحت فشار قرار گرفت تا قانون اساسی کشور را از نظر منع کاربرد سلاح‌های هسته‌ای اصلاح کند. رئیس جمهور پالائو که نمی‌خواست به این فضاحت تن دهد، چند روز بعد ترور گردید و سالی، رئیس جمهوری بعدی پالائو که از یک سو تحت فشار امریکا و از سوی دیگر با مخالفت نمایندگان پارلمان دربارهٔ اصلاح قانون اساسی روبرو بود، در اوت ۱۹۸۸ با یک گلوله که ظاهراً در مغز خود خالی کرده بود، به زندگی خویش پایان داد.
در انتخابات پایان سال ۱۹۹۲ کونیو ناکامورا به ریاست جمهوری انتخاب گردید و اصلاح قانون اساسی که همچنان مورد علاقه و اصرار امریکا بود، برای بار هشتم به همه‌پرسی گذارده شد که سرانجام با کسب ۶۲٪ آراء به تصویب رسید. با تصویب این قانون اساسی در ژوئیه ۱۹۹۳، کشور پالائو، از اول اکتبر ۱۹۹۴ به عنوان یک کشور مستقل اعلام موجودیت نمود.
ناکامورا که ژاپنی‌تبار بود با کشور ژاپن روابط نزدیک برقرار کرد و معاملات بازرگانی و گردشگری بین دو کشور رو به رونق نهاد. وی در آوریل ۱۹۹۵ از توکیو دیدن کرد و در سر راه خود در تایوان توقف نمود. در انتخابات نوامبر ۱۹۹۶ ناکامورا برای بار دیگر به ریاست جمهوری رسید و با وجود مخالفت چین، با تایوان روابط سیاسی برقرار کرد و کنسولگری خود را در تایپه تأسیس نمود. در انتخابات اواخر سال ۲۰۰۰، توماس رمنگسائو به پیروزی رسید و از ژانویه سال ۲۰۰۱ قدرت را به دست گرفت. طی قراردادی با دانشگاه ساگای ژاپن، قرار شد با استفاده از انرژی حاصل از تفاضل دما در سطح و عمق آبهای اقیانوس آرام، یک نیروگاه برق برای این کشور احداث شود. این نیروگاه جزء موارد معدود تولید انرژی، بدون ایجاد ضایعات زیست محیطی محسوب می‌شود.

پاناما PANAMA

کشور پاناما در امریکای مرکزی قرار دارد و از شمال به دریای کارائیب (اقیانوس اطلس)، از خاور به کشور کلمبیا، از جنوب به اقیانوس آرام و از غرب به کشور کستاریکا محدود است. رشته کوههای نسبتاً مرتفعی که از خاور به باختر این سرزمین کشیده شده، این کشور را به دو منطقهٔ شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. منطقهٔ شمالی که جلگهٔ ساحلی نسبتاً باریکی است و کنار دریای کارائیب قرار دارد، از جنگلهای بارانی پوشیده شده و منطقهٔ جنوبی، جلگهٔ ساحلی پهناورتری است که آن نیز از جنگل مستور است و در کنار اقیانوس‌کبیر جای دارد. رودخانه‌های چندی که همگی از رشته ارتفاعات مرکزی سرچشمه می‌گیرند، این سرزمین را مشروب می‌سازند و عمده‌ترین آنها عبارتند از: رودهای بایامو، توئیرا، چپو و سانتاماریا. بلندترین نقطهٔ این کشور آتشفشان بارو نام دارد که ارتفاع آن به ۳۴۷۵ متر می‌رسد و در غرب کشور و نزدیک مرز کستاریکا واقع است. اقلیم پاناما در ارتفاعات معتدل و مرطوب و نسبتاً پر باران است و در جلگه‌های ساحلی گرم و مرطوب و بارانی است.
کانال پاناما که دو اقیانوس آرام و اطلس را به هم می‌پیوندد و طول آن به ۸۱/۶ کیلومتر می‌رسد موقعیت کشور پاناما را از نظر سیاسی و اقتصادی حساسیت خاصی بخشیده و از جنبهٔ نظامی و بازرگانی و حمل و نقل بین‌المللی اهمیت فراوانی دارد.



تاریخچه

تمدن چیبچا که یکی از بزرگترین و مهمترین فرهنگهای امریکا است، در برزخی که امروز پانامایش می‌نامند، بنیان گرفت. در سال ۱۵۰۱ توسط باستیداس دریانورد و کاشف اسپانیایی کشف گردید و به دنبال آن واسکونونیز د بالبوآ، برای شناسایی به آن سرزمین اعزام گردید. او باریکهٔ میان اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام را طی کرد و در سپتامبر ۱۵۱۳ به اقیانوس آرام که به تصور او دریای جنوب بود رسید. برزخ پاناما به سرعت ارزش ژئوپولیتیکی مهمی پیدا کرد و همچنین به مرکز تجارتی مهمی مبدل شد. پاناما تا سال ۱۷۱۷ بخشی از نایب‌السلطنه‌نشین پرو بود و در آن سال تحت نظارت اداری نایب‌السلطنه گرانادا درآمد و پس از آن که کلمبیا در سال ۱۸۲۱ از اسپانیا جدا شد و استقلال یافت به کشور کلمبیا ملحق شد. در ۱۸۳۱ به خودمختاری رسید و در ۱۸۵۵ بعنوان یک ایالت خودمختار به فدراسیون نیوگرانادا (کلمبیای امروزی) ملحق شد. قرارداد مارالینو - بیدلاک که در سال ۱۸۶۴ بین امریکا و کلمبیا به امضاء رسید، به حضور نظامی ایالات متحده در منطقهٔ کانال پاناما منجر گردید. به موجب این قرارداد، دولت امریکا تعهد نمود تا هرچه سریعتر نسبت به متحد ساختن قسمتهای شرق و غرب کانال اقدام کند و یک خط آهن سراسری از شرق به غرب باریکهٔ پاناما احداث نماید و جزیرهٔ مانزانیلو، در خلیج لیمون را به عنوان پایانهٔ اقیانوس آرام تجهیز نماید.
در یکم ژانویهٔ ۱۸۸۰ یک شرکت فرانسوی حفر کانال پاناما را آغاز کرد و در سال ۱۸۹۱ در حالی که ۳۳ کیلومتر از حفر کانال به پایان رسیده بود به علت سوء استفاده‌های مالی و در نهایت ورشکستگی، از ادامهٔ عملیات حفاری بازماند. در سال ۱۹۰۲، دولت امریکا شرکت فرانسوی را خریداری کرد. در سال ۱۹۰۳ قراردادی به نام هی - هران بین نمایندگان امریکا و کلمبیا به امضاء رسید و طی آن دولت امریکا ساختمان کانال را به داشتن حق اجارهٔ نواری از دو طرف کانال به عرض ۹/۵ کیلومتر موکول نمود. قرارداد مزبور در پارلمان سنای کلمبیا مطرح



نام رسمی: جمهوری پاناما

نام محلی: پاناما Panamá

اسامی دیگر: -

پایتخت: پاناما(۴٦۳،۰۹۳ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۰۳/۱۱/۳ ، از کلمبیا

روز ملی: سوم نوامبر؛ روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۲

رئیس حکومت: رئیس جمهور: میریا الیسا موسکوسو رودریگز، از سال ۱۹۹۹ (از حزب آرنولفوئیستها به مدت ۵ سال)

رئیس دولت: رئیس جمهور: میریا الیسا موسکوسو رودریگز، از سال ۱۹۹۹ (از حزب آرنولفوئیستها به مدت ۵ سال)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۳، آخرین تغییرات ۱۹۹۴؛ مجلس قانونگذاری با ۷۱ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس قانونگذاری (۱۹۹۹): ائتلاف ملت جدید ۴۱ کرسی(حزب دموکرات انقلابی ۳۴، حزب همبستگی ۴، حزب لیبرال ملی ۳)، ائتلاف اتحاد پاناما ۲۴ (آرنولفوئیستها ۱۸، جنبش لیبرال جمهوری‌خواهان ملی گرا ۵، جنبش بازسازی ملی ۱)، سایرین ۱۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۴۵)؛ اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی - آدب، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۷۵،۵۱۷ کیلومترمربع (صد و شانزدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۲،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و سی و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۸/۴ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۱/٦

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳/۸ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۴۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۵٦/۹ ؛ رشد سالانه: (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۲/۴

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ٪۳۳/۴ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۸/۴ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۳۰/۷ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۷/۵

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٪۵۰/۴٦ ؛ زن ٪۴۹/۵۴ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۸ سال؛ مردان ۷۲/۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۰/۱ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۵ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲۱/٦ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۵/۱نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۲۲/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ٦۴/۴ نفر؛ حوادث ۳۷/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۲۵/۴ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۲۱/۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۴ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۸۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ۴/۱مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۰/۷ مورد

نژاد/ ملیت(۱۹۹۲): دورگهٔ سرخ‌وسفید٪٦۴ ؛ سیاهپوست‌و دورگهٔ سیاه و سفید ٪۱۴ ؛ سفیدپوست ٪۱۰ ؛ سرخپوست ٪۸

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ٪۸۰/۲ ؛ پروتستان ٪۱۵ ؛ سایر مسیحیان ٪۱/٦ ؛ پیروان سایر ادیان ٪۳/۲

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ انگلیسی؛ زبانهای بومی سرخپوستان منجمله گوایمی و چیبچا؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٦): سان میگلیتو ۳۰۷،۲۳۰ نفر؛ کولون ۱۵۸،۹۳۵ نفر؛ داوید ۱۱۵،۱۷۳ نفر؛ سانتیاگو ٦۷،۲۲۷ نفر؛ پنونومه ٦۷،۹۰۱ نفر؛ چیتره ۳۸،۸۷۴ نفر

بنادر مهم: کولون، بالبوآ، کریستوبال

اقتصاد و دارایی

واحد پول: بالبوآ (B) =۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۱ بالبوآ؛ یک بالبوآ= ۸،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۲،۲٦٦/۳ میلیون بالبوآ؛ درآمد مالیاتی ٪۷۰/۳ (شامل: مالیات بر درآمد ٪۲۰/۲ ، حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ٪۱۹/۱)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۲٦/۸ شامل: درآمد از دارایی وکارآفرینی ٪۱۵/۴

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۲،۳۴۱/۳ میلیون بالبوآ؛ تأمین و رفاه اجتماعی ٪۲۰/۵؛ بهداشت ٪۱۸/۷ ؛ آموزش ٪۱۸/۳ ؛ امور اقتصادی ٪۸ ؛ دفاع ٪۵

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۸،۲۷۵ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،۹۹۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۱/۵ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۴/۷

منشاء تولید ناخالص ملی(۲۰۰۰): کشاورزی ٪۷ ؛ صنعت ٪۱۷ ؛ خدمات ٪۷٦

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۱۳- میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱،۱۸٦ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۵،۴۱۳ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۲۱/۷ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲۳/۵

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۲/۲ ؛ ۱۹۹۸: ٪۱/۴ ؛ ۲۰۰۰: ٪۱/۴

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۲،۰۵۰،۰۰۰ تن؛ موز ٦۵۰،۰۰۰ تن؛ برنج ۲۳۲،۰۰۰ تن؛ موز سبز (پلانتین) ۱۱۵،۰۰۰ تن؛ ذرت ۸۹،۸۰۰ تن؛ یام ۳٦،۹۰۰ تن؛ پرتقال ۲۷،۰۰۰ تن؛ قهوه ۱۰،۴۰۰ تن؛ توتون ۲،۲۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ٪۸/۹ ؛ مرتع و چمنزار ٪۱۹/۸ ؛ جنگل ٪۴۳/۸ ؛ سایر موارد ٪۲۷/۵

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱،۴۰۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲۵۲،۰۰۰؛ اسب ۱٦۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،۰۹۸،۳۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۸):** ماهی ٦۳ و میگو ۴۰ میلیون بالبوآ

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۲،۵۴۹،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۴،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ آهک ۳۲٦،۰۰۰ تن؛ طلا ۳۸،٦۰۰ تروی

تولیدات‌صنعتی(۱۹۹۸): (میلیون بالبوآ) مواد غذایی ۱،۲۰۳ (از جمله: فرآورده‌های گوشتی ۳۴۱ و فرآورده‌های لبنی ۱۴۴)؛ فرآورده‌های نفتی ۲۹۹؛ نوشیدنی ۱۷٦؛ سیمان، آجر و کاشی ۱۵۴

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۴،۱۸۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳،۴۱٦،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ (۱۹۹٦): صفر (٥٦،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (۱۲،٦۱۵،۰۰۰ بشکه)؛فرآورده‌های نفتی: ۱،۱۷۱،۰۰۰ تن (۱،۴۹۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر (٦۰،۷۳٦،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۸): ۱،۰۸۳،۵۸۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۴۲/۲ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦۹ سال ؛ ۱۹۹۷): ٪٦۴/۳ ؛ زنان: ٪۳۵/٦ ؛ میزان بیکاری: ٪۱۳/٦ ؛ ۲۰۰۰: ٪۱۳/۳

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۳۳ ؛ صنعت ٪۱۸ ؛ خدمات ٪۴۹

نیروی دفاعی: در سال ۱۹۹۰، ارتش پاناما منحل گردیده و در حال حاضر یک نیروی پلیس ملی متشکل از ۱۱،۰۰۰ نفر امور انتظامی کشور را به عهده دارد که بخشی از آن به گارد ساحلی اختصاص یافته است.

واردات(۱۹۹۸): ۳،۳۹۸ میلیون بالبوآ؛ شامل: تجهیزات و ماشین‌آلات ٪۲۲/۹ ؛ تجهیزات حمل و نقل ٪۱۵/۱ ؛ سوختهای معدنی ٪۱۰/۳ ؛ مواد شیمیایی ٪۹/٦ ؛ از امریکا ٪۳۹/۷ ؛ منطقهٔ آزاد کولون (پاناما) ٪۱۲/۸ ؛ ژاپن ٪۹ ؛ مکزیک ٪۴/۸ ؛ اکوادور ٪۳/۲

صادرات(۱۹۹۸): ۷۰۵ میلیون بالبوآ؛ شامل: موز ٪۱۹/۷ ؛ میگو ٪۱۹/۴ ؛ ماهی ٪۷/۹ ؛ شکر ٪۳/٦ ؛ پوشاک ٪۳/٦ ؛ به امریکا ٪۴۰ ؛ سوئد ٪۷/۲ ؛ کستاریکا ٪٦/٦ ؛ اسپانیا ٪۵/۴ ؛ بلژیک٪۴/۳

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون بالبوآ	-۱،۸٦۲	-۱،۹۵۸	-۲،۲۱۵	-۲،۳۵۸	-۲،٦۹۳	-۲،٦۹۵
درصد کل	٪٦۳/۳	٪٦۲/۹	٪٦٦/۲	٪٦۴/۵	٪٦۵/٦	٪٦۲/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱۰۱/۳	۱۰۲/۵	۱۰۳/۲	۱۰۴/۵	۱۰۵/۹
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۲۰۰۰): ۴/۲ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۹۰): ۵،۴۵۰ بالبوآ (۵،۴۵۰ دلار)؛ هزینه‌ها (۸۴-۱۹۸۳): مواد غذایی و نوشیدنی ٪۳۴/۹ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۱۵/۱ ؛ مسکن و سوخت ٪۱۲/٦ ؛ آموزش و تفریحات ٪۱۱/۷

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۳۷۸/۸ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۷٦/۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱۱،۳۰۱ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۳۵۴ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۲۰۳،۷٦۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۷۴،٦۳۷ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۵،۲۱۷ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۱۰ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۷ روزنامه در ۱٦٦،۰۰۰ نسخه (٦۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۸۱۵،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۹۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۵۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۹۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۴۱۹،۰۰۰ خط تلفن (۱۵۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۸۰،۰۰۰ خط (۲۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۷۵،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۲،۸٦٦	۱۵،۰۵۸	۳۷۷،۸۹۸	۲۵/۱
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۴۱۷	۱۲،۴۵۰	۲۲۳،۱۵۵	۱۷/۹
عالی	۱۴	٦،۴۰۹	۹۵،۳۴۱	۱۴/۹

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال ٪۹۱/۹ ؛ مردان: ٪۹۲/٦ ؛ زنان: ٪۹۱/۳

میزان‌تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۰): ابتدایی ٪۴۱/٦ ؛ متوسطه ٪۲۸/۷ ؛ دانشجوی دانشگاه ٪۱۲/۴ ؛ عالی ٪۰/۷

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۳،۵۱۸ نفر (هر ۷۷۲ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۸) : ۷،۲۸۷ تخت (هر ۳۷۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۹۰۰۰ نفر (٪٦۱ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۹/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۴۷٦ کالری (٪۱۰۷ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۵ گرم ؛ مصرف چربی: ٦۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۹ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۲/۲

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٦/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٦/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۲/۵ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۷٦ (پنجاه و نهمین کشور جهان)

شد و به اتفاق آراء رد گردید. به دنبال آن مردم باریکهٔ پاناما که از سوی نیروی دریایی امریکا حمایت می‌شدند، سر به شورش و انقلاب برداشتند و در سوم نوامبر همان سال استقلال پاناما را اعلام نمودند. دولت امریکا کشور جدید پاناما را بلافاصله به رسمیت شناخت و به دنبال آن قرارداد جدیدی بین امریکا و نمایندهٔ پاناما به امضاء رسید و امریکا تسلط خود را بر نواری به عرض ۱۶ کیلومتر و همچنین آبهای دو دهانهٔ کانال مسجل نمود. عملیات ساختمانی کانال در ۱۵ اوت ۱۹۱۴ به پایان رسید و سلطه کشور امریکا بر منطقهٔ کانال آغاز گردید و ثروت قابل توجهی را برای امریکا به ارمغان آورد. با تأسیس پادگان نظامی در منطقهٔ مزبور، امریکای لاتین تحت کنترل و نظارت امریکا قرار گرفت. در ژانویه ۱۹۶۴ بیست و یک دانشجوی پانامایی در حالی که قصد برافراشتن پرچم میهن خود را بر فراز تأسیسات کانال داشتند، به ضرب گلولهٔ نظامیان امریکا کشته شدند.

درخواست تملیک کانال پاناما به وسیلهٔ ژنرال عمر توریخوس که در کودتای ۱۹۶۸ آرنولفوآریاس رئیس جمهور پاناما را برکنار کرده بود، در سال ۱۹۶۹ مطرح گردید. این خواسته با حمایت و پشتیبانی بین‌المللی به ویژه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و کشورهای امریکای لاتین و سازمان ملل متحد روبرو گردید و سرانجام دولت امریکا را وادار نمود تا با گفتگوی بین طرفین برای عقد قراردادی جدید موافقت کند. در ۱۹۷۷ توریخوس و کارتر رؤسای جمهور پاناما و امریکا قرارداد پیشین را منسوخ کردند ولی حق دفاع از کانال را برای امریکا حتی پس از سال ۲۰۰۰ محفوظ داشتند. ژنرال توریخوس در ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۱ در سانحهٔ هوایی مشکوکی کشته شد و این در حالی بود که قبلاً در سال ۱۹۷۸، آریستیدس رویو به ریاست جمهوری رسیده بود. با قتل عمر توریخوس گارد ملی حمایت خود از رئیس جمهور را به حالت تعلیق درآورد و رئیس جدید ستاد ارتش، ژنرال روبن پاردس با جهت‌گیری‌های سیاسی همسو با امریکابه قدرت رسید.

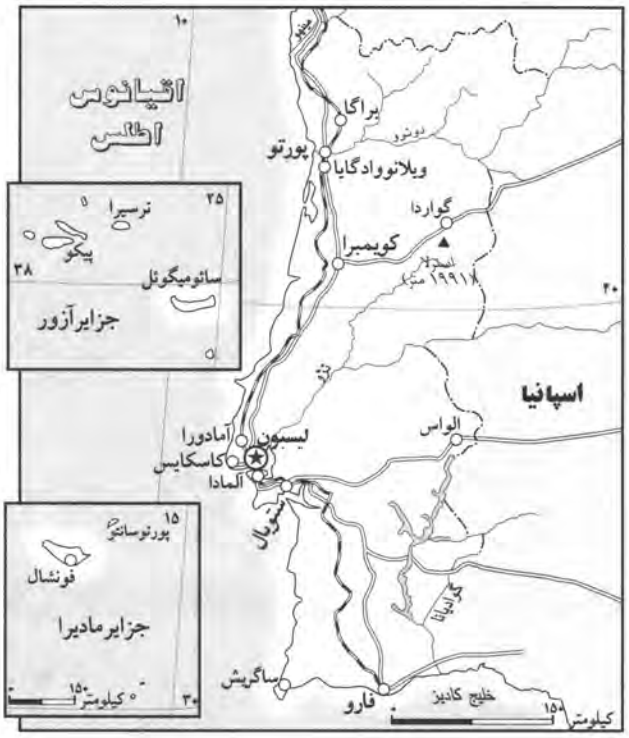
در انتخابات سال ۱۹۸۳ نیکولاس بارلتا به پیروزی رسید و ژنرال مانوئل نوریگا پست ریاست ستاد ارتش را عهده‌دار گردید. کوتاه زمانی بعد نیکولاس بارلتا از کار برکنار شد و اریک دل واله به جای او رئیس جمهور شد. وی ژنرال نوریگا را از پست خود معزول کرد و خود او نیز در سال ۱۹۸۸ از سوی مجلس قانونگذاری پاناما برکنار گردید و مانوئل سولیس پالما عهده‌دار مقام ریاست جمهوری گردید. روابط پاناما و امریکا که پس از عقد قرارداد توریخوس - کارتر رو به وخامت گذارده بود، به مرور به مرحلهٔ خطرناک خود نزدیک می‌شد تا جایی که در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۹ جنگ امریکا علیه پاناما بدون اطلاع قبلی آغاز گردید و گیلرمو اندارا از سوی امریکا به عنوان رئیس جمهوری آینده پاناما پیش‌بینی گردید. در این عملیات که بعد از جنگ ویتنام بزرگترین عملیات نظامی امریکا تا آن زمان محسوب می‌گردید، ۲۶٫۰۰۰ سرباز و کوماندوی امریکایی شرکت کردند و با بمباران مناطق مسکونی بین ۴٫۰۰۰ تا ۱۰٫۰۰۰ نفر را به قتل رساندند. آنان ژنرال نوریگا را که فرماندهی عملیات مقاومت در رویارویی با امریکا را بر عهده داشت به بهانهٔ دست داشتن در قاچاق مواد مخدر دستگیر کردند و با خود به امریکا بردند و ۵٫۰۰۰ پانامایی را نیز بازداشت و به زندان فرستادند.

گیلرمو اندارا که با حمایت امریکا به ریاست جمهوری پاناما رسیده بود، نیروهای دفاع ملی را منحل کرد، به خلع سلاح مردم پرداخت و یک نیروی پلیس ویژه را به کار گمارد. پس از تلاش‌های بسیار و حمایت سازمانهای بین‌المللی، سرانجام امریکا در مقابل خواست ملت پاناما تسلیم شد و در مارس ۱۹۹۱ برای نخستین بار مسئولیت اداره کانال به دولت پاناما واگذار شد. در ژوئن ۱۹۹۲ نوریگا به اتهام دست داشتن در معاملات و قاچاق مواد مخدر در دادگاه شهر میامی امریکا به ۴۰ سال زندان محکوم گردید. در نخستین انتخابات پس از یورش امریکا به این سرزمین که در سال ۱۹۹۴ برگزار شد، ارنستو پرز بالادارس از حزب سوسیال دموکرات به ریاست جمهوری رسید. در ژوئیه ۱۹۹۶ رئیس جمهور پاناما ادامهٔ استفادهٔ امریکا از پایگاه هوایی هوارد را مورد تأیید قرار داد و با حضور نظامی امریکا در منطقهٔ کانال بطور غیر رسمی موافقت کرد.

در انتخابات سال ۱۹۹۹، که خانم میریا موسکوسو، بیوهٔ آرنولفو آریاس و مارتین توریخوس پسر عمر توریخوس، دو رقیب اصلی بودند، خانم میریا موسکوسو به پیروزی رسید. در ماه دسامبر همین سال ادارهٔ کامل کانال پاناما طی مراسمی با حضور جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق امریکا، به دولت پاناما واگذار شد. در پی افزایش ۶۷٪ هزینهٔ حمل و نقل شهری در سال ۲۰۰۱، تظاهرات بزرگی در پاناما برگزار شد و اغلب خیابان‌های شهر مسدود گردید که در نهایت دولت مجبور به لغو این افزایش گردید. به دنبال عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، شمار جهانگردان بازدید کننده از پاناما به شدت کاهش یافت.

پرتغال PORTUGAL

پرتغال در جنوب غربی اروپا و در غرب شبه جزیرهٔ ایبری جای دارد. این کشور که از شمال و خاور به اسپانیا و از جنوب و غرب به اقیانوس اطلس محدود است، مجمع‌الجزایر آزور (آسور) و همچنین مجمع‌الجزایر مادیرا را نیز شامل است. به وسیلهٔ رودخانهٔ تژو (تاگوس)، بزرگترین رود پرتغال به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردد. منطقهٔ شمالی سرزمینی است کوهستانی با بلندی حداکثر ۱۹۹۱ متر (کوه استرلا) که باران فراوان و قابلیت کشت از مشخصات آن است و گندم، ذرت، انگور و زیتون از فرآورده‌های کشاورزی آن محسوب می‌گردد و درهٔ رود دوئرو که دربر گیرندهٔ بزرگترین تاکستانهای کشور پرتغال است، در همین منطقه قرار دارد. منطقهٔ جنوب رود تژو سرزمین تقریباً هموار و نسبتاً پستی است با اقلیم خشک و کم‌باران که گندم و زیتون و پرورش گوسفند از فرآورده‌های کشاورزی آن است و جنگل‌های بلوط چوب‌پنبهٔ آن، کشور پرتغال را در ردیف بزرگترین تولیدکنندهٔ چوب‌پنبه قرار داده است. علاوه بر رود تژو که با حدود ۱۰۰۰ کیلومتر طول، بزرگترین رود شبه جزیرهٔ ایبری محسوب می‌شود، رودخانه‌های دیگری چون دوئرو، سادو، موندگو و گوادیانا این کشور را مشروب می‌سازند و اقلیم آن مدیترانه‌ای و نسبتاً پر باران است.



تاریخچه

در روزگار قدیم سرزمین پرتغال مسکن لوسیتانیایی‌ها بود که قومی ایبریایی بودند و در بخش غربی شبه جزیرهٔ ایبری زندگی می‌کردند. در سدهٔ دوم پیش از میلاد رومی‌ها در این سرزمین ساکن شدند و تا سدهٔ پنجم میلادی یعنی زمانی که امپراتوری روم غربی سقوط کرد بر پرتغال حکومت کردند. ویزیگوت‌ها که در نواحی مرکزی اروپا بسر می‌بردند جای رومیان را گرفتند و سراسر شبه جزیرهٔ ایبری را تصرف کردند و دولت‌های پادشاهی چندی در آن سرزمین تأسیس نمودند و به ترویج مسیحیت پرداختند و تا حدود ۶۰۰ سال در این سرزمین به حکومت خود ادامه دادند.

در سدهٔ هشتم میلادی عرب‌های مسلمان به ایبری حمله بردند و بخشی از آن، از جمله قسمتی از پرتغال را به تصرف درآوردند. طی سده‌های پانزدهم و شانزدهم، ساکنان بومی ایبری اعراب را از سرزمین خود بیرون راندند و دوران عظمت و شکوه پرتغال را پایه‌گذاری کردند. تا جایی که پرتغال به یک قدرت دریایی عظیم مبدل شد و به تصرف سرزمینهای وسیعی در امریکا و افریقا و خاور دور نایل آمد. با اروپا و غالب نقاط جهان به داد و ستد پرداخت و جایگاه مهمی در صحنهٔ اقتصادی جهان به دست آورد و با قدرتهای دریایی آن زمان مانند انگلستان و هلند شروع به رقابت نمود. فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا پرتغال را در سال ۱۵۸۰



نام رسمی: جمهوری پرتغال

نام محلی: پورتوگال Portugal

اسامی دیگر: لوسیتانیا (نام قدیمی)

پایتخت: لیسبون (۵۵٦،۷۹۷ نفر در سال ۲۰۰۱)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: دهم ژوئن (سالروز مرگ لوئیش د کاموئش ، شاعر ملی پرتغال)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۱۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ژرژه فرناندو برانکو د سامپایو، از سال ۱۹۹٦ (برای دومین بار از سال ۲۰۰۱)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ژوزه مانوئل دوررائو باروسو (حزب سوسیال دموکرات)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷٦، آخرین تغییرات ۱۹۹۷؛ مجلس جمهوری با ۲۳۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس جمهوری در سال ۱۹۹۹ (۲۰۰۲): حزب سوسیالیست ۱۱۵ (۹٦) کرسی، حزب سوسیال دموکرات ۸۱ (۱۰۵) کرسی، ائتلاف اتحاد دموکراتیک (متشکل از حزب کمونیست و سبزها) ۱۷ (۱۲) کرسی، حزب مردم ۱۵ (۱٤) کرسی، بقیه ۲ (۳) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵): اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیهٔ اروپا، آی - آدب، شورای اروپا، ناتو، اوسه

جمعیت

مساحت: ۹۲،۱۳۵ کیلومترمربع (صد و دهمین کشور جهان)

جمعیت: ۹،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتادونهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰۷/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** صفر

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۹/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۷٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/٤٪

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ۱۸/۹٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۳/٦٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۸/۲٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱۹/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ٤۸/۱٦٪ ؛ زن ۵۱/۸٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۹/۲ سال؛ مردان ۷۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۱/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٦/۲ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٦): بیماریهای گردش خون ٤۵۰/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۰۹/٦ نفر؛ بیماریهای تنفسی ۸٦/۳ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۵ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۸ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹٦): پرتغالی ۹۸/۲٪ ؛ کیپ وردی ۰/٤٪ ؛ بقیه ۱/٤٪

دین(۱۹۹۵): مسیحی۹٤/۸٪ (کاتولیک ۹۲/۲٪ ؛ پروتستان۱/۵٪؛ سایرمسیحیان ۱/۱٪)؛ مسلمان ۱٪ ؛ سایرادیان‌وبی‌دین ۵/۱٪

زبان و خط: پرتغالی (زبان رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم: ویلانووا د گایا ۲۸۵،۵۹۷ نفر؛ پورتو ۲٦۲،۹۲۸؛ آمادورا ۱۷٤،۷۸۸ ؛ کاسکایس ۱٦۸،۸۲۷ ؛ ماتوسینوس ۱٦٦،۲۷۵؛ براگا ۱٦۳،۹۸۱؛ آلمادا ۱۵۹،۵۵۰؛ سیشال ۱۵۰،۰۹۵ ؛ کویمبرا ۱٤۸،۱۲۲ نفر

بنادر مهم: ستوبال، لیسبون و فونشال (جزیره مادیرا) در کنار اقیانوس اطلس

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) =۲۰۰/۵ اسکودو (منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو=۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۵): ٦،۱۱۰/٦ میلیارد اسکودو؛ عوارض گمرکی و مالیات بر مصرف ۳٦/۷٪ ؛ حق بیمه تأمین اجتماعی ۲۹٪ ؛ مالیات بر درآمد و ارث ۲٤/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۵): ٦،۳۳۲/۹ میلیارد اسکودو؛ (۱۹۹۸): آموزش ۱۲/٤٪ ؛ بهداشت ۹/۸٪ ؛ دفاع ٦/٦٪ ؛ هزینه‌های اداری ۵/۳٪ ؛ کارهای عمومی ۲/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۰٦،۳۹۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۰،٦۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳/۷٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/٤٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳/۹٪ ؛ صنعت ۳۵/۲٪ ؛ خدمات ٦۰/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱،٦۷٦ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱،۷۱۱ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹٦): ٤۰،۵۰٤ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۵۹- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱٦/۹٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۵/۸٪ ؛ ۱۹۹۸: ٤/۲٪ ؛ ۲۰۰۰: ۲/۷٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سیب‌زمینی ۱،۱۵۰،۰۰۰ تن؛ گوجه فرنگی ۱،۱۰۰،۰۰۰ ؛ ذرت ۷٦۵،۰۰۰؛ انگور ۵۵۰،۰۰۰ ؛ چغندر قند ٤۲۰،۰۰۰ ؛ گندم ۳٦۰،۰۰۰؛ زیتون ۲۸۰،۰۰۰ ؛ پرتقال ۲۳۰،۰۰۰ ؛ سیب ۱۷۰،۰۰۰؛ گلابی ۱٦۰،۰۰۰؛ برنج ۱۵۵،۰۰۰ ؛ کلم ۱٤۰،۰۰۰؛ هویج ۱۰۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۳۱/۵٪ ؛ مرتع ۱۰/۹٪ ؛ جنگل ۳۵/۹٪ ؛ سایر موارد ۲۱/۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ٦،۳۰۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲،۳٤۱،۰۰۰؛ گاو ۱،۲٦۷،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸،٤۲۸،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲۲۹،۱۰۸ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۸،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۱۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): نمک ۵۹۷،۷۷۲ تن؛ مس ۱۱۱،۰۱۷؛ قلع ٦،٤۵۹؛ تنگستن ۱،۷۹۰ تن

تولیدات صنعتی (۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون اسکودو): فرآورده‌های نفتی ٤۲٤،۷۰۰؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۱۲،۳۰۰ ؛ غذا و نوشیدنی ۳۱۲،۸۰۰؛ پوشاک و کفش ۳۰۳،۰۰۰ ؛ منسوجات ۲٦۲،۱۰۰؛ چاپ و نشر ۱۳۳،۷۰۰؛ دخانیات ۱۳۰،۰۰۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۳۳،۱٤٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۱۹۹٦: ۳٤،٦۵۱،۰۰۰،۰۰۰) کیلووات ساعت؛ زغال سنگ(۱۹۹٦): بسیار کم (۵،٤۷۱،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (۸٦،۱۵۷،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۱۰،۷۱٦،۰۰۰ تن(۱۰،٦٦٦،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۷): ٤،۸۷۰،۱۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۹/۳٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤ سال): ٦۸/۵٪ ؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٤۵/۲٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ٦/٦٪ ؛ ۲۰۰۰: ٤/۱٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱۷/۸٪؛ صنعت ۳٤/۸٪ ؛ خدمات ٤۷/٤٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ٤ تا ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۵۳،٦۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٤٦/۳٪؛ نیروی دریایی ۳۱/٤٪؛ نیروی هوایی ۱۳/٦٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۲٤۰ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۵،٤۲۷،۱۳۲ میلیون اسکودو؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۷/۵٪ (از جمله وسایل نقلیه و قطعات یدکی ۱٤/۸٪)؛ مواد شیمیایی ۱۰/٤٪ ؛ مواد غذایی ۹/۲٪؛ منسوجات ۸٪؛ غذا و دام زنده ٦/٤٪ ؛ سوختهای معدنی ۵/۸٪ ؛ از اسپانیا ۲۲/۵٪ ؛ آلمان ۱۵/۵٪ ؛ فرانسه ۱۱/۱٪ ؛ ایتالیا ۸/۳٪ ؛ انگلستان ٦/۷٪ ؛ هلند ٤/٤٪

صادرات(۱۹۹٦): ۳،۷۹۵،۸٦۸ میلیون اسکودو؛ شامل: منسوجات و لباس ۳۵٪ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۳٪؛ (از جمله تجهیزات حمل و نقل ۱٦/٤٪)؛ کفش ۸٪ ؛ چوب پنبه و تولیدات چوبی ٤/٤٪ ؛ مواد شیمیایی ٤/۳٪ ؛ به آلمان ۱۹٪؛ اسپانیا ۱٤/۸٪؛ فرانسه ۱٤/٦٪؛ انگلستان ۱۱/۱٪؛ هلند ۵٪؛ امریکا ٤/۷٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون اسکودو	-۱،۵۳۸/۷	-۱،۵۲٦/۹	-۱،٦۳۱/۲	-۱،۹٤٤/٦	-۲،٤۵۳/۸	-۲،۷٦۳/۹
درصد کل	٪۲۰/۵	٪۱۷/۹	٪۱۷/۷	٪۱۸/۸	٪۲۱/۸	٪۲۳/۵

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦۰	۱۰۰	۱۰۳/۱	۱۰۵/۳	۱۰۸/۳	۱۱۰/۸
شاخص درآمد سالانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۳/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ منابع درآمد (۹۵-۱۹۹٤): دستمزد و حقوق ٤۵/۸٪ ؛دارایی و درآمد حاصل از ایجاد کار ۳۲/٤٪؛ پرداختهای انتقالی ۲۱/۵٪؛ هزینه‌ها(۹۵-۱۹۹٤): غذا ۲۳/۹٪ ؛ مسکن ۲۰/٦٪ ؛ حمل ونقل و ارتباطات ۱۸/۹٪ ؛ پوشاک و کفش ٦/۳٪ ؛ بهداشت ٤/٦٪ ؛ دیگر موارد ۲۵/۷٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ٤،۲۷۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲،۱٦٤ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٦۸،۷۳۲ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۳،۰۷۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۲،۸٦۵،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٤):** ۲۱۹،٦۹٦ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳۳۲ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱٦ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۲۷ روزنامه در ۷٤۰،۰۰۰ نسخه (۷۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۹۸٤ عنوان در ۱۰،۲۰۸،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۷،۸٦۸ عنوان در ۲٦،۹٤۲،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۳،٤۲٤/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۰۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۰٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۵،٤۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵٤۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٤،۱۱۷،۰۰۰ خط تلفن (٤۱۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳،۰۷٦،۰۰۰ خط (۳۰۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۸۱۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٦۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٤)	۱۲،۰٦۹	۷۳،۲۲۱	۹۱۰،٦۵۰	۱۲/٤
متوسطه	٦٦۳	٦۹،۰۹۵	۷٤۹،۸۳۸	۱۱/۳
فنی و حرفه‌ای	۲۱٤		۲۸،٦۲۷	
عالی	۲۷۳	۳۰،۹۹۸	۲۳٦،۵۳۷	٦/۹

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۲/۲٪ ؛ مردان: ۹٤/۸٪ ؛ زنان: ۹۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ٦۱/۵٪ ؛ متوسطه ۱۰/٦٪ ؛ بعد از متوسطه ۳/۵٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۲۹،۹۰۲ نفر (هر ۳۳۲ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان : ۳۹،۲۱۰ تخت (هر ۲۵۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۳۵،۰۰۰ نفر (۰/٦۹٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۵۲/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،٦٦۷ کالری(۱٤۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۱۳ گرم؛ مصرف چربی : ۱۳۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۹-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤۲/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤۸ میلیون تن؛ هر نفر ٤/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸٦٤ (بیست و هشتمین کشور جهان)

ضمیمهٔ خاک خود کرد و این اتحاد تا سال ۱۶۸۸، زمانی که پرتغال استقلال خود را طبق پیمان لیسبون به دست آورد، باقی ماند. پرتغال پس از کسب استقلال حدود ۳۰ سال با اسپانیا جنگید و با نیرومند شدن انگلستان و تسلط آن کشور بر دریاها، پرتغال رفته رفته رو به ضعف نهاد و مستعمرات خود را یکی پس از دیگری از دست داد و از نظر سیاسی و اقتصادی به انگلستان وابسته شد. با روی کار آمدن پومبال به عنوان صدراعظم و مشاور ژوزهٔ اول، مجدداً پرتغال رو به ترقی نهاد و با کشف معدن طلا در برزیل دوران شکوفایی اقتصاد آن دوباره فرا رسید ولی پس از پومبال مجدداً رو به ضعف نهاد.

پشتیبانی و حمایت انگلستان از پرتغال در مقابله با ناپلئون اول، این کشور را هرچه بیشتر به انگلستان وابسته نمود. در سال ۱۸۲۱، زمانی برزیل به استقلال رسید که جنگهای داخلی بر سر عقاید مختلف سیاسی در پرتغال آغاز شده بود و در حالی که دیگر کشورهای اروپایی رو به پیشرفت بودند، پرتغال آنچنان درگیر مسائل داخلی بود که عظیم‌ترین و غنی‌ترین مستعمره‌اش را به راحتی از دست داد. در سال ۱۹۱۰ نظام سلطنتی جای خود را به نظام جمهوری داد، اما اختلافات حاد میان گروههای لیبرال و جمهوری‌خواه چنان وسعت یافت که هرگونه پیشرفتی را در امور کشور غیرممکن ساخت. در جنگ جهانی اول پرتغال در کنار انگلستان به جنگ پرداخت و بحران اقتصادی و نارضایی عمومی را به همراه آورد تا جایی که در کودتای ۱۹۲۶، نظامیان قدرت را در دست گرفتند و ۴۰ سال بر پرتغال حکومت کردند. در طی این دوره نظامیان گروههای سیاسی را منحل کردند و آزادی‌خواهان بسیاری را به زندان انداختند و یا از پرتغال تبعید نمودند. در دوران حکومت آنتونیو سالازار، پرتغال کاملاً منزوی گردید و در جنگهای داخلی اسپانیا و همچنین جنگ دوم جهانی بی‌طرفی اختیار کرد.

با مرگ سالازار در سال ۱۹۷۰ تحولات سیاسی در پرتغال آغاز شد و در سال ۱۹۷۴ گروهی از افسران ناراضی ارتش در جهت پایان دادن به جنگ‌های استعماری در افریقا و همچنین ایجاد اصلاحات دموکراتیک در داخل کشور دست به کودتا زدند. به دنبال آن، آزادی‌های نسبی در کشور برقرار شد و گروههای سیاسی متعددی در صفحهٔ سیاسی کشور فعال شدند. حکومت جدید بلافاصله اقدام به اعطای استقلال به مستعمرات پرتغال از جمله آنگولا، موزامبیک و گینه بیسائو نمود. از این کودتا به عنوان انقلاب گل میخک یا انقلاب پرتغال یاد می‌شود. در انتخابات سال ۱۹۷۶ ماریو سوآرش، رهبر سوسیالیست‌ها، نخستین دولت دموکراتیک سدهٔ بیستم پرتغال را تشکیل داد و در دههٔ ۱۹۸۰ قانون اساسی جدید پرتغال به تصویب رسید و به وضع اقتصادی کشور سر و صورت داده شد و در صحنهٔ سیاست بین‌المللی فعال گردید و در سال ۱۹۸۶ به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و به جامعهٔ اقتصادی اروپا پیوست.

در آوریل ۱۹۸۷ دولتهای پرتغال و چین قراردادی امضاء نمودند و طی آن توافق شد که ماکائو تا پایان سال ۱۹۹۹ در مالکیت پرتغال باقی بماند و از آغاز سال ۲۰۰۰ میلادی به چین تحویل گردد. در ژانویه ۱۹۹۲، پرتغال به ریاست جامعهٔ اروپا رسید و به دنبال آن اعلام داشت که به همکاریهای صنعتی با امریکای لاتین و افریقا و اروپای مرکزی ادامه خواهد داد و در ضمن به عضویت پیمان ماستریخت درآمد. در سال ۱۹۹۵ حزب سوسیالیست برندهٔ انتخابات شد و آنتونیو گوترش به نخست‌وزیری رسید و جای آنیبال کاواکو را که مدت ده سال در پست نخست‌وزیری باقی بود، اشغال کرد و در مارس ۱۹۹۶ ژرژه سامپایو، از حزب سوسیالیست به مقام ریاست جمهوری رسید و همچنین سوسیالیستها در انتخابات دسامبر ۱۹۹۷ شهرداریها حائز اکثریت گردیدند و کنترل شهرهای عمدهٔ کشور را به دست گرفتند.

در بیستم دسامبر سال ۱۹۹۹، دولت پرتغال پس از ۴۴۲ سال ادارهٔ ماکائو، این مستعمره را به دولت چین بازگرداند. بدین ترتیب، پرتغال که اولین کشور اروپایی بود که به استعمار کشورهای آسیایی پرداخته بود، در عین حال آخرین کشور اروپایی نیز بود که به استعمار خود در این قاره پایان داد. در خلال ریاست دوره‌ای این کشور در شش ماههٔ اول سال ۲۰۰۰، اتحادیهٔ اروپا رأی به تحریم سیاسی دولت ائتلافی راست افراطی اتریش داد. به دنبال شکست فاحش حزب سوسیالیست در انتخابات شهرداری‌ها، در دسامبر ۲۰۰۱، سامپایو، مجلس جمهوری را منحل نمود و برنامهٔ انتخابات جدید مجلس را برای ۱۷ مارس ۲۰۰۲ تعیین کرد.

از ژانویه سال ۲۰۰۲ پول رسمی این کشور به یورو تبدیل، و اسکودو، واحد پول سابق ظرف مدت دو ماه از گردش خارج شد.

با برگزاری انتخابات مجلس جمهوری در ۱۷ مارس ۲۰۰۲، حزب سوسیال دموکرات با کسب ۱۰۲ کرسی، اکثریت نسبی را در پارلمان به دست آورد و رهبر آن، ژوزه مانوئل دورائو باروسو، با تشکیل دولت ائتلافی با حزب مردم به نخست وزیری رسید.

پرو PERU

پرو کشوری است در غرب امریکای جنوبی و کنار اقیانوس آرام که از شمال به اکوادور و کلمبیا، از خاور به برزیل و بولیوی و شیلی و از جنوب و غرب به اقیانوس آرام محدود است. رشته کوههای آند این کشور را به سه ناحیهٔ جغرافیایی به شرح زیر تقسیم می‌کند.

۱- جلگهٔ ساحلی که شبکهٔ وسیع آبیاری و کشاورزی آبی همراه با درّه‌ها و آبکندهایی چند از مشخصات آن است و مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین منطقهٔ کشور است و دارای اقلیمی گرم و مرطوب است.

۲- منطقهٔ کوهستانی آند یا سیئرا که از دو رشته کوههای مرتفع به نام کوردیلرا اکسیدنتال (کوردیلراهای غربی) و کوردیلرا اورینتال (کوردیلراهای شرقی) تشکیل شده و سرچشمه رودهای متعدد این کشور مانند آمازون و ریزابه‌های آن چون ناپو، اوکایالی، مارانیون، آپوریماک و پوتومایو را تشکیل می‌دهد. بلندترین نقطهٔ کشور یعنی کوه اواسکاران با ارتفاع ۶۷۶۸ متر در همین منطقه جای دارد و معدود سکنهٔ آن به صورت جوامعی با بنیادهای اینکایی بسر می‌برند و به کشت ذرت و سیب‌زمینی اشتغال دارند و با پرورش لاما و آلپاکا و گاه گوسفند روزگار می‌گذرانند. اقلیم این منطقه سرد و مرطوب است و از بارندگی کافی برخوردار است و دریاچهٔ مرتفع تی‌تی‌کاکا با ۸۲۸۵ کیلومترمربع وسعت زیباترین و چشمگیرترین عارضهٔ آبی این منطقه و بزرگترین دریاچهٔ کشور به شمار می‌رود.

۳- منطقهٔ خاوری که در کوهپایه‌های شرقی آند واقع است و از جنگلهای بارانی پوشیده شده و دارای آب و هوای نسبتاً گرم و مرطوب است و سکنهٔ کم و پراکنده‌ای را در جنگلهای خود جای داده است.

پرو یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گیاه کوکاست که مصرف دارویی و نیروزایی دارد و برگهای آن را بومیان می‌جوند و گاه به صورت کوکائین در بازارهای قاچاق مواد مخدر به فروش می‌رسد.

مسئلهٔ آلودگی محیط زیست به ویژه در جلگهٔ ساحلی به مرحلهٔ جدی و خطرناکی رسیده و فاضلاب و دود کارخانجات و نواحی مسکونی، حیات موجودات زنده را در معرض تهدید قرار داده است.



تاریخچه

آثار کشف شده در غارهای نزدیک آیاکوچو از وجود انسانهای ۱۵,۰۰۰ سال پیش در پرو حکایت دارند. چاوین‌ها قوم متمدنی بوده‌اند که بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۲۰۰ پیش از میلاد به حداکثر رشد خود رسیدند و در کوههای آند زندگی می‌کردند. پاراکاها که در حدود سالهای ۷۰۰ تا ۱۰۰ پیش از میلاد در پرو می‌زیستند، در پزشکی پیشرفتهای شایان توجهی کرده بودند



نام رسمی: جمهوری پرو

نام محلی: پرو Peru

اسامی دیگر: –

پایتخت: لیما(۷،٤۹۷،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۸۲۱/۷/۲۸، از اسپانیا

روز ملی: بیست و هشتم ژوئیه،روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: آلخاندرو تولدو(حزب پروامکان‌پذیر)، از سال ۲۰۰۱ به مدت ٥ سال

رئیس دولت: رئیس شورای وزیران: لوئیس سولاری د لا پوئنته، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳؛ کنگره با ۱۲۰ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های کنگره (۲۰۰۱): پرو امکان‌پذیر ٤۱ کرسی؛ اتحاد خلقی انقلابی امریکا(آپرا) ۲۹ کرسی؛ اتحاد ملی ۱٥ کرسی؛ جبهۀ مستقل معنوی ۱۲ کرسی؛ اتحاد برای پرو ٦ کرسی؛ سوموس پرو ٤ کرسی؛ تغییرات ۹۰-اکثریت جدید ٤ کرسی؛ اقدام خلقی ۳ کرسی؛ بقیه ٦ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥) اونکتاد، یونسکو، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایـدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آپک، آی – آدب، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱،۲۸٥،۲۱٦ کیلومترمربع (نوزدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۲٥،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (سی و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۰ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۱/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۳٥/٥ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۷۲ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪۲/٥

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱٥ سال ٪۳۳/٤ ؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۹/۱؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۳۰/۲ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۷/۳

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٪٤۹/٥۹ ؛ زن ٪٥۰/٤۱ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۲/۸ سال؛ مردان ٦۸/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲٦/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٥/۷ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۹ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۰/٤ نفر

دلایل عمدۀ مرگ و میر در هر صد هزار نفـر(۱۹۸۹): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۱٥/۳ نفر؛ بیماریهای تنفسی ۱۰۰/۲ نفر؛ بیماریهای واگیردار ۸٤/٥ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان)۷۲/۹ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ٥۳/٦ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۷۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۳): ٤/۱ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۱): سرخپوست ٪٥٤/۲ (از جمله قبایل کچوا ٪٤۷/۱ ، قبایل آیمارا ٪٥/٤)؛ دورگه سرخ و سفید ٪۳۲

دین(۱۹۹٥): کاتولیک (دین رسمی) ٪۸۸/۸ ؛ پروتستان ٪٦/۷ ؛ دیگر مسیحیان ٪۱/٥ ؛ ادیان دیگر ٪۳

زبان و خط: اسپانیایی، کچوا و آیمارا (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۳): تروخیلو ۱،۲۸۷،۰۰۰ نفر با حومه؛ چیکلایو ۹٥۱،۰۰۰ ؛ آرکیپا ۹۳۹،۸۰۰؛ کالائو ٦٤۸،۰۰۰؛ پیورا ۲۸٦،٤۷٥؛ ایکیتوز ۲٦٦،۱۷٥؛ کوزکو ۲٥۷،۷٥۱ ؛ هوانکایو ۲٥٦،٦٦٦ نفر با حومه

بنادر مهم: کالائو، چیمبوته، ماتارانی، سالاوری (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: سول جدید (./S) = ۱۰۰ سنتیمو؛ یک دلار= ۳/٥ سول جدید؛ یک سول جدید=۲،۲۸٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲٥،۹۸۰ میلیون سول؛ مالیات بر کالا و خدمات ٪٥٤/۳ ؛ مالیات بر درآمد ٪۲۲/٦ ، عوارض گمرکی ٪۹/٥ ، درآمد غیر مالیاتی ٪۷ ، مالیات بر حقوق و دستمزدها ٪٤/۹

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۲۷،۳۸۹ میلیون سول؛ هزینه‌های جاری ٪٦۹/٥ (از جمله حقوق و دستمزد ٪۳٦/٦ و پرداختهای انتقالی ٪۱٥/۷)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۱۹/٤ ؛ پرداخت بهره‌ها ٪۱۱/۱

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٦۰،٤۹۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،٤٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه۹٥-۱۹۷٥): ٪-۰/۳ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪٥/۸

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۷/۱ ؛ صنعت ٪۳٦/۸ ؛ خدمات ٪٥٦/۱

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٥۰ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۱،۹۳۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲۱ میلیارد دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +٥۰۱/٥ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۹/٥

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۳۳/۷ ؛ ۱۹۹۸: ٪٥/٥ ؛ ۲۰۰۰: ٪۳/۷

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ٦،۹۰۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۳،۰٥۰،۰۰۰ تن؛ برنج ۱،۹٤۷،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۱،۳٤٤،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱،۰٥۸،۰۰۰؛ کاساوا ۸٦۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۸) : کشاورزی ٪۳/۲ ؛ مرتع ٪۲۱/۱ ؛ جنگل و سایر موارد ٪۷٥/۷

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱۳،۷۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ٤،۸۹۸،۰۰۰ ؛ خوک ۲،۷۸٤،۰۰۰ ؛ بز ۲،۰٦۸،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۹،۱٥۷،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤،۳۳۸،٤۳۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۷۹،۹۱۷،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱٦۱،۳۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): سنگ‌آهن ۳،۲۲٤،۰۰۰ تن؛ روی ۷۲٥،۰۰۰ ؛ مس ۳٥٦،۰۰۰ ؛ سرب ۲۲۸،۰۰۰ ؛ نقره ۱،۸۳۲ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (میلیون سول): غذاهای آماده شده ۲۷٥/۱؛ محصولات فلزی اساسی ۱۸۸/٦؛ منسوجات و فرآورده‌های چرمی ۱۲۹/٥، مواد شیمیایی صنعتی ۱۱۲/۳، مصنوعات چوبی ۸۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۲۰،۰۳۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲۰،۰۳۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ: ٥۸،۰۰۰ تن(۳۰۲،۰۰۰)؛ نفت خام: ٤٤،۰۰۰،۰۰۰ بشکه(٥۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ٦،۹٥٦،۰۰۰ تن (٦،۰۷۸،۰۰۰)؛ گـاز طبیعی: ۲۰۸،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۲۰۸،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۷،٤۰۷،۲۸۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤٥/۷ ؛ میزان مشارکت: (۱٥ سال به بالا): ٪٦٦/۹ ؛ زنان: ٪٤۳/۸ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸) ٪۷/۷ ؛ ۲۰۰۰: ٪۸/٥

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۳٤/٤ ؛ صنعت ٪۱٦/۷ ؛ خدمات ٪٤۸/۹

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱۱٥،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪٦٥/۲ ؛ نیروی دریایی ٪۲۱/۷ ؛ نیروی هوایی ٪۱۳/۱ ؛ سرانۀ هزینۀ دفاعی (۱۹۹۷): ٥٥ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۸،۲۰۰ میلیون دلار؛ شامل: مواد خام و واسطه‌ای ٪٤۱/۳ ؛ ماشین ٪۲٤/۹ ؛ کالاهای مصرفی ٪۲۳ ؛ تجهیزات حمل و نقل ٪٦/۷؛ از امریکا ٪۳۲/٥ ؛ کلمبیا ٪۷/٤ ؛ آلمان ٪٥/٦ ؛ ونزوئلا ٪٤/۳

صادرات(۱۹۹۸): ٥،۷۲۲/۹ میلیون دلار؛ شامل: طلا ٪۱٦/۲ ؛ مس و تولیدات مسی ٪۱۳/٦ ؛ خوراک ماهی و خوراک دام ٪٦/۸ ؛ تولیدات روی ٪۷/۸ ؛ قهوه ٪٥ ؛ نفت و مشتقات آن ٪۳/۹ ؛ مصنوعات سربی ٪۳/۷ ؛ نقره ٪۲/۳ ؛ قلع ٪۲/۱ ؛به کشورهای امریکا ٪۳۲/۳؛ ژاپن ٪۸/۷ ؛ انگلستان ٪٤/۸ ؛ سوئیس ٪٤/۲ ؛ اسپانیا ٪٤/۱ ؛ ونزوئلا ٪۳/۹ ؛ کرۀ جنوبی ٪۳/٤

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۱،۰۹٥/۲	-۲،۱۱۱/٦	-۱،۹۹٦/٥	-۱،۷۳۸/۳	-۲،٤۷۷/۲	-٦۱۲/۲
درصد کل	٪۱۰/۸	٪۱٥/۹	٪۱٤/٥	٪۱۱/۳	٪۱۷/۸	٪٤/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۰	۱۰۰	۱۱۱/٥	۱۲۱/۱	۱۲۹/۹	۱۳٤/٤
شاخص درآمد ماهانه	۹۸/٥	۱۰۰	۱۰٦/۸	۱۱٤/۸	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازۀ خانوار (۱۹۹۳): ٥/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۸): ۱،۰۸٦،٦۲۰ اینتی (پول رایج قبلی) منابع‌درآمد(۱۹۹۱): درآمدتجاری ٪٦۷/۱ ؛ دستمزد ٪۲۳/۳؛ انتقالی‌ها ٪۷/٦ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۰): غذا ٪۲۹/٤ ؛ آموزش و سرگرمی ٪۱۳/۲؛ لوازم خانگی با دوام ٪۱۰/۱ ؛ پوشاک و کفش ٪۸/٥ ؛ حمل و نقل ٪۷/٥ ؛ بهداشت ٪۷ ؛ دیگرموارد ٪۲٤/۳

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۹۱۳ میلیون دلار؛ هزینه‌ها : ٤٦٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۷۳،۷٦٦ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۱،۹۹۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٥٥۷،۰٤۲ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۳٥۹،۳۷٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ٦۲۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۲۷ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۷٤ روزنامه در ۲،۰۰۰،۰۰۰ نسخه (۸٥ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ٦۱۲ عنوان در ۱،۸۳٦،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۳،۰۰۰ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٦،٦٥۰،۰۰۰ گیرندۀ رادیویی (۲۷۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳،٦۰۰،۰۰۰ گیرندۀ تلویزیونی (۱٤٥ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،٥٥٥،۰۰۰ خط تلفن (٦۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۷٤۳،۰۰۰ خط (۳۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٤٥۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۳۳،۰۱۷	۱٥۳،۹٥۱	٤،۱٦۳،۱۸۰	۲۷
متوسطه	۸،٤٥۲	۱۰٦،٦۱٤	۱،۹٦۹،٥۰۱	۱۸/٥
فنی و حرفه‌ای	۲،٥۳۱	۱۲،۳۹۲	۲٥٦،۷٦۳	۲۰/۷
عالی	۹۹٤	٤٥،٤٤۳	٦٥۷،٥۸٦	۱٤/٥

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۸۸ ؛ مردان ٪۹۳/٥ ؛ زنان ٪۸۲/۷

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال(۱۹۹۳): ابتدایی ٪۳۱/٥ ؛ متوسطه ٪۳٥/٥ ؛ عالی ٪۲۰/٤

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۲٤،۷۰۸ نفر (هر ۹٦۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٤): ٤۲،۹۷۹ تخت (هر ٥۳۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۷۲،۰۰۰ نفر (٪۰/٥٦ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۷۲/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٤۲۰ کالری (٪۱۰۳ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۰ گرم؛ مصرف چربی: ٥۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/۳ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/۳

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲٦/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۱ تن

شاخص توسعۀ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۳۷ (هشتادمین کشور جهان)

و مغز انسان را جراحی می‌کردند. موچیکاها در ساختن معابد تخصص داشتند و چیموها فلزکاران ماهری بوده‌اند. نازکاها که بین سالهای ۲۰۰ پیش از میلاد تا ۸۰۰ میلادی می‌زیسته‌اند، کشاورزان کاردانی بوده‌اند و شبکه‌های آبیاری وسیع و تقویم‌های بزرگی داشته‌اند که بقایای آنها هنوز هم از دیدگاه هوایی نمایان است.

سدهٔ دوازدهم میلادی با درخشش تمدن اینکا مقارن است. آنان اقوام و فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف را وحدت بخشیدند و درّهٔ کوزکو را مقر اصلی خود قرار دادند. تمدن اینکا در اوایل سدهٔ شانزدهم میلادی به اوج شکوفایی و قدرت خود رسید و حوزهٔ تسلط آنان، کشورهای پرو، اکوادور، بولیوی، شیلی شمالی و بخش‌هایی از آرژانتین شمالی را شامل بود. آنان بومیان را مطیع خود ساختند و سازمان منظمی را طرح‌ریزی کردند. فرانسیسکوپیزارو سردار و کشورگشای اسپانیایی در سال ۱۵۳۰ دولت اینکا را برانداخت و آخرین امپراتور آن را به قتل رسانید و سرزمین پرو را تحت استیلای اسپانیا درآورد و در سال ۱۵۳۵ شهر لیما را بنا نهاد. معروف است وقتی اسپانیایی‌ها از بومیان نام کشورشان را سئوال کردند، آنان به گمان این که نام رودخانه‌ای را پرسیده‌اند، گفتند پیرو و بدینسان این کشور به پرو معروف گردید.

آزادیخواهان پرو که از غارت سرزمینشان به دست استعمارگران اسپانیایی ناراضی بودند، در سالهای ۱۷۸۰ و ۱۸۱۳ سر به شورش برداشتند که این شورشها سرکوب گردید. سرانجام تلاش آزادیخواهان و استقلال‌طلبان به رهبری ژنرال خوزه‌سان مارتین و سیمون بولیوار به نتیجه رسید و در سال ۱۸۱۸ شیلی به آزادی رسید و از آن بعنوان سرپلی علیه استعمارگران اسپانیایی و آزادی پرو استفاده شد. در ۲۸ ژوئیه ۱۸۲۱ شهر لیما به تصرف خوزه سان‌مارتین درآمد و استقلال پرو رسماً اعلام گردید و تا سال ۱۸۲۴ سراسر پرو از تصرف اسپانیایی‌ها خارج شد.

در زمان مارشال رامون کاستیلو که از ۱۸۴۵ تا ۱۸۶۲ بر پرو حکومت کرد، کشور رو به ترقی نهاد و برده‌داری لغو شد و قانون اساسی پرو تنظیم و تصویب گردید. با کشف و استخراج معادن نقره در سال ۱۸۴۵، پرو به عمده‌ترین صادرکننده نقره در جهان مبدل شد. طی سالهای ۱۸۷۹ تا ۱۸۸۳ پرو و بولیوی با هم متحد شدند و علیه شیلی که از سوی انگلیسی‌ها حمایت می‌شد به جنگ پرداختند که به جنگ پاسیفیک معروف شد. پرو و بولیوی در این جنگ مغلوب شیلی شدند و پرو قسمتی از زمینهای خود را از دست داد و بدنبال آن دول خارجی در آن به اعمال نفوذ پرداختند. در سال ۱۹۰۸ لگیا به ریاست جمهوری رسید و طی کودتای سال ۱۹۱۹ زمام امور را در دست گرفت و تا سال ۱۹۳۰ با استبداد تمام حکومت کرد. وی در سال ۱۹۳۰ به وسیلهٔ ژنرال سانچز سرو سرنگون شد و او نیز در کودتای سال ۱۹۳۳ به قتل رسید و مارشال بناویدس به جای او رئیس جمهور شد.

در انتخابات ۱۹۳۹ مانوئل پرادو به مقام ریاست جمهوری دست یافت و در سال ۱۹۴۵ جای خود را به خوزه لوئیس بوستامنته واگذار کرد. کودتای سال ۱۹۴۸ بوستامنته را سرنگون ساخت و ژنرال اودریا به ریاست جمهوری رسید. در انتخابات سال ۱۹۵۶ مانوئل پرادو مقام ریاست جمهوری را از آن خود کرد و کودتای سال ۱۹۶۲ به دوران حکومت او پایان داد و ژنرال ریکاردو پرزگودوی به جای او نشست و انتخابات سال ۱۹۶۳ به روی کار آمدن بلائونده‌تری منجر شد و کودتای ۱۹۶۸ وی را نیز سرنگون ساخت و ژنرال ولاسکوآلوارادو را به ریاست جمهوری رسانید. وی که به ملی کردن سرمایه‌های امریکایی‌ها پرداخته بود در سال ۱۹۷۵ از کار برکنار شد و ژنرال فرانسیسکو مورالز به جای او به حکومت رسید. شورش‌ها و تظاهرات خیابانی و نابسامانی‌های اقتصادی و فشار سیاستهای خارجی به ویژه امریکا بر پرو منجر به سقوط ژنرال مورالز در سال ۱۹۸۰ شد و بلائونده تری که پس از ۱۲ سال تبعید به پرو بازگشته بود به ریاست جمهوری رسید و قانون اساسی پرو را مورد تجدید نظر قرار داد. اقدامات اقتصادی او نتیجه‌بخش نبود و شورش‌های مسلحانه در گوشه و کنار کشور شدت گرفت. در سال ۱۹۸۲ صدها زندانی به دنبال حملات شورشیان مسلح گروه چریکی راه درخشان از زندان آزاد شدند و در سال ۱۹۸۴ نیز مبارزهٔ مسلحانه جنبش انقلابی توپاک آمارو آغاز شد.

در انتخابات سال ۱۹۸۵ آلن گارسیا به ریاست جمهوری رسید و در همان مراحل اولیهٔ حکومت خود با یورش‌های مسلحانهٔ مبارزان راه درخشان روبرو گردید. در انتخابات ۱۹۸۹ آلبرتو فوجیموری به ریاست جمهوری انتخاب شد و از همان آغاز دست به اصلاحات اقتصادی و مبارزه با تورم زد. در سپتامبر ۱۹۹۲ رهبر مبارزان راه درخشان آمادگی خود رابرای گفتگو با دولت اعلام داشت و در انتخابات نوامبر ۱۹۹۲ مجلس، طرفداران فوجیموری اکثریت مطلق را به دست آوردند و سال بعد قانون اساسی جدیدی وضع شد. در ۱۹۹۵ بازار مشترک کشورهای آند، با شرکت کشورهای کلمبیا، ونزوئلا، بولیوی و پرو تشکیل گردید. در انتخابات آوریل ۱۹۹۵ فوجیموری برای بار دوم به ریاست جمهوری رسید. در دسامبر ۱۹۹۶ منزل سفیر ژاپن در لیما، در خلال یک مهمانی بزرگ، به تصرف گروه توپاک‌آمارو درآمد و بیش از ۶۰۰ نفر به گروگان گرفته شدند که به غیر از ۷۲ نفر، بقیه گروگان‌ها به تدریج آزاد شدند. سرانجام در ۲۲ آوریل ۱۹۹۷ پس از ۱۲۶ روز، طی حمله نیروهای ویژه پلیس پرو و با کشته شدن همهٔ ۱۴ نفر شورشی و یکی از گروگانها و ۲ سرباز، باقیمانده گروگان‌ها آزاد شدند. در پایان سال ۱۹۹۷ سازمان عفو بین‌المللی اعلام داشت که در عملیات ضد شورشی دولت پرو طی ۵ سال گذشته ۵۰۰۰ نفر بازداشت شده‌اند.

در سال ۱۹۹۹، پرو شاهد تلاش فوجیموری برای تغییر قانون اساسی و امکان انتخاب رئیس جمهور برای دور سوم بود. در انتخابات ۲۸ ماه مه ۲۰۰۰، که آلخاندرو تولدو رقیب اصلی فوجیموری، انتخابات را تحریم نمود، فوجیموری برای بار سوم به پیروزی دست یافت. اما دیری نپایید که رسوایی‌های پی‌درپی او و ولادیمیرو مونته‌سینوس، افسر ارشد ادارهٔ اطلاعات پرو، منجر به بروز ناآرامی‌های گسترده‌ای در کشور شد. فوجیموری که در طی این اعتراضات در مسافرتی رسمی به چند کشور خارجی در ژاپن به سر می‌برد، به ناچار از مقام خود کناره گیری نمود و به ژاپن پناهنده شد. در انتخابات ماه مه ۲۰۰۱ که دو رقیب اصلی آن آلخاندرو تولدو، از بومیان پرو و آلن گارسیا پرز، رئیس جمهور اسبق پرو در آن شرکت داشتند، تولدو در دور دوم با کسب ۵۲٪ آراء به پیروزی رسید.

تاجیکستان TAJIKISTAN

تاجیکستان کشوری است در آسیای مرکزی که از هر سو در خشکی محصور است. از شمال به قرقیزستان، از خاور به چین، از جنوب به افغانستان و از غرب و شمال غربی به ازبکستان محدود است. سرزمینی است کوهستانی با ارتفاع متوسط ۳۰۰۰ متر که بخش اعظم فلات پامیر را شامل می‌شود. کوههای زرافشان و آلای و ترکستان نواحی شمالی آن را در بر گرفته و نواحی غربی آن را کوههای قراتگین، حصار، وخش، قراتاو و باباطاغ زیر پوشش قرار داده و فلات پامیر با ارتفاع حداکثر ۷۴۹۵ متر نواحی جنوبی را شامل است. این قسمت یخچالهای طبیعی فراوان دارد و سرچشمهٔ رود آمودریا(جیحون) را تشکیل می‌دهد که عمده‌ترین آنها ریزابه‌های رود پنج، وخش، مرغاب، سرخاب و زرافشان است و دریاچهٔ قراگل با ۳۶۰ کیلومترمربع بزرگترین عارضهٔ آبی این کشور به شمار می‌آید. بلندترین نقطهٔ تاجیکستان، قلهٔ گارمو با ۷۴۹۵ متر ارتفاع و طویلترین رود، رود پنج با حدود ۶۵۰ کیلومتر طول می‌باشد. درّهٔ فرغانه که پرجمعیت‌ترین نواحی تاجیکستان است و در شمال غربی این کشور جای دارد، به صورت زائده‌ای به درون خاک ازبکستان پیش رفته و صنایع عمدهٔ کشور در آن متمرکز است. اقلیم تاجیکستان برّی است و زمستانهای سرد و تابستانهای گرم و خشک دارد. حداکثر بارندگی این کشور مربوط به نواحی غربی آن است.



تاریخچه

در حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد، سیبریه جنوبی و آسیای مرکزی منجمله تاجیکستان، یکی از مراکز تمدن آن روز جهان بود. تاجیک‌ها یا بازماندگان آریایی‌های اصیل، درواقع ایرانی‌تبارهایی هستند که خود را از اختلاط و آمیزش با اقوام مختلف به ویژه مغولان محفوظ داشته‌اند. در دوران هخامنشیان جزئی از ساتراپ‌نشین باختریش بود و در زمان اسکندر به تصرف یونانیان درآمد و خاوری‌ترین سرزمین امپراتوری اسکندر را تشکیل داد. در سدهٔ نهم میلادی به تصرف مسلمانان درآمد و به بخشی از دولت سامانیان مبدل شد و پس از تاخت و تاز



نام رسمی: جمهوری تاجیکستان

نام محلی: تاجیکستان Tojikiston

اسامی دیگر: -

پایتخت: دوشنبه (۵۲۸،۶۰۰ نفر در سال ۱۹۹۳)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۹/۹، از شوروی

روز ملی: نهم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹٤

رئیس حکومت: رئیس جمهور: امامعلی رحمان‌اف، ازسال ۱۹۹۲ (برای دومین بار از سال ۱۹۹۹ به مدت ۵ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: عقیل عقیل‌اف، ازسال ۱۹۹۹

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٤، آخرین تغییرات ۱۹۹۹؛ مجلس نمایندگان با ٦۳ عضو و مجلس ملی با ۳۳ عضو (۸ عضو آن توسط رئیس جمهور منصوب می‌شود) به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۰): حزب دموکراتیک خلق ۳۰ کرسی، حزب کمونیست ۱۳ کرسی، حزب احیای اسلامی ۲ کرسی، مستقل‌ها ۱۵ کرسی؛ ۳ کرسی خالی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، ایدب، اکو، سیس، کنفرانس اسلامی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۱٤۳،۱۰۰ کیلومترمربع (نودوچهارمین کشور جهان)

جمعیت: ٦،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نودوهفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٤۳/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۱/۵

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۸/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۳۲/۵ ؛ رشد سالانه (۲۰۰-۱۹۹۵): ٪۳/۲

توزیع سنی(۱۹۹۳): زیر ۱۵ سال ٪٤۳/۸ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲٦/۸ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۳/۳ ؛ بالای ٦۰ سال ٪٦/۱

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ٪۵۱/۲۲ ؛ زن ٪٤۸/۷۸ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۷/٦ سال؛ مردان ٦۱/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳٤ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۱٤/۸ نفر — **رشدطبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۵/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۳): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۲۵/۵ نفر؛ درگیری، مسمومیت و حوادث ۱۸٤ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۱٦۰/٦ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۱۲۹/۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ٤۲/۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۲۰/۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٦۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٤): ٦/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٤):** ۰/۸ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۱): تاجیک ٪٦۲/۲ ؛ازبک ٪۲۳/۱ ؛روس ٪۹/۷ ؛تاتار ٪۱/٤ ؛ قرقیز ٪۱/۳ ؛ اوکراینی ٪۰/۷ ؛ آلمانی ٪۰/۳

دین(۱۹۹۵): مسلمان سنی ٪۸۰ ؛ مسلمان شیعه ٪۵ ؛ ارتدوکس روسی ٪۱/۵ ؛ یهودی ٪۰/۱ ؛ سایر ادیان و بی‌دین ٪۱۳/٤

زبان و خط: تاجیکی (زبان رسمی) ؛ خط : لاتین و سیریلی

شهرهای مهم(۱۹۹۳): خجند ۱٦۱،۵۰۰ نفر؛ کولاب ۷۹،۰۰۰ نفر؛ قرغان تپه ۵۸،۰۰۰ نفر؛ اوراتپه ٤۸،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد دسترسی ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: سامانی(S)=۱۰۰درهم=۱۰۰۰روبل تاجیکستان(منسوخ‌شده)؛ یک‌دلار=۲/۵ سامانی؛یک‌سامانی=۳،۲۰۰ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۱۵،۱٤٤ میلیون روبل تاجیکستان؛ درآمد مالیاتی ٪۹٦/٦ (شامل: مالیات بر آلومینیوم و پنبه ٪۳۵/٦ ، مالیات بر درآمد و سود ٪۱۸/٤ ؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪۱۷/۲ ؛ عوارض گمرکی ٪۱۰/۷)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۳/٤

هزینه بودجه (۱۹۹۸): ۱۵۳،۷۹۷ میلیون روبل تاجیکستان؛ اقتصاد ملی ٪۲٦/۲ ؛ آموزش ٪۱٤/٤ ؛ دفاع ٪۸/۸؛ اجرای قانون٪۸/۳ ؛ بهداشت ٪۷/٦ ؛ هزینهٔ ادارات دولتی ٪۵/۷

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲،۲۵٦ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۱۰-

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۵/۷ ؛ صنعت ٪۲۹/۷ ؛ خدمات ٪٦٤/٦

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۳۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۷۰٦/۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۰۵/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۵/۲

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۳۰۰ ؛ ۱۹۹۸: ٪٤۹/۹

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سبزیجات و صیفی‌جات ۵۲٦،۳۰۰ تن؛ غلات ۵۲۱،۰۰۰ تن؛ شیر ۳۰۲،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱۳٦،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪٦ ؛ مرتع ٪۲٤/۸ ؛ جنگل ٪۳/۸ ؛ سایر موارد ٪٦۵/٤

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند و بز ۲،۲٤۷،۰۰۰ رأس ؛ گاو ۹۱۱،۵۰۰؛ خوک ۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲۸۵ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٦۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦/۵ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): آلومینیوم ۱۹۵،٦۳۰ تن؛ سرب ۳،۵۰۰ تن؛ طلا ۳/۲ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (میلیارد روبل) فلزات آهنی و غیر آهنی ۸۰،۳۳۳ ؛ منسوجات ۳۵،۰۲۳؛ آسیاب غلات ۲۳،۵۲٦ ؛ محصولات نانی ۱٦،۹۰۸ ؛ مواد شیمیایی اساسی ۷،۵۸٦ ؛ جواهرات ۳،۵۵۲ ؛ میوه وسبزیجات آماده شده ۲،۳٤۹

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۱۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۵،۳۲۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۲۰،۰۰۰ تن (۱۲۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱٤٦،٦۰۰ بشکه (۱٤٦،٦۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی:؟ (۱،۱۱٦،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: ٥٤،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱،۲۷٦،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۸): ۱،۸۵۵،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳۰/٤ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٦ تا ۵۹): ٪٦۰/۳ ؛ زنان (در سنین ۱٦ تا ٥٤)٪٤٦/۵ ؛ میزان بیکاری ٪۳

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪٤۲ ؛ صنعت ٪۲۱ ؛ خدمات ٪۳۷

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه:؟؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ۷،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۱۰۰ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۹ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۷۳۱ میلیون دلار؛ برق ٪۱٦ ؛ فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی ٪۱۵/٦؛ آلومینا ٪۱۵ ؛ غلات و آرد ٪۵/٦؛ از(۱۹۹٦): ازبکستان ٪۲۹/۸ ؛ سوئیس ٪۱٤/۹؛ انگلستان ٪۱۱/۷ ؛ روسیه ٪۱۱/۱ ؛ قزاقستان ٪۷/۸ ؛ ترکمنستان ٪۳/۹ ؛ اوکراین ٪۲/۹

صادرات(۱۹۹۸): ۵۸٦ میلیون دلار؛ شامل: آلومینیوم ٪۳۹/۹ ؛ الیاف پنبه‌ای ٪۱۹/۱ ؛ برق ٪۱۷/٦ ؛ به کشورهای (۱۹۹٦): هلند ٪۲۸/۳ ؛ ازبکستان ٪۲٤/۸ ؛ سوئیس ٪۱۰/۸ ؛ روسیه ٪۱۰/۲ ؛ قزاقستان ٪۳/۲

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۱۸۳	-۱۲۷	-۵۹	-۱٦	-٦۳	-۱٤۵
درصد کل	٪۱٦/۷	٪۱۰/۲	٪۳/٦	٪۱	٪٤/۱	٪۱۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۵/٤	۱۸/٤	۱۰۰	۲۹۸	۵۱۱	؟
شاخص درآمد ماهانه	۲۲/۱	٤۷/۷	۱۰۰	۳۸۳/۷	٦۸۰/٦	۱،۱۷۵/۱

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۸۹): ٦/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار(۱۹۹۵): ۱۸،۷٤٤ روبل؛ منابع درآمد(۱۹۹۵): دستمزد و حقوق ٪۳٤/۵ ؛ کار آزاد ٪۳٤ ؛ وام گرفتن ٪۲/٤ ؛ حقوق بازنشستگی ٪۲ ؛ دیگر موارد ٪۲۷/۱ ؛ هزینه‌ها: غذا ٪۸۱/۵ پوشاک ٪۱۰/۲ ؛ حمل و نقل ٪۲/۵ ؛ سوخت ٪۲/۱ ؛ دیگر موارد ٪۳/۷

جهانگردی: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۳،۷۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ٤۷٤ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٦۸۰،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۸،۱۹۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ؟ — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۲ روزنامه در ۱۲۰،۰۰۰ نسخه (۲۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۱ عنوان در ۱۳۰،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۳۲ عنوان در ۹۹۷،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۷،۵۵۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۸۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱٤۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۹۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۱٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۲۱،۳۲٤ خط تلفن (۳۷ خط تلفن برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٤۲۰ خط (۰/۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۳،۳٤۲	۲۷،۱۷۲	٦۳۸،٦۷٤	۲۳/۵
متوسطه	؟	۱۱۲،۵۳۲	٦۸۸،۱۵۰	٦/۱
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	۲۹،٤۸۲	؟
عالی	؟	؟	۷٦،٦۱۳	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۹۸/۷ ؛ مردان: ٪۹۹/۳ ؛ زنان: ٪۹۸/۱

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۹): ابتدایی ٪۱٦/۳ ؛ متوسطه ٪۷٦/۲ ؛ عالی ٪۷/۵

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۱۲،٤۵٦ نفر(هر ٤۷۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹٦) : ٤۳،٤۰۰ تخت (هر ۱۳٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر(صفر)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۰/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۱۷۸ کالری (٪۸۵ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین ۵۳ گرم؛ مصرف چربی: ۳٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

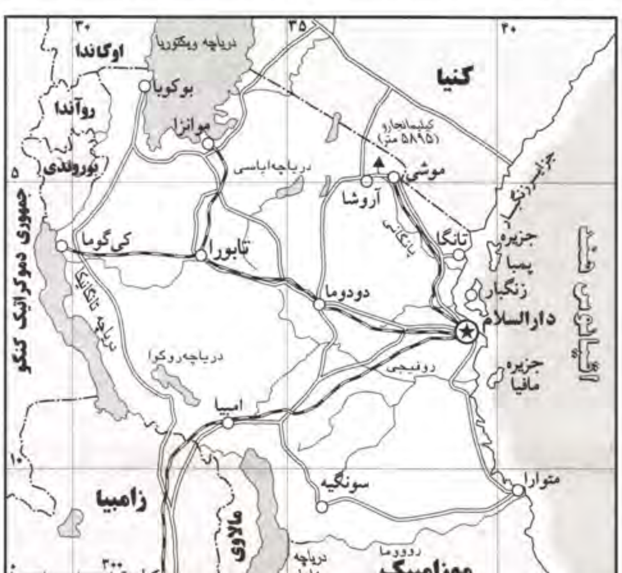
تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۵/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦٦۳ (صد و دهمین کشور جهان)

مغولان و تیموریان به تصرف ازبک‌ها درآمد. در سدهٔ هفدهم تحت امر خانات بخارا و خوقند قرار گرفت و در اواخر سدهٔ نوزدهم و آغاز سدهٔ بیستم به تصرف روسیهٔ تزاری درآمد. در آوریل ۱۹۱۸ بخش شمالی تاجیکستان، توسط بولشویک‌ها اشغال گردید و به بخشی از جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی ترکستان مبدل گردید.
در سال ۱۹۲۱ تحت کنترل امیر بخارا قرار گرفت و سپس به تصرف ارتش سرخ درآمد. در سال ۱۹۲۴ به بخشی از جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان مبدل گردید و در سال ۱۹۲۹ خود به یک جمهوری خودمختار تبدیل شد و خجند از ازبکستان جدا شد و ضمیمهٔ آن گردید و در مقابل شهرهای سمرقند و بخارا به ازبکستان ملحق گردیدند. در تصفیه‌های استالینی، غالب عناصر بومی حزب کمونیست تاجیکستان تصفیه و از کار برکنار شدند و روس‌ها رأساً ادارهٔ امور آن را عهده‌دار گردیدند. در دههٔ ۱۹۷۰ گرایش‌های اسلامی و احساسات ضد روسی در آن پدید آمد. با روی کار آمدن میخائیل گورباچف و سیاست فضای باز، اعتراضات گسترده علیه سیاست‌های دولت شکل گرفت و لغو سانسور مطبوعات جزء خواسته‌های مردم قرار گرفت. در ژوئن ۱۹۸۹ درگیریهای شدیدی میان تاجیک‌ها و ازبک‌ها در نواحی مرزی میان دو سرزمین به وقوع پیوست و اسکان ارامنه در شهر دوشنبه نیز با واکنش شدید تاجیک‌ها روبرو گردید.
پس از شکست کودتای نافرجام مسکو در ماه اوت ۱۹۹۱، که دولت تاجیکستان از آن حمایت کرده بود، قهار محکموف رئیس شورای عالی تاجیکستان از کار کناره گرفت و رحمان نبی‌یف به جای او نشست. در نهم سپتامبر تاجیکستان استقلال خود را با نام جمهوری ترکمنستان اعلام کرد. رحمان نبی‌یف فعالیت حزب کمونیست تاجیکستان را ممنوع کرد و در اولین انتخابات عمومی ۲۴ نوامبر ۱۹۹۱ به ریاست جمهوری رسید. در تظاهرات وسیعی که از آوریل ۱۹۹۳ شروع شدو حدود یک ماه به طول کشید مردم خواستار برکناری رحمان نبی‌یف و برگزاری انتخابات چند حزبی شدند. نبی‌یف در ماه سپتامبر همان سال از کار کناره گرفت و اکبرشاه اسکندروف موقتاً رئیس جمهور شد و ادامهٔ تظاهرات و درگیریها منجر به روی کار آمدن امامعلی رحمان‌اف به عنوان رئیس جمهور موقت گردید و با اصلاح قانون اساسی نظام حکومتی به جمهوری پارلمانی تغییر یافت. هواداران امامعلی رحمان‌اف که از کمونیست‌ها بودند در دهم دسامبر ۱۹۹۳ شهر دوشنبه را از کنترل نیروهای اسلامی خارج کردند و هزاران نفر آواره گردیدند و گروههایی به افغانستان پناهنده شدند. دولت امامعلی رحمان‌اف کلیهٔ فعالیتهای ملی و مذهبی را ممنوع کرد و از انتشار نشریات آنان جلوگیری نمود. گروههای مخالف نیز متقابلاً به نبرد مسلحانه روی آوردند و با نیروهای دولتی به نبرد و زد و خورد پرداختند. دولت مرکزی که در مقابل حملات نیروهای مخالف درمانده بود از روسیه و ازبکستان کمک خواست.
در سال ۱۹۹۴ کوشش‌های فراوانی از سوی ایران و پاکستان و روسیه به عمل آمد تا مگر میان دولت و مخالفان آن تفاهم و آشتی برقرار شود و تلاش‌های سازمان ملل متحد نیز منجر به آتش‌بس موقت اکتبر آن سال گردید، ولی دولت تاجیکستان که در انتخابات نوامبر همان سال مجدداً بر سر کار آمده بود، آتش‌بس را نادیده گرفت و مخالفان دولت نیز انتخابات برگزار شده را مردود و غیر قانونی اعلام داشتند. در فوریهٔ ۱۹۹۶ جمشید کریموف نخست‌وزیر از کار برکنار شده و یحیی عظیموف به جای او به نخست‌وزیری رسید. در ژوئن ۱۹۹۷ بر اساس پیمان صلحی که در مسکو به امضاء رسید، جنگ داخلی پایان یافت و قرار شد تا ۳۰ درصد اعضای دولت را مخالفان تشکیل دهند. اما قرارداد مزبور مانع از ادامهٔ جنگ و درگیری به ویژه در شهرهای عمدهٔ کشور نگردید و حمله به مقر ریاست جمهوری بی‌اعتباری و سستی آن را نشان داد. جنگ چهارساله داخلی تاجیکستان به مرگ دهها هزار تن و آوارگی و دربدری بیش از ۶۰۰,۰۰۰ نفر و مهاجرت و پناهنده شدن حدود ۳۰۰,۰۰۰ تن به افغانستان و روسیه وبعضی دیگر از کشورهای عضو جامعهٔ مشترک‌المنافع منجر گردید و علاوه بر آن به اقتصاد کشور صدمهٔ فراوان رسانید و تاجیکستان را به یکی از فقیرترین و عقب‌افتاده‌ترین کشورهای عضو جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع مبدل نمود.
در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۹ نیز امامعلی رحمان‌اف به پیروزی رسید. علی‌رغم پایان جنگ داخلی و مشارکت قسمت اعظم مخالفان در ترکیب دولت، در طی سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ اقدامات مسلحانه و ترورهایی بر علیه مقامات اصلی کشور در سطح وزیران صورت گرفته است.

تانزانیا TANZANIA

تانزانیا در خاور افریقا و در ساحل غربی اقیانوس هند جای دارد و از شمال به کشورهای اوگاندا و کنیا، از خاور به اقیانوس هند، از جنوب به موزامبیک، از جنوب غربی به زامبیا و مالاوی، و از غرب به کنگو کینشاسا، بوروندی و روآندا محدود است. این کشور که از ترکیب سرزمین تانگانیکا و جزایر زنگبار و پمبا تشکیل یافته، عمدتاً کوهستانی است و ارتفاعات اصلی آن در شمال و شمال‌خاوری جای دارند و کوه کیلیمانجارو با ارتفاع ۵۸۹۵ متر، بلندترین نقطهٔ آن است. نوار ساحلی آن جلگه‌ای است پست و هموار که بیشترین جمعیت کشور را در خود جای داده و اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است. رودخانه‌های روفیجی (۲۸۲ کیلومتر)، روووما و پانگانی از عمده‌ترین رودهای آن است و دریاچه‌های ویکتوریا و تانگانیکا و نیاسا دریاچه‌های مرزی هستند و دریاچه‌های ایاسی و روکوا عمده‌ترین عارضه‌های آبی درون‌بومی آن محسوب می گردند و جزایر زنگبار(۱۶۶۰ کیلومترمربع) و پمبا و مافیا که منشأ مرجانی دارند، بزرگترین جزایر آن هستند.
زمینهای قابل کشت آن عمدتاً در اطراف دریاچهٔ ویکتوریا جای دارد و از نظر جمعیت یکی از متراکم‌ترین نواحی کشور به شمار می‌آید.
نیاز به فزونی یافتن صادرات به قطع درختان جنگلی و توسعهٔ هرچه بیشتر زمینهای زیر کشت منجر گردیده و شرایط زیست محیطی نامطلوب و تهدیدکننده‌ای را پدید آورده است.
اکثر جمعیت تانزانیا را بانتوتباران و زنگباری‌ها تشکیل می‌دهند و شیرازی‌های ایرانی‌تبار و عرب‌ها و آسیایی‌ها و اروپاییان از اقلیت‌های قومی آن محسوب می گردند.



تاریخچه

قدیمی‌ترین سنگواره‌های انسان که در درّهٔ اولدووایی واقع در شمال تانزانیا کشف گردیده بازگوکنندهٔ حضور انسان در چندین میلیون سال قبل است. از آن زمان به بعد تا ورود اعراب به زنگبار اطلاع درستی از تاریخ این سرزمین در دست نیست. طی سالهای ۶۹۵ تا ۱۵۵۰ میلادی اعراب مسلمان و شیرازی‌های ایرانی‌تبار بر این منطقه حکومت کردند و فرهنگ زنج یا فرهنگ افریقای خاوری را با خود به ارمغان آوردند. در سال ۱۵۰۳ پرتغالی‌ها زنگبار را تصرف نمودند و از آن بعنوان پایگاه مستعمراتی خود در افریقای خاوری استفاده کردند. در سال ۱۶۹۸ سلطان عمان پرتغالی‌ها را شکست داد و آنان را از این سرزمین بیرون راند، اما هیچگاه تاریخ گذشتهٔ آن تکرار نشد و کیلوا و زنگبار به یکی از مراکز بازرگانی و خرید و فروش برده مبدل گردید.
از ۱۶۹۸ تا ۱۸۳۰ زنگبار و نوار ساحلی مشرف به آن تحت سلطه و فرمانروایی سلطان عمان بود و پایتخت دولت سلطان‌نشین عمان به زنگبار منتقل گردید. در ۱۸۶۵ زنگبار از عمان جدا شد و مبارزه برای کسب قدرت در آنجا شروع گردید. در اواخر سدهٔ نوزدهم آلمانی‌ها بر زنگبار ادعای مالکیت کردند و انگلیسی‌ها نیز ادعای مالکیت آن سرزمین را داشتند. کنفرانس برلین که به منظور تقسیم افریقا میان قدرتهای استعماری اروپا تشکیل شده بود، زنگبار را به



نام رسمی: جمهوری متحد تانزانیا

نام محلی: تانزانیا Tanzania

اسامی دیگر: تانگانیکا و زنگبار، افریقای شرقی آلمان (اسامی سابق)

پایتخت: دارالسلام (۱،٤۳٦،۰۰۰ نفر درسال ۱۹۹۰)

تاریخ استقلال: تانگانیکا: ۱۹٦۱ ؛ زنگبار: ۱۹٦۳ ؛ اتحاد: ۱۹٦٤

روز ملی: ۲٦ آوریل؛ روز اتحاد تانگانیکا و زنگبار

نوع حکومت: جمهوری چندحزبی فدرال با یک مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۹٦٤

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور: بنجامین‌ویلیام‌مکاپا(حزب‌انقلابی کشور)،ازسال۱۹۹٥(برای‌دومین‌وآخرین‌بارازسال۲۰۰۰)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: فردریک سومایه(از حزب انقلابی کشور)؛ از سال ۱۹۹٥

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۷؛ آخرین تغییرات ۲۰۰۰؛ مجلس ملی با ۲۳۲ عضو انتخابی و ٤۳ عضو غیر انتخابی به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی(۲۰۰۰): حزب انقلابی کشور(چاماچا ماپیندوزی) ۲٤٤ کرسی، گروههای مخالف حزب حاکم (میثاق ملی برای سازندگی و اصلاحات، حزب دموکراسی و پیشرفت، جبهه متحد شهروندی) ۲٥ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹٦۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو،یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۹٤٥،۰۸۷ کیلومترمربع (سی‌امین کشور جهان)

جمعیت: ۳۳،٥۰۰،۰۰۰ نفر درسال ۲۰۰۰ (سی و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳٥/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ٥٤/۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲٥ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲٦/٤٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٤٥٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۸/۷٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۲۱/۸٪ ؛ بالای ٦۰ سال ٤/٥٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/٦۷٪، زن ٥۰/۳۳٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٥۳/٥ سال، مردان ٥۱/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۰/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۲/۸ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۸۲/٥ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۷/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما بر اساس شواهدموجود عمدهٔ مرگ و میرها در اثر بیماریهایی مثل مالاریا، انگل خونی، وبا و بیماریهای خواب حادث می‌شود.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٥/٦ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۷): نیاموزی‌وسوکوما۲۱/۱٪ ؛ سواحلی۸/۸٪ ؛ ههت‌وبنا ٦/۹٪ ؛ هایا ٥/۹٪ ؛ ماکونده٥/۹٪ ؛ نیاکیوسا ٥/٤٪

دین(۱۹۹۷): مسیحی ٤٤٪ ؛ مسلمان ۳۷٪ ؛ آنیمیست ۱۹٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: سواحلی و انگلیسی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۸): موانزا ۲۲۳،۰۱۳ نفر؛ دودوما ۲۰۳،۸۳۳ نفر؛ تانگا ۱۸۷،٦۳٤؛ زنگبار ۱٥۷،٦۳٤ ؛ (۱۹۸٥): تابورا ۲۱٤،۰۰۰ نفر؛ امبیا ۱۹٤،۰۰۰ نفر؛ آروشا ۸۷،۰۰۰ نفر؛ بوکوبا ۷۷،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: دارالسلام ، تانگا و متوارا (اقیانوس هند)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: شیلینگ تانزانیا (T Sh) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۷۹٦ شیلینگ؛ یک شیلینگ= ۱۰ ریال

درآمد بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ٦۸۹،٤۷۰ میلیون شیلینگ تانزانیا؛ عوارض گمرکی ۳۱/۷٪ ؛ مالیات بر مصرف و فروش ۲۳/۷٪ ؛ مالیات بردرآمد ۲۳/٦٪

هزینه بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۸۹۸،۸۰۰ میلیون شیلینگ تانزانیا؛ دستمزدها ۲٤/٥٪ ؛ پرداخت سود بدهی‌ها ۱۲/۹٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۷،۱٥٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/٤٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤٥/۷٪ ؛ صنعت ۱٤/۹٪ ؛ خدمات ۳۹/٤٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۷۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٦،٤۰٤ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۹۹۷/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۸/٤٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲٤/۳٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱۷/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): کاساوا ۷،۱۸۱،٥۰۰ تن؛ ذرت ۲،٤٥۷،۷٤٥ ؛ نیشکر ۱،۳٥٤،۹۹۹ ؛ موز سبز ۷٥۲،۰۰۰ تن؛ موز ۷٥۱،٦۰۱ تن؛ برنج ٦۷٦،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ٥٦۱،۰۳۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ٥۰۰،۰۰۰ تن؛ نارگیل ٤۰۰،۰۰۰ تن؛ ارزن ۱۹٤،۳۷۲ تن

کاربری زمین(۱۹۹٥) : کشاورزی ٤/۲٪ ؛ مرتع و چمنزار ۳۹/٦٪ ؛ جنگل ۳۷٪ ؛ سایر موارد ۱۹/۲٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱٤،۳٥۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۹،۹۰۰،۰۰۰ ؛ گوسفند ٤،۱٥۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۹،۰۲۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳٤۸،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۸،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٥٦،۱٦۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٤): سنگهای گرانبها(شامل: زمردویاقوت‌ویاقوت‌کبود)۳۳،۰۰۰ کیلوگرم؛طلا۳،۳۷۰ کیلوگرم؛ الماس ۱٥،۷۰۰ قیراط

تولیدات صنعتی(۱۹۹۹): سیمان ۸۳۳،۰۰۰ تن؛ فرآورده‌های نفتی ۲۸۷،۰۰۰ تن؛ شکر ۱٥۳،۰۰۰ تن؛ ورقه‌های آهن ۲۳،۰۰۰ تن؛ مفتول‌های فولادی ۹،٥۰۰ تن؛ آبجو ۱،۲۳۹،۰۰۰ هکتولیتر، سیگار ۳،٤۰۰،۰۰۰،۰۰۰ بسته، منسوجات ٤۹،۸۰۰،۰۰۰ مترمربع

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۱،۷۳۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،۷۳۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ: (۱۹۹٥): ٥،۰۰۰ تن (٥،۰۰۰) ؛ نفت خام (۱۹۹٦): صفر (٤،۳۱۷،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦) ٥۸۳،۰۰۰ تن (٦٥٦،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹٤): ۱۳،۸٥۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۸٪ ؛ میزان مشارکت: (۱۰ سال به بالا): ۸۷/۸٪ ؛ زنان ٤۰٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹٤): ٤۰٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۸۲/۳٪ ؛ صنعت ٤/۷٪ ؛ خدمات ۱۳٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۳٤،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۸/۲٪ ؛ نیروی دریایی ۲/۹٪ ؛ نیروی هوایی ۸/۹٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۳ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۱،٦۳۰/٦ میلیون دلار؛ کالاهای مصرفی ۳۳/۹٪ ؛ ماشین‌آلات ۲۰/۹٪؛ تجهیزات حمل و نقل ۱۸/۲٪ ؛ مواد غذایی ۱۰/۸٪ ؛ از کشورهای ژاپن ۱۰/۹٪ ؛ انگلستان ۷/۸٪ ؛ امریکا ٦٪ ؛ کنیا ٥/۸٪ ؛ هند ٥/٦٪

صادرات(۱۹۹۹): ٥٤۱ میلیون دلار؛ جوز کابلی ۱۸/۳٪ ؛ قهوه ۱٤/۲٪ ؛ مواد معدنی ۱۳/۲٪ ؛ دخانیات ۸٪ ؛ پنبه ٥/۲٪ ؛ چای ٤/٥٪ ؛ به کشورهای هند ۱۹/٥٪ ؛ انگلستان ۱۷٪ ؛ ژاپن ۸٪ ؛ هلند ٥/۷٪ ؛ سنگاپور ٤/٥٪ ؛ آلمان ٤٪ ؛ کنیا ۳/۸٪ ؛ امریکا ۳/۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون شیلینگ تانزانیا	-۳۸٥،۹۷۷	-٤۳۳،٥۲٥	-۳٦۳،٦۰٥	-۳۷۹،۹۰٥	-٥۱۷،۷۷۹	-۸۰۹،٤٤٥
درصد کل	٪٤۲/۱	٪۳٥/۷	٪۲۹/۲	٪۳۰/۲	٪۳٦/٦	٪٤۹/٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۷/۹	۱۰۰	۱۲۱	۱٤۰/٤	۱٥۸/٤	۱۷۰/۹
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ٥/٤ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹٤) غذا ٦٤/۲٪ ؛ پوشاک ۹/۹٪ ؛ مسکن ۸/۳٪ ؛ سوخت ۷/٦٪ ؛ حمل و نقل ٤/۱٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ٥۷۰ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج ٤۹۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۸۸،۲۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۳،٥٦۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۲۳،۷٦۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱۱٥،۷۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۳ روزنامه در ۱۲۰،۰۰۰ نسخه (۳/۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱۷۲ عنوان در ۳٦٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۲،۱۱٦/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۸،۸۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۸۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٦۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۲۲،۰۰۰ خط تلفن (۳/۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳۸،۰۰۰ خط (۱/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٥٥،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۱۰،۹۲۷	۱۰۸،۸۷٤	۳،۹٤۲،۸۸۸	۳٦/۲
متوسطه	٤۹۱	۱۱،٦٥۹	۱۹۹،۰۹۳	۱۷/۱
فنی و حرفه‌ای	٤۰	۱،۰٦۲	۱۲،٥۷۱	۱۱/۸
عالی	؟	۱،٦٥۰	۱۲،۷۷٦	۷/۷

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٦۷/۸٪ ؛ مردان: ۷۹/٤٪ ؛ زنان: ٥٦/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال(۱۹۷۸): ابتدایی ٤۹/٤٪ ؛ متوسطه و عالی ۱/۹٪

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۱،۳٦٥ نفر (هر ۲۰،٥۱۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): ۲٦،۸۲۰ تخت (هر ۱۰۰۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱،٤۰۰،۰۰۰ نفر (۹/٤۲٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزارنفر ۱٤۷/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۱،۹۹۹ کالری (۸۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤۹ گرم ؛ مصرف چربی: ۳۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱/۱٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۱٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/٥ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۱٥(صدو پنجاه و ششمین کشور جهان)

انگلسـتـان واگـذارد و تـانگانیکا و روآنـداو بوروندی را به مـالکیت آلمـان درآورد. در ۱۹۰۵ آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها متفقاً علیـه مسلمانان شورشی جلگهٔ سـاحلی به جنگ پرداختند. پس از شکست آلمـان در جنگ جهـانی اول، تانگانیکا نیـز تحت قیـمومیت و حـمایت انگلستان قـرار گرفت و روآندا و بوروندی به بلژیک واگذار گردید.

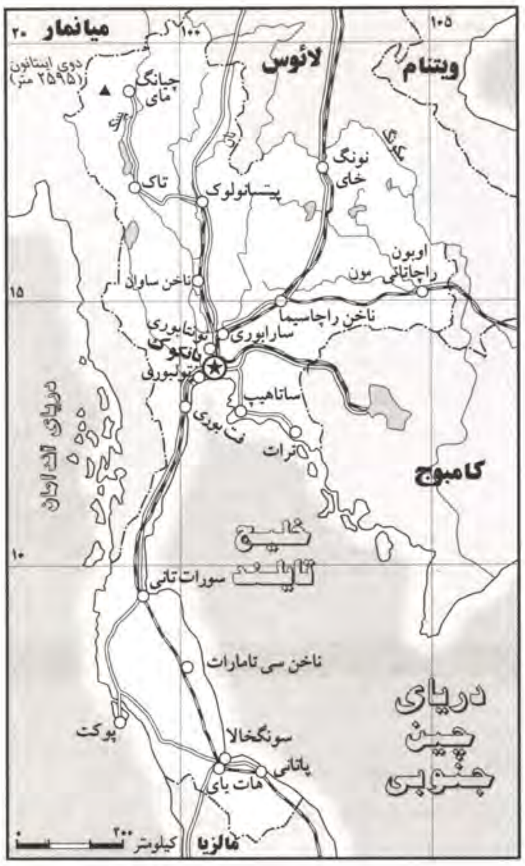
در سال ۱۹۵۴ حزب اتحاد ملی تانگانیکا به وسیلهٔ جـولیوس نایرره پایه گذاری شد و سـرانجام پس از چند سال مبارزه و گفتگو، تانگانیکا استـقلال خود را در سـال ۱۹۶۱ به دست آورد و جولیوس نایرره به ریاست جـمهوری رسید. همزمـان در زنگبار نیز حزب آفروشیـرازی فعالیت خود را در سال ۱۹۵۷ آغاز کـرد و در سال ۱۹۶۳ انگلستـان قدرت را به اقلیت عرب واگـذار نمود و کوتاه زمـانی بعد تـانگانیکا و زنگبار بـا هـم متـحد شـدند و جمهـوری تانزانیا را تأسیس نمـودند. جولیـوس نایرره که سـمت ریاست جمـهوری تانزانیا را عهـده‌دار بود، سیاست عدم تعـهد پیـشه کرد و در بخشـهای صنعـتی و اقتـصادی کشـور را به پیـشرفـتهایی رسـاند و روابط کشورش را با دیگر کشورهای جهان بهبود بخشید.

در اکتبر ۱۹۷۸ اوگاندا تحت رهبری عیدی امین که به شدت درگیر مسائل داخلی کشورش بود و به منحرف کردن افکار ملت اوگاندا از مسـائل داخلی علاقمند بود، به تانزانیـا حمله کـرد و دولت تانزانیا نیـز متـقابلاً با ملیون و آزادیخـواهان شـورشی اوگـاندا بـه همکاری پرداخت و عیدی امین را سرنگون کـرد. در پنجم نوامبر ۱۹۸۵ جـولیوس نـایرره پس از ۲۴ سال از کـار کناره گـرفت و مقـام ریاست جمهوری را به عـلی حسن مـعینی واگـذار کرد و در اکتـبر ۱۹۹۵ بنجامین مکاپا به ریاست جمهوری رسید. در اوت ۱۹۹۸ بمبی در سفارت امریکا در دارالسلام منفجر شد و چند نفر را کشت، قـرائن و تحقیقات رد پای اسـامه بن لادن را که در افغانسـتان می‌زیست در این انفـجار نشـان می‌داد. بمب دیگـری نیـز در ماه دسـامبـر در نزدیکی سـفـارت امریکا در دارالسلام منفجر شد که به کشته شدن ۱۱ نفر و زخمی شدن ۸۰ نفر منجر گردید. جولیوس نایرره، رهبر استقلال تانزانیا در سال ۱۹۹۹ درگذشت. اوج گیری جنگ‌های داخلی در بوروندی طی سال ۲۰۰۰، پناهندگان بسیاری را روانهٔ تانزانیا نمود که این مسئله مشکلات عدیده‌ای را برای دولت تانزانیا به وجود آورده است.

در اواخر ژانویه سـال ۲۰۰۱، تظاهرات طرفداران جبـهه متحد شـهروندی که عمـده‌ترین گروه مخالف دولت مرکزی در جـزیره زنگبار به شـمار می‌رود، با سرکـوب گسـتردهٔ نیروهای پلیس ضد شورش مـواجـه شد و تعـدادی از تظاهرکنندگـان کشـته شـدند. تظاهرکنندگـان خـواستـار برگزار مجدد انتخابات ریـاست جمهوری و مجلس ملی بودند که در سال ۲۰۰۰ برگـزار شده بود و طی آن بنجامین ویلیام مکا پا به پیروزی رسیده بود.

تایلند THAILAND

تایلند سرزمینی است در جنوب خـاوری آسـیا و بخشی از هندوچین که از شـمـال و شـمـال خـاوری به لائوس، از خـاور به کـامبـوج و خـلیج تایلند (دریای چین جنوبی)، از جنوب به مالزیا، از غـرب به دریای آندامان (اقیانوس هند) و میانمار و از شمـال غربی به کشـور میانمار محدود است. نواحی شـمـالی و خاوری آن را رشته ارتفـاعـاتی به بلندی حـداکثر ۲۵۹۵ متر (کوه دوی‌اینتانون) که سرچشمهٔ رودهای این کشور چون مکونگ، مـون، نان و چائو پرایا را تشکیل می‌دهند، فـرا گرفتـه و دشت وسیع و حـاصلخیزی را کـه از آبرفت روخانه‌های مـزبور پدید آمده است، در جنوب خود جای داده است. دنبالهٔ جنوبی این کـشور بخشی از شبه جزیرهٔ مـالایا را کـه تا مرز کـشور مالزیـا ادامه دارد، تـشکیل می‌دهد. اقلیم آن در اکـثر نواحی گـرم و مرطوب و پر باران است و جنگل‌های بارانی آن بخش وسیعی از کشور را مستور ساخته است. رود چائو پرایا - نان با حـدود ۱۰۰۰ کیلومتـر درازا مهمـترین رود آن است و جـزیره پوکت با ۸۰۰ کیلومترمربع وسعت، بزرگترین جزیره می‌باشد. تهیه لاستیک و الوار به قطع درختان جنگلی منجر شـده و مـهاجـرت مردم آن را از ناحیـه‌ای به ناحیـهٔ دیگر به همـراه آورده است و آلودگی حاصل از ترافیک وسایل موتوری و کارخانجات و نبودن سیستم فـاضلاب بهداشتی و آلودگی آبهای سطحی خطرات زیست‌محیطی مهمی را پیش آورده است.



تاریخچه

بررسیهای باستان شناسی، زنـدگی انسان در تایلند را به بیست هزار سـال پیش بازمی گرداند. اقوام تای زبان، حدود سدهٔ دهم میلادی از چین به تایلند مـهاجرت کردند و در سدهٔ سیزدهم به تأسیس دو دولت تای در آن سرزمین اقدام نمودند. در حدود سال ۱۲۲۰ امیرنـشین سوخوتای علیه امیرنشین خمر قیام کـرد و قدرت را به دست گـرفت. امیرنشین چیـانگ‌مای نیـز در سال ۱۲۹۶ تأسیس شـد. در سال ۱۳۵۰ میلادی امیرنشـین تای به نام آیتایا امیرنشین سـوخوتای را برانداخت و امیرنشین خمر را نیز نابود کرد. در ۱۷۶۷ میانمار، شهر آیوتهایا، پایتخت تای‌ها را تصرف کرد و امیرنشین آیتایا را برانداخت.

در ۱۷۸۲ رامای اول سلسلهٔ چاکری را بنیان نهاد و پایتخت خود را به بانکوک منتقل نمود و آن را کرونگ‌تپ نامگذاری کرد. رامای سوم از همان خاندانی است که هنوز هم بر تایلند سلطنت می‌کنند و امپراتوری خود را از شمـال و جنوب و جنوب خاوری توسعـه داد. در سدهٔ نوزدهم میلادی سرزمین سیام (تایلند امروزی) تحت حمایت و نظارت انگلستان و فرانسه قرار گرفت. در جنگ جهـانی اول سیـام در صف متفقین و علیـه آلمان به جنگ پرداخت و بعداً به عـضویت جامعهٔ ملل درآمد.

کـودتای ژوئن ۱۹۳۲ سلطنت استـبدادی سیام را به سلـطنت مشروطه مـبدل کـرد. در جنگ جهانی دوم دولت بانکوک به ژاپن نزدیک شد و به کشور مـزبور اجازه داد که از خاک سیام علیه متفقین استفاده کند و به دنبال آن و با حمایت ژاپن، سیام بخشی از کشور مالزیا را تصرف کرد. در ژوئن سال ۱۹۴۶ پادشاه سیام به نام آفاندا مـاهیدول به طرز مشکوکی به قتل رسید و برادرش رامـای نهم به جـای او نشسـت. وی که در امـریکا زاده شـده بود، تمـایلات امـریکایی فـراوانی داشت و تایلند را تـحت نفـوذ امریکا قـرار داد. در سال ۱۹۵۴ سـازمـان نظامی پیـمان آسـیای جنوب خاوری (سیتو) تأسیس گـردید و تایلند به عضویت آن درآمد و در مخالفت با این مسئله، شورش‌هایی در کشور به وقوع پیوست.

در سال ۱۹۶۱ نیروهای نظامی عظیمی از امریکا به تایلند وارد گـردید تا با نفوذ کمونیست‌ها در آسیای جنوب شرقی و به ویژه در لائوس مبارزه کند. نیروهای مزبور به مدت ۱۴ سال در تایلند باقی ماندند و روابط بسیار نزدیک و محکم خود را بـا تایلند حفظ و تقویت کردند. طی سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ دولت امریکا از حکومت نظامیان در تایلند به شدت پشتیبانی کرد و بیش از ۲ میلیـارد دلار در این راه هزینه نمود. قیام دانشجویان در اکتبر ۱۹۷۳ و حـمایت مردم از آنان به سرنگونی نظامیان حـاکم بر کشور انجامید و در سال ۱۹۷۵ پس از ۲۰ سال نخستین دولت غیر نظامی بـه سرپـرستی شـاهزاده سنی پرامـوج روی کـار آمـد و بلافـاصله از امریکا خـواست تا نیروهای خود را از تایلند خارج کند. ارتش تایلند کـه با دولت جدید موافقت نداشت، طی یک کـودتای خـونین در اکتـبر ۱۹۷۶ دولت سنی پرامـوج را سـرنگون کـرد. هزاران دانشـجـو و روشنفکر در حمایت از کمونیست‌ها به مبارزه علیه دولت برخاستند و بالاخره در کودتای اکتبر ۱۹۷۷ گروهی از نظامیان میانه‌رو و تا حدی آزادی‌خواه، زمـام امور را در دست گرفتند. در ۱۹۷۹ گـروه زیادی از خمـرهای سرخ کـه حکومـتشـان در کـامبـوج به وسیلهٔ هنگ سـامرین سرنگون شده بود، به تایلند پناهنده شدند و در نواحی مرزی سکونت گزیدند.



نام رسمی: پادشاهی تایلند

نام محلی: پراتت‌تای، موانگ‌تای Prathet Thai, Muang Thai

اسامی دیگر: سیام (نام سابق)

پایتخت: بانکوک (۶،۳۲۰،۱۷۴ نفر درسال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: پنجم دسامبر، روز تولد پادشاه

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۳۲

رئیس حکومت: پادشاه: رامای نهم، بومیبول آدولیادج، از سال ۱۹۴۶

رئیس دولت: نخست‌وزیر: تاکسین شیناواترا (حزب تای‌راک‌تای)، ازسال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۷؛ مجلس نمایندگان با ۵۰۰ عضو (در دورهٔ قبل ۳۹۳ عضو) و مجلس سنا با ۲۰۰ عضو به مدت ۴ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۱): حزب تای‌راک‌تای (تایلندی‌ها، تایلندی‌ها را دوست دارند) ۲۴۸ کرسی؛ حزب دموکرات ۱۲۸ کرسی؛ حزب ملی (پاک‌چارت‌تای) ۴۱ کرسی؛ حزب آرمان نوین ۳۶ کرسی؛ حزب توسعهٔ ملی ۲۹ کرسی؛ بقیه ۱۸ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۴۶)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، آپک، آسه‌آن، جنبش عدم‌تعهد

جمعیت

مساحت: ۵۱۳،۱۱۵ کیلومترمربع (چهل و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۶۱،۴۰۰،۰۰۰ نفر درسال ۲۰۰۰ (نوزدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۱۹/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۹٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۷۲/۷ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۶۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۰/۹٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۸٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۲۶٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۷/۷٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۷/۴٪ ؛ بالای ۶۰ سال ۸/۹٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۴۹/۸۶٪؛ زن ۵۰/۱۴٪ — **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ۷۶ سال؛ مردان ۷۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۱۶/۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۵/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۲۲ نفر — **رشدطبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۱۰/۴ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۶): بیماریهای قلبی ۷۹/۱ نفر؛ حوادث، خودکشی و مسمومیت ۷۸/۴ نفر؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ۵۱/۴ نفر؛ فشار خون بالا و بیماریهای عروق مغزی ۱۶/۱ نفر؛ ذات‌الریه و بیماریهای ریوی ۱۲/۸ نفر؛ بیماریهای کبد و لوزالمعده ۱۲/۶ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ۱/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۴۴ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ۶/۵ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۱ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): تایی(تایلندی)۷۹/۵٪ (شامل:سیامی۵۲/۶٪ ،لائوییی۲۶/۹٪)؛ چینی ۱۲/۱٪ ؛ مالایایی ۳/۷٪ ؛ خمر ۲/۷٪

دین(۱۹۹۶): بودایی (دین رسمی) ۹۲/۶٪ ؛ مسلمان ۵/۳٪ ؛ مسیحی ۱/۳٪ ؛ دیگر ادیان ۰/۸٪

زبان و خط: تایی (تایلندی ، زبان رسمی)؛ خط: تایلندی

شهرهای مهم(۱۹۹۳): نونتابوری ۲۶۱،۳۳۵ نفر؛ ناخن‌راچاسیما ۱۸۸،۱۷۱ ؛ چیانگ‌مای ۱۷۰،۳۹۷؛ هات‌یای ۱۴۸،۶۳۲ ؛ سارابوری ۱۰۷،۰۰۰ ؛ اوبون راچاتانی ۱۰۵،۹۳۶ ؛ ناخن ساوان ۹۷،۳۳۱ نفر

بنادر مهم: بانکوک‌وساتاهیپ (در خلیج تایلند)؛ پوکت (دریای آندامان)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: بات (B) = ۱۰۰ ساتانک؛ یک دلار=۴۲/۴۸ بات؛ یک بات = ۱۸۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۸۷۰،۴۲۱ میلیون بات(مالیات بر کالاها و خدمات ۴۲/۴٪ ؛ مالیات بر درآمد ۳۱/۷٪ ؛ مالیات بر معاملات بین‌المللی ۱۲/۱٪)

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۹۰۱،۷۱۶ میلیون بات؛ آموزش ۲۱/۶٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۵/۹٪ ؛ دفاع ۱۱/۶٪ ؛ کشاورزی ۹/۲٪ ؛ بهداشت ۸/۶٪ ؛ مسکن ۵/۷٪ ؛ نظم عمومی و امنیت ۵/۶٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۳۱،۹۱۶ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،۱۶۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۷/۸٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۴/۶٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۱/۲٪ ؛ صنعت ۴۱/۱٪ ؛ خدمات ۴۷/۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱،۶۵۶ میلیون دلار؛(۱۹۹۸): ۶،۹۶۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲۸،۱۱۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۶۹۰/۴ + میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۵): ۴۱/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۴/۸٪ ؛ ۱۹۹۸ : ۸/۷٪ ؛ ۲۰۰۰: ۲/۵٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۶): نیشکر ۴۶،۰۲۴،۹۰۰ تن؛ برنج ۲۳،۲۴۰،۱۷۸ تن؛ کاساوا ۱۵،۹۵۸،۵۰۰ ؛ ذرت ۴،۹۸۶،۴۲۰ تن؛ کائوچو ۲،۱۶۲،۴۱۱ تن؛ آناناس ۱،۷۳۴،۰۳۰ تن؛ موز ۱،۷۰۰،۰۰۰ تن؛ سویا ۳۷۰،۹۵۴ تن؛ توتون ۷۴،۲۵۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ۴۰٪ ؛ مرتع و چمنزار ۱/۶٪ ؛ جنگل ۲۹٪ ؛ سایر موارد ۲۹/۴٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۶): گاو ۷،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۴،۸۱۵،۰۰۰ ؛ بوفالو ۴،۰۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۶): ۳۹،۵۶۱،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۶):** ۳،۶۴۷،۹۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۷۲،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۵۵۴،۱۸۸ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ آهک ۵۸،۷۹۶،۰۰۰ تن؛ گچ ۸،۵۵۸،۰۰۰ ؛ کائولین ۳۶۷،۰۰۰؛ سنگ روی ۹۱،۱۳۲ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): سیمان ۳۳،۴۴۵،۰۰۰ تن؛شکر تصفیه شده ۵،۲۰۱،۸۰۰ تن؛ نخ مصنوعی ۵۴۰،۸۰۰ تن؛ ورق آهن گالوانیزه ۳۷۰،۰۰۰ تن؛ صفحات قلع ۲۵۰،۵۰۰ تن؛ تولیدات کنف هندی (ژوت) ۷۶،۰۰۰ تن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۴): ۷۴،۴۵۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۷۵،۲۷۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱۷،۰۹۵،۰۰۰ تن (۱۷،۱۹۸،۰۰۰)؛ نفت خام: ۹،۵۸۳،۰۰۰ بشکه(۱۳۷،۸۸۳،۰۰۰) ؛ فرآورده‌های نفتی: ۲۱،۲۹۱،۰۰۰ تن (۲۸،۸۵۰،۰۰۰)؛ گاز طبیعی ۹،۵۱۳،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب(۹،۵۱۳،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۳۲،۰۰۰،۱۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۵۳٪ ؛ میزان مشارکت: (۱۳ سال به بالا): ۶۹/۱٪ ؛ زنان: ۴۳/۹٪ ؛ میزان بیکاری ۲/۳٪ ؛ ۲۰۰۰ : ۳/۱٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۵۰٪ ؛ صنعت ۱۹/۷٪ ؛ خدمات ۳۰٪

نیروی دفاعی: (مدت نظام وظیفه: ۲ سال)؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۳۰۶،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۶۲/۱٪ ؛ نیروی دریایی ۲۳/۹٪ ؛ نیروی هوایی ۱۴٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۵): ۶۸ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۱،۹۲۴،۹۵۸ میلیون بات؛ شامل: تجهیزات نیروگاهی ۱۹/۴٪ ؛ ماشین‌آلات برقی ۱۸/۷٪ ؛ سوختهای معدنی و روغن‌های روانکاری ۸/۶٪ ؛ وسیلهٔ نقلیه ۷٪ ؛ آهن و فولاد ۶٪ ؛ پلاستیک ۳/۲٪ ؛ از ژاپن ۲۵/۶٪ ؛ امریکا ۱۳/۹٪ ؛ سنگاپور ۵٪ ؛ مالزیا ۴/۸٪ ؛ آلمان ۴/۷٪ ؛ تایوان ۴/۶٪ ؛ چین ۳/۶٪ ؛ کرهٔ جنوبی ۳/۵٪

صادرات(۱۹۹۷): ۱،۸۱۱،۶۷۳ میلیون بات؛ شامل: ماشین‌آلات برقی ۱۸/۱٪ ؛ تجهیزات نیروگاهی ۱۶/۸٪ ؛ پوشاک ۶٪ ؛ لاستیک ۵/۸٪ ؛ ماهی زنده ۴/۵٪ ؛ جواهرات گرانبها ۴٪ ؛ غلات ۳/۷٪ ؛ به امریکا ۱۹/۶٪ ؛ ژاپن ۱۵٪ ؛ سنگاپور ۱۱٪ ؛ هنگ‌کنگ؛ ۵/۹٪ ؛ مالزیا ۴/۳٪ ؛ انگلستان ۳/۷٪ ؛ هلند ۳/۲٪ ؛ چین ۳/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵
میلیون دلار	-۶،۷۵۰	-۵،۹۹۰	-۴،۱۶۱	-۴،۲۹۷	-۳،۷۲۶	-۷،۹۶۸
درصد کل	٪۱۲/۹	٪۹/۶	٪۶/۱	٪۵/۶	٪۴	٪۶/۷

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۰	۹۴/۵	۱۰۰	۱۰۵/۸	۱۱۱/۸	۱۲۰/۸
شاخص درآمد ماهانه	۹۳/۲	۸۷/۳	۱۰۰	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار(۱۹۹۶): میانگین اندازهٔ خانوار: ۳/۷ نفر؛ میانگین سالانهٔ درآمد هر خانوار: ۱۲۹،۳۴۸ بات؛ منابع درآمد (۱۹۹۴):دستمزد و حقوق ۴۱/۲٪ ؛ کار آزاد ۳۰/۲٪ ؛ پرداخت‌های انتقالی ۷/۱٪ ؛ دیگر موارد ۲۱/۵٪ ؛ هزینه‌ها: غذا، نوشیدنی و دخانیات ۳۰/۲٪ ؛ مسکن ۱۹/۱٪ ؛ سرگرمی و تفریح ۱۵/۱٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۵٪ ؛ پوشاک ۱۴/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد ۵،۹۳۴ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج ۱،۴۴۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۶۴،۶۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۴،۰۴۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۹): ۱،۶۶۱،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۹):** ۲،۸۵۵،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۳۵۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۶):** ۲۵ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹۶): ۳۰ روزنامه در ۳،۸۰۰،۰۰۰ نسخه (۶۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱،۵۲۲ عنوان

کتاب: ۸،۱۴۲ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۱۳،۹۵۹،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۳۴ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱۵،۱۹۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۵۴ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۵،۰۳۸،۰۰۰ خط تلفن (۸۴ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۹۵۷،۰۰۰ خط (۳۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۳۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۳۴،۰۰۱	۴۴۵،۰۵۴۲	۵،۹۶۱،۸۵۵	۱۹/۳
متوسطه	۲،۳۱۸	۱۰۷،۰۲۵	۳،۱۴۴،۴۸۲	۱۹/۸
فنی و حرفه‌ای	۶۷۹	۴۰،۱۱۶	۶۴۹،۸۰۸	۱۹/۸
عالی	۱۰۲	۳۸،۴۲۳	۱،۲۲۰،۴۸۱	۳۱/۸

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۳/۸٪ ؛ مردان: ۹۶٪ ؛ زنان: ۹۱/۶٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۰): ابتدایی ۷۱/۳٪ ؛ متوسطه ۹/۵٪ ؛ بعد از متوسطه ۶/۶٪

تعداد پزشک(۱۹۹۶): ۱۷،۳۳۵ نفر (هر ۳،۴۶۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۶) : ۱۲۸،۸۷۹ تخت (هر ۴۶۶ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۷۸۰،۰۰۰ نفر (۲/۲۳٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۵۱/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۳۶۰ کالری(۱۰۳٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۵۴ گرم؛ مصرف چربی: ۴۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۳/۱٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۲/۶٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۳/۵ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۲۰۵/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۵ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۴۵ (هفتادو ششمین کشور جهان)

تایلند به حمایت از سیاست منطقه‌ای امریکا برخاست و بر علیه حکومت طرفدار ویتنام در کامبوج با خمرهای سرخ همکاری نمود. در آوریل ۱۹۸۱ کودتای دیگری بانکوک را به لرزه درآورد و ژنرال سنت چیتپاتیما به دفاع از دموکراسی بر سر کار آمد. در انتخابات ۲۰ آوریل ۱۹۸۳ ژنرال پرم برای دومین بار پیاپی به مقام نخست‌وزیری رسید. در انتخابات مه ۱۹۸۶ مجدداً مقام نخست‌وزیری به ژنرال پرم محول گردید و در نخستین انتخابات عمومی بعد از سال ۱۹۷۶ که در آوریل ۱۹۸۸ برگزار شد، ژنرال چاتیچای چونهاوان با تشکیل یک دولت ائتلافی از سوی پادشاه تایلند مأمور تشکیل کابینه گردید. چاتیچای دست به کارهای اساسی زد و تغییرات عمده‌ای در سیاست داخلی و خارجی کشور پدید آورد.

در مارس سال ۱۹۹۱ ارتش به کودتای دیگری دست زد و ژنرال سونتورن کونگسومپونگ زمام امور دولت را در دست گرفت و قانون اساسی کشور را مورد تجدید نظر قرار داد و در دسامبر همان سال به توشیح و تصویب پادشاه تایلند رسانید. در آوریل ۱۹۹۲ ژنرال سوچیندا پس از برگزاری انتخابات با پشتوانه اکثریت ضعیفی از احزاب طرفدار ارتش به مقام نخست‌وزیری رسید. در پی این تحولات تظاهرات وسیعی در شهرهای بزرگ کشور برگزار شد که با خونریزی و کشتار صدها نفر از تظاهرکنندگان پایان یافت ولی دولت را وادار نمود تا قانون اساسی را اصلاح کند و از تعداد نظامیان کابینه بکاهد و ۱۲ تن از افسرانی را که در کشتارهای خیابانی مردم شرکت داشته‌اند محاکمه و مجازات نماید. در مه ۱۹۹۲ ژنرال سوچیندا از کار کناره گرفت و معاون او میتچای روچوفان به نخست‌وزیری منصوب گردید. وی پارلمان را منحل کرد و در سپتامبر همان سال دستور برگزاری انتخابات عمومی را صادر کرد.

در انتخابات مزبور چوآن لیکپای، از سیاستمداران مخالف سلطهٔ سیاسی ارتش، به نخست‌وزیری انتخاب شد. در ژوئیه ۱۹۹۵ انتخابات دیگری برگزار گردید و حزب ملت تای برندهٔ اکثریت شد و بانهام سیلاپاآرچا رهبر حزب مزبور عهده‌دار امور کشور شد. وی جای خود را در انتخابات ۱۹۹۶ به چاوالیت یونچایود واگذار کرد. در سال ۱۹۹۷ بحران اقتصادی شدیدی دامنگیر کشور شد و در اکتبر همان سال قانون اساسی کشور مجدداً مورد تجدید نظر قرار گرفت.

در مارس سال ۲۰۰۰ نخستین انتخابات مستقیم اعضای مجلس سنا برگزار شد که ۷۸ نفر از ۲۰۰ سناتور انتخابی به اتهام تقلب و فساد سلب صلاحیت شدند. دو تن از آنان همسران وزیر کشور و وزیر دادگستری بودند. در انتخابات مجلس نمایندگان که در سال ۲۰۰۱ برگزار گردید، برای اولین بار یک حزب توانست بدون نیاز چندانی به ائتلاف با سایر احزاب به تشکیل دولت بپردازد. در این انتخابات، حزب «تایلندی‌ها، تایلندی‌ها را دوست دارند» با کسب ۲۴۸ کرسی از مجموع ۵۰۰ کرسی پارلمان دولت جدیدی به ریاست تاکسین شیناواترا تشکیل داد. پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، دولت تایلند در هراس از واکنش مسلمانان تایلندی ساکن در جنوب کشور، سیاستی بی‌طرفانه اتخاذ نمود.

تایوان TAIWAN

کشور تایوان جزیره‌ای است در خاور آسیا و در دوراب‌های ۱۵۰ کیلومتری سرزمین اصلی چین واقع است. در آبهای غربی اقیانوس آرام قرار دارد و یکی از چندین جزیرهٔ آتشفشانی کشور چین را تشکیل می‌دهد. رشته ارتفاعاتی از شمال به جنوب و از میانهٔ خاوری این جزیره عبور می‌کند که کوههای چونگیانگ نام دارد و قلهٔ یوشان به بلندی ۳۹۹۷ متر، مرتفع‌ترین نقطهٔ آن است. جلگهٔ ساحلی غربی این کشور عمده‌ترین مرکز کشاورزی آن است. بیش از نیمی از این سرزمین را جنگلهای انبوه پوشانیده است.

رودخانه‌های چندی که همگی از ارتفاعات چونگیانگ سرچشمه می‌گیرند این کشور را مشروب می‌سازند که عمده‌ترین آنها رودهای تان، پینانتا، تاتو، چوشویی و تاچیا هستند. این سرزمین علاوه بر جزیرهٔ اصلی از چند جزیرهٔ دیگر مانند مجمع‌الجزایر پنگهو (پسکادورس)، چینمن (کموی) با ۱۷۵ کیلومترمربع وسعت، ماتسو و هوئوشائو و غیره نیز تشکیل یافته و اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است.

بیشتر جمعیت کشور تایوان را چینی‌هایی که از سدهٔ هفدهم میلادی به دلیل گوناگون به این جزیره مهاجرت کرده و تایوانی نامیده شده‌اند، تشکیل داده‌اند. در سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ صدها هزار چینی کومینگتانگ از سرزمین اصلی چین به تایوان مهاجرت کردند و بدنهٔ اصلی نظام حکومتی این کشور را تشکیل دادند. علاوه بر چینی‌ها، ماله‌ها و پولینزیایی‌ها که در حاشیهٔ خاوری جزیره زندگی می‌کنند، از اقلیتهای قومی این کشورند.



تاریخچه

مهاجرت چینی‌ها به تایوان از سدهٔ هفتم میلادی آغاز شد. در سال ۱۵۹۰ پرتغالی‌ها به آنجا وارد شدند و آن را فرمز (یعنی زیبا) نامیدند. در نیمهٔ اول سدهٔ هفدهم هلندی‌ها و اسپانیایی‌ها به جزیرهٔ مزبور وارد شدند. جنوب جزیره را هلندی‌ها و شمال آن را اسپانیایی‌ها اشغال نمودند. در سال ۱۶۴۱ هلندی‌ها، اسپانیایی‌ها را از جزیره بیرون راندند و سراسر جزیره را خود به تصرف درآوردند. آنان نیز در سال ۱۶۶۲ مغلوب سلسلهٔ مینگ گردیدند و ناگزیر از ترک جزیره شدند. امپراتوران منچو در سال ۱۶۸۳ تایوان را ضمیمهٔ امپراتوری خود کردند و آن را به یکی از استانهای کشور چین مبدل نمودند. در پی آن بسیاری از چینیان به تایوان مهاجرت کردند. بعد از شکست چین در جنگ ۱۸۹۵ چین و ژاپن، تایوان به یکی از مستعمرات ژاپن مبدل گردید و پس از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم، دوباره به چین واگذار شد.

هنگامی که ژنرال چیانگ کای‌چک در سال ۱۹۴۹ از کمونیست‌ها شکست خورد، به جزیره فرمز گریخت و دولت چین ملی را با حمایت دولت امریکا تأسیس نمود و دولت امریکا موجودیت چین ملی را در مقابل چین کمونیست تضمین نمود. دولت چین ملی ادعای مالکیت بر سراسر چین را داشت و با حمایت امریکا، کرسی چین در سازمان ملل را در دست گرفته بود. ژنرال چیانگ کای‌چک از سال ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۷۵ بر تایوان حکومت کرد و با مرگ وی ین چیاکان به جانشینی او انتخاب گردید.

در سال ۱۹۷۱ با مسافرت رئیس جمهوری وقت امریکا ریچارد نیکسون به چین، امریکا در روابط خود با کشور بزرگ چین تجدید نظر کرد و شرایط عضویت آن کشور در سازمان ملل و اخراج تایوان را فراهم آورد. تایوان رفته رفته از حمایت امریکا بی‌بهره شد تا جایی که در سال ۱۹۷۹ روابط خود را با تایوان قطع کرد و چندی بعد دنگ شیائوپینگ رهبر چین اعلام داشت که تایوان بخشی از چین و متعلق به چین است. به دنبال این اعلامیه، بحران سیاسی شدیدی بر جامعهٔ تایوان حکمفرما شد و هر نوع فعالیت و داد و ستدی با چین به کلی ممنوع گردید و حتی تایوان روابط خود را با برخی از کشورها، مانند کرهٔ جنوبی که با چین روابط سیاسی نزدیکی برقرار کرده بودند، قطع کرد.

در سال ۱۹۹۵ زمانی که یی‌جینگ رهبر تایوان از امریکا دیدن کرد، چین دست به اعتراض شدیدی زد و استقرار موشکهای امریکایی در تایوان را که فقط حدود ۱۵۰ کیلومتر تا چین فاصله داشت، نوعی تهدید به خاک چین تلقی نمود. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۶ تایوان، چین به مانور نظامی در آبهای نزدیک به تایوان دست زد و امریکا نیز برای دفاع از تایوان کشتیهای جنگی خود را به آن ناحیه اعزام داشت. در اولین انتخابات ریاست جمهوری تایوان در ۲۰ مارس لی‌تنگ از حزب کومینگ تانگ به ریاست جمهوری رسید. در ژوئیهٔ ۱۹۹۶ زمانی که مالکیت هنگ‌کنگ به چین بازگشت، چین به مانور نظامی در آبهای تایوان پرداخت و تایوان نیز در ماه اوت روابط خود را با جزیرهٔ سنت لوسیا که روابط نزدیکی با چین برقرار کرده بود، قطع کرد.



نام رسمی: جمهوری چین

نام محلی: تاچونگ هوامین کوئو Ta Chung-hua Min-kuo

اسامی دیگر: چین ملی، فُرمُز (اسامی قدیم)

پایتخت: تایپه (۲،٤٦٠،۲۸٥ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹٤۹، از سرزمین اصلی چین

روز ملی: دهم اکتبر (سالروز انقلاب ووچان در سال ۱۹۱۱)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٤۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: چین‌شوی – بیان (حزب ترقی‌خواه دموکراتیک)، از سال ۲۰۰۰ (به مدت ٤ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: یوشی کون (حزب ترقی‌خواه دموکراتیک)، ازسال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٤۷، آخرین تغییرات ۲۰۰۰؛ مجلس مقننه (یوآن) با ۲۲٥ عضو به مدت ۳ سال، کرسی‌های مجلس مقننه در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۱): حزب کومین‌تانگ ۱۲۳ (٦۸) کرسی، حزب ترقی‌خواه دموکراتیک ۷۰ (۸۷) کرسی، حزب نوین ۱۱ (۱) کرسی، حزب اول مردم (٤٦) کرسی، اتحاد همبستگی تایوان (۱۳) کرسی،سایر احزاب و مستقل‌ها ۲۱ (۱۰) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: از سال ۱۹٤٥ تا ۱۹۷۱ دولت تایوان به عنوان نمایندهٔ مردم چین شناخته می‌شد. در این سال، جمهوری خلق چین از سوی اعضای سازمان ملل متحد به عنوان نمایندهٔ مردم چین شناخته شد و تایوان از کلیهٔ مجامع بین‌المللی اخراج گردید. در حال حاضر فقط با ۲۸ کشور روابط رسمی سیاسی دارد و تنها در آکپ عضو است.

جمعیت

مساحت: ۳٦،۰۰۰ کیلومترمربع (صد و سی و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۲،۱۸٦،۱۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهل و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٦۱٦/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۲٦/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۱): ۷٤/۷٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥):؟

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۲۱/٤٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲٥/۸٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۱٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱۱/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٥۱/۲۷٪ ؛ زن ٤۸/۷۳٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۹/۱ سال؛ مردان ۷۳/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۲/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٥/۷ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۷/۲ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۳۳/٤ نفر؛ بیماریهای عروق مغزی ٥۷/۹ نفر؛ بیماریهای قلبی ٥۰/۳ نفر؛ حوادث وخودکشی ٥۰ نفر؛ دیابت ۳٤/۳ نفر؛ بیماریهای کبدی ۲۲/٥ نفر؛ ذات‌الریه ۲۰/۳ نفر؛ بیماریهای کلیه ۱٥/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۸): چینی‌های‌هان، مهاجرین‌سرزمین‌اصلی‌چین‌وسایر چینی‌ها ۹۸/۲٪؛ قبایل بومی ۱/۸٪(آمی‌ها ۰/٦٪)

دین(۱۹۹۷): بودایی ٤۳٪ ؛ تائویی ۳٤٪ ؛ ایکوان‌تائو ۸٪ ؛ مسیحی ۳/۳٪ ؛ مسلمان ۰/۲٪ ؛ بهایی ۰/۱٪

زبان و خط: چینی ماندارین (زبان رسمی)؛ خط: چینی

شهرهای مهم(۱۹۹۹): کائوهسیونگ ۱،٤٦٥،٤۲۳ نفر ؛ تایچونگ ۹۲۲،۷٦۲ نفر؛ تاینان ۷۲۳،۲٤۹ نفر؛ چیلونگ ۳۸۲،۷۱۸ نفر

بنادر مهم: کائوهسیونگ (دریای چین جنوبی)؛ هوالین و چیلونگ (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار جدید تایوان (NT$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۳۱/۳ دلار جدید تایوان ؛ یک دلار تایوان = ۲٥٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۲،۰۷٤/۱ میلیارد دلار تایوان؛ مالیات بر درآمد ۱۷٪ ؛ مالیات مشاغل ۱۰/۸٪ ؛ مالیات زمین ۸/٤٪ ؛ مالیات کالا ۷/۱٪ ؛ عوارض گمرکی ٥٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۲،۰٦٦/۷ میلیارد دلار تایوان؛ امور اداری و دفاع ۲٦٪ ؛ آموزش ۱۸/۲٪ ؛ سایر موارد ٥٥/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۹۷،۹٥۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۳،۹۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٦/۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۸/۸٪ ؛ صنعت ۳۷/۲٪ ؛ خدمات ٥۳/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۱۲۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۱۹۹۸ – ۱۹۹٦): ۲/۳٪ ؛ ۱۹۹۹: ۰/۲٪ ؛ ۲۰۰۰: ۱/۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۷): نیشکر ۳،۹۰۲،۰۰۰ تن؛ برنج ۱،٦٦۳،۰۰۰ تن؛ مرکبات ٤۹٤،٦۸۰ تن؛ ذرت ۳۲۱،۳۲۲ ؛ آناناس ۳۰۰،٦۸٦ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۲۰۸،۰۰۰ تن؛ موز ۲۰٤،۷۳٥ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۲٥٪ ؛ مرتع و چمنزار ٥٪ ؛ جنگل ٥٥٪ ؛ سایر موارد ۱٥٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۷): خوک ۷،۹٦٦،۸۸۷ رأس؛ بز ۳۱٥،۲۱٦ ؛ گاو ۱٦٦،۳۹۳ رأس

تولید چوب(۱۹۹۷): ۳۲،۷۷۸ مترمکعب (الوار) — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۹۰۹،۲۱۸ تن

تولید مرغ(۱۹۹٥): ۱۰۱،۸۳۸،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی (۱۹۹۰): نقره ۳،۹۲٦ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): سیمان ۱۹،٦٥۱،۰۰۰ تن؛ شمش فولاد ۱۷،۱٥۰،۰۰۰ تن؛ کاغذ ٤،۰٦۷،۰۰۰ تن؛ کود ۱،۸۰۸،٤۷٦ تن؛ افروزه پلی‌استر ۱،٦۱٤،۸٤۹ تن؛ مواد پلاستیکی پلی وینیل ۱،۱٥۷،۹٦۳ تن؛ تلفن ۷،۷۳٦،٥۹۷ دستگاه؛ تلویزیون ۹۸۸،٤۳۰ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۱٥٥،٤٥۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ۱۱۱،۱٤۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹٦): ۱٤۷،٥۰۰ تن (۲۹،۹۸۳،۰۰۰)؛ نفت خام(۱۹۹٦): ۳۳٥،۰۰۰ بشکه (۲۲٦،۳۸۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی(۱۹۹٦): ۸۷۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (٤،٥۰۰،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۰): ۱۰،۲۳٦،۳۲٤ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٥۰/٥٪ ؛میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤ سال): ۷۲/٥٪؛ زنان: ۳۸/٥٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ۲/۷٪؛ ۲۰۰۰: ۳٪ ؛ ۲۰۰۱: ۳/۷٪

توزیع نیروی کار(۲۰۰۰): کشاورزی ۷/۸٪ ؛ صنعت ۳۷/۲٪ ؛ خدمات ٥٥٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۳۷٦،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۳/۸٪ ؛ نیروی دریایی ۱۸/۱٪ ؛ نیروی هوایی ۱۸/۱٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٦۰٦ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۳،٥۰۳،٥٦۹ میلیون دلار تایوان؛ شامل: ماشین‌آلات الکترونیکی ۱۷/۳٪ ؛ ماشین‌آلات غیر برقی ۱۱/٥٪ مواد شیمیایی ۹/٥٪ ؛ فلزات و تولیدات فلزی ۹/۱٪ ؛ تجهیزات حمل و نقل ٥/۳٪ ؛ از ژاپن ۲٥/۸٪ ؛ امریکا ۱۸/۸٪ ؛ کرهٔ جنوبی ٥/٤٪ ؛ آلمان ٤/۹٪ ؛ مالزیا ۳/٥٪ ؛ سنگاپور ۳/۱٪

صادرات(۱۹۹۸): ۳،٦۹۳،۲٦۹ میلیون دلار تایوان؛ شامل: ماشین‌آلات و لوازم برقی ٥۰٪ ؛ منسوجات ۱۳/۲٪ ؛ اقلام پلاستیکی ٦/۲٪ ؛ تجهیزات حمل و نقل ٤/۷٪ ؛ به امریکا ۲٦/٦٪ ؛ هنگ‌کنگ ۲۲/٤٪ ؛ ژاپن ۸/٤٪ ؛ آلمان ۳/۷٪ ؛ سنگاپور ۲/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار تایوان	+۱۹٤،٤۰۰	+۲۰٦،۷۰۰	+۳٦۱،٥۰۰	+۲۰٥،٥۰۰	+۱۸۹،۷۰۰	+۳٤۱،۰۰۰
درصد کل	٪٤/۱	٪۳/٦	٪٦	٪۳	٪۲/٦	٪٤/٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦/٤	۱۰۰	۱۰۳/۱	۱۰٤	۱۰٥/۷	۱۰٥/۹
شاخص درآمد ماهانه	۹٤/۸	۱۰۰	۱۰٤/۲	۱۰۸/۹	۱۱۲	۱۱٥/۸

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ۳/٤ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹۸): ۱،۲٤۸،۲٥٤ دلار جدید تایوان؛ هزینه‌ها: غذا ۲٥/٥٪ ؛ آموزش و سرگرمی ۱۸/٤٪ ؛ اجاره، سوخت و نیرو ۱۷/۲٪ ؛ حمل و نقل ۱۰/٥٪ ؛ مراقبت‌های بهداشتی ۸/۱٪ ؛ پوشاک ٤/۷٪ ؛ اثاثیه منزل ۲/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۳،۳۷۲ میلیون دلار؛ هزینه: ٥،۰٥۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۲۰،۱۸۹ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۳،۸۷۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ٤،٥۳٦،٦۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۸۳٤،۲۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ٦٤۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۱۳ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): روزنامه در ٤،۰۰۰،۰۰۰ نسخه (۱۸۸ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹٦): ۸،٦۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۰۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۷،٥۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳٤۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۱،٥۰۰،۰۰۰ خط تلفن (٥۲٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٤،۷۲۷،۰۰۰ خط (۲۱٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳،٤۷۸،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳،۰۱۱،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۲،٥٤۰	۹۲،۱۰٤	۱،۹۰٥،٦۹۰	۲۰/۷
متوسطه	۹٤۷	۷۹،۰۰۱	۱،۳٦٥،٦۸۳	۱۷/۳
فنی و حرفه‌ای	۲۰٤	۲۰،٤۱۰	٥۰۹،۰٦٥	۲٤/۹
عالی	۱۳۹	۳۸،۸۰٦	۸٥٦،۱۸٦	۲۲/۱

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۹٤/۷٪ ؛ مردان: ۹۸/۱٪ ؛ زنان: ۹۱/۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۷): ابتدایی ۲۸/٦٪ ؛ متوسطه ٤۷/٤٪ ؛ عالی ۱٦/۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۲۷،۱٦۸ نفر (هر ۸۰۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۱۲٤،٥٦٤ تخت (هر ۱۷٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟

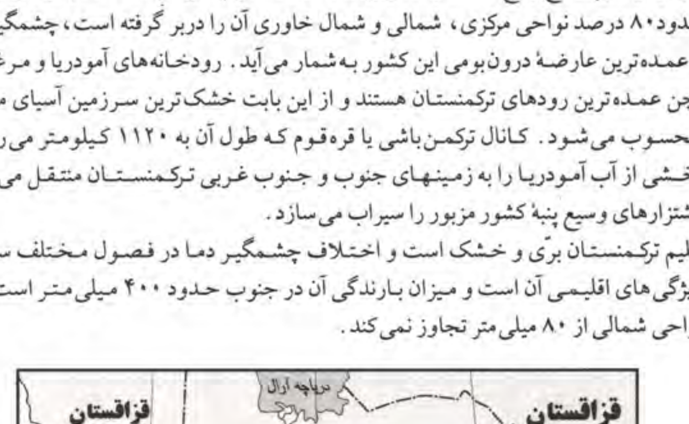
در آوریل ۱۹۹۸ چین و تایوان تصمیم به گفتگوی مستقیم گرفتند. مذاکرات و ارتباط مستقیم میان دو کشور از ژوئن ۱۹۹۵ قطع شده بود. حزب ترقی‌خواه دموکراتیک که از اواسط دههٔ هشتاد، فعالیت خود را در مخالفت با سیاست‌های حزب کومین‌تانگ آغاز کرده بود، در انتخابات سال ۲۰۰۰ پیروزی‌های چشمگیری به دست آورد و برای نخستین بار حاکمیت دولت از دست کومین‌تانگ خارج شد. در این انتخابات چین شوی - بیان، از حزب ترقی‌خواه دموکراتیک به ریاست جمهوری رسید و در پی آن چانگ چون - هسیونگ، از همین حزب، به نخست‌وزیری برگزیده شد.

در سپتامبر سال ۲۰۰۱، تقاضای عضویت تایوان در سازمان تجارت جهانی، یک روز پس از پذیرفته شدن جمهوری خلق چین در این سازمان، مورد پذیرش قرار گرفت. در انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۱، حزب ترقی‌خواه دموکراتیک ۸۷ کرسی و حزب کومین‌تانگ ۶۸ کرسی به دست آوردند. با روی کار آمدن جورج بوش از حزب جمهوریخواه در امریکا، این کشور قول داد کمک‌های نظامی خود به تایوان را افزایش دهد.

ترکمنستان TURKMENISTAN

کشور ترکمنستان در جنوب غربی آسیای مرکزی واقع شده و از شمال به قزاقستان و ازبکستان، از شمال خاوری و جنوب خاوری به ترتیب به کشورهای ازبکستان و افغانستان، از جنوب به ایران و از غرب به دریای خزر محدود است. سرزمین ترکمنستان دشت همواری است که حدود ۸۰ درصد آن را کویرهای خشک و غیر قابل کشت دربر گرفته و رودخانهٔ آمودریا(جیحون) در خاور، کوههای اوستیورت در شمال و کوپت‌داغ (کپه‌داغ) و پاروپامیز در جنوب و دریای خزر در غرب آن را محصور نموده‌اند. کوه فیروزه با بلندی ۲۹۴۲ متر که در کوههای کوپت‌داغ واقع است، بلندترین نقطهٔ آن محسوب می‌گردد. صحرای قره‌قوم که حدود۸۰ درصد نواحی مرکزی، شمالی و شمال خاوری آن را دربر گرفته است، چشمگیرترین و عمده‌ترین عارضهٔ درون‌بومی این کشور به‌شمار می‌آید. رودخانه‌های آمودریا و مرغاب و تجن عمده‌ترین رودهای ترکمنستان هستند و از این بابت خشک‌ترین سرزمین آسیای مرکزی محسوب می‌شود. کانال ترکمن‌باشی یا قره‌قوم که طول آن به ۱۱۲۰ کیلومتر می‌رسد، بخشی از آب آمودریا را به زمینهای جنوب و جنوب غربی ترکمنستان منتقل می‌کند و کشتزارهای وسیع پنبهٔ کشور مزبور را سیراب می‌سازد.

اقلیم ترکمنستان برّی و خشک است و اختلاف چشمگیر دما در فصول مختلف سال از ویژگی‌های اقلیمی آن است و میزان بارندگی آن در جنوب حدود ۴۰۰ میلی‌متر است و در نواحی شمالی از ۸۰ میلی‌متر تجاوز نمی‌کند.



تاریخچه

از حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد به این سو، سرزمین ترکمنستان در تصرف امپراتوریهای هخامنشی و اشکانیان و ساسانیان بود و بخشی از خاک ایران به‌شمار می‌رفت. بین سده‌های پنجم تا هشتم هیاطله و ترک‌ها و عرب‌ها بر آن استیلا یافتند و از سدهٔ ششم تا هشتم میلادی در تصرف خلفای عرب بود و در سده‌های نهم و دهم به تصرف طاهریان و سامانیان درآمد. در اواسط سدهٔ یازدهم سلسلهٔ سلجوقیان در ترکمنستان تأسیس گردید و تا پایان سدهٔ دوازدهم به بخشی از متصرفات خوارزمشاهیان مبدل گردید. سلجوقیان دولت نیرومندی را در خراسان بزرگ که ترکمنستان بخشی از آن بود پی‌ریزی کردند و شهر مرو را به پایتختی کشور خود برگزیدند. در همین ایام بود که اقوام ترکمن ظهور کردند و پس از زد و خوردهای بسیاری که بین آنان به وقوع پیوست، دو سلسلهٔ آق‌قویونلو و قراقویونلو را تأسیس نمودند.

سرزمین ترکمنستان پس از حملهٔ مغول به قلمرو ایلخانان مغول درآمد و سپس زیر سلطهٔ تیموریان قرار گرفت و از سدهٔ شانزدهم تا هجدهم تحت نفوذ ازبک‌ها و خانات خیوه و بخارا درآمد و قسمتهایی هم در تصرف ایران باقی ماند. اقوام ترکمن که در نواحی خشک و بدون آب شمال ترکمنستان به سر می‌بردند، تحت فشار شرایط نامساعد جوّی به نواحی جنوبی مهاجرت کردند و در اطراف رودخانهٔ آمودریا ساکن شدند.

از سال ۱۸۷۷ روس‌ها رسماً شروع به مداخله در امور ترکمنستان کردند و با ترکمن‌ها به جنگ پرداختند، ولی با مقاومت سرسختانه آنان روبرو شدند. سرانجام روس‌ها در سال ۱۸۸۱ به پیروزی نهایی دست یافتند و نواحی مرکزی و شمالی را به تصرف خود درآوردند. در تصرف نواحی جنوبی و مشرف به مرزهای افغانستان با نیروهای انگلیسی روبرو شدند و پس از مناقشات و گفتگوهای مکرر در سال ۱۸۹۵ مرزهای کنونی ترکمنستان و افغانستان را با مشارکت انگلیسی‌ها علامتگذاری کردند و قطعیت بخشیدند و به دنبال آن ترکمنستان و دیگر نواحی ماوراء خزر به جزئی از فرمانداری ترکستان روس مبدل شد.

پس از انقلاب اکتبر و روی کار آمدن بولشویک‌ها، در سال ۱۹۱۸ جمهوری خودمختار ترکستان تشکیل گردید. در ژوئیه سال ۱۹۱۸ ملی‌گرایان و آزادی‌خواهان ترکمن دست به شورش زدند و شهر عشق‌آباد را تصرف نمودند و بولشویک‌ها را از این ناحیه بیرون راندند و در پی درخواست کمک از انگلستان، نیروهای انگلیسی در عشق‌آباد مستقر گردیدند، ولی در حملهٔ بولشویک‌ها در سال ۱۹۲۰ مقاومت نیاوردند و آنجا را تخلیه کردند و ترکمنستان دوباره به تصرف روس‌ها درآمد. در ۲۷ اکتبر ۱۹۲۴ جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان تشکیل گردید و نواحی ترکمن‌نشین بخارا و خوارزم نیز به جمهوری مزبور ملحق شد. در دورهٔ اتحاد شوروی ترکمن‌ها از اشتراکی کردن مزارع زیان فراوان دیدند و دولت شوروی نیز اقدامی در جهت صنعتی کردن کشور به عمل نیاورد و تنها به استخراج نفت و گاز آن پرداخت. یکی از مهمترین مسائل فرهنگی ترکمنستان زبان آنان بود که تا سال ۱۹۹۰ زبان روسی به عنوان زبان رسمی به کار می‌رفت و اهمیتی به زبان محلی آنان داده نمی‌شد.

پس از مطرح شدن سیاستهای گلاسنوست و پروسترویکای گورباچف، ترکمنستان در ۲۷ اکتبر سال ۱۹۹۱ اعلام استقلال کرد و حزب دموکرات ترکمنستان جانشین حزب کمونیست گردید. در ۱۸ مه ۱۹۹۲ قانون اساسی آن به تصویب رسید و صفر مراد نیازوف در ۲۱ ژوئن ۱۹۹۲ به ریاست جمهوری ترکمنستان برگزیده شد. ترکمنستان یکی از معدود کشورهای اقماری شوروی سابق است که پس از فروپاشی شوروی دچار آشوب و برادرکشی نشد و ثبات سیاسی آن سرمایه‌گذاران خارجی را به فعالیت در این کشور تحریص نمود و سرمایه‌گذاری زیادی در صنایع نفت و گاز از سوی سایر کشورها صورت گرفت. در سال ۱۹۹۳ ترکمنستان به ایران نزدیک شد و خط آهن عشق‌آباد از طریق سرخس به شبکهٔ راه‌آهن ایران متصل گردید. نیازوف در انتخابات سال ۱۹۹۴ موقعیت خود را تثبیت کرد. در ژانویه ۱۹۹۵ ترکمنستان، ایران، ترکیه، قزاقستان و روسیه قراردادی برای احداث خطوط لوله و انتقال نفت و گاز به اروپای شرقی به امضاء رساندند و در دسامبر ۱۹۹۷ نخستین خط لولهٔ نفت بین ایران و ترکمنستان افتتاح شد و نفت و گاز ترکمنستان از طریق ایران و خلیج فارس به بازارهای جهانی صادر گردید. این اقدام با مخالفت دولت امریکا روبرو گردید. در سال ۱۹۹۸ نیازوف به امریکا مسافرت کرد و با بیل کلینتون رئیس جمهور امریکا دیدار و مذاکره نمود.

در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۹، تنها حزب دموکرات ترکمنستان به رهبری نیازوف حق شرکت داشت و پس از تشکیل مجلس جدید، نیازوف از آنان خواست که وی را به عنوان رئیس جمهور مادام‌العمر اعلام نکنند. ترکمنستان در اعتراض به مواضع آذربایجان در مورد بهره‌برداری از منابع نفت دریای خزر، از شرکت در اجلاس سران ترک زبان در باکو خودداری نمود. در پی حملات امریکا و متحدان آن به گروه طالبان در افغانستان، دولت ترکمنستان به عنوان یک کشور بی‌طرف از ارائهٔ هرگونه همکاری با آن سر باز زد، ولی با سازمان ملل برای کمک‌رسانی به مردم افغانستان همکاری نمود. اجلاس سران کشورهای حاشیهٔ خزر که در ابتدای سال ۲۰۰۲ در عشق‌آباد برگزار شد، بدون اخذ نتیجه ملموسی پایان یافت.



نام رسمی: جمهوری ترکمنستان

نام محلی: ترکمنستان Turkmenistan

اسامی دیگر: -

پایتخت: عشق‌آباد (۵٤۰،٦۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۱۰/۲۷، از شوروی

روز ملی: بیست و هفتم اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور مادام‌العمر: ژنرال صفرمراد نیازوف (دبیر کل حزب دموکرات)، از سال ۱۹۹۰

رئیس دولت: رئیس جمهور مادام‌العمر: ژنرال صفرمراد نیازوف(دبیر کل حزب دموکرات)، از سال ۱۹۹۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲، آخرین تغییرات ۱۹۹۹، پارلمان (مجلس) با ۵۰ عضو به مدت ۵ سال، به‌علاوه مجلس خلق (خلق مصلحتی) که تعیین رئیس‌جمهور نیز از وظایف آن است. تمامی ۵۰ کرسی مجلس، در انتخابات سال ۱۹۹۹ به حزب دموکرات ترکمنستان، متعلق به صفرمراد نیازوف اختصاص یافت.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، تقاضای عضویت در ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، ایدب، اکو، سیس، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، اوسه

جمعیت

مساحت: ٤۸۸،۱۰۰ کیلومترمربع (پنجاه و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ٤،۵۰۰،۰۰۰ نفر درسال ۲۰۰۰ (صد و سیزدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۹/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱/۸٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٦/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳٤ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤۵/۲٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۵٪

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ٤۰/٤٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۷/٦٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲٦/۲٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۵/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ٤۹/۵۹٪ ؛ زن ۵۰/٤۱٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۹ سال، مردان ٦۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۷/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۵۳ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۰/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٤): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۳۷/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۱۵۰/۳ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۷۵/۷ نفر؛ حوادث، مسمومیت، درگیری ٦۰/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۵٦/۸ نفر، بیماریهای دستگاه گوارش ۳۱/۱ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۵ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۱۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٤): ۸/۷ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر (۱۹۹٤):** ۱/۵ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): ترکمن ۷۷٪ ؛ ازبک ۹/۲٪ ؛ روس ٦/۷٪ ؛ قزاق ۲٪ ؛ تاتار ۰/۸٪ ؛ بقیه ٤/۳٪

دین(۱۹۹۵): مسلمان (عمدتاً سنی) ۸۷٪ ؛ ارتدوکس روسی ۲/٤٪ ؛ سایر ادیان و بی‌دین ۱۰/٦٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: ترکمنی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین و سیریلی

شهرهای مهم(۱۹۹۷): چارجو(ترکمن‌آباد) ۱۸۹،۲۰۰ نفر؛ داش‌حوض ۱٤۱،۸۰۰ نفر؛ مرو(ماری) ۱۰۱،۰۰۰ نفر؛ نیبت‌داغ ۸۷،۸۰۰ نفر؛(۱۹۹۱): ترکمن‌باشی(کراسنوودسک) ۵۹،۵۰۰ نفر

بنادر مهم: ترکمن‌باشی (کراسنوودسک)؛ در دریای خزر

اقتصاد و دارایی

واحد پول: منات ترکمنستان (TMM) = ۱۰۰ تنگه؛ یک دلار=۵،۲۰۰ منات؛ صد منات= ۱۵٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۳،۳۹۳/۱ میلیارد منات؛ مالیات بر ارزش افزوده ۲۵/٦٪ ؛ حق بیمه تأمین اجتماعی وحقوق بازنشستگی ۲۲/۵٪ ؛ بازپرداخت گاز زمان‌بندی شده ۱۳٪ ؛ مالیات غیر مستقیم ۱۰/۲٪ ؛ مالیات بر درآمد شخصی ٦/۱٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۳،۸۹٤/۳ میلیارد منات؛ آموزش ۲٦/۹٪ ؛ تأمین اجتماعی و حقوق بازنشستگی ۱۵/٦٪ ؛ دفاع و امنیت ۱٤/۹٪ ؛ بهداشت ۱٤/۱٪ ؛ کشاورزی ۵/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): ۲،۹۸۷ میلیون لار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۷):** ٦٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۸/۷-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲٤/٦٪ ؛ صنعت ٤۱/۸٪ ؛ خدمات ۳۳/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۸۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۷۳۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱٦/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٦٦۳/٤٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱۳/۵٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): غلات ۱،۵٦۷،۲۰۰ تن؛ دانهٔ پنبه ۱،۳۰۰،۰۰۰ تن؛ سبزیجات و صیفی‌جات ۳۳٦،٤۰۰ تن؛ میوه ۱۹۳،٦۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۳٪؛ مرتع و چمنزار ٦۱/٦٪ ؛ جنگل ۸/۲٪ ؛ سایر موارد ۲۷/۲٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): گوسفند و بز ٦،۰۲۵،۰۰۰ رأس؛ گاو ۸۸۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ٤۸،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۰): ٤،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۸،۸۲۸ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٤،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۵،۹۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): گچ ۱٦۹،۵۷۷ تن؛ سولفات سدیم ۳۰،۸۲۰ تن؛ گوگرد ۸،۱۱۲ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (میلیون منات) فلزات آهنی و غیر آهنی ۲۷۸؛ ماشین‌آلات و فلزکاری ۲۲۳؛ مواد غذایی ۱۲۹، مواد شیمیایی ۹۰؛ مصالح ساختمانی ۵۲؛ تولیدات چوبی ۳۱.

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱۰،۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۷،۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(۱۰۰،۰۰۰)تن؛ نفت خام: ۲۸،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۲۹،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۲،۲۲۳،۰۰۰ تن (۲،۲٦٦،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۳۳،۹۹۱،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۰،۸۰۳،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ۱،٦۸۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳٦/۸٪ ؛ میزان مشارکت: (مردان درسنین ۱٦ تا ۵۹ سال و زنان ۱٦ تا ۵٤ سال؛ ۱۹۹۵): ۸۱٪ ؛ زنان: ٤۱٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۵): ۳٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٤۱٪ ؛ صنعت ۲۱٪ ؛ خدمات ۳۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱۸،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۱۰۰٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۷۱ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۱۳۷/۱ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات ۳۹/۱٪ ؛ مواد غذایی ۸٪ ؛ مواد شیمیایی ۵/۱٪ ؛ دارو ۱/۸٪ ؛ از اوکراین ۱٦/۱٪ ؛ ترکیه ۱۳/۱٪ ؛ روسیه ۱۱/٦٪ ؛ آلمان ٦/۹٪ ؛ امریکا ٦/٤٪ ؛ ازبکستان ۵/۲٪ ؛ ارمنستان ۳٪

صادرات(۱۹۹۸): ٦۱٤/۱ میلیون دلار؛ شامل: گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی ۵٤/٦٪ ؛ پنبه ۲۲٪ ؛ برق ۵/۲٪ به ایران ۲٤/۱٪ ترکیه ۱۸/۳٪ ؛ آذربایجان ٦/۹٪ ؛ انگلستان ٤/۹٪ ؛ روسیه ٤/۷٪ ؛ تاجیکستان ٤/۵٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	+٤۸۵	+۵۳٦	+۳۲۹	-۲۳۱	-۵۲۳
درصد کل	٪۱۲/۵	٪۱۵/٤	٪۱۰/۸	٪۱۳	٪۳۰

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٤):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱،۳٦۲	۷،٤۳۱	۲۷،۵۰۲	۳۲،۱۲۲
شاخص درآمد ماهانه	۱۰۰	۷۳۹	٦،۳۳٤	۱۱،۲۸۲	۱٦،۱٦۳

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ۵ نفر؛ درآمد هر خانوار:؟ ؛ منابع درآمد(۱۹۹٦): دستمزد و حقوق ۷۰/٦٪؛ حقوق بازنشستگی و کمک‌های دولتی ۲۰/۹٪ ؛ کار آزاد ۲/۳٪ ؛ درآمد غیر از دستمزد کارگران ۱/۱٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹٦): کالا ۲٦/۸٪؛ خدمات ۱۳/۵٪ ؛ مالیات و دیگر پرداخت‌ها ۹/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد ۱۹۲ میلیون دلار؛ هزینه‌های شهروندان در خارج:؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۳،۷۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۲،۱۲۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۲۲۰،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۵۸،۲۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ؟ — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ٤۵۰ عنوان در ۵،٤۹۳،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۲،۲۰٦/٦ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۲۲۵،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۸۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۸٦۵،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۰۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۵٤،۰۰۰ خط تلفن (۸۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳،۰۰۰ خط (۰/۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵) متوسطه	۱،۹۰۰	۷۲،۹۰۰	۹٤۰،٦۰۰	۱۲/۹
فنی و حرفه‌ای	۷۸	؟	۲٦،۰۰۰	؟
عالی	۱۵	؟	۲۹،٤۳۵	؟

میزان باسوادی(۱۹۸۹): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۷/۷٪ ؛ مردان: ۹۸/۸٪ ؛ زنان: ۹٦/٦٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۹): ابتدایی ۱۳/٦٪ ؛ متوسطه ۷۸/۱٪ ؛ عالی ۸/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۱۳،۵۰۰ نفر (هر ۳۳۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۵): ٤٦،۰۰۰ تخت (هر ۹۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر(۰/۰۱٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷۹/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٦۸٤ کالری (۱۰۵٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۵ گرم؛ مصرف چربی: ٦٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

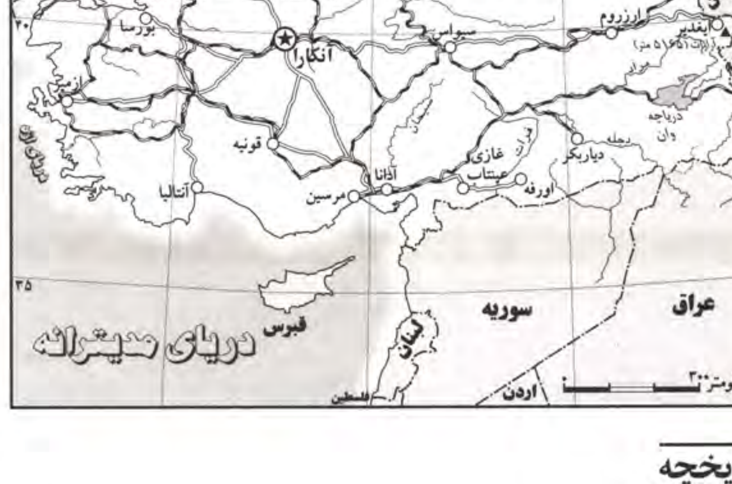
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳٤/۳ میلیون تن؛ هر نفر ۸/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۰٤ (صدمین کشور جهان)

ترکیه TURKEY

کشور ترکیه در غرب آسیا و جنوب خاوری اروپا جای دارد و از شمال به بلغارستان و دریای سیاه، از شمال خاوری به گرجستان، ازخاور به ارمنستان و جمهوری آذربایجان و ایران، از جنوب به عراق و سوریه و دریای مدیترانه و از غرب به دریای اژه و یونان محدود است. کشور ترکیه که از بخش اروپایی تراکیا و بخش آسیایی شبه جزیرهٔ آناتولی تشکیل یافته به وسیلهٔ تنگه‌های بسفر و داردانل و دریای مرمره از قارهٔ اروپا جدا گردید. این کشور سرزمینی است کوهستانی که قسمت اعظم آن را فلاتها و کوههای متعددی چون کوههای توروس، آنتی توروس، پونتین و آرارات در بر گرفته و قلهٔ آرارات یا آغری‌داغ با ارتفاع ۵ ۱۶۵ متر بلندترین نقطهٔ آن محسوب می گردد. رودخانه‌های فراوان و دریاچه‌های متعددی در این سرزمین وجود دارد که عمده‌ترین آنها رودهای فرات (۲۶۹۶ کیلومتر)، دجله (۱۸۵۱ کیلومتر) قزل‌ایرماق، سیحان، مندرس، سقاریه، یشیل و جیحان است. دریاچهٔ وان با مساحت حدود ۳۶۸۰ کیلومترمربع چشمگیرترین عارضهٔ آبی آن به شمار می‌آید.
جلگه‌های ترکیه عمدتاً در بخش اروپایی و در کنار دریای سیاه قرار دارند. آلودگی هوای شهرهای بزرگ به ویژه استانبول از نظر گازهای سمی مانند سولفور دی‌اکسید گوگرد و همچنین آلودگی آب دریای مرمره از مادهٔ سمی جیوه یکی از مهمترین خطرات زیست محیطی این کشور محسوب می گردد.



تاریخچه

یونانیان باستان شبه جزیرهٔ آسیای صغیر را که بخش آسیایی کشور ترکیه را تشکیل می دهد، آناتولیا (طلوع خورشید) می‌نامیدند و نام ترکی آنادولو از آن گرفته شده است. این ناحیه از کهن‌ترین سرزمینهای مسکونی جهان و یکی از خاستگاههای تمدن یونانی است. از سدهٔ هشتم پیش از میلاد، یونانی‌ها شهرهای مهمی مانند بیزانس (استانبول)، تروآ، افسوس، سمورنا (ازمیر) را در آن سرزمین بنا نهادند و با ایران همسایه شدند. در زمان هخامَنشیان بخشی از امپراتوری ایران بود و چندی هم در تصرف اشکانیان قرار داشت.
امپراتوری روم در سال ۱۹۶ میلادی بر این سرزمین تسلط یافت و پس از تجزیهٔ امپراتوری مزبور، این سرزمین به روم شرقی ملحق گردید و شهر بیزانس به پایتختی امپراتوری روم شرقی انتخاب شد. امپراتوری روم شرقی از سال ۳۹۵ تا ۱۴۵۳ دوام آورد و بر بخشهای متغیّری از سرزمین آناتولی حکومت کرد. در سدهٔ یازدهم میلادی سلجوقیان روم بر قسمتهایی از آن تسلط یافتند و با رو به ضعف نهادن آنان، دولتهای کوچک مستقلی در گوشه و کنار آن پدید آمد که مملکت ترکان عثمانی یکی از آنها بود. عثمانی‌ها که از مهاجران آسیای مرکزی بودند در آغاز از سلجوقیان روم پیروی می‌کردند و هنگامی که سلجوقیان در سال ۱۲۹۹ میلادی منقرض شدند، اعلام استقلال کردند و قلمرو خود را از هرسو توسعه دادند. عثمان اول که امپراتوری عثمانی از او نام گرفته از ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۶ میلادی سلطنت کرد و شهر بورسا را به پایتختی خود برگزید. پس از عثمان پسرش اورخان به جای او به حکومت رسید. وی آندرونیکوس سوم امپراتور بیزانس یا روم شرقی را مغلوب کرد و بخش وسیعی از آسیای صغیر را به تصرف خود درآورد و پایتخت خود را از بورسا به ادرنه منتقل نمود. فرزند وی، مراد اول مقدونیه و صربستان را تصرف نمود و امپراتوری روم شرقی را خراجگذار خود ساخت.
در سال ۱۴۰۲ میلادی امیر تیمور گورکانی به کشور عثمانی حمله کرد و بایزید اول سلطان عثمانی را اسیر نمود. پس از بازگشت تیمور بین پسران بایزید اول بر سر جانشینی پدر جنگ درگرفت و سرانجام در سال ۱۴۱۳ محمد بر برادران دیگرش پیروز شد و به نام سلطان محمد بر تخت سلطنت نشست. وی در سال ۱۴۵۳ شهر استانبول را که در آن زمان قسطنطنیه نام داشت تصرف نمود و امپراتوری روم شرقی را برانداخت. او شهر قسطنطنیه را پایتخت خود کرد و با عنوان سلطان محمد فاتح بر وسعت امپراتوری عثمانی افزود و بیشتر نواحی بالکان را ضمیمهٔ قلمرو خویش ساخت. بایزید دوم پس از سلطان محمد به جای پدر به سلطنت رسید و مصر را ضمیمهٔ امپراتوری عثمانی نمود. جانشینان او طی سالهای بعد، الجزایر و مجارستان و والاکیا و مولداوی و سوریه و عراق را نیز ضمیمهٔ امپراتوری عثمانی کردند و با دولتهای مقتدر آن زمان یعنی اتریش در غرب و صفویان در شرق همسایه شدند. سلیم دوم در سال ۱۵۷۱ قبرس را تصرف نمود.
در جنگهای طولانی روس و عثمانی که از ۱۷۱۰ تا ۱۷۷۴ میلادی ادامه داشت، نخست عثمانی‌ها پیروز شدند ولی به مرور رو به ضعف نهادند تا جایی که شبه جزیرهٔ کریمه از عثمانی جدا شد و روسیه بر امیرنشین‌های حاشیهٔ دانوب مسلط گردید و دولت عثمانی سرزمین‌های پهناوری را از دست داد و رود دنیپر را به عنوان مرز میان خود و روسیه پذیرفت. در جنگ سال ۱۷۷۶ ایران و عثمانی، بصره نیز به تصرف ایران درآمد. در سالهای اولیه سدهٔ نوزدهم مجدداً میان روس و عثمانی جنگ درگرفت و بسارابی نیز از عثمانی جدا شد و به تصرف روس‌ها درآمد. یونان نیز طی سالهای ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۰ سر به شورش برداشت که سرانجام به استقلال یونان انجامید و جنگهای پراکنده، مقدمات تجزیهٔ عثمانی را فراهم ساخت. در سال ۱۸۴۹ مولداوی و والاکیا، در سال ۱۸۵۶ کریمه، در ۱۸۷۸ صربستان و مونته‌نگرو و رومانی و بلغارستان و قارص و باتومی و قبرس از عثمانی جدا گردیدند و جنگ سال ۱۸۹۷ عثمانی با یونان به از دست دادن کرت انجامید. در آخرین دههٔ قرن نوزدهم سیاست براندازی ارامنه اجرا شد و صدها هزار ارمنی قتل عام شدند. در جنگ سال ۱۹۱۱ با ایتالیا، طرابلس غرب یا لیبی نیز از تصرف عثمانی‌ها خارج گردید و بالاخره جنگهای بالکان منجر به از دست دادن تمام سرزمینهای اروپایی گردید و فقط تراکیای شرقی برای کشور مزبور باقی ماند.
نزدیک شدن عثمانی و آلمان در آغاز سدهٔ بیستم، به شرکت عثمانی در جنگ جهانی اول به عنوان یار و متحد آلمان انجامید. پس از آن روسیه و انگلستان برای تصرف متصرفات عثمانی با یکدیگر همدست شدند، ولی در نبرد دریایی داردانل از عثمانی‌ها به فرماندهی مصطفی کمال پاشا شکست‌خوردند. با این حال در نواحی سوریه، فلسطین، لبنان، بین‌النهرین و عربستان پیروز گردیدند و نواحی مزبور را از عثمانی جدا ساختند. همزمان، ایتالیا و یونان نیز سرزمینهای کنونی ترکیه را تصرف کردند و دولت عثمانی را به عقد قرارداد سور در سال ۱۹۲۰ واداشتند. ملّیون ترک که رهبری آنان را مصطفی کمال پاشا بر عهده داشت و از مفاد پیمان سور ناراضی بودند، سر به شورش برداشتند و آخرین سلطان عثمانی را در سال ۱۹۲۲ از سلطنت خلع کردند و حدود و مرزهای ترکیهٔ کنونی را بر اساس معاهدهٔ لوزان تعیین نمودند.
در اکتبر سال ۱۹۲۳ جمهوری ترکیه رسماً اعلام موجودیت کرد و مصطفی کمال پاشا که آتاتورک یا پدر ملت ترک لقب یافته بود، به ریاست جمهوری رسید و در سال ۱۹۲۴ قانون اساسی جمهوری ترکیه به تصویب رسید. آتاتورک ۱۴ سال بر ترکیه حکومت کرد و تغییرات و اصلاحات وسیعی در کشور به عمل آورد و دین وسیاست را از هم جدا کرد و الفبای لاتین را جایگزین الفبای عربی نمود و به زنان حق رأی و آزادی داده شد. آتاتورک در سال ۱۹۳۸ درگذشت و عصمت اینونو به جای او به ریاست جمهوری رسید.
در سال ۱۹۳۹ اسکندرون رسماً به ترکیه ملحق شد. ترکیه در جنگ جهانی دوم نخست بی‌طرفی پیشه کرد ولی در سال ۱۹۴۵ رسماً به آلمان و ژاپن اعلان جنگ داد و در پایان جنگ روابط میان ترکیه و شوروی بر سر تنگهٔ بسفر و داردانل به شدت تیره گشت. در انتخابات ۱۹۵۰ جلال بایار رهبر حزب دموکرات به ریاست جمهوری رسید و عدنان مندرس را به نخست‌وزیری برگزید. جلال بایار و عدنان مندرس درانتخابات سال ۱۹۵۷ در مقام‌های خود ابقاء شدند و ناامنی و اغتشاش از هر سو بروز کرد و به دنبال تظاهرات استانبول و آنکارا، حکومت نظامی اعلام گردید. در کودتای نظامی مه ۱۹۶۰ جلال بایار بر کنار شد و ژنرال گورسل رهبری کشور را برعهده گرفت.
اختلاف ترکیه و یونان بر سر مسئلهٔ جزیرهٔ قبرس، یکی از عوامل ایجاد تشنج در دهه‌های اخیر بوده است و کشور را گاه تا پرتگاه جنگ کشانیده است. در انتخابات سال ۱۹۶۵ سلیمان دمیرل پیروز شد و به نخست‌وزیری رسید و در سال ۱۹۶۶ ژنرال سونای جای ژنرال گورسل رییس جمهور متوفای کشور را گرفت. در سال ۱۹۷۴ قسمتی از خاک قبرس که ترک‌نشین بود



نام رسمی: جمهوری ترکیه

نام محلی: تورکیه Türkiye

اسامی دیگر: عثمانی، آسیای صغیر، آناتولی یا آناتولیا (اسامی قدیمی)

پایتخت: آنکارا (۲،۹۳۷،۵۲٤ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: بیست و نهم اکتبر، روز جمهوری (۱۹۲۳)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۲۳

رئیس حکومت: رئیس جمهور: احمد نجدت سزر، از سال ۲۰۰۰ (به مدت هفت سال، فقط برای یکبار، توسط مجلس)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: عبدالله گل (حزب عدالت و توسعه)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۲، آخرین تغییرات ۱۹۹۵؛ مجلس بزرگ ملی با ۵۵۰ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس بزرگ ملی در سال ۱۹۹۹ (۲۰۰۲): حزب دموکراتیک چپ ۱۳٦ (-) کرسی، حزب جنبش ملی ۱۲۹ (-) کرسی، حزب فضیلت ۱۱۱ (-) کرسی، حزب مام میهن ۸٦ (-) کرسی، حزب راه راست ۸۵ (-) کرسی، حزب عدالت و توسعه (۳٦۳) کرسی، حزب جمهوریخواه خلق (۱۷۸) کرسی، مستقل‌ها ۳ (۹) کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یااآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، ایدب، اکو، شورای اروپا، ناتو، اواسی‌دی، کنفرانس اسلامی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۷۷۹،٤۵۲ کیلومترمربع (سی و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ٦٦،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸۵/٤ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱/۷٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۸۷/۹ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۳/۱٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۳/۵٪

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ۳۱/۱٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۹/۷٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۱/۲٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ۵۰/۵٤٪ ؛ زن ٤۹/٤٦٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۳/۱ سال؛ مردان ٦۸/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۹/۳ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۵۰/۷ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۵): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۲۲ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۷۱ نفر؛ حوادث و درگیری ۳۲ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۲۰ نفر؛ بیماریهای ناشی از شرایط بد ۱۲۹ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۲ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٦): ۷/۸ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٦):** ۰/۵ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹٤): ترک ۸۸-۸۰٪ ؛ کرد ۲۰-۱۰٪ ؛ عرب ۱/۵٪ ؛ دیگر نژادها ۰/۳٪

دین(۱۹۹٤): مسلمان سنی حدود ۸۰٪ ؛ مسلمان شیعه حدود ۱۹/۸٪ ؛ مسیحی حدود ۰/۲٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: ترکی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): استانبول ۸،۲۷٤،۹۲۱ نفر؛ ازمیر ۲،۱۳۰،۳۵۹ ؛ آدانا (ادنه) ۱،۱۳۱،۱۹۸ ؛ بورسا ۱،۰۹۵،۸٤۲ ؛ غازی عینتاب (گازیانتپ) ۷۸۹،۰۵٦ ؛ قونیه ٦۲۸،۳٦٤؛ ایچل(مرسین) ۵۸۷،۲۱۲؛ آنتالیا(انطالیه) ۵٦٤،۹۱٤ نفر

بنادر مهم: استانبول (دریای مرمره)؛ ازمیر (دریای اژه)؛ صامسون (دریای سیاه)؛ ایچل (دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لیره ترکیه (LT) = ۱۰۰ قروش؛ یک دلار= ٦۷۱،۱۷۵ لیره؛ هزار لیره= ۱۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۱،۸۸۸،۰۰۰ میلیارد لیره؛ مالیاتهای غیر مستقیم ٤۱/۵٪ ؛ مالیاتهای مستقیم ۳٦/۲٪ ؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۲۰/۸٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۵،۵۸۵،۰۰۰ میلیارد لیره؛ پرداخت سود ۳۹/٦٪؛ هزینه‌های پرسنلی ۲٤/۸٪؛ سرمایه گذاری ٦/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۰۱،۵۳۰ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،۱٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٤/۲٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٤/٤٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۷/٦٪ ؛ صنعت ۲۵/٤٪؛ خدمات ۵۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۵۷۸ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۸۰۷ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٤۹،۹۳۲ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۳/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۱/۱٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۷۹/٤٪ ؛ ۱۹۹۸: ۷٤/۲٪ ؛ ۲۰۰۰: ۵٤/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): گندم ۲۱،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ ؛ جو ۹،۰۰۰،۰۰۰ ؛ گوجه فرنگی ٦،٦۰۰،۰۰۰؛ سیب‌زمینی ۵،۳۱۵،۰۰۰ ؛ انگور ۳،٦۵۰،۰۰۰؛ سیب ۲،۵۰۰،۰۰۰ ؛ وش پنبه ۲،۰۹۳،۰۰۰ ؛ ذرت ۲،۳۰۰،۰۰۰؛ زیتون ۱،۵۵۰،۰۰۰ ؛ دانهٔ‌پنبه ۱،٤۲۳،۰۰۰ ؛ دانهٔ‌آفتابگردان ۸٦۰،۰۰۰ ؛ پرتقال ۸۳۰،۰۰۰ ؛ عدس ۵۸٦،۰۰۰؛ فندق ۵۸۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۳٦/۱٪ ؛ مرتع و چمنزار ۱٦/۱٪ ؛ جنگل ۲٦/۲٪ ؛ سایر موارد ۲۱/٦٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گوسفند ۳۰،۲۳۸،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱۱،۱۸۵،۰۰۰ رأس؛ بز انقره ٦۱۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱٦،۰۸۰،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٤۵٤،۸۱۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱٦٦،۲۷۳،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۸۲۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): کرومیت ۲،۰۸۰ تن؛ بور ۱،۷٦۸ تن؛ بوکسیت ٤٦۲ تن؛ مس ۳٤/۲ تن

تولیدات صنعتی (۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دلار): فرآورده‌های نفتی ٤،۵۸۳ ؛ فرآورده‌های غذایی ۳،۹٤٤ ؛ منسوجات ۳،۹۰۷ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۳،۰٤۸ ؛ آهن و فولاد ۲،٤۵۳ ؛ رنگ، صابون و مواد دارویی ۲،۳۰۱

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۱۱۰،۳۸۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹۷: ۸۰،۸٦۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹۸): ۲،۱۳٦،۰۰۰ تن (۱۹۹۵: ۸،۵٤۸،۰۰۰)؛ لیگنیت(۱۹۹۸): ٦۲،٤۸۱،۰۰۰ تن (۱۹۹۵: ۵۲،۳٤۳،۰۰۰)؛ نفت خام (۱۹۹۸): ۲۳،۰۵۲،۰۰۰ بشکه (۱۹۹۵: ۱۹۰،۳۰٦،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۵): ۲٤،۱۰۱،۰۰۰ تن (۲۵،۰۵۷،۰۰۰)؛

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۲۲،۳۵۹،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۵/۸٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤ سال): ۵۳/۱٪ ؛ زنان: ۲٦/۸٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٦/۲٪ ؛ ۲۰۰۰: ۷/۱٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۳۹/۵٪ ؛ صنعت ۲۵٪ ؛ خدمات ۳۵/۵٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۵ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۷): ٦۳۹،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۲/۲٪ ؛ نیروی دریایی ۸٪ ؛ نیروی هوایی ۹/۸٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱۲٤ دلار

واردات(۱۹۹۷): ٤۸،۵۵۹ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات غیر برقی ۱۸/۹٪ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۱۱/۷٪ ؛ مواد شیمیایی ۱۰/۳٪ ؛ سوخت‌های معدنی ۷/۹٪ ؛ لوازم برقی و الکترونیکی ۷/۹٪ ؛ از آلمان ۱٦/۵٪ ؛ ایتالیا ۹/۲٪ ؛ امریکا ۸/۹٪ ؛ فرانسه ٦/۱٪ ؛ انگلستان ۵/۷٪

صادرات(۱۹۹۷): ۲٦،۲٦۱ میلیون دلار؛ شامل: منسوجات و پوشاک ۳۷٪ ؛ آهن و فولاد ۷/٦٪ ؛ ماشین‌آلات برقی و الکترونیکی ۵/۵٪ ؛ میوه‌های خوراکی ۵٪ ؛ به آلمان ۲۰٪ ؛ روسیه ۷/۸٪ ؛ امریکا ۷/۷٪ ؛ انگلستان ۵/۸٪ ؛ ایتالیا ۵/۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۵،۱٦٤	-۱٤،۰۷۳	-۲۰،٤۰۳	-۲۲،۲۹۸	-۱۸،۹٤۷	-۱٤،۱۰٤
درصد کل	۱۲/۵٪	۲٤/۵٪	۳۰/۵٪	۲۹/۸٪	۲٦٪	۲۱٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۵۳/۲	۱۰۰	۱۸۰/۳	۳۳۵	٦۱۸/۵	۱،۰۱۹/۷
شاخص درآمد سالانه	۵۲/۵	۱۰۰	۱۹۰/٤	۳۷٦/۸	٦۵۰/۳	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار: ؟ ؛ درآمد هر خانوار: ۱٦۵،۰۸۹،۰۰۰ لیره؛ هزینه: غذا، توتون و هزینهٔ کافه ۳۸/۵٪ ؛ خانه‌سازی ۲۲/۸٪ ؛ پوشاک ۹٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۷،۸۰۹ میلیارد دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱،۷۵٤ میلیارد دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳۸۲،۳۹۷ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۸،٦۰۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۳،۷٦۷،۱٦۲ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۹۸۵،۳۲۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۸۸۰ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۲٦ فرودگاه

روزنامه: ۵۷ روزنامه در ٦،۸٤۵،۰۰۰ نسخه (۱۱۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳،۵۵٤ عنوان

کتاب: ٦،۵٤٦ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۱۱،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۷۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۱،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۱۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱٦،۹٦۰،۰۰۰ خط تلفن (۲۵٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳،۵۰٦،۰۰۰ خط(۵۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۵۵۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ٤۵۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٤۷،۳۱۳	۲۱۷،۱۳۱	٦،۳۸۹،۰٦۰	۲۹/٤
متوسطه	۱۱،۱٤٤	۱۳۹،٤۹۷	۳،٤۲۷،۷۱۵	۲٤/٦
فنی و حرفه‌ای	٤،۰٤٦	۷۲،۵۳۷	۱،۳۳۳،۱۷۷	۱۸/٤
عالی	۸۱۷	۵۰،۳۱۳	۱،٤۳٤،۰۳۳	۲۸/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال ۸۲/۳٪ ؛ مردان: ۹۱/۷٪ ؛ زنان: ۷۲/٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۳): ابتدایی ٤۷٪ ؛ متوسطه ۳/۱٪ ؛ عالی ۱۹/۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۷۰،۹٤۷ نفر(هر ۸٦۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۱٤٤،۹۸٤ تخت (هر ٤۳۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ (۰/۰۱٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۳/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۵۲۵ کالری(۱٤۰٪ ؛ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۹۸ گرم؛ مصرف چربی: ۱۰۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۷۸/٦ میلیون تن؛ هر نفر ۲/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۳۲ (هشتادو پنجمین کشور جهان)

به وسیلهٔ ارتش ترکیه اشغال شد و روابط میان آنکارا و واشینگتون موقتاً تیره شد. نابسامانی‌های سیاسی، بحران‌های اقتصادی و رسواییهای مالی یکی از ویژگیهای سیاسی و اجتماعی ترکیه در دهه‌های اخیر بوده است، تا جایی که در سال ۱۹۸۰ ژنرال کنعان اورن دست به کودتا زد و دولت سلیمان دمیرل را سرنگون ساخت و بدین ترتیب حکومت ترکیه به شورای شش نفره‌ای به سرپرستی ژنرال اورن محول شد. در ۱۹۸۲ همکاری ترکیه با دول عضو ناتو گسترش یافت و نخست‌وزیر ترکیه از ایران دیدن کرد.

در سال ۱۹۸۵ رهبر حزب مام میهن به نام تورگوت اوزال که از طرفدران سیاست امریکا در منطقه بود به نخست‌وزیری رسید و ترکیه را هرچه بیشتر به امریکا نزدیک کرد. وی در سال ۱۹۸۶ به ایران و امریکا و شوروی سفر کرد. در انتخابات مارس ۱۹۸۹ اوزال به عنوان نخستین رئیس جمهور غیر نظامی پس از چند دهه برگزیده شد. وی در مقابل جدایی‌طلبان کرد به شدت ایستادگی نمود. در جنگ خلیج فارس (اوت ۱۹۹۰) ترکیه از صدور نفت عراق از طریق خط لوله‌ای که از ترکیه می‌گذشت جلوگیری کرد و پایگاه هوایی اینجرلیک خود را در اختیار امریکا گذارد تا از آن در عملیات هوایی علیه عراق استفاده نماید. در اکتبر ۱۹۹۱ ارتش ترکیه وارد نواحی شمالی عراق شد تا پایگاههای حزب کارگران کردستان ترکیه را منهدم سازد. در انتخابات پارلمانی اکتبر ۱۹۹۱ حزب راه راست به رهبری سلیمان دمیرل ۱۷۸ کرسی از ۴۵۰ کرسی پارلمان را به دست آورد و با ائتلاف با حزب سوسیال دموکرات به مقام نخست‌وزیری رسید.

در سال ۱۹۹۲ شورای اروپا ترکیه را در مورد سیاست خشنی که علیه کردها در پیش گرفته بود مورد انتقاد و تحت فشار قرار داد. در نوامبر ۱۹۹۶ ترکیه به عضویت اتحادیه گمرکی اروپا درآمد و یک قدم به عضویت در اتحادیهٔ اروپا نزدیکتر شد. تورگوت اوزال در آوریل ۱۹۹۳ سلیمان دمیرل را به جانشینی خود انتخاب کرد و تانسو چیلر نامزد احراز پست نخست‌وزیری گردید. نیروی هوایی ترکیه در ۱۹۹۴ نواحی کردنشین شمال عراق را بمباران کرد. درانتخابات دسامبر ۱۹۹۵ بنیادگرایان اسلامی که به مرور در میان جوامع ترک نفوذ کرده و از موقعیت مناسبی برخوردار بودند، به عنوان عمده‌ترین گروه سیاسی کشور، ۱۵۸ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دادند. حزب تانسو چیلر و حزب مام میهن با هم ائتلاف کردند تا جلوی نفوذ پارلمانی اسلام‌گرایان را بگیرند، با این حال نجم‌الدین اربکان، رهبر اسلام‌گرایان، در ژوئن ۱۹۹۶ به نخست‌وزیری رسید. اربکان که از سرد شدن روابط ترکیه با اعراب و کشورهای اسلامی در ارتباط با برقراری روابط با اسرائیل و بستن آب فرات بر روی سوریه نگران بود، در جهت نزدیک شدن به کشورهای اسلامی گام برداشت و نظامیان ترکیه را به رویارویی با خود برانگیخت و سلیمان دمیرل رئیس جمهور را بر آن داشت تا اربکان را عزل و مسعود ییلماز را به نخست‌وزیری برگزیند.

در سپتامبر ۱۹۹۷ حدود ۲۰,۰۰۰ سرباز مسلح ترک همراه با صد تانک از مرز عراق گذشتند و به بهانهٔ نابود کردن پایگاههای حزب کارگران کردستان به نواحی شمالی عراق وارد شدند.

ترکیه به عنوان یکی از یازده کشوری که در لیست انتظار برای پیوستن به اتحادیهٔ اروپا قرار دارند، مدت ده سال است که در این زمینه تلاش می‌کند ولی برخلاف انتظار در کنفرانس مارس ۱۹۹۸ لندن شرکت نداشت و علت آن هم استفاده دولت آلمان از حق وتوی خود برای جلوگیری از دعوت این کشور برای شرکت در کنفرانس مزبور اعلام گردید. در انتخابات پارلمانی آوریل ۱۹۹۹، حزب دموکراتیک چپ با کسب ۲۲/۳٪ آراء و ۱۳۶ کرسی به اکثریت نسبی دست یافت و رهبر آن، بولنت اجویت در رأس یک دولت ائتلافی قرار گرفت.

در سال ۱۹۹۹ عبداللّه اوجالان رهبر کردهای استقلال‌طلب ترکیه توسط عوامل اطلاعاتی این کشور، در کنیا دستگیر و به زندان انداخته شد تا به اتهام خیانت به وطن محاکمه شود. حکم اعدام او در اواخر سال ۱۹۹۹ به تأیید رسید، اما در ژانویه سال ۲۰۰۰ برای مدت نامعلومی به حالت تعلیق درآمد. در این سال احمد نجدت سزر از طرف مجلس برای هفت سال به عنوان رئیس جمهور انتخاب گردید.

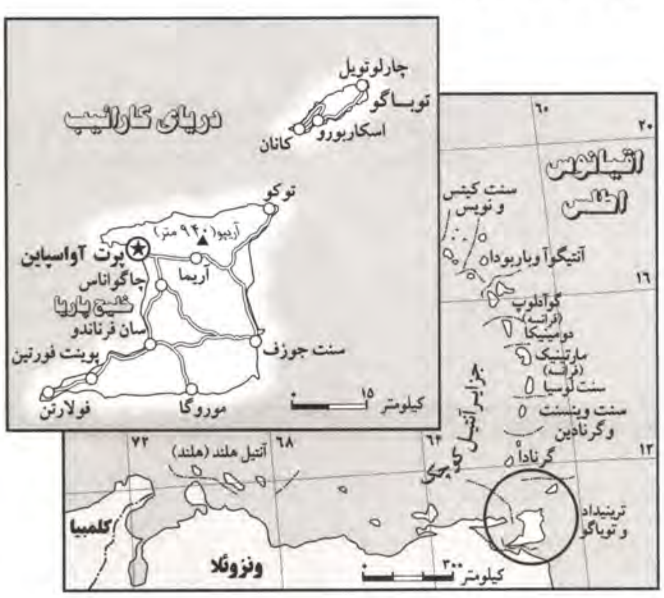
ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا تلاش بسیاری را به کار بسته و در همین زمینه سعی دارد تا با تطابق قوانین داخلی خود، از جمله قوانین قضایی، با خواسته‌های اتحادیهٔ اروپا، شرایط پیوستن خود به این اتحادیه را فراهم سازد. از خواسته‌های مهم اتحادیه اروپا، رعایت قوانین مربوط به حقوق بشر، رفع تبعیضات قومی و نژادی، لغو حکم اعدام و همچنین حل مسئلهٔ قبرس می‌باشد. به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، دولت ترکیه همکاری گسترده‌ای را با امریکا آغاز نمود و ضمن واگذاری پایگاه‌های بیشتر به امریکا و متحدان آن تعدادی از نیروهای نظامی خود را نیز به افغانستان گسیل داشت. ترکیه تنها کشور مسلمان عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌باشد. اجلاس ویژهٔ اتحادیه اروپا برای بررسی درخواست عضویت کشورهای جدید که در سپتامبر ۲۰۰۲ در بروکسل برگزار گردید، بازهم تقاضای عضویت ترکیه را معوق گذاشت و بررسی عضویت این کشور را به سال ۲۰۰۴ موکول نمود.

پس از بروز چندین بحران پی در پی در حزب دموکراتیک چپ و استعفای چند تن از وزیران و کناره‌گیری تعدادی از نمایندگان عضو ائتلاف حاکم، بولنت اجویت اقدام به انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زود هنگام در نوامبر سال ۲۰۰۰ نمود. در این انتخابات حزب اسلامگرای عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، شهردار پیشین شهر استانبول، با کسب اکثریت عظیمی به پیروزی رسید. اردوغان که به علت برخی ممنوعیتها اجازه شرکت در انتخابات را نداشت، از احراز پست نخست وزیری باز ماند و معاون وی، عبداللّه گل، این مقام را به عهده گرفت.

ترینیداد و توباگو TRINIDAD AND TOBAGO

کشوری است متشکل از مجمع‌الجزایری در دهانهٔ رودخانهٔ اورینوکو، آبهای ساحلی کشور ونزوئلا و امریکای جنوبی، که در انتهای جنوبی جزایر آنتیل کوچک و در جنوب خاوری دریای کارائیب قرار دارد. از جزیرهٔ نسبتاً بزرگ ترینیداد به وسعت ۴۸۲۷ کیلومترمربع و جزیرهٔ توباگوی بزرگ به مساحت حدود ۳۰۰ کیلومترمربع و توباگوی کوچک به وسعت یک کیلومترمربع و جزیرک‌های گوت و بوکوریف تشکیل یافته است. جزیرهٔ ترینیداد که بزرگترین جزیرهٔ مجموعهٔ بالاست، سرزمینی است نسبتاً کوهستانی با بلندی حداکثر ۹۴۰ متر (کوه آریپو) که حدود یک سوم آن را کشتزارهای نیشکر و کاکائو زیر پوشش قرار داده و نفت و قیر طبیعی از عمده‌ترین منابع زیرزمینی آن است. توباگوی بزرگ در واقع یک جزیرهٔ آذرین است و آتشفشانی در میان آن به چشم می‌خورد.

اقلیم این کشور اگرچه گرم و مرطوب و پر باران است، ولی به سبب وزش بادهای اقیانوسی از هوای نسبتاً معتدلی برخوردار است وکوههای آن از جنگلهای انبوهی پوشیده شده و رودخانهٔ قابل توجهی در آن دیده نمی‌شود.



تاریخچه

اگرچه ترینیداد و توباگو یک کشور را تشکیل می‌دهند ولی هرکدام دارای تاریخ و سرگذشت جداگانه‌ای هستند. جزیرهٔ ترینیداد که در ۱۲ کیلومتری دهانهٔ رود اورینوکو جای دارد، در سال ۱۴۹۸ به وسیلهٔ کریستف کلمب کشف شد و به مالکیت اسپانیا درآمد. اما توباگو از پیش به وسیلهٔ بومیان کاریب مسکون بود ولی هنگامی که هلندی‌ها در سال ۱۶۳۲ به آنجا وارد شدند، آن را خالی از سکنه یافتند و به کشف و استخراج معدن طلای آن پرداختند. در سالهای بعد اسپانیایی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها نیز آن را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند و در نهایت از سال ۱۸۰۲ به مالکیت مطلق انگلستان درآمد. از آنجایی که اقتصاد جزایر مزبور بر پایه کشت نیشکر نهاده شده بود و از طرفی در سال ۱۸۳۴ برده‌داری لغو گردیده بود، اغلب افریقاییان که قبلاً به صورت برده در کشتزارها کار می‌کردند، رو به شهرها آوردند و کارگران هندی و چینی جای آنان را در مزارع نیشکر گرفتند. در سال ۱۹۲۴ نخستین جنبش‌های آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی در میان مردم پایه گذاری شد. در سال ۱۹۵۰ به خودمختاری داخلی نایل گردید و دکتر اریک ویلیامز، از حزب جنبش ملی خلق، به عنوان نخستین نخست‌وزیر انتخاب و به کار مشغول شد و تا سال ۱۹۸۱ که به مرگ طبیعی درگذشت، در این سمت باقی ماند. در



نام رسمی: جمهوری ترینیداد و توباگو

نام محلی: ترینیداد اند توباگو Trinidad and Tobago

اسامی دیگر: –

پایتخت: پرت‌آواسپاین (۴۳،۳۹۴ نفر در سال ۱۹۹۶)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۲/۸/۳۱ ، از انگلستان

روز ملی: سی و یکم ماه اوت، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۶

رئیس حکومت: رئیس جمهور: آرتور ناپلئون ریموند رابینسون، از سال ۱۹۹۷(به مدت پنج سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: باسدئو پاندای (دبیر کل حزب کنگرهٔ ملی متحد)، از سال ۱۹۹۵

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۶؛ مجلس نمایندگان با ۳۶ عضو (به استثنای رئیس مجلس که احتمالاً از بیرون از مجلس انتخاب می‌شود) به مدت ٤ سال و مجلس سنا با ۳۱ عضو؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۰): کنگرهٔ ملی متحد ۱۹ کرسی؛ جنبش ملی خلق ۱۶ کرسی، اتحاد ملی برای بازسازی ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۶۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آی – آدب، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۵،۱۲۸ کیلومترمربع (صد و شصت و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۱،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و چهل و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۵۳/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۰/۵

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱/۵ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۷۳/۲ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵) ٪۱/۸

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ٪۳۰/۳ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۶/۶ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۳٤/۳ ؛ بالای ۶۰ سال ٪۸/۸

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۹/۸۱؛ زن ٪۵۰/۱۹ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۰/۲ سال؛ مردان ۶۵/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۷): ۱٤/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ۷/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۷): ۱۷/۱ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ۷/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٤): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۸۶/٤ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۹٤/۳نفر؛ نارسائی غدد داخلی و سوخت و ساز بدن ۹۰ نفر؛ حوادث، خشونت و قتل ۵۲/۸ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۶): ۵/۶ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۶):** ۱/۲ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۰): هندی ٪٤۰/۳ ؛ سیاهپوست ٪۳۹/۶ ؛ دورگه ٪۱۸/٤ ؛ سفیدپوست ٪۰/۶ ؛ چینی ٪۰/٤ ؛ بقیه ٪۰/۷

دین(۱۹۹۰): پروتستان ٪۲۹/۷ ؛ کاتولیک ٪۲۹/٤ ؛ هندو ٪۲۳/۷ ؛ مسلمان ٪۵/۹ ؛ دیگر ادیان ٪۱۱/۳ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ هندی؛ فرانسوی؛ اسپانیایی و چینی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۰): چاگواناس ۵۶،۶۰۱ نفر؛ سان فرناندو ۳۰،۱۱۵ نفر؛ آریما ۲۹،٤۸۳ نفر؛ پوینت فورتین ۲۰،۰۲۵ نفر

بنادر مهم: پرت آواسپاین (بندر اسپانیا)، در خلیج پاریا، جنوب شرقی دریای کارائیب

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار ترینیداد و توباگو (TT$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۶/۲٤ دلار؛ یک دلار= ۱،۲۸۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۹۱،۷۸۹ میلیون دلار ترینیداد و توباگو؛ مالیات شرکتها ٪۲۱/۲ (شامل ٪۹/۲ بخش مربوط به نفت) مالیات بر درآمد افراد ٪۲۰/۳ ؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪۱۷ ؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۸/۳

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۱۱،۰۷۶ میلیون دلار ترینیداد و توباگو؛ هزینه‌های جاری ٪۹۵/۶ ؛ هزینه‌های عمرانی ٪٤/٤

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۵،۸۱۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤،۲۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۱/۸ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۲/۸

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱/۸ ؛ صنعت ٪٤۷/۵ ؛ خدمات ٪۵۰/۷

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۱۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۸۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،٤۷۶ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۳/۷+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۷/۱

نرخ تورم: (میانگین سالانه۹۸-۱۹۹۰): ٪۶/۹ ؛ ۱۹۹۸: ٪۶/۷ ؛ ۲۰۰۰: ٪۳/٤

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۱،۲۰۰،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۲۲،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۱۵،۰۰۰ تن؛ برنج ۷،۰۳۷ تن؛ دانهٔ کبوتر ۳،۱۸۰؛ لوبیای سودانی ۳،۱۸۰ تن؛ کاکائو ۱،۲۷۰ تن؛ قهوه ۳۶۷ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤): کشاورزی ٪۲۳/۸ ؛ مرتع و چمنزار ٪۲/۱؛ جنگل ٪٤۵/۸ ؛ سایر موارد ٪۲۸/۳

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۵۹،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۶۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۵،۰۱۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۸،۵۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۹،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۹): قیر طبیعی ۱۲،۶۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۹): کود نیتروژنه ۳،۹٤۶،۸۰۰ تن؛ متانول ۲،۱٤۹،۸۰۰ تن؛ شمش فولادی ۷۲۳،۹۰۰ تن؛ سیمان ۶۸۸،٤۰۰ تن؛ مفتول فولادی ۶۳۸،۲۰۰ تن؛ شکر تصفیه شده ٤۳،۶۰۰ تن؛ آبجو و آبجوی سیاه ٤۱۸،۸۰۰ هکتولیتر؛ رام ۷۸،۰۰۰ لیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): ۱۹۹۷(میزان مصرف؛ ۱۹۹۶): برق: ٤،۸٤۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٤،۵٤۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام(۱۹۹۹): ۳۵،۹۰۳،۰۰۰ بشکه (۳۹،۸٤۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۶): ۵،٤۵٤،۰۰۰ تن (۱،٤٤۸،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۸،۱۳۶،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۷،۵۰۹،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۵۵۸،۷۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۳/۶ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶٤ سال ؛ ۱۹۹۵): ٪۶۵/٤ ؛ زنان: ٪۳۸/۳ ؛ میزان بیکاری(۱۹۹۹): ٪۱۳/۱ ؛ ۲۰۰۰: ٪۱۲/۵

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۸/۲ ؛ صنعت ٪۲۷/۸ ؛ خدمات ٪۶۳/۹

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟؛ تعدات نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲،۷۰۰ نفر؛نیروی زمینی ٪۷٤/۱ ؛ گارد ساحلی ٪۲۵/۹ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۶۵ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱۸،۸۸۷ میلیون دلار ترینیداد و توباگو؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات ٪۳۰/۸ ؛ سوخت ٪۱۲/۲ ؛ غذا ٪۷/۳ ؛ تجهیزات حمل و نقل ٪۶/۲ ؛ از کشورهای (۱۹۹۹): امریکا ٪۳۹/۸ ؛ ونزوئلا ٪۱۱/۹ ؛ ژاپن ٪۵/۱ ؛ کانادا ٪٤/۹ ؛ انگلستان ٪٤/۷

صادرات(۱۹۹۸): ۱٤،۲۲۱ میلیون دلار ترینیداد و توباگو؛ شامل: نفت تصفیه شده ٪۲۹/۶ ؛ نفت خام ٪۱۰/۶ ؛ کود نیتروژنه ٪۱۰/۶ ؛ آهن و فولاد ٪۸/۸ ؛ متانول ٪۶/۳ ؛ به کشورهای (۱۹۹۹): امریکا ٪۳۹/۳ ؛ کشورهای عضو بازار مشترک کارائیب (کاریکوم) ٪۲۶/۱ (از جمله جامائیکا ٪۸/۷ و باربادوس ٪۵/۳)؛ اتحادیه اروپا ٪۵/۷

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون‌دلارترینیداد و توباگو	٤،۳۵٤+	۳،۹۳۸+	۱،٤۸۸+	۲،۸۱۸-	٤،۶۶۶-	۳۹۸+
درصد کل	٪۲٤/۵	٪۱۶/۲	٪۵/۵	٪۸/۱	٪۱٤/۱	٪۱/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۵/۱	۱۰۰	۱۰۳/٤	۱۰۷/۲	۱۱۳/۲	۱۱۷
شاخص درآمد هفتگی	۹۳/۶	۱۰۰	۱۰۲/۵	۱۰۹/۵	۱۱٤/۹	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ۳/۸ نفر؛ میانگین درآمد هر خانوار(۱۹۹۸): ۲۱،۷۶۰ دلار ترینیدادوتوباگو؛ هزینه‌ها(۱۹۹۳): غذا، نوشیدنی و دخانیات ٪۲۵/۵ ؛ مسکن ٪۲۱/۶ ؛ حمل و نقل ٪۱۵/۲؛ لوازم خانگی ٪۱٤/۳؛ پوشاک و کفش ٪۱۰/٤

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱۰۲ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۶۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۵): ۸،۳۲۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۱۲۲،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۲٤،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۵۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۶):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ٤ روزنامه در ۱۵۶،۰۰۰ نسخه (۱۲۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۲۶ عنوان در ۳۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱،۱۵۳/۸ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۶۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۵۳۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۳۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۶٤،۰۰۰خط تلفن(۲۰۶ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۶،۰۰۰ خط (۲۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۶۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٤۷۶	۷،۳۲۱	۱۸۱،۰۳۰	۲٤/۸
متوسطه	؟	۵،۰۷۰	۱۰٤،۳٤۹	۲۰/۶
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۱	۵۱۰	۶،۶٤۱	۱۳

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۹۷/۹ ؛ مردان: ٪۹۸/۸ ؛ زنان: ٪۹۷

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۰): ابتدایی ٪۵۶/٤ ؛ متوسطه ٪۳۲/۱ ؛ عالی ٪۳/٤

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۱،۰۷٤ نفر (هر ۱،۱۸۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۶): ۶،۶۲۲ تخت (هر ۱۹۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۶،۸۰۰ نفر (٪۰/۹٤ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۱/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۷۱۱ کالری (٪۱۱۲ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۹ گرم؛ مصرف چربی: ۷۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۶ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۱/۶

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۹/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۲۲/۳ میلیون تن؛ هر نفر ۱۷/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۹۳ (پنجاهمین کشور جهان)

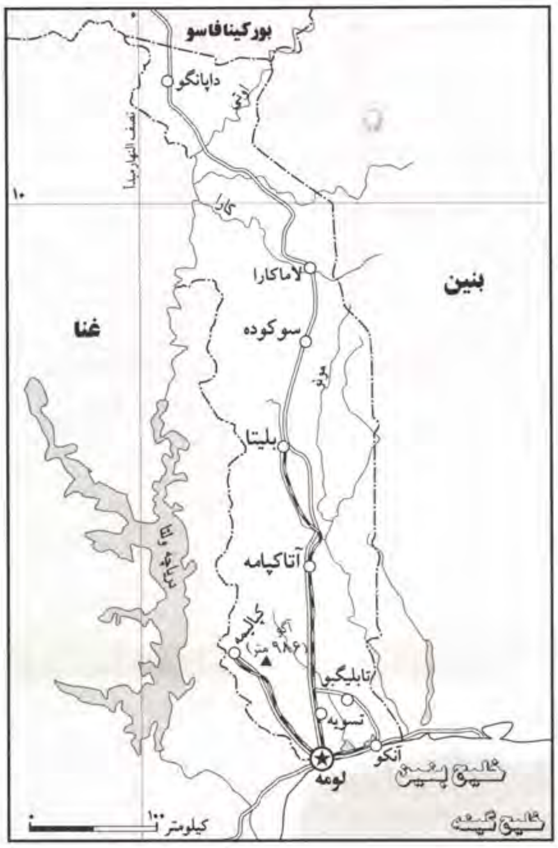
سال ۱۹۶۲ به استقلال کامل دست یافت و در اوت ۱۹۷۶ قانون اساسی آن به تصویب رسید و به صورت یک کشور جمهوری درآمد.
کشف منابع نفت، صنعت تولید شکر را تحت‌الشعاع قرار داد و عایدات کشور از نفت در سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۲ به میزان چشمگیر و دور از انتظاری فزونی یافت. در دههٔ ۱۹۷۰ کشور با بحران اجتماعی روبرو گردید و کارگران افریقایی و هندی‌تبار برای کسب شرایط مطلوب‌تر زندگی دست به اعتصاب زدند. در اکتبر ۱۹۸۳ دولت جورج چمبرز با حملهٔ امریکا به گرنادا مخالفت کرد و از شرکت نیروهایش در ارتش ۶ کشور دریای کارائیب خودداری کرد. ناپلئون رابینسون، از اتحاد ملی برای بازسازی، در انتخابات ۱۹۸۶ به پیروزی رسید و به حکومت سی سالهٔ حزب جنبش ملی خلق پایان داد. در ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۰ دولت با بحران اجتماعی دیگری که بی‌شباهت به کودتا نبود، روبرو گردید و طی آن صد مسلمان افریقایی‌تبار وابسته به جماعت‌المسلمین، پارلمان کشور را اشغال کردند و با گروگان‌گیری تعدادی از اعضای مجلس نمایندگان، برکناری آرتور رابینسون، نخست‌وزیر را خواستار شدند. در انتخابات دسامبر ۱۹۹۱ پاتریک منینگ رهبر حزب جنبش ملی خلق به ریاست جمهوری رسید و در انتخابات نوامبر ۱۹۹۵، برای اولین بار، یک آسیایی‌تبار به نام باسدئوپاندای، از کنگرهٔ ملی متحد، مقام نخست‌وزیری را از آن خود کرد. در انتخابات ۱۴ فوریه ۱۹۹۷ آرتور ناپلئون رابینسون به ریاست جمهوری رسید.
در مارس ۱۹۹۸ تخاصمات جدیدی میان گروه اسلامی جماعت‌المسلمین و دولت به وقوع پیوست. این گروه قطعه زمینی را به تصرف خود درآورده بود و دولت این اقدام را غیرقانونی دانسته و خواستار استرداد آن شده بود. در این سال ذخایر جدید نفت و گاز در بستر دریاهای اطراف این جزایر کشف شد و شرکت نفت ترینیداد و توباگو اقدام به عقد قرارداد برای استخراج این منابع با شرکتهای خارجی نمود. در سال ۲۰۰۰، پرنس چارلز، ولیعهد انگلستان، از این کشور دیدن کرد و با استقبال عمومی مواجه شد. به دنبال عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، یاسین ابوبکر، از رهبران اسلامگرای ترینیداد و توباگو که رهبری شورش سال ۱۹۹۰ جماعت‌المسلمین را به عهده داشت، هرگونه رابطه با اسامه بن لادن، رهبر القاعده را رد کرد.

توگو TOGO

توگو کشور باریک و درازی است در افریقای غربی که از شمال به کشور بورکینافاسو، از خاور به بنین، از جنوب به خلیج بنین و از غرب به کشور غنا محدود است. جنوب آن را اراضی پست ساحلی با دریاچه‌هایی چند و جمعیت انبوه فرا گرفته و کاساوایا مانیوک (گیاهی که از دانه‌های آن آرد درست می‌کنند و برای تهیهٔ نوعی نان به کار می‌برند)، یام، ذرت، موز، نخل روغن و نارگیل از فرآورده‌های کشاورزی آن است. قسمت‌های مرکزی و شمالی آن را ارتفاعاتی نه چندان بلند که از حداکثر ۹۸۶ متر (کوه آگو) تجاوز نمی‌کند زیر پوشش قرار داده است و غلات و قهوه و کاکائو محصولات کشاورزی آن را تشکیل می‌دهد. رودخانه‌های اوتی و مونو از عمده‌ترین رودهای آن هستند و اقلیم آن گرم و مرطوب و پرباران است.

تاریخچه

اوه‌ها که اکثریت قومی توگو را تشکیل می‌دهند، نخستین مردمانی بوده‌اند که از نیجریه و غنا به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند و در اراضی جنوبی آن مسکن گزیده‌اند. همزمان، طایفهٔ داگومبا نیز در شمال توگو ساکن شدند و امیرنشین کوچکی را پدید آوردند. تجارت برده که در سده‌های شانزده تا نوزده میلادی در کرانه‌های خلیج گینه رواج داشت، آن را به ساحل برده موسوم نمود. در سال ۱۸۸۴ توگو طی قراردادی که با رؤسای قبایل آن امضاء گردید، به یکی از مستعمرات آلمان مبدل شد و پس از جنگ جهانی اول بین فرانسه و انگلستان تقسیم گردید. در سال ۱۹۵۶ نواحی غربی آن ضمیمهٔ غنا شد و نواحی خاوری آن همچنان در تصرف فرانسه



باقی ماند. در انتخابات ۱۹۵۸ سیلوانوس اولیمپیو، از حزب وحدت توگو، زمام امور توگوی خاوری را در دست گرفت و درسال ۱۹۶۰ استقلال آن را اعلام داشت و خود به ریاست جمهوری رسید. اولیمپیو، در حالی که به پیروی از قوام نکرومه، رهبر استقلال غنا، اصلاحاتی را آغاز کرده بود، در سال ۱۹۶۳ به دست نیکولاس گرونیتزکی از ایادی جریانات نو استعماری افریقا برکنار و کشته شد. گرونیتزکی نیز در سال ۱۹۶۷ توسط ژنرال نیاسینگبه ایادما که نقش اصلی را در سرنگونی اولیمپیو به عهده داشت کنار گذاشته شد و نظام تک حزبی بر کشور حاکم شد.
در ۳۰ دسامبر ۱۹۷۹ قانون اساسی کشور به تصویب رسید و ایادما مجدداً به ریاست جمهوری انتخاب شد. در ژانویهٔ ۱۹۸۶ ایادما برای بار سوم مقام ریاست جمهوری را به مدت ۷ سال دیگر برای خود حفظ کرد. در آوریل ۱۹۹۱ تظاهرات وسیعی علیه سیاست کشور در پایتخت و دیگر شهرهای مهم توگو برگزار شد و تظاهرکنندگان برکناری ایادما را خواستار گردیدند. در این تظاهرات حدود ۳۰ تن به ضرب گلولهٔ پلیس کشته شدند و صدها تن زخمی گردیدند و ایادما فرماندهی نیروهای مسلح را نیز رأساً بر عهده گرفت. یکی از مهمترین مسائلی که توگو در این دوران با آن درگیر بود، مسئلهٔ قومی و اختلافات میان آنان بود. یکی از مخالفان ایادما به نام کوفیگوه که ریاست سازمان حقوق بشر توگو را بر عهده داشت و خواهان برگزاری انتخابات آزاد بود، در نوامبر ۱۹۹۱ توسط نیروهای امنیتی ربوده شد و بر حساسیت مسئله افزود. رئیس جمهور ایادما به قبیله کوچک کابیه که اکثراً در جنوب زندگی می‌کنند، متعلق است، حال آن که کوفیگوه عضوی از قبیلهٔ مهم و بزرگ اوه است.
گفتگو و مذاکرات سیاسی میان جناح‌های مختلف به توافق بر سر اعاده دموکراسی و برگزاری هرچه زودتر یک انتخابات آزاد منتهی گردید. در ژوئن ۱۹۹۲ یکی از رهبران جناح مخالف دولت به نام تاویوکوملاوی ترور شد و بر شدت بحران سیاسی افزود و متعاقب آن رئیس جمهور برگزاری انتخابات آزاد را به تاریخ نامعلومی محول نمود و در مقابل، گروههای مخالف هم اعتصاب دامنه‌داری را اعلام داشتند. سرانجام دولت به برگزاری انتخابات تن در داد و ایادما در انتخابات اوت ۱۹۹۳ در یک جو توأم با ترس و وحشت با ۹۶/۵ درصد آراء مجدداً به ریاست جمهوری رسید. به دنبال آن شورش و تظاهرات همه‌جا را فرا گرفت و ایادما بدون این که آسیبی متوجه او شده باشد، از یک ترور سیاسی جان سالم به در برد و طی درگیری پلیس با مردم ۶۷ نفر کشته شدند.
سیل عظیم ژوئیه ۱۹۹۴ حدود ۱۵۰,۰۰۰ نفر از اهالی لومه را بی‌خانمان کرد و بارندگی شدید سه هفته بعد غالب روستاها و راهها و پل‌های نواحی مرکزی و شمالی را ویران نمود و ۲۱,۰۰۰ نفر را از هستی ساقط کرد.
در اوت ۱۹۹۶ نخست‌وزیر کوجو از کار برکنار شد و کوآسی کلوتسه به جای او به نخست‌وزیری منصوب گردید.
در ژوئیهٔ ۱۹۹۷ گروههای مخالف دولت باهم متحد شدند تا شاید ایادما را که از سال ۱۹۶۷ در مقام ریاست جمهوری باقی مانده بود، برکنار سازند. پارلمان توگو در سال ۱۹۹۸ قانون جدیدی برای مطبوعات وضع کرد و طی آن دستگیری خودسرانه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران را ممنوع کرد و در ضمن بازدیدهای شبانه از خانه‌های اشخاص را فقط به کسب مجوزهای قانونی موکول نمود. در انتخابات سال ۱۹۹۸، که به عقیدهٔ مخالفان با تقلبات وسیع همراه



نام رسمی: جمهوری توگو

نام محلی: توگو Togo

اسامی دیگر: توگوی فرانسه – توگولند (اسامی سابق)

پایتخت: لومه (۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۴/۲۷، از فرانسه

روز ملی: بیست و هفتم ماه آوریل، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ژنرال نیاسینگبه اِیادِما (مجمع مردم توگو)؛ از سال ۱۹۶۷ (هر پنج سال یک بار)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آگبیومه مسان کوجو(مجمع مردم توگو)، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳، آخرین تغییرات ۱۹۹۸؛ مجلس ملی با ۸۱ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۹): مجمع مردم توگو ۷۹ کرسی، مستقل‌ها ۲ کرسی(احزاب مخالف انتخابات را تحریم کرده بودند).

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۶۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس ، فز، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۵۶،۷۸۵ کیلومترمربع (صد و بیست و سومین کشور جهان)

جمعیت: ۴،۶۰۰،۰۰۰ نفر درسال ۲۰۰۰ (صد و دوازدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸۱ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۶٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۸/۵ میلیون نفر **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۵ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۲/۲٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۴/۸٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۴۶/۶٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۷/۵٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۲/۱٪ ؛ بالای ۶۰ سال ۳/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۴۹/۱۸٪ ؛ زن ۵۰/۸۲٪ **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان۵۷/۱ سال،مردان ۵۳/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۸/۹ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۱/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۷۲/۶ نفر **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۷/۸ نفر

میزان شیوع بیماریها (موارد گزارش شده در سال ۱۹۸۹): مالاریا ۱۶۲،۷۳۰ نفر؛ جراحات و ضایعات جسمی ۲۱۸،۹۴۹ نفر؛ بیماریهای اسهالی ۱۵۳،۰۷۴ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۹۰،۰۶۱ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۷ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۴۸۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۱): قبایل‌سیاهپوست اوه‌آجا ۴۳/۱٪ ؛ تم‌کابره ۲۶/۷٪ ؛ گورما ۱۶/۱٪ ؛ کبوآکپوسو ۳/۸٪ ؛ آنا-ایفه ۳/۲٪

دین(۱۹۹۳): باورهای قبیله‌ای ۵۰٪ ؛ مسیحی ۳۵٪ (کاتولیک ۲۳٪)؛ مسلمان ۱۵٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۷): سوکوده ۵۵،۰۰۰ نفر؛ لاماکارا ۴۱،۰۰۰ نفر؛ آتاکپامه ۳۰،۰۰۰ نفر؛ تسِویه ۲۶،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۸۱): کپالیمه ۲۷،۶۶۹ نفر

بنادر مهم: لومه (خلیج بنین)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ (CFAF) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۷۵۴/۲۸ فرانک؛ یک فرانک= ۱۰/۶ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۴۲/۴ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ درآمد مالیاتی ۸۱٪ (شامل: مالیاتهای معاملات بین‌المللی ۴۰/۳٪؛ مالیات شرکتهای دولتی ۱۰٪ ؛ مالیات فروش ۹/۶٪)؛ کمکهای بلاعوض ۱۰/۴٪ ؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۸/۶٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۸۷/۵ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ هزینه‌های جاری ۷۰/۹٪ (شامل: دستمزدها ۳۱/۴٪ ، مواد و تجهیزات ۲۰/۲٪)؛ انتقالی‌ها ۱۴٪ ، دیگر موارد ۵/۴٪ ؛ بازپرداخت بدهی‌ها ۹/۶٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،۴۵۳ میلیون دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۲٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۶٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۴۲/۱٪ ؛ صنعت ۲۱/۱٪ ؛ خدمات ۳۶/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۹ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۱،۲۰۷ میلیون دلار **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۲۸/۴+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۷/۵٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۸/۸٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲/۷٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۷): یام ۶۹۶،۱۴۷ تن؛ کاساوا ۵۷۹،۳۸۱ تن؛ ذرت ۳۵۰،۴۸۴ تن؛ سبزیجات ۱۵۰،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۱۳۶،۵۵۸ تن؛ میوه نخل روغن ۱۱۵،۰۰۰ تن؛ برنج ۸۶،۶۶۳ تن؛ ارزن ۴۰،۶۹۳ تن؛ بادام زمینی ۲۷،۱۵۷ تن؛ موز ۱۶،۱۰۰ تن؛ قهوه ۱۴،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۱۴،۰۰۰ تن؛ حبوبات ۶،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ۴۴/۷٪ ؛ مرتع و چمنزار ۳/۷٪ ؛ جنگل ۱۶/۵٪ ؛ سایر موارد ۳۵/۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۷): بز ۱،۱۱۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۷۴۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۸۵۰،۰۰۰؛ گاو ۲۲۲،۸۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،۱۸۲،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۴،۲۹۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۷،۵۰۰،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۶،۳۲۵ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۶): سنگ فسفات ۲،۷۰۰،۰۰۰ تن؛ سنگ آهک برای تولید سیمان

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): (ارزش افزوده به میلیون فرانک سی‌اف‌آ): مواد غذایی، نوشیدنی و دخانیات ۴۱،۴۰۰ ؛ تولیدات فلزی ۱۲،۰۰۰؛ تولیدات غیر فلزی ۸،۵۰۰ ؛ منسوجات، پوشاک و چرم ۴،۹۰۰ ؛ محصولات چوبی ۴،۷۰۰؛ کاغذ و چاپ و نشر ۴،۶۰۰ ؛ مواد شیمیایی ۳،۶۰۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۷): ۳۵ میلیون کیلووات ساعت (۲۸۲ میلیون کیلووات ساعت)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹۸): صفر (۲۳۱،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۴): ۱،۵۳۸،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۳/۸٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۰ سال به بالا): ۵۰/۷٪ ؛ زنان: ۳۵/۶٪ ؛ میزان بیکاری ۱۷٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۷۰/۶٪ ؛ صنعت ۱۰/۸٪ ؛ خدمات ۱۸/۶٪

نیروی دفاعی: (مدت نظام وظیفه: ۲ سال) ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۶،۹۵۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۳/۵٪ ؛ نیروی دریایی ۲/۹٪ ؛ نیروی هوایی ۳/۶٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۶ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۲۶۳/۴ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل: کالاهای مصرفی ۵۵/۸٪ ؛ تجهیزات سرمایه‌ای ۱۸/۸٪ ؛ کالاهای واسطه‌ای ۱۸٪ ؛ فرآورده‌های نفتی ۷/۴٪ ؛ از غنا ۲۱٪؛ فرانسه ۱۲/۷٪ ؛ چین ۱۲٪ ؛ نیجریه ۲/۱٪ ؛ ژاپن ۱/۸٪

صادرات(۱۹۹۸): ۲۴۴/۸ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ کالاهای تولید داخلی ۸۰/۴٪ (از جمله دخانیات ۲۴/۵٪ ؛ فسفات ۲۲٪ قهوه ۹/۱٪ ؛ کاکائو ۴/۳٪)؛ صادرات مجدد کالاها ۱۹/۶٪ ؛ به کشورهای کانادا ۱۲/۱٪ ؛ بولیوی ۹/۵٪ ؛ نیجریه ۷/۴٪ ؛ فرانسه ۳/۸٪ ؛ غنا ۳/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون‌فرانک سی‌اف آ	+۷،۸۰۰	+۲،۵۰۰	-۲۱،۳۰۰	-۱۷،۷۰۰	-۱۸،۶۰۰
درصد کل	٪۳/۲	٪۰/۷	٪۵/۲	٪۳/۴	٪۳/۷

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۶۱/۷	۸۵/۹	۱۰۰	۱۰۴/۷	۱۱۳/۳	۱۱۴
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۶ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۸۰): ۱۰۲،۰۰۰ فرانک سی‌اف‌آ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۷): غذا و نوشیدنی ۴۵/۹٪ ؛ کالای بادوام خانگی ۱۳/۹٪ ؛ پوشاک ۱۱/۴٪ ؛ مسکن ۵/۹٪ ؛ خدمات ۲۰/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۵): درآمد: ۱۳ میلیون دلار؛ هزینه‌ها (۱۹۹۴): ۱۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۷،۵۲۰ کیلومتر **راه‌آهن(۱۹۹۶):** ۳۹۵ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۷۹،۲۰۰ دستگاه **تعدادکامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۳۴،۲۴۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۸ فروند **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۲ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹۶): ۱ روزنامه در ۱۵،۰۰۰ نسخه (۳/۶ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۹۴۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۱۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۱،۰۰۰ خط تلفن (۷/۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۷،۵۰۰ خط (۱/۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳۰،۰۰۰ دستگاه **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۳۵ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۳،۲۸۳	۱۸،۵۳۵	۸۵۹،۵۷۴	۴۶/۴
متوسطه	۳۱۴	۴،۷۳۶	۱۶۹،۱۷۸	؟
فنی و حرفه‌ای	۱۸	۶۵۳	۹،۰۷۶	۱۳/۹
عالی	۱	۴۴۳	۱۱،۶۳۹	۲۶/۳

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۵۱/۷٪ ؛ مردان: ۶۷٪ ؛ زنان: ۳۷٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۱): ابتدایی ۱۳/۵٪ ؛ متوسطه ۸/۷٪ ؛ عالی ۱/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۳۲۰ نفر (هر ۱۳،۱۵۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۰): ۵،۳۰۷ تخت(هر ۶۹۴ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۱۷۰،۰۰۰ نفر (۸/۵۲٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۹/۴ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۵۱۳ کالری (۱۰۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۹ گرم؛ مصرف چربی: ۵۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱/۶٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۴٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۲ کیلوگرم برای هر نفر

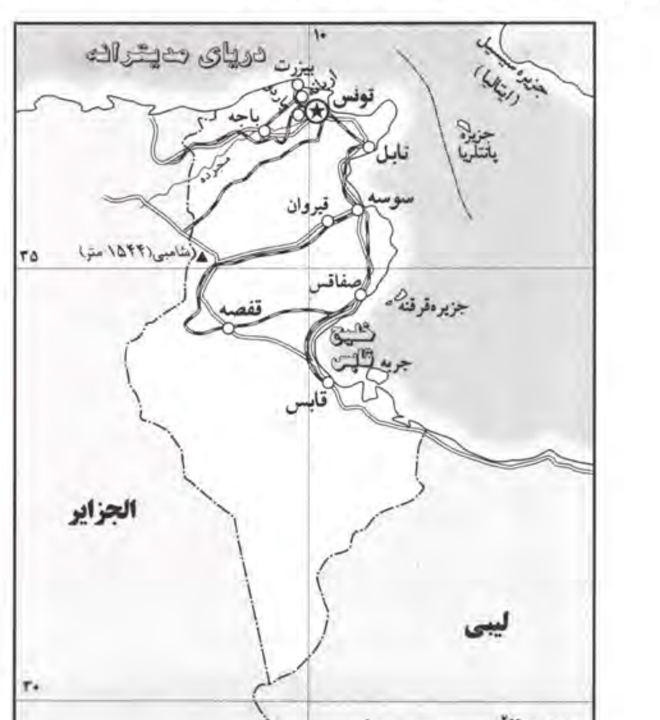
تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۸ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۴۷۱ (صد و چهل و پنجمین کشور جهان)

بود، ایادما با کسب ۵۲٪ آراء بر رقیب خود ژیلکریست اولیمپیو، پسر سیلوانوس اولیمپیو، رهبر استقلال توگو پیروز شد. در طی ماه‌های بعد تظاهرات متعددی در اعتراض به این تقلبات برگزار گردید. برگزاری نشست سران کشورهای فرانسوی‌زبان غرب افریقا در سال ۲۰۰۰، به عنوان یک پیروزی برای رژیم ایادما محسوب شد. پس از رأی عدم اعتماد مجلس ملی به اوژن کوفی آدوبولی در ماه اوت ۲۰۰۰، رئیس جمهور، گابر آگبیومه کوجو را به عنوان نخست‌وزیر معرفی کرد و وی توانست از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در سال ۲۰۰۱، ایادما تلاش کرد تا با ایجاد اصلاحاتی در قانون اساسی، محدودیت انتخاب خود برای بار سوم را بردارد که با مخالفت شدید مردم و گروههای سیاسی مخالف مواجه شد و سرانجام پذیرفت که در انتخابات بعدی که در سال ۲۰۰۳ برگزار می‌شود، شرکت نکند.

تونس TUNISIA

تونس که شمالی‌ترین کشور افریقا محسوب می‌شود، در ساحل جنوبی دریای مدیترانه قرار گرفته و از خاور به لیبی و از غرب به الجزایر محدود است. کرانه‌های خاوری آن پرجمعیت‌ترین نواحی این سرزمین بوده و سراسر آن از کشتزارهای زیتون و مرکبات و انگور پوشیده شده است. نواحی درونی آن را دنبالهٔ خاوری کوههای اطلس با بلندی حداکثر ۱۵۴۴ متر (کوه شامبی) در بر گرفته و رمه‌داران چادرنشین را در خود جای داده است و نواحی جنوبی آن به صحرای بزرگ شرقی منتهی می‌گردد. از منابعی چون فسفات و کانه‌های آهن بهره‌مند است و نخلستان‌های پراکنده‌ای در واحه‌های متعدد آن به چشم می‌خورد. جزیره‌های جربه (با ۵۱۰ کیلومترمربع وسعت) و قرقنه، جزیی از خاک آن هستند و رودخانهٔ مجرده با ۳۷۰ کیلومتر طول که از کوههای اطلس سرچشمه می‌گیرد و در شهر تونس به دریا می‌ریزد، عمده‌ترین رودخانهٔ آن محسوب می‌گردد. اقلیم تونس در نواحی شمالی و تا حدی خاوری، مدیترانه‌ای مرطوب و در سایر نواحی گرم و خشک و کم‌باران است.



تاریخچه

از سدهٔ دوازدهم پیش از میلاد فنیقی‌ها بندرگاه‌ها و مؤسسات بازرگانی چندی در کرانه‌های شمالی افریقا احداث کردند و دولت کارتاژ در سدهٔ هشتم پیش از میلاد در کنار یکی از همین بندرگاهها که شهر امروزی تونس در محل آن بنا شده، تأسیس گردید و در سدهٔ ششم پیش از میلاد بر سرتاسر کشور امروزی تونس استیلا یافت. کشور کارتاژ در سال ۱۴۶ قبل از میلاد به تصرف رومیان درآمد و به یکی از استانهای رومی شمال افریقا مبدل شد و تا زمان استیلای اعراب مسلمان در اواسط سدهٔ هفتم میلادی به همین وضع باقی ماند. سپس به یکی از پیشرفته‌ترین مراکز فرهنگ و تمدن اسلامی مبدل شد و شهر قیروان از جنبه هنر معماری و طب در سرتاسر امپراتوری اسلام مشهور گردید. با فروپاشی امپراتوری موحدون، تونس ضمیمهٔ مملکت حفصیون گردید. آنان از سدهٔ سیزدهم تا آغاز سدهٔ شانزدهم مقتدرانه بر تونس حکومت راندند و حتی کرانه‌های الجزایر را نیز به تصرف خود درآوردند. با رو به ضعف نهادن حفصیون، خیرالدین بارباروسا (ریش قرمز) سردار ترک، شهر تونس را تصرف کرد و سواحل تونس و الجزایر را تحت استیلای دولت عثمانی درآورد و درون‌بوم تونس در تصرف بربرها باقی ماند. بعد قابل توجه مسافت میان قسطنطنیه (پایتخت امپراتوری عثمانی) و تونس، بیگ تونس را به نوعی خودمختاری متمایل نمود و حکومتی موروثی در آنجا برقرار گردید و خاندان مراد از ۱۶۱۲ تا ۱۷۰۲ و سلسلهٔ حسینی که به رهبری حسین‌ابن علی ترکی (از سرداران عثمانی) در سال ۱۷۰۵ به سر کار آمد، تا حتی بعد از استقلال تونس (۱۹۵۷) بر آن سرزمین حکومت کردند.

در اوایل سدهٔ نوزدهم دولتهای استعماری اروپا متوجه افریقا شدند و در امور داخلی تونس رسماً شروع به مداخله نمودند و به موجب پیمان باردو در سال ۱۸۸۱، تونس تحت‌الحمایهٔ فرانسه قرار گرفت. در سال ۱۹۲۵، «نهضت دستور» خواهان استقلال تونس شد ولی به شدت سرکوب گردید و در نهایت تونس به نوعی خودمختاری نایل آمد. بعد از جنگ جهانی دوم حزب دستور، مجدداً سربرافراشت و تحت عنوان نئودستور (دستورنوین) علیه استعمارگران فرانسه به پا خاست و پس از درگیری‌های مسلحانهٔ بین سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۵، استقلال تونس از سوی فرانسه در مارس سال ۱۹۵۶ به رسمیت شناخته شد و حبیب بورقیبه نخست‌وزیری رژیم سلطنتی تونس را عهده‌دار شد. در ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۷ رژیم سلطنتی تونس ملغی شد و نظام کشور به جمهوری مبدل گردید و حبیب بورقیبه ریاست جمهوری را عهده‌دار شد. بورقیبه با پافشاری و پشتکار زیاد فرانسوی‌ها را در سال ۱۹۶۴ از پایگاه دریایی بیزرت بیرون راند. در ژانویهٔ ۱۹۷۸ اتحادیهٔ کارگران تونس در اعتراض به پایین بودن دستمزد، اعلام اعتصاب کرد و در نتیجه دخالت پلیس چند نفر کشته شدند و رهبر اتحادیهٔ کارگران تونس به نام حبیب آشور بازداشت گردید. در ژانویه ۱۹۸۴ دولت تصمیم به حذف یارانه مواد غذایی گرفت و بهای نان را ۱۱۵ درصد بالا برد و موج اعتصاب و آشوب سراسری را به همراه آورد و دخالت پلیس به حدود صد کشته منجر شد و حبیب بورقیبه رئیس جمهور را به برقراری مجدد یارانه وادار نمود.

در سال ۱۹۸۵ رویارویی خشن و خونین مأموران مسلح دولتی با اسلام‌گرایان، چندین کشته و صدها بازداشت و چندین حکم اعدام به همراه آورد. در ۱۹۸۵ سرهنگ (بعداً ژنرال شد) زین‌العابدین بن علی در صحنهٔ سیاسی کشور شروع به خودنمایی کرد و در ۱۹۸۷ به مقام نخست‌وزیری رسید و در نوامبر همان سال حبیب بورقیبه را از کار برکنار کرد و خود زمام امور کشور را بر عهده گرفت.

در آزادترین انتخابات تونس که در دوم آوریل ۱۹۸۹ برگزار شد، بن علی با کسب ۹۹ درصد آراء به مقام ریاست جمهوری تونس رسید. در مارس ۱۹۹۲ اعضای حزب النهضه تونس به حبس ابد محکوم شدند. در انتخابات مارس ۱۹۹۴ بن علی مجدداً به ریاست جمهوری رسید و در اکتبر ۱۹۹۵ محمد موعده رهبر مخالفان دولت به اتهام انتشار یک بیانیه در اعتراض به محدودیت آزادی‌های اجتماعی و برقراری روابط مخفی با دولت لیبی، به ۱۱ سال زندان محکوم شد. در آوریل ۱۹۹۶ رئیس بانک جهانی از تونس دیدن کرد و تونس را در ردیف بهترین مشتریان بانک جهانی در منطقه معرفی نمود. قرارداد تجارت آزاد با اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۸ به امضاء رسید و همین مسئله باعث گشوده شدن بازار کشورهای اروپایی به روی اجناس تونس گردید. کاهش حقوق و تعرفه‌های گمرکی با افزایش مالیات بر ارزش افزوده جبران گردید.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۹، زین‌العابدین بن علی، کسب ۹۹/۴٪ آراء در مقام خود ابقاء گردید و با تشکیل مجلس جدید، در ماه نوامبر محمد غنوشی به عنوان نخست‌وزیر معرفی شد. در همین سال، ۶۰۰ تن از زندانیان سیاسی که عمدتاً از اعضای حزب‌النهضه تونس و حزب کمونیست کارگران بودند، از زندان آزاد شدند. در پی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، وزیر امور خارجه تونس به لندن مسافرت کرد تا دولت لندن را به استرداد رهبران حزب النهضة ترغیب نماید.

مجلس ملی تونس در آوریل سال ۲۰۰۲، با اصلاح قانون اساسی شرایطی را فراهم آورد تا زین‌العابدین بن علی بتواند در سال ۲۰۰۴ نیز داوطلب انتخابات ریاست‌جمهوری شود. تا قبل از این اصلاحیه هر کس می‌توانست حداکثر ۳ دوره مقام ریاست جمهوری را به عهده بگیرد.



نام رسمی: جمهوری تونس

نام محلی: تونس Tunes

اسامی دیگر: -

پایتخت: تونس (۶۷۴،۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۴)

تاریخ استقلال: ۱۹۵۶/۳/۲۰، از فرانسه

روز ملی: بیستم مارس، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۵۹

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور: زین‌العابدین‌بن‌علی(حزب‌دموکراتیک دستور)، از سال ۱۹۸۷ (آخرین انتخاب سال ۱۹۹۹)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: محمد غنوشی (از حزب دموکراتیک دستور)، از سال ۱۹۹۹

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۵۹، آخرین تغییرات ۱۹۹۴؛ مجلس ملی با ۱۸۲ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسیهای مجلس ملی (۱۹۹۹): حزب دموکراتیک دستور ۱۴۸ کرسی، جنبش سوسیال دموکرات ۱۳؛ اتحاد دموکراتیک وحدت طلبان ۷، حزب اتحاد مردم ۷، جنبش بازسازی (حزب کمونیست سابق) ۵، حزب سوسیال لیبرال ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۵۶)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱۶۳،۶۱۰ کیلومترمربع (نودمین کشور جهان)

جمعیت: ۹،۶۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتادمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۸/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵):** ۱/۴٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۲/۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۵۴ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۶۴/۱٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۶٪

توزیع سنی(۱۹۹۴): زیر ۱۵ سال۳۴/۸٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/۵٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۸/۴٪ ؛ بالای ۶۰ سال ۸/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹۴): مرد ۵۰/۵۳٪ ؛ زن ۴۹/۴۷٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۵/۱ سال؛ مردان ۷۱/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۸/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۵ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۱/۴ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد ولی در میان ۱۲،۰۰۰ مرگ و میر گزارش شده در سال ۱۹۹۲، مشکلات بارداری و وضع حمل ۳۱/۶٪؛ بیماریهای گردش خون ۲۲/۴٪ ؛ حوادث و مسمومیت ۱۴/۹٪ و بیماریهای تنفسی ۷/۲٪ موارد را به خود اختصاص داده بود.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۱نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۷۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۵): ۶ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): عرب ۹۸/۲٪ ؛ بربر ۱/۲٪؛ فرانسوی ۰/۲٪ ؛ ایتالیایی ۰/۱٪ ؛ بقیه ۰/۳٪

دین(۱۹۹۵): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان سنی ۹۹/۵٪ ؛ مسیحی ۰/۳٪؛ دیگر ادیان ۰/۲٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ فرانسه ؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۴): صفاقس ۲۳۰،۹۰۰ نفر؛ اریانه ۱۵۲،۷۰۰ نفر؛ سوسه ۱۲۵،۰۰۰ نفر؛ قیروان ۱۰۲،۶۰۰ نفر؛ بیزرت ۹۸،۹۰۰ نفر؛ قابس ۹۸،۹۰۰ نفر؛ باردو ۷۲،۷۰۰ نفر؛ قفصه ۷۱،۱۰۰ نفر

بنادر مهم: بیزرت و صفاقس و تونس (دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دینار (D) =۱۰۰۰ میلیم؛ یک دلار=۱/۴۴ دینار؛ یک دینار= ۵،۵۵۵ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۶،۵۷۹ میلیون دینار؛ درآمد مالیاتی ۸۹/۴٪ (شامل: مالیات بر کالا و خدمات ۳۷٪ ؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۱۶/۹٪ ؛ مالیات بر درآمد ۱۵/۶٪ ؛ عوارض گمرکی ۱۱/۳٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۰/۶٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۷،۱۱۵ میلیون دینار؛ خدمات اقتصادی ۲۳/۳٪ ؛ آموزش و پرورش ۱۹/۶٪ ؛ بیمه بازنشستگی ۱۵/۱٪ ؛ نظم عمومی ۸٪ ؛ بهداشت ۷/۱٪ ؛ رفاه اجتماعی ۷/۱٪؛ دفاع ۶٪ ؛ مسکن ۶٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۹،۱۹۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،۰۶۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۴/۵٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۴/۵٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۲/۵٪ ؛ صنعت ۲۸/۴٪ ؛ خدمات ۵۹/۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۶۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۶۵۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۹،۷۲۷ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۴۸/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۴/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۴/۸٪ ؛ ۱۹۹۸: ۳/۵٪ ؛ ۲۰۰۰: ۲/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): گندم ۱،۴۰۰،۰۰۰ تن؛ زیتون ۹۵۰،۰۰۰ تن؛ گوجه فرنگی ۸۶۳،۵۰۰ تن؛ جو ۴۱۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲۹۷،۷۰۰ تن؛ هندوانه ۲۹۰،۰۰۰ تن؛ انگور ۱۱۰،۰۰۰ تن؛ چغندر قند ۸۹،۴۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ۳۱/۹٪ ؛ مرتع و چمنزار ۲۰٪ ؛ جنگل ۴/۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۶،۶۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۳۰۰،۰۰۰؛ گاو ۷۸۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳،۲۰۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۸۹،۲۷۳ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۷،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۸۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۶): سنگ فسفات ۶،۴۰۰،۰۰۰ تن؛ سنگ آهن ۱۳۰،۰۰۰ ؛ روی ۳۲،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۶): سیمان ۴،۵۶۰،۰۰۰ تن؛ اسید فسفریک ۱،۰۶۳،۰۰۰ تن؛ آرد ۶۷۹،۰۰۰ تن؛ نشاسته گندم ۵۹۷،۰۰۰ تن؛ آهک ۴۶۴،۰۰۰ تن؛ فولاد خام ۱۸۷،۰۰۰ تن؛ شکر ۹۱،۰۰۰ تن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۷،۹۳۷،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹۶: ۷،۸۵۱،۰۰۰)؛ زغال سنگ (۱۹۹۶): ۲،۰۰۰ تن (۲،۰۰۰)؛ نفت خام (۱۹۹۸): ۳۰،۶۵۶،۰۰۰ بشکه (۱۹۹۶: ۷،۰۹۷،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۶): ۱،۸۴۴،۰۰۰ تن (۳،۱۰۶،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹۶): ۶،۳۴۸،۵۰۰،۰۰۰ مترمکعب(۱،۹۵۱،۹۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۳،۵۰۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۳۷/۹٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴ سال؛ ۱۹۸۹): ۴۲/۲٪ ؛ زنان: ۳۰/۹٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۶): ۱۵٪ ؛ ۲۰۰۰: ۱۵/۵٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲۱/۶٪ ؛ صنعت ۲۸/۲٪ ؛ خدمات ۳۴/۱٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۳۵،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۷/۱٪ ؛ نیروی دریایی ۱۲/۹٪ ؛ نیروی هوایی ۱۰٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۳۹ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۹،۴۷۶/۱ میلیون دینار؛ شامل: کالاهای مصرفی ۳۵/۳٪ ؛ موادخام ۲۸/۶٪ ؛ ماشین‌آلات و لوازم برقی ۲۳٪ مواد غذایی ۸/۳٪ ؛ انرژی ۴/۸٪ ؛ از کشورهای فرانسه ۲۷/۱٪ ؛ ایتالیا ۱۹/۹٪ ؛ آلمان ۱۲٪

صادرات(۱۹۹۸): ۶،۵۳۱/۶ میلیون دینار؛ شامل: پوشاک و متعلقات آن ۵۰/۳٪ ؛ ماشین‌آلات و تولیدات برقی ۱۶٪ ؛ تولیدات فسفات ۱۳/۵٪ ؛ انرژی ۶/۴٪ ؛ به کشورهای فرانسه ۲۷٪ ؛ آلمان ۱۵/۴٪ ؛ بلژیک ۶/۱٪ ؛ لیبی ۳/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دینار	-۱،۹۵۰/۷	-۲،۲۹۱/۲	-۲،۱۲۶/۹	-۲،۶۰۸/۱	-۲،۹۴۴/۵	-۳،۱۰۳/۶
درصد کل	۱۷/۲٪	۱۸/۱٪	۱۶/۵٪	۱۷/۵٪	۱۸/۴٪	۱۸/۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۹/۹	۹۴/۱	۱۰۰	۱۰۳/۷	۱۰۷/۵	۱۱۰/۹	۱۱۳/۹
شاخص درآمد ساعتی	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۴/۹ نفر؛ درآمد هرخانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۵): غذا و نوشیدنی ۳۹٪ ؛ کالای بادوام خانگی ۱۱/۲٪؛ مسکن ۱۰/۷٪ ؛ حمل و نقل ۹٪ ؛ سرگرمی ۷/۱٪ ؛ پوشاک و کفش ۶٪ ؛ سوخت ۵/۱٪ ؛ مراقبت‌های بهداشتی ۳٪ ؛ آموزش ۱/۸٪ ؛ دیگر موارد ۷/۱٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱،۵۵۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۶۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۲۳،۱۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲،۱۵۸ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۲۶۹،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۳۱۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۷۷ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۵ فرودگاه

روزنامه: ۸ روزنامه در ۲۸۰،۰۰۰ نسخه (۳۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۷۰ عنوان در ۱،۷۴۸،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۷۲۰ عنوان در ۶،۰۰۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۸،۳۳۳/۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۲،۰۶۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۲۴ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۹۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۰۳/۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷۵۲،۱۸۰ خط تلفن (۸۰/۶ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳۸،۹۷۳ خط (۴/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۳۸،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷):	۴،۴۲۸	۶۰،۱۰۱	۱،۴۵۰،۹۱۶	۲۴/۱
متوسطه	۷۱۲	۴۵،۴۱۱	۸۸۲،۷۳۰	۱۹/۴
فنی و حرفه‌ای	؟	۲۳۷	۳،۸۳۹	۱۶/۲
عالی	؟	۶،۶۴۱	۱۲۱،۷۸۷	۱۸/۳

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۶۶/۷٪ ؛ مردان: ۷۸/۶٪ ؛ زنان: ۵۴/۶٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۹): ابتدایی ۲۶/۹٪ ؛ متوسطه ۱۴/۳٪ عالی ۳/۴٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۶،۴۶۴ نفر (هر ۱،۵۷۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۴): ۱۵،۷۵۹ تخت (هر ۵۵۶ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۰۴٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۶/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۳،۰۰۸ کالری (۱۳۳٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۸۸ گرم؛ مصرف چربی: ۹۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۹-٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۵٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۶/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۱۶/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۰۳ (صد و یکمین کشور جهان)

تونگا TONGA

تونگا یا جزایر فرندلی، کشوری است واقع در پولینزی غربی، آب‌های غربی اقیانوس آرام که در خاور جزایر فیجی و کمی بالاتر از مدار رأس‌الجدی جای دارد. از ۱۶۹ جزیره تشکیل شده که فقط ۳۶ تای آنها مسکون دائمی هستند و به سه گروه تقسیم می‌گردند.

الف - گروه تونگاتاپو، با منشأ مرجانی که جنوبی‌ترین گروه بوده و بیش از نیمی از جمعیت کشور در آن به سر می‌برند.

ب - گروه واوائو یا جزایر شمالی، با منشأ آتشفشانی.

پ - گروه هاآپایی که بین دو گروه بالا جای دارد و برخی از آنها دارای منشأ آتشفشانی می‌باشند.

جزایری که منشأ آتشفشانی دارند، معمولاً کوهستانی هستند و آنهایی که دارای منشأ مرجانی هستند، مسطح و هموارند.

اقلیم این کشور مرطوب و بارانی است و تابستانهای گرم و سوزانی دارد و گیاهان تکمه‌ای، نارگیل، فرآورده‌های آناناس و مرکبات از فرآورده‌های کشاورزی آن است.

جزیرهٔ تونگاتاپو، بزرگترین جزیره محسوب می‌شود و وسعت آن به ۲۶۰ کیلومترمربع بالغ می‌شود.



تاریخچه

ساکنان کشور تونگا که به زبان پولینزیایی به معنای جنوب است، حدود ۱۰۰۰ سال پیش از جزایر فیجی و ساموآ به اینجا مهاجرت کردند و ارگان اجتماعی پیچیده‌ای را به وجود آوردند.

در نیمهٔ دوم سدهٔ دهم شخصی به نام آهولیتو بر آنان حکمروایی داشت. رواج مذاهب مختلف، جامعهٔ کوچک تونگا را فرقه‌بندی کرد و اختلافات مذهبی را پایه‌گذاری نمود که تا سال ۱۶۱۶، زمانی که هلندی‌ها به اینجا پا گذاردند، ادامه داشت. کاپیتان جیمز کوک دریانورد و کاشف معروف انگلیسی در سال ۱۷۷۵ از جزایر تونگا دیدن کرد و آن را جزایر فرندلی (دوستانه) نامید. مجمع‌الجزایر تونگا در اواسط سدهٔ نوزدهم به وحدت دست یافت و یکی از بومیان محلی به نام تائوفاآهائو توپوئو در سال ۱۸۲۰ رهبری آن را به دست گرفت و مردم را به مسیحیت دعوت کرد و با اشغال جزایری چون واوائو و تونگاتاپو به نام جورج اول تا سال ۱۸۹۳ بر آنجا سلطنت کرد. وی با تشکیل مجلس قانونگذاری (مرکب از بزرگان قبایل) و انجام اصلاحات ارضی، ثبات سیاسی و اقتصادی جامعه را تضمین نمود.

در سال ۱۸۸۹ انگلیسی‌ها با انعقاد قراردادی با دولت آلمان، تونگا را به منطقهٔ نفوذ خود تبدیل کردند و در سال بعد این مجمع‌الجزایر را به تحت‌الحمایگی خود درآوردند. در سال ۱۹۱۸ ملکه سالوته دختر بزرگ جورج اول به پادشاهی تونگا رسید و در سال ۱۹۶۰ به زنان تونگا حق رأی و انتخاب شدن در مجلس را اعطاء کرد. شاه جدید تونگا، تائوفاآهائو توپوئوی چهارم در سال ۱۹۶۷ تاجگذاری کرد و سه سال بعد تونگا به استقلال رسید. اقتصاد تونگا از طریق فروش میوه‌جات مخصوص آن به ویژه روغن نارگیل تأمین می‌گردد، به همین دلیل در سالهای ۱۹۷۰ که میوه قیمت خود را از دست داده بود، حدود ده هزار تونگایی به زلاندنو مهاجرت کردند. فاتافهی ولیعهد و نخست‌وزیر تونگا که از سال ۱۹۶۵ در این سمت بود، در سال ۱۹۹۱ از کار برکنار شد و بارون واِئه‌آ به جای او نشست. در مارس ۱۹۹۸ وزیر اراضی و داماد شاه به اتهام سوء مدیریت و حیف و میل اموال عمومی و قبول رشوه بازداشت گردید. دادگاه اتهام را وارد ندانست، ولی او را ممنوع‌الخروج نمود.

در سوم ژانویه سال ۲۰۰۰، پادشاه کوچکترین پسر خود، شاهزاده اولوکالالا لاواکا آتا را جایگزین بارون واِئه‌آ نخست‌وزیر سابق نمود. کشف رسوایی بزرگی در سال ۲۰۰۱، توجه جهانیان را به این مجمع‌الجزایر جلب کرد. از مجموع حدود ۳۰ میلیون دلار از دارایی صندوق سپرده ارزی آن، حدود ۲۰ میلیون دلار برداشت شده بود که بارون واِئه‌آ، نخست‌وزیر وقت و ۱۰ وزیر کابینهٔ او به این اختلاس متهم شدند.



نام رسمی: پادشاهی تونگا

نام محلی: تونگا Tonga

اسامی دیگر: جزایر دوستانه، جزایر تونگا

پایتخت: نوکوآلوفا (۳۷،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۰/٦/٤، از انگلستان

روز ملی: چهارم ژوئیه، تولد پادشاه

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۸۷۵

رئیس حکومت: پادشاه: تائوفاآهائو توپوئوی چهارم، ازسال ۱۹٦۷

رئیس دولت: نخست‌وزیر: شاهزاده اولوکالالا لاواکاآتا، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۸۷۵ با تغییرات موردی؛ مجلس قانونگذاری با ۳۰ عضو (۱۰ عضو انتصابی پادشاه، ۹ اشراف‌زاده به انتخاب ۳۳ اشراف‌زادهٔ موروثی، ۲ فرماندار و ۹ عضو با انتخاب مستقیم مردم) به مدت ۳ سال؛ کرسی‌های مجلس قانونگذاری در سال ۱۹۹۹ (۲۰۰۲): جنبش حقوق بشر و دموکراسی ٥ (۷) کرسی، مستقل‌ها ٤ (۲) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۹)، اونکتاد، یونسکو، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، سازمان تجارت جهانی(عضو ناظر)، سپک، آکپ، آدب، آاوسیس، جامعهٔ اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۷۵۰ کیلومترمربع (صد و هفتادوچهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدو هشتاد و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۳۳/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۹۸-۱۹۹۰) :** ۰/٤٪

پیش‌بینی جمعیت: ؟ — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۹): ٤٥٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ؟

توزیع سنی(۱۹۹٦): زیر ۱٥ سال ۳۹/۱٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۸٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٥/۱٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۷/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ٥۰/۷٤٪ ؛ زن ٤۹/۲٦٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۲/۲ سال؛ مردان ٦۷/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲٥/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۷/۹ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۹/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: (مرگ و میر ثبت شده در میان بیماران بیمارستانها درسال ۱۹۹۳): بیماریهای دستگاه گردش خون ٥۸/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه عصبی ٥۱ نفر؛ کهولت سن ۲۷/٦ نفر ؛ دیابت ۱۷/۳ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/٦ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۲): ۸/۲ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۲):** ۱/۱ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹٦): قبایل پولینزیایی تونگایی ۹۹٪ ؛ اروپایی ۰/۳٪ ؛ بقیه ۰/۷٪

دین(۱۹۹۸): متدیسم آزاد ٤۱/۲٪ ؛ کاتولیک ۱٥/۸٪ ؛ مورمونها ۱۳/٦٪ ؛ سایر ادیان(عمدتاً سایر پروتستانها) ۲۹/٤٪

زبان و خط: تونگایی، انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۸): نیآفو ۳،۸۷۹ نفر؛ هاوملولوتو ۳،۰۷۰ نفر

بنادر مهم: نوکوآلوفا (در اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پاآنگا (T$) = ۱۰۰ سنیتی؛ یک دلار= ۱/۸۷ پاآنگا؛ یک پاآنگا= ٤،۲۷۸ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ٦۳ میلیون پاآنگا (مالیات معاملات خارجی ٤۷/۹٪ ؛ درآمد خدمات دولت ۲۰٪ ؛ مالیاتهای مستقیم ۱۳/۸٪ ؛ مالیاتهای غیر مستقیم ۱۱/٦٪ ؛ اجاره و سود ۳/٥٪)

هزینه بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ٦۳ میلیون پاآنگا؛ آموزش ۱۸/٤٪ ؛ هزینه‌های اداری ۱۳/۸٪ ؛ بهداشت ۱۳/۲٪ ؛ قانون و نظم ۱۲/٥٪ ؛ کارهای عمومی و ارتباطات ۹/۲٪ ؛ کشاورزی ٦/۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۷۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۷٥۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): کشاورزی ۳٥٪ ؛ صنعت ۱۲٪ ؛ خدمات ٥۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٦٤/۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۹-۱۹۹۰): ٤/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سیب‌زمینی هندی ۳۱،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۲۸،۰۰۰ تن؛ تارو ۲۷،۲۰۰ تن؛ نارگیل ۲٤،٥۰۰ تن؛ میوه ۱۲،٥۰۰ تن؛ سبزیجات ۷،۳۰۸ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ٥،۱۳۷ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٦٦/۷٪ ؛ مرتع ٥/٦٪ ؛ جنگل ۱۱/۱٪ ؛ بقیهٔ موارد ۱٦/٦٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۸۰،۸٥۳ رأس؛ بز ۱۳،۹۳۹؛ اسب ۱۱،٤۰۰؛ گاو ۹،۳۱۸ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤،٦۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲،۷۳۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲٦٦،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۸ تن

تولیدات معدنی (۱۹۸۲): مرجان ۱٥۰،۰۰۰ تن؛ ماسه ۲٥،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی (۱۹۹٦): (میلیون پاآنگا): مواد غذایی و نوشیدنی ۸،۲۰۳ ؛ محصولات کاغذی ۱،۰٥٥ ؛ مواد شیمیایی ۹٦٤ ؛ مصنوعات فلزی ۸۸۹؛ منسوجات و پوشاک ۷٤۲؛ مصنوعات غیر فلزی ۷۱٥

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۳٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر(صفر)؛ فرآورده‌های نفتی : ؟ (۳۸،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۹۷-۱۹۹٦): ۳۳،۹۰۸ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳٤/۷٪ ؛ میزان مشارکت: (۱٥ سال به بالا): ٥۷٪ ؛ زنان: ۳٦٪ ؛ میزان بیکاری: ۱۳/۳٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٤۲/۹٪ ؛ صنعت ۱۱/۲٪ ؛ خدمات ۳۸/۹٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹٦): ۱۲٥ نفر در نیروی دریایی، سرانهٔ هزینهٔدفاعی (۱۹۸۹): ۲۱ دلار

واردات(۹۹-۱۹۹۸): ۱۰٤/۹ میلیون پاآنگا، شامل: غذا و دام زنده ۳۱/۸٪ ؛ کالاهای اساسی ۱۷/٤٪ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱۷٪ ؛ سوخت‌های معدنی ۱۱/۸٪ ؛ مواد شیمیایی ۷/۸٪ ؛ از زلاند نو ۳٥٪ ؛ استرالیا ۲۸/٦٪ ؛ امریکا ۱۳/۱٪ ؛ فیجی ۸/٦٪ ؛ ژاپن ٤/۹٪

صادرات (۹۹-۱۹۹۸): ۱۲ میلیون پاآنگا؛ شامل انواع کدو ۳٥/۸٪ ؛ ماهی ۲٤/۲٪ ؛ دانهٔ وانیل ٦/۷٪ ؛ محصولات ریشه‌ای ۲/٥٪ ؛ به ژاپن ٤۰/۸٪ ؛ امریکا ۱۷/٥٪ ؛ زلاند نو ۱٤/۲٪ ؛ استرالیا ۳/۳٪ ؛ فیجی ۰/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون پاآنگا	-۷۲/۸	-۷۹/٦	-۷٥/٥	-۷۹/۳	-۹۰/۸	-۹٦/٤
درصد کل	٪٦٦/٥	٪٦۸/۳	٪٦۹/۹	٪۷٥/٦	٪۷۹/٦	٪۷۰/۷

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۸/٦	۱۰۰	۱۰۳	۱۰٥/۲	۱۰۸/٦	۱۱۳/٥
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹٦): ٦ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها(۹۲-۱۹۹۱): مواد غذایی ٤۳/۲٪ ؛ حمل و نقل ۱٥/٥٪ ؛ لوازم خانگی ۱٤/۲٪ ؛ مسکن ٦/٤٪ ؛ دخانیات و نوشیدنی ٥/٤٪ ؛ پوشاک ٤/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱۲ میلیون دلار؛ هزینه‌ها (۱۹۹۷): ۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٦۸۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱،۱٤۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۷۸۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱٥ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ٦ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱ روزنامه در ۷،۰۰۰ نسخه (۷۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٦۱،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۱۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹٦): ۷،۷۸۰ خط تلفن (۷۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹٦): ۳۰۲ خط (۳/۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٤)	۱۱٥	۷۰۱	۱٦،٥٤۰	۲۳/٦
متوسطه	۳۸	۸۰۹	۱٥،۷۰۲	۱۹/٤
فنی و حرفه‌ای	۹	٦۷	۸۲٤	۱۲/۳
عالی	۱	۱۹	۲۲٦	۱۱/۹

میزان باسوادی(۱۹۷٦): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۲/۸٪ ؛ مردان: ۹۲/۹٪ ؛ زنان: ۹۲/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸٦): ابتدایی ۳۸/۳٪ ؛ متوسطه ٥۸/٦٪ ؛ عالی ۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ٤۳ نفر (هر ۲،۲۷۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۲): ۳۰۷ تخت (هر ۳۲۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۲): ۲،۹٤٦ کالری (۱۲۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های نباتی: ۸۲٪ ؛ مصرف فرآورده‌های گوشتی: ۱۸٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟



نام رسمی: تووالو

نام محلی: تووالو Tuvalu

اسامی دیگر: جزایر الیس – جزایر مرداب (لاگون) (اسامی سابق)

پایتخت: وایاکو (۴،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۸/۱۰/۱ ؛ از انگلستان

روز ملی: اول اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت حکومت تشریفاتی پادشاه انگلستان)، از سال۱۹۷۸

رئیس حکومت: فرماندار کل: توماسی پوآپوآ، ازسال ۱۹۹۸

رئیس دولت: نخست‌وزیر: سائوفاتو سوپوآنگا، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۸؛ مجلس قانونگذاری با ۱۲ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس قانونگذاری در سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲: اعضای مستقل و غیر حزبی ۱۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۲۰۰۰)، یونیسف، ایتو، یونیدو، یوپو، وهو، یونسکو، سپک، آکپ، آاوسیس، جامعه اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲٦ کیلومترمربع (صد و شصت و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰،۸۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و نود و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٤۱٥/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۹۷-۱۹۹۰) :** ۱/٥٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۱٤،۸۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٥۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۹): ٥۱٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱٥ سال ۳٥/۷٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۳/۲٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۳/۹٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۷/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٤۸/٥۹٪ ؛ زن ٥۱/٤۱٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ٦٥/۱ سال؛ مردان ٦۲/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۲۲/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۸/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۲٦/۲ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفـر(۱۹۸٥): بیماریهای دستگاه گوارش ۱۷۰ نفر؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ۱٥۰ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۱۲۰ نفر؛ بیماریهای دستگاه عصبی ۱۲۰ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۷۰ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ٤۰ نفر؛ نارسائی‌های غدد و سوخت و ساز بدن ۲۰ نفر؛ بیماریهای ناشی از شرایط بد ٤۳۰ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۳/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت (۱۹۷۹): تووالویی (پولینزیایی) ۹۱/۲٪ ؛ دورگه ۷/۲٪ ؛ اروپایی ۱٪ ؛ دیگر موارد ۰/٦٪

دین(۱۹۹٥): کلیسای تووالو ۸٥/٤٪ ؛ ادونتیستهای روز هفتم ۳/٦٪؛ کاتولیک ۱/٤٪؛ شاهدین یهووه ۱/۱٪ ؛ بهایی ۱٪

زبان و خط: تووالویی؛ انگلیسی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم: ندارد

بنادر مهم: وایاکو (در اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار تووالو ($A) = دلار استرالیا ($A) =۱۰۰ سنت؛ یک دلار=۱/۸۷ دلار؛ یک دلار استرالیا= ٤،۲۷۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۷،۹۰٥،۰۰۰ دلار استرالیا؛ درآمدهای غیر مالیاتی ٦۷/۲٪ ؛ درآمدهای مالیاتی ۳۲/۸٪

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ۸،۲۰۳،۰۰۰ دلار استرالیا؛ (۱۹۸۷): هزینه‌های سرمایه‌ای ٦۸/۹٪ (شامل: حمل و نقل دریایی ۲۰/۷٪؛ آموزش ۱۳٪ ؛ شیلات ٥/٦٪ ؛ بهداشت ۳/۱٪)؛ هزینه‌های جاری ۳۱/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): ۷ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹٦):** ٦٥۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): کشاورزی ۲۰٪ ؛ خدمات ٥٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۳): ٦ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۳-۱۹۸٥) : ۳/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نارگیل ۱،۸۰۰ تن؛ موز ۱۸۰تن؛ میوه درخت نان؛ پولکا(تارو)؛ میوه پاندانوس، سیب‌زمینی شیرین و پاوپاو

کاربری‌زمین(۱۹۸۷): کشاورزی ۷۳/٦٪ ؛ زمین‌های پوشیده از خار و خاشاک (خارستان) ۱٦/۱٪ ؛ دیگر موارد ۱۰/۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۱۲،٦۰۰ رأس؛ اردک ۷،۰۰۰ قطعه

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۷،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۲ تن

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی(۱۹۸۸): روغن نارگیل (کوپرا) ۹۰ تن؛ صنایع دستی و انواع نان

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۲): ۱،۳۰۰،۰۰۰ کیلووات‌ساعت (۱،۳۰۰،۰۰۰) ؛ زغال سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: صفر(؟) ؛ فرآورده‌های نفتی: صفر(؟)؛ گاز طبیعی: صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۱): ٥،۹۱۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٦٥/۳٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۸٥/٥٪ ؛ زنان(۱۹۷۹): ٥۱/۳٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۷۹): ٤٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱٪ ؛ صنعت ۷/٥٪ ؛ خدمات ۱٤٪

نیروی دفاعی: امور دفاعی تووالو به عهدهٔ نیروهای داوطلب از کشورهای فیجی و پاپوآگینهٔ نو است که توسط کشور استرالیا آموزش دیده‌اند.

واردات(۱۹۹۸): ۱۱،٤۰۸دلاراسترالیا؛ شامل(۱۹۸۹): موادغذایی۲۹/۳٪ ؛ کالاهای ساخته شده ۲۸/۲٪ ؛ نفت و فرآورده‌های نفتی ۱۲/۸٪ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱۲/۲٪ ؛ مواد شیمیایی ۷/۱٪؛ نوشیدنی و دخانیات ۳/۹٪ ؛ از فیجی ٦٥/۸٪ ؛ استرالیا ۱۷/۱٪ ؛ زلاند نو ۳/۹٪ ؛ انگلستان ۳/۳٪ ؛ امریکا ۲٪ ؛ آلمان ۱/۳٪ ؛ هلند ۱/۳٪

صادرات(۱۹۹۸): ٦۷،۰۰۰ دلار استرالیا؛ شامل(۱۹۸۹): پوشاک و کفش ۲۹/٥٪ ؛ روغن نارگیل (کوپرا) ۲۱/٥٪؛ میوه و سبزیجات ۸٪؛ به کشورهای (۱۹۹٥): افریقای جنوبی ٦۳/٦٪ ؛ کلمبیا ۹/۱٪ ؛ بلژیک –لوکزامبورگ ۹/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
هزاردلاراسترالیا	-۹،۳٤٤	-۱۰،٥۱۳	-٦،۳۷۳	-٥،٦۳۸	-۷،۷۷۱	-۱۱،۳٤۱
درصد کل	٪۹۱/۸	٪۹۳	٪۹٤/٤	٪۸۸/٦	٪۹۱/۲	٪۹۸/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۰):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۲/۳	۱۰۳/۷	۱۰۹	۱۰۹/۸	۱۱۱/٥	۱۱۲/٤
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۷۹): ٦/٤ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار: ۲،٥۷٥ دلار استرالیا؛ منابع درآمد (۱۹۸۷): کشاورزی و سایر موارد ٤٥٪ ؛ اقتصاد نقدی ۳۸٪ ؛ حواله‌های خارجی ۱۷٪ ؛ هزینه‌ها(۱۹۹۲): غذا ٤٥/٥٪ مسکن و لوازم خانگی ۱۱/٥٪ ؛ حمل و نقل ۱۰/٥٪ ؛ الکل و دخانیات ۱۰/٥٪ ؛ پوشاک ۷/٥٪ ؛ سایر موارد ۱٤/٥٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۰۰ هزار دلار ؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۸ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل: ؟ — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ؟

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٦ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٤،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۸٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٦۰۰ خط تلفن (٥٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۱)	۱۱	۷۲	۱،۹۰٦	؟
متوسطه	۱	۲۱	۳۱٤	؟
فنی و حرفه‌ای	۱	۱۰	٥۸	؟
عالی	–	–	–	–

میزان باسوادی(۱۹۹۰): افراد بالای ۱٥ سال: ۹٥٪ ؛ مردان: ؟ ؛ زنان: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ۷۱/٤٪ ؛ متوسطه ۱٦/۲٪ ؛ عالی ۷٪ ؛ غیر رسمی ۰/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹۹): ۸ نفر (هر ۱،۳۷٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۰): ۳۰ تخت (هر ۳۰۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

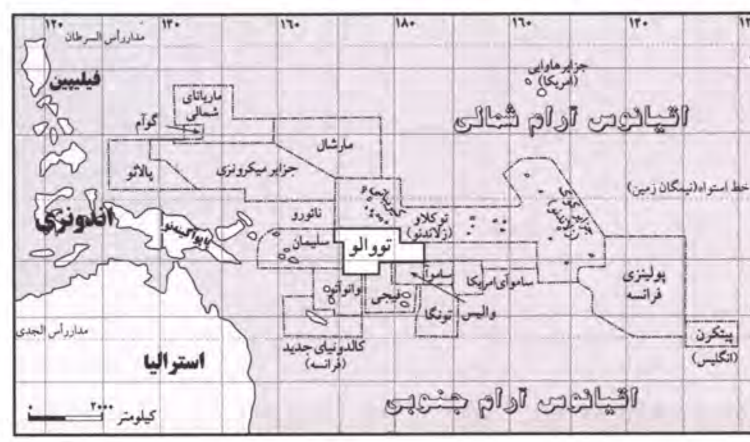
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی: ؟

توالو TUVALU

توالو کشوری است مرکب از ۹ جزیرهٔ مرجانی در مجمع‌الجزایر الیس و آبهای غربی اقیانوس آرام(کبیر). این کشور که در پهنه‌ای از اقیانوس به مساحت ۱,۰۶۰,۰۰۰ کیلومترمربع گسترده شده، از جزایر فونافوتی، نانومانگا، نانومئا، نیوتائو، نوئی، نوکوفتائو، نوکولائه‌لائه، نیولا و وائی‌توپو تشکیل شده است. مجموعه این جزایر در نیمکرهٔ جنوبی و در فاصلهٔ کمی از خط استوا و در ۴۰۰۰ کیلومتری شمال خاوری استرالیا و جنوب جزایر کیریباتی و بین جزایر میکرونزی و ملانزی جای دارد. اقلیم آن گرم و مرطوب و بسیار بارانی است. جزایر نه گانهٔ توالو که هشت‌تای آنها مسکون است کلاً مسطح و هموار است و ماهیگیری و کشت نارگیل و موز از عمده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی آن به شمار می‌رود.



تاریخچه

اقوامی که از تبار بومیان آسیای جنوبی شرقی بوده‌اند، از ۳۰,۰۰۰ سال پیش شروع به سکونت در جزایر اقیانوس آرام نمودند و تا سدهٔ نوزدهم در سراسر جزایر پولینزی پراکنده شدند و گروهی از آنان نیز در جزایر توالو ساکن گردیدند. اروپاییانی که در سدهٔ شانزدهم از جزایر توالو دیدن کرده‌اند، از خالی از سکنه بودن جزایر مزبور حکایت می‌کنند و همین اروپاییان بودند که جزایر مزبور را الیس نامیدند. در سالهای بین ۱۸۵۰ تا ۱۸۷۵ هزاران نفر از ساکنان جزایر توالو را دستگیر کردند و در بازار برده‌فروشان به فروش رساندند و در معادن فسفات پرو و نمک شیلی به کار گماشتند و بدینسان جمعیت توالو از ۲۰,۰۰۰ نفر به ۳۰۰۰ نفر کاهش یافت. در سال ۱۸۶۵ میسیونرهای مذهبی انگلیسی و امریکایی به جزایر مزبور وارد شدند و در سال ۱۸۹۲ آن را به تحت‌الحمایگی انگلستان درآوردند. در سال ۱۹۱۵ جزایر توالو و همسایه‌اش جزایر گیلبرت، مستعمره گیلبرت و الیس را به وجود آوردند. در همه‌پرسی سال ۱۹۷۴ ساکنان جزایر الیس خواستار جدایی از گیلبرت و دستیابی به خودمختاری شدند. در اکتبر ۱۹۷۷ اولین انتخابات در توالو برگزار شد و اولین نخست‌وزیر آن بنام توآریپی لائوتی برگزیده شد. در اول اکتبر ۱۹۷۸ به استقلال دست یافت و نام آن از الیس به توالو (اتحادیهٔ هشت گانه) تغییر یافت و از نظر اقتصادی تحت نفوذ استرالیا قرار گرفت. در دسامبر ۱۹۸۱ لائوتی جای خود را به توماسی پوآپوآ واگذار کرد و در انتخابات سپتامبر ۱۹۸۵ دکتر پوآپوآ برای بار دوم به نخست‌وزیری رسید.

توالو از کوچک‌ترین و عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان است و یکی از راههای درآمد آن چاپ و فروش تمبر است که توأم با صید ماهی و فروش میوه درآمدی حدود صد هزار دلار در سال را تأمین می‌کند. در ۱۹۹۳ کاموتا لاآتاسی به نخست‌وزیری رسید و در مراسم روز استقلال در سال ۱۹۹۵ پرچم ملی توالوبرای نخستین بار برافراشته شد ولی نخست‌وزیر بعدی به نام پائنجو پرچم مزبور را منسوخ کرد و پرچم قبلی را که در بر گیرندهٔ پرچم انگلستان نیز می‌باشد دوباره جایگزین آن نمود. در سال ۱۹۹۸، توماسی پوآپوآ از طرف ملکه انگلستان به سمت فرماندار کل برگزیده شد. در فوریه سال ۲۰۰۰، مد بزرگی همراه با باد و امواج سهمگین جزیرهٔ فونافوتی را در بر گرفت و یکبار دیگر خطر گرم شدن زمین و بالا آمدن آب دریاها و اقیانوس‌ها را در اثر مشکلات زیست‌محیطی به جهانیان خاطرنشان ساخت. در همین سال طی آتش‌سوزی بزرگی در یکی از خوابگاه‌های دانشجویی مخصوص دختران، ۱۸ دانشجو کشته شدند که علت اصلی آن بستن درهای اصلی ساختمان برای جلوگیری از حضور مردان در خوابگاه دختران عنوان شد. دولت توالو چندین سال است که از استرالیا درخواست کرده که با تدوین یک برنامهٔ کاری، برای اقامت اتباع این کشور در صورت به زیر آب رفتن جزایر آن، همکاری نماید که تاکنون پاسخ مثبتی از سوی دولت استرالیا دریافت نکرده است.
در دسامبر سال ۲۰۰۰، یوناتانا یوناتانا، نخست‌وزیر توالو درگذشت و لاگیتوپو تایلیمو تا تعیین نخست‌وزیر جدید به طور موقت ادارهٔ امور را در دست گرفت. فایمالاگا لوکا که در ماه فوریه ۲۰۰۱ نخست‌وزیر شده بود، در ماه دسامبر با رأی عدم اعتماد مجلس قانونگذاری مواجه شد و جای خود را به کولوآ تالاکه داد.

تیمور شرقی EAST TIMOR

کشور تیمور شرقی، بخش خاوری جزیرهٔ تیمور را اشغال کرده که این جزیره بین استرالیا و اندونزی، در شمال دریای تیمور قرار دارد. به علاوه، بخش کوچکی از تیمور غربی به نام «آمبینو»، جزیرهٔ آتائورو درشمال و جزیرک یاکونیز جزء خاک این کشور محسوب می‌شود. کلاً سرزمینی است کوهستانی با منشأ آذرین که از جنگلهای انبوه بارانی پوشیده شده و اقلیم آن گرم و پر باران است. بلندترین نقطهٔ تیمور شرقی، ۲۹۶۰ متر ارتفاع دارد.
قسمتهای جنوبی آن نسبتاً هموار است و کشتزارهای وسیعی در آن قرار دارند. فرآورده‌های کشاورزی مانند قهوه، برنج، پنبه، تنباکو، چوب‌صندل و نارگیل از منابع عمدهٔ درآمد آن است.
اکثریت جمعیت آن را مائوبره‌ها که از آمیزش ملانزی‌ها و مالایایی‌ها پدید آمده‌اند، همراه با اقلیتهائی چون چینی‌ها و پرتغالی‌ها تشکیل داده‌اند. مردم تیمور شرقی عمدتاً مسیحیان کاتولیک هستند وزبان ملّی آنان تتوم است و به حدود ۴۰ زبان دیگر از جمله پرتغالی و باهاسا اندونزیایی نیز گفتگو می‌کنند.



تاریخچه

قبل از ورود پرتغالی‌ها به این جزیره، چینی‌ها و عرب‌ها، تیمور را برای چوبهای جنگلی مرغوبش می‌شناختند و با ساکنان آن داد و ستد می‌کردند. پرتغالی‌ها در سدهٔ شانزدهم به آنجا وارد شدند و با هلندی‌ها در تصرف آن شریک گردیدند. در سال ۱۸۵۹ پرتغال و هلند جزیرهٔ مزبور را بین خود تقسیم کردند. بخش غربی آن به هلند تعلق گرفت و قسمت خاوری آن که امروزه تیمور شرقی می‌خوانیم در تصرف پرتغال باقی ماند.
شورش‌ها و نهضت‌های استقلال‌طلبانهٔ تیمور شرقی در دههٔ ۱۹۷۰ شکل گرفت. به دنبال انقلاب گل میخک در پرتغال، فضای سیاسی بهتری در این مستعمره پرتغال گشوده شد و در سپتامبر سال ۱۹۷۴، «جبههٔ انقلابی برای استقلال تیمور شرقی» (فره‌تیلین)، بنیانگذاری شد.
در پی تلاش دولت اندونزی برای الحاق این سرزمین به اندونزی، جبههٔ فره‌تیلین در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۵ استقلال تیمورشرقی را درقالب جمهوری دموکراتیک تیمور شرقی اعلام داشت. در



نام رسمی: جمهوری دموکراتیک تیمور شرقی

نام محلی: تیمور لسته Timor leste

اسامی دیگر: تیمور پرتغال (نام قدیمی)

پایتخت: دیلی (۶۵،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: اعلان: ۱۹۷۵/۱۱/۲۸؛ اجرا: ۲۰۰۲/۵/۲۰

روز ملی: ۲۸ نوامبر ؛ روز اعلام استقلال

نوع حکومت: جمهوری‌دموکراتیک‌چندحزبی‌بایک‌مجلس قانونگذاری، از سال ۲۰۰۲

رئیس حکومت: رئیس جمهور: زانانا گوسمائو (رهبر فره تیلین)؛ از سال ۲۰۰۲ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ماری الکاتیری، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۲۰۰۲؛ مجلس ملی با ۸۸ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۱): اکثریت مطلق (۵۵ کرسی) در دست جبهه انقلابی برای استقلال تیمور شرقی (فره تیلین)، به رهبری زانانا گوسمائو می‌باشد؛ سایر احزاب: حزب دموکرات ۷ کرسی، حزب سوسیال دموکرات ٦، انجمن سوسیال دموکرات تیمور ٦، اتحاد دموکراتیک تیمور ۲، حزب ملی تیمور ۲، حزب مردم تیمور ۲، حزب دموکرات مسیحی ۲، بقیه ٦ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)

جمعیت

مساحت: ۱٤،۸۷٤ کیلومترمربع (صد و پنجاه و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۸۸۵،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجاه و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۹/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۱-۱۹۹٦) :** ۱/٦٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱،۱۸۵،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۰): ۷/۸٪ ؛ رشد سالانه جمعیت شهری (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۷٪

توزیع سنی: ؟

توزیع جنسی (۱۹۹۰): مرد ۵۱/۷٪ ؛ زن ٤۸/۳٪ — **امید به زندگی:** ؟

میزان تولد در هر هزار نفر: ؟ — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر:** ؟

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد: ؟ — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر:** ؟

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور: ؟ — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۳۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت: اکثریت جمعیت را مائوبره‌ها تشکیل می‌دهند: اقلیت: چینی، اندونزیایی و پرتغالی

دین(۲۰۰۰): کاتولیک ۸٦/۷٪ ؛ پروتستان ۵/٦٪؛ مسلمان ۳/۳٪؛ بقیه ٤/٤٪

زبان و خط: تتوم و پرتغالی (زبان‌های رسمی): خط: لاتین

شهرهای مهم: داره ۱۷،۸۰۰ نفر؛ بائوکائو ۱٤،۷۰۰ نفر؛ مالیانا ۱۲،۳۰۰ نفر؛ ارمرا ۱۲،٤۰۰ نفر

بنادر مهم: دیلی (دریای ساوو)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار امریکا (U.S.$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار = ۸،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه: ؟

هزینه بودجه: ؟

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۱۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی: ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی: ؟ — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی : ؟

کاربری زمین: ؟

تعداد دام زنده : ؟

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی (۱۹۹۹):** ۵۰۰ تن

تولید مرغ: ؟ — **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی: ؟

انرژی / میزان تولید(میزان مصرف): ؟

نیروی کار: ؟

توزیع نیروی کار: ؟

نیروی دفاعی: ؟

واردات: ؟

صادرات: ؟

تراز بازرگانی: ؟

شاخص قیمتها و درآمدها : ؟

ویژگیهای خانوار: ؟

جهانگردی: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه: ؟ — **راه‌آهن:** ؟

تعداد اتومبیل: ؟ — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ؟

کشتی بالای صد تن : ؟ — **فرودگاه:** ؟

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱۸،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون: ؟

تلفن: ؟

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی	؟	؟	؟	؟
متوسطه	؟	؟	؟	؟
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	؟	؟	؟	؟

میزان باسوادی: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک: ؟

تعداد تخت بیمارستان : ؟

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟

دسامبر ۱۹۷۵ اندونزی به تیمور شرقی حمله کرد و آنجا را تصرف، و ضمیمهٔ خاک خود کرد، ولی این عمل مورد تأیید سازمان ملل متحد قرار نگرفت. در دسامبر ۱۹۷۸ نیکولاس لوباتو، رهبر جبههٔ فره‌تیلین در یک عملیات نظامی کشته شد و در پی آن شورش مردم علیه تسلط اندونزی، بر تیمور شرقی شدت گرفت.
تحقیقات اخیر زمین‌شناسی و معدن‌شناسی، منابع زیرزمینی قابل توجهی را در تیمور شرقی، به ویژه از نظر ذخائر نفت و گاز طبیعی نشان داده و بر اهمیت و حساسیت آن افزوده است.
در اکتبر ۱۹۸۹ کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل متحد، ادامهٔ تسلط اندونزی بر تیمور شرقی را محکوم کرد و به دنبال آن آشوب و ناامنی سراسر جزیره را فرا گرفت. دانشجویان دانشگاه دیلی خیابانهای شهر را تصرف کردند و اتومبیل‌ها و خانه‌ها و مؤسسات متعلق به اندونزیائیها را آتش زدند و ویران کردند.
پاپ جان‌پل دوم در اکتبر ۱۹۸۹ از تیمورشرقی دیدن کرد و بر حقوق مردم آن سامان تأکید نمود. در نوامبر ۱۹۹۱ هنگام تشییع جنازهٔ جوانی که به دست عوامل اندونزی کشته شده بود، تظاهراتی صورت گرفت و مداخلهٔ مسلحانهٔ پلیس ۲۰۰ کشته و شمار بسیاری مجروح به جای گذارد. این عمل خشم پرتغال را برانگیخت و روابط خود را با اندونزی قطع کرد و سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد که در نتیجهٔ اشغال تیمور شرقی به وسیلهٔ دولت اندونزی، حدود ۲۱۰,۰۰۰ تن از مردم تیمور شرقی جان خود را از دست داده‌اند.
در سال ۱۹۹۲، زانانا گوسمائو، رهبر فره‌تیلین دستگیر، و به حبس ابد محکوم شد. به دنبال سرنگونی ژنرال سوهارتو در اندونزی، در سال ۱۹۹۸ دولت جدید این کشور مواضع خود را به نفع مردم تیمور شرقی تغییر داد. گفتگوهای مکرر بین استقلال‌طلبان و حکومت اندونزی و دولت پرتغال به میانجی‌گری سازمان ملل متّحد سرانجام به نتیجه رسید و در همه‌پرسی ۳۰ اوت ۱۹۹۹ که با توصیه و نظارت سازمان ملل متحد برگزار شد، ۷۸/۵ درصد مردم تیمور شرقی به جدائی از اندونزی و استقلال کشورشان رأی دادند. بلافاصله موج جدیدی از تنش و عملیات خشونت‌آمیز از سوی شبه نظامیان و نظامیان اندونزیایی بر علیه مردم تیمور شرقی شکل گرفت که تلفات، خسارات و ویرانی‌های بسیار سنگینی به بار آورد. در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۹ نیروهای پاسدار صلح بین‌المللی به توصیه و اصرار سازمان ملل متحد در تیمور شرقی مستقر شدند تا از ادامهٔ ناامنی و خونریزی جلوگیری کنند.
کمی بعد سازمان ملل متحد سر جیو وی‌یرا را به عنوان رئیس حکومت انتقالی منصوب کرد و وی با تشکیل یک شورای ۱۵ نفره مشورتی، از جمله زاناناگوسمائو، اقدامات عملی برای انتقال حکومت به مردم تیمور شرقی را آغاز نمود. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱، جبههٔ فره‌تیلین اکثریت کرسی‌های آن را به دست آورده و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲ نیز، گوسمائو به پیروزی دست یافت. در مراسم رسمی استقلال این کشور که در بیستم ماه مه ۲۰۰۲ در شهر دیلی برگزار گردید، نمایندگانی از سوی ۹۲ کشور جهان، و از جمله رئیس جمهور اندونزی و دبیرکل سازمان ملل متحد شرکت داشتند و بدین ترتیب اولین کشور جدید در قرن بیست و یکم چشم به جهان گشود.

جامائیکا JAMAICA

کشور جامائیکا در امریکای مرکزی و در دریای کارائیب جای دارد و سومین جزیرهٔ بزرگ از مجمع‌الجزایر آنتیل‌های بزرگ محسوب می‌شود. حدود یک سوم اراضی آن را رشته کوههایی که از خاور به باختر آن کشیده شده و ارتفاع آن حداکثر به ۲۲۵۶ متر (قلّهٔ بلومانتین) می‌رسد زیر پوشش قرار داده است. غالب اراضی آن از جنگلهای بارانی مستور است و دشتهای آن از نظر کشاورزی مرغوب هستند. اقلیم ساحلی آن گرم و مرطوب و پرباران است و در ارتفاعات خاوری از اعتدال برخوردار است.



تاریخچه

نام جامائیکا در زبان قوم آراواک به مفهوم سرزمین چشمه‌سارها به کار رفته و ظاهراً از تغییر حالت واژهٔ آراواکی زامایکا اقتباس شده است. آراواک‌ها از امریکای شمالی به این جزیره وارد شدند و بومیان اولّیه را از آنجا بیرون راندند و در خانه‌هایی که با شاخه و برگ درختان خرما می‌ساختند مسکن گزیدند و با ماهیگیری و کشاورزی روزگار می‌گذراندند. کریستف کلمب در دومین سفر خود به قارهٔ جدید در ماه مه ۱۴۹۴ به جامائیکا وارد شد و پسرش دیگو کولون در سال ۱۵۰۹ جزیرهٔ جامائیکا را تصرف نمود و آراواک‌ها را پراکنده ساخت و اسپانیایی‌ها را بر سرتاسر جزیره مسلط نمود. اسپانیایی‌ها کشت نیشکر و پنبه و پرورش دام را در آنجا رواج دادند. انگلیسی‌ها طی سالهای ۱۵۹۶ و ۱۶۳۶ به جامائیکا حمله بردند و سرانجام در سال ۱۶۵۵ اسپانیایی‌ها را مغلوب نمودند و خود بر سراسر جامائیکا تسلط یافتند، ولی از همان آغاز با نارضایی‌ها و جنگ و گریزهای ساکنان آن روبرو شدند به طوری که انقلاب سال ۱۷۹۵ جزیره را به شدت تکان داد.
در سدهٔ نوزدهم حدود ۸۰۰ آسیاب نیشکر و بیش از هزار دامداری در جامائیکا دایر بود و بار اقتصادی کشور بر دوش ۲۰۰,۰۰۰ بردهٔ افریقایی استوار بود. نهضت‌های مبارزه با برده‌داری و جنبش‌های آزادی‌خواهی و تأسیس اتحادیه‌های کارگری که از ویژگیهای اواخر سدهٔ نوزدهم و اوایل سدهٔ بیستم میلادی بود، رفته رفته قوت گرفت و به استقلال کشور در سال ۱۹۶۲ انجامید. کشف معادن بوکسیت در سال ۱۹۴۲ چهرهٔ اقتصادی کشور را دگرگون ساخت و صنعت تولید شکر جای خود را به استخراج بوکسیت داد. پس از نیل به استقلال در ۱۹۶۲، چند کارخانهٔ تبدیل بوکسیت به آلومینیوم در کشور دایر شد و در کنار آن صدور بوکسیت خام نیز همچنان ادامه یافت و در ۱۹۷۳ به دومین کشور تولیدکننده بوکسیت در جهان مبدل گردید.
در انتخابات سال ۱۹۷۲، با پیروزی حزب ملی خلق، مایکل منلی به نخست‌وزیری رسید و در سال ۱۹۷۴ مالیات بر صدور بوکسیت را افزایش داد. مایکل منلی در انتخابات سال ۱۹۷۶ مجدداً پیروز شد و اندک‌زمانی بعد به جنبش عدم تعهد پیوست. وی اصلاحات اقتصادی مهمی را به مرحله اجرا درآورد و در سیاست خارجی به کشورهایی نظیر کوبا نزدیک شد. در انتخابات ۱۹۸۰ منلی جای خود را به ادوارد سیگا از حزب کارگر واگذار کرد. سیگا با اتخاذ سیاست‌های نئولیبرال، در مدت کوتاهی اوضاع اقتصادی را نابسامان نمود و با سوء استفاده از فضای سیاسی سال ۱۹۸۴، در انتخابات زودرس مجدداً به پیروزی دست یافت. در انتخابات ۱۹۸۹ با پیروزی حزب ملی خلق، مایکل منلی مجدداً مقام نخست‌وزیری را به دست آورد و با کوبا روابط سیاسی برقرار کرد. در ۱۹۹۲ پرسیوال پاترسون جای منلی را در حزب ملی خلق و دولت گرفت و انتخابات بعدی که در سال ۱۹۹۷ برگزار گردید، موقعیت وی را برای یک دورهٔ دیگر تثبیت نمود.
از سال ۲۰۰۱ صنعت جهانگردی جامائیکا که بخش عمده‌ای از درآمد ملی را به خود اختصاص می‌دهد، با رکود مواجه شد. در همین سال عفو بین‌الملل پلیس جامائیکا را به نقض حقوق بشر متهم کرد و دولت جامائیکا اگر چه این اتهام را نپذیرفت، اما در سال بعد با تشکیل یک پلیس ویژه، اقدام به مبارزه با مواد مخدر و سایر جرایم سازمان یافته نمود. در انتخابات سال ۲۰۰۲، اگرچه حزب ملی خلق ۱۶ کرسی خود را در مجلس نمایندگان از دست داد، ولی توانست اکثریت خود را همچنان محفوظ نگهدارد.



نام رسمی: جامائیکا

نام محلی: جمیکا Jamaica

اسامی دیگر: -

پایتخت: کینگستون (۵۳۸،۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۲/۸/۶؛ از انگلستان

روز ملی: اولین دوشنبه ماه اوت، روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل(تحت حکومت تشریفاتی پادشاه انگلستان)، از سال ۱۹۶۲

رئیس حکومت: فرماندار کل: سِر هاوارد فلیکس هانلان کوک، از سال ۱۹۹۱

رئیس دولت: نخست‌وزیر: پرسیوال جی پاترسون (دبیر کل حزب ملی خلق)، از سال ۱۹۹۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۶۲؛ مجلس نمایندگان با ۶۰ عضو و مجلس سنا با ۲۱ عضو (۱۳ عضو انتصابی فرماندار کل و ۸ عضو از میان رهبران گروههای مخالف) به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۷(۲۰۰۲): حزب ملی خلق ۵۰ (۳۴) کرسی، حزب کارگر جامائیکا ۱۰ (۲۶) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۶۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآا، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، اکوواس، آی-آدب، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۱۰،۹۹۱ کیلومترمربع (صدو شصتمین کشور جهان)

جمعیت: ۲،۶۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد وسی و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۳۶/۶ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۹٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳/۲ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۴۱ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵۵/۱٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ۳۱/۵٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۷/۵٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۱/۳٪ ؛ بالای ۶۰ سال ۹/۷٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ۴۹/۸۵٪؛ زن ۵۰/۱۵٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۷ سال، مردان ۷۳/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۲۳/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۶/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۱۴/۵ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱۶/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۱): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۸۹/۴ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۸۴/۱ نفر؛ نارسائی‌های غدد و سوخت و ساز بدن ۵۱/۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۳۰/۱ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۷): ۲/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۶): ۷/۴ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۱): سیاهپوست ۷۶٪ ؛ دورگه سفید و سیاه ۱۵٪ ؛ هندی ۱/۳٪ ؛ سفیدپوست ۰/۲٪ ؛ چینی ۰/۲٪

دین(۱۹۹۵): پروتستان ۳۹٪ ؛ کاتولیک ۱۰/۴٪ ؛ انگلیکان ۳/۷٪ ؛ بقیه (از جمله بدون دین) ۴۶/۹٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۵): اسپانیش‌تاون ۱۱۰،۴۰۰ نفر؛ پورتمور ۹۳،۸۰۰ نفر؛ مونتگو بی ۸۲،۰۰۰ نفر؛ می‌پن ۴۵،۹۰۰ نفر

بنادر مهم: کینگستون ومونتگو بی (دریای کارائیب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار جامائیکا (J$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۴۴ دلار جامائیکا؛ دلار جامائیکا= ۱۲۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۷۴،۰۹۶ میلیون دلار جامائیکا؛ درآمد مالیاتی ۹۰/۴٪ (شامل: مالیات بر درآمد ۳۴/۹٪، مالیات بر مصرف ۲۸/۳٪، عوارض گمرکی ۹/۶٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۹/۶٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۹۳،۲۶۷ میلیون دلار جامائیکا؛ هزینه‌های جاری ۹۱/۵٪ ؛ (شامل: سود بدهی‌ها ۳۷/۴٪)

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۴،۴۸۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۷۴۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۰/۳ -٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ ۱/۵٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۸٪ ؛ صنعت ۳۳/۶٪ ؛ خدمات ۵۸/۴٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۸۵ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۵۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳،۰۷۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۸/۵+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۸/۴٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲۹/۱٪ ؛ ۱۹۹۸: ۵٪ ؛ ۲۰۰۰: ۶/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۲،۴۰۰،۰۰۰ تن؛ یام ۱۹۸،۴۰۰؛ سبزیجات و صیفی‌جات ۱۸۳،۷۰۱ ؛ مرکبات ۱۵۴،۰۰۰؛ موز ۱۳۰،۰۰۰ ؛ نارگیل ۱۱۵،۰۰۰؛ کدو حلوایی و کدو مسمایی ۴۲،۰۰۰؛ موز سبز ۳۳،۵۰۰ ؛ سیب‌زمینی شیرین ۲۷،۰۰۰ ؛ کلم ۲۳،۰۰۰ ؛ هویج ۲۲،۰۰۰؛ گوجه فرنگی ۱۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۲۵٪ ؛ مرتع و چمنزار ۱۷/۵٪؛ جنگل ۱۷٪ ؛ سایر موارد ۴۰/۵٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۴۴۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۴۰۰،۰۰۰؛ خوک ۱۸۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۴۲،۷۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۶،۷۲۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۹،۵۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۸،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): بوکسیت ۴،۰۳۴،۶۰۰ تن؛ آلومینیوم ۳،۴۴۰،۰۰۰ تن؛ گچ ۱۵۴،۵۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دلار جامائیکا) ماشین‌آلات و تجهیزات ۵۹۳/۶ ؛ فرآورده‌های غذایی ۵۸۰/۳ ؛ فرآورده‌های نفتی ۳۵۱/۳؛ لاستیک و تولیدات پلاستیکی ۳۲۴/۱؛ منسوجات و پوشاک ۲۵۷؛ فرآورده‌های دخانی ۲۵۵/۲ ؛ محصولات فلزی و غیر فلزی ۲۲۳/۶

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۶): ۶،۰۳۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۶،۰۳۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر(۷،۸۲۸،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱،۰۵۵،۰۰۰ تن (۳،۱۳۵،۰۰۰) ؛ گاز طبیعی: صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۹): ۱،۱۱۵،۶۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۴۳/۱٪ ؛ میزان مشارکت: (۱۴ سال به بالا): ۶۴/۱٪ ؛ زنان: ۴۴/۷٪ ؛ میزان بیکاری: ۱۶٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲۲٪ ؛ صنعت ۲۳٪ ؛ خدمات ۳۸/۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ۲،۸۳۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۸/۳٪ ؛ گارد ساحلی ۶/۷٪؛ نیروی هوایی ۵٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۲۰ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۲،۸۹۲/۸ میلیون دلار؛ شامل: موادخام ۵۰/۵٪ (از جمله سوخت ۱۰/۸٪)؛ کالاهای مصرفی ۳۳/۲٪ (از جمله مواد غذایی ۹/۴٪)؛ کالاهای سرمایه‌ای ۱۶/۳٪ (از جمله ماشین‌آلات و تجهیزات ۷/۶٪)؛ از کشورهای (۱۹۹۷): امریکا ۴۸/۱٪ ؛ ترینیداد و توباگو ۷/۸٪ ؛ ژاپن ۶/۹٪ ؛ فرانسه ۵٪ ؛ انگلستان ۳/۷٪ ؛ کانادا ۳٪ ؛ مکزیک ۲/۶٪

صادرات(۱۹۹۹): ۱،۲۳۸ میلیون دلار؛ مواد خام ۵۵/۷٪ ؛ مواد غذایی ۱۹/۱٪ ؛ نوشیدنی و دخانیات ۴/۸٪ ؛ مواد شیمیایی ۳/۶٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲/۲٪؛ کالاهای ساخته شده ۰/۷٪ ؛ به کشورهای امریکا ۳۳/۴٪؛ کانادا ۱۴/۱٪؛ انگلستان ۱۳/۴٪ ؛ هلند ۱۰/۲٪ ؛ نروژ ۵/۸٪ ؛ ژاپن ۲/۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۵۵۱/۲	-۸۲۹/۳	-۹۹۴/۲	-۱،۱۲۰/۸	-۱،۱۰۱/۹	-۱،۶۵۴/۸
درصد کل	۲۸/۷٪	۱۸/۷٪	۲۳/۵٪	۲۴/۸٪	۲۵/۷٪	۴۰/۱٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۳/۴	۱۰۰	۱۲۶/۴	۱۳۸/۶	۱۵۰/۶	۱۶۵/۳
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۱): ۴/۲ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار(۱۹۸۸): ۸،۳۵۶ دلار جامائیکا؛ منابع درآمد(۱۹۸۹): دستمزد و حقوق ۶۶/۱٪ ؛ کار آزاد ۱۹/۳٪ ؛ دریافت‌های انتقالی ۱۴/۶٪ ؛ هزینه‌ها(۱۹۸۸): مواد غذایی و نوشیدنی ۵۵/۶٪ ؛ مسکن ۷/۹٪ ؛ سوخت و سایر لوازم مصرفی خانگی ۷/۴٪ ؛ بهداشت ۷٪ ؛ حمل و نقل ۶/۴٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد ۱،۱۹۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۹۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۱۹،۰۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۱):** ۲۰۸ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۱۵۶،۷۵۱ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۶۱،۴۸۲ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱۲ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۴ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۳ روزنامه در ۱۵۸،۰۰۰ نسخه (۶۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۲۱۵،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۴۸۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۴۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۸۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۷): ۴۱۹،۳۶۲ خط تلفن (۱۶۵ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۶): ۵۴،۶۴۰ خط (۲۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۵۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	۷۸۸	۱۱،۲۸۳	۳۱۹،۲۹۸	۲۸/۳
متوسطه	۱۲۶	۸،۳۷۷	۲۰۷،۰۳۵	۲۴/۷
فنی و حرفه‌ای	۱۸	۹۵۰	۱۵،۸۹۸	۱۶/۷
عالی	۱۵	۱،۰۴۷	۲۴،۲۰۰	۱۷/۹

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱۵ سال: ۸۸٪ ؛ مردان: ۸۳٪ ؛ زنان: ۹۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۲): ابتدایی ۷۹/۸٪ ؛ راهنمایی ۱۵٪ ؛ متوسطه و عالی ۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۴۱۷ نفر(هر ۶،۰۴۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): ۵،۰۲۳ تخت (هر ۴۹۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۱۴،۰۰۰ نفر (۰/۹۹٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۴/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۷۱۱ کالری (۱۲۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۶۳ گرم؛ مصرف چربی: ۷۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۷/۱٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۷/۵٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۱۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۴ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۳۵ (هشتاد و سومین کشور جهان)



نام رسمی: جمهوری جیبوتی

نام محلی: جیبوتی Djibouti(Gibūti)

اسامی دیگر: عفار و عیسا، سومالی فرانسه (نامهای قدیمی)

پایتخت: جیبوتی (۳۸۳،۰۰۰ نفر سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۷/۶/۲۷ ، از فرانسه

روز ملی: بیست و هفتم ژوئن، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: اسماعیل عمر گله(مجمع مردمی برای پیشرفت)، از سال ۱۹۹۹ (به مدت ۶ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: دیلیتا محمد دیلیتا(مجمع مردمی برای پیشرفت)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲؛ مجلس ملی با ۶۵ عضو (۳۳ نفر از میان طوایف عیسا و ۳۲ نفر از عفار) به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۳): مجمع مردمی برای پیشرفت ۵۴ (۶۵) کرسی؛ جبههٔ بازسازی اتحاد و دموکراسی ۱۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۷)؛ اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، ایدب، اتحادیهٔ عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۲۳،۲۰۰ کیلومترمربع(صد و چهل و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۶۳۸،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجاه و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۷/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۹۸-۱۹۹۰) :** ۳٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱،۰۲۶،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸۲/۹٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۶٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۴۷/۵٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/۹٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۱۸/۳٪؛ بالای ۶۰ سال ۵/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۵۱/۶۶٪؛ زن ۴۸/۳۴٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۵۲/۳ سال ؛ مردان ۴۸/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۴۱/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۵/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۰۵/۲نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۶/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد مورد: (مرگ و میر در میان نوزادان و کودکان زیر ۱۰ سال در سال ۱۹۸۴): اسهال و کم‌آبی شدید بدن ۱۶ نفر؛ سوء تغذیه ۱۶ نفر؛ مسمومیت ۱۱ نفر؛ سل ۶ نفر؛ بیماریهای حاد تنفسی ۶ نفر؛ مالاریا ۶ نفر؛ کم‌خونی ۶ نفر؛ بیماریهای قلبی ۲ نفر؛ بیماریهای کلیه ۱ نفر؛ دیگر ناخوشی‌ها ۱۹ نفر؛ سایر موارد ۱۱ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۰۶ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۸۲): ۶/۷ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۸۲):** ۱/۹ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): سومالیایی ۶۱/۷٪ (از جمله عیسایی ۳۳/۴٪ و گادابورسی ۱۵٪)؛ عفار ۲۰٪ ؛ عرب(عمدتاً یمنی)۶٪

دین(۱۹۹۵): مسلمان سنی ۹۷/۲٪ ؛ مسیحی ۲/۸٪ (کاتولیک ۲/۲٪ ؛ ارتدوکس ۰/۵٪ ؛ پروتستان ۰/۱٪)

زبان و خط: عربی؛ فرانسوی (زبانهای رسمی)؛ خط: عربی و لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۹): علی سبیح ۴،۰۰۰ نفر؛ تاجوره ۳،۵۰۰ نفر؛ دخیل ۳،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: جیبوتی (خلیج عدن)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک جیبوتی (DF) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار=۱۷۳/۹ فرانک؛ یک فرانک= ۴۶ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲۳،۱۵۴ میلیون فرانک جیبوتی؛ درآمد مالیاتی ۸۷/۵٪ (شامل: مالیات بر کالاهای مصرفی داخلی ۲۷/۱٪، مالیات دستمزدها و حقوق‌ها ۱۳/۷٪ ، اضافه مالیات بر واردات قات ۸/۹٪ ، مالیات بر سود و درآمد ۶/۱٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۲/۵٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۳۰،۴۲۷ میلیون فرانک جیبوتی؛ هزینه‌های جاری ۸۰٪ (شامل هزینه‌های اداری ۲۶/۷٪ ؛ دفاع ۲۰٪ ؛ آموزش ۸/۷٪ ؛ بهداشت ۵/۴٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۲۰٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۶): ۴۸۵ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۶):** ۷۹۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳/۷٪؛ صنعت ۲۰/۵٪؛ خدمات ۷۵/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۲۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲۶۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۸۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۶/۲-٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۴/۴٪ ؛ ۱۹۹۸: ۳٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): سبزیجات و صیفی‌جات ۲۲،۳۹۰ تن (شامل: گوجه فرنگی ۱،۰۰۰ تن و بادنجان ۴۵ تن)

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی(بسیار کم) و دیگر موارد ۴۳٪ ؛ مرتع و چمنزار ۵۶/۱٪ ؛ جنگل ۰/۹٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۵۱۱،۰۰۰رأس؛ گوسفند ۴۶۳،۰۰۰؛ گاو ۲۶۹،۰۰۰رأس؛ شتر ۶۶،۰۰۰ نفر؛ الاغ ۸،۵۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳۵۰ تن

تولید مرغ: ؟ — **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی : تولیدات معدنی محدود است به استخراج سنگهای ساختمانی و نمک طعام

تولیدات صنعتی: آماری از تولیدات صنعتی جیبوتی در دست نیست و مهمترین تولیدات صنعتی آن عبارتند از: مبلمان - نوشابه‌های غیر الکلی، گوشت و پوست، کالاهای برقی ساده و آب معدنی

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۶): ۱۸۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۸۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ هیزم و زغال چوب:؟(؟)؛ زغال سنگ: صفر(؟) ؛ نفت خام: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۱۱۹،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۱): ۲۸۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۶۱/۵٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (۱۰سال به بالا): ۷۰/۴٪ ؛ زنان(در سنین ۱۰ سال به بالا): ۴۰/۸٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۸۷): ۴۰٪ تا ۵۰٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۷۶/۹٪ ؛ صنعت ۸/۵٪ ؛ خدمات ۱۴/۶٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه:؟؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۹،۶۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۳/۳٪ ؛ نیروی دریایی ۲/۱٪؛ نیروی هوایی ۲/۱٪؛ نیروهای شبه نظامی ۱۲/۵٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۴۷ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۲۳۸/۸ میلیون دلار؛ شامل مواد غذایی، نوشیدنی، قات و دخانیات ۵۳/۲٪ ؛ فرآورده‌های نفتی ۱۲/۴٪ ؛ ماشین‌آلات و ابزار برقی ۴/۹٪ ؛ مواد شیمیایی ۴/۶٪ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۴/۳٪؛ پوشاک و کفش ۳/۷٪ ؛ از کشورهای فرانسه ۱۲/۵٪ ؛ اتیوپی ۱۲٪؛ ایتالیا ۹/۲٪ ؛ انگلستان ۶/۲٪ ؛ عربستان سعودی ۵/۷٪ ؛ ژاپن ۴/۲٪

صادرات(۱۹۹۸): ۵۹/۱ میلیون دلار؛ شامل(۱۹۹۲)حیوانات زنده (از جمله شتر) ۲۱/۳٪؛ کالاهای ساخته شده اساسی ۵/۲٪؛ مواد خام ۴/۵٪ ؛ به کشورهای سومالی ۵۳٪ ؛ یمن ۲۲/۵٪ ؛ اتیوپی ۵٪ ؛ عربستان سعودی ۰/۷٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۱۸۳/۹	-۱۸۰/۷	-۱۶۹/۲	-۱۶۱/۱	-۱۶۱/۴	-۱۷۹/۷
درصد کل	٪۵۶/۴	٪۶۱/۶	٪۶۹	٪۶۷	٪۶۵/۳	٪۶۰/۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۰):	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۶/۸	۱۱۰/۴	۱۱۵/۳	۱۲۲/۸	۱۲۸/۸	۱۳۴/۲
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۸۵):۷/۲ نفر؛ درآمدهر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۱۹۷۶): دستمزد و حقوق ۵۱/۶٪؛ کار آزاد ۳۶٪ ؛ پرداخت‌های انتقالی ۱۰/۵٪ ؛ دیگر موارد ۱/۹٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۴): غذا ۵۰/۳٪ ؛ سوخت ۱۳/۱٪ ؛ سرگرمی ۱۰/۴٪؛ خانه‌سازی ۶/۴٪؛ پوشاک ۱/۷٪ ؛ لوازم شخصی ۱/۴٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ۱٪؛ لوازم خانگی ۰/۳٪؛سایرموارد ۱۵/۴٪

جهانگردی(۱۹۹۵): درآمد: ۴ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۴ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۲،۸۹۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۱۰۶ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۹،۲۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۲،۰۴۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱۰ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۵): ۱ روزنامه در ۵۰۰ نسخه (۰/۸ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۷ عنوان در ۶،۰۰۰ نسخه

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۵۲،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۸۴ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۹،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۴۶ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷،۹۰۰ خط تلفن (۱۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۰۰ خط (۰/۴ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۵،۵۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۵۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۸۱ (۱۹۹۶)	۱،۰۰۵ (۱۹۹۶)	۳۳،۹۶۰	؟
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۲۶ (۱۹۹۱)	۶۲۸ (۱۹۹۶)	۱۱،۶۲۸	؟
عالی	۱ (۱۹۹۱)	۱۳ (۱۹۹۱)	۱۳۰ (۱۹۹۶)	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال ۴۶/۲٪ ؛ مردان: ۶۰/۳٪ ؛ زنان ۳۲/۷٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۶): ۶۰ نفر (هر ۷،۱۰۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۹): ۱،۳۸۳ تخت (هر ۳۶۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ؛ تا ۴۹ ساله: ۳۳،۰۰۰ نفر (۱۰/۳۰٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۵۸۷/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۰۷۴ کالری (۸۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۴۴ گرم؛ مصرف چربی: ۶۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۵ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۴ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۶ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۴۴۷ (صد و چهل و نهمین کشور جهان)

جیبوتی DJIBOUTI

کشوری در شمال شاخ افریقا که در ساحل غربی خلیج عدن و در کنار باب‌المندب و روبروی کشور یمن واقع است. از جنوب و غرب به کشور اتیوپی از شمال به اریتره، از خاور به خلیج عدن و از جنوب خاوری به سومالی محدود است و یکی از گرم‌ترین و خشک‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌گردد. سرزمین جیبوتی عمدتاً از کویر خشک پوشیده شده و تنها ناحیهٔ سبز آن به رشته ارتفاعاتی در شمال منحصر می‌گردد. بلندترین نقطهٔ این کشور کوه موسی علی با ۲۰۶۳ متر ارتفاع است و پست‌ترین نواحی آن حدود ۱۵۰ متر پایین‌تر از سطح دریا قرار دارد. کشاورزی آن که عبارت از موز و قهوه و تا حدّی غلات است به واحه‌هایی چند و نواحی کوچکی در امتداد ساحل دریا منحصر می‌گردد که آن هم فقط نیازهای ۲۵ درصد مردم آن را تأمین می‌کند. دامداری آن عمدتاً به وسیلهٔ چادرنشینان و به شیوهٔ سنتی انجام می‌شود و فعالیتهای اقتصادی به پیرامون شهرهای بزرگ و بندرگاهها منحصر می‌گردد.



تاریخچه

در حدود سدهٔ سوم پیش از میلاد قوم اَبله از عربستان به جیبوتی مهاجرت کردند و در نواحی شمالی و بخشهایی از جنوب این سرزمین ساکن شدند. عفارها یا دناقله امروزی، فرزندان همین قوم هستند. بعدها عیساها که سومالیایی تبارند به این سرزمین وارد شدند و عفارها را از نواحی جنوبی بیرون راندند و خود در آن نواحی و همچنین در بخشهایی از جلگه‌های ساحلی مسکن گزیدند. در سال ۸۲۵ میلادی دین اسلام به وسیلهٔ مبلغین مذهبی در آن کشور رواج یافت و عرب‌ها اقتصاد آن را تا سدهٔ شانزدهم میلادی، زمانی که پرتغالی‌ها به آنجا وارد شدند، در کنترل خود نگه داشتند. در ۱۸۶۲ سلطان تاجوره بندر اوبوک و نواحی اطراف آن را در مقابل دریافت ۵۲،۰۰۰ فرانک به فرانسویها فروخت و در سال ۱۸۸۸ سومالی فرانسه تأسیس گردید و در سال ۱۸۹۲ بندر جیبوتی به پایتختی سومالی فرانسه انتخاب شد و خط آهن میان جیبوتی و آدیس‌آبابا در سال ۱۹۱۷ ساخته شد.

در جنگ جهانی دوم ارتباط بندر جیبوتی با اتیوپی از طریق راه‌آهن قطع گردید. سومالی فرانسه در سال ۱۹۵۸ به عضویت جامعهٔ فرانسه درآمد. شورش‌های استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانهٔ مردم جیبوتی فرانسه را به پذیرش همه‌پرسی در مه ۱۹۷۷ وادار نمود و طی آن ۸۵ درصد مردم به استقلال خود رأی دادند و پس از استقلال رسمی در ۲۷ ژوئن، حسن گولد آپتیدون به ریاست جمهوری برگزیده شد. یکی از مشکلاتی که دولت جدید جیبوتی با آن روبرو گردید، اختلافات قومی به ویژه بین اقوام عفار و عیسا بود که با پشتکار و دادن امتیازهای قومی تا حدی برطرف گردید و قرار شد که نخست‌وزیر از قوم عفار تعیین شود. جیبوتی در آغاز تأسیس، زبان فرانسه را بعنوان زبان رسمی پذیرفت و به اتحادیهٔ عرب پیوست. هر دو کشور اتیوپی و سومالی در جیبوتی دارای ادعاهای ارضی مخصوص به خود هستند. اتیوپی معتقد است که پس از استقلال اریتره، بندر جیبوتی تنها راه دستیابی آن کشور به دریای آزاد است و قاعدتاً باید به این کشور داده شود. حال آن که ادعای سومالی جنبهٔ قومی دارد و ساکنان نواحی جنوبی یعنی عیساها را جزیی از ملت سومالی می‌داند.

در اواسط سال ۱۹۷۹ جیبوتی روابط خود را با اتیوپی و سومالی از سر گرفت و با آنان روابط بازرگانی و ترابری منعقد نمود. عربستان سعودی، کویت، عراق و لیبی کمک‌های اقتصادی متعددی در اختیار دولت جیبوتی قرار دادند. در سال ۱۹۸۳، جیبوتی اختلافات مرزی خود را با اتیوپی برطرف کرد. جیبوتی در اوت ۱۹۸۷ شاهد حضور نظامی نیروهای امریکایی و انگلیسی در پایگاههای فرانسه در این کشور بود که برای شرکت در مانورهای خلیج فارس از این پایگاهها استفاده کردند. فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه در دسامبر همان سال از جیبوتی دیدن کرد.

جیبوتی از نظر اقتصادی تا حد زیادی به فرانسه وابسته است و کمکهای مالی فرانسه به این کشور هنوز هم ادامه دارد. در سال ۱۹۸۹ بارکاد گوراد حمدو، نخست‌وزیر جیبوتی در زمینهٔ کمکهای اقتصادی و فنی قراردادی با ترکیه امضاء کرد.

در انتخابات مه ۱۹۹۳ حسن گولد برای بار دیگر به ریاست جمهوری برگزیده شد. در ژوئن ۱۹۹۴ عفارها در اعتراض به انهدام خانه‌های خود، دست به تظاهرات زدند و در رویارویی با پلیس ۴ کشته، ۲۰ زخمی و سیصد نفر بازداشت شدند و رهبر جبههٔ متحد مخالف، محمد احمد عیسی بازداشت و زندانی گردید. در سال ۱۹۹۵ قانون اساسی جیبوتی مورد تجدید نظر قرار گرفت و طبق آن فعالیت احزاب آزاد شد. در پی آن «جبههٔ بازسازی اتحاد و دموکراسی» که در سالهای اخیر به مبارزه‌ای چریکی بر علیه دولت برخاسته بود، دچار انشعاب گردید و بخشی از آن به انتخابات پارلمانی راه یافت. در نخستین انتخابات ریاست جمهوری جیبوتی از زمان استقلال، که در سال ۱۹۹۹ برگزار شد، اسماعیل عمر گله به این سمت برگزیده شد. بدین ترتیب حکومت ۲۲ ساله حسن گولد آپتیدون که از زمان استقلال این کشور بر مسند ریاست جمهوری تکیه داشت با کناره‌گیری وی پایان یافت. در ماه مه ۲۰۰۱، دولت به توافقی با جناح رادیکال «جبههٔ بازسازی اتحاد و دموکراسی» دست یافت و در ماه ژوئیه اعضای آن طی مراسمی سلاح‌های خود را تسلیم نمودند.

چاد CHAD

چاد کشوری است محصور در خشکی که در مرکز افریقا جای دارد و از شمال به لیبی، از خاور به سودان، از جنوب به جمهوری افریقای مرکزی و از غرب به کشورهای کامرون، نیجریه و نیجر محدود است. نواحی شمالی آن را که ۴۰ درصد کل کشور را تشکیل می‌دهد، کویر صحرا دربر گرفته و کوه‌های تیبستی با بلندی حداکثر ۳۴۱۵ متر (آتشفشان امی‌کوسی) در همین ناحیه قرار دارد. نواحی مرکزی که به آن ساحل گفته می‌شود، دشت پهناوری است که تا دریاچهٔ چاد گسترده شده و قبایل چادرنشین در گوشه و کنار آن زندگی می‌کنند. دریاچهٔ مرزی چاد با مساحتی متغیر بین ۱۰،۰۰۰ تا ۲۶،۰۰۰ کیلومترمربع، دریاچهٔ کم عمقی است که بخش متعلق به این کشور بیشتر به باتلاق و نیزار مبدل شده و از بقایای یک دریای درون‌بومی حکایت می‌کند. آب دریاچهٔ چاد عمدتاً به وسیلهٔ دو رودخانهٔ لاگون و شاری که اولی در مرز چاد و کامرون و دومی در داخل چاد جریان دارد، تأمین می‌گردد. سواحل رودخانه‌های مزبور که نواحی جنوبی چاد را تشکیل می‌دهند، از نظر کشاورزی از اهمیت فراوانی برخوردارند و بیشترین جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند.

تاریخچه

ناحیهٔ ساحل که بخشی از جمهوری چاد را تشکیل می‌دهد از زمانهای نامعلومی مسکون گردیده بود. آثار به جای مانده در کوهستان تیبستی، تاریخ ۴۹۰۰ سال قبل از میلاد را نشان می‌دهد و نواحی جنوبی و همچنین اراضی پیرامون دریاچهٔ چاد در حدود سال ۵۰۰ قبل از



نام رسمی: جمهوری چاد

نام محلی: چاد(فرانسه)، تشاد(عربی) Tchad, Tashād

اسامی دیگر: –

پایتخت: انجامنا (۵۳۰،۹٦۵ نفر در سال ۱۹۹۳)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۰/۸/۱۱، از فرانسه

روز ملی: یازدهم اوت، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦۰

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور: ادریس‌دبی(رهبرجنبش‌رهایی‌بخش‌میهنی)، ازسال۱۹۹۰(برای‌دومین‌وآخرین‌بارسال۲۰۰۱)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: هارون کابادی (جنبش رهایی بخش میهنی)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٦؛ مجلس ملی با ۱۲۵ عضو (۱٤۵ عضو در سال ۲۰۰۲) به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۲): جنبش رهایی‌بخش میهنی ۵۵ (۱۰۲) کرسی، اتحاد برای بازسازی و دموکراسی ۳۱ (۳)، اتحاد ملی برای توسعه و بازسازی ۱۵ (؟)، تجمع برای دموکراسی و پیشرفت (۱۲)، حزب فدراسیون و اقدام برای جمهوری (۱۱)، مجمع ملی برای توسعه و ترقی (۵)، اتحاد ملی برای دموکراسی و بازسازی (۵)، سایرین ۲٤ (۱۷) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکسپ، فز، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱،۲۸٤،۰۰۰ کیلومترمربع (بیستمین کشور جهان)

جمعیت: ۷،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نودو یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٦ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/٦٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۳/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۳/۱٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٤/۱٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤۷/٦٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٦٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۱/۹٪ ؛ بالای ٦۰ سال ٤/۵٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۹/٤۲٪ ؛ زن ۵۰/۵۸٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۵۱/۱ سال، مردان ٤٦/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۳/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٦/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۱۵ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٦/۵ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۸۳۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۳): سارا ۲۷/۷٪؛ عرب سودانی ۱۲/۳٪؛ مایوکبی ۱۱/۵٪؛ کانم‌بورنو ۹٪؛ ودایی ۸/۷٪ ؛ هجرایی ٦/۷٪

دین(۱۹۹۳): مسلمان ۵۳/۹٪ ؛ مسیحی ۳٤/۷٪(کاتولیک ۲۰/۳٪ ؛ پروتستان ۱٤/٤٪)؛ عقاید سنتی ۷/٤٪ ؛ دیگر ادیان ٤٪

زبان و خط: فرانسوی و عربی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین و عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۳): موندو۲۸۲،۱۰۳ نفر؛ بونگور۱۹٦،۷۱۳ نفر؛ سارح۱۹۳،۷۵۳نفر؛ آبشه۱۸۷،۹۳٦نفر؛ دوبا ۱۸۵،٤٦۱ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ (CFAF) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۷۵٤/۲۸ فرانک؛ یک فرانک= ۱۰/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۲۷/۱ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ درآمدمالیاتی٥٤/۹٪ (شامل‌مالیات‌بربازرگانی خارجی ۲۱/٦٪ ؛ مالیات بر درآمد ۱۸/۳٪ ؛ مالیات بر کالا و خدمات ۱۱/۳٪ ؛ سایر مالیاتها ۳/۷٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۵/۱٪ ؛ کمکهای خارجی ٤۰٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۵۳/۸ میلیاردفرانک سی‌اف‌آ؛ هزینه‌های جاری ٤۹٪(شامل: حقوق کارمندان ۲۰/۵٪ ؛ مواد و تدارکات۱۰/۷٪ ؛ دفاع۲/٦٪ ؛ بازپرداخت‌وامها۵/۸٪ ؛ پرداخت‌های‌انتقالی ۵/٦٪؛ سایر موارد ۰/۲٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۵۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،٦۵۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۱/٦٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۱٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳۹/۸٪ ؛ صنعت ۱٤/۳٪ ؛ خدمات ٤۵/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٦ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۹۳۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱٦۷/٤+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲/٦٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۸/۳٪ ؛ ۱۹۹۸: ٤/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): ذرت خوشه‌ای ٦۳٦،۹۰۰ تن؛ بادام زمینی ٤۷۱،۱۵۰ تن؛ ارزن ۳٦۵،٦۰۰ تن؛ کاساوا ۲۷۵،۰۰۰ تن؛ پنبه دانه ۲٦۱،۲۷۲ تن؛ سیب‌زمینی هندی (یام) ۲٤۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱۷۲،۱۰۰ تن؛ برنج ۱۰۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۲/٦٪ ؛ مرتع و چمنزار ۳۵/۷٪ ؛ جنگل ۲۵/۷٪ ؛ سایر موارد ۳٦٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۵،۵۸۲،۰۹۲ رأس؛ بز ٤،۹٦۸،۲۵٦؛ گوسفند ۲،٤۳۱،۵۵۵ رأس؛ شتر ۷۰۰،۰۰۰ نفر

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،۹۱۹،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۸٤،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٤،۷۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤،۲۳۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): شن و ماسه ۱۷۰،۰۰۰ تن؛ محصولات نطرون ۱۰،۰۰۰ تن؛ نمک طعام و طلا (به مقدار کم)

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): الیاف پنبه‌ای ٦۱،۷۰۰ تن؛ شکر تصفیه شده ۲۹،۰۰۰ تن؛ صابون ۲،۹۵۸ تن؛ پارچه‌های پنبه‌ای ۱،۱۰۰،۰۰۰ مترمربع؛ روغن خوراکی ۱٦۰،۰۰۰ هکتولیتر؛ آبجو ۱۳۵،۰۰۰ هکتولیتر؛ سیگار ٤۳،۰۰۰،۰۰۰ بسته؛ دوچرخه ۳،٤٤٤ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۷٤،۸۷۸،۰۰۰ کیلووات ساعت (۵٦،٤۸۹،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (٤۷،۰۵۷ تن)؛ نفت خام: صفر(صفر)؛ گاز طبیعی: صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷) ۳،٤۳۳،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۷/۹٪ ؛ میزان مشارکت: (۱۵ سال به بالا): ۷۲/۳٪ ؛ زنان: ٤٤/۵٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۳): ۰/٦٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۷۷/٤٪ ؛ صنعت ٦/۳٪ ؛ خدمات ۱٦/۳٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۳ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۳۰،۳۵۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۲/٤٪ ؛ نیروی هوایی ۱/۲٪؛ نیروهای شبه نظامی ۱٦/٤٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٦ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱۷۵ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل (۱۹۸۳): فرآورده‌های نفتی ۱٦/۸٪ ؛ غلات ۱٦/۸٪ ؛ مواد شیمیایی و دارو ۱۱/۵٪ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۸/۵٪ ؛ لوازم برقی ۵/۷٪ ؛ منسوجات ۲/۹٪ ؛ (۱۹۹۷): از فرانسه ٤۱/۳٪ ؛ نیجریه ۱۰/۱٪ ؛ کامرون ۷/۲٪ ؛ هند ۵/۸٪ ؛ بلژیک – لوکزامبورگ ۵/۱٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱٤۵/۳ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل پنبه ۵۹/۳٪ ؛ سایر موارد ٤۰/۷٪ ؛ به کشورهای (۱۹۹۷): پرتغال ۲۹/۹٪؛ آلمان ۱٤/۲٪؛ تایلند ۷/۵٪ ؛ کستاریکا ٦٪؛ هنگ‌کنگ ٤/۸٪ ؛ تایوان ٤/۸٪ ؛ فرانسه ۳/۷٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیارد فرانک	-۱۹/٦	-۳۸	-۱۷/۳	-۳٤/۹	-٤۲/۳	-۲۹/۷
درصد کل	۲۰/۸٪	۲۰/۲٪	٦/٦٪	۱۳/٤٪	۱٤/۷٪	۹/۳٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	٦۵/۳	۹۱/۷	۱۰۰	۱۱۲/٤	۱۱۸/۷	۱۳۳/۱	۱۲٤/۱
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۳): ۵ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار: ۹٦،۸۰٦ فرانک سی‌اف‌آ؛ منابع درآمد (۹٦-۱۹۹۵): ایجاد اشتغال و استخدام غیر رسمی ۳٦/۷٪ ؛ انتقالی‌ها ۲٤/۸٪ ؛ دستمزد ۲۳/٦٪ ؛ دارایی غیر منقول ۸/٦٪؛ هزینه‌ها (۱۹۸۳): غذا ٤۵/۳٪ ؛ بهداشت ۱۱/۹٪ ؛ سوخت ۵/۸٪ ؛ پوشاک ۳/۳٪

جهانگردی(۱۹۹٤): درآمد: ۱۲ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۲٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۳۳،٤۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱۰،۵٦۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱٤،۵۵۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۷): ۱ روزنامه در ۲،۰۰۰ نسخه (۰/۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۳۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۰۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱/۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۹): ۸،٦۳۱ خط تلفن (۱/۲خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۳۳۵ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۲،٦٦۰	۹،۳۹۵	۵۹۱،٤۹۳	٦۳
متوسطه	۱۵۳	۲،٤٦۸	۹۰،۱۰۰	۳٦/۵
فنی و حرفه‌ای	۱۸	۲۱٦	۲،۹۲٦	۱۳/۵
عالی	۸	۲۸۸	۳،٤٤٦	۱۲

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٤۸/۱٪ ؛ مردان: ٦۲/۱٪ ؛ زنان: ۳٤/۷٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۵ سال(۱۹۹۳): ابتدایی ۱۱/۲٪ ؛ متوسطه ۲/۷٪ ؛ عالی ۰/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۲۱۷ نفر (هر ۲۷،۷٦۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): ۳،۹٦۲ تخت (هر ۱،۵۲۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۸۷،۰۰۰ نفر (۲/۷۲٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۹/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۱۷۱ کالری (۹٦٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ۵۹ گرم؛ مصرف چربی: ٦۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۷٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۸٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر (صفر)

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳٦۷ (صد و شصت و هفتمین کشور جهان)



میلاد مسکون بوده است. در سدهٔ هشتم میلادی سلطان نشینی به نام کانم در نواحی جنوبی تأسیس گردید و از سال ۱۰۸۵ دین اسلام در آنجا رواج یافت و سلطان‌نشین مزبور بعدها به سلطان‌نشین کانم ـ بورنو مبدل شد. در سالهای ۱۸۸۳ تا ۱۸۹۳ سلطان‌نشین مزبور همراه با دو سلطان‌نشین دیگر به تصرف ماجراجوی سودانی به نام ربیح‌الزبیر درآمد. در انتهای سدهٔ هجدهم میلادی مبلغین مذهبی اروپایی گروهی از مردم نواحی جنوب چاد را به آیین مسیح درآوردند و آنان را به شیوهٔ اروپاییان آموزش دادند. فرانسه بعدها از این مردم برای مقابله با مسلمانان ساکن شمال استفاده زیادی به عمل آورد و به کمک آنان ربیح‌الزبیر در سال ۱۹۰۰ سرنگون گردید. فرانسه براساس کنفرانس برلین (سال ۱۸۸۵)، چاد را تحت‌الحمایهٔ خود قرار داد، اما تا سال ۱۹۲۰ که به وسیلهٔ لژیون خارجی فرانسه آن را به اشغال خود درآورد، نفوذ چندانی در آن نداشت.

در سال ۱۹۶۰ چاد رسماً استقلال یافت و فرانسوا تومبالبایه رهبر حزب ترقی‌خواه، به مقام نخستین رئیس جمهوری چاد رسید. در سال ۱۹۶۶ جبههٔ آزادیبخش چاد تشکیل گردید تا در مقابله بااسرائیل و فرانسه که از دولت مرکزی حمایت می‌کردند، از امنیت مسلمانان شمال حمایت کند. به مرور بین رهبران جبههٔ آزادیبخش چاد شکاف افتاد و به ۱۰ گروه تقسیم شد. در این میان فرانسه به حمایت از جناح حسن هابره برخاست که مواضعی بر ضد گوگونی ودی، رهبر این جبهه اتخاذ کرده بود. تومبالبایه در کودتای سال ۱۹۷۵ از کار برکنار و کشته شد و ژنرال فلیکس مالوم به قدرت رسید. اواخر سال ۱۹۷۹، با اتخاذ سیاست بی‌طرفی از سوی فرانسه، یازده گروه سیاسی فعال در صحنهٔ چاد تشکیل یک دولت موقت وحدت ملی را اعلام نمودند که حسن هابره، نخست‌وزیر آن بود. کمی بعد در ماه مارس هابره استعفاء نمود و ائتلاف مزبور از هم پاشید. حسن هابره به تحکیم مواضع خود در جنوب پرداخت و گوگونی ودی برای مقابله با وی، از معمر قذافی رهبر لیبی درخواست کمک کرد و وی ۲,۰۰۰ رزمنده به یاری او اعزام داشت. نبرد میان مبارزان مسلح و دولتیان به شدت ادامه یافت و شهر ان‌جامنا بمباران شد و دهها هزار نفر آواره شدند. در ماه اکتبر ۱۹۸۰ نیروهای لیبی به پایتخت رسیدند و حسن هابره که تاب مقاومت نیاورده بود، در دسامبر ۱۹۸۰، به کامرون گریخت. فرانسه که از بسط قدرت و نفوذ لیبی در افریقا نگران و ناراضی بود با حمایت امریکا، مصر، سودان و بعضی کشورهای دیگر افریقایی، نیروهای لیبیایی را از چاد بیرون راند و نیروهای کشورهای عضو سازمان وحدت افریقا را در سال ۱۹۸۱ جایگزین آن نمود.

در ژوئن ۱۹۸۲ حسن هابره که به چاد بازگشته بود، گوگونی ودی رئیس جمهور چاد را برکنار کرد و خود حکومت را در دست گرفت. وی با مخالفت طرفداران دولت پیشین که از سوی لیبی حمایت می‌شدند، روبرو گردید و پشتیبانی فرانسه و دیگر متحدان افریقایی را خواستار گردید تا بتواند به نابسامانی‌های کشور که پس از جنگ به کل ویران شده بود، سرو صورت دهد. دریافت کمکهای غذایی از فرانسه و امریکا کارساز نیفتاد و دهقانان جنوب که از خشکسالی و فقر به جان آمده بودند به شورشی عظیم دست زدند و هنگامی که با نیروهای مسلح حسن هابره روبرو شدند ۲۵,۰۰۰ تن آنان از مرزهای جنوبی گذشتند و به جمهوری افریقای مرکزی پناهنده شدند.

در سال ۱۹۸۹ چاد و لیبی قراردادی منعقد نمودند و دربارهٔ ۱۱۴,۰۰۰ کیلومترمربع از نواحی مرزی که مورد اختلاف دو کشور بود و همچنین مبادلهٔ اسرا به توافق رسیدند. در سال ۱۹۹۰ دولت فرانسه که از حسن هابره در اداره کشور ناامید شده بود، پس از سه ماه مبارزهٔ مسلحانه، ادریس دبی را به جای وی به حکومت رساند وطی این مناقشات ۴۰,۰۰۰ تن اعدام و کشته و آواره شدند. در سال ۱۹۹۳ دبی کنفرانسی از کلیهٔ مخالفان سیاسی کشور ترتیب داد و اعضای شرکت‌کننده آدوم موریس البونگو را به ریاست کنفرانس برگزیدند و فیدل مونگار را موقتاً به نخست‌وزیری دولت انتقالی انتخاب نمودند. در انتخابات سال ۱۹۹۶ که با نظارت فرانسه وشورای انتقال برگزار شد ادریس دبی به ریاست جمهوری رسید. در مارس ۱۹۹۶ شماری از گروههای متخاصم با هم به توافق رسیدند و آشتی کردند و دولت نیز با نیروهای مسلح جنوب قراردادی منعقد نمود و کشور را به جمهوری فدرال مبدل ساخت.

در آوریل سال ۱۹۹۸ یک گروه مخالف دیگر، در صحنهٔ سیاسی کشور حاضر شد و با ربودن یکی از شهروندان فرانسوی، از فرانسه خواست که نیروهای نظامی خود را از این کشور خارج کند و همچنین شرکت‌های نفتی خارجی از چاد خارج شوند. در سال ۱۹۹۹، دولت چاد با اعزام نیرو و سلاح به کنگو به حمایت از دولت لوران کابیلا برخاست. در انتخابات سال ۲۰۰۱، ادریس دبی با کسب ۶۰٪ آراء برای آخرین بار به سمت ریاست‌جمهوری برگزیده شد و این در حالی بود که گروه‌های مخالف، نتایج این انتخابات را حاصل تقلبات گستردهٔ طرفداران ادریس دبی اعلام نمودند.

چک CZECH

کشور چک در مرکز اروپا جای دارد که از هرسو در خشکی محصور است. از غرب و شمال غربی به آلمان، از شمال خاوری به لهستان، از جنوب خاوری به اسلوواکی و از جنوب به اتریش محدود است. کوههای بوهم نواحی غربی این سرزمین را دربر گرفته و ارتفاعات موراوی، دشت پراگ در شمال را از دشت موراوی در جنوب جدا می‌کند. کوه سنژکا با بلندی ۱۶۰۲ متر مرتفع‌ترین نقطهٔ آن است.

غلات و چغندرقند در نواحی کم‌ارتفاع بوهم و موراوی کشت می‌گردند و گاو و گوسفند و خوک در همین نواحی پرورش می‌یابند. چاودار و سیب‌زمینی از فرآورده‌های کشاورزی دره‌های بوهم هستند. این کشور به وسیلهٔ رودخانه‌های ولتاوا، اورا، لابه(البه) و موراوا که ریزابه‌های دانوب هستند، مشروب می‌شود. اقلیم سرزمین چک معتدل و مرطوب و بارانی است و میزان تصاعد گازهای سمی دی‌اکسید گوگرد که محصول نیروگاههای الکتریکی آن است ریزش بارانهای اسیدی را موجب گردیده است. آلودگی هوا زیان فراوانی به نواحی جنگلی وارد آورده و حدود سه‌چهارم درختان کشور را عاری از برگ کرده است. آلودگی آبهای سطحی نیز خود مسئلهٔ مهمی را پیش آورده و فاضلاب نواحی صنعتی و معادن، خلوص و قابلیت شرب آبهای سطحی و حتی زیرزمینی را به خطر انداخته است.





نام رسمی: جمهوری چک

نام محلی: چسک Česk

اسامی دیگر: –

پایتخت: پراگ (۱،۱۹۳،۲۷۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹۱۸/۱۰/۲۸، از اتریش – هنگری

روز ملی: بیست و هشتم اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۳

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور: واتسلاو کلاوس، از سال ۲۰۰۳ (به مدت ٥ سال توسط پارلمان)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ولادیمیر اسپیدلا (حزب سوسیال دموکرات)؛ از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳ با تغییرات سال ۱۹۹٥؛ مجلس نمایندگان با ۲۰۰ عضو به مدت ٤ سال و مجلس سنا با ۸۱ عضو به مدت ٦ سال (هر ۲ سال یک سوم اعضاء)؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): سوسیال دموکرات ٧٤ (۷۰) کرسی، دموکرات شهروندان ٦۳ (٥۸) کرسی، حزب کمونیست ۲٤ (٤۱) کرسی، دموکرات مسیحی ۲۰ (۲۲) کرسی، اتحاد آزادی ۱۹ (۹) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۳)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، ناتو، اواسی‌دی، دوسه، سفتا

جمعیت

مساحت: ۷۸،۸٦٦ کیلومترمربع (صد و پانزدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتاد و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۲۹/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ‎-۰/۲٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۹/٥ میلیون نفر — **زمان دو برابرشدن‌جمعیت:** جمعیت رو به کاهش دارد

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦٥/۹٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۰/٤٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ۱۷/٤٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۳/٥٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۱/۱٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۸/٦٤٪ ؛ زن ٥۱/۳٦٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۸ سال؛ مردان ۷۰/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۷): ٥/۹ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱/۹- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ٦۱٤/۷ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۷۱/۸ نفر؛ حوادث، مسمومیت، درگیری ۷٦/۲ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٤۱/۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۳۹/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه تناسلی ۱۳/۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۹ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ٥/٦ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۳/۲ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹۱): چک ۸۱/۲٪ ؛ موراویایی ۱۳/۲٪ ؛ اسلوواک ۳/۱٪ ؛ لهستانی ۰/٦٪؛ آلمانی ۰/٥٪ ؛ سیلزیایی ۰/٤٪

دین: کاتولیک ۳۹٪ ؛ پروتستان ٤/۳٪ ؛ سایر مسیحیان ۰/٦٪ ؛ بدون دین و سایر ادیان ۳۹/۹٪ ؛ ذکر نشده ۱٦/۲٪

زبان و خط: چکی (زبان رسمی)؛ اسلوواکیایی ؛ لهستانی و آلمانی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): برنو ۳۸۱،۸٦۲ نفر؛ اوستراوا ۳۲۰،۰٤۱؛ پلزن ۱٦٦،۷٥۹؛ اولوموتس ۱۰۲،۷۰۲؛ لیبرتس ۹۹،۱٥٥؛ چسکه بوده یویتسه ۹۸،۱۸٦؛ هرادتس کرالووه ۹۸،۰۸۰؛ اوستی‌نادلابم ۹٥،٤۹۱ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کرون (Kč) = ۱۰۰ هالر؛ یک دلار= ٤۰/۹۸ کرون؛ یک کرون = ۱۹٥/۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ٥۰۸،۹٥۱ میلیون کرون؛ مالیاتها ٥٦/٥٪ (شامل مالیات بر ارزش افزوده ۲۳/۱٪ ؛ مالیات بر مصرف ۱۲/٦٪ ؛ مالیات شرکتها ۸/۲٪؛ مالیات بر درآمد افراد ٦/٥٪ ؛ دیگر مالیاتها ٦/۱٪) ؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۳۷/٥٪ ؛ سایر درآمدها ٦٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ٥۲٤،٦۸۸ میلیون کرون؛ هزینه‌های جاری ۸٥/٦٪ (شامل هزینه‌های تأمین اجتماعی ۳۹/۲٪ ؛ آموزش ۱۱/۳٪ ؛ دفاع و امنیت ۸/۲٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۷/٥٪؛ انتقالی به بودجه مناطق ٦/۹٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٥۳،۰۳٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٥،۱٥۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۷-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤/۲٪ ؛ صنعت ۳۹/۲٪ ؛ خدمات ٥٦/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٥۳۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲،٥٤۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۲،۹۰۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٤٤۷/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۸/٥٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۳/۷٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱۱٪ ؛ ۲۰۰۰: ۳/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): غلات ٦،۹۰۰،۲۷٥ تن (شامل گندم ۳،۹٥٥،۷٥۰ تن؛ جو ۲،۲۲۷،۰۰۰ تن؛ ذرت ۲۱۰،۰۰۰ تن؛ چاودار ۲۰٦،۰۰۰ تن)؛ چغندرقند ۲،٥۸۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱،٥۸۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٤۳٪؛ مرتع و چمنزار ۱۱/۳٪ ؛ جنگل ۳۳/۳٪ ؛ سایر موارد ۱۲/٤٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ٤،۰۰۱،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱،٦٥۷،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸،٤٤۷،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲۰،۰۱۳ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۷،۸٤٦،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۸۳،۹۰۸ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): سنگ آهک ۱۳،۱۰۰ تن؛ کائولین ۳،۳۲۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): (ارزش افزوده به میلیون دلار) مواد غذایی ۱،۲٤٤ ؛ ماشین‌آلات غیر برقی ۱،۱٥۲ ؛ فلزات غیر آهنی ۸٥۱ ؛ آهن و فولاد ۸۱۳ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۸۰۰ ؛ ماشین‌آلات برقی ٥٥۱

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ٦۰،۹۷۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات‌ساعت(٦۰،۹۷٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ و لیگنیت (۱۹۹۸): ٦۷،٥۳٦،۰۰۰ تن (۱۹۹٦: ٦۷،۲۱٦،۰۰۰)؛ نفت خام (۱۹۹٦): ۱،۰۳۱،۰۰۰ بشکه(٥٥،۸۳۳،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ٥،۸٤٥،۰۰۰ تن (٦،۱۳۰،۰۰۰) ؛ گاز طبیعی (۱۹۹۸): ۳۰٤،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۹۹٦: ۸،۹۹۰،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ٥،٤٦۹،٥۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٥۳٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٥ تا ٥۹)؛ ۷۷/۸٪ ؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٥٤): ٤٤٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٦/۱٪ ؛ ۲۰۰۰: ۸/۸٪

توزیع نیروی کار (۱۹۹۸): کشاورزی ٥/٥٪ ؛ صنعت ٤۰/۹٪ ؛ خدمات ٥۳/٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ٤۰،۳۰۰ نفر؛نیروی زمینی ٦۲/۸٪ ؛ نیروی هوایی ۳۷/۲٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۹۳ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۸٦۲،۱٤٤ میلیون کرون؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۸٪ ؛ کالاهای ساخته شده ۱۹/۳٪ ؛ مواد شیمیایی ۱۲/۲٪ ؛ سوخت و روغنهای روانکاری ۸/٦٪ ؛ از کشورهای آلمان ۳۱/۹٪ ؛ اسلوواکی ۸/٤٪ ؛ روسیه ٦/۸٪ ؛ اتریش ٦/۱٪ ؛ ایتالیا ٥/٥٪ ؛ لهستان ۳/۲٪

صادرات(۱۹۹۷): ۷۲۲،٤٥٦ میلیون کرون؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۷/۷٪ ؛ کالاهای‌ساخته‌شده ۲٦/۸٪؛ کالاهای متفرقه ۱۳/۷٪ ؛ مواد شیمیایی ۸/۸٪ ؛ مواد خام غیر خوراکی به‌جز سوخت ٤٪ ؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ۳/۸٪ ؛ به آلمان ۳٥/۷٪ ؛ اسلوواکی ۱۲/۹٪ ؛ اتریش ٦/٤٪ ؛ لهستان ٥/۷٪ ؛ ایتالیا ۳/۷٪ ؛ روسیه ۳/٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون کرون	-۳٥،۱٤٦	-۹٥،۷۳۳	-۲٤۰،۱٤۸	-۱۳۹،٦۸۸	-۷٦،۳۱۹	-٦۸،۱۲٤
درصد کل	۳/٦٪	۷/۷٪	۱۸٪	۸/۸٪	٤/۳٪	۳/٥٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۱/۷	۱۰۰	۱۰۸/۸	۱۱۸	۱۳۰/٦	۱۳۳/٤
شاخص درآمد سالانه	۸٤/٤	۱۰۰	۱۱۸/٤	۱۳۰/۸	۱٤۳/۱	۱٥٥/۱

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹٦): ۲/۹ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹٦): ۲٤۳،۰٤۳ کرون؛ منابع درآمد (۱۹۹٦): دستمزد و حقوق ٦٦/۷٪ ؛ پرداخت‌های انتقالی ۲۷/٦٪؛ سایر موارد ٥/۷٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹٦): غذا و نوشیدنی ۲٥/٦٪ ؛ مسکن و خدمات شهری ۱۱/۳٪ ؛ کالای بادوام خانگی ۷/۳٪ ؛ پوشاک و کفش ۷/۲٪ ؛ سایر موارد ٤۸/٦٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۳،۷۱۹ میلیون دلار، هزینه‌ها: ۱،۸٦۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱۲٥،۹۰٥ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۹،٤۳۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۳،٥٤۷،۷٤٥ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ٤۰۲،۳٥۳ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۳): ۱۸ فروند اقیانوس‌پیما — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۲۱ روزنامه در ۲،٦۲۰،۰۰۰ نسخه (۲٥٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱،۱٦۸ عنوان در ۸۱،۳۸۷،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۰،۲٤٤ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۸،۲۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۸۰۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤،۸۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤٦۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳،۷٤۱،۰۰۰ خط تلفن (۳٦٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۹٦٥،۰۰۰ خط (۹٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٤۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	٤،۱۳۲	٦٥،۲٥۹	۱،۰۹۲،٤۷٦	۱٦/۷
متوسطه	۳٦٤	۱۰،٤۱۹	۱۲٥،۸۸٥	۱۲/۱
فنی و حرفه‌ای	۷٥٦	۱٤،۹۸۹	۱۷۳،۸٥۰	۱۱/٦
عالی	۲۳	۱۳،۲۱٦	۱٦٥،۷٥٤	۱۲/٥

میزان باسوادی(۱۹۹۰): افراد بالای ۱٥ سال: ۱۰۰٪ ؛ مردان: ۱۰۰٪ ؛ زنان ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ۳۱/۷٪ ؛ متوسطه ٥۸/٦٪ ؛ عالی ۸/٥٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۳۹،۸۳۱ نفر (هر ۲٥۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۷۰،٤٥۷ تخت (هر ۱٤٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲۰۰۰ نفر (۰/۰٤٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۷/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۲٤٤ کالری(۱۳۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۹٦ گرم؛ مصرف چربی: ۱۱۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۳٦/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۲٦/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۱۲/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۸۳ (سی و چهارمین کشور جهان)

تاریخچه

ساکنان اولیه نواحی مرکزی حوضه دانوب، هنوز به درستی شناخته نشده ولی آثار و نشانه‌هایی از مردمانی به نام بویی که از اقوام سلت هستند به دست آمده و نام بوهم از اسم آنان اقتباس گردیده است. سلت‌ها به وسیلهٔ ژرمن‌ها از آن نواحی پراکنده شدند و اسلاوها در سدهٔ ششم میلادی در نواحی جنوبی آن ساکن گردیدند و با رهبری رؤسای مقتدر خود هجوم آوارها را دفع کردند. در سدهٔ هشتم میلادی شارلمانی این سرزمین را تصرف کرده و در اوایل سدهٔ نهم میلادی اسلاوها بر نواحی بالادست بوهم و بسیاری نواحی دیگر تسلط یافتند. نخستین پادشاه موراوی به نام مویمیر اول بر وسعت سرزمینهای تحت تسلط خود افزود و جانشین او به نام روستیسلاو اول روابط خود را با فرانک‌های خاوری مستحکم کرد. امپراتوری بیزانس به درخواست روستیسلاو مبلغین مسیحی یونانی زبان را به چک اعزام داشت.
روستیسلاو موراوی بزرگ را پایه گذاری کرد و سرزمینهای اسلاونشین را باهم متحد ساخت و اسلوواکی را برای نخستین بار تأسیس نمود و به یکی از نواحی موراوی بزرگ مبدل نمود.
کشور پادشاهی آلمان(گرمانیا) که سرزمین چک ضمیمهٔ آن بود و در سال ۸۹۲ به وسیلهٔ آرنولف اداره می‌شد، به موراوی لشگر کشید و آنجا را به خاک خود ملحق کرد و با قراردادی که بین آرنولف و مویمیر دوم به امضاء رسید، سرزمین موراوی بزرگ را به پادشاه آن واگذارد.
در سدهٔ دهم میلادی زمانی که آلمان به امپراتوری مقدس روم مبدل شد، قسمتهای بزرگی از بوهم را به خاک خود ملحق نمود و در سال ۱۰۳۹ مجارستان هم اسلوواکی را به تصرف خود درآورد. در سدهٔ سیزدهم مهاجران آلمانی به چک وارد شدند و به احداث شهرها و روستاهای آلمانی‌نشین پرداختند و به استخراج معادن آن دست زدند و داد و ستد را رونق بخشیدند. با تاجگذاری شارل اول در سال ۱۴۵۵ بوهم و امپراتوری مقدس روم درهم ادغام شدند و پراگ به پایتختی امپراتوری جدید برگزیده شد. اما اختلاف مذهبی میان آنان مانع از ادامهٔ اتحاد دو سرزمین شد و هرکدام تحت فرمانروایان خاص خود اداره می‌شدند. در سال ۱۴۷۱ بوهم به وسیلهٔ ولادیسلاو دوم اداره می‌شد و موراویا و سیلزی و لوزاس تحت حکومت ماتیاس پادشاه مجارستان قرار داشت. با مرگ ماتیاس در سال ۱۴۹۰ و ادارهٔ کشور به وسیلهٔ ولادیسلاو دوم، دو ناحیهٔ مورد بحث دوباره با هم متحد شدند. ولادیسلاو دوم در سال ۱۵۲۶ درگذشت و پسرش لوئی دوم راه را برای خاندان هاپسبورگ اتریش هموار کرد و سرزمینهای چک و اسلوواکی ضمیمهٔ امپراتوری اتریش شد.
با تجزیه امپراتوری اتریش و هنگری پس از جنگ جهانی اول، دو سرزمین چک و اسلوواکی اختلافات مذهبی خود را ظاهراً کنار گذاشتند و با اتحاد باهم جمهوری چکسلوواکی را تشکیل دادند. ولی عدم رضایت اقلیتهای آلمانی و مجار و جدایی طلبی اسلوواکی مانع ادامهٔ حیات سیاسی کشور مزبور گردید. با روی کار آمدن نازی‌ها در آلمان، اقلیت آلمانی چکسلوواکی خواستار اتحاد نواحی آلمانی‌نشین با آلمان شدند و سرانجام در سال ۱۹۳۸ اراضی مرزی بوهم با سودت به اشغال آلمان نازی درآمد و لهستان و مجارستان نیز تشن و اسلوواکی را تصرف نمودند. با استیلای آلمان بر چکسلوواکی، بوهم و موراوی نیز تحت‌الحمایهٔ آلمان قرار گرفت. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، چکسلوواکی توسط متفقین آزاد شد و همراه با دیگر کشورهای اروپای‌شرقی در بلوک دنیای کمونیست قرار گرفت و حزب کمونیست چکسلوواکی به صورت قوی‌ترین حزب واحد درآمد و از نظر سیاسی به اتحاد شوروی تمایل یافت.
کمونیست‌ها که در انتخابات سال ۱۹۴۶ حدود ۳۸٪ آراء را به خود اختصاص داده بودند، در سال ۱۹۴۸ این رقم را به ۵۱٪ رساندند. در این سال حکومت جمهوری خلق در این کشور برقرار شد و اصلاحات اقتصادی شوروی سرلوحهٔ امور قرار گرفت. در سال ۱۹۶۰ عنوان سوسیالیستی به نام رسمی کشور افزوده شد و تغییراتی نیز در قانون اساسی آن گنجانده شد. در خلال دههٔ ۱۹۶۰ فضای سیاسی کشور تغییر یافت و نهادهای سیاسی کشور نیز دچار دگرگونیهای شگرفی شد.
به دنبال اعتصابات دانشجویی سال ۱۹۶۷، رهبری محافظه‌کار حزب کمونیست کناره‌گیری کرد و الکساندر دوبچک به دبیرکلی حزب رسید. وی برنامه‌هایی را برای تمرکززدایی سیاسی و اقتصادی آغاز نمود که با مخالفت رهبری شوروی مواجه شد و در نهایت در ماه اوت ۱۹۶۸، نیروهای پیمان ورشو وارد پراگ شدند و به سرکوبی جنبش موسوم به «بهار پراگ» پرداختند و رهبران جنبش را از حزب کمونیست اخراج نمودند.
با طرح برنامه‌های اصلاحی گورباچف در شوروی، اصلاحات سیاسی در چکسلوواکی نیز به سرعت آغاز شد. در ۱۹۸۹ گفتگوهایی با گروه‌های مخالف حزب کمونیست برگزار شد و در پی آن حزب کمونیست چکسلوواکی دخالت نظامی شوروی در سال ۱۹۶۸ را محکوم کرد.
در همین سال یک دولت موقت ائتلافی با اکثریت غیر کمونیست ادارهٔ امور را به عهده گرفت.
گوستاو هوزاک رهبر حزب کمونیست از ریاست جمهوری کناره‌گیری کرد و واتسلاو هاول به جای وی نشست. هاول فوراً همه زندانیان سیاسی را آزاد کرد و برنامه انتخابات پارلمانی را برای ژوئن ۱۹۹۰ اعلام نمود. پس از انتخابات ماه ژوئن، ریاست جمهوری هاول به تأیید رسید و نظام سیاسی کشور به «جمهوری فدرال چک و اسلوواک» تغییر یافت.
پس از اعلام حق حاکمیت ملی از سوی مجلس ملی اسلوواکی، در ژوئیه ۱۹۹۲، واتسلاو هاول ضمن پذیرش استقلال آن، استعفاء داد و از اول ژانویه ۱۹۹۳، کشور چکسلوواکی از فهرست کشورهای جهان حذف شد و به جای آن دو جمهوری اسلوواکی و چک پا به عرصه نهادند. در انتخابات ژانویه همان سال، واتسلاو هاول به عنوان رئیس جمهوری چک برگزیده شد. برنامه‌های اولیه اصلاحات اقتصادی واتسلاو کلاوس، نخست‌وزیر این کشور تأثیرات مثبتی بر اقتصاد این کشور به جای گذاشت و برخلاف بیشتر کشورهای کمونیست سابق با بحران چندانی مواجه نشد، اما در سال ۱۹۹۷ به اتهام سوء استفاده از موقعیت خود در جریان خصوصی‌سازی اقتصاد این کشور مواجه شد و از مقام خویش استعفاء داد.
در انتخابات مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۸، حزب سوسیال دموکرات به پیروزی رسید و اولین دولت ائتلافی چپگرا را پس از فروپاشی بلوک کمونیستی، توسط میلوش زمان تشکیل داد. جمهوری چک که در سال ۱۹۹۸ به ناتو پیوسته بود، با تلاش پی گیر توانست شرایط عضویت در اتحادیه اروپا را نیز احراز نماید و در اجلاس سال ۲۰۰۲ سران اتحادیه اروپا، عضویت این کشور در سال ۲۰۰۴ به تصویب رسید.
در پی اتمام دوره ریاست جمهوری واتسلاو هاول در ژانویه سال ۲۰۰۳، بحثهای فشرده ای در پارلمان جمهوری چک برای تعیین رئیس جمهور جدید درگرفت و سرانجام پس از چندین دور رأی گیری، واتسلاو کلاوس، از حزب دموکرات شهروندان، به این سمت برگزیده شد.

چین CHINA

سرزمین چین که پر جمعیت‌ترین کشور جهان محسوب می‌شود، پهنهٔ وسیعی از آسیای مرکزی و خاوری را در بر گرفته است. این کشور عظیم از شمال به مغولستان، از شمال خاوری به کشور روسیه، از خاور به کشور کره شمالی، دریای زرد و دریای چین شرقی، از جنوب به دریای چین جنوبی و کشورهای ویتنام، لائوس، میانمار(برمه)، هند، بوتان و نپال، از غرب به کشورهای هند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، قرقیزستان و از شمال غربی به کشور قزاقستان محدود است.
کشور چین را می‌توان به سه سرزمین به شرح زیر تقسیم کرد:
الف - چین آسیای مرکزی که از مغولستان داخلی، سین‌کیانگ و تبت تشکیل شده و مرکب از فلات مرتفعی است که زمستانها از برف پوشیده می‌شود و در تابستانها به استپ و علفزار پهناوری مبدل می‌گردد. رشته کوههای هیمالیا (هیمالایا)، کونلون، تیئن، آلتای، نانشان و شینگان بزرگ با مرتفع‌ترین نقطهٔ روی زمین یعنی قله اورست (۸۸۴۸ متر) و همچنین فلاتهای تبت با ارتفاع متوسط بالای ۵۰۰۰ متر و اوردوس، در همین قسمت قرار دارند.
ب - چین شمالی دشت پهناوری است و از منچوری و هوانگهو تشکیل یافته و کشتزارهای پهناور گندم و جو، ذرت خوشه‌ای، لوبیای سویا و پنبه از محصولات آن است و زغال و آهن از منابع زیرزمینی عمدهٔ آن به شمار می‌آیند و منچوری مرکز صنایع فلزی کشور محسوب می‌گردد.
پ - چین جنوبی سرزمینی است تپه‌ماهور که رودخانه‌های یانگ‌تسه‌کیانگ و سی‌کیانگ آن را سیراب می‌سازند. اقلیم این سرزمین گرم و مرطوب و نسبتاً پر باران است و بیشتر اراضی مزروعی آن را شالیزارهای وسیع تشکیل می‌دهد.
کشور چین از نظر منابع زیرزمینی مانند زغال‌سنگ، نفت، آهن، اورانیوم، قلع، مولیبدن، تنگستن، جیوه و سرب بسیار غنی است. اقلیم کشور چین برحسب نواحی مختلف آن متفاوت و متنوع است و بطور کلی سرزمین غربی یا چین آسیای مرکزی خشک و دارای زمستانهای سرد و تابستانهای گرم است و نیمهٔ شرقی کشور از اقلیم اقیانوسی و مرطوب برخوردار است و نواحی شمالی یا چین شمالی از تابستانهای معتدل و زمستانهای سرد و پربارش برخوردار است و اقلیم چین جنوبی گرم و مرطوب و نسبتاً پرباران است.
بلندترین نقطهٔ جهان یعنی قلهٔ اورست که به زبان چینی کومولانگمافنگ خوانده می‌شود به ارتفاع ۸۸۴۸ متر در مرز تبت و نپال واقع شده است. طویل‌ترین رود چین، یانگ‌تسه‌کیانگ حدود ۶۳۰۰ کیلومتر درازا دارد و سایر رودهای مهم آن عبارتند از: هوانگهو یا رود زرد (۴۸۵۰ کیلومتر)، آمور (۴۵۱۰)، سی‌کیانگ (۲۶۵۵)، تاریم (۲۱۰۰)، هسی (۱۹۳۱)، سونگاری (۱۸۱۸) و آرگون (۱۵۷۷ کیلومتر). بزرگترین دریاچه، کوکونور یا چینگهای نام دارد که با ۴۲۰۹ کیلومترمربع وسعت، در نواحی مرکزی این کشور واقع شده است. جزیرهٔ هایثان با ۳۵٫۶۷۰ کیلومترمربع وسعت نیز بزرگترین جزیرهٔ چین محسوب می‌شود.



نام رسمی: جمهوری خلق چین

نام محلی: ژونگهوا Zhonghua

اسامی دیگر: امپراتوری آسمانی؛ چین سرخ؛ چین کمونیست

پایتخت: پکن (۱۰،۷۸۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۶)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: اول ماه اکتبر، سالروز تأسیس جمهوری خلق چین (۱۹٤۹)

نوع حکومت: جمهوری تک حزبی خلق با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٤۹

رئیس حکومت: رئیس جمهور: جیانگ زمین، از سال ۱۹۹۳ (برای بار دوم از سال ۱۹۹۸؛ به انتخاب کنگره ملی خلق)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ژو رونگجی، از سال ۱۹۹۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۲؛ آخرین تغییرات ۱۹۹۹؛ مجلس ملی خلق با ۲،۹۷۹ عضو به مدت ٥ سال؛ اعضای مجلس ملی خلق با نظارت مستقیم حزب کمونیست چین انتخاب می‌شوند و طی هر سال فقط یک جلسه برگزار می‌کنند. آخرین انتخابات: ۱۹۹۸

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملـل متحد(۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آکپ، آدب، آپک

جمعیت

مساحت: ۹،٥۷۲،۹۰۰ کیلومترمربع (سومین کشور جهان)

جمعیت: ۱،۲۷۷،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (اولین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۳۳/٥ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۰/۹

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۱،٤۸۰/٤ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۸۲ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۳۲/۷ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪۳/٦

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ٪۲٤/۳ ؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲٤/٦ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٪٤۰ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۱۱/۱

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٥۰/۹۸ ؛ زن ٪٤۹/۰۲ | **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ۷۳ سال، مردان ٦۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۱٥/٤ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۷ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۳۹ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۸/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٦): مشکلات مادرزادی ۱۹۹/۸ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۷۲/۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۳۲/٤ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٦۸/٦ نفر؛ حوادث، درگیری، مسمومیت ۲٦/٥ نفر؛ بیماریهای گوارشی ۲٥/٥ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ۱/۸ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٦٥ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٦): ۷/٦ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٦):** ۰/۹ مورد

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): چینی‌های هان ٪۹۱/٥۹ ؛ ژوانگ ٪۱/٤ ؛ هوئی ٪۰/۸ ؛ منچو ٪۰/۸ ؛ میائو ٪۰/۷ ؛ اویغور ٪۰/٥۸

دین(۱۹۸۰): بدون دین ٪٥۱/۹ ؛ مذاهب بومی ٪۲۰/۱ ؛ بودایی ٪۸/٥ ؛ مسیحی ٪٦ ؛ مسلمان ٪۱/٤ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: چینی ماندارین(زبان رسمی)؛ شانگهای، فوکین، کانتون، هاکا؛ خط: چینی

شهرهای مهم: چونگچینگ ۱٥،۳۰۰،۰۰۰ نفر با حومه؛ شانگهای ۱۳،۰۰۰،۰۰۰ ؛ چنگتو ۹،۸۰۰،۰۰۰؛ هاربین ۹،۱۰۰،۰۰۰؛ تسینگ‌تائو ٦،۹۰۰،۰۰۰ ؛ هنگ‌کنگ(۱۹۹۸): ٦،٦۹۰،۰۰۰ نفر؛ چانگچون ٦،۸۰۰،۰۰۰ نفر؛ شنیانگ ٦،۷۰۰،۰۰۰ نفر با حومه

بنادر مهم: شانگهای(دریای‌چین‌شرقی)؛ تین‌تسین(خلیج‌چیهلی)؛هنگ‌کنگ‌وکانتون(دریای چین جنوبی)؛ لوتا(خلیج کره)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: رنمینبی یوآن (Y) =۱۰ چیائو=۱۰۰ فن؛ یک دلار= ۸/۲۸ یوآن ؛ یک یوآن=۹٦٦/۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ٤۳۳،۳۷۰ میلیون یوآن ؛ مالیات بر کالا و خدمات ٪٥۸/٥ ؛ هدایا و کمک‌ها ٪۱۳/۹؛ وجوه جمع‌آوری شده به عنوان مالیات بر درآمد ٪۱۰/٤ ؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۸/۸ ؛ عوارض گمرکی ٪۷

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ٥٤۰،٦٥۰ میلیون یوآن؛ دفاع ٪۱۳/۲ ؛ خدمات عمومی ٪۷/۲ ؛ کشاورزی ٪٤/٦ ؛ صنعت ٪۲/۸ ؛ نظم عمومی ٪۲/۲ ؛ آموزش ٪۲/۱؛خدمات شهری ٪۲؛ سایر هزینه‌های امور اقتصادی ٪۱٤/۱؛ هزینه‌های غیر عملکردی٪٥۰/٤

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۹۲۳،٥٦۰ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۷٥۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪۸/٤ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۱۰/٤

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۸/٤ ؛ صنعت ٪٤۸/۷ ؛ خدمات ٪۳۲/۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤،٦٥۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٤٥،٤٦۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۹۹،٤۲٤ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲،۳٥۸/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪٤۲/٦

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۹/۷ ؛ ۱۹۹۸: ٪۱/۱- ؛ ۲۰۰۰: ٪۰/٤

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): برنج ۱۹۳،۰۷۹،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱۲٤،۳۳۸،۰۰۰ ؛ گندم ۱۱۰،۰۰۰،۰۰۰؛ ذرت خوشه‌ای ۷،۰٥۷،۰۰۰ ؛ جو ۳،۸۰۰،۰۰۰؛ ارزن ۳،۰۰۱،۰۰۰؛ دانه سویا ۱۳،۹۱۳،۰۰۰؛ بادام زمینی ۱۱،۹۷۰،۰۰۰؛ دانه منداب ۸،۳۰۰،۰۰۰؛ دانهٔ آفتابگردان ۱،٤۰۰،۰۰۰؛ هندوانه ۲٥،۳۰۰،۰۰۰ ؛ سیب ۱۹،۹٤۰،۰۰۰؛ گلابی ۷،۳۹٦،۰۰۰؛ طالبی ٦،۳۷۹،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۱۰/۳؛ مرتع و چمنزار ٪٤۲/۹ ؛ جنگل ٪۱٤ ؛ بقیهٔ موارد ٪۳۲/۸

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): خوک ٤۸۲،۹٦۷،۰۰۰رأس؛ بز ۱۳۷،۷۲۳،۰۰۰؛ گوسفند ۱۱۸،۱٥۲،۰۰۰؛ گاو ۹٦،۱۹٥،۰۰۰رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۰٥،۲٦٦،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱٥،۷۲۲،۳٤٤ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،٤۲۰،٥۱۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۷،۳٥۷،۸۹۰ تن

تولیدات معدنی (کنسانتره ۱۹۹۷): روی ۱،٤۰۰،۰۰۰ تن؛ مس ۱،۰۲۰،۰۰۰ ؛ سرب ٦٥۰،۰۰۰؛ آنتیموان ۱۰۱،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): سیمان ٤۹۲،٦۰۰،۰۰۰ تن؛ فولاد ۹٤،۹۰۰،۰۰۰؛ کود شیمیایی ۲۹،۱۱۱،۰۰۰؛ کاغذ و مقوا ۲۱،٦٦۰،۰۰۰؛ اسیدسولفوریک ۱۹،٤٦۲،۰۰۰؛شکر ٦،۸۰۰،۰۰۰ ؛نخ‌پنبه‌ای ٥،۳۱۲،۰۰۰ تن؛پارچهٔ‌پنبه‌ای ۲۰،۳۷۰،۰۰۰،۰۰۰متر؛ سیگار ۳٤،۰۲۰،۰۰۰جعبه؛تلویزیون‌رنگی ۲٦،٤۳۰،۰۰۰دستگاه؛ماشین‌لباسشویی ۱۲،٥۷۱،۰۰۰دستگاه؛یخچال ۹،۸٦۱،۰۰۰ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٤): ۹۲۸،۰۸۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۹۲٦،۰۳۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ ۱،۲۳۹،۹۰۲،۰۰۰ تن(۱،۲۳۱،۹۲۸،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱،۰٦۹،۳۲۰،۰۰۰ بشکه(۱،۰۲٤،۳۷٥،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۰٦،٦۲۹،۰۰۰ تن(۱۱٤،۹۷۲،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۱۷،٥٤۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب(۱۷،٥٤۰،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ٦۹٦،٦٥۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٥٦/۹ ؛ میزان مشارکت: (۱٥ سال به بالا): ٪۷٥/۹؛ زنان: ٪٤۹/۷ ؛ میزان بیکاری: ٪۹/۸ ؛ ۱۹۹۹: ٪۳/۱

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٤۹/۸ ؛ صنعت ٪۲۳/٥ ؛ خدمات ٪۲٦/۷

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۳ سال نیروی زمینی و یا ٤ سال نیروی دریایی و هوایی؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۲،۸۲۰،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷٤/۱ ؛ نیروی دریایی ٪۹/۲ ؛ نیروی هوایی ٪۱٦/۷ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹٥): ٥۳ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۱٤۲،۳٦۱ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۳۷/۱ ؛ تولیدات نساجی، لاستیک و مواد فلزی ٪۲۲/٦ ؛ مواد شیمیایی ٪۱۳/٦؛ مواد خام غیر خوراکی ٪۸/٤؛ سوختهای معدنی وروغنهای روانکاری ٪۷/۲؛ از ژاپن ٪۲۱؛ تایوان ٪۱۱/۷؛ امریکا ٪۱۱/٦؛ کرهٔ جنوبی ٪۹؛ هنگ‌کنگ ٪٥/٦ ؛ آلمان ٪٥/۳؛ روسیه ٪۳/۷؛ سنگاپور ٪۲/٦

صادرات(۱۹۹۷): ۱۸۲،٦۹٦ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۲۳/۹؛ محصولات صنایع نساجی، لاستیک و مواد فلزی ٪۱۸/۸؛ غذا و حیوانات زنده ٪٦/۱؛ مواد شیمیایی ٪٥/٦ ؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ٪۳/۸؛ به هنگ‌کنگ ٪۲۱/۸؛ ژاپن ٪۲۰/٤ ؛ امریکا ٪۱۷/۷؛ کرهٔ جنوبی ٪٥؛ آلمان ٪۳/۹ ؛ سنگاپور٪۲/٥ ؛ هلند ٪۲/۳؛ تایوان ٪۱/۹

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۱۰،٦٥٤-	۷،۲۹۰+	۱۸،۰٥۰+	۱۹،٥۳٥+	٤٦،۲۲۲+	٤٦،٦۱۳+
درصد کل	٪٦/٦	٪۳/۷	٪۷/٦	٪٦/۹	٪۱٤/٥	٪۱٤/٥

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	٦۸/۸	۸٥/٦	۱۰۰	۱۰۸/۳	۱۱۱/۳	۱۱۰/٥
شاخص درآمد سالانه	۱٥۷/٥	۲۱۲/۱	۲٥۷	۲۹۰/۲	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹٦): ۳/۷ نفر؛ میانگین درآمد سالانهٔ هر خانوار: ۱۳،٤٥۹ یوآن؛ منابع درآمد:خانوارروستایی: درآمد کارهای‌خانگی٪۹۷/٦؛ دستمزد٪۱٦/۱ ؛خانوارشهری: دستمزد ٪۸۰/٥؛ تجارت ٪٥/۹؛ هزینه‌ها: خانوار روستایی: غذا ٪٥٦/۳؛ مسکن ٪۱۳/۹؛ فعالیتهای فرهنگی ٪۸/٤؛ خانوار شهری: غذا ٪٤۸/٦؛ پوشاک ٪۱۳/٥

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱۲،٦۰۲ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۹،۲۰٥ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱،۱۸٥،۷۸۹ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۷٦،۷۲۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٤،۸۸۰،۲۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٥،۷٥۰،۳۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲،۳۹۰ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۱۱۳ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ٤٤ روزنامه در ٤۸،۰۰۰،۰۰۰ نسخه(٤۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٦،٤۸٦ عنوان در ۲۰٥،۰٦۰،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۰۰،۹٥۱ عنوان در ٥،۹٤٥،۰۰۰،۰۰۰ نسخه(میانگین تیراژ ٥۸،۸۹۰ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٤۱۷،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۳٥دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ٤۰۰،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۲۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۸۷،٤۲۱،۰۰۰ خط تلفن(۷۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۳،۸٦۳،۰۰۰خط (۱۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۱،۲۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۱۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٦۲۸،۸٤۰	٥،۷۹٤،۰۰۰	۱۳۹،۹٥٤،۰۰۰	۲٤/۲
متوسطه	۷۸،٦٤۲	۳،٥۸۷،۰۰۰	٦۰،۱۷۹،۰۰۰	۱٦/۸
فنی و حرفه‌ای	٤،۱٤۳	۲۷٦،۰۰۰	٤،٦٥٤،۰۰۰	۱٦/۹
عالی	۱،۰۲۰	٤۰٥،۰۰۰	۳،۱۷٤،۰۰۰	۷/۸

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۸۱/٥ ؛ مردان: ٪۸۹/۹ ؛ زنان ٪۷۲/۷

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۱،۹۸٥،۰۰۰ نفر (هر ٦۲۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۷): ۲،۹۰۳،۰۰۰ تخت (هر ٤۲٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٤۰۰،۰۰۰ نفر (٪۰/۰٦ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۳/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۸۹۷ کالری(٪۱۱٦ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۷۸ گرم؛ مصرف چربی: ۷۱ گرم

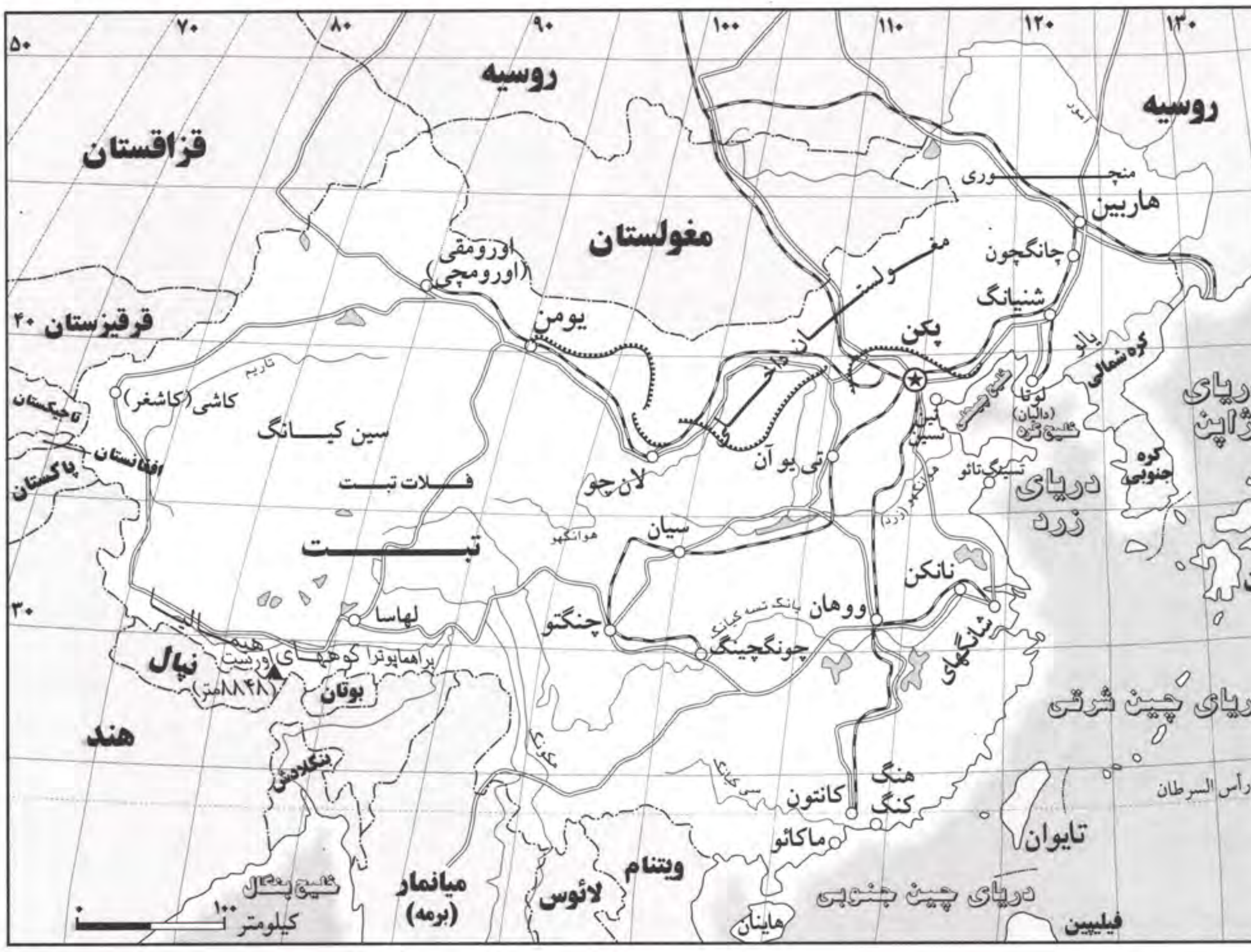
محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/٦- ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/۱

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳،۳٦۹ میلیون تن؛ هر نفر ۲/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۰٦ (نودونهمین کشور جهان)



استفاده از زغال‌سنگ که به عنوان سوخت اصلی نیروگاهها به کار می‌رود، بارش بارانهای اسیدی را موجب شده و خطری جدّی بر محیط زیست و روییدنی‌ها (حدود ۱۴ درصد سطح کشور را جنگل فرا گرفته) به حساب می‌آید. سدهای سه گانهٔ عظیمی که بر رودخانه‌ها و آبدره‌های کشور ساخته شده تعادل زیست محیطی را برهم زده و از پیامدهای ناگوار حکایت دارند.

جمعیت کشور چین از ۵۶ ملیت رسمی مانند هان، ژوانگ، هوئی، منچو، میائو، اویغور، یی، توچیا، مغول، تبتی، پوئی، تونگ، یائو، کره‌ای، قزاق و غیره تشکیل یافته است.

تاریخچه

چین دارای کهن‌ترین تمدن بشری است و پیشینهٔ فرهنگی آن به هزاران سال قبل بازمی‌گردد و نظام اجتماعی آن در ۳۵۰۰ سال پیش تثبیت گردیده است. آثار به دست آمده، آغاز تاریخ این کشور را در حدود ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد نشان می‌دهد.

نخستین موجود انسان‌مانند یا انسان پکن حدود نیم میلیون سال پیش می‌زیسته و با آتش آشنایی داشته و در ساختن ابزارهای سنگی و شاخی دارای مهارت بوده و حیوانات وحشی را شکار می‌کرده است. بقایایی از انسان اولیه نیز در منچوری کشف شده است. قدیمی‌ترین مکان‌های عصر حجر جدید (نئولیتیک) مربوط به حدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است. در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، مردم چین و منچوری و مغولستان دست به کار ساختن ابزارهای خود شدند و به کشت ارزن و برنج و گندم و شاهدانه پرداختند و سگ را اهلی نمودند.

در حدود سالهای ۲۰۰۰ تا ۱۸۰۰ پیش از میلاد نخستین دولت چینی در قسمتی از درهٔ هوانگهو تأسیس گردید که آن را سلسلهٔ شیا می‌نامیدند. پادشاهان این خاندان از ۱۹۹۴ تا ۱۵۲۳ پیش از میلاد بر چین سلطنت کردند. پس از آنان خاندان شانگ طی سال‌های ۱۵۲۳ تا ۱۰۲۷ قدرت را در دست داشتند و در طی سال‌های ۱۰۲۷ تا ۲۵۶ پیش از میلاد نیز نوبت به سلسلهٔ چو رسید. کنفوسیوس، لائوتسه و منکیوس در همین دوره ظهور کردند و ادبیات چینی را که تا همین اواخر اساس تعلیم و تربیت چینی‌ها بود به رشتهٔ تحریر درآوردند.

نخستین امپراتوری چین به وسیلهٔ خاندان چین تأسیس گردید (حدود ۲۲۱ تا ۲۰۷ پیش از میلاد) و دیوار چین در همین زمان ساخته شد. سلسلهٔ مزبور پس از چندی جای خود را به سلسلهٔ هان واگذار کرد. در این زمان چین از سوی غرب وسعت یافت و با دولتهای آسیای مرکزی و حتی دولت روم ارتباط برقرار کرد. در دورهٔ هان، دین بودا وارد این سرزمین شد و ترقی فرهنگی سریعی در چین روی داد و آیین‌های بودا و تائو رواج یافت و هنر رونق گرفت.

در دورهٔ سلسلهٔ تسین، بین سال‌های ۲۶۵ تا ۴۲۰ میلادی، قدرت مرکزی ضعیف شد و نوبت به خاندان سوئی و سپس تانگ رسید. در این دوره آیین کنفوسیوس تجدید حیات کرد و ادبیات چینی رونق گرفت.

در دورهٔ معروف به سلسله‌های پنجگانه، فن چاپ پیشرفت کرد. در زمان سلسلهٔ سونگ که در چین مرکزی و جنوبی سلطنت داشت، در چین شمالی و غربی دولتهایی تأسیس گردید که به

تبت؛ فلاتی مرتفع

تبت یا به زبان چینی سیتسانگ سرزمین مرتفعی است به وسعت حدود ۱،۴۵۰،۰۰۰ کیلومترمربع در آسیای مرکزی و جنوب غربی کشور چین. تبت استانی است خودمختار به مرکزیت شهر لهاسا و یکی از مرتفع‌ترین نواحی جهان محسوب می‌شود. ارتفاع متوسط آن به ۵،۰۰۰ متر می‌رسد وبیشتر آن را کوه‌های کونلون و هیمالیا در بر گرفته است.

رودهای تسانگپو و سند و ساتلج آن را مشروب می‌سازند و طلا و پیریت آهن و بوراکس و نمک از منابع طبیعی آن است. مردم تبت پیرو مذهب لامائی که ناشی از دین بودائی است، هستند و فرمانروای آن دالائی لاما نام دارد. دین بودائی در سدهٔ هشتم میلادی از هند وارد تبت شد و تا اواخر سدهٔ نوزدهم به شکل سرزمینی گوشه‌گیر و با درهای بسته و بدون ارتباط با خارج اداره می‌شد. در سال ۱۷۲۰ چینی‌ها در آن نفوذ یافتند و بعدها مدعی مالکیت بر آن شدند ولی تبت با حمایت انگلستان در سال ۱۹۱۳ استقلال خود را اعلام داشت. در سال ۱۹۵۰ مورد یورش چین قرار گرفت و به تصرف کشور مزبور درآمد و قرار شد تا حدی از خودمختاری داخلی برخوردار شود.

در مارس ۱۹۵۹ شورشی پر دامنه بر ضد حکومت کمونیست چین در تبت برپا شد که به وسیلهٔ چینی‌ها به شدت سرکوب گردید و دالائی لاما به هند گریخت و پانچن لاما به جای او عهده‌دار امور تبت گردید. دالائی لاما و دیگر رهبران تبت که در هند به سر می‌برند، دولت در تبعید تبت را تشکیل دادند و برای به دست آوردن استقلال به مبارزه پرداختند. در سال ۱۹۹۴ چین پسربچهٔ ۵ ساله‌ای را به عنوان پانچن لاما (مقام دوم پس از دالائی لاما) به مردم تبت معرفی نمود که مورد مخالفت دالائی لاما و دولت در تبعید تبت قرار گرفت. طی سالهای بعد دامنهٔ اختلافات بین چین و تبت وسعت یافت تا جایی که دالائی لاما و دیگر رهبران تبت در ردیف سرسخت‌ترین مخالفان دولت چین جای گرفته‌اند و از خواسته‌های خود دست نمی‌کشند.

یک کشور با دو نظام

با توجه به اختلافات فاحش درساختار سیاسی اقتصادی کشور چین و سرزمینهای هنگ‌کنگ و ماکائو که یکی از سیستم کمونیستی و آن دو از سیستم سرمایه‌داری پیروی می‌کردند، دولت چین تصمیم گرفت برای مرحلهٔ پس از الحاق مجدد این دو سرزمین به خاک اصلی چین، سیاست «یک کشور با دو نظام» را برای حل این معضل در پیش بگیرد. در این روش دولت چین در حین کنترل امور سیاسی و دفاعی این دو سرزمین و برخی مداخلات جزیی در امور اداری آن، سیستم سرمایه‌داری آنها را با اعطاء خودمختاری به ساکنین آن تداوم می‌بخشد و از تسری قوانین اقتصادی کشور (که بر پایه مبانی سوسیالیستی تنظیم شده‌اند) به این سرزمینها خودداری می‌کند.

هنگ‌کنگ

هنگ‌کنگ یا به زبان چینی شیانگ جیانگ، جزیره‌ای است به مساحت ۱۰۳۵ کیلومترمربع که در ساحل خاوری سرزمین اصلی چین، مجاور استان کوانگتونگ و در دهانهٔ رود کانتون واقع شده. در سال ۱۸۴۲ انگلستان در جنگ اول تریاک آن را تصرف کرد و در ۱۸۶۰ شبه جزیرهٔ کارلون را که روبروی هنگ‌کنگ قرار داشت و بخشی از سرزمین اصلی چین بود، همراه با اراضی اطراف آن نیز به دست آورد و در سال ۱۸۹۸ طی یک قرارداد ۹۹ ساله با دولت چین، آن را به اجارهٔ خود درآورد. هنگ‌کنگ به مرور رو به توسعه و پیشرفت نهاد و به یک مرکز بازرگانی و داد و ستد مهم در آسیای خاوری مبدل گردید. با روی کار آمدن کمونیست‌ها در چین (۱۹۴۸ - ۱۹۴۹) گروه کثیری از مردم چین که از حکومت کمونیست‌ها ناراضی بودند به هنگ‌کنگ پناهنده شدند. شرایط اقتصادی خاص حاکم بر هنگ‌کنگ به ویژه پس از روی کار آمدن دولت کمونیست چین، آن را به یک منطقهٔ خودکفا و مولد و صادرکننده صنایع سبک و نساجی و پوشاک و پلاستیک مبدل نمود و پول و ثروت را در آنجا متمرکز ساخت. با تحولاتی که از نظر تمایلات آزادی‌خواهی و داد و ستد بین‌المللی در چین پدید آمد، بر اهمیت هنگ‌کنگ بعنوان بهترین نقطهٔ ارتباط چین با جهان خارج افزوده گردید و بین ۳۰ تا ۵۰ درصد داد و ستدهای خارجی چین از طریق هنگ‌کنگ مبادله گردید و ۹۰ درصد سرمایه‌گذاریهای استان کوانگتونگ در آنجا متمرکز شد و قدرت مالی آن پس از نیویورک و لندن در درجهٔ سوم قرار گرفت.

در اوایل دههٔ ۱۹۸۰ مذاکراتی میان پکن و لندن آغاز شد و دربارهٔ سرنوشت و آیندهٔ هنگ‌کنگ که قرارداد اجارهٔ ۹۹ سالهٔ آن در ۱۹۹۷ به پایان می‌رسید، بررسی‌هایی صورت گرفت و توافق گردید که مالکیت چین بر هنگ‌کنگ بدون هیچ ابهامی محترم و به رسمیت شناخته شود و هنگ‌کنگ نیز از خودمختاری داخلی در حد عالی برخوردار باشد.

در سپتامبر ۱۹۹۱، مردم هنگ‌کنگ پس از ۱۵۰ سال به پای صندوق های رأی‌گیری رفتند و نمایندگان مجلس قانونگذاری خود را انتخاب کردند. در ساعت صفر روز سه‌شنبه یکم ژوئیه ۱۹۹۷ چین، طی تشریفات از پیش طراحی شده‌ای هنگ‌کنگ را رسماً تحویل گرفت و بازرگان معروف هنگ‌کنگی به نام تونگ‌چی‌هوآ به عنوان رئیس اجرایی هنگ‌کنگ و ریاست مجلس قانونگذاری ناحیهٔ مزبور منصوب گردید. بنابر توافق های قبلی و قانونی، مردم هنگ‌کنگ حقوق و آزادیهای خود را همچنان حفظ خواهند کرد و استقلال و آزادی عمل آن به عنوان یک مرکز داد و ستد مالی بین‌المللی محترم شمرده خواهد شد و این وضع تا ۵۰ سال آینده همچنان ادامه خواهد یافت. هنگ‌کنگ پول رایج خود یعنی دلار هنگ‌کنگ را حفظ خواهد کرد و گمرک آن به وسیلهٔ ساکنان اصلی آن اداره خواهد گردید و پکن فقط در امور دفاعی و روابط خارجی آن اعمال نظر خواهد نمود. با الحاق هنگ‌کنگ به چین و اقتصاد بازار آزاد و آزادیهای اجتماعی هنگ‌کنگ از یک سو و سیاست کنترل جدی در دیگر نواحی سرزمین پهناور چین از سوی دیگر، کشور چین را به مملکتی با دو نظام حکومتی متفاوت مبدل ساخته است. به همین دلیل بیشتر آمارهای منتشره در مورد اقتصاد یا سایر امور، برای سرزمین اصلی چین و هنگ‌کنگ به طور جداگانه منتشر می‌شود. در این کتاب نیز به طور استثنایی آمارهای هنگ کنگ به صورت جداگانه درج گردیده است.

ماکائو

ماکائو در دهانهٔ رود کانتون و حدود ۶۵ کیلومتری غرب هنگ کنگ قرار دارد. پرتغالی‌ها در سال ۱۵۵۷ بندر مزبور را مانند دیگر نقاط استراتژیک سر راه پرتغال به هندوستان و آسیای خاوری تصرف کردند و برای ادامهٔ استفاده از آن، سالانه اجاره‌ای را به چین پرداخت می‌کردند. در سال ۱۸۴۹ آن را یک بندر آزاد اعلام کردند و دولت چین نیز در سال ۱۸۸۷ آن را تأیید نمود. مستعمرهٔ ماکائو از بندر شهر ماکائو واقع در جزیرهٔ ماکائو و سه جزیرک کنار ساحل ترکیب یافته بود و پیش از اهمیت یافتن هنگ کنگ در سدهٔ نوزدهم، از بندرهای عمدهٔ تجارت خارجی چین به شمار می‌رفت.

در سال ۱۹۵۱ به یکی از استانهای ماوراء بحار پرتغال مبدل گردید. رونق یافتن هنگ‌کنگ از یک سو و ضعف تدریجی پرتغال که زمانی یک قدرت مستعمراتی به شمار می‌رفت، از اهمیت ماکائو کاست. در زمان انقلاب فرهنگی چین اقداماتی برای بازپس گیری ماکائو و اغتشاشاتی علیه دولت پرتغال به عمل آمد ولی موقتاً متوقف شد. در سال ۱۹۷۴ پس از سقوط رژیم دیکتاتوری آنتونیو سالازار، دولت پرتغال مصمم شد تا ماکائو را به چین بازگرداند ولی به دلایل سیاسی از این کار منصرف شد و به دنبال آن اعلام گردید که ماکائو به چین تعلق دارد و به وسیلهٔ پرتغال اداره می‌شود. مذاکرات سال ۱۹۸۵ بین چین و انگلستان دربارهٔ سرنوشت هنگ‌کنگ با موفقیت و رضایت طرفین به پایان رسید و پکن توجه خود را به سوی ماکائو معطوف ساخت و پس از گفتگو و مذاکرات مفصل قرار شد ماکائو در سال ۱۹۹۹ رسماً به چین ملحق گردد و مانند هنگ‌کنگ اداره شود. ماکائو از سرزمین اصلی چین به وسیلهٔ رودخانهٔ باریکی جدا می‌شود و با وجود این که دولت از مهاجرت و رفت و آمد چینی‌ها به شهر مزبور جلوگیری می‌کند، با این حال مهاجرت‌های غیرقانونی و رفت و آمدهای مکرر روزانه همچنان ادامه دارد. در سال ۱۹۸۸ دولت به کارگران چینی اجازه داد تا برای کار به ماکائو رفت و آمد کنند و در عین حال دولت چین آب مورد نیاز ماکائو و همچنین قسمتی از نیروی برق شهر ماکائو را تأمین نمود. یکی از منابع عمدهٔ درآمد ماکائو در گردشگری و سرمایه گذاری در صنایع سبک (مانند اسباب‌بازی و نساجی) است و به همین مناسبت چین در نزدیکی مرز ماکائو اقدام به احداث فرودگاه و هتل کرده تا گردشگرانی که از هنگ‌کنگ به دیدن ماکائو می‌آیند، از امکانات رفاهی برخوردار شوند. در سال ۱۹۸۹ برای صد هزار سکنهٔ ماکائو پاسپورت پرتغالی صادر گردید و امکان استفاده از حقوق و مزایای شهروندان پرتغالی به آنان نیز داده شد.

فرماندار ماکائو در سال ۱۹۹۱ به شهروندان چینی اجازه داد تا در ماکائو مشغول به کار شوند و زبان کانتونی نیز همسان با زبان پرتغالی رسمیت یابد. در ۱۹۹۳ مجلس قانونگذاری ماکائو تحویل رسمی ماکائو به چین در سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ را به تصویب رسانید و به مؤسسات اقتصادی و کازینوها نیز اجازه داد تا پس از تحویل و تحول همچنان به کار خود ادامه دهند. ماکائو طبق برنامهٔ پیش‌بینی شده در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۹، پس از ۴۴۲ سال به چین تحویل داده شد و به بخشی از استان کانتون مبدل گردید و به عنوان منطقه ویژه اداری، مانند هنگ‌کنگ به صورت نیمه خودمختار اداره می‌شود.

جدول مشخصات کلی هنگ‌کنگ



نام رسمی: منطقه ویژهٔ اداری هنگ‌کنگ

نام محلی: زیانگ گانگ (شیانگ‌جیانگ) Xianggang(Shiang jiang)

اسامی دیگر: -

مرکز: هنگ‌کنگ(ویکتوریا) ۱،۳۳۷،۸۰۰ نفر

تاریخ استقلال: در سال ۱۹۹۷ استعمار انگلستان بر آن پایان یافت

روز ملی: اول ماه اکتبر (روز ملی جمهوری خلق چین)

نوع حکومت: منطقه ویژهٔ اداری تحت حکومت جمهوری خلق چین، از سال ۱۹۹۷

رئیس حکومت: رئیس اجرایی: تونگ‌چی- هوآ، از سال ۱۹۹۷

رئیس دولت: رئیس اجرایی: تونگ‌چی- هوآ، از سال ۱۹۹۷

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۷؛ یک مجلس قانونگذاری به نام شورای قانونگذاری با ۶۰ عضو که ۲۴ عضو آن مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند و ۳۶ عضو باقیمانده توسط گروه‌های مختلف صنفی و یک کمیته انتخاب یا منصوب می‌شوند. کرسی‌های شورای قانونگذاری(۲۰۰۰): حزب دموکرات ۱۲ کرسی؛ اتحاد دموکراتیک برای هنگ‌کنگ بهتر (هوادار حزب کمونیست چین) ۱۱ کرسی؛ حزب لیبرال ۸ کرسی؛ اتحاد ترقی‌خواه هنگ‌کنگ ٤ کرسی؛ حزب خط مقدم ۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: یونیسف، یوپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، آپک

جمعیت

مساحت: ۱،۰۹۲ کیلومترمربع

جمعیت: ۶،۷۱۵،۰۰۰ نفر، طبق سرشماری سال ۲۰۰۱

تراکم جمعیت: ۶،۱۶۵/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۹۹-۱۹۹۰) :** ۲/۱٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۸،۰۱۵،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** بیش از صد سال

جمعیت شهری (۲۰۰۱): ۱۰۰٪

توزیع سنی: زیر ۱۵ سال ۱۶/۵٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۱/۶٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۴۷٪؛ بالای ۶۰ سال ۱۴/۹٪

توزیع جنسی (۲۰۰۱): مرد ٤۹٪؛ زن ۵۱٪ — **امید به زندگی:** زنان ۸۲/۲ سال؛ مردان ۷۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۸/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۵/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۲/۹ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۹): بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۶۲/۵ نفر؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۳٤/٤ نفر؛ بیماری‌های دستگاه تنفسی ۹۲/۹ نفر؛ حوادث و مسمومیت ۲۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۲۰/۸ نفر؛ بیماریهای دستگاه تناسلی ۲۱ نفر

میانگین زایمان زنان بارور(۲۰۰۰): ۱/۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۲۰۰۰): ٤/۶ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۱): چینی ۹۵/۸٪؛ انگلیسی ۲/۲٪؛ ویتنامی ۱٪؛ بقیه ۱٪

دین(۱۹۹٤): بودایی و تائوئیست ۷۳/۸٪ ؛ مسیحی ۸/٤٪؛ مسلمان ۰/۸٪؛ هندو ۰/۲٪

زبان و خط: چینی و انگلیسی (زبانهای رسمی)؛ خط: چینی و لاتین

شهرهای مهم: کولون؛ نیوکولون

بنادر مهم: هنگ‌کنگ (دریای چین جنوبی)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلارهنگ‌کنگ(HK$)=۱۰۰سنت؛یک دلار= ۷/۸ دلار هنگ‌کنگ؛ یک دلار هنگ‌کنگ= ۱،۰۲۵ ریال

درآمد بودجه(۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۲۲۹،۳۲۲ میلیون دلار هنگ‌کنگ؛ مالیات بر درآمد و سود ۲۸/۵٪؛ درآمد سرمایه‌ای ۲۵٪؛ مالیات‌های غیر مستقیم ۱۷/۸٪(از جمله تعرفه تمبر و عوارض سرگرمی‌ها ۹/۸٪) و سایر تعرفه‌ها ۳/۲٪

هزینه بودجه(۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۲۷۸،٤۱۶ میلیون دلار هنگ‌کنگ؛ آموزش ۱۸/۸٪؛ مسکن ۱۶/۹٪؛ بهداشت ۱۱/۶٪؛ رفاه اجتماعی ۱۰/۲٪؛ نظم و قانون ۹/۸٪؛ حمل و نقل و امور عمومی ۸/۷٪؛ فرهنگ ۳/۵٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): ۱۵۸/۷ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۹):** ۲۳،۶۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۹-۱۹۹۰): ۳/۷٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۰/۱٪؛ صنعت ۱٤/۷٪؛ خدمات ۸۵/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۸۸۶ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۶۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی: ؟ — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸):** ۳۹- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۳۰/۵٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۹-۱۹۹۰): ۵/۲٪؛ ۱۹۹۸: ۱/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سبزیجات ٤۸،۰۰۰ تن؛میوه ۳،۷۷۰ تن؛ محصولات مزرعه‌ای ۵٤۰ تن؛ شیر ۲٤۱ تن

کاربری زمین(۱۹۹۵) : کشاورزی ۵/۸٪؛جنگل ۲۰/۱٪؛استخرهای پرورش ماهی ۱/۵٪؛ مناطق مسکونی و سایر موارد ۷۲/۶٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): خوک ٤۱۵،۰۰۰ رأس؛ گاو ۳۶ رأس

تولید چوب(۱۹۹۶): ۲۰۶،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۹):** ۱۲۷،۸۸۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۰ تن

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): (ارزش افزوده به میلیون دلار هنگ‌کنگ): نشر و چاپ ۱۳،۳۹۸؛ منسوجات ۹،۳۱۶ ؛ پوشاک ۹،۰۸۹؛ تولیدات الکتریکی و الکترونیکی ۷،۵۵۱؛ ماشین‌آلات و تجهیزات ۶،۱۲۳؛ تجهیزات اداری و دفتری ۳،۹۹۷؛ فلزهای اساسی و مصنوعات فلزی ۳،۸۸۹

انرژی/میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۵): ۲۷،۹۱۶،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳۳،۹۷۹،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ: صفر(۹،۱۰۹،۰۰۰ تن)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۳،۳۸۷،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۲۰۰۰): ۳،۳۸۲،۷۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۹/۳٪؛ میزان مشارکت در سنین ۱۵ سال به بالا: ۶۰/۷٪؛ میزان مشارکت زنان ٤۹/۱٪؛ میزان بیکاری ۵٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۰/۳٪؛ صنعت ۲٤/۵٪؛ خدمات ۷۵/۲٪

نیروی دفاعی: ؟

واردات(۲۰۰۰): ۱،۶۵۷،۹۶۲ میلیون دلار هنگ‌کنگ ؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۲/۷٪؛ کالاهای ساخته شده صنعتی ۱۷٪؛ فرآورده‌ها و مواد شیمیایی ۶/۳٪؛ مواد غذایی و نوشیدنی ٤/۱٪؛ سوخت‌های معدنی و روغن‌های روانکاری ۲/۱٪؛ از چین ٤۳/۱٪؛ ژاپن ۱۲٪؛ تایوان ۷/۵٪؛ امریکا ۶/۸٪؛ کره جنوبی ٤/۹٪؛ سنگاپور ٤/۵٪

صادرات(۲۰۰۰): ۱۸۰،۹۶۷ میلیون دلار هنگ‌کنگ؛ شامل پوشاک ٤۲/۸٪؛ ماشین‌آلات برقی ۱۵/۸٪؛ منسوجات ۵/۱٪؛ کامپیوتر و لوازم اداری ۳/۲٪؛ جواهرآلات ۳/۲٪؛ کتاب و نشریه ۲/۵٪؛ تجهیزات مخابراتی ۲/۳٪؛ به امریکا ۳۰/۱٪؛ چین ۲۹/۹٪؛ انگلستان ۵/۹٪؛ آلمان ۵/۱٪؛ تایوان ۳/۳٪؛ (به علاوه ۱،۳۹۱،۷۲۲ میلیون دلار هنگ‌کنگ با جزئیات نامعلوم)

تراز بازرگانی:	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
میلیون دلار هنگ‌کنگ	-۱٤۶،۹۹٤	-۱۳۷،۶۶٤	-۱۵۹،۱٤۱	-۸۱،٤٤۳	-٤۳،۷۱۸	-۸۵،۲۷۳
درصد کل	۵/۲٪	٤/۷٪	۵/۸٪	۲/۹٪	۱/۶٪	۲/۶٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱۰۶/۳	۱۱۲/۵	۱۱۵/۷	۱۱۱/۱	۱۰۷/۱
شاخص درآمد ماهانه	۱۰۰	۱۰٤/۵	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۲۰۰۰): ۳/۳ نفر؛ درآمد ماهانه هر خانوار (۱۹۹۶): ۱۷،۵۰۰ دلار هنگ‌کنگ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۹۵-۱۹۹٤): مواد غذایی ۲۹/۵٪؛ مسکن ۲۸/۸٪؛ حمل و نقل ۷/۸٪؛ پوشاک و کفش ۶/۷٪ ؛ کالاهای بادوام ۵/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد از جهانگردان: ۷،۲۱۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۲۰۰۰): ۱،۹۰٤ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۳٤ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۲۰۰۰): ۳۳۲،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۲۰۰۰):** ۱۳۳،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ؟ — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامه منظم پروازی

روزنامه: ۵۲ روزنامه در ۵،۰۰۰،۰۰۰ نسخه (۸۰۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۵۹۸ عنوان

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۷۰۰،۰۰۰ گیرنده رادیویی (۵۸۶ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲،۸۸٤،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۲۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۹): ۳،۸۶۹،۰۰۰ خط تلفن (۵۷۶ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ٤،۲۷۵،۰۰۰ خط (۶۳۶ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۲،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۲،٤۳۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۲۰۰۱)	۸۱۶	۲۲،۳٤٤	٤۹۳،۹۷۹	۲۲
متوسطه	۵۲۵	۲٤،٤۵۳	٤۵۶،۶۹۳	۱۸/۵
فنی و حرفه‌ای	۹	۱،۰۵۸	۲۲،۲۷۹	۲۱
عالی	۲۸	۵،۸۹۲	۵۹،٤۷۹	۱۰/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۲/۲٪ ؛ مردان ۹۶٪؛ زنان ۸۸/۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: بدون تحصیلات رسمی ۹/۵٪؛ ابتدایی ۲۲/۶٪؛ متوسطه ٤۶/۶٪؛ عالی ۲۱/۳٪

تعداد پزشک(۲۰۰۰): ۱۰،۱۳۰ نفر (هر ۶۵۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۲۰۰۰): ۳۵،۱۰۰ تخت (هر ۱۹۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۲۰۰۱): در سنین ۱۵ تا ٤۹ سال ۰/۰۸٪

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۹): در هر صد هزار نفر ۱۱۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،۲۳۱ کالری (۱٤۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ۶۳٪؛ مصرف فرآورده‌های دامی و لبنی ۳۷٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۵۰/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۲۳/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۷۲ (بیست و ششمین رتبهٔ جهان)

دست چنگیزخان مغول برافتادند ولی دولت قراختای از ۹۱۶ تا ۱۱۲۵ دوام آورد.

مغولها در سال ۱۲۷۹ سرتاسر چین را تصرف کردند و با تأسیس سلسلهٔ یوآن، خانبالق را به پایتختی خود برگزیدند. در زمان قوبلای قاآن، مارکوپولو، سیاح معروف ونیزی به چین سفر کرد و مجالس مشورتی در چین تأسیس گردید و این کشور از طریق شاهراههایی چند با مسکو و تبریز ارتباط برقرار کرد. اسلام هم در همین زمان در چین رواج یافت و کلیساهای نسطوری، یونانی و کاتولیک رومی و آیین بودایی تبتی نیز در همین زمان وارد چین گردید و فنون و اختراعاتی مانند حروف قابل انتقال در فن چاپ، باروت، قطب‌نما، بادبادک و ساعت در این دوره از چین به اروپا راه یافت. پس از سلسلهٔ یوآن، سلسلهٔ مینگ که چینی الاصل بودند بر سر کار آمد و پایتخت ازنانکینگ به پکن منتقل شد. در سال ۱۵۵۷ پرتغالی‌ها در ماکائو مهاجرنشین دایر کردند و اسپانیایی‌ها هم در همان سال، هلندی‌ها در ۱۶۰۶ و انگلیسی‌ها در ۱۶۳۷ به چین راه یافتند.

منچوها در سال ۱۶۴۴ سلسلهٔ چینگ یا منچو را تأسیس نمودند و چین را به اوج قدرت و عظمت خود رساندند و با تجارت بیگانگان به ویژه اروپایی‌ها که بر شمارشان رفته رفته اضافه می‌شد، به مخالفت برخاستند. انگلیسی‌ها که از این وضع ناراضی بودند شعله‌های جنگ تریاک را از سال ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۲ برافروختند که منجر به شکست چینی‌ها شد و در نتیجه بندرهای کانتون، آموی، فوچو، نینگپو و شانگهای به روی آنان باز شد و اروپاییان شروع به مداخله در امور داخلی چین کردند و سلسلهٔ چینگ را تضعیف نمودند. شورش تایپینگ که در سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۰ به درازا کشید و هدفش سرنگونی خاندان چینگ بود، قسمت اعظم چین جنوبی را به ویرانی کشید. در دومین جنگ انگلستان و چین که از ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۰ ادامه داشت، تین‌تسین نیز به روی تجارت خارجی گشوده شد و به دنبال آن امپراتوران چین به آلت دست اروپاییان مبدل شدند و بنابر ارادهٔ آنان عمل می‌کردند. روسیه نیز بیکار ننشست و در همان زمان سرزمینهای خاور دور چین را اشغال نمود و امتیاز راه‌آهن منچوری را به دست آورد و بندر پورت‌آرتور را از چین اجاره نمود.

در اولین جنگ چین و ژاپن که از ۱۸۹۴ تا ۱۸۹۵ به درازا کشید، چین مغلوب شد و فرمز را از دست دادو کره استقلال یافت. نفوذ اروپاییان از هرسو، کشور چین را به کل از پا درآورد و با باز شدن پای امریکاییها که خواهان حق مساوی در تجارت با چین برای همهٔ ملل بودند، کاسهٔ صبر چین لبریز شد و منجر به شورش بوکسرها در سال ۱۹۰۰ گردید که با شکست مواجه شد و سلسلهٔ چینگ در لب پرتگاه سقوط قرار گرفت و سرانجام به انقلاب جمهوری‌خواهان به رهبری سون‌یات‌سن منجر شد و سلسلهٔ چینگ در سال ۱۹۱۲ منقرض گردید و شهرها یکی پس از دیگری به دست انقلابیون افتاد و حکومت جمهوری در کشور اعلام شد و دکتر سون‌یات‌سن به ریاست جمهوری رسید ولی اندک زمانی بعد وی جای خود را به یوآن شی‌کای داد و به دنبال آن کشمکش های داخلی آغاز گردید و در سال ۱۹۱۶ پس از مرگ یوآن، دولت پکن یا چین شمالی به دست امرای نظامی افتاد و همزمان دکتر سون‌یات‌سن پایه‌های حزب ملیون را در کانتون مستحکم نمود.

در جنگ جهانی اول، چین به نفع متفقین وارد جنگ شد (۱۹۱۷) و پس از جنگ چین فسخ امتیازات بیگانگان را خواستار شد که در کنفرانس صلح ورسای رد گردید و این امر به تظاهرات وسیعی در سراسر چین منجر شد. در کنفرانس سال ۱۹۲۲ واشینگتون، بعضی از امتیازات بیگانگان لغو گردید و تمامیت ارضی چین تضمین شد و شبه جزیرهٔ شانتونگ از ژاپن و انگلستان گرفته شد و به چین واگذار گردید.

دکتر سون‌یات‌سن در سال ۱۹۲۵ درگذشت و ژنرال چیانگ کای‌چک رهبر حزب مقتدر کوئومینتانگ جانشین او گردید و کشور را تحت لوای واحد حکومت ملی درآورد و نانکینگ را در سال ۱۹۲۸ پایتخت قرار داد. اختلاف سال ۱۹۲۷ میان کمونیست‌ها و ملی گرایان، کمونیست‌ها را به ایالت کیانگ‌سی راند و ژاپن با استفاده از اختلاف داخلی چین، منچوری را اشغال نمود و دولت دست‌نشاندهٔ منچوکوئو را در آنجا بر سر کار آورد. کار چین و ژاپن به جنگ ۱۹۳۷ کشید و بیشتر نواحی اقتصادی و مهم چین به تصرف ژاپن درآمد و دولت ملی چین ناچار به عقب‌نشینی شد و چونگ‌کینگ را به پایتختی انتخاب کرد و با کمک امریکا و انگلستان علیه ژاپن به مقاومت و زد و خورد پرداخت. با خاتمه یافتن جنگ جهانی دوم و تسلیم ژاپن در سال ۱۹۴۵، ژاپن چین را تخلیه کرد و ملیّون و کمونیست‌ها به نواحی آزاد شده وارد شدند و رودرروی یکدیگر قرار گرفتند و آتش جنگ داخلی را برافروختند. ملیّون چین که از حمایت دولت امریکا بهره‌مند بودند، در سال ۱۹۴۸ ژنرال چیانگ کای‌چک را به رئیس جمهوری برگزیدند اما ملیّون در مقابل فشار کمونیست‌ها تاب مقاومت نیاوردند و به تدریج عقب‌نشینی کردند و سرانجام در سال ۱۹۵۰ سرزمین اصلی چین را ترک کردند و به جزیرهٔ تایوان (فرمز) پناهنده شدند.

کمونیست‌ها در اول اکتبر ۱۹۴۹ جمهوری خلق چین را تأسیس نمودند و پکن را به پایتختی برگزیدند و مائوتسه‌تونگ را به ریاست جمهوری و چوئن لای را به نخست‌وزیری برگزیدند. در این هنگام بیشتر کشورهای جهان غیر از کشور امریکا آن را به رسمیت شناختند. چین کمونیست در جنگ کره (نوامبر ۱۹۵۰) مداخله کرد و در مذاکرات صلح (ژوئیه ۱۹۵۳) بطور مؤثر شرکت داشت. در سال ۱۹۵۴ قانون اساسی جمهوری خلق چین تصویب گردید و برنامه‌های پنجساله برای توسعه صنایع و کشاورزی طرح‌ریزی و به مورد اجرا گذارده شد (۱۹۵۸). در سال ۱۹۵۰ چین کمونیست به تبت حمله کرد و آن را به صورت یک استان خودمختار داخلی ضمیمهٔ خود کرد و دالائی لاما را به حکومت داخلی آن گماشت. در ۱۹۶۵ به دستور مائوتسه‌تونگ انقلاب فرهنگی در سراسر چین آغاز گردید و در دههٔ ۱۹۷۰ چین با حضور خود در صحنه‌های بین‌المللی، نقش مؤثری ایفا نمود و روابط خود را با بیشتر کشورهای جهان گسترش داد و با امریکا روابط سیاسی خود را پس از حدود ۲۵ سال دوباره برقرار کرد. در سال ۱۹۷۱ با اخراج تایوان از سازمان ملل متحد که با عنوان جمهوری چین یا چین ملی، نمایندگی کشور چین را به عهده داشت، جمهوری خلق چین به عنوان یکی از پنج عضو دائمی شورای امنیت، به این سازمان پیوست. در سال ۱۹۷۶ مائوتسه‌تونگ درگذشت و هواکوفنگ به جانشینی او انتخاب شد و با استعفای هواکوفنگ در سال ۱۹۸۱ دنگ‌شیائوپینگ قدرت را در دست گرفت.

در سال ۱۹۸۶ دانشجویان شانگهای دست به راهپیمایی و تظاهرات آرام زدند و آزادی مطبوعات و دگرگونیهای سیاسی را خواستار شدند که با عکس‌العمل شدید نیروهای امنیتی روبرو شد و سرکوب گردید. در پی این حادثه، هویائوبانگ، دبیرکل حزب کمونیست به اتهام حمایت از تظاهرکنندگان و ترویج عقاید غربی از کار برکنار شد. در مارس ۱۹۸۹ تبتی‌ها دست به تظاهرات زدند و علیه فشارهای فرهنگی و محدودیت‌های مذهبی قیام نمودند و حقوق سیاسی بیشتری را درخواست کردند. این تظاهرات نیز با واکنش مسلحانه پلیس روبرو شد و سه روز به درازا کشید و عدهٔ زیادی دستگیر و حتی اعدام شدند. در آوریل ۱۹۸۹ همزمان با مرگ هو یائوبانگ هزاران دانشجو در میدان تین‌آن‌من شهر پکن گرد آمدند و یاد مردی را که سمبل آزادی چین بود گرامی داشتند و توقف ارتشاء و فساد اداری و انجام دگرگونی در حزب کمونیست و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی را خواستار گردیدند. به دنبال اجتماع چند روزه دانشجویان، صدها هزار کارگر و شهروند پکنی به پشتیبانی از دانشجویان و خواسته‌های آنان به پا خاستند و مسیر خیابانها و راه‌ها و معابر را بستند تا از حملهٔ پلیس به دانشجویان جلوگیری کنند. عین همین تظاهرات در دیگر شهرهای مهم چین نیز به وجود آمد، تا این که در روز چهارم ژوئن ۱۹۸۹ حملهٔ شدید و کوبندهٔ نیروهای امنیتی علیه تظاهرکنندگان آغاز گردید و با کشته شدن صدها تن و هزاران زخمی تظاهرات سرکوب گردید و رهبر شورشیان و مهره‌های اصلی تظاهرات دستگیر و محاکمه شدند و تنها تغییری که داده شد آن بود که لی‌پنگ به نخست‌وزیری رسید.

در سپتامبر ۱۹۹۱ انگلستان هیئتی را به پکن اعزام داشت تا دربارهٔ ترتیب و احداث فرودگاهی در هنگ‌کنگ با مقامات چینی گفتگو کنند. دنگ شیائو پینگ رهبر چین که به ۸۷ سالگی رسیده بود جای خود را به جیانگ زمین دبیرکل حزب کمونیست چین واگذار کرد و ژائوژیانگ دبیرکل پیشین حزب کمونیست به دلیل حوادث میدان تین‌آن‌من مورد سرزنش قرار گرفت. در نوامبر ۱۹۹۱ روابط سیاسی چین و ویتنام دوباره برقرار شد و در همان ماه رهبران دانشجویان تین‌آن‌من از زندان آزاد شدند. در ۱۹۹۲ چین پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضاء کرد و کنگره ملی خلق چین جیانگ زمین را به ریاست جمهوری کشور برگزید و لی‌پنگ نیز در پست نخست‌وزیری ابقاء گردید. در آوریل سال ۱۹۹۲ طرح احداث سه سد عظیم بر رودخانهٔ یانگ‌تسه به تصویب رسید.

دنگ شیائوپینگ در فوریهٔ ۱۹۹۷ پس از یک بیماری طولانی درگذشت و به دنبال آن پانزدهمین کنگرهٔ حزب کمونیست چین تشکیل شد و تغییراتی را در صحنه‌های سیاسی کشور اعلام داشت. در مارس ۱۹۹۸ کنگرهٔ ملی خلق چین تصمیمات کنگرهٔ حزب کمونیست را مورد تأیید و تصویب قرار داد و جیانگ زمین را مجدداً به رهبری کشور منصوب نمود و هوجینتائو را به عنوان معاون و جانشین احتمالی جیانگ زمین انتخاب کرد. و لی‌پنگ را به ریاست پارلمان یا کنگرهٔ ملی برگزید و ژو رونگجی مقام نخست‌وزیری را اشغال نمود.

روز یکم ژوئیه ۱۹۹۷ هنگ‌کنگ پس از ۱۵۵ سال طی تشریفات خاصی به چین واگذار شد. سیل‌های سال ۱۹۹۸ که در طی دهه‌های اخیر بی‌سابقه بود، به مرگ بیش از ۴۰۰۰ نفر و بیش از ۲۵ میلیارد دلار خسارت در نواحی اطراف رود یانگ تسه منجر شد. تکرار این سیل‌ها در اوت ۱۹۹۹ سبب اعلام وضعیت فوق‌العاده در نواحی سیل‌زده شد و بیش از ۲ میلیون نفر نقل مکان یافتند. در ژوئیه همین سال تعدادی از اعضای فرقهٔ فالون گونگ دستگیر شدند و دولت چین تقاضای دستگیری لی هونگژی، رهبر این فرقه را که در امریکا زندگی می‌کند، تسلیم پلیس بین‌المللی نمود. در ماه دسامبر، سرزمین ماکائو از سوی پرتغال به چین بازگردانده شد و قرار شد این سرزمین نیز مانند هنگ‌کنگ تا ۵۰ سال به صورت خودمختار و به صورت منطقه ویژه اداری، اداره شود. در طی سال ۲۰۰۰ تعدادی از مقامات بلندپایه حزب کمونیست چین در استان‌های مختلف این کشور به جرم فساد مالی دستگیر، و برخی از آنان اعدام شدند. در همین سال تعدای از پیروان فرقه فالون‌گونگ نیز که دست به تظاهرات خاموش در میدان تین‌آن‌من و در مقابل دفتر جیانگ زمین زده بودند، بازداشت شدند.

در نوامبر سال ۲۰۰۱، چین پس از سالها تلاش برای وفق دادن قوانین داخلی خود با مقررات سازمان تجارت جهانی، به عضویت این سازمان درآمد و پس از آن هم تلاشهای رهبران این کشور برای پیوستن به جریان جهانی سازی اقتصاد افزایش یافته است. در نوامبر سال ۲۰۰۲، شانزدهمین کنگره حزب کمونیست چین نیز بر گرایش هرچه بیشتر به سوی اقتصاد بازار تأکید نمود. در این کنگره هوجینتائو به دبیرکلی حزب کمونیست برگزیده شد و شرایط تعیین وی برای به دست گرفتن ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۳ فراهم آمد.

دانمارک DENMARK

کشور دانمارک در مرکز شمالی اروپا و در کنار دریای شمال واقع است و از هموارترین و کم‌ارتفاع‌ترین سرزمینهای قارهٔ اروپاست. از شمال به تنگهٔ اسکاژراک (اسکاگراک)، از خاور به دریای‌بالتیک و تنگهٔ کاتگات، از جنوب به آلمان و از غرب به دریای‌شمال محدود است. این کشور که از شبه جزیرهٔ ژوتلند و چندین جزیره مانند زیلند (شلان)، فون، لولان، بورنهولم، فالستر ولانگلان تشکیل یافته، ارتفاع متوسط آن از ۳۵ متر تجاوز نمی‌کند. رودهای کوتاه و پرآب و جلگه‌های سبز و خرم و حاصلخیز و مراتع فراوان از ویژگیهای آن است. اقلیم آن در تابستان گرم و بارانی و در زمستان خیلی سرد است. کشاورزی بسیار پیشرفته‌ای دارد و فرآورده‌های گوشتی و ماهیگیری در سطح وسیع و صنایع کشتی‌سازی از مصنوعات و فرآورده‌های آن است. رودخانه‌های استورو، اسکیرن و وارده از مهمترین رودهای آن به شمار می‌آیند و بلندترین نقطهٔ آن کوه یدینگ سکووهوی، ۱۷۳ متر ارتفاع دارد. بزرگترین و مهم‌ترین جزیرهٔ آن جزیرهٔ زیلند ۷۰۱۶ کیلومترمربع وسعت دارد و پایتخت نیز در این جزیره واقع است.



تاریخچه

نخستین بومیان دانمارک شکارچیانی بوده‌اند که حدود ده هزار سال پیش از میلاد در این کشور می‌زیسته‌اند. حدود سال ۵۰۰ میلادی آلمانی‌های شمالی به جزایر این کشور وارد شدند و به ماهیگیری و دریانوردی اشتغال ورزیدند. در دورهٔ وایکینگ‌ها، دانمارکی‌ها نقش عمده‌ای در مهاجمات نورمان‌ها به اروپای غربی برعهده داشتند. اولین شاه مسیحی دانمارک هرلد کبوددندان نام داشت. وی در سال ۹۸۵ درگذشت و پسرش سوین انگلستان را فتح کرد. در سالهای ۱۰۱۸ تا ۱۰۳۵ کنوت، دانمارک و انگلستان و نروژ را تحت لوای واحد درآورد و سوئد جنوبی تا سال ۱۶۵۸ جزء دانمارک بود. والدمار اول و والدمار دوم استیلای دانمارک را بسط دادند و والدمار چهارم بر قدرت دانمارک افزود. در سال ۱۳۹۷ مارگریت اتحاد دانمارک و سوئد و نروژ را برقرار ساخت که اتحاد بانروژ تا سال ۱۸۱۴ ادامه داشت.

در سال ۱۴۴۸ کریستیان اول به سلطنت دانمارک رسید. او که از خاندان اولدنبورگ (نیای خاندان سلطنتی فعلی دانمارک) بود، شلسویگ و هولشتاین را تحت سلطنت دانمارک درآورد و کریستیان سوم اصلاح دینی را رواج داد. شرکت دانمارک در جنگهای سی ساله و جنگهای فردریک سوم با سوئد، زوال دانمارک را موجب گردید و قدرت سوئد بر نواحی شمالی اروپا استقرار یافت. فردریک سوم و کریستیان پنجم (۱۶۷۰ تا ۱۶۹۹) با استبداد تمام بر دانمارک سلطنت کردند و سلطهٔ دانمارک بر ایسلند باقی ماند. فردریک چهارم تلاش کرد تا نواحی شلسویگ و سوئد جنوبی را دوباره به دست آورد. پس از او کریستیان ششم (۱۷۳۰ میلادی)، فردریک پنجم (۱۷۴۶ میلادی)، کریستیان هفتم (۱۷۶۶ میلادی) و فردریک ششم (۱۸۰۸ میلادی) بر دانمارک و نروژ سلطنت کردند. فردریک ششم با انگلستان جنگید و معاهدهٔ وین (۱۸۱۵) نروژ را از دانمارک جدا کرد. پس از کریستیان هشتم پسرش فردریک هفتم (۱۸۴۸ میلادی) و سپس کریستیان نهم (۱۸۶۳) به سلطنت رسیدند. در این زمان شلسویگ و هولشتاین به دانمارک ملحق شدند و به همین انگیزه میان دانمارک و پروس و اتریش جنگ درگرفت و نواحی مزبور دوباره از دست دانمارک خارج گردید. پس از کریستیان نهم فرزندش فردریک هشتم در سال ۱۹۰۶ به سلطنت رسید و پس از او کریستیان دهم در سال ۱۹۱۲ جانشین او شد.

دانمارک در جنگ جهانی اول بی‌طرفی اختیار کرد و در جنگ جهانی دوم از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ تحت اشغال آلمان قرار داشت. در ۱۹۴۴ ایسلند که تا آن زمان در تصرف دانمارک بود، اعلام استقلال کرد. پس از پایان جنگ، فردریک نهم در سال ۱۹۴۷ به پادشاهی دانمارک رسید و دانمارک از نظر اقتصادی و سیاسی پیشرفتهای شایان توجهی کرد. با مرگ فردریک نهم در سال ۱۹۷۲ دخترش مارگرت دوم به پادشاهی رسید.

بحران اقتصادی حاصل از بحران نفت در سال ۱۹۷۳ به اقتصاد دانمارک لطمهٔ فراوان زد و نرخ بیکاری به ۱۴ درصد رسید. در دههٔ ۱۹۸۰ زنان ۲۳ درصد کرسی‌های پارلمان را از آن خود کردند و در ۱۹۸۲ دو نفر زن به هیئت دولت دانمارک وارد شدند و مسئولیت وزارتخانه‌های کار و امور مذهبی را عهده‌دار گردیدند. در سال ۱۹۸۶ پارلمان محدودیتهای اکیدی برای حفظ محیط زیست به تصویب رساند و استفاده از انرژی هسته‌ای را ممنوع نمود. در همه‌پرسی سال ۱۹۹۳ الحاق به پیمان ماستریخت به تصویب مردم رسید و به دنبال آن دانمارک به اتحادیه اروپا پیوست و پول واحد اروپا را نیز پذیرفت. در سال ۱۹۹۴ پل نیروپ راسموسن از حزب سوسیال دموکرات برای بار دوم به نخست‌وزیری رسید و در انتخابات ۱۹۹۸ نیز برای بار سوم به نخست‌وزیری منصوب شد. به دنبال اوج گیری موج مخالفت با مهاجرت بیگانگان به دانمارک، در سال‌های آخر دههٔ ۱۹۹۰، برخی احزاب این کشور نیز همگام با خواستهٔ عمومی به ارائهٔ برنامه‌هایی برای محدودیت پذیرش مهاجران پرداختند. به همین سبب احزاب راست میانه در انتخابات سال ۲۰۰۱ به پیروزی رسیدند و با کسب ۹۸ کرسی، دولت ائتلافی جدیدی به ریاست آندرس فوگ راسموسن، از حزب لیبرال تشکیل دادند.

سرزمینهای خارجی دانمارک DANISH EXTERNAL TERRITORIES

جزایر فارو
The Faeroe Islands

جزایر فارو یا به زبان دانمارکی فروئرنه، مجمع‌الجزایری است به وسعت حدود ۱۴۰۰ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۴۶,۶۰۰ نفر(۲۰۰۱)، واقع در اقیانوس اطلس، شمال انگلستان و حدود ۳۲۰ کیلومتری شمال غربی جزایر شتلند. از این مجموعه که از ۲۲ جزیره تشکیل یافته، فقط ۱۷ جزیرهٔ آن مسکون است و بزرگترین آنها به نام استریموی ۳۸۵ کیلومترمربع مساحت دارد. اقلیم آن معمولاً معتدل و بارانی و اغلب ابری است. فقط ۶ درصد اراضی این جزایر قابل کشت بوده و فرآورده‌های کشاورزی آن به سبزیجات محدود می‌شود و غلات در آن به عمل نمی‌آید. پرورش گوسفند از جمله مشاغل ساکنان آن است. صنایع دستی و ماهیگیری شغل اصلی مردم آن است و صدور ماهی عمده‌ترین منبع درآمد آن محسوب می‌گردد.

مردم این جزایر اسکاندیناویایی تبارند و اکثراً پیرو مذهب لوتر می‌باشند و باپتیست‌ها و کاتولیک‌ها جزء اقلیتهای مذهبی آن به شمار می‌آیند. زبان مردم جزایر فارو دانمارکی و فارویی است. مرکز جزایر فارو شهر تورسهاون (۲۰,۰۰۰ نفر) است و از خودمختاری داخلی بهره‌مندند و مجلس قانونگذاری آنان از ۳۰ نماینده و دولت خودمختار آن از ۶ وزیر تشکیل شده که زیر نظر نمایندهٔ پادشاه دانمارک به اداره امور داخلی جزایر می‌پردازند. علاوه بر آن جزایر فارو دارای دو نماینده در مجلس قانونگذاری دانمارک است. جزایر فارو تا سال ۱۸۱۴ توسط نروژ اداره می‌شد و در این سال به تصرف دانمارک درآمد. در طی جنگ جهانی دوم تحت‌الحمایه انگلستان بود و پس از استرداد به دانمارک، از سال ۱۹۴۸ به خودمختاری دست یافت. پارلمان فارو در سال ۱۹۹۴ حمایت از صنعت ماهیگیری را مورد تأیید قرار داد و آبهای سرزمینی آن را از نظر صید ماهی در سال ۱۹۹۷ به ۳۶۰ کیلومتر گسترش داد. به دنبال کشف نفت در آب‌های ساحلی این جزایر، تمایل دولت محلی برای اجرای همه‌پرسی به منظور کسب استقلال افزایش یافته است.



نام رسمی: پادشاهی دانمارک

نام محلی: دانمارک Danmark

اسامی دیگر: -

پایتخت: کپنهاگ (۱،۳۷۹،۴۱۳ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: شانزدهم آوریل و پنجم ژوئن

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۵۳

رئیس حکومت: ملکه: مارگرت دوم، از سال ۱۹۷۲

رئیس دولت: آندرس فوگ راسموسن(حزب لیبرال)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۵۳؛ مجلس عوام (فولکتینگ) با ۱۷۹ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۱): سوسیال دموکرات ٦۳ (۵۲) کرسی، لیبرال ٤۲ (٥٦)؛ حزب محافظه کار مردم ١٦ (١٦)، حزب سوسیالیست خلق ۱۳ (۱۲)، حزب مردم دانمارک ۱۳ (۲۲)، دموکراتهای مرکز ۸ (-)، رادیکال لیبرال (سوسیال لیبرال) ۷ (۹)، لیست اتحاد سرخ و سبز ٥ (٤)، ترقی‌خواه ٤ (-)، حزب مردم مسیحی ٤ (٤)، بقیه ٤ (٤) کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملـل متحد(١٩٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، اتحادیه اروپا، آپک، آی – آدب، شورای اروپا، ناتو، او اسی دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ٤۳،۰۹٤ کیلومترمربع (صد و سی و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۵،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوچهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۲۳ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۰/۳

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۵/۲ میلیون نفر **زمان‌دوبرابرشدن‌جمعیت:** میزان جمعیت تقریباً ثابت است.

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۸۵/۵؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۰/۲

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۱۸/۲ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۱۹/۲ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪٤۲/۹ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۱۹/۷

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۹/٤۱؛ زن ٪۵۰/۵۹ **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۹/۱ سال؛ مردان ۷٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۲/۳ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۵/۱ نفر **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۵): بافت‌های بدخیم(سرطان) ۲۹٦/٦ نفر؛ بیماریهای کم‌خونی قلب ۲٤۲/۳ نفر؛ بیماریهای عروق مغزی ۱۰۵/۹ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۷ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ٦/۵ مورد **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۲/٤ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۸): دانمارکی٪۹۵/۳ ؛آسیایی٪۱/۷؛یوگسلاویایی٪۰/٦؛ اسکاندیناویایی٪۰/٦؛ افریقایی٪۰/٤؛ بقیه ٪۱/٤

دین(۱۹۹۵): پروتستان لوتری ٪۸۷؛ سایر مسیحیان ٪۱/۷؛ مسلمان ٪۱/۵؛ سایر ادیان و بی‌دین ٪۹/۸

زبان و خط: دانمارکی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مـهم(۲۰۰۰): اورهوس ۲۱۷،۲٦۰ نفر؛ اودنسه ۱٤۵،۰٦۲؛ اولبورگ ۱۱۹،٦۱۷؛ اسبیرگ ۷۳،۳٤۱؛ راندرس ۵۵،۷٦۱؛ کولدینگ ۵۳،٤٤۷؛ هورسنس ٤۸،۷۳۰؛ ویله ٤۷،۹۳۰؛ روسکیلده ٤۳،۱۰۰؛ گروه‌استراند ٤۱،۳۷٦ نفر

بنادر مهم: کپنهاگ(درتنگهٔ اوره‌سوند)؛ اورهوس(درخلیج اورهوس)؛ اولبورگ (خلیج اولبورگ)؛ اودنسه(آبدره اودنسه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کرون دانمارک (Dkr) = ۱۰۰ اور؛ یک دلار= ۸/۵۷ کرون؛ یک کرون = ۹۳۳/۵ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ٦۱۲،۰۷۷ میلیون کرون؛ مالیاتهای مستقیم ٪۵۲/۲؛ مالیاتهای غیر مستقیم ٪۳۰/۷

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ٦۲٦،۵۳٦ میلیون کرون؛ کمک به بیمهٔ تـأمین اجتماعی ٪۳۱/۸ ؛ آموزش ٪۱۲/۲؛ خدمات رفاه عمومی ٪۱۰/۱ ؛ بهداشت ٪۸/٤ ؛ دفاع ٪۲/۸

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۷۵،۱٦۰ میلیون دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۳،۰٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۲؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٪۲/۹

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٤ ؛ صنعت ٪۲٦/۸؛ خدمات ٪٦۹/۲

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۸۹۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٦،٦۲۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹٦): ٦٦٤/۱۳ میلیارد کرون **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** -۱،۷۰٤ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲٤

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱/٦ ؛ ۱۹۹۸: ٪۱/٤ ؛ ۲۰۰۰: ٪۲/۸

محصولات کشاورزی (۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون کرون): گوشت خوک ۱۷،۵۷٤؛ شیر ۱۱،۳۲۲؛ گوشت گاو ۳،۱۲۵؛ گندم ۳،۰۹۱؛ جو ۲،٤۹۸؛ انواع گل و گیاه ۲،٦۲۲؛ پوست خز و مینک ۱،٦۷٦

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪۵۵/۹ ؛ مرتع و چمنزار ٪۷/۵ ؛ جنگل ٪۱۰/۵ ؛ سایر موارد ٪۲٦/۱

تعداد دام زنده(۱۹۹۲): خوک ۱۰،٤۵۵،۰۰۰ رأس؛ گاو ۲،۱۹۰،۰۰۰ رأس؛ اسب ۲۸،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۷): ۲،۱۳۵،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱،۸۲٦،۸۵۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۸،۰۲۳،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۷۷،۵٤۸ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٤): شن و ماسه ۲٤،۸۲۹،۰۰۰ مترمکعب؛ گچ ۳،۵۲۲،۰۰۰ مترمکعب

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش افزوده به میلیون کرون): مواد غذایی ۳۸،۳۲۵ (از جمله گوشت ۱۱،۱۷۰)؛ ماشین‌آلات غیر برقی و ابزارآلات ۲۳،۳۳۱ ؛ مواد شیمیایی ۱۸،۵۰٤؛ ماشین‌آلات و تجهیزات برقی ۱٤،٤۲۸؛ چاپ و نشر ۹،٦٤۹؛ مصنوعات فلزی ۹،٤۷۹

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۹): ۳۸،٦۰٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ۳۹،۵۸۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹٦): صفر (۱۰،۹٤۸،۰۰۰)تن؛ نفت خام(۱۹۹۹): ۱۱۲،۸٤۳،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ۸۰،۳۷٤،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۱۰،٤۲٦،۰۰۰ تن(۷،۷۳۰،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۷،۵٤۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب(۱۹۹٦: ٤،۱۸۵،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۷): ۲،۸٦۳،۳۳۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۵٤/۵؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤ سال): ٪۷۹/۱ ؛ زنان: ٪٤٦/۱ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ٪٦/۸ ؛ ۲۰۰۰: ٪۵/۳؛ ۲۰۰۱: ٪۵/٤

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ٪۳/۷ ؛ صنعت ٪۲٦/٤ ؛ خدمات ٪٦۹/۷

نیروی دفاعی: (مدت نظام وظیفه: ٤ تا ۱۲ ماه)؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۳۲،۱۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۱/۳ ؛ نیروی دریایی ٪۱۱/۵ ؛ نیروی هوایی ٪۱۷/۱؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۵۲۹ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۲۹۳،۵۲۲ میلیون کرون؛ شامل: ماشین‌آلات و ابزار ٪۲۲/۷ ؛ مواد شیمیایی ٪۱۰/۷ ؛ غذا و حیوانات زنده ٪۱۰/۳ ؛ تجهیزات حمل و نقل و لوازم یدکی ٪۷/۹ ؛ از کشورهای آلمان ٪۲۱/۵ ؛ سوئد ٪۱۲/۷؛ هلند ٪۷/۸ ؛ انگلستان ٪۷/۵ ؛ نروژ ٪۵/۳ ؛ فرانسه ٪۵/۳

صادرات(۱۹۹۷): ۳۲۱،۱۸۵ میلیون کرون؛ شامل: ماشین‌آلات و ابزار ٪۲۳/۳؛ غذا و حیوانات زنده ٪۲۲ ؛ دارو ٪٤/۹ ؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ٪٤/۷ ؛ مبلمان ٪٤؛ بـه کشورهای آلمان ٪۲۱/۲؛ سوئد ٪۱۱/۳؛ انگلستان ٪۹/۷؛ نروژ ٪٦/۲ ؛ فرانسه ٪۵/۲

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون کرون	+٤۱،۵۹٦	+۲٦،۱۷۱	+۳۲،۸۸۹	+۲٤،۳۵۳	+۱۳،۷۷٦	+۳۰،۹۱۱
درصد کل	٪۸/٦	٪٤/۹	٪٦	٪٤	٪۲/۲	٪٤/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦	۹۸	۱۰۰	۱۰۲/۱	۱۰٤/٤	۱۰٦/۳	۱۰۸/۹
شاخص درآمد ساعتی	۹۲/۷	۹٦/۷	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۷): ۲/۲ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۸): ۱۹۹،۳۵٤ کرون؛ هزینه‌ها (۱۹۹۳): مسکن ٪۲۲/۹؛ غذا و نوشیدنی ٪۱۷/۹؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۱۵/۵؛ تفریحات ٪۸/۳؛ اثاثیه خانگی ٪٦/۱ ؛ سوخت ٪٦/۱

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۳،۲۱۱ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ٤،٤٦۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۷۱،٤۳۷ کیلومتر **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۲،۷٤۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۱،۷۸۲،۳٦۹ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۳٤۹،۷۳٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ٤۵٦ فروند **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۱۳ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۳۷ روزنامه در ۱،٦۲۸،۰۰۰ نسخه (۳۱۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۵۷ عنوان در ٦،۹۳۰،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۲،۳۵۲ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ٦،۰۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱،۱٤۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۳،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵٦۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳،٤۹٦،۰۰۰ خط تلفن (٦۵۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۹۳۱،۰۰۰ خط (۳٦٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۰۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی وراهنمایی (۱۹۹٦)	۲،۵۲۲	۵۸،۵۰۰	٦۰٦،٤۸۸	۱۰/٤
متوسطه	۱۵۱	۱۱،۰۰۰	۷۳،٤۳٦	٦/۸
فنی و حرفه‌ای	۲٤۲	۱۲،۰۰۰	۱۷۱،٦٦٤	۱۳/٦
عالی	۱٦۷	۸،۰۰۰	۱٦۰،٦۷۵	۱۹/۵

میزان باسوادی: افراد بالای ۱۵ سال: ٪۱۰۰ ؛ مردان : ٪۱۰۰ ؛ زنان: ٪۱۰۰

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹٦): راهنمایی ٪۳۹/٤ ؛ متوسطه ٪٤۰/۵؛ فوق دیپلم فنی ٪٦/۱؛ عالی ٪۱٤

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۱٤،٤۹۷ نفر (هر ۳۵۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۲٤،۹٦٦ تخت (هر ۲۱۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۳،۱۰۰ نفر(٪۰/۱۲ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،٤۰۷ کالری (٪۱۲۷ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۰۸ گرم؛ مصرف چربی: ۱۳۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰):؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۲۱/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٥٦/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۱۰/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۱۱ (پانزدهمین کشور جهان)

گروئنلند
Greenland

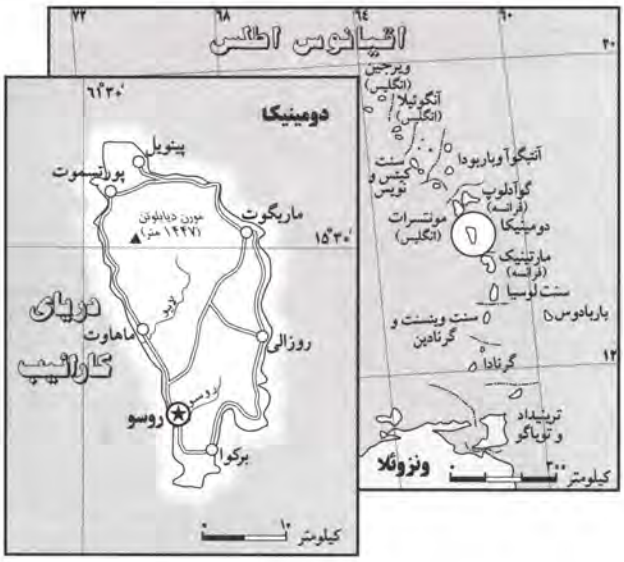
گروئنلند یا گرینلند (سرزمین سبز)، جزیره‌ای به مساحت حدود ۲,۱۷۵,۵۰۰ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۵۶,۳۰۰ نفر (۲۰۰۱) واقع در آبهای شمالی اقیانوس اطلس و در مالکیت دانمارک قرار دارد. گروئنلند که به زبان اینوئیتی کالالیت نونات خوانده می‌شود، بزرگترین جزیرهٔ دنیا پس از استرالیا است و بخش اعظم آن درون مدار شمالگان قرار دارد. درازای این جزیره از شمال به جنوب حدود ۲۶۵۰ کیلومتر و حداکثر پهنای آن به ۱۲۸۰ کیلومتر بالغ می‌گردد. حدود چهارپنجم سطح این جزیره زیر قشری از برف و یخ به ضخامت حدود ۳۳۰۰ متر پوشیده شده و بزرگترین جزیره از مجموع جزایری که در آبهای پیرامون آن قرار دارند دیسکو نام دارد. کرانه‌های آن از آب دره‌های متعدد تشکیل شده و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه گونبیورن ۳۷۰۲ متر ارتفاع دارد. کریولیت، زغال‌سنگ، سرب و روی از منابع زیرزمینی آن است و ماهیگیری و تهیهٔ روغن نهنگ و نمک‌سود کردن و منجمد نمودن ماهی از جمله مشاغل ساکنان آن است. در ماه ژوئن که برفها آب می‌شوند، گیاهانی از گونهٔ خزه و گلسنگ در بعضی نواحی ساحلی آن می‌رویند و بیشتر جمعیت آن در نواحی غربی که در مقایسه با طبیعت سرد و خشن آن، از اقلیم مناسب‌تری برخوردار است، زندگی می‌کنند. ۸۰ درصد جمعیت آن را اینوئیت‌ها تشکیل می‌دهند و ۲۰ درصد بقیه را دانمارکی‌ها و اروپاییان به خود اختصاص داده‌اند. از نظر مذهبی مسیحیان پیرو لوتر هستند و تحت نظارت مذهبی اسقف اعظم کپنهاگ و وزارت امور مذهبی دانمارک قرار دارند. زبان مردم آن گروئنلندی و دانمارکی و اینوئیتی است. مرکز آن شهر نوک یا گودتاب با جمعیت ۱۳,۶۵۰ نفر (۲۰۰۱) بوده و دارای خودمختاری داخلی است.

این سرزمین در حدود سال ۹۸۲ توسط اریک سرخ، از رهبران نورس‌ها کشف شد و برای جلب مهاجر، آن را گروئنلند (سرزمین سبز) نامید. تا قرن دوازدهم مهاجرنشین‌هایی در آن تأسیس شده بود و مدتی نیز از استقلال برخوردار بود. در سال ۱۲۶۱ تحت حکومت نروژ درآمد ولی در قرون بعد به آن توجهی نشد. از سال ۱۷۲۱ توسط یکی از مبلغین مسیحی به نام هانس اگده، مشهور به رسول گروئنلند، تحت استعمار قرار گرفت و دانمارکی‌ها در آن پایگاه‌های تجارتی که در عین حال تبعیدگاه مجرمان نیز بود تأسیس کردند. در سال ۱۹۴۱، دانمارک به ایالات متحده امریکا اجازه داد که پایگاه‌هایی در آن تأسیس کند. طبق پیمانی در سال ۱۹۵۱، دفاع از آن به طور مشترک بین دانمارک و ایالات متحده تقسیم شد. از سال ۱۹۵۴ از حالت مستعمره درآمد و به یکی از استان‌های دانمارک تبدیل شد و در سال ۱۹۷۹ به آن خودمختاری داخلی داده شد. در سال ۱۹۸۰ دولت دانمارک محدودهٔ مرزهای دریایی آن را در قسمت شرقی به ۳۷۰ کیلومتر گسترش داد که این مسئله با مخالفت نروژ مواجه شد، زیرا جزیرهٔ یان‌ماین متعلق به آن کشور در این محدوده قرار می‌گرفت که سرانجام در سال ۱۹۹۳ دادگاه بین‌المللی لاهه خط مرز جدیدی برای دو طرف تعیین نمود.

دومینیکا DOMINICA

کشور دومینیکا جزیرهٔ کوچکی است، در امریکای مرکزی، که بزرگترین جزیره در جزایر ویندوارد (بادگیر) محسوب می‌شود و بخشی از آنتیل‌های کوچک است. دومینیکا بین جزیرهٔ گوآدلوپ در شمال و جزیرهٔ مارتینیک در جنوب و در حاشیهٔ خاوری دریای کارائیب جای دارد و از غرب اقیانوس اطلس آن را در بر گرفته است. منشأ آتشفشانی دارد و ارتفاع بلندترین نقطهٔ آن به ۱۴۴۷ متر (کوه مورن دیابلوتن) بالغ می‌گردد.

رودخانه‌های کوتاه چندی در این جزیره روانند که مهمترین آنها رودخانه‌های روسو، لایو و کلاید است. اقلیم آن گرم و تابستانهای پرباران دارد و کشاورزی آن به قهوه، موز و گریپ فروت، مرکبات و نارگیل منحصر است.



تاریخچه

در یکشنبه سوم نوامبر ۱۴۹۳ کریستف کلمب، دریانورد ایتالیائی که در استخدام نیروی دریائی اسپانیا بود، وارد جزیرهٔ دومینیکا شد و آن را به مالکیت ملکه ایزابلا و فردیناند پادشاه اسپانیا درآورد. حقیقت آن بود که خیلی جلوتر از کریستف کلمب، جزیرهٔ دومینیکا به وسیلهٔ کاریب‌ها مسکون گردیده بود و آنان با صلح و آرامش در کنار هم زندگی می‌کردند، اسپانیائی‌ها کوتاه زمانی پس از ورود به دومینیکا، خانه‌های بومیان را برای به دست آوردن طلا و اشیاء قیمتی زیر و رو کردند و بسیاری از آنان را کشتند. در سال ۱۶۳۲ حدود هزار کاریبی در جزیرهٔ دومینیکا زندگی می‌کردند و امروزه پس از گذشت حدود ۵۰۰ سال بیش از ۵۰۰ تن از آنان باقی نمانده است. طی این مدت جنگلهای جزیره زدوده شده و مزارع نیشکر و قهوه و موز جای آنها را گرفته‌اند و به جای بومیان کاریب، افریقایی‌تباران در کشتزارها به کار اشتغال دارند و موز تنها محصول صادراتی آن را تشکیل داده است.

در سدهٔ هفدهم، اسپانیاییها از جزیره بیرون رانده شدند و فرانسویها بر آنجا تسلط یافتند. آنان کشت پنبه و قهوه را در جزیرهٔ مزبور رواج دادند و دو سدهٔ بعد جای خود را به انگلیسی‌ها واگذار کردند. در سال ۱۹۶۷، انگلیسی‌ها به دومینیکا خودمختاری داخلی دادند و امور دفاعی و روابط خارجی آن را خود رأساً در اختیار گرفتند. سرانجام در سوم نوامبر ۱۹۷۸ درست ۴۸۵ سال بعد از ورود کریستف کلمب، در پی مذاکرات و حزب کارگر دومینیکا به رهبری پاتریک جان، و دولت انگلستان، دومینیکا استقلال یافت. به دلیل کمبود و نایابی منابع طبیعی، بسیاری از جوانان دومینیکا جلای وطن کردند و به جزایر همسایه، به ویژه گوآدلوپ مهاجرت نمودند. در سال ۱۹۷۹ پاتریک جان نخست‌وزیر ناچار به کناره‌گیری شد و اولیور سرافین، از جناح مترقی حزب کارگر، به جای او مسئولیت نخست‌وزیری را بر عهده گرفت. توفند شدید دیوید در سپتامبر ۱۹۷۹ تأسیسات جزیره را درهم کوبید. در انتخابات ژوئیه ۱۹۸۰ مری یوجینا چارلز، از حزب آزادی دومینیکا به عنوان اولین نخست وزیر زن در میان کشورهای حوزهٔ کارائیب، به نخست‌وزیری رسید و موقعیت وی در انتخابات ۱۹۸۵ مجدداً تثبیت گردید. در انتخابات ژوئن ۱۹۹۵ ادیسون جیمز، از حزب کارگران متحد، به نخست‌وزیری برگزیده شد و در مه ۱۹۹۶ روبرتو روبائینا وزیر خارجهٔ کوبا از دومینیکا دیدن کرد و روابط سیاسی میان کوبا و دومینیکا دوباره برقرار گردید. در اوایل سال ۱۹۹۷، احزاب مخالف سیاست‌های خصوصی‌سازی دولت را به شدت مورد انتقاد قرار دادند. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۰، حزب کارگر فقط صاحب ۱۰ کرسی شد و با مشارکت حزب آزادی که ۲ کرسی به دست آورده بود، یک دولت ائتلافی به ریاست روزولت داگلاس تشکیل داد. در اواخر سال ۲۰۰۰ با بروز حمله قلبی روزولت داگلاس و کناره‌گیری وی، پیر چارلز، وزیر کار و ارتباطات، وظایف نخست‌وزیر را به عهده گرفت.



نام رسمی: مشترک‌المنافع دومینیکا

نام محلی: دومینیکا Dominica

اسامی دیگر: -

پایتخت: روسو (۱۶،۵۳۵ نفر در سال ۱۹۹۱)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۸/۱۱/۳، از انگلستان

روز ملی: سوم نوامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ورنون لوردن شاو(از حزب کارگران متحد)، از سال ۱۹۹۸ به مدت ۵ سال توسط پارلمان

رئیس دولت: نخست‌وزیر: پیر چارلز(از حزب کارگر)، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۸؛ مجلس قانونگذاری با ۳۰ عضو (۲۱ عضو انتخابی، ۵ عضو انتصابی نخست‌وزیر و ٤ عضو منتخب مخالفین) به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های منتخب مجلس قانونگذاری (۲۰۰۰): حزب کارگر ۱۰ کرسی، حزب کارگران متحد ۹ ، حزب آزادی ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۸)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آاوسیس، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۷۵۱ کیلومترمربع (صد و هفتادوسومین کشور جهان)

جمعیت: ۷۶،۳۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدوهشتاد و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰۱/۶ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۸۱،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۶۲ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۰/۳٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۱): زیر ۱۵ سال ۳۳/۳٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/۳٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۶٪؛ بالای ۶۰ سال ۱۱/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۱): مرد ۴۹/۷۸٪ ؛ زن ۵۰/۲۲٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۶/۱ سال؛ مردان ۷۰/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۸/۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۷/۷ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۱/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٤): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۳۷/۸ نفر (شامل ناراحتی‌های قلبی و بیماریهای ریه ۷۲ نفر؛ فشارهای ناهنجار عصبی ۹۳/۸ نفر)؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۲۵ نفر؛ نارسائی‌های غدد وسوخت و ساز بدن ۵۹/۸ نفر ؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۳۸ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ٤۶/۲ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۱نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۶): ۳/۱ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۶):** ۰/۷ مورد

نژاد/ ملیت(۱۹۹۱): سیاهپوست ۸۹/۱٪ ؛ دورگه سیاه و سفید ۷/۲٪ ؛ سرخپوست ۲/٤٪ ؛ سفیدپوست ۰/٤٪

دین(۱۹۹۱): کاتولیک ۷۰/۱٪؛ پروتستان ۱۷/۲٪؛ سایر ادیان ۸/۹٪ ؛ بی‌دین ۲/۹٪؛ نامشخص ۰/۹٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۱): پورتسموت ۳،۶۲۱ نفر؛ ماریگوت ۲،۹۱۹؛ آتکینسون ۲،۵۱۸؛ ماهاوت ۲،۳۷۲ نفر

بنادر مهم: روسو(بین اقیانوس اطلس و دریای کارائیب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلارکارائیب‌شرقی(EC$)=۱۰۰ سنت؛ یک‌دلار= ۲/۷ دلارکارائیب‌شرقی؛یک دلار ک. ش = ۲،۹۶۳ ریال

درآمد بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۲۳۳ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ درآمد مالیاتی ۷۳/۹٪ (شامل: مالیات مصرفی بر واردات ۲۶/۹٪ ؛ مالیات بر درآمد ۲۰/۹٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۱٤/۷٪ ، کمک‌ها ۹/۲٪

هزینه بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۲۶۰/۳ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ هزینه‌های جاری ۷۷/۱٪ ؛ هزینه‌های عمرانی ۲۲/۹٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۳۰ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،۱۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵) : ۱۱٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۵٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۰/۲٪ ؛ صنعت ۲۲/۵٪ ؛ خدمات ۵۷/۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۲۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۹۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۱۹/۵ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۰/۵٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳/۲٪ ؛ ۱۹۹۸: ۰/٤-٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): موز ۲۸،۶٤۰ تن؛ محصولات گیاهان ریشه‌ای ۲۳،۱۶۸ (شامل تارو ۱۱،۹۰۳، سیب‌زمینی هندی ۷،۵۶۰، تانیاس ۳،۵۳٤) موز سبز ۲۲،۲۳۶؛ گریپ‌فروت ۱۹،۱۰۰؛ نارگیل ۸،۹۰۶؛ پرتقال ۷،۲۳۰؛ ارزن ۳،۵۶۰؛ انبه ۱،۷۰۰؛ فلفل ۳٤۰؛ روغن برگ بو ۱۲ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۲۳٪ ؛ مرتع و چمنزار ۳٪ ؛ جنگل ۶۶٪ ؛ سایر موارد ۸٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱۳،٤۰۰ رأس؛ بز ۹،۷۰۰ ؛ گوسفند ۷،۶۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۸۵۵ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۹۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۲۵ تن

تولیدات معدنی : آهک، سنگ خارا، شن و ماسه

تولیدات‌صنعتی(۱۹۹۸): (ارزش تولیدات به هزار دلار کارائیب شرقی) صابون آرایشی ۲۱،۸۱۶ ؛ صابون رختشویی ۱۶،٤۶۷ ؛ روغن نارگیل خام ۱،۸٤۸؛ خمیر دندان ۱،۶۶۲ تن؛ دیگر مواد شامل: آب‌میوه، آبجو، لباس، اسباب خانه، آب معدنی بطر و جعبه مقوایی

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۶): ۳۷ میلیون کیلووات ساعت (۳۷ میلیون کیلووات ساعت)؛ زغال سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۲۶،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۲۶،۳۶٤ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۸٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶٤): ۶۲/٤٪ ؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶٤): ۳٤/۵٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹٤): ۲۳٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲۵/۸٪ ؛ صنعت ۲۱/۲٪ ؛ خدمات ۵۳٪

نیروی دفاعی: این کشور فاقد نیروی دفاعی و ارتشی است و یک نیروی ۳۰۰ نفره پلیس از جمله شامل گارد ساحلی، انتظامات آن را به عهده دارد.

واردات(۱۹۹۷): ۳۶۳/۲ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ شامل غذا و نوشیدنی و دخانیات ۲۲٪ ؛ ماشین‌آلات ۱۶٪ ؛ سوخت معدنی ۷٪ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۷٪ ؛ از امریکا ۳۸/۳٪ ؛ ترینیداد و توباگو ۱۳/۹٪ ؛ انگلستان ۱۰/٤٪ ؛ ژاپن ٤/٤٪ ؛ باربادوس ۳/۸٪

صادرات(۱۹۹۷): ۱۳۹ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ شامل کالاهای ساخته شده ۵۰/۵٪ (از جمله صابونهای آرایشی و رختشویی ساخته شده با روغن نارگیل ۳۲/۱٪)؛ محصولات کشاورزی ٤٤/۷٪ (از جمله موز ۳۰/۱٪)؛ صادرات مجدد کالاها ۱/۹٪؛ به انگلستان ۳۲/۸٪ ؛ جامائیکا ۲۲/۳٪؛ آنتیگوآ و باربودا ۶/۱٪؛ گوآدلوپ ۵/۹٪؛ باربادوس ۵/۶٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون‌دلارک.ش	-۱٤۰/۳	-۱۲۳/۶	-۱۳۷/۳	-۱۹۹/۳	-۲۱۶/۱	-۱۹۳/۳	-۱۹۶/۸
درصد کل	٪۳۲/۷	٪۳۲/۳	٪۳۵/۸	٪٤۶/٤	٪٤٤/۵	٪٤۰/۳	٪۳۶/۶

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۸/۷	۹۸/۷	۱۰۰	۱۰۱/۷	۱۰٤/۲	۱۰۵/۲	۱۰۶/۲
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۳/۶ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸٤): غذا و نوشیدنی‌غیرالکلی ٤۳/۱٪ ؛ مسکن وخدمات شهری ۱۶/۱٪ ؛ حمل و نقل ۱۱/۶٪ ؛ پوشاک و کفش ۶/۵٪ ؛ اثاثیه خانگی ۶٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ٤۲/۸ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج(۱۹۹۶): ۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۷۸۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٤): ۶،۵۸۱ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٤):** ۲،۸۲۵ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۷ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۶):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٤۶،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۶۰۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۶،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۷۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۶): ۱۸،۷۳۷ خط تلفن (۲۵۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۶۵۰ خط (۸/۶ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۶۳	۵۸۷	۱۳،۶۳۶	۲۳/۲
متوسطه	۱۵	۲۹۳	۵،٤۵۵	۱۸/۶
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۲	۳٤	٤۸٤	۱٤/۲

میزان باسوادی(۱۹۹٤): افراد بالای ۱۵ سال : ۹۰٪ ؛ مردان: ؟ ؛ زنان: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ۷۸/٤٪ ؛ متوسطه ۱۱٪ ؛ فنی و حرفه‌ای عالی ۲/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۳۸ نفر(هر ۲،۰۰۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۲۶۲ تخت (هر ۲۹۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۸/۵ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۰۵۹ کالری؛ مصرف پروتئین: ۸۶ گرم؛ مصرف چربی: ۷۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۵/۵ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۱ میلیون تن ؛ هر نفر ۱/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۹۳ (پنجاه و یکمین کشور جهان)

دومینیکن DOMINICAN

کشور دومینیکن در امریکای مرکزی و در حاشیهٔ شمالی دریای کارائیب جای دارد. این کشور که نیمهٔ خاوری جزیرهٔ هیسپانیولا، از جزایر آنتیل بزرگ، را به خود اختصاص داده و در شرق کشور هائی‌تی واقع است، عمدتاً همـوار و نسبتاً مسطح است و رشته کوهی در امتداد شـمال غربی به جنوب خاوری ناحیه مرکزی آن به ارتفاع حداکثر ۳۱۷۵ متر (قله دوآرته) قرار دارد. منطقهٔ سیبائو حاصلخیزترین نواحی آن است و اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و باد و جریانهـای اقیانوسی بر اعتدال آن کمک می‌کند. جنگلهای آن که در گـذشته وسعت زیادی داشته‌اند، به مرور زدوده شده و جای خود را به کشتزارهای قهوه و نیشکر و موز و کاکائو و توتون داده‌اند. رودهای مهم آن سوکو، یاگه و سان‌خوآن است و بزرگترین جزیرهٔ آن سائونا می‌باشد و بوکسیت، نیکل، طلا، نقره، آهن از عمده‌ترین منابع زیرزمینی آن است.



تاریخچه

جزیره هیسپانیولا یا کیسکویا کـه امروزه از دو کشور هـائی‌تی و دومینیکن ترکیب یافته است، نخـستین بار به وسیلهٔ اقوام مختلف سرخپوستان مـانند لوکـایوها، کیگوآیـوها، تائینوها و کـاریب‌ها (کارائیب‌ها) که جوامعی ماهی گیـر و دانه‌جمع‌کن بوده‌اند و از نظر کشاورزی در مراحل ابتدائی به سر می‌بردند، مسکون گردید. در دسـامبر ۱۴۹۲ کریستف کلمب به جزیرهٔ کیسکویا وارد شد و آن را هیسپانیولا (اسپانیای کوچک) نـام نهاد و به وسیلهٔ چوبها و الوارهائی کـه با کشتیهـای خود حمل کرده بود، قلعه‌ای احداث کرد و اولین مـاندگـاه اروپائی را در آن جزیره بنا نهـاد. طی چند سال بعد اروپائیان بر سرتاسر جزیره تسلط یافتند و ارباب جان و مال بومیان گردیدند و برای تأمین نیروی کار، بردگـان افریقائی را وارد کردند و میلیون‌ها تن از آنان را در سرتاسر قارهٔ امریکا به کار گرفتند. در ۱۵۲۳ نخستین روستای برده‌نشین توسط برده‌های شورشی سیاهپوست، با عنوان کیلومبو، در دومینیکن احداث گـردید و به دنبال آن در سالهای ۱۵۳۷ و ۱۵۴۸ نیز روستاهای دیگری ساخته شد و بردگان شورشی را در خود جای داد.

جایگزین ساختن بومیان به وسیلهٔ کارگران افریقائی در وضع اقتصادی دومینیکن تأثیر فراوان به جای گـذارد و کشتزارهای نیشکر و معادن طـلا و گله‌داری به نحو چشمگیری توسعه یافت و جزیرهٔ هیسپانیولا به عمده‌ترین مرکـز تولید طلا در جزایر آنتیل مبدل شد و از نظر تولید شکر نیز مقام شامخی در دنیای جدید به دست آورد. طی سالهای ۱۵۷۰ تا ۱۶۳۰ شمار گله‌های گاو و گـوسفند بـه حدی رسـید که به ازاء هر نفـر ۴۰ رأس گـاو و گـوسفند وجـود داشت. شکـوفائی اقتـصادی و رشـد قابل توجـه جزیره، استعـمارگـران آزمند را بسـوی خـود کشـید تا جائی کـه فرانسیس دریک دریازن مـعروف انگلیسی، در سال ۱۵۸۶ به پایتخت آن حمله برد و فـرانسویها نیز در سال ۱۶۹۷ نیمهٔ غربی آن را تصرف کـردند و آنجا را هائی‌تی نامیدند و نخستین کـشور افروامریکن (افریقائی، امریکائی) را تأسیس نمودند. دولت هائی‌تی در سال ۱۸۲۲ بر سرتاسر جزیره تسلط یافت و شهر سـانتو دومینگو با نظارت و سرپرستی دورگه‌های اسپانیائی (کرئول) ساخته شد.

در سال ۱۸۴۴ شورشیان دومینیکن سپـاهیان هائی‌تی را شکست دادند و جمهوری دومینیکن به سرپرستی پدروسانتانا تشکیل گردید. وی که قادر به مقابله با اکثریت سیاهپوست کشور نبود، در سال ۱۸۶۱ الحاق مجدد دومینیکن و اسپانیا را اعلام کرد، که به دنبال اعتراضات و شـورش مردم، اسپـانیا ناگزیر از عـقب‌نشینی شد و در سال ۱۸۶۵ دومینیکن دوباره به استقـلال رسید. همـزمان، امریکا که از جنگهـای داخلی رهایی یافته بود، شـروع به اعمـال نفوذ در جـزایر هند غـربی کـرد و با دومینیکن قـراردادهای سیـاسی و اقـتصـادی منعـقـد نمـود و آن را به گـونه‌ای تحت‌الحمایهٔ خود قرار داد و این وضعیت تا سال ۱۹۲۴ ادامه داشت. در سـال ۱۹۳۰ رافائل تروخیلو، رئیس ستاد گارد مـلی و از حامیان سیاست‌های امریکا، سرپرستی مـملکت را به دست گرفت و رژیم دیکتاتوری در آنجـا برقرار نمود و عنوان خودکامه‌ترین ستمکاران جهان و ثروتمندترین سیاستمـدار امریکای لاتین را به خود اختصاص داد و در فـساد و مـال‌اندوزی تا جائی پیش رفت که در مه ۱۹۶۱ به دست عوامل سازمان سیا ترور شد.

در انتخابات دموکـراتیک سال ۱۹۶۳ خوآن بوش بـه ریاست جمهوری رسید و پس از ۷ ماه به وسیلهٔ کودتائی کـه از طرف افسران هوادار تروخیلو ترتیب داده شـده بود، سرنگون گردید. در اوایل سال ۱۹۶۵ نارضائی‌های عمـومی منجر به شورش گردید و سرهنگ فرانسیسکو کامئو، از افسـران مردمی دومینیکن قدرت را به دست گـرفت. دولت امریکا کـه از اقدامات استـقلال طلبـانه کامئو ناخشنود بود ۳۵,۰۰۰ تـن از افراد نیـروی دریائی خـود را بدانجا اعـزام داشت و دومینیکن را در کنتـرل خـود درآورد و پس از فـراهم آوردن شـرایط به قـدرت رسیـدن خوآکین بالاگـوئر، از طرفداران تروخیـلو، این کـشور را ترک کـرد. مقـام ریاست جمهوری وی در سـالهـای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۴ تأیـید گـردید و در انتـخابات سـال ۱۹۷۸ آنتونیو گوزمن، از حزب انقـلابی دومـینیکن، جـای او را گـرفت. انـتـخابات ریاست جـمهـوری مـه ۱۹۸۱ سـالوادور بلانکو، از حزب انقلابی دومینیکن را به ریاست جمهوری رسانید و در چهارم ژوئیه همان سال آنتونیو گوزمن که در انتخابات شکست خورده بود، خودکشی کرد.

در سال ۱۹۸۴ دولت بسـیاری از یارانه‌ها را قطع کرد و قـیمت کالاها تـا ۲۰۰ درصد افـزایش یافت و آشـوب و ناامنی دوباره کشور را فـرا گرفت و رویاروئی پلیس بـا مردم صد نفر کـشته، چهارصد زخمی و ۵,۰۰۰ زندانی به جای گذارد. در انتخابات مه ۱۹۹۰ خوآکین بالاگوئر به ریاست جمهوری رسید. در سال ۱۹۹۱ دو تن از سیاستمداران سالمند دومینیکن به نام خوآکین بالاگوئر ۸۵ ساله و خوآن بوش ۸۲ ساله از فعالیتهای خود دست کشیدند و دوران بازنشستگی سیاسی را ظاهراً آغاز کـردند. مع‌الوصف هر دو نفـر در انتخابات سال ۱۹۹۴ شرکت نـمودند ولی کاری از پیش نبـردند و از اکثریت لازم برخوردار نشـدند، از آنجائی که نامزدهای دیگر نیز از اکثریت لازم بی‌بهره بـودند کار به اختلاف و کشمکشهـای سیاسی کشید و سـرانجام ستاد مرکزی برگزاری انتخابات بالاگوئر را برنده اعلام نمود. در اوت همـان سال رهبران احزاب و همچنین رئیس جمهور بالاگوئر موافقت نمودند تا انتخابات دیگری در شانزدهم نوامبر ۱۹۹۵ برگزار شود و آن قسمت از قانون اساسی کشـور نیز که دربارهٔ انتخابات ریاست جمهوری است مورد تجدید نظر قرار گیرد. بدین ترتیب انتخابات به اوت ۱۹۹۶ موکول شد و لئونل فرنانذز رینا، از حزب آزادی دومینیکن، به ریاست جمهوری برگزیده شد. در ۱۶ آوریل ۱۹۹۸ کوبا و دومینیکن روابط سیاسی خود را از سر گرفتند.

انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۸، به پیروزی چشمگیر حزب انقلابی دومینیکن منجر شد و این حزب به تنهایی ۸۳ کرسی مجلس نمایندگان و ۲۴ کرسی مجلس سنا را از آن خود کرد. توفند خورخه یا جورج، در همین سال ۵۰۰ کـشته به جـای گـذاشت و خسـارات فـراوانی را به بار آورد. در انتـخابات ریاست جـمهوری ماه مـه ۲۰۰۰ که سـالم‌ترین انتخابات تاریخ این کـشور لقب گرفت، هیپولیتو مخیـا ا دومینگوئز از حزب انقـلابی دومینیکن، در دور دوم به پیـروزی رسید. به دنبال عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، صنعت جهانگردی دومینیکن که بخش عمده‌ای از تولید ناخالص ملی وابسته به آن است به شدت صدمه دید.



نام رسمی: جمهوری دومینیکن

نام محلی: دومینیکانا Dominicana

اسامی دیگر: -

پایتخت: سانتودومینگو (۲،۱۳۸،۲۶۲ نفر در سال ۱۹۹۳)

تاریخ استقلال: ۱۸٤٤/۲/۲۷، از هائی‌تی

روز ملی: بیست و هفتم فوریه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چندحزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦٦

رئیس حکومت: رئیس جمهور: هیپولیتو مخیا ا دومینگوئز(حزب انقلابی دومینیکن)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: هیپولیتو مخیا ا دومینگوئز(حزب انقلابی دومینیکن)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٤ سال

قوه مقننه: قانون اساسی ۱۹٦٦ با تغییراتی در سال ۱۹۹٤؛ مجلس نمایندگان با ۱٤۹ عضو و مجلس سنا با ۳۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۸): حزب انقلابی دومینیکن ۸۳ کرسی، حزب آزادی دومینیکن ۵۰ کرسی، حزب اصلاح‌طلب سوسیال مسیحی ۱٦ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ا یکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، آی-آدب

جمعیت

مساحت: ٤۸،٦۷۱ کیلومترمربع (صد و بیست و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۸،۵۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتادوچهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۷٤/٦ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۱/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۱/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳٤ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪٦۳/۹ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۲/۷

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ٪۳۵/۱ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۹ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۹/۷ ؛ بالای ٦۰ سال ٪٦/۲

توزیع جنسی (۱۹۹۳): مرد ٪٤۸/٦۹؛ زن ٪۵۱/۳۱ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۵/۱ سال؛ مردان ۷۰/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۵/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۷/۵ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۰/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۸۵): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱٦۵ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۸۵ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ٤۵ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٤۱ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٤): ۲ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۳): دورگه سفید و سیاه ٪۷۳؛ سفیدپوست ٪۱٦؛ سیاهپوست ٪۱۱

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ٪۸۱/۸؛پروتستان ٪٦/٤؛ دیگر مسیحیان ٪۰/٦؛ ادیان دیگر ٪۱۱/۲ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ خط : لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۳): سانتیاگو ۳٦۵،٤٦۳ نفر؛ لارومانا ۱٤۰،۲۰٤ نفر؛ سان‌پدرو د ماکوریس ۱۲٤،۷۳۵ نفر؛ سان فرانسیسکو د ماکوریس ۱۰۸،٤۸۵ نفر

بنادر مهم: سانتودومینگو و سان‌پدرو د ماکوریس (در دریای کارائیب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پزو دومینیکن (RD$) = ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار= ۱٦ پزو؛ یک پزو= ۵۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۳۸،۵٦٦ میلیون پزو؛ درآمد مالیاتی ٪۹۳/۸ (شامل مالیات بر کالا و خدمات ٪٤۷/۷ ؛ عوارض گمرکی ٪۲۷ ؛ مالیات بر درآمد ٪۱۷/۹)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۵/۳

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ٤۱،۱۷۹ میلیون پزو؛ هزینه‌های جاری ٪۷۲/۲ ؛ هزینه‌های عمرانی ٪۲۷/۸

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱٤،٦۲۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۷۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۳ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۵/۳

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۱/٦ ؛ صنعت ٪۳۲/۸ ؛ خدمات ٪۵۵/٦

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۲۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٦۹۱ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳،۵۳۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۲۰/٤+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱٦/۹

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱۰/٦؛ ۱۹۹۸: ٪٤/۹ ؛ ۲۰۰۰: ٪۹

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): نیشکر ۵،۰۹۷،۰۰۰ تن؛ برنج ٤۷۵،۰۰۰ تن؛ موز ۳۵۹،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۳٤۱،۰۰۰ تن؛ دانه کاکائو ۵۹،۰۰۰ تن؛ قهوه ۵۷،۰۰۰ تن؛ حبوبات ۵٦،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۳۰/٦؛ مرتع و چمنزار ٪٤۳/٤؛ جنگل ٪۱۲/٤؛ سایر موارد ٪۱۳/٦

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گاو ۲،۵۲۸،۰۰۰ رأس؛ خوک ۹٦۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۷): ۹۸۲،۳۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱٤،۵۳٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٤۲،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۵۲،۸۵۳ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): نیکل ۲۵،۲۰۰ تن؛ طلا ٤۰،۷۰۰ تروی

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): سیمان ۱،۸۷۲،۰۰۰ تن؛ شکر تصفیه شده ۱۰۵،۰۰۰ تن؛ آبجو ۲،۹۹۰،۰۰۰ هکتولیتر؛ رام (نوشیدنی الکلی)۴۲۰،۰۰۰ هکتولیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۷،۹۲۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(٤،۵۹٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹٦): صفر (۱۲۸،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر (۱۷،۰۳۵،۰۰۰) بشکه؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۳): ۲،۵۵٦،۲۲۵ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳۵؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤ سال) ٪۵٤/۳؛ زنان: ٪۲٤/۹؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): ٪۱۳/۸؛ ۲۰۰۰: حدود ٪۲۵

توزیع نیروی کار(۱۹۹٦): کشاورزی ٪۱۵؛ صنعت ٪۲۳؛ خدمات ٪٦۲

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه:؟؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲٤،۵۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪٦۱/۲؛ نیروی دریایی ٪۱٦/۳؛ نیروی هوایی ٪۲۲/۵ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۲۱ دلار

واردات(۱۹۹۸): ٤،۸۹۷ میلیون دلار؛ شامل کالاهای سرمایه‌ای ٪۲۲/۱ ؛ مواد مصرفی با دوام ٪۱۳/۲ ؛ نفت خام و فرآورده‌های‌نفتی ٪۱۱؛ ازامریکا٪۵٦ ؛ونزوئلا ٪۲۳ ؛مکزیک ٪۹ ؛ ژاپن ٪٤ ؛ (به علاوه واردات مناطق آزاد: ۲،۷۰۱ میلیون دلار)

صادرات(۱۹۹۸): ۸۸۹ میلیون دلار؛ شامل مایحتاج و ملزومات کشتی‌ها ٪۱۵/۸ ؛ نیکل آهن‌دار ٪۱۵ ؛ کاکائوی خام و شکلات کاکائو ٪۱۳/٦ ؛ شکر خام ٪۱۳/۲ ؛ قهوهٔ خام ٪۷/۲ ؛ به کشورهای امریکا ٪۵۳/۹ ؛ بلژیک ٪۱۱/۹ ؛ پوئرتوریکو ٪۷ (به علاوه صادرات از مناطق آزاد: ٤،۱۰۰ میلیون دلار)

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیارد دلار	-۲،۱۹۳	-۲،۲۵٦	-۲،۲۹۲	-۲،٦۳۵	-۳،۱۷۵	-٤،۰۰۸
درصد کل	٪٦٤/٦	٪٦۰/۵	٪۵٦/۸	٪۵۸/۲	٪٦۱	٪٦۹/۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۲/۱	۸۸/۹	۱۰۰	۱۰۵/٤	۱۱٤/۱	۱۱۹/۳	۱۲۵/۳
شاخص درآمد سالانه	۸۳/۳	۸۳/۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۰	۱۲۰	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۳): ۳/۹ نفر؛ میانگین درآمد: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۸۵-۱۹۸۰): غذا و نوشیدنی ٪٤٦ ؛ مسکن ٪۱۰ ؛ کالای خانگی ٪۸

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲،۱٤۲ میلیون دلار؛ هزینه‌ها (۱۹۹٦): ۲٤۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۲،٦۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۱،۷٤۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۲۲٤،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱۵۱،۵۵۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۲۸ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۷ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۱۲ روزنامه در ٤۱٦،۰۰۰ نسخه (۵۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱،٤٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۷۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۷۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۹٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷٦۳،۹۲۸ خط تلفن (۹٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۵۵،۹۱۲ خط (۳۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	٤،۰۰۱	٤۲،۱۳۵	۱،٤٦۲،۷۲۲	۳٤/۷
متوسطه	؟	۱۰،۷۵۷	۲٤۰،٤٤۱	۲۲/٤
فنی و حرفه‌ای	؟	۱،۲۹۷	۲۲،۷۹۵	۱۷/٦
عالی	؟	۹،۰٤۱	۱۷٦،۹۹۵	۱۹/٦

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۸۲/۱؛ مردان: ٪۸۲؛ زنان: ٪۸۲/۲

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۱): ابتدایی ٪۳۵/۷؛ متوسطه ٪۱٤؛ عالی ٪۲/۳

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۱۷،٤٦۰ نفر(هر ٤٦۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۱۱،۹۲۱ تخت (هر ٦٦۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۸۳،۰۰۰ نفر (٪۱/۸۹ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر٦۹/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۲۸۸ کالری (٪۱۰۱ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۵۰ گرم؛ مصرف چربی: ۷٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۸- ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۱/٦

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٦/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۲/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۱/٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۲۹ (هشتادوهفتمین کشور جهان)



نام رسمی: جمهوری روآندا

نام محلی: روواندا Rwanda

اسامی دیگر: -

پایتخت: کیگالی (۲۳۷،۷۸۲ نفر در سال ۱۹۹۱)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۲/۷/۱، از بلژیک

روز ملی: اول ماه ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: دولت انتقالی با یک مجلس انتقالی، از سال ۱۹۹٤

رئیس حکومت: رئیس جمهور:سرلشگر پاول کاگامه (رهبر جبهۀ میهنی روآندا)، از سال ۲۰۰۰توسط مجلس ملی انتقالی

رئیس دولت: نخست‌وزیر: برنارد ماکوزا (جنبش دموکراتیک جمهوری‌خواه)، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۵ با تغییراتی درسال ۱۹۹۶؛ مجلس ملی انتقالی با ۷۰ عضو انتصابی؛ کرسی‌های مجلس ملی انتقالی: جبهۀ میهنی روآندا (قوم توتسی) ۱۳ کرسی، جنبش دموکراتیک جمهوری‌خواه (هوتو) ۱۳، حزب لیبرال (هوتو) ۱۳، حزب سوسیال دموکرات (هوتو) ۱۳، حزب دموکرات مسیحی(هوتو) ٦، حزب دموکراتیک اسلامی ۲، اتحاد دموکراتیک مردم روآندا ۲، ارتش ۲ کرسی؛ بقیه ٦ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۲٦،۳۳۸ کیلومترمربع (صد و چهل و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۷،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتادونهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۹۲/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۷/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۲/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۵/۹ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪٤/۷

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪٤۳/۵ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۹/۸ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۲/۳ ؛ بالای ٦۰ سال ٪٤/٤

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۹/۵۷ ؛ زن ٪۵۰/٤۳ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۰/۱ سال، مردان ۳۸/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۵/۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۱/۱ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۲۰/۱ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٤/٦ نفر

دلایل عمدۀ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی در دست نیست، اما مهمترین دلایل مرگ و میر در سال ۱۹۹۹ عبارتند از: مالاریا، ذات‌الریه، ایدز، منتزیت، سوء تغذیه شدید و حوادث رانندگی در راهها.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۸٤): ۲/۵ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۶): قبایل سیاهپوست هوتو ٪۸۰ ؛ توتسی ٪۱۹ ؛ توا ٪۱

دین(۱۹۹۶): کاتولیک ٪٦۵ ؛ پروتستان ٪۹ ؛ مسلمان ٪۱ ؛ عقاید سنتی ٪۲۵ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: فرانسوی، کینیاروآندا، انگلیسی (زبانهای رسمی)؛ سواحلی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۱): بوتاره ۲۸،٦٤۵ نفر؛ روهنگری ۲۹،۵۷۸ نفر؛ گیسن‌یی ۲۱،۹۱۸ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد، اما مهمترین بندر داخلی آن گیسن‌یی، در کنار دریاچه کیوو می‌باشد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک روآندا (RF) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۵۱۹/۳۵ فرانک؛ یک فرانک = ۱۵/٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۹۹ میلیارد فرانک: کمک‌های خارجی ٪۳۳/۳ ؛ مالیات بر کالا و خدمات ٪۲۸/۹ ؛ عوارض بر واردات و صادرات ٪۱٦ ؛ مالیات بر درآمد ٪۳/٤

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۱۷/٤ میلیارد فرانک: هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۳۵/۹ ؛ حقوق و دستمزدها ٪۲٤/٦ ؛ کالاها و خدمات ٪۲۱/۷ ؛ انتقالی‌ها ٪۷/۹ ؛ بازپرداخت بدهی‌ها ٪٤/۹

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،۸٦٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪٤/۷ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۱/٤-

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٤۷/٤ ؛ صنعت ٪۲۱/۲ ؛ خدمات ٪۳۱/٤

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۷ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۱۲۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۷) :** ۳٤۹/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱/۸-

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱۸/۱ ؛ ۱۹۹۸: ٪۲/٦

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): موز سبز ۲،۸۹۷،٤۳۲ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۸٦۲،۵٦۲ تن؛ کاساوا ۳۱٦،۹۳٤ تن؛ سیب‌زمینی ۱۷۵،۸۸۹ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۱۰۷،۵٦٦ تن؛ ذرت ٥٤،۹۱۲ تن؛ قهوه ۱۸،۸۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪٤۷/٤ ؛ مرتع و چمنزار ٪۲۸/٤ ؛ جنگل ٪۱۰/۱ ؛ سایر موارد ٪۱٤/۱

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۷۲۵،۵٤۱ رأس، بز ٦۳٤،۰٤٦ رأس؛ گوسفند ۲۹۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱۵۹،٦۲۵ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٦،٦٤۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱،٤۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): کاسیتریت (سنگ قلع) ۳۳۰ تن؛ ولفرامیت (سنگ تنگستن) ۱۸۸ تن؛ طلا ۱۷ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): سیمان ۵۸،۹۲۹ تن؛ صابون ٦،۹٦٦ تن؛ آبجو ٦۵۰،۰۰۰ هکتولیتر؛ نوشیدنی غیر الکلی ۳٦۳،۰۰۰ هکتولیتر؛ منسوجات ۵،۲۹۸،۰۰۰ متر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۱۵۳،٦۳۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۸٦،۰۸۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر(۹۵،۵۰۰ تن)؛ گاز طبیعی (۱۹۹٦): ۱۷۹،۳۸۹ مترمکعب (۱۷۹،۳۸۹)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۱): ۳،٦٤۹،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۵۰/۲ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٤ تا ۷٤ سال ؛ ۱۹۸۹): ٪٤٦/۳ ؛ زنان (در سنین ۱٤ تا ۷٤ سال): ٪۵۳/۵ ؛ میزان بیکاری: ؟

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۹۱/۸ ؛ صنعت ٪۳/۳؛ خدمات ٪٤/۹

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٤۰،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۱۰۰ ؛ سرانۀ هزینۀ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۰ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۲۵۵/۷ میلیون دلار؛ شامل کالاهای واسطه‌ای ٪۲٦/۸ ؛ کالاهای سرمایه‌ای ٪۲۳/۷ ؛ مواد غذایی ٪۱۹/۳ ؛ سوخت و انرژی ٪۱۳/۸ ؛ از کشورهای کنیا ٪۲۵/۸ ؛ امریکا ٪۸/٤ ؛ بلژیک ٪۵/۹ ؛ فرانسه ٪۵/۲ ؛ آلمان٪۳/۸؛ هلند ٪۳/۱ ؛ ایتالیا ٪۲/۸ ؛ انگلستان ٪۱/۷

صادرات(۱۹۹۸): ٦۲/٤ میلیون دلار؛ شامل قهوه ٪٤۲/۸ ؛ چای ٪۳٦/۷ ؛ پوست ٪۳/۵ ؛ به کشورهای بلژیک ٪٤۷/٦ ؛ آلمان ٪۲۵/٤ ؛ امریکا ٪٦/۳ ؛ ایتالیا ٪٦/۳

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۲۰۰/۱	-۳۳۵/۲	-۱٤۳/۷	-۱۵۱/۳	-۱۸٤/۵	-۱۹۳/۳
درصد کل	٪۵۹/۷	٪۸۳/۹	٪۵۸/۸	٪۵۵	٪۵۲/۵	٪٦۰/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۹۹۵=۱۰۰):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۵۰/۳	؟	۱۰۰	۱۰۷/٤	۱۲۰/۳	۱۲۷/۸	۱۲٤/۷
شاخص درآمد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۰	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازۀ خانوار (۱۹۹۱): ٤/۷ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۸۳): ۱۲۲،۸۷۰ فرانک؛ منابع درآمد (۱۹۷۷): کار آزاد ٪۷۱ ؛ حقوق و دستمزد ٪۱٦/۵ ؛ انتقالی‌ها ٪۹/۵ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۲): مواد غذایی ٪٤٤/۲ ؛ مسکن ٪۱۳/۲ ؛ پوشاک و کفش ٪۱۱/٤ ؛ حمل ونقل ٪۱۰/۳ ؛ لوازم خانگی ٪۸/٤

جهانگردی(۱۹۹۳): درآمد: ۲ میلیون دلار؛ هزینه‌ها (۱۹۹۲): ۱۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱٤،۹۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۱۳،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۱۷،۱۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۲ فرودگاه با برنامۀ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۵): ۱ روزنامه در ۵۰۰ نسخه (۰/۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۵ عنوان در ۱۰۱،۰۰۰ نسخه

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٦۰۱،۰۰۰ گیرندۀ رادیویی (۱۰۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۰،۰۰۰ گیرندۀ تلویزیونی (۱/۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۱،۰۰۰ خط تلفن (۱/٦ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۲)	۱،۷۱۰	۱۸،۹۳۷	۱،۱۰٤،۹۰۲	۵۸/۳
متوسطه	؟	۳،٤۱۳	۹٤،۵۸٦	۲۷/۷
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۳ (۱۹۸۵)	٦٤٦	۳،۳۸۹	۵/۲

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪٦۷ ؛ مردان ٪۷۳/۷ ؛ زنان: ٪٦۰/٦

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۷۸): بدون تحصیلات رسمی ٪۷٦/۹ ؛ ابتدایی ٪۲۰/۸ ؛ راهنمایی ٪۲

تعداد پزشک(۱۹۹۲): ۱۵۰ نفر (هر ۵۰،۰۰۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۰): ۱۲،۱۵۲ تخت (هر ۵۸۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۳۷۰،۰۰۰ نفر (٪۱۲/۷۵ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷۹/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۰۳۵ کالری (٪۸۸ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤٦ گرم؛ مصرف چربی : ۲۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۷- ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۰/۲

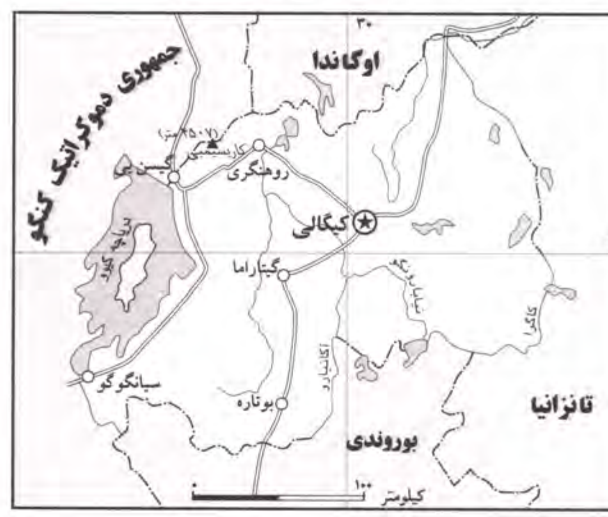
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۵ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعۀ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳۸۲ (صد و شصت و چهارمین کشور جهان)

روآندا RWANDA

روآندا کشوری است محصور در خشکی که در مرکز جنوب خاوری قارهٔ افریقا جای دارد و از شمال به اوگاندا، از خاور به تانزانیا، از جنوب به بوروندی و از غرب به کنگوکینشاسا محدود است. روآندا که به کشور هزارتپه معروف است سرزمینی است مرتفع که میان دو رشته کوه واقع شده و قلب افریقا را با ارتفاع حداکثر ۴۵۰۷ متر (کوه کاریسیمبی) به خود اختصاص داده است. رودخانه‌هایی چون کاگرا، نیابارونگو و آکانیارو این کشور کوچک را کاملاً مشروب می‌سازند و دریاچه‌های متعدد آن از قبیل دریاچهٔ مرزی کیبو (۲۵۵۰ کیلومترمربع) بر زیبایی طبیعت آن می‌افزایند و حیات وحش را جلوهٔ خاصی می‌بخشند. اقلیم آن از آب و هوای گرم و مرطوب و پر باران برخوردار است و جمعیت آن عمدتاً در ارتفاعات بسرمی‌برند و با کشاورزی سنتی روزگار می‌گذرانند. نواحی کم‌ارتفاع بیشتر به دامداری و پرورش چهارپایان اختصاص یافته و زیاده‌روی در مصرف سوخت و استفادهٔ بی‌رویه از جنگل‌ها و چراگاه‌هابه زدایش و نابودی جنگل‌ها و علفزارها انجامیده و اراضی را از پوشش گیاهی عاری ساخته است.



تاریخچه

روآندا از روزگاران گذشته به وسیلهٔ هوتوها که تیره‌ای از اقوام بانتو هستند و همچنین توآها یا پیگمه‌ها مسکون گردیده بود. در سدهٔ پانزدهم میلادی توتسی‌ها از اتیوپی به بلندیهای روآندا یورش بردند و جامعه‌ای طبقاتی را در آنجا به وجود آوردند و بر دیگران تسلط یافتند. در سال ۱۸۹۷ آلمانی‌ها آنجا را تصرف کردند و همراه با بوروندی مستعمرهٔ افریقای خاوری آلمان را پدید آوردند. پس از جنگ جهانی اول، نام آن به روآندا - اوروندی تغییر یافت و تحت تسلط بلژیک قرار گرفت. در سال ۱۹۵۹ میان اقوام توتسی و هوتو جنگ خانگی خونینی درگرفت. در ۱۹۶۲ از بوروندی جدا شد و پس از اعلام استقلال به جمهوری روآندا موسوم گردید و در اندک‌زمانی بعد، اختلافات قومی به جنگ داخلی منجر گردید و طی آن حدود ۲۰،۰۰۰ تن به قتل رسیدند و تعداد زیادی از اعضای قبایل توتسی از کشور بیرون رانده شدند. در ژوئیه ۱۹۷۳، گریگوری کاییباندا، رئیس جمهور وقت برکنار شد و سرهنگ جوونال هابیاریمانا زمام امور را در دست گرفت.
درسال ۱۹۸۲ گروه کثیری از مردم روآندا که به اوگاندا پناهنده شده بودند، از آن کشور بیرون رانده شدند و تمام خانه و کاشانهٔ آنان به وسیلهٔ نیروهای اوگاندایی به آتش کشیده شد و حدود ده هزارتن بی‌خانمان گردیدند. در ۱۹۸۶ رئیس جمهور اوگاندا اعلام داشت، کسانی که حداقل ده سال در اوگاندا بسر برده باشند به تابعیت اوگاندا پذیرفته خواهند شد. این اعلامیه به بهبود روابط دو کشور کمک کرد. در انتخابات ۱۹۸۸ هابیاریمانا برای بار دیگر به ریاست جمهوری رسید. در سال ۱۹۹۳، قرارداد صلحی بین نخست‌وزیر وقت و جبههٔ میهنی روآندا، متشکل از توتسی‌ها، منعقد شد که از سوی رئیس جمهور، هابیاریمانا نادیده گرفته شد. در آوریل ۱۹۹۴ رؤسای جمهور روآندا و بوروندی که پس از گفتگوهای صلح‌آمیز از تانزانیا به کیگالی پرواز می‌کردند، مورد حملهٔ هوایی قرار گرفتند و هر دو تن با دیگر سرنشینان هواپیما کشته شدند و به دنبال آن شورشهای قومی خونینی سراسر روآندا را در بر گرفت و حدود ۵۰۰،۰۰۰ نفر طی سه ماه به قتل رسیدند و کار به جایی کشید که امریکا، فرانسه و بلژیک تصمیم به اعزام نیرو به روآندا گرفتند تا مگر امنیت را برقرار سازند و از جان اتباع بیگانه دفاع کنند. در طی سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ تعداد زیادی از گورهای دسته‌جمعی کشف می‌شد و در عین حال زد و خوردها میان ارتش جدید روآندا که توسط جبههٔ میهنی روآندا شکل گرفته بود و شبه نظامیان هوتو که در قتل عام‌های سال ۱۹۹۴ دست داشتند، به کشته شدن افراد بیشتری منجر می‌شد. علیرغم توصیه‌های پاپ ژان پل دوم و کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد برای حفظ آرامش، در سال ۱۹۹۸، ۲۲ نفر از کسانی که مسئول نسل‌کشی‌های سال ۱۹۹۴ شناخته شده بودند، اعدام شدند. کمی بعد، ژان کامباندا، نخست‌وزیر ایام قتل عام‌های سال ۱۹۹۴، خود را مقصر شناخت و به حبس ابد محکوم شد. در سال ۲۰۰۰، پاستور بیزیمونگو که از سال ۱۹۹۴، ریاست جمهوری این کشور را به عهده داشت، در اعتراض به اخراج همفکرانش از کابینه، استعفاء نمود و مجلس ملی انتقالی پاول کاگامه، رهبر جبههٔ میهنی روآندا را به جای وی برگزید. دادگاهی در بلژیک در سال ۲۰۰۱، ۴ نفر از شهروندان روآندا، منجمله ۲ راهبهٔ کلیسای کاتولیک را در مورد جنایت علیه بشریت در قتل عام‌های سال ۱۹۹۴ مقصر شناخت.

روسیه RUSSIA

روسیه که وسیع‌ترین کشور جهان است، در شمال آسیا و خاور اروپا جای دارد. این کشور از شمال به اقیانوس منجمد شمالی(شمالگان)، از خاور به اقیانوس آرام، از جنوب به کشورهای کره شمالی، چین، مغولستان، قزاقستان، دریای خزر، آذربایجان و گرجستان و از غرب به دریای سیاه و کشورهای اوکراین، روسیه سفید(بیلاروس)، لاتویا، استونی، فنلاند و نروژ محدود است. روسیه را از نظر جغرافیایی می‌توان به پنج منطقه به شرح زیر تقسیم نمود:
۱- منطقهٔ اروپایی یا غنی‌ترین منطقهٔ کشور که بین مرزهای غربی و کوههای اورال (مرز طبیعی و قراردادی میان قاره‌های آسیا و اروپا) جای دارد، دشت بسیار پهناوری است که رودهای ولگا، دُن و دنیپر آن را مشروب می‌سازند.
۲- منطقهٔ کوهستانی اورال از شمال به جنوب ممتد است و از نظر مواد معدنی و نفت، عمده‌ترین منطقهٔ روسیه محسوب می‌گردد. بلندترین نقطهٔ این منطقه به نام کوه نارودنایا ۱۸۹۵ متر ارتفاع دارد.
۳- منطقهٔ سیبری که بین کوههای اورال و اقیانوس آرام و در سرتاسر شمال قارهٔ آسیا جای دارد و یکی از غنی‌ترین نواحی کشور از نظر منابع معدنی به شمار می‌رود. پراکندگی و کمبود جمعیت از خشونت اقلیم آن حکایت دارد و رودخانه‌های ینی‌سی، اوب، ایرتیش، آنگارا، تونگوسکا، آمور، لنا و کولیما، عمده‌ترین رودهای آن به شمار می‌آیند.
۴- منطقهٔ قفقاز، استپ پهناوری است که در شمال کوههای قفقاز و میان دریاهای سیاه و خزر واقع شده و بلندترین نقطهٔ کشور روسیه به نام کوه البروس (۵۶۴۲ متر) در کوههای همین منطقه جای دارد و چای، انگور و مرکبات از محصولات کشاورزی آن محسوب می‌شوند.
۵- منطقهٔ آسیای مرکزی که از دشتهای پهناور و استپ‌های وسیع و کوههای نسبتاً مرتفع سایان غربی و شرقی، یابلونووی، استانووی و شانگپای تشکیل شده و غلات و سیب‌زمینی، چغندرقند، پنبه و میوه از فرآورده‌های کشاورزی آن است.
رود ینی‌سی با درازای ۵۸۷۰ کیلومتر، طویل‌ترین رود آن به شمار می‌رود ورود ولگا با ۳۶۹۰ کیلومتر طول، طویل‌ترین رود اروپا است. دریاچهٔ بایکال به وسعت ۳۴،۱۴۰ بزرگترین دریاچهٔ روسیه و در عین حال بزرگترین دریاچهٔ آب شیرین آسیا است. دریاچهٔ لادوگانیز بزرگترین دریاچهٔ اروپا محسوب می‌شود.
کشور روسیه از نظر منابع زیرزمینی یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان است و نفت، زغال‌سنگ، آهن، مس، روی، سرب، بوکسیت، منگنز و قلع از عمده‌ترین کانی‌های آن است. شهر چلیابینسک که در انتهای جنوبی کوههای اورال واقع است از نظر تشعشعات رادیواکتیویته ناشی از نشت کارخانهٔ پلوتونیوم یکی از آلوده‌ترین نواحی روسیه محسوب می‌گردد. از سوی دیگر فضولات واحدهای صنعتی تهدیدی برای دریاچهٔ بایکال بوده و رودها و آبهای سطحی را به شدت آلوده کرده و محیط‌زیست را در معرض تهدید شدید قرار داده است.



نام رسمی: فدراسیون روسیه

نام محلی: روسیا Rossija

اسامی دیگر: -

پایتخت: مسکو (۸،٤۰۵،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: دوازدهم ژوئن

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی فدرال با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ولادیمیر پوتین، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: میخائیل کاسیانوف، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳؛ دومای دولتی (مجلس سفلی) با ٤۵۰ عضو و شورای فدراسیون با ۱۷۸ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های دومای دولتی (۱۹۹۹): حزب کمونیست ۱۱۳ کرسی؛ اتحاد ۷٤ کرسی، سرزمین پدری ـ تمام روسیه ٦٦، اتحاد نیروهای راست ۲۹، بلوک اصلاحات یابلوکو ۲۱؛ لیبرال دموکرات ۱۷، خانهٔ ما روسیه ۷؛ منفردین ۱۰٦ کرسی؛ بقیهٔ احزاب ۱۷ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۱)، اونکتاد، یونیسف، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، اینو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، آپک، شورای اروپا، گروه ۸، سیس، اوسه

جمعیت

مساحت: ۱۷،۰۷۵،٤۰۰ کیلومترمربع (اولین کشور جهان)

جمعیت: ۱٤٦،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸/٦ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪-۰/۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۳۷/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۷۷ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۰/۳

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۱۸/۸ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۲/۲ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪٤۰/۷ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۱۸/۳

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤٦/۷٦ ؛ زن ٪۵۳/۲٤ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۲/۷ سال؛ مردان ٦۱/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۲۱/۱ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/۸- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بیماریهای گردش خون ۷٤۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۰۳ نفر؛ حوادث ، مسمومیت و درگیری ۱۸۵ نفر(شامل خودکشی ۳۵ نفر و قتل عمد ۲۳ نفر)؛ بیماریهای تنفسی ۵۷ نفر؛ بیماریهای گوارشی ۳۸ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۱۹ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ۵/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۸):** ۳/٤ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹۷): روس٪۸٦/٦ ؛تاتار٪۳/۲؛ اوکراینی ٪۱/۳؛ چوواش ٪۰/۹؛ باشقیر٪۰/۷ ؛ چچن ٪۰/٦؛موردوویایی٪۰/۵

دین(۱۹۹۵): ارتدوکس روس ٪۱٦/۳ ؛ مسلمان ٪۱۰؛ پروتستان ٪۰/۹؛ یهودی ٪۰/٤؛ بقیه(اکثراً بدون دین)٪۷۲/٤

زبان و خط: روسی (زبان رسمی)؛ خط: سیریلی

شهرهای مهم(۱۹۹۷): سنت‌پترزبورگ ٤،۲۱٦،۰۰۰ نفر؛ نیژنی نووگورود ۱،۳۷۱،۰۰۰ ؛ نووسیبیرسک ۱،۳٦۷،۰۰۰ ؛ یکاترینبورگ ۱،۲۷۵،۰۰۰؛ سامارا ۱،۱۷۰،۰۰۰ ؛ اومسک ۱،۱۵۸،۰۰۰؛ چلیابینسک ۱،۰۸۵،۰۰۰؛ قازان ۱،۰۸٤،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: سنت‌پترزبورگ (خلیج فنلاند)؛ مورمانسک (دریای بارنتز)؛ آرخانگلسک (دریای سفید)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: روبل (Rub) = ۱۰۰ کوپک؛ یک دلار= ۲،۷۹۵ روبل؛ یک روبل = ۲۸٦/۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸) : ٦۵۷،۱۰۰ میلیارد روبل؛ درآمد مالیاتی ٪۸۲/۸ (شامل مالیات بر ارزش افزوده ٪۲۳/۸؛ مالیات بر سود ٪۱٤/۷ ؛ مالیات بر درآمد افراد ٪۱۰/۸ ؛ مالیات بر مصرف ٪۱۰/۳)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۱۷/۲

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۷۵۳،۰۰۰ میلیارد روبل؛ امور اجتماعی و فرهنگی ٪۳۱/۷ ؛ سود بدهی‌های خارجی ٪۱٤/۲؛ امور دفاعی ٪۷/۵ ؛ اعمال قانون ٪۵/۷ ؛ هزینه‌های اداری ٪٤

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳۳۱،۷۷٦ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،۲٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪-۷/۱

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۷/۳؛ صنعت ٪۳۵/۳؛ خدمات ٪۵۷/٤

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۲،۱۸۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱٦٤ میلیارد دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱،۰۱۷/۲+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲۱/۲

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۲۳۰/۹ ؛ ۱۹۹۸: ٪۱۱/٦ ؛ ۲۰۰۰: ٪۲۰/۲

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سیب‌زمینی ۳۱،۲۰۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۳۰،۹٦۰،۰۰۰ ؛ سبزیجات (به جز سیب‌زمینی) ۱۵،٤۰۰،۰۰۰؛ چغندرقند ۱۵،۲۰۰،۰۰۰؛ جو ۱۰،٦۰۰،۰۰۰ ؛ جو دوسر ٤،۸۰۰،۰۰۰؛ چاودار ٤،۷۸۰،۰۰۰؛ دانهٔ آفتابگردان ٤،۲۰۰،۰۰۰؛ ذرت ۱،۰۷۰،۰۰۰؛ ارزن ۹۲٤،۰۰۰ ؛ نخود ٦۸۰،۰۰۰؛ گندم سیاه ۵۷۸،۰۰۰؛ برنج ٤٤٤،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۷/۷ ؛ مرتع ٪۵/۲ ؛ جنگل ٪٤٤/۹ ؛ سایر موارد ٪٤۲/۲

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۲۸،٦۳٤،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱۷،۳۰۰،۰۰۰؛ گوسفند ۱۳،٦۵۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۱۵،٦۰۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤،٦٦۱،۸۵۳ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۵۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،۸۵۳،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): نیکل ۲٦۰،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ سنگ کروم ۱۵۱،۰۰۰،۰۰۰ ؛ سنگ آهن ۷۰،۸۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): فولاد خام ٤۹،۲۵۳ هزار تن؛ آهن خام ۳۷،۰۷۹؛ ورق فولادی ۳۹،۰۰۰؛ سیمان ۲۷،۷۹۲ ؛کودمعدنی۹،۰۷٦؛ اسید سولفوریک۵،۷٦٤؛ سلولز٤،۱۹۳؛ رزین و پلاستیک‌های مصنوعی۱،۷۹٤ ؛ مقوا۱،۲۹۸؛ نوشابه گازدار۸۷۱؛ مواد شوینده ۲۹٦؛ الیاف مصنوعی ۲۱٦ هزار تن؛ الیاف پنبه‌ای ۱،۱۲۰،۰۰۰،۰۰۰مترمربع

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۹): ۸۲۷،۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ۸۲۷،۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹٦): ۱٦٦،۵۰۰،۰۰۰ تن(۱٦۱،۰۲۰،۰۰۰)؛ لیگنیت: ۹۳،٦۰۰،۰۰۰ تن (۸٦،۰۹۱،۰۰۰)؛ نفت خام(۱۹۹۸): ۲،۱۷۵،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ۱،۳۱۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۱۵۷،۸۸٤،۰۰۰ تن(۱۰۵،۱٦۸،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۸): ۷۲،۵۷۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۹/۵ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤ سال): ٪۷۳/۲ ؛ زنان: ٪٤۷/۱ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): ٪۱۳/۳ ؛ ۲۰۰۰: ٪۱۰/۲

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۳ ؛ صنعت ٪۳۰/۷ ؛ خدمات ٪۵٦/۳

نیروی دفاعی: مدت خدمت نظام وظیفه: نیروی زمینی ۱۸ ماه؛ نیروی دریایی ۲٤ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۱،۰۰٤،۱۰۰ نفر؛نیروی‌زمینی٪۳٤/٦؛نیروی‌دریایی٪۱۷/۱؛نیروی هوایی ٪۱۸/٤؛ بقیه ٪۲۹/۹؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷):۲۸۳دلار

واردات(۱۹۹۸): ۵٦/۸ میلیارددلار ؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۲۳/۹؛ مواد غذایی ٪۱۷/۵ ؛ مواد شیمیایی ٪۱۰/۳؛ فلزات آهنی و غیر آهنی ٪٤/٦؛ چوب و تولیدات چوبی ٪۲/٦؛ سوخت و روغنهای روانکاری ٪۲/۵؛ از آلمان ٪۱۱/۹؛ روسیه سفید ٪۱۱/۱ ؛ اوکراین ٪۷؛ امریکا ٪٦/۳ ؛ قزاقستان ٪٤/۹؛ ایتالیا ٪٤/٦؛ فنلاند ٪۳/۵؛ لهستان ٪۳/۱؛فرانسه٪۲/۸

صادرات(۱۹۹۸): ۷٤/۸ میلیارد دلار؛ شامل سوخت و روغنهای روانکاری ٪۳٦/٤؛ فلزات آهنی و غیر آهنی ٪۱۹/۳؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۹/۲؛ مواد شیمیایی ٪۷/۳؛ فلزات قیمتی ٪۵/٤؛ تولیدات جنگل‌داری ٪٤/۵؛ به اوکراین ٪۸/۳؛ آلمان ٪۸/۲؛ روسیه سفید ٪۷/۱؛ امریکا ٪٦/۲؛ چین ٪٤/۸ ؛ هلند ٪٤/۷ ؛ ایتالیا ٪٤/٤؛ قزاقستان ٪۳/۳

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	+۱۱،٤۹۱	+۱۷،۰۲٤	+۲۰،۱۵۱	+۱۹،۷۷۱	+۱٤،۷۱۳	+۱۵،۱٦٤
درصد کل	٪۱٤/۹	٪۱٤/٤	٪۱٤/۲	٪۱۲/٦	٪۹/۱	٪۱۱/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۹۹۰=۱۰۰):	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۹۲/۷	۲،۸۰۰	۲۷،۹۰۰	۱۱۲،۱۰۰	۲۲۱،۳۰۰	۲٦۹،۵۰۰
شاخص درآمد ماهانه	۱۸۰/۹	۱،۹۷۸	۱۹،۳٦۱	۷۱،٤۹٤	۱۰۱،۷۰۰	۲٦٤،۰۰۰

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ۲/۸ نفر؛ درآمد هر خانوار ۳۲،٤٤۷ روبل (۱،۲۹۷ دلار)؛ منابع درآمد: دستمزد ٪٤۰/۵؛ مستمری و حقوق ٪۱۳/۳؛ مقاطعه‌کاری ٪۱٦/۵؛ درآمد از مایملک ٪۵/٦؛ بقیه موارد ٪۲٤/۱؛ هزینه‌ها: مواد غذایی ٪۵۱/٤ ؛ مالیات و پرداختهای مالی دیگر ٪۱۳/۹؛ پوشاک ٪۱۳؛ اسباب و اثاثیه خانگی ٪۷؛ حمل ونقل ٪۲/۲

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ٦،۹۰۰ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۰،۱۱۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۵۷۰،۷۱۹ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۱۵۱،۰۰۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱۷،٦۳۱،٦۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ٤،۹۰۵،۹۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ٤،۵٤۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۷۵ فرودگاه

روزنامه: ۲۸۵ روزنامه در ۱۵،۵۱۷،۰۰۰ نسخه (۱۰۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۲،۷۵۱ عنوان در ۳۸۷،۸۳۲،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۳٦،۲۳۷ عنوان در ٤۲۱،۳۸۷،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۱،٦۲۸/٦ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٦۱،۵۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۱۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٦۲،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۲۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۹،۰۳۱،۰۰۰ خط تلفن (۱۹۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ۷٤۷،۰۰۰ خط (۵/۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٦،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۰۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۹) متوسطه	٦۹،٦۱۳	۱،۸۱۱،۰۰۰	۲۱،۹٦٦،۹۰۰	۱۲/۱
فنی و حرفه‌ای	۳،۵۹۰	؟	۱،٦۷٦،۰۰۰	؟
عالی	۹۱۳	۲۸۲،٤۰۰	۳،۵۹۷،۹۰۰	۱۲/۷

میزان باسوادی(۱۹۹۸): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۹۹/٤؛ مردان ٪۹۹/۸ ؛ زنان: ٪۹۹/۲

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ٦۸۲،۰۰۰ نفر (هر ۲۱۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۸) : ۱،۷۳۱،۰۰۰ تخت (هر ۸۵ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٤۰،۰۰۰ نفر (٪۰/۰۵ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۸۲/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۸۳۵ کالری (٪۱۱۱ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ۹۰ گرم؛ مصرف چربی: ۸۱ گرم

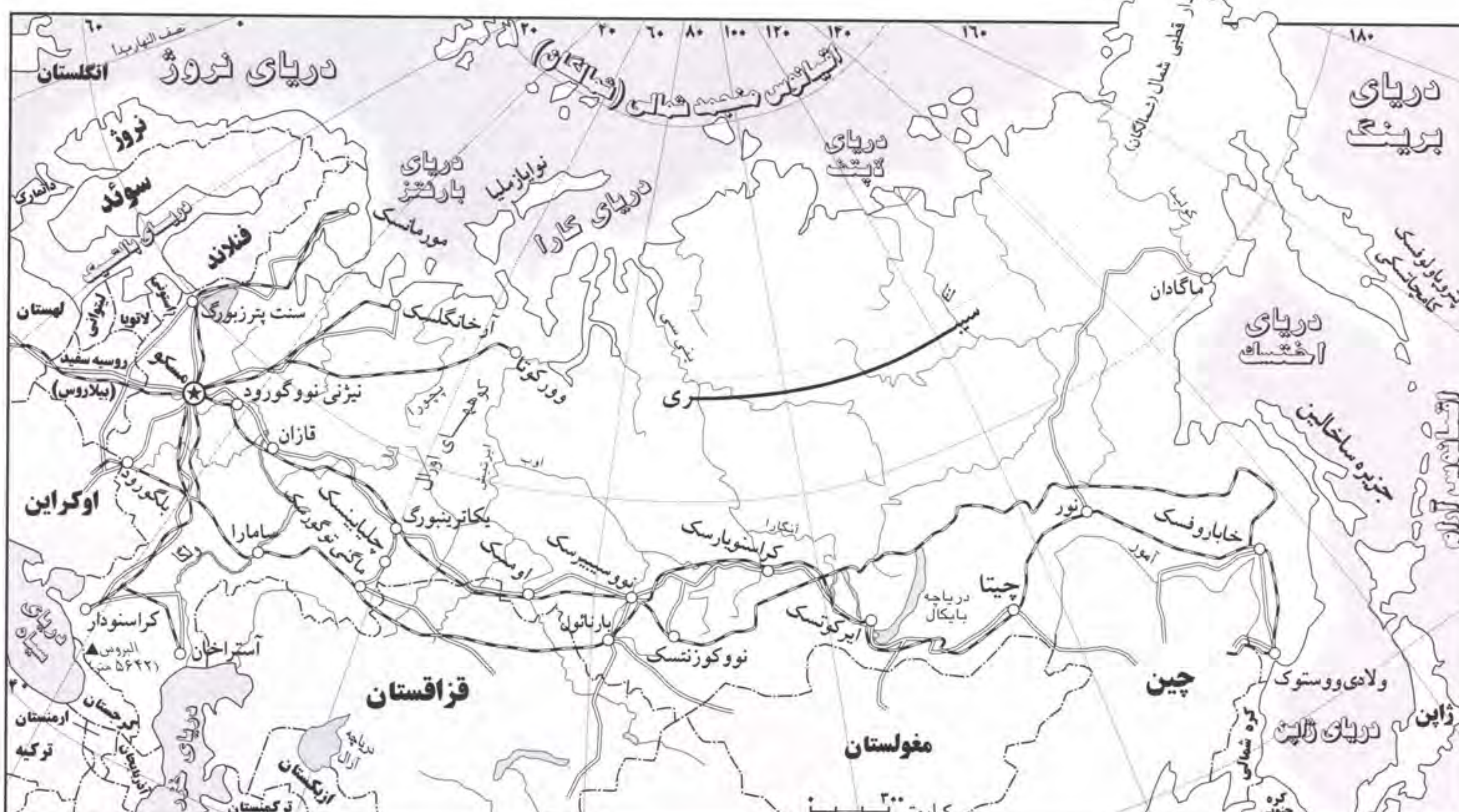
محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۵/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱،۵۸۲/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱۰/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۷۱ (شصت و دومین کشور جهان)



اقلیم روسیه عمدتاً قاره‌ای خشک همراه با زمستانهای سرد و تابستانهای معتدل تا مایل به گرم می‌باشد. زمستانهای طولانی و سرد و سرمای شدید نواحی شمالی و اعتدال نسبی آب و هوا در نواحی مرکزی و جنوبی و بارندگی متوسط تا کم از ویژگیهای اقلیمی سرزمین پهناور روسیه است.

تاریخچه

نخستین اقوامی که در روسیهٔ امروزی و روسیه سفید (بیلاروس) و اوکراین سکنی گزیدند سکوت‌ها و سرمت‌ها بودند و هون‌ها و آوارها وگوت‌ها و مجارها از اقوام بعدی به شمار می‌رفتند. اسلاوها از سدهٔ سوم تا سدهٔ هفتم میلادی در نواحی میان دریای بالتیک و دریای سیاه و رود ولگا استقرار یافتند و اسلاوهای جنوبی تحت استیلای خزرها که در غرب دریای خزر تا سواحل دریای سیاه می‌زیستند، قرار گرفتند. در سدهٔ نهم میلادی گروهی از بازرگانان اسکاندیناوی از راه رود دنیپر به دریای سیاه رسیدند و با دولت روم شرقی به داد و ستد پرداختند. در سال ۸۶۲ میلادی روریک، از رهبران وارانگیان، شهرنووگورود را تصرف نمود و آن را به شاهزاده‌نشین نووگورود بزرگ مبدل کرد و اولین سنگ بنای روسیه را پایه‌گذاری نمود. اولگ، جانشین روریک پایتخت خود را به کیف منتقل نمود که تا سال ۱۱۶۹ همچنان برقرار بود. نام روس از اسم وارانگیان یا وارگ‌ها گرفته شد و به سرزمین مسکونی آنان اطلاق گردید و سپس به قلمرو دولت مسکو نیز تعلق گرفت. اسلاوهای شرقی در زمان اولگ متحد شدند و ایگور جانشین او به قسطنطنیه حمله کرد و با امپراتور روم شرقی پیمانهایی منعقد نمود.

طی سالهای ۹۶۴ تا ۹۷۲ میلادی سویاتوسلاو، دوک‌نشین کیف را به قدرت و عظمت رسانید و قلمرو خود را از نووگورود تا رود دانوب در غرب و رود ولگا در شرق گسترش داد. ولادیمیر اول کلیسای ارتدوکس شرقی را مذهب رسمی قرار داد و با مرگ او دولت کیف به امیرنشین‌های چندی تجزیه شد. امیرنشین کیف در سال ۱۱۶۹ مغلوب امیرنشین سوزدال شد و پایتخت به ولادیمیر انتقال یافت. پس از انحطاط مملکت کیف، مغولان به آن نواحی حمله‌ور شدند و باتوخان سراسر روسیه را به تصرف درآورد و شهر پسکوف را تاراج نمود و مملکت اردوی زرین را که تا سال ۱۲۴۰ دوام آورد، تأسیس نمود و شهر سرای را به پایتختی برگزید. همزمان سوئدی‌ها، توتونی‌ها به روسیه حمله‌ور شدند ولی با ایستادگی مردانهٔ آلکساندرنفسکی روبرو شدند و در سال ۱۲۴۰ شکست خوردند و به سوئد بازگشتند. در سدهٔ چهاردهم میلادی بخشی از غرب روسیه ضمیمهٔ لیتوانی گردید. در اوایل سدهٔ چهاردهم میلادی، مرکز کلیسای روسیه به مسکو منتقل شد و ایوان اول در سال ۱۳۲۸ بر اهمیت مسکو افزود. در سال ۱۳۸۰ دیمیتری دونسکوی تاتارها را در نزدیکی رود دُن شکست داد و مقدمهٔ رهایی روسیه از سلطهٔ تاتارها را فراهم نمود و مسکو عنوان مهین دوک‌نشین یافت.

ایوان سوم در سالهای ۱۴۶۳ و ۱۴۷۴ دوک‌نشین‌های یاروسلاول، نووگورود و روستوف را ضمیمهٔ مسکو کرد و دوران گسترش و رونق این شهر آغاز گردید. وی آن قسمتهایی از روسیه را که لیتوانی تصرف کرده بود، بازپس گرفت و در سال ۱۴۸۰ خود را از قید اطاعت اردوی زرین هم آزاد کرد. جانشین او واسیلی سوم که در ۱۵۰۵ قدرت را به دست گرفت نیز به توسعه و عمران مسکو ادامه داد. ایوان چهارم یا ایوان مخوف که از ۱۵۳۰ تا ۱۵۸۴ سلطنت کرد، برای نخستین بار خود را تزار نامید و بر وسعت روسیه از هرسو افزود. وی در سال ۱۵۵۲ قازان و در ۱۵۵۷ آستراخان را تسخیر کرد و از نفوذ اشراف کاست. پس از او پسرش فئودور اول و بعد از او بوریس گودونوف قدرت را به دست گرفتند. گودونوف کلیسای روسیه را از کلیسای رم جدا کرد و سیبری غربی و استپ‌های جنوبی را ضمیمهٔ روسیه نمود. با مرگ گودونوف در سال ۱۶۰۵ شورش و آشوب همه جا را فراگرفت.

در سال ۱۶۱۲ یکی از امرای روس به نام میخائیل رومانوف مسکو را گرفت و به تزاری روس منصوب گردید و خاندان رومانوف را که تا انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ دوام آورد، تأسیس نمود. طی سالهای ۱۶۵۴ تا ۱۶۶۷ روسیه علیه سوئد و لهستان جنگید و اوکراین خاوری را ضمیمهٔ خاک خود کرد. خاندان رومانوف روسیه را به یک کشور کاملاً سلطنتی مبدل کردند و روسیه را از نظر اقتصادی و اجتماعی به پیشرفتهای شایان توجهی نایل نمودند و با شرکت در عملیات پویشی و اکتشافی بر وسعت خاک روسیه افزودند و سیبری را پوییدند و منابع زیرزمینی آن را کشف و استخراج کردند و با کشورهایی چون بریتانیا و هلند به داد و ستد پرداختند.

در زمان چهارمین تزار از خاندان رومانوف یعنی پتر اول، معروف به پتر کبیر که در ۱۶۸۹ به سلطنت رسید، روسیه به کل دگرگون شد. او در جهت نوین سازی کشور تلاش فراوان کرد و ارتش روسیه را سازماندهی نمود و سیستم اداری را تغییر داد و مرزهای روسیه را تا دریای بالتیک گسترش داد و شهر سنت‌پترزبورگ را بنا نهاد و پایتخت روسیه را از مسکو به آنجا منتقل نمود و روسیه را در شمار کشورهای مقتدر اروپا درآورد و خود را امپراتور روسیه نامید. پتر کبیر در سال ۱۷۲۵ درگذشت. جانشینان او لیاقت چندانی نداشتند و یکی پس از دیگری سلطنت نمودند.

در سال ۱۷۶۲ کاترین دوم که آلمانی تبار بود، زمام امور روسیه را در دست گرفت. در دورهٔ او روسیه به بزرگترین و مقتدرترین دولت اروپایی مبدل گردید. او لهستان را تجزیه کرد و شبه جزیرهٔ کریمه را ضمیمهٔ خاک روسیه نمود و با نبردهای متعددی که با امپراتوری عثمانی کرد، خاک روسیه را هرچه بیشتر وسعت بخشید وی در سال ۱۷۹۶ درگذشت و پسرش پاول اول جانشین او شد. چون او گرفتار بیماری جنون بود، وی را از سلطنت خلع کردند و کشتند و الکساندر اول پسرش را به پادشاهی برگزیدند. وی تا سال ۱۸۲۵ بر روسیه سلطنت کرد، چندبار با سپاهیان فرانسه به فرماندهی ناپلئون جنگید و سرانجام او را شکست داد و در سال ۱۸۱۴ همراه دیگر سران متخاصم فاتحانه وارد پاریس شد. در زمان او گرجستان و فنلاند و بسارابی نیز به تصرف روسیه درآمد. در سال ۱۸۲۵ برادرش نیکولای اول به سلطنت روسیه رسید و تا سال ۱۸۵۵ با خودکامگی تمام بر کشور حکومت کرد و همین کار به پیدایش

اختلافات درونی - میراث تزارها

اتحاد جماهیر شوروی هنگام فروپاشی در اکتبر ۱۹۹۱، آمیزه‌ای بود از قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف و میراثی بود از روزگار سلطهٔ تزارها. تزارهای روسیه برای مهار کردن اقوام مزبور، سیاست روسی کردن آنان را در پیش گرفتند و با تحمیل زبان روسی و رواج مذهب ارتدوکس و اطاعت محض و بی چون و چرا از قدرت مرکزی که بالطبع در شخص تزار تجسّم می‌یافت تا حدی بر آن فائق آمدند.

در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و طی جنگهای داخلی، ملیت‌ها و اقوام مختلف باهم متحد شدند و کشور بزرگ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را پدید آوردند. سیاست دولت شوروی که برخلاف تزارها ظاهراً بر رعایت عدالت و برابری میان کلیهٔ اقوام و ملل استوار بود تسلط دولت مرکزی بر کلیهٔ جمهوری‌ها و داوری در اختلافات درونی و قومی آنها را، آن هم به صورت نیرومند و در عین حال بی‌طرفانه ایجاب می‌کرد، اما به مرور بسوی سیاست تزارها سوق یافت تا جایی که در زمان استالین به اوج فشار خود رسید.

جمهوری‌های بالتیک در سال ۱۹۴۰ و بر پایهٔ پیمان محرمانه‌ای که بین هیتلر و استالین به امضاء رسید ضمیمهٔ خاک اتحاد جماهیر شوروی گردیدند و افزون بر آن بوکووینا و بسارابی نیز از رومانی جدا شدند و به شوروی ملحق گردیدند. بعدها دو قسمت اخیر در هم ادغام شدند و جمهوری خودمختار مولداوی را تشکیل دادند.

اتحاد جماهیر شوروی در آغاز از ۱۵ جمهوری شوروی سوسیالیستی تشکیل می‌شد. بعدها بعضی از جمهوری‌های مزبور تجزیه شدند و شمارشان به ۲۰ جمهوری شوروی سوسیالیستی و هشت استان خودمختار (که از نظر جمعیت و وسعت کوچکتر از جمهوری‌های خودمختار بودند) و ده بخش خودمختار (که از استانهای خودمختار کوچکتر بودند و بیشتر به گروههای قومی اختصاص داشتند) رسید.

در زمان ریاست جمهوری گورباچف (سال ۱۹۸۶) کاملاً محسوس بود که اختلافات درونی و قومی فقط زمانی برطرف و آرام می‌گردد (و در بعضی جاها فزونی می‌یابد) که تغییراتی در سازمان تقسیمات کشوری اتحاد جماهیر شوروی داده شود. بعضی از جمهوری‌ها خواهان استقلال و جدا شدن از اتحاد شوروی بودند و بعضی خودمختاری و آزادی بیشتری راخواهان بودند و بالطبع با واکنش‌های شدید و درگیریهای نظامی نیز روبرو می‌شدند که چچن و داغستان از جملهٔ آنها به شمار می‌روند.

چچن

چچن و اینگوش با مساحتی حدود ۱۹،۳۰۰ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۱،۴۰۰،۰۰۰ نفر در شمال گرجستان و غرب جمهوری داغستان قرار دارد و جزء جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیهٔ اروپایی به شمار می‌رود. مرکز آن شهر گروزنی (حدود ۴۰۰،۰۰۰ نفر) است.

چچن‌ها از اقوام بومی شمال قفقازند. ۵۷ درصد جمعیت آن را چچن‌ها، ۲۲ درصد روس‌ها و ۱۲/۵ درصد را اینگوش‌ها تشکیل می‌دهند. چچن‌ها اکثراً در قسمتهای مرکزی و خاوری سرزمین چچن و اینگوش‌ها در نواحی غربی آن زندگی می‌کنند. اکثر مردم جمهوری چچن مسلمانند و از سابقه زیادی در این سرزمین برخوردارند. دین اسلام در سدهٔ شانزدهم میلادی به وسیلهٔ اقوام آوار و کومیک به میان آنان برده شد.

چچن‌ها مردمانی سخت‌کوش و سرسختند و در مقابل نفوذ روس‌ها در سدهٔ نوزدهم به شدت ایستادگی کردند و از قیام شیخ شامل سرسختانه حمایت کردند. روسها در سال ۱۸۹۵ بر این سرزمین تسلط یافتند و شمار زیادی از چچن‌ها را به مهاجرت به عثمانی و عراق و اردن واداشتند. در انقلاب اکتبر، سرزمین چچن آخرین مرکز مقاومت علیه رژیم کمونیستی بود و چند بار بین ارتش‌های سرخ و سفید دست به دست گشت. پس از انقلاب کمونیستی، در سال ۱۹۲۰ جزء جمهوری خودمختار کوهستانی گردید. در سال ۱۹۳۴ دو منطقهٔ چچن و اینگوش به هم پیوستند و استان خودمختار چچن و اینگوش را پدید آوردند و در سال ۱۹۳۶ به جمهوری خودمختار مبدل شدند. پس از جنگ جهانی دوم به علت همکاری با آلمانهای نازی تعدادی از مردم آن به جمهوری‌های آسیای مرکزی کوچانده شدند و جمهوری خودمختار چچن و اینگوش منحل گردید. در سال ۱۹۵۷ جمهوری چچن و اینگوش دوباره تأسیس شد و به آنان اجازه داده شد تا به سرزمین مادری خویش بازگردند. در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، چچن و اینگوش استقلال کامل خود را اعلام داشتند. از آنجایی که اینگوش‌ها تمایلی به جدا شدن از فدراسیون نداشتند میان آنان و چچن‌ها درگیریهایی رخ داد و در سال ۱۹۹۲ از یکدیگر جدا شدند و دو جمهوری مجزا تشکیل دادند.

در انتخابات نوامبر ۱۹۹۱ جوهر دودایف به ریاست جمهوری چچن رسید و به دنبال آن استقلال جمهوری چچن را اعلام داشت و زمزمه‌هایی علیه وی آغاز شد. در سال ۱۹۹۴ مخالفان دودایف تحت رهبری روسلان خاسبولاتوف بر فعالیتهای خود افزودند ولی در تصرف گروزنی (پایتخت چچن) با ناکامی روبرو شدند. در نوامبر سال ۱۹۹۴ بوریس یلتسین از طرفین خواست که به درگیریها و مخالفت‌های خود پایان دهند و چچن دست از خواسته‌های خود بردارد، در غیر این صورت ناگزیر از مداخلهٔ نظامی خواهد شد. چون از یک سو طرفین از کینه‌توزیهای دیرین و مخالفتهای خود دست‌بردار نبودند و از سوی دیگر، از خواسته‌های استقلال طلبانهٔ خود نیز عقب‌نشینی نمی‌کردند، با واکنش نظامی روسیه روبرو شدند و سرزمین چچن از زمین و هوا مورد حملهٔ ارتش روس قرار گرفت. قسمتهایی از شهر گروزنی ویران شد و به تصرف ارتش روسیه درآمد و استقلال طلبان چچن به کوهستانها و نواحی خارج شهر پناه بردند و از آنجا به مبارزهٔ خود ادامه دادند. پس از جوهر دودایف که در یک حملهٔ موشکی روسیه کشته شده بود، اوضاع ظاهراً آرام گرفت و مبارزان چچنی به شهر و خانه‌های خود بازگشتند و شهر گروزنی پایتخت چچن را در اختیار گرفتند و به دنبال قرارداد ترک مخاصمه بین نیروهای روسی و مبارزان چچنی به امضاء رسید و در ژانویهٔ ۱۹۹۷ اسلان ماسخادوف به ریاست جمهوری انتخاب گردید.

در سال ۱۹۹۹ داغستانی‌ها اعلام استقلال کردند و استقلال طلبان چچن نیز دوباره استقلال میهن خود و جدایی از فدراسیون روسیه را خواستار شدند. این بار نیز با واکنش شدید مسکو روبرو گردیدند و ارتش روسیه از هوا و زمین بر چچن تاخت و آنجا را تصرف کرد.

داغستان

جمهوری داغستان که حدود ۵۰،۰۰۰ کیلومترمربع وسعت و معادل ۱،۹۰۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارد، در غرب دریای خزر واقع شده و شهر ماخاچ‌قلعه (حدود ۳۲۰،۰۰۰ نفر) مرکز آن است و داغستان یکی از متراکم‌ترین نواحی جهان از نظر تنوع نژادی و قومی است و بیش از ۳۰ گروه قومی ملی در آن به سر می‌برند که از آن جمله آوارها (۲۸ درصد)، دارقین‌ها (۱۵/۵ درصد)، کومیک‌ها (۱۳ درصد)، روسها (۹ درصد)، لزگی‌ها (۸/۵ درصد)، لک‌ها (۵/۰ درصد)، تبرسران‌ها و آذری‌ها و غیره را می‌توان نام برد. ساکنان داغستان عمدتاً مسلمانند و روس‌ها و اوکرائینی‌ها با مذهب ارتدوکس، جزء اقلیت‌های مذهبی آن هستند.

سرزمین داغستان در روزگار گذشته اکثراً مورد نزاع ایران و روسیه و عثمانی بوده است. در سال ۱۶۰۶ شاه اسماعیل صفوی آنجا را به تصرف ایران درآورد و در نیمهٔ اول سدهٔ هجدهم روسها به مرور بر آن مسلط شدند و عهدنامهٔ ترکمن‌چای تمامی سرزمین داغستان را به روسیه واگذار کرد. در دههٔ سوم سدهٔ نوزدهم پیروان فرقهٔ نقش بندیه که در داغستان نفوذ فراوان یافته بودند، علیه روس‌ها دست به جهاد زدند و پس از کشته شدن قاضی ملا رهبر فرقه که در سال ۱۸۳۲ رخ داد، نخست حمزه‌بک و سپس شیخ شامل رهبری قیام را بر عهده گرفتند. مقاومت شیخ شامل تا سال ۱۸۵۹ ادامه داشت و در آن سال مغلوب و دستگیر شد.

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، داغستان اعلام استقلال کرد و تا سال ۱۹۲۰ به مبارزات استقلال طلبانهٔ خود ادامه داد و سرانجام تسلیم شد و نظام شوروی را گردن نهاد و به جمهوری خودمختار داغستان مبدل گردید. در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد شوروی داغستان دوباره استقلال کامل خود را اعلام کرد ولی کاری از پیش نبرد و به یکی از جمهوری‌های روسیهٔ فدرال مبدل گردید. همزمان با استقلال طلبی چچن‌ها، داغستانی‌ها نیز دست به شورش زدند و نهضت‌های استقلال طلبی دوباره در آن شکل گرفت و به اعلام استقلال سال ۱۹۹۹ منتهی شد که آن نیز به وسیلهٔ نیروهای مسلح روسیه سرکوب گردید.

نهضت‌های آزادیخواهی و تشکیل گروههای تروریستی انجامید.
در سال ۱۸۵۵ الکساندر دوم که مردی آزادی‌خواه و خیراندیش بود به امپراتوری روسیه رسید. اقدامات اصلاحی او رضایت گروههای ناراضی را فراهم نیاورد و در سال ۱۸۸۱، توسط گروههای تروریستی به قتل رسید. با روی کار آمدن الکساندر سوم که مردی متعصب و خودکامه بود نارضاییها شدت یافت و نهضت‌های مارکسیستی به مرور شکل گرفت. الکساندر سوم در سال ۱۸۹۴ درگذشت و پسرش نیکولای دوم جای او را گرفت. وی که مردی ظاهراً دموکرات و اصلاح‌طلب بود در جنگ سال ۱۹۰۵ با ژاپن شکست خورد و اغتشاش و شورش از هر سو خودنمایی کرد و نیکولای دوم را وادار به برقراری نظام پارلمانی یا دوما نمود.
با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ روسیه دوشادوش متفقین علیه آلمان و اتریش وارد جنگ شد و در غالب جبهه‌ها شکست خورد و نارضایتی‌ها را تشدید نمود. نهضت‌های مردمی به شورشهای مسلحانه انجامید و درسال ۱۹۱۷ به اوج خود رسید و شهر پتروگراد به تصرف کارگران اعتصابی درآمد و نیکولا را در سوم مارس ۱۹۱۷ وادار به استعفاء نمود و کرنسکی رهبر آزادی‌خواهان که وزارت جنگ را در اختیار داشت، زمام امور را در دست گرفت ولی با مخالفت شدید بلشویک‌ها روبرو گردید. لنین رهبر بلشویک‌ها که به تازگی از آلمان وارد روسیه شده بود مخالفت خود را با تشکیل دولت سرمایه‌داری اعلام داشت و فرمان تشکیل حکومت شوراها را صادر نمود. شوراهای مزبور در هفتم نوامبر (۲۷ اکتبر مطابق با تقویم قدیم روسیه) حکومت را در دست گرفتند و تشکیل جمهوری شوروی روسیه را به ریاست ولادیمیر ایلیچ لنین اعلام داشتند و بلشویک‌ها با آلمان پیمان صلح برست لیتوفسک را امضاء نمودند. آنان جنگهای داخلی را که از ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ به درازا کشید به وسیلهٔ ارتش سرخ مهار کردند و تمام مخالفان چه کمونیست و چه غیر کمونیست از جمله تزار و خانوادهٔ او را از میان برداشتند و یا از کشور فراری دادند.
در سال ۱۹۲۲ پیمان اتحاد میان جمهوریهای شوروی سوسیالیستی روسیه، اوکراین، روسیه سفید و ماوراء قفقاز برقرار گردید و کشور اتحاد جماهیر شوروی پا به عرصهٔ حیات گذارد. لنین در ژانویهٔ سال ۱۹۲۴ درگذشت و ژوزف استالین پس از پیروزی بر رقبای خود دبیر کلی حزب کمونیست شوروی را بر عهده گرفت و با قدرت و اختناق هرچه تمام‌تر بر کشور حکومت کرد. وی در سال ۱۹۴۱ سمت نخست‌وزیری کشور شوروی را نیز عهده‌دار شد. در جنگ جهانی دوم نخست با آلمان نازی پیمان دوستی و عدم تعرض منعقد نمود و بر اساس آن کشورهای بالتیک و مولداوی را در اختیار گرفت.
آلمان بدون رعایت پیمان مزبور در ژوئن ۱۹۴۱ و بدون اعلان جنگ به کشور شوروی حمله کرد و در زمانی کوتاه تا حومهٔ مسکو پیشروی نمود. ولی در دسامبر ۱۹۴۱ با حملات متقابل ارتش سرخ روبرو شد و ناچار به عقب‌نشینی گردید و سرانجام تسلیم متفقین شد. اگرچه پیروزی در جنگ به قیمت جان میلیون‌ها تن روسی و ویرانی شهرها و تأسیسات کشور تمام شد، ولی در پایان جنگ، اتحاد شوروی بر سرتاسر اروپای شرقی مسلط گردید و احزاب کمونیست کشورهای این نواحی را دست‌نشاندهٔ خود کرد و جنگ سرد میان بلوک شرق به سرپرستی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک غرب به رهبری دولت امریکا را به همراه آورد.
استالین در سال ۱۹۵۳ درگذشت و مالنکوف به نخست‌وزیری رسید و دبیرکلی حزب کمونیست اتحاد شوروی به نیکیتا خروشچف واگذار شد. وی اعمال استالین را مورد انتقاد قرار داد و حتی جسد استالین را از مقبرهٔ لنین به در آورد و به گورستان قهرمانان جنگ منتقل نمود. روسیه در سال ۱۹۵۳ اولین بمب ئیدروژنی خود را آزمایش کرد و در سال ۱۹۵۷ اولین ماهوارهٔ جهان بنام اسپوتنیک ۱ از سوی اتحاد شوروی به مدار زمین فرستاده شد. در ۱۹۵۹ مه نورد روسیه در مدار ماه قرار گرفت و در سال ۱۹۶۱ نخستین انسان به نام یوری گاگارین به فضا فرستاده شد.
خروشچف در سال ۱۹۶۴ از کار برکنار شد و اندکی بعد لئونید برژنف به دبیرکلی حزب کمونیست اتحاد شوروی منصوب شد و آلکسی کاسیگین سمت نخست‌وزیری شوروی را عهده‌دار گردید و از ۱۹۶۵ به بعد مبارزات ضد استالینی متوقف گردید و دیکتاتوری استبدادی مجدداً بر شوروی حاکم شد. در سال ۱۹۷۵ کنفرانس هلسینکی برگزار شد و طی آن غرب مرزهای اروپای شرقی پس از جنگ را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۷۲ ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت امریکا از مسکو دیدن کرد و نخستین قرارداد محدودسازی سلاح‌های استراتژیک (سالت ۱) بین دو ابرقدرت به امضاء رسید و قرارداد سالت ۲ نیز در ژوئن ۱۹۷۹ میان برژنف و جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا امضاء گردید. تهاجم اتحاد شوروی به افغانستان به تیرگی روابط میان دو ابرقدرت افزود و قرارداد سالت ۲ ملغی شد. برژنف در نوامبر ۱۹۸۲ درگذشت و یوری آندروپوف به دبیرکلی حزب کمونیست انتخاب گردید و در پی تقویت مبانی اقتصادی شوروی برآمد ولی پیش از اینکه موفق به عملی شود، در فوریهٔ ۱۹۸۴ درگذشت و کنستانتین چرنینکو به جای او عهده‌دار امور شد. وی نیز در دسامبر ۱۹۸۴ درگذشت و میخائیل گورباچف ادارهٔ امور حزب و اتحاد شوروی را بر عهده گرفت و امید زیادی را در میان مردم برای اجرای اصلاحات اساسی به وجود آورد.
گورباچف، نخست تغییراتی در کادر رهبری حزب کمونیست و دولت شوروی به عمل آورد و گرومیکو را به ریاست جمهوری برگزید و ادوارد شواردنادزه را به وزارت خارجه منصوب کرد و دست به کار اصلاحات اساسی شد. انفجار نیروگاه چرنوبیل در اوکراین، گورباچف را به گزینش سیاست گلاسنوست مصمم ساخت و آزادی بیان وانتقاد از نظم سیاسی و اداری کشور را پیشه نمود و از روشنفکران حمایت کرد و آندری ساخاروف فیزیکدان ناراضی معروف را به کشورش بازگردانید. همزمان، اصلاحات اقتصادی یا پروسترویکا را آغاز نمود، در اثر آن زمزمه‌های نارضایتی جمهوریها رفته رفته بلند شد و اختلاف میان آنها که سالها زیر فشار و اختناق خاموش مانده بود، شروع به خودنمایی کرد. جمهوریهای بالتیک در اعلام حق حاکمیت ملی پیشگام شدند و لیتوانی در مارس ۱۹۹۰ اعلام استقلال کرد و در مه ۱۹۹۰ بوریس یلتسین به ریاست شورای عالی فدراسیون روسیه برگزیده شد و در اکتبر همان سال جمهوری فدراتیو روسیه اعلام موجودیت کرد.
گورباچف در صحنهٔ سیاست خارجی کشور نیز بیکار ننشست و با دیدارهای مکرر خود با رونالد ریگان رئیس جمهور وقت امریکا به تخفیف جنگ سرد پرداخت. دو ابرقدرت تا جایی به هم نزدیک شدند که نمایندهٔ شوروی در سازمان ملل متحد در مورد حملهٔ متحدین به عراق با دولت امریکا هم‌آواز شد. کودتای اوت ۱۹۹۱ که به شکست کودتاچیان انجامید به زندگی سیاسی گورباچف نیز خاتمه داد و به دنبال آن جمهوری‌های اتحاد شوروی یکی پس از دیگری اعلام استقلال کردند و رهبران روسیه و اوکراین و روسیه سفید در مینسک ملاقات کردند و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را رسماً اعلام نمودند و به جای آن اتحادیهٔ جدیدی از جمهوری‌های مستقل ایجاد کردند. میخائیل گورباچف در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ استعفاء داد و تمام نهادهای اتحاد جماهیر شوروی تا پایان همان سال منحل گردید و بخش اصلی امکانات، تجهیزات و نهادهای داخلی و بین‌المللی آن به روسیه انتقال یافت و دفاتر سیاسی شوروی در تمامی کشورهای جهان به مالکیت روسیه درآمد.
در سال ۱۹۹۰ بوریس یلتسین به ریاست پارلمان روسیه انتخاب شد و در اولین انتخاب عمومی و آزاد ریاست جمهوری که در ژوئن ۱۹۹۱ برگزار شد به ریاست جمهوری کشور فدراتیو روسیه برگزیده شد و پس از اعلام استعفای رسمی گورباچف (دسامبر ۱۹۹۱) رسماً ادارهٔ امور کشور را در دست گرفت. اختلافات شدید میان دومای دولتی و رئیس جمهور، به محاصرهٔ پارلمان روسیه توسط قوای ارتش در سال ۱۹۹۳ منجر شد و با تسخیر آن و دستگیری چند تن از اعضای دوما، پارلمان منحل شد. در ماه ژوئن ۱۹۹۳ با پی گیری یلتسین قانون اساسی فدراسیون روسیه به تصویب رسید و در همه پرسی دسامبر ۱۹۹۳ به تأیید مردم رسید.
بحران داخلی و احتمال تجزیه فدراسیون جدیدالتأسیس روسیه از جمله نگرانی‌هایی بود که دولتمردان مسکو را سخت به خود مشغول داشته بود. بطور مثال جمهوری خودمختار چچن که مصرانه خواستار استقلال کامل خود و جدایی از روسیه بود، در سال ۱۹۹۵ با واکنش شدید مسکو روبرو گردید و این جمهوری به اشغال نظامی درآمد و شهر گروزنی پایتخت آن ویران گردید و هزاران چچنی آواره و بی‌خانمان شدند. در انتخابات ریاست جمهوری ژوئیه ۱۹۹۶ یلتسین مجدداً به ریاست جمهوری رسید و یوگنی پریماکوف را به وزارت خارجه منصوب کرد. در مه ۱۹۹۷ یلتسین با رهبران چچن قراردادی منعقد نمود و طی آن به این جمهوری خودمختاری داخلی کامل اعطاء گردید.
در طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷، بحران‌های داخلی، دولتهای روسیه را یکی پس از دیگری به سقوط کشانید و رئیس جمهور را به برکناری و انتصاب نخست‌وزیران متعدد وادار ساخت. در ماه اوت ۱۹۹۹ استپاشین نخست‌وزیر برکنار شد و ولادیمیر پوتین به جای او منصوب گردید و از سوی دیگر نهضت آزادی‌خواهی و نیل به استقلال کامل در جمهوری چچن و داغستان، دولت مرکزی را وادار به مداخلهٔ نظامی نموده و به اشغال نظامی چچن انجامید. در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹، بوریس یلتسین به طور غیر منتظره‌ای استعفاء داد و نخست‌وزیر موقتاً عهده‌دار وظایف وی شد. در انتخابات مارس ۲۰۰۰، ولادیمیر پوتین با کسب ۵۲/۹٪ آراء، در دور اول به ریاست جمهوری برگزیده شد. در ماه اوت، زیر دریایی اتمی کورسک در آب‌های دریای بارنتز غرق شد و تمامی ۱۱۸ سرنشین آن کشته شدند. با روی کار آمدن پوتین آرامش نسبی بر فضای سیاسی روسیه سایه افکند و از تنش‌های اجتماعی و سیاسی به شدت کاسته شد، اما ناآرامی‌ها در برخی نقاط پیرامونی روسیه، به ویژه جمهوری چچن ادامه یافت و درگیری‌های پراکندهٔ نظامی از سوی دولت و استقلال طلبان چچنی رخ داد.
در اکتبر سال ۲۰۰۲ بیش از ۴۰ چریک چچنی تئاتر مسکو را به تصرف خود درآوردند و حدود ۷۵۰ تماشاگر حاضر در سالن را گروگان گرفتند. آنان در مقابل آزادی گروگانها خواستار تخلیه جمهوری چچن از سوی سربازان روسی شدند، اما پس از مذاکراتی دوروزه، نیروهای ویژه روسی با حمله‌ای سریع و گسترده تمامی گروگانگیران را با استفاده از گازهای سمی به قتل رساندند. در این حمله علاوه بر گروگانگیران حدود ۱۷۰ نفر از گروگانها نیز در اثر مسمومیت شدید کشته شدند.

روسیه سفید (بیلاروس) BELARUS

روسیهٔ سفید یا بیلاروس، سرزمینی است واقع در اروپای شرقی که از هر سو در خشکی محصور است. از شمال خاوری و خاور به روسیه، از جنوب به اوکراین، از غرب به لهستان و از شمال غربی به کشورهای لیتوانی و لاتویا محدود است. سرزمینی است هموار و کم‌ارتفاع که بلندترین نقطهٔ آن به نام دزرژینسکایا واقع در غرب مینسک، ۳۴۶ متر ارتفاع دارد. حدود یک‌سوم خاک این کشور را جنگلهای غان و کاج و صنوبر پوشانیده و بقیه را رودخانه‌ها و نهرها و باتلاقها و دریاچه‌های فراوان در بر گرفته است. رودخانه‌های دنیپر، دوینای غربی، پریپت، برزینا و نمان از جمله رودهای عمدهٔ آن هستند. ماندابهای پریپت که بزرگترین ناحیهٔ باتلاقی اروپا محسوب می‌گردد در جنوب این کشور جای دارد. اقلیم آن قاره‌ای و نسبتاً سرد است. میانگین دمای تابستانهای آن حدود ۱۸ درجه سانتیگراد است و میانگین دمای زمستانی آن به حدود ۴/۵ درجه زیر صفر می‌رسد.



تاریخچه

اسلاوها در سدهٔ ششم میلادی در این سرزمین ساکن شدند و امیرنشین‌های کوچکی از جمله در شهرهای مینسک و پولوتسک و کیف و برست تشکیل دادند که بعدها همگی تحت سلطهٔ امیرنشین کیف درآمدند. امیرنشین کیف در سدهٔ سیزدهم از میان رفت و ضمیمهٔ لیتوانی گردید. در سده‌های چهاردهم و شانزدهم قوم روس‌های سفید یا بیلاروس به مرور شکل گرفت و در سال ۱۵۶۹ به لهستان ملحق شد. پس از تجزیهٔ لهستان در اواخر سدهٔ هجدهم روسیهٔ سفید تحت سلطهٔ روسیه درآمد و به یکی از مراکز تجمع یهودیان روسیه مبدل گردید و رفته رفته رو به صنعتی شدن نهاد.

در جنگ جهانی اول صحنهٔ نبرد ارتش‌های آلمان و روسیهٔ تزاری بود و بعد از سقوط نظام تزاری، ارتش سرخ وارد مینسک گردید و پس از رویارویی با آلمان ناگزیر از تخلیهٔ آن شد. به موجب پیمان برست لیتوفسک که بین آلمان و دولت بلشویک روسیه در سال ۱۹۱۸ به امضاء رسید، قسمتهایی از اراضی روسیهٔ سفید به آلمان واگذار شد و بقیهٔ آن جمهوری دموکراتیک روسیهٔ سفید را تشکیل داد. پس از پایان جنگ اول و سقوط آلمان، روسیه سراسر روسیهٔ سفید را به تصرف خود درآورد و در ژانویهٔ ۱۹۱۸ جمهوری شوروی سوسیالیستی روسیهٔ سفید تشکیل گردید. در جنگی که در سال ۱۹۲۱ بین دولت کمونیستی روسیه و لهستان درگرفت، قسمتهای وسیعی از روسیهٔ سفید ضمیمهٔ لهستان شد و بقیهٔ نواحی آن به یکی از جمهوری‌های تشکیل دهندهٔ اتحاد جماهیر شوروی مبدل گردید.

در سال ۱۹۳۹ و در آغاز جنگ جهانی دوم، هنگامی که آلمانها لهستان را تصرف کردند، اتحاد شوروی نیز آن قسمت از روسیهٔ سفید را که قبلاً به وسیلهٔ لهستان تصرف شده بود، باز پس گرفت. در حملهٔ سراسری آلمان نازی به اتحاد جماهیر شوروی، سرتاسر روسیهٔ سفید به تصرف آلمان درآمد. آلمانها اردوگاه‌های کار اجباری در روسیهٔ سفید تأسیس کردند و گروه کثیری از روسهای سفید و یهودیان را به اردوگاههای مزبور اعزام داشتند و بیش از یک میلیون نفر از آنان به ویژه یهودیان کشته شدند. با سقوط آلمان نازی و پایان یافتن جنگ، روسیهٔ سفید به وسیلهٔ ارتش سرخ اشغال شد و دولت جمهوری خودمختار روسیهٔ سفید دوباره به یکی از اعضای تشکیل دهندهٔ اتحاد جماهیر شوروی مبدل گردید و به مرور رو به صنعتی شدن گذارد. گروهی از مردم آن در تصفیه‌های خونین استالینی (دههٔ ۱۹۳۰) جان خود را از دست دادند و یا تبعید گردیدند.

با روی کار آمدن میخائیل گورباچف و مطرح شدن سیاست پروسترویکا، جمهوری روسیهٔ سفید درسال ۱۹۸۷ زبان بیلاروسی را جایگزین زبان روسی کرد و در ۲۷ ژوئیه سال ۱۹۹۰ حق حاکمیت ملی روسیه سفید را رسماً اعلام داشت که روز ملی آن محسوب می‌شود. در همه‌پرسی مارس ۱۹۹۱ حدود ۸۰ درصد رأی‌دهندگان به تداوم اتحاد میان روسیهٔ سفید و روسیه رأی مثبت دادند ولی پس از کودتای ماه اوت، فعالیتهای حزب کمونیست به حال تعلیق درآمد. در ۲۵ ماه اوت، روسیهٔ سفید استقلال کامل خود را اعلام کرد و استانیسلاو شوشکویچ به ریاست جمهوری برگزیده شد و نام کشور از بیلوروسیا به بیلاروس تغییر یافت.

در هشتم دسامبر ۱۹۹۱ اعضای اولیه تشکیل دهندهٔ اتحاد جماهیر شوروی در مینسک تشکیل جلسه دادند و جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را پایه‌گذاری کردند. روسیهٔ سفید، یکی از چهار جمهوری اتحاد شوروی سابق که دارای جنگ افزارهای هسته‌ای بود، در سال ۱۹۹۲ تمایل خود را به خلع سلاح هسته‌ای اعلام داشت و همهٔ کلاهک‌های اتمی خود را به روسیه ارسال نمود. در ژوئن ۱۹۹۲ اختلافات ارضی خود را با دولت لهستان برطرف نمود و مرزهای میان دو کشور به رسمیت شناخته شد.

در ژانویهٔ ۱۹۹۴ پارلمان روسیهٔ سفید شوشکویچ را از کار برکنار کرد و مچیسلاو گریب را به ریاست جمهوری برگزید. این انتخاب با اعتراض اتحادیه‌های کارگری روبرو شد و دولت را به برگزاری انتخابات زودرس ناگزیر نمود و در انتخابات ژوئیهٔ ۱۹۹۴ آلکساندر لوکاشنکا به ریاست جمهوری برگزیده شد.

در فوریهٔ ۱۹۹۵ روسیه و روسیهٔ سفید قرارداد دوستانه‌ای امضاء کردند و به روسیه اجازه داده شد تا نیروهای مسلح خود را در روسیهٔ سفید نگاه دارد.

در طی نیمهٔ اول سال ۱۹۹۶، مخالفت‌های گسترده‌ای با سیاست‌های لوکاشنکا، در پیروی از روسیه، ابراز شد و در ماه مارس به یادبود سالگرد استقلال روسیه سفید در سال ۱۹۱۷، تظاهرات بزرگی با شرکت دهها هزار نفر در مخالفت با اتحاد با روسیه برگزار گردید. در سال ۱۹۹۸، عفو بین‌الملل به اجرای چند حکم اعدام و دستگیری‌های بی‌ضابطه اعتراض نمود و خواستار لغو حکم اعدام در این کشور گردید. در سال ۱۹۹۹، مجلس شورای جمهوری که در حکم مجلس سنای آن می‌باشد به همگرایی بیشتر با روسیه رأی داد که این امر با مخالفت‌ها و تظاهراتی در جنوب کشور مواجه شد، اما در نواحی شمالی که روس‌ها در آن نفوذ بیشتری دارند، تظاهرات تأییدآمیز بزرگتری برگزار گردید. ارزش روبل در سال ۲۰۰۰ با انتشار روبل جدید تغییر یافت و هر روبل جدید در مقابل ۱,۰۰۰ روبل قدیم مبادله شد. انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۱ که به پیروزی مجدد لوکاشنکا منجر شد، از سوی ناظران سازمان امنیت و همکاری اروپا، غیر دموکراتیک شناخته شد و دولت امریکا آن را بی‌معنی توصیف کرد. دولت روسیه سالانه یک میلیارد دلار کمک در اختیار روسیه سفید قرار می‌دهد و اجناس صادراتی آن را که احتمالاً در جای دیگری خریدار نخواهد داشت، وارد می‌کند.



نام رسمی: جمهوری روسیه سفید (بیلاروس)

نام محلی: بیلاروس Byelarus

اسامی دیگر: –

پایتخت: مینسک (۱،۷۲۵،۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: اعلان: ۱۹۹۰/۷/۲۷؛ اجرا: ۱۹۹۱/۸/۲۵، از شوروی

روز ملی: بیست و هفتم و سوم ژوئیه

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹٤

رئیس حکومت: رئیس جمهور: آلکساندر لوکاشنکا، از سال ۱۹۹٤ (برای دومین و آخرین بار از سال ۲۰۰۱)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: هنادز ناویتسکی، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٤ با تغییرات سال ۱۹۹٦؛ مجلس نمایندگان با ۱۱۰ عضو و شورای جمهوری با ٦٤ عضو (۸ عضو انتصابی رئیس‌جمهور و ٥٦ نماینده با انتخاب غیر مستقیم) به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در اولین دورهٔ برگزاری آن (۲۰۰۰): حزب کمونیست ٦ کرسی، حزب کشاورزان ٥ کرسی، حزب جمهوریخواه کارگران و عدالت ۲ کرسی، حزب لیبرال دموکرات ۱ کرسی، حزب سوسیال دموکرات ۱ کرسی، مستقل‌ها ۸۱ کرسی، بقیه ١٤ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، سیس، جنبش عدم تعهد، اوسه.

جمعیت

مساحت: ۲۰۷،٥۹٥ کیلومترمربع (هشتادوچهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتاد و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٤۹/۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪-۰/۳

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۹/٥ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** جمعیت‌رو‌به کاهش دارد.

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۷۳/۲؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪۰/۸

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ٪۲۰/٤ ؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۱/٤؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۳۹/۸ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۱۸/٤

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٪٤٦/۷۰ ؛ زن ٪٥۳/۳۰ — **امید به زندگی:** زنان ۷٤/٦ سال؛ مردان ٦۲/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۹/۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱۳/٥ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ١٤/۳ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۳/۸- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ٦۷۳/۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ۱۹۱/۹ نفر؛ حوادث ودرگیری ١٥٤/٥ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٦۸/۷ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۲ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ٦/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ٤/٦ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۸۹): روسهای سفید (بیلاروس) ٪٦٥/٦ ؛ روس ٪۳۱/۹ ؛ اوکراینی ٪۱/۳؛ بقیه ٪۱/۲

دین(۱۹۹٥): ارتدوکس ٪۳۱/٦؛ کاتولیک ٪۱۷/۷؛ بقیه (عمدتاً بدون دین) ٪٥۰/۷

زبان و خط: بیلاروسی، روسی (زبانهای رسمی)؛ خط: سیریلی

شهرهای مهم(۱۹۹۹): هومیل(گومل) ٥۰۳،۷۰۰ نفر؛ ماهیلیوف (موگیلف) ۳۷۱،۳۰۰؛ ویتسییسک (ویتبسک) ۳٥۸،۷۰۰؛ هرودنا(گرودنو) ۳۰۸،۹۰۰ ؛ برست ۳۰۰،٤۰۰؛ بابرویسک ۲۲۸،۰۰۰؛ باراناویچی ۱۷۳،۸۰۰ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: روبل جدید (از سال ۲۰۰۰)؛ (Rbl)= ۱۰۰ کوپک؛ یک دلار= ۱،۰۸۰ روبل جدید؛ روبل جدید= ۷٤۰/۷ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۱۱۱،۷۳٦ میلیارد روبل؛ شامل مالیات بر ارزش افزوده ٪۳۰ ؛ مالیات بر سود ٪١٤/۸ ؛ مالیات بر درآمد ٪۱۰/۲ ؛ مالیات غیر مستقیم ٪۱۳/۱؛ مالیات بر معاملات بین‌المللی ٪۸/۳ ؛ سایرموارد ٪۲۳/٦

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۱۱٥،۸۷٥ میلیارد روبل؛ آموزش ٪۲۰/۱ ؛ بهداشت ٪۱٥/۸ ؛ یارانه ٪۱۱/۱ ؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۸/٦ ؛ هزینه‌های مربوط به نیروگاه اتمی چرنوبیل ٪٦/٥ ؛ انتقالی‌ها ٪٥/۸؛ بازپرداخت وامها ٪۱/۸ ؛ سایر موارد ٪۳۰/۳

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۲،۲۳۲ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،۱۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪-۲/۲

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۳/٤ ؛ صنعت ٪٤٦/۱؛ خدمات ٪٤۰/٥

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ١٤٤ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۷٤۸ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۸/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲۰/۱

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪٤٤۹/۹ ؛ ۱۹۹۸: ٪۷٤/۲ ؛ ۲۰۰۰: ٪۹۷/٤

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سیب‌زمینی ۸،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ غلات ۳،۳٥۳،۰۰۰ تن؛ دیگر سبزیجات ۱،۱٤٥،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۱،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ میوه ۲۹۹،۳٥۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪۳۰/٥ ؛ مرتع و چمنزار ٪١٤/۱؛ جنگل ٪۳۳/۷ ؛ سایر موارد ٪۲۱/۷

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ٤،٥۱٥،۰۰۰ رأس؛ خوک ۳،٦۰۸،۰۰۰؛ گوسفند و بز ۱۸۲،۰۰۰ ؛ اسب ۲۳۳،۲۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۷،۷٤٥،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤٥۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۹،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۸۷،۷۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): پتاس ۳،٤۰۰،۰۰۰ تن؛ تورب ۳،۰۳٦،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (میلیون روبل) تجهیزات ماشین‌سازی ۱،۰۸٦،٦٥۰ ؛ مواد شیمیایی ٦٥۹،٤۳۸؛ مواد غذایی ٥٦۲،٤۳۸ ؛ مصالح ساختمانی ١٤۲،٥٥٥

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۷): ۲٦،۰٥۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳۳،٦۷۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹٤): صفر (۱،۱۹۹،۰۰۰ تن)؛ نفت خام (۱۹۹۷): ۱۳،۳٥٥،۰۰۰ بشکه (۸٦،٤۰٦،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۷): ۹،٥۸۹،۰۰۰ تن (۱۰،٤۷۳،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲٤۲،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱٦،٤۰۲،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ٤،۳٦۹،۹۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۲/۷ ؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱٦ تا ٥۹): ٪۸۱/۸؛ زنان (در سنین ۱٦ تا ٥٤): ٪٥۳/٦ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٪۲/٦ ؛ ۲۰۰۰: ٪۲/۱

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱٦/٤؛ صنعت ٪۳٥/۱ ؛ خدمات ٪٤۸/٥

نیروی دفاعی: مدت‌نظام‌وظیفه:۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۸۳،۰۰۰ نفر(نیروی زمینی ٪٥۱/۸؛ نیروی هوایی و دفاع هوایی ٪۲٦/٥؛ دیگر موارد ٪۲۱/۷)؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۸۱ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۸،٦۸۹ میلیون دلار: محصولات صنعتی ٪۹٦/۳ شامل نفت و گاز ٪۲٤؛ ماشین‌آلات و ابزار فلزکاری ٪۲۱/۷ ؛ محصولات شیمیایی و نفتی ٪۱٦/۸ ؛ آهن و فولاد ٪۱۰/۱ ؛ غذا و نوشیدنی ٪۹/٦؛ صنایع سبک ٪٤/٦ ؛ محصولات چوبی و کاغذی ٪۲/۸؛ از روسیه ٪٥۳/۸ ؛ اوکراین ٪۱۱/۱ ؛ آلمان ٪۸ ؛ لهستان ٪۲/۹ ؛ ایتالیا ٪۱/۸ ؛ امریکا ٪۱/٦

صادرات(۱۹۹۷): ۷،۳۰۱ میلیون دلار: محصولات صنعتی ٪۹۸/۳ (شامل ماشین‌آلات و ابزار فلزکاری ٪۳۲/۹؛ محصولات شیمیایی و نفتی ٪۲۰/۹ ؛ صنایع سبک ٪۹/٥؛ نفت و گاز ٪۸/۲ ؛ آهن و فولاد ٪۸/۱ ؛ غذا و نوشیدنی ٪۷/٥ ؛ محصولات کاغذی و چوبی ٪۷/۱؛ مصالح ساختمانی ٪۲/۲)؛ به روسیه ٪٦٤/۸؛ اوکراین ٪٥/۸؛ لهستان ٪۳/٤؛ آلمان ٪۳

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	+٦٤	-٥٦۹	-٥٥٦	-۸٥٦	-۱،۲۸۷	-۱،۳۸۸	-۱،۳۸۸
درصد کل	٪۰/۹	٪۱۲/٦	٪۱۰	٪۸/۳	٪۱۰/۲	٪۸/۷	٪۸/۷

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱٥۲/۷	۲۰٤/٥	۲٤٦/۱
شاخص درآمد ماهانه	۱۰۰	۱٦۰/٥	۲٤۰/۱	۳٥۰/۲

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ۳/٦ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار(۱۹۹٥): ۲،٤۰۰،۰۰۰ روبل؛ منابع درآمد (۱۹۹۷): دستمزد وحقوق ٪٥٥/٥ ؛ فعالیت‌های تجاری ٪۲۰/٥ ؛ انتقالی‌ها ٪۱٥/٥؛ درآمد از کشاورزی ٪۱/٤؛ هزینه‌ها (۱۹۹۷): کالاهای مصرفی و لوازم خانگی ٪۷٤/۹ ؛ پس‌انداز ٪۱۸/٦ ؛ مالیات ٪٦/٥

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۲٥ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ١١٤ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ٥۳،٤۰۷ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ٥،٤۸۸ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۱،۱۳۲،۸٤۳ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۸،۸٦۷ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ؟ — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه

روزنامه: ۱۰ روزنامه در ۱،۸۹۹،۰۰۰ نسخه (۱۸۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱٥٥ عنوان در ۳،۷٦٥،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۳،۸۰۹ عنوان در ٥۹،۰۷۳،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱٥،٥۰۸/۷ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۰۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۹۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۲۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲،٤۹۰،۰۰۰ خط تلفن (۲٤۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۲،۰۰۰خط (۱/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۷،٥۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸) و متوسطه	٤،۸۳٥	١٤٥،۳۰۰	۱،٥۸۰،۰۰۰	۱۰/۹
فنی و حرفه‌ای	۱٥٦	۸،۸۰۰	۱۲٥،٦۰۰	١٤/۳
عالی	٥۹	۱٦،۳۰۰	۲۲٤،٥۰۰	۱۳/۸

میزان باسوادی(۱۹۸۹): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۹۷/۹ ؛ مردان: ٪۹۹/٤ ؛ زنان: ٪۹٦/٦

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۸): بدون تحصیلات رسمی و ابتدایی ٪۲۳ ؛ متوسطه ٪٦٦/۲ ؛ عالی ٪۱۰/۸

تعداد پزشک(۱۹۹٥): ٤٦،۰۰۰ نفر (هر ۲۲٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٥): ۱۲۷،۰۰۰ تخت (هر ۸۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۹،۰۰۰ نفر (٪۰/۱۷ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٥٦/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۳،۱۳٦ کالری (٪۱۲۳ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ۹٤ گرم ؛ مصرف چربی: ۹٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪-۱

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٦۱/۸ میلیون تن؛ هر نفر ٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۸۱ (پنجاه و هفتمین کشور جهان)

رومانی ROMANIA

رومانی کشوری است واقع در اروپای خاوری و غرب دریای سیاه که از شمال به اوکراین، از خاور به مولداوی و دریای سیاه، از جنوب به بلغارستان و از غرب به یوگسلاوی و مجارستان محدود است. سرزمینی است نیمه کوهستانی که کوههای کارپات از شمال تا نواحی مرکزی آن را زیر پوشش قرار داده و کوه‌های آلپ ترانسیلوانی نواحی غربی آن را فرا گرفته و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه مولدووئانول ۲۵۴۳ متر ارتفاع دارد. دشت مولداوی در نواحی خاوری آن جای دارد و دشت والاکیا جنوب آن را زیر پوشش قرار داده است و رود دانوب آن را سیراب می‌کند و دلتای وسیع آن در کنار دریای سیاه از اهمیت کشاورزی والایی برخوردار است. علاوه بر رود دانوب که نام محلی آن دونارئاست رودهای پروت، اولت، ژیول، مورشول، یالومیتسا، آرجش و سیرتول نیز آن را مشروب می‌سازند. جنگلهای وسیع آن به مصرف کارخانه‌های متعدد چوب‌بری و تهیهٔ الوار می‌رسند و روز به روز رو به زوال می‌روند و اقتصاد آن وابستگی زیادی به صدور مواد اولیه و فرآورده‌های کشاورزی دارد.

منطقهٔ کوپسامیکا که در نواحی مرکزی رومانی جای دارد عمده‌ترین ناحیهٔ صنعتی کشور و یکی از آلوده‌ترین مراکز صنعتی اروپا به شمار می‌آید. آب و هوای رومانی معتدل و مرطوب است.



تاریخچه

نخستین اقوامی که در رومانی سکونت گزیدند، گتای‌ها بودند که ساحل دریای سیاه را در سدهٔ هفتم پیش از میلاد برای سکونت اختیار کردند. داکی‌ها نیز از دیگر اقوامی بودند که در کوهستان کارپات و ترانسیلوانیا ساکن شدند و داکیای باستان را تشکیل دادند. در سده‌های دوم و سوم میلادی به یکی از ایالات رومی تبدیل گردید و بعدها به صحنهٔ تاخت و تاز گوت‌ها و هون‌ها و آوارها و اسلاوها مبدل شد. در سدهٔ سیزدهم میلادی به تصرف مغولان درآمد و بعدها ناحیهٔ ترانسیلوانی آن تابع مجارستان گردید و در سدهٔ پانزدهم تحت سلطهٔ عثمانی‌ها قرار گرفت. میخائیل دلیر یکی از قهرمانان ملی رومانی، علیه سلطان عثمانی شورید و مولداوی و والاکیا و ترانسیلوانی را تحت فرمان خود درآورد، ولی با مرگ وی مملکتش متلاشی شد. امرای مولداوی و والاکیا در سال ۱۷۱۱ با پتر کبیر متحد شدند و بدینسان دوران فرمانروایی امرای محلی پایان یافت. سلاطین عثمانی تا سال ۱۸۲۱ امرای مولداوی و والاکیا را از میان یونانیان انتخاب می‌کردند و آنان را هاسپودار (ارباب و صاحب) می‌نامیدند. هاسپودارها مردم رومانی را به روستاییانی فقیر و گرسنه و شبانان چادرنشین تبدیل کردند.

مخالفت روسیه و اتریش با سلطهٔ عثمانی‌ها در سدهٔ هجدهم، نهضت ملی شدیدی در میان مردم رومانی برانگیخت و پای روسیه را در مولداوی و والاکیا باز کرد. در سال ۱۸۲۱ آلکساندر ایپسیلانتی، از یونانی‌تباران آن سرزمین، در مولداوی سر به شورش برداشت و مردم رومانی که از یونانیها بیشتر از عثمانی‌ها ناراضی بودند، به یاری ترکان عثمانی برخاستند و یونانیان را از خاک خود بیرون راندند. در سال ۱۸۲۲ به رومانی تا حدودی خودمختاری داخلی داده شد. در جنگ ۱۸۲۸ روس و عثمانی، نیروهای روس مولداوی و والاکیا را اشغال کردند و آن را عملاً تحت‌الحمایهٔ خود قرار دادند. رومانی‌ها در سال ۱۸۴۸ سر به شورش برداشتند ولی به وسیلهٔ قوای روس سرکوب گردیدند. در جنگ کریمه نیروهای روس این نواحی را تخلیه کردند و به جای آنها نظامیان اتریش آنجا را اشغال نمودند. کنگرهٔ پاریس (۱۸۵۶) مولداوی و والاکیا را تابع دولت عثمانی، ولی زیر نظارت دولتهای بزرگ اروپایی قرار دارد. در سال ۱۸۵۹ آلکساندر کوزا به امارت مولداوی و والاکیا رسید و آن دو را در هم ادغام کرد و آن را رومانی نامید. وی در کودتای سال ۱۸۶۶ از کار برکنار شد و کارول اول به جای او نشست و قانون اساسی رومانی را در سال ۱۸۶۶ به تصویب رسانید. رومانی در سال ۱۸۷۷ با روسیه متحد شد و با عثمانی از در جنگ درآمد. کنگره برلین در سال ۱۸۷۸ به رومانی استقلال کامل داد و رومانی در سال ۱۸۸۱ به کشوری مستقل مبدل گردید. در دومین جنگ از جنگهای بالکان، رومانی علیه دولت بلغارستان وارد جنگ شد و دوبروجا را تصرف کرد (۱۹۱۳). در جنگ جهانی اول، ابتداء بی‌طرفی پیشه کرد ولی بعدها به متفقین پیوست (۱۹۱۶) و به آلمان اعلان جنگ داد. پس از پایان جنگ (۱۹۱۸) بسارابی، بوکووینا و ترانسیلوانی و بانات ضمیمهٔ خاک رومانی شدند ولی روسیه به انضمام بسارابی به رومانی تن درنداد. رومانی در خلال دو جنگ جهانی اغلب دستخوش شورش و آشوب بود و گروههای تروریستی در آن فعالیت داشتند.

در سال ۱۹۳۶ تمایلات فاشیستی و نیل به همکاری و نزدیک شدن با دولت آلمان نازی رفته رفته شکل گرفت. در آغاز جنگ جهانی دوم بی‌طرفی خود را حفظ کرد ولی سرانجام به دول محور پیوست (سال ۱۹۴۰). با بازگشتن میخائیل به سلطنت، آنتونسکو به نخست‌وزیری رسید و با استبداد تمام به حکومت پرداخت و در سال ۱۹۴۱ همراه با قوای آلمان نازی به اتحاد شوروی حمله کرد و بوکووینا و بسارابی را به تصرف درآورد ولی در نبرد استالینگراد تلفات سنگینی متحمل شد. در سال ۱۹۴۴ نیروهای ارتش سرخ وارد رومانی شدند و میخائیل پادشاه رومانی تسلیم آنان گردید و یون آنتونسکو نیز دستگیر و اعدام شد. رومانی بلافاصله از قوای محور خارج شد و به متفقین پیوست و تحت حمایت اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت. در سال ۱۹۴۷ با برکناری میخائیل و پایان دادن به حکومت سلطنتی، رومانی به جمهوری خلق مبدل شد و اشتراکی کردن کشاورزی آغاز گردید.

در سال ۱۹۴۸ کمونیست‌ها و برخی از سوسیال‌دموکرات‌ها، حزب کارگران رومانی را به عنوان تنها حزب حاکم رومانی تأسیس کردند. رومانی در سال ۱۹۵۵ به سازمان پیمان ورشو پیوست و به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. به دنبال درگذشت گئورگی دژ در سال ۱۹۶۵، نیکولای چائوشسکو به دبیر اولی حزب کارگران رومانی برگزیده شد و وی کمی بعد نام حزب را به حزب کمونیست رومانی تغییر داد. در سال ۱۹۷۴ در اجلاس کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست، نیکولای چائوشسکو به ریاست جمهوری رسید و در سال ۱۹۷۹ ایلی وردت را به نخست‌وزیری منصوب کرد و دخالت شوروی در امور افغانستان و ورود ارتش سرخ را به افغانستان محکوم نمود.

در سال ۱۹۸۷ مشکلات زندگی و شرایط سخت کاری به اعتصابات و راهپیمایی‌هایی منجر شد که به وسیلهٔ پلیس سرکوب گردید. در پایان سال ۱۹۸۹ رویارویی مردم ناراضی رومانی و پلیس کشته‌ها و زخمی‌های زیادی به جای گذارد و دولت وضعیت فوق‌العاده اعلام کرد، ولی گروهی از نظامیان با پشتیبانی گستردهٔ مردم دست به کودتا زدند و چائوشسکو و همسرش که در هنگام آغاز شورش‌ها در ایران بسر می‌بردند، پس از یک محاکمهٔ سریع به جرم نسل‌کشی و فساد اقتصادی اعدام شدند. جبههٔ نجات ملی بلافاصله قدرت را به دست گرفت، اما با مخالفت‌های شدیدی در میان مردم مواجه شد. در دسامبر ۱۹۹۱ قانون اساسی جدید کشور به تصویب رسید و نوع حکومت آن را به جمهوری چند حزبی مبدل نمود. در انتخابات نوامبر ۱۹۹۶ امیل کنستانتینسکو به ریاست جمهوری رسید.

در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۰، حزب رومانی بزرگ که برای اولین بار پا به عرصهٔ انتخابات گذاشته بود، در میان تعجب همگان ۸۴ کرسی مجلس نمایندگان را از آن خود کرد. این حزب توانست با جذب تندروهای هر دو جناح چپ و راست حدود ۳۰٪ آرای انتخابات ریاست جمهوری را نیز نصیب رهبر خود کورنلیو وادیم تودور نماید، هر چند در نهایت حزب سوسیال دموکرات به رهبری یان ایلیسکو توانست اکثریت آراء را هم در انتخابات پارلمانی و هم در انتخابات ریاست جمهوری کسب نماید. در سال ۲۰۰۱ بخشی از دارایی‌های میخائیل، آخرین پادشاه رومانی که در سال ۱۹۴۷، توسط کمونیست‌ها برکنار شده و به تبعید رفته بود، به وی بازگردانده شد و وی تصمیم گرفت که برای بقیهٔ عمر به رومانی بازگردد.



نام رسمی: رومانی

نام محلی: رومانیا România

اسامی دیگر: -

پایتخت: بوخارست (۲،۰۲۷،۵۱۲ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۸۷۸/۷/۱۳ ، از امپراتوری عثمانی

روز ملی: اول دسامبر

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: یان ایلیسکو (حزب سوسیال دموکرات)؛ از سال ۲۰۰۱ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آدریان ناستاسه (حزب سوسیال دموکرات)؛ از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱؛ مجلس نمایندگان با ۳٤۳ عضو و مجلس سنا با ۱٤۳ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۰): حزب سوسیال دموکرات و دو حزب ائتلافی کوچکتر ۱۵۵ کرسی؛ حزب رومانی بزرگ ۸٤ کرسی؛ حزب دموکرات ۳۱ کرسی؛ حزب ناسیونال لیبرال ۳۰ کرسی؛ فدراسیون دموکراتیک مجارها ۲۷ کرسی؛ نمایندگان اقلیت‌های ملی ۱٦ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵)؛ اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، سفتا، اوسه

جمعیت

مساحت: ۲۳۷،۵۰۰ کیلومترمربع (هشتادویکمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۲،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهل و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۹۳/۹ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٠/٤-٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۹/۹ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** جمعیت‌روبه‌کاهش دارد

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵۷/۳٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٠/٦٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۱۸/۸٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٤/٤٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۸/۲٪ ؛ بالای ٦٠ سال ۱۸/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/۱۱٪؛ زن ۵۰/۸۹٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۳/۸ سال؛ مردان ٦۵/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۰/۷ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۲/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۲۰/۳ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱/٦- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بیماریهای گردش خون ۷۳۸/٦ نفر؛ سرطان ۱۷۳/٤ نفر؛ بیماریهای تنفسی ۷۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۷۱/٦ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/٤ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٤۱ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۵): ٦/۸ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۵):** ۱/۵ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۲): رومانیایی ۹۰/۷٪ ؛ مجار ۷/۲٪ ؛ بقیه ۲/۱٪

دین(۱۹۹۲): ارتدوکس رومانی ۸٦/۸٪؛ پروتستان ۵/۵٪؛ کاتولیک ۵/۱٪؛ ارتدوکس یونانی ۱٪؛ مسلمان ۰/۲٪؛ بقیه ۱/٤٪

زبان و خط: رومانیایی (زبان رسمی)، مجاری؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): یاشی ۳٤۸،۳۹۹ نفر؛ کنستانتسا ۳٤٤،۸۷٦؛ تیمیشوارا ۳۳٤،۰۹۸؛ کلوژ ۳۳۲،۷۹۲؛ گالاتسی ۳۳۱،۳٦٠؛ براشوف ۳۱۷،۷۷۲؛ کرایووا ۳۱۲،۸۹۱؛ پلویشتی ۲۵۳،٤۱٤ نفر

بنادر مهم: کنستانتسا (دریای سیاه)؛ گالاتسی و برائیلا (رود دانوب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لئو (l) = ۱۰۰ بانی؛ یک دلار=۲٤،۳۵۸ لئو؛ صد لئو= ۳۲/۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ٦۷،۷۰۰ میلیارد لئو؛ شامل حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۲۳٪ ؛ مالیات بر درآمد افراد ۱۸/۲٪؛ مالیات بر ارزش افزوده ۱۵/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ۸۵،٦۰۰ میلیارد لئو؛ شامل تأمین اجتماعی ۲۸/۲٪ ؛ پرداخت بدهی‌ها ۱۰٪ ؛ آموزش ۹/٦٪ ؛ بهداشت ۷/۵٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳۰،۵۹٦ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۳٦٠ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۵٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/۹-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱٦/٤٪ ؛ صنعت ٤۰/۲٪؛ خدمات ٤۳/٤٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٦۱ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۲،۰٦۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٦،۹٦۲ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۵۵/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۹/۲٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۱۳/۸٪ ؛ ۱۹۹۸: ٤٦/٦٪؛ ۲۰۰۰: ٤۵/۷٪

محصولات کشاورزی (۲۰۰۰): گندم ٤،۳۲۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ٤،۲۰۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۳،٦۵۰،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۱،۵۰۰،۰۰۰ تن؛ انگور ۱،۲۵۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ٤٦٪ ؛ مرتع و چمنزار ۱۹٪ ؛ جنگل ۲۸٪ ؛ سایر موارد ۷٪

تعداد دام زنده(۲۰۰۰): گوسفند ۷،۹۷۲،۰۰۰ رأس؛ خوک ۵،۹۵۱،۰۰۰؛ گاو ۳،۱۵٤،۰۰۰ رأس .

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۱،۵۱۵،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۹،۰۲۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٦۹،٤۸۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۱۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۵): آهن ۱۸٤،۰۰۰ تن؛ بوکسیت ۱۷٤،۰۰۰ تن؛ روی ۳۵،۰۰۰ تن ؛ مس ۲٤،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیارد لئو): فرآورده‌های غذایی ۵،۸۰۰؛ نوشابه ۳،۰۰۰ ؛ آهن و فولاد ۱،٦۰۰ ؛ محصولات شیشه‌ای ۱،۵۰۰ ؛ منسوجات ۱،٤۰۰؛ وسایل نقلیه ۱،۳۰۰ ؛ ماشین‌آلات برقی ۹۰۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ٦۱،۳۵۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٦۲،۱۵۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ٤۱،۸٦۹،۰۰۰ تن (٤۵،٤۷۷،۰۰۰)؛ نفت خام: ۷۰،۵۵۸،۰۰۰ بشکه (۱۰۰،٤٤۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۰،۹۵٦،۰۰۰ تن (۱۰،۹۳۳،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۱٤،٤٦۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۲۰،٤۰۱،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۱۱،۵۷۷،۳۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۵۱/٤٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٦۷/۲٪؛ زنان: ٤۲/۸٪؛ میزان بیکاری ٦/۳٪ ؛ ۲۰۰۰: ۱۰/۵٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۳۷/۵٪ ؛ صنعت ۳۲٪ ؛ خدمات ۳۰/۵٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲۰۷،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۵۱/۲٪؛ نیروی دریایی ۱۰٪؛ نیروی هوایی ۲۱٪ ؛ دیگر موارد ۱۷/۸٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۰۲ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۱۰،۳٦۸ میلیارد لئو؛ شامل سوختهای معدنی ۲۵/٤٪ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲٤/۱٪؛ منسوجات ۱۲٪ ؛ مواد شیمیایی ۸/٤٪ ؛ از آلمان ۱٦/۵٪ ؛ ایتالیا ۱۵/٦٪ ؛ روسیه ۱۳/۱٪ ؛ فرانسه ٤/۸٪

صادرات(۱۹۹٦): ۱۰،۲۷۳ میلیارد لئو؛ شامل منسوجات ۲۰/۸٪ ؛ تولیدات معدنی ۹/۲٪ ؛ مواد شیمیایی ۹٪؛ ماشین‌آلات ۸٪ ؛ کفش ٦/۱٪ ؛ به آلمان ۱۸/۲٪ ؛ ایتالیا ۱٦/٦٪ ؛ فرانسه ۵/٦٪ ؛ انگلستان ۲/۹٪ ؛ امریکا ۲/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیارد دلار	٤۱۱/۱-	۱،۵۷٦/۷-	۲،٤۷۰/۵-	۱،۹۸۰/۳-	٤۰۳/۳-	۱،۰۸۷/٤-
درصد کل	۳/۲٪	۹/۱٪	۱۳/۲٪	۱۰/۵٪	۹/٤٪	٦٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۳۱/۹	۷۵/٦	۱۰۰	۱۳۸/۸	۳۵۳/۷	۵٦۲/۷	۸۲۰/٤
شاخص درآمد سالانه	۲۸/۳	٦٤/۹	۱۰۰	۱٤۹	۲۹۵	۵۰۲/۹	۷۱۹/٦

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۲): ۳/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۹): ۷۳،۵۰۰ لئو؛ منابع درآمد (۱۹۸۲): دستمزد ٦۲/٦٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۹): غذا ۵۱/۱٪ ؛ مسکن ۱٦/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲٦٠ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ٤۵۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۵۳،۳۵۸ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹٤):** ۱۱،۳٦۵ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۲،٦۰۵،۵٦۵ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ٤۲۷،۵۷۹ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٤۳۹ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۸ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ٦۹ روزنامه در ٦،۸۰۰،۰۰۰ نسخه (۲۹۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۹۸۷ عنوان

کتاب: ۷،۱۹۹ عنوان در ۳۸،۳۷٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۵،۳۳۰/٤ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۷،۲۰۰،۰۰۰ گیرنده رادیویی (۳۱۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۵،٤۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲٤٠ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳،٦٤۹،۰۰۰ خط تلفن (۱٦۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٦٤۳،۰۰۰ خط (۲۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲۳۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱۳،۹۷۸	۱۷۵،٤۲٦	۲،۵٤٦،۲۳۱	۱٤/۵
متوسطه	۱،۲۹۵	٦٤،٤۸۵	۷۹۲،۷۸۸	۱۲/۳
فنی و حرفه‌ای	۱،٦۹۲	۱۰،۹٤۲	۳۵۱،۹۰۰	۳۲/۲
عالی	۱۰۲	۲۳،٤٤۷	۳۵٤،٤۸۸	۱۵/۱

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۸/۲٪ ؛ مردان: ۹۹/۱٪ ؛ زنان: ۹۷/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۲): ابتدایی ۲٤/٤٪ ؛ متوسطه ٦۳/۲٪ ؛ بعد ازمتوسطه ٦/۹٪

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ٤۷،۹۰۰ نفر(هر ٤۷٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۲): ۱۷٤،۹۰۰ تخت (هر ۱۳۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۵۰۰۰ نفر(۰/۰۱٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰۷/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۳،۲٦۳ کالری (۱۳۲٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ۱۰۰ گرم ؛ مصرف چربی : ۸۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰) : صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۱۹/۵ میلیون تن؛ هر نفر ۵/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۷۰ (شصت و چهارمین کشور جهان)



نام رسمی: جمهوری زامبیا

نام محلی: زامبیا Zambia

اسامی دیگر: رودزیای شمالی (نام سابق)

پایتخت: لوزاکا (۹۸۲،۳۶۲ نفر در سال ۱۹۹۰)

تاریخ استقلال: ۱۹٦٤/۱۰/۲٤، از انگلستان

روز ملی: بیست و چهارم اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦٤

رئیس حکومت: رئیس جمهور: لوی پاتریک موآناواسا (جنبش دموکراسی چندحزبی)، از سال ۲۰۰۲ به مدت ۵ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: لوی پاتریک موآناواسا (جنبش دموکراسی چندحزبی)، از سال ۲۰۰۲ به مدت ۵ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱ با تغییرات سال ۱۹۹٦؛ مجلس ملی با ۱۵۰ عضو انتخابی و ۹ عضو انتصابی به مدت ۵ سال به علاوه مجلس مشورتی رؤسای قبایل که از عضویت ۲۷ نمایندهٔ آنان تشکیل می‌شود؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹٦ (۲۰۰۱): جنبش دموکراسی چند حزبی ۱۳۱ (٦۹) کرسی، حزب ملی ۵ (-)، کنگرهٔ دموکراتیک زامبیا ۲ (-)، حزب متحد توسعه ملی (٤۹)، حزب متحد ملی استقلال (۱۳)، تجمع برای دموکراسی و توسعه (۱۲)، بقیه ۱۲ (۱٦) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦٤)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، سپک

جمعیت

مساحت: ۷۵۲،٦۱٤ کیلومترمربع (سی و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۹،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتاد و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۲/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۳٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۵/٦ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤۳/۹٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۳/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤۷/۹٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۳۰/۳٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۱۸٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۳/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/٦۸٪، زن ۵۰/۳۲٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۳۷/۵ سال، مردان ۳۷/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۲/٤ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۲/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۹۳/۷ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۰/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٦۵۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۰): سیاهپوستان‌قبایل‌بمبا۳۹/۷٪ ؛نیانجا۲۰/۱٪؛تونگا۱٤/۸٪ ؛ باروتزه ۷/۵٪ ؛ تومبوکا ۳/۷٪؛ مامبوه ۳/٤٪

دین(۱۹۹۵): مسیحی٤۷/۸٪(پروتستان۲۲/۹٪ ؛کاتولیک۱٦/۹٪؛ مسیحیان افریقایی ۵/٦٪)؛ باورهای قبیله‌ای۲۷٪؛مسلمان۱٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ زبانهای محلی قبایل سیاهپوست؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۰): اندولا ۳۷٦،۳۱۱ نفر؛ کیتوه ۳٤۸،۵۷۱ نفر؛ موفولیرا ۱۷۵،۰۲۵ نفر؛ کابوه ۱٦٦،۵۱۹ نفر؛ لوانشیا ۱٤۷،۷٤۷ نفر؛ کالولوشی ۹۰،٦۳۰ نفر؛ چیلیلابومبوه ۸٦،٦۳۷ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کواچا (K) = ۱۰۰ انگوه؛ یک دلار=۳،٤٤۵ کواچا؛ صد کواچا=۲۳۲/۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱،۵۲۹ میلیارد کواچا؛ درآمد مالیاتی ۷۱/۵٪ شامل (مالیات بر درآمد ۲٤/۹٪، مالیات غیر مستقیم ۱۳/۸٪، مالیات بر ارزش افزوده ۱۳/۱٪، مالیات بر درآمد شرکتها ۵/۹٪)، کمک‌های خارجی ۲٦٪، درآمد غیرمالیاتی ۲/۵٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱،۹٤۳/۲ میلیارد کواچا؛ هزینه‌های‌جاری٦۵٪ (شامل بازپرداخت بدهی‌ها ۲۱/۷٪ ؛ آموزش ۷/۷٪ ؛ انتقالی‌ها ۷/۷٪ ؛ بهداشت ۵/۷٪ ؛ امور دفاعی ۱/٤٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۳۵٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳،۲۳٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۰/٦٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/٤٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۷/۳٪ ؛ صنعت ۲٦/٤٪ ؛ خدمات ۵٦/۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۰۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۲۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۵،۲۳۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳٤۸/۷+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۵/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٦۳/۵٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲۳/۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۱،٦۰۰،۰۰۰تن؛ ذرت ۸۵۵،۸٦۸؛ کاساوا ۸۵۰،۰۰۰؛ میوه و سبزیجات ۳۷۸،۵۰۰ (پیاز ۲٦،۰۰۰، گوجه فرنگی ۲٤،۰۰۰، پرتقال ۳،٤۰۰)؛ ارزن ٦۹،٦۱۷؛ گندم ۸۹،۷٤۳؛ سیب‌زمینی شیرین ۵۲،۰۰۰؛ بادام زمینی ۵۰،۹٦۵؛ سویا ۲٦،٦۹۵؛ ذرت خوشه‌ای ۲۵،٤۹۳؛ پنبه‌دانه ۲۳،۰۰۰؛ دانهٔ آفتابگردان ٦،۷٤۸؛ توتون ۳،۱۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۷/۱٪ ؛ مرتع ٤۰/٤٪ ؛ جنگل ٤۳٪ ؛ سایر موارد ۹/۵٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۲،۳۷۳،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۰٦۹،۰۰۰ ؛ خوک ۳۲٤،۰۰۰ ؛ گوسفند ۱۲۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸،۰٤۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٦۵،۹۰۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۸،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤٤،۸۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): مس ۳۵۵،۰۰۰ تن؛ کبالت ٤،۰۱٦ تن؛ نقره ٦،٦۸٤ کیلوگرم؛ طلا ۳۰۷ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش افزوده به میلیون کواچا): مواد غذایی ۳۹،۷٦۵/۱ ؛ نوشابه ۳٦،۵۹٦/۵ ؛ مواد شیمیایی و دارویی ۳۲،۱٤۱/۵ ؛ منسوجات ۱۵،۳۵۸/۵؛ دخانیات ۱٤،۰٦۰/۲ ؛ آهن و فولاد، فلزات غیر آهنی و مصنوعات فلزی ۱۳،۸۷٤/٦

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۷،۷۹۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٦،۳۱۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۳۵۰،۰۰۰ تن (۳٤۵،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر (٤،۱۷۸،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۵۱۵،۰۰۰ تن (٤۵۳،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ۳،٤۵٤،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۸/۲٪ ؛ میزان مشارکت (۱۹۹۱: در سنین ۱۰ سال به بالا): ۵۲/٦٪ ؛ زنان (۱۰ سال به بالا): ۲۹/٦٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۸۷): ۱۷/٤٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۷۰/۳٪؛ صنعت ۵/٤٪ ؛ خدمات ۲٤/۳٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲۱،٦۰۰ نفر؛نیروی زمینی ۹۲/٦٪ ؛ نیروی هوایی ۷/٤٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٤ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۰۲۲ میلیون دلار؛ شامل(۱۹۸۸): ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۸/۳٪ ؛ کالاهای ساخته شدهٔ اساسی ۱۹/۸٪ ؛ مواد شیمیایی ۱٦/۹٪ ؛ سوختهای معدنی، روغنهای روانکاری و برق ۱۲/۳٪؛ مواد غذایی ۳/۸٪ ؛ از کشورهای (۱۹۹۷): افریقای جنوبی ٤۸/٤٪ ؛ انگلستان ۸/۱٪؛ زیمبابوه ۷/۳٪ ؛ عربستان سعودی ٦/۲٪

صادرات(۱۹۹۸): ۸۷۳/٦ میلیون دلار؛ شامل: مس ٤۹/۳٪ ؛ کبالت ۱۷/۷٪؛ صادرات‌غیرفلزی۳۳٪ ؛ به‌کشورهای (۱۹۹۷): ژاپن ۱۰/۹٪؛ عربستان سعودی ۹/۹٪؛ تایلند ۸/۷٪ ؛ هند ۸٪؛ فرانسه ٦/۷٪ ؛ انگلستان ٦٪؛ زیمبابوه ۵٪ ؛ امریکا ٤/۵٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۲۰۲+	٦۳+	۸-	٦۲-	۲۷-	۱٤۸-
درصد کل	۱۲/٦٪	۳٪	۰/۳٪	۳٪	۱/۱٪	۷/۸٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
شاخص قیمتهای مصرفی	٦/۲	۱٦/۸	٤۸/۵	۷٤/۵	۱۰۰	۱٤٦/۳	۱۸۲/٦
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازه خانوار (۱۹۹۷): ۵ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۸۱): ۱،۰٤۱ کواچا؛ منابع درآمد (۱۹۸۱): دستمزد و حقوق ۹٤٪ ؛ سایر موارد ٦٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۷۷): غذا ۳۷/۷٪ ؛ مسکن ۱۱٪؛ پوشاک ۸/۳٪ ؛ حمل و نقل ٤/۳٪ ؛ آموزش ۲/۱٪ ؛ بهداشت ۱٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۷۵ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳۸،۸۹۸ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۱،۲٦٦ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۱۵۷،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۸۱،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ٤ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۳ روزنامه در ۱۱٤،۰۰۰ نسخه (۱٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۰۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۲۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۲۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۳۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۹): ۷۸،۰۰۰ خط تلفن (۸/۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ۵،۲۰۰ خط (۰/٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۳۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۳،۸۸۳	۳۸،۵۲۸	۱،۵۰٦،۳٤۹	۳۹/۱
متوسطه	٤۸۰	۵،۷۸٦	۱۹۹،۰۸۱	؟
فنی و حرفه‌ای	۲٦	۸٤٦	۷،۹۸۲	؟
عالی	۲	٤۸۱	۵،۲۷۰	۱۱

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۷۸/۲٪ ؛ مردان: ۸۵/٦٪ ؛ زنان: ۷۱/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٤ سال(۱۹۹۳): ابتدایی ۵٤/۸٪ ؛ متوسطه ۲۵/۱٪ ؛ عالی ۱/۵٪

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۷۸٦ نفر (هر ۱۰،۹۱۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۹): ۲۲،٤٦۱ تخت (هر ۳٤۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۷۷۰،۰۰۰ نفر (۱۹/۰۷٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٤۸۸/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۱،۹۷۰ کالری (۸٤٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۲ گرم؛ مصرف چربی: ۳۰گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰) ۰/۹٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۸٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۲۰ (صد و پنجاه و سومین کشور جهان)

زامبیا ZAMBIA

زامبیا کشوری است در افریقای جنوبی که از هر سو در خشکی محصور است و از شمال به آنگولا و کنگو کینشاسا (زئیر)، از شمال خاوری به تانزانیا، از خاور به مالاوی، از جنوب خاوری به موزامبیک، از جنوب به زیمبابوه ونامیبیا و از غرب به آنگولا محدود است. کشوری است کوهستانی که ارتفاع آن از شرق به غرب کاسته می‌شود. قسمت اعظم این سرزمین را فلات مرتفعی که اکثراً پوشیده از علفزار است فرا گرفته و کوههای موچینگا با بلندی حداکثر ۲۱۶۵ متر عمده‌ترین رشته کوههای آن محسوب می‌گردد. رودخانهٔ زامبزی که مهمترین رود این کشور است از شمال به جنوب جریان دارد و نیروی برقابی سدّ کاریبا را تأمین می‌کند. علاوه بر رود زامبزی، رودخانه‌های لوآنگوآ، کافوئی و لوآپولا نیز از جمله رودهای مهم این سرزمین هستند. دریاچهٔ مرزی کاریبا (مرز زیمبابوه) با وسعت حدود ۵۳۰۰ کیلومترمربع عمده‌ترین عارضهٔ آبی آن محسوب می‌گردد. رود زامبزی به طول ۲۷۳۶ کیلومتر طویل‌ترین رود آن و چهارمین رود بزرگ افریقا محسوب می‌شود.

اقلیم زامبیا عمدتاً گرم و خشک و نسبتاً کم باران است. توتون و ذرّت و جو و پنبه و گندم و بادام زمینی عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن هستند و مس و کبالت و زغال‌سنگ و نقره از منابع زیرزمینی این کشور محسوب می‌گردند. استخراج و صدور مواد معدنی به ویژه مس، عمده‌ترین منبع درآمد این کشور است و به همان اندازه در محیط زیست آن نیز اثر نامطلوب گذارده است. شیوهٔ خانه‌سازی و عدم رعایت بهداشت محیط و کمبود آب آشامیدنی مسئلهٔ مهمی را در شهرهای بزرگ زامبیا مطرح ساخته و شهروندان آنها را در معرض تهدید بیماریهای خطرناکی چون وبا و شبه وبا قرار داده است و حیات وحش این کشور از جنبه‌هایی چون شکارهای بی‌رویه و کمبود مواد غذایی در معرض نابودی قرار گرفته است.



تاریخچه

آثار دیرین‌شناسی گویای آن است که پیدایش انسان در زامبیا به دو میلیون تا یک میلیون سال قبل بازمی‌گردد. آثار متعددی که از عصر حجر در گوشه و کنار این سرزمین دیده می‌شود و نشانه‌های فراوانی که از آغاز عصر آهن در این کشور پیدا شده، بیانگر آن است که مردم ۲۰۰۰ سال پیش این سرزمین به کشاورزی و پرورش دام اشتغال داشته‌اند. نیاکان طایفهٔ تونگا در اوایل هزارهٔ دوم میلادی به زامبیا وارد شدند و بقیهٔ اقوام طی سده‌های هفده و هجده از کنگو و آنگولا به آن نواحی مهاجرت کردند. بازرگانان پرتغالی را در اوایل سدهٔ هجدهم در محل تلاقی رودهای زامبزی و لوآنگوآ به احداث ماندگاههای خود اقدام نمودند و همراه با اروپاییان دیگر مدتها به صدور برده اشتغال داشتند. در سال ۱۸۵۱ دیوید لیوینگستون انگلیسی رودخانهٔ زامبزی را تا آبشارهای ویکتوریا درنوردید و بعدها به عضویت تیم اکتشافی سسیل رودز میلیونر معروف انگلیسی پیوست. وی در پویش افریقای جنوبی شرکت جست و پای استعمارگران انگلیسی را تحت پوشش شرکت افریقای جنوبی انگلستان به این نواحی باز کرد و مقدمات تسلط آنان را بر زامبیا و زیمبابوه فراهم نمود.

در سال ۱۸۸۸ سرزمینهای زامبیا و زیمبابوه درهم ادغام شدند و به نام رودزیا تحت نظارت و حکومت شرکت مزبور قرار گرفتند و این وضع تا سال ۱۹۲۳ به همین ترتیب ادامه یافت. در آن تاریخ رودزیای شمالی یا زامبیای کنونی از رودزیای جنوبی (زیمبابوه) جدا شد و مستقیماً تحت ادارهٔ انگلستان قرار گرفت و بعداً به اتحادیهٔ رودزیا و نیاسالند ملحق گردید و شمار زیادی از اروپاییان به ویژه انگلیسی‌ها به آنجا مهاجرت کردند و به بهره‌برداری از منابع آن پرداختند. در اواخر سالهای ۱۹۵۰ و اوایل دههٔ ۱۹۶۰ مخالفت ملیون و آزادی‌خواهان منجر به جنبش‌هایی گردید و انگلستان را وادار نمود تا اتحادیهٔ مزبور را منحل کند و هریک از سه کشور رودزیای شمالی (زامبیا) و رودزیای جنوبی (زیمبابوه) و نیاسالند(مالاوی) را تحت نظارت و ادارهٔ مستقیم خود درآورد و در اکتبر ۱۹۶۴ استقلال زامبیا را به رسمیت بشناسد. زامبیا پس از استقلال اعلام حکومت جمهوری نمود و کنت کائوندا، رهبر حزب استقلال ملی متحد را به ریاست جمهوری برگزید. انتخابات سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ نیز موقعیت وی را تأیید کرد.

استقلال زیمبابوه در سال ۱۹۸۰ از سوی زامبیا مورد استقبال قرار گرفت. کودتای اکتبر ۱۹۸۰ که از سوی افریقای جنوبی حمایت می‌شد و برای سرنگونی کنت کائوندا طراحی شده بود، با شکست مواجه گردید. در انتخابات اکتبر ۱۹۸۳ کنت کائوندا برای پنجمین بار به ریاست جمهوری برگزیده شد و در ۱۹۸۸ برای ششمین بار مقام ریاست جمهوری را برای خود حفظ کرد، اما در سال ۱۹۹۱ از فردریک چیلوبا شکست خورد. چیلوبا در سال ۱۹۹۲ مسیحیت را بعنوان مذهب رسمی زامبیا اعلام داشت و هرگونه فعالیت سیاسی بنیادگرایان مسلمان را که شمارشان به حدود ۲/۵ میلیون نفر می‌رسید (۱/۲ میلیون نفر شیعه و به همان میزان سنی) غیر قانونی و ممنوع اعلام کرد. در آوریل ۱۹۹۴ دانشگاه زامبیا که استادان و پژوهشگران آن حقوق و مزایای بیشتری را مطالبه می‌کردند و به همین انگیزه دست به اعتصاب زده بودند، تعطیل گردید. در پی اتهام مخالفان مبنی بر فساد مالی اعضای دولت و ناتوانی دولت در اجرای برنامه‌های کشاورزی، چیلوبا وزیر کشاورزی را از کار برکنار کرد و از همهٔ اعضای کابینه خواست که میزان دارایی خود را اعلام کنند. در مه ۱۹۹۶ قانون اساسی زامبیا مورد تجدید نظر قرار گرفت و در نوامبر همان سال فردریک چیلوبا برای بار دوم به ریاست جمهوری رسید.

در نوامبر ۱۹۹۷، کنت کائوندا، رهبر استقلال زامبیا به اتهام مشارکت در کودتای نافرجام یک ماه قبل از آن، بازداشت گردید، ولی در ماه مارس ۱۹۹۸ از بازداشت خانگی خود رهایی یافت. شرکت نفتی داچ - شل، درسال ۲۰۰۱، پس از ۱۹ سال وقفه و پس از حصول اطمینان از موفقیت روند خصوصی‌سازی اقتصاد زامبیا، به صحنهٔ فعالیت‌های اقتصادی این کشور بازگشت.

زلاندنو NEW ZEALAND

زلاندنو یا به زبان مائوری آئوتئاروا، کشوری است در اقیانوسیه واقع در آبهای جنوب غربی اقیانوس آرام و جنوب خاوری استرالیا. این کشور از دو جزیرهٔ اصلی شمالی و جنوبی و یک جزیرهٔ کوچک به نام استوارت و چند جزیرهٔ دیگر تشکیل شده است. زلاندنو کشوری است نسبتاً کوهستانی، جزیرهٔ شمالی دارای منشأ آتشفشانی است و آبفشان‌های آن هنوز از فعالیت‌های آذرین آن حکایت می‌کنند. سرتاسر جزیرهٔ جنوبی را رشته کوههای آلپ جنوبی که ارتفاع قلل آن بالاتر از ۳۰۰۰ متر است در بر گرفته و آب و هوای آن معتدل مایل به سرد و مرطوب و بارانی است و رو به جنوب از دمای آن کاسته شده و به سردی گرایش پیدا می‌کند.

جنگلهای بارانی آن توسط مهاجران اولیه پاکسازی شده و به کشتزارهای وسیع و چراگاههای پهناور تبدیل شده است. بلندترین نقطهٔ زلاندنو قلّهٔ کوک به ارتفاع ۳۷۶۴ متر است که در کوههای آلپ جنوبی قرار دارد و عمده‌ترین رودخانهٔ آن رود وایکاتوست که درازای آن به حدود ۴۲۰ کیلومتر می‌رسد و رودهای کلوته، تایری، کلارنس و وایتاکی از دیگر رودهای مهم آن محسوب می‌گردند. دریاچهٔ تائوپو به مساحت ۶۰۵ کیلومترمربع که در جزیرهٔ شمالی قرار



نام رسمی: زلاند نو

نام محلی: نیوزیلند New Zealand

اسامی دیگر: آئوتئاروا (به زبان مائوری) Aotearoa

پایتخت: ولینگتون (۱٦٥،۹٤٥ نفر در سال ۲۰۰۱)

تاریخ استقلال: ۱۹۰۷/۹/۲٦، از انگلستان

روز ملی: ششم فوریه، سالروز انعقاد پیمان وایتانگی در سال ۱۸٤۰

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت حکومت تشریفاتی پادشاه انگلستان)، از سال ۱۹۰۷

رئیس حکومت: فرماندار کل: خانم سیلویا کارترایت، از سال ۲۰۰۱

رئیس دولت: نخست‌وزیر: هلن کلارک (از حزب کارگر در ائتلاف با حزب اتحاد)، از سال ۱۹۹۹

قوه مقننه: قانون اساسی مدون ندارد؛ مجلس نمایندگان با ۱۲۰ عضو به مدت ۳ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۹ (۲۰۰۲): حزب کارگر ٤۹ (٥۲) کرسی، حزب ملی ۳۹ (۲۷) کرسی، حزب اتحاد ۱۰ (۲) کرسی، انجمن مصرف کنندگان و مالیات‌دهندگان زلاند نو ۹ (۹) کرسی، حزب سبزها ۷ (۹) کرسی، اولین حزب زلاند نو ٥ (۱۳) کرسی، زلاند نو متحد ۱ (-) کرسی، آینده متحد زلاندنو (۸) کرسی، ائتلاف ترقی خواه جیم آندرتون (۲) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یااآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سپک، آدب، آپک، اواسی‌دی، جامعهٔ اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲۷۰،٥۳٤ کیلومترمربع (هفتاد و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۳،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و نوزدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٤/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ٪۱

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٤/۷ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۸٦/٥ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪۱/۳

توزیع سنی (۱۹۹٦): زیر ۱٥ سال ٪۲۳ ؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۲/۷ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۳۹ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۱٥/۳

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۹/۲٦ ؛ زن ٪٥۰/۷٤ — **امید به زندگی (۱۹۹۹):** زنان ۸۰/۸ سال؛ مردان ۷٤/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر (۱۹۹۸): ۱٤/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر (۱۹۹۸):** ٦/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد (۱۹۹۸): ٥/٥ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر (۱۹۹۸):** ۷/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٥): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۱۷/۸ نفر (شامل بیماریهای کم‌خونی قلب ۱۸۳/۱ نفر)؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۰۲/۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۸۲/٥ نفر.

میانگین زایمان زنان بارور (۱۹۹۹): ۱/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱٥ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت (۲۰۰۰): انگلیسی‌تباران ٪٦۹/٤؛ مائوری ٪۱۰؛ انگلیسی ٪۹/۱؛ سایر پولینزیایی‌ها ٪۳/۷؛ بقیه ٪۷/۸

دین (۱۹۹٦): مسیحی ٪٦۰/۸ (پروتستان ٪۳۹/٤؛ کاتولیک ٪۱۳/۱)؛ بدون دین ٪۲٤/۷ ؛ بقیه ٪۱٤/٥

زبان و خط: انگلیسی، مائوری (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم (۲۰۰۱): اوکلند ۳۳۷،۳۸۲ نفر؛ کرایست چرچ ۳۲۲،۱۸۸ نفر؛ مانوکائو ۲۸۱،٦۰۷ نفر؛ نورت‌شور ۱۸٤،۲۸۷ نفر؛ وایتاکره ۱٦۷،۱۷۲ نفر؛ دنیدن ۱۱٦،۷۳۹ نفر

بنادر مهم: اوکلند (خلیج هائوراکی؛ اقیانوس آرام)؛ کرایست چرچ، ولینگتون و دنیدن (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار زلاند نو ($NZ) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار = ۲/٤۸ دلار زلاند نو؛ یک دلار = ۳،۲۲٥/۸ ریال

درآمد بودجه (۹۷-۱۹۹٦): ۳٤،۷۷۸ میلیون دلار زلاند نو: مالیات بر درآمد ٪٥۸/۹ ؛ مالیات بر کالا و خدمات ٪۲۲/۲؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۷/٥

هزینه بودجه (۹۷-۱۹۹٦): ۳۲،۹٥۳ میلیون دلار زلاند نو: خدمات تأمین اجتماعی ٪۳۸/۳ ؛ بهداشت ٪۱۷/۱ ؛ آموزش ٪۱٦/۲

تولید ناخالص ملی (۱۹۹۸): ٥٥،۳٥٦ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی (۱۹۹۸):** ۱٤،٦۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪۰/۹ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۲/۲

منشاء تولید ناخالص ملی (۱۹۹٥): کشاورزی ٪۹ ؛ صنعت ٪۳۰ ؛ خدمات ٪٦۱

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱،٦۲٥ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۱،۱٦۰ میلیون دلار

بدهی خارجی: ۲۹،٦۲٥ میلیون دلار زلاندنو — **کمک‌های خارجی (۱۹۹۸):** ۱۳۰- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی (۱۹۹۸): ٪۲۱/٤

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱/٦ ؛ ۱۹۹۸: ٪۱/۳ ؛ ۲۰۰۰: ٪۳/۸

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): سیب ٥۰۰،٥۰۰ تن؛ جو ۳٤۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۲٦٥،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱۷٦،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۱٤/۲؛ مرتع ٪٥۰/٤ ؛ جنگل ٪۲۷/۹ ؛ سایر موارد ٪۷/٥

تعداد دام زنده (۱۹۹۸): گوسفند ٤۷،٥۹٥،۰۰۰ رأس؛ گاو ۸،۷۷۲،۰۰۰ رأس ؛ خوک ۳٤۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب (۱۹۹۸): ۱٦،٥۳۱،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی (۱۹۹٦):** ٦۱۲،۲۲۳ تن

تولید مرغ (۱۹۹۹): ۱۲،٥۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ (۱۹۹۹):** ۳۱،۷٥۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): سنگ آهک ۳،٤۳۸،۳٤۳ تن؛ کنسانتره سنگ آهن و ماسه ۲،۳۳۳،۷۱٥ تن؛ نقره ۲۹،۳۰۰ (ک.گ)

تولیدات صنعتی (۹۷-۱۹۹٦): خمیر چوب ۱،٤۰٥،۳۰۰ تن؛ کود شیمیایی ۱،۳٦٥،۰۰۰ تن؛ نخ ۲۱،۳۰۲ تن؛ آبجو ۳٤۳،٤٥۷،۰۰۰ لیتر ؛ کفش ۲،۸٤۰،۰۰۰ جفت؛ فرش ۹،۹۸۰،۰۰۰ مترمربع

انرژی/ میزان تولید (میزان مصرف): برق (۱۹۹٥): ۳٤،۳۷٥،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳٤،۳۷٥،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۳،٥۱۷،۰۰۰ تن (۲،٦٦۷،۰۰۰) ؛ نفت خام (۱۹۹٦): ۱۳،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٥: ۳٥،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٥): ٤،٥۸۷،۰۰۰ تن (٤،٥۰۰،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ٤،۷٦۳،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (٤،۲۰۹،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۹): ۱،۸۷٦،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۹/۹ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ سال به بالا): ٪٦٥/٤ ؛ زنان (۱٥ سال به بالا): ٪٤٥/۱ ؛ میزان بیکاری ٪۷/۲ ؛ ۲۰۰۱: ٪٥/٤

توزیع نیروی کار (۱۹۹۹): کشاورزی ٪۹/٥ ؛ صنعت ٪۲۲/۹ ؛ خدمات ٪٦۷/٥

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۹،٥٥۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪٤٦/۱ ؛ نیروی هوایی ٪۳۱/۹ نیروی دریایی ٪۲۲ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۲۰٤ دلار

واردات (۹۹-۱۹۹۸): ۲۳،۷٤۲ میلیون دلار زلاند نو؛ شامل: ماشین‌آلات ٪۲٤/۷ ؛ تجهیزات حمل و نقل ٪۱٥/۳ ؛ منسوجات و تولیدات نساجی ٪٥/۷ ؛ سوختهای معدنی ٪٥/۷؛ پلاستیک ٪٤/۲ ؛ از استرالیا ٪۲۲ ؛ امریکا ٪۱۸/٥ ؛ ژاپن ٪۱۲ ؛ چین ٪٥/۱ ؛ انگلستان ٪٤/۸ ؛ آلمان ٪٤/٥

صادرات (۹۹-۱۹۹۸): ۲۲،٥٥٤ میلیون دلار زلاند نو؛ شامل موادغذایی ٪۳۹/٤ ؛ فلز و مصنوعات فلزی ٪٦/٤ ؛ چوب و تولیدات چوبی ٪٦/۲ ؛ ماشین‌آلات ٪٤/٦ ؛ پشم ٪۳/٥؛ به استرالیا ٪۲۱/۲ ؛ امریکا ٪۱۳/٤ ؛ ژاپن ٪۱۲/۷؛ انگلستان ٪٥/۹؛ کرهٔ جنوبی ٪۳/۷ ؛ چین ٪۲/۸

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلارزلاندنو	+۳،۱۲۰	+۲،۰۲۸	+۱،۰٦۸/۹	+۱،۱٦۲	+۹۰۲	+۸۱۲
درصد کل	٪۸/۷	٪٥/۲	٪۲/٦	٪۲/۸	٪۲/۲	٪۱/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٤/۱	۹٦/٤	۱۰۰	۱۰۲/۳	۱۰۳/٥	۱۰٤/۸	۱۰٤/۷
شاخص درآمد هفتگی	۹٤/٤	۹۷	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹٦): ۲/۸ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار (۹۷-۱۹۹٦): ٥۹،٤٤٤ دلار زلاندنو؛ منابع درآمد (۱۹۹۸): دستمزد و حقوق ٪٦٥/۸ ؛ پرداخت‌های انتقالی ٪۱٥/۲ ؛ کار آزاد ٪۹/۸ ؛ سایر موارد ٪۹/۲ ؛ هزینه‌ها (۹۷-۱۹۹٦): مسکن ٪۲۰/۲؛ حمل و نقل ٪۱۸/۲ ؛ غذا ٪۱٦/٤ ؛ کالای خانگی ٪۱۳/۷؛ پوشاک ٪۳/۸

جهانگردی (۱۹۹۸): درآمد: ۱،۷۲٦ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱،٤۰٥ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه (۱۹۹۷): ۹۱،۹۹٦ کیلومتر — **راه‌آهن (۱۹۹۷):** ٤،۱۰۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل (۹۹-۱۹۹۸): ۱،۸۳۱،۱۱۸ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس (۱۹۹٦):** ۳٥۱،٤۹٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱۳۹ فروند — **فرودگاه (۱۹۹۷):** ۳٦ فرودگاه

روزنامه (۱۹۹٦): ۲۳ روزنامه در ۸۰٤،۰۰۰ نسخه (۲۲۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۲٦ عنوان در ۳،۹۹۱،۰۰۰ نسخه

کتاب: ؟

رادیو (۱۹۹۷): ۳،۷٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۹۹۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون (۱۹۹۸): ۱،۹٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٥۱۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن (۱۹۹۸): ۱،۸٦۸،۰۰۰ خط تلفن (٤۹۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه (۱۹۹۸): ۷۹۰،۰۰۰ خط (۲۰۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی (۱۹۹۸): ۱،۱۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت (۱۹۹۸):** ٦۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۲،۳۹٤	۲٤،٦٤٤	٤٦۸،۱۳۹	۱۹
متوسطه	۳۳۸	۱٥،۱۱۷	۲۲۹،۹٦۱	۱٥/۲
فنی و حرفه‌ای	۲۹	٥،٤۱٦	۱۰٦،٦٥٤	۱۹/۷
عالی	۷	٤،۸٦۷	۱۰٦،٤۸٦	۲۱/۹

میزان باسوادی (۱۹۹۱): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۱۰۰؛ مردان: ٪۱۰۰؛ زنان ٪۱۰۰

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال (۱۹۹۱): ابتدایی و راهنمایی ٪٥٤/۹؛ متوسطه ٪۳۱/۱ ؛ عالی ٪٦/۹

تعداد پزشک (۱۹۹۷): ۱۲،۳۹۹ نفر (هر ۳۱۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۲۳،٤٥٤ تخت (هر ۱٦٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز (۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱،۳۰۰ نفر (٪۰/۰۷ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل (۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٥ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری (۱۹۹۷): ۳،۳۹٥ کالری (٪۱۲۹ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۰۸ گرم؛ مصرف چربی: ۱۳۷ گرم

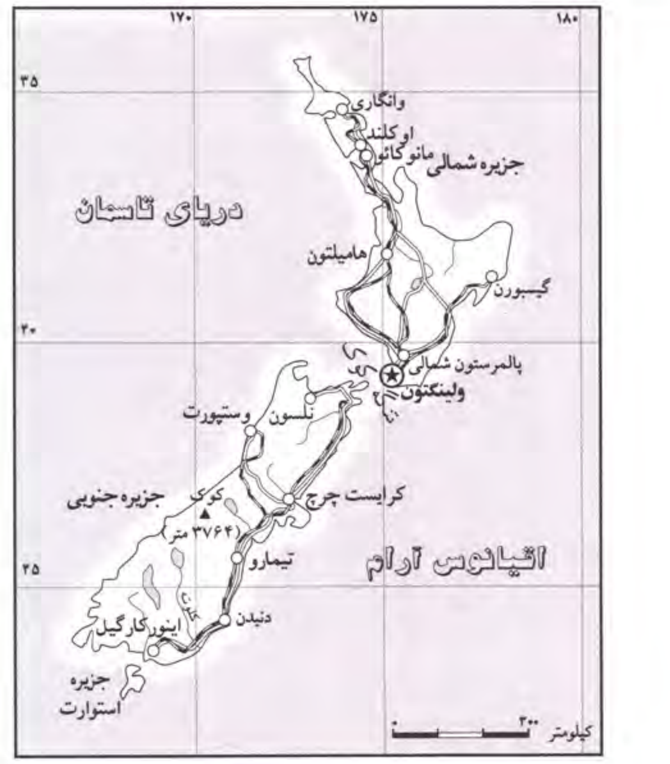
محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/٦-

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن (۱۹۹۷): ٥۲/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲۹/۸ میلیون تن؛ هر نفر ۸/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۰۳ (بیستمین کشور جهان)



دارد، همراه با دریاچه‌ها، یخچال‌ها و یخرودهای طبیعی و کوههای پوشیده از برف و جلگه‌ها و درّه‌های سبز و خرم از دل‌انگیزترین مناظر طبیعی این سرزمین به شمار می‌آید. اقتصاد کشور زلاندنو بر پایهٔ کشاورزی و دامداری پیشرفته قرار گرفته و گردشگری و کوهنوردی از دیگر منابع درآمد کشور محسوب می‌گردد.

تاریخچه

مائوری‌ها، پولینزیایی‌تبارانی هستند که در سدهٔ نهم میلادی در این کشور ساکن شدند و آن را آئوتئاروا یعنی سرزمین ابرهای سفید و دراز نامیدند و خود بعنوان صاحبان اصلی آن مرز و بوم شناخته شدند.

در سال ۱۶۴۲ آبل تاسمان هلندی به جزیرهٔ جنوبی رسید و آنجا را به یاد زادگاه خود زیلاند یا زلاندنو نامید، ولی با مقاومت و پایداری سخت مائوری‌ها روبرو شد و از پیاده شدن از کشتی خودداری کرد. جیمز کوک دریانورد انگلیسی در سال ۱۷۶۹ جزایر اصلی زلاندنو را درنوردید و درهای بستهٔ سرزمین مزبور را به روی اروپاییان باز کرد و در پی آن صیادان نهنگ و بازرگانان پا بر آن سامان نهادند و همراه با زندانیان فراری استرالیا و ناویانی که ترک خدمت کرده بودند، ماندگاههایی چند در آنجا احداث کردند.

در آغاز سدهٔ نوزدهم، مهاجران انگلیسی و مبلغین مذهبی، گروه گروه به آنجا وارد شدند و ماندگاههای بازهم بیشتری در گوشه و کنار آن پدید آوردند و انواع بیماریها و باورهای راست و دروغ را با خود به ارمغان آورده و در میان بومیان مائوری اشاعه دادند و نحوهٔ زندگی آنان را به کلی دگرگون ساختند.

در سال ۱۸۴۰ جزیرهٔ شمالی زلاند نو طی پیمان وایتانگی، ضمیمهٔ امپراتوری بریتانیا شد و قوانین و مقررات انگلیسی در آنجا حاکم گردید. قرارداد وایتانگی که بین انگلیسی‌ها و رؤسای مائوری به امضاء رسیده بود، مهاجران را متعهد می‌کرد تا مالکیت بومیان را به رسمیت بشناسند و آیین‌ها و رسوم آنان را گرامی بدارند. در همین سال جزیرهٔ جنوبی نیز به عنوان امتیاز اکتشاف تحت سلطهٔ انگلستان درآمده بود. هنوز ۲۰ سال از عقد قرارداد وایتانگی نگذشته بود که انگلیسی‌ها پیمان مزبور را نادیده گرفتند و جنگهای متعددی را بین مائوری‌ها و اروپاییان که یک بار سه سال و بار دوم ۱۰ سال به درازا کشید، باعث شدند و سرانجام با به رسمیت شناختن پاره‌ای حقوق برای مائوری‌ها، آن را به پایان رسانیدند. به دنبال آن سیل مهاجران اروپایی روانهٔ زلاندنو شد و دوباره اراضی متعلق به مائوری‌ها مورد تجاوز و دست‌اندازی قرار گرفت، تا جایی که میزان مالکیت اراضی توسط مائوری‌ها که در سال ۱۸۴۰، حدود ۲۷ میلیون هکتار بود، در زمان حاضر به حدود یک میلیون هکتار رسیده است. با پیدا شدن معادن طلا در جزیرهٔ جنوبی، گروههای جدید مهاجران انگلیسی و چینی و استرالیایی به آن سرزمین هجوم بردند و نیروی انسانی و بالطبع وضع اقتصادی جزیرهٔ مزبور را تا میزان قابل توجهی فزونی بخشیدند.

زمینهایی که از مائوری‌ها گرفته شده بود به مرور به کشتزارها و چراگاههای پهناور مبدل شد و با قطع درختان جنگلی بر وسعت آنها افزوده گردید و اقتصاد کشور بر مبنای کشاورزی و دامداری و صنایع جنبی آن پایه گذاری شد و مائوری‌ها که در آغاز از نظر حقوقی با اروپاییان برابر بودند بتدریج به کارگران کشتزارها و مراتع و امثال آن مبدل شدند. تا پایان قرن نوزدهم صحنهٔ سیاسی زلاند نو تحت تأثیر لیبرالها قرار داشت و دولت لیبرال زلاند نو، برای اولین بار در جهان به زنان حق رأی اعطاء نمود.

در آغاز سدهٔ بیستم جنبش‌های کارگری شروع شد و حزب کارگر زلاندنو به یکی از ارگانهای مهم سیاسی کشور مبدل شد. در سال ۱۹۰۷ استقلال زلاندنو از سوی انگلستان به رسمیت شناخته شد و نمایندهٔ شاه انگلستان به عنوان فرماندار کل به حکومتی تشریفاتی اکتفا کرد. در انتخابات سال ۱۹۳۵، حزب کارگر زلاند نو توانست با جلب حمایت مائوری‌ها، برای اولین بار به حکومت برسد. زلاندنو در جنگهای جهانی اول و دوم جزء متفقین بود و با باز شدن پای امریکایی‌ها در منطقه، جزء هم‌پیمانان سیاسی و نظامی امریکا درآمد و تا حدی به امریکا نزدیک شد که ناخواسته درگیر جنگ ویتنام گردید و همین امر اثرات ژرفی در حیات سیاسی زلاند نو به جای گذارد.

در سال ۱۹۷۵، حزب ملی به قدرت رسید و ورود مهاجران جزایر اقیانوس آرام را ممنوع کرد. در این سال فعالین مائوری موفق شدند که دادگاهی برای بررسی نقض مفاد قرارداد وایتانگی تشکیل دهند که حزب کارگر نیز از آن حمایت نمود. حزب کارگر در سال ۱۹۸۴ به قدرت رسید و قانونی در سال ۱۹۸۷، ورود سلاح‌ها یا کشتی‌های اتمی به هریک از بنادر زلاند نو را ممنوع نمود. این قانون به لغو پیمان دفاعی میان زلاند نو و امریکا منجر شد. اگر چه حزب ملی انتخابات سال ۱۹۹۵ را به نفع خود به پایان رساند، اما در شیوهٔ ادارهٔ امور کشور هیچ تغییر اساسی پیش نیامد. در طی سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵، دولت با پرداخت ۱۸۰ میلیون دلار زلاند نو و همچنین واگذاری ۱۵,۴۰۰ هکتار زمین به تاینویی‌های ساکن جزیرهٔ شمالی، به جبران بخشی از ادعاهای آنان در مورد تعدیات قرن قبل توسط مهاجران انگلیسی تبار پرداخت. علاوه بر آن ملکه انگلستان نیز از مردم این جزیره به خاطر کشته شدن مردم این سرزمین در طی دوران استعمار، عذرخواهی نمود. در سال ۱۹۹۷ نیز دولت به توافقی با افراد قبیله ناگی‌تاهو که در جزیرهٔ جنوبی سکونت دارند، دست یافت و به موجب آن ۱۷۰ میلیون دلار زلاند نو و مقداری زمین به عنوان جبران خسارات وارده به آنان پرداخت نمود. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۶، برای مائوری‌ها تعداد مشخصی از کرسی‌های پارلمان در نظر گرفته شد و تعداد نمایندگان آن به دو برابر افزایش یافت.

در سال ۱۹۹۷، جیم بولگر، نخست‌وزیر زلاند نو استعفاء داد و جنی شیپلی، به عنوان اولین نخست‌وزیر زن در تاریخ زلاند نو به جای وی نشست. در انتخابات سال ۱۹۹۹، حزب کارگر با کسب ۵۲ کرسی موفق به تشکیل دولت ائتلافی گردید. در این انتخابات ۳۵ کرسی از ۱۲۰ کرسی پارلمان نصیب زنان شد که نخست‌وزیر و رهبر حزب مخالف نیز در زمرهٔ آنان بودند.

در سال ۲۰۰۰ دولت اعلام کرد امتیازات و القابی که دولت انگلستان به اشخاص اعطاء می‌کند، در نظر گرفته نخواهد شد. در پی عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، دولت زلاند نو اعلام آمادگی کرد تا سرویس هوایی ویژهٔ خود را برای مبارزه با تروریزم در اختیار دولت امریکا بگذارد. در همین سال تعدادی از پناهندگان افغانی که دولت استرالیا از پذیرش آنان خودداری نموده و در اقیانوس آرام سرگردان بودند، توسط دولت زلاند نو پذیرفته شدند و در شهر اوکلند استقرار یافتند.

توابع و سرزمینهای پیوسته زلاندنو
NEW ZEALAND'S DEPENDENT AND ASSOCIATED TERRITORIES

توکلاو
Tokelau

جزایری است نیمه خودمختار به مساحت ۱۲ کیلومترمربع و با ۲,۰۰۰ نفر جمعیت در آبهای جنوبی اقیانوس آرام، خاور جزایر تووالو، حدود ۳,۴۰۰ کیلومتری شمال خاوری زلاندنو.

جزایر توکلاو از سه جزیرهٔ کوچک مرجانی به نام اتافو (۲ کیلومترمربع)، ناکونونو (۵/۵ کیلومترمربع)، فاکائوفو (۲/۶ کیلومترمربع) و همچنین جزیرک سیونیس تشکیل یافته که جزیرک فوق از نظر جغرافیایی به ساموآی امریکا متعلق است.

جزیره‌های مزبور که جزیی از جزایر پولینزی به شمار می‌آیند، مسطح و هموارند و از نظر کشاورزی باروری چندانی ندارند. اقلیم آنها گرم و مرطوب و میزان بارندگی آنها متغیر است و اغلب با خشکسالی همراه است. عمده فعالیت اقتصادی مردم آن ماهیگیری است و موز و نارگیل مهمترین محصول کشاورزی آن است.

مردم توکلاو پولینزیایی‌تبارند و اکثراً پروتستان هستند. زبان رسمیشان ساموآیی است و مرکز آن فاکائوفوست و فنوآفالا دیگر شهر عمدهٔ آن است. واحد پول توکلاو دلار زلاندنو است و فرماندار کل زلاندنو بر امور آن نظارت قانونی دارد و از طریق وزارت امور خارجه آن کشور اداره می‌شود.

پولینزیایی‌ها از دیرگاه در این جزایر سکونت داشتند و از راه کشاورزی و ماهیگیری روزگار می‌گذراندند. نخستین اروپایی که در سال ۱۷۶۵ بر این جزایر پا نهاد، جان بایرون انگلیسی بود و به همین انگیزه در سال ۱۸۷۷ تحت حمایت دولت انگلستان قرار گرفت و در سال ۱۹۲۵ ضمیمهٔ زلاندنو گردید. مدتی مورد ادعای دولت امریکا بود تا اینکه بر اساس پیمان دوستی سال ۱۹۸۰، دولت امریکا از ادعای خود دست کشید و رسماً آن را به دولت زلاندنو واگذار کرد. در تغییرات جوی و خشکسالی دههٔ ۱۹۸۰ از نظر کشاورزی دچار بحران شد و گروهی از سکنهٔ آن ترک وطن کردند و به نقاط دیگر به‌خصوص به زلاندنو روی آوردند. مسئلهٔ دگرگونیهای شرایط جوی جزایر توکلاو در سال ۱۹۸۹ مورد توجه سازمان ملل قرار گرفت و خطرات ناشی از آلایش‌های زیست محیطی جزایر مزبور که حیات و موجودیت آن را تهدید می‌کند، گوشزد گردید. توفند سهمگین فوریهٔ ۱۹۹۰ جزایر توکلاو را درهم پیچید و حدود ۸۰ درصد کشتزارهای موز و نارگیل و همچنین بیمارستانها و مدارس و خانه‌ها و پل‌ها را از بین برد و نابود کرد و به دنبال آن مهاجرت به سوی زلاندنو دوباره آغاز گردید و اقدامات و قول‌های مساعد دولت مرکزی نیز سودی نبخشید.

سرزمین راس
Ross Dependency

سرزمین راس شامل بخشی از سرزمین جنوبگان، واقع در بین طول‌های جغرافیایی ۱۶۰ درجه شرقی و ۱۵۰ درجه غربی (در امتداد غرب به شرق)، و جنوب عرض جغرافیایی ۶۰ درجه جنوبی تا نقطهٔ قطب جنوب و جزایر واقع در این محدوده می‌باشد. این سرزمین در جنوب اقیانوس جنوبی (اقیانوس منجمد جنوبی) و دریای راس واقع شده و وسعت آن به ۷۵۰,۳۱۰ کیلومترمربع می‌رسد که از این مقدار حدود ۴۱۳,۵۴۰ کیلومتر آن در سرزمین جنوبگان واقع شده و حدود ۳۳۶,۷۷۰ کیلومتر آن را جزیره‌های یخی تشکیل داده است. قسمت‌هایی از سرزمین ویکتوریا، شبه جزیره ادوارد هفتم، جزیره‌های راس، کولمن، اسکات، فرانکلین، پوسسیون، روزولت و جزایر بالنی در محدودهٔ این سرزمین واقع شده است. بلندترین نقطهٔ این سرزمین کوه کرک پاتریک است که ۴۵۲۸ متر ارتفاع دارد.
این سرزمین از سال ۱۹۲۳ توسط زلاند نو اداره می‌شود و در سال ۱۹۵۷ یک ایستگاه تحقیقاتی در جزیرهٔ راس تأسیس شده است. از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۵ کمیته تحقیقاتی سرزمین راس بر تحقیقات علمی این ایستگاه و ایستگاه لیک واندا که در سال ۱۹۶۸ به وجود آمد نظارت داشته است. در سال ۱۹۸۶ علائمی از وجود ذخائر نفت در ۶۰۰ متری عمق بستر اقیانوس کشف شد.
توابع و سرزمین‌های پیوسته زلاند نو، جزایر کوک و نیوئه، جزء توابعی به شمار می‌روند که از خودمختاری نسبتاً بالایی برخوردارند و سرزمین‌های پیوسته توکلاو و سرزمین راس زیر نظر مستقیم دولت زلاند نو اداره می‌شوند.

کوک
Cook

مجمع‌الجزایر خودمختاری است به مساحت ۲۳۵ کیلومترمربع و جمعیتی معادل ۲۰,۰۰۰ نفر واقع در آبهای جنوبی اقیانوس آرام و ۲,۷۰۰ کیلومتری شمال خاوری زلاندنو.
این جزایر که کلاً از ۱۵ جزیره تشکیل یافته، در پهنه‌ای از اقیانوس آرام به وسعت دو میلیون کیلومترمربع جای گرفته‌اند و به دو گروه تقسیم می‌گردند. گروه شمالی مرکب از هفت جزیرک مرجانی پست و بایر کلاً به مساحت ۲۵ کیلومترمربع بوده و گروه جنوبی از هشت جزیرهٔ بزرگتر که اکثراً منشأ آذرین دارند تشکیل یافته است. مساحت جزایر این گروه روی هم ۲۱۰ کیلومترمربع است و دارا بودن زمینهای قابل کشت و باروری خاک از ویژگی آنهاست.
مرکز جزایر کوک آواروآ نام دارد و در بزرگترین جزیره آن یعنی راروتونگا واقع است. جزیره‌های آیتوتاکی، آتیو، مانگایا، مانیهیکی و ناسائو از دیگر جزایر عمدهٔ آن هستند. بلندترین نقطهٔ جزایر کوک، کوه تیمانگابا است که ۶۵۲ متر ارتفاع دارد. یکی از ویژگیهای اقلیمی جزایر کوک آن است که هر پنج سال یک بار به خشکسالی شدید دچار می‌گردد و کوپرا، نارگیل و موز عمده‌ترین فرآوردهٔ کشاورزی آن است.
مردم کوک مائوری‌های پولینزیایی‌تبار هستند و پیرو دین مسیح می‌باشند. زبان رسمی آنان انگلیسی است و مائوری زبان دوم آنهاست. جزایر کوک نیمه‌خودگردان است و به وسیلهٔ زلاندنو و با نظارت فرمانداری کل زلاندنو اداره می‌شود. با این همه، خود دارای پارلمان داخلی است و نخست وزیر محلی دارد، ولی واحد پول آن دلار زلاندنو است.
جزایر کوک که در حقیقت قبلاً به وسیلهٔ مائوری‌های پولینزی و سپس به توسط اسپانیایی‌ها کشف شده بود، نام خود را از کاپیتان جیمز کوک دریانورد معروف انگلیسی که در سال ۱۷۷۳ به جزایر مزبور رسید، گرفته است. در سال ۱۸۲۱ جامعهٔ مبلغین انگلیسی، گروهی از مبلغین مذهبی را برای اشاعهٔ مسیحیت به آنجا اعزام داشت و در سال ۱۸۸۳ آن را تحت‌الحمایهٔ خود قرار داد. در سال ۱۹۰۱ حق مالکیت مائوری‌های مقیم جزیره به رسمیت شناخته شد و از نظر اداری تحت تابعیت زلاندنو قرار گرفت و در سال ۱۹۶۵ به خودمختاری نایل گردید.

نیوئه
Niue

جزیره‌ای است نیمه خودمختار، به مساحت ۲۶۰ کیلومترمربع و با جمعیتی حدود ۲,۰۰۰ نفر واقع در آبهای جنوبی اقیانوس آرام، در ۲,۳۰۰ کیلومتری شمال خاوری زلاندنو و غرب مجمع‌الجزایر کوک. نیوئه جزیره‌ای است مسطح و هموار با منشأ مرجانی و اراضی نسبتاً بارور که حداکثر ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۶۵ متر است. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و وزش بادهای دریایی بر اعتدال و لطافت هوای آن کمک میکند و موز و کوپرا از فرآورده‌های کشاورزی آن است. مردم نیوئه پولینزیایی تبارند و پیرو مذهب پروتستان هستند. زبان رسمی آنان انگلیسی است و زبان ملی یا بومی آنان زبان نیوئه می‌باشد.
مرکز آن آلوفی است و به صورت نیمه خودمختار و تحت نظارت اداری دولت زلاندنو اداره می‌شود. دارای پارلمان محلی است که ۲۰ عضو دارد و نخست‌وزیر آن از سوی دولت زلاندنو منصوب می‌گردد و امور دفاعی و روابط خارجی آن زیر نظارت زلاندنو قرار دارد. واحد پول آنها دلار زلاندنو است و نام دیگرش سویج است.
ساکنان اولیهٔ نیوئه، ساموآیی و تونگایی‌ها هستند. در سال ۱۷۷۴ کاپیتان کوک، دریانورد انگلیسی به آنجا رسید و در سال ۱۹۰۰ مورد ادعای مالکیت انگلستان قرار گرفت. از سال ۱۹۰۱ تا سال ۱۹۰۴ در تابعیت اداری مجمع‌الجزایر کوک قرار داشت و از آن سال تحت ادارهٔ مستقیم زلاند نو درآمد. در سال ۱۹۷۴ بعنوان یک واحد نیمه‌خودگردان رسمیت یافت و از نظر اداری تابع زلاندنو شد.

زیمبابوه ZIMBABWE

کشوری است در افریقای جنوبی که از هرسو در خشکی محصور است، و از شمال غربی به زامبیا، از شمال خاوری و خاور به موزامبیک، از جنوب به جمهوری افریقای جنوبی و از جنوب غربی و غرب به کشور بوتسوانا محدود است. بخش اعظم این سرزمین را کوههای نسبتاً مرتفعی چون کوههای مانیکا، وومبا، چیمانیمانی و اینیانگا به ارتفاع حداکثر ۲۵۹۳ متر (کوه اینیانگانی) پوشانیده و اکثراً از علفزار و استپ مستور است و غالب ساکنان آن در ناحیهٔ هایولد که زمینهای حاصلخیز و بارندگی کافی و منابع معدنی فراوانی دارد، زندگی می‌کنند. اقلیم زیمبابوه گرم و نسبتاً خشک و کم‌باران است و نواحی مرتفع آن از آب و هوای معتدل‌تری برخوردارند. عمده‌ترین رودخانه‌های زیمبابوه عبارتند از: رود زامبزی، لیمپوپو، سابی،





نام رسمی: جمهوری زیمبابوه

نام محلی: زیمبابوه Zimbabwe

اسامی دیگر: رودزیای جنوبی، رودزیا (اسامی سابق)

پایتخت: هراره (۱،۱۸٤،۱٦۹ نفر در سال ۱۹۹۲)

تاریخ استقلال: ۱۹۸۰/٤/۱۸ (حکومت سیاهپوستان)

روز ملی: هجدهم آوریل، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: رابرت گابریل موگابه (رهبر اتحاد ملی افریقایی زیمبابوه)، ازسال ۱۹۸۷

رئیس دولت: رئیس جمهور: رابرت گابریل موگابه (رهبر اتحاد ملی افریقایی زیمبابوه)، ازسال ۱۹۸۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۰، آخرین تغییرات ۱۹۹۰؛ مجلس ملی با ۱۵۰ عضو (۱۲۰ عضو انتخابی، ۱۲ عضو به انتخاب رئیس جمهور، ۸ استاندار و ۱۰ نفر به انتخاب رؤسای قبایل) به مدت ٦ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۰): اتحاد ملی افریقایی زیمبابوه (زانو) ٦۲ کرسی، جنبش برای تغییر دموکراتیک ۵۷ کرسی؛ اتحاد ملی افریقایی زیمبابوه - اندونگا ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۸۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۳۹۰،۷۵۷ کیلومترمربع (پنجاه و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۱،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصت و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۹/۹ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۵/۱ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** حدوداً ۱۰۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۳/۹٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٤/٤٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤۰/۷٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۳۲/۱٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۲٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۵/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۵۰/٤۳٪ ؛ زن ٤۹،۵۷٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۳۷/٤ سال، مردان ٤۰/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۵/٤ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۱/۳ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٦۱/٤ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۰): بیماریهای عفونی و انگلی ٦٤/۷ نفر؛ حوادث و مسمومیت ٤٤/٤ نفر؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ٤۰/۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۳۹/۵ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۸/٤ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۱۲/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه عصبی ۹/٤ نفر؛ نارسائی‌های غدد و سوخت و ساز بدن ٤/۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/٤ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٤۰۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۹۲): قبایل‌سیاهپوست افریقایی ۹۸/۵٪ (بانتوهای شونا زبان ۷۷٪ ؛ بانتوهای اندبله زبان ۱۷٪)؛ اروپایی ۱/٤٪

دین(۱۹۹۵): مسیحی ٤۵/٤٪ (پروتستان ۲۳/۵٪؛ مسیحیان افریقایی ۱۳/۵٪؛ کاتولیک ۷٪)؛ آنیمیست ٤۰/۵٪ ؛ بقیه ۱٤/۱٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ زبانهای بومی افریقایی به ویژه گروه زبانهای بانتویی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۲): بولاوایو ٦۲۰،۹۳٦ نفر؛ چیتونگ‌ویزا ۲۷٤،۰۳۵ نفر؛ موتاره ۱۳۱،۸۰۸ نفر؛ گورو ۱۲٤،۷۳۵ نفر؛ کوه‌کوه ۷۵،٤۲۵ نفر؛ کادوما ٦۷،۷۵۰ نفر؛ ماس وینگو ۵۱،۷٤۳ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار زیمبابوه (Z$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار زیمبابوه = ۵۳/۱ دلار؛ دلار زیمبابوه= ۱۵۰/۷ ریال

درآمد بودجه (۹۸-۱۹۹۷): ۵۷،۵۹٦ میلیون دلار زیمبابوه؛ درآمد مالیاتی ۹۳٪ (شامل مالیات بر درآمد ٤۸٪ ؛ مالیات بر فروش ۲۰/٤٪ ؛ عوارض گمرکی ۱۷/۳٪ ؛ مالیات غیر مستقیم ٤/۲٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۷٪

هزینه بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۷۰،۳۳۲ میلیون دلار زیمبابوه؛ هزینه‌های جاری ۹۲/۱٪ (شامل کالا و خدمات ٤۸/۵٪ ؛ پرداخت بهره وامها ۲۵٪ ؛ پرداخت‌های انتقالی ۱۸/٤٪)

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۷،۲۱٤ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٦۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۹/۵٪ ؛ صنعت ۲٤/٤٪ ؛ خدمات ۵٦/۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۸- میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٤٤٤ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳،۳٤۱ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۸۰+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۵/٤٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲۱/۹٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲۹/۸٪ ؛ ۲۰۰۰: ۵۵/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ٤،٦۵۷،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱،۵۲۰،۰۰۰ ؛ گندم ۳۲۰،۰۰۰ ؛ پنبه‌دانه ۲٦۸،۰۰۰ ؛ توتون ۱۹۳،۰۰۰؛ کاساوا ۱۷۰،۰۰۰ ؛ سبزیجات و صیفی‌جات ۱۲۲،۰۰۰؛ بادام زمینی ۱۱۳،۰۰۰؛ سویا ۱۰۷،۰۰۰؛ ذرت خوشه‌ای ۸۵،۰۰۰ ؛ موز ۸۲،۰۰۰؛ پرتقال ۷۲،۰۰۰ ؛ ارزن ۵۳،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۷/٤٪ ؛ مرتع و چمنزار ۳۲/۵٪ ؛ جنگل ۲۲/٤٪ ؛ سایر موارد ۳۷/۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۵،۵۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۲،۷۷۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۵۲۵،۰۰۰رأس؛ خوک ۲۷۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸،۳۷۸،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱٦،۳۸٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۵،۰۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۹،۵۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹۷): (میلیون دلار زیمبابوه): طلا ۳،۰۷٦/۸؛ نیکل ۹٤٤/۵؛ آزبست ۹۲۷/۹؛ کرم ۲٦۳/۵، مس ۱٦۲/۳

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش به میلیون دلار زیمبابوه): مواد غذایی ٦،۷٤٦/۳ ؛ فلزات و مصنوعات فلزی ۵،٦٦۲/۷؛ مواد شیمیایی و فرآورده‌های نفتی ۳،۳۱٤/۸؛ نوشابه و دخانیات ۳،۲۰۸/٤ ؛ منسوجات ۲،٦۰۷/۷؛ پوشاک و کفش ۱،۷۳۲/۲؛ کاغذ، چاپ و نشر ۱،۵۵۳/۷؛ تجهیزات حمل ونقل ۱،٤۵٤/٤؛ چوب و مبلمان ۱،۱۳٦/۵؛ تولیدات معدنی غیرفلزی۱،۰۷٦/٦

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۷،۸۱۹،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۰،۹۹۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۵،۲٤۷،۰۰۰ تن (۵،۲٤۲،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر(صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۱،۳۷۵،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۲): ۳،٦۰۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳٤/٦٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ سال به بالا): ٦۳/٤٪ ؛ زنان (۱۵ سال به بالا): ۳۹/۸٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): حدود ۵۰٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲٤/۳٪؛ صنعت ۲۷/۹٪ ؛ خدمات ٤۷/۷٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۳۹،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۹/۷٪ ؛ نیروی هوایی ۱۰/۳٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۲۹ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۹٦۸ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۸/۷٪ (از جمله تجهیزات حمل و نقل ۹/۱٪)؛ کالاهای ساخته شده صنعتی ۱٦/۷٪ (منسوجات ۲/٦٪؛ کاغذ و مقوا ۱/۸٪)؛ انواع سوخت ۱۰/٤٪ (شامل نفت ۹/۷٪)؛ از افریقای جنوبی ۳۸/۳٪؛ انگلستان ۷/۹٪؛ ژاپن ۵/۱٪ ؛ امریکا ۵٪ ؛ آلمان ٤/۹٪؛ فرانسه ۳/۱٪؛ ایتالیا۲/۵٪؛ هلند۱/۸٪

صادرات(۱۹۹۸): ۲،۰٤۷ میلیون دلار؛ شامل کالاهای داخلی ۸٦/۸٪ (از جمله توتون ۳۰/۵٪؛ فروش طلا ۱۲/۳٪؛ آلیاژهای آهنی ٦/۷٪ ؛ فلزات نیکل‌دار ۳/۲٪ ؛ پنبه ۲/۷٪؛ پنبه نسوز ۲/٦٪؛ گل ۱/٤٪؛ ذرت ۱/۲٪)؛ به انگلستان ۱۰/۱٪؛ افریقای جنوبی ۹/٦٪؛ آلمان ۷/۹٪ ؛ امریکا ٦/۷٪ ؛ ژاپن ۵/۱٪ ؛ زامبیا ٤/۳٪ ؛ ایتالیا ٤/۳٪؛ بوتسوانا ٤٪؛ هلند ۳/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۹۸+	۱٦۹+	۸۹+	۲٤۹+	۲۳۰+	۷۹+
درصد کل	۳/۱٪	٤/۵٪	۲٪	۵/۲٪	٤/۵٪	۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۵۲/۳	٦٦/۷	۸۱/٦	۱۰۰	۱۲۱/٤	۱٤٤/۲	۱۹۰/۱
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازه خانوار(۱۹۹۲): ٤/۸ نفر؛ درآمد هر خانوار: ۱،٦۸۹ دلار زیمبابوه (۲،٦۲۸ دلار)؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۰): غذا، نوشیدنی و توتون ۳۹/۱٪؛ مسکن ۱۸/۷٪؛ پوشاک و کفش ۹/۸٪؛ حمل و نقل ۸/٤٪ ؛ آموزش ٦/۷٪ ؛ کالای بادوام خانگی ۷/۲٪ ؛ بهداشت ۲/۸٪؛ تفریحات ۲٪ ؛ سایر موارد ٤/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۲۳۰ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۲۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۸،۳۳۸ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۲،۷۵۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۳۲۳،۰۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۳۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ؟ | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۷ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۲ روزنامه در ۲۰۹،۰۰۰ نسخه (۱۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۲۸ عنوان در ٦۸۰،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۲۳۲ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۱٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۰۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳۹۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۱۲،۰۰۰ خط تلفن (۱۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۵۵،۰۰۰ خط (٤/۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۳۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	٤،۷۰٦	٦٤،۵۳۸	۲،۵۰۷،۰۹۸	۳۸/۸
متوسطه	۱،۵۳۰	۳۰،٤۸۲	۸٤۷،۲۹٦	۲۷/۸
فنی و حرفه‌ای	۲۵	۱،٤۷۹	۲۷،٤۳۱	۱۸/۵
عالی	۲۸	۳،۵۸۱	٤٦،٤۹۲	۱۳

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال ۸۵/۱٪ ؛ مردان: ۹۰/٤٪ ؛ زنان: ۷۹/۹٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۲): ابتدایی ۵٤/۳٪ ؛ متوسطه ۱۳/۱٪ ؛ عالی ۳/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۱،٦۰۳ نفر(هر ٦،۹۰٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۲۲،۹۷۵ تخت (هر ۵۰۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱،۵۰۰،۰۰۰ نفر (۲۵/۸٤٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۷٤/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۱۵۳ کالری (۹۰٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۲ گرم؛ مصرف چربی: ۵۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۷٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/٦٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۸/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۱/٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۵۵۵ (صد و سی امین کشور جهان)

گوآیی، شانگانی، و لوندی. آبشارهای ویکتوریا بر روی رود زامبزی، در نزدیکی مرز زامبیا، از معروفیت جهانی برخوردار است.

تاریخچه

قوم کارانگا که یکی از کهن‌ترین اقوام افریقای جنوبی است و بخشی از اقوام امروزی شونا محسوب می‌شود، قبل از سدهٔ دهم میلادی در سرزمینی که بین رودهای زامبزی در شمال و لیمپوپو در جنوب قرار دارد، سکونت داشتند و آثار باستانی فراوانی مانند بقایای شهرهای خامی، نالتالی و دلولو و همچنین دیوارهای متعدد و کانال‌ها و چاههای آبیاری از خود به یادگار گذارده‌اند. بانتوها که فلزکاران چیره‌دستی بودند و در کشف و استخراج طلا و مس مهارت داشتند، در سدهٔ پنجم میلادی در این سرزمین ساکن شدند. عرب‌ها در سدهٔ هشتم میلادی به این ناحیه وارد شدند و به داد و ستد و تجارت کالاهای خود پرداختند. شیرازی‌های ایرانی‌تبار در سدهٔ دهم میلادی از طریق موزامبیک به سرزمین زیمبابوه وارد گردیدند و به بسط و توسعه داد و ستد با مردم آن سامان پرداختند.

مونوموتاپا، سرپرست قوم کارانگا رابطهٔ معقول و دوستانه با همسایگان مسلمان خود ایجاد کرد و به مرور بر نواحی اطراف به ویژه بر مالاوی تسلط یافت. ارتباطات اقتصادی و فرهنگی با آسیا همچنان رو به توسعه بود و تا اواسط سدهٔ پانزدهم ادامه یافت. به مرور کارانگاها جای خود را به روتسی‌ها که با شوناهای امروزی و کارانگاها ارتباط نسبی داشتند واگذار کردند. روتسی‌ها بر معادن زرخیز زیمبابوه استیلا یافتند و به بهره‌برداری از آن مشغول شدند. در سال ۱۸۳۴ زولوها به زیمبابوه حمله بردند و به ویرانی آن پرداختند و روتسی‌ها را به مهاجرت به سوی غرب واداشتند. شهرها رو به ویرانی گذارد، معدن‌ها متروکه گردید و علف‌های هرز آثار و بقایای تمدن پیشین را زیر خود مدفون کرد.

در نیمهٔ اول سدهٔ نوزدهم سرزمین زیمبابوه به دو قسمت شونا نشین در شمال خاوری و پادشاهی زولونشین اندبله در جنوب خاوری تقسیم گردید. در سال ۱۸۸۹ سسیل رودز، کاشف معروف انگلیسی به این سرزمین وارد شد و امتیاز استخراج معادن آن را از لوبنگولا پادشاه اندبله برای شرکت انگلیسی افریقای جنوبی که به خودش تعلق داشت، دریافت نمود و از سوی دولت انگلستان نیز مسئولیت امور بازرگانی، مهاجرت، ارتباط و حمل و نقل و برقراری امنیت سرزمین اندبله را عهده‌دار گردید و آن را به نام خودش رودزیا موسوم کرد. در اواسط نیمهٔ اول سدهٔ بیستم سرزمین رودزیا به منطقهٔ زامبیا (شمال رودزامبزی) و زیمبابوه (جنوب رودخانهٔ زامبزی) تقسیم شد و رودزیای جنوبی به خودمختاری نایل گردید. در ۱۹۵۳ رودزیای جنوبی و شمالی و نیاسالند با هم متحد شدند و کشور واحدی را به پایتختی سالیسبوری (هراره امروزی) تأسیس نمودند و بدنبال آن اروپاییان بسیاری به اشتیاق کشف طلا به آن دیار مهاجرت کردند و اعتراض بومیان را موجب گردیدند و تظاهرات و شورش‌های سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ را که به انحلال اتحادیهٔ رودزیا منجر شد به همراه آوردند.

رودزیای جنوبی که یکی از تشکیل‌دهندگان اتحادیهٔ رودزیا بود به فرمانروایی سفیدپوستان محول گردید و موجبات رنجش خاطر ملیون و آزادی‌خواهان سیاهپوست را فراهم کرد تا جایی که علیه حکومت نژادپرستانهٔ فرمانروایان اروپایی قیام کردند ولی به شدت سرکوب شدند. در سال ۱۹۶۴ یان‌اسمیت فرمانروای سفیدپوست رودزیای جنوبی اعلام استقلال کرد و اعتراض شدید ملیون سیاهپوست را برانگیخت و مبارزات مسلحانه آنان به رهبری دو حزب عمدهٔ اتحاد ملی افریقایی زیمبابوه(زانو) و اتحاد خلق افریقایی زیمبابوه (زاپو)، علیه سیاست تبعیض نژادی سفیدپوستان آغاز شد و رفته رفته توسعه یافت و شدت گرفت. طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ مبارزات به اوج خود رسید و هزاران کشته، زخمی و ویرانی به بار آورد.

سرانجام فشار افکار بین‌المللی و ناتوانی دولت مرکزی در مقابله با حملات مسلحانهٔ آزادی‌خواهان به برکناری یان‌اسمیت در سال ۱۹۷۸ انجامید و اسقف موزوروا که از شورشیان حمایت می‌کرد روی کار آمد. از آنجایی که اسقف موزوروا مورد تأیید همهٔ انقلابیون نبود و او را سازشکار می‌دانستند، مبارزه ادامه یافت و در کنفرانسی که برای یافتن راه حلی در لندن در سال ۱۹۷۹ تشکیل شد، تصمیم گرفته شد تا در سال ۱۹۸۰ انتخابات عمومی برگزار گردد. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۰ حزب زانو به رهبری رابرت موگابه برندهٔ اکثریت گردید و نخستین دولت ملی رودزیای جنوبی که به زیمبابوه تغییر نام یافته بود به سرپرستی رابرت موگابه تشکیل گردید.

در سال ۱۹۸۱ میان رابرت موگابه و جوشوا انکومو، رهبر زاپو، اختلاف افتاد و جنگهای خونینی میان طرفداران آن دو درگرفت که به تسلیم نیروهای طرفدار انکومو انجامید. در انتخابات ژوئن ۱۹۸۵ رابرت موگابه بر رقیبان انتخاباتی خود به آسانی پیروز شد. در سپتامبر ۱۹۸۷ قانون اساسی زیمبابوه مورد تجدید نظر قرار گرفت و از دو مجلس قانونگذاری بهره‌مند گردید. در سپتامبر ۱۹۸۷ کنفرانس سران غیر متعهدها در هراره (سالیسبوری پیشین) تشکیل گردید و رابرت موگابه نقش عمده‌ای در این کنفرانس عهده‌دار شد وسیاست نژادپرستانهٔ جمهوری افریقای جنوبی محکوم گردید. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۰، رابرت موگابه به سمت ریاست جمهوری برگزیده شد. در دورهٔ بعدی انتخابات که در سال ۱۹۹۶ برگزار شد و حدود ۶۸٪ از حائزین شرایط رأی در انتخابات شرکت نکردند، مجدداً رابرت موگابه اکثریت آراء را به دست آورد و مقام ریاست جمهوری را همچنان برای خود حفظ کرد.

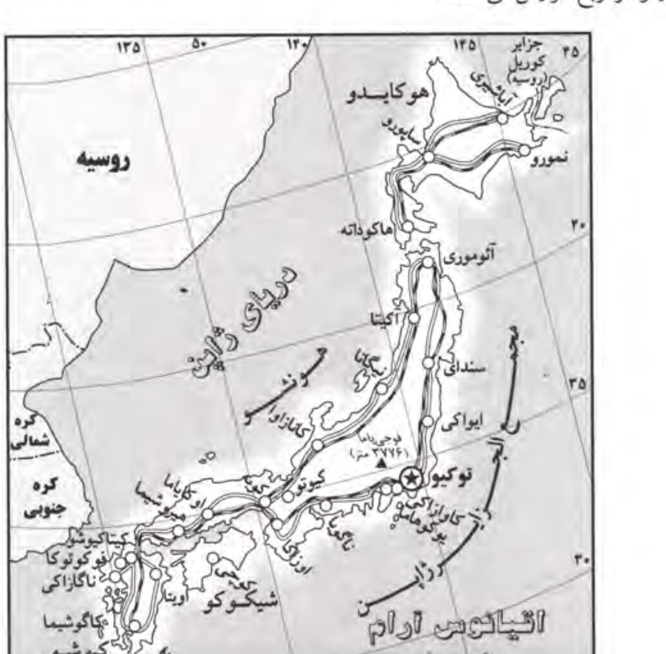
در سال ۱۹۹۷، تظاهرات بزرگی در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها برگزار شد که در نهایت با افزایش ۲۰٪ حقوق کارگران، پایان یافت. افزایش قیمت‌ها در ژانویه ۱۹۹۸ منجر به شورش و غارت مغازه‌ها و فروشگاه‌ها گردید که با دخالت نیروهای ارتش، به این غارت‌ها پایان داده شد. در طی این سال مناقشات بسیاری در مورد برنامهٔ دولت برای مصادرهٔ زمین‌های سفیدپوستان و توزیع آن بین سیاهپوستان درگرفت و سرانجام، دولت در ماه نوامبر بیش از ۸۰۰ قطعه زمین را به نفع سیاهپوستان، از سفیدپوستان مصادره نمود. در مارس سال بعد نیز ۴۲۰ قطعه زمین از اراضی متعلق به سفیدپوستان توسط سربازان قدیمی بی‌زمین مصادره شد و این روند در ماه‌های بعد نیز تداوم یافت. در مقابل اعتراضات امریکا و انگلستان، رابرت موگابه اعلام نمود که تغییری در این روند نخواهد داد. در انتخابات سال ۲۰۰۰، جنبش برای تغییر دموکراتیک ۵۷ کرسی را از آن خود کرد و بدین ترتیب حزب زانو از دسترسی به دوسوم آراء برای اعمال تغییرات لازم در قانون اساسی بازماند. در طی سال ۲۰۰۱ نیز مصادرهٔ اراضی سفیدپوستان ادامه یافت و رابرت موگابه در پاسخ به اعتراضات انگلستان، گفت که دولت بریتانیا به وظایف خود در قرارداد استقلال زیمبابوه عمل نکرده و لاجرم این اقدامات در جبران برخی کوتاهی‌های دولت انگلستان ضروری بوده است. در انتخابات سال ۲۰۰۲، رابرت موگابه مجدداً در پست ریاست جمهوری ابقاء گردید، اما نتایج این انتخابات با مخالفت گسترده کشورهای غربی مواجه شد و عضویت این کشور در جامعه ملل مشترک المنافع به مدت یک سال به حالت تعلیق درآمد.

ژاپن JAPAN

مجمع‌الجزایر ژاپن در خاور آسیا و در آبهای غربی اقیانوس آرام جای دارد و از حدود ۳۴۰۰ جزیره تشکیل یافته است. سرزمینی است کوهستانی و جزایر هوکایدو، هونشو، کیوشو، شیکوکو و اوکیناوا از بزرگترین و مهمترین جزایر این کشور هستند.

۸۵ درصد اراضی ژاپن به وسیلهٔ کوههایی که آلپ‌های ژاپن نام دارند و کـلاً دارای منشأ آتشفشانی هستند، زیر پوشش قرار گرفته و آتشفشان معروف فوجی‌یاما با ارتفاع ۳۷۷۶ متر بلندترین نقطهٔ آن محسوب می‌گردد.

۴۰ درصد جمعیت ژاپن فقط در یک درصد اراضی مسکونی آن که در باریکه‌ای از جلگهٔ ساحلی اقیانوس آرام قرار دارد، به سر می‌برند و تراکم جمعیت را تا میزان ۱۰۰۰ نفر در کیلومترمربع افزایش می‌دهند.





نام رسمی: نیهون (سرزمین خورشید تابان)

نام محلی: نیهون (نیپون) Nihon (Nippon)

اسامی دیگر: –

پایتخت: توکیو (۱۱،۷۷۱،۸۱۹ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: ۲۳ دسامبر، سالروز تولد امپراتور

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٤۷

رئیس حکومت: امپراتور آکیهیتو، از سال ۱۹۸۹

رئیس دولت: نخست‌وزیر: جونیشیرو کوئیزومی (حزب لیبرال دموکرات)، ازسال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٤۷، آخرین تغییرات ۱۹۹٤؛ مجلس نمایندگان با ۵۰۰ عضو به مدت ٤ سال و مجلس مشاورین با ۲۵۲ عضو به مدت ٦ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۰): حزب لیبرال دموکرات ۲۳۳ کرسی، حزب دموکرات ۱۲۷ ، شین کومیتو ۳۱، حزب لیبرال ۲۲، حزب کمونیست ۲۲، حزب سوسیال دموکرات ۱۹، حزب محافظه‌کار ۷، بقیه ۲۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٥٦)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، آپک، آی – آدب، گروه ۸، اواسی‌دی

جمعیت

مساحت: ۳۷۷،۸۱۹ کیلومترمربع (شصت و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۲٦،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۳۵/۳ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۰/۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۲۱/۲ میلیون نفر **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** قابل حصول نیست

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۷۸/۵؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۰/٤

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۱٤/۸ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۰/۹ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٪٤۱/۵ ؛ بالای ٦۰ سال ٪۲۲/۸

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۸/۹؛ زن ٪٥۱/۱ **امید به زندگی(۱۹۹۷):** زنان ۸۳/۸ سال؛ مردان ۷۷/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱۰/۸ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ٦/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۳/٦ نفر **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ٤/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٦): بیماریهای گردش خون ۲۲۳/٤ نفر (شامل بیماریهای عروق مغزی ۱۱۲/٦ نفر)؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۱۷/۵ نفر؛ ذات‌الریه و برونشیت ٦٤/۹ نفر؛ حوادث و پیش‌آمدهای نامطلوب ٤۹/۲ نفر(از جمله خودکشی ۱۷/۸ نفر)؛ التهاب کلیه و سندروم و بیماریهای کلیوی ۱۳ نفر؛ التهاب کبد ۱۳/۲ نفر؛ دیابت ۱۰/۳ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۷): ۱/٤ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۸ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٦): ٦/۳ مورد **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٦):** ۱/٦ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): ژاپنی ٪۹۹/۱ ؛ کره‌ای ٪۰/۵؛ چینی ٪۰/۲ ؛ بقیه ٪۰/۲

دین(۱۹۹۵): پیرو آیین شینتو ٪۹۳/۱ ؛ بودایی ٪٦۹/٦ ؛ مسیحی ٪۱/۲ ؛ دیگر ادیان ٪۸/۱ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: ژاپنی (زبان رسمی)؛ خط: ژاپنی

شهرهای‌مهم(۱۹۹۵): یوکوهاما ۳،۳۰۷،٤۰۸ نفر؛ اوزاکا۲،٦۰۲،۳۵۲؛ ناگویا۲،۱۵۲،۲۵۸؛ ساپورو۱،۷٥٦،۹٦۸؛ کیوتو۱،٤٦۳،٦۰۱؛ کوبه۱،٤۲۳،۸۳۰؛ فوکوئوکا۱،۲۸٤،۷٤۱؛ کاوازاکی۱،۲۰۲،۸۱۱؛ هیروشیما۱،۱۰۸،۸٦۸ نفر

بنادر مهم: یوکوهاما، توکیو، کوبه، اوزاکا، ناگویا، هاکوداته(اقیانوس آرام و خلیج‌های منشعب از آن)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: ین(¥)= ۱۰۰ سن؛ یک دلار= ۱۰۸/۷٦ ین؛ یک ین = ۷۳/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۵۸،۵۲۲ میلیارد ین؛ مالیات بر درآمد شرکتها ٪۲٦/۱ ؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪۱۸/۵ ؛ مالیات بر دخانیات و نوشابه‌های لیکور ٪۵/۳ ؛ مالیات بر سوخت ٪٤/۵ ؛ عوارض تمبر ٪۳/۱؛ عوارض گمرکی ٪۱/٦

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۷۷،٦٦۹ میلیارد ین؛ بازپرداخت بدهی‌ها ٪۲۲/۲ ؛ هزینه‌های تأمین اجتماعی ٪۱۹/۱ ؛ کارهای عمومی ٪۱۱/٦ ؛ فرهنگ، آموزش و علوم ٪۸/۲ ؛ دفاع ملی ٪٦/٤ ؛ پرداخت مستمری ٪۲

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤،۰۸۹/۱ میلیارد دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۲،۳۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪٤/۲ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۱/٤

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱/۷ ؛ صنعت ٪۳۷/۲ ؛ خدمات ٪٦۱/۱

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۹۱۱ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳،۱۹۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،٤۱۲/۲ میلیارد دلار **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۰،٦٤۰- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲۹/۹

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۰/۲ ؛ ۱۹۹۸: ٪۰/۳ ؛ ۲۰۰۰: ٪۰/۷

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): برنج ۱۱،۲۰۰،۰۰۰تن؛چغندرقند ۳،٦۸۵،۰۰۰؛سیب‌زمینی ۳،٤۰۰،۰۰۰؛ کلم ۲،۷۰۰،۰۰۰؛ نیشکر ۱،٤۳۰،۰۰۰؛پیاز ۱،۲٤۰،۰۰۰؛ سیب‌زمینی شیرین ۱،۱۳۰،۰۰۰؛ سیب ۹۰۰،۰۰۰؛ خیار ۸۰۰،۰۰۰؛ گوجه‌فرنگی ۸۰۰،۰۰۰؛ هویج ۷۲۰،۰۰۰؛هندوانه ٦۲۰،۰۰۰؛ گندم ٥٦۹،۰۰۰؛ کاهو ٥٤۰،۰۰۰؛ بادنجان ٤۹۰،۰۰۰؛ طالبی ٤۳۰،۰۰۰؛ گلابی ٤۲۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۱۱/۷ ؛ مرتع و چمنزار ٪۱/۸ ؛ جنگل ٪٦٦/٤ ؛ سایر موارد ٪۲۰/۱

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): خوک ۹،۸۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ٤،۷۰۰،۰۰۰ ؛ اسب ۳۰،۰۰۰ ؛ بز ۲۸،۵۰۰ ؛ گوسفند ۱٦،۳۰۰رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲۱،٥٤٥،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹٦):** ٥،۹۷٤،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۹٦،۲٥۰،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲،٥۲٦،۰۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹۸): آهک ۲۰۱،۳۸۰،۰۰۰ تن؛ سنگ سیلیس ۱۸،۱۲٤،۰۰۰؛ دولومیت ٤،۰۱٥،۰۰۰؛ روی ۷۱،٥٦۹تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): فولاد خام ۱۰٤،٥٤٥،۰۰۰ تن؛ تولیدات فولادی ۹٦،۹۸۲،۰۰۰؛ سیمان ۹۱،۹۳۸،۰۰۰؛ آهن خام ۷۸،٥۱۹،۰۰۰ ؛ اسید سولفوریک ٦،۸۲۸،۰۰۰؛ تولیدات پلاستیکی ٦،٤٤۸،۰۰۰؛ کود ٥،۸۸٤،۰۰۰؛ انواع نخ ٥۰۷،٤۷٥؛ کاغذ روزنامه ۳،۱۹۲،۳۰۰ تن؛ پارچه‌های مصنوعی ۲،۰٤٦،٦۰۰،۰۰۰ مترمربع؛ پارچهٔ پنبه‌ای ۹۱۷،۰۰۰،۰۰۰ مترمربع

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٤): ۹٦٤،۳۲۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۹٦٤،۳۸۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ٦،۹٤۹،۰۰۰ تن (۱۲۳،۰۹۹،۰۰۰)؛ نفت خام: ۳،۹٥۸،۰۰۰ بشکه(۱،٦٤۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۸٥،٦۱۲،۰۰۰ تن(۱۹۳،٥٤٥،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲،۲۷٦،٦۰۰،۰۰۰ مترمکعب (٦۱،۱۰۱،۷۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۷): ٦۷،۷۷۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٥۳/۸ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ سال به بالا): ٪٦۳/۷ ؛ زنان: ٪٤۲/۹ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ٪۳/۲؛ ۲۰۰۰: ٪٤/۸

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٥/۳ ؛ صنعت ٪۳۲ ؛ خدمات ٪٦۲/۷

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ ؛ تعدادنفرات‌ارتش (۱۹۹۹): ۲۳٦،۳۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪٦۱/۷ ؛ نیروی دریایی ٪۱۸/٥؛ نیروی هوایی ٪۱۹/۱؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۳۲٥ دلار

واردات(۱۹۹۷): ٤۰،۹٥٦ میلیارد ین؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۲۸؛ مواد غذایی ٪۱۳/٦ ؛ نفت و فرآورده‌های نفتی ٪۱۰/۳ ؛ مواد شیمیایی ٪٦/۹ ؛ منسوجات ٪٦/٦؛ از کشورهای امریکا ٪۲۲/۳؛ چین ٪۱۲/٤؛ اندونزی ٪٤/۳؛ استرالیا ٪٤/۳؛ کرهٔ جنوبی ٪٤/۳؛ تایوان ٪۳/۷؛ آلمان ٪۳/۷ ؛ امارات متحدهٔ عربی ٪۳/٦

صادرات(۱۹۹۷): ٥۰،۹۳۸ میلیارد ین؛ شامل ماشین‌آلات برقی ٪۲۳/٦؛ وسایل نقلیه ٪۱٤؛ مواد شیمیایی ٪۷/۱ ؛ تجهیزات علمی و اپتیکی ٪٤/۸؛ محصولات آهنی و فولادی ٪۳/۸؛ منسوجات ٪۲ ؛به کشورهای امریکا ٪۲۷/۸؛ تایوان ٪٦/٥؛ هنگ‌کنگ ٪٦/٥ ؛ کرهٔ جنوبی ٪٦/۲؛ چین ٪٥/۳؛ سنگاپور ٪٤/۸؛ آلمان٪٤/۳؛ تایلند ٪۳/٥

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیارد ین	+۱۲،٤۱۹	+۹،۹۹۸	+٦،۷۳۷	+۹،۹۸۲	+۱۳،۹۹۱	+۱۲،۲۷۹
درصد کل	٪۱۸/۱	٪۱۳/۷	٪۸/۱	٪۱۰/۹	٪۱٦	٪۱٤/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۹/٤	۱۰۰/۱	۱۰۰	۱۰۰/۱	۱۰۱/۸	۱۰۲/٥	۱۰۲/۲
شاخص درآمد ماهانه	۹٥/۷	۹۷/۹	۱۰۰	۱۰۱/۹	۱۰۳/٤	۱۰۳/۱	۱۰۳/٦

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ هر خانوار: ۲/۸ نفر؛ میانگین درآمد سالیانهٔ هر خانوار: ۹۸۹،٤۰۰ین؛ منابع درآمد (۱۹۹٤): دستمزد وحقوق ٪٥۹؛ پرداخت‌های انتقالی ٪۲۰/٥؛ کار آزاد ٪۱۲/۸؛ سایر موارد ٪۷/۳؛ هزینه‌ها(۱۹۹۷): غذا ٪۲۲/۳؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۱۱/٦؛ تفریحات ٪۹/٦؛ مسکن ٪٦/۷؛ پوشاک و کفش ٪٥/۷؛ سوخت،روشنایی و هزینهٔ‌آب ٪٥/۷

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ٤،۳۲٦ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۳۳،۰٤۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱،۱٤۸،۰۰۰ کیلومتر **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۲۷،۲٥۸ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ٤۸،٦۸٤،۰۰۰ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۱۹،٤۰۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۷): ٦،۷٥٦ فروند **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۷۳ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱۲۲ روزنامه در ۷۲،۷۰٥،۰۰۰ نسخه(٥۸۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۲،۹۲٦ عنوان

کتاب: ٥٦،۲۲۱ عنوان در ٤۰۰،۰۱۳،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۷،۱۱٥ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱۲۰،٥۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۹٥٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۷۱۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٦۳،٥۸۰،۰۰۰ خط تلفن (٥۰۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٤۷،۲۸٥،۰۰۰ خط (۳۷٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱٦،۷٤۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۲٤،۳۷٦	٤۲۰،۹۰۱	۷،۸٥٥،۳۸۷	۱۸/۷
متوسطه	۱٦،۷٥۳	٥٤٦،۳۳۷	۸،۸٥۲،۸٤۰	۱٦/۲
فنی و حرفه‌ای				
عالی	۱،۲٤۳	۱٦٦،۰٥۱	۳،۱۳٦،۸۳٤	۱۸/۹

میزان باسوادی: افراد بالای ۱٥ سال : ٪۱۰۰ ؛ مردان: ٪۱۰۰؛ زنان: ٪۱۰۰

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۲٤۰،۹۰۸ نفر (هر ٥۲۲ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۱،٦٦٤،٦۲۹ تخت (هر ۷٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٦،۸۰۰ نفر (٪۰/۰۱ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۳/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۹۳۲ کالری (٪۱۲٥ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۹٦ گرم؛ مصرف چربی: ۸۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/۱

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۱۷/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱،۱٦۹/٦ میلیون تن؛ هر نفر ۹/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۲٤ (نهمین کشور جهان)

اقلیم ژاپن در نواحی جنوبی نسبتاً گرم و مرطوب و پر باران، در نواحی مرکزی معتدل و در نواحی شمالی سرد است. آبهای ساحلی ژاپن که تحت تأثیر جریانهای سرد و گرم اقیانوسی قرار دارد، منبع سرشار صید ماهی است و یکی از ستونهای اقتصادی این کشور را تشکیل می‌دهد. کشتزارهای بسیار پیشرفته و مکانیزهٔ ژاپن در جلگه‌های ساحلی این سرزمین جای دارند و برنج، لوبیای سویا، سبزیجات، غلات، سیب‌زمینی و توتون مهمترین اقلام کشاورزی آن را تشکیل می‌دهند. قسمت اعظم ژاپن از جنگل پوشیده شده و دریاچهٔ بیوآ با ۶۷۵ کیلومترمربع وسعت، چشمگیرترین و بزرگترین عارضهٔ آبی آن است.

رودهای ژاپن عمدتاً پرشیب و کم‌آب هستند و مهمترین آنها شینانو (۳۶۲ کیلومتر)، تونه، کیتاکامی و ایشیکاری است.

ژاپن از نظر صنعت یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان است و فولادسازی، صنایع اتومبیل، ماشین‌آلات، کشتی‌سازی، هواپیماسازی، الکترونیکی و الکتریکی و شیمیایی عمده‌ترین صنایع آن محسوب می‌گردد و یکی از بزرگترین صادرکنندگان صنایعی از این گونه به شمار می‌آید.

آلودگی هوا یکی از بزرگترین مسائل زیست‌محیطی ژاپن است. این مسئله به ویژه در حومهٔ شهرهای بزرگی چون توکیو، اوزاکا و یوکوهاما شدت یافته و زیان فراوانی از جانب باران‌های اسیدی متوجه آن گردیده است و بزرگترین مرکز صنعتی جهان را با بزرگترین مسئلهٔ زیست‌محیطی روبرو ساخته است.

تاریخچه

اولین نشانه‌های تمدن در ژاپن به سی‌هزار تا ده هزار سال پیش بازمی‌گردد که به آن عصر دیرینه سنگی یا عصر حجر قدیم می‌گویند. بعد از آن فرهنگ نوسنگی جومون آغاز می‌شود که تا ۳۰۰ الی ۲۰۰ سال پیش از میلاد به درازا می‌کشد. تمدن جومون به وسیلهٔ یایویی‌ها که از قارهٔ آسیا و احتمالاً از طریق پل‌های طبیعی‌یی که در آن زمان ژاپن را به شبه جزیره کره متصل می‌کرده، به ژاپن آمده بودند از میان رفت. یایویی‌ها هنر کشت برنج و پرورش اسب و گاو و سفالگری و بافندگی و همچنین استفاده از چرخ را در آن سامان رواج دادند. بر اساس اخباری که از مورخان چینی به جای مانده، همزمان با ظهور مسیح مملکت وو (به ژاپنی وا می‌گویند) به بیش از صد دولت‌شهر تقسیم می‌گردید. در زمان هیمیتو حدود ۳۰ دولت‌شهر با هم متحد شدند و مردم آن از نظر میزان پرداخت مالیات طبقه‌بندی گردیدند و با سرزمین اصلی آسیا به داد و ستد مشغول شدند.

از سال ۲۶۶ تا ۴۱۳ میلادی مملکت وا (ژاپن) گوشه‌گیری و انزوا پیشه کرد و درهای خود را به جهان خارج بست و همین عمل به یکدست شدن جامعهٔ ژاپن انجامید. در سال ۳۶۹ یاماتو که رهبری مردم ژاپن را بر عهده داشت، دولت پادشاهی کره را مطیع خود کرد و برای تسلط بر آن، پادگانهای نظامی در کره تأسیس نمود. امپراتوری یاماتو که از یک سو با کره در حال جنگ بود و از سوی دیگر با مخالفان داخلی دست و پنجه نرم می‌کرد، رفته رفته رو به ضعف نهاد و همزمان (بین سالهای ۵۳۸ تا ۵۵۲)، بودائیسم در ژاپن رواج یافت. مهمترین نشانهٔ نفوذ تمدن چین در ژاپن که متعلق به حدود ۱۵۰۰ سال پیش است، کاربرد سیستم شبکه‌بندی قائم‌الزاویه برای مرزبندی زمین و حدود مالکیت‌هاست که آثار آن هنوز بخوبی نمایان است. علاوه بر شیوهٔ مزبور، چینی‌ها حروف الفبای خود را همراه با مروجین آیین بودا، در این سرزمین رواج دادند. طی سده‌های هفدهم و هجدهم آداب و آیین‌های چینی با خصوصیات و سرشت مردم ژاپن هماهنگ گردید و شیوهٔ معماری و زبان محاوره و روش به کارگیری الفبا و غیره رنگ ژاپنی به خود گرفت و به خصیصهٔ ملت ژاپن مبدل شد.

نخستین پایتخت دائمی ژاپن، شهر نارا بود که به سال ۷۱۰ میلادی ساخته شد و عناوین فامیلی میراثی شد و بودائیسم به عنوان نیروی کنترل کنندهٔ جامعه، در اختیار دولت قرار گرفت. در سالهای ۷۸۱ تا ۸۰۶ امپراتور کامو قدرت را در دست گرفت و پایتخت را از شهر نارا به کیوتو منتقل نمود و سلطنت را در خاندان فوجی‌وارا موروثی کرد. در زمان سلطنت خاندان فوجی‌وارا، بودائیسم به دو شاخهٔ تندایی و شینگون تقسیم گردید و بدینسان بودائیسم با فرهنگ ژاپن هماهنگ گردید و مردم ژاپن در زیر دو چتر اشراف و نهادهای مذهبی گرد آمدند و هرکدام از طبقات مختلف اشراف برای خود از نیروی مسلحی موسوم به سامورایی استفاده نمودند. دو خاندان تائیرا و میناموتو که هر دو از اشراف بودند، با استفاده از سامورایی‌های خود به جان هم افتادند و ژاپن را به یک جنگ داخلی کشاندند که تا سال ۱۱۸۵ به درازا کشید. در آن سال شوگون (ژنرال) میناموتو یوریتومو حکومت را در دست گرفت و اولین خاندان شوگونی را به نام کاماکورا تأسیس کرد.

سلسله‌های مختلف شوگونی تا سال ۱۸۶۷ قدرت اصلی را در ژاپن در دست داشتند و عموماً امپراتوران ژاپن تحت نفوذ آنان قرار داشتند. در سالهای ۱۲۷۴ و ۱۲۸۱ مغولها، تحت فرماندهی قوبلای قاآن، به ژاپن حمله‌ور شدند که با ایستادگی و دفاع سخت مردم ژاپن روبرو گردیدند و ناگزیر از ترک این سرزمین شدند. در آغاز سدهٔ چهاردهم خاندان کاماکورا مقهور امپراتور گودایگو شد. اما تسلط وی بر سرتاسر ژاپن دیری نپایید و حکومت دوباره در اختیار شوگون‌ها قرار گرفت. گودایگو از کیوتو فرار کرد و در شهر یوشینو به حکومت خود ادامه داد و بدینسان دو خاندان سلطنتی به مدت ۵۶ سال در کنار هم به امر حکومت مشغول گردیدند. جنگ جانشینی خاندان شوگونی آشیکاگا که از ۱۴۶۷ تا ۱۴۷۷ به اوج خود رسیده بود، به مدت یکصدسال دوام آورد.

در سال ۱۵۴۵ پرتغالی‌ها به بهانهٔ داد و ستد وارد ژاپن شدند و مذهب کاتولیک را به کمک مروجین مذهبی در آن سامان رواج دادند، اما با واکنش بودایی‌ها روبرو شدند و در سال ۱۶۳۹ فعالیت خود را متوقف کردند و در سدهٔ هفدهم خاندان شوگونی توکوگاوا بر سراسر ژاپن تسلط یافتند و شهر ادو (توکیو) را به پایتختی برگزیدند و تا سال ۱۸۶۷ بر ژاپن حکومت کردند. در سال ۱۶۳۹ توکوگاواها یک بازار داد و ستد داخلی برای خرید و فروش پوشاک، مواد غذایی، صنایع دستی، کتاب و دیگر فرآورده‌ها ترتیب دادند و مراودات خود با بیگانگان را قطع کردند و دوباره به گوشه‌گیری و انزوا پرداختند و تنها بندر ناگازاکی را آن هم برای داد و ستد با چینی‌ها و هلندی‌ها باز گذاردند.

در اواسط سدهٔ نوزدهم، امریکایی‌ها به فرماندهی دریاسالار متیو پری در سواحل ژاپن پیاده شدند و به دنبال عقد چند قرارداد دروازه‌های ژاپن به روی بیگانگان به ویژه غربی‌ها گشوده شد و نظام شوگونی (نظامیان) از هر سو تحت فشار قرار گرفت و حملات سامورایی‌ها به بیگانگان به مرور رنگ باخت و آخرین شوگون در سال ۱۸۶۷ ناگزیر از کناره‌گیری شد. در پی آن امپراتور موتسوهیتو که هنوز کودکی بیش نبود، در سال ۱۸۶۸ زمام اختیار کشور را در دست گرفت و دوران نوین‌سازی ژاپن که به دوره بازگشت میجی معروف است، آغاز گردید و کشور امریکا دوش به دوش انگلستان و فرانسه و آلمان به اعمال نفوذ در ژاپن پرداخت و روش آموزش و پرورش و علوم و ارتباطات غربی‌ها الگوی کار قرار گرفت و ژاپن به سرعت به یک کشور صنعتی و یک قدرت نظامی قابل توجه مبدل شد. در سال ۱۸۸۹ قانون اساسی کشور به تصویب و توشیح امپراتور رسید و حکومت مشروطهٔ سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری که نخست‌وزیر مسئولیت ادارهٔ کشور را عهده‌دار بود برای کشور انتخاب شد. طبق این قانون امپراتور کماکان جنبهٔ خدایی داشت و نخست‌وزیر در مقابل وی مسئول بود.

در جنگ سال ۱۸۹۵ چین و ژاپن، چین مغلوب شد و ژاپن بر کره تسلط یافت. پیروزی ژاپن در جنگ سال ۱۹۰۵ روس و ژاپن، با اشغال شبه جزیرهٔ ساخالین توسط ژاپن و تسلط کامل بر کره به پایان رسید. در جنگ جهانی اول به عنوان متحد انگلستان وارد جنگ شد و در خاتمه جنگ قیمومیت بخشی از مستعمرات آلمان در خاور دور، از سوی جامعه ملل، به ژاپن واگذار گردید و چین را وادار ساخت تا نفوذ و تسلط ژاپن بر منچوری و مغولستان داخلی را در سال ۱۹۱۸ به رسمیت بشناسد. در همین سال، هارا تاکاشی بعنوان اولین کسی که در تاریخ ژاپن از رأی اکثریت پارلمانی برخوردار بود به نخست‌وزیری رسید. دههٔ ۱۹۲۰ با نظام دموکراسی و تعدیل میلیتاریسم و پرهیز از سلطه‌جویی برگزار شد. بازتاب بحران اقتصادی بین‌المللی اوائل دههٔ ۱۹۳۰ در ژاپن به انتقاد و حملات نظامیان علیه دولت و اعتقاد به این که بحران مزبور فقط با تقویت و تجهیز ارتش و به دست آوردن بازارهای جدید برای فروش محصولات و تهیهٔ مواد اولیه از خارج حل خواهد شد، منجر گردید.

نظامیان ژاپن در سال ۱۹۳۱ خودسرانه منچوری چین را اشغال کردند و دولت دست‌نشانده منچوکوئو را در آن منطقه بر سر کار آوردند و در سال ۱۹۳۲ دولت را وادار نمودند تا جای خود را به نظامیان واگذار کند. در سال ۱۹۴۰ ژاپن به هندوچین حمله کرد به این امید که راه عبوری به سوی آسیای جنوب خاوری به دست آورد. این عمل با اعتراض و واکنش دولتهای امریکا و انگلستان روبرو گردید. حملهٔ ژاپن به پرل هاربر در هاوایی و تصرف فیلیپین و هنگ‌کنگ و مالزی، ژاپن را رودرروی امریکا قرار داد و فصل جدیدی از جنگ دوم جهانی را پایه‌گذاری کرد. امریکا ژاپن را در اوت ۱۹۴۵ محاصرهٔ دریایی کرد و با پرتاب بمب‌های اتمی بر شهرهای هیروشیما و ناگازاکی (در ششم و نهم اوت ۱۹۴۵) ژاپن را وادار به تسلیم نمود و خاک ژاپن به اشغال ارتش امریکا درآمد و ژنرال داگلاس مک‌آرتور که فرماندهی عملیات نظامی علیه ژاپن را بر عهده داشت تا سال ۱۹۵۲ کشور مزبور را در تصرف خود نگهداشت. امپراتور هیرو هیتو علناً جنبهٔ خدایی خود را نفی کرد و اختیارات خود را به مجلس نمایندگان واگذار کرد.

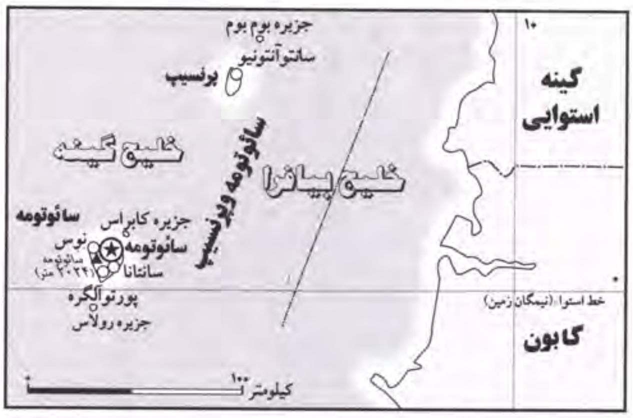
در سال ۱۹۴۷ قانون اساسی جدید ژاپن به تصویب رسید و از سال ۱۹۵۲ به مورد اجرا گذارده شد و مالکیت ژاپن بر مجمع‌الجزایر توکارا در سال ۱۹۵۱، بر جزایر آمامی در ۱۹۵۳، بر جزایر بونین در ۱۹۶۸ و بر ریوکیو و اوکیناوا در سال ۱۹۷۲ به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۵۵، حزب لیبرال دموکرات در مخالفت با سیاست‌های محافظه‌کاران و ملی‌گرایان افراطی تأسیس شد و از آن زمان تاکنون بیشتر مواقع قدرت را در اختیار داشته است. ژاپن در جنگ کره و پیدایش دولت غیر کمونیست تایوان با امریکا همکاری کرد. در ۱۹۵۶ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و با اتحاد جماهیر شوروی روابط سیاسی برقرار کرد. در دههٔ ۱۹۶۰ در تکنولوژی به پیشرفتهای شایان توجهی نائل آمد و به جرگهٔ کشورهای تراز اول صنعتی جهان پیوست. بحران نفت سال ۱۹۷۳ تأثیر سوئی روی اقتصاد ژاپن باقی نگذارد و صنایع کشتی‌سازی و اتومبیل‌سازی و الکترونیک آن روند تکاملی و متعالی خود را همچنان حفظ کرد. در سال ۱۹۷۲ نخست‌وزیر ژاپن کاکوئی تاناکا از چین دیدن کرد و موجودیت دولت کمونیست چین را به رسمیت شناخت.

ژاپن سالانه حدود ۱۶ میلیون مترمکعب چوب و الوار از کشورهای مالزی، تایلند، اندونزی، فیلیپین و پاپوآگینهٔ نو وارد می‌کند و بدینسان بر زدایش جنگل‌ها و لطمه زدن به محیط زیست کشورهای مزبور و در نهایت به انهدام شرایط زیست‌محیطی جهان کمک می‌کند. روابط ژاپن

و روسیه اغلب بر سر مالکیت جزایر کوریل که در طی جنگ جهانی دوم توسط اتحاد جماهیر شوروی اشغال شده بود، دچار بحران گردیده و از نزدیک‌تر شدن آنها جلوگیری کرده است.
نخست‌وزیر ژاپن یاسوهیرو ناکاسونه در سال ۱۹۸۷ از کشورهای اروپای شرقی دیدن کرد و سه سال بعد توشیکی کایفو نیز از چند کشور اروپایی دیدن کرد و حمایت کشورش را از برقراری دموکراسی در کشورهای اروپای شرقی اعلام داشت.
امپراتور هیروهیتو در ژانویهٔ ۱۹۸۹ درگذشت و آکیهیتو پسرش به جای او نشست و نابوروتاکیشیتا به نخست‌وزیری رسید. وی کوتاه زمانی بعد از مقام خود برکنار شد و سوسوکی اونو به جای وی به سرپرستی دولت برگزیده شد. او نیز سه ماه بعد از کار برکنار گردید. با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ژاپن به یکی از سه قدرت بزرگ اقتصادی جهان مبدل گردید و این موقعیت را تا این زمان همچنان حفظ کرده است.
در پنجم نوامبر ۱۹۹۱ توشیکی کایفو نخست‌وزیر از سمت خود کناره گرفت و به وسیلهٔ کی‌ئیچی میازاوای ۷۲ ساله جایگزین گردید. در دو دههٔ اخیر ژاپن غالباً شاهد تظاهراتی برضد وجود پایگاههای نظامی امریکا در خاکش بوده است. در حال حاضر امریکا از سه پایگاه هوایی، یک ناو هواپیمابر و حدود ۵۶,۰۰۰ سرباز و ملوان مسلّح در خاک ژاپن برخوردار است.
در انتخابات سال ۱۹۹۳ میازاوا از مقام نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد و هوسوکاوا به جای او نخست‌وزیر شد. او نیز در سال ۱۹۹۴ جای خود را به تسوتومو هاتا واگذار کرد. هاتا طی سفری به اروپا روابط ژاپن را با کشورهای اروپایی و همچنین اتحادیهٔ اروپا نزدیکتر نمود. در ژوئن ۱۹۹۴ او نیز برکنار شد و تومی‌ئیچی مورایاما از حزب سوسیالیست به نخست‌وزیری رسید. زمین‌لرزهٔ ژانویهٔ ۱۹۹۵ منطقهٔ هانشین را به شدت تکان داد و حدود ۶,۰۰۰ کشته به جای گذارد و صد هزار خانه شهر کوبه را ویران کرد و حدود ۳۰۰,۰۰۰ تن بی‌خانمان شدند.
در مارس همان سال بر اثر نشت گاز سمی در متروی توکیو ۱۲ نفر کشته شدند. در انتخابات ژانویهٔ ۱۹۹۶ مورایاما شکست خورد و جای خود را به ریوتارو هاشیموتو، از حزب لیبرال دموکرات داد. در همه‌پرسی اواخر سال ۱۹۹۷ بیش از نیمی از ساکنان شهر ناگو واقع در جزیرهٔ اوکیناوا علیه احداث یک فرودگاه امریکایی در جزیرهٔ مزبور رأی دادند. ارتش امریکا در سال ۱۹۴۵ یک پایگاه هوایی در آنجا به وجود آورده و ده‌ها هزار سرباز در آنجا نگاهداری می‌کند. بحران مالی سال ۱۹۹۷ جنوب خاوری آسیا، روی اقتصاد ژاپن با دومین قدرت اقتصادی جهان و اولین بستانکار جهان اثر نامطلوب گذارد و ارزش ین در اوایل ۱۹۹۸ به کمترین میزان خود طی هفت سال قبل از آن رسید و هاشیموتو با اعلام وضع فوق‌العاده، اظهار داشت که ژاپن از جنگ دوم جهانی به این سو با چنین بحرانی روبرو نشده است.
در اوایل آوریل سال ۲۰۰۰، کیزو اوبوچی که از سال ۱۹۹۸، نخست‌وزیری را به عهده داشت، درگذشت و یوشیرو موری جایگزین وی گردید. به دنبال برخی اظهارات حساسیت برانگیز در میان کشورهای منطقه، یوشیرو موری مجبور به استعفاء از ریاست حزب لیبرال دموکرات و نخست وزیری شد و اعضای حزب، جونیشیرو کوئیزومی را جانشین وی کردند.

سائوتومه و پرنسیپ SAO TOME AND PRINCIPE

کشور کوچکی است واقع در آبهای خلیج بیافرا، غرب افریقا، که تقریباً روی خط استوا قرار دارد و از دو جزیرهٔ اصلی سائوتومه (۸۵۷ کیلومترمربع) و پرنسیپ (۱۱۴ کیلومترمربع) و جزایر کوچک رولاس، کابراس، بوم‌بوم وبون‌دوژوکی تشکیل یافته است. کشوری است کوهستانی با منشأ آتشفشانی و به ارتفاع حداکثر ۲۰۲۴ متر (کوه سائوتومه) و پوشیده از جنگلهای انبوه بارانی. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و نارگیل، کاکائو، موز و قهوه از عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن است.



تاریخچه

جزایر سائوتومه و پرنسیپ احتمالاً تا قبل از آمدن دریانوردان اروپایی در دههٔ ۱۴۷۰ خالی از سکنه بود. پرتغالی‌ها یهودیان تبعیدی را در آن جای دادند و کشتزارهای نیشکر در آنجا تأسیس کردند و بردگان افریقایی را به کارگری در کشتزارها گماردند. جزایر مزبور که حدود ۳۰۰ کیلومتری ساحل غربی افریقا و مقابل کشورهای گینهٔ استوایی وگابون جای دارند، بعدها به ایستگاههای سر راه پرتغالیان به افریقای جنوبی و خاور دور مبدل شد و در سدهٔ پانزدهم میلادی به وسیلهٔ انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، هلندی‌ها، اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها به بازار خرید و فروش برده و صدور آن به مستعمره‌های قاره امریکا تبدیل گردید. بعضی از بردگان در همان جزایر ماندگار شدند و بعدها ساکنان اصلی جزیره و تولیدکنندگان نیشکر را تشکیل دادند.
رفتار تند و خشن اربابان اروپایی، افریقاییان را به واکنش واداشت و به شورش عمومی به رهبری مردی بنام آمادور مبدل شد و در مدتی کوتاه حدود دوسوم جزیرهٔ سائوتومه به تصرف آنان درآمد و آمادور حاکم آن گردید. اگرچه این شورش در نهایت سرکوب شد، اما شورشیان به جنگل‌ها پناه بردند و اربابان اروپایی که به جان و مال خود بیمناک بودند، همراه با بردگان خود به برزیل مهاجرت کردند و جزایر سائوتومه و پرنسیپ را برای حدود سه قرن به حال خود رها کردند و کشاورزی آن عملاً از بین رفت.
در سدهٔ هفدهم هلندی‌ها جزایر مزبور را به مدت کوتاهی اشغال کردند و به کشت کاکائو پرداختند. با وجود اینکه برده‌داری در سال ۱۸۶۹ منسوخ شده بود مع‌الوصف برده‌داری در جزایر مزبور تا اوایل سدهٔ بیستم به شکل‌های دیگری ادامه یافت و قیام‌ها و سرکوب‌های خونینی را به همراه آورد. در سال ۱۹۵۳، حدود هزار نفر در طی یک هفته در باتپا کشته شدند. در پی این سرکوب وحشتناک، جنبش آزادیبخش سائوتومه و پرنسیپ در سال ۱۹۵۹ برای کسب استقلال و اصلاحات ارضی تشکیل شد و به مبارزات مخفی سیاسی روی آورد و توسط سازمان وحدت افریقا و جنبش عدم تعهد نیز به رسمیت شناخته شد. پس از انقلاب گل میخک در سال ۱۹۷۴ پرتغالی‌ها دست از خشونت و استعمار جزایر مزبور برداشتند و انقلابیون نیز به دنبال آن در ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۵ استقلال خود را اعلام داشتند و میگوئل ترووآدا را به نخست‌وزیری و رهبری کشور برگزیدند. در سال ۱۹۹۰ قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید و اولین انتخابات پارلمانی آن در ژانویهٔ ۱۹۹۱ برگزار شد و میگوئل ترووآدا به ریاست جمهوری رسید. در آوریل ۱۹۹۵ جزیرهٔ پرنسیپ اعلام استقلال نمود و یک دولت محلی تشکیل داد. در اوت ۱۹۹۵ گروهی از افسران ارتش طی یک کودتای بدون خونریزی اختیار حکومت را در دست گرفتند ولی به دنبال گفتگوهای مسالمت‌آمیز از کار کناره گرفتند و امور کشور را به دولت قانونی آن واگذار کردند. در انتخابات ژوئیه ۱۹۹۶ میگوئل ترووآدا مجدداً به ریاست جمهوری رسید و رائول برانگاجا به نخست‌وزیری منصوب شد.
در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۱، فرادیک د منزس، از اقدام دموکراتیک مستقل با کسب ۵۶٪ آراء به پیروزی رسید و اواریستو د کاروالهو، جایگزین گیلرمه پوسر داکوستا، نخست‌وزیر قبلی شد. در ماه دسامبر رئیس جمهور مجلس ملی را منحل کرد و تاریخ برگزاری انتخابات پارلمانی را برای مارس ۲۰۰۲ تعیین نمود. اقتصاد این کشور از ضعفی مفرط رنج می‌برد و سالانه حدود نیمی از بودجه دولت با کمک‌های خارجی تأمین می‌شود.



نام رسمی: جمهوری دموکراتیک سائوتومه و پرنسیپ

نام محلی: سائوتومه ا پرینسیپ São Tomé e Principe

اسامی دیگر: -

پایتخت: سائوتومه (۴۳،۴۲۰ نفر در سال ۱۹۹۱)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۵/۷/۱۲، از پرتقال

روز ملی: دوازدهم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری،از سال ۱۹۷۵

رئیس حکومت: رئیس جمهور: فرادیک دمِنِزس (رهبر اقدام دموکراتیک مستقل)، ازسال ۲۰۰۱ به مدت ۵ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ماریا داس نوس (جنبش آزادیبخش و حزب سوسیال دموکرات)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۰؛ مجلس ملی با ۵۵ عضو به مدت ٤ سال، کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): ائتلاف جنبش آزادیبخش سائوتومه و پرنسیپ و حزب سوسیال دموکرات ۳۱ (٢٤) کرسی، اقدام دموکراتیک مستقل ١٦ کرسی، حزب همبستگی دموکراتیک ۸ کرسی، اوئه کداجی (۸) کرسی، ائتلاف جنبش نیروی تغییر دموکراتیک و حزب همبستگی دموکراتیک (۲۳) کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان وحدت افریقا، آکپ، آاوسیس، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱،۰۰۱ کیلومترمربع (صد و هفتاد و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۱٤٤،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هفتاد و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٤۳/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۲۱۸،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤٥/۲٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤۷/٦٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۷/۳٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۱۸/۹٪ ؛ بالای ٦۰ سال ٦/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/۲٦٪ ؛ زن ٥۰/۷٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ٦٦/۳ سال، مردان ٦۳/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۳/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٥۲ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳٥/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هـزار نفـر(۱۹۸۷): مالاریا ١٦۰/٦ نفر؛ موارد مامایی و زایمان ۷٦/۷ نفر؛ ذات‌الریه ۷٤ نفر؛ آنفلوآنزا ٦١/٥ نفر؛ کم خونی ٤۷/۳ نفر؛ بیماریهای ازدیاد فشار خون ۳۲/۱ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٦/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت: سیاهپوست؛ دورگه سیاه و سفید؛ سفیدپوستان پرتغالی‌تبار

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ۸۹/٥٪ ؛ بقیه عمدتاً پروتستان و اقلیتی نیز آنیمیست می‌باشند. (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: پرتغالی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۱): ترینداده ۱۱،۳۸۸ نفر؛ سانتانا ٦،١٩۰ نفر؛ نِوِس ٥،۹۱۹ نفر؛ سانتوآمارو ٥،۸۷۸ نفر

بنادر مهم: سائوتومه و سانتوآنتونیو

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دوبرا (Db) = ۱۰۰ سنتیمو؛ یک دلار= ۲،۳۹۰ دوبرا؛ صد دوبرا= ۳۳٤/۷ ریال

درآمد بودجه (۱۹۹۷): ٥٥،٥۲۸ میلیون دوبرا؛ کمکهای خارجی ٤۳/۷٪ ؛ مالیاتها ۳۸/۲٪ (شامل مالیات بر واردات ۸/٥٪؛ مالیات فروش ۷/٥٪ ؛ مالیات بر صادرات ۳/٤٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۸/۱٪

هزینه بودجه (۱۹۹۷): ۱٤۰،۱۷٤ میلیون دوبرا؛ هزینه سرمایه‌ای ٦۰/۳٪ ؛ هزینه‌های جاری ۳۹/۷٪ (شامل بازپرداخت بدهی‌ها ۱٥/۹٪ ؛ هزینهٔ کادر اداری ۸/٤٪ ؛ انتقالی‌ها ٦/۳٪ ؛ کالا و خدمات ٥٪؛ دفاع ۱/۲٪)

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/٥٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۱/۳٪؛ صنعت ١٦/۷٪ ؛ خدمات ٦۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲۳۳/٤ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۸/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱٥/۹-٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٥۷/٥٪ ؛ ۱۹۹۸: ۳۷/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نارگیل ۲۸،۰۰۰ تن؛ تارو ۲۳،۰٦۰ تن؛ موز ۱۸،۰۰۰ تن؛ سبزیجات ٦،١۰۰ تن؛ کاساوا ٤،۸٤۰ تن؛ کاکائو ٤،۱۹۷ تن؛ میوه ۲،۱۰۰ تن؛ ذرت ۱،٤۸۷ تن؛ یام ۱،۲۰۰ تن؛ قهوه ٥۸ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٥٤٪ ؛ مرتع و چمنزار ۱/۳٪ ؛ جنگل و سایر موارد ٤٤/۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ٤،۷٥۰ رأس؛ گاو ٤،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۲،٥٥۰ رأس؛ خوک ۲،۱۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۹،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳،۳۰٥ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۹۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۱٥ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): عمدتاً شامل برخی بهره برداریها جهت تهیهٔ مصالح ساختمانی

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): (ارزش تولیدات): آبجو ۸۸۰،۰۰۰ دوبرا؛ پوشاک ٦۷۹،۰۰۰ دوبرا؛ الوار چوب ۳٦۹،۰۰۰ دوبرا؛ محصولات نانوایی ۳٥۰،۰۰۰ دوبرا؛ روغن نخل ۲۲۸،۰۰۰ دوبرا؛ صابون ۱۳۳،۰۰۰ دوبرا؛ سرامیک ۸۷،۰۰۰ دوبرا

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۱٥،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱٥،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟) نفت خام: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۲٥،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٤): ٥۱،۷۸۹ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۰/۸٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤ ؛ ۱۹۸۱): ٦۱/۱٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤ ؛ ۱۹۹۱): ۳۲/٤٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹٤): ۲۹٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۳۹/٦٪؛ صنعت ۱٥/۸٪ ؛ خدمات ٤٤/٦٪

نیروی دفاعی: این کشور فاقد نیروی دفاعی است و نیروی پلیس آن از ۹۰۰ نفر تشکیل شده که امور انتظامی و رسیدگی به امور جنایی را انجام می‌دهد. هزینهٔ سرانهٔ نیروی پلیس (۱۹۹۷): ۲ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۱۹/۲ میلیون دلار؛ شامل: کالاهای سرمایه‌ای ۲۹/۲٪؛ غذا و فرآورده‌های کشاورزی ۱۹/۸٪؛ فرآورده‌های نفتی ۱۹/۸٪؛ از پرتغال ۲٦/۳٪؛ فرانسه ۱۷/۹٪؛ آنگولا ٦/۷٪ ؛ بلژیک ٥/۸٪ ؛ ژاپن ۳/۳٪ ؛ آلمان ۱/٦٪ ؛ گابون ۰/۸٪ ؛ ایتالیا ۰/٤٪

صادرات(۱۹۹۷): ٥/۳ میلیون دلار؛ شامل: کاکائو ۸٦/۸٪ ؛ به هلند ٥۰/۹٪ ؛ آلمان ٥/۷٪؛ پرتغال ٥/۷٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیون دلار	-۱۷/۲	-۲۰/٤	-۱۸/٥	-۱۸/۳	-۱٤/۹	-۱۳/۹
درصد کل	٦۲/۱٪	٦٦/۲٪	٦۱/۳٪	٦٤/۲٪	٦۰/۳٪	٥٦/۷٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
شاخص قیمتهای مصرفی	٥۷/٥	۷۲/۹	۱۰۰	۱۳۷/٦	۲۳۱/٤
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۱): ٤ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛هزینه‌ها (۱۹۹٥): غذا ۷۱/۹٪ ؛ مسکن و سوخت ۱۰/۲٪ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ٦/٤٪ ؛ پوشاک و دیگر اقلام ٥/۳٪ ؛ کالای بادوام خانگی ۲/۸٪؛ آموزش و بهداشت ۱/۷٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۲ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۳۲۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٤،۰٤۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱،٥٤۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٤ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۲ فرودگاه

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۳۸،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۷۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۲۳،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (١٦۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳،۱۲۲ خط تلفن (۲۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٦۹	٦۳۸	۲۱،۷٦۰	۳٤/۱
متوسطه	۱۰	٤۱٥	۱۲،۲۸۰	۲۹/٦
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	؟	؟	؟	؟

میزان باسوادی(۱۹۸۱): افراد بالای ۱٥ سال: ٥٤/۲٪ ؛ مردان: ۷۰/۲٪ ؛ زنان: ۳۹/۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸۱): ابتدایی ۳۷/۲٪ ؛ متوسطه ٥/۹٪ ؛ بعد از متوسطه ۰/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ٦۱ نفر (هر ۲،۱٤۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۳): ٦٤۰ تخت (هر ۱٥۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۱/٥ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۲۰۱ کالری (۹٤٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤٤ گرم؛ مصرف چربی: ۷٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۱ میلیون تن؛ هرنفر ۰/٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٥٤۷ (صد و سی و دومین کشور جهان)



نام رسمی: جمهوری ساحل عاج

نام محلی: کوت دیووآر Côte d'Ivoire

اسامی دیگر: -

پایتخت: یاموسوکرو (۱۱۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۸/۷، از فرانسه

روز ملی: هفتم ماه اوت، سالروز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: لوران گباگبو، از سال ۲۰۰۰

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آفی نگوئسان، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۲۰۰۰؛ مجلس ملی با ۲۲۵ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۰): جبههٔ مردمی ساحل عاج ۹۶ کرسی؛ حزب دموکراتیک ساحل عاج ۹۴ کرسی؛ تجمع جمهوری‌خواهان ۵ کرسی؛ حزب کارگر ساحل عاج ٤ کرسی؛ منفردین ۲۲ کرسی؛ بقیه ٤ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، فز، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۳۲۲،٤۶۳ کیلومترمربع (شصت و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۱٤،۸۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصت و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٤۵/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵):** ٪۱/۸

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۳/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪٤۵/۳؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪٤/۷

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪٤۶/۶؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۷/۶، ۵۹-۳۰ سال ٪۲۲/۲، بالای ۶۰ سال ٪۳/۶

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٪۵۰/۹٤؛ زن ٪٤۹/۰۶ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۷/۷ سال؛ مردان ٤٤/۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۱/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۶/۲ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۹٤/۲ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۵/۶ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی از دلایل مرگ و میر وجود ندارد، اما در خلال دههٔ ۱۹۹۰، بیشترین شیوع بیماری و دلایل مرگ و میر، مربوط به بیماری ایدز بوده است.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۶۰۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۸): قبایل سیاهپوست اکان ٪٤۱/۸؛ ولتایی ٪۱۶/۳؛ مالینکه ٪۱۵/۹؛ کرو ٪۱٤/۶؛ مانده جنوبی ٪۱۰/۷

دین(۱۹۹۳): مسلمان ٪٤۳؛ مسیحی (عمدتاً کاتولیک) ٪۲۳؛ باورهای قبیله‌ای ٪۱٤

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۵): آبی‌جان ۲،۵۰۰،۰۰۰ نفر؛ بوآکه ۳۳۰،۰۰۰ نفر؛ دالوئا ۱۲۳،۰۰۰ نفر ؛ کورهوگو (۱۹۹۰) ۱۰۹،٤٤۵ نفر

بنادر مهم: آبی جان، دابو و سان‌پدرو (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ (CFAF) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۷۵٤/۲۸ فرانک سی‌اف‌آ؛ یک فرانک = ۱۰/۶ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۱،۳۷۲/۱ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ درآمد مالیاتی ٪۸۱/۱ (شامل عوارض و مالیات گمرکی ٪۲۲/۷؛ مالیات صادرات ٪۱۲/۶؛ مالیات بر سود ٪۱۰/۷؛ مالیات بر درآمد ٪۷/۱)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۱۵/۷؛ کمک‌های خارجی ٪۳/۲

هزینه بودجه (۱۹۹۷): ۱،۱۹۱/۳ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ دستمزدها و حقوق ٪۳٤/۳؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۳۱/۳؛ بازپرداخت بدهی‌ها ٪۲۵/۵؛ سایر موارد ٪۸/۹

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۰،۱۹۰ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۷۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۱/۳؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪٤/۱

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۲۶؛ صنعت ٪۲۲/۷؛ خدمات ٪۵۱/۳

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱- میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۵۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۰،۸۰۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۷۹۸/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲٤/۵

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۸/۷؛ ۱۹۹۸: ٪۳

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): یام ۲،۹۲۳،۱۷۵ تن؛ کاساوا ۱،۶۷۲،۵۹۹؛ موز سبز ۱،٤۰۵،٤٤۱؛ نیشکر ۱،۱۵۵،۰۰۰؛ شلتوک برنج ۱،۱۶۱،۵۱۸؛ دانهٔ کاکائو ۱،۱۵۳،۰۰۰؛ ذرت ۵۷۱،۰۱۸؛ قهوه ۳۶۵،۰۰۰؛ دانهٔ پنبه ۲۷۰،۰۰۰؛ روغن نخل ۲۵۰،۲۰۰؛ موز ۲٤۱،۰۱۷؛ نارگیل ۱۹۳،۰۰۰؛ کائوچو ۱۱۸،۸۶۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ٪۱۳؛ مرتع و چمنزار ٪۹؛ جنگل ٪۲۶؛ سایر موارد ٪۵۲

تعداددام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱،۳۷۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱،۳۳۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۰۷۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲۷۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۳،۲۸۳،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۶۷،۶۱۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۹،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۶،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): طلا ٤،۰۰۰ کیلوگرم؛ الماس ۸٤،۳۰۰ قیراط

تولیدات صنعتی(۱۹۹۳): (ارزش افزوده به میلیارد فرانک سی‌اف‌آ): فرآورده‌های گوشتی ۷۱۷؛ مواد شیمیایی ۳۵۷؛ کاکائو و شکلات ۲۷۵؛ محصولات چرمی ۲۷۵؛ مصنوعات فلزی ۱۹۱

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۶): ۳،۲۲۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲،۳۰۹،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ۹،۲۵۸،۰۰۰ بشکه (۳۱،٤٤۶،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۲،۱۹۲،۰۰۰ تن (۲،۱۶۱،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۵،۶۸٤،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳۷/۷؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۰ سال به بالا ؛۱۹۹٤): ٪۶٤/۳؛ زنان (۱۰ سال به بالا): ٪۳۳/۸ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹٤): ٪۱۵

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۵۱/۱؛ صنعت ٪۱۱/۵؛ خدمات ٪۳۷/٤

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۶ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۸،٤۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۸۱؛ نیروی دریایی ٪۱۰/۷؛ نیروی هوایی ٪۸/۳؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۷ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۱،۶۰۲ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل: غذا و فرآورده‌های غذایی ٪۱۹/٤؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۱۸/۶؛ نفت خام و تصفیه شده ٪۱۸/۵؛ پلاستیک ٪٤/۶؛ محصولات آهنی و فولادی ٪٤/٤؛ از کشورهای (۱۹۹۵): فرانسه ٪۳۲؛ نیجریه ٪۱۹/۶؛ امریکا ٪۵/۹؛ غنا ٪٤؛ آلمان ٪۳/۹؛ ایتالیا ٪۳/۸

صادرات(۱۹۹۷): ۲،۳۷۹ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل: دانه و فرآورده‌های کاکائو ٪۳۳/۵؛ فرآورده‌های نفتی ٪۱۶/۸؛ قهوه و فرآورده‌های آن ٪۷/۳؛ چوب و فرآورده‌های چوبی ٪۷؛ محصولات شیلات ٪۵/۳؛ پنبه و لباسهای پنبه‌ای ٪۳؛ به فرانسه ٪۱۷/۳؛ هلند ٪۱۳/۲؛ امریکا ٪۷/۵؛ ایتالیا ٪۵/۳؛ مالی ٪٤/۹؛ آلمان ٪٤/۸

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیارد فرانک	+۷۰۰	+۶۸۱	+۷۷۷	+۷۷۷	+۸۱۰	+۸۳۰
درصد کل	٪۲۸/۲	٪۲۱/۷	٪۲۱/۶	٪۱۹/۵	٪۱۹/۹	٪۱۹/۲

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۶۹/٤	۸۷/۵	۱۰۰	۱۰۲/۵	۱۰۸/۲	۱۱۳/۳
حداقل شاخص درآمد	۹۰/۹	۹۰/۹	۱۰۰	۱۰۲/۷	۱۰۸/۳	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ۸ نفر؛ هزینه‌ها (۹۳-۱۹۹۲): غذا ٪٤۸؛ حمل و نقل ٪۱۲/۲؛ پوشاک ٪۱۰/۱؛ سوخت و آب ٪۸/۵؛ مسکن ٪۷/۸؛ تجهیزات خانگی ٪۳/٤

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد ۸۸ میلیون دلار؛ هزینه: ۲۸۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۵۰،٤۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۶۳۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۲۹۳،۰۰۰ دستگاه — **تعدادکامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۱۶۳،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۵۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۵ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹۶): ۱۲ روزنامه در ۲۳۱،۰۰۰ نسخه (۱۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲،۲۶۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۶۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۷۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۷۰،۰۰۰ خط تلفن (۱۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۹۱،۰۰۰ خط (۶/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۶۵،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۷،٤۰۱	٤۰،۵۲۹	۱،۶۶۲،۲۸۵	٤۱
متوسطه	۱٤۷	۱۵،۹۵۹	٤۸۹،۷٤۰	۳۰/۷
فنی و حرفه‌ای	؟	۱،٤۲٤	۱۱،۰۳۷	۷/۸
عالی	؟	۱،۶۵۷	٤۳،۱٤۷	۲۶

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪٤۰/۱؛ مردان: ٪٤۹/۹؛ زنان: ٪۳۰

میزان تحصیلات افراد بالای ۶ سال(۱۹۸۸): ابتدایی ٪۲٤/۸؛ متوسطه ٪۱۰/۷؛ عالی ٪۰/۹

تعداد پزشک(۱۹۹۶): ۱،۳۱۸ نفر (هر ۱۱،۱۱۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): ۷،۹۲۸ تخت (هر ۱،۶۹۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۷۰۰،۰۰۰ نفر (٪۱۰/۰۶ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۹۶/۵ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۶۹۵ کالری (٪۱۱۷ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۰ گرم؛ مصرف چربی: ۵۵ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۷/۷؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۰/۶

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۵ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۱۳/۱ میلیون تن، هر نفر ۰/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۲۰ (صد و پنجاه و چهارمین کشور جهان)

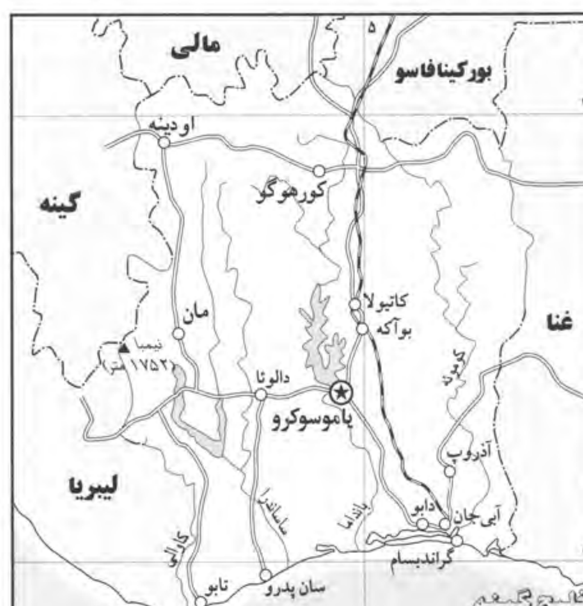
ساحل عاج (کوت دیووآر) COTE D'IVOIRE

کشوری است در غرب افریقا و ساحل شمالی خلیج گینه (اقیانوس اطلس) که از شمال به کشورهای مالی و بورکینافاسو، از خاور به کشور غنا، از جنوب به خلیج گینه و از غرب به کشورهای لیبریا و گینه محدود است. این سرزمین را از نظر جغرافیایی می‌توان به دو منطقهٔ جنوبی و شمالی تقسیم کرد:

الف - منطقهٔ جنوبی که تقریباً هموار و مسطح است و از جنگلهای انبوه بارانی پوشیده شده و کشتزارهای وسیع قهوه و کاکائو و موز که غالباً با سرمایه‌گذاریهای خارجی احداث گردیده‌اند، از ویژگی آن است و اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است.

ب - منطقهٔ شمالی که کمابیش کوهستانی است و دشتهای گرانیتی و علفزارهای وسیع در گوشه و کنار آن به چشم می‌خورد. بلندترین نقطهٔ کشور به نام کوه نیمبا به ارتفاع ۱۷۵۲ متر در همین منطقه جای دارد و ذرت و بادام زمینی و ارزن از فرآورده‌های کشاورزی آن است.

الماس، منگنز، آهن، نیکل و نفت و طلا از عمده‌ترین منابع زیرزمینی این کشور محسوب می‌گردند و رودخانه‌های کوموئه، باندام، ساساندرا و کاوالی همراه با سدهایی که برروی آنها بسته شده، این سرزمین را مشروب می‌سازند.



تاریخچه

از تاریخ این کشور تا پیش از ورود اروپاییان به این سرزمین در سدهٔ پانزدهم میلادی، اطلاعات دقیق و موثقی در دست نیست. اروپاییانی که به شکار فیل و تجارت عاج اشتغال داشتند نام ساحل عاج (آیوری کوست) یا به زبان فرانسه کوت‌دیووآر را بر آن نهادند. مطابق برخی روایت‌ها در سال ۱۷۳۰ ملکه آئورا پوکا (خواهر پادشاه شکست خورده سلسلهٔ آشانتی در غنا) با مردم خویش به سمت غرب غنا یعنی ساحل عاج امروزی مهاجرت کرد. آنان دولت جدیدی در نواحی مرکزی ساحل عاج تأسیس کردند و با گسترش روزافزون موجبات تهدید دولت‌های کوچک محلی، از جمله آیگینی و آتوکپورا را فراهم نمودند. در سال ۱۸۴۳ دولت شهرهای مزبور از فرانسه خواستار حمایت و پایان دادن به اختلاف‌ها شدند و دراواخر سدهٔ نوزدهم فرانسویها به قصد ادغام ساحل عاج و گینه و مالی و سنگال در آنجا نیرو پیاده کردند و آنجا را به تصرف درآوردند و به افریقای غربی فرانسه موسوم ساختند.

در سال ۱۹۴۶ حزب اتحاد دموکراتیک افریقا تأسیس شد که شاخه‌هایی از آن نیز در سنگال، مالی و گینه پایه‌گذاری گردید. این حزب به طور تاکتیکی با حزب کمونیست فرانسه که تنها حزب ضد استعمار فرانسه محسوب می‌شد، متحد شد و اعتراضات و اعتصابات گوناگونی را سازمان داد. طی سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ کلیهٔ سرزمینهای افریقای غربی فرانسه از جمله ساحل عاج به استقلال دست یافتند و به عضویت سازمان ملل متحد درآمدند و حکومت جمهوری را برای خود برگزیدند. فلیکس بوآنی رهبر اتحاد دموکراتیک افریقایی در سال ۱۹۶۰، پس از استقلال به ریاست جمهوری ساحل عاج انتخاب شد.

در انتخابات اکتبر ۱۹۸۵ فلیکس بوآنی برای ششمین بار به ریاست جمهوری برگزیده شد. در ۱۹۹۰ سیستم چند حزبی برای کشور انتخاب گردید و فلیکس بوآنی مجدداً به ریاست جمهوری رسید. مرگ بوآنی در دسامبر ۱۹۹۳ منجر به جانشینی او به وسیله هانری کونان بدیه گردید و انتخابات اکتبر ۱۹۹۵ که با تحریم احزاب مخالف مواجه شد، مقام وی را مجدداً تأیید کرد و دانیل کابلان به نخست‌وزیری منصوب شد.

در دسامبر سال ۱۹۹۹، کودتایی به رهبری ژنرال روبرت گوی برپا شد و بدیه از کار برکنار گردید. در سال ۲۰۰۰ شورای نظامی حاکم قانون اساسی جدیدی را به رفراندوم گذاشت و در انتخابات ریاست جمهوری همان سال، لوران گباگبو، از جبههٔ مردمی ساحل عاج به پیروزی رسید. با اعلام نتایج انتخابات مجلس ملی، آفی نگوئسان در ماه اکتبر همان سال دولت ائتلافی خود را با شرکت جبههٔ مردمی ساحل عاج و حزب دموکراتیک ساحل عاج تشکیل داد.

در ژانویه ۲۰۰۱، تعدادی از سربازان ناراضی با اشغال رادیو تلویزیون پایتخت را اشغال کرده و دست به کودتا زدند که با مقابلهٔ نظامیان وفادار به دولت مواجه و سرکوب شدند. در این سال چندین باند قاچاق کودکان از کشورهای بنین، بورکینافاسو و گابون برای کار در مزارع کاکائو کشف و دستگیر شدند. طبق تخمین‌های دولت حدود ۱۵،۰۰۰ کودک برای کار در این مزارع به بردگی کشیده شده‌اند و علت اصلی آن پایین بودن قیمت جهانی کاکائو اعلام شده، که برای پایین آوردن قیمت تمام شده، کشاورزان مجبورند به طور غیر قانونی از این کودکان استفاده کنند. در حال حاضر حدود ۴۰٪ جمعیت کشور را خارجیان و مهاجران تشکیل می‌دهند و همین امر سبب شده است که ساحل عاج که تا چندی پیش یکی از با ثبات‌ترین کشورهای افریقایی به شمار می‌رفت، با مشکلات متعددی مواجه شود. اقتصاد این کشور بستگی زیادی به تولید و صدور، و قیمت جهانی کاکائو دارد و یکی از بزرگترین تولیدکنندگان کاکائوی دنیا محسوب می‌شود.

در طی نیمه دوم سال ۲۰۰۲ شورشهای متعددی از سوی نیروهای ارتشی و برخی گروههای سیاسی مسلح روی داد که طی آنها حدود نیمی از کشور به تصرف شورشیان درآمد و مذاکراتی با میانجیگری دولت فرانسه برای خاتمه این شورش در پاریس برگزار گردید.

ساموآ SAMOA

کشور ساموآ در نیمکرهٔ جنوبی، در آبهای غربی اقیانوس آرام، شمال جزایر تونگا و غرب ساموآی امریکا و شمال خاوری استرالیا جای دارد. کشور ساموآ مرکب است از جزیره‌های ساوایی (۱۶۹۰ کیلومترمربع)، اوپولو (۱،۱۰۰ کیلومترمربع)، مانونو و آپولینا و جزئی از جزایر پولینزی محسوب می‌شود. جزایر مزبور کوهستانی هستند و منشأ آتشفشانی دارند و بلندترین نقطهٔ آن بنام کوه سیلی سیلی ۱۸۵۷ متر ارتفاع دارد. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و بادهای اقیانوسی به اعتدال دمای آن کمک می‌کنند.





نام رسمی: کشور مستقل ساموآ

نام محلی: ساموآ Samoa

اسامی دیگر: جزایر ملاحان (نام قدیمی)؛ ساموآی غربی (نام سابق)

پایتخت: آپیا (۳۸،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۲/۱/۱ ، از زلاند نو

روز ملی: اول ماه ژوئن، روز قانون اساسی

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۲

رئیس حکومت: پادشاه: مالیتوا تانوما فیلی دوم، از سال ۱۹۶۲

رئیس دولت: نخست‌وزیر: توئیلائپا سایلله مالیه‌لگوئی (حزب محافظ حقوق بشر)، از سال ۱۹۹۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۶۲؛ طبق قانون اساسی پس از فوت پادشاه، رؤسای کشور توسط مجلس قانونگذاری (فونو) برای مدت ۵ سال انتخاب خواهند شد؛ مجلس قانونگذاری با ۴۹ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس قانونگذاری (۲۰۰۱): حزب محافظ حقوق بشر۲۳ کرسی، حزب توسعهٔ ملی ۱۳ کرسی، منفردین ۱۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۷۶)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، ومو، سازمان تجارت جهانی (عضو ناظر)؛ سپک، آکپ، آدب، آاوسیس، جامعهٔ اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲،۸۳۱ کیلومترمربع (صد و شصت و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۸۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هفتاد و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۶۳/۶ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۷۱،۰۰۰ نفر **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۱/۳٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۴٪

توزیع سنی(۱۹۹۱): زیر ۱۵ سال ۴۰/۶٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۹/۹٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۳/۴٪؛ بالای ۶۰ سال ۶/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۱): مرد ۵۲/۴۵٪؛ زن ۴۷/۵۵٪ **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۴ سال، مردان ۷۰ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۸/۱ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۴/۹ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲۲ نفر **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۳/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد مورد (۱۹۹۲) : نارساییهای قلبی ۱۴ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۱ نفر؛ بیماریهای عروق مغزی۸نفر؛ صدمه و مسمومیت ۸ نفر؛ ذات‌الریه ۶ نفر؛ عفونت خونی ۶ نفر؛ دیابت ۴ نفر؛ بیماریهای واگیردار ۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۴ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۳ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۲): ۵ مورد **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۸۹):** ۰/۲ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): ساموآیی (پولینزیایی) ۹۲/۶٪؛ اورنزیایی (دورگه اروپایی و پولینزیایی)۷٪ ؛ اروپایی ۰/۴٪

دین(۱۹۹۵): پروتستان ۷۴/۵٪ (از جمله مورمون‌ها ۲۵/۸٪)، کاتولیک ۲۱/۳٪ ؛ بقیه ۴/۲٪

زبان و خط: ساموآیی و انگلیسی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم: آسائو

بنادر مهم: آپیا و آسائو(دراقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: تالا(SA$) = ۱۰۰ سنه؛ یک دلار=۳/۴۶ تالا؛ یک تالا = ۲،۳۱۲ ریال

درآمد بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۲۷۶/۹ میلیون تالا؛ درآمد مالیاتی ۵۶/۱٪ ؛ کمک‌های خارجی ۳۰/۷٪ ؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۳/۲٪

هزینه بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۲۷۹/۴ میلیون تالا؛ هزینه‌های جاری ۶۱/۹٪ ؛ هزینه‌های عمرانی ۳۲/۳٪ ؛ بازپرداخت وام‌ها ۵/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۸۱ میلیون دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۰۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی: ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سا لانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۵۴ میلیون دلار **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۶/۴+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰):۴/۳٪ ؛ ۱۹۹۸: ۴٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نارگیل ۱۳۰،۰۰۰ تن؛ تارو ۳۶،۹۰۰ تن؛ موز ۱۰،۰۰۰ تن؛ پاپایا ۱۰،۰۰۰ تن؛ آناناس ۵،۷۰۰ تن؛ انبه ۴،۹۰۰ تن؛ آووکادو ۱،۷۰۰ تن؛ دانهٔ کاکائو ۴۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۴): کشاورزی ۴۳/۱٪؛ مرتع و چمنزار ۰/۴٪؛ جنگل ۴۷/۳٪ ؛ سایر موارد ۹/۲٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۱۷۸،۸۰۰ رأس؛ گاو ۲۶،۰۰۰ رأس؛ اسب ۳،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۳۱،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۴،۵۹۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۵۰،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۰۰ تن

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات‌صنعتی(۱۹۹۰): آبجو ۸،۷۰۸،۰۰۰ تالا؛ سیگار ۶،۵۵۱،۰۰۰ تالا؛ کرم نارگیل ۵،۵۷۶،۰۰۰ تالا؛ الوار چوب ۳،۶۶۲،۰۰۰ تالا؛ روغن نارگیل ۳،۴۴۲،۰۰۰ تالا؛ گوشت نمک سود ۲،۹۰۵،۰۰۰ تالا؛ صابون ۱،۴۸۷،۰۰۰ تالا؛ رنگ ۱،۴۵۷،۰۰۰ تالا

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۶): ۶۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۶۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت خام: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۴۳،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۴): ۴۷،۲۰۷ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲۸/۷٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴ ؛ ۱۹۸۱): ۴۸/۶٪ ؛ زنان (۱۹۹۱): ۳۲٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۶۳/۶٪؛ صنعت ۵/۵٪ ؛ خدمات ۳۰/۹٪

نیروی دفاعی: کشور ساموآ فاقد هرگونه نیروی دفاعی است و بر اساس پیمان دوستی سال ۱۹۶۲، امور دفاعی آن به عهدهٔ کشور زلاند نو می‌باشد.

واردات(۱۹۹۷): ۲۴۷،۳۷۷،۰۰۰ تالا؛ شامل(۱۹۹۶): مواد غذایی ۳۳/۹٪؛ کالاهای مورد نیاز صنایع ۲۶/۴٪؛ ماشین‌آلات ۱۶/۹٪؛ کالای مصرفی ۱۱٪؛ فرآورده‌های نفتی ۱۱/۸٪؛ از زلاند نو ۳۷/۹٪ ؛ استرالیا ۲۰/۷٪ ؛ امریکا ۱۵/۶٪ ؛فیجی ۱۵٪؛ ژاپن ۴/۵٪؛ هنگ کنگ ۰/۹٪؛ سنگاپور ۰/۵٪

صادرات(۱۹۹۷): ۳۸،۵۳۱،۰۰۰ تالا؛ شامل: ماهی تازه ۳۳٪؛ کوپرا ۲۱/۱٪؛ روغن نارگیل ۱۸/۱٪ ؛ کرم نارگیل ۱۲/۸٪؛ آبجو۴/۳٪؛ کاوا ۴٪ ؛ آرد نارگیل ۱/۵٪ ؛ به زلاند نو ۴۸/۱٪ ؛ ساموآی امریکا ۱۵/۳٪ ؛ استرالیا ۹/۲٪؛ امریکا ۳/۳٪ ؛ آلمان ۲/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
هزار تالا	۱۹۷،۲۲۶-	۲۱۳،۴۹۴-	۲۲۲،۲۵۸-	۲۰۸،۸۴۶-	۲۴۲،۴۰۹-	۲۸۵،۰۷۰-
درصد کل	۹۱/۵٪	۸۳٪	۸۱/۷٪	۷۳٪	۷۳/۷٪	۶۹/۸٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۰/۳	۹۱/۹	۱۰۳	۱۰۰	۱۰۵/۴	۱۱۲/۶	۱۱۵/۱
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۸۱): ۵/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۷۲): ۱،۵۱۸ تالا؛ منابع درآمد (۱۹۷۲): دستمزد ۴۹/۴٪؛ کار آزاد ۲۲/۸٪ ؛ حواله، هدیه و دیگر کمک‌ها ۱۸٪؛ اجاره زمین ۸/۷٪ ؛ سایر موارد ۱/۱٪؛ هزینه‌ها (۱۹۸۷): غذا ۵۸/۸٪ ؛ حمل و نقل ۹٪؛ مسکن و لوازم منزل ۵/۱٪؛ سوخت و روشنایی ۵٪؛ پوشاک ۴/۲٪ ؛ دیگر کالاها و خدمات۱/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۳۸ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۴ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۷۹۰ کیلومتر **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۱،۰۶۸ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۱،۱۶۹ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۷): ۷ فروند **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۳ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱۷۸،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱،۰۳۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱۱،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۶۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۸،۵۰۰ خط تلفن (۴۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳،۰۰۰ خط (۱۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۹۰۰ دستگاه **اینترنت(۱۹۹۸):** ۴۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۱۵۵	۱،۴۷۹	۳۵،۳۷۸	۲۳/۹
متوسطه	۳۸	۶۶۵	۱۲،۶۷۲	۱۹/۱
فنی و حرفه‌ای	۴	۳۷	۲۲۸	۶/۲
عالی	۶	۲۵	۲۷۱	۱۰/۸

میزان باسوادی(۱۹۸۱): افراد بالای ۱۵ سال : ۱۰۰٪ ؛ مردان: ۱۰۰٪ ؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۱): ابتدایی ۴۱٪؛ متوسطه ۵۵/۲٪ ؛ عالی ۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹۶): ۶۲ نفر (هر ۲،۹۱۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۱): ۸۶۳ تخت (هر ۲۵۵ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۲): ۲،۸۲۸ کالری (۱۲۴٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ۷۴٪؛ مصرف مواد گوشتی و لبنی ۲۶٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۱٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۶ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۱۱ (نود و پنجمین کشور جهان)

تاریخچه

مجمع‌الجزایر ساموآ در حدود هزار سال پیش از میلاد مسکون گردید. هلندی‌ها در سال ۱۷۲۲ به عنوان نخستین اروپایی از جزایر مزبور دیدن کردند و آلمانی‌ها در سال ۱۸۵۵ آن را به تصرف خود درآوردند. در سال ۱۸۸۹ بخش خاوری جزایر ساموآ که در خاور نصف‌النهار ۱۷۱ درجه غربی جای دارد به امریکا واگذار شد و نیمهٔ غربی آن همچنان در اختیار آلمان باقی ماند. با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴، زلاندنو بخش غربی ساموآ را که به آلمان تعلق داشت تصرف نمود و جامعهٔ ملل در سال ۱۹۲۰ آن را تحت سرپرستی زلاندنو قرار داد. بیماری آنفلوآنزای سال ۱۹۲۰ حدود ۲۵ درصد جمعیت این کشور را به هلاکت رسانید و همزمان نهضت استقلال‌طلبی ساموآیی‌ها تحت عنوان جنبش مائو شکل گرفت و مبارزات آزادی‌خواهی آغاز گردید و در سال ۱۹۶۲ با پشتیبانی سازمان ملل متحد و مراجعه به همه‌پرسی، به استقلال دست یافت و قانون اساسی آن در همان سال به تصویب رسید که طبق آن رعایت سنت‌های اجتماعی اصل قرار گرفت و تنها افراد قبیله ماتائی از حق رأی برخوردار شدند و توپوآتامسس به مقام سلطنت نائل گردید. وی کوتاه زمانی بعد درگذشت و مالیتوا تانومافیلی دوم به جای او به سلطنت نشست.

در انتخابات ۱۹۷۶ توپولاتائیس به نخست‌وزیری برگزیده شد وی در فوریهٔ ۱۹۸۲ جای خود را به وئال کولونه واگذار کرد و انتخابات آوریل ۱۹۸۸ توفیلائواتی السانا را در رأس دولت قرار داد. در سال ۱۹۹۱ قانون اساسی کشور مورد تجدید نظر قرار گرفت و دوره‌های مجلس قانونگذاری از سه سال به پنج سال افزایش یافت و تعداد نمایندگان از ۴۷ نفر به ۴۹ نفر رسید. در انتخابات سال ۱۹۹۶ توفیلائو اتی السانا حمایت اکثر هواداران خود را از دست داد. اما موقعیت خود را در دولت ساموآ همچنان حفظ نمود.

آتش‌سوزی بزرگ سال ۱۹۹۸، حدود یک سوم جنگل‌های این کشور را از میان برد. در همان سال توفیلائو اتی، به علت ابتلاء به سرطان، از نخست‌وزیری استعفاء نمود و توئیلائپا مالیه‌لگوئی جانشین وی شد. در سال ۲۰۰۰ دو تن از وزیران کابینه به اتهام قتل یک وزیر دیگر دستگیر و به حبس ابد محکوم شدند. در انتخابات سال ۲۰۰۱، حزب محافظ حقوق بشر به رهبری مالیه لگوئی به پیروزی رسید و با کمک نمایندگان منفرد یک دولت ائتلافی تشکیل داد.

این کشور تا حد زیادی به کمک‌های ژاپن متکی است و در چند سال اخیر صنعت جهانگردی آن رشد زیادی داشته است. بخشی از درآمدهای ارزی ساموآ از طریق اعزام نیروی کار به سایر کشورها تأمین می‌شود.

سان مارینو SAN MARINO

جمهوری سان مارینو کشور کوچکی است در اروپای جنوبی و در درون‌بوم کشور ایتالیا بین استانهای رومانا و مارکا. این کشور که کوچکترین جمهوری جهان محسوب می‌شود، سرزمینی است کوهستانی که بخشی از کوههای آپنینو خاوری با ارتفاع حداکثر ۷۳۹ متر (قلهٔ تیتانو)، آن را زیر پوشش قرار داده است. انگور و زیتون از فرآورده‌های عمدهٔ کشاورزی آن است و گله‌داری و پرورش گوسفند از جمله مشاغل مردم آن محسوب می‌گردد. جهانگردی عمده‌ترین منبع درآمد کشور سان مارینو را تشکیل می‌دهد. اقلیم آن معتدل کوهستانی و نسبتاً پر باران است و از طریق بندر ایتالیایی ریمینی به دریای آدریاتیک راه دارد.

تاریخچه

کشور سان‌مارینو در آغاز سدهٔ هفدهم میلادی تأسیس گردید و در سال ۱۶۰۰ اولین قانون اساسی آن به تصویب رسید. در سال ۱۷۳۹ دارای حکومت جمهوری شد و بدین لحاظ قدیمی‌ترین کشور جهان است. در سال ۱۸۶۲ با ایتالیا پیمان دوستی و همکاری منعقد نمود که در سال



۱۹۳۹ تجدید گردید و در سال ۱۹۷۱ مورد تجدید نظر قرار گرفت. طی سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۴ در تصرف ارتش آلمان نازی بود.

از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۷، ادارهٔ کشور در اختیار ائتلافی چپگرا از دو حزب کمونیست و سوسیالیست بود. در پی روی گردانی از حزب کمونیست و طی یک انقلاب بدون خونریزی، احزاب سوسیال دموکرات و دموکرات مسیحی قدرت را به دست گرفتند و این ائتلاف تا سال ۱۹۷۳ ادامه داشت. در این سال دولت جدیدی از ائتلاف حزب دموکرات مسیحی و سوسیالیست تشکیل شد. پس از انتخابات ماه مه ۱۹۷۸، دولت جدیدی به رهبری حزب کمونیست و با عضویت حزب سوسیالیست و حزب سوسیالیست متحد به قدرت رسید. این تنها دولت اروپای غربی بود که در آن حزب کمونیست قدرت را به دست داشت. بحران ۶ هفته‌ای سال ۱۹۸۶ که به دنبال افشای رسوایی‌های مالی در میان چند تن از سوسیالیست‌ها به وجود آمد، در نهایت منجر به تشکیل ائتلاف جدیدی از احزاب دموکرات مسیحی و کمونیست شد که در نوع خود تا آن هنگام بی‌نظیر بود. در سال ۱۹۹۰، به دنبال تغییرات گسترده در احزاب کمونیست جهان، حزب کمونیست این کشور نیز به حزب ترقی‌خواه دموکراتیک تغییر نام داد، اما دولت ائتلافی تا سال ۱۹۹۲ ادامه یافت.

در سال ۱۹۹۲، سان مارینو به عضویت سازمان ملل درآمد و قبل از آن نیز در سال ۱۹۸۸ به عضویت شورای اروپا درآمده بود. پس از انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۲، دولت ائتلافی جدیدی متشکل از احزاب دموکرات مسیحی و سوسیالیست بر سر کار آمد. در این انتخابات ۳ حزب جدید اتحاد مردمی برای دموکراسی، جنبش دموکراتیک و حزب بازسازی کمونیستی نیز کرسی‌هایی را در شورای بزرگ و عمومی به دست آوردند. دولت ائتلافی فوق در انتخابات سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱ نیز پیروزی‌های خود را تجدید کرده است. در سال ۲۰۰۱ مخالفت‌های گسترده‌ای از سوی احزاب مخالف برای جلوگیری از خصوصی‌سازی شرکت تسهیلات عمومی که تأمین گاز، برق و آب آشامیدنی را به عهده دارد، صورت گرفت. در پی حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، دولت سان‌مارینو در جهت جلوگیری از حملات احتمالی تروریستی، اقداماتی را آغاز کرد و منجمله یک تیم ویژه برای محافظت از سیستم پستی خود ایجاد نمود.



نام رسمی: جمهوری سان‌مارینو

نام محلی: سان‌مارینو San Marino

اسامی دیگر: -

پایتخت: سان‌مارینو (۴،۴۰۱ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: سوم سپتامبر

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۶۰۰

رئیس حکومت: دو کنسول منتخب شورای بزرگ و عمومی به مدت ۶ ماه

رئیس دولت: شورای دولتی با ۱۰ عضو اداره امور کشور را به عهده دارد.

قوه مقننه: قانون اساسی ۱۶۰۰ با تغییرات گوناگون؛ شورای بزرگ و عمومی با ۶۰ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های شورا (۲۰۰۱): حزب دموکرات مسیحی ۲۵ کرسی؛ حزب سوسیالیست ۱۵ کرسی؛ حزب ترقی‌خواه دموکراتیک ۱۲ کرسی؛ اتحاد مردمی برای دموکراسی ۵ کرسی؛ بازسازی کمونیستی ۲ کرسی؛ بقیه ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایکائو، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، شورای اروپا، اوسه

جمعیت

مساحت: ۶۱ کیلومترمربع (صد و نود و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۲۶،۸۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و نود و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۴۳۹/۳ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت: ؟ **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** قابل حصول نیست

جمعیت شهری (۱۹۹۹): ۹۶/۲٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵):؟

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ۱۵/۷٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۱۸/۸٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۴۴/۳٪ ؛ بالای ۶۰ سال ۲۱/۲٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ۴۸/۳۴٪، زن ۵۱/۶۶٪ **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ۸۵ سال، مردان ۷۷/۶ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۱۰/۹ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۷/۶ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۶/۳ نفر **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۳/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۹۸-۱۹۹۴): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۳۸/۳ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۲۴/۵ نفر؛ حوادث، درگیری و خودکشی ۶۰/۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۹/۵ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ۱/۳ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۶): ۸/۱ مورد **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۵):** ۱ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): سان‌مارینویی ۸۳/۱٪ ؛ ایتالیایی ۱۲٪ ؛ بقیه ۴/۸٪

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ۸۹/۲٪ ؛ شاهدان یهوه ۱/۲٪؛ بقیه ۹/۶٪

زبان و خط: ایتالیایی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): سراواله ۴،۸۰۲ نفر؛ بورگوماجوره ۲،۳۹۴ نفر؛ موراتا ۱،۵۴۹ نفر؛ دومانیانو ۱،۰۴۸ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) = ۱،۹۳۶/۲۷ لیرهٔ ایتالیا (منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱۴ یورو؛ یک یورو = ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۵): ۳۷۴/۹ میلیارد لیرهٔ ایتالیا؛ مالیات غیر مستقیم ۴۴/۹٪؛ مالیات مستقیم ۲۸/۹٪؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۱۷/۸٪

هزینه بودجه(۱۹۹۵): ۳۷۷/۳ میلیارد لیره؛ هزینه‌های جاری ۴۶/۸٪ (شامل تأمین اجتماعی ۳۹/۹٪ ؛ دستمزدها و حقوق ۳۰/۸٪) ؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۶/۷٪ ؛ دیگر موارد ۴۶/۵٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۴): ۴۰۸ میلیون دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۴):** ۱۶،۹۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی: ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی: ؟ **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی : آمار دقیقی در زمینهٔ تولیدات کشاورزی وجود ندارد. برخی تولیدات آن طبق تخمین‌های اوایل دههٔ ۱۹۸۰ عبارتند از: گندم ۴،۴۰۰ تن؛ انگور ۷۰۰ تن؛ جو ۵۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۸۵) : کشاورزی ۷۴٪ ؛ مرتع و چمنزار ۲۲٪ ؛ جنگل و سایر موارد ۴٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گاو ۸۳۱ رأس؛ خوک ۷۴۸ رأس

تولید چوب: ؟ **صید ماهی:** ؟

تولید مرغ: ؟ **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): فرآورده‌های گوشتی ۳۲۴،۰۷۳ کیلوگرم (شامل گوشت گاو ۲۲۶،۵۷۰ کیلوگرم، گوشت خوک ۸۷،۷۶۴ کیلوگرم و گوشت گوساله ۷،۸۰۳ کیلوگرم)؛ پنیر ۶۱،۵۶۳ کیلوگرم؛ کره ۱۲،۶۵۸ کیلوگرم؛ شیر ۱،۱۶۷،۶۲۰ لیتر؛ ماست ۵،۱۳۱ لیتر؛ لوازم برقی، سازهای موسیقی، مرکب چاپ، رنگ، لوازم آرایشی، کاشی کف؛ زیورآلات طلاونقره

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق: کلیهٔ برق مصرفی از شبکه برق ایتالیا تأمین می‌شود(؟)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت خام: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر(؟)؛ گاز طبیعی: صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۹): ۱۹،۳۴۷ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۷۳/۲٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۸۸/۴٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۴۱/۲٪؛ میزان بیکاری: ۴/۴٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۱/۴٪؛ صنعت ۴۰/۹٪؛ خدمات ۵۷/۷٪

نیروی دفاعی: امور دفاعی به عهدهٔ یک نیروی عمومی تأمینی به استعداد ۵۰ نفر است وعلیرغم اینکه خدمت نظام‌وظیفه وجود ندارد، همهٔ مردان در سنین ۱۶ تا ۵۵ سال، برای شرایط اضطراری ، شبه نظامی محسوب می‌شوند.

واردات(۱۹۹۵): همه نوع کالاهای تولیدی و صنعتی، نفت و طلا؛ از کشور ایتالیا

صادرات(۱۹۹۵): شراب، گندم، کالاهای پشمی، مبلمان؛ چوب، سرامیک، سنگ‌های ساختمانی، فرآورده‌های لبنی، گوشت و تمبر پست؛ به ایتالیا.

تراز بازرگانی: سان‌مارینو و ایتالیا یک اتحادیه گمرکی تشکیل داده‌اند و امور گمرکی آن توسط ایتالیا انجام می‌شود.

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۰):	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۴	۱۰۰	۱۰۸	۱۱۵/۷	۱۲۱/۹	۱۲۸	۱۳۴/۳
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : تعداد خانوارها (۱۹۹۷): ۱۰،۰۹۳ ؛ میانگین اندازهٔ خانوار: ۲/۵ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد:؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۱): غذا، نوشیدنی و دخانیات ۲۲/۱٪ ؛ مسکن، سوخت و برق ۲۰/۹٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۷/۶٪؛ پوشاک‌وکفش ۸٪؛ مبلمان، لوازم خانگی و خدمات منزل ۷/۲٪؛ آموزش ۷/۱٪ ؛ بهداشت ۲/۶٪ ؛ بقیهٔ کالاها وخدمات ۱۴/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۴): درآمد: ۲۵۲/۵ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج:؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۲۵۲ کیلومتر **راه‌آهن:** ؟

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۲۵،۵۷۱ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۴،۰۱۳ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد **فرودگاه:** ندارد

روزنامه(۱۹۹۶): ۳ روزنامه در ۲،۰۰۰ نسخه (۷۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۵ عنوان در ۹،۰۰۰ نسخه

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱۶،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۶۱۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۹،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۵۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۹،۰۰۰ خط تلفن (۷۷۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۵،۰۰۰ خط (۱۹۶ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۱۴	۱۹۶	۱،۲۲۷	۶/۳
متوسطه	۴	۱۵۱	۱،۰۸۳	۷/۲
فنی و حرفه‌ای	؟	۴۴(۱۹۹۴)	۴۲۸(۱۹۹۶)	۶/۲(۱۹۹۴)
عالی	۱	؟	؟	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۹/۱٪ ؛ مردان: ۹۹/۴٪ ؛ زنان: ۹۸/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۴ سال(۱۹۹۷): ابتدایی ۳۵/۶٪؛ متوسطه ۵۸/۶٪ ؛ عالی ۵/۸٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۸۴ نفر(هر ۳۱۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۱۵۲ تخت (هر ۱۷۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۵): ۳،۶۰۸ کالری(۱۴۳٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ۷۴٪ ؛ مصرف فرآورده‌های گوشتی و لبنی ۲۶٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی: ؟

سری‌لانکا SRI LANKA

کشوری است واقع در جنوب آسیا، آبهای شمالی اقیانوس هند و در جنوب خاوری کشور هند که به وسیلهٔ تنگهٔ پالک از سرزمین اصلی آسیا جدا می‌گردد.

به جز ناحیهٔ مرکزی که به وسیلهٔ کوههای آدم پوشیده شده، بخش عمدهٔ این کشور را جلگه‌های وسیع و هموار دربر گرفته و اراضی زراعتی سری‌لانکا را به ویژه در جنوب غربی کوه آدم در خود جای داده است. کوههای آدم که بلندترین نقطه آن، قلهٔ پیدورو تالاگالا ۲۵۲۴ متر ارتفاع دارد، جزیرهٔ سری‌لانکا را از نظر اقلیمی به دو ناحیهٔ متمایز از هم تقسیم نموده است. ناحیهٔ جنوب غربی آن تحت تأثیر بادهای موسمی (مونسون) از هوای گرم و مرطوب و پر باران برخوردار است و بقیه جزیره را خشک‌تر نموده است. کشتزارهای وسیع چای دامنه‌های جنوبی کوه آدم را فرا گرفته و برنج و نارگیل و کاکائو از جمله فرآورده‌های مهم و صادراتی آن را تشکیل می‌دهد.

عمده‌ترین رودخانه‌های سری‌لانکا ماهاولی (۳۳۰ کیلومتر)، مادورو، کلانی، کالا و والاوی است.



تاریخچه

کشور سری‌لانکا که به سانسکریت سینهاله و در مآخذ اسلامی سرندیب و به یونانی تاپروبانه و همچنین سیلان نیز نام دارد، در روزگار بس دور ساکن نیاکان وداها بوده است که فرزندان آنان در کوهستانهای دورافتادهٔ سری‌لانکا زندگی می‌کنند. وداها در سدهٔ ششم پیش از میلاد به دست سینهالی‌هایی که از شمال هندوستان آمده بودند مغلوب شدند. نخستین پادشاه سینهالی ویجایه نام داشت که در ۴۸۳ قبل از میلاد سلطنت داشته است و پایتختش آنورادهاپورا نام داشت. در سدهٔ سوم پیش از میلاد، آیین بودا به این شهر وارد شد و به یکی از مراکز اصلی آیین بودا در جهان مبدل گردید. تامیلی‌های هند که در انتهای جنوبی شبه جزیرهٔ هندوستان به سر می‌بردند و غالباً به جزیرهٔ سیلان حمله می‌کردند، در سدهٔ دوازدهم میلادی مملکتی در شمال جزیرهٔ مزبور تشکیل دادند و سینهالی‌ها را به سوی جنوب غربی راندند. تجار عرب از مدتها قبل از پیدایش اسلام به این جزیره رفت و آمد می‌کردند و تا اوایل سدهٔ شانزدهم میلادی که پرتغالی‌ها سری‌لانکا را تصرف کردند، تجارت ادویه و سنگهای قیمتی و مواد معطره آن را به خود اختصاص داده بودند. پرتغالی‌ها در ۱۵۰۵ آنجا راتصرف کردند و در سواحل آن دفاتر بازرگانی دایر نمودند. هلندی‌ها در حدود سال ۱۶۵۰ میلادی به سری‌لانکا حمله بردند و پرتغالی‌ها را از تأسیسات ساحلی آن بیرون راندند. انگلیسی‌ها در سال ۱۷۹۶ به آنجا وارد شدند و در سال ۱۸۱۵ کلیهٔ دولتهای محلی را مطیع خود ساختند و بر سرتاسر جزیره تسلط یافتند و صدور محصولاتی چون قهوه و چای را در انحصار خود گرفتند.

در سدهٔ بیستم میلادی جنبشهای ملی رنگ جدی به خود گرفت و سرانجام به استقلال سال ۱۹۴۸ سیلان منجر شد و این کشور به یکی از اعضاء جامعهٔ مشترک‌المنافع انگلستان مبدل گردید و استفن سناناياكه در مقام نخست‌وزیری ابقاء گردید. در ۱۹۵۰ نمایندگان هشت کشور مشترک‌المنافع در شهر کلمبو، پایتخت سری‌لانکا، گرد آمدند و طرح معروف کلمبو را برای کمک به اقتصاد کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی تصویب نمودند. در انتخابات سال ۱۹۵۶ جان کوتلاوالا که از سال ۱۹۵۳ در رأس امور بود، شکست خورد و مقام نخست‌وزیری را به سلیمان باندرانایکه، از حزب آزادی، واگذار کرد.

اختلاف سینهالی‌ها و تامیلی‌ها که در نواحی شمالی جزیره سکونت داشتند و امتیازهای اجتماعی بیشتری را خواستار بودند به جنگهای داخلی فراوانی منجر شد و به قتل باندرانایکه نخست‌وزیر منتهی گردید و بعد از باندرانایکه همسرش خانم سیریماوو باندرانایکه رهبری حزب آزادی سری‌لانکا را بر عهده گرفت و در انتخابات ۱۹۶۰ به نخست‌وزیری رسید و حزب تامیلی‌ها را در سال ۱۹۶۱ غیرقانونی اعلام داشت. سیلان در سال ۱۹۶۲ بعضی از مؤسسات غربی را ملی کرد و این امر سبب اختلافاتی با کشورهای امریکا و انگلستان شد. در انتخابات ۱۹۶۵ خانم باندرانایکه مقام نخست‌وزیری را از دست داد ولی درانتخابات ۱۹۷۰ مجدداً به قدرت بازگشت. وی در سال ۱۹۷۲ کلیهٔ روابط خود را با انگلستان قطع کرد و در شیوهٔ حکومتی کشور تغییراتی داد و نام سیلان را به سری‌لانکا تغییر داد و سری‌لانکا از فرمانداری کل به جمهوری پارلمانی تبدیل شد.

از جمله مسائل اجتماعی که خانم باندرانایکه با آن روبرو گردید، مسئله تامیلی‌های مقیم سری‌لانکا بود. تامیلی‌ها که در مقایسه با اکثریت ۷۴ درصدی سینهالی‌ها، حدود۱۸٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند، به دو گروه تقسیم می‌گردند. گروه اول تامیلی‌هایی هستند که حدود ۲۰۰۰ سال قبل، از هند به سری‌لانکا مهاجرت کرده و اکثراً در نواحی شمالی و استانهای خاوری به سر می‌برند و گروه دوم تامیلی‌هایی هستند که در این اواخر از هند به سری‌لانکا مهاجرت نموده‌اند. هر دو گروه که از یک ریشهٔ نژادی هستند، خواهان حقوق اجتماعی بیشتر و حتی خودمختاری و استقلال ملی هستند.

در سال ۱۹۷۸ قانون اساسی سری‌لانکا اصلاح گردید و با تأسیس نهاد ریاست جمهوری، جونیوس جایاوردنه در رأس آن قرار گرفت. در اکتبر ۱۹۸۰ خانم باندرانایکه از عضویت در پارلمان خلع گردید و کمیسیون تحقیق ریاست جمهوری وی را برای مدت ۷ سال از شرکت در فعالیتهای سیاسی محروم ساخت و علت آن را سوء استفاده از مقام وی طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷ اعلام داشت. نخستین انتخابات ریاست جمهوری سری‌لانکا در اکتبر ۱۹۸۲ برگزار شد و جایاوردنه مجدداً به ریاست جمهوری رسید. در اوایل ۱۹۸۳ اختلافات قومی مجدداً آغاز شد و در ماههای ژوئیه و اوت به اوج خود رسید وصدها کشته و زخمی و هزاران آواره به جای گذارد و رئیس جمهور سری‌لانکا هرگونه گفتگو با تامیلی‌ها را رد کرد و از اسرائیل که در کنترل اغتشاشات، سری‌لانکا را یاری داده بود، تشکر نمود. جنگ و اختلافات قومی در سال ۱۹۸۵ دوباره شدت یافت و امنیت داخلی کشور را در معرض تهدید قرار داد وحدود ۲۰۰,۰۰۰ هکتار شالیزار طی عملیات نظامی نابود گردید.

مذاکرات آشتی جویانه میان تامیلی‌ها و سینهالی‌ها در سال ۱۹۸۶ آغاز گردید و در ژوئیه ۱۹۸۷ میان جایاوردنه و راجیو گاندی نخست‌وزیر هند قراردادی در کلمبو به امضاء رسید و طی آن قرار شد به تامیلی‌های سری‌لانکا تا حدی خودمختاری داده شود و زبان تامیلی جزء زبانهای ملی سری‌لانکا منظور گردد. اما این قرارداد نیز چاره‌ساز اختلافات نگردید و مفاد آن از سوی «ببرهای آزادی‌بخش تامیل ایلام» معروف به ببرهای تامیل رد شد. در انتخابات نوامبر ۱۹۸۸ جایاوردنه به دلیل کهولت سن کناره‌گیری کرد و جای خود را به راناسینگه پرماداسا واگذار نمود و اختلافات قومی میان سینهالی‌ها و تامیلی‌ها را که به طرز وحشتناکی شدت گرفته بود برای او باقی گذارد. در مه ۱۹۹۱ ببرهای تامیل هرگونه دخالت خود در قتل راجیوگاندی نخست‌وزیر هند را تکذیب کردند. در ژوئن ۱۹۹۱ مرحلهٔ دوم نبرد علیه تامیلی‌ها آغاز شد و طی آن ۲۰۰۰ مبارز تامیلی و ۱۷۰ سرباز سری‌لانکایی کشته شدند. در اکتبر۱۹۹۲ ببرهای تامیل ۱۷۰ مسلمان را در یکی از روستاهای شمال سری‌لانکا به قتل رساندند.

در یکم مه ۱۹۹۳ روز جهانی کارگر رئیس جمهور ناراسینگه پرماداسا به وسیلهٔ مردی که بمبی به خود بسته بود و خود را به سوی رئیس جمهور پرتاب کرده بود، به قتل رسید و دینگیری باندا ویجتونگ که سمت نخست‌وزیری را دارا بود موقتاً به جای او به ریاست جمهوری رسید. در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۱۹۹۴ خانم چاندریکا باندرانایکه کوماراتونگا عنوان نخستین رئیس جمهور زن سری‌لانکا را به خود اختصاص داد و مادر او خانم سیریماوو باندرانایکه به نخست‌وزیری رسید. در ژانویهٔ ۱۹۹۵ ببرهای تامیل و دولت سری‌لانکا تمایل خود را برای از سر گرفتن مذاکرات صلح و سازش آغاز کردند، اما این بار نیز مذاکرات به نتیجه نرسید و تامیلی‌ها به مبارزات خود ادامه دادند.

در فوریهٔ ۱۹۹۶ تامیلی‌ها به بانک مرکزی در مرکز شهر کلمبو حمله کردند و ۸۴ نفر کشته شدند و به دنبال آن وحشت همه‌جا را فرا گرفت و ببرهای تامیل به حملات خود به خیابانها و قطارهای مسافربری گسترش دادند. در اوایل سال۱۹۹۷ ببرهای تامیل به یک پادگان نظامی واقع در شمال کشور حمله بردند و ۱۲۰۰ نفر از پرسنل آن را قتل عام کردند. به دنبال این ماجرا ارتش با تمام قوا به پایگاهها، پناهگاهها و موقعیت‌های استراتژیکی ببرهای تامیل حمله برد و آنان را به سوی جنگل فراری داد، اما چریک‌ها در عوض با انفجار بمب در مراکز توریستی پاسخ دادند. حملهٔ بزرگ ارتش، به از میان رفتن بخش وسیعی از شالیزارهای برنج منتهی شد که این امر نه تنها بر قیمت جهانی برنج تأثیر گذاشت، بلکه این کشور را وادار به واردات برنج نمود. در طی سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ نیز این درگیری‌ها ادامه یافت.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۹ که انتظار می‌رفت با حضور کمرنگ رأی‌دهندگان



نام رسمی: جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی سری‌لانکا

نام محلی: سری‌لانکا Srī Lankā

اسامی دیگر: طبروبانی، سیلان، لنکه، لنکا، سرندیب، سراندیب(اسامی قدیمی)

پایتخت: کلمبو (۱،۹۹۴،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۲)

تاریخ استقلال: ۱۹۴۸/۲/۴، از انگلستان

روز ملی: چهارم فوریه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری‌سوسیالیستی‌چندحزبی‌بایک‌مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: چاندریکا باندرانایکه کوماراتونگا، از سال ۱۹۹۴ (دومین بار از سال ۲۰۰۰)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: رانیل ویکرمه سینگهه (حزب اتحاد ملی)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۸، آخرین تغییرات ۱۹۸۷؛ مجلس ملی با ۲۲۵ عضو به مدت ۶ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۲۰۰۰ (۲۰۰۱) اتحاد خلق (ائتلاف ۹ حزب با گرایش چپ، از جمله حزب آزادی، حزب کمونیست و حزب تروتسکیست) ۱۰۷ (۷۷) کرسی، حزب اتحاد ملی ۸۹ (۱۰۹) کرسی، جبههٔ آزادیبخش متحد خلق ۱۰ (۱۶) کرسی، حزب دموکراتیک مردم ایلام ۴ (۲) کرسی، جبههٔ آزادیبخش متحد تامیل ۵ (۱۵) کرسی، بقیه ۱۰ (۶) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۶۵،۶۱۰ کیلومترمربع (صد و بیستمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۸،۸۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجاه و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۸۶/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۳/۵ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۶۶ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۲/۹٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۸٪

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ۳۵/۲٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۹/۷٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۸/۵٪؛ بالای ۶۰ سال ۶/۶٪

توزیع جنسی (۱۹۹۶): مرد ۵۰/۹۷٪؛ زن ۴۹/۰۳٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۴/۱ سال؛ مردان ۶۹/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۲): ۱۷/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۶/۴ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۷): ۱۷ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۸۹): بیماریهای دستگاه گردش خون ۴۷/۸ نفر؛ درگیری و مسمومیت ۳۸/۶ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۶/۷ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۶۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۳): ۸/۵ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۸۱): سینهالی ۷۴٪؛ تامیلهای جفنا ۱۲/۶٪؛ هندی (تامیلهای کندی) ۵/۵٪؛ مورها ۷/۱٪؛ بقیه ۰/۸٪

دین(۱۹۸۱): بودایی ۶۹/۳٪؛ هندو ۱۵/۵٪؛ مسیحی ۷/۶٪؛ مسلمان ۷/۵٪؛ دیگر ادیان ۰/۱٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: سینهالی، تامیلی (زبانهای رسمی)؛ خط: سینهالی و تامیلی

شهرهای مهم(۱۹۹۷): دهیوالا- مونت‌لاوینیا ۲۲۰،۷۸۰ نفر؛ موراتووا ۲۱۳،۰۰۰ نفر؛ کندی ۱۵۰،۵۳۲ نفر؛ جفنا ۱۴۵،۶۰۰ نفر

بنادر مهم: کلمبو، ترینکوماله و گاله (اقیانوس هند)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: روپیه سری‌لانکا (SI Rs) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۷۹/۱۵ روپیه؛ یک روپیه = ۱۰۱ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۱۴۸،۲۰۶ میلیون روپیه؛ مالیات فروش و نقل و انتقال ۲۷/۵٪؛ عوارض گمرکی ۱۹/۴٪؛ مالیات غیر مستقیم ۱۴/۸٪؛ مالیات بر درآمد ۱۱/۶٪؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۰/۵٪

هزینهٔ بودجه (۱۹۹۹): ۲۱۲،۹۸۴ میلیون روپیه؛ هزینه‌های جاری ۷۹/۷٪؛ هزینه‌های عمرانی ۲۰/۳٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۵،۱۷۶ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۸۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۴/۶٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۵٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۱/۱٪؛ صنعت ۲۷/۵٪؛ خدمات ۵۱/۴٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۵۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۴۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۷،۶۴۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۴۸۹/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۸/۹٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۹/۷٪؛ ۱۹۹۸: ۸/۸٪؛ ۲۰۰۰: ۸/۴٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): برنج ۲،۶۹۲،۳۳۵ تن؛ نارگیل ۱،۹۹۹،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۹۴۶،۲۴۷ تن؛ موز سبز ۵۹۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۳۳٪؛ مرتع و چمنزار ۷٪؛ جنگل ۳۷٪؛ سایر موارد ۲۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گاو ۱،۵۹۹،۰۰۰ رأس؛ بوفالو ۷۲۰،۷۰۰ رأس؛ بز ۵۱۹،۳۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۰،۴۷۹،۷۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲۴۰،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۹،۶۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۴۹،۶۵۷ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ کوارتز ۹،۳۵۰،۰۰۰ تن؛ سنگ آهک ۹۰۱،۰۰۰ تن؛ سنگ جواهر ۶۲،۵۰۰،۰۰۰ دلار

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده): مواد غذایی، نوشابه و دخانیات ۶۰۱،۰۰۰،۰۰۰ دلار؛ منسوجات و لباس ۳۹۱،۰۰۰،۰۰۰ دلار؛ محصولات پتروشیمی ۱۱۶،۰۰۰،۰۰۰ دلار

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۷): ۵،۱۴۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹۶: ۴،۳۶۶،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹۶): صفر (بسیار کم)؛ نفت خام: صفر (۱۵،۰۶۳،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱،۹۰۸،۰۰۰ تن (۲،۱۸۸،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۶،۲۱۳،۰۸۶ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۴۰/۲٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ سال به بالا): ۵۵/۲٪؛ زنان (۱۵ سال به بالا): ۳۲/۴٪؛ میزان بیکاری: ۱۰/۲٪؛ ۲۰۰۰: ۷/۵٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۴۰/۹٪؛ صنعت ۱۷/۶٪؛ خدمات ۲۵/۶٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۱۱۲،۵۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۲/۲٪؛ نیروی دریایی ۸/۹٪؛ نیروی هوایی ۸/۹٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۴۱ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۳۶۹،۰۱۳ میلیون روپیه؛ شامل منسوجات ۲۵/۹٪؛ ماشین‌آلات و دستگاههای مکانیکی ۱۶/۷٪؛ فرآورده‌های گیاهی ۶/۴٪؛ مواد شیمیایی ۶/۱٪؛ از هند ۹/۹٪؛ ژاپن ۸/۵٪؛ سنگاپور ۵/۱٪

صادرات(۱۹۹۸): ۳۰۵،۸۴۹ میلیون روپیه؛ شامل پوشاک و لوازم متعلقه ۴۹٪؛ چای ۱۶/۳٪؛ جواهرآلات ۴/۵٪؛ کائوچو ۱/۷٪؛ به کشورهای (۱۹۹۷): امریکا ۳۵/۹٪؛ انگلستان ۱۱/۳٪؛ آلمان ۵٪؛ ژاپن ۵٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون روپیه	-۷۷،۰۲۲	-۷۷،۰۸۴	-۷۴،۲۷۵	-۴۱،۴۴۹	-۶۳،۱۶۴	-۹۱،۴۴۳
درصد کل	٪۱۹/۵	٪۱۶/۵	٪۱۴/۱	٪۷	٪۹/۴	٪۱۲/۴

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۵/۶	۹۲/۹	۱۰۰	۱۱۵/۹	۱۲۷	۱۳۸/۹	۱۴۵/۴
شاخص میانگین درآمد	۹۶/۷	۹۸/۹	۱۰۰	۱۰۹/۳	۱۱۷	۱۳۲/۱	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۴): ۴/۶ نفر؛ درآمد هر خانوار: ۱۱۶،۱۰۰ روپیه؛ منابع درآمد: دستمزد ۴۸/۵٪؛ کار آزاد و درآمد از دارایی ۴۱/۸٪؛ انتقالی‌ها ۹/۷٪؛ هزینه‌ها: غذا ۵۸/۶٪؛ حمل و نقل ۱۶٪؛ پوشاک ۸/۴٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد ۲۳۱ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲۰۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۹۹،۲۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۶):** ۱،۴۶۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۱۰۷،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۱۵۰،۱۶۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۶۶ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۶):** ۱ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹۶): ۹ روزنامه در ۵۳۰،۰۰۰ نسخه (۲۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۴،۱۱۵ عنوان در ۱۹،۶۵۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۴،۷۷۵/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۸۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۱۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۸۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۹۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۵۲۴،۰۰۰ خط تلفن (۲۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۷۴،۰۰۰ خط (۹/۴ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۷۶،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	۹،۶۵۷	۷۰،۵۳۷	۱،۹۶۲،۴۹۸	۲۷/۸
متوسطه	۵،۷۷۱	۱۰۳،۵۷۲	۲،۳۱۴،۰۵۴	۲۲/۳
فنی و حرفه‌ای	۲۳	۴۳۷	۸،۹۰۸	۲۰/۴
عالی	۸	۲،۶۳۶	۶۳،۶۶۰	۲۴/۲

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۰/۲٪؛ مردان: ۹۳/۴٪؛ زنان: ۸۷/۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۱): ابتدایی ۷۹/۱٪؛ متوسطه ۳٪؛ عالی ۱/۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۹): ۶،۹۳۸ نفر (هر ۲،۷۴۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۵۲،۲۹۸ تخت (هر ۳۵۵ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۶،۹۰۰ نفر(۰/۰۷٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۵/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۳۰۲ کالری (۱۰۲٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۵۲ گرم؛ مصرف چربی: ۴۶ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۱٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۷/۱ میلیون تن، هرنفر ۰/۴ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۳۳ (هشتاد و چهارمین کشور جهان)

مواجه شود، حدود ۷۰٪ حائزین شرایط در انتخابات شرکت کردند و چاندریکا کوماراتونگا مجدداً در مقام خود ابقاء شد. در ماه‌های آوریل و مه ۲۰۰۰، ببرهای تامیل کنترل تمام قسمت‌های شبه جزیره جفنا را در اختیار خود گرفتند. در نیمهٔ اول سال ۲۰۰۱، نیروهای دولتی برای باز پس‌گیری تنگهٔ فیل که سال قبل از دست داده بودند، حملهٔ بزرگی را تدارک دیدند، که با شکست سنگین مواجه شده و به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کردند. کمی پس از آن ببرهای تامیل با تصرف فرودگاه بین‌المللی باندرانایکه و پایگاه هوایی مجاور آن، حدود نیمی از هواپیماهای مسافری و جنگی را از میان بردند و مخازن نفت آن را به آتش کشیدند. منازعات میان احزاب ائتلافی حاکم نیز بالا گرفت و با برگزاری انتخابات پیش از موعد در دسامبر سال ۲۰۰۱، حزب اتحاد ملی به رهبری رانیل ویکرمه سینگهه روی کار آمد. دولت جدید تلاش‌های بیشتری را برای حصول تفاهم با ببرهای تامیل آغاز نموده و چشم‌اندازهای تازه‌ای را برای حصول به صلح و پایان دادن به جنگ داخلی ۲۰ ساله این کشور پیش روی گذارده است.

سلیمان، جزایر SOLOMON ISLANDS

کشوری واقع در آبهای غربی اقیانوس آرام، خاور جزیرهٔ بزرگ گینهٔ نو و شمال خاوری استرالیا که جزء کشورهای واقع در اقیانوسیه محسوب می‌شود. این کشور که علاوه بر غالب جزایر مجمع‌الجزایر سلیمان، مجمع‌الجزایر اُنوتونگ، جزایر رنل و جزایر سانتاکروز را نیز شامل می‌شود، سرزمینی است نسبتاً کوهستانی با منشأ آتشفشانی و جزایر گوادال کانال (پایتخت در آن قرار دارد)، مالایتا، فلوریدا، جورجیای جدید، شوازل، سانتا ایزابل و سان کریستوبال از عمده‌ترین جزایر آن محسوب می‌گردند. آتشفشانهای چندی از جمله کوه پوپوماناسیو که با ارتفاع ۲۳۲۱ متر بلندترین نقطهٔ این کشور محسوب می‌گردد، در این سرزمین به چشم می‌خورد. ماهیگیری و کشاورزی عمده‌ترین فعالیت اقتصادی و سنتی آن را تشکیل می‌دهند. ۹۰ درصد مردمان این کشور در کشتزارها و جوامع روستایی با جمعیت بین ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر زندگی می‌کنند. اقلیم آن گرم و مرطوب و پرباران است و رودهای آن کوتاه و پرشیب هستند. کوپرا و گیاهان ریشه‌ای و تکمه‌ای عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن است و صنعت چوب‌بری و زدایش جنگلها از جمله عوامل تهدید کنندهٔ محیط زیست بشمار می‌آید.



تاریخچه

جزایر سلیمان حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به وسیلهٔ ملانزیایی‌ها مسکون گردید. درسال ۱۵۶۷ آلوارو د مندانیای اسپانیایی به این جزایر وارد شد و برای یافتن طلا همه‌جا را کاوید. در سده‌های ۱۸ و ۱۹ از آن به عنوان مرکز بردگان کارگر برای کار در کشتزارهای نیشکر فیجی و استرالیا استفاده می‌شد. در سال ۱۸۹۳ دولت انگلستان آن را تحت‌الحمایه خود اعلام نمود و بعد از جنگ جهانی اول، آنجا را به تصرف کامل خود درآورد. در جنگ جهانی دوم توسط ژاپنی‌ها اشغال گردید و بعد از جنگ به دو قسمت تقسیم شد. نیمهٔ شمالی تحت نظارت اداری استرالیا قرار گرفت که بعدها به پاپوآ گینهٔ نو واگذار شد. طی سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۲ جنبش‌هایی علیه استعمارگران انگلیسی پدید آمد و تظاهراتی صورت گرفت. در ۱۹۷۶ به خودمختاری، و در سال ۱۹۷۸ به استقلال دست یافت و به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. بادلی دوسی به فرمانداری کل منصوب شد و پیتر کنیلوری به نخست‌وزیری رسید.

در ۱۹۸۱ سلیمان مامالونی پس از استیضاح کنیلوری توسط پارلمان، و برگزاری انتخابات، مقام نخست‌وزیری را از آن خود نمود. مامالونی ورود و استفاده هر نوع کشتی و هواپیمای حامل تسلیحات یا رآکتورهای اتمی را از فضا یا آبهای این سرزمین ممنوع کرد. وی در انتخابات ۱۹۸۴ جای خود را به کنیلوری واگذار کرد. مامالونی در انتخابات ۱۹۸۹ مجدداً به نخست‌وزیری رسید. در سال ۱۹۹۲ روابط جزایر سلیمان و پاپوآ گینهٔ نو بر سر مالکیت جزیرهٔ بوگنویل رو به تیرگی نهاد و زد و خوردهای مرزی چند کشته به جای گذارد. در ژوئن ۱۹۹۴ فرانسیس بیلی هیلی به نخست‌وزیری رسید ولی با رأی عدم اعتماد مجلس روبرو گردید و مامالونی مجدداً مقام نخست‌وزیری را کسب کرد و موزس پیتاکاکا به فرمانداری کل رسید. در سپتامبر ۱۹۹۷ بارتولومیو اولوفاآلو به نخست‌وزیری منصوب شد. در نیمهٔ نخست سال ۱۹۹۹، منازعات کهنه دربارهٔ مالکیت اراضی و دسترسی به آموزش، اشتغال و توسعهٔ اقتصادی منجر به درگیری مسلحانه در اطراف پایتخت گردید.

«جنبش آزادی ایساتابو» که از منافع اهالی جزیره گوادال کانال دفاع می‌کند، خواستار پرداخت غرامت به ساکنان جزیره در قبال استفاده از اراضی آنان برای ایجاد پایتخت و کشتزارهای بزرگ شد. پس از این که دولت از پرداخت غرامت مورد قبول امتناع کرد، آنان اراضی متعلق به خود را اشغال کردند و ساکنان و کارکنان آن زمین‌ها را به اجبار اخراج نمودند. در این درگیری، اهالی جزیرهٔ مالایتا که قدرت را در دست داشتند و بیشتر مشاغل در اختیار آنان بود، بیش از همه زیان دیدند. آنان یک ارتش خصوصی با عنوان نیروی عقاب مالایتا تشکیل دادند و با سرقت سلاح و قایق‌های مسلح از نیروی پلیس کشور، به تسلیح خود پرداختند. نخست‌وزیر، اولوفاآلو، که خود از اهالی جزیرهٔ مالایتا است، دستور پرداخت ۵۰۰,۰۰۰ دلار به عنوان خسارت به دولت محلی گوادال کانال را صادر نمود، اما با درخواست متقابل مالایتایی‌ها، اوضاع بیش از پیش به هم ریخت. در ماه مه ۲۰۰۰ هواداران نیروی عقاب مالایتا با پشتیبانی برخی از عناصر پلیس، نخست‌وزیر و برخی از مسئولین دولتی را به گروگان گرفتند و مراکز پلیس و سایر مراکز حساس را به اشغال خود درآوردند و اولوفاآلو مجبور به استعفاء گردید. در انتخابات سال ۲۰۰۰، رهبر مخالفان، ماناسه سوگاواره به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد. در همین سال گروههای متخاصم با انعقاد قرارداد تفاهم به درگیری‌ها پایان دادند. وضعیت اقتصادی در سال ۲۰۰۱ به شدت بحرانی شد و کشور در آستانه سقوط قرار گرفت و علی‌رغم این، با برگزاری انتخابات پیش از موعد در ماه دسامبر، سر آلن کماکزا به نخست‌وزیری برگزیده شد.



نام رسمی: جزایر سلیمان

نام محلی: سالمن آیلندز Solomon Islands

اسامی دیگر: -

پایتخت: هونیارا (۴۳،٦٤٣ نفر در سال ۱۹۹٦)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۸/۷/۷، از انگلستان

روز ملی: هفتم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت حکومت تشریفاتی پادشاه انگلستان)، از سال ۱۹۷۸

رئیس حکومت: فرماندار کل: سرجان لاپلی، از سال ۱۹۹۹

رئیس دولت: نخست‌وزیر: سر آلن کماکزا، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۸ با تغییرات سال ۱۹۹۷؛ مجلس ملی با ۵۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسیهای مجلس ملی در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۱): اتحاد برای تغییر (ائتلاف به رهبری حزب لیبرال) ۲٦ (۱۲) کرسی، تجمع برای وحدت ملی و بازسازی ۲٤ (-) کرسی، حزب اقدام مردم (۲۰) کرسی، انجمن نمایندگان مستقل (۱۳) کرسی، حزب ترقی‌خواه خلق (۳) کرسی، حزب کارگر (۱) کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۸)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایمو، ا یتو، یونسکو، یوپو، وهو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سپک، آکپ، آدب، آاوسیس، جامعه اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲۸،۸۹٦ کیلومترمربع (صد و چهلمین کشور جهان)

جمعیت: ٤٤٤،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و شصت و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۵/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۸۱۷،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۳ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۱۸/٦٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٦/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹٦): زیر ۱۵ سال ٤۳/۷٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/۷٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۳/۳٪؛ بالای ٦۰ سال ٤/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ۵۱/٦۵٪ ؛ زن ٤۸/۳۵٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٤ سال، مردان ۷۰ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳٤/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲۲ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳۰/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۰): بیماریهای تنفسی ۲۲/٤ نفر؛ بیماریهای اسهالی ۱۳/٦ نفر؛ مالاریا ۱۰ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۳ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): ملانزیایی ۹٤/۲٪؛ پولینزیایی ۳/۷٪؛ میکرونزیایی ۱/٤٪؛ بقیه عمدتاً اروپایی و چینی

دین(۱۹۸٦): مسیحی ۹٦/٦٪ (پروتستان ۷۵/۷٪ ؛ کاتولیک ۱۹/۲٪)؛ باورهای قبیله‌ای ۲/۱٪؛ بقیه ۱/۳٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸٦): گیزو ۳،۷۲۷ نفر؛ آئوکی ۳،۲٦۲ نفر؛ کیراکیرا ۲،۵۸۵ نفر؛ بوآلا ۱،۹۱۳ نفر

بنادر مهم: هونیارا (در جزیرهٔ گوادال کانال، بین اقیانوس آرام و دریای سلیمان)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار جزایر سلیمان (SI$)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۵/۱٦ دلارجزایرسلیمان؛ یک دلارج.س= ۱،۵۵۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۵۵۷/۸ میلیون دلار جزایر سلیمان؛ شامل کمک‌های خارجی ۳۳٪؛ مالیات بر بازرگانی خارجی ۲۵/۸٪ ؛ مالیات بر درآمد ۱۹/۵٪؛ مالیات بر کالا و خدمات ۱۳/۱٪؛ درآمد غیر مالیاتی ۸/٦٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۵۵۸/۷ میلیون دلار جزایر سلیمان؛ شامل هزینه‌های سرمایه‌ای ۳۵/۹٪؛ هزینه‌های اداری ۲۸/٦٪؛ حقوق و دستمزدها ۲۷/۲٪؛ پرداخت بهره وامها ۸/۳٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳۱۵ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۷٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٦/۱٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): کشاورزی ۳۹/٤٪؛ صنعت ۱۳/۳٪؛ خدمات ٤۷/۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۰۸/۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٤۲/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۹/۷٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نارگیل ۲٤۰،۰۰۰ تن؛ روغن میوه نخل ۱٤۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۷۳،۰۰۰ تن؛ تارو ۳۲،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی هندی (یام) ۲٤،۵۰۰ تن؛ سبزیجات و صیفی‌جات ٦،۸۵۰ تن؛ دانهٔ کاکائو ۳،٤۵٤ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۲٪ ؛ مرتع و چمنزار ۱/٤٪؛ جنگل ۸۷/۵٪؛ سایر موارد ۹/۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۵۸،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸۷۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۵۳،٤٤۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۸۵،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۷۲ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٤): طلا ۳۳،۳۰۰ تروی

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): روغن نخل ۳۰،۱۰۰ تن؛ کوپرا ۲۳،۵۰۰ تن؛ روغن نارگیل ۳،۹۰۰ تن؛ کاکائو ۲،۲۰۰ تن؛ الوار چوب ۱۲،۰۰۰ مترمکعب

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۳۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۵۲،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۳): ۲۹،۵۷۷ نفر (فقط در بخش پولی)؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۸/۳٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦۰ ؛ ۱۹۸٦): ۹۸/٦٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦۰): ۲۲/٦٪ ؛ میزان بیکاری:؟

توزیع نیروی کار(۱۹۹۳): کشاورزی ۲۷٪؛ صنعت ۱٤٪؛ خدمات ۳۹/٦٪

نیروی دفاعی: جزایر سلیمان فاقد نیروی دفاعی است و تنها یک نیروی پلیس به استعداد ٤۷۵ نفر امنیت داخلی آن را به عهده دارد.

واردات(۱۹۹٦): ۵۳٦،۸۷۰،۰۰۰ دلار جزایر سلیمان؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۰/۳٪ ؛کالاهای ساخته شده اساسی ۲۲/۲٪ ؛ مواد غذایی وحیوانات زنده ۱۵/۱٪؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ۱۱/۳٪؛ از استرالیا ٤٤/۱٪؛ ژاپن ۱۲/۵٪؛ سنگاپور ۷٪؛ امریکا ۲/۱٪؛ تایلند ۱/۸٪؛ انگلستان ۱/٦٪

صادرات(۱۹۹٦): ٦۵٦،۳۰۰،۰۰۰ دلار جزایر سلیمان؛ شامل الوار چوب ٦۰/٦٪؛ فرآورده‌های شیلات ۱۸/۳٪؛ فرآورده‌های روغن نخل ۱۰/۹٪؛ کوپرا ٤/۱٪؛ دانهٔ کاکائو ۲/۲٪؛ به ژاپن ٤۰/۱٪؛ کرهٔ جنوبی ۱۹/٤٪؛ انگلستان ۱۸/٤٪؛ تایلند ۳/۸٪؛ استرالیا ۲/۳٪؛ سنگاپور ۲/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
هزار دلار	-۷،۸۱۰	-٦۰	+۱۳،۷۷۰	+۱۰،۹٦۰	-۲۸،۰۸۰	-۱۸،۰۷۰
درصد کل	٪۲/۹	٪۰/۰	٪٤/۳	٪۳/۵	٪۸/۲	٪٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۰/۵	۹۱/۲	۱۰۰	۱۱۱/۸	۱۲۰/۸	۱۳۵/۷	۱٤٦/۹
شاخص درآمد سالیانه	۱٤۲/۸	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹٦): ۵/۸ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار (۱۹۸۳): ۱،۰۱۰ دلار سلیمان؛ منابع درآمد(۱۹۸۳): دستمزد و حقوق ۷٤/۱٪؛ کار آزاد، حواله، هدیه و سایر کمکها ۲۵/۹٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۲): غذا ٤٦/۸٪، مسکن ۱۱٪؛ کالاها و خدمات منزل ۱۰/۹٪؛ حمل و نقل ۹/۹٪؛ سرگرمی وبهداشت ۷/۹٪؛ پوشاک ۵/۷٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱۳ میلیون د لار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱،۳٦۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۳): ۲،۰۵۲ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۳):** ۲،۵۷٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۵۷،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱٤۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٦،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷،۹۰۰ خط تلفن (۱۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۷۰۰ خط (۱/۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٤)	۵۲۰	۲،۵۱۰	۷۳،۱۲۰	۲۹/۱
متوسطه	۲۳	٦۱۸	۷،۹۸۱	۱۲/۹
فنی و حرفه‌ای	۱	؟	؟	؟
عالی	۱	؟	؟	؟

میزان باسوادی(۱۹۷٦): افراد بالای ۱۵ سال: ۵٤/۱٪؛ مردان: ٦۲/٤٪؛ زنان: ٤٤/۹٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸٦): ابتدایی ٤٦/۲٪ ؛ متوسطه ٦/۸٪؛ عالی ۲/٦٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۳۱ نفر (هر ۱۳،۲۵۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۷) : ۲۱۰ تخت (هر ۱،۹۵۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷۸/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۱۳۰ کالری (۹۳٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۱ گرم؛ مصرف چربی: ٤۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۲٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۲٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): صفر کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۲ میلیون تن؛ هرنفر ۰/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۱٤ (صد و بیست و یکمین کشور جهان)



نام رسمی: فدراسیون سنت کیتس و نویس

نام محلی: سنت کیتس اند نیوس St. Kitts and Nevis

اسامی دیگر: سنت کریستوفر- نویس (نام قدیمی)

پایتخت: باستر (۱۲،۲۲۰ نفر در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹۸۳/۹/۱۹ ، از انگلستان

روز ملی: نوزدهم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت حکومت تشریفاتی پادشاه انگلستان)

رئیس حکومت: فرماندار کل: سِر کاتبرت مونتراویل سباستین، از سال ۱۹۹٦

رئیس دولت: نخست‌وزیر: سِر دنزیل داگلاس (حزب کارگر)، از سال ۱۹۹۵

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۳؛ مجلس ملی با ۱۱ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۰): حزب کارگر ۸ کرسی، جنبش شهروندان علاقمند ۲ کرسی، حزب اصلاحات نویس ۱ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۸۳)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آاوسیس، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲٦۱ کیلومترمربع (صد و هشتاد و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۸،۸۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هشتاد و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٤۸/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ٤٤،٥۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۷۳ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳٤٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۳۰/۸٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲٥٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۲/٦٪ ؛ بالای ٦۰ سال ۱۱/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/٤۱٪؛ زن ٥۰/٥۹٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۲/٥ سال؛ مردان ٦٦/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۹/٥ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۸/۷ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۸٥): بیماریهای دستگاه گردش خون ٤٤۳/۲ نفر (شامل بیماریهای عروق مغزی ۲۲۰/٥ نفر؛ بیماریهای عروق ریه‌ها و ناراحتی‌های قلبی ۱۲۲/۷ نفر)؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۹٥/٥ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/٥ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۱): سیاهپوست ۹٤/۹٪ ؛ دورگه، سفیدپوست، هندی و پاکستانی ٥/۱٪

دین(۱۹۹٥): پروتستان ۸٤/٦٪ (شامل انگلیکان ۲٥/۲٪)؛ کاتولیک ٦/۷٪ ؛ دیگر ادیان ۸/۷٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٤): چارلزتاون (در جزیره نویس) ۱،٤۱۱ نفر

بنادر مهم: باستر (در جزیرهٔ سنت کیتس) و چارلز تاون (در جزیرهٔ نویس)، بین اقیانوس اطلس و دریای کارائیب

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلارکارائیب‌شرقی(EC$)= ۱۰۰سنت؛یک‌دلار= ۲/۷دلار کارائیب شرقی؛ یک دلار ک.ش.= ۲،۹٦۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۲۰۸/۳ میلیون دلار کارائیب شرقی ؛ درآمد مالیاتی ٦۸/۹٪ (شامل مالیات بر معاملات بین‌المللی ۳۷/٤٪ ؛ مالیات بر درآمد ۱٥/۷٪؛ مالیات بر مصرف ۱٤/٤٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۲٦/۷٪

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ۲۳۱/۷ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ هزینه‌های جاری ۸٥/۹٪ ؛ هزینه‌های عمرانی ۱٤/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲٥۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٦،۱۹۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/۱٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤/٦٪ ؛ صنعت ۲٤/۳٪ ؛ خدمات ۷۱/۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۲٥ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ٥۹/۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٦/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۹/٦٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/۹٪ ؛ ۱۹۹۸: ۳/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۱۹٦،۷۸٤ تن، میوه‌های استوائی ۱،۳۰۰ تن، نارگیل ۱،۰۰۰ تن، محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۷۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲۱۱ تن، حبوبات ۲۱۰ تن، کلم ۱۷٥تن، سیب‌زمینی شیرین ۱۷۰تن، گوجه‌فرنگی ۱۲۰ تن، پیاز ۷٥ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۳۹٪ ؛ مرتع و چمنزار ۳٪؛ جنگل ۱۷٪ ؛ سایر موارد ٤۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹٦): بز ۱٤،٥۰۰ رأس؛ گوسفند ۸،۰۰۰ رأس؛ گاو ۳،٦۰۰ رأس؛ خوک ۳،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱٦۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۷۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۰۰ تن

تولیدات معدنی : استخراج ماسه برای مصارف داخلی.

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): شکر خام ۲۰،۲٤۹ تن؛ ملاس ٦،۰۰۰ تن؛ نوشابه‌های گازدار ٤۷،۰۰۰ هکتولیتر؛ آبجو ۱۷،۲۰۰ هکتولیتر؛ لوازم الکترونیکی، پوشاک، کفش و پارچه باتیک

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۸۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۸۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۳۳،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی : صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۸۰): ۱۷،۱۲٥ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۹/٥٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٦۹/٥٪ ؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤۱٪ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ٤/٥٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹٤): کشاورزی ۱٥٪ ؛ صنعت ۲۱٪؛ خدمات ٦٤٪

نیروی دفاعی: در سال ۱۹۹۷، مجلس ملی این کشور تشکیل یک ارتش ٥۰ نفره را به تصویب رسانده است.

واردات(۱۹۹۷): ٤۰۱/۱ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل ونقل ۳۰/۳٪، تولیدات صنعتی گوناگون و اساسی ۲۰/٦٪، غذا ۱٦/۱٪، مواد شیمیایی ۸/۲٪ ؛ از امریکا ٤٥/٥٪، کشورهای عضو بازار مشترک کارائیب ۱۳/٤٪ (از جمله ترینیداد و توباگو ۹/۸٪)، انگلستان ۹/۷٪

صادرات(۱۹۹۷): ۱۰۹/۹ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ شامل غذا ٥٦٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل ونقل (بیشتر لوازم الکترونیکی) ۳۱/۷٪؛ به امریکا ٥٥٪، انگلستان ۳۲/٦٪، کشورهای عضو بازار مشترک کارائیب ۲/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیون دلار ک.ش	-۱۲۰	-۱۷۷	-۲۱۱	-۲۱۷	-۲٤۲	-۲۹۱/۲
درصد کل	۳٦/۱٪	٤٦/۲٪	٥۳/۳٪	٥۲/٤٪	٥٥/۸٪	٥۷٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۰/٦	۹۳/۲	۹٤/۹	۹۷/٤	۱۰۰	۱۰۲/٥
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازه خانوار(۱۹۸۰): ۳/۷ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار (۱۹۹٤): ۹،۹٤۰ دلار کارائیب شرقی؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۷۸): غذا، نوشیدنی و دخانیات ٥٥/٦٪؛ لوازم خانگی ۹/٤٪؛ مسکن ۷/٦٪؛ پوشاک و کفش ۷/٥٪ ؛ سوخت و روشنایی ٦/٦٪ ؛ حمل و نقل ٤/۳٪ ؛ سایر موارد ۹٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۷۲ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۳۲۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٥):** ۳٦ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۱): ۳،۷۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۱):** ۲،۲۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ۱۰ عنوان در ٤٤،۰۰۰ نسخه

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲۸،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۷۰۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲٦٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۷،۱۸۱ خط تلفن (٤۱۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۰٥ خط (٥ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۲۳	۳۲۰	٥،۹۲۸	۱۸/٥
متوسطه	۹	۳٤۱	٤،٥٤۸	۱۳/۳
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۱	٥۱	۳۹٤	۷/۷

میزان باسوادی(۱۹۹۰): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۰٪ ؛ مردان: ۹۰٪؛ زنان: ۹۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸۰): ابتدایی ۲۹/٦٪؛ متوسطه ٦۷/۲٪؛ عالی ۲/۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ٥۰ نفر (هر ۸۱٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۸) : ۲٤٤ تخت (هر ۱٦۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۷٦٦ کالری (۱۱٤٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷٥ گرم؛ مصرف چربی: ۹٥ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

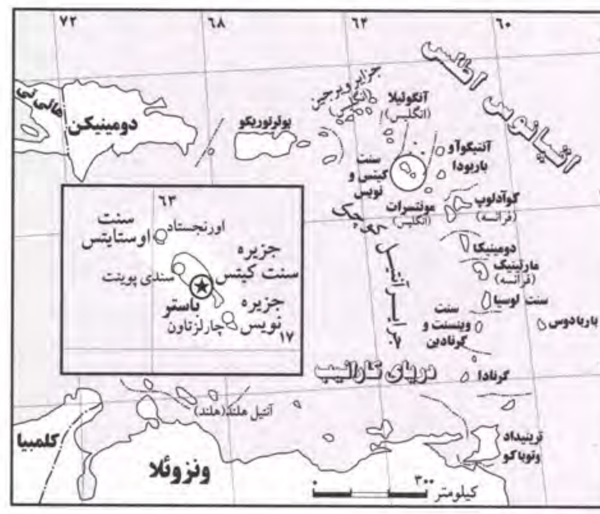
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۲/٥ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۹۸ (چهل و هفتمین کشور جهان)

سنت کیتس و نویس ST KITTS AND NEVIS

جزایری در حاشیهٔ شمال خاوری دریای کارائیب و غرب اقیانوس اطلس که از سه جزیرهٔ سنت کیتس (۱۶۸ کیلومترمربع)، نویس (۹۳ کیلومترمربع) و جزیرک سنت اوستایتس تشکیل یافته و جزئی از جزایر لیوارد (باد پناه) و بخشی از مجمع الجزایر آنتیل های کوچک محسوب می شود. جزایر مزبور منشأ آتشفشانی دارند و اراضی آنها تپه ماهور است و دارای اقلیم گرم و مرطوب و پر باران است و بادهای اقیانوسی به اعتدال نسبی هوای آنها کمک می کند.

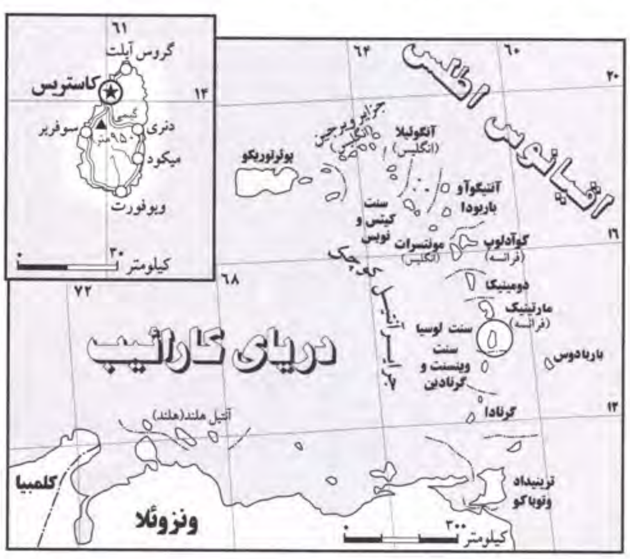


تاریخچه

در سال ۱۴۹۳ زمانی که کریستف کلمب برای بار دوم به قارهٔ جدید سفر کرد، جزیره‌ای را که بومیان لیاموئیگا (سرزمین حاصلخیز) می نامیدند، به سنت کریستوفر موسوم کرد. در ۱۶۲۳ توماس واکر ماجراجوی انگلیسی، اولین ماندگاه انگلیسی دریای کارائیب را در جزیرهٔ مزبور احداث کرد. وی ۵ سال بعد جزیرهٔ مجاور آن یعنی نویس را نیز به تصرف درآورد و بومیان کارائیب را به سرعت از میان برد و به جای آنها بردگان افریقایی را وارد این جزایر نمود و با احداث کشتزارهای نیشکر، آنان را به کار گرفت.
در سدهٔ بیستم و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم به جزایر مزبور خودمختاری داخلی داده شد ولی امور دفاعی و روابط خارجی همچنان در اختیار استعمارگران انگلیسی باقی ماند. در سال ۱۹۸۰ آنگوئیلا از فدراسیون سنت کیتس و نویس جدا شد و جزایر سنت کیتس و نویس تحت سرپرستی نخست وزیر و یک پارلمان که هر دو به وسیلهٔ آراء عمومی انتخاب می شدند، قرار گرفت و کندی آلفونس سیموندز از جنبش اقدام مردم، به نخست وزیری منصوب شد.
همه‌پرسی سال ۱۹۷۶ در جزیرهٔ نویس تمایل ساکنان آن سامان را به جدایی از سنت کیتس و استقلال آنان نشان می داد. در ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۳ فدراسیون سنت کیتس و نویس به استقلال دست یافت و در سال ۱۹۸۴ سیموندز برای بار دوم به نخست وزیری رسید و در ۱۹۸۹ موقعیت جدید خود را مجدداً حفظ کرد.
در ژوئیهٔ ۱۹۹۵، سر دنزیل داگلاس به نخست وزیری انتخاب گردید و در ۱۹۹۶ کاتبرت مونتراویل سباستین از سوی دولت انگلستان بعنوان فرماندار کل فدراسیون سنت کیتس و نویس منصوب شد. دراواسط سال ۱۹۹۶، وانس آموری، نخست وزیر نویس اعلام کرد که مقدمات جدایی این جزیره از فدراسیون آماده شده است، اما در رأی گیری پارلمانی نتوانست دوسوم رأی لازم برای این منظور را به دست آورد. در سال ۱۹۹۸، به دنبال برگزاری یک رفراندوم، ۶۱/۲٪ مردم جزیرهٔ نویس با استقلال موافقت کردند. به دنبال آن نمایندگانی از سوی ایالات متحده امریکا، کشورهای عضو کاریکوم و جزیرهٔ سنت کیتس به نویس آمدند تا از اجرای نتایج این رفراندوم جلوگیری کنند. توفند سهمگین «جورج» حدود ۸۰٪ ساختمان های این دو جزیره را از میان برد. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، نخست وزیر، دنزیل داگلاس، یک تور یک هفته‌ای مجانی به تمام افراد پلیس، آتش نشانان و کارکنان اورژانس درگیر در کمک رسانی اعطاء کرد.

سنت لوسیا ST LUCIA

جزیره‌ای است در حاشیهٔ خاوری دریای کارائیب وغرب اقیانوس اطلس که منشأ آتشفشانی دارد و جزئی از جزایر ویندوارد (بادگیر) و بخشی از آنتیل های کوچک محسوب می شود و در جنوب جزیرهٔ مارتینیک و شمال جزیرهٔ سنت وینسنت جای دارد. اراضی آن کوهستانی است و آتشفشان گیمی به بلندی ۹۵۰ متر، مرتفع ترین نقطهٔ آن محسوب می گردد. اقلیم آن گرم و مرطوب و پرباران است و وزش بادهای اقیانوسی تا حدی بر اعتدال آن کمک می کند. زمینهای آن حاصلخیز است و موز و نارگیل از فرآورده‌های کشاورزی آن است و رودهای روسو و ترومام عمده‌ترین رودخانه های آن به شمار می روند.



تاریخچه

نخستین ساکنان شناخته شده این کشور بومیان آراواک بوده‌اند که به وسیلهٔ کاریب ها از آن سرزمین به بیرون رانده شدند. در سال ۱۵۰۲ کریستف کلمب از این جزیره دیدن کرد. در ۱۶۶۰ فرانسوی ها جزیره را به تصرف خود درآوردند و در آن سکونت گزیدند و طی ۱۵۰ سال اقامتشان در جزیره با انگلیسی ها در نبرد و زد و خورد بودند و در این مدت پرچم سنت لوسیا ۱۴ بار عوض شد.
معاهدهٔ پاریس در سال ۱۸۱۴ جزیره را به انگلیسی ها واگذار کرد. انگلیسی ها سنت لوسیا را به کشتزارهای وسیع نیشکر مبدل ساختند و بردگان افریقایی را در کشتزارهای مزبور به کار گماشتند. طی سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۲ سنت لوسیا وابسته به فدراسیون هند غربی بود. در سال ۱۹۶۷ به خودمختاری داخلی نایل آمد و دارای قانون اساسی شد و به یکی از اعضای دولت فدرال آنتیل مبدل گردید. در ۲۲ فوریه ۱۹۷۹ به استقلال رسید و در نخستین انتخابات پس از استقلال (ژوئیه ۱۹۷۹) جان کامپتن که از ۱۹۶۴ سمت نخست وزیری را بر عهده داشت، جای خود را به آلن لوئیزی، از حزب کارگر سنت لوسیا واگذار کرد. وی با کوبا و کرهٔ شمالی روابط سیاسی برقرار کرد و سنت لوسیا را به عضویت جنبش عدم تعهد درآورد. پس از بروز بحران های سیاسی مکرر، در انتخابات ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ جان کامپتن، از حزب کارگران متحد، مجدداً به نخست وزیری منصوب شد. اگرچه اوضاع اقتصادی در پی افزایش صادرات و درآمدهای ناشی از افزایش جهانگردان، رو به بهبود نهاد، اما بحران های اقتصادی پایان نیافت. سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ سالهای بحران اقتصادی سنت لوسیا بود. در این سالها کارگران مزارع موز که ستون فقرات اقتصاد کشور را تشکیل می دهد دست به اعتصاب زدند و کشور را از نظر درآمد و اقتصاد به شدت متضرر ساختند. در ۱۹۹۷ کنی آنتونی، با پیروزی حزب کارگر سنت لوسیا، به مقام نخست وزیری رسید.
در کنفرانس سران کشورهای دریای کارائیب، تعرفه‌های گمرکی میان کشورهای عضو لغو شد



نام رسمی: سنت لوسیا

نام محلی: سنت‌لوشا (لوسیا) St. Lucia

اسامی دیگر: –

پایتخت: کاستریس (۶۰،۹۳۴ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۹/۲/۲۲ ، از انگلستان

روز ملی: سیزدهم دسامبر، روز سنت‌لوسیا

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت حکومت تشریفاتی پادشاه انگلستان)، از سال ۱۹۷۹

رئیس حکومت: فرماندارکل : پرلت لوئیزی، از سال ۱۹۹۷

رئیس دولت: نخست‌وزیر: کنی آنتونی (حزب کارگر سنت‌لوسیا)، از سال ۱۹۹۷

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۹؛ مجلس قانونگذاری با ۱۷ عضو به مدت ۵ سال و مجلس سنا با ۹ عضو انتصابی فرماندارکل؛ کرسی‌های مجلس قانونگذاری در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۱): حزب کارگر سنت‌لوسیا ۱۶ (۱۴) کرسی، حزب کارگران متحد ۱ (۳) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۹)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۶۱۷ کیلومترمربع (صد و هفتاد و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۵۷،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هفتاد و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۵۴/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۲۰۰،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۴۱ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۷/۴٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ؟

توزیع سنی (۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۳۳/۵٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۳۰/۹٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۸/۴٪؛ بالای ۶۰ سال ۷/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ۴۸/۳۴٪: زن ۵۱/۶۶٪ — **امید به زندگی (۱۹۹۹):** زنان ۷۵/۹ سال؛ مردان ۶۸/۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر (۱۹۹۹): ۲۲/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر (۱۹۹۹):** ۵/۵ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد (۱۹۹۹): ۱۶/۱نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر (۱۹۹۹):** ۱۷/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹۶): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۸۲/۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۷۴/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۴۱/۵ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۳۷/۴ نفر؛ بیماریهای ناشی از شرایط بد ۶۳/۲ نفر؛ نارسائی‌های غدد درونی و سوخت و ساز بدن ۱۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور (۱۹۹۹): ۲/۵ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر (۱۹۹۷): ۳/۱ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر (۱۹۹۷):** ۰/۲ مورد

نژاد/ ملیت (۱۹۹۰): سیاهپوست ۹۰/۵٪؛ دورگه سیاه وسفید ۵/۵٪ ؛ هندی ۳/۲٪؛ سفیدپوست ۰/۸٪

دین (۱۹۹۵): کاتولیک ۷۹/۲٪؛ پروتستان ۱۹/۴٪؛ سایر ادیان ۱/۴٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ فرانسوی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم (۱۹۹۳): ویوفورت ۲۳،۴۰۰ نفر؛ میکود ۱۵،۰۰۰ نفر؛ سوفریر ۱۴،۰۰۰ نفر؛ گروس آیلت ۱۱،۵۰۰ نفر؛ دِنری ۱۱،۱۰۰ نفر

بنادر مهم: کاستریس (دریای کارائیب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلارکارائیب‌شرقی (EC$)= ۱۰۰سنت؛ یک دلار= ۲/۷ دلار کارائیب شرقی؛ یک دلار ک.ش=۲،۹۶۲ریال

درآمد بودجه (۹۹-۱۹۹۸): ۴۶۹/۹ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ درآمد جاری ۸۶/۹٪ (شامل مالیات مصرف بر کالاهای وارداتی ۲۴/۴٪؛ مالیات بر درآمد و سود ۲۱/۹٪ ؛ عوارض گمرکی ۱۴/۷٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۹/۲٪؛ کمک‌های خارجی ۳/۹٪

هزینه بودجه (۹۹-۱۹۹۸): ۴۹۶/۶ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ هزینه‌های جاری ۶۹/۴٪؛ هزینه‌های عمرانی و تسویه وامها ۳۰/۶٪

تولید ناخالص ملی (۱۹۹۸): ۵۵۶ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی (۱۹۹۸):** ۳،۶۶۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی (۱۹۹۸): کشاورزی ۸/۲٪ ؛ صنعت ۱۸/۹٪ ؛ خدمات ۷۲/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۴۰ میلیون دلار

بدهی خارجی (۱۹۹۸): ۱۵۳/۶ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی (۱۹۹۸) :** ۶/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی (۱۹۹۸): ۱۶/۱٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/۵٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): موز ۸۰،۰۰۰ تن؛ انبه ۲۷،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۱۲،۰۰۰ تن؛ یام ۳،۸۰۰ تن؛ میوه‌های استوائی ۲،۷۵۰ تن؛ گریپ‌فروت ۱،۳۹۳ تن؛ موز سبز ۱،۲۹۶ تن؛ کاساوا ۹۸۰ تن؛ سبزیجات ۹۵۰ تن؛ پرتقال ۷۰۵ تن

کاربری زمین (۱۹۹۴) : کشاورزی ۳۰٪؛ مرتع و چمنزار ۵٪؛ جنگل ۱۳٪؛ سایر موارد ۵۲٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): خوک ۱۴،۷۵۰ رأس؛ گوسفند ۱۲،۵۰۰ رأس؛ گاو ۱۲،۴۵۰ رأس؛ بز ۹،۸۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی (۱۹۹۸):** ۱،۴۶۲ تن

تولید مرغ (۱۹۹۹): ۲۶۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ (۱۹۹۹):** ۵۱۶ تن

تولیدات معدنی : استخراج ماسه برای کارهای ساختمانی و سنگ خارا

تولیدات صنعتی (۱۹۹۸): نوشابه‌های الکلی و دخانیات ۳۱،۱۲۰،۰۰۰ دلار کارائیب شرقی؛ تولیدات کاغذی و مقوایی ۲۸،۷۴۷،۰۰۰ ؛ لوازم برقی و الکترونیکی ۱۶،۲۴۵،۰۰۰ ؛ مواد غذایی ۹،۵۳۵،۰۰۰؛ لباس ۶،۵۶۳،۰۰۰؛ منسوجات ۳،۹۹۹،۰۰۰؛ روغن نارگیل تصفیه شده ۲،۳۳۰،۰۰۰ ؛ کوپرا ۱،۳۳۰،۰۰۰ دلار کارائیب شرقی

انرژی/ میزان تولید (میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۲۳۵،۸۸۱،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲۱۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۲۵،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۷۳،۶۶۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۴۹/۲٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴) ۷۹/۱٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۴۴/۴٪ ؛ میزان بیکاری: ۲۲/۲٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲۹/۴٪؛ صنعت ۹/۱٪؛ خدمات ۳۶/۱٪

نیروی دفاعی: این کشور فاقد نیروی دفاعی مستقل است و امور دفاعی آن توسط گارد ساحلی و یک نیروی شبه نظامی به انجام می‌رسد که جزئی از پلیس سنت‌لوسیا محسوب می‌شود.

واردات (۱۹۹۸): ۲۷۹/۶ میلیون دلار؛ شامل مواد غذایی ۲۱/۷٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۱/۱٪؛ کالاهای ساخته شده ۱۹٪؛ مواد شیمیایی ۸/۶٪؛ فرآورده‌های نفتی و نفت خام ۸/۵٪؛ به امریکا ۴۰٪؛ کشورهای عضو بازار مشترک کارائیب (کاریکوم) ۲۱/۲٪؛ انگلستان ۹/۲٪؛ ژاپن ۴/۴٪؛ کانادا ۲/۸٪

صادرات (۱۹۹۸): ۷۸/۵ میلیون دلار؛ شامل موز ۵۰/۵٪؛ پوشاک ۷/۵٪؛ کاغذ و مقوا ۵/۹٪؛ آبجو ۵٪؛ به انگلستان ۶۰٪؛ امریکا ۲۱٪؛ کشورهای عضو بازار مشترک کارائیب (کاریکوم) ۱۶/۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۱۷۹-	۱۸۰-	۱۶۵/۷-	۱۵۵/۲-	۱۷۷/۶-	۲۰۹/۱-	۲۰۱/۱-
درصد کل	۴۱٪	۴۲/۹٪	۴۵/۳٪	۴۰/۵٪	۴۷/۳٪	۵۶/۲٪	۵۶/۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۱	۹۲	۹۴/۵	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۱	۱۰۳/۷
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۴ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ، منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۲): غذا ۴۶/۸٪ ؛ مسکن ۱۳/۵٪ ؛ پوشاک و کفش ۶/۵٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۶/۳٪؛ لوازم خانگی ۵/۸٪ ؛ سایر موارد ۲۱/۱٪

جهانگردی (۱۹۹۷): درآمد: ۲۸۲ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۲۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه (۱۹۹۷): ۱،۲۱۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل (۱۹۹۷): ۱۴،۷۸۳ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس (۱۹۹۷):** ۱،۰۲۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۷ فروند — **فرودگاه (۱۹۹۸):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو (۱۹۹۷): ۱۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۶۶۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون (۱۹۹۷): ۴۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۶۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن (۱۹۹۹): ۴۰،۳۷۳ خط تلفن (۲۶۶ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه (۱۹۹۹): ۱،۹۰۰ خط (۱۲/۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۸۴	۱،۱۶۰	۳۰،۵۳۶	۲۶/۳
متوسطه	۱۷	۶۲۰	۱۱،۴۰۵	۱۸/۴
فنی و حرفه‌ای	۱	۳۴	۸۰۶	۲۳/۷
عالی	۱	۳۸۹	۸۷۰	۲/۴

میزان باسوادی (۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۸۲٪؛ مردان: ؟ ؛ زنان: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال (۱۹۸۰): ابتدایی ۷۴/۴٪؛ متوسطه ۶/۸٪ ؛ عالی ۱/۳٪

تعداد پزشک (۱۹۹۷): ۸۱ نفر (هر ۱،۸۴۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۵۲۷ تخت (هر ۲۸۴ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل (۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری (۱۹۹۸): ۲،۸۴۲ کالری (۱۱۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۸۰ گرم؛ مصرف چربی: ۷۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن (۱۹۹۷): ۷/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۲۸ (هشتاد و هشتمین کشور جهان)

تا بدینوسیله کاهش حمایت‌های ایالات متحده از این کشورها جبران شود. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱، حزب کارگر سنت‌لوسیا با به دست آوردن ۱۴ کرسی، اکثریت مطلق خود را در مجلس قانونگذاری حفظ کرد.

عمده‌ترین قلم صادراتی سنت‌لوسیا را تا سال ۱۹۵۸، شکر تشکیل می‌داد. از آن سال مزارع نیشکر به کشت موز اختصاص یافت و موز نقش اصلی را در اقتصاد کشور دارا گردید. با وجود اینکه علاوه بر صدور موز، گردشگری نیز از نقش موثری در اقتصاد و درآمد ارزی کشور برخوردار است، مع‌الوصف تکافوی هزینه‌های جاری را نکرده و این کشور اغلب با بحران‌های اقتصادی روبرو است.

سنت‌وینسنت و گرنادین
ST VINCENT AND THE GRENADINES

کشور سنت‌وینسنت و گرنادین مجموعه جزایری است در حاشیهٔ خاوری دریای کارائیب و غرب اقیانوس اطلس که از جزیرهٔ بزرگ سنت وینسنت (۳۴۵ کیلومترمربع) و قسمت شمالی جزایر گرنادین (۴۳ کیلومترمربع) شامل جزیره‌های بکوئیا، کانوآن، ماستیک، ماترئو، کوآتر، ساوان و یونیون تشکیل یافته، بخشی از جزایر ویندوارد (بادگیر) و جزئی از مجمع‌الجزایر آنتیل کوچک به شمار می‌رود. این جزایر در مجموع نیمه‌کوهستانی است و منشأ آتشفشانی دارد. بلندترین کوه آن به نام سوفریر ۱۲۸۴ متر ارتفاع دارد. اراضی این کشور حاصلخیز است و اقلیم آن گرم و مرطوب و پرباران است و جریانهای اقیانوسی به اعتدال نسبی هوای آن کمک می‌کند. موز، نارگیل، محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای و نوعی گیاه که برای تولید نشاسته به کار می‌رود، از فرآورده‌های کشاورزی آن است.



تاریخچه

ساکنان اولیه این جزایر بومیان آراواک هستند که توسط کاریب‌ها از آن سرزمین بیرون رانده شدند. در سال ۱۴۹۵ کریستف کلمب وارد آنجا شد و در ۱۷۸۳ به مستعمرهٔ انگلستان مبدل شد. در ابتدا این جزایر به کشت محصولاتی چون نیشکر، پنبه، قهوه و کاکائو اختصاص یافت که بردگان سیاهپوست روی این زمین‌ها کار می‌کردند. جنبش‌هایی به منظور کسب خودمختاری و آزادی توسط کاریب‌ها و سیاهپوستان صورت گرفت که در سال ۱۷۹۶ به شدت سرکوب گردید. در سال ۱۸۳۳ به بخشی از مستعمرهٔ جزایر ویندوارد مبدل شد و در سال ۱۹۶۰ تا اندازه‌ای به خودمختاری نایل آمد و تا سال ۱۹۶۲ به یکی از اعضای فدراسیون هند غربی تبدیل گردید. در ۱۹۶۹ به خودمختاری داخلی نایل آمد و تحت نظارت مستقیم انگلستان قرار گرفت و در ۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ به استقلال دست یافت و میلتون کاتو، از حزب کارگر سنت‌وینسنت، به نخست‌وزیری منصوب گردید. کمی پس از استقلال، شورش مسلحانه‌ای توسط فرقه راستافاری به رهبری لینوکس بومبا چارلز در جزیره یونیون برپا شد که با کمک نیروهای اعزامی باربادوس به سرعت سرکوب شد. دولت کاتو در سال ۱۹۸۳ از حملهٔ امریکا به گرنادا حمایت کرد و یک واحد پلیس را برای پیوستن به نیروهای امریکایی به آن کشور اعزام نمود.

در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۴، حزب دموکراتیک نوین به رهبری جیمز میچل به اکثریت بزرگی دست یافت و در انتخابات دور بعد، در سال ۱۹۸۹ نیز، این پیروزی را تکرار کرد. در فوریه سال ۱۹۹۲، دولت سنت‌وینسنت به «معاهده تلاتلولکو» پیوست که بر اساس آن تولید هر نوع سلاح هسته‌ای در امریکای لاتین و دریای کارائیب ممنوع است. با گسترش موج استقلال‌خواهی در میان جزایر گرنادین، وزارت امور گرنادین تأسیس شد. کوشش‌های امریکا در سال ۲۰۰۰ به منظور لغو آنچه امتیازات اروپاییان می‌خواند، منجر به کاهش صادرات موز که اصلی‌ترین فرآورده کشاورزی این کشور به شمار می‌رفت، شد و در نتیجه بر میزان بیکاری در آن کشور افزود. حزب چپگرای کارگران متحد در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱ اکثریت کرسی‌های مجلس قانونگذاری را کسب کرد و رهبر آن رالف گونسالوز به نخست‌وزیری رسید و حزب دموکراتیک نوین که به مدت ۱۷ سال، از سال ۱۹۸۴ قدرت را در دست داشت به حزب مخالف اقلیت تبدیل شد. گونسالوز کمی پس از به قدرت رسیدن از کوبا ولیبی دیدار کرد و در کوبا یک قرارداد همکاری جامع در زمینه‌های بهداشت، جهانگردی، تجارت و آموزش زبان را با آن کشور منعقد نمود.



نام رسمی: سنت‌وینسنت و گرنادین

نام محلی: سنت‌وینسنت اند دِ گرندینز St. Vincent and the Grenadines

اسامی دیگر: –

پایتخت: کینگز تاون (۱٦،۱٥۱ نفر درسال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۹/۱۰/۲۷، از انگلستان

روز ملی: بیست و هفتم اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت حکومت تشریفاتی انگلستان)، از سال ۱۹۷۹

رئیس حکومت: فرماندار کل: سِر چارلز آنترویاس، از سال ۱۹۹٦

رئیس دولت: نخست‌وزیر: رالف گونسالوز(حزب کارگران متحد)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۹؛ مجلس قانونگذاری با ۲۱ عضو (۱٥ عضو به صورت انتخابی برای مدت ٥ سال و ٦ عضو انتصابی فرماندار کل)؛ کرسی‌های انتخابی مجلس قانونگذاری (۲۰۰۱): حزب کارگران متحد ۱۲ کرسی، حزب دموکراتیک نوین ۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۸۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آاوسیس، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۳۸۹ کیلومترمربع (صد و هشتاد و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۱۳،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هفتاد و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۹۰/٥ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۱۲٥،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٥٤ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٥۲/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۳۱/۳٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۳۱/۲٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲۹٪؛ بالای ٦۰ سال ۸/٥٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٥۰/٥٪؛ زن ٤۹/٥٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۳/۷ سال؛ مردان ۷۰/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۷/۷ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۲/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۲۸/٤ نفر(شامل بیماریهای کم‌خونی قلب ۹٤/٤ نفر؛ بیماریهای عروق مغزی ۷۰/۱ نفر)؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ۹۰ نفر؛ نارسایی‌های غدد وسوخت و ساز بدن ٥٦/٦ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۳٦/۸ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٤۲/۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ٤/٦ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۰/۸ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹٥): سیاهپوست ۸۲٪؛ دورگه سیاه و سفید ۱۳/۹٪؛ بقیه ٤/۱٪

دین(۱۹۹٥): پروتستان ٥۷٪ (شامل: انگلیکان ۱۷/۹٪)؛ کاتولیک ۱۰/۷٪ ؛ سایر ادیان و بی‌دین ۳۲/۳٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم: جورج‌تاون

بنادر مهم: کینگزتاون (بین دریای کارائیب و اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار کارائیب شرقی(EC$)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۲/۷ دلار ک.ش؛ یک دلار ک.ش= ۲،۹٦۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲۸٥/۲ میلیون دلار کارائیب شرقی ؛ درآمد جاری ۷۳/۸٪ (شامل مالیات بر درآمد ۲٥/۱٪، مالیات مصرف بر واردات ۲۳/۳٪، مالیات بر کالاها و خدمات ۹/۳٪، عوارض گمرکی ۷/۹٪، سایر موارد ۸/۲٪)؛ کمک‌های خارجی ۱٤/٥٪؛ درآمد غیر مالیاتی ۹/٥٪؛ درآمد سرمایه‌ای ۲/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۳۰۳/۱ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ هزینه‌های جاری ٦٥/۹٪ (شامل دستمزدها ۳٦/۲٪؛ انتقالی‌ها ۱۱/٤٪)؛ هزینه‌های عمرانی ۳٤/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۹۰ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،٥٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۰/۹٪؛ صنعت ۲٦/۹٪؛ خدمات ٦۲/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ٤۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۰۱/٤ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۰/٥+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۰/۷٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/٥٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): موز ٤۳،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۲۳،٦۰۰؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۹،۰۰۰؛ تارو ٤،۲٤۷؛ ذرت ۲،۰۰۰؛ سیب‌زمینی شیرین ۱،٥۰۰ ؛ انبه ۱،٤۰۰؛ یام ۱،۲۰۰؛ پرتقال ۹٦۰؛ زنجبیل ۸۹۲؛ لیمو ۸۷۰؛ نشاسته اروروت ۱۷۷؛ جوز بویا ۱۰٥ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۲۸٪؛ مرتع و چمنزار ٥٪؛ جنگل ۳٦٪؛ سایر موارد ۳۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱۳،۰۰۰ رأس؛ خوک ۹،٤۰۰ رأس؛ گاو ٦،۲۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۸۳٥ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦٤۰ تن

تولیدات معدنی : شن و ماسه برای مصارف ساختمانی

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): (ارزش کالاهای صادر شده به میلیون دلار): آرد بسته‌بندی شده ۸/۷؛ برنج بسته‌بندی شده ٦/٤؛ سایر کالاها (عمدتاً شامل پوشاک و کالاهای ورزشی و لوازم الکترونیکی) ۸/۱

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۸۲،۷۷۳،۰۰۰ کیلووات ساعت (۸۲،۷۷۳،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر(صفر)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): صفر (٤۱،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ٤۱،٦۸۲ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۹/۱٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٦۷/٥٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۳٥/۹٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): بیش از ۳۰٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۱): کشاورزی ۲٥٪؛ صنعت ۲۱٪؛ خدمات ٥٤٪

نیروی دفاعی: این کشور فاقد نیروی مستقل دفاعی است و نیروی پلیس ٦۳٤ نفره (۱۹۹۲) آن شامل گارد ساحلی و یک نیروی ویژهٔ شبه نظامی نیز می‌شود.

واردات(۱۹۹۸): ۱٦۹/۱ میلیون دلار؛ شامل: کالاهای اساسی ۳۳/۷٪؛ مواد غذایی ۲۳/۱٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۲/۲٪؛ مواد شیمیایی ۹/۷٪ ؛ سوخت ٥/٦٪؛ از امریکا ۳۹/٤٪؛ کشورهای عضو بازار مشترک کارائیب ۲٤/٥٪(از جمله ترینیداد و توباگو ۱٦/۸٪)؛ انگلستان ۱۲/٥٪؛ سایر کشورها ٦/۸٪

صادرات(۱۹۹۸): ٤۹/٦ میلیون دلار؛ شامل کالاهای داخلی ۹٤/۱٪ (از جمله: موز ٤۱/٥٪؛ بستهٔ آرد ۱۳/۹٪؛ بستهٔ برنج ۱۲/۹٪؛ تارو ۳/۸٪)؛ صادرات مجدد ٥/۹٪؛ به کشورهای عضو بازار مشترک کارائیب ٤۹/۱٪ (از جمله ترینیدادوتوباگو ۱۱٪ و سنت‌لوسیا ۱۰/٤٪)؛ انگلستان ٤۲/۲٪؛ امریکا ٥/۲٪؛ سایر کشورها ۳/٥٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۳۷/۹	-٦۲/۳	-٦٦/٥	-٥۷/٤	-۷٤/۳	-۱۰٤/۱	-۱۱۹/٥
درصد کل	۱۹/۳٪	۳٦٪	٤۰/٥٪	۳۱/۷٪	٤۱/٤٪	٥۲/٤٪	٥٤/٦٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۷/۳	۹۸/۳	۱۰۰	۱۰٤/٤	۱۰٤/۹	۱۰۷/۱	۱۰۸/۲
شاخص درآمد ماهانه	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۱): ۳/۹ نفر؛ درآمد هر خانوار(۱۹۸۸): ٤،٥۷۹ دلار کارائیب شرقی؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۷٦-۱۹۷٥): غذا و نوشیدنی ٥۹/۸٪؛ پوشاک ۷/۷٪؛ لوازم خانگی ٦/٦٪؛ مسکن ٦/۳٪؛ سوخت ٦/۲٪؛ سایر موارد ۱۳/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۷٤/۸ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج (۱۹۹٦): ٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱،۰٤۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ٦،۰۸۹ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۳،٦۷۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۷): ۹٤٦ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ٥ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱ روزنامه در ۱،۰۰۰ نسخه (۹ روزنامه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۷۷،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۹۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹٦): ۱۸،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱٥۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۱،۰۰۰ خط تلفن (۱۸۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۸۰۰ خط (٦/۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	٦۰	۱،۰۰۷	۲۱،۳٤۷	۲۱/۲
متوسطه	۲۱	۳۷۹	۷،۷۷٥	۲۰/٥
فنی و حرفه‌ای	۳	٤۹	٤۱٥	؟
عالی	؟	؟	؟	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۱): افراد بالای ۱٥ سال: ۹٦٪ ؛ مردان: ؟ ؛ زنان: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸۰): ابتدایی ۸۸٪ ؛ متوسطه ۸/۲٪؛ عالی ۱/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ٥۹ نفر (هر ۱،۸۸۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۲۰۹ تخت (هر ٥۳۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۱/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٥٥٤ کالری (۱۰٦٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦٥ گرم؛ مصرف چربی: ٦۹ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۳۸ (هفتاد و نهمین کشور جهان)



نام رسمی: جمهوری سنگاپور

نام محلی: چینی: هسینچیاپو Hsin-chia-po ؛ مالایایی: سینگاپورا Singapura

اسامی دیگر: تامیلی: سینگاپوره Singapore

پایتخت: سنگاپور (۳،۱٦۳،۵۰۰ نفر درسال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۵/۸/۹، از مالزیا

روز ملی: نهم اوت، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۵۹

رئیس حکومت: رئیس جمهور: سلاپان راما ناتان، از سال ۱۹۹۹ به مدت ٦ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: گوه چوک تونگ (حزب اقدام مردم)، ازسال ۱۹۹۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۵۹، آخرین تغییرات ۱۹۹٦؛ پارلمان با ۸٤ عضو انتخابی و ٦ عضو انتصابی به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های انتخابی پارلمان (۲۰۰۱): حزب اقدام مردم ۸۲ کرسی، حزب کارگران ۱ کرسی، اتحاد دموکراتیک ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹٦۵)، اونکتاد، یونیسف، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، آپک، آائوسیس، آسه‌آن، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ٦٤٦ کیلومترمربع (صد و هفتاد و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۳،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و بیست و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵،۵۷۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٤/۲ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۸۲ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۱۰۰٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۰/۸٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ۲۱/۵٪؛ ۳٤-۱۵ سال ۳۰/۱٪؛ ٥٤-۳۵ سال ۳۳/۹٪؛ بالای ۵۵ سال ۱٤/۵٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٤۹/۹٦٪؛ زن ۵۰/۰٤٪ — **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ۸۰ سال؛ مردان ۷۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۳/٤ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۵ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۵): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱٦۰/۳ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۱۲/٤ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۸٤ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ۳۲/۱ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۵ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٦ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ٦ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۸):** ۷/۷ مورد

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): چینی ۷٦/۸٪؛ مالایایی ۱۳/۹٪؛ هندی ۷/۹٪

دین(۱۹۹٤): بودایی ۳۱/۹٪؛ تائوئیست ۲۲٪؛ مسلمان ۱٤/۹٪؛ مسیحی ۱۲/۹٪؛ هندو ۳/۳٪ ؛ بدون دین ۱٤/۵٪

زبان و خط: چینی، مالایایی، تامیل و انگلیسی (زبانهای رسمی)؛ خط: چینی؛ مالایایی؛ تامیل و انگلیسی

شهرهای مهم: ندارد

بنادر مهم: سنگاپور، درشمال تنگهٔ سنگاپور

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار سنگاپور (S$)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۱/۷۵ دلار سنگاپور؛ یک دلار سنگاپور = ٤،۵۷۱ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲۸،۲۱۳ میلیون دلار سنگاپور؛ مالیات بر درآمد ۳٤/۷٪؛ درآمد غیر مالیاتی ۲۱/۵٪؛ مالیات بر دارایی ٦/٦٪؛ مالیات بر کالا و خدمات ٦٪؛ عوارض گمرکی و کالاهای ساخت داخل ۵/۷٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۲٤،۷۹۳ میلیون دلار سنگاپور؛ تأمین امنیت ۳٤/۳٪؛ آموزش ۱۹٪؛ ارتباطات ۸/۳٪ ؛ تجارت و صنعت ۷/۷٪؛ مسکن ٦/٦٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۹۵،٤۵۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۰،۱۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۷/۷٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۸/۱٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۰/۱٪ ؛ صنعت ۳۵/۳٪؛ خدمات ٦٤/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳،٦۷٤ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۷،۲۱۸ میلیون دلار

بدهی خارجی: ؟ — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۵۱/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰):۲/۱٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱/۵-٪ ؛ ۲۰۰۰: ۱/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): سبزیجات و میوه ٤،۸۱۱ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۲٪؛ جنگل ۵٪؛ سایر موارد (عمدتاً مناطق مسکونی و صنعتی)۹۳٪

تعداد دام زنده: ؟

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۷،۷۳۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱٦،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٤): گرانیت ۷۵،۸۰۰،۰۰۰ دلار سنگاپور

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده): لوازم الکترونیکی ۱٦،۹۸۲،۱۰۰،۰۰۰ دلار سنگاپور؛ مواد شیمیایی ۳،۳۲٦،۵۰۰،۰۰۰ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات ۲،٦۲۳،۳۰۰،۰۰۰؛ تجهیزات حمل و نقل ۲،۲۱٦،۱۰۰،۰۰۰؛ مصنوعات فلزی ۲،۱۲۱،۱۰۰،۰۰۰ ؛ فرآورده‌های نفتی ۲،۰۳۸،۳۰۰،۰۰۰ دلار سنگاپور

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٤): ۲۰،٦۷٦،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲۰،۵۸۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر(٤۰۸،۸۰۰،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ٤۷،۷٦۰،۰۰۰ تن (۱۸،۹۸۹،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۱،۹۳۱،۸۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۵۰٪؛ میزان مشارکت: (۱۵ سال به بالا؛ ۱۹۹۵): ٦۳/۹٪ ؛ زنان (۱۵ سال به بالا): ۳۸/۷٪ ؛ میزان بیکاری ۳/۲٪؛ ۲۰۰۰: ۳/۱٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹٦): کشاورزی ۰/۲٪ ؛ صنعت ۳۰/۳٪ ؛ خدمات ٦۹/۵٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۲٤ تا ۳۰ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۷۲،۵۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۹٪؛ نیروی دریایی ۱۲/٤٪؛ نیروی هوایی ۱۸/٦٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۵): ۱،۳۲۱ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱٦۹،۸٦۳/۵ میلیون دلار سنگاپور؛ شامل: ماشینهای اداری ۱۳/۲٪؛ نفت خام ۵٪؛ دستگاههای مخابراتی ٤/۸٪؛ نیروگاههای برقی ٤/۱٪؛ آلات علمی ۳/۳٪؛ فرآورده‌های نفتی ۳٪؛ ماشین‌آلات صنعتی ۲/٦٪؛ از امریکا ۱۸/٤٪؛ ژاپن ۱٦/۷٪؛ مالزیا ۱۵/۵٪؛ چین ٤/۸٪؛ تایلند ٤/۸٪؛ تایوان ۳/۸٪؛ آلمان ۳/٤٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱۸۳،۷٦۳/۳ میلیون دلار سنگاپور؛ شامل: ماشینهای اداری ۲۷/۹٪؛ دستگاههای مخابراتی ٦/۱٪؛ فرآورده‌های نفتی ۵/۷٪؛ لوازم وادوات اپتیکی ۲/۵٪؛ ابزارآلات مدار الکتریکی ۲/۱٪؛ ماشین‌آلات صنعتی ۱/۷٪؛ پوشاک ۱/۳٪؛ به امریکا ۱۹/۹٪؛ مالزیا ۱۵/۲٪؛ هنگ کنگ ۸/٤٪؛ ژاپن ٦/٦٪؛ تایوان٤/۳٪ ؛ تایلند ۳/۸٪؛ چین ۳/۷٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۸
میلیون دلار سنگاپور	-۵،۷۷۰	-۷،٤۹۰	-۱۰،۳۳۸	-۲۱٦	+۱،۱۷۸	+۱،٦۳۱	+۱۳،۹۰۰
درصد کل	٪۲/۷	٪۳/۵	٪٤/۱	٪۰/۱	٪۰/٤	٪۰/۵	٪۳/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۵/٤	۹۸/۳	۱۰۰	۱۰۱/٤	۱۰۳/٤	۱۰۳/۱
شاخص درآمد ماهانه	۸٦/٤	۹٤	۱۰۰	۱۰۵/۸	۱۱۱/۸	۱۱٤/۹

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۰): ٤/۲ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹۳): ٤۵،۹٤۸ دلار سنگاپور؛ منابع درآمد (۸۸-۱۹۸۷): دستمزد ۸۱/۲٪؛ کار آزاد ۱٦/۸٪؛ پرداخت‌های انتقالی و سایر موارد ۲٪؛ هزینه‌ها (۹۳-۱۹۹۲): غذا ۳۰٪؛ هزینهٔ مسکن و لوازم خانگی ۲۳/٤٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۵/۸٪؛ سرگرمی و آموزش ۹٪؛ پوشاک ٦/۱٪؛ بهداشت۲/۸٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۵،۱٦۲ میلیون د لار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۲،٦۷٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳،۰۱۷ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۸۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۳۹۵،۲۲٦ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۱۵۲،٤۸۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۹٤٦ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۹):** ۱ فرودگاه

روزنامه: ۸ روزنامه در ۱،۰۹۵،۰۰۰ نسخه (۳۲٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲،۵۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۷٤٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱،۳۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۸۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،۷۷۸،۰۰۰ خط تلفن (٥٦۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۰۹۵،۳۰۰ خط (۳٤٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،٤۵۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۷۵۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۱۹۸	۱۰،٦۱۸	۲٦۹،٦٦۸	۲۵/٤
متوسطه	۱۷٤	۱۰،۳٥٤	۲۰۷،۷۱۹	۲۰/۱
فنی و حرفه‌ای	۱۱	۱،۲۱۲	۸،۲۳۳	٦/۸
عالی	۷	٦،٦۸۹	۹۲،۱٤۰	۱۳/۸

میزان باسوادی(۱۹۹۰): افراد بالای ۱۰ سال: ۸۹/۱٪؛ مردان: ۹۵/۱٪؛ زنان : ۸۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۵): ابتدایی ۲۷/۷٪ ؛ متوسطه ۵۰/٤٪ ؛ بعد از متوسطه ۷/٦٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۵،۱٤۸ نفر (هر ٦۱۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۱۱،۳۸۹ تخت (هر ۲۷۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۳،۱۰۰ نفر (۰/۱۵٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۵۷/۵ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(میانگین ۹۰-۱۹۸۸): ۳،۱۲۱ کالری (۱۳٦٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ۷٦٪؛ مصرف فرآورده‌های گوشتی و لبنی ۲٤٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): صفر ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۱۰/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٦۵/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۱۹/۵ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۸۱ (بیست و چهارمین کشور جهان)

سنگاپور SINGAPORE

کشور کوچکی در آسیای جنوب شرقی و انتهای جنوبی شبه جزیرهٔ مالایا که از یک جزیرهٔ بزرگ و ۵۴ جزیرهٔ کوچک ترکیب یافته است. در دهانهٔ خاوری تنگهٔ مالاکا و جنوب کشور مالزیا جای گرفته و به وسیلهٔ تنگهٔ باریک و طولانی جوهور از کشور مالزیا جدا می‌شود. در جنوب نیز تنگهٔ سنگاپور آن را از مجمع‌الجزایر اندونزی جدا می‌کند. اراضی آن از نظر ارتفاع، پست و باتلاقی است و قابلیت زراعی ناچیزی دارد و به همین مناسبت اکثر نزدیک به اتفاق مردم آن در شهر زندگی می‌کنند و به بازرگانی و داد و ستد سرگرمند. تپه تیماه که بلندترین نقطهٔ این کشور محسوب می‌شود، تنها ۱۷۷ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. اقلیم آن گرم و مرطوب و پرباران است و از نظر ارتباط قاره‌های آسیا و افریقا و اروپا از موقعیت استراتژیکی و اقتصادی مهمی برخوردار است. پایگاه دریایی انگلیس و فعالیتهای صنعتی در زمینه‌های نساجی، الکترونیکی و پالایش نفت بر اهمیت آن بیش از پیش افزوده است. رشد صنعتی این کشور به ویژه در دهه‌های اخیر به آلایش هوا و آب کمک کرده و محیط زیست مطلوب آن را به مرور مورد تهدید قرار داده است.



تاریخچه

نام اصلی سنگاپور، به زبان سانسکریت، تماسک (مردم دریا) بود. بعدها به سنگا-پورا (شهر شیر) موسوم گردید. سنگاپور در سال ۱۲۹۷ ساخته شد و صد سال بعد ویران گردید. در ۱۸۱۹ به دست انگلیسی‌ها افتاد و به یک پایگاه نظامی مهم انگلیسی در خاور دور مبدل شد و تامس استامفورد، دفتر مرکزی کمپانی هند شرقی انگلیس را در آنجا دایر کرد. در ۱۸۲۴ کمپانی هند شرقی انگلیس جزیرهٔ سنگاپور و جزیرک‌های مجاور آن را از سلطان جوهور خریداری کرد و شاهزاده حسین را به فرمانداری آن گماشت و در پی آن مهاجران چینی با هجوم به این شهر، اکثریت غالب را تشکیل دادند. در طی سالهای ۱۸۶۷ تا ۱۹۴۶، همراه با پنانگ و مالاکا، جزء مستعمرهٔ ماندگاه‌های تنگه‌ها شد. در جنگ جهانی دوم به تصرف ژاپنی‌ها درآمد و هزاران سرباز انگلیسی را که در پایگاه نظامی آن خدمت می‌کردند، به اسارت گرفته شدند. در سال ۱۹۴۶ (بعد از پایان جنگ)، به مستعمره پادشاهی انگلستان موسوم گردید.
اولین قدم در راه کسب خودمختاری سنگاپور، انتخابات شهرداری بود که در سال ۱۹۴۹ برگزار شد و در آن فقط انگلیسی‌زبانها حق رأی داشتند. در سال ۱۹۵۹ به خودمختاری کامل دست یافت ودر انتخابات آن سال که چینی‌ها نیز از حق رأی برخوردار شدند، حزب اقدام مردم حائز اکثریت مطلق شد و لی کوآن یو به نخست‌وزیری رسید. در سپتامبر ۱۹۶۳ به فدراسیون مالزیا ملحق گردید و شورش‌ها و ناآرامی‌ها و تظاهرات سال ۱۹۶۵ به استقلال آن انجامید و به عضویت جامعهٔ کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان درآمد و به عضویت سازمان ملل متحد نیز پذیرفته شد. اقتصاد آن در همان اوان استقلال شکوفا شد و به مرکز اقتصادی منطقه تبدیل گردید.
در انتخابات ۱۹۷۱ دکتر بنیامین هنری شیرز به ریاست جمهوری منصوب گردید و یک موافقت نامهٔ دفاعی میان کشورهای سنگاپور، مالزیا، انگلستان، استرالیا و زلاندنو منعقد گردید. بحران اقتصادی سال ۱۹۷۴ که در اثر افزایش قیمت فوق‌العاده نفت پیش آمد، ثبات اقتصادی این کشور را شدیداً مورد تهدید قرار داد و تظاهرات گستردهٔ دانشجویان و کارگران را موجب شد. دولت چنان به سرکوب تظاهرکنندگان پرداخت که حزب اقدام مردم، حزب حاکم کشور، از بین‌الملل سوسیالیست اخراج گردید. در ۱۹۸۱ رئیس جمهور سنگاپور درگذشت و دوان نائیر به جای او نشست. در سال ۱۹۹۰، لی کوآن یو، پس از ۳۱ سال از نخست‌وزیری کناره گرفت و معاون وی، گوه چوک تونگ به این مقام برگزیده شد. این در حالی بود که لی دبیرکلی حزب اقدام مردم را حفظ کرد و به عنوان وزیر مشاور ارشد از تأثیر به سزایی در ادارهٔ امور کشور برخوردار بود. در انتخابات اوت ۱۹۹۳ اونگ‌تنگ چئونگ به ریاست جمهوری منصوب شد. خشکسالی ۱۹۹۷ و تأثیر پدیدهٔ النینو به کشاورزی و گردشگری آن آسیب بسیار رسانید و آسمان سنگاپور بر اثر دود حاصل از جنگل سوزیهای اندونزی تیره و تاریک گردید تا جایی که مدارس و کار روزانه تعطیل شد و پرواز هواپیماها ممنوع گردید. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۹، سلاپان راما ناتان، کاندیدای حزب اقدام مردم و تنها داوطلب مورد تأیید، به پیروزی رسید. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱، ۸۲ کرسی از ۸۴ کرسی پارلمان توسط حزب اقدام مردم اشغال شد.

سنگال SENEGAL

کشور سنگال در افریقای غربی و در ساحل خاوری اقیانوس اطلس جای گرفته و از شمال و شمال خاوری به کشور موریتانی، از خاور به کشور مالی، از جنوب به گینه و گینهٔ بیسائو و از غرب به اقیانوس اطلس و کشور گامبیا محدود است و رودخانهٔ سنگال آن را از موریتانی جدا می‌کند و رود فالمه بخشی از مرز این کشور و مالی را تشکیل می‌دهد. سنگال سرزمین کم‌ارتفاعی است و بخش وسیعی از آن را علفزارهای استوایی و استپ‌های متعدد فرا گرفته است. جمعیت کشور عمدتاً در نواحی غربی و در حوالی شهر بندری داکار سکونت دارند و درهٔ سنگال نیز از مراکز عمدهٔ مسکونی آن است و احداث سد سنگال که در درهٔ مزبور در دست ساختمان است بر رونق و افزایش آتی جمعیت آن کمک خواهد کرد.
اقلیم کشور سنگال گرم و مرطوب و پرباران است و بلندترین نقطهٔ آن ۴۹۸ متر ارتفاع دارد. رود سنگال با ۱۶۰۰ کیلومتر درازا، طویل‌ترین رود آن محسوب می‌شود.
زدایش جنگلها و کویرزایی یکی از عوامل تهدیدکنندهٔ زیست‌محیطی این کشور است و احداث سد سنگال نیز در تغییرات زیست‌محیطی و اکوسیستم آن بی‌اثر نخواهد بود.





نام رسمی: جمهوری سنگال

نام محلی: سنگال Sénégal

اسامی دیگر: -

پایتخت: داکار (۱،٦٤۱،۳٥۸ نفر با حومه در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۰/٤/٤،از فرانسه

روز ملی: چهارم آوریل ، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۱ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦۳

رئیس حکومت: رئیس جمهور: عبدالله واده، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٥ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: خانم مامه مادیور بویه، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۲۰۰۱؛ مجلس ملی با ۱۲۰ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان(۲۰۰۱): ائتلاف برای تغییر (ائتلاف حزب دموکرات سنگال و ٤۰ حزب و گروه دیگر) ۸۹ کرسی، اتحاد نیروهای ترقی‌خواه ۱۱ کرسی؛ حزب سوسیالیست (حزب حاکم سابق) ۱۰ کرسی؛ حزب بازسازی دموکراتیک سنگال ۳ کرسی؛ حزب افریقایی دموکراسی (آند-ژف) ۲ کرسی؛ بقیه ٥ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، فز، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱۹٦،۷۲۲ کیلومترمربع (هشتادوششمین کشور جهان)

جمعیت: ۹،٥۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتاد و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٤۸/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۲/٦

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۱٦/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲٤ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪٤٥/۷؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪٤

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱٥ سال ٪٤٤/٦ ؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۷/٥؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۲۳/۳؛ بالای ٦۰ سال ٪٤/٦

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۹/۸۷ ؛ زن ٪٥۰/۱۳ — **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ٦۳/۸ سال، مردان ٦۰/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۳۷/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۸/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ٥۸/۱ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۲۹/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر (۱۹۸۸): (آمار رسمی دولتی که فقط درصد موارد مرگ و میر در اثر بیماریهای عفونی و واگیردار را در بر می‌گیرد): مالاریا ٪٤٤/۸؛ کزاز ٪۱۷/۸؛ وبا و ناراحتی دستگاه تنفسی ٪۱۰/٤؛ منتزیت ٪۱٥/۳

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ٥/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٥٦۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۹۸): قبایل ولوف ٪٤۸/۱؛ سِرِر ٪۱۲/٦؛ فولانی و تکرور ٪۲۱/۷؛ دیولا ٪٥؛ مالینکه ٪۳/۷؛ بقیه ٪۸/۹

دین(۱۹۸۸): مسلمان سنی ٪۹۲؛ باورهای قبیله‌ای ٪٦؛ مسیحی (عمدتاً کاتولیک) ٪۲ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم (۱۹۹٤): تیِس ۲۱٦،۳۸۱ نفر؛ کائولاک ۱۹۳،۱۱٥ نفر؛ زیگینشور ۱٦۱،٦۸۰ نفر؛ سن‌لوئی ۱۳۲،٤٤٤ نفر

بنادر مهم: داکار و سن‌لوئی (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک‌سی‌اف‌آ(CFAF)=۱۰۰سانتیم؛یک‌دلار=۷٥٤/۲۸فرانک‌سی‌اف‌آ= یک‌فرانک‌سی‌اف‌آ= ۱۰/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ٤۳۲/۲ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪۳۰/۳؛ مالیات بر درآمد افراد ٪۱۲/٤؛ مالیات بر فرآورده‌های نفتی ٪۹/۱؛ مالیات بر درآمد شرکتها ٪٦/۷

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ٤۳۲/۲ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ هزینه‌های جاری ٪۷۳/٥ (از جمله آموزش ٪۱۹؛ دفاع ٪۹/۳؛ بهداشت ٪۳/۷)؛ هزینه‌های عمرانی ٪۲٦/٥

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤،٦۸۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٥۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪۲/٤؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۳/۲

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۷/٤؛ صنعت ٪۲٤/۱ ؛ خدمات ٪٥۸/٥

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۸ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳،۲۷٤ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٥۰۲/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱٤/۹

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪٥/٦ ؛ ۱۹۹۸: ٪۲/۲

محصولات کشاورزی (۲۰۰۰): نیشکر ۸۸۷،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۸۲۸،۰۰۰ تن؛ ارزن ٥۰٦،۰۰۰ تن؛ هندوانه ۲٦۰،۰۰۰ تن؛ شلتوک برنج ۲٤۰،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۱٤۷،۰۰۰تن؛ انبه ۷٥،۰۰۰ تن؛ بلال ٦٦،۰۰۰ تن؛ میوه نخل روغن ٦٤،۰۰۰ تن؛ پیاز ٦۱،۰۰۰ تن؛ کاساوا ٤۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪۱۲/۲؛ مرتع و چمنزار ٪۲۹/٦؛ جنگل ٪۳۹/٥؛ سایر موارد ٪۱۸/۷

تعداد دام زنده(۲۰۰۰): گوسفند ٤،۳۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۳،٥۹٥،۰۰۰ رأس؛ گاو ۲،۹٦۰،۰۰۰ رأس؛ اسب ٥۱۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤،۹۳٤،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤۲٥،۷٦٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٤٥،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۳،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): فسفات ۱،۳۷٦،۰۰۰ تن؛ نمک (۱۹۹٤): ۸۷،٦۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): دخانیات ۱،٤۲٥،۰۰۰ تن؛ فسفات ۱،۳۸٤،۰۰۰ تن؛ سیمان ۸۱۱،۰۰۰ تن؛ روغن بادام زمینی ۹۱،۲۰۰ تن؛ روغن نباتی ۸٤،۲۰۰ تن؛ شکر ٦۸،٤۰۰ تن؛ صابون ٤٦،۳۰۰ تن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۱،۱٦۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۱،۱٦۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر (٦،۳۹۲،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۸٥۲،۰۰۰ تن(۸۹٥،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۲،۷۳۹،٤۷٦ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳٦/۱؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦۰ سال؛ ۱۹۸۸): ٪٥۳/۱؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦۰): ٪۲٥/٦؛ میزان بیکاری (۱۹۹۲): ٪۲٤/٤

توزیع نیروی کار(۱۹۹۱): کشاورزی ٪٦٥/۳؛ صنعت ٪۸/۲؛ خدمات ٪۲٦/٥

نیروی دفاعی: مدت‌نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱۳،٤۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۹۰/۹؛ نیروی دریایی٪٥/٥؛ نیروی هوایی ٪۳/٦؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۷ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۷۹۳ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل (۱۹۹٥): محصولات کشاورزی ٪۳٤/٥(از جمله برنج ٪۷/۱ و روغن نباتی ٪٥/۲)؛ کالاهای سرمایه‌ای ٪۱٥؛ فرآورده‌های نفتی ٪۱۱؛ از فرانسه ٪۳٥/۸؛ امریکا ٪٥/۹؛ آلمان ٪٥/۲؛ اسپانیا ٪٤/٦؛ نیجریه ٪٤/٤

صادرات(۱۹۹۸): ٥۷٥/۷ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل (۱۹۹٥): ماهی و سخت‌پوستان دریایی ٪۲۸؛ مواد شیمیایی ٪۱۲؛ روغن بادام زمینی ٪۱۱؛ فسفات ٪۳؛ به کشورهای فرانسه ٪۹/۸؛ مالی ٪۸/٥؛ موریتانی ٪۳/۹؛ کامرون ٪۱/٦

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیاردفرانک‌سی‌اف‌آ	-۱٥۱/۸	-۲۱٥/۷	-۲۱۹/۸	-۱٤۳/۹	-۱٥٤/۷	-۲۱۷/۳	-۳۰۰/۳
درصد کل	٪۲۹/٦	٪۲۱/٤	٪۲۰/۳	٪۱۲/٥	٪۱۲/٥	٪۱٥/۹	٪۱۹/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۰/۱	۹۲/۷	۱۰۰	۱۰۲/۸	۱۰٤/٦	۱۰٥/۸	۱۰٦/٦
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۸/۷ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد:؟ ؛ هزینه‌ها (اوایل دهۀ ۱۹۸۰): غذا ٪٤۹ ؛ پوشاک و کفش ٪۱۱؛ مسکن ٪۷ ؛ آموزش ٪٦

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۱٥۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ٥۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱٤،۷۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٥):** ۱،۲۲٥ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۸٥،٤۸۸ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۳٦،۹٦۲ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱۸۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۷ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱ روزنامه در ٤٥،۰۰۰ نسخه (٥/۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۲٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱٤۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱٤۰،۰۰۰ خط تلفن (۱٦ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۲،۰۰۰ خط (۲/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۲۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۷،٥۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۳،٥۳۰	۱٦،٥٦۷	۹٥٤،۷٥۸	٥۷/٦
متوسطه	۳٥۹	٦،۲۱۹	۲۰٦،۹۳٤	۳۳/۳
فنی و حرفه‌ای	۱۹	۱۸۲	٤،٦۲٤	٤۰/۱
عالی	۲	۷۸٤	۱٦،۷۳۳	۲۱/۳

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۳۷/۳ ؛ مردان: ٪٤۷/۲ ؛ زنان: ٪۲۷/٦

میزان تحصیلات افراد ٦تا۳٤ ساله (۱۹۸۸): ابتدایی ٪۲٥/۷؛ متوسطه ٪۸/٤ ؛ عالی ٪۰/۸

تعداد پزشک(۱۹۹۲): ٥۲۰ نفر (هر ۱٤،۸۲٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۲): ۷،٤۰۸ تخت (هر ۱،۰٤۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۷٥،۰۰۰ نفر (٪۱/۷۷ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۹٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۲۷۷ کالری (٪۹٥/۷ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۱ گرم؛ مصرف چربی: ۸٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/٦ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/۷

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۱٦ (صد و پنجاه و پنجمین کشور جهان)

تاریخچه

سواحل رود سنگال از صدها سال پیش به وسیلهٔ بومیانی که در تماس با سرزمینهای عربی به اسلام گرویده و به ساحلی موسوم شده‌اند، مسکون گردیده است. در سدهٔ هفدهم میلادی فرانسوی‌ها به این سرزمین وارد شدند و در سدهٔ نوزدهم خاندان تکرور را که از سدهٔ یازدهم بر این کشور فرمانروایی داشتند، برانداختند و سنگال را جزئی از مستعمرهٔ افریقایی فرانسه نامیدند.

در نیمهٔ دوم سدهٔ نوزدهم، نهضت‌های آزادی‌خواهی در میان مسلمانان سنگال شکل گرفت و تا جایی پیش رفت که فرانسه تصمیم به سرکوبی آن گرفت. در ۱۹۳۳ نهضتی به نام نگریتود به رهبری لئوپولد سدار سنگور برای مقابله با نفوذ فرهنگی فرانسه شکل گرفت و رفته رفته عمومیت یافت و مقدمات خودمختاری و استقلال سنگال فراهم گردید. سدار سنگور در جنگ جهانی دوم همدوش با ارتش فرانسه و متفقین علیه فاشیسم هیتلری جنگید و در سال ۱۹۴۵ بعد از پایان جنگ به عضویت پارلمان فرانسه درآمد و پس از بازگشت به سنگال با تأسیس اتحاد ترقی‌خواه سنگال در سال ۱۹۴۹، زمزمه استقلال سنگال را آغاز نمود تااینکه سرانجام در چهارم آوریل ۱۹۶۰ استقلال سنگال رسماً اعلام گردید و در پنجم سپتامبر همان سال نظام جمهوری برای کشور انتخاب شد و سدار سنگور به ریاست جمهوری سنگال رسید. تا سال ۱۹۷۴ سیستم تک حزبی بر کشور حاکم بود و حزب سوسیالیست سنگال که جایگزین اتحاد ترقی‌خواه سنگال شده بود، تنها حزب قانونی کشور بود. در این سال به احزاب مخالف نیز اجازهٔ فعالیت داده شد و دو حزب دموکرات و حزب افریقایی استقلال (مارکسیست - لنینیست) نیز وارد صحنهٔ سیاست شدند. سنگور که علاوه بر امور سیاسی در زمینهٔ مسائل ادبی و فلسفی نیز بسیار فعال و پر آوازه بود، در انتخابات متعدد بعدی نیز در سمت خود ابقاء گردید. در سال ۱۹۸۱ وی از مقام ریاست جمهوری کناره‌گیری کرد و با واگذاری ادارهٔ امور کشور به عبدو دیوف، خود رهبری حزب سوسیالیست را بر عهده گرفت. در دههٔ ۱۹۸۰، جنبش‌های تجزیه‌طلبانه‌ای در استان کازامانسه در جنوب این کشور شکل گرفت که با دستگیری رهبران جنبش، به فرجامی نرسید.

در تظاهرات و اغتشاشات سال ۱۹۸۸ که به مناسبت برگزاری انتخابات مجلس قانونگذاری به وقوع پیوست، صدها تن دستگیر شدند و نمایندهٔ حزب دموکرات سنگال بازداشت و به خارج از کشور تبعید شد و در همان سال اختلافات مرزی میان سنگال و موریتانی به پناهندگی حدود ۷۰,۰۰۰ تن به سنگال انجامید.

در سپتامبر ۱۹۹۱ دولت امریکا ۴۲ میلیون دلار بدهی کشور سنگال را به دلیل همکاری این کشور در جنگ خلیج فارس و همچنین مشارکت در نیروهای حافظ صلح در لیبریا، مورد بخشودگی قرار داد.

در انتخابات ۲۱ فوریه ۱۹۹۳ که به اعتقاد مخالفان با تقلبات بسیار همراه بود، عبدودیوف به مقام ریاست جمهوری رسید و بدینسان موقعیت خود را که در سال ۱۹۸۱ کسب کرده بود همچنان حفظ کرد. در اغتشاشات سال ۱۹۹۴ که در پی کاهش ارزش فرانک سی اف آ و گرانی بیش از پیش کالاها به وقوع پیوست، ۶ مأمور پلیس کشته، و صدها تظاهرکننده مجروح شدند. در این تظاهرات حدود ۲۰۰ نفر منجمله عبدالله واده رهبر مخالفان نیز دستگیر شدند. عملیات خشونت‌بار پلیس مورد اعتراض مجامع بین‌المللی دفاع از حقوق بشر، اتحادیه اروپا و امریکا قرار گرفت. کمی بعد عبدالله واده مذاکراتی را با دولت آغاز نمود و در نهایت در سال ۱۹۹۵ به عضویت کابینه درآمد. در همین حال جنبش نیروهای دموکراتیک کازامانسه که در دههٔ ۱۹۸۰ شکل گرفته بود، به گسترش عملیات نظامی خود پرداخت و موقعیت دولت را بحرانی‌تر کرد.

پس از چهل سال حاکمیت حزب سوسیالیست بر سنگال، سرانجام عبدالله واده، از حزب دموکرات سنگال، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ به پیروزی رسید و مصطفی نیاسه، از مخالفان قدیمی حزب سوسیالیست به نخست‌وزیری برگزیده شد. عبدالله واده اقدامات گسترده‌ای را برای مصالحه با جنبش نیروهای دموکراتیک کازامانسه آغاز کرده است که علی‌رغم نشست‌های متعدد و امضای دو قرارداد آتش‌بس در سال ۲۰۰۱، هنوز به نتیجهٔ مطلوب نرسیده است.

سوئد SWEDEN

کشور سوئد در شمال اروپا و در نیمهٔ جنوبی شبه جزیرهٔ اسکاندیناوی جای دارد. این سرزمین از غرب و شمال غربی به کشور نروژ، از شمال خاوری به فنلاند و از خاور به خلیج بوتنی، از جنوب و جنوب خاوری به دریای بالتیک و از جنوب غربی به تنگهٔ اسکاژراک محدود است. سوئد کشوری است نیمه کوهستانی، که از ارتفاع آن رو به خاور و جنوب کاسته می‌شود و ارتفاع بلندترین نقطهٔ آن به ۲۱۲۳ متر (قلهٔ کبنکایزه) در شمال رشته کوههای اسکاندیناوی بالغ می‌گردد. نواحی شمالی آن پوشیده از جنگل است و کارخانه‌های چوب‌بری و صنایع کاغذ و همچنین معادن آهن در آنجا قرار دارند. قسمت مرکزی را دشتها و ارتفاعات حاصلخیز تشکیل داده و تأسیسات عمدهٔ صنعتی و کشاورزی در نواحی جنوبی آن جای دارند و از نظر جمعیت، انبوه‌ترین بخش کشور را شامل گردیده است. گندم و سیب‌زمینی و چغندرقند از مهمترین فرآورده‌های کشاورزی آن است. اقلیم کشور سوئد در نواحی جنوبی معتدل و مرطوب و در سایر نواحی سرد و پربارش است و نواحی شمالی آن در غالب فصل‌های سال از برف پوشیده است.

رودخانه‌های سوئد کلاً از کوههای اسکاندیناوی که دو کشور سوئد و نروژ را از هم جدا می‌کنند، سرچشمه گرفته و همگی به دریای بالتیک و تنگهٔ اسکاژراک می‌ریزند. عمده‌ترین رودخانه‌های این کشور تورنه (۵۵۶ کیلومتر)، گوتا، اونگرمان، لوله، اومئو و دال هستند و دریاچه‌های ونرن (۵۵۸۴ کیلومترمربع)، وترن و تورنه از چشمگیرترین عوارض آبی آن محسوب می‌گردند. سوئد در دریای بالتیک دارای جزایر چندی است که بزرگترین آنها به نام گوتلاند حدود ۳۱۷۵ کیلومترمربع مساحت دارد.

جمعیت کشور سوئد را ۸۹/۵ درصد سوئدی‌ها تشکیل می‌دهند و فنلاندی‌ها و لاپ‌ها و پناهندگان و مهاجرانی که از نقاط مختلف گیتی به ویژه در دهه‌های اخیر به آنجا روی آورده‌اند، جزء اقلیت‌های قومی آن هستند.





نام رسمی: پادشاهی سوئد

نام محلی: سفریه Sverige

اسامی دیگر: -

پایتخت: استکهلم (۷۵۰،۳۴۸ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: ششم ژوئن، روز پرچم، تأسیس سلسلهٔ پادشاهی واسا در سال ۱۵۲۳

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۸۰۹

رئیس حکومت: پادشاه: کارل گوستاو شانزدهم، از سال ۱۹۷۳

رئیس دولت: نخست‌وزیر: گوران پرسون (حزب سوسیال دموکرات کارگر)، از سال ۱۹۹۶

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۵؛ پارلمان (ریگسداک) با ۳٤۹ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های پارلمان در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): حزب سوسیال دموکرات کارگر ۱۳۱ (۱٤٤) کرسی، حزب تجمع میانه‌رو ۸۲ (۵۵) کرسی، حزب چپ ٤۳ (۳۰) کرسی، حزب دموکرات مسیحی ٤۲ (۳۳) کرسی، حزب مرکز ۱۸ (۲۲) کرسی، حزب لیبرال مردم ۱۷ (٤۸) کرسی، حزب سبزها ۱٦ (۱۷) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٦)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیهٔ اروپا، آدب، آی-آدب، شورای اروپا، اواسی‌دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ٤٤۹،۹٦٤ کیلومترمربع (پنجاه و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۸،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتاد و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۹/۸ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۳٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۹/۱ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸۳/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۰/۵٪

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ۱۸/۸٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۱۹٪؛ ۵۹-۳۰ سال ٤۰/۲٪؛ بالای ٦۰ سال ۲۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/۵۷٪، زن ۵۰/٤۳٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۸۲/۲ سال؛ مردان ۷٦/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۰/۱ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳/٤ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۰/۵- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٦): بیماریهای قلبی ٤۰٤/٤ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۳٤/۸ نفر؛ بیماریهای عروق مغزی ۱۱٤/٤ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۵ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ۳/٦ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۲/٤ مورد

نژاد/ ملیت(۱۹۹۷): سوئدی ۸۹/۳٪؛ فنلاندی ۲/۳٪؛ یوگسلاو ۰/۸٪؛ ایرانی ۰/٦٪؛ بوسنیایی ۰/۵٪؛ بقیه ٦/۵٪

دین(۱۹۹۹): پیرو مذهب لوتری (کلیسای سوئد) ۸٦/۵٪ ؛ مسلمان ۲/۳٪؛ کاتولیک ۱/۸٪؛ بقیه ۹/٤٪

زبان و خط: سوئدی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): یوته‌بوری ٤٦٦،۹۹۰ نفر؛ مالمو ۲۵۹،۵۷۹؛ اوپسالا ۱۸۹،۵٦۹؛ لینکوپینگ ۱۳۳،۱٦۸؛ وستروس ۱۲٦،۳۲۸ ؛ اوربرو ۱۲٤،۲۰۷؛ نورکوپینگ ۱۲۲،۱۹۹؛ هلسینگبورگ ۱۱۷،۷۳۷ نفر

بنادر مهم: یوته‌بوری و مالمو (تنگهٔ اسکاژراک) و استکهلم (دریای بالتیک)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کرون سوئد(SKr)= ۱۰۰ اوره؛ یک دلار=۹/۸۱ کرون؛ یک کرون= ۸۱۵/۵ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ٦٤۸،۹۲۸ میلیون کرون؛ مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر مصرف ۳۵/۲٪؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۲۹/۸٪؛ مالیات بر درآمد و افزایش ارزش سرمایه ۱٦/۹٪؛ مالیات دارایی ۳/٦٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ٦۵۵،۱۵٦ میلیون کرون؛ بهداشت و امور اجتماعی ۲۵/۱٪؛ بازپرداخت بدهی‌ها ۱۵٪؛ دفاع ٦/۲٪؛ آموزش ۵/۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۲٦،٤۵٤ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۵،۵۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۱/٦٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۰/۹٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): کشاورزی ۱/۹٪؛ صنعت ۳۰/۳٪؛ خدمات ٦۷/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲،۰۷۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۹،۳۵۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۷٦،۲۳۵ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱،۵۷۳- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۱/۱٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/٤٪ ؛ ۱۹۹۸: ۰/٦٪ ؛ ۲۰۰۰: ۰/۷٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): چغندرقند ۲،۵۰۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۲،۲۸۷،۰۰۰ تن؛ جو ۱،۷۰٦،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱،۲٦۳،۰۰۰ تن؛ جو دوسر ۱،۱٤۹،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٦/۸٪ ؛ مرتع ۱/٤٪ ؛ جنگل ٦۸٪؛ سایر موارد ۲۳/۸٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): خوک ۲،۳۰۹،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱،۷۰٦،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ٤۰۷،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٦۰،۲۲٤،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹٦):** ٤۱۲،۱۵۳ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۷،۵۱٦،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۰٦،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ‌آهن ۲۱،۸۹۳،۰۰۰ تن؛ مس ۳۱۵،۰۰۰تن؛ روی ۲۸٤،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش افزوده به میلیون کرون سوئد): ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱۱۹،٦۳۰ ؛ تولیدات صنایع کاغذ ٤۲،۵۰۳ ؛ مواد غذایی ۲٤،۱٤۵ ؛ تولیدات چوبی ۱۲،۳۵۹؛ منسوجات و پوشاک ۳،۷٦۷

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٤): ۱٤۲،۸۸۹،۰۰۰،۰۰۰کیلووات ساعت(۱٤۳،۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰)؛زغال‌سنگ: صفر (۳،۳۰۵،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: ۳٦،۲۰۰ بشکه (۱۲۸،۷۷۳،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱٦،٦۱٦،۰۰۰ تن (۱۳،۹٦۱،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر (۷٦۳،۲۲۳،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ٤،۳۱۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۸/۷٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٦ تا ٦٤): ۷۷/۸٪؛ زنان (در سنین ۱٦ تا ٦٤): ٤۸/۱٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): ۸٪؛ (۲۰۰۰): ٤/۷٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۲/۷٪؛ صنعت ۲٦٪؛ خدمات ۷۱/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: نیروی زمینی و دریایی ۷ تا ۱۵ ماه، نیروی هوایی ۸ تا ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۵۳،۱۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦٦/۱٪؛ نیروی دریایی ۱۷/۳٪؛ نیروی هوایی ۱٦/٦٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٦۲٦ دلار

واردات(۱۹۹٦): ٤٤۷/٦ میلیارد کرون؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۰/٤٪؛ مواد شیمیایی ۱۰/٤٪؛ موادغذایی ٦/٦٪ ؛ از آلمان ۱۸/۸٪؛ انگلستان ۱۰/۲٪؛ نروژ ۷/۸٪؛ دانمارک ۷/۵٪ ؛ امریکا ۵/۸٪

صادرات(۱۹۹٦): ۵٦۷/۳میلیارد کرون؛ شامل ماشین‌آلات‌و تجهیزات حمل و نقل ٤۷/٤٪ (ازجمله ماشین‌آلات برقی ۱۷/۲٪)؛ تولیدات کاغذی ۹/۱٪ ؛ مواد شیمیایی ۸/۷٪؛ تولیدات آهنی و فولادی ۵/۵٪ ؛ به آلمان ۱۱/۷٪ ؛ انگلستان ۹/٦٪ ؛ نروژ ۸/٤٪؛ امریکا ۸/۳٪؛ دانمارک ٦/۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون کرون	+٦۳،۲۸۵	+۸۲،۷۳۵	+۸۲،۷۳۵	+۱۲۰،۰۰۰	+۱۳۱،٦۰۰	+۱۲۹،۷۰۰	+۱۳۵،۱۰۰
درصد کل	۸/۹٪	۹/٦٪	۸/۱٪	۱۱/۸٪	۱۱/٦٪	۱۰/۷٪	۱۰/۷٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۵	۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۱	۱۰۱/۱
شاخص درآمد ساعتی	۹۵/۷	۹۷/۹	۱۰۰	۱۰۱/۹	۱۰۳/٤	۱۰۳/۱	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹٤): ۲/۱نفر؛ میانگین درآمد هر خانوار: ۳۹٦،۱۰۰ کرون؛ منابع درآمد (۱۹۹۲):دستمزد و حقوق ۵۸/۹٪؛ پرداخت‌های انتقالی ۲۵/۸٪؛ کار آزاد ۱۵/۳٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۵): مسکن و سوخت ۲۹/٦٪؛ غذا ۲۰/۹٪ ؛ حمل و نقل ۱٦/۱٪ ؛ آموزش و سرگرمی ۹/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ٤،۱۸۹ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۷،۷۲۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۱۹٦،۰۳۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۱۰،۸۷٤ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۳،٦۵۵،۰۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۳۳۹،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۷): ٤۵۰ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٦):** ٤۸ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۹٤ روزنامه در ۳،۹۳۳،۰۰۰ نسخه (٤٤٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳۷۳ عنوان در ۱۹،۲٤۲،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۳،٤۹٦ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۸،۲۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۹۳۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤،۷۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵۳۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۵،۹٦۵،۰۰۰ خط تلفن (٦۷٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٤،۱۰۸،۰۰۰ خط (٤٦٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳،۲۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۸۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٤،۹۳٦	۸۱،۰۰۰	۹۵۸،۹۷۲	۱۱/۸
متوسطه فنی و حرفه‌ای	٦٤۱	۲۸،۳۰۵	۳۱۰،۰۰۰	۱۱
عالی(۱۹۹۵)	؟	۲۹،٤۸۷	۲٦۸،٤٤۸	۹/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۷): افراد بالای ۱۵ سال: ۱۰۰٪؛ مردان: ۱۰۰٪؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان‌تحصیلات افراد١٦تا٦٤ سال(۱۹۹۷): ابتدایی۲۷/۸٪؛ راهنمایی۳۱/۲٪؛ متوسطه۱۵/۷٪؛ فوق‌دیپلم‌وعالی۲۵/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۲۳،۰۰۰ نفر (هر ۳۸٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۳۸،۱۳۹ تخت (هر ۲۳۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۳،۰۰۰ نفر (۰/۰۷٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۵/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۱۹٤ کالری؛ مصرف پروتئین: ۱۰۰ گرم؛ مصرف چربی: ۱۳٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷۷/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۵٤/۲ میلیون تن؛ هر نفر ٦/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۲٦ (ششمین کشور جهان)

تاریخچه

بررسی‌های باستان‌شناسی گویای آن است که نخستین ساکنان سوئد حدود ده هزار سال پیش از میلاد در نواحی جنوبی این سرزمین سکونت گزیدند و با شکار و ماهیگیری روزگار می‌گذراندند و از ابزارهای سنگی ساده استفاده می‌کردند. بنابر قرائن موجود سوئارها جزء نخستین اقوامی بوده‌اند که در این سرزمین ساکن شده‌اند و محل سکونت خود را سوئالاند نامیدند و با همسایگان خود که قوم گوتار را تشکیل می‌دادند، به جنگ و ستیز پرداختند. سوئارها در سدهٔ ششم بعد از میلاد گوتارها را به زیر سلطهٔ خود درآوردند و با آنان و همچنین با وایکینگ‌ها و نورمان‌ها به آمیزش پرداختند. سوئدی‌ها که در تاریخ روسیه وارانگیان نامیده شده‌اند در سدهٔ دهم میلادی تا کرانه‌های دریای سیاه پیش راندند و تمدن خود را در آن نواحی گسترش دادند. شاهان اولیهٔ سوئد اغلب با همسایگان خود یعنی دانمارکی‌ها و نروژی‌ها در جنگ بودند.

در سال ۸۲۹ میلادی قدیس آنسگار به ترویج دین مسیح پرداخت و اریک نهم در سدهٔ دوازدهم فنلاند را فتح کرد. در ۱۳۱۹ میلادی ماگنوس هفتم سوئد و نروژ و دانمارک را تحت سلطنت واحد درآورد. در سال ۱۳۹۷، اتحادیه کالمار از اتحاد نروژ، سوئد و دانمارک تحت پادشاهی ملکه مارگریت، از دانمارک شکل گرفت. مخالفت‌های اشراف، کشاورزان و شهرنشینان سوئدی با این اتحاد تا مدتها ادامه داشت. کریستیان دوم پادشاه دانمارک، نروژ و سوئد را در سال ۱۵۲۰ به تصرف درآورد و اشراف سوئد را قتل عام کرد و واقعهٔ حمام خونین استکهلم را در تاریخ به یادگار گذارد. این عمل موجب خشم و برانگیختن احساسات ملی سوئدی‌ها گردید و آنان گوستاو اول، معروف به گوستاو واسا و بنیانگذار سلسلهٔ واسا را به سلطنت برداشتند و کشور سوئد را در سال ۱۵۲۳ تأسیس نمودند. گوستاو اول دانمارکی‌ها را از نواحی جنوبی کشور سوئد بیرون راند و قدرت مرکزی را تقویت نمود و سلطنت را در خاندان خود موروثی ساخت و آیین لوتری را مذهب رسمی کشورش قرار داد.

اریک چهاردهم در ۱۵۶۱ استونی را تصرف کرد و برلیوونیا تسلط یافت. ژان سوم (جانشین اریک) با خواهر سیگیسموند پادشاه لهستان ازدواج کرد و پسر آنان که سیگیسموند سوم نام داشت و پیرو مذهب کاتولیک بود به سلطنت سوئد رسید. سوئدی‌ها که از این امر ناراضی بودند، وی را از سلطنت خلع کردند و کارل نهم را به سلطنت برداشتند. گوستاو دوم پسر کارل نهم که به گوستاو آدولف معروف بود سوئد را به اوج عظمت رسانید. در جنگ با روسیه اینگرمانلند و کارلیا را گرفت (۱۶۱۷). در ۱۶۲۹ لیوونیا را از لهستان جدا کرد و در ۱۶۳۰ وارد جنگ سی‌ساله شد و به عنوان مقتدرترین دولت اروپا شناخته شد. پس از او ملکه کریستینا به سلطنت رسید. در سال ۱۶۴۸ پومرانی و برمن ضمیمهٔ سوئد گردید و شاهان سوئد جزئی از امرای امپراتوری مقدس روم شدند. در سال ۱۶۵۴ کارل دهم به سلطنت رسید. با لهستان و دانمارک جنگید و پیروز شد و نواحی جنوبی سوئد در سال ۱۶۶۰ کلاً از تصرف دانمارک خارج گردید. کارل یازدهم اگرچه در جنگ شمالی (۱۷۰۰ تا ۱۷۲۱) پیروز گردید ولی قسمتی از متصرفات سوئد را از دست داد و مقام سوئد در اروپا تنزل کرد.

در سدهٔ هجدهم میلادی، سوئد گرفتار مسائل داخلی خود شد و امور داخلی آن مختل گردید. در ۱۷۵۱ آدولفوس فردریک به سلطنت رسید. پسرش گوستاو سوم با اقتدار و خودکامگی تمام سلطنت کرد. وی در ۱۷۹۲ به قتل رسید و پس از او گوستاو چهارم عهده‌دار سلطنت شد. وی در ۱۸۰۳ با ناپلئون بناپارت جنگید و در ۱۸۰۸ فنلاند را به روسیه واگذار کرد. بعد از او کارل سیزدهم به سلطنت رسید ولی نقش اصلی کشور در دست مارشال برنادوت بود که بعدها به کارل چهاردهم معروف شد. سوئد در ۱۸۱۳ با متفقین همدست شد و برای دومین بار علیه ناپلئون به جنگ پرداخت. پس از سقوط و تبعید ناپلئون، نروژ به کشور مستقلی تحت نظر پادشاه سوئد مبدل شد.

در سدهٔ نوزدهم آزادی بر سوئد حکمفرما شد و صنایع توسعه یافت. در ۱۸۶۴ قانون اساسی سوئد نوشته شد و به تصویب رسید و روابط سوئد و نروژ تیره گردید. سوئد در جنگهای اول و دوم بی‌طرفی اختیار کرد و به امور داخلی خود پرداخت. درسال ۱۹۴۶ به سازمان ملل متحد پیوست و به برنامهٔ احیای اقتصادی اروپا ملحق گردید ولی از عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) خودداری کرد. در سال ۱۹۵۰ گوستاو پنجم درگذشت و فرزندش گوستاو ششم به سلطنت رسید و در سال ۱۹۷۳ کارل شانزدهم عهده‌دار سلطنت سوئد گردید. طی سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۷۶، سوئد تحت رهبری حزب سوسیال دموکرات کارگر به موفقیت‌های اقتصادی فراوانی دست یافت و شرکتهای سوئدی در بازارهای جهانی به فعالیت پرداختند و شهرت یافتند. این روند در دههٔ ۷۰ به دلیل افزایش قیمت نفت که نیمی از فعالیتهای اقتصادی سوئد به آن بستگی دارد، رو به سستی و کندی نهاد.

در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۷۶، حزب سوسیال دموکرات به علت افزایش مالیات‌ها شکست خورد و حزب مرکز با تشکیل یک دولت ائتلافی به قدرت رسید. از سال ۱۹۸۱ به این سو روابط سوئد و اتحاد جماهیر شوروی به دلیل فعالیت زیردریایی‌های شوروی در آبهای سوئد، رو به تیرگی نهاد و با انفجار نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل به اوج خود رسید. سوئد در جنگ ایران و عراق با اعزام نخست‌وزیر خود اولاف پالمه به منطقه، میان کشورهای مزبور به میانجی‌گری پرداخت. اولاف پالمه در یک ترور مشکوک در ۱۹۸۶ به قتل رسید و اینگوار کارلسون به جای او نخست‌وزیر شد. روابط سوئد و اتحاد شوروی که رو به سردی نهاده بود، با نشت گازهای اسیدی از کارخانجات شوروی و بارش باران و برفهای اسیدی در نواحی شمالی سوئد تیره‌تر شد و شوروی را بر آن داشت تا فعالیت کارخانه‌های مولّد گازهای اسیدی را تا چهل درصد کاهش دهد.

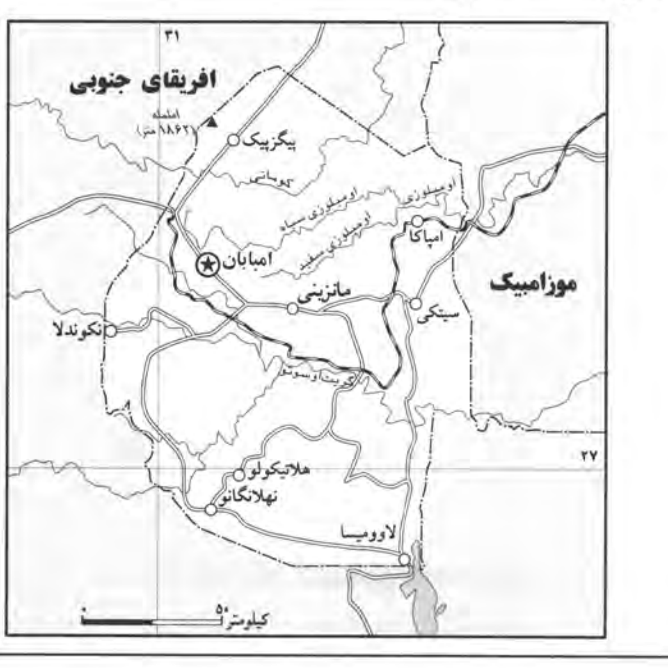
در سپتامبر ۱۹۹۱ کارل بیلت رهبر میانه‌روها به نخست‌وزیری انتخاب شد. در طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۹۲، بروز مشکلات اقتصادی سبب شد تا احساسات نژادپرستانه بر علیه مهاجران شکل بگیرد و حملاتی نیز به آنان صورت گرفت. در ۲۶ اوت ۱۹۹۳ کارل گوستاو، پادشاه سوئد، مجلس محلی لاپلاند را برای لاپ‌ها یا سامی‌های سوئد، افتتاح کرد. در همه‌پرسی سال ۱۹۹۴ پنجاه و دو درصد رأی‌دهندگان به الحاق سوئد به اتحادیهٔ اروپا رأی موافق دادند و در ژانویه سال بعد این کشور به عضویت اتحادیه اروپا درآمد. در مه ۱۹۹۶ گوران پرسون به نخست‌وزیری رسید و کابینهٔ خود را که از ۱۱ زن و ۱۰ مرد ترکیب یافته بود، تشکیل داد. در ماه اوت ۱۹۹۸، دولت طی اعلامیه‌ای از مردم لاپلاند به خاطر تعدیاتی که به حقوق آنان در طی دورهٔ استعمار سرزمین‌های شمالی صورت گرفته، عذرخواهی نمود. اگرچه در انتخابات سال ۱۹۹۸، سوسیال دموکرات‌ها به بدترین نتیجه تاریخ فعالیت خود دست یافتند، اما با مشارکت حزب سبزها و حزب سوسیالیست توانستند، دولت ائتلافی جدیدی تشکیل دهند.

اجلاس سران اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۱، در شهر یوتەبوری با اعتراضات و تظاهرات گسترده مخالفان جهانی‌سازی مواجه شد که در طی آن با دخالت پلیس تعداد زیادی از تظاهرکنندگان مجروح شدند. سوئد یکی از سه کشور عضو اتحادیه اروپا محسوب می‌شود که از به کارگیری پول واحد اروپایی، یعنی یورو، در آغاز سال ۲۰۰۲ امتناع نمود.

انتخابات دسامبر سال ۲۰۰۲ به تقویت بیشتر حزب سوسیال دموکرات منجر شد و احزاب چپ و محافظه‌کار از اقبال کمتری برخوردار شدند.

سوازیلند SWAZILAND

کشوری است محصور در خشکی در افریقای جنوبی که از جنوب خاوری، جنوب، غرب و شمال به کشور افریقای جنوبی و از خاور به کشور موزامبیک محدود است. سرزمینی است تقریباً هموار و مسطح که نواحی غربی آن به ارتفاعات دراکن (دراکنزبرگه) که از رشته کوههای افریقای جنوبی محسوب می‌گردد، ختم می‌شود و رودهای کوچک آن که از همین کوهها سرچشمه می‌گیرند نواحی نسبتاً هموار و مسطح مرکزی و خاوری را مشروب می‌سازند که از جمله رودهای مهم آن می‌توان به رودخانه‌های کوماتی، اومبلوزی و گریت اوسوتو اشاره کرد. بلندترین نقطهٔ کشور کوچک سوازیلند کوه املمه نام دارد که در نواحی غربی واقع است و ارتفاع آن به ۱۸۶۲ متر می‌رسد.





نام رسمی: پادشاهی سوازیلند

نام محلی: اومبوسو وسواتینی Umbuso weSwatini

اسامی دیگر: اومبوسو واکانگوانه Umboso wakaNgwane

پایتخت: امبابان (۵۲،۰۰۰ نفر درسال ۱۹۹۰)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۸/۹/٦، از انگلستان

روز ملی: ششم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۳

رئیس حکومت: پادشاه: مسواتی سوم، از سال ۱۹۸٦

رئیس دولت: نخست‌وزیر: سیبوسیسو بارناباس دلامینی، ازسال ۱۹۹٦

قوه مقننه: کمیته تجدید نظر قانون اساسی که در سال ۱۹۹٦ توسط پادشاه کشور تعیین شده هنوز کار تدوین قانون اساسی را به انجام نرسانده است؛ مجلس ملی با ۵۵ عضو انتخابی و ۱۰ عضو انتصابی پادشاه و مجلس سنا با ۱۰ عضو انتخابی و ۲۰ عضو انتصابی پادشاه؛ فعالیت احزاب از سال ۱۹۷۳ ممنوع شده است.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۸)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۱۷،۳٦٤ کیلومترمربع (صد و پنجاه و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۱،۰۰۸،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجاه و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۸ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱،۷۸۵،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۲ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۳/۹٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۵/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ٤۲/۵٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۹/۲٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۳/۳٪؛ بالای ٦۰ سال ۵٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٤۸/۲۸٪، زن ۵۱/۷۲٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۳/۳ سال، مردان ٤۰/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۱/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۹/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۰۸/۳نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۱/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۲): حوادث و صدمه ۱۵/۸٪؛ بیماریهای واگیردار روده ۱۳/۳٪؛ وبا ۱۰/۳٪؛ سوء تغذیه ٦/۲٪؛ بیماریهای تنفسی ۵/۳٪؛ بیماریهای گردش خون ۵٪؛ بیماریهای گوارشی ٤/٦٪

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٦۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): قبایل‌سیاهپوست‌سوازی۸٤/۳٪؛ زولو ۹/۹٪؛تسونگا۲/۵٪؛ هندی ۰/۸٪؛ پاکستانی ۰/۸٪؛ پرتغالی۰/۲٪

دین(۱۹۹۵): مسیحی ٦٦/۷٪ (از جمله مسیحی بومی افریقایی ٤٤/۷٪؛ پروتستان ۱٤/۸٪؛ کاتولیک۵/۳٪)؛ بقیه ۳۳/۳٪

زبان و خط: سوازی (سیسواتی؛ ایسیزولو)؛ انگلیسی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): مانزینی ۷۸،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۸٦): نهلانگانو ٤،۱۰۷ نفر؛ پیگزپیک ۳،۲۲۳ نفر؛ سیتکی ۲،۲۷۱ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لیلانگنی (در جمع امالانگنی؛E)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۷/۲۹ لیلانگنی؛ یک لیلانگنی=۱،۰۹۷/٤ ریال

درآمد بودجه(۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۲،٤۳٦/٤ میلیون امالانگنی؛ دریافت از اتحادیه گمرکی افریقای جنوبی ۵۰/۱٪؛ مالیات بر درآمد و سود ۲۵/۸٪؛ مالیات بر فروش ۱۲٪؛ کمکهای خارجی ۳/۵٪؛ درآمد دارائی۲/۱٪؛ حق‌الزحمه، خدمات و جریمه۱/۱٪

هزینه بودجه(۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۲،٦۳۰/۷ میلیون امالانگنی؛ هزینه‌های جاری ۷۸/۲٪ (شامل هزینه‌های عمومی دولت ۲۸٪؛ آموزش ۱۷/۳٪؛ خدمات اقتصادی ۱۱/۲٪؛ امور قضایی و پلیس ۸٪؛ بهداشت ٦/۵٪ ؛ دفاع ٤/۸٪)

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،۳۸٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،٤۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٦٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱٦٪؛ صنعت ۳۸/۷٪؛ خدمات ٤۵/۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٦۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲۲۲/۵ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۳۰/٤ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۹/۲٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۲/٤٪ ؛ ۱۹۹۸: ۸/۵٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۳،۷۰۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱۱۳،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۳۱،۲۰۰ تن؛ گریپ‌فروت و پوملو ۲۵،٤۰۰ تن؛ پنبه‌دانه ۱٦،۲۰۰ تن؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۸،۳۰۰ تن (شامل سیب‌زمینی ٦،۰۰۰ و سیب‌زمینی شیرین ۲،۳۰۰ تن)؛ آناناس ۸،۰۰۰ تن؛ لوبیای خشک ۵،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ٤،٦۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۱۱/۱٪؛ مرتع و چمنزار ٦۲/۲٪؛ جنگل ٦/۹٪؛ سایر موارد ۱۹/۸٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ٦۵۲،۰۰۰ رأس؛ بز ٤۳۸،۰۰۰ رأس؛ خوک ۳۱،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۲٦،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،٤۹٤،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٦۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۹۸۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳٤۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۹): پنبهٔ نسوز ۲۲،۹۱۲ تن؛ الماس (۱۹۹٤): ٦٤،۰۰۰ قیراط

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش‌افزوده): موادغذایی‌ونوشیدنی ۲٤٤،۰۰۰،۰۰۰دلار (از جمله نوشابه ۱۵۳،۰۰۰،۰۰۰ دلار)؛ کاغذ و محصولات کاغذی ۳۵،۰۰۰،۰۰۰ دلار؛ منسوجات ۱۹،۰۰۰،۰۰۰ دلار؛ چاپ و نشر ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ دلار؛ پوشاک ۷،۰۰۰،۰۰۰ دلار؛ فلز و تولیدات فلزی ۷،۰۰۰،۰۰۰ دلار

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۱): ۳۸۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۸۱۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹۹): ٤۲٦،۲۹۹ تن (۱۹۸۹: ۲۸،٤۵٤)؛ نفت خام: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۸٦): ۱٦۰،۳۵۵ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲۳/۵٪؛ میزان مشارکت: (۱۵ سال به بالا): ٤٤/۱٪؛ زنان (۱۵ سال به بالا): ۳٤/۲٪؛ میزان بیکاری (۱۹۸٦): ۲۷٪؛ ۱۹۹۵: ٤۰٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٤۸/۲٪؛ صنعت ۱۸/۱٪؛ خدمات ۳۳/۷٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۸۳): ۲،٦۵۷ نفر؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۳٤ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۰٦۸ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲٦/۲٪؛ کالاهای ساخته شده ۱۷٪؛ مواد غذایی ۱۵/۸٪؛ مواد شیمیایی ۱۳/۹٪؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ۱۱/۸٪؛ از افریقای جنوبی ۸۲/۹٪؛ انگلستان ۱/۷٪؛ امریکا ۰/۹٪ ؛ زیمبابوه ۰/۲٪؛ اسپانیا ۰/۲٪

صادرات(۱۹۹۸): ۹۲۱ میلیون دلار؛ شامل شکر ۱۱٪؛ چوب و تولیدات چوبی ۸/۱٪؛ یخچال ۷/۵٪؛ الیاف پنبه‌ای ۲/۳٪؛ کاغذ و تولیدات کاغذی ۲٪؛ کنسرو میوه ۱/٤٪؛ مرکبات ۱/۳٪؛ پنبهٔ نسوز ۱٪؛ به افریقای جنوبی ۷٤٪؛ ایتالیا ۸/۷٪؛ موزامبیک ۵/۲٪؛ امریکا ۲/٤٪؛ انگلستان ۲/۱٪؛ زیمبابوه ۱/۷٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون لیلانگنی	-۱۹۷	-۲۰٤	-۱۲۷	-۱۰۰	-۱۳۰
درصد کل	۱۰/۲٪	۱۰/۷٪	٦/۲٪	٤/۹٪	٦/٦٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۸/۳	۸۹/۱	۱۰۰	۱۰٦/٤	۱۱٤	۱۲۳/۳	۱۳۰/۸
شاخص درآمد	؟	؟	۱۰۰	۱۰۰	۹۵/۷	۹۵/۷	۹۸/۳

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸٦): ۵/۷ نفر؛ درآمد سالیانه هر خانوار (۱۹۸۵): ۳۳۲ اِمالانگنی؛ منابع درآمد (۱۹۸۵): دستمزد و حقوق ٤٤/٤٪؛ کار آزاد ۲۲/۲٪؛ انتقالی ۱۲/۲٪؛ سایر موارد ۲۱/۲٪؛ هزینه‌ها (۱۹۸۵): غذا و نوشیدنی ۳۳/۵٪؛ اجاره و سوخت ۱۳/٤٪؛ کالای بادوام خانگی ۱۲/۸٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۸/۸٪؛ پوشاک و کفش ٦٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۳۷ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ٤٤ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۳،۸۱۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۳۰۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۳۱،۸۸۲ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۳۲،۷۷۲ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ؟ — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۳ روزنامه در ۲٤،۰۰۰ نسخه (۲۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱۵۵،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۵۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۰۸،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۰٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۹،۰۰۰ خط تلفن (۲۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٤،۷۰۰ خط (٤/۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲۷۸ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۵۲۹	٦،۰۹٤	۲۰۵،۸۲۹	۳۳/۸
متوسطه	۱۷۵	۳،۰٦۷	۵۸،۱۹۷	۱۹
فنی و حرفه‌ای	۵	۲۲۸	۲،۹۵۸	۱۳
عالی	۱	۱۹۰	۲،۱۳۲	۹/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۷٦/۷٪؛ مردان: ۷۸٪؛ زنان: ۷۵/٦٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸٦): ابتدایی ۳٤/٤٪؛ راهنمایی ۱۹/۲٪؛ متوسطه و عالی ٤/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۱٤۸ نفر (هر ٦،٦٦۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸٤): ۱،٦۰۸ تخت (هر ۳۹٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۸٤،۰۰۰ نفر (۱۸/۵٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٤٤۱/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۵۰۳ کالری (۱۰۸٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ٦۰ گرم؛ مصرف چربی: ٤۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): صفر؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۳ میلیون تن؛ هر نفر ۰/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۵۵ (صد و دوازدهمین کشور جهان)

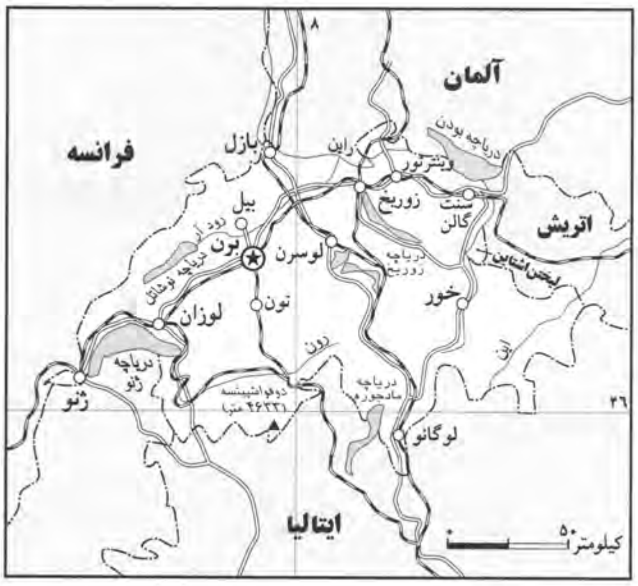
اقلیم سوازیلند معتدل و مرطوب و پرباران است و نیشکر، مرکبات، پنبه و ذرت از محصولات کشاورزی آن محسوب می‌شود. یکی از مسائل زیست محیطی این کشور آلودگی آبهاست که میزان مرگ و میر را بالا برده و حیات وحش را نیز تهدید کرده است. جنگلهای آن بالنسبه وسیع است و زدایش آنها به مرور از وسعت‌شان می‌کاهد.

تاریخچه

تاریخ روشن سوازیلند از اوایل سدهٔ نوزدهم آغاز می‌گردد. در سال ۱۸۳۹ مسواتی شاه این سرزمین اقوام مختلف را گرد هم آورد تا بتوانند در مقابل زولوها و افریکانرها (بوئرها) مقاومت کنند. شاه مزبور ۳۰ سال سلطنت کرد و با انگلستان علیه بوئرها متحد گردید. در ۱۸۶۷ سوازیلند به تحت‌الحمایگی انگلستان درآمد. انگلیسی‌ها با مغلوب کردن بوئرها بر سرتاسر افریقای جنوبی تسلط یافتند و از طریق ترانسوال این سرزمین را اداره کردند. در اوایل سدهٔ بیستم به مستعمرهٔ مستقلی مبدل شد و مستقیماً تحت نظارت وزارت مستعمرات بریتانیا قرار گرفت و برای آن کمیسر عالی تعیین گردید. در سال ۱۹۶۸ سوازیلند به استقلال رسید و ادارهٔ آن توسط سوبوزای دوم ادامه یافت. سوبوزا در آوریل ۱۹۷۳ پارلمان را منحل کرد و فعالیت کلیهٔ احزاب را ممنوع اعلام داشت و با خودکامگی تمام به سلطنت ادامه داد. فقدان منابع مالی و بیکاری باعث گردید که سالانه هزاران کارگر به افریقای جنوبی مهاجرت کنند و در معادن طلا به کار مشغول گردند. در اکتبر ۱۹۷۷ آموزگاران مدارس و استادان دانشگاه دست به اعتصاب زدند و حقوق بیشتر و شرایط مساعدتری برای زندگی خواستار شدند و به دنبال آن جنبش آزادی‌خواهی به رهبری دکتر سوانه شکل گرفت و دولت پادشاهی را وادار کرد تا نیروهای امنیتی و پلیس را از ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۵ به ۵۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۹ افزایش دهد. در سال ۱۹۷۸ قانون اساسی که از ۱۹۷۳ به حال تعلیق درآمده بود، با تغییراتی چند، بدون مشورت و رأی‌گیری و تصویب به مورد اجرا گذارده شد.
در اوت ۱۹۸۲ سوبوزا شاه سوازیلند در سن ۸۳ سالگی درگذشت و ولیعهد او ماخوستیو که فقط ۱۵ ساله بود به سلطنت رسید و جدال بین شاهزادگان آغاز گردید. در اوت ۱۹۸۳ نتومبی یکی از بیوه‌های سوبوزا رقبای خود را به کنار زد و خود به سلطنت رسید و دو ماه بعد حدود ۲۰۰,۰۰۰ تن از ۷۶۰,۰۰۰ نفر جمعیت کشور به تأسیس پارلمان رأی دادند.
در ۲۵ آوریل ۱۹۸۶ شاهزاده ماخوستیو که به سن قانونی رسیده بود، تاجگذاری کرد و خود را مسواتی سوم نامید و سوتشا دلامینی را در سپتامبر سال بعد به نخست‌وزیری منصوب نمود. مسواتی سوم سیاست‌های محافظه‌کارانه پیشین در حمایت از رژیم نژادپرست افریقای جنوبی را ادامه داد و حتی اعمال تحریم‌های کشورهای اروپایی علیه آن کشور را محکوم کرد. خشکسالی ۱۹۹۳ به کشتزارهای ذرت آسیب رسانید و به شمار بیکاران افزود. به دنبال بروز تظاهرات، اعتصابات و شورش‌هایی از سوی دانشجویان و اتحادیه‌های کارگری در سال ۱۹۹۶ و همچنین تغییر رژیم آپارتایدی افریقای جنوبی، مسواتی سوم پذیرفت که ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی را لغو کند و قانون اساسی جدید را با نظر مردم به اجرا بگذارد، اما عملاً اقدامی صورت نگرفت. در سال ۲۰۰۱ کمیسیون بررسی قانون اساسی در گزارشی به مسواتی سوم، اعلام داشت که مردم سوازیلند مایل به فعالیت احزاب سیاسی نیستند.

سوئیس SWITZERLAND

کشور سوئیس که در مرکز غربی اروپا جای دارد، از شمال به آلمان، از خاور به اتریش و لیختن اشتاین، از جنوب به ایتالیا و از غرب به فرانسه محدود است.
کشور سوئیس که از هر سو در خشکی محصور است، سرزمینی است کوهستانی و از سه ناحیه جغرافیایی متمایز تشکیل یافته است:
الف - ناحیهٔ شمال غربی و حوالی مرز فرانسه؛ که کوههای ژورا آن را فرا گرفته و منطقه‌ای است کشاورزی و صنعتی و بیشتر کارخانه‌های ساعت‌سازی در آنجا متمرکز است.
ب - ناحیهٔ میتلاند؛ که بین کوههای ژورا و آلپ واقع شده، و ناحیه‌ای است نیمه‌آلپی که تأسیسات صنعتی کشور را در خود جای داده و دریاچه‌های متعددی که منشأ یخچالی دارند چون دریاچه‌های ژنو (حدود ۵۸۰ کیلومترمربع)، مادجوره (حدود ۲۱۰ کیلومترمربع) در آن به چشم می‌خورند و از نظر کشاورزی و دامداری در خور اهمیت است.
پ - ناحیهٔ آلپ؛ که بیش از نیمی از خاک کشور را زیر پوشش قرار داده و از غرب به شرق ممتد است و ارتفاع قلل آن به بیش از ۴۰۰۰ متر می‌رسد (بلندترین نقطهٔ آن قلهٔ دوفواشپیتسه ۴۶۳۳ متر ارتفاع دارد). عمده‌ترین فعالیت اقتصادی این ناحیه صنایع لبنی و گردشگری است.
رودخانه‌های چندی در این کشور جریان دارند که عمده‌ترین آنها راین، آر (۲۹۵ کیلومتر)، رون و این است.
جنگلهای سوئیس وسعت و تراکم قابل توجهی دارند ولی از بارانهای اسیدی حاصل از نشت گازهای سمی کارخانه‌های کشورهای همسایه در معرض تهدید قرار دارند.



تاریخچه

سلتی‌ها اولین ساکنان سوئیس بوده‌اند. تیره‌ای از این قوم که هلوتیاییها نام دارند، پیش از تسلط رومیان بر سوئیس، در کوهستانهای آلپ و ژورا ساکن شدند و آنجا را هلوتیا نامیدند. هلوتیا در ۵۸ پیش از میلاد به تصرف ژولیوس سزار امپراتور روم درآمد. بین سده‌های پنجم و ششم میلادی ژرمن‌ها به این سرزمین وارد شدند و در ساحل خاوری رود آر ساکن شدند و جامعه‌ای را به اتفاق اقوام بورگون و فرانک تشکیل دادند. در سال ۶۳۹ دولتی پدید آوردند که بعدها به فرانسه معروف گردید. در سدهٔ نهم بین سوابیا و بورگونی علیا منقسم گردید و در ۱۰۳۳ تحت نظارت امپراتوری مقدم روم وحدت یافت.
در سدهٔ سیزدهم بین کنت‌ها و خاندان هاپسبورگ و ساووا و غیره تقسیم گردید. در ۱۲۹۱ سه منطقهٔ اوری و شویتس و اونترالدن اتحادیه‌ای تشکیل دادند که اساس کنفدراسیون سوئیس قرار گرفت. اتحادیهٔ مزبور در ۱۳۱۵ بر خاندان هاپسبورگ پیروز شد و به دنبال آن نواحی لوسرن، زوریخ، تسوگ و گلاروس نیز به اتحادیهٔ مزبور پیوستند و اتریشی‌ها را که همواره به خاکشان تجاوز می‌کردند شکست قطعی دادند. در سدهٔ پانزدهم این کنفدراسیون جزء قدرتهای نظامی درجه اول گردید و نواحی آرگاو، تورگائو و دره‌های تیچینو را تصرف نمود و بر شارل دلیر و امپراتور ماکسیمیلیان اول پیروز شد و ماکسیمیلیان در ۱۴۹۹ استقلال آن را به رسمیت شناخت. پیوستن نواحی گریزون و ژنو و سنت گالن بر اقتدار سوئیس افزود. در ۱۵۱۵ سوئیسی‌ها از فرانسوی‌ها در مارینیانو شکست خوردند و از آن به بعد سوئیس سیاست بی‌طرفی پیشه کرد.
اصلاح دینی که تسوینگلی در زوریخ و کالون در ژنو آن را تبلیغ می‌کردند به کشمکش‌ها و جنگهای داخلی منجر گردید و وحدت سوئیس را به مدت دو قرن متزلزل نمود. سوئیسی‌ها در جنگهای سی ساله بی‌طرفی خود را حفظ کردند و در پیمان صلح ۱۶۴۸ وستفالی، استقلال سوئیس رسماً شناخته شد. بعدها حکومت هریک از کانتون‌های تشکیل‌دهنده کنفدراسیون به دست طبقات اشراف و ممتاز افتاد و در سدهٔ هجدهم اهمیت سیاسی خود را از دست داد ولی به یکی از مراکز فرهنگی اروپا مبدل شد. در دورهٔ انقلاب کبیر فرانسه، تحت عنوان جمهوری هلوتیا متحد شد و ناپلئون در ۱۸۰۳ کنفدراسیون سابق را مجدداً برقرار کرد. در ۱۸۱۵ نه کانتون دیگر به کنفدراسیون ملحق گردید و شمار کانتون‌ها به تعداد کنونی رسید و بی‌طرفی سوئیس برای همیشه تضمین گردید.
در ۱۸۴۷ جنگ زوندربوند با پیروزی رادیکال‌ها به پایان رسید و در ۱۸۴۸ اتحادیه سابق به یک کشور متحد فدرال مبدل شد. قانون اساسی سال ۱۸۷۴ ساختار کاملاً نوینی ایجاد کرد و دموکراسی مستقیم را از طریق برگزاری رفراندوم برای مسائل مهم کشوری در نظر گرفت. در



نام رسمی: کنفدراسیون سوئیس

نام محلی: شوایتس، سوئیس، سویتسرا Schweiz, Suisse, Svizzera

اسامی دیگر: هلوتیا (لاتین) Helvetia

پایتخت: برن (۳۱۷،۳٦۷ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: اول ماه اوت (سالروز تشکیل هستهٔ اولیه سوئیس در سال ۱۲۹۱)

نوع حکومت: دولت فدرال با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۸٤۸

رئیس حکومت: رئیس شورای فدرال: پاکسال کوچپین، برای سال ۲۰۰۳

رئیس دولت: رئیس شورای فدرال: پاکسال کوچپین، برای سال ۲۰۰۳

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۲۰۰۰؛ مجلس فدرال متشکل از شورای ملی با ۲۰۰ عضو و شورای ایالات با ٤٦ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های شورای ملی (۱۹۹۹): سوسیال دموکرات ۵۱ کرسی، حزب مردم ٤٤ کرسی، رادیکال دموکرات‌ها ٤۳ کرسی،دموکرات مسیحی مردم ۳۵ کرسی، حزب سبزها ۹ کرسی، حزب لیبرال ٦ کرسی، حزب کار ۳ کرسی، سایرین ۹ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)؛ اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، آی – آدب، افتا، شورای اروپا ، اواسی‌دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ٤۱،۲۸۵ کیلومترمربع (صد و سی و سومین کشور جهان)

جمعیت: ۷،٤۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نود و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۷۹/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۷٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۷/٦ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦۱/۹٪ ؛ رشد سالانه(۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۱۷/۵٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۱۸/۵٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ٤۳/۹٪؛ بالای ٦۰ سال ۲۰/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۸/۸۳٪؛ زن ۵۱/۱۷٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۸۲/۵ سال؛ مردان ۷٦/۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۰/۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳/٤ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٦): بیماریهای قلبی ۲۲٦/٤ نفر (از جمله کم‌خونی ۱٤۵/۹ نفر)؛ بافتهای بدخیم (سرطان) ۲۲۲/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۵ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ۵/٤ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۹۰): آلمانی ٦۳/٦٪؛ فرانسوی ۱۹/۲٪؛ ایتالیایی ۷/٦٪؛ اسپانیایی ۱/۷٪ ؛ پرتغالی ۱/٤٪؛ رومانیایی ۰/٦٪

دین(۱۹۹۰): کاتولیک ٤٦/۲٪؛ پروتستان ٤۰٪؛ مسلمان ۲/۲٪؛ ارتدوکس مسیحی ۱٪؛ یهودی ۰/۳٪؛ دیگر ادیان ۱۰/۳٪

زبان و خط: آلمانی،فرانسوی،ایتالیایی(زبانهای‌رسمی)؛ زبان‌رتورومانیایی‌نیزدرکانتون گراوبوندن رسمی است؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): زوریخ ۹۳۵،۱۱۸ نفر؛ ژنو ٤۵۲،۲٤۸ نفر؛ بازل (بال) ٤۰۲،۳۸۷ نفر؛ لوزان ۲۸٦،۱۰٦ نفر؛ لوسرن ۱۸۰،٤۲۷ نفر؛ وینترتور؛ سنت‌گالن؛ بیل؛ تون

بنادر مهم: بازل (بال)، در کنار رود راین

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سوئیس (Sw F)=۱۰۰ سانتیم(راپن)؛ یک دلار= ۱/۷۵ فرانک؛ یک فرانک= ٤،۵۷۱/٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۹۱،۹۱۱ میلیون فرانک سوئیس؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ٤٦/۲٪؛ مالیات مقدار فروش ۱۳/۱٪؛ مالیات بر درآمد ۱۳٪ (فقط شامل بودجهٔ دولت مرکزی است)

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ۹٦،۰۹۵ میلیون فرانک سوئیس؛ تأمین اجتماعی و رفاه عمومی ۵۲٪؛ بهداشت ۱۵/٦٪؛ امور اقتصادی ۱۱/۷٪؛ دفاع ۵/۸٪؛ آموزش ۲/٦٪ (فقط دولت مرکزی)

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۸٤،۱۱۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۹،۹۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۰/٦٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹٤): کشاورزی ٤٪؛ صنعت ۳٤٪؛ خدمات ٦۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲،٤۹۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳،۷۰۷ میلیون دلار

بدهی خارجی(۲۰۰۰): ۱۰۲،۲۵٤ میلیون فرانک — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۸۹۸- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲٤/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱/۷٪ ؛ ۱۹۹۸: ۱/۱٪ ؛ ۲۰۰۰: ۱/٦٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): شیر گاو ۳،۹۰۵،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۱،۱۲۵،۰۰۰ تن؛ گندم ٦۱٦،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ٦۰۲،۰۰۰ تن؛ سیب ۳٦۵،۰۰۰ تن؛ جو ۳۲۷،۰۰۰ تن؛ انگور ۱۵۱،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۱۱٪؛ مرتع و چمنزار ۲۹٪؛ جنگل ۳۱/٦٪؛ سایر موارد ۲۸/٤٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گاو ۱،٦۳۷،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱،٤۸٦،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤،۵۰۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱،۸۵۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۸): ٦،۵۷۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۸،۲۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): نمک ٤۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دلار): ماشین‌آلات برقی ۱۰،۷۵۲؛ مواد شیمیایی ۱۰،۳۷۲؛ ماشین‌آلات غیر برقی ۱۰،۲٦۹؛ مواد غذایی ٦،٤۷۲

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۹): ٦٦،٦۹٦،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ۵٦،۱۱۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹٦): صفر (۱۸۳،۰۰۰ تن)؛ نفت خام (۱۹۹٦): صفر (۳۸،۵۳٤،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹٦): ۵،۱۰۳،۰۰۰ تن (۱۱،۷۳۸،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹٦): بسیار کم (۲،۹۰۲،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ۳،۹۲۵،۰۰۰ نفر (به استثنای نفرات ارتش و کارگران فصلی)؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۵۵/٤٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۷۹/۳٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٤۳/٦٪؛ میزان بیکاری (۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۲/۵٪؛ ۲۰۰۱: ۱/٦٪

توزیع نیروی کار(۲۰۰۰): کشاورزی ٤/۵٪؛ صنعت ۲٦/٤٪؛ خدمات ٦۹/۱٪

نیروی دفاعی: خدمت‌نظام‌وظیفه‌اجباری در سنین ۲۰ تا ۵۲ سال (شامل یک دورهٔ آموزشی ۱۵ هفته‌ای و ۱۰ دورهٔسه‌هفته‌ای یادآوری‌در سالیان‌بعد)؛نیروی‌ثابت‌نظامی(۱۹۹۸):۳،۳۰۰ نفر(بعلاوهٔ ۳۹۰،۰۰۰ نفرذخیره)؛ سرانهٔهزینهٔدفاعی(۱۹۹۷): ۵٤۵ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۱۱۰،۰۸۷ میلیون فرانک ؛ شامل ماشین‌آلات و لوازم الکترونیکی ۲۱٪؛ مواد شیمیایی ۱۵/۳٪؛ وسیلهٔ نقلیه ۱۰/۳٪؛ موادغذایی ۸/۱٪ ؛ از آلمان ۳۰/۲٪ ؛ فرانسه ۱۱٪؛ ایتالیا ۹/۸٪؛ امریکا ۷/۹٪؛ انگلستان ٦/۵٪

صادرات(۱۹۹۷): ۱۱۰،٤۱۷ میلیون فرانک؛ شامل ماشین‌آلات صنعتی ۱۸/۲٪؛ دارو ۱۵/۲٪؛ مصنوعات فلزی اساسی ۸/۲٪ ؛ ساعت ۷/۵٪؛ ماشین‌آلات برقی و لوازم الکترونیکی ۷/۳٪؛ به آلمان ۲۲/٤٪؛ امریکا ۱۰/۳٪؛ فرانسه ۹٪؛ ایتالیا ۷/۵٪؛ انگلستان ۵/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون فرانک	+۳،٤۵۹	+۳،۲۱۹	+۱،۷۵۳	+۱،۹۲۵	+۳۳۰	+۲،۲٤۷	+۱،۰۳۰
درصد کل	۱/۹٪	۱/۷٪	۰/۹٪	۱٪	۰/۱٪	۱٪	۰/۵٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۸/۲	۱۰۰	۱۰۰/۸	۱۰۱/۳	۱۰۱/٤	۱۰۲/۲	۱۰۳/۸
شاخص درآمد سالیانه	۹۸/۷	۱۰۰	۱۰۱/۲	۱۰۱/۷	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار(۱۹۹۷): میانگین اندازهٔ خانوار: ۲ نفر؛ میانگین درآمد هر خانوار: ٦۹،٦۳۵ فرانک؛ منابع درآمد (۱۹۹۵): دستمزد ٦۲/۵٪؛ پرداخت‌های انتقالی ۱۸/۱٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۷): مسکن و سوخت ۲۳/٦٪؛ غذا ۱٦/۳٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ۱۲/۸٪؛ حمل و نقل ۱۰/۷٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۷،۵۱۸ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۷،۰۹٤ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۷۱،۰٤۸ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۵،۰٤۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۳،۳۲۳،٤۲۱ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۲۷۹،۳٤۷ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۲٤ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۵ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۸۸ روزنامه در ۲،۳۸۳،۰۰۰ نسخه (۳۳۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٦۰ عنوان در ٤،۵٦۱،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۵،۳۷۱ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۷،۱۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱،۰۰۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۳،۳۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤٦۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٤،۸۰۳،۰۰۰ خط تلفن (٦۷٦ خط برای هرهزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،٦۷۲،۰۰۰ خط (۲۳۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۰۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	؟	؟	٤۳۷،٤٤٤	؟
متوسطه	؟	؟	٤۱۲،۷۵۲	؟
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	۱۹۲،٤۰۳	؟
عالی	؟	؟	۱٤۸،۱۵٤	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۷): افراد بالای ۱۵ سال: ۱۰۰٪؛ مردان: ۱۰۰٪؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان‌تحصیلات افراد۲۵ تا٦٤سال(۱۹۹۷): کمترازمتوسطه ۲۰٪؛ فنی‌وحرفه‌ای ۵۰٪؛فوق‌دیپلم ۷٪؛ فنی عالی۱۳٪؛ دانشگاه ۱۰٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۱۲،۷۱۱ نفر (هر ۵۵٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ٤۷،۰۲۰ تخت (هر ۱۵۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۲،۰۰۰ نفر (۰/۳۲٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۲۲۳ کالری (۱۲۰٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۸۸ گرم؛ مصرف چربی: ۱٤٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۱۹/۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤٤/۳ میلیون تن؛ هر نفر ٦/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۱۵ (سیزدهمین کشور جهان)

طی سال‌های آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم جنبش‌های کارگری متعددی در این کشور برپا شد و دیدگاه‌های سوسیالیستی و برابری اجتماعی از آن هنگام پایدار مانده است.
سوئیس در جنگ جهانی اول بی‌طرف ماند و با طرفین مخاصمه پیمان‌هایی منعقد نمود و تعهد کرد که با هیچ یک از طرفین علیه طرف مقابل وارد معاهده نگردد. در سال ۱۹۲۰ به جامعهٔ ملل پیوست و در جنگ جهانی دوم نیز بی‌طرفی خود را همچنان حفظ کرد و بعد از جنگ میعادگاه صلح گردید.
در سالهای بعد از جنگ به پیشرفتهای فراوانی نایل آمد و شهرهای مهم آن به مراکز سازمانهای بین‌المللی مبدل شد. در ۱۹۷۱ زنان سوئیسی به دادن حق رأی و انتخاب شدن در مجالس قانونگذاری نایل آمدند و در ۱۹۷۹ کانتون فرانسه زبان ژورا تأسیس یافت و تعداد کانتون‌های سوئیس به ۲۶ رسید. سوئیس به دلیل انتخاب سیاست بی‌طرفانه به جامعهٔ اقتصادی اروپا ملحق نگردید. در دههٔ ۱۹۸۲ نهضت جدیدی به عنوان مخالفت با پروژه‌های هسته‌ای پایه‌گذاری شد. در ۱۹۸۶ موضوع محیط زیست به مسئله‌ای مهم تبدیل شد و پیدایش پدیدهٔ جدید بارانهای اسیدی که محصول نشت گازهای سمی کارخانجات کشورهای همسایه است، تهدیدی جدّی برای محیط زیست کشور به شمار آمد.
در ژوئن سال ۱۹۹۳، شورای ملی قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن برای اولین بار به ارتش این کشور اجازه می‌داد که در نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد شرکت نماید، که این قانون در رفراندوم عمومی با مخالفت گستردهٔ مردم مواجه شد و بی‌اثر گردید. بر طبق گزارش‌های منتشره در سال ۲۰۰۰، احساسات ضد یهودی در میان مردم سوئیس افزایش یافته و بیش از ۱۶٪ مردم دارای گرایشات ضد یهودی هستند. در فوریه ۲۰۰۱، مرد مسلحی با ورود به پارلمان کانتون تسوگ به روی نمایندگان آتش گشود و پس از کشتن ۱۴ تن از نمایندگان، به زندگی خود نیز خاتمه داد. سوئیس در سپتامبر سال ۲۰۰۲ به عنوان صد و نودمین عضو سازمان ملل متحد به عضویت این سازمان درآمد.

سودان SUDAN

سودان وسیع‌ترین کشور افریقایی است، و در شمال غربی این قاره جای گرفته است. از شمال به مصر، از شمال خاوری به دریای سرخ، از خاور به اتیوپی و اریتره، از جنوب به کشورهای



کنیا، اوگاندا و کنگو (کینشاسا)، از غرب به کشورهای جمهوری افریقای مرکزی و چاد و از شمال غربی به کشور لیبی محدود است و به سه منطقهٔ جغرافیایی متمایز تقسیم می‌گردد:
الف - دشتها و کویرهای شمالی که در دنبالهٔ صحرای افریقا و کویر لیبی قرار دارد.
ب - منطقهٔ هموار مرکزی.
پ - منطقهٔ پوشیده از جنگلهای پرباران انبوه در جنوب.
رودخانهٔ نیل به طول ۶۶۷۱ کیلومتر و ریزابه‌های متعدد آن از قبیل نیل آبی، نیل سفید، بحرالغزال و عطبره این کشور را مشروب می‌سازند. اکثر جمعیت سودان در کنار رودخانه‌ها سکونت دارند و پنبه، نیشکر و صمغ عربی عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن محسوب می‌گردند.
اقلیم سودان در شمال گرم و خشک و در جنوب گرم و مرطوب است و بلندترین نقطهٔ آن که کوه کینیتی نام دارد، ۳۱۸۷ متر ارتفاع دارد.
زدایش جنگلها به توسعه و پیشرفت کویرها و دشتهای خشک کمک کرده و فضولات کارخانجات صنعتی، نواحی ساحلی و بعضی رودخانه‌ها را آلوده کرده است.

تاریخچه

حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد منطقه‌ای از سودان که کوش نام داشت به تصرف مصریان درآمد و یونانیان نیز بر نوبه تسلط داشتند. مصریان در ۱۵۰۰ پیش از میلاد، سودان را ترک گفتند. در سال ۷۳۰ پیش از میلاد فرمانروایان سودانی ناپاتا مصر را تصرف کردند و تا سال ۶۶۳ پیش از میلاد به نام فرعون بر مصر حکومت کردند و به دنبال آن سه دولت کوچک در کنار آبشارهای نیل به نام نوباتیا، دونگولا و آلودیا تأسیس یافت که تا ۲۰ قرن ادامه یافتند و حتی زمانی که ایرانی‌ها و یونانی‌ها و رومی‌ها و اعراب مصر را تصرف کردند، دولتهای سه گانهٔ آبشار با خودمختاری به حیات خود ادامه دادند. آنان فرهنگ و ویژگیهای خود را حفظ کردند و ارتباط داد و ستد بین دولتهای مدیترانه‌ای و درون‌بوم افریقا را به ویژه از نظر خرید بردگان سیاه و عاج و خز ودیگر مصنوعات افریقای استوایی برقرار ساختند. آنان در سدهٔ ششم میلادی به مسیحیت گرویدند و صد سال بعد اعراب بر آن نواحی استیلا یافتند و به ترویج آیین اسلام پرداختند. ممالیک مصر دولتهای آلودیا را در سدهٔ چهاردهم برانداختند و دولتهای جدیدی را به نام سِنّار در کنار نیل آبی، کُردُفان در غرب و دارفور را در صحرای مرکزی تأسیس نمودند.
در سال ۱۸۲۰ محمدعلی پاشا سودان را تصرف کرد و یک پادگان دائمی در خرطوم (خارطوم) احداث نمود و در سال ۱۸۷۶ سرتاسر سودان را تحت کنترل مصر درآورد.
طی سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۳ ساموئل بیکر انگلیسی قسمتهای جنوبی سودان را به تصرف درآورد و برده‌فروشی را لغو کرد و چارلز جورج گوردن انگلیسی نیز طی سالهای ۱۸۷۴ تا ۱۸۸۱ برده‌فروشی را برانداخت.
در سال ۱۸۸۱ محمد احمد که خود را مهدی موعود می‌دانست علیه استعمارگران انگلیسی قیام کرد و قسمتهای وسیعی از سودان را در اختیار گرفت و هواداران بسیاری در میان عرب زبانان سودانی پیدا کرد و به مهدی سودانی معروف گردید و با انگلیسی‌ها به مبارزه پرداخت ولی از نیروهای مشترک مصر و انگلستان شکست خورد. در سال ۱۸۹۹ مصر و انگلستان قراردادی منعقد نمودند و ادارهٔ امور سودان را میان خود تقسیم کردند. مجلس سودان در سال ۱۹۵۶ پس از جلب موافقت مصر و انگلستان، استقلال سودان را اعلام داشت و برای آن حکومت جمهوری تعیین کرد و در همان سال به عضویت سازمان ملل متحد درآمد.
در کودتای ۱۹۵۸ ژنرال عبود امور کشور سودان را در دست گرفت و مجلس را منحل کرد و قانون اساسی را ملغی نمود و با خودکامگی به حکومت پرداخت. اختلافات داخلی و جنگهای خانگی عبود را وادار کرد تا در سال ۱۹۶۴ از مقام خود کناره‌گیری کند و حکومت را به محمداحمد محجوب واگذار کند. او نیز در مقابل مسائل داخلی تاب مقاومت نیاورد و طی یک کودتای نظامی سرنگون شد. بعد از آن نیز چند کودتای نظامی یکی پس از دیگری به وقوع پیوست تا اینکه در سال ۱۹۶۸ یک مجلس جدید تشکیل شد و یک شورای فرماندهی که ریاست آن را اسماعیل الازهری بر عهده داشت، مسئولیت ادارهٔ سودان را بر عهده گرفت. در کودتای نظامی سال ۱۹۶۹ ژنرال جعفر نمیری حکومت سودان را در دست گرفت و بلامنازع به حکومت ادامه داد.
در سال ۱۹۷۱ افسران کمونیست ارتش سودان قیام کردند و نمیری را موقتاً برکنار کردند. ولی قیام آنان سرکوب شد و ژنرال نمیری امور کشور را مجدداً در دست گرفت. در سال ۱۹۷۳ قانون اساسی سودان تدوین و تصویب شد و در سال ۱۹۷۶ روابط سودان با لیبی که ظاهراً از یک توطئهٔ کودتا علیه نمیری حمایت می‌کرد، قطع گردید. در ۱۹۷۷ پست نخست‌وزیری سودان حذف شد و ژنرال نمیری کلیهٔ امور را شخصاً بر عهده گرفت. در سال ۱۹۸۱ اعتصابات و تظاهرات وسیعی سرتاسر سودان، به ویژه کارکنان راه‌آهن را دربر گرفت و دهها هزار تن بازداشت و زندانی شدند. روابط سودان و مصر در سال ۱۹۸۲ گسترش یافت و امریکا چند پایگاه نظامی در سودان تأسیس نمود و ژنرال عبدالمجید خلیل معاون جعفر نمیری از کار برکنار شد و عمر محمدالطیب به معاونت وی منصوب گردید.
در ۱۹۸۳ نمیری قوانین کشور را بدون مقدمه لغو کرد و قوانین شریعت اسلامی را جایگزین آن



نام رسمی: جمهوری سودان

نام محلی: السودان

اسامی دیگر: -

پایتخت: خرطوم «خارطوم» (۱،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۳)

تاریخ استقلال: ۱۹٥٦/۱/۱، از انگلستان و مصر

روز ملی: اول ژانویه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری‌اسلامی از سال ۱۹۸٦ و رژیم نظامی پس از کودتای سال ۱۹۸۹

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ژنرال عمر حسن احمدالبشیر، از سال ۱۹۸۹

رئیس دولت: رئیس جمهور: ژنرال عمرحسن احمدالبشیر، ازسال ۱۹۹۳

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۸؛ مجلس ملی با ۳٦۰ عضو به مدت ٤ سال که ۲۷۰ عضو آن مستقیماً انتخاب می‌شوند. ۳٥ کرسی برای زنان، ۲٦ کرسی برای اعضای فرهنگستان و ۲۹ کرسی نیز برای اصناف در نظر گرفته شده است. در انتخابات سال ۲۰۰۰ که توسط احزاب و گروههای مخالف تحریم شده بود، حزب کنگرهٔ ملی به اکثریت مطلق دست یافت.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٥٦)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یااآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی (عضو ناظر)، سازمان وحدت افریقا، آکپ، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۲،٥۰٥،۸۱۳ کیلومترمربع (دهمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۹،٥۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (سی و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۱/۸ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۲/۱٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٤٦/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲٤ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳٤/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٤/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹٥): زیر ۱٥ سال ٤۳/۹٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۷٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٤/٤٪؛ بالای ٦۰ سال ٤/۷٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٥۰/۱٤٪؛ زن ٤۹/۸٦٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٥۷/۲ سال؛ مردان ٥٥/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۹/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰/٥ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۷۱/۸ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۸/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٥/٦ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): عرب‌سودانی ٤۹/۱٪؛ دینکا ۱۱/٥٪؛ نوبه‌ای ۸/۱٪؛ بجا ٦/٤٪؛ نوئر ٤/۹٪؛ آزانده ۲/۷٪؛ باری ۲/٥٪؛ فور ۲/۱٪

دین(۱۹۹۲): مسلمان سنی ۷۲٪؛ باورهای قبیله‌ای ۱۷٪؛ مسیحی ۱۱٪ (از جمله کاتولیک ۷٪)

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ زبانهای بومی مختلفی در میان قبایل آن رایج است؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۳): ام‌درمان ۱،۲٦۷،۰۷۷ نفر؛ خرطوم شمالی ۸۷۹،۱۰٥ نفر؛ پورت سودان ۳۰٥،۳۸٥ نفر؛ کسلا ۲۳٤،۲۷۰ نفر؛ نیالا ۲۲۸،۷۷۸ نفر

بنادر مهم: پورت سودان (دریای سرخ)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دینار سودان (Sd)؛ یک دلار= ۲٥۸/۷ دینار؛ یک دینار = ۳۰/۹ ریال

درآمد بودجه(۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۲۰٦/۷ میلیارد دینار؛ عوارض گمرکی ۲٦٪؛ درآمد غیر مالیاتی ۲٥/۸٪؛ مالیات بر مصرف ۱۱/۹٪؛ مالیات بر سود بازرگانی ۱۱/۱٪

هزینه بودجه(۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۲۲۷/٤ میلیارد دینار؛ هزینه‌های جاری ۸٥/۸٪؛ هزینه‌های عمرانی ۱٤/۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۸،۲۲٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۹۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۱/٤٪؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٥/۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳۹/۲٪ ؛ صنعت ۱۸/۲٪؛ خدمات ٤۲/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٦- میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۹،۲۲٦ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۰۹/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۷٤/٤٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲۸/۹٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۹): نیشکر ٥،۹٥۰،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۳،۰٤٥،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۹۸۰،۰۰۰ تن؛ ارزن ٤۹۹،۰۰۰ تن؛ دانهٔ کنجد ۲۲۰،۰۰۰ تن؛ پنبه‌دانه ۲۰٥،۰۰۰ تن؛ خرما ۱۷٥،٥۰۰ تن؛ چای ۱۷۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۱٦۸،۰۰۰ تن؛ صمغ عربی ۲۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٥/٥٪؛ مرتع و چمنزار ٤٦/۳٪ ؛ جنگل ۱۸/۱٪؛ بیابان و دیگر موارد ۳۰/۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ٤۲،٥۰۰،۰۰۰رأس؛بز ۳۷،٥۰۰،۰۰۰رأس؛گاو ۳٥،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ شتر ۳،۱٥۰،۰۰۰ نفر

تولید چوب(۱۹۹۸): ۹،٤۸٦،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٤۸،۰۷۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٤۱،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۳،٥۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): نمک ٥۰،۰۰۰ تن؛ طلا ۱٦۱،۰۰۰ تروی

تولیدات صنعتی(۱۹۹۹): شکر خام ٦۲۲،۰۰۰ تن؛ آرد ٥۳۲،۰۰۰ تن؛ سیمان ۲٦۷،۰۰۰ تن؛ روغن نباتی ۱۰۰،۰۰۰ تن؛ پوست گاو و پوست اسب ۳٤،۷۰۰ تن؛ کفش ٤۸،۰۰۰،۰۰۰ جفت

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۹): ۲،۲٤۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،۳۱۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام (۱۹۹٦): صفر (۷،٦۱٦،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۸۷۸،۰۰۰ تن (۱،۰۳۹،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۳): ۸،۸٦٦،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۲/۳٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤ ؛ ۱۹۸۳): ٥۷/٤٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۲۲/۳٪؛ میزان بیکاری: حدود ۳۰٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٦۳/٥٪؛ صنعت ۷/۲٪؛ خدمات ۱۷/۱٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۳ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۹٤،۷۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹٥٪؛ نیروی دریایی ۱/۸٪؛ نیروی هوایی ۳/۲٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۳ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۱،٤۱۲ میلیون دلار؛ شامل تجهیزات و ماشین‌آلات ۲٥/٤٪؛ مواد غذایی ۱۹/٥٪ (شامل گندم و آرد گندم ۸/۷٪)؛ فرآورده‌های نفتی ۱۳٪؛ تجهیزات حمل و نقل ۹/۳٪؛ از عربستان سعودی ۱۱/۸٪؛ فرانسه ۸/٦٪؛ ایتالیا ٦/۳٪؛ امارات متحدهٔ عربی ٥/٥٪؛ آلمان ٥/٤٪؛ انگلستان ٥/۱٪

صادرات(۱۹۹۹): ۷۸۰ میلیون دلار؛ شامل نفت خام ۳٥/٤٪؛ دانهٔ کنجد ۱٦/۳٪؛ گوسفند زنده و گوشت گوسفند ۱۳٪؛ طلا ۷/۱٪؛ پنبه ٥/۸٪؛ به کشورهای عربستان سعودی ۱۸/۱٪؛ ژاپن ۱٥/۷٪؛ انگلستان ۹/۲٪؛ کرهٔ جنوبی ۷/۹٪؛ ایتالیا ۷/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	٦۹٥-	٦۷٦-	٦٦۳-	۹۲۷-	۹۸٥-	۱،۳۲۹-	٦۳۲-
درصد کل	٤۳/٦٪	٤۱٪	۳۷/٤٪	٤۲/۸٪	٤٥/۲٪	٥۲/۷٪	۲۸/۸٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	٥۹/٤	۱۰۰	۲۳۲/۸	۳٤۱/٥	۳۹۹/۹	٤٦۳/۸	٤۸۸/۱
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار: ؟ ؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ هزینه‌ها(۱۹۸۳): غذا و نوشیدنی ٦۳/٦٪؛ مسکن ۱۱/٥٪؛ کالاهای خانگی ٥/٥٪ ؛ پوشاک و کفش ٥/۳٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۸ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۳۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۱،۹۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ٤،٥۹٥ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۲۸٥،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٥۳،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱٦ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۳ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ٥ روزنامه در ۷۳۷،۰۰۰ نسخه (۲٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۷،٥٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۳٥ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲،٤٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۸٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱٦۲،۲۲٥ خط تلفن (٤/۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۸،٦۰۰ خط (۰/۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٥٥،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٥۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱۱،۱٥۸	۱۰۲،۹۸۷	۳،۰۰۰،۰٤۸	۲۹/۱
متوسطه	؟	۱٥،٥۰٤	٤۰٥،٥۸۳	۲٦/۲
فنی و حرفه‌ای	؟	۷٦۱	۲٦،٤۲۱	۳٤/۷
عالی	٦	۱،٤۱۷	٥۲،۲٦۰	۳٦/۹

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٥۰/۸٪؛ مردان: ٦۳/٥٪؛ زنان: ۳۸/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸۳): بدون تحصیلات رسمی ۷٦/۷٪؛ ابتدایی و راهنمایی ۲۰/٥٪؛ متوسطه ۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۲،۷۳٦ نفر (هر ۱۰،۹۰۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸٦): ۱۸،٥۷۱ تخت (هر ۱،۲۲۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ؟ (۰/۹۹٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٤۱/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٤٤٤ کالری (۱۰٤٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷٥ گرم؛ مصرف چربی: ۷٥ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱٪؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/۸٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳/٥ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۷۷ (صد و چهل و سومین کشور جهان)

کرد. این عمل به توصیهٔ عربستان سعودی و به امید دریافت کمکهای اقتصادی انجام شد. این عمل با مخالفت مسیحیان و غیر مسلمانان دیگری که در جنوب کشور زندگی می‌کردند روبرو شد و مبارزات مسلحانه علیه دولت را به همراه آورد که برقراری حکومت سوسیالیستی و خودمختاری نواحی جنوبی و آزادی مذهب را خواستار گردیدند. از سوی دیگر مسلمانان شمال نمیری را تحت فشار قرار دادند تا در برقراری شریعت اسلام اهتمام ورزد و مخالفان را سرکوب کند. در ۱۹۸۵ امریکا کمکهای اقتصادی و اعتبارات سودان را قطع نمود و موجبات بالا رفتن نرخ ارزاق عمومی را فراهم آورد و کشور را به سوی آشوب و انقلاب سراسری سوق داد. نمیری برای جلب حمایت امریکا به این کشور سفر کرد و در غیاب او ژنرال عبدالرحمن سوارالذهب وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک ارتش سودان زمام امور را در دست گرفت. اما این جابجایی نیز کارساز نشد و اختلاف شمال و جنوب همچنان به قوت خود باقی ماند و سوارالذهب را وادار ساخت تا در برقراری قوانین اسلامی تأمل کند و انتخابات ۱۹۸۶ را به مردم قول دهد.

در انتخابات آوریل ۱۹۸۶ صادق‌المهدی از حزب‌الامه به نخست‌وزیری رسید. او نیز از برقراری شریعت اسلام حمایت کرد و انقلابیون جنوب را به جنبش و مبارزه علیه دولت واداشت تا جایی که ۱۲,۰۰۰ رزمندهٔ مسلح پادگان‌های نظامی نواحی جنوبی کشور را تصرف کردند و سودان را به دو قسمت تقسیم نمودند. در ژوئن ۱۹۸۹ جنگ میان طرفداران جنبش آزادی‌بخش مردم سودان به رهبری جان کارانگ و نیروهای مسلح ارتش درگرفت و اغتشاش و آشوب بر کشور حاکم شد. در فوریه ۱۹۹۰ ژنرال عمرالبشیر، رئیس جمهور را برکنار کرد و او را به دلیل سیاستهای غلط و بحرانهای اقتصادی و اجتماعی مورد سرزنش قرار داد.

عمرالبشیر احزاب سیاسی را منحل کرد و یک شورای فرماندهی مرکب از ۱۵ نفر نظامی تحت ریاست خود تأسیس نمود و قول داد به جنگ داخلی هرچه زودتر پایان دهد. در چهارم فوریهٔ ۱۹۹۱ دولت سودان نظام حکومتی فدرال را تأسیس نمود و کشور را به ۹ ایالت خودمختار که از خود دارای پارلمان و هیئت دولت باشند، تقسیم نمود و اجرای قوانین اسلامی را به ایالت شمالی کشور منحصر کرد. در مارس سال ۱۹۹۱ ارتش سودان با حمایت اتیوپی و لیبی و بعضی کشورهای مسلمان حملات کوبندهٔ خود را علیه ارتش آزادی‌بخش مردم سودان آغاز کرد و شهر بور (مرکز شورشیان جنوب) را تصرف نمود. در مه ۱۹۹۲ رئیس جمهور نیجریه به میانجی‌گری برخاست و مذاکرت صلح و گفتگوی مسالمت‌آمیز میان دولت عمرالبشیر و مخالفان را در یکی از شهرهای نیجریه برگذار کرد که نتیجهٔ مذاکرات مذکور بیانیهٔ مبهمی بود که در ماه ژوئن همان سال صادر گردید.

سازمانهای بین‌المللی که عمرالبشیر را به شدت تحت فشار قرار داده بودند، سرانجام موافقت وی را در مورد ارسال دارو و مواد غذایی به جنوب کشور به دست آوردند. طی جنگهای خانگی مزبور حدود ۹ میلیون جنوبی از گرسنگی در مرز مرگ و زندگی قرار گرفتند و اجساد حدود ۶۰,۰۰۰ تن که جان خود را از فرط گرسنگی از دست داده بودند در کنار جادهٔ ۸۰۰ کیلومتری ارتباطی جنوب به خرطوم بر روی زمین پراکنده بودند. پس از گفتگوهای مفصل سرانجام در فوریهٔ ۱۹۹۳ بین دولت و نمایندهٔ ارتش آزادیبخش مردم سودان موافقتنامهٔ آتش‌بس به امضاء رسید و قرار شد گفتگوها در نیجریه دنبال گردد. در مه ۱۹۹۴ دولت مقاوله‌نامه‌ای را امضاء کرد و برای ارسال کمکهای بشر دوستانه به انقلابیون و مخالفان قول مساعد داد. در ژوئیهٔ ۱۹۹۵ مدافعان حقوق بشر در افریقا اعلامیه‌ای صادر کردند و دولت خرطوم را به نسل‌کشی قوم نوبه متهم نمود.

در انتخابات مارس ۱۹۹۶ عمرالبشیر با کسب ۷۶ درصد آراء در پست ریاست جمهوری ابقاء گردید و برقراری صلح میان شمال و جنوب را در برنامهٔ کار خود قرار داد و اعلام داشت که جنگ ۱۲ سالهٔ خانگی یک میلیون کشته و سه میلیون آواره به جای گذارده است. در ژانویه ۱۹۹۸ دولت امریکا با برقراری تحریم اقتصادی بر علیه سودان، این کشور را به حمایت از تروریسم بین‌المللی و نادیده گرفتن حقوق بشر و آموزش مبارزان شورشی کشورهای همسایه متهم کرد. در اوت ۱۹۹۸ کارخانهٔ داروسازی شفا بر اثر پرتاب یک موشک امریکایی ویران گردید. دولت امریکا اعلام داشت که این کار را به تلافی دست داشتن سودان در انفجار سفارتخانه‌های امریکا در کنیا و تانزانیا انجام داده و بر این باور است که کارخانهٔ مزبور با عملیات تروریستی اسامه بن لادن میلیونر سعودی و از متحدان سابق امریکا در جنگ علیه شوروی در افغانستان، در ارتباط بوده است.

در سپتامبر سال ۲۰۰۱، سازمان ملل تحریم‌های اعمال شده از سال ۱۹۹۶ را لغو کرد و امریکا نیز در ماه نوامبر هیئتی را برای پایان دادن به جنگ داخلی این کشور به سودان فرستاد.

سورینام SURINAME

کشور سورینام در شمال امریکای جنوبی واقع است و از شمال به اقیانوس اطلس، از خاور به گویان فرانسه، از جنوب به برزیل و از غرب به کشور گویان محدود است. جلگه ساحلی آن پست و آبگیر است و عمدتاً به شیوهٔ دیواره‌سازی و زهکشی و احیای زمین حاصل گردیده است. برنج، نیشکر، قهوه و مرکبات از فرآورده‌های کشاورزی این ناحیه است. درونبوم آن از جنگل‌ها و گیاهان گرمسیری پوشیده شده و از بابت ذخایر بوکسیت بسیار غنی است. باران همیشگی به جریان رودخانه‌های متعدد این سرزمین مانند نیکری، ماروواین، لیتانی، کورانتاین و کوپنامه که از ارتفاعات جنوبی سرچشمه می‌گیرند کمک کرده و باروری اراضی اطراف را موجب گردیده و امکان احداث سدهایی چند را بر روی رودخانه‌های مزبور فراهم آورده است.

نواحی جنوبی و جنوب غربی سورینام را کوههای پوشیده از جنگل توموک هوماک، کایزر و ویلهلمینا که قسمتی از رشته کوههای گویان هستند زیر پوشش قرار داده و کوه یولیاناتوپ با ارتفاع ۱۲۸۰ متر بلندترین نقطهٔ سورینام را تشکیل داده است. اقلیم سورینام گرم و مرطوب و پر باران است و برنج، نیشکر، موز، مرکبات و نارگیل و الوار از عمده‌ترین محصولات کشاورزی آن است.



تاریخچه

کاریب‌ها اولین اقوامی هستند که در سواحل این سرزمین مسکن گزیده‌اند. آنان به صورت جوامع کوچک زندگی می‌کردند و با شکار و ماهیگیری و کشاورزی (در سطح خیلی محدود) روزگار می‌گذراندند.

در آغاز سدهٔ هفدهم، هلندی‌ها ماندگاههایی در گویان تأسیس نمودند و به تجارت برده پرداختند. هنگامی که در سال ۱۸۶۳ برده‌داری موقوف گردید، به استخدام کارگران ارزان‌قیمت هندی و جاوه‌ای متوسل شدند و آنان را به مهاجرت به سورینام و اقامت در آن سرزمین تشویق کردند و جامعهٔ بزرگی از هندیان را در سورینام سکونت دادند. هندی‌ها که در حقیقت بزرگترین اقلیت این کشور محسوب می‌شوند (زیرا هیچ یک از ملیت‌ها و نژادهای موجود دارای اکثریت نیستند)، از اختلاط با دیگران به شدت خودداری کرده و جامعه‌ای یک دست را تشکیل داده‌اند. در سال ۱۹۵۴ سورینام به درجه‌ای از خودمختاری نایل گردید و در ۱۹۷۵ علیرغم عدم تمایل هندیان، به استقلال کامل دست یافت و قانون اساسی آن به اجرا گذارده شد و به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. پس از استقلال، تعداد زیادی از هندی‌ها و دیگران به هلند مهاجرت کردند و بدین ترتیب حدود یک سوم نیروی کار متخصص این کشور در زمینه‌های اداری، علمی و فنی کشور را ترک کردند و این مسئله ضربه‌ای بزرگ به اقتصاد و امور اجرایی آن وارد کرد.



نام رسمی: جمهوری سورینام

نام محلی: سورینامه Suriname

اسامی دیگر: گویان هلند (نام قدیمی)

پایتخت: پاراماریبو (۲۸۹،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۵/۱۱/۲۵، از هلند

روز ملی: بیست و پنجم نوامبر،روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: رونالد ونتیان (ائتلاف جبهه جدید)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ۵ سال توسط مجلس ملی

رئیس دولت: رئیس جمهور: رونالد ونتیان (ائتلاف جبهه جدید)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ۵ سال توسط مجلس ملی

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۷؛ مجلس ملی با ۵۱ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی(۲۰۰۰): جبهه جدید برای دموکراسی و پیشرفت (ائتلاف حزب ملی و چند حزب دیگر) ۳۲ کرسی، ائتلاف هزاره (شامل حزب ناسیونال دموکرات و دو حزب دیگر) ۱۰ کرسی؛ ائتلاف پلاتفرم دموکراتیک ملی۲۰۰۰ ۳ کرسی، آلترناتیودموکراتیک ۲ کرسی؛ سایر احزاب ٤ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی،آکپ، کاریکوم، آی-آدب، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱٦۳،۲٦۵ کیلومترمربع (نود و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ٤۱۷،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و شصت و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲/٦ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۵۲۵،۰۰۰ نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤٤ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵۱٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۵٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۳۲/۵٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۷/٦٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۱/۸٪؛ بالای ٦۰ سال ۸/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۵۰/۷٤٪؛ زن ٤۹/۲٦٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۳/۲ سال؛ مردان ٦۸/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۱/۷ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۵/۷ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲٦ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۲): بیماریهای غیر واگیردار ۷٦۹ نفر؛ عوامل بیرونی و سایر عوامل ٦۰۸/۱ نفر؛ بیماریهای دورهٔ جنینی و بیماریهای واگیردار ۲۳۲/۸ نفر؛ بیماریهای ناشی از شرایط بد ۲۷۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۵ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۹ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۱): ٤/۹ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۱):** ۲/۵ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۹): هندی و پاکستانی ۳۷٪؛ کریول سورینامی ۳۱٪؛ جاوه‌ای ۱۵٪؛ سیاهپوست ۱۰٪؛ سرخپوست ۲/۵٪

دین(۱۹۹۵): هندو ۲۷/٤٪؛ کاتولیک ۲۱٪؛ مسلمان ۱۹/٦٪؛ پروتستان ۱٦/٤٪؛ دیگر ادیان ۱۵/٦٪

زبان و خط: هلندی (زبان رسمی)، هندی، جاوه‌ای، انگلیسی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۰): نیونیکری ٦،۰۷۸ نفر؛ مرزورگ ۵،۳۵۵ نفر؛ مارینبورگ ۳،٦۳۳ نفر

بنادر مهم: پاراماریبو و نیونیکری (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: گیلدر سورینام (Sf)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۸۰۹/۵ گیلدر؛ صد گیلدر = ۹۸۸/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۹۰،۸۷٤/٦ میلیون گیلدر؛ مالیاتهای مستقیم ٤۲/۲٪؛ مالیاتهای غیر مستقیم ۳۲/۲٪؛ مالیات بر بوکسیت ۲۵٪؛ سایر موارد ۰/٦٪

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ۹٦،۹۵۷/۷ میلیون گیلدر؛ هزینه‌های جاری ۹۹/٦٪ (شامل حقوق‌ها و دستمزدها ۲۸/۵٪، پرداخت‌های انتقالی ۱۳/۷٪، پرداخت بدهی‌ها ۱/۷٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۰/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٦۸٤ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،٦٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانهٔ ۹۵-۱۹۷۵) ۱/۰٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۰/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۷/۸٪؛ صنعت ۲٦/۱٪؛ خدمات ٦٦/۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۱۹- میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹٦): ۲۱٦/۷ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۵۸/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۳۸٪ ؛ ۱۹۹۸: ؟

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): برنج ۱۸۰،٤۰۰ تن؛ نیشکر ۹۰،۰۰۰ تن؛ موز ۵۵،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۱۳،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۱۲،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۹،٤۰۰ تن؛ کاساوا ٤،۰۰۰ تن؛ خیار ۳،۲۰۰ تن؛ هندوانه ۲،۷۰۰ تن؛ گوجه فرنگی ۱،٦۲۵ تن؛ کلم ۹۹۰ تن؛ گریپ‌فروت ۹٤۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۰/٤٪ ؛ مرتع و چمنزار ۰/۱٪؛ جنگل ۹٦/۲٪؛ سایر موارد ۳/۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱۰۲،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲۵،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱۰،٦۰۰ رأس؛ بز ۱۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۸۳،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۳،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲،۲۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): بوکسیت ۳،۸۷۷،۰۰۰ تن؛ طلا ٦،۹۹۳ تروی

تولیدات صنعتی(۱۹۹۳): فرآورده‌های غذایی ۹۹۲،۰۰۰،۰۰۰ گیلدر سورینام؛ نوشیدنی ۵۵۸،۰۰۰،۰۰۰؛ دخانیات ۳٦۹،۰۰۰،۰۰۰؛ مواد شیمیایی ۲۹۱،۰۰۰،۰۰۰؛ ظروف و وسایل سفالی ۲۵۸،۰۰۰،۰۰۰؛ محصولات چوبی ۱۸۰،۰۰۰،۰۰۰ گیلدر سورینام

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۱،٦۲۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،٦۲۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت خام: ۱،۵۱۹،۰۰۰ بشکه (۱،۲۲۷،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (٤۷۸،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٤): ۹۸،۲٤۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲٤/۳٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤ سال): ۵٦٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۳۷/۵٪ ؛ میزان بیکاری(۱۹۹٦): ۱۰/۷٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱٦/۸٪ ؛ صنعت ۲۰٪ ؛ خدمات ٦۳/۲٪

نیروی دفاعی: (خدمت نظام وظیفه ندارد)؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۱،۸۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۷/۸٪؛ نیروی دریایی ۱۳/۳٪؛ نیروی هوایی ۸/۹٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٤۳ دلار

واردات(۱۹۹۵): ۲۵۸،۹۱٦/۷ میلیون گیلدر؛ شامل موادخام ۳٦/٤٪؛ کالاهای سرمایه‌ای ۲۵/۲٪؛ سوخت و روغنهای روانکاری ۱۱/۱٪؛ مواد غذایی و حیوانات زنده ۹/۷٪؛ اتومبیل و موتور سیکلت ۳/۸٪؛ از امریکا ٤۲/۱٪؛ هلند ۱۹/۸٪؛ ترینیداد و توباگو ۷/٤٪؛ جزایر آنتیل هلند ۲/٦٪؛ ژاپن ۲/۱٪

صادرات(۱۹۹۵): ۲۱۱،۰۲۰/٦ میلیون گیلدر؛ شامل آلومین (اکسید آلومینیوم) ٦۳/٦٪؛ میگو و ماهی ۹/۷٪؛ برنج ۹/٦٪؛ آلومینیوم ۹/۳٪؛ نفت ۳٪؛ موز ۲/۹٪؛ به کشورهای هلند ۲۷/۹٪؛ نروژ ۲٤/۹٪؛ امریکا ۲۲/۳٪؛ ژاپن ٦/۱٪؛ برزیل ۵/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦
میلیون دلار	۱۱۷/۹-	۱۱۰/۸-	۷۷/۲-	۹۹/۳-	۳۸/۳+	۱۸/۸+
درصد کل	۱۱/۳٪	۱۰/۲٪	۸٪	۲۰/٤٪	٤/٦٪	۲/۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
شاخص قیمتهای مصرفی	۱/۸	۲/٦	٦/٤	۲۹/۸	۱۰۰	۹۹/۳	۱۰٦/٤
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ٤/۸ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۱۹۷۵): دستمزد و حقوق ۷٤/٦٪ ؛ پرداخت‌های انتقالی ۳/۲٪؛ سایر موارد ۲۲/۲٪؛ هزینه‌ها (٦۹-۱۹٦۸): غذا و نوشیدنی ٤۰٪؛ لوازم خانگی ۱۲/۳٪؛ پوشاک و کفش ۱۱٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۹/۵٪؛ سرگرمی و آموزش ۸/٤٪؛ سوخت ٦/٤٪؛ مسکن ٤/٤٪؛ سایرموارد۷/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ٤۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج (۱۹۹۵): ۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٤،۵۳۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۳۰۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٤٦،٤۰۸ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱۹،۲۵۵ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲٤ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ۵۰،۰۰۰ نسخه (۱۱٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ٤۷ عنوان در ۲۱،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ٤٤٦/۸ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۷۲۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۹۸،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۳٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۹): ٦۷،۳۰۸ خط تلفن (۱٦۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ٦،۰۰۷ خط (۱٤/۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ | **اینترنت(۱۹۹۹):** ۷،۲۳٦ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۳۰٤	۳،٦۱۱	۷۵،۵۸۵	۲۰/۹
متوسطه	۱۰٤	۲،۲۸٦	۳۱،۹۱۸	۱۳/۹
فنی و حرفه‌ای	۱	؟	۱،٤٦۲	؟
عالی	۱	۱۵۵	۱،۳۳۵	۸/٦

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۳٪ ؛ مردان: ۹۵/۱٪ ؛ زنان: ۹۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۱٦٦ نفر (هر ۲،۵۱۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۱،٤٤۹ تخت (هر ۲۸۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲،۸۰۰ نفر (۱/۱۷٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱٦/۲نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٦٦۳ کالری (۱۱۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۵ گرم؛ مصرف چربی: ۵۵ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۱٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۱٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲/۱ میلیون تن؛ هر نفر ٤/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷٦٦ (شصت و هفتمین کشور جهان)

در کودتای فوریه ۱۹۸۰ یک پاسگاه پلیس از میان رفت و شش نفر کشته شدند. نخست‌وزیر سورینام برکنار شد و شورایی از نظامیان اداره امور کشور را عهده‌دار گردید. در فوریهٔ ۱۹۸۱ سرهنگ دوم دسی بوترز شورای مزبور را منحل کرد و خود رأساً عهده‌دار امور گردید و با کوبا روابط سیاسی برقرار کرد. در ژانویه ۱۹۸۳ سرهنگ بوترز دولت جدیدی تشکیل داد و ارول هالیبوکس را به نخست‌وزیری منصوب نمود. با هجوم امریکا به گرنادا در سال ۱۹۸۳، سورینام در روابط خود با کوبا تجدید نظر کرد و از دولت هاوانا خواست تا سفیر خود را از سورینام فراخواند و تمام قراردادهای میان دو کشور را به حال تعلیق درآورد. در اواخر ۱۹۸۳ و اوایل سال ۱۹۸۴ کارگران معادن بوکسیت که بزرگترین قلم صادراتی این کشور را تشکیل می‌دهد، دست به اعتصاب زدند و کارمندان سازمانهای آب و برق و ترابری به آنان پیوستند. بوترز، نخست‌وزیر را مسئول این حوادث دانست و وی را از سمت خود عزل کرد و با تغییراتی که در هیئت دولت به عمل آورد، سیاست خارجی خود را فعال‌تر نمود و به بازار مشترک جامعهٔ کارائیب پیوست و با کوبا، گرنادا، نیکاراگوآ، برزیل و ونزوئلا روابط سیاسی برقرار کرد و به سازمان اقتصادی امریکای لاتین ملحق شد.

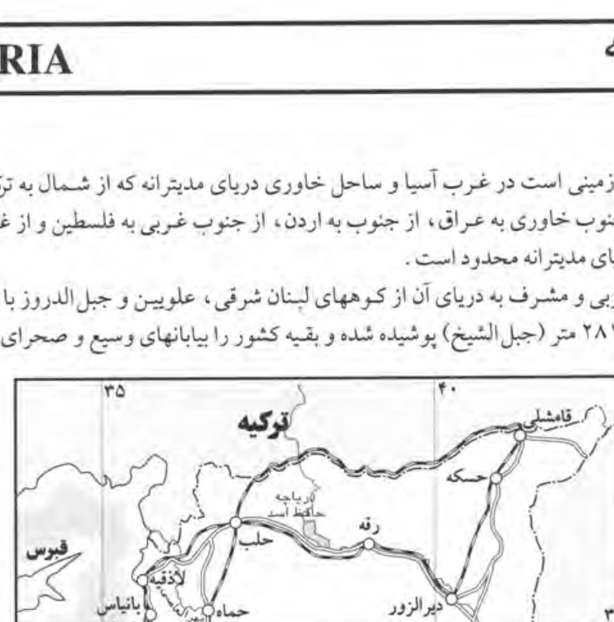
در ژانویهٔ ۱۹۸۸ رامسواک شانکار به ریاست جمهوری رسید اما کودتای دسامبر ۱۹۹۰ وی را معزول کرد و در سی‌ام دسامبر مجلس ملی یوهان دراگ را موقتاً به ریاست جمهوری برگزید و در سپتامبر ۱۹۹۶ یولس وایدنبوش از سوی مجلس به این سمت منصوب شد. در آوریل ۱۹۹۷ دولت هلند سرهنگ دسی بوترز را به دست داشتن در قاچاق مواد مخدر متهم کرد. به دنبال این اتهام وایدنبوش او را به سمت مشاور ریاست جمهوری منصوب نمود تا از مصونیت سیاسی بهره‌مند گردد. کودتای نافرجام پایان سال ۱۹۹۷ به دستگیری ۱۷ افسر جزء که خواهان حقوق بیشتر بودند، منتهی گردید.

اعتراضات، اعتصابات و تظاهرات گسترده‌ای در سال ۱۹۹۹ روی داد و سرانجام مجلس ملی رأی به برکناری تمام وزرا داد ولی کمی بعد وزرای جدید نیز به علت فساد مالی کنار گذاشته شدند. انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ به پیروزی رونالد ونتیان، کاندیدای ائتلاف جبهه جدید برای دموکراسی و پیشرفت منجر شد.

سوریه SYRIA

سوریه سرزمینی است در غرب آسیا و ساحل خاوری دریای مدیترانه که از شمال به ترکیه، از خاور و جنوب خاوری به عراق، از جنوب به اردن، از جنوب غربی به فلسطین و از غرب به لبنان و دریای مدیترانه محدود است.

اراضی غربی و مشرف به دریای آن از کوههای لبنان شرقی، علوییین و جبل‌الدروز با ارتفاع حداکثر ۲۸۱۴ متر (جبل‌الشیخ) پوشیده شده و بقیه کشور را بیابانهای وسیع و صحرای سوریه



یا بادیةالشام فرا گرفته است و رودخانه‌های فرات (۲۶۹۶ کیلومتر)، خابور، نهرالعاصی و قویق که اکثراً از کوههای ترکیه سرچشمه گرفته‌اند آن را مشروب می‌سازند. درهٔ فرات با فرآورده‌هایی چون غلات، چغندرقند، انگور و انواع میوه، پنبه، مرکبات و زیتون مهمترین مرکز کشاورزی آن به شمار می‌آید.

اقلیم آن در نواحی غربی و جنوب غربی معتدل و مرطوب و نسبتاً پرباران و در سایر نواحی گرم و خشک است. جبل‌الدروز که با منشأ آتشفشانی در جنوب غربی این کشور جای دارد از جمله مراکز مهم کشاورزی سوریه را تشکیل داده است و پیرامون واحه‌هایی چون دمشق که دورادور آن را صحرای خشک فرا گرفته است به کشت پنبه و پرورش دام اختصاص یافته است. نفت و گاز طبیعی، فسفات، نیکل، و منگنز و سرب از ذخایر زیرزمینی آن است و استخراج و تصفیه و صدور نفت و گاز از جمله صنایع مهم آن به شمار می‌آید.

تاریخچه

در گذشته‌های دور، نام سوریه به سرزمین‌های واقع میان شبه جزیرهٔ آناتولی (ترکیه) و سینا اطلاق می‌شد. زمانی در تصرف مصر بود و زمانی بخش غربی امپراتوری ایران را تشکیل می‌داد. در سده‌های دوازدهم تا هفتم پیش از میلاد مهد تمدن فنیقی‌ها بود و شهرهای فنیقی که در سواحل آن احداث شده بود، از جمله مراکز داد و ستد و دریانوردی این قوم به شمار می‌رفت و مرکز فعالیتهای اقتصادی آن زمان محسوب می‌گردید. فنیقی‌ها الفبا را اختراع کردند و کشتی‌های اقیانوس‌پیما ساختند و در صنعت سفالگری و کاشی‌سازی به مراحل عالی دست یافتند.

سوریه در سدهٔ چهارم قبل از میلاد به دست اسکندر مقدونی فتح گردید و پس از مرگ او به مرکز فرمانروایی سلوکیان مبدل شد. نواحی خاوری آن بعدها به تصرف اشکانیان (پارت‌ها) درآمد و با پیدایش امپراتوری روم به یکی از استانهای امپراتوری مزبور و صحنهٔ نبرد میان دو ابرقدرت زمان یعنی ساسانیان و رومیان مبدل گردید.

بین سالهای ۶۵۰ تا ۷۵۰ میلادی دمشق به پایتختی خلفای اموی تبدیل شد و دین اسلام در آنجا رواج یافت و به یک سرزمین عرب زبان مبدل گردید. با برافتادن امویان و روی کار آمدن عباسیان، پایتخت از دمشق به بغداد منتقل شد و دمشق رفته رفته رونق خود را از دست داد و سرزمین سوریه که در آن زمان شام نام داشت از اهمیت پیشین افتاد. با رو به ضعف نهادن عباسیان، شامات از جمله سوریه دارای حکومت محلی مستقلی گردید و سلسلهٔ حمدانیان بر آن حکومت راندند. در سال ۱۰۰۴ میلادی به تصرف خلفای فاطمی مصر درآمد و در اواخر سدهٔ یازدهم تحت سلطهٔ سلجوقیان شام قرار گرفت که از ۱۰۹۵ تا ۱۱۱۷ ادامه داشت. در جنگهای صلیبی (۱۰۹۶ تا ۱۲۷۰)، اروپاییان استحکاماتی در آنجا تأسیس کردند و حدود ۲۰۰ سال بعضی نواحی آن را در تصرف خود نگه داشتند. ممالیک مصر قلاع و استحکامات صلیبیون را ویران کردند و سوریه را در سدهٔ سیزدهم ضمیمهٔ مصر نمودند و تا ۱۵۱۶ بر آن حکومت کردند. در سدهٔ شانزدهم میلادی و در زمان حکومت سلطان سلیم اول، به تصرف عثمانی‌ها درآمد و صلیبیون به صورت یک جامعهٔ مسیحی و تحت حکومت عثمانی قرار گرفتند.

با حملهٔ ناپلئون به مصر، سوریه در ۱۷۹۹ به اشغال فرانسه درآمد ولی مجدداً در اختیار دولت عثمانی قرار گرفت. محمدعلی پاشا، خدیو مصر در سال ۱۸۳۱ سوریه را تصرف کرد و با وضع مالیاتهای سنگین و بهره‌کشی‌های نظامی، موجبات نارضایی و شورش ساکنان آن سرزمین اعم از مسلمان و مسیحی را فراهم کرد و دول اروپایی به ویژه فرانسوی‌ها را به بهانهٔ حمایت از مسیحیان مارونی به مداخله در امور آن سرزمین واداشت و فرانسوی‌ها در بیروت که آن زمان جزء شامات و سوریه بود نیرو پیاده کردند.

مشارکت امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول و شکست و سقوط آن، ملیون و استقلال‌طلبان شام را به جنبش واداشت و در پی آن، فیصل اول به پادشاهی سوریه رسید. اما متفقین که در جنگ پیروز شده بودند به تصمیم ملیون اهمیتی ندادند و سوریه را تحت قیمومیت فرانسه قرار دادند. این عمل نارضایی مردم و شورشهایی را علیه فرانسویان موجب گردید ولی موقتاً خاموش شد. در سال ۱۹۲۶ لبنان از سوریه جدا شد و در سال ۱۹۳۴ به سوریه خودمختاری داده شد. جدا کردن اسکندرون از سوریه و واگذاری آن به ترکیه مجدداً آتش انقلاب و شورش را برافروخت تا جایی که با دولت دست‌نشاندهٔ آلمان نازی که پس از شکست فرانسه در اوایل جنگ دوم بر سوریه حکومت می‌کرد، اعلام وفاداری و همکاری کردند.

در ۱۹۴۱ متفقین سوریه را از اشغال آلمان نازی به در آوردند و استقلال ظاهری جمهوری سوریه را اعلام داشتند و شیخ تاج‌الدین حسینی به ریاست جمهوری سوریه انتخاب گردید. در ۱۹۴۳ شکری القوتلی به عنوان رئیس جمهور سوریه برگزیده شد.

در ۱۷ آوریل ۱۹۴۶ نیروهای متفقین خاک این کشور را تخلیه کردند و سوریه به استقلال کامل دست یافت. سوریه در جنگ سال ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل در حمایت از فلسطینیان شرکت کرد. از ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۷۰ کودتاهای متعددی یکی پس از دیگری در سوریه به وقوع پیوست، در فوریه ۱۹۵۸ سوریه و مصر جمهوری متحدهٔ عربی را تشکیل دادند و ریاست جمهوری را به جمال عبدالناصر محول نمودند. در سپتامبر ۱۹۶۱ کودتای دیگری در سوریه به



نام رسمی: جمهوری عربی سوریه

نام محلی: سوریه، سوریا

اسامی دیگر: شام (نام سابق)

پایتخت: دمشق (۱،۵٤۹،۹۳۲ نفر در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹٤٦/٤/۱۷، از فرانسه

روز ملی: هفدهم آوریل ، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۳

رئیس حکومت: رئیس جمهور: بشاراسد (حزب بعث)؛ از سال ۲۰۰۰ به مدت ۷ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: محمد مصطفی میرو(حزب بعث)، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال۱۹۷۳ ؛ مجلس خلق با ۲۵۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس خلق (۱۹۹۸): حزب سوسیالیستی عربی بعث سوریه ۱۳۵ کرسی، سایر احزاب ۳۲ کرسی، منفردین ۸۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱۸٥،۱۸۰ کیلومترمربع (هشتادوهفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۱٦،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجاه و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸٦/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۲/٥٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۲٦/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٥۳/٥٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٤/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٤۱/٤٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۳۰/٤٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۲۳/٥٪ : بالای ٦۰ سال ٤/۷٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٥۱/۲٤٪ ؛ زن ٤۸/۷٦٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۹/۳ سال؛ مردان ٦۷/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۱/٤ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٥/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳٦/۱ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی در دست نیست، اما بر اساس بررسی‌های سال ۱۹۸۹، عمدهٔ دلایل مرگ و میر در کل جمعیت به شرح زیر بوده است:
بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۹/٦٪ ؛ صدمه و مسمومیت ۹/۱٪ ؛ بیماریهای دستگاه عصبی ۷/٤٪ ؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۷/٤٪

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/۱نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٥): ۸/٤ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۲): عرب ۹۰٪ ؛ کرد ۹٪ ؛ بقیه ۱٪

دین(۱۹۹۲): مسلمان ۸٦٪ (سنی ۷٤٪ ؛ علوی «شیعه»۱۲٪)؛ مسیحی ٥/٥٪ ؛ دروزی ۳٪؛ بقیه ٥/٥٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)، کردی، ارمنی؛ خط: عربی

شهرهای مهم: حلب ۱،٥۹۱،٤۰۰ نفر؛ حمص ٦٤٤،۲۰٤ نفر؛ لاذقیه ۳۰٦،٥۳٥ نفر؛ حماه ۲۲۹،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: لاذقیه، طرطوس وبانیاس (دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لیره (پوند) سوریه (LS) = ۱۰۰ پیاستر؛ یک دلار= ٥۲/٥ لیره؛ یک لیره = ۱٥۲/٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲۳۷/۳ میلیارد لیره؛ (۱۹۹٥): درآمدهای جاری ۸۱/۳٪ ؛ درآمدهای سرمایه‌ای (عمرانی) ۱۸/۷٪

هزینه بودجه (۱۹۹۸): ۲۳۷/۳ میلیارد لیره؛ (۱۹۹٥): هزینه‌های جاری ٥٤/۳٪ ؛ هزینه‌های سرمایه‌ای (عمرانی) ٤٥/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱٥،٥۳۲ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۰۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۳/۲٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ۳/۹٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): کشاورزی ۲٥/۹٪ ؛ صنعت ۲۷/۲٪ ؛ خدمات ٤٦/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٦۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱٦،۳۲۸ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱٥٥/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۸/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۸/۹٪ ؛ ۱۹۹۸: ۷٪؛ (۲۰۰۰): ۱/٥٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): گندم۲،٦۹۰،۸۱٥ تن؛چغندرقند ۹٥۰،۰۰۰ تن؛پنبه‌دانه ۸۳٥،۰۰۰ تن؛ انگور ٤٥۱،۰۰۰ تن؛ جو ٤۲٤،٤۸۹ تن؛ زیتون ٤۰۰،٥۷۰ تن؛ پرتقال ۲۷٤،۸۹٦ تن؛ سیب ۲۷۲،۸٥۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ۲٥۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲٥۰،۰۰۰ تن؛ بادنجان ۱۲۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۳۰/۱٪ ؛ مرتع و استپ ٤٥/۲٪ ؛ جنگل ۲/٦٪ ؛ سایر موارد ۲۲/۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱٥،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۲۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۹۰٥،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٥۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۷،۰۹۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۱،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۲٥،٦٥۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹۷): سنگ‌فسفات ۲،٤۷۱،۰۰۰تن؛گچ ۲٤٦،۰۰۰؛نمک ۱۱۹،۰۰۰تن؛سنگ‌مرمر ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): سیمان ٤،۸۳۸،۰۰۰ تن؛ شکر تصفیه شده ۱۷٦،۰۰۰ تن؛ کنجاله تخم پنبه ۱۲۷،۰۰۰ تن؛ روغن زیتون ۱۲٦،۰۰۰ تن؛ محصولات شیشه‌ای و ظروف سرامیک ٦٤،۰۰۰ تن؛ روغن نباتی ٤۳،۰۰۰ تن؛ دخانیات ۱۰،۰۰۰ تن؛ تلویزیون ۱۲۸،۲۰۰ دستگاه؛ یخچال ٤۸،٤۰۰ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۷): ۱۸،۲٥۹،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۸،۲٥۹،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام (۱۹۹٦): ۱۸۹،٤۲٦،۰۰۰ بشکه (۸٤،۰۸۳،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹٦): ۱۱،٥۸۰،۰۰۰ تن (۱۰،۲۸۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی(۱۹۹٦): ۲،٦۱٤،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۲،٦۱٤،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۳،۸٤٥،۳٦۸ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲۷/۸٪ ؛ میزان مشارکت: (۱٥ سال به بالا): ٤۹٪ ؛ زنان (۱٥ سال به بالا): ۱۰/۲٪ ؛ میزان بیکاری: ٦/۱٪ ؛ ۱۹۹۹: ۲۰٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲۲٪ ؛ صنعت ۲۷/۸٪ ؛ خدمات ٥۰/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ۳۰ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۳۱٦،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۸٪ ؛ نیروی دریایی ۱/۹٪ ؛ نیروی هوایی ۳۰/۱٪ ؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۲۱۱ دلار

واردات(۱۹۹۷): ٤٥،۲۱۰/۷ میلیون لیره؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۲/۸٪ ؛ غذا و نوشیدنی ۱۷/۱٪؛ تولیدات صنعتی و مواد فلزی پایه ۱٤/۸٪ ؛ مواد شیمیایی ۹/٦٪ ؛ منسوجات ۹/٤٪ ؛ رزین ٦/۸٪ ؛ از آلمان ۸/۱٪ ؛ ایتالیا ۷/۲٪؛ امریکا ٦/٤٪ ؛ ترکیه ٥/۳٪ ؛ فرانسه ٤٪ ؛ ژاپن ۳/۷٪ ؛ رومانی ۳/٦٪ ؛ چین ۳/٦٪؛ بلژیک ۳/٤٪

صادرات(۱۹۹۷): ٤۳،۹٥۲/۸ میلیون لیره؛ شامل نفت خام و فرآورده‌های نفتی ٥٥/٥٪ ؛ میوه و سبزیجات تازه ۷/٦٪ ؛ منسوجات ۷/۳٪ ؛ پنبهٔ خام ٦/۳٪؛ دام زنده و گوشت ۱/۳٪ ؛ به ایتالیا ۲٤/٥٪؛ فرانسه ۱۹/۷٪ ؛ ترکیه ۱۰٪؛ لبنان ۸/٤٪؛ اسپانیا ٥/٦٪؛ عربستان سعودی ٥/٤٪؛ روسیه ۲/٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون لیره	-۱۱،۱٤۹	-۲۱،٥٥۰	-۱۲،۸٦۰	-۱٥،٥۰۰	-۱،۲٥۰	-۱۱،۲۸۰	-٤،۱۳۰
درصد کل	۱۳/٦٪	۲۱/۳٪	۱۳/۸٪	۱٤/۷٪	۱/٤٪	۱٤/۸٪	٥٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۰/۳	۹۲/٦	۱۰۰	۱۰۸/۲	۱۱۰/۸	۱۱۰/۲	۱۰۷/۳
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ٤/۹ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۷): غذا ٥۸/۸٪؛ اجاره ، سوخت و روشنایی ۱٦٪ ؛ پوشاک ۷/٥٪ ؛ لوازم خانگی ٥/۸٪ ؛ حمل ونقل ۲/٤٪ ؛ آموزش و سرگرمی ۲/۱٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱،۱۹۰ میلیون دلار؛ هزینه‌ها : ٥۸۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ٤۱،٤٥۱ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲،٤۲٥ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱۳۹،٥۹۲ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۲۸۱،۹۳۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۹٤ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ٥ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۸ روزنامه در ۲۸۷،۰۰۰ نسخه (۲۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳۰ عنوان در ۱۹۲،۰۰۰ نسخه

کتاب: ٥۹۸ عنوان در ۳۱۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ٥۱۸/۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٤،۱٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۷۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۰٦۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٦۹/۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،٤٦۳،۰۰۰ خط تلفن (۹٥/٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۲،۰۰۰ خط (۱/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱۰،۷۸۳	۱۱٤،٦۸۹	۲،٦۹۰،۲۰٥	۲۳/٥
متوسطه	۲،٥۲٦	٥۲،۱۸۲	۸٦٥،۰٤۲	۱٦/٦
فنی و حرفه‌ای	۲۹۲	۱۲،٤۷۹	۹۲،٦۲۲	۷/٤
عالی	٤	٤،۷۷۳	۲۱٥،۷۳٤	٤٥/۱

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۷٤/٤٪ ؛ مردان: ۸۸/۳٪ ؛ زنان: ٦۰/٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال(۱۹۸٤): ابتدایی ۲۹/۳٪؛ متوسطه ۱۸/٤٪؛ عالی ۲/۷٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۲۲،۲۹۳ نفر (هر ٦۹٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٥): ۱۷،٦۲۳ تخت (هر ۸۳۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۰۱٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۳/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۳،۳۷۸ کالری (۱۳٦٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ۸٦ گرم ؛ مصرف چربی: ۹٥ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۲/٥٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۲/۲٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤٤/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦٦۰ (صد و یازدهمین کشور جهان)

وقوع پیوست و نظامیان و مأموران مصری را از سوریه بیرون راندند و متعاقب آن افسران هوادار ناصر و اعضای حزب سوسیالیستی عربی بعث سوریه کودتا کردند و سرانجام در نوامبر ۱۹۷۰ ژنرال حافظ اسد زمام امور سوریه را در دست گرفت و دست به اصلاحات اجتماعی و اقتصادی زد و رهبری حزب بعث را نیز عهده‌دار شد. در ۱۹۷۳ قانون اساسی جدیدی تدوین و به تصویب رسید.

سوریه در جنگهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل به نحو جدی شرکت جست و ناحیهٔ مشرف به مرز اسرائیل که به تپه‌های جولان معروف است، در سال ۱۹۶۷ به تصرف اسرائیل درآمد. در پی نزدیک شدن دولت مصر به امریکا و اسرائیل، سوریه با قرارداد کمپ‌دیوید به مخالفت برخاست. در سال ۱۹۷۶ نیروهای سوری به عنوان بخشی از نیروهای بازدارنده در لبنان وارد صحنه شدند تا از تجزیه کشور مزبور که مورد علاقهٔ اسرائیل بود، جلوگیری کنند.

در ۱۹۸۲ سوریه دولت عراق را در دست داشتن در حوادث سوریه که منجر به زخمی شدن هزاران نفر گردید، متهم کرد و مرزهای سوریه و عراق را بست و دولت عراق نیز متقابلاً لولهٔ نفت کرکوک به بندر بانیاس سوریه را قطع کرد.

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در جنگ ایران و عراق، جانب ایران را گرفت و عراق را متجاوز شناخت. در اواسط سال ۱۹۸۳ روابط میان سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین تیره شد و سوریه به حمایت از مخالفان یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین پرداخت. در سال ۱۹۸۵ حافظ اسد برای هفت سال دیگر به ریاست جمهوری انتخاب گردید.

در اکتبر ۱۹۸۶ انگلستان سوریه را به دست داشتن در عملیات تروریستی علیه یک هواپیمای اسرائیلی در فرودگاه لندن متهم کرد و در ۱۹۸۷ کلیهٔ کشورهای عضو جامعهٔ اقتصادی اروپا، روابط خود را با سوریه قطع کردند و در ژوئیهٔ همان سال کشورهای مزبور غیر از انگلستان روابط خود را با سوریه از سر گرفتند. در ۱۹۹۰ سوریه روابط خود با مصر را که پس از امضای قرارداد کمپ دیوید قطع شده بود، مجدداً برقرار ساخت. در حملهٔ عراق علیه کویت، سوریه بلافاصله علیه عراق برخاست و با اعزام نیرو به عربستان سعودی به صف متفقین جنگ علیه عراق پیوست و همین امر به بهبود روابط سیاسی میان امریکا و سوریه کمک کرد. در آوریل ۱۹۹۱ حافظ اسد و هاشمی رفسنجانی رؤسای جمهور سوریه و ایران در دمشق با یکدیگر دیدار کردند. در این دیدار سوریه پشتیبانی ایران را در امور منطقه به دست آورد و همزمان در کنفرانس صلح خاورمیانه که با حمایت امریکا و روسیه در مادرید برگزار شد، شرکت جست و متن قطعنامهٔ شمارهٔ ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل متحد را مورد تأیید و پذیرش قرار داد.

در مه ۱۹۹۱ سوریه و لبنان یک قرارداد همکاری منعقد نمودند و سوریه، برای اولین بار لبنان را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخت. در دسامبر ۱۹۹۱ حافظ اسد برای چهارمین بار به ریاست جمهوری رسید و دولت سوریه اعلام داشت که ۲۸۰۰ زندانی سیاسی عضو اخوان‌المسلمین را مورد عفو قرار داده است. سوریه همچنین در ۱۹۹۲ به ۴۰۰۰ یهودی اجازه داد تا به اسرائیل مهاجرت کنند. در ژوئیه ۱۹۹۴ دیدار تاریخی رؤسای جمهور امریکا (بیل کلینتون) و سوریه (حافظ اسد) در ژنو برگزار شد. در ژوئن ۱۹۹۵ مذاکرات رسمی میان سوریه و اسرائیل به دلیل مخالفت اسرائیل با تخلیهٔ بلندی‌های جولان به بن‌بست کشید. در ۱۹۹۶ حافظ اسد با سران کشورهای عرب دیدار کرد تا خط مشی سیاسی واحدی در گفتگو و مقابله با اسرائیل انتخاب گردد. در نوامبر ۱۹۹۷ سوریه بطور غیر منتظره روابط خود را با بغداد تحکیم بخشید و از برقراری روابط نزدیک و همکاری ترکیه با اسرائیل اظهار تأسف کرد و نگرانی خود را از احتمال تصرف نواحی نفت‌خیز عراق توسط ترکیه اعلام داشت.

تهدیدی که از جهت همکاریهای ترکیه و اسرائیل در زمینهٔ ساختن هزار تانک برای ارتش ترکیه، متوجه کشورهای منطقه می‌شد، کشورهای سوریه و عراق و ایران را به مذاکرات امنیتی آوریل ۱۹۹۸ واداشت.

در مارس سال ۲۰۰۰ تمامی ۳۷ عضو کابینه محمودالزعبی استعفاء کردند و محمد مصطفی میرو کابینهٔ جدید را تشکیل داد. در ژوئن همان سال حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه، پس از ۳۰ سال حکومت بلامنازع درگذشت و با تمهیداتی که پس از مرگ وی به انجام رسید، بشار اسد، فرزند او به ریاست حزب بعث، فرماندهی کل ارتش وریاست جمهوری کشور دست یافت. در سال ۲۰۰۱، روابط با عراق رو به توسعه گذاشت و نخست‌وزیر سوریه در رأس گروهی از مقامات بلندپایه به بغداد سفر کرد و قراردادهای متعددی در امور اقتصادی، سیاسی و دفاعی به امضای طرفین رسید.

سومالی SOMALIA

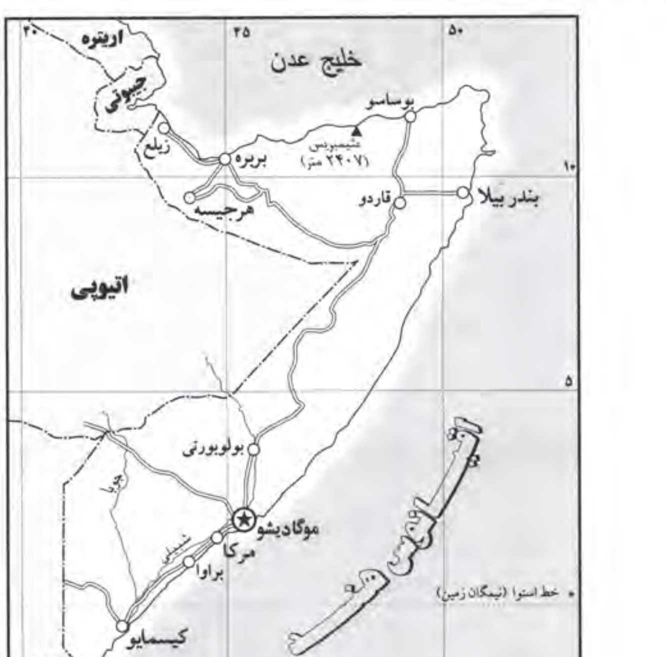
سومالی، خاوری‌ترین کشور افریقا، در کرانه‌های غربی اقیانوس هند جای دارد و از شمال به خلیج عدن، از خاور و جنوب به اقیانوس هند و از غرب به کشورهای کنیا، اتیوپی و جیبوتی محدود است. این سرزمین که بخش اعظم منطقهٔ جغرافیایی موسوم به شاخ افریقا را اشغال کرده، از دو ناحیهٔ جغرافیایی متمایز تشکیل شده است:

الف - ارتفاعات شمالی؛ که بخشی از فلات سومالی است که رو به جنوب از ارتفاع آن کاسته می‌شود و بلندترین نقطهٔ کشور یعنی کوه شیمبریس با ارتفاع ۲۴۰۷ متر در همین منطقه قرار دارد و در مقایسه با دیگر نواحی کشور از اقلیم معتدل‌تری برخوردار است.

ب - دشتهای ساحلی که بیابانهایی است تقریباً خشک و بی‌آب و علف که دو رودخانهٔ اصلی کشور یعنی شبیلی(۲۰۰۰ کیلومتر) و جوبا که از ارتفاعات اتیوپی سرچشمه می‌گیرند، آن را قطع می‌کنند و نواحی آباد و حاصلخیز این منطقه را به کناره‌های خود منحصر می‌سازند.

خط استوا از نواحی جنوبی آن می‌گذرد و دمای زیاد و خشکی و کم‌بارانی از ویژگیهای اقلیمی آن است.

جمعیت سومالی را عمدتاً چادرنشین‌هایی که بطور پراکنده در این سرزمین بسر می‌برند و به رمه‌داری و پرورش بز و گوسفند اشتغال دارند، تشکیل داده است. استفاده‌های بیش از اندازه از چراگاههای محدود آن به کویرزایی هرچه بیشتر آن کمک کرده و کاربرد مواد منفجره در ماهیگیری به ویرانی آبسنگ‌های مرجانی ونابودی حیات گیاهان آبزی منجر شده و نسل ماهیان را به نابودی سوق داده است.



تاریخچه

مصری‌های باستان سومالی را سرزمین مردمی که قایق‌های خود را با چوبهای بلند می‌رانند، می‌نامیدند و با آن به داد و ستد می‌پرداختند. رومیان آن را سرزمین بوهای خوش می‌نامیدند، زیرا بخور و مواد خوشبوکننده مانند کُندر و امثال آن در آنجا تهیه می‌شد. در سدهٔ هشتم میلادی عرب‌ها در سواحل آن ماندگاههایی احداث کردند و به داد و ستد پرداختند. مهاجران یمنی در سدهٔ سیزدهم، اسلام را در آن سرزمین رواج دادند و حکومتی به مرکزیت شهر زیلع، در نزدیکی جیبوتی کنونی، در آن تأسیس نمودند. برقراری روابط بازرگانی با اعراب از یک سو و ارتباط با سلطان‌نشین زنگبار به اقتصاد سومالی کمک کرد. هنگامی که پرتغالی‌ها در ۱۵۴۱ راه دریایی جنوب افریقا را کشف کردند و به اهمیت بازارهای اقتصادی اقیانوس هند پی بردند، با پشتیبانی ارتش حبشه (اتیوپی) به انهدام شهر زیلع پرداختند و در پی آن شهرهای موگادیشو، بربره و براوا نیز نابود شد. پرتغالی‌ها اگرچه این مراکز را از میان بردند، اما در آنها ماندگار



نام رسمی: جمهوری دموکراتیک سومالی

نام محلی: سومالیه (الصومال)

اسامی دیگر: سومالی ایتالیا و سومالی انگلستان (اسامی قدیمی)

پایتخت: موگادیشو (۱،۱٦٢،۰۰۰ نفر درسال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۰/٦/٢٦؛ از انگلستان و ۱۹٦۰/۷/۱، از ایتالیا (روز اتحاد)

روز ملی: بیست و یکم اکتبر و اول ژوئیه

نوع حکومت: دولت موقت انتقالی، از سال ۲۰۰۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور موقت: عبدالقاسم صلات حسان، از سال ۲۰۰۰

رئیس دولت: نخست‌وزیر موقت: حسن عبشیر فرح، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: پس از سقوط رژیم زیادباره در سال ۱۹۹۱ تا کنون، جنگ داخلی میان گروههای مختلف سیاسی و قومی مانع از استقرار یک حکومت ملی و سراسری شده و عملاً قانون اساسی سال ۱۹۷۹ به حالت تعلیق درآمده است. به ابتکار رئیس جمهور جیبوتی و با همکاری سازمان ملل و سازمان وحدت افریقا در حال حاضر یک دولت موقت انتقالی و یک مجلس ملی انتقالی (با ٢٤٥ عضو) تشکیل شده است.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹٦۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان وحدت افریقا، آکپ، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ٦٣٧،٦٥٧ کیلومترمربع (چهل و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتادوهفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٥/۸ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٤/٢٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۲۱/۲ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۳ سال

جمعیت شهری : (۱۹۹۸):؟ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٤/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٤٤/٢٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۷/۲٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ٢٤/٢٪ ؛ بالای ٦۰ سال ٤/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٥۰/۲۰٪ ؛ زن ٤۹/۸۰٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۷/۹ سال؛مردان ٤٤/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۸/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۸/۷ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۲٥/۸ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۹/٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: اگرچه آمار دقیقی در مورد دلایل عمدهٔ مرگ و میر وجود ندارد، اما برخی از دلایل مرگ و میر عبارتند از: بیماریهای مالاریا، کزاز، سل، خشونتهای فردی، سوء تغذیه، همچنین خدمات بهداشتی بسیار ضعیف نیز مزید بر علت می‌باشد.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۷/۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): سومالیایی ۹۸/۳٪ ؛ عرب ۱/۲٪ ؛ بانتو ۰/٤٪ ؛ بقیه ۰/۱٪

دین(۱۹۹٥): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان سنی ۹۹/۹٪؛ دیگر ادیان ۰/۱٪

زبان و خط: سومالیایی، عربی (زبانهای رسمی)؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۰): هرجیسه ۹۰،۰۰۰ نفر؛ کیسمایو ۹۰،۰۰۰ نفر؛ بربره ۷۰،۰۰۰ نفر؛ مرکا ٦٢،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: موگادیشو (اقیانوس هند)؛ بربره (خلیج عدن)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: شیلینگ سومالی (So. Sh.)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ٢،٦٢۰ شیلینگ ؛ ۱۰۰ شیلینگ= ۳۰٥/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۱): ۱٥۱،٤٥۳ میلیون شیلینگ ؛ منابع درآمد داخلی شامل مالیاتهای غیر مستقیم و مالیاتهای گمرکی ٦۰/٤٪ ؛ کمک‌های خارجی و انتقالی‌ها ۳۹/٦٪

هزینه بودجه(۱۹۹۱): ۱٤۱،۱٤۱ میلیون شیلینگ؛ خدمات عمومی ٤٦/۹٪ ؛ خدمات اقتصادی و اجتماعی ۳۱/۲٪ ؛ بازپرداخت وام‌ها ۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): ۷۰٦ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹٦):** ۱۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۰): ٢/٤٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۱): کشاورزی ٦٦٪ ؛ صنعت ؟ ؛ خدمات ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۸۸٦ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۳-۱۹۸٥): ۷٥/٤٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): میوه (بجز صیفی‌جات) ۲۱۰،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۲۱۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱٥۰،۰۰۰ تن؛ موز ٥٥،۰۰۰ تن؛ کاساوا ٦٥،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ٥٥،۰۰۰ تن؛ دانهٔ کنجد ٢٢،۰۰۰ تن؛ لوبیا ١٤،۰۰۰ تن؛ خرما ۱۰،۰۰۰ تن؛ پنبه‌دانه ٤،٥٥۰ تن؛ قات؛ کندر؛ مر مکی

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۱/٦٪؛ مرتع ٦۸/٦٪؛ جنگل ٢٥/٥٪ ؛ دیگر موارد ۹/۳٪

تعداددام‌زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱۳،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۱۲،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ شتر ٦،۰۰۰،۰۰۰ نفر؛ گاو ٥،۰۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۷،۹٥٥،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱٦،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۱۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٢،٤۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۲): نمک ٢،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۸۸): (ارزش افزوده به میلیون شیلینگ): مواد غذایی ۷۹٤؛ سیگار و کبریت ٥٦٢؛ پوست ٤٢۰؛ کاغذ و چاپ ۳۲۸؛ پلاستیک ۳۲۰؛ مواد شیمیایی ۲۰۲؛ نوشیدنی ١٤٤

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ٢٦٥،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٢٤٦،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟) نفت خام: ؟(۸۰٦،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۱): صفر (٥۹،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۳،۲۱٥،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۰/۹٪ ؛ میزان مشارکت: مردان (۱۰ سال به بالا؛ ۱۹۸۷): ٦۳/۱٪ ؛ زنان (۱۰ سال به بالا): ٤۸/۷٪ ؛ میزان بیکاری:؟

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۷۱/۸٪ ؛ صنعت ۹/٥٪ ؛ خدمات ۱۸/۷٪

نیروی دفاعی: این کشور در حال حاضر فاقد نیروی نظامی یکپارچه است و نقاط مختلف کشور تحت تسلط گروههای قومی، قبیله‌ای و حزبی مسلح قرار دارد.

واردات(۱۹۹۸): ۳۲۷ میلیون دلار؛ شامل (۱۹۹٥): فرآورده‌های کشاورزی ۳۸٪ (از جمله شکر خام ۱٦/۱٪؛ برنج ۷/۸٪ ؛ گندم ٥٪)؛ نامشخص ٦٢٪ ؛ از جیبوتی ۲۰٪ ؛ کنیا ۱۱٪؛ روسیه سفید ۱۱٪؛ هند ۱۰٪؛ عربستان سعودی ۹٪؛ برزیل ۹٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱۸۷ میلیون دلار؛ شامل (۱۹۹٥): فرآورده‌های کشاورزی ٥۱/٤٪ (از جمله گوسفند و بز زنده ٤۰٪ ؛ موز ٦/۹٪ ؛ گاو و شتر زنده٤/۳٪ ؛ دیگر موارد ٤۸/٦٪ ؛ به عربستان سعودی ٥۷٪؛ امارات متحده عربی ۱٥٪؛ ایتالیا ۱۲٪؛ یمن ۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۹۹	-۱٤٦	-۱۳۳	-٤۸	-۹٥	-۱۱۲	-۱٤۰
درصد کل	٪۲۹/٦	٪۳۸/٤	٪۳۲/۸	٪۱٤/۲	٪۲۱	٪۲٥/۸	٪۲۷/۲

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۸۹):	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥
شاخص قیمتهای مصرفی	٢٤۰	۳۷۲/۲	٥۰۷/٤	٦۳۰/۷	۷٤۹/۸	۸۷۲/۱
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازه خانوار (۱۹۸۰): ٤/۹ نفر؛ درآمد هر خانوار : ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۳): غذا و دخانیات ٦٢/۳٪؛ مسکن ۱٥/۳٪ ؛ پوشاک ٥/٦٪ ؛ سوخت٤/۳٪ ؛ سایر موارد ۱۲/٥٪

جهانگردی: درآمد (۱۹۸٦): ۸ میلیون دلار؛ هزینه جهانگردان در خارج (۱۹۸۳): ۱۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٢٢،۱۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱،۰۲۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٦،٤٤۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲۸ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۲ روزنامه در ۱۰،۰۰۰ نسخه (۱/۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٤۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٥۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱۳٥،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱٥ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱٥،۰۰۰ خط تلفن (۱/٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۰)	۱،۱۲٥	۸،۲۰۸	۳۷۷،۰۰۰	۲۰/۹
متوسطه	۸۲	۲،۱۰۹	٤٤،۰۰۰	۲۰/۳
فنی و حرفه‌ای	۲۱	٤۹۸	۱۰،٤۰۰	۹/۷
عالی	۱	٥٤۹	٤،٦٤۰	؟

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٢٤٪ ؛ مردان: ۳٦٪؛ زنان: ١٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ٢٦٥ نفر (هر ٢٥،۰۳٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸٥): ٥،٥۳٦ تخت (هر ۱،۱۳۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۱،٥۳۱ کالری (٦٦٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف مواد گیاهی ٦۰٪ ؛ مصرف مواد گوشتی و لبنی ٤۰٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟

نشدند. پس از آن وحدت آن از میان رفت و سلطان‌نشینهای کوچکی در کنار بندرهای مزبور تأسیس گردید. در سال ۱۶۹۸ سلطان‌نشینهای شمالی به اطاعت از امپراتوری عثمانی درآمدند و سلطان‌نشینهای جنوب به پیروی از سلطان‌نشین زنگبار گردن نهادند. در ۱۸۶۲ زمانی که کانال سوئز تأسیس و آمادهٔ بهره‌برداری شد، بر اهمیت نواحی ساحل دریای سرخ و تنگه عدن افزوده گردید و فرانسویها در سال ۱۸۶۹ بندر اوبوک را که بعدها موجب تأسیس بندر جیبوتی گردید، خریداری کردند و ایتالیایی‌ها نیز در بندر عصب مستقر شدند و به دست‌اندازی به اریتره پرداختند.

در ۱۸۸۵ انگلیسی‌ها که قبلاً بندر عدن را تصرف کرده بودند، در زیلع و بربره نیز مستقر گردیدند و ایتالیایی‌ها نیز سواحل جنوبی سومالی را تحت کنترل خود درآوردند.

اگر چه شیخ محمدابن عبدالله حسّان در مخالفت با حضور بیگانگان در میهن خود، جنبش انقلاب اسلامی را رهبری کرد و انگلیسی‌ها را بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۴ در چهار مورد شکست داد، اما انگلیسی‌ها در سال ۱۹۲۰ موفق شدند که سلطهٔ خود را کامل کنند.

سومالی انگلیس در ۲۶ ژوئن به استقلال رسید و پس از استقلال سومالی ایتالیا در یکم ژوئیه ۱۹۶۰، تشکیل کشور سومالی اعلام، و حکومت جمهوری پارلمانی برای آن انتخاب شد. در اکتبر ۱۹۶۹، کودتایی تحت رهبری ژنرال زیادباره طرّاحی و هدایت شد و رژیمی به ظاهر سوسیالیستی در سومالی برقرار گردید و علی شرمارک رئیس جمهور وقت به قتل رسید. یکی از مشکلاتی که پس از استقلال همواره پیش روی دولتهای سومالی قرار داشته است علاوه بر قحطی و خشکسالی و سیل، مسئلهٔ استان اوگادن است که در تصرف اتیوپی بوده و از همان آغاز مورد نزاع و اختلاف میان دو کشور مزبور بوده است. جنگها و زدو خوردهای مرزی میان این دو کشور که به ویژه در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ روی داده است به هزاران کشته و زخمی و آوارگی حدود ۱,۳۰۰,۰۰۰ سومالیایی منتهی گردیده و نهضت‌های ناکامی را علیه حکومت ژنرال زیادباره پی‌ریزی کرده است. در سال ۱۹۸۰ ژنرال زیادباره امر به تشکیل مجلس داد و در اولین اجلاس آن، محمد زیادباره در مقام ریاست جمهوری ابقاء گردید و به دنبال آن دولت امریکا با انعقاد قراردادی با سومالی، پایگاه دریایی بربره را در اختیار گرفت. در سال ۱۹۸۸ اختلاف میان سومالی و اتیوپی مجدداً بالا گرفت و دولت اتیوپی در واکنش خود حدود ۸۵۰,۰۰۰ نفر از ساکنان اوگادن را آواره کرد و به سومالی گسیل داشت. محمد زیادباره در دسامبر ۱۹۸۶ مجدداً به ریاست جمهوری انتخاب گردید.

مخالفان دولت سومالی در ژانویه ۱۹۹۱ کنگرهٔ سومالی را تشکیل دادند و محمد زیادباره را از مقام خود معزول نمودند و علی مهدی محمد را به جای او به ریاست جمهوری منصوب کردند. این عمل رویارویی و جنگ داخلی را به وجود آورد و سرانجام در نوامبر ۱۹۹۱ شهر موگادیشو به تصرف انقلابیون درآمد و ژنرال محمد فرح عیدید فرماندهٔ نظامیان انقلابی کنترل پایتخت را در دست گرفت و اختلاف میان انقلابیون که به دو دسته یکی تحت رهبری علی مهدی رئیس جمهور و دیگری تحت فرماندهی ژنرال فرح عیدید تقسیم شده بود به جنگ داخلی جدیدی منجر شد و طی آن سیصد هزار کودک سومالیایی از گرسنگی جان باختند و ۱/۵ میلیون نفر بی خانمان و آواره گردیدند و حدود یک چهارم جمعیت کشور، میهن خود را ترک کردند و به دیگر نواحی جهان پناه بردند.

در مارس ۱۹۹۱ بین دو جناح متخاصم صلح برقرار شد و صد هزار زن و بچه به شکرانهٔ آتش‌بس و برقراری صلح در موگادیشو راهپیمایی کردند. در سال ۱۹۹۳ در حالی که دو سال از توافق طرفین و آتش‌بس و صلح گذشته بود هنوز حکومت رسمی در کشور وجود نداشت و خلأ سیاسی هر صاحب قدرتی را به میدان کشیده بود و بی‌قانونی و ناامنی زندگی و حیات مردم را تهدید می‌کرد. به همین دلیل سازمان ملل متحد، تحت فشار دولت امریکا نیرویی مرکب از ۲۸,۰۰۰ نظامی حافظ صلح را به سومالی اعزام داشت تا آرامش خاطر مردم بی گناه را فراهم آورد. در مارس ۱۹۹۳ سازمان ملل متحد مقدمات روی کار آمدن یک دولت ملی را فراهم آورد و رهبران شورشی را به مذاکره و سازش دعوت نمود. اما نیروهای تحت فرماندهی ژنرال عیدید به مخالفت با پیشنهاد سازمان ملل برخاستند و نیروهای سازمان ملل در دستگیری عیدید ناکام ماندند. در مارس ۱۹۹۴ سازمان ملل متحد ده‌هزار سرباز اروپایی حافظ صلح را از سومالی خارج کرد و برقراری امنیت را به ۱۹,۰۰۰ سرباز افریقایی و هندی واگذار نمود. مذاکرات صلحی که به توصیهٔ سازمان ملل متحد بین رهبران شورشی (عیدید و علی مهدی) در نایروبی (کنیا) برگزار شد به ناکامی انجامید و آخرین نفرات نیروهای حافظ صلح سازمان ملل از سومالی خارج شدند و اختلافات محلی همچنان به قوت خود باقی ماند.

در ۱۹۹۴ سومالی به دو قسمت تقسیم گردید. جمهوری نوبنیاد سومالی‌لند که موجودیت و استقلال خود را در ۱۹۹۴ اعلام داشت، حدود ۳۰ درصد خاک سومالی را به خود اختصاص داد و بندر بربره واقع در ساحل خلیج عدن را به پایتختی برگزید و به دنبال آن حدود یک میلیون نفر را از جنوب که سومالی‌لند نام داشت به سوی شمال کوچانید. ژنرال فرح عیدید در یک حملهٔ مسلحانه در اوت ۱۹۹۶ کشته شد و پسرش حسین جانشین او گردید. در ژانویهٔ ۱۹۹۷ بیست و شش تن از رهبران سیاسی سومالی به توصیه و حمایت سازمان وحدت افریقا در اتیوپی گرد هم آمدند و بر آن شدند تا به جنگها و اختلافات داخلی پایان دهند و با تأسیس «شورای نجات ملی» بر انتقال دولت و وحدت کشور نظارت نمایند. این تصمیم از سوی حسین عیدید و محمد ابراهیم اگال که به سمت ریاست جمهوری سومالی‌لند انتخاب شده بود، با مخالفت روبرو شد.

سیل نوامبر و دسامبر ۱۹۹۷ حدود ۲۳۰,۰۰۰ سومالیایی را بی‌خانمان کرد و از هستی ساقط نمود و به دنبال آن سازمان ملل متحد به ارسال کمک و امدادرسانی به سیل‌زدگان پرداخت.

در آوریل ۱۹۹۸ گفتگوهای جدیدی میان رهبران شورشی در نایروبی (کنیا) و با شرکت علی‌مهدی محمد، حسین عیدید، عثمان حسان علی و محمد کنیره شروع گردید که اعلامیه آن از توافق و برقراری صلح و آرامش در سومالی حکایت می‌کرد، اما نهایتاً به هیچ نتیجه‌ای منجر نشد. در همین سال ۳۰۰ نفر از رهبران قبایل سومالی در شهر گوواره گرد آمدند و سرزمین اداری جدیدی تحت عنوان پونتلند به پایتختی گوواره را اعلام نمودند. در این همایش عبدالله یوسف احمد به ریاست جمهوری و محمد عبدی هشی به عنوان معاون رئیس جمهور اعلام شدند. در ماه مه سال ۲۰۰۰ نیز کنفرانسی در جیبوتی برای راهیابی به یک صلح جامع برقرار گردید که از سوی سومالی‌لند و پونتلند با تحریم مواجه شد. در این کنفرانس موافقت شد که یک دولت انتقالی موقت به مدت سه سال اداره امور را در دست داشته باشد و یک مجلس قانونگذاری انتقالی متشکل از ۲۴۵ عضو امور تقنینی را انجام دهد. در ۲۵ ماه اوت عبدالقاسم صلات حسان، از نخست‌وزیران دورهٔ زیادباره، به ریاست جمهوری برگزیده شد و وی نیز علی خلیف گالائید را به عنوان نخست‌وزیر اعلام نمود. در پی رأی عدم اعتماد مجلس ملی انتقالی به گالائید، در ماه نوامبر ۲۰۰۱، حسن عبشیر فرح به جای وی برگزیده شد. در سال ۲۰۰۱، شهر بندری کیسمایو نیز شاهد تجزیهٔ بخش دیگری از سومالی توسط گروه تندروی اتحاد اسلامی بود. در حال حاضر دولت مرکزی سومالی حتی از کنترل کامل شهر موگادیشو نیز ناتوان است، ولی تا کنون هیچیک از قسمت‌های جدا شده از سومالی از شناسایی بین‌المللی برخوردار نشده‌اند.

سیرالئون SIERRA LEONE

کشوری است در افریقای غربی و در ساحل خاوری اقیانوس اطلس که از شمال غربی و شمال و شمال خاوری به کشور گینه، از خاور به کشور لیبریا و از جنوب و غرب به اقیانوس اطلس محدود است. سرزمین سیرالئون را از نظر جغرافیایی می‌توان به سه منطقه به شرح زیر تقسیم کرد:

الف- نوار ساحلی، جلگه‌ای است پست و باتلاقی به عرض حدود صد کیلومتر که جزیرهٔ شربرو، با ۵۰۰ کیلومترمربع وسعت، بخشی از آن محسوب می‌گردد و رودخانه‌هایی چون روکل، سیوا، موآ، گامو، جانگ، اسکارسیز بزرگ و شربرو آن را قطع می‌کنند. برنج عمده‌ترین فرآوردهٔ کشاورزی آن را تشکیل می‌دهد.

ب- منطقهٔ میانی که از جنگلهای گرمسیری پوشیده شده و بخشهایی از آن با عمل جنگل‌زدایی به کشتزارهای بادام زمینی و زنجبیل و کاکائو و قهوه و نارگیل و گندم اختصاص یافته است.





نام رسمی: جمهوری سیرالئون

نام محلی: سیرالئون Sierra Leone

اسامی دیگر: -

پایتخت: فری‌تاون (۱،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۱/٤/۲۷؛ از انگلستان

روز ملی: بیست و هفتم آوریل؛ روز جمهوری

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری؛ ازسال ۱۹۷۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: الحاجی احمد تجان کباه، از سال ۱۹۹٦ (برای بار دوم از سال ۲۰۰۲)

رئیس دولت: رئیس جمهور: الحاجی احمد تجان کباه، از سال ۱۹۹٦ (برای بار دوم از سال ۲۰۰۲)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱؛ مجلس نمایندگان با ۱۱۲ عضو انتخابی و ۱۲ عضو از میان رؤسای قبایل به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۲): حزب مردم ۸۳ کرسی، کنگره تمام مردم ۲۲ کرسی، حزب صلح و آزادی ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹٦۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۷۱،۷٤۰ کیلومترمربع (صد و هفدهمین کشور جهان)

جمعیت: ٤،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٦۸/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۳٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۸/۱ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۵/۳٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٤/٤٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤٤/۷٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٦/۲٪ ؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۳/۹٪؛ بالای ٦۰ سال ۵/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۸/٤۷٪؛ زن ۵۱/۵۳٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۷/۸ سال؛ مردان ٤۲/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤٦/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۹/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۵۰/۸ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٦/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما عمده‌ترین بیماریهای شایع عبارتند از: مالاریا، سل، جذام، کزاز، اسهال و سرخک.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٦/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): قبایل‌منده٦/۳٤٪؛تمنه۷/۳۱٪؛لیمبا ۸/٤٪ ؛کونو ۵/۲٪ ؛بولوم‌شربرو ۳/۷٪؛ فولانی ۳/۷٪؛ کورانکو ۳/۵٪

دین(۱۹۹۳): مسلمان ٦۰٪؛ مذاهب بومی ۳۰٪ ؛ مسیحی ۱۰٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۵): کوئیدو ۸۰،۰۰۰ نفر؛ بو ۲٦،۰۰۰ نفر؛ کینما ۱۳،۰۰۰ نفر؛ ماکنی ۱۲،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: فری‌تاون و بونت (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لئون (Le)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۲،۹۵۰ لئون؛ صد لئون = ۲۷۱/۲ ریال

درآمد بودجه(۹۷-۱۹۹٦): ۸۵،۷۰۸ میلیون لئون؛ عوارض گمرکی ٤۷/٤٪؛ مالیات بر مصرف ۲۵/٤٪؛ مالیات بر درآمد شرکت‌ها ۹/۵٪ ؛ مالیات بر درآمد اشخاص ۷/۳٪

هزینه بودجه(۹۷-۱۹۹٦): ۱٤۳،۲۹۳ میلیون لئون؛ هزینه‌های جاری ۷۵/٦٪ (شامل انتقالی‌ها ۲٤/٤٪ ؛ حقوق و دستمزدها ۱۹/۸٪؛ کالا و خدمات ۱۸/۹٪؛ بازپرداخت بدهی‌ها ۱۲/۵٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۲٤/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۷۰۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۰/٦٪ ؛ ۱۹۹۸-۱۹۹۰: ٤/۱-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤٤/۱٪ ؛ صنعت ۲۳/۹٪ ؛ خدمات ۳۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۹٤٤ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۰٦/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱/۳-٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳۲/۵٪؛ ۱۹۹۸: ۲٦/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): برنج ۲٤۷،۲۳۵ تن؛ کاساوا ۲۳۹،۵۹۷ تن؛ میوه نخل روغن ۱٦۳،۰۰۰ تن؛ حبوبات ٤۰،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۲۹،۰۱۰ تن؛ موز سبز ۲٦،۰۰۰ تن؛ گوجه فرنگی ۲۵،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۲۱،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۲۰،۰۰۰ تن؛ قهوه ۱۷،۳۵۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۱۷،۲۰۰ تن؛ دانهٔ کاکائو ۱۰،۱۲۰ تن؛ انبه ٦،۵۰۰ تن؛ ارزن ٤،۷۲۵ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۷/۵٪؛ مرتع ۳۰/۷٪؛ جنگل ۲۸/۵٪؛ سایر موارد ۳۳/۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ٤۰۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۳۵۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۱۹۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۵۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳،۳۱۵،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۵۲،۷۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٦،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦،۹۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٤): بوکسیت ۷۳۵،۰۰۰ تن؛ سنگ تیتانیوم ۱۸٤،۰۰۰ تن؛ الماس ۱۰٤،۰۰۰ قیراط ؛ طلا ۳۲۲ تروی

تولیدات صنعتی(۱۹۹۳): (ارزش افزوده به میلیارد لئون): غذا ۳٦،۱۱۷ ؛ مواد شیمیائی ۱۰،۵٦۰؛ سرامیک ۱،۸٤٤؛چاپ و نشر ۱،۱۷۱؛ تولیدات فلزی ۱،۰۷۳ ؛ اسباب و مبلمان منزل ٦٤۷

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۲٤۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۲٤۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر (۱،٦۵۷،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۷۳،۰۰۰ تن (۱۲۸،۰۰۰)؛ گاز طبیعی : صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ۱،٦۱۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳٤/۸٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۰ تا ٦٤؛ ۱۹۹۱): ۵۳/۳٪؛ زنان (در سنین ۱۰ تا ٦٤): ۳۲/٤٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۲): ۱۰/٦٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱۰/٤٪؛ صنعت ۳٤/۸٪ ؛ خدمات ۵٤/۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۳،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۳٪؛ نیروی دریایی ۷٪ ؛ نیروی هوایی ندارد؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۰ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۱۵۳،۸۵٦ میلیون لئون؛ شامل غذا و دام زنده ۵۱/٦٪ ؛ سوخت و روغنهای روانکاری ۱۱/٦٪؛ مواد شیمیایی ۱۰/۲٪ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۸/۹٪؛ نوشیدنی و دخانیات ۲/۷٪ : مواد معدنی خام ۲/۵٪ ؛ از(۱۹۹۸): انگلستان ۲۰٪؛ امریکا ۱۳٪؛ بلژیک ۷/۵٪ ؛ ایتالیا ٦/۵٪؛ نیجریه ۵/۵٪؛ افریقای جنوبی ٤/۵٪

صادرات(۱۹۹۹): ۱۱،۳٤۷ میلیون لئون؛ شامل(۱۹۹۵): مواد معدنی ۵٦/٤٪ (شامل الماس ۵۰/٦٪، سنگ تیتانیوم ۵/۷٪)؛ کاکائو ۵٪ ؛ قهوه ۳/۷٪؛ صادرات مجدد کالاها ٤/۸٪ ؛ به (۱۹۹۹): بلژیک ٤۰/۸٪؛ امریکا ۷/۵٪ ؛ اسپانیا ٦/۱٪؛ انگلستان ٤/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون لئون	-۲۰،۷٤۲	-۸٤،٤۸۰	-۱۵۰،٦۲۲	-٦٤،۵۹۸	-۱۳۷،۷٤٤	-۱٤۲،۵۰۹
درصد کل	۱۳/۳٪	۷۰/۱٪	٦۳/٦٪	٦۷/۷٪	۸٦/۸٪	۸٦/۳٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۹/٤	۱۰۰	۱۲۳/۱	۱٤۱/۵	۱۹۱/۸	۲۵۷/۲
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ٦/۳ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار (۱۹۸٤): ۳۲۰ دلار؛ منابع درآمد (۱۹۸٤): کار آزاد ٦۱/٦٪؛ دستمزد و حقوق ۲۷/۹٪؛ سایر موارد ۱۰/۵٪ ؛ هزینه‌ها(۱۹۸۹): غذا ٦٦/۲٪؛ پوشاک ۹/۹٪؛ مسکن ۵/۸٪ ؛ حمل و نقل ٤/٤٪؛ لوازم خانگی ٤٪؛ سرگرمی و آموزش ۳/۸٪ ؛ بهداشت ۳/۵٪

جهانگردی(۱۹۹٦): درآمد: ۱۰ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۱،۷۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۸٤ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱۷،٦٤۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱۰،۸۹۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٦۲ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱ روزنامه در ۲۰،۰۰۰ نسخه (٤/۷ نسخه برای هرهزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۱۲۱،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۵۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٦۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۷،۰۰۰ خط تلفن (۳/۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: -

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۳)	۱،٦٤۳	۱۰،۵۹۵	۲٦۷،٤۲۵	۲۵/۲
متوسطه	۱٦۷	٤،۳۱۳	۷۰،۹۰۰	۱٦/٤
فنی و حرفه‌ای	٤٤	۷۰۹	۷،۷۵٦	۱۰/۹
عالی	۲	۲۵۷	۲،۵۷۱	۱۰

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۳۱/٤٪؛ مردان: ٤۵/٤٪؛ زنان: ۱۸/۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۵ سال(۱۹۸۵): ابتدایی ۱۸/۷٪؛ متوسطه ۹/۷٪ ؛ عالی ۱/۵٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۳۳۹ نفر (هر ۱۳،٦۹٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۸): ٤،۰۲۵ تخت (هر ۹۸۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٦۸،۰۰۰ نفر (۳/۱۷٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷۱/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۰٤۵ کالری (۸۹٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤٤ گرم؛ مصرف چربی : ۵۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۲/۸٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۳٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۲۵۲ (صد و هفتادو چهارمین کشور جهان)

پ- منطقهٔ خاوری که بخشی از ارتفاعات گینه آن را فرا گرفته و بلندترین نقطهٔ کشور به نام کوه بینتیمانی با ارتفاع ۱۹۴۸ متر در آن جای دارد و معادن الماس وجه امتیاز آن است.
اقلیم سیرالئون در نواحی مرکزی و ساحلی گرم و مرطوب و پر باران و در ارتفاعات خاوری نسبتاً معتدل و مرطوب است.

تاریخچه

پرتغالی‌ها در اواسط سدهٔ پانزدهم میلادی از این سرزمین دیدن کردند و آن را سیرالئون (کوههای شیر) نامیدند. سیرالئون تا سدهٔ هجدهم یکی از مهمترین نواحی صادرکنندهٔ برده در قارهٔ افریقا بود. هنگامی که برده‌داری در سال ۱۸۰۷ میلادی ملغی گردید، انگلستان با مسئلهٔ بردگان آزاد شدهٔ افریقایی روبرو شد و بر آن گردید تا آنان را به افریقا بازگرداند. گرانویل شارپ یکی از پایه‌گذاران نهضت الغای بردگی، قطعه زمینی به مساحت ۲۵۰ کیلومترمربع در افریقا و در ساحل اقیانوس اطلس به مبلغ ۶۰ پوند انگلیسی از امرای مُحلی خریداری کرد و یک جامعهٔ کشاورزی در آنجا دایر نمود تا بر اساس اصول دموکراسی اداره گردد. دیری نپایید که جامعهٔ مزبور به یک شرکت مستعمراتی مبدل شد و انگلستان را بر سرتاسر منطقهٔ سیرالئون مسلط نمود. در سال ۱۸۹۸ مالیاتی که استعمارگران انگلیسی بر خانه‌ها و آلونک‌های بومیان بسته بودند، موجبات نارضایتی و شورش مردم را فراهم کرد و انگلیسی‌ها را به سرکوبی آنان واداشت. در سال ۱۹۶۰ انگلیسی‌ها سیرالئون را ترک کردند و با امرای محلی قراردادی منعقد نمودند تا از مال و اموال انگلیسیان حفاظت کنند.
در سال ۱۹۶۱ سیرالئون به استقلال رسید و میلتون مارگای، دبیر کل حزب مردم سیرالئون به نخست‌وزیری منصوب شد. مارگای در سال ۱۹۶۴ درگذشت و برادرش آلبرت به جای او نخست‌وزیر گردید. در ۱۹۶۷ رهبر حزب کنگرهٔ تمام مردم سیرالئون به نام سیاکا استیونس برندهٔ انتخابات شد. انگلیسی‌ها که با روی کار آمدن استیونس موافق نبودند و او را برای منافعشان خطرناک می‌دیدند، کودتایی را طراحی کردند و او را از نخست‌وزیری برکنار ساختند و به شهر کوناکری در گینه تبعید نمودند. در آوریل ۱۹۶۸ درجه‌داران و افسران جزء ارتش سیرالئون کودتا کردند و استیونس را به کشور بازگرداندند. در سال ۱۹۷۱ سیرالئون کلیهٔ روابط خود را با انگلستان قطع نمود و کمی بعد نظام حکومتی به جمهوری تغییر کرد و استیونس به عنوان نخستین رئیس جمهور سیرالئون برگزیده شد. به دنبال آن دولت کارخانه‌های چوب‌بری را ملی کرد و کنترل معادن الماس را در دست گرفت. در سال ۱۹۷۸ استیونس پیشنهاد تک‌حزبی کردن کشور را به همه‌پرسی گذارد و پس از آن حزب کنگره تمام مردم به عنوان تنها حزب قانونی کشور شناخته شد. از سال ۱۹۷۹ محبوبیت استیونس به علت فساد دولتی، افزایش نرخ تورم، و انحصارطلبی‌های دولت رو به کاهش گذارد.
تورم و بالا رفتن هزینهٔ زندگی مردم را رفته رفته به شورش سوق داد و در سپتامبر ۱۹۸۱ به اعتصاب عمومی منجر گردید و سرانجام در نوامبر ۱۹۸۵ استیونس جای خود را به جوزف مومو واگذار کرد. در مارس ۱۹۹۱ نیروهای شورشی دو شهر مرزی لیبریا را تصرف کردند و ناراضیان و انقلابیون مسلح کشورهای بورکینافاسو و لیبریا و سیرالئون به آنان پیوستند و حدود یک سوم کشور سیرالئون را به تصرف خود درآوردند. در آوریل ۱۹۹۱ مومو کشورهای نیجریه و گینه را متهم کرد که به نیروهای شورش کمک می‌کنند. در همه‌پرسی اوت ۱۹۹۱ مردم به قانون اساسی جدید رأی دادند و کشور را به نظام چند حزبی مبدل نمودند. در آوریل ۱۹۹۲ سروان والنتین استراسر زمام امور کشور را طی یک کودتا در دست گرفت کلیهٔ فعالیتهای سیاسی را ممنوع کرد و با تأسیس شورای دولتی موقت ملی، قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد. در همان سال نواحی خاوری کشور توسط جنبش متحد لیبریا برای آزادی و دموکراسی که بر علیه دولت چارلز تیلور در لیبریا می‌جنگید، اشغال گردید و همزمان انقلابیون سیرالئون نیز نواحی جنوب خاوری کشور را به تصرف خود درآوردند و جنگ خانگی را آغاز نمودند و حدود یک میلیون سیرالئونی را آواره و بی‌خانمان ساختند.
در دسامبر ۱۹۹۳ با اصرار و پافشاری انگلستان، آتش‌بس اعلام گردید و زندانیان سیاسی آزاد شدند. این اقدامات شورشیان را راضی نکرد و خلف وعدهٔ دولت برای برگزاری انتخابات آزاد بر شدت آن افزود و در اوایل سال ۱۹۹۵ آتش جنگ خانگی سراسر کشور را در بر گرفت. در کودتای ژانویهٔ ۱۹۹۶ سروان استراسر سرنگون شد و سرتیپ جولیوس مادابیو زمام امور کشور را در دست گرفت و برگزاری انتخابات آزاد را به مردم وعده داد. در انتخابات فوریه ۱۹۹۶ احمد تجان کباه، از حزب مردم، به ریاست جمهوری رسید. جنگ خانگی سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ ده هزار کشته و دو میلیون آواره و بی‌خانمان به جای گذارد. در مه ۱۹۹۶ ژنرال جانی پاول کوروما کودتا کرد و رئیس جمهور احمد تجان کباه را سرنگون نمود. در سپتامبر ۱۹۹۷ احمد تجان کباه از سازمان ملل متحد درخواست کرد تا برای استقرار دولت قانونی سیرالئون اقدام کند. در فوریهٔ ۱۹۹۸ نیروهای سازمان وحدت افریقا وارد سیرالئون شدند و ژنرال کوروما را وادار به استعفاء نمودند و دولت قانونی سیرالئون به سرپرستی احمد تجان کباه را دوباره بر سر کار آوردند.
نیروهای شورشی جدیدی در اواخر این سال سر به طغیان برداشتند و با تصرف بیش از نیمی از پایتخت، موجودیت دولت به خطر افتاد. با دخالت نیروهای نیجریه آتش‌بس برقرار گردید و طی توافق‌نامه‌ای، فودای سانکوه، رهبر شورشیان به معاونت ریاست جمهوری گمارده شد. درگیریها و نقض آتش‌بس طی سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ ادامه یافت و شورشیان در اوایل سال ۲۰۰۰، حدود ۵۰۰ نفر از نیروهای حافظ صلح را به اسارت خود درآوردند و سرانجام دولت انگلستان نیروهای خود را به منطقه اعزام نمود. در ماه مه سانکوه دستگیر شد، اما عملیات شورشیان ادامه یافت. در طی سال ۲۰۰۱، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در سیرالئون حدود ۴۵,۰۰۰ شورشی را خلع سلاح کردند.
در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان سیرالئون که در ماه مه ۲۰۰۲ برگزار گردید، احمد تجان کباه، رهبر حزب مردم در مقام خود ابقاء گردید و حزب وی اکثریت کرسیهای مجلس را نیز به خود اختصاص داد.

سیشل SEYCHELLES

کشور سیشل، مجموعه جزایر پراکنده‌ای است واقع در آبهای غربی اقیانوس هند که از ۹۲ جزیره تشکیل یافته و در شمال خاوری جزیرهٔ ماداگاسکار جای دارد و بزرگترین جزایر آن یعنی ماهه، پراسلین، و لادیگو گرانیتی هستند وبقیه منشأ مرجانی دارند. گروه اول اکثراً کوهستانی و مرتفع هستند و گروه دوم هموار و نسبتاً مسطحند و از جنگل و گیاه انبوه پوشیده شده‌اند. اقلیم آن گرم و مرطوب و پرباران است و فقط جزایر بزرگ آن مسکونی هستند و بیشتر جمعیت آن در جزیرهٔ ماهه (۱۵۵ کیلومترمربع) که پایتخت نیز در آن قرار دارد زندگی می کنند.



تاریخچه

چون جزایر سیشل در سر راه دریای عمان به زنگبار (تانزانیای امروزی) قرار دارد، از قرنها پیش مورد نظر بازرگانان عرب قرار داشته و از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. در سال ۱۵۰۵ پرتغالی‌ها به این جزایر رسیدند و به تدریج پای دیگر استعمارگران اروپایی نیز بدانجا باز شد. طی سدهٔ هجدهم میلادی فرانسه و انگلستان برای تصرف این مستعمرهٔ کوچک به جنگهای خشونت‌بار و سختی دست زدند و سرانجام پس از مغلوب شدن فرانسه، انگلستان مالک بلامنازع آن گردید و در سال ۱۹۰۳ تحت سرپرستی جزیرهٔ موریس به ادارهٔ آن پرداخت.
در جنگهای اول و دوم جهانی، جزایر سیشل از موقعیت استراتژیکی خوبی برخوردار بود و از جمله پایگاههای هوایی و دریایی مهم انگلستان به شمار می‌رفت. در سال ۱۹۶۴ حزب متحد مردم سیشل تأسیس گردید و با ترویج و تقویت احساسات ملی گرایانه، اعتصاباتی را در سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ و ۱۹۷۲ علیه منافع استعمارگران انگلیسی برپا داشت. اما طرفداران استعمار که مخالف این حزب و استقلال سیشل بودند، انجمن مالیات‌دهندگان سیشل را ایجاد کردند و بعدها با تغییر نام خود به حزب دموکرات سیشل، فعالیت خود را به رهبری جیمز منچام ادامه دادند.



نام رسمی: جمهوری سیشل

نام محلی: سیشلز(سیشل) Seychelles

اسامی دیگر: -

پایتخت: ویکتوریا (۲۸،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۶/۶/۲۸ ، از انگلستان

روز ملی: پنجم ژوئن، روز آزادی

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۹۷۶

رئیس حکومت: رئیس جمهور: فرانس آلبر رنه، از سال ۱۹۷۷ (برای آخرین بار از سال ۲۰۰۱ به مدت ٥ سال)

رئیس دولت: رئیس جمهور: فرانس آلبر رنه، از سال ۱۹۷۷ (برای آخرین بار از سال ۲۰۰۱ به مدت ٥ سال)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳؛ مجلس ملی با ۳٤ عضو بـه مـدت ٥ سـال، کرسی‌های مجلس ملی در انتخابات سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): جبههٔ ترقی‌خواه مردم سیشل ۳۰ (۲۳) کرسی، اپوزیسیون متحد ۳ کرسی، حـزب دموکـرات ۱ کرسـی، حزب ملی سیشل (۱۱) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷٦)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکـائو، ایفـک، ایلـو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، تقاضای عضویـت در سـازمان تجـارت جـهانی، سـازمان وحـدت افریقـا، آکپ، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ٤٥٥ کیلومترمربع(صد و هشتاد و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۸۱،۷۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هشتاد و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۷۹/٦ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۸۹،۱۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٥۸ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٥٦/۹٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۲۹/۳٪ ؛ ۲۹-۱٥ سال ۳۰/۱٪ ؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۲/۲٪ : بالای ٦۰ سال ۸/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۸/۳۲٪ ؛ زن ٥۱/٦۸٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٥/۸ سال؛ مردان٦٤/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۸/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۸/۲ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۱/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صـد هـزار نفـر(۱۹۹۸): بیماریهای دستگاه گـردش خـون ۲۳۸/٤ نفر(از جمله بیماریهای عروق مغزی ۷٤ نفر)؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۰٥/۳ نفر؛ حوادث و سوانح ٥۷ نفـر ؛ بیماریهای دسـتگاه تنفسـی ٥۲ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ٥۱/۹ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۳٦/۸ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ٤/٥ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۸):** ۱ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): دورگه سیاه و سفید ۸۹/۱٪ ؛ هندی ٤/۷٪ ؛ مالاگاسی ۳/۱٪ ؛ چینی ۱/٦٪ ؛ انگلیسی ۱/٥٪

دین(۱۹۹٦): کاتولیک ۸٦/٦٪؛ سایر مسیحیان (عمدتاً انگلیکان) ۹/۳٪؛ هندو ۱/۳٪؛ بقیه ۲/۸٪

زبان و خط: کریول، انگلیسی و فرانسوی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم: ندارد

بنادر مهم: ویکتوریا (جزیره ماهه، در اقیانوس هند)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: روپیه سیشل (SR)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار = ٥/۸٥ روپیه؛ یک روپیه = ۱،۳٦۷/٥ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۱،۳۹۹/٦ میلیون روپیه ؛ (۱۹۹۷): مالیات و عوارض گمرکـی ٤۲/۳٪؛ انتقالی‌ها از صندوق تـأمین اجتماعی ۱۷/٤٪؛ حق‌الزحمه‌های امور اداری ۱۱/۲٪ ؛ مالیات بـر درآمـد ۱۰/٥٪ ؛ مالیـات بـر تجـارت ٦/۱٪ ؛ شـهریه و جریمـه ۱/۳٪ ؛ کمک‌های خارجی ۰/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۱،۷٥٤ میلیون روپیه؛ حقوق و دستمزدها ۲۷/٤٪ ؛ هزینـه‌های سـرمایه‌ای ۱۷/٥٪ ؛ انتقالی‌هـا ۱۷/۲٪؛ بازپرداخت بدهی‌ها ۱٦/٥٪ ؛ دفاع ۳/۳٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٥۰٥ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٦،٤۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٤/۷٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/۹٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی٤/۱٪ ؛ صنعت ۲۳/٦٪ ؛ خدمات ۷۲/٤٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۹ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٥٥ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱٤٥ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۳/۲+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۰/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱/٤٪؛ ۱۹۹۸: ۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نارگیل ۳،۲۰۰ تن؛ موز ۱،۹٥۰ تن؛ دارچین ٦٥۰ تن؛ چای ۲٦۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۱٥/٦٪ ؛ جنگل ۱۱/۱٪ ؛ مناطق مسکونی، اراضی بایر و دیگر موارد ۷۳/۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۱۸،۲۰۰ رأس؛ بز ٥،۱٥۰ رأس؛ گاو ۱،٤۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۹):** ٤،٤۱۸ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٥٤۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲،۱۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): گوانو ٥،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۹): کنسرو ماهی تن ۳۳،۲۳٤ تن؛ نوشابه غیر الکلی ۱۰٥،٦۱۰ هکتولیتر؛ آبجو و آبجو سیاه (استاوت) ٦۷،٦۸۰ هکتولیتر؛ آب‌میوه ۲۲،٥۳۰ هکتولیتر؛ سیگار ٦۰،۳۰۰،۰۰۰ بسته

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۹): ۱۷۲،٤۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۷۲،٤۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت خام: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): صفر (٥٥،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۹): ۳۰،۷۸٦ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۳۸/۳٪ ؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤ ؛ ۱۹۸۹): ۷٤/۳٪ ؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤۲/٥٪؛ میزان بیکاری: ۱۱/٥٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ٦/۲٪ ؛ صنعت ۲۱/٥٪ ؛ خدمات ۷۲/۳٪

نیروی دفاعی: مدت نظام وظیفه: ؟ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٤٥۰ نفر؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۹٤ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۲،۳۱٦/۲ میلیون روپیه؛ کالاهای ساخته شده۳۰/۸٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۹/٥٪؛ غذا، نوشیدنی و دخانیات ۲۲/۲٪؛ سوخت، روغنهای روانکاری و مواد مرتبـط بـا آنـها ۹/۹٪؛ مـواد شـیمیایی ٦٪؛ از افریقـای جنوبـی ۱٤/٥٪؛ انگلستان ۱۱/۸٪ ؛ بحرین ۱۱/۲٪؛ سنگاپور ۱۱/۲٪؛ فرانسه ۹/٦٪؛ ایتالیا ٤/۷٪؛ ژاپن ۳/۱٪؛ هند ۲/٦٪؛ هلند ۲/٥٪

صادرات(۱۹۹۹): ۷۷۱/۹ میلیون روپیه؛ شامل کنسرو ماهی تن ۷۰/۲٪؛ فرآورده‌های نفتی ۲۱/۹٪؛ دیگر ماهی‌ها شامل کوسه‌ماهی خشک ۱/۹٪؛ میگوی منجمد ۱٪؛ دارچین ۰/۳٪؛ بـه فرانسـه ۲۹/۲٪؛ آلمـان ۲۷/۳٪؛ ایتالیـا ۲٤٪؛ ژاپـن ۷٪؛ افریقـای جنوبی ٤٪؛ انگلستان ۳/۷٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون روپیه	-۹٦۹/۸	-۷۸٦/۷	-۸٥٥/۷	-۱،۱۸۸/۷	-۱،۱۳۱/٤	-۱،۱٤۰/۱	-۱،٥٤٤/۳
درصد کل	٦٤/۷٪	٦۰/٦٪	٦۲/۸٪	٤٦/۱٪	٤۹/٤٪	٤۹/٦٪	٥۰٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۸/٥	۱۰۰/۳	۱۰۰	۹۸/۹	۹۹/٥	۱۰۲/۱	۱۰۸/٦
شاخص درآمد ماهانه	۹٥/۷	۹٦	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹٤):٤/۳ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار(۱۹۷۸): ۱۸،٤۸۰ روپیـه؛ منابع درآمد: دستمزد و حقوق ۷۷/۲٪ ؛ کار آزاد ۳/۸٪ ؛ پرداخت‌هـای انتقـالی ۳/۲٪؛ هزینـه‌ها (۹۲-۱۹۹۱): غـذا و نوشـیدنی ٤۷/٦٪؛ مسکن ۱٥/۱٪؛ پوشاک و کفش ۸/٦٪؛ حمل و نقل ۸٪؛ سوخت و آب ۷/٤٪ ؛ سرگرمی ٦/۷٪ ؛ لوازم شخصی و خانگی ٦/٦٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱۱۱ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۳۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۹): ٤۲٤ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۷،۱۲۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۱،۹۸۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱ روزنامه در ۳،۰۰۰ نسخه (٤٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٤۲،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٥٦۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱٤۹ دستگاه برای هرهزار نفر)

تلفن(۱۹۹۹): ۱٦،٦۳٥ خط تلفن (۲۰۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ۱٦،۳۱٦ خط (۲۰۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۹،٥۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۲۰۰۰)	۲٥	۷۰۸	۱۰،۰۲٦	۱٤/۲
متوسطه	۱۳	٥۳٥	۷،۷٤۲	۱٤/٥
فنی و حرفه‌ای	۱	۱۳٤	۱،۸۱۸	۱۳/٦
عالی	-	-	-	-

میزان باسوادی(۱۹۹٤): افراد بالای ۱۲ سال: ۸۷/٥٪ ؛ مردان: ۸٦/۳٪؛ زنان: ۸۸/٦٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۲ سال(۱۹۹٤): ابتدایی ۳۷٪؛ راهنمایی ۱٦/۸٪؛ متوسطه ۳٤/۲٪؛ بالاتر از دیپلم۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۹): ۱۰٤ نفر (هر ۷۷۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۹): ٤٤٥ تخت (هر ۱۸۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲٦/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٤٦۲ کالری (۱۰٦٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷۹ گرم؛ مصرف چربی: ۷۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛(۱۹۹٥-۱۹۹۰): ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۳/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۲/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۸٦ (پنجاه و سومین کشور جهان)

در انتخابات پارلمانی آوریل ۱۹۷۴ جیمز منچام به نخست‌وزیری رسید و در سال ۱۹۷۶ وی موافقت انگلستان را برای اشغال پست اولین ریاست جمهوری سیشل دریافت کرد و در ضمن تعهد نمود که موقعیت کشور خود را بـه عنوان پایگاه استراتژیک انگلستان در اقیانوس هند و خاور افریقا همچنان حفظ نماید. مخالفت مردم سیشل با این طرح منچام را به تعویق برگزاری انتخابات تـا ۱۹۷۹ مصمم نمود. در سال ۱۹۷۷، هنگامی که منچام در خارج از کشور به سر می‌برد، حزب متحد مردم با همکاری نیروی پلیس قدرت را به دست گرفت و فرانس آلبر رنه جانشین منچام گـردید. دولت رنه در نخستین مرحلهٔ برنامهٔ خود به جنبش عـدم تعهد پیوست و تقویت و حمایت از گـردشگری و کشاورزی را تعهد نمود و نظام سوسیالیستی را برای ادارهٔ کشور انتخاب کرد و با به کارگیری سیاستهای صحیح اقتصادی، تورم را کمـابیش مهار کرد و سطح زندگی مردم را بالا برد تا جایی که درآمد سرانهٔ مردم سیشل بالاترین سطح را در میان دیگر جزایر پیرامون خود حائز گردید و شمار گردشگرانی که از سیشل دیدن می‌کردند سالانه به طور متوسط به ۸۰،۰۰۰ نفر بالغ شد.

در نوامبر ۱۹۸۱ گـروهی مرکب از ۴۵ مزدور مسلح به فرمـاندهی سرهنگ مایک هور که از طرف جیمز منچام رئیس جمهور سابق و دولت افریقای جنوبی حمایت می‌شدند به قصد سرنگونی آلبر رنه به سیشل حمله کردند که با بیداری و مقاومت دولت و مردم روبرو گردیدند و ناکام ماندند. در انتخابات ژوئن ۱۹۸۴ آلبر رنه با به دست آوردن ۹۳ درصد آراء مجدداً در مقام ریاست جمهوری ابقاء گردید. در ۱۹۸۶ مذاکرات دولتهای سیشل و امریکا به تمدید قراردادی که در سال ۱۹۷۶ بسته شده بود و یک بار هم در ۱۹۸۱ تمدید گردیده بود منجر شد و به امریکا اجازه داده شد تا از جزیرهٔ ماهه بعنوان ایستگاه دریایی ماهواره‌ای استفاده کند. در سپتامبر ۱۹۸۶ هنگامی که آلبر رنه در کنفرانس سران عدم تعهد در زیمبابوه شرکت کرده بود، کودتایی به قصد سرنگونی وی انجام شد که با برگشت به موقع رنه سرکوب گـردید و آرامش مجدداً در سیشل حکمفرما شد.

انتخابات ریاست جمهوری ژوئن ۱۹۸۹ دوباره با پیروزی آلبر رنـه کـه تنهـا کـاندید ریاست جمهوری بود، پایان یافت. در سپتامبر ۱۹۸۹ رئیس جمهوری هند به مدت سه روز از ویکتوریا دیدن کرد. در ژوئیه ۱۹۹۲ فشار مخالفان و افکار عمومی رنه را به پذیرش نظام چند حزبی واداشت و تعداد نمایندگان مجلس قانونگذاری به ۳۴ نفر افـزایش یافت و قانون اساسی جدید بر مبنای نظام نوین تدوین گردید. به موجب قـانون اساسی جدید رئیس جمهور برای یک دورهٔ پنج ساله انتخاب می‌شود و فقط یک بار مجاز به تمدید آن خواهد بود. در انتخابات سال ۱۹۹۶، که طبق قانون اساسی جدید صورت گرفت فرانس آلبر رنه مجدداً به این مقام برگزیده شد و در انتخابات سال ۲۰۰۱ برای آخرین بار ابقاء گردید. گردشگری بعنوان یک منبع درآمد ارزی موقعیت مهم خود را در اقتصاد سیشل حفظ کرده و مشتقات نفتی و کنسرو ماهی تن بیش از ۸۰ درصد صادرات کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

شیلی CHILE

کـشور شیلی کـه در جنوب غربی امریکای جنوبی و در سـواحل جنوب خـاوری اقیـانوس کبیر (آرام) جای دارد، از شمال به کشور پرو، از شمال خاوری به بولیوی، از خاور به آرژانتین و از جنوب و غرب به اقیانوس کبیر محدود است. سرزمینی است کوهستانی و خط الرأس کوههای آند، مرزهای خاوری آن است و اقیـانوس آرام مرزهای غربی آن را تشکیـل می‌دهد. این کشور نوار باریکی است به درازای ۳۵۰۰ کیلومتر و پهنای حـداکثر ۴۰۰ کیلومتر. درازای آن کـه از شمال به جنوب ممتد است از تنوع اقلیمی آن حکایت دارد. نواحی شمالی آن کـه بیابان آتاکاما نام دارد خشک و کویری است و بخشهای مرکزی آن معتـدل و نسبتـاً پرباران است و مراکز کشاورزی شیلی را در خـود جای داده است. نواحی جنوبی سرد و از جنگلهـای انبوه پوشیده شده است.

معادن معروف نیترات و مس شیلی در نـواحی شمـالی قرار دارد و ۶۵ درصـد جمعیت آن در دره‌های نواحی مـرکزی زندگی می‌کنند. رودهای این کـشور همگـی کـوتاه و پر شـیب‌اند و جـملگی از کوههـای آند در خـاور سرچشـمه می‌گیرند و به اقیانوس کبیر در غـرب می‌ریزند و



عمده‌ترین آنها عبارتند از: لوئا، بیوبیو، هورتادو، مائوله و والدیویا بلندترین نقطهٔ این سرزمین کوه اوخوز دل سالادو است که ارتفاع آن به ۶۸۹۳ متر می‌رسد.

کـشور شیلی دارای جزایر فراوانی است کـه عـمده‌ترین آنهـا را جزیره‌های تیئرا دل فـوئگو (۴۶،۳۶۰ کیلومترمربع)، ریسکو، سانتا اینس، چیلوئه، خوآن فرناندز و ایستر تشکیل می‌دهند. زدایش سالانه حـدود ۴۰،۰۰۰ هکتار از جنگلهـای بومی و جایگزین ساختن آنها با گونه‌های غیربومی، صدمهٔ فراوانی بـه حیات وحش وارد آورده و گونه‌های بسیاری از جانوران و گیاهان را به نابودی کشانیده است.

تاریخچه

تا آغاز سـدهٔ شانزدهم میلادی، نواحی شـمالی شیلی بخش جنوبی امپراتوری اینکا را تشکیل می‌داد. اراضی میان کوپیاپو در شمال تـا پوئرتومونت در جنوب مسکن ماپوچه‌ها بود که بعدها توسط اروپائیان، به آروکانیائیان معروف شدند و نواحی جنوبی‌تر را، یامانایی‌ها و آلاکالوفه‌ها که با ماهیگیری روزگار می‌گذراندند، اشغال کرده بودند.

در سال ۱۵۳۶ دیگو آلماگرو، کشورگشای اسپانیایی، پرو را به قصد تصرف شیلی ترک کرد و به اتفاق ۵۰۰ سرباز اسپانیایی و ۱۵،۰۰۰ بومی اجیر شده حدود ۲،۵۰۰ کیلومتر در خاک شیلی پیشرفت کـرد و پس از رسیدن به نواحی مرکزی شیلی از شورش لیـما آگـاه شد و پس از دادن تلفات بسیار به پرو بازگشت و در بین راه به قتل رسید. پـدرو والدیویا بین سالهای ۱۵۴۰ تا ۱۵۵۸ بندر والپارایزو و چند شهر دیگر از جمله سانتیاگو را در شیلی بنا نهـاد و در یکی از نبـردهای خونین و سختی کـه با قبایل مـاپوچه کرد به قتل رسید و جـانشین او فـرانسیسکو د ویلاگـرا در سـال ۱۵۵۷ لوآتارو، رئیس قـبیلهٔ مـاپوچه را دستگیر کـرد و به قتل رسـانیـد و گارسیا د اورتادو فرماندار اسپانیایی با قبیلهٔ مزبور که همچنان سرسختانه مقاومت می‌کردند، جنگید و آنان را مغلوب ساخت. مع‌الوصف بومیان به مبارزات خود ادامه دادند و تا مدتها از تسلط کـامل استعـمـارگـران اروپایی بر سرزمین خـود جلوگیری کردند ولی سـرانجـام به زانو درآمدند و در اواسط سدهٔ نوزدهم به تسلط اسپانیایی‌ها گردن نهادند.

در سال ۱۸۱۰ شورای دولتی شیلی به سرپرستی خوزه مـیگل کاررا اندیشه استقلال شیلی را در اذهان عمومی بیدار کرد و ژنرال برناردو اوئیخنس بـه جنبش استقلال‌خواهی شیلی پیوست و نبرد میان ارتش استقلال طلبان و هواخواهان ادامه سلطهٔ اسپانیا درگرفت و شهرهای والدیویا و کونسپسیون به مراکز عمدهٔ انقلابیون تبدیل شد. در این میان ارتش خوزه دوسان مارتین سردار استقلال‌طلب آرژانتینی از کوههای آند گذشت و به یاری استقلال‌طلبـان شیلی آمد و طرفداران سلطنت و ادامهٔ سلطهٔ اسپانیا را در نبرد آوریل سال ۱۸۱۸ مغلوب ساخت و استقلال شیلی را که در هجدهم سپتامبر ۱۸۱۰ اعلام شده بود، تحقق بخشید. کشف منابع عظیم نیترات پتاسیم



نام رسمی: جمهوری شیلی

نام محلی: چیله Chile

اسامی دیگر: -

پایتخت: سانتیاگو (٤،٦٤٠،٦٣٥ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۸۱۸/۲/۱۲ ، از اسپانیا

روز ملی: هجدهم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۲۵

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ریکاردو لاگوس اسکوبار (حزب سوسیالیست)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٦ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: ریکاردو لاگوس اسکوبار (حزب سوسیالیست)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٦ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۱ ، آخرین تغییرات ۲۰۰۰؛ کنگرهٔ ملی متشکل از مجلس نمایندگان با ۱۲۰ عضو به مدت چهار سال و مجلس سنا با ۳۸ عضو انتخابی و ۹ عضو انتصابی رئیس جمهور به مدت ۸ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۱): حزب دموکرات مسیحی ۳۹ (٢٤) و احزاب مؤتلفهٔ آن ۳۱ (۳۸) کرسی، حزب بازسازی ملی ۲۳ (۲۲) و احزاب مؤتلفهٔ آن ۱۸ (۳۵) کرسی، بقیه ۸ (۱) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یااآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آپک، آی-آدب، مرکوسور، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ٧٥٦،٦٢٦ کیلومترمربع (سی و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۵،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجاه و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۰/۱ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۱/٤

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۱۹/۵ میلیون نفر **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٥٨ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۸٤/۳ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪۱/٦

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۲۷/۹ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲٤/٦؛ ٥٩-۳۰ سال ٪۳۷/۲ ؛ بالای ٦٠ سال ٪۱۰/۳

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤٩/٥٥؛ زن ٪٥٠/٤٥ **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۹ سال؛ مردان ۷۲/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۷/۷ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٥/٥ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۹/۹ نفر **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۱/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٤): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱٤٩/٥ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۱۱/۹ نفر؛ حوادث ٦٤/۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٦۱/۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۲ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۳ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۲): اروپایی و دورگه سرخ و سفید ٪۸۹/۷؛ آرائوکاینان ٪۹/٦؛ آیمارا ٪۰/٥؛ پولینزیایی راپانوئی ٪۰/۲

دین(۱۹۹۲): کاتولیک ٪۷٦/۷ ؛ پروتستان ٪۱۳/۲؛ بی‌دین ٪٥/۸؛ سایر ادیان ٪٤/۳؛ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): کونسپسیون ۳٦۲،٥٨٩ نفر؛ وینیادل‌مار ۳۳۰،۷۳٦ نفر؛ والپارایزو ۲۸۳،٤۸۹ نفر؛ تالکاهوانو ۲٦۹،۲٦٥ نفر؛ تموکو ۲٥۳،٤٥۱ نفر

بنادر مهم: والپارایزو، آریکا و آنتوفاگاستا (اقیانوس کبیر)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پزو شیلی (Ch $)= ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار= ٥٦٠/٦٥ پزو؛ یک پزو= ١٤/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۷،٥٨۰/۳ میلیارد پزو؛ درآمد مالیاتی ٪۸٥/۳ ؛ درآمد غیر مالیاتی ٪١٤/۷

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۸،۳۹۳/۸ میلیارد پزو؛ هزینه‌های تأمین اجتماعی و رفاه عمومی ٪۲۹/۱؛ انتقالی‌ها ٪۲٤/۳؛ دستمزدها ٪۱۹/٦؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۱٦/٦؛ خدمات و امور اقتصادی ٪۸/۳

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۷ میلیارد دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤،۹۹۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪٤/٥؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۸/۳

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۷/٤؛ صنعت ٪۳۰/٤؛ خدمات ٪٦۲/۲

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۹۲۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٤،۷۹۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٤،۹۸٦ میلیون دلار **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۰٤/٥+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲٥/۲

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۹/۳؛ ۱۹۹۸: ٪٥/۱

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): چغندرقند ۳،۱۰۰،۰۰۰ تن؛ انگور ۱،٥۷٥،۰۰۰ تن؛ گوجه فرنگی ۱،۲٤۳،۰۰۰ تن؛ گندم ۱،۱۹٦،۰۰۰ تن؛ سیب ۱،۱٦٥،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۹۹٤،٦۹٤ تن؛ ذرت ٦۲٤،۰۰۰ تن؛ پیاز ۲٦۲،۰۰۰ تن؛ جو دوسر ۲۰۱،۰۰۰ تن؛ جو ۸۱،۰۰۰ تن؛ برنج ٦۱،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ٪۷؛ مرتع و چمنزار ٪۱٦؛ جنگل ٪۲۱؛ سایر موارد ٪٥٦

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ٤،۱۱٦،۰۰۰ رأس؛ گاو ٤،۱۳٤،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲،۲۲۱،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۱،٦۷۰،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳،۲٦٥،۳۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۷۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۹٥،۰۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹۸): آهن ۸،۲۷۷،۰۰۰ تن؛ مس ۳،۸٤۳،۰۰۰؛ روی ۲٦،۰۰۰ ؛ مولیبدن ۲٥،۰۰۰؛ نقره ۱/۳ تن؛

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): (ارزش افزوده به میلیارد پزو): مواد غذایی ۳،۸۱۰/۲؛ فلزات و مصنوعات فلزی ۲،٦۳۱/۹؛ نفت و فرآورده‌های نفتی ۱،۱۰۰/۲ ؛ کاغذ و فرآورده‌های کاغذی ۹٤٦/۹؛ نوشیدنی ۸۰۷/٤ ؛ محصولات معدنی غیر فلزی ٥۹۳

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۳۱،۲۷۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۳۱،۲۷۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱،۱۱۹،۰۰۰ تن (۳،٥٥٨،۰۰۰)؛ نفت خام: ۳،۳٦٤،۰۰۰ بشکه (٦۱،٤۹۸،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی ۸،٦۰۸،۰۰۰ تن (۱۰،۳۷۳،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲،۰٥٦،۰۰۰،۰۰۰ میلیارد مترمکعب (۱،۹۸۳،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۹): ٥،۸۲۲،۷۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳۸/٦؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤ ؛ ۱۹۹٥): ٪٥۸/٦؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٪۳۲/٤؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): ٪۹/۷؛ ۲۰۰۰: ٪۷

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱٤/٤؛ صنعت ٪۲٥/٥؛ خدمات ٪٦۰/۱

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱ سال نیروی زمینی؛ ۲ سال نیروی دریایی و هوایی؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۹۳،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪٥٤/۸؛ نیروی دریایی ٪۳۱/۲؛ نیروی هوایی ٪۱٤؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۹٦ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۱٥،۱۳۷ میلیون دلار؛ شامل کالاهای واسطه‌ای ٪٥۹/٥؛ کالاهای سرمایه‌ای ٪۲۱/۸؛ کالاهای مصرفی ٪۱۸/۷؛ از امریکا ٪۲۰/۸؛ آرژانتین ٪۱۳/۹؛ برزیل ٪٦/۷؛ ژاپن ٪٤/٤؛ آلمان ٪٤/۳؛ فرانسه ٪۲/۹

صادرات(۱۹۹۹): ۱٥،٦۱٦ میلیون دلار؛ شامل تولیدات معدنی ٪٤٤/٤ (از جمله مس ٪۳۷/۷)؛ تولیدات صنعتی ٪۳۸/٥؛ مواد غذایی ٪۱۷/۱؛ به امریکا ٪۱۹/٤؛ ژاپن ٪۱٤/۳؛ انگلستان ٪٦/۸؛ آرژانتین ٪٤/٦؛ برزیل ٪٤/۳؛ آلمان ٪۳/٥؛ تایوان ٪۳/۲

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	۹۷۹-	٦٦۰+	۱،۳۸٤+	۱،۱٤۷-	۱،۳٤۳-	۲،٤۸۳-	٤۷۹+
درصد کل	٪٥/۱	٪۲/۹	٪٤/٥	٪۳/٦	٪۳/۸	٪۷/۷	٪۱/٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۳	۹۲	۱۰۰	۱۰۷	۱۱٤	۱۲۰	۱۲٤
شاخص درآمد ماهانه	۸٤/٤	۸۸/۷	۱۰۰	۱۱٤/٤	۱۲٤/۷	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ٤/٦ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار (۱۹۹٤): ٥،۹۸۱،۷۰٦ پزو؛ منابع درآمد (۱۹۹۰): دستمزد و حقوق ٪۷٥/۱؛ پرداخت‌های انتقالی ٪۱۲؛ سایر موارد ٪۱۲/۹؛ هزینه‌ها (۱۹۸۹): غذا ٪۲۷/۹؛ پوشاک ٪۲۲/٥؛ مسکن ٪۱٥/۲؛ حمل و نقل ٪٦/٤

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱،۰٦۲ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۹۰٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۷۹،۸۰۰ کیلومتر **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ٦،٥۷۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱،۰۱۷،۰٥۲ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٥۳،۱۷۷ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۳۹۲ فروند **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۲۳ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٥۲ روزنامه در ۱،٤۱۱،۰۰۰ نسخه (۹۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٤۱۷ عنوان در ۳،٤٥۰،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۲،٤٦۹ عنوان در ٤،۰۹٥،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۱،٦٥۸/٥ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٥،۱۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳٥٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳،٥۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۳٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲،۷٥۳،۰۰۰ خط تلفن (۱۸٦ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۹٦٤،۲٥۰ خط (٦٥ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۷۱٤،۰۰۰ دستگاه **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲٥۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٥)	۸،۷۰۲	۸۰،۱٥٥	۲،۱٤۹،٥۰۱	۲٦/۸
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۲،۹٥٦	٥۱،۰٤۲	٦۷۹،۱٦٥	۱۳/۳
عالی	۲۰۱	۱۸،۰۸٤	۳٦۷،۰۹٤	؟

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۹٥/۲؛ مردان: ٪۹٥/٤؛ زنان: ٪۹٥

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۲): ابتدایی ٪٤٤/۲؛ متوسطه ٪٤۲/۲؛ عالی ٪۷/۹

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۱۷،٦٤٥ نفر(هر ۸٤۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۳۱،۰۰۰ تخت (هر ٤۷۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱٦،۰۰۰ نفر (٪۰/۲۰ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲٦/٥ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۸٤٤ کالری (٪۱۱۷ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷۷ گرم؛ مصرف چربی: ۸۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/۱ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/٤

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۳/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤۸/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۳/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۲٦ (سی و هشتمین کشور جهان)

در نواحی مرزی شیلی و پرو و بولیوی به جنگ میان کشورهای مزبور منجر شد و گفتگوها و مجادلات لفظی میان طرفین ۱۵ سال به درازا کشید و در سال ۱۸۷۹ به جنگ معروف پاسیفیک که تا سال ۱۸۸۴ به درازا کشید، منجر شد. به موجب قرارداد صلحی که بین طرفین منعقد گردید، ایالت مورد اختلاف تاراپاکا به شیلی واگذار شد. در سال ۱۸۸۶ خوزه مانوئل بالماسدا به ریاست جمهوری انتخاب گردید. وی در توسعهٔ اقتصادی و رشد صنایع ملّی و مبارزه با اولیگارشی و رشد اجتماعی تلاش فراوان کرد ولی سرانجام در مقابل نفوذ اشراف و ثروتمندان بزرگ که از سوی انگلستان حمایت می‌شدند، وادار به تسلیم شد و در سال ۱۸۹۱ به سفارت آرژانتین پناهنده گردید و مجلس رأساً به ادارهٔ کشور پرداخت.
در سال ۱۹۰۴ اختلافات مرزی با آرژانتین برطرف گردید و به تبرک و یمن صلح و دوستی، مجسمهٔ معروف «مسیح کوه‌های آند» بر فراز کوههای آند و گردنهٔ اوسپایاتا نصب گردید.
در انتخابات سال ۱۹۲۷ کارلوس ایبانیث دل کامپو به ریاست جمهوری برگزیده شد و با استبداد تمام به حکومت پرداخت. وی در شورش عمومی سال ۱۹۳۱ از کار برکنار شد و به آرژانتین گریخت. روی کار آمدن دولت جدید نیز از ناخرسندیهای عمومی نکاست و شورش همچنان ادامه یافت و حتی افسران و نظامیان نیز به شورشیان پیوستند ولی دولت به سرعت بر اوضاع مسلط شد و شورشیان را سرکوب کرد. در اواخر سال ۱۹۳۱ و اوایل سال ۱۹۳۲ اعتصابات و ناآرامی‌ها مجدداً کشور را در بر گرفت و رژیم را در ژوئن ۱۹۳۲ سرنگون کرد و در انتخابات ۱۹۳۲ آرتورآلساندری به ریاست جمهوری منصوب گردید. وی در سال ۱۹۳۸ جای خود را به آگیره سردا از جبههٔ ملی شیلی واگذار کرد. سردا در سال ۱۹۴۱ درگذشت، در طول زمامداری خود در امور مختلف دست به اصلاحات زد و بر ثروت کشور افزود. در سال ۱۹۴۵ شیلی به سازمان ملل متحد پیوست و در ۱۹۴۶ گونزاس ویدلا به ریاست جمهوری رسید. طی سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ شیلی با بحران‌های اقتصادی روبرو شد و اعتصابات بزرگی به تحریک کمونیست‌ها در کشور برگزار شد. در سال ۱۹۴۸ حزب کمونیست غیرقانونی اعلام شد. در ۱۹۵۲ ژنرال کارلوس ایبانیث دل کامپو برای بار دیگر عهده‌دار ریاست جمهوری گردید. وی نخست خود را به کمونیست‌ها نزدیک کرد و بعدها سیاست میانه‌روی پیشه گرفت. در انتخابات دسامبر ۱۹۵۸ خورخه آلساندری از سوی محافظه‌کاران به ریاست جمهوری رسید و تا سال ۱۹۶۴ که عهده‌دار مقام مزبور بود با استبداد و خشونت تمام حکومت کرد.
در سال ۱۹۶۴ ادواردو فری مونتا لوآ از حزب دموکرات مسیحی به ریاست جمهوری رسید و حزب او اکثریت پارلمان را به دست آورد. وی در طول زمامداری خود به امریکاییان خیلی نزدیک شد و قراردادهای استعماری فراوانی با آنان منعقد نمود و معدنچیان اعتصابی را سرکوب کرد و گروه کشورهای آند را که از شیلی، پرو، اکوادور، کلمبیا و ونزوئلا ترکیب می‌یافت، تأسیس نمود.
در زمین‌لرزه و ریزش فراوان برف و باران سال ۱۹۶۵، جمعیت کثیری کشته و بی‌خانمان شدند و کشتزارهای وسیعی نابود گردید. کودتای نظامی سال ۱۹۶۹ سرکوب شد و حزب دموکرات مسیحی در انتخابات پارلمانی با اکثریت ناچیزی برنده شدند.
در انتخابات سال ۱۹۷۰ سالوادور آلنده به نمایندگی از ائتلاف احزاب اتحاد ملی، سوسیالیستها، کمونیستها، جنبش خلق شیلی و چپ مسیحی برنده اکثریت شد و به ریاست جمهوری رسید. وی بخشهای استراتژیک اقتصادی و معادن مس، بانکهای خصوصی و شرکتهای بیگانه را ملی کرد و کشاورزی را اشتراکی نمود و روابط خود را با کشورهای کمونیست توسعه داد و به همین انگیزه ضد انقلابیون که از سوی امریکا و حزب دموکرات مسیحی حمایت می‌شدند، علیه وی به توطئه‌چینی پرداختند. تورم را بالا بردند، جلوی توزیع کالاهایی را که مورد نیاز عموم بود، گرفتند. اختلافات درونی را دامن زدند و سرانجام در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ ژنرال آگوستینو پینوشه وزیر دفاع دولت آلنده دست به کودتا زد و با بمباران کاخ ریاست جمهوری و کشته شدن سالوادور آلنده، قدرت را در دست گرفت.
پینوشه مردم بسیاری را به بهانهٔ هواداری از آلنده بدون محاکمه اعدام کرد. شمار بسیاری را به اردوگاههای کار اجباری فرستاد و عدهٔ بی‌شماری را شکنجه کرد و یا سربه‌نیست نمود و بدینسان خودکامه‌ترین حکومت نظامی امریکای جنوبی را که ظاهراً از تز امنیت ملّی امریکا تبعیت می‌کرد و از سوی اشراف و طبقهٔ مرفه جامعهٔ شیلی و همچنین شرکتهای بین‌المللی که منافع خود را در دوران کوتاه حکومت آلنده از دست داده بودند و یا در خطر می‌دیدند، حمایت می‌شد، بر سر کار آمد. در دوران حکومت پینوشه از مخالفان آلنده اعادهٔ حیثیت گردید و در عوض شمار زیادی از مردم شیلی به سفارتخانه‌های بیگانه پناه بردند و یا به نحوی از میهن خویش گریختند و روابط شیلی با بسیاری از کشورها مانند فیلیپین و بولیوی قطع گردید. در همه‌پرسی فرمایشی سال ۱۹۸۰ پینوشه به مدت ۸ سال دیگر در مقام خود ابقاء گردید.
در سال ۱۹۸۱ در پی دستگیری دو جاسوس آرژانتینی، روابط سیاسی شیلی و آرژانتین تیره شد و تظاهرات فراوانی در کشور به ویژه در میان معدنچیان به وقوع پیوست که سرکوب گردید.
طی سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵ تظاهرات وسیعی علیه پینوشه انجام شد که به وسیلهٔ پلیس بطور وحشیانه سرکوب گردید، مع‌الوصف آزادیخواهان و انقلابیون شیلی از پای ننشستند و به مبارزهٔ مسلحانه علیه حکومت پینوشه ادامه دادند که مهمترین آنها سوء قصد به جان پینوشه در هفتم سپتامبر ۱۹۸۶ بود. در سال ۱۹۸۶ دولت شیلی از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد متهم به لغو حقوق شهروندان شیلیایی شد. سرانجام انتخابات ۱۴ دسامبر ۱۹۸۹ به حکومت پینوشه خاتمه داد وپاتریسیو آیلوین از حزب دموکرات مسیحی به ریاست جمهوری رسید و از ۱۱ مارس ۱۹۹۰ رسماً شروع به کار کرد. آیلوین در برنامهٔ کار خود رسیدگی به وضع مفقودین دوران حکومت پینوشه را تعهد نمود و کمیسیونی که به این منظور تشکیل شد، شمار مفقودین را ۲۲۹ ,۲ نفر اعلام داشت و مرگ آنان را محتمل دانست. در دوم آوریل سال ۱۹۹۱ جیم گوسمن مشاور امنیتی و تئوریسین رژیم پینوشه به قتل رسید.
انتخابات سال ۱۹۹۳ ادواردو فری از حزب دموکرات مسیحی را به ریاست جمهوری رسانید. وی در ۱۱ مارس ۱۹۹۴ زمام امور کشور را رسماً در اختیار گرفت و در اکتبر ۱۹۹۶ شیلی رسماً به پیمان مرکوسور پیوست.
تظاهرات معدنچیان شیلی در مه ۱۹۹۷ که با همکاری حزب کمونیست شیلی در شهر سانتیاگو برگزار شد، با خشونت تمام سرکوب گردید. در اکتبر سال ۱۹۹۸، آگوستینو پینوشه در سفری به لندن، به درخواست یکی از قضات اسپانیا به اتهام شکنجه و قتل اتباع اسپانیا در شیلی، در طی زمامداری خود، دستگیر شد و این مسئله تا مدت‌ها فضای سیاسی شیلی را تحت تأثیر قرار داد. سرانجام در ماه مارس سال ۲۰۰۰، دولت انگلیس به بهانهٔ کهولت سن و بیماری پینوشه از تحویل وی به دولت اسپانیا خودداری نموده و او را آزاد نمود. در همین سال مصونیت سیاسی پینوشه لغو شد و دادگاههایی برای رسیدگی به شکایات آسیب‌دیدگان از حکومت ۱۷ سالهٔ وی تشکیل گردید، در انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۱، ائتلاف هماهنگی متشکل از دو حزب عمدهٔ دموکرات مسیحی و سوسیالیست و چندین حزب کوچکتر، اکثریت دور قبل خود را با نتایج ضعیف‌تری حفظ کرد.

صحرا SAHARA

کشور صحرا در شمال غربی قارهٔ افریقا و در ساحل خاوری اقیانوس اطلس واقع است و از شمال به کشور مغرب، از شمال خاوری به کشور الجزایر و از خاور و جنوب به کشور موریتانی و از غرب به اقیانوس اطلس محدود است. این کشور که سراسر آن را تقریباً دشت و بیابان فرا گرفته به دو قسمت ساقیةالحمراء در شمال و ریودواورو یا وادی‌الذهب در جنوب تقسیم می‌گردد. بلندترین نقطهٔ این سرزمین ۸۰۵ متر ارتفاع دارد و فاقد رودخانهٔ دائمی و مهمی است. اقلیم آن گرم و خشک و کم‌باران است و ذخایر ماهی و منابع دریایی بزرگی در سواحل آن وجود دارد. پرورش شتر و بز و همچنین ماهیگیری از مهمترین منابع درآمد مردم این سرزمین است و فسفات عمده‌ترین ذخایر زیرزمینی آن به شمار می‌آید.





نام رسمی: جمهوری دموکراتیک عربی صحرا

نام محلی: الجمهوریةالصحراویةالدیمقراطیةالعربیة

اسامی دیگر: صحرای اسپانیا، صحرای غربی (اسامی سابق)

پایتخت: العیون (۱٦٤،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۷٦/۲/۲۷ ، از اسپانیا

روز ملی: ۲۷ فوریه، روز جمهوری

نوع حکومت: جمهوری، در تبعید، از سال ۱۹۷٦

رئیس حکومت: رئیس جمهور: محمد عبدالعزیز ، از سال ۱۹۸۲

رئیس دولت: نخست‌وزیر: بوکرایه حمودی بایون، از سال ۱۹۹۹

قوه مقننه: مجلس ملی با ٤٥ عضو که در تبعید (در کشور الجزایر) تشکیل می‌شود. جبههٔ خلق برای آزادی ساقیةالحمراء و ریو د اورو (جبهه پولیساریو) که در بر گیرنده تمام جناح‌ها و سازمان‌های سیاسی صحرا است، ادارهٔ امور کشور را به عهده دارد.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان وحدت افریقا

جمعیت

مساحت: ۲۸٤،۰۰۰ کیلومترمربع (هفتادودومین کشور جهان)

جمعیت: ۲۹۸،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و شصت و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۱-۱۹۹٦):** ٪۲/٤

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۳۵۷،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۷): ٪۲۱/۱

توزیع سنی: ؟

توزیع جنسی : ؟ — **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان:٥۱/۳ سال؛ مردان: ٤۸/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ٤٥/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۱٦/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۱۳۳/٦ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۲۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ٦/٦ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت: عرب، بربر، حسانی، طوارق

دین: مسلمان سنی

زبان و خط: حسانیه، عربی (زبان‌های رسمی)؛ اسپانیایی، فرانسه؛ خط: عربی و لاتین

شهرهای مهم: داخله، سماره، بوجدور، بوکراع

بنادر مهم: العیون، داخله (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: ؟

درآمد بودجه: ؟

هزینه بودجه: ؟

تولیدناخالص داخلی(۱۹۹۹): ٦۰ میلیون دلار — **سرانه‌تولیدناخالص‌داخلی(۱۹۹۹):** ۳۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی: ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی: ؟ — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی : ؟

کاربری زمین: ؟

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): گوسفند ۲۹،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی:** ؟

تولید مرغ: ؟ — **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی: ؟

انرژی/میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۷): ۸۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۸۷،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: ؟

توزیع نیروی کار: ؟

نیروی دفاعی: ؟

واردات: ؟

صادرات: ؟

تراز بازرگانی: ؟

شاخص قیمتها و درآمدها: ؟

ویژگیهای خانوار : ؟

جهانگردی: ؟

راه: ٦،۲۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ؟

تعداد اتومبیل: ٦،۲۸٤ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ٤۲٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ؟ — **فرودگاه:** ۱ فرودگاه

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٥٦،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۱۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹٦): ٦،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن: ؟

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٥)	٤۰	۹۲٥	۳۲،۲٥۷	۳٤/۹
متوسطه	۱۳	۱،۲٦۷	۱۰،٥٤۱	۸/۳
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	۱،۲۲۲	؟
عالی	–	–	–	–

میزان باسوادی: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۱۰۰ نفر (هر ۲،٥۰٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان : ؟

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی: ؟

تاریخچه

نواحی غربی صحرا از سدهٔ پنجم به وسیلهٔ مورها، طوارق و توبوس‌ها مسکون گردید. در سدهٔ سیزدهم میلادی شمار قابل توجهی از مردمان یمن به این سرزمین مهاجرت کردند و همراه با دیگر اقوام طایفه‌ای را به وجود آوردند که در سدهٔ هجدهم به اهل‌الساحل معروف گردید. در سدهٔ پانزدهم استعمارگران پرتغالی به آنجا وارد شدند و از آن بعنوان پایگاهی برای تجارت برده و کائوچو استفاده کردند. در اوایل سدهٔ هجدهم اسپانیایی‌ها آنجا را تصرف کردند تا از آنجا به مراقبت و کنترل جزایر قناری (کاناری) بپردازند. اسپانیایی‌ها تا سال ۱۸۸۴ فقط به تصرف ویلاسیسنروس (داخلهٔ مرزی) اکتفا کرده بودند ولی از آن به بعد تقریباً بر سرتاسر نوار ساحلی تسلط یافتند و آن را به صحرای اسپانیا موسوم نمودند. در سال ۱۹۰۴ مرز صحرا طی قراردادی با فرانسه تعیین گردید ولی هیچگاه از سوی بومیان آن به رسمیت شناخته نشد و زندگی قبیله‌ای و چادرنشینی آنان حد و مرزی نمی‌شناخت. در سال ۱۸۹۵ شیخ ماءالعینی، استحکامات سماره را بنا نهاد و با حمایت سلطان مغرب با حضور اسپانیایی‌ها و فرانسوی‌ها در منطقه به مخالفت و جنگ پرداخت.

در سال ۱۹۱۰ سلطان مغرب زیر فشار فرانسوی‌ها از حمایت انقلابیون دست کشید و آنان را که دامنهٔ فعالیتشان به مغرب کشیده شده بود و حتی امنیت مغرب را نیز تهدید می‌کرد، به حال خود رها کرد و فرانسوی‌ها هم طی عملیاتی که از ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۰ به درازا کشید، مقاومت انقلابیون را درهم شکستند و استحکامات سماره را ویران کردند. در سال ۱۹۳۳ انقلابیون به رهبری محمدالمأمون فرانسوی‌ها را در یکی از عملیات نظامی شکست دادند و دامنهٔ نبرد و تعقیب انقلابیون تا الجزایر و موریتانی و مغرب گسترش یافت. فرانسویان با تسخیر واحه تندوف که قرارگاه مرکزی انقلابیون محسوب می‌شد، آنان را کاملاً زمین‌گیر نمودند و سرانجام نیروهای اسپانیایی نیز با تصرف سماره و غلبه بر انقلابیون تسلط خود را بر منطقهٔ صحرا تکمیل نمودند. با کشف منابع نیترات بر اهمیت منطقه افزوده شد و العیون مرکزیت یافت و به بندر صدور فسفات مبدل شد و دولت فرانکو نیز ۱۶۰ میلیون دلار در معادن فسفات صحرا سرمایه‌گذاری کرد و بیش از پیش بر رونق اقتصادی این سرزمین افزود. در ۱۹۵۹ العیون فقط ۶,۰۰۰ تن جمعیت داشت در حالی که جمعیت آن در ۱۹۷۴ به حدود ۲۸,۰۰۰ نفر رسید و درصد جمعیت بادیه‌نشین از ۹۰ درصد به ۱۶ درصد کاهش یافت.

در ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد به اسپانیا توصیه کرد که میزان علاقمندی ساکنان صحرا را نسبت به حقوق خود طی یک همه‌پرسی مورد ارزیابی قرار دهد. در پی این توصیه تظاهرات وسیعی در صحرا به وقوع پیوست و در دهم مه ۱۹۷۳ جبههٔ پولیساریو به رهبری والی مصطفی سیّد موجودیت خود را اعلام داشت و دولت اسپانیا را ناگزیر به برگزاری یک همه‌پرسی برای اعطای خودمختاری به صحرا نمود.

دولتهای مغرب و موریتانی که نسبت به صحرا ادعای مالکیت داشتند از این فرصت استفاده نمودند و ادعا کردند که صحرا به لحاظ وابستگی‌های فرهنگی و قومی جزئی از کشور آنها است. کمیسیون سازمان ملل متحد که به حل این مسئله مأمور شده بود رأی به برگزاری همه‌پرسی داد که عملی نشد و به دنبال آن طی یک موافقت‌نامهٔ سه جانبه که میان اسپانیا و مغرب و موریتانی منعقد گردید، ادارهٔ امور صحرا به کشورهای مغرب (مراکش) و موریتانی واگذار شد و حدود دوسوم صحرا به مغرب و حدود یک سوم دیگر به موریتانی داده شد. جبههٔ پولیساریو که خود را تنها نمایندهٔ مردم صحرا می‌دانست با این نظریه مخالفت کرد و قسمتهای شمالی صحرا از زمین و هوا مورد حملهٔ ارتش مغرب قرار گرفت. طی این عملیات شمار زیادی از مردم صحرا کشته شدند و بیشتر شهرهای شمالی از سکنه خالی شد و مردم بی‌خانمان و آواره در صحرا سرگردان شدند و گروه کثیری به کشورهای مجاور مانند الجزایر پناه بردند و نیروهای پولیساریو موقتاً شروع به عقب‌نشینی کردند.

در فوریه ۱۹۷۶ اسپانیایی‌ها صحرا را ترک کردند و به دنبال آن پولیساریو استقلال و موجودیت جمهوری دموکراتیک عربی صحرا را اعلام داشت. استقلال صحرا که از سوی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده بود از سوی مغرب و موریتانی رد شد و نیروهای مسلح پولیساریو رودر روی آنان قرار گرفت. در نبرد میان جبههٔ پولیساریو و موریتانی، جبههٔ پولیساریو پیروزیهایی به دست آورد و شهر نواکشوت پایتخت موریتانی را رسماً مورد حمله و تهدید قرار داد و نیمی از آن را به تصرف خود درآورد. هرچند در این عملیات والی مصطفی سیّد رهبر پولیساریو کشته شد ولی آنها توانستند موجودیت خود را ثابت کنند و حملات بسیاری را علیه اشغالگران مغربی تدارک ببینند.

جنگ پولیساریو و موریتانی خسارات سنگینی بر بودجه ناتوان موریتانی وارد کرد و صدور سنگ آهن موریتانی به خارج را که زیربنای اقتصادی آن کشور محسوب می‌گردید، متوقف نمود و دولت موریتانی را از نظر اقتصادی به شدت در تنگنا قرار داد. کودتای موریتانی در سال ۱۹۷۸ به بهبود روابط پولیساریو و موریتانی منجر شد و میان آنها آتش‌بس برقرار گردید و موریتانی نیز نیروهای خود را از صحرا فرا خواند و حکومت و استقلال صحرا را به رسمیت شناخت و مغرب را در مقابل نیروهای پولیساریو تنها گذاشت. نیروهای مغرب برای تصرف نواحی تحت اشغال موریتانی به سوی جنوب حمله بردند و شهر داخله را تصرف کردند. پیروزیهای پولیساریو در جنگ با موریتانی به شناسایی و شرکت آن در اجلاس ژوئن سال ۱۹۸۰ سازمان وحدت افریقا منجر شد و ۲۶ کشور افریقایی قانونی بودن جبههٔ مزبور را به عنوان نمایندهٔ صحرای غربی به رسمیت شناختند و ماه بعد سازمان ملل متحد نیز طی اعلامیه‌ای از مغرب خواست تا نیروهای خود را از صحرا فراخواند.

مغرب در پاسخ سازمان ملل متحد به احداث استحکاماتی که با میدانهای مین و توپخانه حفاظت می‌شد دست زد و اولین دیوار دفاعی را که از مرز شروع می‌شد و پس از دور زدن سماره به دریا ختم می‌گردید و معادن فسفات بوکراع را در بر می‌گرفت، در سال ۱۹۸۲ ایجاد نمود. قسمتهای شمالی صحرای غربی را از دیگر نواحی آن جدا کرد. متعاقب آن دومین دیوار که درازای آن به ۲,۵۰۰ کیلومتر می‌رسید و از مرز مغرب در شمال تا حوالی مرز موریتانی در جنوب ادامه می‌یافت و سه‌چهارم صحرای غربی را به مغرب پیوند می‌داد، نیز ساخته و آمادهٔ بهره‌برداری گردید. اگرچه سیاست دولت مغرب در مورد صحرای غربی از سوی فرانسه و امریکا حمایت شد، ولی در مقابل، این کشور وجههٔ بین‌المللی خود را از دست داد و در عوض جبههٔ پولیساریو در سال ۱۹۸۵ رسماً به عضویت سازمان وحدت افریقا درآمد و ۶۷ کشور جهان استقلال صحرا را به رسمیت شناختند و کشور مغرب نیز در واکنش به آن از عضویت در سازمان وحدت افریقا استعفاء داد. در سال ۱۹۹۰ دولت مغرب تحت فشار سازمان ملل متحد و توصیهٔ دیگر کشورها نتیجهٔ همه‌پرسی بر اساس جمعیت مردم بومی صحرا در سال ۱۹۷۴ را مورد قبول قرار داد.

در ۲۹ آوریل ۱۹۹۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد طرح صلح صحرا را تصویب کرد و از ششم سپتامبر ۱۹۹۱ به مورد اجرا گذارد و قرار شد همه‌پرسی در ژانویهٔ ۱۹۹۲ برگزار شود. به دنبال این تصمیم دولت مغرب هزاران شهروند مغربی را به صحرا گسیل داشت تا بافت جمعیتی این سرزمین را به نفع مهاجران مغربی تغییر دهد. آتش‌بس به دست فراموشی سپرده شد و روزنامه‌نگاران بازداشت شدند و ناظران بین‌المللی نیز مورد بی‌احترامی و توهین و حتی بازداشت قرار گرفتند. نمایندهٔ سازمان ملل متحد (یوهانس منز) در دسامبر ۱۹۹۱ در اعتراض به رفتار دولت مغرب و مصالحه و چشم‌پوشی بیش از اندازهٔ خاویر پرز دکوئیار، دبیرکل سازمان ملل متحد از مقام خود استعفاء داد. بدینسان طرح صلح صحرا و برگزاری همه‌پرسی موقتاً کنار گذارده شد و بیم آن می‌رفت که جنگ میان پولیساریو و مغرب دوباره آغاز گردد. با روی کار آمدن کوفی عنّان به سمت دبیرکلی سازمان ملل متحد (آغاز سال ۱۹۹۷) وضع تا اندازه‌ای دگرگون شد و دبیر کل جدید حمایت دولت امریکا را در حل مسئلهٔ صحرا خواستار شد و جیمز بیکر وزیر امور خارجهٔ پیشین امریکا را به سمت نمایندهٔ رسمی خود در امور صحرا تعیین نمود.

گفتگوهای مکرر هر دو طرف در شهرهای لندن و لیسبون و فشارهایی که از سوی مجامع بین‌المللی مختلف بر مغرب وارد گردید، مغرب را به موافقت در برگزاری همه‌پرسی در هفتم دسامبر ۱۹۹۸ وادار نمود. در ۱۳ آوریل ۱۹۹۸ دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام داشت که برقراری صلح و برگزاری همه‌پرسی در صحرا به دلیل پافشاری دولت مغرب برای شرکت دادن ۱۲,۰۰۰ مغربی در همه‌پرسی با اختلال روبرو شده و روندی کند و غیر قابل قبول داشته است و تبلیغات علیه شرکت ناظران سازمان ملل متحد در همه‌پرسی شدت گرفته و شناسایی هویت رأی‌دهندگان مزید بر علت شده و آیندهٔ مبهمی را تصویر کرده است. به هر حال علاوه بر این که این رفراندوم برگزار نگردید، رفراندوم دیگری نیز که برای سال ۲۰۰۰ در نظر گرفته شده بود به تأخیر افتاد. طرح صلح جدید جیمز بیکر که در ماه ژوئن سال ۲۰۰۱ ارائه شد، از سوی پولیساریو مورد تأیید قرار نگرفت، زیرا این طرح مقرر می‌کرد که یک حکومت خودمختار تحت حاکمیت دولت مغرب به مدت ۵ سال ادارهٔ امور را در دست داشته باشد و پس از آن برای تعیین سرنوشت آن رفراندوم برگزار گردد. در ماه نوامبر همین سال، پادشاه مغرب، محمد چهارم، به نشانهٔ تأکید بر حاکمیت مغرب بر صحرا، از این سرزمین دیدن کرد.

عراق IRAQ

کشور عراق در غرب آسیا جای دارد و از شمال به ترکیه، از خاور به ایران، از جنوب به خلیج فارس و کویت و عربستان سعودی، از جنوب غربی به عربستان و از غرب به اردن و سوریه



نام رسمی: جمهوری عراق

نام محلی: العراق

اسامی دیگر: عراق عرب، عراقان، عراقین، سواد، سورستان (اسامی سابق)

پایتخت: بغداد (۴،۴۷۸،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۳۲/۱۰/۳ ، از انگلستان

روز ملی: هفدهم ژوئیه ، سالروز انقلاب در سال ۱۹۶۸

نوع حکومت: جمهوری چندحزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: صدام حسین التکریتی، از سال ۱۹۷۹

رئیس دولت: رئیس جمهور: صدام حسین التکریتی، از سال ۱۹۹۴

قوه مقننه: قانون اساسی موقت در سال ۱۹۶۸، آخرین تغییرات ۱۹۹۵؛ مجلس ملی با ۲۲۰ عضو انتخابی و ۳۰ عضو انتصابی رئیس جمهور به مدت ٤ سال: کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۶۶)؛ حزب سوسیالیستی عربی بعث ۱۶۰ کرسی، منفردین ۶۰ کرسی (اگرچه به طور رسمی فعالیت احزاب آزاد است، اما عملاً فقط حزب بعث امکان فعالیت دارد.)

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، ایدب، اوپک، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ٤۳۸،۳۱۷ کیلومترمربع (پنجاه و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۳،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهل و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۲/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۸٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٤۱ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۵ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۵/۹٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۳/۷٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ٤۲/۱٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۳۰/٤٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۳٪ ؛ بالای ۶۰ سال ٤/۵٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۵۰/۸۶٪؛ زن ٤۹/۱٤٪ — **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ۶۷/۶ سال؛ مردان ۶۵/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۳۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۶/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۶۲/۵ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۲۸/۶ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: پیش از جنگ سال ۱۹۹۰، عمده‌ترین دلایل مرگ و میر عبارت بود از: بیماریهای دستگاه گردش خون، صدمه و مسمومیت، سرطان و ناهنجاریهای مادرزادی. پس از ۱۹۹۰، به علت فقدان خدمات بهداشتی مناسب و سوء تغذیه‌ای که در اثر اعمال تحریم‌های سازمان ملل متحد دراین کشور بروز کرده است، میزان مرگ و میر کودکان و اقشار آسیب‌پذیرآن بیشتر شده است.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ٤/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۲): ۷/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): عرب ۷۷/۱٪؛ کرد ۱۹٪؛ آذربایجانی ۱/۷٪؛ آسوری ۰/۸٪ ؛ بقیه ۱/٤٪

دین(۱۹۹٤): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان شیعه ۶۲/۵٪؛ مسلمان سنی ۳٤/۵٪؛ مسیحی ۲/۷٪؛ بقیه ۰/۳٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۰): بصره ۶۱۶،۷۰۰ نفر؛ موصل ۵۷۱،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۸۵): اربیل ۳۳۳،۹۰۰ نفر؛ سلیمانیه ۲۷۹،٤۰۰ نفر؛ نجف ۲٤۲،۶۰۰ نفر؛ حله ۲۱۵،۳۰۰ نفر؛ کربلا ۱۸٤،۶۰۰ نفر

بنادر مهم: بصره، در کنار اروندرود (شط‌العرب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دینار عراق (ID)= ۱۰۰۰ فلس، یک دلار= ۳/۱۲ دینار؛ یک دینار = ۲،۵۶٤/۱ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۲): ۱۳،۹۳۵ میلیون دینار عراق

هزینه بودجه(۱۹۹۲): ۱۳،۹۳۵ میلیون دینارعراق

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۶): ۱۱،۵۰۰ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۶):** ۵٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۶-۱۹۹۵): ۱۵-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۱): کشاورزی ۲۶٪؛ صنعت ۱۰٪؛ خدمات ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸):؟

بدهی خارجی(۱۹۹٤): ۲۰،۰۰۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۱۱۵/۵ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی (۲۰۰۰): خرما ۵٤۰،۰۰۰ تن، گندم ۳۸٤،۰۰۰ تن،هندوانه ۳۸۰،۰۰۰ تن،گوجه‌فرنگی ۳۰۰،۰۰۰ تن پرتقال ۲۷۰،۰۰۰ تن؛ انگور ۲۷۰،۰۰۰ تن؛ جو ۲۲۶،۰۰۰ تن؛ طالبی ۱۹۵،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱۵۰،۰۰۰ تن؛ برنج ۱۳۰،۰۰۰ تن، خیار ۱۲۵،۰۰۰تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۱۳/۱٪؛ مرتع ۹/۱٪؛ جنگل ۰/٤٪؛ دیگر موارد ۷۷/٤٪

تعداد دام زنده(۲۰۰۰): گوسفند ۶،۱۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱،۱۵۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۷۷،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۲۲،۵۷٤ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۳،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۵): گوگرد ٤۷۵،۰۰۰ تن؛ سنگ فسفات ٤٤۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش افزوده به میلیون دلار): فرآورده‌های نفتی ۱۲۷؛ آجر، کاشی و سیمان ۱۰۰؛ مواد شیمیایی صنعتی ۷۹ ؛ مواد غذایی ۵۹ ؛ مصنوعات فلزی ۲۸

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۶): ۲۹،۶۶۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۲۹،۶۶۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: ۲۶۹،۲۶۷،۰۰۰ بشکه (۲۰۸،۶۷۱،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۲۳،۳۷۵،۰۰۰ تن (۲۲،۳۰۵،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۳،۲٤۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۳،۲٤۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۸۸): ٤،۱۲۷،۲۹٤ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲٤/۷٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶٤): ٤۵/۳٪؛ زنان (درسنین ۱۵ تا ۶٤): ۱۲٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱۲/۵٪؛ صنعت ۱۷/۶٪؛ خدمات ۶۱/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۸ تا ۲٤ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٤۲۹،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۱/۳٪؛ نیروی دریایی ۰/۵٪؛ نیروی هوایی ۸/۲٪؛ سرانه هزینه دفاعی (۱۹۹۷): ۵۹ دلار

واردات(۱۹۹۵): ۲/۵ میلیارد دلار؛ شامل فرآورده‌های کشاورزی ٤۲/۷٪ (از جمله حبوبات ۹/۹٪)؛ نامشخص ۵۷/۳٪؛ از اردن ٤۹٪؛ ترکیه ۱۷٪؛ مجارستان ۱۵٪؛ سوئیس ۸٪

صادرات(۱۹۹۵): ٤۱۹ میلیون دلار؛ بیشتر نفت خام و فرآورده‌های نفتی؛ به اردن ۹۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵
میلیون دلار	+۵،۵۸۷	-۱،۶۳۳	-۲،۱۹۹	-۱،۹۵۶	-۱،۵۱۸	-۲،۰۸۱
درصد کل	٪۳۶/۶	٪۶۶/۳	٪۷۳/۳	٪۶۸/۸	٪۶۶/۵	٪۷۱/۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶
شاخص قیمتهای مصرفی	۰/۲	۰/۶	۱/۷	۵/۲	۲۰	۱۰۰	۵۵۰
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار(۱۹۹۸) : میانگین اندازهٔ خانوار: ۸/۹ نفر؛ منابع درآمد: کار آزاد ۳۳/۹٪؛ دستمزد و حقوق ۲۳/۹٪؛ انتقالی ۲۳٪؛ اجاره ۱۸/۶٪؛ هزینه‌ها: غذا و نوشیدنی ۵۰/۲٪؛ مسکن و سوخت ۱۹/۹٪؛ پوشاک و کفش ۱۰/۶٪

جهانگردی(۱۹۹۵): درآمد: ۱۳ میلیون دلار؛ هزینه‌ها:؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ٤۷،٤۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲،۰۳۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۶۷۲،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۳۶۸،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱۳۱ فروند — **فرودگاه:** ؟

روزنامه: ٤ روزنامه در ٤۰۷،۰۰۰ نسخه (۲۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٤،۸۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۲۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۶): ۱،۷۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۸۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۶۷۵،۰۰۰ خط تلفن (۳۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۸،۱٤۵	۱٤۵،٤۵۵	۲،۹۰۳،۹۲۳	۲۰
متوسطه	۲،۶۳۵	۵۲،۳۹۳	۱،۰۳۷،٤۸۲	۱۹/۸
فنی و حرفه‌ای	۳۱۰	۹،۹۰۳	۱۲۲،۹۳۹	۱۲/٤
عالی	۱۲	۱۱،۸٤۷	۲۰۱،۹۸٤	۱۷

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۵۸٪؛ مردان: ۷۰/۷٪؛ زنان: ٤۵٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال(۱۹۸۷): ابتدایی ۲۱/۵٪؛ متوسطه ۱۱/۶٪؛ عالی ٤/۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۸،۷۸۷ نفر (هر ۲،۱۸۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): ۲۷،۲۰۲ تخت (هر ۷۰٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۲۵/۶ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٤۱۹ کالری (۱۰۰٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۶ گرم؛ مصرف چربی: ۷۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): صفر ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۹۱/۵ میلیون تن؛ هر نفر ٤/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۵۸۳ (صد و بیست و ششمین کشور جهان)

محدود است. کشور عراق سرزمینی است هموار و کم ارتفاع که کوهها و ارتفاعات آن در شمال قرار گرفته و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه حاجی ابراهیم با ارتفاع ۳۶۰۲ متر در همین منطقه جای دارد.
رودخانه‌های دجله و فرات و ریزابه‌های متعدد آنها چون زاب بزرگ و کوچک و دیاله آن را مشروب می‌سازند. دشت هموار و حاصلخیز میان رودخانه‌های دجله و فرات که بین النهرین یا مسوپوتامیا نام دارد، وسیع‌ترین نخلستانهای جهان را در نواحی جنوبی خود و در کرانه‌های شط العرب یا اروندرود جای داده است. بیابانهای خشک و بی حاصل غربی که از یک سو به بادیةالشام (صحرای سوریه)، و از سوی دیگر به بیابانهای شمالی عربستان (صحرای بزرگ نفوذ) منتهی می‌گردد، بخش وسیعی از این کشور را زیر پوشش خود قرار داده است.
قسمت عمدهٔ جمعیت عراق در نواحی مرکزی بین‌النهرین زندگی می‌کنند و کردها در کوهستانهای شمالی به سر می‌برند.
ویرانی‌های حاصل از جنگهای ایران و عراق و جنگ خلیج فارس، بخش عمده‌ای از اراضی مزروعی و نخلستانهای جنوبی این کشور را به نابودی کشانده و حرکت تانکها و نفرات نیروهای مسلح به راهها و پلهای این نواحی زیان فراوان رسانده و خطرات زیست محیطی مهمی را در مرزهای عربستان سعودی ایجاد نموده است.



تاریخچه

سرزمین امروزی عراق حدود چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح مهد تمدن سومری‌ها بود. سامی‌ها حدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد به این سرزمین مهاجرت کردند و تمدنهای با شکوه و مقتدری چون اکد، بابل، آشور و کلده را در آن مرز و بوم بنا نهادند. اعراب آن را بین‌النهرین، یونانی‌ها مسوپوتامیا (میان دورود) و ایرانی‌ها آن را سورستان می‌نامیدند. تا پیش از سدهٔ هفتم میلادی و قبل از ظهور اسلام بخشی از امپراتوری ایران بود و گاه میان قدرتهای بزرگ آن زمان، یعنی ایران و روم دست به دست می‌شد.
در سدهٔ هفتم میلادی، اعراب مسلمان بین‌النهرین را به مرکز امپراتوری بزرگ اسلام مبدل کردند. خلیفه منصور عباسی شهر بغداد را در کنار دجله بنا نهاد و شهر هزارویک‌شب را به پایتختی امپراتوری عباسیان برگزید و آن را به یکی از بزرگترین مراکز علم و فرهنگ آن زمان تبدیل کرد. با مرگ هارون‌الرشید از اهمیت و اقتدار عباسیان کاسته شد، نواحی شمالی افریقا و ایران دم از استقلال زدند و خود به دولتهای مستقل یا نیمه مستقل مبدل شدند. مغولها در سال ۱۲۵۸ میلادی آخرین خلیفه عباسی را به هلاکت رساندند و غالب آثار فرهنگ و تمدن بزرگ اسلامی را از بین بردند و کشتزارها را ویران کردند و سلجوقی‌ها، عثمانی‌ها، ترک‌ها، مغول‌ها، ترکمن‌ها، تاتارها و کردها هرکدام مدتی بر این سرزمین حکومت راندند. ترکان عثمانی در سدهٔ شانزدهم آنجا را به تصرف خود درآوردند و چندی بعد به دست تیمور لنگ و فرزندان او سپردند. در سدهٔ بیستم میلادی جنبشهای استقلال‌طلبی در این سرزمین شکل گرفت. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی انگلستان و فرانسه سرزمینهای عربی را میان خود تقسیم کردند. فیصل پسر حسین، شریف مکه، دمشق را تصرف کرد و سوریه را تحت سلطه و کنترل خود درآورد و خود را شاه سوریه نامید و عراق تحت سرپرستی انگلستان قرار گرفت و مراتب مورد تأیید جامعهٔ ملل نیز واقع شد و ملک فیصل ابن حسین به پادشاهی عراق منصوب گردید. در ۱۹۳۰ ژنرال نوری السعید به نخست‌وزیری عراق برگزیده شد و با امضای قرارداد اکتبر ۱۹۳۲ عراق را رسماً به استقلال رسانید.
پیمان بغداد عراق را همراه با کشورهای ترکیه، ایران، پاکستان، امریکا و انگلستان درجرگهٔ همکاریهای نظامی داخل نمود. کودتای نظامی ژوئیه ۱۹۵۸ به سرپرستی ژنرال عبدالکریم قاسم رژیم سلطنتی را در این کشور برانداخت و عراق را از پیمان نظامی بغداد خارج نمود. در سال ۱۹۵۹ عبدالکریم قاسم به نیت برقراری اتحاد میان سوریه و عراق دست به کار شد ولی با مخالفت حزب کمونیست عراق و دموکرات‌ها روبرو گردید. در ژوئیهٔ ۱۹۵۹ عبدالکریم قاسم کلیهٔ احزاب را تعطیل کرد و ادعا نمود که کویت متعلق به عراق است. اتحادیهٔ عرب به توصیهٔ مصر از انگلستان درخواست نمود که نیرو به منطقه اعزام دارد و منطقهٔ نفت‌خیز کویت را از دست‌اندازیهای عراق ایمن نماید. قاسم در پاسخ به اقدام مزبور روابط خود را با اتحاد شوروی و چین مستحکم نمود و اعلام داشت: که عراق را به کوبای دوم تبدیل خواهد کرد.
کودتای ژوئیهٔ ۱۹۶۸ قاسم را سرنگون کرد و حزب بعث را بر سر کار آورد. به دنبال آن، عراق کمپانیهای خارجی را ملی کرد و اعلام داشت که صنعت نفت را در خدمت مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی به کار خواهد گرفت.
در سال ۱۹۷۰ زبان کردی جنبهٔ رسمی پیدا کرد و به کردستان خودمختاری داخلی داده شد.
در مارس ۱۹۷۵ قرارداد مرزی میان ایران و عراق امضاء گردید و انقلابیون کرد سرکوب شدند.
در ژوئیه ۱۹۷۹ ژنرال حسن‌البکر رئیس جمهور عراق به سبب بیماری از کار کناره گرفت و معاونش صدام حسین جایگزین او گردید. صدام حسین که ادعای رهبری جهان عرب را داشت، قرارداد صلح ۱۹۷۹ کمپ‌دیوید را مورد حمله و انتقاد قرار داد و احساسات ملی‌گرایانهٔ مردم عراق را سخت برانگیخت و کشورهای سازشکار عرب را شماتت و سرزنش نمود و نیروهای نظامی خود را به سوی مرزهای ایران انقلابی گسیل داشت و جنگ بی‌سرانجام ۸ سالهٔ عراق علیه ایران را رهبری کرد، در طول جنگ تأسیسات نیروگاه‌های هسته‌ای عراق از سوی اسرائیل و از طریق هوا بمباران گردید و از سوی دیگر عربستان و کویت که از بنیادگرایی اسلامی ایران در وحشت افتاده بودند، پول فراوان در اختیار عراق قرار دادند تا علاوه بر تأمین هزینه‌های جنگی وضع اقتصادی خود را نیز سر و سامان دهد. خط لولهٔ نفت جدیدی از عراق به ترکیه کشیده شد تا در صورت قطع لوله نفت سوریه که با ایران همکاری می‌کرد مورد استفاده قرار گیرد.
در نوامبر ۱۹۸۴ در حالی که ۱۷ سال از قطع رابطهٔ عراق و امریکا می‌گذشت، روابط سیاسی میان آنها از سر گرفته شد. هنگام متارکهٔ جنگ ایران و عراق، ارتش عراق از اراضی متصرفی خود در ایران عقب‌نشینی کرد و طرفین به پشت مرزهای مورد توافق سال ۱۹۷۵ بازگشتند. در دوم اوت ۱۹۹۰ عراق به طمع دست‌اندازی ثروتهای نفتی کویت و تصرف کشور مزبور که از سالها قبل بر مالکیت آن ادعا داشت و در حالی که از قول بی‌طرفی دولت امریکا اغفال شده بود، به کشور کویت حمله برد و شهر کویت و مخازن نفتی آن را تصرف کرد و هزاران خارجی را به گروگان گرفت. چهار روز بعد سازمان ملل متحد اعلام داشت که چنانچه عراق از خاک کویت خارج نگردد، با محاصرهٔ اقتصادی و نظامی مواجه خواهد شد. دولت عراق به مخالفت با اعلامیهٔ سازمان ملل متحد برخاست و تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی برای رسیدگی به اوضاع خاورمیانه را پیشنهاد نمود که با مخالفت دولت امریکا روبرو گردید.
در ۱۷ ژانویهٔ ۱۹۹۱ اتحادیه‌ای مرکب از ۳۲ کشور به رهبری دولت امریکا به عراق حمله کرد و ارتش عراق را که زیر ضربات کوبندهٔ بمباران و پرتاب موشکهای هدایت شونده کنترل و سازمان خود را از دست داده بود، پس از حملهٔ زمینی ماه مارس، وادار به عقب‌نشینی از خاک کویت کرد. در این جنگ بین ۱۵۰،۰۰۰ تا ۲۰۰،۰۰۰ نفر که عمدتاً از غیر نظامیان عراقی بودند، کشته شدند و حدود ۷۰،۰۰۰ نفر دیگر که حدود بیست هزار نفرشان کودک بودند بر اثر تحریمهای همه جانبه تا پایان سال ۱۹۹۱ جان خود را از دست دادند و از سوی دیگر ارتشهای ترکیه و عراق کردهای مرزنشین را به شدت تحت فشار و تهدید قرار دادند. به موجب گزارش‌ها و اسنادی که از سوی سازمان دیده‌بان حقوق بشر خاورمیانه منتشر گردیده دولت عراق در عملیات جنگی علیه کردهای عراق از سلاح‌های شیمیایی استفاده نموده تا مگر آنان را به کلی نابود سازد. از جمله مواردی که سازمان مزبور به آن اشاره کرده است حملهٔ شیمیایی مارس ۱۹۸۸ حلبچه است که به مرگ ۵،۰۰۰ غیرنظامی کُرد منتهی شده است.
در پایان سال ۱۹۹۱ دولت عراق به بازرسان تسلیحاتی اجازه داد تا مراکز نظامی کشور مزبور را مورد بازرسی قرار دهند. گزارش بازرسان در ۱۹۹۲ نشان داد که عراق از پروژهٔ غنی‌سازی اورانیوم بهره‌مند است و در این راه از فن‌آوری آلمان استفاده کرده است و دارای سلاح‌های شیمیایی و تأسیسات هسته‌ای است.
در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ ارتش امریکا هدفهای نظامی و کارخانه‌های تسلیحاتی ارتش عراق را با موشک هایی چند هدف گرفت و نیروهای عراقی را در مرز کویت بمباران کرد.
در مارس ۱۹۹۵ ارتش ترکیه به نواحی کردنشین عراق حمله کرد تا حزب کارگران کردستان را که از خاک عراق علیه امنیت ترکیه اقدام می‌کرد سرکوب نماید. انزوای بین‌المللی عراق در سال ۱۹۹۶ با دوری جستن اردن از صدام حسین و نزدیک شدن دولت مزبور به کویت و عربستان سعودی به اوج خود رسید. گزارش آوریل ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد گویای آن است که شمار کسانی که بر اثر گرسنگی حاصل از محاصرهٔ اقتصادی و نظامی عراق جان خود را از دست داده‌اند به حدود یک میلیون نفر می‌رسد که از این تعداد ۵۷۰،۰۰۰ نفرشان کودک هستند و ۲۵ درصد اطفال عراقی از سوء تغذیه و کمبود امکانات بهداشتی در معرض خطر مرگ قرار دارند.
در اکتبر ۱۹۹۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد دولت عراق را طی قطعنامه‌ای وادار نمود تا با بازرسی از تأسیسات نظامی و سازمانهای مشکوک به تولید و ذخیرهٔ سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای موافقت نماید. این پیشنهاد با مخالفت عراق به بهانهٔ حضور بازرسان امریکایی در هیئت بازرسی روبرو گردید و رئیس جمهوری امریکا را به تهدید نظامی عراق وادار کرد که

با وساطت کوفی عنّان دبیرکل سازمان ملل متحد و کسب مجوز بازرسی در مارس ۱۹۹۸ پایان یافت.
در طی سالیان اخیر، دولت عراق با ادامهٔ هرگونه بازرسی مأموران سازمان ملل متحد مخالفت کرده و خواستار پایان دادن به تحریم‌ها شده است. در حال حاضر، دولت عراق طبق برنامه نفت در مقابل غذا که توسط سازمان ملل بر آن تحمیل شده است، هر شش ماه یک بار مقدار معینی از نفت را به فروش می‌رساند و مصارف درآمد آن نیز با نظارت سازمان ملل میسر است.
پس از عملیات ۱۱ سپتامبر در امریکا، عراق تنها کشوری بود که با امریکا همدردی نکرد و امریکا هم اعلام نمود که پس از پاکسازی افغانستان از تروریست‌ها، نوبت حمله به عراق فرا خواهد رسید. در طی نیمهٔ اول سال ۲۰۰۲، تلاش‌های گسترده‌ای در میان دولتمردان امریکا در جریان بود تا چگونگی برخورد با عراق و در صورت لزوم حمله به آن کشور مورد بررسی قرار گیرد. سرانجام در میان اعتراضات و مخالفتهای گسترده جهانی، نیروهای امریکایی و انگلیسی خاک عراق را از نیمه شب بیستم ماه مارس ۲۰۰۳، از زمین وهوا مورد تهاجم قرار دادند و در نهم آوریل با سقوط شهر بغداد، رژیم عراق عملاً سرنگون گردید. در حال حاضر وضعیت حکومت در عراق، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

عربستان سعودی SAUDI ARABIA

کشور عربستان سعودی که در آسیای جنوب غربی جای گرفته و از نظر وسعت چهارمین کشور بزرگ قارهٔ آسیا است، حدود ۸۰ درصد شبه جزیرهٔ عربستان را شامل گردیده و از شمال به کشورهای اردن، عراق و کویت، از خاور به خلیج فارس، قطر و امارات متحدهٔ عربی، از جنوب خاوری به کشور عمان، از جنوب به یمن و از غرب به دریای سرخ محدود است. این سرزمین از دو کویر بزرگ نفوذ در شمال و ربع الخالی در جنوب که به وسیلهٔ فلات نجد از هم جدا می‌شوند، تشکیل یافته و رشته ارتفاعات عسیر و حجاز، در غرب، آن را از دریای سرخ



جدا می‌کند. کوههای سراة، جبل شمر و جبل طویق که حداکثر ارتفاع آنها در جبل سودا به ۳۱۳۳ متر می‌رسد، از مهمترین کوههای آن هستند.
اقلیم عربستان در نواحی ساحلی گرم و مرطوب و در سایر نواحی گرم و خشک و کم باران است و به همین مناسبت رودخانه‌های دائمی در آن وجود ندارد و دشت الاحساء تنها ناحیهٔ مزروعی آن است که عمدتاً به کشت گندم و خرما اختصاص یافته است. تأسیسات نفتی عربستان عمدتاً در حاشیهٔ خلیج فارس جای دارند و منبع درآمدهای عظیم ارزی این کشور را تشکیل می‌دهند. جنگ خلیج فارس به تأسیسات مزبور آسیب فراوان رسانید و حدود ۶۴۰ کیلومتر از جلگه‌ها و باتلاق‌های ساحلی بر اثر نشت مواد نفتی به شدت آلوده شد و هزاران ماهی و پرندگان مهاجر را از بین برد و زدایش آلودگی‌ها که با همکاری و هدایت سازمان ملل متحد صورت گرفت، ۴۵۰ میلیون دلار هزینه برداشت. برای تأمین آب تأسیسات عظیم کشاورزی که در دهه‌های اخیر احداث گردیده، به حفر چاههای عمیق اقدام شده که سطح آب آن مرتباً افت می‌کند و در یکی دو دههٔ دیگر با خطر قطعی خشکی روبرو خواهد شد.

تاریخچه

سامی‌ها از ادوار پیش از تاریخ در عربستان می‌زیسته‌اند و از حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد از عربستان به نواحی شمالی آن که هلال الخصیب نام داشت و همچنین به مصر مهاجرت کردند و به تربیت شتر و پرورش بز می‌پرداختند. ظهور دین اسلام در سدهٔ هفتم میلادی، شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی این سرزمین را دگرگون کرد و سراسر جزیرةالعرب، برای نخستین بار تحت لوای اسلام وحدت یافت. تصرف مصر به دست اعراب مسلمان سبب برقراری روابط اقتصادی و فرهنگی محکمی بین آن کشور و عربستان گردید. در زمان حضرت محمد (ص) مدینه مرکز خلافت اسلامی بود و در زمان ابوبکر، عمر و عثمان نیز این وضعیت حفظ شد. دردوران خلافت حضرت علی(ع)، مرکزیت خلافت به کوفه منتقل گردید و بدین ترتیب و از این پس پایتخت و مرکزیت دنیای اسلام در خارج از عربستان قرار گرفت. از سال ۶۹۲ میلادی (۷۳ هجری قمری) تا ۷۴۹ میلادی (۱۳۲ هجری قمری) عربستان تحت استیلای بنی‌امیه بود و مکّه از مراکز تبلیغات عباسیان علیه بنی‌امیه به شمار می‌آمد. عباسیان که پس از امویان به حکومت رسیدند حدود یک قرن بر عربستان فرمانروایی داشتند. در اواخر سدهٔ دوم هجری قمری (۸۰۵ میلادی) علویان در عربستان غربی قیام کردند. پس از وفات متوکل عباسی در سال ۸۶۰ میلادی برابر ۲۴۷ هجری قمری نفوذ عباسیان در عربستان رو به ضعف نهاد. در سال ۸۹۲ میلادی (۲۸۰ هجری قمری) یحیی‌ابن حسین سلسلهٔ زیدیه را تأسیس کرد و قرمطیان که شاخه‌ای از اسماعیلیه بودند در ۸۹۸ میلادی بر عربستان شرقی به حکومت پرداختند. آنان در ۹۲۸ میلادی (۳۱۷ هجری قمری) وارد مکه شدند و حجرالاسود را با خود بردند. قرامطه در سال ۱۰۷۶ میلادی (۴۷۰ هجری قمری) برافتادند.
در اواسط سدهٔ دهم میلادی علویان حسنی معروف به خاندان موسوی، منصب شریفی مکه را دایر کردند که حدود هزار سال دوام یافت. در سال ۱۰۶۲ میلادی (۴۵۵ هجری قمری) منصب شریفی در خاندان هاشمی مکه قرار گرفت. در سال ۱۲۰۰ میلادی (۵۹۸ هجری قمری) قتادةابن ادریس، سلسلهٔ شرفای متأخر مکه را تأسیس نمود.
در اوایل قرن پانزدهم میلادی مانع ابن ربیعه، نیای آل سعود، از قطیف به نجد مهاجرت کرد و در وادی حنیفه مستقر شد. از اواسط سدهٔ پانزدهم میلادی کشتیهای پرتغالی شروع به رفت و آمد در دریای سرخ کردند و آلبوکرک سردار پرتغالی بنادر غربی دریای عمان را در سال ۱۵۰۷ تصرف کرد و از آن تاریخ به بعد پای اروپاییان به منطقه باز شد. در اوایل سدهٔ چهاردهم میلادی عثمانیان متوجه عربستان شدند و سلطان سلیم اول در ۱۵۱۵ میلادی خود را خادم‌الحرمین الشریفین نامید. در سدهٔ هفدهم میلادی قدرت عثمانی‌ها به دلیل قدرت یافتن قبایل عرب در عربستان شرقی رو به زوال نهاد و سرانجام ترکان در ۱۶۳۵ میلادی به کلی از آنجا خارج شدند.
پیدایش کمپانی هند شرقی در ۱۶۰۰ میلادی پای سوداگران انگلیسی را به خلیج فارس و دریای سرخ باز کرد و آنان پرتغالی‌ها را از منطقهٔ مزبور بیرون راندند و با هلندی‌ها به رقابت پرداختند. در سدهٔ هجدهم محمدابن عبدالوهاب یا محمدابن سعود به حکومت شهر کوچک درعیه رسید. پس از او پسرش عبدالعزیزابن محمدابن مسعود کار او را ادامه داد و در ۱۷۸۷ میلادی (۱۲۰۲ هجری قمری) آیین وهابی در سرتاسر نجد رواج یافت. کشمکش نهضت وهّابی با شریف‌های مکّه به جنگی ۱۵ ساله منجر شد (۱۷۸۹ تا ۱۸۰۴ میلادی مطابق با ۱۲۰۵ تا ۱۲۲۰ هجری قمری) و طی آن سعودیها مکّه را تصرف کردند و به بسط قدرت و نفوذ خود پرداختند. از جنوب به یمن و حضرموت رسیدند، از شرق تا خلیج فارس و از شمال سوریه و عراق را نیز مورد تهدید قرار دادند. در سدهٔ نوزدهم میلادی (سدهٔ سیزدهم هجری قمری) دولتهای بیگانه به اعمال نفوذ در امور عربستان پرداختند. ابراهیم پاشا در ۱۸۱۷ (۱۲۲۳ هجری قمری) درعیه راتصرف کرد و اولین دولت سعودی را برانداخت. انگلیسی‌ها که از تحولات منطقه متوحش شده بودند علیه عربهای ناحیهٔ خلیج فارس و عمان به عملیات نظامی دست زدند و در ۱۸۳۷ میلادی (۱۲۵۴ هجری قمری) عدن را اشغال نمودند و در سواحل جنوبی و شرقی عربستان شروع به دست‌اندازی و اعمال نفوذ نمودند.



نام رسمی: پادشاهی عربستان سعودی

نام محلی: المملكةالعربيةالسعودية

اسامی دیگر: جزیرةالعرب

پایتخت: ریاض (۳،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۳۲/۹/۲۳، از انگلستان

روز ملی: بیست و سوم سپتامبر، روز اتحاد

نوع حکومت: سلطنتی مطلقه اسلامی، از سال ۱۹۳۲

رئیس حکومت: پادشاه: فهدبن‌عبدالعزیزالسعود، از سال ۱۹۸۲

رئیس دولت: پادشاه: فهدبن عبدالعزیزالسعود، ازسال ۱۹۸۲

قوه مقننه: اولین قانون اساسی عربستان سعودی که بر اساس شریعت اسلام تهیه شده است، توسط ملک فهد در سال ۱۹۹۲ اعلام گردید. مجلس شورا با ۹۰ عضو انتصابی پادشاه که ٤ عضو آن از شیعیان این کشور می‌باشند، فقط از نقش مشورتی برخوردار است. هیچ حزب سیاسی در عربستان سعودی اجازه فعالیت ندارد.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (١٩٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، شورای خلیج، ایدب، اوپک، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۲،۲٤۰،۰۰۰ کیلومترمربع (سیزدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۱،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصت و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۹/٦ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٣/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٤۰ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۲ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸٤/۷٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۳/۹٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ٤٢/٦٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۲/۸٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۰٪؛ بالای ٦۰ سال ٤/٦٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ۵۵/۳۳٪؛ زن ٤٤/٦٧٪ — **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ٦٦/١ سال؛ مردان ٦٩/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۳۷/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۲۰۰۰): ۵۲/۹ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۳۱/۵ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ٦/٣ — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(١٩٩٥): عرب سعودی ٦٦٪؛ اتباع خارجی ٣٤٪ (از جمله کارگران آسیای جنوبی ١٤٪؛ مصری حدود ۷٪)

دین(۱۹۹۲): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان سنی ۹۳/۳٪؛ مسلمان شیعه ۳/۳٪؛ مسیحی ۳٪؛ دیگر ادیان ۰/٤٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۲): جده ۲،۰٤٦،۳۰۰ نفر؛ مکه مکرمه ۹٦٥،۷۰۰ نفر؛ مدینه منوره ٦۰۸،۳۰۰ نفر؛ دمام ٤۸۲،۳۰۰ نفر؛ طائف ٤١٦،١٠٠ نفر

بنادر مهم: جده (ساحل دریای سرخ) و دمام (ساحل خلیج فارس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: ریال سعودی (SRls)= ۱۰۰ هلاله؛ یک دلار= ۳/۷۵ ریال؛ یک ریال سعودی= ۲،۱۳۳/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۷۸ میلیارد ریال سعودی؛ درآمد از نفت ۷۸/۵٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۹٦ میلیارد ریال سعودی؛ دفاع و امنیت ۳۹/۹٪؛ توسعه منابع انسانی ۲۳/۲٪؛ هزینه‌های اداری، انتقالی به شهرداری‌ها و یارانه ۲۰/۱٪؛ بهداشت و توسعه اجتماعی ۸/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ١٤٣،٣٦١ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٦،٩١٠ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳/۹٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ١/٦٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۷٪؛ صنعت ٤٧/٦٪؛ خدمات ٤٥/٤٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳۵- میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲،٤۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی: ؟ — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲٥/٤+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٢٦/٢٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ١/٤٪ ؛ ۱۹۹۸: ١٤-٪ ؛ ۲۰۰۰: ۲/۵٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): گندم ۱،۸۰۰،۰۰۰ تن؛ یونجه ۱،٤۰۰،۰۰۰ تن؛ خرما ٦۰۰،۰۰۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ٤٦٥،۰۰۰ تن؛ هندوانه ٤٦۰،۰۰۰ تن؛ جو ٤۰۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲۵۰،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۲۲۰،۰۰۰ تن؛ پیاز خشک ۲۱۰،۰۰۰ تن؛ انگور ۱۳۰،۰۰۰ تن؛ طالبی ۱۳۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۱٪ ؛ مرتع و چمنزار ۳۹٪ ؛ جنگل ۱٪ ؛ سایر موارد ۵۹٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۸،۰٤۲،۰۰۰ رأس؛ بز ٤،٤۰۰،۰۰۰ رأس؛ شتر ٤۲٥،۰۰۰ نفر

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٥٤،۰۱٥ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۳۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۳۲،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (١٩٩٥): گچ ۳۳۷،٥۷۳ تن؛ طلا ۸،۰۸۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(١٩٩٥): (ارزش افزوده به میلیون دلار): مواد شیمیایی صنعتی ۳،۰١٤ ؛ سیمان، شیشه و دیگر مواد معدنی غیر فلزی ۹٤۳؛ فرآورده‌های نفتی ۸۳۰؛ آهن و فولاد ٥٦١؛ مصنوعات فلزی ٥۸۹؛ غذا، نوشیدنی و دخانیات ٤۹۳؛ مواد پلاستیکی ۲۲۱

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱۰٤،۱۱۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۰٤،۱۱۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام (۱۹۹۹): ۲،٦۷۳،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ٦۳٥،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹٦): ۹۷،۳۱۱،۰۰۰ تن (٤٥،۳۹٦،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹۸): ۳٦،۲۸٥،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۹۹٦: ٤۱،۳۳۹،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (١٩٩٤): ٥،٦١٤،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۲/۲٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٥٩/۱٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۳/٥٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ۲٥٪؛ ۲۰۰۰: بیش از ۲٥٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ١٤/٣٪؛ صنعت ٣٣/٥٪؛ خدمات ٥٢/١٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۱۰٥،٥۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦٦/٤٪؛ نیروی دریایی ۱۲/۸٪؛ نیروی هوایی ۲۰/۹٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱،۰٥۰ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۱۰٦،۷٦۳ میلیون ریال سعودی؛ شامل ماشین‌آلات و ابزار ۱۹/۹٪؛ تجهیزات حمل و نقل ١٥/٧٪؛ فلزات و کالاهای اساسی ۹/۱٪؛ مواد شیمیایی ۸/۲٪؛ سبزیجات ۷/٤٪؛ منسوجات و پوشاک ٦/٦٪؛ دام زنده و تولیدات دامی ٤/٦٪؛ از امریکا ۲۱/۹٪؛ انگلستان ۱۰/۷٪؛ ژاپن ٦/٦٪؛ سوئیس ٥/۸٪؛ آلمان ٥٪؛ ایتالیا ٤/٦٪

صادرات(۱۹۹۷): ۲۲۳،٥۱٦ میلیون‌ریال‌سعودی؛ شامل نفت‌خام ۷۰/٤٪؛ فرآورده‌های نفتی وپتروشیمی‌۲۱/۷٪؛ به کشورهای (۱۹۹٦): امریکا ۱۷/٥٪؛ ژاپن ۱٥٪؛ کرهٔ شمالی ۱۰/٥٪؛ سنگاپور ٦٪؛ هلند ٤/۳٪؛ فرانسه ٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	+۱٦،٥۲۲	+۲۱،۲۸۹	+۲٤،٦۸۳	+۲٤،۳٥۹	+۳٤،٦۱۱	+۱۲،۲۳۷
درصد کل	٪۲٤/۲	٪۳۳/۳	٪۳۲/٦	٪۲۸/۳	٪۳۹/٤	٪۱۸/۲

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٤/۸	۹٥/٤	۱۰۰	۱۰۱/۲	۱۰۱/۳	۱۰۰/۷	۹۹/۳
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازه خانوار (۱۹۹۲): ٦/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ منابع درآمد:؟ هزینه‌ها (۱۹۸۸): غذا ۳۷٪ ؛ مسکن ۲۱٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱٥٪؛ پوشاک ۸٪ ؛ لوازم خانگی ۷٪؛ آموزش و تفریح ۲٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۱،٤۲۰ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱٦۲،۰۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٥):** ۱،۳۹۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱،۷٤٤،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱،۱۹۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳۰۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲٥ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱۳ روزنامه در ۱،۱۰٥،۰۰۰ نسخه (٥۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٤۷۱ عنوان

کتاب: ۳،۹۰۰ عنوان در ١٤،٤۹۳،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۳،۷۱٦/۱ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٦،۲٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۱۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٥،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲٦۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲،۸۷۸،۰۰۰ خط تلفن (۱٤۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٦۲۷،۳۲۱ خط (۳۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱۱،٥۰٦	۱۷٥،٤٥۸	۲،۲٥٦،۱۸٥	۱۲/۹
متوسطه	٦،۳٤٦	۱۱٥،۹۰۷	۱،٥۰۰،۰۷۲	۱۲/۹
فنی و حرفه‌ای	۲۹۳	۳،۹۷٤	٤۲،۹۱۷	۱۰/۸
عالی	۷۷	۱٥،۸٦۸	۲۷۳،۹۹۲	۱۷/۳

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال ٦۲/۸٪؛ مردان: ۷۱/٥٪؛ زنان: ٥۰/۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸٦): ابتدایی، متوسطه، عالی ٦۸/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹٥): ۳۰،۳۰٦ نفر (هر ٥۹۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٥): ٤۱،۹۱٦ تخت (هر ٤۲۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۰۱٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱٦/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۷۸۳ کالری (۱۱٥٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۷۸ گرم؛ مصرف چربی: ۷۹ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۷٪؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/۸٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٦/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲٦۸/۳ میلیون تن؛ هر نفر ١٤/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷٤۷ (هفتاد و پنجمین کشور جهان)

در زمان ترکی ابن عبدالله، خاندان سعود دگربار قد برافراشتند و ریاض را پایتخت خود قرار دادند و همزمان عثمانی‌ها نیز بر قسمتی از ارتفاعات یمن استیلا یافتند و شهر صنعا را مرکز خود قرار دادند. افتتاح کانال سوئز در ۱۸۶۹ میلادی ارتباط میان استانبول و جدّه را تسهیل کرد و بر قدرت عثمانی‌ها در حجاز افزوده شد. اما آل سعود همچنان بر تقویت موقعیت خود در تلاش بودند. عبدالعزیزابن سعود در سال ۱۹۰۰ (۱۳۱۹ هجری قمری) دولت آل رشید را برانداخت و شهر ریاض را به تصرف درآورد و در ۱۹۱۲ (۱۳۳۱ هجری قمری) ترکان عثمانی را از احساء بیرون راند. در جنگ جهانی اول با دولت بریتانیا از در دوستی درآمد و با پایان یافتن جنگ حکومت عثمانی‌ها در عربستان نیز پایان یافت.

با متلاشی شدن امپراتوری عثمانی، حسین‌ابن علی، شریف مکه خود را سلطان عرب‌ها و خلیفه مسلمانان خواند و با عبدالعزیزابن سعود به جنگ پرداخت و مغلوب شد. عبدالعزیزابن سعود پس از آن دیگر حکام و امرایی را که داعیه حکومت داشتند برانداخت و در ۱۹۳۲ میلادی (۱۳۵۱ هجری قمری) عنوان سلطان عربستان سعودی یافت. اتحاد شوروی اولین کشوری بود که عربستان سعودی را به رسمیت شناخت. پس از آن انگلستان و فرانسه نیز دولت مزبور را به رسمیت شناختند.

عبدالعزیزابن سعود که به ابن سعود معروف شده است، تمام همّ خویش را مصروف پیشرفت مملکت خود نمود و شرع اسلام را بر اداره اجتماع و کشور حاکم گردانید. در ۱۹۳۴ پیمان طائف را با یمن امضاء نمود و مرزهای خود را تثبیت کرد. در جنگ دوم جهانی عربستان سعودی بی‌طرفی خود را اعلام داشت و پس از جنگ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و کمی بعد به اتحادیهٔ عرب پیوست. عایدات سرشاری که از راه نفت عاید عربستان گردید وضع را به کل دگرگون ساخت. ابن سعود در سال ۱۹۵۳ درگذشت و پس از او پسرش مسعودابن عبدالعزیز به سلطنت نشست. در زمان وی ازدیاد پول و ثروت ادامه داشت و جمعیت شهرها به صورت عجیبی افزایش می‌یافت و بزرگراهها و مدارس و بیمارستانها و فرودگاههای متعدد در کشور احداث گردید. در دوم نوامبر ۱۹۶۴ ملک سعود از سلطنت خلع شد و فیصل به سلطنت رسید. با روی کار آمدن جمال عبدالناصر روابط مصر و عربستان دستخوش تزلزل گردید و اختلاف میان آنها بالا گرفت. در سال ۱۹۶۵ انگلستان و بعد از آن امریکا به تقویت نظامی عربستان پرداختند. در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، نیروهای سعودی به یاری ارتش اردن شتافتند و عربستان جریان نفت به انگلستان و امریکا را قطع کرد و در جنگ سال ۱۹۷۳ نیز این عمل تکرار گردید. ملک فیصل در سال ۱۹۷۵ به قتل رسید و برادرش ملک خالد به جای او نشست و روابط خود را با امریکا نزدیک کرد. در ۱۹۷۹ روابط عربستان و انگلستان بطور موقت تیره شد و با مصر نیز، در اعتراض به امضای پیمان کمپ‌دیوید، قطع رابطه کرد. در ۱۹۸۱ روابط سیاسی خود را با لیبی قطع کرد و اتحادیهٔ کشورهای خلیج متشکل از شیخ‌نشین‌های کنارهٔ خلیج فارس را بنیان نهاد و در جنگ ایران و عراق کمکهای شایان توجهی به عراق کرد و روابط آن با ایران سخت تیره شد. در ۱۹۸۲ ملک خالد درگذشت و امیرفهد به سلطنت رسید. وی بودجهٔ دفاعی کشور را به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش داد. در سال ۱۹۸۶ مارگرت تاچر نخست‌وزیر انگلستان از عربستان دیدن کرد.

در راهپیمایی حاجیان ایرانی در اوت ۱۹۸۷ در شهر مکه، پلیس به سوی تظاهرکنندگان آتش گشود و صدها حاجی کشته شدند و سفارتخانه‌های عربستان و کویت در تهران به تلافی این کشتار به آتش کشیده شد. پس از تصرف کویت به وسیلهٔ عراق و شروع جنگ خلیج فارس، عربستان صحنهٔ بزرگترین نقل و انتقالات نظامی گردید و جنگ عواقب زیست‌محیطی اسف‌باری برای این کشور به ارمغان آورد و دولت عربستان را از نظر نظامی بیش از پیش به امریکا متکی نمود. در ۱۹۹۲ ملک فهد برادرش عبدالله ابن عبدالعزیزالسعود را به جانشینی خود تعیین نمود. بیماری ملک فهد در اواخر سال ۱۹۹۵ به وخامت گرایید و پزشکان و اطرافیانش به او توصیه کردند که از سیاست کناره‌گیری کند. در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۶ پایگاه امریکایی‌ها در خُبر با یک بمب ۲۲۰۰ کیلوگرمی مورد حمله قرار گرفت و نوزده کشته و صدها زخمی به جای گذارد. در همان سال عربستان سعودی به عنوان بزرگترین خریدار اسلحه و جنگ‌افزار شناخته شد. شدت گرفتن اختلاف میان واشینگتون و بغداد بر روابط دوستانهٔ عربستان سعودی و امریکا تأثیر گذارد و عربستان به امریکا در مورد سیاست دوگانهٔ آن کشور نسبت به عراق و اسرائیل اعتراض کرد.

در سال ۱۹۹۹ تنش‌هایی میان یمن و عربستان سعودی بروز کرد و در پی آن عربستان تعدادی از کارگران یمنی شاغل در عربستان را از این کشور اخراج کرد. در ژانویه سال ۲۰۰۰، یک قرارداد همکاری اقتصادی میان عربستان و ایران به امضاء رسید و روابط سیاسی سرد گذشته رو به توسعه نهاد. پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، دولت عربستان آن را محکوم کرد و در پاسخ به درخواست جورج بوش، رئیس جمهور امریکا برای پیوستن به ائتلاف برای مبارزه با تروریزم در افغانستان ضمن در اختیار قرار دادن پایگاههای هوایی خود، در اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در قطر، اعلام کرد که در مورد مسئله مبارزه با تروریزم باید مقولهٔ دفاع از خود را که اینک در فلسطین اشغالی جریان دارد، از آن جدا نمود.

عمان OMAN

کشور عمان در جنوب غربی آسیا جای دارد و از شمال به تنگهٔ هرمز و امارات متحدهٔ عربی، از شمال خاوری به دریای عمان، از خاور و جنوب به دریای عرب (اقیانوس هند) و از غرب به یمن و عربستان سعودی و امارات متحدهٔ عربی محدود است، با ۱,۸۶۰ کیلومتر خط ساحلی از موقعیت استراتژیکی مهمی در لبهٔ جنوب خاوری شبه جزیرهٔ عربستان و اشراف به دریای عمان برخوردار است. برون‌بوم کوچکی از شمال شبه جزیره مسندم نیز متعلق به عمان است که امارات متحده عربی بین این برون‌بوم و سرزمین اصلی فاصله انداخته است. عمان سرزمینی است نیمه کوهستانی که بیابان ربع‌الخالی بخش وسیعی از آن را فرا گرفته و کوههای جبل اخضر در شمال آن واقعند و کوههای حضرموت در جنوب غربی آن را از کشور یمن جدا می‌کند و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه شام ۳۰۳۵ متر ارتفاع دارد.

اقلیم کوهستانهای شمالی و جنوب غربی گرم و مرطوب و در نواحی مرکزی و بیابان ربع‌الخالی گرم و خشک و کم باران است و به همین مناسبت رودخانه‌های آن عمدتاً فصلی هستند و نسیم اقیانوس بر اعتدال هوای آن کمک می‌کند. ناحیه ظفار تنها منطقهٔ موجود در شبه جزیره عربستان است که بادهای موسمی، تابستانها در آن می‌وزد.



تاریخچه

الواح گلی به دست آمده از روزگار سومری‌ها (در سدهٔ سوم پیش از میلاد) از عمان به عنوان یکی از بازارهای خارجی داد و ستد با شهرهای بین‌النهرین یاد می‌کند. دریانوردان عمانی نواحی مختلفهٔ اقیانوس هند را درمی‌نوردیدند و ارتباط میان هندوچین و سواحل افریقا را برقرار می‌ساختند. در سدهٔ هفتم میلادی دین اسلام را به گرمی پذیرا شدند و نقش مهمی در نشر دعوت اسلامی به عهده گرفتند. در حدود سال ۶۹۰ میلادی عبدالملک سلطان عمان، سرزمین تحت فرمانروایی خود را توسعه داد و رقبای شکست خورده را مجبور به ترک



نام رسمی: پادشاهی عمان

نام محلی: سلطنة عمان

اسامی دیگر: مسقط و عمان (نام سابق)

پایتخت: مسقط (۸۸۷،۰۰۰ نفر با حومه در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: هجدهم نوامبر، روز تولد پادشاه

نوع حکومت: سلطنتی مطلقه

رئیس حکومت: پادشاه: سلطان قابوس بن سعید، از سال ۱۹۷۰

رئیس دولت: پادشاه: سلطان قابوس بن سعید، از سال ۱۹۷۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٦؛ مجلس شورا که تنها نقش مشورتی دارد، با ۸۲ عضو (از میان ۱٦٤ نمایندهٔ انتخابی منصوب می‌شود) به مدت ۳ سال و مجلس دولتی با ٤۱ عضو انتصابی پادشاه؛ هیچ حزب سیاسی در این کشور فعالیت ندارد.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای خلیج، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۳۰۹،۵۰۰ کیلومترمربع (شصت و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۲،۵۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و سی و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸/۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۳/۳

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٥/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۱ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۸۱/۲ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۷/٤

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ٪۳٦/۸ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۹/۷؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۳۰؛ بالای ٦۰ سال ٪۳/٥

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٪٥۸/۳؛ زن ٪٤۱/۷ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۳/۷ سال؛ مردان ٦۹/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲٤/۲ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳۳/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، ولی در سال ۱۹٥٥ ، میزان مرگ و میر در بیمارستانها بدین شرح بوده است: بیماریهای دستگاه گردش خون ٪۳٤/۱؛ بیماریهای واگیردار ٪۱۱/۱؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ٪۹/٤؛ مشکلات کلیوی ٪۷/۲؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٪٦/۳

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٦/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۹ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۹۳): عرب عمانی ٪۷۳/٥؛ هندی ٪۱۳/۳؛ بنگلادشی ٪٤/۳؛ پاکستانی ٪۳/۱؛ مصری ٪۱/٦؛ بقیه ٪٤/۲

دین(۱۹۹۳): مسلمان ٪۸۷/۷ (مسلمانان فرقه عبادیه ٪۷٥)؛ هندو ٪۷/٤؛ مسیحی ٪۳/۹؛ بودایی ٪۰/٥؛ سایر ادیان ٪۰/٥

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ فارسی، اردو؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۳): سیب (در محدوده مسقط) ۱٥٥،۰۰۰ نفر؛ سلاله ۱۱٦،۰۰۰ نفر؛ بوشر (در محدودهٔ مسقط) ۱۰۷،٥۰۰ نفر؛ صحار ۸٤،۳۰۰ نفر؛ عبری ۷٦،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۹۰): صور ٥۹،۹٦۳ نفر؛ نزوی ٦۲،۸۸۰ نفر

بنادر مهم: مسقط، مطرح (دریای عمان)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: ریال عمان (R.O.)= ۱۰۰۰ بیضا؛ یک دلار = ۲/٦۳ ریال عمان؛ یک ریال عمان = ۳،۰٤۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۲،۰۹۱ میلیون ریال عمان؛ درآمد از فروش نفت ٪۷۲/۱؛ سایر موارد ٪۲۷/۹

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۲،٤٤۰ میلیون ریال عمان؛ هزینه‌های جاری ٪۷۷/۹ (شامل وزارتخانه‌های غیر نظامی ٪٤۲/۱؛ دفاع ٪۲۷/٦؛ پرداخت سود وامها ٪٤/۹)؛ پروژه‌های عمرانی سرمایه‌ای و یارانه ٪۲۲/۱

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۳،۱۳٥ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٥،۹٥۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪۸/٤ ؛ ۹٥-۱۹۹۰: ٪٦

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): کشاورزی ٪۲/٥؛ صنعت ٪٤۸/۲؛ خدمات ٪٤۹/۳

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۰۳ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ٥۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،۲۲۸ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۲٦/٦ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪-۲/۹ ؛ ۱۹۹۸: ؟

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سبزیجات و صیفی‌جات ۱٦٤،۰۰۰ تن (شامل هندوانه ۳۲،۰۰۰ تن)؛ خرما ۱۳٥،۰۰۰ تن؛ موز ۲۸،۰۰۰ تن؛ انبه ۱۲،۰۰۰ تن؛ پیاز ۹،٤۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ٥،۷۰۰ تن؛ پاپایا ۲،۹۰۰ تن؛ برگ توتون ۲،٤٥۰ تن؛ گندم ۱،٤۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۰/۳ ؛ مرتع و چمنزار ٪٤/۷؛ دیگر موارد (بیشتر بیابان) ٪۹٥

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۷۲۸،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱٦۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱٤۸،۰۰۰ رأس؛ شتر ۹۷،۰۰۰ نفر

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱۰٦،۱٦٤ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۲۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦،۳۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): مس ۲٤،۳٦۰ تن؛ نقره ٤،٦۹۲ کیلوگرم؛ طلا ٥٦۹ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۳): (میلیون ریال عمان)؛ منسوجات و پوشاک ۷۸،۲۰۰ ؛ مواد غذایی و نوشیدنی ۷۲،۹۳۰؛ مواد شیمیایی ٤۰،۹٥۰؛ تولیدات چوبی ٥،۹٥۰ ؛ تولیدات فلزی ٤،۲۰۰؛ تولیدات کاغذی ۳٦۰ ؛ دیگر موارد شامل فرآورده‌های نفتی

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۸،۱۷۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۷،۷۸٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: ۳۲۸،۳۰۰،۰۰۰ بشکه (۲۷،۱۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۳،۷۷۰،۰۰۰ تن (۱،٦٥٦،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹٦): ٤،۷۲۳،۳۰۰،۰۰۰ مترمکعب (٤،۷۲۳،۳۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۳): ۷۰٤،۷۹۸ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳٤/۹؛ میزان مشارکت: (۱٥ سال به بالا): ٪٦۰/۹؛ زنان (۱٥ سال به بالا): ٪۹/۷؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): حدود ٪۲۰

توزیع نیروی کار(۱۹۹۳): کشاورزی ٪۹/٤؛ صنعت ٪۲۷/۸؛ خدمات ٪٦۲/۸

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٤۳،٥۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۲/٤؛ نیروی دریایی ٪۹/۷؛ نیروی هوایی ٪۹/٤؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۷۹٥ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۱،۷۹۷/۱ میلیون ریال عمان؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪٤۱/٤؛ کالاهای صنعتی اساسی ٪۱۷/٥؛ غذا و دام زنده ٪۱۳/۹؛ نوشیدنی و دخانیات ٪۷/۸؛ سایر کالاهای صنعتی؛ از امارات متحده عربی ٪۲۸/۱؛ ژاپن ٪۱٥/۲؛ انگلستان ٪٦/۸؛ امریکا ٪٦/٤؛ آلمان ٪٤؛ هند ٪۳/٥؛ فرانسه ٪۳/٥؛ عربستان سعودی ٪۳/٤

صادرات(۱۹۹۹): ۲،۷۷٥ میلیون ریال عمان؛ شامل کالاهای داخلی ٪۸۳/٦ (شامل نفت ٪۷٦/٤؛ کالاهای صنعتی ٪۲/۹؛ غذا و دام زنده ٪۲/٥)؛ صادرات مجدد کالاها ٪۱٦/٤ (شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۱۱/۳)؛ به امارات متحده عربی ٪٤۲؛ ایران ٪۷؛ عربستان سعودی ٪٦/۸؛ یمن ٪٥/۳؛ امریکا ٪٥/۱؛ انگلستان ٪٤/٦؛ تانزانیا ٪٤/٥

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون ریال عمان	+٦۲۷	+۷۰۰	+۱،۰٦٤	+۱،۰۰۱	-٦٦/٦	+۹۷۷/۹
درصد کل	٪۱۷/۲	٪۱۷/٦	٪۲۳/۲	٪۲۰/٦	٪۱/٥	٪۲۱/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۲/۱	۱۰۱/۳	۱۰۰	۱۰۰/۳	۱۰۰	۹۹/٥	۱۰۰/٦
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ٦/۹ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۰): مسکن و خدمات شهری ٪۲۷/۸؛ غذا، نوشیدنی و دخانیات ٪۲٦/٤؛ حمل و نقل ٪۱۹/۸؛ پوشاک و کفش ٪۷/۸ ؛ اثاثیه و کالای خانگی ٪٦/۱؛ آموزش، خدمات بهداشتی، تفریح و سایر موارد ٪۱۲/۱

جهانگردی(۱۹۹٥): درآمد: ۹۲ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ٤۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۳۳،۰۲۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۲۱۱،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۹۷،۰۲۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲٦ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ٦ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ٦۳،۰۰۰ نسخه (۲۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱٥ عنوان

کتاب: ۷ عنوان در ۲۱،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۳،۰۰۰ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،٤۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۰۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،٤۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٥۸۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۲۰،۰۰۰ خط تلفن (۹۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۰۳،۰۳۲ خط (٤۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٥۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۹)	۳۹۷	۱۲،٤۲۱	۳۱٥،٥٥۷	۲٥/٤
متوسطه	٦۸٥	۱۲،۸٦۲	۲۲۹،۰۳۱	۱۷/۸
فنی و حرفه‌ای	۱۰	۹٥٤	۹،۹۳٦	۱۰/٤
عالی	۱	٦۹٥	٦،٦۰٥	۹/٥

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪٦٤ ؛ مردان: ٪۷٤/٦ ؛ زنان: ٪٥۰/۷

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال(۱۹۹۳): ابتدایی ٪۱۸/۹؛ متوسطه ٪۲۱/۱؛ عالی ٪۲/٦

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۲،۰۹۹ نفر (هر ۱،۰۹۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ٤،٤٤۳ تخت (هر ٥۱٥ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (٪۰/۱۱ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۹/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱٥/۲ میلیون تن؛ هر نفر ٦/٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۳۰ (هشتاد و ششمین کشور جهان)

سرزمینشان نمود و از جمله شاهزاده حمزه همراه با گروهی به افریقا مهاجرت کرد و دولت زنگبار را تأسیس نمود و ارتباط میان عمان و سواحل افریقا را تا سدهٔ نوزدهم میلادی برقرار کرد. در سال ۷۵۲ میلادی فرقه‌ای از خوارج به نام اباضیه به امامت جلنده‌ابن مسعود در عمان استقرار یافت و امامان اباضی قرنها بر عمان حکومت کردند.

در سال ۱۲۵۶ میلادی عمان به تصرف ایران درآمد و ائمهٔ اباضی را دست‌نشاندهٔ خود کرد. تسلط ایران بر عمان تا اوایل سدهٔ شانزدهم میلادی ادامه یافت. پرتغالی‌ها در سال ۱۵۰۷ میلادی وارد عمان شدند و ناوگان آن را نابود کردند و تأسیسات و استحکامات ساحلی آن را ویران نمودند و پس از تصرف شهرهای آن بر تنگهٔ هرمز استیلا یافتند و بازارهای نواحی مزبور را به مدت ۱۵۰ سال در اختیار گرفتند.

در حدود سال ۱۵۸۰ ترکان عثمانی عمان را تصرف کردند ولی به وسیلهٔ پرتغالی‌ها بیرون رانده شدند. سال ۱۶۲۲ را باید سال آغاز تسلط انگلیسی‌ها بر منطقه دانست. از آن سال دریانوردان عمانی فعالیتهای دریانوردی خود را از سر گرفتند و با همکاری ترکان عثمانی، ایرانیان، انگلیسی‌ها و اتحاد قبایل داخلی دست پرتغالی‌ها را در سال ۱۶۵۰ از منطقه کوتاه کردند و بر متصرفات پرتغالی‌ها در افریقای شرقی به ویژه زنگبار دست یافتند. در طی سال‌های ۱۶۲۴ تا ۱۷۴۱ میلادی سلسلهٔ امامان یعربی در عمان حکومت می‌کردند. پس از فوت سیف‌ابن سلطان دوم، آخرین امام این سلسله، داماد وی، احمدبن سعید، بنیانگذار سلسله آل بوسعید که هم‌اکنون نیز در عمان سلطنت می‌کنند، قدرت را به دست گرفت. وی عنوان امام به خود داد و بعدها جانشینانش از عنوان سید استفاده کردند. در زمان سید سلطان‌ابن احمد مسقط رونق یافت و عمان مورد تعرض وهابیون قرار گرفت. در زمان سید سعیدابن سلطان که از ۱۸۰۴ تا ۱۸۵۵ سلطنت کرد، عمان به ترقی زیادی دست یافت. وی دست وهابیان را از عمان کوتاه کرد. پس از وی فرمانروایی زنگبار از حکومت عمان جدا شد.

سلطان‌فیصل (۱۸۸۸ تا ۱۹۱۳ میلادی) به موجب قراردادی که با انگلستان منعقد نمود، در واقع حق مالکیت بر کشورش را از خود سلب کرد و سلطان‌نشین عمان به منطقهٔ تحت نفوذ انگلستان درآمد. در سال ۱۹۰۱ اباضیهٔ عمان به رهبری عیسی‌ابن صالح سر به شورش برداشتند و در ۱۹۱۳ (۱۳۳۱ هجری قمری) سالم‌الخروسی را به امامت برگزیدند. در نبردی که با سربازان هندی زیر پرچم انگلستان کردند، سالم کشته شد و امام محمدابن عبدالله جانشین او طی قراردادی که با سید سلطان تیمور منعقد نمود، به قبایل داخلی خودمختاری اعطاء گردید. سید سعیدابن تیمور در سال ۱۹۳۲ به سلطنت عمان و مسقط رسید و وی با انگلستان قرارداد دولتی و تجارت و کشتیرانی امضاء کرد که اعتبار بعضی از مواد آن هنوز به قوّت خود باقی است. در ۱۹۳۷ نیز امتیازی به شرکت توسعهٔ نفت عمان که وابسته به شرکت نفت عراق بود، واگذار گردید.

پیدا شدن نفت در واحهٔ بریمی به اختلاف میان عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های ساحل خلیج فارس دامن زد و موضوع به دیوان داوری بین‌المللی احاله گردید. امام غالب‌ابن علی از امامان اباضیه سلطنت سلطان سعیدابن تیمور را بر سرزمین عمان و واحه بریمی و منابع نفت آن باطل اعلام نمود و به پیروان اباضی خود فرمان داد تا سلاح برگیرند و با نیروهای سلطان به جنگ برخیزند (۱۹۵۷). نهضت مزبور با دخالت نیروی هوایی انگلستان سرکوب شد ولی چندی بعد دوباره به راه افتاد و از سوی جمهوری متحدهٔ عرب (مصر و سوریه و لیبی) حمایت گردید.

در سال ۱۹۵۸ بندر گوادر در شمال دریای عمان به پاکستان واگذار شد و اباضیه دوباره سر به شورش برداشت. در سال ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از نیروهای انگلیسی درخواست کرد که از مسقط و عمان خارج گردند. در سال ۱۹۶۶ کودتایی علیه انگلیسی‌ها به وقوع پیوست که سرکوب گردید. در ۱۹۶۷ اولین محمولهٔ نفتی از مسقط به خارج صادر شد و در ۱۹۶۹ آزادی‌خواهان ظفار برای سرنگونی رژیم سلطنتی دست به کار شدند. سلطان سعیدابن تیمور در سال ۱۹۷۰ به توسط پسرش قابوس‌بن سعید سرنگون شد و قابوس به سلطنت رسید و نام مسقط و عمان را به کشور عمان تبدیل نمود و در شیوهٔ حکومت کشور تغییراتی داد.

در سال ۱۹۷۱ عمان به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و نیروهای ظفار به کمک ارتش ایران در سال ۱۹۷۵ سرکوب گردیدند. در ۱۹۷۸ در ظفار نفت کشف شد و عمان مالکیت بر قسمتی از کرانه‌های رأس‌الخیمه را که به امارات متحدهٔ عربی تعلق داشت مورد ادعا قرار داد. در ۱۹۸۰ قراردادی میان عمان و دولت امریکا به امضاء رسید و پایگاههای نظامی چندی در اختیار امریکا گذارده شد و سلطان قابوس در ۱۹۸۲ از انگلستان دیدن کرد. در سال ۱۹۸۴ و همزمان با احتمال گسترش جنگ ایران و عراق ده هزار سرباز امریکایی در پایگاههای عمان مستقر شدند که به سلاحهای اتمی مجهز بودند. در ۱۹۸۹ شرکت توسعهٔ نفت عمان اعلام داشت که به منابع نفت و گاز بزرگی که حداقل ۲۰ سال دوام خواهد آورد، دست یافته است. در مارس ۱۹۸۹ عمان خود را به ایران نزدیک کرد تا به ثبات و امنیت منطقه کمک کرده باشد.

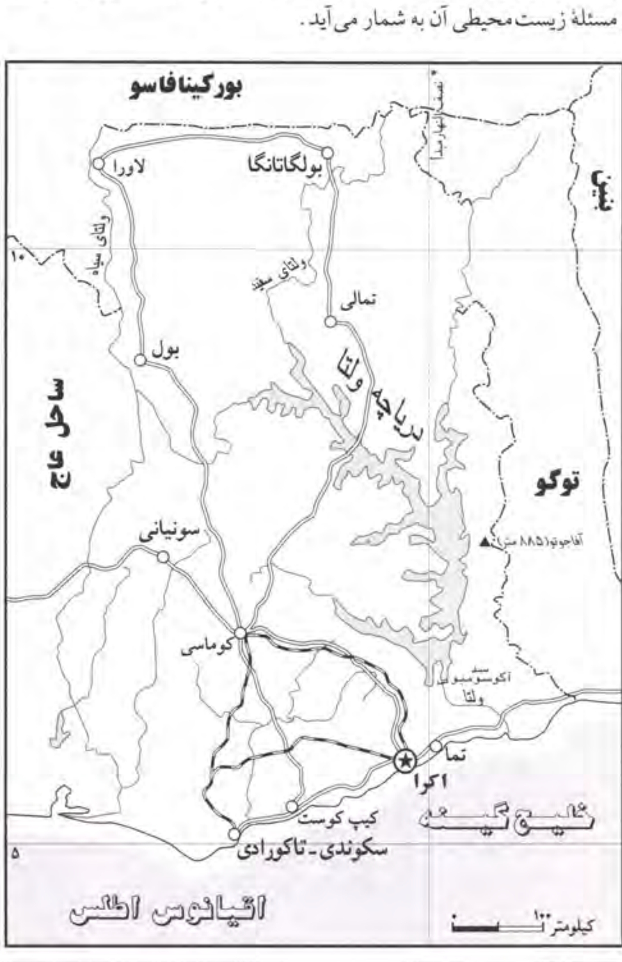
در مارس ۱۹۹۱ بعد از حملهٔ عراق به کویت، عمان ادامهٔ کمک به اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین را به حالت تعلیق درآورد. در تابستان ۱۹۹۴ پانصد تن از مخالفان رژیم بازداشت شدند که در میان آنان مقام‌های عالی‌رتبه و تجار معروف دیده می‌شدند. در ۱۹۹۶ طرح برنامهٔ پنجساله برای توسعهٔ اقتصادی سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید و هدف آن رهایی اقتصاد کشور از اتکا به نفت بود. در ژانویهٔ ۱۹۹۷ عمان به عنوان نخستین کشور عرب با اسرائیل روابط دیپلماتیک و بازرگانی برقرار کرد ولی در پی درخواست اتحادیه عرب از اسرائیل برای خودداری از ساخت شهرک‌های جدید یهودی‌نشین، این روابط به حالت تعلیق درآمد. در اوایل ۱۹۹۸ عمان و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تشکیل جلسه دادند تا امکان رهایی پول ملی خود از وابستگی به دلار را بررسی کنند. وابستگی به دلار سالانه میلیونها دلار به کشورهای نفت‌خیز مزبور زیان وارد می‌کند.

پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، این کشور آمادگی خود را برای شرکت در مبارزه ضد تروریستی به رهبری امریکا اعلام نمود و تمام پایگاه‌های دریایی و هوایی خود را برای استفاده در جنگ علیه گروه طالبان و شبکه القاعده در افغانستان، در اختیار امریکا قرار داد.

غنا GHANA

غنا کشوری است واقع در غرب افریقا و ساحل اقیانوس اطلس که از شمال غرب و شمال به کشور بورکینافاسو، از خاور به توگو، از جنوب به خلیج گینه و از آن طریق به اقیانوس اطلس و از غرب به کشور ساحل عاج (کوت‌دیوآر) محدود است. نواحی جنوبی آن را جنگلهای انبوه بارانی که در بعضی نواحی جنگل‌زدایی شده و به کشت کاکائو، قهوه، موز و نخل اختصاص یافته، پوشانیده و مناطق شمالی را علفزارهای پهناور در بر گرفته و دیگر نواحی را اراضی پست و کم‌ارتفاعی که گاهگاه تپه‌ماهورهایی که ارتفاع آنها حداکثر به ۸۸۵ متر (کوه آفاجوتو) می‌رسد، شامل گردیده است. رودخانه‌های ولتا (۱۱۴۳ کیلومتر) و ریزابه‌های آن و همچنین رود غنا عمده‌ترین رودخانهٔ آن را تشکیل می‌دهند و دریاچهٔ سد آکوسومبو بزرگترین و چشمگیرترین عارضهٔ آبی آن است.

اقلیم آن گرم و مرطوب همراه با بارانهای تابستانی است. طلا، الماس، منگنز و بوکسیت از عمده‌ترین ذخایر زیرزمینی آن است و زدایش جنگلهای جنوبی و بیابان‌زایی نواحی شمال غربی مهمترین مسئلهٔ زیست‌محیطی آن به شمار می‌آید.





نام رسمی: جمهوری غنا

نام محلی: گانا Ghana

اسامی دیگر: غانا، غانه، ساحل طلا

پایتخت: اکرا (۱،۹۰۰،۰۰۰ نفر با حومه در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹٥۷/۳/٦، ازانگلستان

روز ملی: ششم مارس، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۹

رئیس حکومت: رئیس جمهور: جان آگیکوم کوفوئور (حزب میهنی نوین)، از سال ۲۰۰۱ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: جان آگیکوم کوفوئور (حزب میهنی نوین)، از سال ۲۰۰۱ به مدت ٤ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳؛ مجلس ملی (پارلمان) با ۲۰۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های پارلمان (۲۰۰۰): حزب میهنی نوین ۱۰۰ کرسی، کنگرهٔ دموکراتیک ملی ۹۲ کرسی، سایرین ۸ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٥۷): اونکتاد، یونیسف، فائو، یاالآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲۳۸،٥۳۷ کیلومترمربع (هشتادمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۰،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجاهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸٤/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۲/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۳٦/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳٦ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۳۷/۳ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪٤/٤

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱٥ سال ٪٤۱/۹؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۷/۷؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۲٥/۲؛ بالای ٦۰ سال ٪٥/۲

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۹/۷۷؛ زن ٪٥۰/۲۳ — **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ٥۸/۸ سال؛ مردان ٥٦/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۲۹/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۱۰/۲ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ٥۷ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۱۹/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد. با این حال میزان مرگ و میر در میان مبتلایان به بیماریهای عفونی در سال ۱۹۸۸ به شرح زیر بوده است:
مالاریا ٪٤۳/۸؛ بیماریهای عفونی تنفسی (شامل سل) ٪۸؛ بیماریهای اسهالی ٪٦/۷ ؛ کرم‌های روده‌ای ٪۳/۱

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): قبایل سیاهپوست آکان ٪٥۲/٤؛ موسی ٪۱٥/۸؛ اوِه ٪۱۱/۹؛ گاآدانگمه ٪۷/۸؛ گورما ٪۳/۳؛ یوروبا٪۱/۳

دین: مسیحی ٪٦٤/۱(پروتستان ٪۲۰/۱؛ کاتولیک ٪۱٤/۷)؛ عقاید سنتی ٪۱۷/٦؛ مسلمان ٪۱٤/٤؛ بقیه ٪۳/۹

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ بیش از ۷۰ زبان و لهجه بومی قبایل؛ خط: انگلیسی

شهرهای مهم(۱۹۸۸): کوماسی ۳۸٥،۲۰۰ نفر؛ تمالی ۱٥۱،۱۰۰ نفر؛ تما ۱۱۰،۰۰۰ نفر؛ سکوندی-تاکورادی ۱۰۳،٦۰۰ نفر

بنادر مهم: تما ، سکوندی-تاکورادی (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: سدی (₵) = ۱۰۰ پسوا؛ یک دلار = ۷،۲۰۰ سدی؛ صد سدی = ۱۱۱/۱ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۱،۹۹۷/٦ میلیارد سدی؛ مالیات غیر مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده ٪۳٦/۷ (شامل مالیات نفت ٪۱٤/٥)؛ مالیات واردات و صادرات ٪۲۷/۳ ؛ مالیات بر درآمد ٪۲۱/۷ ؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۱٤/۳

هزینه بودجه(۱۹۹٥): ۱،٦۹۷/۹ میلیارد سدی؛ (۱۹۹٤): آموزش ٪۲۲/۳؛ پرداخت وامها ٪۲۰/۱؛ بهداشت ٪٦/۹؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪٥/۳ ؛ تأمین اجتماعی و رفاه عمومی ٪۳/٦؛ دفاع ٪۲/۹

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۷،۲٦۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۹۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪۱/۷ ؛ (۹۸-۱۹۹۰):٪٤/۳

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۰/٤؛ صنعت ٪٦/۹ ؛ خدمات ٪۸۲/۷

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱٤ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٤٥ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٥،٥۷۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۷۰۰/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۳/۲

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۲۸/٦؛ ۱۹۹۸: ٪۱۷/٦؛ ۲۰۰۰: ٪۲٥/۲

محصولات کشاورزی (۲۰۰۰): محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۱۲،۸۹۳،۰۰۰ تن (از جمله کاساوا ۷،۸٤٥،۰۰۰)؛ موز و موز سبز ۲،۰٦۱،۰۰۰ ؛ غلات ۱،٦۸٦،۰۰۰ (از جمله ذرت ۱،۰۱٤،۰۰۰)؛ کاکائو ٤۰۹،۰۰۰؛ نارگیل ۳۱۰،۰۰۰؛ پرتقال ۲۷۰،۰۰۰؛ گوجه‌فرنگی ۲۱٦،۰۰۰؛ بادام زمینی ۲۱۲،۰۰۰؛ نیشکر ۱٤۷،۰۰۰؛ هستهٔ نخل ۳٤،۰۰۰؛ لیمو ۳۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪۱۹؛ مرتع ٪۳٦/۹؛ جنگل ٪٤۲/۲؛ سایر موارد ٪۱/۹

تعداد دام زنده(۲۰۰۰): بز ۲،۷۳۹،۰۰۰رأس؛ گوسفند ۲،٥۱٦،۰۰۰ ؛ گاو ۱،۲۷۳،۰۰۰ ؛ خوک ۳٥۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲۱،۹۰٥،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤٤۲،٦۹۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۷،٤٦۷،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۸،٥٥۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): سنگ منگنز ۳۸٤،۱۷۳ تن؛ بوکسیت ۳٤۱،۱۲۱ تن؛ طلا ۱۱۳،۰٥٤ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۳): (ارزش افزوده به میلیون سدی): دخانیات ۷۱،٤۷٤/۷؛ کفش ٦۰،۳٥۰/٦؛ مواد شیمیایی ٤۰،۳٤۷/٦؛ نوشیدنی ۳٦،۱٦۷؛ مصنوعات فلزی ۳٥،۱۲۱/۷ ؛ فرآورده‌های نفتی ۳۲،۱٤۳/٥؛ منسوجات ۱۸،۲۷۸/٦؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۹،٥۲٥/۷

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ٦،٦۳۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٦،٤۰٥،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹۸): صفر (۳،۰۰۰ تن)؛ نفت خام (۱۹۹۸): صفر (۷،۳۱٥،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۸): ۹۲٦،۰۰۰ تن (۱،۰۷۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی : صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۸٤): ٥،٥۸۰،۱۰٤ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤٥/٤؛ میزان مشارکت: (۱٥ سال به بالا): ٪۸۲/٥؛ زنان (۱٥ سال به بالا): ٪٥۱/۲؛ میزان بیکاری ٪۲/۸؛ ۱۹۹۹: ٪۳۰

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪٥۹/٤؛ صنعت ٪۱۲/٥؛ خدمات ٪۲۸/۱

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۷،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۱/٤؛ نیروی دریایی ٪۱٤/۳؛ نیروی هوایی ٪۱٤/۳؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۳ دلار

واردات(۱۹۹٤): ۱،٥۷۹/۹ میلیون دلار؛ شامل (۱۹۸۷): ماشین‌آلات ٪۲۸/۱؛ سوخت‌های معدنی ٪۱٤؛ مواد شیمیایی ٪۱۲؛ غذا ٪٥/۲؛ از آلمان ٪۱۳/۷؛ انگلستان ٪۱۲/۱؛ امریکا ٪۱۱/۷؛ فرانسه ٪٥/٤؛ ایتالیا ٪٤/۸

صادرات(۱۹۹٤): ۱،۲۲٦/۸ میلیون دلار؛ شامل طلا ٪٤٤/۷؛ مواد غذایی ٪۲٦/۳ (از جمله کاکائو ٪۲٦/۱)؛ چوب و الوار ٪۱۳/٥؛ برق ٪٤/٦؛ الماس ٪۱/۷؛ به انگلستان ٪۱٥/٥؛ ایتالیا ٪۷/۹؛ ژاپن ٪٦/۷؛ امریکا ٪٦/٦؛ آلمان ٪٥/٥؛ فرانسه ٪٤

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	٦٦٤/۳-	۳٥۳/۱-	۲٥٦/٦-	۳٦٦-	٦۳۸/۳-	۸۰٥/۷-	۱،۱۱۱/٥-
درصد کل	٪۲۳/۸	٪۱۲/٦	٪٤/٦	٪۱۰/٤	٪۱۷/٦	٪۱٦/۲	٪۲۰/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۹۹٥=۱۰۰):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	٥۰/۲	٦۲/۷	۱۰۰	۱٤٦/٦	۱۸۷/٤	۲۱٤/۸	۲٤۱/٥
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸٤): ٤/۹ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار (۱۹۷۸): ۹،٦۰۰ سدی؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۷۸): غذا ٪٥۷/٤؛ پوشاک ٪۱٤/۳؛ مسکن ٪۱۱/٥؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۳/۳؛ مراقبت‌های بهداشتی ٪۱/۳

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد ۲٦٦ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۳۸،۷۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۳):** ۹٥۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۹۰،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٤٥،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱٥٥ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ۲٥۰،۰۰۰ نسخه (۱٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۲۱ عنوان در ۷۷٤،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۲۸ عنوان در ٦۸٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۲٤،٤۲۸/٥ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٤،٤۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۳٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۹۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۹۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱٤٤،۰۰۰ خط تلفن (۷/٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۷): ۲۲،۰۰۰ خط (۱/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٤۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٦،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۲)	۱۱،۰٥٦	٦٦،۰٦۸	۱،۷۹٦،٤۹۰	۲۷/۲
متوسطه	٥،٥٤۰	٤۳،۳٦۷	۸۱٦،٥۷۸	۱۸/۸
فنی و حرفه‌ای	۹٥۷	٤۲۲	۱۳،۲۳۲	۳۱/٤
عالی	۱٦	۷۰۰	۹،۲۷٤	۱۳/۲

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱٥ سال : ٪۷۰/۲؛ مردان: ٪۷۹/۸؛ زنان: ٪٦۱/۲

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸٤): ابتدایی ٪۷/۱؛ متوسطه ٪۳/٥؛ عالی ٪۰/٦

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۷۳٥ نفر (هر ۲۲،۹۷۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٤): ۲٦،٤٥٥ تخت (هر ٦۳۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰تا ٤۹ ساله: ۲۱۰،۰۰۰ نفر (٪۲/۳۸ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٥۸/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٥٦۸ (٪۱۲ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤۹ گرم؛ مصرف چربی: ۳۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۳؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۱/۳

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٥٥٦ (صد و بیست و نهمین کشور جهان)

تاریخچه

در حدود سال ۱۳۰۰ میلادی قوم آکان یا آشانتی از شمال به سرزمین امروزی غنا وارد شدند. دولت مقتدر و سازمان یافتهٔ فانتی که از پیش وجود داشت و نواحی ساحلی را به خود اختصاص داده بود، آکان‌ها را وادار نمود تا جنگلها را برای سکونت خود اختیار کنند. آنان به احداث شهرکهای کوچکی اقدام کردند و تابع و باجگذار دولت ساحلی گردیدند. در سدهٔ پانزدهم میلادی آشانتی‌ها داد و ستد با بازارهای مرزی ساحل عاج امروزی را آغاز کردند و به خرید و فروش برده و طلا و مصنوعاتی که از دیگر نواحی افریقا و یا خارج از آن قاره وارد می‌شد، پرداختند. تا سال ۱۷۰۰ آشانتی‌ها کنترل خرید و فروش برده و داد و ستد کالاهای اروپایی را به دست گرفته بودند و هنگامی که انگلیسی‌ها خرید و فروش برده را منع کردند، آشانتی‌ها تلاش کردند تا نواحی ساحلی را از چنگ فانتی‌ها بدر آورند و با حمایت انگلستان از فانتی‌ها، رودرروی انگلیسی‌ها قرار گرفتند. انگلیسی‌ها جنگ‌های متعددی طی سالهای ۱۸۰۶ تا ۱۸۱۶ و ۱۸۲۵ تا ۱۸۲۸ علیه آشانتی‌ها را به راه انداختند و پس از آخرین جنگ که در سال ۱۸۷۴ روی داد، سرزمین فانتی‌ها را به مستعمرهٔ خود مبدل نمودند و با تسلط بر نواحی شمالی، سرتاسر غنا غیر از نواحی مرکزی را در سال ۱۸۹۵ تحت کنترل و حمایت خود قرار دادند. آشانتی‌ها که در نواحی مرکزی به سر می‌بردند، با سلطه‌جویی انگلیسی‌ها به مبارزه برخاستند و سرانجام در جنگ ۱۸۹۶ مغلوب شدند و حدود ۲۵,۰۰۰ کیلوگرم طلا به عنوان غرامت جنگ به انگلیسی‌ها تحویل نمودند. انگلیسی‌ها دولت آشانتی را در سال ۱۹۰۲ مستعمرهٔ ساحل طلا نام نهادند.

در نیمهٔ اول سدهٔ بیستم جنبش‌های ملی و آزادی‌خواهی شروع به رشد و نمو کرد و احساسات استقلال‌طلبانه و تساوی حقوق سرتاسر غنا را در بر گرفت. در سال ۱۹۴۹ قوام نکرومه حزب خلق کنوانسیون را تأسیس نمود و خواهان تغییراتی در نظام حکومتی گردید. در سال ۱۹۵۱ بریتانیا به مستعمرهٔ ساحل طلا نوعی خودمختاری داد و قانون اساسی تازه‌ای برای آن تصویب نمود و در سال ۱۹۵۲ نخستین انتخابات عمومی در سرزمین مزبور برگزار شد و قوام نکرومه به نخست‌وزیری رسید. نکرومه که در واقع بنیانگذار نهضت پان‌افریکانیسم و پدر جنبش ملی‌گرایی افریقاست در سخنرانی بعد از انتخابات، خود را یک مسیحی مارکسیست، سوسیالیست و مبارز علیه امپریالیسم خواند و به عنوان نمایندهٔ غنا در کنفرانس سال ۱۹۵۵ باندونگ شرکت کرد و نخستین پایه‌های جنبش عدم تعهد را با بنا نهاد و همراه با ناصر، تیتو، سوکارنو و نهرو نقش مهمی را در صحنهٔ سیاست بین‌المللی به عهده گرفت. نکرومه در سال ۱۹۵۷ به بزرگترین پیروزی تاریخ سیاسی حیاتش دست یافت و مستعمرهٔ ساحل طلا را به استقلال رسانید و نام آن را به غنا تبدیل نمود و به عنوان نخستین کشور افریقای غربی عضو کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان شناخته شد و زیر نظارت فرمانداری کل قرار گرفت و مقام نخست‌وزیری را از آن خود نمود.

در ژوئیهٔ ۱۹۶۰ نوع حکومت غنا به جمهوری تبدیل شد و قوام نکرومه به ریاست جمهوری رسید. کودتای سال ۱۹۶۶، در هنگامی که وی از چین دیدن می‌کرد، نکرومه را سرنگون کرد و ژنرال ژوزف آنکرا زمام امور را در دست گرفت. نکرومه در سال ۱۹۷۲ در حالی که در تبعید به سر می‌برد در بخارست زندگی را بدرود گفت. در سال ۱۹۶۹ سرهنگ ایگناتیوس آچئامپونگ طی کودتایی دولت دکتر کوفی بوسیا را سرنگون کرد و با احداث کشتزارهای وسیع کاکائو و ایجاد صنایع گوناگون دست به کار اصلاحات گردید. وی طی پنج سال حکومت خود، هشت بار از کودتا جان سالم بدر برد. بحران اقتصادی و نارضایی عمومی، آچئامپونگ را در سال ۱۹۷۸ وادار به کناره‌گیری کرد و یک دولت نظامی جدید به رهبری ژنرال ویلیام فردریک آکوفو بر سر کار آمد. کودتای چهارم ژوئن ۱۹۷۹ به رهبری ستوان جری راولینگز، ژنرال آکوفو را سرنگون کرد و مردم را به برگزاری انتخابات دعوت نمود. در انتخابات مزبور حزب ملی خلق که از هواداران نکرومه تشکیل می‌یافت برنده اکثریت گردید و دولتی قانونی بر سر کار آمد.

در یکم اکتبر ۱۹۷۹ هیلا لیمان، از رهبران حزب ملی خلق، به ریاست جمهوری رسید. وی سیاست مالی نکرومه را ترک کرد و بودجه گذاری بین‌المللی را سیاست برنامهٔ مالی خود قرار داد ولی پیش‌بینی‌ها و اقدامات اصلاحی او کارساز نشد و تورم به ۱۴۰ درصد رسید و درصد بیکاری به رقم ۲۵ درصد افزایش یافت و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی را به همراه آورد و اعتصابات گسترده‌ای کشور را فرا گرفت تا جایی که راولینگز در ژانویهٔ ۱۹۸۲ برای بار دوم کودتا کرد و لیمان را از ریاست جمهوری برکنار کرد و شورایی مرکب از چند تن از افسران انقلابی را به سرپرستی خود مأمور رسیدگی به امور کشور نمود. شورای ریاست جمهوری مالیات‌ها را اضافه کرد و یارانه‌ها را قطع نمود. این عمل همراه با اقدامات اقتصادی دیگر که تا اندازه‌ای نتیجه‌بخش بود و نرخ تورم را از ۲۰۰ درصد به ۲۵ درصد کاهش دادو درآمد بیشتری عاید کشتکاران کاکائو شد. تولید کاکائو، طلا، چوب و الوار و بوکسیت فزونی گرفت. در ژوئن ۱۹۹۱ شورایی مرکب از ۲۶۰ نفر انتخاب شدند تا قانون اساسی جدیدی تدوین و تصویب نمایند. در نوامبر ۱۹۹۲ انتخاباتی برگزار گردید و راولینگز با کسب ۵۸/۳ درصد آراء به ریاست جمهوری رسید. در رویارویی مالکان زمین و کارگران در فوریه ۱۹۹۴ حدود هزار تن کشته شدند و ۱۵۰,۰۰۰ تن از کشور مهاجرت کردند. در انتخابات دسامبر ۱۹۹۶ راولینگز مجدداً به مقام ریاست جمهوری دست یافت.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰، جری راولینگز طبق مفاد قانون اساسی نمی‌توانست برای بار سوم کاندید شود و لذا حزب وی، کنگرهٔ دموکراتیک ملی، جان ایونز آتامیلز را کاندید نمود که در مقابله با کاندیدای حزب میهنی نوین، جان آگیکوم کوفوتور، در دور دوم که در سال ۲۰۰۱ برگزار گردید، شکست خورد و برای اولین بار پس از استقلال غنا، انتقال قدرت در نهاد ریاست جمهوری از طریق دموکراتیک صورت گرفت.

فرانسه FRANCE

فرانسه به عنوان سومین کشور وسیع در اروپای غربی و کنار اقیانوس اطلس جای دارد. فرانسه از شمال به دریای مانش، بلژیک و لوکزامبورگ، از شمال خاوری به آلمان، از خاور به سوئیس و ایتالیا، از جنوب به دریای مدیترانه و اسپانیا و آندورا و از غرب به خلیج گاسکونی (بیسکی) و از آن طریق به اقیانوس اطلس محدود است. تنگهٔ کاله یادوور آن را از انگلستان جدا می‌کند و در سال‌های اخیر با تأسیس یک تونل زیردریایی ارتباط این دو کشور برقرار شده است.

شمال این کشور را حوضهٔ پاریس که از دشتها و کشتزارهای وسیع ترکیب یافته، فرا گرفته و فلات ماسیف سانترال (گرانکوه مرکزی) با وسعت ۸۴,۰۰۰ کیلومترمربع و ارتفاع حداکثر ۱۸۸۷ متر (قلهٔ پوئی دوسانسی) بخشی از مرکز جنوبی کشور را به خود اختصاص داده است. کوههای بلند آلپ در جنوب خاوری آن جای دارد و قلهٔ مون‌بلان با ۴۸۱۰ متر ارتفاع، بلندترین نقطهٔ این کشور محسوب می‌گردد و کوههای پیرنه آن را از کشور اسپانیا جدا می‌کند.

اقلیم آن در شمال و غرب، معتدل و مرطوب و در نواحی خاوری معتدل کوهستانی و در جلگه‌های ساحلی جنوب مدیترانه‌ای نسبتاً پر باران است. رودهای بزرگ و نسبتاً پر آبی مانند لوار (۱۰۱۱ کیلومتر)، رُن (۸۱۳ کیلومتر)، سن (۷۷۶ کیلومتر)، گارون (۵۷۵ کیلومتر)، دوردون، موز، راین، شارانت و سون در آن جریان دارند و جنگلهای نواحی خاوری از وسعت و انبوهی کافی برخوردارند. جزیرهٔ کُرس با ۸,۶۸۰ کیلومترمربع بزرگترین جزیرهٔ آن است. کشت غلات، حبوبات، برنج، انگور و پرورش گاو و خوک عمده‌ترین فعالیت کشاورزی فرانسه محسوب می‌گردد. زغال سنگ، آهن، بوکسیت، نیکل، نفت و گاز طبیعی





نام رسمی: جمهوری فرانسه

نام محلی: فرانس France

اسامی دیگر: گُل (نام قدیمی)

پایتخت: پاریس (۲،۱۱۵،۷۵۷ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: چهاردهم ژوئیه، روز فتح زندان باستیل

نوع حکومت: جمهوری چندحزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۸۷۵

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ژاک شیراک (نئوگلیست)، از سال ۱۹۹۵ (برای دومین بار از سال ۲۰۰۲) به مدت ۷ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ژان پیر رافارن(دموکراسی لیبرال)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی جمهوری پنجم از سال ۱۹۵۸، آخرین تغییرات ۱۹۹۹؛ مجلس ملی با ۵۷۷ عضو به مدت ۵ سال و مجلس سنا با ۳۲۱ عضو که هر سه سال یکبار یک سوم آنان انتخاب می‌شوند؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۷(۲۰۰۲)؛ حزب سوسیالیست ۲۴۱ (۱۴۱) کرسی، مجمع جمهوری‌خواهان (نئوگلیست‌ها) ۱۳٤ (۳۵۷) کرسی، اتحاد برای فرانسه دموکراتیک ۱۰۸ (۲۲) کرسی، حزب کمونیست ۳۸ (۲۱) کرسی، سایرین ٥٦ (۳٦) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، سپک، آدب، فز، آی - آدب، شورای اروپا، گروه ۸، ناتو، اواسی‌دی، اوسه، جامعه اقیانوس آرام

جمعیت

مساحت: ٥٤٣،٩٦٥ کیلومترمربع (چهل و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ٥٩،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (بیستمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰۸/٦ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٦۱/۷ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** بیش از ۱۰۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۵/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۰/۵٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ۱۹٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۰/۷٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۹/۹٪؛ بالای ٦۰ سال ۲۰/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۸/۷۵٪؛ زن ٥۱/۲۵٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۷):** زنان ۸۲/۳ سال؛ مردان ۷٤/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱۲/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱۲/٦ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ٤/۸ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۳/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای قلبی و دیگر بیماریهای گردش خون ۲۹۱/٦ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۵۲/۲ نفر؛ حوادث و درگیری ۷٤/٤ نفر؛ بیماریهای تنفسی ۷٤/٤ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ٤٤/۸ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۷): ۱/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ٤/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۸):** ۲ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹٤): فرانسوی۹۳/٦٪ (ازجمله‌آلزاسی(آلمانی زبان)۲/٦٪؛ برتون ۱٪؛ کاتالان ۰/٤٪)؛ عرب ۲/۵٪؛ بقیه ۳/۹٪

دین(۱۹۹۷): کاتولیک ۷٦/۳٪؛ مسلمان ۵/۵٪؛ پروتستان ۲/٤٪؛ دیگر ادیان ۱۵/۸٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): مارسی ۷۹۷،۷۰۰ نفر؛ لیون ٤۱٦،۲٦۳؛ تولوز ۳۹۰،۷۱۲؛ نیس ۳٤۱،۰۱٦؛ نانت ۲٦۸،٦۸۳؛ استراسبورگ ۲٦۳،۸۹٦؛ مون‌پلیه ۲۲٤،۸۵٦؛ بوردو ۲۱٤،۹٤۰؛ رن ۲۰۵،۸٦۵؛ لوهاور ۱۹۰،٦۵۰؛ رمس ۱۸۷،۱٤۹ نفر

بنادر مهم: مارسی، لوهاور، نانت، سن‌نازر، روآن، بوردو، کاله، نیس، برست

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) = ٦/٥٦ فرانک فرانسه (منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو= ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۱،۵۵۲/۱ میلیارد فرانک ؛ مالیات بر ارزش افزوده ٤۹/۱٪؛ مالیات‌های مستقیم ۳۸/۲٪؛ مالیات‌های گمرکی ۱۰/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ۱،٥٤۱/۳ میلیارد فرانک؛ آموزش ۲۲/۵٪؛ دفاع ۱۵/٦٪؛ پرداخت بدهی‌ها ۱٤/۷٪؛ رفاه اجتماعی ۱۰/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،٤٦۵،۳۹۹میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲٤،۲۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/٦٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۷٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲/۳٪؛ صنعت ۲٦/۲٪؛ خدمات ۷۱/۵٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۲،۰۹۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۸،۰۳۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۸۵۳ میلیارد دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٥،۷٤۲- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۰/۷٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱/۷٪؛ ۱۹۹۸: ۰/۲٪؛ ۲۰۰۰: ۰/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): گندم ۳۷،۰۸٦،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۳۱،٤۲۲،۰۰۰؛ ذرت ۱٤،۸٦۹،۰۰۰؛ جو ۹،۵۸٤،۰۰۰؛ انگور ٦،۸۰۰،۰۰۰ ؛ سیب‌زمینی ٦،۵۰۰،۰۰۰؛ دانه منداب ٤،٤٥۹،۰۰۰؛ نخود خشک ۳،۲۰۰،۰۰۰؛ دانهٔ آفتابگردان ۲،۰٤۰،۰۰۰؛ سیب ۱،۹۵٤،۰۰۰؛ گوجه‌فرنگی ۸٦٤،۰۰۰؛ هویج ٦۷۰،۰۰۰؛ نخود سبز ۵۵۰،۰۰۰؛ جودوسر ۵۵۰،۰۰۰؛ کاهو ٤۹۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۳۵/٤٪؛ مرتع ۱۹/۳٪؛ جنگل ۲۷/۳٪؛ سایر موارد ۱۸٪

تعداددام‌زنده(۱۹۹۹): گاو ۲۰،۲۱٤،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱٦،۱۹۰،۰۰۰ ؛ گوسفند ۱۰،۲٤۰،۰۰۰ ؛ بز ۱،۱۹۹،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۵،۵۸٦،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۸۲۹،۸٤۵ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲٤۰،۹۷۲،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،۰٤٤،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): پتاس ۷۰۰،۰۰۰ تن؛ سنگ‌آهن ۵۰۰،۰۰۰؛ بوکسیت ۱۳۰،۸۰۰؛ اورانیوم ۵۸۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): سیمان ۱۹،۸۹٦،۰۰۰ تن؛ فولاد خام ۱۸،۱۳۲،۰۰۰؛ چدن ۱۲،۸۷٦،۰۰۰؛ تولیدات کاغذی ۸،۷۰۰،۰۰۰ ؛ تولیدات کائوچویی ٦۱۹،٤۰۰ (شامل لاستیک ٥۹،۲٦۸،۰۰۰ حلقه)؛ آلومینیوم ۵۸٦،۰۰۰ تن؛ اتومبیل ۳،۲۰۰،۰۰۰ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٤): ٤۷۵،٦۲۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٤۱۲،٤٥٤،۰۰۰،۰۰۰) زغال‌سنگ: ۸،۰۳۹،۰۰۰ تن (۲۱،۸۰۹،۹۰۰)؛ نفت خام: ۲۰،۲۹۷،۰۰۰ بشکه (٥٦۲،۹۰۷،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی ٦۹،۰۷۸،۰۰۰ تن (٦٦،۹۹٤،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲،٥۱۷،۲۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۳۳،٤٤۹،۹۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۵): ۲۵،۲٦۰،۳۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۳/٤٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤؛ ۱۹۹٤): ٦۷/٦٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٤٥٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۵): ۱۱/۷٪؛ ۲۰۰۱: ۸/۸٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی٤/۳٪؛ صنعت ۲٤/۹٪؛ خدمات ۷۰/۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۰ تا ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۳۱۷،۳۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٥٦/۲٪؛ نیروی دریایی ۱۹/۷٪؛ نیروی هوایی ۲٤/۱٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۷۰۸ دلار

واردات(۱۹۹۵): ۱،۳۸۰/٤ میلیارد فرانک ؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۸/۵٪ (از جمله تجهیزات حمل و نقل ۱٤/٦٪)؛ فرآورده‌های کشاورزی ۱۱٪؛ مواد شیمیایی ۸/٤٪؛ انواع سوخت ٦/۹٪؛ از آلمان ۱۸/۳٪؛ ایتالیا ۹/۹٪؛ انگلستان ۹/۵٪؛ بلژیک – لوکزامبورگ ۸/۸٪؛ اسپانیا ٦/۱٪؛ امریکا ٦/۱٪

صادرات(۱۹۹۵): ۱،٤۲۸/۸ میلیارد فرانک؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۲/٦٪؛ (از جمله ۱۹/۵٪ تجهیزات حمل و نقل)؛ فرآورده‌های کشاورزی ۱۵/۱٪؛ مواد شیمیایی ۸/٤٪؛ پلاستیک ۳/۲٪؛ به آلمان ۱۷/۷٪؛ ایتالیا ۹/۵٪؛ بلژیک – لوکزامبورگ ۸/٦٪؛ انگلستان ۷/٦٪؛ امریکا ۷/٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیاردفرانک	+۸۹/۵	+۵۰/۷	+٦۲/۷	+۸۵/۷	+۱۷۰/٤	+۱٦۰/۱
درصد کل	٪۳/۹	٪۲	٪۲/۲	٪۳	٪۵/۳	٪٤/٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦/٦	۹۸/۳	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۳/۲	۱۰۳/۹	۱۰٤/۵
شاخص درآمد	۹٦/۳	۹۹/۲	۱۰۰	۱۰۱/۹	۱۰٤/۷	۱۰۷/٦	۱۱۰

ویژگیهای خانوار(۱۹۹۵) : میانگین اندازهٔ خانوار: ۲/٦ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار: ۳۰۲،٥٦۰ فرانک؛ منابع درآمد: دستمزد و حقوق ۷۰٪؛ کار آزاد ۲٤/٤٪؛ بیمه بازنشستگی ۵/٦٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۷): مسکن ۲۲/۵٪؛ غذا ۱۷/۹٪؛ حمل و نقل ۱٦/۳٪؛ بهداشت ۱۰/۳٪؛ سرگرمی و آموزش ۷/٤٪؛ پوشاک ۵/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۹،۹۳۱ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۷،۷۹۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۵): ۸۱۲،۷۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۳۱،۹٤۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۲۵،۱۰۰،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۵،۰۰۵،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۷۲۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ٦۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱۱۷ روزنامه در ۱۲،۷۰۰،۰۰۰ نسخه (۲۱۸ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۲،٦۷۲ عنوان در ۱۲۰،۰۱۸،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۳٤،۷٦٦ عنوان در ۱،۰٤۱،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۲۹/۹ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٥٥،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۹٤٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳٦،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٦۰۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳٤،۰۰۰،۰۰۰ خط تلفن (۵۷۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۱،۲۱۰،۰۰۰ خط (۱۸۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۲،٤۰۰،۰۰۰دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳،۵۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٤۱،۰۰۰	۲۱۱،۱۹۲	٤،۰۰٤،۷۰٤	۱۹
متوسطه	۱۱،۲۱۲	٤۸۳،٤۹۳	٤،۳۳۳،٦۹۰	۱۲/٤
فنی و حرفه‌ای			۱،٦٤٦،۳۷۷	
عالی	۱،۰٦۲	۱٤۱،٤۱۰	۲،۰٦۲،٤۹۵	۱٤/٦

میزان باسوادی(۱۹۸۰): در کل جمعیت ۹۸/۸٪؛ مردان: ۹۸/۹٪؛ زنان: ۹۸/۷٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۱٦۹،۵۵٤ نفر (هر ۳٤۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۵): ٦۷۹،۷۳۱ تخت (هر ۸٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۱۰،۰۰۰ نفر (۰/۳۷٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۱/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۵۱۸ کالری (۱۳۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۱۳ گرم؛ مصرف چربی: ۱٦٤ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۱-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳٦۲/٤ میلیون تن؛ هر نفر ٦/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۱۷ (دوازدهمین کشور جهان)

از مهمترین ذخایر زیرزمینی آن به شمار می‌آیند. نیروگاههای اتمی سه‌چهارم نیروی الکتریسیتهٔ مورد نیاز کشور را تأمین می‌کنند و فرانسه بعد از کشور امریکا در ردیف بزرگترین تولید کنندهٔ انرژی الکتریکی، از راه واکنش‌های هسته‌ای قرار دارد.

تاریخچه

اقوام سلت که رومیان آنان را گُل می‌نامیدند، در دو منطقه سکونت داشته‌اند. یکی منطقهٔ میان آلپ و روم که آن را سیز آلپین می‌خواندند و دیگری آن سوی آلپ که ترانس آلپین نام داشت و آن سرزمینی بود با مرزهای طبیعی که به کوههای آلپ و پیرنه و اقیانوس اطلس و رود راین محدود می‌گردید. گل از نظر رومیان سرزمینی بود که نه تنها فرانسهٔ امروزی را شامل می‌شد، بلکه سرزمینهایی چون بلژیک، سوئیس و ساحل غربی رود راین را نیز دربر می‌گرفت. جامعهٔ گالیائی اساساً کشاورز بودند و از شهرنشینی چیزی نمی‌دانستند. جامعهٔ مزبور به سه طبقهٔ اشراف (که جنگجویان را هم شامل می‌شد)، مردم عادی و دروئیدها تقسیم می‌گردید.
رومی‌ها در سال ۱۲۵ پیش از میلاد به سرزمین گُل وارد شدند و نواحی ساحلی دریای مدیترانه، درّهٔ رود رُن ولانگدوک را تصرف کردند و آن نواحی را پرووینسیا یا پرووانس نامیدند. ژولیوس سزار امپراتور روم گل را به دو سرزمین پرووینسیا و گُل آزاد تقسیم نمود و گل آزاد را نیز به نواحی کوچک‌تر گل بلژیک در شمال (بین راین و سن)، گل سلتی در مرکز (بین سن و گارون و راین سفلی) و آکیتن در جنوب غربی تقسیم کرد. در ۲۷ قبل از میلاد اوگوستوس سزار امپراتور روم، در تقسیمات سرزمینی و اداری گل تغییراتی به عمل آورد و شبکهٔ وسیعی از راهها و پل‌های مختلف در آن سرزمین ایجاد کرد و تسهیلات کافی در امر داد و ستد گل فراهم نمود. کشتزارهای غله وسعت یافت و تاکستانهای جدید احداث گردید.
در سال ۴۸۶ میلادی کلوویس رهبر فرانک‌ها، فرماندار رومی گل را شکست داد و فرمانروایی سرزمین مزبور را خود به دست گرفت. بین سده‌های پنجم تا نهم میلادی سلسله‌های سلطنتی مروونژیان و کارولنژیان سرتاسر گل را تحت سلطهٔ خود درآوردند و با قبول مسیحیت، نام فرانسه را برای نخستین بار در صفحات تاریخ ثبت کردند. همزمان با گسترش اسلام و فروپاشی امپراتوری روم، فرانسه با بحران خالی شدن شهرها از سکنه و سقوط وضع اقتصادی مواجه شد. در سدهٔ نهم میلادی فئودالیسم و ملوک‌الطوایفی بر سرزمین فرانسه حاکم شد و قدرت دولت مرکزی از میان رفت و مردم در مقابل یورش اسکاندیناویایی‌ها، مجارها و ساراسنها بی‌دفاع ماندند و فرانسه در پایان سدهٔ نهم به حدود ۳۰۰ کشور کوچک تقسیم گردید.
از آغاز سدهٔ دهم قدرت خانواده‌های سلطنتی رفته رفته رو به فزونی نهاد و کلیساها و پادشاهان دست در دست هم دادند و به فئودال‌ها و مالکان بزرگ مبدل شدند. در سدهٔ سیزدهم اقتصاد به مرور رونق گرفت و شهرهای جدید احداث گردید و بر وسعت و جمعیت شهرهای پیشین افزوده شد. صلیبیون تحول بزرگی در جوامع اروپایی و به ویژه در فرانسه پدید آوردند و جان تازه‌ای در کالبد رعایا دمیده شد و دوران طلایی قرون وسطای فرانسه آغاز گردید و به مرور به طلایه‌دار فرهنگ و تمدن اروپای غربی مبدّل شد. پاریس به یکی از بزرگترین و معروف‌ترین شهرهای اروپایی تبدیل گردید و دانشگاه آن مرکز فضیلت و جایگاه حقوق‌دانان و فلاسفه شد و احساسات ملی‌گرایانه رو به تقویت نهاد.
تا قبل از سدهٔ هجدهم، فرانسه گرفتار جنگ‌های صد ساله با انگلستان بود و جنگهای سی ساله با اسپانیا نیز خود مزید بر علت شد و کشور را با دشواریهای بزرگ و فراوانی روبرو نمود. جنگ‌های متوالی با ایتالیا، دهها شورش، جنگهای مذهبی میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها و شیوع طاعون سرتاسر سده‌های چهاردهم و پانزدهم تاریخ فرانسه را به خود اختصاص داد و به تغییرات اجتماعی و اقتصادی سده‌های بعد منجر شد. لوئی چهاردهم به نام پادشاه آفتاب در سال ۱۶۶۱ به پادشاهی فرانسه رسید و تا سال ۱۷۱۵ با قدرت و خودکامگی تمام سلطنت کرد. دوران سلطنت لوئی چهاردهم یکی از درخشان‌ترین و مجلل‌ترین ادوار تاریخ سلطنتی فرانسه است. در این دوره فرهنگ فرانسه به اوج عظمت خود رسید. پس از وی لوئی پانزدهم که مردی عیّاش و خوشگذران بود به سلطنت فرانسه رسید. وی فرانسه را درگیر جنگهای جانشینی اتریش (۱۷۴۰ تا ۱۷۴۸) کرد و موجبات تهی شدن خزانهٔ کشور و از دست رفتن مستعمرات فرانسه در بسیاری از نواحی جهان را فراهم کرد و زمینهٔ انقلاب کبیر فرانسه را به وجود آورد.
انقلاب سال ۱۷۸۹ که منجر به اعدام لوئی شانزدهم در سال ۱۷۹۳ گردید، عصر جدیدی را در تاریخ فرانسه پایه‌گذاری کرد و مجلس ملی یا اتاژنرو در ژوئیه همان سال افتتاح شد. سقوط زندان باستیل و صدور اعلامیهٔ حقوق بشر در ۲۷ اوت به رژیم سلطنتی پایان داد و نظام حکومتی کشور فرانسه را به رژیم جمهوری تبدیل کرد و جمهوری اول فرانسه را پایه‌گذاری کرد. کشورهایی که با انقلابیون فرانسه مخالفت می‌کردند، با آن از در جنگ درآمدند. دانتون و روبسپیر که از سران انقلاب بودند، انجمنی به نام سلامت عامه تأسیس کردند و به قلع و قمع مخالفان داخلی پرداختند و دوره‌ای به نام ترور یا وحشت در تاریخ انقلاب فرانسه ایجاد نمودند. روبسپیر و همکارانش را آزادی‌خواهان از کار برکنار کردند و به اعدام با گیوتین محکوم نمودند (ژوئیهٔ ۱۷۹۴). تلاش انقلابیون در ۵ سال بعد برای به دست گرفتن کنترل کشور به جایی نرسید و تباهی، قتل و غارت و بی‌ثباتی سراسر فرانسه را دربر گرفت. کودتای ناپلئون بناپارت در ۱۷۹۹ به همه‌چیز پایان داد. ناپلئون بعنوان کنسول اول در سال ۱۸۰۲ و به عنوان امپراتور فرانسه در ۱۸۰۴ زمام امور فرانسه را کاملاً در دست گرفت. اگرچه دوران ناپلئون را بازگشت به حکومت مطلقه می‌دانند، ولی در واقع او انقلاب را به ثمر رسانید. وی قانون را بر جامعه حاکم کرد. نظام اداری و مذهبی و مالی و آموزش و پرورش را سر و سامان داد و کشور را به مسیری غیر قابل بازگشت هدایت نمود.
ناپلئون پس از فراغت از مسائل داخلی متوجه دشمنان خارجی فرانسه شد، اکثر آنان را درهم کوبید و از مادرید اسپانیا تا مسکو روسیه را به زیر سلطهٔ فرانسه درآورد. سرانجام در نبرد واترلو، در بلژیک شکست خورد(۱۸۱۵) و به سنت‌هلنا تبعید گردید و دور از وطن جان سپرد (۱۸۲۱).
پس از ناپلئون، لوئی هجدهم با حمایت متفقین به سلطنت رسید. در زمان او کنگرهٔ وین که از نمایندگان متفقین تشکیل شده بود، مرزهای فرانسه راتثبیت کرد و تا حد قبل از انقلاب کوچک نمود. لوئی هجدهم در سال ۱۸۲۴ درگذشت. پس از او برادرش شارل دهم به سلطنت رسید. وی که خواستار برقراری سلطنت مطلقه بود، با شورش مردم روبرو شد و از سلطنت خلع گردید و لوئی فیلیپ در سال ۱۸۳۰ به جای او نشست. در زمان او تجارت و صنعت توسعه یافت و مستعمرات زیادی عاید فرانسه گردید. مع‌الوصف آزادی‌خواهان فرانسه از پای ننشستند و او را که به مرور به خودکامگی گرایش پیدا می‌کرد، از سلطنت برکنار نمودند (سال ۱۸۴۸) و حزب جمهوری‌خواه زمام امور کشور را در دست گرفت و آلفونسو دولامارتین شاعر معروف فرانسه دولت موقتی تشکیل داد و در فرانسه اعلام جمهوری نمود. در انتخابات عمومی سال ۱۸۴۸ لوئی ناپلئون برادرزادهٔ ناپلئون بزرگ به ریاست جمهوری برگزیده شد و جمهوری دوم فرانسه آغاز گردید.
لوئی ناپلئون که رفته رفته به سوی خودکامگی و استبداد گرایش پیدا می‌کرد، در سال ۱۸۵۲ کودتا کرد و به نام ناپلئون سوم و امپراتور فرانسه ۱۹ سال حکومت کرد و اقتصاد فرانسه را رونق بخشید و بر وسعت مستعمرات فرانسه افزود. در جنگ فرانسه و پروس (۱۸۷۰ تا ۱۸۷۱) فرانسه شکست خورد و ناپلئون سوم در جنگ اسیر شد و از سلطنت خلع گردید و پاریس به محاصرهٔ قوای پروس (آلمان) درآمد. در سال ۱۸۷۱ آدولف تیر یکی از رهبران ملّیون که با بیسمارک صدراعظم آلمان قرارداد متارکهٔ جنگ را امضاء کرده بود، به عنوان رئیس موقت دولت فرانسه انتخاب شد. وی مقدمات تشکیل مجلس ملی را فراهم کرد و موافقت‌نامه‌های صلح را پذیرفت. کارگران انقلابی و اصناف و شهروندان پاریس که از عهدنامهٔ فرانکفورت و تسلیم آلزاس و لورن به آلمان ناراضی بودند، کمون پاریس را تشکیل دادند و به مقاومت علیه دولت آدولف تیر پرداختند. ارتش شهر پاریس را به محاصره درآورد و پس از ۷ روز مقاومت، انقلابیون به زانو درآمدند. در ۱۸۷۳ آدولف تیر از حکومت برکنار شد و مارشال ماکمائون به ریاست جمهوری انتخاب گردید و دورهٔ جمهوری سوم آغاز شد. بی‌ثباتی دولتها و بحران اقتصادی و تضاد و اختلاف میان احزاب از ویژگیهای این دوره است. لشگرکشی فرانسه به تونس که منجر به استعمار تونس در سال ۱۸۸۱ گردید، با مخالفت چپ‌گرایان روبرو شد ولی فرانسه به سیاستهای استعماری خود ادامه داد و نواحی زیادی را در افریقا و آسیای جنوب خاوری به تصرف خود درآورد.
در سال ۱۸۹۴ سادی کارنو رئیس جمهور وقت فرانسه به دست یک ایتالیایی کشته شد و ژان پل پیرگازیمیریر چپ‌گرا به جای او ریاست جمهوری فرانسه را بر عهده گرفت.
جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸) خسارات و صدمات فراوانی به فرانسه وارد کرد ولی در مقابل آلزاس و لورن را که در سال ۱۸۷۰ ضمیمهٔ آلمان شده بود، باز پس گرفت. فرانسه در این جنگ تلفات سنگینی را متحمل شد و بیش از ۱۵۰ میلیارد فرانک طلا خسارت دید و ارزش پول آن به شدت نزول کرد و مهار کنترل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور از دست دولت‌مردان فرانسه خارج گردید. در انتخابات ۱۹۳۶ ائتلاف احزاب سوسیالیست، رادیکال سوسیالیست و کمونیست پیروز شد و ل. بلوم به نخست‌وزیری رسید. وی به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی زیادی دست زد. پس از بلوم، ادوارد دالادیه مسئولیت کشور را بر عهده گرفت. وی با عقد پیمان مونیخ (۱۹۳۸) با آلمان نازی و ایتالیای فاشیست و اسپانیا سیاست مسالمت و سازش در پیش گرفت. با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ پُل رنو جای ادوارد دالادیه را گرفت.
در ژوئن ۱۹۴۰ در مقابل حملهٔ ناگهانی و برق‌آسای آلمان نازی فرانسه به زانو درآمد و حدود یک سوم خاک این کشور به وسیلهٔ ارتش آلمان اشغال گردید. کمی بعد مارشال پتن پیمان ترک مخاصمه با آلمان را امضاء کرد و با قبول حکومت ویشی به یکی از اقمار آلمان و دست‌نشاندهٔ هیتلر مبدل گردید. همزمان ژنرال شارل دوگُل در لندن موجودیت فرانسهٔ آزاد را اعلام داشت و مردم فرانسه را به مقاومت در مقابل آلمان و ادامهٔ جنگ دعوت نمود. دوگُل در ۱۹۴۳ دولت موقت فرانسه در الجزایر را تشکیل داد و به همین بهانه آلمان سراسر خاک فرانسه را اشغال نمود. با آزاد شدن فرانسه در اوت سال ۱۹۴۴، ژنرال دوگُل دولت خود را به پاریس منتقل کرد. در پایان سال ۱۹۴۴ فرانسه از وجود ارتش آلمان به کلی پاک گردید و نیروهای فرانسوی دوش‌به‌دوش متفقین علیه آلمان به جنگ پرداختند. در اکتبر ۱۹۴۶ جمهوری چهارم فرانسه آغاز گردید. از ویژگیهای جمهوری چهارم باید از عدم ثبات سیاسی و اختلاف‌ها و برخوردهای تلخ حزب کمونیست فرانسه و حزب دوگُل نام برد. طرح مارشال و پشتیبانی‌های مالی دولت امریکا، وضع اقتصادی فرانسه را کمابیش سر و سامان داد. تولیدات فزونی گرفت

و درآمد سرانه بین سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۹، ۴۷ درصد افزایش یافت. زنان از حق رأی برخوردار شدند و بانک‌ها ملی گردیدند. در سال ۱۹۵۷ فرانسه به یکی از شش امضاء کنندهٔ پیمان رم که جامعهٔ اقتصادی اروپا را پایه‌گذاری می‌کرد، مبدل گردید. بعد از سال ۱۹۴۵ فرانسه به تدریج کنترل بر مستعمرات خود را از دست داد.

در سال ۱۹۴۵ سوریه و لیبی جزء نخستین کشورهایی بودند که به استقلال دست یافتند. به دنبال آن مغرب، تونس، ماداگاسکار، ویتنام، لائوس و کامبوج نیز پس از زد و خوردها و جنگهای خونین تا سال ۱۹۵۴ از استقلال بهره‌مند شدند. شکستهای فرانسه در ماوراء بحار راه را برای سر کار آمدن پیر مندس فرانس هموار کرد. جنگ الجزایر که آخرین مستعمرهٔ فرانسه در افریقا بود، موجبات سقوط جمهوری چهارم را فراهم آورد و دولت از ژنرال دوگُل دعوت نمود تا به مقابله با بحران برخیزد. دوگُل قانون اساسی فرانسه را اصلاح کرد و قانون جدید را در سپتامبر ۱۹۵۸ به همه‌پرسی گذارد. با تصویب این قانون، دامنهٔ اختیارات رئیس جمهور گسترش یافت و جمهوری پنجم فرانسه از ۸ ژانویهٔ ۱۹۵۹ آغاز گردید. دوگُل در آغاز حل بحران الجزایر با مشکلات و مخالفت‌های فراوانی به ویژه از سوی چند تن نظامیان عالی‌رتبهٔ فرانسه روبرو گردید و از توطئهٔ ۸ سپتامبر ۱۹۶۱ که برای کشتن او ترتیب داده شده بود، جان سالم به در برد و سرانجام همه‌پرسی سال ۱۹۶۱ تکلیف الجزایر و جدا شدن آن از فرانسه را روشن کرد.

در سال ۱۹۶۲ در قانون اساسی تجدید نظر شد و انتخاب رئیس جمهور به آراء عمومی واگذار گردید و در اولین انتخابات بعد از آن گلیست‌ها از اکثریت عظیمی برخوردار شدند و ژنرال دوگُل به ریاست جمهوری فرانسه رسید. وی مجدّانه کوشید تا مشکلات فرانسه را برطرف کند و آن را در ردیف کشورهای درجهٔ اول جهان جای دهد. نخستین بمب اتمی فرانسه در سال ۱۹۶۰ در صحرای افریقا مورد آزمایش قرار گرفت. ثبات کامل بر فرانسه حاکم شد. دوگُل در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه نیز شرکت کرد و برای ۷ سال دیگر به ریاست جمهوری فرانسه برگزیده شد. در مارس ۱۹۶۶ از سیستم وحدت نظامی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) کناره‌گیری کرد. دوگل در سال ۱۹۶۹ از ریاست جمهوری کناره گرفت. پس از او ژرژ پومپیدو به ریاست جمهوری رسید و تا هنگام مرگش (آوریل ۱۹۷۴) در این سمت باقی بود. پس از او والری ژیسکاردستن به ریاست جمهوری انتخاب گردید. در انتخابات سال ۱۹۸۱ احزاب سوسیالیست و کمونیست با هم ائتلاف کردند و فرانسوا میتران رهبر سوسیالیست‌ها به ریاست جمهوری رسید. دولت میتران صنایع مهم و گروههای بانکی را ملی کرد و در قانون کار تجدید نظر نمود و میزان ساعات کار را به هفته‌ای ۳۹ ساعت کاهش داد و سن بازنشستگی را به ۶۰ سال رساند. در ۱۹۸۱ وزارتخانهٔ جدیدی به نام حقوق زنان تأسیس شد.

در سال ۱۹۸۵ روابط فرانسه با چند کشور اقیانوس آرام جنوبی مانند استرالیا و زلاند نو رو به تیرگی نهاد که علت آن مخالفت با آزمایشهای هسته‌ای فرانسه در جزیرهٔ مورو روآ، بود. انتخابات آوریل سال ۱۹۹۵ ژاک شیراک رهبر نئوگلیست‌ها را به ریاست جمهوری رسانید و آلن ژوپهٔ محافظه‌کار به نخست‌وزیری رسید. آلن ژوپه در ۱۹۹۶ قانون محدویت ورود و اقامت مهاجران به فرانسه را به مجلس تقدیم کرد که با تظاهرات و اعتراض بیش از ۱۵۰،۰۰۰ نفر روبرو شد و رئیس جمهور ژاک شیراک را وادار به انحلال مجلس ملی و برگزاری انتخابات پارلمانی پیش از موعد نمود. پس از پیروزی حزب سوسیالیست و احزاب ائتلافی آن در انتخابات ۲۵ مه ۱۹۹۷ لیونل ژوسپن به نخست‌وزیری برگزیده شد. وی میزان ساعات کار در هفته را به ۳۵ ساعت تقلیل داد.

ژوسپن برای مقابله با بیکاری پیشنهاد کرد که میزان ساعت کار به ۳۵ ساعت در هفته تقلیل یابد و در پی آن تظاهرات بسیاری از سوی کارگران و بی‌کاران صورت گرفت که خواهان اجرا شدن این پیشنهاد بودند. نتایج یک نظرخواهی در سال ۱۹۹۸ نشان می‌داد که از هر ۵ فرانسوی ۲ نفر دارای علایق نژادپرستانه هستند و این در حالی است که بعد از لوکزامبورگ، بافت جمعیتی فرانسه از بیشترین تنوع نژادی در میان کشورهای اتحادیه اروپا برخوردار است. در اول فوریه سال ۲۰۰۰ قانون جدید در مورد ساعات کار بر مبنای ۳۰ ساعت کار در هفته به اجرا درآمد. در دسامبر همین سال قانونی به رفراندوم گذاشته شد و به تصویب رسید که به موجب آن دورهٔ ریاست جمهوری از ۷ سال به ۵ سال کاهش یافت. در انتخابات شهرداری‌ها که در سال ۲۰۰۱ برگزار گردید، برای اولین بار از سال ۱۸۷۱ تاکنون، کاندیدای حزب سوسیالیست، برتران دلانو، شهردار پاریس شد. از دسامبر سال ۲۰۰۱، خدمت اجباری نظام وظیفه حذف شد و در جهت تشکیل یک ارتش کوچک ولی حرفه‌ای‌تر تصمیم گرفته شد، تا افراد ارتش از میان داوطلبان و به صورت حرفه‌ای انتخاب شوند. از ژانویه سال ۲۰۰۲، فرانک واحد پول رسمی کشور، پس از ۶۴۱ سال، از گردونه معاملات خارج شد و یورو، واحد پول اتحادیه اروپا جایگزین آن گردید.

در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در سال ۲۰۰۲، در میان شگفتی تمام ناظران، ژان ماری لوپن نامزد ملی گراهای افراطی و نژادپرست پس از ژاک شیراک با کسب ۱۷/۶٪ حائز رتبهٔ دوم شد و لیونل ژوسپن کاندید سوسیالیست‌ها، از راهیابی به دور دوم بازماند. در دور دوم، با توجه به تبلیغات شدیدی که بر علیه لوپن درگرفت، ژاک شیراک با آرای بسیار بالای ۸۲٪ در کاخ الیزه ماندگار شد. در انتخابات پارلمانی همین سال، سوسیالیست‌ها و احزاب ائتلافی آن اکثریت پارلمانی خود را از دست دادند و مجمع جمهوری‌خواهان (نئوگلیست‌ها) با کسب اکثریت کرسی‌های مجلس ملی، ژان پیر رافارن را به نخست‌وزیری برگزیدند.

مستملکات ماوراء بحار فرانسه FRENCH OVERSEAS POSSESSIONS

سرزمین‌های تابعه فرانسه در نقاط مختلف جهان به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند:

۱- دپارتمان‌های ماوراء بحار فرانسه؛ که چهار دپارتمان گویان فرانسه، گوآدلوپ، مارتینیک و رئونیون را تشکیل می‌دهد. این دپارتمان‌ها جزء جدایی‌ناپذیر فرانسه محسوب می‌شوند و هر دپارتمان توسط فرماندار اعزامی فرانسه اداره می‌شود. ساختار اداری هر دپارتمان ماوراء بحار، همانند دپارتمان‌های سرزمین اصلی است، مضاف بر این که این سرزمین‌ها از دادگاه استیناف مستقل نیز برخوردار می‌باشند. همچنین طبق قانون عدم تمرکز که در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید، قدرت اجرایی فرماندار نیز به شورای عمومی منتخب مردم آنها منتقل شده است. در عین حال مردم هریک از دپارتمان‌های ماوراء بحار، نمایندگانی نیز برای شرکت در مجلس ملی فرانسه، مجلس سنای فرانسه و پارلمان اروپا انتخاب می‌کنند.

۲- سرزمین‌های اشتراکی ماوراء بحار فرانسه؛ عبارتند از: سن پیرو میکلون و مایوت. این سرزمین‌ها به لحاظ قدرت اجرایی و نقش مردم آن در تصمیم‌گیری‌ها بین دپارتمان‌های ماوراء بحار و سرزمین‌های ماوراء بحار قرار دارند. یعنی سرزمین‌هایی هستند که جزء جدایی‌ناپذیر فرانسه محسوب می‌شوند و به وسیلهٔ یک فرماندار انتصابی دولت اداره می‌شوند. یک شورای عمومی منتخب مردم نیز بر حسن اجرای امور نظارت دارد. هریک از این سرزمین‌ها نماینده منتخبی برای شرکت در جلسات مجلس ملی فرانسه و پارلمان اروپا اعزام می‌کنند.

۳- سرزمین‌های ماوراء بحار فرانسه؛ که چهار سرزمین پولینزی فرانسه، سرزمین‌های جنوبی و جنوبگان فرانسه، کالدونیای جدید، و جزایر والیس و فوتونا را در بر می‌گیرد، هر یک از این سرزمین‌ها جزئی از خاک فرانسه محسوب می‌شوند و کمیسیونر عالی یا مدیرکل اعزامی دولت مرکزی ادارهٔ امور آنها را به عهده دارد. هر سرزمین دارای مجلس قانونگذاری یا کنگرهٔ محلی است که اعضای آن توسط مردم انتخاب می‌شوند. تعداد معینی از نمایندگان این مجلس در مجالس ملی و سنای فرانسه نیز حضور می‌یابند و میزان خودمختاری هریک از سرزمین‌ها نسبت به یکدیگر متفاوت است.

دپارتمان‌های ماوراء بحار فرانسه FRENCH OVERSEAS DEPARTMENTS

رئونیون
Reunion

جزیره‌ای است به مساحت ۲،۵۰۷ کیلومترمربع و جمعیتی معادل ۷۳۳،۰۰۰ نفر(۲۰۰۱)، در آبهای غربی اقیانوس هند، ۷۰۰ کیلومتری خاور ماداگاسکار. رئونیون جزیره‌ای است کوهستانی با منشأ آتشفشانی و اقلیمی گرم و مرطوب و پرباران و چند رودخانهٔ کوچک در آن، جاری است. این وضعیت، شرایط مطلوبی برای کشت نیشکر به وجود آورده و آن را در ردیف عمده‌ترین فعالیت اقتصادی قرار داده است.

طبق تخمین‌های آماری سال ۲۰۰۰، حدود ۴۳٪ افراد آن را دو رگه‌های سیاه و سفید و آسیایی تشکیل می‌دهند و ۲۶٪ سفیدپوست بومی، حدود ۲۰٪ تامیل، ۳/۴٪ چینی، ۳/۴٪ افریقایی و ۱/۴٪ مالاگاسی می‌باشند.

مردم آن عمدتاً کاتولیک(۸۹/۴٪) هستند و مسلمانان و هندوها و بودایی‌ها در ردیف اقلیتهای مذهبی آن قرار دارند. زبان رسمی فرانسه است و به زبان کریول نیز گفتگو می‌شود. نام رسمی آن دپارتمان ماوراء بحار رئونیون است و از ۵ بخش ترکیب یافته است. مرکز آن شهر سن‌دنی (۱۳۱،۵۵۷ نفر در سال ۱۹۹۹) است و سن‌پل، سن‌پیر، لوتامپون و سن‌لوئی از دیگر شهرهای مهم آن به شمار می‌رود.

دارای یک فرماندار است که از سوی دولت فرانسه منصوب می‌گردد و شورای عمومی با ۴۷ عضو و شورای منطقه‌ای با ۴۵ عضو، بر ادارهٔ امور آن نظارت دارند. عموماً ادارهٔ امور داخلی به عهدهٔ رؤسای دو شورای قانونگذاری فوق است و فرماندار مسئول سیاست‌های خارجی، دفاعی و امنیت داخلی است. جزیرهٔ رئونیون ۵ نماینده و ۳ سناتور در پارلمان فرانسه، و در پارلمان اروپا نیز یک نماینده دارد.

تا پیش از سدهٔ هفدهم میلادی خالی از سکنه بود. نخستین بار کاشفان عرب آنها را شناسایی کردند و به دیوار جبین موسومش ساختند. پرتغالی‌ها آن را لهاسانتا آپولونیا نامیدند و فرانسوی‌ها به بوربون معروفش ساختند و انقلاب فرانسه به رئونیون تغییر نامش داد. مدتها

میان قدرتهای استعماری دست به دست می‌شد و سرانجام پس از سالها مبارزه به استعمار فرانسه درآمد. فرانسوی‌ها کشت نیشکر و قهوه را در آن رواج دادند و صید ماهی را نیز به یکی از فعالیتهای اقتصادی آن مبدل نمودند. از سال ۱۹۴۶ رئونیون به یکی از دپارتمان‌های ماوراء بحار فرانسه تبدیل گردید. کمیتهٔ ضد استعمار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۸ استقلال کامل رئونیون را توصیه نمود و به همین انگیزه تلاشهای داخلی و تماس‌های بین‌المللی برای رسیدن به استقلال شدت گرفت. در سال ۱۹۹۱ در تظاهراتی که در اعتراض به بسته شدن یک فرستندهٔ تلویزیونی غیر قانونی که از سوی جنبش آزادی راه‌اندازی شده بود، هشت نفر در درگیری با پلیس کشته شدند. در مارس ۱۹۹۸ پل ورژه رهبر حزب کمونیست رئونیون با حمایت جنبش آزادی، به سمت رئیس شورای منطقه‌ای برگزیده شد. از سال ۱۹۹۶ روبرت پومیه از سوی دولت فرانسه به سمت فرماندار رئونیون منصوب شده است.

گوآدلوپ
Guadeloupe

سرزمینی است مرکب از چند جزیره به مساحت ۱۷۸۰ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۴۳۲,۰۰۰ نفر (۲۰۰۱)، در حاشیهٔ خاوری دریای کارائیب در امریکای مرکزی. گوآدلوپ که شمالی‌ترین بخش از جزایر بادگیر (ویندوارد) و جزئی از مجمع‌الجزایر آنتیل کوچک محسوب می‌شود، علاوه بر جزیرهٔ اصلی گوآدلوپ از جزایر دیگری چون ماری‌گالانت، دزیراده، له‌سنت، پتی‌تر، سن‌بارتلمی و بخش فرانسوی سن‌مارتن تشکیل یافته است. جزیره گوآدلوپ خود از دو قسمت جداگانه گران‌تر و باس‌تر تشکیل یافته است. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و بادهایی که از سوی دریا می‌وزند به اعتدال و لطافت هوای آن کمک می‌کنند. جزایر مزبور منشأ آتشفشانی دارند و بلندترین نقطهٔ آنها به نام آتشفشان سوفریه ۱۴۶۷ متر ارتفاع دارد و نیشکر، موز، یام و آناناس از مهمترین فرآورده‌های کشاورزی آن است.

اکثر جمعیت گوآدلوپ را دورگه‌های سرخ سیاه و سفید (۷۶/۷٪) و دورگه‌های سرخ و سفید (۱۰٪) و افریقایی‌تباران (۱۰٪) تشکیل می‌دهند و اقلیت کوچکی از اروپاییان (عمدتاً فرانسوی) نیز در آن به سر می‌برند. عمدتاً از مذهب کاتولیک پیروی می‌کنند و زبان رسمی آن فرانسه است.

نام رسمی آن دپارتمان گوآدلوپ است و از سه شهرستان ترکیب یافته است. مرکز آن شهر باستر (حدود ۱۴,۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۰) است و لزابیم، سن‌مارتن، پوانت‌پیترو لوگوزیه از شهرهای مهم آن هستند.

گوآدلوپ جزء جدایی‌ناپذیر فرانسه است و یکی از دپارتمان (استان)های آن سوی دریاها (ماوراء بحار) فرانسه محسوب می‌شود. این سرزمین به وسیلهٔ کمیسیونر جمهوری، انتصابی از سوی دولت فرانسه و دو مجلس شورای عمومی با ۴۲ عضو و شورای منطقه‌ای با ۴۳ عضو اداره می‌شود و خود در مجالس نمایندگان و سنای فرانسه به ترتیب دو و سه نماینده دارد و نماینده‌ای نیز به پارلمان اروپا اعزام می‌کند. واحد پول آن یورو است.

کاریب‌ها نخستین اقوامی بوده‌اند که در جزایر گوآدلوپ ساکن شده‌اند. آنان بعدها مغلوب آراواک‌ها شدند و از جزایر مزبور رخت بربستند. آراواک‌ها در سال ۱۴۹۳ علیه تازه‌واردان اسپانیایی به مقاومت برخاستند ولی دو قرن بعد مغلوب فرانسوی‌ها شدند. استعمارگران فرانسوی در سال ۱۶۳۳ اولین کارخانهٔ تصفیه و تولید شکر را در گوآدلوپ احداث کردند و بردگان افریقایی را در کشتزارهای نیشکر به کار گماشتند. در اواخر سدهٔ هفدهم گوآدلوپ به یکی از بزرگترین تولیدکنندگان شکر جهان تبدیل شد. با لغو برده‌داری در سال ۱۸۱۵، فرانسوی‌ها ساکنان دیگر جزایر کارائیب را به مهاجرت و اقامت و کار در گوآدلوپ تشویق و دعوت کردند. در ۱۹۴۶ گوآدلوپ به خودمختاری سیاسی نائل گردید و به یکی از دپارتمانهای ماوراء بحار (آن سوی دریاها) فرانسه مبدل شد. در ۱۹۸۵ اولین برخورد میان جدایی طلبان و پلیس محلی به دستگیری و زندان و تبعید انقلابیون منجر گردید. در انتخابات ۱۹۸۸ فرانسه، ۷۰ درصد رأی‌دهندگان گوآدلوپ به فرانسوا میتران رأی دادند. توفند شدید هوگو در سال ۱۹۸۹ حدود ۱۲,۰۰۰ نفر را بی‌خانمان کرد. در ۱۹۹۲ تصمیم جامعهٔ اروپا برای کاستن از حجم واردات موز گوآدلوپ و افزودن به حجم واردات آن از کشورهای افریقایی و امریکای لاتین، با اعتراض شدید مردم گوآدلوپ روبرو گردید و کاسته شدن از شمار گردشگران در سال ۱۹۹۳ بحران دیگری بر بحران اقتصادی پیشین افزود و شمار بیکاران ۲۴ درصد فزونی گرفت. در اواخر سال ۱۹۹۷ اعتصاب وسیع کارگران کشتزارهای موز بحران را تشدید کرد و درصد بیکاران در سال ۱۹۹۸ به ۴۰ درصد رسید.

گویان فرانسه
French Guiana

سرزمینی است به وسعت حدود ۸۶,۵۰۴ کیلومترمربع و جمعیتی معادل ۱۶۸,۰۰۰ نفر (۲۰۰۱) در شمال خاوری امریکای جنوبی و سواحل غربی اقیانوس اطلس. این سرزمین از شمال و شمال خاوری به اقیانوس اطلس، از خاور و جنوب به کشور برزیل و از غرب به کشور سورینام محدود است. اندکی بالاتر از خط استوا جای دارد و گرمای زیاد و اقلیم مرطوب و بارانی فعالیت اجتماعی و کشاورزی را به جلگهٔ ساحلی آن محدود ساخته و کاکائو، موز، نیشکر، برنج و غلات از فرآورده‌های کشاورزی آن است. کوههای نواحی مرکزی و دور از ساحل آن از جنگل‌های پرباران پوشیده شده و بوکسیت و طلا عمده‌ترین ذخایر زیرزمینی آن را تشکیل می‌دهد. رودخانه‌های چندی مانند مارونی، اویاپوک، آپرواگ و مانا در آن جریان دارند و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه سن مارسل ۶۳۵ متر ارتفاع دارد.

اکثر جمعیت گویان را اروپایی‌تباران تشکیل می‌دهند و کاریب‌ها و توپی‌ها و گوارانی‌ها اقلیت‌های قومی آن هستند. عمدتاً از مذهب کاتولیک پیروی می‌کنند و هندوها نیز در اقلیت مذهبی به سر می‌برند. زبان رسمی آنان فرانسه است و به زبان کرئول نیز گفتگو می‌شود.

مرکز گویان فرانسه شهر کاین با ۵۰,۵۹۴ نفر جمعیت (۱۹۹۹) است و کورو، سن‌لوران دو مارونی و ماتوری از شهرهای مهم آن هستند.

از نظر اداری و نوع حکومت، مستقیماً زیر نظارت رئیس جمهور فرانسه قرار دارد و یک فرماندار فرانسوی آن را اداره می‌کند. دارای دو مجلس قانونگذاری است که شورای عمومی از ۱۹ نماینده و شورای منطقه‌ای از ۳۱ نماینده تشکیل یافته و ۲ نماینده در مجلس ملی و دو نماینده در مجلس سنای فرانسه دارد.

روز ملی آن مطابق تعطیلات رسمی فرانسه و واحد پول رایج یورو می‌باشد.

آراواک‌ها با پوستی به رنگ مس و موهای سیاه و صاف که به کشت غلات، پنبه و سیب‌زمینی شیرین روزگار می‌گذراندند، نخستین ساکنان این سرزمین بوده‌اند. آنان در آلونک‌های مدور با سقف‌های مخروطی زندگی می‌کردند. کاریب‌ها آنان را از این سرزمین بیرون راندند و خود به دست کاشفان و فاتحان اسپانیایی که در اوایل سدهٔ شانزدهم به این سرزمین وارد شدند مغلوب گردیدند. در سال ۱۶۰۴ فرانسوی‌ها گویان را تصرف کردند و بعدها گویان را به فاتحان هلندی و انگلیسی و پرتغالی واگذار کردند. در ۱۶۷۶ فرانسوی‌ها برای بار دوم گویان را اشغال کردند و تا پایان سدهٔ هجدهم آن را از زیر سلطهٔ خود نگه داشتند. فرانسوی‌ها بیش از ۳۰۰۰ فرانسوی داوطلب را در گویان سکنی دادند که فقط چند تن از آنان از هوای گرم و مرطوب و کشندهٔ گویان جان سالم به در بردند و جزایر نزدیک به ساحل را برای زندگی انتخاب کردند و آنها را جزایر سلامتی نام نهادند و کشف طلا در حوضهٔ رودخانهٔ آپراناگه گروه زیادی را متوجه آنجا نمود. در ۱۹۴۶ گویان به عنوان یکی از دپارتمان‌های ماوراء بحار فرانسه جزئی از این کشور شد. حدود ۹۰٪ اراضی گویان را جنگل پوشانیده و با وجود این که از زمینهای مزروعی مرغوبی برخوردار است، مع‌الوصف بیشتر مواد غذایی مورد نیاز ساکنان آن از خارج وارد می‌گردد. از بابت امور مالی و اقتصادی به شدت به فرانسه وابسته است و واردات آن نسبت به صادراتش که بیشتر به طلا، میگو، لوازم یدکی اتومبیل و برنج منحصر می‌گردد به ده برابر می‌رسد. سرانه تولید ناخالص ملی آن در سال ۱۹۹۷ معادل ۹,۴۱۰ دلار بوده است.

در ۱۹۸۶ تعداد نمایندگان گویانی شرکت‌کننده در مجلس ملی فرانسه از یک نفر به دو نفر افزایش یافت و در ۱۹۹۴ گویان به عضویت سازمان کشورهای حوزهٔ کارائیب درآمد.

مارتینیک
Martinique

جزیره‌ای است به وسعت حدود ۱۱۲۸ کیلومترمربع و جمعیت حدود ۳۸۸,۰۰۰ نفر (۲۰۰۱) در حاشیهٔ خاوری دریای کارائیب، در امریکای مرکزی. مارتینیک جزیره‌ای است با منشأ آتشفشانی و یکی از جزایر ویندوارد (بادگیر) از مجمع‌الجزایر آنتیل کوچک به شمار می‌آید. آتشفشان مون‌پله (۱۳۹۷ متر) که فعالیت آن در سال ۱۹۰۲ به ویرانی شهر سن‌پیر منجر شد، یکی از چشمگیرترین عوارض این جزیره است. زمین‌های حاصلخیز آن به کشت موز، نیشکر و آناناس و کاکائو اختصاص یافته و اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و وزش بادهای دریایی بر اعتدال و لطافت آن کمک می‌کند و رودخانه‌های لورن و کاپو عمده‌ترین رودهای آن محسوب می‌گردند.

جمعیت مارتینیک را دورگه‌های سیاهپوست، سفیدپوست و آسیایی (۹۳/۴٪) تشکیل می‌دهند و فرانسوی‌تباران(۳٪) و هندی‌ها و لبنانی‌ها و چینی‌ها جزء اقلیتهای قومی آن هستند. ۹/۸۶٪ جمعیت پیرو مذهب کاتولیک هستند و پیروان مذاهب پروتستان، شاهدین یهوه و هندو نیز در ردیف اقلیت‌های مذهبی آن قرار دارند. زبان رسمی فرانسوی است ولی زبان کریول نیز در سطح وسیعی رایج است.

نام رسمی این سرزمین، دپارتمان ماوراء بحار مارتینیک است و مرکز آن شهر فوردو فرانس (حدود ۹۴,۰۴۹ نفر در سال ۱۹۹۹) است و لولامنتن، لوروبر، شولشر و سن‌ماری جزء مهمترین شهرهای آن هستند.

جزیرهٔ مارتینیک به وسیلهٔ یک فرماندار انتصابی از سوی دولت فرانسه و زیر نظر شورای عمومی با ۴۵ عضو و شورای منطقه‌ای با ۴۱ عضو اعضای آن از طریق آراء عمومی و هر ۶ سال یک بار انتخاب می‌گردند، اداره می‌شود و ۴ نماینده و ۲ سناتور در پارلمان‌های فرانسه دارد.

واحد پول مارتینیک، یورو است.

کاریب‌ها را نخستین اقوام ساکن مارتینیک محسوب می‌دارند. آنان زادگاه خود را مادینینا می‌نامند ولی از زمانی که تحت استعمار اروپاییان قرار گرفت، به مارتینیک معروف گردید. فرانسوی‌ها در سال ۱۶۳۵ مارتینیک را تصرف کردند. در اواخر سدهٔ هفدهم کشت نیشکر در

آن رواج یافت و به یکی از منابع درآمد آن تبدیل شد و بردگان افریقایی که برای کار در کشتزارها به این سرزمین آورده شده بودند به مرور جای بومیان اولیه را گرفتند و اکثریت قومی را به خود اختصاص دادند. اربابان اروپایی که شمارشان به ۱۲،۰۰۰ تن می‌رسید در مقایسه با ۹۳،۰۰۰ بردهٔ افریقایی در اقلیتی کوچک ولی مسلح به زور و اسلحه بر جزیره حکومت می‌کردند و شورش‌های متعددی را که علیه استثمار و استعمار بردگان در سالهای ۱۸۱۱، ۱۸۲۲ و ۱۸۳۳ به عمل آمد، سرکوب کردند. در سال ۱۹۴۵، جنبش بازگشت به خویشتن به عنوان نگریتود، توسط امه سزر رواج یافت. در سال ۱۹۴۸ به یکی از دپارتمان‌های ماوراء بحار فرانسه مبدل گردید و مردم آن تا حدی از حقوق و مزایای شهروندان فرانسوی برخوردار شدند. اعتصابات عمومی سال ۱۹۸۰ که ظاهراً از سوی کوبا حمایت می‌شد، به وسیلهٔ مأمورین دولتی و پلیس امنیتی سرکوب شد. در انتخابات سال ۱۹۸۶، ائتلاف احزاب چپ اکثریت خود را در شورای منطقه‌ای حفظ کرد و امه سزر در ریاست آن باقی ماند. تصمیم اتحادیهٔ اروپا برای وارد کردن موز و فرآورده‌های کشاورزی از دیگر کشورهای امریکای لاتین و افریقا، به نارضایی عمومی منجر شد و میزان بیکاری را در سال ۱۹۹۴ تا ۲۰ درصد افزایش داد. در سال ۱۹۹۸ میزان بیکاری به ۴۰ درصد رسید و اعتصابات وسیعی سراسر جزیره را در بر گرفت و اعتصابیون ایجاد اشتغال، افزایش دستمزدها و ایجاد شرایط بهتر کار را خواستار شدند. در انتخابات مارس همان سال کلودلیز که در سال ۱۹۹۸، از سوی حزب ترقی‌خواه به ریاست شورای منطقه‌ای رسیده‌بود، در مقام خود ابقاء گردید.

سرزمین‌های اشتراکی ماوراء بحار فرانسه
FRENCH OVERSEAS COLLECTIVITÉS TERRITORIALES

سن‌پیر و میکلون
St. Pierre and Miquelon

مجمع‌الجزایری است به وسعت حدود ۲۴۲ کیلومترمربع و جمعیتی معادل ۷۰۰۰ نفر، واقع در اقیانوس اطلس، و آبهای ساحلی خاور کانادا. این مجمع‌الجزایر از دو جزیرهٔ اصلی سن‌پیر (۲۶ کیلومترمربع) و میکلون (۲۱۵ کیلومترمربع) و چهار جزیرک دیگر تشکیل یافته و مردم آن عمدتاً فرانسوی‌تبار و از نژاد سفید هستند و از مذهب کاتولیک پیروی می‌کنند. زبان آنان فرانسه است و مرکز آن شهرک سن‌پیر حدود ۶،۰۰۰ نفر جمعیت دارد و میکلون با حدود ۱،۰۰۰ نفر جمعیت دیگر شهرک آن محسوب می‌گردد و نسبت جمعیت شهرنشین آن ۹۱/۶٪ است و واحد پول آن تا ژانویه سال ۲۰۰۲، فرانک فرانسه بود که از آن به بعد به یورو، واحد پول اتحادیه اروپا، جایگزین آن شده است.

سن‌پیر و میکلون زیر نظر یک فرماندار کل فرانسوی و با همکاری شورایی مرکب از ۱۹ عضو که هر شش سال یک بار از سوی مردم انتخاب می‌گردند اداره می‌شود و دارای یک نماینده در مجلس ملی، و یک نماینده در مجلس سنای فرانسه و یک نماینده در پارلمان اروپاست.

جزایر سن‌پیرو میکلون بازمانده مستعمرات بزرگی در امریکای شمالی است که سابقاً به فرانسه تعلق داشت. این جزایر در سال ۱۸۱۶ عنوان سرزمین ماوراء بحار یافت و در سال ۱۹۷۶ تبدیل به دپارتمان ماوراء بحار گردید. در ماه مارس ۱۹۸۲، کاندیداهای سوسیالیست و سایر گروه‌های متمایل به چپ، در تبلیغات انتخاباتی خود، خواستار تغییر وضعیت این جزایر و تبدیل آن به وضعیتی شدند که دولت فرانسه نقش بیشتری را در ادارهٔ امور آن به عهده داشته باشد. به همین خاطر در سیاست‌های تمرکززدایی که در دوران فرانسوا میتران در مورد امور داخلی دپارتمان‌ها و سایر نهادهای تقسیماتی اعمال شد، این سرزمین مستثنی گردید. در دسامبر ۱۹۸۴ هم قانونی به تصویب رسید که به موجب آن جزایر سن پیرو میکلون از حالت دپارتمان ماوراء بحار خارج شد و به حالت سرزمین اشتراکی ماوراء بحار درآمد.

مایوت
Mayotte

مایوت جزیره‌ای است کوهستانی به وسعت ۳۷۳/۲ کیلومترمربع و جمعیتی بالغ بر ۱۵۹،۰۰۰ نفر (۲۰۰۱)، با اقلیم گرم و مرطوب و پر باران. جزیرهٔ مزبور منشأ آتشفشانی دارد و از جنگل و رویدنی‌های انبوه مستور است و در دهانهٔ تنگهٔ موزامبیک جای دارد.

مردم آن همانند دیگر جزایر کومور ماله‌ای و پولینزیایی تبارند و جامعهٔ متنفذی از فرانسه‌تباران که تجارت جزیره را در انحصار خود دارند، در کنار آنان به سر می‌برند. ۹۸ درصد جمعیت مسلمانند و اقلیتی از کاتولیک‌ها نیز در میان آنان دیده می‌شود.

زبان رسمی فرانسوی است، اما عربی، سواحلی و کوموری نیز رایج است. مرکز آن شهر دزائودزی است و مامودزو از دیگر شهرهای آن است. فرماندار آن از سوی دولت فرانسه و رئیس دولت توسط مردم تعیین می‌شود و واحد پول آن تا قبل از سال ۲۰۰۲ فرانک فرانسه بود که در حال حاضر یورو جایگزین آن شده است.

در هشتمین کنفرانس غیر متعهدها که در زیمبابوه برگزار شد، از فرانسه خواسته شد تا تمامیت ارضی کشور کومور را محترم شمارد. حقیقت آن است که در عین این که جزایر کومور خود دولت مستقلی است، ولی جزیرهٔ مایوت هنوز تحت تصرف دولت فرانسه قرار دارد و دولت مزبور تاکنون اقدامی برای یافتن راه حل مشکل مزبور نیافته و در صدد یافتن آن هم نیست. در اکتبر ۱۹۹۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر مالکیت کشور کومور بر جزیرهٔ مایوت تأکید کرد و رأی مزبور از اکثریت قابل توجهی از آراء نمایندگان برخوردار گردید. در سال ۲۰۰۱، وضعیت اداری مایوت ارتقاء یافت و به دپارتمان اشتراکی تبدیل گردید.

سرزمین‌های ماوراء بحار فرانسه FRENCH OVERSEAS TERRITORIES

پولینزی فرانسه
French Polynesia

مجمع‌الجزایری است به مساحت حدود ۴۰۰۰ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۲۳۸،۰۰۰ نفر (۲۰۰۱) در مرکز اقیانوس آرام (کبیر) و جنوب خاوری جزایر پولینزی، که در پهنه‌ای وسیع گسترده شده است. جزایر پولینزی فرانسه منشأ آتشفشانی و مرجانی دارند و از اقلیم گرم و مرطوب و پر باران برخوردارند. حدود ۱۳٪ آن را اراضی کشاورزی تشکیل می‌دهد و حدود ۷۰٪ آن را نیز جنگل‌ها پوشانده است. روی هم رفته از حدود ۱۳۰ جزیره تشکیل شده‌اند و سوسیته (سوسایتی)، توآموتو، مارکیز، توبوآی و گامبیه از مهمترین گروه‌های جزایر آن هستند. عمدتاً کوهستانی هستند و بلندترین نقطهٔ آنها به نام کوه توروهنا ۲۲۳۵ متر ارتفاع دارد. جزیرهٔ تاهیتی با ۱۰۴۰ کیلومترمربع مساحت بزرگترین جزیرهٔ آن محسوب می‌گردد و در گروه جزایر سوسیته قرار دارد.

آزمایش‌های ۲۵ سالهٔ اتمی فرانسه موجب آسیب فراوان گردیده و محیط زیست جزایر و ساکنان آن را به شدت تحت تأثیرات نامطلوب هسته‌ای قرار داده است.

اکثر جمعیت این جزایر را پولینزیایی‌ها (۷۸ درصد)، تشکیل داده و چینی‌ها (۱۲ درصد) و فرانسوی‌تباران (۶ درصد) اقلیت‌های قومی آن را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر مذهبی عمدتاً پروتستان (۵۴ درصد) و کاتولیک (۳۰ درصد) هستند. زبان رسمی آنان فرانسه و زبان ملی تاهیتی است.

مرکز آن شهر پاپیتی یا پاپئته (حدود ۱۲۱،۰۰۰ نفر با حومه در سال ۱۹۹۹) است که در جزیرهٔ تاهیتی واقع شده و سایر شهرهای مهم آن عبارتند از: فا آآ، پوناآئوئیا، پیرائه و ماهینا.

از بابت حکومت، زیر نظر کمیسیونر عالی دولت فرانسه اداره می‌شود. مشاور مزبور بر امور اداری، دفاعی، روابط خارجی و قضایی نظارت دارد و دارای یک مجلس سرزمینی مرکب از ۴۹ نماینده است که هر ۵ سال یک بار از سوی مردم انتخاب می‌گردند. امور داخلی جزایر توسط رئیس شورای وزیران که به وسیلهٔ مجلس سرزمینی انتخاب می‌شود، به اجرا درمی‌آید. این جزایر همچنین ۲ نماینده برای مجلس ملی فرانسه و یک نماینده برای سنا و یک نماینده نیز برای پارلمان اروپا انتخاب می‌کند. واحد پول پولینزی فرانسه، فرانک پاسیفیک است.

تبار و منشأ ساکنان اولیهٔ پولینزی فرانسه به درستی معلوم نیست. در سال ۱۸۴۰ به تصرف فرانسوی‌ها درآمد و در ۱۸۸۰ به یکی از مستعمرات فرانسه به نام اقیانوسیهٔ فرانسه مبدل گردید و در ۱۹۵۸ به یکی از سرزمینهای ماوراء بحار فرانسه تبدیل شد. به دلیل موقعیت حساسی که جزایر مزبور از نظر سیاسی و استراتژیکی دارا هستند، فرانسه همواره بر آن بوده است تا کنترل و نظارت مستمر و دقیق بر آن سرزمین داشته باشد. آزمایشهای اتمی فرانسه که در سال ۱۹۶۶ در جزیرهٔ موروروآ و در ۱۹۷۵ در جزیرهٔ فانگاتائوفا انجام شد، با اعتراض شدید مردم آن نواحی و واکنش‌های نظامی فرانسه و مخالفت کشورهای دیگر به ویژه زلاند نو و استرالیا روبرو گردید و فرانسه را به اتخاذ سیاست‌های خاص و محافظه‌کارانه واداشت. به طوری که هزینه‌های جاری جزایر مزبور را در بودجهٔ اختصاصی ارتش فرانسه منظور نموده است و حدود ۸۰ درصد نیازهای غذایی آن را در فهرست واردات جای داده است. بهداشت محیط و سلامت مردم در دههٔ اخیر به سختی مورد تهدید آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه قرار گرفته و بیماری‌هایی چون تومور مغزی، سرطان خون و تیروئید در میان ساکنان جزایر مزبور شیوع یافته است و دولت فرانسه را وادار نموده تا از انتشار آمارهای بهداشتی جلوگیری کند. نخستین آزمایش هسته‌ای از سری آزمایش‌های فرانسه در سال ۱۹۹۵ به آشوب و شورش و زد و خورد در پولینزی فرانسه منجر گردید و دامنهٔ اغتشاش و اعتراض به حدی بالا گرفت که ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه ناگزیر از معلق نگه داشتن آزمایش‌های بعدی گردید. به دنبال تعلیق آزمایشات هسته‌ای، شمار جهانگردان ورودی به جزایر به تدریج افزایش یافت و در سال ۱۹۹۷ به رشدی معادل ۳۵٪ رسید.

والیس و فوتونا
Wallis and Futuna

این سرزمین شامل مجمع‌الجزایر والیس به وسعت ۱۵۹ کیلومترمربع، جزیرهٔ فوتونا به مساحت ۶۴ کیلومترمربع و جزیره آلوفی (۵۱ کیلومترمربع) می‌باشد. عمده‌ترین جزیره از جزایر والیس اووئا(والیس) نام دارد که پایتخت، ماتا-اوتو، در آن واقع است. مجمع‌الجزایر والیس علاوه بر جزیرهٔ اووئا از ۲۲ جزیرک تشکیل یافته و در شمال غربی جزایر فوتونا و آلوفی قرار گرفته‌اند. سرزمین والیس و فوتونا در اقیانوس آرام در پولینزی غربی جای دارد و پیرامون آن را جزایر توالو در شمال، فیجی در جنوب و مجمع‌الجزایر ساموآ در خاور فرا گرفته است. اقلیم آن گرم و مرطوب و بارانی است و کشت نارگیل و ماهیگیری عمده‌ترین فعالیت اقتصادی آن است.

جمعیت این سرزمین را پولینزیایی‌تباران تشکیل می‌دهند که حدود دوسوم آنها در جزایر والیس و بقیه در فوتونا زندگی می‌کنند. جمعیت والیس و فوتونا به حدود ۱۵,۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد و به علاوه ۱۲,۰۰۰ نفر نیز در کالدونیای جدید و وانوآتو به سر می‌برند.

مذهب آنان کاتولیک است و فرانسه زبان رسمی آن می‌باشد و زبانهای پولینزیایی نیز مورد گفتگو قرار می‌گیرد. مرکز این سرزمین ماتا-اوتو (حدود ۱۰۰۰ نفر) است که در جزیرهٔ اووئا قرار دارد و واحد پول آن فرانک پاسیفیک می‌باشد. از نظر تقسیمات سرزمینی جزء سرزمینهای ماوراء بحار محسوب می‌گردد و به وسیلهٔ یک فرماندار فرانسوی و شورایی مرکب از ۲۰ عضو که هر ۵ سال یک بار انتخاب می‌گردند، اداره می‌شود و دارای یک نماینده در مجلس ملی و یک نماینده در مجلس سنای فرانسه هستند.

نام والیس از اسم دریانورد فرانسوی ساموئل والیس که جزایر مزبور را در سال ۱۷۶۷ کشف کرد، اقتباس شده است. مبلغین مذهبی انجمن مریم مقدس در سال ۱۸۳۷ به این سرزمین وارد شدند و به ترویج آیین مسیح پرداختند. در سال ۱۸۸۸ به تحت‌الحمایگی فرانسه درآمد و در همه‌پرسی دسامبر ۱۹۵۹ تابعیت فرانسه را تحت عنوان سرزمین ماوراء بحار فرانسه به دست آورد.

در سال ۱۹۸۳ سلطان‌نشین‌های والیس و فوتونا از هم جدا شدند اما روابط خود را با فرانسه همچنان حفظ کردند. وضع اقتصادی جزایر مزبور ضعیف است و به همین خاطر از یارانه‌های قابل توجه دولت فرانسه برخوردار است. به علاوه وقوع توفندهای ادواری به ویرانگری و ضعف اقتصادی آن کمک می‌کند. والیس و فوتونا در سال ۱۹۸۷، ۵۵ میلیون فرانک فرانسه کمک دریافت داشت و حدود ۵۰ درصد جمعیت فعال آن برای کسب و کار به دیگر جزایر پولینزی مهاجرت کردند.

سرزمین‌های جنوبی و جنوبگان فرانسه
French Southern and Antarctic Territories

این واحد تقسیماتی تشکیل یافته از باریکهٔ کوچکی از سرزمین جنوبگان به نام سرزمین آدلی یا آدلی‌لند به وسعت ۴۳۲,۰۰۰ کیلومترمربع؛ مجمع‌الجزایر کرگلن به وسعت ۷,۲۱۵ کیلومترمربع، مجمع‌الجزایر کروزه (۵۱۵ کیلومترمربع)، جزیره آمستردام (۸۵ کیلومترمربع) و جزیره سن‌پل (۷ کیلومترمربع)، واقع در اقیانوس هند، که در کل فاقد جمعیت بومی می‌باشند. عمدهٔ ساکنان آنها، دانشمندان و متخصصانی هستند که در آزمایشگاه‌های این مناطق مشغول به کار می‌باشند و جمعیت آنها نیز نسبت به فصول مختلف سال بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ نفر متغیر است. در زمستان‌های نیمکرهٔ جنوبی جمعیت آن به حداقل می‌رسد و در تابستان‌ها جمعیت بیشتری در این نواحی دیده می‌شوند. علاوه بر آزمایش‌های زیست محیطی، هواشناسی و زمین‌شناسی، در برخی قسمت‌ها عملیات صید ماهی توسط شرکت‌های فرانسوی یا سایر کشورها نیز صورت می‌گیرد. امور اجرایی و اداری این سرزمین توسط یک مدیرکل و یک شورای هفت نفره که توسط دولت فرانسه تعیین می‌شوند، به انجام می‌رسد.

کالدونیای جدید (کاناکی)
New Caledonia (Kanaky)

جزایر کالدونیای جدید به وسعت ۱۸,۵۷۵ کیلومترمربع و جمعیتی حدود ۲۱۶,۰۰۰ نفر (۲۰۰۱) در آبهای غربی اقیانوس آرام و در ۱,۵۰۰ کیلومتری کرانه‌های خاوری استرالیا جای دارد.

جزایر مزبور شامل کالدونیای جدید (۱۶,۷۰۰ کیلومترمربع)، جزایر لویالتی (مرکب از جزیره‌های اووئا، لیفو، ماره و الپول) و مجمع‌الجزایر چسترفیلد (مرکب از جزیره‌های آوُن، هون، بلپ) و جزیرهٔ نومئا هستند که همگی در جنوب جزایر ملانزی بین جزایر هبرید جدید (وانوآتو) و ساحل خاوری استرالیا قرار دارند. جزایر مزبور منشأ آتشفشانی دارند و کمابیش کوهستانی هستند و ارتفاع بلندترین نقطهٔ آنها به نام کوه پانیه ۱۶۲۸ متر است. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و خاک آن مناسب کشاورزی است. جزایر آن پوشش گیاهی انبوهی دارند و معدن نیکل آن قابل توجه است.

مردم کالدونیای جدید عمدتاً ملانزی‌تبار (۴۵/۳٪) هستند و اروپایی‌تباران (۳۴/۱٪)، مهاجرین جزایر والیس و فوتونا (۹٪)، اندونزیایی‌ها (۲/۶٪)، تاهیتیایی‌ها، چینی‌ها، ویتنامی‌ها و پولینزیایی‌ها جزء اقلیتهای قومی آن به شمار می‌آیند. در میان ملانزیاییها، کاناک‌ها با ۴۴/۱٪ جمعیت، اکثریت مطلق را به خود اختصاص داده‌اند. حدود ۶۰ درصد آنان از مذهب کاتولیک پیروی می‌کنند و پروتستانها(۱۴/۵٪) و مسلمانان (۲/۷٪) در ردیف اقلیت‌ها جای دارند. زبان رسمی آنان فرانسه و کاناکی است و به زبانهای ملانزیایی و پولینزیایی نیز گفتگو می‌کنند.

نام رسمی آن سرزمین ماوراء بحار کالدونیای جدید است و محلی‌ها به آن نوول کالدونی (فرانسوی) و کاناکی هم می‌گویند. از سه استان ترکیب یافته و مرکز آن شهر نومئا (۷۶,۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۶) است و مون‌دور و دومبئا از دیگر شهرها و آبادیهای آن هستند. کمیسیونر عالی آن از سوی پاریس تعیین می‌گردد و دارای یک مجلس مشورتی به نام کنگره، مرکب از ۵۴ نماینده است و رئیس جمهور فرانسه بر آن ریاست دارد و واحد پول آن فرانک پاسیفیک است.

جزایر کالدونیای جدید یا کاناکی، حدود ۳۰۰۰ سال پیش به وسیلهٔ قوم کاناک، از اقوام ملانزیایی مسکون گردید. کاپیتان کوک دریانورد و پویندهٔ معروف انگلیسی در سال ۱۷۷۴ آن را به علت شباهتش با مناظر کالدونیا در اسکاتلند، کالدونیای جدید نامید. در ۱۸۵۳ جزیرهٔ اصلی به وسیلهٔ نیروی دریایی فرانسه اشغال گردید و معادن نیکل و کرُم آن هزاران فرانسوی را به خود جلب کرد. استعمارگران تازه‌وارد، صاحبان اصلی جزایر مزبور را از سرزمین مادری خود بیرون راندند و آنان را با استقرار در اردوگاهها، از حق مالکیت اراضی پدرانشان محروم کردند و خود مالک و سرور جزایر گردیدند.

در ۱۹۴۶ کالدونیای جدید به یکی از سرزمینهای ماوراء بحار (آن سوی دریاها) فرانسه مبدل شد و به آن تاحدی خودمختاری داده شد، اما این خودمختاری بیشتر تأمین‌کنندهٔ منافع کالدوشه‌ها (فرانسوی‌تباران) بود. انتخاب فرانسوا میتران به ریاست جمهوری فرانسه در سال ۱۹۸۱ امید دست‌یابی به استقلال را در دل مردم و احزاب آن زنده کرد ولی نتیجه‌ای حاصل نگردید و در عین حال مانع پیدایش نهضت‌های آزادی‌خواهی نیز نگردید. یکی از دلایلی که فرانسه را از اعطای استقلال و خودگردانی به کالدونیای جدید بازمی‌دارد، وجود منابع قابل توجه نیکل و معادن دیگری چون کرُم، آهن، کبالت و منگنز است که به ویژه نیکل آن در رده‌های اول جهانی قرار دارد. علاوه بر آن جزایر مزبور از موقعیت نظامی ممتازی برخوردارند و به همین مناسبت پادگان نظامی آن از ۶,۰۰۰ سرباز و یک ناوگان کوچک دریایی شامل یک زیردریایی اتمی ترکیب یافته است و ستاد مرکز آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در اقیانوس آرام نیز در آنجا مستقر است. در سال ۱۹۸۴ مجلس ملی فرانسه قانون خودمختاری داخلی کالدونیای جدید را بدون توجه به نظریات مردم بومی این سرزمین به تصویب رساند. در انتخابات مجلس سرزمینی که درماه نوامبر همان سال برگزار شد، و جبههٔ آزادیبخش ملی سوسیالیستی کاناک آن را تحریم نمود، بسیاری از مردم شرکت نکردند و در نتیجه دولت فرانسه با لغو این انتخابات باب گفتگو با این جبهه را گشود. به فاصلهٔ کمی پس از دعوت دولت فرانسه برای گفتگو با سران جبههٔ استقلال‌طلب کاناک، ۱۰ تن از فعالان این جبهه توسط کالدوشه‌های افراطی به قتل رسید. در دسامبر ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، استفاده از حق خودگردانی و استقلال را برای مردم کاناکی مورد تأکید قرار داد و جبههٔ آزادیبخش ملی سوسیالیستی کاناک را به رسمیت شناخت.

دولت فرانسه در سال ۱۹۸۷ رفراندومی را برگزار کرد، که همهٔ ساکنین جزایر منجمله حتی کسانی که در طی سه سال قبل از آن وارد کالدونیای جدید شده بودند، حق رأی داشتند. این همه‌پرسی نیز با تحریم گستردهٔ مردم بومی مواجه شد و نتایج آن مشروعیتی نیافت. سال بعد قرارداد ماتینیون بین دو تن از رهبران اصلی استقلال طلب و طالب حاکمیت فرانسه به امضاء رسید که میشل روکار، نخست‌وزیر فرانسه نیز آن را تأیید نمود. بر اساس این توافقنامه جزایر کالدونیای جدید به سه بخش تقسیم شد: شمالی، جنوبی و جزایر لویالتی که دو بخش آن به اکثریت کاناک‌ها تعلق داشت و در بخش جنوبی نیز کالدوچه‌ها اکثریت داشتند و هر یک از بخش‌ها در امور داخلی خود تا حدی استقلال یافتند. در سال ۱۹۹۸ موافقتنامه نومئا بین جبههٔ کاناک و دولت فرانسه به امضاء رسید و در همان سال در رفراندوم عمومی با حدود ۷۰٪ آراء به تصویب رسید. طبق مفاد این قرارداد، مقدمات برگزاری رفراندوم برای تعیین استقلال در طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ فراهم خواهد شد.

فلسطین PALESTINE

سرزمین فلسطین در انتهای جنوب خاوری دریای مدیترانه و در جنوب غربی قارهٔ آسیا واقع شده و این قاره را به قاره افریقا پیوند می‌دهد. فلسطین از شمال به لبنان، از شمال خاوری به سوریه، از خاور به اردن، از جنوب به خلیج عقبه و دریای سرخ، از جنوب غربی به مصر و از غرب به دریای مدیترانه محدود است. به لحاظ عوارض طبیعی، این سرزمین را می‌توان به چهار ناحیه متفاوت تقسیم نمود که عبارتند از:

۱- جلگه‌ها و دشت‌های ساحلی: این نواحی جزء حاصلخیزترین مناطق فلسطین محسوب می‌شود و مقدار بارندگی و آب‌های زیرزمینی، آن را مناسب کشت مرکبات کرده است. جبل کرمل این جلگه را به دو قسمت تقسیم کرده که دشت عکا در شمال و نوار ساحلی فلسطیا در جنوب آن واقع شده است.

۲- کوه‌ها و تپه‌ها: این قسمت عمدتاً سنگی است اما برخی مناطق آن مناسب کاشت درخت به ویژه درختان زیتون است. به علاوه درختان دیگری نیز مانند بادام، سیب و گلابی نیز در آن به عمل می‌آید. مناطق کوهستانی عمدتاً در نواحی جلیل، کرمل، نابلس و هبرون (الخلیل) واقع شده است و در دشت‌های بین آنها گندم، جو، حبوبات و سبزیجات کشت می‌شود.

۳- دره رود اردن و غور: ارتفاع این مناطق پایین‌تر از سطح دریا است و اگرچه از خاک خوبی برخوردار است، اما منابع آب در آن به اندازه کافی یافت نمی‌شود. در خاور این ناحیه رود اردن که دریاچه طبریه را به بحرالمیت (دریای مرده) متصل می‌کند، در درهٔ نشستی بزرگ جریان دارد.

۴- صحرای جنوبی: صحرای نقب در جنوب، حدود نیمی از سرزمین فلسطین را اشغال کرده و در مناطق شمالی آن برخی اراضی قابل کشت دیده می‌شود که هرچه به طرف جنوب برویم، زمین‌های آن هرچه بیشتر به صحرا و کویر تبدیل می‌شود.

نهر اردن که اصلی‌ترین رود فلسطین و اردن محسوب می‌شود، در مرز میان دو کشور جریان دارد و طول آن به ۳۰۰ کیلومتر می‌رسد. به غیر از چند رود کوتاه که به دریای مدیترانه می‌ریزند، بیشتر رودهای آن فصلی است و از ریزابه‌های نهر اردن محسوب می‌شوند. دریاچه بحرالمیت روزگاری حدود ۱۰۰۰ کیلومترمربع وسعت داشت، ولی درحال حاضر در اثر تبخیر و همچنین کاهش آب ورودی به آن، از وسعت آن کاسته شده است. بلندترین نقطهٔ فلسطین، جبل جرمق (کوه مرون) نام دارد که با ۱۲۰۸ متر ارتفاع در نواحی شمالی واقع شده است.

وسعت سرزمین فلسطین به حدود ۲۷،۰۰۰ کیلومترمربع می‌رسد که در حال حاضر حدود ۲۰،۷۰۰ کیلومترمربع آن توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی تصرف شده و تنها نوار غزه با ۳۶۳ کیلومترمربع وسعت و کرانه باختری با ۵۹۰۰ کیلومترمربع مساحت در اختیار فلسطینیان قرار دارد که آن هم عملاً در تصرف اسرائیل می‌باشد.

تاریخچه

سرزمین فلسطین از قدیمی‌ترین مناطق مسکونی جهان محسوب می‌شود و قدیمی‌ترین بقایای انسان‌های اولیه که در جنوب دریاچه طبریه یافت شده به حدود ۶۰۰،۰۰۰ سال پیش تعلق دارد. همچنین آثاری از عصر نوسنگی بین ۱۰،۰۰۰ تا ۵،۰۰۰ سال پیش از میلاد کشف شده است. عصر برنز در این سرزمین بین ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد شاهد ورود کنعانیان بوده است. پس از آن فلسطین به تصرف فرعون‌های مصر درآمد و در عین حال مورد تاخت و تاز اقوام مختلفی از سرزمین‌های مجاور قرار می‌گرفت. فلسطینیان در حدود ۱۲ قرن پیش از میلاد مسیح در سواحل جنوبی فلسطین مستقر شدند. آنان که ظاهراً از جزایر دریای اژه به این نواحی کوچیده بودند، شهرهایی در نواحی غزه، عقلان، اشدود و عقرون ایجاد کردند و منابع آهن منطقه را در اختیار گرفتند. در حدود ۱۲۲۵ سال پیش از میلاد قوم بنی‌اسرائیل با هدایت و رهبری حضرت موسی از مصر به فلسطین بازگشتند و در نواحی کوهستانی این سرزمین مستقر شدند، از این هنگام دین یهود که نخستین دین یکتاپرستی جهان محسوب می‌شود و تاکنون دوام یافته است، شروع به گسترش در این سرزمین نمود.

در زمان داود و سلیمان اتحاد میان اقوام دوازده‌گانهٔ بنی‌اسرائیل شکل گرفت و اورشلیم به پایتختی برگزیده شد. معبد سلیمان در زمان حضرت سلیمان ساخته شد و حکومت آنان به اوج عظمت و اقتدار خود رسید. پس از مرگ سلیمان وحدت طوایف یهود از میان رفت و دو حکومت جداگانهٔ اسرائیل در شمال به پایتختی سامره و یهودا در جنوب به پایتختی اورشلیم







شکل گرفت. در سال ۷۷۲ قبل از میلاد سرزمین اسرائیل به تصرف دولت آشور درآمد، اما تسخیر نهایی شهر اورشلیم که با ویرانی آن همراه بود تا ۵۸۶ سال پیش از میلاد به درازا کشید. در این زمان معبد سلیمان یا هیکل سلیمان کاملاً از میان رفت و گروه کثیری از یهودیان به بابل تبعید شدند.

در حدود ۵۳۹ سال قبل از میلاد کوروش کبیر با تأسیس نخستین امپراتوری ایرانی، بابل و فلسطین را نیز به تصرف خود درآورد و به یهودیان تبعیدی اجازه داد تا به سرزمین‌های خویش بازگردند. در این دوران آزادی‌های مذهبی در فلسطین مجدداً برقرار شد و هیکل سلیمان نیز از نو ساخته شد. با انقراض سلسلهٔ هخامنشی در سال ۳۳۰ پیش از میلاد، سرزمین فلسطین نیز به دست جانشینان اسکندر مقدونی افتاد و یونانیان به بسط نفوذ خود در این نواحی پرداختند.

در ابتدا بطالسهٔ مصر تا ۱۹۸ سال پیش از میلاد آن را در کنترل خود داشتند و پس از آنان سلوکیان این نواحی را به تصرف خود درآوردند. ممنوعیت دین یهود در دوران سلوکیان، منجر به شورش یهودیان تحت رهبری یهودای مکابی و برادرانش شد و آنان با تشکیل دولتی خودمختار تا سال ۶۳ قبل از میلاد با شدت و ضعف به حکومت خود ادامه دادند. اوجگیری اختلافات داخلی در میان مکابیان سرانجام منجر به دخالت پومپیوس، امپراتور روم گردید و در سال ۶۳ پیش از میلاد، فلسطین به تصرف رومیان درآمد. در این اوان سلسلهٔ هرودس با پشتیبانی رومیان حکومت محلی فلسطین را به دست گرفت و در زمان سلطنت هرودس کبیر حضرت عیسی مسیح در بیت‌لحم به دنیا آمد. سلاطین مختلف این خاندان تنها با پشتیبانی رومیان حکومت می‌کردند و به همین جهت حکومت آنان معمولاً با نارضایی عمومی همراه بود. سرانجام رومیان با برکنار کردن سلسلهٔ هرودس خود رأساً ادارهٔ حکومت فلسطین را در دست گرفتند، اما این امر نیز موجب شورش‌های گسترده یهودیان شد. در سال ۷۰ میلادی تیتوس با سرکوب شدید این شورش‌ها، بیت‌المقدس و معبد آن را ویران نمود، در دورهٔ ترایانوس و سپس در عصر هادریانوس، یهودیان بازهم سر به شورش برداشتند ولی کاری از پیش نبردند و سرانجام بیت‌المقدس به مستعمره رومی آیلیا کاپیتولینا تبدیل گردید و از حدود سال ۱۳۵ میلادی ورود یهودیان به آنجا به جز برای مراسم زیارت سالانه ممنوع شد.

نام فلسطین را رومیان به این سرزمین اطلاق کردند و پس از تجزیهٔ امپراتوری روم به دو بخش غربی و شرقی، فلسطین به عنوان یکی از ایالات مهم روم شرقی تحت کنترل دولت بیزانس که مرکز آن در قسطنطنیه (استانبول امروزی) قرار داشت، درآمد. با رسمیت یافتن دین مسیح در میان رومیان، این آیین در سرزمین فلسطین نیز رواجی تمام یافت، اما به علت اختلافات فرقه‌های مختلف مسیحی نتوانست نقش چندان مثبتی بر عهده گیرد. در اواخر عهد ساسانیان یعنی در سال ۶۱۱ میلادی، سرزمین فلسطین مجدداً به تصرف ایرانیان درآمد و بیشتر سکنهٔ آن تبعید شدند و صلیب مقدس نیز به تیسفون برده شد.

هراکلیوس امپراتور روم شرقی با حمله به سرزمین‌های ایران، فلسطین را بار دیگر از ایرانیان پس گرفت و صلیب مقدس هم در سال ۶۲۸ میلادی به بیت‌المقدس بازگردانده شد. هراکلیوس به منظور ایجاد وحدت سیاسی و مذهبی فرقهٔ مذهبی جدیدی را تحت عنوان وحدت مشیت به وجود آورد که نه تنها کمکی به ایجاد وحدت مورد نظر نکرد، بلکه خود عامل تفرقهٔ جدیدی در میان مسیحیان شد و منجر به ظهور فرقه مارونیان لبنان شد.

در همین اوان با ظهور دین اسلام در شبه جزیرهٔ عربستان، قدرت جدیدی در صحنهٔ معادلات



نام رسمی: فلسطین

نام محلی: فلسطین

اسامی دیگر: ارض کنعان (نام تاریخی)

پایتخت: قدس؛ مراکز اداری موقت: غزه و رام‌الله

تاریخ استقلال: اعلان استقلال: ۱۹۸۸/۱۱/۱۵

روز ملی: اول ژانویه (آغاز نبرد مسلحانه بر علیه رژیم صهیونیستی در سال ۱۹٦٥)

نوع حکومت: دولت خودمختار با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹٤

رئیس حکومت: رئیس دولت خودگردان: یاسر عرفات (رهبر جنبش فتح و سازمان آزادیبخش فلسطین)؛ از سال ۱۹۹٤

رئیس دولت: رئیس دولت خودگردان: یاسرعرفات (رهبر جنبش فتح و سازمان آزادیبخش فلسطین)، از سال ۱۹۹٤

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٤؛ شورای ملی فلسطین با ۸۹ عضو

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: عضو ناظر در سازمان ملل متحد (۱۹۷٤)؛ یونیسف؛ اتحادیه عرب، یوپو، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ٦،۲٦۳ کیلومترمربع(صد و شصت و سومین کشور جهان)

جمعیت: ۳،۳۳۱،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و بیست و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۳۱/۸ نفردر کیلومترمربع

رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۱-۱۹۹٦) : (کرانهٔ باختری): ۱/۷٪ (نوار غزه): ۵/۵٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ٦،۷۵۱،۰۰۰ نفر

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۹): (کرانهٔ باختری): زیر ۱۵ سال ٤٤/٦٪، ۲۹-۱۵ سال ۲۸/٤٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۱/٤٪؛ بالای ٦۰ سال ۵/٦٪
(نوار غزه): زیر ۱۵ سال ۵۰/۳٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۵/۸٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۱۹/۳٪؛ بالای ٦۰ سال ٤/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۵):
(کرانهٔ باختری): مرد۲ /۵۱٪؛ زن۸ /٤۸٪
(نوار غزه): مرد ۵۰/۹٪؛ زن ٤۹/۱٪

امید به زندگی(۲۰۰۰):
(کرانهٔ باختری): زنان ۷۳/۹ سال؛ مردان ۷۰/٤ سال
(نوار غزه): زنان ۷۲/۱ سال؛ مردان ٦۹/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): (کرانهٔ باختری): ۳٦/۷ نفر (نوار غزه): ٤۳/۱ نفر

میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰): (کرانهٔ باختری): ٤/۵ نفر (نوار غزه): ٤/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان‌درهرهزارتولد(۲۰۰۰): (کرانهٔ باختری): ۲۲/۳ نفر (نوار غزه): ۲٦ نفر

رشدطبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰): (کرانهٔ باختری): ۳۲/۲ نفر (نوار غزه): ۳۸/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): (کرانهٔ باختری): ۵/۲ نفر (نوار غزه): ٦/٦ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت: عرب فلسطینی

دین: مسلمان (عمدتاً سنی) ۸۷/۷٪ ؛ یهودی ۷٪؛ مسیحی ۵/۳٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ عبری؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۹): غزه ۳۸۸،۰۳۱ نفر؛ (۱۹۹۷): خان یونس ۱۲۳،۱۷۵ نفر؛ الخلیل (هبرون) ۱۱۹،٤۰۱ نفر؛ جبالیا ۱۱۳،۹۰۱ نفر؛ نابلس ۱۰۰،۲۳۱ نفر؛ رام‌الله ۱۸،۰۱۷ نفر

بنادر مهم: غزه (دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: ؟

درآمد بودجه: ؟

هزینه بودجه: ؟

تولیدناخالص داخلی(۱۹۹۸):
(کرانهٔ باختری): ۲،۷۵۸ میلیون دلار
(نوار غزه): ۱،۳٦۸ میلیون دلار

سرانه تولیدناخالص داخلی(۱۹۹۸):
(کرانهٔ باختری): ۱،٦۸۰ دلار
(نوار غزه): ۱،۳۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): (کرانهٔ باختری): کشاورزی ۷٪؛ صنعت ۲۸٪؛ خدمات ٦۵٪
(نوار غزه): کشاورزی ۱۳٪؛ صنعت ۲۰٪؛ خدمات ٦۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی: ؟ **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سبزیجات ۳۸٦،۰۰۰ تن؛ میوه ۲۹۰،۰۰۰ تن؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۵۲،۰۰۰ تن؛ غلات ۳۱،۰۰۰ تن؛ شیر ۲۷،۰۰۰ تن؛ حبوبات ۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین: ؟

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): گوسفند ۳۷۷،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ **صید ماهی(۱۹۹۹):** ۳،٦۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،٦۰۰،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۳،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): ۳۱٤ میلیون دلار؛ شامل پوشاک و منسوجات ۲٦/۷٪؛ مصالح ساختمانی ۲٦/٦٪؛ مواد غذایی؛ نوشیدنی و دخانیات ۱۳/۵٪ ؛ مصنوعات فلزی ۱۰/٦٪؛ جواهرات و آلات موسیقی ۷/٦٪؛ مواد شیمیایی و دارویی و پلاستیک ۵/۵٪؛ محصولات چوبی ۳/۸٪؛ کاغذ و چاپ ۲/۷٪

انرژی/میزان تولید(میزان مصرف): ؟

نیروی کار(۱۹۹٦): (کرانهٔ باختری): جمعیت فعال اقتصادی: ۳۵٦،۹۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۲۲/۷٪؛ میزان مشارکت(در سنین ۱۵ سال به بالا): ٤۲/۲٪؛ میزان مشارکت زنان: ۱٦/۱٪
(نوار غزه): جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹٦): ۱۷۳،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۱۸٪؛ میزان مشارکت(در سنین ۱۵ سال به بالا): ۳٦/۳٪؛ میزان مشارکت زنان ۹٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹٦): (کرانهٔ باختری): کشاورزی ۱۱/٦٪؛ صنعت ۱٤/۵٪؛ خدمات ۵۵/٤٪؛ بیکار ۱۸/۵٪
(نوار غزه): کشاورزی ۵/۲٪؛ صنعت ۹/۸٪؛ خدمات ۵٤/۲٪؛ بیکار ۳۰/۸٪

نیروی دفاعی: ؟

واردات(۱۹۹۷): ۱،۸٦۰ میلیون دلار (به استثنای واردات از اسرائیل که در سال ۱۹۸۷ حدود ۹۰/۹٪ واردات آن را تشکیل می‌داده است)

صادرات(۱۹۹۷): ۲٦۷ میلیون دلار (به استثنای صادرات به اسرائیل که در سال ۱۹۸۷ حدود ۷۰/۳٪ کل صادرات آن را تشکیل می‌داده است)

تراز بازرگانی: ؟

شاخص قیمتها و درآمدها: ؟

ویژگیهای خانوار: ؟

جهانگردی: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه: ؟ **راه‌آهن:** ؟

تعداد اتومبیل: (کرانهٔ باختری): ۸۸،۰۵٦ دستگاه (نوار غزه): ۳۷،۰٦۱ دستگاه

تعدادکامیون‌واتوبوس: (کرانهٔ باختری): ۲٤،۳۲٤ دستگاه (نوار غزه): ۸،۱۰۵ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ؟ **فرودگاه:** ؟

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو: ؟

تلویزیون: ؟

تلفن(۱۹۹۹): ۲۲۲،۰۰۰ خط تلفن (۷۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۷): ٤۰،۰۰۰ خط (۱٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت:

(کرانه باختری)

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷) متوسطه	۱،۱۹۳	۱۵،۹۱۲	٤۳۱،۵٦۵	۲۷/۱
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۲۲	۱،۵۹۸	۳۰،٦۲۲	۱۹/۲

(نوار غزه)

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱،۱۱۸	۱۵،۹۰۳	٦۵٦،۳۵۳	٤۱/۳
متوسطه	؟	۷،٦۳٤	۵٤،٦۹۲	۷/۲
فنی و حرفه‌ای	؟	۳۱٦	۱،۷۷۵	۵/۷
عالی	۵	۲،٤۷۳	٤۹،۵۹۹	۲۰

میزان باسوادی: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۱،۳٤٤ نفر (هر ۱،۵۳٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): هر ۱۰،۰۰۰ نفر ۹ تخت

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی: ؟

جهان ظاهر شد و در سال ۶۳۴ میلادی، سرزمین فلسطین به همراه شام به تصرف مسلمانان درآمد. بدین ترتیب این نواحی جزء خلافت اسلامی شد و در زمان امویان که مرکزشان در شهر دمشق قرار داشت، مسجدالاقصی و قبةالصخره در بیت‌المقدس ساخته شد. از آنجا که شهر بیت‌المقدس اولین قبلهٔ مسلمانان بود و سپس کعبه جایگزین آن گردید، شهر بیت‌المقدس که از قبل برای یهودیان و مسیحیان از اعتبار و تقدس خاصی برخوردار بود، برای مسلمانان نیز جنبه تقدس یافت. در این دوران پیروان مذاهب سه گانهٔ توحیدی در اجرای مراسم مذهبی خود آزاد بودند و مسیحیان و یهودیان نیز که تحت حکومت اسلامی زندگی می‌کردند، آزادانه به شعایر مذهبی خود می‌پرداختند.

رشد و توسعهٔ روزافزون دین اسلام در این سرزمین موجب شد که زبان عربی نیز در آن گسترش یابد و حتی مسیحیان آن نیز به زبان عربی سخن بگویند، اما یهودیان فرهنگ و زبان خاص خود را حفظ کردند. فلسطین در ابتدا توسط خلفای راشدین اداره می‌شد و پس از آن تحت کنترل امویان درآمد. سپس با روی کار آمدن عباسیان در بغداد، فلسطین نیز در حیطه قدرت آنان قرار گرفت و پس از عباسیان نیز حکومت‌های محلی اسلامی مصر بر فلسطین مستولی شدند.

از حدود نیمهٔ اول قرن یازدهم ترکان سلجوقی بر فلسطین استیلا یافتند و سختگیریهای آنان بر علیه مسیحیان ساکن فلسطین باعث ایجاد زمینه برای شروع جنگ‌های صلیبی گردید. در نخستین دورهٔ جنگ‌های صلیبی که از سال ۱۰۹۶ تا ۱۰۹۹ به درازا کشید، سرانجام بیت‌المقدس به تصرف صلیبیون درآمد و مملکت لاتینی اورشلیم شکل گرفت. مسیحیان فاتح در ابتدا با بدرفتاری بسیار با مسلمانان مواجه شدند، اما به تدریج روابط آنان رو به بهبود گذاشت. مملکت لاتینی اورشلیم تا سال ۱۱۸۷ که صلاح‌الدین ایوبی بیت‌المقدس را فتح کرد، ادامه یافت و پس از آن نیز حدود ۱۰۰ سال در شهر عکا دوام داشت.

ممالیک مصر از سال ۱۲۵۰ میلادی فلسطین را جزء قلمرو خود نمودند و به تدریج صلیبیون را به طور کامل از این سرزمین بیرون راندند. حکومت ممالیک بر فلسطین تا اوایل قرن شانزدهم که ترکان عثمانی شروع به تصرف تمامی سرزمین‌های اسلامی نمودند، ادامه یافت. شهر بیت‌المقدس در سال ۱۵۱۷ به تصرف عثمانیان درآمد و از آن پس فلسطین به یکی از ایالات کم اهمیت امپراتوری عثمانی تبدیل شد. در سال ۱۷۹۹ ناپلئون به فلسطین حمله کرد و مدت کوتاهی جزء قلمرو وی درآمد. ابراهیم پاشا خدیو مصر در سال ۱۸۳۳ بدین سرزمین تاخت و مدت ۷ سال تحت سیطره وی قرار گرفت. از سال ۱۸۶۴ دولت عثمانی این نواحی را تجدید سازمان داد و نواحی جنوبی فلسطین به سنجاق مستقلی مبدل گردید و والی آن مستقیماً توسط امپراتور عثمانی تعیین می‌شد.

با شروع دوران زوال امپراتوری عثمانی در اواخر قرن نوزدهم و همزمان با اوج گیری سیاستهای ضد یهودی در اروپا، نهضتی از یهودیان پراکنده در اروپا شکل گرفت که از همان ابتدا به صهیونیزم معروف شد و صهیونیستها خواهان ایجاد یک وطن ملی و استقرار همهٔ یهودیان در این سرزمین بودند. به موازات آن نهضت‌های ناسیونالیستی اعراب ساکن در امپراتوری عثمانی نیز که خواهان خروج از استیلای ترکان عثمانی بودند، پا گرفت. از سوی دیگر امپراتوری بریتانیا نیز که خواهان از هم پاشیدن امپراتوری عثمانی بود، وعدهٔ همکاری به اعراب می‌داد. طبق همین برنامه دولت بریتانیا در سال ۱۹۱۵ به حسین ابن علی، شریف مکه وعده استقلال داد و وی را بر ضد عثمانی‌ها شوراند. اگرچه طبق توافقات طرفین تمامی سرزمین‌های عربی در محدودهٔ کشورهای کنونی عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، عربستان سعودی و اردن جزء مناطق تحت نفوذ شریف حسین قرار می‌گرفت، اما عملاً* پس از استقرار قیمومیت بر فلسطین، انگلستان مدعی شد که فلسطین جزء محدودهٔ مورد نظر نبوده است.

در سال ۱۹۱۷ لرد بالفور، وزیر امور خارجه انگلستان به صهیونیست‌ها وعده داد که در استقرار یک میهن ملی برای آنان در سرزمین فلسطین اقدام خواهد کرد. اگرچه در آن هنگام دولت انگلستان چه به لحاظ عملی و چه به لحاظ سیاسی قدرت انجام این کار را نداشت، ولی به زودی پس از شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، دولت انگلستان که با کمک متحدان عرب خود موفق به پیروزی در این نواحی شده بود، در سال ۱۹۲۲، از سوی جامعهٔ ملل قیمومیت فلسطین را به دست آورد. از این زمان مهاجرت یهودیان به سرزمین فلسطین شکل گسترده‌تری به خود گرفت و جمعیت آنان را از ۵۰,۰۰۰ نفر در ابتدای قرن بیستم به ۳۰۰,۰۰۰ نفر در شروع جنگ جهانی دوم رساند.

فلسطینیان در اعتراض به رفتار تبعیض‌آمیز دولت انگلستان بر علیه اعراب فلسطینی و حمایت یک جانبه از یهودیان، اعتصاب گسترده‌ای را در سال ۱۹۳۶ سازمان دادند. در پاسخ، دولت انگلستان طرح تقسیم فلسطین به سه کشور مجزا را پیشنهاد داد که بر اساس آن یک دولت یهودی در شمال، یک دولت عرب در جنوب و یک کشور میانگیر در محدودهٔ بیت‌المقدس و تل‌آویو - یافا و تحت نظر دولت انگلستان تشکیل می‌شد. فلسطینی‌ها این طرح را قبول نکردند و شورش تا سال ۱۹۳۹ که انگلستان محدودیت‌هایی را برای مهاجرت یهودیان به فلسطین اعمال نمود، ادامه یافت.

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، احساس همدردی گسترده‌ای در سطح جهان با یهودیان قربانی رژیم آلمان نازی شکل گرفت و همین امر به شدت مورد سوء استفاده صهیونیست‌ها قرار گرفت. در همین حال دولت انگلستان حل مسئلهٔ فلسطین را به سازمان ملل متحد که به تازگی جایگزین جامعهٔ ملل شده بود، واگذار نمود و به نوعی از خود سلب مسئولیت کرد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد طرح تقسیم جدیدی ارائه نمود که طبق آن باید ۷۴۹,۰۰۰ عرب و ۹,۲۵۰ یهودی در کشور فلسطینی و ۴۹۷,۰۰۰ عرب و ۴۹۸,۰۰۰ یهودی در کشور یهودی زندگی می‌کردند. تروریست‌های صهیونیست برای بیرون راندن اعراب فلسطینی از خانه و کاشانهٔ خود به عملیات ایذایی گسترده‌ای دست زدند و تنها در یک مورد با قتل عام ۲۵۴ سکنهٔ روستای دیر یاسین در نهم آوریل ۱۹۴۸ به وسیلهٔ تروریست‌های سازمان ایرگون به رهبری مناخیم بگین، فضای رعب و وحشت را در سراسر فلسطین گسترش دادند.

با عقب‌نشینی نیروهای انگلیسی از سرزمین فلسطین، دولت اسرائیل در چهاردهم ماه مه ۱۹۴۸ اعلام موجودیت نمود و در پی آن نیروهای نظامی کشورهای عرب برای جلوگیری از شکل گیری کشور اسرائیل وارد فلسطین شدند، اما در مقابل تجهیزات نظامی اسرائیلی‌ها کاری از پیش نبردند. در اثر جنگ و گریزهای مداوم، میان ارتش‌های کشورهای عربی و دولت نوبنیاد اسرائیل، صهیونیست‌ها در مدت کوتاهی نه تنها موقعیت خود را مستحکم کردند، بلکه حیطهٔ نفوذ خود را نیز فراتر از آنچه مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام کرده بود گسترش دادند. بیشتر فلسطینیان در نتیجهٔ این درگیریها و تهاجمات روزافزون صهیونیست‌ها، از خانه و کاشانهٔ خود آواره شدند و به تدریج در اردوگاه‌های آوارگان در کرانهٔ باختری که به تصرف اردن هاشمی درآمده بود، و یا نوار غزه که در تصرف دولت مصر قرار داشت، مستقر شدند. بدین ترتیب مردم فلسطین از نظر سازمان ملل و قوانین بین‌المللی آوارگانی بودند که بایستی مسئلهٔ آنان به تدریج حل می‌شد.

در حالی که صهیونیست‌ها با جلب حمایت‌های یهودیان سراسر جهان و همچنین دولت‌های بزرگ، از مدت‌ها قبل به سازماندهی و تجهیز خود پرداخته بودند، در جبههٔ فلسطین نه تنها از حمایت‌های خارجی خبری نبود، بلکه مردم فلسطین بدون انسجام و سازماندهی مؤثر، تنها به آلت دست کشورهای عرب تبدیل شده بودند و هویت ملی فلسطینی شکل نگرفته بود. بدین ترتیب تصمیمات سیاسی در مورد مردم فلسطین به عهدهٔ کشورهای عربی گذاشته شده بود و هم آنان بودند که حتی نمایندگان مردم فلسطین در اتحادیهٔ عرب را تعیین می‌کردند. در این میان روشنفکران و مبارزان فلسطینی رفته رفته به این نتیجه رسیدند که تنها با اتکاء به مردم و نیروی خود خواهند توانست سرزمین فلسطین را آزاد نمایند. در سال ۱۹۵۹ جنبش آزادیبخش ملی فلسطین (فتح) پایه‌گذاری شد و بدین ترتیب نخستین جریان فراگیر ملی با هویت فلسطینی شکل گرفت.

در اجلاس سران عرب در سال ۱۹۶۴، جمال عبدالناصر رهبر مصر پیشنهاد تشکیل سازمان آزادیبخش فلسطین را مطرح نمود و در ماه مه همان سال نخستین جلسه شورای ملی فلسطین با شرکت نمایندگانی از اقشار مختلف فلسطینی در شهر بیت‌المقدس برپا شد و تأسیس سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به تصویب آن رسید. اول ژانویه سال بعد، جنبش فتح نخستین عملیات چریکی خود را در اراضی اشغالی فلسطین اجرا کرد و با تأسیس عاصفه، به گسترش عملیات چریکی پرداخت. از ژانویه ۱۹۶۷ حملات چریکی فتح به مواضع نظامی و مراکز اقتصادی اسرائیل افزایش یافت و دولت اسرائیل منشأ این حملات را به سوریه نسبت داد و چند حملهٔ هوایی علیه سوریه شکل گرفت. در همین سال سومین جنگ اعراب و اسرائیل، موسوم به جنگ شش روزه واقع شد که طی آن باقیماندهٔ سرزمین‌های فلسطین، یعنی کرانهٔ باختری و نوار غزه که در اختیار دولت‌های اردن و مصر قرار داشت نیز به تصرف صهیونیست‌ها درآمد و علاوه بر آن بخش‌هایی از خاک سوریه در بلندیهای جولان و همچنین صحرای سینا در مصر نیز توسط نیروهای اسرائیلی اشغال شد. با شکست اعراب در این جنگ، فلسطینی‌ها بیش از پیش به نیروی داخلی خود متکی شدند و در بزرگترین حملهٔ نظامی جنبش فتح در ۲۱ مارس ۱۹۶۸، در نبرد کرامه به رویارویی تمام عیار نظامی با صهیونیست‌ها پرداختند. در خلال این حمله تلفات بسیار زیادی به نیروهای صهیونیستی وارد شد و مقدار معتنابهی تجهیزات و غنائم نظامی نیز به دست نیروهای فلسطینی افتاد. پس از این علمیات افسانهٔ شکست ناپذیری ارتش اسرائیل از میان رفت و اقبال بسیار گسترده‌ای در میان فلسطینیان نسبت به جنبش چریکی فتح نمایان شد. به زودی مسئلهٔ فلسطین تبدیل به مهمترین مسئلهٔ سیاسی جهان شد و در میان تمام کشورهای عربی و منطقهٔ خاورمیانه، حمایت از مواضع فلسطینیان به یکی ازمعیارهای شناخت سمتگیری سیاسی آنها مبدل گردید.

در همین اوان گروه‌های چریکی دیگری علاوه بر جنبش فتح در فلسطین تشکیل شد و این گروه‌ها رفته رفته کنترل سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) را در دست گرفتند و در سال ۱۹۶۹، یاسر عرفات، رهبر جنبش فتح، به ریاست این سازمان برگزیده شد. حمایت گسترده فلسطینیان ساکن اردن از جنبش فتح به تدریج موجبات نگرانی ملک حسین، پادشاه اردن را فراهم آورد و فلسطینیان با یکی از مصیبت‌بارترین دوران تاریخی خود در سال ۱۹۷۰ مواجه شدند. از سپتامبر این سال نیروهای ارتش اردن به سرکوب گسترده و نظامی جنبش فتح پرداختند و علاوه بر وارد آوردن تلفات بسیار زیاد، در نهایت اعضای این جنبش را مجبور کردند که خاک اردن را ترک کرده و در لبنان و سوریه مستقر شوند. سرآغاز این دوران که به عنوان سپتامبر سیاه معروف است موجب شد تا گروه‌های متعددی تحت همین نام به انتقام‌جویی بر علیه دولت اردن مبادرت کنند و از سوی دیگر به علت مسدود شدن راه حملات نظامی چریک‌ها به داخل اسرائیل، آنان شروع به حمله به نهادهای اسرائیلی در دیگر کشورهای جهان نمودند. بدین ترتیب فلسطینیان که تا آن هنگام به عنوان آواره شناخته می‌شدند، در نگاه برخی به تروریست و آدم‌کش تبدیل شدند.

رهبران فلسطین که به لزوم مقابله با این فضای مسموم واقف بودند، تلاش گسترده‌ای را در جهت گسترش فعالیت‌های سیاسی و معرفی مسئله فلسطین در سطح جهان آغاز نمودند و همزمان با آن به تحکیم وحدت درونی و ارتقاء هویت ملی پرداختند. اجلاس سران کشورهای غیر متعهد در سال ۱۹۷۳ در الجزایر برای نخستین بار مسئله فلسطین را مورد شناسایی قرار داد و بدین ترتیب منازعهٔ فلسطین از حالت جنگ میان اعراب و اسرائیل به طور عام به مشروعیت مردم فلسطین برای برخورداری از سرزمین ملی به طور خاص تغییر کرد. تا سال ۱۹۷۴ دولت‌های اردن و مصر به عنوان نمایندگان مردم فلسطین در کرانهٔ باختری و نوار غزه شناخته می‌شدند و هنوز هویت ملی فلسطینیان از سوی کشورهای عربی به تأیید نرسیده بود. در اجلاس سران عراب در سال ۱۹۷۴، سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین به رسمیت شناخته شد. در اکتبر همان سال، ساف به عنوان عضو ناظر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پذیرفته شد و بدین ترتیب حق مردم فلسطین برای خودمختاری و تشکیل یک کشور مستقل مورد شناسایی قرار گرفت و در عین حال صهیونیزم به عنوان شکلی از نژادپرستی محکوم شد.

طبق منشور ملی فلسطین برنامهٔ ساف بر محور تشکیل یک دولت فلسطینی در سراسر سرزمین فلسطین قرار داشت که به موجب آن تمام ساکنین این سرزمین اعم از مسلمانان، یهودیان و مسیحیان از حقوق مساوی برای مشارکت در ادارهٔ امور کشور برخوردار بودند. رفته رفته فلسطینیان در خط مشی خود تغییراتی ایجاد نمودند و تشکیل دولت فلسطین در هر بخش از خاک فلسطین که با توسل به نیروی نظامی آزاد شود و یا اسرائیل از آن عقب‌نشینی کند را در دستور کار قرار دادند.

در سال ۱۹۸۰، مناخیم بگین نخست‌وزیر اسرائیل و انور سادات رئیس جمهور مصر، قرار داد صلح کمپ دیوید را در محلی به همین نام در ایالات متحده امریکا و با میانجیگری آن دولت به امضاء رساندند و کمی بعد اسرائیل شروع به گسترش حوزه نفوذ خود نمود و در اولین گام بیت‌المقدس یا قدس را به عنوان پایتخت اسرائیل اعلام نمود و به گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه باختری کرد. این اقدامات از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به شدت رد شد. اما رأی وتوی امریکا در شورای امنیت این سازمان، از هر گونه اقدام عملی در این باره جلوگیری نمود.

نیروهای ارتش اسرائیل در ژوئیه ۱۹۸۲ تهاجم گسترده‌ای را به خاک لبنان آغاز کردند تا آخرین مقر ساف در مجاورت خاک فلسطین را نیز منهدم کنند و تا آنجا که می‌توانند رهبران و مبارزان وابسته به سازمان آزادیبخش فلسطین را از میان بردارند. پس از دو ماه محاصره بیروت و جنگی نابرابر، سرانجام سازمان آزادیبخش فلسطین پذیرفت که در صورت حمایت نیروهای حافظ صلح ایتالیایی، فرانسوی و امریکایی، از غیر نظامیان فلسطینی، نیروهای خود را از بیروت خارج کند. اما قتل عام ساکنان فلسطینی اردوگاه‌های صبرا و شتیلا نشان داد که آنان نمی‌توانند به هیچ تعهد بین‌المللی امیدوار باشند، اگرچه دولت اسرائیل توانست نیروهای ساف را از لبنان اخراج کند و مقر آن به تونس انتقال یافت، اما این یک پیروزی سیاسی برای سازمان آزادیبخش فلسطین محسوب شد. بلافاصله پس از این یاسر عرفات در مسافرت‌هایی دوره‌ای به کشورهای اروپایی، مانند رئیس یک کشور، مورد استقبال قرار گرفت و این امر به ویژه در واتیکان نمود بیشتری داشت.

سازمان آزادیبخش فلسطین به تدریج و به آرامی شروع به برقراری تماس با آن گروه از رهبران اسرائیل که معتقد به یک راه حل صلح‌آمیزی برای مسئله فلسطین بودند، نمود، زیرا همزمان با حمله به لبنان، برخی گروه‌های صلح‌طلب اسرائیلی در صحنهٔ سیاسی این کشور، خواهان برقراری گفتگوهای صلح‌آمیز با ساف شده بودند. سیاست جدید ساف، با مخالفت‌هایی در میان گروه‌های تندرو فلسطین مواجه شد و این مخالفت‌ها گاه تا مقابله خشونت‌آمیز نیز پیش رفت. سرانجام پس از چند سال کشمکش و اختلاف در میان گروه‌های فلسطینی، درسال ۱۹۸۷ شورای ملی فلسطین با مشارکت نمایندگانی از سوی تمام سازمان‌های فلسطینی موافق خط مشی جدید، تشکیل گردید و ساختار درونی ساف نیز مورد تجدید نظر قرار گرفت.

کشتار تعدادی از جوانان فلسطینی در دسامبر ۱۹۸۷، توسط نیروهای ارتش اسرائیل، موجب خشم و نفرت مردم فلسطین در مراسم تشییع جنازه آنان در نوار غزه شد. گسترش این اعتراضات به سایر اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ سبب شد تا این قیام‌ها که به انتفاضه موسوم شد، همچنان ادامه یابد و ارتش اسرائیل در سرکوب آن ناتوان ماند. در این خیزش‌ها که تمام اقشار فلسطینی به ویژه جوانان و نوجوانان مشارکت گسترده‌ای داشتند، برای مقابله با نیروهای سرکوبگر صهیونیستی تنها از سنگ استفاده می‌شد و به همین جهت به انقلاب سنگ معروف شد. در اثر رودررویی روزانه مردم و واکنش وحشیانه نیروهای اسرائیلی، روز به روز بر حقانیت فلسطینیان در افکار عمومی جهانیان افزوده می‌شد و بر عکس اسرائیل روز به روز به انزوای بیشتری دچار می‌شد.

در خلال اولین ماه‌های سال ۱۹۸۸، بسیاری از فلسطینیان ساکن در مناطق اشغالی قبل از ۱۹۶۷، در اعتصابات و تظاهراتی که توسط «رهبری متحد قیام مردمی در سرزمین‌های اشغالی» اعلام می‌شد، شرکت می‌کردند و این اولین نمونه از اعتراضات سیاسی مشترک در دو سوی مناطق اشغالی بود. در ژوئیه همین سال ملک حسین، پادشاه اردن اعلام نمود که این کشور کلیهٔ روابط اقتصادی و سیاسی با کرانه باختری را قطع می‌کند و از آن هنگام، سازمان آزادیبخش فلسطین عملاً به تنها نماینده مردم فلسطین تبدیل شد. در ۱۵ نوامبر نیز شورای ملی فلسطین در الجزایر تشکیل جلسه داد و طی آن دولت مستقل فلسطین در سرزمین‌های اشغالی اعلام موجودیت نمود و شهر قدس به عنوان پایتخت آن تعیین شد. در این نشست همچنین قطعنامه‌های ۱۸۱ و ۲۴۲ سازمان ملل متحد که به معنای تأیید موجودیت اسرائیل بود، به رسمیت شناخته شد. در طی ۱۰ روز پس از پایان اجلاس، ۵۴ کشور جهان موجودیت کشور تازه تأسیس فلسطین را به رسمیت شناختند. عرفات به ریاست جمهوری این کشور برگزیده شد و وی در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ژنو به توضیح برنامه‌های خود پرداخت.

در ماه‌های اکتبر و نوامبر ۱۹۹۱، نخستین کنفرانس صلح خاورمیانه در مادرید، پایتخت اسپانیا، با حمایت امریکا و اتحاد جماهیر شوروی برگزار گردید. در این نشست نمایندگان کشورهای عرب متفقاً خواستار محور قرار گرفتن قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد شدند، زیرا بر طبق این قطعنامه‌ها اشغال سرزمین‌ها به قوهٔ قهریه محکوم شده بود و همچنین به استرداد سرزمین‌های اشغالی در قبال صلح توصیه شده بود. کنفرانس خاورمیانه در ماه دسامبر در واشینگتون، امریکا، ادامه یافت، اما به علت این که دولت اسرائیل بر برداشت‌های خود از قطعنامه‌های سازمان ملل اصرار می‌کرد، عملاً پیشرفتی حاصل نشد. این کنفرانس در نهایت به نفع اسرائیل تمام شد، زیرا قطعنامهٔ سازمان ملل که طبق آن صهیونیزم با نژادپرستی معادل دانسته شده بود، لغو گردید.

پس از انتخابات پارلمانی اسرائیل در ژوئن ۱۹۹۲ که طی آن اسحاق رابین، رهبر حزب کارگر، به پیروزی رسید، دولت اسرائیل سیاست شهرک‌سازی در کرانهٔ باختری را به حالت تعلیق درآورد، ولی به علت اخراج ۴۱۵ نفر از اعضای جنبش اسلامی حماس که کمی قبل از آن صورت گرفته بود، عملاً پیشرفتی در برقراری گفتگوهای صلح پیش نیامد، گفتگوهای محرمانه طرف‌های اسرائیلی و سازمان آزادیبخش فلسطین، با نظارت دیپلمات‌های نروژی، موجب شناسایی متقابل هر دو طرف در سپتامبر ۱۹۹۳ شد. مطابق «بیانیه اصول دربارهٔ دولت خودگردان فلسطین» که به امضای دو طرف و کلینتون رسید، قرار شد از سیزدهم دسامبر ۱۹۹۳ ابتدا ادارهٔ مؤسسات آموزشی، فرهنگی، بهداشتی، رفاه عمومی، جهانگردی و جمع‌آوری مالیات‌های مستقیم در نوار غزه و ناحیه اریحا در کرانهٔ باختری به دولت خودگردان فلسطین واگذار گردد.

عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از نوار غزه و بخش‌هایی از کرانهٔ باختری که قرار بود تا سیزدهم دسامبر ۱۹۹۳ آغاز شود، عملاً به تأخیر افتاد و در ماه مه ۱۹۹۴ با عقب‌نشینی این نیروها، گروه‌هایی از ارتش آزادیبخش فلسطین که در مصر، یمن، لیبی، اردن و الجزایر به سر می‌بردند، برای تأمین امنیت این نواحی وارد این مناطق شدند. در ماه ژوئیه یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین وارد غزه شد و به عنوان رئیس شورای اجرایی دولت خودگردان فلسطین، ادارهٔ امور را به دست گرفت. اعتراضات جنبش جهاد اسلامی و جنبش حماس که از ابتدا با گفتگوهای صلح میان فلسطین و اسرائیل مخالف بودند، رو به افزایش گذاشت و تشنجاتی را میان هواداران دولت خودگردان و مخالفان آن به وجود آورد.

در آوریل سال ۱۹۹۵، انفجار یک بمب قوی در ساختمانی در شهر غزه منجر به قتل هفت فلسطینی، از جمله کمال کاهیل، یکی از رهبران جوخه‌های عزالدین قسام وابسته به جنبش جهاد اسلامی شد. در پاسخ به این حمله، طی دو عملیات انتحاری هفت سرباز اسرائیلی کشته شدند و بیش از ۵۰ نفر نیز زخمی شدند. دولت خودگردان فلسطین در مقابل، اقدام به دستگیری حدود ۳۰۰ تن از اعضاء و هواداران دو گروه فوق نمود. در اواخر ماه آوریل دولت اسرائیل اقدام به مصادره ۵۴ هکتار از اراضی متعلق به فلسطینیان نمود که این مسئله به تنش بیشتر میان گروه‌های فلسطینی دامن زد. کشورهای عضو اتحادیه عرب در اجلاسی اضطراری این عمل اسرائیل را محکوم کردند و خواهان پس دادن اراضی مصادره‌ای شدند. در همین حال در شورای امنیت سازمان ملل نیز قطعنامه‌ای در محکومیت اسرائیل آماده شد، که علیرغم موافقت ۱۴ عضو شورای امنیت، دولت امریکا با استفاده از حق وتوی خود، از تصویب آن جلوگیری نمود.

اختلافات درونی گروه‌های فلسطینی ادامه یافت و تلاش‌های یاسر عرفات برای متقاعد کردن رهبران حماس و جهاد اسلامی برای شرکت در انتخابات عمومی سال ۱۹۹۶ به نتیجه نرسید و آنان این انتخابات را تحریم کردند. در انتخابات عمومی سال ۱۹۹۶، یاسر عرفات با کسب ۸۷ درصد آراء در مقام خود ابقاء گشت و در انتخابات شورای ملی فلسطین نیز ۶۶ کرسی از ۸۹ کرسی مجلس نصیب طرفداران دولت خودگردان شد. انتخاب بنیامین نتانیاهو از رهبران افراطی حزب لیکود به نخست‌وزیری اسرائیل در ماه مه ۱۹۹۶ به افزایش تنش بیشتر میان دولت اسرائیل و دولت خودگردان فلسطین منجر شد. گفتگوهای حساس دو طرف که به عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل از شهر الخلیل انجامید، موقعیت دولت خودگردان را کمی بهبود بخشید.

تصمیم دولت اسرائیل برای ایجاد یک شهرک صهیونیست‌نشین جدید در تپه‌های هارهوما در بخش فلسطینی شهر قدس به شدت با مخالفت دولت خودگردان فلسطین و مجامع بین‌المللی مواجه شد، اما دولت اسرائیل بدون توجه به این اعتراضات، از ماه مارس ۱۹۹۷ اقدام به عملی نمودن این تصمیم نمود که در پی آن درگیریهای پراکنده‌ای میان فلسطینیان و ارتش اسرائیل بروز کرد و روند صلح بارکود مواجه شد. در همین اوان دولت نتانیاهو اعلام نمود که تنها ۲٪ اراضی کرانه باختری را به فلسطینیان واگذار خواهد کرد و به دنبال آن دولت خودگران

اعلام نمود که برای کسانی که اراضی خود را به دولت اسرائیل بفروشند، مجازات مرگ در نظر گرفته است.

ملاقات یاسر عرفات و بنیامین نتانیاهو در ماه مه ۱۹۹۸ در لندن نیز نتوانست روند صلح را نجات دهد و سرسختی دولت اسرائیل موجب شد که بن‌بست مذاکرات صلح همچنان ناگشوده باقی بماند. از آنجا که طبق موافقتنامه صلح ۱۹۹۳ قرار بود که تا اواخر سال ۱۹۹۹ روند صلح تکمیل شود و در این تاریخ کشور مستقل فلسطین تشکیل شود، کارشکنی‌های دولت نتانیاهو، عملاً منجر به آن شد که با ناتمام ماندن روند تحولات، اعلام کشور مستقل فلسطین نیز در پرده‌ای از ابهام باقی بماند. در نتیجه، علیرغم اصرار اولیه یاسر عرفات، سرانجام شورای ملی فلسطین تصمیم گرفت که طبق خواسته کشورهای اروپایی و امریکا، اعلام تشکیل کشور فلسطین را تا سال ۲۰۰۰ به تعویق بیاندازد، علیرغم این که در انتخابات سال ۱۹۹۹ اسرائیل، حزب کارگر به رهبری ایهود باراک به پیروزی رسید و این امر بارقه‌هایی از امید را مورد پیشرفت روند صلح ایجاد نمود، اما بازهم عملاً گشایشی حاصل نشد. در ماه سپتامبر این سال آریل شارون در اقدامی توهین‌آمیز نسبت به مسلمانان فلسطینی از مسجدالاقصی دیدن کرد که این امر به شورش گسترده‌ای در میان فلسطینیان منجر شد که طی آن بیش از صد فلسطینی کشته شدند و انتفاضهٔ دوم مردم فلسطین که به انتفاضهٔ مسجدالاقصی معروف شد، آغاز گردید.

در خلال گفتگوهای صلح در سال ۲۰۰۰ دو طرف به توافق نهایی نزدیک شده بودند، اما بی‌نتیجه ماندن مذاکرات در مورد سرنوشت شهر قدس که هر دو طرف به لحاظ ابنیه‌های تاریخی آن، ادعای مالکیت آن را دارند، موجب شد که این گفتگوها نیز به فرجامی نرسد. تداوم انتفاضهٔ دوم که در آن فلسطینیان تنها با پرتاب سنگ با نیروهای مسلح اسرائیلی مقابله می‌کردند به تدریج در مجامع بین‌المللی و افکار عمومی مردم جهان مشروعیت فلسطینیان را افزایش داد. در حالی که فلسطینیان ارتش اسرائیل را به اعمال خشونت بیش از حد متهم می‌کردند، نیروهای اشغالگر، مردم فلسطین را متهم می‌کردند که با گسیل جوانان و نوجوانان برای رودررویی با ارتش اسرائیل به دنبال اهداف تبلیغاتی هستند. در ۲۱ اکتبر رهبران اتحادیه عرب در قاهره گرد آمدند و با محکومیت شدید موجودیت صهیونیستی خواستار قطع روابط سیاسی با این دولت شدند که در پی آن دولت‌های مغرب، تونس و عمان روابط سطح پایین خود با اسرائیل را قطع کردند و سفیر مصر در تل‌آویو نیز از این کشور فرا خوانده شد.

به دنبال افزایش تنش‌ها میان فلسطینی‌ها و اسرائیل، گرایش به راست بر فضای سیاسی اسرائیل سایه افکند و آریل شارون از رهبران افراطی و جنگ‌طلب حزب لیکود در انتخابات فوریه ۲۰۰۱ به پیروزی رسید و این در حالی بود که حزب وی تنها موفق به کسب ۱۹ کرسی در کنست یا پارلمان اسرائیل شده بود. وی با تشکیل دولت وحدت ملی با شرکت هفت حزب با گرایش‌های مختلف قدرت را به دست گرفت و تأکید نمود که تا وقتی که انتفاضه ادامه دارد، گفتگوهای صلح با فلسطینیان معوق خواهد ماند. کمی قبل از شروع به کار آریل شارون در هفتم ماه مارس یک رشته حملات انتحاری توسط اعضای حماس انجام گرفت که طی آن شهرهای نتانیا، بنیامین، تل‌آویو، حیفا در قلب اراضی اشغالی ۱۹۴۸ و همچنین شهر قدس هدف قرار گرفت. به دنبال این حملات، علیرغم این که حماس و جهاد اسلامی مسئولیت آن را به عهده گرفته بودند، آریل شارون دولت خودگردان فلسطین را مسئول اصلی این حملات دانست و حملاتی را علیه مراکز دولت خودگردان و همچنین شخصیت‌های فلسطینی از همه گروه‌ها و جناح‌ها سازمان داد، که به کشتار هدفمند موسوم شد. در این عملیات جوخه‌های ترور اسرائیلی و حتی هلیکوپترهای این رژیم به شکار رهبران فلسطینی پرداختند. اما این اقدامات نه تنها به سرکوبی قیام فلسطینیان منجر نشد، بلکه روز به روز وسعت عملیات انتحاری فلسطینیان که در پاسخ به حملات ارتش اسرائیل انجام می‌شد، گسترش یافت و موجی از خشونت‌های متقابل سراسر سرزمین فلسطین اشغالی را در بر گرفت. طبق آمارهای ارتش اسرائیل در نخستین سال انتفاضه مسجدالاقصی حدود ۸۰۰۰ عملیات جدی از سوی فلسطینیان به اجرا درآمده بود که ۸۴ مورد آن در نواحی اشغالی ۱۹۴۸ به انجام رسیده بود که در مجموع ۱۷۶ اسرائیلی کشته، و ۱۷۴۲ نفر نیز مجروح شده بودند. در طی همین مدت ۶۰۴ فلسطینی به شهادت رسیده بودند و بین ۸,۵۰۰ تا ۱۰,۰۰۰ نفر از آنان نیز مجروح شده بودند.

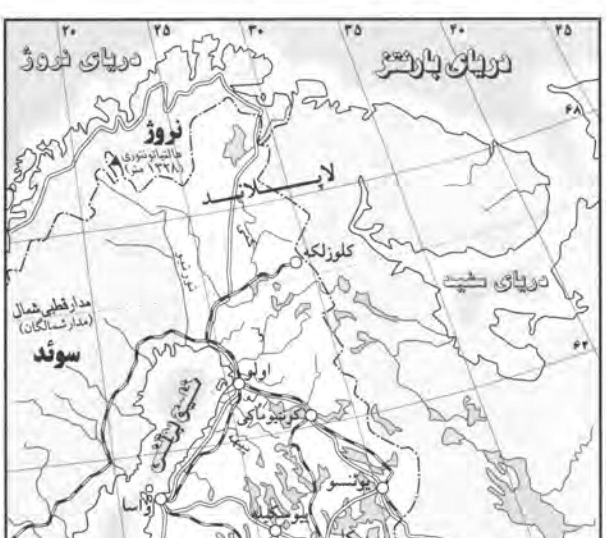
در ۲۷ ماه اوت ۲۰۰۱، نیروهای ارتش اسرائیل با حمله موشکی به مقر جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین، ابوعلی مصطفی رهبر این جبهه را به قتل رساندند و کمی بعد نیروهای فلسطینی به تلافی این حمله، رهاوام زئوی، وزیر جهانگردی اسرائیل را ترور کردند. ارتش اسرائیل نیز در پاسخ به این ترور، بیت‌لحم و ۵ شهر دیگر را در کرانهٔ باختری مورد حمله قرار داد. در پی این عملیات چندین عملیات انتحاری دیگر نیز صورت گرفت که در نتیجهٔ آن بیش از ۲۶ اسرائیلی کشته شدند و شارون مجبور شد سفر خود به امریکا را نیمه تمام بگذارد. در این بین یاسرعرفات به منظور کاهش تنش‌ها از فلسطینیان خواست که عملیات انتحاری را متوقف کنند ودر عین حال دهها مرکز متعلق به حماس و جهاد اسلامی را نیز تعطیل کرد. اما این درخواست با پاسخ مثبتی مواجه نشد و عملیات انتحاری کمابیش ادامه یافت.

پس از عملیات تروریستی یازده سپتامبر در امریکا، یاسر عرفات آن را به شدت محکوم کرد و با اهدای خون خود، با بازماندگان و آسیب‌دیدگان این حادثه ابراز همدردی کرد. نیروهای اشغالگر اسرائیلی پس از این عملیات و در فضای بین‌المللی تازه‌ای که بر علیه تروریزم ایجاد شده بود، مردم فلسطین را به عنوان منشأ اصلی تروریزم معرفی کرده و حملات سرکوبگرانهٔ خود رابا گسترشی فوق‌العاده خشونت‌بار تداوم دادند. از اواخر سال ۲۰۰۱ بیشتر نهادهای فلسطینی در کرانهٔ باختری مورد حملهٔ ارتش اسرائیل قرار گرفت و مقر یاسرعرفات در شهر رام‌الله به محاصره درآمد. در این حملات گسترده تقریباً تمام مراکز دولت خودگردان مورد هدف قرار گرفت و بیشتر این مراکز به کلی ویران شد. رژیم اسرائیل که تنها با تسلیم کامل دولت خودگردان حاضر به قطع حملات و رفع محاصرهٔ مقر عرفات بود، تا پایان سال ۲۰۰۲ نیز به این هدف خود نرسید.

فنلاند FINLAND

فنلاند یا کشور هزار دریاچه، سرزمینی است در شمال اروپا که در ساحل خلیج‌های بوتنی و فنلاند منشعب از دریای بالتیک جای دارد. این کشور از شمال به نروژ، از خاور به روسیه، از جنوب به خلیج فنلاند و از غرب به خلیج بوتنی و کشور سوئد محدود است. فنلاند سرزمین هموار و مسطحی است که ارتفاع متوسط آن از ۱۵۰ متر تجاوز نمی‌کند. ارتفاعات آن در شمال و دشتهای پهناور پوشیده از دریاچه‌های یخچالی نواحی جنوبی و ساحلی آن در بر گرفته است. بلندترین نقطهٔ این کشور کوه هالتیاتونتوری است که با ۱۳۲۸ متر ارتفاع، در شمال غربی فنلاند و در مرز این کشور با نروژ واقع شده است. جمعیت آن عمدتاً در جلگه‌های ساحلی که مهمترین کشتزارهای آن را نیز شامل می‌گردد متمرکزند و تهیهٔ چوب و الوار از جنگلهای مخروطی آن از جمله عمده‌ترین فعالیتهای اقتصادی آن است. اقلیم فنلاند در نواحی جنوبی معتدل مایل به سرد و در نواحی شمالی سرد و خشک است و عمده‌ترین رودهای آن کمی، اولو، لی، پیهه، سیکا و تورنیو است و مهمترین و بزرگترین دریاچه‌های آن سایما، پئی‌ین، ناسی‌یروی، کالاوسی و ایناری است. حدود ۶۰ درصد خاک فنلاند را جنگلهای مخروطی پوشانیده و الوار، کاغذ و خمیر کاغذ، غلات، سیب‌زمینی، کتان و انواع گوشت از عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن محسوب می‌گردد.

نشر گازهای سمی و دی‌اکسید گوگرد و تخلیهٔ فاضلاب‌های آلوده کارخانجات در دریای بالتیک از جمله عوامل تهدید کنندهٔ محیط زیست به شمار می‌آید. مس، روی، سرب، نقره، نیکل و وانادیوم از جمله ذخایر زیرزمینی آن هستند.



تاریخچه

سامی‌ها که نباید آنها را با سامی‌های خاورمیانه اشتباه کرد، یا لاپ‌ها جزء نخستین اقوامی بوده‌اند که در حدود ۷۵۰۰ سال قبل از میلاد در این سرزمین سکونت گزیدند و با شکار و ماهیگیری و دانه جمع کنی روزگار می‌گذراندند. آنان به مرور با تربیت و پرورش دام و



نام رسمی: جمهوری فنلاند

نام محلی: سوئومی Suomi

اسامی دیگر: کشور هزار دریاچه

پایتخت: هلسینکی (۵۵۵،۴۷۴ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۱۷/۱۲/۶، از روسیه

روز ملی: ششم دسامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۱۹

رئیس حکومت: رئیس جمهور: تاریا هالونن (حزب سوسیال دموکرات)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ۶ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: پاوو لیپونن (حزب سوسیال دموکرات)، از سال ۱۹۹۵

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۲۰۰۰؛ پارلمان (ریکسداگ) با ۲۰۰ عضو به مدت ۴ سال؛ کرسی‌های ریکسداگ (۱۹۹۹): حزب سوسیال دموکرات ۵۱ کرسی، حزب مرکز ۴۸ کرسی، ائتلاف ملی (محافظه‌کار) ۴۶ کرسی، اتحاد جناح چپ ۲۰ کرسی، حزب مردم سوئدی ۱۱ کرسی، سبزها ۱۱کرسی، اتحادیه مسیحی فنلاند ۱۰ کرسی، بقیه احزاب ۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، آدب، آی‌-آدب، شورای اروپا، اواسی‌دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۳۳۸،۱۴۵ کیلومترمربع (شصت و سومین کشور جهان)

جمعیت: ۵،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۵/۴ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۰/۳

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۵/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** غیر قابل حصول

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۶۴/۳؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۱

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ٪۱۸/۲؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۱۸/۷؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۴۳/۳؛ بالای ۶۰ سال ٪۱۹/۸

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٪۴۸/۷۹؛ زن ٪۵۱/۲۱ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۸۰/۸ سال؛ مردان ۷۳/۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۱/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۶ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۴/۲ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱/۶ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۶): بیماریهای کم‌خونی قلب ۲۵۳/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۰۱/۲ نفر؛ بیماریهای عروق مغزی ۱۰۳/۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۸۲/۲ نفر؛ حوادث ۸۰/۵ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۶ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ۴/۷ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۸):** ۲/۷ مورد

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): فین (فنلاندی) ٪۹۲/۵؛ سوئدی ٪۵/۷؛ بقیه ٪۱/۷

دین(۲۰۰۰): پروتستان لوتری ٪۸۵/۲؛ ارتدوکس ٪۱/۱؛ بی‌دین ٪۱۲/۶؛ بقیه ٪۱/۱

زبان و خط: فنلاندی، سوئدی (زبانهای ملی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): اسپو ۲۱۳،۲۷۱ نفر؛ تامپره ۱۹۵،۴۶۸ نفر؛ وانتا ۱۷۸،۴۷۱ نفر؛ تورکو ۱۷۲،۵۶۱ نفر؛ اولو ۱۲۰،۷۵۳ نفر؛ لاتی ۹۶،۹۲۱ نفر؛ کوئوپیو ۸۶،۶۵۱ نفر؛ یوسکیله ۷۸،۹۹۶ نفر

بنادر مهم: هلسینکی و کوتکا (خلیج فنلاند)؛ تورکو (دریای بالتیک)؛ راوما (خلیج بوتنی)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) = ۵/۹۵ مارک فنلاند (منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱۴ یورو؛ یک یورو = ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۸۶،۸۸۵ میلیون مارک؛ مالیات دارایی و درآمد ٪۲۷/۹ ؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪۲۵؛ مالیات بر مصرف ٪۱۳/۸؛ دریافت وام ٪۸/۶

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۸۶،۸۸۳ میلیون مارک؛ تأمین اجتماعی و بهداشت ٪۲۳/۴؛ پرداخت وامها ٪۱۳/۷؛ آموزش ٪۱۲/۷؛ کشاورزی ٪۵/۷؛ دفاع ٪۵/۴

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۲۵،۰۹۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۴،۲۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۲/۹؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۱/۶

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۴؛ صنعت ٪۳۴/۳؛ خدمات ٪۶۱/۷

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳۷۷ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۱۱،۱۱۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۷۷،۳۶۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۹۶- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲۶/۲

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱/۷؛ ۱۹۹۸: ٪۱/۴؛ ۲۰۰۰: ٪۱/۳

محصولات کشاورزی (۱۹۹۷): علوفه ۵،۶۳۰،۰۰۰ تن؛ جو ۲،۰۰۳،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۱،۳۵۵،۰۰۰ تن؛ جو دوسر ۱،۲۴۳،۰۰۰تن؛ سیب‌زمینی ۷۵۴،۰۰۰ تن؛ گندم ۴۶۴،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴): کشاورزی ٪۸/۵؛ مرتع و چمنزار ٪۰/۴؛ جنگل ٪۷۶/۱؛ سایر موارد ٪۱۵

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): خوک ۱،۴۶۷،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱،۱۴۵،۰۰۰ ؛ گوزن شمالی ۲۰۳،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۵۱،۲۸۱،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۶):** ۱۸۴،۲۸۸ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۵،۵۰۷،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۶۲،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): کرومیت ۶۱۱،۰۰۰ تن؛ طلا ۴،۸۰۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون مارک): خمیر کاغذسازی، کاغذ و مقوا ۲۷،۴۱۴؛ ماشین‌آلات غیر برقی ۱۹،۲۱۳؛ ماشین‌آلات برقی ۱۳،۱۲۹؛ مواد غذایی ۱۰،۱۵۹؛ چاپ و نشر ۷،۳۹۱؛ آهن و فولاد ۶،۲۱۴؛ مواد شیمیایی ۵،۳۶۲

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۶۷،۰۹۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلو وات ساعت (۱۹۹۷: ۷۱،۳۵۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹۶): صفر (۷،۷۰۴،۰۰۰ تن)؛ نفت خام (۱۹۹۶): صفر (۷۱،۷۴۶،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۱،۸۶۱،۰۰۰ تن (۱۰،۳۵۵،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر (۳،۵۸۲،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۶): ۲،۵۳۱،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۴۹/۴؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ٪۷۳/۸؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ٪۴۷/۱؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): ٪۱۰/۲؛ ۲۰۰۰: ٪۹/۸

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۶/۵؛ صنعت ٪۲۷/۹؛ خدمات ٪۶۵/۶

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: بین ۸ تا ۱۱ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۳۱،۷۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۵/۷؛ نیروی دریایی ٪۱۵/۸؛ نیروی هوایی ٪۸/۵؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۳۸۱ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۱۶۰،۹۹۵ میلیون مارک؛ شامل ماشین‌آلات و ابزار غیر برقی ٪۱۵/۳؛ ماشین‌آلات و ابزار برقی ٪۱۴/۵؛ سوخت‌های معدنی ٪۹/۶؛ اتومبیل ٪۷/۶؛ از آلمان ٪۱۴/۵؛ سوئد ٪۱۲/۱؛ انگلستان ٪۷/۸؛ روسیه ٪۷/۸؛ امریکا ٪۷/۳؛ ژاپن ٪۵/۳؛ فرانسه ٪۴/۸

صادرات(۱۹۹۷): ۲۱۲،۸۴۰ میلیون مارک؛ شامل: کاغذ و مواد کاغذی ٪۲۰/۶؛ ماشین‌آلات و ابزار برقی ٪۱۷/۹؛ ماشین‌آلات و ابزار غیربرقی ٪۱۴/۲؛ تولیدات چوبی و مبلمان ٪۶/۵؛ به آلمان ٪۱۱؛ انگلستان ٪۱۰؛ سوئد ٪۹/۸؛ روسیه ٪۷/۳؛ امریکا ٪۶/۹؛ فرانسه ٪۴/۲؛ هلند ٪۴/۱

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون مارک	+۳۰،۹۴۹	+۳۵،۵۵۲	+۴۹،۹۵۲	+۴۲،۱۷۰	+۵۱،۸۴۵	+۵۶،۹۱۸
درصد کل	٪۱۲/۴	٪۱۲/۲	٪۱۶/۹	٪۱۳/۶	٪۱۳/۹	٪۱۴/۲

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۹	۱۰۰	۱۰۰/۶	۱۰۱/۸	۱۰۳/۲	۱۰۴/۴	۱۰۸/۳
شاخص درآمد سالانه	۹۵/۵	۱۰۰	۱۰۳/۹	۱۰۶	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار(۱۹۹۶) : میانگین اندازهٔ خانوار: ۲/۲ نفر؛درآمد قابل مصرف هر خانوار: ۱۳۲،۹۰۰ مارک؛ منابع درآمد قابل مصرف: دستمزد و حقوق ٪۷۴/۹؛ کار آزاد ٪۸/۳؛ پرداخت‌های انتقالی ٪۴/۴؛ سایر موارد ٪۱۲/۴؛ هزینه‌ها (۱۹۹۶): مسکن و سوخت ٪۲۷/۹؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۲۱/۲؛ غذا و نوشیدنی ٪۱۶/۵

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱،۶۳۱ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲،۰۶۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۷۷،۷۹۶ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۵،۸۸۶ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱،۹۴۸،۱۲۶ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۲۷۵،۳۹۴ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۲۶۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۶):** ۲۴ فرودگاه

روزنامه: ۵۶ عنوان در ۲،۳۳۲،۰۰۰ نسخه (۴۵۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۵،۷۱۱ عنوان

کتاب: ۱۳،۱۰۴ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۷،۷۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱،۴۹۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۳،۲۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۶۲۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲،۸۵۵،۰۰۰ خط تلفن (۵۵۴ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲،۹۴۷،۰۰۰ خط (۵۷۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۸۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت:** ۱،۴۷۳،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی‌و راهنمایی(۱۹۹۸)	۴،۳۱۹	؟	۵۹۲،۳۷۵	؟
بالاتر از متوسطه	۴۵۷	؟	۱۳۸،۳۵۶	؟
فنی و حرفه‌ای	۴۲۱	۲۱،۲۴۵	۲۴۲،۰۰۰	۹/۵
عالی	۳۷	۷،۷۹۰	۲۰۶،۱۰۰	۱۶/۴

میزان باسوادی(۱۹۹۸): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۱۰۰؛ مردان: ٪۱۰۰؛ زنان: ٪۱۰۰

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۶): راهنمایی ٪۴۲/۷؛ بالاتر از متوسطه یاحرفه‌ای ٪۴۲/۵؛ عالی ٪۱۴/۸

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۱۵،۱۹۲ نفر (هر ۳۳۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۵): ۴۶،۳۶۲ تخت (هر ۱۱۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۵۰۰ نفر (٪۰/۰۲ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۱/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۱۰۰ کالری (٪۱۱۴ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۱۰۱ گرم؛ مصرف چربی: ۱۲۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۰/۱

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲۴۹/۹ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۵۹/۳ میلیون تن؛ هر نفر ۱۱/۶ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۱۷ (یازدهمین کشور جهان)

چهارپایان آشنا شدند و در سطح محدودی به کشاورزی پرداختند و بدون ارتباط با دنیای خارج به زندگی خود ادامه دادند. در نخستین سدهٔ بعد از میلاد تیره‌ای از فینو - اویغوری‌ها از جنوب وارد این سرزمین گردیدند و سامی‌ها را که به صورت پراکنده در نقاط مختلف به سر می‌بردند به سوی شمال راندند و کنترل بخش عمدهٔ سرزمین مزبور را در دست گرفتند. فین‌ها تا سال ۱۰۰۰ میلادی ماندگاه‌ها و شهرک‌های بسیاری در نواحی جنوبی آن تأسیس نمودند. بعدها نیاکان تاواستلاندرها پس از گذشتن از خلیج فنلاند در جنوب غربی این سرزمین مستقر شدند و کارلیایی‌ها در جنوب شرقی و اسکاندیناویایی‌ها در سواحل غربی ساکن گردیدند. از سدهٔ دوازدهم به این سو، فنلاند مورد ادعای امپراتوران روس و سوئد بود. در ۱۱۷۲ سوئد به توصیهٔ پاپ، فین‌ها را تحت کنترل خود درآورد تا از جذب آنان به کلیسای ارتدوکس روسیه جلوگیری شود.

در سال ۱۸۰۹ فنلاند به یکی از مهیندوک نشین‌های روسیه مبدل گردید و در عین حال به آنها اجازه داده شد تا از خود پارلمان و ارتش و دستگاه قضایی داشته باشند. در سال ۱۸۸۹ حزب سوسیال دموکرات فنلاند تأسیس گردید و با تبعید و پناهندگی کمونیست‌های معروفی چون لنین و دیگر سران بلشویک به فنلاند، بر دامنهٔ فعالیت و نفوذ سیاسی حزب سوسیال دموکرات فنلاند افزوده شد و کشور را به سوی نظام سوسیالیستی سوق داد. مجلسی برای قانونگذاری تأسیس گردید و مردم از حق رأی برخوردار شدند و فنلاند به عنوان سومین کشوری که زنان خود را از حق رأی بهره‌مند کرد، شناخته شد. در دسامبر ۱۹۱۷ فنلاند اعلام استقلال کرد و سوسیالیست‌ها به تقلید از انقلاب روسیه بر آن شدند تا کنترل کشور را در دست بگیرند. در ژانویه ۱۹۱۸ حزب سوسیال دموکرات شهر هلسینکی و دیگر مراکز صنعتی و کارگری کشور را تصرف کرد ولی در مقابل ارتش سفید و نیروهای دولتی که از سوی آلمان و به فرماندهی ژنرال آلمانی مانرهایم حمایت می‌گردید، به زانو درآمد و جنگ داخلی به پایان رسید و رهبران سوسیالیست به سختی مجازات شدند. به دنبال آن فنلاند به یک کشور سلطنتی مبدل شد و شاهزادهٔ آلمانی فردریک چارلز به پادشاهی فنلاند برگزیده شد. بعد از شکست آلمان در جنگ جهانی اول نظام سلطنتی سرنگون شد و نظام جمهوری جایگزین آن گردید. در ۱۹۱۹ قانون اساسی فنلاند به تصویب رسید و نظام جمهوری پارلمانی که شخص رئیس جمهور را از قدرت کامل بهره‌مند می‌کرد، در کشور مستقر شد و هیئت دولت تحت سرپرستی نخست‌وزیر قرار گرفت و زبانهای فنلاندی و سوئدی به عنوان زبانهای رسمی برگزیده شد (بعدها زبان فنلاندی در تقدم قرار گرفت). فنلاند سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ را به آرامی و بدون برخوردهای سیاسی و بین‌المللی پشت سر گذارد و از نظر اجتماعی و اقتصادی به موفقیت‌های زیادی دست یافت. کشاورزی و صنعت چوب‌بری و صادرات آن رونق گرفت.

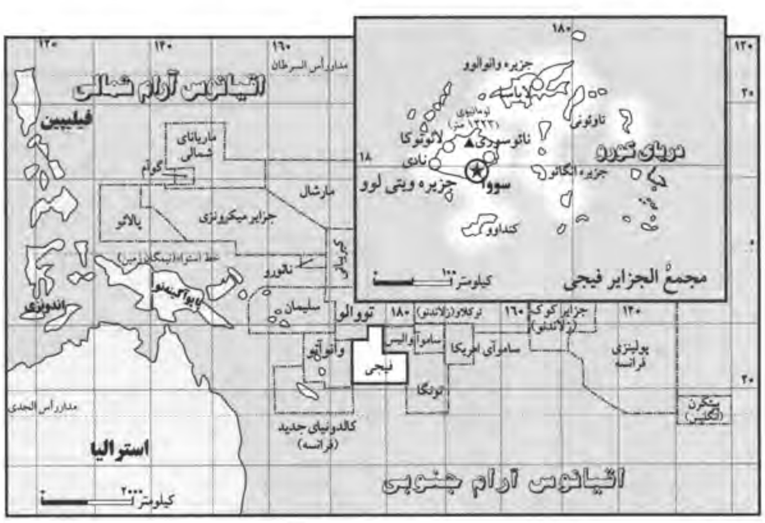
با آغاز سال ۱۹۳۹ و شروع جنگ جهانی دوم، دولت شوروی که همواره مترصد فرصت بود از موقعیت استفاده کرد و در نوامبر ۱۹۳۹ به فنلاند حمله‌ور شد و نبرد سختی میان ارتش سرخ و فنلاندی‌ها که سرسختانه از میهن خود دفاع می‌کردند، درگرفت ولی سرانجام اتحاد شوروی پیروز شد و فنلاند ناچار تسلیم گردید و بخشی از نواحی مرزی خود را به شوروی واگذار کرد. با حملهٔ آلمان به شوروی در سال ۱۹۴۱ فنلاند برای بازپس گرفتن اراضی از دست رفته، با ارتش آلمان نازی همکاری کرد ولی با شکست آلمان، مجدداً تن به تسلیم داد و نواحی دیگری را نیز به شوروی واگذار کرد. فنلاند پس از جنگ، وضع اقتصادی خود را سروسامان داد و همزمان، با شوروی و کشورهای اروپای غربی روابط دوستانه برقرار کرد و به مرور در ردیف یکی از کشورهای پیشرفتهٔ جهان جای گرفت. در ۱۹۵۵ اتحاد جَماهیر شوروی پایگاه دریایی پورک‌کالا را به فنلاند بازگردانید. در همان سال به عضویت انجمن بازرگانی آزاد اروپا (افتا) و همچنین سازمان ملل متحد درآمد.

در انتخابات سال ۱۹۵۶ دکتر اورهو ککونن به ریاست جمهوری رسید و تا ۱۹۸۲ همچنان در پست مزبور باقی ماند. در ۱۹۸۲ ککونن از ریاست جمهوری مستعفی شد و کویویستو به جای او به ریاست جمهوری برگزیده شد. فنلاند در ۱۹۹۲ برای پیوستن به اتحادیهٔ اروپا اظهار تمایل کرد و در همه‌پرسی سال ۱۹۹۴ به تأیید مردم این کشور رسید و در سال بعد به عضویت اتحادیه اروپا درآمد. در مارس ۱۹۹۴ مارتی آهتیساری به ریاست جمهوری رسید و با پیروزی حزب سوسیال دموکرات در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۵، پاوو لیپونن جای اسکوآهو را در نخست‌وزیری گرفت.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰، خانم تاریا هالونن از حزب سوسیال دموکرات با شکست اسکوآهو، از حزب مرکز، توانست عنوان اولین رئیس جمهور زن فنلاند را به خود اختصاص دهد.

فیجی FIJI

مجمع‌الجزایری است در اقیانوس آرام (کبیر) و اقیانوسیه که از ۹ جزیرهٔ بزرگ و حدود ۳۰۰ جزیرک آتشفشانی و مرجانی ترکیب یافته، در جزایر ملانزی، دریای کورو، بین جزایر وانوآتو در غرب و تونگا در شرق و ۵ درجه شمال مدار رأس‌الجدی جای دارد. بزرگترین جزیرهٔ آن ویتی‌لوو نام دارد که پایتخت کشور در آن واقع است و ۱۰,۴۲۹ کیلومترمربع وسعت دارد. جزایر وانوالوو، تاوئونی، لائو، کنداوو، آسوآ، کارو، انگائو و اُوالائو از دیگر جزایر مهم آن هستند. بیشتر این جزایر دارای منشأ کوهستانی است و بلندترین نقطهٔ آن یعنی کوه تومانیوی با ۱۳۲۳ متر ارتفاع در جزیره ویتی‌لوو قرار دارد. قسمتهای هموار این سرزمین مناسب کشاورزی است و اقلیم آن گرم و مرطوب و بارانی است و وزش بادهای اقیانوسی به اعتدال آن کمک می‌کند. نیشکر، روغن نارگیل، برنج، موز و آناناس از فرآورده‌های کشاورزی آن است و رودهای امبا و بیوا مهمترین رودخانه‌های آن به شمار می‌رود. حیات آبزیان تحت تأثیر افراط در صید ماهی و آلودگی نواحی مسکونی و ساحلی در معرض خطر انقراض قرار گرفته و محیط زیست این سرزمین را تهدید می‌کند.



تاریخچه

از حدود ۴۰۰۰ سال پیش مجمع‌الجزایر فیجی مسکون بوده است. مهاجران ملانزیایی در سدهٔ ششم پیش از میلاد به این جزایر وارد شدند و فیجی را به مهد تمدن و فرهنگ اقیانوس آرام تبدیل نمودند. در ۱۷۸۹ کاپیتان ویلیام بلی انگلیسی از جزایر فیجی دیدن کرد. سفرنامه بلی از زندگی جامعهٔ فیجی به صورت فامیلی و طبقاتی حکایت می‌کند. گروههای خانوادگی بعدها به جوامع بزرگتر مبدل شدند و هرکدام به وسیلهٔ یک رهبر اداره می‌شدند. یکی از رهبران معروف فیجی به نام نا اولیوائو، رهبر جزیرهٔ انگائو، بر سرتاسر جزایر تسلط یافت و آنها را در یک جامعهٔ واحد گرد هم آورد. در اوایل سدهٔ نوزدهم ماجراجویان و بازرگانان انگلیسی شروع به بهره‌برداری از چوبهای صندل و دیگر ادویه‌جات معطر جزیره نمودند و آنها را در بازارهای چین به قیمت گزاف به فروش می‌رساندند. آنان رفته رفته در جزایر مزبور ساکن شدند و از سوی رهبران محلی و رؤسای قبایل مورد حمایت قرار گرفتند.

در سال ۱۸۳۰ نخستین مبلغان مسیحی از جزیرهٔ تونگا به فیجی وارد شدند و آیین مسیح را درآن جزایر رواج دادند. سلطان جزایر فیجی، تاکومبائو، فرزند و جانشین نا اولیوائو در ترویج آیین مسیح و حمایت از مبلغین مذهبی نقش عمده‌ای ایفاء کرد و از سوی دنیای غرب مورد تحسین قرار گرفت. پیشنهاد او برای الحاق فیجی به امریکا از سوی دیگر رهبران فیجی مورد مخالفت قرار گرفت و به یک جنگ خانگی منجر شد. دولت امریکا از حمایت و پشتیبانی تاکومبائو خودداری کرد و جزایر فیجی را از دست داد و از فرصت مناسبی که برای افزودن ستارهٔ دیگری به ستارگان پرچمش پیش آمده بود غفلت ورزید. انگلستان از این فرصت استفاده کرد و جای خالی امریکا را پر نمود و به احداث کشتزارهای نیشکر پرداخت و با جلب حمایت تاکومبائو جزایر فیجی را در سال ۱۸۷۴ به تصرف خود درآورد. از آنجایی که کارگران بومی رغبتی برای کار در مزارع از خود نشان نمی‌دادند، ناگزیر کارگرانی از جزایر سلیمان و کشور هند به فیجی آوردند و آنان را در کشتزارها به کار گماردند. کارگران هندی به مرور خانواده‌های



نام رسمی: جمهوری فیجی

نام محلی: ناماتانیتو کو ویتی Na Matanitu Ko Viti

اسامی دیگر: -

پایتخت: سووا (۱٦٧،٤٢١ نفر در سال ۱۹۹٦)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۰/۱۰/۱۰، از انگلستان

روز ملی: دهم اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: راتو ژوزفا ایلوئیلو، از سال ۲۰۰۰ به مدت ۳ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: لایسنیا کاراسه، از سال ۲۰۰۰ به مدت ۳ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۸؛ مجلس نمایندگان با ۷۱ عضو و مجلس سنا با ۳۲ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۱): حزب فیجی متحد ۳۲ کرسی، حزب کارگر فیجی (هندی‌ها) ۲۷ کرسی، حزب اتحاد محافظه کار ٦ کرسی، حزب نوین وحدت کارگران ۲ کرسی، حزب فدراسیون ملی ۱ کرسی، حزب متحد عمومی ۱ کرسی، مستقلها ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سپک، آکپ، آدب، آاوسیس، جامعهٔ اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۱۸،۲۷٤ کیلومترمربع (صد و پنجاه و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۸۱۷،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجاه وسومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٤٤/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱،۱۰٤،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤۱/٦٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۵٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ۳۳/٤٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/۳٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۲/٤٪؛ بالای ٦۰ سال ۵/۹٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ۵۰/۲۵٪؛ زن ٤۹/۷۵٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۰/۱ سال؛ مردان ٦۵/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۳/۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۵/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱٤/۹ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۷/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۸۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۵۳/٤ نفر؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ۳۵/۵ نفر؛ حوادث ، مسمومیت و درگیری ۳۲/۲ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۳۱/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۹٦): فیجیایی ۵۰/۸٪؛ هندی ٤۳/۷٪؛ بقیه (عمدتاً روتوما، اروپایی و چینی) ۵/۵٪

دین(۱۹۸٦): مسیحی ۵۲/۹٪؛ هندو ۳۸/۱٪؛ مسلمان ۷/۸٪؛ سیک ۰/۷٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: انگلیسی، فیجیایی، هندی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین، هندی

شهرهای مهم(۱۹۹٦): لائوتوکا ٤۲،۹۱۷ نفر؛ نادی ۳۰،۷۹۱ نفر؛ لاباسا ۲٤،۱۸۷ نفر؛ نائوسوری ۲۱،٦٤۵ نفر

بنادر مهم: سووا، لائوتوکا (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار فیجی (F$)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۲/۲۵ دلار فیجی؛ یک دلار فیجی= ۳،۵۵۵ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۸٤۸/٦ میلیون دلار فیجی؛ مالیات بر درآمد، مالیات ملک و مالیات بر نقل و انتقال بلاعوض ۵۸/٤٪؛ مالیات گمرکی و مالیات بندرگاه ۲۹/٦٪؛ جریمه، حق امتیاز و فروش ٦/٤٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱،۰۲۹/۵ میلیون دلار فیجی؛ هزینه‌های اداری ٦۱/۱٪؛ پرداخت بدهی‌های عمومی ۳۵/۸٪؛ حقوق بازنشستگی و پاداش ۳/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،۷٤۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،۲۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۵٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۰/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۹/۵٪؛ صنعت ۳۱٪؛ خدمات ٤۹/۵٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۹۱ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱٤۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳٦/۵+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۳/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳/۷٪؛ ۱۹۹۸: ۷/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ٤،۳۹۸،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۲۰۹،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۲۷،۰۰۰ تن؛ تارو ۲٦،۰۰۰ تن؛ شلتوک برنج ۱۸،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۷،٤۰۰ تن؛ موز ٦،٤۰۰ تن؛ یام ۳،٤۰۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ۲،۸۰۰ تن؛ آناناس ۲،۵۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۱٤/۲٪؛ مرتع و چمنزار ۹/۵٪؛ جنگل ٦٤/۹٪؛ دیگر موارد ۱۱/٤٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۳٤۵،۰۰۰ رأس؛ بز ۲۳۵،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱۱۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۵۹٤،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۲۸،۲۱۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۹۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲،۷۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۵): طلا ۳،٤۷۷ کیلوگرم؛ نقره ۱،۵۷۲ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (میلیون دلار): مواد غذایی ۸٤؛ پوشاک ۲۸؛ چوب و تولیدات چوبی ۱٦؛ نوشیدنی ۱۵؛ مواد شیمیایی ۱۳.

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۵٤۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۵٤۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال سنگ: صفر (۲۲،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی : صفر (۲۱۹،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۸٦): ۲٤۱،۱٦۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۳/۷٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۵٦٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۲۱/۱٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۰): ٦/٤٪؛ ۱۹۹٦: ۵/۸٪

توزیع نیروی کار(۱۹۸٦): کشاورزی ٤٤/۱٪؛ صنعت ۱۳/۸٪؛ خدمات ۳۳/۹٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ۳،۵۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۱/٤٪؛ نیروی دریایی ۸/٦٪؛ نیروی هوایی ندارد؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٦۱ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۱،۳۹۲/۷ میلیون دلار فیجی؛ شامل تولیدات بادوام ۲۷/٦٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۰/٦٪؛ غذا، نوشیدنی و دخانیات ۱٤/۸٪؛ فرآورده‌های‌نفتی ۱٤/۱٪؛ کالاهای مصرفی متفرقه ۱۲/٤٪؛ مواد شیمیایی ۷/۸٪؛ از استرالیا ٤۵/۲٪؛ زلاند نو ۱۵/٤٪؛ ژاپن ٦/۹٪؛ امریکا ۵/۲٪؛ سنگاپور ٤/۲٪؛ چین ۲/۹٪؛ تایوان ۲/٤٪؛ هنگ‌کنگ ۲/۲٪؛تایلند۱/۹٪

صادرات(۱۹۹۷): ۷۱٤/٦ میلیون دلار فیجی؛ شامل شکر ۲٤/٤٪؛ پوشاک ۲۳/۵٪؛ طلا ۸/۷٪؛ ماهی ۵/۳٪؛ الوار ۳/۵٪؛ ملاس ۱/۸٪؛ روغن نارگیل ۰/۸٪؛ به استرالیا ٤۰/۵٪؛ انگلستان ۲۱/٤٪؛ ژاپن ۱۳/٤٪؛ امریکا ۱۰/۲٪؛ زلاند نو ٦/۳٪؛ مالزیا ۲/٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار فیجی	-۲۷۵/۲۳	-۵۲۱/٤۲	-٤۰۹/۳٦	-٤۵٤/٤۵	-۲۲۵/۲٦	-۳۳٤/۱٦	-۲۰٤/۸
درصد کل	۲۰/۹٪	۳۰/۷٪	۲۰/٤٪	۲۲/۹٪	۱۰/۹٪	۱٦/۸٪	۹/۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۷/۳	۹۷/۹	۱۰۰	۱۰۳/۱	۱۰٦/۵	۱۱۲/٦	۱۱٤/۸
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸٦): ۵/۷ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۰): ۲،۸۳۷ دلار فیجی؛ منابع درآمد (۱۹۷۳): دستمزد و حقوق ۸۱/۵٪؛ کار آزاد ۹/۱٪؛ سایر موارد ۹/٤٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۱): غذا، نوشیدنی و دخانیات ٤۱/۵٪؛ مسکن و سوخت ۲۱/٤٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۲/۹٪؛ کالای بادوام خانگی ٦/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲٦٦ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۵۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۵): ۵،۱۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۵۹۵ کیلومتر(اختصاصی کارخانه‌قندوشکر)

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ٤۹،۷۱۲ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۳۳،۹۲۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٦٤ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱۳ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱ روزنامه در ٤۰،۰۰۰ نسخه (۵۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ٤۰۱ عنوان در ۲،۲۵٦،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۵،٦۲۵/۹۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۵۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۳٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۰۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷٦،۹۳۳ خط تلفن (۹۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۸،۰۰۰ خط (۱۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٦۹۳	۵،۰۱۱	۱٤۲،۷۸۱	۲۸/۵
متوسطه	۱٤۲	۳،۵۱۹	۷۰،۰۹۸	۱۹/۹
فنی و حرفه‌ای	٤۵	٦۲۵	۷،۲۸۳	۱۱/٦
عالی	۵	۲۷۷	۷،۹۰۸	۲۸/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۱/٦٪؛ مردان: ۹۳/۸٪؛ زنان: ۸۹/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸٦): ابتدایی ۱۹/۱٪؛ متوسطه ٤۸/۲٪؛ بعد از متوسطه ۳/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ٤۰۹ نفر (هر ۱،۹۱۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۱،۸۰۵ تخت (هر ٤۳۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲٦۰ نفر (۰/۰٦٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۱/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۸۵۲ کالری (۱۲۵٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛(۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷٤ گرم؛ مصرف چربی: ۱۰٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۲/۰-٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/٤٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۸ میلیون تن؛ هر نفر ۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷٦۹ (شصت و ششمین کشور جهان)

خود را به فیجی آوردند و به کاسبی و شغل آزاد و انجام کارهای دستی مشغول شدند و در عین حال زبان، عادات و رسوم، و مذهب خود را نیز حفظ کردند.

جنبش‌های استقلال‌طلبی که از مدتها پیش آغاز شده بود رفته رفته به نتیجه رسید و در اولین مرحله، در سال ۱۹۵۶، به فیجی خودمختاری داخلی داده شد و کامیسسه مارا به نخست‌وزیری انتخاب گردید. فیجی سرانجام در ۱۰ اکتبر ۱۹۷۰ به کسب استقلال نایل آمد و در ۱۹۷۶ قانون اساسی آن مورد تجدید نظر قرار گرفت. بحران اقتصادی دهۀ ۱۹۷۰ هزاران شهروند فیجی را به مهاجرت به زلاند نو واداشت و حزب ناسیونالیست (متعلق به فیجیایی‌های تندرو) را به مبارزۀ مسلحانه علیه هندی‌هایی که به تصور بومیان مشاغلشان را غصب کرده بودند وادار نمود. درگیری‌ها کوتاه‌زمانی ادامه یافت و با دخالت پلیس به پایان رسید.

در انتخابات آوریل ۱۹۸۷ نامزد انتخاباتی هندی‌ها به نام تیموسی باوادرا به نخست‌وزیری رسید. چند هفته از فعالیت دولت باوادرا نگذشته بود که کودتای نظامی به رهبری سرهنگ سیتیونی رابوکا به حکومت او پایان داد. باوادرا در همان سال از زندان کودتاچیان آزاد شد و با برگزاری انتخابات در پایان سال ۱۹۸۸ که قرار بود زیر نظارت فرماندهان کودتا انجام شود به مخالفت برخاست.

در دسامبر ۱۹۸۷ سرهنگ رابوکا رهبری کشور را رأساً به عهده گرفت و پنایاگانیلائو را به ریاست جمهوری و کامیسسه مارا را به نخست‌وزیری منصوب کرد.

در ژوئیه ۱۹۹۰ قانون اساسی جدیدی که بر مبنای تبعیض نژادی و برای دور نگاه داشتن هندیان از تصدی مقام‌های حساس تنظیم شده بود، به مورد اجرا گذارده شد و اکثر کرسی‌های مجالس ملی و سنا به وسیلۀ فیجیایی‌ها اشغال گردید. این عمل از سوی هندیان و دیگر اقوام غیر بومی که شمارشان نسبت به جمعیت فیجی به رقم قابل توجهی می‌رسید، مورد مخالفت و اعتراض قرار گرفت و با حمایتی که از سوی سازمان ملل متحد و کشور هند و دیگر مجامع بین‌المللی به عمل آمد، به تدوین قانون اساسی دیگری انجامید.

در انتخابات دسامبر ۱۹۹۳ کامیسسه مارا به ریاست جمهوری رسید و سیتیونی رابوکا که از ژوئن ۱۹۹۲ سرپرستی دولت را بر عهده داشت، در مقام نخست‌وزیری باقی ماند. در سپتامبر ۱۹۹۶ قانون اساسی جدیدی که حقوق همۀ نژادها و قومیت‌ها در آن رعایت شده بود، به تصویب رسید و از ۱۹۹۷ به مورد اجرا گذارده شد.

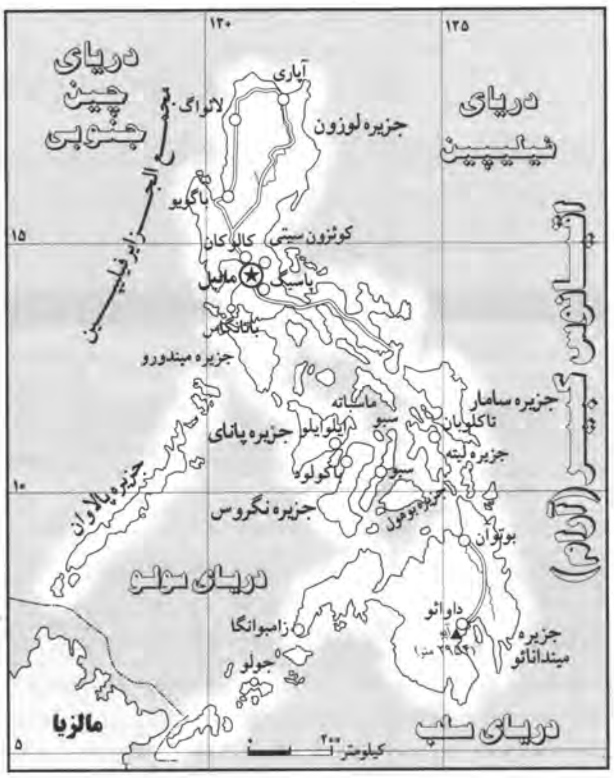
در ماه سپتامبر ۱۹۹۷، پس از ۱۰ سال، که عضویت این کشور در جامعه مشترک‌المنافع در اعتراض به وقوع کودتا به حالت تعلیق درآمده بود، مجدداً فیجی به عضویت این جامعه پذیرفته شد. در نخستین انتخابات دموکراتیک، پس از کودتای سال ۱۹۸۷، که در سال ۱۹۹۹ برگزار شد، ماهندرا چودری، از هندی‌تباران به نخست‌وزیری رسید. با این حال منازعات قومی در سال بعد مجدداً شعله‌ور شد و جورج اسپایت در رأس یک گروه از فیجیایی‌های مسلح به مجلس نمایندگان حمله کرد و نخست‌وزیر و ۳۰ تن از نمایندگان، از جمله دختر رئیس جمهور را به گروگان گرفت. در ۲۹ ماه مه، یعنی ده روز بعد، کودتایی به رهبری کومودور فرانک باینیاراما به وقوع پیوست و رئیس جمهور از کار برکنار شد و کمی بعد گروگانگیران با وعده عفو عمومی گروگانهای خود را آزاد کردند ولی مدتی پس از آن همگی دستگیر شدند.

در سال ۲۰۰۰ راتو ژوزفا ایلوئیلو به عنوان رئیس جمهور موقت و لایسنیاکاراسه به عنوان نخست‌وزیر موقت انتخاب شدند که انتخابات سال ۲۰۰۱ وضعیت آنان را قطعی نمود.

فیلیپین PHILIPPINES

مجمع‌الجزایری است واقع در آسیای جنوب خاوری و آبهای غربی اقیانوس کبیر (آرام) که از حدود هفت‌هزار جزیره تشکیل شده و در پهنه‌ای که درازای آن از شمال به جنوب بالغ بر ۱۶۰۰ کیلومتر است پراکنده شده و دریاهای فیلیپین، سلب (سلبس)، سولو و دریای چین جنوبی پیرامون آن را فرا گرفته‌اند و حدود ۹۴ درصد جمعیت آن در یازده جزیره لوزون (۱۰۴,۶۸۸ کیلومترمربع)، میندانائو (۹۴,۶۳۰)، سامار (۱۳,۰۸۰)، نگروس (۱۲,۷۱۰ کیلومترمربع)، پالاوان، پانای، میندورو، لیته، سبو، بوهول و ماسباته بسر می‌برند. جزایر فیلیپین دارای منشأ آتشفشانی هستند و مجموعه‌ای را به نام حلقۀ آتش اقیانوس آرام تشکیل می‌دهند. جزایر مزبور عمدتاً کوهستانی هستند و در جلگه‌های پهناور ساحلی آن نیشکر، کنف، نارگیل، تنباکو، ذرت و برنج کاشته می‌شود. بلندترین نقطۀ این کشور به نام کوه آپو، ۲۹۵۴ متر ارتفاع دارد.

اقلیم فیلیپین گرم و مرطوب و پر باران است و کاگایان، آگنو، پامپانگا، آگوسان و کوتاباتو مهمترین رودخانه‌های آن بشمار می‌روند. غالب جزایر این کشور از جنگل‌های انبوه بارانی پوشیده شده و عمده‌ترین تولیدکنندۀ کانه‌های آهنی در جنوب خاوری آسیا محسوب می‌گردد. علاوه بر کانه‌های آهنی، کرم، مس، نیکل، کوبالت، نقره و طلا از ذخایر زمینی آن هستند. فیلیپین همسان دیگر کشورهای منطقه هدف جنگل‌زدایی قرار گرفته و همین امر شرایط زیست‌محیطی را مورد تهدید قرار داده است.



تاریخچه

مجمع‌الجزایر فیلیپین در عصر پارینه‌سنگی مسکون گردید و فرهنگ نوسنگی در حوالی سالهای ۹۰۰ پیش از میلاد با هنرهایی چون فلزکاری آغاز شد. در سدۀ پانزدهم پیش از میلاد بومیانی مانند آئتاها و ایگوروت‌ها به دلایل نامعلومی از این سرزمین مهاجرت کردند.

بین سده‌های دوم تا پانزدهم میلادی مهاجرانی از مالزیا و اندونزی به آنجا وارد شدند و در آن مرز و بوم سکنی گزیدند. بین سده‌های یازدهم و سیزدهم مسلمانان به این سرزمین گام نهادند و نواحی ساحلی را برای سکونت اختیار کردند و جزایر جنوبی که اسلام را پذیرا شده بودند، سلطان‌نشین مستقلی برای خود تأسیس نمودند. در همان زمان بازرگانان چینی و ژاپنی کالاهای خود را در بازارهای جزایر عرضه کردند و به داد و ستد پرداختند.

در سال ۱۵۲۱ فردیناند ماژلان دریانورد اسپانیایی به عنوان اولین اروپایی از این جزایر دیدن کرد و آن را به افتخار فیلیپ پادشاه وقت اسپانیا فیلیپین نامید. ماژلان در یکی از جزایر فیلیپین کشته شد و تصاحب جزایر تا سال ۱۵۶۴ به تعویق افتاد. اگرچه سلطه اسپانیا بر جزایر فیلیپین به مدت سه قرن ادامه داشت، ولی مسلمانان میندانائو هیچگاه به همکاری و سلطه‌جویی اروپاییان تن درندادند و با همان روال مرسوم خود به زندگی ادامه دادند و حتی از پرداخت باج و مالیات به اروپاییان خودداری کردند.

در اواخر سدۀ نوزدهم جنبش‌های استقلال‌طلبانه که اغلب به وسیلۀ مالکان اراضی بزرگ رهبری می‌شد، در گوشه و کنار کشور پدید آمد و دنبالۀ آن تا سال ۱۸۹۶ که به یک شورش عمومی ضد استعماری تبدیل گردید، ادامه یافت و سرانجام به اعلام استقلال ۱۲ ژوئن سال ۱۸۹۸ منجر گردید. امریکا که مترصد فرصت مناسب بود، به میدان رقابت پا گذارد و با حمایت ظاهری استقلال‌طلبان با اسپانیایی‌ها به رقابت و مبارزه پرداخت. در دهم دسامبر ۱۸۹۸ جنگ میان اسپانیا و امریکا در قارۀ جدید پایان یافت و به موجب معاهدۀ پاریس، فیلیپین از سوی اسپانیا به امریکا واگذار گردید. بین ۱۸۹۹ تا ۱۹۱۱ بیش از ۵۰۰,۰۰۰ فیلیپینی جان خود را در راه مبارزه با استعمارگران امریکایی به فرماندهی ژنرال مک‌آرتور از دست دادند. در جنگ جهانی دوم، فیلیپین به تصرف نیروهای ژاپنی درآمد و مبارزه علیه اشغالگران ادامه یافت. در سال ۱۹۴۶ بعد از جنگ جهانی امریکایی‌ها به فرماندهی ژنرال داگلاس مک‌آرتور (فرزند ژنرال مک‌آرتور پیشین) فیلیپین را تخلیه کردند و استقلال این کشور را به رسمیت شناختند و فیلیپین را به یکی از وابستگان اقتصادی امریکا مبدل نمودند. در پیمان ۹۹ ساله‌ای که در سال ۱۹۴۷ بین دولتهای فیلیپین و امریکا به امضاء رسید چند پایگاه نظامی و دریایی به



نام رسمی: جمهوری فیلیپین

نام محلی: پیلیپیناس Pilipinas

اسامی دیگر: -

پایتخت: مانیل (۱،٦٧٣،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹٤٦/۷/٤؛ از امریکا

روز ملی: دوازدهم ژوئن، روز اعلان استقلال از اسپانیا در سال ۱۸۹۸

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: گلوریا ماکاپاگال آرویو، از سال ۲۰۰۱

رئیس دولت: رئیس جمهور: گلوریا ماکاپاگال آرویو، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۷؛ مجلس نمایندگان با ۲٦۰ عضو (شامل ۵۲ عضو انتصابی) و مجلس سنا با ۲٤ عضو به مدت ۳ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۸): اتحاد ملی دموکرات مسیحی‌ها ۱۱۱ کرسی؛ پیکار دموکراتیک ۵۹ کرسی؛ حزب لیبرال ۱۵ کرسی؛ ائتلاف ملی خلق ۷ کرسی؛ سایر احزاب ۱۰ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، آپک، آسه‌آن، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۳۰۰،۰۰۰ کیلومترمربع (هفتادویکمین کشور جهان)

جمعیت: ۷٦،۰۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهاردهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۵۳/۳ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/۱

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۰۸/۳ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۵۲ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٥٦/۹٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۳/۷

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ۳٦/۲٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/۱٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۹/۷٪؛ بالای ٦۰ سال ٦٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ۵۰/۳۷٪؛ زن ٤۹/٦۳٪ | **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ۷۱ سال؛ مردان ٦۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۲۷/۱ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۵/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۳۳ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۲۱/۵ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۳): بیماریهای قلبی ٦۹/۱ نفر؛ بیماریهای عروقی ۵۵/۸ نفر؛ ذات‌الریه ۵۳/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۳۷/۹ نفر؛ سل ۳٦/۷ نفر؛ حوادث ۲۰/۱ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ۳/٤ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۷۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۹۰): فیلیپینی نوین ٤۰٪؛ اندونزیایی و پولینزیایی ۳۰٪؛ مالایایی کهن و نگریتوها ۱۰٪؛ چینی ۱۰٪؛هندی ۵٪

دین(۱۹۹٦): کاتولیک ۸۲/۹٪؛ پروتستان ۵/٤٪؛ مسلمان ٤/٦٪؛ آگلیپان (کلیسای مستقل فیلیپین) ۲/٦٪

زبان و خط: فیلیپینو (بر اساس زبان تاگالوگ؛ زبان رسمی)، انگلیسی، اسپانیایی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): کوئزون سیتی ۲،۱٦۰،۰۰۰ نفر؛ کالوکان ۱،۲۳۳،۰۰۰ نفر؛ داوائو ۱،۱٤۷،۰۰۰ نفر؛ سبو ٦٦۲،۰۰۰ نفر؛ زامبوانگا ٦۰۰،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۹۵): ماکاتی ٤۸٤،۱۷٦ نفر؛ پاسیگ ٤۷۱،۰۷۵ نفر

بنادر مهم: مانیل، سبو، ایلوایلو، داوائو، زامبوانگا (میان دریای چین جنوبی و اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پزو فیلیپین (₱)= ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار = ٤٦/۳ پزو؛ یک پزو = ۱۷۲/۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ٤۷۰،۱۰۵ میلیون پزو؛ مالیات بر درآمد ۳٤/۹٪؛ مالیات بر کالا و خدمات ۲۸/٤٪؛ مالیاتهای بین‌المللی ۲۰/۲٪ ؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۲/۳٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ٤٦۷،۳۱۹ میلیون پزو؛ آموزش ۲۰/٤٪؛ پرداخت بدهی‌ها ۱٦/۷٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۳/٦٪؛ خدمات عمومی ۹/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۷۸،۹۳۸ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۰۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳/۱٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱٦/۹٪؛ صنعت ۳۱/٦٪؛ خدمات ۵۱/۵٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۵۱۸ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱،۷۱۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲۸،۱۸۹ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٦۰٦/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱٦/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۸/۵٪؛ ۱۹۹۸: ۱۰/۵٪؛ ۲۰۰۰: ٤/۵٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): نیشکر ۲۷،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۱۰،٤۹۲،۷۸۰ تن؛ برنج ۸،۵۵٤،۸۲٤ تن؛ ذرت ۳،۸۲۳،۱۸٤ تن؛ موز ۳،۵٤۹،۹۵۰ تن؛ آناناس ۱،٤۹۵،۱۲۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۳۱٪؛ مرتع و چمنزار ٤٪؛ جنگل ٤۵٪؛ سایر موارد ۲۰٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): خوک ۱۰،۲۱۰،۰۰۰ رأس؛ بز ٦،۵۰۰،۰۰۰ رأس؛ بوفالو ۳،۰۰٤،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤۱،۵٤۸،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹٦):** ۲،۲٦۹،۲۳۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۳۷،٦۷۵،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۵۲۸،۰۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹۷): سنگ‌نیکل ۵٦۷،٦۱٦ تن؛ کنسانتره ۱۸۷،٦۳۹ تن؛ طلا ۳۲،۵۰۰ کیلوگرم؛ نقره ۲۰،٦٦٤ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): (ارزش افزوده ناخالص به میلیون پزو): مواد غذایی ۲۲۰،۲۰۰؛ ماشین‌آلات برقی ٤۵،٦۰۰؛ مواد شیمیایی ٤٤،۲۰۰؛ فرآورده‌های نفتی و زغال‌سنگ ٤۲،۸۰۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٤): ۲٦،٤۲۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲٦،٤۲۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹۷): ۱،۰٤۵،۵۵۱ تن (۱۹۹٤: ۲،۵۰۳،۰۰۰)؛ نفت خام(۱۹۹٤): ۲،۱۸٦،۰۰۰ بشکه (۹۰،۸۰۸،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٤): ۱۱،۳۵۰،۰۰۰ تن (۱۲،۵۵۹،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۵): ۲۸،۳۸۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۰/٤٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤)؛ ٦۵/٦٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۳۷/٤٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ۸/٤٪؛ ۲۰۰۰: ۱۱/۱٪

توزیع نیروی کار(۲۰۰۰): کشاورزی ۳۹/۵٪؛ صنعت ۱۵/۳٪ ؛ خدمات ٤۵/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۱۱۷،۸۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۳/۲٪؛ نیروی دریایی ۲۲٪؛ نیروی هوایی ۱٤/۸٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۵): ۱۷ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۳۵،٦٦۰/۲ میلیون دلار؛ شامل نیروگاه برق و ماشین‌آلات تخصصی ۱۰/۷٪؛ تجهیزات مخابراتی و ماشین‌آلات برقی ۱۰/۳٪؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ۸/٦٪؛ مواد شیمیایی ۷/۸٪ ؛ تجهیزات حمل و نقل ۷/۲٪؛ از ژاپن ۲۰/۸٪؛ امریکا ۲۰٪؛ کرهٔ جنوبی ٦/۱٪؛ سنگاپور ٦/۱٪؛ تایوان ۵/۱٪؛ هنگ‌کنگ ٤/۳٪

صادرات(۱۹۹۷): ۲۵،۲۲۷/۷ میلیون دلار؛ شامل لوازم الکترونیکی ٤۲/۳٪؛ لباس ۹/۳٪؛ روغن نارگیل ۲/۷٪؛ مجموعه‌های سیم‌کشی موتور ۲/۱٪؛ تولیدات چوبی و مبلمان ۱/۸٪؛ طلا ۱/۱٪؛ به امریکا ۳٤/۹٪؛ ژاپن ۱٦/٦٪؛ هلند ٦/٦٪؛ سنگاپور ٦/٤٪؛ هنگ‌کنگ ٤/٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون پزو	-۱۷٦،۲۹۸	-۲۱۲،۰۸٦	-۲۲۹،۲۱٤	-۲۹۹،۹۹۸	-۳۱٦،۲۸۵	-٦۹،۹۹۱
درصد کل	٪۲۲/۵	٪۲۳/۲	٪۲۰/۳	٪۲۱/۹	٪۱۷/۵	٪۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۵/٤	۹۲/٦	۱۰۰	۱۰۹	۱۱۵/۵	۱۲٦/۷
شاخص درآمد روزانه	۸۲/۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۱۳/۸	۱۲۷/٦	؟

ویژگیهای خانوار(۱۹۹۷) : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۵): ۵/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار: ۱۲۳،۸۸۱ پزو؛ منابع درآمد: دستمزد ٤۵/۲٪؛ سودکار ۳۹٪؛ کار آزاد ۹/۱٪؛ انتقالی ٦/۷٪؛ هزینه‌ها: غذا، نوشیدنی و دخانیات ٤٦٪؛ مسکن ۱۵/٤٪؛ حمل و نقل ٦/۵٪؛ سوخت و نیرو ۵/۳٪؛ پوشاک ۳/۳٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲،٤۱۳ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱،۹۵۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱٦۱،۳۱۳ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۸۹۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۷٤۳،۲۹۹ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۲٤٤،۰٦۵ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱،٤۹۹ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۲۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ٤۷ روزنامه در ۵،۷۰۰،۰۰۰ نسخه (۸۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱،۵۷۰ عنوان در ۹،٤٦۸،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱،۵۰۷ عنوان در ۱٤،۷۱۸،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۹،۷٦٦/٤ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱۱،۵۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱٦۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۸،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۱۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲،۷۰۰،۰۰۰ خط تلفن (۳۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۷۳۳،٦۵۲ خط (۲٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۱۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۵۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۳۷،٦٤۵	۳٤۱،۱۸۳	۱۱،۹۰۲،۵۰۱	۳٤/۹
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	٦،۳٦۹	۱۵٤،۷۰۵	٤،۸۸۸،۲٤٦	۳۱/٦
عالی	۱،۲۸٦	٦٦،۸۷٦	۲،۰۱۷،۹۷۲	۳۰/۲

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹٤/٦٪؛ مردان: ۹۵٪؛ زنان: ۹٤/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۵ سال(۱۹۹۵): ابتدایی ۳۵/۸٪؛ متوسطه ۳۸/٤٪؛ بعد از متوسطه ۲۱/۹٪

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۷۸،٤٤۵ نفر (هر ۸٤۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۸۱،۷۸۹ تخت (هر ۸۵۵ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲٤،۰۰۰ نفر (۰/۰٦٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲٤۹/۵ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۳٦٦ کالری (۱۰٦٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ٥٦ گرم؛ مصرف چربی: ٤۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۳/۳٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۳/۵٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۵ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٦٤/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷٤٤ (هفتاد و هفتمین کشور جهان)

امریکا واگذار شد. در انتخابات سال ۱۹۶۵ فردیناند مارکوس به ریاست جمهوری فیلیپین رسید. وی که مرد مستبد و خودکامه‌ای بود واز سوی کشورهای غربی به ویژه امریکا حمایت می‌شد، سالها بر فیلیپین حکومت کرد و مسلمانان را به شدت تحت فشار قرار داد و هزاران تن از آنان را به دست نیروهای مسلح به کشتن داد. جنبشهای آزادیخواهانه و استقلال طلبانهٔ مسلمانان میندانائو که جبههٔ آزادیبخش مورو آن را رهبری می‌کند با نیروهای مسلح مارکوس و سیاستهای ضد اسلامی او به مبارزهٔ مسلحانه برخاست و تأسیس کشور مستقل اسلامی میندانائو را خواستار گردید.

در سال ۱۹۶۹ فردیناند مارکوس برای بار دوم به ریاست جمهوری انتخاب گردید و با شورش‌های چپگرایان و انقلابیون مورو به شدت برخورد کرد و در سال ۱۹۷۱ کلیهٔ احزاب را غیرقانونی اعلام کرد. در سال ۱۹۷۲ فعالیتهای جبههٔ مورو و دیگر انقلابیون شدت گرفت و مارکوس در سراسر کشور حکومت نظامی اعلام نمود و مقام ریاست جمهوری را مادام‌العمر برای خود حفظ نمود. در سال ۱۹۷۶ شهر مانیل رسماً به پایتختی انتخاب گردید و در سال ۱۹۷۸ مارکوس پست نخست‌وزیری را نیز شخصاً بر عهده گرفت. در سال ۱۹۷۹ فشارهای اعمال شده از سوی دولت مارکوس، هزاران مسلمان را به مالزیا فراری داد. در ۱۹۸۰ درگیری میان مسلمانان و مأموران دولتی شدت یافت و تلفات و خسارات فراوانی به دولتیان وارد آمد و مارکوس را وادار به گفتگو با جبههٔ آزادیبخش مورو کرد، ولی مذاکرات به نتیجه‌ای نرسید و شمار زیادی بازداشت شدند و از خدمات دولتی و مؤسسات آموزشی محروم گردیدند. در انتخابات سال ۱۹۸۱ در حالی که فردیناند مارکوس به ادامهٔ حکومت خود امیدوار بود، هزاران تن در مانیل دست به تظاهرات زدند و پایان خفقان و استبداد و خارج شدن امریکاییان از پایگاههای نظامی را خواستار شدند. در ۲۱ اوت ۱۹۸۳ بنینیوآکینو رهبر مخالفان دولت در حالی که از یک تبعید طولانی به کشور بازمی‌گشت، در فرودگاه هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. در مراسم تشییع جنازهٔ او حدود ۵۰۰,۰۰۰ نفر شرکت جستند و با فریادهای بلند مجازات مارکوس، قاتل او را خواستار شدند و اعلام کردند که از رفتن به خانه تا سرنگونی مارکوس خودداری خواهند کرد.

در انتخابات پارلمانی مه ۱۹۸۴ مخالفان مارکوس پیروزی چشمگیری به دست آوردند و انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۸۶ که با تقلبات بسیار همراه بود، خانم کورازون آکینو، بیوهٔ بنینیو آکینو را از پیروزی بازداشت، اما وی متقابلاً عدم اطاعت عمومی از دولت را خواستار شد. خوآن پونسه انریله وزیر دفاع مارکوس که از خودکامگی و خشونت‌ها و اتهامات ناروای مارکوس به خشم آمده بود، دست به کودتا زد که با عدم موفقیت روبرو شد. انبوه میلیونی جمعیت که به مخالفت با مارکوس برخاسته بودند از کودتاچیان حمایت کردند و نیروی هوایی فیلیپین نیز با مردم هم‌آواز شد و از بمباران مواضع کودتاچیان و مردمی که به حمایت از آنان برخاسته بودند، خودداری کرد. سرانجام مارکوس سرنگون شد و از کشور فرار کرد و خانم آکینو به ریاست جمهوری رسید و انریله فرماندهٔ کودتاچیان را به مقام وزارت دفاع منصوب کرد. خانم آکینو که از همان آغاز کار با مشکلات و دشواریهای فراوانی روبرو گردیده بود، قانون اساسی جدیدی را در سال ۱۹۸۷ به همه‌پرسی گذارد که با اکثریت عظیمی به تصویب رسید. به موجب قانون مزبور مناطق میندانائو و کوردیلرا از خودمختاری داخلی بهره‌مند شدند. فوران آتشفشان پیناتوبو در ژوئن ۱۹۹۱ ضربهٔ شدیدی به پیکر لرزان فیلیپین که هنوز از جنگ‌های داخلی قد راست نکرده بود، وارد آورد و ۷۰۰ فیلیپینی را در گدازه‌ها و خاکسترهای آتشین خود سوزاند، دهکده‌های اطراف را به کلی نابود کرد و حدود ۳۰۰,۰۰۰ تن را آواره و بی‌خانمان نمود و پایگاه هوایی کلارک را که به امریکایی‌ها تعلق داشت در زیر خاکسترهای خود دفن کرد.

وسعت جنگلهای فیلیپین که در دههٔ ۱۹۵۰ به ۷۵ درصد مساحت کشور می‌رسید، به دلیل جنگل‌زدایی و استفاده‌های بی‌رویه ونامعقول به رقم ۴۲ درصد در سال ۱۹۹۰ کاهش یافت و اثرات مرگبار و ویرانگر توفند مهیب سال ۱۹۹۱ را که به کشته شدن حدود ۸,۰۰۰ نفر انجامید، تشدید نمود.

در انتخابات آرام و دور از خشونت مه ۱۹۹۲ فیدل راموس وزیر دفاع پیشین خانم آکینو به ریاست جمهوری رسید و در سپتامبر همان سال دولت امریکا پایگاه هوایی خلیج سوبیک را تخلیه کرد و هزاران زن روستایی را که در پایگاه مزبور به خودفروشی و سرگرم کردن مردان مجرد مشغول بودند، بیکار کرد. در ۱۹۹۳ دولت و مجلس فیلیپین باب مذاکره و گفتگو را با مسلمانان میندانائو افتتاح کردند و در ۱۹۹۵ بانک‌های سوئیس ۴۷۵ میلیون دلار از پولی را که مارکوس از کشور خارج کرده بود، به دولت فیلیپین برگرداندند. گفتگو با انقلابیون مسلمان که همچنان ادامه داشت تدریجاً به نتیجه رسید و قرار شد که مسلمانان از کرسی‌های مخصوص در پارلمان استفاده کنند و در دیوان عالی کشور و همچنین هیئت دولت شرکت داده شوند و علاوه بر آن در رده‌های بالای ارتش و نیروهای انتظامی نیز به خدمت مشغول گردند. به دنبال توافق مزبور در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۶ قرارداد آتش‌بس و صلح بین دولتیان و رهبر جبههٔ آزادیبخش مورو به نمایندگی از سوی مسلمانان منعقد گردید و به میندانائو خودمختاری داخلی داده شد. انقلابیون مسیحی و کمونیست‌ها نیز باب گفتگو با دولت راموس را گشودند.

در ژانویهٔ ۱۹۹۸ هزاران کودک که از سراسر جهان گرد آمده بودند، علیه به کارگیری و استثمار کودکان در خیابانهای مانیل دست به راهپیمایی زدند.

در مه ۱۹۹۸ ژوزف استرادا که سمت معاونت رئیس جمهور پیشین، فیدل راموس را داشت به ریاست جمهوری برگزیده شد. استرادا در آوریل سال ۲۰۰۰ اعلام کرد که مبارزه گسترده‌ای را با فساد آغاز خواهد کرد و با همهٔ مرتکبین اعمال خلاف در همهٔ رده‌ها برخورد خواهد شد. اما کمی بعد موجی از اتهامات در مورد رشوه‌خواری و فساد وی در مجلسین نمایندگان و سنا مطرح شد و سرانجام با برکناری وی، خانم گلوریا ماکاپاگال آرویو، در ژانویه سال ۲۰۰۱ عهده‌دار مقام ریاست جمهوری شد. نیروهای ارتش فیلیپین، با همکاری نیروهای امریکایی عملیات گسترده‌ای را از اوایل سال ۲۰۰۲ برای از میان بردن گروه ابوصیاف که متهم به همکاری با اسامه بن لادن می‌باشد، آغاز کردند.

قبرس CYPRUS

کشور قبرس جزیره‌ای است در آسیای جنوب غربی، در آبهای خاوری دریای مدیترانه و در حدود ۷۵ کیلومتری سواحل جنوبی ترکیه. دو رشته کوه عمده به نام ترودوس در جنوب غربی و کیرینیا در شمال، این کشور را به یک سرزمین نیمه‌کوهستانی مبدل ساخته و ارتفاع بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه اولیمپوس به ۱۹۵۱ متر می‌رسد. نواحی مرکزی کشور را دشت حاصلخیزی در بر گرفته که غلات، انگور، زیتون، سیب‌زمینی و میوه از عمده‌ترین فرآورده‌های آن است. اقلیم قبرس در تابستانها گرم و خشک و در زمستانها معتدل و بارانی است و رودخانهٔ پدیاس مهمترین رود آن است.

آلودگی هوا به ویژه در شهرها و حومهٔ آنها که در ساعات اوج ترافیک به حداکثر خود می‌رسد همراه با آلودگیهای صنعتی عمده‌ترین مسئلهٔ زیست‌محیطی قبرس را تشکیل می‌دهد. پلاژهای ساحلی تحت تأثیر سفرهای گردشگری قرار گرفته و احداث هتل‌ها و مجتمع‌های مسکونی آن را از چهرهٔ راستین و طبیعی خود که از زیبایی خاصی بهره‌مند بوده است به دور کرده و بر بُعد فاصلهٔ آن روز به روز می‌افزاید.



تاریخچه

نخستین نشانه‌های تمدن در قبرس از یک قدمت ۵۰۰۰ ساله حکایت دارد، حتی‌ها، فنیقی‌ها، یونانی‌ها، آشوری‌ها، ایرانی‌ها، مصریها، رومی‌ها، عرب‌ها و ترک‌ها هرکدام روزگاری بر این سرزمین تسلط داشته‌اند و هرکدام به گونه‌ای در فرهنگ آن اثر گذارده‌اند.

در سال ۱۸۷۸ انگلیسی‌ها و ترک‌های عثمانی قراردادی برای حمایت از قبرس در مقابل روسیهٔ تزاری به امضاء رساندند و بدینسان انگلیسی‌ها پایگاهی برای دست‌اندازی‌های آتی خود بسوی خاور به دست آوردند. در سال ۱۹۳۰ جنبشهایی برای الحاق به یونان پیدا شد و به دنبال آن اغتشاش و شورش سراسر جزیره را در بر گرفت و در ۱۹۵۵ به عملیات تروریستی مبدل شد



نام رسمی: جمهوری قبرس

نام محلی: قبرس (ترکی) Kibris ؛ کیپروس (یونانی) Kipros

اسامی دیگر: –

پایتخت: نیکوزیا (لفکوزیا) (۱۹۵،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۸/۱۶ ، از انگلستان

روز ملی: اول اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: تاسوس پاپادوپولوس(حزب دموکرات)، از سال ۲۰۰۳ به مدت ۵ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: تاسوس پاپادوپولوس(حزب دموکرات)، از سال ۲۰۰۳ به مدت ۵ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۶۰؛ مجلس نمایندگان با ۸۰ عضو (۲۴ عضو آن بایستی از میان ترکها انتخاب شود که ترکها در انتخابات شرکت نمی‌کنند) به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۱): حزب ترقی‌خواه کارگران ۲۰ کرسی، جنبش مجمع دموکراتیک ۱۹ کرسی، حزب دموکرات ۹ کرسی، سوسیالیست‌های دموکرات ٤ کرسی، جنبش دموکرات‌های متحد ۱ کرسی؛ بقیه ۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آآوسیس، شورای اروپا، جنبش عدم تعهد، اوسه، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۹،۲۵۱ کیلومترمربع (صد و شصت و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۷۸۶،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجاه و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۹۰۰،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵۵/۷٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۹٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ۲۴/۲٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۱/۵٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۹/۱٪؛ بالای ۶۰ سال ۱۵/۲٪

توزیع جنسی : ؟ — **امید به زندگی(۱۹۹۷):** زنان ۸۰ سال؛ مردان ۷۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱۳/٤ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۸/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۵/۸ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۵/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور: ؟ — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۹ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۶): ۷/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۲): قبرسی یونانی‌تبار ۸۵/۱٪؛ قبرسی ترک‌تبار ۱۱/۷٪؛ بقیه ۳/۲٪

دین(۱۹۹۵): ارتدوکس یونانی ۸۰٪؛ مسلمان سنی ۱٤٪؛ کاتولیک ۱/۵٪؛ بقیه (عمدتاً ارمنی و مارونی) ٤/۵٪

زبان و خط: یونانی، ترکی (زبانهای رسمی)؛ خط: یونانی و لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۸): لیماسول (لمسوس) ۱۵٤،٤۰۰ نفر؛ لارناکا (لارناکس) ٦۸،۵۰۰ نفر؛ نئاپافوس (پافوس)۳۸،۸۰۰ نفر

بنادر مهم: فاماگوستا و لیماسول (دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پوند قبرس (£C)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۱/۵۲ پوند؛ یک پوند= ۵،۲٦۳/۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸) : ۱،٤۷۳/۹ میلیون پوند؛ مالیات بر درآمد۱۹/۷٪؛ مالیات بر ارزش افزوده ۱۵/۳٪؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۱٤/۹٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱،۷۳۱/۵ میلیون پوند؛ هزینه‌های جاری ۸۹/۷٪؛ هزینه‌های توسعه ۱۰/۳٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸) : ۸،۹۸۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۱،۹۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۸/۱٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۹٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): کشاورزی٤/۳٪؛ صنعت ۲۲/۸٪؛ خدمات ۷۲/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۸۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی: ؟ — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۳۱/٦ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۸/٦٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳/۷٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲/۲٪؛ ۱۹۹۹: ۱/۷٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۷): انگور ۱۰۱،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۸۱،۵۰۰ تن؛ پرتقال ۵۰،۵۰۰ تن؛ گریپ‌فروت ٤۷،۰۰۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ۳٤،۰۰۰ تن؛ لیمو ۲۳،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۱۵/۷٪؛ مرتع و چمنزار ۱٪؛ جنگل ۱۳/۳٪؛ سایر موارد ۷۰٪

تعداد دام زنده(۱۹۹٤): خوک ۳۵٦،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۲۵۵،۰۰۰؛ بز ۲۱۰،۰۰۰ ؛ گاو ٦٤،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۵،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۳):** ۳،۰۸۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۷۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۰،۱۳۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٤): شن و ماسه ٦،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ سنگ مرمر ٤۱،٦۰۰ تن؛ گچ ۸۹،٤٦۰ تن؛ بنتونیت ٤٦،۵۳۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون پوند): غذا ۸٤/۷؛ سیمان، آجر، سفال ٤۸/۲؛ لباس ۳۸؛ نوشیدنی ۳۷/٤؛ مصنوعات فلزی ۳٤/۸

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۷): ۲،۷۱۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت

نیروی کار: ؟

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۹/۵٪؛ صنعت ۲۳٪؛ خدمات ٦۷/٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲٦ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۵): ۱۰،۰۰۰ نفر؛ بودجه نظامی (۱۹۹۵): ۱۹٤،۰۰۰،۰۰۰ پوند قبرس

واردات(۱۹۹۸): ۱،۹۰٤/۷ میلیون پوند؛ شامل کالاهای مصرفی ۳٤/۲٪؛ تجهیزات حمل و نقل ۱۲/۹٪؛ کالاهای سرمایه‌ای ۱۱/۲٪؛ سوخت‌های معدنی ٦/٦٪؛ از امریکا ۱۲/۵٪؛ انگلستان ۱۱/۳٪؛ ایتالیا ۹/٤٪؛ آلمان ۸/۵٪؛ یونان ۸/۲٪

صادرات(۱۹۹۸): ۵۵۱ میلیون پوند؛ شامل صادرات مجدد کالاها (عمدتاً سیگار، اتومبیل و لوازم الکترونیکی) ۵۵/٦٪؛ کالاهای داخلی ۳۸/۷٪(از جمله پوشاک ۵/۳٪؛ مواد شیمیایی ۵/۲٪؛ مایحتاج کشتی‌ها ۵/۷٪)؛ به انگلستان ٤/٦٪؛ روسیه ۱۰/۳٪؛ یونان ۹/۸٪؛ لبنان ۵/۵٪؛ امارات متحده عربی ٤/۹٪

تراز بازرگانی: ؟

شاخص قیمتها و درآمدها: ؟

ویژگیهای خانوار : هزینهٔ هر خانوار (۱۹۹٤): غذا و نوشیدنی ۲۳٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱٤/۵٪؛ سرگرمی و تفریحات (فقط در کافه‌ها و هتل‌ها) ۱٤/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱،۷۱۸ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ٤۱۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱۰،٦۵٤ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۲۳٤،۹۷٦ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۱۰۸،٤۵۲ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱،٤۱٦ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۲ فرودگاه با برنامه منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۹ روزنامه در ۸٤،۰۰۰ نسخه (۱۱۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳۹ عنوان در ۳۳۸،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۹۳۰ عنوان در ۱،۷۷٦،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱،۹۰۹/٦ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۰٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۱۷،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۵۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٤۰۵،۰۰۰ خط تلفن (۵٤۵ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۱٦،۰۰۰ خط (۱۵۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۵): ۳۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۳۷٦	٤،۱۵۹	٦٤،۷٦۱	۱۵/٦
متوسطه، فنی و حرفه‌ای	۱۲۵	۵،۷۵۷	٦۱،۲٦٦	۱۰/٦
عالی	۳۵	۸۱۲	۹،۹۸۲	۱۲/۳

میزان باسوادی(۱۹۹۲): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۵/۲٪؛ مردان: ۹۷/۸٪؛ زنان: ۹۲/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۲): عالی ۱۷٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۱،۷۲۵ نفر (هر ۳۷۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۹): ۳،۱۱۳ تخت (هر ۲۱۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۲٦٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٦/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،٤۲۹ کالری؛ مصرف پروتئین:۱۰۹ گرم؛ مصرف چربی: ۱٤۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۵/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۷/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۸٦ (بیست و دومین کشور جهان)

و انگلیسی‌ها اسقف ماکاریوس رهبر استقلال‌طلبان قبرس را به خارج تبعید کردند و بر وخامت اوضاع افزودند. در ۱۹۵۹ نمایندگان جوامع یونانی و ترک و انگلستان شروع به مذاکره کردند و موجودیت و استقلال جمهوری قبرس را اعلام داشتند و قانون اساسی آن را با توجه به مرعی داشتن حقوق اقلیت ترک تنظیم و تصویب نمودند و مالکیت انگلستان را بر پایگاه نظامی آن مورد تأیید قرار دادند. در ۱۶ اوت ۱۹۶۰ استقلال قبرس رسماً اعلام گردید و اسقف ماکاریوس ریاست جمهوری کشور را عهده‌دار شد و نقش مؤثری را در بین کشورهای عضو جنبش عدم تعهد ایفاء نمود. ماکاریوس در سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳ نیز برای بار دوم و سوم به ریاست جمهوری انتخاب گردید. اختلاف میان یونانی‌ها و ترک‌های قبرس که سابقه‌ای طولانی داشت، در سال ۱۹۶۳ دوباره آغاز شد و تا مرز جنگ داخلی و دخالت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد پیش رفت.

در سال ۱۹۷۴ ترکیه برای حمایت از جامعهٔ ترک‌های قبرس به این کشور نیرو اعزام داشت و قبرس به دو منطقه ترک‌نشین و یونانی‌نشین تقسیم گردید و نیکوس سامپسون که با پشتیبانی نظامیان یونانی به جای اسقف ماکاریوس، رئیس جمهور شده بود، مقام خود را به گلافکوس کلریدس واگذار کرد و نیروهای ترکیه نیز که نواحی شمالی جزیره را به تصرف خود درآورده بودند، رئوف دنکتاش را به ریاست جمهوری منطقهٔ مزبور منصوب داشتند. اسقف ماکاریوس در دسامبر ۱۹۷۴ از تبعید به میهنش بازگشت و پست ریاست جمهوری را تا زمان مرگ خود به دست گرفت. ماکاریوس در ۱۹۷۷ درگذشت و اسپیروس کیپریانو جانشین او گردید. وی از به رسمیت شناختن تقسیم کشور خودداری کرد و موقعیت قبرس را در میان کشورهای عضو جنبش عدم تعهد حفظ نمود. در نوامبر ۱۹۸۳ جامعهٔ ترک قبرس جمهوری قبرس شمالی را اعلام داشت که جز کشور ترکیه، هیچ کشور دیگری آن را به رسمیت نشناخت. قبرس در دههٔ ۱۹۸۰ به پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌های اقتصادی و درآمدهای چشمگیر توریستی دست یافت و مرکز مالی منطقه از بیروت به قبرس منتقل شد. در پنجم مه ۱۹۸۵ قانون اساسی قبرس شمالی به نام جمهوری قبرس ترک به همه‌پرسی گذارده شد.

در فوریه ۱۹۸۷ نخست‌وزیر یونان در اعتراض به حمایت امریکا از ترکیه و احداث پایگاه نظامی در منطقهٔ ترک‌نشین قبرس از مسافرت به امریکا خودداری کرد. در ۱۹۸۸ گئورگیوس واسیلیو به ریاست جمهوری قبرس رسید. وی گفتگو با رئوف دنکتاش را که از ۱۹۸۵ متوقف مانده بود، از سر گرفت. در آوریل ۱۹۹۰ دنکتاش مجدداً به ریاست جمهوری منطقهٔ ترک‌نشین انتخاب گردید و همزمان قبرس برای عضویت در سازمان ملل متحد و همچنین جامعهٔ اروپا دست به تلاش زد و از حضور نمایندهٔ منطقهٔ ترک‌نشین شمال قبرس در مجامع مزبور جلوگیری نمود. در آوریل ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد اعلام داشت که قبرس را یک سرزمین دو ملیتی و با دو حقوق برابر می‌شناسد.

در آوریل سال ۱۹۹۳ گلافکوس کلریدس در مبارزهٔ انتخاباتی گئورگیوس واسیلیو را شکست داد و خود به ریاست جمهوری قبرس رسید و رئوف دنکتاش نیز دولت مؤتلفه‌ای را در دسامبر ۱۹۹۳ بر سر کار آورد. در انتخابات پارلمانی مه ۱۹۹۶ طرفداران کلریدس از اکثریت برخوردار شدند. تلاش‌های دولت قبرس برای عضویت در سازمان ملل متحد و همچنین اتحادیه اروپا به دلیل دو ملیتی بودن آن بی‌نتیجه ماند و سازمانهای مزبور عضویت قبرس را به اتحاد میان دو قسمت و تشکیل یک کشور واحد موکول نمودند. در مارس ۱۹۹۸ پس از سه روز گفتگو و تبادل نظر میان ۱۵ وزیر خارجهٔ اتحادیهٔ اروپا، رأی بر آن قرار گرفت که باب مذاکره با قسمت یونانی‌نشین قبرس برای شرکت در اتحادیهٔ اروپا باز شود و قسمت ترک‌نشین قبرس به کنار گذارده شود. در انتخابات فوریهٔ ۱۹۹۸ کلریدس مجدداً به مقام ریاست جمهوری بخش یونانی‌نشین قبرس ابقاء گردید.

در سال ۱۹۹۹ دولت یونان اعلام کرد که از حق وتوی خود در مورد عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا استفاده نخواهد کرد و در عین حال کمک‌های زیادی برای زلزله‌زدگان ترکیه ارسال نمود، که این امر امید به حل مناقشهٔ قبرس را نیز افزایش داد. باب گفتگوهای جدیدی میان کلریدس و دنکتاش، در فوریه سال ۲۰۰۰، گشوده شد ولی تاکنون نیز به نتیجه‌ای نرسیده است. اتحادیه اروپا نیز در سال ۲۰۰۱ اعلام نمود که علیرغم عدم وحدت دو بخش یونانی و ترک‌نشین جزیره، اگر قسمت یونانی‌نشین حائز شرایط شود می‌تواند تا سال ۲۰۰۴ به عضویت این اتحادیه درآید.

در پی قطعیت یافتن عضویت قبرس در اتحادیه اروپا برای سال ۲۰۰۴، حدود ۷۰,۰۰۰ نفر از مردم منطقه ترک‌نشین قبرس در اواخر سال ۲۰۰۲ با برپایی تظاهراتی خواهان وحدت دو قسمت قبرس شدند و به دنبال آن دیدارهایی میان سران دو بخش یونانی و ترک قبرس جهت بررسی راههای حصول به اتحاد برگزار گردید.

قرقیزستان KYRGYZSTAN

کشوری است واقع در آسیای مرکزی و محصور در خشکی که از شمال به قزاقستان، از خاور و جنوب خاوری به چین، از جنوب و جنوب غربی به تاجیکستان و از غرب به ازبکستان محدود است. کشور قرقیزستان در قلب کوهستان تین‌شان واقع است و کوههای پامیر و آلتای در جنوب غربی آن و رشته‌کوههای تین‌شان در شمال خاوری آن و کوههای تالاس و قرقیز در شمال غربی و کوههای فرغانه در غرب آن جای دارند. قلل پوشیده از برف این کوهها و دره‌های ژرف و زیبای آنها چشم‌اندازهای بس زیبایی را پدید آورده و یخچال‌های طبیعی فراوانی که در گوشه و کنار آن دیده می‌شوند، بر زیبایی و ابهت آن می‌افزایند. یخچال اینیلچک با ۶۰ کیلومتر درازا و حدود ۹۰۰ کیلومترمربع مساحت از جمله بزرگترین و زیباترین یخچال‌های این سرزمین بوده و قلّه پوبدی واقع در مرز چین با ۷۴۴۰ متر ارتفاع، بلندترین نقطهٔ آن محسوب می‌گردد. اکثر جمعیت قرقیزستان در درّهٔ فرغانه و اطراف رودخانه‌های چو، تالاس، نارین و قره‌سو زندگی می‌کنند. در قرقیزستان دریاچه‌های بسیاری که غالباً منشأ یخچالی دارند، دیده می‌شود که از میان آنها دریاچه ایسیک‌کول با مساحت حدود ۶۲۰۰ کیلومترمربع واقع در شمال خاوری کشور، بزرگترین آنهاست.

اقلیم قرقیزستان قاره‌ای است و میان دمای شب و روز آن اختلاف بسیار زیادی وجود دارد. نواحی خاوری تین‌شان خشک است و دامنه‌های جنوب غربی کوههای فرغانه مرطوب و بارانی است. کوههای آن از جنگل و مرغزار پوشیده شده و نواحی پست و کم‌ارتفاع آن خشک و کویری است. علوفه، غلات، پنبه، چغندرقند، توتون، سیب‌زمینی و انواع سبزیجات و میوه‌ها از فرآورده‌های کشاورزی آن است.

از آنجایی که حدود یک سوم جمعیت قرقیزستان مستقیماً از آب رودخانه‌ها برای نوشیدن استفاده می‌کنند، از این رو آلودگی آبها که میزان آن متأسفانه رو به افزایش است از جمله مسائل جدی زیست‌محیطی این کشور به شمار می‌آید.



تاریخچه

در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد، سرزمین قرقیزستان به وسیلهٔ اقوامی که کشاورزی می‌دانستند و با تربیت چهارپایان و دام روزگار می‌گذراندند، مسکون گردید. بین سده‌های هفتم تا سوم پیش از میلاد قوم ساک در این سرزمین ساکن شدند و بین سده‌های سوم و دوم پیش از میلاد قوم اوسون به قرقیزستان رسیدند.

از سدهٔ اول پیش از میلاد تا سدهٔ چهارم میلادی قرقیزستان به بخشی از دولت کوشان مبدل گردید و تا زمانی که دولت مزبور به دست هفتالیان منقرض شد وضع به همین ترتیب ادامه داشت. در پایان سدهٔ چهارم میلادی قرقیزستان ضمیمهٔ خاک ترک بود. در سدهٔ هفتم به دست تورقوش فتح گردید و از سدهٔ هشتم تا دهم به تصرف قارلوق‌ها درآمد و از سدهٔ دوازدهم تا چهاردهم مغول‌ها بر آن فرمانروایی داشتند و جغتای فرزند چنگیزخان بر آنجا حکومت داشت.

در آغاز سدهٔ هفدهم قرقیزها و قزاق‌ها باهم متحد شدند و از اواسط سدهٔ مزبور دین اسلام در این نواحی رواج یافت. با حملهٔ اویرات‌های جونگاری، گروههایی از قرقیزها به شهرهای یارکند، کاشغر و ختن مهاجرت کردند. اویرات‌های جونگاری که به آنها کلموک نیز گفته می‌شود، در سال ۱۷۵۸ مغلوب منچوها شدند و قرقیزستان تحت سلطهٔ منچوها قرار گرفت و



نام رسمی: جمهوری قرقیزستان

نام محلی: قرقیزستان Kyrgyzstan

اسامی دیگر: -

پایتخت: بیشکک (۵۸۹،۴۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۸/۳۱، از شوروی

روز ملی: سی و یکم اوت ، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: اصغر آقایف، از سال ۱۹۹۱ (برای دومین بار از سال ۲۰۰۰ به مدت ۵ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: نیکولای تانایف، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳، آخرین تغییرات ۱۹۹۸؛ مجلس نمایندگان خلق با ۷۰ کرسی ومجلس قانونگذاری با ۳۵ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های هر دو مجلس (۲۰۰۰): نمایندگان منفرد طرفدار دولت ۹۰ کرسی، بقیه ۱۵ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، ایدب، اکو، سیس، کنفرانس اسلامی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۱۹۸،۵۰۰ کیلومترمربع (هشتادوپنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۴،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و یازدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۳/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۶٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۶/۱ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۴۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۹/۵٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۴٪

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ۳۷/۳٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۶/۳٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۸/۳٪؛ بالای ۶۰ سال ۸/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ۴۹/۳۷٪؛ زن ۵۰/۶۳٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۲ سال؛ مردان ۶۴ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۴/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷/۲ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۹ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۷/۶ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۶): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۷۸/۵ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۷۵ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۵/۷ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ۲۱/۴ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۱۲/۶ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۹/۸ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۶۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۵): ۶ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۵):** ۱/۳ مورد

نژاد/ ملیت(۱۹۹۶): قرقیز ۵۹/۷٪؛ روس ۱۶/۲٪؛ ازبک ۱۴/۱٪؛ اوکراینی ۱/۷٪؛ تاتار ۱/۲٪؛ قزاق ۰/۹٪

دین(۱۹۹۷): مسلمان (عمدتاً سنی) ۷۰٪؛ ارتدوکس روسی ۵/۷٪؛ بقیه ۲۴/۳٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: قرقیزی، روسی (زبانهای رسمی)، ازبکی؛ خط: سیریلی

شهرهای مهم(۱۹۹۷): اوش ۲۲۲،۷۰۰ نفر؛ (۱۹۹۱): جلال‌آباد ۷۹،۹۰۰ نفر؛ توقماق ۷۱،۲۰۰ نفر؛ قراکول (پرژەوالسک) ۶۴،۳۰۰ نفر؛ قرابالتا ۵۵،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: سوم قرقیزستان (K.S.) = ۱۰۰ تین؛ یک دلار= ۴۸/۱۲ سوم؛ یک سوم= ۱۶۶/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۶،۰۹۰/۷ میلیون سوم؛ درآمد مالیاتی ۷۹/۹٪ (شامل مالیات بر کالا و خدمات ۵۴/۲٪، مالیات بر درآمد و سود ۱۴/۶٪، مالیات بر بازرگانی خارجی ۶/۲٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۸/۷٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۷،۵۳۱/۶ میلیون سوم؛ آموزش ۲۲/۳٪؛ تأمین اجتماعی ۱۳٪؛ خدمات عمومی ۱۳/۵٪؛ بهداشت ۱۲/۸٪؛ توسعه اقتصادی ۱۱/۲٪؛ دفاع ۶/۵٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): ۱،۷۷۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۶/۲-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۴۶٪؛ صنعت ۲۳/۶٪؛ خدمات ۳۰/۴٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۱۰۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۹۰۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۱۶/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲/۲٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۵۷/۸٪؛ ۱۹۹۸: ۱۱/۵٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): غلات ۱،۶۳۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۹۵۷،۰۰۰ تن؛ سبزیجات (به استثنای سیب‌زمینی) و صیفی‌جات ۴۸۵،۰۰۰ تن؛ میوه ۱۰۹،۰۰۰ تن؛ پنبه‌دانه ۸۷،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ۷/۲٪؛ مرتع ۴۵/۴٪؛ جنگل ۳/۷٪؛ سایر موارد ۴۳/۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند و بز ۳،۵۷۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۸۲۵،۰۰۰؛ اسب ۳۲۰،۰۰۰؛ خوک ۸۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۴۲،۴۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۳۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۹،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): آنتیموان ۱،۲۹۷ تن؛ جیوه ۶۳۰؛ اورانیوم ۴۵۰ تن؛ طلا ۲۱ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۴): (میلیون سوم) منسوجات ۱،۱۱۲ ؛ فرآورده‌های غذایی ۷۲۹؛ فلزات آهنی و غیر آهنی ۶۷۸؛ ماشین‌آلات و مصنوعات فلزی ۶۵۰؛ مصالح ساختمانی ۲۵۸؛ کفش و کالاهای چرمی ۸۹

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۶): ۱۳،۴۸۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۱،۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۴۱۰،۰۰۰ تن (۱،۰۱۸،۰۰۰)؛ نفت خام ۶۰۰،۰۰۰ بشکه (۵۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۳،۰۰۰ تن (۵۶۶،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲۶،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱،۰۵۳،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۵): ۱،۶۹۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۷/۲٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۶ تا ۵۹ ؛ ۱۹۹۳): ۸۱/۱٪؛ زنان (در سنین ۱۶ تا ۵۴): ۴۹٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۶): ۴/۳٪؛ ۱۹۹۸: ۳/۱٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۴۸/۳٪؛ صنعت ۱۳/۶٪؛ خدمات ۳۸/۱٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۲ تا ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۹،۲۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۳/۹٪؛ نیروی هوایی ۲۶/۱٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۳۵ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۷۰۹/۳ میلیون دلار؛ شامل نفت و گاز ۲۴/۸٪؛ تجهیزات ماشین‌سازی ۲۱/۷٪؛ مواد شیمیایی ۱۳/۵٪؛ مواد غذایی ۱۱/۷٪؛ محصولات صنایع سبک ۶/۸٪؛ از فدراسیون روسیه ۲۶/۹٪؛ ازبکستان ۱۸/۱٪؛ قزاقستان ۹/۸٪؛ ترکیه ۶/۲٪؛ امریکا ۵/۶٪

صادرات(۱۹۹۷): ۶۰۳/۸ میلیون دلار؛ شامل فلزات ۳۶/۳٪؛ برق ۱۳/۸٪؛ محصولات غذایی ۱۳/۲٪؛ ماشین‌آلات ۱۰/۲٪؛ محصولات صنایع سبک ۱۰٪؛ مصالح ساختمانی ۴/۴٪؛ به سوئیس ۲۶/۹٪؛ ازبکستان ۱۶/۸٪؛ فدراسیون روسیه ۱۶/۴٪؛ قزاقستان ۱۴/۴٪؛ چین ۵/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۱۰۷/۱-	۸۶/۱-	۱۲۲/۱-	۲۵۱/۷-	۱۵/۳-	۲۲۰/۶-
درصد کل	۱۳/۶٪	۱۱/۲٪	۱۳٪	۱۹/۲٪	۱/۲٪	۱۷/۱٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	؟	؟	۱۰۰	۱۳۱/۹	۱۶۲/۹	۱۷۹/۹	۲۴۴/۵
شاخص درآمد ماهانه	۲۲/۸	۶۳/۴	۱۰۰	۱۳۳/۳	۱۸۴/۷	۲۲۸/۳	؟

ویژگیهای خانوار(۱۹۹۰) : میانگین اندازهٔ خانوار: ۴/۷ نفر؛ درآمد هر خانوار(۱۹۹۴): ۴،۳۵۹ سوم؛ منابع درآمد: دستمزد و حقوق ۴۹/۷٪؛ حقوق بازنشستگی و حقوق ماهیانه ۱۱/۱٪؛ درآمد از فروش تولیدات کشاورزی ۳/۵٪؛ سایر موارد ۳۵/۷٪؛ هزینه‌ها: غذا و پوشاک ۴۸٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ۱۳/۱٪؛ مسکن ۵/۹٪؛ امور فرهنگی ۵/۲٪؛ لوازم خانگی ۴/۴٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۷ میلیون دلار؛ هزینه جهانگردان در خارج : ۴ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۱۸،۵۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۹):** ۴۲۴ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۱۴۶،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ؟

کشتی بالای صد تن : ؟ — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۳ روزنامه در ۶۷،۰۰۰ نسخه (۱۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۳۵۱ عنوان در ۱،۹۸۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۵،۷۱۶/۴۶ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۵۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۱۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۲۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۴۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۵۵،۰۰۰ خط تلفن (۷۶ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۳۵۰ خط (۰/۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۵۱۲ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۱،۸۸۵	۲۴،۰۸۶	۴۷۳،۰۷۷	۱۹/۷
متوسطه	۱،۴۷۴	۳۸،۹۱۵	۴۹۸،۸۴۹	۱۲/۸
فنی و حرفه‌ای	۵۳	۳،۳۷۱	۳۲،۰۰۵	۹/۵
عالی	۲۳	۳،۶۹۱	۴۹،۷۴۴	۱۳/۵

میزان باسوادی(۱۹۸۹): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۷٪؛ مردان: ۹۸/۶٪؛ زنان: ۹۵/۵٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۹ سال(۱۹۸۹): ابتدایی ۴/۷٪؛ متوسطه ۸۴/۶٪؛ عالی ۱۰/۷٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۱۵،۱۰۰ نفر (هر ۳۰۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۷) : ۴۰،۷۰۰ تخت (هر ۱۱۴ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۱۹/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۵۳۵ کالری (۹۹٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۸۲ گرم؛ مصرف چربی: ۴۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰):؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۷ کیلوگرم برای هر نفر

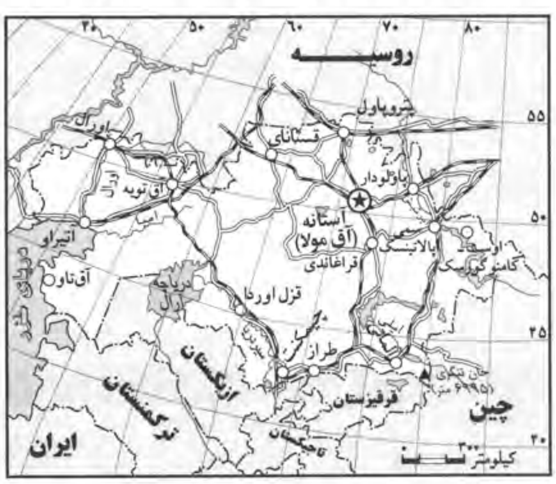
تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۶/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۴ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۰۶ (نود و هشتمین کشور جهان)

به صورت نیمه مستقل اداره می گردید. در سدهٔ نوزدهم میلادی خانات خوقند بر قرقیزستان دست یافتند و به ترویج فرهنگ اسلامی پرداختند.
خانات خوقند در سال ۱۸۶۸ تحت‌الحمایهٔ روسیهٔ تزاری گردید و در سال ۱۸۷۶ رسماً ضمیمهٔ امپراتوری روسیهٔ تزاری شد و شمار زیادی از روس‌ها وارد آنجا شدند و اراضی قابل کشت آن را به تصرف خود درآوردند و موجبات ناخشنودی قرقیزها را فراهم کردند، تا جایی که به شورش سال ۱۹۱۶ انجامید. در انقلاب بولشویکی جنگ‌ها و منازعات بسیاری میان قرقیزها و ارتش سرخ و ارتش سفید درگرفت. پس از پیروزی ارتش سرخ درسال ۱۹۱۹ درگیریها همچنان تا سال ۱۹۲۲ ادامه یافت. در سال ۱۹۱۸ جمهوری خودمختار ترکستان تشکیل شد و قرقیزستان به بخشی از آن تبدیل شد. در فوریهٔ ۱۹۲۶ خود به یک جمهوری خودمختار جداگانه به نام قرقیزستان مبدل گردید و در دسامبر ۱۹۳۶ جمهوری متحد شوروی سوسیالیستی قرقیزستان تشکیل گردید. در این دوران در زمینهٔ ادبیات، آموزش و پرورش و بهداشت به موفقیت‌هایی نایل آمد و طی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ از زندگی چادرنشینی به شهرنشینی و زندگی در خانه‌های ساخته شده روی آوردند و غالباً در کنار مزارع اشتراکی به زندگی پرداختند.
با ایجاد فضای باز سیاسی یا گلاسنوست در اوایل دوران ریاست جمهوری گورباچف، جنبش‌هایی در جوامع قرقیزستان پدید آمد و حزب‌های مخالف تأسیس گردید و بر سر مسکن و زمین در درّهٔ حاصلخیز و پر جمعیت فرغانه منازعاتی میان قرقیزها و ازبک‌ها صورت گرفت. ازبک‌ها که درّهٔ فرغانه و به ویژه شهر اوش را از آن خود می‌دانستند با قرقیزها درگیر شدند و در خشونت‌های ۱۹۹۰ حدود ۲۰۰ نفر کشته شدند.
در انتخابات سال ۱۹۹۰ شورای عالی قرقیزستان، بسیاری از اعضای حزب کمونیست در مقام‌های خود ابقاء شدند و آبسامات ماسالیف دبیر اول حزب کمونیست قرقیزستان به ریاست کشور منصوب گردید. ادامهٔ درگیری‌ها میان قرقیزها و ازبک‌ها به خلع ماسالیف منجر شد و اصغر آقایف که از اصلاح طلبان حزب کمونیست قرقیزستان بود به جای او منصوب گردید. محکوم کردن کودتای اوت ۱۹۹۱ مسکو، موقعیت آقایف را مستحکم کرد و با شکست کودتا، قرقیزستان اولین کشوری بود که فعالیت حزب کمونیست را ممنوع کرد و در ۳۱ ماه اوت ۱۹۹۱ استقلال قرقیزستان رسماً اعلام گردید.
تلاشهای پس از استقلال جمهوری قرقیزستان در سال ۱۹۹۲ به نتیجه نرسید و کمونیست‌ها را که هنوز در دستگاههای دولتی حضور داشتند به انتقاد از اصغر آقایف واداشت.
در دسامبر ۱۹۹۳ نخست‌وزیر قرقیزستان، تورسون‌بک چینگیشف به اتهام فروش طلاهای دولتی، از کار برکنار شد و اصغر آقایف رئیس جمهور، برای جلب رضایت و حمایت کمونیست‌ها، عباس جمعه قل‌اف را به جای او منصوب نمود. همه‌پرسی ژانویهٔ ۱۹۹۴ به تقویت موضع رئیس جمهور اصغر آقایف انجامید و به دنبال آن آقایف، قانون اساسی جدید کشور را که قدرت بیشتری به رئیس جمهور واگذار می‌کرد به همه‌پرسی گذارد که از سوی بیشتر مردم مورد تأیید قرار گرفت.
کشور قرقیزستان که یکی از فقیرترین جمهوریهای سابق اتحاد شوروی است و تا دههٔ گذشته خود یکی از عبوردهندگان مواد مخدر از کشور خود بود، از سال ۱۹۹۷ به یکی از تولیدکنندگان مواد مخدر مبدل شده و مبالغ قابل توجهی از این راه به دست می‌آورد.
در سال ۱۹۹۹، با درگذشت جمعه‌بک ابراهیم‌اف، نخست‌وزیر قرقیزستان، امانگلدی مورسادیکوویچ مورالیف به جای وی منصوب شد. در انتخابات سال ۲۰۰۰ تلاش‌های گوناگون دولت برای جلوگیری از حضور مخالفان سیاسی در این انتخابات، موجب شد تا نسبت به وجود دموکراسی در قرقیزستان تردیدهایی به وجود آید. در ماه ژوئیه ۲۰۰۱، گروه‌های مخالف دولت تلاش کردند تا کنترل یک ایستگاه رله تلویزیونی در جنوب این کشور را تصرف کنند، که با دخالت نیروهای امنیتی و ارتش، در این کار ناکام ماندند. گروه اسلامگرای حزب‌التحریر که در نواحی جنوبی این کشور فعالیت می‌کند، اتهام دولت قرقیزستان مبنی بر فعالیت‌های تروریستی این گروه را رد کرد. در اواخر سال ۲۰۰۱ پارلمان قرقیزستان با واگذاری فرودگاه ماناس برای استفاده ارتش امریکا، در جنگ علیه طالبان و گروه القاعده، موافقت کرد.

قزاقستان KAZAKHSTAN

کشور قزاقستان در آسیای مرکزی و ساحل شمال خاوری دریای خزر جای دارد. این کشور که از نظر وسعت سومین کشور بزرگ آسیا محسوب می‌شود از شمال و شمال خاوری به روسیه، از جنوب خاوری به چین، از جنوب به قرقیزستان و ازبکستان و از غرب به ترکمنستان و دریای خزر محدود است. فلات قزاق (کازان) در نواحی مرکزی آن جای دارد و نواحی جنوب خاوری آن را کوههای آلتای، تین‌شان، تارباگاتای، آلاتاو و دزونگاری فرا گرفته و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه خان‌تنگری ۶۹۹۵ متر ارتفاع دارد. سایر ارتفاعات مهم قزاقستان عبارتند از: کوه‌های قره‌تاو، ارتفاعات موگوجاری، فلات تورغاری، ارتفاعات یرمن‌تاو، ارتفاعات قزل‌تاش و ارتفاعات اولوتاو. صحراهای وسیعی نیز در این کشور یافت می‌شوند که از جمله می‌توان به بیابان بتپاق‌دالا، صحرای توران و مویون قوم اشاره نمود.
اقلیم قزاقستان قاره‌ای است و میانگین دمای آن در ماه ژانویه به ۱۸ درجه زیر صفر در شمال و ۳ درجه زیر صفر در جنوب می‌رسد و در تابستانها میانگین دما (در ماه ژوئیه) از ۱۹ درجه در شمال تا ۲۸ درجه در جنوب متغیّر است.
رودخانه‌های ایرتیش، ایشیم، توبول، اورال، سیردریا(سیحون)، چو و ایلی از عمده‌ترین رودهای آن هستند و دریای خزر و دریاچه‌های آرال، زایسان، تنگیز و بالخاش از چشمگیرترین عوارض آبی آن محسوب می‌شوند. علاوه بر رودخانه‌ها و دریاچه‌های بالا، یخچالهای متعددی که سرچشمه بسیاری از رودهای این کشور را تشکیل می‌دهند، در این سرزمین دیده می‌شود که از آن جمله به یخچالهای جونگا، زایلی، آلاتاو، کونگی و آلتای می‌توان اشاره نمود. رویدنی‌های طبیعی قزاقستان از نوع گیاهان استپی است و کشتزارهای پهناور آن به کشت گندم، توتون، سیب‌زمینی و سبزیجات اختصاص یافته است.



تاریخچه

در حدود سدهٔ سوم پیش از میلاد، قبایل اوسون و قانلی که در حوالی اویغور وآلان زندگی می‌کردند، دیگر قبایل آن حدود را مطیع خود ساختند و بعدها خود مغلوب هون‌ها شدند و سرانجام تحت سلطهٔ ترک‌ها قرار گرفتند. در اواسط سدهٔ چهارم میلادی خانات ترک تأسیس گردید و بعدها به دو قسمت خانات خاوری و خانات غربی تقسیم شد و در سدهٔ هشتم میلادی هرکدام به کشوری به نام خانات ترک و خانات قارلوق مبدل شدند. خانات ترک با ساختن مسجد به ترویج آیین اسلام پرداختند و آنجا را به یکی از مراکز فرهنگ و ادب مبدل نمودند.
بین سده‌های نهم تا دوازدهم مورد تاخت و تاز قبایل اوغوز، قیماق و قپچاق قرار گرفتند و در سدهٔ سیزدهم سلجوقی‌ها و تاتارها بر آن نواحی حمله بردند و همه‌جا را به زیر سلطهٔ خود درآوردند. رؤسای قبایل قپچاق و شاهزادگان مسکووی باهم از در اتحاد درآمدند تا مگر در مقابل یورش بیگانگان از خود دفاع کنند و به استقلال دست یابند.
مغول‌ها از ۱۲۱۹ تا ۱۴۴۷ میلادی بر این نواحی حکومت کردند ولی نقش اصلی را ترکانی که در دستگاههای اردوی سفید و اردوی زرین خدمت می‌کردند، بر عهده داشتند. در سدهٔ پانزدهم گروهی از قزاق‌ها که به مغولستان پناهنده شده بودند به این سرزمین بازگشتند و در اطراف رودخانه‌های چووتالاس به زندگی پرداختند و جامعهٔ کوچکی را به نام خان‌نشین قزاق تأسیس نمودند و قلمرو خود را در اواخر سدهٔ پانزدهم گسترش دادند و بخش وسیعی از دشت



نام رسمی: جمهوری قزاقستان

نام محلی: قزاقستان Qazaqstan

اسامی دیگر: -

پایتخت: آستانه (۲۷۰،٤۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۱۲/۱٦، از شوروی

روز ملی: بیست و پنجم اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: نور سلطان نظربایف، از سال ۱۹۹۱ (در دوره‌های هفت ساله)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ایمانگلی تاسماگامبتوف، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۵ با تغییراتی در سال ۱۹۹۸؛ مجلس با ۷۷ عضو و مجلس سنا با ٤۷ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس (۱۹۹۹): حزب جمهوری‌خواه اوتان ۲٤ کرسی، حزب شهروندان ۱۱، حزب کشاورز ۳، حزب کمونیست ۳، حزب جمهوری‌خواه خلق ۱، حزب تعاونی خلق ۱، نمایندگان منفرد ۳٤ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، یاناآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی (عضو ناظر)، آدب، ایدب، اکو، سیس، کنفرانس اسلامی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۲،۷۱۷،۳۰۰ کیلومترمربع (نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۱٦،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجاه و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٦ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪-۰/٤

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۷/۷ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦۰/۸٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/٤٪

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ۲۹/۳٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۵/٤٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۵/۱٪؛ بالای ٦۰ سال ۱۰/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٤۸/٦۱٪؛ زن ۵۱/۳۹٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۳ سال؛ مردان ٦۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۷): ۱٤/۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ۱۰/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۳ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ٤/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٦): بیماریهای دستگاه گردش خون ٤۳٦/۲ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۳۳ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ۱۰۱/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۷۱ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۷): ۱/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۷۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٦): ٦/٤ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٦):** ۲/۵ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۵): قزاق ٤٦٪؛ روس ۳٤/۷٪؛ اوکراینی ٤/۹٪؛ آلمانی ۳/۱٪؛ ازبک ۲/۳٪؛ تاتار ۱/۹٪

دین(۱۹۹۵): مسلمان (عمدتاً سنی) ٤۷٪؛ ارتدوکس روسی ۸/۲٪؛ پروتستان ۲/۱٪؛بقیه (عمدتاً بدون دین) ٤۲/۷٪

زبان و خط: قزاقی (زبان رسمی)، روسی؛ خط: سیریلی - لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): آلماتی (آلماآتا) ۱،۰٦٤،۳۰۰ نفر؛ قراغاندی ٤۵۲،۷۰۰ نفر؛ چیمکنت ۳۹۳،٤۰۰ نفر؛ پاولودار ۳۲٦،۵۰۰ نفر؛ اوست -کامنوگورسک ۳۱۱،۱۰۰ نفر؛ طراز (جامبول) ۳۰۱،۸۰۰ نفر؛ سمی پالاتینسک ۲۹۲،۸۰۰ نفر

بنادر مهم: آق‌تاو؛ آتیراو (دریای خزر)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: تنگه (T)= ۱۰۰ تین؛ یک دلار= ۱٤۲/۵۱ تنگه؛ یک تنگه = ۵٦/۱ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲٦۲،۹۱٦ میلیون تنگه؛ مالیات بر کالا و خدمات ۳۲/٦٪؛ حق بیمه تأمین اجتماعی ۲۳/٤٪؛ مالیات بر درآمد، سود و سود سرمایه ۸/۵٪؛ مالیات بر بازرگانی خارجی ۳/۷٪؛ مالیات بر دستمزدها ۳/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۳۱۸،۲۵۲ میلیون تنگه؛ تأمین و رفاه اجتماعی ۳۸/۱٪؛ خدمات عمومی ۷/۹٪؛ بهداشت ۷/۷٪؛ نظم عمومی ۷/۳٪؛ دفاع ۵/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۰،۸۵٦ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۳٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٦/۵-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۹/۲٪؛ صنعت ۳۱/۲٪؛ خدمات ۵۹/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱،۱۵۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳،۰٤۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۰۷/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۲/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳۳۰/۷٪ ؛ ۱۹۹۸: ٤/۹٪؛ ۲۰۰۰: ۱۳/۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): گندم ۱۱،۲٤۲،۰۰۰ تن؛ جو ۲،۲٦۵،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱،٦۹۵،۰۰۰ تن؛ جو دوسر ۱۹٤،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۲۹٤،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۱۳/۱٪؛ مرتع و چمنزار ٦۸/۷٪؛ جنگل ٦/۳٪؛ سایر موارد ۱۱/۹٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند و بز ۹،۵۵٦،۰۰۰ رأس؛ گاو ۳،۹۵۸،۰۰۰ ؛ اسب ۹۸٦،۰۰۰؛ خوک ۸۹۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۱۵،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٤۱،۳٦۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱٦،۹۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۸۳،۷۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): تیتان ۱۲،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ منیزیم ۹،۰۰۰،۰۰۰؛ سنگ‌آهن ۸،٦۹۳،۰۰۰ ؛ نیکل ٦،۰۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (میلیون تنگه): مواد غذایی ۱۰۷،۳۹۷؛ متالورژی فلزات غیر آهنی ۸۹،۰۵۲ ؛ متالورژی فلزات آهنی ۸۱،۰۲٦ ؛ ماشین‌آلات ۵۲،۱٦۸؛ مواد شیمیایی ۲۸،۹۷٤؛ مصالح ساختمانی ۲۳،۲۳۹

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۵۸،٦۵۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٦۵،۵۰۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۷٦،۵۹۷،۰۰۰ تن (۵۵،۸۵۲،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (٦۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۰،۸۹٤،۰۰۰ تن (۱۰،٦۲۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۷،۱۰۷،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۰،٦۰۹،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۵): ٦،۹۷٦،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۱/۸٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٦ تا ۵۹): ۸۰/۱٪؛ زنان (در سنین ۱٦ تا ۵٤): ٤۸٪؛ میزان بیکاری: ۲/۳٪؛ ۲۰۰۰: ۳/۷٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۵): کشاورزی ۲۲٪؛ صنعت ۲۲٪؛ خدمات ۵٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٦۵،۸۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۱/۱٪؛ نیروی هوایی ۲۸/۹٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٤۱ دلار

واردات(۱۹۹۸): ٦،۵۷٤/۷ میلیون دلار؛ شامل تجهیزات الکتریکی و ابزار مکانیکی ۱۸/۳٪؛ وسیلهٔ نقلیه ۵/۹٪؛ کالای مصرفی غیر خوراکی ۵/٤٪؛ مواد غذایی ۳/۷٪؛ فرآورده‌های نفتی ۲/۸٪؛ از روسیه ۳۹/٤٪؛ آلمان ۸/٦٪؛ امریکا ٦/۳٪؛ انگلستان ۵٪؛ ازبکستان ۲/۳٪

صادرات(۱۹۹۸): ۵،۷۷۳/۸ میلیون دلار؛ شامل نفت و گاز ۲۸/٦٪؛ ورق فلزات آهنی ۸/۹٪؛ مس تصفیه شده ۸/۸٪؛ زغال‌سنگ: ٦/۵٪؛ غلات ۵/۱٪؛به روسیه ۲۸/۹٪؛ انگلستان ۹٪؛ چین ۷/۲٪؛ سوئیس ٦/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-٤۱٤	-۹۲۰	+۱۱٤/۱	-۳۳۵	-۲۷٦/٤	-۷۵۰/۱
درصد کل	٪٤/۲	٪۱۲/۳	٪۱/۱	٪۲/٦	٪۲	٪٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۱/۸	۳٦/۲	۱۰۰	۱۳۹/۳	۱٦۳/۵	۱۷۵/۲	۱۸۹/٦
شاخص درآمد ماهانه	۲/۷	۳٦/۱	۱۰۰	۱٤۲/۹	۱۷۸/۵	۲۰۲/۳	۲۲۹/۵

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۹): ٤ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹۱): ۵،۲۹۰ تنگه؛ منابع درآمد (۱۹۹٤): دستمزد و حقوق ٦۷/۷٪؛ کمک‌های اجتماعی ۱٦/۹٪؛ درآمد کشاورزی ۵/۸٪؛ سایر موارد ۹/٦٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹٤): کالاهای خرده‌فروشی ٦۰/٦٪؛ مالیات‌ها ۱٦/۸٪؛ خدمات ۱۱/۷٪؛ سایر موارد ۱۰/۹٪

جهانگردی: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱۲۵،۷۹٦ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۹):** ۱۳،۵۰۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۹۷۳،۳۲۳ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۳٦۱،۹۲۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ؟ — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲۰ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۳ روزنامه در ۵۰۰،۰۰۰ نسخه (۳۰ روزنامه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱،۲۲٦ عنوان در ۲۱،۰۱٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۷،۱٤۰/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٦،٤۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۹۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۳،۸۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۳۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،۷۷۵،۰۰۰ خط تلفن (۱۰۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۹،۷۰۰ خط (۱/۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۸،۷۰۰	۲٦۲،۰۰۰	۱،۳٤۲،۰۳۵	۱۱/۷
متوسطه	؟	؟	۱،۷٤۳،٦۲۳	؟
فنی و حرفه‌ای	۳،۵۰٤	؟	۱۷۷،٦۷۹	؟
عالی	٦۹	؟	۲٦۰،۰٤۳	؟

میزان باسوادی(۱۹۸۹): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۷/۵٪؛ مردان: ۹۹/۱٪؛ زنان: ۹٦/۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۹): غیر رسمی و ابتدایی ۱٦/۲٪؛ متوسطه ۷۳/۹٪؛ عالی ۹/۹٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۵۵،۸۰۰ نفر (هر ۲۸۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۱۳٦،۰۰۰ تخت (هر ۱۱۵ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲،۵۰۰ نفر (۰/۰۳٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰۱/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۰۸۵ کالری؛ مصرف پروتئین: ۹۷ گرم؛ مصرف چربی: ٦٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰):؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۹-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۷٤/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱۰/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۵٤ (هفتاد و سومین کشور جهان)

قبچاق را تحت تسلط خود درآوردند.

در اوایل سدهٔ شانزدهم قبایل قزاق باهم متحد شدند و شخصی به نام قاسم‌خان آنان را رهبری می‌کرد. با مرگ قاسم‌خان اختلاف و نزاع و جنگ میان طوایف مختلف قزاق شروع شد و دولت آنان به سه خانات تقسیم گردید. خانات بزرگ در سیمرچی، خانات کوچک بین دریاهای آرال و خزر و خانات میانه در استپ مرکزی.

مبارزهٔ قزاق‌ها و اویرات‌ها تا اوایل سدهٔ هجدهم ادامه داشت. در سال ۱۷۵۸ منچوها اویرات‌ها را منهدم کردند و نواحی خاوری قزاقستان را به تصرف خود درآوردند و خانات سه گانه از ۱۷۳۱ تا ۱۷۴۲ تحت تسلط روس‌ها قرار گرفتند و دراوایل سدهٔ نوزدهم به تصرف کامل روس‌ها درآمدند. دین اسلام که در قرون هفتم تا نهم میلادی به قزاقستان راه یافته بود، ابتدا نواحی جنوبی را در بر گرفت و تا اواخر قرن هجدهم تقریباً تمام قزاق‌ها به این دین گرویدند. در سال ۱۸۵۴ روس‌ها در محل آلماآتا پادگان نظامی احداث کردند و به تدریج به آنجا مهاجرت کردند و به ترویج فرهنگ و ادب روسی پرداختند. در سال ۱۸۶۱ شمار زیادی از کشاورزان اوکراین نیز به این سرزمین مهاجرت کردند و زمینهای مرغوب کشاورزی قزاقستان را تصاحب کردند و تنفر و انزجار و واکنش عمومی را موجب گردیدند تا جایی که آشوب سال ۱۹۱۶ به کشته شدن شمار زیادی از روس‌ها و آسیب مالی آنان منجر گردید.

در انقلاب اکتبر روسیه، قزاقستان به صحنهٔ زد و خورد میان ارتش سرخ و ارتش سفید به فرماندهی ژنرال کولچاک مبدل شد که به پیروزی ارتش سرخ و تسلط کامل بولشویک‌ها منجر گردید. در سال ۱۹۲۰ حکومت شوراها در قزاقستان تأسیس شد و در اوت همان سال جمهوری خودمختار قرقیز تشکیل گردید. در سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ محدودهٔ قومی ایالات سیمرچی و سیحون تعیین گردید و در سال ۱۹۲۵ جمهوری خودمختار قرقیز به جمهوری خودمختار قزّاق تغییر نام داد و ایالت قراقالپاق نیز ضمیمهٔ آن گردید و در دوران حکومت شوروی، جمهوری قزاقستان به پیشرفتهای شایان توجهی در امور کشاورزی و صنایع نایل آمد و در دههٔ ۱۹۳۰ از حالت چادرنشینی خارج شدند و در خانه‌های بهداشتی و نسبتاً خوب سکنی گزیدند. در دههٔ ۱۹۵۰ آزمایشات مکرر هسته‌ای، قزاقستان را به شدت آلوده ساخت ولی در عین حال توسعهٔ شهرها و شهرنشینی همچنان ادامه داشت و شمار زیادی از روس‌ها و اوکراینی‌ها به آنجا مهاجرت کردند و اسلاوهای مهاجر اکثریت کامل جمعیت این سرزمین را تشکیل دادند.

با روی کار آمدن گورباچف و اجرای سیاست‌های فضای باز سیاسی، دین محمد کونایوف رهبر حزب کمونیست قزاقستان، در سال ۱۹۸۷ از کار برکنار شد و گنادی کولبین روسی به ریاست حزب کمونیست قزاقستان منصوب گردید. به دنبال آن تظاهرات گسترده‌ای در آن سرزمین به وقوع پیوست و مردم خواستار آن شدند که یک قزاق به جای کولبین روسی به دبیرکلی حزب کمونیست قزاقستان منصوب گردد. به همین جهت وی در سال ۱۹۸۹ از کار برکنار شد و نور سلطان نظر بایف جانشین او گردید. نظربایف در سال ۱۹۹۰ به ریاست جمهوری قزاقستان انتخاب شد و در ماه مارس همان سال، قزاقستان اجرای حق حاکمیت ملی خود را اعلام نمود.

در نخستین انتخابات عمومی دسامبر ۱۹۹۱ نور سلطان نظر بایف به ریاست جمهوری برگزیده شد. در سال ۱۹۹۳ قانون اساسی جدید قزاقستان تصویب شد و اختیارات قانونی بیشتری به ریاست جمهوری داده شد و انتخابات مارس ۱۹۹۴ در قالب قانون اساسی جدید برگزار گردید.

روابط قزاقستان با چین که از مدتها قبل بر سر مالکیت نواحی شمالی آلماآتا رو به وخامت گراییده بود، در سال ۱۹۹۲ دوباره آغاز شد و در انتخابات ماه مه ۱۹۹۵ نورسلطان نظربایف مجدداً به ریاست جمهوری رسید.

در مارس ۱۹۹۶ اتحادیه‌ای میان قزاقستان، قرقیزستان، روسیه سفید و روسیه به منظور ایجاد یک بازار مشترک تشکیل شد و در آوریل ۱۹۹۷ قزاقستان و قرقیزستان و تاجیکستان قراردادی به منظور غیر نظامی کردن نواحی مرزی و تقلیل نیروهای مسلح به امضاء رساندند.

قزاقستان در سالهای قبل از استقلال مرکز آزمایش‌های هسته‌ای اتحاد شوروی سابق بوده و از پایگاه بایکونور برای آزمایش‌های فضایی و پرتاب موشک‌های فضایی و بالستیکی استفاده می‌شد. پس از اعلام استقلال و روی کار آمدن نورسلطان نظربایف به سمت ریاست جمهوری قزاقستان وی به بوریس یلتسین رهبر روسیه اعلام داشت که اجازه نخواهد داد که قزاقستان برای آزمایش‌های هسته‌ای روسیه مورد استفاده قرار گیرد. به دنبال آن در سال ۱۹۹۳ قزاقستان اعلام داشت که در مقابل دریافت کمک‌های مالی از امریکا آماده است سلاح‌های هسته‌ای انبار شده در قزاقستان را نابود سازد و آزمایش‌های فضایی را نیز منوط به انعقاد قرارداد و توافق‌های قبلی با روسیه نمود. نام پایتخت قزاقستان پس از استقلال، از آلماآتا به آلماتی تغییر یافت و سپس در سال ۱۹۹۶ پایتخت به شهر آق‌مولا که در دورهٔ حاکمیت شوروی به تسلینوگراد تغییر نام یافته بود، منتقل شد. در سال ۱۹۹۸ مجدداً نام پایتخت تغییر کرد و به آستانه تبدیل شد.

در سال ۲۰۰۱ تلاش‌های دولت قزاقستان برای عضویت در شورای اروپا، به علت این که نمایندگان اعزامی این شورا به قزاقستان، مراعات حقوق بشر را در سطح نازلی گزارش کردند، با شکست مواجه شد. پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، قزاقستان پیشنهاد نمود تا در نبرد با گروه‌های طالبان و القاعده، پایگاه‌های هوایی و امکانات زمینی این کشور، توسط امریکا مورد استفاده قرار گیرد.

قطر QATAR

کشور کوچکی است در خاور شبه جزیرهٔ عربستان، ساحل جنوبی خلیج فارس و آسیای جنوب غربی. این کشور که شبه جزیرهٔ قطر را شامل گردیده، از غرب و شمال و خاور به آبهای خلیج فارس و از جنوب به کشور عربستان سعودی محدود است. سرزمینی است هموار با اقلیمی گرم و خشک و کم‌باران که کشتزارهای آن فقط به باریکه‌ای از ساحل منحصر گردیده و منبع درآمد اصلی آن را منابع سرشار نفت و گاز موجود در کرانه‌های غربی تشکیل می‌دهد. قطر از آلودگی‌های محیطی و اثرات نامطلوب آتش‌سوزی چاههای نفت در جنگ خلیج فارس به سختی آسیب دیده است. در این کشور رودخانهٔ مهمی وجود ندارد و ارتفاع بلندترین نقطهٔ آن از حدود ۱۰۰ متر تجاوز نمی‌کند.



تاریخچه

در سرزمین خشک و فاقد رودخانهٔ قطر فقط حدود ۴۰۰ مزرعه برای تولید محصولات کشاورزی مورد نیاز مردم این کشور وجود دارد. عاملی که به رونق اقتصادی و گذران نسبتاً خوب مردم این سامان کمک کرده، نفت است که میزان تولید آن به نیم میلیون بشکه در روز می‌رسد و سیاست مدبرانهٔ شیخ حمدبن خلیفه آل ثانی به روند توفیق روزافزون این کشور در صحنهٔ سیاسی منطقه و جهان کمک کرده است. قطر نیز مانند همسایهٔ خود بحرین از روزگار گذشته به دلیل قرار گرفتن در سر راه جلگهٔ بین‌النهرین و هندوستان همواره مطمح نظر بوده و در سدهٔ هفتم میلادی به آیین اسلام مشرف گردیده است. قطر از همان روزگار تا سال ۱۰۷۶ میلادی که به تصرف بحرین درآمد، از خودمختاری بهره‌مند بوده و بر سرنوشت خود حکومت داشته است. در سدهٔ شانزدهم میلادی، بعد از مدت کوتاهی که در تصرف پرتغالی‌ها بود، صید مروارید، منبع درآمد مردم آن سامان به شمار می‌رفت و مهاجران بسیاری را به سوی خود فرا می‌خواند. آنان نوار ساحلی را برای سکونت خود برگزیدند و زیر لوای خاندان آل ثانی روزگار می‌گذراندند و مالکیت ایران را که از طریق بحرین اعمال می‌شد پذیرا بودند.



نام رسمی: دولت قطر

نام محلی: قطر

اسامی دیگر: -

پایتخت: دوحه (۳۹۲،۳۸٤ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۱/۹/۳، از انگلستان

روز ملی: سوم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: سلطنتی مطلقه (شیخ نشین)، از سال ۱۹۷۱

رئیس حکومت: امیر: شیخ حمدبن خلیفه آل ثانی، از سال ۱۹۹۵

رئیس دولت: نخست‌وزیر: شیخ عبدالله بن خلیفه آل ثانی، از سال ۱۹۹٦

قوه مقننه: قانون اساسی موقت سال ۱۹۷۰ که هنوز هم معلق مانده است؛ یک شورای مشورتی با ۳۵ عضو انتصابی به شورای وزیران کمک می‌کند. در قطرهیچگونه حزب سیاسی فعالیت ندارد.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، باآآ، ایبرد، ایکائو، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای خلیج، ایدب، اوپک، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱۱،٤۳۷ کیلومترمربع (صد و پنجاه و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۵۹۹،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و شصتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٥۲/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۷۷۹،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٥۳ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۹۲/۱٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۱٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۲٦/۸٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۲/۲٪؛ ٥۹-۳۰ سال ٤٦/۷٪؛ بالای ٦۰ سال ٤/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٦٦٪؛ زن ۳٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٤/٦ سال؛ مردان ٦۹/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱٦/۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/۱نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲۳ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۲/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۲): بیماریهای دستگاه گردش خون ٥٦/۹ نفر؛ صدمه و مسمومیت ۳٦ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۱/٤ نفر؛ بیماریهای ناشی از شرایط دوران پیش از تولد ۱۱/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۷/٥ نفر؛ بیماریهای مربوط به غدد متابولیسم، تغذیه و نارسائیهای سیستم ایمنی بدن ۷/۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۳/٤ نفر؛ بیماریهای ناشی از شرایط نامشخص و مبهم ۱/۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۳نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۷ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٤): ۲/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٤):** ۱ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): عرب ٤٥٪(بومی قطری ۲۰٪)؛ هندی و پاکستانی ۳٤٪؛ ایرانی ۱٦٪؛ بقیه ٥٪

دین(۱۹۹۵): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان (عمدتاً سنی) ۹٤٪؛ بقیه (عمدتاً هندو و مسیحی)

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ اردو، هندی، فارسی و انگلیسی نیز رایج است؛ خط: عربی

شهرهای مهم (۱۹۹۵): ریان ۱٦٥،۱۲۷ نفر؛ وکره ۳۳،۸۹۱ نفر؛ ام سلال ۱۹،۱۹٤ نفر

بنادر مهم: دوحه، ام سعید (خلیج فارس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: ریال قطر (QR)= ۱۰۰ درهم؛ یک دلار= ۳/٦٤ ریال؛ یک ریال قطر= ۲،۱۹۸ ریال

درآمد بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۱۲،۲۱۹ میلیون ریال قطر؛ درآمد از طریق صادرات نفت خام (حدود ۹۰٪)

هزینهٔ بودجه (۹۹-۱۹۹۸): ۱٥،٤۰٤ میلیون ریال قطر؛ هزینه‌های جاری ۸۹/٥٪ (از جمله دستمزدها و حقوق ۳٦٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۱۰/٥٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٦،٤۷۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۱،٦۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۱/۳٪؛ ۹۸-۱۹۹۰:؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۰/۸٪؛ صنعت ٥٤/۸٪؛ خدمات ٤٤/٤٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۷۰ میلیون دلار

بدهی خارجی: ؟ — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۹۱): ۱/٦٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): خرما ۲۳،۰۰۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ۱۱،٥۰۰ تن؛ انواع کدو ۸،۰۰۰ تن؛ پیاز خشک ٤،۹۸۰ تن؛ جو ٤،۸۰۰ تن؛ صیفی‌جات ۳،٤٥۰ تن؛ هندوانه ۱،۹٥۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤) : کشاورزی ۰/۷٪؛ مرتع و چمنزار ٤/٥٪؛ مناطق مسکونی، کویر و سایر موارد ۹٤/۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۲۰۷،۰۰۰ رأس؛ بز ۱۷۷،۰۰۰ رأس؛ شتر ٤۷،۸۰۰ نفر؛ گاو ۱٤،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٥،۲۷۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٤،۱٥۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤،۰٥۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): سنگ‌آهک ۹۰۰،۰۰۰ تن؛ گوگرد ٦۱،۰۰۰ تن؛ گچ، شن و ماسه و مواد خاک رُس

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش افزوده به میلیون ریال قطر) نفت تصفیه شده ۹۱۹؛ مواد شیمیایی ۸۸۷؛ آهن و فولاد ۳۱۹؛ سفال، ظروف چینی و سرامیک ۲۱۹؛ منسوجات و پوشاک ۱۹۳؛ غذا، نوشیدنی و دخانیات ۹۹؛ تولیدات فلزی ۸۹؛ تولیدات چوبی و وسایل منزل ۷۹

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٦،۳٤۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٦،۳٤۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت خام (۱۹۹۹): ۲۲٤،۹۱۰،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ۲۲،٤۲٥،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ٥،٤۳۰،۰۰۰ تن (۷٤٥،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹٦): ۱۳،۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۳،۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۲۸۰،۱۲۲ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۹/۲٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤ ؛ ۱۹۸۸): ۸۰/۸٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤؛ ۱۹۹۷): ۱۳/٥٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): صفر

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۳/۱٪؛ صنعت ۳۲٪؛ خدمات ٦٤/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱۱،۸۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۲٪؛ نیروی دریایی ۱٥/۳٪؛ نیروی هوایی ۱۲/۷٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱،٥٤۰ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱۳،٤۰۷ میلیون ریال قطر؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۹/۷٪؛ تولیدات صنعتی ۲۱/۸٪؛ غذا و دام زنده ۱۳/۲٪؛ مواد شیمیایی ۷٪؛ مواد خام ۳/٤٪؛ از انگلستان ۱۱/۹٪؛ امریکا ۱۱/۱٪؛ ایتالیا ۱۰/۸٪؛ ژاپن ۹/۳٪؛ فرانسه ۸/۲٪؛ آلمان ۷/٦٪؛ عربستان سعودی ٦٪؛ امارات متحده عربی ٤/٥٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱٤،۷۱٤ میلیون ریال قطر؛ شامل سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ۸۱/۲٪؛ مواد شیمیایی ۱۰/٤٪؛ تولیدات صنعتی ٥/۹٪؛ به ژاپن ٥۱/٦٪؛ کره جنوبی ۱۰٪ ؛ سنگاپور ۸/۹٪؛ تایلند ٤/۱٪؛ امارات متحده عربی ۲/۳٪؛ هند ۱/٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون ریال قطر	۵،۱۵٤+	٤،۷۲۹+	۱،۹٤۰+	٤،٥٤٦+	۳،۱٤۳+	۱،۳۰۷+
درصد کل	٪۲۹/٦	٪۲۷/۹	٪۸/۱	٪۱۹/٥	٪۱۲/٦	٪٥/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦/۷	۹٥/۹	۹۷/۱	۱۰۰	۱۰۷/٤	۱۱۰/٤	۱۱۳/۳
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ۷ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۱۹۸۸): دستمزد و حقوق ۸۰/۸٪ ؛ اجاره و حق امتیاز ۱۰/٦٪؛ کار آزاد ٥/٦٪؛ سایر موارد ۳٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۳): غذا ۲۸/۷٪ ؛ حمل و نقل ۱۹/۳٪؛ مسکن ۱۲/٤٪؛ پوشاک ۱۰/٦٪ ؛ آموزش ۷/٦٪؛ بهداشت ۱/۲٪

جهانگردی(۱۹۹٤): درآمد: ؟ ؛ تعداد توریست‌هایی که از هتل‌ها استفاده کرده‌اند: ۲٤۱،۰۰۰ نفر

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱،۲۳۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱۲٦،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٦٤،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٦٥ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ٥ روزنامه در ۹۰،۰۰۰ نسخه (۱٦۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۱ عنوان در ٤۷،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۲۰۹ عنوان در ۲،۲۰٥،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۰،٥٥۰/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۲٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۳۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤۹۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۸٤٦ دستگاه برای هرهزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱٥۰،٥۰۸ خط تلفن (۲٦۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٦٥،۷۸٦ خط (۱۱/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۷۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۱۷٤	٥،۸٦٤	٥۳،٦۳۱	۹/۱
متوسطه	۱۲۳	۳،۷۳۸	۳۷،۹۲٤	۱۰/۱
فنی و حرفه‌ای	۳	۱۲۰	٦۷۰	٥/٦
عالی	۱	٦۳۷	۸،٤۷٥	۱۳/۲

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱٥ سال: ۷۹/٤٪؛ مردان: ۷۹/۲٪؛ زنان: ۷۹/۹٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸٦): ابتدایی ۹/۸٪؛ متوسطه ۲۳/٤٪؛ بعد از متوسطه ۱۳/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۷۰۳ نفر (هر ۷۹۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان: ۱،۱۱۸ تخت (هر ٥۰۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ (۰/۰۹٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۷/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲۹/۲ میلیون نفر؛ هر نفر ٥۲/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۱۹ (چهل و دومین کشور جهان)

در سال ۱۸۱۵ جنبش های استقلال‌طلبی تحت زعامت شیخ محمد و پسرش جاسم آغاز گردید و در سال ۱۸۶۸ با وساطت و حمایت انگلستان به خودمختاری دست یافت. سلطان عثمانی که از سدهٔ شانزدهم میلادی ادعای مالکیت شبه جزیرهٔ عربستان را داشت، از توجه و نفوذ تاریخی انگلستان در منطقه غافل ماند و فقط به انتصاب شیخ جاسم آل‌ثانی به سمت فرماندار استان قطر اکتفا کرد و احداث یک پادگان نظامی کوچک در دوحه را برای حفظ موقعیت نظامی خود که تا جنگ اول جهانی همچنان باقی مانده بود، کافی دانست. در سال ۱۹۳۰ قیمت مروارید قطر به دلیل رقابت مرواریدهای کشت شدهٔ ژاپنی به نحو چشمگیری کاهش یافت و شیخ عبداللّه آل ثانی امیر قطر را وادار کرد تا کلّیهٔ امور مربوط به ذخایر نفت اعم از اکتشاف و استخراج و فروش را به شرکت نفت ایران و انگلیس به مبلغ ۴۰۰,۰۰۰ پوند انگلیسی به فروش برساند. در سال ۱۹۳۹ منابع نفت قطر کشف گردید ولی استخراج و تولید آن تا بعد از پایان جنگ جهانی دوم به درازا کشید. توسعهٔ منابع نفتی و استخراج و تولید روزافزون آن سود سرشاری را متوجه کمپانی رویال داچ شل هلندی نمود و ثروت امیر قطر شیخ احمدبن علی آل ثانی را به ۱۵ میلیون پوند بالغ گردانید. با خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱، قطر استقلال خود را در سوم سپتامبر همان سال اعلام نمود. شیخ احمد اندک زمانی بعد در فوریه ۱۹۷۲ به دست شیخ خلیفه آل ثانی، نخست‌وزیر و ولیعهد قطر، سرنگون گردید و شیخ جدید به نوین‌سازی کشور اقدام نمود و یک شورای مشورتی را در حکومت مطلقهٔ خود شریک گردانید و برای رهایی از وابستگی به نفت در صنعت شیلات سرمایه‌گذاری کرد و کارخانه‌های سیمان، کود شیمیایی، ذوب آهن و فولاد تأسیس گردید.

در سال ۱۹۷۲ شرکت نفت قطر تأسیس شد و در فوریهٔ ۱۹۷۷ کلیهٔ تأسیسات نفتی شرکتهای بیگانه به مالکیت شرکت نفت قطر درآمد و به دنبال آن کارشناسان فنی ایرانی، پاکستانی، هندی و فلسطینی در صنعت نفت قطر به کار گرفته شدند. در سال ۱۹۸۲ قطر هماهنگ با سیاست اوپک، میزان تولید نفت خود را ۲۵ درصد کاهش داد و برای جبران آن میزان تولید آهن و فولاد مجتمع ام‌سعید را تا ۴۵۰,۰۰۰ تن در سال افزایش داد. در سال ۱۹۸۱ شورای همکاری خلیج فارس با شرکت کشورهای قطر، کویت، عمان، بحرین، امارات متحده عربی و عربستان سعودی تشکیل گردید. در آوریل ۱۹۸۶ رابطهٔ میان قطر و بحرین بر سر مالکیت جزیرهٔ فشط‌الدیبل به تیرگی گرایید که با میانجیگری اعضای شورای همکاریهای خلیج فارس، پایان یافت. در نوامبر ۱۹۸۷ قطر روابط سیاسی خود را با مصر از سر گرفت. در مارس ۱۹۹۱ بعد از حملهٔ عراق به کویت، کویت و قطر کمکهای اقتصادی خود را به اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین قطع کردند و همزمان وزرای خارجهٔ مصر و سوریه و شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در ریاض پایتخت عربستان سعودی گرد هم آمدند و قرار امنیت منطقه را با امریکا امضاء نمودند. در جنگ خلیج فارس دود حاصل از آتش گرفتن چاههای نفت کویت و عربستان، فضای قطر را به شدت آلوده کرد و به ریزش بارانهای اسیدی و اختلالات جوّی منطقه منجر گردید و شیوع بیماریهای ریوی را به همراه آورد.

در سپتامبر ۱۹۹۱ شرکتهای نفتی اروپایی موفق شدند مخازن عظیمی از گاز را در سواحل قطر کشف کنند.

در دسامبر ۱۹۹۱ گروهی مرکب از ۵۳ نفر از روشنفکران و اندیشمندان قطری، طی نامه‌ای از امیر قطر برگزاری انتخابات آزاد پارلمانی و اعطای پاره‌ای آزادیهای شخصی و سیاسی را خواستار شدند که در واکنش به این پیشنهاد عده‌ای توسط دولت بازداشت و زندانی گردیدند.

در پایان سال ۱۹۹۲ روابط قطر و بحرین بر سر مالکیت چند جزیرهٔ کوچک که از منابع زیرزمینی نفت بهره‌مند بودند، مجدداً رو به تیرگی نهاد که با مداخلهٔ عربستان سعودی برطرف گردید.

در ژوئن ۱۹۹۵ حمدبن خلیفه آل ثانی ولیعهد قطر، پدر خود شیخ خلیفه را از کار برکنار کرد و خود حکومت قطر را شخصاً بر عهده گرفت. با روی کار آمدن امیر جدید، روابط قطر با عربستان سعودی و بحرین بر سر مالکیت‌های ارضی مجدداً تیره شد. در آوریل ۱۹۹۶ اختلافات ارضی خود را با عربستان سعودی حل کرد و در مارس ۱۹۹۷ مسئلهٔ اختلافات ارضی با بحرین نیز با توافق طرفین به دادگاه بین المللی لاهه ارجاع گردید. در اکتبر ۱۹۹۶ شیخ عبداللّه‌بن خلیفه آل ثانی از سوی امیر قطر به نخست‌وزیری کشور منصوب شد. در ۱۹۹۷ روابط قطر با اسرائیل در پی تصمیمات اتحادیهٔ عرب رو به سردی و کدورت نهاد. در ۱۷ مارس ۱۹۹۸ کنفرانس وزرای خارجهٔ کشورهای اسلامی در دوحه گشایش یافت و در همان سال مانور دریایی قطر و فرانسه به نام گردآوری مروارید ۲ در آبهای قطر برگزار شد و در ماه آوریل نیز قراردادی برای تبادل کارشناسان و آموزشهای نظامی با روسیه امضاء گردید.

در پی برگزاری محاکماتی در سال ۲۰۰۰، تعداد ۳۳ نفر از شرکت کنندگان در کودتای سال ۱۹۹۶ که در میان آنان پسرعموی امیر قطر و از حامیان پدر وی نیز دیده می‌شد، به حبس ابد محکوم شدند. در سال ۲۰۰۱ اجلاس سران کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در دوحه، قطر برگزار گردید. شبکه ماهواره‌ای الجزیره که متعلق به دولت قطر است، به عنوان یک مرکز خبررسانی بین‌المللی از مقبولیت بسیار بالایی در میان کشورهای عرب برخوردار شده و به ویژه پس از وقایع ۱۱ سپتامبر در امریکا، اخبار و گزارش‌های آن به ویژه در مورد گروه القاعده و اسامه بن لادن مورد توجه فراوان قرار گرفت و در اطلاع رسانی سریع به رقابت با سی ان ان امریکا پرداخت.

کامبوج CAMBODIA

کشور کامبوج که در آسیای جنوب شرقی و در شبه جزیرهٔ هندوچین واقع است، از شمال به تایلند و لائوس، از خاور و جنوب به کشور ویتنام، از جنوب غربی و غرب به خلیج تایلند(سیام) و کشور تایلند محدود است.

این سرزمین عمدتاً جلگه‌ای است که پیرامون آن را کوههایی چون کاردوموم در جنوب غربی و دونگرائک در شمال و خاور که ارتفاع آنها حداکثر به ۱۸۱۳ متر (کوه پنوم آئورال) می‌رسد، فرا گرفته و دریاچهٔ بزرگ تونله‌ساپ با ۶۴۷۵ کیلومترمربع چشمگیرترین عارضهٔ دشت مرکزی را تشکیل می‌دهد.

اقلیم کامبوج نیمه‌گرم، مرطوب و بارانی است و رودخانه‌های مکونگ، (۴۵۰۰ کیلومتر) استونگ، سین و چانگ‌آری مهمترین رودخانه‌های آن می‌باشند. جمعیت کشور اکثراً در جلگهٔ مرکزی سکونت دارند و غالباً به کشت برنج که غذای اصلی مردم این سرزمین را تشکیل می‌دهد، اشتغال دارند. به علاوه کاکائو، لوبیا، ذرت، توتون و پنبه از دیگر فرآورده‌های کشاورزی آن محسوب می‌گردند و فسفات، کانه‌های آهن، سنگ‌آهک، مس، منگنز، طلا، قلع و نقره از ذخائر زیرزمینی آن هستند. عمده‌ترین عامل تهدیدکنندهٔ محیط زیست این کشور زدایش جنگلها و تهیهٔ چوب و الوار است که اگر تدبیری برای آن اندیشیده نشود در یکی دو دههٔ آینده کشور کامبوج به طور کلی عاری از جنگل خواهد شد.



تاریخچه

سرزمین کامبوج نام خود را از یک ریشی (حکیم) که نخستین شاه کشور بوده و خود را از نوادگان کامبو، حکیم بزرگ می‌دانسته اقتباس کرده است. نام نخستین سلسله شاهان کامبوج در متون باستانی چین تحت عنوان فونان که بر خمرها حکومت می‌کرده‌اند، آورده شده است. متون مزبور گویای آن است که خمرها در سدهٔ اول میلادی از شمال به کامبوج مهاجرت کرده‌اند و در همان اوان تحت تأثیر فرهنگ هندی و چینی که برای فروش کالاهای خود و معاوضهٔ آنها با ادویه و چوبهای خوشبو و طلای کامبوج به آن دیار سفر می‌کردند، قرار گرفتند. در سده‌های دوم و سوم میلادی فرمانروایان خمر با ارسال هدایایی به دربار امپراتوران



نام رسمی: پادشاهی کامبوج

نام محلی: کامپوچیا Kampuchea

اسامی دیگر: خِمر

پایتخت: پنوم‌پن (۹۲۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹۵۳/۱۱/۹، از فرانسه

روز ملی: نهم نوامبر، روز استقلال

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با یک مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۹۹۳

رئیس حکومت: پادشاه: نوردوم سیهانوک، ازسال ۱۹۹۱

رئیس دولت: نخست‌وزیر: هون سن (حزب خلق)، از سال ۱۹۹۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳؛ مجلس ملی با ۱۲۲ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۸): حزب خلق ٦٤ کرسی، جبههٔ متحد ملی برای کامبوج مستقل، بی‌طرف، طالب صلح و تعاونی (فونسینپک) ٤۳ کرسی، حزب سام‌راینسی ۱٥ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٥٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، آدب، آسه‌آن، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱۸۱،۰۳٥ کیلومترمربع (هشتادوهشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۱،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصت و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٦۱/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۲/۳٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۲۰ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۲/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٥/٦٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ٤۲/۸٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲٦/۱٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٥/۹٪؛ بالای ٦۰ سال ٥/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۸/۱۹٪؛ زن ٥۱/۸۱٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۰ سال؛ مردان ٥۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳٤/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۱/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۸۱ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۳/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد. با این حال عمده‌ترین مشکلات بهداشتی عبارتند از: سل، مالاریا و ذات‌الریه. همچنین مین‌های خنثی نشده که از دوران جنگ داخلی این کشور باقی مانده است، مخاطرات زیادی را سبب می‌شود.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۹٤): خمر ۸۸/٦٪ ؛ چینی ۳/۱٪؛ چام ۲/۳٪؛ ویتنامی ٥/٥٪

دین(۱۹۹٤): بودایی (دین رسمی) ۹٥٪؛ مسلمان ۲٪؛ دیگر ادیان ۳٪

زبان و خط: خمری (زبان رسمی)؛ خط:؟

شهرهای مهم(۱۹۹۰): باتامبانگ ۹٤،٤۰۰ نفر؛ سیئمرئاب ۷٦،٤۰۰ نفر؛ کومپونگ سئوم (سیهانوک ویل) ۷٥،۰۰۰ نفر؛ پری‌ونگ ٤۱،٥۰۰ نفر

بنادر مهم: کومپونگ سئوم (ساحل خلیج تایلند)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: ریل (CR)= ۱۰۰ سن؛ یک دلار=۳،۸۲٥ ریل؛ صد ریل = ۲۰۹/۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۱،۲۲٤ میلیارد ریل؛ مالیات بر معاملات بین‌المللی ۳٦٪؛ مالیات غیر مستقیم ۲۷/۱٪ (از جمله مالیات بر ارزش افزوده ۱۳/۷٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۲۸/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۱،٤۸٥ میلیاردریل؛ هزینه‌های جاری ۷٤/٤٪(شامل هزینه‌های اداری ۳٦/۱٪؛ دفاع و امنیت ۳۰/۷٪) هزینه‌های عمرانی ۲٥/٦٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲،۹٤٥ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/۷٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٥۰/٦٪؛ صنعت ۱٤/۸٪؛ خدمات ۳٤/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۱٤۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۲،۰۳۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۳۷/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٥/٥٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳۲/۸٪؛ ۱۹۹۸: ۱۷٪؛ ۱۹۹۹: ٤٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): برنج ۳،۸۰۰،۰۰۰ تن؛ موز ۱٤٥،۰۰۰؛ نیشکر ۱۳۸،۰۰۰؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۱۱۱،۰۰۰ (شامل کاساوا ٦۷،٥۰۰، سیب‌زمینی شیرین ۲٥،۰۰۰)؛ پرتقال ٦۳،۰۰۰، ذرت ٥۰،۰۰۰ ؛کائوچو ٤۰،۰۰۰؛ انبه ۳۳،۰۰۰؛ سویا ۲۷،۷۰۰؛ توتون ۱۰،۰۰۰ تن.

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۲۱/۷٪؛ مرتع و چمنزار ۸/٥٪؛ جنگل ٦۹/۱٪؛ سایر موارد ۰/۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۲،۸۲۱،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲،٤۳۸،۰۰۰ ؛ بوفالو ٦۹٤،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸،۰۰۸،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۱٤،٦۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۲،۰۹۸،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۱،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٥): استخراج قانونی معادن محدود است به کود، نمک و مصالح ساختمانی

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): (ارزش افزوده به میلیون ریل): شیشه و تولیدات شیشه‌ای ٤۲،٦٥۹؛ پوشاک ۳۷،٥٦۷؛ تولیدات کائوچویی ۳۰،۱۱٤؛ فرآورده‌های گوشتی، ماهی، میوه و سبزیجات ۲٤،٥۲۱؛ چوب و تولیدات چوبی ۱۸،۰۹۹؛ دخانیات ۱۰،۱٦۳

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۲۰۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲۰۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۱٦۳،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ٤،۹۰٤،۲۹٤ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۷/٤٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤ سال): ۷۸/۹٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٥۲/۷٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۷۰/٤٪؛ صنعت و خدمات ۲۹/٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ٥ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱٤۹،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦٦/٤٪؛ نیروی دریایی ۲٪؛ نیروی هوایی ۱/٤٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۱ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۳۳٤ میلیون دلار؛ شامل سیگار ۱۱/۲٪؛ فرآورده‌های نفتی ۱۰/٤٪؛ موتورسیکلت ۲/۸٪؛ پوشاک ۱/٦٪ از کشورهای (۱۹۹٦): سنگاپور ۳٤/۲٪؛ تایلند ۲۳/۹٪؛ ویتنام ۷/۳٪

صادرات(۱۹۹۸): ۹۹۹ میلیون دلار؛ شامل صادرات مجدد ۳۹/٦٪؛ پوشاک ۳۹٪؛ الوار و چوب ۱۷/۸٪؛ کائوچو ۲/٥٪؛ به کشورهای (۱۹۹٦): تایلند ۱۳٪؛ سنگاپور ۱۳٪؛ هند ۹/۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۱۸۸	-۲۷٥	-٤۲٥	-٤٥۹	-۲٦۸	-۲۲۸
درصد کل	۲٤/۹٪	۲۲/۹٪	۲۱٪	۲٦/۱٪	۱۳/۳٪	۱۰/۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۱۳/۷	۹۹	۱۰۰	۱۱۰/۱	۱۱۳/٦	۱۳۰/۳	۱۳٥/٦
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ٥/۲ نفر

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۱٤۳ میلیون دلار؛ هزینه: ۱۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳٥،۷٦۹ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٥):** ٦٤۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ٥۲،۹۱۹ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۱۳،٥۷٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۸ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ؟ روزنامه در ۱۷،۰۰۰ نسخه (۱/۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۳٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۲۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۹٤،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۰،۰٤٤ خط تلفن (۱/۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٦۱،۳٤٥ خط (٥/۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۷): ۹،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۷):** ۷۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	٥،۰۲٦	٤۳،۲۸۲	۲،۰۱۱،۷۷۲	٤٦/٥
متوسطه	٤٤۰	۱٦،۸۲۰	۳۰۲،۹٥۱	۱۸
فنی و حرفه‌ای	٦٥	۲،۳۱٥	۹،۹۸۳	٤/۳
عالی	۹	۱،۰۰۱	۸،۹۰۱	۸/۹

میزان باسوادی(۱۹۹۸): افراد بالای ۱٥ سال ٦۷/۳٪؛ مردان ۷۹/٥٪؛ زنان: ٥۷٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹۸): ابتدایی ۸۱/۳٪؛ متوسطه ۱٦/٦٪

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۱،۲۰۰ نفر (هر ۷،۹۰۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٤): ۱۲،۰۹۸ تخت (هر ۷۹۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۳۰،۰۰۰ نفر (۲/٤٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱٤۸/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۰۷۸ کالری (۹٤٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤۷ گرم؛ مصرف چربی: ۳۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۲/٤٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۱/٦٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/٥ میلیون تن؛ هر نفر صفر تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٥۱۲ (صد و سی و ششمین کشور جهان)

چین، مراتب فرمانبرداری و اطاعت خود را از امپراتوران مزبور نشان می‌دادند و با آمیزش با هندیان و ازدواج میان خاندان فرمانروایان کامبوج با بزرگان هند، به نفوذ و تأثیرگذاری فرهنگ هند کمک می‌کردند و به احترام و پرستش شیوا، خدای هندیان گرایش می‌یافتند. در سدهٔ چهارم میلادی امپراتوری خمر تشکیل گردید و کامبوج بر جنوب شرقی آسیا تسلط یافت. در ۷۹۰ میلادی یک شاهزادهٔ کامبوجی که خود را نوادهٔ شاهان فونان می‌نامید، تحت عنوان جایاوارمان دوم به سلطنت رسید و تسلط خود را تا نواحی شمالی گسترش داد و نام او به عنوان نخستین شاه کامبوج در تاریخ ثبت گردید. در ۸۸۷ میلادی ایندرا وارمان یکم پسرعموی خود جایاوارمان سوم را از سلطنت خلع کرد و خود حکومت کامبوج را در دست گرفت. به فرمان او دیوار عظیمی در پیرامون شهر روالوس پایتخت کامبوج احداث گردید و شبکه‌های وسیع آبیاری ساخته شد. در سال بعد یاسووارمان یکم به سلطنت خمر رسید و شهر معروف و تاریخی آنگکور را که پایتخت امپراتوری خمر گردید، بنا نهاد. سوریاوارمان یکم در سال ۱۰۰۲ به سلطنت رسید و با تصرف سرزمینهای امروزی لائوس و تایلند بر وسعت کشور خود افزود. در سال ۱۰۸۰ شاه چمپا که از خمرهای شمالی بود شهر آنگکور را تصرف کرد و به نام جایاوارمان ششم بر کامبوج سلطنت کرد. در ۱۱۷۷ نیروهای چمپا مجدداً آنگکور را تصرف کردند.

جایاوارمان دوازدهم که در سال ۱۱۸۱ به سلطنت کامبوج رسیده بود، شهر ویجایا پایتخت چمپا (ویتنام امروزی) را تصرف نمود و دولت سلطنتی خمر را به اوج اقتدار خود رسانید. وی سرزمینهای امروزی تایلند، لائوس، میانمار (برمه)، مالزیا و ویتنام را ضمیمهٔ امپراتوری خمر نمود و هم او بود که آیین بودا را جایگزین هندوئیسم نمود و بعنوان مذهب رسمی و ملی کامبوج شناخته شد. در سال ۱۲۰۰ عملیات ساختمانی شهر جدید آنگکور توم آغاز گردید و پایتخت از آنگکور به شهر جدید منتقل شد. از همان زمان امپراتوری خمر رو به ضعف نهاد و امپراتوری تای شروع به خودنمایی کرد و بخشهای وسیعی از امپراتوری خمر را به تصرف خود درآورد و امپراتوری مزبور را به کشورهای کوچکی که تابع و خراجگذار امپراتوری تای و ویتنام بودند تقسیم نمود. در سال ۱۴۳۲ پس از آن که امپراتوری تای برای بار دوم شهر آنگکور را تصرف کرد، خمرها شهر را ویران کردند. طی چهارصد سال بعد کشور خمر به تناوب به اشغال امپراتوری تای و نیروهای ویتنامی درآمد. در سال ۱۸۶۴ زمانی که نوردوم پادشاه خمر تحت حمایت فرانسه قرار گرفت، وضع دگرگون شد و بدینسان از تجزیهٔ کامبوج و تقسیم آن میان ویتنام و سیام (تای) جلوگیری نمود. در ۱۸۸۴ کامبوج به مستعمرهٔ فرانسه مبدل شد و با توسعه یافتن دامنهٔ نفوذ سیاسی فرانسه، ویتنام و لائوس و کامبوج اتحادیهٔ هندوچین فرانسه را تشکیل دادند.

در جنگ جهانی دوم، زمانی که فرانسه مورد یورش آلمان قرار گرفت، نیروهای ژاپنی نیز در سال ۱۹۴۰ هندوچین فرانسه را تصرف کردند. در سال ۱۹۴۱ مقامات فرانسوی نوردوم سیهانوک، شاهزادهٔ ۱۶ ساله کامبوجی را به پادشاهی کشور مزبور رساندند به این امید که کنترل بر کشور مزبور آسان‌تر گردد. اما با پایان یافتن جنگ و خروج نیروهای ژاپنی از کامبوج (مارس ۱۹۴۵) نوردوم سیهانوک استقلال کامبوج را اعلام داشت و فرانسوی‌ها هم در واکنش به آن، هندوچین را تصرف کردند و جنگ ویتنامی‌ها علیه نیروهای استعماری آغاز گردید. در سال ۱۹۴۷ قانون اساسی جدید کامبوج به تصویب رسید. و سیهانوک در مقام سلطنت ابقاء گردید. در سال ۱۹۴۹ استقلال کامبوج مشروط به اتحاد با فرانسه و کنترل کشور مزبور بر امور نظامی و روابط خارجی به تصویب رسید. حملات مؤثر ویتنام در سال ۱۹۵۳، فرانسوی‌ها را وادار به تخلیه کامبوج کرد و این کشور در نهم نوامبر به استقلال کامل رسید و سیهانوک در سال ۱۹۵۵ عنوان پرنس سیهانوک را برای خود انتخاب کرد و به نفع پدرش از سلطنت کناره‌گیری کرد. وی با تشکیل حزب سوسیالیست مردم به نخست‌وزیری کامبوج رسید و از سال ۱۹۶۰ و پس از درگذشت پدرش، نوردوم سیهانوک مجدداً رهبری کشور کامبوج را عهده‌دار شد. در سالهای اولیه جنگ امریکا و ویتنام، کامبوج بی‌طرفی خود را کمابیش حفظ کرد، ولی در سال ۱۹۶۵ روابط خود را با امریکا قطع کرد و به اردوگاه چین و اتحاد شوروی نزدیک شد.

در انتخابات سال ۱۹۶۶ ژنرال لون‌نول، سیهانوک را شکست داد و نخست‌وزیری را در دست گرفت. لون نول خود را به امریکا نزدیک کرد و ۱/۶ میلیارد دلار کمک اقتصادی و نظامی از واشینگتون دریافت نمود و در مقابل به امریکایی‌ها اجازه داد تا خمرهای سرخ را سرکوب کنند. در عملیات نظامی‌ای که متعاقب این توافق به عمل آمد، حدود ۵۰,۰۰۰ کامبوجی کشته شدند و سیهانوک به چین پناهنده شد.

در سال ۱۹۷۵ خمرهای سرخ قدرت کشور را در دست گرفتند، لون نول را سرنگون کردند و نظام جمهوری دموکراتیک را در کامبوج برقرار نمودند و سیهانوک به عنوان ریاست جمهوری، زمام امور را در دست گرفت. در ۱۹۷۶ سیهانوک از کار برکنار شد و پول پوت، رهبر خمرهای سرخ، اختیارات کشور را با عنوان نخست‌وزیری در دست گرفت. کامبوج در زمان پول‌پوت انزوای کامل اختیار کرد. پول‌پوت نظام بی‌سابقه‌ای بر جامعهٔ کامبوج حکمفرما ساخت. گروه عظیمی از شهرنشینان را وادار به ترک شهرها و زندگی در روستاها نمود. اعدام‌های دسته‌جمعی، گرسنگی و فقر و بیماری حدود یک میلیون کامبوجی را به کام مرگ فرستاد. پول‌پوت روابط خود را با چین مستحکم کرد و با هانوی قطع رابطه نمود. خمرهای سرخ در سال ۱۹۷۷ حملات گسترده‌ای را بر علیه ویتنام آغاز نمودند. در سال ۱۹۷۹ ویتنامی‌ها متقابلاً به کامبوج حمله کردند و دولت خمرهای سرخ را سرنگون کردند و هنگ‌سامرین، از کمونیست‌های طرفدار ویتنام، زمام امور کشور را در دست گرفت و نام کشور را به جمهوری خلق کامپوچیا تغییر داد. در سال ۱۹۸۱ میان تایلند و کامبوج زد و خوردهای شدید مرزی درگرفت و غالب کشورهای جهان خواستار خروج نیروهای ویتنامی از کامبوج شدند. در ژوئیه ۱۹۸۵ دولت ویتنام اعلام داشت که ارتش ۱۵۰,۰۰۰ نفری خود را طی ۵ سال آینده به مرور از کامبوج خارج خواهد کرد. در اواخر سال ۱۹۸۷ هون سن به نخست‌وزیری رسید و در چندین نوبت با سیهانوک به مذاکره پرداخت.

در یکم ژوئن ۱۹۸۹ این کشور نام خود را به دولت کامبوج تغییر داد و هون سن گفتگوهای بیشتری را با سیهانوک به پایان رساند. در ۱۹۸۹ نیروهای ویتنامی خاک کامبوج را تخلیه کردند و هون سن و سیهانوک در بانکوک با یکدیگر ملاقات نمودند. در ژوئیه ۱۹۹۰ دولت امریکا دولت کامبوج را به رسمیت شناخت و در اکتبر ۱۹۹۱ قرارداد صلح میان هون سن و سیهانوک به امضاء رسید و متعاقب آن نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد به کامبوج اعزام شدند و قرار شد انتخابات بطور آزاد و با شرکت همهٔ گروهها برگزار گردد. در سپتامبر ۱۹۹۳ قانون اساسی جدید کشور به تصوب رسید و نظام کشور به سلطنتی پارلمانی مبدل شد و سیهانوک به سلطنت کامبوج انتخاب گردید. در انتخابات پارلمانی این سال نوردوم رانارید، فرزند نوردوم سیهانوک و رهبر جبههٔ متحد ملی برای کامبوج مستقل، بی‌طرف، طالب صلح و تعاونی (فونسینپک) به اکثریت دست یافت و هون سن و رانارید، مشترکاً نخست‌وزیری را به عهده گرفتند. در سال ۱۹۹۵ آتش جنگ میان ارتش رسمی کشور و خمرهای سرخ شعله‌ور گردید. رانارید در ژوئیه ۱۹۹۷ به اتهام خیانت به کشور و همراهی با خمرهای سرخ و اقدام به تشکیل قوای مسلح غیر قانونی، از پست نخست‌وزیری خلع شد و در دادگاهی که به همین مناسبت تشکیل گردید، به ۳۰ سال زندان محکوم گردید که کمی بعد توسط پدرش نوردوم سیهانوک، مورد بخشودگی قرار گرفت. در آوریل ۱۹۹۸ پول‌پوت درگذشت و خمرهای سرخ رو به ضعف نهادند. یک ماه بعد رانارید به کشور بازگشت و در انتخابات جدید همان سال حزب خلق به رهبری هون سن در مجلس به قدرت رسید.

در ماه مه ۱۹۹۹، کامبوج به عنوان دهمین عضو به جرگهٔ کشورهای عضو آسه‌آن پیوست. پس از چهار سال تأخیر سرانجام محاکمات رهبران باقیمانده خمرهای سرخ در ماه اوت ۲۰۰۱ آغاز شد. این کشور در سال‌های اخیر تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز کرده است تا با گسترش صنعت جهانگردی، به جذب جهانگردان خارجی بپردازد و از این طریق درآمدهای ارزی خود را افزایش دهد.

کامرون CAMEROON

کشور کامرون که در مرکز غربی قارهٔ افریقا جای دارد و بخشی از ساحل خلیج گینه را به خود اختصاص داده، از شمال غربی و شمال به نیجریه، از خاور به چاد و جمهوری افریقای مرکزی، از جنوب به کنگوبرازاویل، گابون و گینهٔ استوایی و از غرب به خلیج گینه (در اقیانوس اطلس) محدود است.

کشور کامرون از نظر جغرافیایی به سه منطقه تقسیم می گردد:

- دشتهای حوضهٔ دریاچهٔ چاد واقع در شمال که از علفزارهای پهناور پوشیده شده و به دامداری و کشت غلات و پنبه اختصاص یافته است.
- بخش مرکزی که عمدتاً کوهستانی است و مستور از علفزارهای گرم و مرطوب استوایی است و کوه کامرون با ارتفاع ۴۰۷۰ متر واقع در رشته کوههای آداماوا بلندترین نقطهٔ کشور محسوب می گردد.
- بخش جنوبی که از پوستهٔ آتشفشانی پوشیده شده و از نظر کشاورزی بسیار غنی است و غلات، قهوه، موز، کاکائو و روغن نخل از فرآورده‌های آن است و اکثر جمعیت کشور در همین ناحیه سکونت دارند.

اقلیم کشور کامرون گرم و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های انتم، بنوئه، نیونگ، ساناگا، جا و انگوکو از عمده‌ترین رودهای آن هستند.



نام رسمی: جمهوری کامرون

نام محلی: کامرون Cameroun

اسامی دیگر: -

پایتخت: یائونده (۱،۳۷۲،۸۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۱/۱، از فرانسه

روز ملی: بیستم ماه مه

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۲

رئیس حکومت: رئیس جمهور: پل بیه (رهبر جنبش دموکراتیک مردم کامرون)، از سال ۱۹۸۲ (در دوره‌های ۵ ساله)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: پیتر مافانی موسونگه (مجمع ملی دموکراتیک)، از سال ۱۹۹۶

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۲؛ مجلس ملی با ۱۸۰ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۲): جنبش دموکراتیک مردم کامرون ۱۱۶ (۱۴۹) کرسی، جبههٔ سوسیال دموکرات ۴۳ (۲۲) کرسی، اتحاد ملی برای دموکراسی و پیشرفت (اسلامگرایان میانه‌رو) ۱۳ (۱) کرسی، اتحاد دموکراتیک کامرون ۵ (۵) کرسی، اتحاد مردم کامرون (۳) کرسی، بقیه ۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآا، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، فز، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۴۷۵،۴۴۲ کیلومترمربع (پنجاه و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۱۵،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۱/۸ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۷٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۶/۵ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۸ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۴۷/۳٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۴/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۴۲/۹٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۷/۷٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۴/۳٪؛ بالای ۶۰ سال ۵/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۵۰/۲۰٪؛ زن ۴۹/۸۰٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۵۵/۹ سال؛ مردان ۵۴/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۶/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۱/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۷۲/۲ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۵/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، ولی مشکلات بهداشتی آن عبارتند از: مالاریا، سل و سیستم تنفسی، کم‌خونی، منتزیت، بیماریهای روده‌ای و فتق.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۴/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۴۳۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۸۷): قبایل بانتو ۴۰٪ ؛ نیمه بانتو ۲۰٪؛ فرانسوی ۲٪؛ بقیه (عمدتاً از قبایل فولبه، هوسه و پیگمه‌ها) ۳۹/۸٪

دین(۱۹۹۰): کاتولیک ۳۴/۷٪؛ آنیمیست ۲۶٪؛ مسلمان ۲۱/۸٪؛ پروتستان ۱۷/۵٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: فرانسوی و انگلیسی (زبانهای رسمی)؛ زبانها و لهجه‌های متعدد بومی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): دوآلا ۱،۴۴۸،۳۰۰ نفر؛ گاروآ ۱۶۰،۰۰۰ نفر؛ ماروآ ۱۴۰،۰۰۰ نفر؛ بافوسام ۱۲۰،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: دوآلا، کریبی و ویکتوریا (خلیج گینه – اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ(CFAF)= ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار = ۷۵۴/۲۸ فرانک؛ یک فرانک = ۱۰/۶ ریال

درآمد بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۸۳۸ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ، مالیات بر کالاها و خدمات ۴۰/۵٪؛ مالیات بر درآمد ۲۰/۸٪؛ عوارض گمرکی ۱۶/۵٪؛ درآمدهای نفتی ۱۵/۹٪

هزینه بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۱،۰۲۳ میلیاردفرانک سی‌اف‌آ؛ هزینه‌های جاری ۸۰/۹٪(شامل بازپرداخت بدهی‌ها ۲۷/۶٪؛ دستمزدها و حقوق ۲۶/۹٪؛ کالا و خدمات ۱۶/۳٪؛ انتقالی‌ها ۹/۸٪)؛ هزینهٔ سرمایه‌ای ۱۹/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۸،۷۳۶ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۶۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۵/۴٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۰/۵٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۴۲/۵٪؛ صنعت ۲۱/۶٪؛ خدمات ۳۵/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۹۴ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۸،۰۹۶ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۴۲۳/۶+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۹/۹٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۶/۱٪؛ ۱۹۹۸: ۱/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): کاساوا ۱،۵۰۰،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۱،۳۵۰،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۱،۰۰۰،۰۰۰ ؛ موز ۹۹۰،۰۰۰؛ ذرت ۶۰۰،۰۰۰ ؛ ذرت خوشه‌ای ۵۰۰،۰۰۰؛ سبزیجات و صیفی‌جات ۴۳۰،۰۰۰؛ سیب‌زمینی شیرین ۲۲۰،۰۰۰؛ پنبه‌دانه ۱۹۰،۰۰۰؛ روغن نخل ۱۵۰،۰۰۰؛ کاکائو ۱۵۰،۰۰۰؛ یام ۱۳۰،۰۰۰؛ بادام زمینی ۱۰۰،۰۰۰؛ ارزن ۷۱،۰۰۰ ؛ برنج ۶۵،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۴): کشاورزی ۱۵/۱٪؛ مرتع و چمنزار ۴/۳٪؛ جنگل ۷۷/۱٪؛ سایر موارد ۳/۵٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۵،۹۰۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۳،۸۸۰،۰۰۰؛ بز ۳،۸۵۰،۰۰۰؛ خوک ۱،۴۳۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۵،۱۷۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۹۷،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۵،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۳،۶۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۶): سنگ میلیس پوتسولانا ۱۰۰،۰۰۰ تن؛ آلومینیوم ۸۲،۰۰۰؛ سنگ‌آهک ۵۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۴): (ارزش افزوده به میلیون فرانک سی‌اف‌آ) نوشیدنی ۴۹،۳۱۴؛ چوب و تولیدات چوبی ۴۲،۷۵۶؛ کائوچو و مواد پلاستیکی ۳۸،۹۲۸؛ مواد غذایی ۳۰،۰۳۰؛ تولیدات آهنی و فولادی ۲۹،۴۲۴؛ منسوجات ۲۰،۱۱۳؛ فرآورده‌های نفتی ۱۷،۸۸۸؛ مواد شیمیایی ۸،۵۵۹ ؛ سفال، چینی و سرامیک ۶،۷۷۳؛ کاغذ ۳،۶۵۲

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۶): ۲،۷۵۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲،۷۵۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱،۰۰۰ تن (۱،۰۰۰)؛ نفت خام: ۴۲،۷۷۰،۰۰۰ بشکه (۶،۸۵۶،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱،۰۴۰،۰۰۰ تن (۱،۱۰۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۴،۷۴۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۴۰٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۹ ؛ ۱۹۸۵): ۶۶/۳٪؛ زنان(درسنین ۱۵ تا ۶۹): ۳۸/۵٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۲): ۲۵٪

توزیع نیروی کار(۱۹۸۵): کشاورزی ۷۴٪؛ صنعت ۶/۴٪؛ خدمات ۱۹/۶٪؛ (۱۹۹۸): کشاورزی ۶۱/۶٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش(۱۹۹۹): ۱۳،۱۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۷/۸٪؛ نیروی دریایی ۹/۹٪؛ نیروی هوایی ۲/۳٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۶ دلار

واردات(۹۹-۱۹۹۸): ۸۸۱/۵ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل کالاهای نیمه ساخته ۱۵/۹٪؛ تجهیزات صنعتی ۱۳/۳٪؛ غذا و نوشیدنی ۱۱/۳٪؛ مواد معدنی ۱۰/۶٪؛ تجهیزات حمل و نقل ۱۰/۳٪؛ داد و ستدهای ثبت نشده ۶/۱٪؛ از فرانسه ۲۵/۶٪؛ آلمان ۶/۴٪؛ امریکا ۵/۷٪؛ ژاپن ۵٪؛ بلژیک – لوکزامبورگ ۴/۸٪؛ ایتالیا ۴/۳٪؛ هلند ۲/۶٪؛ انگلستان ۲/۶٪

صادرات(۹۹-۱۹۹۸): ۹۹۳/۹ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل نفت خام ۳۱/۶٪؛ الوار ۱۲/۱٪؛ قهوه ۷/۵٪؛ کاکائو ۷/۴٪؛ آلومینیوم ۵٪؛ پنبه ۴/۷٪؛ به ایتالیا ۲۲/۴٪؛ فرانسه ۱۲/۶٪؛ اسپانیا ۹/۴٪؛ هلند ۹/۴٪؛ پرتغال ۳/۳٪؛ آلمان ۱/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیارد فرانک	+۲۲۱/۳	+۲۲۳/۷	+۳۹۸/۸	+۲۷۷/۵	+۲۹۰/۶	+۲۰۹/۴	+۱۱۲/۴
درصد کل	٪۲۶/۲	٪۱۵/۷	٪۲۴/۴	٪۱۸/۱	٪۱۵/۶	٪۱۰/۷	٪۶

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۶۷/۱	۶۵	۸۷/۸	۱۰۰	۱۰۴/۷	۱۰۵/۸	۱۰۵/۹
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ۵/۷ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار(۱۹۸۳): ۴۲۰ دلار؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۳): غذا ۴۹/۱٪؛ مسکن ۱۸٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۳٪؛ بهداشت ۸/۶٪؛ پوشاک ۷/۶٪؛ سرگرمی ۲/۴٪

جهانگردی(۱۹۹۵): درآمد: ۳۶ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۰۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۴۸،۴۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۱،۰۰۶ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۹۸،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۶۴،۳۵۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۴۷ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۵ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۲ روزنامه در ۹۱،۰۰۰ نسخه (۶/۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲،۲۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۶۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۴۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۳/۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۷): ۷۵،۲۰۰ خط تلفن (۵/۴ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۷): ۴،۲۰۰ خط (۰/۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	۶،۸۰۱	۴۰،۹۷۰	۱،۸۹۶،۷۲۲	۴۶/۳
متوسطه	۳۸۸	۱۴،۹۱۷	۴۵۹،۰۶۸	۳۰/۸
فنی و حرفه‌ای	۲۲۰	۵،۸۸۵	۹۱،۷۷۹	۱۵/۶
عالی	۵	۱،۰۸۶	۳۳،۱۷۷	۳۰/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۶۳/۴٪؛ مردان: ۷۵٪؛ زنان: ۵۲/۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۵ سال(۱۹۷۶): ابتدایی ۴۱/۹٪؛ متوسطه ۶٪؛ عالی ۰/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹۶): ۱،۰۳۱ نفر (هر ۱۳،۵۱۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۸): ۲۹،۲۸۵ تخت (هر ۳۷۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۳۲۰،۰۰۰ نفر (۴/۸۹٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۸/۴ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۲۰۹ کالری (۹۵٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۴۸ گرم؛ مصرف چربی: ٤٤ گرم

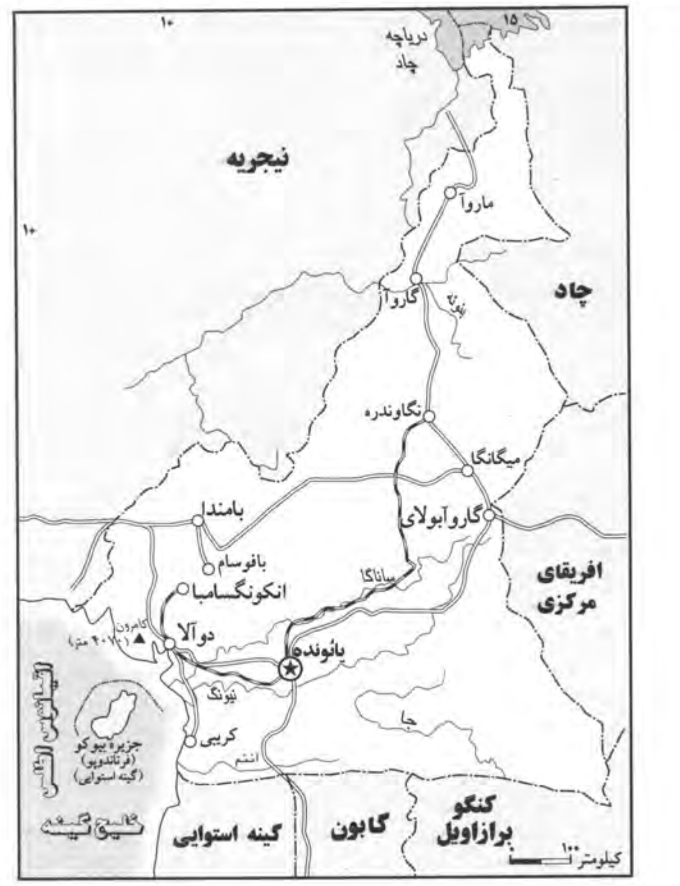
محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۶٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۶٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۳/۵ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۵۲۸ (صد و سی و چهارمین کشور جهان)



خشکسالی و زدایش جنگلها از عمده‌ترین تهدیدهای زیست‌محیطی بخش جنوبی که حدود ۲۵ درصد مساحت کشور را شامل می‌گردد، به شمار می‌آید.

تاریخچه

سرزمین کامرون زادگاه قوم بانتوست که در حدود ۲۰۰ سال پیش از میلاد در نواحی خاوری و جنوبی آن ساکن شده‌اند. در سال ۱۴۷۲ فرناندوپوی پرتغالی نام رودخانه‌ای را که در دهانهٔ آن میگو بسیار بود کامارونس (به زبان پرتغالی یعنی میگو) نامید که بعدها به کامرون تبدیل شد. مهاجرت قوم فولانی به تحول اقتصادی این سرزمین کمک کرد و به پیدایش امیرنشین آداماوا در مرکز شمالی کشور انجامید. نفوذ آلمانی‌ها از ژوئن ۱۸۸۴ زمانی که آنان قراردادهایی با رؤسای قبایل ساحلی امضاء نمودند و سرزمین آنان را تحت‌الحمایهٔ خود قرار دادند، آغاز گردید و کنفرانس ۱۸۸۵ برلین، کامرون را جزء قلمرو آلمان محسوب نمود ولی از واگذاری امیرنشین آداماوا به آلمان که مورد توجه انگلیسی‌ها بود تا سال ۱۸۹۴ خودداری شد. در سال ۱۸۹۷ یکی از رؤسای قبایل بومی به نام دوآلاس علیه آلمانی‌ها قیام کرد و جنگ خونین چهارساله‌ای را به همراه آورد. در سال ۱۹۱۸ فرانسه و انگلستان به کامرون حمله کردند. فرانسوی‌ها حدود سه چهارم کامرون را تصرف کردند و بقیه نیز به تصرف انگلیسی‌ها درآمد. در سال ۱۹۴۵ حزب اتحاد مردم کامرون تأسیس گردید و رهبری آن را روبم اوم نیوبه عهده‌دار شد. رهبران ملی کامرون به نواحی تحت کنترل انگلستان گریختند و منطقهٔ آزادی را در جنگلهای جنوبی تأسیس نمودند و از آنجا علیه استعمارگران فرانسوی به مبارزه برخاستند. فرانسه همزمان با اقدامات سرکوبگرانه با تأسیس حزب اتحاد ملی کامرون به رهبری احمدو آهیجو، به اقدامات سیاسی نیز روی آورد.

در سال ۱۹۴۶ تحت قیمومت سازمان ملل متحد قرار گرفت. در سال ۱۹۶۰ کامرون به استقلال کامل دست یافت و الحاجی احمدو آهیجو به ریاست جمهوری منصوب گردید. در سال ۱۹۶۱ نواحی جنوبی کامرون که در تصرف انگلیسی‌ها بود ضمیمهٔ کشور کامرون گردید و جمهوری فدرال کامرون به وجود آمد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۵ آهیجو برای دومین بار به ریاست جمهوری رسید و انتخابات سال ۱۹۶۵ موقعیت وی را بار دیگر تثبیت کرد. در سال ۱۹۷۲ قانون اساسی کامرون مورد تجدید نظر قرار گرفت و به مورد اجرا گذارده شد و همزمان آگانگاکی وزیر کار کامرون به سمت دبیرکل سازمان وحدت افریقا منصوب گردید. سال ۱۹۷۵ با تجدید انتخاب آهیجو به سمت ریاست جمهوری آغاز گردید و پل بیه به عنوان اولین نخست‌وزیر کشور منصوب شد. در ۱۹۷۸ استخراج و تولید نفت در کامرون آغاز شد و آهیجو در انتخابات سال ۱۹۸۰ برای پنجمین بار به ریاست جمهوری رسید. در سال ۱۹۸۲ آهیجو بطور ناگهانی از سمت خود کناره گرفت و پل بیه نخست‌وزیر پیشین عهده‌دار ریاست جمهوری گردید. افزایش درصد بیکاران و کودتاهای بی‌نتیجهٔ هواداران آهیجو یکی از ویژگیهای این دوره محسوب می‌گردد.

پل بیه در انتخابات سال ۱۹۸۸ مجدداً به ریاست جمهوری رسید. در نوامبر ۱۹۹۱ مخالفان از دولت خواستند تا در قانون اساسی تغییراتی داده شود و کشور مانند دوران قبل از سال ۱۹۷۲ به صورت فدرال اداره شود. بی‌توجهی درست به خواستهٔ مخالفان به تظاهرات خیابانی و کشته شدن ۴۰ تن تظاهرکننده انجامید. در انتخابات اکتبر ۱۹۹۲ پل بیه از اکثریت آراء برخوردار شد و مقام ریاست جمهوری را برای خود همچنان حفظ کرد. در ژانویهٔ ۱۹۹۳ بنجامین منگا، معاون یکی از احزاب ترور شد و به دنبال آن چند تن از رهبران احزاب مخالف بازداشت و زندانی گردیدند. انتخابات ژانویه ۱۹۹۶ شهرداریها از حمایت از پل بیه حکایت می‌کرد و انتخابات اکتبر ۱۹۹۷ موقعیت وی را تأیید نمود.

اختلافات مرزی دو کشور نیجریه و کامرون بر سر شبه جزیرهٔ باکاسی که پیش‌بینی می‌شود از ذخایر نفت برخوردار باشد تا کنون به چند درگیری نظامی بین دو طرف منجر شده است و سرانجام در سال ۱۹۹۸، دیوان بین‌المللی لاهه دادگاهی را برای بررسی موضوع تشکیل داد.

کانادا CANADA

کانادا، دومین کشور وسیع جهان، در شمال امریکای شمالی جای گرفته و از شمال به اقیانوس منجمد شمالی، از خاور به اقیانوس اطلس، از جنوب به کشور امریکا و از غرب به اقیانوس آرام(کبیر) و از شمال غربی به آلاسکا (کشور امریکا) محدود است. این سرزمین به پنج منطقهٔ جغرافیایی به شرح زیر تقسیم می‌گردد.

۱- مناطق دریایی در امتداد کرانه‌های اقیانوس اطلس که ترکیبی است از اراضی کشاورزی و جنگل.

۲- ارتفاعات یا فلات لورنچن(لارنسی) واقع در خاور که کوهستانی است پوشیده از جنگل و از نظر منابع معدنی بسیار غنی.

۳- مناطق جنوبی و در امتداد سواحل دریاچه‌های بزرگ پنجگانهٔ آب شیرین و کرانه‌های رود سنت‌لارنس (سنت‌لورنس) که دشت وسیع و حاصلخیزی است و بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده و بزرگترین شهرهای کانادا را شامل گردیده است و غلات از عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن می‌باشد.

۴- سواحل اقیانوس آرام که منطقه‌ای است کوهستانی پوشیده از جنگلهای عظیم. کوههای مکنزی، روشوز (راکی)، اسکلرک و کوههای ساحلی عمده‌ترین ارتفاعات آن است و کوه لوگان با ارتفاع ۶۰۵۰ متر، بلندترین نقطهٔ کشور، در همین منطقه جای دارد.

۵- سرزمینهای شمالی که تقریباً خالی از سکنه و بسیار سرد است و از دو سرزمین و ده استان ترکیب یافته است.





نام رسمی: کانادا

نام محلی: Canada کندا

اسامی دیگر: امریکای شمالی بریتانیا (نام سابق)

پایتخت: أتاوا (۱،۰۸۱،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۸٦۷/۷/۱، از انگلستان

روز ملی: اول ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت حکومت تشریفاتی پادشاه انگلستان)، از سال ۱۹۳۱

رئیس حکومت: فرماندار کل: خانم آدرین کلارکسون، از سال ۱۹۹۹

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ژان کرتین (رهبر حزب لیبرال)، از سال ۱۹۹۳

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۲؛ مجلس عوام با ۳۰۱ عضو به مدت ٥ سال و مجلس سنا با حداکثر ۱۱۲ عضو انتصابی؛ کرسی‌های مجلس عوام (۲۰۰۰): حزب لیبرال ۱۷۲ کرسی، حزب محافظه‌کار اصلاح ٦۰ کرسی؛ بلوک کبکی‌ها ۳۸ کرسی، حزب دموکراتیک نوین ۱۳ کرسی، حزب محافظه‌کار مترقی ۱۲ کرسی، بقیه ٦ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آدب، آپک، آی-آدب، گروه ۸، ناتو، اواسی‌دی، اوسه، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۹،۹۷۰،٦۱۰ کیلومترمربع (دومین کشور جهان)

جمعیت: ۳۱،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (سی و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳/۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت (۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ۱٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۳۷/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** بیش از ۱۰۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷٦/۹٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۱/۲٪

توزیع سنی (۱۹۹۷): زیر ۱٥ سال ۱۹/۸٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۰/۷٪؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۳/۲٪؛ بالای ٦۰ سال ۱٦/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/٥۳٪؛ زن ٥۰/٤۷٪ — **امید به زندگی (۱۹۹٦):** زنان ۸۱/۲ سال؛ مردان ۷٤/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر (۱۹۹۸): ۱۱/٤ نفر — **میزان مرگ و میر در هر هزار نفر (۱۹۹۸):** ۷/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان در هر هزار تولد (۱۹۹۷): ٥/٥ نفر — **رشد طبیعی جمعیت در هر هزار نفر (۱۹۹۸):** ٤/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٥): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲٦۷/۲ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۹٥/۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٦۳/۸ نفر؛ حوادث و درگیری ٤٥/۸ نفر (شامل خودکشی ۱۳/٤ نفر).

میانگین زایمان زنان بارور (۱۹۹۹): ۱/۷ نفر — **مرگ و میر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج در هر هزار نفر (۱۹۹٦): ٥/٤ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر (۱۹۹٦):** ۲/۷ مورد

نژاد/ملیت (۱۹۹۱): فرانسوی ۲۲/۸٪؛ انگلیسی ۲۰/۸٪؛ آلمانی ۳/٤٪؛ ایتالیایی ۲/۸٪؛ چینی ۲/۲٪؛ سرخپوست واسکیمو ۱/۷٪

دین (۱۹۹۱): کاتولیک ٤٥/۷٪؛ پروتستان ۳٦/۲٪؛ یهودی ۱/۲٪؛ مسلمان ۰/۹٪؛ بودایی ۰/٦٪؛ هندو ۰/٦٪؛ بدون دین ۱۲/٥٪

زبان و خط: انگلیسی، فرانسوی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم (۲۰۰۰): تورنتو ٤،۷٥۱،٤۰۰ نفر؛ مونترال ۳،٤۸۰،۳۰۰؛ ونکوور ۲،۰٤۸،۸۰۰؛ کالگاری ۹٥۳،۰۰۰؛ ادمونتون ۹٤٤،۲۰۰؛ کبک ٦۸۹،۷۰۰؛ وینیپگ ٦۸۱،۱۰۰؛ هامیلتون ٦۷۱،۷۰۰؛ لندن ٤۲۱،۲۰۰؛ کیچنر ٤۲۱،۸۰۰ نفر

بنادر مهم: هالیفاکس (اقیانوس اطلس)؛ مونترال، کبک (رودسنت‌لارنس)؛ تورنتو (دریاچه اونتاریو)؛ ونکوور (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار کانادا (Can $) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار = ۱/٥ دلار کانادا؛ یک دلار کانادا = ٥،۳۳۳/۳ ریال

درآمد بودجه (۹۷-۱۹۹٦): ۱٥۳،۷٦۹ میلیون دلار کانادا؛ مالیات بر درآمد افراد ٤٤/٥٪؛ مالیات بر ارزش افزوده ۱۹٪؛ مالیات بر درآمد شرکتها ۱۱٪؛ عوارض گمرکی ۱/۷٪

هزینه بودجه (۹۷-۱۹۹٦): ۱٦۷،۲۹٤ میلیون دلار کانادا؛ خدمات اجتماعی ۲۸/۹٪؛ بازپرداخت بدهی‌ها ۲۷٪؛ دفاع و حمایت اجتماعی ۱۰/۲٪؛ آموزش ۲/٤٪؛ بهداشت ۰/۷٪

تولید ناخالص ملی (۱۹۹۸): ٥۸۰،۸۷۲ میلیون دلار — **سرانه تولید ناخالص ملی (۱۹۹۸):** ۱۹،۱۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه: ۹٥-۱۹۷٥): ۲/۹٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی (۱۹۹۸): کشاورزی ۲/٥٪؛ صنعت ۲۷/۳٪؛ خدمات ۷۰/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٥،۸۹۹ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱٦،٥۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی (۱۹۹٦): ٥٦۹،٦۹۱ میلیون دلار کانادا — **کمک‌های خارجی (۱۹۹۸):** ۱،٦۹۱- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی (۱۹۹۸): ۲۱/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱/٤٪؛ ۱۹۹۸: ۰/٦-٪؛ ۲۰۰۰: ۲/۷٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): گندم ۲٥،۰۰۷،۰۰۰ تن؛ جو ۱۲،٦۹۱،۰۰۰؛ دانهٔ منداب ۸،۲۸٥،۰۰۰؛ ذرت ۷،۹۰۰،۰۰۰؛ سیب‌زمینی ٤،۲٦۰،۰۰۰؛ جو دوسر ۳،٥۳۸،۰۰۰؛ سویا ۲،٦٤۰،۰۰۰؛ سبزیجات ۲،۱٤۲،۰۰۰ (از جمله گوجه‌فرنگی ٥۳٥،۰۰۰ تن)؛ نخود خشک ۲،۰۷۰،۰۰۰؛ تخم کتان ۱،۱۰٦،۰۰۰؛ چغندرقند ۱،۰۰۰،۰۰۰؛ سیب ٥۱۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٤/۹٪؛ مرتع و چمنزار ۳٪؛ جنگل ٥۳/٦٪؛ سایر موارد ۳۸/٥٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): گاو ۱۲،۹۸۱،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱۲،٤۰۳،۰۰۰؛ گوسفند ٦٥٦،۰۰۰؛ اسب ٥۰۸،۰۰۰ رأس

تولید چوب (۱۹۹۸): ۱۸٥،۸٥۹،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی (۱۹۹۷):** ۱،۰۳۰،٥۲۳ تن

تولید مرغ (۱۹۹۹): ۱٤٥،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ (۱۹۹۹):** ۳٤٥،٦۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ‌آهن ۳۷،۲۸٤،۰۰۰ تن؛ روی ۱،۰۱۷،۰۸۱؛ مس ٦٤٦،٤۷۷؛ نیکل ۱۸۰،٥۸٤ تن

تولیدات صنعتی (۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون دلار کانادا) تجهیزات حمل و نقل ۱٦،۱۸۱/۷؛ تولیدات برقی ۱۲،٥۷۰/۷؛ غذا ۱۰،٥٥٦/٦؛ مواد شیمیایی ۸،۱٥۹/۱؛ تولیدات کاغذی ۷،۷٥٥/۹؛ مصنوعات فلزی ٦،٤٦۷/۸؛ تولیدات چوبی ٥،۳۷۱/٤؛ چاپ‌ونشر ٤،۲۸۸/۸؛ لاستیک‌ومواد پلاستیکی ۳،۸۹۰/٤؛ ماشین‌آلات ۳،۷۹۷؛ پوشاک ۲،۰۷۹؛ منسوجات ۲،۰۰۸/۳

انرژی/ میزان تولید (میزان مصرف): برق (۱۹۹٤): ٥٥٤،۱۸٦،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٥۱۰،۲۷۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۷۲،۸۲٤،۰۰۰ تن (٥۲،۲۲۹،۰۰۰)؛ نفت خام: ٦۳۸،٦۳۳،۰۰۰ بشکه (٥۰۷،٥٥۷،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۸۷،۱٦۱،۰۰۰ تن (۷۷،۲٦٤،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۱٤۸،۱۲۹،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۷۸،۲۲۳،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۱٥،٦۳۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٥۱٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۷٥/٤٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤٥/٤٪؛ میزان بیکاری: ۸/۳٪؛ ۲۰۰۰: ٦/۸٪

توزیع نیروی کار (۱۹۹۸): کشاورزی ۳/۷٪؛ صنعت ۲۲/۲٪؛ خدمات ۷۱/۱٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ٦۰،٦۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۳٤/٥٪؛ نیروی دریایی ۱٤/۸٪؛ نیروی هوایی ۲٤/۸٪؛ نامشخص ۲٥/۹٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۲٥۷ دلار

واردات (۱۹۹۷): ۲۷٦،۸٤٦ میلیون دلار کانادا؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٥٤/۸٪ (شامل وسایل نقلیه ۲۱/۹٪)؛ مواد شیمیایی ۷٪؛ غذا ٥/٦٪؛ نفت و تولیدات انرژی ۳/۸٪؛ تولیدات جنگلی ۰/۸٪؛ از امریکا ٦۷/٦٪؛ ژاپن ٤/٦٪؛ مکزیک ۲/٦٪؛ انگلستان ۲/٤٪؛ چین ۲/۳٪؛ آلمان ۲٪؛ فرانسه ۱/۹٪؛ تایوان ۱/۳٪؛ ایتالیا ۱/۱٪؛ کره جنوبی ۱٪

صادرات (۱۹۹۷): ۳۰۱،۱۰۱ میلیون دلار کانادا؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤٥/۸٪ (شامل وسایل نقلیه ۲۳/۳٪)؛ سوخت معدنی ۸/۹٪ (شامل نفت خام ۳/۳٪)؛ غذا ۸/۲٪ (شامل گندم ۱/۷٪)؛ الوار ٥/٦٪؛ کاغذ روزنامه و تولیدات کاغذی ۳/۹٪؛ خمیر چوب ۱/۲٪؛ به امریکا ۸۲/۲٪؛ ژاپن ۳/۸٪؛ انگلستان ۳٪؛ کره جنوبی ۱٪؛ آلمان ۰/۹٪؛ چین ۰/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیارد دلار کانادا	+۱۲/۱	+۱۹/۳	+۳۸/۷	+٤۲/۲	+۲٥/٥	+۱۹/۸	+۳٥/۱
درصد کل	٪۳/٤	٪٤/٥	٪۷/۹	٪۸/۳	٪٤/٥	٪۳/۲	٪٥/۲

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۷/۷	۹۷/۹	۱۰۰	۱۰۱/٦	۱۰۳/۲	۱۰٤/۲	۱۰٦
شاخص درآمد ساعتی	۹۷/۷	۹۸/٦	۱۰۰	۱۰۳/۲	۱۰٤/۱	۱۰٦/۳	۱۰٦/٥

ویژگیهای خانوار (۱۹۹٥): میانگین اندازهٔ خانوار: ۲/٦ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار (۱۹۹٤): ٥٤،۱٥۳ دلار کانادا؛ منابع درآمد (۱۹۹٥): دستمزد و حقوق ٥۷٪؛ پرداخت‌های انتقالی ۲۰/۷٪؛ دارایی و درآمد حاصل از ایجاد کار ۱۳/۷٪؛ سود ۸/٦٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۲): مسکن ۲٤/۷٪؛ غذا ۱٥/٥٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱٥/۳٪؛ کالای بادوام خانگی ۹/۱٪؛ سرگرمی ۸/٤٪

جهانگردی (۱۹۹۷): درآمد: ۸،۷٦۳ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱۱،۲٦۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه (۱۹۹٥): ۱،۰۲۱،۰۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن (۱۹۹٦):** ٦٥،٤۰۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل (۱۹۹٦): ۱۳،۲۱۷،۳۳٦ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس (۱۹۹٦):** ۳،٦٤۳،٦٥۲ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۳): ۱،۰٤۹ فروند — **فرودگاه (۱۹۹۷):** ۲٦۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱۰۷ روزنامه در ٤،۷۱۸،۰۰۰ نسخه (۱٥۸ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱،٤۰۰ عنوان در ۳۷،۱۰۸،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۹،۹۰۰ عنوان

رادیو (۱۹۹۷): ۳۲،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱،۰۷۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون (۱۹۹۷): ۲۱،٤٤۳،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۷۰۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن (۱۹۹۸): ۱۹،۲۰٦،۰۰۰ خط تلفن (٦۳٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه (۱۹۹۸): ٥،۳۲۰،۰۰۰ خط (۱۷٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی (۱۹۹۸): ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت (۱۹۹۸):** ۷،٥۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)، متوسطه، فنی و حرفه‌ای	۱٦،٤٦٥	۲۹٦،۰۲۷	٥،٤٤۰،۳۳٤	۱۸/٤
فوق دیپلم و عالی	۲٦٥	٦٤،۱۰۰	۱،۳۹٤،٤۸۹	۱٤/٤

میزان باسوادی (۱۹۹۸): افراد بالای ۱٥ سال: ۱۰۰٪؛ مردان: ۱۰۰٪؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک (۱۹۹٥): ٥٥،۰۰۰ نفر (هر ٥۳۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): ۱٦۳،۳۹۹ تخت (هر ۱۷۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز (۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٤٤،۰۰۰ نفر (۰/۳۳٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل (۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٦/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری (۱۹۹۷): ۳،۱۱۹ کالری (۱۱۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۹۸ گرم؛ مصرف چربی: ۱۲٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/۱-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن (۱۹۹۷): ۹٥/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤۱۰ میلیون تن؛ هر نفر ۱۳/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۳٥ (اولین کشور جهان)

کانادا یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان از نظر منابع زیرزمینی است. از نظر استخراج و تولید آزبست، نیکل، روی و نقره در مقام اول جهان جای دارد و از نظر اورانیوم دومین کشور تولیدکنندهٔ جهان محسوب می‌گردد. علاوه بر آن سرب، مس، طلا، آهن، نفت و گاز از دیگر منابع مهم آن به شمار می‌آیند.

اقلیم کانادا در نواحی جنوبی و جنوب شرقی معتدل و خشک، در مرکز و جنوب غربی، خشک و سرد و در کناره‌های اقیانوس آرام معتدل و مرطوب و در دیگر نواحی سرد و خشک است.

در کانادا رودخانه‌های فراوانی جریان دارند که عمده‌ترین آنها رود مکنزی(۵۱۲, ۳ کیلومتر)، ساسکاچوان، اتاباسکا، اتاوا، فینلی، جیمز، سنت‌لارنس، کلمبیا، چرچیل، فریزر، نلسون، آلبانی، یوکون و سگنی است. کانادا از نظر شمار دریاچه نیز حائز اهمیت است و دریاچه‌های سوپریور(۴۰۰, ۸۲ کیلومترمربع)، گریت‌اسلیو، اتاباسکا، هورن، وینیپگ، مانیتوبا، گریت‌بیر، اونتاریو، ایری، نیپیگون، ریندیر و اوکلر از بزرگترین و مهمترین آنها به شمار می‌آیند.

کانادا دارای جزایر فراوانی است که از جمله می‌توان به بافین (۴۵۱, ۵۰۷ کیلومترمربع)، نیوفوندلند، السمر، ویکتوریا، بنکس، ملویل، پرنس‌آو ویلز، ونکوور، ساوت‌همپتن، سامرست، پرنس‌پاتریک و گراهام اشاره نمود.

کانادا از نظر صنعتی کشور بسیار پیشرفته‌ای است، نشت و انتشار گازهای سمی کارخانه‌های کانادا و امریکا غالباً به ریزش بارانهای اسیدی و آلایش آب دریاچه‌ها و رودخانه‌های این کشور منجر شده و احداث پروژه‌های برقابی کبک تهدید کنندهٔ حیات وحش و محیط زیست است.

شمار بومیان امریکایی که اقوام اصیل کانادا به شمار می‌روند به حدود ۰۰۰, ۸۵۰ تن می‌رسد که اسکیموهای نژاد اینوئیت نیز جزیی از آنها محسوب می‌گردند. بومیان مزبور که اغلب در نواحی شمالی به سر می‌برند در رده‌های مختلف تمدن از شهرنشینی تا آلونک‌نشینی زندگی می‌کنند و گروهی که بیشتر در نواحی دوردست شمالی زندگی می‌کنند، هنوز مراحل شکار و دامگستری را طی می‌کنند. بومیان مزبور کلاً به شش ردهٔ فرهنگی تقسیم می‌گردند و به ده زبان بومی گفتگو می‌کنند. اروپاییان ساکن کانادا را غالباً مهاجران فرانسوی، انگلیسی و اسکاتلندی تشکیل می‌دهند و همراه با مهاجران سایر کشورهای اروپایی و آسیایی و کاریب‌ها یک جامعهٔ چند فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

انگلیسی و فرانسوی، زبانهای رسمی این کشور است. ۱۳ درصد مردم کانادا با هر دو زبان آشنایی دارند و ۶۷ درصدشان فقط به زبان انگلیسی و ۱۸ درصد فقط به زبان فرانسه گفتگو می‌کنند. علاوه بر زبانهای رسمی مزبور زبانهای دیگری چون ایتالیایی، آلمانی و اوکراینی نیز کمابیش رواج دارد.

تاریخچه

نخستین ساکنان کانادا، اینوئیت‌ها و دیگر اقوامی هستند که از شرق آسیا و از طریق تنگهٔ برینگ به این سرزمین وارد شده‌اند. بین سده‌های هفدهم تا نوزدهم میلادی، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها سرزمین کانادا را مستعمرهٔ خود ساختند و تا سال ۱۷۶۳ نواحی مختلف آن چند بار میان آنان دست به دست گشت. کنفرانس صلح پاریس در این سال به جنگ‌های دنباله‌دار و طولانی میان انگلیس و فرانسه در کانادا پایان داد و کانادا به انگلستان واگذار گردید. قانون «امریکای شمالی بریتانیا» که به منزله قانون اساسی دومینیون کانادای مستقل بود و در اول ژوئیه ۱۸۶۷ به تصویب پارلمان انگلستان رسید، کانادا را به پذیرفتن قانون اساسی مشابه انگلستان ملزم کرد و فرمانداری کل کانادا را به نمایندگی و پیروی از شاه انگلستان ملزم نمود. تا سال ۱۹۴۹ به تدریج کلیهٔ مناطق کانادای امروزی به کشور مزبور که به صورت کنفدراسیون اداره می‌شود، پیوستند. با پایان یافتن سدهٔ نوزدهم کانادا رفته رفته رو به توسعه نهاد و با کشف و استخراج معادن و گسترش کشتزارها به یکی از کشورهای صنعتی جهان مبدل گردید و در جنگهای جهانی اول و دوم از متفقین پشتیبانی کرد.

مکنزی کینگ در نوامبر سال ۱۹۴۸ از سمت نخست‌وزیری کانادا استعفاء داد و رهبر حزب لیبرال بر سر کار آمد. در سال ۱۹۵۷ جان دیفن بیکر رهبر حزب محافظه‌کار به نخست‌وزیری رسید. از جمله مسائلی که کانادا بعد از سال ۱۹۶۰ با آن سر و کار داشته است، استقلال‌طلبی استان اصلی فرانسه زبان کشور یعنی کبک است که هنوز هم ادامه دارد و به نتیجه نرسیده است. در سال ۱۹۶۲ که اختلاف میان کوبا و امریکا بالا گرفت، دولت کانادا از قبول همکاری با امریکا و اجازهٔ استقرار سلاح‌های آن کشور در خاک خود مخالفت کرد. در انتخابات سال ۱۹۶۳ حزب لیبرال برندهٔ اکثریت گردید و رهبر آن به نام لستر پیرسون به نخست‌وزیری رسید. در سال ۱۹۶۷ ژنرال دوگل رئیس جمهور فرانسه به کانادا سفر کرد و از ایجاد کبک آزاد که ساکنان آن فرانسوی‌الاصل هستند، جانبداری کرد و موجبات تیرگی روابط کانادا و فرانسه را فراهم ساخت. در ۱۹۶۸ پیر الیوت ترودو به نخست‌وزیری رسید. وی برای حفظ وحدت کانادا تلاش بسیار کرد و زبانهای انگلیسی و فرانسه را بطور یکسان و به عنوان زبانهای رسمی کانادا مورد پذیرش قرار داد. پیر ترودو در انتخابات سال ۱۹۷۴ نیز مجدداً به نخست‌وزیری منصوب گردید و تا سال ۱۹۷۹ به مدت ۱۱ سال بر کانادا حکومت کرد. در آن سال حزب محافظه‌کار به رهبری جو کلارک زمام امور کشور را به دست گرفت و با تجدید انتخابات در سال ۱۹۸۰ پیر ترودو مجدداً به قدرت رسید و در آوریل ۱۹۸۲ کانادا دارای قانون اساسی مستقلی گردید و از نظر قانونی از انگلستان جدا شد و در همان سال برایان مالرونی، رهبر حزب محافظه‌کار، ترودو را در انتخابات شکست داد و خود به نخست‌وزیری رسید.

مالرونی روابط کانادا و امریکا را که رو به تیرگی نهاده بود، بهبود بخشید و در سال ۱۹۸۵ قرارداد بازرگانی آزاد را با کشور مزبور امضاء نمود و قرار شد از ژانویهٔ ۱۹۸۹ به مورد اجرا گذارده شود. در انتخابات سال ۱۹۸۹ مالرونی مجدداً حائز اکثریت گردید و سیاست وی مورد تأیید مردم قرار گرفت. در ۱۹۹۱ دومین مرحلهٔ احداث تأسیسات برقابی کبک به بهره‌برداری رسید و میزان تولید نیروی الکتریسیتهٔ کشور را به حدّی بالا برد که کانادا را به صدور برق به امریکا قادر ساخت. در اوت ۱۹۹۲ کشورهای کانادا و امریکا و مکزیک قرارداد تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) را امضاء کردند. در فوریه ۱۹۹۳ برایان مالرونی به برکناری از دولت و رهبری حزب محافظه‌کار تصمیم گرفت و اجرای آن را به انتخابات بعد موکول نمود. در ژوئن ۱۹۹۳ پارلمان کانادا قرارداد نفتا را تصویب کرد و در انتخابات اکتبر ۱۹۹۳ حزب لیبرال مجدداً از اکثریت برخوردار شد و ژان کرتین در نوامبر ۱۹۹۳ به مقام نخست‌وزیری دست یافت. در سال ۱۹۹۴ مسئلهٔ جدایی کبک از کانادا مجدداً مطرح شد و دولت کانادا را وادار کرد تا برای آرام کردن احساسات ملی استان کبک دست به کار شود. مسئلهٔ جدایی استان فرانسه زبان کبک در اکتبر ۱۹۹۵ به همه‌پرسی گذارده شد و با جواب نه روبرو گردید. در ژوئن ۱۹۹۷ حزب لیبرال در پارلمان کانادا حائز اکثریت گردید و موقعیت ژان کرتین نخست‌وزیر را تثبیت کرد.

بررسی‌های بنیاد دیوید سوزوکی در سال ۱۹۹۹ نشان داد که مردم کانادا از بیشترین میزان مصرف سرانه نفت و گاز برخوردارند و سالانه ۰۰۰, ۱۶ نفر در اثر آلودگی هوا در این کشور می‌میرند. در این تحقیق همچنین مشخص شده که سرانهٔ تولید گازهای گلخانه‌ای در این کشور، در بالاترین سطوح قرار دارد. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۰، حزب لیبرال تعداد کرسی‌هایش را افزایش داد و از موقعیت محکم‌تری در مجلس عوام برخوردار گردید. وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ امریکا تأثیر عمیقی نیز بر کانادا گذاشت و دولت این کشور بودجهٔ امنیتی آن را در باقیماندهٔ سال ۷/۷ میلیارد دلار افزایش داد. نشست سران گروه ۸ (هشت کشور صنعتی جهان) در سال ۲۰۰۲ در کانادا به لحاظ رعایت مسائل امنیتی و جلوگیری از تظاهرات مخالفان جهانی سازی در یک منطقه تفریحی دوردست در ۱۰۰ کیلومتری غرب کالگاری برگزار شد.

کروآسی CROATIA

کشوری واقع در اروپای جنوبی، شمال غربی شبه جزیرهٔ بالکان، و ساحل شمال خاوری دریای آدریاتیک که از شمال به اسلوونی و مجارستان، از خاور به یوگسلاوی، از جنوب و خاور به بوسنی و هرزگوین و از جنوب و غرب به سواحل دالماسی در دریای آدریاتیک محدود است. در حقیقت ناحیه دالماسی به عنوان حائلی میان بوسنی و هرزگوین و دریای آدریاتیک واقع شده و به جز قسمت بسیار کوچکی، مانع از دسترسی آن کشور به دریای آدریاتیک می‌شود.

سرزمین کروآسی از سه منطقهٔ جغرافیایی به شرح زیر تشکیل یافته است:

۱- منطقهٔ تپّه‌ماهور شمالی و پیرامون زاگرب.

۲- منطقهٔ کوهستانی ساحل آدریاتیک که به آلپ‌های دیناریک با حداکثر ارتفاع ۱۹۱۳ متر (کوه تروگلاو) موسوم است.

۳- حوضهٔ پانونیا که تحت تأثیر اقلیم قاره‌ای قرار دارد و در مقایسه با کوهستانهای ساحلی سردتر و کم‌باران‌تر است.

اقلیم ساحل دالماسی مدیترانه‌ای است و میانگین دمای زمستانی آن ۴ درجهٔ سانتیگراد و میانگین دمای تابستانی آن ۲۴ درجهٔ سانتیگراد است.

رودخانه‌های دراوا، کوپا و ساوا مهمترین رودخانه‌های کروآسی محسوب می‌شود و رود دانوب نیز از مرز این کشور با یوگسلاوی عبور می‌کند. کشاورزی و دامداری منبع سنتی درآمد آن به شمار می‌رود. کروآسی جزایر زیادی در دریای آدریاتیک دارد که عمده‌ترین آنها عبارتند



نام رسمی: جمهوری کروآسی

نام محلی: هرواتسکا Hrvatska

اسامی دیگر: -

پایتخت: زاگرب (۷۷۷،۸۲۶ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۶/۲۵، از یوگسلاوی

روز ملی: سی‌ام ماه مه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: استیپان مسیچ(از حزب مردم)، از سال ۲۰۰۰

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ایویتسا راچان(حزب سوسیال دموکرات)، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۰ باتغییراتی در سال ۱۹۹۹؛ پارلمان (سابور) متشکل از مجلس نمایندگان با ۱۵۲ عضو و مجلس ولایات با ۶۸ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۰): ائتلاف انتخاباتی حزب سوسیال لیبرال و حزب سوسیال دموکرات ۷۱ کرسی ، اتحاد دموکراتیک ٤٦ کرسی، ائتلاف مرکز (شامل حزب مردم و ۳ حزب دیگر) ۲٤ کرسی، ائتلاف راست ٥ کرسی، اقلیت‌ها ٥ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آی-آدب، شورای اروپا، اوسه

جمعیت

مساحت: ٥٦،٦۱۰ کیلومترمربع (صد و بیست و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ٤،٥۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و چهاردهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۷۹/٥ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪-۰/۱

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٤/۲ میلیون نفر **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٥٦/۹٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۰/۹٪

توزیع سنی(۱۹۹٥): زیر ۱٥ سال ۱۸/۹٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۰/٥٪؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۱/٥٪؛ بالای ٦۰ سال ۱۹/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹٥): مرد ٤۸/۳٤٪؛ زن ٥۱/٦٦٪ **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۷/۱ سال؛ مردان ٦۹/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۷): ۱۲/۱ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ۱۱/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۷): ۸/۲ نفر **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ۰/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٦): بیماریهای دستگاه گردش خون ٥٤۷/٤ نفر؛ سرطان ۲۲۷/۲ نفر؛ حوادث، درگیری و مسمومیت ۷۰/۷ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ٥۲/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٤۱/٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۹ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۲ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ٥/۳ مورد **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۰/۸ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۱): کروآت ۷۸/۱٪؛ صرب ۱۲/۱٪؛ بوسنیایی ۰/۹٪؛ مجار ۰/٥٪؛ اسلوونیایی ۰/٥٪؛ بقیه ۷/۹٪

دین(۱۹۹۷): کاتولیک ۷۲/۱٪؛ ارتدوکس شرقی ۱٤/۱٪؛ مسلمان ۱/۳٪؛ بقیه ۱۲/٥٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: کروآتی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۱): اسپلیت۲۰۰،٤٥۹ نفر؛ریکا۱٦۷،۹٦٤نفر؛اوسییک۱۲۹،۷۹۲نفر؛زادار۷٦،۳٤۳ نفر؛ پولا٦۲،۳۷۸ نفر؛ کارلوواتس ٥۹،۹۹۹ نفر

بنادر مهم: ریکا، اسپلیت، دوبروونیک (دریای آدریاتیک)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کونا (HrK)= ۱۰۰ لیپا؛ یک دلار= ۸/٦۲ کونا؛ یک کونا = ۹۲۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ٦۷،۹۰۷ میلیون کونا؛ مالیات فروش ۳٤/۱٪؛ حق بیمه تأمین اجتماعی ۳۲/۲٪؛ مالیات بر مصرف ۹/٥٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۷۰،۳۸٥ میلیون کونا؛ تأمین و رفاه اجتماعی ۳۷/۸٪؛ بهداشت ۱٤٪؛ دفاع ۷/۷٪؛ آموزش ۷/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۰،۷۸٦ میلیون دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤،٦۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪-۲/۲

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۸/۹٪؛ صنعت ۳۲/٤٪؛ خدمات ٥۸/۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۸۷۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٥ میلیارد دلار **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱٤/۲٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۳۱/۲٪؛ ۱۹۹۸: ۹٪؛ ۲۰۰۰: ٦/۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): ذرت ۲،۱۳٥،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۱،۱۱٤،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۷۲۹،۰۰۰ تن؛ گندم ٥٥۸،۰۰۰ تن؛ انگور ۳۹٤،۰۰۰ تن؛ جو ۱۲٥،۰۰۰ تن؛ دانهٔ سویا ۱۱٦،۰۰۰ تن؛دانهٔ آفتابگردان ۷۲،٤۰۰ تن؛ آلو ۳۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۲۱/٦٪؛ مرتع ۱۹/۳٪؛ جنگل ۳۷/۱٪؛ سایر موارد ۲۲٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۱،۳٦۲،۰۰۰ رأس، گوسفند ٤۸۹،۰۰۰ رأس، گاو ٤۳۹،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳،۳۹۸،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۹،۸۸٥ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۰،۸۷۱،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۹،۰۸٥ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): گچ ۱۰۰،۰۰۰ تن؛ آهنکروم ۱٥،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون دلار): مواد غذایی ۸۹٥؛ تجهیزات حمل و نقل ٤۲٥؛ ماشین‌آلات برقی ۳٦۲؛ منسوجات ۲۸٥؛ پوشاک ۲٦۰

انرژی/ میزان تولید۱۹۹۸(میزان مصرف۱۹۹٦): برق: ۱۰،۳٥٦،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۲،۸۷۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ٤۸،۰۰۰ تن (۱۱۷،۰۰۰)؛ نفت خام: ۸،٥۳۲،۰۰۰ بشکه (۳۸،۲٤۸،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ٤،٥۰۰،۰۰۰ تن (۳،۳۹۳،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۱،٥٦٦،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۲،٥۸٤،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۱): ۲،۰٤۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۲/٦٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٦۱/۱٪؛ زنان (درسنین ۱٥ تا ٦٤): ٤۲/۸٪؛ میزان بیکاری: ۱۱/۲٪؛ ۲۰۰۰: ۲۱٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۱٦/۷٪؛ صنعت ۲۹/۸٪؛ خدمات ٥۳/٥٪

نیروی دفاعی: (مدت نظام‌وظیفه: ٦ ماه)؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٦۱،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸٦/۹٪؛ نیروی دریایی ٤/۹٪؛ نیروی هوایی و دفاع هوایی ۸/۲٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ؟

واردات(۱۹۹۸): ۸،۳۸۳ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳٥/۲٪؛ مواد شیمیایی ۱۱/۷٪؛ غذا و دام زنده ۸/۱٪؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ۷/۱٪؛ از آلمان ۱۹/۲٪؛ ایتالیا ۱۷/۹٪؛ اسلوونی ۸/٦٪؛ اتریش ۷/۳٪؛ فرانسه ٤/۸٪

صادرات(۱۹۹۸): ٤،٥٤۱ میلیون دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۰/٤٪؛ پوشاک ۱۲/۲٪؛ مواد شیمیایی ۱۲/۷٪؛ غذا ۸/٤٪؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ٥/۸٪؛ به ایتالیا ۱۷/۷٪؛ آلمان ۱٦/۹٪؛ بوسنی و هرزگوین ۱٤/٤٪؛ اسلوونی ۹/٥٪؛ اتریش ٥/٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۷٤۲	-۱،۱۷۲	-۳،۲٦۸	-۳،٦۹۰	-٥،۲۲٤	-۳،۸٤۲
درصد کل	٪۸/۷	٪۱۱/۳	٪۲٦/۱	٪۲۸/۹	٪۳۸/۳	٪۲۹/۷

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦/۲	۱۰۰	۱۰٤/۳	۱۰۸/٦	۱۱٥/٦	۱۱۹/۹	۱۲۳/۷
شاخص درآمد سالانه	٦۹	۱۰۰	۱۱۲	۱۳۱	۱٤۷	۱٦۸	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۳/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹۰): ۱٤،٦٥۰ دلار؛ منابع (۱۹۹۰): کار آزاد ٤۰/۸٪؛ دستمزد ٤۰/۲٪؛ انتقالی‌ها ۱۲/۱٪؛ سایر موارد ٦/۹٪؛ هزینه‌ها (۱۹۸۸): غذا ۳٤/۲٪؛ حمل و نقل ۹/۳٪؛ پوشاک ۸/٦٪؛ مسکن ۸/۳٪؛ سوخت ۷/٦٪؛ نوشیدنی و دخانیات ٥/۱٪؛ کالاهای با دوام ٤/٥٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ٤/۳٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲،۷۳۳ میلیون دلار؛ تعداد جهانگردان: ٤،۱۰۰،۰۰۰ نفر

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۲۷،۸٤۰ کیلومتر **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲،۷۲٦ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۹۳۲،۲۷۸ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۱۱٤،٥۰٥ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱٥٥ فروند **فرودگاه(۱۹۹۷):** ٤ فرودگاه

روزنامه: ۱۰ روزنامه در ٥۱٥،۰۰۰ نسخه (۱۱٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳٥۲ عنوان در ٦،۳٥۷،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱،۷۱۸ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۱،٥۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۲٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱،۲۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲٦۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،٥٥۸،۰۰۰ خط تلفن (۳٦٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۸۲،٥۰۰ خط (٤۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٥۰۰،۰۰۰ دستگاه **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۲،۱۲۷	۲٦،۱۹۹	٤۲۳،۱٦٥	۱٦/۲
متوسطه	٥۷۷	۱٦،۹٤۲	۱۹۹،۸٦۳	۱۱/۸
فنی و حرفه‌ای	۲	۷۲	۸٤۸	۱۱/۸
عالی	٦۷	٦،۱۸۱	۸۹،۱۷۳	۱٤/٤

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۸/۳٪؛ مردان: ۹۹/٤٪؛ زنان: ۹۷/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ٤٤/٦٪؛ متوسطه ۳٦٪؛ فوق دیپلم و عالی ۹/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۹،۳۱٥ نفر (هر ٥۰۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۲۷،٤۷۲ تخت (هر ۱۷۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ؟ ؛ (۰/۰۱٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٤٥/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٤٤٥ کالری(۹٦٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ٦۳ گرم؛ مصرف چربی: ٦۹ گرم

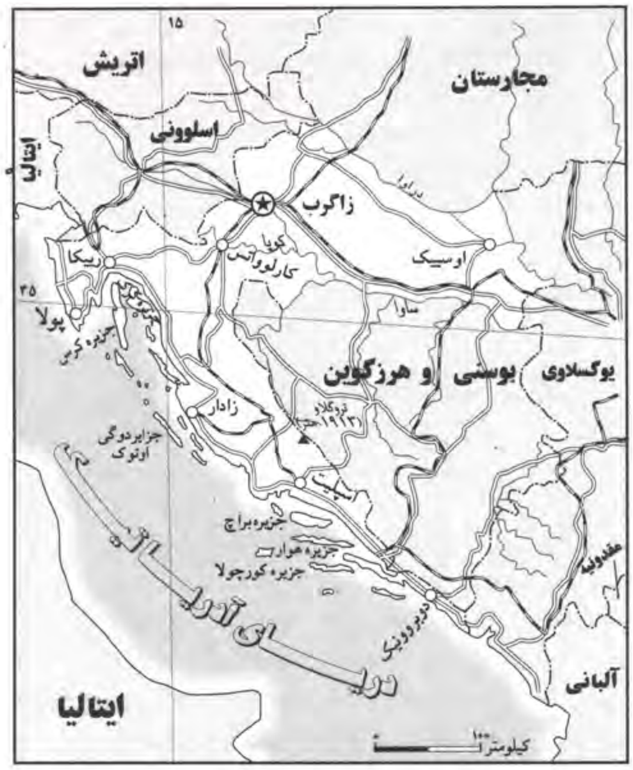
محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۲/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۷/٦ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۹٥ (چهل و نهمین کشور جهان)



از: کرس (۴۰۹ کیلومترمربع)، کرک، براچ، کورچولا و هوار. بعد از جنگ جهانی دوم از نظر صنایع پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته و کشف منابع نفت وضع اقتصادی آن را دگرگون کرده است و جنگهای داخلی، طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵، به محیط زیست آن صدمات فراوانی رسانده است.

تاریخچه

کروآتها در سدهٔ ششم میلادی از منطقه‌ای به نام کروآت سفید که اکنون به اوکراین تعلق دارد به این سرزمین مهاجرت کردند و در استانهای رومی پانونیا و دالماسی سکونت گزیدند. کروآتها کشاورز بودند و سنت‌های خود را حفظ می‌کردند و جامعهٔ آنان زیر نظر یک کدخدا اداره می‌شد. در سدهٔ هفتم میلادی به آیین مسیحیت گرویدند و به پیروی از کلیسای کاتولیک رم درآمدند. در سدهٔ هشتم میلادی کروآتها به دو واحد بزرگ اجتماعی یعنی دوک‌نشین‌های پانونیا و دالماسی مبدل شدند. در ۸۱۲ میلادی زمانی که بیزانس به امپراتوری فرانک‌ها منضم شد، دوک‌نشین‌های مزبور آزادی خود را اعلام داشتند و با اتحاد با هم کشور پادشاهی کروآسی را در اواخر سدهٔ نهم میلادی تأسیس نمودند. تومیسلاو شاه کروآسی و جانشینانش در جهت بقاء و پایداری کروآسی تلاش فراوان کردند و با امپراتوری بلغار و توسعه‌طلبی ونیز مقابله کردند و بعدها با امپراتوری بیزانس علیه نفوذ و گسترش دولت ونیز هم‌پیمان شدند.
پتر کرسیمیر (۱۰۵۸ تا ۱۰۷۴) روابط خود را با بیزانس قطع کرد و با پاپ روابط دوستانه و نزدیکی برقرار نمود و دولت پادشاهی کروآسی را به اوج عظمت و اقتدار خود رسانید. زمانی که پاپ از دولت کروآسی خواست تا در جنگهای صلیبی و علیه ترکان سلجوقی وارد جنگ شود، در داخل کشور اختلاف افتاد و دیمیتری زوونیمیر پادشاه کروآسی در ۱۰۸۹ به قتل رسید و با آغاز جنگ‌های داخلی دوران سقوط و نزول دولت پادشاهی کروآسی آغاز گردید.
دولت بیزانس دالماسی را تصرف کرد و دولت مجارستان هم در سال ۱۰۹۱ پانونیا را به تصرف خود درآورد و شهر زاگرب به اسقف‌نشین منطقه مبدل گردید و کلیسای آن از قدرت قابل توجهی برخوردار شد و پروندهٔ خاندان سلطنتی کروآسی در سال ۱۰۹۷ بسته شد و کروآسی به مدت ۸ قرن به جزیی از امپراتوری مجارستان مبدل گردید. در سدهٔ چهاردهم میلادی دالماسی ضمیمهٔ ونیز شد و مدت ۴۰۰ سال به همین وضع باقی ماند. زمانی که مجارستان در سال ۱۵۲۶ به تصرف دولت عثمانی درآمد، کروآسی نیز به یکی از متصرفات عثمانی مبدل گردید و مهاجرت کروآتها به سوی شمال و اتریش آغاز گردید. هنگامی که ترکهای عثمانی در سدهٔ هفدهم شروع به عقب‌نشینی از منطقه کردند، ارتش اتریش کروآسی را تصرف نمود و به یکی از استان‌های خود مبدل کرد.
با انقلاب کبیر فرانسه و روی کار آمدن ناپلئون بناپارت کروآسی ضمیمهٔ امپراتوری فرانسه شد و احساسات ناسیونالیستی در کروآسی اوج گرفت. با سقوط ناپلئون اختلافات کروآسی و مجارستان عمیق‌تر شد و در آوریل ۱۸۴۸ پارلمان کروآسی جدایی آن کشور را از مجارستان تصویب کرد. پارلمان کروآسی در سال ۱۸۶۵ منحل شد و سرزمین کروآسی به یکی از مناطق تحت نفوذ امپراتوری اتریش - مجارستان درآمد. رهبران سیاسی کروآسی و صربستان و اسلوونی در سال ۱۹۱۵ دست به تشکیل کمیته اسلاوهای جنوبی یا یوگسلاوی زدند تا با اتحاد با صربستان مستقل کشور جدیدی را ایجاد نمایند. با شکست امپراتوری اتریش - مجارستان در پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ دولت پادشاهی یوگسلاوی تأسیس گردید. با شروع جنگ جهانی دوم یوگسلاوی گرفتار اختلافات درونی شد و درسال ۱۹۴۱ به آسانی به تصرف ارتش هیتلر درآمد و به یکی از بازداشتگاههای آلمان نازی برای نگهداری صرب‌ها، یهودی‌ها، کولی‌ها و کروآتهای مخالف آلمان مبدل شد. در مه ۱۹۴۵ مبارزان ضد نازی شهر زاگرب را تصرف کردند و در پایان همان سال، کروآسی به یکی از جمهوری‌های تشکیل‌دهندهٔ جمهوری فدرال یوگسلاوی تبدیل شد.
در دوران اتحاد در درون یوگسلاوی، علیرغم حاکمیت رژیم کمونیستی، مردم کروآسی گرایش‌های ناسیونالیستی خود را حفظ کردند و در این جهت حتی تبعیضاتی نسبت به اقلیت‌های قومی آن اعمال می‌شد. در سال ۱۹۷۲، به دنبال تسویه‌ای وسیع در اتحادیه کمونیست‌ها، یکی از مهمترین مراکز فرهنگی کروآت‌ها به تعطیلی کشیده شد. با درگذشت تیتو، رهبر و بنیانگذار جمهوری فدرال یوگسلاوی، در سال ۱۹۸۰، اختلافات زیادی در درون جمهوری‌های شش گانه بروز کرد و رفته رفته گرایشات ناسیونالیستی در میان جمهوری‌ها پررنگ‌تر شد. در اواخر دههٔ ۱۹۸۰ سیستم تک‌حزبی ملغی شد و تنها به نقش اصلی و مهم حزب کمونیست در ادارهٔ امور کشور اشاره شد.
در آوریل ۱۹۹۰ نخستین انتخابات چند حزبی پس از جنگ جهانی دوم در جمهوری‌های مختلف یوگسلاوی برگزار شد و ژنرال فرانیو توجمان، رهبر اتحاد دموکراتیک کروآسی، به ریاست جمهوری کروآسی انتخاب گردید و در همان سال قانون اساسی کروآسی تدوین گردید و جدایی کروآسی از جمهوری فدرال یوگسلاوی به تصویب مجلس رسید. در ژوئن ۱۹۹۱ کروآسی استقلال خود را اعلام داشت و به دنبال آن کشور اسلوونی نیز استقلال خود را اعلام نمود و حمایت امریکا و جامعهٔ اروپا به تحکیم موقعیت آنها کمک کرد. اعلام جدایی کروآسی و اسلوونی از فدراسیون یوگسلاوی جنگ خونینی را میان طرفین به همراه آورد. در دسامبر ۱۹۹۱ استقلال کروآسی از سوی آلمان به رسمیت شناخته شد. در ژانویهٔ ۱۹۹۲ صلح میان کروآسی و صرب‌ها با وساطت جامعهٔ اروپا برقرار گردید و قرار شد ۱۵,۰۰۰ سرباز حافظ صلح از سوی سازمان ملل متحد در منطقهٔ مورد مخاصمه مستقر گردد.
در مه ۱۹۹۲ کروآسی به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد و در انتخابات ماه اوت همان سال توجمان مجدداً به ریاست جمهوری رسید. در اواخر سال ۱۹۹۳ قرارداد آتش‌بس و مبادلهٔ اسرای جنگی میان توجمان و عزت بگوویچ رئیس جمهور بوسنی و هرزگوین به امضاء رسید و در ژانویهٔ ۱۹۹۴ قرارداد مشابهی با صربستان امضاء شد و راه ترانزیتی زاگرب به بلگراد مجدداً دایر گردید و سفارتخانه‌های کشورهای مزبور در زاگرب و بلگراد افتتاح شد و همزمان کونا بعنوان واحد پول کروآسی رسمیت یافت. در دهم و یازدهم سپتامبر ۱۹۹۴ پاپ جان پل دوم از کروآسی دیدن کرد. در ۱۳ آوریل ۱۹۹۵ نیروهای صرب فرودگاه دوبروونیک را بمباران کردند و راه زاگرب - بلگراد را دوباره مسدود نمودند. در اوایل اوت ۱۹۹۵ کروآسی منطقهٔ کراینا را تصرف کرد و بزرگترین ضربه را پس از فروپاشی یوگسلاوی به صرب‌ها وارد کرد و ۲۵۰,۰۰۰ نفر دیگر به آوارگان صرب افزود و شمار آنان را به حدود ۷۰۰,۰۰۰ نفر رسانید.
در اکتبر ۱۹۹۶ نمایندگان کروآسی و صرب‌ها باهم به گفتگو پرداختند و قرارداد آتش‌بس میان آنان به امضاء رسید. در ۲۹ اکتبر همان سال توجمان مجدداً برنده انتخابات شد.
دیدار رؤسای جمهور کروآسی و صربستان و بوسنی و هرزگوین در پایگاه هوایی دیتون کشور امریکا سرانجام به امضاء قرارداد صلح و آشتی منجر شد و به جنگ میان کشورهای مزبور پایان داد. توجمان در انتخابات سال ۱۹۹۷ مجدداً به ریاست جمهوری کروآسی برگزیده شد، ولی در دسامبر ۱۹۹۹ قبل از پایان آخرین دور ریاست جمهوری خود، درگذشت. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰، استیان مسیچ از حزب مردم و با ائتلاف احزاب چپ میانه به پیروزی دست یافت. وی اقدامات گسترده‌ای را برای عضویت کروآسی در اتحادیه اروپا آغاز کرد. در سال ۲۰۰۱، کروآسی اولین کشور اروپای شرقی بود که به پیمان دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی پیوست. تصمیم دولت برای تحویل دو تن از فرماندهان نظامی به دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی در یوگسلاوی سابق، با مخالفت‌های گسترده‌ای در میان احزاب ائتلافی و مخالف روبرو شد. بیشتر مخالفان معتقد بودند که این افسران جزء قهرمانان ملی به شمار می‌روند.

کره KOREA

در حال حاضر شبه جزیره کره به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده و هر واحد سیاسی فوق به طور کاملاً مجزا و با دو سیستم حکومتی کاملاً متفاوت اداره می‌شود. به لحاظ پیشینه تاریخی مشترک دو کشور ابتدا متن حاضر که در مورد کلیت این شبه جزیره است، آورده می‌شود و درپی آن توضیحات هر یک از دو کره به طور جداگانه ذکر می‌گردد.

شبه جزیره‌ای است به مساحت حدود ۲۲۰،۰۰۰ کیلومترمربع، واقع در خاور آسیا، میان دریای ژاپن در خاور و دریای زرد در غرب. این شبه جزیره که به وسیلهٔ تنگهٔ کره از ژاپن جدا می‌شود به دو کشور کرهٔ شمالی و کرهٔ جنوبی تقسیم می‌گردد. کرهٔ شمالی که بخش شمالی این شبه جزیره را به خود اختصاص داده سرزمینی است کوهستانی که ارتفاعات پوشیده از جنگل آن، نواحی مرکزی و خاوری را زیر پوشش قرار داده است. دشتها و جلگه‌های آن که عمدتاً در کرانه‌های غربی جای دارند به کشت برنج، ذرت و جو و پنبه اختصاص یافته است و رودخانه‌های تومن، لیائو، چونگچون، تائه‌دونگ و یسونگ عمده‌ترین رودهای آن محسوب می‌شود و وفور منابعی چون زغال سنگ، آهن، روی، مس، سرب و منگنز از ویژگیهای آن است.

بخش جنوبی این شبه جزیره به کشور کرهٔ جنوبی اختصاص دارد. اراضی این قسمت در مقایسه با کرهٔ شمالی هموارتر است و جز رشته کوههای تائباک که در خاور و شمال خاوری آن جای دارند، بقیهٔ اراضی را دشتهای حاصلخیزی که عمدتاً برای کشت برنج به کار می‌روند فرا گرفته است. رودخانه‌های سومجین، کوم، هان، پوکهان و ناکتونگ از مهمترین رودهای آن به شمار می‌رود. جنگلهای آن نسبتاً وسیع است و جزایر فراوانی دارد.

اقلیم این سرزمین در نیمهٔ شمالی معتدل و در قسمتهای مرکزی و جنوبی گرم و مرطوب و پر باران است.

تاریخچه

سرزمین کره میان چین و ژاپن قرار دارد و این موقعیت در شکل‌گیری خصوصیات ملی و تاریخی آن تأثیر بسزایی داشته است. غالباً در تصرف چین و مغولستان و ژاپن بوده و نخستین بار به وسیلهٔ قوم تونگوز مسکون گردیده است. بین سدهٔ دهم تا هشتم پیش از میلاد دولتهای محلی چندی در آن وجود داشته‌اند که معروف‌ترین و عمده‌ترین آنها دولت چوسون بوده که در حوضهٔ رودخانهٔ تائه‌دونگ جای داشته است. در سدهٔ چهارم میلادی دولت مزبور قدرتی بهم رسانید و اراضی حوضهٔ لیائو را نیز ضمیمهٔ خاک خود کرد. آنان سلاح‌های آهنین به کار می‌بردند و از اسب برای کشیدن ارابه‌های جنگی استفاده می‌کردند.

در سال ۱۰۸ میلادی چینی‌ها دولت چوسون را مغلوب کردند و به جای آن چهار مستعمره چینی مستقر نمودند. همزمان با دولت چوسون، دولتهای دیگری مانند پویو در نواحی منچوری و در حوضهٔ رود سونگاری، و چین در جنوب و حوضهٔ رود هان تشکیل شد که دولت چین بعدها به دولتهای کوچکتری چون ماهان، چینهان و پیونهان تقسیم گردید. در سدهٔ اول میلادی دولتهای مزبور توسعه یافتند و تقریباً بر سرتاسر کرهٔ شمالی امروزی مسلط گردیدند.

اتحادیه‌های مختلفی از گروه‌های قومی کره در قرن اول پیش از میلاد شکل گرفت و سه پادشاهی رقیب کوگوریو، پائکچه و سیلا به وجود آمد. سلسلهٔ کوگوریو که تقریباً نواحی کرهٔ شمالی امروزی را در تصرف داشت، توسط چومونگ در سال ۳۷ پیش از میلاد تأسیس شد. پادشاهی پائکچه در سال ۱۹ قبل از میلاد توسط اونوجو، و سلسلهٔ پادشاهی سیلا در سال ۵۷ قبل از میلاد توسط پاک هیوکوسه پایه گذاری شد. این سه پادشاهی رفته رفته قدرتمند شدند و از سازماندهی پیشرفته‌ای در امور کشور برخوردار شدند. با حمایت پادشاهان چینی تانگ، خاندان سیلا توانست در سال ۶۶۰، پادشاهی پائکچه و در سال ۶۶۸، خاندان کوگوریو را مقهور نماید. بازماندگان خاندان کوگوریو به سمت شمال کوچیدند و در آنجا به رهبری ژنرال چویانگ، سلسلهٔ پرهائه را تأسیس نمودند. بدین ترتیب شبه جزیره کره صاحب دو حکومت شد که هر دو نیز خراجگذار دولت چین محسوب می‌شدند. خاندان سیلا با تضعیف قدرت اشراف، حکومتی مطلقه و مقتدر تشکیل دادند و پایه‌های ایدئولوژیک خود را نیز از بودائیسم چینی که با فرهنگ خاص کره تطبیق داده شده بود، اخذ نمودند.

مقارن اواخر قرن هشتم میلادی با اوج‌گیری خیزش‌های کشاورزان و روستائیان از طرفی و قدرت یافتن اشراف از سوی دیگر، قدرت خاندان سیلا رو به افول گذاشت و دو قدرت جدید دیگر در کره ظاهر شدند. در سال ۹۱۸ وانگ کونگ شهر سونگاک (کائه‌سونگ امروزی در کرهٔ شمالی) را پایه گذاری کرد و در سال ۹۳۶ مجدداً تمام شبه جزیره را تحت لوای واحد درآورد. وی که خود را جانشین شروع سلسلهٔ کوگوریو می‌دانست، سلسلهٔ کوگوریو را به وجود آورد.

در سال ۱۱۷۰ ژنرال چوئه چونگهون کودتا کرد و در پناه خاندان سلطنتی کوگوریو یک رژیم نظامی در کشور برقرار نمود که از ۱۱۹۷ تا ۱۲۵۸ میلادی به درازا کشید و در سده سیزدهم میلادی دولت پادشاهی کره گرفتار حملات مغولان گردید. در سال ۱۳۹۲ یکی از استادان مذهب کنفوسیوس به نام یی سونگ گیه قدرت را در دست گرفت و سلسله سلطنتی چوسون (یی) را تأسیس نمود که تا سال ۱۹۱۰ دوام آورد. در سال ۱۳۹۴ شهر سئول ساخته شد و به پایتختی کشور انتخاب گردید و آیین کنفوسیوس جایگزین آیین بودایی گردید.

در سال ۱۵۹۷ یکی از فرماندهان نظامی ژاپن به نام تویوتومی، هیدیوشی به شوهون حمله کرد. این عمل به اتحاد و یگانگی اقوام مختلف کره‌ای و نبرد با نیروهای مهاجم منجر گردید و

در سال ۱۵۹۷ یکی از فرماندهان نظامی ژاپن به نام تویوتومی، هیدیوشی به شوهون حمله کرد. این عمل به اتحاد و یگانگی اقوام مختلف کره‌ای و نبرد با نیروهای مهاجم منجر گردید و
پشتیبانی چین از نیروهای ملی، نیروهای مهاجم را با تلفات سنگین و ویرانگری بسیار از کشور اخراج نمود. طی این عملیات کاخ‌های بسیار، ساختمانها و مجامع عمومی و حتی خانه‌ها به آتش کشیده شد و سرتاسر شوهون به ویرانه مبدل گردید. شمار زیادی از خزائن ملی به غارت برده شد و گروه عظیمی از هنرمندان و صاحبان حرفه به ژاپن برده شدند. در آغاز سدهٔ هفدهم چادرنشینان و اقوام صحرایی منچوری به شوهون حمله‌ور شدند، نواحی شمالی کره را تصرف کردند و بر شهر سئول نیز استیلا یافتند. در سال ۱۶۴۰ منچوری‌ها خاندان سلطنتی مینگ در چین را برانداختند و خاندان سلطنتی چینگ را جایگزین آن نمودند.

طی نیمهٔ دوم سدهٔ هفدهم و در سرتاسر سدهٔ هجدهم، جامعهٔ کره دستخوش تحولات فراوانی گردید. مزارع و شالیزارها از هر سو گسترش یافت و بر میزان فرآورده‌های کشاورزی افزوده شد و سطح زندگی روستاییان به نحو چشمگیری ترقی یافت. تماس مردم کره با اروپاییان و مبلغین کاتولیک وضع اجتماعی و باورهای مذهبی مردم را دگرگون کرد و گروهی از استادان و راهنمایان ژاپنی به آیین کاتولیک گرویدند و طبقهٔ اشراف نیز از آنان پیروی کردند.

وضع نامطلوب اقتصادی و عامل مذهب دست به دست هم دادند و موجبات ضعف خاندان سلطنتی چوسون را فراهم آوردند. همزمان ژاپنی‌ها کره را تحت فشار قرار دادند تا درهای خود را به روی کالاهای تجارتی ژاپن باز کند و چینی‌ها نیز از سوی دیگر به کارشکنی و جلوگیری از نفوذ ژاپنی‌ها پرداختند. در همین اوان به علت خرابی اوضاع اقتصادی و ناتوانی حکومت، موج‌های سهمگینی بر علیه تبلیغ دین مسیح به راه افتاد که طی آن بسیاری از مبلغان، و معتقدان مسیحیت کشته شدند. در سال ۱۸۶۰ چوئه‌ئوی حکیم آیین جدید تونهاک(آموزه‌های شرقی) را که ترکیبی از عناصر مذهب کنفوسیوسی، مسیحیت، شامانیسم و بودائیسم بود ارائه نمود که به زودی از سوی عموم مورد استقبال قرار گرفت. در سال ۱۸۹۳ پیروان آیین تونهاک شهر چونجو را تصرف کردند. چین و ژاپن که از توسعهٔ آیین مزبور به وحشت افتاده بودند، نیروهایی برای سرکوبی آنان به کره اعزام نمودند. اختلاف میان دو نیروی اشغال کنندهٔ چین و ژاپن به پیروزی ژاپنی‌ها انجامید و سرتاسر شبه جزیرهٔ کره طی سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۰ به تصرف ژاپنی‌ها درآمد و خاندان سلطنتی چوسون نیز منقرض گردید.

با شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم، شبه جزیرهٔ کره نسبت به مدار ۳۸ درجه عرض جغرافیایی تقسیم شد، نیمهٔ شمالی به تصرف اتحاد جماهیر شوروی و نیمهٔ جنوبی به تصرف کشور امریکا درآمد و تلاشها و امیدهای مردم کره برای اتحاد و یکپارچگی با تضادهای عقیدتی و اختلافات ژئوپولیتیکی و مصالح و منافع دو ابرقدرت زمان یعنی امریکا و اتحاد جماهیر شوروی به یأس مبدل شد. دولت اتحاد شوروی از نفوذ و قدرت خود در جهت جلوگیری از برگزاری انتخابات آزاد در کرهٔ شمالی استفاده کرد، حال آن که در کرهٔ جنوبی و در زیر نظارت سازمان ملل متحد انتخابات سال ۱۹۴۸ برگزار شد و سینگمان ری به عنوان نخستین رئیس جمهور کرهٔ جنوبی برگزیده شد و سئول به پایتختی کشور مزبور انتخاب گردید. همزمان جلسهٔ عالی خلق کره قانون اساسی جدیدی برای قسمت شمالی کره تدوین نمود و از اوت ۱۹۴۸ به مورد اجرا گذارده شد و کیم‌ایل‌سونگ به عنوان نخست‌وزیر کشور کرهٔ شمالی انتخاب گردید و جمهوری خلق کره در نهم سپتامبر ۱۹۴۸ اعلام موجودیت نمود و شهر پیونگ‌یانگ را به پایتختی کرهٔ شمالی برگزید و در اکتبر همان سال جمهوری خلق کره بعنوان دولت قانونی کشور کره از سوی اتحاد شوروی به رسمیت شناخته شد و نیروهای خارجی تا پایان همان سال خاک کره را ترک کردند، ولی نیروهای امریکایی زیر پرچم سازمان ملل متحد در کرهٔ جنوبی باقی ماندند و تسلط خود را بر آن حفظ نمودند. در ژوئن ۱۹۵۰ کرهٔ شمالی به کرهٔ جنوبی حمله‌ور شد و سازمان ملل متحد از کلیهٔ اعضای خود دعوت نمود تا نیروهای متجاوز را متوقف نمایند و ترومن، رئیس جمهور امریکا، به ارتش آن کشور دستور داد به یاری کرهٔ جنوبی وارد عمل شوند و در عین حال از دولت چیانگ‌کایچک که در جزیرهٔ تایوان (فرمز) مستقر شده بود در مقابل نفوذ کمونیست‌ها حمایت نمایند. این عمل به دخالت امریکا در امور داخلی چین و تجاوز به

تمامیت ارضی آن کشور تعبیر شد و چین کمونیست را نیز رودرروی امریکا قرار داد.
در مراحل اولیهٔ جنگ، نیروهای کرهٔ شمالی به سرعت به سوی جنوب پیشروی کردند و نیروهای امریکایی را که از نظر سلاح و تجهیزات در وضع خوبی قرار نداشتند به عقب راندند و تا پوسان واقع در ساحل جنوبی شبه جزیرهٔ کره پیش رفتند. به فرمان ژنرال مک‌آرتور نیروهای امریکایی که از سوی ۱۵ کشور دیگر نیز حمایت می‌شدند، در سپتامبر ۱۹۵۰ در بندر اینچون واقع در ساحل غربی کره پیاده شدند و با یک حرکت برق‌آسا شهر سئول را اشغال نمودند و نیروهای کرهٔ شمالی را به سوی مدار ۳۸ درجه عرض شمالی عقب راندند و به سوی کرهٔ شمالی شروع به پیشروی نمودند. در این موقع دولت چین کمونیست اعلام نمود که حضور نیروهای امریکایی را در کرهٔ شمالی تهدیدی برای تمامیت ارضی خود تلقی کرده و ناگزیر از ورود به جنگ خواهد بود و به دنبال آن نیرویی مرکب از ۱۸۰،۰۰۰ نفر را به کره اعزام داشت و نیروهای امریکایی را تا مدار ۳۸ درجه به عقب راند و طی یک حملهٔ دیگر که در ۳۱ دسامبر ۱۹۵۱ صورت گرفت امریکایی‌ها را تا مرز پیشین میان دو کره وادار به عقب‌نشینی کرد. از آن جایی که ژنرال مک‌آرتور معتقد به استفاده از سلاح‌های اتمی علیه چین کمونیست بود، از این رو از سوی ترومن از کار برکنار شد و ژنرال ریجوی به جای او به فرماندهی نیروهای سازمان ملل متحد منصوب گردید تا از وسعت یافتن دامنهٔ جنگ جلوگیری شود. نیروهای چینی و کمونیست‌ها دست به حملهٔ دیگری زدند و شهر سئول را دوباره تصرف کردند. مذاکرات ترک مخاصمه که از ماه ژوئن ۱۹۵۱ آغاز شده بود سرانجام در حالی که حدود ۴ میلیون کشته به جای مانده بود، در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ به امضاء رسید و وضع دو کره به حالت سابق خود بازگشت. در هشتم اوت ۱۹۹۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد موجودیت دو کشور کرهٔ شمالی و کرهٔ جنوبی را به اتفاق آراء به رسمیت شناخت و در دسامبر ۱۹۹۱ رؤسای جمهور دو کشور کرهٔ شمالی و کرهٔ جنوبی قراردادی در زمینهٔ همزیستی و عدم تجاوز، همکاری و مبادلات فرهنگی و اقتصادی به امضاء رساندند و اولین و مهمترین گام را در جهت اتحاد و یکپارچگی مجدد دو کشور برداشتند.
شبه جزیرهٔ کره از موقعیت استراتژیکی خاصی میان سه قدرت بزرگ زمان یعنی روسیه و چین و ژاپن برخوردار است و در زمینهٔ حل مسئلهٔ کاربرد سلاح‌های هسته‌ای مذاکراتی جدی در جریان است.

کرهٔ جنوبی SOUTH KOREA

کشوری است واقع در خاور آسیا، جنوب شبه جزیرهٔ کره که از شمال به کشور کرهٔ شمالی، از خاور به دریای ژاپن، از جنوب به تنگهٔ کره و از غرب به دریای زرد محدود است. نواحی خاوری و شمال خاوری این کشور را رشته کوههای تائباک با ارتفاع حداکثر ۱۷۰۹ متر (کوه سوراک) فرا گرفته و بقیه اراضی را دشتهای نسبتاً هموار و حاصلخیزی که به کشت برنج، جو، سویا، سیب‌زمینی و گندم اختصاص یافته، زیر پوشش قرار داده است.
اقلیم کرهٔ جنوبی گرم و مرطوب و پرباران است و رودخانه‌های هان، ناکتونگ، کوم، سومجین و پوکهان مهمترین رودهای آن هستند. جنگلهای این کشور نسبتاً وسیع است و علاوه بر سرزمین اصلی، جزایر فراوانی دارد که بزرگترین آنها عبارتند از: چجودو، نامهائه، کوجه، چین و کانگهوا. بلندترین نقطهٔ کره جنوبی، کوه هالا (۱۹۵۰ متر) در جزیره چجودو واقع شده، اما بلندترین نقطه سرزمین اصلی، کوه چیری (۱۹۱۵ متر) می‌باشد.
آلودگی هوا که در دههٔ ۱۹۷۰ آشکار گردیده روزبه‌روز جدی‌تر می‌شود و آلودگی منابع آب و همچنین رودخانه‌ها و آبهای ساحلی به ویژه در دریای زرد، مسئله زیست محیطی خطرناکی را مطرح می‌سازد.

تاریخچه

در ۱۵ اوت ۱۹۴۸ جمهوری کره در نیمهٔ جنوبی شبه جزیرهٔ کره تأسیس شد و سینگمان‌ری به عنوان نخستین رئیس جمهور آن انتخاب گردید (به تاریخچهٔ کره مراجعه شود) و مورد حمایت نظامی، اقتصادی و سیاسی دولت امریکا قرار گرفت. سینگمان ری ۱۴ سال بر کرهٔ جنوبی حکومت کرد. مشاوران امریکایی وی را در اصلاحات ارضی همراهی کردند. در ژوئن ۱۹۵۰ نیروهای کرهٔ شمالی به کرهٔ جنوبی حمله کردند و شورای امنیت سازمان ملل متحد را به واکنش علیه خود و دعوت از کشورهای آزاد جهان برای مقابله با یورش کمونیست‌ها وادار نمودند و پس از جنگ خونینی که بین نیروهای سازمان ملل متحد به رهبری امریکا در یک سو، و نیروهای کرهٔ شمالی و کمونیست‌ها و جمهوری خلق چین از سوی دیگر درگرفت، با صلح ژوئیه ۱۹۵۳ پایان یافت و میلیونها کشته و خسارات و ویرانی‌هایی به جای گذارد و دو کشور



کرهٔ شمالی و جنوبی به پشت مرزهای خود بازگشتند. در انتخابات سال ۱۹۶۰ سینگمان‌ری که دورهٔ بحران اقتصادی و اجتماعی دشواری را پشت سر گذارده بود، مجدداً به ریاست جمهوری کشور برگزیده شد. انتخاب وی با واکنش و تظاهرات شدید دانشجویان و مردم روبرو گردید و ناچار به استعفاء و کناره‌گیری از مقام ریاست جمهوری شد.
در سال ۱۹۶۱ ژنرال پارک‌چونگهی با حمایت ارتش، زمام امور کشور را در دست گرفت و مدت ۱۸ سال بر کرهٔ جنوبی حکومت کرد. وی در آغاز حکومت خود سازگاری و توافق با مخالفان را پیشه کرد و علیه کمونیست‌ها و بحرانهای اقتصادی به سختی ایستادگی نمود. در اواخر سال ۱۹۶۳ انتخابات به ظاهر آزاد برگزار شد و پارک در مقام خود ابقاء گردید. طی حکومت ۱۸ سالهٔ پارک چونگهی شورشها و قیام‌هایی در کشور به وجود آمد که همگی سرکوب گردید و حتی طرح ترور چونگهی در سال ۱۹۷۵ با ناکامی روبرو شد. پارک‌چونگهی در اکتبر ۱۹۷۹ به وسیلهٔ رئیس سازمان امنیت کرهٔ جنوبی به قتل رسید و قبل از پایان این سال ژنرال چون‌دوهوآن رئیس سازمان اطلاعات ارتش زمام امور را در دست گرفت و کلیهٔ ژنرالهای مخالف را بازداشت کرد و در مه ۱۹۸۰ حکومت نظامی مجدداً برقرار شد و رهبران سیاسی بازداشت شدند. تظاهرات و شورش مردم شهر کوانگجو در اعتراض به دستگیری کیم دائه جونگ به سختی سرکوب گردید و شمار زیادی کشته و بازداشت گردیدند. در ماه اوت همان سال چون‌دوهوآن رسماً به ریاست جمهوری رسید. در اکتبر ۱۹۸۳ چند تن از وزیران هیئت دولت کرهٔ جنوبی هنگام دیدار از برمه بر اثر انفجار بمب کشته شدند و چون‌دوهوآن که دیرتر از موعد مقرر در محل حاضر شده بود، جان سالم به در برد.
در سال ۱۹۸۷ صدها هزار کارگر کره‌ای دست به اعتصاب زدند و کارخانه‌ها را اشغال کردند و برقراری نظام دموکراتیک و آزادی عقاید را خواستار شدند. در ژوئیهٔ ۱۹۸۷ چون‌دوهوآن ناگزیر از عقب‌نشینی گردید و روتائه‌وو به ریاست جمهوری رسید. اما تظاهرکنندگان به اعتصابات و شورش خود ادامه دادند و خواستار محاکمه و مجازات چون‌دوهوآن در ماجرای قتل عام مردم شهر کوانگجو گردیدند. سرانجام به علت در پیش بودن مسابقات بین‌المللی المپیک سال ۱۹۸۸ که قرار بود در کرهٔ جنوبی برگزار شود، مقامات کرهٔ جنوبی تصمیم به برگزاری انتخابات نسبتاً آزاد در دسامبر ۱۹۸۷ گرفتند که دو حزب عمدهٔ مخالف دولت یعنی حزب وحدت دموکراتیک به رهبری کیم یونگ سام و حزب صلح و دموکراسی به رهبری کیم دائه جونگ به پیروزی رسیدند. در ژانویه ۱۹۹۰ محافظه‌کارترین احزاب مخالف با حزب حاکم عدالت دموکراتیک تشکیل حزب جدیدی را با عنوان حزب لیبرال دموکرات اعلام نمودند و حزب صلح و دموکراسی به عنوان تنها حزب مخالف در مجلس ملی باقی ماند.
در سپتامبر ۱۹۹۱ جورج بوش رئیس جمهور امریکا تصمیم گرفت تا سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی خود را از کرهٔ جنوبی خارج کند. به دنبال آن نشانه‌هایی از نرمش از سوی کرهٔ شمالی مشاهده شد و در دسامبر ۱۹۹۱ قرارداد همزیستی و عدم تجاوز و همکاری میان دو کره به امضاء رسید. در انتخابات مارس ۱۹۹۲ مجلس، حزب لیبرال دموکرات و حزب دموکرات و حزب اتحاد ملی به ترتیب حائز اکثریت گردیدند و در ۱۹۹۳، کیم‌یونگ‌سام که حزبش از اکثریت کافی در مجلس برخوردار بود، به ریاست جمهوری رسید. در سال ۱۹۹۵ دو تن از رؤسای جمهور پیشین، چون دوهوآن و روتائه‌وو بازداشت گردیدند و برای رسیدگی به جنایاتشان تسلیم دادگاه شدند. در دسامبر ۱۹۹۷ کیم‌دائه جونگ رهبر حزب دموکرات که بعداً به حزب دموکراتیک هزاره تغییرنام داد، حائز اکثریت انتخابات شد و به ریاست جمهوری منصوب گردید. وی پس از روی کار آمدن فرمان آزادی چون‌دوهوآن و زندانیان سیاسی را صادر کرد و در ماه مارس ۱۹۹۸ کیم جونگ پیل را به نخست‌وزیری برگزید.
در ماه ژانویه سال ۲۰۰۰، پارک دائه‌جون، از حزب اتحاد لیبرال دموکرات به نخست‌وزیری رسید و کمی بعد در ماه مه جای خود را به لی‌هان‌دونگ داد. در اواخر همین سال کیم دائه‌جونگ به خاطر فعالیت‌هایش برای برقراری صلح در شبه جزیرهٔ کره موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شد. با به قدرت رسیدن جمهوری‌خواهان در امریکا، دولت بوش اعلام کرد که سیاست‌های امریکا در مورد کرهٔ شمالی تغییر خواهد کرد و این برخلاف تمام تلاش‌هایی بود که تاکنون از سوی دو کره برای رسیدن به تفاهم به انجام رسیده است. بحران اقتصادی که از دسامبر ۱۹۹۷ دامن‌گیر این کشور شده بود، در سال ۲۰۰۱ عملاً به سر آمد و این کشور وارد



نام رسمی: جمهوری کره

نام محلی: تائه‌هان‌مینگوک Taehan Min-guk

اسامی دیگر: -

پایتخت: سئول (۱۰،۲۲۹،۲۶۲ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: دارای پیشینهٔ تاریخی؛ تاریخ تأسیس جمهوری کره: ۱۹٤۸/۸/۱۵

روز ملی: پانزدهم اوت، روز جمهوری

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۹٤۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: روه موگ هیون (رهبر حزب دموکراتیک هزاره)، ازسال ۲۰۰۲ به مدت ٥ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: کیم سوک سو، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی جمهوری ششم ۱۹۸۸؛ مجلس ملی (کوک هوئه) با ۲۷۳ عضو بـه مـدت ٤ سـال؛ کرسی‌های مجلس ملی(۲۰۰۰): حزب ملی بزرگ (سابقاً: حزب کره نوین) ۱۳۳ کرسی، حزب دموکراتیک هزاره ۱۱۵ کرسی، اتحاد لیبرال دموکرات‌ها ۱۷ کرسی، سایر احزاب ۳ کرسی و منفردین ٥ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحـد (۱۹۹۱)، اونکتـاد، یونیسـف، فـائو، یاآآ، ایبرد، ایکـائو، ایـدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، آپک، اواسی‌دی

جمعیت

مساحت: ۹۹،۲٦۸ کیلومترمربع (صد و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ٤٦،۸۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (بیست و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٤۷۱/٥ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۰/۸

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ٥۲ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۸۳ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۸٤/٥ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥):٪۲/۱

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱٥ سال ٪۲۲/٤؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۷/۳؛ ٥۹-۳۰ سال ٪٤۰/٤؛ بالای ٦۰ سال ٪۹/۹

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٪۵۰/۳۸؛ زن ٪٤۹/٦۲ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۸/٤ سال؛ مردان ۷۰/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱٥/۳ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٥/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۰ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۲۱/٥ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۱٥/٤ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ۷۰/٦ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۳٤/٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۷ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ٦/۸ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۱/٦ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۰): کره‌ای ٪۹۹/۹؛ بقیه ٪۰/۱

دین(۱۹۹۵): مذهبی٪۵۰/۷(ازجمله بودایی٪۲۳/۲؛ پروتستان٪۱۹/۷؛ کاتولیک ٪٦/٦؛ کنفوسیوسی٪۰/٤)؛بدون دین٪٤۹/۳

زبان و خط: کره‌ای (زبان رسمی)؛ خط: هنگول (کره‌ای)

شهرهای مهم(۱۹۹۵): پوسان ۳،۸۱۳،۳۲٥ نفر؛ تانگو ۲،٤٤۹،٤۲۰؛ اینچون ۲،۳۰۸،۱۸۸؛ تانجون ۱،۲۷۲،۱۲۱؛ کوانگجو ۱،۲٥۷،٦۳٦؛ اولسان ۹٦۷،٤۲۹؛ سونگنام ۸٦۹،۰۹٤؛ سووون ۷٥٥،٥٥۰؛ چونجو ٥٦۳،۱٥۳ نفر

بنادر مهم: پوسان(ساحل دریای ژاپن)؛ اینچون (ساحل دریای زرد)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: وون(W)= ۱۰۰ چون؛ یک دلار= ۱،۱۱۸ وون؛ صد وون = ۷۱٥/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۹۱،۹۷۹ میلیارد وون؛ مالیات بر کالا و خدمات ٪۳۳/۳؛ مالیات بر درآمد ٪۲٦/٤؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۱۳/٤؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ٪۹/۲؛ مالیات بر معاملات بین‌المللی ٪٦/۳

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۷۹،۰۰٤ میلیارد وون؛ آموزش ٪۲۰/٥؛ دفاع ٪۱٦/۷؛ رفاه و تأمین اجتماعی ٪۱۰/۸؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۱۰/٤؛ کشاورزی ٪۸؛ نظم عمومی ٪٥/۱؛ خدمات عمومی ٪٥/۱

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳۹۸،۸۲٥ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۸،٦۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪۸/٤؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪٥/۱

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): کشاورزی ٪٥؛ صنعت ٪٤٤؛ خدمات ٪٥۱

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۹۰۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٥،۱٤۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ٥۷،۹٥٦ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۰۸/۷+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۳۳/۸

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪٦/٤؛ ۱۹۹۸: ٪٥/۳؛ ۲۰۰۰: ٪۲/۳

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): برنج ۷،۳۱۲،۰۰۰ تن؛ کلم ۲،۸۹٥،۰۰۰ تن؛ پیاز خشک ۸۷۲،۰۰۰ تن؛ سیب ٦٥۲،۰۰۰ تن؛ نارنگی ٦٤۹،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ٪۲۲؛ مرتع و چمنزار ٪۱؛ جنگل ٪٦۷؛ سایر موارد ٪۱۰

تعداد دام زنده (۱۹۹۸): خوک ٦،۷۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۳،۲۷۹،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،٤٦۱،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲،۲۰٤،۰٤۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۹٤،٥۸۷،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤٦٤،۹۰۱ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ مس ۲۲٥،۰۰۰ تن؛ سنگ آهن ۱٦٦،۰۰۰ تن؛ کنسانتره روی ۸،۹۹۲ تن

تولیدات صنعتی (۱۹۹۷): سیمان ٦۰،۳۱۷،۰۰۰ تن؛ آهن خام ۲۲،۷۱۲،۰۰۰ تن؛ کاغذ روزنامه ۱،٤۰۹،۷۲۸ تن؛ رزین کلرید پلی‌ونیل ۱،۰۸۷،٤۷۹ تن؛ پارچهٔ پشمی ۱۳،۹۸۱،۰۰۰ مترمربع؛ گیرندهٔ تلویزیون رنگی ۱٦،٤۰۷،۰۰۰ دستگاه؛ اتومبیل ۲،۳۱۳،۰۰۰ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۹): ۲۳۹،۳۲۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ۲۲۷،٥٥٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹۹): ٤،۱٤۰،۰۰۰ تن (۱۹۹٦: ٥۰،۲۷۷،۰۰۰)؛ نفت خام(۱۹۹٦): صفر (۷۲۱،۸۲۹،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۸۳،۷۲۱،۰۰۰ تن (۷٤،۸٦۹،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹٦): صفر (۱۲،۸۱٤،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۲۱،۳۹۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤٦/۱؛ میزان مشارکت: (۱٥ سال به بالا): ٪٦۰/۷؛ زنان (۱٥ سال به بالا): ٪٤۰/۹؛ میزان بیکاری: ٪٦/۸؛ ۲۰۰۰: ٪٤/۱

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۲/۲؛ صنعت ٪۲۷/۸؛ خدمات ٪٦۰

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲٦ تا ۳۰ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ٦۷۲،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۸۳/۳؛ نیروی دریایی ٪۸/۹؛ نیروی هوایی ٪۷/۸؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۳۲٦ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۹۳،۲۸۱/۸ میلیون دلار؛ شامل : ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۳٦/۷؛ سوخت‌های معدنی و روغن‌های روانکاری ٪۱۹/٥؛ کالاهای مصرفی ٪۱۳/٦؛ مواد شیمیایی ٪۸/٥؛ مواد خـام غیر خوراکـی ٪۷/٤؛ از امریکـا ٪۲۱/۸؛ ژاپن ٪۱۸/۱؛ چین ٪۷؛ استرالیا ٪٥؛ عربستان سعودی ٪٤/۷؛ آلمان ٪۳/٦

صادرات(۱۹۹۸): ۱۳۲،۳۱۳/۱ میلیارد دلار؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۳۹/۷؛ کالاهای مصرفی ٪۲٤/٦؛ مواد شیمیایی ٪٦/۸؛ سوختهای معدنی ٪۳/٥؛ به امریکـا ٪۱۷/۲؛ ژاپـن ٪۹/۲؛ چیـن ٪۹؛ هنگ‌کنـگ ٪۷؛ تـایوان ٪۳/۹؛ سـوئیس ٪۳/۷؛ انگلستان ٪۳/۲

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۱،٥٦٤	-٦،۳۳٥	-۱۰،۰٦۱	-۲۰،٦۲٤	-۸،٤٥۲	+۳۹،۰۳۱
درصد کل	٪۰/۹	٪۳/۲	٪۳/۹	٪۷/٤	٪۳	٪۱۷/۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۰/۱	۹٥/۷	۱۰۰	۱۰٤/۹	۱۰۹/٦	۱۱۷/۸	۱۱۸/۸
شاخص درآمد ماهانه	۷۸/۸	۹۱	۱۰۰	۱۱۲/۲	۱۱۸	۱۱٤/٤	۱۳۱/۲

ویژگیهای خانوار(۱۹۹۸) : میانگین اندازهٔ خانوار: ۳/٦ نفر؛درآمد هـر خـانوار: ٤۷،۲۲٤،۰۰۰ وون؛ منـابع درآمـد: دسـتمزد ٪٦۰/٥؛ سایر موارد ٪۳۹/٥؛ هزینه‌ها: غذا و نوشیدنی ٪۲۷/٦؛ آمـوزش و سـرگرمـی ٪۱٥/۳؛ حمـل و نقـل و ارتباطـات ٪۱٤/٦؛ خدمات شهری ٪٥/٤؛ پوشاک ٪٥/٤؛ مراقبت‌های بهداشتی ٪٤/٤؛ کالاهای بادوام خانگی ٪۳/۹؛ مسکن ٪۳/٥؛ بقیه ٪۱۹/۹

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ٥،۸۹۰ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۲،۰٦۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۸٤،۹٦۸ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ٦،٥۸۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۷،٥۸٦،٤۷٤ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۲،۸۲٦،۹٥۳ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۲،۱۳۸ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۱٤ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٥): ٦۰ روزنامه در ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ نسخه (۳۹٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۳۰،٤۸۷ عنوان در ۱٤۲،۸۰٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ٤،٦۸٤ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٤۷،٥۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱،۰۳۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱٦،۰٥٦،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳٤٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۰،۰۸۹،۰۰۰ خط تلفن (٤۳۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱٤،۰۱۹،۰۰۰ خط (۳۰۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۷،۲۸۲،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳،۱۰۳،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۱٤،٦٦۱	۱٦٦،۸٤۲	٤،۳٦۸،٤۷۳	۲٦/۲
متوسطه	۳،۸۸٥	۱٥۷،٦۹٦	۳،٤۱۰،۸٦۲	۲۱/٦
فنی و حرفه‌ای	۷۹۷	٤٤،٥۷۷	۹۳۷،۲۱۸	۲۱
عالی	۹۹٤	٥۱،۹٦٤	۲،٤۸۰،۱۳۸	٤۷/۷

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۹۸؛ مردان: ٪۹۹/۳؛ زنان: ٪۹٦/۷

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹٥): ابتدایی ٪۱۷/۷؛ متوسطه ٪٥۳/۱؛ فوق دیپلم و عالی ٪۲۰/٦

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ٦۲،٦۰۹ نفر (هر ۷۳٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۲۲۰،٤۲۷ تخت (هر ۲۰۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۳،۱۰۰ نفر (٪۰/۰۱ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٥۷/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۱٥٥ کالری(۱۹۹٥: ٪۱۳۹ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۸٦ گرم؛ مصرف چربی: ۸۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰- ۱۹۸۰): ٪۲-؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/۲

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٥٦/٥ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤۰۸/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸٥٤ (سی و یکمین کشور جهان)

دور تازه‌ای از گشایش اقتصادی شد. اگرچه گفتگوهای سیاسی بین دو کره در سال ۲۰۰۱ قطع شد، اما کمک‌های کره جنوبی به قسمت شمالی ادامه یافت.
در انتخابات ریاست جمهوری دسامبر ۲۰۰۲، روه موگ هیون، از حزب دموکراتیک هزاره توانست با کسب ۴۸/۹ درصد آراء به پیروزی برسد.

کرهٔ شمالی NORTH KOREA

کشوری است در خاور آسیا و در منطقه موسوم به خاور دور، که قسمت شمالی شبه جزیرهٔ کره را به خود اختصاص داده است. این کشور از شمال به چین، از خاور به دریای ژاپن، از جنوب به کشور کرهٔ جنوبی و از غرب به دریای زرد و خلیج کره محدود است. در قسمت شمال شرقی نوار مرزی مشترک بسیار کمی نیز با کشور روسیه دارد. کرهٔ شمالی سرزمینی است نیمه کوهستانی که بیشتر نواحی خاوری و مرکزی آن را رشته کوههای متعددی از جمله هامگیونگ با ارتفاع حداکثر ۲۵۴۳ متر (کوه کوآنموبونگ)، نانگنیم و هانگنام که از جنگل پوشیده شده، فرا گرفته است. دشتها و جلگه‌های آن که عمدتاً در غرب این کشور قرار دارند به کشتزارهای برنج، ذرّت، جو و پنبه اختصاص یافته است. اقلیم کشور کرهٔ شمالی در جنوب نسبتاً گرم و مرطوب و در نواحی شمالی نسبتاً سرد و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های یالو (آمنوک)، تومن (تومان)، ایمجین، تائه‌دونگ، نام و چونگچون مهمترین رودهای آن را تشکیل می‌دهند. بلندترین نقطهٔ کره شمالی، کوه پائکتو در رشته کوههای چانگبای در مرز چین واقع شده و ۲۷۴۴ متر ارتفاع دارد. بیشتر جزایر کره شمالی در خلیج کره قرار گرفته و بزرگترین آنها جزیرهٔ سینمی می‌باشد.



تاریخچه

روز نهم سپتامبر ۱۹۴۸ جمهوری خلق کره در شهر پیونگ‌یانگ اعلام موجودیت کرد و کیم‌ایل‌سونگ رهبر حزب کارگران کره به سمت نخست‌وزیر کشور انتخاب گردید(برای اطلاع بیشتر به تاریخچهٔ کره مراجعه شود). در پی تحریکات و تهدیدات نیروهای امریکایی که در کرهٔ جنوبی مستقر شده بودند، کرهٔ شمالی در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ به بهانهٔ اتحاد مجدد دو کره، به کرهٔ جنوبی که تحت حمایت امریکا قرار داشت حمله‌ور شد. در این موقع سازمان ملل متحد تحت فشار و اعمال نفوذ امریکا خواستار توقف جنگ و برگشتن نیروهای مسلح کرهٔ شمالی در پشت مرزهای خود گردید. توصیهٔ مزبور مورد توجه کرهٔ شمالی واقع نشد و شورای امنیت سازمان ملل متحد از کشورهای آزاد جهان خواست تا به یاری کرهٔ جنوبی بشتابند. به دنبال این تصمیم نیروهای مسلح امریکا همراه با ۱۵ کشور دیگر به فرماندهی ژنرال داگلاس مک‌آرتور در کرهٔ جنوبی پیاده شدند و با نیروهای مهاجم کرهٔ شمالی به نبرد برخاستند و پس از یک جنگ خونین و تلفات و ویرانی بسیار به پیمان صلح ۲۷ ژوئیهٔ ۱۹۵۳ تن دردادند و دو کرهٔ شمالی و جنوبی به وضع سابق خود بازگشتند و کرهٔ شمالی تمام تلاش خود را در جهت بازسازی و عمران کشور به کار گرفت. تأسیسات برقابی رودخانهٔ یالو با همکاری چین ساخته شد. صنایع کشور ملی گردید و حدود ۹۰ درصد آن در اختیار دولت قرار گرفت و ده درصد بقیه به صورت اشتراکی درآمد. در سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۶۱ دولت کرهٔ شمالی قرارداد دریافت کمکهای نظامی با چین و اتحاد جماهیر شوروی را امضاء نمود. در سال ۱۹۷۲ قانون اساسی جدید کشور به تصویب رسید و کیم ایل‌سونگ علاوه بر نخست‌وزیری مقام ریاست جمهوری کشور را نیز عهده‌دار گردید. در سال ۱۹۸۰ کیم جونگ‌ایل پسر کیم ایل‌سونگ به سرپرستی هیئت دولت منصوب شد. در سال ۱۹۸۴، کرهٔ شمالی کمک‌های متعددی را برای سیل‌زدگان همسایهٔ جنوبی خود ارسال نمود و در همین سال اقداماتی برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی در کنار مؤسسات دولتی آغاز شد و به ویژه در بخش مسکن، ساختمان و جهانگردی مؤسسات جدیدی به وجود آمد. با روی کار آمدن گورباچف و شروع اصلاحات و فضای باز سیاسی، دولت کرهٔ شمالی نیز در سال ۱۹۸۸ به اصلاحاتی دست زد و تا اندازه‌ای خود را با زمان هماهنگ نمود. در سال ۱۹۹۰ تظاهرات و راهپیماییهای عظیمی در پشتیبانی و حمایت کیم ایل‌سونگ در هفتادوهشتمین سالگرد تولد وی به عمل آمد و در مه ۱۹۹۱ برای بار دیگر در سمت خود ابقاء گردید. طی این مدت روابط میان دو کره رو به گرمی و بهبودی نهاد و زمینه را برای اتحاد و یکپارچگی دو کشور مزبور فراهم نمود و کره شمالی شرط بهبود روابط و اتحاد دو کره را خروج نیروهای امریکایی از خاک کره و جمع‌آوری ۱۰۰۰ بمب هسته‌ای که علیه کرهٔ شمالی در نیمه جنوبی شبه‌جزیره ذخیره شده بود، اعلام داشت.
در سال ۱۹۹۱ اتحاد شوروی سهمیهٔ نفت کرهٔ شمالی را به نصف کاهش داد و نخستین نشانه‌های مشکلات و دشواریهای اقتصادی شروع به خودنمایی کرد. در فوریهٔ ۱۹۹۳ کرهٔ شمالی از ورود بازرسان سازمان بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات هسته‌ای خود جلوگیری کرد و بحران شدیدی در روابط خود با کشورهای غربی پدید آورد.
کیم ایل‌سونگ در سن ۸۲ سالگی درگذشت و خبر مرگ او در هفتم ژوئیه ۱۹۹۴ رسماً اعلام گردید و کیم جونگ ایل پسر کیم‌ایل‌سونگ سرپرستی کشور را به جای پدر بر عهده گرفت. در سال ۱۹۹۵ سیل عظیمی در کرهٔ شمالی جاری شد و حدود ۵ میلیون نفر را دچار خسارت کرد. کشتزارها و خرمن‌ها را نابود نمود و دولت را وادار ساخت تا علیرغم میل خود برای دریافت کمکهای اقتصادی به کشورهای دیگر روی آورد و ۳۰۰,۰۰۰ تن برنج ژاپن و ۱۵۰,۰۰۰ تن برنج کرهٔ جنوبی را قبول نماید. کمبود مواد غذایی در سال ۱۹۹۶ بطور جدی‌تر خودنمایی کرد تا حدی که شمار زیادی از ساکنان کرهٔ شمالی به کرهٔ جنوبی پناهنده شدند. پناهندگی هوانگ‌یانگ یوپ، دبیر حزب کارگران کرهٔ شمالی به کرهٔ جنوبی در فوریه ۱۹۹۷ نیز بر بحران کشور افزود و به دنبال آن کانگ سونگ‌دان نخست‌وزیر از کار برکنار شد و هونگ‌سونگ‌نام به جای او مقام نخست‌وزیری کشور را اشغال کرد و کیم جونگ‌ایل علاوه بر سرپرستی کشور، رهبری حزب کارگران را نیز عهده‌دار شد. در اواخر سال ۱۹۹۷ پیونگ یانگ، سئول و واشینگتون در پی راه حل صلح‌آمیزی برای مسئلهٔ کره گرد هم آمدند. برآوردها و تخمین‌های سال ۱۹۹۸ گویای آن بود که حدود صد هزار نفر از مردم کرهٔ شمالی از سال ۱۹۹۵ تا آن موقع بر اثر سرما و گرسنگی و کمبود دارو جان خود را از دست داده بودند و شرایط اقتصادی اوایل سال ۱۹۹۸ به حدی بحرانی بود که کمکهای بین‌المللی جوابگو نبوده و دولت را به اجرای طرح اقتصاد جنگی واداشت.
در ژوئن سال ۱۹۹۹، تنش میان دو کره افزایش یافت و اختلافات مرزی بر سر مرزهای دریایی در نهایت موجب شد که یک کشتی کره شمالی توسط کره جنوبی غرق شود و یک توریست کره جنوبی نیز به اتهام جاسوسی در کرهٔ شمالی دستگیر گردد. با این حال نشست مشترک دو کشور در ماه بعد در چین تا حد زیادی از این تنش‌ها کاست و هر دو کشور اقدام به تأسیس دفتر نمایندگی در کشور مقابل نمودند. در سال ۲۰۰۱، جورج بوش پس از به قدرت رسیدن در مسند ریاست جمهوری امریکا، اعلام کرد که روابط رو به بهبود با کره شمالی، طی سال‌های آخر دولت کلینتون را مورد تجدید نظر قرار خواهد داد و شرایط سخت‌تری را برای حصول به این روابط در نظر گرفت. انتشار گزارش وضعیت اقتصادی و بهداشتی مردم کره شمالی در کنفرانس ویژه یونیسف در شهر پکن در سال ۲۰۰۱، توسط وزیر امور خارجه کرهٔ شمالی، واقعیت‌های تلخی را از وضعیت مردم این کشور بسته و محدود، عیان کرد.
در اواخر سال ۲۰۰۲، دولت کره شمالی به طور ناگهانی اعلام نمود که فعالیتهای هسته‌ای خود را افزایش خواهد داد و همزمان با آن ناظران آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از این کشور اخراج گردیدند. این مسئله موجب شد تا دولت امریکا نیز به تقویت حضور نظامی خود در اطراف شبه جزیرهٔ کره بپردازد.



نام رسمی: جمهوری دموکراتیک خلق کره

نام محلی: چوسون مینچوچوئی اینمین Choson Minchu'chui Inmin

اسامی دیگر: کرهٔ شمالی

پایتخت: پیونگ‌یانگ (۳،۱۳۶،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی؛ تأسیس کرهٔ شمالی ۱۹٤۸/۹/۹

روز ملی: نهم سپتامبر ، روز جمهوری

نوع حکومت: جمهوری تک حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٤۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: کیم جونگ ایل (دبیرکل کمیتهٔ مرکزی حزب کارگران کره)، از سال ۱۹۹٤

رئیس دولت: نخست‌وزیر: هونگ‌سونگ نام، از سال ۱۹۹۷

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۲ با تغییراتی در سال ۱۹۹۲؛ مجلس عالی خلق (چونه‌کواین‌مین‌هوئه‌اوئی) با ٦۸۷ عضو به مدت ٥ سال؛ تمامی نمایندگان از میان داوطلبینی که توسط حزب کارگران کره (کمونیست) تأیید و مشخص شده‌اند، انتخاب می‌شوند. آخرین انتخابات (۱۹۹۸)

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایکائو، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱۲۲،۷٦۲ کیلومترمربع (نود و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۲٤،۰۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهل و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۹٥/٥ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۱/٦ نفر

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۲۹/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦۲/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۲/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۲٥/٦٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲٥/۳٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۸/۷٪؛ بالای ٦۰ سال ۱۰/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۸/٤۲٪؛ زن ٥۱/٥۸٪ — **امیدبه‌زندگی(۲۰۰۰-۱۹۹٥):** زنان٥۷/٤سال؛مردان۸/٥۰سال

میزان تولددرهرهزارنفر(۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۱۸/۳ نفر — **میزان‌مرگ‌ومیردرهرهزارنفر(۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ۱٥/۸ نفر

مرگ‌ومیرکودکان‌درهرهزارتولد(۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۸۲/٦ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ۲/٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۸٦): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۲٤/۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ٦۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ٥۱/٦ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٤٦/۷ نفر؛ صدمه و مسمومیت ۳۸/۲ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۱۹/٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۱۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۸۷): ۹/۳ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۸۷):** ۰/۲ مورد

نژاد / ملیت (۱۹۸۹): کره‌ای ۹۹/۸٪؛ چینی ۰/۲٪

دین (۱۹۸۰): بدون دین ٦۸/۳٪؛ مذاهب بومی ۱٥/٦٪؛ چوندوگیو ۱۳/۹٪؛ بودایی ۱/۷٪؛ مسیحی ۰/٥٪(دین رسمی ندارد)

زبان و خط: کره‌ای (زبان رسمی)؛ خط: کره‌ای

شهرهای مهم(۱۹۹۳): نامپو ۷۳۱،٤٤۸ نفر؛ هامهونگ ۷۰۹،۷۳۰ نفر؛ چونگجین ٥۸۲،٤۸۰ نفر؛ کائه‌سونگ ۳۳٤،٤۳۳ نفر؛ سینویجو ۳۲٦،۰۱۱ نفر؛ ونسان ۳۰۰،۱٤۸ نفر

بنادر مهم: چونگجین، هامهونگ،ونسان (سواحل دریای ژاپن)؛ نامپو (ساحل خلیج کره)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: وون (Won)= ۱۰۰ چون؛ یک دلار= ٤٦/۹۸ وون؛ یک وون = ۱۷۰/٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲۰،۰۱٥ میلیون وون؛ مالیات بر فروش ؛ سود شرکت‌ها و مؤسسات دولتی

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۹،۷۹۰ میلیون وون، اقتصاد ملی ٦۷/۸٪؛ امور اجتماعی و فرهنگی ۱۹/٥٪؛ دفاع ۱۱/٦٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): ۱۷/۷ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۷):** ۷٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی: ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹٦): ۱۲ میلیارد دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): برنج ۲،۳٤۳،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱،٤۰۰،۰۰۰ ؛ ذرت ۱،۲۳٥،۰۰۰؛ سیب ٦۳۰،۰۰۰؛ کلم ٦۰۰،۰۰۰؛ دانه سویا ۳٤۰،۰۰۰؛ گندم ۱۸۸،۷۰۰؛ گلابی ۱۲۰،۰۰۰؛ سیب‌زمینی شیرین ۱۰٦،۰۰۰؛ جو ۱۰٥،۷۲۰؛ هلو و شلیل ۱۰۰،۰۰۰ ؛ هندوانه ۱۰۰،۰۰۰؛ خیار ٦۰،۰۰۰؛ گوجه‌فرنگی ٦۰،۰۰۰؛ توتون ٦۰،۰۰۰؛ ارزن ۱۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤) : کشاورزی ۱٦/٦٪؛ مرتع و چمنزار ۰/٤٪؛ جنگل ٦۱/۲٪؛ سایر موارد ۲۱/۸٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): خوک ۲،۹۷۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۹۰۰،۰۰۰؛ گاو ٥٦٥،۰۰۰؛ گوسفند ۱۸٥،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤،۸۰۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲۳٦،٤٦۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۰،۳۷۱،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۷٥،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): آهن ٥،۱۰۰،۰۰۰ تن؛ منیزیت ۱،٦۰۰،۰۰۰ ؛ سنگ فسفات ٥۲۰،۰۰۰؛ گوگرد ۲٥۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی (۱۹۹٦): سیمان ۱۷،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ فولاد خام ۸،۱۰۰،۰۰۰ تن؛ آهن خام ٦،٦۰۰،۰۰۰ تن؛ کک ۳،٥۰۰،۰۰۰ تن؛ فولاد نیمه ساخته ۲،۷۰۰،۰۰۰ تن؛ کود شیمیایی ۲،٥۰۰،۰۰۰ تن؛ گوشت ۲٥۹،۲۰۰ تن؛ بنزین ۸،٦۰۰،۰۰۰ بشکه؛ منسوجات ۳٥۰،۰۰۰،۰۰۰ مترمربع

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۳٥،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳٥،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۳۰،٤٥۱،۰۰۰ تن (۷٥،۷٥۷،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر (۱٥،۸۰۰،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۲،۷۸٥،۰۰۰ تن (٤،۲٥۸،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۱۱،۸۹۸،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٥٥/۸٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤ ؛ ۱۹۹۳): ٤۹/٥٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤٦٪؛ میزان بیکاری: ؟

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٤٤/۱٪؛ صنعت ۳۳٪؛ خدمات ۲۲/۹٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: نیروی زمینی ٥ تا ۸ سال؛ دریایی ٥ تا ۱۰ سال؛ هوایی ۳ تا ٤ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۱،۰۸۳،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۷/۸٪؛ نیروی دریایی ٤/۲٪؛ نیروی هوایی ۸٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۲۸۲ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۱،۹٥۰ میلیون دلار؛ نفت خام، زغال‌سنگ و کک، ماشین‌آلات صنعتی و تجهیزات حمل و نقل (شامل کامیون)؛ شیمی صنعتی، نخ و پارچه نساجی و غلات مهمترین اقلام وارداتی است. از کشورهای (۱۹۹٥): چین ۳۰٪؛ ژاپن ۱٥/۸٪؛ اتریش ۹/۳٪؛ اوکراین ٥/۹٪

صادرات(۱۹۹٦): ۹۱۲ میلیون دلار؛ مواد معدنی (شامل سرب، منیزیت و روی)؛ محصولات متالورژی (شامل آهن، فولاد و فلزات غیر آهنی)، سیمان، فرآورده‌های کشاورزی(شامل ماهی، غلات، میوه و سبزیجات، توتون)؛ و کالاهای تولیدی(پارچه نساجی، پوشاک) از جمله صادرات مهم محسوب می‌شود؛ به کشورهای(۱۹۹٥): ژاپن ۳۱/٤٪؛ اتریش ۱۷/۳٪؛ هند ٦/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦
میلیون دلار	-٤۲۰/٥	-۷٦٤/۷	-٦۰۰	-٦۰۰	-٤۲۹/٥	-۸۸۰	-۱،۰٤۰
درصد کل	٪۲۱	٪۳٥/٦	٪۱۸/۸	٪۲۲/۷	٪۲۰/٤	٪٤۲/۷	٪۳٦/۳

شاخص قیمتها و درآمدها: ؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۸۷): ٤/۸ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار (۱۹۸۰): ۳،٦۷۷ وون؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸٤): غذا ٤٦/٥٪؛ پوشاک ۲۹/۹٪؛ اثاثیه منزل ۳/۸٪؛ سوخت ۳/۳٪؛ مسکن ۰/٦٪

جهانگردی: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۲۳،۳۷۷ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۸،٥۳۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۰): ۲٤۸،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ؟

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱۰۰ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۳ روزنامه در ٤،٥۰۰،۰۰۰ نسخه (۱۹۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۳٦۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱٤٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱،۲۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٥۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹٥): ۱،۱۰٤،۰۰۰ خط تلفن (٤۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی(۱۹۸۹)	٤،۸۱۰	٥۹،۰۰۰	۱،٥٤۳،۰۰۰	۲٦/۲
متوسطه	٤،۸٤۰	۱۱۱،۰۰۰	۲،٤٦۸،۰۰۰	۲۲/۲
فنی و حرفه‌ای	٤۷۳	؟	۲۲۰،۰۰۰	؟
عالی	٤٦	۲۳،۰۰۰	۳۲٥،۰۰۰	۱٤/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۷): افراد بالای ۱٥ سال: ۹٥٪؛ مردان: ؟ ؛ زنان: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ٦۱،۲۰۰ نفر (هر ۳۷۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۹): ۲۹۰،٥۹۰ تخت (هر ۷٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۱،۸۹۹ کالری (۸۱٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ۹٤٪؛ مصرف فرآورده‌های گوشتی و لبنی ٦٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟

کستاریکا COSTA RICA

کستاریکا در امریکای مرکزی واقع شده و از شمال به نیکاراگوآ، از خاور به دریای کارائیب و کشور پاناما و از جنوب و غرب به اقیانوس آرام(کبیر) محدود است.
کستاریکا سرزمینی است کوهستانی که رشته کوههای تالامانکا با ارتفاع حداکثر ۳۸۳۷ متر (قلّهٔ چیریپو)، سنترال و گوآنا کاسته که عمدتاً آتشفشانی هستند، از شمال به جنوب شرق آن کشیده شده و جلگه‌های حاصلخیز آن نواحی شمالی و شمال خاوری آن را در بر گرفته‌اند.
کشور کستاریکا بالاترین تراکم جمعیت روستانشین امریکای لاتین را داراست. کشتزارهای کوچک و متعدد آن که با پیشرفته‌ترین شیوه‌ها به زیر کشت رفته‌اند و عمدتاً به زراعت موز و قهوه که عمده‌ترین قلم صادراتی این کشور را تشکیل می‌دهد، اختصاص یافته است.
جلگه‌های ساحلی دریای کارائیب و اقیانوس آرام از اقلیم و فرآورده‌های کشاورزی متفاوتی برخوردار است. اقلیم ساحل دریای کارائیب از جنگلهای بارانی گرمسیری متراکم پوشیده شده و محصول عمدهٔ آن کاکائو است. حال آن که جلگه‌های ساحلی اقیانوس آرام خشک‌تر است و بیشتر به دامداری و پرورش چهارپایان اختصاص یافته و برنج و نیشکر از فرآورده‌های کشاورزی آن است.
رودخانه‌های کوتاه چندی در این کشور جریان دارند که عمده‌ترین آنها رودهای سان‌خوآن، سان‌کارلوس و ریوگرانده است. طلا، گوگرد، آهن، بوکسیت، مس و منگنز از عمده‌ترین ذخایر زیرزمینی آن به شمار می‌آیند. قطع درختان جنگلی و زدایش جنگلها عمده‌ترین آفت زیست محیطی این کشور محسوب می‌گردد.



تاریخچه

زمانی که نخستین اروپاییان به کرانه‌های سرزمین امروزی کستاریکا پا گذاردند، قبایل کوچکی از اقوام چوروتگا، کوبیسی، کاریب و بروکا در آنجا زندگی می‌کردند. کریستف کلمب در آخرین سفر خود به امریکا در سال ۱۵۰۲ میلادی از کرانه‌های این سرزمین دیدن کرد و حدود ۶۰ سال بعد، اولین ماندگاه اروپایی در آنجا احداث گردید. در این مدت ماجراجویانی چون گاسپار د اسپینوزا، ارنان پونسه د لئون، خوآن د کاستانیدا، خوآن کاوایون، خوان د استرادا راباگو و خوآن کورونادو نیز از این سرزمین دیدار کردند و به مناسبت ثروتهای طبیعی فراوان، آن را کستاریکا یا ساحل ثروتمند نامیدند. اسپانیایی‌ها در سال ۱۵۶۴ شهر کارتاگو را در جلگه مرکزی بنا نهادند و آنجا را تحت نظارت اداری گواتمالا و از نظر مذهبی تحت سرپرستی اسقف‌نشین نیکاراگوآ قرار دادند.
زمانی که مکزیک در سال ۱۸۲۱ خود را از قید اسپانیایی‌ها رهانید و استقلال خود را اعلام داشت، کستاریکا و دیگر مستعمرات اسپانیا در امریکای مرکزی نیز با اعلام استقلال از اسپانیا، به بخشی از امپراتوری مکزیک مبدل شدند. در سال ۱۸۲۳ کستاریکا از اتحاد با مکزیک خارج شد و با دیگر کشورهای امریکای مرکزی، فدراسیون امریکای مرکزی را تشکیل داد. در سال ۱۸۳۸ فدراسیون مزبور منحل شد و کستاریکا جمهوری مستقلی را تشکیل داد.
در میانه‌های سدهٔ نوزدهم ویلیام واکر امریکایی که نیکاراگوآ را تصرف کرده بود، به قصد توسعهٔ متصرفات خود، متوجه کستاریکا شد ولی از نیروهای مسلح کستاریکا تحت فرماندهی خوآن رافائل مورا رئیس جمهور، شکست خورد و عقب‌نشینی کرد. ژنرال توماس گوآردیا از سال ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۲ بر کستاریکا حکومت کرد و علیرغم محدود کردن برخی آزادی‌ها، اقدامات عمرانی بسیاری به عمل آورد و تولید قهوه و شکر را به میزان شایان توجهی فزونی داد و قانون اساسی جدیدی به سال ۱۸۷۱ تدوین و تصویب کرد که تا سال ۱۹۴۹ به قوت خود باقی ماند. در سال ۱۸۹۰ خوزه خوآکین رودریگز به ریاست جمهوری رسید. در سال ۱۹۱۶ نیکاراگوآ اجازهٔ استفاده از رودخانهٔ مرزی سان‌خوآن را به دولت امریکا واگذار کرد و دولت کستاریکا به این عمل اعتراض کرد و به دادگاه امریکای مرکزی شکایت نمود و این دادگاه نیز به حقانیت کستاریکا رأی داد.
در نخستین انتخابات مستقیم ریاست جمهوری در سال ۱۹۱۳ هیچ یک از کاندیداها به اکثریت دست نیافت و سرانجام آلفردو گونزالز فلورس از سوی پارلمان به سمت ریاست جمهوری کشور منصوب گردید. ژنرال فدریکو تینوکو گرانادوس که از اقدامات رئیس جمهور ناخشنود بود در سال ۱۹۱۷ دست به کودتا زد و به دلیل عدم پشتیبانی امریکا و به رسمیت نشناختن دولت او، در سال ۱۹۱۹ سقوط کرد.
در سال ۱۹۴۸ کاندیدای مخالفان از سوی حزب وحدت ملی به نام اوتیلیو اولاته برندهٔ انتخابات ریاست جمهوری گردید ولی مجلس قانونگذاری نتایج این انتخابات را نپذیرفت و اختلافات و زدو خوردهای فراوانی را به همراه آورد و سرانجام غائله با تشکیل یک شورای سه نفره به ریاست خوزه فیگه‌رس، مؤسس حزب آزادی‌بخش ملی، که از اوتیلیو اولاته حمایت می‌کرد، به پایان رسید. وی ارتش را منحل کرد (که هنوز هم کستاریکا فاقد ارتش کلاسیک است)، بانک‌ها را ملی نمود و حزب کمونیست را غیرقانونی اعلام داشت. در سال ۱۹۴۹ فیگه‌رس دولت را به اوتیلیو اولاته تحویل داد. خوزه فیگه‌رس در انتخابات سال ۱۹۵۴ به ریاست جمهوری رسید و سیاست شدید ضد کمونیستی پیشه کرد. در ۱۹۵۸ محافظه‌کاران بر فیگه‌رس پیروز شدند و ائتلاف احزاب مختلف، به ریاست جمهوری خوزه خوآکین ترخوس در سال ۱۹۶۶ منجر گردید. طی سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ آتشفشانهای ایراز و وارنال شروع به فعالیت کردند و تلفات و خسارات فراوانی به بار آوردند. در انتخابات سال ۱۹۷۰ حزب آزادی‌بخش ملی مجدداً پیروز شد و خوزه فیگه‌رس پس از ۱۷ سال دوباره به ریاست

معمّای مایا

بعضی نوشته‌های مایاها، تاریخ پیدایش این قوم را به رقم افسانه‌ای ۳۱۱۳ می‌رسانند ولی توضیح قانع کننده و مستندی برای آن وجود ندارد. بنابر پژوهش‌های باستان‌شناسی، تشکیل جامعهٔ مایا که در خانه‌های کوچک آلونک مانند زندگی می‌کردند و سقف آن را با برگ درختان نخل می‌پوشانیدند، به ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. آیا این مایاهای نخستین همان مردمانی بوده‌اند که همزمان با قوم اولمکا در خلیج مکزیک می‌زیسته‌اند؟ کسی به درستی نمی‌داند. گروهی از پژوهشگران آغاز تاریخ قوم مایا را سالهای ۲۵۰ تا ۳۰۰ پیش از میلاد می‌دانند، حال آن که گروهی با این نظر مخالفند و ارقام مزبور را معتبر نمی‌دانند.
مایاها اهرام عظیم و شایان توجهی می‌ساختند و پرستشگاههای خود را با تندیسها و پیکرتراشی‌های زیبا و کنده‌کاریهای روی سنگ می‌آراستند. تمدن آنان در زمینه‌های هنری، نجوم، ریاضیات و معماری، بین سده‌های سوم تا ششم میلادی به اوج کمال رسید. آنان کشور شهرهایی احداث کردند که کوچک و دور از هم بود و همواره با یکدیگر در جنگ و ستیز بودند. اما ناگهان در سده‌های نهم تا دهم میلادی به جنگهای داخلی خود پایان دادند و مراکز عبادی و برگزاری آیین‌های مذهبی نابود گردید. این که آیا علت آن شیوع نوعی بیماری مسری و خطرناک بوده؟ یا زمین لرزه موجب نابودی آنها شده؟ و یا مورد یورش اقوام دیگری قرار گرفته‌اند، یا گرفتار خشکسالی و اینگونه پدیده‌ها شده‌اند و یا این که به نفرین خدایان خود دچار شده‌اند؟ در این زمینه‌ها هیچگونه توضیح قانع کننده‌ای هنوز وجود ندارد.
بهرحال، زمانی که اسپانیایی‌ها در سدهٔ شانزدهم میلادی به سرزمین مایاها وارد شدند، اقوام مایا نابود شده بودند و دوران فروپاشی تمدن آنان از مدتها قبل آغاز گردیده بود و همین امر موجب شد که وقایع‌نگاران و مورخین توجه خود را روی آزتک‌ها متمرکز سازند.



نام رسمی: جمهوری کستاریکا

نام محلی: کستاریکا Costa Rica

اسامی دیگر: -

پایتخت: سان‌خوزه (۳۳۹،۱۲۸ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۸۲۱/۹/۱۵، از اسپانیا

روز ملی: پانزدهم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۹٤۹

رئیس حکومت: رئیس جمهور: آبل پاچکو د لا اسپریلا (حزب اتحاد سوسیال مسیحی)، ازسال ۲۰۰۲ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: آبل پاچکو د لا اسپریلا (حزب اتحاد سوسیال مسیحی)، ازسال ۲۰۰۲ به مدت ٤ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٤۹؛مجلس قانونگذاری با ۵۷ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس قانونگذاری در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): حزب اتحاد سوسیال مسیحی ۲۷ (۱۹) کرسی، حزب آزادی بخش ملی ۲۳ (۱۷) کرسی، نیروی دموکراتیک ۳ (-) کرسی، حزب جنبش شهروندان (١٤) کرسی، حزب جنبش آزادی بخش (٦) کرسی، حزب بازسازی کاستاریکا (۱) کرسی، بقیه احزاب ٤ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی ــ آدب

جمعیت

مساحت: ۵۱،۱۰۰ کیلومترمربع (صد و بیست و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ٤،۰۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هجدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۷۸/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/۵

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۵/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۵۰/۸؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۳/۲

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ٪۳۳/٦؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲٦/۷؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۳۲/٦؛ بالای ٦۰ سال ٪۷/۱

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪۵۰/٤٦؛ زن ٪٤۹/۵٤ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۸/۲ سال؛ مردان ۷۳/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۲۱/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ٤/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۱۲/٦ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱۷/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٤): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۲٦/٦ نفر(از جمله بیماریهای کم‌خونی قلب ۵۹/۸ نفر و بیماریهای عروق مغزی ۲۹/٦ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۸۰ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٤۰/٦ نفر؛ حوادث ۳٦/۱؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۲٤/٦ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۲/٦ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۹ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر (۱۹۹۷): ٦/۵ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر (۱۹۹۵):** ۱/٤ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۳): سفیدپوست ٪۸۷؛ دورگه سرخ و سفید ٪۷؛ دورگه سیاه و سفید ٪۳؛ سرخپوست امریکایی ٪۱

دین (۱۹۹۵): کاتولیک ٪۸٦ (دین رسمی)؛ پروتستان ٪۹/۳؛ مسیحیان ٪۲/٤؛ دیگر ادیان ٪۲/۳

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): آلاخوئلا ۱۷۸،٤۸٤ نفر؛ کارتاگو ۱۲۲،٦۰۵ نفر؛ پونتارناس ۱۰٤،۱۳۳ نفر؛ لیمون (پوئرتولیمون) ۷۸،۹۰۹ نفر

بنادر مهم: لیمون (ساحل دریای کارائیب)؛ پونتارناس (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کولون کستاریکا (₡) = ۱۰۰ سنتیمو؛ یک دلار= ۳۱۳/۲۳ کولون؛ یک کولون= ۲۵/۵ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ٤۵۹/۷ میلیارد کولون؛ مالیات بر فروش کلی و جزئی ٪۳۸/۳؛ مالیات انتخابی بر کالاها و خدمات ٪۲۱/٦؛ مالیات بر سود و درآمد ٪۱۹/۳؛ عوارض گمرکی ٪۱۱

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۵٦۲/۳ میلیارد کولون؛ هزینه جاری ٪۹۱/۳؛ هزینه‌های عمرانی ٪۸/۷

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۹،۷۷۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،۷۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۳/۲؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪٤/۲

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۵/۲؛ صنعت ٪۲٤/۳؛ خدمات ٪٦۰/۵

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱٤۵ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۵۵۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳،۰٤۷ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۷/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲٦/۸

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱۷/٦؛ ۱۹۹۸: ٪۱۲/۳؛ ۲۰۰۰: ٪۱۲

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۳،۹۵۰،۰۰۰ تن؛ موز ۲،۱۰۱،۰۰۰ تن؛ میوه نخل روغن ٤٤۰،۰۰۰ تن؛ آناناس ٤۰۰،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۲۸۳،۲۰۰ تن؛ برنج ۲٦۲،۲۰۰ تن؛ قهوه ۱٤۷،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۱۱۹،۵۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۹۱،۷۰۰ تن؛ موز سبز ۹۰،۰۰۰ تن؛ دیگر مواد شامل میوه‌های نواحی حاره ، گل و گیاهان تزئینی قابل رشد برای صادرات

کاربری زمین (۱۹۹٤) : کشاورزی ٪۱۰/٤؛ مرتع و چمنزار ٪٤۵/۸؛ جنگل ٪۳۰/۸؛ سایر موارد ٪۱۳

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱،٦۱۷،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲۹۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۵،۳۱۱،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۳۳،٦۱۳ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۷،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۷،۱۵۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ‌آهک ۱،۵۰۰،۰۰۰ تن؛ طلا ۱۷،۷۰۰ تروی

تولیدات صنعتی (۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون کولون) مواد غذایی ۹۰،٤۹۸؛ نوشیدنی ٤۳،۱۰۱؛ کود و سموم دفع آفات نباتی ۱۸،۳٦۰؛ مواد پلاستیکی ۱۲،۱۹٦؛ رادیو، تلویزیون و تجهیزات ارتباطی ۱۰،۹۵۵؛ کاغذ و محصولات کاغذی ۱۰،۵۸۹؛ پوشاک ۹،۵۱۹

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ٤،۸۵۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(٤،۹۹۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر (٤،۵۲۳،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۵۹۷،۰۰۰ تن (۱،۳۸۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۱،۳۷٦،۵٤۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۱/۲؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۲ تا ۵۹): ٪۵۹/۳؛ زنان (در سنین ۱۲ تا ۵۹): ٪۳۲/٦؛ میزان بیکاری: ٪۵/٦؛ ۲۰۰۰: ٪۵/۲

توزیع نیروی کار (۱۹۹۷): کشاورزی ٪۲۰/٦؛ صنعت ٪۲۳/٦؛ خدمات ٪۵۵/۸

نیروی دفاعی: این کشور از سال ۱۹٤۸ فاقد نیروی دفاعی است و امور انتظامی و امنیت داخلی آن توسط ۸،٤۰۰ نفر؛ اعضای پلیس و نیروی شبه نظامی، تأمین می‌شود.

واردات(۱۹۹۸): ٦،۲۵۵ میلیون دلار؛ شامل موادخام برای صنایع ٪۵۰/٦؛ کالای سرمایه‌ای برای صنایع ٪۱٤/۹؛ کالاهای مصرفی بی‌دوام ٪۱۱/۹؛ کالاهای مصرفی بادوام ٪۸/٦؛ از امریکا ٪۳۸/۸؛ ژاپن ٪۷/٦؛ مکزیک ٪٦/۹؛ ونزوئلا ٪۳/۸؛ گواتمالا ٪۳/۱

صادرات(۱۹۹۸): ۳،۰٤۷ میلیون دلار؛ شامل موز ٪۲۱/۸؛ قهوه ٪۱۳/۳؛ فرآورده‌های غذایی و محصولات دخانی ٪۹/۳؛ ماهی و میگو ٪۷/٦؛ ماشین‌آلات و مصنوعات فلزی ٪٦؛ میوه‌های مناطق حاره ٪۵/۵؛ به امریکا ٪٤۲؛ انگلستان ٪۷؛ آلمان ٪۷؛ هلند ٪٦؛ گواتمالا ٪۵

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۱،۷۱۵	-۱،۵۹۰	-۱،٦۱۷	-۲،۰۰۹	-۳،۲۰۸
درصد کل	٪۲۹	٪۲۳/۸	٪۲۲/٦	٪۲۵/۳	٪۳٤/۵

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۱/۵	۸۱/۲	۱۰۰	۱۱۷/۵	۱۳۳/۱	۱٤۸/٦	۱٦۲/۹
شاخص درآمد ماهانه	۷۰/۳	۸۱/٦	۱۰۰	۱۱۵/۱	۱۳۲/۷	۱۵۵	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹٦):٤/۱ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار(۱۹۹٦): ۱،۲٤۷،۸٦۷ کولون؛ منابع درآمد (۸۸-۱۹۸۷): دستمزد و حقوق ٪٦۱؛ کار آزاد ٪۲۲/٦؛ انتقالی ٪۹/٦؛ سایر موارد ٪٦/۸؛ هزینه‌ها (۸۸-۱۹۸۷): غذا و نوشیدنی ٪۳۹/۱؛ مسکن و سوخت ٪۱۲/۱؛ حمل و نقل ٪۱۱/٦؛ اثاثیه خانگی ٪۱۰/۹؛ سایر موارد ٪۲٦/۳

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۷۱۹ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۳۵۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳۵،٦۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۹۵۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۲۹٤،۰۸۳ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس (۱۹۹۷):** ۱٦۳،٤۲۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲٤ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ١٤ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ٦ روزنامه در ۳۲۰،۰۰۰ نسخه (۹٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۹٦۳ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۹۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲٦۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۸۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۲٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٦٦۰،۰۰۰ خط تلفن (۱۷۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۰۹،۰۰۰ خط (۲۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۵۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۳،۷۱۱	۱۹،۲۳۵	۵۲۹،٦۳۷	۲۷/۵
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۳۵۳	۱۰،۹٤۳	۲۰۲،٤۱۵	۱۸/۵
عالی	٤۰	؟	۸۳،۱۰٦	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۹٤/۸؛ مردان: ٪۹٤/۷؛ زنان: ٪۹۵

میزان تحصیلات افراد بالای ۵ سال(۱۹۹٦): ابتدایی ٪۵٤/۳؛ متوسطه ٪۲۵؛ عالی ٪۸/۵

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۵،۵۰۰ نفر (هر ٦۳۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۵،۹۵۳ تخت (هر ۵۸۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افردا ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۰،۰۰۰ نفر (٪۰/۵۵ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۷/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٦٤۹ کالری (٪۱۱۸ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ٦۸ گرم؛ مصرف چربی: ۸۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۲/۸؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۳/۱

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۸/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۱/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۹۷ (چهل و هشتمین کشور جهان)

جمهوری رسید و تا سال ۱۹۷۴ در این پست باقی ماند. در آن سال دانیل اودوبر به ریاست جمهوری رسید. وی روابط بازرگانی کستاریکا و کوبا را توسعه داد و ائتلاف محافظه‌کاران در سال ۱۹۷۸، رودریگو کارازو اودیو را به ریاست جمهوری رسانید.
در سال ۱۹۷۹ کستاریکا از شورشیان ساندنیست علیه دیکتاتور نیکاراگوآ، آناستازیو سوموزا حمایت کرد. این کشور در سال ۱۹۸۱ روابط خود را با کوبا قطع کرد. در سال ۱۹۸۲ لوئیس آلبرتو مونگه، از هواداران فیگه‌رس به ریاست جمهوری رسید. وی سیاست دموکراتیک غربی را پیشه کرد و برنامه‌هایی برای سر و صورت دادن به وضع اقتصادی کشور به مورد اجرا گذارد. در این دوره کستاریکا با السالوادور و گواتمالا و هندوراس روابط نزدیکی برقرار کرد و از نیکاراگوآ دوری نمود. برندهٔ انتخابات فوریهٔ ۱۹۸۶ ریاست جمهوری، اوسکار آریاس نامزد جناح چپ حزب آزادیبخش ملی بود. وی در سال ۱۹۸۷ طرح صلحی را به امضای سران السالوادور، نیکاراگوآ، گواتمالا و هندوراس رساند که به طرح صلح اسکیپولاس ۲ معروف گردید. همین طرح بود که آریاس را به دریافت جایزهٔ صلح نوبل اکتبر ۱۹۸۷ موفق نمود، ولی اتهام وی به دریافت رشوه از ژنرال نوری‌یگا، رئیس جمهوری پاناما در سال ۱۹۸۶ به وجههٔ سیاسی او لطمه زد و همراه با مسائل اجتماعی و اقتصادی، کار او به مرور به وخامت گرایید و در سال ۱۹۸۹ به اوج خود رسید. اعتصابات کارگری در استان لیمون که چهار روز به درازا کشید، امور حمل و نقل در دریای کارائیب را فلج کرد و پیوستن آموزگاران و کارگران بندرها و باراندازهای اقیانوس آرام به اعتصاب جنبه سراسری داد و دولت را از هر جهت فلج نمود.
انتخابات فوریهٔ ۱۹۹۰ به ریاست جمهوری آریاس خاتمه داد و رافائل آنگل نامزد حزب اتحاد سوسیال مسیحی به ریاست جمهوری رسید و انتخابات ۱۹۹۴ خوزه ماریا فیگه‌رس نامزد حزب آزادیبخش ملی مقام ریاست جمهوری را از آن خود کرد. در سال ۱۹۹۵ قرارداد بازرگانی آزاد با مکزیک به امضاء رسید. توفند سزار در ژوئیهٔ سال ۱۹۹۶ به کستاریکا و به ویژه نواحی جنوبی آن آسیب فراوان رسانید و ۳۰ تن کشته و حدود صد میلیون دلار خسارت به جای گذارد. در فوریه ۱۹۹۸ میگل آنخل رودریگز اچه‌وریا نامزد حزب اتحاد سوسیال مسیحی برنده انتخابات ریاست جمهوری گردید و در انتخابات سال ۲۰۰۲ نیز حزب اتحاد سوسیال مسیحی با کاندیدای خود، آبل پاچکو د لا اسپریلا به پیروزی رسید.

کلمبیا COLOMBIA

کشور کلمبیا که در شمال غربی امریکای جنوبی قرار گرفته، از نظر وسعت پنجمین کشور امریکای جنوبی است و از شمال به دریای کارائیب، از خاور به ونزوئلا و برزیل، از جنوب به پرو و اکوادور و از غرب به اقیانوس آرام(کبیر) و کشور پاناما محدود است.
رشته کوههای آند که از شمال به جنوب ممتد است، به سه رشتهٔ موازی غربی و مرکزی و شرقی



که به وسیلهٔ درّه‌های پهناور رودهای کائوکا و ماگدالنا از هم جدا می‌گردند، تقسیم شده و بخش اعظم این کشور را زیر پوشش قرار می‌دهد. قله کریستوبال کولون با ارتفاع ۵۸۰۰ متر واقع در شمال کلمبیا، بلندترین نقطهٔ این کشور محسوب می‌گردد. نواحی شمالی آن را دلتای باتلاقی رود ماگدالنا به دشت ساحلی پستی تبدیل کرده و جلگه‌های ساحلی اقیانوس آرام و دشتهای خاوری از جنگلها و علفزارهای استوایی پوشیده شده و اقلیم آن را متنوع ساخته است. ارتفاعات آند از برفهای همیشگی مستور است و جنگلهای استوایی آمازون در خاور از اقلیم گرم و مرطوب و پر باران برخوردار است. رودخانه‌های ماگدالنا (۱۶۰۹ کیلومتر)، کائوکا، پوتومایو، متا، اورینوکو، گواویاره، کاکوتا و آپاپوریس عمده‌ترین رودهای آن محسوب می‌گردند. بیشتر مردم کلمبیا در کوهستانهای آند که از هوای معتدل و مطلوبی برخوردار است به سر می‌برند و قهوه و موز عمده‌ترین اقلام صادراتی این کشور را تشکیل می‌دهد. کشور کلمبیا از نظر منابع زیرزمینی بسیار غنی است و نفت، زغال‌سنگ، طلا، پلاتینوم، نقره و زمرد از مهمترین ذخایر آن است.
زدایش جنگلها عمده‌ترین تهدید زیست محیطی و حیات وحش به ویژه برای پرندگان محسوب می‌شود.

تاریخچه

نخستین اقوامی که در کلمبیا زندگی می‌کردند چیبچاها بودند که در نواحی شمالی و پاناما با کشاورزی و معدنکاوی روزگار می‌گذراندند. با گذشتن حدود سیصد سال از استعمار کلمبیا توسط اسپانیا، گروه عظیمی از قوم چیبچا پراکنده و نابود شدند. اسپانیایی‌ها در سالهای ۱۵۳۶ و ۱۵۳۹ کلمبیا را تصرف کردند. گونزالو خیمنث دکسادا، فاتح اسپانیایی گروه زیادی از چیبچاها را کشت و شهر سانتافه. د. بوگوتا را که بعدها به پایتختی نایب‌السلطنه‌نشین نیوگرانادا مبدل شد، در سال ۱۷۱۸ بنا نهاد و کشت اقلامی چون قهوه، موز، پنبه و توتون را جایگزین کشاورزی سنتی بومیان (مانند سیب‌زمینی، ذرت و گیاهان دارویی) کرد و بردگان افریقایی را به جای بومیان متمرد در کشتزارها به کار گماشت.
شورشهای استقلال‌طلبانه مردم کلمبیا در سال ۱۷۸۱ آغاز گردید که به شدت سرکوب شد. با تسلط ناپلئون بر اسپانیا موقعیت مناسبی برای استقلال‌طلبان فراهم آورد و در سال ۱۸۱۰ اعلامیه استقلال این کشور تهیه و منتشر شد. کامیلوتورس در سال ۱۸۱۳ رهبری انقلاب را در دست گرفت و اسپانیایی‌ها را از کار برکنار کرد. واکنش شدید اسپانیا تورس را ناکام کرد و همراه با صدها تن انقلابی دیگر به کام مرگ فرستاد. در سال ۱۸۱۹ سیمون بولیوار عملیات نظامی خود را علیه استعمارگران اسپانیایی از ونزوئلا آغاز کرد و کلمبیا را آزاد نمود و جمهوری کلمبیای بزرگ را که شامل ونزوئلا، اکوادور و استان پاناما بود، تأسیس کرد. طی سالهای ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۰ ونزوئلا و اکوادور از کلمبیای بزرگ جدا شدند و سرزمین باقیمانده در سال ۱۸۶۳ بعنوان جمهوری فدرال کلمبیا که سرزمین پاناما را نیز شامل می‌شد، اعلام موجودیت کرد. از ۱۸۳۰ تا آغاز سدهٔ بیستم کلمبیا گرفتار جنگهای داخلی میان دو حزب عمدهٔ کلمبیا به نام لیبرال‌ها و محافظه‌کاران بود که به مرگ صدها تن و خسارت و ویرانی بسیار منجر گردید.
در اواخر سدهٔ نوزدهم موج استقلال طلبی مردم پاناما که از سوی دولت امریکا حمایت می‌شد، وسعت گرفت و در سال ۱۹۰۳ به استقلال پاناما منجر گردید. استخراج بی‌رویهٔ منابع نفت طی سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۷ به خالی شدن چاههای نفت انجامید و کمپانی‌های نفتی امریکایی با حدود یک میلیارد دلار سود کشور کلمبیا را به حال خود رها کردند و در عوض شرکتهای امریکایی دیگری تولید و صدور موز و فرآورده‌های معدنی و تولید انرژی کشور را در دست گرفتند. در سال ۱۹۴۸ فرماندار بوگوتا خورخه الیسر گائیتان از حزب لیبرال ترور شد و موج اغتشاش و انتقامجویی سراسر کشور را فرا گرفت که به ال بوگوتازو معروف گردید و در همان سال رهبر حزب لیبرال گروه مسلحی برای انتقامجویی تشکیل داد و این اولین گروه از ۳۶ گروهی بود که در سه دوره از رؤسای جمهور کشور به نام‌های اوسپینا پرز، لائورئانو گومز و روخاس پینیلا به وجود آمد. در ۱۹۶۴ گروه چریکی نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (فارک) تشکیل گردید و امنیت کشور را به سختی مختل کرد تا جایی که ملاکان و سرمایه‌داران بزرگ برای دفاع از جان و مال خود گاردهای مسلح استخدام کردند.
در سال ۱۹۷۴ رئیس جمهور آلفونسولوپز از حزب لیبرال، تلاش خود را مصروف به سر و سامان دادن اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور کرد. اما فعالیت انقلابیون نیروهای مسلح فارک و جنبش انقلابی ۱۹ آوریل (ام ۱۹) همچنان ادامه یافت. در سال ۱۹۷۸ خولیوسزار توربای‌آیالا از حزب لیبرال به ریاست جمهوری رسید و تلاش کرد با تشدید اقدامات نظامی گروه‌های چریکی را از میان بردارد. در سال ۱۹۸۲ بلیساریو بتانکور از حزب محافظه‌کار عهده‌دار ریاست جمهوری گردید وی کلمبیا را وارد جنبش عدم تعهدها نمود. با انقلابیون به مذاکره برای یافتن راه حل برای برقراری آرامش و امنیت در کشور پرداخت ولی به دلیل کشته شدن رهبر گروه ام ۱۹، مذاکرات با آنان بی‌نتیجه ماند، اما گفتگو با گروه فارک به نتیجه رسید و آتش‌بس میان آنان و نیروهای دولتی برقرار گردید.
در نوامبر ۱۹۸۵ سی و پنج مبارز مسلح از گروه چریکی ام ۱۹، کاخ دادگستری در شهر بوگوتا را تصرف کردند که با دخالت نیروهای مسلح و کشته شدن چریک‌ها غائله خاتمه یافت.



نام رسمی: جمهوری کلمبیا

نام محلی: کلمبیا Colombia

اسامی دیگر: -

پایتخت: بوگوتا (۶،۲۷۶،۴۲۸ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۸۱۰/۷/۲۰ ، از اسپانیا

روز ملی: بیستم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۸۸۶

رئیس حکومت: رئیس جمهور: آلواره اوریبه ولز، از سال ۲۰۰۲ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: آلواره اوریبه ولز، از سال ۲۰۰۲ به مدت ٤ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱؛ کنگرهٔ متشکل از مجلس نمایندگان با ۱۶۵ عضو و مجلس سنا با ۱۰۲ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): حزب لیبرال ۸۰ (٥٤) کرسی، حزب محافظه کار کلمبیا ۲۸ (۲۱)، اتحادیه دموکراتیک (جنبش امنوزده) ۲ (-)، ائتلاف (۱۷)، تغییرات رادیکال (۷)، تیم کلمبیا (٤)، گشایش لیبرال (۵)، جنبش مردمی متحد (۲)، جنبش رهایی‌بخش ملی (۲)، بقیه ۵۳ (۵۵) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآا، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی-آدب، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱،۱٤۱،۷٤۸ کیلومترمربع (بیست و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ٤۲،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (بیست و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۱/۹

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۵۹/۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۷٤/۱؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪۲/۲

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۳۲/۵؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۶/۹؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۳۳/۷؛ بالای ٦۰ سال ٪٦/۹

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۹/۱٦؛ زن ٪٥۰/۸٤ — **امید به زندگی:** زنان ٦٦/۱ سال؛ مردان ۷٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۳/٤ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٥/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲٥/٦ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٤): تصادف، خشونت و خودکشی ۱۱٤/٥ نفر(از جمله قتل با اسلحهٔ گرم ۷۳/۱ نفر)؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ٥۸/۳ نفر؛ بیماریهای کم‌خونی قلب ٥۰/٤ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۱۳/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۸۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۹۳): دورگه‌سرخ‌وسفید٥۸٪؛سفیدپوست۲۰٪؛ دورگه‌سیاه‌وسفید۱٤٪؛سیاهپوست٤٪؛دورگه‌سرخ‌وسیاه ۳٪

دین(۱۹۹٥): کاتولیک ٪۹۱/۹؛ دیگر ادیان ٪۸/۱ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ زبانهای بومی سرخپوستان به ویژه چیبچا و کچوا؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): کالی ۲،۱۱۰،٥۷۱ نفر؛ مدلین ۱،۹٥۷،۹۲۸ نفر؛ بارانکیلا ۱،۲۲٦،۲۹۲ نفر؛ بوکارامانگا ٥۲۰،۸۷٤ نفر

بنادر مهم: بارانکیلا، سانتامارتا و کارتاخنا (سواحل دریای کارائیب)؛ بوئناونتورا (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پزو کلمبیا (Col$)=۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار= ۲،۱۹۳ پزو؛ صد پزو= ۳٦٤/۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱٦،۷۰٦ میلیارد پزو؛ درآمد مالیاتی ٪۷۰/۸؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۲٥/٦؛ انتقالی‌ها ٪۳/٦

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۲۱،٥۲٦ میلیارد پزو؛ هزینهٔ جاری ۷۷٪ (شامل دستمزدها ٪۲۳/۹، بهره وامها ٪۱۲/۲، کالا و خدمات ٪۱۰/۹)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۲۳٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۰۰،٦٦۷ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،٤۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪۳/۸ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۳/٥

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۳/٥؛ صنعت ٪۲٥/۱؛ خدمات ٪٦۱/٤

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤٦٤ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲،۹۸۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱٦،۹۳۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۱٦٥/٦ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۳/۹

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۲۱/٥؛ ۱۹۹۸: ٪۱۷/٥؛ ۲۰۰۰: ٪۸/۹

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۳،٦۹۰،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۲،۷۸۹،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲،۷۰٥،٤۱۳ تن؛ برنج ۲،۰٥۹،۳۷٤ تن؛ کاساوا ۱،۹٥٦،۰٥۱ تن؛ موز ۱،٥۷۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۹۷٤،٥۸۳ تن؛ قهوه ٦٤۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪٥/۷؛ مرتع ٪۱۸/۲؛ جنگل ۲۲٪؛ دیگر موارد ٪٥٤/۱

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۲٥،٦۱٤،۲۰۰ رأس؛ خوک ۲،۷٦۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۲،۱۹٥،٦۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۸،٦۱۸،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱٦۷،٤٦٤ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۹۸،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۳۸،۷۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ‌آهن ٦۳۱،٥۰۰ تن؛ نمک ٥٦۰،۳۰۰ تن؛ طلا ٥۲۱،۸۰۰ تروی؛ نقره ۱۰۹،٥۰۰ تروی

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون پزو): فرآورده‌های غذایی ۹،۳٦۲،۳۰۰ ؛ نوشیدنی ۲،٤۸٥،۹۰۰؛ منسوجات و پوشاک ۲،۱۰۷،۳۰۰؛ ماشین‌آلات و ابزار برقی ۲،۰٤۹،۰۰۰؛ تجهیزات حمل و نقل ۱،٦۳۲،۷۰۰؛ فرآورده‌های کاغذی ۱،٥۸۱،۷۰۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦) ٤٤،٦۰٥،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٤٤،۷٦۹،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۳۰،۰٦٥،۰۰۰ تن (٤،۹۱۹،۰۰۰)؛ نفت: ۲۳۷،۳۹٥،۰۰۰ بشکه (۱۱۳،۲۱۱،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی ۱۳،۳۱۰،۰۰۰ تن (۱۰،۹۱۳،۰۰۰)؛ گاز طبیعی ٥،٦۷٤،۰٥۳،۰۰۰ مترمکعب (٥،٦۷٤،۰٥۳،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۸): ٦،٥٥۰،٦۷۹ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۷/٤؛ میزان مشارکت: (۱۵ تا ٦۹ سال): ٪٦۷/۷؛ زنان (۱۵ تا ٦۹ سال): ٪٤٥/۱؛ میزان بیکاری: ٪۱۹/۷؛ ۲۰۰۰: ٪۲۰/۲

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ٪۲۲/۸ ؛ صنعت ٪۱۹/۹؛ خدمات ٪٥٦/۷

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱ تا ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱٤٤،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸٤٪؛ نیروی دریایی ٪۱۰/٤؛ نیروی هوایی ٪٥/٦؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۹۱ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱٤،٦۳٤ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪٤۱/۲؛ مواد شیمیایی ۲۱٪؛ فرآورده‌های گیاهی ٪۷/۷؛ فلزات ٪٥/۱؛ مواد غذایی و دخانیات ٪٤/٤؛ کاغذ و تولیدات کاغذی ٪۳/٤؛ از (۱۹۹۷): امریکا ٪٤۱/٥؛ ونزوئلا ۱۰٪؛ آلمان ٥٪؛ ژاپن ٪٤/۳

صادرات(۱۹۹۸): ۱۱،۳٦۲ میلیون دلار؛ شامل(۱۹۹۷): فرآورده‌های نفتی ٪۲۳/٥؛ قهوه ٪۱۹/٦؛ مواد شیمیایی ٪۹/٤؛ زغال‌سنگ: ٪۷/۷؛ مواد غذایی و دخانیات ٪٥/۹؛ منسوجات و پوشاک ٪٥/٥؛ به کشورهای (۱۹۹۷): امریکا ٪۳۷/۸؛ ونزوئلا ٪۸/۹؛ آلمان ٪٦/۳؛ اکوادور ٪٤/۷؛ پرو ٪٤/۷؛ ژاپن ٪۳/۱

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۱،۹٦۹/۸	-۲،٦۲۰/۸	-۲،۷۹٥/۷	-۲،۲۰٦/۷	-۲،۸۸٦/٥	-۳،۲۷۲	-۱،٥۸٦/۳
درصد کل	٪۱۲/۲	٪۱۳/٥	٪۱۲/۱	٪۹/٤	٪۱۱/۱	٪۱۲/٦	٪۷/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	٦٦/۸	۸۲/۷	۱۰۰	۱۲۰/۲	۱٤۲/٥	۱۷۲	۱۹۱/۳
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	۱۰۰	۱۱۹/٥	۱٤٤/٦	۱۷۱/٤	۱۹۸/۸

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸٥): ٤/۷ نفر؛ منابع درآمد (۱۹۹۲): دستمزد ٪٤٥/۱؛ کار آزاد ٪۳٥/٤؛ پرداخت‌های انتقالی ٪۱٤/۲؛ هزینه‌ها (۱۹۹۲): غذا ٪۳٤/۲؛ حمل و نقل ٪۱۸/٥؛ مسکن ٪۷/۸؛ مراقبت‌های بهداشتی ٪٦/٤؛ کالای بادوام خانگی ٪٥/۷؛ پوشاک ٪٤/٥

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۹۳۹ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱،۱۲٤ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱۱٥،٥٦٤ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۳،۲۳۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۷٦۲،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون (۱۹۹٦):** ٦۷۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱۰۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ٤۳ فرودگاه

روزنامه: ۳۷ روزنامه در ۱،۸۰۰،۰۰۰ نسخه (٤۹ نسخه برای هرهزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱،٤۸۱ عنوان در ۱۱،۳۱٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۷،٦۳۹/٤ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۲۱،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٥۲٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۸،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۰۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٦،۳٦۷،۰۰۰ خط تلفن (۱٦۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۸۰۰،۰۰۰ خط (٤٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۰۲٤،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳٥۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	٤۸،۹۳۳	۱۹۳،۹۱۱	٤،۹۱٦،۹۳٤	۲٥/٤
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۷،۸۹٥	۱٦٥،۹۷٦	۲،۳۲۳،٦٥۳	۱٤
عالی	۲٦٦	۷٥،٥٦۸	٦۷۳،۳٥۳	۸/۹

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۹۱/۳؛ مردان: ٪۹۱/۲؛ زنان: ٪۹۱/٤

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸٥): ابتدایی ٪٥۰/۱؛ متوسطه ٪۲٥/٤؛ عالی ٪٦/۸

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ٤۰،۳٥٥ نفر (هر ۱،۱۰۲ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ٤۰،۰٤۳ تخت(هر ۱،۰۰۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۷۲،۰۰۰ نفر (٪۰/۳٦ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۱/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٥٥۹ کالری (۱۱۰٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۳ گرم؛ مصرف چربی: ٦٥ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/٦ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/٥

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٦٥/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷٦٤ (شصت و هشتمین کشور جهان)

سوداگران مرگ و قاچاقچیان مواد مخدر که در بیشتر ناآرامی‌های این کشور دست داشته و دارند به تحکیم موقعیت خود پرداختند. بیش از ۲۰۰۰ دست چپی فعال به دست تروریست‌ها و آشوب‌طلبان که بیشتر از سوی قاچاقچیان مواد مخدر حمایت می‌شدند کشته شدند و در سال ۱۹۸۷ خائیمه پاردو لئال یکی از اعضای اتحادیه میهنی به قتل رسید و در اوت ۱۹۸۹ نیز لوئیس کارلوس گالان کاندید ریاست جمهوری سال ۱۹۹۰ به دلیل این که برنامهٔ خود را مبارزه باعملیات تروریستی و قلع و قمع قاچاقچیان مواد مخدر و انحلال گروه‌های شبه نظامی دولتی اعلام کرده بود، ترور شد.

در مارس ۱۹۹۰ برناردو خارامیلو که از سوی اتحادیهٔ میهنی نامزد ریاست جمهوری بود به قتل رسید و کارلوس پیزارو جانشین او نیز ۲۰ روز بعد کشته شد. ارقام رسمی گویای آن است که در دههٔ ۱۹۹۰ بیش از ۱۴۰ گروه شبه نظامی در این کشور فعالیت می‌کرده‌اند و اکثراً از سوی مافیای مواد مخدر کمک مالی دریافت می‌داشته‌اند. جنگ با قاچاقچیان مواد مخدر به حدی توسعه یافت که سازمان مبارزه با مواد مخدر امریکا به کمک دولت کلمبیا شتافت و کشتزارهای کوکائین را با مواد شیمیایی نابودکننده بمباران نمود. انتخابات ریاست جمهوری کلمبیا در ۲۷ مه ۱۹۹۰ برگزار شد و سزار گاویریا نامزد لیبرال‌ها به ریاست جمهوری رسید. در پنجم ژوئیه ۱۹۹۱ قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید و طی آن برای ریاست جمهور معاونی منظور گردید و انتخاب یک رئیس جمهور برای بار دوم ممنوع شد. در ژانویهٔ ۱۹۹۳ گروه جدیدی به نام پیس، برای انتقام خون افرادی که توسط کارتل مواد مخدر کلمبیا کشته شده بودند، اعلام موجودیت کرد و در عرض ۲ ماه ۳۰ تن از اعضای کارتل‌های تولید و توزیع مواد مخدر توسط اعضای این گروه کشته شدند و با بمب‌گذاری در داخل اتومبیل‌ها شمار زیادی از آنان را به هلاکت رساندند. سرانجام در دوم دسامبر اسکوبار رئیس کارتل مواد مخدر مدلین که به تازگی از زندان گریخته بود، در زد و خورد با پلیس کشته شد. در انتخابات ۱۹۹۴ ارنستو سامپر به ریاست جمهوری رسید و مبارزه با سوداگران مرگ را با موفقیت آغاز کرد. در سپتامبر ۱۹۹۵ دست داشتن اعضای دولت سامپر در یک اختلاس بزرگ، افتضاح عجیبی را ایجاد کرد. سامپر برای حفظ وجههٔ خود مبارزه با سوداگران مرگ را شدت بخشید و پایگاههای کارتل مواد مخدر کالی که انحصار و توزیع ۷۰ درصد کوکائین جهان را برعهده دارد مورد حمله نیروهای مسلح دولتی قرار گرفت.

در ژوئن ۱۹۹۸ آندرس پاسترانا از محافظه‌کاران در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسید، ولی در انتخابات پارلمانی حزب لیبرال با کسب ۸۰ کرسی پارلمان به اکثریت نسبی دست یافت. درسال ۲۰۰۱ گفتگوهای دولت با شورشیان مسلح ادامه یافت و در ژوئن این سال ۳۶۵ نیروی پلیس و ارتش که در دست گروه فارک اسیر بودند با ۱۵ چریک زندانی معاوضه شدند. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲ آلواره اوریبه ولز، با کسب ۵۳٪ آراء در دور اول به پیروزی رسید. وی بر خلاف پاسترانا که تمایل به مذاکره با گروه‌های چریکی مخالف برای دسترسی به یک تفاهم ملی داشت، اعلام نمود که قصد دارد از طریق تقویت نیروهای نظامی و تشکیل یک ارتش شبه نظامی مردمی و همچنین دریافت کمک‌های آموزشی و نظامی از امریکا، چریک‌ها را وادار به تسلیم نماید.

کنگو (کنگو برازاویل) CONGO

کنگو برازاویل کشوری است در افریقای غربی و در ساحل اقیانوس اطلس که از شمال به کشورهای کامرون و جمهوری افریقای مرکزی، از خاور و جنوب به جمهوری دموکراتیک کنگو (کینشاسا) و آنگولا (استان کابیندا) و از غرب به اقیانوس اطلس و کشور گابون محدود است.

این کشور به چهار ناحیهٔ جغرافیایی یعنی جلگه‌های ساحلی، فلات مرکزی که به وسیلهٔ رشته ارتفاعاتی به بلندی حداکثر ۸۰۰ متر از جلگهٔ ساحلی جدا می‌شود، حوضهٔ رود کنگو در شمال خاوری و بالاخره اراضی وسیع پوشیده از باتلاق تقسیم می‌گردد.

نواحی مرکزی آن از جنگلهای بارانی انبوه با نواحی مسکونی پراکنده و دور از هم تشکیل یافته و دوسوم جمعیت کشور در نواحی جنوبی و پیرامون خط آهن پوانت نوار و برازاویل زندگی می‌کنند.

تهیهٔ چوب و الوار و کشاورزی بیش از یک سوم جمعیت کشور را به خود مشغول داشته و از نظر منابع زیرزمینی به ویژه نفت، سرب، طلا، روی، مس و الماس بسیار غنی است. اقلیم این کشور گرم و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های کنگو، اوبانگی، سانگا، کوئیلو و انگوکو از مهمترین رودهای آن هستند. بلندترین نقطهٔ آن، کوه لکتی ۱۰۴۰ متر ارتفاع دارد و در غرب این کشور واقع شده است.

توسعهٔ بی‌رویهٔ شهرها و انبوهی پناهندگان و فقدان سیستم فاضلاب بهداشتی از جمله دشواریهای اجتماعی این کشور بوده و شیوع بیماریهای واگیردار، آلودگی آبهای سطحی، زدایش جنگلها و نابودی حیات وحش از جمله عوامل تهدیدکنندهٔ محیط زیست این سرزمین محسوب می‌گردند.



تاریخچه

ساکنان اولیه کنگو را پیگمه‌ها و بوشمن‌های تیرهٔ سان تشکیل می‌داده‌اند. تا سدهٔ شانزدهم میلادی بخشی از دولت بانتو بود و سالها تحت حکومت مانیکنگو قرار داشت و سپس نوبت استعمارگران پرتغالی فرا رسید و حدود سیصد سال به پایگاهی برای جمع‌آوری بردگان سیاه‌پوست مبدل شد و تجار انگلیسی و فرانسوی برده به آنجا رفت و آمد می‌کردند. در اواخر سدهٔ نوزدهم تجارت برده جای خود را به تجارت کائوچو و روغن نخل واگذار کرد و در انحصار بازرگانان فرانسوی قرار گرفت. در سال ۱۸۸۰ عملیات استعمارگری نیروهای فرانسوی به رهبری ساوورینان دو برازا آغاز گردید و تا دههٔ ۱۹۲۰، دوسوم جمعیت کنگو از بین رفته بودند و اجبار کارگران سیاهپوست به کار در پروژه خط آهن پوانت نوار به برازاویل موجب شد تا اولین نشانه‌های استقلال خواهی تحت رهبری ماتسوا خودنمایی کند. پس از جنگ جهانی دوم جنبش‌های دانشجویی و کارگری و پیدایش افکار سوسیالیستی، استخوان‌بندی مقاومت ملی را فراهم آورد.

در سال ۱۹۶۰ استقلال کنگو تحقق یافت و فولبر یولو، رهبر اتحاد دموکراتیک برای دفاع از منافع افریقاییان، به سمت اولین رئیس جمهور کشور انتخاب گردید. سیاست‌های یولو که تابعی از سیاست‌های فرانسه بود با مخالفت‌های گسترده مردمی مواجه شد و در نهایت وی در سال ۱۹۶۳ از سمت خود کناره‌گیری کرد و رئیس مجلس شورای ملی آلفونس ماسمبا دبات از سوی سوسیالیست‌ها به ریاست جمهوری رسید. وی نیروهای مسلح فرانسه را وادار به تخلیهٔ کشور کرد و جنبش ملی انقلاب را به عنوان تنها حزب قانونی کشور پایه گذاری نمود. در یکم ژانویه ۱۹۶۹ ماسمبا دبات طی یک کودتای نظامی برکنار شد و یک سرگرد جوان ارتش به نام مارین نگوآبی که از سوی افسران دست چپی حمایت می‌شد، رهبری کشور را در دست گرفت. نگوآبی حزب کارگر کنگو را که یک حزب مارکسیست لنینیستی بود پایه‌گذاری کرد.

در سال ۱۹۷۳ قانون اساسی جدید کشور به تصویب رسید و نظام کشور به جمهوری خلق کنگو مبدل شد. منابع انرژی آب و نفت و صنایع کشور ملی شد و در کنترل دولت قرار گرفت. زمانی که آنگولا در سال ۱۹۷۵ به استقلال رسید، علیرغم اختلافات دو کشور در مورد استان نفت‌خیز و برون بومی کابیندا که در همسایگی کنگو قرار دارد، این کشور بلافاصله آن را به رسمیت شناخت.



نام رسمی: جمهوری کنگو

نام محلی: کنگو Congo

اسامی دیگر: کنگوی وسطی، کنگوی برازاویل، کنگوی وسطای فرانسه (اسامی سابق)

پایتخت: برازاویل (۹۵۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۸/۱۵/ ۱۹۶۰، از فرانسه

روز ملی: پانزدهم اوت، روز استقلال

نوع حکومت: دولت انتقالی با یک مجلس قانونگذاری انتقالی، ازسال ۱۹۹۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: دنیس ساسو نگوئسو، از سال ۱۹۹۷ (برای بار دوم از سال ۲۰۰۲)

رئیس دولت: رئیس جمهور: دنیس ساسو نگوئسو، ازسال ۱۹۹۷ (برای بار دوم از سال ۲۰۰۲)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۲۰۰۲؛ مجلس ملی با ۱۳۷ عضو به مدت ٥ سال و مجلس سنا با ٦٦ عضو به مدت ٦ سال؛ نتایج اولین انتخابات پارلمانی پس از جنگهای داخلی (۲۰۰۲): حزب کارگر کنگو ٥۳ کرسی، نیروهای دموکراتیک متحد ۳۰ کرسی، اتحاد برای بازسازی دموکراتیک ٦ کرسی، اتحاد پان افریکن برای سوسیال دموکراسی ٤ کرسی، بقیه ٤٤ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یااآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، فز، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۳٤۲،۰۰۰ کیلومترمربع (شصت و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۲،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و سی و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸/٥ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۲/۸

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٥ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦۱٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪٤/۲

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٪٤۲/٥؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۸/۸؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۲۳/٦؛ بالای ٦۰ سال ٪٥/۱

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۹/۱۷؛ زن ٪٥۰/۸۳ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٥۰/٤ سال؛ مردان ٤٤/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٦/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۰۳/۲ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۲/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد؛ اما طبق برآوردهای سال ۱۹۹۰ مهمترین بیماریهای شایع بدین قرار بوده است: مالاریا، بیماریهای عفونتی تنفسی، اسهال، شوک، بیماریهای کرمی و بیماریهای جنسی.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٥/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): قبایل سیاهپوست کنگو ٪٥۱/٥؛ تکه ٪۱۷/۳؛ مبوشی ٪۱۱/٥؛ مبته ٪٤/۹؛ پونو ٪۳؛ سانگو ٪۲/۷

دین(۱۹۹٥): کاتولیک ٪٤۰/۹؛ باورهای قبیله‌ای ٪۳۲/۹؛ پروتستان ٪۲٤/۲؛ مسلمان ٪۲

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ زبانهای بومی قبایل از جمله لینگالا، مونوکوتوبا، کیکنگو و تکه؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): پوانت‌نوار ٥۰۰،۰۰۰ نفر؛ لوبومو ۸۳،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۹۲): انکایی ٤۲،٥۰۰ نفر؛ موسنجو ۱٦،٤۰۰ نفر؛ اوواندو ۱٦،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: پوانت‌نوار (اقیانوس اطلس)؛ برازاویل (رود کنگو)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ (CFAF)= ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار=۷٥٤/۲۸ فرانک؛ یک فرانک=۱۰/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۳۹۹/٦ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ (۱۹۹٦): درآمدهای نفتی ٪٥۹/٦؛ دریافت‌های غیر نفتی ٪٤۰/٤

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ٥۱٥/۸ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ پرداخت بدهی‌ها ٪۳٤/۱؛ کالا و خدمات ٪۲۹/٥؛ حقوق‌ها ٪۲۰/۲؛ انتقالی‌ها و یارانه ٪٥/۳

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،۸۹۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٦۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪۳/۸؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۱/٥

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۱/٥؛ صنعت ٪٤۹/۹؛ خدمات ٪۳۸/٦

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۲- میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱٥ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٤،۲٥۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٦٤/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲٦/٤

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۷/۱؛ ۱۹۹۸: ٪٤/۱

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): کاساوا ۸۰۰،۰۰۰ تن؛ نیشکر ٤٥٥،۰۰۰ تن؛ میوه نخل روغن ۹۰،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۷۸،۰۰۰ تن؛ موز ٥۲،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۲٥،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۲٥،۰۰۰ تن؛ آووکادو ۲٥،۰۰۰ تن؛ یام ۱۳،٥۰۰ تن؛ آناناس ۱۳،۰۰۰ تن؛ دانهٔ کاکائو ۲،۰۰۰ تن؛ قهوه ۱،٤۰۰ تن؛ کائوچو ۱،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۰/٥؛ مرتع و چمنزار ٪۲۹/۳؛ جنگل ٪٥۸/۳؛ دیگر موارد ٪۱۱/۹

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۲۸٥،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱۱٥،۰۰۰؛ گاو ۷٥،۰۰۰ ؛ خوک ٤٥،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤،۳۱٤،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤۰،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱،۹۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،۱٤۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۱): طلا ۱٦،۰۰۰ تن؛ سرب ۱،۰۰۰ تن؛ روی ۱،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): پس‌ماندهٔ تصفیه نفت ۲٥۸،۰۰۰ تن؛ سیمان ۱۰۰،۰۰۰؛ تقطیر نفت ۹۰،۰۰۰ ؛ بنزین هواپیما ٥۳،۰۰۰ ؛بنزین ٤۹،۰۰۰ ؛نفت‌سفید ٤۸،۰۰۰؛شکر تصفیه‌شده ۲۱،۰۰۰؛آرد گندم ۱٦،۰۰۰ ؛ماهی شور یا خشک یا خام ٤،۰۰۰ تن؛ سیگار ٦٥٥،۰۰۰،۰۰۰ جعبه؛ وسایل کشت دستی ۲۹٤،٤۰٤ عدد؛ آبجو ٥۰۷،۰۰۰ هکتولیتر؛نوشابه غیرالکلی ۲۲۰،۰۰۰هکتولیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ٤۳۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٥٥۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ۷۷،۸۳۷،۰۰۰ بشکه (۱۱،۸۸۲،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ٥۳٤،۰۰۰ تن (٥۰۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۳،۳٥۷،۰۰۰ مترمکعب (۳،۳٥۷،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۱،۱۱۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۲؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤؛ ۱۹۸٤): ٪٥٤؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤ ؛ ۱۹۹۷): ٪٤۳/٤؛ میزان بیکاری (۱۹۸٤): ٪۲/۳

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪٥۱/۷؛ صنعت ٪۱۲/۸؛ خدمات ٪۳٥/٥

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱۰،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۸۰؛ نیروی دریایی ٪۸؛ نیروی هوایی ٪۱۲؛ سرانهٔ هزینه دفاعی(۱۹۹۷): ۲۸ دلار

واردات(۱۹۹۷): ٥۲٤/۹ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل ونقل ٪۳۸؛ تولیدات اصلی ٪۲۷/٤؛ غذا و دام زنده ٪۱۱/۲؛ مواد شیمیایی ٪۸/٤؛ سوختهای معدنی ٪۳/۲؛ نوشیدنی و دخانیات ٪۲/۳؛ از فرانسه ٪۲۳/۳؛ امریکا ٪۹/۲؛ بلژیک ٪۷/٦؛ انگلستان ٪٦/۹؛ ایتالیا ٪٥/٦؛ چین ٪٥/٦؛ هلند ٪٤/٤؛ هنگ‌کنگ ٪٤/۱

صادرات(۱۹۹۷): ۹۷۳/۷ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل نفت و فرآورده‌های نفتی ٪۸٤/٦؛ چوب و تولیدات چوبی ٪۸/٤؛ دیگر موارد ٪۷؛ به امریکا ٪۱۹/۳؛ تایوان ٪۱٦؛ بلژیک ٪۱۱/٥؛ آلمان ٪۷/٥؛ ایتالیا ٪٤/۹

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیاردفرانک‌سی‌اف‌آ	+۲۱٤/۸	+۱٦۸/٦	+۱۹۲/۲	+۲٦۰/۸	+۱۰۰	+٤٤۸/۸
درصد کل	٪٥۲/٥	٪۳۸/٦	٪۲۲	٪۲۸/۷	٪٦/۷	٪۲۹/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦
شاخص قیمتهای مصرفی	٥٥	۸۲/٤	۱۰۰	۹۹/۸
شاخص درآمد	؟	؟	۱۰۰	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۸٤): ٥/۲ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد:؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۷۷): غذا؛ نوشیدنی و دخانیات ٪٦۲؛ مسکن ٪۱۰/۱؛ حمل و نقل و سرگرمی ٪۸/٦؛ پوشاک و کفش ٪٦/۹؛ سوخت، نیرو و آب ٪٥/۷؛ بهداشت و مراقبت‌های پزشکی ٪۳/۸

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۱۰ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ٦٤ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۲،۸۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۸۹٤ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۳۷،۲٤۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱٥،٥۲۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۲۲ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱۰ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٥): ٦ روزنامه در ۲۰،۰۰۰ نسخه (۷/۸ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳ عنوان در ۳٤،۰۰۰ نسخه

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۳٤۱،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۲٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۳۳،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۲،۰۰۰ خط تلفن (۷/۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳،۳۹۰ خط (۱/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱،٦۱۲	٦،۹۲٦	٤۸۹،٥٤٦	۷۰/۷
متوسطه	۲۳۸	٥،٤٦٦	۱۹۰،٤۰۹	۳٤/۸
فنی و حرفه‌ای	٦۰	۱،۷٤٦	۲۳،٦۰٦	۱۳/٥
عالی	۱۲	۱،۳٤۱	۱٦،٦۰۲	۱۲/٤

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۸۰/۷؛ مردان: ٪۸۷/٥؛ زنان: ٪۷٤/٤

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸٤): ابتدایی ٪۲۱/٤؛ متوسطه ٪۱٦/۹؛ بعد از متوسطه ٪۳

تعداد پزشک(۱۹۹٥): ٦۳۲ نفر (هر ٤،۰۸۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۹): ٤،۸۱۷ تخت (هر ٤٤٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۰۰،۰۰۰ نفر (٪۷/۷۸ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۳۹/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۲٤۱ کالری (٪۱۰۱ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤۳ گرم؛ مصرف چربی: ٥۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/۲؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/۲

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٥ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٥۰۷ (صد و سی و نهمین کشور جهان)

در ۱۸ مارس ۱۹۷۷ نگوآبی به دست هواداران ماسمبا دبات رئیس جمهوری پیشین کشته شد و به دنبال فعل و انفعالاتی چند، که در طی آن ماسمبا دبات نیز اعدام شد، سرهنگ یوآخیم یومبی اوپانگو قدرت را در دست گرفت. وی نیز در ششم فوریه ۱۹۷۹ از کار برکنار گردید و دنیس ساسو نگوئسو به جای او نشست. در سال ۱۹۸۲ با اکتشاف و استخراج نفت در کنگو، وضع اقتصادی کشور رونق گرفت و درآمد حاصل از نفت ۴۹/۵ درصد بودجهٔ کشور را به خود اختصاص داد. نگوئسو با کشورهای اروپای شرقی روابط نزدیکی برقرار کرد و در عین حال ارتباط اقتصادی خود را با کشور امریکا و فرانسه حفظ کرد و در راه کسب استقلال کشور نامیبیا تلاش نمود. با فروپاشی کشور اتحاد شوروی و فرو ریختن دیوار برلین، تغییرات سیاسی مهمی در کنگو به وقوع پیوست و نوع حکومت کشور به جمهوری چند حزبی مبدل گردید. در ژوئیه ۱۹۹۱ اندره میلونگو تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به مقام نخست‌وزیری منصوب گردید. این اقدام رویارویی و تظاهرات خیابانی و زد و خوردهای فراوانی را به همراه آورد و سرانجام یک دولت انتقالی موقت تشکیل گردید.

در انتخابات اوت ۱۹۹۲ پاسکال لیسوبا به ریاست جمهوری رسید و ژاک یومبی اوپانگو را به نخست‌وزیری منصوب کرد. احزاب مخالف که با این شکل حکومت مخالف بودند خود ائتلاف کردند و برنار کوله لاس را به نخست‌وزیری و تشکیل دولت انتخاب کردند. دامنهٔ اختلافات میان دولت و احزاب مخالف روز به روز وسعت یافت و ارتش را وادار به دخالت نمود و به کشته شدن بیش از صد تن در ژانویهٔ ۱۹۹۴ منجر گردید. توافق میان دولت و مخالفان در ماه مارس ۱۹۹۴ به صلح و اعلام آتش‌بس انجامید. اما صلح دیری نپایید و در ژوئن ۱۹۹۷ جنگ دوباره آغاز شد. دولت که مصمم به خلع سلاح دنیس ساسو و هواداران او بود، جنگ جدیدی را آغاز کرد که منجر به عقب‌نشینی و شکست لیسوبا و دولت او گردید و ساسو نگوئسو در نوامبر ۱۹۹۷ به ریاست‌جمهوری رسید و برنار کوله لاس نیز به نخست‌وزیری منصوب گردید. در ژانویه ۱۹۹۸ گفتگو میان این کشور و جمهوری خلق کنگو برای تعیین حدود مرزهای میان دو کشور که طول آن به ۲,۴۱۰ کیلومتر می‌رسد آغاز گردید.

در خلال سال ۱۹۹۸، نگوئسو با همکاری مافیای روسیه به تسلیح هرچه بیشتر نیروهای خود پرداخت و از افسران اسرائیلی نیز برای هدایت ارتش کمک گرفت. در نوامبر ۱۹۹۹، موافقت‌نامه آتش‌بس میان نگوئسو و نیروهای مقاومت به امضاء رسید و با میانجیگری عمر بونگو، رئیس جمهور گابون، نگوئسو زندانیان را آزاد کرد و شمار زیادی از مخالفان نیز سلاح‌های خود را تا ژانویه سال ۲۰۰۰ تسلیم کردند. در سال ۲۰۰۱ دو کنفرانس برای پی‌گیری آشتی ملی برگزار گردید که برخی از گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی مهم، از جمله پاسکال لیسوبا و برنار کوله لاس آن را تحریم کردند. در این سال پیش‌نویس قانون اساسی جدیدی توسط پارلمان‌های مناطق تهیه شد و در همه‌پرسی سال ۲۰۰۲ به تأیید رسید.

در انتخابات ریاست جمهوری مارس ۲۰۰۲، دنیس ساسو با کسب ۷۴/۷ درصد آراء در مقام خود ابقاء گردید.

کنگو (کنگو کینشاسا) CONGO

کشور کنگو کینشاسا در قلب قارهٔ افریقا جای دارد و از نظر وسعت سومین کشور قارهٔ افریقاست. کنگو از شمال به کشور جمهوری افریقای مرکزی، از شمال خاوری به سودان، از خاور به کشورهای اوگاندا، روآندا، بوروندی و تانزانیا، از جنوب خاوری و جنوب به زامبیا و آنگولا و از غرب به خلیج گینه (اقیانوس اطلس) و آنگولا (استان کابیندا) و کنگو برازاویل محدود است.

این سرزمین که بخش عمدهٔ حوضهٔ رود کنگو را به خود اختصاص داده از طریق دالان باریکی به اقیانوس اطلس (خلیج گینه) مرتبط است. نواحی مرکزی و شمالی آن از جنگلهای بارانی پوشیده شده و جمعیت آن به طور پراکنده و دور از هم زندگی می‌کنند و با کشاورزیهای محدود و کوچک روزگار می‌گذرانند. بخش جنوب خاوری آن را فلاتی که ارتفاع آن از ۱۰۰۰ متر تجاوز نمی‌کند تشکیل داده و بخش عمدهٔ جمعیت و منابع ملی کشور در علفزارهای جنوبی جای گرفته‌اند و کاساوا، پنبه، بادام زمینی، قهوه و نیشکر فرآوردهٔ عمدهٔ این ناحیه است.

بخش وسیعی از کشور به کشتزارهای نخل روغن و درختان کائوچو اختصاص یافته و ذخایر عمدهٔ زیرزمینی آن در ناحیهٔ شابا متمرکز است و مس، روی، طلا، کبالت، الماس و اورانیوم از مهمترین منابع زیرزمینی کشور به شمار می‌آیند. صنایع محلی نیز در کنار معادن کشور جای گرفته‌اند.

اقلیم این کشور گرم و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های کنگو (۴۳۲۰ کیلومتر)، کاسایی، سانکورو، اوبانگی و اوئله از عمده‌ترین رودهای آن هستند و دریاچه‌های تانگانیکا (۳۲,۹۰۰ کیلومترمربع)، ادوارد و آلبرت چشمگیرترین عارضهٔ آبی مرزهای خاوری آن می‌باشند. بلندترین نقطهٔ آن که در شرق کشور و در مرز اوگاندا واقع شده، قلهٔ مارگریتا است که ۵۱۰۹ متر ارتفاع دارد.

آلودگی آبها منشأ بیماریهای عفونی و انگلی بسیار رایج این سرزمین بوده و زدایش جنگل‌ها که با سرعت قابل توجهی انجام می‌شود محیط زیست به ویژه حیات وحش را به سختی مورد تهدید قرار داده است.



تاریخچه

اولین دولت شناخته شده‌ای که در سرزمین امروزی کنگوی کینشاسا روی کار آمده است، سلطان‌نشین لوبا و در جایی به نام کاتانگا (شابای امروزی) بوده است. سلطان‌نشین لوبا در سدهٔ شانزدهم و به دست جنگجویی به نام کنگولو تأسیس گردید. او کلیهٔ رؤسای قبایل محلی را به اطاعت خود درآورد و دولت مرکزی مقتدری را پایه گذاری کرد. نواحی شمال غربی کشور به وسیلهٔ فدراسیونی از رؤسای قبایل محلی که در سدهٔ هجدهم به اوج اقتدار خود رسیدند اداره می‌شد.

دکتر لیونگستن طی سالهای ۱۸۴۰ و ۱۸۷۰ از این سرزمین دیدار کرد و موقعیت و منابع قابل توجه آن را از طریق جراید در دنیای غرب مطرح نمود. در سال ۱۸۷۶ لئوپولد دوم پادشاه بلژیک انجمن بین‌المللی افریقا را که بعدها به انجمن بین‌المللی کنگو تغییر نام داد تأسیس کرد و آن سازمانی بود که عملیات اکتشافی هنری استنلی کاشف معروف بلژیکی را از نظر مالی پشتیبانی می‌کرد. هنری استنلی روزنامه‌نگار ماجراجویی بود که طی عملیات اکتشافی خود بیش از ۴۰۰ قرارداد بازرگانی و توافق‌های تحت‌الحمایگی با رؤسای قبایل حوضهٔ رود کنگو به امضاء رسانید. قراردادهای مزبور همراه با دفاتر نمایندگی بازرگانی بلژیک که در دهانهٔ رود کنگو احداث شده بود، اولین پایگاههای استعمار و استثمار کنگو را تشکیل دادند. کنفرانس برلین در سالهای ۱۸۸۴ و ۱۸۸۵ سرزمین کنگو را در مالکیت لئوپولد دوم، پادشاه بلژیک قرار داد و از ادامهٔ نفوذ و دست‌اندازی سیسل رودز عامل استعماری انگلستان در افریقا جلوگیری کرد. در سال ۱۹۰۸ کنگو از تملک لئوپولد خارج شد و رسماً به مستعمرهٔ بلژیک مبدل شد و بومیان آن از نظر شرایط کاری در موقعیت بسیار سخت و ناگواری قرار گرفتند. نیروهای مسلح بلژیک با هر نوع ندای حق‌طلبانه به شدت مقابله می‌کردند و با ایجاد فضای رعب و وحشت، تداوم مناسبات استعماری را امکان‌پذیر می‌ساختند.

در سال ۱۹۵۷ همزمان با برخی اقدامات دولت بلژیک برای گشایش فضای سیاسی، برخی احزاب و گروههای سیاسی فعال شدند و زمزمه‌های آزادیخواهی و استقلال‌طلبی به مرور شنیده شد. از جمله گروههای فعال، جنبش ملی کنگو بود که به وسیلهٔ پاتریس لومومبا اداره می‌شد و در مقایسه با سایر جنبشها از استقلال بیشتری برخوردار بود و جنبهٔ ملی قوی‌تری داشت. در ۱۹۵۹ تظاهرات استقلال‌طلبانه وسعت بیشتری یافت و بودوئن پادشاه بلژیک را وادار ساخت تا به استقلال‌طلبان قول مساعد دهد. سرانجام جنبش‌ها و مبارزات به نتیجه رسید و در سی‌ام ژوئن ۱۹۶۰ استقلال کنگو اعلام گردید و ژوزف کاساوبو و پاتریس لومومبا به ترتیب به ریاست جمهوری و نخست‌وزیری کنگو رسیدند. همزمان با اعلام استقلال، موجی از شورش و ناآرامی در میان قبایل مختلف کشور بروز کرد که عوامل بلژیک در تحریک آنها



نام رسمی: جمهوری دموکراتیک کنگو

نام محلی: کنگو Congo

اسامی دیگر: زئیر، کنگوی‌بلژیک، کنگوی لئوپولدویل، کنگوی کینشاسا(اسامی سابق)

پایتخت: کینشاسا (۴،۶۶۵،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۴)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۶/۳۰، از بلژیک

روز ملی: سی‌ام ژوئن، روز استقلال

نوع حکومت: دولت انتقالی با یک مجلس قانونگذاری انتقالی، از سال ۱۹۹۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ژوزف کابیلا (اتحاد نیروهای دموکراتیک کنگو)؛ از سال ۲۰۰۱

رئیس دولت: رئیس جمهور: ژوزف کابیلا (اتحاد نیروهای دموکراتیک کنگو)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: از سال ۱۹۹۷ که شورشیان مسلح «اتحاد نیروهای دموکراتیک کنگو» به رهبری لوران کابیلا رژیم موبوتو سسه‌سکو را سرنگون کردند، قانون اساسی سال ۱۹۹۴ معلق گردیده و در سال ۲۰۰۰ مجلس قانونگذاری دورهٔ انتقالی با ۳۰۰ عضو انتصابی تشکیل شده است.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۲،۳۴۴،۸۵۸ کیلومترمربع (دوازدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۵۱،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (بیست و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۶٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۰۴/۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۳ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۹/۶٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵):۴/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۴۸/۳٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۶/۸٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۰/۹٪؛ بالای ۶۰ سال ۴٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۴۹/۴۲٪؛ زن ۵۰/۵۸٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۵۱/۷سال ؛ مردان ۴۷/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۴۶/۴ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۵ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۹۹/۵ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳۱/۴ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی موجود نیست، با این حال بیشترین عوامل مرگ و میر مشهود عبارتند از: مالاریا، اسهال، سرخک، عفونت شدید دستگاه تنفسی و ایدز.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۶/۵ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): قبایل‌سیاهپوست لوبا ۱۸٪؛کنگو ۱۶/۱٪؛مونگو ۱۳/۵٪؛روآندا ۱۰/۳٪؛ آزانده ۶/۱٪؛ بانگی و انگاله۵/۸٪

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ۴۱٪؛ پروتستان ۳۲٪؛ مسیحیت بومی افریقایی ۱۳/۴٪؛ مسلمان ۱/۴٪؛ باورهای قبیله‌ای ۱۱/۴٪

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ حدود ۴۰۰ زبان و لهجهٔ بومی از جمله چیلوبا، کیکنگو، لینگالا؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۴): لوبومباشی ۸۵۱،۳۸۱ نفر؛ امبوجی مایی ۸۰۶،۴۷۵؛ کولوزی ۴۱۷،۸۱۰؛ کیسانگانی ۴۱۷،۵۱۷؛ کانانگا ۳۹۳،۰۳۰؛لیکاسی ۲۹۹،۱۱۸؛ بوکاوو ۲۰۱،۵۶۹؛ کیکویت ۱۸۲،۱۴۲؛ تشیکاپا ۱۸۰،۸۶۰ نفر

بنادر مهم: ماتادی، بوما و کینشاسا (کنار رود کنگو، متصل به اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک کنگو (FC)؛ یک دلار= ۴/۵ فرانک؛ یک فرانک= ۱،۷۷۷/۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۶): ۳۷۴ میلیون دلار؛ مالیات‌های گمرکی و مالیات بر معاملات بین‌المللی ۳۳/۴٪؛ مالیات بر تولیدات معادن ۱۱/۲٪؛ دیگر درآمدها ۵۵/۳٪

هزینه بودجه(۱۹۹۶): ۱،۱۶۳ میلیون دلار؛ پرداخت بدهی‌ها ۷۱/۵٪ (شامل بدهی‌های خارجی ۶۲/۷٪ وداخلی ۸/۸٪)؛ دستمزدها و حقوق ۶/۴٪؛ هزینه‌های سرمایه‌ای از طریق فایننانس ۵/۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۵،۴۳۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۱۰دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۰-٪ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۵/۳-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۵۷/۹٪؛ صنعت ۱۶/۹٪؛ خدمات ۲۵/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۱- میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۸،۹۴۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۲۵/۶+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۹٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱،۴۲۳/۱٪؛ ۱۹۹۸: ۱۵٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): کاساوا ۱۷،۱۰۰،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۱،۹۷۰،۰۰۰؛ نیشکر ۱،۷۵۰،۰۰۰ ؛ ذرت ۱،۲۲۰،۰۰۰؛میوه نخل روغن ۹۵۰،۰۰۰؛ بادام زمینی ۴۱۴،۰۰۰ ؛ برنج ۳۶۵،۰۰۰؛ موز ۳۱۹،۰۰۰؛ یام ۲۸۲،۰۰۰؛ سیب‌زمینی شیرین ۲۶۵،۰۰۰؛ انبه ۲۱۵،۰۰۰؛ پاپایا ۲۰۸،۰۰۰؛ آناناس ۲۰۵،۰۰۰؛ پرتقال ۲۰۰،۰۰۰؛ لوبیای خشک ۱۴۰،۰۰۰؛ قهوه ۴۵،۰۰۰

کاربری زمین (۱۹۹۴): کشاورزی ۳/۵٪؛ مرتع و چمنزار ۶/۶٪؛ جنگل ۷۶/۷٪؛ سایر موارد ۱۳/۲٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۴،۶۰۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱،۱۸۰،۰۰۰؛ گاو ۹۵۰،۰۰۰؛ گوسفند ۹۵۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۴۹،۵۳۴،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۶۲،۰۶۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۱،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۷،۰۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹۶): مس ۳۴،۹۹۴ تن؛ کبالت ۳،۹۱۴؛ روی ۱،۲۳۴ تن؛ طلا ۱۳۴ کیلوگرم؛ الماس ۲۴،۴۶۳،۰۰۰ قیراط

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): آهن و فولاد ۹۶۵،۰۰۰ تن؛ سیمان ۱۹۴،۰۰۰ تن؛ شکر ۸۲،۴۶۱ تن؛ صابون ۴۶،۷۷۳ تن؛ لاستیک ۵۰،۰۰۰ حلقه؛ چاپ پارچه ۱۵،۷۲۸،۰۰۰ مترمربع؛ کبریت ۳،۳۰۵،۰۰۰ بسته؛ کفش ۱،۶۰۰،۰۰۰ جفت؛ آبجو ۱،۷۸۱،۰۰۰ هکتولیتر؛ نوشیدنی غیر الکلی ۸۰۷،۰۰۰ هکتولیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۶): ۵،۴۰۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۵،۴۰۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۹۵،۰۰۰ تن (۱۴۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ۸،۴۰۳،۰۰۰ بشکه (۵۰۵،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۴۸،۰۰۰ تن (۴۵۹،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۱۹،۶۱۸،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۴۲٪؛ میزان مشارکت: (۱۰ سال به بالا؛ ۱۹۸۷): ۵۷/۴٪؛ زنان (۱۰ سال به بالا): ۴۳/۵٪؛ میزان بیکاری:؟

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۶۷/۴٪؛ صنعت ۱۴/۸٪؛ خدمات ۱۷/۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۵۵،۹۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۹/۴٪؛ نیروی دریایی ۰/۶٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۵ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۸۱۹ میلیون دلار؛ شامل کالاهای غیر نفتی ۹۴٪؛ نفت ۶٪؛ ازکشورهای (۱۹۹۷): افریقای جنوبی ۲۱/۳٪؛ بلژیک ـ لوکزامبورگ ۱۴/۲٪؛ نیجریه ۶٪؛ زامبیا ۴/۸٪؛ چین ۴/۷٪؛ هلند ۴/۶٪؛ فرانسه ۴/۲٪؛ امریکا ۴/۱٪؛ آلمان ۳٪؛ ایتالیا ۲/۳٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱/۶ میلیارد دلار؛ شامل الماس ۱۷/۲٪؛ نفت خام ۱۱/۴٪؛ قهوه ۸/۸٪؛ مس ۷/۹٪؛ به کشورهای (۱۹۹۷): بلژیک ـ لوگزامبورک ۴۲/۷٪؛ امریکا ۲۲/۳٪؛ افریقای جنوبی ۸٪؛ ایتالیا ۳/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	+۴۰۳	+۴۷۷	+۶۴۳	+۵۸۱	+۷۰۸	+۷۷۱	+۷۸۱
درصد کل	۱۸/۵٪	۲۶/۳٪	۳۳/۸٪	۲۵٪	۲۷/۸٪	۲۸/۲٪	۳۲/۳٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
شاخص قیمتهای مصرفی	۰/۱	۱۵/۶	۱۰۰	۷۵۸/۸	۲،۰۹۰/۷
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۲/۳ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار (۱۹۸۲): ۱،۲۰۰ زئیر (واحد پول اسبق)؛ منابع درآمد:؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۵): غذا ۶۱/۷٪؛ مسکن و سوخت ۱۱/۵٪؛ پوشاک و کفش ۹/۷٪؛ حمل و نقل ۵/۹٪؛ اثاثیه و لوازم آشپزخانه ۴/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد : ۹ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۱۵۴،۰۲۷ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۶):** ۵،۱۳۸ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۷۸۷،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۶۰،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۲۷ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۶): ۹ روزنامه در ۱۲۴،۰۰۰ نسخه (۲/۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۶۴ عنوان در ۵۳۵،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۸،۳۵۹/۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱۸،۰۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۷۶ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۶،۴۷۸،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۳۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۲،۰۰۰ خط تلفن (۰/۴ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۸،۹۰۰ خط (۰/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	۱۴،۸۸۵	۱۲۱،۰۵۴	۵،۴۱۷،۵۰۶	۴۴/۸
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۴،۲۷۶	۵۹،۳۲۵	۶۴۰،۲۹۸ / ۷۰۱،۱۴۸	۲۲/۶
عالی	؟	۳،۸۷۳	۹۳،۲۶۶	۱۵/۹

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۷۷/۳٪؛ مردان: ۸۶/۶٪؛ زنان: ۶۷/۷٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۰): ۲،۴۶۹ نفر (هر ۱۵،۵۸۴ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۶): ۶۸،۵۰۸ تخت (هر ۴۸۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۹۵۰،۰۰۰ نفر (۴/۳۵٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صدهزار نفر ۹۸/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۱،۷۰۱ کالری (۷۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۲۸ گرم؛ مصرف چربی: ۲۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰)؛ ۰/۷٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۲/۳ میلیون تن؛ هر نفر صفر تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۴۳۰ (صد و پنجاه و دومین کشور جهان)

نقش داشتند. چند روز بعد موسی چومبه که نخست‌وزیری استان کاتانگا (شابای امروزی) را بر عهده داشت دست به اعتراض زد و علیه پاتریس لومومبا به مخالفت پرداخت. بلژیک نیروهای ضد اغتشاش به کنگو اعزام داشت و سازمان ملل متحد نیز تحت فشار و توصیهٔ امریکا نیروهای حافظ صلح به کشور مزبور گسیل نمود. ژوزف کاساووبو کودتایی را طراحی و رهبری کرد و پاتریس لومومبا را از نخست‌وزیری برکنار و بازداشت نمود و وی را به مزدوران بلژیکی مستقر در کاتانگا تحویل داد که به دست آنان و در حضور موسی چومبه کشته شد. به دنبال این رویداد جنگ داخلی شدت گرفت و تا سال ۱۹۶۳ ادامه یافت و موسی چومبه نیز به نخست‌وزیری رسید. وی که از دست‌نشاندگان غرب بود به کمک مزدوران بلژیکی و پشتیبانی‌های مالی و تدارکاتی امریکا، کلیهٔ جنبش‌های ملی و مخالف را سرکوب کرد.

در سال ۱۹۶۵ چومبه به دست کاساووبو برکنار شد و خود وی نیز طی کودتایی به رهبری ژوزف دزیره موبوتو، فرمانده کل ارتش، سرنگون گردید. موبوتو نام کشور را به زئیر تبدیل کرد و نام خود را نیز به موبوتو سسه‌سکو تغییر داد. وی از به اصطلاح جبههٔ ملی آزادیبخش آنگولا که بر ضد دولت آنگولا می‌جنگیدند پشتیبانی می‌کرد. همچنین موبوتو از جدایی‌طلبان کابیندا حمایت کرد تا مگر به استان نفت‌خیز کابیندا که در اختیار آنگولا بود، دست یابد و با دولت نژادپرست افریقای جنوبی به همکاری پرداخت وعلیه ملیون آنگولا اقدام به جنگ نمود.

در پایان سال ۱۹۷۷ فشارهای بین‌المللی وی را وادار به برگزاری انتخابات نمود و رویاروییها و زدوخوردهای فراوانی را بین دانشجویان و روشنفکران در یک جهت و هواداران موبوتو و استبداد را در طرف دیگر پدید آورد.

کنگو از جمله بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان کبالت، چهارمین صادرکنندهٔ الماس و یکی از ده کشور بزرگ تولیدکنندهٔ اورانیوم، مس، منگنز و قلع جهان است. ۹۰ درصد کبالتی که در صنایع فضایی و هوایی امریکا به کار می‌رود، از کنگو به دست می‌آید. با همهٔ این احوال عدم ثبات داخلی، فساد و رشوه‌خواری و غیره آفت بزرگی برای این کشور بوده و همواره دستخوش بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بوده است. در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ کشورهای بزرگ غربی به در دست گرفتن کنترل مستقیم منابع استراتژیکی کنگو مصمم شدند و اقتصاد آن را تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول قرار دادند. در سال ۱۹۸۲ آثار مثبت این تصمیم شروع به خودنمایی کرد. در انتخابات ژوئن ۱۹۸۴ موبوتو بیش از ۹۹ درصد آراء را به خود اختصاص داد و موقعیت ریاست جمهوری خود را تثبیت نمود. در فوریهٔ ۱۹۸۵ کنگو و آنگولا پیمان امنیت امضاء نمودند و روابط میان خود را بهبود بخشیدند. در ژوئن ۱۹۸۹ موبوتو از امریکا دیدن کرد و ۲۰ میلیون دلار وام از بانک جهانی دریافت نمود. در سال ۱۹۹۰ موبوتو در جهت دموکراتیزه کردن کشور گام برداشت و نوع حکومت کشور را به نظام چند حزبی مبدل نمود، اما پیاده کردن آن را به عهدهٔ تعویق انداخت و تظاهرات دانشجویی وسیعی به ویژه در دانشگاه لوبومباشی (مرکز استان شابا) را باعث گردید. دامنهٔ تظاهرات وسعت گرفت و برکناری موبوتو خواسته شد. در ۱۱ مه ۱۹۹۰ نیروهای گارد ریاست جمهوری به دانشگاه ریختند و بیش از صد تن از دانشجویان را کشتند. این عمل مورد اعتراض شدید مجامع جهانی قرار گرفت و دولت بلژیک کمکهای اقتصادی خود را به کنگو قطع کرد و جامعهٔ اروپا خواهان رسیدگی به این جنایت گردید. از سوی دیگر احزاب مخالف نیز با هم ائتلاف کردند و تشکیل «اتحاد مقدس» برکناری موبوتو و تشکیل یک کنفرانس ملی برای بررسی و تدوین قانون اساسی جدید را خواستار شدند. در سپتامبر ۱۹۹۱ دامنهٔ تظاهرات بالا گرفت و کشورهای فرانسه و بلژیک را وادار نمود تا برای حفظ جان اتباع خود نیرو به زئیر اعزام دارند. موبوتو که از هرجهت تحت فشار قرار گرفته بود نگوزا کارل ئی بوند، یکی از رهبران مخالفان را به نخست‌وزیری منصوب کرد. اما آشوب و بلوا همچنان ادامه یافت و زد و خورد میان نیروهای دولتی و مخالفان روز به روز وسعت یافت. جامعهٔ اروپا در واکنش به اوضاع داخلی، کمکهای مالی خود به‌این کشور را قطع کرد و دولتهای امریکا و فرانسه و بلژیک تصمیم گرفتند فشارهای خود را بر موبوتو فزونی بخشند.

در مارس ۱۹۹۲ موبوتو، اتین چیسکدی رهبر اتحاد مقدس را که از مخالفان بود به نخست‌وزیری منصوب کرد و طی گفتگوهایی که بین نمایندگان دولت و گروههای مخالف انجام شد، تصویب گردید تا نام زئیر از کشور حذف شود و نام اصیل آن یعنی جمهوری کنگو برای کشور انتخاب گردد ولی از سوی موبوتو مورد قبول قرار نگرفت. در سال ۱۹۹۲ اختلافات قومی بار دیگر خودنمایی کرد و حدود ۲۰۰۰ تن در درگیریهای مختلف کشته شدند.

در اوائل سال ۱۹۹۳ زد و خورد خونینی میان سربازان و گارد شخصی ریاست جمهوری درگرفت که منجر به قتل حدود ۱۰۰۰ نفر در کینشاسا گردید. در این عملیات سفارت فرانسه زیر آتش تانک‌ها قرار گرفت و فیلیپ برنار سفیر فرانسه کشته شد. در ۲۴ فوریهٔ ۱۹۹۳ سربازان گارد مسلح ریاست جمهوری و تانکهایشان ساختمان شورای جمهوری را محاصره کردند و خواستار عدم تغییر واحد پول در گردش شدند.

وخامت اوضاع به حدی رسید که امریکا، بلژیک و فرانسه نامه‌ای به موبوتو فرستادند و از او خواستند تا به خاطر مصالح و منافع ملی کشورش کناره‌گیری کند و ادارهٔ کشور به یک دولت موقت به رهبری چیسکدی واگذار گردد. موبوتو در پاسخ به آنان چیسکدی را از کار برکنار کرد و فوستین بیریندوا را به نخست‌وزیری برگزید و کلیهٔ امور کشور و تمام اهرم‌های قدرت را همچنان برای خود حفظ کرد و از شهر گبادولیت نزدیک مرز افریقای مرکزی به اداره امور کشور پرداخت و از آمدن به کینشاسا به دلیل ترس از جان خویش، خودداری کرد. امریکا به بلژیک و فرانسه پیشنهاد کرد که اموال موبوتو مصادره شود. وضع اقتصادی و سیاسی کشور در سال ۱۹۹۴ با هجوم انبوه پناهندگان روآندایی که از نسل‌کشی‌های آن کشور می‌گریختند، وخامت بیشتری پیدا کرد. با روی کار آمدن جبههٔ میهنی روآندا شرایط برای موبوتو مساعد شد و از فشار دولتهای غربی علیه وی کاسته شد و در نتیجه لئون کنگو وا دوندو از سوی موبوتو به نخست‌وزیری منصوب گردید. این عمل مخالفان را برانگیخت و در سال ۱۹۹۵ رویارویی پلیس و مخالفان به کشته شدن ده تن منجر گردید.

اختلاف میان روآندا و زئیر در ۱۹۹۶ به دلیل حمایت زئیر از مبارزان هوتوئی شدت گرفت و موقعیت موبوتو در پی ائتلاف مخالفان، سخت مورد تهدید قرار گرفت. در ماههای اولیّه سال ۱۹۹۷ چریک‌های اتحاد نیروهای دموکراتیک کنگو بخش وسیعی از کشور زئیر را به تصرف خود درآوردند و نلسون ماندلا رئیس جمهور افریقای جنوبی میان موبوتو و لوران دزیره کابیلا رهبر مخالفان ملاقاتی را در عرشهٔ یک کشتی که در آبهای بین‌المللی شناور بود ترتیب داد ولی نتیجه‌ای عاید نشد و موبوتو حاضر به عقب‌نشینی از موضع خود نگردید.

در ماه مارس ۱۹۹۷ نخست‌وزیر لئون کنگو وا دوندو از سوی مجلس برکنار شد و چیسکدی که مورد مخالفت موبوتو بود به نخست‌وزیری منصوب شد و بالاجبار مورد تأیید موبوتو قرار گرفت. کوتاه زمانی بعد چیسکدی نیز برکنار شد و لیکولیا بولونگو به نخست‌وزیری گمارده شد. بولونگو با کابیلا رهبر مخالفان به گفتگو پرداخت و برای یافتن راه حلی برای پایان دادن به بحران کشور دست به کار شد. در ۱۶ مه ۱۹۹۷ موبوتو به مراکش گریخت و نیروهای مخالف وارد کینشاسا شدند و لوران کابیلا ریاست جمهوری را به دست گرفت. موبوتو در هفتم سپتامبر همان سال در رباط فوت کرد و کابیلا کلیهٔ اهرم‌های قدرت را در دست گرفت. دولت جدید نام زئیر را به جمهوری دموکراتیک کنگو تغییر داد. در سال ۱۹۹۸ عظیم‌ترین و سهمگین‌ترین سیل ۳۵ سال اخیر، کشتار و خسارات فراوانی بر کنگو وارد کرد. در ژوئیه ۱۹۹۸ باتیا مولنگه رهبر توتسی‌های کنگو اولین گروه مخالف دولت کابیلا را تشکیل داد. همچنین ارنست وامبا، از حامیان و طرفداران پیشین کابیلا نیز به مخالفان پیوست و با تشکیل یک گروه مسلح به مقابله با دولت مرکزی پرداخت. در ۱۶ مارس ۱۹۹۹ کابیلا به مخالفان و شورشیان پیشنهاد کرد تا کنفرانس ملی دربارهٔ مشروعیت دولت تشکیل شود. در آوریل ۱۹۹۹ کابیلا و رؤسای جمهوری آنگولا، زیمبابوه و نامیبیا قراردادی امضاء کردند که به موجب آن هر حمله‌ای به هریک از کشورهای فوق به معنی حمله به تمام آن کشورها است. به همین خاطر کشورهای فوق با ارسال سلاح و نیروهای نظامی به کمک کنگو شتافتند. در همین ماه کابیلا و یوری موسوینی رئیس جمهور اوگاندا قرارداد آتش‌بس و عقب‌نشینی امضاء کردند. در مه ۱۹۹۹ نیروهای کابیلا به استحکامات شورشیان در گوما و یوویرا حمله بردند و ۴۵ تن کشته به جای گذاردند. در ژوئیه ۱۹۹۹ کابیلا شورشیان را مورد عفو عمومی قرار داد و در همان ماه شهر بوکُنگو به تصرف شورشیان درآمد و در ۳۰ ژوئیه جنبش آزادیبخش کنگو شهر زنگو را نیز تصرف کرد و به این ترتیب کینشاسا را از اعزام نیروهای تقویتی از راه جمهوری افریقای مرکزی محروم نمود. در ماه اوت همان سال ژان پیربمبا رهبر جنبش آزادیبخش کنگو قرارداد آتش‌بس را امضاء نمود.

در ژانویه سال ۲۰۰۱، لوران کابیلا توسط یکی از محافظان خودش کشته شد و کمی بعد، ژوزف کابیلا، پسر وی، به ریاست جمهوری رسید. وی با سفر به چند کشور اروپایی از جمله انگلستان، آلمان، فرانسه، بلژیک و همچنین امریکا سعی کرد تا پشتیبانی آن کشورها را از برنامه‌های خود به دست آورد. در این سال وی تلاش‌های پی‌گیری به کار برد تا بتواند صلح را به این سرزمین مصیبت‌زده بازگرداند. سرانجام در دسامبر سال ۲۰۰۲، با میانجیگری افریقای جنوبی قرارداد صلحی میان دولت کنگو و شورشیان این کشور به امضاء رسید.



نام رسمی: جمهوری کنیا

نام محلی: کنیا Kenya

اسامی دیگر: -

پایتخت: نایروبی (۱،۵۰۴،۹۰۰ نفر در سال ۱۹۹۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۳/۱۲/۱۲؛ از انگلستان

روز ملی: دوازدهم دسامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۳

رئیس حکومت: رئیس جمهور: امیلیو موای کیباکی (ائتلاف رنگین کمان ملی)، از سال ۲۰۰۳ به مدت ۵ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: امیلیو موای کیباکی (ائتلاف رنگین کمان ملی)، از سال ۲۰۰۳ به مدت ۵ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۶۳، آخرین تغییرات ۱۹۹۷؛ مجلس ملی با ۲۱۰ عضو انتخابی و ۱۴ عضو غیر انتخابی به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۲): ائتلاف رنگین کمان ملی ۱۳۲ کرسی، اتحاد ملی افریقایی کنیا (کانو) ۶۸ کرسی، مجمع احیاء دموکراسی – مردم ۱۵ کرسی، سیسی کوآ سیسی ۲ کرسی، سفینه ۲ کرسی، مجمع احیاء دموکراسی – آسیلی ۲ کرسی، بقیه ۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۳)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۵۸۲،۶۴۶ کیلومترمربع (چهل و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۰،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (سی و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۱/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۴۱/۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۱/۳٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۵/۶٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۴۳/۶٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۳۱/۲٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۱/۱٪؛ بالای ۶۰ سال ۴/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۵۰/۱۵٪؛ زن ۴۹/۸۵٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۴۹/۳ سال؛ مردان ۴۷/۶ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۱/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۶۹/۶ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۷/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما بیشترین بیماریهای رایج منجر به مرگ و میر به شرح زیر بوده است: ایدز، مالاریا، بیماریهای روده‌ای، بیماریهای آمیزشی، اسهال و اسهال خونی، تراخم، آمیبازیس و شیستوزومیازیس (نوعی بیماری انگلی)

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۴ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵۹۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۹): قبایل سیاهپوست کیکویو ۱۷/۷٪؛ لوهیا ۱۲/۴٪؛ لوئو ۱۰/۶٪؛ کالنجین ۹/۸٪؛ کامبا ۹/۸٪

دین(۱۹۹۵): مسیحی ۶۳/۷٪ (پروتستان ۲۸/۲٪؛ کاتولیک ۱۹/۵٪؛ دیگر مسیحیان ۱۶٪)؛ مسلمان ۶٪؛ بقیه ۳۰/۳٪

زبان و خط: سواحلی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۹): مومباسا ۴۶۵،۰۰۰ نفر؛ کیسومو ۱۸۵،۱۰۰ نفر؛ ناکورو ۱۶۲،۸۰۰ نفر؛ ماچاکوس ۱۱۶،۱۰۰ نفر؛ الدورت ۱۰۴،۹۰۰ نفر؛ نیری ۸۸،۶۰۰ نفر؛ میرو ۷۸،۱۰۰ نفر؛ تیکا ۵۷،۱۰۰ نفر؛ کیتاله ۵۳،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: مومباسا و مالیندی (ساحل اقیانوس هند)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: شیلینگ کنیا(KSh)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۷۹/۰۲ شیلینگ؛ یک شیلینگ= ۱۰۱/۲ ریال

درآمد بودجه(۹۷-۱۹۹۶): ۱۵۵،۰۳۲ میلیون شیلینگ؛ درآمد مالیاتی ۸۳/۴٪؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۲/۹٪؛ کمکهای خارجی ۳/۷٪

هزینه بودجه(۹۷-۱۹۹۶): ۱۶۸،۴۰۳ میلیون شیلینگ؛ هزینه‌های جاری ۸۰/۷٪(شامل سود وامها ۲۴/۳٪؛ هزینه‌های اداری ۲۱/۹٪؛ آموزش ۱۹/۳٪؛ دفاع ۵/۹٪؛ بهداشت ۵/۸٪)؛ هزینه‌های عمرانی ۱۹/۳٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۰،۲۰۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۴/۸٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/۴٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۶/۱٪؛ صنعت ۱۶/۲٪؛ خدمات ۵۷/۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳۱ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۴۲ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۵،۶۲۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۴۷۳/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۶/۷٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۵/۸٪؛ ۱۹۹۸: ۱۰/۶٪؛ ۲۰۰۰: ۵/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۵،۲۰۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۲،۱۰۰،۰۰۰؛ کاساوا ۹۲۰،۰۰۰؛ سیب‌زمینی شیرین ۷۲۰،۰۰۰؛ موز سبز ۳۸۰،۰۰۰؛ سیب‌زمینی ۳۵۰،۰۰۰؛ آناناس ۲۹۰،۰۰۰؛ غلات ۲۴۰،۰۰۰؛ چای ۲۲۰،۰۰۰؛ موز ۲۲۰،۰۰۰؛ گندم ۱۳۵،۰۰۰؛ ذرت خوشه‌ای ۱۳۰،۰۰۰؛ قهوه ۶۶،۰۰۰؛ نارگیل ۶۵،۰۰۰؛ جو ۵۰،۰۰۰؛ ارزن ۵۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ۸٪؛ مرتع ۳۷/۴٪؛ جنگل ۲۹/۵٪؛ سایر موارد ۲۵/۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱۳،۳۹۲،۰۰۰ رأس؛ بز ۷،۶۰۰،۰۰۰؛ گوسفند ۵،۸۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲۹،۳۳۷،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱۷۲،۵۹۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۵۰،۴۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۵): خاکستر سود ۲۱۸،۴۵۰ تن؛ فلوئوریت ۸۰،۲۳۰ تن؛ نمک ۷۱،۴۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۴): (ارزش افزوده به میلیون پوند): مواد غذایی ۶۳۹؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۳۳؛ نوشیدنی و دخانیات ۱۹۰؛ مواد شیمیایی ۱۶۸؛ مصنوعات فلزی ۱۲۵؛ کاغذ و تولیدات کاغذی ۸۷؛ مواد پلاستیکی ۶۵؛ پوشاک و کفش ۵۵ (پوند واحد قدیمی کنیا است که معادل ۲۰ شیلینگ کنیا بود)

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۶): ۳،۷۴۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳،۹۲۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (۱۰۰،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (۱۳،۴۸۷،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱،۷۲۲،۰۰۰ تن (۲،۰۱۶،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۱۴،۵۹۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۵۰٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴ ؛ ۱۹۸۵)؛ ۷۶/۲٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴؛ ۱۹۹۷): ۴۶/۱٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۶): ۳۴٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۷۶/۷٪؛ صنعت: ؟ ؛ خدمات: ؟

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲۴،۲۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۴/۷٪؛ نیروی دریایی ۵٪؛ نیروی هوایی ۱۰/۳٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۷ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۳،۲۹۴ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل ونقل ۲۸/۹٪؛ کالاهای ساخته شده ۲۲٪؛ سوختهای معدنی ۱۵/۶٪؛ محصولات شیمیایی ۱۴/۵٪؛ غذا و نوشیدنی ۱۲/۴٪؛ از خاورمیانه ۱۵/۸٪؛ انگلستان ۱۰/۷٪؛ امارات متحده عربی ۹/۷٪؛ هند ۷/۵٪؛ ژاپن ۷/۴٪؛ افریقای جنوبی ۷/۴٪؛ آلمان ۶٪؛ ایتالیا ۵/۲٪؛ امریکا ۳/۶٪؛ عربستان سعودی ۲٪

صادرات(۱۹۹۷): ۲،۱۰۵ میلیون دلار؛ شامل چای ۲۰/۵٪؛ قهوه (خام) ۱۴/۳٪؛ فرآورده‌های نفتی ۷/۸٪؛ باغبانی ۷/۳٪؛ میوه و سبزیجات ۳/۱٪؛ سیمان ۲/۱٪؛ خاکستر سود ۱/۱٪؛ پشم و پوست ۰/۶٪؛ به اوگاندا ۱۵/۱٪؛ تانزانیا ۱۲/۹٪؛ انگلستان ۱۱/۴٪؛ آلمان ۶/۸٪؛ هلند ۴/۸٪؛ امریکا ۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون شیلینگ	-۲۳،۲۰۹	-۲۷،۹۳۸	-۵۷،۸۸۴	-۵۰،۲۶۰	-۷۰،۷۱۴	-۷۱،۷۸۰
درصد کل	٪۱۳	٪۱۳/۸	٪۲۲/۹	٪۱۷/۵	٪۲۲/۸	٪۲۲/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۶/۹	۹۹/۲	۱۰۰	۱۰۸/۸	۱۲۱/۹	۱۲۹	۱۳۲/۴
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۳/۴ نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد:؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۰): غذا ۴۶/۵٪؛ مسکن ۱۰٪؛ لوازم منزل ۹/۴٪؛ حمل و نقل ۸/۴٪؛ پوشاک و کفش ۷/۷٪؛ سوخت ۲/۶٪؛ بهداشت ۲/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۳۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۴۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۶۳،۸۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۶):** ۳،۰۳۴ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۲۷۸،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۸۱،۲۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۴ روزنامه در ۲۶۳،۰۰۰ نسخه (۹/۴ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۳۰۰ عنوان در ۴۵۲،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱،۵۰۶/۶ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۰۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۰۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۶۴۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۱/۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۸۸،۲۵۱ خط تلفن (۹/۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۶،۸۱۹ خط (۰/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۳)	۱۵،۹۰۶	۱۸۱،۹۷۵	۵،۵۴۴،۹۹۸	۳۰/۵
متوسطه	۲،۸۷۸	۴۱،۴۸۴	۶۳۲،۳۸۸	۱۵/۲
فنی و حرفه‌ای	۶۲	؟	۲۹،۵۹۳	؟
عالی	۱۴	۴،۳۹۲	۸۸،۱۸۰	۸/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۷۷/۳٪؛ مردان: ۸۵/۶٪؛ زنان: ۶۹/۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۷۹): ابتدایی ۳۲/۲٪؛ متوسطه ۷/۹٪؛ متوسطه و عالی ۱/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۴): ۴،۵۵۸ نفر (هر ۵،۹۹۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۴): ۳۷،۲۷۱ تخت (هر ۷۳۴ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۱،۶۰۰،۰۰۰ نفر (۱۱/۶۴٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۳۹/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۱،۹۶۸ کالری (۸۶٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۲ گرم؛ مصرف چربی: ۴۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۴٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۳٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۶/۸ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۵۰۸ (صد و سی و هشتمین کشور جهان)

کنیا KENYA

کشور کنیا در خاور قارهٔ افریقا و در ساحل اقیانوس هند واقع شده و از شمال به کشورهای سودان و اتیوپی، از خاور به سومالی، از جنوب خاوری به اقیانوس هند، از جنوب به تانزانیا و از غرب به اوگاندا و دریاچه ویکتوریا محدود است و از چهار منطقهٔ جغرافیایی به شرح زیر ترکیب یافته است.

الف – جلگه ساحلی با بارش معمولی و پوشش رویدنی‌های گرمسیری.

ب – باریکهٔ درون‌بومی با جمعیت پراکنده و بارش کم که به سوی شمال و شمال خاوری امتداد یافته است.

پ – منطقهٔ کوهستانی که به انتهای خاوری درهٔ نشستی بزرگ پیوند یافته و بلندیهای آن از اقلیمی معتدل برخوردار است. اراضی این منطقه از خاکهای آتشفشانی پوشیده شده و مناسب برای کشاورزی است و بیشترین جمعیت و عمده‌ترین مراکز فعالیتهای اقتصادی در آن متمرکز است. کوه کنیا، با ۵۱۹۹ متر ارتفاع، در این منطقه قرار دارد.

ت – منطقهٔ غربی که فلاتی است کم‌آب و به دریاچهٔ ویکتوریا منتهی می گردد. قسمتهایی از این منطقه که در مجاورت دریاچهٔ ویکتوریا قرار دارد از اقلیم نسبتاً معتدلی برخوردار است.

عمده‌ترین رودخانه‌های کنیا، تانا(۷۰۸ کیلومتر)، آتی، گالانا و کریو نام دارند و دریاچه‌های ویکتوریا و رودلف (تورکانا) مهمترین عارضهٔ آبی درون‌بومی هستند.

زدایش جنگل‌ها، کویرزایی و آلودگی آبهای آشامیدنی، به ویژه پیرامون شهرهای بزرگ، عمده‌ترین تهدید زیست‌محیطی این سرزمین محسوب می گردند.



تاریخچه

شهر معروف مالیندی در سدهٔ دهم میلادی در ساحل کنیا تأسیس گردید و به مرکز فرهنگ غنی و پر بار عرب – افریقا مبدل شد. شهر مزبور در سدهٔ شانزدهم به وسیلهٔ پرتغالی‌ها ویران گردید. در ۱۶۹۸ وقتی پرتغالی‌ها ناچار به تخلیهٔ سواحل کنیا شدند فقط چند قلعهٔ خرابه از خود باقی گذاردند که مورد استفاده بازرگانان شیرازی زنگبار برای خرید و فروش برده و عاج قرار داشت. ساکنان درون‌بوم کنیا را عمدتاً بانتوهای نیلوتیک و سومالی‌تبارها تشکیل می‌دادند و از نظر فرهنگ با ساکنان سواحل قابل مقایسه نبودند و حتی قابلیت سازمان‌دهی اجتماعات کوچک را هم نداشتند. در سدهٔ نوزدهم، رمه‌داران ماسائی به استقرار نوعی اجتماع نه چندان متعالی موفق شدند که آن هم اندکی بعد به وسیلهٔ بیماری طاعون محو و نابود گردید.

در پایان سدهٔ نوزدهم میلادی، کنفرانس برلین و موافقت‌نامه‌های انگلستان و آلمان، افریقای خاوری را در حوزهٔ نفوذ اروپاییان، قرار داد و زنگبار و اوگاندا و کنیا به انگلستان تعلق گرفت و با احداث راه‌آهن مومباسا به نایروبی و کامپالا و زنگبار، نواحی مزبور به هم پیوند یافتند و ماندگاههای انگلیسی به مرور در امتداد خطوط آهن مزبور احداث گردید. تا سال ۱۹۴۸، ۴۲۰۰ کیلومترمربع از حدود ۵۰۰۰ کیلومترمربع از اراضی مرغوب و قابل کشت کنیا به ۵۰۰۰ کشاورز اروپایی واگذار گردید. در حالی که یک میلیون نفر از بومیان کنیایی کمتر از هزار کیلومترمربع عایدشان گردید و قادر نبودند حتی شکم خود را سیر کنند.

در ۱۹۴۴ اتحاد افریقایی کنیا تأسیس گردید و جوموکنیاتا رهبری آن را عهده‌دار شد، اتحادیهٔ مزبور اعتصابات وسیعی از اقشار مردم بومی کنیا ترتیب داد و همزمان گروه مذهبی و سیاسی مائومائو نیز تأسیس شد و به صورت مخفی و زیرزمینی شروع به کار کرد. مائومائوها که برنامهٔ سیاسی و فرهنگی داشتند، خواهان استقلال از انگلستان بودند و با حمایت از آیین‌ها و سنت‌های محلی هرگونه تأثیرپذیری از فرهنگ اروپاییان را رد می‌کردند. در ۱۹۵۲ مائومائوها حملات خود به جوامع اروپایی را گسترش دادند و امنیت جانی و مالی آنان را به سختی مورد تهدید قرار دادند تا جایی که فرماندار کنیا وضعیت را غیرعادی اعلام کرد و رهبران ملیون و انقلابیون از جمله کنیاتا را بازداشت نمود، تمام احزاب سیاسی را منحل کرد و هزاران کنیایی را به اردوگاهها و بازداشتگاههای متعددی که در سراسر کشور تأسیس شده بود، اعزام داشت.

سرانجام بعد از سالها کشت و کشتار که عمدتاً به دست دولت استعماری انجام می‌شد حزب اتحاد افریقایی کنیا به رسمیت شناخته شد و به حزب اتحاد ملی افریقایی کنیا تغییر نام یافت. در دوازدهم دسامبر ۱۹۶۳ کنیا دارای حکومت فرمانداری کل مستقل، در درون جامعه کشورهای مشترک‌المنافع، گردید و جوموکنیاتا به نخست‌وزیری آن رسید و در ۱۲ دسامبر ۱۹۶۴ به استقلال کامل دست یافت و جومو کنیاتا ریاست جمهوری کشورش را عهده‌دار گردید. وی موفق به دریافت کمکهای فنی و اقتصادی از چین شد و علیه هندیان که بیشتر تجارت کشور را در دست داشتند اقدام نمود و حدود بیست هزار آسیایی را از کنیا اخراج کرد، ولی به انگلیسی‌ها اجازه داد تا در بندر مومباسا دارای پادگان نظامی باشند. در سال ۱۹۶۸ معاون رئیس جمهور، حزب اتحاد خلق کنیا را تأسیس نمود و با برنامه‌های کنیاتا به مبارزه پرداخت. در سال ۱۹۶۹ به دنبال قتل وزیر اقتصاد اغتشاشات وسیعی بر ضد دولت کنیاتا روی داد و رئیس جمهور را وادار به انحلال مجلس ملی نمود و خود در نوامبر ۱۹۷۱ مجدداً به ریاست جمهوری رسید.

کنیاتا در سپتامبر ۱۹۷۸ در سن ۸۵ سالگی درگذشت و معاون او دانیل آراپ موی به جای او عهده‌دار ریاست جمهوری گردید و در انتخابات نوامبر ۱۹۷۸ بطور رسمی به ریاست جمهوری کنیا رسید. با وجود تمهیدات متعددی که آراپ موی برای مهار کردن بحران و کنترل اغتشاشات و آشوب‌ها به کار بست، در اوت ۱۹۸۲ اغتشاشات گسترده‌ای در کشور بروز کرد و آشوبگران به تیراندازی و غارت مغازه‌ها و اماکن عمومی شهر نایروبی پرداختند. نیروی هوایی ارتش که در پشت ماجرا قرار داشت، به شدت توسط ارتش سرکوب شد و کلیهٔ واحدهای نیروی هوایی منحل گردید. دخالت دانشگاه نایروبی و شرکت استادان و دانشجویان نیز منجر به دستگیری دهها تن از آنان شد و اوگینکا اودینگا، از رهبران مخالفان، بازداشت خانگی گردید و در عین حال دانشگاه نایروبی نیز تا مدت نامعلومی تعطیل شد. در مه ۱۹۸۳ آراپ موی برگزاری انتخابات عمومی را اعلام داشت و در این انتخابات طرفداران آراپ موی اکثریت آراء را از آن خود کردند و مخالفان به سختی شکست خوردند. در اکتبر و نوامبر سال ۱۹۸۷ مسلمانان کنیا در مومباسا دست به تظاهرات زدند و کار به مرور وسعت گرفت و به دانشگاه نایروبی کشیده شد و دانشگاه مزبور یک بار دیگر تعطیل شد. مع‌الوصف آراپ موی مجدداً بر اوضاع مسلط گردید و انتخابات مجلس در مارس ۱۹۸۸ موقعیت پارلمانی وی را تحکیم نمود. در آوریل ۱۹۸۹ کشور مجدداً دستخوش بحران سیاسی شد و ژوزفات کارانجا معاون رئیس جمهور از سوی مجلس مورد استیضاح قرار گرفت و از حزب کانو نیز اخراج شد. در فوریهٔ ۱۹۹۰ یکی از اعضای کابینه از سوی مخالفان دولت ترور شد. در جنگ خلیج فارس، کنیا جانب سیاست امریکا را گرفت و موقعیت آراپ موی که از سوی امریکا و انگلستان حمایت می‌شد تقویت گردید.

در اوایل سال ۱۹۹۲ دولت برای کنترل و تسلط بر کشور، عده‌ای از مخالفان را از جمله جیمز اورنگو حقوقدان و عده‌ای دیگر از سرشناسان را بازداشت کرد. در فوریهٔ ۱۹۹۲ حزب جدیدی به نام حزب دموکرات، با مرام برقراری نظام دموکراتیک چند حزبی تأسیس گردید. در دسامبر ۱۹۹۲ انتخابات عمومی برگزار شد و آراپ موی مجدداً به ریاست جمهوری رسید. در آوریل ۱۹۹۳ شیخ خالد بالالا از حزب اسلامی به اتهام دست داشتن در قتل سه افسر پلیس بازداشت گردید. در مارس ۱۹۹۶ بانک جهانی مبلغ ۱۱۵ میلیون دلار برای راه‌سازی در اختیار دولت کنیا قرار داد و در همان سال دولت کنیا با چین و ایران قراردادی در زمینهٔ همکاری و دریافت کمک فنی در تولید نیرو و صنایع و کشاورزی منعقد نمود. سیل ۱۹۹۷، هزاران کنیایی را بی‌خانمان کرد. در نوامبر سال ۱۹۹۷ آراپ موی پارلمان را منحل کرد و فرمان برگزاری انتخابات عمومی را صادر نمود و در انتخابات دسامبر ۱۹۹۷ ضمن انتخاب نمایندگان پارلمان، آراپ موی مجدداً به ریاست جمهوری رسید.

در اوت ۱۹۹۸، انفجار بمبی قوی در اتومبیلی که در بیرون سفارت امریکا پارک شده بود، ۲۵۰ نفر را کشت و عدهٔ زیادی را زخمی کرد. امریکایی‌ها اعلام داشتند که اُسامه بن‌لادن میلیونر و تروریست معروف عربستان سعودی در انفجار مزبور دست داشته است. در دسامبر ۲۰۰۱، دولت کنیا آمادگی خود را برای واگذاری پایگاه برای حملات احتمالی امریکا و انگلستان به پایگاه‌های اُسامه بن لادن در سومالی اعلام نمود.

در نوامبر سال ۲۰۰۲، در طی یک حمله انتحاری به هتلی در حوالی بندر مومباسا که به یهودیان تعلق دارد، شانزده نفر، از جمله ۳ اسرائیلی کشته شدند. در انتخابات ریاست جمهوری دسامبر همین سال، امیلیو موای کیباکی، از ائتلاف رنگین کمان ملی به پیروزی رسید و با پیروزی این ائتلاف در انتخابات مجلس ملی، به حاکمیت اتحاد ملی افریقایی کنیا (کانو) که از زمان استقلال کنیا، قدرت را در دست داشت، پایان داده شد.

کوبا CUBA

کشور کوبا مجمع‌الجزایری است واقع در دریای کارائیب و آبهای غربی اقیانوس اطلس که از جزیرهٔ بزرگ کوبا و یک جزیرهٔ کوچکتر به نام خوونتود (پینوس) و حدود ۱,۶۰۰ جزیرک و آبسنگ تشکیل یافته است. جزیرهٔ بزرگ کوبا که بزرگترین جزیرهٔ مجمع‌الجزایر آنتیل محسوب می‌شود، سرزمینی است تقریباً ناهموار که از کوهها و تپه‌های پراکنده‌ای که عمدتاً در نواحی جنوب خاوری و مرکزی قرار دارند و ارتفاع آنها حداکثر به ۱۹۷۲ متر (قله تورکینو) می‌رسد و همچنین از جلگه‌ها و جنگلهای وسیع ترکیب یافته و از اقلیم گرم و مرطوب پر باران برخوردار است. رودخانه‌های کائوتو (۲۵۰ کیلومتر)، ساگوا لا گرانده، زازا و کائونائو از عمده‌ترین رودهای آن هستند. کوههای مائسترا واقع در جنوب خاوری چشمگیرترین عارضهٔ ارتفاعی آن است و دشتهای وسیع و حاصلخیز آن اکثراً به کشت نیشکر، توتون، قهوه و موز اختصاص یافته و نیکل، آهن، کرم، مس، کبالت و طلا از عمده‌ترین ذخایر زیرزمینی آن محسوب می‌گردد.



تاریخچه

تا سدهٔ شانزدهم میلادی، جزیرهٔ کوبا مسکن اقوام تائینو و سیبونه بود. در سال ۱۴۹۲ اسپانیایی‌ها همراه با کریستف کلمب پا به این جزایر نهادند. در سال ۱۵۰۹ پیرامون جزیرهٔ کوبا از جانب دریا طی شد و جزیره بودن آن ثابت گردید. عملیات استعماری اسپانیایی‌ها در سال ۱۵۱۰ آغاز شد و در سال ۱۵۱۴ سراسر جزیرهٔ مزبور به وسیلهٔ مردان مسلح اسپانیایی فتح گردید و یک دورهٔ سراسر وحشت و خشونت در تاریخ کوبا به ثبت رسید. در واقع اسپانیایی‌ها کلیهٔ عملیات استیلایابی خود بر مکزیک و امریکای مرکزی و جزایر کارائیب را از کوبا آغاز کردند. مورخین و کاشفان اسپانیایی اواسط سدهٔ شانزدهم، از کوبا بعنوان یک سرزمین کوهستانی مرتفع، با رودخانه‌های کوچک و سرشار از طلا و ماهی یاد کرده‌اند. در سال ۱۵۱۱ ساکنان اروپایی شهر سانتودومینگو، بهره‌برداری از معادن طلای کوبا را آغاز نمودند. از آنجایی که شمار بردگان افریقایی مقیم کوبا، کفاف کار را نمی‌کرد و بومیان کوبایی نیز از در تسلیم و سازگاری داخل نمی‌شدند، عملیات بهره‌برداری به سرعت تعطیل شد و اقتصاد کشور رو به سقوط نهاد و تا پایان سدهٔ شانزدهم که تولید شکر آغاز گردید، وضعیت به همان نحو باقی ماند.

سدهٔ هفدهم میلادی با رونق یافتن صنعت کشتی‌سازی، چرمسازی و مصنوعات مسی آغاز گردید و مرکز صنعتی جزیره به مرور از سانتیاگو به هاوانا نقل مکان یافت و در اواسط سدهٔ هفدهم از اهمیت خاصی برخوردار گردید. توسعهٔ کشتزارهای نیشکر، بهره‌کشی بیشتری از بردگان افریقایی را ایجاب می‌کرد و روزبه‌روز بر شمار آنان افزوده می‌شد تا جایی که در سال ۱۸۴۰ بردگان افریقایی ۷۷ درصد نیروی کار کوبا را به خود اختصاص داده بودند. فشار انگلیسی‌ها برای لغو برده‌داری و طغیان بردگان سیاه‌پوست و جنگ معروف ده ساله، سرانجام در سال ۱۸۸۶ به الغای برده‌داری در کوبا منجر گردید و جنبش‌های استقلال‌طلبی مردم کوبا در دهه‌های اول سدهٔ نوزدهم آغاز گردید و تا سال ۱۸۹۸ ادامه یافت. در سال ۱۸۳۳ اسپانیایی‌ها نهضت‌های استقلال‌طلبانهٔ کوبایی‌ها را به شدت سرکوب کردند و هزاران کوبایی را به خاک امریکا فراری دادند و آنان از امریکایی‌ها برای مبارزه با اسپانیایی‌ها کمک خواستند. امریکایی‌ها که به دنبال نفوذ در منطقهٔ کارائیب بودند، از اسپانیا خواستند که از کوبا خارج شود. به دنبال این درخواست اسپانیا به امریکا اعلان جنگ داد و در جنگ‌های سال ۱۸۹۸، اسپانیا شکست خورد و طبق معاهدهٔ پاریس، امریکا توانست علاوه بر کوبا به فیلیپین، پوئرتوریکو و گوآم نیز دست یابد. کوبا تا سال ۱۹۰۲ در اشغال امریکا قرار داشت و این کشور بندر گوآنتانامو را به پایگاه دریایی و هوایی خود مبدل نمود. قانون اساسی سال ۱۹۰۲ کوبا، حق ویژه‌ای را برای امریکا در امور این کشور قائل شد و پایگاه نظامی امریکا در گوآنتانامو نیز صورت قانونی یافت.

در سال ۱۹۲۵ ماچادو به ریاست جمهوری کوبا انتخاب شد. وی مرد مستبد و خودکامه‌ای بود و در دوران حکومتش فساد و فقر بر سرتاسر کشور حاکم بود و کوبا را به یک کشور ورشکسته و مقروض تبدیل نمود. فشار افکار عمومی و حمایت ارتشیان از مردم ماچادو را وادار به کناره‌گیری و فرار از کشور نمود. با سقوط ماچادو در سال ۱۹۳۳، کارلوس مانوئل د سسپدس به ریاست جمهوری رسید. چند ماه بعد، عده‌ای از درجه‌داران ناراضی ارتش کودتا کردند و یک حکومت کوتاه‌مدت شورایی تشکیل دادند. حکومت مزبور چند روز بعد سرنگون شد و دولتی به نام صد روزه که فولخنسیوباتیستا نیز در آن شرکت داشت بر سر کار آمد. در سال ۱۹۳۴ باتیستا رقبای دیگر را از میدان به‌در کرد و زیر چتر یک کودتای ساختگی که سرهنگ کارلوس مندیتا ریاست جمهوری ظاهری آن را بر عهده داشت به اعمال قدرت پرداخت. در سال ۱۹۵۲ باتیستا قدرت را رأساً در دست گرفت و رژیم مستبدانه‌ای را برقرار ساخت که به مرگ بیش از ۲۰,۰۰۰ کوبایی منجر گردید. در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ فیدل کاسترو همراه با یک گروه انقلابی به پادگان نظامی مونکادا واقع در سانتیاگو د کوبا یورش برد. اگرچه یورش مزبور ناکام ماند و به شکست منجر گردید، ولی به عنوان اولین سنگ بنای انقلاب کوبا شناخته شد. کاسترو کوتاه مدتی زندانی شد و سپس به مکزیک تبعید گردید و در دسامبر ۱۹۵۶ به کوبا بازگشت.

در ۳۱ دسامبر ۱۹۵۸ یک ستون از شورشیان مبارز به فرماندهی ارنستو چه گوآرا به قصد تصرف پایتخت به شهر هاوانا نزدیک شد و باتیستا را از ترس به فرار از کوبا و پناهنده شدن به دومینیکن وادار نمود. مبارزان مزبور در حقیقت طلایه‌داران گروه چریکی ۲۶ ژوئیه بودند که دو سال بعد ارتش باتیستا را درهم شکستند. در روز اول ژانویهٔ ۱۹۵۹ شهر سانتاکلارا به تصرف انقلابیون درآمد و روز چهارم ژانویه دکتر اوروتیا از سوی انقلابیون به ریاست جمهوری و میروگاردونا به نخست‌وزیری کوبا منصوب شدند.

در پانزدهم فوریه ۱۹۵۹ فیدل کاسترو نخست‌وزیری را شخصاً بر عهده گرفت و پست ریاست جمهوری را حذف نمود. کاسترو قیمتها را شدیداً کنترل کرد و با فساد به شدت به مبارزه پرداخت و قانون اصلاحات ارضی را تصویب و به مورد اجرا گذارد و حدود نیمی از املاک کشور را ملی نمود. اولین اقدامات ضد انقلابی که از سوی امریکا حمایت می‌شد، منجر به شکست گردید و به دنبال آن کشمکش میان دولت انقلابی کوبا و امریکا آغاز شد. در سال ۱۹۶۰ صنعت نفت کوبا ملی گردید و روابط کشور مزبور با اتحاد جماهیر شوروی دوباره برقرار شد و برعکس روابط با امریکا رو به تیرگی نهاد و امریکایی‌ها خرید شکر از کوبا را تحریم کردند و کوبا نیز متقابلاً اموال امریکایی‌های مقیم کوبا را مصادره نمود و وابستگی خود را به جهان کمونیسم در سال ۱۹۶۱ رسماً اعلام داشت. امریکایی‌ها نیز فراریان کوبایی به امریکا را سازماندهی کردند و برای سرنگونی رژیم کمونیستی کاسترو آموزش دادند و در آوریل ۱۹۶۱ آنان را در خلیج خوکها (باهیا کوچینوس) پیاده کردند و روانهٔ خاک کوبا نمودند. نیروهای مزبور در اولین برخورد با نیروهای دولتی کوبا متلاشی شدند و صدها تن از آنان کشته و صدها نفر دیگر اسیر شدند. اما امریکا بیکار ننشست و از پایگاه گوآنتانامو علیه انقلابیون کوبا استفاده کرد. کوبا از شورای سازمان کشورهای امریکایی اخراج گردید و کلیهٔ اعضای سازمان مزبور به غیر از مکزیک به تدریج با کوبا قطع رابطه کردند.

در سال ۱۹۶۲ اتحاد شوروی اقدام به ساختن پایگاه موشکی در خاک کوبا کرد. عکسهای هوایی‌ای که امریکا از خاک کوبا تهیه می‌کرد، نشان داد که اتحاد شوروی پایگاه موشکی هسته‌ای در خاک کوبا دایر کرده است. اوضاع به شدت بحرانی شد و وقوع جنگ جهانی سوم محتمل به نظر می‌رسید. جان اف کندی، رئیس جمهور امریکا، مصراً خواستار برچیدن پایگاههای موشکی مزبور از خاک کوبا شد. سرانجام گفتگوها و تهدیدها به اقدامات دوستانه مبدل شد و دولت شوروی با وجود مخالفت چین کمونیست و کوبا، قراردادی با امریکا به امضاء رساند و طی آن دولت شوروی پایگاههای موشکی خود را از کوبا جمع کرد و دولت امریکا نیز متقابلاً تعهد نمود که به کوبا حمله نکند.

در سال ۱۹۶۸ آخرین مؤسسات بازرگانی خصوصی در کوبا ملی شد و کوبا از دولت امریکا خواست تا پایگاه خود را از گوآنتانامو برچیند و بر آخرین سلطه‌های خود بر خاک کوبا خاتمه دهد و از عملیات تروریستی علیه سران کوبا خودداری نماید. از سال ۱۹۶۴ ثمرات انقلاب شروع به خودنمایی کرد و بی‌سوادی از کشور ریشه‌کن شد و وضع بهداشت مردم بهبود یافت.



نام رسمی: جمهوری کوبا

نام محلی: کووا Cuba

اسامی دیگر: -

پایتخت: هاوانا (۲،۱۸٤،۹۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۰۲/۵/۲۰، از امریکا

روز ملی: اول ژانویه، روز آزادی

نوع حکومت: جمهوری سوسیالیستی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۵۹

رئیس‌حکومت: رئیس‌جمهور:فیدل کاسترو روز(دبیر کل حزب کمونیست کوبا)،ازسال۱۹۷٦توسط مجلس ملی قدرت خلق

رئیس دولت: رئیس‌جمهور:فیدل کاسترو روز(دبیر کل حزب کمونیست کوبا)،ازسال۱۹۷٦ توسط مجلس ملی قدرت خلق

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷٦، آخرین تغییرات ۱۹۹۲؛ مجلس ملی قدرت خلق با ٦۰۱ عضو به مدت ۵ سال؛ آخرین انتخابات در ژانویه ۱۹۹۸ برگزار گردیده و تمامی نمایندگان منتخب، کاندیداهای حزب کمونیست کوبا می‌باشند.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایکائو، ایلو، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آاوسیس، جنبش عدم تعهد

جمعیت[1]

مساحت: ۱۱۰،۸٦۱ کیلومترمربع (صد و سومین کشور جهان)

جمعیت: ۱۱،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصت و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰۱ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۱/۸ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۷/۱٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۲٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۲۱/۷٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۳/٤٪؛ ۵۹-۳۰ سال ٤۱/٦٪؛ بالای ٦۰ سال ۱۳/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد۵۱/۹۸٪؛ زن ٤۸/۰۲٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۸/۵ سال؛ مردان ۷۳/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱۳/٦ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۷ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٦/٤ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ٦/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بیماریهای قلبی ۱٤۲/٦ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۱۱ نفر؛ بیماریهای عروق مغزی ۵۲/۹ نفر؛ حوادث ۳۹ نفر؛ بیماریهای عروقی ۲۱/۹ نفر؛ آنفلوآنزا و ذات‌الریه ۳۱/۳ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/٦ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۷ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۲): ۱۷/۷ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۳):** ٦ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹٤): دورگه ۵۱٪؛ سفیدپوست ۳۷٪؛ سیاهپوست ۱۱٪؛ دیگر نژادها ۱٪

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ۳۹/۵٪؛ پروتستان ۲/٤٪؛ سایر مسیحیان ۰/۲٪؛ بقیه (عمدتاً بدون دین) ۵۷/۹٪

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ خط:لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۳): سانتیاگو د کوبا ٤٤۰،۰۸٤ نفر؛ کاماگوای ۲۹۳،۹٦۱ ؛ هولگوین ۲٤۲،۰۸۵ ؛ گوآنتانامو۲۰۷،۷۹٦ ؛ سانتاکلارا ۲۰۵،٤۰۰ ؛ بایامو ۱۳۷،۷۰۰؛ سینفوئگوس ۱۳۲،۱۰۰؛ پینارد‌ل‌ریو ۱۲۸،٦۰۰؛ لاس‌توناس ۱۲٦،۹۰۰؛ ماتانزاس ۱۲۳،۹۰۰

بنادر مهم: هاوانا و ماتانزاس (تنگه فلوریدا)، سانتیاگو د کوبا و سینفوئگوس (دریای کارائیب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پزو کوبا (CUP)= ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار= ۲۱ پزو؛ یک پزو= ۳۸۱ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۱۳،۷۵۷ میلیون پزو کوبا

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۱٤،۲۷۰ میلیون پزو کوبا؛ آموزش و بهداشت ۲٦/۵٪؛ سرمایه‌گذاری ۱۱/۹٪؛ سایر موارد ٦۱/٦٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): ۱۸،٦۰۰ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۹):** ۱،۷۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۳-۱۹۸۹): ۳٤/٤-٪ ؛ ۱۹۹٦: ۷/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): کشاورزی ۷/٤٪؛ صنعت ۳٦/٤٪؛ خدمات ۵٦/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۱۱،۰۷۸ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۷۹/۷+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم(۲۰۰۰): ۳-٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۳۵،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ برنج ٤۲۰،۰۰۰ تن؛ پرتقال و نارنگی ٤۰٦،۵۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۳۳۰،۰۰۰ تن؛ گریپ‌فروت ۳۰۰،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۲۷۵،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۱۹۰،۰۰۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ۱۸۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱۳۰،۰۰۰ تن؛ موز ۱۱۵،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۳۰/۷٪؛ مرتع و چمنزار ۲۷٪؛ جنگل ۲۳/۷٪؛ دیگر موارد ۱۸/٦٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ٤،٦۵۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲،٤۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲،۷۵٦،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٦۲،۱۵٤ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۳،۵۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦۵،۷۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): نیکل ٦۷،۷۰۰ تن؛ کرومیت ۳۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۰): (ارزش افزوده به میلیون دلار): تولیدات دخانی ۲،٦۲۹؛ مواد غذایی ۱،۰۳۳؛ نوشیدنی ۳۵۸؛ مواد شیمیایی ۳۵٤؛ تجهیزات حمل و نقل ۲۲۵؛ ماشین‌آلات غیر برقی ۱۷٦

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۱۳،۲۳٦،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۳،۲۳٦،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (۱٦۳،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: ۹،۳۷۷،۰۰۰ بشکه (۹،۸۹۹،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ٤،۷٦۷،۰۰۰ تن (۸،۲٤۰،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ٤۳،۰۰۲،۰۰۰ مترمکعب (٤۳،۰۰۲،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۸۸): ٤،۵۷۰،۲۳٦ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۳/۷٪؛ میزان مشارکت: (۱۵ سال به بالا): ۵٦/۹٪؛ زنان (۱۵ سال به بالا؛ ۱۹۹۸): ۳۷٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٦٪؛ ۲۰۰۰: ۵/۷٪

توزیع نیروی کار (۱۹۸۹): کشاورزی ۲۰/٤٪؛ صنعت ۳۱/٦٪؛ خدمات ٤٦/۵٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٦۰،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۵٪؛ نیروی دریایی ۸/۳٪؛ نیروی هوایی ۱٦/۷٪؛ سرانه هزینه دفاعی (۱۹۹۷): ٦۵ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۳/۲ میلیارد دلار؛ شامل سوختهای معدنی و روغن‌های روانکاری ۳۹/٤٪؛ غذا و دام زنده ۲۵/٤٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱۵/۸٪؛ مواد شیمیایی ٦/۹٪؛ تولیدات اساسی ٦/٦٪؛ مواد خام غیر خوراکی ۳/۲٪؛ از اسپانیا ۲۲/٤٪؛ فرانسه ۱۰/٦٪؛ کانادا ۹/۸٪؛ ایتالیا ۷/۹٪؛ چین ۵/۲٪؛ آرژانتین ۲/۹٪؛ روسیه ۲/۹٪

صادرات(۱۹۹۹): ۱/٤ میلیارد دلار؛ شامل شکر ٦۳/٤٪؛ مواد معدنی و کنسانتره آنها ۱۰/٦٪؛ تولیدات شیلات ۵/۹٪؛ توتون خام و تولیدات دخانی ٤/٦٪؛ مرکبات وفرآورده‌های کشاورزی ۳/٤٪؛ به کشورهای (۱۹۹۸): روسیه ۲۲٪؛ کانادا ۱۳/٤٪؛ هلند ۱۳/٤٪؛ اسپانیا ۷/۲٪؛ چین ۵/٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۷۹۷	-۱،۱٦٦	-۱،۱۷۹	-۱،۲۰۰	-۱،۳۰۰	-۱،۸۰۰
درصد کل	٪۲٤/٤	٪۲۸/۳	٪۲٤/٤	٪۲۵/۲	٪۲۵/۵	٪۳۹/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۸۵):	۱۹۸٤	۱۹۸۵	۱۹۸٦	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹
شاخص‌ضریب‌تعدیل‌قیمت‌ضمنی‌مصرف‌کننده	۹۸	۱۰۰	۱۰۱/٤	۱۰۲/۸	۱۰۳/۱	؟
شاخص درآمد ماهانه	۹۹	۱۰۰	۱۰۰/۱	۹۸/۱	۹۹/٦	۱۰۰

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۸): ۳/٤نفر؛ میانگین درآمد سالیانه هر خانوار(۱۹۸۲): ۳،٦۸۰پزو؛ منابع‌درآمد(۱۹۸۲): دستمزد و حقوق ۵۷/۳٪؛ انعام و دیگر پرداخت‌ها ٤۲/۷٪؛ مصرف‌های شخصی (۱۹۸۹): غذا ۲٦/۷٪؛ خریدهای خرده‌فروشی ٦۰/۵٪؛ خدمات حمل و نقل ۵/٤٪؛ سوخت ۲/۷٪؛ تعمیرات خانگی ۱/۳٪؛ سایر موارد ۳/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱،۵۷۱ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج (۱۹۹۰): ٤۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ٦۰،۸۵۸ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۹):** ٤،۸۰۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱۷۲،۵۷٤ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۱۸۵،٤۹۵ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۳۹۳ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱٤ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱۷ روزنامه در ۱،۳۰۰،۰۰۰ نسخه (۱۱۸ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱٤ عنوان در ۲۸۵،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۹۳۲ عنوان در ٤،٦۱۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ٤،۹٤٦/۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۹۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۵۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲،٦٦۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۳۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۸۸،۰۰۰ خط تلفن (۳۵ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٤،۰۵٦ خط (۰/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۹،۸٦٤	۷۸،٦۲۵	۱،۰۲۸،۸۸۰	۱۳
متوسطه	۲،۱۷۵	۷۱،۰۲۵	۷۷۸،۰۲۸	۱۱
فنی و حرفه‌ای	٦۱۸	۲۷،۲٦۷	۲٤٤،۲۵۳	۹
عالی	۳۵	۲۲،۹٦۷	۱۰٤،۵۹۵	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۵/۷٪؛ مردان: ۹٦/۲٪؛ زنان: ۹۵/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۱): ابتدایی ۲٦/٦٪؛ متوسطه ۲۹/٦٪؛ عالی ٤/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ٦۳،۵۵٤ نفر (هر ۱۷۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۸۰،٦۸٤ تخت (هر ۱۲۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱،٤۰۰ نفر (۰/۰۲٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،٤۷۳ کالری (۱۰۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۲ گرم؛ مصرف چربی: ٤۹ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۲٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۲٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳۱/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۲/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۸۳ (پنجاه و ششمین کشور جهان)

در ۱۹۷۵ سازمان کشورهای امریکایی به تحریم سیاسی و اقتصادی کوبا پایان دادند. با اعلام استقلال کشور آنگولا در ژانویه ۱۹۷۶ کوبا ده هزار تن داوطلب شبه نظامی با تجهیزات کافی به کمک چیگراهای گروه مپلا فرستاد و آنان را در مقابله با مخالفان مسلح راستگرا یاری داد. کوبا همین عمل را برای کشورهای دیگری چون اتیوپی، گینهٔ بیسائو، یمن جنوبی و لبنان و چند کشور دیگر نیز تکرار نمود. در سال ۱۹۷۸ کوبا مجدداً از امریکا رسماً خواست تا پایگاه گوآنتانامو در خاک کوبا را برچیند. طی سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ حملات تبلیغاتی و برخوردهای لفظی میان امریکا و کوبا مجدداً شدت گرفت و کوبا از سوی امریکا متهم شد که نهضت‌های آزادیخواهانهٔ منطقه به ویژه السالوادور را حمایت می‌کند. در سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۱ هزاران کوبایی مخالف نظام سوسیالیستی، از کوبا فرار کرده و عمدتاً به امریکا و ایالت فلوریدا پناهنده شدند.

در سال ۱۹۸۴ فیدل کاسترو در مراسم تشییع جنازهٔ آندروپوف به مسکو مسافرت کرد و کمکهای خود را به نیکاراگوآ افزایش داد و سیاستهای امریکا را در منطقه محکوم نمود. در ۱۹۸۶ فیدل کاسترو از کشورهایی که به صندوق بین‌المللی پول بدهکارند، خواست تا از بازپرداخت بدهی‌های خود امتناع ورزند.

در ژوئن ۱۹۸۹ گروهی از افسران عالیرتبهٔ ارتش و صاحب‌منصبان وزارت کشور به اتهام دست داشتن در قاچاق مواد مخدر، دادگاهی شدند و اعدام گردیدند. با روی کار آمدن جورج بوش به سمت ریاست جمهوری امریکا، فشار کشور مزبور بر کوبا افزایش یافت و مانورهایی در پایگاه گوآنتانامو و همچنین در دریای کارائیب برگزار گردید. چهارمین کنگرهٔ حزب کمونیست کوبا در اکتبر ۱۹۹۱ برگزار شد و تصمیم گرفته شد تابا تجدید نظر در قانون اساسی، افراد مستقل نیز بتوانند به عضویت مجلس ملی درآیند و تشکیل شرکت‌های مشترک با سرمایه‌گذاری خارجی، بخصوص سرمایه‌گذاران امریکای لاتین امکان‌پذیر گردد. کوبا در رشته علم بیوتکنولوژی به پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای دست یافته و ردهٔ اول جهان سوم را به خود اختصاص داده است. با فروپاشی کشور اتحاد شوروی و قطع کمکهای اقتصادی آن، دولت کوبا اقداماتی در جهت صرفه‌جویی در مواد سوختی به عمل آورد و به تحکیم هرچه بیشتر روابط با چین، ویتنام و کرهٔ شمالی پرداخت؛ جیرهٔ نان روزانه به صد گرم برای هر نفر تقلیل یافت؛ تعداد روزنامه‌ها به سه نشریهٔ روزانه محدود شد؛ و اقداماتی برای فروش شکر، توتون و قهوه در سطح بین‌المللی به عمل آورد و برای خرید نفت از مکزیک و ونزوئلا تدابیری اندیشید. از سوی دیگر امریکا کشور روسیه را که جانشین اتحاد شوروی سابق شده بود، سخت تحت فشار قرار داد تا در روابط خود با کوبا زیاده‌روی نکند. به همین دلیل بود که گورباچف بدون هیچ مقدمه و گفتگو، دستور خروج ۳،۰۰۰ تن از سربازان ارتش سرخ از کوبا را صادر نمود.

در اوایل سال ۱۹۹۳ انتخابات مجلس ملی کوبا برگزار شد و مدیران اجرایی کشور برای نخستین بار از سوی مردم برگزیده شدند. در ژوئیهٔ ۱۹۹۴ کوبا به عضویت سازمان کشورهای دریای کارائیب درآمد.

در سال ۱۹۹۵ کنگرهٔ امریکا قانون هلمز برتن را به تصویب رساند. به موجب قانون مزبور، شرکتهایی که با کوبا به معامله پردازند، جریمه خواهند شد. این قانون با واکنش غالب کشورهای جهان به ویژه اتحادیهٔ اروپا روبرو گردید. در فوریه ۱۹۹۶ نیروی هوایی کوبا دو هواپیمای کوچک غیر نظامی را که با تبعیدیان و فراریان کوبایی مقیم فلوریدا در تماس و ارتباط بود، سرنگون کرد. این عمل بر شدت روابط خصمانهٔ امریکا و کوبا کمک کرد و امریکا اعلام نمود که هواپیماهای مزبور بر فراز آبهای بین‌المللی مورد یورش هواپیماهای کوبایی قرار گرفته‌اند. در سال ۱۹۹۷ رهبر مخالفان دولت کوبا در میامی که آلخاندروماس کانوسا نام داشت، درگذشت و پاپ جان پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان در ژانویهٔ ۱۹۹۸ از کوبا دیدن کرد و از تحریم‌های امریکا علیه کوبا انتقاد نمود.

در نوامبر سال ۱۹۹۹، به دنبال غرق شدن یک قایق حامل کوبایی‌های فراری به امریکا، دولت کوبا از طرف پدر تنها بازمانده این حادثه که یک کودک به نام الیان گونزالس بود، خواستار بازگرداندن وی به کوبا شد، که برخی مقامات امریکایی و جامعهٔ پناهندگان کوبایی مستقر در امریکا به شدت با این مسئله مخالفت کردند. بعد از ماه‌ها تنش، سرانجام دادگاه رأی به استرداد گونزالس به پدرش داد و وی به عنوان سمبل مقاومت کوبا علیه تحریم چهل سالهٔ امریکا، به کوبا بازگشت.

در طی سال‌های ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۰، اقتصاد کوبا وضعیت بهتری پیدا کرد و رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ به ۵/۶٪ رسید. در سالیان اخیر گسترش صنعت جهانگردی در کوبا مورد توجه قرار گرفت و بسیاری هتل‌های جدید در کشور احداث گردید که عمدتاً با مدیریت غیر دولتی و حتی خارجی اداره می‌شوند.

در طی سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، از شدت تحریم‌های امریکا بر علیه کوبا کاسته شد و برای نخستین بار طی چهل سال گذشته، صدور برخی اقلام کشاورزی به کوبا از سر گرفته شد. در سال ۲۰۰۲ جیمی کارتر رئیس جمهور اسبق امریکا به عنوان بلندپایه‌ترین شخصیت سیاسی امریکایی، از این کشور دیدن کرد و در محیطی دوستانه با فیدل کاسترو به بحث و تبادل نظر پرداخت.

کومور COMOROS

مجمع‌الجزایری است واقع در اقیانوس هند و دوراب‌های ساحل خاوری افریقا که در مدخل تنگهٔ استراتژیکی موزامبیک واقع است و از سه جزیرهٔ آتشفشانی اصلی نجازیجا (گراندکومور پیشین)، نزوانی (آنژوآن پیشین)، موالی (موهلی پیشین) تشکیل یافته است. جزیرهٔ مایوت نیز که توسط فرانسه اداره می‌شود، جزء این مجمع‌الجزایر محسوب می‌شود. جزیرهٔ نجازیجا آتشفشان فعالی به نام کارتالا دارد که بلندی آن به ۲۳۶۱ متر می‌رسد و بلندترین نقطهٔ کومور محسوب می‌شود. جنگلهای بارانی بخش وسیعی از جزایر را در بر گرفته و حدود نیمی از آن نیز به کشاورزی اختصاص یافته است. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و نارگیل، موز، کاساوا، غلات، وانیل، برنج، سیب‌زمینی شیرین و مرکبات از فرآورده‌های عمدهٔ کشاورزی آن است. این کشور فاقد رودخانهٔ دائمی است و آب آشامیدنی آن که از ذخیره آب باران در انبارهای مخصوص تأمین می‌گردد، به آسانی دستخوش آلودگی شده و سلامت ساکنان آن را تهدید می‌کند.



تاریخچه

کومور در حدود سدهٔ پنجم به وسیلهٔ آخرین گروه مهاجران اندونزیایی مسکون گردید و تا سدهٔ دوازدهم میلادی که بازرگانان مسلمان کیلوآ وارد این جزایر شدند، از قارهٔ افریقا جدا ماند. مسلمانان در جزایر کومور بندرگاههایی احداث کردند و به بسط تمدن و فرهنگ زنج در آن نواحی پرداختند. در سدهٔ شانزدهم پرتغالی‌ها وارد این جزایر شدند و آثار تمدن آن را از بین بردند و اقتصاد خوب و پیشرفتهٔ آن دیار را به سقوط کشاندند. سلطان عمان پرتغالی‌ها را از کومور بیرون راند و آنجا را تحت‌الحمایهٔ زنگبار قرار داد. آنان گروهی از بومیان بانتو را از سرزمین اصلی افریقا به کومور وارد کردند و به کار گماردند.

در سدهٔ نوزدهم، زنگبار از سلطان‌نشین عمان جدا شد و فرانسویان در ۱۸۴۳ در جزیرهٔ مایوت مستقر گردیدند و به مرور بر سرتاسر مجمع‌الجزایر کومور تسلط یافتند. با توجه به تجربیات جنبش‌های استقلال‌طلبانه در سراسر افریقا، جنبش آزادیبخش ملی کومور، نیز شکل گرفت و با ائتلاف با دیگر احزاب به جبههٔ ملی متحد کومور مبدل گردید و سرانجام فرانسویان را در ۱۹۷۴ به قبول برگزاری یک همه‌پرسی وادار نمود و اکثریت عظیم مردم به استقلال کشورشان رأی دادند. حدود ۶۳٪ ساکنان جزیرهٔ مایوت به تداوم تابعیت از فرانسه رأی دادند. فرانسویان در جزیرهٔ مایوت دارای پایگاه هوایی و دریایی هستند و اقتصاد جزیرهٔ مزبور در کنترل چند خانوادهٔ کاتولیک قرار دارد. احمد عبدالله که صدور برنج جزایر کومور را در انحصار خود



نام رسمی: اتحاد جزایر کومور

نام محلی: کومور / قُمُر Comor

اسامی دیگر: کوموروس؛ کومورو

پایتخت: مورونی (۳۴،۱۶۸ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۵/۷/۶، از فرانسه

روز ملی: ششم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری فدرال با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۲۰۰۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: سرهنگ آزالی آسومانی، از سال ۱۹۹۹ با کودتا (از سال ۲۰۰۲ با انتخابات)

رئیس دولت: رئیس جمهور: سرهنگ آزالی آسومانی، از سال ۱۹۹۹ با کودتا (از سال ۲۰۰۲ با انتخابات)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۲۰۰۱ ؛ مجلس فدرال با ۴۳ عضو به مدت ۵ سال که هنوز انتخابات جدیدی پس از کودتای سال ۱۹۹۹ و تدوین قانون اساسی جدید برگزار نشده است.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، سازمان وحدت افریقا، آکپ، فز، ایدب، آاوسیس، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱،۸۶۲ کیلومترمربع (صد و هفتادمین کشور جهان)

جمعیت: ۶۹۴،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجاه و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۷۲/۷ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱،۱۷۶،۰۰۰ نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۲/۱٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۵/۶٪

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ۴۴/۹٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/۵٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۲/۲٪؛ بالای ۶۰ سال ۴/۴٪

توزیع جنسی (۱۹۹۱): مرد ۴۹/۴۹٪؛ زن ۵۰/۵۱٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۶۱/۸ سال؛ مردان ۵۷/۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۴۰/۲ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۸۸/۸ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳۰/۴ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما بر اساس شواهد موجود مهمترین بیماریهای رایج عبارتند از: مالاریا، سل، جذام، کمبود شدید پروتئین

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۴ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۷۶ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۹۵): قبایل‌بانتو،عرب‌وماداگاسکاری۹۷٪؛ماکوا۱/۶٪؛فرانسوی۰/۴٪؛بقیه(عمدتاًهندی، ایرانی و اروپایی)۱٪

دین(۱۹۹۵): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان سنی ۹۹/۳٪؛ دیگر ادیان ۰/۷٪

زبان و خط: کوموری، عربی، فرانسوی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین،عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۱): موتسامودو ۲۰،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۹۰): دومونی ۸،۰۰۰ نفر؛ فومبونی ۵،۶۰۰ نفر

بنادر مهم: مورونی و موتسامودو (تنگه موزامبیک)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک کومور (CF)= ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار = ۵۷۰/۵۶ فرانک؛ یک فرانک کومور= ۱۴ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۴،۰۶۶ میلیون‌فرانک‌کومور؛درآمدمالیاتی۴۶٪؛ کمک‌های‌خارجی۲۹/۴٪؛درآمدغیرمالیاتی۶/۶٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۶،۳۰۷ میلیون فرانک کومور؛ هزینه‌های جاری ۸۵/۴٪؛ هزینه‌های عمرانی ۱۴/۶٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۹۷ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳/۸٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۰/۵-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳۸/۷٪؛ صنعت ۱۲/۸٪؛ خدمات ۴۸/۵٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۸۸/۱ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۵/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۵/۴-٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳/۹٪؛ ۱۹۹۸: ۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۷): نارگیل ۶۰،۰۰۰ تن؛ موز ۶۰،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۵۰،۷۰۰ تن؛ تارو ۸،۵۰۰ تن؛ ذرت ۳،۸۰۰ تن؛ برنج ۲،۹۰۰ تن؛ میخک ۲،۰۰۰ تن؛ وانیل ۱۸۰ تن؛ اسانس یلانگ‌یلانگ ۶۷ تن(روغنی که در عطرسازی به کار می‌رود)؛ دیگر گیاهان صادراتی شامل قهوه، دارچین و گیاهان تکمه‌ای

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ۴۴/۹٪؛ مرتع و چمنزار ۶/۷٪؛ جنگل ۱۷/۹٪؛ دیگر موارد ۳۰/۵٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۷): بز ۴۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۴۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۲،۵۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۴۴۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۷۲۰ تن

تولیدات معدنی : شن و ماسه و سنگ خرد شده از مواد معدنی سرخ مایل به زرد برای ساختمان‌سازی

تولیدات صنعتی: محصولات صنایع کوچک، شامل فرآورده‌های وانیل، اسانس یلانگ‌یلانگ، سیمان، صنایع دستی، صابون، نوشیدنی غیر الکلی، تولیدات چوبی و پوشاک

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۶): ۳۰،۹۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲۱،۴۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۲۲،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۲۱۵،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۴۴/۴٪؛ میزان مشارکت: (۱۰ سال و به بالا): ۵۷/۸٪؛ زنان (۱۰ سال و به بالا): ۴۰٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ۳۰٪

توزیع نیروی کار(۱۹۸۰): کشاورزی ۵۳/۳٪؛ صنعت ۷/۵٪؛ خدمات ۳۹/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۷: ۱،۵۰۰ نفر

واردات(۱۹۹۷): ۲۶،۲۷۰/۳ میلیون فرانک؛ شامل برنج ۱۵٪؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۱٪؛ گوشت و ماهی ۹/۶٪؛ سیمان ۷/۹٪؛ وسیله نقلیه ۷/۴٪؛ آهن و فولاد ۳/۸٪؛ از فرانسه ۳۴/۶٪؛ افریقای جنوبی ۱۱/۱٪؛ پاکستان ۹/۸٪؛ کنیا ۶/۷٪

صادرات(۱۹۹۷): ۲،۶۳۰/۶ میلیون فرانک؛ شامل وانیل ۴۲/۶٪؛ یلانگ‌یلانگ ۲۷/۲٪؛ میخک ۱۳/۷٪؛ به فرانسه ۴۲/۴٪؛ امریکا ۱۶/۹٪؛ آلمان ۱۲٪؛ مایوت و ماداگاسکار ۱۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
میلیارد فرانک	-۱۰/۶	-۱۷/۲	-۱۹/۲	-۲۲/۲	-۲۳/۶
درصد کل	٪۴۶/۲	٪۶۴/۸	٪۶۹/۴	٪۸۲	٪۸۱/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۴/۵	۹۳/۴	۱۰۰	۱۰۲/۴	۱۰۴	۱۰۸/۲
شاخص درآمد ماهانه	۷۳	۸۸/۳	۱۰۰	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۵): ۶/۳ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار: ۱۸۸،۹۸۵ فرانک (۵۰۵ دلار)؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۳): غذا و نوشیدنی ۶۷/۳٪؛ پوشاک و کفش ۱۱/۶٪؛ توتون و سیگار ۴/۱٪؛ سوخت ۳/۸٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ۳/۲٪؛ اثاثیه خانگی ۳٪؛ سایر موارد ۷٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد ۲۶/۱ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۴/۶ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۹۰۰ کیلومتر | **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۹،۱۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۴،۹۵۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۶ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۹۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۷۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱/۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۶،۲۲۶ خط تلفن (۱۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۳۲۷	۱،۵۰۸	۷۸،۵۲۷	۵۲/۱
متوسطه	؟	۵۹۱	۲۱،۱۹۲	۳۵/۹
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	؟	؟	۳۴۸	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال : ۵۷٪؛ مردان: ۶۴٪؛ زنان: ۵۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۰): ابتدایی ۳/۶٪؛ متوسطه ۲٪؛ عالی ۰/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۶۴ نفر (هر ۷،۸۰۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۵): ۱،۴۵۰ تخت (هر ۳۴۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۱۴٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۲/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۱،۸۵۸ کالری (۷۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۴۳ گرم؛ مصرف چربی: ۴۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۵/۸٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۵۱۰(صد و سی و هفتمین کشور جهان)

داشت، در مقام نخست‌وزیری دولت نیمه خودمختار جزایر کومور، در ژوئیه ۱۹۷۵ استقلال کومور را اعلام داشت ولی جنبش مردم مایوت به رهبری مارسل هنری اعلام کرد که به تبعیت از فرانسه ادامه می‌دهد. بدین ترتیب جزیره مایوت زیر سلطهٔ فرانسویان باقی ماند تا تسلط و کنترل فرانسه بر اقیانوس هند استمرار یابد. دولت فرانسه اگرچه به پیوستن جزایر کومور به سازمان ملل متحد رأی مثبت داد، اما قطعنامه شورای امنیت در مورد الحاق جزیره مایوت به کومور را وتو نمود.

اندک زمانی بعد، گروه کوچکی از جوانان جبههٔ ملی متحد کومور، ساختمان مجلس ملی در مورونی را اشغال نمودند و رهبر خود، علی سویلح را به مقام ریاست جمهوری برگزیدند و احمد عبدالله را از کار برکنار کردند. فرانسه برای جلوگیری از هرج و مرج و آشوب و قبل از آن که کنترل از دستش خارج شود، نیرویی مرکب از سه ناو جنگی و ده هزار سرباز به مایوت اعزام داشت. در مه ۱۹۷۸ مزدورانی تحت فرماندهی احمد عبدالله که در حالت تبعید در پاریس به سر می‌برد، جزیرهٔ گراندکومور (نجازیجای فعلی) را تصرف کردند و علی سویلح را سرنگون ساختند و احمد عبدالله را به ریاست جمهوری منصوب نمودند. علی سویلح سه روز بعد در زندان کشته شد. سرپرستی مزدوران فاتح را یک مزدور فرانسوی به نام بوب دنار بر عهده داشت که بعدها به یک مهرهٔ تعیین کنندهٔ سیاست کشور کومور مبدل شد. وی پیش از آن نیز در یک عملیات توطئه‌آمیز در بنین نیز شرکت کرده بود. حضور وی در کومور اعتراضات بین‌المللی زیادی را برانگیخت و حتی نماینده کومور از سازمان وحدت افریقا اخراج گردید.

در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۹ بوب دنار، کودتایی را علیه احمد عبدالله رهبری کرد و وی را از کار برکنار نمود. احمد عبدالله در جنگ با کودتاچیان کشته شد. فرانسه که از کودتای دنار ناراضی بود، کمکهای اقتصادی خود را به کومور قطع کرد و از دنار و مزدورانش خواست تا کومور را ترک کنند. مزدوران مزبور جزیره را ترک کردند ولی دنار به جزیرهٔ مایوت رفت و به خدمت پایگاه فرانسه در جزیرهٔ مزبور درآمد و سعید محمد جوهر رئیس جمهور موقت کومور نیز با تمدید اقامت نیروهای فرانسه برای آموزش نیروهای امنیتی کومور موافقت نمود. در ژوئن ۱۹۹۲ قانون اساسی جدید کشور به تصویب رسید و به مورد اجرا گذارده شد و محمد تقی عبدالکریم به نخست‌وزیری منصوب گردید. در انتخابات ۱۹۹۶ محمد تقی عبدالکریم به ریاست جمهوری رسید و تاج‌الدین بن سعید به نخست‌وزیری منصوب شد. قانون اساسی جدیدی در همین سال به تصویب رسید که به موجب آن قوانین و مصوبات مجلس فدرال بایستی به تأیید شورای علما نیز برسد. بن سعید در سال ۱۹۹۷ از نخست‌وزیری برکنار گردید و نورالدین برهان به جای او مقام نخست‌وزیری را اشغال نمود.

در اواخر سال ۱۹۹۸، عبدالکریم درگذشت و تاج‌الدین بن سعید، رئیس شورای عالی به طور موقت ادارهٔ امور کشور را به دست گرفت. به دنبال آشوب‌ها و منازعاتی که بر سر درخواست استقلال دو جزیره نزوانی و موالی، در کشور حاکم شد، سرهنگ آزالی آسومانی، رئیس ستاد ارتش، طی یک کودتای بدون خونریزی، در آوریل ۱۹۹۹ به قدرت رسید. چندین دور گفتگو و مذاکره میان گروه‌های متخاصم به نتیجهٔ مطلوبی نرسید و سرانجام قانون اساسی جدیدی در دسامبر سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید که طبق آن هریک از سه ایالت تشکیل دهنده کشور کومور از حقوق مساوی و بیشتری برخوردار شدند و تنها امور دفاعی و سیاست خارجی به دولت فدرال واگذار گردید. همچنین نام رسمی کشور از جمهوری فدرال اسلامی کومور به اتحاد جزایر کومور تغییر یافت. در انتخابات ریاست جمهوری آوریل ۲۰۰۲ که طبق قانون اساسی جدید برگزار گردید، سرهنگ آزالی آسومانی با کسب ۷۵٪ آراء به طور رسمی رئیس جمهور شد.

کویت KUWAIT

کشور کویت در آسیای غربی و در ساحل شمال غربی خلیج فارس جای دارد که از شمال و غرب به کشور عراق، از خاور به خلیج فارس و از جنوب به عربستان سعودی محدود است. اراضی آن سراسر صاف و هموار است و جز چند تپهٔ شنی عارضهٔ دیگری در آن به چشم نمی‌خورد و تنها واحهٔ آباد آن منحصر به جهره است. سواحل آن پست و همگون است و شهر و بندر کویت در مناسب‌ترین نقطهٔ ساحلی آن واقع است. اقلیم کویت در تابستان خیلی گرم و خشک و در زمستانها نسبتاً معتدل و خشک است و گاهگاه وزش بادهای دریایی به اعتدال آن کمک می‌کند. بلندترین نقطهٔ این کشور که در قسمت جنوبی مرز این کشور با عراق واقع شده، تنها ۲۸۳ متر ارتفاع دارد. کویت در خلیج فارس دارای چندین جزیره است که بوبیان وفیلکه عمده‌ترین آنها محسوب می‌شود.

این کشور فاقد رودخانهٔ دائمی است و توفان‌های شن از پدیده‌های طبیعت آن است. استخراج و صدور نفت منبع اصلی درآمد و اقتصاد آن است و سه پالایشگاه مهم شعیبه، میناء احمدی و میناءعبدالله تأمین کنندهٔ صنعت نفت آن هستند. آتش‌سوزی چاههای نفت که بر اثر جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ روی داد به محیط زیست و همچنین صنعت مزبور صدمه فراوان زد و بی‌آبی عمده‌ترین مشکل این کشور را تشکیل می‌دهد.



تاریخچه

پس از پیدایش امپراتوری هخامنشیان، مدتها کویت در تسلط ایران قرار داشت. در سال دوازدهم هجری قمری جنگ میان خالدابن ولید و سپاه ساسانی، به شکست ایرانیان انجامید و کویت ضمیمهٔ حکومت اسلامی گشت.

پرتغالیها در سدهٔ شانزدهم میلادی وارد کویت شدند و تأسیساتی در کرانه‌های آن احداث نمودند. در سدهٔ هجدهم میلادی کویت رسماً به تابعیت امپراتوری عثمانی درآمد و به صورت نیمه مستقل و تحت نظارت یک شیخ قرار گرفت. در ۱۷۵۶ شیخ صباح عبدالرحیم، سلسلهٔ شیخ‌های کنونی کویت یعنی آل صباح را تأسیس کرد و مکانی را که به قُرین معروف بود به کویت موسوم کرد. با رو به ضعف نهادن عثمانیان و پیدایش خاندان آل سعود که از وهابیت حمایت می‌کردند شیخ کویت خود را به انگلیسی‌ها که به گسترش نفوذ در منطقه مشغول بودند، نزدیک کرد و حمایت آنان را خواستار گردید. انگلیسی‌ها گروهی از هندیان مسلح را از هندوستان به کویت اعزام نمودند تا شیخ کویت را مورد حمایت قرار دهند. در ۱۸۹۹ شیخ کویت با انگلیسی‌ها قراردادی منعقد نمود و تعهد کرد که هیچ قسمت از سرزمین کویت را بدون رضایت انگلیسی‌ها به دولت دیگری واگذار نکند و متقابلاً انگلیسی‌ها نیز تمامیت ارضی کویت را به رسمیت شناختند. همزمان دولت عثمانی نیز با همکاری آلمان‌ها شروع به احداث خط آهن برلین بغداد نمود و قرار شد که خط مزبور تا کویت نیز ادامه یابد.

در پایان جنگ جهانی اول فرانسه و انگلستان متصرفات آلمان در خاورمیانه را میان خود تقسیم کردند و کویت نیز به تحت‌الحمایگی انگلستان درآمد و از دولت پادشاهی جدیدالتأسیس عراق که ادعای مالکیت آن را داشت، جدا گردید. در ۱۹۳۸ چاههای کویت به نفت رسید. شیخ عبدالله‌الصباح امیر کویت که سرزمین خود را در خطر تصرف دولت نوبنیاد عراق می‌دید، از انگلستان درخواست کمک کرد و انگلستان نیز نیروهایی را در مرز عراق و کویت مستقر نمود و کمپانی نفت کویت را که شعبه‌ای از شرکت نفت بی‌پی بود، تأسیس نمود و به اتفاق شرکت امریکایی گلف، شروع به استخراج و بهره‌برداری از چاههای نفت کویت کرد. مذاکرات مربوط به استقلال کویت در سال ۱۹۶۱ به نتیجه رسید و شیخ صباح خود را امیر کویت نامید و قدرت کامل را در دست گرفت. عراق به پیدایش دولت جدید کویت اعتراض کرد و انگلیسی‌ها را وادار کرد نیروهای مسلح خود را تا زمانی که واحدهای نظامی اتحادیهٔ عرب جایگزین آن گردند، حفظ نماید.

در ۱۹۶۲ قانون اساسی کویت تدوین شد و این کشور دارای یک مجلس قانونگذاری ۵۰ نفره گردید. در ۱۹۶۶ اختلاف مرزی کویت و عربستان سعودی برطرف شد و منطقه‌ای که به بی‌طرف معروف شده بود، بطور مساوی میان دو کشور تقسیم گردید. در ۱۹۶۹ بانک مرکزی کویت تأسیس شد و درآمد حاصله از نفت چهرهٔ کشور را به سرعت تغییر داد و اتومبیل‌های بنز آخرین سیستم و مجهز به کولر در شهرها به رفت و آمد پرداختند. صنعت صید مروارید منسوخ شد و کویتی‌ها در خانه‌های مدرن شهری ساکن گردیدند و سوق‌های قدیم به سوپرمارکت‌های بزرگ و مجهز مبدل گردید و سیل مهاجران روانه کویت شد. تا جایی که شمار مهاجران در سال ۱۹۷۰ با ساکنان اولیهٔ کویت برابر گردید و در ۱۹۸۵ به دوبرابر آنها رسید. در اوت ۱۹۷۶ شیخ جابرالصباح مجلس قانونگذاری کویت را منحل کرد. در دسامبر ۱۹۷۷ امیر کویت درگذشت و شیخ جابرالاحمد آل جابرالصباح به جای او نشست. او فرمان برگزاری



نام رسمی: دولت کویت

نام محلی: الکویت

اسامی دیگر: -

پایتخت: کویت (۲۸،۸۵۹ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۱/۷/۱۹، از انگلستان

روز ملی: بیست و پنجم فوریه

نوع حکومت: مشروطه سلطنتی (امیرنشین) با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۲

رئیس حکومت: امیر: جابرالاحمد آل جابرالصباح، از سال ۱۹۷۸

رئیس دولت: نخست‌وزیر: شاهزاده شیخ سعد عبدالله آل سالم‌الصباح، از سال ۱۹۷۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۶۲، آخرین تغییرات ۱۹۹۷؛ مجلس ملی با ۵۰ عضو انتخابی و ۲۵ عضو انتصابی امیر به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹٦ (۱۹۹۹): گروههای اسلام‌گرا ۱٦ (۲۰) کرسی، لیبرال‌ها ٤ (۱٦) کرسی، سلطنت‌طلبان ۱۸ (۱۲) کرسی، نمایندگان منفرد ۱۲ (۲) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۳)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآا، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای خلیج، ایدب، اوپک، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱۷،۸۱۸ کیلومترمربع (صد و پنجاه و سومین کشور جهان)

جمعیت: ۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و چهل و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۱۲/۲ نفردر کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۳/۱٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۹۷/٤٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۳/٤٪

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ۲۵/۸٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٦/۸٪؛ ۵۹-۳۰ سال ٤٤/۸٪؛ بالای ٦۰ سال ۲/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٦۱/۰۸٪؛ زن ۳۸/۹۲٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٦/٦ سال؛ مردان ۷۵/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۲/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۱۱/۹ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۰/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۵): بیماریهای گردش خون ۸۷/۵ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ۳۵/۸ نفر؛ سرطان ۲٤/۹ نفر؛ بیماریهای تنفسی ۱۲/۳ نفر؛ ناهنجاریهای مادرزادی ۱۱/۳ نفر؛ غدد، تغذیه و بیماریهای متابولیسم ۸/۲ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ٦/۷ نفر؛ بیماریهای تناسلی ٦ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۵): ۱۰/۲ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۵):** ۳/۳ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۵): عرب ۷۸٪؛ بقیه ۲۲٪

دین(۱۹۹۵): اسلام (دین‌رسمی)؛مسلمان۸۵٪؛ (سنی٤۵٪؛ شیعه ۳۰٪؛دیگرمسلمانها ۱۰٪)؛بقیه (عمدتاً مسیحی و هندو)۱۵٪

زبان و خط: عربی(زبان رسمی)؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۵): سالمیه ۱۳۰،۲۱۵ نفر؛ قلیب‌الشیوخ ۱۰۲،۱۷۸ نفر؛ حولی ۸۲،۲۳۸ نفر؛ ابرق خیطان ٦۳،٦۲۸ نفر

بنادر مهم: میناء احمدی (خلیج فارس)؛ کویت (خلیج کویت)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دینار کویت (KD)= ۱،۰۰۰ فلس؛ یک دلار= ۳/۲۲ دینار؛ یک دینار = ۲،٤۸٤/۵ ریال

درآمد بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۲،٤٤۳/۵ میلیون دینار؛ درآمدهای نفتی ۷۷/۵٪

هزینه بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ٤،۳٦۲ میلیون دینار؛ دستمزدها ۳۰/٤٪؛ انتقالی‌ها ۲۲/۵٪؛ پروژه‌های ساختمانی و تملک اراضی ۱۰٪؛ کالا و خدمات ۷/۳٪؛ دیگر موارد ۲۹/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): ۳۵،۹۰۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۷):** ۲۰،٤۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه۹۵-۱۹۷۵): ۲/۰٪؛ ۹۸-۱۹۹۰:؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤/۰٪؛ صنعت ۵۳/۵٪؛ خدمات ٤٦/۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰- میلیون دلار

بدهی خارجی: ؟ — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۵/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۲/۷٪

نرخ تورم: ۱۹۹۸: ۰/۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): گوجه فرنگی ۳۸،۸۵۷ تن؛ خیار ۳۲،٦۰۸ تن؛ بادنجان ۲۸،٦۲۹ تن؛ پیاز ۳،۷۵۸ تن؛ سیر ٤۹٤ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤) : کشاورزی ۰/۳٪؛ مرتع ۷/۷٪؛ جنگل ۰/۱٪؛ دیگر موارد ۹۱/۹٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گوسفند ٤۲۱،۰۵۳ رأس؛ بز ۱۲۹،۷۵٤ رأس؛ گاو ۱۸،٤۸۱ رأس؛ شتر ۸،٦۰۰ نفر

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۷،۸۲٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۹،۲۰٤،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۷،۸۱۱ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): گوگرد ۵۷٦،۰۰۰ تن؛ آهک ۳۵،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دینار) فرآورده‌های نفتی ۲،۰۱۰ ؛ مواد غذایی ۱٤۳؛ پوشاک ۱۲۵؛ مصنوعات فلزی ۱۲۰؛ مواد شیمیایی ۱۰۲؛ ماشین‌آلات غیر برقی ۷۱

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ۲۹،۹۸۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ۲۵،۹۲۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام (۱۹۹۹): ۷۹۵،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ۲۸۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۳٦،۵۷۲،۰۰۰ تن (٦،٤۷۸،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹٦): ۹،۰۹۸،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۹،۰۹۸،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۵): ۷٤٦،٤۰۸ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۷/٤٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۵۹): ۷۰/۷٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۵۹): ۲٦/۱؛ میزان بیکاری: ۰/۷٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۱/۳٪؛ صنعت ۲٤/۳٪؛ خدمات ۷٤/٤٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۷): ۱۵،۳۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۱/۹٪؛ نیروی دریایی ۱۱/۸٪؛ نیروی هوایی ۱٦/۳٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱،۵۲۵ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۲،٦۲٦،۱۵۰،۰۰۰ دینار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۱/۲٪؛ کالاهای ساخته شده ۱۸/۳٪؛ اقلام تولیدی گوناگون ۱۳/۷٪؛ غذا و دام زنده ۱۳/٦٪؛ مواد شیمیایی ۷/۸٪؛ مواد خام غیر خوراکی به‌جز سوخت ۱/۸٪؛ از امریکا ۱۵/٤٪؛ ژاپن ۱۳/٦٪؛ آلمان ۷٪؛ عربستان سعودی ٦/۲٪؛ انگلستان ۵/۸٪؛ ایتالیا ۵/۸٪؛ فرانسه ۳/۷٪؛ هند ۳/۵٪

صادرات(۱۹۹۸): ۲،۹۱۱/٦میلیون دینار؛ شامل: نفت خام و فرآورده‌های نفتی ۹۷/۹٪؛ به کشورهای (فقط صادرات‌غیرنفتی) سنگاپور ۱۲٪؛ عربستان سعودی ۱۱/۷٪؛ امارات متحدهٔ عربی ۹/۳٪؛ هند ۷/۱٪؛ مصر ۵/۱٪؛ چین ٤/۸٪؛ بلژیک -لوکزامبورگ ٤/۷٪؛ پاکستان ٤/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	+۳،۳۲۳	+٤،٦٦۸	+۵،۵۷۹	+٦،۹۹۷	+٦،۵۳٤	+۱،۹۰۰
درصد کل	۱۹/۳٪	۲٦/۱٪	۲۷/۸٪	۳۰/٦٪	۲۹/۷٪	۱۱٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٤/٦	۹۵	۹۷/٤	۱۰۰	۱۰۳/٦	۱۰٤/۲	۱۰٤/٤
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۵): ۳/۹ نفر؛ میانگین درآمد هر خانوار (۱۹۷۳): ٤،۲٤٦ دینار؛ منابع درآمد(۱۹۸٦): دستمزدوحقوق ۵۳/۸٪؛ کار آزاد ۲۰/۸٪؛ سایر موارد ۲۵/٤٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۲): غذا، نوشیدنی و دخانیات ۳۷٪؛ مسکن و سوخت ۱۸/۷٪؛ حمل ونقل ۱۵/۳٪؛ خدمات و لوازم منزل ۱۱/۱٪؛ پوشاک و کفش ۱۰٪؛ آموزش و بهداشت ۲/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۰۷ میلیون دلار؛ هزینه: ۲،۵۱۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٤،٤۵۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۵۳۸،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱۵۵،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲۰۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۸ روزنامه در ٦۳۵،۰۰۰ نسخه (۳۷٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱۹٦ عنوان در ٦،۱۰۷،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۳۱،۱۵۸ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۱۷۵،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۷۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۸۷۵،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵۰۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٤۲۷،۰۰۰ خط تلفن (۲۲۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۵۰،۰۰۰ خط (۱۳٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۹۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٦۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۲۸٦	۱۰،۷۹۸	۱٤۲،۳۰۸	۱۳/۲
متوسطه	٤۰۹	۲۰،۸٦۷	۲۲۲،۰۷۹	۱۰/٦
فنی و حرفه‌ای	۳٦	۳۲۰	۲،۲۱٤	٦/۹
عالی	۱	۱،٦۹۱	۲۹،۵۰۹	۱۷/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۷۹/۳٪؛ مردان: ۸۲/۳٪؛ زنان: ۷٦٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۸): ابتدایی ۸/٦٪؛ متوسطه ۳۰/۲٪؛ عالی ۱٦/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۳،۲۵۵ نفر (هر ٦۱۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ٤،٤۲۵ تخت (هر ٤۵٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۱۲٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۰/۵ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۰۹٦ کالری (۱۳۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۹۷ گرم؛ مصرف چربی: ۹۵ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۳۳/۸-٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱٤/۳ کیلوگرم برای هر نفر

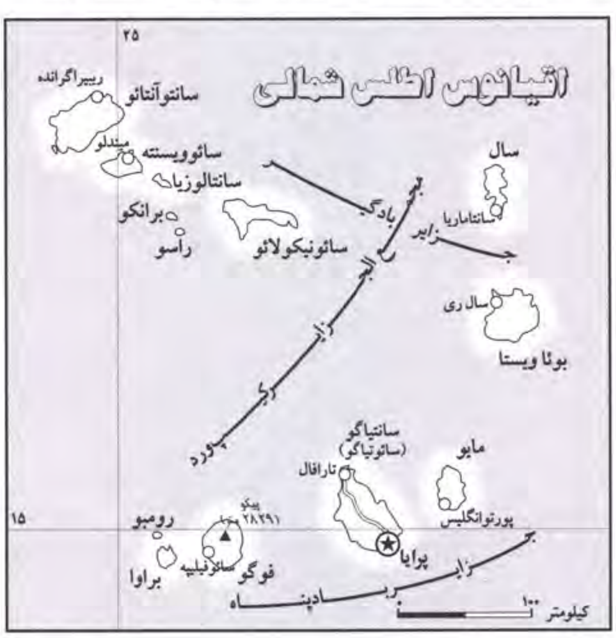
تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤۲/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۲۵/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۳٦ (سی و ششمین کشور جهان)

انتخابات را در فوریهٔ ۱۹۸۱ صادر کرد و ۵۰ نماینده از میان پانصد نامزد انتخاباتی به مجلس راه یافتند.
در جنگ ایران و عراق که در سال ۱۹۸۰ آغاز گردید، کویت ظاهراً بی‌طرفی پیشه کرد و در حقیقت از عراق حمایت کرد تا از نفوذ اسلام‌گرایان ایرانی جلوگیری کند. در اوت ۱۹۸۶ امیر کویت، مجلس ملی را که در برابر دولت ایستادگی می‌کرد، منحل نمود. در ۱۹۸۷ عراق از بندرگاههای کویت برای صدور نفت و وارد کردن ساز و برگ و تجهیزات نظامی علیه ایران استفاده نمود و نیروی دریایی ایران را وادار به حمله به کشتیهای بازرگانی کویت کرد و کویت از امریکا و انگلستان درخواست کمک نمود تا سلامت رفت و آمد کشتیها در خلیج فارس تأمین گردد. با پایان یافتن جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸، تنش میان عراق و کویت آغاز گردید. عراق ادعا می‌کرد که کویت از ذخایر زیرزمینی مشترک نفت بیش از حد مجاز بهره‌برداری کرده و به ذخایر زیرزمینی عراق آسیب رسانده است. از سوی دیگر کویت نیز مدعی شد که دولت عراق باید مبلغ ۱۵ میلیارد دلار بابت استفاده از تأسیسات نفتی و بندرگاهی به کویت بپردازد. با وجود این که یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین به وساطت میان دو کشور پرداخت، مع‌الوصف عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ به کویت حمله کرد و ارتش آن را به سرعت تارومار ساخت و خاندان آل صباح را به عربستان سعودی فراری داد. حدود ۳۰۰,۰۰۰ کویتی از آن کشور فرار کردند و کشور کویت به یکی از استانهای عراق مبدل گردید.
عراق انتظار داشت که این عمل از سوی دولت امریکا به رسمیت شناخته شود. اما با واکنش شدید امریکا و کلیهٔ کشورهای آزاد جهان روبرو گردید و شورای امنیت برای عقب راندن عراق از خاک کویت تشکیل جلسه داد و عراق را از نظر اقتصادی و مالی و نظامی تحریم نمود و در ۲۹ نوامبر استفاده از نیروهای نظامی علیه عراق را تصویب نمود و از دولت عراق خواست تا نیروهای خود را تا قبل از ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ از کویت فراخواند. به دنبال عقیم ماندن میانجیگری‌های کشورهای مختلف جهان، نیروهای تحت رهبری امریکا از ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ بمباران گسترده عراق را آغاز کردند و سپس در روز ۲۴ فوریه، نیروهای زمینی از طریق عربستان وارد خاک کویت شدند و نیروهای عراقی وادار به عقب‌نشینی به خاک خود شدند. در ۲۸ فوریه امریکا عملیات جنگی را خاتمه یافته اعلام نمود و دولت عراق نیز تمامی قطعنامه‌های سازمان ملل را پذیرفت. جنگ خلیج فارس نه تنها به ویرانی کویت منجر گردید، بلکه سرتاسر کشور عراق نیز هدف بمب‌افکن‌ها و موشکهای دوربرد قرار گرفت و چاههای نفت کویت به آتش کشیده شد و سرزمین مزبور از نظر تولید نفت تا سال ۱۹۹۲ فلج گردید و کویت ثروتمند را به یک کشور مصیبت‌زده مبدل نمود. دود سیاهی که از شعله‌ور شدن حدود ۵۰ حلقه چاه نفت کویت، در فضا پراکنده شده بود، سراسر سواحل جنوبی خلیج فارس را پوشانید و هوا را به شدت آلوده کرد و به پرندگان و ماهیان آسیب فراوان رسانید و قشری از نفت آبهای ساحلی را پوشانید و کرانه‌های جنوبی به ویژه سواحل قطر و بحرین و امارات متحدهٔ عربی و عربستان را به شدت آلوده ساخت. برآوردهای انجام شده نشان داد که برای رفع آلودگی‌ها و پاک کردن محیط زیست منطقه به مبلغی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار نیاز است. در نهم ژانویهٔ ۱۹۹۱ انگلستان ۹۵۰ میلیون دلار به کویت وام داد.
بعد از به قدرت رسیدن دوبارهٔ امیر کویت به مدت ۳ ماه وضعیت فوق‌العاده اعلام شد و شیخ جابرالصباح قول داد که دموکراسی را بر کشور حاکم کند. در اکتبر ۱۹۹۲، انتخابات مجلس ملی برگزار شد و مخالفین مستقل ۳۱ کرسی، بنیادگراها ۱۹ کرسی و لیبرال‌ها ۱۲ کرسی به دست آوردند، اما در انتخابات دور بعد در سال ۱۹۹۶، طرفداران دولت ۳۰ کرسی از ۵۰ کرسی مجلس را به دست آوردند. به دنبال بروز اشتباه در چاپ ۱۲۰,۰۰۰ جلد قرآن، نمایندگان مجلس ملی تهدید به استیضاح وزیر امور مذهبی نمودندکه درپاسخ به این تحرکات، امیر کویت مجلس را در ماه مه ۱۹۹۹ منحل کرد. در انتخابات جدیدی که دو ماه بعد برگزار گردید، اسلامگرایان و لیبرالها به کرسی‌های بیشتری دست یافتند و طرفداران امیر کویت و مستقلها تعدادی از کرسی‌های خود را از دست دادند. در همین سال دولت لایحه‌ای را به تصویب رساند که به زنان این کشور اجازه می‌داد، از سال ۲۰۰۳ در انتخابات شرکت کنند و همچنین خود را داوطلب نمایندگی مجلس نمایند.

کیپ‌ورد CAPE VERDE

کیپ‌ورد مجمع‌الجزایری است واقع در دوراب‌های غربی افریقا و آبهای خاوری اقیانوس اطلس. این کشور که از سیزده جزیره تشکیل یافته، در نزدیکی سواحل غربی سنگال و موریتانی قرار گرفته و جزایر آن که منشأ آتشفشانی دارند، به دو دسته بادگیر و بادپناه تقسیم شده‌اند. جزایر گروه بادگیر عبارتند از: سانتوآنتائو، سائوویسنته، سائونیکولائو، سانتا لوزیا، سال، بوئا ویستا، برانکو و راسو. جزایر گروه بادپناه نیز از جزیره‌های سانتیاگو (سائوتیاگو)، فوگو، مایو، رومبو و براوا ترکیب یافته است. جزایر مزبور کوهستانی هستند و بلندترین نقطهٔ آنهاکه در جزیرهٔ فوگو واقع شده به نام قلّهٔ پیکو ۲۸۲۹ متر ارتفاع دارد. جزیره سانتیاگو با ۹۹۲ کیلومترمربع وسعت بزرگترین و در عین حال پر جمعیت‌ترین جزیرهٔ کشور می‌باشد. اقلیم آن گرم و خشک است و از جریان دریایی سرد جزایر کاناری (قناری) متأثر است. فاقد رودخانهٔ دائمی است و کشاورزی ناچیزی دارد. جزایر کیپ‌ورد در منطقهٔ ساحل واقع است و بیابان‌زایی آن رو به گسترش است و خشکسالیهای دوره‌ای آن را آزار می‌دهد. ابعاد کوچک جزایر، کوههای نسبتاً مرتفع آنها، و وزش بادهای شدید، بر خشکی اقلیم آن کمک می‌کند.



تاریخچه

هنگامی که پرتغالی‌ها در سدهٔ پانزدهم میلادی وارد این جزایر شدند، آن را از گیاهان سبز و پرپشت استوایی که در کنار توده‌های سیاه گدازه‌های آتشفشانی با زیبایی هرچه تمامتر خودنمایی می‌کرد، پوشیده یافتند و دریای نیلگون بر شکوه و جلوهٔ آن می‌افزود. هنوز ۴۰۰ سال از سلطه و استعمار پرتغالیها بر جزایر مزبور نگذشته بود که از سبزه‌زارهای زیبای آن چیزی باقی نماند و جزایر مزبور به بیابانهای خشک شناور در دل امواج اقیانوس مبدل گردید. بسیاری از ساکنان آن دست به مهاجرت زدند و آنان هم که به جای ماندند چشم به دریافت کمک‌های خارجی دوختند. کیپ‌ورد در سدهٔ شانزدهم که تجارت برده رونق داشت، از موقعیت ممتازی برخوردار بود و پرتغالی‌ها را به روزهای بهتر و پر رونق‌تری امیدوار ساخت. آنان گروهی از کشاورزان منطقهٔ آلنتژو، در پرتغال را وارد آنجا کردند و آنان را در کشتزارهایی که آب آنها به سختی تأمین می‌شد، به زراعت واداشتند. خشکسالی سدهٔ هجدهم میلادی و از بین رفتن تدریجی باروری خاک، این کشاورزان را ناامید کرد و مهاجرت به گینهٔ بیسائو و دیگر مستعمرات پرتغالی نزدیک را به ماندن در کیپ‌ورد و تحمل گرسنگی و فقر ترجیح دادند و مهاجرت سالهای بعد به آنگولا و موزامبیک و سنگال و برزیل و امریکا، جزایر مزبور را تقریباً خالی از سکنه کرد. هنگامی که جنبشهای استقلال‌طلبی در گینهٔ بیسائو آغاز گردید، مردم کیپ‌ورد نیز تحت تأثیر این جنبش‌ها قرار گرفتند و حزب افریقایی استقلال گینه و کیپ‌ورد به منظور هماهنگی تلاش‌های دو مستعمره برای نیل به استقلال تشکیل شد. در ۱۹۶۱ مبارزات مسلحانه و چریکی در قارهٔ افریقا شروع شد و صدها تن از مردم کیپ‌ورد به مبارزان راه استقلال و آزادی افریقا پیوستند. در ۱۹۷۴ دولت استعماری کیپ‌ورد سرنگون شد و با روی



نام رسمی: جمهوری کیپ‌ورد

نام محلی: کابو ورده Cabo Verde

اسامی دیگر: کاپ‌ورد

پایتخت: پرایا (۹۵،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۵/۷/۵ ، از پرتغال

روز ملی: پنجم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۹۷۵

رئیس حکومت: رئیس جمهور: پدرو ورونا رودریگز پیرس(حزب‌افریقایی‌استقلال‌کیپ‌ورد)،ازسال ۲۰۰۱ به مدت ۵ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ژوزه ماریا نِوِس (حزب افریقایی استقلال کیپ ورد)، ازسال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲؛ مجلس ملی با ۷۲ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۱): حزب افریقایی استقلال کیپ‌ورد ٤٠ کرسی، جنبش برای دموکراسی ۳۰ کرسی، اتحاد دموکراتیک برای تغییر ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، آاوسیس، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ٤،٠۳۳ کیلومترمربع (صد و شصت و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ٤۲۸،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و شصت و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰٦/۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٦۷۱،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵۹/۳٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۵/۵٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤٤/۲٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٤/۵٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۲/۵٪؛ بالای ٦٠ سال ۸/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۸/۰۹٪؛ زن ۵۱/۹۱٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۲ سال؛ مردان ٦۵/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۰/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۵۵/٦نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۳/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۸۷): التهاب روده کوچک و دیگر بیماریهای اسهالی ۹۷/٤ نفر؛ بیماریهای قلبی ۷۷/۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ٤۷/۹ نفر؛ ذات‌الریه ٤٦/٤ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ٤٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/۳نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵٦ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۰): ٤/۵ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸٦): دورگه سیاه و سفید ۷۱٪؛ سیاهپوست ۲۸٪؛ سفیدپوست ۱٪

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ۹۵/۹٪؛ پروتستان ٤/۱٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: پرتغالی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۵): میندلو ٤۷،۱۰۹ نفر؛ سائوفیلیپه ۵،٦۱٦ نفر

بنادر مهم: میندلو و پرایا (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: اسکودو کیپ‌ورد (C.V.Esc.)= ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار= ۱۲۹/٤۸ اسکودو؛ یک اسکودو= ٦۱/۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۱،٦۵٦ میلیون اسکودو؛ درآمد مالیاتی ۷۲/۱٪ (شامل مالیات بر بازرگانی بین‌المللی ٤۲/۱٪، مالیات بر درآمد ۲٦/۳٪، سایر مالیاتها ۳/۷٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۲۷/۹٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۹،۰۳۷ میلیون اسکودو؛ هزینه‌های جاری ۵٦/۳٪ (شامل دستمزدها و حقوق ۲۵/۷٪؛ انتقالی‌ها ۱٤٪؛ پرداخت وامها ۹/۹٪؛ کالا و خدمات ۱/۸٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٤۳/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤۹۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۲۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/۷٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۲/۲٪؛ صنعت ۱۹/۱٪؛ خدمات ٦۸/۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲۵۷/۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۲۹/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۸/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٤/٤٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲/۸٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۱۲،۵۰۰ تن؛ ذرت ۱۰،۰۰۰ تن؛ موز ٦،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۵،۰۰۰ تن؛ سبزیجات و صیفی‌جات ٤،۸۰۰ تن؛ میوه ٤،۵۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۳،۸۰۰ تن؛ کاساوا ۳،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۱۱/۲٪؛ مرتع ٦/۲٪؛ جنگل ۰/۲٪؛ سایر موارد ۸۲/٤٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ٦۳٦،۰۰۰ رأس؛ بز ۱۱۲،۰۰۰رأس؛ گاو ۲۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۹،۹۹۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٤۱۷،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۲): نمک ٤،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): آرد ۲۵،۹۱٦ تن؛ نان ۵،٦۲۸ تن؛ رنگ ٦۲۸ تن؛ ماهی تن کنسرو شده ۳۳۷ تن؛ سیگار ٤۳ تن؛ آبجو ٤،۳۲٤،۵٦۰ لیتر؛ نوشیدنی غیر الکلی ۹۲۲،۷۱٤ لیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٤۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(٤۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۸): صفر (۹۸،۳۹۲ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۷): ۱٦۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۱/۲٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤ ؛ ۱۹۹٤): ٦٤/۳٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۳۹٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۰): ۲۵/۸٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۳۳/۲٪؛ صنعت ۳۲/٤٪؛ خدمات ۳٤/٤٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱،۱۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۰/۹٪؛ نیروی هوایی ۹/۱٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۰ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۱۹،۹۹۹ میلیون اسکودو؛ شامل غذا ۳۹٪؛ ماشین‌آلات و ابزار ۱۹/٤٪؛ فرآورده‌های معدنی غیر فلزی ۹/۷٪؛ محصولات فلزی ۸/۲٪؛ تجهیزات حمل و نقل ۷/۸٪؛ از (۱۹۹۸): پرتغال ٤۹/۹٪؛ هلند ۱۱/۸٪؛ امریکا۳/۱٪؛ اسپانیا ۲/۷٪

صادرات(۱۹۹۸): ۲،۷۰۲ میلیون اسکودو؛ شامل کفش ۲۲/۵٪؛ پوشاک ۷/۱٪؛ ماهی و فرآورده‌های شیلات ٦/۷٪؛ صادرات دوباره ٦۲/۱٪؛ به پرتغال ۸۹/۳٪؛ اسپانیا ۷/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۱۷۰/۳-	۱۷۱/۲-	۲۰۸/٤-	۱۷٦/۱-	۱۷۱-	۱۷٦/۲-
درصد کل	۸۱/۳٪	۸۰/۹٪	۸۰/٦٪	۷٤/۸٪	٦۸٪	۷٦/۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۹	۹۲	۱۰۰	۱۰٦	۱۱۵	۱۲۰	۱۲٦
شاخص درآمد ماهانه	۸۵/۸	۸۷/۹	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۰): ۵/۱ نفر ؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۸): غذا ۵۱/۱٪؛ مسکن، سوخت و نیرو ۱۳/۵٪؛ نوشیدنی و دخانیات ۱۱/۸٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۸/۸٪؛ کالای بادوام خانگی ٦/۹٪؛ سایر موارد ۷/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۰ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۲٤ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱،۰۹۵ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۳،۲۸۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۸۲۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٤۲ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۷۱،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۷۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۲،۰۰۰ گیرنده تلویزیونی (۵/۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۹،۹۸۵ خط تلفن (۹۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۰۲۰ خط (۲/٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٤)	۳۷۰	۲،٦۵۷	۷۸،۱۷۳	۲۹/٤
متوسطه	۱٦	٤۳۸	۱۱،۸۰۸	۲۷
فنی و حرفه‌ای	۳	۹٤	۲،۲۸۹	؟
عالی	؟	؟	؟	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۷۱/٦٪؛ مردان: ۸۱/٤٪؛ زنان: ٦۳/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۰): ابتدایی ٤۰/۹٪؛ متوسطه ۵/۳٪؛ عالی ۱/۵٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ٦٦ نفر (هر ۵،۸۱۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ٦۲۵ تخت (هر ۵۵۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٤۳/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۳،۰۹۹ کالری (۱۳۲٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷۰ گرم؛ مصرف چربی: ۸۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۲۱/٦-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۳ تن

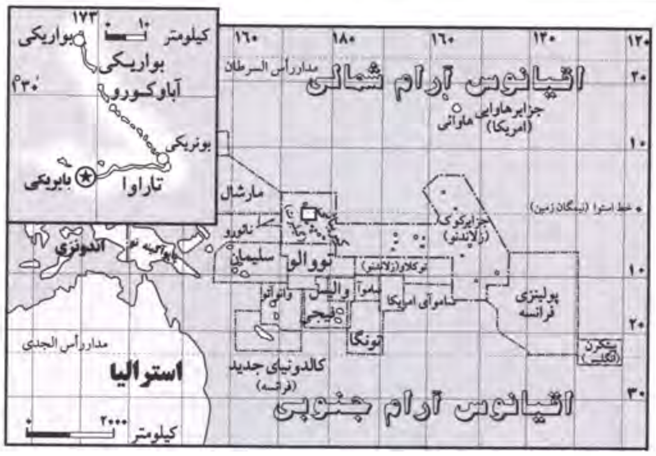
شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۸۸ (صد و پنجمین کشور جهان)

کار آمدن یک دولت انتقالی، کیپ‌ورد استقلال خود را در ۱۹۷۵ اعلام داشت و آریستیدس پرئیرا به ریاست جمهوری و پدرو پیرس به نخست‌وزیری انتخاب گردیدند. نخست دو سرزمین کیپ‌ورد و گینهٔ بیسائو، اگرچه جداگانه به استقلال رسیدند، اما تحت رهبری یک حزب واحد اداره می‌شدند و با اتحاد مجالس قانونگذاری هر دو کشور، مجلس شورای اتحاد تشکیل گردید.

از سال ۱۹۷۵، در طی چند سال، مساحت جنگلهای کیپ‌ورد از ۳,۰۰۰ هکتار به ۴۵,۰۰۰ هکتار افزایش یافت و قرار شد که در سالهای بعد تا ۰۰۰، ۷۵ هکتار افزایش یابد تا مگر چوب مورد نیاز کشور حتی برای سوخت نیز تأمین گردد. در دومین جنگ آزادی‌بخش آنگولا، کیپ‌ورد به هواپیماهای کوبایی اجازه داد که از فرودگاههای این کشور برای سوخت‌گیری استفاده کنند و در عین حال اعلام داشت که به هیچ کشوری اجازهٔ تأسیس پایگاه در سرزمین خود نخواهد داد و از سیاست عدم تعهد پیروی خواهد کرد. در ۱۹۸۱ لوئیس کابرال رئیس جمهور گینهٔ بیسائو که در اصل اهل کیپ‌ورد بود، برکنار شد و ژوائو برناردو ویئیرا به جای او به ریاست جمهوری رسید و نسبت به اتحاد دو کشور گینهٔ بیسائو و کیپ‌ورد روش خصمانه‌ای در پیش گرفت و کشورهای مزبور از هم جدا شدند. روابط دو کشور در آغاز جدایی رو به تیرگی نهاد ولی با وساطت آنگولا و موزامبیک بهبود یافت و ویئیرا از کیپ‌ورد دیدن کرد. خشکسالی سال ۱۹۸۴ کیپ‌ورد را با بحران کشاورزی و اقتصادی مواجه نمود و بدهی خارجی کشور به ۹۸ میلیون دلار رسید. در برنامهٔ دوم توسعه که از ۱۹۸۶ آغاز گردید حدود ۰۰۰، ۱۵ حوضچه احداث شد تا برای ذخیرهٔ آب مورد استفاده قرار گیرد و ۲۳۱ کیلومترمربع از اراضی خشک و بایر درختکاری شد. در انتخابات فوریهٔ ۱۹۹۱، حزب افریقایی استقلال کیپ ورد برای اولین بار اکثریت پارلمانی را از دست داد و آنتونیو ماسکارنهاس مونتئیرو به ریاست جمهوری و کارلوس ویگا از جنبش برای دموکراسی به نخست‌وزیری رسیدند. در سپتامبر ۱۹۹۲ قانون اساسی جدید به مورد اجرا گذارده شد و نظام جمهوری چند حزبی مورد تأیید قرار گرفت و تشکیل احزاب بر اساس عقاید مذهبی و گرایشات قومی و قبیله‌ای ممنوع اعلام شد. در ۱۹۹۷ سرمایه‌داران ایتالیایی در امور جهانگردی این کشور سرمایه‌گذاری نمودند و بانک توسعهٔ افریقا ۴/۹ میلیون دلار برای احداث شبکهٔ راههای جدید در اختیار کیپ‌ورد قرار داد. در انتخابات مجلس ملی در ژانویه سال ۲۰۰۱، حزب افریقایی استقلال کیپ‌ورد پس از ۱۰ سال که اکثریت مجلس در دست جنبش برای دموکراسی بود، مجدداً با کسب اکثریت مطلق به قدرت بازگشت و ژوزه ماریا نوس به نخست‌وزیری برگزیده شد. در انتخابات ریاست جمهوری نیز که کمی بعد برگزار شد، کاندیدای این حزب در دور دوم به پیروزی دست یافت.

کیریباتی (کیریباس) KIRIBATI

مجمع‌الجزایری در شمال خاوری استرالیا و آبهای غربی اقیانوس آرام (کبیر) که از ۳۳ جزیره ترکیب یافته و در پهنه‌ای از اقیانوس آرام به وسعت حدود ۵,۰۰۰,۰۰۰ کیلومترمربع پراکنده شده است. جزایر مارشال در شمال غربی آن واقع شده و از غرب به میکرونزی و نائورو، از جنوب به تووالو، جزایر توکلاو و جزایر کوک و از جنوب خاوری به مجمع‌الجزایر پولینزی فرانسه محدود است. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و وزش بادهای اقیانوسی به اعتدال آن کمک می‌کند. عمده‌ترین جزایر این کشور که کلاً به استثنای اوشن، منشأ مرجانی دارند عبارتند از گیلبرت، لاین، فینیکس، اوشن و تاراوا. ذخایر فسفات این جزایر که روزی منبع عظیمی به شمار می‌رفت، پایان یافته و ماهیگیری و تولید نارگیل و کوپرا، عمده‌ترین منبع درآمد کیریباتی محسوب می‌گردد. ارتفاع متوسط آن از سطح دریا حدود ۲ متر است و همین امر مخاطرات زیادی را برای ساکنین این جزیره در صورت بالا آمدن آب اقیانوس‌ها به وجود خواهد آورد.



تاریخچه

سرزمینی که روزگاری جزایر گیلبرت نام داشت و امروزه به کشور کیریباتی موسوم است، نخستین‌بار به وسیلهٔ میکرونزیایی‌ها مسکون گردید. در سال ۱۷۶۴ گیلبرت پویندهٔ انگلیسی از این جزایر دیدن کرد و به همین مناسبت آنجا را جزایر گیلبرت نامیدند. در ۱۸۵۷ مبلغین مذهبی و در ۱۸۶۰ بازرگانان روغن نخل و نارگیل به آنجا وارد شدند و در ۱۸۹۲ به تحت‌الحمایگی بریتانیا درآمد. در ۱۹۱۵ از نظر اداری ضمیمهٔ مجمع‌الجزایر الیس (تووالو) گردید و مستعمرهٔ گیلبرت و الیس را تشکیل دادند. در ۱۹۱۶ جزیرهٔ بانابا به مستعمرهٔ مزبور ملحق شد و استخراج معادن فسفات آن آغاز گردید. در ۱۹۵۷ انگلستان قسمتی از آزمایش‌های هسته‌ای خود را که انفجار سه بمب هیدروژنی را نیز شامل می‌شد، در حوالی این جزایر انجام داد. در ۱۹۷۵ جزایر الیس از اتحادیهٔ الیس و گیلبرت جدا شد و نام کشور تووالو را برای خود انتخاب کرد و در سال ۱۹۷۸ به استقلال رسید و به دنبال آن جزایر گیلبرت نیز در دوازدهم ژوئیه ۱۹۷۹ اعلام استقلال نمود و نام جمهوری کیریباتی یا به تلفظ محلی، کیریباس را برای خود برگزید.

از آن جایی که خاک جزایر کیریباتی از نظر زراعتی مرغوبیت چندانی ندارد، لذا فعالیت‌های اقتصادی این کشور بر مبنای ماهیگیری و صدور نارگیل پایه‌گذاری شد و بهره‌برداری از منابع زیردریایی نیز در برنامه‌های توسعه منظور گردید. در سال ۱۹۸۶ به وسیلهٔ سازمان ملل متحد مورد شناسایی قرار گرفت. در ۱۹۸۹ هنگامی که سازمان ملل متحد نگرانی خود را از گرم شدن کرهٔ زمین اعلام داشت به کشور مزبور اعلام خطر نمود که با بالا آمدن سطح آب اقیانوس، جزایر کیریباتی به زیر آب فرو خواهد رفت. در انتخابات سال ۱۹۹۱ تیتائو تیناکی به ریاست جمهوری رسید و در انتخابات ۱۹۹۴ تیبوررو تیتو مقام ریاست جمهوری را از آن خود نمود. کیریباتی آزمایشهای هسته‌ای فرانسه در سال ۱۹۹۵ را محکوم نمود و از آن دولت خواست تا محل آزمایشهای هسته‌ای خود در اقیانوس آرام را از کیریباتی دور کند. در ۱۹۹۶ کیریباتی و چین قرارداد تجارتی میان خود امضاء نمودند و در اوت ۱۹۹۷ کیریباتی و تووالو قرارداد تفاهم و حسن همجواری امضاء کردند و در همان سال ژاپن ۴۰ میلیون دلار برای احداث بندر بتیو در کیریباتی اختصاص داد.

کیریباتی در سال ۱۹۹۹ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و در همین سال تقاضای عضویت آن در سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) نیز پذیرفته شد. توافقنامه وایگانی که در سال ۱۹۹۵ در مورد ممنوعیت ورود مواد رادیواکتیو و مواد مخاطره‌آمیز دیگر به منطقهٔ اقیانوس آرام به امضاء رسیده بود، از اواخر سال ۲۰۰۱ به مورد اجرا درآمد.



نام رسمی: جمهوری کیریباتی

نام محلی: کیریباتی(کیریباس) Kiribati

اسامی دیگر: جزایر گیلبرت (نام سابق)

پایتخت: باریکی (۳۲،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۹/۷/۱۲، از انگلستان

روز ملی: دوازدهم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۹

رئیس حکومت: رئیس جمهور: تبورورو تیتو، از سال ۱۹۹٤(برای دومین بار از سال ۱۹۹۸)

رئیس دولت: رئیس جمهور: تبورورو تیتو، از سال ۱۹۹٤ (برای دومین بار از سال ۱۹۹۸)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۹؛ مجلس قانونگذاری (مانتابانی مائونگاتابو) با ٤۰ عضو انتخابی و ۲ عضو انتصابی به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس قانونگذاری (۱۹۹۸): حزب دموکرات مسیحی ١٤ کرسی، حزب ترقی‌خواه گیلبرتی‌ها ۱۱ کرسی، نمایندگان منفرد ۱۵ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۹)، یونیسف، فائو، یاآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایمف، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، سپک، آکپ، آدب، آاوسیس، جامعهٔ اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۸۱۱ کیلومترمربع (صد و هفتاد و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۸۵،۵۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هشتادودومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰۵/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۱٤۲،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۷٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ٤۱/۲٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/۵٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۷/٦٪؛ بالای ٦۰ سال ٥/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۵): مرد ٤۹/۵۵٪؛ زن ٤٥/۵۰٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۲/٤ سال؛ مردان ٥٦/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۲/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ٥٦/۸ نفر — **رشد طبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۳/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۳): فرتوتی و سالخوردگی ٦۱/۲ نفر؛ ضربه ۳۹/۱ نفر؛ اسهال ۳۷/۸ نفر؛ هپاتیت ۳۲/۵ نفر؛ دیابت ۲۸/٦ نفر؛ سوء تغذیه ۲۳/٤ نفر؛ منتزیت ۱۸/۲ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۸۸): ۵/۲ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۹۵): کیریباتایی ۹۷/۷٪؛ دورگه کیریباتایی و دیگران ۱/۵٪؛ تووالویی ۰/۳٪؛ اروپایی ۰/۲٪؛ بقیه ۰/۳٪

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ٥٤/۳٪؛ پروتستان ٤۰/٤٪؛ بهایی ۲/٦٪؛ سایر مسیحیان ۱/۷٪؛ بقیه ادیان و بدون دین ۱٪

زبان و خط: کیریباتایی (گیلبرتی) و انگلیسی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم: ندارد

بنادر مهم: باریکی (جزیرهٔ تاراوا؛ اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار استرالیا ($A)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۱/۸۷ دلار استرالیا؛ یک دلار استرالیا= ٤،۲۷۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۷۹/۱ میلیون دلار استرالیا؛ درآمد غیر مالیاتی ٤٦/٦٪؛ درآمد مالیاتی ۲۰/٤٪؛ کمک‌های بلاعوض ۳۳٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۷۹/۱ میلیون دلار استرالیا؛ هزینه‌های جاری ٦٦/۳٪ (از جمله دستمزدها ۲۵/٤٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۳۳/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۰۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۱۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): کشاورزی ١٤٪؛ صنعت ٦٪؛ خدمات ۸۰٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۳): ۱۸ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۹-۱۹۹۰): ۳/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نارگیل ۸۵،۰۰۰ تن؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ٦،٥۰۰ تن (از جمله تارو ۱،٦۰۰ تن)؛ سبزیجات و صیفی‌جات ۵،۰۰۰ تن؛ موز ٤،۷۰۰ تن؛ میوه‌های گرمسیری ۱،۱۵۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۵۰/۷٪؛ جنگل ۲/۷٪؛ دیگر موارد ٤٦/٦٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۹،۵۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲۳،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱٤۰ تن

تولیدات معدنی : ندارد

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): کوپرا ۹،۳۲۱ تن؛ دیگر مواد مهم: فرآورده‌های شیلاتی، کالاهای پخته شده، پوشاک و صنایع دستی

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت خام: صفر (؟)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۷،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۵): ۳۸،٤۰۷ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۹/۵٪؛ میزان مشارکت: (۱۵ سال به بالا): ۸٤٪؛ زنان (۱۵ سال به بالا): ٤۷/۸٪؛ میزان بیکاری: ۰/۲٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۰): کشاورزی ۷۱٪؛ صنعت ۳/۸٪؛ خدمات ۲۵/۲٪

نیروی دفاعی: ؟

واردات(۱۹۹٦): ٤۷،۸۲۹،۰۰۰ دلار استرالیا؛ شامل غذا و دام زنده ۳۳/٤٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل ونقل ۱۸/۱٪؛ کالاهای اساسی ١٤/٦٪؛ سوخت‌های معدنی ۱۰/۳٪؛ نوشیدنی و دخانیات ٦/۷٪؛ مواد شیمیایی ٦/٦٪؛ مواد خام۲/۱٪؛ از استرالیا ٤٦/۱٪؛ فیجی ۱۸/۷٪؛ ژاپن ۸/٦٪؛ زلاند نو ۸/٤٪؛ چین ۵/۹٪؛ امریکا ۳/۳٪

صادرات(۱۹۹٦): ۷،٤٤۷،۰۰۰ دلار استرالیا؛ شامل صادرات داخلی ۹۷/۱٪ (از جمله کوپرا ٦۲/۸٪، ماهی آکواریوم ۱۱/٦٪، ماهی و ماهی آماده شده ٤٪، جلبک دریایی ۳/٦٪)؛ صادرات دوباره ۸/۳٪؛ به ژاپن ۳۲/۹٪؛ امریکا ۱۷/۱٪؛ هنگ‌کنگ ۱۲/۹٪؛ بنگلادش ۸/٦٪؛ آلمان ۸/٦٪؛ مالزیا ۷/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦
هزار دلار استرالیا	-٤٤،۸۸۲	-۳٦،٤٤۳	-۲۹،۳۰۳	-۳۸،۸۲٦	-٤۰،۳۸۲
درصد کل	۸۸/۸٪	۸۰/۷٪	٦۸/۱٪	٦۹٪	۷۳/۱٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۰):	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱۰۳/۷	۱۰۹/۲	۱۱۵/٦	۱۲۳	۱۲۷/٤	۱۲٦/۷
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۵): ٦/۵ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۱۹۷۸): دستمزد ٦۹/۷٪؛ کار آزاد ۲۱/٤٪؛ پرداخت‌های انتقالی ٦٪؛ سایر موارد ۲/۹٪؛ هزینه‌ها (۱۹۸۲): غذا ۵۰٪؛ دخانیات و الکل ١٤٪؛ پوشاک ۸٪؛ حمل‌ونقل۸٪؛ مسکن و سوخت ۷/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱/٤ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج (۱۹۹٦): ٤ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٦۷۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۸۸): ۲۲۲ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۸۸):** ۱۱۵ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۷ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۹ فرودگاه

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱۷،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۱۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۹): ۲،۸۰۲ خط تلفن (۳٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۸٦	۷۲۷	۱۷،٥۹٤	۲٤/۲
متوسطه	۹	۲۱۵	٤،٤۰۳	۲۰/۵
فنی و حرفه‌ای	۱۱	۲۳	۳۳۳	١٤/٥
عالی	-	-	-	-

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۰٪؛ مردان: ؟ زنان: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۵): ابتدایی ٦۸/۵٪؛ متوسطه و عالی ۲۳/۷٪

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۱۰ نفر (هر ۷،٦۸۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۰): ۲۸۳ تخت (هر ۲۵۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟



نام رسمی: جمهوری گابون

نام محلی: گابون Gabon

اسامی دیگر: -

پایتخت: لیبرویل (۴۲۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۳)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۸/۱۷، از فرانسه

روز ملی: دوازدهم مارس، هفدهم اوت

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: عمر (آلبر - برنار) بونگو، از سال ۱۹۶۷ (آخرین انتخاب در سال ۱۹۹۸ به مدت ۵ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ژان فرانسوا نتوتومه امانه (حزب دموکراتیک گابون)، از سال ۱۹۹۹

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱ با تغییراتی در سال ۱۹۹۵؛ مجلس ملی با ۱۲۰ عضو و مجلس سنا با ۹۱ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۶ (۲۰۰۱): حزب دموکراتیک گابون ۸۵ (۸۸) کرسی؛ حزب ترقی‌خواه گابون ۱۰ (۳) کرسی، مجمع ملی چوب‌برها ۷ (۸) کرسی، سایر احزاب ۱۱ (۹) کرسی، نمایندگان منفرد ۷ (۱۲) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، فز، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۲۶۷،۶۶۷ کیلومترمربع (هفتادو ششمین کشور جهان)

جمعیت: ۱،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجاهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۴/۵ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۶٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۱،۳۸۶،۰۰۰ نفر **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۴۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵۳/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۴/۲٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۳۳/۳٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۵/۷٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۱/۵٪؛ بالای ۶۰ سال ۹/۴٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ۴۹/۴۴٪؛ زن ۵۰/۵۶٪ **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۶۰/۱ سال،مردان ۵۴ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۷/۹ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۸): ۸۳/۱ نفر **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۴/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما در دهۀ ۱۹۹۰، بیشترین بیماریهای شایع عبارت بودند از: مالاریا، کزاز، بیماریهای عروق قلبی، ابتلا به میکروب شیگلا، بیماریهای انگلی به ویژه انگل تریپانوزوم و سل.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۸ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): قبایل سیاهپوست فانگ ۳۵/۵٪؛ پونو، سیرا، نزبی ۱۶/۹٪؛ میونگوه ۱۵/۱٪؛ مبته ۱۴/۲٪؛ بقیه ۱۸/۳٪

دین(۱۹۹۵): مسیحی ۷۹/۹٪(کاتولیک ۵۰/۱، پروتستان ۱۸٪)؛ باورهای قبیله‌ای ۱۹/۱٪؛ مسلمان ۱٪(دین رسمی ندارد)

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ زبانهای گوناگون اقوام سیاهپوست از جمله فانگ و بانتو؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۳): پورژانتی (پورت جنتیل) ۱۶۴،۰۰۰ نفر؛ فرانس‌ویل ۷۵،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۸۳): لامبارنه ۲۴،۰۰۰ نفر؛ موآندا ۲۳،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: لیبرویل و پورژانتی (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ (CFAF)= ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۷۵۴/۲۸ فرانک؛ یک فرانک سی‌اف‌آ= ۱۰/۶ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۹۱۴/۷ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ درآمد از نفت ۶۲/۴٪؛ مالیات بر بازرگانی خارجی ۱۸/۸٪؛ عوارض گمرکی ۱۰/۷٪؛ دیگر درآمدها ۸/۱٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۷۵۶/۱ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ هزینه‌های جاری ۷۱/۵٪ (شامل دستمزدها و حقوق ۲۵٪؛ بازپرداخت بدهی‌ها ۲۳/۵٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۲۸/۵٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۴،۹۲۲ میلیون دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۴،۱۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): صفر؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۷/۲٪؛ صنعت ۶۰/۳٪؛ خدمات ۳۲/۵٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷) ۵۶ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳،۸۳۳ میلیون دلار **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۴۴/۵+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۴۳/۲٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۷/۲٪؛ ۱۹۹۸: ۸/۶-٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۴۳۶،۳۰۰ تن(شامل کاساوا ۲۲۵،۰۰۰ تن، یام ۱۵۰،۰۰۰ تن، تارو ۵۸،۵۰۰ تن)؛ موز سبز ۲۸۰،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۱۷۵،۰۰۰ تن؛ ذرت ۳۱،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۱۷،۰۰۰ تن؛ موز ۱۱،۵۰۰ تن؛ کائوچو طبیعی ۱۱،۰۰۰ تن؛ روغن نخل ۳،۰۰۰ تن؛ دانۀ کاکائو ۷۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۴): کشاورزی ۱/۸٪؛ مرتع و چمنزار ۱۸/۲٪؛ جنگل ۷۷/۲٪؛ سایر موارد ۲/۸٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۲۱۲،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۹۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۳۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۵،۳۳۲،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۴۴،۷۷۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۱۰۰،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،۹۸۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ منگنز ۱،۹۹۵،۵۰۰ تن؛ سنگ اورانیوم ۵۱۶،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): نفت سوخت ۲۹۵،۰۰۰ تن؛ گازوئیل و بنزین ۲۷۴،۰۰۰ تن؛ سیمان ۱۳۰،۰۰۰ تن؛ نفت سفید ۸۸،۰۰۰ تن؛ آرد گندم ۲۷،۰۰۰ تن؛ شکر تصفیه شده ۱۵،۰۰۰ تن؛ آبجو ۸۱۶،۴۱۹ هکتولیتر؛ نوشیدنی غیر الکلی ۴۱۵،۶۱۳ هکتولیتر؛ تخته چندلا ۵۲،۵۰۰،۰۰۰ مترمکعب؛ منسوجات هم به میزان زیادی تولید می‌شود.

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۹): ۱،۰۷۶،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۹۱۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام (۱۹۹۷): ۱۳۵،۸۷۳،۰۰۰ بشکه (۱۹۹۶: ۶،۱۲۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۷): ۶۷۶،۳۰۰ تن (۵۴۹،۵۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹۶): ۸۲۶،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۸۲۶،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۵۴۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۴۵/۵٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴ ؛ ۱۹۸۵)؛ ۶۸/۲٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۴۴/۵٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۶): ۲۰٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۳): کشاورزی ۴۱/۶٪؛ صنعت ۱۱/۵٪؛ خدمات ۴۶/۹٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۴،۷۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۶۸/۱٪؛ نیروی دریایی ۱۰/۶٪؛ نیروی هوایی ۲۱/۳٪؛ سرانۀ هزینۀ دفاعی (۱۹۹۷): ۷۶ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۵۷۸/۱ میلیارد فرانک ؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات مکانیکی ۲۶/۴٪؛ غذا و فرآورده‌های کشاورزی ۲۳/۱٪؛ کالاهای مصرفی ۱۵/۵٪؛ تجهیزات حمل و نقل ۱۱/۵٪؛ فلزات ۶/۲٪؛ از فرانسه ۳۹/۱٪؛ بلژیک ۹/۷٪؛ امریکا ۸/۱٪؛ انگلستان ۴/۳٪؛ ژاپن ۴٪

صادرات(۱۹۹۷): ۱۷،۷۶۳ میلیارد فرانک؛ شامل نفت خام و فرآورده‌های نفتی ۷۷/۱٪؛ چوب ۱۴/۵٪؛ سنگ و کنسانتره منگنز ۵٪؛ سنگ و کنسانتره اورانیوم ۰/۷٪؛ به امریکا ۶۸/۲٪؛ فرانسه ۸/۱٪؛ اتحادیه اروپا ۴/۴٪؛ ژاپن ۳/۲٪؛ افریقا ۱/۶٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
میلیون فرانک	+۳۶۲،۸۰۰	+۴۱۹،۴۰۰	+۸۸۲،۰۰۰	+۸۷۰،۸۰۰	+۱،۰۹۵،۸۰۰	+۱،۱۹۸،۲۰۰
درصد کل	٪۴۳/۶	٪۴۶/۷	٪۵۰/۶	٪۴۹/۳	٪۵۲/۵	٪۵۰/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱۰۰/۷	۱۰۴/۱	۱۰۸/۴
شاخص درآمد	۱۰۰	۱۰۳/۶	۱۰۲/۵	۱۰۱/۲

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازۀ خانوار (۱۹۹۸): ۶/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۱۹۸۳): بخش خصوصی ۷۳/۴٪؛ بخش عمومی (دولتی) ۲۶/۶٪ ؛ هزینه‌ها (۱۹۶۹): غذا و دخانیات ۵۴/۷٪؛ پوشاک و کفش ۱۷/۵٪؛ مسکن ۱۳٪؛ سرگرمی ۶/۶٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۶/۳٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ۱/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۵): درآمد: ۷ میلیون دلار؛ هزینۀ جهانگردان در خارج: ۱۷۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۷،۶۷۰ کیلومتر **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۸۱۴ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۲۴،۷۵۰ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۱۶،۴۹۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲۹ فروند **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱۷ فرودگاه با برنامۀ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۷): ۲ روزنامه در ۳۳،۰۰۰ نسخه (۳۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲۰۸،۰۰۰ گیرندۀ رادیویی (۱۸۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۶۵،۰۰۰ گیرندۀ تلویزیونی (۵۶ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۷): ۳۷،۰۰۰ خط تلفن (۳۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۷): ۹،۵۰۰ خط (۸/۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۰،۰۰۰ دستگاه **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۱،۱۴۷	۴،۹۴۴	۲۵۰،۶۰۶	۵۰/۷
متوسطه	۸۸	۲،۶۸۳	۷۲،۸۸۸	۲۷/۲
فنی و حرفه‌ای	۱۱	۴۱۱	۷،۶۶۴	۱۸/۶
عالی	۲	۲۹۹	۳،۰۰۰	۱۰

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۶۳/۲٪؛ مردان: ۷۳/۷٪؛ زنان: ۵۳/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۳): ابتدایی ۶۹/۸٪؛ متوسطه ۱۶/۴٪؛ فوق دیپلم و عالی ۱۳/۸٪

تعداد پزشک(۱۹۸۹): ۴۴۸ نفر (هر ۲،۳۷۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۸): ۵،۳۲۹ تخت (هر ۱۹۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۲۳،۰۰۰ نفر (۴/۲۵٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۸۰/۶ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۵۶۰ کالری (۱۰۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ۷۳ گرم؛ مصرف چربی: ۵۵ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۶٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۵٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۴ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۳/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۳ تن

شاخص توسعۀ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۵۹۲ (صد و بیست و سومین کشور جهان)

گابون GABON

کشور گابون در غرب قارهٔ افریقا جای دارد و از شمال غربی به گینهٔ استوایی، از شمال به کامرون، از خاور و جنوب به کنگو و از جنوب غربی و غرب به اقیانوس اطلس محدود است. نیمی از کشور گابون را کوهستانهای نسبتاً مرتفعی چون کوههای کریستال فرا گرفته و حوضهٔ رود اوگوئه و جلگه‌های ساحلی آن به زراعت کاکائو، قهوه، روغن نارگیل، برنج، موز، خرما و بادام زمینی اختصاص یافته است. بلندترین نقطهٔ گابون که حدود ۱۵۸۰ متر ارتفاع دارد، کوه ایبونجی می‌باشد که در جنوب این کشور واقع شده است. اقلیم آن استوایی و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های اوگوئه(۱۱۰۰ کیلومتر)، ایویندو، نگونیه و نیانگا مهمترین رودهای آن هستند. بخش وسیعی از زمینهای این کشور را جنگلهای بارانی انبوه پوشانیده و جمعیت بسیاری در کارگاههای چوب‌بری و صنایع چوب و الوار آن به کار مشغولند. منگنز، اورانیوم، آهن، نفت و گاز عمده‌ترین منابع زیرزمینی آن هستند.
زدایش جنگل‌ها از مهمترین و جدی‌ترین مسائل زیست‌محیطی این کشور بوده و نابودی و پراکندگی حیات وحش چهرهٔ طبیعی این کشور را به شدت تهدید می‌کند.

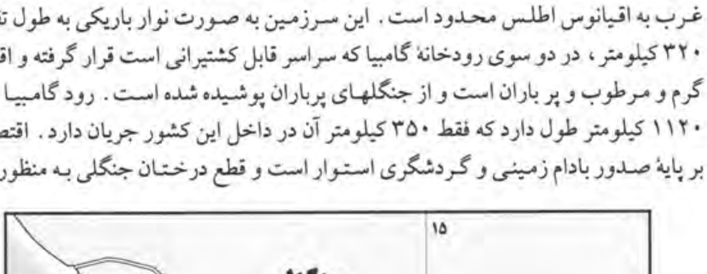


تاریخچه

ابزارهایی که در جنگلهای گابون به دست آمده، گویای آن است که این سرزمین در عصر پارینه‌سنگی (پالئولیتیک) مسکون بوده است. از تاریخ زندگی انسان تا سدهٔ شانزدهم میلادی چیزی از گابون در دست نیست. در آن زمان بانتوها و در سدهٔ هفدهم فانگ‌ها به این سرزمین مهاجرت کردند. پرتغالی‌ها در سال ۱۴۷۲ وارد گابون شدند و در اواسط سدهٔ نوزدهم، فرانسوی‌ها، هلندی‌ها و انگلیسی‌ها ماندگاههایی در آنجا احداث نمودند و به تجارت برده و عاج مشغول گردیدند. در ۱۸۴۹ بندر لیبرویل ساخته شد و محل اقامت بردگان آزاد شدهٔ مستعمرات فرانسه گردید. در کنگرهٔ برلین در سال ۱۸۸۵ سواحل خاوری رود کنگو در مالکیت فرانسه قرار گرفت و گابون نیز به جزئی از کنگوی فرانسه مبدل گردید. در سال ۱۹۵۸ به یکی از جمهوریهای خودمختار جامعهٔ فرانسه تبدیل شد و در سال ۱۹۶۰ رسماً به استقلال کامل دست یافت و لئون مبا به ریاست جمهوری آن رسید.
گابون از نظر منابع زیرزمینی به ویژه آهن، اورانیوم، منگنز و نفت، کشوری است بسیار غنی. کمپانی نفتی شل در حوالی رابیکونا، در نزدیکی پورژانتی به منابع عظیم نفت دست یافت و کمپانیهای نفتی الف فرانسه، آموکوی امریکا و براسپتروی برزیل به استخراج نفت مشغولند و از این راه درآمد قابل توجهی عاید دولت گابون می‌شود و بعد از لیبی در ردیف دومین کشور ثروتمند قارهٔ افریقا قرار دارد. قراردادهای همکاری نظامی که بین لیبرویل و پاریس در سال ۱۹۶۰ بسته شد، آثار خود را در سال ۱۹۶۴ نشان داد و مبا رئیس جمهور گابون به وسیلهٔ گروهی از افسران ارتش از کار برکنار شد ولی با دخالت فرانسه، وی مجدداً در مقام خود ابقاء گردید. مبا در سال ۱۹۶۷ درگذشت و عمر بونگو به جای او رئیس جمهور شد. وی خود را کاملاً در اختیار قدرتهای بزرگ مانند فرانسه و امریکا قرار داد و نقش ژاندارم استعمارگران را در افریقای مرکزی عهده‌دار شد و با کشورهای سنگال، ساحل عاج، چاد و جمهوری افریقای مرکزی که روابط خوبی با فرانسه داشتند، روابط دوستانه برقرار کرد. در انتخابات سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۶ بونگو مجدداً به ریاست جمهوری برگزیده شد.
با افزایش حیف و میل اموال عمومی و دخالت‌های روزافزون مقامات فرانسه در امور داخلی این کشور، رفته رفته مخالفت‌هایی با دولت عمربونگو آشکار گردید. در اوایل دههٔ ۱۹۸۰ جنبش بازسازی ملی (مورنا) توسط گروهی از مخالفین سیاسی شکل گرفت و در سال ۱۹۸۲ با دستگیری گروه زیادی از اعضای آن به شدت سرکوب گردید. مخالفت‌ها به درون پلیس نیز کشیده شد و در پی اعتصاباتی که در نیروی پلیس به منظور اعتراض به کمی دستمزد برگزار گردید، پلیس مخفی، موسوم به مرکز اسناد، بی‌رحمانه آنان را منکوب نمود. در مارس ۱۹۸۴ بونگو از پاریس دیدن کرد و از سوی محافل آزادیخواه فرانسه مورد انتقاد قرار گرفت. در ۱۹۸۹ زمانی که اختلافات داخلی و رویارویی مخالفان و دولت بالا گرفته بود، بونگو در قانون اساسی کشور تغییراتی داد و نظام جمهوری چند حزبی را بر کشور حاکم نمود.
در مه ۱۹۸۹ رهبر حزب ترقی‌خواه گابون در لیبرویل ترور شد. قتل وی با واکنش بزرگ مردم علیه دولت همراه گردید و شهر پورژانتی ده روز در ناآرامی و اغتشاش به سر بردو ۵۰۰۰ تن از ساکنان فرانسوی، شهر مزبور را ترک کردند. ناآرامی‌های مزبور شش کشته و صد زخمی به جای گذارد. به تصویب بونگو، انتخابات ریاست جمهوری در اواخر سال ۱۹۹۰ برگزار شد. مخالفان که فرصتی برای سازماندهی و معرفی نامزدهای انتخاباتی نداشتند، در این گزینش با شکست روبرو شدند و بونگو مجدداً به ریاست جمهوری رسید. انتخابات دسامبر ۱۹۹۳ مجدداً با پیروزی بونگو پایان یافت و مخالفان را که از اعمال انحصارطلبانهٔ او به تنگ آمده بودند، به واکنش و اعتراض واداشت و در پی تظاهرات گسترده مخالفان ۳۰ کشته و شمار زیادی زخمی و زندانی به جای گذارد. در انتخابات مجلس ملی در دسامبر ۱۹۹۶ حزب دموکراتیک گابون به رهبری بونگو ۸۵ کرسی از ۱۲۰ کرسی پارلمان را به دست آورد و پل مبا آبسوله از رهبران گروه‌های مخالف در انتخابات شهرداریها پیروزی بزرگی به دست آورد و شهردار شهر لیبرویل گردید. در اوایل سال ۱۹۹۸ مبا از سازمان ملل متحد تقاضا نمود که ناظرانی برای نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری به گابون اعزام دارد تا از تقلب در انتخابات و گزینش مجدد بونگو جلوگیری شود، اما در این انتخابات نیز بونگو به پیروزی رسید.
در انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۱، حزب دموکراتیک گابون اکثریت خود را در مجلس ملی تقویت کرد و تعداد کرسی‌های آن از ۸۵ به ۸۸ کرسی رسید.

گامبیا GAMBIA

کشور کوچک گامبیا در غرب افریقا جای دارد و از شمال، خاور و جنوب به کشور سنگال و از غرب به اقیانوس اطلس محدود است. این سرزمین به صورت نوار باریکی به طول تقریبی ۳۲۰ کیلومتر، در دو سوی رودخانهٔ گامبیا که سراسر قابل کشتیرانی است قرار گرفته و اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و از جنگلهای پرباران پوشیده شده است. رود گامبیا حدود ۱۱۲۰ کیلومتر طول دارد که فقط ۳۵۰ کیلومتر آن در داخل این کشور جریان دارد. اقتصاد آن بر پایهٔ صدور بادام زمینی و گردشگری استوار است و قطع درختان جنگلی به منظور تهیهٔ





نام رسمی: جمهوری گامبیا

نام محلی: گامبیا Gambia

اسامی دیگر: -

پایتخت: بانجول (۲۷۰،۰۰۰ نفر با حومه در سال ۱۹۹۳)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۵/۲/۱۸، از انگلستان

روز ملی: هجدهم فوریه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: یحیی جامه (رهبر اتحادیه بازسازی میهنی)، از سال ۱۹۹۴(دومین بار از سال ۱۹۹۹)

رئیس دولت: رئیس جمهور: یحیی جامه (رهبر اتحادیه بازسازی میهنی)، از سال ۱۹۹۴(دومین بار از سال ۱۹۹۹)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۷؛ مجلس ملی با ۴۵ عضو انتخابی و ۴ عضو انتصابی رئیس جمهور به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۲): اتحادیه بازسازی میهنی ۳۳ (۴۵) کرسی، حزب دموکراتیک متحد ۷ (-) کرسی، حزب آشتی ملی ۲ (-) کرسی، سازمان دموکراتیک خلق برای استقلال و سوسیالیزم ۱ (۳) کرسی، نمایندگان منفرد ۲ (-) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۱۱،۲۹۵ کیلومترمربع (صد و پنجاه و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۱،۳۰۵،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و چهل و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۱۵/۵ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲،۱۵۱،۰۰۰ نفر **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۱/۱٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۵/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۴۵/۴٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۶/۱٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۴/۲٪؛ بالای ۶۰ سال ۴/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۴۹/۹۸٪؛ زن ۵۰/۰۲٪ **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۵۴/۷ سال؛ مردان ۵۰/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۴۲/۸ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۵ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۸۰/۸ نفر **رشد طبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۹/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما شایع‌ترین بیماریهای رایج عبارتند از: مالاریا، ذات‌الریه و برونشیت، سرخک، آلودگی با کرم‌های جنس شیتوزوما، سیاه‌سرفه، بیماریهای روده‌ای و اسهالی

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۸ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۲۲ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۳): قبایل مالینکه ۳۴/۱٪؛ فولانی ۱۶/۲٪؛ ولوف ۱۲/۶٪؛ دیولا ۹/۲٪؛ سونینکه ۷/۷٪؛ بقیه ۲۰/۲٪

دین: مسلمان ۹۵٪؛ مسیحی ۴٪؛ باورهای قبیله‌ای ۱٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ بیش از ۲۰ زبان و لهجه بومی از جمله ماندینگو، ولوف، فولانی و عربی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۶): سِرِکوندا ۱۰۲،۶۰۰ نفر؛ بریکاما ۲۴،۳۰۰ نفر؛ باکائو ۲۳،۶۰۰ نفر؛ فارافنی ۱۰،۱۶۸ نفر

بنادر مهم: بانجول (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دالاسی(D)= ۱۰۰ بوتوت؛ یک دلار= ۱۳/۹۲ دالاسی؛ یک دالاسی= ۵۷۴/۷ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۹۴۴/۵ میلیون دالاسی؛ درآمد مالیاتی ۸۱/۹٪ (شامل عوارض گمرکی و مالیات بر مصرف ۲۹٪، مالیات بر درآمد ۱۹/۴٪، مالیات بر فروش ۶/۹٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۱/۱٪؛ کمک‌های بلاعوض ۷٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۱،۱۱۸/۲ میلیون دالاسی؛ دستمزدها و حقوق ۲۶/۹٪؛ پرداخت سود ۲۲/۲٪؛ کالا و خدمات ۱۶/۹٪؛ آموزش و فرهنگ ۱۳/۱٪؛ بهداشت ۷/۹٪؛ دفاع ۳/۶٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۴۰۸ میلیون دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۷):** ۳۴۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳/۳٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۶٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۷/۴٪؛ صنعت ۱۳/۷٪؛ خدمات ۵۸/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۶ میلیون دلار؛ ۱۹۹۸: ۱۴ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۴۵۱/۳ میلیون دلار **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۷/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۷/۴٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۴/۴٪؛ ۱۹۹۸: ۱/۸٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): ارزن ۸۳،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۱۲۳،۰۰۰ تن؛ شلتوک برنج ۳۱،۷۰۰ تن؛ ذرت ۲۰،۴۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۱۸،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۶،۰۰۰ تن؛ پنبه‌دانه ۴،۷۴۰ تن؛ حبوبات (بیشتر لوبیا) ۴،۰۰۰ تن؛ روغن نخل ۳،۰۰۰ تن؛ هستهٔ نخل ۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۴): کشاورزی ۱۷/۲٪؛ مرتع و چمنزار ۱۹٪؛ جنگل ۱۰٪؛ سایر موارد ۵۳/۸٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۳۶۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۲۶۵،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱۹۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۶۶۱،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۲۹،۰۰۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۶۸۰،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۵۳۵ تن

تولیدات معدنی : استخراج شن و ماسه برای مصارف ساختمانی

تولیدات صنعتی(۱۹۸۲): (هزار دالاسی): فرآورده‌های غذایی (از جمله بادام زمینی و روغن هستهٔ نخل) ۶۲،۸۷۸؛ نوشیدنی ۱۰،۵۴۶؛ منسوجات ۳،۲۵۳؛ مواد شیمیایی ۱،۰۳۱؛ غیر فلزات ۹۲۲؛ چاپ و نشر ۳۵۸؛ چرم ۱۵۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۱۲۲،۱۸۷،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۲۲،۱۸۷،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر(صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۴۴،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۵۷۵،۱۴۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۴۷/۳٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴ ؛ ۱۹۸۳): ۷۸/۲٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۴۶/۳٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۴): ۲۶٪

توزیع نیروی کار(۱۹۸۳): کشاورزی ۷۳/۷٪؛ صنعت ۴/۲٪؛ خدمات ۲۲/۱٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۸۷۵ نفر؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۲ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۲،۱۸۶،۸۲۰،۰۰۰ دالاسی؛ شامل مواد غذایی ۳۲/۹٪؛ تولیدات اولیه ۲۳/۹٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۰/۷٪؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ۷/۲٪؛ مواد شیمیایی ۷/۳٪؛ روغنهای نباتی ۳٪؛ از چین ۱۷/۲٪؛ هنگ‌کنگ ۱۰/۶٪؛ انگلستان ۸/۷٪؛ هلند ۷/۳٪؛ سنگال ۵/۲٪؛ فرانسه ۴/۷٪؛ ساحل عاج ۴/۳٪؛ تایلند ۱٪

صادرات(۱۹۹۹): ۸۰/۶ میلیون دالاسی؛ شامل صادرات داخلی ۱۳/۳٪ (از جمله بادام زمینی ۸/۳٪؛ محصولات شیلات ۲/۲٪)؛ صادرات دوباره ۸۶/۷٪؛ به بلژیک - لوکزامبورگ ۶۱٪؛ ژاپن ۱۹/۴٪؛ انگلستان ۶/۸٪؛ اسپانیا۱/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دالاسی	-۱،۶۹۵	-۱،۵۸۶	-۲،۳۱۸/۵	-۱،۶۲۴	-۲،۳۱۹/۴	-۲،۱۰۶/۲
درصد کل	٪۷۱/۵	٪۸۳/۶	٪۸۴/۷	٪۸۴/۴	٪۸۰/۲	٪۹۶/۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۱/۹	۹۳/۵	۱۰۰	۱۰۱/۱	۱۰۳/۹	۱۰۵/۱	۱۰۸/۱
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۹/۴ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹۱): غذا و نوشیدنی ۵۸٪؛ پوشاک و کفش ۱۷/۵٪؛ سوخت و آب ۵/۴٪؛ مسکن ۵/۱٪؛ آموزش، بهداشت، حمل و نقل و ارتباطات ، سرگرمی و سایر موارد ۱۴٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۳۲ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۶ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۲،۷۰۰ کیلومتر **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۸،۶۴۰ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۹،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱۱ فروند **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۶): ۱ روزنامه در ۲،۰۰۰ نسخه (۱/۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۰ روزنامه در ۸۸۵،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۴ عنوان در ۱۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۷۱۴/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱۹۶،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۶۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۴،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳/۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۷،۰۰۰ خط تلفن (۳۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۵،۰۰۰ خط (۴/۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۴،۰۰۰ دستگاه **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۵۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی(۱۹۹۹)	۳۳۱	۴،۵۷۲	۱۵۰،۴۰۳	۳۲/۹
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۸۵	۱،۹۳۶	۴۶،۷۶۹	۲۴/۷
عالی	۴	۱۵۵	۱،۰۸۲	۷

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۳۸/۶٪؛ مردان: ۵۲/۸٪؛ زنان: ۲۴/۹٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۰ سال(۱۹۷۳): ابتدایی ۶/۲٪؛ متوسطه ۲/۶٪؛ عالی ۰/۴٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۴۳ نفر (هر ۲۸،۷۹۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۴): ۷۸۰ تخت (هر ۱،۴۲۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۱۳،۰۰۰ نفر (۲/۲۴٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۱۶/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۵۵۹ کالری (۱۰۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۰ گرم؛ مصرف چربی: ۶۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱/۱٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۹٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳۹۶ (صد و شصت و یکمین کشور جهان)

سوخت و تبدیل به کشتزارهای بادام زمینی، عمده‌ترین تهدید زیست‌محیطی آن محسوب می‌گردد.

تاریخچه

نخستین ساکنان درّهٔ گامبیا را سنگالی‌ها تشکیل می‌دادند. آنان در کرانه‌های رود گامبیا سکونت گزیدند و به کشاورزی مشغول شدند و از راه آبی رود مزبور به داد و ستد پرداختند. در سدهٔ پانزدهم میلادی ماندینگوها بر آن نواحی تسلط یافتند و همراه با مالی‌ها امیرنشینی را تشکیل دادند. با ورود پرتغالی‌ها در ۱۴۵۵ کلیهٔ داد و ستدها در ساحل اقیانوس اطلس متمرکز شد و از اهمیت و تسلط امیرنشین مزبور کاسته گردید. در سال ۱۶۱۸ پرتغالی‌ها کلیهٔ حقوق بازرگانی و سرزمینی خود در گامبیا را به انگلیسی‌ها فروختند. زمانی که جنگهای استعماری انگلیس و فرانسه در سال ۱۶۴۴ آغاز شد و مدت ۲۰۰ سال به درازا کشید، انگلیسی‌ها از موقعیت ساحلی گامبیا برای خرید و فروش برده استفاده کردند و با رؤسای قبایل درون‌بومی آن ارتباط تجاری برقرار نمودند. در سدهٔ هفدهم میلادی گامبیا جز تأمین برده و گرم نگاهداشتن بازار مزبور، نقش دیگری نداشت. در سدهٔ هجدهم اختلافات مرزی میان مستعمرات فرانسه و انگلستان فزونی گرفت و در سدهٔ نوزدهم اختلافات و جنگهای عقیدتی مردم گامبیا، سرانجام به پذیرش آیین اسلام انجامید و مهاجرت مسلمانان از دیگر نواحی قارهٔ سیاه به گامبیا آغاز شد. با منسوخ شدن برده‌داری از رونق بازار گامبیا کاسته شد و در مقابل، از موقعیت استراتژیکی ممتازی که نسبت به سنگال داشت و مانند شمشیری به درون قلب این مستعمره مهم فرانسه پیش رفته بود، بهره‌مند گردید. در سال ۱۸۸۹ میان فرانسه و انگلستان صلح برقرار شد و اختلافات مرزی مستعمرات برطرف گردید و مالکیت انگلستان بر گامبیا به رسمیت شناخته شد. در نیمهٔ اول سدهٔ بیستم گامبیا وضعیت سابق خود را همچنان حفظ کرد و تغییری در آن حاصل نگردید. با پایان یافتن جنگ دوم جهانی بسیاری از سرزمینهای افریقایی که زمانی مستعمرهٔ اروپاییان بودند، به استقلال دست یافتند ولی گامبیا تا سال ۱۹۶۳ که به خودمختاری داخلی دست یافت، همچنان به صورت مستعمرهٔ انگلستان باقی ماند.

در سال ۱۹۶۵ گامبیا به استقلال کامل رسید و به یکی از اعضای جامعهٔ مشترک‌المنافع بریتانیا مبدل شد.

پس از استقلال تغییری در وضعیت اقتصادی این سرزمین حاصل نشد و محصول صادراتی و منبع درآمد آن به صدور بادام زمینی و برخی اقلام کشاورزی منحصر گردید. در سال ۱۹۷۰ قانون اساسی کشور به تصویب رسید و نظام حکومتی از فرمانداری کل به جمهوری تبدیل شد. در انتخابات ریاست‌جمهوری همان سال، نخست‌وزیر دورهٔ فرمانداری کل، سر داودا جاوارا، رهبر حزب ترقی‌خواه خلق، به پیروزی دست یافت. در سال ۱۹۷۵ مسئلهٔ گردشگری مورد توجه سران کشور قرار گرفت و گامبیا به یک کشور توریستی مبدل شد تا مگر به اقتصاد ناتوان آن کمک شود. فقدان کنترل مرزی میان گامبیا و سنگال، گامبیا را به بهشت قاچاقچیان مبدل نمود و بخش عظیمی از فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی سنگال به طور غیر قانونی در بازارهای بندری گامبیا به ویژه شهر بانجول در معرض فروش قرار گرفت.

در ۱۹۸۱ مسلمانان گامبیا علیه جاوارا دست به انقلاب زدند و خواهان حکومت اسلامی انقلابی گردیدند. جاوارا از سنگال کمک خواست و نیروهای سنگالی انقلابیون مسلمان را درهم شکستند. در ۱۹۸۲ اتحاد میان سنگال و گامبیا مورد توجه قرار گرفت و کودتای نافرجام همان سال فکر ایجاد فدراسیون سنگامبیا را تقویت نمود. فدراسیون مزبور در فوریهٔ ۱۹۸۲ تأسیس گردید و عبدودیوف به سمت ریاست جمهوری آن انتخاب شد. با وجود این که تأسیس فدراسیون مزبور از خودمختاری داخلی دو کشور به ویژه گامبیا چیزی نمی‌کاست مع‌الوصف رفته رفته آثار نارضایتی از فدراسیون مزبور آشکار شد و در اواسط سال ۱۹۸۵ چهرهٔ خود را به خوبی نمایان ساخت و روابط میان دو کشور به حمایت‌های امنیتی به ویژه از سوی سنگال منحصر گردید. کودتای ژوئیهٔ ۱۹۹۴ به ریاست جمهوری جاوارا خاتمه داد و وی به سنگال پناهنده شد و یحیی جامّه به ریاست جمهوری رسید.

در ژانویهٔ ۱۹۹۵ دو تن از افسران شورای فرماندهی بازداشت شدند و در مارس همان سال وزیر دادگستری نیز که با افسران فوق برای سرنگونی یحیی جامّه و برقراری حکومت غیر نظامی هم‌داستان شده بود، بازداشت گردید. در پایان همان سال قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید و در سپتامبر ۱۹۹۶ جامّه که در آن هنگام ریاست شورای دولتی نیروهای مسلح را به عهده داشت، به ریاست جمهوری رسید. در مارس ۱۹۹۸ جامّه تعداد اعضای کابینه را کاست و گامبیابه عنوان عضو غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد پذیرفته شد. نیروهای امنیتی در سال ۲۰۰۰، موفق شدند یک کودتای ضد دولتی را کشف کنند و در این رابطه دو افسر ارتش دستگیر شدند. در ماه آوریل همین سال تظاهرات گسترده‌ای از سوی دانشجویان برگزار شد که با دخالت نیروهای پلیس، ۱۴ نفر، از جمله یکی از نیروهای امدادی صلیب سرخ کشته شدند. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۱، یحیی جامه با به دست آوردن ۵۳٪ آراء در مقام خود ابقاء گردید.

در انتخابات مجلس ملی در ژانویه سال ۲۰۰۲، که حزب دموکراتیک متحد آن را تحریم کرده بود، اتحادیه بازسازی میهنی توانست با کسب ۴۵ کرسی به اکثریت قوی‌تری دست یابد.

گرجستان GEORGIA

کشور گرجستان در غرب آسیا و جنوب خاوری اروپا جای دارد. این کشور که در حوزهٔ قفقاز واقع است، از شمال به روسیه، از خاور به جمهوری آذربایجان، از جنوب به ارمنستان و ترکیه و از غرب به دریای سیاه محدود است. گرجستان سرزمینی است کوهستانی که عمدهٔ بخش غربی قفقاز را اشغال نموده است. کوههای قفقاز بزرگ نواحی مرزی شمالی این کشور را زیر پوشش قرار داده و کوه پوشیده از برف دائمی شخارا با ۵۰۶۸ متر ارتفاع، بلندترین کوه این سرزمین محسوب می‌گردد. کوههای قفقاز کوچک که در جنوب ارتفاعات قفقاز بزرگ واقع شده، از ارتفاع کمتری برخوردار است و به وسیلهٔ درّهٔ ژرفی از کوههای اصلی جدا شده و ارتفاعات مرکزی، حوضهٔ رود کورا(کُر) را از حوضهٔ رود ریونی که به دریای سیاه می‌ریزد، جدا می‌سازد. عمده‌ترین رودخانهٔ گرجستان رود کورا(۱۵۱۴ کیلومتر) نام دارد که از پیوستن رودهای آلازانی، یوری، کسانی و خرامی تشکیل می‌گردد و پس از عبور از جمهوری آذربایجان به دریای خزر می‌ریزد. حوضهٔ غربی کشور را علاوه بر رودخانهٔ ریونی، رودهای بزیب، گودوری، اینگوری و سویسا و چند رود دیگر که جملگی ریزابه‌های رودخانهٔ ریونی محسوب می‌شود، مشروب می‌سازد.

اقلیم گرجستان متنوع است، زمستانهای سرد و پر برف و یخبندان دارد و وزش بادهای مرطوب از سوی دریای سیاه، اقلیم درّه‌ها و اراضی پست را معتدل و مرطوب می‌سازد. نواحی خاوری کشور از اقلیم خشک برخوردار است و تنوع خاک و گیاه از ویژگیهای این سرزمین است. ارتفاعات بالا از جنگلهای کاج و صنوبر و سرو پوشیده شده و دره‌ها و دامنه‌های پست غالباً از نیزارهای وسیع و گیاهان مختلف مستور گردیده است. رویهمرفته ۴۰ درصد اراضی گرجستان از انواع جنگل و رویدنی پوشیده شده و جمعیت آن عمدتاً در نواحی غربی به سر می‌برند. زیاده‌روی در استفاده از کود و داروهای شیمیایی، اراضی را به شدت آلوده ساخته و فاضلاب شهرهای بزرگ و کارخانجات، محیط زیست را مورد تهدید جدّی قرار داده است.



تاریخچه

پیشینهٔ تمدن گرجستان به عصر برنز، در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد. کولخاها از جمله نخستین اقوامی بودند که در سرزمین گرجستان می‌زیستند. آنان در سدهٔ ششم قبل از میلاد پادشاهی کولخیس یا کولخیده را تشکیل دادند که ثروت و زیبایی آن در شعرهای هومر، شاعر معروف یونان باستان منعکس است. در سدهٔ چهارم پیش از میلاد فرناواز نامی پادشاهی ایبریا را در گرجستان خاوری امروزی تأسیس نمود. کولخیس و ایبریا بعدها به تصرف یونانیان و سپس به تصرف رومیان درآمد.



نام رسمی: جمهوری گرجستان

نام محلی: ساکارتولو Sak'art'velo

اسامی دیگر: -

پایتخت: تفلیس (۱،۳۹۸،۹٦۸ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/٤/۹، از شوروی

روز ملی: بیست و ششم ماه مه،روز استقلال در سال ۱۹۱۸

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۵

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ادوارد شواردنادزه (رهبر اتحاد شهروندان گرجستان)، از سال ۱۹۹۲

رئیس دولت: رئیس جمهور: ادوارد شواردنادزه (رهبر اتحاد شهروندان گرجستان)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۵؛ شورای عالی با ۲۳۵ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های شورای عالی (۱۹۹۹): اتحاد شهروندان گرجستان ۱۳۰ کرسی، اتحاد برای احیاء دموکراتیک گرجستان ۵۸ کرسی، اقدام برای نجات گرجستان ۱۵ کرسی، حزب کارگر ۲ کرسی، نمایندگان منفرد ۱۷ کرسی، نمایندگان ابخازستان ۱۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد(۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، سیس، اوسه

جمعیت

مساحت: ٦۹،۷۰۰ کیلومترمربع (صد و نوزدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۵،۰۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۷۱/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱/۱-٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۵/۲ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵۹/۷٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۱٪

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ۲۳/۸٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۲٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۷/۹٪؛ بالای ٦۰ سال ۱٦/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹۵): مرد ٤۷/۷۱٪؛ زن ۵۲/۲۹٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۸/۳ سال؛ مردان ٦۱/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۱/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٤/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان‌درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۵۲ نفر — **رشدطبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳/۲- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفـر(۱۹۹۵): بیماریهای دستگاه گردش خون ۵٦۹/٦ نفر؛ بافتهای بدخیم (سرطان) ٦۳/٤ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ٤٤/۷ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۳۰/۳ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۷۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٦): ۳/۷ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۹۲): گرجی۷۱/۷٪؛ارمنی۸٪؛آذری٥/٦٪؛روسی ۵/۵٪؛ بقیه (عمدتاً اوستیایی، یونانی، ابخازی و کرد)۹/۲٪

دین(۱۹۹۵): مسیحی ٤٦/۲٪ (ارتدوکس گرجی ۳٦/۷٪؛ ارمنی گریگوری ٥/٦٪؛ ارتدوکس روسی ۲/۷٪)؛ مسلمان ۱۱٪

زبان و خط: گرجی (زبان رسمی)؛ خط: گرجی

شهرهای مهم(۱۹۹۷): کوتایسی ۲٤۰،۰۰۰ نفر؛ روستاوی ۱۵۸،۰۰۰ نفر؛ باتومی ۱۳۷،۱۰۰ نفر؛ زوگدیدی ۱۰۵،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۹۱): سوخومی ۱۲۰،۰۰۰ نفر؛ گوری ۷۰،۱۰۰ نفر؛ پوتی ۵۱،۱۰۰ نفر

بنادر مهم: باتومی و سوخومی (دریای سیاه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لاری (GEL)= ۱۰۰ تتری؛ یک دلار= ۱/۹٦ لاری؛ یک لاری= ٤،۰۸۱/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۷۲٦/۲ میلیون لاری؛ درآمد مالیاتی ٦۵/٦٪ (شامل مالیات بر ارزش افزوده ۳٤/۹٪؛ مالیات بر مصرف ۱٤/۹٪)؛ درآمد مافوق بودجه ۲۱/۷٪؛ درآمد غیر مالیاتی ۸٪؛ کمک‌های بلاعوض ٤/۷٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۹۳۸/۸ میلیون لاری؛ هزینهٔ جاری ۸۹/۵٪؛ هزینه‌های عمرانی ۵/۹٪؛ بازپرداخت وامها ٤/٦٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۵،۲۸۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۹۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۱/۸٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱۱/۸-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲٦٪؛ صنعت ۱۵/۸٪؛ خدمات ۵۸/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۲۵۱ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۳۱۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱٦۲/٤+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٦/۱-٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۷۰۹/۳٪؛ ۱۹۹۸: ۳/٤٪؛ ۲۰۰۰: ٤/٦٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): ذرت ٤۸٦،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ٤۳۳،۰۰۰ تن؛ گوجه فرنگی ۳۱۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۲٤۳،۵۰۰ تن؛ انگور ۲۳۰،۰۰۰ تن؛ سیب ۱۱۰،۰۰۰ تن؛ چای ٦۰،۰۰۰ تن؛ دانهٔ آفتابگردان ٤۳،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۱۵٪؛ مرتع و چمنزار ۲۹٪؛ جنگل ۳۸٪؛ سایر موارد ۱۸٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱،۰۵۱،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۵۵۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٦،۹۳۳ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۲،۵۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۱،٦۷۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): سنگ منگنز ۹۷،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (به استثنای جمهوری‌های خودمختار ابخازستان و اوستیای جنوبی): فولاد ۸۸،۰۰۰ تن؛ سیگار ۱،۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ بسته؛ شراب ٤۱۲،۰۰۰ هکتولیتر؛ آبجو ٦۷،۰۰۰ هکتولیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۷،۱۹۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۷،۳۱۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۲۰،۰۰۰ تن (۲۳۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ۹۳۸،۰۰۰ بشکه (۹۳۸،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۲۲،۰۰۰ تن (۱۰٤،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲،۸۹٦،۰۰۰ مترمکعب (۹۱۷،۸۳۱،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۳): ۱،۹۲۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۵/۷٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٦ تا ۵۹): ۵۸/۱٪؛ زنان (در سنین ۱٦ تا ۵٤): ٤٦٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ٦/٤٪؛ ۲۰۰۰: ۱۰/۱٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲۷٪؛ صنعت ۲۹٪؛ خدمات ٤٤٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲٦،۳۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۱/٦٪؛ نیروی هوایی ۱۷٪؛ نیروی دریایی ۱۱/٤٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۳۷ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۷۱۸ میلیون دلار؛ شامل سوختهای معدنی ۳۷٪؛ غلات آماده ۱٦/۷٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل ونقل ۹/۲٪؛ شکر و محصولات شکر ۵٪؛ از روسیه ۱۳/٤٪؛ آذربایجان ۱۲/٤٪؛ ترکیه ۱۲/۳٪؛ امریکا ۷/۵٪؛ اوکراین ٦٪

صادرات(۱۹۹٦): ۱۹۹/٤ میلیون دلار؛ شامل مصنوعات فلزی ۱۹/۱٪؛ چای و ادویه ۹/٦٪؛ نوشیدنی ۸/۱٪؛ آهن و فولاد ٦/۱٪؛ میوه ۵/٦٪؛ به روسیه ۲۹/۸٪؛ ترکیه ۱۳/۱٪؛ آذربایجان ۱۰/۹٪؛ ارمنستان ۸/۲٪؛ سوئیس ٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۱۹+	٤٤۸-	۳٦۵-	۳۳۷-	۵۱۹-	٦۵۷-	٤۷۵-
درصد کل	٪۱٤/۱	٪۳۲/۹	٪۳۲/٤	٪۳۱/۸	٪۵٦/۵	٪۵۹/٤	٪٦٤/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۰/۰۲	۰/۲٤	۳۸	۱۰۰	۱۳۹/٤	۱٤۹/۳	۱۵٤/٦	۱۸۳/۹
شاخص درآمد ماهانه	۰/۰۱	۰/۱۸	۳۹/۵	۱۰۰	۲۳۱/٤	۳٦۱/۸	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۳): ٤ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ منابع درآمد (۱۹۹۳):دستمزد و حقوق ۳٤/۵٪ ؛ سود ۲۱/۹٪؛ درآمد کشاورزی ۲۱/٦٪؛ سایر موارد ۲۲٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۳): مالیاتها ٤۲/۵٪؛ کالای خرده‌فروشی ۳۲/۳٪؛ پس‌انداز ۱٦/٤٪؛ حمل ونقل ٤/۲٪

جهانگردی: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۲۰،۷۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۱،۵٤٦ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٤۲۷،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٤۱،۵۱۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۵٤ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۹ روزنامه در ۸٤،۰۰۰ نسخه (۱۱۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۵۸۱ عنوان در ۸۳٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱،٤۳۵/٤ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۰۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۵۹۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲،۵۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۷٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٦۲۹،۰۰۰ خط تلفن (۱۱۵ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٦۰،۰۰۰ خط (۱۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۳،۲۰۱	۱٦،۵٤۲	۲۹۳،۳۲۵	۱۷/۷
متوسطه	۳،۱۳۹	۵۵،۸۱۷	٤۲٤،٤٦۵	۷/٦
فنی و حرفه‌ای	؟	۲،۱٤٦	۱۹،۰۹۳	۹/۱
عالی	۲۳	۲۵،۰٤۹	۱٦۳،۳٤۵	٦/٤

میزان باسوادی(۱۹۹۸): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۹٪؛ مردان: ؟ ؛ زنان: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۹): ابتدایی ۱۲/۳٪؛ متوسطه ۷۲/٦٪؛ عالی ۱۵/۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۲۱،۸٤٦ نفر (هر ۲۳٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۲٤،۵۰۰ تخت(هر ۲۱۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر؛ (۰٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۵۵/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٦۱٤ کالری (۱۰۲٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ٦۹ گرم؛ مصرف چربی: ۳۹ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/٦ کیلوگرم برای هر نفر

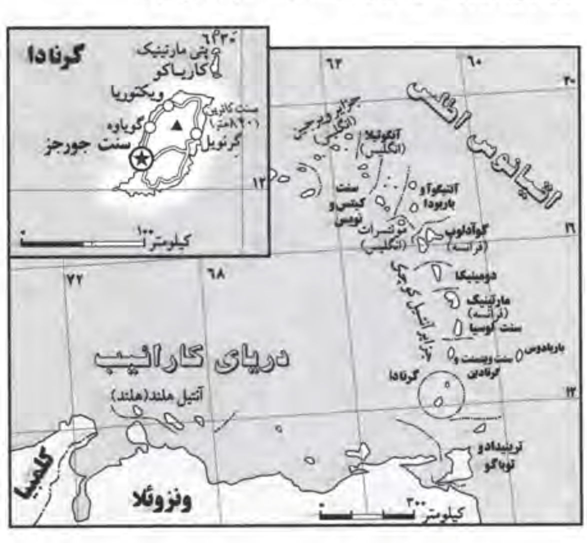
تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳ میلیون تن؛ هر نفر ۰/٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷٦۲ (هفتادمین کشور جهان)

در سال ۳۳۷ میلادی میریان، شاه ایبریا آیین مسیح را پذیرفت و آن را مذهب رسمی کشورش قرار داد. در سال ۵۰۶ میلادی کلیسای گرجستان از کلیسای رم جدا شد و به کلیسای ملی سنت جورج مبدل گردید و شهر تفلیس که مرکز کلیسای مزبور بود، رفته رفته به پایتخت دولت ایبریا تبدیل گردید. بعدها پادشاهی‌های ایبریا و کولخیس در هم ادغام شدند و کلاً تحت تصرف دولت ساسانی ایران قرار گرفتند و سپس به تصرف امپراتوری بیزانس و بین سده‌های ششم تا دهم تحت استیلای اعراب مسلمان درآمدند. از ۱۰۸۹ تا ۱۱۲۵ داود دوم از خاندان باگراتید، تفلیس را از دست مسلمانان خارج کرد و ملکه تامارا که از ۱۱۸۴ تا ۱۲۱۳ سلطنت کرد، گرجستان را به اوج عظمت خود رسانید. در سده‌های سیزدهم و چهاردهم گرجستان مورد حملات تاتارها و تیمور لنگ قرار گرفت. در سدهٔ پانزدهم به قطعات کوچکی تقسیم گردید و طی سده‌های ۱۶ و ۱۸ گاه در تصرف ایران و زمانی تحت سلطهٔ عثمانی‌ها بود. با سقوط پادشاهی صفویه، عثمانی‌ها بر گرجستان تسلط کامل یافتند ولی نادرشاه افشار آنان را بیرون راند و حکومت را به خاندان باگراتید بازگرداند.
ایراکلی دوم از خاندان باگراتید خود را به روسیه نزدیک کرد و در ۱۷۸۳ قراردادی با کاترین دوم امپراتور روسیه منعقد نمود و گرجستان را تحت‌الحمایهٔ روس قرار داد. آقا محمدخان قاجار در ۱۷۹۵ به گرجستان حمله برد و در پی آن الکساندر اول امپراتور روسیه قسمتهایی از گرجستان را ضمیمهٔ خاک روسیه نمود و در سال ۱۸۷۸ سراسر گرجستان به تصرف روسیه درآمد. سیاست روسی‌سازی گرجستان به واکنش ملی گرایان منجر شد و در ۱۸۹۳ حزب سوسیال دموکرات گرجستان تأسیس گردید. پس از انقلاب اکتبر، گرجی‌ها، آذربایجانی‌ها و ارمنی‌ها کمیته‌ای تشکیل دادند که زیر نظر پتروگراد (لنین گراد) اداره می‌شد. در ۱۹۱۸ گرجی‌ها دولت مستقلی تشکیل دادند که در سال ۱۹۲۰ از سوی روسیه به رسمیت شناخته شد. طی سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰، آلمان، ترکیه و انگلستان وارد گرجستان شدند. در فوریه ۱۹۲۱ ارتش سرخ گرجستان را فتح کرد و جمهوری شوروی سوسیالیستی گرجستان را تأسیس نمود. در مارس ۱۹۲۱ قرارداد صلحی میان فدراسیون روسیه و ترکیه منعقد گردید و در مارس سال ۱۹۲۲ گرجستان و آذربایجان و ارمنستان فدراسیون ماوراء قفقاز را تأسیس نمودند. در دسامبر ۱۹۳۶ فدراسیون مزبور منحل شد و گرجستان به یکی از پانزده جمهوری وابسته به اتحاد جماهیر شوروی مبدل گردید.
در ۱۹۲۲ استالین به دبیرکلی حزب کمونیست اتحاد شوروی منصوب شد و پس از مرگ لنین به رهبری حزب مزبور و بالاخره در ۱۹۲۸ به رهبری اتحاد جماهیر شوروی منصوب گردید و چون خود گرجی بود، سیاست استالینیسم ضعیف‌تری را در مقایسه با دیگر جمهوریها در گرجستان اعمال کرد. در ۱۹۷۸ زمانی که تلاش‌هایی از سوی اتحاد شوروی برای تضعیف زبان گرجی به عمل آمد، ملیّون گرجستان دست به اعتراض زدند. با روی کار آمدن گورباچف و اعلام فضای باز سیاسی، تظاهرات گسترده‌ای از سوی ملی گرایان گرجی برگزار شد که منجر به دخالت پلیس گردید و حدود بیست نفر کشته شدند. در نهم آوریل ۱۹۹۱ گرجستان اعلام استقلال نمود و گامسا خوردیا به ریاست‌جمهوری گرجستان رسید. تمایلات ملی گرایانهٔ گامسا خوردیا به اختلافات قومی این سرزمین دامن زد و در اواخر سال ۱۹۹۱ به درگیریهای شدیدی میان طرفداران و مخالفان وی منجر گردید و سرانجام گامسا خوردیا از کشور گرجستان اخراج گردید و نیروهای شورشی در ژانویه ۱۹۹۲ به قدرت رسیدند و یک شورای نظامی تشکیل دادند. این شورا در اوایل مارس منحل شد و یک شورای دولتی در رأس امور قرار گرفت. شورای مزبور از ادوارد شواردنادزه، آخرین وزیر امور خارجهٔ اتحاد شوروی، درخواست نمود که رهبری کشور را بر عهده بگیرد. شواردنادزه در انتخابات اکتبر ۱۹۹۲ از سوی مردم به ریاست جمهوری انتخاب شد. اوستیای جنوبی که در ۱۹۹۱ اعلام استقلال کرده بود، در ۱۹۹۲ اقدام به تأسیس پارلمان نمود. این عمل با واکنش دولت مرکزی گرجستان روبرو شد و نیروهای مسلح گرجی به سرزمین مزبور اعزام شدند. خوشبختانه اختلافات بزودی از بین رفت و با حضور ۱۵۰۰ تن از نیروهای حافظ صلح کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، ارتش گرجستان در ژوئیه ۱۹۹۲ اوستیای جنوبی را تخلیه کرد.
در ابخازستان نیز جدایی‌طلبان در ژوئیه ۱۹۹۲ اعلام استقلال نمودند و دولت مرکزی ۳,۰۰۰ سرباز برای اعادهٔ نظم به آن سرزمین گسیل داشت. جنگ میان نیروهای گرجی و شورشیان ابخاز تا ماه اکتبر ۱۹۹۳ ادامه یافت و طی آن بیش از دو هزار تن کشته شدند. در اواخر نوامبر ۱۹۹۳ مذاکراتی میان دولت مرکزی گرجستان و جدایی طلبان ابخاز صورت گرفت. در نوامبر ۱۹۹۳ هواداران گامساخوردیا، دست به شورش زدند ولی به وسیلهٔ نیروهای امدادی روسیه سرکوب شدند. گامساخوردیا در اوایل سال ۱۹۹۴ درگذشت و در همان سال گرجستان و روسیه قرارداد دوستانه‌ای امضاء کردند. در آوریل همان سال با شورشیان ابخاز نیز قرارداد صلح و آتش‌بس در مسکو امضاء کردند.
وضع اقتصادی گرجستان طی سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ رو به وخامت نهاد. کارخانجات برق به دلیل نرسیدن سوخت یکی پس از دیگری تعطیل شدند و آب شهر تفلیس قطع شد و دولت قادر به پرداخت بدهیهای خود نبود. در اوت ۱۹۹۵ پارلمان قانون اساسی جدیدی تصویب کرد و در نوامبر همان سال شواردنادزه برندهٔ انتخابات ریاست جمهوری شد و وضع اقتصادی به مرور رو به بهبودی نهاد و تورم متوقف گردید و بانک جهانی حاضر شد به گرجستان کمک کند. در ۱۹۹۷ مجازات اعدام در گرجستان متوقف شد. در فوریه ۱۹۹۸ شواردنادزه از یک سوء قصد که نزدیک بود به قیمت جانش تمام شود، نجات یافت و پارلمان مسئلهٔ استفادهٔ روسیه از یک پایگاه نظامی در گرجستان را مورد بحث قرار داد. شواردنادزه در ماه مه سال بعد نیز مورد سوء قصد قرار گرفت که این بار نیز توطئه‌گران در کار خود ناکام ماندند. در اکتبر سال ۱۹۹۹، پارلمان جدایی طلبان ابخاز با تکیه بر نتایج همه‌پرسی عمومی، استقلال این سرزمین را اعلام نمود که با مخالفت شدید دولت گرجستان مواجه شد و در عین حال مورد شناسایی بین‌المللی نیز قرار نگرفت. در طی سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ روابط روسیه و گرجستان رو به تیرگی نهاد و روسیه گرجستان را متهم به حمایت از جدایی طلبان چچن نمود. در پی سقوط یک هلیکوپتر نظامی ارتش روسیه در ناحیهٔ چچن درسال ۲۰۰۲، که منجر به کشته شدن حدود ۱۴۰ تن از نظامیان آن کشور گردید، روسیه دولت گرجستان را متهم کرد که از جدایی طلبان چچن حمایت می‌کند و کنترلی بر رفت و آمد آنها در مرز مشترک بین دو کشور ندارد. در همین سال تعدادی از نظامیان امریکایی برای آموزش افراد ارتش گرجستان در مبارزه علیه تروریزم، وارد این کشور شدند.

گرنادا GRENADA

کشور گرنادا مجموعه‌ای است از جزیره گرنادا و چند جزیره کوچک از گروه جزایر گرنادین جنوبی، واقع در جنوب خاوری دریای کارائیب و در دوراب‌های شمالی امریکای جنوبی. جزیرهٔ گرنادا جنوبی‌ترین جزیره در میان جزایر بادگیر (ویندوارد) از مجمع‌الجزایر آنتیل کوچک است. جزایر مزبور کلاً منشأ آتشفشانی دارند و دریاچه‌های گرانداتانگ و آنتوان در دهانه‌های آتشفشان‌های آن جای دارند. بلندترین نقطهٔ آن آتشفشان خاموش سنت‌کاترین است که ۸۴۰ متر ارتفاع دارد. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و بادهای اقیانوسی بر اعتدال نسبی هوای آن کمک می‌کنند. کشاورزی عمده‌ترین منبع درآمد آن است و ادویه، نارگیل، نیشکر، مرکبات، کاکائو و موز مهم‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن به شمار می‌رود. ادویه جزایر گرنادا بقدری اهمیت دارد که جزایر مزبور را به جزایر ادویهٔ غرب نیز موسوم کرده‌اند. جزیرهٔ گرنادا حدود ۳۱۱ کیلومترمربع از وسعت کشور را به خود اختصاص داده و جزیرهٔ کاریاکو و جزیرهٔ پتی‌مارتینیک نیز جزایر عمدهٔ آن محسوب می‌شوند.



تاریخچه

زمانی که کریستف کلمب در ۱۴۹۸ به این جزیره پا گذارد، سرخپوستان کاریب در آن زندگی می‌کردند. دیدار کریستف کلمب و یارانش، مزاحمتی برای بومیان فراهم نساخت و آرامش زندگی آنان را برهم نزد. اما حدود دویست سال بعد دوپارکه، فرماندار فرانسوی مستعمره مارتینیک در سال ۱۶۷۴ جزیرهٔ گرنادا را تصرف نمود و آنجا را ضمیمهٔ فرمانداری خود کرد. در ۱۷۵۳ ساکنان فرانسوی مارتینیک حدود یکصد دستگاه آسیاب شکر و ۱۲,۰۰۰ برده در گرنادا داشتند و بومیان اصلی جزیره تقریباً نابود شده بودند. در پایان سدهٔ هجدهم میلادی، انگلیسیها کنترل این جزیره را در دست گرفتند و کشت کاکائو، پنبه و جوز هندی را در آنجا

گرنادا



نام رسمی: دولت گرنادا

نام محلی: گرنیدا Grenada

اسامی دیگر: -

پایتخت: سنت‌جورجز (۴،۶۲۱ نفر در سال ۱۹۹۱)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۴/۲/۷، از انگلستان

روز ملی: هفتم فوریه، روز استقلال

نوع حکومت: فرمانداری کل (تحت‌حکومت تشریفاتی پادشاه انگلستان)، از سال ۱۹۷۴

رئیس حکومت: فرماندار کل: سر دانیل ویلیامز، از سال ۱۹۹۶

رئیس دولت: نخست‌وزیر: کیت میچل (حزب ملی نوین)، از سال ۱۹۹۵

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۴ با تغییرات متعدد؛ مجلس ملی با ۱۵ عضو و مجلس سنا با ۱۳ عضو انتصابی فرماندار کل به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۹): حزب ملی نوین ۱۵ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۴)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۳۴۴ کیلومترمربع (صد و هشتادو پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰۲،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هشتادمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۹۶/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۱۱۹،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۲ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۷٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ؟

توزیع سنی (۱۹۹۱): زیر ۱۵ سال ۳۸/۴٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۵/۸٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۵٪؛ بالای ۶۰ سال ۱۰/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۱): مرد ۴۹/۲٪؛ زن ۵۰/۸٪ — **امید به زندگی (۱۹۹۹):** زنان ۶۶/۳ سال؛ مردان ۶۲/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر (۱۹۹۹): ۲۷/۶ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر (۱۹۹۹):** ۵/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد (۱۹۹۹): ۱۱/۱ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر (۱۹۹۹):** ۲۲/۴ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۸۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۶۴/۳ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۸۲/۸ نفر؛ نارسائیهای غدد و سوخت و ساز بدن ۵۷/۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۴۵/۶ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۳۸/۲ نفر؛ بیماریهای ناشی از شرایط بد ۲۰۹/۱ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور (۱۹۹۹): ۳/۶ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر (۱۹۹۱): ۴/۳ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر (۱۹۹۱):** ۰/۸ مورد

نژاد / ملیت (۱۹۹۱): سیاهپوست ۸۴/۹٪؛ دورگه ۱۱٪؛ هندی و پاکستانی ۳٪؛ سفیدپوست ۰/۷٪؛ بقیه ۰/۴٪

دین (۱۹۹۵): کاتولیک ۵۷/۸٪؛ پروتستان ۳۷/۶٪ (از جمله انگلیکان ۱۴/۴٪)؛ بقیه ۴/۶٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)، فرانسوی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم (۱۹۹۱): گویاوه ۳،۰۰۰ نفر؛ گرنویل ۲،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: سنت‌جورجز (بین اقیانوس اطلس و دریای کارائیب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار کارائیب شرقی (EC$)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۲/۷ دلار ک.ش؛ یک دلارک.ش= ۲،۹۶۲ ریال

درآمد بودجه (۱۹۹۸): ۲۲۹ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ درآمدهای جاری ۹۰٪ (شامل مالیات بر بازرگانی بین‌المللی ۵۲/۳٪، مالیات بر فروش عمومی ۱۷/۸٪، مالیات بر درآمد ۹/۶٪)؛ کمک‌های بلاعوض خارجی ۱۰٪

هزینه بودجه (۱۹۹۸): ۲۸۱/۷ میلیون دلار کارائیب شرقی؛ هزینه‌های جاری ۷۳/۷٪ (شامل دستمزدها ۳۷/۲٪، انتقالی‌ها ۶/۱٪، پرداخت بدهی‌ها ۱۱/۶٪)؛ هزینه‌های غیر سرمایه‌ای ۲۶/۳٪

تولید ناخالص ملی (۱۹۹۸): ۳۱۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی (۱۹۹۸):** ۳،۲۵۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/۶٪

منشاء تولید ناخالص ملی (۱۹۹۸): کشاورزی ۸/۴٪؛ صنعت ۲۲/۲٪؛ خدمات ۶۹/۴٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۲۰ میلیون دلار

بدهی خارجی (۱۹۹۸): ۱۱۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی (۱۹۹۸):** ۶/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی (۱۹۹۸): ۱۷/۱٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/۸٪؛ ۱۹۹۸: ۳/۶٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نارگیل ۶،۸۰۰ تن؛ نیشکر ۶،۶۰۰ تن؛ موز ۴،۴۰۰ تن؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۳،۰۰۰ تن؛ جوز بویا ۲،۵۰۰ تن؛ گریپ‌فروت ۲،۰۰۰ تن؛ انبه ۱،۸۰۰ تن؛ آووکادو ۱،۷۰۰ تن؛ کاکائو ۱،۱۰۰ تن؛ پرتقال ۹۰۰ تن؛ پنبه، لیمو، دارچین، میخک، پیمیتو

کاربری زمین (۱۹۹۴): کشاورزی ۳۵٪؛ مرتع و چمنزار ۳٪؛ جنگل ۹٪؛ سایر موارد ۵۳٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): گوسفند ۱۳،۰۰۰ رأس؛ بز ۷،۰۰۰ رأس؛ خوک ۵،۳۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی (۱۹۹۸):** ۱،۷۱۳ تن

تولید مرغ (۱۹۹۹): ۲۲۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مزغ (۱۹۹۹):** ۹۲۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): شن و ماسه برای استفادهٔ محلی

تولیدات صنعتی (۱۹۹۷): (هزار دلار کارائیب شرقی) آرد گندم ۱۳،۳۹۰؛ نوشیدنی غیر الکلی ۹،۷۹۸؛ آبجو ۷،۰۷۲؛ خوراک حیوانات ۵،۸۵۲؛ رام ۵،۴۹۷؛ کاغذ آرایشی ۴،۲۳۷؛ مالت ۴،۱۹۲؛ آبجو سیاه ۳،۸۳۵؛ سیگار ۱،۰۵۳

انرژی/ میزان تولید (میزان مصرف): برق (۱۹۹۶): ۹۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۹۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۵۵،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۸۸): ۳۸،۹۲۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۹/۹٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۵): ۷۲/۷٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۵) ۴۸/۶٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ۱۷٪

توزیع نیروی کار (۱۹۹۵): کشاورزی ۱۷٪؛ صنعت ۲۲٪؛ خدمات ۶۱٪

نیروی دفاعی: این کشور فاقد نیروی نظامی است و تأمین امنیت داخلی آن به عهدهٔ نیروی پلیس است که دارای ۷۳۰ عضو می‌باشد. ۸۰ نفر آن به صورت شبه نظامی عمل می‌کنند و ۳۰ عضو آن نیز گارد ساحلی را تشکیل می‌دهند.

واردات (۱۹۹۷): ۱۶۶/۶ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۵/۸٪؛ مواد غذایی ۲۱/۶٪؛ کالاهای اساسی ۱۸/۶٪؛ مواد شیمیایی ۷/۴٪؛ از ترینیداد و توباگو ۴۰/۴٪؛ امریکا ۲۴/۶٪؛ انگلستان ۷/۱٪؛ باربادوس ۳/۸٪؛ ژاپن ۳/۸٪؛ سنت‌وینسنت و گرنادین ۱/۶٪

صادرات (۱۹۹۷): ۲۵/۹ میلیون دلار؛ شامل صادرات داخلی ۹۱/۵٪ (شامل ماهی ۱۴/۳٪؛ دانهٔ کاکائو ۷/۳٪؛ پوشاک ۴/۶٪)؛ صادرات دوباره ۸/۵٪؛ به آلمان ۴۶/۹٪؛ امریکا ۱۲/۲٪؛ سنت‌لوسیا ۶/۱٪؛ ترینیداد و توباگو ۶/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
میلیون دلار	-۱۲۲/۵	-۹۴/۸	-۱۰۶/۳	-۱۲۶/۴	-۱۴۰/۷
درصد کل	۷۴٪	۶۵/۸٪	۶۳٪	۷۵٪	۷۳/۱٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۹۹۵=۱۰۰):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۲	۹۴/۶	۹۸/۲	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴/۲
شاخص درآمد سالانه	۸۵/۹	۸۹/۷	۹۵/۱	۱۰۰	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۳/۷ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۸): ۷،۰۹۷ دلار کارائیب شرقی؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۷): غذا، نوشیدنی و دخانیات ۴۰/۷٪؛ لوازم و تعمیرات منزل ۱۳/۷٪؛ مسکن ۱۱/۹٪؛ حمل و نقل ۹/۱٪؛ لوازم شخصی و مراقبت‌های پزشکی ۸/۶٪

جهانگردی (۱۹۹۸): درآمد: ۵۹ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه (۱۹۹۶): ۱،۰۴۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل (۱۹۹۱): ۴،۷۳۹ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس (۱۹۹۱):** ۳،۰۶۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳ فروند — **فرودگاه (۱۹۹۸):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه (۱۹۸۰): ۱ روزنامه در ۴،۰۰۰ نسخه (۴۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۴ عنوان در ۸۹،۰۰۰ نسخه

کتاب: ؟

رادیو (۱۹۹۷): ۵۷،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۶۱۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون (۱۹۹۷): ۳۳،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۵۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن (۱۹۹۹): ۲۷،۴۸۴ خط تلفن (۲۹۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه (۱۹۹۹): ۱،۴۱۰ خط (۱۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۵۸	۸۷۹	۲۳،۴۴۹	۲۶/۷
متوسطه	۱۹	۳۸۱	۷،۳۶۷	۱۹/۳
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۱	۶۶	۶۵۱	۹/۹

میزان باسوادی (۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۸۵٪؛ مردان: ؟ ؛ زنان: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال (۱۹۹۱): ابتدایی ۷۴/۹٪؛ متوسطه ۱۵/۵٪؛ عالی ۴/۷٪

تعداد پزشک (۱۹۹۷): ۸۰ نفر (هر ۱،۲۳۶ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۳۴۰ تخت (هر ۲۹۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل (۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۴/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری (۱۹۹۸): ۲،۶۸۱ کالری (۱۱۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۶۷ گرم؛ مصرف چربی: ۹۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن (۱۹۹۷): ۰/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۸۵ (پنجاه و چهارمین کشور جهان)

رواج دادند و بردگان سیاهپوست را در کشتزارهای آن به کار گماشتند. شرایط سخت کار در کشتزارها در اواسط سدهٔ بیستم به پیدایش اتحادیه‌های کارگری انجامید. اعتصابات ۱۹۵۱ با افزایش دستمزد کارگران پایان یافت و اولین حزب سیاسی گرنادا به نام حزب کارگر تأسیس شد. در انتخابات ۱۹۵۱ مجلس قانونگذاری اریک متیوگیری رهبر حزب کارگران متحد گرنادا به ریاست پارلمان منصوب گردید.

در ۱۹۵۸ گرنادا به فدراسیون هند غربی انگلیس ضمیمه گردید. فدراسیون مزبور در سال ۱۹۶۲ منحل شد و گرنادا در سال ۱۹۶۷ به عضویت دولت آنتیل‌های انگلستان درآمد و گیری به مقام نخست‌وزیری رسید. سرانجام در هفتم فوریه ۱۹۷۴، گرنادا به استقلال رسید و نوع حکومت آن فرمانداری کل شد. فرماندار کل از سوی دولت پادشاهی انگلستان تعیین گردید و اریک متیوگیری نخست‌وزیری را عهده‌دار شد. در ۱۳ مارس ۱۹۷۹ هنگامی که گیری در خارج از کشور به سر می‌برد، موریس بیشاپ طی یک کودتای آرام و بدون خونریزی و با تشکیل دولت انقلابی خلق، زمام امور را در دست گرفت. بیشاپ برای پیشبرد کشور دست به هر کاری زد. روابط خود را با امریکا محدود کرد و به کشورهای سوسیالیست نزدیک شد. امور بازرگانی و صنعتی جزیره را رونق بخشید. سیاست سوسیالیستی بیشاپ، امریکا را رودرروی گرنادا قرار داد و برای فلج کردن و سرنگونی دولت بیشاپ دست به کار شد. علاوه بر آن بیشاپ از سوی جناح چپ افراطی حزب خود نیز تحت فشار قرار داشت. در دهم اکتبر ۱۹۸۳ هنگامی که بیشاپ از سفر به کشورهای اروپای شرقی بازمی‌گشت، در خانه‌اش بازداشت شد و ژنرال هادسن آستین فرماندهٔ ارتش و از عناصر چپ افراطی قدرت را در دست گرفت. بیشاپ بر اثر فشار و شورش هوادارانش آزاد گردید ولی در تظاهرات خیابانی و در پی تیراندازی پلیس کشته شد و گروهی از هوادارانش نیز کشته و زخمی شدند. در میان کشته شدگان، همسر بیشاپ، وزیر آموزش و پرورش، وزیر خارجه، وزیر مسکن دولت بیشاپ و دوتن از رهبران اتحادیه‌ها و ۱۳ تن از هواداران نزدیکش دیده می‌شدند.

امریکایی‌ها که از سرنگونی بیشاپ خوشحال و از روی کار آمدن نظامیان ناخشنود بودند، در ۲۵ اکتبر ۱۹۸۳ نیرویی مرکب از ۵،۰۰۰ سرباز نیروی دریایی در جزیرهٔ گرنادا پیاده کردند. در این عملیات نیروهایی از چند کشور حوزهٔ دریای کارائیب امریکایی‌ها را همراهی می‌کردند. مقاومت نیروهای محلی که با تکنسین‌های کوبایی همراهی می‌شد بیش از حد انتظار به درازا کشید و تا قلع و قمع کامل آنان از ورود خبرنگاران و عکاسان جلوگیری گردید. با تسلط یافتن کامل امریکاییان بر جزیره، سر پاول اسکون که سمت فرمانداری کل جزیره را از سوی دولت پادشاهی انگلستان عهده‌دار بود، زمام امور دولت گرنادا را تا زمان برگزاری انتخاب در دست گرفت. در انتخابات سوم دسامبر ۱۹۸۴ که تحت نظارت و کنترل شدید مهاجمان امریکایی برگزار شد، با گزینش نمایندگان مجلس، هربرت بلیز از حزب ملی نوین به نخست‌وزیری رسید. دولت باربادوس که در عملیات گرنادا از نقش مؤثری برخوردار بود مبلغ ۱۸/۵ میلیون دلار به عنوان کمک به اجرای طرح‌های عمرانی از دولت امریکا پاداش دریافت کرد.

در دسامبر ۱۹۸۶ بلیز قراردادی به منظور برقراری امنیت محلی با کشورهای همسایه امضاء نمود و به موجب آن مجاز گردید تا در صورت لزوم از نیروهای خارجی برای برقراری امنیت داخلی استفاده نماید. علاوه بر آن عاملان کودتای ۱۹۸۳ به رهبری هادسن آستین همراه با ۱۱ سرباز که از نقش مؤثری در عملیات مزبور برخوردار بودند، به اعدام محکوم شدند و دیگر متهمان به ۳۰ تا ۴۵ سال زندان محکوم گردیدند. بلیز در سال ۱۹۸۹ درگذشت و بن جونز به جای او قدرت را در دست گرفت. در انتخابات مارس ۱۹۹۰ نیکولاس بریثویت از کنگره دموکراتیک ملی، که از سوی امریکا حمایت می‌شد، به نخست‌وزیری رسید. در انتخابات عمومی ژوئن ۱۹۹۵ کیت میچل استاد پیشین دانشگاه هوارد امریکا و رهبر حزب ملی نوین به مقام نخست‌وزیری دست یافت. در ماه مه ۱۹۹۶ امریکا و گرنادا قراردادی برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر امضاء نمودند. در آوریل ۱۹۹۷ گرنادا و کوبا روابط دیپلماتیک برقرار کردند و کیت میچل ضمن دیدار رسمی از کوبا، یک قرارداد همکاریهای اقتصادی با آن کشور به امضاء رساند.

در طی سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱، چندین بانک بین‌المللی فعال در گرنادا به علت فساد مالی تعطیل شدند و گروه پی‌گیری امور مالی که مقر آن در پاریس قرار دارد، دولت گرنادا را متهم نمود که قوانین آن در مورد جلوگیری از پول‌شویی، از شفافیت و جامعیت لازم و کافی برخوردار نیست.

گواتمالا GUATEMALA

گواتمالا کشوری است واقع در امریکای مرکزی که از غرب و شمال به کشور مکزیک، از خاور به کشورهای بلیز، هندوراس، خلیج هندوراس و از آن طریق به دریای کارائیب، از جنوب خاوری به السالوادور و از جنوب و جنوب غربی به اقیانوس آرام (کبیر) محدود است. گواتمالا سرزمینی است کوهستانی که رشته کوه‌های کوچوماتانس، لاس میناس، چواکوس و چاما بیشتر نواحی آن را تحت پوشش قرار داده و یک منطقهٔ لرزه‌خیز و از نظر آتشفشانی فعال را پدید آورده است. آتشفشان تاخومولکو با ارتفاع ۴۲۲۰ متر، بلندترین نقطهٔ آن محسوب می‌گردد. بین رشته کوههای مزبور، فلات مرتفعی که حدود ۲۶ درصد اراضی کشور را فرا گرفته است، قرار دارد که ۵۳ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده است. جلگه‌های ساحلی اقیانوس آرام از جنگل پوشیده شده و جمعیت کمتری در آن سکونت گزیده‌اند و درّه‌هایی که به دریای کارائیب و سواحل اقیانوس آرام منتهی می‌گردند به کشت موز و نیشکر اختصاص یافته‌اند. اقلیم آن در نواحی کوهستانی معتدل و مرطوب و در دیگر نواحی گرم و مرطوب و نسبتاً پر باران است و رودهای موتاگوا (۵۵۰ کیلومتر)، اوسوماسینتا، پولوچیک و ساملا عمده‌ترین رودخانه‌های آن محسوب می‌گردد. جنگل‌های گواتمالا در سال ۱۹۸۰ حدود ۴۲ درصد کشور را شامل می‌گردید، حال آن که مساحت آنها در سال ۱۹۹۰ به حدود ۳۴ درصد کاهش یافته. این آمار بیانگر زدایش جنگل‌ها و پیدایش تغییراتی در اکوسیستم گواتمالا بوده و تهدیدی برای محیط زیست و حیات وحش آن سرزمین به شمار می‌رود.



تاریخچه

تمدن مایا در ده قرن اول پس از میلاد در سرزمینی که شامل کشورهای گواتمالا و هندوراس و جنوب مکزیک امروزی است، مراحل مختلف خود را طی نمود و در اواخر این دوران به دلایل نامعلومی از میان رفت. در سال ۱۵۲۴ اسپانیایی‌ها تحت فرماندهی پدر آلوارادو به گواتمالا وارد شدند و در سایه انشقاق داخلی قبایل متعدد سرخپوستان توانستند در طی مدت ۲ سال سراسر این سرزمین را تحت تسلط خود درآورند. بدین ترتیب استعمار سیصد ساله اسپانیا بر این نواحی آغاز شد. در ۱۵ سپتامبر ۱۸۲۱ مالکان و بازرگانان بزرگ به همراه مأموران دولتی دست به دست هم دادند و استقلال نایب‌السلطنهٔ اسپانیای جدید، شامل پنج کشور امریکای مرکزی را اعلام نمودند. در ابتدا امپراتوری ایتوربیده و سپس، در سال ۱۸۲۴، ایالات متحده امریکای مرکزی تشکیل گردید. این فدراسیون در سال ۱۸۳۹ منحل گردید و هریک از کشورهای آن راه استقلال را پیش گرفتند. فشار بدهی‌های کشور در سال ۱۸۳۱ دولت گواتمالا را ناگزیر کرد تا بخشی از سرزمین خود را برای تهیهٔ چوب و الوار در اختیار انگلستان قرار دهد که بعدها به هندوراس انگلستان و سپس به بلیز تغییر نام داد.

در پایان سدهٔ نوزدهم مانوئل استرادا کابررا زمام قدرت را در دست گرفت و تا ۱۹۲۰ بر آن سرزمین حکومت راند. وی سیاست درهای باز را در پیش گرفت و با دولت امریکا روابطی نزدیک برقرار ساخت. در این دوره شرکت‌های چند ملیتی شروع به نفوذ در گواتمالا کردند و



نام رسمی: جمهوری گواتمالا

نام محلی: گواتمالا Guatemala

اسامی دیگر: -

پایتخت: گواتمالا (۱،۱٦۷،٤۹٥ نفر در سال ۱۹۹٥)

تاریخ استقلال: ۱۸۲۱/۹/۱٥، از اسپانیا

روز ملی: پانزدهم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸٦

رئیس حکومت: رئیس جمهور: آلفونسو آنتونیو پورتیلو کابررا (جبههٔ جمهوری‌خواه)، ازسال ۲۰۰۰ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: آلفونسو آنتونیو پورتیلو کابررا (جبههٔ جمهوری‌خواه)، ازسال ۲۰۰۰ به مدت ٤ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸٦، آخرین تغییرات ۱۹۹٤؛ کنگرهٔ ملی با ۱۱۳ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های کنگرهٔ ملی (۱۹۹۹): جبههٔ جمهوری‌خواه ٦۳ کرسی، حزب توسعهٔ ملی ۳۷ کرسی، اتحاد انقلاب ملی ۹ کرسی، دموکرات‌مسیحی ۲ کرسی، بقیه احزاب ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی-آدب، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱۰۸،۸۸۹ کیلومترمربع (صد و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۱،٤۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصت و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰٤/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ٪۲/٦

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۱۹/۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۳۹/۷؛ رشد سالانه(۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪٤/۱

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ٪٤٤/۲؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۸؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۲۲/٥؛ بالای ٦۰ سال ٪٥/۳

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٪٥۰/٤٤؛ زن ٪٤۹/٥٦ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۹/۲ سال؛ مردان ٦۳/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳٥/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٤٦/۲ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۸/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۸۸): بیماریهای عفونی و انگلی ۱۲۱/٦ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۱۱۰/۸ نفر؛ مشکلات مادرزادی ٥۸/۷ نفر؛ سوء تغذیه ٥۰/۲ نفر؛ کم‌آبی بدن ۱۸/٥ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۹۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٥): ٤/٦ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٥):** ۰/۰٥ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹٤): سرخپوست ٪٤۲/۸؛ غیر سرخپوست ٪٥۷/۲

دین(۱۹۹٥): کاتولیک ٪۷٥/۹؛ پروتستان ٪۲۱/۸؛ سایر مسیحیان ٪۱/۳؛ بقیه ٪۱

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ ۲۳ زبان و لهجه بومی از گروه مایا-کیچه؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٥): کتسالتنانگو ۱۰۳،٦۳۱ نفر؛ اسکویتنلا ٦۹،٥۳۲ نفر؛ مازاتنانگو ٤۳،۳۱٦ نفر؛ رتالهولئو ٤۰،۰٦۲ نفر؛ پوئرتو باریوس ۳۹،۳۷۹ نفر؛ چیکیمولا ۳۳،۰۲۸ نفر

بنادر مهم: پوئرتوباریوس (خلیج هندوراس - اقیانوس اطلس)؛ سان‌خوزه (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کِتسال (Q)= ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار=۷/۸٤ کِتسال؛ یک کتسال= ۱،۰۲۰/٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۱،۹۹۷ میلیون کِتسال؛ درآمد مالیاتی ٪۹۰/۳؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۸/۹

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱٤،۸۲۸ میلیون کِتسال؛ هزینه‌های جاری ٪٦/۷ (شامل تخصیص بودجه به حقوق‌ها و دستمزدها ٪۲٥/۳؛ پرداخت‌های انتقالی ٪۱۸)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۳۸/۳

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۷،۷٥۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،٦٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪۲/٥؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪٤/٤

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۲۳/۲؛ صنعت ٪۲۰؛ خدمات ٪٥٦/۸

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۳۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٥۸٤ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،۹۹۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۳۲/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۷/۷

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱۱/٤؛ ۱۹۹۸: ٪٦/۸؛ ۲۰۰۰: ٪٥/۱

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۱٥،٤٥۹،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱،۱۰۹،۰۰۰ تن؛ موز ۷۳۳،۰۰۰ تن؛ میوهٔ نخل روغن ۳٤۰،۰۰۰ تن؛ قهوه ۲۰۰،۰۰۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ۱٤۹،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۸) : کشاورزی ٪۱۷/٦؛ مرتع و چمنزار ٪۲٤؛ جنگل و اراضی غیر قابل کشت ٪٥۸/٤

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۲،۳۰۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۸۲٥،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۲،۹۹٥،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱۰،۸٤۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲٤،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۰۹،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): گچ ۳۰،۰۰۰ تن؛ سنگ‌آهن ۳،۳۰۰ تن؛ سنگ آنتیموان ۸۸۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): (ارزش افزوده به میلیون کتسال) مواد غذایی و نوشیدنی ۲۹۸؛ پوشاک و منسوجات ۱۱۹؛ ماشین‌آلات و مصنوعات فلزی ٥٥

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۳،٥۰۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۳،٥۰۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ نفت خام: ٥،۲٥٦،۰۰۰ بشکه (٥،۱۹۸،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ٦۷۸،۰۰۰ تن (۱،۹۹۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ۳،۱۸۳،۱۷۳ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۲۹/۱؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤؛ ۱۹۹٤): ٪٥۱؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٪۱۹/٥؛ میزان بیکاری (۱۹۹٥): ٪۱/٤؛ ۲۰۰۰: ٪٦

توزیع نیروی کار(۱۹۹٥): کشاورزی ٪٥۸/۱؛ صنعت ٪۱۷/۸؛ خدمات ٪۲٤/۱

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۳۰ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۳۱،٤۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۹۳؛ نیروی دریایی ٪٤/۸؛ نیروی هوایی ٪۲/۲؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹٦): ۲۳ دلار

واردات(۱۹۹۸): ٤،٦٥۰/۹ میلیون دلار؛ کالاهای واسطه‌ای ٪۳٤/۹؛ کالاهای مصرفی ٪۲۹/٥؛ کالاهای سرمایه‌ای ٪۲٦/۳؛ سوخت و روغنهای روانکاری ٪٦/۱؛ مصالح ساختمانی ٪۳/۲؛ از امریکا ٪٤۱/٥؛ مکزیک ٪۱۰/٤؛ ژاپن ٪٤/٥؛ ونزوئلا ٪۳/۳؛ آلمان ٪۲/۸

صادرات(۱۹۹۸): ۲،۸٤٦/۷ میلیون دلار؛ شامل قهوه ٪۲۰/٤؛ شکر ٪۱۱؛ موز ٪٦/۲؛ نفت ٪۲؛ به امریکا ٪۳۲/۲؛ آلمان ٪٤/۳؛ مکزیک ٪٤/۱؛ ژاپن ٪۲/۲

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	۱،۰۹٦/۲-	۷٥٥/۳-	٦۹۲-	۸٤۹/۷-	۱،۱۹۸/۷-	۱،٥۸۲/۹-	۱،٦۱۳-
درصد کل	٪۲۹	٪۱۹/۹	٪۱۳/۸	٪۱۷/۳	٪۲۰/٤	٪۲۳/٥	٪۲٥/۲

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۳/۲	۹۲/۲	۱۰۰	۱۱۱/۱	۱۲۱/۳	۱۲۹/۸	۱۳٦/۱
شاخص درآمد سالیانه	۷۰	۸۲/٤	۱۰۰	۱۲۱/۸	۱۳٦/۷	۱٥۱	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹٤): ٥/۲ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۹): ٤،۳۰٦ کتسال؛ منابع درآمد: ؟ هزینه‌ها (۱۹۸۱): غذا ٪٦٤/٤؛ مسکن و سوخت ٪۱٦؛ حمل ونقل و ارتباطات ٪۷؛ لوازم منزل ٪٥؛ پوشاک ٪۳/۱

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۳۹٤ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱٥۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۳،۱۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۸۸٤ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱۰۲،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۹۷،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۸ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۲ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۷ روزنامه در ۳۳۸،۰۰۰ نسخه (۳۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۸۳٥،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۷۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ٦٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٦۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٥۱۷،۰۰۰ خط تلفن (٤۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۱۱،٤٤٥ خط (۱۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۹۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٥۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۱۲،٤۰۹	٤۳،٤۰۳	۱،٥۱۰،۸۱۱	۳٤/۸
متوسطه	۱،۲۷٤	۲۲،٦۲٤	۳۷٥،۰۲۸	۱٦/٦
فنی و حرفه‌ای	٦۲٦			
عالی	٥	٤،۳٤٦	۸۰،۲۲۸	۱٦

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪٥٥/٦؛ مردان: ٪٦۲/٥؛ زنان: ٪٤۸/٦

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۹٤): ابتدایی ٪۳۸/۸؛ متوسطه ٪۱۲؛ عالی ٪٤

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۹،۸۱۲ نفر(هر ۱،۰۷۲ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٥): ۱۰،۹۷٤ تخت (هر ۹۰۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله : ۲۷،۰۰۰ نفر (٪۰/٥۲ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۸/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۱٥۹ کالری (٪۹۹ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۱ گرم؛ مصرف چربی: ٤٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۷؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۲

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٦/۸ میلیون تن؛ هر نفر ۰/٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۱۹ (صد و بیستمین کشور جهان)

مالکیت راه‌آهن، بنادر، سدهای برق‌ابی، کشتیرانی، خدمات پستی بین‌المللی و مزارع بزرگ موز را به دست آوردند. در ۱۹۳۱ ژنرال خورخه اوبیکو کاستانیدا به عنوان آخرین نسل نظامیان دور اول، به ریاست جمهوری رسید. شورش عمومی مردم گواتمالا در سال ۱۹۴۴ وی را سرنگون کرد و با برگزاری انتخابات، خوآن خوزه آروالو به ریاست جمهوری رسید. وی قانون کار کشور گواتمالا را برای نخستین بار تدوین کرد و به مورد اجرا گذارد و سیاست‌های جدیدی را برای ایجاد عدالت اجتماعی بیشتر به کار برد. جانشین او جاکوبو آربنز نیز سیاست‌های وی را دنبال کرد و برنامهٔ اصلاحات ارضی را در کشور به مورد اجرا گذارد. امریکایی‌ها که از سیاست‌های آربنز ناراضی بودند دست به کار شدند و با همکاری نیکاراگوآ، هندوراس و تبعیدیان گواتمالایی وی را در ژوئن ۱۹۵۴ سرنگون کردند و سرهنگ کاستیلوآرماس را به قدرت رساندند.

آربنز به سفارت مکزیک پناهنده شد و از آنجا به خارج از کشور گریخت. سرهنگ آرماس در ژوئن ۱۹۵۷ به قتل رسید و خولیوس کونزاس عهده‌دار ریاست جمهوری گردید و در انتخابات سال ۱۹۵۸ ایدیگوراس فوئنتس به ریاست جمهوری برگزیده شد. سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ روابط میان گواتمالا و کوبا رو به تیرگی نهاد، زیرا چریک‌های ضد کاسترو در گواتمالا آموزش می‌دیدند. تظاهرات متعددی که طی حکومت ایدیگوراس فوئنتس روی داد کلاً سرکوب شد و سرانجام وی در مارس ۱۹۶۳ سرنگون شد و یک شورای نظامی قدرت را در دست گرفت. در دوران حکومت شورای مزبور اختلاف و زد و خورد میان مخالفان و نیروهای دولتی ادامه یافت و در انتخابات سال ۱۹۶۶ خولیوسزار مندس مونتنگرو به ریاست جمهوری رسید. دیکتاتوری‌های پی‌درپی نظامیان با پوشش انتخابات ریاست جمهوری رفته رفته، مخالفان دولت را به سوی تشکیل گروه‌های مسلح سوق داد و درسال ۱۹۶۲، اولین گروه چریکی تشکیل شد. در این دوران، جنگ و ستیز مخالفان با دولتیان همچنان ادامه داشت که کشتار مردم در سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ به بهانه حمایت روستاییان از چریک‌های مخالف دولت را باید از آن جمله به حساب آورد.

در انتخابات مارس ۱۹۸۲ ژنرال ریوس مونت به ریاست جمهوری رسید. وی پارلمان را منحل کرد و قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد و درگیریهای شدیدی میان دولت و چریک‌های مسلح که خواهان پایان حکومت نظامیان و برگزاری انتخابات آزاد بودند، روی داد و حدود ۱۵,۰۰۰ تن کشته شدند و ۷۰,۰۰۰ تن به کشورهای همسایه مهاجرت کردند و ۵۰۰,۰۰۰ نفر سر به کوه و بیابان گذاردند تا از عملیات خصمانهٔ نظامیان رهایی یابند. کودتای اوت ۱۹۸۳ ژنرال ریوس مونت را سرنگون کرد و ژنرال اُسکار مخیا ویکتورس قدرت را در دست گرفت. وی در سال ۱۹۸۴ قانون اساسی جدیدی تدوین و به مورد اجرا گذارد. در انتخابات نوامبر ۱۹۸۵ وینیسیوسرزو از حزب دموکرات مسیحی به ریاست جمهوری رسید و پس از ۳۱ سال به حکومت نظامیان پایان داد. در اکتبر ۱۹۸۷ نمایندگان چریک‌ها و دولت در شهر مادرید (اسپانیا) دیدار کردند و پس از ۲۷ سال مبارزه برای اولین بار به گفتگوی رو در رو پرداختند. در نوامبر ۱۹۹۰ انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و در دور دوم انتخابات که در ژانویهٔ ۱۹۹۱ برگزار گردید خورخه سرانو الیاس از جنبش همبستگی به ریاست جمهوری رسید. وی نیز مذاکره با مخالفان را ادامه داد. در ژوئیه ۱۹۹۱ دولت امریکا کمک‌های نظامی خود به گواتمالا را به بهانهٔ عدم رعایت حقوق بشر به حالت تعلیق درآورد.

در سپتامبر ۱۹۹۱ دولت گواتمالا سرانجام تمامیت ارضی و استقلال کشور بلیز را به رسمیت شناخت و از ادعای مالکیت آن صرف نظر نمود. در ۱۹۹۲ بانک جهانی و دولت امریکا و پارلمان اروپا از دولت گواتمالا خواستند تا به خشونت‌ها پایان دهد و حقوق بشر را رعایت کند. در اکتبر ۱۹۹۲ ریگوبرتا منچو توم، یکی از رهبران قبیله سرخپوست کیچه، برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل گردید. در ۲۵ اکتبر ۱۹۹۳ سرانو با توسل به یک کودتای بدون خونریزی، کنگره ملی را منحل کرد و موادی از قانون اساسی را به حالت تعویق درآورد. در پی محکومیت داخلی و بین‌المللی این اقدام، سرانو کناره‌گیری کرد و رامیرو د لئون کارپیو، برای بقیهٔ دورهٔ ریاست جمهوری سرانو به این سمت انتخاب شد. وی علیرغم ابراز عقیدهٔ قبلی خود مبنی بر مخالفت با گروه‌های شبه نظامی دولتی، در عمل به استفاده از آنها ادامه داد و انحلال آنهارا منوط به پایان جنگ داخلی نمود. در همین اوان گفتگوهای صلح میان چریک‌های مسلح و دولت از سر گرفته شد و نتایج رضایت‌بخشی به دست آمد و همزمان قانون اساسی جدید به همه‌پرسی گذارده شد. در اوایل سال ۱۹۹۴ وزیر خارجهٔ گواتمالا، کشور بلیز را به نام یک دولت مستقل به رسمیت شناخت و حل اختلافات مرزی را در دستور مذاکرات بعدی قرارداد. در انتخابات عمومی پایان سال ۱۹۹۵ آلوارو آرزو، نامزد حزب ترقی‌خواه ملی به پیروزی دست یافت. در دسامبر همان سال گفتگوهای دولت و جبههٔ وحدت انقلابی ملی گواتمالا سرانجام به نتیجه رسید و قرارداد صلح و آتش‌بس امضاء گردید و به جنگ خانگی پایان داده شد.

در دسامبر ۱۹۹۷ گواتمالا جزء پنج کشور امریکای مرکزی بود، که بیشترین خسارت و صدمه را از تغییرات جوی و پدیدهٔ ال نینو وبه ویژه توفند میچ تحمل کرد و از سازمان خواروبار جهانی کمک‌های قابل توجهی دریافت داشت. علیرغم قرارداد صلحی که با شورشیان به امضاء رسانیده، گواتمالا با مسائل و دشواریهایی چون تغییرات ساختاری نیروهای مسلح و اسکان و بازگردانیدن زندگی به هزاران مبارزی که سالها دور از خانه و خانوادهٔ خود، مسلحانه علیه دولتهای جبّار گواتمالا جنگیده‌اند، دست به گریبان است.

در نوامبر ۱۹۹۹ آلفونسو پورتیلو نامزد جبهه جمهوری‌خواه گواتمالا در انتخابات پیروز شد و با بدست آوردن ۴۷ درصد آراء، از ژانویه سال ۲۰۰۰ به ریاست جمهوری رسید.

گویان GUYANA

کشور گویان در شمال نیم‌قارهٔ امریکای جنوبی و در ساحل اقیانوس اطلس جای دارد. این سرزمین از شمال و شمال خاوری به اقیانوس اطلس، از خاور به سورینام، از جنوب به برزیل و از غرب به برزیل و ونزوئلا محدود است. اراضی این کشور عمدتاً پست و کم‌ارتفاع بوده و ارتفاعات نه‌چندان بلند گویان قسمتهایی از نواحی مرکزی و جنوبی آن را فرا گرفته است. ۹۰درصد جمعیت گویان و بیشتر اراضی کشاورزی آن در جلگه‌های ساحلی که عرض آن بین ۱۵ تا ۹۰ کیلومتر است، متمرکز شده‌اند. بیشتر این نواحی به کشت برنج و نیشکر اختصاص یافته است. ارتفاع بیشتر اراضی ساحلی زیر صفر است و دیواره‌سازی ساحلی و احداث کانال‌ها و بندهای متعدد از به زیر آب فرو رفتن آنها جلوگیری می‌کند. درون‌بوم آن را جنگلهای بارانی به عرض حدود ۱۵۰ کیلومتر پوشانیده و مهمترین ذخایر کشور مانند بوکسیت، طلا و الماس را در خود جای داده است. نواحی غربی و جنوبی گویان را سازندهای کهن زمین‌شناسی در بر گرفته و ارتفاعات گویان و کوه‌های پاکارایما را با ارتفاع حداکثر ۲۸۷۵ متر (کوه رورایما) پدید آورده است. در این سرزمین رودخانه‌های فراوانی جریان دارند و به همین مناسبت در زبان بومی، گویان (سرزمین آب) نام گرفته است. از جمله رودهای مهم آن می‌توان از اسکوئیبو (۱۰۱۲ کیلومتر)، کورنتاین، کویونی، مازارونی و بربیس نام برد. اقلیم آن گرم و مرطوب و سراسر سال بارانی است. گویان در مقایسه با دیگر نواحی زمین، از جنگل‌زدایی تا حدی در امان مانده و در مقابل فشار کمپانی‌های بزرگ چوب که مصرّانه خواهان کسب امتیاز قطع درختان و تهیهٔ چوب و الوار هستند، ایستادگی کرده است.



تاریخچه

آراواک‌ها نخستین ساکنان بومی سرزمین گویان هستند. کاریب‌ها، آراواک‌ها را که از گرمای مرطوب و اراضی باتلاقی گویان دل‌خوشی نداشتند، از آنجا بیرون راندند. هر دو قوم آراواک



نام رسمی: جمهوری تعاونی گویان

نام محلی: گایانا Guyana

اسامی دیگر: گویان انگلیس (نام سابق)

پایتخت: جورج تاون (۲۵۴،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۶/۵/۲۶، از انگلستان

روز ملی: بیست و سوم فوریه، روز جمهوری، در سال ۱۹۷۰

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: بهارات جاگدئو (حزب مترقی خلق و سیویک)، از سال ۱۹۹۹ توسط مجلس

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ساموئل آرچیبالد آنتونی هیندز (حزب مترقی خلق)، از سال ۱۹۹۷

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۰، مجلس ملی با ۶۵ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۱): حزب مترقی خلق و جنبش شهروندان سوسیالیست (سیویک) ۳۶ (۳۴) کرسی؛ کنگرهٔ ملی خلق ۲۶ (۲۷) کرسی؛ اتحاد برای گویان ۱ (-) کرسی؛ نیروی متحد ۱ (۱) کرسی؛ حزب دموکرات گویان ۱ (-) کرسی؛ ائتلاف حزب کارگر و حزب جنبش گویان (۲) کرسی؛ قیام کنید، سازماندهی کنید و گویان را بسازید (۱) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۶)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آی - آدب، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲۱۴،۹۶۹ کیلومترمربع (هشتادو سومین کشور جهان)

جمعیت: ۷۹۲،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پنجاه و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۸۵۶،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۷۱ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۷٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۹٪

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ۳۲/۲٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۳۰/۱٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۱/۷٪؛ بالای ۶۰ سال ۶٪

توزیع جنسی (۱۹۹۵): مرد ۴۹/۴۶٪؛ زن ۵۰/۵۴٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۶۷/۶ سال؛ مردان ۶۱/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۸/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۹/۸ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹۴): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۷۴/۳ نفر؛ (شامل بیماریهای عروق مغزی ۹۹/۲ نفر؛ بیماریهای کم خونی قلب ۷۵/۲ نفر؛ بیماریهای گردش خون ریه‌ها و دیگر بیماریهای قلبی ۵۷/۹ نفر)؛ تصادف و خشونت ۷۶/۱ نفر؛ نارسائی‌های غدد و سوخت و ساز بدن ۵۸/۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۵۰/۱ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵۸ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۹۳-۱۹۹۲): هندی ۴۹/۴٪؛ سیاهپوست ۳۵/۶٪؛ دورگه ۷/۱٪؛ سرخپوست ۶/۸٪؛ پرتغالی ۰/۷٪؛ چینی ۰/۴٪

دین: مسیحی ۴۰/۹٪ (پروتستان ۲۷/۵٪؛ کاتولیک ۱۱/۵٪)؛ هندو ۳۴٪؛ مسلمان ۹٪؛ بقیه ۱۶/۱٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ هندی، پرتغالی و چینی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۲): لیندن ۲۷،۲۰۰ نفر؛ نیوآمستردام ۱۷،۷۰۰ نفر

بنادر مهم: جورج تاون (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار گویان (G$)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۱۸۰/۵ دلار گویان؛ یک دلار گویان = ۴۴/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۳۶،۵۴۴ میلیون دلار گویان؛ درآمدهای مالیاتی ۹۱/۶٪ (شامل مالیات بر مصرف ۳۲٪؛ مالیات بر درآمد شرکتها ۲۲/۲٪؛ مالیات بر درآمد افراد ۱۵/۵٪؛ عوارض گمرکی ۱۱/۴٪)؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۸/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۴۱،۹۸۳ میلیون دلار گویان؛ هزینه‌های جاری ۷۱/۲٪ (شامل پرداخت بدهی‌ها ۱۳/۸٪)؛ هزینه‌های عمرانی ۲۸/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۶۶۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۷۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۴/۵-٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۹/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳۴/۷٪؛ صنعت ۳۲/۵٪؛ خدمات ۳۲/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۴۹ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۴۴ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۳۶۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۹۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۷/۱٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۶٪؛ ۱۹۹۸: ۳/۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): برنج ۳۶۵،۴۶۹ تن؛ شکر خام ۳۲۱،۴۳۸ تن؛ نارگیل ۵۶،۴۴۹ تن؛ کاساوا ۲۵،۹۵۷ تن؛ موز سبز ۱۴،۰۰۰ تن؛ موز ۱۱،۱۱۷ تن؛ آناناس ۷،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ۲/۵٪؛ مرتع و چمنزار ۶/۳٪؛ جنگل ۸۳/۸٪؛ سایر موارد ۷/۴٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۲۲۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱۳۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۴۴۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۵۷،۴۰۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۱،۶۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۶،۸۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۹): بوکسیت ۲،۳۵۹،۲۷۲ تن؛ طلا ۴۱۴،۹۰۵ تروی؛ الماس(۱۹۹۸) ۳۴،۳۸۵ قیراط

تولیدات صنعتی(۱۹۹۹): آرد ۳۵،۲۹۰ تن؛ رام ۱۳۷،۸۰۰ هکتولیتر؛ آبجو و آبجو سیاه ۱۲۹،۲۰۰ هکتولیتر؛ نوشیدنی غیر الکلی ۳،۹۷۵،۰۰۰ جعبه؛ دارو ۷،۶۰۰،۰۰۰ قرص؛ پوشاک ۲،۹۰۰،۰۰۰ دست

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۴۳۱،۳۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹۶: ۲۵۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۶): صفر (۳۱۱،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۹۳-۱۹۹۲): ۲۷۸،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۸/۸٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۶۱/۸٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۳۴/۱٪؛ میزان بیکاری(۱۹۹۸): ۱۲٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۰): کشاورزی ۲۰/۴٪؛ صنعت ۱۹/۷٪؛ خدمات ۵۹/۹٪

نیروی دفاعی: مدت‌نظام‌وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱،۶۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۷/۵٪؛ نیروی دریایی ۶/۳٪؛ نیروی هوایی ۶/۲٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۱۰ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۵۵۰/۲ میلیون دلار؛ شامل کالاهای مصرفی ۳۵/۲٪؛ کالاهای سرمایه‌ای ۲۹/۶٪؛ سوخت و روغنهای روانکاری ۱۳/۱٪؛ از امریکا ۲۸٪؛ ترینیداد و توباگو ۱۹٪؛ آنتیل هلند ۱۳٪؛ انگلستان ۸٪؛ ژاپن ۶٪

صادرات(۱۹۹۹): ۵۲۵ میلیون دلار؛ صادرات داخلی ۹۶/۱٪ (شامل شکر ۲۵/۹٪؛ طلا ۲۰/۷٪؛ بوکسیت ۱۴/۷٪؛ برنج ۱۳/۵٪؛ الوار ۷/۱٪)؛ صادرات دوباره ۳/۹٪؛ به (۱۹۹۸) امریکا ۲۴٪؛ کانادا ۲۳٪؛ انگلستان ۱۹٪؛ آنتیل هلند ۱۰٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۶۸/۳	-۴۰/۹	-۴۰/۸	-۲۰/۲	-۳۴/۲	-۵۴/۲	-۲۵/۲
درصد کل	٪۷/۶	٪۴/۴	٪۴	٪۱/۷	٪۲/۸	٪۴/۷	٪۲/۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۹/۸	۱۰۰	۱۰۶/۶	۱۰۹/۹	۱۱۵	۱۲۳/۶
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۷): ۴/۵ نفر

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۳۹ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۷،۹۷۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** راه‌آهن عمومی ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۲۴،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۹،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۸۲ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۶):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۲ روزنامه در ۴۲،۰۰۰ نسخه (۵۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۴۲ عنوان در ۵۰۸،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۲،۰۹۵/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۴۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۴۹۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۵۵،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۶۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۶۰،۰۰۰ خط تلفن (۷۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۴۰۰ خط (۱/۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۴۲۰	۳،۴۶۱	۱۰۲،۰۰۰	۲۹/۵
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	؟	۲،۱۵۰	۶۲،۰۴۳	۲۹/۵
عالی	؟	۶۱۲	۸،۹۶۵	۱۲/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۸/۱٪؛ مردان: ۹۸/۶٪؛ زنان: ۹۷/۵٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۰): ابتدایی ۷۲/۸٪؛ متوسطه ۱۷/۳٪؛ عالی ۱/۸٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۱۵۳ نفر (هر ۵،۰۹۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۶): ۳،۲۴۲ تخت (هر ۲۴۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۱۰،۰۰۰ نفر (۲/۱۳٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۴۸/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۴۷۶ کالری (۱۰۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۶۹ گرم؛ مصرف چربی: ۵۴ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱/۴ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۰۹ (نود و ششمین کشور جهان)

و کاریب، بومیان چادرنشینی بوده‌اند که در گروههای ۱۵ تا ۲۰ نفره باهم زندگی می‌کردند و با شکار و ماهیگیری روزگار می‌گذراندند. زمانی که اروپاییان به این سرزمین وارد شدند، شمار بومیان به حدود ۵۰۰,۰۰۰ تن می‌رسید، حال آن که در حال حاضر تعداد آنان از ۴۵,۰۰۰ تن تجاوز نمی‌کند.

هلندی‌ها در سال ۱۶۱۶ نخستین قلعه را در گویان بنا نهادند. در سال ۱۷۹۶ انگلیسی‌ها، هلندی‌ها را از این سرزمین بیرون راندند و شمار قابل توجهی از بردگان افریقایی را در آنجا به کار گماردند. شورش بزرگ بردگان به رهبری یکی از آنان به نام کافی در سال ۱۷۶۳ به شدت سرکوب شد، اما نام کافی به عنوان یکی از قهرمانان ملی این کشور باقی ماند. بردگان افریقایی که از کار طاقت‌فرسا در کشتزارها بـه جان آمده بودند به جنگل‌ها فرار کردند و انگلیسی‌ها که برای اداره کشتزارها مستأصل شده بودند، به کارگران ارزان‌قیمت چینی و هندی و جاوه‌ای روی آوردند و جای خالی بردگان افریقایی را با آنان پر کردند. در نیمهٔ دوم سدهٔ بیستم جنبش استقلال‌طلبی با پیدایش احزاب مختلف، از جمله حزب مترقی خلق، شکل گرفت و چدّی جاگان رهبر این حزب در سال ۱۹۵۳ به نخست‌وزیری مستعمرهٔ گویان رسید.

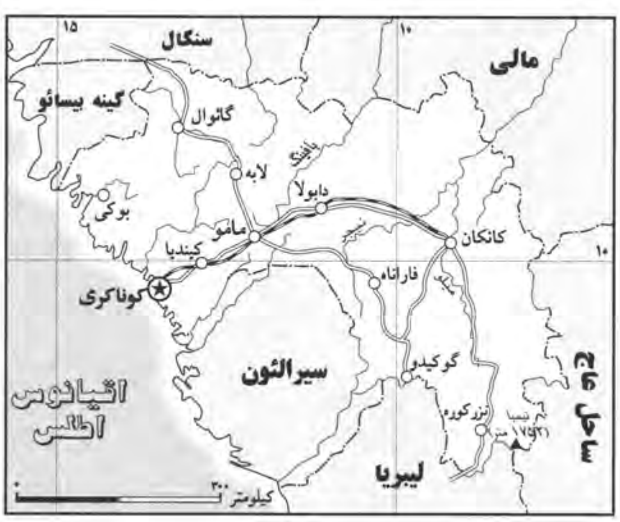
تلاش‌ها و مبارزات چند ساله سرانجام به نتیجه رسید و در ۲۶ مه ۱۹۶۶ استقلال گویان از جانب انگلیسی‌ها به رسمیت شناخته شد و گویان به یکی از اعضای جامعهٔ مشترک‌المنافع انگلستان مبدل گردید و فوربس برنهام از کنگره ملی خلق به نخست‌وزیری رسید و فرماندار کل آن از سوی دولت پادشاهی انگلستان منصوب شد. برنهام صنایع بوکسیت و چوب و شکر را ملی کرد و حدود ۷۵ درصد منابع اقتصادی کشور را رسماً در اختیار دولت قرار داد. در سال ۱۹۷۰ قانون اساسی کشور مورد تجدید نظر قرار گرفت و نظام جمهوری حاکم بر کشور شد و برنهام به ریاست جمهوری انتخاب گردید. اختلافات گویان و ونزوئلا در مورد خطوط مرزی به مرحلهٔ جدی رسید و قرار شد هر دو کشور زیر نظارت سازمان ملل متحد به گفتگو بنشینند.

برنهام در اوت ۱۹۸۵ درگذشت و دسموند هویت به جای او رئیس جمهور شد و اعلام داشت که مجدداً سیاست سوسیالیزم تعاونی را که در اوایل دوران برنهام برقرار بود، در پیش خواهد گرفت. در انتخابات اکتبر ۱۹۹۲ چدی جاگان بر دسموند هویت پیروز شد و به مقام ریاست جمهوری منصوب گردید. در اوایل سال ۱۹۹۳ جاگان کمک دولت امریکا برای مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر را پذیرفت.

گویان در عین این که با همسایگان خود ونزوئلا و سورینام بر سر مسایل مرزی اختلاف دارد، ولی با همسایهٔ بزرگتر خود یعنی برزیل روابط دوستانه‌ای برقرار کرده و اقتصاد آن شدیداً به ذخایری چون طلا، الماس، بوکسیت و چوبهای جنگلی وابسته است. سال ۱۹۹۵ یکی از تلخ‌ترین ادوار زیست محیطی گویان محسوب می‌گردد. در آن سال ۴,۰۰۰,۰۰۰ مترمکعب مواد آلایندهٔ سیانید به صورت فاضلاب رودخانهٔ اومایی، یکی از ریزابه‌های رود اسکوئیبو را سخت آلوده کرد و آبزیان بسیاری را کشت. چدی جاگان در ۱۹۹۷ درگذشت و همسرش جانت جاگان که پست نخست‌وزیری را دارا بود، موقتاً عهده‌دار امور گردید. وی در انتخابات ۱۵ دسامبر همان سال به ریاست جمهوری رسید و از نوزدهم دسامبر رسماً عهده‌دار امور شد و ساموئل هیندز را به مقام نخست‌وزیری منصوب نمود. سال اول ریاست جمهوری جانت جاگان با بحرانهای اقتصادی و اعتصابات و تظاهرات خیابانی و کارشکنی‌های سوداگران مرگ آغاز گردید. تداوم مشکلات و گسترش اعتراضات سبب شد که جاگان در ماه بیستم حکومتش، استعفاء دهد و وزیر اقتصاد، بهارات جاگدئو، جانشین وی شود. در مارس سال ۲۰۰۰، هوگو چاوز، رئیس جمهور ونزوئلا، بار دیگر خواستار الحاق ناحیهٔ اسکوئیبو به ونزوئلا شد، اما پذیرفت که این مسئله توسط سازمان ملل متحد حل و فصل شود. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱، حزب مترقی خلق و جنبش شهروندان سوسیالیست (سیویک) با کسب ۳۴ کرسی، اکثریت خود را در مجلس ملی حفظ کردند و کنگرهٔ ملی خلق و حزب اصلاحات جمعاً ۲۷ کرسی به دست آوردند. به این ترتیب بهارات جاگدئو برای یک دورهٔ ۵ ساله در پست ریاست جمهوری ابقاء گردید.

گینه GUINEA

کشور گینه، یا گینهٔ کوناکری در خاور افریقا و در ساحل اقیانوس اطلس جای دارد. این کشور از شمال به کشورهای سنگال و مالی، از خاور به مالی و ساحل عاج (کوت‌دیووآر)، از جنوب به لیبریا و سیرالئون و از غرب به اقیانوس اطلس و گینهٔ بیسائو محدود است. کشور گینه از جلگه‌ها و دشتهای هموار غربی و ارتفاعات نه‌چندان بلند فوتا جالون با بلندی حداکثر ۱۵۱۵ متر در خاور و جنوب خاوری تشکیل یافته است. گرانکوه فوتاجالون که به گله‌داری و پرورش دام اختصاص یافته تا جلگهٔ ساحلی مرطوب و پر جمعیت غربی کشیده شده و کشتزارهای وسیع برنج، موز و نارگیل را در خود جای داده و در نواحی خشک شمال خاوری، غلات و مانیوک (کاساوا) کاشته می‌شود. اقلیم گینه گرم و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های کونکوره، نیجر، بافینگ، میلو و کولیبا از عمده‌ترین رودهای آن هستند و بلندترین نقطه گینه، یعنی کوه نیمبا که در مرز این کشور با لیبریا و ساحل عاج واقع شده ۱۷۵۲ متر ارتفاع دارد. بوکسیت و آهن و الماس و طلا از مهمترین ذخایر زیرزمینی گینه محسوب می‌شوند.



تاریخچه

پیگمه‌ها(کوتوله‌ها) نخستین ساکنان گینه بودند که توسط اقوام مانده یا مالینکه رانده شدند. در گذشته‌های دور بخشی از یک دولت بزرگ بود و معدن معروف طلای بامبوک که روزگاری از پشتوانه‌های اقتصاد مدیترانه به شمار می‌رفت، در کوههای فوتا جالون جای داشت. همین کوهها بودند که ظهور و سقوط و فراز و نشیب دولتهای فولانی را طی سده‌های ۱۶ تا ۱۹ میلادی شاهد بوده‌اند. در سال ۱۸۷۰ مردی به نام سامور رهبری یکی از دولتهای مزبور را در دست گرفت و بخشهای بزرگی از گینه، مالی و ساحل عاج (کوت‌دیووآر) امروزی را ضمیمهٔ خاک خود کرد. وی در سال ۱۸۸۶ با نیروهای استعماری فرانسه به نبرد برخاست و تا سال ۱۸۹۸ که دستگیر شد و به گابون تبعید گردید و در همانجا درگذشت، به نبرد بی‌امان خود ادامه داد. فرانسوی‌ها این سرزمین را ضمیمهٔ سنگال کردند و از ۱۸۹۰ به صورت مستعمرهٔ جداگانه‌ای اداره نمودند. داستان مبارزات شجاعانهٔ سامور همچنان در سینه‌ها محفوظ ماند تا این که در سال ۱۹۴۷ گروه فعال کوچکی تحت رهبری احمد سکوتوره، حزب دموکرات گینه را تأسیس نمود که به سرعت به یکی از احزاب فعال و با نفوذ آن منطقه مبدل گردید.

از دست رفتن هندوچین در سال ۱۹۵۴ و استقلال تونس و مراکش در ۱۹۵۶ و شورش استقلال‌طلبانهٔ مردم الجزایر که از سال ۱۹۵۴ آغاز گردید، ژنرال دوگل رئیس جمهور فرانسه را بر آن داشت تا با تأسیس جامعهٔ فرانسه، منافع کشور خود در افریقای غربی را از خطر دور نگه دارد و طرح تأسیس جامعهٔ مزبور را به همه‌پرسی مردم افریقای غربی محول سازد. همه‌پرسی مردم گینه نشان داد که از ۱,۲۰۰,۰۰۰ تن جمعیت مشمول رأی گیری فقط ۵۷,۰۰۰ تن با طرح مزبور موافق بودند و بقیه با آن مخالفت کردند. همه‌پرسی مزبور به مردم گینه جرأت بخشید تا در سال ۱۹۵۸ استقلال میهن خود را اعلام دارند. پاریس در واکنش به این عمل، کلیهٔ مستشاران فنی خود را از گینه فراخواند و دارایی‌های گینه را مسدود نمود و کارخانه‌ها و کارگاههای صنعتی این کشور را فلج کرد. در ۱۹۵۹ گینه واحد پول خود را عوض کرد و ارتباط پولی خود را با فرانک فرانسه قطع نمود.



نام رسمی: جمهوری گینه

نام محلی: گینه Guinée

اسامی دیگر: گینه کوناکری، گینهٔ فرانسه (اسامی سابق)

پایتخت: کوناکری (۱،۵۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۵۸/۱۰/۲، از فرانسه

روز ملی: دوم اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: سرتیپ لانسانا کونته، از سال ۱۹۸٤ (در دوره‌های پنج ساله)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: امین سیدیمه (حزب وحدت و ترقی)، از سال ۱۹۹۹

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱: مجلس ملی با ۱۱٤ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملـی در سال ۱۹۹۵ (۲۰۰۲): حزب وحدت و ترقی ۷۱ (۸۵) کرسی، مجمع مـردم گینـه ۱۹ (-) کرسی، حزب نوسازی و ترقی ۹ (۱۰) کرسی، اتحاد برای جمهوری نوین ۹ (۱۰) کرسی، بقیه احزاب ٦ (۹) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملـل متحـد (۱۹۵۸)، اونکتـاد، یونیسـف، فـائو، ایبرد، ایکـائو، ایـدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکـپ، اکوواس، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۲٤۵،۸۵۷ کیلومترمربع (هفتادو هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۷،٤٦٦،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نودودومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۰/٤ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۸٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۲/۵ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۱/۳٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۵/۵٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤۳/٦٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٦/۹٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۵٪؛ بالای ٦۰ سال ٤/۵٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ۵۰/۲۸٪؛ زن ٤۹/۷۲٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۹/۱ سال، مردان ٤٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۰/٦ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۷/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۱۲٦/۳ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۳/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۵ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۰): قبایل فولانی ٤۰/۳٪؛ مالینکه ۲۵/۸٪؛ سوسو ۱۱٪؛ کیسی ٦/۵٪؛ کپله ٤/۸٪؛ بقیه ۱۱/٦٪

دین(۱۹۹۲): مسلمان ۹۵٪؛ مسیحی (عمدتاً کاتولیک) ۱/۵٪؛ بقیه (عمدتاً پیرو باورهای قبیله‌ای) ۳/۵٪

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ زبانهای رایج قبیله‌ای به ویژه زبانهای ماندینگو و فولانی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٦): کانکان ۱۵۰،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۸٦): لابه ۱۱۰،۰۰۰ نفر؛ کیندیا ۸۰،۰۰۰ نفر؛ نزرکوره ۵۵،۳۵٦ نفر

بنادر مهم: کوناکری (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک گینه (GF)= ۱۰۰ کائوری؛ یک دلار= ۱،۷۵۰ فرانک؛ صد فرانک = ٤۵۷ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ٦۲٤/۵ میلیارد فرانک گینه؛ درآمدهای جاری ۷۹/۵٪ (شامل مالیات غیر مستقیم ۳٤/۸٪؛ بخش معدن ۲۰/۲٪؛ مالیات بـر بـازرگـانی ۱۱/۵٪؛ مالیاتـهای مـستقیم ۷/۷٪؛ درآمـد غیرمالیـاتی ۵/۳٪)؛ کمک‌هـای بلاعـوض خارجی ۲۰/۵٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ٦۵۵/٦ میلیارد فرانک گینه؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۳۸/۲٪؛ دستمزدها و حقوق ۲۷/٦٪؛ کالا و خدمات ۱۳/٦٪؛ بهره وامها ۹/۸٪؛ انتقالی‌ها ۸/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳،۷۷۷ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۵۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/۷٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۲/٤٪؛ صنعت ۳۵/٤٪؛ خدمات ٤۲/۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳،۱۲٦ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۵۹/۲ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۹/٤٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٦/۷٪؛ ۱۹۹۸: ٤/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۱،۰٦٤،۸۸۸ تن (شامل کاساوا ۸۱۱،۸٦۹ تن، سیب‌زمینی شیرین ۱۳٤،۹٤۰ تن)؛ میوه ۹۹٦،۰۷۸ تن (از جمله موز سبز ٤۲۹،۰۰۰ تن؛ موز ۱۵۰،۰۰۰ تن؛ آناناس ۷۱،۵۵۸ تـن)؛ شلتوک برنج ۷۵۰،۰۰۰ تن؛ سبزیجات و صیفی‌جات ٤۲۰،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۲۲۰،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۱۷۳،٦۸۲ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۳/۳٪؛ مرتع ٤۳/۵٪؛ جنگل ۲۷/۳٪؛ سایر موارد ۲۵/۹٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): گاو ۲،۳٦۸،۰۰۰ رأس؛ بز ۸٦٤،۰۰۰ رأس ؛ گوسفند ٦۸۷،۰۰۰ رأس؛ خوک ۵٤،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸،٦۵۰،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۰۲،۵۸۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۸،۹۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۷،۷۷۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): بوکسیت ۱۵،۸۸۸،٦۰۰ تن؛ آلومین (اکسید آلومینیوم) ۵٦٤،۲۳۷ تن؛ طلا ۷،۸٦۳ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۸۵): (ارزش افزوده): آهن ورق و موجدار ۵۷۱،۰۸۱،۰۰۰ فرانک گینه؛ پلاستیک ٤٦۲،۲٤۲،۰۰۰؛ محصولات دخانی ۳۷۵،۱۵٤،۰۰۰؛ سیمان ۳۲٦،۱۳۸،۰۰۰؛ چاپ و نشر ۲۱٦،۵۱۱،۰۰۰ فرانک گینه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۵٤۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۵٤۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۳۵٦،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۳،۳۲۱،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤٤/۸٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤؛ ۱۹۸۳)؛ ٦۳/۵٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤)؛ ٤۷/۳٪؛ میزان بیکاری:؟

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۸٤/٦٪؛ صنعت: ؟ ؛ خدمات: ؟

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۹،۷۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۷/٦٪؛ نیروی دریایی ٤/۱٪؛ نیروی هوایی ۸/۲٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۷ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۵۷۱/۸ میلیون دلار؛ شامل کالاهای سرمایه‌ای ۵۲/٤٪؛ کالاهای مصرفی ۱۸٪؛ مواد غذایی ۱۷/۱٪؛ فرآورده‌های نفتی ۱۲/۵٪؛ از کشورهای فرانسه ۲٤/۸٪؛ امریکا ۹/۸٪؛ بلژیک ۷/۹٪؛ ساحل عاج ٦/٦٪؛ چین ۵/٦٪

صادرات(۱۹۹۸): ۷۰۹/۲ میلیون دلار؛ شامل بوکسیت ٤۵/۷٪؛ طلا ۱۷/۷٪؛ آلومین ۱٤/۱٪؛ الماس ۷/۲٪؛ ماهی ۵/٤٪؛ قهوه ۳/۳٪؛ به کشورهای امریکا ۱٦/٤٪؛ هنگ کنگ ۱٤/۷٪؛ بلژیک ۱۳/۷٪؛ اسپانیا ۱۲/٤٪؛ ایرلند ۱۲/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۹۱/۲	-۲۱/٦	-۱٦۹/۷	-۳۹	+۱۱۱/۲	+۱۱۷/٦	+۱۳۷/٤
درصد کل	٪۸/۱	٪۱/۹	٪۱٤/۱	٪۳/۲	٪۹/٦	٪۱۰/۳	٪۱۰/۷

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٤/۷	۱۰۰	۱۰۲/۹	۱۰٤/۹	۱۱۰/۳
شاخص درآمد سالیانه	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۷): ٤/۱ نفر؛ میانگین درآمـد سـالیانه هـر خـانوار (۱۹۸٤): ۷،٦٦۰ فرانـک گینه؛ هزینه‌ها (۱۹۸۵): غذا ٦۱/۵٪؛ بهداشت ۱۱/۲٪؛ پوشاک ۷/۹٪؛ مسکن ۷/۳٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۲۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳۰،۵۰۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ٦٦۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱٤،۱۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۲۱،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۲۳ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه

روزنامه(۱۹۸۸): ۱ روزنامه در ۱۳،۰۰۰ نسخه (۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳ عنوان در ۵،۰۰۰ نسخه

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۳۵۷،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۷،۰۰۰ خط تلفن (٤/۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۲،۰۰۰ خط (۲/۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲۵،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۵۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۳،۷۲۳	۱۳،۸۸۳	٦۷٤،۷۳۲	٤۸/٦
متوسطه	۲۳۹	٤،۹۵۸	۱٤۳،۲٤۵	۲۸/۹
فنی و حرفه‌ای	۵۵	۱،۲٦۸	۸،۵٦۹	٦/۸
عالی	۲	۹٤۷	۸،۱۵۱	۸/٦

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۳۵/۹٪؛ مردان: ٤۹/۹٪؛ زنان: ۲۱/۹٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۳): ابتدایی ۵۵/۲٪؛ متوسطه ۳۲/۷٪؛ عالی ۸/۷٪

تعداد پزشک(۱۹۹۱): ۹۲۰ نفر (هر ٦،۸٤۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۸): ۳،۳۸۲ تخت (هر ۱،٦۵۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۷٤،۰۰۰ نفر (۲/۰۹٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۵٦/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۳۱۵ کالری (۱۰۰٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤۸ گرم؛ مصرف چربی: ۵۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱/۱٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۱٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳۹٤ (صد و شصت و دومین کشور جهان)

در سال ۱۹۷۰ مزدوران پرتغالی به قصد سرنگونی دولت انقلابی گینه به این کشور حمله‌ور شدند تا مگر از نفوذ افکار استقلال‌طلبانه به گینهٔ پرتغال جلوگیری کنند، حملات مزبور با مقاومت و ایستادگی ملت گینه روبرو شد و دفع گردید. مجلس ملی گینه در سال ۱۹۷۸ بر آن شد تا نام کشور را به جمهوری انقلابی خلق گینه تبدیل کند و روابط خود را با فرانسه دوباره برقرار سازد. احمد سکوتوره رئیس جمهور گینه به بعضی کشورهای افریقایی و عرب سفر کرد تا آنان را به سرمایه‌گذاری در استخراج معادن کشور خود تشویق کند. از سوی دیگر مذاکره با فرانسه به نتیجه رسید و امتیاز استخراج معدن آهن کوه نیمبا به آن کشور واگذار شد و شرکتهای فرانسوی به منابع نفت و بوکسیت دست یافتند و شروع به بهره‌برداری از آن نمودند و گینه را در ردیف دومین کشور بزرگ صادرکنندهٔ بوکسیت قرار دادند.

احمد سکوتوره در مارس سال ۱۹۸۴ در یکی از بیمارستانهای امریکا درگذشت و یک هفته بعد سرهنگ لانساناکونته طی کودتایی با سرنگون کردن لوئی بثاووگی، رئیس جمهور موقت، زمام امور کشور را در دست گرفت. وی فعالیت حزب دموکرات گینه را ممنوع کرد و نام کشور را به جمهوری گینه مبدل نمود. کونته خود را به کشورهای غربی نزدیک کرد و مورد حمایت سیاسی و مالی فرانسه و امریکا و افریقای جنوبی قرار گرفت. وی سران ارتش را از پایتخت دور کرد و با اضافه نمودن حقوق‌ها و دستمزدها، میزان تورم را بالا برد. در فوریهٔ ۱۹۹۰ دولت فرمان عفو عمومی زندانیان سیاسی را صادر کرد و قانون اساسی کشور را در سال بعد مورد تجدیدنظر و تصویب قرار داد. در سال ۱۹۹۲ حدود ۶۵۰،۰۰۰ آواره از مرز سیرالئون و لیبریا عبور کردند و در اردوگاههای مرزی سکنی گزیدند. در انتخابات دسامبر ۱۹۹۳ لانسانا کونته مجدداً به ریاست جمهوری رسید. در انتخابات ژوئن ۱۹۹۵ احزاب ائتلافی حاکم ۷۶ کرسی از ۱۱۴ کرسی پارلمان را از آن خود کردند.

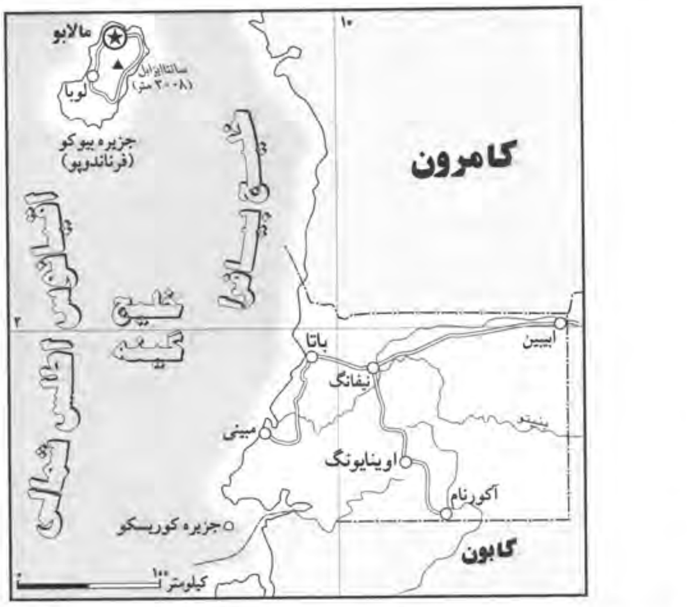
در ژوئیهٔ ۱۹۹۶ سیدیا توره اقتصاددان گینه‌ای به نخست‌وزیری منصوب شد. در مه ۱۹۹۷ احمد تجان کباه رئیس جمهوری سیرالئون که طی کودتایی از مقام خود سرنگون شده بود، به گینه پناهنده شد. در انتخابات سال ۱۹۹۸، لانسانا کونته مجدداً در مقام خود ابقاء گردید. سیدیا توره در مارس ۱۹۹۹ بدون هیچ توضیحی از مقام خود برکنار گردید و امین سیدیمه به جای وی منصوب شد. در ماه ژوئیه همین سال ژاک شیراک از این کشور دیدار کرد و شخصیت‌های مخالف دولت، در دیدار با وی از او خواستند تا برای آزادی آلفه کونته، رهبر مخالفان که پس از انتخابات سال ۱۹۹۸، دستگیر شده بود، میانجیگری نماید. در درگیریهایی که در بالیزیا در سال ۲۰۰۰، بین مسلمانان و مسیحیان پیش آمد، حدود ۳۰ نفر کشته شدند. در ماه مه ۲۰۰۱، آلفه کونته از زندان آزاد شد و کرسی خود در مجلس ملی را نیز به دست آورد.

در انتخابات پارلمانی ژوئن ۲۰۰۲ که از سوی مجمع مردم گینه تحریم شده بود، حزب وحدت و ترقی توانست با افزایش کرسی‌های خود از ۷۱ به ۸۵ کرسی، اکثریت قوی‌تری را به‌دست آورد.

بیماری کشندهٔ ایدز که غالب کشورهای افریقایی را آلوده ساخته است، در کشور گینه نیز بیداد می‌کند. آمارهای سازمان بهداشت جهانی گویای آن است که ۱/۵ درصد مردم گینه به ویروس بیماری ایدز آلوده هستند. این آمار که در میان کشورهای افریقایی یکی از کمترین رقم‌ها را نشان می‌دهد، در مقایسه با کشورهای پیشرفته‌ای چون فرانسه از نسبت خیلی بالایی برخوردار است.

گینهٔ استوایی EQUATORIAL GUINEA

کشور کوچک گینهٔ استوایی در غرب افریقا و در ساحل خلیج گینه (اقیانوس اطلس) جای دارد. این کشور از یک سرزمین اصلی به وسعت ۲۶،۰۱۷ کیلومترمربع و جزایر بیوکو (فرناندوپو) و پیگالو (آنوبون) که منشأ آتشفشانی داشته وبسیار حاصلخیز هستند، ترکیب یافته است. جلگهٔ ساحلی ریومونی که از جنگلهای انبوه بارانی پوشیده شده، یکی از مرطوب‌ترین و پر باران‌ترین نواحی جهان است. سرزمین اصلی گینهٔ استوایی در شمال توسط کامرون و از شرق و جنوب توسط گابون احاطه شده و غرب آن نیز به خلیج گینه محدود است. علیرغم وسعت بسیار بیشتر سرزمین اصلی، پایتخت این کشور در جزیرهٔ بیوکو واقع شده است. رودخانه‌های بنیتو، مونی و کامپو عمده‌ترین رودهای آن هستند و کوه سانتا ایزابل واقع در جزیرهٔ بیوکو با ارتفاع ۳۰۰۸ متر بلندترین نقطهٔ آن محسوب می‌گردد.



تاریخچه

حدود سدهٔ سیزدهم میلادی منطقهٔ ریومونی به وسیلهٔ اقوام فانگ و اندووه مسکون گردید و پیگمه‌ها (کوتوله‌ها) نیز نواحی جنوبی و نزدیک به مرز گابون را برای سکونت برگزیدند. با ورود اروپاییان به قارهٔ سیاه، طایفه اندووه با پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها و انگلیسی‌ها روابط دوستانه برقرار کردند و آنان را در تجارت برده یاری دادند و فانگ‌ها که حاضر به همکاری با استعمارگران و بازرگانان اروپایی نگردیدند، تحت فشار نیروهای استعماری به درون جنگل‌ها پناه بردند. در سدهٔ پانزدهم، پرتغالی‌ها بر سرتاسر این سرزمین تسلط یافتند و پادشاه پرتغال عنوان ارباب گینه را نیز بر عناوین خود افزود. آنان سراسر بیافرا را به اسپانیایی‌ها واگذاردند و در مقابل بخشی از اراضی جنوبی برزیل را از اسپانیا دریافت نمودند. در سال ۱۷۷۸ یک گروه اکتشافی از مونته ویدئو حرکت کرد تا جزایر فرناندوپو را به تصرف خود درآورند. آنان با از دست دادن فرماندهٔ خود، آرخلخوس، ناکام رو به بازگشت نهادند. فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها به مرور در منطقهٔ مزبور نفوذ کردند و بعضی از قسمتهای آن را به تصرف خود درآوردند. سرانجام انگلیسی‌ها بر سرتاسر منطقه تسلط یافتند و اولین ماندگاه خود را در آنجا تأسیس نمودند و از آن به عنوان پایگاهی برای دست‌اندازی به نیجریه استفاده کردند. انگلیسی‌ها برده‌های آزاد شده یا فرناندینوها را به عنوان عوامل خود در این سرزمین به کار گرفتند. طی سالهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۸ اسپانیایی‌ها با استفاده از نیروی نظامی منطقهٔ مزبور را دوباره تصرف کردند و مالکیت آن سرزمین را از آن خود نمودند و به زراعت کاکائو و قهوه و تجارت چوب و الوار پرداختند.

در ۱۹۶۳ منطقهٔ گینهٔ استوایی از نوعی خودمختاری داخلی بهره‌مند شد و احزاب چندی در آن تأسیس گردید. احزاب مزبور اسپانیا را از نظر سیاسی تحت فشار قرار دادند و سرانجام در ۱۲ اکتبر ۱۹۶۸ به کسب استقلال نایل گردیدند و فرانسیسکو ماسیاس نگوئما به ریاست جمهوری رسید. هنوز یک سال از ریاست جمهوری وی نگذشته بود که استبداد و خودکامگی و توحش را به حد اعلا رسانید و هزاران زندانی سیاسی را از بین برد و حدود ۱۶۰،۰۰۰ تن مفقودالاثر گردیدند. وی کلیهٔ احزاب سیاسی را منحل کرد و خود را رئیس جمهور مادام‌العمر خواند. کودتای سال ۱۹۷۹ به رژیم بیدادگر ماسیاس نگوئما پایان داد و سرهنگ تئودورو اوبیانگ نگوئما مباسوگو به ریاست جمهوری رسید. وی نگوئما را بازداشت کرد و به جرم اهانت و نادیده گرفتن حقوق انسانی اعدام نمود. اما به زودی معلوم شد که رژیم جدید هم دنباله‌رو نظام قدیم است و اعمال سرکوبگرانهٔ آن متوقف نخواهد شد.

در کودتای نافرجام ۱۹۸۶ عدهٔ زیادی از دولتمردان، منجمله فروکتوسو ام با اونانا معاون نخست‌وزیر از کار برکنار و بازداشت شدند. در ژوئن ۱۹۸۸ تئودورو اوبیانگ مجدداً به ریاست جمهوری انتخاب گردید. وی در سپتامبر ۱۹۸۸ از فرانسه دیدن کرد و روابط نزدیک‌تری با کشور مزبور برقرار نمود. کمی بعد در همان ماه، عده‌ای از سران ارتش به اتهام توطئه علیه دولت دستگیر و اعدام شدند و خوزه لوئیس جونز، رهبر یکی از احزاب مخالف بازداشت گردید و به ۱۷ سال زندان محکوم شد. در ژوئن ۱۹۸۹ اوبیانگ مجدداً به ریاست جمهوری برگزیده شد. در اوایل سال ۱۹۹۲ فرمان عفو عمومی زندانیان سیاسی صادر گردید. در انتخابات فوریهٔ ۱۹۹۶ اوبیانگ برای چندمین بار به ریاست جمهوری منصوب شد.

در ژانویه ۱۹۹۸ نیروهای امنیتی گینهٔ استوایی صدها تن از افراد قوم بوبی را به اتهام حمله به پادگان‌های نظامی و عضویت در گروهی که از خودمختاری جزیرهٔ بیوکو حمایت می‌کرد، بازداشت نمود. اگرچه قبایل بوبی در گینهٔ استوایی اقلیت را تشکیل می‌دهند، ولی آنان در جزیرهٔ بیوکو، از اکثریت برخوردارند. در اوایل همان سال آنخل سرافین سریچه دوگان نخست‌وزیر رژیم اوبیانگ از مقام خود استعفاء داد تا در انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری شرکت کند و پس از پیروزی اوبیانگ، مجدداً عهده‌دار پست نخست‌وزیری شد.



نام رسمی: جمهوری گینه استوایی

نام محلی: گینئا اکواتوریال Guinea Ecuatorial

اسامی دیگر: گینه اسپانیا (نام سابق)

پایتخت: مالابو (۴۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۸/۱۰/۱۲، از اسپانیا

روز ملی: دوازدهم اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۲

رئیس حکومت: رئیس جمهور: سرتیپ تئودورو اوبیانگ نگوئما مباسوگو، از سال ۱۹۷۹

رئیس دولت: نخست‌وزیر: کاندیدو موآتتما ریواس، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱؛ مجلس نمایندگان مردم با ۸۰ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان مردم (۱۹۹۹): حزب دموکرات ۷٥ کرسی، اتحاد مردمی ٤ کرسی، همگرایی برای سوسیال دموکراسی ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۸)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، اینو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، سازمان وحدت افریقا، آکپ، فز، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۲۸،۰٥۱ کیلومترمربع (صد و چهل و دومین کشور جهان)

جمعیت: ٤٥۳،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و شصت و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٦/۱ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۷۹٥،۰۰۰ نفر **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤٥/۹٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪٥/۲

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٤۲/۸٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲٦/۸٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٤/٥٪؛ بالای ٦۰ سال ٪٥/۹

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۹/۳۰٪؛ زن ٪٥۰/۷۰ **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٥٦/۸ سال، مردان ٥۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۸/٥ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان‌درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۹۱/۲ نفر **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٥/٥ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما مهمترین بیماریهای شایع عبارتند از: مالاریا (عامل حدود ۲٤٪ مرگ و میرها)؛ ناراحتی‌های دستگاه تنفسی (عامل حدود ۱۲٪ مرگ و میرها)؛ وبا، جذام، بیماریهای انگلی (به ویژه انگل تریپانوزوم) و بیماریهای ناشی از آب آلوده (از جمله بیماریهای روده‌ای و معده‌ای)

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٥ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۰۸ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹٥): قبایل فانگ ۸۲/۹٪؛ بوبی ۹/٦٪؛ دیگر نژادها ٪۷/٥

دین(۱۹۹٥): کاتولیک ۹۳/۱٪؛ دیگر ادیان ٦/۹٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ انگلیسی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸٦): باتا ٤۰،۰۰۰ نفر؛ لوبا ۱٥،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: مالابو (خلیج گینه)؛ باتا (خلیج بیافرا)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ(CFAF)= ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۷٥٤/۲۸ فرانک؛ یک فرانک= ۱۰/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۲٤،٦۳۷ میلیون فرانک سی‌اف‌آ؛ درآمدهای داخلی ۹٥/۱٪ (شامل درآمدهای نفتی ٤٦/۹٪؛ درآمدهای مالیاتی ۳٦/۸٪؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۱۱/٤٪)؛ کمک‌های بلاعوض خارجی ٪٤/۹

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ۳۲،۹٥٥ میلیون فرانک سی‌اف‌آ؛ هزینه‌های جاری ٦۰/٦٪ (شامل کالا و خدمات ۲۳/۸٪؛ حقوق ۱۷/۳٪؛ سود وامها ۱٥/٦؛ انتقالی‌ها ۳/۹٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۹/۷

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤۷۸ میلیون دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۱۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۱۷/۷

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۱/۸٪؛ صنعت ٦٦/٤٪؛ خدمات ٪۱۱/۸

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۲۰۸/٦ میلیون دلار **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲٤/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۳/۲

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۲/۷٪ ؛ ۱۹۹۸: ۲۳/٦-٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۸٤،۰۰۰ تن (شامل کاساوا ٤۹،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۳٥،۰۰۰ تن)؛ موز ۱٥،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۸،۰۰۰ تن؛ قهوه ٦،۳۰۰ تن؛ روغن ٥،۰۰۰ تن؛ دانهٔ کاکائو ٥،۰۰۰ تن؛ هستهٔ نخل ۳،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۸/۲٪؛ مرتع و چمنزار ۳/۷٪؛ جنگل ٦٥/۲٪؛ سایر موارد ٪۲۲/۹

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): گوسفند ۳٦،۰۰۰ رأس؛ بز ۸،۱۰۰ رأس؛ خوک ٥،۳۰۰ رأس؛ گاو ٤،۸۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸۱۱،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٦،۰۹۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲٤٥،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۹۰ تن

تولیدات معدنی : استخراج شن و ماسه ؛ ذخایری از طلا، سنگ‌آهن، سرب،روی، منگنز و مولیبدن نیز وجود دارد.

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): الوار چوب ۲۱،٥۰۰ مترمکعب؛ فرآورده‌های الوار ۳،۹۰۰ مترمکعب

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۲۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام (۱۹۹۸): ۳۰،۲۹٥،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ۳۷،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): صفر (٤۲،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۱۷۷،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۰٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۷٤/۷٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۳٥/٤٪؛ میزان بیکاری (۱۹۸۳): ٪۲٤/۲

توزیع نیروی کار(۱۹۸۳): کشاورزی ٥۷/۹٪؛ صنعت ۳/۷٪؛ خدمات ٪۳۸/٤

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱،۳۲۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۳/۳٪؛ نیروی دریایی ۹/۱٪؛ نیروی هوایی ۷/٦٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹٦): ٦ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۲۱۱،٤۲۹ میلیون فرانک سی‌اف‌آ؛ مواد نفتی ۷۸/۸٪؛ سایر موارد ۲۱/۲٪؛ از امریکا ۲۳/٤٪؛ اسپانیا ۱۸/٦٪؛ فرانسه ۱٥/۳٪؛ کامرون ۱۲/٥٪؛ هلند ٤/٤٪؛ ایتالیا ٪۳/۲

صادرات(۱۹۹٦): ۱۰٥،۰۸۳ میلیون فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل مواد نفتی ٦۷/۷٪؛ چوب ۲٥/۸٪؛ کاکائو ۲/۹٪؛ به امریکا ٦٥/٦٪؛ اسپانیا ۸/٦٪؛ چین ۷/۱٪؛ ژاپن ٦/٦٪؛ پرتغال ۲/٥٪؛ فرانسه ٪۲/٥

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیارد فرانک	-۸/۹	-٥/٥	-٦	-۱٤/٦	-۱۰٦/۳	-٦٦/۸
درصد کل	٪۲۲/٥	٪۱۲/۲	٪۷/۷	٪۱۳/۹	٪۳۳/٥	٪۱۰/۳

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦
شاخص قیمتهای مصرفی	٥٦/٤	٥۸/۲	٦۱/۳	٦٤/۱	۸۸/٦	۱۰۰	۱۰٥/۲
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۰): ٤/٥ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۱۹۸۸): دستمزد و حقوق ٥۷٪؛ شغل آزاد ٤۲٪؛ سایر موارد ۱٪؛ هزینه‌ها (۱۹۸۸): غذا و نوشیدنی ٦۲٪؛ پوشاک و کفش ۱۰٪؛ مراقبت‌های پزشکی ٪٦

جهانگردی: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۲،۷۰۰ کیلومتر **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٤): ٦،٥۰۰ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٤):** ٤،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳ فروند **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱ روزنامه در ۲،۰۰۰ نسخه (٤/۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۲۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹٥): ۳۷،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۹۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٥،٦۰۰ خط تلفن (۱۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳۰۰ خط (۰/۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٤)	۷۸۱	۱،۳۸۱	۷٥،۷٥۱	٥٤/۹
متوسطه	۹	٤٦٦	۱٤،٥۱۱	۳۱/۱
فنی و حرفه‌ای	۱	۱۲۲	۲،۱۰٥	۱۷/۳
عالی	٤	٥۸	٥۷۸	۱۰

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۷۷/۸٪؛ مردان: ۸۹/۳٪؛ زنان: ٪٦۷/٤

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال(۱۹۸۳): ابتدایی ٥۹/٦٪؛ متوسطه ۲/۳٪؛ عالی؟

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۱۰٦ نفر (هر ٤،۰٦٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۰): ۹۹۲ تخت (هر ۳٥۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲،٤۰۰ نفر (۱/۲۱٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷٦/٥ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/٤٪؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/٥

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): صفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٥٥٥ (صد و سی و یکمین کشور جهان)

دبیر کل گروه مخالف همگرایی سوسیال دموکراسی، پلاسیدو میکو، در سپتامبر ۱۹۹۹ دستگیر شد، اما کمی‌بعد آزاد گردید. در اواخر فوریه سال۲۰۰۱، نخست‌وزیر سریچه‌دوگان، که از طرف حزب حاکم دموکرات متهم به فساد و بی‌تدبیری شده بود، از مقام خود کناره گرفت و کاندیدو موآتتما ریواس جایگزین او گردید.

اگرچه در سالیان اخیر کشف و بهره‌برداری از نفت کمی بر رونق اقتصادی آن افزوده، اما گینهٔ استوایی همچنان یکی از فقیرترین کشورهای افریقا به شمار می‌رود و به ویژه وضعیت معیشتی مردم آن در سطح نامطلوبی قرار دارد.

گینهٔ بیسائو GUINEA BISSAU

کشور گینهٔ بیسائو در غرب قارهٔ افریقا و در ساحل خاوری اقیانوس اطلس جای دارد و از شمال به سنگال، از خاور و جنوب خاوری به کشور گینه و از جنوب غربی و غرب به اقیانوس اطلس محدود است. سرزمینی است هموار و کم‌ارتفاع با کوههای نه چندان مرتفعی در جنوب خاوری به ارتفاع حداکثر ۲۶۲ متر، و رودها و شاخابه‌های فراوان. جلگهٔ ساحلی آن باتلاقی است و به کشت برنج و بادام زمینی و روغن نخل اختصاص یافته و نواحی خشک‌تر خاوری برای گله‌داری و پرورش چهارپایان به کار می‌رود. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و رودهای مهم آن کوروبال، گبا و کاشئو است. بخش وسیعی از این سرزمین را جنگل‌های بارانی در بر گرفته و بوکسیت و نفت و آهن از مهمترین منابع زیرزمینی آن است. نیاز مبرم به تولید و صدور فرآورده‌های کشاورزی غالباً به قطع و زدایش جنگل‌ها انجامیده و بر وسعت شالیزارها و کشتزارها افزوده است و کمبود مواد سوختی و استفاده از چوب درختان برای تهیهٔ زغال و هیزم، آتش‌سوزی‌های وسیع و غیر قابل کنترلی را موجب گردیده و محیط زیست و حیات وحش را در معرض تهدید قرار داده است. جزایر فراوانی در آبهای ساحلی آن وجود دارد که عمدهٔ آنها مجمع‌الجزایر بیژاگوس را تشکیل داده‌اند و مهمترین و بزرگترین آنها اورانگوگرانده، ژتا، روژا و فورموزا نام دارند.



تاریخچه

این سرزمین در سال ۱۴۴۶ به توسط پرنس هانری، ولیعهد پرتغال کشف شد و با عنوان گینه پرتغال به امپراتوری پرتغال ضمیمه گشت. مدتی از طریق کیپ‌ورد اداره می‌شد. در سده‌های هفدهم و هجدهم از مراکز تجارت و صدور برده بود. جنبش‌های ضد استعماری مردم گینهٔ بیسائو، پس از این که مراحل ابتدایی و مسالمت‌جویانه خود را در دههٔ ۱۹۵۰ طی کرد، در دههٔ ۱۹۶۰ به قیامی مسلحانه تبدیل شد و بخش وسیعی از اراضی آن به توسط حزب افریقایی استقلال گینه و کیپ‌ورد تصرف گردید. این حزب که توسط انقلابیون گینهٔ بیسائو و جزایر کیپ‌ورد توأماً تشکیل یافته بود، رهبری جنبش‌های استقلال طلبانه در هر دو سرزمین را به عهده داشت. در ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۳، حتی پیش از فروپاشی دیکتاتوری حاکم بر پرتغال، به عنوان نخستین مستعمرهٔ پرتغال در افریقا اعلام استقلال کرد و دارای حکومت جمهوری گردید و لوئیس دوآلمیدا کابرال به ریاست جمهوری رسید. شناسایی سریع استقلال گینهٔ بیسائو از سوی سازمان ملل متحد، موجب خشم پرتغال گردید. ژنرال اسپینولا، فرماندهٔ ارتش ۵۵،۰۰۰ نفری پرتغال در گینه هنگامی که متوجه شد کاری در مقابل انقلابیون و استقلال‌طلبان گینه‌ای از دستش برنمی‌آید، به دولت پرتغال پیشنهاد نمود تا سیاست خود را نسبت به گینه تغییر دهد. پیشنهاد مزبور از سوی رژیم دیکتاتوری پرتغال رد شد و به پیدایش انشعاب در ارتش پرتغال و ظهور جنبش افسران در ارتش گردید و در نهایت به سقوط رژیم دیکتاتوری پرتغال، توسط ژنرال اسپینولا، در ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ انجامید و چهار ماه بعد، استقلال گینهٔ بیسائو از سوی دولت جدید پرتغال به رسمیت شناخته شد.

کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ به رهبری ژوائو برناردینو ویئیرا، لوئیس کابرال را سرنگون کرد و خود در رأس یک شورای انقلابی زمام امور کشور را در دست گرفت. دولت جدید ویئیرا بلافاصله از سوی کشور همسایه یعنی جمهوری گینه به رسمیت شناخته شد و مذاکره با کیپ‌ورد برای اتحاد میان دو کشور به تعویق افتاد. تماس میان جمهوری گینه و گینهٔ بیسائو در سپتامبر ۱۹۸۲ به نتیجه رسید و در فوریه سال ۱۹۸۳ هیئت‌های سیاسی میان دو کشور مبادله گردید. در ۱۹۸۴ ساختمان ۵ بندر آغاز گردید و همچنین ساختمان فرودگاه بیسالانکا نیز تکمیل گردید. دولت گینهٔ بیسائو، در اوایل سال ۱۹۸۴ مبارزه گسترده‌ای را با فساد دستگاه اداری آغاز نمود و معاون رئیس جمهور کنار گذاشته شد، کمی بعد، مجلس خلقی پست نخست‌وزیری را نیز حذف کرد و شورای انقلابی به شورای دولتی تبدیل شد. در نوامبر ۱۹۸۴ سرهنگ پائولو کورّئیا نایب رئیس شورای دولتی دست به یک کودتای نافرجام علیه رئیس جمهور زد که دستگیر و اعدام شد. کمیته مرکزی حزب افریقایی استقلال گینه و کیپ‌ورد، در فوریه ۱۹۹۱ اصلاحاتی را در نحوهٔ ادارهٔ امور کشور به عمل آورد و کمی بعد به احزاب مخالف نیز اجازه فعالیت داده شد. در انتخابات ۱۹۹۴ برناردینو ویئیرا، رقیب خود کومبا یالا، از حزب بازسازی اجتماعی را شکست داد و در مقام ریاست جمهوری ابقاء گردید. در ژانویهٔ ۱۹۹۵ پرزیدنت عبدودیوف رئیس جمهور سنگال از گینهٔ بیسائو دیدن کرد و مرز میان گینهٔ بیسائو و سنگال مورد تأیید و تصویب دو کشور قرار گرفت و مناقشات مرزی میان دو کشور پایان یافت. در ۱۹۹۷ کارلوس کورّئیا به نخست‌وزیری منصوب گردید.

در ژوئن سال ۱۹۹۸، ژنرال آنسومانه مانه، به اتهام واگذاری سلاح به جدایی‌طلبان استان کازامانسه سنگال، از کار برکنار گردید. اما سرپیچی وی از این دستور منجر به بروز جنگ داخلی میان نیروهای وفادار به رئیس جمهور و حامیان ژنرال مانه شد. با فروکش کردن درگیری‌ها، در نوامبر همان سال مجلس ملی، از رئیس جمهور خواست استعفاء کند و وی را متهم به قاچاق اسلحه نمود و مانه را از این اتهام مبرا کرد. در ماه مه ۱۹۹۹، ژنرال مانه طی کودتایی قدرت را به دست گرفت و ویئیرا به سفارت پرتغال پناهنده شد و سپس اجازه یافت کشور را به مقصد پرتغال ترک کند. رئیس مجلس ملی، مالام باکائی سانیا به عنوان رئیس جمهور موقت برگزیده شد و سپس در انتخابات ریاست جمهوری که در سال ۲۰۰۰ برگزار گردید کومبا یالا، از حزب بازسازی اجتماعی به پیروزی رسید. دولت ائتلافی احزاب بازسازی اجتماعی و پایداری گینهٔ بیسائو به ریاست کتانو نچاما در ماه مارس ۲۰۰۱ فرو ریخت و فاوستینو ایمبالی جایگزین وی شد. در این سال رئیس جمهور دستور دستگیری و اخراج رهبران گروه اسلامی احمدیه را صادر نمود که این عمل با واکنش‌هایی در میان احزاب سیاسی داخلی مواجه شد و دادگاهی نیز آن را غیر قانونی دانست. در دسامبر همین سال، وزیر کشور، آلامارا نیاسه، جایگزین فاوستینو ایمبالی گردید.



نام رسمی: جمهوری گینه بیسائو

نام محلی: گینه بیسائو Guiné Bissau

اسامی دیگر: گینه پرتغال (نام سابق)

پایتخت: بیسائو (۲۳۳،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۷٤/۹/۱۰، از پرتغال

روز ملی: بیست و چهارم سپتامبر، سالروز اعلام استقلال در سال ۱۹۷۳

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸٤

رئیس حکومت: رئیس جمهور: کومبا یالا (حزب بازسازی اجتماعی)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٥ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آلامارا نیاسه، از دسامبر ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۹؛ مجلس ملی با ۱۰۲ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۹): حزب بازسازی اجتماعی ۳۷ کرسی، حزب پایداری گینه بیسائو ۲۷ کرسی، حزب افریقایی استقلال گینه و کیپ‌ورد ۲٥ کرسی، اتحادیه دموکراتیک ٤ کرسی، سایر احزاب ۹ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷٤)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، فز، ایدب، آلوسیس، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۳٦،۱۲٥ کیلومترمربع (صد و سی و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۱،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و چهل و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۳/۲ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۲/۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۱/۹ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۲۲/۹ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪٤/٦

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱٥ سال ٪٤۲/۷؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۸/۱؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۲٤/٦؛ بالای ٦۰ سال ٪٤/٦

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٪٤۸/٥۲؛ زن ٪٥۱/٤۸ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٥۰/۹ سال؛ مردان ٤٦/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۹/۹ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٥/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان‌درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۱٤/۱ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما مهمترین بیماریهای شایع عبارتند از: سل و بیماریهای دستگاه تنفسی، سیاه‌سرفه، تب حصبه، وبا، اسهال باسیلی و آمیبازیس، مالاریا، عفونت‌های ذات‌الریه و مینگوکوکی. سوء تغذیه نیز در سطح گسترده‌ای شایع است.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٥/۳ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۹۱۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۸۱): ۰/۱ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹٥): قبایل بالانته ٪۳۰؛ فولانی ٪۲۰؛ ماندیاکو ٪۱٤؛ مالینکه ٪۱۳؛ پیل ٪۷ ؛ بقیه ٪۱٦

دین(۱۹۹۱): مسلمان ٪٤٦؛ باورهای قبیله‌ای ٪۳٦؛ مسیحی ٪۱٥ (کاتولیک ٪۱۳)؛ بدون دین ٪۳

زبان و خط: پرتغالی (زبان رسمی)؛ زبانهای بومی از جمله فولانی و ایدیومه؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۷۹): بافاتا ۱۳،٤۲۹ نفر؛ گابو ۷،۸۰۳ نفر؛ مانسوا ٥،۳۹۰ نفر؛ کاتیو ٥،۱۷۹ نفر؛ کانچونگو ٤،۹٦٥ نفر؛ فاریم ٤،٤٦۸ نفر

بنادر مهم: بیسائو (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ (CFAF) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار = ۷٥٤/۲۸ فرانک؛ یک فرانک = ۱۰/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۰/٥ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ کمک‌های خارجی ٪۳۷/۱؛ مالیات بر بازرگانی خارجی ٪۲۱/٦ (شامل عوارض گمرکی ٪۱۲/۹)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۱۹/۸ (شامل جواز ماهیگیری ٪۷/۳)؛ مالیات بر کالا و خدمات ٪۱۰/۷؛ مالیات بر درآمد ٪۸/۲

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۳۰/۲ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ هزینه‌های جاری ٪۷٥/۲ (شامل پرداخت بهرهٔ وامهای خارجی زمان بندی شده ٪۲۷)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪۲٤/۸

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۸٤ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥- ۱۹۷٥): ٪۲/٥؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۱/۲-

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٦۲/٤؛ صنعت ٪۱۲/۷؛ خدمات ٪۲٤/۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۸۷۳/۱ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۹٥/۷+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪-۸/۹

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪٤۱/۸؛ ۱۹۹۸: ٪۷/۷

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): برنج ۱۳۰،۰۰۰ تن؛ میوه نخل روغن ۸۰،۰۰۰ تن؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۷۷،٥۰۰ تن؛ نارگیل ٤٤،۰۰۰ تن؛ جوز کابلی ۳۸،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۳٦،۰۰۰ تن؛ ارزن ۳۰،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۱۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۱۲/۱؛ مرتع و چمنزار ٪۳۸/٤؛ جنگل ٪۳۸/۱؛ سایر موارد ٪۱۱/٤

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ٥۲۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۳٤۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۳۱٥،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۲۸۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٥۸۹،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۷،۲٥۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۸٥۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۸):** ٦٤۸ تن

تولیدات معدنی : شن و ماسه و سنگ‌های ساختمانی

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): چوب آماده شده ۲۱،٤۰۰ تن؛ گوشت تازه خوک ۹،۷۲۰ تن؛ محصولات چوبی ۷،۰۰۰ تن؛ ماهی خشک و دودی ٦،٦۰۰ تن؛ روغن نباتی ٤،۱۰۰ تن؛ گوشت تازه گاو ۳،۸٥۰ تن؛ صابون ۳،۰۰۰ تن؛ پشم حیوانات ۱،۲۷۷ تن؛ لیکور ۱۳،۰۰۰ هکتولیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ٤۰،۱۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ٤۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): صفر (۷٥،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۲): ٤۷۱،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤٦/۹؛ میزان مشارکت: (۱۰ سال به بالا ؛ ۱۹۹۱): ٪٦۷/۱؛ زنان (۱۰ سال به بالا): ٪٤۰/٥؛ میزان بیکاری: ؟

توزیع نیروی کار(۱۹۹٤): کشاورزی ٪۷۷/۲؛ صنعت ٪٤/٥؛ خدمات ٪۱۸/۳

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۷،۲٥۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۹۳/۸؛ نیروی دریایی ٪٤/۸؛ نیروی هوایی ٪۱/٤؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۷ دلار

واردات(۱۹۹۷): ٥۱/۸ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل موادغذایی ٪۳٥/۱ (شامل برنج ٪۲٥)؛ تجهیزات حمل و نقل ٪۱٤/۱؛ سوخت و روغن روانکاری ٪۱۰/۷؛ مصالح ساختمانی ٪۹/٦؛ از کشورهای (۱۹۹۸): هلند ٪۳۸/۸؛ پرتغال ٪۲۷/۸؛ چین ٪۲٤/۸

صادرات(۱۹۹۷): ۲۸/۳ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ شامل جوز کابلی (کاشو) ٪۹٤؛ الوار چوب ٪۱/٦؛ میگو ٪۰/۸؛ کندهٔ درخت ٪۰/۸؛ به کشورهای (۱۹۹٥): هند ٪۸۷/۸؛ پرتغال ٪۱۰/۲؛ فرانسه ٪۱؛ اسپانیا ٪۰/۸

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون فرانک	-۱٥،۹٥۰	-۲٤،٦۸۰	-۲٤،۲۱۰	-۲۳،٥۰۰	-۲۱،٤۰۰	-۲۸،۰۰۰
درصد کل	٪۳۲/٥	٪٥۰/۱	٪٥۲/۳	٪۲۹/۳	٪٤۰/٤	٪۳۱/٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	٦۸/۸	۱۰۰	۱٥۰/۷	۲۲٤/۷	۲۹۳/٤	۲۳٦/۷
شاخص درآمد ماهانه	۹٤/٤	۱۰۰	۹۷	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹٦): ٦/۹ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها: ؟

جهانگردی: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٤،٤۰۰ کیلومتر | **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۷،۱۲۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٥،٦٤۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۳): ۱۹ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۱ روزنامه در ٦،۰۰۰ نسخه (٥/٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٤۹،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون: ؟

تلفن(۱۹۹۸): ۸،۰۷۹ خط تلفن (٦/٦ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٥)	؟	؟	۱۰۰،۳٦۹	؟
متوسطه	؟	؟	۷،۰۰۰	؟
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	؟	؟	؟	؟

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪٥٤/۹؛ مردان: ٪٦۸؛ زنان: ٪٤۲/٥

میزان تحصیلات افراد بالای ۷ سال(۱۹۷۹): ابتدایی ٪۷/۹؛ متوسطه ٪۱؛ عالی ٪۰/۲

تعداد پزشک(۱۹۹۱): ۱۸٤ نفر (هر ٥،٥٥٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۳): ۱،۳۰۰ تخت (هر ۸۳٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۲،۰۰۰ نفر (٪۲/۲٥ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱٥۸/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٤۳۰ کالری (٪۱۰٥ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ٤۹ گرم؛ مصرف چربی: ٦۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/۸-؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۰/٤

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳۳۱ (صد و شصت و نهمین کشور جهان)

لائوس LAOS

لائوس کشوری است محصور در خشکی، واقع در جنوب خاوری آسیا، و محدود میان کشورهای چین و ویتنام در شمال و خاور، کشور کامبوج در جنوب، تایلند در غرب و میانمار (برمه) در شمال غربی.

کشور لائوس که تنها کشور محصور در خشکی شبه جزیرهٔ هندوچین است، سرزمینی است کوهستانی و پوشیده از جنگلهای بارانی. درّهٔ رود مکونگ که نواحی شمالی کشور را از شمال به جنوب می‌پیماید از کشتزارهای برنج مستور است و حدود ۴۰ درصد کشور به دلیل جنگهای ۲۵ ساله، بایر و بی‌استفاده مانده است. اقلیم آن گرم و مرطوب است و نواحی پست آن از دگرگونی‌های جوّی مانند خشکسالی سال ۱۹۷۸ و سیل ویرانگر سال ۱۹۸۸ رنج می‌برد. بلندترین نقطهٔ لائوس کوه پوبیا (۲۸۱۷ متر) است و رودخانه‌های انگوم، چو، کادینگ، بانگیانگ و کونگ در کنار رودخانهٔ عظیم مکونگ (به طول ۴۵۰۰ کیلومتر)، از جمله رودهای مهم آن به شمار می‌رود. زیاده‌روی در استخراج و مصرف آبهای زیرزمینی، بخش وسیعی از کشور را به بیابان‌زایی تهدید کرده و حدود ۷۰ درصد جمعیت نواحی مزبور را وادار به کوچ نموده است.



تاریخچه

در سدهٔ سیزدهم میلادی قوم لائو از جنوب چین به این سرزمین کوچیدند و در حوالی مرز امروزی لائوس و کامبوج سکنی گزیدند. آنان حکومت‌های کوچک و پراکنده‌ای به وجود آوردند و تا قرن چهاردهم که یکی از فرمانروایان برمه‌ای موسوم به سام سن تال اقوام مختلف تای و همچنین حکومت‌های کوچک لائویی را با هم متحد نمود، وضعیت به همین گونه ادامه داشت. سن تال دولت مقتدر لان اکسانگ (سرزمین میلیون‌ها فیل) را تأسیس نمود که در قرن هجدهم به سه دولت چامپاساک، وین‌تیان و لوانگ پرابانگ تقسیم گردید. تای‌ها در قرن نوزدهم این سرزمین را تحت سلطهٔ خود قرار دادند و قیام شاهزاده تیائو آنورونگ در سال ۱۸۲۷ در وین تیان نیز نتوانست کاری صورت دهد. در طی سال‌های ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳، فرانسویان لائوس راتسخیر کردند و آنرا جزء هندوچین فرانسه قرار دادند.

در خلال جنگ جهانی دوم سراسر لائوس توسط قوای ژاپنی اشغال شد و همین امر موجب پیدایش جنبش‌های استقلال‌طلبانه در این سرزمین شد. این جنبشها عمدتاً به رهبری سه شاهزاده جریان داشت: دولت لائوس آزاد در تبعید، به رهبری پتسارات؛ حزب ترقی‌خواه ملی به رهبری سووانا پهوما، و جبههٔ متحد ملی لائوس (نئولائوایسارا) به رهبری تیائو سوپهانووونگ.

در سپتامبر سال ۱۹۴۵، سوپهانووونگ با تشکیل یک دولت موقت پاتت لائو، علیرغم مخالفت سیساوانگ وونگ، پادشاه اسمی لائوس، اعلام استقلال نمود و قانون اساسی لائوس مستقل را نیز به جریان انداخت. کمی بعد در اوایل سال ۱۹۴۶، فرانسه اقدام به اشغال لائوس نمود و دولت موقت به تایلند پناهنده شد. رهبران این دولت شروع به سازماندهی مقاومت ملی بر علیه استعمارگران نمودند و جنبش لائوس آزاد در داخل کشور فعال شد. در ژوئیه ۱۹۴۹، دولت فرانسه طی موافقتنامه‌ای استقلال لائوس را به عنوان بخشی از جامعهٔ فرانسه به رسمیت شناخت، اما رهبران پاتت لائو آن را نپذیرفتند و به مبارزات خود ادامه دادند. در پی پیروزی‌های نظامی پاتت لائو، دولت فرانسه در سال ۱۹۵۳ موافقتنامه دیگری را با دولت مرکزی منعقد نمود و استقلال کامل آن را تضمین نمود. اما مخالفت‌های گروه چپگرای پاتت لائو با دولت مرکزی همچنان ادامه یافت و به جنگ داخلی گسترده‌ای مبدل شد. چریک‌های پاتت لائو با پشتیبانی ویتنام شمالی دو استان شمالی کشور را در اختیار گرفتند و شروع به توسعه قلمرو خود نمودند. در ۱۹۵۵ میان رهبران پاتت‌لائو و دولت مرکزی لائوس موافقت‌نامه‌ای امضاء شد و قرار بر آن گردید تا از ادامهٔ جنگ و خونریزی خودداری شود، معذالک جنگ داخلی ادامه یافت.

پس از انتخابات مه ۱۹۵۸ که در آن دست چپی‌ها پیروز شدند سووانا پهوما به نخست‌وزیری رسید و سوپهانووونگ به عنوان وزیر برنامه‌ریزی انتخاب شد. این امر، موجبات نگرانی دولت امریکا را فراهم آورد و به سختی در مقابل این تحولات ایستادگی کرد و تهدید به قطع کمکهای اقتصادی خود به لائوس نمود و ضمن یک حملهٔ نظامی علیه پاتت لائو، سوپهانووونگ را وادار کرد تا به جنگل پناه ببرد و از آنجا علیه دولت مرکزی به مبارزه بپردازد. در سال ۱۹۵۹ ارتش بر نواحی تحت کنترل پاتت‌لائو تسلط یافت و دامنهٔ فعالیت آن را به استانهای استراتژیکی شمالی و دشت مرکزی جار محدود ساخت. در همین سال سیساوانگ وونگ پادشاه لائوس درگذشت و پسرش ساوانگ واتهانا جانشین وی شد. در دسامبر ۱۹۶۰ ژنرال پهومی نوساوانگ شهر وین‌تیان را تصرف کرد و نیروهای پاتت‌لائو را از آنجا به بیرون راند. در عملیات هوایی علیه پاتت‌لائو حدود ۱۵۰۰ نفر کشته شدند و دولت‌های امریکا و تایلند اقدامات ضد کمونیستی ژنرال پهومی نوساوانگ را مورد تأیید قرار دادند. در ۱۹۶۱ بریتانیا و اتحاد شوروی در مورد سرنوشت لائوس مذاکراتی انجام دادند و در ژانویهٔ ۱۹۶۲ موفق به امضاء قراردادی برای تشکیل یک دولت متحد ملی گردیدند.

دخالت امریکا در جنگ لائوس موجب گردید که در سال ۱۹۷۰ روزانه حدود ۵۰۰ مأموریت هوایی روی مناطق تحت نفوذ کمونیست‌های پاتت‌لائو انجام شود. کشور لائوس به مدت ۹ سال هدف بمباران‌های هوایی امریکا قرار داشت و به یکی از صحنه‌های جنگ هندوچین مبدل گردید و خسارات جانی ومالی فراوانی را تحمل نمود. در ۱۹۷۳ پاتت‌لائو آمادگی خود را برای مذاکرات صلح و خلع سلاح اعلام نمود و دولت وین‌تیان نیز موافقت نمود تا شماری از اعضای حزب پاتت‌لائو را در هیئت دولت شریک نماید و ریاست هیئت دولت را سووانا پهوما عهده‌دار گردد. پس از شکست امریکا در جنگ ویتنام و خروج آن از ویتنام، دست راستی‌های لائوس، حمایت دولت امریکا را از دست دادند و در دوم دسامبر سال ۱۹۷۵ دولت پادشاهی لائوس سرنگون شد و جمهوری دموکراتیک خلق لائوس تأسیس گردید و سوپهانووونگ به ریاست جمهوری رسید. دولت جدید بانک‌ها را ملی، و بخش دولتی را تجدید سازمان کرد. محصول برنج از ۷۰۰,۰۰۰ تن در سال ۱۹۷۶ به ۱,۲۰۰,۰۰۰ تن در ۱۹۸۱ افزایش یافت. در انتخابات ۱۹۸۶ پهومی ونگویچیت به ریاست جمهوری رسید.

در پایان سال ۱۹۸۷ جنگ خونینی میان لائوس و تایلند بر سر مسائل مرزی به وقوع پیوست و به قیمت جان افراد بسیاری تمام شد. در ۱۹۸۸ روابط سیاسی با چین دوباره برقرار شد و در ۱۹۸۹ قرارداد همکاری با امریکا به امضاء رسید و مبلغ ده میلیون دلار برای مبارزه با کشت و قاچاق تریاک، از سوی امریکا به لائوس پرداخت شد. در ۱۹۹۱ وضع نابسامان اقتصادی لائوس با وقوع سیل و هجوم آفات نباتی به وخامت گرایید و یک چهارم زمین‌های زیر کشت لائوس از بین رفت و دولت ناگزیر گردید که بیش از ۲۰۰,۰۰۰ تن برنج از خارج وارد کند. در سپتامبر ۱۹۹۲ کایسون پهومویهان هفتاد ساله به ریاست جمهوری رسید. وی در سال ۱۹۹۳ درگذشت و خامتای سیپهاندون که سمت نخست‌وزیری را بر عهده داشت، موقتاً عهده‌دار ریاست جمهوری گردید. در فوریهٔ ۱۹۹۳ نوهاک پهومساوان به ریاست جمهوری منصوب گردید. در ۱۹۹۳ به شاهزاده سووانا پهوما اجازه داده شد تا به لائوس بازگردد، بدون این که در فعالیت‌های سیاسی شرکت کند.

یکی از تهدیدهای زیست محیطی لائوس، زدایش جنگل‌ها و تبدیل درختان جنگلی به الوار است. حجم درختان قطع شده در سال ۱۹۶۴ رقمی برابر ۶۰۰۰ مترمکعب را نشان می‌داد، حال آن که این رقم در سال ۱۹۹۳ به ۶۰۰,۰۰۰ مترمکعب افزایش یافته است. آمار مزبور دولت لائوس را وادار ساخت تا جلوی قطع درختان جنگلی را بگیرد و در نتیجه چوب‌بری قاچاق رواج یابد. در هشتم آوریل ۱۹۹۴ پل دوستی بر روی رودخانهٔ مکونگ افتتاح گردید و لائوس و تایلند را به هم مربوط ساخت. در سال ۱۹۹۵ لائوس آمادگی خود را برای پیوستن به سازمان آسه‌آن به صورت یک عضو دائم اعلام داشت. در فوریهٔ ۱۹۹۸ خامتای سیپهاندون به ریاست جمهوری و سیساوات کئوبونپهان به نخست‌وزیری لائوس منصوب شدند.

هفتمین کنگرهٔ حزب انقلابی خلق لائوس که در دوازدهم مارس ۲۰۰۱ برگزار شد، علیرغم برخی انتظارات، هیچ رفرم جدیدی را مطرح نکرد. در بیست و هفتم همین ماه، مجلس ملی با برکناری سیساوات کئوبونپهان از پست نخست‌وزیری، بونگنانگ ووراچیت را جایگزین وی نمود. کئوبونپهان علیرغم برکناری از نخست‌وزیری، عضویت خود در نهاد قدرتمند دفتر سیاسی را حفظ نمود.



نام رسمی: جمهوری دموکراتیک خلق لائوس

نام محلی: لائو Lao

اسامی دیگر: -

پایتخت: وین‌تیان (۵۲۸،۱۰۹ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۵۳/۱۰/۲۳ ، از فرانسه

روز ملی: دوم دسامبر، سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک خلق در سال ۱۹۷۵

نوع حکومت: جمهوری تک حزبی خلق با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۵

رئیس حکومت: رئیس جمهور: خامتای سیپهاندون (دبیر کل حزب انقلابی خلق)، از سال ۱۹۹۸ توسط مجلس ملی

رئیس دولت: نخست‌وزیر: بونگنانگ ووراچیت، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱؛ مجلس ملی با ۱۰۹ عضو به مدت ۵ سال؛ طبق قانون اساسی لائوس، «حزب انقلابی خلق» تنها حزب قانونی کشور به شمار می‌رود و تقریباً تمام کرسی‌های مجلس ملی نیز در اختیار آن قرار دارد. در انتخابات سال ۱۹۹۷ تنها ۳ کرسی و در انتخابات سال ۲۰۰۲ فقط یک کرسی نصیب افراد غیر حزبی گردید.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵): اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی (عضو ناظر)، آدب، آسه‌آن، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۲۳۶،۸۰۰ کیلومترمربع (هشتاد و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۵،۴۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۲/۸ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۶٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۹/۷ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۲/۳٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۵/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۶): زیر ۱۵ سال ۴۴/۲٪ ؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۵/۴٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۴/۷٪؛ بالای ۶۰ سال ۵/۷٪

توزیع جنسی (۱۹۹۶): مرد ۴۹/۴۲٪؛ زن ۵۰/۵۸٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۵۵ سال؛ مردان ۵۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۸/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۹۰ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۵/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: (آمار ناقص سال ۱۹۹۰): مالاریا ۷/۶ نفر؛ ذات‌الریه ۳ نفر؛ منتزیت ۱/۵ نفر؛ اسهال ۱/۲ نفر؛ سل ۰/۸ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۶ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۶۵۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): لائولوم ۵۳٪ ؛ لائوتنونگ ۲۳٪؛ لائوتای ۱۳٪؛ لائوسونگ ۱۰٪؛ بقیه (عمدتاً چینی و ویتنامی) ۱٪

دین(۱۹۸۰): بودائی ۵۷/۸٪؛ مذاهب بومی ۳۳/۶٪؛ مسیحی ۱/۸٪ (کاتولیک ۰/۸٪ ؛ پروتستان ۰/۲٪)؛ مسلمان ۱٪

زبان و خط: لائوسی؛ خط: لائوسی

شهرهای مهم(۱۹۸۵): ساواناخت ۹۶،۶۵۲ نفر؛ لوانگ پرابانگ ۶۸،۳۳۹ نفر؛ پاکسه ۴۷،۳۲۳ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کیپ (KN)= ۱۰۰ آت؛ یک دلار = ۷،۵۶۵ کیپ، صد کیپ = ۱۰۵/۷ ریال

درآمد بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۱،۳۱۲/۱ میلیارد کیپ؛ مالیات‌ها ۵۲/۳٪ ؛ کمک‌های خارجی ۳۷٪؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۱۰/۷٪

هزینه بودجه(۹۹-۱۹۹۸): ۱،۶۸۵/۱ میلیارد کیپ؛ هزینه‌های جاری ۳۱/۸٪؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۶۸/۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،۵۸۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۶/۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۵۲/۶٪ ؛ صنعت ۲۲٪؛ خدمات ۲۵/۴٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ٤۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،۳۷۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۸۱/٤+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۳/۷٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۶/۳٪؛ ۱۹۹۸: ۸٤٪؛ ۱۹۹۹: ۱۳۰/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): برنج ۲،۱۰۳،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۱۷٤،۰۰۰ تن؛ ذرت ۹۶،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۸۱،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۷۰،۰۰۰ تن؛ آناناس ۳٤،۰۰۰ تن؛ صیفی‌جات ۳۳،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۳۳،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۲۸،۰۰۰ تن؛ پنبه‌دانه ۲۶،۰۰۰ تن؛ موز ۲۲،۰۰۰ تن؛ قهوه ۱۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۳/۹٪؛ مرتع و چمنزار ۳/۵٪؛ جنگل ۵٤/٤٪؛ سایر موارد ۳۸/۲٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۱،۹۳۷،۰۰۰ رأس؛ گاومیش آسیائی ۱،۲۸۶،۰۰۰ ؛گاو ۱،٤۹۷،۰۰۰؛ بز ۲۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤،۵۹۱،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٤۰،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۳،۸۸۲،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۸،۵۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): گچ ۱٤۵،۰۰۰ تن؛ سنگ نمک ۱۸،۰۰۰ تن؛ قلع ۶۱۸ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): مواد پلاستیکی ۳،۲۲۵ تن؛ دخانیات ۱،۰۰۰ تن؛ مواد شوینده ۹۱۲ تن؛ میخ ۶۲٤ تن؛ پوشاک ۲۳،۰۰۰،۰۰۰ دست؛ سیگار ۵۵،۰۰۰،۰۰۰ بسته؛ آبجو ۳۳۲،۰۰۰ هکتولیتر؛ نوشابهٔ غیر الکلی ۱۲۵،۰۰۰ هکتولیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۶): ۱،۲۹٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۵۱۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱،۰۰۰ تن (۱،۰۰۰)؛ نفت خام: ؟ (؟) ؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۱۰۷،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: ؟ (؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۸۹): ۱،۸۸۸،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۹٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤؛ ۱۹۸۵): ۸٤/۲٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٤۵/۳٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹٤): ۲/۶٪؛ ۲۰۰۰: حدود ۲۰٪

توزیع نیروی کار(۱۹۸۹): کشاورزی ۷۲٪؛ صنعت و خدمات ۲۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲۹،۱۰۰ نفر ؛ نیروی زمینی ۸۵/۹٪؛ نیروی دریایی ۲/۱٪؛ نیروی هوایی ۱۲٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۱۲ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۵۵۲/۸ میلیون دلار؛ شامل کالاهای مصرفی ٤۲/۳٪؛ کالاهای سرمایه‌ای ٤۱٪ (شامل تجهیزات برقی و ساختمانی ۱٤/۷٪؛ وسیله نقلیه ۷/۱٪)؛ مواد برای تهیهٔ لباس ۱۲/۱٪؛ از تایلند ۵۲٪؛ ویتنام ۳/۹٪؛ ژاپن ۱/۶٪؛ هنگ‌کنگ ۱/۵٪؛ چین ۰/۸٪

صادرات(۱۹۹۸): ۳۶۹/۵ میلیون دلار؛ شامل تولیدات چوبی ۳٤/۳٪؛ پوشاک ۲۰/۸٪؛ برق ۱۸٪؛ قهوه ۱٤/۳٪؛ به کشورهای (۱۹۹۷) ویتنام ٤۲/۷٪؛ تایلند ۲۲/۱٪؛ فرانسه ۶/۳٪؛ بلژیک ۵/۶٪؛ آلمان ۵/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	۱۷۹-	۲۶۳/۷-	۲۳۹/۳-	۳۶۶/۸-	۳٤۷-	۱۸۳/۳-	۲۱٤-
درصد کل	۲۷/۸٪	۳۰/۵٪	۲۵/۶٪	۳۶/۲٪	۳۲/۶٪	۱۹/۹٪	۲۵/۶٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۸/۳	۸۳/۶	۱۰۰	۱۱۳	۱٤٤/۱	۲۷۵/۲	۶۲۸/۷
شاخص درآمدها	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۵): ۶٪؛ درآمد هر خانوار: ۳،۷۱۰ کیپ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها: ؟

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۷۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۲۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۲۲،۳۲۱ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۱۶،۳۲۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ٤،۲۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۶):** ۱۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۶): ۳ روزنامه در ۱۸،۰۰۰ نسخه (٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۸۸ عنوان در ۹۹۵،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۱،۳۰۶/۸ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۷۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱٤۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۵۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۸،٤۷۲ خط (۵/۵ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۶،٤۵۳ خط (۱/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۵،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۷،۸۹۶	۲۵،۸۳۱	۷۸۶،۳۳۵	۳۰/٤
متوسطه	۷۵۰	۱۰،۷۱۷	۱۸۰،۱۶۰	۱۶/۸
فنی و حرفه‌ای	۱۳۹	۱،۶۰۰	۹،٤۰۰	۵/۹
عالی	۹	۱،۳۶۹	۱۲،۷۳۲	۹/۳

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۵۶/۶٪؛ مردان: ۶۹/٤٪؛ زنان: ٤٤/٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۶ سال(۱۹۸۵): ابتدایی ٤۱/۲٪؛ متوسطه ۹/۱٪؛ عالی ۰/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۳،۱۰۰ نفر (هر ۱،۵۶۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۰): ۱۰،۳۶٤ تخت (هر ٤۰۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱،۱۰۰ نفر (۰/۰٤٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۲،۱۷۵ کالری (۹۸٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۲ گرم؛ مصرف چربی: ۲۶ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۲٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۳ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۸٤ (صد و چهلمین کشور جهان)

لاتویا (لتونی) LATVIA

کشور لاتویا در اروپای خاوری و ساحل خاوری دریای بالتیک جای دارد که سابقاً در زبان فارسی به آن لتونی گفته می‌شد. این کشور از شمال به استونی، از خاور به روسیه، از جنوب خاوری به کشور روسیه سفید(بیلاروس)، از جنوب به لیتوانی و از غرب و شمال غربی به خلیج ریگا و دریای بالتیک محدود است. سرزمینی است کمابیش هموار با تپه‌ماهورهای ملایم پوشیده از جنگل با ارتفاع حداکثر ۳۱۰ متر (کوه گایزینا) و دریاچه‌های متعدد مانند لوباناس و رودخانه‌هایی چون دائوگاوا (دوینای غربی)، گائویا، ونتا و لیلوپه که به دریای بالتیک می‌ریزند. خلیج ریگا در ساحل شمالی آن جای دارد و کرانه‌های آن که طولش به حدود ۵۰۰ کیلومتر می‌رسد بندرگاهها و پلاژهای زیبایی را در خود جای داده است.

حاصلخیزترین قسمت کشور که جلگهٔ زمگاله نام دارد و در نواحی جنوبی و مشرف به مرزهای لیتوانی واقع است به کشت سیب‌زمینی، غلات و چغندرقند اختصاص یافته است و اراضی نسبتاً مرتفع‌تر آن که حدود ۴۰ درصد خاک کشور را شامل گردیده نواحی غربی و شمالی کشور را زیر پوشش قرار داده و تا مرزهای کشور استونی ادامه یافته است. اقلیم آن مرطوب و سرد است. تابستانهای آن کوتاه و بارانی است و میانگین دمای آن به ۱۷ درجه سانتیگراد می‌رسد. زمستانهای آن که از دسامبر تا ماه مارس به درازا می‌کشد، همواره از دمای زیر صفر (گاه تا ۴۰ درجه زیر صفر) برخوردار است و دوسوم اراضی قابل کشت آن عمدتاً به زراعت غلات اختصاص یافته و بقیه به صورت چراگاه و برای پرورش دام و چهارپایان به کار رفته است. تخلیهٔ فاضلاب‌های صنعتی و آلودگی آبهای جاری و همچنین آلودگی آب خلیج ریگا بزرگترین مسئلهٔ زیست محیطی این کشور به شمار می‌آید.

مردم لاتویا و لیتوانی دو تیره از اقوام هند و اروپایی بالتیک هستند که زبان خاص و فرهنگ ویژه‌ای دارند و از ژرمن‌ها و اسلاوها کاملاً متمایزند. تیرهٔ لاتویایی حدود ۵۸ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و روس‌ها، بیلاروس‌ها، اوکراینی‌ها، لهستانی‌ها، لیتوانیایی‌ها و استونیایی‌ها بقیه جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند.



تاریخچه

نخستین ساکنان لاتویا را اقوام شکارچی و ماهیگیر و دانه جمع‌کن‌هایی تشکیل می‌دادند که بعد از آخرین عصر یخبندان و حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به این سرزمین وارد شده و در جنگلهای ساحلی آن سکنی گزیده‌اند. بعدها آنان به وسیلهٔ اقوام هند و اروپایی بالتیکی جایگزین گردیدند. آنان کشاورزی را رواج دادند و نواحی لاتویا، لیتوانی و پروس خاوری را برای سکونت برگزیدند و در سده‌های اول و دوم میلادی با رومیان ارتباط برقرار ساختند. با پیدایش قوم اسلاو، آنان به همسایگان شمالی خود متوجه شدند و با اسکاندیناویایی‌ها رابطه برقرار کردند. در سده‌های دهم و یازدهم هنگامی که قدرت‌هایی چون سوئد و روسیه در استپ‌های اروپای خاوری به رقابت برخاستند لاتویا میان آنان دست به دست گشت و در سدهٔ دوازدهم میلادی مورد تهاجم جنگجویان ژرمن قرار گرفت.

در ۱۲۳۷ قبایل لاتویا و استونی تحت فشار ژرمن‌ها به آیین مسیح گرویدند و سپس به عضویت کنفدراسیون لیوونیا درآمدند. در این دوران کشاورزان و دهقانان به شدت تحت ستم قرار گرفتند و اشراف و زمین‌داران محلی به کلی مطیع شدند یا این که آلمانیها جای آنها را گرفتند. اشراف آلمانی تا قرن‌ها حاکمیت و فرهنگ خاص خود را در این نواحی حفظ کردند. با سر آمدن دوران سلطهٔ سیاسی آلمانی‌ها، این سرزمینها به نوبت تحت حاکمیت لهستان، سوئد و روسیه قرار گرفت و در ۱۵۶۱ بخش جنوبی لیوونیا ضمیمهٔ خاک لهستان شد. در سال ۱۶۲۹ سوئدی‌ها بر آن نواحی دست یافتند و در سال ۱۷۲۱ روس‌ها جای سوئدی‌ها را گرفتند. هنگامی که طی سالهای ۱۷۷۲ و ۱۷۹۵ لهستان تجزیه گردید، نواحی لاتگاله و کورلاند به روسیه پیوست و در سال ۱۸۸۵ زبان روسی به جای زبان آلمانی رواج و رسمیت یافت. الکساندر اول امپراتور روس در آغاز سدهٔ نوزدهم به کشاورزان لاتویا آزادی فردی داد و سرف‌داری را لغو نمود. در جنگ جهانی اول، لاتویا به مدت سه سال در اشغال آلمان قرار داشت و بیش از نیمی از جمعیت آن کشته شدند و یا به سایر نواحی مهاجرت کردند.

در سال ۱۹۱۸ دولت روسیه که گرفتار انقلاب بلشویکی شده بود و با مسائل داخلی فراوانی درگیر بود، از دعاوی خود نسبت به مالکیت بر جمهوری‌های بالتیک از آن جمله لاتویا صرفنظر کرد و آنها را به دولت آلمان واگذار نمود. با شکست آلمان‌ها در جنگ جهانی اول، نیروهای بلشویکی مجدداً لاتویا را تسخیر نموده و در سال ۱۹۲۰ استقلال لاتویا را به رسمیت شناختند و حکومت جمهوری در آن سرزمین اعلام گردید. در سال ۱۹۳۹ پروتکل محرمانه‌ای میان اتحاد شوروی و آلمان نازی منعقد گردید و کشورهای ناحیهٔ بالتیک و از آن جمله لاتویا به اتحاد شوروی واگذار شد. شوروی‌ها پایگاههای نظامی چندی در لاتویا احداث کردند و در ۱۹۴۰ رسماً آنجا را به اشغال نظامی خود درآوردند. سپس دولتی متمایل به شوروی در آنجا بر سر کار آوردند و جمهوری شوروی سوسیالیستی لاتویا را تأسیس کردند. جمهوری مزبور که به وسیلهٔ دست‌نشاندگان اتحاد شوروی اداره می‌شد، خواهان الحاق کشور خود به اتحاد شوروی شد. این پیشنهاد از سوی اتحاد جماهیر شوروی استقبال گردید ولی مورد تأیید دولت امریکا قرار نگرفت. پس از حملهٔ آلمان نازی به شوروی، لاتویا به تصرف ارتش آلمان درآمد و همراه با لیتوانی و استونی و بیلاروس (روسیهٔ سفید)، استان اوستلاند را تشکیل دادند. با عقب‌نشینی آلمان‌ها در سال ۱۹۴۴ لاتویا دوباره به تصرف ارتش سرخ درآمد و به جزئی از خاک اتحاد شوروی مبدل گردید.

با روی کار آمدن گورباچف و اعلام سیاست فضای باز در سال ۱۹۸۷، و در نخستین انتخابات آزاد لاتویا پس از جنگ جهانی دوم که در ماههای مارس و آوریل ۱۹۹۰ برگزار گردید جبههٔ خلق لاتویا پیروز شد و رهبر آن آناتولیس گوربونوس به ریاست جمهوری رسید. در چهارم ماه مه ۱۹۹۰ شورای عالی لاتویا غیر قانونی بودن اشغال لاتویا توسط اتحاد جماهیر شوروی را اعلام داشت و در همه‌پرسی مارس ۱۹۹۱ اکثریت رأی دهندگان به اصل استقلال لاتویا رأی مثبت دادند. پس از شکست کودتای مسکو، لاتویا در ۲۱ ماه اوت استقلال کامل خود را اعلام داشت و از سوی اتحاد جماهیر شوروی مورد تأیید قرار گرفت.

حضور شمار زیادی از روس‌ها در لاتویا که حتی در بعضی شهرها نسبت به لاتویایی‌ها اکثریت دارند، مشکل اجتماعی و سیاسی بزرگی برای این کشور ایجاد کرده که هنوز کمابیش وجود دارد و دولت را وادار ساخته تا قانون تابعیت جدیدی برای کشور تدوین و به مورد اجرا گذارد. در سپتامبر ۱۹۹۳ پاپ جان پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان از لاتویا دیدن کرد و در ژوئن همان سال گونتس اولمانیس از سوی پارلمان لاتویا به ریاست جمهوری منصوب شد و انتصاب وی در ژوئن ۱۹۹۶ مجدداً مورد تأیید قرار گرفت. در همان سال روابط لاتویا و روسیه با وجود اختلافات مرزی، بهبود یافت. در ژوئیه ۱۹۹۷ گونتارس کراست به نخست‌وزیری منصوب گردید. در فوریهٔ ۱۹۹۸ قانون تابعیت جدیدی به تصویب رسید و طی آن به اشخاصی که حداقل از سال ۱۹۹۱ به طور دائم در آن کشور ساکن بوده‌اند، اجازهٔ تابعیت داده شد. تصویب این قانون مشکل اقلیت‌های روسی را برطرف کرده و تا حدّی به بحران اجتماعی آن پایان داد.

در آوریل سال ۱۹۹۸، یوریس دالبینش، فرماندهٔ کل ارتش لاتویا در یک گردهمایی نیروهای پیشین اس اس لاتویا که در کنار نیروهای آلمان نازی بر علیه قوای شوروی جنگیده بودند، شرکت کرد. دو هفتهٔ بعد رئیس پلیس شهر ریگا به علت عدم اتخاذ پیشگیری‌های ضروری برای جلوگیری از حمله به یک کنیسه یهودیان، از کار برکنار شد. با برگزاری یک همه‌پرسی در ماه اکتبر، شرط دانستن زبان لاتویایی از قوانین تابعیت حذف شد. آوریل سال بعد نیز یک کمیسیون دولتی پیشنهاد کرد که به هر شهروند غیر لاتویایی که حاضر به ترک این کشور شود، مبلغ ۲,۰۰۰ دلار پرداخت شود. در تابستان سال ۲۰۰۱ جشن‌های مفصلی به مناسبت هشتصدمین سال تأسیس ریگا در این شهر برگزار گردید. در همین سال اتحادیه اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا اعلام کردند که لاتویا تمام موارد مربوط به رعایت حقوق اقلیت‌ها را مراعات نموده و دفاتر نظارتی خود در این کشور را تعطیل می‌کنند. بدین ترتیب راه برای عضویت این کشور در اتحادیه اروپا تا حد زیادی هموار شده است.



نام رسمی: جمهوری لاتویا

نام محلی: لاتویا Latvija

اسامی دیگر: لتونی (نام فرانسوی آن که قبلاً در ایران مصطلح بوده)

پایتخت: ریگا (۷۵۵،۶۰۰ نفر در سال ۲۰۰۱)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۸/۲۱، از شوروی

روز ملی: هجدهم نوامبر، سالروز اعلام جمهوری در سال ۱۹۱۸

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: خانم وایرا ویکه فریبرگا، از سال ۱۹۹۹ به مدت ٤ سال توسط پارلمان

رئیس دولت: نخست‌وزیر: اینارس ریپسه (عصر جدید)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲ با تغییراتی در سال ۱۹۹۷؛ پارلمان (سائیما) با ۱۰۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های پارلمان (۲۰۰۲): عصر جدید ۲۶ کرسی، ائتلاف دفاع از حقوق بشر در لاتویای متحد (شامل حزب هارمونی مردم و حزب سوسیالیست) ۲٤ کرسی، حزب مردم ۲۱ کرسی، اتحاد سبزها و کشاورزان ۱۲ کرسی، اولین حزب لاتویا ۱۰ کرسی، اتحاد برای میهن و آزادی ۷ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، اوسه

جمعیت

مساحت: ٦٤،٦١۰ کیلومترمربع (صد و بیست و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۲،٤۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و سی و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۷/۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪-۱/۵

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۷۳/۷ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪-۰/۲

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ٪۱۸/۵ ؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۱؛ ۵۹-۳۰ سال ٪٤۰/۲؛ بالای ٦۰ سال ٪۲۰/۳

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤٦/۳۲؛ زن ٪۵۳/٦۸ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۷۵/۵ سال؛ مردان ٦٤/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۷/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۷/۵ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۱۵ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ٦/۵- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بیماریهای دستگاه گردش خون ۷۷۵/٦ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۳۱/۸ نفر؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ۱٦۱/۸ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ٤۲/۲ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٤۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۹): ۳/۹ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۹):** ۲/۵ مورد

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): لاتویایی ٪۵۷/٦؛ روس ٪۲۹/٦؛ بیلاروس ٪٤/۱؛ اوکراینی ٪۲/۷؛ لهستانی ٪۲/۵؛ لیتوانیایی ٪۱/٤

دین(۱۹۹۵): مسیحی٪۳۹/٦ (پروتستان٪۱٦/۷؛ کاتولیک٪۱٤/۹؛ارتدوکس٪۰/۸)؛یهودی٪۰/٦؛ بقیه عمدتاً بدون‌دین٪۵۹/۸

زبان و خط: لاتویایی (زبان رسمی)؛ روسی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): دائوگاوپیلس ۱۱٤،۸۲۹ نفر؛ لیپایا ۸۹،٤۳۹ نفر؛ یلگاوا ٦۳،۲٦۹ نفر؛ یورمالا ۵۵،٦۷۱ نفر؛ ونتسپیلس ٤۳،۸۹۱ نفر؛ رزکنه ۳۹،٤٦۲ نفر

بنادر مهم: ریگا (رود دائوگاوا، خلیج ریگا، دریای بالتیک)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لاتس (LS)= ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۰/٦۲ لاتس؛ یک لاتس = ۱۲،۹۰۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱،۵۷۷/٤ میلیون لاتس؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ٪۲۷/۱؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪۲۰/۱؛ مالیات بر درآمد افراد ٪۱۳/۹؛ مالیات بر مصرف ٪۱۰/۷؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۱۰/۱

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱،۵۷۲/۳ میلیون لاتس؛ تأمین رفاه اجتماعی ٪۳٤/۳؛ آموزش ٪۱۵/۷؛ بهداشت ٪۹/٤؛ پلیس ٪۵/۸؛ دفاع ٪۲/٤

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۵،۹۱۷ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲،٤۲۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۳/۵؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪-٦/٦

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٤/۷؛ صنعت ٪۲۹/٤؛ خدمات ٪٦۵/۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۲۷٤ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٤۱۳/۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۹٦/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۹/۸

نرخ تورم: (میانگین ۹۸-۱۹۹۰): ٪۷۱/۱؛ ۱۹۹۸: ٪۱۱/۳؛ ۲۰۰۰: ٪۲/٦

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): علف برای خوراک دام و دامداری ۱۳،۸۰۰،۰۰۰ تن؛ علوفه خشک ۱،۳۵۵،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۷۹۵،۵۰۰ تن؛ چغندرقند ٤۵۱،۵۰۰ تن؛ گندم ۳۵۱،۹۰۰ تن؛ جو ۲۳۲،٦۰۰ تن؛ چاودار ۸۸،۷۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۲۷؛ مرتع و چمنزار ٪۱۲/٤؛ جنگل ٪٤٤/٤؛ سایر موارد ٪۱٦/۲

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ٤۰۳،٤۰۰ رأس؛ گاو ۳۷۵،۷۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۰،۰۳۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۰٦،۰۲۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲،۷۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۷،۲۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): تورب ۱۷۱،۷۰۰ تن؛ گچ ۱۱۹،۱۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون لاتس): نوشیدنی الکلی ۵۸/۷؛ فرآورده‌های شیلاتی ۳۲/۸؛ فرآورده‌های لبنی ۲٦/۹؛ فرآورده‌های نانی ۲٦/٤؛ الوار چوب ۲۳/۳؛ پوشاک ۲۰/۵؛ تخته چندلا و روکش چوب ۲۰/۵

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۵،۷۹۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۵،۱۳۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (۲۹۳،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر(صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر(۲،۰۷۹،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(۹۳۸،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۱،۱۸٦،۱۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۸/۲؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٪۷۰/۲ ؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٪٤۸/۱؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٪۷/٦

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۱۸؛ صنعت ٪۲٤؛ خدمات ٪۵۸

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۳،٦۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۰/۹؛ نیروی دریایی ٪۲۳/۳؛ نیروی هوایی ٪۵/۸؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۳۹ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۸۸۱ میلیون لاتس؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات ٪۲۰/۵؛سوختهای معدنی ٪۱٤؛ مواد شیمیایی ٪۱۱/۱؛ وسایل نقلیه ٪۱۰/٤؛ مصنوعات فلزی ٪۸/٤؛ از آلمان ٪۱٦/۸؛ روسیه ٪۱۱/۸؛ فنلاند ٪۹/۵؛ سوئد ٪۷/۲؛ استونی ٪٦/٦

صادرات(۱۹۹۸): ۱،۰٦۹ میلیون لاتس؛ شامل چوب و فرآورده‌های کاغذی ٪۳۳/۵؛ منسوجات و لباس ٪۱٦/۱؛ غذا و نوشیدنی ٪۹/۸؛ مصنوعات فلزی ٪۹/۸؛ به آلمان ٪۱۵/٦؛ انگلستان ٪۱۳/۵؛ روسیه ٪۱۲/۱؛ سوئد ٪۱۰/۳؛ لیتوانی ٪۷/٤

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون لاتس	۳۷+	۱٤۲-	۲۳۵-	٤۲۸-	۵٤۱-	۷۲۷-	٦٤٤-
درصد کل	٪۲/۸	٪۱۱/٤	٪۱٤/٦	٪۲۱/۲	٪۲۱/۸	٪۲۵/٤	٪۲۵/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۰	۱۰۰	۱۱۷/٦	۱۲۷/۵	۱۳۳/٤	۱۳٦/٦	۱٤۰/۷
شاخص درآمد سالانه	۸۰/٦	۱۰۰	۱۱٤/۹	۱۳۹/۷	۱٤۸/۹	۱۰۷/۵	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹٦): ۲/۷ نفر؛ درآمد خالص سالانه هر خانوار (۱۹۹٦): ۱،٦۵۹ لاتس؛ منابع درآمد (۱۹۹۸): دستمزد و حقوق ٪۵۵/۸؛ حقوق بازنشستگی و انتقالی‌ها ٪۲۵/۷؛ کار آزاد ٪۹/۵؛ هزینه‌ها (۱۹۹۸): غذا، نوشیدنی و دخانیات ٪٤٦/٤؛ مسکن و سوخت ٪۱٦/٦؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۹/۸؛ پوشاک ٪٦/۹

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۱۱۸ میلیون دلار؛ هزینه جهانگردان در خارج: ۲٦۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۵۵،۹٤۲ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۲،٤۱۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ٤۳۱،۸۱٦ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۹۵،۳۲۹ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۲٦۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۱ فرودگاه با برنامه منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۲٤ روزنامه در ٦۱٦،۰۰۰ نسخه (۲٤٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۲۱۳ عنوان در ۱،٦٦۰،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱،۹٦۵ عنوان در ۷،۷۳٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۳،۹۳۵/۸ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۷٦۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۷۱۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۵۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٦۳۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷٤۱،۰۰۰ خط تلفن (۳۰۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱٦۷،۰۰۰ خط (٦۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۲۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۱۰۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱،۰۷٤	۱۰،۸۸۳	۱٤٦،٦۵۳	۱۳/۵
متوسطه	؟	۲٤،۱۱۲	۱۹٦،۱٤۸	۸/۱
فنی و حرفه‌ای	؟	۵،۷٤۰	٤۳،۱۷۰	۷/۵
عالی	۲۸	٤،٤۸٦	۵٦،۱۸۷	۱۲/٤

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۹۹/۷؛ مردان: ٪۹۹/۸؛ زنان: ٪۹۹/٦

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۹): ابتدائی ٪۲۱/۲؛ متوسطه ٪٤٦/۳؛ عالی ٪۱۳/٤

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ٦،۹۰۰ نفر (هر ۳۵۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۲۳،۱٦۵ تخت (هر ۱۰٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر (٪۰/۰۱ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۸۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۹۰٤ کالری (٪۱۱۳ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷۹ گرم؛ مصرف چربی: ۸۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪-۰/۹

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۷/٦ کیلوگرم برای هر نفر

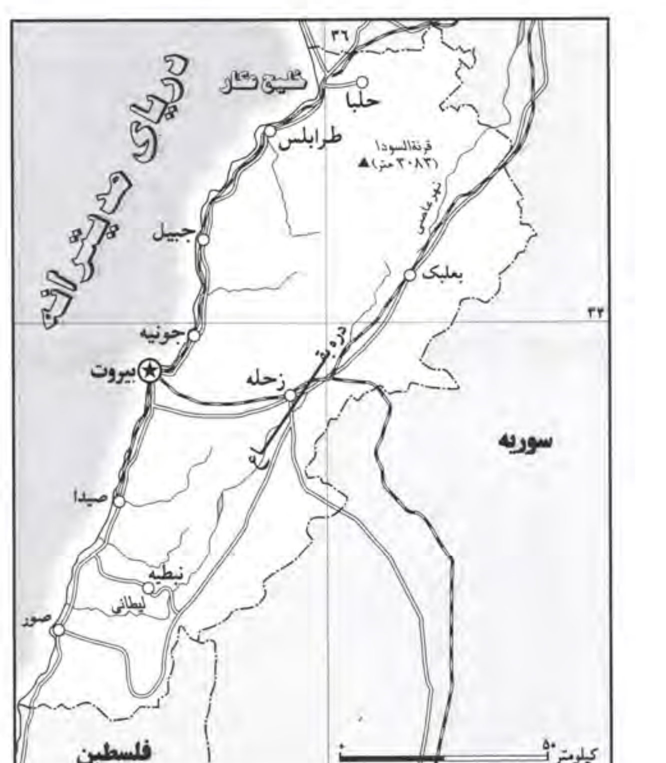
تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۹/۳ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۷۱ (شصت و سومین کشور جهان)

لبنان LEBANON

کشور لبنان که یکی از کوچکترین کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود، در غرب آسیا و ساحل خاوری دریای مدیترانه قرار گرفته و از شمال و خاور به سوریه، از جنوب به فلسطین و از غرب به دریای مدیترانه محدود است. دو رشته کوه موازی به نام لبنان غربی و لبنان شرقی یا جبل عامل با ارتفاع حداکثر ۳۰۸۳ متر (کوه قرنةالسودا) از شمال به جنوب آن کشیده شده و جلگهٔ ساحلی آن که بیشترین جمعیت کشور را در خود جای داده است، حاصلخیزترین ناحیهٔ این سرزمین محسوب می‌گردد. اقلیم آن مدیترانه‌ای معتدل همراه با بارش‌های زمستانی است. دامنهٔ کوههای لبنان از جنگل پوشیده شده و رودخانهٔ لیطانی (۱۴۶ کیلومتر) که بزرگترین و طولانی‌ترین رود کشور محسوب می‌گردد، از درهٔ میان کوههای مزبور که به درهٔ بقاع معروف است از شمال خاوری به سوی جنوب غربی روان است. خاک لبنان بسیار حاصلخیز است و انگور، چغندرقند، زیتون و مرکبات از عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن به شمار می‌آیند.

کوه‌های لبنان روزگاری پوشیده بود از درختان سرو که فنیقی‌ها از آنها برای ساختن کشتی‌ها و معبدهای خود استفاده می‌کردند. امروزه اگرچه درخت سرو نشانهٔ ملی کشور لبنان است، اما فقط حدود ۴۰۰ هکتار از آن جنگل‌ها باقی مانده است. جنگ طولانی لبنان به نابودی جنگل‌ها و طبیعت زیبای آن انجامیده و جبران آن به زمان طولانی و پشتیبانی مالی قابل توجه نیازمند است.



تاریخچه

لبنان امروزی در واقع همان سرزمین فنیقی‌هاست که حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد وارد آن شدند. آنان در سال ۲۶۱۳ پیش از میلاد با مصر روابط اقتصادی و مذهبی برقرار نمودند و در حدود سال ۲۲۰۰ پیش از میلاد مورد حملهٔ آموریت‌ها قرار گرفتند. این سرزمین در سال ۵۳۸ پیش از میلاد به تصرف ایرانیان درآمد و ضمیمهٔ خاک امپراتوری هخامنشی گردید. در سال ۳۳۲ پیش از میلاد، مورد حملهٔ اسکندر مقدونی قرار گرفت و پس از وی میان سلوکیان و بطالسه تقسیم شد. در سال ۶۴ پیش از میلاد پومپیوس امپراتور روم بر آنجا دست یافت و در سدهٔ چهارم میلادی به یک کشور مسیحی‌نشین مبدل شد. اعراب مسلمان بین سالهای ۶۳۴ و ۶۴۰ میلادی لبنان را ضمیمهٔ امپراتوری اسلام نمودند و نواحی کوهستانی آن به مرور از اهمیت خاصی برخوردار گردید. از سدهٔ هفتم میلادی به بعد اعضای فرقهٔ مسیحی مارونی به این سرزمین روی آوردند و در کوهستانهای شمالی سکونت گزیدند. در همان اوان، سوریه به دست مسلمانان فتح شد و به دنبال آن لبنان جنوبی نیز در تصرف آنان قرار گرفت.

تا سدهٔ یازدهم میلادی دروزی‌ها کلاً به اسلام گرویدند و زبان عربی را که زبان دنیای اسلام بود، پذیرا شدند. صلیبیون در پایان سدهٔ یازدهم میلادی لبنان را تصرف کردند و مارونی‌های مسیحی با کلیسای رُم روابط دوستانه برقرار کردند. با انقراض صلیبیون، ممالیک مصر بر لبنان تسلط یافتند. سلطان عثمانی، سلیم اول در ۱۵۱۷ ممالیک را برانداخت و لبنان را ضمیمهٔ امپراتوری عثمانی کرد. مارونی‌ها از شمال به جنوب و دروزی‌ها از جنوب به شمال به مرور گسترش یافتند و فخرالدین دوم، رئیس دروزیه خود را به اروپاییان نزدیک کرد. درسدهٔ هجدهم میلادی خاندان شهابیون بر نواحی کوهستانی لبنان تسلط یافتند. با مرگ بشیر شهاب در سال ۱۸۴۰ جنگ داخلی میان مارونیه که از سوی فرانسوی‌ها حمایت می‌شدند و دروزیه که مورد حمایت انگلیسی‌ها بودند، درگرفت. با قتل عام مارونیه به دست دروزیها، فرانسوی‌ها مستقیماً به نفع مسیحیان وارد میدان شدند و پس از کنار آمدن با انگلیسی‌ها عملاً در امور لبنان به دخالت پرداختند و طبق معاهداتی در سال‌های ۱۸۶۱ و ۱۸۶۴ سلطان عثمانی را به پذیرش یک حاکم مسیحی و اعطای خودمختاری داخلی به لبنان وادار نمودند.

در پایان جنگ جهانی اول، نیروهای متفقین لبنان را اشغال کردند و آن را تحت‌الحمایهٔ فرانسه قرار دادند و با الحاق بیروت و شهرهای ساحلی و درهٔ بقاع و بعضی نواحی دیگر و جدایی آنها از سوریه، لبنان بزرگ را تأسیس نمودند. در ۱۹۲۳ سوریه و لبنان از سوی جامعهٔ ملل رسماً تحت‌الحمایهٔ فرانسه قرار گرفت. با سقوط فرانسه در جنگ جهانی دوم، لبنان در سال ۱۹۴۰ تحت نظارت حکومت ویشی قرار گرفت و در ۱۹۴۱ به تصرف متفقین (نیروهای انگلیسی و فرانسهٔ آزاد) درآمد و ژنرال ژرژ کاترو، نمایندهٔ دولت فرانسه آزاد، استقلال سوریه و لبنان را اعلام داشت اما مورد موافقت دولت فرانسه قرار نگرفت. در انتخابات ۱۹۴۳ ملیون لبنان به پیروزی رسیدند و بشارةالخوری رهبر آنان به ریاست جمهوری رسید. وی بااعلام استقلال کامل در بیست و دوم نوامبر، آثار نفوذ فرانسه را به کلی از میان برد و قانون اساسی لبنان را به تصویب رسانید. فرانسوی‌ها بلافاصله رئیس جمهور لبنان و همهٔ اعضای دولت او را توقیف کردند. به دنبال آن شورش عمومی سراسر لبنان را فرا گرفت و فرانسه را ناگزیر ساخت تا دولت سابق را مجدداً برقرار سازد.

در سال ۱۹۴۶ نیروهای فرانسه و بریتانیا لبنان را تخلیه کردند. لبنان در سال ۱۹۴۵ به سازمان ملل متحد پیوست و نیز به عضویت اتحادیهٔ عرب درآمد. در انتخابات سال ۱۹۴۸، خوری مجدداً به ریاست جمهوری لبنان رسید. وی در سال ۱۹۵۲ از سمت خود کناره گرفت و کامیل شمعون از سوی مجلس نمایندگان به ریاست جمهوری منصوب شد. وی که مسیحی بود، از اعراب دوری کرد و خود را به غرب نزدیک نمود. این عمل خشم و مخالفت مسلمانان را برانگیخت و شورش سراسر کشور را فرا گرفت. شمعون از دولت امریکا کمک خواست و نیروهای امریکایی در لبنان پیاده شدند. اما شورش همچنان ادامه داشت و کامیل شمعون را وادار نمود تا در سال ۱۹۵۸ از سمت خود کناره‌گیری کند و جای خود را به ژنرال فؤاد شهاب واگذار نماید. وی با تشکیل یک دولت ائتلافی، شورش را فرونشاند و بی‌طرفانه به ادارهٔ امور کشور پرداخت. فؤاد شهاب در سال ۱۹۶۴ از ریاست جمهوری کناره گرفت و شارل حلو عهده‌دار ریاست جمهوری گردید.

در سال ۱۹۶۸ اسرائیل فرودگاه بیروت را بمباران کرد و مردم را نسبت به سیاست مدارا با اسرائیل سخت خشمگین نمود. با این حال دولت لبنان از عملیات پارتیزانی فلسطینی‌ها علیه اسرائیل که از خاک لبنان انجام می‌شد، جلوگیری نمود. جمال عبدالناصر رئیس جمهور انقلابی مصر در بهبود روابط چریک‌های فلسطینی و دولت لبنان کوشش نمود. در سال ۱۹۷۰ سلیمان فرنجیه به ریاست جمهوری رسید. وی سیاست شدیدی علیه چریک‌های فلسطینی پیشه کرد و از طرح صلح خاورمیانهٔ امریکا حمایت کرد. ادامهٔ حملات اسرائیل علیه پایگاههای فلسطینی‌ها در لبنان در دههٔ ۸۰-۱۹۷۰ به شدت ادامه یافت و به کشته شدن هزاران تن انجامید.

از سوی دیگر ارتش اردن که به فرمان ملک‌حسین با فلسطینی‌ها به مبارزه برخاسته بود، مبارزان فلسطینی را وادار نمود تا به جنوب لبنان بگریزند و از آنجا علیه اسرائیل به مبارزهٔ خود ادامه دهند. دولت لبنان که از سوی اسرائیل برای بیرون راندن فلسطینی‌ها سخت تحت فشار بود، علیه فلسطینی‌های پناهنده شده دست به کار شد و با متحد شدن احزاب مسیحی و فالانژ لبنان مقدمات جنگ داخلی لبنان فراهم آمد. مسیحیان راستگرای افراطی در یک سو و اتحاد مسلمانان و چپگرایان و مسیحیان مخالف مارونی‌ها در سوی دیگر قرار گرفتند و جنگ داخلی به راه افتاد.

در سال ۱۹۷۵ مسیحیان راستگرا مسئله فلسطینی‌ها را بهانه کردند و به اردوگاه پناهندگان فلسطینی که شمار آنان به سیصد هزار تن می‌رسید، حمله کردند و صدها تن از آنان را کشتند. فلسطینی‌ها که در آغاز از مداخله در امور داخلی لبنان پرهیز می‌کردند، از خود به دفاع برخاستند و به جنگی ناخواسته تن در دادند و علیه مارونی‌ها به جنگ پرداختند. در سال ۱۹۷۶



نام رسمی: جمهوری لبنان

نام محلی: لبنان

اسامی دیگر: -

پایتخت: بیروت (۱،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹٤۳/۱۱/۲۲ ، از فرانسه

روز ملی: بیست و دوم نوامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۲٦

رئیس حکومت: رئیس جمهور: امیل لحود، از سال ۱۹۹۸ به مدت ٦ سال توسط مجلس ملی

رئیس دولت: نخست‌وزیر: رفیق حریری، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۲٦، آخرین تغییرات ۱۹۹۹؛ مجلس ملی با ۱۲۸ عضو (٦٤ نفر از بین مسیحیان و ٦٤ نفر نیز از میان مسلمانان و دروزی‌ها) به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۰): مارونی‌ها ۳٤ کرسی، مسلمانان سنی ۲۷، مسلمانان شیعه ۲۷، ارتدوکس‌های یونانی ١٤، دروزی‌ها ۸، کاتولیک‌های یونانی ۸ ، ارامنه ٦ ،علوی‌ها ۲، پروتستان‌ها ۱ ، بقیه ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، باآآ، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی (عضو ناظر)، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱۰،٤۰۰ کیلومترمربع (صد و شصت و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۳،۳۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و بیست و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۱۷/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۱/۷٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٤/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٥۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸۸/۹٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۲/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۲۸/٤٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۳۳/۹٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲۸/۳٪؛ بالای ٦۰ سال ۹/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۸/٤۲٪؛ زن ٥۱/٥۸٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۳/٤ سال؛ مردان ٦۸/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۰/٥ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦/٥ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۰/٤ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ١٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۱نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۰۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹٦): عرب ۹۳٪ (لبنانی ۸٤٪ ؛ فلسطینی ۹٪)؛ ارمنی ٦٪؛ بقیه (عمدتاً کرد) ۱٪

دین(۱۹۹٥): مسلمان۵۵/۳٪ (شیعه ۳٤٪؛ سنی۲۱/۳٪)؛مسیحی۳۷/٦٪ (کاتولیک ۲٥/۱٪ ؛ ارتدوکس ۱۱/۷٪)؛ دروزی۷/۱٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)، فرانسه، انگلیسی؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹٤): طرابلس ۲٤۰،۰۰۰ نفر؛صیدا ۱٥۰،۰۰۰ نفر؛جونیه ۱۰۰،۰۰۰ نفر؛زحله ۱۰۰،۰۰۰ نفر؛صور ۸۰،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: بیروت، طرابلس و صیدا (ساحل دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لیره لبنان (£L) = ۱۰۰ پیاستر؛ یک دلار = ۱،٥۱٤ لیره؛ صد لیره = ٥۲۸/٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ٤،۰۲۲ میلیارد لیره؛ مالیاتهای غیر مستقیم ٤٦/۷٪ (درآمدهای گمرکی ٤٤/۷٪)؛ مالیاتهای مستقیم ١٤/۳٪ (شامل مالیات بر درآمد ۸/۷٪ ؛ مالیات بر دارایی ۳/۱٪)؛ درآمد اموال غیر منقول ٦/۸٪؛ حق امتیاز و مالیات‌های متفرقه ۳۲/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ٦،٤٥۸ میلیارد لیره؛ هزینه‌های جاری ۸٦٪ (بازپرداخت بدهی‌ها ٤۰/۳٪؛ دستمزدها و حقوق ۳٤/۷٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ١٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ١٤،۹۷٥ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،٥٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۷/۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۲/٤٪ ؛ صنعت ۲٦/٥٪؛ خدمات ٦۱/۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۳۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳،۹۸۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۳٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): -۱۲/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲٤٪؛ ۱۹۹۸: ۸٪؛ ۲۰۰۰: ۱/٥٪

محصولات کشاورزی (۲۰۰۰): گوجه‌فرنگی ۳۳٥،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۳۳۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲۷۰،۰۰۰ تن؛ انگور ۲٥۰،۰۰۰ تن؛ خیار ۱۹۰،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۱٦۰،۰۰۰ تن؛ سیب ۱۲۰،۰۰۰ تن؛ لیمو ترش و شیرین ۱۰۹،۰۰۰ تن؛ زیتون ۱۰٥،۰۰۰ تن؛ پیاز ۸٥،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۲۹/۹٪؛ مرتع و چمنزار ۱٪؛ جنگل ۷/۸٪؛ ضایعات ٦۱/۳٪

تعداد دام زنده(۲۰۰۰): بز ٤٦۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۳٥٥،۰۰۰ رأس؛ گاو ۸۲،۰۰۰ رأس؛ خوک ٦۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤۰۷،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳،٥۲۰ تن

تولید مرغ(۲۰۰۰): ۳۲،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۲،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): آهک ١٦،۰۰۰ تن؛ نمک ٤،۰۰۰ تن؛ گچ ۲،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۹): سیمان ۲،۷۱٥،۰۰۰ تن؛ آرد ٤۱۱،۳۰۰ تن؛ روغن زیتون ٦،۰۰۰ تن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۷،٦٦۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۹،۰۱۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ؟ (صفر)؛ نفت خام(۱۹۹۸): صفر (۱،۳٥۸،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹۸): صفر (۳،۲۰٤،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٥)؛ ۱،۰۲۸،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲٥/٤٪؛ میزان مشارکت: (۱٥ سال به بالا ؛ ۱۹۸۸): ٤٤٪؛ زنان (۱٥ سال به بالا): ۳۰٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): ۲٥٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹٥): کشاورزی ١٤٪؛ صنعت ۲۷٪؛ خدمات ٥۹٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٦۷،۹۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹٥/۷٪؛ نیروی دریایی ۲/٥٪؛ نیروی هوایی ۱/۸٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۳٥ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱۰،۷۱۸/۹ میلیارد لیره؛ شامل (۱۹۹٥): ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۷٪؛ فلزات و مصنوعات فلزی ۹/۸٪؛ مواد معدنی ۸/۸٪؛ فرآورده‌های غذایی ۷/۸٪؛ مواد شیمیایی؛ از ایتالیا ۱۳/۲٪؛ امریکا ۹/۲٪؛ آلمان ۸/۷٪؛ فرانسه ۹/٥٪؛ سوئیس ٦/٦٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱،۰۸٦/٤ میلیارد لیره؛ شامل دارو و مواد شوینده ۱٥/۲٪؛ غذا و نوشیدنی ۱٥/۱٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱۰/۲٪؛ فرآورده‌های کاغذی ۸/۹٪؛ فرآورده‌های آلومینیوم ٦/۱٪؛ فلزات و مصنوعات فلزی ٤/۳٪؛ طلاجات ۲/٦٪؛ به عربستان سعودی ۱٥٪؛ امارات متحده عربی ۹٪؛ فرانسه ۷/۱٪؛ امریکا ٦٪؛ سوریه ٥/۹٪؛ اردن ۳/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-٤،۲۲۲	-٤،۷۹۸	-٥،۷۷۰	-٦،٦٤۳	-٦،۸۸۰	-٦،٤۰۸	-٥،٥۳۰
درصد کل	۷٥/٥٪	۷٦/٤٪	۷٤/٥٪	۷٦/٤٪	۸٤/۱٪	۸۲/۹٪	۸۰/۳٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۰):	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
شاخص قیمتهای مصرفی	۱٥۱/٥	۳۳۳/۳	٤۳۰/۳	٤٦٦	٤۹٤	٤۳۸/۱	٤٤۷/۱
شاخص دستمزدها	۱۰٤/۲	۸٥/٤	۷۸/۳	۱۱۸/٥	۱۳٤/۷	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ٤/٤ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹٤): ۲،٤۰۰،۰۰۰ لیره؛ منابع درآمد (۱۹۷٤): دستمزد ۲۷/۹٪؛ انتقالی‌ها ۳٪؛ دیگر موارد ٦۹/۱٪؛ هزینه‌ها (۱۹٦٦): غذا ٤۲/۸٪؛ مسکن ١٦/۸٪؛ پوشاک ۸/٦٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ۷/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ٦۷۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٦،۳٥۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۲۲۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱،۲۱۷،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۸٦،٦٤۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱٦۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۹):** ۱ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٥): ۱٥ روزنامه در ٤۳٥،۰۰۰ نسخه (۱٤۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲،۸٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۹۰۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۱۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳٥۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٦۲۰،۰۰۰ خط تلفن (۱۹٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٥۰۰،۰۰۰ خط (۱٥۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۲٥،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۲،۱٦۰	۲۲،۸۱۰	۳۸۲،۳۰۹	؟
متوسطه	۱،٤۰٥	۲۱،۳٤٤	۲۹۲،۰۰۲	؟
فنی و حرفه‌ای	۲۷٥	۷،۷٤٥	٥٥،۸٤۸	۷/۲
عالی	۲۰	۱۰،٤٤٤	۸۱،٥۸۸	۷/۸

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۲/٤٪؛ مردان: ۹٤/۷٪؛ زنان: ۹۰/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۷،۲۰۳ نفر (هر ٤۷٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۱۱،٥۹٦ تخت (هر ۳۱۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۰۹٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۲/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،۲٥٦ کالری (۱۳۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۸٥ گرم؛ مصرف چربی: ۱۰۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۷٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۸/۱٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۸/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ١٤/۲ میلیون تن؛ هر نفر ٤/٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۳٥ (هشتادو دومین کشور جهان)

نیروهای سوریه مرکب از ۲۰،۰۰۰ نفر به عنوان بخشی از نیروهای حافظ صلح اتحادیهٔ عرب وارد لبنان شدند تا از جنگ و تجزیهٔ لبنان جلوگیری کنند. در سال ۱۹۷۶ الیاس سرکیس به ریاست جمهوری لبنان رسید و در مارس ۱۹۷۸ اسرائیل به بهانهٔ سرکوبی فلسطینیان، جنوب لبنان تا رودخانهٔ لیطانی را اشغال نمود، ولی تحت فشار افکار عمومی و سازمانهای جهانی ناگزیر از عقب‌نشینی و تخلیهٔ جنوب لبنان شد. سال ۱۹۸۱ یکی از تلخ‌ترین ایام تاریخ معاصر لبنان است. در آن سال نواحی شمالی و غربی کشور در کنترل مارونی‌ها بود و نوار وسیعی از مرز اسرائیل و لبنان در اختیار سرگرد شورشی، سعد حداد که از سوی اسرائیل حمایت می‌شد، قرار داشت و بخش‌هایی نیز در دست فلسطینی‌ها بود و نیروهای سازمان ملل و سوریه نیز قسمتهایی از لبنان را در اختیار خود داشتند.

در ژوئن ۱۹۸۲ نیروهای اسرائیلی از زمین و هوا و دریا به لبنان حمله کردند و شهرهای طایر، صیدون، نبطیه و طرابلس را سخت مورد حمله قرار دادند و ویران کردند و تا حوالی بیروت پیشروی کردند. سازمان آزادیبخش فلسطین که وضع را چنان دید اعلام نمود که حاضر به تخلیه بیروت می‌باشد. عملیات مزبور شهر بیروت را که زمانی مهمترین مرکز سیاسی و فرهنگی و یکی از زیباترین شهرهای دنیای عرب محسوب می‌شد، به ویرانه‌ای تبدیل کرد و هزاران تن کشته شدند. پل‌ها، لوله‌های آب و نفت و گاز، فرودگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، ساختمانهای مهم، خانه‌ها و کارخانه‌ها و موزه‌ها به کل ویران شدند و اثری از اغلب آنان به جای نماند. طی عملیات مزبور هشت هزار فلسطینی و لبنانی به وسیلهٔ اسرائیلی‌ها دستگیر شدند و به اتهام اقدام علیه امنیت اسرائیل زندانی گردیدند. سرانجام نیروهای سازمان آزادیبخش فلسطین تحت نظارت و حمایت امریکا، فرانسه و ایتالیا بیروت را تخلیه کردند. در انتخابات اوت ۱۹۸۲ بشیر جمیل تنها نامزد ریاست جمهوری، جای الیاس سرکیس را گرفت. وی اندک زمانی بعد بر اثر انفجار بمب کشته شد. در ۱۶ سپتامبر مسیحیان راستگرا که از سوی اسرائیلی‌ها حمایت می‌شدند، به اردوگاه‌های فلسطینی صبرا و شتیلا حمله بردند و صدها تن غیرنظامی غیر مسلح و پیر مرد و زن و بچه را قتل عام کردند.

انتخابات بعدی ریاست جمهوری لبنان در حالی صورت گرفت که اسرائیل نیمی از لبنان را در تصرف خود داشت. در این انتخابات امین جمیل به جای برادر مقتول خود به ریاست جمهوری رسید. امین جمیل نتوانست به مشکلات اجتماعی لبنان و اختلافات قومی کشور خود پایان دهد. در مه ۱۹۸۳ اسرائیل و لبنان به روابط خصمانهٔ خود پایان دادند و اسرائیل تعهد نمود که لبنان را هرچه زودتر تخلیه نماید و لبنان نیز متقابلاً تعهد نمود که به هیچ نیرویی اجازهٔ استفاده از خاک لبنان علیه اسرائیل را ندهد. در سپتامبر ۱۹۸۸ ژنرال میشل عون که از مارونی‌های طرفدار اسرائیل بود، به ریاست جمهوری رسید. و سلیم‌الحص مسلمان به نخست‌وزیری منصوب گردید. به دنبال اوج گیری اختلافات درونی، برای اولین بار در تاریخ لبنان، جلسهٔ پارلمان لبنان در سال ۱۹۸۹ در خارج از این کشور و در شهر طائف عربستان برقرار شد که طی آن تغییراتی در قانون اساسی کشور به وجود آمد و نقش بیشتری به مسلمانان داده شد. میشل عون بلافاصله با نتایج این اجلاس مخالفت کرد و آن را توطئه‌ای از سوی سوریه دانست. در پنجم نوامبر ۱۹۸۹ رنه‌معوض از مسیحیان مارونی به اتفاق آراء به ریاست جمهوری انتخاب گردید، اما قبل از این که کار خود را رسماً آغاز نماید، طی بمب گذاری در یک اتومبیل به قتل رسید. در ۲۴ نوامبر ۱۹۸۹ الیاس هراوی مسیحی مارونی دیگر به ریاست جمهوری منصوب شد. اما این انتصاب نیز از سوی میشل عون رد گردید. در اکتبر ۱۹۹۰ زمانی که عراق به کویت حمله‌ور شد، وضع در لبنان دگرگون شد و میشل عون تحت فشار سوریه از کار برکنار و به فرانسه پناهنده شد.

در دسامبر ۱۹۹۰ دولت اتحاد ملی با مشارکت مسیحیان، سازمان امل (شیعه‌ها)، دروزی‌ها و گروههای موافق سوریه تشکیل گردید و در ۲۲ مه ۱۹۹۱ رؤسای جمهور لبنان و سوریه قرارداد اخوت و همکاری و هماهنگی در دمشق امضاء نمودند و برای نخستین بار، موجودیت لبنان به عنوان یک کشور مستقل و جدا از سوریه، از سوی دولت سوریه به رسمیت شناخته شد و نسبت به همکاری و هماهنگی سوریه و فلسطین درامور اطلاعات نظامی و اقتصادی تأکید گردید. این موافقت‌نامه که از سوی اکثر اعضای پارلمان مورد تأیید قرار گرفته بود، از طرف حزب فالانژ، دولت اسرائیل و غیر نظامیان مسلح مسیحی مورد مخالفت قرار گرفت. در ژوئیهٔ ۱۹۹۱ شش هزار سرباز مسلح لبنانی به پایگاه سازمان آزادیبخش فلسطین که در حوالی صیدون قرار داشت حمله بردند و آنان را از آنجا بیرون راندند. در نوامبر همان سال اسرائیل عملیات نظامی خود را در منطقهٔ بی‌طرف افزایش داد و مهاجرت حدود صد هزار مسلمان شیعه را که در آن حوالی می‌زیستند، موجب گردید. در ۱۶ فوریهٔ ۱۹۹۲ اسرائیل طی یک سری حملات هوایی شیخ عباس موسوی رهبر حزب‌الله لبنان را به قتل رسانید و متعاقب آن چند روستای شیعه‌نشین واقع در درهٔ بقاع را مورد حمله قرار داد. در سال ۱۹۹۵ تلاش دولت رفیق حریری بر یافتن راه حلی برای پایان دادن به مناقشات قومی و تجدید بنای شهر بیروت متمرکز شد. در سال ۱۹۹۷ جنگ و زدوخورد میان چریک‌های مسلح لبنانی و اسرائیل بر سر ادامهٔ تسلط تل‌آویو بر باریکه‌ای از نوار مرزی میان لبنان و اسرائیل از سر گرفته شد. منطقهٔ مزبور که ۸۵۰ کیلومترمربع مساحت دارد، در جنوب لبنان و مشرف به مرزهای اسرائیل واقع است. کشته شدن ۳۹ سرباز اسرائیلی در این سال، که از سال ۱۹۸۰ بی‌سابقه بود، موجب خشم واعتراض مردم آن کشور علیه دولت اسرائیل گردید و مصرانه از دولت خود خواستند تا به جنگ و خونریزی در لبنان پایان دهد.

در فوریه سال ۱۹۹۸، دولت لبنان تقاضای اسرائیل برای آغاز گفتگو در مورد شرایط عقب‌نشینی آن کشور از مناطق اشغالی در لبنان را رد کرد و خواستار عقب‌نشینی بدون قید و شرط ارتش اسرائیل از این نواحی، طبق قطعنامهٔ ۴۲۵ شورای امنیت سازمان ملل شد. در اکتبر همان سال، مجلس ملی لبنان ژنرال امیل لحود را به ریاست جمهوری برگزید و نتایج انتخابات شهرداری‌ها نشان از رشد حمایت از جنبش حزب‌الله لبنان داشت. در ماه دسامبر سلیم‌الحص جانشین رفیق حریری در پست نخست‌وزیری گردید. با تغییر دولت در اسرائیل در ژوئیهٔ ۱۹۹۹ و روی کار آمدن دولت ایهود باراک در آن کشور که در تبلیغات انتخاباتی اعلام کرده بود که از جنوب لبنان عقب‌نشینی خواهد کرد، امید به عقب‌نشینی ارتش آن کشور از جنوب لبنان افزایش یافت، اما مذاکرات دو کشور در این باره بدون نتیجه به پایان رسید. سرانجام در ماه مه سال ۲۰۰۰، نیروهای اسرائیلی پس از ۲۲ سال، از نواحی اشغالی جنوب لبنان عقب‌نشینی کردند، اما امیل لحود اعلام کرد تا زمانی که ارتش اسرائیل بلندی‌های جولان در سوریه را تخلیه نکند و مسئلهٔ آوارگان فلسطینی مستقر در خاک لبنان را حل نکند، قرارداد صلح میان دو کشور به امضاء نخواهد رسید. پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۰ که با رقابت فشرده گروه‌های مختلف برگزار گردید، رفیق حریری به نخست‌وزیری لبنان رسید. در سال ۲۰۰۱ تعداد زیادی از مخالفان حضور سوریه در لبنان توسط ارتش این کشور و بدون هماهنگی با نخست‌وزیر، دستگیر شدند که این امر به تشدید اختلافات رفیق حریری و امیل لحود منجر شد.

لسوتو LESOTHO

لسوتو کشور کوچکی است محصور در خشکی، واقع در جنوب افریقا که از هر سو به کشور افریقای جنوبی محدود است. این کشور در دامنهٔ کوههای دراکنسبرگ قرار گرفته و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه تابانا انتلنیانا ۳۴۸۲ متر ارتفاع دارد. اقلیم آن کوهستانی معتدل است و عمده‌ترین رودخانهٔ آن رود اورانژ است که از این سرزمین سرچشمه گرفته و مسیر اصلی خود را در داخل خاک افریقای جنوبی طی می‌کند و پس از تشکیل مرز جنوبی آن کشور با نامیبیا به اقیانوس اطلس می‌ریزد. اراضی قابل کشت آن در غرب واقع است و ذرت، گندم و حبوبات از مهمترین فرآورده‌های کشاورزی آن است. قسمتهای دیگر کشور به دامداری و پرورش چهارپایان اختصاص یافته و غیر از اندکی الماس از دیگر ذخایر زیرزمینی تقریباً محروم است و فرسایش خاک عمده‌ترین مسئلهٔ زیست محیطی آن است.





نام رسمی: پادشاهی لسوتو

نام محلی: لسوتو Lesotho

اسامی دیگر: باسوتولند (نام سابق)

پایتخت: ماسرو (۱۶۰،۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۶)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۶/۱۰/٤ ، از انگلستان

روز ملی: چهارم اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۳

رئیس حکومت: پادشاه: لتسی سوم، از سال ۱۹۹۶

رئیس دولت: نخست‌وزیر: باتوئل پاکالیتا موسیسیلی (کنگرهٔ لسوتو برای دموکراسی)، از سال ۱۹۹۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۳؛ مجلس ملی با ۸۰ عضو به مدت ٥ سال و مجلس سنا با ۳۳ عضو؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۸): کنگرهٔ لسوتو برای دموکراسی ۷۸ کرسی؛ حزب ملی باسوتو ۱ کرسی؛ تعداد کرسی‌های مجلس ملی در انتخابات سال ۲۰۰۲ به ۱۲۰ کرسی افزایش یافت: کنگره لسوتو برای دموکراسی ۷۷ کرسی، حزب ملی باسوتو ۲۱، کنگره مردم لسوتو ٥، حزب مستقل ملی ٥، کنگره افریقایی باسوتولند ۳، حزب کنگره باسوتولند ۳، حزب کارگران لسوتو ۱، بقیه ٥ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۶)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف،ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۳۰،۳٥٥ کیلومترمربع (صد و سی و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۲،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و سی و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۷۲/٥ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۲/۲٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۳/٥ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۶/٤٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٥/۸٪

توزیع سنی(۱۹۹٥): زیر ۱٥ سال ٤۱/۳٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۷٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٥/۱٪؛ بالای ۶۰ سال ۶/۶٪

توزیع جنسی (۱۹۹٥): مرد ٤۹/۲۳٪؛ زن ٥۰/۷۷٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٥٤/۷ سال؛ مردان ٥۱/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۱/۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۷۷/۶ نفر — **رشدطبیعی جمعیت‌درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۸۱/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما شایعترین بیماریها عبارتند از: مالاریا، تب حصبه، بیماریهای عفونی و انگلی.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۲۰۰۰): قبایل سوتو ۸۰/۳٪؛ زولو ۱٤/٤٪؛ بقیه ٥/۳٪

دین(۲۰۰۰): مسیحی ۹۱٪ (کاتولیک ۳۷/٥٪؛ پروتستان ۱۳٪؛ مسیحی افریقایی ۱۱/۸٪)؛ بقیه ۹٪؛ (دین رسمی: مسیحیت)

زبان و خط: انگلیسی ، سوتو (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۶): تیاتیانگ ٤۸،۸۶۹ نفر؛ ماپوتسوئه ۲۷،۹٥۱ نفر؛ هلوتسه ۲۳،۱۲۲ نفر؛ مافِتِنگ ۲۰،۸۰٤ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لوتی؛ در جمع مالوتی (M)= ۱۰۰ لیسنته؛ یک دلار= ۷/۲۹ لوتی؛ یک لوتی = ۱،۰۹۷/٤ ریال

درآمد بودجه(۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۲،٥۸۰/۷ میلیون لوتی؛ عوارض گمرکی ٤٥/۸٪؛ کمک‌های بلاعوض و درآمدهای غیر مالیاتی ۲۸/۸٪؛ مالیات بر درآمد ۱۳/٥٪؛ مالیات بر فروش ۱۰/۲٪

هزینه بودجه(۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۲،۹۱۳/٥ میلیون لوتی؛ دستمزد پرسنل ٤۱/۹٪؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۳۲/٤٪؛ یارانه و انتقالی‌ها ۱۳٪؛ پرداخت بهره وام‌ها ۱۲/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،۱۶۷ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٥۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۶/٤٪؛ ۹۸- ۱۹۹۰: ۳/۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۱/٥٪؛ صنعت ٤۲٪؛ خدمات ٤۶/٥٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۱ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۶۶۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۶۶/۲+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٤۲/۷-٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۷/۷٪؛ ۱۹۹۸: ۳/۷٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): ذرت ۱۲٥،۰۰۰ تن؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۸٥،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۳۳،۰۰۰ تن؛ سبزیجات ۱۹،۰۰۰ تن؛ گندم ۱٥،۰۰۰ تن؛ میوه ۱٤،۰۰۰ تن؛ لوبیای خشک ۹،۳۰۰ تن؛ نخود خشک ۳،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹۸) : کشاورزی ۱۰/۷٪؛ مرتع و چمنزار ۶٥/۹٪؛ دیگر موارد ۲۳/٤٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۷۲۰،۰۰۰ رأس؛ بز ٥۶۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ٥۱۰،۰۰۰ رأس؛ الاغ ۱٥۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،٥۹٤،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱،۷۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،٤۲۸ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): الماس ۲،۳۹۸ قیراط

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): (ارزش افزوده به میلیون دلار) مواد غذایی ٥۸؛ نوشیدنی ۳۸؛ منسوجات ۱٤؛ مواد شیمیایی ۹؛ مصنوعات فلزی ٤؛ پوشاک ٤

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (؟)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت: صفر (؟)؛ گاز طبیعی : صفر (؟)

نیروی کار(۱۹۹۳): جمعیت فعال اقتصادی ۶۱۷،۸۷۱ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤٥/۱٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٥ تا ۶٤؛ ۱۹۸۶)؛ ۷۹/۸٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ۶٤): ۲۳/۷٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ۳٥٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۳۸/٤٪؛ صنعت و خدمات ۶۱/۶٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲،۰۰۰ نفر؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۱۶ دلار

واردات(۱۹۹۸): ٥،۱۹۹/۸ میلیون لوتی؛ شامل کالاهای تولیدی (به استثنای مواد شیمیایی، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل) ٤۲/٥٪؛ غذا و دام زنده ۱۹/۱٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱٥/۳٪؛ فرآورده‌های نفتی ۸/۶٪؛ از اتحادیه گمرکی افریقای جنوبی ۸۸/۷٪؛ آسیا ۷/۲٪؛ اروپا ۲/۳٪؛ اتحادیه اروپا ۲٪؛ امریکا ۱/۳٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱،۱۰۹/۶ میلیون لوتی؛ شامل کالاهای تولیدی ۷۱/۶٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل ونقل ۱٥/۱٪؛ غذا و حیوانات زنده ٤٪؛ نوشیدنی و دخانیات ۳/٥٪؛ مواد خام ۱/۸٪؛ به اتحادیه گمرکی افریقای جنوبی ۶٥/٥٪؛ کشورهای قاره امریکا ۳۳/۶٪؛ اروپا ۰/٥٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۷۳٤/۱-	۶۶۶/۷-	۸۲٥/۲-	۸۱۱/۷-	۸۲۸/۳-	۶۷۲/۶-
درصد کل	۷۳/۳٪	۶۹/۹٪	۷۲/۱٪	۶۸/٥٪	۶۷/۹٪	۶۳/٥٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸٤/۶	۹۱/٥	۱۰۰	۱۰۹/۳	؟	؟	۱۳٥/۲
شاخص درآمد یک ساله	۷۹/٥	۸۶/۶	۱۰۰	۱۱٤/۲	۱۲۶/۱	۱٤۶/۹	۱۶٥/٤

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۶): ٥ نفر؛ درآمد هر خانوار (۸۷-۱۹۸۶): ۲،۸۳۲ لوتی؛ منابع درآمد (۸۷-۱۹۸۶): پرداخت‌های انتقالی ٤٤/۷٪؛ کار آزاد ۲۷/۸٪؛ دستمزد و حقوق ۲۲/٤٪؛ دیگر موارد ٥/۱٪؛ هزینه‌ها (۱۹۸۹): غذا ٤۸٪؛ پوشاک ۱۶/٤٪؛ کالای بادوام خانگی ۱۱/۹٪؛ مسکن و سوخت ۱۰/۱٪؛ حمل و نقل ٤/۷٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۱۹ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۲ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ٤،۹٥٥ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۹):** ۲/۶ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۱۲،۶۱۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۲٥،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه(۱۹۹۹):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۲ روزنامه در ۱٥،۰۰۰ نسخه (۷/۶ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱۰٤،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٥۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ٥٤،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۰،۱۰۰ خط تلفن (۹/۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۹،۸۳۱ خط (٤/۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱،۲٤۹	۷،۸۹۸	۳۷٤،۶۲۸	٤۷/٤
متوسطه	۱۸۷	۲،۸۱۷	۶۷،٤٥٤	۲۳/۹
فنی و حرفه‌ای	۹	۶۱	۶۷۸	۱۱/۱
عالی	۱	٥۷٤	٤،۶۱٤	۸

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۷۱/۳٪؛ مردان: ۸۱/۱٪؛ زنان: ۶۲/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال(۱۹۸۷): ابتدایی ٥۲/۸٪؛ متوسطه ۲۳/۲٪؛ عالی ۰/۶٪

تعداد پزشک(۱۹۹٥): ۱۰٥ نفر (هر ۱۸،٥۲۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۲): ۲،٤۰۰ تخت (هر ۷۶٥ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۸٥،۰۰۰ نفر (۸/۳٥٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲٥۷/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۳۰۰ کالری(۱۹۹۷: ۲،۲٤۳ کالری)؛ (۱۰۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۶٤ گرم؛ مصرف چربی: ۳۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱٤/۶-٪؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): صفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٥۶۹ (صد و بیست و هفتمین کشور جهان)

تاریخچه

سرزمین لسوتو که تا قبل از استقلال باسوتولند نام داشت، در سال ۱۸۱۸ مورد هجوم زولوها واقع شد. نخستین حاکم سوتوها به نام موشوئه شوئه اقوام مختلف سوتو و دیگران را به زیر فرمان خویش درآورد و مقابل نفوذ رو به گسترش بوئرها و همچنین تهاجمات اقوام زولو به مقاومت پرداخت و به رهبر بزرگ کوهستان معروف گردید. بوئرها که از بهره‌کشی و استثمار سوتوها عاجز مانده بودند، آنان را به حال خود رها کردند. رعایای سوتو که به مرور به باسوتوها معروف شده بودند و اروپاییان و بوئرها سرزمین آنان را باسوتولند نامیدند، از کار کردن در مزارع اروپاییان خودداری می‌کردند و معتقد بودند که خداوند حیوانات را در خدمت انسان قرار داده و خدمت انسان به حیوانات خلاف خواست خداوندی است.

با کشف معدن‌های الماس و طلا در افریقای جنوبی، تسلط و استعمار هلندی‌ها بر نواحی مزبور کامل گردید و همزمان انگلیسی‌ها به منطقهٔ کیپ وارد شدند. در ۱۸۶۸ انگلیسی‌ها خود را به رهبر باسوتولند نزدیک کردند و به او تفهیم نمودند که تنها راه حفاظت و تأمین او در مقابل بوئرها، قبول تحت‌الحمایگی انگلستان است. بدینسان باسوتولند بدون آن که ضمیمهٔ افریقای جنوبی شود، به تحت‌الحمایگی انگلستان درآمد. وضعیت به همین منوال ادامه داشت تا این که در سال ۱۹۶۵ قانون اساسی این سرزمین تدوین گردید و در چهارم اکتبر ۱۹۶۶ در حالی که مورد ادعای افریقای جنوبی بود، به استقلال دست یافت و نام آن از باسوتولند به لسوتو تبدیل گردید.

در انتخابات ۱۹۷۰ مجلس قانونگذاری، حزب مخالف کنگره پیروز شد و لیبوآ جاناتان، رهبر حزب ملی باسوتو و نخست‌وزیر، طی کودتایی که خود طراحی کرده بود، پارلمان را منحل کرد و موشوئه شوئه دوم، پادشاه لسوتو را از کشور تبعید نمود، اما کمی بعد وی به کشور بازگشت. در سال ۱۹۷۶ زمانی که دانشجویان افریقای جنوبی دست به اعتصاب و شورش زدند، لسوتو مرزهای خود را به روی پناهندگان کشور همسایه باز کرد و بار سنگینی بر بودجهٔ کشور فقیر لسوتو افزوده گردید. در سال ۱۹۷۷ افریقای جنوبی از مخالفان دولت جاناتان حمایت کرد و وی را وادار نمود تا از سازمان ملل متحد و جامعهٔ اقتصادی اروپا کمک بخواهد تا او را در دفاع از مخالفان سیاست تبعیض نژادی افریقای جنوبی یاری دهند. دولت نژادپرست افریقای جنوبی به منظور حمله به اعضای کنگره ملی افریقا، در دسامبر ۱۹۸۲ به لسوتو حمله کرد و ۴۵ نفر را که ۱۲ تن از آنان کودک بودند، کشت. در این حمله سه نفر از رهبران کنگره ملی افریقا نیز کشته شدند. در سال ۱۹۸۳ میان لسوتو و افریقای جنوبی بر سر مسائل مرزی، درگیریهایی به وقوع پیوست.

در پایان سال ۱۹۸۴ دولت افریقای جنوبی از ارسال نیازمندیهای لسوتو به ویژه اسلحه و مهماتی که لسوتو از کشورهای اروپایی خریداری کرده بود، جلوگیری کرد و همچنین از همکاری در ساختمان سد رود مرزی سنگو خودداری نمود. سرانجام طی کودتای ۲۰ ژانویه ۱۹۸۶ لیبوآ جاناتان سرنگون شد و ژنرال جوستین لخانیا فرماندهٔ نیروهای شبه نظامی لسوتو قدرت را به دست گرفت. در مارس ۱۹۹۰ رژیم نظامی حاکم بر کشور، موشوئه‌شوئه دوم، سلطان لسوتو را به اتهام جلوگیری از برقراری نظام دموکراسی از کار برکنار کرد و پسرش برنگ موهاتو سیسا را به نام لتسی سوم به سلطنت نشاند. کودتای بدون خونریزی سال ۱۹۹۱ دولت لخانیا را سرنگون نمود و سرهنگ الیاس رامائما به جای او سرپرستی دولت را بر عهده گرفت. در سال ۱۹۹۳ قانون اساسی جدید کشور تدوین شد و نظام کشور به حکومت سلطنتی مشروطه که در آن شخص شاه فقط یک مقام تشریفاتی و بدون مسئولیت است، مبدل گردید.

در سال ۱۹۹۴ شاه، دولت و پارلمان را منحل کرد و تظاهرکنندگانی را که در مقابل کاخ سلطنتی اجتماع کرده بودند، با واکنش خشونت‌آمیز پلیس روبرو ساخت و طی آن حداقل ۴ نفر کشته شدند. به دنبال آن موج مخالفت‌ها و اعتراضات داخلی و خارجی بالا گرفت و لتسی سوم را وادار نمود تا به نفع پدرش موشوئه‌شوئه دوم از سلطنت کناره‌گیری کند. در ژانویهٔ ۱۹۹۶ سلطان لسوتو در تصادف اتومبیل کشته شد و پسرش لتسی سوم مجدداً به جای او به سلطنت نشست. در مارس ۱۹۹۸ حزب جدیدی به نام دموکرات مسیحی در کشور تأسیس گردید.

انتخابات ماه مه ۱۹۹۸ با پیروزی حزب حاکم، یعنی کنگره لسوتو برای دموکراسی همراه بود و گروه‌های مخالف دولت را متهم به تقلب در جمع آراء نمودند. در پی گسترش تظاهرات و مخالفت‌های مردمی به نیروهای ارتش، دولت این کشور از افریقای جنوبی درخواست کمک نمود که با کمک آن شورش‌ها سرکوب شد، اما افریقای جنوبی برای حضور یک ماههٔ خود در لسوتو تقاضای یک میلیون دلار حق‌الزحمه نمود. سرانجام پس از دو سال بحث و مناقشات پی‌گیر سیاسی در مورد نحوهٔ برگزاری انتخابات، در اجلاسی با شرکت همهٔ احزاب فعال کشور، در سال ۲۰۰۱، شیوهٔ برگزاری انتخابات در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید.

لوکزامبورگ LUXEMBOURG

کشور کوچکی است در مرکز غربی اروپا که از هرسو در خشکی محصور است و از غرب و شمال به کشور بلژیک، از خاور به آلمان و از جنوب به فرانسه محدود است. لوکزامبورگ از نظر طبیعی به دو منطقه تقسیم می‌گردد. منطقهٔ شمالی را دره‌های پوشیده از جنگل فرا گرفته و ارتفاع آن که حداکثر به ۵۵۹ متر (قلهٔ بورگ پلاتس) می‌رسد، جمعیت پراکنده‌ای دارد و سیب‌زمینی و حبوبات از عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن است.

منطقهٔ جنوبی که گوتلند نامیده می‌شود، جلگهٔ کم ارتفاعی است که بیشترین جمعیت و عمده‌ترین و مهم‌ترین تأسیسات صنعتی مانند آهن و فولاد را در خود جای داده و معادن زغال‌سنگ و آهن و نمک از مهمترین منابع زیرزمینی آن است. اقلیم این سرزمین معتدل و مرطوب است و رودهای اور، آلزت و زئور که ریزابه‌های رود موزل هستند از مهمترین رودخانه‌های آن به شمار می‌آیند.



تاریخچه

لوکزامبورگ، بلژیک، هلند و بخشهایی از شمال فرانسه تا سال ۱۵۷۹ در کتب مرجع دارای تاریخ مشترکی هستند و برای مطالعهٔ آن بهتر است به تاریخچهٔ هلند رجوع شود. تا زمان جنگ این سرزمین‌ها علیه اسپانیا، لوکزامبورگ در مالکیت فیلیپ دوم شاه اسپانیا قرار داشت و در سال ۱۶۸۴ به تصرف فرانسه درآمد، اما سیزده سال بعد دوباره به اسپانیا واگذار شد. در سال ۱۷۱۳ تحت سلطهٔ خاندان هاپسبورگ اتریش قرار گرفت و تا سال ۱۷۹۵ که توسط ناپلئون بناپارت تصرف گردید، همچنان در مالکیت اتریش قرار داشت. در سال ۱۸۱۵ هنگامی که ناپلئون شکست خورد، کنگرهٔ وین به آن عنوان مهیندوکنشین یا گراند دوکنشین داد و جزء اتحادیهٔ آلمانی، با کشور هلند تحت ادارهٔ واحد قرار گرفت. از ۱۸۳۹ تا ۱۸۶۷ به صورت یک دوکنشین مستقل اداره گردید. در ۱۸۶۶ زمانی که کنفدراسیون آلمانی منحل گردید، پیمان لندن بی‌طرفی آن را تضمین کرد و آن را به یک مهیندوکنشین مستقل مبدل نمود. در جنگ جهانی اول و همچنین جنگ جهانی دوم، مورد تهاجم آلمان قرار گرفت. بعد از جنگ جهانی دوم با کشورهای بلژیک و هلند همداستان گردید و اتحادیهٔ بنلوکس ایجاد شد. بعدها به عضویت جامعهٔ اقتصادی اروپا درآمد.

از ۱۹۱۹ تا ۱۹۷۴ حزب راستگرای سوسیال مسیحی، اکثریت پارلمان لوکزامبورگ را در اختیار داشت. در ۱۹۷۴ ائتلاف حزب کارگران سوسیالیست و حزب دموکرات از اکثریت برخوردار گردید و درسال ۱۹۷۹ حزب سوسیال مسیحی با ائتلاف حزب‌های کارگران سوسیالیست و دموکرات، دارای اکثریت شدند و زمام امور کشور را در دست گرفتند. لوکزامبورگ در سال ۱۹۴۹ یکی از پایه‌گذاران سازمان پیمان آتلانتیک شمالی گردید و در ۱۹۸۶ به زنان آن اجازه داده شد تا در نیروهای مسلح به خدمت مشغول گردند. زنان



نام رسمی: مهیندوکنشین لوکزامبورگ

نام محلی: لوکسمبورگ / لتسه‌بورگ Luxemburg, Lëtzebuerg

اسامی دیگر: لوتسلبورگ (نام سابق)

پایتخت: لوکزامبورگ (۸۰،۷۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۸۹۰/۱۱/۱۳ ، از هلند

روز ملی: ۲۳ ژوئن، روز تولد مهیندوک ژان

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۸۶۶

رئیس حکومت: مهیندوک: هنری، از سال ۲۰۰۰

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ژان کلود ژونکه (حزب سوسیال مسیحی مردم)، از سال ۱۹۹۵

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۸۶۸، آخرین تغییرات ۱۹۵۶؛ مجلس نمایندگان با ۶۰ عضو به مدت ۵ سال و مجلس سنا با ۲۱ عضو انتصابی (توسط مهیندوک)؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۹): حزب سوسیال مسیحی مردم ۱۹ کرسی، حزب دموکرات ۱۵؛ حزب کارگران سوسیالیست ۱۳؛ کمیته اقدام برای دموکراسی و عدالت ۷؛ سبزها ۵؛ دی‌لنک ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، شورای اروپا، ناتو، اواسی‌دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۲،۵۸۶ کیلومترمربع (صد و شصت و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۴۳۱،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و شصت و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۶۶/۷ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۴۶۳،۰۰۰ نفر | **زمان‌دوبرابرشدن‌جمعیت:** غیرقابل حصول درآینده نزدیک

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۹۰/۴٪ ؛ رشد سالانه(۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۴٪

توزیع سنی(۱۹۹۶): زیر ۱۵ سال ۱۸/۵٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۱۹/۶٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۴۲/۸٪؛ بالای ۶۰ سال ۱۹/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۶): مرد ۴۹/۰۸٪؛ زن ۵۰/۹۲٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۸۰/۲ سال؛ مردان ۷۳/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۳ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۸ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۴/۷ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۴/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: بیماریهای گردش خون ۳۷۱/۷ نفر (شامل بیماریهای کم‌خونی قلب و عفونت عضله قلب ۱۱۸/۸ نفر؛ بیماریهای عروق مغزی ۱۰۴/۵ نفر)؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۸۱/۴ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۷ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۷ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ۴/۸ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۲/۴ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۹): لوکزامبورگی ۶۴/۴٪ ؛ پرتغالی ۱۳٪؛ ایتالیایی ۴/۷٪؛ فرانسوی۴/۱٪؛ بلژیکی ۳/۲٪؛ آلمانی ۲/۴٪

دین(۱۹۹۶): کاتولیک ۹۵/۱٪؛ دیگر ادیان ۴/۹٪؛ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ لوکزامبورگی (زبان ملی)؛ آلمانی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): اش‌سورآلزت ۲۵،۲۰۰ نفر؛ دیفردانژ ۱۷،۳۰۰ نفر؛ دودلانژ ۱۷،۱۰۰ نفر؛ پتانژ ۱۳،۷۰۰ نفر؛ سانم ۱۲،۹۰۰ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€)= ۴۰/۳۴ فرانک لوکزامبورگ (منسوخ شده)؛ یک دلار = ۱/۱۴ یورو؛ یک یورو = ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۷۰،۳۱۰/۶ میلیون فرانک لوکزامبورگ؛ مالیات بر مصرف و درآمد ۵۸/۲٪؛ مالیات گمرکی ۱۳/۴٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۷۰،۴۱۳/۴ میلیون فرانک لوکزامبورگ ؛ تأمین اجتماعی ۲۱/۳٪؛ آموزش ۱۱/۷٪؛ حمل و نقل ۸/۲٪؛ هزینه‌های اداری ۶/۵٪ ؛ دفاع ۲/۷٪؛ پرداخت بدهی‌ها ۰/۹٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۹،۲۹۳ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۴۵،۱۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۴/۵٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۰/۸٪ ؛ صنعت ۲۲٪؛ خدمات ۷۷/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۶۶۸/۴۲ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۱۲- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۳۹/۶٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/۲٪؛ ۱۹۹۸: ۱/۷٪؛ ۲۰۰۰: ۳/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): جو ۶۳،۲۰۰ تن؛ گندم ۶۰،۱۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲۱،۱۰۰ تن؛ جو دوسر ۱۱،۷۰۰ تن؛ چغندرقند ۷،۵۰۰ تن؛ سیب ۲،۱۵۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۲): کشاورزی ۲۳/۲٪؛ مرتع و چمنزار ۲۵/۶٪؛ جنگل ۳۴/۲٪؛ سایر موارد ۱۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۲۰۷،۸۶۲ رأس؛ خوک ۸۵،۸۳۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۷): ۳۱۵،۵۰۰ مترمکعب | **صید ماهی:** ؟

تولید مرغ: ؟ | **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی (۱۹۹۹): گچ و انیدرید ۴۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۹): ورق فولاد ۴،۲۳۹،۰۰۰ تن؛ فولاد خام ۲،۶۰۰،۰۰۰ تن؛ سیمان ۶۰۰،۰۰۰ تن؛ شراب(۱۹۹۴) ۱۷۹،۹۹۸ هکتولیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۳۸۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۵،۸۵۶،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹۷): صفر (۱۹۴،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۷): صفر (۱،۶۱۵،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی (۱۹۹۷): صفر (۷۳۰،۷۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۹): ۲۴۸،۳۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۵۷/۹٪؛ میزان مشارکت: مردان(در سنین ۱۵ تا ۶۴ ؛ ۱۹۹۷): ۵۱/۴٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۳۸/۲٪؛ میزان بیکاری (۲۰۰۰): ۲/۷٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۲/۳٪؛ صنعت ۲۵/۵٪؛ خدمات ۷۲/۵٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۸۱۱ نفر؛ نیروی زمینی ۱۰۰٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۳۱۸ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۳۳۴،۵۸۸ میلیون فرانک؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۴۸/۷٪؛ تولیدات معدنی ۹/۱٪؛ مواد شیمیایی ۷/۸٪؛ غذا ۵٪؛ از بلژیک ۳۷/۷٪؛ آلمان ۲۸/۱٪؛ فرانسه ۱۱/۹٪؛ امریکا ۵/۸٪؛ هلند ۳/۸٪؛ ایتالیا ۲/۴٪

صادرات(۱۹۹۷): ۲۵۰،۲۶۶ میلیون فرانک؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۵۷/۳٪؛ پلاستیک و تولیدات لاستیکی ۱۲/۹٪؛ منسوجات ۵/۷٪؛ مواد شیمیایی ۵/۷٪؛ غذا ۳/۴٪؛ به آلمان ۲۶/۵٪؛ فرانسه ۱۹/۵٪؛ بلژیک ۱۳/۳٪؛ انگلستان ۶/۷٪؛ ایتالیا ۵/۴٪؛ هلند ۵٪؛ امریکا ۳/۵٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
میلیون فرانک	-۶۱،۵۰۰	-۶۲،۴۰۰	-۷۱،۱۰۰	-۸۲،۸۰۰	-۸۲،۲۰۰	-۱۰۹،۴۰۰	-۱۰۵،۷۰۰
درصد کل	٪۱۲/۳	٪۱۲	٪۱۳/۹	٪۱۴/۴	٪۸	٪۱۵/۴	٪۱۳/۴

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۹۶/۹	۹۸/۳	۱۰۰/۱	۱۰۴/۸	۱۰۸/۱	۱۱۰/۴
شاخص درآمد ساعتی	۱۰۰	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ هر خانوار (۱۹۹۱): ۲/۶ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹۲): ۱،۴۳۸،۰۰۰ فرانک؛ منابع درآمد(۱۹۹۲): دستمزد و حقوق ۶۷/۱٪؛ پرداخت‌های انتقالی ۲۸/۱٪؛ کار آزاد ۴/۸٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۴): غذا، نوشیدنی و دخانیات ۱۹/۷٪؛ مسکن ۱۷/۳٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۶/۲٪؛ لوازم منزل ۹/۹٪؛ لباس و کفش ۸/۲٪؛ بهداشت ۷/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد: ۲۹۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها در خارج: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۵،۱۶۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲۷۴ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۲۴۴،۱۲۹ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۲۷،۲۸۳ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۵۴ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۹):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۶): ۵ روزنامه در ۱۳۵،۰۰۰ نسخه (۳۲۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۵۰۸ عنوان

کتاب: ۶۸۱ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۲۸۵،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۶۷۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱۶۳،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۸۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۹۳،۰۸۳ خط تلفن (۶۸۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۳۰،۵۰۰ خط (۳۰۶ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۱۷۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۹):** ۷۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	؟	۱،۸۸۲	۲۸،۸۶۲	۱۵/۳
متوسطه	؟	۱،۶۸۶	۹،۴۶۳	۵/۳
فنی و حرفه‌ای	؟	۲،۹۰۴	۱۹،۰۲۰	۵/۷
عالی	۱	۲۰۰	۱،۱۰۰	۵/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۱۰۰٪؛ مردان: ۱۰۰٪؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۶): ۹۰۸ نفر (هر ۴۵۴ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۵): ۴،۴۴۳ تخت (هر ۹۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۳۰۰ نفر (۰/۱۴٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۹/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۵): ۳،۵۳۰ کالری (۱۳۴٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی: ۶۸٪؛ مصرف فرآورده‌های لبنی و گوشتی: ۳۲٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۸/۳ میلیون تن؛ هر نفر ۲۰/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۰۸ (هفدهمین کشور جهان)

لوکزامبورگ از سال ۱۹۱۹ نیز از حق رأی برخوردار گردیده‌اند و امروزه حدود ۷۵ درصد مشاغل آموزشی را در اختیار دارند. در انتخابات عمومی سال ۱۹۸۹ حزب سوسیال مسیحی و دیگر احزاب سوسیالیست برندهٔ اکثریت گردیدند. در ۱۹۹۰ کنترل مرزی با کشورهای بلژیک و فرانسه و آلمان و هلند لغو، و رفت و آمدهای مرزی میان آنها آزاد شد. در ۱۹۹۳ خانم ژوزه ژاکوب به عنوان نخستین زن در تاریخ لوکزامبورگ به وزارت رسید و پست وزارت کشاورزی را عهده‌دار شد. ژاک سانتر در سال ۱۹۹۴ به نخست‌وزیری رسید و با انتخاب وی به ریاست کمیسیون اتحادیهٔ اروپا در سال بعد، مقام خود را به ژان کلود ژونکه واگذار نمود. اگرچه در خلال سال ۱۹۹۷، میزان بیکاری در این کشور افزایش یافت اما نسبت به دیگر اعضای اتحادیهٔ اروپا، همچنان از کمترین مقدار بیکاری برخوردار بود. در سال ۱۹۹۹، لوکزامبورگ از اتحادیه اروپا خواست که اجازه دهد اعضای جدید همکاریهای نزدیکتری برقرار کنند و بدین ترتیب کشورهایی با سطح اقتصادی پایین‌تر نیز بتوانند به اتحادیه بپیوندند.

در سال ۲۰۰۰ مهیندوک ژان از مقام خود کناره‌گیری نمود و پسرش هنری وظایف او را از هفتم اکتبر همان سال به عهده گرفت. سطح جرائم و تخلفات در کشور لوکزامبورگ آن قدر پایین است که تنها زندان این کشور تقریباً همیشه خالی است و بحث‌هایی در سال ۲۰۰۰ برای بستن آن به راه افتاد. در اواخر سال ۲۰۰۰ بانک‌های این کشور دارایی‌های موجود در ۸ حساب بانکی دیکتاتور سابق نیجریه، ژنرال سانی آباچا را که شامل حدود ۶۰۰ میلیون دلار بود مسدود کردند و آن را به دولت نیجریه واگذار نمودند. پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، بانک‌های لوکزامبورگ اعلام کردند که صاحبان برخی از حساب‌ها ممکن است روابطی با اسامه بن لادن داشته باشند و وضعیت چنین مشتریانی را بررسی خواهند کرد.

از ژانویه سال ۲۰۰۲، یورو، واحد پول اروپایی، در لوکزامبورگ به جریان افتاد و فرانک لوکزامبورگ به تدریج کنار گذاشته شد.

لهستان POLAND

کشور لهستان در مرکز اروپا و ساحل جنوبی دریای بالتیک جای گرفته و از شمال به دریای بالتیک و سرزمین برون‌بومی روسیه موسوم به کالینینگراد از شمال خاوری به لیتوانی، از خاور به روسیه سفید (بیلاروس) و اوکراین، از جنوب به اسلوواکی، از جنوب غربی به جمهوری چک و از غرب به کشور آلمان محدود است.

دشتهای شمالی لهستان به وسیلهٔ رودهای ویسلا(ویستول)، وارتا و اودرا قطع می‌گردد و از جنگلهای کاج و سرو و کشتزارهای سیب‌زمینی، چاودار و کتان پوشیده شده است. نواحی مرکزی که از خاک کشاورزی مرغوبی برخوردار است، به کشت چغندر و غلات و حبوبات اختصاص یافته و آن قسمت از نواحی جنوبی که در دامنه‌های شمالی کوههای کارپات قرار



دارند استعداد کشاورزی چندانی نداشته و در عوض از نظر منابعی چون زغال‌سنگ، سیلیس، گوگرد، مس، روی و سرب بسیار غنی است و صنایع عمده‌ای چون فولاد، شیمیایی و کشتی‌سازی را در خود جای داده و بلندترین نقطهٔ کشور که در همین منطقه واقع است، ۲۴۹۹ متر (کوه‌ریسی) ارتفاع دارد. اقلیم لهستان معتدل و مرطوب است و رودخانه‌های ویسلا (۱۰۶۹ کیلومتر)، اودرا، بوگ، وارتا، فارف و سان عمده‌ترین رودهای آن محسوب می‌شود. کشور لهستان به دلیل قرار داشتن در مرکز اروپا، از آلودگی شدید هوا رنج می‌برد و زدایش جنگلها و آلودگی آبهای سطحی از جمله تهدیدهای زیست‌محیطی این سرزمین به شمار می‌آید.

تاریخچه

نام لهستان که به زبان محلی پولسکا نامیده می‌شود، از قوم پل که در حوضهٔ رود وارتا زندگی می‌کردند اقتباس شده. در سدهٔ دهم میلادی، فرمانروایان سلسلهٔ پیاست، اقوام مختلفی را که در آن سرزمین بسر می‌بردند، متحد ساختند و میکشوی اول که به مسیحیت گرویده بود، در سال ۹۶۶ میلادی آیین مسیح را در آن کشور رواج داد. لهستان تا سدهٔ دوازدهم از سلطنت موروثی بهره‌مند بود و دوک‌ها و گروهی از اشراف قدرت را در دست داشتند. کازیمیر سوم که از ۱۳۳۳ تا ۱۳۷۰ سلطنت کرد، لهستان را به اوج قدرت رسانیدو از قدرت و نفوذ اشراف و روحانیون کاست و وضع روستاییان و یهودیان را سر و سامان بخشید. در سال ۱۳۸۶ لادیسلاوس به سلطنت رسید و سلسلهٔ یاگیلو را بنیان نهاد و اتحادیهٔ فدرال لهستان و لیتوانی را پایه گذاری کرد. اتحادیهٔ مزبور از دریای بالتیک تا دریای سیاه را در بر می‌گرفت و نواحی اروپای خاوری را نیز در کنترل خود داشت. در ۱۴۳۴ لادیسلاوس سوم به سلطنت رسید و درسال ۱۴۴۰ سلطنت مجارستان را نیز عهده‌دار گردید. وی دوبار با ترکان عثمانی جنگید و در جنگ دوم به قتل رسید. پس از او برادر لادیسلاوس چهارم به نام کازیمیر چهارم به سلطنت رسید. وی مجلس شورای لهستان یا سیم را تشکیل داد.

در سال ۱۵۰۶ سیگیسموند اول عهده‌دار سلطنت لهستان گردید. وی با امپراتوری مقدس روم متحد شد و با دولت روسیه به جنگ پرداخت و با مغولان که در مرزهای خاوری کشور او به تاخت و تاز پرداخته بودند، مبارزه کرد. پس از وی سیگیسموند دوم به جای او نشست. او اتحاد میان لهستان و لیتوانی را مستحکم کرد و بخش‌هایی از لیوونیا را ضمیمهٔ خاک خویش نمود و با روسیه به جنگ پرداخت. در زمان او اصلاح دینی آغاز شد و پروتستان‌ها از موقعیت خوبی برخوردار شدند ولی او از گسترش آن جلوگیری کرد. سیگیسموند دوم در سال ۱۵۷۲ درگذشت و استفان باتوری در سال ۱۵۷۵ به مقام سلطنت انتخاب گردید. از این تاریخ به بعد سلطنت لهستان انتخابی شد و قدرت واقعی به دست پارلمان افتاد. پس از مرگ استفان باتوری (سال ۱۵۸۶) سیگیسموند سوم به سلطنت برگزیده شد. وی که فرزند شاه سوئد بود، در سال ۱۵۹۲ به پادشاهی سوئد نیز رسید ولی به دلیل اختلاف مذهبی از سوی پارلمان سوئد از سلطنت سوئد خلع شد. در سال ۱۶۲۱ بین او و پادشاه سوئد که پسرعمویش بود، جنگ درگرفت. در سال ۱۶۲۹ طرفین صلح کردند و ناحیهٔ لیوونیا به تصرف سوئد درآمد. در سالهای اول سدهٔ هفدهم سیگیسموند سوم به روسیه حمله کرد و مسکو را اشغال نمود. در سال ۱۶۱۰ پسرش به نام لادیسلاوس چهارم به تزاری روسیه رسید ولی چندی بعد سپاهیان روس لهستانی‌ها را از خاک خود بیرون راندند. در زمان لادیسلاوس چهارم بین روس و لهستان صلح برقرار گردید.

در سال ۱۶۷۳ یان سوبیسکی سردار لهستانی، سپاهیان عثمانی را در اروپای مرکزی شکست داد و از سوی پارلمان لهستان به پادشاهی انتخاب شد. وی در سال ۱۶۸۳، سپاهیان عثمانی را برای بار دیگر در حوالی وین درهم شکست. سوبیسکی در سال ۱۶۹۶ درگذشت و با مرگ وی استقلال لهستان عملاً از میان رفت و آوگوستوس دوم فقط بر بخش کوچکی از لهستان به سلطنت پرداخت. آوگوستوس دوم در سال ۱۶۹۹ با پتر کبیر امپراتور روس و فردریک چهارم پادشاه دانمارک علیه کارل دوازدهم پادشاه سوئد متحد شد و در سال ۱۷۰۰ جنگ میان آنان آغاز گردید. کارل دوازدهم پادشاه سوئد در این نبرد پیروز شد و ورشو را تصرف کرد و کارل استانیسلاوس اول را به پادشاهی لهستان منصوب کرد و سرانجام میان لهستان و سوئد در سال ۱۷۲۰ صلح برقرار شد. با مرگ آوگوستوس دوم، آوگوستوس سوم در سال ۱۷۳۳ به سلطنت انتخاب گردید. در زمان او جنگ جانشینی لهستان آغاز شد. در سال ۱۷۶۴ استانیسلاوس دوم به عنوان آخرین پادشاه لهستان به سلطنت رسید.

در سال ۱۷۷۲، دولت‌های روسیه، پروس و اتریش هریک بخش‌هایی از خاک لهستان را در کنترل گرفتند. تصویب قانون اساسی سال ۱۷۹۱ با یورش روسیه در سال ۱۷۹۳ بدون استفاده ماند و دومین تقسیم لهستان صورت گرفت. در سال ۱۷۹۵ ناپلئون لهستان را تجزیه کرد و دوک‌نشین ورشو را تأسیس نمود. بدین ترتیب نام لهستان از نقشهٔ اروپا حذف شد. کنگرهٔ وین (سال ۱۸۱۵) یک کشور سلطنتی به نام لهستان کنگره ایجاد نمود. در اواخر سدهٔ نوزدهم، آلمان، اتریش و هنگری، لهستان را میان خود تقسیم کردند. با پایان یافتن جنگ جهانی اول، لهستان استقلال خود را دوباره به دست آورد. در سال ۱۹۲۶ ژوزف پیلسودسکی به حکومت لهستان رسید و تا سال ۱۹۳۵ با دیکتاتوری و قدرت تمام حکومت کرد. در آغاز جنگ دوم



نام رسمی: جمهوری لهستان

نام محلی: پولسکا Polska

اسامی دیگر: –

پایتخت: ورشو (۱،٦۱٥،۳٦۹ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: سوم ماه مه(سالروز تصویب قانون اساسی سال ۱۷۹۱)

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۱۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: الکساندر کواشنیفسکی، از سال ۱۹۹٥ (برای دومین بار از سال ۲۰۰۰)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: لِشِک میلِر، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال (۱۹۹۷)؛ پارلمان (سیم) با ٤٦۰ عضو و مجلس سنا با ۱۰۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های پارلمان در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۱): اتحادیهٔ همبستگی ۲۰۱ (-) کرسی؛ اتحادیه دموکراتیک چپ ۱٦٤ (۲۱٦)؛ اتحاد آزادی ٦۰ (-)؛ حزب کشاورزان لهستان ۲۷ (٤۲)؛ جنبش بازسازی لهستان ٦ (-)؛ اقلیت‌های آلمانی‌تبار ۲ (۲)؛ پلاتفرم شهروندان (٦٥)؛ خود اتکایی جمهوری لهستان (٥۳)؛ حزب قانون و عدالت (٤٤)؛ اتحاد خانواده‌های لهستانی (۳۸) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاداآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، ناتو، اواسی‌دی، اوسه، سفتا

جمعیت

مساحت: ۳۱۲،٦۸٥ کیلومترمربع (شصت و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۸،۸۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (سی‌امین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۲٤/۱ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۰/۱٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۳۹/۱ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦٤/۸٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۰/۹٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ۲۰/٦٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۳/۳٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۹/۷٪؛ بالای ٦۰ سال ۱٦/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۸/٦۱٪؛ زن ٥۱/۳۹٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۷/٤ سال؛ مردان ٦۸/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۹/۹ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۸/۹ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** صفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٥): بیماریهای دستگاه گردش خون ٥۰٤/٦ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۰۲/٤ نفر؛ حوادث؛ مسمومیت و درگیری ۷٤/٦ نفر؛ دیابت ۱۳ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ٦/٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/٤ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۸ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ٥/۳ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۱/۱ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹٥): لهستانی۹۷/٦٪؛ اوکراینی ۰/٦٪؛ بقیه ۱/۸٪

دین: کاتولیک ۹۰/۷٪؛ بقیه (عمدتاً مسیحی ارتدوکس) ۹/۳٪؛ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: لهستانی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): لدز ۸۰۰،۱۰۰ نفر؛ کراکوف ۷۳۸،۱٥۰؛ وروتسلاف ٦۳٦،۷۸٥؛ پزنان ٥۷٦،۸۹۹؛ گدانسک(۱۹۹۹): ٤٥۸،۹۸۸؛ (۱۹۹۷): شچتسین ٤۱۹،۰۰۰؛ بیدگوشچ ۳۸٦،۳۰۰؛ لوبلین ۳٥٦،۰۰۰؛ کاتوویتسه ۳٤۹،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: گدانسک و گدینیا (خلیج گدانسک، دریای بالتیک)؛ شچتسین (رود اودرا، دریای بالتیک)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: زلوتی(Zł)= ۱۰۰ گروشی؛ یک دلار= ٤/٥٦ زلوتی؛ یک زلوتی = ۱،۷٥٤/٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۱۱۹،۷۷۲/۱ میلیون زلوتی؛ مالیات بر درآمد ۳٦/۷٪؛ مالیات بر ارزش افزوده ۳۰/۸٪؛ مالیات بر مصرف ۱٤/۹٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۱۲٥،٦۷٤/۹ میلیون زلوتی؛ تأمین اجتماعی ۱٦/۹٪؛ هزینهٔ مالی ۱٥/٤٪؛ بهداشت ۱٥٪؛ رفاه عمومی ۸/۷٪؛ آموزش ٥/۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱٥۱،۲۸٥ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،۹۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۹٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): کشاورزی ٤٪؛ صنعت ۳۳٪؛ خدمات ٦۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۸۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٥،۱۲۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳٥،۱۳٦ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۹۰۱/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۱/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲٦/۹٪؛ ۱۹۹۸: ۱۲٪؛ ۲۰۰۰: ۱۰/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): (ارزش ناخالص محصولات به میلیون زلوتی): سیب‌زمینی ٤،۰٦٦ ؛ گندم ۳،۷٤۷؛ میوه ۳،٥۷۸؛ سبزیجات ۳،٤۸٤ ؛ چاودار ۱،٤۲۰؛ چغندرقند ۱،۲٥٤

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٤۷٪؛ چمنزار ۱۳/۳٪؛ جنگل ۲۸/۸٪؛ سایر موارد ۱۰/۹٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۱۸،٥۳۸،۰۰۰ رأس؛ گاو ٦،٥٥٥،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۹): ۲٤،۳۰۰،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹٦):** ٤٥۱،۳٤٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٥۰،۰۱۷،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۲۰،۱٥۸ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): گوگرد ۱،٦۷۲،۰۰۰ تن؛ مس ٤۳۲،۲٤۳ تن؛ نقره ۱،۱۰۸ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۹): (ارزش افزوده به میلیون زلوتی): محصولات غذایی ۱۳،۷٦٤؛ نوشیدنی‌ها ۱۳،٥۸۲؛ تجهیزات حمل و نقل ۱۰،٥۹٦؛ ماشین‌آلات غیر برقی ۷،٥٤۲؛ ماشین‌آلات برقی ۷،٥۰٦

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۲۰۰۰): ۱٤۱،٦۲۹،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ۱۳٦،٦٦٦،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۲۰۰۰): ۱۰۳،۱۷۳،۰۰۰ تن (۱۹۹٦: ۱۰۹،۳٥٥،۰۰۰)؛ لیگنیت(۲۰۰۰): ٥۹،۳٦٦،۰۰۰ تن (۱۹۹٦: ٦۳،۸٦٤،۰۰۰)؛ نفت‌خام(۱۹۹٦): ۲،٤۰۰،۰۰۰ بشکه (۱۰۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۱۳،٦۹۱،۰۰۰ تن (۱٦،۳۰٥،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۱۷،۱٦۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤٤/٤٪؛ میزان مشارکت: (۱٥ سال به بالا): ٦٦/۱٪؛ زنان (۱٥ سال به بالا):٤٥/۷٪؛ میزان بیکاری (۲۰۰۱-۲۰۰۰): ۱٤/۳٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۷/۲٪؛ صنعت ۲۲/٤٪؛ خدمات ٦۰/٤٪

نیروی دفاعی: (مدت نظام‌وظیفه: ۱۸ ماه): تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۲۱۷،۹۲۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۰٪؛ نیروی دریایی ۷٪؛ نیروی هوایی ۲۳٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱٤٥ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۱۸۲،۳٦۲ میلیون زلوتی؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۸/۲٪؛ مواد شیمیایی ۱٤/۳٪؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ۷/۲٪؛ مواد غذایی ٥/٥٪؛ از کشورهای آلمان ۲٥/۲٪؛ ایتالیا ۹/٤٪؛ فرانسه ٦/۸٪؛روسیه ٥/۹٪؛ انگلستان ٤/٦٪

صادرات(۱۹۹۹): ۱۰۸،۷۰٦ میلیون زلوتی؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۰/۳٪؛ مواد غذایی ۸/٥٪؛ مواد شیمیایی ٦/۲٪؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ٥٪؛ به کشورهای آلمان ۳٦/۱٪؛ ایتالیا ٦/٥٪؛ هلند ٥/۳٪؛ فرانسه ٤/۸٪؛ انگلستان ٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
میلیون زلوتی	-۹،۸۲٦	-۱٤،۹۸۷	-۳٤،٤۱۲	-٥٤،٤۱۸	-٦۷،٤٤۳	-۷۳،٦٥٦	-۷٥،۱٦۳
درصد کل	٪۱۱/۱	٪۱۱/۹	٪۲۰/۷	٪۲٤/۳	٪۲٦/۲	٪۲٥/۳	٪۲۱/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
شاخص قیمتهای مصرفی	٥۹/۲	۷۸/۹	۱۰۰	۱۲۰/۲	۱۳۹/۳	۱٥٥/٦	۱٦۷	۱۸۲/۱	۱۹۱/٤
شاخص درآمد ماهانه	٥۳/۷	۷۰/۷	۱۰۰	۱۲٦/۳	۱٥۱/٦	۱۷٤/۲	۱۸۹/۹	۲۰۹/٦	۲۱۸/۲

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۷): ۲/۹ نفر؛ درآمد هر خانوار: ۸،٤۳۱ زلوتی (۲،۹۹۰ دلار)؛ منابع درآمد (۱۹۹٦): دستمزد ٤۳/۹٪؛ انتقالی‌ها ۲٥/۲٪؛ کار آزاد ۲۱/۹٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹٦): غذا، نوشیدنی و دخانیات ۳٦/۳٪؛ مسکن و سوخت ۱۹/۱٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۱/۳٪

جهانگردی(۱۹۹۸): ۷،۹٤٦ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ٤،٤۳۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳۷۷،۰٤۸ کیلومتر | **راه‌آهن(۲۰۰۰):** ۲۲،۹۸۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۲۰۰۰): ۹،۲۸۳،۰۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۲۰۰۰):** ۱،۷٦۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٦٤٤ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۸ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٥٥ روزنامه در ٤،۳٥۱،۰۰۰ نسخه (۱۱۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٥،۲٦۰ عنوان در ۷٥،۳٥۸،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱٤،۱۰٤ عنوان در ۸۰،۳۰٦،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ٥،٦۹۳/۸ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۲۰،۲۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٥۲۲/٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱٦،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۱٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۲۰۰۰): ۱۰،۰۷٦،۰۰۰ خط تلفن (۲٦۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۲۰۰۰): ۳،۹٥٦،۰۰۰ خط (۱۰۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۲،٤۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۹):** ۲،۱۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۱۹،۲۹۹	۳۲۲،٦۰۰	٤،۸۹٦،٤۰۰	۱٥/۲
متوسطه	۱،۸٤۷	۳۹،۲۰۰	۷٥۷،۷۰۰	۱۹/۳
فنی و حرفه‌ای	۹،۳۲۰	۸۹،۹۰۰	۱،۷٥۰،۷۰۰	۱۹/٥
عالی	۲٤٦	۷۳،۳۰۰	۱،۰۹۱،۸۰۰	۱٤/۹

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۹/۸٪؛ مردان: ۹۹/۸٪؛ زنان: ۹۹/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال(۱۹۹٥): ابتدایی ۳۳/۷٪؛ متوسطه ٥۳/۲٪؛ عالی ٦/۸٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۸۸،٥۲۳ نفر (هر ٤۳٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۲٤۳،۰۳٦ تخت (هر ۱٥۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله ۱۲،۰۰۰ نفر (۰/۰٦٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ سال)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳٦/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،۳٦۸ کالری (۱۲۹٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۹۹ گرم؛ مصرف چربی: ۱۱۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۹٥-۱۹۹۰): ۰/۱-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲۰/٥ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳٥۷/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۹/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۱٤ (چهل و چهارمین کشور جهان)

جهانی لهستان به تصرف آلمان نازی درآمد و همزمان اوکراین غربی و روسیهٔ سفید(بیلاروس) که جزئی از خاک لهستان بودند نیز به تصرف ارتش اتحاد جماهیر شوروی درآمد و به دنبال آن عده‌ای از ملیون و سران ارتش لهستان به انگلستان پناهنده شدند و دولت لهستان آزاد را تشکیل دادند و دوش به دوش متفقین علیه آلمانی ها جنگیدند. در سال ۱۹۴۱ هنگامی که آلمان به اتحاد شوروی حمله‌ور شد، سراسر خاک لهستان نیز به تصرف آلمان نازی درآمد و حدود ۶ میلیون لهستانی که نیمی از آنان یهودی بودند به دست آلمانی ها کشته شدند. در سال ۱۹۴۵ لهستان به تصرف ارتش سرخ درآمد و با پایان یافتن جنگ، لهستان دوباره به استقلال رسید و حکومتی که اکثریت اعضای آن را کمونیست‌های دست‌نشاندهٔ شوروی تشکیل می‌داد بر سر کار آمد. در سال ۱۹۴۹ ولادیسلاف گومولکا که تمایلات ملی و ضد شوروی داشت، از هیئت رهبری لهستان برکنار و زندانی گردید. وی در سال ۱۹۵۶ و به دنبال بروز بحران کارگری ضد کمونیستی مجدداً به دبیرکلی حزب کارگران متحد لهستان انتخاب شد و مقام نخست‌وزیری را نیز عهده‌دار گردید.

در سال ۱۹۶۶ لهستان جشن هزارمین سال موجودیت خود را به عنوان یک ملت مسیحی مستقل برگزار کرد و در ۱۹۶۸ با ارتش سرخ در اشغال چکسلواکی شرکت نمود. در ۱۹۷۰ مرزهای خود را با دولت آلمان تثبیت کرد و میان دو کشور پیمان عدم تعرض بسته شد. افزایش قیمتها به شورش های کارگری سال ۱۹۷۰ انجامید و گومولکا از دبیرکلی حزب کارگران متحد و نخست‌وزیری برکنار شد و ادوارد گیرک به جای او عهده‌دار امور گردید. در سال ۱۹۸۰ اعتصابات کارگری در لهستان مجدداً شروع شد و به شهر کارگری گدانسک و کارخانهٔ کشتی‌سازی لنین نیز کشیده شد و سرانجام اتحادیه مستقل همبستگی توسط کارگران ایجاد شد که توسط دولت کمونیستی نیز به رسمیت شناخته شد. دامنهٔ اعتصابات رفته رفته گسترش یافت و به برکناری گیرک منجر گردید و وویشخ یاروزلسکی به نخست‌وزیری رسید و چندی بعد به دبیرکلی حزب کارگران متحد منصوب شد و مقام ریاست جمهوری لهستان را کسب کرد. در همان اوان، لخ والسا رهبر اتحادیهٔ همبستگی در صحنهٔ سیاسی کشور خودنمایی کرد.

در سال ۱۹۸۱ بحران اقتصادی دوباره شروع شد و تظاهرات به خشونت کشیده شد و وویشخ یاروزلسکی قدرت کامل را در دست گرفت. اما اعتصابات و تظاهرات همچنان بالا می گرفت تا جایی که شمار اعتصاب کنندگان که در سال ۱۹۸۰ رقمی معادل ۳۵۰,۰۰۰ نفر بود، در سال ۱۹۸۱ به یک میلیون نفر رسید. ناچار یاروزلسکی در کشور اعلام وضع فوق‌العاده کرد و قدرت را به دست یک شورای نظامی مطلقه سپرد و اتحادیهٔ همبستگی را غیر قانونی اعلام نمود. حکومت نظامی بر سراسر کشور حاکم شد و رهبران اتحادیهٔ همبستگی دستگیر شدند و شهرها در کنترل نظامیان قرار گرفت. در اعتراض به این تحولات امریکا و بعضی از کشورهای غربی لهستان را تحریم اقتصادی کردند. کلیسای کاتولیک آزادی لخ والسا را خواستار شد و در ۱۹۸۳ لخ والسا از زندان آزاد شد و پاپ ژان پل دوم در همان سال از لهستان دیدن کرد. در انتخابات ژوئن ۱۹۸۹ تادئوس مازوویتسکی که یک روزنامه‌نگار میانه‌رو بود به عنوان نخستین رئیس جمهور غیر کمونیست بلوک شرق به ریاست جمهوری لهستان رسید و لهستان با واتیکان و اسرائیل روابط سیاسی برقرار کرد. وی در ژانویهٔ ۱۹۹۰ اصلاحات اقتصادی را شروع کرد و از جامعهٔ اقتصادی اروپا تقاضای همکاری نمود.

در دهم ماه مه ۱۹۹۰ اولین اعتصابات علیه دولت مازوویتسکی شروع شد. در دسامبر ۱۹۹۰ نخستین انتخابات مستقیم ریاست جمهوری برگزار شد و لخ والسا به پیروزی رسید. در اوت ۱۹۹۱ یان کریستف بیلتسکی از مقام نخست‌وزیری استعفاء کرد و لخ والسا، سیم (پارلمان) را منحل کرد. سیم جدید در دسامبر ۱۹۹۱ یان اولشفسکی را به نخست‌وزیری منصوب نمود و کمی قبل از آن لهستان به عنوان بیست و ششمین عضو شورای اروپا برگزیده شد. در اواخر مه ۱۹۹۲ لخ والسا، اولشفسکی را برکنار نمود و هنّا سوخوتسکا از سوی مجلس به نخست‌وزیری رسید. در نوامبر ۱۹۹۵ الکساندر کواشنیفسکی از کمونیست‌های سابق، در انتخابات ریاست جمهوری لخ والسا را شکست داد و یوسف اولسکی را به نخست‌وزیری برگزید و چند ماه بعد ولادزیمیرز تسیموشویچ به جای او نخست‌وزیر شد. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۷، ائتلاف راستگرای جنبش انتخاباتی همبستگی به پیروزی رسید و یرزی بوزک نخست‌وزیر شد. در ۱۹۹۸ عضویت لهستان در اتحادیهٔ اروپا مورد بررسی قرار گرفت و یکی از شروط آن نوین‌سازی کشاورزی اعلام گردید.

اصلاحات اقتصادی دولت در سال ۱۹۹۹، برای تطابق اقتصاد این کشور با خواسته‌های اتحادیه اروپا، منجر به تظاهرات و راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیزی شد و مخالفان، دولت را متهم کردند که به منظور دسترسی به عضویت اتحادیه اروپا، وضع اقتصادی مردم را نادیده گرفته است. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰، الکساندر کواشنیفسکی مجدداً به پیروزی رسید و در انتخابات پارلمانی سال بعد نیز ائتلاف احزاب چپ موفق شدند، اکثریت نسبی را کسب کنند و ائتلاف اتحادیه دموکراتیک چپ با حزب کشاورزان منجر به نخست‌وزیری لِشِک میلیر، از کمونیستهای سابق، در اکتبر ۲۰۰۱ شد.

لیبریا LIBERIA

کشور لیبریا در غرب افریقا و در ساحل اقیانوس اطلس قرار گرفته و از شمال به گینه، از خاور به ساحل عاج (کوت‌دیووآر)، از جنوب و جنوب غربی به اقیانوس اطلس و از شمال غربی به سیرالئون محدود است. سرزمین لیبریا به سه منطقهٔ جغرافیایی تقسیم می گردد.

۱- جلگهٔ ساحلی که بیشترین جمعیت کشور را شامل است و پست و باتلاقی است.

۲- نواحی مرکزی که از دره‌های متعدد تشکیل شده و از جنگلهای انبوه بارانی پوشیده شده است.

۳- منطقهٔ کوهستانی که در امتداد مرز گینه قرار دارد و بلندی آن حداکثر به ۱۳۸۰ متر (کوه ووتوه) می رسد.

در جلگهٔ ساحلی، برنج، قهوه، نیشکر، کاکائو و روغن نخل به دست می‌آید و شرکتهای امریکایی کشتزارهای وسیعی برای به دست آوردن شیره کائوچو در آنجا احداث نموده‌اند.

اقلیم لیبریا گرم و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های کاوالی(۵۵۰ کیلومتر)، سنت‌پل، مانو، لوفا و سنت‌جان از مهمترین رودهای آن محسوب می گردد. لیبریا از نظر معادن آهن در ردیف کشورهای غنی افریقا قرار دارد و بوکسیت، منگنز، الماس و طلا از دیگر ذخایر زیرزمینی آن به شمار می‌رود.



تاریخچه

لیبریای امروزی قبلاً ساحل غله نام داشته است و ساکنان آن را ۱۶ تیره قومی مختلف تشکیل می‌دادند. کروها در جنوب غربی و ماندینگوها در خاور و شمال خاوری زندگی می‌کردند و بازرگانان ماندینگو نقش بزرگی در ترویج دین اسلام داشته‌اند. تجارت برده در قرون گذشته این سرزمین را تقریباً خالی از سکنه کرده است. در زمان جنگهای داخلی امریکا و جلوتر از آن که آبراهام لینکلن رئیس‌جمهور امریکا برده‌داری را در سال ۱۸۶۵ ملغی سازد، سیاهان امریکا، خواستار تأسیس کشور مستقلی در قارهٔ سیاه گردیدند. در سال ۱۸۲۱ جامعهٔ سیاهپوستان امریکا با حمایت دولت مزبور، بخشی از سرزمین سیرالئون را خریداری کردند و شهر مونروویا را به نام جیمز مونرو در ساحل آن بنا نهادند. ۲۰,۰۰۰ سیاهپوست امریکایی با حمایت نیروی دریایی امریکا و آتش توپخانه در ساحل پیاده شدند و بهترین زمینهای قابل کشت آنجا را تصرف



نام رسمی: جمهوری لیبریا

نام محلی: لایبریه Liberia

اسامی دیگر: -

پایتخت: مونروویا (۴۷۹،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۸۴۷/۷/۲۶

روز ملی: بیست و ششم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۸۴۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: چارلز گانکی تیلور (حزب میهنی ملی)، از سال ۱۹۹۷ به مدت ٦ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: چارلز گانکی تیلور (حزب میهنی ملی)، از سال ۱۹۹۷ به مدت ٦ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۵؛ مجلس نمایندگان با ٦٤ عضو و مجلس سنا با ۲٦ عضو؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۷): حزب میهنی ملی ٤۹ کرسی، حزب متحد ۷ کرسی، جنبش آزادیبخش متحد لیبریا ۳ کرسی، سایر احزاب ٥ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۹۷،۷٥٤ کیلومترمربع (صد و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۳،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و بیست و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۲/۷ نفر در کیلومترمربع　**رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۸/۲٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٦/٦ میلیون نفر　**زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۳ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ؟ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٤/٥٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٤۳/۱٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲٦/۸٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٤/۸٪؛ بالای ٦۰ سال ٥/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/۳۲٪؛ زن ٥۰/٦۸٪　**امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٥۲/۱ سال، مردان ٤۹/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۷/۸ نفر　**میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٦/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۳٦/۹ نفر　**رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳۰/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، با این حال مهمترین مشکلات بهداشتی عبارتند از: نارسایی‌ها و مشکلات دوران بارداری، مالاریا، ذات‌الریه، کم‌خونی، سوء تغذیه، سرخک و ایدز. همچنین از سال ۱۹۹۰ به بعد خشونت و جنگ داخلی نیز عامل گسترش و شیوع بیماریها و مرگ و میر بوده است.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٦/٥ نفر　**مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟　**میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸٤): قبایل کپله ۱۹/٤٪ ؛ باسا ۱۳/۹٪؛ گربو ۹٪؛ گیو ۷/۸٪؛ کرو ۷/۳٪؛ مانو ۷/۱٪؛ بقیه ۳٥/٥٪

دین: مذاهب بومی ٦۳٪؛ مسیحی ۲۱٪؛ (پروتستان ۱۳/٥٪؛ مسیحی افریقایی ٥/۱٪؛ کاتولیک ۲/٤٪)؛ مسلمان ۱٦٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ زبانهای بومی قبایلی؛ خط: لاتین

شهرهای‌مهم: هارپر(۱۹۸٥) ٦۰،۰۰۰ نفر؛ گبارنگا (۱۹۸٦) ۳۰،۰۰۰ نفر؛ بوکانن(۱۹۸٥) ۲٥،۰۰۰ نفر؛ یکپا (۱۹۸٥) ۱٦،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: مونروویا و بوکانن (ساحل اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار لیبریا (L$)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۱ دلار لیبریا؛ یک دلار لیبریا = ۸،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۳): ۲٤۹،۸۲٥،۰۰۰ دلار؛ (۱۹۹۹): درآمدهای مالیاتی ۹۲/۲٪ (شامل عوارض گمرکی و حق‌الزحمه کنسولی ۲۹/۹٪؛ درآمد کشتیرانی ۲۳/۲٪؛ مالیات بر سود درآمد ۲۲/٤٪؛ مالیات بر فروش ۱٥/۹٪؛ مالیات بر دارایی ۰/٥٪)

هزینه بودجه(۱۹۹۳): ۲۷۳،۹۳۰،۰۰۰ دلار؛ (۱۹۹۹): هزینه‌های جاری ۸٥/۲٪ (شامل کالاها و خدمات ٤۹/۳٪؛ دستمزد ۲۱/٦٪؛ یارانه و انتقالی‌ها ۸/۸٪؛ بهرهٔ وامها ٥/۲٪)؛ هزینه‌های عمرانی ۸/۳٪؛ بقیه ٦/٥٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): ۱،۱۷٤ میلیون دلار　**سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹٦):** ٤۹۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): کشاورزی ۷٥/۳٪؛ صنعت ۹٪؛ خدمات ۱٤/۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۰٦۲ میلیون دلار　**کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): کاساوا ۳۱۳،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۲٥۰،۰۰۰ تن؛ برنج ۲۱۰،۰۰۰ تن؛ میوه نخل روغن ۱٥۲،۰۰۰ تن؛ موز ۹۰،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۳٥،۰۰۰ تن؛ کائوچوی طبیعی ۳٥،۰۰۰ تن؛ یام ۲۰،۰۰۰ تن؛ قهوه ۳،۰۰۰ تن؛ دانهٔ کاکائو ٥۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۳/۸٪؛ مرتع و چمنزار ۲۰/۸٪؛ جنگل ٤۷/۸٪؛ سایر موارد ۲۷/٦٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۲۲۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۲۱۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱۲۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۳٦،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳،۰۲۱،۰۰۰ مترمکعب　**صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱۰،۸۳۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،٥۰۰،۰۰۰ قطعه　**تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳،٦۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): (آمار صادرات): الماس ۷،۷۱۹ قیراط؛ طلا ۷۲ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): روغن نخل ٤٥،۰۰۰ تن؛ سیمان (۱۹۹۳): ۸،۳۰۰ تن؛ سیگار(۱۹۹۲) ۲۲،۰۰۰،۰۰۰ بسته؛ نوشیدنی غیر الکلی (۱۹۸۸) ۱۷۱،۰۰۰ هکتولیتر؛ آبجو (۱۹۸۸) ۱٥۸،۰۰۰ هکتولیتر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ٤۸۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(٤۸۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: صفر(صفر)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٤): صفر (۱۰٦،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۱،۱۸۳،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت : ٥۱/٤٪؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱۰ تا٦٤؛ ۱۹۹٤): ٦٤٪؛ زنان (در سنین ۱۰ تا ٦٤)؛ ۳۹/٥٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): ۹٥٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹٤): کشاورزی ٦۸/۱٪؛ صنعت و خدمات ۳۱/۹٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۱٤،۰۰۰ نفر؛ سرانهٔ هزینه دفاعی(۱۹۹٥): ۲۱ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۱٦۷/٥ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۱/۷٪؛ نفت و فرآورده‌های نفتی ۱۰/٤٪؛ کالاهای اساسی ۱۰/۲٪؛ مواد شیمیایی ۷/۹٪؛ نوشیدنی و توتون ٤/۲٪؛ از کره جنوبی ۲٦/۸٪؛ ایتالیا ۲۱/۷٪؛ ژاپن ۱٦/۹٪؛ فرانسه ۱۳/٤٪؛ کروآسی ٥/۷٪؛ سنگاپور ٤/۸٪

صادرات(۱۹۹۹): ٥٥/۷ میلیون دلار شامل کائوچو ٥٦/۹٪؛ الوار و چوب ۳۹/۱٪؛ کاکائو ۲٪؛ قهوه ۱/۸٪؛ به امریکا ٥٤/۳٪؛ فرانسه ۲٤/۳٪؛ سنگاپور ٥/۲٪؛ بلژیک ٤/٤٪؛ ایتالیا ۳/۳٪؛ مالزیا ۲/٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-٥،۳۹۳	-٤،۸۲۹	-۲،۷۱۸	-۲۱۷/۹	-۱۱۸/٥	-۱۱۱/۸
درصد کل	۸۱/۷٪	۷۱/۷٪	٥٤/٥٪	۸۱/۱٪	٥۸/۱٪	٥۰/۱٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۰):	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۹/۸	۱۰۰	۱۱۰	۱۲۱	۱۳۳/۱	۱٤٦/٤	۱٦۱
شاخص دستمزدها	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۳): ٤/۳ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها: ؟

جهانگردی(۱۹۸٦): درآمد: ٦ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۰،٦۰۰ کیلومتر　**راه‌آهن(۱۹۹۸):** ٤۹۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۹،٤۰۰ دستگاه　**تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۲٥،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱،٦۷۲ فروند　**فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٦ روزنامه در ۳٥،۰۰۰ نسخه (۱٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۷۹۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۲۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹٦): ٦،۳۷۱ خط تلفن (۲/۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟　**اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۸۰)	۱،٦٥۱	۹،۰۹۹	۱٦۷،۰۰۰	؟
متوسطه	٤۱۹	۱،۱۲۹	٥۱،٦٦٦	٤٥/۸
فنی و حرفه‌ای	٦	٦۳	۲،۳۲۲	۳٦/۹
عالی	۳	؟	٥،۷۱٦	؟

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال ۳۸/۳٪؛ مردان: ٥۳/۹٪؛ زنان: ۲۲/٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۲): ۲٥۷ نفر (هر ۸،۳۳۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان : ؟

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۰۸۹ کالری (۹۰٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ۹۷٪؛ مصرف فرآورده‌های لبنی و گوشتی ۳٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی: ؟

کردند و سالها از آمیزش با بومیان جنگل‌نشین آن سرزمین خودداری کردند. آنان برای خود جامعهٔ مستقلی از نظر زبان و مذهب تشکیل دادند و به همین دلیل است که هنوز هم تعداد کمی از جمعیت لیبریا به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند و از مسیحیت پیروی می‌کنند.

در ۱۸۴۱ نخستین قانون اساسی این سرزمین به وسیلهٔ امریکا تدوین شد و این کشور لیبریا (سرزمین آزادگان) نامیده شد و جوزف رابرتز به ریاست جمهوری آن منصوب گردید. در سال ۱۸۴۷ لیبریا جدایی از امریکا و استقلال خود را رسماً اعلام داشت و رابرتز در مقام ریاست جمهوری ابقاء شد. اعلام استقلال در حقیقت برای بومیان اصلی لیبریا چیزی به همراه نیاورد و این مهاجران سیاهپوست امریکایی بودند که با شمار اندکشان که حتی امروزه به چیزی حدود ۵۰,۰۰۰ نفر می‌رسد، از تمام مزایا بهره‌مند شدند و در واقع حکومت و فرمانروایی بر لیبریا را از آن خود ساختند و این شرکت‌های امریکایی هستند که از انحصار فرآورده‌هایی چون شیرهٔ کائوچو و بهره‌برداری از معادن آهن، طلا و الماس و امثال آن سود جستند. کشف منابع معدنی مهم و استفاده از پرچم لیبریا به وسیله کشتی‌های امریکایی، دوران شکوفایی اقتصاد را در سالهای ۱۹۶۰ به ارمغان آورد و بیشتر درآمد آن عاید کمپانی‌های امریکایی و سیاهان مهاجر گردید. در ۱۹۷۱ شیدرک تابمن رئیس جمهور لیبریا درگذشت و معاونش ویلیام تالبرت به ریاست جمهوری رسید. وی در سال ۱۹۷۵ برای یک دورهٔ ۵ ساله دیگر عهده‌دار ریاست جمهوری شد.

در ۱۹۷۹ ساموئل دو، دولت ویلیام تالبرت را سرنگون کرد و وی را همراه با دیگر اعضای دولتش اعدام نمود. در انتخابات ۱۹۸۵ ساموئل دو مجدداً به ریاست جمهوری رسید. در مه ۱۹۹۰ جبههٔ میهنی ملی لیبریا به رهبری چارلز تیلور به شهر گبارنگا حمله کردند و چند نقطه از کشور را تصرف نمودند و درست در آستانهٔ تصرف شهر مونروو یا در این جبهه انشقاق افتاد و جبههٔ میهنی مستقل به رهبری پرنس جانسون منشعب شد. در ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۰ دویست تن که به یک کلیسای لوتران پناهنده شده بودند، به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. در سپتامبر ۱۹۹۰ پرزیدنت ساموئل دو به توسط نیروهای جانسون کشته شد و عده‌ای از جمله جانسون، تیلور و رالی سیکی و آموس سایر ادعای ریاست جمهوری کردند. در نوامبر ۱۹۹۰ آموس سایر با حمایت کشورهای ساحل عاج، گامبیا، نیجریه، بورکینافاسو و توگو به ریاست جمهوری رسید. در ژوئن ۱۹۹۳ اعضای (نیروهای متحد لیبریا) به اردوگاه پناهندگان کاتا حمله کردند و ۴۵۰ نفر را به قتل رسانیدند و گروه زیادی را زخمی نمودند. در هفدهم ژوئیه ۱۹۹۳ گروههای مخالف برای آتش‌بس و صلح اعلام آمادگی کردند و برای برگزاری انتخابات در هفت ماه بعد خود را آماده نمودند. مطابق آمارهای رسمی، تعداد کشته‌شدگان جنگهای داخلی تا سال ۱۹۹۳، از مرز ۱۵۰,۰۰۰ نفر گذشته بود و حدود یک میلیون نفر از ۲/۴ میلیون نفر ساکنان لیبریا از محل زندگی خود آواره شده بودند یا به کشورهای مجاور گریخته بودند. علیرغم تفاهمات قبلی، در سال ۱۹۹۴ جنگ‌های داخلی از نو شعله‌ور شد و در سپتامبر سال بعد روت پری سرپرستی شورای دولتی را بر عهده گرفت و مذاکرات صلح بین جناح‌های مخالف از نو شروع شد و در نوامبر همان سال خلع سلاح جناح‌ها آغاز گردید. در طی جنگ‌های متعدد ۲۰۰,۰۰۰ تن کشته شدند و صدها هزار نفر زخمی و آواره شدند. در ژوئیه ۱۹۹۷ چارلز تیلور برندهٔ انتخابات ریاست جمهوری شد. در مارس ۱۹۹۸ حدود ۴۸۰,۰۰۰ آوارهٔ لیبریایی آمادگی خود را برای ثبت نام و بازگشت به میهن خویش اعلام داشتند ولی به علت مشکلات مالی این امر نیمه کاره باقی ماند.

در طی سال ۲۰۰۰، دولت چندین رادیوی خصوصی را به دلایل مختلف تعطیل کرد و در اعتراض به این مسئله سندیکای مطبوعات و رسانه‌های این کشور پخش اخبار مربوط به دولت را تحریم کرد، اما کمی بعد برای کاهش تنش در روابط دولت و رسانه‌های خصوصی این تحریم برداشته شد. در سال ۲۰۰۱، شورای امنیت سازمان ملل متحد با متهم کردن دولت چارلز تیلور به حمایت از شورشیان جبهه متحد انقلابی سیرالئون بر علیه دولت آن کشور، لیبریا را مورد تحریم قرار داد. جنگ‌های داخلی از اوایل سال ۲۰۰۱ از سر گرفته شد و چندین شهر به تصرف شورشیان درآمد که بعداً دولت آن شهرها را از اشغال شورشیان خارج ساخت.

لیبی LIBYA

کشور لیبی در شمال افریقا و ساحل جنوبی دریای مدیترانه جای گرفته و چهارمین کشور وسیع افریقاست. این کشور از شمال به دریای مدیترانه، از خاور به مصر، از جنوب خاوری به سودان، از جنوب به چاد و نیجر و از غرب به الجزایر و از شمال غربی به تونس محدود است. بیشتر اراضی این کشور را کویر فرا گرفته و تنها اراضی قابل کشت آن بخش‌هایی از جلگهٔ ساحلی دریای مدیترانه است که اکثر جمعیت لیبی نیز در آن به سر می‌برند. این کشور فاقد رودخانهٔ دائمی است و بارندگی آن بسیار کم است. آب و هوای آن گرم و خشک است و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه بطه ۲۲۸۶ متر ارتفاع دارد.

لیبی یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان از نظر منابع نفت است و آبهای زیرزمینی آن طی سالهای اخیر با صرف هزینه‌های گزاف شدیداً به مصرف رسیده و همواره از ارتفاع سطح آن کاسته می‌شود. هوای آن متأثر از پالایش نفت، آلوده است و بیابان‌زایی از جمله تهدیدهای زیست محیطی آن به شمار می‌رود.



تاریخچه

سرزمین لیبی همواره تحت تأثیر تمدن‌ها و قدرت‌های پیرامون خود قرار داشته و در زمان فراعنه بخشی از مصر به شمار می‌آمده و دو سلسله از فراعنهٔ مصر که در سده‌های دهم تا هشتم قبل از میلاد می‌زیسته‌اند، از لیبی بوده‌اند. کارتاژها و رومی‌ها از جمله قدرت‌هایی بوده‌اند که لیبی را در تسلط خود داشتند. در سدهٔ هفتم میلادی به تصرف اعراب مسلمان درآمد و طرابلس رفته رفته به یکی از بندرهای مهم دریای مدیترانه مبدل شد. در ۱۵۵۱ به تصرف عثمانی‌ها درآمد و به دلیل فاصلهٔ نسبتاً زیادی که از دربار عثمانی (اسلامبول) داشت، تا اندازه‌ای از استقلال داخلی برخوردار گردید. در اوایل سدهٔ نوزدهم، نیروی دریایی امریکا برای سرکوب دزدان دریایی که سواحل لیبی را پناهگاه خود کرده بودند، وارد لیبی شد و در ۱۸۰۴ طرابلس را تصرف کرد. در ۱۸۳۷ محمدالسنوسی سازمان مخفی اخوان‌المسلمین را پایه‌گذاری کرد و علیه استعمارگران عثمانی به مبارزه پرداخت، مع‌الوصف تسلط عثمانی‌ها بر لیبی تا اوایل سدهٔ بیستم ادامه یافت.

جنگ سال ۱۹۱۲ عثمانی و ایتالیا به پیدایش کشور لیبی منجر شد و با شکست عثمانی‌ها، دوران تسلط ایتالیا بر لیبی آغاز گردید و در سال ۱۹۱۴ تسلط ایتالیایی‌ها بر لیبی کامل گردید. پس از پایان جنگ جهانی اول ایتالیا فقط بر طرابلس و خمس تسلط داشت و در سایر نواحی حکومت‌های خودمختار تشکیل شده بود. ایتالیا در این دوران به ویژه با مقاومت‌های شدید عمر مختار مواجه بود که با دستگیری و اعدام وی در سال ۱۹۳۱، قیام وی نیز سرکوب شد. در سال ۱۹۳۴ ایتالیا بخشهایی از لیبی را به تصرف کامل خود درآورد و نام لیبی بر آن نهاد و در سال ۱۹۳۹ آن را ضمیمهٔ خاک ایتالیا کرد. در جنگ جهانی دوم محمدادریس السنوسی رهبر



نام رسمی: جماهیر عربی سوسیالیستی خلق لیبی

نام محلی: لیبیا (الجماهیریةالعربیةاللیبیةالشعبیةالاشتراکیه)

اسامی دیگر: –

پایتخت: طرابلس (۱،۱٤۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۵۱/۱۲/۲٤، از ایتالیا

روز ملی: اول سپتامبر، سالروز انقلاب (کودتا) در سال ۱۹٦۹

نوع حکومت: جمهوری‌سوسیالیستی اسلامی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷٦

رئیس حکومت: رهبر: معمرالقذافی،از سال ۱۹٦۹؛ رئیس جمهور: محمد زنتانی، از سال ۱۹۹٤ توسط کنگرهٔ عمومی خلق

رئیس دولت: نخست‌وزیر: مبارک عبدالله‌الشامخ، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۷، از سال ۱۹۹٤ به قوانین دینی (شریعت) نیز عمل می‌شود؛ کنگرهٔ عمومی خلق با ۲،۷۰۰ عضو که توسط حدود ۱۵،۰۰۰ کنگرهٔ محلی و منطقه‌ای خلق و از میان اعضای آنها انتخاب می‌شوند.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان وحدت افریقا، ایدب، اوپک، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱،۷۵۷،۰۰۰ کیلومترمربع (شانزدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۵،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صدمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰–۱۹۹۵) :** ٪۲/٤

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۸/٦ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۸٦/۸ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰–۱۹۹۵): ٪۳/۹

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۳٦/۵ ؛ ۲۹–۱۵ سال ٪۳۲/۳؛ ۵۹–۳۰ سال ٪۲۵/۵؛ بالای ٦۰ سال ٪۵/۷

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪۵۱/٤۷؛ زن ٪٤۸/۵۳ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۷/٤ سال، مردان ۷۳/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۷/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳/۵ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۳۱/٤ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٤/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما میزان مرگ و میر گزارش شده در بیمارستانها در سال ۱۹۸۷ به این قرار است: صدمه و مسمومیت ٪۱۵/۵؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ٪۱۱/٦؛ شرایط ناشی از دوران بارداری و زایمان ٪۱۱/٤؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٪۷؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ٪٤/٤

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۷۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۱): ۵/۱ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۸۸):** ۰/٦ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۵): عرب لیبایی ٪۷۸؛ بربر ٪۱؛ بقیه (عمدتاً از اتباع مصر، سودان و چاد)٪۲۱

دین(۱۹۹۵): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان سنی ٪۹۷؛ دیگر ادیان ٪۳

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۵): بنغازی ٦۵۰،۰۰۰ نفر؛ مصراته ۲۸۰،۰۰۰ نفر؛ سرت ۱۵۰،۰۰۰ نفر؛ زاویه (۱۹۸۸) ۸۹،۳۳۸ نفر

بنادر مهم: طرابلس و بنغازی (دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دینار لیبی (LD)= ۱۰۰۰ درهم؛ یک دلار= ۱/۷۳ دینار؛ یک دینار ٤،٦۲٤/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۵،۳۱۱ میلیون دینار (درآمدهای نفتی ٪٦۸/٤)؛ دیگر موارد ٪۳۱/٦

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۵،۳۱۱ میلیون دینار (۹۱–۱۹۹۰): هزینه‌های جاری ٪۵۵/۷ (شامل شهرداری‌ها ٪۳۹/٤؛ آموزش و تحقیقات علمی ٪٤/۳؛ بهداشت ٪۲/۷)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٪٤٤/۳ (شامل کشاورزی و احیای زمین ٪۱۳/٦؛ صنعت ٪۵/۳)

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳۲،٦٦۲/۵ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٦،۷۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۷-۱۹۹٦): ٪۳/۵

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): کشاورزی ٪۷؛ صنعت ٪٤٤؛ خدمات ٪٤۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۵۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۵۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۲۰۰۰): ندارد — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۷/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم(۲۰۰۰): ٪۲۰

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): گوجه فرنگی ۲۵۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۲۳۰،۰۰۰ تن؛ زیتون ۲۰۰،۰۰۰ تن؛ پیاز ۱۹۰،۰۰۰ تن؛ هندوانه ۱۸۰،۰۰۰ تن؛ جو ۱۳۵،۰۰۰ تن؛ گندم ۳۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪۱/۲؛ مرتع و چمنزار ٪۷/٦؛ جنگل ٪۰/۵؛ بیابان و ناحیهٔ مسکونی ٪۹۰/۷

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گوسفند ۳،۷۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۳۰۰،۰۰۰ رأس؛ شتر ۱۰۳،۰۰۰ نفر؛ گاو ۱۵۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٦۵۱،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳۳،۵۹٤ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲٤،۵۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۵۷،۷۵۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): آهک ۲۸۰،۰۰۰ تن؛ گچ ۱۸۰،۰۰۰ تن؛ نمک ۳۲،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): فلزات اساسی ۲۱۲،۰۰۰،۰۰۰ دینار؛ لوازم برقی ۲۰۸،۰۰۰،۰۰۰ دینار؛ فرآورده‌های پتروشیمی ۱۷۵،۰۰۰،۰۰۰ دینار؛ محصولات غذایی ۷۹،۰۰۰،۰۰۰ دینار؛ سیمان و سایر مصالح ساختمانی ٦۸،۰۰۰،۰۰۰ دینار

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱۸،۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۸،۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (۵،۰۰۰ تن)؛ نفت خام (۱۹۹۹): ٤۸۱،۳۸۰،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ۱۱۲،۷۲۵،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱٤،۰۷۰،۰۰۰ تن (۷،۸٦۳،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ٦،۳۹۲،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۵،۱۹۲،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ۱،۲۲٤،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۲٦/۱؛ میزان مشارکت: (۱۰ سال به بالا؛ ۱۹۹۳): ٪۳۵/۲؛ زنان (۱۰ سال به بالا): ٪۹/۸؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): ٪۳۰

توزیع نیروی کار(۱۹۹٦): کشاورزی ٪۱۸؛ صنعت ٪۳۰؛ خدمات ٪۵۲

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٦۵،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۵۳/۸؛ نیروی دریایی ٪۱۲/۳؛ نیروی هوایی ٪۳۳/۹؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۵): ۳۸۹ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۵،۵۹۳ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات ٪۲۵/۹؛ محصولات غذایی ٪۲۰؛ وسایل نقلیه ٪۱۰/۱؛ مواد شیمیایی ٪۷/۵؛ از ایتالیا ٪۱۵/۸؛ آلمان ٪۱۲/۸؛ ژاپن ٪۸/۱؛ انگلستان ٪۷/۸؛ فرانسه ٪٦/۲

صادرات(۱۹۹۷): ۹،۰۲۹ میلیون دلار؛ شامل نفت خام ٪۷٦/٤؛ فرآورده‌های نفتی ٪۱٦/۵؛ آهن و فولاد ٪۱/۵؛ به ایتالیا ٪۳٦/۲؛ آلمان ٪۱۵؛ اسپانیا ٪۹/۱؛ ترکیه ٪۵/٦؛ استرالیا ٪۵/۲

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	+۱،۰۲٦	+۲،۷۸۱	+۲،۵۱۹	+۲،۷۱٦	+٤۷۱	+۲،۹۷٤
درصد کل	٪٦/۵	٪۱۸/۲	٪۱۵/۱	٪۱۵/۹	٪۳/۹	٪۲۵/۷

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵
شاخص قیمتهای مصرفی	۳۸/٤	٤۲/۹	٤۹/۳	۵۹/۲	۷٦/۹	۱۰۰
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۸۰): ۵/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ هزینه‌ها (۱۹۷۷): غذا ٪۳۷/۲؛ مسکن و سوخت ٪۳۲/۲؛ حمل و نقل ٪۹/٤؛ آموزش و سرگرمی ٪۸/۵؛ پوشاک ٪٦/۹؛ مسئولیت‌های بهداشتی ٪۳/۳

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۲۸ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۵۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۸۱،٦۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۸۰۹،۵۱٤ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۳۵۷،۵۲۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱۵۰ فروند — **فرودگاه:** ؟

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ۷۱،۰۰۰ نسخه (۱٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۲٦ عنوان در ۲،٦٤۵،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۱۰۱،۷۳۰/۷ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۳۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۵۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹٦): ٦۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۲۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۵۰۰،۰۰۰ خط تلفن (۹۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۰،۰۰۰ خط (٤/۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۲،۷۳۳	۱۲۲،۰۲۰	۱،۳۳۳،٦۷۹	۱۰/۹
متوسطه	؟	۱۷،٦٦۸	۱۸۹،۲۰۲	۱۰/۷
فنی و حرفه‌ای	٤۸۰	؟	۱٤۷،٦۸۹	؟
عالی	۱۳	؟	۱۲٦،۳٤۸	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال ٪۷٦/۲؛ مردان: ٪۸۷/۹؛ زنان: ٪٦۳

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸٤): ابتدایی ٪۲۳/۹؛ متوسطه ٪۱۳/۷؛ عالی ٪۲/۷

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ٦،۰۹۲ نفر (هر ۷۸۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۱۸،۱۰۰ تخت (هر ۳۱۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ؟ ؛ (٪۰/۰۵ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۲/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،۲۷۷ کالری (٪۱۳۸ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): ۳،۲۸۹ کالری؛ مصرف پروتئین :۷۸ گرم؛ مصرف چربی: ۱۰٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰–۱۹۸۰): ٪۳/۲- ؛ (۱۹۹۵–۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤۰/٦ میلیون تن؛ هر نفر ۷/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷٦۰ (هفتاد و دومین کشور جهان)

اخوان‌المسلمین از سوی انگلیسی‌ها به عنوان امیر سیرنائیک شناخته شد و پس از پایان جنگ، لیبی به منطقهٔ تحت نفوذ انگلیس و فرانسه تقسیم گردید. در ۱۹۴۹ نواحی مزبور درهم ادغام شدند و استقلال لیبی از سوی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد وادریس السنوسی عنوان رهبر مذهبی کشور را به خود اختصاص داد و در ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ استقلال لیبی را رسماً اعلام داشت. پیمانهای سال ۱۹۵۳ با بریتانیا و ۱۹۵۴ با امریکا به کشورهای مزبور اجازه داد تا از خاک لیبی بعنوان پایگاه نظامی استفاده نمایند. در ۱۹۵۹ منابع زیرزمینی عظیمی از نفت کشف گردید و صدور محموله‌های آن، اقتصاد کشور را دگرگون کرد.
در سپتامبر ۱۹۶۹ سرهنگ معمّر القذّافی به رهبری گروهی از افسران جوان ارتش لیبی کودتا کرد و ادریس اول را که برای معالجه در ترکیه به سر می‌برد، از سلطنت خلع کرد و نظام جمهوری سوسیالیستی در کشور برقرار نمود و محمود سلیمان مغربی را به نخست‌وزیری برگزید. وی بانک‌ها را ملی کرد و علیه سلطه‌جویی‌های اسرائیل و در حمایت از فلسطینیان سیاست‌های جدیدی را در پیش گرفت. قذافی، در سال ۱۹۷۰ پایگاههای نظامی انگلستان و امریکا را برچید و پست‌های نخست‌وزیری و وزارت دفاع را شخصاً عهده‌دار گردید. وی صنایع نفت را ملی کرد و برای دریافت اسلحه و مهمات و هواپیماهای جنگی به فرانسه و اتحاد شوروی نزدیک شد. ازکشورهای غربی دوری کرد و به کشورهای بلوک شرق بخصوص اتحاد شوروی گرایش پیدا کرد. با انعقاد پیمان کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل، روابط لیبی و مصر تیره شد. در سال ۱۹۷۹ حدود ۲۰۰۰ سرباز لیبیایی، برای کمک به رژیم عیدی امین، به اوگاندا اعزام شدند ولی کاری از پیش نبردند.
اختلاف میان لیبی و امریکا در سال ۱۹۸۰ به اوج خود رسید و سفارت امریکا در طرابلس تعطیل گردید و به دنبال آن روابط لیبی و مغرب نیز قطع گردید. در جنگ ایران و عراق، لیبی عراق را محکوم کرد و از ایران پشتیبانی نمود. در سال ۱۹۸۱ نیروهای لیبیایی در حمایت از جناح گوگونی و دی وارد چاد شدند و روابط لیبی و عربستان سعودی قطع شد. شرکت نفت اکسون عملیات خود را در لیبی تعطیل کرد و قرار شد از کارشناسان نفتی ایرانی به جای امریکاییها استفاده شود. در اوت ۱۹۸۱ دو هواپیمای لیبیایی به توسط ناوگان ششم امریکا در خلیج سرت سرنگون گردید و ریگان رئیس جمهوری امریکا، رهبر لیبی را به دست داشتن در عملیات تروریستی متهم کرد. در سال ۱۹۸۳ رهبر لیبی در صدد اصلاح روابط خود با کشور مغرب برآمد و با این کشور روابط دوستانه برقرار نمود. در ژانویه ۱۹۸۶ امریکا تحریم علیه لیبی را شدت بخشید و در ۱۴ آوریل همان سال، هواپیماهای امریکایی طرابلس و بنغازی را بمباران کردند و عده‌ای غیر نظامی را به کشتن دادند. در نوامبر ۱۹۹۱ امریکا و انگلستان، لیبی را به دست داشتن در انفجار هواپیمای پان‌آمریکن بر فراز لاکربی انگلستان که طی آن ۲۷۰ نفر کشته شدند، متهم کردند. در ژانویهٔ ۱۹۹۲ لیبی آمادگی خود را برای همکاری با سازمان ملل متحد برای رسیدگی به چگونگی سقوط هواپیمای مزبور اعلام داشت و سازمان ملل متحد خواستار محاکمهٔ دوتن از متهمان بمب‌گذاری گردید. با خودداری دولت لیبی از تحویل متهمان این پرونده، سازمان ملل تحریم‌های گسترده‌ای را بر علیه لیبی اعمال نمود. سرانجام پس از گفتگوها و تهدیدهای بسیار قذّافی با محاکمهٔ متهمان مزبور در دیوان داوری بین‌المللی موافقت نمود. اما بعداً با انصراف از تحویل متهمان، اعلام داشت که با محاکمهٔ متهمان مزبور در یک کشور بی‌طرف توافق دارد. در اکتبر ۱۹۹۷ نلسون ماندلا، رئیس جمهور افریقای جنوبی از لیبی دیدن کرد و آمادگی خود را برای میانجیگری و یافتن راه حلی برای مسئلهٔ محاکمهٔ متهمان مزبور اعلام داشت. در پی این دیدار، افریقای جنوبی از سازمان ملل خواست که تحریم‌ها بر علیه لیبی را لغو کند که مورد موافقت قرار نگرفت.
در مارس ۱۹۹۸ دولت لیبی پس از مدت‌ها صاحب یک پیروزی در صحنهٔ بین‌المللی شد و دیوان بین‌المللی دادگستری (وابسته به سازمان ملل) خواهان برچیدن تحریم‌های سازمان ملل بر علیه لیبی شد. پس از گفتگوهای چند جانبه و فشرده، سرانجام دولت‌های امریکا و انگلستان موافقت کردند که متهمان حادثهٔ لاکربی در دادگاه بین‌المللی لاهه توسط یک قاضی اسکاتلندی و طبق قوانین اسکاتلند محاکمه شوند. این پیشنهاد در ماه مارس ۱۹۹۹ توسط لیبی پذیرفته شد و برخی تحریم‌های سازمان ملل که از سال ۱۹۹۲ برقرار بود، در ماه آوریل لغو شد. دولت انگلستان پس از ۱۵ سال، سفارت خود را در ماه دسامبر همان سال در طرابلس گشود و روابط دو کشور از سر گرفته شد. در مارس سال ۲۰۰۰ یک هیئت بلندپایه امریکایی به منظور بررسی شرایط لغو تحریم‌های امریکا بر علیه لیبی که از سال ۱۹۸۱ اعمال شده بود، به این کشور مسافرت کرد. سرانجام پس از ۸۴ روز محاکمه، دادگاه بین‌المللی لاهه در سال ۲۰۰۱، یکی از دو متهم را تبرئه کرد و دیگری به حبس ابد محکوم شد. پس از اعلام نتایج دادگاه نیز دولت‌های امریکا و انگلستان با حذف کامل تحریم‌های سازمان ملل مخالفت کردند. پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در امریکا، نمایندگانی از سوی مأمورین امنیتی امریکا و انگلستان با یک هیئت لیبیایی در لندن به گفتگو در مورد مقابله با اقدامات تروریستی پرداختند.

لیتوانی LITHUANIA

لیتوانی کشور کوچکی است در شمال اروپای شرقی و ساحل خاوری دریای بالتیک. لیتوانی که از جمله کشورهای حوزهٔ بالتیک به شمار می‌آید، از شمال به لاتویا (لتونی)، از خاور و جنوب خاوری به روسیهٔ سفید (بیلاروس)، از جنوب به لهستان، از جنوب غربی به سرزمین برون بومی روسیه موسوم به کالینینگراد و از غرب به دریای بالتیک محدود است.
نواحی مشرف به ساحل بالتیک را دشت همواری که در بعضی نواحی آن تپه‌ماهورهای کوچکی به چشم می‌خورد فرا گرفته و بیش از ۷۰۰ رودخانه و جویبار در آن جریان دارند، غالب اراضی آن از جنگل پوشیده شده و حدود ۳۰۰۰ دریاچه دارد که بزرگترین آنها دروکستاس و ژرف‌ترینشان تاوراگنای نام دارند. رودخانهٔ نمان (نموناس) که از خاور به غرب این کشور جریان دارد بزرگترین رود آن و از جمله عمده‌ترین راههای آبی کشور محسوب می‌گردد و کوه یوزاپینه با ارتفاع ۲۹۴ متر بلندترین نقطهٔ آن به شمار می‌آید. اقلیم لیتوانی معتدل و مرطوب است. میانگین دما در تابستانها ۱۸ درجه سانتیگراد است و زمستانهای پر باران همراه با سرما و مه غلیظ از مشخصات اقلیمی آن است. حدود ۵۰ درصد اراضی این کشور قابل کشت است و غلات، چغندرقند، سیب‌زمینی و سبزیجات از فرآورده‌های عمدهٔ کشاورزی آن است و تربیت چهارپایان و پرورش دام نیز رواج کامل دارد. صنایع غذایی و ماشین‌سازی از عمده‌ترین صنایع آن محسوب می‌گردد و بیشتر نیروگاههای آن هسته‌ای است و شباهت فراوانی به نیروگاه معروف چرنوبیل دارند. میزان آلودگیهای آن به ویژه از سالهای ۱۹۸۰ رو به افزایش گذارده و آلودگی رودها و دریاچه‌ها که از نوعی باکتری حاصل می‌گردد به شیوع بیماریهای عفونی بخصوص در کودکان در سنین اول زندگی انجامیده است.



تاریخچه

اقوام و قبایل زمایتی، آوکستایتی، یاتوگا، پروس ولاتگاله که نیاکان لیتوانیایی‌های کنونی محسوب می‌شوند، از حدود قرن اول میلادی در این نواحی ساکن بوده‌اند. در قرن نهم میلادی حکومت‌های کوچک مستقلی در این نواحی تشکیل شده بود که در قرون بعد، این شاهزاده‌نشین‌ها که در مقابل گسترش آیین مسیحیت مقاومت می‌کردند، مورد حملهٔ فرقه‌های مذهبی آلمان قرار گرفتند. آنان در مقابل این حملات به سختی ایستادگی کردند و تحت رهبری مینداوگاس که برای مدت کوتاهی به آیین مسیحیت گرویده بود و از سوی پاپ اینوسنت چهارم در سال ۱۲۵۳ به پادشاهی لیتوانی منصوب گردید، متحد شدند.
در سدهٔ چهاردهم لیتوانی به سوی خاور و جنوب گسترش یافت و قسمتهایی از روسیهٔ سفید(بیلاروس) را ضمیمهٔ خاک خود کرد و گدیمیناس مهندوک نشین لیتوانی را تأسیس نمود و کشورش را از دریای بالتیک تا دریای سیاه گسترش داد و ویلنوس را به پایتختی برگزید. در سال ۱۳۸۶ یاگیلو، نوهٔ گدیمیناس با ملکهٔ لهستان ازدواج کرد و موجبات اتحاد دو کشور



نام رسمی: جمهوری لیتوانی

نام محلی: لیتووا Lietuva

اسامی دیگر: -

پایتخت: ویلنیوس (۵۷٦،٤۰۰ نفر در سال ۲۰۰۱)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۷/۲۹، از شوروی

روز ملی: شانزدهم فوریه، سالروز تأسیس لیتوانی در سال ۱۹۱۸

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: رونالداس پاکساس (حزب لیبرال دموکرات)، از سال ۲۰۰۳ به مدت ۵ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آلگیرداس برازائوسکاس (حزب سوسیال دموکرات)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲؛ پارلمان (سیماس) با ۱٤۱ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های پارلمان (۲۰۰۰): ائتلاف سوسیال دموکراتها شامل حزب کارگران دموکرات و حزب سوسیال دموکرات ٤۹ کرسی؛ اتحاد لیبرال ۳٤ کرسی؛ اتحاد نوین/سوسیال لیبرال ۲۹ کرسی؛ اتحاد میهنی ۹ کرسی؛ حزب دموکرات مسیحی ۲ کرسی؛ اتحاد مرکز ۲ کرسی؛ اتحادیه اقلیت‌های لهستانی تبار ۲ کرسی؛ بقیه ۱٤ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی (عضو ناظر)، شورای اروپا، اوسه

جمعیت

مساحت: ٦٥،۳۰۱ کیلومترمربع (صد و بیست و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۳،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و بیست و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٥٦/۷ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۳-٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳/٤ میلیون نفر **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): (۱۹۹۸): ۷۳/٦٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۰/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۲۱/٦٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۲٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۹٪؛ بالای ٦۰ سال ۱۷/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۷/۱٦٪؛ زن ٥۲/۸٤٪ **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۷٦/۹ سال؛ مردان ٦٦/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱۰ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۹/۳ نفر **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای گردش خون ٦۱۳/۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۹۹/۷ نفر؛ حوادث، جراحت و خودکشی ۱٤٦/۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/٤ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۸ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۲۰۰۰): ٤/٦ مورد **میزان طلاق در هر هزار نفر(۲۰۰۰):** ۲/۹ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): لیتوانیایی ۸۱/٦٪؛ روس ۸/۲٪؛ لهستانی ٦/۹٪؛ بیلاروس ۱/٥٪؛ اوکراینی ۱٪؛ بقیه ۰/۸٪

دین(۱۹۹٥): کاتولیک ۷۲/۲٪؛ ارتدوکس ۳/۳٪؛ پروتستان ۱/۳٪؛ بقیه (عمدتاً بدون دین) ۲۳/۲٪

زبان و خط: لیتوانیایی (زبان رسمی)، لهستانی، روسی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۱): کاوناس ٤۰۹،۸۰۰ نفر؛ کلایپدا ۲۰۱،۸۰۰ نفر؛ شاولیای ۱٤٦،۲۰۰ نفر؛ پانه‌وژیس ۱۳۳،٦۰۰ نفر؛ آلیتوس ۷۷،٦۰۰ نفر

بنادر مهم: کلایپدا (دریای بالتیک)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لیتاس (LTL)= ۱۰۰ سنتای؛ یک دلار = ٤ لیتاس؛ یک لیتاس = ۲،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۹،۳۷۸ میلیون لیتاس؛ مالیات بر ارزش افزوده ۳۸/٥٪؛ مالیات بر درآمد افراد ۲٥/۸٪؛ مالیات بر مصرف ۱٤/۳٪؛ درآمد غیر مالیاتی ۷/٥٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۹،۹۱٦ میلیون لیتاس؛ آموزش ۲۷/۷٪؛ پلیس ۱۲/۳٪؛ رفاه و تأمین اجتماعی ۱۰٪؛ بهداشت ٦/٦٪؛ دفاع ٤/٥٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): ۹،۷٥۱ میلیون دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۹):** ۲،٦٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/۹-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۰/٤٪؛ صنعت ۳۲/٦٪؛ خدمات ٥۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۹۲٦ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۱،۸۹۱/٥ میلیون دلار **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۲۷/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۲/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۱۱/٥٪ ؛ ۱۹۹۸: ٦/٦٪؛ ۲۰۰۰: ۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): علوفه ۲،٦۲۱،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱،٦۹۹،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۸۹۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۸۳۷،۳۰۰ تن؛ جو ۸۳٥،۰۰۰ تن؛ کلم ۲۰۰،۰۰۰ تن؛ سیب ۱۰۰،۰۰۰ تن؛ جو دوسر ۷٥،۰۰۰ تن؛ دانهٔ منداب ۷۱،۹۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٥۳/۹٪؛ مرتع و چمنزار ۷/٦٪؛ جنگل ۳۰/٤٪؛ سایر موارد ۸/۱٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ۱،۱٦۸،۰۰۰ رأس؛ گاو ۹۲۸،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤،۸۷۹،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۹،۸۳۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۷): ٦،٤۰۰،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۳،۹٦۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): سنگ آهک ۲٥۰،۰۰۰ تن؛ تورب ۱۹٥،۳۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): مواد غذایی و نوشیدنی ٥،۷۸٥،۰۰۰،۰۰۰ لیتاس؛ فرآورده‌های نفتی ۳،٤۸۸،۰۰۰،۰۰۰ لیتاس؛ پوشاک ۱،۳۷۸،۰۰۰،۰۰۰ لیتاس؛ منسوجات ۱،۳۱۲،۰۰۰،۰۰۰ لیتاس؛ مواد شیمیایی ۱،۲۲۲،۰۰۰،۰۰۰ لیتاس؛ چوب و محصولات چوبی (به جز مبلمان) ۹۰۲،۰۰۰،۰۰۰ لیتاس

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۲۰۰۰): ۱۱،۳۸۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ۱۱،٦۳۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹٦): صفر (۳۳۸،۰۰۰ تن)؛ نفت خام (۱۹۹٦): ۱،۱۳٦،۰۰۰ بشکه (۲۷،٥۸۳،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ۳،۹۷٤،۰۰۰ تن (۲،۹۹۳،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹٦): صفر (۲،۳۲۷،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۱،۸۱۹،۸۰۰ نفر؛نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۹/۱٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱٤ تا ٦٤ سال)۷۱/۱٪؛ زنان (در سنین ۱٤ تا ٦٤ سال): ٤۷/۳٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۷): ٦/٤٪؛ ۲۰۰۰: ۱۱/٥٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۲۰/٤٪؛ صنعت ۲۸/۳٪؛ خدمات ٥۱/۳٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۱۲،۷۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۳/٥٪؛ نیروی دریایی ٤/٤٪؛ نیروی هوایی ٦/۳٪؛ نیروی دفاع ملی داوطلب ۱٥/۸٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۳٤ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۲۳،۱۷٤ میلیون لیتاس؛ شامل ماشین‌آلات و قطعات ۱۸/٤٪؛ سوخت‌های معدنی ۱٤/۳٪؛ وسیلهٔ نقلیه ۱۱/٤٪؛ مواد شیمیایی ۹/۲٪؛ منسوجات و لباس ۸/۸٪؛ از روسیه ۲۱/۱٪؛ آلمان ۱۸/۲٪؛ لهستان ٥/٥٪؛ ایتالیا ٤/٤٪؛ دانمارک ۳/۸٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱٤،۸٤۲ میلیون لیتاس؛ شامل سوخت‌های معدنی ۱۸/٦٪؛ منسوجات و پوشاک ۱۸/٦٪؛ محصولات غذایی ۱۲/۳٪؛ ماشین آلات و قطعات ۱۰/۸٪؛ مواد شیمیایی ۹/٦٪؛ به روسیه ۱٦/٥٪؛ آلمان ۱۳/۱٪؛ لاتویا ۱۱/۱٪؛ روسیه سفید ۸/۹٪؛ اوکراین ۷/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
میلیون لیتاس	۱،۲۷۸-	۳،۷۷٤-	٤،۸۱٥-	۷،۱۳٦-	۸،۳۳۲-	۷،۳۲۳-	٦،٥۸۸-
درصد کل	۷/۳٪	۱٤/۸٪	۱۲/۷٪	۱۸/۸٪	۲۱/۹٪	۲۳/٤٪	۱۷/۸٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱۲٤/٦	۱۳٥/۷	۱٤۲/٥	۱٤۳/٦	۱٤٥/۱	۱٤۷
شاخص درآمد ماهانه	۱۰۰	۱۳٦	۱٦۹/٤	۲۰۱/۸	۲۱٤	۲۰۳/٤	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار: ۲/۹ نفر؛ میانگین درآمد خالص سالانه هر خانوار (۱۹۹۷): ۱۲،۹۱٤ لیتاس (۳،۲۲۸ دلار)؛ منابع درآمد (۱۹۹۸): حقوق و دستمزد ٥۲/۷٪؛ انتقالی‌ها ۲۱/۳٪؛ کار آزاد ۱٤/۸٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۸): غذا، نوشیدنی و هزینهٔ هتل و رستوران ٥٤/٦٪؛ مسکن و سوخت ۱۲/٤٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۸/٦٪؛ پوشاک ۸٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ٥٥۰ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج ۳٤۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۷۱،۳۷٥ کیلومتر **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۱،۹۹۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۹۸۰،۹۱۰ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۱۰٥،۰۲۲ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹٥): ٥۲ فروند **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۳ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱۹ روزنامه در ۳٤٤،۰۰۰ نسخه (۹۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۲٦۹ عنوان

کتاب: ۳،٦٤٥ عنوان در ۱٤،۹۱٥،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ:٤،۰۹۱/۹ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۹۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٥۱۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۷۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤٥۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،۱۰۹،۸۰۰ خط تلفن (۳۰۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲٦۷،٦۱٥ خط (۷۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲۰۰،۰۰۰ دستگاه **اینترنت(۱۹۹۸):** ۸۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	؟	۱٤،۰۹٥	۲۲٥،۰۷۱	۱٦
متوسطه	؟	۳۲،۱۷۲	۳۲٥،٤۸۰	۱۰/۱
فنی و حرفه‌ای	۱۰٤	٥،۰۷۸	٥٦،٤۰۰	۱۱/۱
عالی	؟	۱۳،۱۳٦	۸۳،٦٤٥	٦/٤

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال ۹۹/٥٪؛ مردان: ۹۹/۷٪؛ زنان: ۹۹/٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹۸۹): ابتدایی ۲۱/۳٪؛ متوسطه ٥۷٪؛ عالی؟

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۱٤،٦۲۲ نفر (هر ۲٥۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۳٥،٦۱۲ تخت (هر ۱۰٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر (۰/۰۱٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷۸/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۹٥۹ کالری (۱۱٦٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۹۸ گرم؛ مصرف چربی: ۸۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/٦-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٦/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۳/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۸۹ (پنجاه و دومین کشور جهان)

لیتوانی و لهستان را فراهم نمود و با عنوان لادیسلاوس دوم به سلطنت لهستان رسید. وی آیین مسیحیت را پذیرفت و مذهب کاتولیک را در لیتوانی رواج داد. در زمان سلطنت ویتاوتاس کبیر که از ۱۳۹۲ تا ۱۴۳۰ به درازا کشید، لیتوانی به اوج قدرت رسید و با مرگ وی لیتوانی رو به ضعف و اضمحلال نهاد.

با به قدرت رسیدن روسیه، لیتوانی و لهستان در سال ۱۵۶۹ پیمان اتحاد منعقد نمودند و در حقیقت لیتوانی به بخشی از لهستان مبدل گردید. با تجزیهٔ لهستان در سالهای ۱۷۹۲، ۱۷۹۳ و ۱۷۹۵ لیتوانی به تصرف روسیه درآمد و تلاش استقلال‌طلبان برای رهایی از چنگال استعمار روسیه آغاز گردید و شورش‌هایی در سالهای ۱۸۳۰ و ۱۸۶۳ علیه اشغالگران روس به وقوع پیوست و روس‌ها بی‌اعتنا به این تحولات خط سیریل را جایگزین خط لاتین متداول در لیتوانی نمودند و با هرگونه اصلاح‌طلبی به مبارزه برخاستند.

در آغاز جنگ جهانی اول، آلمان‌ها لیتوانی را تصرف کردند و پس از پایان جنگ، در ۱۶ فوریه ۱۹۱۸، کشور مستقل لیتوانی اعلام موجودیت نمود، اما در دسامبر ۱۹۱۸ دولت موقت انقلابی کارگران و کشاورزان لیتوانی توسط بولشویک‌ها به قدرت رسید. در ژانویهٔ ۱۹۲۱ استقلال جمهوری لیتوانی توسط کشورهای پیروز در جنگ به رسمیت شناخته شد. در ۱۹۲۶ ارتش لیتوانی به بهانهٔ جلوگیری از خطر کمونیست‌ها قدرت را در دست گرفت و پارلمان لیتوانی را منحل کرد و تا سال ۱۹۳۹ بر لیتوانی حکومت کرد. در آغاز جنگ جهانی دوم لیتوانی و دیگر کشورهای حوزهٔ بالتیک طبق توافق محرمانهٔ آلمان و اتحاد شوروی به کشور اتحاد شوروی واگذار گردید و این دولت به احداث پایگاههای نظامی در لیتوانی پرداخت و در ۱۹۴۰ دولت دست‌نشاندهٔ شوروی در لیتوانی روی کار آمد. در ۲۱ ژوئیه ۱۹۴۰ جمهوری شوروی سوسیالیستی لیتوانی اعلام موجودیت کرد و از ماه اوت ۱۹۴۰ به عنوان چهاردهمین جمهوری اتحاد جماهیر شوروی شناخته شد. در دوران تسلط دولت شوروی هزاران لیتوانیایی از کشور خود به غرب گریختند و هزاران تن در اردوگاههای سیبری ناپدید شدند.

با روی کار آمدن گورباچف و اعلام سیاست گلاسنوست و پرسترویکا، وضعیت در دنیای کمونیست و بالطبع در لیتوانی دگرگون شد و جنبش‌های ملی‌گرایانه شروع به فعالیت نمودند و علیه پروتکل محرمانه ۱۹۳۹ آلمان نازی و اتحاد شوروی که منجر به ضمیمه شدن لیتوانی به اتحاد شوروی شده بود، تظاهراتی صورت گرفت. به دنبال آن گورباچف در ژانویهٔ ۱۹۹۰ از لیتوانی دیدن کرد و آنان را از استقلال طلبی بر حذر داشت. در یازدهم مارس ۱۹۹۰ شورای عالی لیتوانی علیرغم تهدیدها، با اکثریت مطلق رأی به استقلال کشور داد. دولت شوروی در واکنش به این اقدام، لیتوانی را تحریم اقتصادی کرد و قیمت‌ها فزونی گرفت و روس‌های مقیم لیتوانی دست به تظاهرات زدند و کازیمیرا پرونسکینه نخست‌وزیر را وادار به استعفاء نمودند. ارتش سرخ ساختمان‌ها و نقاط حساس پایتخت را اشغال نمود و رو به تظاهرکنندگان آتش گشود و عده‌ای کشته شدند.

همه‌پرسی بیست و نهم فوریهٔ ۱۹۹۱ استقلال کشور را مورد تأیید قرار داد که از ۲۹ ژوئیه عملاً به اجرا درآمد و دولت اتحاد شوروی نیز در ششم سپتامبر همان سال ناگزیر از به رسمیت شناختن استقلال آن گردید و متعاقب آن کشورهای جهان نیز استقلال لیتوانی را به رسمیت شناختند. قانون اساسی جدید لیتوانی در ۲۵ اکتبر ۱۹۹۲ به همه‌پرسی گذارده شد. در اولین انتخابات عمومی ریاست جمهوری، که در فوریه ۱۹۹۳ برگزار شد، آلگیرداس برازائوسکاس، از حزب کارگران دموکرات و رئیس پارلمان لیتوانی به ریاست جمهوری رسید. نشت نیروگاه اتمی ایگنالیا در سال ۱۹۹۳ به بحران شدید انرژی در کشور منجر گردید و آخرین نفرات ارتش روسیه در ۳۱ اوت همان سال لیتوانی را ترک کردند. انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۶ حزب مخالف را بر اکثریت کرسی‌های پارلمان نشانید و لندسبرگیس به ریاست پارلمان برگزیده شد و در انتخابات سال ۱۹۹۸ والداس آدامکوس به ریاست جمهوری رسید. آدامکوس ۷۱ ساله که حدود ۴۰ سال از عمر خود را در کشور امریکا گذرانده بود یکی از اعضای حزب محافظه‌کار بود و نزدیک شدن به امریکا و تلاش برای عضویت در ناتو در برنامهٔ کاری او قرار داشت.

دو تن از وزرای اقتصادی کابینه در اکتبر ۱۹۹۹ در اعتراض به واگذاری تولیدات نفت کشور به یک شرکت امریکایی، از مقام خود استعفاء کردند و تظاهرات گسترده‌ای نیز در اعتراض به این واگذاری برگزار گردید و رونالداس پاکساس، نخست‌وزیر، مجبور به استعفاء گردید. بلافاصله رئیس جمهور آندریوس کوبیلیوس را جانشین وی کرد و او روند فروش و واگذاری نفت را ادامه داد. پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۰، ائتلافی از احزاب راست میانه به رهبری اتحاد لیبرال به‌قدرت رسید و رونالداس پاکساس مجدداً از ماه اکتبر پست نخست‌وزیری را تصاحب کرد. در اواسط سال ۲۰۰۱، پس از بروز اختلافاتی در نحوهٔ ادارهٔ امور کشور میان احزاب ائتلافی، نخست‌وزیر استعفاء کرد و ائتلاف جدیدی از احزاب سوسیال لیبرال و سوسیال دموکرات به رهبری آلگیرداس برازائوسکاس، از کمونیست‌های سابق و رهبر حزب سوسیال دموکرات تشکیل شد. در اجلاس پارلمانی اعضای ناتو که در ماه همین سال در ویلنیوس، پایتخت لیتوانی برگزار شد، حدود ۲۷۰ نفر از اعضای پارلمان‌های کشورهای عضو یا وابسته به ناتو شرکت کردند و دولت لیتوانی ابراز تمایل کرد که در موج دوم گسترش ناتو، در سال ۲۰۰۴ به عضویت این سازمان درآید.

در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در ژانویه ۲۰۰۳، رونالداس پاکساس که در دور اول فقط ۱۹/۷٪ آراء را به دست آورده بود، در دور دوم توانست با کسب ۵۴/۹٪ آراء، رقیب اصلی خود و رئیس جمهور دور قبل، والداس آدامکوس را شکست دهد.

لیختن اشتاین LIECHTENSTEIN

کشور کوچک لیختن اشتاین سرزمینی است محصور در خشکی که در مرکز قارهٔ اروپا جای دارد. این کشور که از شمال و خاور به اتریش و از جنوب و غرب به سوئیس محدود است، در درّهٔ رود راین واقع است و گندم، جو، ذرت، انگور و انواع میوه از فرآورده‌های کشاورزی آن است. اقلیم آن معتدل کوهستانی و پر بارش است و رودهای راین و سامینا در آن جریان دارد. بخش مهمی از اراضی آن را چراگاهها و مراتع سرسبز و زیبا تشکیل داده و در سالهای اخیر به یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی جهان مبدل شده است. لبنیات، داروسازی، ابزارآلات دقیق، یخچال و سردخانه از جمله عمده‌ترین صنایع آن به شمار می‌آیند.



تاریخچه

کشور لیختن اشتاین در سال ۱۷۱۹ از اتحاد کنت‌نشین فادوتس و بارون‌نشین شلنبرگ تشکیل گردید و حدود یکصد سال از کشورهای امپراتوری مقدس روم بود. در جنگهای ناپلئون به تصرف فرانسه درآمد. پس از جنگ سال ۱۸۶۶ که بین اتریش و پروس درگرفت، تحت نفوذ اتریش قرار گرفت و این وضعیت تا پایان جنگ بین‌الملل اول و سقوط امپراتوری اتریش در سال ۱۹۱۸ ادامه داشت. در ۱۹۲۱ فرانک سوئیس به عنوان پول رایج آن شناخته شد و امور پستی و گمرکی نیز به عهدهٔ سوئیس گذاشته شد. در سال ۱۹۳۸ فرانتس یوزف دوم به حکومت لیختن اشتاین رسید. پس از جنگ جهانی دوم به ویژه در سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۵ صنایع کوچک و ظریف آن به سرعت توسعه یافت و در حال حاضر در ردیف یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای اروپایی جای دارد. در ۱۳ نوامبر ۱۹۸۹، شاهزاده هانس آدام دوم عهده‌دار مقام سلطنت گردید و ماریو فریک، از اتحادیهٔ میهنی، به نخست‌وزیری رسید. لیختن اشتاین یکی از اعضای شورای اروپا به شمار می‌آید. و سیاست خارجی آن از طریق کشور سوئیس انجام می‌گردد.

صحنهٔ سیاسی لیختن اشتاین طی چند دههٔ اخیر شاهد رقابت‌های دو حزب اصلی این کشور یعنی حزب شهروندان مترقی و اتحادیهٔ میهنی بوده است. هر دو حزب در دههٔ دوم قرن بیستم تأسیس شده‌اند و در بیشتر مواقع حزب شهروندان مترقی دولت این کشور را تشکیل داده است. از سال ۱۹۸۹ تعداد اعضای پارلمان (لاندتاگ) از ۱۵ نفر به ۲۵ نفر افزایش یافت و در انتخابات پارلمان ماه مارس این سال، اتحادیهٔ میهنی با کسب ۱۳ کرسی به پیروزی رسید. در سال ۱۹۹۵ لیختن اشتاین برای طی یکی از مراحل اولیه پیوستن به اتحادیهٔ اروپا، به عضویت «منطقهٔ اقتصادی اروپا» درآمد. منطقهٔ اقتصادی اروپا نهادی است که هماهنگی‌های لازم میان کشورهای عضو اتحادیهٔ اروپا و کشورهای عضو انجمن بازرگانی آزاد اروپا (افتا) را به انجام می‌رساند.

پس از اعلام یک نشریه آلمانی مبنی بر مشارکت باندهای مافیایی ایتالیا، روسیه و امریکای جنوبی در جریان پول‌شویی توسط بانک‌های لیختن اشتاین، شاهزاده هانس آدام دوم در سال ۲۰۰۰ خواستار پی‌گیری قاطع این مسئله شد و با بررسی‌های به عمل آمده حداقل ۶ نفر، از



نام رسمی: شاهزاده‌نشین لیختن اشتاین

نام محلی: لیشتن اشتاین Liechtenstein

اسامی دیگر: -

پایتخت: فادوتس (۵،۱۰۶ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: پانزدهم اوت

نوع حکومت: مشروطهٔ‌سلطنتی(شاهزاده‌نشین)با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۲۱

رئیس حکومت: شاهزاده هانس آدام دوم، از سال ۱۹۸۹

رئیس دولت: نخست‌وزیر: اوتمار هاسلر (حزب شهروندان مترقی)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۲۱؛ پارلمان (لاندتاگ)با ۲۵ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های پارلمان (۲۰۰۱): حزب شهروندان مترقی ۱۳ کرسی؛ اتحادیهٔ میهنی ۱۱ کرسی؛ جایگزین سبز – لیست آزاد ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۰)، اونکتاد، یاآآ، ایمو، یوپو، وهو، ویپو، سازمان تجارت جهانی (عضو ناظر)، افتا، شورای اروپا ، اوسه

جمعیت

مساحت: ۱٦۰ کیلومترمربع (صد و نودمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۲،٦۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هشتاد و نهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۰۳/۸ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ٤۰،٦۰۰ نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** بیش از ۱۰۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۹): ۲۱٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ۱۸/۷٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۲/۳٪؛ ۵۹-۳۰ سال ٤٤/۸٪؛ بالای ٦۰ سال ۱٤/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۸/۵۵٪؛ ٤۵،۵۱٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۸۲/۲ سال، مردان ۷٤/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۲/۱ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦/۸ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۵/۳ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۵/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۸٤/۲ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۲۸ نفر؛ کهولت سن ٤۹/۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۳۱/۲ نفر؛ حوادث، مسمومیت و خشونت ۲۸/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۲٤/۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۵ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ۱۳/۲ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٤):** ۱/٤ مورد

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): لیختن اشتاینی ٦۵/۵٪؛ سوئیسی ۱۱/۹٪؛ اتریشی ٦/۲٪؛ آلمانی ۳/٤٪؛ ایتالیایی ۲/۸٪؛ بقیه ۱۰/۲٪

دین: کاتولیک ۸۰٪؛ پروتستان ۷/۵٪؛ مسلمان ۳/۳٪؛ ارتدوکس شرقی ۰/۷٪؛ بقیه ۸/۵٪

زبان و خط: آلمانی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): شان ۵،۲٦۲ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سوئیس (SwF)= ۱۰۰ راپن؛ یک دلار = ۱/۷۵ فرانک؛ یک فرانک = ٤،۵۷۱/٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ٦٦۵/۲ میلیون فرانک؛ مالیات و سود ۷٤٪؛ مالیات‌های گمرکی و بازپرداخت‌ها ۱۵/٦٪؛ درآمد از سرمایه‌گذاری ۸/٦٪؛ مالیات بر اموال غیر منقول، افزایش سرمایه و ارث ۱/۸٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۵۷۰/۹ میلیون فرانک؛ امور مالی ۳۱/۵٪؛ رفاه اجتماعی ۱۷/۳٪؛ آموزش ۱٦٪؛ حمل و نقل ۱۲/۳٪؛ امور اداری ۸/۹٪؛ امنیت عمومی ۵٪؛ بهداشت ٤/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): ۷۱٤ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹٦):** ۲۳،۰۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۹۰): ۵/۵-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۲): کشاورزی ۱٪؛ صنعت ٤۹٪؛ خدمات ۵۰٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی: ندارد | **کمک‌های خارجی:** ندارد

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم(۱۹۹٦): ۰/۸٪

محصولات کشاورزی (۱۹۸۷): ذرت ۲۷،۸۸۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱،۰٤۰ تن؛ گندم ٤٦۰ تن؛ جو ٤۱٦ تن؛ انگور (۲۰۰۰) ۱۵۰؛ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۲٤/۳٪؛ مرتع و چمنزار ۱۵/۷٪؛ جنگل ۳٤/۸٪؛ سایر موارد ۲۵/۲٪

تعداد دام زنده(۲۰۰۰): گاو ٦،۰۰۰ رأس؛ خوک ۳،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۲،۹۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): الوار ۱۹،۵۲۷ مترمکعب | **صید ماهی:** ؟

تولید مرغ: ؟ | **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): شیر آماده مصرف ۱۳،۳۰٤ تن؛ شیر برای خامه ۲٦۲ تن؛ ماست ۸۲ تن؛ پنیر ۳ تن؛ شراب (۱۹۹۳) ٦۳۵/۲ هکتولیتر؛ صنایع ظریف و حساس مانند تولید لنزهای اپتیکال، میکروسکوپ‌های الکترونی، تجهیزات الکترونیکی و پمپ‌های با وکیوم بالا و همچنین ماشین‌آلات ساختمانی و سرامیک نیز وجود دارد.

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۷): ۷۵،۸٤۲،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲۰۰۰: ۲۹۵،۰۳۱،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹٦): صفر (۲٤)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۵): صفر (٤۹،۲۹۱ تن)؛ گاز طبیعی (۱۹۹٤): صفر (۱۹،۳۵۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۲۰۰۰): ۱٦،۳٦۸ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۵۰/۱٪؛ میزان مشارکت: مردان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۷۱/۲٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٤۰/۳٪؛ میزان بیکاری ۱/۸٪

توزیع نیروی کار(۲۰۰۰): کشاورزی ۱/۷٪؛ صنعت ۳٦/٦٪؛ خدمات ٦۱/۷٪

نیروی دفاعی: اگرچه تمام مردان زیر ٦۰ سال موظف به انجام خدمت وظیفه در موارد اضطراری می‌باشند، اما این کشور فاقد نیروی دفاعی و ارتش است و سرانهٔ هزینهٔ دفاعی آن نیز صفر است.

واردات(۱۹۹۷): ۱،۱۷۹،۳۱۸،۰۰۰ فرانک سوئیس؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۵/۲٪؛ سایر کالاهای تکمیل شده ۲۳/٦٪؛ مصنوعات فلزی ۱۲/۵٪؛ سنگ آهک، سیمان و سایر مصالح ساختمانی ۱۲/٤٪؛ فلزات خام و نیمه ساخته ۵/۷٪؛ مواد شیمیایی ۵/۲٪

صادرات(۱۹۹۷): ۲،٦۹٤،۳۵۷،۰۰۰ فرانک سوئیس؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۹/۲٪؛ مصنوعات فلزی ۱۵/۱٪؛ سایر کالاهای ساخته شده ۱۲/۷٪؛ آهک، سیمان و سایر مصالح ساختمانی ۹/۸٪؛ مواد شیمیایی ۷/۷٪؛ غذا و نوشیدنی ٤/۲٪؛ به کشورهای (۱۹۹۸): اتحادیه اروپا ٤۹/۵٪؛ سوئیس ۱۲/۷٪؛ بقیه ۳۷/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیون فرانک	+۸۲۲/۸	+۹٤۷/۱	+۱،۰۲٤/۲	+۱،۰٤۳/۳	+۱،۰۷۸	+۱،۱٦۵/۳	+۱،۵۱۵
درصد کل	٪۳۱/٤	٪۳۰/٦	٪۳۳/۸	٪۳۳/۱	٪۳۳/۵	٪۳٤	٪۳۹/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۷/٤	۹۸/۲	۱۰۰	۱۰۰/۸	۱۰۱/۳	۱۰۱/٤	۱۰۲/۲
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۰): ۲/۷ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۱۹۸۷): دستمزد و حقوق ۹۲/۹٪؛ کار آزاد ۷/۱٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۰): اجاره ۲۰/۹٪؛ غذا ۱۷/۷٪؛ حمل و نقل ۱۱٪؛ آموزش و فرهنگ ۹/۷٪؛ پوشاک ۷٪؛ بهداشت ٤/۷٪

جهانگردی(۱۹۹۹): تعداد جهانگردان وارد شده : ۱۲٤،۱۷۳ نفر؛ درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳۲۳ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۱۸/۵ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۹): ۲۱،۱۵۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۲،٦۸٤ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد | **فرودگاه:** ندارد

روزنامه(۱۹۹٦): ۲ روزنامه در ۱۹،۰۰۰ نسخه (٦۰٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲۱،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۵۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳٦٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۹،۷٦۲ خط تلفن (٦۱۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ | **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۹)	۱٤	۱۵۱	۲،۰٤۸	۱۳/٦
متوسطه	۹	۱٦۲	۱،۸۵۹	۱۱/۵
فنی و حرفه‌ای	۲	۳۰۹	۲،۰۳۷	۷/۵
عالی	؟	؟	؟	؟

میزان باسوادی: افراد بالای ۱۵سال ۱۰۰٪؛ مردان: ۱۰۰٪؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۰): ابتدایی و راهنمایی ۳۹/۳٪؛ متوسطه ٤۷/٦٪؛ فوق دیپلم و عالی ۱۱/٦٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ٤۱ نفر (هر ۷٦٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۱۰۸ تخت (هر ۲۸۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،٦۰۰ کالری (۱۳٤٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ٦۵٪؛ مصرف فرآورده‌های لبنی و گوشتی ۳۵٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی: ؟

جمله یک نماینده پارلمان، در این رابطه دستگیر شدند. در انتخابات مجلس لاندتاگ، در فوریه ۲۰۰۱، حزب شهروندان مترقی به اکثریت دست یافت و رهبر آن اوتمار هاسلر به نخست‌وزیری رسید. در سال ۲۰۰۱، سیاست مبارزه با پول‌شویی همچنان ادامه یافت و دو نفر از مشاوران مالی، به پنهان سازی میلیون‌ها دلار از پول‌های مربوط به قاچاق مواد مخدر از کلمبیا، متهم شدند.

ماداگاسکار MADAGASCAR

کشور ماداگاسکار که یکی از بزرگترین جزایر جهان است، در دوراب‌های جنوب خاوری قارهٔ افریقا و در آبهای غربی اقیانوس هند جای گرفته و به وسیلهٔ تنگهٔ موزامبیک از قارهٔ اصلی افریقا جدا می‌شود. ماداگاسکار سرزمینی است کوهستانی و رشته‌کوههایی به بلندی حداکثر ۲۸۷۶ متر (کوه ماروموکوترو) که منشأ آتشفشانی دارند، سرتاسر نواحی مرکزی جزیره را از شمال خاوری تا جنوب غربی زیر پوشش قرار داده و جلگه‌های ساحلی گرم و مرطوبی را که از جنگلها و علفزارهای بارانی انبوه مستور است در کوهپایه‌های خود پدید آورده است. بخش خاوری جزیرهٔ ماداگاسکار بسیار پرباران، و دیگر نواحی آن از اقلیم گرم و خشک برخوردار است. رودخانه‌های مانگوکی (۵۵۰ کیلومتر)، مانگورو، ایکوپا، اونیلاهی و سوفیا از عمده‌ترین رودهای آن به شمار می‌رود. بیشتر سکنهٔ ماداگاسکار در ارتفاعات مرکزی به سر می‌برند و به کشت برنج، نیشکر، سیب‌زمینی، قهوه، موز، وانیل و دامداری مشغولند. عمده‌ترین منابع زیرزمینی ماداگاسکار، گرافیت، کرم و میکا است و زدایش جنگلها مهمترین مسئلهٔ زیست محیطی آن محسوب می‌گردد. فقط حدود ده درصد مردم این سرزمین از آب آشامیدنی بهداشتی برخوردارند و نبودن فاضلاب‌های بهداشتی و تخلیهٔ فضولات و زباله در آبهای جاری تهدید زیست محیطی عمدهٔ این کشور به شمار می‌آید.



تاریخچه

حدود ۲۰۰۰ سال پیش دریانوردان ماله‌ای و پولینزیایی به کرانه‌های خاوری افریقا رسیدند و تا سده‌های یکم و پنجم میلادی به رفت و آمدهای خود به ماداگاسکار ادامه دادند. در سدهٔ چهاردهم میلادی بازرگانان کوموری بندرها و شهرهایی چند در کرانه‌های شمالی این جزیره تأسیس نمودند که طی سالهای ۱۵۰۶ تا ۱۵۰۷ به دست پرتغالی‌ها ویران گردید. وقتی پرتغالی‌ها از یافتن طلا و عاج و ادویه در این جزیره ناامید شدند، آن را به حال خود رها کردند و پای اروپاییان دیگر را برای فروش جنگ افزارهای آتشین و تجارت برده، به آنجا باز کردند.

در سدهٔ شانزدهم اقوام ساکالاوا در کرانهٔ غربی و بتسیلیو در کرانه‌های خاوری به تأسیس حکومتهای سلطنتی پرداختند. در سدهٔ هفدهم دولت مرینا که بر ساحل خاوری حکومت می‌کرد، قدرتی به هم رسانید و نامپوئینا، شاه آن مردم، سرتاسر جزیره را به اتحاد دعوت کرد و پسرش رادامای‌اول که از ۱۸۱۰ تا ۱۸۲۸ حکومت کرد، به این مهم دست یافت و فرمانروایی سراسری جزیرهٔ ماداگاسکار را از آن خود کرد. وی القبای لاتین را برای تحریر زبان مالاگاسی اقتباس کرد و برای تأسیس یک ارتش نوین اقداماتی انجام داد و با عرب‌ها و اروپاییان روابط دوستانه برقرار نمود.

مرگ نابهنگام رادامای اول دست اروپاییان را برای استعمار ماداگاسکار در پایان سدهٔ نوزدهم باز گذارد. استعمارگران دست به احداث کشتزارهای نیشکر و پنبه و قهوه زدند و بهترین و مناسب‌ترین اراضی این سرزمین را تملک کردند و بومیان را به صورت نیمه برده در کشتزارها به کار گماشتند. اعمال خشونت‌آمیز آنان به شورش بومیان در سال ۱۹۴۷ منجر گردید که به وسیلهٔ نیروهای مسلح فرانسه به سختی سرکوب شد و هزاران کشته به جای گذارد. موج شورش‌ها و نارضایتی‌ها سرانجام به نتیجه رسید و استقلال سرزمین مزبور در سال ۱۹۶۰ اعلام گردید. در سپتامبر همان سال حزب سوسیال دموکرات در انتخابات برنده شد و رهبر آن به نام فیلیبرت تسیرانانا به عنوان نخستین رئیس جمهور کشور برگزیده شد و مقام وی طی انتخابات سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۲ نیز تکرار گردید. وی تحت فشارهای سیاسی بسیار در سال ۱۹۷۲ از کار کناره گرفت و ژنرال رامانانتسوا، فرمانده کل ارتش، قدرت کامل را در دست گرفت. وی مجالس قانونگذاری را منحل کرد و قانون اساسی سال ۱۹۵۹ را لغو نمود. در سال ۱۹۷۳ فرانسوی‌ها نیروهای نظامی خود را از ماداگاسکار فرا خواندند و در ژوئن ۱۹۷۵ ناوسروان دیدیر راتسیراکا از سوی شورای نظامی حاکم به نخست‌وزیری رسید. وی سیاست سوسیالیستی پیشه کرد و رفراندوم ۲۱ دسامبر ۱۹۷۵، قدرت کشور را به وی محول کرد و نظام کشور به جمهوری سوسیالیستی مبدل گردید. در ۳۰ دسامبر ۱۹۷۵ نام رسمی کشور به جمهوری دموکراتیک مالاگاسی تغییر یافت و جمهوری دوم با ریاست جمهوری راتسیراکا آغاز شد.

در ژانویهٔ ۱۹۷۶ سرهنگ راکوتومالالا ریاست دولت را به عهده گرفت و بعد از آن که در سقوط هواپیمای ژوئیه ۱۹۷۶ درگذشت قدرت به ژوستین راکوتونیاینا واگذار شد و در ۱۹۷۷ دزیره راکوتوآریژائونا به نخست‌وزیری منصوب گردید. در ۱۹۸۲ راتسیراکا برای بار دوم به ریاست جمهوری انتخاب گردید. در ۱۹۸۸ سرهنگ دوم ویکتور راماهاراتا به نخست‌وزیری منصوب شد و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۸۹ دیدیر راتسیراکا برای بار سوم به ریاست جمهوری برگزیده شد. با وقوع تظاهرات و ناآرامی‌های سال ۱۹۹۱ دولت وضع فوق‌العاده اعلام کرد و تظاهرکنندگان خواهان برکناری راتسیراکا شدند. تظاهرات مزبور به وسیلهٔ نیروهای امنیتی سرکوب شد و ۳۱ تن کشته و ۲۰۰ زخمی به جای گذارد. در مارس ۱۹۹۲ نظام کشور به جمهوری چند حزبی مبدل گردید و قانون اساسی جدید کشور تدوین و تصویب شد و با آغاز جمهوری سوم، آلبرت زافی به ریاست جمهوری انتخاب گردید. بحران اقتصادی کشور و دشواری شرایط زیست و فقر شدید، تظاهرات و آشوبهای وسیعی را در پایان سال ۱۹۹۴ موجب گردید. در همه‌پرسی سپتامبر ۱۹۹۵ اختیارات زافی، رئیس جمهور افزایش یافت و در مه ۱۹۹۶ مجلس ملی به دولت رأی عدم اعتماد داد و در پی آن یک دولت جدید تشکیل شد. پس از متهم شدن رئیس جمهور به نقض قانون اساسی، زافی در سپتامبر ۱۹۹۶ از کار کناره گرفت و در انتخابات پایان همان سال دیدیر راتسیراکا به مقام ریاست جمهوری رسید. در همه‌پرسی سال ۱۹۹۸ تغییراتی در قانون اساسی به وجود آمد و به موجب آن اختیارات رئیس جمهور افزایش یافت و به ایالت‌های ششگانهٔ آن خودمختاری بیشتری داده شد.

وقوع چندین توفان سهمگین در اوایل سال ۲۰۰۰، خسارات سنگینی را در بخش جنوبی جزیرهٔ ماداگاسکار به بار آورد و بیش از صد نفر کشته و هزاران نفر بی‌خانمان شدند و ده‌ها هزار نفر که بی‌سرپناه مانده بودند به خیابان‌های پایتخت هجوم آوردند. خشکسالی ماه سپتامبر بر وخامت اوضاع افزود و هزاران نفر دیگر نیز از قحطی مردند. در اواخر این سال معاون مجلس ملی به اتهام اهانت به رئیس جمهور بازداشت گردید. در انتخابات ریاست جمهوری اواخر ۲۰۰۱ و فوریه ۲۰۰۲، دیدیر راتسیراکا در دور دوم به پیروزی رسید، اما درپی اعتراضات گستردهٔ مخالفان، آراء مجدداً بازشماری شد و این بار مارک راولومانانا به پیروزی رسید. علی‌رغم مخالفت هواداران راتسیراکا و تشنج چند ماهه در کشور، سرانجام موقعیت راولومانانا تثبیت گردید.



نام رسمی: جمهوری دموکراتیک ماداگاسکار

نام محلی: ماداگاسیکارا Madagasikara

اسامی دیگر: مالاگاسی Malagasi

پایتخت: آنتاناناریوو (۱،۱۰۳،۳۰٤ نفر در سال ۱۹۹۳)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۰/٦/۲٦، از فرانسه

روز ملی: بیست و ششم ژوئن، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی فدرال با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۲

رئیس حکومت: رئیس جمهور: مارک راولومانانا، از سال ۲۰۰۲ به مدت ٥ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ژان ژاک راسولوندرایبه، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی جمهوری سوم سال ۱۹۹۲؛ آخرین تغییرات ۱۹۹۸؛ مجلس ملی با ۱٦۰ عضو به مدت ٤ سال و مجلس سنا با ۹۰ عضو (٦۰ عضو انتخابی و ۳۰ عضو انتصابی رئیس جمهور) به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۲): حزب من ماداگاسکار را دوست دارم ۱۰۳ کرسی، اتحاد ملی ۲۲ کرسی، منشأ و ساختار رهایی ماداگاسکار ۳ کرسی، رهبر – فانیلو ۲ کرسی، حزب بازسازی سوسیال دموکرات ٥ کرسی، مستقل‌ها و بقیه احزاب ۲٥ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ٥۸۷،۰٤۱ کیلومترمربع (چهل و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۱٥،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجاه و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۷/۱ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۳٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۲۹ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۸/۳٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٥/٦٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱٥ سال ٤٥٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲٦/٥٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲۳/۷٪؛ بالای ٦۰ سال ٤/۸٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٤۹/۷۰٪؛ زن ٥۰/۳۰٪ | **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان٥٦/۸ سال، مردان ٥۲/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ٤۳/۲ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۱۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۸۷ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۳۰/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما عمده‌ترین عوامل مرگ و میر در اوایل دههٔ ۱۹۹۰ بدین شرح است: بیماریهای دوران زایمان و بعد از آن؛ مالاریا، بیماریهای عفونی و انگلی، سوء تغذیه، اسهال و بیماریهای تنفسی

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ٥/۹ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٤۹۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): مالاگاسی(ماداگاسکاری)۹۸/۹٪؛ هندی و پاکستانی ۰/۲٪؛ فرانسوی ۰/۲٪؛ چینی ۰/۱٪؛ بقیه۰/۳٪

دین(۲۰۰۰): مسیحی ٤۹/٥٪(پروتستان ۲۲/۷٪؛ کاتولیک ۲۰/۳٪)؛ باورهای قبیله‌ای ٤۸٪؛ مسلمان ۱/۹٪؛ بقیه ۰/٦٪

زبان و خط: مالاگاسی ؛ فرانسوی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۳): توآماسینا (تاماتاوه) ۱۳۷،۷۲۸ نفر؛ آنتسیرابه ۱۲٦،۰٦۲ نفر؛ فیانارانتسوا ۱۰۹،۲٤۸ نفر؛ ماهاجانگا ۱۰٦،۷۸۰ نفر؛ (۱۹۸٥): آنتسیرانانا (دیگو گارسیا) ۱۰۰،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: توآماسینا و آنتسیرانانا (اقیانوس هند)؛ ماهاجانگا و تولیارا (تنگهٔ موزامبیک)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک ماداگاسکار (FMG)= ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار=٦،٦۹۷ فرانک؛ صد فرانک = ۱۱۹/٥ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۲،۸۷٥ میلیارد فرانک؛ مالیات‌ها ۷۱/۹٪ (شامل مالیات بر تجارت ٤۱٪؛ مالیات بر ارزش افزوده ۱۷/٤٪؛ مالیات بر درآمد ۱۲/٤٪)؛ درآمدهای غیر مالیاتی و کمک‌های بلاعوض ۲۸/۱٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۳،۷۰۲ میلیارد فرانک؛ هزینه‌های جاری ٥٦/٤٪ (شامل پرداخت بدهی‌ها ۱۲/٦٪؛ هزینه‌های اداری ۱۲/۳٪؛ امور دفاعی ۷/۸٪؛ آموزش ۷٪؛ بهداشت ۳/٤٪؛ کشاورزی ۱/۳٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٤۳/٦٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳،۷٤۱ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۰/٦٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳۰/٦٪؛ صنعت ۱۳/٦٪؛ خدمات ٥٥/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٤،۱۰۷ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٤۹٤/۲+میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٥/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲۲/۱٪؛ ۱۹۹۸: ۸/۸٪

محصولات کشاورزی (۲۰۰۰): شلتوک برنج ۲،۳۰۰،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۲،۲۲۸،۰۰۰ ؛ نیشکر ۲،۲۰۰،۰۰۰ ؛ سیب‌زمینی شیرین ٤۷٦،۰۰۰؛ سیب‌زمینی ۲۹۳،۰۰۰؛ موز ۲٦٥،۰۰۰؛ انبه ۲۰٦،۰۰۰؛ ذرت ۱٥٥،۰۰۰؛ تارو ۱٥٥،۰۰۰؛ پرتقال ۸۰،۰۰۰؛ نارگیل ۸٥،۰۰۰؛ لوبیای خشک ۸٤،۰۰۰؛ قهوه ٦٥،۰۰۰؛ آناناس ٥۲،۰۰۰؛ بادام زمینی ۳٥،۰۰۰؛ پنبه‌دانه ۳۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٥/۳٪؛ مرتع ٤۱/۳٪؛ جنگل ۳۹/۹٪؛ دیگر موارد ۱۳/٥٪

تعداد دام زنده(۲۰۰۰): گاو ۱۰،۳٦٤،۰۰۰رأس؛خوک ۱،۹۰۰،۰۰۰رأس؛ بز ۱،۳۷۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۸۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۲۰۰۰): ۱۰،۳٥۹،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۹):** ۱٤۱،۰٥۷ تن

تولید مرغ(۲۰۰۰): ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۳،۸۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): کرومیت ۱۱۹،۰۰۰ تن؛ نمک دریایی ۳۰،۰۰۰؛ گرافیت ۱٤،۳۰۰؛ میکا ٤۳۱ تن؛ طلا ۲۰۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): شکر تصفیه شده ۷۹،۷۷٥ تن؛ سیمان ٤٤،۳۲۷ تن؛ صابون ۱٤،٥۱۳ تن؛ سیگار ۳،۳۰۳ تن؛ آبجو ۲۰۷،٤۰۰ هکتولیتر ؛ نفت سوخت ۲۱۷،۸۰۰ مترمکعب؛ گازوئیل ۱۱۰،۸۰۰ مترمکعب؛ نفت سفید ۷٥،۲۰۰ مترمکعب؛ بنزین ۹۲،۷۰۰ مترمکعب؛ کفش ٥۱۱،۰۰۰ جفت

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ٦٤۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٦٤۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹٦): صفر(۱٤،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (۱،٥۳۰،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی : ۱۹۱،۰۰۰ تن(۳٥۸،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۳): ٥،۹۱٤،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۸/۹٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۰ سال به بالا؛ ۱۹۹٥): ٥۹/٤٪؛ زنان (در سنین ۱۰ سال به بالا): ۳۸/٤٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹٥): ٦٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۷٥/٥٪؛ صنعت و خدمات ۲٤/٥٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه : ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۲۱،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹٥/۲٪؛ نیروی دریایی ۲/٤٪؛ نیروی هوایی ۲/٤٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٤ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۲،۹۱۷/٦ میلیارد فرانک؛ شامل نفت خام ۱۳/٦٪؛ غذا ۹/۸٪؛ وسایل نقلیه ۹/٦٪؛ فرآورده‌های نفتی ٦/۸٪؛ دارو و مواد دارویی ٤/۲٪؛ از فرانسه ۲۳٪؛ افریقای جنوبی ۹/٦٪؛ ایران ۸/۸٪؛ ژاپن ٦/۱٪؛ آلمان ٤/۳٪

صادرات(۱۹۹۷): ۱،٤۱٤/۳ میلیارد فرانک ؛ شامل میگو ۲٤/۷٪؛ قهوه ۱۱/۸٪؛ پارچه نخی ٦/۳٪؛ میخک و روغن میخک ٤/٤٪؛ وانیل ۳/٥٪؛ به فرانسه ٤٥/۲٪؛ ژاپن ۹٪؛ آلمان ٤/۹٪؛ امریکا ۳/۸٪؛ ایتالیا ۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیاردفرانک	-۳۹٦/۷	-۱٦۱/۹	-۷٦٤/٥	-۸٤۰/٤	-۱،۲٥۳/۱	-۱،٤۸۰/۳
درصد کل	٪۲۸/٤	٪٦/۱	٪۱۹/٦	٪۲٥/۷	٪۳٥/٥	٪۳٦/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	٤۸/۳	٦۷/۱	۱۰۰	۱۱۹/۸	۱۲٥/۱	۱۳۲/۹	۱٤٦/۱
شاخص درآمد یکساله	٥٥/۲	۷۱/٤	۱۰۰	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۳): ٤/٦ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۱۹۷٥): دستمزد و حقوق ٥۸/۸٪؛ مشاغل آزاد ۱٤/۱٪؛ دیگر موارد ۲۷/۱٪؛ هزینه‌ها (۱۹۸۳): غذا ٦۰/٤٪؛ سوخت و روشنایی ۹/۱٪؛ پوشاک و کفش ۸/٦٪؛ لوازم خانگی ۲/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۹۱ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۱۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٤۹،۸۳۷ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۳):** ۱،۰۹٥ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٦۲،۰۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱٦،٤٦۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۸٥ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٤):** ٤٤ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٥ روزنامه در ٦٦،۰۰۰ نسخه (٤/٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٥٥ عنوان در ۱۰۸،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۱۱۹ عنوان در ۲۹٦،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۲،٤۸۷/۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۰٥۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۰۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٤۷،۰۰۰ خط تلفن (۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۳،۰۰۰ خط (۰/۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲٥،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۹):** ۸،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۱۳،۳۲٥	٤٤،۱٤٥	۱،٦۳۸،۱۸۷	۳۷/۱
متوسطه	۱،۱٤۲	۱٦،۷۹٥	۳۰۲،۰۳٦	۱۸
فنی و حرفه‌ای	٦۱	۱،۱٥۰	۸،٤۷۹	۷/۳
عالی	٥	۹۲۱	۱۸،٤٥۸	۲۰

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال ٤٥/۷٪ ؛ مردان: ٥۹/۸٪ ؛ زنان: ۳۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۱،٤۷۰ نفر (هر ۹،۳٥۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۹): ۱۰،۹۰۰ تخت (هر ۱،۰۲۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۷۹): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۸،٦۰۰ نفر (۰/۱۲٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۸۲/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۱،۹۹٤ کالری (۸۸٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤٦ گرم؛ مصرف چربی: ۳۲ گرم

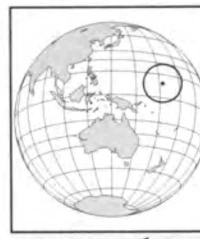
محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۹٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/۸٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱/۲ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۸۳ (صد و چهل و یکمین کشور جهان)



نام رسمی: جمهوری جزایر مارشال

نام محلی: مارشال آیلندز Marshall Islands

اسامی دیگر: -

پایتخت: ماجورو (دالاپ- اولیگا- داریت) ۲۳،٦٧٦ نفر در سال ۱۹۹۹

تاریخ استقلال: ۱۹۹۰/۱۲/۲۲، از امریکا

روز ملی: اول ماه مه، سالروز تصویب قانون اساسی در سال ۱۹۷۹

نوع حکومت: جمهوری با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: کسای نوت، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٤ سال توسط مجلس قانونگذاری

رئیس دولت: رئیس جمهور: کسای نوت، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٤ سال توسط مجلس قانونگذاری

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۹ با تغییراتی در سال ۱۹۹۰؛ مجلس قانونگذاری (نیتیجلا) به مدت ٤ سال و شورای رؤسا (ایروئیج) با ۱۲ عضو؛ هیچ حزب سیاسی در جزایر مارشال فعالیت ندارد و نمایندگان مجلس خود را بـه صورت منفرد کاندید می‌نمایند.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدب، ایفک، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، سپک، آدب، آاوسیس، جامعهٔ اقیانوس آرام

جمعیت

مساحت: ۱۸۱ کیلومترمربع (صد و هشتاد و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۵۱،٦۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هشتاد و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۸۵/۱ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ٦٨،٨۰۰ نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۱٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ؟

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ۵۰/۲٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٦٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۰/٤٪؛ بالای ٦۰ سال ۳/٤٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٤۲/٤۵٪؛ زن ۵۷/۵۵٪ | **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ٦٧/٤ سال، مردان ٦۳/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ٤۵/۲ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ٦/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ٤۱ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۳۸/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۹۳-۱۹۹۰): بیماریهای عفونی و انگلی ١٦٩/٩ نفر؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۵۵/۱ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۱۰۵/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ٦٨/٤ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ٦۳/۳ نفر؛ حوادث، صدمه و درگیری ۳٦/۷ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ٦/٦ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۲۰۰۰): بومی‌جزایرمارشال ۸۸/۵٪؛ سفیدپوست‌امریکایی ٦/۵٪؛بومیان‌سایرجزایراقیانوس آرام وآسیای‌شرقی ۵٪

دین: پروتستان ٦۲/۸٪؛ کاتولیک ۷/۱٪؛ مورمون ۳/۱٪؛ شاهدین یهوه ۱٪؛ بقیه (عمدتاً بدون دین)۲٦٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۸): ایبه ۸،۳۲٤ نفر

بنادر مهم: ماجورو (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار امریکا (US$)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار امریکا= ۸،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ٦۱/٤ میلیون دلار؛ کمک‌های بلاعوض دولت امریکا ۵۹/۷٪؛ مالیات بر درآمد ۱۲/۷٪؛ مالیات بر واردات ۱۰/۷٪؛ مالیات بـر ارزش افزوده و مصرف ٤/٤٪؛ حق‌الامتیاز ماهیگیری ۲/۹٪؛ سایر امتیازها و درآمدها ۲/۱٪

هزینه بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۵۰/۹ میلیون دلار؛ حقوق‌ها و دستمزدها ۳۳/٤٪؛ کالا و خدمات ۳۲/٤٪؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۱٤/۳٪؛ پرداخت سود ۱۰/۸٪؛ یارانه ۷/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۹٦ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۵٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): کشاورزی ۱۵/٤٪؛ صنعت ۱۲/۳٪؛ خدمات ۷۲/۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۹۷-۱۹۹٦): ۱۲٤/۹ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۹-۱۹۹۰): ٦/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۷): نارگیل ۱٤۰،۰۰۰ تن؛ کوپرا ۱۸،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۱۲،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۳،۰۰۰ تن؛ موز ۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۸۹) : کشاورزی ۳۳/۱٪؛ مرتع و چمنزار ۱۳/۵٪؛ جنگل ۲۲/۵٪؛ سایر موارد ۳۰/۹٪

تعداد دام زنده: خوک ۳۲،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱٤،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ | **صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤۰۰ تن

تولید مرغ: ؟ | **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی: استخراج فسفات با کیفیت بالا و شن و ماسه برای مصارف ساختمانی

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): کوپرا ۷،۷۲۸ تن؛ تهیهٔ روغن نارگیل، ماهی منجمد و بسته‌بندی ماهی، صنایع دستی، پوشاک، حصیربافی و قایق سازی نیز رایج است.

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٤): ۵۷،۸۹۱،۰۰۰ کیلووات ساعت (۵۷،۸۹۱،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ بنزین، نفت و روغن موتور (۱۹۸۸):؟ (۸٤،۵۸۸ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۸۸): ۱۱،٤۸۸ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲٦/۵٪؛ میزان مشارکت (۱٤ سال به بالا): ۵٤/۱٪؛ زنان (۱٤ سال به بالا): ۳۰/۱٪؛ میزان بیکاری : ۱۲/۵٪ .

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٤٦/۱٪؛ صنعت۷/۳٪؛ خدمات ٤٦/٦٪

نیروی دفاعی: بر اساس مفاد قرارداد همکاری آزاد که در سال ۱۹۸٦ منعقد شده، امور دفاعی این کشور به عهدهٔ دولت امریکا می‌باشد.

واردات(۱۹۹۷): ٦۰،۹۹۵،۰۰۰ دلار؛ شامل سوخت‌های معدنی و روغن‌های روانکاری ۲۳/٤٪؛ غذا، نوشیدنی و دخانیات ۲۲/۸٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۹/۵٪؛ کالاهای ساخته شده ۷/٤٪؛ محصولات شیمیایی ٦/٦٪؛ از امریکا ٤۷/۲٪؛ گوآم۸/٤٪؛ استرالیا ٤٪؛ سنگاپور ۳/٤٪؛ ژاپن ۳/۳٪

صادرات(۱۹۹۷): ۱۲،٦٦۵،۰۰۰ دلار؛ شامل ماهی نیمه منجمد بسته‌بندی شده ۷۸/۲٪؛ ماهی منجمد ۱۰/۷٪؛ روغن خام نارگیل ۹/٦٪؛ به امریکا حدود ۸۰٪؛ سایر کشورها حدود ۲۰٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
میلیون دلار	-۵۲/٦	-۵۳/٤	-٤۸/۲	-۵۲	-۵۳/٦	-٤۸/۳
درصد کل	۷٤/۱٪	۷۷/۷٪	۵۲/۱٪	۵۳٪	۵۸/٦٪	٦۵/٦٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۷/٤	۹۲/٤	۱۰۰	۱۰۹/٦	۱۱٤/۹
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۸): ۸/۷؛ درآمد هر خانوار (۱۹۷۹): ۳،۳٦٦ دلار؛ منابع درآمد:؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۲): غذا ۵۷/۷٪؛ مسکن ۱۵/٦٪؛ پوشاک ۱۲٪؛ لوازم شخصی و دیگر موارد ۱٤/۷٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه: ؟ | **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۱،۳۷٤ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۲٦۲ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳۵ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲۵ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو: ؟

تلویزیون: ؟

تلفن(۱۹۹۸): ۳،۷۰۰ خط تلفن (٦۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳۰۰ خط (۵/۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ | **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	۱۰۳	٦٦۹	۱۳،۳۵۵	۲۰
متوسطه	۱۲	۱٤٤	۲،٤۰۰	۱٦/۷
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	؟	؟	؟	؟

میزان باسوادی: افراد بالای ۱۵ سال: ۹۱/۲٪؛ مردان: ۹۲/٤٪؛ زنان: ۹۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۸): ابتدایی ٤۳/۲٪؛ متوسطه ۳۹/۷٪؛ عالی ۱۱/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۳٤ نفر (هر ۱،۷۸۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۱۲۹ تخت (هر ٤۷۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

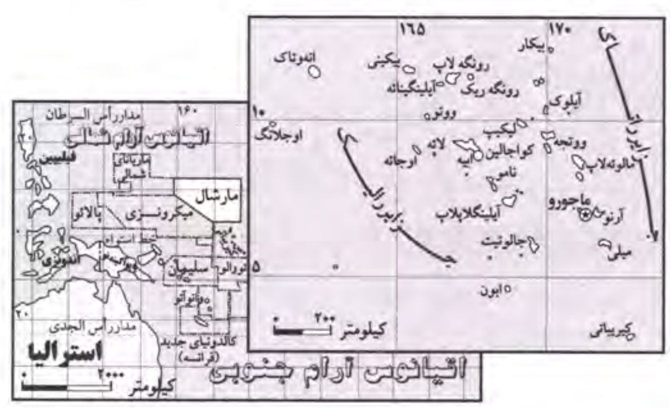
تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی: ؟

MARSHALL ISLANDS مارشال، جزایر

مجمع‌الجزایری است در اقیانوسیه و در آبهای غربی اقیانوس آرام(کبیر)، که در پهنه‌ای به وسعت حدود یک میلیون کیلومترمربع از این اقیانوس گسترده شده است. این جزایر که جزئی از جزایر میکرونزی محسوب می‌شود، از جنوب به کیریباتی و از غرب به کشور میکرونزی و جزایر ماریانای شمالی محدود است. جزایر مارشال از دو رشته جزایر راتاک و رالیک تشکیل یافته است. جزایر راتاک که در قسمت شرقی این مجمع‌الجزایر واقع شده، دارای ۴ آبسنگ حلقوی و ۲ جزیرهٔ مرجانی است. مهمترین جزایر این مجموعه عبارتند از: میلی، ماجورو، مالوئه‌لاپ، ووتجه، لیکیپ و بیکینی.

رشته جزایر رالیک نیمه غربی را به خود اختصاص داده و شامل ۱۵ آبسنگ حلقوی و ۳ جزیره مرجانی است. جزایر عمدهٔ این رشته جزایر عبارتند از: جالوئیت، کواجالین، ووتو و انهوتاک. اقلیم جزایر مارشال گرم و مرطوب و نسبتاً پر باران است، اگرچه ریزش باران در جزایر شمالی کمتر از جزایر نواحی جنوبی است. بیش از نیمی از جمعیت کشور در جزیره‌های ماجورو و کواجالین سکونت دارند و دولت امریکا دارای یک پایگاه نظامی در جزیره کواجالین می‌باشد.



تاریخچه

برای اولین بار اسپانیایی‌ها این جزایر را در قرن شانزدهم میلادی کشف کردند و تا اواخر قرن نوزدهم تحت نفوذ اسپانیا قرار داشت. از سال ۱۸۵۰، شرکت‌های تجاری آلمانی به گسترش نفوذ خود در جزایر مارشال پرداختند. در سال ۱۸۸۶ پاپ لئوی سیزدهم حاکمیت اسپانیا بر جزایر مارشال را به رسمیت شناخت، اما به فعالیت‌های تجاری آلمانی‌ها نیز رسمیت داد. در سال ۱۹۱۴ این جزایر به تصرف ژاپن درآمد و جامعهٔ ملل نیز در سال ۱۹۲۰ قیمومیت آن را به ژاپن واگذار کرد.

در فوریه ۱۹۴۴ نبرد سهمگینی میان نیروهای دریایی امریکا و ژاپن بر سر جزایر کواجالین و بیکینی درگرفت که با پیروزی نیروی دریایی امریکا پایان یافت و مهاجران ژاپنی مجبور به ترک این جزایر شدند. باپایان جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ قیمومت این جزایر را به همراه جزایر کارولین و جزایر ماریانای شمالی، با عنوان «سرزمین قیمومی جزایر اقیانوس آرام» به ایالات متحده واگذار نمود. تا سال ۱۹۵۱ این جزایر توسط نیروی دریایی امریکا اداره می‌شد و پس از آن تحت کنترل غیرنظامیان درآمد. از سال ۱۹۶۵ به بعد تمایلات استقلال‌طلبانه در میان مردم جزایر مارشال رو به گسترش نهاد و در سال ۱۹۷۷، جیمی کارتر، رئیس جمهور امریکا اعلام نمود که قصد دارد تا سال ۱۹۸۱ به قیمومت خود بر این جزایر پایان دهد.

در سال ۱۹۷۹ امریکایی‌ها دولت نیمه خودمختاری مرکب از جزایر کواجالین، بیکینی، ماریانا و کارولین تأسیس نمودند و آن را تحت نظارت خود قرار دادند و آنها را برای مقاصد نظامی خود حفظ کردند. در ۱۹۶۱ جزیرهٔ کواجالین به یکی از ایستگاههای آزمایش و پرتاب موشک‌های بین قاره‌ای مبدل گردید و در دههٔ ۱۹۸۰ به محل آزمایش موشکهای ام. ایکس تبدیل گردید. کلیهٔ ساکنان جزیره از آنجا به بیرون برده شدند و ورود غیر نظامیان بدانجا نیز ممنوع گردید.

طی سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۵ بیست و سه آزمایش هسته‌ای در آنجا انجام شد که یکی از آنها آزمایش بمب هیدروژنی بود. با وجود این که آثار بیماریهایی مانند سرطان، ناراحتی‌های تیروئید و کم‌خونی در میان بومیان جزایر اطراف مشاهده می‌شد، با این حال ساکنان آن که به جزیرهٔ رونگه‌ریک منتقل شده بودند، اصرار داشتند که به سرزمین مادری خود بازگردند. در آوریل ۱۹۹۰ دولت امریکا اعلام داشت که برای نابودی گازهای عصبی که در اروپا ذخیره شده است، از جزایر مزبور استفاده می‌کند و طی سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ حدود ۲۵ میلیون تن از گازها و فضولات سمی را در این جزایر نابود کرد. در اکتبر ۱۹۸۶ دولت امریکا و نمایندگان جزایر مارشال قراردادی امضاء کردند و جزایر مارشال را به یک دولت آزاد وابسته به امریکا که از نظر امور داخلی از استقلال بهره‌مند بود، مبدل کردند و مسئولیت دفاع از دولت مارشال را به مدت ۱۵ سال به امریکا واگذار نمودند و همچنین به دولت امریکا اجازه داده شد که از جزایر مزبور به عنوان پایگاه هوایی استفاده کنند و در مقابل کمکهای مالی در اختیار دولت نوبنیاد جزایر مارشال گذارده شود. در نخستین انتخابات سال ۱۹۸۶ آماتا کابوآ به ریاست جمهوری رسید و با دولتهای پیرامون خود به مرور روابط دیپلماتیک برقرار کرد. دولت جزایر مارشال در ۱۹۸۹ با ژاپن و تایوان نیز روابط دوستانه برقرار نمود. در ماه سپتامبر ۱۹۹۱ جزایر مارشال پس از کسب استقلال کامل در ماه دسامبر ۱۹۹۰، به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. در انتخابات ۱۹۹۱ کابوآ مجدداً از سوی نیتیجلا به ریاست جمهوری منصوب گردید. در ۱۹۹۵ دولت مارشال اعلام داشت که برگزاری آزمایشهای هسته‌ای و دفن زباله‌های اتمی و انهدام گازهای سمی، جزیرهٔ بیکینی را برای مدت ۱۰,۰۰۰ سال غیرقابل سکونت نموده است. در دسامبر ۱۹۹۶ کابوآ درگذشت و ایماتا کابوآ پسرعموی وی از سوی پارلمان به ریاست‌جمهوری منصوب گردید. در ۱۹۹۷ بیست و چهار کشور حوزهٔ اقیانوس آرام از جمله جزایر مارشال قراردادی برای محافظت از ذخایر شیلات به امضاء رساندند. در ژانویه سال ۲۰۰۰ پارلمان (نیتیجلا) به اتفاق آراء کسای نوت را به ریاست جمهوری برگزید.

MALAWI مالاوی

مالاوی کشوری است محصور در خشکی، واقع در جنوب خاوری قارهٔ افریقا که از شمال و شمال خاوری به تانزانیا، از خاور و جنوب و جنوب غربی به موزامبیک و از غرب به زامبیا محدود است. این کشور از نظر اقلیم و شرایط جغرافیایی سرزمین متفاوتی است. فرورزمین بزرگ یا درهٔ نشستی بزرگ، نواحی خاوری آن را از شمال به جنوب طی می‌کند. بخش‌هایی از این گودال عظیم به وسیلهٔ دریاچه‌هایی مانند نیاسا (مالاوی) و چیلوا که حدود یک‌پنجم مساحت کشور را شامل می‌گردند، پر شده و دیگر اراضی آن را ارتفاعاتی به بلندی حداکثر ۳۰۰۲ متر (کوه ساپیتوا) فرا گرفته است. معتدل‌ترین بخش این سرزمین نواحی جنوبی آن است که در عین حال مرتفع‌ترین بخش کشور نیز محسوب می‌گردد و بیشترین جمعیت و بزرگترین مراکز اقتصادی کشور در همین بخش جای دارند. نواحی پست آن که از بارندگی فراوانی برخوردار است از جنگلهای بارانی و علفزارهای انبوه پوشیده شده و رودخانه‌های شیره (۴۰۰ کیلومتر)، بوآ، روکورو و دوانگوا از مهمترین رودهای آن به شمار می‌آید. فرسایش خاک و زدایش جنگلها و زیاده‌روی در مصرف آبهای زیرزمینی عمده‌ترین آفت زیست‌محیطی آن است. دریاچه نیاسا (مالاوی) با ۲۸,۵۰۰ کیلومترمربع بزرگترین دریاچهٔ آن است و تقریباً تمام آن جزء خاک این کشور محسوب می‌شود.

تاریخچه

دولت کیتوارا بخشی از کشور کوچکی بود که در ساحل دریاچهٔ نیاسا (مالاوی) قرار داشت. کشور مزبور نیز خود بخشی از یک دولت بزرگتر بود که به وسیلهٔ مونوموتاپا اداره می‌شد. در سال ۱۸۳۵ زولوها بر آن نواحی تسلط یافتند و در ۱۸۵۹ گروههای مذهبی اسکاتلندی و دیوید لیوینگستون پویندهٔ معروف انگلیسی به سرزمین مزبور راه یافتند. در سال ۱۸۹۰ پرتغالی‌ها به این سرزمین حمله کردند، اما در مقابل اولتیماتوم دولت انگلیس ناچار از عقب‌نشینی گردیدند. در پی آن بریتانیایی‌ها بر این سرزمین تسلط کامل یافتند و تحت تأثیر زیبایی‌های



نام رسمی: جمهوری مالاوی

نام محلی: مالاوی Malawi

اسامی دیگر: نیاسالند (نام سابق)

پایتخت: لیلونگوه (۴۳۵،۹۶۴ نفر در سال ۱۹۹۸)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۴/۷/۶، از انگلستان

روز ملی: ششم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۶

رئیس حکومت: رئیس جمهو: باکیلی مولوزی (جبههٔ دموکراتیک متحد)، از سال ۱۹۹۴ (دور دوم از سال ۱۹۹۹)

رئیس دولت: رئیس جمهو: باکیلی مولوزی (جبههٔ دموکراتیک متحد)، از سال ۱۹۹۴ (دور دوم از سال ۱۹۹۹)

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۵؛ مجلس ملی با ۱۹۲ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۹): جبههٔ دموکراتیک متحد ۹۳ کرسی، حزب کنگرهٔ مالاوی ۶۶ کرسی، اتحاد برای دموکراسی ۲۹ کرسی؛ نمایندگان منفرد ۴ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۴)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۱۱۸،۴۸۴ کیلومترمربع (نود و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتادمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۹۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۴٪

پیش‌بینی جمعیت: ؟ — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۱۴/۶٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۴/۶٪

توزیع سنی(۱۹۸۷): زیر ۱۵ سال ۴۶٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۵/۴٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۲/۶٪؛ بالای ۶۰ سال ۶٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ۴۸/۸۹٪؛ زن ۵۱/۱۱٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۳۸/۴ سال؛ مردان ۳۷/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۹/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۲/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۲۳/۴ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۶/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۸۶): بیماریهای عفونی و انگلی ۷۱۱ نفر (شامل مالاریا ۲۷۰ نفر؛ بیماریهای اسهالی ۱۴۸ نفر؛ سرخک ۱۲۸ نفر)؛ سوء تغذیه ۲۶۷ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۲۶۵ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۵/۵ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۶۲۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): قبایل چوا ۳۴/۷٪؛ ماراوی ۱۲/۲٪؛ نگونی ۹٪؛ یائو ۷/۹٪؛ تومبوکا ۷/۹٪؛ لوموه ۷/۷٪؛ بقیه ۲۰/۶٪

دین: مسیحی ۵۰/۳٪ (پروتستان ۲۰/۵٪ ؛ کاتولیک ۱۸٪)؛ مسلمان ۲۰٪؛ باورهای قبیله‌ای ۱۰٪؛ بقیه ۱۹/۷٪

زبان و خط: چی‌چوا؛ انگلیسی (زبانهای رسمی)؛ زبانهای بومی مانند چی‌نیانجا، چی‌یائو، چی‌تومبوکا؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۸): بلانتایر ۴۷۸،۱۵۵ نفر؛ مزوزو ۸۷،۰۳۰ نفر؛ زومبا (۱۹۹۴): ۶۲،۷۰۰ نفر.

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کواچای مالاوی (MK)= ۱۰۰ تامبالا؛ یک دلار = ۷۶/۵ کواچا؛ یک کواچا = ۱۰۴/۶ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۸،۳۶۶/۲ میلیون کواچا؛ درآمد مالیاتی ۹۶/۷٪ (شامل مالیات بر درآمد ۴۰/۳٪ و مالیات بر فروش ۳۵/۱٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۴/۳٪

هزینه بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۱۲،۷۸۵/۶ میلیون کواچا؛ هزینه‌های اداری ۱۷/۳٪؛ آموزش ۱۶/۵٪؛ بهداشت ۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲،۱۶۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۸٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۶٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳۵/۸٪؛ صنعت ۱۷/۸٪؛ خدمات ۴۶/۴٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۷۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،۳۱۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۴۳۳/۷+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۰/۴٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳۳/۲٪؛ ۱۹۹۸: ۲۳/۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): ذرت ۲،۴۸۰،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۱،۹۰۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۳۸۵،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۲۰۵،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۲۰۰،۰۰۰ تن؛ توتون ۱۱۳،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۱۰۰،۰۰۰ تن؛ موز ۹۵،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۴): کشاورزی ۱۸/۱٪؛ مرتع و چمنزار ۱۹/۶٪؛ جنگل ۳۹/۳٪؛ دیگر موارد ۲۳٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۱،۲۶۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۷۵۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲۳۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱۱۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۹،۶۹۲،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۴۱،۱۱۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۴،۷۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۹،۱۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): سنگ‌آهک ۱۷۱،۹۰۰ تن؛ سنگهای قیمتی ۹۳۴ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۸۶): (ارزش افزوده): مواد شیمیایی ۳۰،۸۰۵،۰۰۰ کواچا، منسوجات ۱۹،۶۳۰،۰۰۰ کواچا؛ محصولات غذایی ۱۱،۹۸۸،۰۰۰ کواچا؛ نوشیدنی ۱۱،۹۸۸،۰۰۰ کواچا؛ دخانیات ۹،۴۸۰،۰۰۰ کواچا

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۶): ۸۷۴،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۸۷۴،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (۱۷،۰۰۰ تن)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۱۹۹،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۸۷): ۳،۴۵۷،۷۵۳ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۴۳/۳٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۸۴/۶٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۵۱/۵٪؛ میزان بیکاری: ۵/۴٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۸۱/۸٪؛ صنعت ۴/۸٪؛ خدمات ۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه:؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۵،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۱۰۰٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۳ دلار

واردات(۱۹۹۵): ۷،۲۵۴،۹۴۹،۰۰۰ کواچا؛ شامل تجهیزات حمل و نقل ۹/۲٪؛ فرآورده‌های نفتی ۸/۳٪؛ پوشاک ۳/۸٪؛ مواد دارویی ۲/۲٪؛ از افریقای جنوبی ۴۴/۴٪؛ آلمان ۴/۵٪؛ انگلستان ۴/۳٪؛ امریکا ۳/۷٪

صادرات(۱۹۹۵): ۶،۱۹۲،۵۶۳،۰۰۰ کواچا؛ شامل دخانیات ۶۳/۲٪؛ چای ۶/۷٪؛ شکر ۶/۵٪؛ پنبه ۰/۹٪؛ به افریقای جنوبی ۱۶/۲٪؛ آلمان ۱۴/۷٪؛ ژاپن ۱۱/۱٪؛ امریکا ۱۰/۹٪؛ موزامبیک ۷/۶٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون کواچا	+۲۹	+۲۴۷/۳	+۱،۸۴۰	+۱،۶۳۲	+۱،۱۱۸	+۴،۷۶۴	+۹۷۰
درصد کل	۱٪	۴/۶٪	۱۷/۴٪	۱۲/۵٪	۶/۸٪	۱۶/۷٪	۲/۶٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۵۴/۵	۱۰۰	۱۳۷/۶	۱۵۰/۲	۱۹۴/۹	۲۸۲/۴	۳۶۵/۶
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۴/۳ نفر؛ درآمد هر خانوار: ۱،۹۳۴ کواچا؛ منابع درآمد: دستمزد ۸۳/۳٪؛ کارهای خانگی ۶٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۰): غذا ۵۵/۵٪؛ پوشاک و کفش ۱۱/۷٪؛ مسکن ۹/۶٪؛ کالاهای با دوام خانگی ۸/۴٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۲۰ میلیون دلار؛ هزینه‌ها (۱۹۹۴): ۱۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱۶،۴۵۱ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۶):** ۷۹۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۲۷،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۲۹،۷۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۵ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹۶): ۱ روزنامه در ۲۵،۰۰۰ نسخه (۲/۶ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱۱۷ عنوان در ۹،۷۱۴،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۸۳،۰۲۵/۶ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۲،۶۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۵۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۶،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲/۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۷،۳۷۱ خط تلفن (۳/۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۰،۵۰۰ خط (۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۸،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۳،۷۰۶	۴۹،۱۳۸	۲،۸۸۷،۱۰۷	۵۸/۸
متوسطه	۹۴	۲،۹۴۸	۱۳۹،۳۸۶	۴۷/۳
فنی و حرفه‌ای	۱۳	۲۲۴	۲،۵۲۵	۱۱/۳
عالی	۶	۵۳۱	۵،۵۶۱	۱۰/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۵۶/۴٪؛ مردان: ۷۱/۹٪؛ زنان: ۴۱/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۷): بدون تحصیلات رسمی ۵۵٪؛ ابتدایی ۳۹/۸٪؛ متوسطه و عالی ۵/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۸۹): ۱۸۶ نفر (هر ۴۷،۶۳۴ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۷): ۱۲،۶۱۷ تخت (هر ۶۲۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۷۱۰،۰۰۰ نفر (۱۴/۹۲٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۰۵ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۱۶۴ کالری (۹۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۵۴ گرم؛ مصرف چربی: ۳۰ گرم

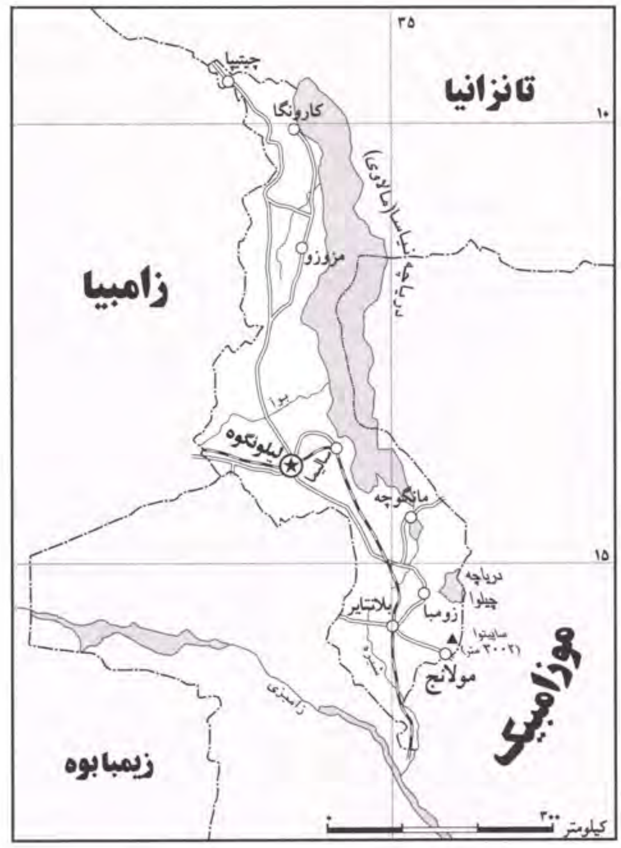
محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱/۲٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۶٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۰/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳۸۵ (صد و شصت وسومین کشور جهان)



دریاچهٔ نیاسا، آنجا را نیاسالند نامیدند. نیاسالند در ۱۸۹۱ تحت‌الحمایه سسیل رودس رئیس شرکت معـروف افریقـای جنوبی انگلیس قرار گـرفت. در سال ۱۹۵۳ دولت انگلستـان فدراسیـونی مرکب از رودزیا و نیاسالند بـه پایتخـتی سالیسبوری (هراره فعلی) تشکیل داد و فرمـاندار کل آن به نمایندگی از سوی ملکهٔ انگلستان تعیین گـردید. تشکیل فدراسیـون مزبور با مخالفت‌های زیادی از سـوی ملیون و احزاب کـشورهای منطقه روبـرو گردید و حزب کنگرهٔ نیـاسالند در این زمینه به فعـالیت شـدید پرداخت و سرانجام در ششم ژوئیهٔ ۱۹۶۴ سـرزمین نیاسالند به استقلال رسید و دکتر هاستینگز کاموزو باندا ابتدا به نخست‌وزیری و در سال ۱۹۶۶ به ریاست جمهوری رسید و نام کشور به جمهوری مالاوی تغییر یافت. دکتر باندا با دولتهای نژادپرست افریقای جنوبی و رودزیا و همچنین موزامبیک روابط دیپلماسی نزدیک برقرار کرد و دولت افریقای جنوبی به عمده‌ترین خریدار چای و توتون مالاوی تبدیل گردید و در پروژه‌های راه‌سازی و فرودگـاه و راه‌آهن و ساختمـان پایتخت مـالاوی شرکت جست. باندا با اقدامات شـدید امنیتی گروهی از مـخالفان خود را از میان برداشت و ضـمن اعـلام ریاست جـمهوری مادام‌العمر خود با همکاری افریقای جنوبی و اسرائیل نسبت به تجدید سـازمان نیروهای امنیتی خود اقدام نمود.

زمین‌لرزه و سیل سالهـای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ مردمان مصیبت‌زده را با کمبود غذا و سرپناه روبرو کرد. در آوریل ۱۹۹۲ چافوکا چیهانا یکی از رهبران مخالفـان، هنگام ورود به کشور دستگیر گـردید و زندانی شـد و در مه همـان سـال اعتصـاب کـارگران کـارخانه‌های نسـاجی به شـدت سرکـوب گـردید و ۳۸ کـشتـه و صدها زخـمی به جـای گذارد. در اواخـر سال ۱۹۹۲ اورتون چیروا رهبر جنبش آزادیبخش مالاوی که از سال ۱۹۸۳ در زندان به سر می‌برد، در زیر شکنجه به قتل رسید. در همه‌پرسی ژوئن ۱۹۹۳ دوسـوم رأی‌دهندگان به نظام چند حزبی رأی مثبت دادند و در پی آن باندا اعـلام داشت که انتـخابات ریاست جـمهـوری در سـال ۱۹۹۴ برگـزار خواهد شد و ورا چیروا، بیوهٔ رهبر مقتول جنبش آزادیبخش مالاوی از زندان آزاد خواهد شد.

در مه ۱۹۹۴ یکی از مخالفـان باندا به نام باکیلی مولوزی، رهبـر جبـهـهٔ دموکـراتیک متحد به ریاست جمهوری انتخاب گردید. در ژانویهٔ ۱۹۹۵ باندا رئیس جـمهور پیشین مالاوی به اتهام دست داشتن در قتل سه نفر از وزرای خود که مخالف سیاست وی بودند، بازداشت گردید.

خشکسالی سال ۱۹۹۷ به کشاورزی و منابع آب کشور آسیب فراوان رسانید و رودخانهٔ شیره که عمده‌ترین رودخانه و راه آبی کشور محسوب می‌شد، تقریباً خشک گردید و کارشناسان اعلام داشتند که برای تأمین و جبران آبهای زیرزمینی مصرف شده ۱۴۰۰ سال وقت لازم دارد.

شیوع بیمـاری وبا در طی سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹، حـدود ۱۵,۰۰۰ نفر را به این بیمـاری مبتـلا کرد و حـدود ۵۰۰ کـشتـه به جـای گـذاشت. در انتـخابات ریاست جـمهـوری در سـال ۱۹۹۹، مولوزی با کسب اکثریت آراء مجدداً در مقام خود ابقاء گشت و حزب وی نیز با کسب ۴۷/۳٪ آراء اکثریت خود را با افزایش تعداد کـرسی‌هایش حفظ نمود. در فوریه سـال ۲۰۰۰ کشورهای کمک کننده به مالاوی در اعتراض به فساد موجود در سطح وزیران کابینه، خواستار تعویض برخی از وزیران منجمله وزیر اقتصـاد مالاوی شـدند که در پی آن، مولوزی کـابینه را منحل نموده و دولت جدیدی را بر سر کار آورد.

مالت MALTA

مـالت کشوری است مرکب از پنج جـزیره، واقع در دریای مدیترانه، جنوب جـزیرهٔ سیسیل ایتالیا. کـشور مالت از سه جزیرهٔ مسکون به نام مـالت به وسعت ۲۴۶ کیلومترمربع که پایتخت کشـور در آن واقع است و جـزیرهٔ گـوزو به وسعت ۶۷ کـیلومترمـربع و کـومینو به مـساحت ۳کیلومترمربع و دو جـزیرهٔ غیر مـسکون ترکیب یافته و در دوراب‌های خاوری تونس و شـمال لیبی جای دارد. کرانه‌های آن صخره‌ای و مرتفع است و از لنگرگاههای عالی برخوردار است. جزایر مـزبور کلاً کم‌ارتفاع و تپه‌ماهورند و بلندترین نقطهٔ آنها که در جزیرهٔ بزرگ مالت واقع است ۲۴۹ متر ارتفـاع دارد. اقلیم آن معـتدل و مـدیترانه‌ای کـم‌باران است و رودخانهٔ درخـور توجـهی در آن جـریان ندارد. متـروک شدن تدریجی اراضی قـابل کـشت و تبدیل آنهـا به اراضی بایر و هـمچنین آلودگی نواحی سـاحلی بـر اثر فـاضـلاب کـارخـانه‌های صنعـتی، از جـمله تهدیدهای زیست‌محیطی این کشور بشمار می‌آیند.



تاریخچه

موقعیت جغرافیایی جزایر مالت، سرزمین مزبور را همواره مطمع نظر قدرتهای مـدیترانه‌ای قـرار داده و به نوبت در تصـرف فـنیقی‌هـا، یونانی‌ها، کـارتاژی‌هـا، رومیـان و سـاراسنهـا بوده است. در ۱۰۹۰ میلادی نورمن‌ها جزایر مالت را تصرف کردند و سیصد سال بعد تحت سلطهٔ خاندان آراگـون اسپانیـا قرار گرفت. در سدهٔ شانزدهم میـلادی حکومت جزایر مزبور از سوی امپراتوری مقدس روم به شهسواران مهمان‌نواز یا قدیس یوحنا واگذار گردید. در نیمهٔ دوم سدهٔ شانزدهـم بارها مورد یورش عثمانی‌ها قـرار گرفت ولی ترک‌ها هربـار دست خالی بازگشـتند و حکومت شهسواران یوحنا که به شهسواران مالت تغییر نام یافته بود، تا سال ۱۷۹۸ که مالت به تصرف فرانسه درآمد، همچنان ادامه یافت. کنگرهٔ وین در سال ۱۸۱۵ مالکیت جزایر مالت را به انگلستان واگـذار کـرد. در ۱۹۲۱ شورش‌ها و انقلاب‌هایی در مـالت به وقوع پیـوست و به اعطای نوعی خـودمـخـتاری داخلی از سوی انگلستان بـه مـالت منجـر گـردید. در جنگ دوم جهـانی به پایگاه متـفقین برای عملیات نظامی علیه ایتـالیا مبدل شد و در ۱۹۴۷ خـودمـختاری مالت کاملتر شد.

در ۲۱ سپتـامبـر ۱۹۶۴ استقلال آن، با حکومت فـرمـانداری کل و در چهارچوب جـامعـه ملل مشترک‌المنافع، اعلام گردید ولی امـور دفاعی آن تحت کنترل و نظارت دولت انگلستان باقی ماند و در عـوض، کمک‌های مالی انگلستـان ادامه یافت. در ۱۹۷۱ دولت دومینیک مینتوف، از حزب کارگر، با ایتالیا، تونس، اتحاد جماهیر شوروی و لیبی روابط سیاسی برقرار کرد. در ۱۹۷۳ مـالت به عـضـویت جنبش غیـرمتـعـهـدها درآمد و در دسـامبـر ۱۹۷۴ نظام حکومـتی از فرمانداری کل به جمهوری تغییر یافت. در ۱۹۸۰ روابط مالت و لیبی در مورد اختلاف بر سر



نام رسمی: جمهوری مالت

نام محلی: مالتا Malta

اسامی دیگر: -

پایتخت: والتا (۷،۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹٦٤/۹/۲۱؛ از انگلستان

روز ملی: بیست و یکم سپتامبر ، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷٤

رئیس حکومت: رئیس جمهور: گوئیدو د مارکو (حزب ملی)، از سال ۱۹۹۹ به مدت ٥ سال توسط مجلس

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ادوارد فنج آدامی (حزب ملی)، از سال ۱۹۹۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷٤ با تغییراتی در سال ۱۹۸۷؛ مجلس نمایندگان با ٦٥ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۸): حزب ملی ۳٥ کرسی، حزب کارگر مالت ۳۰ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦٤)؛ اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آاوسیس، شورای اروپا، جنبش عدم تعهد، اوسه، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۳۱٦ کیلومترمربع (صد و هشتادوششمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۸۹،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و شصت و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱،۲۳۱ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٤۳۰،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۹۰/۱٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۰/۹٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۲۰/۸٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۱/٦٪؛ ٥۹-۳۰ سال ٤۱٪؛ بالای ٦۰ سال ۱٦/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/٥۸٪؛ زن ٥۰/٤۲٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۸۰/۱ سال؛ مردان ۷٤/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱۱/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۹/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ٥/۳ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۲/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: بیماریهای دستگاه گردش خون ۳٥۳/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم ۱۹۱/۲؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۷۹/۹؛ نارسائی‌های غدد و سوخت و ساز بدن و هم‌خونی ۳۳/۱؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۲۳/٦؛ حوادث، مسمومیت و درگیری ۲٥/٦ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹٥): ۱/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۸ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ٦/۳ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): مالتی ۹۳/۸٪؛ انگلیسی ۲/۱٪؛ عرب ۲٪؛ بقیه ۲/۱٪

دین(۱۹۹٦): کاتولیک ۹۳/٤٪ (دین رسمی)؛ دیگر ادیان ٦/٦٪

زبان و خط: مالتی، انگلیسی(زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): بیرکیرکارا ۲۱،۳٥۰ نفر؛ کورمی ۱۷،۸۸۱ نفر؛ سلیما ۱۲،۳۰۸ نفر؛ هامرون ۱۱،۰۱٤

بنادر مهم: والتا (دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لیره مالت (Lm)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۰/٤٦ لیره؛ یک لیره = ۱۷،۳۹۱ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ٦۳۷،۸٥۲،۰۰۰ لیره؛ مالیاتهای مستقیم ٤۲/۷٪؛ مالیاتهای غیر مستقیم ۳۲/٦٪؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۲۳/۱٪؛ کمک‌های خارجی ۱/٥٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ٦۹۰،۹٦٥،۰۰۰ لیره؛ هزینه‌های جاری ۸٤/٦٪ (شامل تأمین اجتماعی ۲۷/۲٪؛ آموزش ۱۰/٤٪؛ بهداشت ۱۰٪؛ پرداخت بدهی‌ها ٤/۹٪؛ دفاع ٤/۲٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۱٥/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳،۸۰۷ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۰،۱۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٦/۲٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): کشاورزی ۲/۹٪؛ صنعت ۲٦/۱٪؛ خدمات ۷۱٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤٦ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۳۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،۲۲٤/٤ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۱/۹+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۷/٦٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٥/٥-٪ ؛ ۱۹۹۸: ۰/٥٪؛ ۱۹۹۹: ۲/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سبزیجات ٥۸،٥۸۰ تن (شامل گوجه فرنگی ۳۲،۸۰۰ تن؛ کلم ۳،٥۰۰ تن؛ صیفی‌جات ۲،٦۰۰ تن؛ سیر ۲،۰۰۰ تن ؛ پیاز ۱،۲۰۰ تن)؛ سیب‌زمینی ۳۲،۰۰۰ تن؛ انگور ۱۰،۰۰۰ تن؛ جو ۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ٤۰/٦٪؛ سایر موارد ٥۹/٤٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): خوک ٦۹،۰۰۰ رأس؛ گاو ۲۱،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱٦،۰۰۰ رأس؛ بز ۹،۰٥۰ رأس

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۹):** ۹۷۹،٤۳۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۸۲۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦،٥٥۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): ارزش استخراج معادن (عمدتاً شامل شن و ماسه): ٦،۸۹۸،۰۰۰ لیره مالت

تولیدات صنعتی(۹٥-۱۹۹٤): (ارزش فروش محصولات): ماشین‌آلات و تجهیزات حمل ونقل ٤۰۲،۹۹۳،۰۰۰ لیره؛ غذا ۱۰۳،۷۳۳،۰۰۰ لیره؛ منسوجات و پوشاک ۸۰،۸۱۳،۰۰۰ لیره؛ کاغذ و چاپ ٤۰،٦۱۰،۰۰۰ لیره؛ مواد شیمیایی ۳٥،۱٥۱،۰۰۰ لیره

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱،٥۱٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،٥۱٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (۳۱۰،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (؟)؛ فرآورده‌های نفتی : صفر (۳٤۲،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۱٤٤،۸۲٤ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۸/٤٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٥ تا ٦٤؛ ۱۹۸٥): ٤٥/۹٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤)؛ ۲۷/٦٪؛ میزان بیکاری: ٥/۱٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۱/۹٪ ؛ صنعت ۲٦/۳٪ ؛ خدمات ۷۱/۸٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۲،۱٤۰ نفر؛ نیروی زمینی ۱۰۰٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۸۱ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۰۳٤،۹۹٤،۰۰۰ لیره؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٥۰/۳٪؛ کالاهای ساخته شده و نیمه ساخته شده ۲٤/۸٪؛ غذا ۹/۳٪؛ مواد شیمیایی ۷/۷٪؛ روغنهای معدنی ۳/۸٪؛ از ایتالیا ۱۹/۳٪؛ فرانسه ۱۷/۸٪؛ انگلستان ۱۲/٤٪ ؛ آلمان ۱۰/٥٪؛ امریکا ۸/۹٪

صادرات(۱۹۹۸): ۷۰۳،٤٤۲،۰۰۰ لیره؛ شامل ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل ٦٤/٦٪؛ کالاهای ساخته شده ۲۷/۷٪؛ غذا و دام زنده ۲٪؛ به فرانسه ۲۰/٥٪؛ امریکا ۱۸٪؛ سنگاپور ۱٤/۳٪؛ آلمان ۱۲/۸٪؛ انگلستان ۷/۸٪؛ ایتالیا ٤/۷٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون لیره	-۳۱۲/٦	-۳۲٦/٤	-۳٦۲/۸	-۳۸۳/۷	-۳٥۲/٥	-۳۳٥/۱	-۳٤۸/٦
درصد کل	٪۲۳/۲	٪۲۱/٦	٪۲۱/۲	٪۲۳/٥	٪۲۱/۸	٪۱۹/۲	٪۱۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦/۲	۱۰۰	۱۰۲/٥	۱۰٥/۷	۱۰۸/۲	۱۱۰/٥	۱۱۳/۱
میانگین درآمد هفتگی	۹٦/۸	۱۰۰	۱۰٤/۳	؟	؟		

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸٥): ۳/۳ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۲): ٤،۷۳٦ لیره؛ منابع درآمد (۱۹۹۳): دستمزد و حقوق ٦۳/۸٪؛ مؤسسات حرفه‌ای و ثبت نشده ۱۹/۳٪؛ اجاره و پاداش و سود ۱٦/۹٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۳): غذاونوشیدنی ۲۷/۹٪؛ حمل‌ونقل‌و ارتباطات ۱٥/۷٪؛ لوازم منزل ۹/٥٪؛ تفریح و سرگرمی و آموزش ۷/۲٪؛ پوشاک ٦/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ٦٦۱ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۹۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱،۹٦۱ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۱۸٥،۲٤۷ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ٤۹،٥۲۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۸۸۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۹):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۲ روزنامه در ٤۸،۰۰۰ نسخه (۱۳۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳٥۹ عنوان

کتاب: ٤۰٤ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۲٥٥،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦٦۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٥۲۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۹۲،۰۰۰ خط تلفن (٤۹۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۲،۰۰۰ خط (٥۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۱۱۱	۱،۹۹۰	۳٥،٤۷۹	۱۷/۸
متوسطه	٥۹	۲،٦۷۹	۲۹،۹۰۷	۲۰/۹
فنی و حرفه‌ای	۲۲	٥٤۱	٤،٥۳۹	۸/٤
عالی	۱	٤۷۰	٥،۸۰٥	۱۲/۳

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۲/۱٪؛ مردان: ۹۱/٤٪؛ زنان: ۹۲/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال(۱۹٦۷): ابتدایی ٦۰/٤٪؛ متوسطه ۲۱٪؛ عالی ۳/۹٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۹۲٥ نفر (هر ٤۰۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۲،۱٤۰ تخت (هر ۱۷٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲۰۰ نفر(۰/۱۱٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،٤۸۲ کالری (۱۳۹٪ حداقل مقدار کالری توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۱۱۰ گرم؛ مصرف چربی: ۱۰۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۳٥/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱/۸ میلیون تن؛ هر نفر ٤/۸ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸٦٥ (بیست و هفتمین کشور جهان)

حوزه‌های نفتی رو به تیرگی نهاد. در مه ۱۹۸۷ دولت لیبرال دکتر فنچ آدامی که در همین سال به نخست‌وزیری رسیده بود، سیاست نزدیکی به امریکا را در پیش گرفت و تمایل خود به عضویت در جامعهٔ اقتصادی اروپا را اعلام نمود. در ۱۹۹۳ روابط مالت و امریکا بر سر تحریم اقتصادی فدراسیون یوگسلاوی رو به تیرگی نهاد.

گردشگری یکی از منابع عمدهٔ درآمد کشور مالت است و همه ساله بیش از یک میلیون نفر از این کشور دیدن می‌کنند. اتحادیهٔ اروپا در ۱۹۹۳ اعلام داشت که ثبات سیاسی و رعایت حقوق بشر و توجه به اصول دموکراسی از سوی دولت مالت، امتیاز عضویت در اتحادیهٔ اروپا را به همراه خواهد داشت. در انتخابات ۱۹۹۴ اوگومیفسود بونیچی به ریاست جمهوری رسید و پیروزی حزب کارگر در انتخابات اکتبر ۱۹۹۶ به نخست‌وزیری آلفرد سانت رهبر حزب مزبور منجر شد. وی دولت مالت را از ناتو خارج کرد و سیاست بیطرفی پیشه نمود و سیاست پیوستن به اتحادیه اروپا را به حالت تعویق درآورد. وقوع کسری بودجه سال ۱۹۹۷، دولت را به اعمال سیاست‌های اقتصادی ریاضت‌کشانه واداشت که با رأی عدم اعتماد پارلمان مواجه شد و در دسامبر ۱۹۹۸ با برگزاری انتخابات پیش از موعد، حزب ملی به پیروزی رسید و ادوارد فنچ آدامی مقام نخست‌وزیری خود را مجدداً باز یافت. آدامی برنامه پیوستن به اتحادیه اروپا را مجدداً در دستور کار خود قرار داد و در دسامبر ۱۹۹۹، اتحادیهٔ اروپا درخواست پذیرش آن کشور را به تأیید رساند. کمیسیونر ویژه اتحادیه اروپا در امور گسترش این اتحادیه، در سال ۲۰۰۱ اعلام نمود که کشور مالت پیشرفت‌های سریعی در انطباق خود با شرایط اتحادیه اروپا برای عضویت در این اتحادیه را حاصل نموده است. در همین حال کشور مالت ارتباطات ویژه‌ای با جمهوری خلق چین برقرار کرده و رؤسای جمهور دو کشور در سال ۲۰۰۱، از کشورهای یکدیگر بازدید کرده‌اند.

مالدیو MALDIVES

مالدیو مجمع‌الجزایری است واقع در اقیانوس هند، در دوراب‌های جنوب غربی شبه جزیرهٔ هندوستان. این مجمع‌الجزایر از ۱۹ آبسنگ حلقوی شامل حدود ۲۰۰، ۱ جزیرک مرجانی که ارتفاع سطح هیچ‌کدام از ۳/۵ متر تجاوز نمی‌کند، تشکیل یافته و کشتزارهای نارگیل و نخل



غالب آنها را زیر پوشش قرار داده است. اقلیم آن گرم و مرطوب است و فاقد منابع زیرزمینی است و ماهیگیری عمده‌ترین فعالیت اقتصادی آن است. از کل جزایر مزبور ۱۹۲ جزیره مسکونی است و جزیرهٔ ماله که پایتخت در آن واقع شده، بزرگترین آنهاست.

تاریخچه

مردم مالدیو دریانوردان و ماهیگیران کاردانی بوده‌اند که تماس نزدیک خود را همواره با قارهٔ اصلی آسیا حفظ کرده‌اند. در سدهٔ دوازدهم میلادی اعراب مسلمان به جزایر مزبور وارد شدند و به ترویج آیین اسلام پرداختند و فرمانروایان آن از آن پس سلطان نامیده شدند. پرتغالی‌ها در آغاز سدهٔ شانزدهم به جزایر مزبور رسیدند و آنجا را به تصرف خود درآوردند. در سدهٔ هفدهم هلندی‌ها بر آنجا استیلا یافتند و بعدها انگلیسی‌ها جای آنان را گرفتند و در سال ۱۸۸۷ آن را تحت‌الحمایهٔ خود قرار دادند. با باز شدن آبراههٔ سوئز بر اهمیت استراتژیکی جزایر مالدیو افزوده شد و یک پایگاه دریایی انگلیسی در جزیرهٔ گان احداث گردید تا مسیر دریایی جبل‌طارق، سوئز، عدن به هنگ‌کنگ و آسیای خاوری تحت کنترل و نظارت آنان قرار گیرد.

در ۱۹۵۲ مردم مالدیو که از شرایط سخت زندگی که از سوی انگلیسی‌ها بر آنان تحمیل شده بود، به تنگ آمده بودند، سر به شورش برداشتند و سلطان را از کار برکنار کردند و اعلام حکومت جمهوری نمودند. نیروهای انگلیسی شورشیان را سرکوب کردند و در ۱۹۵۴ سلطان را دوباره به حکومت رساندند.

در سال ۱۹۵۷ انگلیسی‌ها خواستار توسعهٔ پایگاه گان برای استفاده از هواپیماهای جنگی گردیدند. پیشنهاد مزبور با مخالفت دولت روبرو گردید وابراهیم علی دیدی نخست‌وزیر که از سیاست‌های انگلستان پیروی می‌کرد، مجبور به کناره‌گیری شد. جانشین او امیر ابراهیم ناصر نیز به دلیل وحشت از گسترش انقلاب و مغایرت با سیاست بی‌طرفانهٔ دولت، با پیشنهاد توسعهٔ پایگاه مزبور مخالفت کرد. در ۱۹۵۹ دامنهٔ انقلاب وسعت یافت و قسمت جنوبی مالدیو به نام جمهوری سوادیوا اعلام استقلال کرد. دوران استقلال سوادیوا چندان به درازا نکشید و در سال ۱۹۶۰ انقلابیون به دست نیروهای دولتی که از سوی انگلیسی‌ها حمایت می‌شدند سرکوب شدند و انگلیسی‌ها نیز به مقصود خود که توسعهٔ پایگاه گان بود رسیدند. در سالهای اولیهٔ دههٔ ۱۹۶۰ انگلیسی‌ها به دلیل مشکلات مالی، پایگاههای خود را در شرق سوئز تخلیه کردند و دفاع از آنها را به دولت امریکا واگذار نمودند. دولت مالدیو از این فرصت استفاده کرد و استقلال کامل خود را در سال ۱۹۶۵ اعلام داشت و بلافاصله از سوی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد. در همه‌پرسی سال ۱۹۶۸ مردم مالدیو رأی به نظام جمهوری دادند و سلطان را از مقام خود خلع نمودند و امیرابراهیم ناصر را به ریاست جمهوری برگزیدند.

در سال ۱۹۷۵ امریکایی‌ها پایگاه مدرنی در جزیره دیگوگارسیا، واقع در مجمع‌الجزایر چاگوس، احداث کردند و پایگاه نظامی گان که دیگر مورد استفاده نداشت، توسط انگلستان تخلیه گردید. در ۱۹۷۸ دورهٔ دوم ریاست جمهوری امیر ابراهیم ناصر به پایان رسید و مجلس قانونگذاری مالدیو، مأمون عبدالقیوم را به ریاست جمهوری برگزید. وی با کشورهای اروپایی و خاورمیانه روابط دوستانه برقرار کرد و در ششمین کنفرانس سران جنبش غیر متعهدها شرکت نمود. در آوریل ۱۹۸۰ مالدیو و اتحاد جماهیر شوروی یک قرارداد همکاریهای علمی و فنی امضاء نمودند و در آوریل ۱۹۸۱ با هندوستان قرارداد بازرگانی امضاء نمود. در ژوئیه ۱۹۸۱ هوانگ‌هوا وزیر خارجه چین از ماله دیدن کرد و یک قرارداد همکاری فنی با مالدیو منعقد نمود. در ژوئیه ۱۹۸۲ مالدیو به عنوان چهل و هفتمین عضو سازمان کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان شناخته شد. در همه‌پرسی سال ۱۹۸۳ عبدالقیوم برای یک دورهٔ پنجسالهٔ دیگر در مقام ریاست جمهوری ابقاء گردید. در ۱۹۸۶ صنعت توریسم از رونق خاصی بهره‌مند گردید و به عنوان یکی از منابع عمدهٔ درآمد ارزی کشور شناخته شد. در ۱۹۸۸ عبدالقیوم برای بار سوم به ریاست جمهوری رسید و در ۱۹۹۱ حدود دویست هزار گردشگر با ارزآوری ۸۰ میلیون دلار از مالدیو دیدن کردند. در ۱۹۸۷ سیل خروشان ناشی از یک موج عظیم دریایی دوسوم شهر ماله را ویران کرد و خسارت مالی فراوانی به جای گذارد. در ۱۹۹۳ عبدالقیوم چهارمین دور ریاست جمهوری خود را آغاز کرد. سازمان عفو بین‌الملل در ۱۹۹۷ اعلام داشت که گروهی از مخالفان عبدالقیوم بدون محاکمه در زندان به سر می‌برند. در بازدید ژو رونگجی، نخست‌وزیر جمهوری خلق چین از مالدیو، در ماه مه ۲۰۰۱، دو کشور چند قرارداد دو جانبه در مورد همکاری‌های اقتصادی، فنی، محیط زیست و کنترل جمعیت به امضاء رساندند.



نام رسمی: جمهوری مالدیو

نام محلی: دیوهی راجه Divehi Rājjē

اسامی دیگر: کشور خوشه‌ای

پایتخت: ماله (۷٤،۰٦۹ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹٦٥/۷/۲٦، از انگلستان

روز ملی: بیست و ششم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: مأمون عبدالقیوم، از سال ۱۹۷۸ (در دوره‌های ٥ ساله)

رئیس دولت: رئیس جمهور: مأمون عبدالقیوم، از سال ۱۹۷۸ (در دوره‌های ٥ ساله)

قوه مقننه: قانون اساسی ۱۹٦۸؛ آخرین تغییرات ۱۹۹۸؛ مجلس با ٤۲ عضو انتخابی و ۸ عضو انتصابی رئیس جمهور به مدت ٥ سال؛ هیچ نوع حزب سیاسی در این کشور فعالیت ندارد.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، ایدب، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲۹۸ کیلومترمربع (صد و هشتاد و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۸٦،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هفتادمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۹٥۹/۷ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٥۰۱،۰۰۰ نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۷/۷٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥):٤/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱٥سال ٤٤/۸٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۷/۷٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲۲/۳٪؛ بالای ٦۰ سال ٥/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٥۱/۱۷٪؛ زن ٤۸/۸۳٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۰/۲ سال؛ مردان ٦٦/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳٤/٥ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦/۹ نفر

مرگ‌ومیرکودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٤۷ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۷/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۸۸): تب روماتیسمی ۱۰٦ نفر؛ بیماریهای کم‌خونی قلب ٦٥ نفر؛ برونشیت، آمفیزم و آسم ٦۱ نفر؛ کزاز ۲۳/٥ نفر؛ سل ۱۳نفر؛ حوادث و خودکشی ۱۰ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٥/۲ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٥۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٦): ۹/٦ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹٦):** ۲/۸ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹٦): اکثریت‌جمعیت‌راسینهالی‌هاودراویدی‌هاتشکیل‌می‌دهندواقلیت‌های آن شامل عرب و افریقایی است.

دین: اسلام (دین رسمی): مسلمان سنی ۱۰۰٪

زبان و خط: دیوهی (از گروه زبان‌های سینهالی؛ زبان رسمی)؛ خط: دیوهی

شهرهای مهم: ندارد

بنادر مهم: ماله (اقیانوس هند)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: روفیا (Rf)= ۱۰۰ لاری؛ یک دلار =- ۱۱/۷ روفیا؛ یک روفیا = ٦۸۳/۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱،۹٤۱/٤ میلیون روفیا؛ درآمد مالیاتی ٤٥/۹٪؛ درآمد غیر مالیاتی ٤٥/۸٪؛ کمک‌های خارجی ۸/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۲،۲۱٦/۳ میلیون روفیا؛ خدمات عمومی ٤۰/۷٪؛ آموزش ۱۹٪؛ مسکن ۱۰/٥٪؛ بهداشت ۱۰٪؛ ارتباطات و حمل و نقل ۹/٥٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۹٦ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۱۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٦/٥٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱٦/٤٪؛ صنعت ۱۸/۸٪؛ خدمات ٦٤/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٥ میلیون دلار؛ ۱۹۹۸: ۷ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱٦۹/۷ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲٥+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۸/۲٪؛ ۱۹۹۸: ۸/۰٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سبزیجات و صیفی‌جات ۲٥،۳۰۰ تن؛ نارگیل ۱۳،۰۰۰ تن؛ میوه ۸،۸٥۰ تن؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای (شامل کاساوا، سیب‌زمینی شیرین و یام) ۷،۰۱۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۱۰٪؛ مرتع و چمنزار ۳/۳٪؛ جنگل ۳/۳٪؛ اراضی غیر قابل استفاده و سایر موارد ۸۳/٤٪

تعداد دام زنده: ؟

تولید چوب: ؟ | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۰۷،٦۷٦ تن

تولید مرغ: ؟ | **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی : مرجان برای استفاده در ساختمان

تولیدات صنعتی: آماری در دسترس نیست، اما مهمترین صنایع آن عبارتند از: تعمیر و ساخت قایق، حصیربافی و بافت الیاف نخل، فرآوری ماهی و نارگیل؛ کارهای چوبی و لاک و الکل کاری؛ تولید پوشاک و صنایع دستی

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٦۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٦۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۹۷،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٥): ٦۷،٤۷٦ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲۷/٦٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٥ تا ٦٤)؛ ٦۲/٦٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۲۷/۱٪؛ میزان بیکاری ۰/۹٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۳): کشاورزی ۲٥٪؛ صنعت ۲۲/۳٪؛ خدمات ٥۲/۷٪

نیروی دفاعی: این کشور فاقد ارتش جداگانه است و امور دفاعی و انتظامی آن در مجموع توسط یک نیروی امنیتی به استعداد ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ نفر به انجام می‌رسد.

واردات(۱۹۹٦): ۳،٥٥۱،۲۸۹،۰۰۰ روفیا؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۷/۹٪؛ کالاهای اساسی ۲۳/۷٪؛ غذا و دام زنده ۲۱/٤٪؛ فرآورده‌های نفتی ۹/۱٪؛ از سنگاپور ۳۲٪؛ هند ۱۲٪؛ مالزیا ۸/٥٪؛ سری‌لانکا ۷/٦٪؛ انگلستان ۳/٦٪؛ ژاپن ۳/٥٪

صادرات(۱۹۹٦): ٦۹۹،۱۹۰،۰۰۰ روفیا؛شامل کنسرو ماهی ۲۸٪؛ ماهی تن باله زرد ۲۰/٥٪؛ لباس و پوشاک ۱۷/٤٪؛ ماهی خشک شده ۱۱٪؛ به انگلستان ۲۱/۷٪؛ سری‌لانکا ۱۸/۳٪؛ امریکا ۱۰/۲٪؛ آلمان ۱۰/۸٪؛ ژاپن ۱۰/٦٪؛ تایلند ۹/٥٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
میلیون دلار	-۱٤۹/۲	-۱۸٦/۱	-۲۰٦/۳	-۲۳۳/۸	-۲۳٥/۳	-۲۹۰/٤	-۲٦٦/۱
درصد کل	٦۱/۹٪	٦٥/۳٪	٦۳/٥٪	٦۱/٥٪	٦۰/۷٪	٦۹/٥٪	٦۳/۷٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٤/۸	۱۰۰	۱۰٦/۳	۱۱٤/۳	۱۱۲/۷	۱۱٦	۱۱٤/۷
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار(۱۹۹۰) : میانگین اندازهٔ خانوار: ۷/۲ نفر؛ درآمد هر خانوار: ۲،٦۱٦ روفیا؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۱): غذا و نوشیدنی ٦۱/۸٪؛ مسکن ۱۷٪؛ پوشاک ۸٪؛ تفریح و آموزش ٥/۹٪؛ حمل و نقل ۲/٦٪؛ بهداشت ۲/٥٪

جهانگردی(۱۹۹۷): درآمد ۲۸٦ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۳۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه: ؟ | **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱،۷۱٦ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ٥۸٦ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٤٤ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٥):** ٥ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۲ روزنامه در ٥،۰۰۰ نسخه (۱۸ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۳٤،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۲۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۰،۰۰۰ خط تلفن (۷۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،٦۰۰ خط (٥/۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۳،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،٥۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۲۲۸	۱،۹۹۲	٤۸،۸۹٥	۲٤/٥
متوسطه	۹	۲۹۱	۱٥،۹۳۳	۱۲/۳
فنی و حرفه‌ای	۱۰	٥۲	٤٥۲	۸/۹
عالی	؟	؟	؟	؟

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۳/۲٪؛ مردان: ۹۳٪؛ زنان: ۹۳/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال (۱۹۹۰): ابتدایی ۳۷/۲٪؛ راهنمایی ۲٥/۸٪؛ متوسطه ٦/۳٪؛ عالی ۰/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۹۹ نفر (هر ۱،۹۹٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۳۱۸ تخت (هر ۸۰٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ؟ ؛ (۰/۰٥٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٦۳/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٤۸٥ کالری (۱۰٤٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین ۸۸ گرم؛ مصرف چربی ٤۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۳/۸ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۳ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۲٥ (هشتاد و نهمین کشور جهان)

مالزیا MALAYSIA

کشور مالزیا، یا مالزی در جنوب خاوری آسیا و ساحل جنوبی دریای چین جنوبی قرار دارد. کشورهای اندونزی و سنگاپور در جنوب آن، و کشورهای تایلند و برونئی در شمال آن قرار دارند و دریای چین جنوبی در شمال، دریای سلب (سلبس) در خاور و تنگهٔ مالاکا آبهای غربی آن را تشکیل می‌دهد. کشور مالزیا شامل بخش جنوبی شبه جزیره مالایا به مساحت ۱۳۱,۵۸۸ کیلومترمربع و ایالتهای ساراواک (۱۲۴,۴۵۰ کیلومترمربع) و صباح یا سابا (۷۳,۷۷۱ کیلومترمربع) واقع در شمال جزیرهٔ بورنئو (کالیمانتان) است. مالزیا سرزمینی است کوهستانی که کوههای آن عمدتاً در ایالت‌های صباح و ساراواک و پاهانگ قرار دارند و کوه کینابالو به ارتفاع ۴۱۰۱ متر بلندترین نقطهٔ آن محسوب می گردد. بیش از ۶۰ درصد سطح کشور مالزیا را جنگلهای انبوه استوایی فرا گرفته است. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های راجانگ (۵۶۳ کیلومتر)، پراک، پاهانگ و کیناباتانگان از مهمترین رودهای آن به شمار می‌روند. قلع و شیرهٔ درخت، کائوچو از منابع درآمد سنتی آن است و نفت و مصنوعات جدید بر توان اقتصادی آن افزوده‌اند. استفاده از سموم شیمیایی غالباً به آلودگی آبهای سطحی و اراضی مزروعی مالزیا منجر شده و از جمله آفت‌های زیست‌محیطی آن محسوب می گردد.

تاریخچه

شبه جزیرهٔ مالایا و بخش شمالی جزیره بورنئو (ایالتهای ساراواک و صباح) در آغاز به وسیلهٔ بومیان جنگل‌نشین مسکون گردید. در هزارهٔ دوم قبل از میلاد مهاجرت گروهی از چینی‌ها از چین جنوبی به شبه جزیرهٔ مالایا و نواحی مالزیا و اندونزی و فیلیپین امروزی آغاز گردید. آنان به ترویج فلزکاری و کشاورزی پرداختند و نفوذ هندیان هم به رواج باورهای مذهبی هندی و سازماندهی سیاسی و ترویج زبان سانسکریت انجامید. در سدهٔ اول میلادی دولت پادشاهی فونان که به شدت تحت تأثیر فرهنگ هندی قرار داشت، در درّهٔ رود مکونگ تأسیس گردید.
آغاز داد و ستد با چین به پیدایش بندر مالاکا در سدهٔ پانزدهم میلادی منجر شد و فرمانروایان آن نخستین کسانی بودند که در آن منطقه به ترویج آیین اسلام پرداختند و داد و ستد با بازرگانان مسلمان موجب رونق اقتصادی بازارهای مالاکا و مالزیا و اندونزی امروزی گردید و آیین بودا به مرور جای خود را به مذهب اسلام واگذار کرد.
در آغاز سدهٔ شانزدهم، پرتغالیها که با بازرگانان عرب ناحیهٔ اقیانوس هند به رقابت برخاسته بودند، متوجه ناحیهٔ هندوچین گردیدند. در ۱۵۱۱ آلفونسو آلبوکرک نایب‌السلطنهٔ پرتغالی، بندر مالاکا را تصرف کرد و انحصار تجارت آن نواحی، بخصوص ادویهٔ جزایر ملوک و منسوجات هند و چینی‌آلات و ابریشم چین را از آن خود نمود. در سدهٔ هفدهم میلادی هلندی‌ها با سلطان جوهور متحد شدند و پرتغالی‌ها را از مالاکا بیرون راندند و به موجب پیمانی که در باتاویا (جاکارتای امروزی) با سلطان جوهور منعقد نمودند، هر نوع داد و ستد و ارتباط با اروپاییان و آسیاییان دیگر را منع نمودند و خود یکه‌تاز میدان اقتصاد آن نواحی گردیدند. همزمان انگلیسی‌ها به داد و ستد با چینی‌ها و منطقهٔ بورنئوی شمالی پرداختند و

درسال ۱۷۸۶ بندر جورج‌تاون را در جزیرهٔ پینانگ واقع در تنگهٔ مالاکا بنا نهادند. بندر مزبور به سرعت رونق گرفت و ساکنان اطراف را به خود جلب کرد. در سال ۱۸۱۹ انگلیسی‌ها سنگاپور را بنا نهادند. بندر مزبور نخست یک بندر بازرگانی بود و در سر راه تجارت دریایی چین به هندوستان قرار داشت.
برخورد منافع دو قدرت استعماری هلند و انگلستان به گفتگو و توافق و انعقاد قرارداد سال ۱۸۲۴ میان آنان منجر شد و به موجب آن اندونزی به هلند و مالایا به انگلستان واگذار گردید. مستعمره‌های مالاکا، پینانگ (جورج تاون) و سنگاپور به نقطهٔ محوری و استراتژیک دولت انگلستان در منطقه مبدل گردید و از این طریق راه نفوذ انگلستان به چین و هند هموار گردید.
در سال ۱۸۷۰، انگلستان سلطان ماله را تحت حمایت خود قرار داد و در ۱۸۹۵ فدراسیونی مرکب از مالاکا و سنگاپور و سلطان‌نشین‌های بورنئوی شمالی (برونئی، صباح و ساراواک) به پایتختی کوآلالومپور تأسیس نمود و آن را به تحت‌الحمایگی خود درآورد و از سنگاپور به ادارهٔ آن پرداخت. در پایان سدهٔ نوزدهم انگلیسی‌ها به احداث کشتزارهای درخت کائوچو در آن نواحی پرداختند و کارگران تامیلی را به مهاجرت به آن نواحی و کار در کشتزارهای مزبور تشویق کردند. در اوایل سدهٔ بیستم ماله‌ای‌ها با جنبش‌های انقلابی اسلامی، هندی‌ها با رهبری مهاتماگاندی و چینی‌ها با هدایت دکتر سون یاتسن و در پی آن انقلاب کمونیستی از خواب غفلت بیدار شدند و در پی استحقاق حقوق خود برآمدند.
در ۱۹۴۲ هنگام جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها آن نواحی را اشغال کردند و با جنبش‌های ملی آسیای جنوب خاوری طرح دوستی ریختند و علیه استعمارگران اروپایی از آنان به حمایت برخاستند و حزب کمونیست مالزیا با استعمارگران اروپایی شروع به مبارزه کرد. با پایان یافتن جنگ دوم، ادامهٔ سیاست استعماری انگلیسی‌ها غیرممکن گردید و آنان را به تجدید نظر در سیاستهای خود وادار کرد. پیشنهاد انگلیسی‌ها مبنی بر تأسیس فدراسیونی مرکب از ۱۱ سلطان‌نشین مالایا تحت عنوان اتحادیهٔ مالایا با مخالفت مردم روبرو گردید و سازمانهای مختلفی در جهت مخالفت و مبارزه با آن تأسیس شد و انگلیسی‌ها را وادار به تجدید نظر در طرح خود نمود. در سال ۱۹۴۸ اتحادیهٔ دیگری به نام فدراسیون مالایا تشکیل شد. فدراسیون مزبور در سال ۱۹۵۷ به استقلال رسید و نظام سلطنتی انتخابی که طبق آن سلطان از سوی رؤسای قوم و امرای ایالات انتخاب می‌شد، بر آن حاکم گردید. در سال ۱۹۶۳ ایالت‌های ساراواک و صباح و سنگاپور به فدراسیون مزبور پیوستند و فدراسیون مالزیا را تشکیل دادند.
در سال ۱۹۶۵ سنگاپور از فدراسیون مزبور کناره گرفت و به کشوری مستقل مبدل شد. انعقاد قرارداد مرزی ۱۹۶۶ به اختلافات مرزی میان مالزیا و اندونزی خاتمه داد.
در انتخابات سال ۱۹۷۰ عبدالرزاق به نخست‌وزیری مالزیا رسید. وی به چین مسافرت کرد و علیرغم روابط نزدیکی که با کشور مزبور برقرار نمود، کمونیست‌های مالزیایی را سرکوب کرد. عبدالرزاق در سال ۱۹۷۶ درگذشت و داتوک حسین به جای او نخست‌وزیر شد. در ۱۹۷۹ شاه سلطان یحیی درگذشت و حاجی احمد شاه به پادشاهی رسید و در ۱۹۸۱ ماهاتیر محمد به نخست‌وزیری انتخاب گردید. وی صنایع مالزیا را توسعه داد و تعداد زندانیان سیاسی را که بیشتر از هزار نفر بود به چند صد نفر کاهش داد. سیاست خارجی مالزیا که در دههٔ ۱۹۶۰ غرب‌گرا بود به سوی بی‌طرفی و عدم تعهد سوق داده شد. مالزیا یکی از بزرگترین صادرکنندگان چوب نواحی استوایی است و از جمله کشورهایی است که طی دهه‌های اخیر از رشد صنعتی قابل توجهی برخوردار بوده است. درآمد حاصل از صدور چوب آن در سال ۱۹۸۹ به ۲/۶ میلیارد دلار رسید که ۸۰ درصد آن از جنگل‌های ساراواک و صباح در بورنئو بوده است.
طرفداران حفظ محیط زیست نظر داده‌اند که از ۳۰۵,۰۰۰ کیلومترمربع جنگل‌های این کشور چیزی بیش از ۱۵۷,۰۰۰ کیلومترمربع باقی نمانده و بطور متوسط سالانه ۵,۰۰۰ کیلومترمربع از جنگلهای کشور رو به نابودی رفته است. در سال ۱۹۹۱ ساختمان سد برقابی جدیدی بر روی رودخانهٔ پرگائو به تصویب رسید. در آوریل ۱۹۹۴ توانکو عبدالرحمن به پادشاهی مالزیا انتخاب گردید و ماهاتیر محمد در مقام نخست‌وزیری ابقاء گردید.
رشد اقتصادی تا سال ۱۹۹۷ که بحران بورس سهام در منطقهٔ آسیای جنوب شرقی، اقتصاد این





نام رسمی: فدراسیون مالزیا

نام محلی: مالایزیا Malaysia

اسامی دیگر: -

پایتخت: کوآلالومپور (۱،۲۹۷،۵۲٦ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۵۷/۸/۳۱ ، از انگلستان

روز ملی: سی و یکم اوت، روز استقلال

نوع حکومت: مشروطه سلطنتی فدرال با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦۳

رئیس حکومت: شاه شاهان: سیدسراج الدین ابن المرحوم توآنکو سید پوترا جمال اللیل ، از سال ۲۰۰۱ به مدت ۵ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: داتوک سری ماهاتیرین محمد (سازمان ملی مالایی‌های متحد)، از سال ۱۹۸۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۵۷، آخرین تغییرات ۱۹۹٤؛ مجلس نمایندگان با ۱۹۳ عضو به مدت ۵ سال و مجلس ایالات (سنا) با ٤۰ عضو انتصابی توسط شاه و ۳۰ عضو به انتخاب مجلس نمایندگان، کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۹): جبههٔ ملی (ائتلاف ١٤ حزب، از جمله سازمان ملی مالایی‌های متحد با ۷۱ کرسی) ١٤٨ کرسی، جبههٔ جایگزین ٤۲، بقیه ۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۷)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، آپک، ایدب، آسه‌آن، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۳۲۹،۷۵۸ کیلومترمربع (شصت و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۲،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهل و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٦۷/۳ کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۳۲،۸۰۹،۰۰۰ نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۵ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۵۵/۸؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۳/٤

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۳۳/۵؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۸/۲؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۳۲/۳؛ بالای ٦۰ سال ٪٦

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪۵۱/۲۲؛ زن ٪٤۸/۷۸ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۵ سال؛ مردان ۷۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲٤/٤ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ۱۱ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۰ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹٦): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۷/۲ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱۹/۸ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۱۵/۲ نفر؛ حوادث، قتل و درگیری ۱۳/۲ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۸/۷ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۱ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۳۹ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۹): مالایی و سایر بومیان ٪۵۷/۹؛ چینی ٪۲٤/۷؛ هندی ٪۷؛ سایر غیر بومیان ٪۳/۲؛ مهاجرین ٪۷/۲

دین(۲۰۰۰): اسلام(دین رسمی)؛مسلمان٪٤۷/٦؛مذاهب چینی٪۲٤/۱؛ مسیحی ٪۸/۳؛ هندو ٪۷/۳؛ بودایی ٪٦/٦؛ بقیه ٪٦/۱

زبان و خط: مالایی (زبان رسمی)، چینی، هندی، انگلیسی؛ خط: مالایی؛ انگلیسی

شهرهای مهم(۲۰۰۰): ایپوه ۵٦٦،۲۱۱ نفر؛ کلانگ ۵٦۳،۱۷۳ ؛ پتالینگ‌جایا ٤۳۸،۰۸٤؛ سلایانگ ٤۲٦،۹۵۱؛ سوبانگ‌جایا ٤۲۳،۳۳۸ ؛ جوهورباهارو ۳۸٤،٦۱۳، مالاکا(ملاکا) ۳٦۹،۲۲۲؛ کوتاکینابالو ۳۵٤،۱۵۳ نفر

بنادر مهم: کوانتان، کوتاکینابالو، کوچینگ (دریای چین جنوبی)؛ کلانگ و پینانگ (تنگه مالاکا)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: رینگیت (RM) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۳/۸۰ رینگیت؛ یک رینگیت = ۲،۱۰۵/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ٦۸،۰۵۸ میلیون رینگیت؛ مالیات بر درآمد ٪٤۱/۳؛ مالیات بر کالا و خدمات ٪۲۱/٦؛ درآمد غیرمالیاتی ٪۱۸/٤؛ مالیات بر معاملات بین‌المللی ٪۱۱

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ٤۲،۷٦٦ میلیون رینگیت؛ آموزش ٪۲٤/۳؛ دفاع و امنیت داخلی ٪۱٤/٦؛ هزینه‌های اداری ٪۱۱/۱؛ بهداشت ٪۸/۲؛ بازرگانی و صنعت ٪۳/۳؛ کشاورزی ٪۲/۸

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۸۱،۳۱۱ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،٦۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪٦/۷؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪٦/٤

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۳/۱؛ صنعت ٪٤۳/٦؛ خدمات ٪٤۳/۳

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲،۳۸۷ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۳،۷۲۷ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۸،۱۵۸ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۰۲+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪٤۸/۵

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱/۵؛ ۱۹۹۸: ٪۱/۹؛ ۲۰۰۰: ٪۱/٦

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): روغن نخل ۸،۳۱۵،۰۰۰ تن؛ برنج ۱،۹٤۰،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۱،٦۰۰،۰۰۰ تن؛ کائوچو ۹۷۱،۱۰۰ تن؛ موز ۵۳۰،۰۰۰ تن؛ آناناس ۱٤۳،۰۰۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ٪۱۳؛ جنگل ٪٦۳؛ سایر موارد ٪۲٤

تعداد دام زنده: خوک ۳،۱٤۸،۰۰۰ رأس؛ گاو ٦۹۳،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤٦،۰۳۱،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱،۱۷۲،۹۲۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۱۸،۰۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۹۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ‌آهن ۲٦۹،۰۸۷ تن؛بوکسیت ۲۷۹،۰٦٦ ؛کنسانتره مس ۸۰،٦۷۵ ؛ کنسانتره قلع ۵،۰۷۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): سیمان ۱۲،٦٦۸،۰۰۰ تن؛ شکر تصفیه شده ۱،۱۵۵،۰۰۰ تن؛ آرد گندم ۷۲۰،۰۰۰ تن؛ تختهٔ چندلا ٤،۵۱۳،۰۰۰ مترمکعب؛ گیرندهٔ رادیویی ۳۳،٤۹۱،۰۰۰ دستگاه؛ لاستیک وسایل نقلیه موتوری ۱۳،۷۱٦،۰۰۰ حلقه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٤): ۳۹،۹۷۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٤۰،۰۲۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱۷٤،۰۰۰ تن(۱،۸۷٦،۰۰۰)؛ نفت خام: ۲۳۷،۷٤۲،۰۰۰ بشکه (۱۰۰،۰۲۱،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۱،٤۰٦،۰۰۰ تن (۱۷،۰۰۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲٤،٤۱۱،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۳،۱٦٦،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۷): ۸،۵٦۹،۲۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳۹/٦؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٪٦٤؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٪۳٤؛ میزان بیکاری: ٪۲/۲؛ ۲۰۰۰: ٪۳

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۱٦/۸؛ صنعت ٪۳٦/۹؛ خدمات ٪٤٦/۳

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه : داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۱۱۰،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۷/۲؛ نیروی دریایی ٪۱۱/٤؛ نیروی هوایی ٪۱۱/٤؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۵): ۱۲۲ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۱۹۷،۲۸۰ میلیون رینگیت؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪٦۰/۱؛ کالاهای اساسی ٪۱۳/٤؛ مواد شیمیایی ٪٦/۸؛ غذا ٪٤/۹؛ سوختهای معدنی ٪۲/٦؛ از ژاپن ٪۲٤/۵؛ امریکا ٪۱۵/٤؛ سنگاپور ٪۱۳/٤؛ کره جنوبی ٪۵/۲؛ تایوان ٪۵؛ استرالیا ٪۲/۸

صادرات(۱۹۹٦): ۱۹۷،۰۲٦ میلیون رینگیت؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۵۵/۳؛ کالاهای اساسی ٪۹/۳؛ سوختهای معدنی ٪۸/۱؛ روغن حیوانی و نباتی ٪٦؛ مواد خام غیر خوراکی ٪۵/۵؛ مواد شیمیایی ٪۳/۲؛ به سنگاپور ٪۲۰/٤؛ امریکا ٪۱۸/۲؛ ژاپن ٪۱۳/٤؛ هنگ کنگ ٪۵/۹؛ تایوان ٪٤/۱؛ انگلستان ٪۳/٤؛ کره جنوبی ٪۳

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	۱،۵۷۷+	۱۰٤-	۳،۸٤۸+	۳،۵۰۹+	۱۷،۵۰۵+	۲۲،٦٤۸+
درصد کل	٪۱/٤	٪۰/۱	٪۲/٦	٪۲/۳	٪۱۳/۹	٪۱۵/٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۱/٦	۹۵	۱۰۰	۱۰۳/۵	۱۰٦/۲	۱۱۱/۸	۱۱٤/۹	۱۱٦/۷
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۲۰۰۰) ٤/۵ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۹۷): ۳۱،۲۸۰ رینگیت (۱۱،۱۲۰ دلار)؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۸۳): غذا ٪۲۸/۷ ؛ حمل و نقل ٪۲۰/۹؛ تفریح و آموزش ٪۱۱؛ مسکن ٪۱۰/۲؛ کالای بادوام خانگی ٪۷/۷

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲،٤۵٦ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۲،٤۷۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ٦٦،٤۳۷ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۹):** ۲،۲۲۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۳،۳۳۳،٤۲۳ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ٦۱۸،۰٦٦ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۵۵۲ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۳۹ فرودگاه

روزنامه: ٤۲ روزنامه در ۳،۳٤۵،۰۰۰ نسخه (۱٦۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۲۵ عنوان در ۹۹٦،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۵،۸٤۳ عنوان در ۲۹،۰٤۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ٤،۹۷۰ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۹،۱۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۳٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۳،۷۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۷۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٤،۳۸٤،۰۰۰ خط تلفن (۲۰۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲،۲۰۰،۰۰۰ خط (۱۰۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱،۳۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۸۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۷،۰۸٤	۱۵۰،٦۸۱	۲،۸۷۱،۰۰۰	۱۹/۱
متوسطه	۱،٤٦۰	۹۱،٦۵۹	۱،۷٦۸،۰۰۰	۱۹/۳
فنی و حرفه‌ای	۷۸	۳،۰۰۷	۲۷،۰۰۰	۹
عالی	۵۱	۱۵،٦۸٤	۲۳۰،۰۰۰	۱٤/۷

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۸۳/۵؛ مردان: ٪۸۹/۱؛ زنان: ٪۷۸/۱

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹٦): ابتدایی ٪۳۳/۷؛ متوسطه ٪٤۲/۸؛ عالی ٪٦/۸

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ١٤،۲٤۸ نفر (هر ۱،۵۲۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ٤۲،۸۲۱ تخت (هر ۵۰٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٦۸،۰۰۰ نفر (٪۰/٦۲ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صدهزار نفر ٦٤/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۹۷۷ کالری (٪۱۳۲ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۷۵ گرم؛ مصرف چربی: ۸۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۲/۱؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۲/٤

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲۷/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۱۹/۳ میلیون تن؛ هر نفر ۵/۸ نفر

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۷۲ (شصت و یکمین کشور جهان)

کشورها را با شوکی بزرگ مواجه کرد، همچنان ادامه یافت و اثرات منفی این بحران در سال‌های بعد نیز باقی ماند و میزان بیکاری را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. منازعات سیاسی در مورد مسائل اقتصادی در درون دولت به شدت ادامه یافت و سرانجام انور ابراهیم وزیر اقتصاد مالزیا و معاون نخست‌وزیر به جرم سوء استفاده از مقام خود برکنار شد و کمی بعد در پی برگزاری تظاهرات طرفدارانش، در بیستم سپتامبر ۱۹۹۸ دستگیر شد و در آوریل ۱۹۹۹ به شش سال زندان محکوم شد. انتخابات نوامبر ۱۹۹۹، با پیروزی چشمگیر حزب حاکم خاتمه یافت و حکومت ماهاتیر محمد تا سال ۲۰۰۵ مورد تأیید قرار گرفت. جبههٔ جایگزین به رهبری عزیزه اسماعیل، همسر انور ابراهیم، تنها موفق به کسب ۲۰٪ آراء شد. در ژانویه سال ۲۰۰۰، هنگام تجدید محاکمه انور ابراهیم، چهار نفر از رهبران مخالفان و وکیل انور ابراهیم دستگیر شدند که این امر به اعتراضات گسترده‌ای در داخل و خارج کشور منجر شد. در اوایل سال ۲۰۰۱، جبههٔ جایگزین که دو حزب عمدهٔ آن یعنی حزب اقدام دموکراتیک و حزب اسلامی مالزیا، علیرغم اختلافات اصولی به پیروزی‌هایی دست یافته بودند، دچار اختلاف نظر شدند و دولت نیز سرکوب جناح مذهبی آن را شدت بخشید و به ویژه پس از عملیات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، این امر با شدت بیشتری ادامه یافت.
در اواخر سال ۲۰۰۱، صلاح‌الدین عبدالعزیز، پادشاه مالزیا درگذشت و در سیزدهم دسامبر سید سراج‌الدین ابن‌المرحوم توآنکو سید پوترا جمال‌اللیل به جای وی برگزیده شد.

مالی MALI

کشور مالی سرزمین محصوری است در خشکی، واقع در افریقای غربی که از شمال به موریتانی، از شمال خاوری به الجزایر، از خاور و جنوب خاوری به نیجر، از جنوب به بورکینافاسو، ساحل عاج (کوت‌دیوآر) و گینه و از غرب به سنگال و موریتانی محدود است. کشور مالی از سه منطقهٔ جغرافیائی متمایز تشکیل شده است:
۱- منطقهٔ شمالی که بخشی از کویر و صحرای افریقاست.
۲- علفزار مرکزی که دستخوش بیابان‌زایی است و مرتباً بر وسعت بیابانهای آن افزوده می‌گردد.
۳- منطقهٔ جنوبی که علفزار مرطوبی است و بیشتر جمعیت کشور را در خود جای داده و دو رودخانهٔ مهم کشور یعنی نیجر (۴۱۰۱ کیلومتر) و سنگال در آن جریان دارند و بلندترین نقطهٔ کشور به نام هومبوری (۱۱۵۵ متر) نیز در همین منطقه جای دارد.
اقلیم این سرزمین گرم و خشک و کم‌باران است و کمبود آب و زیاده‌روی در زدایش جنگل‌ها از عمده‌ترین آفات زیست‌محیطی این کشور به شمار می‌روند.



تاریخچه

امپراتوری مالی که سابقهٔ فرهنگی و اقتصادی بس طولانی دارد، در سال ۱۸۵۰ به دست فرانسوی‌ها منقرض گردید و همراه با بورکینافاسو (ولتای علیا)، بنین و سنگال امروزی نخست به سودان فرانسه و بعداً جزئی از افریقای غربی فرانسه شد که شهر داکار پایتخت سنگال امروزی پایتخت آن بود. در سال ۱۹۴۵ احساسات ضد فرانسوی به تدریج جان گرفت و فرانسه را وادار نمود تا به افریقای غربی فرانسه نیمه‌خودمختاری داده شود. شکست فرانسه در دین‌بین‌فو (ویتنام) و انقلاب مردم الجزایر به استقلال مالی در ۲۲ سپتامبر ۱۹۶۰ بسیار کمک کرد و جمهوری مالی به ریاست مجیبوکیتا اعلام موجودیت نمود. مالی پس از استقلال با سوسیالیست‌های افریقا مانند گینه و غنا روابط نزدیکی برقرار کرد، صنایع و اقتصاد را ملی نمود و آموزش و پرورش را توسعه داد. در انتخابات ۱۹۶۴ مجیبوکیتا برای بار دوم به ریاست جمهوری رسید ولی کودتای سال ۱۹۶۸ که به رهبری یک افسر جزء ارتش به نام موسی تراثوره انجام شد، وی را برکنار نمود. در ۱۹۷۴ قانون اساسی جدیدی برای کشور تدوین و تصویب شد. مخالفان سرکوب شدند و هواداران مجیبوکیتا به زندان انداخته شدند. در ۱۹۷۷ مجیبوکیتا در نقطهٔ دورافتاده‌ای از کشور که از سال ۱۹۶۸ به آنجا تبعید شده بود، درگذشت.
در نوامبر ۱۹۷۹ فرهنگیان و دانش‌آموزان و دانشجویان دست به اعتصاب و تظاهرات خیابانی گسترده‌ای زدند. این تظاهرات که یک ماه به درازا کشید به وسیلهٔ دولت سرکوب شد و سیزده دانشجو کشته شدند و حدود صد نفر دستگیر گردیدند. بعد از سال ۱۹۸۳ مالی خود را به فرانسه نزدیک کرد و از اتحاد شوروی فاصله گرفت. در ژوئن ۱۹۸۵ تراثوره برای یک دورهٔ شش سالهٔ دیگر به ریاست جمهوری رسید. در دهم آوریل ۱۹۹۱ یک شورش عمومی گسترده و کودتای نظامی تراثوره را سرنگون کرد و سرهنگ دوم آمادو تومانی توره قدرت را به دست گرفت. وی تعهد کرد که تا اوایل ۱۹۹۲ دولت را به غیر نظامیان واگذار کند. فعالیت مجدد احزاب قدیمی و ظهور احزاب جدید و اعتراضات دانشجویان، دولت را شدیداً در تنگنا قرار داد. در همین اثنا اقوام طوارق در شمال و مورها در شرق کشور سر به شورش برداشتند و بانیروهای دولتی درگیر شدند. در دسامبر ۱۹۹۱ گفتگو میان دولت مالی و شورشیان طوارق آغاز شد و در مارس ۱۹۹۲ با میانجیگری الجزایر قرارداد آتش‌بس و صلح میان آنان به امضاء رسید. در ۲۶ آوریل ۱۹۹۲ آلفا عمر کوناره، رهبر اتحاد برای دموکراسی در مالی، به ریاست جمهوری انتخاب گردید. در مارس ۱۹۹۳ تظاهرات وسیعی در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت صورت گرفت و دولت را وادار نمود تا میزان مالیات‌ها را کاهش دهد. در ۱۹۹۵ گفتگو میان دولت و سران شورشی طوارق مجدداً آغاز شد و تصمیم گرفته شد تا ترتیب بازگشت ۱۲۰,۰۰۰ آوارهٔ طوارقی که به الجزایر، بورکینافاسو، موریتانی و نیجر پناهنده شده بودند، داده شود. در مه ۱۹۹۷ آلفا عمر کوناره با اکثریت ۹۵/۹ درصد آراء دوباره به ریاست جمهوری رسید.
این انتخابات و انتخابات پارلمانی که در پی آن برگزار شد، با تحریم گروه‌های مخالف مواجه شد و میزان شرکت‌کنندگان در انتخابات در حداقل ممکن قرار داشت. موسی تراثوره و همسرش در سال ۱۹۹۹ به اعدام و سپس به حبس ابد محکوم شدند. وقوع یک کودتای نافرجام در ژانویه سال ۲۰۰۰، رئیس جمهور را مجبور کرد تا چند تن از افسران ارشد را وارد کابینه کند. ابراهیم بوباکار که از سوی مطبوعات به ناتوانی در مقابله با فقر متهم شده بود، در ماه فوریه از نخست‌وزیری استعفاء کرد و مانده سیدیبه، از اقتصاد دانان شاغل در صندوق بین‌المللی پول، جایگزین وی گردید. در دسامبر سال ۲۰۰۱، ابراهیم باهانگا یکی از رهبران قبایل طوارق اعلام نمود که به خاطر مصالح مردم طوارق، به مبارزات مسلحانهٔ خود با دولت پایان می‌دهد.
در انتخابات ریاست جمهوری ماه مه ۲۰۰۲، آمادو تومانی توره، از ژنرالهای ارتش مالی که پس از کودتای سال ۱۹۹۱ به مدت ۱۴ ماه ادارهٔ امور کشور را به عهده داشت، با کسب ۶۴/۴٪ آراء در دور دوم به پیروزی رسید.



نام رسمی: جمهوری مالی

نام محلی: مالی Mali

اسامی دیگر: سودان فرانسه، جمهوری سودانی (اسامی سابق)

پایتخت: باماکو (۸۰۹،۵۵۲ نفر در سال ۱۹۹۶)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۹/۲۲، از فرانسه

روز ملی: بیست و دوم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: آمادو تومانی توره، از سال ۲۰۰۲ به مدت ۵ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: احمد محمد آگ هامانی، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲ با تغییراتی در سال ۱۹۹۷؛ مجلس ملی با ۱۴۷ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۲): اتحاد برای دموکراسی در مالی ۱۳۰ (۵۱) کرسی، حزب تجدید حیات ملی ۸ (-)، میثاق دموکراتیک و اجتماعی ٤ (-)، اتحاد برای دموکراسی و توسعه ۳ (-)، حزب برای دموکراسی و ترقی ۲ (-)، روح ۲۰۰۲ (ائتلاف طرفداران رئیس جمهور) (٦٦)، تناوب و تغییر (۱۰)، همبستگی افریقایی برای دموکراسی و استقلال (٦) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، فز، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱،۲٤۰،۱۹۲ کیلومترمربع (بیست و سومین کشور جهان)

جمعیت: ۱۱،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (شصت و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/٤

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۱/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۲۸/۷٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٥/٤٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤۷/۲٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٦/٦٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲۱/۲٪؛ بالای ٦۰ سال ٥٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٤۹/۳٪؛ زن ٥۰/۷٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۷/٥ سال؛ مردان ٤٥/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۹/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۹/٥ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۲٥/۱ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳۰/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما میزان شیوع بیماریها در کل موارد گزارش شده بدین شرح است: مالاریا ٦۲/۱٪؛ سرخک ۱۰/۳٪؛ آمیبازیس ۱۰/۳٪؛ بیماریهای دستگاه تناسلی ٦٪؛ آنفلوآنزا ٤/۹٪

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٦/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٥۸۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): قبایل بامبارا ۳۰/٦٪؛ سنوفو ۱۰/٥٪؛ فولاماسینا (نیافونکه) ۹/٦٪؛ سونینکه ۷/٤٪؛ طوارق ۷٪

دین(۲۰۰۰): مسلمان ۸۲٪؛ باورهای قبیله‌ای ۱٦٪؛ مسیحی ۲٪

زبان و خط: فرانسه (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٦): سگو ۱۰٦،۷۹۹ نفر؛ موپتی ۸٦،۳٥٥ نفر؛ سیکاسو ۹۰،۱۷٤ نفر؛ گائو ٦۲،٦٦۷ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ (CFAF) = ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار = ۷٥٤/۲۸ فرانک؛ یک فرانک سی‌اف‌آ= ۱۰/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۳۲۰/۱ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ درآمد مالیاتی ۷۱/۱٪؛ کمکهای بلاعوض ۲۳/۲٪؛ درآمد غیرمالیاتی ٥/۷٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۳٦٥/۳ میلیارد فرانک سی‌اف‌آ؛ هزینه‌های جاری ٤٦/۲٪ (شامل دستمزدها و حقوق ۱٦/۲٪؛ پرداخت بهره وامها ٤/۲٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٥۳/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۹): ۲،٥۷۷ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۹):** ۲٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۲/۱٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۷٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤٦/۹٪؛ صنعت ۱۷/٥٪؛ خدمات ۳٥/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱- میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۳۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،۸۲۷ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳٤۹/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۰/۱٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۹/۳٪؛ ۱۹۹۸: ٤/۸٪

محصولات کشاورزی (۲۰۰۱): ارزن ۸۰۲،٥۰۰ تن؛ برنج ۷٤٥،۱۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ٥۹۱،۷۰۰ تن؛ پنبه‌دانه ٤۸۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۳۲۲،۷۰۰ تن؛ نیشکر ۳۰۰،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۱٤۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۱٥،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۲/۱٪؛ مرتع و چمنزار ۲٤/٦٪؛ جنگل ٥/۷٪؛ سایر موارد ٦۳/٦٪

تعداد دام زنده(۲۰۰۱): بزو گوسفند ۱٤،٥٥۰،۰۰۰رأس؛ گاو ٦،۲۰۰،۰۰۰ رأس؛ الاغ ٦٥۲،۰۰۰ رأس؛ شتر ۲۹۲،۰۰۰ نفر

تولید چوب(۱۹۹۸): ٦،٤۳٦،۹۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۹۹،٦۱۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲٤،٥۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۱،۸۸۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ آهک ۲۰،۰۰۰ تن؛ فسفات ۳،۰۰۰؛ اکسید آهن ۷۰۸؛ گچ ٥۰۰ تن؛ طلا ۸٤۰۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی: شکر ۲٥،۰۰۰ تن؛ سیمان ۲۱،۰۰۰ تن؛ صابون ۱۰،۰۹۷ تن؛ نوشیدنی غیر الکلی ٦۸،٦۰۹ هکتولیتر آبجو ٤۱،٦۹۰ هکتولیتر؛ کفش ۱۱۱،۰۰۰ جفت؛ سیگار ۱۱٤،۹۲۸ کارتن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۳۳٥،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳۳٥،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت خام: صفر(؟)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۱٥٤،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ٥،۰٤۲،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٥۱/٥٪؛ میزان مشارکت: (د رسنین ۱٥ تا ٦٤ ؛ ۱۹۸۷): ٦۷/٤٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤٦/۳٪؛ میزان بیکاری : ۰/۸٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۸۲/٤٪؛ صنعت ۲/٥٪؛ خدمات ۱٥/۱٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه : ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۸: ۷،۳٥۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۳/۹٪؛ نیروی دریایی ۰/۷٪؛ نیروی هوایی ٥/٤٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ٤ دلار

واردات(۱۹۹۹): ٤۹۰/٦ میلیارد فرانک؛ ماشین‌آلات، ابزار و تجهیزات حمل و نقل ۳۱/۱٪؛ فرآورده‌های نفتی ۱٤/۳٪؛ محصولات غذایی ۱۳/۹٪؛ مصالح ساختمانی ۱۰/٥٪؛ مواد شیمیایی ۱۰/۲٪؛ از کشورهای افریقایی ٤۹/۹٪؛ فرانسه ۱۸/۷٪؛ چین ٤/٤٪؛ آلمان ۲/۷٪؛ لوکزامبورگ - بلژیک ۲/٤٪

صادرات(۱۹۹۹): ۳٤۸/٦ میلیاردفرانک؛ شامل پنبه خام و محصولات پنبه‌ای ٤۳/۹٪؛ طلا ٤۰/۸٪؛ دام زنده ۹/٤٪؛ به کشورهای اروپایی، امریکا و سایر کشورهای صنعتی غیر آسیایی ٥۲/۷٪؛ کشورهای آسیایی ۳۳/۹٪؛ کشورهای افریقایی ۸/٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیارد فرانک	-٤٤/۱	-۱٤۱/۳	-۱٦٤/۹	-۱٦۷/۹	-۷٥/٥	-۱۱۷/٥	-۱٤۲
درصد کل	٪۱٤	٪۲۷/٥	٪۲۷/۲	٪۲۷/۲	٪۱۰/۳	٪۱٥/۱	٪۱٦/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۱/٦	۸۸/۲	۱۰۰	۱۰٦/۸	۱۰٦/٤	۱۱۰/۷	۱۰۹/٤	۱۰۸/٦
شاخص درآمد	؟	؟	۱۰۰	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازه خانوار (۱۹۹۷): ٥ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ منابع درآمد: ؟ هزینه‌ها (۸۷-۱۹۸٦): غذا ٥٤/٦٪؛ پوشاک ۱٤/۲٪؛ حمل ونقل و ارتباطات ۱۱/۹٪؛ مسکن و سوخت ۸/۷٪؛ کالای بادوام خانگی ٤/۲٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ٥۰ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان درخارج: ۲۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱٥،۱۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٥):** ٦٤۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۲٦،۱۹۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱۸،۲٤۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه:** ۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۷): ۳ روزنامه در ٤٥،۰۰۰ نسخه (٤٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱٤ عنوان در ۲۸،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۲،۰۰۰ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،٦۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱٦۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۷،۰۰۰ خط تلفن (۲/٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٤،٥۰۰ خط (۰/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۹،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۲،٥۱۱	۱۰،۸٥۳	۸٦۲،۸۷٥	۷۹/٥
متوسطه	۳۰۷	٤،٥٤۹	۱٦٦،۳۷۲	۳٦/٥
فنی و حرفه‌ای	؟	۲۱،۷۳۷	۷،۲۰۰	۳
عالی	۷	۷۹٦	۱۳،۸٤۷	۱۷/٤

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ۳۱٪؛ مردان: ۳۹/٤٪؛ زنان: ۲۳/۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ٦ سال (۱۹۸۷): ابتدایی ۱۲/٥٪؛ متوسطه ۱/۲٪؛ عالی ۰/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ٤۸۳ نفر (هر ۱۸،۳۷٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۷): ۳،٤۳۰ تخت (هر ۲،۲٥۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا٤۹ ساله: ۸۹،۰۰۰ نفر (۱/٦۷٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٤۳/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۳۱٤ کالری (۹۰٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۱ گرم؛ مصرف چربی: ٤۲گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۸٪؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۱٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/٥ میلیون تن؛ هر نفر (صفر)

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳۸۰ (صد و شصت و پنجمین کشور جهان)

مجارستان HUNGARY

مجارستان کشوری است محصور در خشکی، واقع در مرکز اروپای شرقی که از شمال به اسلوواکی، از شمال خاوری به اوکراین، از خاور و جنوب خاوری به رومانی، از جنوب به جمهوری یوگسلاوی و کروآسی و از غرب به اسلوونی و اتریش محدود است. مجارستان سرزمین هموار و کم‌ارتفاعی است که بلندترین نقطهٔ آن از ۱۰۱۵ متر (کوه ککش) تجاوز نمی‌کند. بخشی از آن به وسیلهٔ کوههای کارپات محاصره شده و ناحیهٔ کوهستانی آن از منابع زیرزمینی فراوانی مانند منگنز، بوکسیت و زغال سنگ، آهن، گاز طبیعی و مس انباشته شده است. اراضی میان دانوب و ریزابهٔ آن رود تیسا را جاگهٔ حاصلخیزی فرا گرفته و عمده‌ترین مراکز کشاورزی کشور را به خود اختصاص داده است و ذرت، گندم، چغندرقند و انواع میوه‌ها از جمله فرآورده‌های کشاورزی آن است. علفزارهای خاوری رود تیسا به پرورش دام اختصاص یافته و طی ۳۰ سال گذشته با سرعت چشمگیری رو به صنعتی شدن نهاده است و فولاد، مصنوعات فلزی، شیمیایی، وسایل و ابزارآلات راه‌آهن، پالایش نفت و گاز طبیعی از جمله صنایع آن هستند.

۴۱ درصد جمعیت مجارستان در معرض خطر سولفور دی‌اکسید و نیتروژن دی‌اکسید هوا قرار دارند و از نظر انتشار گازهای گوگردی، یکی از آلوده‌ترین کشورهای اروپای خاوری محسوب می‌گردد. اقلیم آن معتدل و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های دانوب، تیسا، دراوا، رابا و کوروش از مهمترین رودهای آن به شمار می‌آیند. جنگلهای آن نسبتاً وسیع است و دریاچهٔ بالاتون با وسعت ۶۰۰ کیلومترمربع بزرگترین دریاچهٔ آن است.



تاریخچه

سرزمین مجارستان بخشی از استانهای رومی پانونیا و داکیا بوده است. در پایان سدهٔ چهارم میلادی، استان پانونیا از دست رومی‌ها خارج شد و به تصرف ژرمن‌ها درآمد. اسلاوها، هون‌ها و آوارها طی سده‌های هفتم و هشتم میلادی بر حوضهٔ دانوب حاکم شدند و تا زمانی که مغلوب شارلمانی گردیدند، وضع به همین منوال ادامه داشت. جانشینان شارلمانی دوک‌نشین‌هایی در شرق و غرب حوضهٔ دانوب تأسیس کردند و نواحی جنوبی و خاوری آن در تسلط امپراتوری بیزانس و بلغارستان قرار داشت. دوک‌نشین کروآسی در سال ۸۶۹ استقلال یافت. در سدهٔ نهم میلادی مجارها بخش عمده‌ای از مجارستان امروزی و ترانسیلوانی را تصرف کردند. آنان با اقوام دیگر درآمیختند و به پیشروی خود به سوی غرب ادامه دادند، اما اوتوی اول، از امپراتوران امپراتوری مقدس روم آنها را شکست داد. مجارها پس از آن به تحکیم وحدت داخلی خود پرداختند و قدیس استفان را در سال ۱۰۰۱ به سلطنت برداشتند و وی مسیحیت را در مجارستان ترویج کرد. در سال ۱۱۷۲ بلای سوم به سلطنت مجارستان رسید. در زمان وی مجارستان به فرهنگ فرانسوی نزدیک گردید. در زمان سلطنت بلای چهارم، مغول‌ها به مجارستان حمله کردند و بلا را در سال ۱۲۴۱ شکست دادند و مجارستان را اشغال نمودند. در زمان لادیسلاوس چهارم، مجارستان دچار هرج و مرج گردید و در زمان اندراش سوم (سال ۱۳۰۱) سلسلهٔ سلطنتی آرپاد منقرض شد.

در سال ۱۳۰۸ شارل اول به عنوان نخستین پادشاه سلسلهٔ آنژون به سلطنت مجارستان انتخاب گردید. در زمان وی قدرت اشراف محدود گردید و شهرها توسعه یافتند. در زمان پسرش لوئی اول مجارستان به اوج عظمت و اقتدار خود رسید. وی با اتریش، بوهمیا و لهستان و بوسنی روابط دوستانه برقرار کرد و دالماسی را از ونیز گرفت. لوئی اول در سال ۱۳۸۲ درگذشت. پس از او سیگیسموند، داماد لوئی اول، آلبرشت دوم داماد سیگیسموند و لادیسلاوس سوم به سلطنت مجارستان رسیدند. در همین تاریخ ترک‌های عثمانی در بالکان شروع به پیشروی کردند و مجارها و متفقین آن را در جنگهای متوالی شکست دادند. در سال ۱۴۵۸ ماتیاس کوروینوس به پادشاهی مجارستان انتخاب گردید. وی مخالفان خود را مغلوب کرد و با قدرت تمام به سلطنت پرداخت و بوسنی و صربستان و والاسیا و مولداوی را ضمیمهٔ مجارستان کرد. با مرگ ماتیاس در سال ۱۴۹۰ اولادیسلاوس دوم که پادشاه بوهم بود به سلطنت رسید. وی مرد ضعیفی بود و در شورش سال ۱۵۱۴ از سلطنت خلع گردید. در همین اوان نواحی جنوبی مجارستان به تصرف اتریش درآمد و در سال ۱۵۲۶ کلاً تحت سلطهٔ امپراتوری عثمانی قرار گرفت و زاپولیا از سوی سلطان عثمانی به حکومت مجارستان منصوب گردید. با مرگ زاپولیا که یانوش اول نام گرفته بود، مجارستان تجزیه شد. قسمتهای غربی کشور تحت فرمانروائی فردیناند و رودولف قرار گرفت. دشت‌های مرکزی در تصرف ترکان عثمانی بود و ترانسیلوانی را خاندان اشراف اداره می‌کردند. در همین زمان بود که اصلاح دینی در سراسر مجارستان رواج یافت. در ۱۵۵۷ آزادی مذاهب به وسیلهٔ مجلس‌شورای ترانسیلوانی اعلام گردید.

در سده‌های ۱۷ و ۱۸ مجارستان تحت سلطهٔ دو امپراتوری عثمانی و اتریش قرار داشت. در سال ۱۶۸۶ بوداپست از تصرف ترکان عثمانی خارج شد و در ۱۶۹۹ دولت عثمانی قسمت اعظم مجارستان را به اتریش واگذار کرد و در ۱۷۱۱ تسلط اتریش بر ترانسیلوانی نیز مسجّل گردید. در ۱۷۱۸ بانات نیز از تصرف عثمانی‌ها خارج شد و ضمیمهٔ اتریش گردید. در ۱۷۳۹ تسلط اتریش بر مجارستان قطعی شد. در زمان یوزف دوم، امپراتور اتریش که می‌خواست زبان آلمانی را در سرتاسر امپراتوری زبان رسمی قرار دهد، ناآرامی‌ها و نارضایی‌هایی در مجارستان زمزمه شد. در ۱۸۴۸ پادشاهی خاندان هاپسبورگ اتریش بر مجارستان به تصویب دیت (مجلس شورا) رسید و موجودیت یک سازمان اداری مستقل در بوداپست را مورد تأیید و تصویب قرار داد. در زمان فرانسوا ژوزف جنگ میان اتریش و انقلابیون مجارستان درگرفت و در ۱۸۴۹ جمهوری مستقل مجارستان اعلام موجودیت کرد. در ۱۸۶۶ اتریش با خواسته‌های ملی مجارستان موافقت کرد و ضمن ائتلاف با مجارستان، دولت پادشاهی اتریش هنگری را تأسیس نمود و فرانسوا ژوزف به نام شاه مجارستان تاجگذاری نمود. در این دوره مجارستان رو به صنعتی شدن نهاد و وضع زندگی طبقات اعیان و اشراف از سابق بهتر شد.

در جنگ جهانی اول، ملّیون مجارستان از شرکت در جنگ ناراضی بودند و خواهان جدایی از اتریش و استقلال میهن خود بودند. در اکتبر ۱۹۱۸ شارل اول امپراتور اتریش، کنت کارولیی را به نخست‌وزیری منصوب کرد و خود در نوامبر همان سال از سلطنت کناره گرفت. کارولیی استقلال مجارستان را به رسمیت شناخت ولی به دلیل شرایط نامساعد سیاسی ناگزیر از استعفاء شد و کمونیست‌ها تحت رهبری بلاکون در مارس ۱۹۱۹ قدرت را به دست گرفتند. بلاکون که امید حمایت از مسکو را داشت، گرفتار حملهٔ رومانی گردید و بوداپست به تصرف رومانی درآمد. رومانیایی‌ها با فشار و اعتراض قدرتهای اروپایی روبرو شدند و ناگزیر از ترک مجارستان گردیدند و دریاسالار میلکوس هورتی از سوی پارلمان قدرت را در دست گرفت. پیمان تریانون استقلال مجارستان را به رسمیت شناخت و نواحی غیر مجار را از آن جدا نمود. تلاشهای مجارستان در سالهای بعد برای به دست آوردن سرزمینهای از دست رفته بی‌نتیجه ماند. بحران اقتصادی دههٔ ۱۹۳۰ مجارستان را نیز در امان نگذاشت و دولت هورتی را به سوی یک سیاست شدیداً دست راستی و ناسیونالیست سوق داد و او را به آلمان نزدیک کرد و یک نهضت ضد صهیونیستی در کشور شروع به خودنمایی نمود. نزدیک شدن به آلمان، مجارستان را قادر ساخت تا بخش‌هایی از اسلوواکی، روتنیا و ترانسیلوانی را که بعد از جنگ جهانی اول از دست داده بود، دوباره تصاحب کند.

مجارستان در حملهٔ آلمان به رومانی و یوگسلاوی و اتحاد جماهیر شوروی، در طی جنگ جهانی دوم، با آلمان نازی همکاری کرد، ولی در مقابل یورش بی‌امان ارتش سرخ کاری از پیش نبرد و در پایان جنگ ناگزیر گردید تا مفاد پیمان تریانون را دوباره به رسمیت بشناسد و اراضی متصرف شده در آغاز جنگ را به صاحبان اصلی آنها بازگرداند. در ۱۹۴۶ حکومت جمهوری در مجارستان برقرار گردید و پیمان صلح پاریس مفاد پیمان تریانون را مجدداً مورد تأیید قرار داد و مجارستان را ملزم نمود تا ۳۰۰ میلیون دلار غرامت به اتحاد جماهیر شوروی و چکسلواکی و یوگسلاوی بپردازد. در ۱۹۴۸ حزب کمونیست قدرت را در دست گرفت و کشور را جمهوری خلق مجارستان نامید و به اشتراکی کردن اراضی مزروعی و ملی کردن صنایع پرداخت. محاکمات و تصفیه‌های پی‌درپی، مشکلات اقتصادی و اشتراکی کردن اراضی مزروعی، موجبات نارضایی مردم و به ویژه دهقانان را فراهم آورد.

با مرگ استالین در ۱۹۵۳ ماتیاس راکوشی نخست‌وزیر از مقامش معزول شد و ایمره ناگی که کمونیست معتدلی بود به جای او نشست. وی در کشور اعلام آزادیهایی نمود و کمونیست‌های وابسته به شوروی را از کار برکنار کرد و خود بی‌طرفی پیشه کرد. ناگی در ۱۹۵۵ از نخست‌وزیری معزول شد و از حزب کمونیست اخراج گردید و راکوشی برای مدت کوتاهی بر سر کار آمد. وی در سال ۱۹۵۶ جای خود را به ارنو گرو واگذار نمود. دانشجویان که از برکناری ایمره ناگی ناخشنود بودند، در خیابانهای بوداپست دست به تظاهرات زدند و از سوی



نام رسمی: جمهوری مجارستان

نام محلی: مجارورساگ Magyarorszag

اسامی دیگر: -

پایتخت: بوداپست (۱،۸۱۱،۵۵۲ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: بیستم ماه اوت، روز سن‌استفان

نوع حکومت: جمهوری چندحزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۹

رئیس حکومت: فرنتس مادل، از سال ۲۰۰۰ به مدت ۵ سال توسط مجلس ملی

رئیس دولت: نخست‌وزیر: پتر مجسی (حزب سوسیالیست)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٤۹، آخرین تغییرات ۱۹۸۹، مجلس ملی (اورساگ جولس)با ۳۸٦ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): اتحاد دموکراتهای جوان – حزب شهروندی ۱٤۸ (۱۸۸) کرسی؛ حزب سوسیالیست ۱۳٤ (۱۷۸) کرسی؛ حزب مستقل خرده مالکان ٤۸ (-) کرسی؛ اتحاد دموکرات‌های آزاد ۲٤ (۲۰) کرسی؛ مجمع دموکراتیک ۱۷ (-) کرسی؛ حزب عدالت ۱٤ (-) کرسی؛ نمایندگان منفرد ۱ (-) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، ناتو، اواسی‌دی، اوسه، سفتا

جمعیت

مساحت: ۹۳،۰۳۰ کیلومترمربع (صد و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتاد و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰۷/۵ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪-۰/٤

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۸/۹ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** قابل حصول نیست

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٦٦٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۰/٤٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ۱۷/۵٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۲/۸٪؛ ۵۹-۳۰ سال ٤۰/۲٪؛ بالای ٦۰ سال ۱۹/۵٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۷/۷۸٪؛ زن ۵۲/۲۲٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۵/۷ سال؛ مردان ٦٦/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۹/٤ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٤/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۹/۷ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/۸- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹۹): بیماریهای دستگاه گردش خون ۷۲۸/٤ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۳٤۰/۳ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۳ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۹): ٤/۵ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۸): مجار ۹۲٪؛ کولی (روم) ٤٪؛ آلمانی ۲٪؛ اسلوواک ۱٪؛ بقیه ۱٪

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ٦۳/۱٪؛ پروتستان ۲۵/۵٪؛ یهودی ۰/۸٪؛ بقیه ۱۰/٦٪

زبان و خط: مجاری (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): دبرتسن ۲۰۳،٦٤۸ نفر؛ میشکولتس ۱۷۲،۳۵۷ نفر؛ سگد ۱۵۸،۱۵۸ نفر؛ پچ ۱۵۷،۳۳۲ نفر؛ گیور ۱۲۷،۱۱۹ نفر؛ (۱۹۹۹): نیرگی هازا ۱۱۲،۸۸۲ نفر؛ کچکمت ۱۰۵،٤٦٤ نفر؛ سکشفهروار ۱۰۵،۲۹۳ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فورینت (Ft)= ۱۰۰ فیلر؛ یک دلار= ۳۰۱/۸٦ فورینت؛ یک فورینت= ۲٦/۵ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ٤،۹۵۵ میلیارد فورینت؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ۲۹/٦٪؛ مالیات برارزش افزوده ۱۹٪؛ مالیات بر درآمد افراد ۱۵/۵٪؛ مالیات بر مصرف ۹/٤٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۵،۳۹٦ میلیارد فورینت؛ هزینه‌های جاری ۹۳/۹٪؛ هزینه‌های عمرانی ٦/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤۵،٦٦۰ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤،۵۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۱/۷٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۰/۱-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٦٪؛ صنعت ۳٤٪؛ خدمات ٦۰٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٦۷۵ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱،۹۳۵ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱۵،۹٤۱ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۰۸/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۸/٤٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲۲٪؛ ۱۹۹۸: ۱٤/۲٪؛ ۲۰۰۰: ۹/۸٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): ذرت ٦،۵۰۰،۰۰۰ تن؛ گندم ٤،۹۷٤،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۳،۲۰۰،۰۰۰ تن؛ جو ۱،۳۳٦،۰۰۰ تن؛ دانهٔ آفتابگردان ۷۰٦،۰۰۰ تن؛ انگور ٦٦۹،۰۰۰ تن؛ سیب ۵۰۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۵۳/۹٪؛ مرتع و چمنزار ۱۲/٤٪؛ جنگل ۱۹/۱٪؛ سایر موارد ۱٤/٦٪

تعداد دام زنده: خوک ٤،۹۳۱،۰۰۰ رأس؛ گاو ۸۷۱،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳،٦۰۱،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹٦):** ۲۲،۸٦٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۰،۵۵۷،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۸۸،۲۰۷ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۹): بوکسیت ۹۳۵،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): (ارزش افزوده به میلیون فورینت) غذا و نوشیدنی ۱،۰۷۹،۰۰۰ ؛ مواد شیمیایی ۵۰٤،۰۰۰ ؛ وسایل نقلیه موتوری ٤۳۵،۰۰۰ ؛ فرآورده‌های نفتی ۳٤۷،۰۰۰ ؛ فلزات اصلی ۳۰۷،۰۰۰ ؛ کامپیوتر ۳۰۲،۰۰۰

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۳٦،۹٦۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹۷: ۳۷،۵٤۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱٤،٤۹٦،۰۰۰ تن (۱۹۹۷: ۱٦،۲٤۲،۰۰۰)؛ نفت خام: ۸،٤۱٦،۰۰۰ بشکه (۱۹۹۷: ۵۰،۷۱۷،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: (۱۹۹۵): ٦،۲٦۲،۰۰۰ تن (٦،٤۵۵،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹۸): ٤،۱۷۸،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۹۹۷: ۱۲،۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ٤،۲۱۱،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۱/۵٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۵۹ ؛ ۱۹۹۷): ٦۱/۵٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۵۹): ٤٤/۲٪؛ میزان بیکاری (۹۹-۱۹۹۸): ۷/۵٪؛ ۲۰۰۰: ٦/٤٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۷/۵٪؛ صنعت ۳٤/۲٪؛ خدمات ۵۸/۳٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ۳٤،۹۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۷٪؛ نیروی هوایی ۳۳٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۱۲۹ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۳،۹٦۱/۱ میلیارد فورینت؛ شامل ماشین‌آلات و ابزار غیر برقی ۱۹/٦٪؛ ماشین آلات و ابزار برقی ۱۵/٦٪؛ سوختهای معدنی ۹/٦٪؛ وسیلهٔ نقلیه ۵/٤٪؛ از آلمان ۲۷٪؛ اتریش ۱۰/٦٪؛ روسیه ۹/۲٪؛ ایتالیا ۷/۳٪؛ فرانسه ٤/٤٪

صادرات(۱۹۹۷): ۳،۵٦٦/۸ میلیارد فورینت؛ شامل غذا ۱۱/۷٪؛ کامپیوتر و ماشینهای اداری ۸/۹٪؛ ماشین آلات تولید نیرو ۸٪؛ پوشاک ۵/۹٪؛ وسیلهٔ نقلیه و لوازم یدکی ۵/۷٪؛ به آلمان ۳۷/۳٪؛ اتریش ۱۱/٤٪؛ ایتالیا ٦/۱٪؛ روسیه ۵/۱٪ ؛ فرانسه ۳/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیارد فورینت	-۳۱۷/۷	-۳٦۲/۸	-۲۸٤/۸	-٤٤۷/۱	-۳۹٤/٤	-۵٦۷/۳	-۷۰۷/۱
درصد کل	٪۱٦/۲	٪۱۳/۸	٪۸/۳	٪۱۰/۳	٪۵/۲	٪۵/٤	٪۵/٦

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۷/۹	۱۰۰	۱۲۳/٦	۱٤٦/۲	۱٦۷/۱	۱۸٤/۳
شاخص درآمد ماهانه	۸۷/۲	۱۰۰	۱۲۰/٤	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۲/۵ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۹۵): ۱،۱۱۷،۲۳۹ فورینت؛ منابع درآمد (۱۹۹٦): دستمزد ٤۹٪؛ انتقالی‌ها ۱۷/٤٪؛ درآمدهای مختلط و سایر موارد ۳۳/٦٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹٦): غذا ۳۳/۱٪؛ مسکن و سوخت ۲۳/۷٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۲/٤٪؛ فرهنگ و سرگرمی ٦/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۳،۳۹٤ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱،۱۹۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۱۸۸،۲۰۳ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۱۳،۱٦۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۲،۲۹۷،۱۱۵ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۳۳۳،۸۵۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱۵ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٤۰ روزنامه در ۱،۸۹۵،۰۰۰ نسخه (۱۸۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱،۲۰۳ عنوان در ۱٤،۹۲۷،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۹،۱۹۳ عنوان در ۵۳،۱۹٤،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ٤٤،۲۱۷/۷ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۷،۰۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۹۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤،۵۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤٤۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳،٤۲۳،۰۰۰ خط تلفن (۳۳٦ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۰۷۰،۰۰۰ خط (۱۰۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٦۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۳،۷۵۰	۸۲،۹۰٤	۹٦٤،۰۰۰	۱۱/٦
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۹۸۹	۳۰،۲۸۰	۳٦۸،٦۰۰	۱۲/۲
عالی	۹۰	۱۹،۸۵۳	۱۵۲،۹۰۰	۷/۷

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۹/٤٪؛ مردان: ۹۹/۵٪؛ زنان: ۹۹/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۰): ابتدایی ۵۷/۹٪؛ متوسطه ۳۰/۷٪؛ عالی ۱۰/۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۳٦،۱۷۰ نفر (هر ۲۷۹ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۸۳،٤۰۰ تخت (هر ۱۲۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲۰۰۰ نفر (۰/۰٤٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٤۲/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۳،۳۱۳ کالری(۱۲٦٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو) مصرف پروتئین: ۸۵ گرم؛ مصرف چربی: ۱۳۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۵-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۵۹/٦ میلیون تن؛ هر نفر ٦ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۱۷ (چهل و سومین کشور جهان)

مردم مورد حمایت قرار گرفتند. به دستور گرو پلیس به سوی تظاهرکنندگان آتش گشود و تظاهرات به انقلاب عمومی مبدل گردید و ارتش نیز به طرفداری از مردم برخاست. ناگزیر ایمره ناگی را دوباره بر سر کار آوردند. ناگی در نوامبر ۱۹۵۶ اعلام داشت که مجارستان را از پیمان ورشو خارج خواهد کرد و از سازمان ملل متحد خواست تا بی‌طرفی مجارستان را به رسمیت بشناسد. ارتش سرخ که طی انقلاب از مجارستان خارج شده بود، دوباره وارد این کشور شد و آنجا را تصرف کرد و یانوش کادار، از کمونیست‌های طرفدار شوروی، قدرت را در دست گرفت. ناگی در ۱۹۵۸ اعدام گردید و کادار سیاستی را که مطابق میل مسکو بود اتخاذ کرد.

از سال ۱۹۶۸ به بعد، دولت مجارستان سیاست ملایم‌تری در پیش گرفت و سطح زندگی مردم تا اندازه‌ای ترقی کرد. در ۱۹۶۵ کادار به عنوان دبیر کل حزب کارگران سوسیالیست و رئیس دولت مجارستان انتخاب گردید. وی بدون هیچ مانع و مخالفتی تا مارس ۱۹۸۶ به حکومت خود ادامه داد. در سال ۱۹۸۹ روز پانزدهم مارس ۱۸۴۸ روز انقلاب و استقلال مجارستان و جدا شدن کشور مزبور از اتریش به عنوان روز ملی مجارستان شناخته شد. در مارس ۱۹۸۹ حدود صد هزار تن در بوداپست به راهپیمایی و تظاهرات پرداختند و خواستار برگزاری انتخابات آزاد و خروج نیروهای اتحاد شوروی از کشور خود شدند. در اکتبر ۱۹۸۹ پارلمان کشور نام جمهوری مجارستان را رسمیت بخشید و نظام چند حزبی را جایگزین تک حزبی نمود. در ۱۹۹۰ آرپاد گونچ به ریاست جمهوری رسید و مجارستان اولین کشور اروپای شرقی بود که از پیمان ورشو خارج گردید و با اسرائیل، کرهٔ جنوبی و افریقای جنوبی روابط سیاسی برقرار کرد و حزب کارگران به حزب سوسیالیست مجارستان تغییر نام یافت. در اواخر سال ۱۹۹۱ نخست‌وزیر مجارستان با رؤسای جمهور لهستان و چکسلواکی در شهر کراکوف لهستان دیدار کردند و هر سه نفر تمایل خود را به عضویت در پیمان ناتو و اتحادیهٔ اروپا اعلام داشتند.

در اکتبر ۱۹۹۳ یوزف آنتال نخست‌وزیر به علت بیماری از مقام خود کناره گرفت و پتر بوروس به جای او نخست‌وزیر شد. در انتخابات عمومی مه ۱۹۹۴ حزب سوسیالیست مجارستان برندهٔ اکثریت شد و رهبر آن جولا هورن به نخست‌وزیری رسید. در اوایل سال ۱۹۹۷ مجارستان در زمینهٔ عضویت در پیمان ناتو دست به کار شد و با استقرار سلاح‌های هسته‌ای و نیروهای مسلح ناتو در کشور مجارستان موافقت کرد. در همه‌پرسی نوامبر ۱۹۹۷ عضویت در ناتو با ۸۵ درصد آراء مثبت مورد تصویب قرار گرفت و در ۱۹۹۸ برای عضویت مجارستان در اتحادیهٔ اروپا اقدام گردید.

مجارستان در سال ۱۹۹۹، همراه با جمهوری چک و لهستان به عضویت ناتو درآمد. در فوریه سال ۲۰۰۰، ریزش بیش از ۱۰۰,۰۰۰ مترمکعب سیانید در رودخانهٔ تیسا، از معدنی در رومانی، بزرگترین فاجعهٔ زیست محیطی این کشور را پس از حادثهٔ چرنوبیل رقم زد. یک مسیر ۴۰ کیلومتری از این رودخانه تمام جانداران آن اعم از میکروب‌ها و ماهی‌ها تا گیاهان آن از میان رفتند. در ماه اوت ۲۰۰۰ آرپادگونچ پس از دو دوره ریاست جمهوری، در اوج محبوبیت خود از این مقام کناره‌گیری کرد و مجلس ملی پس از ۳ دور رأی‌گیری سرانجام فرنتس مادل را به این سمت برگزید.

پس از آشکار شدن چندین رسوایی مالی در میان اعضای ائتلاف حاکم، به ویژه حزب مستقل خرده مالکان در سال ۲۰۰۱، این ائتلاف با بحرانی جدی مواجه شد و در انتخابات پارلمانی آوریل ۲۰۰۲، حزب سوسیالیست و اتحاد دموکراتهای آزاد به پیروزی رسیدند و پتر مجسی از حزب سوسیالیست مقام نخست وزیری را به عهده گرفت.

مصر EGYPT

کشور مصر در شمال خاوری قارهٔ افریقا و در ساحل جنوب خاوری دریای مدیترانه جای دارد. این کشور از شمال به دریای مدیترانه، از شمال خاوری به فلسطین، از خاور به دریای سرخ، از جنوب به سودان و از غرب به لیبی محدود است. به غیر از نواحی خاوری و جنوب غربی، بقیهٔ اراضی کشور را دشت هموار و کم‌ارتفاعی پوشانیده و بلندترین نقطهٔ آن به نام جبل کترینه (جنوب صحرای سینا) ۲۶۴۲ متر ارتفاع دارد.

۹۹ درصد جمعیت مصر در درهٔ نیل و دلتای آن که فقط ۳۰ درصد خاک کشور را شامل می‌گردد، به سر می‌برند. حدود ۷۰ درصد کشور را کویرهای خشک که معدودی واحه در آن به چشم می‌خورد تشکیل داده و سیلاب‌های نیل کشاورزی چند هزار ساله‌ای را برای کشور به ارمغان آورده است. سدهای متعددی از جمله سد عظیم اسوان که روی رود نیل ساخته شده کشاورزان یا فلاّحان مصری را قادر ساخته تا اراضی بیشتری را به زیر کشت برده و بر فرآورده‌های کشاورزی خود از قبیل غلات، پنبه، نیشکر، ذرت و غیره بیفزایند. نیروی برقابی همراه با چاه‌های نفت صحرای سینا صنعت و اقتصاد کشور را رونق بخشیده و به رشد و گسترش شهرها انجامیده است. مسئلهٔ توسعهٔ روزافزون نواحی مسکونی به ویژه شهرها مشکل بزرگی را ایجاد کرده و از سطح زیر کشت مرتباً کاسته شده و بر وسعت شهرها افزوده می‌گردد. این مسئله همراه با زیاده‌روی در استعمال سموم گیاهی و آلودگی آبهای سطحی، از جمله تهدیدهای زیست‌محیطی مصر محسوب می‌گردد. اقلیم مصر گرم و خشک است و رودخانهٔ عظیم نیل با ۶۶۹۵ کیلومتر طول، که فقط بخش کمی از آن در مصر جریان دارد، شاهرگ حیاتی آن است.



تاریخچه

درهٔ نیل از شش هزار سال پیش مسکون بوده و مصر را در ردیف کهن‌ترین کشورهای جهان قرار داده است. سیلاب‌های دوره‌ای نیل ساکنان آن را در کشاورزی و پایه‌گذاری کهن‌ترین تمدن بشری یاری داده و اهرام آن از تمدن درخشان آن سرزمین باستانی حکایت‌ها دارند.

در آخرین هزارهٔ قبل از میلاد، فرعون‌های لیبیایی و سودانی بر آن حکومت کردند و سپس به نوبت در تصرف آشوری‌ها و ایرانی‌ها، یونانی‌ها و رومیان قرار داشته است. در زمان تسلط یونانی‌ها و رومی‌ها، شهر اسکندریه یکی از بزرگترین مراکز تمدن بشری بوده و کتابخانهٔ معروف اسکندریه تا زمانی که به دست یولیوس سزار امپراتور روم در سدهٔ سوم قبل از میلاد به آتش کشیده شد، بزرگترین کتابخانهٔ جهان بوده است و بزرگترین و معروف‌ترین اندیشمندان عصر باستان را در دامان خود پرورش داده است. در سال ۶۴۲ میلادی زمانی که اعراب مسلمان بر مصر دست یافتند، از این همه نشانهای تمدن، اندکی بیش به جای نمانده بود. اعراب مسلمان اسلام و زبان عربی را با خود به ارمغان آوردند و سیصد سال بعد خلفای فاطمی شهر قاهره را بنا نهادند و آن را به یکی از مهمترین مراکز علم و فرهنگ دنیای اسلام مبدل نمودند.

بین سده‌های دهم تا پانزدهم میلادی، مصر از موقعیت جغرافیایی خود که بین آسیا و افریقا و مدیترانه جای داشت، بهره‌گیری کرد و بازرگانان ونیزی و جنوایی به آنجا آمدند و به داد و ستد پرداختند. و حتی جنگ‌های صلیبی سده‌های ۱۱ و ۱۳ نیز از رونق اقتصادی آن نکاست و مصر موقعیت خود را به عنوان مرکز امپراتوری عرب باستان حفظ کرد. اگرچه با پیدایش امپراتوری عثمانی در سدهٔ شانزدهم مصر به تصرف ترکان عثمانی درآمد اما از اهمیت آن در دنیای اسلام کاسته نشد. کشف دماغهٔ امیدنیک در جنوب افریقا و برقراری ارتباط بازرگانی اروپا با آسیای خاوری از طریق اقیانوس‌های اطلس و هند، موقعیت اقتصادی مصر را به عنوان گره ارتباطی میان شرق و غرب موقتاً از بین برد و اقتصاد آن رو به زوال نهاد. در سدهٔ نوزدهم از مستعمرات عثمانی بیش از اسمی باقی نماند و قدرت به دست حکمرانان محلی افتاد. مصر نیز از این موقعیت بی‌نصیب نشد و ممالیک مصر قدرت واقعی را در دست گرفتند. در ۱۸۰۵ میلادی، محمدعلی که یک فرماندهٔ نظامی به ظاهر آلبانیایی‌تبار بود قدرت را در مصر به دست گرفت، رهبران محلی ممالیک را از میان برداشت و یک نظام حکومتی متمرکز در مصر به وجود آورد و آزادی داد و ستد و انحصار تجارت نیشکر و پنبه را از آن خود نمود. وی از حکومت عثمانی فاصله گرفت و اقتصاد نوینی را پایه‌گذاری کرد. جانشینان محمدعلی در امور اقتصادی چندان موفق نبودند و هرچه بیشتر به اروپا وابسته شدند.



نام رسمی: جمهوری عربی مصر

نام محلی: مصر

اسامی دیگر: –

پایتخت: قاهره (۱۵،۰۰۰،۰۰۰ نفر با حومه در سال ۱۹۹۳)

تاریخ استقلال: ۱۹۲۲/۲/۲۸، از انگلستان

روز ملی: بیست و سوم ژوئیه، سالروز انقلاب (کودتا) در سال ۱۹۵۲

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۵۳

رئیس حکومت: رئیس جمهور: محمد حسنی مبارک (حزب دموکرات ملی)، از سال ۱۹۸۱ در دوره‌های ٦ ساله

رئیس دولت: نخست‌وزیر: عاطف عبید (حزب دموکرات ملی)، از سال ۱۹۹۹

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۱، مجلس خلق با ٤٥٤ عضو (۱۰ عضو انتصابی رئیس جمهور) به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس خلق (۲۰۰۰): حزب دموکراتیک ملی ۳۸۸ کرسی؛ اخوان‌المسلمین ۱۷ کرسی، حزب وفد نوین ۷؛ حزب وحدت‌گرای ملی مترقی (مارکسیست) ٦ کرسی؛ حزب ناصریست ۳ کرسی؛ نمایندگان منفرد ۲۰ کرسی؛ بقیه ۳ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآا، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۹۹۷،۷۳۹ کیلومترمربع (بیست و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ٦٨،٥٠٠،٠٠٠ نفر در سال ۲۰۰۰ (پانزدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٦٨/٧ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥):** ١/٩٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ٩٥/٦ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤٠ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤٥/٣٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٢/٦٪

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ٣٥/١٪؛ ۲۹-۱۵ سال ٢٨/٥٪؛ ٥٩-۳۰ سال ٣٠/٣٪؛ بالای ٦٠ سال ٦٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ٥٠/٥٠٪؛ زن ٤٩/٥٠٪ | **امید به‌زندگی(۲۰۰۰):** زنان ٦٥/٥ سال؛ مردان ٦١/٣ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ٢٥/٤ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ٧/٨ نفر

مرگ‌ومیر کودکان‌درهرهزارتولد(۲۰۰۰): ٦٢/٣ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ١٧/٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ٣/٢ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ١٧٠ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): عرب‌مصری ٨٤/١٪؛ عرب سودانی ٥/٥٪؛ بربرهای عرب ٢٪؛ بدوی‌ها ٢٪؛ کولی ١/٦٪؛ بقیه ٤/٨٪

دین (۱۹۹۷): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان سنی ٨٩٪؛ مسیحی ١١٪ (عمدتاً مسیحیان قبطی و تعداد کمی از سایر مسیحیان)

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹٦): اسکندریه ۳،۳۲۸،۰۰۰ نفر؛ جیزه ۲،۲۲۲،۰۰۰ نفر؛ شبراالخیمه ۸۷۱،۰۰۰ نفر؛ پرت‌سعید ٤٧٠،٠٠٠؛ سوئز ٤١٨،٠٠٠ نفر ؛ (۱۹۹۲): محلةالکبری ٤٠٨،٠٠٠ نفر؛ طنطا ٣٨٠،٠٠٠ نفر؛ منصوره ٣٧١،٠٠٠ نفر؛ اسیوط ٣٢١،٠٠٠ نفر

بنادر مهم: اسکندریه، پرت‌سعید، دمیاط (دریای مدیترانه)؛ سوئز(جنوب کانال سوئز)؛ سفاجه (دریای سرخ)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لیره (پوند) مصر(£L)= ۱۰۰ پیاستر؛ یک دلار = ٣/٦٦ لیره؛ یک لیره = ٢،١٨٥/٨ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ٦٩،٠٨٤میلیون لیره؛ مالیات بر سود و درآمد ٢٢/٧٪؛ مالیات بر فروش ١٨/٣٪؛ مالیاتهای گمرکی ١٧/٨٪؛ درآمدهای نفتی ٧٪؛ ورودیه کانال سوئز ٤/٢٪

هزینه بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ٧١،٧٠٣ میلیون لیره ؛ دستمزد و حقوق بازنشستگی ٣١٪؛ پرداخت بهرهٔ وامها ٢١/٥٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٧٩،١٨٥ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ١،٢٩٠ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٧/٢٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/٦٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ١٧/٥٪؛ صنعت ٣٢/٣٪؛ خدمات ٥٠/٢٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٨٠٦ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ١،٠٧٦ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٢٧،٦٧٠ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ١،٩١٤/٩+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ١٥/٨٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٩/٧٪؛ ۱۹۹۸: ٣/٦٪

محصولات کشاورزی (۲۰۰۰): نیشکر ١٥،٦٦٨،٠٠٠ تن؛ گندم ٦،٥٦٤،٠٠٠ تن؛ ذرت ٦،٣٩٥،٠٠٠ تن؛ برنج ٥،٩٩٦،٠٠٠ تن؛ گوجه فرنگی ٥،٩٠٠،٠٠٠ تن؛ سیب‌زمینی ١،٧٨٤،٠٠٠ تن؛ پرتقال ١،٥٥٠،٠٠٠ تن؛ هندوانه ١،٥٠٧،٠٠٠ تن

کاربری زمین : ؟

تعداد دام زنده: گوسفند ٤،٤٥٠،٠٠٠ رأس؛ بز ٣،٣٠٠،٠٠٠ رأس؛ بوفالو ٣،٢٠٠،٠٠٠ رأس؛ گاو ٣،١٨٠،٠٠٠ رأس

تولید چوب(۲۰۰۰): ٢،٨٨٣،٠٠٠ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۰):** ٦٠٦،٧٨٠ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٨٧،٠٠٠،٠٠٠ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ١٦٨،٥٠٠ تن

تولیدات معدنی (۹۹-۱۹۹۸): سنگ‌آهن ٣،٠٠٢،٠٠٠ تن؛ گچ ٢،٦٦٦،٠٠٠؛ نمک ٢،٥٨٨،٠٠٠؛ فسفات ١،١٦٥،٠٠٠ تن

تولیدات صنعتی(۲۰۰۰-۱۹۹۹): سیمان ٢٦،٠٠٠،٠٠٠ تن؛ کودهای ازته ١،٥٥٠،٠٠٠ تن؛ شکر ١،٢٨٥،٠٠٠ تن؛ نخ پنبه‌ای ٢٨٠،٠٠٠ تن؛ یخچال ٥٨٥،٠٠٠ دستگاه؛ اتومبیل ٤٨،١٦٧ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٥٠،٢٥٨،٠٠٠،٠٠٠ کیلووات ساعت (٥٠،٢٥٨،٠٠٠،٠٠٠)؛ زغال‌سنگ(۱۹۹٥):؟ (١،٥٤٤،٠٠٠ تن)؛ نفت خام (۱۹۹۹): ٣٠٣،٥٧٦،٠٠٠ بشکه (٢١٠،٢٤٣،٠٠٠)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۹): ٢٨،٥٣٨،٠٠٠ تن (٢٣،٧٦١،٠٠٠)؛ گاز طبیعی (۱۹۹٥): ١٣،٥٦٨،٠٠٠،٠٠٠ مترمکعب (١٣،٥٦٨،٠٠٠،٠٠٠)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۲۰۰۰-۱۹۹۹): ١٨،٨١٨،٠٠٠ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٢٩/٧٪؛ میزان مشارکت (درسنین۱٥تا٦٤ ؛ ۱۹۹٥): ٤٩/٨٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤)؛ ٢٢٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹٥): ١٣/٥٪؛ ۱۹۹۹: ٨/٢٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹٥): کشاورزی ٢٩/٤٪؛ صنعت ١٨٪؛ خدمات ٥٢/٦٪

نیروی دفاعی: مدت‌نظام‌وظیفه:۳ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ٤٤٨،٥٠٠ نفر؛ نیروی زمینی ٧١/٣٪؛ نیروی هوایی ٤/١٪؛ نیروی هوایی (شامل دفاع هوایی) ٢٤/٦٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٣/٤ دلار

واردات(۱۹۹۹): ١٥،١٦٥ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٣٢/٧٪؛ مواد غذایی ٢١/٢٪؛ تولیدات آهنی و فولادی ٧/٧٪؛ کاغذ و چوب ٦/٢٪؛ مواد شیمیایی ٥/١٪؛ از کشورهای امریکا ١٤/٣٪؛ آلمان ٨/٦٪؛ ایتالیا ٦/٥٪؛ فرانسه ٤/٩٪

صادرات(۱۹۹۹): ٥،٣٢٧ میلیون دلار؛ شامل نفت و فرآورده‌های نفتی ٢٢/٩٪؛ نخ، منسوجات و پوشاک ٩/٧٪؛ کالاهای اساسی و فلزی ٩/٤٪؛ به کشورهای امریکا ١٢/٣٪؛ ایتالیا ٩/٩٪؛ هلند ٧٪؛ فرانسه ٣/٧٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
میلیون دلار	-٧،٥٩٧	-٨،٣٩٠	-٨،٦٣٢	-١٠،٢١٤	-٩،٩٢٨	-٨،٣٢١
درصد کل	٪٤٦/٣	٪٤٦/٧	٪٤٣/٩	٪٥٣/٧	٪٤٨/٧	٪٣٧/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	٧٩/٩	٨٦/٤	١٠٠	١٠٨/٣	١١٢/٨	١١٤/٤	١٢٠/٤	١٢٣/٧
شاخص درآمد یکساله	٨٦/٤	٩٣/٢	١٠٠	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸٦): ٤/٩ نفر؛ هزینه‌ها (۸۷-۱۹۸٦): غذا ٥٥/٧٪؛ پوشاک ١٠/٩٪؛ مسکن ١٠/٥٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ٢،٥٦٤ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ١،١٥٣ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٦٤،٠٠٠ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ٤،٨١٠ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ١،٣٥٤،٠٠٠ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٤٩٦،٠٠٠ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ٤٤٤ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ١١ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ١٧ روزنامه در ٢،٤٠٠،٠٠٠ نسخه (٣٨ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٢٥٨ عنوان در ٢،٣٧٣،٠٠٠ نسخه

کتاب: ٢،٢١٥ عنوان در ٩٢،٣٥٣،٠٠٠ نسخه (میانگین تیراژ ٤١،٦٩٤/٣ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٢٠،٥٠٠،٠٠٠ گیرندهٔ رادیویی (٣١٧ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٧،٩٠٠،٠٠٠ گیرندهٔ تلویزیونی (١٢٠ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٣،٩٧٢،٠٠٠ خط تلفن (٦٠ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٩١،٠٠٠ خط (١/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٦٠٠،٠٠٠ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ١٠٠،٠٠٠ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	١٨،٥٢٢	٣١٠،١١٦	٧،٤٩٩،٣٠٣	٢٤/١
متوسطه	٧،٣٠٧	٢٥٩،٦١٨	٤،٨٣٥،٩٣٨	١٨/٦
فنی و حرفه‌ای	١،٣٥١	١٣٨،٢٧٧	١،٩١٢،٠٤٠	١٣/٨
عالی	٦٨	٣٩،٥٧٨	٨٥٩،٨٠٧	٢١/٧

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٥١/٤٪؛ مردان: ٦٣/٦٪؛ زنان: ٣٨/٨٠٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ١٢٩،٠٠٠ نفر (هر ٤٧٢ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٤): ١١٣،٠٢٠ تخت (هر ٥١٥ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (٠/٠٣٪ افراد ۱٥ تا ٤٩ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٢١/٧ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ٣،٣٢٣ کالری (١٢٠٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٨٩ گرم؛ مصرف چربی: ٥٨ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ١/٨-٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٣/٢ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٩٨ میلیون تن؛ هر نفر ١/٥ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ٠/٦٢٣ (صد ونوزدهمین کشور جهان)

در ۱۸۷۴ مصر کلیهٔ سهام خود در کانال سوئز را که با مشارکت مصر و فرانسه طی سالهای ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۰ ساخته شد، به فروش رسانید تا بدهی‌های معوق خود را به انگلستان پرداخت نماید. توفیق پاشا از نوادگان محمدعلی پاشا که عنوان خدیو (نایب‌السلطنه) مصر را دارا بود به نظارت فرانسه و انگلستان بر امور دارایی و مالیهٔ مصر گردن نهاد (۱۸۷۹). مردم مصر که از نابسامانی‌های اقتصادی کشور به تنگ آمده بودند، سر به شورش برداشتند که به وسیلهٔ انگلستان و فرانسه سرکوب و خاموش گردیدند و انگلیسی‌ها اسکندریه را بمباران کردند و عملاً زمام امور مصر را در دست گرفتند. در جنگ جهانی اول مصر تحت‌الحمایهٔ انگلستان قرار گرفت و خدیو مصر را که ظاهراً از آلمان‌ها طرفداری می‌کرد، خلع نمود و حسین کامل را که از خویشاوندان خدیو مصر بود به خدیوی برگزید. پس از جنگ جهانی اول، ملّیون مصر به رهبری زغلول پاشا قیام کردند و استقلال مصر را در ۱۹۲۲ رسماً اعلام نمودند. نظام سلطنتی مشروطهٔ پارلمانی در مصر برقرار شد و فؤاد اوّل برادر حسین کامل به پادشاهی رسید. با این حال انگلیسی‌ها تا سال ۱۹۳۶ مصر را همچنان تحت‌الحمایهٔ خود داشتند. در آن سال مصر و انگلستان اعلام اتحاد نمودند.

در سال ۱۹۳۷ فاروق اوّل به سلطنت مصر رسید. وی مرد خودکامه‌ای بود و همواره بین حزب وفد که طرفدار محدود کردن قدرت شاه بود و ملک فاروق درگیری‌هایی وجود داشت. در جنگ جهانی دوم، انگلستان دفاع از مصر را بر عهده گرفت و به عنوان پایگاه‌نظامی انگلستان علیه نیروهای محور به کار گرفته شد. پس از پایان جنگ اختلاف میان مصر و انگلستان بر سر تخلیه مصر از قوای انگلیسی شدت گرفت و تلاش‌های مصر برای انضمام سودان به مصر بی‌نتیجه ماند. با پیدایش دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، احساسات ضد استعماری مردم مصر به اوج خود رسید. دولت مصر به اتفاق دیگر اعضای اتحادیهٔ عرب برای مبارزه با دولت نوبنیاد اسرائیل که اراضی فلسطینیان را غصب کرده بود، دست به جنگی نافرجام زدند و در مقابل نیروهای اشغالگر فلسطین متوقف شدند. ناکامی مصر در برابر دولت نوپای اسرائیل احساسات ملی مردم مصر را سخت برانگیخت و موج عظیمی از تظاهرات علیه دولت پادشاهی مصر سراسر کشور را در بر گرفت و مبارزات حزب وفد علیه سلطنت به اوج خود رسید. حزب وفد در سال ۱۹۵۰ برندهٔ اکثریت شد و دولتی تک‌حزبی تشکیل داد. ملک فاروق در سال ۱۹۵۲ کابینه را منحل کرد و بحران سیاسی کشور را فرا گرفت.

در ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ ژنرال محمد نجیب از گروه افسران آزاد ارتش مصر کودتا کرد و فاروق را وادار به کناره‌گیری نمود. در ۱۹۵۳ رژیم سلطنتی در مصر برافتاد و نظام جمهوری جایگزین آن شد و محمد نجیب به ریاست جمهوری مصر رسید. در ۲۵ فوریه ۱۹۵۴ نجیب از ریاست جمهوری استعفاء داد و سرهنگ جمال عبدالناصر به جای او به ریاست جمهوری رسید. عبدالناصر ساختمان سد عظیم اسوان را در درجهٔ اول اهمیت قرار داد و با همکاری اتحاد جماهیر شوروی ساختمان آن آغاز گردید. استقلال سودان در ژانویهٔ ۱۹۵۶ و شناسایی و رسمیت آن از سوی دول دیگر به ویژه انگلستان به ادعای مصر بر سودان پایان داد. نیروهای انگلستان در ژوئن ۱۹۵۶ کانال سوئز را تخلیه کردند و عبدالناصر این کانال را ملی اعلام نمود و کارمندان نفت و اعضای سفارت انگلستان در مصر را از کشور بیرون راند. سیاستهای ملی گرایانهٔ عبدالناصر، وی را رهبر بلامنازع جهان عرب نمود و به عنوان یکی از پایه گذاران جنبش غیر متعهدها شناخته شد. در اکتبر ۱۹۵۶ پس از ملی شدن کانال سوئز، نیروهای فرانسه و انگلستان و اسرائیل به مصر حمله کردند. دولت میان مردم غیر نظامی اسلحه توزیع نمود و آنان را به مقاومت در مقابل یورش بیگانگان تشویق کرد. سازمان ملل متحد و امریکا و اتحاد شوروی نیروهای متجاوز را مورد انتقاد قرار دادند و آنها را برای تخلیهٔ کانال و اراضی اشغال شده تحت فشار قرار دادند و کانال سوئز بطور کامل در کنترل دولت مصر قرار گرفت. در فوریهٔ ۱۹۵۸ مصر و سوریه متحد شدند و جمهوری متحدهٔ عرب را تشکیل دادند. در مارس ۱۹۵۸ یمن نیز به اتحادیهٔ مزبور پیوست و کشورهای متحد عرب تشکیل گردید.

در سپتامبر ۱۹۶۱ سوریه به دلیل مسائل داخلی از اتحادیهٔ مزبور کناره گرفت. ناصر پس از آن که در ۱۹۶۵ مجدداً به ریاست جمهوری انتخاب شد. تمام تلاش خود را برای مبارزه با اسرائیل به کار گرفت. در مه ۱۹۶۷ و در آغاز جنگ معروف شش روزه، ناصر خلیج عقبه را بر روی کشتیهای اسرائیل بست، ولی در نهایت با شکست اعراب و تصرف باریکهٔ غزه و شبه جزیرهٔ سینا و اراضی کرانهٔ باختری رود اردن و ارتفاعات جولان در سوریه به وسیلهٔ اسرائیل پایان یافت. هزینهٔ جنگ مزبور اقتصاد ناتوان مصر را متزلزل کرد و تنها اتحاد جماهیر شوروی بود که آن را از خطر سقوط نجات داد. در ۱۹۷۰ جمال عبدالناصر درگذشت و انورسادات معاون وی و یکی از اعضای دست راستی حزب سوسیالیستی عرب به جای او به ریاست جمهوری رسید. وی آتش‌بس ۹۰ روزه‌ای را که ناصر پذیرفته بود، تمدید کرد و با اخراج کارشناسان روسی از مصر (ژانویهٔ ۱۹۷۲) روابط خود را با غرب بهبود بخشید و دولت امریکا به تقویت بنیهٔ مالی و نظامی مصر پرداخت.

در ۱۹۷۳ نیروهای مصری از کانال سوئز گذشتند و با تصرف دیوار دفاعی مشهور بارلو که ارتش اسرائیل در شرق کانال سوئز ایجاد کرده بود، جنگ دیگری میان اعراب و اسرائیل آغاز گردید. در این نبرد ابتدا مصری‌ها پیروز شدند ولی در مدت چند روز ورق برگشت و نیروهای رژیم اشغالگر فلسطین تمامی نواحی آزاد شده را مجدداً به اشغال خود درآوردند. افزایش قیمتها و بالا رفتن هزینه‌های جاری به نارضایی مردم مصر منتهی شد و تظاهرات سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ و شورش دهقانان علیه اصلاحات ارضی از جمله پی‌آمدهای آن بود. دیدار سادات در نوامبر ۱۹۷۷ از اسرائیل باعث خشم جهان عرب و اعتراض آنان علیه سیاست سادات گردید. امضاء پیمان کمپ‌دیوید در مارس ۱۹۷۹ صحرای سینا را به مصر بازگردانید و از آن به بعد مصر شدیداً به حمایت امریکا وابسته شد و در اکتبر ۱۹۸۱ سادات در مراسم سان و رژه نظامی به دست بنیادگرایان اسلامی کشته شد و معاون او حسنی مبارک به جای او ریاست جمهوری را بر عهده گرفت. در سال ۱۹۸۴ تغییراتی در سیاست خارجی مصر مشاهده شد و دولت مصر پیشنهاد نمود که هر تصمیمی که در زمینهٔ حل مسئلهٔ خاورمیانه گرفته می‌شود باید متضمن منافع مردم فلسطین نیز باشد. درآمد کشور مصر از چهار منبع تأمین می گردد. نفت، کارگران مشغول به کار در کشورهای دیگر، حق‌العبور کشتی‌ها از کانال سوئز و گردشگری. از سوی دیگر بنیادگرایان اسلامی که در صحنهٔ سیاست کشور از قدرت زیادی برخوردارند، همواره دولت را به زیر سئوال برده و سیاستهای آن را مورد نکوهش قرار داده‌اند.

در انتخابات پارلمانی آوریل ۱۹۸۷ حزب دموکراتیک‌ملی، ۷۵ درصد آراء را به دست آورد. در نشست سپتامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مبارک نقش ارتباطی میان کشورهای عرب و امریکا را عهده‌دار گردید و در اکتبر همان سال روابط مصر و لیبی مورد تجدید نظر قرار گرفت. در دههٔ ۱۹۸۰ مهاجرت به کشورهای حوزهٔ خلیج فارس به طور چشمگیر افزایش یافت تا جایی که ۶۰ درصد جمعیت بعضی روستاها خانه و زندگی خود را به قصد یافتن کار در کویت و لیبی ترک کردند. با حملهٔ عراق به کویت در ماه اوت ۱۹۹۰، مصر جزء آن دسته از کشورهایی بود که عمل عراق را مورد نکوهش قرار داد و نیرو به منطقهٔ خلیج فارس اعزام نمود. سیاست هماهنگ شدهٔ مصر با غرب در بارهٔ جنگ خلیج فارس با موافقت اکثر مردم مصر روبرو نگردید و تظاهرات خیابانی مردم، راه حل صلح‌آمیز و جلوگیری از برخوردهای نظامی را پیشنهاد کرد. حملهٔ عراق به کویت حدود ۲ میلیون کارگر مهاجر را که سالها در صنعت نفت کویت مشغول کار بود، بیکار کرد و بر مشکلات اقتصادی مصر که بیشترین سهم کارگران مهاجر را دارا بود، افزود در مه ۱۹۹۱ صندوق جهانی پول با پرداخت ۳۷۲ میلیون دلار به مصر موافقت کرد. در مه ۱۹۹۱ عصمت عبدالمجید وزیر خارجهٔ مصر به دبیرکلی اتحادیهٔ عرب منصوب شد و بدینسان ستاد اجرایی اتحادیهٔ مزبور به قاهره منتقل شد و مصر که پس از امضای معاهدهٔ کمپ‌دیوید در جهان عرب منزوی شده بود، مجدداً به مرکز دنیای عرب مبدل گردید. تشدید فعالیت اسلام گرایان مصری، دولت را ناگزیر به واکنش‌های شدید و گذرانیدن قوانین خاص برای مبارزه با خشونت آنان واداشت. طبق آمار دولت مصر، حاصل عملیات مبارزه‌جویانه اسلام گرایان بین فوریهٔ ۱۹۹۲ تا اوت ۱۹۹۳، صدوهفتادوپنج کشته بوده است. هزاران نفر از اسلام گرایان در ژوئیهٔ ۱۹۹۳ دستگیر شده و ۱۵ تن از آنان به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

در اکتبر سال ۱۹۹۳ زمانی که مبارک برای بار دیگر به ریاست جمهوری منصوب شد به قلع و قمع مخالفان و مبارزان اسلامی ادامه داد و برای حفظ جان گردشگران تدابیر امنیتی سختی را به مورد اجرا گذارد. در مه ۱۹۹۴ مبارک برای گفتگو با مخالفان خود غیر از کمونیست‌ها و اخوان‌المسلمین و اقلیت قبطی، کمیته‌ای را مأمور نمود. موقعیت ممتاز مصر به عنوان مرکز جهان عرب، کنفرانس دسامبر ۱۹۹۴ سران کشورهای مصر، عربستان سعودی و سوریه در اسکندریه برای مذاکرات صلح خاورمیانه را به همراه آورد و در فوریه ۱۹۹۵ کنفرانسی از سران اردن، اسرائیل، مصر و فلسطین در قاهره تشکیل گردید.

در سال ۱۹۹۵ مبارک که از مبارزه علیه اسلام گرایان درمانده بود، به وزارت کشور دستور داد تا ضمن گفتگو با دیگر کشورهای عرب، نسبت به یافتن راه حل واحدی برای مبارزه با اسلام گرایان اقدام نماید. در ژانویه ۱۹۹۶ مبارک، کمال‌الغنصوری را به نخست‌وزیری منصوب نمود و عاطف صدقی را از مقام خود برکنار نمود.

حملات اسلام گرایان به مواضع دولتی طی سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ همچنان ادامه یافت و فشار و سختگیریهای دولت علیه آنان و حتی اخوان‌المسلمین متقابلاً تشدید گردید. در نوامبر ۱۹۹۷ گروهی مرکب از ۱۷ بنیادگرای اسلامی ۶۰ نفر جهانگرد خارجی را در اقصر کشتند.

در انتخابات ریاست جمهوری سپتامبر ۱۹۹۹ حسنی مبارک برای چهارمین بار به ریاست جمهوری رسید و در سی‌ام اکتبر یک هواپیمای مسافری مصری در آسمان امریکا منفجر شد و همهٔ ۲۱۷ سرنشین آن کشته شدند.

حسنی مبارک رئیس جمهور مصر در طی سال‌های اخیر تلاش زیادی به عمل آورده تا روند صلح بین فلسطین و اسرائیل را پیش ببرد و چندین نشست مشترک یا جداگانه با رهبران دو طرف در مصر برگزار نموده است. پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر، مبارک ضمن محکوم نمودن آن و حمایت از اقدامات دولت امریکا در مبارزه علیه تروریزم، از این کشور خواست که این مبارزه به سایر کشورها و جنبش‌های آزادی‌خواه تسری نیابد.

مغرب MOROCCO

کشور مغرب یا مراکش در شمال غربی قارهٔ افریقا و جنوب تنگهٔ جبل طارق و ساحل اقیانوس اطلس جای دارد. این کشور از شمال به انتهای غربی دریای مدیترانه، از خاور و جنوب خاوری به الجزایر، از جنوب به جمهوری صحرا و از غرب و شمال غربی به اقیانوس اطلس محدود است. رشته کوه‌های اطلس و ریف نواحی مرکزی و خاوری آن را زیر پوشش قرار داده و بلندترین نقطهٔ کشور که کوه طبقال نام دارد با ارتفاع ۴۱۶۵ متر در جنوب کشور و در ارتفاعات اطلس واقع است. جلگهٔ ساحلی به درازای حدود ۸۰۰ کیلومتر در کنار اقیانوس اطلس، نواحی غربی آن را تشکیل داده و انگور، مرکبات، سبزیجات، غلات و میوه از عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن است. دامنهٔ کوههای اطلس و ریف را بادیه‌نشینان و بربرها برای زندگی برگزیده‌اند و با پرورش دام و چهارپایان روزگار می‌گذرانند. معادن عمدهٔ کشور که فسفات، روی و سرب است در کوههای اطلس جای دارند. صید ماهی که غالباً به وسیلهٔ ناوگان صیادی بیگانگان در آبهای ساحلی کشور انجام می‌شود، از جمله منابع مهم درآمد کشور به شمار می‌رود. اقلیم مغرب در نواحی کوهستانی معتدل و مرطوب و در سایر نواحی گرم و خشک و یا مرطوب است و رودخانه‌های ام‌الربیع، درعه، ملویه، سوس و سبو از مهمترین رودهای آن هستند. پیرامون شهرهای مغرب را اکثراً کلبه‌نشینان و آلونک‌نشینان اشغال کرده و چهرهٔ نازیبائی را ایجاد کرده‌اند. شمار آلونک‌نشینان در بعضی شهرها به بیش از ۷۰۰,۰۰۰ تن می‌رسد. جمعیتی این چنین انبوه که با فقر و تنگدستی بسیار روزگار می‌گذرانند، حومهٔ شهرها را آلوده کرده و بهداشت محیط را مورد تهدید قرار داده‌اند. دو منطقه کوچک جدا از هم در سواحل دریای مدیترانه، یعنی ملیله و سبته (سئوتا) توسط کشور اسپانیا اداره می‌شود.



تاریخچه

مغرب که مهد دو امپراتوری افریقای شمالی به نام موحّدون و مرابطون بوده، به دلیل دارا بودن شرایط خاص جغرافیائی یکی از مراکز قدرت افریقای شمالی محسوب می‌شده و مدت‌ها شبه جزیره ایبری را در کنترل خود داشته است. مغرب نزدیک‌ترین فاصلهٔ قارهٔ افریقا تا اروپا را از راه تنگهٔ جبل طارق داراست و پیوند نزدیک آن با اسپانیا به ویژه در روزگار خلفای اسلامی به نفوذ فرهنگ اسلام در اسپانیا منجر شد. اما از اواخر قرن سیزدهم قدرت مغرب در اسپانیا رو به افول گذاشت و در نهایت نفوذ اسپانیا به مغرب آغاز شد. در سال ۱۴۱۵ اسپانیائی‌ها بندر سبته و در ۱۴۷۱ طنجه را تصرف کردند و با استقرار پایگاه دریائی در طنجه و جبل طارق ارتباط میان اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه را تحت کنترل خود درآوردند و موجبات افول اقتصادی مغرب را فراهم آوردند.

مغرب برخلاف الجزایر و تونس از تسلط رسمی ترکان عثمانی نسبتاً در امان ماند و خودمختاری نسبی خود را تا حدود سدهٔ بیستم میلادی حفظ کرد و به مبارزان الجزایری که علیه استعمارگران فرانسوی می‌جنگیدند کمک نمود و در نتیجه پای فرانسویان را به انگیزهٔ تلافی و گوشمالی دولت محلی به مغرب باز کرد. در سال ۱۹۱۲ موافقت‌نامهٔ فاس کشور مغرب را میان فرانسه و اسپانیا تقسیم نمود.

کوهستان ریف و سواحل شمالی آن، به انضمام ناحیه ایفنی در جنوب غربی مغرب به اسپانیا واگذار شد. بقیه خاک مغرب تحت‌الحمایه فرانسه شد و سلطان مغرب حضوری صوری یافت. طبق همین موافقت‌نامه، بندر طنجه به صورت یک بندر بین‌المللی و آزاد درآمد. تجزیهٔ مغرب خشم ملّیون را برانگیخت و کوهستان ریف به مرکز مقاومت علیه استعمارگران مبدل شد. در سال ۱۹۱۵ اسپانیائی‌ها عبدالکریم ریفی رهبر مسلمانان شورشی را دستگیر کردند ولی کوتاه زمانی بعد آزاد گردید و دوباره به استقلال‌طلبان پیوست و علیه اروپائیان به جنگ و مبارزه پرداخت. در پایان جنگ جهانی اول، اسپانیا به ناحیهٔ کوهستانی ریف حمله‌ور شد و نواحی وسیعی را متصرف گردید. انقلابیون به رهبری عبدالکریم ریفی به حمله متقابل پرداختند و ضمن پیروزیهایی که به دست آوردند، در سپتامبر ۱۹۲۱ اعلام استقلال نمودند و عبدالکریم ریفی را به ریاست جمهوری ریف برگزیدند. طرح جمهوری ریف مورد مخالفت فرانسه و انگلستان قرار گرفت و جنگهای گسترده‌ای میان استقلال طلبان و اسپانیائی‌ها آغاز گردید.

شورشیان در آغاز به پیروزیهائی دست یافتند و موجبات نگرانی فرانسویان را فراهم آوردند و نیروهای مجهز فرانسوی برای سرکوبی استقلال‌طلبان به سوی کوهستان ریف روانه شدند. اسپانیائی‌ها نیز از فرصت استفاده کردند و در سال ۱۹۲۵ بر مبارزان ریفی تاختند و ضمن قتل عام استقلال‌طلبان، انقلاب را به شدت سرکوب کردند و رهبران آن را دستگیر نمودند و عبدالکریم ریفی را به جزیرهٔ رئونیون واقع در اقیانوس هند تبعید کردند. وی در سال ۱۹۴۷ از تبعیدگاه خود گریخت و به مصر پناهنده شد و در سال ۱۹۵۸ از سوی شاه مغرب لقب قهرمان ملی گرفت.

نهضت‌های استقلال‌طلبانه همچنان ادامه یافت تا سرانجام فرانسه در سال ۱۹۵۶ با استقلال مغرب تحت تصرف خود موافقت کرد و حکومت محمدابن یوسف به نام سلطان محمد پنجم بر آن رسمیت یافت. کمی بعد در همان سال دولت اسپانیا نیز عمدهٔ نواحی تحت تصرف خود را به دولت مغرب واگذار نمود. حسن دوم که با درگذشت پدرش در سال ۱۹۶۱ به سلطنت رسید، روند نوین‌سازی کشور را سرعت بخشید و خارجیان را به سرمایه‌گذاری در کشور تشویق کرد. در سال ۱۹۶۵ مهدی بن برکه، یکی از سرسخت‌ترین مخالفان سلطان، به دستور ملک حسن دوم دستگیر و کشته شد. قتل وی با واکنش شدید مردم و اعتراض دولت فرانسه که او را از پاریس ربوده بودند، روبرو گردید و روابط مغرب و فرانسه رو به تیرگی نهاد و قطع گردید. ملک حسن پارلمان مغرب را که گروهی از هواداران بن‌برکه در آن عضویت داشتند، منحل کرد و روابط خود را با کشورهای غربی بهبودبخشید و از کشورهای تندروی عرب دوری گرفت. کودتاهای سال ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ که ظاهراً از سوی قذافی رهبر لیبی حمایت می‌شد، منجر به شکست شد و روابط مغرب و لیبی نیز تیره گردید.

در سال ۱۹۷۴ پادشاهی مغرب با طرح خودمختاری و استقلال صحرا از سوی اسپانیا مخالفت کرد و مالکیت صحرا را ادعا نمود و با ایجاد راهپیمائی معروف به سبز که در آن حدود ۳۵۰,۰۰۰ غیر نظامی مغربی شرکت کرده بودند، تصرف صحرا را طرح‌ریزی کرد و با جبههٔ پولیساریو که خواهان استقلال صحرا بود، به مبارزه برخاست. اسپانیا با خواسته‌های دولت مغرب موافقت کرد و دوسوم ناحیهٔ مزبور را به مغرب و بقیه نواحی جنوبی آن را به موریتانی واگذار نمود. این عمل با مخالفت الجزایر که خواهان استقلال صحرا بود، روبرو شد و نبرد میان جبههٔ پولیساریو و نیروهای مسلح مغرب و موریتانی شدت یافت. جبههٔ پولیساریو که از سوی الجزایر پشتیبانی می‌شد قسمت اعظم صحرا را تصرف کرد و موجودیت جمهوری دموکراتیک عربی صحرا را اعلام داشت و بلافاصله از سوی الجزایر به رسمیت شناخته شد و موجبات تیرگی و قطع روابط دیپلماتیک میان الجزایر و مغرب را فراهم کرد و بخشهائی از صحرا ضمیمهٔ خاک مغرب گردید. در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ نیروهای مغرب بنا به توصیهٔ سازمان ملل متحد و بنا به درخواست موبوتو به زئیر(جمهوری دموکراتیک کنگو) اعزام گردید.

با تأیید مذاکرات کمپ دیوید از سوی ملک حسن دوم، و قطع کمک‌های اقتصادی عربستان سعودی در اعتراض به این مسئله، بحران اقتصادی و سیاسی عمیقی در کشور شروع به خودنمائی کرد و در ۱۹۷۹ دانشجویان و کارگران راهپیمائی و تظاهرات وسیعی در شهرهای مغرب برپا کردند و از سوی دیگر عقب‌نشینی و تخلیه صحرا از نیروهای موریتانی، مغرب را در میدان مبارزه علیه ملّیون صحرا تنها گذارد و هزینهٔ سنگینی را بر بودجهٔ کشور تحمیل نمود. خشکسالی سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ و کمبود مواد غذائی، دولت را وادار به وارد نمودن مواد غذائی از خارج کرد و میزان بدهی‌های خارجی مغرب را به نسبت قابل توجهی افزایش داد. شرایط نامساعد بالا زمانی رو به وخامت بیشتر گرائید که گروههای میانه‌رو نیز به صف مخالفان پیوستند و بر انبوه تظاهرکنندگان خیابانی و ناراضیان افزودند. در ژوئن ۱۹۸۱ تظاهرات شهر دارالبیضا(کازابلانکا) از سوی پلیس به خون کشیده شد و به گفتهٔ پلیس ۶۰ کشته



نام رسمی: پادشاهی مغرب

نام محلی: المغرب

اسامی دیگر: مراکش

پایتخت: رباط (۱،۳۸۵،۸۷۲ نفر در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹۵٦/۳/۲، از فرانسه و اسپانیا

روز ملی: سوم مارس، سالروز تاجگذاری ملک حسن دوم

نوع حکومت: مشروطه سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۲

رئیس حکومت: پادشاه: ملک محمد ششم، از سال ۱۹۹۹

رئیس دولت: نخست‌وزیر: دریس جتو، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲ با تغییراتی در سال ۱۹۹۹؛ مجلس ملی با ۳۲۵ عضو به مدت ٥ سال و مجلس سنا با ۲۷۰ عضو؛ با انتخابات غیر مستقیم به مدت ۹ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی(۲۰۰۲): اتحاد سوسیالیستی نیروهای مردمی ٥۰ کرسی، حزب استقلال ٤۸، حزب عدالت و توسعه ٤۲، مجمع ملی مستقلها ٤۱، جنبش مردمی ۲۷، جنبش ملی مردمی ۱۸، اتحادیه قانون اساسی ۱٦، حزب دموکراتیک ملی ۱۲، جبهه نیروهای دموکرات ۱۲، بقیه ٥٤ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵٦)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاIآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف،ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ٤٥۸،۷۳۰ کیلومترمربع (پنجاه و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۸،٤۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (سی و هفتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٦۱/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۱/۸٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۳۸/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۹ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٥٤٪ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۲/۹٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ۳٥/۷٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۸/۹٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲۸/۱٪؛ بالای ٦۰ سال ۷/۳٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/۸۹٪؛ زن ٥۰/۱۱٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۱/۱ سال؛ مردان ٦٦/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲٥/۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان‌درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٥۱/٦ نفر — **رشدطبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۹/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر (۱۹۸۹): (بر اساس میزان مرگ و میر ثبت شده در مناطق شهری): بیماریهای دوران کودکی ۲۲/۹٪؛ بیماریهای گردش خون ۱٥/٤٪؛ حوادث ۷/۳٪؛ بیماریهای عفونی و انگلی ٦/۳٪؛ سرطان ٥/٦٪

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۳۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۵): عرب ٦٥٪ ؛ بربر ۳۳٪؛ بقیه ۲٪

دین(۲۰۰۰): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان (عمدتاً سنی) ۹۸/۳٪ ؛ مسیحی ۰/٦٪ ؛ بقیه ۱/۱٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)، فرانسوی، بربر؛ خط: عربی، لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٤): دارالبیضا (کازابلانکا) ۲،۹٤۰،٦۲۳ نفر؛ فاس ۷۷٤،۷٥٤؛ مراکش ۷٤٥،٥٤۱؛ وجده ٦۷۸،۷۷۸؛ اغادیر ٥٥۰،۲۰۰؛ مکناس ٥۳۰،۱۷۱، طنجه ٥۲٦،۲۱٥؛ قنیطره ٤٤۸،۷۸٥؛ بنی‌ملال ۳۸٦،٥۰٥ نفر

بنادر مهم: طنجه (تنگه جبل‌طارق)؛ دارالبیضا و قنیطره (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: درهم مغرب (DH)= ۱۰۰ سانتیم (فرانک مغرب)؛ یک دلار = ۱۰/۹۸ درهم؛ یک درهم = ۷۲۸/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۷۹،۷٤۷ میلیون درهم؛ مالیات بر درآمد و سود ۲٥/۲٪؛ مالیات بر ارزش افزوده ۲۲/۷٪؛ مالیات بر مصرف ۱۷/۹٪؛ معاملات بین‌المللی ۱٥٪؛ مالیات تمبر ٤/٤٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۸٦،۰٥۸ میلیون درهم؛ هزینه‌های جاری ۷۸/۷٪ (شامل دستمزدها ۳۹/۷٪؛ پرداخت بدهی‌ها ۲۰/۱٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۲۱/۳٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳۳،۷۱٥ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۲٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٤/۲٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/٦٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱٦/٦٪؛ صنعت ۳۲٪؛ خدمات ٥۱/٤٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲۰۳ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۲٥۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۱۷،۲۸٤ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٥۲۸/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱٤/۷٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳/٥٪؛ ۱۹۹۸: ۰/۷٪ ؛ ۲۰۰۰: ۱/٤٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): چغندرقند ۳،۲۲۳،٤۰۰ تن؛ گندم ۲،۱٥۳،٥٤۰ تن؛جو ۱،٤۷۳،۹۸۰ تن؛ نیشکر ۱،۳۷۲،۹۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱،۱٤۰،۷۸۰ تن؛ پرتقال ۸۷۳،٥۰۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ۸٥۷،٤۱۰ تن

کاربری زمین : کشاورزی ۲۱٪؛ مرتع و چمنزار ٥۰/٦٪؛ جنگل ۱٥٪؛ سایر موارد ۱۳/٤٪

تعداددام‌زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱٦،٥۷٦،٤۰۰رأس؛بز ٥،۱۱٤،٤۰۰؛گاو ۲،٥٥۹،۸۰۰ ؛ الاغ ۹۷۹،۸۰۰؛ اسب ۱٥۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،۷٤٦،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٦۲٥،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۸۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): سنگ‌فسفات ۲۰،۷۹۲،۰۰۰ تن؛ باریت ۲۸۳،۰۰۰؛ روی ۱٥۲،۰۰۰؛ سرب ۱۰۸،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده تولیدات): مواد غذایی ۳۹،۲۸۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم؛ تولیدات شیمیایی ۱۳،٥۰۸،۰۰۰،۰۰۰ درهم؛ منسوجات ۱۲،۳۹۲،۰۰۰،۰۰۰ درهم

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱۲،۱۷۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۳،۲۲۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ٥۰٤،۰۰۰ تن (۲،٦٤۹،۰۰۰)؛ نفت خام: ۳۰،٤۰۰ بشکه (٤٥،٦۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ٥،۱۱۲،۰۰۰ تن (٥،۸۸۸،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲۰،۳۹۹،۰۰۰ مترمکعب (۲۰،۳۹۹،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ٥،۱۳۷،٥۳۹ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳٤/٤٪؛ میزان مشارکت (۱٥ سال به بالا): ٤۸/۱٪؛ زنان(۱٥ سال به بالا): ۲۳/۸٪؛ میزان بیکاری: ۱۹٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۳): کشاورزی ۳٤٪؛ صنعت ۳۱٪؛ خدمات ۳٥٪

نیروی دفاعی: مدت‌نظام‌وظیفه: ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۱۹۸،٥۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۸/۲٪؛ نیروی دریایی ٥٪؛ نیروی هوایی ٦/۸٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٤۹ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۹٥،٥۷۷ میلیون درهم؛ شامل (۱۹۹٦): کالاهای سرمایه‌ای ۲۳/٥٪؛ غذا و نوشیدنی و دخانیات ۱۷/۱٪؛ فرآورده‌های سوختی ۱۷٪؛ کالاهای مصرفی ۱٤/٦٪؛ از کشورهای (۱۹۹٦): فرانسه ۲۰/۸٪؛ اسپانیا ۸/۸٪؛ امریکا ۷/٤٪؛ آلمان ٦/۱٪

صادرات(۱۹۹۹): ۷۲،۲۸۳ میلیون درهم؛ شامل (۱۹۹٦): مواد غذایی ۳۱/٦٪؛ کالاهای مصرفی ۲۳٪؛ مواد معدنی ۱۱٪؛ به کشورهای (۱۹۹٦): فرانسه ۲۸/۳٪؛ اسپانیا ۹/۹٪؛ ژاپن ٦/۹٪؛ هند ٦/۳٪؛ ایتالیا ٦/۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
میلیون درهم	-۲۳،۳٥۳	-۱۹،۹۸۱	-۱۷،۸۳۰	-۱٦،۳۹۸	-۲۱،۳۰٦	-۲۳،۲۹٤	-۲٥،۱۷٤
درصد کل	۲٤/۱٪	۱٤/٥٪	۱۲/۹٪	۱۰/۹٪	۱۳/۳٪	۱۳/۹٪	۱٤/۸٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٤/۲	۱۰۰	۱۰۳	۱۰۳/۹	۱۰٦/۹	۱۰۷/٦	۱۰۹/۷
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ٥/۷ نفر؛ هزینه‌ها (۱۹۹٤): غذا ٤٥/۲٪؛ مسکن ۱۲/٥٪؛ حمل و نقل ٦/۷٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱،٤٤۹ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۳۱٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٥۷،۸۱۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۱،۷٦۸ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱،۰۱۸،۱٤٦ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۲۷۸،۰۷٥ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ٤۹۲ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱۱ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۲۲ روزنامه در ۷۰٤،۰۰۰ نسخه (۲۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۹۱۸ عنوان در ۱،۸۳٦،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۲،۰۰۰ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٦،٦٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲٤۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤،٥۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱٦۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱،٥۱٥،۰۰۰ خط تلفن (٥٥ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۱۷،۰۰۰ خط (٤/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ٤۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٥،۸۰٦	۱۱٤،٤۰٦	۳،۱٦۰،۹۰۷	۲۷/٦
متوسطه	٤٥۱	۸٤،۲۰۲	۱،۳٤٥،٥۸۹	۱٦
فنی و حرفه‌ای	٥٦۲	؟	۹٦،٤٦۰	؟
عالی	۱۳	۱۳،۱٥٥	۳۱،۷٤۳	۱۱

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٤۳/۷٪؛ مردان: ٥٦/٦٪؛ زنان: ۳۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال (۱۹۸۲): ابتدایی ٤۷/۸٪؛ متوسطه ۳/۸٪؛ عالی ۰/٦٪

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۸،۸۳۸ نفر (هر ۲،۹۲۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٤): ۲٦،٤۰۷ تخت (هر ۹۷۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۰۳٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰۹/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،۰۱۰ کالری (۱۲٤٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۸۲ گرم؛ مصرف چربی: ٦۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۳٪ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/۳٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲/۳ کیلوگرم برای هر نفر

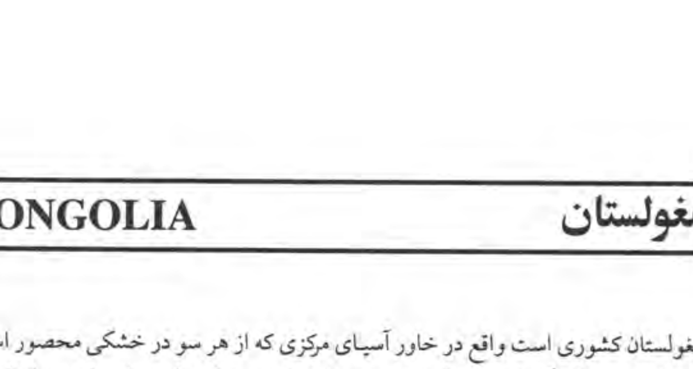
تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲۷/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٥۸۹ (صد و بیست و چهارمین کشور جهان)

و به روایت مخالفان ۶۳۷ کشته به جای گذارد و دو هزار تن دستگیر شدند. در همین اوان مخالفت‌های عمومی با حضور مغرب در صحرا نیز شدت گرفت و برخی از احزاب با توجه به هزینهٔ سنگین حفاظت از صحرا خواستار خروج نیروهای این کشور از صحرا شدند. با گسترش درگیریها و اختلافات به درون ارتش، بحران اجتماعی به اوج خود رسید به ویژه هنگامی که ژنرال احمد دلیمی رئیس ستاد ارتش مغرب که گفتگوهای محرمانه‌ای با کشورهای اروپایی درباره خاتمه بخشیدن به جنگ صحرا برگزار کرده بود، به طرز مشکوکی به قتل رسید.
فعالیتهای بنیادگرایان اسلامی که بر شمارشان و دامنهٔ فعالیتشان در دنیای عرب و اسلام روزبروز افزوده‌تر می گردید، موجبات وحشت ملک حسن دوم را فراهم آورد و عملیات سرکوبگرانهٔ خود را افزایش داد. دیدار ملک حسن دوم و خوآن کارلوس پادشاه اسپانیا در سال ۱۹۸۷ در بارهٔ سرنوشت ملیله و سبته بی‌نتیجه ماند و اسپانیا همچنان بر مالکیت آنها اصرار ورزید. در ۱۹۸۸ روابط مغرب و الجزایر پس از ۱۲ سال دوباره برقرار شد و خط لوله‌ای که نفت الجزایر را از راه تنگهٔ جبل‌طارق به اسپانیا و اروپا منتقل می‌کرد دوباره دایر شد و الجزایر نیز در مورد عدم حمایت از جبههٔ پولیساریو قول مساعد داد. در ۱۹۹۱ سازمان ملل متحد پیشنهاد نمود تا ضمن برگزاری یک همه‌پرسی نسبت به استقلال و تمامیت ارضی صحرا اقدام گردد. این پیشنهاد با نظر مساعد مغرب روبرو نگردید ولی آتش‌بس و صلح موقت میان نیروهای مغربی و جبههٔ پولیساریو برقرار شد.
در اوت ۱۹۹۲ ملک حسن دوم عزالدین لرکی نخست‌وزیر را از مقام خود معزول کرد و محمد کریم لمرانی را به نخست‌وزیری برگزید. وی نیز در مه ۱۹۹۴ جای خود را به عبداللطیف فیلالی واگذار نمود. در ۱۹۹۶ قانون اساسی کشور مورد تجدید نظر قرار گرفت و مغرب دارای دو مجلس قانونگذاری گردید ولی قدرت انحلال مجلس‌های مزبور همچنان در دست ملک حسن باقی ماند. در ۱۹۹۷ مغرب از سوی سازمان ملل متحد و دولت امریکا تحت فشار قرار گرفت تا ضمن مذاکره با جبههٔ پولیساریو به راه حل صلح‌آمیزی برای مسئلهٔ صحرای غربی دست یابند. در فوریهٔ ۱۹۹۸ عبدالرحمان یوسفی از سوی ملک حسن دوم به نخست‌وزیری مغرب منصوب گردید. در ژوئیه سال ۱۹۹۹، ملک حسن دوم پادشاه مغرب درگذشت و پسرش، ملک محمد ششم جانشین وی گردید. در اولین نطق خود، وی قول داد نابرابری‌های اجتماعی را از میان بردارد و مشکلات عدیده سیاسی و اجتماعی را مرتفع سازد. در اولین اقدام، وی ۸۰۰ زندانی سیاسی را آزاد نمود و در سال ۲۰۰۰ نیز تعداد بیشتری را به مناسبت عید فطر آزاد کرد. در سال ۲۰۰۱ جیمز بیکر، وزیر خارجه اسبق امریکا و نمایندهٔ ویژه سازمان ملل متحد در مورد منازعه صحرا، طرحی را شامل یک دورهٔ ۵ ساله خودمختاری نسبی و محدود برای مردم صحرا و برگزاری رفراندوم در پایان این دوره ارائه کرد که دولت مغرب از آن استقبال نمود، اما جبهه پولیساریو آن را رد کرد.

مغولستان MONGOLIA

مغولستان کشوری است واقع در خاور آسیای مرکزی که از هر سو در خشکی محصور است و در میان کشورهای آسیایی، از نظر وسعت پس از ایران در ردیف هفتم جای دارد، و از شمال به روسیه و از خاور و جنوب و غرب به چین محدود است. این کشور که مغولستان خارجی را شامل می گردد (مغولستان داخلی که در جنوب همین سرزمین واقع است، به چین تعلق دارد)،



سرزمینی است نیمه کوهستانی. نواحی مرکزی آن را صحرای وسیع گُبی فرا گرفته که شمال و جنوب آن به علفزارهای پهناوری منتهی می گردد و ساکنان آن با پرورش سنتی دام و چهارپایان روزگار می‌گذرانند. بخش اعظم کوهستان آلتای با ارتفاع حداکثر ۴۳۷۴ متر (کوه کوئیتن - اول) نواحی غربی آن را در بر گرفته و مهمترین منابع زیرزمینی کشور را چون مس، قلع، فسفات، زغال‌سنگ و نفت در خود جای داده است.
اقلیم آن گرم و خشک است و رودخانه‌های، کرولن(۱۲۶۰ کیلومتر)، اورخون، سلنگا، جابخان و تولا از جمله مهمترین رودهای آن هستند. سرعت روند بیابان‌زایی و محدودیت منابع آب به ویژه در نواحی مجاور صحرای گُبی عمده‌ترین مسئلهٔ زیست‌محیطی مغولستان است.

تاریخچه

مغول‌ها یکی از مهمترین اقوام آسیای خاوری هستند و به تیره‌های مختلف و گویش‌ها و فرهنگ‌های گوناگون تقسیم می گردند. غالباً چادرنشین هستند و با احشام خود از گوشه‌ای به گوشهٔ دیگر کوچ می‌کنند. سنت دیرین آنها چنان حکم می‌کرد که قوی‌ترین طایفه بر دیگران حاکم باشد. سازمانهای اجتماعی و نظامی آنان بر حسب نیاز هر قبیله یا طایفه شکل گرفت و هر فردی که قادر به حمل اسلحه بود، می‌توانست به عنوان یک سرباز و جنگجو شناخته شود و حتی به مقام رئیس قبیله و بالاتر از آن هم برسد. احشام و زنان و اسیران حسب موقعیت‌های زمانی و ضرورت به وسیلهٔ قبیله غالب تصاحب می‌شدند و جزء اموال و ثروت آنان به شمار می‌آمدند. هرگاه قبیله‌ای آن چنان قوی می‌شد و به درجه‌ای از قدرت می‌رسید که چنگیزخان در سدهٔ سیزدهم به آن رسید، جنگجویانی را در دسته‌های ۱۰ و ۱۰۰ و ۱۰۰۰ و حتی ۱۰,۰۰۰ نفری سازمان می‌داد و آنان را به مأموریت‌های جنگی و قلع و قمع دشمنان و یا سرکوب قبایل یاغی اعزام می‌داشت.
اقوام شیونگ - نو یا به قولی هون‌ها را نخستین ساکنان درهٔ سلنگا که سیبری را به قلب آسیا می‌پیوندد به شمار می‌آورند. آنان در حدود سال ۴۰۰ پیش از میلاد در آن نواحی سکونت یافتند. زمانی که چین مقدمات اتحاد و یکپارچگی خود را فراهم می‌آورد و خاندان سلطنتی هان (از ۲۲۱ پیش از میلاد تا ۲۲۰ میلادی) دست به کار تأسیس امپراتوری خود بودند، هون‌ها امپراتوری قبیله‌ای بزرگ تأسیس نمودند و به تهدید مرزها و اراضی چین پرداختند. بعضی از قبایل جنوبی، چین را محاصره کردند و با تصرف قسمتهایی از خاک چین، در آن سکونت گزیدند و به مرور جذب جامعهٔ چین گردیدند. گروههای دیگر روانهٔ غرب شدند و به فرماندهی آتیلا تقریباً سراسر اروپا را به تصرف درآوردند و تا دروازه‌های گُل (فرانسه) و ایتالیا پیش رفتند. ترک‌ها که نوادگان هون‌ها بودند بر سراسر آسیای مرکزی و غربی و بخشهایی از اروپای خاوری تسلط یافتند و به کشاورزی و پرورش دام، به ویژه اسب‌های کوچک اندام پر توانی که جنگجویان را با زره و سلاح‌های سنگینشان به راحتی حمل می‌کرد، پرداختند.
واژهٔ مغول نخستین بار در نوشته‌ها و آثار به جای مانده از خاندان سلطنتی تانگ در چین دیده شده است. از آن زمان تا سدهٔ یازدهم، هنگامی که اقوام ختای یا قراختای به فرمانروایی منچوری واقع در چین شمالی به حکومت رسیدند، اثری از واژهٔ مغول دیده نمی‌شود. ختای‌ها خاندان لیائو را که از ۹۰۷ تا ۱۱۲۵ میلادی بر چین و مغولستان سلطنت کردند، تأسیس نمودند. خاندان لیائو که ظاهراً مغول‌تبار بودند، در ۱۱۲۵ میلادی به دست خاندان جورجن منقرض شدند و آنان نیز به دست خاندان چنگیزخان انقراض یافتند. تموچین که بعدها به چنگیزخان موسوم گردید، در سال ۱۱۶۲ میلادی به دنیا آمد و در ۱۲۰۶ فرمانروای بلامنازع اقوام مغول شناخته شد. وی نیروی نظامی عظیمی گرد آورد و رو به شرق به چین شمالی وارد گردید و به همراه ارتش‌عظیم خود از دیوار چین گذشت و در ۱۲۱۵ پکن را تصرف کرد و امپراتوری شین را منقرض نمود. در ۱۲۱۶ به مغولستان بازگشت و رو به غرب نهاد. نخست دولتهای آسیای مرکزی را مطیع خود کرد و با شکست دادن سلطان محمد خوارزمشاه بر ترکستان مسلط گردید و پس از تصرف ایران در سال ۱۲۲۷ درگذشت.
با مرگ چنگیزخان، امپراتوری او میان جانشینانش تقسیم گردید و رو به تجزیه نهاد. اوگتای یکی از جانشینانش که از ۱۲۲۹ تا ۱۲۴۱ سلطنت کرد، چین شمالی را تصرف کرد و کایفنگ پایتخت آن را تحت کنترل خود درآورد. باتوخان یکی دیگر از جانشینان چنگیزخان به جنوب روسیه حمله برد و در ۱۲۴۰ شهر کیف را تصرف نمود، سپس به لهستان تاخت و تا برسلاو پیش رفت و یکی از سرداران او قوای مجارستان را درهم شکست و تا قلب اروپا پیشروی کرد و بدینسان امپراتوری مغول از چین تا دانوب گسترش یافت. قوبیلای قاآن، از نوادگان چنگیزخان، سلسله یوآن را در چین پایه گذاری نمود که تا سال ۱۳۶۸ میلادی بر چین حکومت راندند. با روی کار آمدن خاندان مینگ در چین، نفوذ مغولان نیز در چین از میان رفت.
در حدود سال ۱۶۳۵ چین مغولستان داخلی را تصرف کرد و در اواخر سدهٔ هفدهم مغولستان خارجی نیز به اطاعت چین درآمد. در سال ۱۹۱۱ زمانی که دولت منچوکو در چین سقوط کرد، مغولستان اعلام استقلال نمود ولی بعداً به تحت‌الحمایگی چین درآمد و نظارت بر امور خارجی آن را روس‌ها بر عهده گرفتند. با وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه، چین مصمم به ضمیمه نمودن مغولستان به خاک خود گردید ولی با مخالفت و مداخلهٔ نظامی شوروی روبرو شد.



نام رسمی: دولت مغولستان

نام محلی: مونگول آرد اولس Mongol Ard Uls

اسامی دیگر: مغولستان خارجی (نام سابق)

پایتخت: اولان‌باتار (اولان باتور) ۷۳۹،۵۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰

تاریخ استقلال: ۱۹۲۱/۷/۱۱ ،از چین

روز ملی: یازدهم ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۲

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ناتساگین باگاباندی (حزب انقلاب مردم مغولستان)، از سال ۱۹۹۷ (دومین بار از ۲۰۰۱)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: نامبارین انخبایار (حزب انقلاب مردم مغولستان)، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲ ؛ مجلس کبیر خلق با ۷٦ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس کبیر خلق (۲۰۰۰): حزب انقلاب مردم مغولستان (حزب کمونیست سابق)۷۲ کرسی؛ حزب دموکراتیک ملی ۱ کرسی؛ اتحادیه میهنی ۱ کرسی؛ حزب سبزها ۱ کرسی و یک نماینده منفرد

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱،۵٦٦،۵۰۰ کیلومترمربع (هجدهمین کشور جهان)

جمعیت: ۲،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و سی و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱/۷ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۱/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳/۷ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤٤ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪٦۲/٤ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۲/۹

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪۳٤/٦؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۳۰/٦؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۹/۱؛ بالای ٦۰ سال ٪۵/۷

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۹/٦۰؛ زن ٪۵۰/٤۰ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۸ سال، مردان ٦۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۲/٤ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٦/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٤۹ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٦ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما بیشترین بیماریهای شایع در اوایل دههٔ ۱۹۹۰ به این شرح بوده است: بیماریهای سیستم قلبی؛ بیماریهای دستگاه تنفسی؛ بیماریهای عروق مغزی.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/۵ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۵۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۹): ۹/۷ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۰/۷ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۸۹): مغول خلخی ٪۷۸/۸؛ قزاق ٪۵/۹؛ مغول دوربد ٪۲/۷؛ بایاد ٪۱/۹؛ بوریاتی ٪۱/۷؛ داریگانگا ٪۱/٤

دین: بودایی (لامایی) ٪۹٦؛ مسلمان ٪٤؛ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: مغولی خلخی (زبان رسمی)؛ خط: سیریلی

شهرهای مهم(۱۹۹۹): دارخان ۷۲،٦۰۰ نفر؛ اردنه ٦۵،۷۰۰ نفر؛ چویبالسان ۳۸،۵۰۰ نفر؛ اولگی ۲۳،۷۰۰ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: توگریک (طغرق؛ Tug)= ۱۰۰ مونگو؛ یک دلار = ۱،۰۸٦ توگریک؛ صد توگریک = ۷۳٦/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۲٤۳،۵۰٤/٤ میلیون توگریک؛ مالیاتها ٪٦۷/۹(شامل مالیات بر فروش ٪۲۷؛ حق بیمه تأمین اجتماعی ٪۱۵/۳، مالیاتهای ویژه ٪۱۰/۲، مالیات بر درآمد ٪۸/۵، عوارض گمرکی ٪۳/۷)؛ درآمدهای غیر مالیاتی ٪۱۹/٤

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۳۳٤،٤۵۵/٤ میلیون توگریک؛ انتقالی به دولتهای استانی ٪۱۱/۲؛ سرمایه‌گذاری ٪۸/۸؛ دستمزد ٪۷/۵؛ دفاع ٪۵/۸؛ تأمین اجتماعی عمومی ٪۵/٦

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۹۹۵ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۰/۱

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۳۲/۸؛ صنعت ٪۲۷/٦؛ خدمات ٪۳۹/٦

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۱۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٦۳۳ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۰۳/۵+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲۰

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۷۸/۲ ؛ ۱۹۹۸: ٪۱۱/۵

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): گندم ۱۷۱،۵۲۰ تن؛ سیب‌زمینی ٦۳،۷٦۵ تن؛ سبزیجات و صیفی‌جات ٤٦،۵۲٤ تن

کاربری زمین (۱۹۹۸): کشاورزی ٪۰/۸؛ مرتع ٪۷٤/۸؛ جنگل و سایر موارد ٪۲٤/٤

تعداد دام زنده: گوسفند ۱٤،٦۹٤،۰۰۰ رأس؛ بز ۱۱،۰٦۲،۰۰۰؛ گاو ۳،۷۲٦،۰۰۰؛ اسب ۳،۰۵۹،۰۰۰ رأس؛ شتر ۳۵٦،۵۰۰ نفر

تولید چوب(۱۹۹۸): ٦۳۱،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱۸۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۷۲،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳٤۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): اسپات‌فلوئور ٦۱۲،۰۰۰ تن؛ مس ۳۵۸،٤۰۰ ؛ مولیبدن ٤،۲٤۰ تن؛ طلا ۹،۵۳۱ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده به میلیون توگریک): محصولات غذایی ۱۰،۲٦۱/۳؛ منسوجات ٦،۵۲۲/۸؛ نوشیدنی ۳،۳۱٦/٦ ؛ پوشاک ۲،۷۸۲/٦ ؛ فرآورده‌های معدنی غیر فلزی ۱،۷۰۸/۸ ؛ چرم و کفش ۱،۳۷٤/۱؛ محصولات چوبی ۸٤۷؛ کارهای چاپی ۸۳٤/۲؛ مواد شیمیایی ۷۲٤/۹

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۲،۵۸۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲،۹۷۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۵،۱۱۱،۰۰۰ تن (٤،۹۲۸،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (٥٤٤،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۸٤۰،۸۷۷ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳٦/۷ ؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ سال به بالا) ٪۵۹/۲؛ زنان (در سنین ۱۵ سال به بالا) ٪٤۸؛ میزان بیکاری ٪۵/۷

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٤۵/۹؛ صنعت ٪۱۸/۵؛ خدمات ٪۳۵/٦

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۹،۱۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۸۲/٤؛ نیروی هوایی ٪۱۷/٦؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۸ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۵۸۲/٤ میلیون‌دلار؛ شامل تجهیزات‌سرمایه‌ای٪۳۳/۵؛ انرژی ٪۱۵/۷؛ غذا ٪۱۳/۹؛ کالاهای مصرفی ٪۱۲/٦؛ مواد خام و لوازم یدکی ٪۱۰/۸؛ از روسیه ٪۲۹/۹؛ ژاپن ٪۱۱/۸؛ چین ٪۱۱/٦؛ کرهٔ جنوبی ٪۷/۵؛ امریکا ٪۷/۲؛ فرانسه ٪۵/۳؛ آلمان ٪۵/۱

صادرات(۱۹۹۸): ٤٦۲/۳ میلیون دلار؛ شامل مواد معدنی ٪۵۹؛ مواد نساجی ٪۱۳/۵؛ کالاهای ساخته شده از پشم، پوست و چرم ٪۵/۵ ؛ به چین ٪۲۹/۳؛ سوئیس ٪۲۰/٤؛ روسیه ٪۱۱/۸؛ کرهٔ جنوبی ٪۹/٦؛ امریکا ٪۸/۵

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	+۹۷/۷	+۵۸	-۲٦/٦	-۱٦/۸	-۱۵۸/۱	+۲٤٦/۹
درصد کل	٪۱۵/۹	٪٦/۵	٪۳	٪۱/۸	٪۱۸/٦	٪۱۳/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۳٤	٦۳/۸	۱۰۰	۱٤۹/۳	۲۰۳/۹	۲۲۳	۲۳۹/۹
شاخص درآمد ماهانه	؟	۵۹/۷	۱۰۰	۱٤٦/٤	۱۸۸/٤	۲۳٤/٤	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار: ٤/٤ نفر؛ درآمد هر خانوار: ٦۷،٤۲٦ توگریک (٦٦ دلار)؛ منابع درآمد: حقوق و دستمزد ٪۳٦/٤؛ پرداخت‌های انتقالی ٪۱۱/۷؛ کار آزاد ٪٤۱/۲؛ بقیه ٪۱۰/۷؛ هزینه‌ها: غذا ٪٤۱/۱؛ مسکن ٪۱۱/٤؛ پوشاک ٪۹/۷؛ آموزش ٪۷/۵؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۷/۱؛ مراقبت‌های بهداشتی ٪۳/٦

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد ۳۳ میلیون دلار؛ هزینه ٤۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۵۰،۰۰۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۹):** ۱،۸۱۵ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۹): ۳۹،۹۲۱ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۹):** ۳۱،۰٦۱ دستگاه

کشتی بالای صد تن: ندارد | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ٦۸،۰۰۰ نسخه (۲۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٤۵ عنوان در ٦،۳٦۱،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۲۸۵ عنوان در ۹۵۹،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۳،۳٦٤/۹ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳٦۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱٤۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱۵۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٦۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۹٦،۰۰۰ خط تلفن (۳۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۵،۳۰۰ خط (۲/۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۳،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۲۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۳۰۸	۷،۵۸۷	۲۳٤،۱۹۳	۳۰/۹
متوسطه	۳۳۷	۱۲،۵۰۳	۱۸٤،۱۰۰	۱٤/۷
فنی و حرفه‌ای	۳۸	٦٦۸	۱۱،۳۰۸	۱٦/۹
عالی	۸٦	٤،٤۹۱	٤٤،۰۸۸	۹/۸

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۸۲/۹؛ مردان: ٪۸۸/٦؛ زنان: ٪۷۷/۲

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال (۱۹۸۹): ابتدایی ٪۳۳/۷؛ متوسطه ٪۵۸/۲؛ عالی ٪۸/۱

تعداد پزشک(۱۹۹۹): ٦،۱٦۲ نفر (هر ۳۸٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۹): ۱۷،۸۷۷ تخت (هر ۱۳۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر (٪۰/۰۱ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۱٦/۳ نفر

سرانه‌مصرف‌روزانه کالری(۱۹۹۷): ۱،۹۱۷ کالری (٪۸۱ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۷۱ گرم؛ مصرف چربی : ۷۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۸۰-۱۹۹۰): صفر ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۸/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۵ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۲۸ (صد و هفدهمین کشور جهان)

یازدهم ژوئیه ۱۹۲۱ حکومت پادشاهی در مغولستان خارجی اعلام استقلال نمود که تحت نفوذ کمونیست‌ها قرار داشت و با مرگ شاه مغولستان در سال ۱۹۲۴، در این کشور جمهوری خلق برقرار شد و در ۱۹۳۶ مورد شناسایی و پشتیبانی اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت و در ۱۹۴۶ نیز از سوی چین به رسمیت شناخته شد و قرارداد فوریهٔ ۱۹۵۰، میان اتحاد شوروی و چین، استقلال جمهوری خلق مغولستان را تضمین کرد. مغولستان در سال ۱۹۶۱ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و در سال ۱۹۶۲ اختلافات مرزی خود با چین را حل کرد. در ۱۹۶۳ با بریتانیا روابط سیاسی برقرار کرد و در ۱۹۶۴ هواداران چین را از حزب کمونیست مغولستان اخراج نمود. طی سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۷ روابط میان چین کمونیست و مغولستان رو به وخامت گذارد و نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به حمایت از مغولستان در مرز آن کشور مستقر شدند. در اوایل دههٔ ۱۹۷۰ برخوردهایی در امتداد مرز میان مغولستان و چین به وقوع پیوست و ۲۰۰۰ پناهندهٔ چینی از مغولستان اخراج گردیدند. در ۱۹۸۶ رئیس دولت چین از اولان باتور دیدن کرد و با این کشور روابط کنسولی و بازرگانی برقرار نمود. در مارس ۱۹۸۸ چین و مغولستان اختلافات مرزی خود را حل کردند و درسال ۱۹۸۹ زمانی که نخست‌وزیر مغولستان پس از ۴۰ سال از چین دیدن کرد، روابط میان دو کشور به حالت عادی درآمد.

با اعلام سیاست پروستروئیکا، دولت اتحاد شوروی اعلام داشت که سه چهارم نیروهای خود را تا سال ۱۹۹۰ از مغولستان خارج خواهد کرد و بقیه نیز تا پایان سال ۱۹۹۲ خاک مغولستان را ترک خواهند کرد. در ژانویهٔ ۱۹۹۰ حزب دموکرات مغولستان تأسیس گردید و مجلس ملی آن قانون اساسی را مورد تجدید نظر قرار داد. در ۱۹۹۱ داشیون بیامباسورن نخست‌وزیر مغولستان برنامه‌های اقتصادی خود را اعلام داشت و اقداماتی برای جلب سرمایه‌های خارجی به عمل آورد و در دسامبر ۱۹۹۱ در پی یک سری تحقیقات، مدیرکل بانک مرکزی مغولستان به اتفاق گروهی از سرمایه گذاران بازداشت گردیدند. در ژانویه ۱۹۹۲ قانون اساسی کشور مجدداً مورد بررسی و اصلاح مجلس قانونگذاری مغولستان قرار گرفت و نام رسمی کشور به جمهوری مغولستان تغییر یافت و عنوان خلق از آن حذف گردید. در ۱۹۹۲ آخرین نفرات ارتش روسیه خاک مغولستان را ترک کردند. در ژوئن ۱۹۹۳ انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و پونسالماگین اوچیربات مجدداً در مقام ریاست جمهوری ابقاء گردید و در ژوئن ۱۹۹۶ با پیروزی احزاب غیر کمونیست دموکراتیک ملی و سوسیال دموکرات، مندسایخان انخسایخان به نخست‌وزیری برگزیده شد.

انتخابات ریاست جمهوری مه ۱۹۹۷ ناتساگین باگاباندی رهبر حزب انقلاب مردم مغولستان را به ریاست جمهوری کشور رسانید و زاهیاگین البگدورج، از حزب دموکراتیک ملی، در ۱۹۹۸ مقام نخست‌وزیری را به دست آورد. فقدان ظرفیت‌های لازم برای مقابله با مشکلات اقتصادی موجب شد تا کمی بعد نخست‌وزیر از سمت خود کناره گیری کند و جانلاوین نارانتساتسرالت جایگزین او شود. هفت ماه بعد، در ژوئیهٔ ۱۹۹۹، بروز بی‌نظمی‌هایی در واگذاری سهام یک شرکت معدنی بزرگ، نارانتساتسرالت و تمامی اعضای کابینه را وادار به استعفاء کرد و مجلس کبیر خلق رینچین نایمین آمارجارگال را به نخست‌وزیری برگزید. در سال ۲۰۰۰ اعلام شد که پس از تغییر نظام حکومتی در سال ۱۹۹۲ تاکنون شرکت‌ها و کارخانه‌های زیادی بسته شده‌اند و این مسئله به بیکاری گسترده و فقر در میان جوامع شهری و روستایی و ظهور پدیده کودکان خیابانی که تعدادشان به بیش از ۴,۰۰۰ نفر رسیده، منجر شده است. سرمای سخت سال ۲۰۰۰ که در ۵۵ سال گذشته بی‌سابقه بود، باعث شد که حدود ۲ میلیون رأس از دام‌های این کشور تلف شود و بیش از ۱/۶۵ میلیارد دلار خسارت به بار آید. در سال بعد نیز حدود ۳/۳ میلیون رأس از دام‌های مغولستان در اثر خشکسالی و سرمای سخت از بین رفتند.

مقدونیه MACEDONIA

کشور کوچک مقدونیه در مرکز جنوبی شبه جزیرهٔ بالکان و در اروپای جنوب خاوری جای دارد. این کشور که از هر سو در خشکی محصور است، از شمال به جمهوری یوگسلاوی، از خاور به بلغارستان، از جنوب خاوری و جنوب به یونان و از جنوب غربی و غرب به آلبانی محدود است. مقدونیه در مجموع سرزمینی کوهستانی است که کوههایی نظیر یاکوپیتسا، پلاتسکوویتسا، اوسوگوفسکه، پلاکنسکا و رودوکا آن را در بر گرفته و بلندترین نقطه آن در ارتفاعات رودوکا واقع شده و ۲۷۴۷ متر (کوه تیتوف) ارتفاع دارد. از اقلیم قاره‌ای بهره‌مند است و میانگین دمای زمستان در پایتخت یک درجه سانتیگراد و میانگین تابستان آن ۲۴ درجه سانتیگراد است و رودخانه‌های واردار، ترسکا، تسرنا و موراوا از مهمترین رودهای آن هستند و عمده‌ترین ناحیهٔ کشاورزی آن حوضهٔ رود واردار است. دامداری به ویژه پرورش گوسفند و بز در نواحی کوهستانی متداول است و مس، آهن و سرب از عمده‌ترین منابع زیرزمینی آن به شمار می‌آید.



تاریخچه

تاریخ باستانی مقدونیه در ارتباط با یونان و آناتولی است. طبق بررسیهای به عمل آمده، نیاکان مقدونیه‌ای‌ها در آغاز عصر برنز در این سرزمین ساکن شده‌اند. در سال ۷۰۰ پیش از میلاد اقوامی که مقدونیه‌ای نام داشته‌اند به سوی ساحل خاوری رود آلیاکمون مهاجرت کردند. آمینتاز اول شاه مقدونیه بر وسعت سرزمین خود افزود و تا رودخانهٔ آکسیوس (واردار) پیشروی کرد. در زمان فیلیپ دوم (۳۳۶ تا ۳۵۹ پیش از میلاد) مقدونیه به قدرت کامل دست یافت و اسکندر پسر او امپراتوری هخامنشی ایران را منقرض کرد و تا رود سند پیش راند و با احداث شهرهای متعدد، فرهنگ مقدونیه‌ای و یونانی را در سراسر دنیای آن زمان گسترش داد. در حدود سال ۲۸۰ قبل از میلاد گالات‌ها به مقدونیه تاختند و ضمن غارت شهرها و قتل عام مردم، شاه آن را نیز به قتل رساندند. آنتیگونوس دوم در سال ۲۷۷ پیش از میلاد، گالات‌ها را سرکوب کرد و خود را پادشاه مقدونیه نامید. در زمان سلطنت فیلیپ پنجم، مقدونیه استان ایلیریا را که تحت‌الحمایه روم بود به تصرف خود درآورد و سپس روی به شرق آورد و شهرهای رودس و پرگامون را نیز تصرف کرد.

از سال ۱۴۶ تا ۱۶۸ پیش از میلاد، مقدونیه به یکی از استان‌های روم تبدیل شد. در سال ۲۷ پیش از میلاد مقدونیه به استان سناتوری روم تبدیل شد و از یونان جدا گردید. تا سدهٔ چهارم میلادی اکثر مردم مقدونیه به مسیحیت گرویدند. با ورود اسلاوها به بالکان، مقدونیه به ماندگاه آنان مبدل شد و بین سدهٔ هفتم تا چهاردهم میلادی، مقدونیه میان بلغارستان و امپراتوری بیزانس دست به دست می‌شد. در پایان سدهٔ چهاردهم دست‌اندازی ترکان بر بالکان آغاز گردید و در سال ۱۳۷۱ بیشتر مقدونیه به تصرف ترکان عثمانی درآمد. عثمانی‌ها در ۱۸۶۴ مقدونیه را به سه استان سالونیکا، موناستیر و کوزوو تقسیم نمودند. در ۱۸۷۸ روس‌ها عثمانی‌ها را وادار به تأسیس و شناسایی بلغارستان نمودند و بیشتر اراضی مقدونیه را ضمیمهٔ بلغارستان کردند. این تقسیم دیری نپایید و کشورهای اروپایی اراضی مزبور را دوباره به عثمانی‌ها بازگرداندند.

در پایان سدهٔ نوزدهم جنبش‌های ملی استقلال‌طلبانه در مقدونیه آغاز گردید و همزمان یونان و بلغارستان برای حفظ منافع خود، چریک‌های مسلح به مقدونیه اعزام داشتند. در ۱۹۰۳ اختلاف بر سر مالکیت مقدونیه، میان بلغارستان و یونان و صربستان بالا گرفت تا جایی که روس‌ها و اتریشی‌ها و مجارها با اعزام یک هیئت بازرسی به منطقه موافقت نمودند. در سال ۱۹۰۸ هنگامی که امپراتوری عثمانی رو به ضعف و اضمحلال نهاده بود مقدمات جنگهای ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳ بالکان فراهم گردید. بلغارستان و صربستان با یونان قرارداد اتحاد و همکاری منعقد نمودند و روسیه که از نفوذ امپراتوری اتریش - هنگری در بالکان بیمناک بود از توافق و همکاری مزبور پشتیبانی کرد. پس از پایان جنگ اول و سقوط امپراتوری عثمانی، متحدان مزبور علیه یکدیگر به مخالفت و ستیز برخاستند و جنگ دیگری در بالکان آغاز گردید و در نهایت، پیمان بخارست، سالونیک و بیشتر مقدونیه را به یونان واگذار نمود و نواحی مرکزی و بخش‌هایی از شمال مقدونیه به صربستان ملحق گردید. با شروع جنگ جهانی اول بلغارستان به جبههٔ اتریش - هنگری و آلمان و ترکیه پیوست و بخش مقدونیهٔ صربستان را تصرف نمود.

در آغاز جنگ جهانی دوم، آلمان به یوگسلاوی حمله کرد و با پایان یافتن جنگ، حزب کمونیست یوگسلاوی قدرت را در دست گرفت و مقدونیه را به یکی از جمهوریهای فدرال



نام رسمی: جمهوری مقدونیه

نام محلی: ماکدونیا Makedonija

اسامی دیگر: -

پایتخت: اسکوپیه (۴،۴۴۳،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹٤)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱، از یوگسلاوی

روز ملی: دوم ماه اوت، سالروز انقلاب ۱۹۰۳

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور: بوریس‌ترایکوفسکی(سازمان انقلابی و حزب دموکراتیک)، از سال ۱۹۹۹ به مدت ٥ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: برانکو کرونکوفسکی (اتحاد سوسیال دموکرات)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱؛ مجلس قانونگذاری (سوبرانیه)با ۱۲۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های سوبرانیه (۲۰۰۲): اتحاد سوسیال دموکرات ۱۳ کرسی و احزاب ائتلافی آن ٤٦ کرسی، ائتلاف سازمان انقلابی مقدونیه وحزب لیبرال ۳٤ کرسی، اتحاد دموکراتیک برای همبستگی (آلبانیایی تبارها) ۱٦ کرسی، حزب دموکراتیک آلبانیایی تبارها ۷ کرسی، حزب شکوفایی دموکراتیک (آلبانیایی تبارها) ۲ کرسی، بقیه ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۳)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی (عضو ناظر)، شورای اروپا، اوسه

جمعیت

مساحت: ۲٥،۷۱۳ کیلومترمربع (صد و چهل و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و چهلمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۷۷/۸ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۰/٦

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۲/۳ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪٦۱/۱؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪۱/٥

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ٪۲۳/۳؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲٤؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۳۸/٦؛ بالای ٦۰ سال ٪۱٤/۱

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٪٥۰/۰٥؛ زن ٪٤۹/۹٥ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۷٤/۷ سال، مردان ۷۰/٤ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱٤/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۸/٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۱٦/۳ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ٦/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ٤٦۲/۸ نفر؛ سرطان ۱۳۸/۳ نفر؛ حوادث، درگیری و مسمومیت ۳۲/٤ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۳۹/٥ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۱٥/۹ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹٥): ۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۱ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ۷ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۲۰۰۰): مقدونی ٪٥۳/۹؛ آلبانیایی ٪۱۸؛ ترک ٪۷/۷؛ کولی ٪٥/۳؛ آرومانیایی ٪٥؛ صرب ٪۲/۱؛ کروآت ٪۲

دین(۱۹۹٥): ارتدوکس صربی ٪٥٤/۲؛ مسلمان سنی ٪۳۰؛ بقیه ٪۱٥/۸

زبان و خط: مقدونی (زبان رسمی)، آلبانیایی، ترکی، صربی ؛ خط: سیریلی

شهرهای مهم(۱۹۹٤): بیتولا ۷٥،۳۸٦ نفر؛ پریلپ ٦۷،۳۷۱ نفر؛ کومانوو ٦٦،۲۳۷ نفر؛ تتوو ٥۰،۳۷٦ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد دسترسی ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دنار (Den)= ۱۰۰ دنی؛ یک دلار= ٦٥/٤ دنار؛ یک دنار= ۱۲۳/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ٦٤،۱۸٤ میلیون دنار؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ٪۳۸/۱؛ مالیات بر سود و درآمد ٪۱۷/۱؛ مالیات بر مصرف ٪۱٦/۳؛ مالیات بر فروش ٪۱۱/۳؛ عوارض گمرکی ٪۱۰/٤

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ٦۳،۹۷۰ میلیون دنار؛ حقوق بازنشستگی ٪۲٤/۱؛ حقوق و دستمزد ٪۲۲/۷؛ بهداشت ٪۱۳/۳

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲،٥۸٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۲۹۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ۱۹۹۳: ٪-۱٤/۱ ؛ ۱۹۹٦: ٪۲

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۱۱/٤؛ صنعت ٪۲۸/۳؛ خدمات ٪٦۰/۳

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۱۱۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۱،۱۳٥ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۹۲+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۷/۱

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱۷/۹؛ ۱۹۹۸: ٪۱

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): گندم ۳۷۸،۰۰۰ تن؛ انگور ۲٤٤،۰۰۰ تن؛ ذرت ۲۰۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱۸۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٪۲٥/۷؛ مرتع و چمنزار ٪۲٤/۷؛ جنگل ٪۳۸/۹؛ سایر موارد ٪۱۰/۷

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گوسفند ۱،٥٥۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۲۹۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ٦۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۷۲۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱،۳۸۸ تن

تولید مرغ: ۳،۳٤۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۱،٥۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹۸): سرب ۱۷،۰۰۰تن؛مس ۸،۰۰۰ تن؛روی ۳،٥۰۰تن؛آهن ۱،۰۰۰ تن؛ نقره خالص ۲۰،۰۰۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی: سیمان ٤٦۱،۱۹٥ تن؛ ورقهٔ فولادی ۲۷٦،٤٦٤ تن؛ مواد شوینده ۲۱،۹۹۰ تن؛ الیاف پشمی ۳،۲٥۲ تن؛ یخچال ٤،۰۰۷ دستگاه؛ کفش چرمی ۱،۳۸۲،۰۰۰ جفت؛ پارچهٔ پنبه‌ای ۱۳،۷۰۰،۰۰۰ مترمربع؛ سیگار ۷،۰۰۹،۰۰۰ بسته

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٦،٤۸۹،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(٦،٤۸۹،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۷،۱۹٥،۰۰۰ تن (۷،۳۳۰،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر (٦،۰٤۷،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی: ۷۷۰،۰۰۰ تن (۱،۳۸۳،۰۰۰)؛ گاز طبیعی (۱۹۹۳): صفر (۲٦۹،۱۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ۸۲۳،۸۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۱/۱؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٪٦۱/۲؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤) ٪۳۸/٥؛ میزان بیکاری: ٪۳٤/٥؛ ۲۰۰۰: ٪۳۲

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۱۹؛ صنعت ٪۳۳/٦؛ خدمات ٪٤۷/٤

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۹ ماه؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۹: ۱٥،۷۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۹٥/٥؛ نیروی هوائی ٪٤/٥؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٤۲ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱،۳۱۰،٦۹۷،۰۰۰ دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۱۹/۱؛ محصولات صنعتی ٪۱٤/٥؛ مواد غذایی ٪۱۳/٤؛ محصولات شیمیایی ٪۱۰/٦؛ فرآورده‌های نفتی ٪۸/٥؛ از آلمان ٪۱۳/۳؛ یوگسلاوی ٪۱۲/۸؛ اسلوونی ٪۷/۸؛ اوکراین ٪٦/۲؛ ایتالیا ٪٥/۷؛ امریکا ٪٥/۳

صادرات(۱۹۹۸): ۱،۹۱٤،٦٦۳،۰۰۰ دلار؛ شامل محصولات صنعتی ٪۳٤/۲؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل ونقل ٪۷/٥؛ مواد غذایی ٪٥؛ مواد شیمیایی ٪٥؛ مواد خام ٪٤/۳؛ به آلمان ٪۲۱/٤؛ یوگسلاوی ٪۱۸/۳؛ امریکا ٪۱۳/۳؛ ایتالیا ٪۷؛ یونان ٪٦/٤

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۳۹۷/۸	-٥۱٤/۹	-۳۱٦/٥	-۳۸۷/٦	-٦۰٤
درصد کل	٪۱٥/٥	٪۱۷/٦	٪۱۱	٪۱۳/۹	٪۱۸/۷

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۳۷/۹	۸٥/۹	۱۰۰	۱۰۲/۷	۱۰۳/۸	۱۰٤/٤	۱۰۳
شاخص درآمد	؟	۹۰/٦	۱۰۰	۱۰۲/۸	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار(۱۹۹٤) : میانگین اندازهٔ خانوار: ۳/۸ نفر؛ درآمد هر خانوار: ٤۹،٦۳٥ دنار (۱،۲۲۳ دلار)؛ منابع درآمد: دستمزد و حقوق ٪٥۹/۹؛ پرداخت‌های انتقالی ٪۱۷ ؛ انتقالی از خارج کشور ٪۱۳/٤ ؛ دیگر موارد ٪۹/۷؛ هزینه‌ها: غذا ٪٤۲/۲؛ سوخت و روشنایی ٪۷/٥؛ پوشاک و کفش ٪۷/٤؛ حمل ونقل و ارتباطات ٪۷/۲؛ نوشیدنی و دخانیات ٪۷

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱٥ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۳۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۱۱،٥۱۳ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۹۲٥ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۲۸۸،٦۷۸ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۲٤،۷٤٥ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۳ روزنامه در ٤۱،۰۰۰ نسخه (۱۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۷٤ عنوان در ۳٤۷،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۸۹۲ عنوان در ۲،٤۹٦،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۲،۷۹۸/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٤۱۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۰٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٥۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲٥۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٤۳۹،۰۰۰ خط تلفن (۲۲۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳۰،۰۰۰ خط (۱٥ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۲۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۱،۰٤۳	۱۳،۳۷٦	۲٥٦،۲۷٥	۱۹/۲
متوسطه	۹۳	٥،۲۲٦	۸٤،۰٥۹	۱٦/۱
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۳۰	۱،۳۸٥	۳٦،۱٤۱	۲٦/۱

میزان باسوادی(۱۹۸۱): افراد بالای ۱۰ سال: ٪۸۹/۱؛ مردان: ٪۹٤/۲؛ زنان: ٪۸۳/۸

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال(۱۹۸۱): ابتدایی ٪۲۸/۱؛ متوسطه ٪۲۱/۲؛ عالی ٪٥/۱

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ٤،٥۰۸ نفر (هر ٤٤٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۱۰،۳۳۳ تخت (هر ۱۹٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): کمتر از ۱۰۰ نفر (٪۰/۰۱ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۱/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٦٦٤ کالری؛ مصرف پروتئین: ٦۹ گرم؛ مصرف چربی: ۷٥ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۲/۷ میلیون تن؛ هر نفر ٥/۹ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷٦۳ (شصت و نهمین کشور جهان)

یوگسلاوی مبدل نمود و به سرمایه گذاری در پروژه‌های صنعتی، به ویژه در صنایعی چون فولاد و شیمیایی و نساجی در مقدونیه پرداخت.

در ژانویهٔ ۱۹۹۰ حزب کمونیست یوگسلاوی با برقراری نظام چند حزبی در کشور موافقت کرد و به دنبال آن احزاب کمونیست اسلوونی و کرواسی و مقدونیه از حزب کمونیست یوگسلاوی جدا شدند و نام خود را به حزب سوسیال دموکرات برگرداندند. در ۸ سپتامبر ۱۹۹۱ زمانی که ارتش فدرال یوگسلاوی با جمهوریهای جدایی خواه کرواسی و اسلوونی سرگرم مبارزه بود، یک همه‌پرسی در مقدونیه برگزار شد و جدایی از یوگسلاوی با اکثریت آراء به تصویب رسید و استقلال مقدونیه اعلام گردید. در اوایل سال ۱۹۹۲ در حالی که چندین کشور موجودیت و استقلال کشورهای نوبنیاد کرواسی و اسلوونی را مورد شناسایی و تأیید قرار داده بودند، یونان از شناسایی مقدونیه خودداری کرد و دلیل آن را همنامی کشور مزبور با استان تاریخی مقدونیه نامید.

در ۲۰ ژانویهٔ ۱۹۹۲ یونان و بلغارستان نیز مقدونیه را به رسمیت شناختند. در ژوئیهٔ ۱۹۹۲ نیروهای فدرال یوگسلاوی خاک مقدونیه را ترک کردند. در اوت همان سال برانکو تسرونکوفسکی به نخست‌وزیری مقدونیه منصوب شد و به دنبال آن کشورهای روسیه، بلغارستان، آلبانی و ترکیه نیز مقدونیه را به رسمیت شناختند. مقدونیه در آوریل ۱۹۹۳ به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد. یونان که از همنامی کشور مقدونیه با استان مقدونیه ناخشنود است، دولت مقدونیه را تحت فشار گذارده تا نام خود را تغییر دهد و گفتگوها و میانجی گری‌ها تاکنون سودی نبخشیده است. با این حال دولتهای یوگسلاوی و یونان از دایر شدن خط آهن آتن - بلگراد که از اسکوپیه پایتخت مقدونیه می گذرد استقبال کردند. در فوریه ۱۹۹۴ اختلافات یونان و مقدونیه بر سر نام کشور مزبور به مرحله جدیدی وارد گردید و یونان هرگونه داد و ستد و مبادلهٔ اقتصادی با مقدونیه را متوقف کرد.

در انتخابات اکتبر ۱۹۹۴ کیروگیلیگورو مجدداً به ریاست جمهوری رسید و برانکو تسرونکوفسکی نیز در مقام نخست‌وزیری ابقاء گردید. در اکتبر ۱۹۹۵ بمبی در اتومبیل رئیس جمهور منفجر شد ولی آسیبی به وی نرسید و همچنان در مقام خود باقی ماند. در انتخابات ۱۴ نوامبر ۱۹۹۹ بوریس ترایکوفسکی، از سوی ائتلاف سازمان انقلابی و حزب دموکراتیک، به ریاست جمهوری رسید و این در حالی بود که این ائتلاف در انتخابات پارلمانی سال قبل از آن با کسب اکثریت کرسی‌های مجلس قانونگذاری، لیوبکو گئورگیفسکی را نیز به نخست‌وزیری رسانده بود. در خلال سال ۲۰۰۰، دولت مقدونیه مقدار زیادی از دارایی‌های مصادره شده در دوران رژیم کمونیستی یوگسلاوی را به صاحبان آنها بازگرداند.

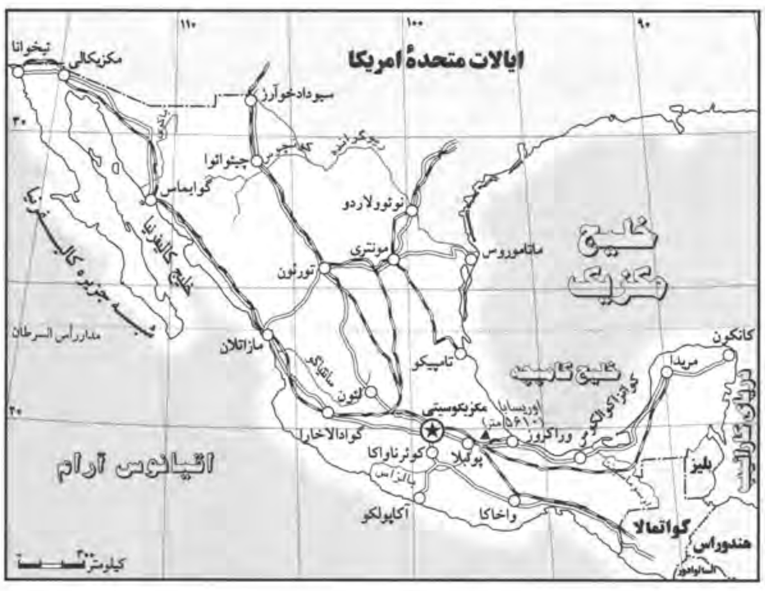
در سال ۲۰۰۱ مقدونیه شاهد اوجگیری اختلافات نژادی بود و آلبانی تبارهای ساکن این کشور به مقابله با دولت برخاستند. ارتش آزادیبخش ملی آلبانی تبارها اقدام به چندین مورد بمب‌گذاری و درگیری مسلحانه با نیروهای امنیتی نمود و در شهرهایی که اکثریت ساکنین آن را آلبانیایی‌ها تشکیل می دهند، تظاهرات بزرگی بر علیه دولت شکل گرفت. اگرچه جامعه بین‌المللی در ابتدا حملات ارتش آزادیبخش آلبانیایی تباران را محکوم کرد، اما از دولت مقدونیه خواست که خواسته‌های اقلیت آلبانیایی تبار کشور را تحت بررسی قرار دهد، تشکیل دولت وحدت ملی در ماه مه از تمامی احزاب مهم نیز مشکل را حل نکرد و گروههایی از مقدونیه‌ای‌ها نیز به پارلمان حمله کردند و خواستار شدت عمل بر علیه آلبانیایی‌ها شدند. سرانجام با میانجیگری اتحادیه اروپا و امریکا نشستی در شهر اوخرید، واقع در مرز آلبانی، میان طرف‌های درگیر برگزار گردید و با امضای موافقتنامه اوخرید، خودمختاری بیشتری برای آلبانیایی تبارها در نظر گرفته شد و خلع سلاح شورشیان نیز همراه با عفو عمومی آنان به مرحله اجرا درآمد.

در انتخابات پارلمانی سپتامبر ۲۰۰۲، اتحاد سوسیال دموکرات و احزاب ائتلافی آن موفق شدند که اکثریت نسبی و شکننده‌ای را در مجلس قانونگذاری مقدونیه کسب کنند و برانکو کرونکوفسکی به نخست وزیری رسید.

مکزیک MEXICO

مکزیک به عنوان کوچکترین کشور امریکای شمالی در جنوب امریکای شمالی و شمال امریکای مرکزی قرار دارد. سرزمین بزرگ مکزیک از شمال به ایالات متحده امریکا، از خاور به خلیج مکزیک و خلیج کامپچه و دریای کارائیب از جنوب خاوری به کشورهای بلیز و گواتمالا و از جنوب و غرب به اقیانوس آرام(کبیر) محدود است. مکزیک سرزمینی است عمدتاً کوهستانی. کوههای سیرا مادرهٔ غربی نواحی ساحلی اقیانوس آرام و سیرا مادرهٔ شرقی سواحل خلیج مکزیک و سیرا مادرهٔ جنوبی و سیرا نئوولکانیکا نواحی مرکزی کشور را با ارتفاع حداکثر ۵۶۱۰ متر (کوه اوریسابا) زیر پوشش قرار داده‌اند. اقلیم آن از خشک کویری در شمال تا معتدل و نیمه مرطوب در ارتفاعات مرکزی که بیشترین جمعیت کشور در آن به سر می برند، متفاوت است. تنوع اقلیمی این سرزمین را در گوناگونی گیاهان و روییدنی‌های آن می‌توان مشاهده نمود. جنگلهای بارانی نواحی جنوب خاوری و جنگلهای معتدلهٔ دامنه‌های سیرا نئو ولکانیکا را بازتابی از تنوع اقلیمی آن می‌توان برشمرد. در مکزیک رودخانه‌های متعددی جریان دارند که از آن جمله می‌توان به رودهای ریوگرانده (۳۰۳۴ کیلومتر)، لرما، اوسوماسینتا، گریخالوا، بالزاس، سانتیاگو و پانوکو اشاره نمود. سرزمین مکزیک از نظر منابع زیرزمینی بسیار غنی است و بزرگترین تولیدکنندهٔ نقرهٔ جهان به شمار می‌آید و نفت و گاز، طلا، آهن، مس و سرب از دیگر منابع زیرزمینی آن است.

آلودگی آب و هوای مکزیک به ویژه شهرهای بزرگ از جمله تهدیدهای جدّی زیست‌محیطی این کشور است و زدایش جنگلها که سالانه به حدود ۶۰۰۰ کیلومترمربع می‌رسد نیز از دیگر آفت‌های زیست‌محیطی محسوب می گردد.



تاریخچه

حدود ۲۰۰۰ سال پیش بومیان مزو-امریکایی(امریکای میانه) تمدن‌های پیشرفته‌ای چون اولمکا، تولتک، آزتک، مایا و میکستک را پایه‌گذاری کردند. تمدنهای مزبور اگرچه از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی با هم متفاوت بودند ولی از نظر هنر و علم و مهارت تکنولوژی مشترکاتی داشتند. زمانی که اسپانیایی‌ها به مکزیک وارد شدند، مونتزومای دوم امپراتور آزتک بر کشوری به وسعت ایتالیای امروزی و به پایتختی شهر تنوچتیتلان که در محل امروزی شهر مکزیکوسیتی قرار داشت، حکومت می‌کرد. فتح سرزمین مکزیک در سال ۱۵۲۱ به دست ارنان کورتز سردار اسپانیایی کامل گردید. بومیان مکزیک به مرور به مسیحیت گرویدند و تحت تأثیر فرهنگ و سنت‌های اسپانیایی قرار گرفتند. در سدهٔ هفدهم نام اسپانیای جدید را بر آن گذاردند و با کشف و استخراج معادن آن را به یکی از مستعمرات اقتصادی اسپانیا مبدل کردند. اسپانیایی‌ها سیل گوشت و طلا و نقره را از آنجا به اسپانیا سرازیر نمودند و با اشاعهٔ امراض مسری و آلوده کردن بومیان به بیماریهایی که تا آن زمان میانشان وجود نداشت، میزان مرگ و میر را در میان آنان افزایش دادند و از شمار آنان به میزان قابل توجهی کاستند. در سال ۱۸۰۰ میلادی مکزیک به یک سرزمین ثروتمند و معتبر مبدل گردید.

در سال ۱۸۱۰ پس از گذشتن حدود سیصد سال از استعمار مکزیک جنبش‌های استقلال‌خواهی به وسیلهٔ مکزیکی‌های اسپانیایی تبار آغاز گردید و شخصیت‌هایی چون میگل ایدالگو و خوزه ماریا مورلوس رهبری آن را عهده‌دار گردیدند. ایدالگو در شانزدهم سپتامبر ۱۸۱۰، استقلال مکزیک را اعلام نمود و جنبش مزبور به مرور وسعت یافت و با پیوستن بومیان و مستیزوها (مردمان دورگه‌ای که از آمیزش اسپانیایی‌ها و بومیان پدید آمده‌اند) جنبهٔ ملی و سراسری گرفت، اما به وسیلهٔ ارتش اسپانیا به سرعت سرکوب شد و میگل ایدالگو در ژوئیهٔ ۱۸۱۱ اعدام گردید و مورلوس نیز در سپتامبر ۱۸۱۵ تیرباران شد. اما نهضت خاموش نگردید و گروههای انقلابی با پذیرفتن طرح ایگوآلا و با رهبری و حمایت گررو و سرهنگ اوگوستین ایتوربیده در ۲۴ اوت ۱۸۲۱ استقلال مکزیک را عملاً به مورد اجرا گذاشتند و سرهنگ ایتوربیده خود را امپراتور مکزیک خواند. امپراتوری مزبور دیری نپایید و ژنرال آنتونیو لوپس سانتاآنا آن را از میان برداشت و خود قدرت را در دست گرفت.

مکزیک آن زمان وسیعترین سرزمین اسپانیایی امریکا محسوب می‌شد و مساحت آن به ۴/۶ میلیون کیلومترمربع می‌رسید و ایالتهای امریکای مرکزی را نیز شامل می گردید. به موجب



نام رسمی: ایالات متحده مکزیک

نام محلی: مخیکو México

اسامی دیگر: اسپانیای جدید (نام قدیمی)

پایتخت: مکزیکوسیتی (۸،۵۹۱،۳۰۹ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۸۱۰/۹/۱٦، از اسپانیا

روز ملی: شانزدهم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری فدرال با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۱۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ویسنته فوکس کسادا (حزب اقدام ملی)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٦ سال برای یکبار

رئیس دولت: رئیس جمهور: ویسنته فوکس کسادا (حزب اقدام ملی)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ٦ سال برای یکبار

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۱۷، آخرین تغییرات ۱۹۹٤؛ کنگره اتحاد شامل مجلس نمایندگان با ۵۰۰ عضو به مدت سه سال و مجلس سنا با ۱۲۸ عضو به مدت ٦ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۰): حزب اقدام ملی ۲۱۸ کرسی، حزب نهاد انقلابی ۲۰۹ کرسی، حزب انقلاب دموکراتیک ۵۳ کرسی، حزب کارگر ۹ کرسی، حزب سبزها ۵ کرسی، سایر احزاب ٦ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآا، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آپک، آی-آدب، اواسی‌دی

جمعیت

مساحت: ۱،۹۵۸،۲۰۱ کیلومترمربع (چهاردهمین کشور جهان)

جمعیت: ۹۸،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (یازدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۰/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۱/٦

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۳۰/۲ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۷٤؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۲/٤

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ٪۳٤/۹؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۸/۸؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۸/۹؛ بالای ٦۰ سال ٪۷/٤

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٪٤۸/۷۵؛ زن ٪۵۱/۲۵ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۷٤/۸سال؛مردان ٦۸/٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۲۷/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ٦/ ٤ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۸): ۲۵/۸ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۲۳/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹۸): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۰٤/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۵۷/٦ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ٤۳/۵ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٤۳/۳ نفر؛ شرایط ناشی از دوران بارداری و زایمان ۲۰/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۲/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٤۸ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ۷/۵ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۵):** ۰/٤ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۰): دورگه سرخ و سفید ٪٦۰؛ سرخپوست ٪۳۰؛ سفیدپوست ٪۹؛ بقیه ٪۱

دین(۱۹۹۵): کاتولیک ٪۹۰/٤؛ پروتستان ٪۳/۸؛ سایر ادیان ٪۵/۸

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ زبانهای سرخپوستان اقوام آزتک و مایا؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): گوادالاخارا ۱،٦٤۷،۰۰۰ نفر؛ پوئبلا ۱،۲۷۰،۹۸۹؛ سیوداد نتزاهوالکویوتل ۱،۲۲٤،۵۰۰؛ سیوداد خوآرز ۱،۱۹۰،۰۰۰؛ تیخوانا ۱،۱۵۰،۰۰۰؛ مونتری ۱،۱۰۸،٤۰۰؛ لئون ۱،۰۱۹،۵۱۰؛ مریدا ٦٦۰،۸٤۸؛چیئوائوا ٦۵۰،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: وراکروز، تامپیکو، کواتزاکوالکوس (خلیج کامپچه؛ خلیج مکزیک)؛ مازاتلان (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: پزو مکزیک (Mex$)= ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار = ۹/٤٦ پزو؛ یک پزو= ۸٤۵/۷ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۳۸٤،٤٦٦ میلیون پزو؛ مالیات بر درآمد ٪۲٦/٦؛ مالیات بر فروش ٪۱۸/۸

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ۳۸۷،۸۱۰ میلیون پزو؛ آموزش ٪۲٤/۵؛ تأمین و رفاه اجتماعی ٪۱۹/۳؛ بهرهٔ بدهی‌ها ٪۱۸/٦

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳٦۸،۰۵۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،۸٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۳/۵؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۳

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٤/۹؛ صنعت ٪۲٦/٦؛ خدمات ٪٦۸/۵

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤،۳۱۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰،۲۳۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۸۷،۹۹٦ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱٤/۸+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲۲/٤

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۱۹/۵؛ ۱۹۹۸: ٪۱٤؛ ۲۰۰۰: ٪۹

محصولات کشاورزی (۲۰۰۰): نیشکر ٤۹،۲۷٤،۷۸۰ تن؛ ذرت ۱۷،۹۸۸،۰٦۰؛ ذرت خوشه‌ای ۵،۹۸۱،۸۳۵؛ پرتقال ٤،۰۵۹،۷٦۹؛ گندم ۳،٤۰٤،۵۷٦؛ گوجه‌فرنگی ۲،۱۷٦،۵۵۷؛ موز ۱،۹۷۸،۰۳۲؛ انواع فلفل ۱،۸۲٦،۱٤۰؛ انبه ۱،٤۹۹،۳۸۲؛ لیمو ۱،٦۳۹،۱۹٦؛ نارگیل ۱،۲۱۳،۰۰۰؛ هندوانه ۱،۰٦۹،۰۰۰؛ آووکادو ۹۳۳،۳۳۷ ؛ لوبیای خشک ۹۱٤،۳۷۹؛ آناناس ۸۸۱،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۱۳؛ مرتع ٪۳۹؛ جنگل ٪۲۵/۵؛ سایر موارد ٪۲۲/۵

تعداد دام زنده(۲۰۰۰): گاو ۳۰،۵٤۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱٤،۹۰۰،۰۰۰؛ بز ۹،٦۰۰،۰۰۰؛ اسب ٦،۲۵۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۹): ۲۱،۹۹٦،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۹):** ۱،۲۳۳،۲۹۲ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٤۲۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،٦۰۵،۳۵۸ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۹): نمک ۸،۹۰۰،۰۰۰ تن؛ آهن ٦،۸۵۵،۲۱۹؛ گچ ٤،۱۰۰،۰۰۰ ؛ سیلیس ۱،۷۰۰،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): ماشین‌آلات‌وتجهیزات ٤۲۳،۵۷۹،۷۲۵،۰۰۰ پزو؛ نوشیدنی و دخانیات ۲۷۹،۱۰٤،۳۷۵،۰۰۰ پزو؛ تولیدات شیمیایی ۲۱۲،٤۷۹،۹۰٤،۰۰۰ پزو؛ مصنوعات فلزی ۱۰۸،۹۵۱،۸٤٤،۰۰۰ پزو؛ تولیدات معدنی ۵۵،٦۱۲،٤۹۹،۰۰۰ پزو؛ کاغذ و تولیدات کاغذی ۵٦،۵۲۲،۲۱۵،۰۰۰ ؛ منسوجات ۵٤،٤۵۸،۸۲۱،۰۰۰ پزو

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱٦۲،۵۲٦،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۱٦۲،٦۲۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱۰،۳۷۲،۰۰۰ تن (۱۱،۷۲۵،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱،۰۳٤،۰۰۰،۰۰۰ بشکه(٤۸۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۷۷،۷۹۰،۰۰۰ تن (۸۵،۲۷۹،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲۸،٤٦٤،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۳۰،۸۵۰،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۳۸،۳٤٤،٦۵۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۰/۷؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٪٦۳/۱؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٪۳٤/۵؛ میزان بیکاری: ٪۲/۷؛ ۲۰۰۰: ٪۲/۲

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ٪۲٤/۲؛ صنعت ٪۲۲/٤؛ خدمات ٪۵۳

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱ سال ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱۷۸،۷۷۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۲/٦؛ نیروی دریایی ٪۲۰/۷؛ نیروی هوایی ٪٦/٦؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٤٤ دلار

واردات(۲۰۰۰): ۱۷٤،٤۵۸ میلیون دلار؛ شامل کالاهای واسطه‌ای ٪۷٦/٦؛ کالاهای سرمایه‌ای ٪۱۳/۸؛ کالاهای مصرفی ٪۹/٦؛ از کشورهای امریکا ٪۷۳/۱ ؛ ژاپن ٪۳/۷؛ آلمان ٪۳/٦؛ کانادا ٪۲/۳؛ ایتالیا ٪۱/۲؛ چین ٪۱/۱

صادرات(۲۰۰۰): ۱٦٦،٤۵۵ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و وسایل حمل و نقل ٪۳۳/۳؛ تجهیزات برقی ٪۱۰/۷؛ نفت خام ٪۸/۹؛ محصولات کشاورزی ٪۳/۳؛ به کشورهای امریکا ٪۸۸/۷؛ اروپا ٪۳/۹؛ کانادا ٪۲؛ ژاپن ٪۰/٦

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-۱۵،۹۳۳	-۱۳،٤۸۱	-۱۸،٤٦٤	+٦،۵۳۱	+٦۲۳	-۷،۷٤۲	-۵،۳٦۱
درصد کل	٪۱٤/۷	٪۱۱/۵	٪۱۳/۲	٪۳/۵	٪۰/۳	٪۳/۲	٪۱/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۷٤/۱	۱۰۰	۱۳٤/٤	۱٦۲/۱	۱۸۷/۹	۲۱۹/۱	۲۳۹/۹
شاخص درآمد ماهیانه	۹۰/۹	۱۰۰	؟	۱۵٦/٦	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۹): ٤/٤ نفر؛ درآمد هر خانوار (۱۹۸۹): ۳،٤٦۱ پزو؛ منابع درآمد (۱۹۹۲): دستمزد و حقوق ٪٦۱/۵؛ دارایی و ایجاد اشتغال کار ٪۲۹/۱؛ پرداخت‌های انتقالی ٪۷/۸؛ دیگر موارد ٪۱/٦؛ هزینه‌ها (۱۹۹۲): غذا، نوشیدنی و دخانیات ٪۳٦/۹؛ مسکن (شامل لوازم منزل) ٪۲۵/۲؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۱۰/۱

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۷،۸۹۷ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ٤،۲٦۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۳۲۱،۵۸٦ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲٦،٦۲۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۸،٦۰۷،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٤،٤۲٦،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٦۳۵ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۸۳ فرودگاه

روزنامه: ۲۹۵ روزنامه در ۹،۰۳۰،۰۰۰ نسخه (۲۹۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۱۵۸ عنوان در ۱۳،۰۹۷،۰۰۰ نسخه

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۳۱،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۲۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۵،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲٦۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۹،۹۲۷،۰۰۰ خط تلفن (۱۰۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳،۳٤۹،۰۰۰ خط (۳۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٤،۵۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،۳۵۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۹۵،۸۵۵	۵۲٤،۹۲۷	۱٤،٦۵۱،۰۰۰	۲۷/۹
متوسطه	۲٤،٤۰۲	۲۷۵،۳۳۱	٤،۸۰۹،۰۰۰	۱۷/۵
فنی و حرفه‌ای	٦،٦۱۰	٦۳،٦۷٤	۸۸۳،۰۰۰	۱۳/۹
عالی	۹،۵٦۲	۳۱٦،٤۰٤	۳،۸۳٤،۰۰۰	۱۲/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۸۹/٦؛ مردان: ٪۹۱/۸؛ زنان: ٪۸۷/٤

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹٤): ۱٤٦،۰۲۱ نفر (هر ٦۱۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٤): ۱۰۷،۲۸۸ تخت (هر ۸٦٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۸۰،۰۰۰ نفر (٪۰/۳۵ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲۵ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،۱٦۸ کالری (٪۱۳٦ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۸۳ گرم؛ مصرف چربی: ۸۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۸-۱۹۹۰): ٪-۰/٤؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۰/۹

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱۱/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۳٤۸/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۳/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۸٤ (پنجاه و پنجمین کشور جهان)

قانون اساسی سال ۱۸۲۴ نظام جمهوری فدرال که از ۱۹ ایالت و چهار منطقه و ناحیهٔ فدرال تشکیل می‌شد به مورد اجرا گذاشته شد. در سال ۱۸۳۶ سانتاآنا برای مدت سه سال به ریاست جمهوری انتخاب شد. درهمین سال ایالت تکزاس مکزیک که حدود ۳۰,۰۰۰ امریکایی در آن زندگی می‌کردند، سر به شورش برداشت و پس از اعلام استقلال از دولت امریکا خواستار حمایت و پشتیبانی شدند و سانتا آنا را به اعزام نیروهای نظامی برای مقابله با نیروهایی که از سوی دولت امریکا برای حمایت تکزاسی‌ها به خاک مکزیک وارد شده بود، وادار نمود. ارتش مکزیک در این رویارویی از امریکایی‌ها شکست خورد و تکزاس در سال ۱۸۴۵ درخواست الحاق به ایالات متحده را نمود. در ۱۸۴۶ جیمز پولک رئیس جمهور امریکا تلاش کرد تا مسئلهٔ اختلاف‌های مرزی و موضوع خرید ایالت کالیفرنیا را حل کند ولی با مخالفت مکزیک روبرو شد و پولک فرمان حمله به سوی نواحی مورد اختلاف را صادر کرد و پس از یک جنگ دوساله، امریکایی‌ها سراسر نواحی شمالی رود ریوگرانده، از جمله تکزاس، آریزونا، نیومکزیکو و کالیفرنیا را ضمیمهٔ امریکا نمودند و در مقابل، ۱۵ میلیون دلار به دولت مکزیک پرداختند و ۳/۵ میلیون دلار نیز برای دعاوی اتباع امریکایی بر علیه دولت مکزیک در نظر گرفته شد.

طی سالهای ۱۸۲۱ تا ۱۸۵۰ حدود ۵۰ دولت مختلف در مکزیک بر سر کار آمد. در ۱۸۵۷ بنیتوخوآرز رهبر لیبرال‌ها به ریاست جمهوری رسید. وی قانون اساسی جدیدی را بر اساس موازین مترقی و عدالت خواهانه تدوین نمود و گام‌های مهمی را در راه گسترش آزادی‌های فردی و الغاء برده‌داری به جلو برداشت. در آوریل ۱۸۵۹ دولت خوآرز از سوی دولت امریکا به رسمیت شناخته شد. اگرچه وی اتحاد ملی را برقرار ساخت ولی با دشواریهای اقتصادی فراوانی روبرو بود و در ۱۸۶۱ بازپرداخت وام‌های دریافتی را به مدت دو سال به حالت تعلیق درآورد. در مقابل فرانسه، انگلستان و اسپانیا در ژانویهٔ ۱۸۶۲ به مکزیک حمله کردند و در وراکروز نیرو پیاده نمودند. اما زمانی که اسپانیا و انگلستان دریافتند که ناپلئون سوم، امپراتور فرانسه قصد مالکیت مکزیک را داشته و متحدان خود را فریب داده است، از ادامهٔ عملیات خودداری کردند و نیروهای خود را از مکزیک خارج نمودند. با این حال ارتش فرانسه شهر مکزیکوسیتی را در ژوئن ۱۸۶۳ با حمایت محافظه‌کاران مکزیکی تصرف کرد و ماکسیمیلیانوی اتریشی را به امپراتوری مکزیک منصوب نمود و عنان اختیار دولت او را در دست خود گرفت و خوآرز را وادار به عقب‌نشینی از پایتخت نمود. خوآرز به تدریج نیروهای خود را به سمت شهر سیوداد خوآرز، واقع در مرز امریکا رساند و دولت امریکا، فرانسه را برای تخلیه مکزیک تحت فشار گذارد. ناپلئون سوم ناگزیر مکزیک را تخلیه کرد و نیروهای مکزیکی ماکسیمیلیانو را دستگیر و اعدام نمودند.

در انتخابات سال ۱۸۷۶ ژنرال پورفیریو دیاس که در جنگ علیه فرانسوی‌ها شرکت داشت، به ریاست جمهوری رسید و تا سال ۱۹۱۱ در همین مقام باقی ماند. طی ۳۵ سال حکومت مستبدانهٔ او اقتصاد مکزیک تا حدی بهبود یافت و پیشرفتهای مادی صورت گرفت و سرمایه گذاری خارجی بیشتر شد، اگرچه نابرابری‌های اجتماعی افزایش یافت. در سال ۱۹۱۰ انقلابی در مکزیک پا گرفت که رهبری آن به عهدهٔ فرانسیسکو مادرو بود. وی در سال ۱۹۱۱ به ریاست جمهوری رسید، اما بروز اختلافات میان رهبران انقلابی به بروز یک جنگ داخلی چند ساله منجر شد. از جمله امیلیانو زاپاتا یکی از مشهورترین رهبران انقلابی امریکای لاتین، تا سال ۱۹۱۹ که با حیله و نیرنگ کشته شد، به دفاع از سرخپوستان مکزیک پرداخت. در ۱۹۱۷ قانون اساسی جدید مکزیک به تصویب رسید که از مزایای بسیاری برخوردار بود. در ۱۹۲۹ و در زمان ریاست جمهوری پلوتارکو الیاس کالس، حزب انقلابی ملی مکزیک که بعدها به حزب نهاد انقلابی تغییر نام داد، تأسیس گردید و در ۱۹۳۴ ژنرال لازاروکاردناس به ریاست جمهوری رسید و برای اصلاحات اجتماعی و صنعتی دست به کار شد و ساختمان آزاد راه سراسری امریکا را آغاز کرد. صنعت نفت را ملی و نظام آموزش و پرورش را بر پایهٔ علمی و صحیح بنا نهاد و علیرغم محبوبیت فراوان و درخواست عمومی برای نقض قانون اساسی و انتخاب مجدد برای ریاست جمهوری، این درخواست‌ها را نپذیرفت.

با شروع جنگ جهانی دوم، مکزیک رو به صنعتی شدن نهاد و هنگام ریاست جمهوری میگل آلمان (۱۹۴۶ تا ۱۹۵۲) به اوج خود رسید. در ۱۹۵۸ آدولفولویز ماتئوس به ریاست جمهوری رسید و تا سال ۱۹۶۴ در این پست باقی ماند. وی مترقی‌ترین دستگاه اداری بعد از کاردناس را روی کار آورد. در انتخابات سال ۱۹۶۴ گوستاوو دیاس اوردانس، مقام ریاست جمهوری را از آن خود کرد. در سال ۱۹۶۵ اختلافات مکزیک و کشور امریکا بر سر ناحیهٔ چامیسال برطرف گردید و در سال ۱۹۶۸ بازیهای المپیک در مکزیک برگزار شد. در ۱۹۷۰ لوئیس اچه‌وریا آلوارز به ریاست جمهوری مکزیک برگزیده شد. وی در ۱۹۷۶ جای خود را به خوزه لوپز پورتیلو واگذار نمود. در زمان ریاست جمهوری او روابط مکزیک با کشورهای امریکا، ژاپن، شوروی، چین و اروپا گسترش فراوان یافت. در ۱۹۷۹ پاپ جان پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان از مکزیک دیدن کرد و کنفرانس بین‌المللی شمال و جنوب در مکزیک برگزار گردید. در انتخابات ژوئیه ۱۹۸۲ میگل دلامادرید به ریاست جمهوری رسید. زمین‌لرزهٔ سپتامبر ۱۹۸۶ آسیب فراوان به مکزیک رسانید و بیش از ۲۰,۰۰۰ تن را به دیار نیستی فرستاد و رکود بازار نفت و پایین آمدن قیمت آن، لطمهٔ دیگری بر پیکر اقتصاد مکزیک وارد کرد. افزایش چشمگیر مهاجران قانونی و به ویژه غیر قانونی مکزیک به امریکا، نگرانی‌هایی را در کشور امریکا ایجاد نمود و دولت آن کشور را به اتخاذ تدابیر خاص واداشت.

در انتخابات ژوئیه ۱۹۸۸ کارلوس سالیناس. د. گوتاری به ریاست جمهوری رسید. در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۲ کشورهای مکزیک، امریکا و کانادا پیمان تجارت آزاد امریکای شمالی موسوم به نفتا را امضاء نمودند و با اجرای آن در سال ۱۹۹۴ وضع اقتصادی مکزیک بهبود چشمگیری یافت. در ژانویهٔ ۱۹۹۴ ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستا سه شهر ایالت چیاپاس را تصرف کردند و آنجا را منطقهٔ آزاد شده اعلام نمودند. ایالت چیاپاس یکی از بزرگترین مراکز سرخپوستان مایا محسوب می‌شود و علیرغم وجود ذخایر نفتی، مردم آن عمدتاً از کمبود امکانات رنج می‌برند و سطح درآمد آنان نیز بسیار پایین است. دولت مرکزی که با اعمال زاپاتیستا موافق نبود، به مبارزه با آنان پرداخت و طی زد و خوردهای متعددی که با آنان درگرفت، صدها تن کشته شدند و شمار زیادی بازداشت گردیدند و بسیاری به مرگ محکوم شدند. اسقف اعظم کاتولیک‌ها به نام ساموئل روئیس دولت را متقاعد به گفتگو با گروه زاپاتیستا و موافق با برقراری آتش‌بس کرد. در ۲۳ مارس ۱۹۹۴ یکی از نامزدهای ریاست جمهوری به نام لوئیس کولوسیو توسط سه تن از محافظانش به قتل رسید و ارنستو زدیلو به جای او نامزد ریاست جمهوری گردید و در انتخابات همان سال به ریاست جمهوری منصوب شد و از مارس ۱۹۹۵ رسماً مشغول به کار گردید. در سپتامبر ۱۹۹۶ گفتگو و مذاکرات صلح با زاپاتیستا بعد از ۱۶ ماه متوقف گردید.

در دسامبر ۱۹۹۷، نیروهای شبه نظامی ۴۵ نفر از بومیان سرخپوست را در ایالت چیاپاس قتل عام کردند و فرماندار آن مجبور به استعفاء شد. در خلال سال ۱۹۹۸ تعداد اتباع مکزیک که هنگام ورود غیر قانونی به خاک ایالات متحده کشته شدند به چهار برابر تعداد سال قبل از آن رسید. انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ به عنوان نقطهٔ عطفی در تاریخ این کشور، موجب شد که به حاکمیت حزب نهاد انقلابی پس از ۷۱ سال پایان داده شود و کاندیدای محافظه‌کاران از حزب اقدام ملی، ویسنته فوکس کسادا، با شعار دگرگونی و تغییرات اساسی به قدرت برسد. وی در اولین اقدام خود باب گفتگو با رهبران زاپاتیستا را گشود و دستور داد تا نیروهای دولتی از مواضع خود در مقابل نیروهای ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستا عقب‌نشینی کنند. همچنین لوایحی به منظور تأمین برخی از حقوق اقلیت‌های سرخپوست از طرف مجلس نمایندگان به تصویب رسید که از سوی زاپاتیستا و مجالس قانونگذاری ایالاتی که سرخپوست‌ها در آنها اکثریت دارند، پذیرفته نشد.

موریتانی MAURITANIA

موریتانی در غرب افریقا و ساحل اقیانوس اطلس جای دارد و از شمال غربی و شمال به کشور صحرا، از شمال خاوری به الجزایر، از خاور به مالی، از جنوب به مالی و سنگال و از غرب به اقیانوس اطلس محدود است. حدود یک سوم اراضی این کشور را کویر صحرا که خشک و پوشیده از شن روان است، دربر گرفته و ارتفاعاتی نه چندان بلند با حداکثر ۹۱۵ متر (کوه کدیةالجل) در نواحی خاوری آن به چشم می‌خورد. علفزارهای ساحل با بارندگی نسبتاً کافی و روییدنی‌های پراکنده نواحی جنوب غربی را شامل شده و رود مرزی سنگال تنها رودخانهٔ آن محسوب می‌گردد. جمعیت کشور اکثراً در همین نواحی به سر می‌برند و عمده‌ترین مراکز فعالیتهای اقتصادی نیز در همین مکان جای دارند. اقلیم آن در نواحی ساحلی گرم و مرطوب و در دیگر نواحی گرم و خشک است و گله‌داری سنتی در سراسر کشور کمابیش رواج دارد و زدایش جنگل‌ها و روییدنی‌ها و بیابانزایی عمده‌ترین تهدید زیست‌محیطی آن است.

تاریخچه

نواحی جنوبی سرزمین امروزی موریتانی، خاستگاه یکی از شگفت‌انگیزترین تمدن‌های افریقاست. حملهٔ مرابطون به موریتانی، بومیان آن نواحی را به سوی جنوب راند و همزمان با مهاجرت قوم فولانی به اتحاد و یکپارچگی مردم انجامید. از سدهٔ چهاردهم طایفهٔ بنی‌هلال به موریتانی وارد شدند و حدود ۲۰۰ سال با بربرها جنگیدند و به غارت منطقه پرداختند. در



نام رسمی: جمهوری اسلامی موریتانی

نام محلی: موریتانیا

اسامی دیگر: -

پایتخت: نواکشوت (۶۱۱،۸۸۳ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۱۱/۲۸، از فرانسه

روز ملی: بیست و هشتم نوامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۰

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور: معاویه‌ولد سید احمد تایا (حزب دموکراتیک و سوسیالیست جمهوریخواه)، ازسال ۱۹۸۴

رئیس دولت: نخست‌وزیر: شیخ عافیه ولد محمد خونا (حزب دموکراتیک و سوسیالیست جمهوریخواه)، از سال ۱۹۹۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۱ (بر اساس شریعت اسلامی)؛ مجلس ملی با ۸۱ عضو به مدت ۵ سال و مجلس سنا با ۵۶ عضو به مدت ۶ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۱): حزب دموکراتیک و سوسیالیست جمهوریخواه ۶۴ کرسی؛ جنبش برای تغییر ۴ کرسی، اتحاد برای دموکراسی و ترقی ۳ کرسی، مجمع نیروهای دموکرات ۳ کرسی، اتحاد نیروهای مترقی ۳ کرسی، تجمع برای دموکراسی و وحدت ۳ کرسی، جبهه مردمی ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱،۰۳۰،۷۰۰ کیلومترمربع (بیست و هشتمین کشور جهان)

جمعیت: ۲،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و سی و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲/۶ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۷٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۴/۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵۵/۳٪؛ رشد سالانه(۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۴/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ۴۴/۴٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۶/۷٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۳/۸٪؛ بالای ۶۰ سال ۵/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ۴۹/۵۸٪؛ زن ۵۰/۴۲٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۵۲/۴ سال؛ مردان ۴۸/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۴۳/۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۴/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۷۹/۶ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۹/۴ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۶/۴ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ ملیت(۱۹۹۳): قبایل‌مور ۷۰٪؛(حراطین ۴۰٪؛بربرعرب ۳۰٪)؛سیاهپوست‌افریقایی ۳۰٪(ولوف، توکولور، سونینکه وفولانی)

دین(۲۰۰۰): اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان سنی ۹۹/۱٪؛ باورهای قبیله‌ای ۰/۵٪؛ مسیحی ۰/۳٪؛ بقیه ۰/۱٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)، فولانی،سونینکه، ولوف (زبانهای ملی)، فرانسه؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۲۰۰۰): نواذیبو ۷۴،۴۱۴ نفر؛ کیفا (۱۹۹۹) ۵۰،۸۰۰ نفر؛ کائدی (۱۹۹۲) ۳۵،۲۴۱ نفر؛ روسو (۱۹۹۲) ۳۰،۰۰۰ نفر

بنادر مهم: نواکشوت و نواذیبو (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: وگیه (UM) = ۵ خمس؛ یک دلار= ۲۴۸/۱۴ وگیه ؛ یک وگیه = ۳۲/۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۴۴،۸۰۰ میلیون وگیه؛ درآمد مالیاتی ۵۸/۳٪ (شامل مالیات بر کالا و خدمات ۲۶/۵٪؛ مالیات گمرکی ۱۲/۱٪؛ مالیات بر درآمد ۹/۶٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۳۹/۹٪ (شامل جریمه‌ها و حق امتیاز ماهیگیری ۳۲/۳٪)

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۳۲،۱۱۰ میلیون وگیه؛ حقوق‌ها و دستمزدها ۲۴/۹٪؛ سود بدهی‌ها ۱۵/۳٪؛ دفاع ۱۱/۴٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،۰۳۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۴۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۴/۱٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۴/۸٪؛ صنعت ۲۹/۵٪؛ خدمات ۴۵/۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۴ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۶ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،۲۱۴ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۷۱/۱+میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۵/۳٪؛ ۱۹۹۸: ۸/۸٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): برنج ۱۰۱،۹۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۷۴،۸۰۰ تن؛ خرما ۲۲،۰۰۰ تن؛ میوه نخودمانند استوائی ۲۲،۰۰۰ تن؛ حبوبات ۱۲،۰۰۰ تن؛ ارزن ۱۰،۴۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۴): کشاورزی ۰/۲٪؛ مرتع و چمنزار ۳۸/۳٪؛ جنگل ۴/۳٪؛ بیابان ۵۷/۲٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): گوسفند ۶،۲۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۴،۱۳۳،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱،۳۹۵،۰۰۰ رأس؛ شتر ۱،۱۸۵،۰۰۰ نفر

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۵،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۸۲،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۴،۱۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۴،۹۳۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): (وزن ناخالص): سنگ‌آهن ۱۱،۷۰۰،۰۰۰ تن؛ گچ ۱۲،۵۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۶): شیر گاو (۱۹۹۴): ۹۱،۰۰۰ تن؛ شیر بز (۱۹۹۴): ۷۷،۰۰۰ تن؛ گوشت ۵۸،۲۰۰ تن (گوشت گوسفند ۲۴،۶۰۰ تن؛ گوشت گاو ۱۰،۲۰۰ تن)؛ پوست ۴،۶۰۰ تن؛ سیمان، کاشی و آجر (۱۹۹۳) ۵/۹ تن؛ مصنوعات فلزی ۵/۴ تن؛ کاغذ و تولیدات کاغذی (۱۹۹۳) ۲/۱ تن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۶): ۱۵۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۵۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(۶،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (۶،۹۲۷،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی ۸۴۰،۰۰۰ تن (۹۲۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۴): ۶۸۷،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۱/۳٪؛ میزان مشارکت (۱۰ سال به بالا ؛ ۱۹۹۱): ۴۵/۵٪؛ زنان (۱۰ سال به بالا): ۲۲/۹٪؛ میزان بیکاری:؟

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۵۳٪؛ صنعت و خدمات ۴۷٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱۵،۶۵۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۵/۸٪؛ نیروی دریایی ۳/۲٪؛ نیروی هوایی ۱٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۱۰ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۴۰۳/۴ میلیون دلار؛ شامل واردات برای شرکت ملی صنایع و معادن ۲۰/۲٪؛ فرآورده‌های نفتی ۱۳/۶٪؛ سرمایه گذاری شامل کمک‌های غذایی ۱۰٪؛ تجهیزات و ماشین‌آلات ۶/۵٪؛ از فرانسه ۲۵/۵٪؛ اسپانیا ۷/۵٪؛ آلمان ۶/۷٪؛ بلژیک -لوکزامبورگ ۶/۴٪؛ تایلند ۵/۱٪

صادرات(۱۹۹۷): ۴۰۵ میلیون دلار؛ شامل سنگ آهن ۵۲/۴٪؛ ماهی ۴۷/۶٪ (شامل پابرسان مانند اختاپوس ۲۸/۳٪)؛ به ژاپن ۲۳/۳٪؛ ایتالیا ۱۶/۷٪؛ فرانسه ۱۳/۹٪؛ اسپانیا ۸/۳٪؛ بلژیک -لوکزامبورگ ۷/۱٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	-۵۴/۵	+۲/۶	+۴۱/۷	+۷۵/۸	+۴۹/۸	+۱/۶	+۴۰
درصد کل	٪۶/۳	٪۰/۳	٪۵/۶	٪۸/۳	٪۵/۴	٪۰/۲	٪۵/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۲/۴	۹۰/۱	۹۳/۹	۱۰۰	۱۰۴/۷	۱۰۹/۵
شاخص درآمد ماهانه	؟	۹۶	۹۸	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۴/۱

ویژگیهای خانوار: میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۶): ۵/۳ نفر؛ هزینه‌ها (۱۹۹۰): غذا و نوشیدنی ۷۳/۱٪؛ پوشاک و کفش ۸/۱٪؛ آب و برق ۷/۷٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۲٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۲۸ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۵۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۶): ۷،۶۶۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ۷۰۴ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۶): ۱۸،۸۱۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۶):** ۱۰،۴۵۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۱۲۶ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۶): ۲ روزنامه در ۱،۰۰۰ نسخه (۰/۴ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۳۶۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۴۶ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۳۱،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۹۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۵،۰۰۰ خط تلفن (۵/۸ خط برای هرهزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۷۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۱۲،۵۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۶)	۲،۳۹۲	۶،۲۲۵	۳۱۲،۶۷۱	۵۰/۲
متوسطه	؟	۱،۸۶۵	۴۹،۲۲۱	۲۶/۴
فنی و حرفه‌ای	؟	۲۰۲	۲،۵۴۴	۱۲/۶
عالی	؟	۲۷۰	۸،۴۹۶	۳۱/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۳۷/۷٪ ؛ مردان: ۴۹/۶٪؛ زنان: ۲۶/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال (۱۹۹۸): ابتدایی ۳۴/۱٪؛ متوسطه ۳/۸٪؛ عالی ۱/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۴): ۲۰۰ نفر (هر ۱۱،۰۸۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۸): ۱،۵۵۶ تخت(هر ۱،۲۱۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ۴۹ ساله: ۶،۱۰۰ نفر (۰/۵۲٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۵۸/۴ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۷۰۲ کالری (۱۱۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷۴ گرم؛ مصرف چربی: ۶۴ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): صفر ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۳ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۳ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۴۵۱ (صد و چهل و هفتمین کشور جهان)



۱۶۴۴ بربرهای آن نواحی با هم متحد شدند و در مقابل هجوم اعراب به مقاومت پرداختند، ولی در جنگی که ۳۰ سال به درازا کشید، شکست خوردند و در پایان عرب‌ها که سلطهٔ نظامی خود را تحکیم کرده بودند، به جنگجویان حسنی معروف گردیدند.

در سدهٔ پانزدهم تجار پرتغالی به آنجا وارد شدند و در پی آنان هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها نیز بدانجا راه یافتند. در سدهٔ نوزدهم فرانسوی‌ها بخش اعظم موریتانی را به تسلط خود درآوردند و در ۱۹۰۳ موریتانی را تحت‌الحمایهٔ خود قرار دادند و در ۱۹۲۰ آن را رسماً مستعمره خود نمودند و ضمیمهٔ افریقای غربی فرانسه کردند و از شهر سن‌لویی واقع در سنگال به ادارهٔ آن پرداختند. بعد از جنگ جهانی دوم موریتانی به یکی از استانهای ماوراء بحار فرانسه مبدل گردید و ده سال بعد از سوی فرانسه به کسب خودگردانی نایل آمد و سرانجام در ۱۹۶۰ به استقلال رسید و مختار ولد دادا به ریاست جمهوری منصوب گردید. در انتخابات سال ۱۹۶۱ ولد دادا رسماً به ریاست جمهوری برگزیده شد و در همان سال موریتانی به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و نظام تک‌حزبی بر کشور حاکم شد. اقدامات کنسرسیوم معادن آهن فرانسه در سال ۱۹۶۴ موجب بهبود اقتصاد موریتانی گردید. انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۶ ولد دادا را مجدداً در مقام ریاست جمهوری ابقاء کرد.

خشکسالی سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ حدود ۸۰ درصد دام‌های کشور را از بین برد و دولت در نوامبر ۱۹۷۶ معادن کشور را ملی اعلام کرد و برای جلوگیری از نفوذ استعمارگرانهٔ فرانسه، روابط خود را با کشورهای مسلمان گسترش داد و به عضویت اتحادیهٔ عرب درآمد و از کشورهای عربستان سعودی و کویت و مغرب کمکهای اقتصادی دریافت نمود. در سال ۱۹۷۵ موریتانی و مغرب برای تقسیم صحرا، که پس از خروج نیروهای اسپانیا، اعلام استقلال نموده بود، به توافق رسیدند و آن را بدون توجه به خواستهٔ مردم بین خود تقسیم کردند و سه هزار سرباز موریتانیایی و ده هزار سرباز مراکشی با حمایت فرانسه، صحرا را تصرف نمودند. به دنبال آن جنگ با چریک‌های پولیساریو آغاز شد و چریک‌های صحرا نیز در سال ۱۹۷۷ پایتخت موریتانی را مورد حمله قرار دادند و از استخراج و بهره‌برداری معادن آهن جلوگیری نمودند. این وضعیت به بحران اقتصادی شدید و نارضایی عمیق مردم موریتانی انجامید و جنگ و تظاهرات خیابانی سراسر شهرهای بزرگ را در بر گرفت. سرانجام بحران مزبور به مرز انفجار رسید و در ژانویهٔ ۱۹۷۸ سرهنگ مصطفی ولدسالک دست به کودتا زد و دولت ولد دادا را سرنگون نمود و با جبههٔ پولیساریو روابط دوستانه و نزدیکی برقرار کرد.

از ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۴ پنج بار دیگر در موریتانی کودتا شد و در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۴ سرهنگ معاویه ولد سید احمد تایا دست به کودتا زد و با سرنگون کردن دولت کودتای پیشین در اولین اقدام خود جمهوری دموکراتیک عربی صحرا را به رسمیت شناخت و به دنبال آن دست به کار اصلاحات اقتصادی گردید. در ۱۹۸۹، اختلافات و زد و خوردهای مرزی بین موریتانی و سنگال شروع شد و صدها کشته به جای گذارد و به قطع روابط سیاسی میان دو کشور منجر گردید، در پی آن ۱۷۰,۰۰۰ موریتانیایی از سنگال اخراج شدند و به موریتانی بازگشتند. در همه‌پرسی سال ۱۹۹۱ نظام چند حزبی برای کشور انتخاب شد. در ژانویهٔ ۱۹۹۲ معاویه ولد سید احمد تایا مجدداً به ریاست جمهوری برگزیده شد. در آوریل همان سال روابط سیاسی با سنگال و مالی مجدداً برقرار گردید. در ژانویهٔ ۱۹۹۵ هزاران تظاهرکننده به خیابانهای نواکشوت ریختند. اتومبیل‌ها را آتش زدند و مغازه‌ها را غارت کردند و علیه افزایش مالیات‌ها به اعتراض پرداختند. در ژانویهٔ ۱۹۹۶ تایا، شیخ عافیه ولد محمد خونا را به نخست‌وزیری منصوب کرد. در دسامبر ۱۹۹۷ تایا دوباره به ریاست جمهوری رسید و محمد امین ولد گوئیگ را به نخست‌وزیری برگزید. در آوریل ۱۹۹۸ سازمان حقوق بشر از موریتانی خواست تا به برده‌داری پایان دهد.

در پی اعتراضات مردمی نسبت به عملکرد دولت گوئیگ، رئیس جمهور وی را برکنار نمود و از شیخ ولد محمد خونا خواست تا دولت جدید را تشکیل دهد. در سپتامبر ۲۰۰۱، ملک محمد ششم، پادشاه مغرب از موریتانی بازدید کرد و روابط سیاسی دو کشور که از سال ۱۹۷۸ رو به تیرگی نهاده بود، بهبود یافت. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱، ائتلاف احزاب دموکراتیک و سوسیالیست جمهوری‌خواه با کسب ۵۱٪ آراء، ۶۴ کرسی از ۸۱ کرسی آن را تصاحب نمودند.

موریس MAURITIUS

جزیرهٔ موریس در آبهای جنوب شرقی افریقا و حدود ۸۰۰ کیلومتری خاور جزیرهٔ بزرگ ماداگاسکار و در آبهای غربی اقیانوس هند قرار گرفته است. طول جزیرهٔ موریس از شمال به جنوب ۷۲ کیلومتر و پهنای آن از شرق به غرب ۵۳ کیلومتر است و دارای منشأ آتشفشانی است و پیرامون آن را چند آبسنگ مرجانی از جمله جزیرک‌های فلات و روند فرا گرفته‌اند. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است و مهمترین رودخانه‌های آن گران و رامپار است و بلندترین نقطهٔ آن ۸۲۸ متر ارتفاع دارد.

چند جزیره در اقیانوس هند نیز توسط موریس اداره می‌شوند که عبارتند از: جزیره رودریگز (به وسعت ۱۰۴ کیلومترمربع و حدود ۳۵,۰۰۰ نفر جمعیت(۲۰۰۰) که اغلب به کشاورزی و ماهیگیری اشتغال دارند)، جزایر آگالگا (به وسعت ۶۹ کیلومترمربع و حدود ۵۰۰ نفر جمعیت که به کشت نارگیل مشغولند) و همچنین جزایر کوچک سنت‌براندون مرکب از ۲۲ جزیرک (که ساکنان آن با صید ماهی و جمع‌آوری گوآنو روزگار می‌گذرانند). کشت نیشکر و غلات از عمده‌ترین فعالیتهای کشاورزی و اقتصادی موریس است و آلودگی آبهای سطحی از جمله آفت‌های زیست‌محیطی آن به شمار می‌رود.



تاریخچه

یادداشتهایی که از کاشفان پرتغالی به جای مانده گویای آن است که زمانی که آنان در سدهٔ شانزدهم میلادی به جزیرهٔ مزبور پا نهادند، آن را بایر و خالی از سکنه یافتند. طی سالهای ۱۵۹۸ تا ۱۷۱۰ درختان آبنوس جزیره جلب توجه هلندی‌ها را کرد و آن را موریس نامیدند. در سال ۱۷۱۵ فرانسوی‌ها آنجا را به تصرف درآوردند و آن را ایل دوفرانس (جزیرهٔ فرانسه) نام نهادند. هنگامی که بر سر تصاحب هندوستان بین فرانسه و انگلستان اختلاف افتاد، موریس از موقعیت استراتژیکی مهمی برخوردار شد و به یکی از مراکز داد و ستد میان هند و ماداگاسکار و موزامبیک مبدل گردید و بر وسعت کشتزارهای نیشکر آن افزوده شد. با رویداد انقلاب



نام رسمی: جمهوری موریس

نام محلی: موریشس Mauritius

اسامی دیگر: ایل دوفرانس (نام سابق)

پایتخت: پورت‌لوئی (۱۴۸،۵۰۶ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۸/۳/۱۲ ، از انگلستان

روز ملی: دوازدهم مارس، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: کارل آگوسته اوفمان، از سال ۲۰۰۲ توسط مجلس ملی به مدت ۵ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آنرود جوگناوت (جنبش سوسیالیستی موریس)، از سال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۶۸ با تغییراتی در سال ۱۹۹۲؛ مجلس ملی با ۶۲ عضو انتخابی و ۸ عضو مختص اقلیت‌ها، به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۰): ائتلاف انتخاباتی جنبش سوسیالیستی موریس و جنبش مبارزین موریس ۵۴ کرسی؛ ائتلاف انتخاباتی حزب کارگر موریس و حزب موریسی خاویر دووال ۶ کرسی؛ سازمان مردم رودریگز ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۶۸)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲،۰۴۰ کیلومترمربع (صد و شصت و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ۱،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و چهل و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۸۸/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۸٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱/۴ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۵۸ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۴۰/۹٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱/۶٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۲۵/۹٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۵/۹٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۹/۴٪؛ بالای ۶۰ سال ۸/۸٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ۴۹/۹۸٪؛ زن ۵۰/۰۲٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۴/۵ سال؛ مردان ۶۶/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۶/۹ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۶/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۸/۴ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹۸): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۳۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ۶۵ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۳۶ نفر؛ قتل، خودکشی و حوادث ۴۴ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ۹/۴ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۰/۸ مورد

نژاد/ملیت(۲۰۰۰): هندی – پاکستانی ۶۷٪؛ کریول (دورگه سفید با هندی و پاکستانی و سیاهپوست) ۲۷/۴٪؛ چینی ۳٪

دین(۱۹۹۰): هندو ۵۰/۶٪؛ کاتولیک ۲۷/۲٪؛ مسلمان ۱۶/۳٪؛ پروتستان ۵/۲٪؛ بودایی ۰/۳٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)، موریسی (فرانسوی کریول، بهوجپوری، تامیلی، هندی، اردو)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): بوباسن رزهیل ۱۰۲،۳۷۷ نفر؛ واکوا-فونی ۱۰۰،۴۹۰ نفر؛ کوترپیپ ۸۰،۹۷۳ نفر؛ کواتربورن ۷۸،۰۹۶ نفر

بنادر مهم: پورت‌لوئی (اقیانوس هند)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: روپیه موریس (Mau Rs)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۲۶/۶ روپیه؛ یک روپیه = ۳۰۰/۸ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۱۸،۵۰۱ میلیون روپیه؛ درآمد مالیاتی ۸۴/۸٪ (شامل عوارض گمرکی ۳۳/۳٪؛ مالیات بر کالاها و خدمات ۳۲/۵٪؛ مالیات بر درآمد ۱۳٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ۱۴٪؛ کمک‌های بلاعوض ۱/۲٪

هزینه بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۲۱،۸۷۲ میلیون روپیه؛ تأمین اجتماعی ۱۹/۴٪؛ خدمات دولتی ۱۸/۸٪؛ آموزش ۱۶٪؛ سود بدهی‌ها ۱۶٪ ؛ خدمات اقتصادی ۱۱/۴٪؛ بهداشت ۸/۱٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۴،۳۲۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،۷۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۵/۵٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۵/۲٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۸/۶٪؛ صنعت ۳۳/۱٪؛ خدمات ۵۸/۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲۵ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،۱۵۲ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۹/۶+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۴٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۶/۲٪؛ ۱۹۹۸: ۵/۶٪؛ ۲۰۰۰: ۴/۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۳،۵۰۰،۰۰۰ تن؛ سبزیجات ۲۳،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱۵،۰۰۰ تن؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۱۱،۷۵۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ۱۱،۰۰۰ تن؛ موز ۹،۴۰۰ تن؛ پیاز ۶،۷۵۰ تن؛ کلم ۶،۳۰۰ تن؛ آناناس ۱،۵۰۰ تن؛ بادام زمینی ۶۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۴): کشاورزی ۵۲/۲٪؛ مرتع و چمنزار ۳/۴٪؛ جنگل ۲۱/۷٪؛ و سایر موارد ۲۲/۷٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): بز ۹۳،۰۰۰ رأس؛ گاو ۲۷،۰۰۰ رأس؛ خوک ۲۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۷،۲۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۴،۷۶۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱۳،۷۳۴ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۴،۳۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۵،۱۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۴): سنگ‌آهن ؛ گچ؛ طلا؛ مس؛ فسفات؛ گوگرد و تورب

تولیدات صنعتی(۱۹۹۴): (ارزش افزوده): پوشاک ۵،۰۶۵،۰۰۰،۰۰۰ روپیه؛ نوشیدنی و دخانیات ۱،۹۹۵،۸۰۰،۰۰۰ روپیه؛ محصولات غذایی ۱،۵۸۰،۴۰۰،۰۰۰ روپیه؛ فلز و مصنوعات فلزی ۸۸۲،۹۰۰،۰۰۰ روپیه؛ منسوجات و نخ ۶۷۶،۴۰۰،۰۰۰ روپیه؛ محصولات شیمیایی ۵۰۵،۶۰۰،۰۰۰ روپیه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۱،۳۶۴،۸۰۰ کیلووات ساعت (۱،۳۶۴،۸۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (۸۶،۳۰۰ تن)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۵۷۶،۰۰۰ تن)

نیروی کار: (جمعیت فعال اقتصادی ۱۹۹۸): ۵۰۷،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۴۳/۸٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۲ سال به بالا) ۵۵/۶٪؛ زنان (در سنین ۱۲ سال به بالا) ۳۷/۱٪؛ میزان بیکاری: ۵/۷٪؛ ۲۰۰۰: ۸٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۶): کشاورزی ۱۴٪؛ صنعت ۳۸٪؛ خدمات ۴۸٪

نیروی دفاعی: این کشور فاقد نیروی نظامی است و امنیت داخلی آن به عهدهٔ یک نیروی ویژه شبه نظامی ۱،۵۰۰ نفره می‌باشد. سرانهٔ هزینهٔ دفاعی: ۱۰ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۴۹،۸۱۱ میلیون روپیه؛ شامل کالاهای ساخته شده صنعتی ۳۴/۶٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل ونقل ۲۲/۸٪؛ غذا ۱۳/۸٪؛ موادشیمیایی۷/۸٪؛سوخت‌های‌معدنی‌وروغنهای‌روانکاری۶/۳٪؛ موادخام غیرخوراکی‌به‌جز سوخت ۳/۹٪؛ از فرانسه ۱۱/۱٪؛ افریقای جنوبی ۱۰/۵٪؛ هند ۹/۳٪؛ تایوان ۵/۲٪؛ انگلستان ۵/۲٪ ژاپن ۵/۱٪؛ هنگ‌کنگ ۵٪؛ آلمان ۴/۱٪

صادرات(۱۹۹۸): ۳۹،۶۳۴ میلیون روپیه؛ شامل پوشاک ۵۵/۹٪؛ شکر ۲۱/۳٪؛ نخ ۳/۷٪؛ مواد شیمیایی ۰/۵٪؛ سایر موارد ۱۸/۶٪؛ به انگلستان ۳۲/۳٪؛ فرانسه ۱۷/۱٪؛ امریکا ۱۶/۳٪؛ آلمان ۵/۳٪؛ ایتالیا ۳/۵٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون روپیه	-۷،۳۲۷	-۱۰،۴۵۱	-۷،۶۰۷	-۹،۵۰۱	-۶،۳۸۱	-۱۰،۱۷۷	-۱۷،۰۱۹
درصد کل	٪۱۳/۷	٪۱۷/۸	٪۱۲/۴	٪۱۳/۱	٪۷/۵	٪۱۱/۴	٪۱۷/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۹/۵	۸۷/۹	۹۴/۳	۱۰۰	۱۰۶/۶	۱۱۳/۸	۱۲۱/۶	۱۳۰	۱۳۵/۴
شاخص درآمد	؟	؟	؟	۱۰۰	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۲۰۰۰): ۴/۲ نفر؛ درآمد هر خانوار (۹۷-۱۹۹۶): ۱۲۲،۱۴۸ روپیه؛ منابع درآمد (۱۹۹۰): حقوق‌ودستمزد ۴۸/۴٪؛ درآمد حاصل از ایجاد کار ۴۱/۲٪؛ پرداخت‌های انتقالی ۱۰/۴٪؛ هزینه‌ها (۹۷-۱۹۹۶) غذا، نوشیدنی و دخانیات ۴۵/۲٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۴/۲٪؛ مسکن و لوازم منزل ۱۳/۲٪؛ پوشاک و کفش ۷/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۴۸۵ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۷۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۱،۱۸۴ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۴۶،۳۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۱۲،۱۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۳۵ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹۶): ۶ روزنامه در ۸۵،۰۰۰ نسخه (۷۶ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۶۲ عنوان

کتاب(۱۹۹۶): ۸۰ عنوان در ۱۶۳،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۲،۰۳۷/۵ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۴۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۷۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۶۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۲۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۴۵،۰۰۰ خط تلفن (۲۱۴ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۶۰،۰۰۰ خط (۵۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۱۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۲۸۵	۵،۰۶۵	۱۳۰،۵۰۵	۲۵/۷
متوسطه	۱۳۳	۴،۸۲۰	۹۴،۳۶۴	۱۹/۶
فنی و حرفه‌ای	۱۳	۱،۱۷۰	۵،۴۹۶	۴/۶۹
عالی	۳	۴۶۱	۶،۴۲۹	۱۳/۹

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۸۲/۹٪؛ مردان: ۸۷/۱٪؛ زنان: ۷۸/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال (۱۹۹۰): ابتدایی ۴۸/۷٪؛ متوسطه ۳۱/۱٪؛ عالی ۱/۹٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۱،۰۳۳ نفر (هر ۱،۱۲۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۸): ۳،۸۲۶ تخت (هر ۳۰۳ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۰۸٪ افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۳/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۹۷۲ کالری (۱۳۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۷۲ گرم؛ مصرف چربی: ۸۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱/۲-٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۴/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹۶): ۱/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۵ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۶۱ (هفتاد و یکمین کشور جهان)

فرانسه، موریس تا اندازه‌ای از خودگردانی بهره‌مند شد ولی این دیری نپایید و انگلستان در سال ۱۸۱۰ بر آن مستولی گردید. با شکست ناپلئون بناپارت و انعقاد پیمان پاریس، موریس جزء متصرفات انگلستان منظور شد و انگلیسی‌ها کشتزارهای وسیعی از نیشکر در آن احداث کردند و این محصول را به یکی از منابع عمدهٔ درآمد آن که تاکنون همچنان حفظ گردیده است، مبدل نمودند. با لغو برده‌داری در سال ۱۸۳۵ کشتزارهای نیشکر بدون کارگر ماند و حدود ۴۵۰,۰۰۰ هندی به جزیرهٔ مزبور آورده شدند و در کشتزارها به کار گمارده شدند. با گذشت زمان بر شمار هندیان افزوده شد و قسمت عمدهٔ جزیره به آنان اختصاص یافت و این وضعیت تا زمان حاضر همچنان محفوظ گردیده است.

در سال ۱۹۳۶ حزب کارگر تأسیس گردید و با شروع جنگ جهانی دوم انگلیسی‌ها از حفظ تسلط و کنترل خود بر جزیرهٔ موریس بازماندند و موریسی‌ها از این فرصت استفاده کردند و زمزمه‌های استقلال‌خواهی را آغاز نمودند. همزمان با این تحولات، امریکایی‌ها بر قدرت و نفوذ خود افزودند و انگلیسی‌ها را وادار شدند تا با نوعی خودگردانی برای موریس موافقت کنند. در ۱۹۵۷ نخستین دولت خودمختار موریس تشکیل شد و در اولین انتخابات که در سال ۱۹۵۹ برگزار شد حزب کارگر موریس برندهٔ اکثریت گردید و رهبر آن سیووساگور رامگولام در سال ۱۹۶۱ به نخست‌وزیری رسید و جزایر رودریگز، کارگادوس، کاراجوس و چاگوس که به مرکزیت موریس اداره می‌شدند، ضمیمهٔ سرزمین خودمختار موریس گردید. در ۱۹۶۵ با تصویب رامگولام، چاگوس و جزایر دیگر به سرزمینهای انگلستان در اقیانوس هند ملحق شدند ودولت امریکا پایگاه دریایی مهمی در جزیرهٔ دیگوگارسیا احداث کرد و ساکنان بومی آن به موریس منتقل گردیدند. از آن به بعد دولت امریکا از واگذاری جزیرهٔ دیگوگارسیا به موریس اکیداً خودداری کرده و از بازگشت ساکنان آن به زادگاهشان جلوگیری نموده است.

موریس در سال ۱۹۶۸ به استقلال رسید و فرماندار کل آن به نمایندگی از ملکهٔ انگلستان بر ادارهٔ آن به نظارت پرداخت و نظام دو حزبی بر آن حاکم گردید. در ۱۹۷۶ سیووساگور رامگولام با ائتلاف حزب کارگر و مسلمانان مجدداً به نخست‌وزیری رسید. وی با اسرائیل و افریقای جنوبی روابط نزدیک برقرار کرد. در انتخابات سال ۱۹۸۲ آنرودجوگناوت یک دولت ائتلافی، متشکل از جنبش سوسیالیستی موریس و جنبش مبارزین موریس، تشکیل داد. وی ارتباطات اقتصادی خود را با افریقای جنوبی کاهش داد و بر مالکیت دیگوگارسیا و واگذاری آن از سوی امریکا پافشاری نمود. ترقی بهای نفت و کاهش قیمت شکر در بازارهای جهانی، موریس را با بحران اقتصادی مواجه نمود. در انتخابات عمومی دسامبر ۱۹۸۷ جوگناوت مجدداً به تشکیل یک دولت ائتلافی مأمور گردید. در مارس ۱۹۹۲ نظام حکومتی موریس از فرمانداری کل به جمهوری مبدل گردید و کاسام اوتم به عنوان نخستین رئیس جمهوری کشور برگزیده شد. در دسامبر ۱۹۹۵ با پیروزی ائتلاف حزب کارگر و جنبش مبارزین موریس رامگولام به نخست‌وزیری منصوب گردید و انتخابات ژوئن سال ۱۹۹۷ کاسام اوتم را برای بار دوم در مقام ریاست جمهوری ابقاء نمود. در انتخابات پارلمانی سپتامبر ۲۰۰۰، ائتلاف جنبش مبارزین موریس و جنبش سوسیالیستی موریس با کسب ۵۴ کرسی از ۶۲ کرسی مجلس ملی، اکثریت چشم‌گیری را به دست آوردند و قرار شد، سه سال اول ریاست دولت به عهده آنرود جوگناوت، رهبر جنبش سوسیالیستی موریس و دو سال بعد به عهدهٔ پل برنژه، رهبر جنبش مبارزین موریس باشد. پل برنژهٔ فرانسوی‌تبار، اولین نخست‌وزیری خواهد بود که از زمان استقلال تاکنون، از میان غیر هندوها به این سمت برگزیده شده است.

موزامبیک MOZAMBIQUE

کشور موزامبیک در جنوب خاوری افریقا و در ساحل غربی اقیانوس هند جای دارد. این کشور از شمال به مالاوی و تانزانیا، از خاور و جنوب به اقیانوس هند (تنگه موزامبیک) و کشور افریقای جنوبی و از غرب به سوازیلند و کشور افریقای جنوبی و زیمبابوه و از شمال غربی به زامبیا محدود است. جلگه ساحلی موزامبیک که در جنوب بر پهنای آن افزوده می‌شود، رو به غرب و شمال به ارتفاعات درون‌بومی با ارتفاع حداکثر ۲۴۳۶ متر (کوه بینگا) ختم می‌گردد. مدار رأس‌الجدی از نواحی جنوبی آن می‌گذرد و اقلیم آن گرم و خشک است. در رودخانهٔ عمدهٔ زامبزی و لیمپوپو همراه با رودهای کوچکتری چون رووما، لوریو، ساوه و لیگونا آن را مشروب می‌سازند. بندرهای مناسب آن، ارتباط دریایی کشورهای مالاوی و زیمبابوه را نیز برقرار می‌سازند. جنگلهای وسیعی دارد و جنگهای طولانی ساختار تولیدی کشور را به ویژه در زمینهٔ کشاورزی نابود کرده است و استفاده از چوبهای جنگلی برای مصارف سوختی، جنگل‌ها را به نابودی تهدید می‌کند.



تاریخچه

شهر سوفا به وسیلهٔ شیرازی‌ها در پایان سدهٔ دهم ساخته شد و بعدها به محل برخورد و تماس دو فرهنگ پیشرفتهٔ تاجران مسلمان ساکن در نواحی ساحلی و صنعتگران آنیمیست ساکن در زیمبابوه گردید. پرتغالی‌ها با ورود خود به موزامبیک در قرن شانزدهم، فرهنگ‌های مزبور را نابود کردند و بندرهای صدور طلای زیمبابوه را ویران نمودند و خود نیز به هیچ یک از هدف‌هایشان دست نیافتند. دولت زنگبار پرتغالی‌ها را از این منطقه بیرون راند و به گرمی بازار خرید و فروش برده کمک نمود. در سدهٔ نوزدهم پرتغالی‌ها مجدداً تسلط خود را بر موزامبیک مسجّل نمودند و در ۱۹۰۹ آن را به یکی از مستعمرات رسمی خود مبدل ساختند. موزامبیک در ۱۹۵۱ به صورت یکی از استانهای ماوراء بحار پرتغال تبدیل گردید و غارت منابع سرشار آن همچنان ادامه یافت و به ناخشنودی و خشم مردم انجامید و جنبش‌های استقلال‌طلبانه علیه استعمارگران پرتغالی آغاز گردید و در سدهٔ بیستم ده‌ها هزار تن از مردم آن به کشورها و نواحی اطراف مهاجرت کردند. انقلاب سال ۱۹۶۰ به طور وحشیانه سرکوب شد و بیش از ۵۰۰ کشته به جای گذارد.

در سال ۱۹۶۲ جبههٔ آزادیبخش موزامبیک (فره‌لیمو) به وسیلهٔ رهبرانی چون دکتر ادوارد و موندلین و ساموراماشل پایه‌گذاری شد و به عنوان نمایندهٔ مردم موزامبیک معرفی گردید. در ۲۵ دسامبر ۱۹۶۴ بعد از دو سال فعالیتهای زیرزمینی، جبههٔ آزادیبخش موزامبیک برای کسب استقلال کامل، فعالیتهای خود را علنی کرد و عملاً با استعمارگران به مبارزه پرداخت و در ۱۹۶۵ بعضی از قسمتهای موزامبیک را در کنترل خود درآورد و در سال ۱۹۶۹ بر حدود یک‌پنجم کشور مسلط گردید. در فوریهٔ همان سال دکتر موندلین به دست عوامل استعمار ترور شد و ساموراماشل رهبری سازمان را بر عهده گرفت و مبارزات استقلال‌طلبانه با شدت هر چه تمامتر ادامه یافت. اوج‌گیری مخالفت‌های مردم با حکومت پرتغال به حکومت مستبدانهٔ سالازار در ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ پایان داد و با آغاز مذاکرات میان دولت جدید پرتغال و رهبران فره‌لیمو، یک دولت انتقالی در ۲۵ ژوئن ۱۹۷۵ در موزامبیک بر سر کار آمد و جمهوری خلق موزامبیک به ریاست جمهوری ساموراماشل تأسیس گردید. وی اعلام داشت که به مبارزات خود برای آزادی زیمبابوه و افریقای جنوبی ادامه خواهد داد. دولت نوبنیاد موزامبیک، امور آموزش و پرورش و بهداشت و بانکهای خارجی و چند مؤسسهٔ دیگر را ملی اعلام کرد.

موزامبیک که از آزادی‌خواهان زیمبابوه حمایت می‌کرد، بندرهای خود را بر روی کالاهای دولت نژادپرست رودزیا (یان‌اسمیت) بست و به مبارزان زیمبابوه اجازه داد، تا از خاک موزامبیک علیه دولت یان‌اسمیت اقدام نمایند. سرانجام زیمبابوه در سال ۱۹۸۰ به استقلال رسید و روابط اقتصادی نزدیکی با موزامبیک برقرار کرد.

در ۱۹۸۱ افریقای جنوبی به شهر ماپوتو حمله کرد و به تلافی حمایت دولت موزامبیک از کنگرهٔ ملی افریقا به رهبری نلسون ماندلا، از مخالفان دولت موزامبیک حمایت نمود.



نام رسمی: جمهوری موزامبیک

نام محلی: موسامبیکه Moçambique

اسامی دیگر: افریقای شرقی پرتغال (نام سابق)

پایتخت: ماپوتو (۹۶۶،۸۳۷ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۷۵/٦/۲۵، از پرتغال

روز ملی: بیست و پنجم ژوئن، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ژوآکیم آلبرتو شیسانو (دبیرکل فره‌لیمو)، از سال ۱۹۸٦ در دوره‌های ۵ ساله

رئیس دولت: نخست‌وزیر: پاسکوال مانوئل موکومبی (فره‌لیمو)، از سال ۱۹۹٤

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۰؛ مجلس جمهوری با ۲۵۰ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس جمهوری (۱۹۹۹): جبههٔ آزادیبخش موزامبیک (فره‌لیمو) ۱۳۳ کرسی؛ مقاومت ملی موزامبیک (رنامو) ۱۱۷ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۷۵): اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۷۹۹،۳۸۰ کیلومترمربع (سی و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۹،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجاه و یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲٤/٦ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/۵

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳۰/٦ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۳۷/۸؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۷/۱

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱۵ سال ٪٤۲/۹؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۹/۱؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۳/٦؛ بالای ٦۰ سال ٪٤/٤

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۹/۳۹؛ زن ٪۵۰/٦۱ — **امید به زندگی(۱۹۹۵):** زنان ٤۹/۵ سال؛ مردان ٤٦/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۳۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۲۳/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان‌درهرهزارتولد(۲۰۰۰): ۱۳۹/۹ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۱٤/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ٤/۹ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۷٤): ۰/۷ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۷۳):** ۰/۰۱ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۷): قبایل بانتو زبان ٪۹۸ (ماکوا ٪٤۷؛ تسونگا ٪۲۳؛ مالاوی ٪۱۲؛ شونا ٪۱۱؛ یائو ٪٤)؛ چینی ٪۱/۷

دین: باورهای قبیله‌ای ٪۵۰/٤؛ مسیحی ٪۳۸/٤ (کاتولیک ٪۱۵/۸؛ پروتستان ٪۸/۹)؛ مسلمان ٪۱۰/۵

زبان و خط: پرتغالی (زبان رسمی)؛ سواحلی؛ زبانهای گروه بانتو (ماکوا و نیانجا)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): ماتولا ٤٤۰،۹۲۷ نفر؛ بیرا ٤۱۲،۵۸۸ نفر؛ نامپولا ۳۱٤،۹٦۵ نفر

بنادر مهم: ماپوتو، بیرا، ناکالا، پمبا وکلیمان (تنگهٔ موزامبیک، اقیانوس هند)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: متیکال (Mt) = ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار= ۱٦،۱۰۰ متیکال؛ صد متیکال= ٤۹/۷ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ٤،۵۲۲ میلیون متیکال؛ (۱۹۹۵): مالیات بر فروش ٪٤۷/۸؛ مالیات گمرکی ٪۲٤؛ مالیات بر درآمد افراد ٪۱٦/٦

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۸،۱۹٦ میلیون متیکال؛ هزینه‌های جاری ٪۵۲/۲ (شامل کالاها و خدمات ٪۲۳/٦؛ حقوق اداری ٪۲۲/۳ ؛ دفاع و امنیت ٪٦/۳) هزینه‌های سرمایه‌ای ٪٤۷/۸

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳،٤۷۸ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۵/۸

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۳٤/٤؛ صنعت ٪۲۰/۸؛ خدمات ٪٤٤/۸

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲۱۳ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۵،٦۵۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱،۰۳۹/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱/۷

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪٤۱/۱؛ ۱۹۹۸: ٪۳/۸

محصولات کشاورزی (۲۰۰۰): کاساوا ٤،٦٤۳،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱،۱۰۹،۰۰۰ تن؛ نیشکر ٤٤۰،۰۰۰ تن؛ نارگیل ۳۰۰،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۲۵۲،۰۰۰ تن؛ برنج ۱۵۸،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۱۰۰،۰۰۰ تن؛ موز ۵۹،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪٤؛ مرتع و چمنزار ٪۵٦/۱؛ جنگل ٪۲۲/۱؛ سایر موارد ٪۱۷/۸

تعداد دام زنده(۲۰۰۰): گاو ۱،۳۲۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۳۹۲،۰۰۰ رأس؛ خوک ۱۸۰،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱۲۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۷،۹۷۷،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۳٦،۷۷۵ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۷،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱٤،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٤): نمک دریایی ٤۰،۰۰۰ تن؛ بوکسیت ۹،٦۲۰ تن؛ مس ۱۳۳ تن؛ لعل ۳،۰۰۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (میلیارد متیکال) غذای آماده ٦۹٦،٦۱۱ ؛ نوشیدنی و دخانیات ۳۹۵،۸۷۱ ؛ منسوجات ۲۰۷،۳۷۸؛ مواد معدنی غیر فلزی ۱٤۰،۱۹۳؛ چوب و چوب‌پنبه ۱۳٤،۹۵۱؛ مواد شیمیایی ۱۱٦،۳۳۵؛ مواد لاستیکی ۸۷،۸۲۷ ؛ پوشاک ۸۲،۱۲۳؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۷۲،۵۰۷

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۵٦۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،۱٦۸،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹٤): صفر (۲۵۱،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار(۱۹۸۰): جمعیت فعال اقتصادی: ۵،٦۷۱،۲۹۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۸/٦؛ میزان مشارکت مردان (۱۵ سال به بالا): ٪۸۷/۳؛ زنان(۱۵ سال به بالا): ٪۵۲/٤؛ میزان بیکاری: ٪۱/۷

توزیع نیروی کار(۱۹۸۰): کشاورزی ٪۸۳/۸؛ صنعت ٪٦/۸؛ خدمات ٪۷/۷

نیروی دفاعی: (مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال مخصوص سپاهوستان)؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۵،۱۰۰ تا ٦،۱۰۰ نفر؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ٤ دلار

واردات(۱۹۹٦): ۷۸۳/٦ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۳۲/۳؛ غذا و نوشیدنی ٪۱۸/۳؛ کالاهای صنعتی اساسی ٪۱۷/٤؛ فرآورده‌های نفتی ٪۹/٦؛ از افریقای جنوبی ٪۳٤/۵؛ اتحادیه اروپا ٪۲۷/۱؛ پرتغال ٪٦/۳؛ امریکا ٪٤/۲؛ ژاپن ٪٤؛ زیمبابوه ٪۳/۹

صادرات(۱۹۹٦): ۲۲٦/۱ میلیون دلار؛ غذا و نوشیدنی ٪٦٦/٤ (از جمله آبزیان صدف‌دار و خرچنگ‌های دریایی ٪۳۸/۱)؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۱۱/۵؛ پنبه ٪۵/۷؛ شکر و عسل ٪۵/۷؛ به اتحادیه اروپا ٪۳٤/۷؛ افریقای جنوبی ٪۱۹/٤؛ هند ٪۱۱/۸؛ امریکا ٪۱۱/٤؛ ژاپن ٪۷/٦

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	۲،۳۰۰-	٤،۹۵٤-	٦،۲۲٤-	٦،۰۹۰-	٦،۷۹۳-	۱۱،٤۳۰-
درصد کل	٪۵٤	٪٦۱/۲	٪۵۵/٤	٪۵۳/۸	٪۵۵	٪٦۲/۵

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۳۹/۷	٦٤/۸	۱۰۰	۱٤٦/۹	۱۵٦/۳	۱۵۷/۱	۱٦۰/۳
شاخص درآمد ماهیانه	٤۲/۳	۷۰/۲	۱۰۰	۱٤۳/٦	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۹۳-۱۹۹۲): ٦/۷ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۹۳-۱۹۹۲): دستمزد و حقوق ٪۵۱/٦؛ کار آزاد ٪۱۲/۵؛ مبادلهٔ خدمات ٪۱۱/۵؛ زراعت‌های خصوصی ٪۷/۷؛ هزینه‌ها (۹۳-۱۹۹۲): غذا، نوشیدنی و دخانیات ٪۷٤/٦؛ مسکن و سوخت ٪۱۱/۷؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪٤/۷؛ پوشاک و کفش ٪۳/۷

جهانگردی: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۳۰،٤۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۳،۱۲۳ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۸٤،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۲٦،۸۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱۰۷ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۷ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۲ روزنامه در ٤۹،۰۰۰ نسخه(۲/۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۳،٤۹۰،۰۰۰ نسخه

رادیو(۱۹۹۷): ۷۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۹۵،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۷۵،۰۰۰ خط تلفن (٤ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ٦،۷۰۰ خط (۰/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٤۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳،۵۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	٤،۱٦۷	۲٤،۵۷۵	۱،٤۱۵،٤۲۸	۵۷/٦
متوسطه	۲۳۹	٤،۳۷٦	۱٦۵،۸٦۸	۳۷/۹
فنی و حرفه‌ای	۳۱	۱،۲۳۹	۱۹،۳۱۳	۱۵/٦
عالی	۳	۷۱۵	٦،٦۳۹	۹/۲

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱۵ سال: ٪٤۳/۸؛ مردان: ٪۵۹/۹؛ زنان: ٪۲۸/٤

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۱۲۰ نفر (هر ۱۲٤،٦۹۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۱۲،٦۳۰ تخت (هر ۱،۲۱۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا٤۹ ساله: ۱،۲۰۰،۰۰۰ نفر (٪۱٤/۱۷ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰۳/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۱،۹۳۹ کالری (٪۸۳ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۳۵ گرم؛ مصرف چربی: ۳۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۰/۷ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۰/۷

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): صفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱ میلیون تن ؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۳٤۱ (صد و شصت و هشتمین کشور جهان)

خشکسالی سال ۱۹۸۵ به کشاورزی موزامبیک آسیب فراوان رسانید و بیشتر دام‌ها را تلف کرد. در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۶ هواپیمای سامورا ماشل هنگامی که از کنفرانس سران افریقا در زامبیا بازمی گشت سقوط کرد و سامورا ماشل کشته شد. وی و رؤسای جمهور زامبیا و زئیر و آنگولا طی کنفرانس زامبیا برای مقابله با دولت نژادپرست افریقای جنوبی قرارداد همکاری منعقد نموده بودند و هدفشان آن بود تا از حمایت دولت افریقای جنوبی از مخالفان دولت موزامبیک و یونیتا جلوگیری کنند. در سوم نوامبر ۱۹۸۶ کمیتهٔ مرکزی جبههٔ آزادیبخش موزامبیک تشکیل جلسه داد و ژوآکیم آلبرتو شیسانو را به ریاست جمهوری برگزید. در ۱۹۹۰ گفتگوهای صلح میان دولت موزامبیک و مخالفان آغاز شد و به تغییر قانون اساسی و تبدیل نظام یک حزبی به چند حزبی منجر گردید و در سال ۱۹۹۱ قرارداد صلح میان آنان بسته شد وحزب مخالف جنبهٔ قانونی پیدا کرد. در انتخابات اوت ۱۹۹۱ شیسانو دوباره به ریاست جمهوری برگزیده شد. در اکتبر ۱۹۹۲ شیسانو و آلفونسو دلاکاما رهبر مخالفان دولت با وساطت دولت ایتالیا قرارداد صلح و آتش‌بس امضاء نمودند و به جنگ داخلی ۱۶ ساله‌ای که به مرگ بیش از یک میلیون نفر و آوارگی حدود ۵ میلیون تن انجامید، خاتمه دادند. گفتگوها و مذاکرات بعدی با میانجیگری سازمان ملل متحد و اعزام ۷۵۰۰ پاسدار صلح به نتیجه رسید و اولین دستهٔ پاسداران صلح در ۱۹۹۳ و بقیه تا پایان همان سال به موزامبیک وارد شدند.

در فوریه و مارس ۱۹۹۳ دولت موزامبیک و امریکا در یک مانور مشترک دریایی شرکت جستند و بدینسان دولت موزامبیک خود را به غرب نزدیک‌تر کرد. در انتخابات سال ۱۹۹۴ شیسانو مجدداً به ریاست جمهوری رسید و در مارس ۱۹۹۵ اعضای باشگاه پاریس مبلغ ۷۸۰ میلیون دلار برای بازسازی و مرمّت خرابی‌های کشور در اختیار موزامبیک قرار دادند. در ۱۹۹۶ دولت موزامبیک با افریقای جنوبی روابط سیاسی و اقتصادی برقرار کرد و به موجب قراردادی که بین شیسانو و نلسون ماندلا منعقد شد به هزاران کشاورز افریقای جنوبی اروپایی‌تبار اجازه داده شد تا در نواحی مرزی میان دو کشور به زراعت مشغول گردند. شیوع بیماری شبه وبا در سال ۱۹۹۸ به مرگ بیش از ۸۰۰ تن از مردم موزامبیک منجر شد.

در انتخابات دسامبر ۱۹۹۹ ژوآکیم شیسانو بار دیگر به عنوان ریاست جمهوری موزامبیک برگزیده شد و در ۱۵ ژانویهٔ ۲۰۰۰ رسماً شروع به کار نمود. بازگشایی مرزهای دو کشور موزامبیک و افریقای جنوبی و گسترش روابط تجاری میان دو کشور پس از روی کار آمدن دولت اکثریت سیاهپوست در آن کشور، موجب شد تا میزان رشد اقتصادی موزامبیک به حدود ۱۱ درصد، در سال ۱۹۹۹ برسد که در رتبه‌های اول جهانی قرار داشت، اما در سال ۲۰۰۰، وقوع سیلاب‌های سهمگین در استان‌های جنوبی کشور و آسیب جدی به محصولات کشاورزی این مناطق، رشد اقتصادی را به ۱/۷٪ تقلیل داد. ریزش باران‌های سنگین در سال ۲۰۰۱ نیز ادامه یافت و وضعیت اقتصادی این کشور را در وضعیت نامساعدی قرار داد.

مولداوی MOLDOVA

مولداوی کشور کوچکی است در اروپای جنوب خاوری که از هر سو در خشکی محصور است و از شمال، خاور و جنوب به اوکراین و از غرب به رومانی محدود است. مولداوی در دامنهٔ خاوری کوههای کارپات جای دارد و تپه‌ماهورهای فراوان و درّه‌های ژرف و دامنه‌های پر شیب پوشیده از جنگل سیمای ظاهری آن را می‌آراید. بلندترین نقطهٔ آن واقع در غرب به نام کوه بالانشتی، ۴۲۹ متر ارتفاع دارد.

اقلیم آن قاره‌ای معتدل است و میانگین دمای آن در زمستان به ۳- تا ۵- درجه سانتیگراد و در تابستان به ۱۹ تا ۲۲ درجه سانتیگراد می‌رسد. رود دنیستر پرآب‌ترین و بزرگترین رودخانهٔ آن است و رود پروت نیز که خط مرزی این کشور با رومانی را تشکیل داده، از دیگر رودهای آن به شمار می‌رود.

خاک سیاهرنگ و بسیار حاصلخیزی دارد و پرورش دام و چهارپایان و کشت انگور، چغندرقند، ذرت، میوه و سبزیجات از عمده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی آن است. ۴۰ درصد آبهای زیرزمینی آن آلوده به باکتری است و آبهای سطحی آن به مواد شیمیایی آلوده است. عمده‌ترین منابع زیرزمینی آن لینیت، فسفریت و سنگ گچ است.



تاریخچه

مردم مولداوی بازماندگان اقوامی از ساکنان مناطق جنوبی اروپای شرقی محسوب می‌شوند که در زمان رومیان، مطیع امپراتوری روم شدند و بعداً به تصرف اقوام و ملل گوناگون درآمدند. مولداوی از سدهٔ دهم تا دوازدهم تحت سلطهٔ مملکت کیف قرار داشت و در سدهٔ سیزدهم مورد تهاجم مغولان قرار گرفت و به بخشی از اردوی زرین مبدل گردید. در سال ۱۳۵۹ شاهزاده‌نشین مولداوی در محل مولداوی امروزی تشکیل شد و بعداً تحت تسلط مجارستان و لیتوانی و لهستان قرار گرفت و در سدهٔ شانزدهم به تصرف امپراتوری عثمانی درآمد.

در سال ۱۸۱۲ مولداوی شرقی یا بسارابی به امپراتوری روسیه واگذار گردید. در سراسر قرن نوزدهم مولداوی تا حدودی خودمختاری داشت. در سال ۱۸۵۹ بخش غربی مولداوی با والاکیا متحد شد و به رومانی الحاق گردید و بسارابی در دست روسیه باقی ماند. بین سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ نخست روسیه و سپس رومانی بر مولداوی تسلط یافتند و در پایان ژانویه ۱۹۱۸ استقلال جمهوری مولداوی اعلام گردید. بین سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ مولداوی به دو قسمت تقسیم شد. بسارابی به رومانی واگذار شد و ساحل چپ رود دنیستر ضمیمهٔ اتحاد شوروی گردید. در ۱۲ اکتبر ۱۹۲۴ جمهوری خودمختار مولداوی در اوکراین تأسیس شد. پایتخت آن نخست بالتا بود و بعد از ۱۹۲۹ تیراسپول به پایتختی آن برگزیده شد. بخش خاوری مولداوی که در تصرف اتحاد شوروی بود، از نظر صنعت و فرهنگ ترقی کرد ولی بخش غربی که در اختیار رومانی قرار داشت به همان وضع باقی ماند. در ژوئن ۱۹۴۰ زمانی که جنگ جهانی دوم در جریان بود، اتحاد شوروی ناحیهٔ بسارابی را به تهدید و زور از رومانی گرفت و در دوم اوت همان سال جمهوری شوروی سوسیالیستی مولداوی به عنوان بخشی از اتحاد جماهیر شوروی تأسیس گردید.

در ژوئن ۱۹۴۱ آلمان نازی به اتحاد جماهیر شوروی حمله‌ور شد و رومانی که با آلمان نازی همدست بود، بسارابی را مجدداً تصاحب کرد و علاوه بر آن نواحی دنیستر و اودسا را نیز تصرف نمود. سه سال بعد، ارتش سرخ پس از درهم شکستن آلمان نازی، بسارابی و بوکووینای شمالی را از رومانی بازپس گرفت. لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه و رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی در طی سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۲، مراحل اولّیهٔ فعالیتهای خدمتی سیاسی خود را از رهبری حزب کمونیست مولداوی آغاز نمود. با روی کار آمدن میخائیل گورباچف و اعلام فضای باز سیاسی، علائم نارضایی و جنبش‌های سیاسی و آزادی‌خواهی در مولداوی شروع به خودنمایی کرد. در سال ۱۹۸۸ خط لاتین جایگزین خط سیریل شد و زبان مولداوی با الفبای لاتین به تحریر درآمد. ملیون مولداوی که از الحاق کشورشان به اتحاد شوروی ناراضی بودند، زمزمه‌های استقلال‌طلبی آغاز نمودند. در ژوئیهٔ ۱۹۸۹ برخورد خشن و وحشیانه‌ای میان ملیون مولداوی و سربازان اتحاد شوروی روی داد. عده‌ای به طرفداری از الحاق مولداوی به رومانی در تلاش بودند و اکثریت عظیمی استقلال مولداوی را خواستار بودند.

در دهم نوامبر ۱۹۸۹ پارلمان مولداوی زبان مولداوِیایی را به عنوان زبان رسمی اعلام نمود. در این موقع گروههای سیاسی متعددی تشکیل شد که نیرومندترین آنها جبههٔ مردمی مولداوی بود. در ۱۹۸۹ دبیر اول حزب کمونیست مولداوی که روسی‌الاصل بود، از کار برکنار گردید و یکی از اهالی مولداوی به این سمت برگزیده شد. در سال ۱۹۹۰ نام مولدووا که یک اسم رومانیایی است، برای کشور انتخاب گردید و پرچم رومانی نیز به عنوان پرچم ملی مولداوی برگزیده شد و در پی آن فعالیت حزب کمونیست ممنوع گردید و کشور نظام چند حزبی را پذیرفت. در ۲۷ اوت ۱۹۹۱ مولداوی به طور رسمی اعلام استقلال نمود و میرچا سنگور به ریاست جمهوری انتخاب گردید. چند روز بعد سیزده نفر در برخورد میان سربازان مولداوِیایی



نام رسمی: جمهوری مولداوی

نام محلی: مولدووا Moldova

اسامی دیگر: -

پایتخت: کیشی‌نف (۶۵۵،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۱/۸/۲۷، از شوروی

روز ملی: بیست و هفتم اوت، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ولادیمیر وورونین (حزب کمونیست)، از سال ۲۰۰۱ به مدت ٥ سال توسط مجلس

رئیس دولت: نخست‌وزیر: واسیله تارلف، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٤؛ مجلس قانونگذاری با ۱۰٤ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس قانونگذاری (۲۰۰۱): حزب کمونیست ۷۱ کرسی؛ ائتلاف براگیس ۱۹ کرسی؛ حزب دموکرات مسیحی مردمی ۱۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا، سیس، اوسه

جمعیت

مساحت: ۳۳،۷۰۰ کیلومترمربع (صد و سی و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ٤،۲۹۸،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و شانزدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۲۷/٥ نفر در کیلومترمربع　**رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ٤،۷۳٦،۰۰۰ نفر　**زمان دوبرابر شدن جمعیت:** بیش از ۱۰۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٥۳/۸٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥):؟

توزیع سنی(۲۰۰۰): زیر ۱٥ سال ۲۳/۲٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲٤/۹٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۳۷/۷٪؛ بالای ٦۰ سال ۱٤/۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۷/۸٥٪؛ زن ٥۲/۱٥٪　**امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ٦۹/۲ سال، مردان ٥۹/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۱۲/۹ نفر　**میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۱۲/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۲۰۰۰): ٤۳/۳ نفر　**رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۰/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٤): بیماریهای دستگاه گردش خون ٥۰۰/۷ نفر؛ سرطان ۱۳٦/۱؛ حوادث و درگیری ۱۱۳/۳ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۱۱۰/٤ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ۱/٦ نفر　**مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹٤): ۷/۸ مورد　**میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): مولداویایی ٤۸/۲٪؛ اوکراینی ۱۳/۸٪؛ روس ۱۲/۹٪؛ بلغار ۸/۲٪؛ کولی ٦/۲٪؛ گاگائوز ٤/۲٪

دین(۱۹۹٥): مسیحی ٤۹/٥٪ (ارتدوکس رومانی ۳٥٪؛ ارتدوکس روسی ۹/٥٪)؛ مسلمان ٥/٥٪؛ یهودی ۰/۹٪؛ بقیه ٤٤/۱٪

زبان و خط: مولداویایی (رومانیایی) زبان رسمی؛ روسی، اوکراینی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): تیراسپول ۲۰۰،۷۰۰ نفر؛ بلتسی ۱٥٦،٦۰۰ نفر؛ (۱۹۹۲): تیگینا (بندری) ۱۳۲،۷۰۰ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لئو (Leu)= ۱۰۰ بانی؛ یک دلار= ۱۲/۲۷ لئو؛ یک لئو= ٦٥۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۳،٤۷۳ میلیون لئو؛ مالیات بر ارزش افزوده ۲۳/۸٪؛ مالیات بر مصرف ۱۲/٤٪؛ مالیات بر درآمد افراد ۷/٤٪؛ مالیات بر سود ٦/۲٪؛ عوارض گمرکی ۳/۳٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۲،۳٥٤ میلیارد لئو؛ هزینه‌های جاری ۹٤/٥٪ (شامل آموزش ۲۰/٤٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ۱۲/٥٪؛ پرداخت بهره وامها ۹/۱٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٥/٥٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،٦٥۲ میلیون دلار　**سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۹-۱۹۹۰): ۱۱/٥-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۸/۹٪؛ صنعت ۳۱/۳٪؛ خدمات ۳۹/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ؟ ؛ (۱۹۹۸): ۸٥ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۸۰۸ میلیون دلار　**کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۳/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲/۸-٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۷۳/۹٪ ؛ ۱۹۹۸: ۸٪ ؛ ۲۰۰۰: ۱٥/٥٪

محصولات کشاورزی (۲۰۰۰): چغندرقند ۱،۸۰۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۹۰۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۷۷۰،۰۰۰ تن؛ انگور ۳٥۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۳٤۲،۰۰۰ تن؛ سیب ۲۱٥،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۷٥/۹٪؛ مرتع ۱۰/۹٪؛ جنگل ۱۰/٦٪؛ دیگر موارد ۲/٦٪

تعداد دام زنده: گوسفند ۹۷٤،۰۰۰ رأس؛ خوک ۷۰٥،۰۰۰ رأس؛ گاو ٤۱٦،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤۰٦،۰۰۰ مترمکعب　**صید ماهی(۱۹۹۸):** ٤۹۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۳،۸۰۰،۰۰۰ قطعه　**تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۱،۱۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٥): شن و ماسه ۳۷٦،۰۰۰ تن؛ گچ ۱۳،٦۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): (میلیون لئو): موادغذایی ۱،٤٤٦،۸۲٤ ؛ ماشین‌آلات ۳۸۳،۱٥۳ ؛ مصالح ساختمانی ۱٦٤،۱۹۸؛ منسوجات ٥۷،۲۸۳

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۷): ٥،۲۷٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۷،۲۲٦،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (۳۲۲،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۸٦۲،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (۳،۷۲۹،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٤): (۱۹۹٥): ۱،٦۹۳،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤٤/۸٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٦ تا ٥۹): ۸٥/۲٪؛ زنان (در سنین ۱٦ تا ٥٤): ٥۳٪؛ میزان بیکاری: ۱/٤٪؛ ۲۰۰۰: ۲٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٤٥/۱٪؛ صنعت ۲۱/۳٪؛ خدمات ۳۳/٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۸ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۱۰،٦٥۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۰/۱٪؛ نیروی هوایی ۹/۹٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹٥): ۱٤ دلار

واردات(۱۹۹٦): ٤،۹٦۷/۲ میلیون لئو؛ شامل مواد معدنی ۳٦/۸٪؛ ماشین‌آلات ۱٤/٥٪؛ کالاهای کشاورزی ۱۰/۸٪؛ مواد شیمیایی ٦/٦٪؛ منسوجات و مواد نساجی ٥/۱٪؛ ازاوکراین ۲۷/٥٪؛ روسیه ۲۷/۳٪؛ رومانی ٦/۷٪

صادرات(۱۹۹٦): ۳،٦۹۱/۲ میلیون لئو؛ شامل غذا و کالاهای کشاورزی ۷۲/۸٪؛ محصولات نساجی ٦/۲٪؛ ماشین‌آلات ٥/۳٪؛ فلزات و مصنوعات فلزی۱/۷٪؛ به روسیه ٥۳/٦٪؛ رومانی ۹/٤٪؛ اوکراین ٥/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۱۸۰-	٥٤-	۳۲-	۲۷٤-	۳٤۸-	۳۸۸-
درصد کل	۱٦/٦٪	٤/۲٪	۲/۱٪	۱٤/٥٪	۱٦/٤٪	۲۳/۲٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۹/۲	۱۰۰	۱۲۰/۹	۱۳۰/٦	۱۳۹/۲	۲۰۳/۲	۲٦٦/۸
شاخص درآمد	۸۷/۷	۱۰۰	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۹): ۳/٤ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد (۱۹۹٤): دستمزد و حقوق ٤۱/۲٪؛ کمک‌های اجتماعی ۱٥/۳٪؛ درآمد کشاورزی ۱۰/٤٪؛ دیگر موارد ۳۳/۱٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹٥): غذا و نوشیدنی ٤۹/۱٪؛ پوشاک ۹/۷٪؛ بهداشت ٤/۱٪

جهانگردی: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٥): ۱۲،۲٥۹ کیلومتر　**راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۲،۷۱۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۱٦٦،۷٥۷ دستگاه　**تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٦۷،٦۳۸ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد　**فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ۲٦۱،۰۰۰ نسخه (٥۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۷٦ عنوان در ۱۹٦،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۹۲۱ عنوان در ۲،۷۷۹،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۳،۰۱۷/۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳،۲۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۷۳٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۱،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۹۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٦٥۷،۰۰۰ خط تلفن (۱٥۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۷،۰۰۰ خط (۱/٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۲۸،۰۰۰ دستگاه　**اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۱،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱،۷۰۰	۱٤،۰۹۷	۳۲۰،۷۲٥	۲۲/۸
متوسطه		۲۸،٦۱٥	٤۱۹،۲٥٦	؟
فنی و حرفه‌ای	٦٤	؟	۲٦،۱۰٥	؟
عالی	۲۰	۸،۸۱٤	۹۳،۷٥۹	۱۰/٦

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱٥ سال: ۹۸/۹٪؛ مردان: ۹۹/٦٪؛ زنان: ۹۸/۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٥ سال (۱۹۸۹): ابتدایی ۲٤/٥٪؛ متوسطه ۸٦/۸٪؛ عالی ۸/۷٪

تعداد پزشک(۱۹۹٥): ۱۷،۲۰۰ نفر (هر ۲٥۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٥): ٥۳،۰۰۰ تخت (هر ۸۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲،٥۰۰ نفر (۰/۱۱٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٦٥/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۷۲۸ کالری (۱۰٦٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۹ گرم؛ مصرف چربی: ٤۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۲/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۲/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۰۰ (صد و دومین کشور جهان)

و روس‌های ساکن در مولداوی کشته شدند. در دوم مارس ۱۹۹۲ مولداوی به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. از سوی دیگر جمهوری دنیستر که در ساحل خاوری رودخانهٔ دنیستر قرار داشت، در سپتامبر ۱۹۹۰ اعلام موجودیت کرد و تنش‌ها و درگیری‌ها سرانجام به جنگ میان اوکراینی‌ها و روس‌ها از یک سو و مولداویایی‌ها از سوی دیگر منجر شد. دولت مولداوی که به هیچ قیمتی حاضر به چشم‌پوشی از ناحیهٔ مزبور نبود، بر مالکیت ناحیهٔ دنیستر پافشاری می‌کرد. روس‌هایی که در ناحیهٔ ماوراء دنیستر به سر می‌بردند به جدایی‌طلبان پیوستند و بر دشواری کار افزودند. در ژوئیه ۱۹۹۲ با توافق طرفین آتش‌بس برقرار گردید و ۷,۰۰۰ نیروی به ظاهر پاسدار صلح روسی در منطقهٔ حایل مستقر شدند. حال آن که نیروی مزبور خود خواهان پیوستن ماوراء دنیستر به روسیه بود. از سوی دیگر گاگائوزها که قسمتهایی از جنوب غربی مولداوی را در اختیار دارند، در ۱۹ اوت ۱۹۹۰ اعلام خودمختاری کردند و استفان توپال را در دسامبر ۱۹۹۱ به ریاست جمهوری سوسیالیستی گاگائوز انتخاب نمودند و با دولت ترکیه قراردادهایی منعقد کردند و با واگذاری مسائل امنیتی و امور خارجه به دولت مرکزی مولداوی موافقت نمودند.

چون اتحاد و الحاق مولداوی و رومانی در محافل همچنان مطرح بود، دولت مولداوی مسئله را به همه‌پرسی واگذار کرد و ۸۳ درصد رأی دهندگان با اتحاد دو کشور مخالفت کردند و در همه‌پرسی ششم مارس ۱۹۹۴، ۹۰ درصد رأی دهندگان به استقلال و تمامیت ارضی و یکپارچگی کشور رأی مثبت دادند. در انتخابات ۲۷ فوریهٔ ۱۹۹۴ حزب کشاورزان به پیروزی دست یافت و آندریی سانگلی به نخست‌وزیری رسید. در آوریل ۱۹۹۴ مسکو نیروهای روسی را از مولداوی خارج کرد. در انتخابات دسامبر ۱۹۹۶ پترو لوچینسکی بر حریف خود سنگور پیروز شد و مقام ریاست جمهوری را از آن خود کرد و در ژانویه ۱۹۹۷ یون چوبوک به نخست‌وزیری رسید و در انتخابات پارلمانی مارس ۱۹۹۸ حزب کمونیست با به دست آوردن ۳۰/۷ درصد آراء به قدرت قابل توجهی در مقابل دولت نایل گردید.

در سال ۱۹۹۹، لوچینسکی مجبور شد برای مقابله با فشارهای روزافزون داخلی و خارجی، بخش دیگری از مؤسسات دولتی، از جمله شرکت مخابرات و شرکت برق را به بخش خصوصی واگذار نماید. در اواخر این سال دولت یون استوردزا با رأی عدم اعتماد مجلس مواجه و برکنار گردید و دومیترو براگیس جانشین وی شد. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۱، حزب کمونیست مولداوی با کسب ۷۱ کرسی به اکثریت مطلق کرسی‌های مجلس قانونگذاری دست یافت و این اولین حزب کمونیست در میان جمهوری‌های شوروی سابق بود که بدون از سر گذراندن اصلاحات، و از طریق آرای عمومی مجدداً به قدرت رسید. ظاهراً نارضایی عمومی از دولت‌های پس از استقلال موجب گردید تا حزب کمونیست مولداوی از پذیرش عام مردم برخوردار گردد. مجلس قانونگذاری در ماه آوریل ولادیمیر وورونین، رهبر حزب کمونیست مولداوی را به ریاست جمهوری برگزید و وی نیز دولت جدیدی با نخست‌وزیری واسیله تارلف تشکیل داد. دولت جدید روابط با روسیه را گسترش داد و روسیه نیز در مقابل، تجهیزات سنگین ارتش خود را از مولداوی خارج نمود.

موناکو MONACO

شاهزاده‌نشینی است در ساحل شمالی دریای مدیترانه، در اروپای جنوبی که ۳/۵ کیلومتر طول خط ساحلی آن است، از شمال و خاور و غرب به فرانسه محدود است و در ۱۰ کیلومتری مرز فرانسه و ایتالیا جای دارد. موناکو کلاً از سه ناحیهٔ شهری موناکوویل (که پایتخت کشور است و بر روی صخرهٔ ساحلی منفردی بنا شده)، کوندامین (که یک شهرک مسکونی است) و مونت‌کارلو (که در شمال خاوری بندر موناکو جای دارد و محل کازینوی معروف مونت‌کارلو است و از دیدنی‌ترین جاهای موناکو به شمار می‌رود)، تشکیل یافته است. زیتون و مرکبات در باریکه‌ای از درون‌بوم آن کشت می‌گردد و گردشگری منبع اصلی درآمد آن است. در مجموع سرزمینی کم‌ارتفاع و هموار است و از آب و هوای مدیترانه‌ای برخوردار است.



تاریخچه

موناکو طی قرون دهم تا پنجم پیش از میلاد در تصرف فنیقی‌ها قرار داشت و سپس به تصرف یونانیان درآمد. در حوالی سال‌های اول میلاد مسیح جزء قلمرو رومیان گردید. در اواخر سدهٔ سیزدهم یعنی در سال ۱۲۹۷ حکومت آن از سوی دولت جنوا در ایتالیا به خاندان گریمالدی داده شد. در سدهٔ هجدهم فرانسویان بر آن دست یافتند و در پی سقوط ناپلئون در سال ۱۸۱۵، به موجب کنگرهٔ برلین، مجدداً تأسیس شد و ادارهٔ آن به پادشاهی ساردنی (در ایتالیا) واگذار گردید. در سال ۱۸۶۱ به استقلال رسید و تحت‌الحمایه فرانسه شد.

قانون اساسی سال ۱۹۱۱، قدرت را میان شورای ملی با ۱۸ عضو و شاهزادهٔ موناکو تقسیم نمود. توافقنامه‌های سال ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹، میان فرانسه و موناکو، این شاهزاده‌نشین را تا مادامی که فرزند ذکور شاهزاده حاکم برای جانشینی وجود داشته باشد، به رسمیت شناخت و در غیر این صورت موناکو به فرانسه خواهد پیوست. شاهزاده لوئی دوم که از سال ۱۹۲۲ قدرت را در دست داشت، در سال ۱۹۴۹ درگذشت و نوهٔ او شاهزاده رنیه سوم جانشین وی شد. قانون اساسی جدیدی در سال ۱۹۶۲ به تصویب رسید که به موجب آن از اختیارات شاهزاده کاسته شد و انتخاب اعضای شورای ملی نیز به آرای مستقیم مردم واگذار گردید. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۶۳، داوطلبان حامی شاهزاده در گروه اتحاد ملی و دموکراتیک گرد آمدند و ۱۷ کرسی از ۱۸ کرسی شورای ملی را به دست آوردند و جنبش اتحاد دموکراتیک یک کرسی را از آن خود کرد. در کلیهٔ انتخاباتی که پس از آن برگزار گردیده، گروه اتحاد ملی و دموکراتیک همیشه اکثریت مطلق کرسی‌ها را در اختیار داشته است. در سال ۱۹۹۴، قراردادی میان موناکو و فرانسه به امضاء رسید که به موجب آن دولت موناکو اطلاعات مربوط به بانک‌های این کشور را برای مبارزه با فساد مالی و پول‌شویی در اختیار مأموران تحقیق فرانسوی قرار می‌دهند. در طی سال ۲۰۰۱، شاهزاده رنیه سوم به علت بیماری و کهولت سن، بیشتر امور جاری را به فرزندش شاهزاده آلبرت واگذار نمود و وی طی این سال سفرهای متعددی به کشورهای جهان از جمله کوبا، روسیه و امریکا نمود.



نام رسمی: شاهزاده نشین موناکو

نام محلی: موناکو Monaco

اسامی دیگر: کشور قمارخانه‌ها (عنوان و لقب)

پایتخت: موناکو (۱،۲۳٤ نفر در سال ۱۹۸۷)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: نوزدهم نوامبر، روز تولد شاهزاده

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦۲

رئیس حکومت: پادشاه: شاهزاده رنیه سوم، از سال ۱۹٤۹

رئیس دولت: نخست‌وزیر: پاتریک لکلرک، از سال ۱۹۹۹

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٦۲؛ شورای ملی با ۱۸ عضو (از سال ۲۰۰۲ با ۲٤ عضو) و شورای شهر با ۱۵ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های شورای ملی در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): اتحاد ملی و دموکراتیک ۱۸ (۳) کرسی؛ اتحاد برای موناکو (۲۱) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۳): اونکتاد، یونیسف، یاآآ، ایکائو، ایمو، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، ویپو، اوسه

جمعیت

مساحت: ۱/۹٥ کیلومترمربع (صد و نود و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۳۱،۷۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و نودمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٦،۲٥٦ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۱۰): ۳٤،۰۰۰ نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** غیر قابل حصول

جمعیت شهری : ٪۱۰۰

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال ٪۱٤/۹؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۱٤/۱؛ ٥۹-۳۰ سال ٪٤۲/٦؛ بالای ٦۰ سال ٪۲۸/٤

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪٤۷/٥٦؛ زن ٪٥۲/٤٤ | **امید به زندگی(۱۹۹٦):** زنان ۸۲/۹ سال، مردان ۷٤/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۰/۲ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٦ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آماری وجود ندارد، اما علت‌های مرگ و میر مانند سایر کشورهای پیشرفته است که در آن تعداد افراد مسن نسبتاً زیاد است.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۸ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ٦ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۲/٥ مورد

نژاد/ملیت(۲۰۰۰): فرانسوی ٪٤٥/۸؛ لیگوریایی (جنوایی) ٪۱۷/۲؛ مونه گواسک ٪۱٦/۹؛ انگلیسی ٪٤/٥؛ یهودی ٪۱/۷

دین(۲۰۰۰): مسیحی ٪۹۳/۲ (کاتولیک ٪۸۹/۳)؛ یهودی ٪۱/۷؛ بدون دین و پیروان سایر ادیان ٪٥/۱

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)، ایتالیایی، انگلیسی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۷): مونت کارلو ۱۳،۱٥٤ نفر؛ کوندامین ۱۲،٤٦۷ نفر

بنادر مهم: کوندامین (دریای مدیترانه)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) = ٦/٥٦ فرانک فرانسه (منسوخ شده)؛ یک دلار= ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو = ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۳،۲۲٥،٦٥۸،۰۰۰ فرانک فرانسه؛ مالیات بر ارزش افزوده ٪٥۰

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۳،۱۳۹،۸٥٤،۰۰۰ فرانک فرانسه

تولید ناخالص ملی(۱۹۹٤): ۷٦٥ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹٤):** ۲٤،٤٦۰

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی: کشاورزی: صفر ؛ صنعت : حدود ٪۱٤؛ خدمات: حدود ٪۸٦

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی: ؟ | **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی : هیچ نوع فعالیت کشاورزی به معنای خاص آن وجود ندارد و فعالیت‌های کشاورزی آن محدود به باغداری و نگهداری گل و گیاه است.

کاربری زمین(۲۰۰۰) : کشاورزی: ندارد؛ مرتع و چمنزار ؛ ندارد؛ جنگل ندارد؛ مناطق مسکونی و سایر موارد ٪۱۰۰

تعداد دام زنده: دامداری ندارد.

تولید چوب: ؟ | **صید ماهی:** ؟

تولید مرغ: ؟ | **تولید تخم مرغ:** ندارد

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی: صنایع مهم آن عبارتند از: مواد شیمیایی؛ تهیه مواد آرایشی؛ عطریات و دارو؛ صنایع الکترونیک و ابزارآلات قیمتی؛ کاغذ و مقوا؛ پلاستیک و پوشاک

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۷): صفر (٤۰۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت برق از فرانسه وارد شده است)؛ زغال‌سنگ: صفر (؟)؛ نفت خام: صفر (؟)؛ گاز طبیعی: صفر (؟)

نیروی کار(۱۹۹۰): جمعیت فعال اقتصادی: ۱۲،٥۷٤ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۲؛ تعداد زنان شاغل ٥،۰۰۲ نفر (٪۳۹/۸)؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۷ تا ٦٤ سال): ٪٦۳/٦؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): ٪۳

توزیع نیروی کار: صنعت ٪۱۳؛ خدمات ٪۸۷

نیروی دفاعی: بر اساس پیمان ورسای که در سال ۱۹۱۹ منعقد گردیده، امور دفاعی موناکو به عهدهٔ کشور فرانسه می‌باشد.

واردات: کشور موناکو با فرانسه اتحادیه گمرکی تشکیل داده است و آمار جداگانه‌ای در مورد واردات آن وجود ندارد.

صادرات: کشور موناکو با فرانسه اتحادیهٔ گمرکی تشکیل داده است و آمار جداگانه‌ای در مورد صادرات آن وجود ندارد.

تراز بازرگانی: ؟

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۹۹٥=۱۰۰):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۹/۷	۱۱۱/٦	۱۱۳/۹	۱۰۳/۲	۱۰۳/۹	۱۰٤/٥	۱۰٦/۳
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	۱۰٤/۷	۱۰۷/٦	۱۱۰	۱۱٥

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۲/۲ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها: ؟

جهانگردی: در موناکو ۲،۲۱۹ اطاق هتل وجود دارد و درسال ۱۹۹۹ حدود ۲۷۸،۰۰۰ نفر شب در آنهااقامت کرده‌اند.

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ٥۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۱/۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۲۱،۱۲۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۲،۷۷۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۷): ۹ فروند | **فرودگاه:** از فرودگاه نیس در فرانسه استفاده می‌شود.

روزنامه(۱۹۹٥): ۱ روزنامه در ۸،۰۰۰ نسخه (۲٦۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳ عنوان در ۳۸،۰۰۰ نسخه

کتاب: ٤۱ عنوان در ۷۲۲،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۱۷،٦۰۹/۷ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۳٤،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱،۰۳۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲٤،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۷۲۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۳۳،۰۰۰ خط تلفن (۹۹۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱۲،۰۰۰ خط (۳٦۰ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ | **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۸	۱۲۷	۱،۹۱۷	۱٥/۱
متوسطه	٦	۱۹۲	۲،٤۱٦	۱۲/٦
فنی و حرفه‌ای	٤	۸۹	٥۳۲	٦
عالی	۱	؟	۱۱۲	؟

میزان باسوادی: عملاً همهٔ مردم این کشور باسوادند.

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۱۸۸ نفر (هر ۱۷۰ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ٥٥٥ تخت (هر ٥۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،٥۷٥ کالری (٪۱٤۲ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ٪٦۲؛ مصرف فرآورده‌های لبنی و گوشتی ٪۳۸

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

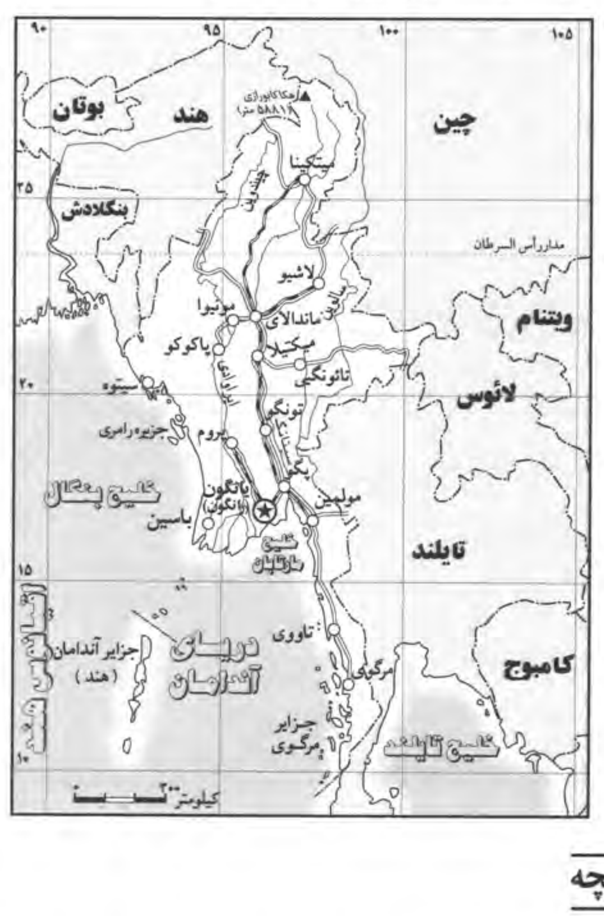
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی: ؟

میانمار (برمه) MYANMAR(BURMA)

کشور میانمار یا برمه در جنوب خاوری آسیا و ساحل خاوری خلیج بنگال جای دارد و از شمال خاوری به چین، از خاور به کشورهای لائوس و تایلند، از جنوب به تایلند و دریای آندامان، از غرب به خلیج بنگال (در اقیانوس هند) و بنگلادش و از شمال غربی به کشور هند محدود است. شمال آن به فلات تبت و جنوب آن به شبه جزیرهٔ مالایا ختم می‌گردد و کوههای آن که در امتداد شمال به جنوب قرار دارند، از خاور و شمال و غرب درهٔ مرکزی را که رودخانه‌های سالوین (۲۷۸۴ کیلومتر)، ایراوادی و سیتانگ، مو و چیندوین در آن جریان دارند، محاصره کرده‌اند و بلندترین نقطهٔ آن به نام کوه هکاکابورازی ۵۸۸۱ متر ارتفاع دارد. اکثر جمعیت میانمار در همین منطقه سکونت دارند و کشتزارهای وسیع برنج میانمار نیز در همین ناحیه قرار دارند. اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران، به ویژه از ماه مه تا اکتبر است. تقریباً سراسر این کشور از جنگلهای بارانی پوشیده شده و زدایش جنگل‌ها به حدود دوسوم آنها آسیب رسانده و آفت زیست‌محیطی مزبور همچنان ادامه دارد.



تاریخچه

نشانه‌های بدست آمده گویای آن است که سرزمین میانمار یا برمه در حدود ۶۰۰ سال پیش از میلاد مسکون بوده و مهد تمدن پیشرفته‌ای بوده است. در سدهٔ یازدهم میلادی برمه‌ای‌ها نواحی جنوبی همونگ و اراضی شمالی کادو را تصرف کردند و دولت پاگان را تأسیس نمودند. سده‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی را عصر طلایی برمه از بابت معماری باید به شمار آورد. در اواخر سدهٔ سیزدهم مغول‌ها از شمال به برمه حمله بردند و در سال ۱۲۸۳ سراسر اراضی دولت پاگان را به تصرف درآوردند و تا سال ۱۳۰۱ بر آن سرزمین حکمروایی کردند. مارکوپولو از جمله اشخاصی بود که همراه با سپاهیان قوبلای قاآن وارد برمه شد و بدینسان نام نخستین اروپایی را که از برمه دیدن کرده است به خود اختصاص داد. برمه تا سدهٔ شانزدهم به صورت دولتهای کوچک قومی باقی ماند و در آن زمان به وسیلهٔ سرداران محلی تونگو اتحاد یافت و کشور یک پارچه‌ای تأسیس شد. کمی بعد برمه منطقهٔ تحت نفوذ خود را تا بخش‌هایی از تایلند و لائوس امروزی نیز گسترش داد.

در سال ۱۷۴۰ برمه مجدداً تحت رهبری یکی از سران تونگو و با همکاری انگلیسی‌ها اتحاد و یگانگی خود را به دست آورد. ولی تضاد منافع جانشینان وی با حضور انگلستان در مناطق آسام در هند، موجب رودررویی آنان با قوای انگلیسی شد و در سدهٔ نوزدهم و طی سه جنگ، آنان را رودرروی انگلیسی‌ها قرار داد. در جنگ سوم که از ۱۸۸۵ تا ۱۸۸۶ به درازا کشید، تیباو، پادشاه برمه اسیر انگلیسی‌ها شد و برمه ضمیمهٔ نایب‌السلطنهٔ انگلستان در هند گردید. انقلاب دههٔ ۱۹۳۰ که به طور وسیعی سراسر برمه را فرا گرفته بود، به جدا شدن برمه از هندوستان و کسب نوعی خودمختاری در سال ۱۹۳۷ منجر شد. با شروع جنگ جهانی دوم، ملیون برمه با کمک و همیاری کمونیست‌ها ارتش استقلال برمه را تشکیل دادند و به اتفاق ژاپنی‌ها علیه انگلیسی‌ها به نبرد برخاستند و در هفتم مارس ۱۹۴۲ به پایتخت یورش بردند. اقلیت‌های قومی کارن، کاچین و چین با تشکیل نیروهای چریکی به مخالفت با آنان برخاستند. ژاپنی‌ها در اوت ۱۹۴۳ به برمه استقلال دادند و باماو را به ریاست دولت برمه منصوب کردند.

در ۲۷ مارس ۱۹۴۵ ارتش استقلال برمه علیه ژاپن اعلان جنگ داد و این بار به کمک انگلیسی‌ها در سی‌ام مه ۱۹۴۵ رانگون را تصرف کرد. در ۱۹۴۷ قانون اساسی برمه نوشته شد و اونو به نخست‌وزیری منصوب گردید و در چهارم ژانویه ۱۹۴۸ استقلال برمه رسماً اعلام گردید. در دوم مه ۱۹۶۲ ژنرال نه وین، اونو را از کار برکنار کرد. وی اختلافات مرزی با چین و هند را برطرف نمود و در جنگ آسیای جنوب خاوری بی‌طرفی در پیش گرفت. ژنرال نه وین بانک‌ها و صنعت برنج و بازرگانی کشور را که شدیداً تحت کنترل هندی‌ها قرار داشت ملی کرد. قانون اساسی سال ۱۹۷۴ حزب برنامه سوسیالیستی برمه را تنها حزب قانونی کشور تعیین کرد. حکومت نه وین پس از بحران اقتصادی سال ۱۹۷۳ رو به سقوط نهاد. در ۱۹۷۹ برمه از جنبش غیر متعهدها بیرون آمد و کنگرهٔ ملی در ۱۹۸۱ سان‌یو را به جانشینی نه وین برگزید، ولی نه‌وین در مقام ریاست حزب برنامه سوسیالیستی برمه، همچنان نقش کلیدی را در ادارهٔ کشور به عهده داشت. در پایان سال ۱۹۸۷ وضعیت اجتماعی و اقتصادی برمه وخیم‌تر شد و نه وین که در ایجاد شرایط مزبور مقصّر شناخته شده بود، از کار برکنار گردید و سئین‌لوین به ریاست کشور منصوب گردید. به دنبال این انتصاب، تظاهرات وسیعی در کشور آغاز گردید و لوین را که فقط ۱۷ روز از انتصابش گذشته بود و در اثر کشتار صدها تن از دانشجویان و راهبان بودایی، به قصاب رانگون معروف شده بود، وادار نمود تا جای خود را به دکتر مائونگ مائونگ واگذار نماید.

در مه ۱۹۹۰ نام کشور به اتحادیهٔ میانمار تغییر یافت و نظام چند حزبی بر کشور حاکم گردید. در انتخابات آزاد و منصفانه‌ای که در ماه مه ۱۹۹۰ برگزار گردید، اتحاد ملی برای دموکراسی به رهبری خانم اونگ سان سوکی با کسب حدود ۸۰٪ آراء به اکثریت مطلق کرسی‌های مجلس خلق دست یافت و حزب حاکم که به حزب وحدت ملی تغییر نام داده بود، تنها ۱۰ کرسی به دست آورد. نظامیان حاکم با نادیده گرفتن نتایج انتخابات، به سرکوب مخالفان پرداختند و سان سوکی محکوم به بازداشت خانگی گردید. در پی اغتشاشات و ناآرامی‌ها و بازداشت‌های سیاسی در مارس ۱۹۹۲ کلّیهٔ احزاب سیاسی منحل شدند و در آوریل ۱۹۹۲ ژنرال تان‌شوه قدرت را در دست گرفت. وی میانمار را دوباره به عضویت جنبش غیر متعهدها درآورد و قانون مجازات مرگ را لغو نمود و دانشگاه‌ها را بازگشایی کرد. در ژانویه ۱۹۹۳ قانون اساسی جدید تدوین و تصویب شد. سال ۱۹۹۶ سال گردشگری اعلام گردید و مبارزه و سرکوب مخالفان همچنان ادامه یافت و دولت تان‌شوه از سوی امریکا و کشورهای اروپایی تحت فشار قرار گرفت تا با برگزاری انتخابات آزاد موافقت کند و سازمان عفو بین‌الملل نیز خواستار آزادی زندانیان سیاسی گردید. در پایان سال ۱۹۹۷ حکومت نظامی منحل شد و دولت نظامی میانمار راه مسالمت و سازش با مخالفان را در پیش گرفت. در ژوئیهٔ همان سال میانمار به عضویت سازمان آسه‌آن درآمد.

در ماه اوت ۱۹۹۸ که خانم سان‌سوکی برای برگزاری سخنرانی، قصد خروج از پایتخت را داشت، توسط نظامیان دستگیر شد و تحت نظارت پلیس قرار گرفت. اعتراضات ۹ روزهٔ وی در سال ۲۰۰۰ برای رفع بازداشت او باز هم با بی‌تفاوتی دولت میانمار مواجه شد. گزارش هیئت حقیقت‌یاب اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۱، به علت تداوم نقض حقوق بشر توسط دولت میانمار، موجب شد تاتحریم‌های اتحادیه اروپا بر علیه میانمار تداوم یابد. در همین سال مناقشات مذهبی میان مسلمانان و بوداییها منجر به کشته شدن تعداد نامعلومی از هر دو طرف گردید.



نام رسمی: اتحاد به میانمار

نام محلی: میانمار (برمه) Myanmar (Burma)

اسامی دیگر: بیرمانی

پایتخت: یانگون (رانگون) ۳،۳٦۱،۷۰۰ نفر در سال ۱۹۹۳

تاریخ استقلال: ۱۹٤۸/۱/٤، از انگلستان

روز ملی: چهارم ژانویه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری سوسیالیستی، تحت حاکمیت نظامیان، از سال ۱۹۷٤

رئیس حکومت: رئیس شورای دولتی صلح و توسعه: ژنرال تان‌شیوه، از سال ۱۹۹۲

رئیس دولت: رئیس شورای دولتی صلح و توسعه: ژنرال تان‌شیوه، از سال ۱۹۹۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷٤؛ مجلس خلق با ٤۸۵ عضو به مدت ٤ سال؛ اولین و آخرین انتخابات آزاد در سال ۱۹۹۰ برگزار شد که «اتحاد ملی برای دموکراسی» به رهبری خانم اونگ سان سوکی (برندهٔ جایزه صلح نوبل ۱۹۹۱) با کسب ۳۹۲ کرسی، اکثریت مطلق را به دست آورد، ولی رژیم نظامی حاکم نتایج انتخابات را نپذیرفت و فعالیت‌های سیاسی را ممنوع کرد.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۸)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، آسه‌آن، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ٦۷٦،۵۷۷ کیلومترمربع (سی و نهمین کشور جهان)

جمعیت: ٤۵،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (بیست و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٦۷/٤ نفر در کیلومترمربع **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۱/۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۵۸/۱ میلیون نفر **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۵۷ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۲٦/۹؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۳/۷

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ٪۳۳/۳؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۷/۷؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۳۱/۳؛ بالای ٦۰ سال ٪۷/۷

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٪٤۹/٦۵؛ زن ٪۵۰/۳۵ **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۳ سال، مردان ۵۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۰/۸ نفر **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۷): ۷۱ نفر **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۱/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٤): بیماریهای عفونی و انگلی ۲۷/۷ نفر؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۷/٤ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفس ۱۵/۱ نفر؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ۷/٦ نفر؛ سوء تغذیه ۳/۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۷): ۲/۷ نفر **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۳۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): برمه‌ای ٪۵۵/۹؛ کارن ٪۹/۵؛ شان ٪٦/۵؛ چینی ٪۲/۵؛ مون ٪۲/۳ یانگیبه ٪۲/۲؛ کاچین ٪۱/۵؛ بقیه ٪۱۹/٦

دین(۱۹۹۲): بودایی ٪۸۷/۲؛ مسیحی ٪۵/٦؛ مسلمان ٪۳/٦؛ عقاید سنتی ٪۲/٦؛ هندو ٪۱

زبان و خط: برمه‌ای (زبان رسمی)، تامیل، هندی، چینی، شان، کارن، کاچین؛ خط: برمه‌ای

شهرهای مهم(۱۹۹۳): ماندالای ۸۸۵،۳۰۰ نفر؛ مولمین ۳۰۷،٦۰۰ نفر؛ پگو(باگو) ۱۹۰،۹۰۰ نفر؛ باسین (پاتین) ۱۸۳،۹۰۰ نفر؛ (۱۹۹۰): تائونگیی ۱۰۸،۲۳۱ نفر؛ سیتوه (آکیاب) ۱۰۷،٦۲۱ نفر؛ مونیوا ۱۰٦،۸٤۳ نفر

بنادر مهم: یانگون و مولمین (خلیج مارتابان)؛ سیتوه و باسین (خلیج بنگال)؛ تاووی (دریای آندامان)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کیات (K) = ۱۰۰ پیا؛ یک دلار= ٦/۲۵ کیات؛ یک کیات = ۱،۲۸۰ ریال

درآمد بودجه: ۸۰/٤ میلیارد کیات؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۵۵/٦؛ درآمد مالیاتی ٪٤۳/۷(شامل مالیات بر کالاها و خدمات ٪۱۷/٤؛ مالیات بر درآمد ٪۱۵/۳)؛ کمکهای خارجی ٪۰/۷

هزینه بودجه: ۷۲/۱ میلیارد کیات؛ دفاع ٪۳٤؛ کشاورزی و جنگل‌داری ٪۱۳/۳؛ پرداخت سود ٪۱۲/۵؛ آموزش ٪۱۱/۱؛ کارهای عمومی و مسکن ٪۸/۷؛ خدمات عمومی ٪٦/۸

تولید ناخالص ملی(۱۹۹٦): ۱۱۹،۳۳٤ میلیون دلار **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹٦):** ۲،٦۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪٦/۳

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۵۳/۲؛ صنعت ٪۹؛ خدمات ٪۳۷/۸

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷) ۹٦ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ٤۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ٤،٦۲۵ میلیون دلار **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۵۸/۷+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۱/۱

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۲۵/۹؛ ۱۹۹۸: ٪۳٤؛ (۲۰۰۰-۱۹۹۹): ٪۹/۳

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): برنج ۱۷،۰۷۵،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۵،٤۲۹،۰۰۰ تن؛ حبوبات ۱،۸۹۵،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۵٦۲،۰۰۰ تن؛ موز سبز ٤۲۳،۰۰۰ تن؛ ذرت ۳۰۳،۰۰۰ تن؛ دانهٔ کنجد ۲۱۰،۰۰۰ تن؛ پنبه‌دانه ۱۵۸،۰۰۰ تن؛ (۲۰۰۰): خشخاش ۱،۰۸۵ تن

کاربری زمین : کشاورزی ٪۱۵/۳؛ مرتع و چمنزار ٪۰/۵؛ جنگل ٪٤۹/۳؛ سایر موارد ٪۳٤/۹

تعداد دام زنده: گاو ۱۰،۷٤۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۳،۷۱۵،۰۰۰ رأس؛ بوفالو ۲،۳۹۱،۰۰۰ رأس؛ گوسفند و بز ۱،۷۳۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲۲،٤۳۰،۰۰۰ مترمکعب **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۹۱۷،٦٦٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۹،۵۲۹،۰۰۰ قطعه **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦۹،۸۸۸ تن

تولیدات‌معدنی(۹۸-۱۹۹۷): گچ ٤۰،٦٤۲ تن؛ کنسانتره مس ۱٤،٦۳٤؛ سرب ۱،۵۸۵؛ قلع ۱۵٤ تن؛ نقره ۹،۳۸۱ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): سیمان ۵۱۳،۰۰۰ تن؛ گوشت تازه ۱۱٦،۰۰۰ تن؛ کود ٦٦،۰۰۰ تن؛ شکر تصفیه شده ٤۳،۰۰۰ تن؛ پنیر ۲۹،۰۰۰ تن؛ کره ۱۰،۱۰۰ تن؛ تخته چند لا ۲٤،۰۰۰ مترمکعب؛ سیگار ۱،۷۲۷،۰۰۰،۰۰۰ بسته؛ آجر ٦۰،۹۰۰،۰۰۰ عدد

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٤،۲۵٦،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٤،۲۵٦،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۷۲،۰۰۰ تن (۷۸،۰۰۰)؛ نفت خام: ۲،۸۰۰،۰۰۰ بشکه(۵،۳۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ٦۷۹،۰۰۰ تن (۱،۲۲۷،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۱،۵۷٦،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱،۵۷٦،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۹۸-۱۹۹۷): ۱۹،۷٤۳،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۲/۵؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ تا ٦٤ ؛ ۱۹۸۳)؛ ٪٦٤/۲؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤ ؛ ۸۸-۱۹۸۷): ٪۳۵/۳؛ میزان بیکاری: ٪٦/۲

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ٪٦۵/۹؛ صنعت ٪۱۲/۱؛ خدمات ٪۲۲

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٤۲۹،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۹۵/٦؛ نیروی دریایی ٪۲/۳؛ نیروی هوایی ٪۲/۱؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹٦): ۸۷ دلار

واردات(۹۸-۱۹۹۷): ۱۲،۷۳۵/۹ میلیون کیات؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٪۲۸/٦؛ مواد خام واسطه‌ای ٪۱۹/۹؛ کالاهای اساسی ٪۱۵/۸؛ مصالح ساختمانی سرمایه‌ای ٪۱۲/۳؛ کالاهای مصرفی با دوام ٪٤/۳؛ از سنگاپور ٪۳۱/۱؛ ژاپن ٪۱۵/۳؛ تایلند ٪۹/۸؛ چین ٪۹/٤؛ مالزیا ٪۷؛ کرهٔ جنوبی ٪۵/۵؛ اندونزی ٪٤/۸

صادرات(۹۸-۱۹۹۷): ۵،٤۱۵/۸ میلیون کیات؛ شامل غلات و حبوبات ٪۲۲/۳؛ چوب ساج ٪۱۱/۱؛ ماهی وفرآورده‌های آن ٪٤/٦؛ چوب سخت ٪۲/۵؛ کائوچو ٪۲/۱؛ به هند ٪۲۲/٦؛ سنگاپور ٪۱۳/۲؛ تایلند ٪۱۱/۹؛ چین ٪۱۰/٦؛ هنگ‌کنگ ٪۵/۸؛ ژاپن ٪۳/۸؛ امریکا ٪۳/۵

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
میلیون کیات	۵۰۹/۲-	۲،۷۳۸/٤-	۳،٦۱۲/۵-	۷،۳۲۰/۱-	۱۰،۱۸۳/۵-	۷،۳۹۰/٤-	٦،۲۵۲/۲-
درصد کل	٪۵/۱	٪۲۲/۱	٪۲۹	٪٤۰/۳	٪٤۳	٪۳٤/۳	٪۲۵/٤

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۹۹۵=۱۰۰):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	٦٤/٤	۷۹/۹	۱۰۰	۱۱٦/۳	۱۵۰/۸	۲۲۸/۵	۲۷۰/۵	۲۷۰/۲
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹٤): ۵/٦ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد:؟ ؛ هزینه‌ها (۱۹۹٤): غذا و نوشیدنی ٪٦۷/۱؛ سوخت و روشنایی ٪٦/٦؛ حمل و نقل ٪٤؛ امور خیریه ٪۳/۱؛ مراقبت‌های پزشکی ٪۳/۱

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۳۵ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۲۷،۰۰۰ کیلومتر **راه‌آهن(۱۹۹۹):** ۳،۹۵۵ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ٤٤،۰۰۰ دستگاه **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ٤۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۱٤٤ فروند **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۱۹ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۵ روزنامه در ٤٤۹،۰۰۰ نسخه (۱۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۳،٦٦۰ عنوان در ٤،۰۳۸،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۱،۱۰۳/۲ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٤،۲۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۹٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۲٦۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵/۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۲۹،۰۰۰ خط تلفن (۵/۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۸،۵۱٦ خط (۰/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۵۰،۰۰۰ دستگاه **اینترنت(۱۹۹۹):** ۵۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۳۵،۸۷۷	۱٦۷،۱۳٤	۵،۱٤۵،٤۰۰	۳۰/۸
متوسطه	۲،۰۹۱	۵٦،۹۰۰	۱،۵٤۵،٦۰۰	۲۷/۱
فنی و حرفه‌ای	۱۰۳	۲،٤٦۲	۲۵،۳۷٤	۱۰/۳
عالی	۹۲۳	۱۷،۰۸۹	۳۸۵،۳۰۰	۲۲/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۸۳/۱؛ مردان: ٪۸۸/۷؛ زنان: ٪۷۷/۷

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۸۳): ابتدایی ٪۳۹/٤؛ متوسطه ٪٤/٦؛ مذهبی ٪۰/۱

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۱۲،۹۵۰ نفر (هر ۳،۱۱٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۲۸،۷۳۲ تخت (هر ۱،٤۰٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٤٤۰،۰۰۰ نفر (٪۱/۷۹ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳٦/٦ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۸٦۲ کالری (٪۱۳۰ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ۷۲ گرم؛ مصرف چربی: ٤۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۲؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۱/٤

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۷/۳ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۵۸۵ (صد و بیست و پنجمین کشور جهان)



نام رسمی: ایالات فدرال میکرونزی

نام محلی: مایکرونیژه Micronesia

اسامی دیگر: -

پایتخت: کولونیا (۶،۶۰۰ نفر در سال ۱۹۹۴) و پالیکیر (در جزیره پونپئی)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۰/۱۲/۲۲، ازامریکا

روز ملی: سوم نوامبر، سالروز اعلام استقلال در سال ۱۹۸۶

نوع حکومت: جمهوری فدرال با همکاری آزاد با امریکا، با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: لئو فالکام، از سال ۱۹۹۹

رئیس دولت: رئیس جمهور: لئو فالکام، از سال ۱۹۹۹

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۹؛ کنگره با ۱۴ عضو که ۴ عضو آن هر ۴ سال یکبار انتخاب می‌شوند و بقیه هر دو سال یکبار؛ هیچ حزب سیاسی در این کشور فعالیت ندارد و آخرین انتخابات در سال ۱۹۹۹ برگزار شده است.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۱)، اونکتاد، یونیسف، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایمف، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، ومو، آلوسیس، جامعه اقیانوس آرام، پیف

جمعیت

مساحت: ۷۰۱ کیلومترمربع (صد و هفتادو پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۱۸،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هفتاد و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۶۸/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۱۲۶،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۲۰۰۰): ۲۸/۵٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۳/۲٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۴۰/۶٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/۴٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۵/۶٪؛ بالای ۶۰ سال ۵/۴٪

توزیع جنسی (۲۰۰۰): مرد ۵۱/۲۶٪؛ زن ۴۸/۷۴٪ — **امید به زندگی(۲۰۰۰):** زنان ۷۰/۶ سال؛ مردان ۶۶/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۲۰۰۰): ۲۷/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۶ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۲۰۰۰): ۳۳/۵ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۲۰۰۰):** ۲۱/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۷): بیماریهای سیستم عروق مغزی ۹۰/۳ نفر؛ بیماریهای غدد داخلی و متابولیسم بدن ۶۴/۴ نفر؛ قتل و خودکشی و تصادف ۵۵/۴ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۴۲ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۳۴ نفر؛ بیماریهای انگلی و عفونی ۲۶/۸ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۲۰۰۰): ۳/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۳۴ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): ساکنین جزایر چوک ۲۸٪؛ پونپئی ۲۴/۹٪؛ یاپ ۱۰/۶٪؛ مورتلوک ۵/۶٪؛ کوسره ۵/۲٪

دین(۲۰۰۰): کاتولیک ۵۳/۹٪؛ پروتستان ۳۴٪؛ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛ ۹ زبان و لهجه میکرونزیایی و پولینزیایی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۴): ونو (موئن) ۱۶،۱۲۱ نفر؛ تول ۴،۸۱۶ نفر

بنادر مهم: کولونیا و پالیکیر (در اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار امریکا (U.S.$) = ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۸،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۱۵۲/۳ میلیون دلار؛ کمک‌های خارجی ۶۰٪؛ درآمد مالیاتی ۱۵/۱٪؛ حق‌الامتیاز ماهیگیری ۱۳/۴٪

هزینه بودجه(۹۸-۱۹۹۷): ۱۵۴/۷ میلیون دلار؛ هزینه‌های جاری ۷۹/۶٪ (شامل خدمات دولتی ۷۱/۴٪؛ پرداخت‌های انتقالی ۴/۷٪؛ بازپرداخت بدهی‌ها ۳/۴٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۲۰/۴٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۰۴ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۸۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۶): کشاورزی ۱۹/۱٪؛ صنعت ۳/۹٪؛ خدمات ۷۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۹۸/۲ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۹۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۹-۱۹۹۰): ۳/۵٪

محصولات کشاورزی : آمار دقیقی وجود ندارد. با این حال مهمترین محصولات آن عبارتند از: نارگیل (که سالانه بیش از ۴،۰۰۰ تن کوپرا از آن به دست می‌آید)، میوه نان، کاساوا، سیب‌زمینی شیرین، انواع فلفل و انواع میوه‌های مناطق گرمسیر به ویژه موز

کاربری زمین(۱۹۹۴) : کشاورزی ۳۳/۵٪؛ مرتع و چمنزار ۱۳/۵٪؛ جنگل ۲۲/۵٪؛ سایر موارد ۳۰/۵٪

تعداد دام زنده: دامداری آن به پرورش خوک و طیور محدود است

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱۵،۳۹۳ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۸۵،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۷۵ تن

تولیدات معدنی : استخراج شن و ماسه برای کارهای ساختمانی

تولیدات صنعتی: آمار دقیقی وجود ندارد. اما صنایع سنتی آن نظیر تهیه کوپرا از نارگیل و تهیهٔ روغن نارگیل در حال جایگزین شدن با صنعت رو به گسترش تولید پوشاک می‌باشد. به علاوه صنایع دستی و کوچک نظیر حصیربافی، ساخت قایق‌های کوچک و پوشاک نیز به صورت انفرادی انجام می‌شود.

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۷): ۱۰۰،۳۳۳،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۰۰،۳۳۳،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت خام: صفر (؟)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹۲): صفر (۷۷،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۴): ۲۷،۵۷۳ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۲۶/۳٪؛ میزان مشارکت: (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۴۳/۶٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ۶۴): ۳۳/۸٪؛ میزان بیکاری: ۱۵/۳٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۴): کشاورزی و ماهیگیری ۲۶/۷٪؛ صنعت ۷/۸٪؛ خدمات ۵۰/۲٪

نیروی دفاعی: امنیت خارجی و امور دفاعی به عهدهٔ ایالات متحدهٔ امریکا می‌باشد.

واردات(۱۹۹۸): ۸۲،۴۸۶،۹۱۵ دلار؛ شامل غذا، نوشیدنی و دخانیات ۴۱/۹٪؛ کالاهای ساخته شده صنعتی ۳۲٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۴/۸٪؛ فرآورده‌های نفتی ۱۱/۲٪؛ مواد شیمیایی ۴/۴٪؛ از امریکا(شامل گوآم) ۷۲/۵٪؛ ژاپن ۱۳/۵٪؛ استرالیا ۶/۶٪

صادرات(۱۹۹۸): ۸،۰۳۷،۲۰۷ دلار؛ شامل (۱۹۹۷): تولیدات دریایی ۸۹/۲٪؛ محصولات کشاورزی ۴/۴٪ (شامل موز ۳/۲٪ و کوپرا ۱/۲٪)؛ (۱۹۹۲): به ژاپن ۸۰٪؛ امریکا ۹/۳٪؛ گوآم ۸/۳٪؛ منطقه جنوب اقیانوس آرام ۲/۴٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶
میلیون دلار	-۱۰۹/۱	-۹۳/۷	-۷۵/۵	-۵۹/۱	-۵۲
درصد کل	٪۶۶	٪۴۱/۴	٪۴۳/۵	٪۴۸	٪۴۴/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۲/۵	۹۶/۲	۱۰۰	۱۰۳/۱	۱۰۵/۲	۱۰۶/۸	۱۰۹/۶
درآمد دستمزد سالانه	۹۴/۵	۹۵/۲	۱۰۰	۹۷/۵	۹۴/۲	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۴): ۶/۸ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار: (۱۹۹۴): ۸،۶۴۵ دلار؛ منابع درآمد (۱۹۹۴): دستمزد و حقوق ۵۱/۸٪؛ اضافه کار ۲۳٪؛ تأمین اجتماعی ۲/۱٪؛ هزینه‌ها (۱۹۸۵): غذا و نوشیدنی ۷۳/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۴،۳۸۳،۰۰۰ دلار؛ تعداد جهانگردان وارد شده : ۱۶،۲۸۳ نفر

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۰): ۲۲۶ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ۲،۰۴۴ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۳۵۴ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۷): ۱۹ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۴ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۶): ۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۶۶۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۶): ۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۹،۱۰۰ خط تلفن (۸۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۲،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۱۷۱	۱،۴۸۶	۲۵،۹۱۵	۱۸/۶
متوسطه	۲۴	۴۱۸	۶،۸۰۹	۱۶/۲
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	۱	۷۱	۱،۸۸۴	۲۶/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۴): افراد بالای ۱۰ سال: ۳۹/۹٪؛ مردان: ۹۴/۷٪؛ زنان: ۹۳٪

میزان تحصیلات‌افرادبالای۲۵سال(۱۹۹۸): ابتدایی ۴۶٪؛ راهنمایی ۱۸/۳٪؛ متوسطه ۱۲/۹٪؛ فوق دیپلم و عالی ۱۸/۴٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۶۸ نفر (هر ۱،۶۷۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۲۶۰ تخت (هر ۴۴۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

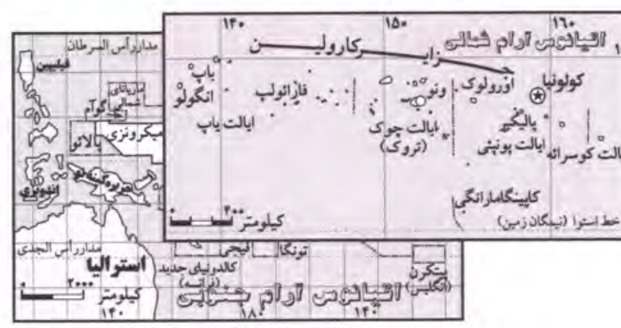
سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی: ؟

میکرونزی MICRONESIA

جزایر میکرونزی در پهنه‌ای به وسعت حدود ۲۵۰۰ کیلومترمربع از اقیانوس آرام(کبیر)، در شمال خاوری جزیرهٔ گینهٔ نو قرار دارد. جزایر ماریانای شمالی در شمال آن، جزایر مارشال در خاور، نائورو در جنوب خاوری، پاپوآ گینهٔ نو در جنوب و پالائو در غرب آن واقع است. اراضی این جزایر کوهستانی است و اقلیم آن گرم و مرطوب و پر باران است. فدراسیون میکرونزی از چهار ایالت جزایر کارولین (غیر از جزایر پالائو) موسوم به یاپ به وسعت ۱۱۹ کیلومترمربع، چوک (که قبلاً تروک نام داشت) به مساحت ۱۲۷ کیلومترمربع، پونپئی (پوناپهٔ پیشین) به مساحت ۳۴۵ کیلومترمربع و کوسرائه به وسعت ۱۱۰ کیلومترمربع تشکیل یافته است. بزرگترین جزیره این کشور، پونپئی، ۳۳۴ کیلومترمربع وسعت دارد و بلندترین نقطه یعنی قلهٔ توتولوم نیز در این جزیره واقع است که ارتفاع آن به ۷۹۱ متر می‌رسد.



تاریخچه

میکرونزی یک واژهٔ یونانی است و به مفهوم جزایر کوچک به کار می‌رود. مجمع الجزایر میکرونزی به طور عام شامل جزایر مارشال، ماریانا و کارولین می‌باشد، اما به طور خاص به قسمت بزرگی از جزایر کارولین اطلاق می‌شود. در سال ۱۵۳۱ فردیناند ماژلان از جزایر مزبور دیدن کرد و آنها را جزایر دزدان نامید. بعدها به نام ماریانا، ملکهٔ اتریش و اسپانیا موسوم گردید. در ۱۸۵۵ آلمان‌ها سعی کردند آنها را به تحت‌الحمایگی خود درآورند، اما اسپانیایی‌ها با پشتیبانی واتیکان و پاپ، تسلط خود را بر آن‌ها حفظ کردند. در ۱۸۹۸ جزیرهٔ گوآم به مناسبت پیمان پاریس به امریکا واگذار گردید و بقیهٔ جزایر ماریانا به آلمان فروخته شد. در ۱۹۱۴ ژاپنی‌ها آنجا را فتح کردند و از همین جزایر در هفتم دسامبر ۱۹۴۱ به پرل‌هاربر حمله بردند و جنگ اقیانوس آرام را آغاز نمودند. در ۱۹۴۷ امریکایی‌ها جزایر مزبور را به تصرف خود درآوردند و همراه با جزایر مارشال، ماریانا و پالائو تحت عنوان سرزمین قیمومی جزایر اقیانوس آرام و زیر نظر سازمان ملل متحد به ادارهٔ آن پرداختند. امریکائیان یک پایگاه نظامی در آن تأسیس نمودند و امور دفاعی و روابط خارجی آن را خود در دست گرفتند.
در ۱۹۵۴ جزایر بیکینی و انوتاک به میدان آزمایش انفجارهای هسته‌ای مبدل گردید. در ۱۹۶۸ جزیرهٔ بیکینی و ۳۴ آبسنگ مرجانی مجاور آن قابل زندگی تشخیص داده شد، اما آزمایش سال ۱۹۷۷ مجدداً بر غیر مسکونی بودن آن تأکید نمود. دفن زباله‌های اتمی و آزمایشهای مکرر هسته‌ای در اقیانوس آرام به اعتراض شدید ساکنان آن منطقه منجر شد و از قدرتهای اتمی خواسته شد تا آزمایش‌های خود را متوقف سازند و از دفن زباله‌های اتمی در اعماق اقیانوس آرام خودداری کنند. همه‌پرسی سال ۱۹۷۸ جزایر مزبور را به ایالات فدرال میکرونزی مبدل نمود و جزایر مارشال و پالائو از آن جدا شدند و خود ادارهٔ امور خویش را رأساً بر عهده گرفتند.
در اکتبر ۱۹۸۲ ادارهٔ امور داخلی جزایر مارشال و ایالات فدرال میکرونزی از سوی امریکا به خودشان واگذار گردید و امور دفاعی بر عهدهٔ امریکا قرار گرفت. در هفتم سپتامبر ۱۹۹۱ دولت میکرونزی به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. توفند پایان سال ۱۹۹۰ آسیب فراوانی به جزایر میکرونزی وارد کرد و ۴۵۰۰ نفر را بی‌خانمان نمود و ۹۰ درصد کشتزارها را از میان برد. در انتخابات ریاست جمهوری مارس ۱۹۹۱ بیلی اولتر به ریاست جمهوری رسید و در ژوئن ۱۹۹۳ میکرونزی به عضویت صندوق بین‌المللی پول درآمد. در مارس ۱۹۹۵ اولتر مجدداً به ریاست جمهوری انتخاب شد. توفان شدید دسامبر ۱۹۹۶ بسیاری از خانه‌ها را ویران کرد و محصولات کشاورزی را نابود نمود. تا جایی که کلینتون رئیس جمهور امریکا، در منطقهٔ اقیانوس آرام وضعیت فوق‌العاده اعلام کرد و به امدادرسانی به نواحی آسیب دیده پرداخت. در نوامبر ۱۹۹۶ اولتر جای خود را به ژاکوب نتا واگذار کرد. وی در مه ۱۹۹۷ رسماً شروع به کار کرد.
در ماه مه ۱۹۹۹، لئوفالکام که قبل از آن معاون رئیس جمهور بود، به ریاست جمهوری برگزیده شد. در ماه سپتامبر همان سال، فالکام مخالفت شدید میکرونزی را با کشورهایی نظیر انگلستان، فرانسه و ژاپن که به انتقال پلوتونیوم از طریق اقیانوس آرام مبادرت کرده و فضولات اتمی را در این اقیانوس دفن می‌کنند، ابراز داشت و خواهان خودداری آنها از انجام این اقدامات شد.

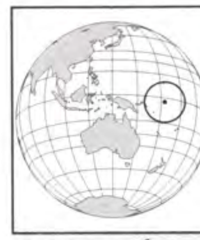
نائورو NAURU

نائورو جزیرهٔ کوچکی است واقع در آبهای غربی اقیانوس آرام(کبیر)، شمال خاوری استرالیا که درازای آن از شمال خاوری به سوی جنوب غربی ۶ کیلومتر و پهنای آن ۴ کیلومتر است. نائورو که جزیره‌ای از جزایر میکرونزی محسوب می‌گردد، دارای منشأ مرجانی است و درست در جنوب خط استوا جای دارد. سواحل آن شنی است و باریکهٔ حاصلخیزی به عرض ۳۰۰ متر در درون سواحل آن قرار گرفته است. بلندترین نقطهٔ درون‌بومی آن ۶۰ متر ارتفاع دارد و جمع‌آوری و صدور فضلهٔ پرندگان (موسوم به گوانو) که سرشار از اسید فسفریک و نیتروژن است، از جمله منابع درآمد آن به شمار می‌آید. اقلیم آن گرم و مرطوب و پرباران است و رشته‌ای از آبسنگ‌های مرجانی پیرامون آن را در بر گرفته‌اند.



تاریخچه

نائورو که در مرکز غربی اقیانوس آرام جای دارد، به وسیلهٔ مهاجران پولینزیایی، میکرونزیایی و ملانزیایی مسکون گردیده است. جان فیرن دریانورد انگلیسی، نخستین اروپایی‌ای است که از این جزیره دیدن کرده و آن را جزیرهٔ مطبوع نام نهاده است. کشتی‌های صید نهنگ در سدهٔ نوزدهم به این جزیره رفت و آمد می‌کردند و آن را نائورو نامیدند. در ۱۸۸۸ آلمان در زمان رایش دوم آنجا را ضمیمهٔ خود نمود. در ۱۹۰۵ یک شرکت آلمانی انگلیسی شروع به بهره‌برداری از معادن فسفات آن کرد. پس از جنگ جهانی اول نائورو، از سوی جامعه ملل تحت قیمومیت استرالیا قرار گرفت و در جنگ جهانی دوم به تصرف ژاپنی‌ها درآمد.
در پایان جنگ، استرالیا مجدداً بر آن تسلط یافت و تحت قیمومت سازمان ملل متحد، انگلیسی‌ها و استرالیایی‌ها مشترکاً به استخراج معادن آن پرداختند. در ۱۹۶۴ نائورویی‌ها زمزمه‌های خودگردانی سر دادند و در ۱۹۶۷ معادن خود را ملی کردند و سرانجام در ۳۱ ژانویهٔ ۱۹۶۸ اعلام استقلال نمودند. سال بعد نائورو به عضویت جامعهٔ مشترک‌المنافع انگلستان درآمد و هامر د روبورت نخستین رئیس جمهور کشور تا سال ۱۹۷۶ حکومت کرد و در آن سال جای خود را به برنارد دوویوگو واگذار کرد. د روبورت در سال ۱۹۷۸ مجدداً به مسند ریاست



نام رسمی: جمهوری نائورو

نام محلی: نائورو (نائوئرو) Nauru (Naoero)

اسامی دیگر: -

پایتخت: یارن (۷۰۰ نفر در سال ۱۹۹٦)

تاریخ استقلال: ۱۹٦۸/۱/۳۱ ، از انگلستان

روز ملی: سی و یکم ژانویه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦۸

رئیس حکومت: رئیس جمهور: رنه هریس، ازسال ۲۰۰۱ به مدت ۳ سال توسط مجلس

رئیس دولت: رئیس جمهور: رنه هریس، از سال ۲۰۰۱ به مدت ۳ سال توسط مجلس

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹٦۸؛ مجلس قانونگذاری (پارلمان) با ۱۸ عضو به مدت ۳ سال، هیچ حزب سیاسی در این کشور وجود ندارد و داوطلبان عضویت در مجلس قانونگذاری به صورت منفرد نامزد می‌شوند؛ آخرین انتخابات: سال ۲۰۰۰

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۹)، ایکائو، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، سپک، آدب، آاوسیس، جامعهٔ اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۲۱/۲ کیلومترمربع (صد و نودو سومین کشور جهان)

جمعیت: ۱۱،۸۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و نود و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۵٦/٦ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۱٦،۷۰۰ نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۳۳ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۹): ٪۱۰۰

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٪٤۱/٦؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۵/۵؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۲۹/۷؛ بالای ٦۰ سال ٪۳/۲

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٪۵۰/۵۰؛ زن ٪٤۹/۵۰ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦٤/۱ سال، مردان ۵۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۸/۳ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷/۵ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ۱۱/۱ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۰/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما بیماریهای شایع بیشتر مربوط به رژیم غذایی و مسائل اجتماعی، به ویژه چاقی و الکلیسم است به طوری که حدود یک سوم بزرگسالان در این کشور از بیماری دیابت رنج می‌برند.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۸ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر (۱۹۹۵): ۵/۳ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۲): نائورویی ٪٦۸/۹؛ کیریباتی ٪۱۲/۸؛ توالویی ٪۸/۷؛ فیلیپینی ٪۲/۵؛ چینی ٪۲/۳؛ بقیه ٪٤/۸

دین: پروتستان ٪۵۳/۵؛ کاتولیک ٪۲۷/۵؛ سایر ادیان ٪۱۹

زبان و خط: نائورویی و انگلیسی ؛ خط: لاتین

شهرهای مهم: ندارد

بنادر مهم: یارن (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار استرالیا ($A)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلار= ۱/۸۷ دلار استرالیا؛ یک دلار استرالیا= ٤،۲۷۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۳۸/۷ میلیون دلار استرالیا

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۳۷/۲ میلیون دلار استرالیا

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): ۱۲۸ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۷):** ۱۱،۵۳۸ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی: ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹٦): ۱۵۰ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نارگیل ۱،٦۰۰ تن؛ سبزیجات ٤۵۰ تن؛ میوه مناطق حاره‌ای (شامل انبه) ۲۷۵ تن؛ به علاوه بادام، انجیر و پاندانوس هم کشت می‌شود، اما بیشتر مواد غذایی و نوشیدنی، از جمله آب از سایر نقاط وارد می‌شود.

کاربری زمین(۱۹۹۵) : جنگل: صفر، مرتع و چمنزار: صفر؛ کشاورزی ٪۱۰؛ سایر موارد ٪۹۰ (از جمله معدن فسفات)

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): خوک ۳،۰۰۰ رأس

تولید چوب: صفر | **صید ماهی(۱۹۹۹):** ۵۰۰تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۵،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱٦ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): سنگ فسفات ۵۰۰،۰۰۰ تن (وزن ناخالص)

تولیدات صنعتی: عمدتاً تولیدات صنعتی از کشورهای دیگر وارد می‌شود.

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۳۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)، نفت خام: صفر (؟)، فرآورده‌های نفتی: صفر (٤۵،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۲): ۲،٤۵۳ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳۵/۹؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ سال به بالا): ؟ ؛ زنان (در سنین ۱۵ سال به بالا): ؟ ؛ میزان بیکاری : ٪۱۸/۲

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪۹؛ صنعت ٪۵۷؛ خدمات ٪۳٤

نیروی دفاعی: کشور نائورو فاقد هر نوع نیروی نظامی است و امور دفاعی آن به عهدهٔ دولت استرالیا می‌باشد.

واردات(۱۹۹۵): ۲۰ میلیون دلار،محصولات کشاورزی ٪۲۰/۵؛ (موادغذایی ٪۱٤/۵)؛ باقیمانده ٪۷۹/۵؛ از استرالیا بیشتر از ٪۵۰؛ انگلستان حدود ٪۱۰؛ زلاند نو حدود ٪۱۰

صادرات(۱۹۹۵): ٤۰ میلیون دلار؛ فسفات حدود ٪۱۰۰؛ به زلاند نو ٪۵۰؛ استرالیا ٪۲۵

تراز بازرگانی:	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵
میلیون دلار	+۵۰	+۱۲	+۱۵	+۲۱	+۲۰	+۲۰
درصد کل	٪٦۱	٪۲۲/۲	٪۲۷/۸	٪۳٤/٤	٪۳۳/۳	٪۳۳/۳

شاخص قیمتها و درآمدها: ؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۲): ۱۰ نفر

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد از جهانگردان خارجی: صفر؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۳۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ۵ کیلومتر

تعداداتومبیل،اتوبوس‌وکامیون(۱۹۸۹): ۱،٤٤۸ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس:** ؟

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۹):** ۱ فرودگاه

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۷،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۰۹ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۵۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۹): ۱،۷۰۰ خط تلفن (۱٤۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ۸۵۰ خط (۷۵ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ **اینترنت:**

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷) / متوسطه	۳	٦٤	۱،۳۷۹	۲۱/۵
فنی و حرفه‌ای	۳	۵۳	۱،۱۱۳	۲۱
عالی	؟	؟	؟	؟

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال ٪۹۹

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۵): ۱۷ نفر (هر ٦۳۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۰): ۲۰۷ تخت (هر ٤٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز:

تعداد مبتلایان به سل:

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۸): ۳،۰۱۱ کالری (٪۱۳۲ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ٪۷۰؛ مصرف فرآورده‌های لبنی و گوشتی ٪۳۰

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟

جمهوری بازگشت و تا سال ۱۹۸۶ در این مقام باقی ماند. در انتخابات سال ۱۹۸۹ برنارد دوویوگو مجدداً به ریاست جمهوری رسید. وی با شکایت از بهره‌برداری بیش از حد استرالیا از معادن فسفات نائورو طی ۵۰ سال کنترل آن کشور، درخواست غرامت نمود که استرالیا با پذیرش آن تعهد نمود که ۱۰۰ میلیون دلار غرامت بپردازد. در ۱۳ فوریه ۱۹۹۷ پارلمان نائورو، کینزا گادفری کلودومار را به ریاست جمهوری برگزید. وی روابط نائورو و فرانسه را که در سال ۱۹۹۵ در پی آزمایش هسته‌ای فرانسه قطع گردیده بود، دوباره برقرار کرد. در ۱۹۹۷ رئیس جمهوری نائورو دنیا را از آیندهٔ شومی که بر اثر گرم شدن کرهٔ زمین در انتظار کرهٔ خاکی ماست آگاه کرد. دانشمندان اعلام داشته‌اند که در پی گرم شدن کرهٔ زمین و بالا آمدن آب اقیانوس‌ها و دریاها، نائورو و بسیاری دیگر از جزایر اقیانوس آرام و دیگر اقیانوس‌ها به زیر آب فرو خواهند رفت. مردم نائورو که تا چندی پیش از درآمد سرانهٔ بالایی در میان کشورهای جهان برخوردار بودند، در سال‌های اخیر به دلیل عدم سرمایه گذاری دولت‌ها و فقدان برنامه‌ریزی مناسب، به سرعت قدرت اقتصادی و سطح رفاه خود را از دست می‌دهند. برنارد دوویوگو که جانشین کلودومار شده بود در آوریل ۱۹۹۹، با رأی عدم اعتماد مجلس قانونگذاری مواجه شد و پارلمان رنه هریس را به ریاست جمهوری برگزید. با ناتوانی رنه هریس در حل مشکلات کشور، در سال ۲۰۰۰، مجدداً دوویوگو به ریاست جمهوری رسید. در مارس سال ۲۰۰۱، در پی ناتوانی دولت نائورو در مبارزه با پول شویی باندهای مافیایی روسیه از طریق بانک‌های این کشور، دوویوگو مجدداً از کار برکنار شد و رنه هریس به مسند ریاست جمهوری بازگشت. در سپتامبر این سال نائورو تعدادی از پناهجویان آسیایی را که خواستار ورود به استرالیا بودند و آن کشور با پذیرش آنان مخالفت کرده بود، پذیرفت و در عوض دولت استرالیا متعهد گردید که ۱۰ میلیون دلار به نائورو کمک نماید.

نامیبیا NAMIBIA

کشور نامیبیا که در جنوب غربی افریقا و در ساحل جنوب خاوری اقیانوس اطلس جای گرفته، از شمال به آنگولا، از شمال خاوری به زامبیا و زیمبابوه، از خاور به بوتسوانا، از جنوب خاوری و جنوب به افریقای جنوبی و از غرب به اقیانوس اطلس محدود است. بخش وسیعی از این کشور را صحرای کالاهاری در بر گرفته و مدار رأس‌الجدی از میان آن می گذرد. صحرای نامیب که در امتداد خط ساحلی جای دارد، سرشار از معادن الماس است و بهره‌برداری از منابع مزبور به تمرکز جمعیت در این ناحیه منجر شده است. صحرای کالاهاری که در خاور این کشور جای دارد، مشترک میان نامیبیا و بوتسواناست و ساکنان آن را شبانان و شکارچیان تشکیل داده‌اند. جمعیت نامیبیا عمدتاً در شمال و ارتفاعات مرکزی که از باران



فراوانی برخوردار است، تمرکز یافته‌اند. اقلیم نامیبیا گرم و خشک و نسبتاً کم‌باران است و رودخانه‌های اورانژ و ریزابه‌هایش، کونِنه، اوکاوانگو(کوبانگو) و اوگاب عمده‌ترین رودهای آن هستند. بلندترین نقطهٔ نامیبیا به نام کوه براندبرگ ۲۶۰۶ متر ارتفاع دارد. ماهیگیری و پرورش دام عمده‌ترین فعالیت اقتصادی نامیبیاست و بهره‌برداری از معادن به ویژه الماس که از سال ۱۹۶۰ آغاز شده مهمترین منبع درآمد آن به شمار می‌آید. علاوه بر الماس، مس، سرب، روی، کادمیوم و اورانیوم نیز از عمده‌ترین منابع زیرزمینی این کشور محسوب می گردند.

تاریخچه

جنوب غربی افریقا از روزگار بس دور مسکن اقوام خوئی‌خوئی، سان، اووامبو و هررو‌های بانتو زبان بوده است. در دههٔ ۱۴۸۰ دریانوردان پرتغالی در سواحل نامیبیا پیاده شدند و طی سده‌های ۱۷ و ۱۸ و اوائل سدهٔ نوزدهم میلادی هلندی‌ها و انگلیسی‌ها تا حدی در درون‌بوم سرزمین امروزی نامیبیا پیش رفتند. در سالهای ۱۸۴۰ آلمانی‌ها با اعزام مبلغین مذهبی، خود را با مسائل نامیبیا مرتبط ساختند و با عنوان افریقای جنوب غربی آلمان، آن را به مستعمرهٔ خود مبدل نمودند. با کشف معادن سرشار از آهن، سرب، روی، مس و الماس در نامیبیا بر اهمیت استراتژیکی این سرزمین خشک و بایر افزوده شد و درگیری میان استعمارگران شدت گرفت و در جنگ جهانی اول، افریقای جنوبی بدانجا حمله کرد و آن را ضمیمهٔ اتحادیهٔ افریقای جنوبی نمود. در سال ۱۹۴۷ بعد از جنگ جهانی دوم، افریقای جنوبی رسماً به سازمان ملل متحد اعلام داشت که نامیبیا را بخشی از کشور خود می‌شناسد. این اعلامیه از نظر سازمان ملل متحد که قیمومت اینگونه سرزمینها را عهده‌دار بود، مردود اعلام شد و اصرار از سوی افریقای جنوبی و انکار از طرف سازمان ملل متحد تا سال ۱۹۶۱ همچنان ادامه یافت. بین سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۸ سازمان ملل مقدمات استقلال نامیبیا را فراهم کرد و مردم نامیبیا نیز برای بدست آوردن آزادی و استقلال خود با سلطه‌گران افریقای جنوبی به مبارزه برخاستند.

سازمان خلق افریقای جنوب غربی (سوآپو) که از بقایای سازمان خلق اووامبو (اوپو) و سایر سازمان‌های مترقی نامیبیاتشکیل شده بود، به رهبری سام نوجوما نمایندگی مردم این کشور را به عهده گرفت. نخستین برخورد رسمی و جنگ نظامی در ۲۶ اوت ۱۹۶۶ بین دو طرف به وقوع پیوست. استقلال آنگولا در سال ۱۹۷۵ نحوهٔ مبارزهٔ ملیون نامیبیا را دگرگون کرد و موجودیت سازمان خلق افریقای جنوب غربی (سوآپو) از سوی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد و ششمین کنفرانس غیر متعهدها که در هاوانا برگزار شد نیز سوآپو را به عنوان نمایندهٔ نامیبیا به رسمیت شناخت و در پی آن در سال ۱۹۸۰ سازمان ملل متحد کنفرانسی برای رسیدگی به وضع نامیبیا ترتیب داد و مبارزهٔ سوآپو علیه اشغالگران افریقای جنوبی با وسعت بیشتری آغاز گردید. کشف معادن غنی اورانیوم بر حساسیت نامیبیا افزود و افریقای جنوبی را در تصرف آن مصرتر کرد و شرکتهای چند ملیتی را برای استخراج معادن مزبور به میدان کشانید. افریقای جنوبی نیز بر حضور نظامی خود در نامیبیا پافشاری کرد و با طرح استقلال آن به سختی مخالفت نمود و علیه سوآپو رسماً به عملیات نظامی پرداخت. در اواخر سال ۱۹۸۲ و اوایل سال ۱۹۸۳ میان نامیبیا و آنگولا بر سر نواحی مرزی جنگ درگرفت و ارائهٔ طرح پنج ماده‌ای گروه تماس مرکب از فرانسه، امریکا، انگلستان، آلمان غربی و کانادا استقلال نامیبیا را با بن‌بست روبرو کرد.

در مه ۱۹۸۴ نمایندگان سوآپو و دیگر احزاب نامیبیا با نمایندگان افریقای جنوبی به مذاکره پرداختند ولی مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت و افریقای جنوبی از بیرون کشیدن نیروهای خود از نامیبیا مخالفت کرد. در دسامبر ۱۹۸۸ بعد از مذاکرات طولانی و میانجی گری‌های مجدّانهٔ امریکا، افریقای جنوبی و کوبا موافقت کردند که نیروهای خود را از نامیبیا فرا خوانند. در ۱۹۸۹ هزاران آواره به سوی میهن خود بازگشتند و زندانیان بسیاری آزاد گردیدند و سام نوجوما، رهبر ۶۰ سالهٔ سوآپو از یک تبعید ۳۰ ساله به وطن بازگشت تا حزب خود را برای شرکت در انتخابات آینده آماده سازد. در نوامبر ۱۹۸۹ حدود ۷۱۰،۰۰۰ نامیبیایی در انتخابات مجلس قانونگذاری که قرار بود نخستین قانون اساسی کشور را تدوین کنند، شرکت کردند. در انتخابات مزبور سوآپو با بدست آوردن ۶۰ درصد آراء برندهٔ اکثریت شد و رهبر آن سام نوجوما به عنوان نخستین ریاست جمهوری نامیبیا برگزیده شد و به دنبال آن در ۲۱ مارس ۱۹۹۰ استقلال نامیبیا اعلام گردید و زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی کشور انتخاب شد.

نامیبیا کشوری است که اقتصاد آن بستگی مستقیمی با بهره‌برداری از معادن آن دارد و ۷۰ درصد مردم آن بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به کشاورزی اشتغال دارند، حال آن که کشاورزی فقط ۱۰ درصد درآمد کشور را تأمین می‌کند.

در سال ۱۹۹۱ نوجوما برای آموزش نظامیان نامیبیا با امریکا قراردادی منعقد نمود و ضمن همکاری با برزیل نسبت به تجهیز نیروی هوایی خود اقدام نمود. در سپتامبر ۱۹۹۱ نامیبیا و افریقای جنوبی مرزهای میان خود را تثبیت کردند و رودخانهٔ اورانژ را بعنوان مرز طبیعی میان دو کشور برگزیدند و با پرتوریا روابط بازرگانی برقرار گردید. در ۱۹۹۲ بندر والویس‌بی که در تصرف افریقای جنوبی باقی مانده بود به نامیبیا واگذار شد. در دسامبر ۱۹۹۴ سام نوجوما مجدداً به ریاست جمهوری رسید و در اواسط سال ۱۹۹۷، و پس از انشعابی در سوآپو، وی مجدداً به ریاست این سازمان برگزیده شد.



نام رسمی: جمهوری نامیبیا

نام محلی: نامیبیا Namibia

اسامی دیگر: افریقای جنوب غربی آلمان – افریقای جنوب غربی(اسامی سابق)

پایتخت: ویندهوک(۱۶۹،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۹۹۰/۳/۲۱، از افریقای جنوبی

روز ملی: بیست و یکم مارس ، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور:ساموئل (سام) دانیل نوجوما (رهبر سوآپو)؛ از سال ۱۹۹۰ در دوره‌های ۵ ساله

رئیس دولت: نخست‌وزیر: تئوبن گوریراب (سوآپو)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۰ با تغییراتی در سال ۱۹۹۸؛ مجلس ملی با ۷۲ عضو انتخابی و ٦ عضو انتصابی رئیس جمهور و شورای ملی با ۲٦ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۹): سازمان خلق افریقای جنوب غربی (سوآپو) ۵۵ کرسی؛ کنگرهٔ دموکراتها، اتحادیه دموکراتیک تورنهال ۷، جبههٔ دموکراتیک متحد ۲، بقیه ۱ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۹۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۸۲٤،۲٦۸ کیلومترمربع (سی و سومین کشور جهان)

جمعیت: ۱،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و چهل و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲/۱ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/۲٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲/۳ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۵۱ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۸/۹٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۵/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤۳/۲٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/٦٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۲/۸٪؛ بالای ٦۰سال ۵/٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/۸۵٪؛ زن ۵۰/۱۵٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۲/۵ سال؛ مردان ٤۵/۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۵/۷ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۸/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(۱۹۹۹): ٦۹/٦ نفر | **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۷/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، با این حال در اوایل دههٔ ۱۹۹۰، بیماریهای سل مهلک‌ترین و شایع‌ترین بیماری بود. در همین حال موارد کمی از بیماری ایدز وجود داشت که به طور تصاعدی رو به افزایش است.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/۹ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۳۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۹۱): قبایل‌سیاهپوست‌اووامبو ۵۰/۷٪؛ ناما۵/۱۲٪؛ کاوانگو ۹/۷٪؛ هررو ۸٪؛ سان (بوشمن) ۱/۹٪؛ تسوانا ۰/٤٪

دین(۲۰۰۰): پروتستان (عمدتاً لوتری) ٤۷/۵٪؛ کاتولیک ۱۷/۷٪؛ مسیحیت افریقایی ۱۰/۸٪؛ باورهای قبیله‌ای ٦٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)؛آفریکانس؛ آلمانی؛ لهجهٔ گوناگون زبان بانتو؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): والویس‌بی ۵۰،۰۰۰ نفر؛ اوشاکاتی ۳۷،۰۰۰ نفر؛ اوندانگوا ۳۳،۰۰۰نفر؛ رهوبوت ۲۱،۰۰۰ نفر؛ سواکوپموند ۱۸،۰۰۰ نفر؛ روندو ۱۸،۰۰۰ نفر؛ کیتمانشوپ ۱٦،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۹۰): تسومب ۱۳،۵۰۰ نفر

بنادر مهم: لودریتس و والویس‌بی (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دلار نامیبیا(N$)= ۱۰۰ سنت؛ یک دلاّر = ۷/۲۹ دلار نامیبیا؛ یک دلار نامیبیا= ۱،۰۹۷/٤ ریال

درآمدبودجه(۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۷،۱۲۸/٤ میلیون دلار نامیبیا؛ عوارض و مالیاتهای گمرکی ۳۱/٤٪؛ مالیات عمده‌فروشی ۲۸/۲٪ ؛ مالیات بر درآمد افراد ۱۷/۹٪؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۸/۹٪؛ مالیات معادن ۳/۱٪

هزینه بودجه(۲۰۰۰-۱۹۹۹): ۸،۰۰۹/٤ میلیون دلار نامیبیا؛ (۹۷-۱۹۹٦): آموزش ۲۳/۲٪؛ بهداشت و رفاه ۱۰/۳٪؛ حمل و نقل ٦/۱٪؛ دفاع ۵/۸٪؛ تأمین اجتماعی ۵/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳،۲۱۷ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۹٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۰٪؛ صنعت ۳٤/۱٪؛ خدمات ۵۵/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤٤ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۹٦ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ٦۹۷ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱۸۰/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۸/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۹/۵٪؛ ۱۹۹۸: ۱۱/٤٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ۲٦۰،۰۰۰ تن؛ غلات ۷۱،۱۰۰ (شامل ارزن ٤٦،۳۰۰؛ ذرت ۱۸،۳۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۳،۳۰۰ تن؛ گندم ۳،۰۰۰ تن)؛ میوه ۱۰،۰۰۰ تن؛ سبزیجات و صیفی‌جات ۱۰،۰۰۰ تن؛ حبوبات ۸،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۰/۸٪ ؛ مرتع و چمنزار ٤٦/۲٪؛ جنگل ۱۵/۲٪؛ سایر موارد ۳۷/۸٪

تعداد دام زنده: گوسفند ۲،۱۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۲،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ۱،۷۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب: ؟ | **صید ماهی:** ۳۵۲،۱۸۸ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲،۲۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،۵۸۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): الماس ۱،٤٤۰،۰۰۰ قیراط ؛ روی ۷۸،٦۱۷ تن؛ مس ۸،۰۱٤ تن؛ اورانیوم ۳،۲۵۷ تن

تولیدات صنعتی: آمار دقیقی در دست نیست، اما مهمترین صنایع آن عبارتند از: تراش الماس؛ محصولات پوست قراگل، غذاهای آماده (ماهی، گوشت، فرآورده‌های لبنی)، منسوجات، کنده‌کاری و تولیدات چوبی، فلزات تصفیه شده (مس و سرب)

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۲): ۱،۷۱٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،۷۱٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت خام: صفر(؟)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ٤۹۳،۵۸۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳٤/۹٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٦۱/۳٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٤۳/۵٪؛ میزان بیکاری: ۲۰/۱٪؛ ۱۹۹۵: ۳۸٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۱): کشاورزی ۳۸/۵٪؛ صنعت ۱۱٪؛ خدمات ۵۰/۵٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ؟ ؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۹،۰۰۰ نفر؛ (نیروی زمینی ۹۸/۹٪؛ نیروی دریایی ۱/۱٪) سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۵۷ دلار

واردات(۱۹۹٤): ٤،٤٦۷/۷ میلیون دلار نامیبیا؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۷/۱٪ (شامل تجهیزات حمل و نقل ۱٦/۲٪)؛ غذا و دام زنده ۲۲/۳٪؛ مواد معدنی و سوخت ۱۱/٤٪؛ مواد شیمیایی ۸/۱٪؛ از افریقای جنوبی ۸۷٪؛ آلمان ۳٪؛ فرانسه ۲٪؛ ژاپن ۲٪

صادرات(۱۹۹٤): ٤،٦۹۲ میلیون دلار نامیبیا؛ شامل مواد معدنی ۵۰/۱٪ (شامل الماس ۳۱/٤٪)؛ غذا و دام زنده ٤۷٪ (شامل ماهی ۲۸/٦٪؛ گاو و فرآورده‌های گوشتی ۱۲/٦٪)؛ چرم خام و پوست قراگل ۰/۲٪؛ به کشورهای (۱۹۹۳): انگلستان ۳٤٪؛ افریقای جنوبی ۲۷٪؛ ژاپن ۱۰٪؛ اسپانیا ٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦
میلیون دلار	+۱۰۲	+۷۹	+۱۲۲	+۱٦۵	-۹۸	-۲۵
درصد کل	٤/۳٪	۳٪	۵٪	٦/٦٪	۳/۵٪	۰/۹٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۰/۹	۱۰۰	۱۰۸	۱۱۷/۵	۱۲٤/۸	۱۳۵/۵
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۵/۲ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار ۳،۲۲۳ دلار؛ منابع درآمد (۱۹۹۲): دستمزد و حقوق ٦۹٪؛ درآمد حاصل از دارایی ۲۵/٦٪؛ پرداخت‌های انتقالی ۵/٤٪؛ هزینه‌ها: ؟

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲۸۸ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۸۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٦۵،۲۲۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۲،۳۸۲ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۷٤،۸۷۵ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٦٦،۵۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۳۰ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱۱ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ۳۰،۰۰۰ نسخه (۱۹ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۲۳۲،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱٤۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٦۳،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۳۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۱٤،۰۰۰ خط تلفن (٦۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۰،۰۰۰ خط (۱۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ٤۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٤)	۹۳۳	۱۰،۹۱۲	۳٦٦،٦٦٦	۳۲
متوسطه	۱۱٤	۲،۵۳٤	۱۰۱،۸۳۸	۲۹/۳
فنی و حرفه‌ای	۱۷	۱٤۰	۱،۵۰۳	۱۱/۹
عالی	۷	۲۱۳	٦،۵۲۳	۱۱/۸

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱۵ سال: ۸۲/۱٪؛ مردان: ۸۲/۹٪؛ زنان: ۸۱/۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال (۱۹۹۱): ابتدایی ۳۱/۹٪؛ متوسطه ۲۸/۵٪؛ عالی ٤/۵٪

تعداد پزشک(۱۹۹۲): ۳۲٤ نفر (هر ٤،۵۹٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۹): ٦،۹۹۷ تخت (هر ۲۱٦ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۵۰،۰۰۰ نفر (۱۹/۹٤٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۷۲/۲ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۰۹٦ کالری (۹۲٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۰ گرم؛ مصرف چربی: ۳۸ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۳٪ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۳٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۳۲ (صد و پانزدهمین کشور جهان)

با گسترش صنعت ماهیگیری در سال ۱۹۹۸، این کشور به عرصهٔ جدیدی از اقتصاد دست یافت و همچنین اقداماتی در جهت ایجاد و گسترش صنعت جهانگردی در نامیبیا آغاز گردید. گروه کوچکی از مردم نوار باریک شمال شرقی نامیبیا موسوم به نوار کاپریوی در سال ۱۹۹۹ اقدام به شورش مسلحانه علیه دولت مرکزی نموده و نسبت به حاکمیت اکثریت نژادی اوامبوها اعتراض نمودند. علیرغم مخالفت‌هایی در سطح کشور، با تغییراتی در قانون اساسی، سام نوجوما اجازه یافت برای بار سوم کاندیدای ریاست جمهوری شود که در انتخابات سال ۱۹۹۹ با کسب ۷۶٪ آراء در مقام خود ابقاء گردید. آمار مبتلایان به بیماری ایدز در نامیبیا رو به گسترش است و در آمارهای سال ۲۰۰۱ اعلام شد که از هر ۵ نفر، یک نفر در معرض بیماری ایدز قرار دارد.

نپال NEPAL

نپال کشوری است محصور در خشکی واقع در کوهستان هیمالیا، و مرکز آسیای جنوبی که از شمال به چین و از خاور و جنوب و غرب به کشور هند محدود است. کشور کوهستانی نپال از سه منطقهٔ متمایز زیر تشکیل یافته است:

الف - دشتهای حاصلخیز مدارگانی ترایی.

ب - ارتفاعات مرکزی پوشیده از جنگل‌های بارانی.

پ - کوههای هیمالیا(هیمالایا)، شامل قلهٔ اورست (۸۸۴۸ متر) که بلندترین نقطهٔ نپال و در عین حال بلندترین نقطهٔ روی زمین است.

اقلیم این سرزمین بر حسب ارتفاع متغیر است واز بارانی و گرم در دشتها تا سرد در کوهها در تغییر است. این تنوع، امکان رویش و کشت برنج، نیشکر، توتون وغلات را فراهم آورده و پرورش دام و چهارپایان را نیز امکان‌پذیر ساخته است. رودخانه‌های متعددی چون گندک، کرنالی، کالی و کوسی در این کشور جریان دارند.

حدود ۹۰ درصد مصارف سوختی از طریق قطع درختان جنگلی تأمین می گردد و زدایش جنگل‌ها و فرسایش خاک را موجب می شود. آلودگی هوا و آب به ویژه در نواحی شهری و فقدان سیستم فاضلاب بهداشتی به‌خصوص در شهرهای بزرگ از جمله تهدیدهای زیست‌محیطی این کشور به شمار می‌رود.



تاریخچه

نپال سرزمینی است محصور در کوههای هیمالیا، واقع در میان پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان (چین و هند). از نظر تاریخی رابطهٔ نزدیکی با هند دارد، ولی اطلاعات تاریخی مربوط به پیش از سدهٔ پانزدهم آن بسیار محدود است. اساطیر و افسانه در ادبیات تاریخی نپال مقام شامخی دارد و بنابر همین اساطیر و افسانه‌ها، نپال به وسیلهٔ سلسلهٔ گوپتا تأسیس شده است.

در ۱۷۶۹ میلادی پریتوی نارایان شاه، فرمانروای گورخا، کشور نپال را از الحاق درهٔ کاتماندو به مملکت خودش تأسیس کرد. جانشینان پریتوی نارایان مذهب هندو را مذهب رسمی ساختند و بخش اعظم مرزهای کنونی نپال را به وجود آوردند. با اشغال هند به وسیلهٔ بریتانیا، استقلال نپال نیز از میان رفت و در سال ۱۷۹۲ یک پیمان بازرگانی میان نپال و بریتانیا منعقد گردید. مدتی روابط نپال با هند بریتانیا صلح‌آمیز بود ولی در سال ۱۸۱۴ در پی اختلافات مرزی با هند، بریتانیا با نپال از در جنگ درآمد که ۱۷ ماه به درازا کشید. در ۱۸۱۶ با از دست رفتن قسمتی از سرزمین نپال و استقرار یک مقر بریتانیایی در کاتماندو، جنگ خاتمه یافت و از آن پس روابط نپال و بریتانیا رو به بهبودی نهاد و حتی سپاهیان نپال در شورش هند، به حمایت از نیروهای بریتانیایی برخاستند. در اواخر سدهٔ نوزدهم جونگ بهادر نخست‌وزیر نپال، فرمانروای واقعی نپال شد و شاه و ملکه را تبعید کرد و مقام نخست‌وزیری را در خاندان خود موروثی نمود و کشور نپال را به مرکز ذخیرهٔ افراد نظامی برای بریتانیا مبدل کرد. هنگ‌های گورخا که در ارتش‌های بریتانیا و هند خدمت می کردند شهرت فراوان یافتند. در ۱۹۲۳ نپال پیمانی با بریتانیا منعقد کرد و به موجب آن به استقلال کامل رسید.

پس از جنگ جهانی دوم، نپال دستخوش تحولات عمیقی شد و احساسات ضد اشرافی و ضد دیکتاتوری نظامی علیه خاندان رانا در مردم پدید آمد. در ۱۹۴۶ حزب کنگرهٔ نپال تأسیس گردید. در اغتشاشات سال ۱۹۵۰ شاه نپال به هند پناهنده شد و در ۱۵ فوریهٔ ۱۹۵۱ دولت جدیدی با ۱۲ عضو روی کار آمد و به حکومت یک نفرهٔ خاندان رانا پایان داد.

نپال در ۱۴ دسامبر ۱۹۵۵ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. نخستین قانون اساسی نپال در ۱۲ فوریهٔ ۱۹۵۲ صادر شد و حکومت را مشروطهٔ سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری و یک دولت مسئول تعیین کرد. در سال ۱۹۵۹، احزاب اجازه فعالیت یافتند و پس از انتخابات پارلمانی، با پیروزی حزب کنگره نپال، بی‌پی کویرالا به نخست‌وزیری رسید. در ۱۹۶۰ شاه نپال دولت را معزول نمود و خودش حکومت را با یک شورای وزیران در دست گرفت. وی در آوریل ۱۹۶۳ قانون اساسی جدیدی وضع کرد و در ۱۹۶۷ متممهایی بر آن افزود و با همسایگان قدرتمند خود، چین و هند روابط دوستانه برقرار کرد. در ۱۹۶۱ موافقت‌نامهٔ تعیین حدود مرزهای نپال و چین منعقد شد. در ۱۹۶۳ ماهندرا که در ۱۹۵۵ به سلطنت نشسته بود، یک مجمع مشورتی ترتیب داد. وی در سال ۱۹۷۲ درگذشت و بیرندرا پسرش به پادشاهی نپال رسید. وی ادارهٔ کشور را به نخست‌وزیر واگذارد کرد. در ۱۹۷۸ تا اندازه‌ای از اختناق و دیکتاتوری در کشور کاسته شد و به دنبال شکسته شدن یک سد و جاری شدن سیل، دهها تن کشته و هزاران خانه ویران گردید.

در همه‌پرسی سال ۱۹۸۰ حکومت فعلی نپال تأیید شد و فعالیت احزاب ممنوع گردید. در ۱۹۸۲ پادشاه نپال از مصر دیدن کرد و دولت نپال سازمان آزادیبخش فلسطین را مورد شناسایی قرار داد. آخرین قرارداد بازرگانی نپال و هند در سال ۱۹۸۹ به پایان رسید و روابط بازرگانی میان دو کشور متوقف گردید. در ۱۹۹۰ نظام مشروطهٔ سلطنتی همراه با مجلس قانونگذاری از سوی شاه به مورد اجرا گذارده شد. در ۱۲ آوریل ۱۹۹۱ نخستین انتخابات آزاد در نپال برگزار شد و احزاب کمونیست نپال و کنگره برندهٔ اکثریت گردیدند. در ۱۹۹۱ قرارداد بازرگانی جدیدی میان نپال و هند به امضاء رسید. در دهم ژوئیه ۱۹۹۴ مان‌موهان به نخست‌وزیری نپال رسید و بعداً جای خود را به بهادر دئوبا واگذار کرد. او نیز در ۱۹۹۷ از کار برکنار شد و لوکندراکاهادور، در رأس ائتلافی از حزب سلطنت‌طلب ساد بهاوانا، و حزب کمونیست متحد، به جای او نخست‌وزیر شد و در اکتبر همان سال سوریا بهادر تهاپا عهده‌دار نخست‌وزیری گردید. در آوریل ۱۹۹۸ حزب کنگرهٔ نپال از حمایت نخست‌وزیر خودداری کرد و گیریجاپراساد کویرالا، با پشتیبانی این حزب، به نخست‌وزیری منصوب گردید.

شاه بیرندرا در ژانویه ۱۹۹۹، مجلس را به توصیه کویرالا منحل کرد و در طی دو دور انتخابات که در ماه مه برگزار گردید، حزب کنگره به اکثریت پارلمانی دست یافت و پس از چهار سال، یک دولت تک حزبی به رهبری کریشنا پراساد بهاتارای تشکیل داد. در ماه مارس سال ۲۰۰۰، بهاتارای در اثر مخالفت‌های درون حزبی، از مقام خود استعفاء داد و کویرالا برای سومین بار به نخست‌وزیری رسید.

در روز اول ژوئن ۲۰۰۱، ولیعهد نپال، دیپندرا، با یک سلاح خودکار به روی پادشاه، بیرندرا، ملکه و چند نفر دیگر از اعضای خاندان سلطنتی آتش گشود و همهٔ آنان را به قتل رساند. وی بلافاصله اقدام به خودکشی نمود که پس از سه روز در بیمارستان درگذشت. گفته شد که اقدام جنون‌آمیز وی در اعتراض به مخالفت ملکه با ازدواج وی با یکی از دختران خارج از خانواده سلطنتی، صورت گرفته است. کمی بعد برادر پادشاه مقتول، گیانندرا بیر بیکرام‌شاه دو، به سلطنت رسید. به دنبال بروز اختلافات درون حزب کنگره، بهادر دئوبا در ماه ژوئیه جانشین کویرالا گردید. شورشیان مائوئیست نپال که از سال ۱۹۹۶، به مبارزه مسلحانه علیه رژیم پادشاهی نپال پرداخته‌اند. در سال ۲۰۰۲ به چندین عملیات تعرضی گسترده دست زدند و دولت مجبور به اعلام وضعیت فوق‌العاده در سراسر کشور شد.



نام رسمی: پادشاهی نپال

نام محلی: نپال Nepāl

اسامی دیگر: -

پایتخت: کاتماندو (۷۰۱،٤۹۹ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: بیست و هشتم دسامبر

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۰

رئیس حکومت: پادشاه: گیانندرا بیر بیکرام شاه دو، از سال ۲۰۰۱

رئیس دولت: نخست‌وزیر: شیربهادر دئوبا (حزب کنگرهٔ نپال)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۰؛ مجلس نمایندگان (پراتیندهی سابها) با ۲۰۵ عضو به مدت ۵ سال و شورای ملی (راشتریاسابها) با ٦۰ عضو انتصابی به مدت ٦ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۹): حزب کنگره نپال ۱۱۱ کرسی؛ مارکسیست – لنینیست‌های متحد ۷۱ کرسی؛ حزب دموکراتیک ملی ۱۱ کرسی؛ حزب سادبهاوانا (اقلیت هندی‌تبار) ۵ کرسی؛ حزب مازدور کیزان (کمونیست) ۱ کرسی؛ سایر احزاب ٦ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۵۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، آدب، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱٤۷،۱۸۱ کیلومترمربع (نود و سومین کشور جهان)

جمعیت: ۲۳،۹۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهل و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٦۲/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۲/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۱۱/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٦/٥٪

توزیع سنی(۱۹۹٦): زیر ۱۵ سال ٤۳/۱٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲٦٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۵/٤٪؛ بالای ٦۰ سال ۵/۵٪

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ۵۰/۲۰٪؛ زن ٤۹/۸۰٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۵۸ سال؛ مردان ۵۸ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۳/۸ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰/۱نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۷۹ نفر — **رشدطبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۳/۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد. اما عمده‌ترین دلایل مرگ و میر عبارتند از: بیماریهای عفونی و انگلی، بیماریهای دستگاه تنفسی و بیماریهای دستگاه عصبی.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٥٤۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۹۱): نپالی ۵۳/۲٪؛ بیهاری ۱۸/٤٪؛ تارو ٤/۸٪؛ تامانگ ٤/۷٪؛ نیوار ۳/٤٪؛ ماگار ۲/۲٪؛ آبادهی ۱/۷٪

دین(۲۰۰۰): هندو (دین رسمی) ۷۵/۹٪؛ باورهای سنتی ۹/۳٪؛ بودایی ۸/۱٪؛ مسلمان ۳/۸٪؛ مسیحی ۲/٤٪

زبان و خط: نپالی (زبان رسمی)؛ بیهاری، گورخائی؛ خط: نپالی

شهرهای مهم(۲۰۰۰): پوخارا ۱٦۸،۸۰٦ نفر؛ بیرات‌نگر ۱٦۸،۵٤٤ نفر؛ لالیت‌پور ۱۵۷،٤۹۵ نفر؛ بیرگنج ۱۰۳،۸۸۰ نفر؛ (۱۹۹۷): دهاران ۸۸،۸۵۵ نفر؛ بهارات‌پور ۸۲،٤۱٤ نفر؛ ماهندرانگر ۷٦،۷۱۹ نفر؛ بهاکتاپور ۷۰،۵۸۸ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: روپیه نپال (NRs)= ۱۰۰ پایسا؛ یک دلار= ۷۳/٦۵ روپیه؛ یک روپیه= ۱۰۸/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ٤۰،٦۹۸ میلیون روپیه (مالیات بر کالا و خدمات ۲۹/۲٪؛ مالیات بر معاملات بین‌المللی ۲۳/۹٪؛ کمکهای خارجی ۱٤/۵٪؛ مالیات بر درآمد ۱٤/۲٪؛ درآمد از دارایی‌های دولتی ۸/٤٪؛ دریافت عوارض ۵/۵٪)

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۵۸،۳۹۱ میلیون روپیه؛ آموزش ۱۳/٦٪؛ ارتباطات و حمل و نقل ۱۱/٤٪؛ سوخت و انرژی ۹٪؛ بهداشت ٦/۵٪؛ کشاورزی ۵/۵٪؛ مسکن ٤/۷٪؛ دفاع ٤/۵٪؛ نظم عمومی ٤/۳٪؛ خدمات عمومی ۳/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤،۸۸۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٤٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤۰/۵٪؛ صنعت ۲۲/۲٪؛ خدمات ۳۷/۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲،۵۹۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٤۰٤/۳+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۰/۵٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۸/۹٪؛ ۱۹۹۸: ۳/۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): برنج ۳،۷۱۰،۰۰۰ تن؛ نیشکر ۱،۹۷۲،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱،۳٤٦،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۱،۰۹۱،۰۰۰ تن؛ گندم ۱،۰۸٦،۰۰۰ تن؛ ارزن ۲۹۱،۰۰۰ تن؛ حبوبات ۲۱۳،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۱۷/۲٪؛ مرتع و چمنزار ۱٤/٦٪؛ جنگل ٤۲٪؛ سایر موارد ۲٦/۲٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): گاو ۷،۰۳۰،٦۹۸ رأس؛ بز ٦،۲۰٤،٦۱٦؛ بوفالو ۳،٤۷۰،٦۰۰؛ گوسفند ۸۵۵،۱۵۹ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲۱،٤۷٤،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲۳،۲۰٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۷،۷۹۷،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۱،۲۷۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ‌آهک ۳٦۹،۰۰۰ تن؛ نمک ۷،۰۰۰ تن؛ پودر تالک ٦،۸۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دلار) منسوجات ۷۸، مواد غذایی ۷٤؛ پوشاک ٥٤؛ دخانیات ٤۱؛ تولیدات مواد معدنی غیر فلزی ۳۵

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱،۲۱۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،۲٤۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(۵۰،۰۰۰ تن)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (٤۲۷،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۱): ۷،۳۳۹،۵۸٦ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۹/۷٪؛ میزان مشارکت (۱۰ سال به بالا): ۵۷٪؛ زنان (۱۰ سال به بالا): ٤۵/۵٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): ٤/۹٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۷۹٪؛ صنعت ۱۱/۸٪؛ خدمات ۹/۲٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ٤٦،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۹/۵٪؛ نیروی هوایی ۰/۵٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۲ دلار

واردات(۹۷-۱۹۹٦): ۹٦،۰۰٦ میلیون روپیه؛ شامل کالاهای صنعتی اساسی ٤۷/٦٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱٤/۷٪؛ مواد شیمیایی ۸/۸٪؛ سوختهای معدنی و روغنهای روانکاری ۷/۵٪؛ غذا و حیوانات زنده (عمدتاً برای غذا) ٦/٦٪؛ مواد خام به جز سوخت ۵/۵٪؛ از هند ۲۳/۳٪؛ هنگ کنگ ۱٤/۳٪؛ سنگاپور ۱۳٪؛ ژاپن ۱۱/۲٪؛ چین ٦/٤٪؛ زلاندنو ۵/۱٪

صادرات(۹۷-۱۹۹٦): ۲۲،٤۸۱ میلیون روپیه؛ شامل کالاهای صنعتی اساسی ٤۸/۷٪؛ کالاهای صنعتی متفرقه ۲۹/۲٪؛ غذا و دام زنده عمدتاً برای غذا ۱۲/٦٪؛ مواد شیمیایی و دارو ۵/۹٪؛ مواد خام به جز سوخت ۲/٦٪؛ به کشورهای امریکا ۳٤/٤٪؛ هند ۹/۵٪؛ بنگلادش ۱/٤٪؛ چین ۰/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-٤٦۱/٦	-۷۹۰/۲	-۹٦۰/۹	-۱،۱۰٦	-۱،۲۷۸/۱	-۷۵۷/۱	-۸۸۰/۷
درصد کل	۳٦/۸٪	۵۱/۷٪	۵۷/۹٪	۵۸/۷٪	٦۰/۷٪	٤٤٪	۳۸/۳٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۸۵/۸	۹۲/۹	۱۰۰	۱۰۹/۲	۱۱۳/٦	۱۲۵	۱۳۵/۱	۱۳۷/۱
شاخص درآمد ماهانه	؟	؟	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۱۰/۱	۱۲٤/۱	؟

ویژگیهای خانوار (۸۵-۱۹۸٤): میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ۵/٦ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار ۱٤،۷۹٦ روپیه؛ منابع درآمد: کار آزاد ٦۳/٤٪؛ دستمزد و حقوق ۲۵/۱٪؛ دیگر موارد ٤٪؛ هزینه‌ها: غذا و نوشیدنی ٦۱/۲٪؛ مسکن ۱۷/۳٪؛ پوشاک ۱۱/۷٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ۳/۷٪؛ آموزش و سرگرمی ۲/۹٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱/۲٪؛ دیگر موارد ۲٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱۵۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۷۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۷،۷۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۹):** ۵۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۸): ٤۷،۵٤۱ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۸):** ۲۹،۳۷۱ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ندارد — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۲٤ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۲۹ روزنامه در ۲۵۰،۰۰۰ نسخه (۱۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۸٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۱۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵/۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۰۲،۳٦۳ خط تلفن (۸/۹ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ۵،۵۰۰ خط (۰/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۵۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۲۲،۲۱۸	۸۹،۳۷۸	۳،٤٤۷،٦۰۷	۳۸/٦
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۷،۵۸۲	۳٦،۱۲۷	۱،۱۲۱،۳۳۵	۳۱
عالی	۳	٤،۹۲۵	۱۰۵،٦۹٤	۲۲/٤

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۲۷/۵٪؛ مردان: ٤۰/۹٪؛ زنان: ۱٤٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال (۱۹۸۱): ابتدایی ۲۹/٤٪؛ متوسطه ۲۲/۷٪؛ عالی ٦/۸٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۸۷۲ نفر (هر ۲۵،۷٤۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۳،٦۰٤ تخت (هر ٦،۲۲۹ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲٦،۰۰۰ نفر (۰/۲٤٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰٦/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۳٦٦ کالری (۱۰۳٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ٦۱ گرم؛ مصرف چربی: ۳۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۰/۹٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۱/۱٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱/٦ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۷٤ (صد و چهل و چهارمین کشور جهان)

نروژ NORWAY

کشور نروژ در غرب شبه جزیرهٔ اسکاندیناوی، اروپای شمالی و در ساحل دریای نروژ (اقیانوس اطلس) جای دارد.

سرزمین نروژ از شمال به اقیانوس منجمد شمالی (شمالگان)، از شمال خاوری به روسیه و فنلاند، از خاور به کشور سوئد، از جنوب به تنگهٔ اسکاژراک و از غرب به دریای نروژ (اقیانوس اطلس) محدود است. کوههای اسکاندیناوی با ارتفاع حداکثر ۲۴۷۰ متر (کوه گلیترتیند) از شمال به جنوب این کشور کشیده شده و آبدره‌های ژرف و خلیج‌های متعدد با دیواره‌های قائم و عمیق که فرایند فرسایش‌های یخچالی هستند، از ویژگیهای کرانه‌های آن است. جریان‌های دریایی زمستانهای آن را سرد و مرطوب و تابستانها را خنک و مطبوع ساخته و رودخانه‌های گلوما(۶۱۱ کیلومتر)، راوما، تانا، آلتا و لوگن از عمده‌ترین رودهای آن به شمار می‌روند. جلگه‌های نروژ عمدتاً در کنارهٔ رودخانه‌ها و خلیج اسلو و تنگهٔ اسکاژراک واقع شده‌اند و بیشتر جمعیت کشور در نواحی جنوبی به ویژه پیرامون اسلو و آبدره‌های اطراف سکونت دارند و حدود ۹۰٪ خاک کشور خالی از سکنه است. نروژ دارای جزیره‌ها و دریاچه‌های چندی است که جزایر هینویا (۲ , ۱۹۶ کیلومترمربع)، وسترالن، لوفوتن، سورویا و دریاچهٔ میوسا (۳۶۸ کیلومترمربع) بزرگترین آنها هستند.



تاریخچه

نخستین نشانه‌های زندگی انسان در نروژ به هزاره‌های نهم تا هفتم قبل از میلاد می‌رسد. اقوام آلمانی پس از آخرین عصر یخبندان و عقب‌نشینی یخ‌ها به سوی شمال اروپا به نروژ وارد شدند. مورخان بر این باورند که پیدایش نروژی‌ها و گرایش آنان به مسیحیت بین سالهای ۸۰۰ و ۱۰۳۰ میلادی یعنی زمانی که وایکینگ‌های نروژی در صحنهٔ تاریخ ظاهر شده‌اند، روی داده است. در ۸۷۲ میلادی هارولد هارفاگره قبایل رقیب را به اطاعت خود درآورد و ملیت نروژ را پایه گذاری کرد. اولاف دوم که از ۱۰۱۵ تا ۱۰۲۸ میلادی سلطنت کرده است، کشور نروژ را به اقتدار رسانید و مسیحیت را مذهب رسمی کشور کرد. وایکینگ‌ها که از ۸۰۰ تا ۱۰۵۰ میلادی در صحنهٔ تاریخ شمال اروپا ظاهر شده‌اند، امپراتوری نروژ را تا غرب و ایرلند و ایسلند و گروئنلند وسعت بخشیدند و لیف اریکسن و همراهانش، نخستین اروپاییانی بودند که از اقیانوس اطلس گذشتند و خود را به امریکای شمالی رساندند و آنجا را وینلند نامیدند. نروژ در پایان عصر وایکینگ‌ها کشور مستقلی بود و مقام سلطنت از طریق انتخابات تعیین می‌گردید. در سال ۱۳۸۰ دوران زوال نروژ آغاز شد و به تصرف دانمارک درآمد و این دوران ۴۳۴ سال به درازا کشید.

در ۱۳۹۷ اتحادیهٔ کالمار، نروژ و دانمارک را درهم ادغام کرد و زیر لوای واحد قرار داد. با جلوس گوستاو اول بر تخت سلطنت سوئد، اتحادیهٔ کالمار در ۱۵۲۳ منحل گردید ولی تسلط دانمارک بر نروژ تا اوایل سدهٔ نوزدهم ادامه یافت. در سال ۱۸۱۴ نروژ از دانمارک جدا شد و به سوئد ملحق گردید و علیرغم میل مردم، استقلال داخلی نروژ عملاً از بین رفت و شورش و نارضایی‌های مردم ادامه یافت تا جایی که رهبران سوئد و نروژ با استقرار سلطنت دوگانه موافقت کردند و سرانجام در ۱۹۰۵ سوئد و نروژ از هم جدا شدند و پرنس کارل تحت عنوان هاکون هفتم به سلطنت نروژ رسید. از آن زمان تا آغاز جنگ جهانی اول، نروژ به پیشرفتهای اقتصادی قابل توجهی دست یافت و به ویژه در صنعت برقابی از مقام شامخی برخوردار شد. نروژ در جنگ جهانی اول بی‌طرفی اختیار کرد ولی در جنگ جهانی دوم در آوریل ۱۹۴۰ به تصرف آلمان‌ها درآمد و مقر شاه و هیئت دولت نروژ موقتاً به لندن انتقال یافت. پس از پایان جنگ دوم جهانی، نروژ از تصرف آلمان نازی خارج شد و حکومت سلطنتی مجدداً برقرار گردید و پیشرفتهای فراوانی به دست آورد. در ۱۹۵۷ اولاف پنجم به سلطنت نروژ رسید.

در طول تمام سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۶۵ حزب کارگر نروژ، به جز یک ماه، قدرت را در دست داشت. در انتخابات پارلمانی ۱۹۶۵ حزب مرکز برندهٔ اکثریت شد و پر بورتن، رهبر حزب مزبور به نخست‌وزیری رسید. همه‌پرسی سال ۱۹۷۲ از ورود نروژ به بازار مشترک اروپا جلوگیری کرد و لارس کوروالد رهبر حزب خلق مسیحی به نخست‌وزیری انتخاب گردید. در انتخابات عمومی سال ۱۹۷۳ حزب کارگر به پیروزی رسید و رهبر آن تریگوه براتلی مأمور تشکیل کابینه شد. در سال ۱۹۷۵ درآمد نروژ از نفت دریای شمال که در سال ۱۹۶۸ کشف و استخراج آن آغاز شده بود به یک میلیارد دلار افزایش یافت. انتخابات سال ۱۹۷۶ اودوار نوردلی را به نخست‌وزیری رسانید و تا سال ۱۹۸۱ در همین پست باقی ماند. در انتخابات آن سال گرو هارلم برونتلاند، از حزب کارگر به عنوان نخستین زن در تاریخ نروژ به نخست‌وزیری رسید. هارالد پنجم در ژانویهٔ ۱۹۹۱ به سلطنت رسید.

نروژ ششمین کشور بزرگ تولیدکنندهٔ گاز طبیعی و نفت خام است و سومین صادرکنندهٔ بزرگ نفت به شمار می‌آید. در ۱۹۹۲ و در پی از میان رفتن رژیم آپارتاید، روابط نروژ با افریقای جنوبی از کنسولگری به سفارت مبدل شد و در ۱۹۹۳ وزیر خارجهٔ نروژ در اختلافات میان سازمان آزادی‌بخش فلسطین و اسرائیل به میانجیگری پرداخت و در نتیجه مذاکرات طولانی دو طرف قرارداد صلح اسلو به امضاء رسید. در اواخر سال ۱۹۹۲ برای الحاق به اتحادیهٔ اروپا اقدام شد و در همه‌پرسی سال ۱۹۹۴، الحاق به اتحادیهٔ مزبور مورد پذیرش قرار گرفت. در اکتبر ۱۹۹۶ رهبر حزب کارگر، توربیورن یاگلاند به نخست‌وزیری رسید. نروژ که یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت جهان است، از کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی سال ۱۹۹۸ به سختی آسیب دید.

به دنبال مناقشات گسترده‌ای که به خاطر تأسیس یک کارخانه برق با سوخت گاز طبیعی، در سال ۲۰۰۰ میان دولت و گروه‌های مخالف به وجود آمد، نخست‌وزیر، کیل ماگنه بونده ویک که از سال ۱۹۹۷ در این مقام بود، کناره گیری کرد و ینس استولتنبرگ جایگزین وی شد. در کابینهٔ وی زنان حدود نیمی از پست‌ها را به خود اختصاص دادند. در انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۱، حزب کارگر به بدترین نتیجهٔ خود از سال ۱۹۲۴ تا کنون دست یافت و با از دست دادن بسیاری از کرسی‌هایش تنها ۲۴/۴٪ آراء را کسب نمود و تنها موفق به کسب ۴۳ کرسی از ۱۶۵ کرسی پارلمان شد. حزب محافظه‌کار با همراهی حزب خلق مسیحی و حزب لیبرال به تشکیل دولت ائتلافی پرداختند و شل ماگنه بونده ویک، از حزب خلق مسیحی برای دومین بار به نخست‌وزیری رسید. ازدواج ولیعهد نروژ با یک زن بیوه از خانواده‌ای معمولی در سال ۲۰۰۱، سر و صدای زیادی در این کشور برپا کرد.



نام رسمی: پادشاهی نروژ

نام محلی: نورگه Norge

اسامی دیگر: –

پایتخت: اسلو (۵۰۲،۸٦۷ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: با قدمت تاریخی؛ ۱۹۰۵/۱۰/۲۷ (پایان اتحاد با سوئد)

روز ملی: هفدهم ماه مه، روز قانون اساسی

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۰۵

رئیس حکومت: پادشاه: هارالد پنجم، از سال ۱۹۹۱

رئیس دولت: نخست‌وزیر: شل ماگنه بونده ویک (حزب خلق مسیحی)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۸۱٤؛ مجلس قانونگذاری (استورتینگ) با ۱٦۵ عضو به مدت ٤ سال؛کرسی‌های استورتینگ در سال ۲۰۰۱(۱۹۹۷): حزب کارگر ٤۳ کرسی(٦۵)؛ حزب محافظهٔ‌کار ۳۸ کرسی(۲۳)؛ حزب ترقی ۲٦ کرسی (۲۵)؛ حزب سوسیالیست چپ ۲۳ کرسی (۹)؛ حزب خلق مسیحی ۲۲ کرسی(۲۵)؛ حزب مرکز و بقیه ۱۱ کرسی (۱۲)؛ حزب لیبرال ۲ کرسی (٦)

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، آی-آدب، افتا، شورای اروپا، ناتو، اواسی‌دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۳۲۳،۷۵۸ کیلومترمربع (شصت و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ٤،۵۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و پانزدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۳/۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۵٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ٤/۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۷۳/۸٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۰/۷٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۲۰ سال ۲۵/۸٪؛ ۲۹-۲۰ سال ۱٤٪؛ ٦۹-۳۰ سال ٤۸/۵٪؛ بالای ۷۰ سال ۱۱/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/٤۸٪؛ زن ۵۰/۵۲ — **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۸۱/۳ سال، مردان ۷۵/۵ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۱۳/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱۰ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ٤ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۳/۲ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٦): بافت‌های بدخیم(سرطان) ۲۵۰/۲ نفر؛ بیماریهای کم‌خونی قلب ۲۰۵/۲ نفر؛ بیماریهای عروق مغزی ۱۱۹/۱ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۸): ۱/۸ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٦ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ۵/۳ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۸):** ۲/۱مورد

نژاد/ملیت(۲۰۰۰): نروژی۹٦٪؛ سوئدی۰/٦٪؛ دانمارکی ۰/٤٪؛ بوسنی و هرزگوین ۰/۳٪؛ انگلیسی ۰/۳٪؛ یوگسلاو۰/۲٪

دین: پروتستان لوتری (دین رسمی) ۸٦٪؛ کاتولیک؛ مسلمان

زبان و خط: نروژی (زبان رسمی)؛ خط:لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): برگن ۲۲۹،٤۹٦ نفر؛ تروندهیم ۱٤۸،۸۵۹ نفر؛ استاوانگر ۱۰۸،۸۱۸ نفر؛ کریستیان ساند ۷۲،۳۵۹ نفر

بنادر مهم: برگن، استاوانگر (دریای شمال)؛ اسلو (خلیج اسلو)؛ کریستیان ساند (تنگه اسکاژراک)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کرون نروژ (NKr)= ۱۰۰ اوره؛ یک دلار= ۹/۲۳ کرون؛ یک کرون= ۸٦٦/۷ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹٦): ۵۲۳،٦۲۸ میلیون کرون؛ مالیات بر ارزش افزوده ۳۱٪؛ حق بیمه تأمین اجتماعی ۱۸/۷٪؛ مالیات بر سود ۷/۹٪

هزینه بودجه(۱۹۹٦): ٤٦۳،۳۹٤ میلیون کرون؛ رفاه و تأمین اجتماعی ۳٦/۷٪؛ بهداشت ۱٤/۲٪؛ آموزش ۱۳/٤٪؛ بازپرداخت بدهی‌ها ۵/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۵۲،۰٤۹ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳٤،۳۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳/۱٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲٪؛ صنعت ۳۲/۱٪؛ خدمات ٦۵/۹٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳۲۰ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳،۵۹۷ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۳۳،۷٦۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱،۳۲۱- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۳۲/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱/۸٪؛ ۱۹۹۸: ۰/۵-٪؛ ۲۰۰۰: ۱٦/۱٪

محصولات کشاورزی(۱۹۹۸): جو ٦٤۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ٤۷۰،۰۰۰ تن؛ جو دوسر ۳۷۸،۰۰۰ تن؛ گندم ۳۷۱،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۲/۹٪؛ مرتع و چمنزار ۰/٤٪؛ جنگل ۲۷/۲٪؛ مسکونی و دیگر موارد ٦۹/۵٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۸): گوسفند ۲،٤۵۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱،۰۱۸،۰۰۰ رأس؛ خوک ۷۷۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸،۵۵٦،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲،۸٤٤،۲۰٦ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳،۲٤۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۷،۷۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): سنگ‌آهن ۷۱۰،۰۰۰ تن؛ اکسید آهن و تیتان ۵۵۷،۰۰۰؛ مس ۲۸،۱۰۰ ؛ روی ۵،۷۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٤): (ارزش افزوده به میلیون کرون) ماشین‌آلات و تجهیزات ۳۷،۱۹٤؛ کاغذ و تولیدات کاغذی ۱۹،۷٤۸ ؛ مواد غذایی ۱۷،۳۷۵ ؛ تولیدات چوبی ۸،۱۳۳؛ مواد شیمیایی ٦،۸۵۱

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۵): ۱۲۳،۱۳٦،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۱٦،۷۷٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۲۹۲،۰۰۰ تن (۱،۰۱۹،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱،۱۲٦،۰۰۰،۰۰۰ بشکه (۹۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۲،٤۳۵،۰۰۰ تن (٦،٦٤۸،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۲۷،٦٦۳،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۳،۸٦۵،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۹): ۲،۳۳۳،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۵۲/٤٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٦ تا ٦٤ ؛ ۱۹۹٦): ۷۹/۱٪؛ زنان (در سنین ۱٦ تا ٦٤)؛ ٤٦٪؛ میزان بیکاری: ٤/۹٪؛ (۲۰۰۰): ۳/٤٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٤/٦٪؛ صنعت ۲۳/۲٪؛ خدمات ۷۲/۱٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: نیروی زمینی و نیروی هوایی ۱۲ ماه و نیروی دریایی ۱۵ ماه؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۸ ۲۸،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۵٤/۳٪؛ نیروی دریایی ۲۱/۸٪؛ نیروی هوایی۲۳/۹٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۷۳۹ دلار

واردات(۱۹۹۷): ۲۵۲،۲۳۲ میلیون کرون؛ شامل: ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۹/۱٪؛ (شامل وسیله نقلیه ۹/۳٪؛ کشتی ۵/۳٪)؛ فلزات و تولیدات فلزی ۹/٤٪ (شامل آهن و فولاد ٤/۲٪)؛ مواد غذایی ۵/۲٪(شامل میوه وسبزیجات ۱/۳٪)؛ فرآورده‌های نفتی ۲/٤٪؛ از سوئد ۱۵/۷٪؛ آلمان ۱۳/۵٪؛ انگلستان ۹/٤٪؛ دانمارک ۷٪

صادرات(۱۹۹۷): ۳٤۲،٤۲۱ میلیون کرون؛ شامل فرآورده‌های نفتی ٤٤/۱٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱۱/۵٪؛ فلزات و تولیدات فلزی ۱۱/۱٪؛ مواد غذایی ۷/٦٪ (شامل ماهی ٦/۸٪)؛ به انگلستان ۱۹/۳٪؛ هلند ۱۱/٤٪؛ آلمان ۱۰/۹٪؛ سوئد ۸/۸٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون کرون	۵۱،۷۳٦+	۵۷،۲۵٦+	۹۰،٤۱۰+	۹۰،۱۸۹+	۲۵،۹۹۸+	۸٤،۸۸٦+
درصد کل	۱۱/۹٪	۱۲/۱٪	۱٦/٤٪	۱۵/۱٪	٤/۵٪	۱۳/۸٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹٦/۳	۹۷/٦	۱۰۰	۱۰۱/۳	۱۰۳/۹	۱۰٦/۲	۱۰۸/۷	۱۱۲
شاخص درآمد ساعتی	۹۳/۹	۹٦/٦	۱۰۰	۱۰٤/۲	۱۰۸/٤	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۹۸-۱۹۹٦): ۲/۲ نفر؛ هزینه‌های مصرفی هر خانوار (۱۹۹۸): ۳۵۷،٤۵۸ کرون (٤۷،۳۷٦ دلار)؛ هزینه‌ها (۹۸-۱۹۹٦): حمل و نقل ۲٤/۱٪؛ مسکن ۱٦/۱٪؛ غذا ۱۲/۹٪؛ تفریحات و آموزش ۱۱/۳٪؛ لوازم منزل ۸/۷٪؛ پوشاک و کفش ٦/۱٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۲،۲۲۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۹۱،۲۵٤ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۷):** ٤،۰۲۱ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱،۷۵۸،۰۰۱ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ٤۳۵،٤۲۷ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۵): ۱،۵۹۷ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۵۰ فرودگاه

روزنامه: ۸۳ روزنامه در ۲،۵۷۸،۰۰۰ نسخه (۵۹۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۸،۰۱۷ عنوان

کتاب: ٦،۹۰۰ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ٤،۰۳۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۹۱۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲،٦۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵۸۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲،۹۳۵،۰۰۰ خط تلفن (٦٦۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲،۱۰۷،۰۰۰ خط (٤۷٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۲،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۲،۰۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۳،۳۱٤	۳۷،۹٦٦	٤۷۹،۲٤۹	۱۲/٦
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۵٤٦	۲۰،۸٤۹	۱۷۷،۸٦۸	۸/۵
عالی	٦۰	۱۲،۰۵۵	۱۹٤،۱۳۳	۱٦/۱

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۱۰۰٪؛ مردان: ۱۰۰٪؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱٦ سال (۱۹۹٦): ابتدایی و راهنمایی ۳۳/۵٪؛ متوسطه ٤٦/۳٪؛ عالی ۲۰/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹٦): ۱۵،۳٦۸ نفر (هر ۲۸۵ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ۲۱،۷۵٤ تخت (هر ۲۰۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱،۳۰۰ نفر (۰/۰٦٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٤/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،٤۲۵ کالری (۱۲۸٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۱۰٤ گرم؛ مصرف چربی: ۱۳٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۰/۳-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۹۰ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٦۷/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۱۵/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۳٤(دومین کشور جهان)



نام رسمی: جمهوری نیجر

نام محلی: نیژر Niger

اسامی دیگر: –

پایتخت: نیامی (۵۵۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۸/۳، از فرانسه

روز ملی: هجدهم دسامبر، روز جمهوری

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹٦۰

رئیس حکومت: رئیس جمهور: مامادو تانجا (جنبش ملی برای جامعه پیشرفته)، از سال ۲۰۰۰ به مدت ۵ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: هاما آمادو (دولت ائتلافی)، ازسال ۲۰۰۰

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۹؛ مجلس ملی با ۸۳ عضو به مدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۱۹۹۹): جنبش ملی برای جامعهٔ پیشرفته(حزب حاکم سابق) ۳۸ کرسی؛ میثاق دموکراتیک و اجتماعی ۱۷ کرسی؛ حزب نیجریان برای دموکراسی و سوسیالیزم ۱٦ کرسی؛ مجمع دموکراتیک و ترقی‌خواه ۸ کرسی؛ اتحاد نیجریان برای دموکراسی و ترقی ٤ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، فز، ایدب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۱،۲٦۷،۰۰۰ کیلومترمربع (بیست و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتادو یکمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۳/۲٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۲۱/۵ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۵ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۱۹/٦٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۵/۸٪

توزیع سنی(۱۹۹۵): زیر ۱۵ سال ٤۸/٤٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۵/۷٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۱/۹٪؛ بالای ٦۰ سال ٤٪

توزیع جنسی (۱۹۹۵): مرد ٤۹/٤۰٪؛ زن ۵۰/٦۰٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٤۰/۸ سال؛ مردان ٤۱/۱ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۵۲/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۳/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۱۲٦/۲ نفر — **رشدطبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۸/۵ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد، اما مهمترین بیماریهای عفونی منجر به فوت ثبت شده در مراکز پزشکی عبارتند از: ذات‌الریه؛ منثریت؛ کزاز و هپاتیت؛ همچنین سوء تغذیه وکمبود کادر دوره دیدهٔ پزشکی نیز از عوامل مؤثر شیوع و گسترش بیماریهای منجر به فوت است.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۷/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۵۹۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۸۸): قبایل هوسا ۵۳٪؛ جرما-سونغایی ۲۱/۲٪؛ طوارق ۱۰/٤٪؛ فولانی ۹/۸٪؛ کانوری نانگا ٤/٤٪؛ تدا ۰/٤٪

دین(۲۰۰۰): مسلمان سنی ۹۰/۷٪؛ باورهای سنتی ۸/۷٪؛ مسیحی ۰/۵٪ (دین رسمی ندارد)

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)، فولانی، عربی، هوسا؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۸۸): زیندر ۱۱۹،۸۲۷ نفر؛ مرادی ۱۱۰،۰۰۵ نفر؛ تاهوا ٤۹،۹٤۸ نفر؛ آگادس ۳۲،۲۷۲ نفر

بنادر مهم: به دریای آزاد راه ندارد

اقتصاد و دارایی

واحد پول: فرانک سی‌اف‌آ (CFAF)= ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۷۵٤/۲۸ فرانک؛ یک فرانک = ۱۰/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱٦٤/٤ میلیارد فرانک؛ مالیات‌ها ۵۹/۳٪؛ کمک‌های خارجی ۳٤/۱٪؛ درآمد غیر مالیاتی ٦/٦٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۸۸ میلیارد فرانک؛ هزینه‌های جاری ٦۹/۲٪؛ هزینه‌های عمرانی ۳۰/۸٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲،۰۲۳ میلیارد دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۱/۵٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/٤٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٤۱/٤٪؛ صنعت ۱۷٪؛ خدمات ٤۱/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۲۲ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۱،٤٤۹ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۹۱/٤+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۳/۳٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٦/۸٪؛ ۱۹۹۸: ۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): ارزن ۲،۲۵۳،۰۰۰ تن؛ نخود کوپی ٦٤۱،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ٤۸۱،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۲۳۰،۰۰۰؛ پیاز ۱۸۰،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۱۰۸،۱۰۰ تن؛ برنج ۷۳،۰۰۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ٦۵،۰۰۰ تن؛ توتون ۹۳۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۲/۹٪؛ مرتع و چمنزار ۸/۲٪؛ جنگل ۲٪؛ دیگر موارد (عمدتاً کویر) ۸٦/۹٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): بز ٦،٤٦۹،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ٤،۳۱۲،۰۰۰؛ گاو ۲،۱۷٤،۰۰۰؛ الاغ ۵۳۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٦،٤٦۰،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٦،۳٤۱ تن

تولید مرغ: ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۹،۱۸۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): نمک ۳،۰۰۰ تن؛ اورانیوم ۳،۵۱٦ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): (ارزش افزوده به میلیون فرانک): صنایع دستی سنتی ۵٦،۲۰۰ ؛ غذا ۱،۳۲۰ ؛ صابون و دیگر مواد شیمیایی ۱،۲٤۹ ؛ مصالح ساختمانی ۸۳٦

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱۷۷،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳۷۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۱۷۳،۰۰۰ تن (۱۷۳،۰۰۰)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی : صفر (۲۰۵،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر).

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۸۸): ۲،۳۱۵،٦۹٤ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۱/۹٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ تا ٦٤)؛ ۵۵/۲٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۲۰/٤٪؛ میزان بیکاری؟

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۸۸/۷٪؛ صنعت ۲/۱٪؛ خدمات ۹/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال ؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۵،۳۰۰ نفر؛نیروی زمینی ۹۸/۱٪؛ نیروی هوایی ۱/۹٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۲ دلار

واردات(۱۹۹۸): ۱۹٦/۷ میلیارد فرانک؛ شامل کالای مصرفی ۷٤٪ (شامل مواد غذایی ۲٤/۱٪ و فرآورده‌های نفتی ۷٪)؛ کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای ۲٦٪؛ از فرانسه ۱۷٪؛ ساحل عاج ۹٪؛ آلمان ٤٪؛ بلژیک ۵٪

صادرات(۱۹۹۸): ۱۷۵/٦ میلیارد فرانک؛ شامل اورانیوم ٤۳/٦٪؛ دام زنده (بیشتر گاو، گوسفند و بز زنده) ۱۳/۸٪؛ نخود کوپی ۷/۱٪؛ به کشورهای فرانسه ۵۲٪؛ کره جنوبی ۳٤٪؛ انگلستان ٤٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون فرانک	-۳،٦۰۰	-۲۰،۰۰۰	-۵،۵۰۰	-۱۳،٤۰۰	-۱۵،٦۰۰	-۲۱،۱۰۰	-۱۷،۸۰۰
درصد کل	٪۲/۲	٪۷/۷	٪۱/۹	٪۳/۹	٪٤/۷	٪۵/۷	٪٤/۸

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱۰۵/۳	۱۰۸/٤	۱۱۳/۳	۱۱۰/۷	۱۰۹/۷	۱۲۰/۵
شاخص درآمد سالانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ٦/۳ نفر؛ درآمد هر خانوار:؟؛ هزینه‌ها (۱۹۸۷): غذا و نوشیدنی ٤۳/۱٪؛ مسکن ۲۲/۸٪؛ پوشاک ۱۰٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۲٤ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج (۱۹۹۷): ۲٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۰،۱۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۳۸،۲۲۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۱۵،۲۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ؟ — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ٦ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱ روزنامه در ۲،۰۰۰ نسخه (۰/۲ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۵ عنوان در ۱۱،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۲،۲۰۰ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ٦۸۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۷۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۲۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۷ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱۸،۰۰۰ خط تلفن (۱/۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۱،۳۰۰ خط (۰/۱ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ٤،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۳،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۸)	۳،۱۷۵	۱۱،۵٤۵	٤۸۲،۰٦۵	٤۱/۸
متوسطه	؟	۳،۵۷۹	۹۷،٦۷۵	۲۷/۳
فنی و حرفه‌ای	؟	۲۱۵	۲،۱٤۵	۱۰
عالی	۲	۳۵۵	۵،۵٦۹	۱۵/۷

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۱۳/٦٪؛ مردان: ۲۰/۹٪؛ زنان: ٦/٦٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال (۱۹۸۸): ابتدایی ۲/۵٪؛ متوسطه ۱/۱٪؛ عالی ۰/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۲۳۷ نفر (هر ۳۵،۱٤۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۸۷): ۳،۵۰۰ تخت (هر ۲،۰۰۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٦۵،۰۰۰ نفر (۱/٤۵ ٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۳۸/۹ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۰٦٤ کالری (۸۸٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۱ گرم؛ مصرف چربی: ۳۹ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): صفر؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): صفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۲۹۳ (صد و هفتاد و سومین کشور جهان)

نیجر NIGER

کشور نیجر در مرکز شمال غربی قارهٔ افریقا واقع شده و از نظر وسعت ششمین کشور قارهٔ سیاه است. نیجر سرزمینی است محصور در خشکی که از شمال به لیبی، از خاور به چاد، از جنوب به نیجریه، از جنوب غربی به بنین و بورکینافاسو، از غرب به مالی و از شمال غربی به الجزایر محدود است. این کشور عمدتاً بیابانی است و ارتفاع میانگین آن حدود ۳۵۰ متر است. نواحی شمالی آن را کویر صحرا پوشانیده و قسمتهای جنوبی را علفزارهای استوایی در بر گرفته و کوه باگزانه با ارتفاع ۲۰۲۲ متر بلندترین نقطهٔ آن است. اورانیوم و زغال‌سنگ از عمده‌ترین منابع زیرزمینی آن محسوب می‌گردد و ۸۰ درصد جمعیت آن در نواحی شهری سکونت دارند. گله‌داری و پرورش دام به شیوهٔ سنتی انجام می‌شود و حبوبات، بادام زمینی، برنج و پنبه از عمده‌ترین فرآورده‌های کشاورزی آن به شمار می‌آیند. اقلیم آن گرم و خشک و کم باران است و رودخانهٔ نیجر (۴۱۰۱ کیلومتر) که بخش کوچکی از آن از نواحی جنوب غربی این کشور می‌گذرد تنها رودخانهٔ قابل توجه آن است.

۸۵ درصد سوخت مصرفی این کشور از چوب تأمین می‌گردد و بیابان‌زایی و آلودگی آب به ویژه در نواحی مسکونی و پر جمعیت از جمله تهدیدهای زیست‌محیطی نیجر است.



تاریخچه

سنگواره‌های پیدا شده در نیجر بیانگر آن است که سرزمین مزبور در روزگار قبل از تاریخ مسکون بوده است. امپراتوری نوک که در روزگار باستان بر نیجر حاکم بود، بین سدهٔ پانزدهم قبل از میلاد تا سدهٔ پنجم میلادی، در سرزمین کنونی نیجریه، به اوج اعتلای خود رسید. در سدهٔ هفتم میلادی نواحی غربی سرزمین نیجر ضمیمهٔ امپراتوری سونغایی شد و ترویج آیین اسلام از سدهٔ یازدهم و به وسیلهٔ همین امپراتوری آغاز گردید. در سدهٔ نوزدهم میلادی فرانسوی‌ها به تدریج سراسر نیجر را تصرف کردند و در ۱۹۲۲ آن را به مستعمرهٔ رسمی فرانسه مبدل نمودند و کشت بادام زمینی و پنبه را رواج دادند. در دههٔ ۱۹۵۰ زمزمهٔ استقلال خواهی در نیجر آغاز گردید و در ۱۹۶۰ به استقلال رسید و نخستین قانون اساسی کشور به رشتهٔ تحریر درآمد و همانی دیوری به ریاست جمهوری کشور انتخاب شد. وی روابط نزدیک و صمیمانه‌ای با فرانسه برقرار کرد و به نیروهای فرانسوی اجازه داد تا در خاک این کشور باقی بمانند. در سوم آوریل ۱۹۷۴ سرهنگ سینی کونچه رئیس ستاد ارتش نیجر کودتا کرد و زمام قدرت کشور را در دست گرفت.

در دههٔ ۱۹۷۰ قیمت اورانیوم در بازارهای جهانی ترقی کرد و وضع اقتصادی نیجر که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان اورانیوم جهان است به نحو چشمگیری بهبود یافت. در آوریل ۱۹۸۴ نیجریه مرزهای خود را به روی نیجر بست و رفت و آمد میان دو کشور را ممنوع نمود. کونچه در ۱۹۸۶ در یکی از بیمارستانهای پاریس درگذشت و جانشین او علی سئیبو به ریاست جمهوری منصوب شد. وی فعالیتهای سیاسی را تا اندازه‌ای آزاد کرد و اجازه داد که مخالفان دولت نیجر به کشور بازگردند و به فعالیتهای سیاسی بپردازند. اما در سال ۱۹۸۹، وی با تأسیس «جنبش ملی برای جامعهٔ پیشرفته»، به عنوان تنها حزب قانونی کشور، فعالیت احزاب را ممنوع کرد و با برگزاری یک رفراندوم، قانون اساسی مورد نظر خود را به تصویب رساند. در اولین انتخابات ریاست جمهوری، از زمان استقلال، ۱۹۸۹ علی سئیبو مجدداً به ریاست جمهوری رسید. گسترش اعتراضات مردمی و بحرانی شدن اقتصاد کشور، سئیبو را مجبور کرد که پس از یک رشته سرکوبی مخالفان، به خواسته‌های آنان توجه کند و با تشکیل کنفرانس ملی به تشکیل دولت انتقالی رضایت دهد. در ۱۹۹۰ آندره سالیفو به ریاست شورای عالی جمهوری منصوب شد. در فوریه ۱۹۹۲ مبارزان طوارقی رسماً به مخالفت و مبارزه با دولت برخاستند و در دسامبر همان سال، قانون اساسی جدید کشور به اجرا گذارده شد. در آوریل ۱۹۹۳ ماهامانه عثمان به ریاست جمهوری نیجر برگزیده شد و مذاکره میان دولت و شورشیان طوارقی در شمال کشور تا مه ۱۹۹۴ ادامه یافت. سرانجام در ماه ژوئن دولت با اعطاء خودمختاری به ۷۵۰،۰۰۰ نفر از طوارق شمال این کشور موافقت کرد.

در سپتامبر ۱۹۹۴ محمد وایسوفو به مقام نخست‌وزیری منصوب شد و در ژانویهٔ ۱۹۹۵ هاما آمادو به جای او عهده‌دار نخست‌وزیری گردید. در ژانویهٔ ۱۹۹۶ یک کودتای نظامی به حکومت عثمان پایان داد و سرهنگ ابراهیم باره مائیناسارا به ریاست جمهوری رسید و بوکری آجی به نخست‌وزیری برگزیده شد. در نوامبر ۱۹۹۷ ابراهیم حسن مایاکی عهده‌دار مقام نخست‌وزیری شد و در دسامبر همان سال میان نیروهای دولتی و شورشیان طوارق صلح و آتش‌بس برقرار گردید. در اوایل سال ۱۹۹۸، مائیناسارا دستور دستگیری تعدادی از مخالفان خود را صادر کرد که در پی آن تظاهرات و مخالفت‌های گسترده‌ای در طی سال از سوی دانشجویان، کارمندان، ارتشیان و مردم عادی صورت گرفت. در ماه آوریل ۱۹۹۹، پس از یک هفته اغتشاش و آشوب که طی آن مخالفان خواستار استعفای مائیناسارا شده بودند، وی توسط گارد ریاست جمهوری کشته شد. گارد ریاست جمهوری به رهبری داودا مالام وانکه به تشکیل یک شورای آشتی ملی پرداخت که وظیفهٔ تشکیل یک دولت انتقالی ۹ ماهه را به عهده داشت. در دومین دور انتخابات ریاست جمهوری که در نوامبر سال ۱۹۹۹ برگزار شد، یک افسر بازنشستهٔ ارتش به نام ماما دو تانجا، از جنبش ملی برای جامعهٔ پیشرفته، رقیب خود ایسوفو مامادو، از نخست‌وزیران سابق را شکست داد و از اول ژانویه ۲۰۰۰ قدرت را به دست گرفت.

نیجریه NIGERIA

کشور نیجریه که در افریقای غربی و در ساحل خلیج گینه در کنار اقیانوس اطلس قرار گرفته، از شمال به کشور نیجر، از شمال خاوری به دریاچهٔ چاد، از خاور و جنوب خاوری به کامرون، از جنوب به خلیج گینه و از غرب به کشور بنین محدود است. شبکه‌های وسیع آبهای روان مانند رودخانهٔ نیجر (۴۱۰۱ کیلومتر) بنوئه، سوکوتو، یوبه، کادونا، کروس و هادجیا این کشور را یکی از پرآب‌ترین سرزمینهای جهان ساخته است. باد خشک هرمتن که از کویر صحرا می‌وزد علفزار خشکی را در شمال که بلندترین ارتفاع کشور یعنی کوه دیملانگ (ووگل) با ارتفاع ۲۰۴۰ متر را در خود جای داده است، پدید آورده و پنبه و بادام زمینی را قابل کشت ساخته است. دشت مرکزی از علفزارهای وسیع پوشیده شده و به طور پراکنده مسکون گردیده است. اراضی پست جنوبی که از بارندگی فراوانی برخوردار است، از جنگلهای استوایی انبوه پوشیده شده و بیشتر جمعیت کشور را در خود جای داده است. قهوه و روغن نخل از فرآورده‌های کشاورزی همین منطقه است.

دلتای عظیم رود نیجر، ناحیهٔ ساحلی را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند. بخش نفت‌خیز خاوری که در پیرامون پورت هارکُرت متمرکز شده، زادگاه قوم ایبوهای مسیحی است که برای استقلال بیافرا می‌جنگند. بخش غربی دلتای نیجر را نواحی صنعتی شامل شده که عمدتاً پیرامون لاگوس و ایبادان متمرکزند و زادگاه قوم یوروبا که عمدتاً از دین اسلام پیروی می‌کنند، محسوب می‌گردد. اقلیم نیجریه در مجموع گرم و مرطوب و نسبتاً پر باران است و دریاچه‌های کائینجی در غرب و چاد در شمال خاوری از چشمگیرترین عارضه‌های آبی این سرزمین به شمار می‌آید. زدایش جنگلها که به حدود ۸۰ درصد رسیده، از بزرگترین آفت‌های زیست‌محیطی نیجریه محسوب می‌شود.



نام رسمی: جمهوری فدرال نیجریه

نام محلی: نایجریا Nigeria

اسامی دیگر: -

پایتخت: آبوجا (۲۹۸،۳۰۰ نفر در سال ۱۹۹۱)

تاریخ استقلال: ۱۹۶۰/۱۰/۱، از انگلستان

روز ملی: اول اکتبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری فدرال با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۹

رئیس حکومت: رئیس جمهور: اولوسگون اوباسانجو (حزب دموکراتیک خلق)، از سال ۱۹۹۹ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: اولوسگون اوباسانجو (حزب دموکراتیک خلق)، از سال ۱۹۹۹ به مدت ٤ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۹؛ مجلس نمایندگان با ۳٦۰ عضو و مجلس سنا با ۱۰۹ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۹): حزب دموکراتیک خلق ۲۰۸ کرسی؛ اتحاد برای دموکراسی ۷٦؛ حزب تمام‌مردم ٦۹؛ ۷ کرسی خالی؛ کرسی‌های مجلس سنا: حزب دموکراتیک خلق ٦۰ کرسی؛ حزب تمام مردم ۲٤ کرسی؛ اتحاد برای دموکراسی ۲۰ کرسی؛ ٥ کرسی خالی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٦۰)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان وحدت افریقا، آکپ، اکوواس، اوپک، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۹۲۳،۷٦۸ کیلومترمربع (سی و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۱۱،٥۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (دهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۲۰/۷ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۲/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۰): ۱۸۷/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲٦ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤۲/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٤/۸٪

توزیع سنی(۱۹۹٥): زیر ۱٥ سال ٤٥/٦٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲٥/۷٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٤/۲٪؛ بالای ٦۰ سال ٤/٥٪

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ٤۹/٥۷٪؛ زن ٥۰/٤۳٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٥۲/۱ سال؛ مردان ٥۱/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۰/٦ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۳/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۷٤/۹ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۷ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٥/۷ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۱۹۸۳): قبایل هوسا ۲۱/۳٪؛ یوروبا ۲۱/۳٪؛ ایبو ۱۸٪؛ فولانی ۱۱/۲٪؛ ایبیبیو ٥/٦٪؛ کانوری ٤/۲٪

دین(۱۹۹٥): مسلمان ٤۳٪؛ مسیحی ۳٥/۳٪(پروتستان ۲۰٪؛ کاتولیک ۸/۲٪)؛ باورهای قبیله‌ای ۱۹٪

زبان و خط: انگلیسی (زبان رسمی)، هوسا، ایبو، یوروبا؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٤): ایبادان ۱،۳٦۲،۰۰۰ نفر؛ لاگوس ۱،۳٤۷،۰۰۰؛ اوگبوموشو ٦۹٤،٤۰۰؛ کانو ٦٤۱،۲۰۰؛ اوشوگبو ٤٥۳،٦۰۰؛ ایلورین ٤٥۲،۷۰۰؛ آبئوکوتا ٤۰٦،٥۰۰؛ پورت هارکرت ۳۸۹،۹۰۰؛ زاریا ۳٦۰،۸۰۰؛ ایلشا ۳٥۹،۹۰۰ نفر

بنادر مهم: پورت هارکرت، لاگوس، واری و کالابار (اقیانوس اطلس)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: نایرا (₦)= ۱۰۰ کوبو؛ یک دلار= ۱۰۸/۳٥ نایرا؛ یک نایرا= ۷۳/۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۳۸٤،٦۰۳ میلیون نایرا؛ درآمدهای نفتی ۳٦/۳٪؛ عوارض واردات، مالیات بر مصرف و عوارض ۲٤/٤٪؛ مالیات بر درآمد افراد ۱۳/۳٪؛ مالیات بر درآمد شرکتها ۱۰/۱٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۳۱۲،۳۲۲ میلیون نایرا؛ هزینه‌های جاری ٤۸٪ (شامل بازپرداخت بدهی‌ها ۱٥/٦٪؛ آموزش ٤/۲٪؛ بهداشت ۱/٥٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۰/۷٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٥۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳٦،۳۷۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۰۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۱/٥٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۳/٥٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳۱/۷٪؛ صنعت ٤۱٪؛ خدمات ۲۷/۳٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۸٤٥ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱،٥۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۲۲،٤۲۳ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۲۰٤+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۱/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۳۸/۷٪؛ ۱۹۹۸: ۱۰/٥٪؛ ۲۰۰۰: ٦/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): کاساوا ۳۲،٦۹٥،۰۰۰ تن؛ یام ۲٤،۷٦۸،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۷،۱۰۳،۰۰۰ تن؛ ارزن ٥،۹٥٦،۰۰۰ تن؛ ذرت ٥،۱۲۷،۰۰۰ تن؛ تارو ۳،۸۲۳،۰۰۰ تن؛ برنج ۳،۲۷٥،۰۰۰ تن؛ بادام زمینی ۲،٥۳٤،۰۰۰ تن؛ نخود کوپی ۲،۰٥٥،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۱،٥٦۰،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۱،٥٦۰،۰۰۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ۸۰۱،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۳٥/۹٪؛ مرتع ٤۳/۹٪؛ جنگل ۱٥/۷٪؛ دیگر موارد ٤/٥٪

تعداد دام زنده: بز ۲٤،٥۰۰،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱۹،٦۱۰،۰۰۰؛ گوسفند ۱٤،۰۰۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۷،٦۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱۱۷،۳۸۷،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۳۸۳،٤۱۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۲٦،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦۲۸،٥٦۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): سنگ آهک ۳،٦٦۰،۰۰۰ تن؛ سنگ مرمر ۲۲،٤٦۰ تن؛ سرب و روی ٦۸۲ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): (ارزش افزوده به میلیون نایرا) غذا و نوشیدنی ۲٥،٤۱٥؛ منسوجات ۱٦،۱۹۳ ؛ مواد شیمیایی ۱۱،۱۸۱ ؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٥،٦۳۹؛ تولیدات کاغذی ۲،۸۲۸

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۱٤،۸۲۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت(۱٤،۸۲۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ٥۰،۰۰۰ تن (٥۰،۰۰۰)؛ نفت خام(۱۹۹۹): ۷۰۲،۷٦۷،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ٤٦،۸٥۳،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ٥،٥۲۰،۰۰۰ تن (٦،۱٥٥،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ٤،٤۷۷،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (٤،٤۷۷،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۹٤-۱۹۹۳): ۲۹،۰۰۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۱٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٥ تا ٥۹): ٦٤/٤٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٥۹): ٤٤٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۲): ٤٪؛ ۱۹۹۹: ۳۰٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۳٥/۲٪؛ صنعت و خدمات ٦٤/۸٪

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه:داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۷٦،٥۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۸۱٪؛ نیروی دریایی ٦/٦٪؛ نیروی هوایی ۱۲/٤٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۱۷ دلار

واردات(۱۹۹٥): ۱۱۱،۷۲۸ میلیون نایرا؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ٤۲٪؛ کالاهای ساخته شده (عمدتاً تولیدات آهنی و فولادی، منسوجات و تولیدات کاغذی) ۲٤٪؛ مواد شیمیایی ۱۱٪؛ غذا ۸/٤٪؛ از آلمان ۱۸/۹٪؛ انگلستان ۱۷/۸٪؛ بلژیک- لوکزامبورگ ۹/٥٪؛ امریکا ۹/۲٪؛ فرانسه ۷/٤٪

صادرات(۱۹۹٥): ۲۲۰،٤۰۸/۹ میلیون نایرا؛ شامل نفت خام ۹٤/۸٪؛ دانهٔ کاکائو ۰/۷٪؛ کائوچو ۰/۳٪؛ دیگر صادرات شامل تولیدات کاکائو؛ منسوجات و میوه مغزدار کاشو؛ به امریکا ٤۰/۱٪؛ فرانسه ۸/٥٪؛ ایتالیا ٤/٦٪؛ انگلستان ۰/٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
میلیون نایرا	+۱۰۸،٦۸۱	+۷٤٦،۹۹٦	+۳۹٥،۹٤٦	+۱۸،۳٤۱	+۱۲۸،۹۰٤	+۸۲۰،٥۹۳
درصد کل	۳۲/۷٪	۳۹/۹٪	۱۹٪	٤/۳٪	٦/۲٪	۲٤/٦٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	٥۷/۹	۱۰۰	۱۲۹/۳	۱۳۹/۹	۱٥٤/۳	۱٦٤/٦	۱۷٦
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹٥): ٤/۷ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار (۹۳-۱۹۹۲): ۱٥،۰۰۰ نایرا؛ منابع درآمد (۱۹۷۹): کار آزاد ٤۹/٤٪؛ دستمزد ۳۰/۲٪؛ سود ٥/٤٪؛ اجاره ٤/۷٪؛ پرداخت‌های انتقالی ٤/۳٪؛ هزینه‌ها (۱۹۷۹): غذا ٥۳٪؛ سوخت و روشنایی ۱۱/٤٪؛ پوشاک ٦٪؛ حمل و نقل ٤/۷٪؛ لوازم خانگی ۳/۸٪؛ دیگر موارد ۲۱/۱٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱٤۲ میلیون دلار؛ هزینه (۱۹۹۹): ٦۲۰ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٦۲،٥۹۸ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۳):** ۳،٥۰٥ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٥): ٦٦۳،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٥):** ٦۸،۳۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲۷۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۱۲ فرودگاه

روزنامه: ۲٥ روزنامه در ۲،۷٤۰،۰۰۰ نسخه (۲۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱،۳۱٤ عنوان در ۱۸،۸۰۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۱٤،۳۰۷/٤ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۲۳،٥۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲۲٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۷،۲۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٦۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ٤۰۷،۰۰۰ خط تلفن (۳/۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲۰،۰۰۰ خط (۰/۲ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۷۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۱۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٥)	۳۸،٦٤۹	٤۳٥،۲۱۰	۱٦،۱۹۱،۰۰۰	۳۷/۲
متوسطه	٦،۰۷٤	۱٥۲،٥۹٦	٤،٤٥۱،۰۰۰	۲۹/۲
فنی و حرفه‌ای	۳۷٦	۱٥،۷۳۸	۳۹۱،٥۸۳	۲٤/۹
عالی	۳۱	۱۲،۱۰۳	۲۲۸،۰۰۰	۱۸/۸

میزان باسوادی(۲۰۰۰): افراد بالای ۱٥ سال: ٦٤/۱٪؛ مردان: ٦۲/۳٪؛ زنان: ٥٦/۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ابتدایی و کمتر از متوسطه ۳۳/٥٪؛ متوسطه عالی ٤٦/۳٪؛ عالی ۲۰/۲٪

تعداد پزشک(۱۹۹٥): ۲۷،۲۳۰ نفر (هر ۳،۷۰۷ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٥): ٦۸،۳٥۰ تخت (هر ۱،٤۷۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۲،۳۰۰،۰۰۰ نفر (٤/۱۲٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱٤/۱ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۸۳۳ کالری (۱۲۰٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٦۲ گرم؛ مصرف چربی: ۷۱ گرم

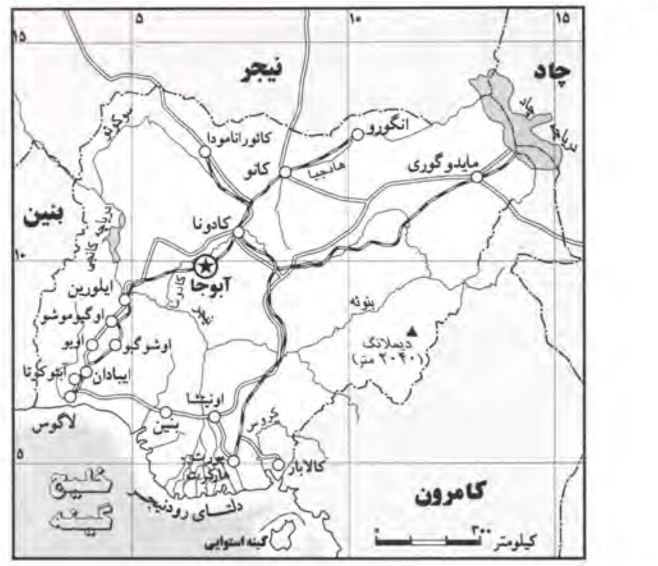
محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۱/٦٪؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/۹٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۸۳/٥ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤۳۹ (صد و پنجاه و یکمین کشور جهان)



تاریخچه

امپراتوری نوک که طی سالهای ۵۰۰ تا ۲۰۰ پیش از میلاد بر این سرزمین حکومت داشته، پایه‌گذار فرهنگ پیشرفته‌ای بوده است. قوم یوروبا که در تمدن مزبور مشارکت داشته‌اند، در شهرهای محصور با خیابانهای وسیع زندگی می‌کردند و در سفالکاری و ساختن مجسمه‌های برنزی مهارت داشتند.

بین سدهٔ دهم و یازدهم اتحادیه‌ای از دولت‌شهرهای محلی ایفه، اویو، ایلورین و بنین (با دولت بنین امروزی اشتباه نشود) تشکیل گردید که پهنه‌ای را از رودخانهٔ نیجر تا مرزهای توگوی امروزی شامل می‌گردید. در سدهٔ پانزدهم پرتغالی‌ها و در سدهٔ شانزدهم انگلیسی‌ها به این سرزمین راه یافتند و سواحل آن را به مهمترین مرکز تجارت برده مبدل نمودند. انگلیسی‌ها در پایان سدهٔ نوزدهم سراسر نیجریه را به تصرف کامل خود درآوردند و آنجا را ضمیمهٔ افریقای غربی انگلیس کردند. در ۱۹۱۴ نظام استعماری انگلستان، نیجریهٔ شمالی و نیجریهٔ جنوبی را درهم ادغام کرد و مستعمرهٔ تحت‌الحمایهٔ نیجریه را به وجود آورد و به اکتشاف و بهره‌برداری از معادن قلع و امکانات کشاورزی و منابع چوب آن پرداخت. سیاست انگلیسی‌ها در نیجریهٔ شمالی متناسب با سنت‌های اسلامی آنان پی‌ریزی می‌شد و مردم آن که عمدتاً از اقوام هوسا هستند، از خودمختاری بیشتری برخوردار بودند. در سال ۱۹۵۴، نیجریه به خودمختاری نایل گردید و به عضویت جامعهٔ کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان درآمد.

در اول اکتبر ۱۹۶۰ نیجریه به استقلال رسید و به تقلید از انگلستان نظام چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری را برای ادارهٔ کشور برگزید و به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. در ۱۹۶۳ حکومت نیجریه از فرمانداری کل به جمهوری فدرال تبدیل شد و بنجامین نامدی آزیکیوه به عنوان نخستین رئیس جمهوری نیجریه انتخاب گردید. وی در ژانویهٔ ۱۹۶۶ از سمت خود استعفاء داد و ژنرال جانسون آگوئی ایرانسی قدرت را در دست گرفت. وی قانون اساسی و مجلس را منحل کرد و در کشور حکومت نظامی برقرار نمود. در ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۶ ژنرال ایرانسی به قتل رسید و سرهنگ یاکوب گوون به قدرت رسید و خود را رئیس حکومت نظامی فدرال نیجریه اعلام کرد. وی کشور را به ۱۲ ایالت منقسم ساخت. در سی‌ام مه ۱۹۶۷ ایبوهای ساحل خاوری نیجریه، استقلال جمهوری بیافرا را اعلام داشتند که به جنگی خونین میان دولت مرکزی و استقلال‌طلبان منجر گردید و هنگامی که در دوازدهم ژانویهٔ ۱۹۷۰ به پایان رسید، بیش از ۲ میلیون نفر کشته به جای گذارد. در کودتای آرام و بدون خونریزی ژوئیهٔ ۱۹۷۵ ژنرال گوون برکنار شد و ژنرال رامات مورتالا محمد به جای او قدرت را در دست گرفت. او نیز در کودتای فوریهٔ ۱۹۷۶ به قتل رسید و ژنرال اولوسگون اوباسانجو اوباسانجو در رأس حکومت قرار گرفت.

در ۱۹۷۸ قانون اساسی مورد تجدید نظر قرار گرفت و پس از ۱۳ سال حکومت نظامی، انتخابات آزاد برگزار شد و الحاجی شهو شاگاری از حزب ملی نیجریه به ریاست جمهوری رسید. در ژانویه ۱۹۸۴ محمد بوهاری طی چهارمین کودتا روی کار آمد. در کودتای مزبور صدها تن بازداشت و زندانی شدند و افسران ارتش پست‌های دولتی را اشغال کردند. در ۲۶ اوت ۱۹۸۵ ژنرال ابراهیم بابانگیدا طی یک کودتای دیگر، مقام ریاست جمهوری را در دست گرفت. در دسامبر ۱۹۸۷ انتخابات پارلمانی با حضور ۱۵,۰۰۰ کاندیدای غیر حزبی برگزار گردید که به علت اغتشاشات گسترده و بی‌نظمی‌های فراوان یک بار دیگر در سال ۱۹۸۸ تجدید شد که نتایج آن هم غیر قانونی اعلام شد. در مه ۱۹۹۰ بابانگیدا از انگلستان دیدن کرد و طی قراردادی که میان دو کشور به امضاء رسید، نیجریه مبلغ صد میلیون دلار کمک اقتصادی دریافت کرد. در سال ۱۹۹۱، طبق یک تبصره قانونی، پایتخت از لاگوس به آبوجا انتقال یافت، اگرچه هنوز قوه قضائیه و تعدادی از وزارتخانه‌ها در لاگوس قرار دارد. در اوایل سال ۱۹۹۲، ۲۶۳ مسلمان مبارز دستگیر و زندانی شدند و موجبات اعتراض و شورش در ایالت مسلمان‌نشین کاتسینا فراهم آمد.

در ژوئیه ۱۹۹۲ انتخابات پارلمانی برگزار شد و حزب سوسیال دموکرات که از سوی نظامیان تأیید شده بود، برندهٔ اکثریت گردید. در ۱۲ ژوئن ۱۹۹۳ اولین انتخابات ریاست جمهوری بعد از سال ۱۹۸۳ برگزار شد ولی بابانگیدا نتایج آن را که ظاهراً به پیروزی آبیولا منجر شده بود نپذیرفت و کماکان به حکومت خود ادامه داد. در پی اعتراضات گستردهٔ داخلی و بین‌المللی سرانجام در ۲۶ اوت ۱۹۹۳ بابانگیدا از مقام خود کناره گرفت و مسئولیت ادارهٔ کشور را به ارنست شونکان واگذار کرد. در اواخر سال ۱۹۹۳ ژنرال سانی آباچا وزیر دفاع، شونکان را از مقام خود سرنگون کرد و مجلس و کلیهٔ احزاب را منحل کرد و مقام‌های دولتی را به نظامیان واگذار نمود. در ژوئن ۱۹۹۴ کارگران و کارکنان صنعت نفت در اعتراض به بازداشت آبیولا، دست به یک اعتصاب ۱۰ روزه زدند. مرگ ناگهانی آباچا در هشتم ژوئن ۱۹۹۸ موجب وجد و نشاط عمومی گردید و ژنرال عبدالسلام ابوبکر توسط شورای نظامی حاکم به ریاست جمهوری رسید. وی وعده داد تا در اسرع وقت با برگزاری انتخابات عمومی، روند امور ادارهٔ کشور را به غیر نظامیان بسپارد.

در انتخابات پارلمانی فوریه ۱۹۹۹، حزب دموکراتیک خلق به رهبری ژنرال بازنشسته اولوسگون اوباسانجو به پیروزی رسید و اتحاد برای دموکراسی با کسب ۷۶ کرسی مقام دوم را کسب کرد. در انتخابات ریاست جمهوری ماه مارس همان سال نیز اوباسانجو به پیروزی رسید. وی در وهلهٔ اول تعداد زیادی از سران ارتش را تسویه و اخراج نمود و میلیون‌ها دلار از اموال عمومی را از آنان پس گرفت. درگیریهای قومی میان اقوام ایجاو و ایلاجه منجر به کشته شدن صدها تن از دو طرف در شهر لاگوس در سال ۲۰۰۰ گردید که با تعیین کمیته صلح از سوی اوباسانجو، این درگیری‌ها پایان یافت. در همین سال درگیری‌هایی نیز بین مسلمانان و مسیحیان در ایالات شمالی که در آنها قوانین اسلامی جایگزین قوانین عادی شده بود، به وقوع پیوست که طی آن حدود ۱,۰۰۰ نفر کشته شدند و تعداد زیادی از مسیحیان آن به ایالات جنوبی کوچیدند و در مقابل تعدادی از مسلمانان ایالات جنوبی نیز به ایالات شمالی نقل مکان نمودند. در سال ۲۰۰۱ نیز درگیری‌های قومی و مذهبی ادامه یافت و در این درگیری‌ها که عمدتاً بر سر اجرای قوانین شریعت در برخی ایالات به وقوع پیوست، هزاران نفر کشته شدند و ده‌ها هزار نفر نیز مجبور به کوچ اجباری گردیدند. در همین سال کمیسیون ویژه‌ای برای بررسی نقض حقوق بشر در طی حکومت نظامیان تشکیل شد و چند تن از رهبران نظامی سابق، از جمله محمد بوهاری، ابراهیم بابانگیدا و عبدالسلام ابوبکر جهت پاره‌ای توضیحات به دادگاه احضار شدند.

در اوایل سال ۲۰۰۰، انفجار مهیبی در یکی از انبارهای مهمات شهر لاگوس روی داد که طی آن بیش از ۱۰۰۰ نفر کشته شدند. در ماه نوامبر همین سال در اعتراض به برپایی مسابقه ملکه زیبایی شورشهای گسترده‌ای در شهر کادونا در گرفت که طی آن بیش از ۲۱۵ نفر کشته شدند و مراسم فوق نیز به شهر لندن انتقال یافت.

نیکاراگوآ NICARAGUA

نیکاراگوآ یا نیکاراگوئه، کشوری است واقع در امریکای مرکزی که از شمال به هُندوراس، از خاور به دریای کارائیب، از جنوب به کستاریکا و از غرب به اقیانوس آرام (کبیر) محدود است. این سرزمین را دو رشته کوه مهم آندهای امریکای مرکزی که از شمال غربی به جنوب شرقی





نام رسمی: جمهوری نیکاراگوآ

نام محلی: نیکاراگوآ Nicaragua

اسامی دیگر: نیکاراگوئه

پایتخت: ماناگوآ (۸٦٤،۲۰۱ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۸۲۱/۹/۱۵، از اسپانیا

روز ملی: پانزدهم سپتامبر ، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: انریک بولانیوس گیر، از سال ۲۰۰۲ به مدت ٥ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: انریک بولانیوس گیر، از سال ۲۰۰۲ به مدت ٥ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۷ با تغییراتی در سال ۱۹۹۵؛ مجلس ملی با ۹۳ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹٦ (۲۰۰۱): اتحادیه لیبرال ٤۲ (٤۷) کرسی؛ جبههٔ آزادیبخش ملی ساندینیستا ۳۷ (٤۳) کرسی؛ بقیه ١٤ (۳) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی – آدب، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱۳۰،۷۰۰ کیلومترمربع (نود و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ٥،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۹ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۲/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۸/۷ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪٦۳/۷؛ رشد سالانه(۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪٤

توزیع سنی(۱۹۹٥): زیر ۱٥ سال ٪٤٥/۱؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۷/٤؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۲۲/٤؛ بالای ٦۰ سال ٪٥/۱

توزیع جنسی (۱۹۹٥): مرد ٪٤۹/۲۸؛ زن ٪٥۰/۷۲ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۰/٤ سال؛ مردان ٦٦/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۹/۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٥ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳٥/۹ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٤/۱ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٤): بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۲٦ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ٥٥ نفر؛ حوادث و درگیری ۷۷ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ٥۱ نفر؛ مشکلات ناشی از دوران بارداری ٥۳ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱٥۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۱): ۳/۳ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۱):** ۰/٤ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۱): دورگه سرخ و سفید ٪٦۹؛ سفیدپوست ٪۱۷؛ سیاهپوست ٪۹؛ سرخپوست ٪٥

دین: کاتولیک ٪۷۲/۹؛ پروتستان ٪۱٦/۷؛ بدون دین ٪۸/٥؛ سایر ادیان ٪۱/۹

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ زبان سرخپوستان چیبچا، میسکیتو و سومو؛ انگلیسی؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٥): لئون ۱۲۳،۸٦٥ نفر؛ چیناندگا ۹۷،۳۸۷ نفر؛ ماسایا ۸۸،۹۷۱ نفر؛ گرانادا ۷۱،۷۸۳ نفر؛ استلی ۷۱،٥٥۰ نفر

بنادر مهم: کورینتو، سان‌خوآن دل‌سور و پوئرتو ساندینو (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: کوردوبا اورو (C$)= ۱۰۰ سنتاوو؛ یک دلار= ۱۲/٦۷ کوردوبا؛ یک کوردوبا = ٦۳۱/٤ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ٦،٥۸۱ میلیون کوردوبا؛درآمد مالیاتی ٪۸٥/۷ (شامل عوارض گمرکی ٪۲۳؛ مالیات مصرف فرآورده‌های نفتی ٪۱٦/۷؛ مالیات عمومی خرده‌فروشی ٪۱٤/۲؛ مالیات بر درآمد ٪۱۲/۳)؛ کمک‌های بلاعوض ٪۱۰/۳

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۷،۰۳۷ میلیون کوردوبا؛ هزینه‌های جاری ٪٦۷/۲؛ هزینه‌های عمرانی ٪۳۱/٦

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱،٥۷٦ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳۷۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ٪-۲/٥ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۳/۸

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۳٤/۱؛ صنعت ٪۲۱/٥؛ خدمات ٪٤٤/٤

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۸٤ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٥،۲۱۲ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +٥٦۲/۲ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱/۱

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۳۸/۹؛ ۱۹۹۸: ٪۱۲/۹

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۳،۷٤۸،۰۰۰ تن؛ ذرت ۳۰۲،۰۰۰ تن؛ برنج ۱۳۷،۰۰۰ تن؛ لوبیای خشک ۹٤،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۸۳،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۷۱،۰۰۰ تن؛ موز ٦۹،۰۰۰ تن؛ قهوه ٦٥،۰۰۰ تن؛ کاساوا ٥۱،۰۰۰ تن؛ دانهٔ سویا ۳۱،٥۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪۱۰/٥؛ مرتع و چمنزار ٪٤٥/۳؛ جنگل ٪۲٦/۳؛ سایر موارد ٪۱۷/۹

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۱،٦۹۳،۰۰۰ رأس؛ خوک ٤۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤،۱۹۸،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱٦،۱۳۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۰،۲۷۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): طلا ۱۰۹،۰۰۰ تروی

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): (ارزش افزوده به میلیون کوردوبا به قیمتهای سال ۱۹۸۰) غذا ۱،۸۱٦ ؛ نوشیدنی ۱،۲٤٥؛ سیمان آجر و کاشی ۳۸۱؛ فرآورده‌های نفتی ۲۰۹؛ دخانیات ۲۰۲

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۸): ۲،۰۸٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱،۳۹۲،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام (۱۹۹٦): صفر (٤،٤۷۹،۰۰۰ بشکه)؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): ٥۹۳،۰۰۰ تن (۸۸۲،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: صفر(صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٥): ۱،٤٤۷،۸٤۷ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪۳۳/۲؛ میزان مشارکت (۱٥ سال به بالا): ٪٥۹/٥؛ زنان (۱٥ سال به بالا): ٪۲۹/٥؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٪۱۳/۲

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٪٤۱/۸؛ صنعت ٪۱۷/٤؛ خدمات ٪٤۰/۸

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۱٦،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۸۷/٥؛ نیروی دریایی ٪٥؛ نیروی هوایی ٪۷/٥؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ٦ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۱،۸٤٥/۷ میلیون دلار؛ شامل کالاهای سرمایه‌ای ٪۳۲/۲؛ کالاهای مصرفی بی‌دوام ٪۲۳/۹؛ سوختهای معدنی ٪۸/۷؛ از امریکا ٪۳٤/٥؛ کستاریکا ٪۱۱/٤؛ گواتمالا ٪۷/۳؛ پاناما ٪٦/۹

صادرات(۱۹۹۹): ٥٤۳/۸ میلیون دلار؛ شامل قهوه ٪۲٤/۹؛ محصولات صنعتی ٪۱۹/۹؛ فرآورده‌های دریایی ٪۱٥/٤؛ گوشت گاو ٪۷/۷؛ شکر خام ٪٥/٦؛ طلا ٪٥/٦؛ به امریکا ٪۳۷/۷؛ السالوادور ٪۱۲/٥؛ آلمان ٪۹/۸؛ هندوراس ٪٦/٥؛ کستاریکا ٪٥/۱

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	-٤۰۲/۸	-٤۳۳/٥	-۲٦۳/۸	-۳٦۲/٥	-۷٤٦/۸	-۸۱۰/٥	-۱۱۳۹/٤
درصد کل	٪٤۳	٪۳۸/۲	٪۲۰	٪۲۱/۳	٪۳٤/۷	٪٤۱/٤	٪٥۱/۲

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	۸٤	۹۰	۱۰۰	۱۱۲	۱۲۲	۱۳۸	۱٥۳
شاخص درآمد ماهانه	۹۲	۹۸	۱۰۰	۱۰٦	۱۱۹	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹٥): ٥/۸ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ ؛ منابع درآمد: ؟ ؛ هزینه‌ها: ؟

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۱۰۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۷٤ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۸،۰۰۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۷۳،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٦۱،٦٥۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۲٥ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۱۰ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ۱۳٥،۰۰۰ نسخه (۳۰ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۲٤۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۲٦٥ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۳۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٦۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۱٤۰،۰۰۰ خط تلفن (۲۹خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ٤٤،۲٤۹ خط (۹/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ٤۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۲۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۷،۲۲٤	۲۱،۰۲۰	۷۸۳،۰۰۲	۳٦/۳
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	٤٥۱	٥،۹۹۰	۲۲۰،٦۷۰	۳٦/۸
عالی	۱۰	۳،۸٤۰	٤۸،۷٥۸	۱۲/۷

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٪۷٤؛ مردان: ٪۷٤/٤؛ زنان: ٪۷۳/٦

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال (۱۹۹٥) ابتدایی ٪۳۹/۲؛ متوسطه ٪۱۷

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۳،۷۲٥ نفر (هر ۱،۲٥٥ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ٦،٦٦٦ تخت (هر ٦۷٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٤،۱۰۰ نفر (٪۰/۱۹ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٦٤/٥ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۳۱٤ کالری (٪۱۰۳ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤۹ گرم؛ مصرف چربی : ٤۷ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/٤؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ٪۲/٥

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۱ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۲/۹ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۳۱ (صد و شانزدهمین کشور جهان)

کشیده شده و رشته آتشفشانهای فعالی که در امتداد ساحل غربی جای دارند و بلندترین نقطهٔ کشور به نام کوه موگوتون (۲۱۰۷ متر) را شامل گردیده‌اند، در بر گرفته و دریاچه‌های نیکاراگوآ (۸,۰۲۹ کیلومترمربع) و ماناگوآ را در میان خود جای داده‌اند. اقلیم دامنه‌های خاوری گرم و مرطوب و پر باران است، حال آن که دامنه‌های غربی از اقلیم خشک‌تری برخوردارند و جمعیت بیشتری را در خود جای داده‌اند. پنبه عمده‌ترین فرآوردهٔ کشاورزی نواحی کوهستانی است و موز مهمترین محصول کرانه‌های اقیانوس آرام است. رودخانه‌های متعددی در این سرزمین روانند که مهمترین آنها، ریو گرانده د ماتاگالپا (۳۲۰ کیلومتر)، اسکوندیدو، کوکو و سان‌خوآن است. اثرات نامطلوب استفاده‌های نامناسب از آب و خاک، حدود ۴۰ درصد اراضی کشور را در معرض تهدیدهای زیست‌محیطی قرار داده است.

تاریخچه

سرزمین امروزی نیکاراگوآ تا قبل از ورود کریستف کلمب، مسکن اقوام چیبچا و مایا بوده و سواحل دریای کارائیب را میسکیتوها برای سکونت برگزیده بودند و این همان قومی است که کریستف کلمب هنگام ورود به نیکاراگوآ در سال ۱۵۰۲ با آنان روبرو گردید. با گرویدن دو تن از رهبران بومی به نام نیکویا و نیکاراثو به آیین مسیح و مغلوب شدن ارتش دیریانگن به دست گیل گونزالس داویلا و آندرس نینو، اسپانیایی‌ها بر سراسر منطقه تسلط یافتند و در ۱۵۴۴ آن را ضمیمهٔ فرمانداری گواتمالا نمودند. در پی ناآرامی‌های اسپانیا در ۱۸۲۱، نیکاراگوآ از فرصت استفاده کرد و اعلام استقلال نمود و همراه با بقیهٔ کشورهای امریکای مرکزی به امپراتوری مکزیک پیوست و کوتاه زمانی بعد در سال ۱۸۲۴ از فدراسیون مزبور جدا شد و به فدراسیون امریکای مرکزی ملحق گردید. در سال ۱۸۳۹ از فدراسیون امریکای مرکزی نیز کناره گرفت و موجودیت جمهوری مستقل نیکاراگوآ را اعلام داشت. در سال ۱۸۵۶ صد و بیست سرباز مزدور تحت فرماندهی ویلیام واکر امریکایی در نیکاراگوآ پیاده شدند و با به دست گرفتن کنترل این سرزمین، ویلیام واکر خود را رئیس جمهوری نیکاراگوآ اعلام نمود. واکر به قصد تصرف کشورهای مجاور مانند السالوادور و کستاریکا و گواتمالا با آنان وارد جنگ شد ولی شکست خورد و به امریکا گریخت. وی پس از مدتی با حمایت سرمایه‌داران امریکایی مجدداً به منطقه بازگشت و در نبرد با ارتش هُندوراس دستگیر و اعدام گردید.

پس از ۳۰ سال حکومت محافظه‌کاران، در ۱۸۹۳ خوزه سانتوس زلایا از حزب لیبرال به ریاست جمهوری رسید. در پایان سدهٔ نوزدهم امریکا بر اعمال نفوذ و دخالت خود در نیکاراگوآ افزود و در ۱۸۹۶ نیروهای امریکایی در چند بندر نیکاراگوآ پیاده شدند و قراردادهایی را بر این کشور تحمیل نمودند که با مقاومت و مخالفت زلایا روبرو شد. امریکایی‌ها با استفاده از مخالفت زلایا و آدولفودیاز رهبر حزب محافظه‌کار به حمایت از حزب محافظه‌کار برخاستند و ضمن اشغال نیکاراگوآ حکومت زلایا را سرنگون کردند و قدرت را به دست رقیب او آدولفودیاز سپردند. دیاز در سال ۱۹۱۲ خود را رئیس جمهور خواند و نیروهای امریکا تا سال ۱۹۲۵ در نیکاراگوآ باقی ماندند. در ۱۹۲۶ شورش‌هایی علیه دیاز به وقوع پیوست و ترس از سرنگونی وی، امریکایی‌ها را وادار ساخت تا برای حمایت از او دوباره به نیکاراگوآ بازگردند. اشغال مجدد کشور به وسیلهٔ نیروهای امریکایی ملّیون نیکاراگوآ را گردهم آورد و ارتشی مرکب از ۳,۰۰۰ مبارز تحت فرماندهی آگوستینو سزار ساندینو بیش از ۶ سال علیه ۱۲,۰۰۰ سرباز نیروی دریایی امریکا که به وسیلهٔ نیروهای هوایی و زمینی پشتیبانی می‌شدند، مبارزه کردند. در سال ۱۹۹۳ نیروهای تحت فرماندهی ساندینو طبق توافق‌های قبلی سلاح بر زمین گذاردند و ساندینو به وسیلهٔ آناستاسیو سوموزا گارسیا، فرمانده گارد ملی که مورد حمایت امریکایی‌ها بود، با حیله دستگیر و اعدام گردید. سوموزا تا سال ۱۹۵۶ که به دست میهن‌پرستی به نام ریگوبرتو لوپزپرز کشته شد، با قدرت تمام حکومت کرد و اقتصاد کشور را تحت کنترل خود درآورد. پس از کشته شدن سوموزا، پسرش لوئیس سوموزا به حکومت رسید و او نیز پس از خود حکومت را به پسرش آناستاسیو سوموزا که از دانشکدهٔ افسری وست‌پوینت امریکا فارغ‌التحصیل شده بود، واگذار کرد. وی کلیهٔ نهادهای دموکراتیک و ملی را منحل کرد و شمار زیادی از روستاییان را به قتل رسانید.

در دههٔ ۱۹۶۰ جبههٔ آزادیبخش ملی ساندینیستا که به یاد و افتخار مبارز معروف آگوستینو ساندینو نامگذاری شده بود، تأسیس گردید. جبههٔ مزبور مبارزات مسلحانهٔ خود را به مدت ۱۷ سال ادامه داد. در سال ۱۹۷۸ یکی از رهبران مخالف دولت به نام پدروچامورو به دستور سوموزا کشته شد و به دنبال آن آشوب و ناآرامی و اعتصاب سراسر کشور را در بر گرفت و ساندینیستا فعالانه وارد صحنهٔ سیاست گردیدند. در ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ سوموزا از کشور گریخت و حکومت مستبدانهٔ خاندان سوموزا که به قتل ۵۰,۰۰۰ نفر انجامیده بود، خاتمه یافت. معاون سوموزا نیز که پس از فرار وی قدرت را در دست گرفته بود، ۲۴ ساعت بعد خود را تسلیم چریک‌ها کرد و بدینسان انقلاب نیکاراگوآ به پیروزی رسید. انقلابیون اموال و سرمایه‌های سوموزا را که به ۴۰ درصد سرمایهٔ ملی می‌رسید، ملی کردند و به سامان‌دهی وضع درهم ریختهٔ اقتصاد کشور پرداختند. گارد ریاست جمهوری را منحل کردند و مبارزان ساندینیستا را به جای آنان گماردند و به کشورهای بلوک شرق نزدیک شدند.

در هفدهم سپتامبر ۱۹۸۰ سوموزا در شهر میامی امریکا هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. دولت امریکا که تاب تحمل یک حکومت انقلابی در امریکای لاتین را نداشت و از الگو شدن آن برای سایر کشورهای منطقه وحشت داشت، از همان ابتدای تشکیل حکومت ساندینیستی، خصومت علنی و آشکار خود را علیه آن اعلام نمود و جبههٔ ساندینیستا را که یکی از دموکرات‌ترین و انسانی‌ترین جریانات انقلابی قرن بیستم محسوب می‌شد، به شدت زیر ضرب قرار داد و به انواع توطئه‌ها و اقدامات قانونی و غیر قانونی بر علیه آن تمسک جست. در ۱۹۸۱ ریگان رئیس جمهور امریکا اعلام کرد که قصد نابودی ساندینیستا را دارد و به دنبال آن ۲۵۰۰ تن از افراد گارد ملی منحل شدهٔ نیکاراگوآ در حالی که از سوی دولت امریکا حمایت می‌شدند از طریق هندوراس به نیکاراگوآ حمله‌ور شدند که با مقاومت سرسختانه مردم روبرو گردیدند و ناکام شدند. در آوریل ۱۹۸۵ دانیل اورتگا به ریاست جمهوری نیکاراگوآ انتخاب شد و در ضمن پست نخست‌وزیری را نیز خود بر عهده گرفت. وی به شوروی و کشورهای بلوک شرق سفر کرد. در ۱۹۸۶ قانون اساسی جدید کشور به تصویب رسید و از ژانویهٔ ۱۹۸۷ به مورد اجرا گذارده شد. همزمان کنگره امریکا یک کمک صد میلیون دلاری برای ضد انقلابیون نیکاراگوآ، موسوم به کونترا، تصویب کرد و کمکهای کوبا به انقلابیون ساندینیستا نیز متقابلاً افزایش یافت.

در سال ۱۹۸۸ فشارهای امریکا به نیکاراگوآ افزایش یافت و وضع اقتصادی کشور بحرانی گردید. در ژوئیهٔ همان سال سفیر امریکا به اتهام فعالیتهای ضد ساندینیستی از کشور اخراج گردید و دولت امریکا نیز سفیر نیکاراگوآ را از واشینگتون اخراج نمود. در پی فشارهای تبلیغاتی و سیاسی امریکا، اورتگا پذیرفت که انتخابات بعدی در محیطی کاملاً باز و آزادانه برگزار گردد. در انتخابات ۱۹۹۰ خانم ویولتا چامورو، بیوهٔ پدرو چامورو، به طور غیر منتظره برندهٔ اکثریت گردید و به ریاست جمهوری رسید. جبهه ساندینیستا در اقدامی بی‌نظیر در میان جریانات انقلابی جهان، به نتایج انتخابات پایبند ماند و طبق توافقاتی که میان دو طرف به عمل آمد، چامورو کونتراها را خلع سلاح کرد و ژنرال اومبرتو اورتگا را به فرماندهی نیروهای مسلح برگزید. در انتخابات اکتبر ۱۹۹۶ آرنولدو آله‌مان نمایندهٔ محافظه‌کاران به ریاست جمهوری رسید. در ۱۹۹۷ دولتهای نیکاراگوآ و امریکا که رفته رفته به هم نزدیک شده بودند، مناسبات اقتصادی خود را تقویت کردند و به شرکای اقتصادی مهمی تبدیل گردیدند. میزان صادرات نیکاراگوآ به امریکا در این سال به ۳۳۷ میلیون دلار رسید که نسبت به میزان دو سال قبل ۳۰٪ افزایش نشان می‌داد.

توفند نوامبر ۱۹۹۸ موسوم به میچ، خرابیهای بسیاری در این کشور به بار آورد و حدود سه هزار نفر نیز کشته شدند. در سال ۱۹۹۹ درگیری‌های پراکنده میان نیکاراگوآ و هندوراس بر سر مالکیت چند جزیره در دریای کارائیب، با میانجیگری سازمان کشورهای امریکایی پایان یافت و هر دو کشور پذیرفتند که موارد اختلاف را به دیوان بین‌المللی لاهه ارجاع دهند. در اواخر سال ۲۰۰۰ مقدار زیادی از بدهی‌های خارجی نیکاراگوآ به علت رده‌بندی آن در میان کشورهای فقیر بدهکار، مورد بخشودگی کشورهای وام‌دهنده قرار گرفت. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲، دانیل اورتگا از جبههٔ ساندینیستا به مبارزه با انریک بولانیوس گیر، از حزب لیبرال پرداخت. دولت امریکا شدیداً از بولانیوس حمایت کرد و تهدید کرده بود که در صورت پیروزی اورتگا در این انتخابات، نه تنها کمک‌های دولت امریکا به این کشور قطع خواهد شد، بلکه جبههٔ ساندینیستا به اتهام همکاری با تروریسم بین‌المللی تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. در حالی که پیش‌بینی‌ها و نظرسنجیهای اولیه از پیروزی دانیل اورتگا خبر می‌داد، در نهایت انریک بولانیوس در این انتخابات به پیروزی رسید.

واتیکان VATICAN CITY

کشورشهری است در جنوب اروپا، بخش غربی شهر رُم، ساحل غربی رود تیبر و غرب قلعهٔ باستانی سانت‌آنجلو، در کشور ایتالیا. کلیسای سان‌پیترو در گوشهٔ جنوب خاوری شهر واتیکان منحصر است به مقر پاپ، رهبر کاتولیک‌های جهان، کلیسای پاپی و بعضی ادارات و دفترهای ملحق به آن. کلیسای جامع لاتران و مریم مقدس کبیر و سان‌پائولو، اگر چه در قلمرو واتیکان نیستند ولی جزئی از کشورشهر پاپی محسوب می‌شوند. قصر سان کالیستو و مقر



نام رسمی: کشورشهر واتیکان

نام محلی: چیتا دل واتیکانو Cita del Vaticano

اسامی دیگر: هولی‌سی(مقر پاپ اعظم) Holy See

پایتخت: واتیکان (۸۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۲۹/٦/۷، از ایتالیا

روز ملی: بیست و دوم اکتبر، سالروز انتخاب پاپ ژان پل دوم در سال ۱۹۷۸

نوع حکومت: پاپ‌نشین، از سال ۱۹۲۹

رئیس حکومت: پاپ ژان پل دوم (کارول وویتیلا)، از سال ۱۹۷۸

رئیس دولت: وزیر کشور: کاردینال آنجلو سودانو، از سال ۱۹۹۱

قوه مقننه: قانون اساسی پاپی در سال ۱۹٦۸؛ کالج کاردینال‌ها با ۱٦٥ عضو (۱۹۹۸) که از میان کاردینال‌های ٦۱ کشور جهان توسط پاپ انتخاب شده‌اند. کالج کاردینال‌ها هم به عنوان مشاور خصوصی پاپ انجام وظیفه می‌کند و هم وظیفهٔ ادارهٔ امور واتیکان یا «کوریارومانا» را به عهده دارد. در صورت مرگ پاپ، اعضای زیر هشتاد سال همین کالج با آرای مخفی، پاپ جدید را انتخاب می‌کند.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: اونکتاد، یاآآ، ایتو، یوپو، ویپو، عضو ناظر دائم در سازمان ملل متحد، فائو، ایمف، یونسکو، و سازمان کشورهای امریکایی

جمعیت

مساحت: ۰/٤٤ کیلومترمربع (صد و نودو پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۸۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و نود و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۸۱۸/۲ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت:** ؟

پیش‌بینی جمعیت : ؟ — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری: ٪۱۰۰

توزیع سنی: ؟

توزیع جنسی: ؟ — **امید به زندگی:** ؟

میزان تولد در هر هزار نفر: ؟ — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر:** ؟

مرگ ومیر کودکان درهر هزارتولد: ؟ — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر:** ؟

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور: ؟ — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت: ؟

دین: کاتولیک (دین رسمی)

زبان و خط: ایتالیایی زبان رسمی کشور؛ لاتین (زبان رسمی کلیسا)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم: ندارد.

بنادر مهم: ندارد.

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) = ۱،۹۳٦/۳ لیره ایتالیا (منسوخ شده)؛ یک دلار = ۱/۱٤ یورو، یک یورو = ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۳٥۸ میلیارد لیره ایتالیا

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۳٤۸/٥ میلیارد لیره ایتالیا

تولید ناخالص ملی: ؟ — **سرانه تولیدناخالص ملی:** ؟

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: ؟

منشاء تولید ناخالص ملی: ؟

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی: ؟ — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: ؟

محصولات کشاورزی : ؟

کاربری زمین: ؟

تعداد دام زنده : ؟

تولید چوب: ؟ — **صید ماهی:** ؟

تولید مرغ: ؟ — **تولید تخم مرغ:** ؟

تولیدات معدنی : ؟

تولیدات صنعتی: ؟

انرژی/میزان تولید(میزان مصرف): ؟

نیروی کار: ؟

توزیع نیروی کار: ؟

نیروی دفاعی: ؟

واردات: ؟

صادرات: ؟

تراز بازرگانی: ؟

شاخص قیمتها و درآمدها : ؟

ویژگیهای خانوار: ؟

جهانگردی: ؟

راه: ؟ — **راه‌آهن:** ؟

تعداد اتومبیل: ؟ — **تعداد کامیون و اتوبوس:** ؟

کشتی بالای صد تن : ؟ — **فرودگاه:** ؟

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو: ؟

تلویزیون: ؟

تلفن: ؟

تلفن همراه: ؟

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی	؟	؟	؟	؟
متوسطه	؟	؟	؟	؟
فنی و حرفه‌ای	؟	؟	؟	؟
عالی	؟	؟	؟	؟

میزان باسوادی: ؟

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال: ؟

تعداد پزشک: ؟

تعداد تخت بیمارستان : ؟

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری: ؟

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی : ؟



تابستانی پاپ که به آن کاستل گاندولفو می گویند نیز از جمله ملحقات واتیکان به شمار می آید. سکنهٔ آن عمدتاً سوئیسی و ایتالیایی هستند و عموماً کاتولیک می‌باشند. زبان رسمی برای امور داخلی ایتالیایی است و برای مکاتبات خارجی به ویژه برای تماس با مراکز مسیحی جهان از زبان لاتین استفاده می گردد.

ادارهٔ امور داخلی واتیکان به عهدهٔ یک کمیسیون پنج نفره است که همهٔ آنان از سوی پاپ منصوب می شوندو در مقابل او پاسخگو هستند. واتیکان مقر حکومت مرکزی کلیسای کاتولیک رومی است. مجموع دستگاه اداری پیرامون پاپ که در مقابل او مسئول است به نام کوریا رومانا خوانده می شود و گارد سوئیسی از جان پاپ محافظت می کند. اعضای گارد سوئیسی لباس متحدالشکل و به سبک رنسانس دارند. موزه‌های واتیکان از مهمترین موزه‌های جهان به شمار می‌روند و نمازخانهٔ سیستین مهمترین نمازخانه‌های واتیکان است.

واتیکان در سراسر سال به روی دیدار کنندگان و گردشگران باز است و پاپ غالباً زائران را به صورت دسته‌جمعی یا فردی می‌پذیرد. شهر واتیکان ایستگاه راه‌آهن مخصوص به خود و یک هلیکوپتر برای جابجایی پاپ و رهبران کشورهای جهان دارد. ایستگاه رادیویی بزرگی نیز در زمینی به وسعت ۴۲۰ هکتار در ۲۰ کیلومتری شمال غربی واتیکان به پخش برنامه‌های مخصوص واتیکان به ۳۷ زبان دنیا اشتغال دارد. بیش از ۶۰ کشور، از جمله ایران، در این کشور سفارت دارند.

تاریخچه

تاریخ واتیکان به عنوان مقر پاپ از سدهٔ پنجم میلادی آغاز می‌شود. در آن زمان قسطنطین اول، نخستین کلیسای سان‌پیترو را بنا نهاد. برای اولین بار شارلمانی، امپراتور فرانک‌ها، به آن رسمیت بخشید و تا حدود هزار سال یعنی تا سال ۱۸۷۰ پاپ‌ها بر بخش وسیعی از شبه جزیرهٔ ایتالیا حکومت می‌کردند و شهر رم مرکز آنان بود. در خلال این مدت، طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۷۷ میلادی مقر پاپ به شهر آوینیون فرانسه انتقال یافت و پاپ‌ها عموماً در طی این دوره که در تاریخ به اسارت بابلی موسوم است، تحت نفوذ پادشاهان فرانسه قرار داشتند.

در سال ۱۳۷۷ مقر پاپ به واتیکان که آن هنگام در بیرون شهر رم قرار داشت منتقل شد. همزمان با گسترش موج وحدت‌طلبی در ایتالیا، نیروهای ویکتور امانوئل دوم در سال ۱۸۷۰ شهر رم را به تصرف خود درآوردند و تمام مستملکات پاپ، به جز چند ساختمان مصادره شد. در سال بعد ویکتور امانوئل برای جلوگیری از خشم کاتولیک‌های سایر کشورهای جهان، بخشی از اموال مصادره‌ای را پس داد و مقرری سالیانه‌ای برای مخارج پاپ در نظر گرفته شد. پاپ‌ها این وضعیت را نپذیرفتند و این مسئله تا سال ۱۹۲۹، که بنیتوموسولینی به نمایندگی از ویکتور امانوئل سوم با کاردینال گاسپاری به نمایندگی از پاپ پیوس یازدهم پیمان لاتران را به امضاء رساندند، همچنان لاینحل باقی ماند. طبق مفاد این پیمان کشور جدیدی موسوم به کشور شهر واتیکان تأسیس شد و دولت ایتالیا امنیت و عدم تعرض به آن را به رسمیت شناخت. بر اساس کنکوردایی که منعقد شد، مذهب کاتولیک، دین رسمی ایتالیا تعیین شد و امتیازات ویژه‌ای نیز برای کلیساهای کاتولیک در سراسر ایتالیا در نظر گرفته شد. بر اساس پیمان کنکوردای سال ۱۹۸۴، وضعیت سیاسی واتیکان مورد تأیید قرار گرفت، اما بسیاری از امتیازات کلیساهای ایتالیا حذف شد.

در اکتبر سال ۱۹۷۸، کاردینال کارول ویتیلا، که آن زمان اسقف کلیسای کراکوف در لهستان بود، به پاپی برگزیده شد. وی که لقب ژان پل دوم را یافت، از قرن شانزدهم تاکنون نخستین پاپی است که از سرزمین‌های خارج از ایتالیا به این سمت انتخاب شده است. در سال ۱۹۸۱ پاپ ژان پل دوم توسط یک تبعه ترکیه مورد سوء قصد قرار گرفت که در پی آن، اقدامات امنیتی در واتیکان شدت یافت. در طی سال‌های دههٔ ۱۹۹۰ و همچنین آغازین سال‌های هزاره سوم میلادی، پاپ به طور فعال در مسائل سیاسی جهان به موضع گیری پرداخته و مسافرت‌های بی‌شماری را به کشورهای مختلف جهان انجام داده است. این مسافرت‌ها در سال‌های اخیر نیز که کهولت سن و بیماری، وضعیت نامناسبی رابرای وی به وجود آورده کماکان ادامه داشته است.

وانوآتو VANUATU

مجمع‌الجزایری است واقع در شمال خاوری استرالیا، در آبهای غربی اقیانوس آرام (کبیر) که جزئی از جزایر ملانزی محسوب می‌شوند و جزایر آن منشأ آتشفشانی دارند. از حدود ۸۰ جزیره و جزیرک که بسیاری از آنها غیرمسکون هستند تشکیل یافته و پهنه‌ای از اقیانوس آرام را به درازای ۸۰۰ کیلومتر در بر گرفته است. جزایر مزبور که عمدتاً کوهستانی هستند از جزایری چون اسپیریتوسانتو (۳۶۰۷ کیلومترمربع)، مالکولا، اپی، پنته‌کوست، آئوبا، مائوو، پاآما، آمبریم، افاته، ارّومانگو، تانّا و آناتوم و غیره تشکیل شده است. بلندترین نقطهٔ این جزایر کوه تابوماسانا است که ۱۸۸۰ متر ارتفاع دارد و در جزیره اسپیریتوسانتو واقع شده است.

آتشفشانهایی در جزایر تانّا، آمبریم و لوپوی وجود دارند که همچنان فعّالند و اراضی این‌سرزمین در معرض زمین‌لرزه قرار دارد. اقلیم کشور وانوآتو گرم و مرطوب و پر باران است و اکثر جزایر آن از جنگلهای انبوه استوایی پوشیده شده است. جزیرهٔ افاته از نظر معدن منگنز غنی است و خاک آن مناسب کشاورزی است و ماهیگیری از منابع درآمد سنتی این کشور محسوب می گردد. این جزیره بیشترین جمعیت را در میان جزایر به خود اختصاص داده و پایتخت نیز در آن قرار دارد. بالا آمدن آب اقیانوس، برخی از جزایر وانوآتو را در دهه‌های آینده به فرو رفتن در زیر آب تهدید می‌کند.



تاریخچه

تورهیردال جامعه‌شناس معروف اعتقاد دارد که ساکنان بومی جزایر اقیانوس آرام از قارهٔ امریکا به این جزایر آمده‌اند، حال آن که تشابهات فرهنگی و محصولات کشاورزی، آنان را به اندونزیایی‌ها پیوند می‌دهد. پولینزیایی‌های دریانورد در حدود ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد به وانوآتو وارد شدند. آنان به تدریج در تمام جزایر اقیانوس آرام پخش شدند و به اهلی کردن حیوانات و توسعهٔ کشاورزی پرداختند و صنایعی مانند سرامیک و نساجی در میان آنان پدید آمد. در ۲۹ آوریل ۱۶۰۵ دریانورد پرتغالی - اسپانیایی به نام پدرو فرناندز. د. کیروس نخستین اروپایی ای بود که به جزایر مزبور وارد شد و به گمان این که به قارهٔ جنوبگان وارد شده است، آن را تیئرا دل اسپیریتو سانتو (سرزمین روح مقدس) نامگذاری کرد. حدود ۱۵۰ سال بعد لوئی بوگنویل فرانسوی جزایر مزبور را دور زد و در ۱۷۷۴ جیمز کوک دریانورد معروف انگلیسی، اولین نقشه از مجمع‌الجزایر وانوآتو را تهیه نمود و آن را به خاطر جزایر هبرید در اسکاتلند، هبرید جدید نامید. اندک زمانی بعد سوداگران چوب به جزایر مزبور روی آوردند و به قطع و صدور چوب‌های خوشبوی صندل که در جزایر مزبور فراوان بود پرداختند. در ۱۸۲۰ مبلغان مسیحی از اروپا روانهٔ این جزایر شدند و ماندگاههایی را در آنجا تأسیس نمودند و انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها جزایر نامبرده را مشترکاً تصاحب کردند. حکومت مشترک آنان که به



نام رسمی: جمهوری وانوآتو

نام محلی: وانوآتو Vanuatu

اسامی دیگر: هبرید جدید (نام سابق)

پایتخت: بندر ویلا (۳۰،۱۳۹ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۹۸۰/۷/۳۰، از انگلستان و فرانسه

روز ملی: سی‌ام ژوئیه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۰

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور:جان بانی، ازسال ۱۹۹۹ به مدت ٥ سال توسط مجلس قانونگذاری و رؤسای مجلس استانها

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ادوارد ناتاپی (حزب وانو آآکو)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۰ با تغییراتی در سال ۱۹۸۷؛ مجلس قانونگذاری با ٥۲ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس قانونگذاری در سال ۱۹۹۸ (۲۰۰۲): حزب وانو آآکو ۱۸ (۱٤) کرسی؛ اتحاد احزاب میانه‌رو ۱۲ (۱٥) کرسی؛ حزب متحد ملی ۱۱ (۸) کرسی؛ حزب ترقی‌خواه ملانزی ٦ (۳) کرسی؛ سایر احزاب ۳ (۷)کرسی؛ نمایندگان منفرد ۲ (٥)کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹۸۱)، اونکتاد، یونیسف، فائو، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سپک، آکپ، آدب، آاوسیس، جنبش عدم تعهد، جامعه اقیانوس آرام، پیف، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۱۲،۱۹۰ کیلومترمربع (صد و پنجاه و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (صد و هفتادوچهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱٦/٤ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۲/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۳۰۰،۰۰۰ نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۱۹/٥٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ۳/۹٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱٥ سال۳۷/۸٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۹/٤٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲۷/۹٪؛ بالای ٦۰ سال ٤/۹٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٥۱/۳٦٪؛ زن ٤۸/٦٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷۰ سال ، مردان ٦٦ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۱/۷ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٥/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۳۷ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲٥/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٤): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۹ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۳۰/٤ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۲۹/۲ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۲٥ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ۹/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۸٥): ۷/٤ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر (۱۹۸٥):** ۰/۷ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۸۹): وانوآتویی ۹۷/۹٪؛ اروپایی ۱٪؛ بقیه ۱/۱٪

دین: مسیحی ۷۷/۲٪؛ (شامل پرسبیتری ۳٥/۸٪؛ کاتولیک ۱٤/٥٪؛ انگلیکان ۱٤٪)؛ بی‌دین ۱/۷٪ ؛ بقیه ۲۱/۱٪

زبان و خط: بیسلاما، انگلیسی، فرانسوی (زبانهای رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۹): لوگان ویل (سانتو) (۱۱،۳٦۰ نفر)؛ جزایر مهم (۱۹۸۹): افاته ۳۰،۸٦۸ نفر؛ اسپیریتوسانتو ۲٥،٥۸۱ نفر؛ تانا ۱۹،۸۲٥ نفر؛ مالکولا ۱۹،۲۹۸ نفر

بنادر مهم: بندر ویلا؛ فورای (اقیانوس آرام)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: واتو (VI)؛ یک دلار= ۱٤۲/۹۳ واتو؛ یک واتو= ٥٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۸،٥۳٦ میلیون واتو؛ مالیات بر معاملات بین‌المللی ۳۳٪؛ مالیات بر کالا و خدمات ۳۲٪؛ کمک‌های خارجی۲۰/۹٪؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۱۰/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۲،٦۱۱ میلیون واتو؛ هزینه‌های جاری ٥۸٪ (شامل خدمات جامع عمومی ۱۷/۲٪؛ آموزش ۱۳/۲٪؛ امنیت و نظم عمومی ۸/٤٪؛ بهداشت ٦/٦٪؛ خدمات و امور اقتصادی ٥/۸٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٤۲٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۲۳۱ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۲٦۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٦/۰-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲٤/٦٪؛ صنعت ۱۲/۲٪؛ خدمات ٦۳/۲٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱٦ میلیون دلار ؛ (۱۹۹۸): ۲۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٥٤ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٤۰/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٤/۳٪؛ ۱۹۹۸: ۳/۱٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نارگیل ۳۳۹،۰۰۰ تن؛ محصولات ریشه‌ای و تکمه‌ای ٦٥،۰۰۰ تن؛ موز ۱۲،٥۰۰ تن؛ سبزیجات و صیفی‌جات ۹،۸۰۰ تن؛ بادام زمینی ۱،۷٥۰ تن؛ دانهٔ کاکائو ۱،٥۰۰ تن؛ ذرت ۷۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۱۱/۸٪؛ مرتع و چمنزار ۲٪؛ جنگل ۷٥٪؛ سایر موارد ۱۱/۲٪

تعداد دام زنده: گاو ۱٥۱،۰۰۰ رأس؛ خوک ٦۲،۰۰۰ رأس؛ بز ۱۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٦۳،۲۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۲،٥۸۹ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۲۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۲۸۰ تن

تولیدات معدنی : مقدار کمی سنگ‌آهک آبسنگ‌های مرجانی و همچنین شن و ماسه

تولیدات صنعتی(۱۹۹٥): (ارزش افزوده به میلیون واتو) غذا، نوشیدنی و دخانیات ٦٤٥؛ تولیدات چوبی ٤۲۳؛ مصنوعات فلزی ۳۷۷ ؛ تولیدات کاغذی ۱۲٥؛ مواد شیمیایی، لاستیک، پلاستیک و تولیدات غیر فلزی ۸٤؛ منسوجات، لباس و چرم ٥٤

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۳۰،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۲۰،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۸۹): ٦٦،۹٥۷ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۷٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ۸٥٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤٦/۳٪؛ میزان بیکاری: ۰/٥٪

توزیع نیروی کار(۱۹۸۹): کشاورزی ٦۱/۱٪؛ صنعت ۳/٤٪؛ خدمات ۳٥/٥٪

نیروی دفاعی: نیروی دفاعی این کشور تنها شامل ۳۰۰ نفر شبه نظامی می‌باشد.

واردات(۱۹۹۷): ۱۰،۸۸۸ میلیون واتو؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲٥/۷٪؛ غذا و دام زنده ۱۹/۷٪؛ کالاهای صنعتی اساسی ۱٥/۲٪؛ سوختهای معدنی ۱۰/٦٪؛ محصولات شیمیایی ٦/۲٪؛ نوشیدنی و دخانیات ۳/٦٪؛ از کشورهای استرالیا ٤۲/۱٪؛ فرانسه ۱۳/٥٪؛ زلاند نو ۱۲/۲٪؛ ژاپن ۷/۳٪؛ فیجی ٦٪

صادرات(۱۹۹۷): ٤،۰۸۷ میلیون واتو؛ شامل کوپرا ٤۹٪؛ الوار چوب ۱۲/۳٪؛ گوشت گاو ۱۰/۲٪؛ دانهٔ کاکائو ٥/۹٪؛ به کشورهای اتحادیه اروپا ٤٥/۹٪؛ بنگلادش ۱۲/٦٪؛ ژاپن ۱۰/٤٪؛ کالدونیای جدید ٤/٥٪؛ استرالیا ۲/۳٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون واتو	-٦،٤۰۹	-۷،٤۹۳	-۷،٤۸٦	-۷،٥۲۰	-٦،۸۰۱	-٦،۹۳٤	-٦،۱۸۷
درصد کل	٪٥۳/۷	٪٥٦/۳	٪٥٤/۱	٪٥۲/۷	٪٤٥/٤	٪٤٤/٥	٪۳۹/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۲/۳	۹٥/٦	۹۷/۸	۱۰۰	۱۰۰/۹	۱۰۳/۸	۱۰۷/۲
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار (۱۹۸٥): میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۹): ٥/۱ نفر؛ درآمد هر خانوار: ۱۱،۲۹۹ دلار؛ منابع درآمد: دستمزد و حقوق ٥۹٪؛ کار آزاد: ۳۳/۷٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۰): غذا و نوشیدنی غیر الکلی ۳۰/٥٪؛ مسکن ۲۰/۷٪؛ حمل و نقل ۱۳/۲٪؛ بهداشت و تفریح ۱۲/۳٪؛ دخانیات و الکل ۱۰/٤٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ٥۲ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج ۸ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱،۰۷۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٤،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۲،٦۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲۸۰ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۲۹ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ؟

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٦۲،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۳٥۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹٦): ۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۹): ٥،٥۰۰ خط تلفن (۳۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ۳۰۰ خط (۱/٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۲)	۲۷۲	۸٥۲	۲٦،۲٦۷	۳۰/۸
متوسطه	۲۷	۲۲۰	٤،۲٦۹	۱۹/٤
فنی و حرفه‌ای	؟	٥۰	٤٤٤	؟
عالی	۱	۱۳	۱۲٤	؟

میزان باسوادی(۱۹۷۹): افراد بالای ۱٥ سال: ٥۲/۹٪؛ مردان: ٥۷/۳٪؛ زنان: ٤۷/۸٪

میزان تحصیلات افراد بالای ٦ سال (۱۹۸۹): ابتدایی ٥۲/٦٪؛ راهنمایی ۱۸/۳٪؛ فوق دیپلم و عالی ٤/۸٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۲۱ نفر (هر ۸،٥۲٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ٥۷۳ تخت (هر ۳۱۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۰۳/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۷۰۰ کالری (۱۲۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف پروتئین: ٦۰ گرم؛ مصرف چربی: ۹۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۰/۸٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/۳ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۰/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/٤ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۲۳ (صد و هجدهمین کشور جهان)

دومینیون مشترک معروف بود، تا سال ۱۹۸۰ به درازا کشید و تا آن زمان فقط انگلیسی‌ها یا فرانسوی‌ها دارای حق مالکیت بودند. در دههٔ ۱۹۷۰ بیشتر همسایگان وانوآتو به استقلال رسیدند و ساکنان هبرید جدید (وانوآتو) را در تشکیل احزاب و بروز احساسات استقلال‌طلبانه جرأت بخشیدند.

حزب ملی هبرید جدید که بعدها به حزب وانوآ آکو تغییر نام داد، در سال ۱۹۷۲ به منظور کسب استقلال این سرزمین تشکیل شد. این حزب از حمایت پروتستان‌ها و تا حدودی دولت انگلستان برخوردار بود. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۷۹، حزب وانوآ آکو به اکثریت دست یافت و رهبر آن والتر لینی به نخست‌وزیری رسید. در سی‌ام ژوئیه ۱۹۸۰ جزایر هبرید جدید با عنوان وانوآتو به استقلال دست یافت و جورج کالکوآ معروف به سوکومانو به ریاست‌جمهوری رسید که مقامی تشریفاتی محسوب می‌شد. کمی بعد پیمانی دفاعی میان وانوآتو و پاپوآگینهٔ نو به امضاء رسید و به موجب آن نیروهای پاپوآ گینه نو جایگزین ارتش‌های انگلستان و فرانسه در این جزایر شدند. در همین اوان شورشی که توسط حزب نارگریامل در جزیره اسپیریتوسانتو به وقوع پیوسته بود، گسترش یافت و شورشیان به رهبری جیمز استیونز اعلام استقلال نمودند که با مداخله نیروهای پاپوآگینهٔ نو همه شورشیان و رهبران آن بازداشت شدند و شورش خاتمه یافت. در سال ۱۹۸۴ سوکومانو، در اعتراض به محدودیت اختیارات خود استعفاء داد، اما در همان سال مجدداً به ریاست جمهوری رسید.

توفند اولنا در سال ۱۹۸۷ حدود ۳۶ میلیون دلار به این جزایر خسارت وارد کرد و یک سوم جمعیت در معرض خسارات آن قرار گرفتند. در فوریه ۱۹۸۹، سوکومانو مجلس قانونگذاری را منحل نمود و باراک سوپه، رهبر مخالفان نخست‌وزیر و رهبر حزب ترقی‌خواه ملانزی را به عنوان نخست‌وزیر معرفی نمود. این عمل با مخالفت کشورهای مهم منطقه نظیر استرالیا و زلاند نو مواجه شد و پس از مدتی در ماه دسامبر، والتر لینی با حمایت پلیس به قدرت بازگشت و سوکومانو، سوپه و ماکسیم کارلو کورمان دستگیر و توسط یک قاضی اعزامی از جزایر سلیمان به زندان محکوم شدند و فرد تیماکاتا از سوی پارلمان به ریاست جمهوری برگزیده شد. در سال ۱۹۹۱، والترلینی از رهبری حزب وانوآ آکو خلع شد و دونالد کالپوکاس به رهبری حزب و نخست‌وزیری رسید. والتر لینی در ماه اکتبر ۱۹۹۱ یک حزب جدید به نام حزب متحد ملی تأسیس نمود و پس از انتخابات سال ۱۹۹۲ در ائتلافی با حزب ترقی‌خواه ملانزی که اکثریت پارلمان را به دست آورده بود شرکت کرد و ماکسیم کارلو کورمان پست نخست‌وزیری را به عهده گرفت. توفند بتسی در سال ۱۹۹۲، حدود ۳۰ درصد مزارع و محصولات کشاورزی وانوآتو را از بین برد.

در فوریه ۱۹۹۶ کارلو کورمان مجبور به استعفاء شد و سرگه ووهور جایگزین وی گردید. دادگاه استیناف در سال ۱۹۹۸، درخواست رئیس جمهور، ژان ماری لیه را برای انحلال پارلمان مورد تأیید قرار داد. در انتخابات ماه مارس، حزب وانوآ آکو با به دست آوردن ۱۸ کرسی به اکثریت نسبی دست یافت و دونالد کالپوکاس در رأس یک دولت ائتلافی ضعیف قرار گرفت. در پی افشای برخی سوء استفاده‌های مالی از کمک‌های خارجی توسط عوامل دولتی، در سال ۱۹۹۹، شورش‌ها و تظاهرات خیابانی این کشور را در بر گرفت و دولت ناگزیر از اعلام وضعیت فوق‌العاده شد و کمی بعد استعفاء داد. در ماه نوامبر باراک سوپه از حزب ترقی‌خواه ملانزی دولت جدیدی را تشکیل داد که تا سال ۲۰۰۱ که ادوارد ناتاپی از حزب وانوآ آکو موفق به ایجاد یک دولت جدید شد، دوام آورد. در این سال درآمد این کشور از جهانگردی به خاطر وضعیت متزلزل سیاسی در جزایر سلیمان و فیجی افزایش یافت و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، وانوآتو را در زمرهٔ کشورهایی قرار داد که پول‌شویی در آن رواج دارد. همچنین وانوآتو در ماه نوامبر ۲۰۰۱ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد.

ونزوئلا VENEZUELA

کشور ونزوئلا در شمال امریکای جنوبی و در ساحل جنوبی دریای کارائیب، جای دارد. این کشور از شمال به دریای کارائیب، از شمال خاوری به اقیانوس اطلس، از خاور به گویان، از جنوب به برزیل و از غرب به کلمبیا محدود است. سرزمین ونزوئلا به سه منطقه تقسیم می‌گردد:

الف - نواحی شمال و غرب که ادامهٔ رشته کوه‌های آند، کوه‌های مریدا و پریخا را در غرب این کشور تشکیل می‌دهد و رشته کوه‌های ساحلی نیز بخشی از شمال آن را در بر گرفته است. قله بولیوار با ۵۰۰۷ متر ارتفاع، در رشته کوه‌های مریدا واقع شده و بلندترین نقطهٔ ونزوئلا محسوب می‌شود.

ب - دشت مرکزی اورینوکو که به کشاورزی و دامداری اختصاص یافته است.

پ - ارتفاعات جنوب خاوری که تا مرز برزیل و گویان ادامه یافته و ارتفاعات گویان، سابانا، پاکارایما و پاریما را تشکیل داده است. این ناحیه از جنگلهای انبوه پوشیده شده و جمعیت پراکنده‌ای را در خود جای داده است و علفزارها و رودخانه‌های متعدد، از ویژگیهای آن است.

اقلیم ونزوئلا در ارتفاعات معتدل کوهستانی و در سایر نواحی گرم و مرطوب و نسبتاً پر باران است و رودخانه‌های اورینوکو (۲۸۱۹ کیلومتر) و ریزابه‌های متعدد آن، از جمله آپوره، کائورا، کارونی و متا از عمده‌ترین رودهای آن هستند.

بیشتر جمعیت ونزوئلا در تپه‌ماهورهای شمال زندگی می‌کنند و اراضی نفت‌خیز آن در کنار دریاچه ماراکایبو، نواحی شرق کاراکاس، در کنار خلیج پاریا و در ساحل دریای کارائیب قرار دارد. نفت، آهن، منگنز، بوکسیت، کروم، طلا و الماس از منابع زیرزمینی آن است. زدایش جنگلها و فرسایش خاک و نبودن فاضلاب‌های بهداشتی به ویژه در مناطق شهری و مراکز صنعتی از مهمترین تهدیدهای زیست محیطی این کشور است و آلودگی آب رودخانه‌ها و سواحل دریای کارائیب از جمله معضلات آن به شمار می‌آیند.



تاریخچه

زمانی که کریستف کلمب در سال ۱۴۹۸ به سواحل شمالی امریکای جنوبی پا گذارد، اقوام کارائیب در آن نواحی یا ونزوئلای امروزی زندگی می‌کردند. کلبه‌های بومیان که بر روی پایه‌های چوبی بنا شده بود، اسپانیایی‌های تازه‌وارد را به یاد ونیز انداخت و آنجا را ونزوئلا یعنی ونیز کوچک نامیدند. در دوران تسلط اسپانیایی‌ها بر ونزوئلا، سرزمین مزبور بخشی از نایب‌السلطنه‌نشین نیوگرانادا بود. در سال ۱۵۱۸ شارل (کارلوس) اول پادشاه اسپانیا در مقابل وامی که از یک بانک آلمانی گرفته بود، حق استعماری اسپانیا را به مؤسسهٔ مزبور واگذار کرد. در سال ۱۵۴۶ این امتیاز لغو شد و ونزوئلا دوباره به اسپانیا بازگشت. در ۱۵۶۷ کاپیتان دیگو د لوزادا شهر کاراکاس را در جلگهٔ ساحلی دریای کارائیب بنا نهاد. در سدهٔ هجدهم میلادی ونزوئلا به یکی از سودآورترین متصرفات اسپانیا از نظر کشت کاکائو مبدل شد و بردگان افریقایی در کشتزارهای آن به کار گمارده شدند و بدین طریق بود که سیاهان امروزی ونزوئلا وارد این سرزمین شدند.

در دههٔ اول سدهٔ نوزدهم زمانی که اسپانیا سرگرم جنگ با ناپلئون بناپارت بود، ساکنان ونزوئلا به فکر استقلال افتادند و فرانسیسکو میراندا در ۱۸۰۶ مبارزات استقلال طلبانهٔ خود را آغاز کرد و به همراهی سیمون بولیوار آزادیخواه معروف در پنجم ژوئیه ۱۸۱۱ استقلال ونزوئلا را اعلام داشت. اما سلطنت‌طلبان که مخالف استقلال ونزوئلا بودند، کنترل کشور را در دست گرفتند و فرانسیسکو میراندا را دستگیر و به اسپانیا فرستادند و سیمون بولیوار به کلمبیا گریخت و از آنجا رهبری جنگهای استقلال‌طلبانهٔ ونزوئلا را بر عهده گرفت. وی در سال ۱۸۱۲ برای دومین بار در جنگ علیه سلطنت‌طلبان مغلوب شد و این بار به هائیتی گریخت و در ۱۸۱۶ بار دیگر وارد ونزوئلا شد و پس از درهم شکستن مقاومت سربازان اسپانیایی در فوریهٔ ۱۸۱۹ به ریاست‌جمهوری ونزوئلا رسید. تحت رهبری بولیوار، کلمبیای بزرگ شامل ونزوئلا، کلمبیا، پاناما و اکوادور تشکیل گردید و در ۲۴ ژوئن ۱۸۲۳ جنگ استقلال ونزوئلا پایان یافت و قانون



نام رسمی: جمهوری بولیواری ونزوئلا

نام محلی: ونسوئلا Venezuela

اسامی دیگر: -

پایتخت: کاراکاس (۱،۹۷۵،۷۸۷ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۸۱۱/۷/۵، از اسپانیا

روز ملی: پنجم ژوئیه ، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی فدرال با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۶۱

رئیس حکومت: رئیس جمهور: هوگوچاوِز فریاس (جنبش جمهوری پنجم)، از سال ۱۹۹۹ به مدت ٦ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: هوگو چاوِز فریاس (جنبش جمهوری پنجم)، از سال ۱۹۹۹ به مدت ٦ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۲۰۰۰؛ مجلس ملی با ۱٦۵ عضو بـه مـدت ۵ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (۲۰۰۰): جنبش جمهوری پنجم ۹۲ کرسی؛ اقدام دموکراتیک ۳۳ کرسی؛ حزب سوسیال مسیحی ٦ کرسی؛ برنامه ونزوئلا ٦ کرسی؛ جنبش برای سوسیالیزم ٦ کرسی؛ آرمان رادیکال ۳ کرسی؛ میهن برای همه ۱ کرسی؛ همگرایی ملی ۱ کرسی؛ بقیه احزاب ۱۷ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی-آدب، اوپک، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۹۱۲،۰۵۰ کیلومترمربع (سی و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۲٤،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (چهلمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲٦/۵ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳٤/۸ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۸٦/۸؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۲/٤

توزیع سنی(۱۹۹۷): زیر ۱۵ سال ٪۳۵/٤؛ ۲۹-۱۵ سال ٪۲۷/٦؛ ۵۹-۳۰ سال ٪۳۰/۷؛ بالای ٦۰ سال ٪٦/۳

توزیع جنسی (۱۹۹۷): مرد ٪۵۰/۳۵؛ زن ٪٤۹/٦۵ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۷٦/۲ سال؛ مردان ۷۰ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۲۲/۳ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ٤/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۲٦/۵ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۷/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹٦): بیماریهای قلبی ۱۰۲/۹ نفر؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ۵۹ نفر؛ حوادث ۳۵/۸ نفر؛ بیماریهای عروقی ۳۳ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۲/٦ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٦۵ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر (۱۹۹۷): ۳/۸ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر (۱۹۹۷):** ۰/۹ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۳): دورگه سرخ و سفید ٪٦۷؛ سفیدپوست ٪۲۱؛ سیاهپوست ٪۱۰؛ سرخپوست ٪۲

دین(۲۰۰۰): کاتولیک ٪۸۹/۵؛ پروتستان ٪۲؛ سایر مسیحیان ٪۱/٤؛ روح گرا ٪۱/۱؛ بدون دین ٪۲/۲؛ بقیه ٪۳/۸

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)؛ زبانهای اقوام سرخپوست گواجیرو، گوارائونو، کارینیا و پمون؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): ماراکایبو ۱،۷٦٤،۰۳۸ نفر؛ والنسیا ۱،۳۳۸،۸۳۳ ؛ بارکیزیمتو ۸۷۵،۷۹۰؛ سیوداد گوایانا ۷۰٤،۱٦۸؛ (۱۹۹۰): ماراکای ۳۵٤،٤۲۸ ؛ سیوداد بولیوار ۲۲۵،۸٤٦؛ بارسلونا ۲۲۱،۷۹۲؛ سان‌کریستوبال ۲۲۰،٦۹۷؛ کومانا ۲۱۲،٤۹۲ نفر

بنادر مهم: ماراکایبو (دریاچه ماراکایبو)؛ لاگوایرا و پوئرتوکابلو (دریای کارائیب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: بولیوار (B)= ۱۰۰ سنتیمو؛ یک دلار= ٦۹۱/۲٦ بولیوار؛ یک بولیوار= ۱۱/٦ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۹،۰۱۷ میلیارد بولیوار؛ درآمد مالیاتی ٪۷۳/٦؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۲٦/٤ (شامل درآمدهای نفتی ٪۲٤/۹)

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ۱۰،٤٦۰ میلیارد بولیوار؛ یارانه ٪٤۳/۷؛ کالا و خدمات ٪۲۳/۹؛ هزینهٔ سرمایه‌ای ٪۱۸/۹؛ بازپرداخت بدهی‌ها ٪۱۱/۸

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۸۲،۰۹٦ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۳،۵۳۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ٪۱/۲؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٪۲/۸

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۵؛ صنعت ٪۳٤؛ خدمات ٪٦۱

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۵۵۳ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳،۷۳۷ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲٦،٦۹۲ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳٦/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۱۹/٦

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪٤۹/۲؛ ۱۹۹۸: ٪۲۱/۲؛ ۲۰۰۰: ٪۱۳/٤

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ٦،۸۵۰،۰۰۰ تن؛ ذرت ۱،۰۲٤،۰۰۰ تن؛ موز ۱،۰۰۰،٤۹٤ تن؛ برنج ٦۷۰،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۵۷۸،۰۰۰ تن؛ کاساوا ۵۸۸،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ٤۰۲،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۳۵۲،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۸): کشاورزی ٪٤؛ مرتع ٪۲۰/۷؛ جنگل و سایر موارد ٪۷۵/۳

تعداد دام زنده: گاو ۱۵،۹۹۲،٤۰۰ رأس؛ خوک ٤،۵۰۰،۰۰۰ رأس؛ بز ٤،۰۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۲،۰۳۸،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۵۰٦،۱۷۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۱۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱٦۷،۹۰۰ تن

تولیدات‌معدنی(۱۹۹۸): سنگ‌آهن ۱۹،۳۰۵،۰۰۰تن؛بوکسیت ٤،٦۳۳،۰۰۰ تن؛طلا۱٤،۰٤٦کیلوگرم؛الماس٤۰۱،۰٦۸ قیراط

تولیدات صنعتی(۱۹۹۷): (ارزش افزوده به میلیون بولیوار)؛ فلزات آهنی و غیر آهنی ۱٦،۳۵۵؛ مواد غذایی ۱۳،۲۷۷ ؛ مواد شیمیایی ۱۰،۰۰٤ ؛ نوشیدنی ۹،٤۸۰؛ لباس، منسوجات، چرم و کفش ۸،۳۱۱؛ مصنوعات فلزی ٦،٤۱۳؛ خاک رس، شیشه و محصولات معدنی غیر فلزی ٦،۱۹۵؛ محصولات لاستیکی و پلاستیکی ٤،۷۹۸

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۷٤،۹٦۸،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۷٤،۸۱۷،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۳،٤۸٦،۰۰۰ تن (۳۲۸،۰۰۰)؛ نفت خام: ۱،۰۰۵،۵۲٦،۰۰۰ بشکه (۳۷۰،۷۲۲،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۵٤،۸٤۷،۰۰۰ تن (۲۳،۰۹٦،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۳۹،٤۱۱،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۳۹،٤۱۱،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۷): ۹،۵۰۷،۱۲۵ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۱/۷؛ میزان مشارکت (۱۵ سال به بالا) ٪٦٤/٦؛ زنان (۱۵ سال به بالا): ٪۳۵/۹؛ میزان بیکاری: ٪۱۰/٦؛ ۲۰۰۰: ٪۱۳/۹

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ٪۹/۳؛ صنعت ٪۲٤/۹؛ خدمات ٪٦۵/۸

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲٤ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۷۹،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۷۲/۱؛ نیروی دریایی ٪۱۹؛ نیروی هوایی ٪۸/۹؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۷): ۸۲ دلار

واردات(۱۹۹۸): (آمار شش ماههٔ اول سال): ۷،۷۹٤ میلیون دلار؛ شامل کالاهای صنعتی اساسی و اولیه ٪۲۸؛ ماشین‌آلات ٪۲۲/۱؛ تجهیزات حمل و نقل ٪۲۲/۱؛ کالاهای مصرفی صنعتی ٪۱۷/۸؛ مصالح و مواد ساختمانی ٪٥/٤؛ از امریکا ٪٤٦؛ کشورهای گروه آند ٪۷؛ ژاپن ٪۵؛ آلمان ٪٤/۱؛ ایتالیا ٪۳/۹

صادرات(۱۹۹۸): ۱۷،۵۳٤ میلیون دلار؛ شامل نفت خام و فرآورده‌های نفتی ٪٦۹/۸؛ فلزات اساسی و قیمتی ٪٦/٦؛ به امریکا ٪٤۸/۵؛ کشورهای گروه آند ٪۱۱/۱؛ کانادا ٪۲/۱؛ انگلستان ٪۲

تراز بازرگانی:	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
میلیون بولیوار	+۱،٤۰۷/۷	+۵،۹۹٦/۸	+۳،۸۵۸/۳	+۱،٦٤۲/۲	+٤،۳۸۸/۵	+۱۱،٦۹٤/۷
درصد کل	٪۲۷/۲	٪٤٤/۳	٪۲۳/۱	٪۹/٦	٪۲۱/۷	٪۳۷/۱

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۳۸/۹	٦۲/۵	۱۰۰	۱۹۹/۹	۲۹۹/۹	٤۰۷/۲	۵۰۳/۲	۵۸٤/۷
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۹۰): ۵/۱ نفر ؛ درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۸۱): ٤۲،٤۹۲ بولیوار؛ هزینه‌ها(۱۹۹۵): غذا ٪٤۰/٦؛ مسکن ٪۱۳/۸؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۸/٦؛ پوشاک ٪۵/۳؛ آموزش و سرگرمی ٪۲/۹

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ٦۵٦ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۱،٦٤٦ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۷): ۹۵،٦٦٤ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹٤):** ٦۲۷ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۷): ۱،۵۰۵،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۷):** ۵٤۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۲۷۱ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲۰ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۸٦ روزنامه در ٤،٦۰۰،۰۰۰ نسخه (۲۰٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۳،٤٦۸ عنوان در ۷،٤۲۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ: ۲،۱۳۹/۵ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱۰،۷۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۷۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ٤،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۱۸۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲،۷۱۲،۰۰۰ خط تلفن (۱۱۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲،۰۱۵،۰۰۰ خط (۸۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۱،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۵۲۵،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	۱٤،٦۰۱	۲۰۲،۱۹۵	٤،۲٦۲،۲۲۱	۲۱/۱
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۲،۱۷۷	۳۹،٦۰۱	۳۷۷،۹۸٤	۹/۵
عالی	۹۹	٤۳،۸۳۳	۷۱۷،۱۹۲	۱۲/٦

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ٪۹۱/۱؛ مردان: ٪۹۱/۸؛ زنان ٪۹۰/۳

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال (۱۹۹۳): ابتدایی ٪٤۳/۷؛ متوسطه ٪۳۸/۳؛ فوق دیپلم و عالی ٪۱۰

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۲۸،۳٤۱ نفر (هر ۸۰٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۳۸،۹۲٤ تخت (هر ۵۸۵ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۸۲،۰۰۰ نفر (٪۰/٦۹ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۲٦/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،۳۲۱ کالری (٪۹۰ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو) مصرف پروتئین: ۵۹ گرم؛ مصرف چربی: ٦٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۱ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ٪۱/۱

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۸/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱٤٤/۷ میلیون تن؛ هر نفر ٦/۵ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۷۷۰ (شصت و پنجمین کشور جهان)

اساسی کشور تدوین گردید. بولیوار در سال ۱۸۳۰ درگذشت و ژنرال خوزه آنتونیو پائز، ونزوئلا را از کلمبیای بزرگ جدا کرد و موجودیت جمهوری مستقل ونزوئلا را اعلام داشت و حدود ۱۵ سال بر ونزوئلا حکومت کرد.

آنتونیو گوزمن بلانکو که در سال ۱۸۷۹ به قدرت رسید، در پیشبرد کشور و گسترش تکنولوژی جدید تلاش فراوان کرد. در ۱۹۰۸ خوآن ویسنته گومز قدرت را در دست گرفت و ۲۷ سال بر ونزوئلا فرمانروایی کرد. وی پایه‌های اقتصاد ونزوئلا را محکم کرد و با جلب سرمایه‌های خارجی ونزوئلا را از لحاظ شبکهٔ راه‌آهن و راههای شوسه و تأسیسات عمومی در ردیف کشورهای پیشرفته قرار داد. گومز در سال ۱۹۳۵ درگذشت و به دنبال مرگ وی اغتشاشات گسترده‌ای سراسر کشور را در بر گرفت و سرانجام در سال ۱۹۳۷ ژنرال الئازار کونتراراس زمام امور کشور را در دست گرفت. وی در سال ۱۹۴۱ به وسیلهٔ ژنرال ایسایاس مدینا آنگاریتا برکنار شد. وی در اقدامی کم‌نظیر در میان دیکتاتورهای ونزوئلا، حزب اقدام دموکراتیک را به رسمیت شناخت و فعالیت‌های آن صورت قانونی گرفت. در اکتبر ۱۹۴۵ گروهی از افسران جوان ناسیونالیست دست به کودتا زدند و رهبر حزب اقدام دموکراتیک به نام رومولو بتانکور را به ریاست جمهوری برگزیدند.

در سال ۱۹۴۷ قانون اساسی جدید ونزوئلا تدوین و تصویب گردید و در انتخابات همان سال رومولو گایگوس به ریاست جمهوری برگزیده شد. کودتای نظامی سال ۱۹۴۸ گایگوس را سرنگون کرد و مارکوس پرز خیمنث با استبداد تمام به حکومت پرداخت. ده سال بعد در ژانویهٔ ۱۹۵۸ خیمنث در پی آشوب و انقلاب عمومی سرنگون گردید و در پی انتخابات آزاد همان سال رومولو بتانکور به ریاست جمهوری برگزیده شد. وی با مسافرت به کشورهای عمدهٔ تولید و صادرکنندهٔ نفت مانند ایران، مصر، عربستان، عراق و کویت و با جلب همکاری آنان سازمان کشورهای صادرکنندهٔ نفت (اوپک) را پایه‌گذاری کرد. در انتخابات سال ۱۹۵۸ بتانکور مجدداً به ریاست جمهوری رسید و از ژانویهٔ ۱۹۵۹ رسماً شروع به کار کرد. در دور دوم ریاست جمهوری بتانکور مخالفت‌های زیادی از سوی احزاب و گروههای دست چپی صورت گرفت و درسال ۱۹۶۴ رائول لئونی رئیس جمهور شد. وی علیه چپگراها به شدت عمل دست زد و در سال ۱۹۶۸ ونزوئلا به سومین تولیدکنندهٔ نفت جهان تبدیل گردید و از نظر صادرات نفتی در مقام اول قرار گرفت.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۸ رافائل کالدرا به مقام ریاست جمهوری برگزیده شد. وی موفق شد که به فعالیتهای چریکی پایان دهد و اختلافات مرزی میان ونزوئلا و گویان را برطرف سازد. در انتخابات دسامبر ۱۹۷۳ کارلوس آندرس پرز از حزب اقدام دموکراتیک به ریاست جمهوری رسید. وی در سال ۱۹۷۴ صنایع عمدهٔ کشور از جمله صنعت نفت ونزوئلا را ملی کرد و در دسامبر ۱۹۷۴ روابط ونزوئلا و کوبا را بهبود بخشید. در انتخابات دسامبر ۱۹۷۸ لوئیس اررا کامپینس به ریاست جمهوری برگزیده شد و جای خود را در انتخابات دسامبر ۱۹۸۳ به خائیمه لوسینچی واگذار کرد. در انتخابات دسامبر ۱۹۸۸ کارلوس آندرس پرز برای بار دیگر به ریاست جمهوری رسید. در اوایل سال ۱۹۹۲ محبوبیت کارلوس پرز به حداقل رسید و در چهارم فوریهٔ ۱۹۹۲ گروهی از افسران ارتش، کودتایی را علیه وی ترتیب دادند. کودتای مزبور که به وسیلهٔ سرهنگ فرانسیسکو آریاس رهبری می‌شد، شکست خورد و عدهٔ زیادی از افسران ارتش از جمله سرهنگ آریاس و هوگو چاوز از اعضای جنبش نظامی بولیوار ۲۰۰، بازداشت شدند. به دنبال آن پرز با حمایت مجلس ملی کلیهٔ حقوق قانون اساسی را ملغی کرد و آزادی‌ها محدود شد و گروهی از افسران به محاکمه کشیده شدند. تنش‌های سیاسی و نظامی در مارس ۱۹۹۲ مجدداً آغاز شد و از کارلوس پرز خواسته شد تا از مقام خود کناره‌گیری کند. به دنبال آن کارلوس پرز مردم را به همه‌پرسی برای تصویب قانون اساسی جدید دعوت کرد. اما شورش‌ها ادامه یافت و اعتصابات و تظاهرات خیابانی وسعت گرفت و دانشجویان و معترضان برکناری رئیس جمهور و آزادی افسران بازداشت شده را خواستار گردیدند. در ۲۷ نوامبر ۱۹۹۲ کودتای دیگری نیز صورت گرفت که با حمایت نیروی هوایی سرکوب شد. سرانجام کارلوس پرز در مه ۱۹۹۳ از کار برکنار گردید و رامون ولاسکز موقتاً به جای او منصوب شد. در ۵ دسامبر ۱۹۹۳ رافائل کالدرا به ریاست جمهوری رسید. وضع اقتصادی کشور بعد از سال ۱۹۹۴ رو به وخامت نهاد و بانک‌ها ورشکسته شدند. طی سپتامبر ۱۹۹۵ تا مارس ۱۹۹۶ بهای سوخت مصرفی کشور دو برابر شد و بالطبع در هزینهٔ زندگی اثر نامطلوب گذارد. در مارس ۱۹۹۸ ونزوئلا و عربستان سعودی و مکزیک تولید روزانهٔ نفت خود را کاهش دادند تا مگر بهای نفت در بازارهای بین‌المللی افزایش یابد.

در انتخابات ریاست جمهوری دسامبر ۱۹۹۸، هوگو چاوز فریاس، از رهبران کودتای نافرجام سال ۱۹۹۲، با کسب ۵۶/۵٪ آراء به پیروزی رسید. وی در نطقی که در مراسم تحلیف خود در فوریه ۱۹۹۹ ایراد کرد، قول داد با یک انقلاب صلح‌آمیز با فقر گسترده و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و فساد در سطح مدیریت کشور مبارزه کند. طبق آمارهای سال ۱۹۹۹ حدود ۸۰٪ مردم این کشور زیر خط فقر به سر می‌برند. بلافاصله وی با برگزاری یک همه‌پرسی که با رأی مثبت ۸۰٪ رأی دهندگان مواجه شد به تشکیل مجلس مؤسسان پرداخت و این مجلس نیز قانون اساسی جدیدی را به تصویب رساند که به موجب آن کنگره دو مجلسی این کشور منحل اعلام گردید و به جای آن یک مجلس قانونگذاری با عنوان مجلس ملی به وجودآمد. همچنین نام رسمی کشور به «جمهوری بولیواری ونزوئلا» تغییر یافت. و اصول متعددی به نفع آزادی‌ها و حقوق فردی شهروندان و به ویژه بومیان، در آن گنجانده شد.

سیل‌های گسترده سال ۱۹۹۹، حدود ۵۰,۰۰۰ نفر را به کشتن داد و خسارات بسیار زیادی به زیرساخت‌های اقتصادی کشور وارد کرد.

در انتخابات ژوئیه ۲۰۰۰، هوگو چاوز با کسب ۵۹٪ آراء در مقابل همرزم سابق خود فرانسیسکو آریاس کاردناس به پیروزی رسید. در انتخابات پارلمانی همین سال، جنبش جمهوری پنجم به رهبری هوگو چاوز توانست با کسب ۹۲ کرسی اکثریت اعضای مجلس ملی را نیز به خود اختصاص دهد. در همه پرسی ماه دسامبر، مردم این کشور با تعلیق رهبران اتحادیه‌های کارگری موافقت کردند و قرار شد که انتخابات جدیدی برای جایگزینی آنان که با برنامه‌های اصلاحی چاوز مخالفت می‌کردند، برگزار شود. اگرچه احزاب طرفدار چاوز در انتخابات شوراهای شهرداری‌ها در سال ۲۰۰۱، حدود ۷۲ درصد آراء را به دست آوردند، اما در انتخابات رهبران اتحادیه‌های کارگری با شکست بزرگی مواجه شدند و کمتر از ۱۰ درصد آراء را به خود اختصاص دادند. همین امر موجب شد تا اتحادیه‌های کارگری اعتصابات و اعتراضات زیادی را در سال ۲۰۰۲ تدارک ببینند که در نهایت منجر به کودتای آوریل ۲۰۰۲ در حمایت از مخالفان چاوز شد. بلافاصله پس از وقوع این کودتا، دولت‌امریکا که با سیاست‌های هوگوچاوز مخالف بود به حمایت از آن برخاست، اما در پی تظاهرات گستردهٔ مردم در حمایت از چاوز، کودتا با شکست مواجه شد و هوگوچاوز به مسند امور بازگشت.

ویتنام VIETNAM

کشور ویتنام در آسیای جنوب خاوری و در کنار دریای چین جنوبی و خلیج تونکن جای دارد. این کشور از شمال به چین، از خاور به خلیج تونکن و دریای چین جنوبی، از جنوب به دریای چین جنوبی و از غرب به کشورهای کامبوج و لائوس محدود است.





نام رسمی: جمهوری سوسیالیستی ویتنام

نام محلی: ویِتنام Viet Nam

اسامی دیگر: -

پایتخت: هانوی(٤،٥٤٩،٠٠٠ نفر در سال ١٩٩٩)

تاریخ استقلال: ١٩٤٥/٩/٢، از فرانسه؛ اتحاد ویتنام شمالی و جنوبی : ١٩٧٦

روز ملی: دوم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری سوسیالیستی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ١٩٨٠

رئیس حکومت: رئیس جمهور: تران دوک لوئونگ، از سال ١٩٩٧ به مدت ٥ سال توسط مجلس ملی

رئیس دولت: نخست‌وزیر: فان وان خای، از سال ١٩٩٧

قوه مقننه: قانون اساسی سال ١٩٩٢؛ مجلس ملی با ٤٥٠ عضو به مدت ٥ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی (١٩٩٧): حزب کمونیست ویتنام ٣٨٤ کرسی، متحدان حزب کمونیست ٦٣ کرسی، نمایندگان منفرد ٣ کرسی؛ در انتخابات سال ٢٠٠٢، فقط جبهه میهنی ویتنام، متشکل از حزب کمونیست ویتنام و سایر احزاب همسو، اجازه شرکت داشتند و به علاوه، ٥٤ نفر به صورت مستقل وارد مجلس ملی شده‌اند

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (١٩٧٧)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یااآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی (تقاضای عضویت)، آدب، آپک، آسه‌آن، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ٣٣١،٠٤١ کیلومترمربع (شصت و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ٧٩،٨٠٠،٠٠٠ نفر در سال ٢٠٠٠ (سیزدهمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ٢٤١/١ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(٢٠٠٠-١٩٩٥) :** ١/٦٪

پیش‌بینی جمعیت (٢٠٢٥): ١٠٨ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤٦ سال

جمعیت شهری (١٩٩٨): ١٩/٥٪؛ رشد سالانه (٢٠٠٠-١٩٩٥): ٣/٥٪

توزیع سنی(١٩٩٧): زیر ١٥ سال ٣٥/٥٪؛ ٢٩-١٥ سال ٢٨/٣٪؛ ٥٩-٣٠ سال ٢٨/٧٪؛ بالای ٦٠ سال ٧/٥٪

توزیع جنسی (١٩٩٧): مرد ٤٩/٠٣٪؛ زن ٥٠/٩٧٪ | **امید به زندگی(١٩٩٩):** زنان ٧١/٥ سال؛ مردان ٦٦/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(١٩٩٩): ٢٢ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(١٩٩٩):** ٦/٣ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهرهزارتولد(١٩٩٩): ٣٢/٢ نفر | **رشدطبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(١٩٩٩):** ١٥/٧ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: ؟

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(١٩٩٩): ٢/٦ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ١٦٠ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(١٩٨٩): ویتنامی ٨٦/٨٪؛ تهو (تای) ١/٩٪؛ تائی ١/٦٪؛ چینی ١/٤٪؛ خمر ١/٤٪؛ مونگ ١/٤٪؛ نونگ ١/١٪

دین(١٩٩٥): بودایی ٦٦/٧٪؛ مسیحی ٨/٧٪؛ (کاتولیک ٧/٧٪؛ پروتستان ١٪)؛ کائودای ٣/٥٪؛ هواهائو ٢/١٪

زبان و خط: ویتنامی (زبان رسمی)؛ چینی، فرانسوی، انگلیسی؛ خط: ویتنامی

شهرهای مهم(١٩٩٢): هوشی‌مینه‌سیتی ٤،٥٤٩،٠٠٠ نفر؛ هایفونگ ٧٨٣،١٣٣ نفر؛ دانانگ ٣٨٢،٦٧٤ نفر؛ بوئون ماتوئوت ٢٨٢،٠٩٥ نفر؛ ناترانگ ٢٢١،٣٣١ نفر؛ هوئه ٢١٩،١٤٩ نفر؛ کان‌تو ٢١٥،٥٨٧ نفر

بنادر مهم: هوشی‌مینه‌سیتی و دانانگ (دریای چین جنوبی)؛ هایفونگ (خلیج تونکن)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دونگ (D)= ١٠ هائو؛ یک دلار = ١٤،٢٦٠ دونگ؛ صد دونگ= ٥٦/١ ریال

درآمد بودجه(١٩٩٨): ٧٣،٠٠٠ میلیارد دونگ؛ درآمد مالیاتی ٨٠/٨٪ (شامل مالیات بر معاملات ٢٠/٤٪؛ مالیات بر درآمد شرکتها ١٧/٩٪؛ مالیات بر فروش ١٦/٢٪)؛ درآمد غیر مالیاتی ١٦/٣٪؛ کمک‌های بلاعوض ٢/٩٪

هزینه بودجه(١٩٩٨): ٨٠،٢٠٠ میلیارد دونگ؛ هزینه‌های جاری ٦٧/٦٪ (شامل خدمات اجتماعی ٣٠/٤٪)؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ٢٥/٦٪؛ سایر موارد ٦/٨٪

تولید ناخالص ملی(١٩٩٨): ٢٦،٥٣٥ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(١٩٩٨):** ٣٥٠ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ٩٥-١٩٧٥): ؟ ؛ ٩٨-١٩٩٠: ٨٪

منشاء تولید ناخالص ملی(١٩٩٨): کشاورزی ٢٥/٧٪؛ صنعت ٣٢/٦٪؛ خدمات ٤١/٧٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ٩٢-١٩٨٧): ٢٠٦ میلیون دلار؛ (١٩٩٨): ١،٩٠٠ میلیون دلار

بدهی خارجی(١٩٩٨): ١٩،٧٧٥ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(١٩٩٨) :** ١،١٦٢/٩+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(١٩٩٨): ٢١/٣٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ٩٨-١٩٩٠): ١٨/٥٪؛ ١٩٩٨: ٨/٩٪؛ ٢٠٠٠: ٠/٦٪

محصولات کشاورزی (١٩٩٨): برنج ٢٩،١٤٢،٠٠٠ تن؛ نیشکر ١٣،٨٤٣،٠٠٠؛ کاساوا ١،٧٨٣،٠٠٠؛ ذرت ١،٦١٢،٠٠٠ ؛ سیب‌زمینی شیرین ١،٥١٧،٠٠٠؛ موز ١،٣١٥،٠٠٠؛ نارگیل ١،٢٧١،٠٠٠؛ قهوه ٤٠٩،٠٠٠؛ بادام زمینی ٣٨٦،٠٠٠؛ پرتقال ٣٧٩،٠٠٠؛ کائوچو ٢٢٦،٠٠٠؛ آناناس ١٩٦،٠٠٠؛ فلفل قرمز شیرین ٧٤،٠٠٠؛ چای ٥١،٠٠٠ تن

کاربری زمین(١٩٩٤) : کشاورزی ٢١/٥٪؛ مرتع و چمنزار ١٪؛ جنگل ٢٩/٦٪؛ سایر موارد ٤٧/٩٪

تعداد دام زنده (١٩٩٨): خوک ١٨،١٣٢،٠٠٠ رأس؛ گاو ٣،٩٨٤،٠٠٠ رأس؛ بوفالو ٢،٩٥١،٠٠٠ رأس

تولید چوب(١٩٩٨): ٣٥،٩١٠،٠٠٠ مترمکعب | **صید ماهی(١٩٩٧):** ١،٠٦٦،٠٠٠ تن

تولید مرغ(١٩٩٩): ١٧٩،٣٢٣،٠٠٠ قطعه | **تولید تخم مرغ(١٩٩٩):** ١٦٤،٤٠٠ تن

تولیدات‌معدنی(١٩٩٧): سنگ فسفات ٤٩٠،٠٠٠ تن؛ قلع ٤،٧٠٠ تن؛ طلا ١٠،٠٠٠ کیلوگرم

تولیدات‌صنعتی(١٩٩٧): سیمان ٧،٤٧٥،٠٠٠ تن؛ شکرخام ٥٨٩،٠٠٠ تن؛فولاد خام ٣٣٠،٠٠٠ تن؛ کود فسفاته ١٣٧،٠٠٠ تن آبجو ٥،٣٣٠،٠٠٠ هکتولیتر؛ لباس ١٤٥،٠٠٠،٠٠٠ دست؛ دوچرخه ٥٦،٠٠٠ دستگاه

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (١٩٩٦): ١٦،٣٢٠،٠٠٠،٠٠٠ کیلووات ساعت (١٦،٣٢٠،٠٠٠،٠٠٠)؛ زغال‌سنگ: (١٩٩٧): ٧،٦٠٠،٠٠٠ تن (١٩٩٦: ٥،٥٥١،٠٠٠)؛ نفت خام (١٩٩٧): ٦٠،٠٠٠،٠٠٠ بشکه (١٩٩٦: ٢٨٣،٣٠٠)؛ فرآورده‌های نفتی (١٩٩٦): ٣٨،٠٠٠ تن (٥،٤٨٣،٠٠٠)؛ گاز طبیعی: ٧،٧٠٠،٠٠٠ مترمکعب (٧،٧٠٠،٠٠٠)

نیروی کار(١٩٨٩): جمعیت فعال اقتصادی: ٣٠،٥٢١،٠١٩ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤٧/٤٪؛ میزان مشارکت (در سنین ١٥ تا٦٤): ٧٩/٩٪؛ زنان (در سنین ١٥ تا ٦٤): ٥١/٧٪؛ میزان بیکاری (١٩٩٧): ١٠/٣٪؛ ٢٠٠٠: ٦/٤٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ٦٧/١٪؛ صنعت ١٢/٥٪؛ خدمات ٢٠/٤٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ٢ سال؛ تعداد نفرات ارتش (٢٠٠٠): ٤٨٤،٠٠٠ نفر؛ نیروی زمینی ٨٥/١٪؛ نیروی دریایی ٨/٧٪؛ نیروی هوایی ٦/٢٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(١٩٩٧): ٤٥ دلار

واردات(١٩٩٨): ١١،٥٢٧ میلیون دلار؛ شامل تجهیزات ماشینی (از جمله هواپیما) ١٧/٨٪؛ فرآورده‌های نفتی ٧/٢٪؛ منسوجات، پوشاک و چرم ٧/١٪؛ آهن و فولاد ٤/٥٪؛ نامشخص ٥٠/١٪؛ از سنگاپور ١٣/٤٪؛ کرهٔ جنوبی ١٢/١٪؛ ژاپن ١١/٨٪؛ تایوان ١٠/٨٪؛ چین ٩/١٪

صادرات(١٩٩٨): ٩،٣٦٥ میلیون دلار؛ شامل پوشاک ١٤/٤٪؛ نفت خام ١٣/٢٪؛ برنج ١٠/٩٪؛ کفش ١٠/٧٪؛ محصولات دریایی ٨/٧٪؛ قهوه ٦/٣٪؛ به ژاپن ١٨٪؛ آلمان ٩/٢٪؛ امریکا ٦/٢٪؛ فرانسه ٥/٨٪؛ استرالیا ٥/٤٪

تراز بازرگانی:	١٩٩٢	١٩٩٣	١٩٩٤	١٩٩٥	١٩٩٦	١٩٩٧
میلیون دلار	-١٠٩	-٩٣٩	-١،٧٧٢	-٢،٧٠٦	-٣،٨٨٨	-٢،٣٧١
درصد کل	١/٨٪	١٣/٦٪	١٧/٩٪	١٩/٩٪	٢١/١٪	١١/٨٪

شاخص قیمتها و درآمدها (١٠٠=١٩٩٥):	١٩٩٥	١٩٩٦	١٩٩٧	١٩٩٨	١٩٩٩	٢٠٠٠	٢٠٠١
شاخص قیمتهای مصرفی	١٠٠	١٠٥/٧	١٠٩/١	١١٧	١٢١/٨	١١٩/٧	١١٨/٩
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (١٩٨٩): ٤/٨ نفر؛ درآمد هر خانوار (١٩٩٠): ٥٧٧،٠٠٨ دونگ؛ منابع درآمد:؟ هزینه‌ها (١٩٩٠): غذا ٦٢/٤٪؛ پوشاک ٥٪؛ لوازم خانگی ٤/٦٪؛ آموزش ٢/٩٪؛ مسکن ٢/٥٪

جهانگردی(١٩٩٧): درآمد: ٨٨ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(١٩٩٦): ٩٣،٣٠٠ کیلومتر | **راه‌آهن(١٩٩٩):** ٣،١٤٢ کیلومتر

تعداد اتومبیل: ؟ | **تعدادکامیون‌واتوبوس و اتومبیل(١٩٩٤):** ٢٠٠،٠٠٠ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ٢٣٠ فروند | **فرودگاه(١٩٩٧):** ١٢ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(١٩٩٦): ١٠ روزنامه در ٣٠٠،٠٠٠ نسخه (٤ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ٣٣٨ عنوان در ٢،٧١٠،٠٠٠ نسخه

کتاب: ٥،٥٨١ عنوان در ٨٣،٠٠٠،٠٠٠ نسخه (میانگین تیراژ: ١٤،١٧١/٩ نسخه)

رادیو(١٩٩٧): ٨،٢٠٠،٠٠٠ گیرندهٔ رادیویی (١٠٩ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(١٩٩٧): ٣،٥٧٠،٠٠٠ گیرندهٔ تلویزیونی (٤٧ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(١٩٩٨): ٢،٠٠٠،٠٠٠ خط تلفن (٢٦ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(١٩٩٨): ١٨٧،٠٠٠ خط (٢/٤ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(١٩٩٩): ٧٠٠،٠٠٠ دستگاه | **اینترنت(١٩٩٩):** ١٠٠،٠٠٠ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (١٩٩٨)	؟	٣٢٤،٤٣١	١٠،٤٣١،٣٣٧	٣٢/٢
متوسطه	؟	٢٢٦،٤٩١	٦،٦٤٢،٣٥٠	٢٩/٣
فنی و حرفه‌ای	؟	٩،٣٣٦	١٧٢،٤٠٠	١٨/٥
عالی	١٠٩	٢٣،٥٢٢	٥٠٩،٣٠٠	٢١/٧

میزان باسوادی(١٩٩٥): افراد بالای ١٥ سال: ٩١/١٪؛ مردان: ٩٤/٨٪؛ زنان: ٨٧/٨٪

میزان تحصیلات افراد بالای ٢٥ سال(١٩٨٩): ابتدایی ٦٩/٨٪؛ متوسطه ١٠/٦٪؛ عالی ٢/٦٪

تعداد پزشک(١٩٩٧): ٣٢،٩٠٠ نفر (هر ٢،٢٨٣ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (١٩٩٧): ١٩٧،٩٠٠ تخت (هر ٣٨٠ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(١٩٩٧): افراد ٠ تا ٤٩ ساله: ٨٨،٠٠٠ نفر (٠/٢٢٪ افراد ١٥ تا ٤٩ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(١٩٩٧): در هر صد هزار نفر ١١١ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(١٩٩٩): ٢،٥٦٤ کالری (١١٩٪ حداقل مقدار کالری مورد نیازتوصیه شده توسط فائو)؛ (١٩٩٧): مصرف پروتئین: ٥٧ گرم؛ مصرف چربی: ٣٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (١٩٩٠-١٩٨٠): ٠/٩٪ ؛ (١٩٩٥-١٩٩٠): ١/٤٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(١٩٩٧): ١/٢ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (١٩٩٦): ٣٧/٧ میلیون تن ؛ هر نفر ١٠/٨ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (١٩٩٨): ٠/٦٧١ (صد و هشتمین کشور جهان)

سرزمین باریک و دراز ویتنام که در بخش خاوری شبه جزیرهٔ هندوچین و در ساحل غربی خلیج تونکن و دریای چین جنوبی واقع است، تحت تأثیر پدیدهٔ مونسون یا بادهای موسمی از اقلیم گرم و بارانی برخوردار است. سراسر کشور تقریباً از جنگلهای بارانی مستور است و به وسیلهٔ شبکهٔ وسیعی از رودخانه‌ها چون مکونگ(۴۵۰۰ کیلومتر)، سونگ‌کویی(رود سرخ)، سونگ‌بو، لو، کا و دونگ‌نائی مشروب می‌گردد.

ارتفاعات آن تقریباً از شمال به جنوب کشیده شده و بلندترین نقطهٔ آن به نام قلّهٔ فان سی پان واقع در شمال، ۳۱۴۳ متر ارتفاع دارد. دلتاهای رود سونگ‌کویی در شمال و رود مکونگ در جنوب دشتهای آبرفتی وسیع و حاصلخیزی را فراهم آورده و بیشتر جمعیت را به کشاورزی تشویق کرده و به کشت برنج و غلات مشغول داشته است.

قطع درختان جنگلی به منظور سوخت و خانه‌سازی، به زدایش جنگل‌ها منجر گردیده و جنگ خشونت‌بار ویتنام به ویژه از نظر کاربرد سلاح‌های شیمیایی به وخامت وضع اراضی و جنگل‌های موجود انجامیده است.

تاریخچه

ملت ویتنام پس از قرن‌ها کشمکش و مبارزه علیه قدرت‌های مختلف، شکل گرفت. مردم ویتنام در سدهٔ نهم میلادی قدرت خاندان سلطنتی هان چین را در هم شکستند و به تسلط نزدیک به هزار سالهٔ آنان پایان دادند. در سده‌های یازدهم و دوازدهم حملات مغول‌ها را به فرماندهی چنگیزخان دفع کردند. طی سده‌های ۱۵ و ۱۸ بر خاندان‌های سلطنتی مینگ و چینگ پیروز شدند و در سدهٔهجدهم میلادی خمرها را که به سرزمینشان تجاوز کرده بودند، به عقب راندند.

در سال ۱۸۶۰ فرانسوی‌ها شروع به تصرف هندوچین نمودند و سرسختی و مقاومت سازمان نیافتهٔ ویتنامی‌ها آنان را حدود سی سال به خود مشغول داشت. در سال ۱۹۰۰ فرانسوی‌ها تسلط خود را بر ویتنام تکمیل کردند و سرزمین مزبور را به سه بخش تونکن در شمال، آنام در مرکز و کوشنشین در جنوب تقسیم کردند و برای مبارزه با نفوذ فرهنگ چینی به آموزش و تعمیم الفبای لاتین برای تحریر زبان ویتنامی پرداختند ولی در مبارزه با فرهنگ ملی ویتنامی‌ها عاجز و درمانده شدند.

در دههٔ ۱۹۲۰ احزاب مارکسیست - لنینیست در صحنهٔ سیاست ویتنام شروع به خودنمایی کردند و پس از اتحاد و ادغام در یکدیگر حزب کمونیست هندوچین را تحت رهبری نگوین‌تات‌تان که بعدها به هوشی‌مینه معروف گردید، تأسیس نمودند. حزب کمونیست هندوچین بعداً به سه قسمت به نام احزاب کمونیست کامبوج، لائوس و ویتنام تقسیم گردید.

در جنگ جهانی دوم کشور ویتنام به وسیلهٔ ژاپنی‌ها اشغال شد و حزب کمونیست ویتنام مبارزهٔ خود را علیه اشغالگران ژاپنی آغاز نمود. در۱۹۴۱ هوشی‌مینه نهضت ویتمین به معنای اتحادیه ویتنام برای استقلال را پایه گذاری کرد و ملیون و کارگران و رعایا و خرده مالکان را در آن گرد هم آورد و در مقابل بازگشت فرانسویان شروع به مقاومت نمود و یک حکومت جمهوری به مرکزیت هانوی تأسیس نمود. در مارس ۱۹۴۶ نیروهای فرانسوی به هانوی رسیدند وپس از زد و خوردهایی چند آنام و تونکن را به عنوان دولتهای آزاد ویتنام در داخل فدراسیون هندوچین به رسمیت شناختند ولی از الحاق کوشنشین به کشور جدید جلوگیری کردند. در نوامبر ۱۹۴۶ جنگ میان فرانسویان و دولت ویتنام آغاز گردید. فرانسویان از گفتگو با هوشی‌مینه و دیگر سران ویتمین خودداری کردند و بائودائی امپراتور پیشین آنام را در سال ۱۹۴۹ به فرمانروایی ویتنام گماشتند و کوشنشین رانیز ضمیمهٔ قلمرو او نمودند.

با نزدیک شدن نیروهای چین کمونیست به مرزهای شمالی هندوچین و حمایت اتحاد جماهیر شوروی از نیروهای ویتمین، فرانسوی‌ها به تقویت ارتش بائودائی پرداختند. چین کمونیست و اتحاد جماهیر شوروی نیز رژیم هوشی‌مینه را مورد حمایت قرار دادند. در فوریهٔ ۱۹۵۰ فرانسه از کشور امریکا برای کمک رساندن به رژیم بائودائی استمداد کرد. شورش‌هایی که علیه رژیم دست نشاندهٔ بائودائی روز به روز وسعت می‌گرفت، عرصه را بر فرانسویان تنگ کرد تا جایی که در اوایل سال ۱۹۵۴ وضع نظامی آنان وخیم شد. در این موقع نیروهای ویتمین دژ استراتژیک دین‌بین‌فو در نزدیکی مرز لائوس را محاصره کردند و بر عملیات و حملات خود علیه فرانسویان شدت بخشیدند. در ماه مه ۱۹۵۴ دین‌بین‌فو سقوط کرد و فرانسویان را وادار نمود تا پیمان آتش‌بس کنفرانس ۱۹۵۴ ژنو را به زیان خود امضاء کنند. به موجب پیمان مزبور، ویتنام در امتداد مدار ۱۷ درجه عرض جغرافیایی به دو قسمت گردید. ویتنام شمالی به تصرف دولت کمونیست هوشی‌مینه درآمد و ویتنام جنوبی در اختیار دولت دست‌نشاندهٔ بائودائی قرار گرفت.

در ویتنام شمالی هوشی‌مینه به ریاست جمهوری رسید ولی اقتدار واقعی در دست حزب کمونیست بود. در سال ۱۹۶۰ هوشی‌مینه برای بار دوم به ریاست جمهوری برگزیده شد. وی تا سال ۱۹۶۹ که از دنیا رفت، همچنان رئیس جمهور بود و در مقابل هجوم‌های هوایی امریکا که به پشتیبانی از ویتنام‌جنوبی صورت می‌گرفت، سخت مقاومت نشان داد و از سوی کشورهای چین کمونیست و اتحاد جماهیر شوروی حمایت و پشتیبانی شد.

ویتنام جنوبی چند ماه پس از تقسیم، از اتحادیه فرانسه خارج شد و به استقلال کامل رسید. در همه‌پرسی ۲۶ اکتبر ۱۹۵۵، رأی دهندگان به خلع بائودائی و استقرار رژیم جمهوری رأی دادند و نگو دین دیم را به ریاست جمهوری برگزیدند. ویت‌کنگ‌ها که نخستین واحدشان در سال ۱۹۵۷ توسط گروههای ویتمین تشکیل شده بود و مجموعه‌ای از افراد ناراضی از دولت ویتنام جنوبی آن را پدید آورده بود و ظاهراً از سوی ویتنام شمالی حمایت می‌شد، در اواخر سال ۱۹۶۱ عملاً نیمی از ویتنام جنوبی را به تصرف خود درآورد. در آوریل ۱۹۶۱ نگو دین دیم بار دیگر به ریاست جمهوری برگزیده شد و در اوایل سال ۱۹۶۴ ویت‌کنگ‌ها بر شدت عملیات نظامی خود افزودند و در همان سال نگو دین دیم در یک کودتای نظامی سرنگون و کشته شد و رژیم کودتا نیز اندک زمانی بعد خود سرنگون گردید و ژنرال نگوین‌خان قدرت را در دست گرفت. حکومت خان نیز دیری نپایید و ژنرال نگوین کائوکی در ۱۹۶۵ وی را برکنار کرد و خود زمام امور را در دست گرفت. فشار افکار عمومی از یک سو و فشار امریکاییان از سوی دیگر، کائوکی را وادار کرد تا نظامی به ظاهر دموکراتیک برقرار کند و قانون اساسی جدیدی را در سال ۱۹۶۷ به تصویب برساند. در انتخابات ریاست جمهوری همان سال نگوین وان‌تیو به ریاست جمهوری رسید و در ۱۹۷۱ برای بار دوم نیز عهده‌دار ریاست جمهوری شد. وی کمک‌های نظامی قابل توجهی از حیث سرباز (تا بیش از ۵۰۰,۰۰۰ نفر) و تجهیزات از امریکا دریافت کرد و هواپیماهای امریکایی ویتنام شمالی و مواضع ویت‌کنگ‌ها را بمباران کردند.

در دوران ریاست جمهوری نیکسون در امریکا، مذاکراتی میان نمایندگان دو ویتنام برای ترک مخاصمه در پاریس آغاز شد. در اواسط سال ۱۹۷۱ دخالت مستقیم امریکا در جنگ ویتنام به پایان رسید و ظاهراً آتش‌بس برقرار گردید. اما حملات ویتنام شمالی و ویت‌کنگ‌ها همچنان ادامه یافت. در ۱۹۷۴ ویتنام جنوبی با جمهوری خلق چین بر سر مالکیت جزیره‌ای در دریای چین جنوبی وارد جنگ شد. وان تیو به مرور به حاکم خودکامه‌ای تبدیل شد و حکومت محلی را منحل کرد، مطبوعات را محدود ساخت، هزاران ویت‌کنگ مظنون را دستگیر کرد و عدهٔ زیادی را اعدام نمود. تظاهرات و ناآرامی‌های سال ۱۹۷۴ وان‌تیو را وادار به پذیرش برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نمود. اما قبل از هرچیز سایگون، پایتخت ویتنام جنوبی در آوریل ۱۹۷۵ به دست ویت‌کنگ‌ها سقوط کرد و در۲۱ آوریل همان سال وان‌تیو استعفاء کرد و به تایوان گریخت و در ۳۰ آوریل ویتنام جنوبی به دست ویتنام شمالی و ویت‌کنگ‌ها افتاد. دولت فاتح ویتنام شمالی فوراً اقدام به وحدت بخشیدن میان دو ویتنام کرد. در ۲۵ آوریل ۱۹۷۶ نمایندگان مجمع ملی انتخاب شدند و وحدت دو ویتنام به صورت جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام گردید و تون‌دوک‌تانگ رئیس جمهور آن شد. کشور ویتنام در سپتامبر ۱۹۷۷ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و در ضمن به عضویت صندوق بین‌المللی پول و نیز بانک جهانی پذیرفته شد.

در نوامبر ۱۹۷۷ روابط ویتنام و چین رو به تیرگی گذاشت و در مه ۱۹۷۸ چین کمونیست کارشناسان فنی خود را از ویتنام فراخواند و کمک‌های اقتصادی خود به ویتنام را قطع کرد. در دسامبر ۱۹۷۸ ویتنام به سپاهیان پول‌پوت که در مرز مستقر بودند حمله کرد و آنها را متلاشی نمود. در ۷ ژانویهٔ ۱۹۷۹ پنوم‌پن سقوط کرد و یک شورای انقلابی خمر در آنجا استقرار یافت. درگیریهای مرزی میان چین و ویتنام در۱۹۷۹ به روابط میان دو کشور لطمهٔ فراوان زد. در این درگیریها، چین شهرهای عمدهٔ مرزی ویتنام را ویران کرد و خسارت‌های ناشی از سیل و توفان و خشکسالی سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۱ نیز مزید بر علت شد.

در آوریل ۱۹۸۵ چند زندانی سیاسی آزاد شدند و به دنبال آن روابط ویتنام با کشورهای عضو آسه‌آن و همچنین دولت امریکا رو به بهبودی گذاشت. در ژوئیهٔ ۱۹۸۶ له دوآن دبیرکل حزب کمونیست ویتنام و یار نزدیک هوشی‌مینه درگذشت و کنگره حزب کمونیست نگوین وان‌لین ۷۱ ساله را به دبیرکلی حزب منصوب کرد. وی در سیاست کلّی دولت ویتنام تجدید نظر کرد و سرمایه‌های خارجی را تضمین نمود و فراوانی محصول و بالا رفتن قیمت برنج، وضع زندگی عمومی را بهبود بخشید و معادل ۲۵۰ میلیون دلار برنج به کشورهای افریقای غربی، فیلیپین، هند، سریلانکا و چین صادر نمود. در کنگرهٔ ژوئن سال ۱۹۹۱ حزب کمونیست وان‌لین جای خود را به دوموئی واگذار کرد و ادامهٔ نظام تک‌حزبی از سوی کنگره تأیید شد. در اکتبر ۱۹۹۱ باز شدن باب مذاکرات با کامبوج به بهبود نسبی روابط ویتنام و چین منجر گردید. در نوامبر ۱۹۹۱ دولت بریتانیا با حمایت دولت امریکا نسبت به بازگردانیدن ۶۴,۰۰۰ آوارهٔ ویتنامی که در هنگ‌کنگ به سر می‌بردند، اقدام نمود. در آوریل ۱۹۹۲ قانون اساسی جدید ویتنام در مورد انتخابات به مورد اجرا گذارده شد و در انتخابات همان سال ژنرال له‌دوک آن به ریاست جمهوری رسید و وو وان کیت به نخست‌وزیری منصوب شد و مذاکره میان نمایندگان سنای امریکا و دولت ویتنام در مورد روشن شدن وضع ۲۰۰۰ سرباز امریکایی که در جنگ ویتنام مفقود و یا کشته شده بودند، آغاز گردید.

توسعهٔ شبکه‌های مخابراتی و ارتباطی و ایجاد بزرگراههای متعدد و تولید نیرو از جمله اقداماتی است که تا اندازه‌ای چهرهٔ کشور را که در جنگهای طولانی و خانمان‌سوز و به ویژه استفاده از بمبهای مخرب ناپالم دستخوش تغییر و ویرانی شده بود، دگرگون کرده است و گفتگو با بانک جهانی و دریافت کمک از بانک توسعهٔ آسیا به روند این تحولات سرعت بخشید. در اوت ۱۹۹۵ کلینتون رئیس جمهور امریکا اعلام داشت که وضعیت ۲,۲۰۰ سرباز مفقود شدهٔ امریکایی در جنگهای جنوب خاوری آسیا هنوز روشن نیست. با این حال علاوه بر امریکایی‌ها، سایر کشورهای سرمایه‌داری نیز آمادگی خود را برای حضور در فعالیتهای اقتصادی ویتنام اعلام داشتند. در سپتامبر ۱۹۹۷ تران دوک‌لوئونگ و فان‌وان‌خای به سمت

ریاست جمهوری و نخست‌وزیری ویتنام انتخاب شدند و در ماه دسامبر له‌خافیو به سمت دبیرکلی حزب کمونیست منصوب گردید.
خشکسالی سال ۱۹۹۸ به حدود ۷,۰۰۰ هکتار اراضی زیر کشت قهوه آسیب رسانید و حدود ۴۰,۰۰۰ هکتار دیگر در معرض خطر بی‌آبی قرار گرفت. ویتنام طی سالهای ۱۹۸۰ به این سو، اراضی زیر کشت خود را از ۱۵,۰۰۰ هکتار به ۲۶۰,۰۰۰ هکتار افزایش داده و فرآورده‌های کشاورزی خود را عمدتاً به اروپا و امریکا صادر می‌کند. به علت زیرساخت‌های متفاوت ویتنام، بحران مالی ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ در جنوب شرقی آسیا، به این کشور آسیبی جدی وارد نکرد. باران‌های سیل‌آسای ۱۹۹۸ و سیل‌های سال ۱۹۹۹ به مرگ صدها تن از مردم این کشور منجر شد و خساراتی به مزارع و مراکز اقتصادی آن وارد ساخت.
مذاکرات ۸ ساله میان چین و ویتنام دربارهٔ اختلافات مرزی با امضای قراردادی در دسامبر ۱۹۹۸ به نتیجه رسید و هر دو طرف آن را آغاز عصری نوین در مناسبات دو کشور دانستند.
پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، دولت ویتنام ضمن محکوم کردن آن، امریکا را از واکنش‌های افراطی نسبت به این مسئله بر حذر داشت.

هائی‌تی HAITI

کشور هائی‌تی در بخش غربی جزیرهٔ هیسپانیولا و در ساحل دریای کارائیب در امریکای مرکزی جای دارد و از شمال به اقیانوس اطلس و از خاور به جمهوری دومینیکن محدود است. این کشور که حدود یک سوم جزیرهٔ هیسپانیولا، دومین جزیرهٔ بزرگ آنتیل‌های بزرگ، بعد از کوبا را اشغال کرده، سرزمینی است کمابیش کوهستانی که دو رشته کوه از شرق به غرب آن کشیده شده و بخش‌هایی از شبه جزیره‌های شمالی و جنوبی آن را زیر پوشش قرار داده است و کوه سل با ۲۶۷۴ متر ارتفاع، بلندترین نقطهٔ آن محسوب می‌گردد.
درون‌بوم هائی‌تی را تپه‌ماهورهایی چند و حوضهٔ رودهایی چون آرتیبونیت تشکیل داده و به صورت اراضی همواری تا کرانه‌های غربی گسترش یافته است و ارتفاعات اطراف از وزش بادهای تجارتی و نفوذ رطوبت بدانجا جلوگیری می‌کنند. قهوه عمده‌ترین فرآوردهٔ کشاورزی صادراتی آن است و مس و بوکسیت مهمترین منابع زیرزمینی آن محسوب می‌گردند. سواحل شمالی که پیشرفته‌ترین نواحی کشور است از بارندگی قابل توجهی برخوردار است و جنگل‌های کشور که حدود ۵ درصد اراضی این سرزمین را شامل گردیده در معرض زدایش و فرسایش قرار دارند.



تاریخچه

هنگامی که کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ از این جزیره دیدن کرد، قوم آراواک در آن به سر می‌بردند. با ورود اروپاییان به هائی‌تی آراواک‌ها تارومار شدند و به مرور اثری از آنان باقی نماند. استعمارگران اسپانیایی که از سوی هیئت‌های مذهبی دومینیکن حمایت می‌شدند، آنجا را سنت دومینیک نامیدند. بعدها فرانسوی‌ها و اروپاییان دیگر به طمع کشتزارهای نیشکر، آنجا را به تصرف خود درآوردند. اختلاف میان اسپانیایی‌ها و فرانسوی‌ها در سال ۱۶۹۷ به تقسیم جزیره میان آنها منجر گردید و بخش غربی جزیره به فرانسویان واگذار شد. فرانسوی‌ها برای کار در مزارع و معادن آن سالانه حدود ۲۰,۰۰۰ بردهٔ افریقایی به این سرزمین وارد کردند و به زودی شکر به بزرگترین قلم صادراتی آن مبدل شد و رفته رفته به یکی از مهمترین متصرفات فرانسه در قارهٔ امریکا تبدیل گردید. انقلاب فرانسه به شورش بردگان سیاه که شمارشان در ۱۷۸۹ به ۴۸۰,۰۰۰ نفر می‌رسید منجر شد و هائی‌تی تحت استیلای فرمانروایان محلی که از ملاکان بزرگ اروپایی‌تبار بودند قرار گرفت. در اول ژانویه ۱۸۰۴ استقلال هائی‌تی، به عنوان اولین کشور مستقل امریکای لاتین، اعلام شد و فرماندهان نظامی جنگ‌های استقلال هائی‌تی قدرت را به دست گرفتند. هائی‌تی در سال ۱۸۲۰ دارای نظام حکومتی جمهوری گردید و ژان پیر بوایه به ریاست جمهوری منصوب شد. وی تا سال ۱۸۴۴ بر هائی‌تی حکومت کرد. پس از وی هائی‌تی مدتها گرفتار نابسامانی و آشوب‌های داخلی و بحران‌های اقتصادی و جنگهای داخلی بود و این وضع در طول سدهٔ نوزدهم ادامه داشت.
از ۱۹۱۵ تا ۱۹۳۴، هائی‌تی عملاً تحت‌الحمایهٔ امریکا بود. در سال ۱۹۱۵ گیوم‌سام رئیس جمهوری وقت دویست تن از زندانیان سیاسی را کشت و شورش و بلوا همه جا را فرا گرفت. گیوم‌سام که جانش در معرض تهدید قرار داشت، به سفارت فرانسه پناهنده شد و در همانجا به دست شورشیان به قتل رسید. به دنبال آن سربازان نیروی دریایی امریکا در پورتوپرنس پیاده شدند و به سرعت بر سرتاسر جزیره تسلط یافتند و کلیهٔ مقاومت‌ها را درهم شکستند. در سال ۱۹۳۴ ونسان رئیس جمهور وقت هائی‌تی موافقت اشغالگران امریکایی را برای تخلیهٔ هائی‌تی دریافت کرد اما نتوانست از نفوذ و اعمال نظر آنان جلوگیری کند.
در دوران حکومت او هزاران کشاورز هائی‌تی به دست نیروهای مسلح تروخیلو، دیکتاتور دومینیکن قتل عام شدند. این عمل موجب خشم عمومی گردید و علیه دولت سر به شورش برداشتند و دولت ونسان را در سال ۱۹۴۱ وادار به سقوط نمودند. جانشین او الی‌لسکو نیز دوام نیاورد و نظامیان زمام امور را در دست گرفتند و مارسه استیم را به ریاست جمهوری برگزیدند. استیم اصلاحاتی در قانون اساسی به عمل آورد و دستمزدها را بالا برد. اما نارضاییها که همچنان ادامه داشت، نظامیان را وادار کرد تا استیم را از کار برکنار کنند و در پی آن چند تن دیگر به ریاست جمهوری رسیدند و هرکدام چند ماهی بیش دوام نیاوردند. سرانجام در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۵۷ فرانسوا دوالیه بر سر کار آمد. وی با استبداد و قدرت تمام حکومت کرد و قانون اساسی ۱۹۶۴ وی را برای تمام عمر رئیس جمهور هائی‌تی شناخت. در زمان او روابط هائی‌تی و امریکا رو به تیرگی نهاد. در ماه مارس ۱۹۶۴ فرانسوا دوالیه خود را امپراتور هائی‌تی اعلام کرد و نام فرانسوای اول را بر خود نهاد و در میان مردم به پاپادوک معروف گردید.
در سال ۱۹۶۴ شماری از تبعیدیان هائی‌تی تلاش کردند تا پاپادوک را سرنگون کنند، اما در کار خود موفق نشدند و دستگیر و اعدام گردیدند. فرانسوا دوالیه یا پاپادوک در آوریل ۱۹۷۱ درگذشت و حکومت هائی‌تی را به پسر ۱۹ ساله‌اش ژان کلود دوالیه واگذار کرد. وی خود را شدیداً به دولت امریکا وابسته کرد تا جایی که هائی‌تی بعد از اسرائیل به ایالت پنجاه و دوم امریکا معروف گردید. خشکسالی و کمبود باران در کشور موجب قحطی و کمبود برق شد و طی سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰ هزاران تن از اتباع هائی‌تی از کشور فرار کردند و به امریکا پناهنده شدند. در ۱۹۸۰ قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید. در سال ۱۹۸۴ به دستور دوالیه انتخابات برگزار شد، ولی ۶۱٪ مردم از شرکت در انتخابات خودداری کردند. برخی صاحب نظران بر این اعتقاد بودند که ۴۰,۰۰۰ تن به دست دوالیه به قتل رسیده‌اند. به همین مناسبت موج اعتصاب و آشوب سراسر کشور را فرا گرفت و دوالیه از هائی‌تی فرار کرد و به یکی از پایگاههای هوایی امریکا پناهنده شد و در غیاب وی ژنرال هنری نامفو در رأس شورای حکومتی ملی، زمام امور را در دست گرفت و به تصویب شورای حکومتی ملی کلیهٔ زندانیان سیاسی آزاد شدند و در مارس ۱۹۸۷ قانون اساسی جدید به تصویب رسید.
در انتخابات ناآرام ژانویهٔ ۱۹۸۸ لسلی مانیگات به ریاست جمهوری رسید، ولی در ژوئن همان سال طی کودتایی به رهبری ژنرال نامفو سرنگون شد. در سپتامبر ۱۹۸۸ به دنبال شورش افسران جزء و درجه‌داران و سربازان، ژنرال نامفو از کار برکنار شد و ژنرال پروسپرآوریل از هواداران دوالیه به جای او زمام قدرت را در دست گرفت. در شورش و اغتشاشات عمومی مارس ۱۹۹۰ ژنرال آوریل نیز برکنار گردید و ژنرال آبراهام به جای او زمام کشور را در دست گرفت و او نیز اندکی بعد مقام ریاست جمهوری را به ارتاپاسکال تروئیلو به عنوان نخستین رئیس جمهور زن واگذار کرد. در انتخابات دسامبر ۱۹۹۰ کشیشی به نام ژان برنارد آریستید که از هواداران الهیات آزادیبخش محسوب می‌شد، به مقام ریاست جمهوری برگزیده شد. در سی‌ام سپتامبر ۱۹۹۱ ژنرال رائول سدراس طی یک کودتای خونین قدرت را در دست گرفت. کودتای او مورد اعتراض دولت امریکا واقع شد و وی را برای بازگردانیدن حکومت به رئیس جمهور منتخب مردم تحت فشار گذارد. در اواخر آوریل ۱۹۹۲ حدود ۴,۰۰۰ زندانی سیاسی کشته شدند و هزاران نفر به خارج فرار کردند تا از تصفیه‌های خونین رژیم کودتا در امان باشند. دولت امریکا که در مقابل هجوم سیل مهاجران از راه دریا قرار گرفته بود، به تفنگداران گارد ساحلی دستور داد تا جلوی مهاجران را بگیرند و آنان را به هائی‌تی بازگردانند.



نام رسمی: جمهوری هائی‌تی

نام محلی: آئی‌تی (دایتی) Haïti (Dayti)

اسامی دیگر: -

پایتخت: پورتوپرنس (۹۱۷،۱۱۲ نفر در سال ۱۹۹۷)

تاریخ استقلال: ۱۸۰٤/۱/۱، از فرانسه

روز ملی: اول ژانویه، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۷

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ژان برتراند آریستید (جنبش لاوالاس)، از سال ۲۰۰۱ به مدت ٥ سال

رئیس دولت: نخست‌وزیر: ایوون نپتون (جنبش لاوالاس)، ازسال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۷؛ مجلس نمایندگان با ۸۳ عضو به مدت ٤ سال و مجلس سنا با ۲۷ عضو به مدت ٦ سال (هر دو سال یک سوم نمایندگان انتخاب می‌شوند)؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۰): جنبش لاوالاس ۷۲ کرسی؛ جنبش مسیحی ملی ۳ کرسی؛ بقیهٔ احزاب و نمایندگان منفرد ۸ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآا، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آکپ، کاریکوم، آی-آدب، آاوسیس

جمعیت

مساحت: ۲۷،۷٥۰ کیلومترمربع (صد و چهل و چهارمین کشور جهان)

جمعیت: ۸،۲۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هشتاد و ششمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۲۹٥/٥ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ۱/۷٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۱۲ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ٤۱ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳۳/٦٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٤/۱٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱٥ سال ٤۰/۲٪؛ ۲۹-۱٥ سال ۲۷/۲٪؛ ٥۹-۳۰ سال ۲٦/۷٪؛ بالای ٦۰ سال ٥/۹٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ٤۸/۹۱٪؛ زن ٥۱/۰۹٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان٥۰/۹ سال؛ مردان ٤۷/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۲/۲ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٥/۳ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۹۸/۹ نفر — **رشد طبیعی‌جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱٦/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۸۲): بیماریهای عفونی و انگلی ٤٦ نفر؛ بیماریهای دستگاه گردش خون ۱۱/۹ نفر؛ بیماریهای ناشی از سوء تغذیه ۸/٥ نفر؛ بیماریهای نامشخص ۱۱٥/۲ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤/٦ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ؟

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): سیاهپوست ۹٤/۲٪؛ دورگه سیاه و سفید ٥/٤٪؛ بقیه ۰/٤٪

دین(۱۹۹٥): کاتولیک ٦۸/٥٪؛ پروتستان ۲٤/۱٪؛ سایر ادیان ۷/٤٪

زبان و خط: فرانسوی (زبان رسمی)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹۷): کاررفور ۳۰٦،۰۷٤ نفر؛ دلماس ۲٥۷،۲٤۷ نفر؛ کاپ‌هائیتین ۱۰۷،۰۲٦ نفر؛ پتیون‌ویل ۷٦،۱٥٥ نفر

بنادر مهم: پورتوپرنس (خلیج پورتوپرنس)؛ له‌که (دریای کارائیب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: گورد (G)= ۱۰۰ سانتیم؛ یک دلار= ۲۲/٥ گورد؛ یک گورد= ۳٥٥/٦ ریال

درآمد بودجه: ٥،۳۷۱ میلیون گورد؛ مالیات عمومی خرده‌فروشی ۲٦/٤٪؛ عوارض گمرکی ۲۰/۱٪؛ مالیات بر مصرف ۱٥/۹٪؛ مالیات بر درآمد و سود ۱۱/۷٪ (علاوه بر این، هائی‌تی از ۳/۷ میلیارد گورد کمک خارجی نیز برخوردار بوده است).

هزینه بودجه: ٦،۰۳٦ میلیون گورد؛ هزینه‌های جاری ۸۰٪ (شامل سود وامها ۷/۲٪)؛ هزینه‌های عمرانی ۲۰٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳،۱٦۳ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤۱۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۷٥): ۱/٦٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۱-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳۰/۳٪؛ صنعت ۲۰/۱٪؛ خدمات ٤۹/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۳ میلیون دلار (۱۹۹۸): ٦ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۹۸۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ٤۰۷/۱+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٦/۹-٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲۳/۳٪؛ ۱۹۹۸: ۱۲/۷٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ۱،۰۰۰،۱۰۰ تن؛ کاساوا ۳۲٥،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۲۹۰،۰۰۰تن؛ موز ۲۹۰،۰۰۰ تن؛ انبه ۲۲٥،۰۰۰ تن؛ ذرت ۲۱٥،۰۰۰ تن؛ یام ۱۹٥،۰۰۰تن؛ سیب‌زمینی شیرین ۱۷۲،۰۰۰ تن؛ برنج ۱۰۲،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۹٦،۰۰۰ تن؛ آووکادو ٤٥،۰۰۰ تن؛ قهوه ۲۸،۰۰۰ تن؛ سیسال ٥،۷۰۰ تن؛ کاکائو ٤،٥۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ۳۳٪؛ مرتع و چمنزار ۱۸٪؛ جنگل ٥/۱٪؛ دیگر موارد ٤۳/۹٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): بز ۱،٦۱۸،۰۰۰ رأس؛ گاو ۱،۳۰۰،۰۰۰ رأس؛ خوک ۸۰۰،۰۰۰ رأس؛ اسب ٤۹۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٦،۳۹۷،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ٥،٦۳۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ٥،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳،۷٥۰ تن

تولیدات معدنی : مقدار کمی سنگ آهک؛ خاک رس آهکی؛ سنگ مرمر و نمک

تولیدات صنعتی(۹۳-۱۹۹۲): سیمان ۸٤،۰۰۰ تن؛ روغنهای اساسی ۲۲۷ تن؛ (۹٦-۱۹۹٥): سیگار ۸۳۷،۹۰۰،۰۰۰ بسته؛ لیکورمالت ۱۳،۸۰۰،۰۰۰ بطری؛ آبجو ٤،۲۰۰،۰۰۰ بطری؛ کالاهای صادراتی (ارزش ناخالص صادراتی): ۲۱۱،۲۰۰،۰۰۰ دلار (شامل پوشاک ۱۹۹،۳۰۰،۰۰۰ دلار؛ کیف و کالاهای سفر ۲،۸۰۰،۰۰۰ دلار؛ اسباب‌بازی و لوازم ورزشی ۲،۳۰۰،۰۰۰ دلار)

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٦۳۳،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٦۳۳،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (صفر)؛ نفت خام: صفر (صفر)؛ فرآورده‌های نفتی: صفر (۳٤۱،۰۰۰ تن)؛ گاز طبیعی: صفر (صفر)

نیروی کار(۱۹۹٦): جمعیت فعال اقتصادی: ۳،۲۰۹،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۹/۳٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱٥ تا٦٤ ؛ ۱۹۹۰): ٦٤/۸٪؛ زنان (در سنین ۱٥ تا ٦٤): ٤۳٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹٦): ٦۰٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۰): کشاورزی ٥۷/۳٪؛ صنعت ٦/۷٪؛ خدمات ۲۰٪

نیروی دفاعی: ارتش این کشور در سال ۱۹۹٥ منحل شده و بین سالهای ۱۹۹٥ و ۱۹۹۷، نیروی پلیس ملی هائی‌تی زیر نظر سازمان ملل ایجاد شده که ٥،۳۰۰ نفر (در سال ۲۰۰۰) عضو دارد.

واردات(۹۸-۱۹۹۷): ۸۱۱/٥ میلیون دلار؛ شامل غذا و دام زنده ۲۷٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱٦٪؛ نفت و فرآورده‌های آن ۹٪؛ روغنهای نباتی و حیوانی ۷٪؛ از امریکا ٦۰٪؛ ژاپن ٤٪؛ دومینیکن ٤٪؛ فرانسه ۳٪؛ کلمبیا ۳٪

صادرات(۹۸-۱۹۹۷): ۲۸٤/۳ میلیون دلار؛ صادرات مجدد بخصوص لباس ۷٤٪؛ صنایع دستی (شامل کنده‌کاری روی چوب، نقاشی و سیسال‌بافی ۷٪)؛ قهوه ۷٪؛ به امریکا ۸۸٪؛ فرانسه ۳٪؛ بلژیک ۳٪

تراز بازرگانی:	۹٤-۱۹۹۳	۹٥-۱۹۹٤	۹٦-۱۹۹٥	۹۷-۱۹۹٦	۹۸-۱۹۹۷	۹۹-۱۹۹۸
میلیون دلار	۷٥/٥-	۳٤٤/۱-	٥٤۰/۲-	٥۱۱/۱-	٥۲۷/۲-	۷٦۹/٥-
درصد کل	٪۲٥/۹	٪٥٥/٦	٪٦٤/٦	٪٥٦/۷	٪٤۸/۱	٪٦۷/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۷۸/٤	۱۰۰	۱۲۰/٦	۱٤٥/٤	۱٦۰/۸	۱۷٤/۸	۱۸٦/۳
شاخص درآمد سالانه	٤۱/۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۸۲): ٤/٤ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۸٤): ۱،٥٤٥ گورد؛ هزینه‌ها (۸۷-۱۹۸٦): غذا، نوشیدنی ودخانیات ٥۱/۱٪؛ لوازم خانگی ۹/۲٪؛ پوشاک و کفش ۸/۷٪؛ حمل و نقل ۷/٦٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ٥۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۳۷ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٤،۱٦۰ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۳۲،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۲۱،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ٤ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ٤ روزنامه در ۲۰،۰۰۰ نسخه (۳/۱ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ٤۱٥،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦۳ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۳۸،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٥/۸ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۷): ٦۰،۰۰۰ خط تلفن (۹/۱ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ۲٥،۰۰۰ خط (۳/۷ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت:** ؟

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٥)	۱۰،۰۷۱	۳۰،۲۰٥	۱،۱۱۰،۳۹۸	۳٦/۸
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۱،۰۳۸	؟	۱۹٥،٤۱۸	؟
عالی	۲	۸۱۷	۱۲،۲۰٤	۱٤/۹

میزان باسوادی(۱۹۹٥): افراد بالای ۱٥ سال: ٤٥٪؛ مردان: ٤۸٪؛ زنان: ٤۲/۲٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال (۱۹۸۷): ابتدایی ۳۰/٥٪؛ متوسطه ۸/٦٪؛ عالی ۰/۷٪

تعداد پزشک(۹٤-۱۹۹۳): ٦٤۱ نفر (هر ۹،۸٤٦ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹٦): ٥،۲٤۱ تخت (هر ۱،۲٤۲ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱۹۰،۰۰۰ نفر (٥/۱۷٪ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۳٦/۸ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۱،۹۷۷ کالری (۸۷٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٤۱ گرم؛ مصرف چربی: ٤۰ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٤/۳٪؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): ۳/٥٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/٥ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱/۱ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۲ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤٤۰ (صد و پنجاهمین کشور جهان)

در ژوئن ۱۹۹۲ نخست‌وزیر نظامی دولت کودتا اعادهٔ دموکراسی به کشور را تعهد کرد. در ژوئن ۱۹۹۳ مذاکرات غیر مستقیم میان ژنرال سدراس و آریستید رئیس جمهور سرنگون شده در نیویورک آغاز گردید و در نهایت قرار شد تا آریستید مجدداً به مقام ریاست جمهوری برگردد و آریستید نیز حفظ جان رهبران کودتا را تضمین نمود و آریستید روبرت مالوال را به نخست‌وزیری منصوب کرد. اما نارضایی مردم همچنان شدت گرفت و سراسر کشور در اعتصاب و اغتشاش فرو رفت و وزیر دادگستری دولت مالوال مورد سوء قصد قرار گرفت و کشته شد و طی ماه مه ۱۹۹۳ تا فوریه ۱۹۹۴، ۴۲۶ تن از هواداران آریستید نیز به قتل رسیدند. در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۴ آریستید پس از برکناری یا بازنشستگی سران کودتا به وسیلهٔ نیروهای حافظ صلح چند ملیتی به رهبری امریکا، که هائی‌تی را به تصرف درآورده بودند، به کشور بازگشت. در نوامبر ۱۹۹۵ رنه پره‌وال که از هواداران و حامیان آریستید بود با ۸۸٪ آراء به ریاست‌جمهوری رسید و از هفتم فوریهٔ ۱۹۹۶ کار خود را رسماً آغاز کرد. وی از نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد خواست تا اقامت خود را در هائی‌تی برای مدتی تمدید نمایند تا اوضاع به حال عادی بازگردد و نظم و امنیت بر جامعه حاکم شود. در ژوئیهٔ ۱۹۹۶ کلود ریموند یکی از وزرای دوالیه که در جنایت‌ها و اعمال تروریستی دست داشت، بازداشت گردید. شورای امنیت سازمان ملل متحد در سپتامبر ۱۹۹۷ نیروهای حافظ صلح را به وسیلهٔ ۳۰۰ پلیس نیرومند محلی جایگزین کرد و اریک پیر از سوی رئیس جمهور به مقام نخست‌وزیری منصوب شد.

ژان ادوارد آلکسیس از جنبش لاوالاس در مارس ۱۹۹۹ به نخست‌وزیری رسید. در انتخابات پارلمانی ماه مه ۲۰۰۰، جنبش لاوالاس به رهبری ژان برتراند آریستید موفق شد اکثریت مطلق را در مجلس نمایندگان با ۷۲ کرسی و مجلس سنا با ۱۸ کرسی از ۱۹ کرسی مورد نظر به دست آورد. این در حالی بود که طرفداران آریستید همچنین موفق شدند ۸۰٪ آرای شهرداری‌ها را نیز از آن خود کنند. احزاب مخالف و ناظران بین‌المللی دولت را متهم به اعمال نفوذ در انتخابات نمودند و دولت امریکا نیز در اعتراض به این مسئله کمک‌های خود را به این کشور به حالت تعلیق درآورد. ژان برتراند آریستید که در انتخابات نوامبر ۲۰۰۰ به پیروزی رسیده بود، از فوریه ۲۰۰۱ قدرت را به دست گرفت اما با مخالفت گستردهٔ احزاب سیاسی مخالف مواجه شد و پس از مذاکرات طولانی بین طرفین قرار شد انتخابات پارلمانی مجدداً برگزار گردد، اما تاریخ دقیقی برای آن تعیین نگردید.

هلند NETHERLANDS

کشور هلند در غرب اروپا و در ساحل جنوبی دریای شمال جای دارد و از خاور به آلمان و از جنوب به بلژیک محدود است. سرزمین هلند دشت وسیعی است که ارتفاع ۳۸ درصد اراضی آن پایین‌تر از سطح دریا قرار دارد. کشاورزی بسیار پیشرفته و دامداری نوین و تولید فرآورده‌های لبنی و باغداری و پرورش گل از جمله فعالیتهای سودآور اقتصادی آن است. کوه والسربرگ با



ارتفاع ۳۲۱ متر بلندترین نقطهٔ آن است و رودخانه‌های وال (راین)، ماس (موز)، آیسل و لک از عمده‌ترین رودهای آن محسوب می‌گردند.

کشور هلند از نظر تراکم جمعیت یکی از متراکم‌ترین نواحی جهان است و صنعت بسیار پیشرفته‌ای دارد و از نظر تولید گاز طبیعی در ردیف سومین کشور جهان قرار گرفته و از نظر صنعت نفت از مقام شامخی برخوردار است و پالایشگاههای عظیمی را در جزایر آنتیل و شهر روتردام داراست و در غالب شرکتهای نفتی چند ملیتی شراکت دارد. استفادهٔ وسیع از سموم شیمیایی آلودگی آبهای زیرزمینی را به ویژه از نظر نیترات‌ها بالا برده و فاضلاب‌های صنعتی آبهای سطحی را به شدت آلوده نموده و محیط زیست را با خطر جدی روبرو ساخته است.

تاریخچه

کشورهای هلند، بلژیک، لوکزامبورگ و بخش‌هایی از شمال فرانسه را که از نظر ارتفاعی پست هستند، زمانی فروبومان می‌نامیدند. نخستین ساکنان آن در پایان آخرین عصر یخبندان به آنجا وارد شدند و طی چند هزار سال از شکار و دانه جمع‌کنی به مردمانی سخت‌کوش و با فرهنگ مبدل گردیدند. هنگامی که رومیان در سدهٔ اول پیش از میلاد به فروبومان وارد گردیدند با اقوام سلت و ژرمن روبرو شدند و با تمام تلاشی که به عمل آوردند در تصرف اراضی فریزیایی‌ها، ناکام ماندند و ناگزیر به اراضی جنوبی رود راین بسنده کردند و استانهای بلژیکا و گرمانیکای کوچک را در آن تأسیس نمودند. فریزیایی‌های شمال راین به ماهیگیری و گله‌داری اشتغال داشتند و آنان که در جنوب راین می‌زیستند با کشاورزی و شهرنشینی روزگار می‌گذراندند.

به قدرت رسیدن قوم ژرمن، رومیان را به این فکر واداشت تا از آنان به صورت مرزبانان شمالی استفاده کنند و فریسلاند را که مسکن فریزیایی‌ها بود به حال خود رها کنند. در سدهٔ هفتم سرزمین فریسلاند به تصرف فرانک‌ها درآمد و خاندان کارولنژیان که از سوی پاپ حمایت می‌شدند، بر آن تسلط یافتند. پس از مرگ شارلمانی (سال ۸۱۴)، قلمرو او تجزیه شد و چند دوک‌نشین و کنت‌نشین در فروبومان تأسیس گردید و در قرون وسطی هلند به عمده‌ترین ناحیهٔ فروبومان مبدل شد. در زمان کنت فلوریس پنجم که از ۱۲۵۶ تا ۱۲۹۶ می‌زیست، بر وسعت آن افزوده شد و همزمان شهرهایی چون آمستردام، هارلم و گرونینگن و دوک‌نشین گلدرلاند نیز اهمیت یافتند. از اوایل سدهٔ پانزدهم میلادی دوک‌های بورگونی بر قسمت عمدهٔ فروبومان مسلط گردیدند ولی در سال ۱۴۷۷ تسلط خود را به خاندان هاپسبورگ اتریش واگذار کردند.

در سال ۱۵۴۷ وحدت هلند و اتریش و در ۱۵۴۹ وحدت هلند و اسپانیا توسط شارل پنجم اعلام گردید و در سال ۱۵۵۵ شارل پنجم مالک‌الرقاب فروبومان بود. فیلیپ دوم پسر شارل پنجم ضمن تحکیم تسلط اسپانیا بر فروبومان، نهضت پروتستان‌ها را در سراسر نواحی تحت تسلط خود، از جمله فروبومان سرکوب کرد و آزادیهای سیاسی و مذهبی و اقتصادی را از میان برداشت. کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها که از سختگیری‌های او به تنگ آمده بودند علیه او سر به شورش برداشتند و در سال ۱۵۷۷ بخش عمدهٔ فروبومان از سلطهٔ اسپانیا آزاد شد و ویلیام خاموش که رهبری شورش را بر عهده داشت به فرمانروایی آن انتخاب گردید، ولی او از عهدهٔ متحد ساختن شمال و جنوب برنیامد و ایالت‌های شمالی، اتحادیهٔ اوترشت تشکیل دادند و بانام ایالات متحده هلند مبارزه علیه سلطهٔ اسپانیا را ادامه دادند ولی ایالات جنوبی همچنان به اسپانیا وفادار ماندند. در سدهٔ هفدهم میلادی ایالات متحده به یکی از قدرتهای دریایی و اقتصادی بزرگ و نیرومند جهان مبدل شد و مستعمراتی در جزایر هند شرقی، هندوستان، افریقای جنوبی و جزایر هند غربی به دست آورد.

هلندی‌ها آزادی مذهب را محترم می‌شماردند و از آوارگان مذهبی کشورهای مختلف به گرمی پذیرایی می‌کردند و همین امر باعث رونق فرهنگ و تجارت و بانکداری آنان گردید. جنگ‌های دریایی با بریتانیا که از نیمهٔ سدهٔ هفدهم تا آخر سدهٔ هجدهم ادامه یافت، موجب تضعیف هلند شد و در ۱۷۹۵ ارتش انقلابی فرانسه جمهوری هلند را برانداخت. پس از شکست ناپلئون، دولتهای مقتدر اروپایی در سال ۱۸۱۵ کشور سلطنتی جدید هلند را تشکیل دادند که ایالات متحدهٔ سابق و هلند اتریش و هلند اسپانیای سابق را شامل می‌شد و ویلیام اول از خاندان اورانژ را به سلطنت آن برداشتند. در ۱۸۳۰ ایالات جنوبی سر به شورش برداشتند و کشور بلژیک را تأسیس نمودند. با مرگ ویلیام سوم در سال ۱۸۹۰ دعاوی هلند نسبت به شاهزاده‌نشین لوکزامبورگ پایان یافت. در جنگ جهانی اول هلند بی‌طرفی خود را حفظ کرد. در جنگ جهانی دوم (سال ۱۹۴۰) مورد حملهٔ آلمان نازی قرار گرفت ولی ملکهٔ هلند (ویلهلمینا) از تسلیم شدن به آلمان خودداری کرد و همراه با اعضای دولت خود به انگلستان رفت. حملهٔ آلمان و اشغال هلند ویرانی فراوانی به بار آورد و شهرهای مهم هلند به سختی آسیب دید و بخشی از هلند بر اثر شکستن سدها به زیر آب فرو رفت. در سال ۱۹۴۸ ژولیانا به جای مادرش ویلهلمینا به سلطنت هلند رسید. در طی جنگ دوم هند شرقی هلند به تصرف نیروهای ژاپن درآمد (۱۹۴۲).

در ۱۹۴۵ گروهی از اندونزیایی‌ها که سرزمینشان تحت عنوان هند شرقی هلند، جزئی از متصرفات هلند بود، یک جمهوری مستقل اعلام نمودند و از اشغال مجدد میهنشان توسط هلندی‌ها جلوگیری کردند. سرانجام پس از مدت‌ها کشمکش، دولت هلند استقلال اندونزی



نام رسمی: پادشاهی هلند

نام محلی: نِدرلاند Nederland

اسامی دیگر: -

پایتخت: آمستردام (۱،۰۰۲،۸۶۸ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: دارای قدمت تاریخی

روز ملی: سی‌ام آوریل، روز ملکه

نوع حکومت: مشروطهٔ سلطنتی با ۲ مجلس قانونگذاری، از سال ۱۸٤۸

رئیس حکومت: ملکه: بئاتریکس ویلهلمینا آرمگارد، از سال ۱۹۸۰

رئیس دولت: نخست‌وزیر: یان پتر بالکننده (حزب دموکرات مسیحی)، از سال ۲۰۰۲

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۳؛ مجلس اول با ۷۵ عضو و مجلس دوم با ۱۵۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس دوم در سال ۲۰۰۲ (۲۰۰۳): حزب دموکرات مسیحی ٤۳ (٤٤) کرسی، حزب کارگر ۲۳ (٤۲) کرسی، فهرست پیم فورتوین ۲۸ (۸) کرسی، حزب مردم برای آزادی و دموکراسی ۲٤ (۲۸) کرسی، حزب چپ سبز ۱۰ (۸) کرسی، حزب سوسیالیست ۹ (۹) کرسی، دموکراتهای شصت و شش ۷ (٦) کرسی، اتحاد مسیحی ٤ (۳) کرسی، بقیه ٤ (۲) کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، آدب، آی-آدب، شورای اروپا، ناتو، اواسی‌دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ٤۱،۵۲٦ کیلومترمربع (صد و سی و دومین کشور جهان)

جمعیت: ۱۵،۸۹٦،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجاه و هشتمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۸۲/٦ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/٤٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۵/۸ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۸۹/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۰/٦٪

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ۱۸/۵٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۱۹/۸٪؛ ۵۹-۳۰ سال ٤۳/٦٪؛ بالای ٦۰ سال ۱۸/۱٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/٤۵٪؛ زن ۵۰/۵۵٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۸):** زنان ۸۰/۷ سال؛ مردان ۷۵/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۱۲/۷ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۸/۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۵ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹۹): بیماریهای دستگاه گردش خون ۳۱۳/۳ نفر؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ۲٤۷/۲ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۹۰/۸ نفر؛ حوادث درگیری ۳۲/۸ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/٦ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۷ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر (۲۰۰۰): ۵/۳ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): هلندی ۸۲/۵٪؛ اندونزیایی ۲/٦٪؛ ترک ۱/۹٪؛ سورینامی ۱/۹٪؛ مغربی ۱/۷٪؛ بقیه ۹/٤٪

دین(۱۹۹۹): کاتولیک ۳۱٪؛ کلیسای اصلاح شده ۲۱٪؛ مسلمان ٤/۵٪؛ هندو ۰/۵٪؛ بدون دین ٤۱٪؛ بقیه ۲٪

زبان و خط: هلندی (زبان رسمی)؛ فریزی (در ایالت فریسلاند)؛ خط: لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): روتردام ۹۸۹،۹۵٦ نفر با حومه؛ لاهه(س گراونهاگه) ٦۱۰،۲٤۵ ؛ اوترشت ۳٦٦،۱۸٦؛ آیندهوون ۳۰۲،۲۷٤ نفر با حومه؛ (۱۹۹۹): تیلبورگ ۱۹۰،۵۵۹ نفر؛ گرونینگن ۱۷۱،۱۹۳ نفر؛ بردا ۱۵۹،۰٤۲ نفر

بنادر مهم: روتردام (رود نیوه‌ماس)؛ آمستردام (رودآی)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) = ۲/٦ گیلدرهلند (منسوخ شده)؛ یک دلار=۱/۱٤ یورو؛ یک یورو = ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۳۲٤،۳٦۰ میلیون گیلدر؛ حق بیمهٔ تأمین اجتماعی ٤۱/۱٪؛ مالیات بر درآمد و مالیات بر شرکتها ۲٤/۸٪؛ مالیات بر مصرف و ارزش افزوده ۲۲/۷٪؛ مالیات بر دارایی ۳٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۳۳۷،٦۲۰ میلیون گیلدر ؛ رفاه و تأمین اجتماعی ۳۷/٤٪؛ بهداشت ۱٤/۸٪؛ آموزش ۱۰٪؛ پرداخت سود وامها ۹/۱٪؛ دفاع ۳/۹٪؛ حمل و نقل ۳/۵٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۳۸۹،۰۵۵ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲٤،۷۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۳٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/۷٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۳/۱٪؛ صنعت ۲٦/۹٪؛ خدمات ۷۰٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۷،۱٤۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۳۱،۸۵۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۲۱۷،٤٦٤ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳،۰٤۲- میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۲۷/۲٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲/۱٪؛ ۱۹۹۸: ۲/۹٪؛ ۲۰۰۰: ۳٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): سیب‌زمینی ۷،۷۰٤،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۵،۸۰۰،۰۰۰ تن؛ گندم ۱،۰۰۰،۰۰۰ تن؛ پیاز ٦۵۰،۰۰۰ تن؛ گوجه‌فرنگی ۵۱۰،۰۰۰ تن؛ خیار ٤۸۵،۰۰۰ تن؛ سیب ٤۷۰،۰۰۰ تن؛ جو ۲٤۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۲۸٪؛ مرتع و چمنزار ۳۱٪؛ جنگل ۱۰/۳٪؛ سایر موارد ۳۰/۷٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۹): خوک ۱۳،٤۱۸،۰۰۰ رأس؛ گاو ٤،۱۸٤،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۱،٤٦۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۸۸٤،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹٦):** ۵۲۱،۳۷۷ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٦٤۳،۸۰۰ تن

تولیدات معدنی : نفت و گاز

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): (ارزش افزوده): غذا، نوشیدنی و دخانیات ۲٤،۳۲۳،۰۰۰،۰۰۰ گیلدر؛ مواد و فرآورده‌های شیمیایی ۱۵،۰۰۹،۰۰۰،۰۰۰ گیلدر؛ چاپ و نشر ۱۱،۲٦۷،۰۰۰،۰۰۰ گیلدر؛ ماشین‌آلات برقی و الکترونیکی ۱۰،۳۸۵،۰۰۰،۰۰۰ گیلدر

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹۵): ۸۰،۸۳۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۹۲،۲۲۵،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر (۱٤،٦٦۰،۰۰۰ تن)؛ نفت خام: ۱۸،٦٤۷،۰۰۰ بشکه (٤۱۰،۸٤٦،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ٦۱،٤۷۹،۰۰۰ تن (۳۰،۳۰۵،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۸۸،۸٦۱،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۵۰،۰۵۷،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار (۱۹۹۷): جمعیت فعال اقتصادی: ۷،٦۱٦،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۸/۹٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۷۲/۱٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤)؛ ٤۲/٤٪؛ میزان بیکاری ۵/۵٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۷): کشاورزی ۳/٦٪؛ صنعت ۲۲/۳٪؛ خدمات ۷۱/۸٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه : ۱۲ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۵۱،۹٤۰ نفر؛ نیروی زمینی ٤۷/۲٪؛ نیروی دریایی ۲٤/۱٪؛ نیروی هوایی ۲۱٪؛ دیگر موارد ۷/۷٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ٤۳۸ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۳۹۳،۸٤۵ میلیون گیلدر؛ شامل ماشین‌آلات ۳۱/۵٪؛ مواد و فرآورده‌های شیمیایی ۱۱٪؛ غذا ۸/۷٪؛ وسایل نقلیه ۸٪؛ از کشورهای آلمان ۱۹/۳٪؛ بلژیک - لوکزامبورگ ۱۰٪؛ انگلستان ۹/۷٪؛ امریکا ۹/۵٪؛ فرانسه ٦/۵٪

صادرات(۱۹۹۹): ٤۱۵،٦۱۸ گیلدر؛ شامل ماشین‌آلات ۲۷/۸٪؛ مواد و فرآورده‌های شیمیایی ۱۵/۳٪؛ مواد غذایی ۱۳/٤٪؛ سوخت‌های معدنی ۵/۹٪؛ به کشورهای آلمان ۲٦/۱٪؛ بلژیک - لوکزامبورگ ۱۲/۲٪؛ فرانسه ۱۰/۸٪؛ انگلستان ۱۰/۸٪؛ ایتالیا ٦٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون گیلدر	+۲٦،۷۰٦	+۲۵،۷٦۷	+۳۱،۱۵۵	+۲۸،۳٦۱	+۳۲،۷۳۲	+۲۸،٦۹٦	+۲٦،۲۹۲
درصد کل	۵/۵٪	٤/۸٪	۵/۲٪	٤/٤٪	٤/۵٪	۳/۸٪	۳/۳٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱۰۲/۱	۱۰٤/۳	۱۰٦/۳	۱۰۸/٦	۱۱۱/٤	۱۱٤/۵
شاخص درآمد ساعتی	۱۰۰	۱۰۱/۷	۱۰٤/۷	۱۰۸	۱۱۱/۳	۱۱۵/٤	۱۱۷/۵

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۲۰۰۰): ۲/۳ نفر؛ درآمد خالص سالانه هر خانوار (۱۹۹۷): ۵۳،۵۹۷ گیلدر (۲۷،٤٦۸ دلار)؛ منابع درآمد (۱۹۹۵): دستمزد ٤۸/۲٪؛ انتقالی‌ها ۲۹٪؛ درآمد از دارایی‌ها ۱۱/۸٪؛ هزینه (۱۹۹۵): مسکن ۱۵/۲٪؛ غذا و نوشیدنی ۱۳/۵٪؛ حمل و نقل و ارتباطات ۱۳/۱٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ۱۳/۱٪؛ تفریحات ۹/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد ٦،۷۸۸ میلیون دلار؛ هزینه‌ها ۱۰،۹۷۵ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۱۲٤،۵۳۰ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹٦):** ۲،۷۹۵ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۵،۷٤۰،۰۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ٦۸۱،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۳): ۳۹۹ فروند | **فرودگاه(۱۹۹٦):** ٦ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹٦): ۳۸ روزنامه در ٤،۷۵۳،۰۰۰ نسخه (۳۰۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳٦۷ عنوان در ۱۹،۲۸۳،۰۰۰ نسخه

کتاب: ۳٤،۰٦۷ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۱۵،۳۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۹۸۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۸،۷۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۵۵۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۹،۳۳۷،۰۰۰ خط تلفن (۵۹۳ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳،۳۵۱،۰۰۰ خط (۲۱۳ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۵،۰۰۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱،٦۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٦)	۷،٤۱۱	۹۹،۰۳۱	۱،٤۷۷،۰۰۰	۱۵/۷
متوسطه	۱،۱۲٤	۸۹،۳۷۰	۸٦۸،۰۰۰	۷/۷
فنی و حرفه‌ای	۲۱۸	۱۸،٦۱۳	۵۱۹،۰۰۰	۲۸
عالی	۲۰	؟	٤۰۸،۰۰۰	۱۰/۲

میزان باسوادی: افراد بالای ۱۵ سال: ۱۰۰٪؛ مردان: ۱۰۰٪؛ زنان: ۱۰۰٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال (۱۹۹۵): ابتدایی ۱٤/۹٪؛ متوسطه ٦۵/۷٪؛ عالی ۱۹/٤٪

تعداد پزشک(۱۹۹۹): ۲۷،۰۹۰ نفر (هر ۵۸۲ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۹): ۸۱،۳۲۸ تخت (هر ۱۹٤ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۱٤،۰۰۰ نفر (۰/۱۷٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۹/۵ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،۲٤۳ کالری (۱۲۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ۱۰٦ گرم؛ مصرف چربی: ۱٤۱ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): در حد صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۹۳/۵ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۵۵/٤ میلیون تن؛ هر نفر ۱۰ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۹۲۵ (هشتمین کشور جهان)

را در سال ۱۹۴۹ به رسمیت شناخت. در ژانویهٔ ۱۹۵۳ توفان سهمگینی سراسر خاک هلند را در بر گرفت و میلیاردها فلورن (واحد پول سابق هلند) خسارت وارد کرد. هلند در سال ۱۹۵۷ به بازار مشترک اروپا پیوست و به سرعت رو به صنعتی شدن نهاد. در سال ۱۹۷۵ با استقلال سورینام که سابقاً گویان هلند نام داشت موافقت نمود.

ملکه ژولیانا در سی‌ام آوریل ۱۹۸۰ در سن ۷۱ سالگی از سلطنت کناره‌گیری کرد و دخترش بئاتریکس به جای او به سلطنت رسید. در سال ۱۹۸۲ آندرئاس وان‌آگت، رهبر حزب دموکرات مسیحی از نخست‌وزیری هلند استعفاء داد و رود لوبرس به جای او دولت جدیدی را تشکیل داد. در این سال تظاهرات ضد هسته‌ای وسیعی در هلند برگزار شد. در۱۹۸۹ بودجهٔ دفاعی هلند برای سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ به میزان ۰/۶ درصد افزایش یافت و در عین حال مقرر گردید تا ۷۵۰ تن از سربازان ارتش هلند از آلمان غربی فرا خوانده شوند. هلند در سال ۱۹۹۱ با استفاده از موقعیت خویش به عنوان رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا، کشورهای عضو آن را واداشت تا همه اشکال نژادپرستی را در نشست ماستریخت محکوم کنند. با این حال در اثر افزایش تمایلات ضد بیگانگان، در سپتامبر ۱۹۹۳ هلند محدودیت‌های قانونی برای مهاجرت به کشور قائل شد و ورود و اقامت غیرقانونی ملیت‌های خارج از اتحادیهٔ اروپا را منع کرد. در ۲۲ اوت ۱۹۹۴ ویم کوک از حزب کارگر در رأس یک دولت ائتلافی به نخست‌وزیری رسید و در انتخابات مه ۱۹۹۸ نیز موقعیت وی تحکیم شد. انفجاری مهیب در یک انبار وسایل آتش‌بازی در شهر انشده در ۱۳ ماه مه ۲۰۰۰، یکی از بزرگترین حوادث مرگبار سال‌های پس از جنگ دوم جهانی در هلند را به وجود آورد که طی آن بیش از ۲۰ نفر کشته شدند و حدود ۱۰۰۰ نفر نیز مجروح گردیدند و ۴۰۰ خانه نیز به کلی ویران گردید. در ماه نوامبر این سال مجالس قانونگذاری هلند قانونی را به تصویب رساندند که به موجب آن به پزشکان اجازه می‌داد که در خودکشی بیماران لاعلاج به آنان کمک کنند و بدین ترتیب برای اولین بار در جهان قتل از روی ترحم صورت قانونی یافت. از ژانویه سال ۲۰۰۲، گیلدر هلند پس از ۴۵۹ سال از چرخهٔ اقتصادی این کشور حذف شد و یورو، پول واحد اروپایی، جایگزین آن گردید.

انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ در هلند با اوج‌گیری محبوبیت راستهای افراطی همراه شد و چند روز پیش از انتخابات پیم فورتوین، از رهبران راستگرای این کشور طی یک سؤقصد کشته شد و همین امر بر میزان محبوبیت طرفداران وی افزود. در انتخابات ماه مه این سال حزب کارگر و احزاب ائتلافی آن اکثریت خود را از دست دادند و دموکرات مسیحی‌ها به قدرت رسیدند. در انتخابات پارلمانی ژانویه سال ۲۰۰۳، حزب کارگر بیشتر کرسی‌های از دست داده را دوباره به دست آورد و راستهای افراطی تعداد زیادی از کرسی‌های خود را از دست دادند.

سرزمینهای تابعه هلند NETHERLANDS DEPENDENCIES

آروبا
Aruba

جزیره‌ای است در جنوب دریای کارائیب به وسعت ۱۹۳ کیلومترمربع و جمعیتی معادل ۹۷,۲۰۰ نفر (۲۰۰۱)، در ۲۵ کیلومتری شمال سواحل ونزوئلا. این جزیره تا سال ۱۹۸۶ همراه با جزایر کوراسائو و بونیر، جزئی از آنتیل‌های هلند بود. اقلیم گرم و مرطوبی دارد و جریانهای دریایی به اعتدال هوای آن کمک می‌کند. دارای پالایشگاه نفت است و نفت خام ونزوئلا را تصفیه می‌کند و گردشگری منبع درآمد اصلی آن است. جمعیت آن را اروپایی‌تباران و کاریب‌ها و مهاجران امریکای لاتین و امریکای شمالی تشکیل می‌دهند. عمدتاً از مذهب کاتولیک پیروی می‌کنند و پروتستان‌ها، یهودی‌ها، مسلمانان و هندوها از اقلیت‌های مذهبی آن هستند.

زبان رسمی هلندی است و علاوه بر آن زبان پاپیامنتونیز به صورت گسترده رواج دارد. نام رسمی آن، آروباست. مرکز آن اورنجستاد (۲۸,۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸) است. سان نیکولاس با حدود ۱۳,۵۰۰ نفر جمعیت (۱۹۹۱)، مهمترین شهر آن محسوب می‌شود.

نوع حکومت آن فرمانداری است که فرماندار هر شش سال یک بار توسط پادشاه یا ملکهٔ هلند تعیین می‌گردد و تنها سیاست خارجی و امور دفاعی را به عهده دارد. یک شورای مشورتی فرماندار را در این امر یاری می‌رساند و امور داخلی آروبا توسط نخست‌وزیر که توسط پارلمان انتخاب می‌شود، به انجام می‌رسد. پارلمان دارای ۲۱ عضو منتخب است و انتخابات آن چهار سال یک بار برگزار می‌گردد. واحد پول رایج، فلورن آروبا است که به طور ثابت هر ۱/۷۹ فلورن یا گیلدر آروبا معادل یک دلار امریکا است.

آروبا یکی از جزایر آنتیل‌های کوچک است. اروپاییان در سال ۱۶۴۳ ماندگاههایی در آن تأسیس کردند و به پرورش اسب مشغول شدند و بومیان اولیه را به بردگی در جزیرهٔ هیسپانیولا واداشتند. به موجب عهدنامهٔ وستفالی (۱۶۴۸) جزیرهٔ آروبا به هلند واگذار گردید. در اواخر سالهای دههٔ ۱۹۲۰ پالایشگاه بزرگی در آروبا نصب شد و موجی از مهاجران را به سوی خود جلب کرد. در سال ۱۹۷۱ حزب مردم آروبا تأسیس یافت و رهبر آن هنی امان به نخست‌وزیری رسید. در ۱۹۸۳ هلند با جدایی آروبا از آنتیل‌های هلند و خودمختاری داخلی آن از اول سال ۱۹۸۶ موافقت کرد و توافق گردید که فرماندار آن از سوی ملکهٔ هلند تعیین گردد و دارای یک پارلمان ۲۱ نفری و آرم ملی باشد. در انتخابات ۱۹۸۹ نلسون اودابر به نخست‌وزیری رسید.

درآمد اصلی آروبا عمدتاً از پالایشگاه نفت آن که در اجارهٔ ونزوئلاست تأمین می‌گردد و کشت و صدور توتون نیز به آن کمک می‌کند. در سال ۱۹۸۵ بحران بیکاری مشکل بزرگی ایجاد کرد و توجه دولت را به سوی توسعهٔ گردشگری جلب نمود تا جایی که درآمد حاصل از آن در سال ۲۰۰۰ به ۸۳۷ میلیون دلار رسید. در سال ۱۹۸۶ آروبا از آنتیل‌های هلند جدا شد و اولین قدم را به سوی استقلال کامل برداشت. در انتخابات سال ۱۹۹۴ هنی امان برای دومین بار به نخست‌وزیری رسید. در همین سال، مذاکرات فشرده‌ای میان رهبران آروبا، آنتیل‌های هلند و کشور هلند در لاهه برگزار شد و پیرو آن اعلام شد که زمان استقلال آروبا که قبلاً قرار بود در سال ۱۹۹۶ به اجرا درآید، تا زمان نامعلومی به تعویق افتاد.

آنتیل‌های هلند
The Netherlands Antilles

جزایر آنتیل هلند یا آنتیل‌های هلند به مساحت حدود ۸۰۰ کیلومترمربع و جمعیتی معادل ۲۰۵,۰۰۰ نفر (۲۰۰۱)، مجموعه دو گروه جزیره است واقع در دوراب‌های ساحلی شمال کشور ونزوئلا، امریکای جنوبی و حاشیهٔ شمال خاوری دریای کارائیب، که با فاصلهٔ حدود ۸۰۰ کیلومتر از یکدیگر واقع شده‌اند و عبارتند از:

گروه اول که عمده‌ترین جزایر آنتیل هلند به شمار می‌رود، عبارتند از جزیره بونیر (به مساحت ۲۸۸ کیلومترمربع) و کوراسائو (به مساحت ۴۴۴ کیلومترمربع) که نزدیک ساحل کشور ونزوئلا جای دارند و همراه با جزیرهٔ آروبا به جزایر بادپناه (لیوارد) هلند یا جزایر A و B و C معروفند.

گروه دوم که جزایر کوچکتری هستند و از سه جزیرهٔ کوچک با منشأ آتشفشانی ترکیب یافته‌اند، عبارتند از: سنت‌اوستاتیوس (به مساحت ۲۱ کیلومترمربع)، سابا (۱۳ کیلومترمربع) و بخش شمالی جزیره سنت‌مارتین (۳۴ کیلومترمربع). این گروه که به جزایر S یا جزایر بادگیر (ویندوارد) هلند معروفند در واقع بخشی از گروه جزایر بادپناه (لیوارد) در مجمع‌الجزایر آنتیل به شمار می‌آیند.

اقلیم جزایر مزبور به طور کلی گرم و مرطوب است و جریانهای اقیانوسی بر اعتدال هوای آنها کمک می‌کنند. کشاورزی محدودی دارند و بزرگترین پالایشگاه نفت جهان واقع در جزیرهٔ کوراسائو در اجارهٔ شرکت نفت ونزوئلا قرار دارد. خاک جزایر مزبور به ویژه جزیرهٔ کوراسائو بسیار آلوده است و فاضلاب‌ها و زباله‌های صنعتی از جمله تهدیدهای زیست‌محیطی آن محسوب می‌گردد.

بیشتر ساکنان جزایر مزبور را نوادگان بردگان افریقایی تشکیل می‌دهند و کاریب‌ها و اروپایی‌تباران و آسیایی‌تباران جزء اقلیت‌های قومی آن هستند و از نظر مذهبی عمدتاً پیرو کلیسای کاتولیک می‌باشند. زبان رسمی آنان هلندی است و زبان بومیان کوراسائو و بونیر که پاپیامنتو نام دارد نیز رواج کامل دارد.

مرکز آنتیل‌های هلند، ویلمستاد (حدود ۱۲۳,۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹) است و زیر نظر فرمانداری که از سوی دولت هلند تعیین می‌گردد، با همکاری نخست‌وزیر منتخب مردم و یک شورای مشورتی اداره می‌شود.

روز ملی آن، سی‌ام مه (روز جنبش ضد استعماری) است و واحد پول در گردش آن گیلدر آنتیل‌های هلند است.

فاتحان اسپانیایی که در سال ۱۴۹۹ به جزایر آروبا و بونیر و کوراسائو وارد شدند، جزء نخستین ساکنان جزایر مزبور به شمار می‌روند. این جزایر در بدو ورود اسپانیایی‌ها، جلب توجه آنان را که به دنبال منابع زر و سیم و معادن قابل توجه می‌گشتند، نکرد ولی جزیرهٔ سنت‌مارتین به دلیل دارا بودن موقعیت استراتژیکی ممتاز خود که در واقع مدخل دریای کارائیب به شمار می‌رفت و همچنین وجود معدن نمک در آن، از اهمیت خاصی برخوردار گردید.

در سال ۱۶۰۶ دولت پادشاهی اسپانیا بهره‌برداری از نمک جزیره سنت‌مارتین را که به وسیلهٔ هلندی‌ها استخراج می‌شد ممنوع کرد و از ورود کشتی‌های هلندی به محدودهٔ آنتیل‌های هلند جلوگیری نمود. هلندیان نیز در پاسخ، با تأسیس شرکت هند غربی هلند، به مقابله با اسپانیا برخاستند و رقابت بر سر نمک و چوبهای جنگلی برزیل و تجارت برده میان آنان به اوج خود رسید. در سال ۱۶۳۴ گردانندگان کمپانی هند غربی هلند برای تصرف جزیرهٔ کوراسائو مصمم گردیدند و اسپانیایی‌ها از عهدهٔ مقاومت برنیامدند و کوراسائو به مرکز عمدهٔ تجارت برده برای بازرگانان هلندی مبدل گردید. در سال ۱۶۴۸ پیمان وستفالیا، مالکیت هلند را بر این قسمت از جزایر آنتیل به رسمیت شناخت و ساکنان بومی آنها به وسیلهٔ بردگان افریقایی جایگزین گردیدند تا از وجود آنان در کارهای کشاورزی استفاده شود. شورش بردگان آنتیل‌های هلند نیز مانند دیگر نواحی آنتیل در سدهٔ هجدهم سرکوب گردید. طی جنگ‌های ناپلئون در اوایل سدهٔ

نوزدهم سه جزیره A، B و C به انگلستان واگذار شد. اگرچه در سال ۱۸۱۴ برده‌داری ممنوع شد، ولی تا سال ۱۸۶۳ در مستعمرات هلند به قوت خود همچنان باقی ماند. در سال ۱۸۷۶ فروش جزایر A، B و C به ونزوئلا مورد پیشنهاد پارلمان هلند قرار گرفت اما با کشف معادن نفت در سدهٔ بیستم و گرم شدن بازار آن از فروش جزایر مزبور صرف‌نظر گردید و نسبت به نصب پالایشگاه در جزیرهٔ کوراسائو که به ساحل ونزوئلا خیلی نزدیک بود، اقدام گردید. از سال ۱۹۲۰ به این سو تصفیهٔ نفت به عمده‌ترین فعالیت اقتصادی جزایر مزبور مبدل گردید و کشاورزی به دست فراموشی سپرده شد و هزاران کارگر مهاجر از کشورهای ونزوئلا، سورینام و هند غربی انگلیس به آنجا روی آوردند. نوین‌سازی سیستم‌های تصفیه و اتوماسیون شیوهٔ کار به بیکاری عدهٔ زیادی از کارگران انجامید و تظاهرات کارگران بیکار شده در مه ۱۹۶۹ به وسیلهٔ پلیس سرکوب شد.

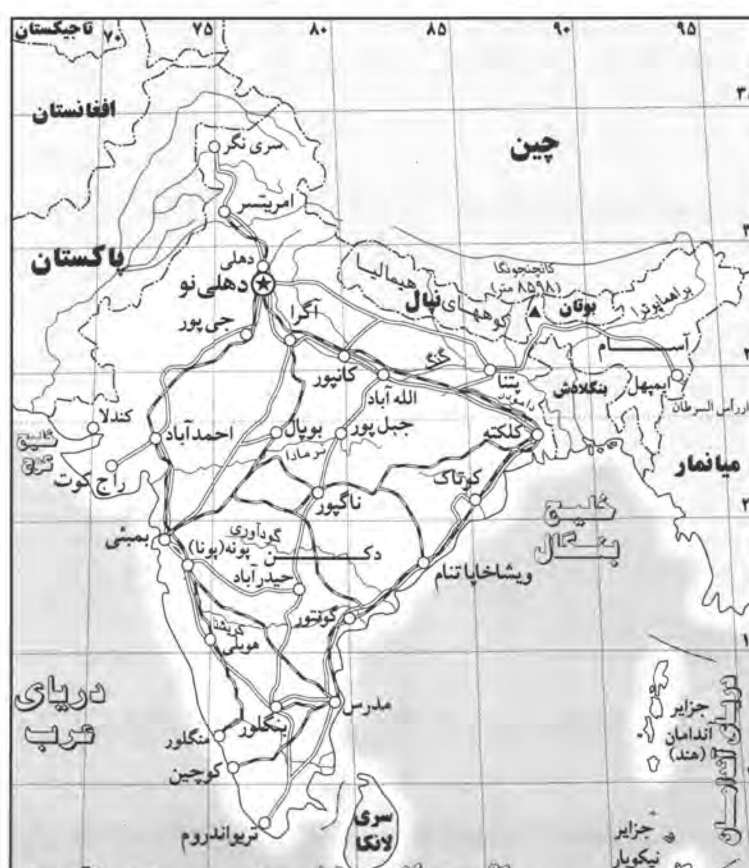
قانون اساسی سال ۱۹۴۸ هلند، جزیرهٔ کوراسائو و بونیر و آروبا را به آنتیل‌های هلند موسوم نمود. در ۱۹۵۴ به جزایر مزبور حق خودمختاری محدود اعطاء گردید.

آنتیل‌های هلند از موقعیت اقتصادی و بازرگانی مهمی برخوردارند و کلاً تحت نفوذ شرکت‌های نفتی چند ملیتی مانند اکسون، رویال داچ شل قرار دارند و پالایش نفت خام نواحی اطراف را در انحصار خود قرار داده‌اند. در سال ۱۹۸۵ پالایشگاه کوراسائو توسط دولت آنتیل‌های هلند خریداری شد و به کمپانی نفت پترولئوس ونزوئلا اجاره داده شد.

در سال ۱۹۸۶ جزیرهٔ آروبا از فدراسیون آنتیل‌های هلند خارج شد و خود به طور مستقیم تحت ادارهٔ هلند قرار گرفت. این مسئله آنتیل‌های هلند را از یک پشتوانهٔ بزرگ مالی که از طریق اجارهٔ پالایشگاه کوراسائو تأمین می‌شد، محروم کرد. در همه پرسی سال ۱۹۹۳، همهٔ مردم جزایر به تعلیق مفاد پیمان استراسبورگ در مورد استقلال این جزایر در سال ۱۹۹۹ رأی دادند و خواستار تداوم پیوستگی خود به کشور هلند شدند. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۴ میگوئل پوریر به نخست‌وزیری رسید و انتخابات سال ۱۹۹۸، وی را در مقام خود ابقاء نمود.

هند INDIA

کشور هند در جنوب آسیا و ساحل شمالی اقیانوس هند جای دارد. این کشور از شمال به چین، نپال و بوتان، از خاور به میانمار (برمه) و بنگلادش، از خاور و جنوب و غرب به اقیانوس هند و از شمال غربی به پاکستان محدود است. کشور هند که پس از چین دومین کشور وسیع قارهٔ آسیاست و از نظر جمعیت نیز بعد از چین در ردیف دوم جهان قرار داد، به سه ناحیهٔ جغرافیایی به شرح فوق تقسیم می‌گردد:



۱- ناحیهٔ هیمالیا که در امتداد مرزهای شمالی جای دارد و کوهستانی‌ترین ناحیهٔ هند است. رشته‌کوههای هیمالیا در همین ناحیه واقع‌اند و کوه کانچنجونگا با ارتفاع ۸۵۹۸ متر بلندترین نقطهٔ آن است. رودخانه‌های گنگ (۲۴۹۵ کیلومتر) و براهماپوترا (۲۸۹۷ کیلومتر) از همین ناحیه سرچشمه می‌گیرند و قسمت اعظم آن از جنگل پوشیده است. اقلیم آن در آسام مرکزی معتدل و در سایر نواحی سرد و کوهستانی است و میزان بارندگی آن در مقایسه با دیگر نواحی بیشتر است.

۲- ناحیهٔ حاصلخیز و پرجمعیت گنگ و براهماپوترا که در جنوب ناحیهٔ هیمالیا قرار دارد و بخش وسیعی از آن را جلگه‌های هموار و حاصلخیز دربر گرفته و رودخانه‌های گنگ و ریزابه‌هایش و براهماپوترا و دامودر آن را مشروب می‌سازند. قسمت اعظم این ناحیه، به ویژه بخشهای شمالی و شرقی و غربی آن از جنگل پوشیده شده و اقلیم آن در بخشهای غربی گرم و خشک و در دیگر نواحی گرم و مرطوب است.

۳- ناحیهٔ دکن که قسمتهای مرکزی و جنوب کشور را شامل گردیده و بخش وسیعی از آن را فلات دکن و کوههای غات و غیره پوشانیده‌اند و جلگه‌های آن عمدتاً در بخشهای خاوری و کناره‌های غربی جای دارند. رودهای فراوانی مانند کریشنا، تاپتی، کائووری، گوداآوری و مهاندی و غیره آن را مشروب می‌سازند. اقلیم این ناحیه عمدتاً گرم و مرطوب است و از بارندگی نسبتاً زیادی برخوردار است.

کوههای هیمالیا همچون سدی از نفوذ بادهای سرد آسیای مرکزی به درون کشور جلوگیری می‌کنند و اقلیم هند تحت تأثیر پدیدهٔ مونسون قرار دارد. هشت ماه سال گرم و خشک است و از ماه ژوئن تا سپتامبر از بارش سنگین برخوردار است و کشت نیشکر، غلات و برنج عمده فعالیت کشاورزی آن محسوب می‌گردد. زغال سنگ، آهن و بوکسیت از عمده‌ترین منابع زیرزمینی هند است و مالکیت کشمیر که در شمال کشور جای دارد، مورد اختلاف هند و پاکستان است.

تاریخچه

دراویدی‌ها از جمله نخستین اقوامی بوده‌اند که در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در درهٔ سند ساکن گردیدند و شهرهای متعدد و پرستش گاههای گوناگونی ساختند که هاراپا و موهنجودارو از آن جمله‌اند. آنان زبان تحریری اختراع کردند و با احداث شبکه‌های آبیاری به کشاورزی پرداختند و با برقراری داد و ستد با سرزمینهای سواحل اقیانوس هند، اقتصاد پیشرفته‌ای را پایه‌گذاری کردند و از رود سند برای رفت و آمد و ارتباطات درون‌بومی استفاده نمودند. بعدها آنان به دست مهاجمانی که از اطراف بدانجا یورش بردند، نابود شدند و جز ویرانه‌هایی چند، اثری از تمدن آنان باقی نماند. حدود ۱۶۰۰ سال پیش از میلاد اقوام هند و اروپایی از راه افغانستان و ایران به شبه قارهٔ هند وارد شدند و به نام آریایی‌ها بر سرزمین مزبور تسلط یافتند. آنان که به سلاح‌های فلزی و ارّابه‌های جنگی مجهز بودند، سرزمین هند را تقسیم‌بندی کردند و کشورهای چندی تأسیس نمودند و تمدنی را پایه‌گذاری کردند که به تمدن ودایی معروف گردید. تمدن مزبور نظام طبقاتی خاصی را که آثار آن هنوز در جامعهٔ هند دیده می‌شود، تأسیس نمود.

ایرانی‌ها و یونانی‌ها که خود قومی آریایی و از نژاد هند و اروپایی هستند، طی سده‌های ششم تا چهارم پیش از میلاد به این سرزمین حمله بردند ولی هیچگاه از درّهٔ سند به این‌سو وارد نگردیدند و مرزهای خاوری خود را به رود سند محدود ساختند.

طی سالهای ۶۵۰ تا ۳۲۵ قبل از میلاد امپراتوری ماگادها در ایالت بهار یا بیهار کنونی تأسیس گردید و به ترویج آیین‌های بودا و جین و زبان و خط سانسکریت پرداخت و در ۳۲۵ قبل از میلاد به دست ساندراکوتوس یا چاندراگوپتا برافتاد و سلسلهٔ ماوریا تأسیس گردید. بزرگترین شاه سلسلهٔ ماوریا، آشوکا نام داشت. وی سراسر هندوستان و افغانستان را به تصرف خود درآورد و در ترویج کیش بودا تلاش فراوان کرد و سنگ‌نبشته (کتیبه)های فرامین و سخنان او هنوز در بسیاری از نواحی هندوستان و پاکستان موجود است. امپراتوری ماوریا پس از آشوکا رو به زوال نهاد و با کشته شدن آخرین پادشاه آن، سلسلهٔ سونگا که عمدتاً بر حوضهٔ رود گنگ تسلط داشت بر سر کار آمد و پس از آن در سالهای ۷۵ تا ۲۵ پیش از میلاد خاندان کانوا به حکومت رسیدند. هند در عصر مسیحیت در مسیر جدیدی قرار گرفت. نخست قوم کوشان یا یوئه‌چی که چینی‌تبار بودند، هند را تصرف کردند و کشور مستقلی بنا نهادند. کوشان‌ها در سال ۲۴۱ میلادی به اطاعت شاپور اول ساسانی شاهنشاه ایران درآمدند.

در سال ۳۰۸ میلادی خاندان گوپتا قدرت را در دست گرفتند و هند را به عصر طلایی فرهنگ خود وارد نمودند. آثار نقاشی گوپتا در غارهای آجانتا و حجاری‌های معابد الورا که همچنان باقی است، از آن زمان است. در زمان سمودره گوپتا که از ۳۳۵ تا ۳۷۵ میلادی سلطنت کرد، بخش اعظم دکن به تصرف وی درآمد و دوران سلطنت چاندرا گوپتای دوم (۳۷۶ تا ۴۱۴) با رونق و صلح و شکوه همراه بود. امپراتوری گوپتا تا حدود سال ۵۴۴ میلادی در بنگال به حیات خود ادامه داد. در اواخر سدهٔ ششم میلادی سردار هندی موسوم به هرشه زمام امور هند را در دست گرفت و با پیروزی‌های خود امپراتوری وسیعی از آسام تاکاتیاوار تشکیل داد. ولی پس از مرگ او هندوستان تجزیه شد و حکومت ملوک‌الطوایفی در آن سرزمین برقرار گردید.



نام رسمی: جمهوری هند

نام محلی: بهارات Baharat

اسامی دیگر: هندوستان

پایتخت: دهلی نو (۳۰۱،۲۹۷ نفر در سال ۱۹۹۱)

تاریخ استقلال: ۱۹٤۷/۸/۱۵، از انگلستان

روز ملی: بیست و ششم ژانویه، روز جمهوری

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی فدرال با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۵۰

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور: کوچریل‌رامان نارایانان(حزب کنگره)، از سال ۱۹۹۷ به مدت ٥ سال توسط کالج انتخاباتی

رئیس دولت: نخست‌وزیر: آتال بیهاری واجپایی (حزب بهاراتیا جاناتا)، از سال ۱۹۹۸

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۵۰؛ پارلمان فدرال شامل مجلس خلق (لوک صابا) با ۵٤۳ عضو به مدت ٥ سال و مجلس ایالات (راجیا صابا) با ۲٤٥ عضو به مدت ٦ سال، کرسی‌های مجلس خلق (۱۹۹۹): حزب بهاراتیا جاناتا ۱۸۳ کرسی، حزب کنگره (تمام هند) ۱۱٤، حزب کمونیست هند ۳۳، حزب تلوگود سام ۲۹، حزب ساماج وادی ۲٦، جاناتا دال متحد ۲۲، سایرین ۱۳٦ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، آدب، جنبش عدم تعهد، ملل مشترک‌المنافع

جمعیت

مساحت: ۳،۱٦٥،٥۹٦ کیلومترمربع (هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۱،۰۱۳،۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۲۰/۲ نفردر کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹٥) :** ٪۱/٦

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲٥): ۱،۳۳۰/٤ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٪۲۷/۷ ؛ رشد سالانه: (۲۰۰۰-۱۹۹٥): ٪۳

توزیع سنی(۱۹۹٥): زیر ۱٥ سال ٪۳٥/٤؛ ۲۹-۱٥ سال ٪۲۷؛ ٥۹-۳۰ سال ٪۳۰/٤؛ بالای ٦۰ سال ٪۷/۲

توزیع جنسی (۱۹۹٥): مرد ٪٥۱/٦٦ ؛ زن ٪٤۸/۳٤ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۲/۷ سال؛ مردان ٦۱/٥ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۸): ۲٦/٤ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۹ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۸): ۷۲ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۸):** ۱۷/٤ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۸۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ۲۲۷ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ۲۱٥ نفر، بیماریهای دستگاه تنفسی ۱۰۸ نفر؛ شرایط ناشی از دوران بارداری و زایمان ۱۰۸ نفر؛ حوادث، قتل و درگیریها ۱۰۲ نفر؛ بیماریهای دستگاه گوارش ٤۸ نفر؛ بیماریهای دستگاه‌عصبی ٤۳ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ٤۱ نفر؛ بیماریهای مربوط به غدد، متابولیسم و تغذیه ۳۰ نفر؛ بیماریهای خونی و اندام‌های خون‌ساز ۲٥ نفر؛ وضعیت و شرایط نامشخص ۱۲۹ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۳/۲ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ٤۱۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد/ملیت(۱۹۹۱): گروه‌های زبانی هندی ٪۳۹/۹ ؛ بنگالی ٪۸/۲؛ تلوگو ٪۷/۸؛ ماراتی ٪۷/٤؛ تامیل ٪٦/۲٦؛ اردو ٪٥/۱۳

دین(۱۹۹٥): هندو ٪۸۱/۳؛ مسلمان ٪۱۲ (سنی ٪۹؛ شیعه ٪۳)؛ مسیحی ٪۲/۳؛ سیخ (سبک) ٪۱/۹؛ بودایی ٪۰/۸؛ جین ٪۰/٤

زبان و خط: هندی (زبان رسمی)، انگلیسی؛ خط: دوانگاری (سانسکریت)، لاتین

شهرهای مهم(۱۹۹٥): بمبئی ۱٥،۰۹۳،۰۰۰ نفرباحومه؛ کلکته ۱۱،٦۷۳،۰۰۰؛ دهلی ۹،۸۸۲،۰۰۰؛ مدرس(چنای) ٥،۹۰٦،۰۰۰؛ حیدرآباد ٥،۳٤۳،۰۰۰؛ بنگلور ٤،٤۷۹،۰۰۰؛ احمدآباد ۳،٦۸۸،۰۰۰؛ پونه(پونا) ۲،۹٤۰،۰۰۰؛ کانپور ۲،۳٥٦،۰۰۰ نفر با حومه

بنادر مهم: کلکته و ویشاخاپاتنام (خلیج بنگال)؛ بمبئی، منگلور، مدرس(چنای) و کوچین (اقیانوس هند) و کندلا (خلیج کوچ)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: روپیه (R)= ۱۰۰ پایسه؛ یک دلار= ٤٦/۱۱ روپیه؛ یک روپیه=۱۷۳/٥ ریال

درآمد بودجه: ۲،۹٥۳/۸ میلیارد روپیه، درآمد مالیاتی ٪٤۸/۱(شامل مالیات بر مصرف ٪۱۸/۹؛ عوارض گمرکی ٪۱٦/۳؛ مالیات شرکت‌ها ٪۹)؛ درآمد غیر مالیاتی ٪۳٥/۷ (شامل خدمات اقتصادی ٪۲۰/۲؛ وصول سود ٪۹/٥)؛ سایر منابع درآمد ٪۱٦/۲

هزینه بودجه: ۲،۹٥۳/۸ میلیارد روپیه؛ بازپرداخت وام و سود آن ٪۲٥/٤؛ حمل و نقل ٪۱۱/٥؛ دفاع ٪۱۰/۸؛ کمک به دولت‌های ایالتی ٪۹/۳؛ ارتباطات ٪٦/۹؛ کشاورزی ٪٥/۳؛ خدمات اجتماعی ٪٥

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤۲۷،٤۰۷ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ٤٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹٥-۱۹۹۰): ٪٤/۸ ؛ ۹۸-۱۹۹۰ : ٪٥/٦

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ٪۲۹/۳؛ صنعت ٪۲٤/۸؛ خدمات ٪٤٥/۹

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٥۸ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۲،۲٥۸ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۸٥،۲۰۷ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۱،٥۹٤/٦+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲۰/۹

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ٪۸/۹ ؛ ۱۹۹۸: ٪۸/۹ ؛ ۲۰۰۰-۱۹۹۹: ٪۳/٤

محصولات کشاورزی (۱۹۹۸): (میلیون تن): نیشکر ۲٦٥ ؛ غلات ۲۱۹/٥ (برنج ۱۲۲/۲ ؛ گندم ٦٦؛ ارزن ۱۰/٥؛ ذرت ۱۰؛ ذرت خوشه‌ای ۹)؛ میوه ۳۸/۷؛ دانه‌های روغنی ۳۱؛ حبوبات ۱٤/۲؛ نارگیل ۱۰؛ پنبه‌دانه ۷/۷؛ بادنجان ۳/٦؛ ژوت ۱/٥؛ چای ۰/۸۷؛ توتون ۰/٦٤؛ کائوچو ۰/٥٤؛ سیر ۰/٤٥؛ جوز کابلی ۰/٤۳؛ فوفل ۰/۳

کاربری زمین (۱۹۹٤): کشاورزی ٪٥۷/۱؛ مرتع و چمنزار ٪۳/۸؛ جنگل ٪۲۳؛ سایر موارد ٪۱٦/۱

تعداددام‌زنده (۱۹۹۸): گاو ۲۰۹،٤۸۹،۰۰۰ رأس؛ بز ۱۲۰،٥٦۰،۰۰۰؛ گاومیش آسیائی ۹۱،۷۸٤،۰۰۰؛ گوسفند ٥٦،٤۷۲،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۰٦،٤٥٥،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹٦):** ٥،۲٦۰،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۳۸۲،٥۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱،۷۳۲،٥۰۰ تن

تولیدات معدنی (۹۸-۱۹۹۷): آهک ۱۰۸،۱٤٤،۰۰۰ تن؛ آهن ٤٦،۰۰۰،۰۰۰ ؛ بوکسیت ٥،۹۰٤،۰۰۰؛ منگنز ٦٤۳،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۹۸-۱۹۹۷): (هزار تن) سیمان ۸۲،۸۷۲؛ فولاد ۱٤،۳۰۲؛ شکر تصفیه شده ۱۳،۲٤۸؛ کود ازته ۱۰،٤٦٤؛ کاغذ و مقوا ٤،۲۹٦ ؛ خاکستر سود ۱،٥٦۷؛ ژوت بافته شده ۱،٤۰۰؛ آلومینیوم ٥٤۹؛ نخ پلی‌استر ۳۳٦؛ دوچرخه ۹،۷٦٦،۰۰۰ دستگاه؛ موتورسیکلت و اسکوتر ۳،۰٤٦،۰۰۰ دستگاه؛ پمپ برقی ٦۹۲،۰۰۰ دستگاه، اتومبیل سواری و جیپ ٤٦۸،۹۰۰ دستگاه

انرژی/میزان‌تولید(میزان‌مصرف): برق(۱۹۹۹): ٤۷۳،۲۱٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۹٦: ٤۳۳،۹۱٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ (۱۹۹۹): ۲۹۲،۳٥٦،۰۰۰ تن (۱۹٦٦: ۳۱۹،۲۳۳،۰۰۰)؛ نفت‌خام(۱۹۹۹): ۲٤۷،٤۲٦،۰۰۰ بشکه(۱۹۹٦: ٤۹۲،٦٤٦،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی(۱۹۹٦): ٤۷،٦٤۸،۰۰۰ تن (٦۷،۲۱۹،۰۰۰)؛ گازطبیعی(۱۹۹۹): ۲۰،۰۰٦،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب(۱۹۹٦: ۲۷،۱۱۳،۰۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت‌فعال‌اقتصادی (۹٤-۱۹۹۳): ۳۷۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٪٤۱؛ میزان مشارکت:؟ زنان: ٪۳۲/٥ ؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٪۱۰/٤

توزیع نیروی کار(۹٤-۱۹۹۳): کشاورزی ٪٦٤/۷؛ صنعت ٪۱٤/۸؛ خدمات ٪۲۰/٥

نیروی دفاعی: خدمت نظام‌وظیفه: داوطلبانه؛ تعداد نفرات ارتش ۱۹۹۸: ۱،۱۷٥،۰۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٪۸۳/٤؛ نیروی دریایی ٪٤/۷؛ نیروی هوایی ٪۱۱/۹؛ سرانه هزینه دفاعی (۱۹۹۷): ۱۱ دلار

واردات(۹۸-۱۹۹۷): ۱،٥۱٥/٥ میلیارد روپیه؛ شامل: سوخت‌های معدنی و روغن‌های روانکاری ٪۲۰/۲؛ ماشین‌آلات غیر برقی ٪۸/۷؛ سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی ٪۷/۷؛ مواد شیمیایی ٪۷/۳؛ کالاهای الکترونیکی ٪٤/۹؛ از امریکا ٪۸/۹؛ سوئیس ٪٦/۳؛ عربستان سعودی ٪٦/۲؛ آلمان ٪٦/۱؛ بلژیک ٪٦؛ کویت ٪٥/۷؛ انگلستان ٪٥/۷؛ ژاپن ٪٥/۲

صادرات(۹۸-۱۹۹۷): ۱،۲٦۲/۹ میلیارد روپیه؛ شامل: الماس تراشیده و جواهرات ٪۱٥/۱؛ مواد شیمیایی ٪۱۳/۲؛ ماشین‌آلات، تجهیزات حمل و نقل، تولیدات فلزی و آهن و فولاد ٪۱۲/۳؛ پوشاک ٪۱۱/۱؛ نخ پنبه‌ای، پارچه و ریسمان ٪۹/٦؛ تولیدات دریایی ٪۳/٤؛ چرم و تولیدات چرمی ٪۲/۷؛ به امریکا ٪۱۹/٥؛ انگلستان ٪٦؛ هنگ‌کنگ ٪٥/٦؛ ژاپن ٪٥/٥

تراز بازرگانی:	۹۳-۱۹۹۲	۹٤-۱۹۹۳	۹٥-۱۹۹٤	۹٦-۱۹۹٥	۹۷-۱۹۹٦	۹۸-۱۹۹۷
میلیون روپیه	-۹٦،۸۷۰	-۳۳،٥۰۰	-۷۲،۹۷۰	-۱٦۳،۲٥۰	-۲۰۰،۰۳۰	-۲٥۲،٦۸۰
درصد کل	٪۸/۳	٪۲/۳	٪٤/۲	٪۷/۱	٪۷/۸	٪۹/٥

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٥):	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
شاخص قیمتهای مصرفی	۹۰/۷	۱۰۰	۱۰۹	۱۱٦/۸	۱۳۲/۲	۱۳۸/٤	۱٤٤
شاخص درآمد	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۱): ٥/٦ نفر؛ منابع درآمد (۸٥-۱۹۸٤): دستمزد و حقوق ٪٤۲/۲؛ کار آزاد ٪۳۹/۷؛ سود ٪۸/٦؛ سود سهام ٪٦؛ اجاره ٪۳/٥؛ هزینه‌ها (۹٥-۱۹۹٤): غذا ٪٥۱/۱؛ حمل و نقل و ارتباطات ٪۱۲/٥؛ پوشاک و کفش ٪۱۰/٤؛ مسکن ٪٥/٤؛ سوخت ٪۳/۹؛ آموزش و سرگرمی ٪۳/٤

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۲،۹۳٥ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج: ۱،۱۷۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ۳،۳۱۹،٦٤٤ کیلومتر — **راه‌آهن(۹٦-۱۹۹٥):** ٦۲،۹۱٥ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ٤،۱۸۹،۰۰۰ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۲،۲۳٤،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن : ۸۸۸ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ٦٦ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه: ۳،۰۳۷ روزنامه در ۲۲،۹٦۹،۰۰۰ نسخه (۲۷ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۱۱،۹۰۳ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۱۱٦،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۲۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۷۰،۰۰۰،۰۰۰ گیرنده تلویزیونی (۷۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲۱،٥۹٤،۰۰۰ خط تلفن (۲۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ۱،۸۸٤،۰۰۰ خط (۱/۹ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۳،۳۰۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۲،۸۰۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۷)	٥۹۸،۳٥٤	۱،۷۸۹،۷۳۳	۱۱۰،۳۹۳،٤۰٦	٦۱/۷
متوسطه فنی و حرفه‌ای	۲٤۹،۸۹۹	۲،۱۲۲،۳۲٥	٥۸،۹۲٦،٦۲۳	۲۷/۸
عالی	۲٥،۰٤٥	٦۱٥،۸۸۰	٦،٤۱۲،۷۱٦	۱۰/٤

میزان باسوادی(۲۰۰۱): افراد بالای ۷ سال: ٪٦٥/٤؛ مردان: ٪۷٥/۸؛ زنان: ٪٥٤/۲

میزان تحصیلات افراد بالای ۲٥ سال: ؟

تعداد پزشک(۱۹۹۲): ٤۱۰،۸۷٥ نفر (هر ۲،۱۷۳ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۲): ٦٤۲،۱۰۳ تخت (هر ۱،۳٥۷ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٤،۱۰۰،۰۰۰ نفر (٪۰/۸۲ افراد ۱٥ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۱۱۸/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،٤۱۷ کالری (٪۱۰۹ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٥۹ گرم؛ مصرف چربی: ٤٥ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ٪۱/۱- ؛ (۱۹۹٥-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۲/۲ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۹۹۹ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٥٦۳ (صد و بیست و هشتمین کشور جهان)

با ظهور اسلام، هند در برابرنفوذ مسلمانان چندی مقاومت ورزید، اما در سال ۷۱۲ میلادی اعراب مسلمان اطراف رود سند و ناحیهٔ مولتان را تصرف کردند و در سده‌های هشتم و نهم قسمتهای دیگری را به متصرفات خود افزودند. آیین اسلام در حوضهٔ سند به سرعت رواج یافت. در پایان سدهٔ دهم میلادی سلطان محمود غزنوی عازم هندوستان گردید. وی سپاهیان جی‌پال را مغلوب کرد و پس از تصرف پیشاور تا پنجاب پیش رفت و در ۱۰۰۴ میلادی کشمیر را به تصرف خود درآورد. در سال ۱۰۰۸ برای بار دوم عازم هندوستان شد و در سال ۱۰۱۰ قسمتی از هندوستان از جمله ناحیهٔ مولتان را تصرف کرد و پرستشگاه آن را نابود ساخت. وی در سومین دور حملات خود، فتوحات فراوانی کرد و معابد بسیاری را ویران نمود. جانشینان سلطان محمود از ادامهٔ تصرف هند منصرف شدند و آرامش را به هند بازگرداندند.

پیروزی مسلمین بر اکثر نواحی هند در سال ۱۱۹۲ میلادی تکمیل شد و تا زمان استیلای اروپاییان ادامه یافت. معزالدین محمد سام غوری، شاه مسلمان هند در سال ۱۱۹۶ حکومت نواحی تحت تصرف خود را به قطب‌الدین ایبک یکی از سرداران ترک خود واگذار کرد. قطب‌الدین نواحی وسیع دیگری را به آن افزود. پسرش آرام‌شاه در مصاف با التمش یکی دیگر از سرداران ترک کشته شد. و التمش مملکت دهلی را تأسیس کرد. پس از وی دوران هرج و مرج هند مجدداً آغاز شد و زد و خورد میان افغان‌ها و ترکان بر سر تصاحب متصرفات اسلامی وسعت گرفت. سرانجام افغان‌ها بر ترکان پیروز شدند و جلال‌الدین فیروز خلجی در سال ۱۲۹۰ میلادی سلسلهٔ خلجیان را تأسیس نمود. وی مغولان را در سال ۱۲۹۲ شکست داد و در سال ۱۲۹۶ به دست برادرزاده و دامادش علاءالدین خلجی کشته شد. علاءالدین به فتوحات خود ادامه داد و تا دماغهٔ جنوبی هند و مقابل جزیره سیلان پیشروی کرد. پس از علاءالدین، ملک کافور به سلطنت رسید (۱۳۱۶ میلادی). اونیز به دست خسروخان نامی کشته شد و خسروخان با عنوان ناصرالدین خسروشاه به سلطنت رسید (۱۳۲۰ میلادی). خسروشاه پس از اندک زمانی به دست غیاث‌الدین تغلق به قتل رسید و خاندان تغلقیه از ۱۳۲۰ تا ۱۴۱۲ بر هند سلطنت کردند. محمدابن تغلق که در سال ۱۳۲۵ به سلطنت رسید، از بزرگترین سلاطین مسلمان هند به شمار می‌آید. وی تقریباً سراسر هند را به تصرف خود درآورد. پس از وی فیروزشاه تغلق به سلطنت رسید. با حملهٔ تیمور لنگ تغلقیه در ۱۴۱۲ میلادی منقرض گردید.

واسکو دو گاما سردار پرتغالی در بیستم ماه مه ۱۴۹۸ میلادی در بندر کالیکوت هند پیاده شد و با حاکم محلی قرارداد بازرگانی منعقد نمود. در سال ۱۵۰۰ آلوارز کابرال پرتغالی با تجهیزات کافی در ناحیهٔ کوچین مستقر شد و در سال ۱۵۰۳ آلبوکرک نیز پایگاه مهمی در این ناحیه بنا نهاد و بدینسان پرتغالی‌ها در سواحل جنوبی هند نفوذ کردند. آلبوکرک در سال ۱۵۰۹ به فرمانداری کل امپراتوری پرتغال در هند منصوب گردید.

در سال ۱۵۲۶ ظهیرالدین محمدبابر، یکی از نوادگان امیرتیمور سلسلهٔ تیموریان هند یا مغولان هند را تأسیس کرد و به مغول کبیر معروف گردید. وی آگرا را پایتخت خود قرار داد و پس از او پسرش همایون شاه به سلطنت رسید. همایون شاه که از عهدهٔ افغان‌های شورشی برنمی‌آمد از هند گریخت و به دربار شاه طهماسب صفوی پادشاه ایران پناه برد. پس از مدتی همایون شاه با پشتیبانی شاه طهماسب به هند بازگشت و تاج و تخت از دست رفته را دوباره به دست آورد. پس از همایون شاه، پسرش اکبرشاه به سلطنت رسید و دوران شکوفایی حکومت تیموریان آغاز گردید. اکبرشاه در سال ۱۵۶۰ قدرت خود را بر درّهٔ گنگ استقرار بخشید. وی از هنر و ادبیات بسیار حمایت می‌کرد و جانشینان او نیز هرکدام از امپراتوران معروف و تأثیرگذار هند شدند. از جمله معروف‌ترین آنها شاه جهان واورنگ زیب هستند که از آنها کاخ‌ها و مساجد زیبا و با شکوه و دژهای عالی، آرامگاههای حیرت‌انگیز و باغهای دلنواز بر جای مانده است. تاج‌محل و باغ‌های شالیمار شواهدی بر فرهنگ بسیار پیشرفتهٔ این دوران هستند.

اورنگ‌زیب که از ۱۶۵۸ تا ۱۷۰۷ سلطنت کرد، امپراتوری مغول هند را به اوج توسعه و عظمت خود رساند. سختگیریهای اواخر سلطنت اورنگ زیب با شورش و قیام‌های مسلحانه روبرو گردید و پس از وی دورهٔ انحطاط آغاز شد. از جمله مخالفین سرسخت اورنگ زیب، مراته‌های جنوب غربی هند بودند که به رهبری شیواجی علیه استبداد امپراتور به پا خاستند و در سده‌های ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ نیز به مبارزات خود علیه انگلیسی‌ها ادامه دادند.

با استقرار پرتغالی‌ها، مدت ۲۰۰ سال قدرتهای اروپایی برای دست یافتن بر ثروت‌های هند با یکدیگر به رقابت برخاستند و به دست و پنجه نرم کردن مشغول شدند. انگلیسی‌ها به تدریج بر حریفان دیگر پیشی گرفتند و دست آنان را از هند کوتاه کردند و سلاطین تیموری را مطیع و دست‌نشاندهٔ خود ساختند. در سدهٔ نوزدهم انگلیسی‌ها بر درّهٔ ثروتمند سند و دشت‌های حاصلخیز ساحلی مستولی شدند و باقیماندهٔ سرزمین هند نیز نزدیک نیم قرن زیر تسلط مهاراجه‌ها و دیگر امیران موروثی بود. علیرغم سیاست معروف «تفرقه بیانداز و حکومت کن»، شورش‌ها و اعتراضات پراکنده مردم هند در نقاط مختلف این کشور به تدریج با تشکیل حزب کنگرهٔ ملی هند در سال ۱۸۸۵ شکل منسجمی به خود گرفت و با پیوستن مهاتماگاندی به آن در سال ۱۹۱۵ و تحت رهبری‌های وی سیاست مبارزهٔ منفی توانست اقشار مختلف مردم را در مبارزه گسترده علیه انگلستان فعال نماید. این مبارزه طولانی مدت و پایدار که نیروهای انگلیسی را سخت به ستوه آورده بود، سرانجام سبب شد که انگلستان در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ از شبه قارهٔ هند خارج شود و بر اساس اکثریت دینی، دو کشور پاکستان (مسلمان) و هند (هندو) به وجود آید. استقلال هند سبب مهاجرت دسته‌جمعی ۱۳ میلیون نفر از مردم و افروخته شدن آتش جنگها و کشتارهای دینی شد. بیش از ۶ میلیون هندو و سیخ (سیک) به عنوان آواره و پناهنده از پاکستان به شمال هند گریختند. قانون اساسی تازهٔ هند در ۲۶ ژانویهٔ ۱۹۵۰ تدوین گردید و انتخابات آزاد صورت گرفت و با الغای امارت‌های راجه‌نشین و الحاق مستعمرات سابق فرانسه و پرتغال، هند قدرت خود را تثبیت کرد.

اولین نخست‌وزیر هند جواهر لعل نهرو بود. پس از مرگش که در ۱۹۶۴ اتفاق افتاد، لعل بهار شستری به نخست‌وزیری رسید. شستری نیز در سال ۱۹۶۶ درگذشت و دختر نهرو، بانو ایندیرا گاندی نخست‌وزیر شد و در ۱۰ مارس ۱۹۷۰ نیز دوباره به این سمت برگزیده شد و تا آوریل ۱۹۷۷ در این مقام باقی بود. در آن سال موراجی دسای از حزب جاناتا دال به پیروزی رسید، ولی در ژانویهٔ ۱۹۸۰ خانم گاندی دوباره نخست‌وزیر شد.

در نوامبر ۱۹۶۹ خانم گاندی و هواخواهانش با انشعاب از حزب کنگره گروهی به نام حزب جدید کنگره تشکیل دادند که تقریباً جنبهٔ سوسیالیستی داشت. هند عضو ملل مشترک‌المنافع بریتانیاست و از اعضای اولیهٔ سازمان ملل متحد به شمار می‌رود. در ۱۹۷۴ هند با انفجار بمب هسته‌ای زیرزمینی در ردیف کشورهای نیرومند هسته‌ای قرار گرفت.

سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ سالهای اوج خشونت در ایالت آسام بود. مهاجران زیادی که از نواحی مختلف هند برای کار در مزارع آسامی‌ها به این ایالت می‌آیند، مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوانی برای مردم آسام ایجاد می‌کنند. فشار سال ۱۹۸۰ آسامی‌ها به دولت، برای اخراج بنگالی‌ها به شورشهای زیادی منجر شد و صدها تن که بیشتر بنگالی بودند، جان خود را از دست دادند. اعتصابات وسعت یافت و به قطع نفت آسام که برای هند ارزش حیاتی دارد، منجر شد. طی این سالها هند به اتحاد جماهیر شوروی نزدیک شد و یک سری معاهدات چند میلیارد دلاری با شوروی منعقد نمود. افزایش بی‌رویهٔ جمعیت هند، بزرگترین مشکل دولت هند است و تأمین خوراک این جمعیت، دولت را وادار می‌کند تا همه ساله مقادیر زیادی کمک مالی و مواد غذایی از خارج دریافت دارد.

در سال ۱۹۸۳ بانو ایندیرا گاندی نخست‌وزیر، توسط افراطیون سیخ کشته شد و به جای او راجیو گاندی پسرش به رهبری حزب کنگره و به نخست‌وزیری هند رسید. در سال ۱۹۸۵ راجیو گاندی به اتحاد شوروی وامریکا سفر کرد و درگیری میان سیخ‌ها و هندوها همچنان ادامه یافت. در انتخابات ژانویهٔ ۱۹۸۵ حزب کنگرهٔ راجیو گاندی ۴۰۱ کرسی از ۵۰۸ کرسی پارلمان را اشغال کرد و موقعیت پارلمانی وی را تحکیم نمود. در سال ۱۹۸۷ در ارتباط با بحران سری‌لانکا، هند نیروی صلح به سری‌لانکا اعزام داشت و تامیلی‌ها و سینهالی‌ها را برای برقراری صلح و آتش‌بس، تحت فشار گذارد. در سال ۱۹۹۰ نیروهای حافظ صلح هندی که در بحران سری‌لانکا متحمل خسارات جانی زیادی شده بودند، آن سرزمین را ترک کردند. اگرچه راجیو گاندی در میان گروه شش کشور بی‌طرف (هند، آرژانتین، سوئد، تانزانیا، مکزیک و یونان) نقش فعالی را بر عهده داشت، ولی در عین حال اعلام کرد که چنانچه پاکستان در تجهیز خود به سلاح اتمی اصرار ورزد، هند نیز در کاربرد سلاح‌های هسته‌ای درنگ نخواهد کرد.

در انتخابات پر از خشونت پارلمانی سال ۱۹۸۹ حزب کنگره موقعیت پیشین را از دست داد و حزب جاناتا دال با بدست آوردن ۱۴۱ کرسی، نسبت به انتخابات دورهٔ قبل به وضعیت بهتری رسید. در این انتخابات که به مرگ بیش از صد نفر منجر شد احزاب جاناتا دال و جبههٔ ملی ائتلاف کردند و ویشوانات پراتاپ سینگ را به نخست‌وزیری رساندند. در مارس ۱۹۹۰ اختلاف میان هند و پاکستان بر سر کشمیر بالا گرفت و آنها را تا لبهٔ پرتگاه جنگ جلو برد و بحران اقتصادی بعدی سینگ را وادار به برکناری از نخست‌وزیری کرد و چاندرا شخار از حزب جاناتا دال به جای او نخست‌وزیر شد. در مبارزات انتخاباتی مه ۱۹۹۱ حدود ۲۸۰ تن کشته شدند و روز بعد راجیو گاندی طی یک حمله انتحاری به دست یکی از اعضای جنبش آزادیبخش تامیل به قتل رسید و ناراسیمها رائو به جای وی رهبری حزب کنگره را به دست گرفت. در انتخابات مزبور که یکی از خشونت‌بارترین انتخابات تاریخ استقلال هند است، حزب کنگره ۲۲۵ کرسی پارلمان را به دست آورد و حزب بهاراتیا جاناتا با ۱۱۹ کرسی در ردیف دوم قرار گرفت. یکی دیگر از عملیات خشونت‌بار در ۱۹۹۲ به وسیلهٔ بنیادگرایان هندو علیه مسلمانان ساکن در شهرهای شمالی بمبئی به وقوع پیوست. به گفتهٔ هندوها مسجد آیودها که در سال ۱۵۲۸ ساخته شده زادگاه خدای راماست. اختلاف میان هندوها و مسلمانان بر سر این مسجد به کشته شدن ۱۳۰۰ تن در شهرهای مختلف هند منجر گردید و حتی از مرزهای آن هم فراتر رفت و پاکستان و بنگلادش را نیز دستخوش بحران نمود. همزمان با وسعت گرفتن اینگونه بحران‌های اجتماعی، زمین‌لرزهٔ سپتامبر ۱۹۹۳ به مرگ بیش از ده هزار تن انجامید.

در سال ۱۹۹۴ هند با دولت چین قراردادی به امضاء رسانید تا به موجب آن شمار نیروهای مستقر در مرز ۴,۰۰۰ کیلومتری خود را کاهش دهند. در همان سال نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان اعلام داشت که پاکستان دارای سلاح اتمی است و به همین دلیل روابط دهلی و اسلام‌آباد متشنج گردید. در پی شکست حزب کنگره تمام هند در انتخابات، رائو در دهم مه ۱۹۹۶ از نخست‌وزیری استعفاء داد و آتال بیهاری واجپایی به نخست‌وزیری رسید. او نیز در ۲۸ مه همان سال، ۱۲ روز بعد از اینکه به مقام نخست‌وزیری رسیده بود از کار کناره گرفت و شانکاردایال شارما، رئیس جمهور هند، از دِوِه گودا، رهبر جبههٔ متحد خواست تا با استفاده از حمایت حزب کنگره دولت جدید را تشکیل دهد. در مارس ۱۹۹۷ شمشاداحمد وزیر خارجهٔ پاکستان از هند دیدن کرد تا دربارهٔ عادی شدن روابط میان دو کشور گفتگو کند. در

مارس ۱۹۹۷ حزب کنگره پشتیبانی خود را از نخست‌وزیر قطع کرد و موجبات سقوط دوِه گودا را فراهم کرد. یک ماه بعد ایندرکومارگوجرال، بازهم از جبههٔ متحد، به نخست‌وزیری منصوب شد و در انتخابات ریاست جمهوری کوچریل رامان نارایانان که معاونت ریاست جمهوری را داشت به ریاست جمهوری رسید. در انتخابات فوریهٔ ۱۹۹۸ پارلمان، حزب بهاراتیا جاناتا برنده اکثریت شد و آتال بیهاری واجپایی به نخست‌وزیری رسید. در ماه مه ۱۹۹۸ هند دست به چندین آزمایش هسته‌ای زد و به دنبال آن پاکستان نیز سه بار آزمایش هسته‌ای انجام داد.

به دنبال فروپاشی دولت ائتلافی واجپایی در آوریل ۱۹۹۹ و عدم توانایی وی برای تشکیل یک ائتلاف جدید، انتخابات پیش از موعد مجلس خلق در ماه اکتبر به پایان رسید و اگرچه احزاب ائتلافی اکثریت خود را تقویت نمودند، اما حزب بهاراتیا جاناتا کرسی‌های بیشتری را از دست داد و حزب کنگره نیز به بدترین نتیجه دوران حیات خود رسید.

تقویت و توسعهٔ زیرساخت‌های رایانه‌ای کشور هند در سال ۲۰۰۰ به اوج خود رسید و این کشور با حضور بیش از ۴ میلیون نفر متخصص امور برنامه‌نویسی توانست مقام والایی را در تولید و صدور نرم‌افزارهای رایانه‌ای به خود اختصاص دهد. در این میان شهر حیدرآباد به لحاظ موقعیت ویژهٔ آن در این امر در میان مجامع علمی به سایبرآباد مشهور شده است. این در حالی است که اقدامات بسیاری نیز صورت گرفته که شبکه اینترنت تا روستاهای این کشور نیز گسترش یابد و کافی‌نت‌های ثابت و سیار در بسیاری از روستاها حتی روستائیان را در امر بازاریابی برای محصولاتشان یاری می‌دهد. بسیاری از شرکت‌های مهم رایانه‌ای جهان از جمله آی‌بی‌ام، مایکروسافت، اوراکل و نظایر آنها دفاتری را برای استفاده از نیروی کار ارزان این کشور برای توسعهٔ نرم‌افزارهای خود در شهر حیدرآباد تأسیس نموده‌اند.

در حملهٔ تروریستی ۵ مرد مسلح به سلاح‌های اتوماتیک و مواد منفجره به پارلمان هند، در دسامبر ۲۰۰۱، هر پنج نفر کشته شدند و ۹ نفر از غیر نظامیان حاضر در صحنه نیز کشته شدند. دولت هند نیروهای مخالف کشمیری از جمله لشگر طیبه و جیش محمد را مسئول این عملیات شناخت و به دولت پاکستان اعتراض نمود. کمی قبل از آن در ماه نوامبر نیز انفجار یک اتومبیل حامل مواد منفجره در مقابل پارلمان جامو و کشمیر، ۳۸ نفر کشته شدند که جیش محمد مسئولیت آن را به عهده گرفت. در جریان افشای یک معامله صوری بین چند خبرنگار که به عنوان فروشنده دوربین‌های حرارتی با مقامات دولتی و ارتشی هند، به آنان رشوه پرداخته بودند، وزیر دفاع هند مجبور به استعفاء شد و پنج تن از مقامات عالی‌رتبه ارتش نیز به محاکمه کشیده شدند. در طی سال ۲۰۰۲ مناقشات هند و پاکستان بر سر مسئله جامو و کشمیر مجدداً اوج گرفت و طرفین به آرایش نیرو در دو طرف مرز پرداختند و با توجه به این که هر دو طرف مجهز به سلاح‌های اتمی می‌باشند، احتمال وقوع یک جنگ هسته‌ای شبه جزیرهٔ هند را تا مدت‌ها در صدر توجهات جهانیان قرار داد.

هندوراس HONDURAS

کشور هُندوراس که در امریکای مرکزی جای گرفته، از شمال و خاور به خلیج هُندوراس (دریای کارائیب)، از جنوب خاوری و جنوب به نیکاراگوآ و خلیج فونسکا (اقیانوس آرام) و از غرب به کشورهای السالوادور و گواتمالا محدود است. حدود ۷۰ درصد کشور هندوراس را کوهستانهای پوشیده از جنگلهای بارانی چون آگالتا، انتره‌ریوس، کانگرخا و اسپرانزا در بر گرفته و بلندترین نقطهٔ کشور که قلّهٔ لاس‌میناس (۲۸۶۵ متر) نام دارد در همین ناحیهٔ کوهستانی قرار دارد.

بیشتر جمعیت و همچنین مراکز فعالیت‌های اقتصادی کشور در ساحل دریای کارائیب و همچنین در جنوب ارتفاعات نزدیک مرز السالوادور متمرکزند. اقلیم آن در ارتفاعات معتدل کوهستانی و در سایر نواحی گرم و مرطوب است و رودخانه‌های پاتوکا (۴۸۰ کیلومتر)، کوکو، گوآیاپه، آگوآن و اولوئا از مهمترین رودهای آن به شمار می‌رود. جلگه‌های ساحلی از کشتزارهای پهناور نیشکر و موز که در نوع خود جزء وسیع‌ترین کشتزارهای امریکای مرکزی محسوب می‌شوند، پوشیده شده و قهوه و توتون و ذرت نیز در نواحی جنوبی کشور به عمل می‌آید.



تاریخچه

قبل از ورود اسپانیایی‌ها به هندوراس اقوام چیبچا، لنکا و مایا در آن زندگی می‌کردند. شهر باستانی کوپان که به قوم مایا تعلق دارد و تا سدهٔ نهم میلادی، یعنی زمان سقوط امپراتوری مایا، همچنان بر جای بود، در غرب این کشور جای دارد.

به نظر می‌رسد نخستین اروپایی که به هندوراس وارد گردید، آمریگو وسپوتچی در سال ۱۴۹۸ باشد. پدروآلوارادو، سردار اسپانیایی هندوراس را سراسر به تصرف درآورد و آنجا را علیرغم مقاومت‌های گسترده سرخپوستان این سرزمین به رهبری لمپیرا، ضمیمهٔ مستعمرهٔ گواتمالا نمود. در ۱۸۲۱ همزمان با بحرانی شدن وضع داخلی اسپانیا، هندوراس به استقلال دست یافت و موقتاً ضمیمهٔ امپراتوری مکزیک گردید. دو سال بعد از مکزیک جدا شد و به یکی از اعضای فدراسیون امریکای مرکزی مبدل گردید. فدراسیون مزبور در سال ۱۸۳۸ منحل شد و اعضای آن از جمله هندوراس هرکدام جداگانه به استقلال رسیدند. در ۱۸۹۸ کمپانی یونایتد فروت امریکا پا به سرزمین هندوراس گذارد و بخش وسیعی از اراضی سرزمین مزبور را به بهانهٔ توسعهٔ کشتزارها و باغ‌های میوه، تحت تصرف خود درآورد و به مرور در کلیهٔ شئونات کشور به مداخله پرداخت و تجارت موز را در انحصار خود گرفت. در سال ۱۹۳۳ کاریاس آندینو به ریاست جمهوری رسید و تا سال ۱۹۴۹ با قدرت و استبداد تمام حکومت کرد. اختلاف مرزی میان هندوراس و گواتمالا پای امریکا را بعنوان میانجی‌گری در سال ۱۹۳۰ به میان کشید. در سال ۱۹۶۹ روابط هندوراس و السالوادور به بهانهٔ مهاجرت‌های بی‌رویه رو به تیرگی نهاد و به جنگی منجر شد که با وساطت سازمان کشورهای امریکایی به پایان رسید.

در سال ۱۹۷۱ ژنرال اوسوالدو لوپز آرییانو که از سال ۱۹۶۳ بر سر کار بود، با برگزاری انتخابات موافقت کرد و رامون ارنستو کروز به ریاست جمهوری رسید. کودتای دسامبر ۱۹۷۲ به دورهٔ زمامداری او پایان داد و ژنرال لوپز آرییانو مجدداً قدرت را در دست گرفت. با افشای رشوه‌خواری ژنرال آرییانو، در سال ۱۹۷۵ فرماندهان ارتش بر او شوریدند و ژنرال خوآن آلبرتو ملگارکاسترو، رئیس ستاد ارتش زمام امور کشور را در دست گرفت. او نیز در کودتای ۱۹۷۸ از کار برکنار گردید و ژنرال پولیکارپو پاز گارسیا به قدرت دست یافت. وی روابط نزدیکی با آناستاسیو سوموزا دیکتاتور نیکاراگوآ برقرار کرد. در انتخابات ۱۹۸۱ روبرتو سوآزو کوردووا، از حزب لیبرال به ریاست جمهوری رسید. در عملیات نظامی کونتراهای طرفدار امریکا علیه انقلابیون نیکاراگوآ، هندوراس به دولت امریکا اجازه داد تا از خاک وی علیه ساندینیست‌ها استفاده کند. در آوریل ۱۹۸۵ هفت هزار سرباز امریکایی در مانوری نزدیک مرز نیکاراگوآ واقع در هندوراس شرکت کردند و به پاداش آن دولت امریکا حدود ۳۰۰ میلیون دلار کمک نظامی به هندوراس تحویل داد.

در انتخابات سال ۱۹۸۵ خوزه آزکونا اویو، از حزب لیبرال به ریاست جمهوری رسید. او از امریکا برای بیرون راندن کونتراها کمک خواست. در انتخابات سال ۱۹۸۹، رافائل کایخاس، از حزب ملی که از سوی امریکا حمایت می‌شد، به مقام ریاست جمهوری رسید. با شکست جبههٔ ساندینیستا در انتخابات نیکاراگوآ و افول قدرت آنان، دولت امریکا، کمک‌های آن کشور به هندوراس را قطع کرد. در اکتبر ۱۹۹۱ لورنزو زلایا رهبر «نیروهای انقلابی خلق» با پذیرش پیشنهاد صلح دولت آمادگی خود را برای مذاکرات صلح و کنار گذاردن مبارزهٔ مسلحانه اعلام داشت. انتخابات نوامبر سال ۱۹۹۳ کارلوس روبرتو رینا، از سوسیال دموکرات‌های مخالف دولت را به ریاست جمهوری رسانید. خشکسالی سال ۱۹۹۴ حدود ۹۰ روستای هندوراس را از هستی ساقط کرد و دولت را وادار نمود تا از سازمان خوار و بار جهانی کمک بخواهد. در انتخابات نوامبر ۱۹۹۷ پرزیدنت کارلوس رینا، جای خود را به کارلوس فلورس، از حزب لیبرال واگذار کرد و رئیس جمهور جدید از ژانویهٔ ۱۹۹۸ رسماً شروع به کار کرد.

توفند میچ در سپتامبر سال ۱۹۹۸ بیش از ۵/۳ میلیارد دلار خسارت در امریکای مرکزی به بار آورد و حدود ۲۴,۰۰۰ نفر نیز کشته شدند که حدود ۶,۰۰۰ نفر آنان هندوراسی بودند. در جریان این توفند بیش از ۱/۳ میلیون نفر از اهالی هندوراس آواره و بی‌خانمان و ۸,۰۰۰ نفر نیز ناپدید شدند. امضای قرارداد مرزی میان هندوراس و کلمبیا که متضمن شناسایی حق



نام رسمی: جمهوری هندوراس

نام محلی: اوندوراس Honduras

اسامی دیگر: -

پایتخت: تگوسیگالپا (۹۸۸،٤۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۸۲۱/۹/۱۵، از اسپانیا

روز ملی: پانزدهم سپتامبر، روز استقلال

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۸۲

رئیس حکومت: رئیس جمهور: ریکاردو مادورو (حزب ملی) ، از سال ۲۰۰۲ به مدت ٤ سال

رئیس دولت: رئیس جمهور: ریکاردو مادورو (حزب ملی)، از سال ۲۰۰۲ به مدت ٤ سال

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۲ با تغییراتی در سال ۱۹۹۹؛ مجلس ملی با ۱۲۸ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس ملی در سال ۱۹۹۷ (۲۰۰۱): حزب لیبرال ٦۷ (۵۵) کرسی، حزب ملی ۵۵ (٦۱) کرسی، حزب بازسازی و اتحاد سوسیال دموکرات ۳ (٤) کرسی، حزب دموکرات مسیحی ۲ (۳) کرسی، حزب اتحاد دموکراتیک ۱ (۵)کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان مل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، سازمان کشورهای امریکایی، آی-آدب، جنبش عدم تعهد

جمعیت

مساحت: ۱۱۲،٤۹۲ کیلومترمربع (صد و یکمین کشور جهان)

جمعیت: ٦،۵۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نود و پنجمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۵۷/۸ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۲/۸

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۰/۷ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ٤۵/۷٪؛ رشد سالانه: (۲۰۰۰-۱۹۹۵) ٤/۳٪

توزیع سنی(۱۹۹۸): زیر ۱۵ سال ٤۲/٦٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۸/٤٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲٤٪؛ بالای ٦۰ سال ۵٪

توزیع جنسی (۱۹۹۸): مرد ۵۰/۳٦٪؛ زن ٤۹/٦٤٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦٦/۳ سال؛ مردان ٦۳/۲ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۳۱ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۷/۱ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٤۰/۸ نفر — **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۲۳/۹ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۸۳): بیماریهای دستگاه گردش خون ٤۸/٤ نفر؛ بیماریهای عفونی و انگلی ٤٦/٦ نفر؛ حوادث و درگیری ٤۲/۲؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۲٦/۳ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ٤ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۲۲۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۸۳): ٤/۹ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۸۳):** ۰/٤ مورد

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): دورگه سرخ و سفید ۸٦/٦٪ ؛ سرخپوست ۵/۵٪؛ سیاهپوست ٤/۳٪؛ سفیدپوست ۲/۳٪؛ بقیه ۱/۳٪

دین: کاتولیک ۸٦/۷٪؛ پروتستان ۱۰/٤٪؛ سایر ادیان ۲/۹٪

زبان و خط: اسپانیایی (زبان رسمی)، انگلیسی؛ زبانهای سرخپوستان اقوام مایا؛ خط: لاتین

شهرهای مهم (۱۹۹۹): سان‌پدروسولا ٤۵۲،۱۰۰ نفر؛ ال پرو گرسو ۱۰٤،۱۰۰ ؛ لاسیبا ۱۰۳،٤۰۰ ؛ چولوتکا ۹۲،٤۰۰ نفر (۱۹۹۵): کومایاگوا ۵۵،۳۰۰ نفر

بنادر مهم: پوئرتو کورتس و لاسیبا (دریای کارائیب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: لمپیرا (L)= ۱۰۰ ستاوو؛ یک دلار= ۱٤/۹۲ لمپیرا؛ یک لمپیرا= ۵۳٦/۲ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ۱۳،۱۹۷ میلیون لمپیرا؛ درآمدهای جاری ۹۹/۸٪ (شامل مالیات غیر مستقیم ٦۵/۱٪، مالیات مستقیم ۲۵/٦٪؛ درآمد غیر مالیاتی ٦/۹٪؛ انتقالی‌ها ۲/۲٪)

هزینهٔ بودجه(۱۹۹۸): ۱۱،۳٦۷ میلیون لمپیرا؛ هزینه‌های جاری ۷۲/٦٪؛ هزینه‌های سرمایه‌ای ۲۷/٤٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤،۵٦٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۷٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۳/۷٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ٤/۳٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۲۰/۳٪؛ صنعت ۳۰/۹٪؛ خدمات ٤۸/۸٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ٤۷ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۹۹ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ۳،۹٤٦ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** +۳۱۸/۲ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲۳/٤

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲۰/٦٪؛ ۱۹۹۸: ۱۳/٦٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): نیشکر ٤،۲۸٦،۰۰۰ تن؛ موز ۸٦۱،۰۰۰ تن؛ میوه نخل روغن ۵۲۲،۰۰۰ تن؛ ذرت ٤۷۸،۰۰۰ تن؛ موز سبز ۲۵۰،۰۰۰ تن؛ قهوه ۱٦٤،۰۰۰ تن؛ پرتقال ۷۹،۰۰۰ تن؛ طالبی ۷۸،۰۰۰ تن؛ ذرت خوشه‌ای ۷۱،۰۰۰ تن؛ آناناس ۷۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین (۱۹۹۸): کشاورزی ۱۸/۳٪؛ مرتع و چمنزار ۱۳/۸٪؛ جنگل و سایر موارد ٦۷/۹٪

تعداد دام زنده(۱۹۹۹): گاو ۲،۰٦۱،۰۰۰ رأس؛ خوک ۷۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٦،۱۷٦،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱٤،۸۸۱ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ٤۵،۹۷۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): گچ ۲۸،۰۰۰ تن؛ نمک ۲۵،۰۰۰ ؛ روی ۲۵،۵۰۰ ؛ سرب ۳،٤۰۰ تن؛ طلا: ۱۵۰ کیلوگرم

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (ارزش افزوده): محصولات غذایی ۱،۹۳۷،۳۰۰،۰۰۰ لمپیرا؛ پوشاک ۱،۲٦٦،٤۰۰،۰۰۰ لمپیرا؛ نوشیدنی ٦۹۹،٦۰۰،۰۰۰ لمپیرا؛ محصولات معدنی غیر فلزی ۵۰۳،٦۰۰،۰۰۰ لمپیرا؛ محصولات چوبی ۳۲۵،۷۰۰،۰۰۰ لمپیرا؛ محصولات شیمیایی مصرفی ۳۱۹،۷۰۰،۰۰۰ لمپیرا

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹٦): ۲،۸۱۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲،۸۱۹،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(صفر)؛ نفت خام(۱۹۹۲): صفر (۳،۰٦٤،۰۰۰ بشکه) ؛ فرآورده‌های نفتی (۱۹۹٦): صفر (۱،۱۵۷،۰۰۰ تن)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی(۱۹۹۹): ۲،۱٤۱،۳۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت ۳۳/٤٪؛ میزان مشارکت (۱۵ سال به بالا ؛ ۱۹۹۸): ٦۱/۲٪ ؛ زنان (۱۵ سال به بالا): ۳٤/٦٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۸): ٤/۳٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۹): کشاورزی۳۹/۲٪؛ صنعت ۲۰/۲٪؛ خدمات ٤۰/٦٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه ۲٤ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۹): ۸،۳۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦٦/۳٪؛ نیروی دریایی ۱۲٪؛ نیروی هوایی ۲۱/۷٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی (۱۹۹۵): ۹ دلار

واردات(۱۹۹۹): ۲،۷۲۷/۸ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات برقی ۲۰/۸٪؛ مواد شیمیایی صنعتی ۱۳٪؛ تجهیزات حمل و نقل ۱۲/۱٪؛ فرآورده‌های غذایی ۱۰/۳٪؛ سوخت‌های معدنی وروغن‌های روانکاری ۹/٤٪؛ از امریکا ٤۷/۱٪؛ گواتمالا ۷/٤٪؛ مکزیک ٤/۸٪؛ ژاپن ٤/۷٪؛ کستاریکا ۲/۵٪؛ هلند ۱/٤٪

صادرات(۱۹۹۹): ۱،۳۰۳/۹ میلیون دلار؛ شامل قهوه ۲۰/۵٪؛ خرچنگ دریایی و میگو ۱۵/۵٪؛ صیفی‌جات ۳/۷٪؛ سرب و روی ۳/٤٪؛ به امریکا ۳۵/٤٪؛ آلمان ۷/۵٪؛ السالوادور ٦/٤٪؛ گواتمالا ۵/۸٪؛ نیکاراگوآ ٤/۸٪؛ بلژیک ٤/۲٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دلار	۳۸۲-	۲۷۳-	۳٤۱-	۵۰۵-	٦۸۳-	۱،۲۵٤-
درصد کل	٪۱۵/۸	٪۹/۵	٪۱۰/۷	٪۱٤/۱	٪۱۷/۱	٪۳۲/۵

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
شاخص قیمتهای مصرفی	٦۳/۵	۷۷/۲	۱۰۰	۱۲۳/۸	۱٤۸/۸	۱٦۹/۲	۱۸۸/۹
شاخص درآمد هفتگی	؟	۸٤/٤	۱۰۰	۱۱۹/۳	۱۵۸	۱۸٤/۹	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار(۱۹۸۸): ۵/٤ نفر؛ درآمد هر خانوار: ؟ منابع درآمد (۱۹۸۵): دستمزد و حقوق ۵۸/۸٪؛ پرداخت‌های انتقالی ۱/۸٪؛ دیگر موارد ۳۹/٤٪؛ هزینه‌ها (۱۹۸٦): غذا ٤٤/٤٪؛ خدمات شهری و مسکن ۲۲/٤٪؛ پوشاک و کفش ۹٪؛ لوازم منزل ۸/۳٪؛ مراقبت‌های بهداشتی ۷٪؛ حمل و نقل ۳٪؛ دیگر موارد ۵/۹٪

جهانگردی(۱۹۹۸): درآمد: ۱٦٤ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ٦۱ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۹): ۱٤،٦۰۲ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۸۹):** ۹۸۸ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۸۱،٤۳۹ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۱۷۰،۰۰٦ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ۹٦٦ فروند — **فرودگاه(۱۹۹٦):** ۸ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۷ روزنامه در ۳۲۰،۰۰۰ نسخه (۵۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ۲۲ عنوان در ۸۰،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ ۳،٦۳٦/۳ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۲،٤۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۱۰ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۵۷۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۹۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۲٤۹،۷۳۷ خط تلفن (٤۰ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۳٤،۸۹٦ خط (۸ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۵۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۱۸،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۹)	۸،۷٦۸	۳۳،٤۳۱	۱،۰۹۹،۷۱٤	۳۲/۹
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	٦٦۱	۱٤،۵۳۹	۱۸۷،۵٦۱	۱۲/۹
عالی	۸	۳،٦۰۰	۵۲،۱۳۹	۱٤/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۵): افراد بالای ۱۵ سال: ۷۲/۷٪؛ مردان: ۷۲/٦٪؛ زنان: ۷۲/۷٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال(۱۹۸۸): ابتدایی ۵۰/۱٪؛ متوسطه ۱۳/٤٪؛ عالی ۳/۱٪

تعداد پزشک(۱۹۹۳): ۳،۸۰۳ نفر (هر ۱،۳۵۸ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۹): ۵،۷۲۰ تخت (هر ۱،۰۹۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ٤۳،۰۰۰ نفر (۱/٤٦٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ٦۷/٤ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۷): ۲،٤۰۳ کالری (۱۰٦٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو) مصرف پروتئین: ۵۸ گرم؛ مصرف چربی: ٦۲ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ۲/۱٪؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۲/۳٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۷/٤ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ٤ میلیون تن؛ هر نفر ۰/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٦۵۳ (صد و سیزدهمین کشور جهان)

حاکمیت کلمبیا بر برخی جزایر دور از سواحل نیکاراگوآ در دریای کارائیب بود، به تنش شدید در روابط هندوراس و نیکاراگوآ منجر شد و دو کشور به تمرکز نیرو در نقاط مرزی پرداختند، اما با مذاکرات بعدی، طرفین تصمیم گرفتند با ایجاد یک منطقهٔ مرزی حائل به گفتگو در مورد مسائل مورد اختلاف ادامه دهند. این اختلافات طی سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ نیز حل نشده باقی ماند و چندین بار موجب تنش گردید. در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۰۱، ریکاردو مادورو از مجلس رد شد و مادورو از ژانویه ۲۰۰۲ قدرت را به دست گرفت.

هُندوراس از جمله فقیرترین کشورهای امریکای مرکزی است. بیکاری روزافزون و تورم مهارنشدنی، دولت را با دشواریهای بزرگ اقتصادی روبرو ساخته و گسترش جنایت و آدم‌ربایی و قاچاق مواد مخدر نیز خود قابل بحث است. برای کنترل جنایتکاران و مبارزه با سوداگران مرگ، دولت هندوراس از اسرائیل و سازمان اف. بی. آی امریکا کمک خواسته تا ۱۵۰۰ پلیس هندوراس را که برای این کار اختصاص یافته‌اند، آموزش دهند تا مگر از میزان جنایت‌ها که به طور متوسط به ۵۰ مورد در روز می‌رسد کاسته شود.

یمن YEMEN

یمن کشوری است واقع در جنوب غربی آسیا، حاشیهٔ جنوبی شبه جزیرهٔ عربستان که از شمال به کشور عربستان سعودی، از خاور به عمان، از جنوب به خلیج عدن (اقیانوس هند) و از غرب به دریای سرخ (بحر احمر) محدود است. یمن سرزمینی است نیمه کوهستانی که ارتفاعات آن عمدتاً در غرب واقع شده و بلندترین نقطهٔ آن به نام نبی شعیب ۳۷۶۰ متر ارتفاع دارد. حاصلخیزترین نواحی یمن در شمال غربی آن جای دارد و آن را با وادی حضرموت و ناحیهٔ عسیر توأماً عربستان سعید می‌نامیدند. جلگهٔ ساحلی دریای سرخ که در کوهپایه‌های غربی جای دارد، از رطوبت بیشتری برخوردار است و به کشتزارهای ذرت خوشه‌ای و پنبه اختصاص یافته و کشتزارهای سنتی قهوه به مزارع گیاهان مخدّر و آرامبخش موسوم به قات مبدل گردیده است.

اقلیم یمن بسیار گرم و نسبتاً مرطوب است و بارندگی آن گاه شدید است و اکثر رودهای آن فصلی هستند.

نواحی جنوبی یمن را کوههای خشک و حدود دوسوم اراضی آن را بیابانها و اراضی بایر فرا گرفته است و کشاورزی آن به بعضی دره‌ها و واحه‌های پراکنده منحصر است. صید ماهی از عمده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی آن است. یمن از منابع زیرزمینی قابل توجه محروم است و جزیرهٔ سوقطرا که در دوراب‌های ساحل جنوبی و در خلیج عدن واقع است، بخشی از خاک این سرزمین محسوب می‌گردد. جزیرهٔ مزبور ۳۶۲۶ کیلومترمربع مساحت دارد و جمعیت آن به حدود ۱۷,۰۰۰ تن بالغ می‌گردد.

زیاده‌روی در بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی سطح آنها را پایین برده و آیندهٔ ناخوشایندی را نوید می‌دهد.



تاریخچه

یکی از تقسیمات سه گانهٔ شبه جزیرهٔ عربستان، عربستان سعید است که در گوشهٔ جنوب غربی شبه جزیرهٔ مزبور قرار دارد. عربستان سعید که در واقع همان یمن امروزی و عسیر را در بر می‌گیرد، در روزگار گذشته به کشورهای ثروتمندی که بر تجارت جهان تسلط داشتند، تعلق داشت. از میان کشورهای مزبور می‌توان به کشور سبا به پایتختی شهر مارب اشاره نمود. کشور سبا که از راه تجارت بخورهای معطر به ثروت شایان توجهی دست یافته بود، با گشوده شدن راههای جدید تجارتی، به مرور رو به انحطاط نهاد.

از سدهٔ دوم پیش از میلاد تا سدهٔ ششم میلادی سلسلهٔ حمیری بر عربستان سعید فرمانروایی داشتند. در سال ۵۲۵ میلادی حبشیان به عربستان سعید حمله‌ور شدند و خاندان حمیری را برانداختند. در سال ۵۷۰ ایرانیان بر این نواحی تسلط یافتند و حبشیان را از این سرزمین بیرون راندند. در سدهٔ هفتم میلادی مردم این نواحی به دین اسلام گرویدند و فرقه‌های مختلف اسلامی در آنجا پیدا شدند. سنیان شافعی مذهب، نواحی کرانه‌ای (تهامه) و شیعیان زیدیه، ارتفاعات را برای زندگی برگزیدند.

در سدهٔ نهم میلادی امام زیدی، یحیی‌الهادی الی‌الحق، سلسله‌ای از امامان یمن را تأسیس کرد که تا نیمهٔ دوم سدهٔ بیستم ادامه داشت. امامان یمن مردمان دانشمندی بودند و در جانشینی از اصل وراثت پیروی نمی‌کردند و به همین جهت تاریخ قرون وسطای یمن، تاریخ مغشوشی از تعارض امام‌های محلی مدعی امامت بوده است. در سدهٔ یازدهم میلادی، امامان اسماعیلی بر این سرزمین مستولی گردیدند. صلاح‌الدین ایوبی در سال ۱۱۷۳ آنجا را مسخر کرد و سلسلهٔ ایوبیان را تأسیس نمود. با انقراض سلسلهٔ ایوبی، سلسلهٔ رسولیان یمن از ۱۲۳۰ تا سدهٔ پانزدهم میلادی بر یمن حکومت داشتند. در ۱۵۱۶ یمن ضمیمهٔ متصرفات ممالیک مصر گردید.

در ۱۵۱۳ پرتغالی‌ها وارد یمن شدند و در ۱۵۱۷ فرمانروایان ممالیک به ترکان عثمانی تسلیم گردیدند. قاسم کبیر از امامان زیدیه که از ۱۵۹۷ تا ۱۶۲۰ امامت داشت، ترکان را از قسمتهای داخلی یمن بیرون راند و فقط نواحی کرانه‌ای در دست ترکان باقی ماند و از آن پس امامان زیدی بر مرتفعات یمن فرمانروایی داشتند. در اوایل سدهٔ نوزدهم میلادی یمن مورد تاخت و تاز وهابیان قرار گرفت ولی در ۱۸۱۸ ابراهیم پاشا، پسر محمدعلی پاشا خدیو مصر به نمایندگی از طرف سلطان عثمانی آنان را از یمن بیرون راند و بار دیگر امامان زیدی بر آن نواحی تسلط یافتند. سپاهیان مصری بندرهای مهم یمن را تا ۱۸۴۰ در تصرف خود داشتند و در این سال آنها را تخلیه کردند. امامان زیدی بر دست‌نشاندگی از سوی سلطان عثمانی گردن نهادند و سالانه مبلغ گزافی به سلطان عثمانی می‌پرداختند. از ۱۸۴۰ تا ۱۸۷۲ هرج و مرج بر این نواحی حاکم شد و در این سال عثمانی‌ها بار دیگر صنعا را تصرف کردند. در جنگ جهانی اول، عثمانی‌ها نیروی نظامی عظیمی در یمن داشتند و پس از پایان جنگ، یمن را ترک کردند.

در طی جنگ جهانی اول انگلیسی‌ها که می‌خواستند بر یمن مسلط شوند از قبیله ادریسی حمایت کردند و در ۱۹۱۹ حدیده را تصرف نمودند و هنگام خروج از آنجا ادریسیان را جایگزین خود کردند. زیدیان به رهبری امام یحیی‌ابن محمدالحمیدالدین که از ۱۸۹۱ سلسلهٔ موروثی تأسیس کرده بود، به جنگ با ادریسیان پرداختند که با تصرف حدیده به دست امام یحیی در ۱۹۲۵ خاتمه پذیرفت.

امام یحیی به سرزمینهای غربی تحت‌الحمایهٔ عدن نیز حمله برد و می‌خواست تسلط خود را بر این اراضی که از پیش در تصرف یمن بود از نو برقرار کند. ادریسیان تحت حمایت ملک‌ابن سعود درآمدند و در ۱۹۳۴ عربستان سعودی به بهانهٔ حمایت از ادریسیان به یمن حمله برد و بنا بر پیمان طائف (مه ۱۹۴۳) عسیر از تصرف یمن خارج شد و ضمیمهٔ عربستان سعودی گردید و در مقابل عربستان‌سعودی و انگلستان، استقلال یمن را به رسمیت شناختند. تا جنگ جهانی‌دوم امامت یمن در انزوا بسر می‌برد و مخالفی جدی در داخل کشور نداشت. با ورود اندیشه‌های آزادیخواهانه و تکنولوژی جدید، نارضایی‌ها آغاز شد. در ۱۹۴۸ امام یحیی کشته شد و عبدالله الوزیر به فرمانروایی یمن رسید. احمد پسر امام یحیی حکومت جدید را برانداخت و عبدالله الوزیر را کشت. به دنبال آن شورش‌های دیگری در سالهای ۱۹۵۳، ۱۹۵۵، ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱ به وقوع پیوست که امام احمد همه را سرکوب کرد. یمن در ۱۹۵۸ به جمهوری متحد عرب پیوست ولی در سال ۱۹۶۱ از فدراسیون مزبور جدا شد. احمد در سال ۱۹۶۲ درگذشت وامامت به دست نیروهای شورشی به فرماندهی سرتیپ عبدالله السلال برافتاد و عبدالله السلال خود را رئیس جمهوری و فرماندهٔ نیروهای نظامی یمن خواند. محمدالبدر پسر امام احمد به نواحی شمالی یمن گریخت و در آنجا نیروهای ضد انقلابی را بر گرد خویش فراهم آورد.

در سال ۱۹۶۲ میان سلطنت‌طلبان و دولت جمهوری جنگ درگرفت و دولتهای عربی با حمایت از این و آن در کار یمن شروع به دخالت کردند. عربستان سعودی به حمایت از امام برخاست و جمهوری متحد عرب (مصر) به کمک جمهوری‌خواهان شتافت و ۷۰,۰۰۰ سرباز به یمن فرستاد. جنگهای داخلی تا سال ۱۹۶۹ ادامه یافت. با شکست مصر از اسرائیل، نیروهای مصری در سال ۱۹۶۷ از یمن خارج شدند و سلطنت‌طلبان (طرفداران امامت) شروع به پیشروی کردند و صنعا را محاصره نمودند. سلال در نوامبر ۱۹۶۷ از ریاست جمهوری خلع شد و عبدالرحمان الریانی سرپرستی شورای ریاست جمهوری را عهده‌دار شد. پیروان



نام رسمی: جمهوری یمن

نام محلی: الیمن

اسامی دیگر: یمن جنوبی و یمن شمالی، عدن، حضرموت، عربستان جنوبی

پایتخت: صنعا(۹۷۲،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵)

تاریخ استقلال: ۱۹۱۸(یمن شمالی از عثمانی)؛ ۱۹۶۷ (یمن جنوبی از انگلستان)

روز ملی: بیست و دوم ماه مه، سالروز اتحاد دو یمن در سال ۱۹۹۰

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۹۱

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور:علی‌عبدالله‌صالح(کنگره‌عمومی‌خلق)،ازسال ۱۹۹۰(برای‌باردوم‌ازسال ۱۹۹۹ به مدت ۷ سال)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: عبدالقادر با جمال (کنگره عمومی خلق)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹٤، با آخرین تغییرات ۲۰۰۰؛ مجلس نمایندگان (مجلس‌النواب) با ۳۰۱ عضو به مدت ۵ سال و شورای مشورتی با ۱۱۱ عضو انتصابی رئیس جمهور؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۱۹۹۷): کنگره عمومی خلق ۱۸۷ کرسی، حزب اسلامی الاصلاح ۵۳ کرسی، حزب ناصریست و وحدت‌گرای خلق و حزب عربی سوسیالیستی بعث ۷ کرسی، نمایندگان منفرد ٥٤ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)؛ اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی (تقاضای عضویت)، ایدب، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی

جمعیت

مساحت: ۵۵۵،۰۰۰ کیلومترمربع (چهل و هفتمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۸،۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (پنجاه و چهارمین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۳۲/٦ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ٪۳/۷

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۳۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ۲۱ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۳٦/۲٪؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ٪۵/۹

توزیع سنی(۱۹۹۹): زیر ۱۵ سال ٤۷/۸٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۷/۲٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۲۰/٤٪؛ بالای ٦۰ سال ٤/٦٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٥۱/۰۲٪ ؛ زن ٤۸/۹۸٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ٦۱/۲ سال؛ مردان ۵۷/۳ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ٤۳/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۱۰/۲ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ۷۲/۲ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۳۳/۳ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر: آمار دقیقی وجود ندارد؛ اما میزان مرگ و میر کودکان، مادران و نوزادان در اواخر دههٔ ۱۹۹۰ بسیار بالا بوده است.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۷/۱ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۳۵۰ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر: ؟ — **میزان طلاق در هر هزار نفر:** ؟

نژاد / ملیت(۲۰۰۰): عرب ۹۲/۸٪؛ سومالیایی ۳/۷٪؛ سیاهپوست ۱/۱٪؛ هندوپاکستانی ۱٪؛ بقیه ۱/٤٪

دین: اسلام (دین رسمی)؛ مسلمان ۹۹/۹٪ (سنی ٦۰٪؛ شیعه ٤۰٪)؛ سایر ادیان ۰/۱٪

زبان و خط: عربی (زبان رسمی)؛ خط: عربی

شهرهای مهم(۱۹۹۵): عدن ٥٦۲،۰۰۰ نفر؛ (۱۹۹٤): تعز ۳۱۷،٦۰۰ نفر؛ حدیده ۲۹۸،۵۰۰ نفر؛ مکلا ۱۲۲،٤۰۰ نفر

بنادر مهم: عدن و مکلا (خلیج عدن)؛ حدیده (دریای سرخ)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: ریال یمن(YRl)= ۱۰۰ فلس؛ یک دلار= ۱٦۲/٤ ریال یمن؛ یک ریال یمن = ٤۹/۳ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۷): ۲۸۱،٦٦۷ میلیون ریال یمن؛ درآمدهای جاری ۷۵/۷٪ (شامل درآمد دارایی های دولتی ۲٦/۹٪؛ معاملات بین‌المللی ۱۸/٤٪؛ مالیات بر سود و درآمد ۱۵/٦٪)؛ درآمدهای عمرانی ۱۹/۷٪؛ وام و کمک‌های بلاعوض ٤/۷٪

هزینه بودجه(۱۹۹۷): ۲۹۰،۵۷۱ میلیون ریال یمن؛ دفاع ۲۵/۲٪؛ آموزش ۱۷/٦٪؛ امنیت و سفارشات عمومی ۸/۱٪؛ بهداشت ٤/۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ٤،٦۳۰ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۲۸۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ؟ ؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۲/۸٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۷/٦٪؛ صنعت ٤۸/۸٪؛ خدمات ۳۳/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۱۹۸ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۱۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۸): ٤،۹۰۰ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی(۱۹۹۸) :** ۳۱۰/۲+ میلیون دلار

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ٪۲/٤

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۲٤/۲٪؛ ۱۹۹۸: ٦/٤-٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): ذرت خوشه‌ای ۳۲۰،۸۹۱ تن؛ گوجه‌فرنگی ۲٤۷،۸۹۹ تن؛ سیب‌زمینی ۲۰۰،۳٦۳ تن؛ انگور ۱۵۹،۵۳٤ تن؛ پرتقال ۱٥٤،۳۱۷ تن؛ گندم ۱٤٤،۳٦٦ تن؛ موز ۸۷،٦٦۳ تن؛ پیاز ۷٦،۵۹۵ تن؛ ارزن ٦۵،۹۱٦ تن؛ پاپایا ٦۳،۱٤۲ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۲/۹٪؛ مرتع ۳۰/٤٪؛ جنگل ۳/۸٪؛ دیگر موارد ٦۲/۹٪

تعداد دام زنده: گوسفند ٤،۵۹۵،۱۱۲ رأس؛ بز ٤،۱۵۰،۲۲۸ رأس؛ گاو ۱،۲۸۸،۷۵۳ رأس؛ الاغ ۵۰۰،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۳۲٤،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۸):** ۱۱۰،۰۰۰ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۷،۳۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۳۱،۲۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹٦): گچ ۱۰۳،۰۰۰ تن، نمک ۸٦،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹٦): (میلیون ریال یمن): غذا، نوشیدنی و دخانیات ٤۳،۹۲۷؛ مواد شیمیایی ٤۲،۳٦۹ ؛ محصولات معدنی غیر فلزی ۸،۵۷۱ ؛ تولیدات کاغذی ۸،٥٦۲؛ محصولات صنایع فلزی ۳،۰٤۰ ؛ پوشاک، منسوجات و چرم ۱،٦۹۳؛ تولیدات چوبی ۳۹۲

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ۲،۳۳٤،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (۲،۳۳٤،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: صفر(؟)؛ نفت خام: ۱۲۸،۳۱۵،۰۰۰ بشکه (٤۰،۵۵۹،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۳،٤۹٤،۰۰۰ تن (۳،۳۰٤،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹٦): ٤،۹٤٥،۰۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ۳۰٪؛ میزان مشارکت: (۱۵ سال و به بالا ؛ ۱۹۹٤): ٤٥/۸٪؛ زنان (۱۵ سال و به بالا): ۱۸/۲٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۵): ۳۰٪؛ ۱۹۹۹: ۲۵٪

توزیع نیروی کار(۱۹۸٦): کشاورزی ٥٦/۳٪؛ صنعت ۱٤/۷٪؛ خدمات ۲۹٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۲ سال؛ تعداد نفرات ارتش (۱۹۹۸): ٦٦،۳۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۹۲٪؛ نیروی دریایی ۲/۷٪؛ نیروی هوایی ۵/۳٪؛ سرانه هزینه دفاعی (۱۹۹۷): ۲٦ دلار.

واردات(۱۹۹۵): ۱،۵۳۷/۸ میلیون دلار؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۲۳/۱٪؛ کالاهای صنعتی اساسی ۲۳٪؛ غذا و دام زنده ۲۲/۱٪؛ مواد شیمیایی ۸/۲٪؛ سوخت‌های معدنی ۷/۹٪؛ نوشیدنی و دخانیات ۲/۱٪؛ از کشورهای امارات متحده عربی ۹٪؛ عربستان سعودی ۸٪؛ امریکا ۷٪؛ فرانسه ٦٪؛ برزیل ۵٪

صادرات(۱۹۹۵): ۱،۷۸۰/٦ میلیون دلار؛ شامل سوخت‌های معدنی ۹۵/۳٪؛ غذا و دام زنده ۲/۵٪؛ مواد معدنی خام ۱/۲٪؛ به کشورهای (۱۹۹۷): چین ۳۱٪؛ کره جنوبی ۱۹٪؛ تایوان ۱۷٪؛ تایلند ۵٪؛ برزیل ۵٪؛ ژاپن ۵٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
میلیون دلار	۱،۹۷۰/۱-	۲،۲۱۲/۵-	۱،۱٥٤/۵-	۲٤۲/۸+	٦۳٤/٦+	٤۹۰/۲+	۷۰۰/۵-
درصد کل	٪٦۱/٤	٪٦٤/٤	٪۳۱/۲	٪۷/۳	٪۱۳/۵	٪۱۰/۹	٪۱۸/۹

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۲۵/۳	۳۳	٤٤	٦٤	۱۰۰	۱۳۰	۱۳۷	۱٤۸
شاخص درآمد ماهیانه	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۱۹۹۸): ۷/۱ نفر؛ میانگین درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۹۸): ۲۹،۰۳۵ ریال یمن (۲۱۷ دلار)

جهانگردی(۲۰۰۰): درآمد: ٦٤ میلیون دلار؛ هزینه‌ها: ۸۳ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٦): ٦٤،۷۲۵ کیلومتر — **راه‌آهن:** ندارد

تعداد اتومبیل(۱۹۹۵): ۲۲۹،۰۸٤ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹۵):** ۲۸۲،٦۱۵ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۲): ٤۰ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۱۲ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۳ روزنامه در ۲۳۰،۰۰۰ نسخه (۱۵ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ؟

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۰۵۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٦٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۹): ۵،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۸٦ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۹): ۲۹۱،۳۵۹ خط تلفن (۱٦/۷ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ۲۷،٦۷۷ خط (۱/٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی: ؟ — **اینترنت(۱۹۹۹):** ۱۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۵)	۱۱،۰۱۳	۷۸،٦٤٦	۲،٤۹۳،۰۱۷	۳۱/۷
متوسطه	۱،۲۲٤	۱۱،۱۳۰	۲۳۲،۵۰٦	۲۰/۹
فنی و حرفه‌ای	۱۲۵	۳٦۹	۱۵،۰۷٤	٤۰/۹
عالی	۲	۱،۹۹۱	۹۰،۸۲٦	٤٥/٦

میزان باسوادی(۱۹۹٤): افراد بالای ۱۵ سال: ٤۳/۲٪؛ مردان: ٦۸/٦٪؛ زنان: ۲۳/۱٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۰ سال (۱۹۹۸): ابتدایی ۱۱٪؛ متوسطه ٤/٦٪؛ عالی ۲/۷٪

تعداد پزشک(۱۹۹۸): ۳،۸۸۳ نفر (هر ٤،۲۱۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان(۱۹۹۸): ۹،۱٤۳ تخت (هر ۱،۷۸۸ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): ؟ ؛ (۰/۰۱٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷۳/۷ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۰۰۲ کالری (۸۳٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین: ٥٤ گرم؛ مصرف چربی: ۳٦ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): صفر ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): صفر

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ۰/٦ کیلوگرم برای هر نفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۱۷ میلیون تن؛ هر نفر ۱/۱ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/٤٤۸ (صد و چهل و هشتمین کشور جهان)

احمدالبدر نیز او را از امامت خلع کردند و عربستان سعودی از حمایت سلطنت‌طلبان دست کشید. مذاکرات میان سران جمهوری یمن و عربستان سعودی منجر به انعقاد قرارداد صلح شد و جنگ‌های داخلی پایان گرفت. عده‌ای از سلطنت‌طلبان وارد دولت جمهوری عربی یمن شدند و مقاماتی را در اختیار گرفتند. با تشکیل جمهوری خلق یمن در نواحی عدن و حضرموت که از سال ۱۸۳۹ در سلطهٔ انگلستان قرار داشت، جمهوری عربی یمن به یمن شمالی و جمهوری خلق یمن که در جنوب آن قرار داشت به یمن جنوبی موسوم شد.

در پی بروز اختلافاتی میان دو یمن جنگ خونینی میان دو کشور درگرفت که کمابیش تا سال ۱۹۷۲ ادامه یافت. در سال ۱۹۷۲ موافقت‌نامه‌ای میان جمهوری عربی یمن و یمن جنوبی به امضاء رسید و قرار شد تا دو کشور مقدمات اتحاد با یکدیگر را فراهم نمایند، اما این اقدامات به نتیجه‌ای نرسید. در ۱۲ ژوئن ۱۹۷۴ عبدالرحمان‌العریانی از ریاست جمهوری کناره گرفت و بلافاصله گروهی از افسران ارتش به رهبری سرهنگ ابراهیم حمدی دست به کودتایی آرام و بدون خونریزی زدند و یک شورای فرماندهی برای حکومت تشکیل دادند. در اکتبر ۱۹۷۷ سرهنگ ابراهیم حمدی و برادرش عبدالّله حمدی به قتل رسیدند و سرهنگ دوم احمد حسین‌القشمی در رأس شورای حکومتی جمهوری عربی یمن قرار گرفت. در ۲۴ ژوئن ۱۹۷۸ رئیس جمهور یمن در توطئه‌ای به قتل رسید و علی عبدالّله صالح به جانشینی او برگزیده شد و در پی آن یمن شمالی و یمن جنوبی روابط خود را قطع کردند و درگیریهای پراکنده‌ای نیز میان دو کشور به وقوع پیوست. در ۲۹ مارس ۱۹۷۹ رؤسای جمهور یمن شمالی و یمن جنوبی، علی عبدالّله صالح و فتاح اسماعیل در کویت گرد هم آمدند و بیانیه‌ای مبنی بر وحدت دو یمن و تشکیل کشوری واحد انتشار دادند. با تداوم مذاکرات، در سال ۱۹۸۱ هر دو طرف با تشکیل یک شورای مشترک برای پی گیری مسئله وحدت دو کشور موافقت کردند.

در نوامبر ۱۹۸۰ عبدالعزیز عبدالغنی از نخست‌وزیری یمن شمالی برکنار شد، اما در ماه نوامبر ۱۹۸۳ مجدداً به نخست‌وزیری رسید. علی عبدالّله صالح نیز در سال ۱۹۸۳ از مقام خود استعفاء داد تا در انتخابات عمومی ریاست جمهوری شرکت کند، اما بدون برگزاری انتخابات عمومی، مجلس خلق مجدداً وی را در مقام خود ابقاء نمود.

در یمن جنوبی، فتاح اسماعیل که پس از قتل سالم علی ربیع در سال ۱۹۷۸ به قدرت رسیده بود، در سال ۱۹۸۰ بر اثر مخالفت برخی جناح‌های حزب سوسیالیست یمن از مقام خود کناره‌گیری کرد و در یک تبعید خود خواسته به مسکو رفت. پس از وی علی ناصر محمد از سوی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست به دبیرکلی حزب، ریاست جمهوری و نخست‌وزیری برگزیده شد. وی در سال ۱۹۸۵ نخست‌وزیری را به حمید ابوبکرالعطاس واگذار نمود و عبدالفتاح اسماعیل نیز که از مسکو به عدن بازگشته بود به عنوان دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست برگزیده شد. در همین سال اگرچه علی ناصر محمد در مقام ریاست جمهوری خود مورد تأیید مجدد قرار گرفت، اما با ایجاد تغییراتی در کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب، وضعیت وی ضعیف‌تر گشت. در سیزدهم ژانویه ۱۹۸۶، محافظان علی ناصر محمد، به روی شش تن از اعضای دفتر سیاسی که با وی جلسه داشتند آتش گشودند که ۳ نفر در دم کشته شدند و ۳ نفر نیز موفق به فرار شدند. در پی آن درگیریهای گسترده‌ای میان جناح‌های گوناگون حزب سوسیالیست درگرفت و محمد نیز شهر عدن را به سوی قبیلهٔ خود ترک کرد و سرانجام به اتیوپی گریخت. در این درگیری‌ها حدود ۵,۰۰۰ نفر کشته شدند و فتاح اسماعیل نیز که از اجلاس اعضای دفتر سیاسی با علی ناصر محمد جان سالم به در برده بود، در این درگیریها به قتل رسید. بلافاصله بعد از این حوادث کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن ابوبکر العطاس را که در حال بازدید از هند و شوروی بود، به دبیرکلی حزب سوسیالیست و ریاست جمهوری کشور برگزید و دکتر یاسین سعید نعمان نخست‌وزیر شد. در ماه دسامبر همان سال علی ناصر محمد توسط دادگاه عالی به طور غیابی به اعدام محکوم شد و ۳۴ نفر از طرفداران وی نیز مشمول این حکم شدند که در مورد پنج تن از آنان حکم اعدام اجرا گردید. ابوبکر العطاس روند اتحاد دو یمن را مورد تأیید قرار داد و خواستار تداوم مذاکرات شد.

در یمن شمالی، نخستین انتخابات پارلمانی سراسری در ماه ژوئیه ۱۹۸۸ برگزار گردید و حدود یک چهارم کرسی‌های آن توسط اخوان‌المسلمین اشغال شد. در اواخر همین ماه مجلس مشورتی علی عبدالّله صالح را برای بار سوم به ریاست جمهوری کشور برگزید.

نخستین اجلاس شورای مشورتی مشترک میان دو یمن که در سال ۱۹۸۰ تأسیس شده بود، در ماه اوت ۱۹۸۳ در شهر صنعا برگزار گردید و روند وحدت دو کشور را مورد بررسی قرار داد. جلسات بعدی این شورا قرار شد به تناوب هر شش ماه یکبار در صنعا و عدن برگزار گردد. در ژوئیه ۱۹۸۶، رؤسای جمهوری هر دو یمن در شهر طرابلس پایتخت لیبی، به دعوت معمر قذافی رهبر لیبی با یکدیگر ملاقات کردند. در اوایل سال ۱۹۸۷ نیز وزیر امور خارجه کویت تلاش کرد تا برای حل مشکل هزاران پناهنده یمن جنوبی که در سال قبل از آن به یمن شمالی رفته بودند، میان دو کشور میانجیگری نماید و به دنبال آن بیش از نیمی از این پناهندگان به کشور خود بازگشتند.

در ماه مه ۱۹۸۸، هر دو یمن نیروهای خود را از مرز مشترک میان دو کشور عقب کشیدند و یک منطقهٔ غیر نظامی به وسعت ۲۲۰۰ کیلومترمربع میان دو کشور ایجاد گردید و تسهیلاتی نیز برای رفت و آمد اتباع دو کشور برقرار گردید. ارتباط تلفنی مستقیم میان دو یمن از ژوئن ۱۹۸۹ برقرار شد و دولت یمن جنوبی اصلاحاتی را در اقتصاد آن کشور پدید آورد تا گشایشی به سوی اقتصاد بازار آزاد فراهم شود. در ماه نوامبر همین سال رهبران دو کشور قرارداد اتحاد را به امضاء رساندند و پیش‌نویس قانون اساسی یمن متحد نیز در ماه دسامبر منتشر شد و قرار شد پس از تصویب پارلمان‌های هر دو کشور و تأیید آن در همه‌پرسی عمومی به مرحله اجرا درآید. طبق مفاد این قانون اساسی، در یمن متحد فعالیت احزاب آزاد بود و همهٔ مردان و زنان از حق رأی برخوردار بودند و تشکیل اتحادیه‌های کارگری نیز به تصویب رسیده بود.

نخستین اجلاس مشترک شورای وزیران دو کشور در ژانویه ۱۹۹۰ در صنعا برگزار گردید و به دنبال آن محدودیت‌های رفت و آمد میان دو کشور برداشته شد. در هر دو کشور مخالفت‌هایی با اتحاد دو یمن صورت گرفت، در یمن شمالی، اخوان‌المسلمین به علت اصل قرار نگرفتن قوانین اسلامی در قانون اساسی پیشنهادی شرکت در همه‌پرسی را تحریم نمود و در یمن جنوبی نیز زنان این کشور در هراس از محدود شدن آزادی‌هایشان بر علیه وحدت دو کشور تظاهرات کردند.

در بیست و یکم ماه مه ۱۹۹۰، مجالس قانونگذاری هر دو کشور قانون اساسی پیشنهادی را مورد تأیید قرار دادند و از روز بعد یمن متحد تحت عنوان جمهوری یمن پا به عرصه گذاشت. از این روز صنعا به عنوان پایتخت سیاسی و عدن به عنوان مرکز اقتصادی و تجاری کشور در نظر گرفته شد. علی عبدالّله صالح ریاست جمهوری یمن متحد را به عهده گرفت و سالم‌البیض، دبیرکل حزب سوسیالیست (یمن جنوبی) به معاونت ریاست جمهوری و ابوبکر العطاس نیز به نخست‌وزیری منصوب گردیدند. کابینه دولت از ۲۰ وزیر از یمن شمالی و ۱۹ وزیر از یمن جنوبی تشکیل شده بود. در عین حال با تشکیل مجلس نمایندگان، مجالس قانونگذاری هر دو کشور نیز در هم ادغام گردیدند. در طی مدتی کمتر از یک سال حدود ۳۰ حزب جدید در این کشور به وجود آمد که حزب اسلامی الاصلاح قوی‌ترین آنان به شمار می‌رفت.

در همه پرسی ماه مه ۱۹۹۱، مردم این کشور قانون اساسی یمن متحد را مورد تأیید قرار دادند. در پی بروز جنگ خلیج فارس میان عراق و نیروهای متحد به رهبری امریکا، حدود یک میلیون نفر از مردم یمن که در کشورهای حاشیه خلیج فارس به کار مشغول بودند، به علت سیاست‌های دولت یمن در حمایت از رژیم عراق از آن کشورها رانده شدند که این مسئله مشکلات بسیاری را برای دولت یمن به وجود آورد. از طرفی همهٔ کمک‌های خارجی از سوی امریکا، عربستان و سایر کشورها تقریباً به صفر رسید و از سوی دیگر پول‌های ارسالی کارگران شاغل در کشورهای خلیج فارس قطع شد. علاوه بر همهٔ این‌ها بازگشت این حجم از نیروی کار به داخل کشور، وضعیت اشتغال را نیز به شدت در وضعیت بحرانی قرار داد.

در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۳، کنگرهٔ عمومی خلق به رهبری علی عبدالّله صالح با کسب ۱۲۲ کرسی، همچنان اکثریت خود را حفظ کرد و حزب الاصلاح با ۶۲ کرسی و حزب سوسیالیست با ۵۶ کرسی در مراتب بعدی قرار گرفتند. در ماه مه ۱۹۹۴، مقامات سابق یمن جنوبی خواستار جدایی مجدد از یمن شدند و با اعلام جمهوری دموکراتیک یمن در عدن از عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس خواستند تا این جدایی را به رسمیت بشناسند، اما نیروهای وفادار به علی عبدالّله صالح آنان را شکست دادند. در ماه ژوئیه هیئت وزیران با اعلام عفو عمومی خواهان تداوم تکثر سیاسی شد، اما در ماه سپتامبر اعضای حزب سوسیالیست از کابینه اخراج شدند و ۶ تن از عضای حزب‌الاصلاح به کابینه پیوستند. متعاقب آن تغییراتی در قانون اساسی پیش آمد و قوانین اسلامی یا «شریعه» به عنوان مبنای تمام قانونگذاری‌ها شناخته شد.

در دسامبر ۱۹۹۵ نیروهای اریتره در جزایر هنیش واقع در دریای سرخ مستقر شدند و با اعتراض دولت یمن به اشغال این جزایر، میان دو طرف جنگی درگرفت که با میانجیگری حسنی مبارک رئیس جمهور مصر فروکش کرد، اما مسئله همچنان لاینحل باقی ماند. انتخابات سال ۱۹۹۷ با تحریم حزب سوسیالیست مواجه شد و در غیاب آن کنگره عمومی خلق ۱۸۷ کرسی و حزب‌الاصلاح ۵۳ کرسی را از آن خود کردند و دولت جدیدی به نخست‌وزیری فرج سعیدبن غانم ادارهٔ امور را به عهده گرفت. بر اساس گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل در سال ۱۹۹۸، یمن جزء یکی از پنج کشوری است که مجازات اعدام هنوز در بارهٔ افراد زیر ۱۸ سال اجرا می‌شود.

عبدالکریم العریانی که طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ پست نخست‌وزیری را در یمن شمالی به عهده داشت، در ماه مه ۱۹۹۸ نیز به این سمت برگزیده شد. در اکتبر همین سال دادگاه بین‌المللی لاهه حاکمیت یمن بر جزایر هنیش را به رسمیت شناخت و ادعای اریتره بر آنها را رد کرد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۹، علی عبدالّله صالح با کسب ۹۶/۳٪ آراء در مقام خود برقرار ماند. در پی آدم‌ربایی‌های متعددی که در طی سال‌ها، در این کشور رواج داشت و قبایل مختلف برای کسب پول یا امتیازاتی از دولت مرکزی، جهانگردان و اتباع خارجی را به گروگان می‌گرفتند، دولت در سال ۲۰۰۰ با تصویب قانونی برای آدم‌ربایی حکم اعدام قرار داد. یک ماه بعد از تصویب این قانون سفیر لهستان در یمن ربوده شد، اما ربایندگان پس از ۴ روز وی را آزاد کردند. با ایجاد تغییراتی در قانون اساسی در این سال یک شورای مشورتی با ۱۱۱ عضو انتصابی رئیس جمهور نیز در کنار مجلس نمایندگان تأسیس شد.

در طی یک حمله انتحاری در ۱۲ اکتبر سال ۲۰۰۰ یک قایق مملو از مواد منفجره به ناو امریکایی یو اس اس کول برخورد نمود و ضمن ایجاد حفره‌ای بزرگ در آن، ۱۷ تن از سرنشینان آن کشته و ۳۹ نفر نیز به شدت زخمی شدند. نخستین انتخابات شهرداری‌ها در فوریه ۲۰۰۱ برگزار گردید و در ماه بعد نیز علی عبدالّله صالح، رئیس جمهور، ۱۱۱ عضو شورای مشورتی یمن را منصوب کرد. در ماه مارس نیز، رئیس جمهور کریم العریانی را به

عنوان مشـاور ارشد خود برگزید و عبدالقادر با جمال، از اهالی یمن جنوبی را به عنوان نخست‌وزیر جایگزین وی نمود. پس از عملیات ۱۱ سپتامبر در امریکا، دولت یمن همکاریهای گسترده‌ای را در بارهٔ دستگیری مظنونین به همکاری با گروه القاعده در یمن به عمل آورد. در اواخر سال ۲۰۰۲ نیز یک فروند کشتی فرانسوی مورد حملهٔ انتحاری قرار گرفت و کمی پس از آن نیروهای امریکایی، ۶ نفر از اعضاء گروه القاعده را طی یک حمله موشکی به خودروی آنان در خاک یمن به قتل رساندند.

یوگسلاوی YUGOSLAVIA

کشور یوگسلاوی در جنوب خاوری اروپا و در شمال غربی شبه جزیرهٔ بالکان و در ساحل خاوری دریای آدریاتیک قرار دارد. این کشور از شمال به مجارستان، از خاور به رومانی و بلغارستان، از جنوب به مقدونیه و آلبانی، از جنوب غربی به دریای آدریاتیک و از غرب به کروآسی و بوسنی و هرزگوین محدود است. بیشتر اراضی جنوبی این کشور از کوههای آلپ دیناری با ارتفاع حداکثر ۲۵۲۲ متر (کوه دورمیتور) پوشیده شده و نواحی شمالی را درهٔ دانوب در بر گرفته است. علاوه بر دانوب که بخش کوچکی از آن در این کشور جریان دارد، رودخانه‌های ساوا، تیسا، درینا و ولیکامورا‌وا که از ریزابه‌های دانوب به شمار می‌روند، از جملهٔ مهمترین رودهای آن به شمار می‌آیند و غالب فعالیتهای کشاورزی این سرزمین در درّه دانوب متمرکز است. اقلیم یوگسلاوی در نواحی شمالی قاره‌ای و در کناره‌های دریای آدریاتیک مدیترانه‌ای است. منابع عمدهٔ زیرزمینی آن بوکسیت، زغال سنگ، سرب، مس و روی است که اکثراً در کوهستانهای جنوبی متمرکزند وهمراه با صنعت جهانگردی به ویژه در سواحل مونته‌نگرو عمده‌ترین فعالیتهای اقتصادی آن را تشکیل می‌دهند.



تاریخچه

در سدهٔ چهارم قبل از میلاد، شبه جزیرهٔ بالکان و سواحل آدریاتیک به وسیلهٔ اقوام ایلیریایی، تراکیایی و پانونیایی و کلنی‌های یونانی مسکون گردید. در سدهٔ دوم میلادی ایلیریایی‌ها مغلوب رومیان شدند و سرزمینشان به استان رومی ایلیریا مبدل گردید و شهرهای مهمی چون امونا (لیوبلیانای امروزی)، مورسا (اوسییک امروزی) و سینگیدونوم (بلگراد امروزی) در آن احداث گردید. زمانی که امپراتوری روم به دو بخش شرقی و غربی تقسیم گردید، سرزمین یوگسلاوی در مرز میان آن دو قرار گرفت. با پایان یافتن تسلط رومیان، مسیحیت در اینجا رواج یافت. طی سده‌های پنجم و ششم میلادی، اقوام مختلفی چون ویزیگوت‌ها، هون‌ها، اوستروگوت‌ها، آوارها، بلغارها و اسلاوها بر این سرزمین تاختند و باورهای مذهبی خود را بر مردم این نواحی تحمیل کردند، ولی مسیحیت دوباره رو به رشد نهاد وطی سده‌های نهم تا یازدهم موقعیت گذشتهٔ خود را مجدداً به دست آورد. از سدهٔ هفتم تا سیزدهم میلادی دولتهای فئودال چندی در این سرزمین پدید آمد. بوسنی به تصرف مجارستان درآمد و مقدونیه میان بیزانس و بلغارستان تقسیم گردید. در اواسط سدهٔ یازدهم و در زمان حکومت استفن نمانیا (۱۱۶۸ تا ۱۱۹۶ میلادی)، صربستان از بیزانس جدا شد و جانشینان نمانیا در سال ۱۲۱۷ از سوی پاپ عنوان پادشاهی یافتند.

در ۱۲۱۹ کلیسای ارتدوکس صربستان تأسیس گردید. در زمان سلطنت استفان دوشان (۱۳۳۱ تا ۱۳۵۵)، صربستان به اوج قدرت رسید و آلبانی و مقدونیه را به تصرف خود درآورد. در اواسط سدهٔ چهاردهم، دست‌اندازی ترکان عثمانی بر سرزمینهای بالکان آغاز گردید. در سده‌های چهاردهم و پانزدهم مهاجرت صرب‌ها و بوسنیایی‌ها به سرزمینهای اطراف به ویژه روسیه آغاز گردید. در ۱۳۹۵ سراسر مقدونیه به تصرف عثمانی‌ها درآمد و بوسنی نیز که در آن زمان بخشی از مجارستان بود، در سال ۱۴۶۳ تحت استیلای ترکان درآمد و اسلاوهای بوسنی به مذهب اسلام گرویدند. در ۱۴۶۵ هرزگوین نیز به تصرف عثمانی درآمد و سرانجام در ۱۵۲۶ سراسر نواحی ساحلی نیز در تصرف ترکان قرار گرفت که مدت ۴۸۹ سال ادامه یافت. بین سده‌های ۱۶ و ۱۸ نواحی صربستان، بوسنی، هرزگوین، مونته‌نگرو و مقدونیه ضمیمهٔ امپراتوری عثمانی گردید و کروآسی، اسلوونی و دالماسی به وسیلهٔ خاندان هاپسبورگ ضمیمهٔ اتریش گردید. بعد از جنگ روس و عثمانی (۱۷۶۸ تا ۱۷۷۴)، روسیه از حق حمایت از مسیحیان ارتدوکس مقیم امپراتوری عثمانی برخوردار گردید.

در سال ۱۷۹۷ اتریش بالکان را تصرف کرد و نواحی تحت تصرف خود را به مرور استقلال داخلی بخشید. در ۱۸۲۹ صربستان به یک شاهزاده‌نشین مستقل، تحت حکومت میلوش اوبرنوویچ مبدل شد. در کنگره برلین در سال ۱۸۷۸، استقلال صربستان و مونته‌نگرو از سوی قدرتهای بزرگ آن زمان به رسمیت شناخته شد. در جنگ اول بالکان (سال ۱۹۱۲) صربستان، مونته‌نگرو، یونان، رومانی و بلغارستان با یکدیگر متحد شدند و در جنگ دوم (۱۹۱۳) رودرروی یکدیگر قرار گرفتند و در نهایت، مقدونیه بین صربستان و یونان و بلغارستان تقسیم گردید و صربستان و مونته‌نگرو بر وسعت سرزمینهای خود افزودند. مقاومت صربها در مقابل سلطه‌جویی‌های اتریش به ترور فرانتس فردیناند ولیعهد اتریش و همسرش در سارایوو در سال ۱۹۱۴ منجر شد و جنگ جهانی اول نیز به همین بهانه آغاز گردید.

بعد از جنگ اول و با از میان رفتن امپراتوری اتریش - مجارستان، صربستان، کروآسی و اسلوونی یک دولت پادشاهی تشکیل دادند که صربستان، مونته‌نگرو، اسلوونی، کروآسی، بوسنی و هرزگوین را شامل می‌گردید. در سال ۱۹۲۹ کشور مزبور به یوگسلاوی یعنی سرزمین اسلاوهای جنوبی موسوم گردید و حکومت در اختیار صرب‌ها قرار گرفت و آلکساندر کاراژرژویچ به نام آلکساندر اول با قدرت و دیکتاتوری تمام به سلطنت پرداخت. سخت‌گیریهای او، بخصوص کروآتها را به واکنش و شورش واداشت و به ترور او در حالی که در سال ۱۹۳۴ از شهر مارسی دیدن می‌کرد، منجر شد. یوگسلاوی در آغاز جنگ جهانی دوم بی‌طرفی اختیار کرد. اما در سال ۱۹۴۱ مورد حملهٔ ارتش نازی قرار گرفت و به سرعت تسلیم و تجزیه گردید و پادشاه و اعضای دولت یوگسلاوی از کشور فرار کردند، ولی نیروهای غیر نظامی یوگسلاوی تحت فرماندهی ژنرال میخایلوویچ در رأس سلطنت‌طلبان موسوم به چتنیک و یوسیپ بروز تیتو، رهبر کمونیست‌های یوگسلاوی، علیه قوای اشغالگر به نبرد پرداختند. در ۱۹۴۴ نیروهای متفقین، به ویژه روس‌ها همراه با نیروهای پارتیزانی ژنرال تیتو دست به اخراج آلمانها از کشور زدند. در سال ۱۹۴۵ تیتو نخست‌وزیر شد و با خلع پادشاه، نظام اداری کشور را به جمهوری فدراتیو خلق تبدیل کرد. در سال ۱۹۴۶ قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید و شش جمهوری خودمختار تأسیس گردید و عملاً قدرت در دست تیتو و حزب کمونیست باقی ماند.

در اثر پیمان سال ۱۹۴۷ متفقین با ایتالیا، بخش شرقی و نتسیاجولیا به یوگسلاوی واگذار شد و ناحیهٔ تریسته نیز در سال ۱۹۵۴ میان دو کشور یوگسلاوی و ایتالیا تقسیم گردید. تیتو پس از تسلط کامل بر اوضاع و سرکوب مخالفان داخلی از جمله ژنرال میخایلوویچ که اعدام گردید، با اتحاد جماهیر شوروی و کمینفرم ارتباط برقرار کرد. در سال ۱۹۴۸ میان احزاب کمونیست یوگسلاوی و اتحاد شوروی اختلاف افتاد و یوگسلاوی از کمینفرم اخراج شد. پس از آن تیتو به کشورهای غربی نزدیک شد و از آنها کمکهای نظامی و اقتصادی دریافت کرد. در سال ۱۹۵۴ یوگسلاوی و یونان و ترکیه پیمان دفاعی مشترکی منعقد نمودند. دخالتهای شوروی در مجارستان (۱۹۵۶) و چکسلوواکی (۱۹۶۸)، اختلاف میان یوگسلاوی و اتحاد شوروی را تشدید کرد. در ۱۹۶۶ آلکساندر رانکوویتی معاون رئیس جمهور به علت آن که شبکهٔ جاسوسی تأسیس کرده و با اصلاحات مخالف بود، از حزب اخراج شد. مردم یوگسلاوی بیش از ساکنان دیگر کشورهای اروپای شرقی از آزادی بهره‌مند شدند، اما در میان ملت‌های مختلف مخصوصاً کروآت‌ها تحریکات و شورشهایی پیدا شد و سانسور افکار در سالهای اول دههٔ ۱۹۷۰ شدت یافت. در سال ۱۹۷۴ تیتو رئیس جمهور مادام‌العمر یوگسلاوی شد. تیتو علاوه بر آن که یکی از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد بود، نقش چشمگیری نیز در اشاعه و



نام رسمی: جمهوری فدراتیو یوگسلاوی

نام محلی: یوگسلاویا Jugoslavija

اسامی دیگر: -

پایتخت: بلگراد (۱،۱۹٤،۸۷۸ نفر در سال ۲۰۰۰)

تاریخ استقلال: ۱۹۱۸/۱۲/۱، از بلغارستان

روز ملی: بیست ونهم نوامبر؛ روز جمهوری

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی فدرال با دو مجلس قانونگذاری، ازسال ۱۹۹۲

رئیس حکومت: رئیس جمهور: وویسلاو کوشتونیتسا(ائتلاف احزاب دموکرات صرب‌های مخالف)، ازسال ۲۰۰۰

رئیس دولت: نخست‌وزیر: دراگیشا پسیچ (از حزب سوسیالیست مردم مونته‌نگرو)، از سال ۲۰۰۱

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۲ با تغییراتی در سال ۲۰۰۰؛ مجلس شهروندان با ۱۳۸ عضو و مجلس جمهوری‌ها با ٤۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس شهروندان (۲۰۰۰): ائتلاف احزاب دموکرات صرب‌های مخالف ۵۹ کرسی؛ لیست متحد (حزب سوسیالیست صربستان و اتحاد چپ‌های یوگسلاوی) ٤٤ کرسی؛ حزب سوسیالیست مردم مونته‌نگرو ۲۸ کرسی؛ حزب رادیکال صربستان ۳ کرسی؛ حزب مردم صربستان ۲ کرسی؛ بقیه ۲ کرسی

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤۵)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآاآ، ایکائو، ایلو، ایمو، اینو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، جنبش عدم تعهد.

جمعیت

مساحت: ۱۰۲،۱۷۳ کیلومترمربع (صد و ششمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتاد و دومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۱۰۳/۷ نفر در کیلومترمربع | **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۱٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۱۰/۸ میلیون نفر | **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** ؟

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ؟ ؛ رشد سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۰/۹٪

توزیع سنی(۱۹۹۱): زیر ۱۵ سال ۲۲/۸٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۱/٦٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۸/۸٪؛ بالای ٦۰ سال ۱۵/۷٪

توزیع جنسی (۱۹۹۹): مرد ٤۹/۵۳٪؛ زن ۵۰/٤۷٪ | **امید به زندگی(۱۹۹۵):** زنان ۷٤/۷ سال؛ مردان ٦۹/۹ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۷): ۱۲/٤ نفر | **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ۱۰/٦ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۷): ۱٤/۳ نفر | **رشد طبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۷):** ۱/۸ نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر (۱۹۹۷): بیماریهای دستگاه گردش خون ۵۸۵ نفر؛ بافت‌های بدخیم (سرطان) ۱٦۹ نفر؛ حوادث، درگیری و مسمومیت ٤۵ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفسی ۳۹ نفر.

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۷): ۱/۷ نفر | **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱۰نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۷): ۵/۳ مورد | **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۰/۷ مورد

نژاد/ملیت(۱۹۹۱): صرب ٦۲/٦٪؛ آلبانیایی ۱٦/۵٪؛ مونته‌نگرویی ۵٪؛ مجار ۳/۳٪؛ بوسنیایی و سنجاق ۳/۲٪؛ کولی ۱/٤٪

دین: ارتدوکس صربی ٦۲/٦٪؛ مسلمان ۱۹٪؛ کاتولیک ۵/۸٪؛ بقیه (عمدتاً بدون دین) ۱۲/٦٪

زبان و خط: صربی (صربو-کروآتی؛ زبان رسمی)؛ آلبانیایی، مونته‌نگرویی و مجاری؛ خط: سیریلی و لاتین

شهرهای مهم(۲۰۰۰): نووی ساد ۱۸۲،۷۷۸ نفر؛ نیش ۱۸۲،۵۸۳ نفر؛ پریشتینا ۱۸٦،٦۱۱ نفر؛ کراگویواتس ۱۵٤،٤۸۹ نفر؛ پودگوریتسا (تیتوگراد) ۱۳۰،۸۷۵ نفر؛ سوبوتیتسا (۱۹۹۱): ۱۰۰،۳۸٦ نفر

بنادر مهم: بار (دریای آدریاتیک)؛ نووی‌ساد (رود دانوب)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: دینارجدید یوگسلاوی (N.Din) = ۱۰۰ پارا؛ یک دلار = ۱۲/۱۸ دینار؛ یک دینار = ٦۵٦/۸ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۸): ٤٤،۲۰۰،٦۹٦،۰۰۰ دینار جدید؛ مالیات فروش ۳۰/۳٪؛ مالیات تأمین اجتماعی ۲۲/۱٪؛ مالیات بر درآمد ۲۰/٦٪

هزینه بودجه(۱۹۹۸): ٤٤،۲۰۰،٦۹٦،۰۰۰ دینار؛ هزینه‌های دولت ۲۰/۸٪؛ بهداشت ۲۰٪؛ آموزش ۱۲/۲٪؛ سایر موارد ٤۷٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۳،۷٤۲ میلیون دلار | **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱،۲۸۹ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۹۰): ٤٤/۷-٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۷): کشاورزی ۲۱/۳٪صنعت ۳٤/۱٪؛ خدمات ٤٤/٦٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: ؟

بدهی خارجی(۱۹۹۹): ۷،٤۱٦ میلیون دلار | **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی: ؟

نرخ تورم(۱۹۹۹): ۵۰/۲٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): ذرت ٦،۱۰۰،۰۰۰ تن؛ چغندرقند ۲،۳۱۸،۰۰۰ تن؛ گندم ۲،۱٦۷،۰۰۰ تن؛ سیب‌زمینی ۹۹۱،۰۰۰ تن؛ دانهٔ آفتابگردان ٤٦۰،۰۰۰ تن؛ آلو ٤٦۰،۰۰۰ تن؛ هندوانه ۲۸۵،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ٤۰٪؛ مرتع و چمنزار ۲۰/۷٪؛ جنگل ۱۷/۳٪؛ سایر موارد ۲۲٪

تعداد دام زنده: خوک ٤،۳۷۲،۰۰۰ رأس؛ گوسفند ۲،۳۹۲،۰۰۰ رأس؛گاو ۱،۸۳۱،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ۱،۳۲۰،۰۰۰ مترمکعب | **صید ماهی(۱۹۹۹):** ٦،۸٤۵ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲٤،۳۲۲،۰۰۰ قطعه | **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۹۰،٦۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۸): سنگ مس ۱۹،۹۳۹،۰۰۰ تن؛ سنگ سرب و روی ۱،۲٤۹،۰۰۰؛ منیزیت ۸۱،۰۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۸): آردگندم ۸۳۰،۰۰۰ تن؛ فولاد خام ۹٤۹،۰۰۰ تن؛ چدن ۸۲٦،۰۰۰۰ تن؛ اسید سولفوریک ۲۱۱،۰۰۰ تن؛ اسید نیتریک ۱۸۵،۰۰۰ تن؛ مس الکترولیتی ۹٤،۰۰۰ تن؛ سرب تصفیه شده ۲٤،۰۰۰ تن؛ لوله ٤۳،۰۰۰ تن؛ مس ۲۷،۰۵۵ تن؛ دارو ۲۲،۸۷۱ تن

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق(۱۹۹۸): ٤۰،٦۵۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٤۰،٦۵۱،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ٤٤،۰۷۲،۰۰۰ تن (٤٤،۰۷۲،۰۰۰) ؛ نفت خام ٦،۷۳۳،۰۰۰ بشکه (۱۹۹٦: ٦،۰٤۷،۰۰۰) ؛ فرآورده‌های نفتی : ۷٦۳،۰۰۰ تن (۱۹۹٦: ۱،۳۸۳،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۷۳۱،۰۰۰،۰۰۰ مترمکعب (۱۹۹٦: ۲،۹۳۵،٤۰۰،۰۰۰)

نیروی کار: جمعیت فعال اقتصادی (۱۹۹۸): ٤،۵۰۸،۹۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت : ٤۲/٦٪؛ میزان مشارکت (۱۵ سال به بالا): ۵۸/۳٪؛ زنان (۱۵ سال به بالا : ۱۹۹۵) ٤۳/۷٪؛ میزان بیکاری (۱۹۹۹): ۱۹/۸٪

توزیع نیروی کار: کشاورزی ۲/۳٪؛ صنعت ۲۱/۳٪؛ خدمات و بیکاران ۷٦/٤٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: ۱۲ تا ۱۵ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۹۷،۷۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ۷۸/۲٪؛ نیروی هوایی ۱۵/٤٪؛ نیروی دریایی ٦/٦٪؛ سرانهٔ هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۱): ۱٦۷ دلار

واردات(۱۹۹۸): ٤٤،۸۰۵ میلیون دینار؛ شامل کالاهای ساخته شده صنعتی ۲۰/۸٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱۸/٤٪؛ مواد شیمیایی ۱٦/۹٪؛ سوخت‌های معدنی و روغن‌های روانکاری ۱۵٪؛ غذا و دام زنده ۸/۲٪؛ از آلمان ۱۲/۵٪؛ ایتالیا ۱۰/۹٪؛ روسیه ۱۰/۷٪؛ مقدونیه ۵/۲٪

صادرات(۱۹۹۸): ۲٦،۳۳۵ میلیون دینار؛ شامل کالاهای ساخته شده صنعتی ۳۸/۵٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۱٤/۲٪؛ مواد شیمیایی ۱۳/٤٪؛ مواد غذایی ۸/۳٪؛ به ایتالیا ۱۱/٦٪؛ مقدونیه ۱۰/۸٪؛ آلمان ۸/۹٪؛ روسیه ۸/٦٪؛ سوئیس ۵/۳٪؛ یونان ٤٪؛ انگلستان ۳/٦٪؛ مجارستان ۲/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیون دینار	-۲،۱۹۳	-۱۰،٤٤۲	-۱۲،۲۲۵	-۱۸،٤۷۰	-۱۹،۸۲۹
درصد کل	۲۹/۵٪	۳٤/۲٪	۲۸/۵٪	۲٦٪	۳۷/۸٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹٦):	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص قیمتهای مصرفی	۳۰/۲	۵۱/۲	۱۰۰	۱۲۱/٦	۱۷۳/۳
شاخص درآمد سالانه	؟	؟	۱۰۰	۱٤۷/۱	۱۰۸

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازه خانوار(۱۹۹۹): ۳/۲ نفر؛ درآمد سالانه هر خانوار (۱۹۹۸): ۳٤،۵۸۲ دینار جدید (۳،٤۰۰ دلار)؛ منابع درآمد (۱۹۹۸): دستمزد و حقوق ۵۰/۳٪؛ مستمری ۱٤/۸٪؛ کار آزاد ۹/۲٪؛ بقیه ۲۵/۷٪؛ هزینه‌ها (۱۹۹۸): غذا ۵۲/۸٪؛ سوخت و روشنایی ۱۰/٤٪؛ نوشیدنی و دخانیات ۷/۳٪؛ پوشاک و کفش ٦/۷٪؛ بهداشت۵٪

جهانگردی(۲۰۰۰): درآمد: ۱۷ میلیون دلار؛ هزینه‌ها:؟

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹۸): ۵۰،٤۹۷ کیلومتر | **راه‌آهن(۱۹۹۸):** ٤،۰٦۹ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٤): ۱،٤۰۰،۰۰۰ دستگاه | **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٤):** ۱۳۲،۰۰۰ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹۸): ۲۲ فروند | **فرودگاه(۱۹۹۸):** ۵ فرودگاه

روزنامه(۱۹۹۵): ۱۸ روزنامه در ۱،۳٦۳،۰۰۰ نسخه (۲۵٦ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ۳۹۵ عنوان

کتاب: ۵،۳٦۷ عنوان در ۱٦،٦٦۹،۰۰۰ نسخه (میانگین تیراژ : ۳،۱۰۵/۸ نسخه)

رادیو(۱۹۹۷): ۱،۳۸٤،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (۱۳۱ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۷): ۲،٦۹۲،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (۲۵٤ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۹): ۲،۳۱۹،۰۰۰ خط تلفن (۲۱۸ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۹): ۲٤۰،۰۰۰ خط (۲۲/٦ خط برای هر هزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۹): ۲۲۰،۰۰۰ دستگاه | **اینترنت(۱۹۹۹):** ۸۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹۹)	٤،٤۳۱	۵۲،۲۹٤	۸٦٤،۱۹۹	۱٦/۵
متوسطه / فنی و حرفه‌ای	۵٦۱	۲۷،۷٦٦	۳٦۷،۵۸۷	۱۳/۲
عالی	۸۳	۱۰،۹۹۸	۱٤۷،۹۸۱	۱۳/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۱): افراد بالای ۱۰ سال: ۹۳٪؛ مردان: ۹۷/۲٪؛ زنان: ۸۸/۹٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۱۵ سال (۱۹۹۱): ابتدایی ۵۸/۵٪؛ متوسطه ۳۲/۲٪؛ عالی ۹/۳٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ۲۲،٤۹۸ نفر (هر ٤۷۱ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۵۸،۵۷٦ تخت (هر ۱۸۱ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز: ؟

تعداد مبتلایان به سل: ؟

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۲،۹٦۳ کالری (۱۱۱٪ حداقل مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ مصرف فرآورده‌های گیاهی ٦٦٪؛ مصرف فرآورده‌های لبنی و گوشتی ۳٤٪

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: ؟

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن: ؟

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن : ؟

شاخص توسعهٔ انسانی: ؟

گسترش این جنبش ایفاء کرد. وی در سال ۱۹۷۸ از امریکا دیدن کرد و در سال ۱۹۷۹ دخالت نظامی شوروی در افغانستان را محکوم کرد و سرانجام در چهارم مه سال ۱۹۸۰ در سن ۸۷ سالگی، پس از ۳۵ سال حکومت بر یوگسلاوی درگذشت. پس از او، با تشکیل شورای ریاست جمهوری، دورهٔ ریاست جمهوری به یک سال تقلیل یافت و به ترتیب میاتوویتس کرایگر و سپس استامبولیچ به ریاست جمهوری رسیدند. پس از مرگ تیتو درگیری‌های پراکنده‌ای در نواحی جنوبی کشور برای کسب خودمختاری آغاز شد. در سال ۱۹۸۷ لازار مازدونین اسکلو به ریاست جمهوری و برانکومیکولیچ به نخست‌وزیری رسیدند. در آخرین روز سال ۱۹۸۸ کابینهٔ یوگسلاوی استعفاء داد و برانکو میکولیچ و کلیهٔ اعضای دولت او از مقام خود کناره‌گیری کردند.

در اواخر سال ۱۹۸۹ روابط بلگراد و تیرانا (آلبانی) بر سر مسئلهٔ ناحیهٔ آلبانیایی‌نشین کوزوو و حمایت دولت آلبانی از جدایی‌طلبان کوزوویی به اوج خود رسید و به کناره‌گیری دولت محلی کوزوو در مارس ۱۹۹۰ منجر گردید. علاوه بر آن تنش‌هایی در برخی ایالات یوگسلاوی به ویژه از نظر رشد احساسات مذهبی مسلمانان و کاتولیک‌ها بروز یافت. بحران اقتصادی و بالا رفتن میزان تورم در سال ۱۹۸۹، حزب کمونیست را به شدت زیر سئوال برد و به دنبال آن ایالت‌های اسلوونی و کروآسی تمایل خود را به جدا شدن از جمهوری فدرال یوگسلاوی اعلام داشتند. کنگرهٔ اتحادیه کمونیست‌ها که تا آن زمان تنها حزب قانونی کشور بود، در ژانویه ۱۹۹۰ از پارلمان خواست تا نظام کشور از یک حزبی به چند حزبی تبدیل شود.

در آوریل سال ۱۹۹۰ نخستین انتخابات چند حزبی برگزار شد و جدایی‌طلبان یا طرفداران نظام کنفدراسیون در تمام ایالت‌ها غیر از صربستان و مونته‌نگرو حائز اکثریت شدند. علائم هشداردهنده‌ای که موجودیت و تمامیت ارضی یوگسلاوی را تهدید می‌کرد، رئیس جمهور اسلوبودان میلوشویچ را وادار به واکنش شدید و استفاده از نیروهای نظامی و امنیتی نمود. در دسامبر ۱۹۹۰ پارلمان کروآسی قانون اساسی جدیدی را با تأیید حق استقلال این جمهوری به تصویب رسانید و همزمان، همه‌پرسی در اسلوونی اعلام استقلال آن را مورد تأیید قرار داد و در بیست و پنجم ژوئن ۱۹۹۱ کروآسی و اسلوونی استقلال خود را رسماً اعلام داشتند. نیروهای فدرال به فرمان رئیس جمهور دولت فدرال به اسلوونی اعزام شدند و میان جدایی‌طلبان و نیروهای فدرال جنگ درگرفت و طی آن شهرهای بسیاری از جمله اوسییک، ووکووار و کارلوواتس به دست نیروهای فدرال ویران گردید. در سال ۱۹۹۲ به دستور رئیس جمهوری فدرال ۷۰ تن از فرماندهان ارتش یوگسلاوی به اتهام عدم وفاداری به دولت مرکزی بازنشسته شدند.

در ۱۵ ژانویهٔ ۱۹۹۲ جامعهٔ اروپا موجودیت کروآسی و اسلوونی را به رسمیت شناخت و در پی آن در ۲۷ آوریل ۱۹۹۲ پارلمان صربستان و مونته‌نگرو نیز موجودیت فدراسیون صربستان و مونته‌نگرو را تحت عنوان یوگسلاوی اعلام نمودند. در همین موقع جنگ میان جدایی‌طلبان بوسنی و هرزگوین و نیروهای فدرال شدت گرفت و موجودیت کشور جدید بوسنی و هرزگوین نیز از سوی اتحادیهٔ اروپا به رسمیت شناخته شد. پس از انتخابات مجلس فدرال در ۳۱ مه ۱۹۹۲ در فدراسیون جدید صربستان و مونته‌نگرو، دوبریتسا کوسیچ به ریاست جمهوری رسید و در ۱۴ ژوئیه میلان پانیچ به نخست‌وزیری برگزیده شد. در دسامبر همان سال کوسیچ رئیس جمهوری فدرال یوگسلاوی، طی یک انتخابات عمومی و مستقیم در مقام خود ابقاء گردید. وی از به رسمیت شناختن مجلس کوزوو خودداری کرد و پلیس امنیتی فدرال تظاهرات خیابانی مردم کوزوو را وحشیانه سرکوب نمود و چند تن از رهبران احزاب کوزوو را بازداشت نمود و دانشکدهٔ علوم کوزوو را تعطیل کرد. این عمل با واکنش شدید کشورهای جهان و مجامع بین‌المللی روبرو گردید و در پی بروز بحران اقتصادی، فعالیتهای صنعتی به میزان ۳۹ درصد سقوط کرد و در پایان سال ۱۹۹۳ میزان بیکاری به مرز ۵۰ درصد رسید.

در طی جنگ‌های داخلی بوسنی و هرزگوین در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵، یوگسلاوی به تقویت صرب‌های آن جمهوری پرداخت و به همین دلیل از سوی جامعه بین‌المللی با اعتراضات گسترده‌ای روبرو شد. به علت ارتکاب جرائم جنگی گسترده و جنایات جنگی صرب‌ها در جمهوری بوسنی و هرزگوین، سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا تحریم‌های متعددی را بر یوگسلاوی اعمال نمودند.

سال ۱۹۹۷ به مناسبت رویارویی میان ارتش فدرال و مردم کوزوو که ۹۰ درصدشان آلبانیایی‌تبار هستند، از موقعیت زمانی خاصی برخوردار است. در آن سال میلوشویچ از صرب‌ها درخواست کرد تا در یک همه‌پرسی نسبت به میانجیگری بیگانگان در مسئلهٔ کوزوو شرکت کنند. که این پیشنهاد میانجیگری با ۷۵ درصد آراء رأی‌دهندگان رد شد. در آوریل ۱۹۹۸ ارتش یوگسلاوی دو شهروند آلبانیایی را که می‌خواستند از مرز گذشته و وارد یوگسلاوی گردند، به قتل رسانید و ادعا نمود که آنان تروریست‌هایی بودند که قصد خرابکاری در یوگسلاوی را داشتند. این عمل به تیرگی هرچه بیشتر روابط میان دو کشور منجر گردید. یک هفته بعد گروه تماس مرکب از امریکا، فرانسه، ایتالیا، آلمان، روسیه و انگلستان در رم ملاقات کردند و موافقت نمودند تا رسیدن به نتیجه گفتگوها را ادامه دهند و طرفین را به مذاکره تشویق نمایند. کشتارهای بعدی در ماه ژوئن ۱۹۹۸ کشورهای عضو ناتو را وادار کرد تا مستقیماً در مسئلهٔ کوزوو دخالت نمایند.

در مارس ۱۹۹۹، نیروهای متحد به رهبری امریکا و با مشارکت کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا و ترکیه به سختی مراکز اقتصادی و نظامی صربستان، مونته‌نگرو و کوزوو را بمباران کردند. در این بمباران‌های سنگین صدمات و خسارات زیادی به زیر ساخت‌های اقتصادی یوگسلاوی وارد شد و گروه کثیری از مردم غیر نظامی صرب و کوزوویی کشته شدند. این بمباران‌ها تا دهم ژوئن ادامه یافت و سرانجام قرار شد با پذیرش حاکمیت یوگسلاوی به ناحیه کوزوو، حدود ۳۵,۰۰۰ نیروی ناتو از سوی سازمان ملل متحد، حمایت از مردم کوزوو را به عهده بگیرند. از سوی دیگر مخالفت‌های داخلی بر علیه میلوشویچ فزونی یافت و تظاهرات متعددی از سوی صرب‌های مخالف وی در شهر بلگراد برگزار گردید. در نوامبر ۱۹۹۹ جمهوری مونته‌نگرو، اگرچه جزء جمهوری فدرال یوگسلاوی بود، واحد پول آلمان یعنی مارک را به عنوان پول رایج در داخل جمهوری به رسمیت شناخت.

با قتل زلیکو رازیناتوویچ معروف به آرکان در ژانویه ۲۰۰۰ در شهر بلگراد که از رهبران شبه نظامیان افراطی صرب محسوب می‌شد، ترورهای سیاسی متعددی در کشور صورت گرفت که از جمله وزیر دفاع، پاوله بولاتوویچ نیز کشته شد.

در انتخابات سپتامبر ۲۰۰۰ که با شرکت گستردهٔ احزاب مخالف برگزار شد، وویسلاو کوشتونیتسا رهبر مخالفان میلوشویچ به پیروزی رسید، اما دادگاه قانون اساسی رأی به ابطال آراء داد. در پی این جریان، مردم خشمگین به خیابان‌ها ریختند و ضمن حمله به پارلمان و اشغال مرکز تلویزیون بلگراد خواهان به رسمیت شناخته شدن نتایج انتخابات شدند. تظاهرکنندگان با مخالفت‌های کمی از سوی پلیس مواجه شدند و در برخی موارد نیز نیروهای پلیس به تظاهرکنندگان پیوستند. روز بعد دادگاه قانون اساسی نتایج انتخاب را تأیید کرد و میلوشویچ نیز شکست را پذیرفت. کوشتونیتسا که از هفتم نوامبر رسماً قدرت را به دست گرفته بود، اقدامات احتیاط آمیزی را برای تطبیق وضعیت کشور با خواسته‌های سازمان ملل به عمل آورد و در نهایت در اول آوریل ۲۰۰۱، اسلوبودان میلوشویچ که متهم به ارتکاب جنایات جنگی در جریان جنگ‌های داخلی طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ و همچنین درگیری‌های کوزوو در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ بود، دستگیر شد و در ۲۸ ژوئن به دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی در لاهه تحویل داده شد. در این سال به تدریج تمام تحریم‌های سازمان ملل متحد بر علیه یوگسلاوی لغو شد و این کشور از انزوای بین‌المللی بیرون آمد.

در انتخابات پارلمانی ناحیه کوزوو که در ماه نوامبر ۲۰۰۱ با نظارت و کنترل سازمان ملل متحد برگزار گردید، آلبانیایی تبارها ۹۸ کرسی و صرب‌ها ۲۲ کرسی را از آن خود کردند. در انتخابات ریاست جمهوری صربستان در سپتامبر ۲۰۰۲ که در دور اول به پیروزی کوشتونیتسا و میرولیوب لابوس منجر شد، به علت به حد نصاب نرسیدن تعداد شرکت کنندگان در انتخابات مرحله دوم، نتایج آن مردود اعلام گردید.

یونان GREECE

کشور یونان که در جنوب شرقی اروپا و کرانهٔ شمال خاوری دریای مدیترانه جای گرفته، از شمال به مقدونیه و بلغارستان، از شمال خاوری به ترکیه، از خاور به دریای اژه، از جنوب به دریای مدیترانه، از غرب به دریای یونیایی (بخشی از دریای مدیترانه، در میان ایتالیا و یونان) و از شمال غربی به آلبانی محدود است.

یونان که در انتهای جنوبی شبه جزیرهٔ بالکان قرار دارد، سرزمینی است کوهستانی با ارتفاع حداکثر ۲۹۱۷ متر (کوه اُلمپ یا المپوس). اقلیم این سرزمین در تابستان‌ها گرم و خشک و در زمستان‌ها معتدل و مرطوب و پر باران است و رودخانه‌های آلیاکمون، پینیوس، واردار، آخلوئوس، نستوس، آلفیوس و استریمون از مهمترین رودهای آن هستند. یونان علاوه بر سرزمین اصلی از شمار زیادی جزیره که عمدتاً در دریای اژه قرار دارند، تشکیل شده که عمده‌ترین آنها عبارتند از: کرت (۸,۳۳۱ کیلومترمربع)، اوبا، رودوس (رودس)، کرکیرا، کفالینیا، زاکینتوس، تاسوس، لسبوس، خیوس و لیمنوس. یونان اساساً کشوری کوهستانی است و چغندرقند، زیتون، غلات و انگور از فرآورده‌های مهم کشاورزی آن محسوب می‌شود. پرورش دام به ویژه گوسفند و بز نیز در نواحی کوهستانی متداول است.



نام رسمی: جمهوری یونان

نام محلی: الاس Ellās

اسامی دیگر: هلاس Hellas (نام قدیمی)

پایتخت: آتن (۳،۱۱۲،۰۰۰ نفر با حومه در سال ۱۹۹۹)

تاریخ استقلال: ۱۸۳۰/۲/۳، از امپراتوری عثمانی

روز ملی: بیست و پنجم مارس، آغاز نبرد آزادیبخش بر علیه عثمانی در سال ۱۸۲۱

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری، از سال ۱۹۷۳

رئیس حکومت: رئیس‌جمهور: کنستانتینوس استفانوپولوس، ازسال ۱۹۹۵ (دور دوم از سال ۲۰۰۰ توسط مجلس نمایندگان)

رئیس دولت: نخست‌وزیر: کنستانتینوس سیمیتیس (جنبش سراسری سوسیالیست یونان)، از سال ۱۹۹۶

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۵، آخرین تغییرات ۱۹۸۶؛ مجلس نمایندگان با ۳۰۰ عضو به مدت ٤ سال؛ کرسی‌های مجلس نمایندگان (۲۰۰۰): جنبش سراسری سوسیالیست یونان (پاسوک) ۱۵۸ کرسی؛ دموکراسی نوین ۱۲۵ کرسی؛ حزب کمونیست ۱۱ کرسی؛ ائتلاف گروه‌های چپ و ترقی‌خواه ٦ کرسی.

عضویت در سازمانهای بین‌المللی: سازمان ملل متحد (۱۹٤٥)، اونکتاد، یونیسف، فائو، یاآآ، ایبرد، ایکائو، ایدا، ایفک، ایلو، ایمف، ایمو، ایتو، یونسکو، یونیدو، یوپو، وهو، ویپو، ومو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، شورای اروپا، ناتو، اواسی‌دی، اوسه

جمعیت

مساحت: ۱۳۱،۹۵۷ کیلومترمربع (نود و پنجمین کشور جهان)

جمعیت: ۱۰،٦۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (هفتاد و سومین کشور جهان)

تراکم جمعیت: ۸۰/۳ نفر در کیلومترمربع — **رشد سالانه جمعیت(۲۰۰۰-۱۹۹۵) :** ۰/۳٪

پیش‌بینی جمعیت (۲۰۲۵): ۹/۹ میلیون نفر — **زمان دوبرابر شدن جمعیت:** بیش از ۱۰۰ سال

جمعیت شهری (۱۹۹۸): ۵۹/۷٪؛ رشد سالانه: (۲۰۰۰-۱۹۹۵): ۱٪

توزیع سنی(۱۹۹٦): زیر ۱۵ سال ۱٦/٤٪؛ ۲۹-۱۵ سال ۲۲/٤٪؛ ۵۹-۳۰ سال ۳۹/۲٪؛ بالای ٦۰ سال ۲۲٪

توزیع جنسی (۱۹۹٦): مرد ٤۹/۲۳٪؛ زن ۵۰/۷۷٪ — **امید به زندگی(۱۹۹۹):** زنان ۸۱/۱ سال؛ مردان ۷۵/۷ سال

میزان تولد در هر هزار نفر(۱۹۹۹): ۹/۵ نفر — **میزان مرگ و میردرهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۹/۵ نفر

مرگ‌ومیر کودکان درهر هزارتولد(۱۹۹۹): ٦/۷ نفر — **رشدطبیعی جمعیت درهرهزارنفر(۱۹۹۹):** ۰/۱- نفر

دلایل عمدهٔ مرگ و میر در هر صد هزار نفر(۱۹۹۸): بیماریهای دستگاه گردش خون ٤۹۰/٦ نفر؛ بافت‌های بدخیم(سرطان) ۲۰۸/۵ نفر؛ بیماریهای نامشخص ۸۱/٦ نفر؛ بیماریهای دستگاه تنفس ٦۳/۷ نفر

میانگین‌زایمان‌زنان‌بارور(۱۹۹۹): ۱/۳ نفر — **مرگ ومیر مادران در هر صد هزار تولد:** ۱ نفر

میزان ازدواج درهرهزارنفر(۱۹۹۸): ۵/۳ مورد — **میزان طلاق در هر هزار نفر(۱۹۹۷):** ۰/۸ مورد

نژاد / ملیت(۱۹۹۵): یونانی ۹۸/۵٪ ؛ ترک ۰/۹٪؛ بقیه ۰/٦٪

دین(۱۹۹۵): مسیحی ۹۵/۲٪؛ (ارتدوکس یونانی (دین رسمی) ۹٤٪؛ کاتولیک ۰/۵٪)؛ مسلمان ۱/۳٪؛ بقیه ۳/۵٪

زبان و خط: یونانی جدید (زبان رسمی)؛ خط: یونانی

شهرهای مهم(۱۹۹۱): تسالونیکی(سالونیک)۳۸۳،۹٦۷ نفر؛ پیرایوس ۱۸۲،٦۷۱ ؛ پاترای ۱۵۳،۳٤٤؛ ایراکلیون ۱۱٦،۱۷۸، لاریسا ۱۱۳،۰۹۰؛ وولوس ۷۷،۱۹۲؛ آخارنای ٦۱،۳۵۳؛ کاوالا ۵۸،۰۲۵؛ یوآنینا ۵٦،٦۹۹؛ خالکیس ۵۱،٦٤٦ نفر

بنادر مهم: پیرایوس (خلیج سارونیک، دریای اژه)؛ تسالونیکی (خلیج تسالونیکی)؛ پاترای (خلیج پاترای)

اقتصاد و دارایی

واحد پول: یورو (€) = ۳٤۰/۷۵ دراخما (منسوخ شده)؛ یک دلار = ۱/۱٤ یورو؛ یک یورو = ۷،۰۰۰ ریال

درآمد بودجه(۱۹۹۹): ۱۲،٤۰۹ میلیارد دراخما؛ مالیات‌های غیرمستقیم ٤۷/۲٪؛ مالیات‌های مستقیم ۳۲/٦٪؛ درآمدهای غیر مالیاتی ۲۰/۲٪

هزینه بودجه(۱۹۹۹): ۱۷،۷۳۷ میلیارد دراخما؛ بازپرداخت وامها ۳٦/۸٪؛ بهداشت وبیمهٔ اجتماعی ۱۲/٤٪؛ آموزش و فرهنگ ۷/۹٪؛ کشاورزی ۷/۱٪؛ دفاع ۵/۹٪

تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): ۱۲۳،۳۹٤ میلیون دلار — **سرانه تولیدناخالص ملی(۱۹۹۸):** ۱۱،۷٤۰ دلار

رشد سالانه تولید ناخالص ملی: (میانگین سالانه ۹۵-۱۹۷۵): ۲/۵٪؛ ۹۸-۱۹۹۰: ۱/۹٪

منشاء تولید ناخالص ملی(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۰/٦٪؛ صنعت ۱۷/۷٪؛ خدمات ۷۱/۷٪

میزان سرمایه گذاری خارجی: (میانگین سالانه ۹۲-۱۹۸۷): ۹۳۸ میلیون دلار؛ (۱۹۹۸): ۷۰۰ میلیون دلار

بدهی خارجی(۱۹۹۷): ۱۸،۳۳۱ میلیون دلار — **کمک‌های خارجی:** ؟

میزان پس‌انداز ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی(۱۹۹۸): ۱۱/۸٪

نرخ تورم: (میانگین سالانه ۹۸-۱۹۹۰): ۱۱٪؛ ۱۹۹۸: ۵/۲٪؛ ۲۰۰۰: ۲/۹٪

محصولات کشاورزی (۱۹۹۹): چغندرقند ۲،۳۵۰،۰۰۰ تن؛ زیتون ۲،۰٦۸،۰۰۰ ؛ گوجه‌فرنگی ۲،۰٦۰،۰۰۰؛ گندم ۱،۹۰۰،۰۰۰؛ ذرت ۱،۸۱٦،۰۰۰؛ انگور ۱،۲۰۰،۰۰۰؛ پرتقال ۹۰۰،۰۰۰؛ هندوانه ٦۵۰،۰۰۰؛ هلو و شلیل ٦۰۰،۰۰۰؛ سیب ۳۵۸،۰۰۰؛ جو ۳۲۰،۰۰۰؛ هویج ۲۱۰،۰۰۰؛ برنج ۲۰۹،۰۰۰؛ لیمو ترش و شیرین ۱۹۰،۰۰۰ تن

کاربری زمین(۱۹۹٤) : کشاورزی ۲۷/۲٪؛ مرتع ٤۰/۷٪؛ جنگل ۲۰/۳٪؛ سایر موارد ۱۱/۸٪

تعداد دام زنده (۱۹۹۸): گوسفند ۸،۷۵٦،۰۰۰ رأس؛ بز ۵،۷۰۰،۰۰۰؛ خوک ۸۷۵،۰۰۰؛ گاو ۵۸۵،۰۰۰ رأس

تولید چوب(۱۹۹۸): ٤۹۵،۰۰۰ مترمکعب — **صید ماهی(۱۹۹۷):** ۱٦۳،۷۱٤ تن

تولید مرغ(۱۹۹۹): ۲۸،۰۰۰،۰۰۰ قطعه — **تولید تخم مرغ(۱۹۹۹):** ۱۲۰،۰۰۰ تن

تولیدات معدنی (۱۹۹۷): بوکسیت ۱،۸۷۵،۰۰۰ تن؛ نیکل ۱۷،٦۰۰ تن

تولیدات صنعتی(۱۹۹۵): (ارزش افزوده به میلیون دراخما) غذا، نوشیدنی و دخانیات ٦۹٤،٤۳۱ ؛ مواد شیمیایی ٤۰۲،۱۳۳؛ منسوجات ۲۵۷،۵۵۵؛ کاغذ و چاپ ۲۰۸،٦۹٦؛ تجهیزات حمل و نقل ۱٤۸،۷٦۷؛ پوشاک و کفش ۱۳۷،۵۲٤

انرژی/ میزان تولید(میزان مصرف): برق (۱۹۹٦): ٤۷،۰۷۹،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات ساعت (٤۸،٤۲۹،۰۰۰،۰۰۰)؛ زغال‌سنگ: ۵۹،۷۸۱،۰۰۰ تن (٦۲،۸۹٤،۰۰۰)؛ نفت خام: ۳،۱٤٤،۰۰۰ بشکه(۱۲۸،۳۷۹،۰۰۰)؛ فرآورده‌های نفتی: ۱۸،۵۷۲،۰۰۰ تن (۱۵،۱۷٤،۰۰۰)؛ گاز طبیعی: ۵۳،۸٦۸،۰۰۰ مترمکعب (۵۷،٤۳۰،۰۰۰)

نیروی کار(۱۹۹۷): جمعیت فعال اقتصادی: ٤،۲٤۸،۵۰۰ نفر؛ نسبت نیروی کار به کل جمعیت: ٤۰/۹٪؛ میزان مشارکت (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ٦۱/۵٪؛ زنان (در سنین ۱۵ تا ٦٤): ۳۹/۲٪؛ میزان بیکاری: ۱۰/۲٪؛ ۲۰۰۰: ۱۱/٤٪

توزیع نیروی کار(۱۹۹۸): کشاورزی ۱۷/۸٪؛ صنعت ۲۳٪؛ خدمات ۵۹/۲٪

نیروی دفاعی: مدت نظام‌وظیفه: نیروی زمینی ۱۹ ماه؛ نیروی دریایی ۲٤ ماه؛ نیروی هوایی ۲۱ ماه؛ تعداد نفرات ارتش (۲۰۰۰): ۱۵۹،۲۰۰ نفر؛ نیروی زمینی ٦۹/۱٪؛ نیروی دریایی ۱۱/۹٪؛ نیروی هوایی ۱۹٪؛ سرانه هزینهٔ دفاعی(۱۹۹۷): ۵۲۷ دلار

واردات(۱۹۹٦): ٦،۹۰۵ میلیارد دراخما؛ شامل ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۳۰٪؛ مواد شیمیایی ۱۲/٤٪؛ غذا ۱۱/۹٪ (شامل فرآورده‌های گوشتی ۳٪؛ فرآورده‌های لبنیاتی ۲/۱٪)؛ نفت خام ۸/۷٪؛ از ایتالیا ۱٦/۷٪؛ آلمان ۱٤/٤٪؛ فرانسه ۸٪؛ انگلستان ٦/۷٪؛ هلند ٦/۳٪؛ امریکا ۳/۳٪

صادرات(۱۹۹٦): ۲،۸۵۵/۸ میلیارد دراخما؛ شامل غذا ۱٦/۷٪؛ ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل ۸/۲٪؛ نفت ۸/۲٪؛ منسوجات ٤/۳٪؛ دخانیات ٤/۳٪؛ به آلمان ۱۸/۳٪؛ ایتالیا ۱۳/٤٪؛ انگلستان ٦٪؛ فرانسه ٤/۹٪

تراز بازرگانی:	۱۹۹۳	۱۹۹٤	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
میلیارد دراخما	-۳،۱۱۷/٤	-۲،۹۳۱	-۳،٤۷۱	-٤،۳۱۱/۸	-۵،۲۳۵/۲	-۵،۷۳۰/۵	-٤،۷۷۳/٦
درصد کل	٤٤/٦٪	۳۹/۲٪	٤۰/٦٪	٤۸/٦٪	۵۲/٦٪	٤۷/۲٪	٤٤/۳٪

شاخص قیمتها و درآمدها (۱۰۰=۱۹۹۵):	۱۹۹۵	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
شاخص قیمتهای مصرفی	۱۰۰	۱۰۸/۲	۱۱٤/۷	۱۱۹/٦	۱۲۲/۸	۱۲٦/٦	۱۳۰/۲
شاخص درآمد ساعتی	۱۰۰	۱۰۸/٦	۱۱۸/۳	۱۲۳/۹	؟	؟	؟

ویژگیهای خانوار : میانگین اندازهٔ خانوار (۹٤-۱۹۹۳): ۲/۹ نفر؛ درآمد هر خانوار: ۳/۹ میلیون دراخما (۱۵،٦٦۰ دلار)؛ منابع درآمد (۱۹۹٤): درآمد دارایی و ابتکار ۵٤/۵٪؛ دستمزد و حقوق ۲۷/۹٪؛ پرداخت‌های انتقالی ۱۷/٦٪؛ هزینه‌ها: غذا ۳۵/۷٪؛ حمل و نقل ۱٤/۷٪؛ پوشاک و کفش ۱۳٪؛ مسکن ۸/٦٪؛ آموزش ٦/۵٪؛ دیگر موارد ۲۱/۵٪

جهانگردی(۱۹۹۹): درآمد: ۸،۷۸۳ میلیون دلار؛ هزینهٔ جهانگردان در خارج ۳،۹۸۹ میلیون دلار

حمل و نقل و ارتباطات

راه(۱۹۹٤): ۳۸،۲٦۵ کیلومتر — **راه‌آهن(۱۹۹۵):** ۲،٤۷٤ کیلومتر

تعداد اتومبیل(۱۹۹٦): ۲،۳۳۹،٤۲۱ دستگاه — **تعداد کامیون و اتوبوس(۱۹۹٦):** ۹۳۹،۹۲۳ دستگاه

کشتی بالای صد تن (۱۹۹٦): ۲،۰۱۳ فروند — **فرودگاه(۱۹۹۷):** ۳٦ فرودگاه با برنامهٔ منظم پروازی

روزنامه(۱۹۹٦): ۱۵٦ روزنامه در ۱،٦۲۲،۰۰۰ نسخه (۱۵۳ نسخه برای هر هزار نفر)

مجلات ادواری: ؟

کتاب: ٤،۲۲۵ عنوان

رادیو(۱۹۹۷): ۵،۰۲۰،۰۰۰ گیرندهٔ رادیویی (٤۷۵ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلویزیون(۱۹۹۸): ۵،۰۰۰،۰۰۰ گیرندهٔ تلویزیونی (٤۷۲ دستگاه برای هر هزار نفر)

تلفن(۱۹۹۸): ۵،۵۳٦،۰۰۰ خط تلفن (۵۲۲ خط برای هر هزار نفر)

تلفن همراه(۱۹۹۸): ۲،۰۵۷،۰۰۰ خط (۱۹٤ خط برای هرهزار نفر)

رایانه شخصی(۱۹۹۸): ۵۵۰،۰۰۰ دستگاه — **اینترنت(۱۹۹۸):** ۳۵۰،۰۰۰ کاربر

آموزش و بهداشت

سطوح آموزشی	تعداد مراکز آموزشی	تعداد معلمین	تعداد دانش‌آموزان	نسبت دانش‌آموز به معلم
ابتدائی (۱۹۹٤)	۷،۲۵٤	٤٤،۹۸۱	۷۳۱،۵۰۰	۱٦/۳
متوسطه	۲،۹۷۲	۵۳،۹۵٦	۷۰٤،۱۲۷	۱۳/۱
فنی و حرفه‌ای	٦۸۲	۱۲،۸۷۷	۱٦۰،۹۵۱	۱۲/۵
عالی	۱۸	۹،٤۰۲	۱۰۷،۹٦۸	۱۱/۵

میزان باسوادی(۱۹۹۱): افراد بالای ۱۵ سال: ۹۵/۲٪؛ مردان: ۹۷/۷٪؛ زنان: ۹۳٪

میزان تحصیلات افراد بالای ۲۵ سال(۱۹۹۱): ابتدایی ۵۰/۳٪؛ متوسطه ۳۱/٤٪؛ عالی ٦/٦٪

تعداد پزشک(۱۹۹۷): ٤۳،۰۳۰ نفر (هر ۲٤٤ نفر یک پزشک)

تعداد تخت بیمارستان (۱۹۹۷): ۵۲،٤۷٤ تخت (هر ۲۰۰ نفر یک تخت)

تعداد مبتلایان به ایدز(۱۹۹۷): افراد ۰ تا ٤۹ ساله: ۷،۵۰۰ نفر (۰/۱٤٪ افراد ۱۵ تا ٤۹ ساله)

تعداد مبتلایان به سل(۱۹۹۷): در هر صد هزار نفر ۷/۳ نفر

سرانه مصرف روزانه کالری(۱۹۹۹): ۳،٦۸۹ کالری (۱٤۸٪ مقدار کالری مورد نیاز توصیه شده توسط فائو)؛ (۱۹۹۷): مصرف پروتئین : ۱۱۵ گرم؛ مصرف چربی: ۱۵۳ گرم

محیط زیست و توسعه انسانی

میزان جنگل‌زدائی سالانه: (۱۹۹۰-۱۹۸۰): ؟ ؛ (۱۹۹۵-۱۹۹۰): ۲/۳-٪

سرانه کاغذ مصرفی برای چاپ و نوشتن(۱۹۹۷): ٤۲ کیلوگرم برای هرنفر

تولید سالانه گاز دی‌اکسید کربن (۱۹۹٦): ۸۰/۷ میلیون تن؛ هر نفر ۷/۷ تن

شاخص توسعهٔ انسانی (۱۹۹۸): ۰/۸۷۵ (بیست و پنجمین کشور جهان)



تاریخچه

یونان از تاریخی بسیار قدیمی برخوردار است که از حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد (عصر حجر جدید) شروع می‌شود و پس از طی عصر مفرغ به عصر تمدن‌های معروف به اژه‌ای، از جمله مینوسی و میسنی می‌رسد. آیولی‌ها، یونی‌ها و دوری‌ها ظاهراً از قدیمی‌ترین اقوامی بوده‌اند که به این سرزمین وارد شده‌اند. بعضی شواهد و قرائن گویای آن است که بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، سرزمین یونان به وسیلهٔ دریانوردانی از آسیا مسکون گردیده است. در هر حال شاید تاریخ ورود آخرین اقوام، پیش از ۱۰۰۰ قبل از میلاد بوده باشد. اقوام مزبور پس از ورود به کشور یونان شهرهایی تشکیل دادند و همواره با هم در حال جنگ و یا اتحاد بودند. مهمترین کشور شهرهای یونان باستان، آتن، اسپارت، تب و کورنت بود.
یونانی‌ها از ایام بس دور متوجه دریا شده و به استعمار نقاط ساحلی مدیترانه پرداختند و شبکه‌ای از کشور شهرهای مختلف از سواحل یونیای آسیای صغیر گرفته تا سیسیل و جنوب ایتالیا و حتی جنوب فرانسه و اسپانیا ایجاد نمودند. احساس ملیت یونانی همهٔ کشور شهرهای مزبور را با یکدیگر متحد می‌کرد. با وجود این، عدم وحدت سیاسی آنها به اندازه‌ای شدید بود که هنگام حملهٔ ایرانیان فقط به صورت ظاهر متحد شدند.
پس از پایان جنگهای ایران و یونان که در سدهٔ ششم قبل از میلاد صورت گرفت، درخشان‌ترین فصل تاریخ یونان آغاز شد و فرهنگ و تمدن این کشورشهرها، و به ویژه آتن، چنان ترقی کرد که در تاریخ جهان کمتر نظیر داشته است. به کمک اتحادیهٔ دلوسی، آتن آباد شد و عصر پر افتخار پریکلس فرا رسید. شعر و هنر و نمایش و معماری و فلسفه رونق گرفت و یونان سرچشمهٔ تمدن بعدی مغرب‌زمین شد. از جمله شخصیت‌های بزرگ یونان در این عصر می‌توان به آشیل، سوفوکلس، اثوریپیدس، آریستوفانس، فیدیاس، سقراط، افلاطون و ارسطو اشاره کرد. یونان مهد پرورش حکومت دموکراسی است. فیلیپ پادشاه مقدونی، اسپارت و آتن و کورنت و تب را در سال ۳۳۸ قبل از میلاد تحت سلطهٔ خود درآورد و پسرش اسکندر مقدونی با کشورگشایی‌های خود، تمدن یونان را در سراسر جهان شناخته شدهٔ آن زمان گسترش داد. رومی‌ها در سال ۱۴۶ قبل از میلاد یونان را از نظر سیاسی از بین بردند ولی یونانی‌ها را به دیدهٔ رهبران تمدن می‌نگریستند. تأثیر تمدن یونان بر روم آنچنان بود که امپراتوری روم شرقی یا بیزانس از لحاظ سنن کاملاً یونانی بود. پس از تقسیم امپراتوری روم به دو بخش شرقی و غربی (سال ۳۹۵ میلادی)، یونان ضمیمهٔ امپراتوری روم شرقی یا بیزانس گردید و مکرر مورد تاخت و تاز قبایل وحشی قرار گرفت و در سدهٔ یازدهم نیز مورد حملهٔ ترک‌ها و نورمان‌ها واقع شد.
جنگ چهارم صلیبی (۱۲۰۲ تا ۱۲۰۴) منجر به انحلال امپراتوری و ایجاد امپراتوری لاتینی قسطنطنیه شد. با احیاء مجدد امپراتوری بیزانس قسمتی از یونان تحت حکومت فرمانروایان اروپایی قرار داشت. در سال ۱۴۵۶ یونان به تصرف ترکان عثمانی درآمد. در اوایل سدهٔ نوزدهم یونانیان به فکر استقلال میهن خود افتادند و در ۲۵ مارس ۱۸۲۱ به رهبری ایپسیلانتی و حمایت لیبرال‌های اروپا به جنگ بر علیه امپراتوری عثمانی برخاستند. در ۱۸۲۷ کاپودیستریاس رئیس جمهور یونان شد و پس از کنفرانس لندن در سال‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۳۱، از سوی بیشتر دول به رسمیت شناخته شد. در ۱۸۶۲ اوتوی اول پادشاه باواریایی که بر یونانی‌ها تحمیل شده بود، معزول و ژرژ اول به جانشینی او انتخاب گردید. در سال ۱۸۹۶ یونان و ترکیه بر سر کرت با هم جنگیدند و فشارهای بین‌المللی در سال ۱۹۱۳ کرت را ضمیمهٔ یونان کرد. در جنگهای بالکان، که در همین سال به وقوع پیوست، نواحی جنوب شرقی مقدونیه و غرب تراکیا نیز به دست یونان افتاد. در جنگ جهانی اول یونان در ابتدا بی‌طرفی خود را حفظ کرد ولی در نهایت به نفع متفقین وارد جنگ شد.

در ۱۹۲۲ یونان به آسیای صغیر حمله برد ولی از ترک‌ها شکست خورد. کنفرانس لوزان شرق تراکیا را به ترکیه واگذار کرد و به دنبال آن اقلیت‌های ترک و بلغار، یونان را ترک کردند و حدود ۱،۵۰۰،۰۰۰ یونانی نیز به سرزمین‌های خویش بازگشتند. در جنگ جهانی دوم تا زمانی که مورد حملهٔ ایتالیایی‌ها قرار گرفت(۱۹۴۰)، بی‌طرف بود. در ۱۹۴۱ آلمان نازی به یونان حمله‌ور شد و به سرعت آنجا را فتح کرد. در سال ۱۹۴۴ به کمک انگلیسی‌ها، قوای آلمان از یونان بیرون رانده شد و ژرژ دوم در سال ۱۹۴۶ دوباره به سلطنت دعوت گردید ولی با مخالفت کمونیست‌ها روبرو شد و گروه‌های چپگرا خود دولت جداگانه‌ای تشکیل دادند. در سال ۱۹۴۷ امریکا به یاری دولت پادشاهی یونان شتافت وکمونیست‌ها را شکست داد. ژرژ دوم در سال ۱۹۴۷ درگذشت و برادرش پُل اول به جای او نشست. یونان در سال ۱۹۵۲ به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) پیوست. در ۱۹۶۵ کنستانتین به سلطنت رسید. او طی کودتای نظامی در آوریل ۱۹۶۷ از کار برکنار شد و به ایتالیا تبعید گردید و ژنرال زوئتاکیس به نیابت سلطنت انتخاب شد و سرهنگ ژرژ پاپادوپولوس نخست‌وزیر شد، و این آغاز دوره‌ای است که به حکومت سرهنگان مشهور است. وی حزب کمونیست را غیر قانونی کرد و مورد حمایت امریکا قرار گرفت. در تقسیم قبرس به دو جامعهٔ قبرس و ترک، یونان از الحاق قبرس به یونان جانبداری کرد.
در ژوئن ۱۹۷۳ پاپادوپولوس حکومت سلطنتی را ملغی و یک جمهوری پارلمانی اعلام کرد و خودش رئیس جمهور آن شد. همه‌پرسی ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۳، حکومت یونان را جمهوری و پاپادوپولوسْ را رئیس جمهور آن کرد، اما کودتای نظامی ۲۵ نوامبر ۱۹۷۳ به سرنگونی پاپادوپولوس منجر شد. کشف منابع قابل توجه نفت و گاز در دریای اژه به اختلاف شدید میان ترکیه و یونان انجامید و آنها را تا مرحلهٔ جنگ پیش برد، ولی با دخالت امریکا و ناتو موقتاً پایان یافت. در ژوئیهٔ ۱۹۷۴ ارتش یونان با همکاری گارد ملی قبرس اقدام به یک کودتا بر علیه اسقف ماکاریوس، رئیس جمهوری قبرس نمود و وی را به لندن تبعید کرد. این اقدام با مخالفت گسترده بین‌المللی مواجه شد و مشروعیت داخلی نظامیان حاکم را نیز به شدت زیر سئوال برد، تا جائی که شورای نظامی حاکم، از کار کناره‌گیری کرد و کنستانتین کارامانلیس به نخست‌وزیری رسید. وی زندانیان سیاسی را آزاد کرد و حکومت نظامی را در اکثر نقاط کشور لغو کرد و پاپادوپولوس و همکارانش را تبعید نمود. در اولین انتخابات بعد از کودتا در ۱۷ نوامبر ۱۹۷۴ حزب دموکراسی نوین به رهبری کارامانلیس از اکثریت آراء برخوردار شد. در همه‌پرسی ۸ دسامبر ۱۹۷۴ بازگشت سلطنت به شدت رد شد و رژیم جمهوری با اکثریت ۶۹/۲ درصد به تصویب رسید. قانون اساسی جدید کشور در ۹ ژوئن ۱۹۷۵ تصویب گردید و یونان در یکم ژانویهٔ ۱۹۸۱ به عضویت بازار مشترک اروپا درآمد. در انتخابات عمومی ۱۹۸۱ آندرئاس پاپاندرئو، از جنبش یونا (پاسوک) و فرزند ژرژ پاپاندرئو، از سیاستمداران با سابقهٔ این کشور، به نخست‌وزیری رسید. وی سیاست مستقلی را در برابر امریکا در پیش گرفت و اختلافاتی میان او و کارامانلیس، رئیس جمهور بروز کرد. در همین سال پایگاههای نظامی ناتو در یونان جمع شد.
در سال ۱۹۸۲ روابط یونان و ترکیه تیره‌تر شد و تظاهرات ضد امریکایی ادامه یافت. یونان به حمایت از اعراب در سیاست خارجی تمایل یافت و سازمان آزادیبخش فلسطین را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۸۳ مردم یونان تظاهرات وسیعی انجام دادند و انزجار خود را از وجود پایگاههای ناتو و امریکا در یونان اعلام داشتند و در ۱۹۸۴ خواستار خروج یونان از ناتو گردیدند. درسال ۱۹۸۵ بین یونان و ترکیه جنگ سرد شدت گرفت و با میانجی‌گری امریکا ظاهراً پایان یافت. در انتخابات ۱۹۸۹ حزب محافظه‌کار دموکراسی نوین حائز اکثریت شد و خاریلائوس فلوراکیس به نخست‌وزیری رسید. بین سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹ بین یونان و امریکا چند قرارداد همکاری و نظامی منعقد گردید و امریکا تعهد نمود که در رویارویی یونان و ترکیه، به ویژه در مورد مسئلهٔ قبرس جانب یونان را خواهد گرفت. در ژانویه ۱۹۹۰ واشینگتون و آتن اعلام داشتند که امریکا دو پایگاه نظامی خود در یونان را تخلیه خواهد کرد و از حضور نظامی خود در منطقه خواهد کاست. در آوریل ۱۹۹۰ کارامانلیس مجدداً به ریاست جمهوری برگزیده شد و کنستانتینوس میتسوتاکیس از حزب دموکراسی نوین به نخست‌وزیری رسید. با شکست حزب دموکراسی نوین در انتخابات سال ۱۹۹۳، حزب پاسوک به پیروزی رسید و آندرئاس پاپاندرئو قدرت را به دست گرفت. وی در ژانویه ۱۹۹۶ مجبور به کناره‌گیری شد و کنستانتینوس سیمیتیس از رهبران حزب پاسوک جایگزین او گردید. در انتخابات پارلمانی همان سال که در ماه سپتامبر برگزار گردید، حزب پاسوک مجدداً اکثریت کرسی‌های پارلمان را به دست آورد. در پی بروز دو زلزله پی در پی در سال ۱۹۹۹ در یونان و ترکیه، دو کشور به ارسال کمک و اعزام نیروهای امدادی به خاک یکدیگر کردند و همین مسئله موجب بهبود روابط دو کشور شد و کمی بعد یونان از رأی وتوی خود در مورد الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا صرف نظر کرد. در نوامبر ۱۹۹۹ تظاهرات سراسری عظیمی در شهرهای مختلف یونان به ویژه آتن برگزار شد و طی آن نسبت به مسافرت کلینتون رئیس جمهور امریکا به یونان اعتراض شد، با این وجود، کلینتون از یونان و چند کشور حوزه بالکان دیدار کرد.
در انتخابات پیش از موعد سال ۲۰۰۰ که به درخواست نخست‌وزیر در ماه آوریل برگزار گردید، علیرغم پیروزی مجدد حزب پاسوک، نتایج دلخواه سیمیتیس کسب نشد. در ماه ژوئن همین سال، وابسته نظامی دولت انگلستان در آتن به ضرب گلوله از پای درآمد، که دولت یونان، گروه چریکی هفده نوامبر را مسئول آن اعلام نمود. با تمایل هر دو حزب

قدرتمند یونان، یعنی جنبش سراسری سوسیالیست یونان و حزب دموکراسی نوین، در آوریل سال ۲۰۰۱ تغییرات گسترده‌ای در مفاد قانون اساسی این کشور به عمل آمد و ۷۸ ماده آن مورد تجدید نظر قرار گرفت.
با آغاز سال نو میلادی ۲۰۰۲ واحد پول رسمی یونان، یعنی دراخما، که سابقهٔ آن به یونان باستان می‌رسد و از قرن هجدهم و پس از استقلال این کشور دوباره به جریان افتاده بود، از رده خارج شد و یورو، واحد پول اروپایی جایگزین آن گردید. در ژوئیهٔ همین سال پلیس یونان موفق شد تعدادی از رهبران و اعضای گروه چپگرای هفدهم نوامبر را دستگیر نماید. این برای اولین بار از زمان تأسیس این گروه در سال ۱۹۷۳ بود، که پلیس موفق به دستگیری اعضای این گروه می‌شد.

گیتاشناسی نوین کشورها

بخش چهارم

اطلس نوین جهان



زمان استاندارد
مناطقی که ۳۰ دقیقه ساعت اختلاف زمانی دارند
مناطقی که ۴۵ دقیقه ساعت اختلاف زمانی دارند

مقیاس ۱:۱۸۵،۰۰۰،۰۰۰

نقشه مناطق زمانی

«کلیه خطوط بین المللی در نقشه های این اطلس سندیت ندارد»

پرچم کشورهای جهان



© مؤسسه گیتاشناسی

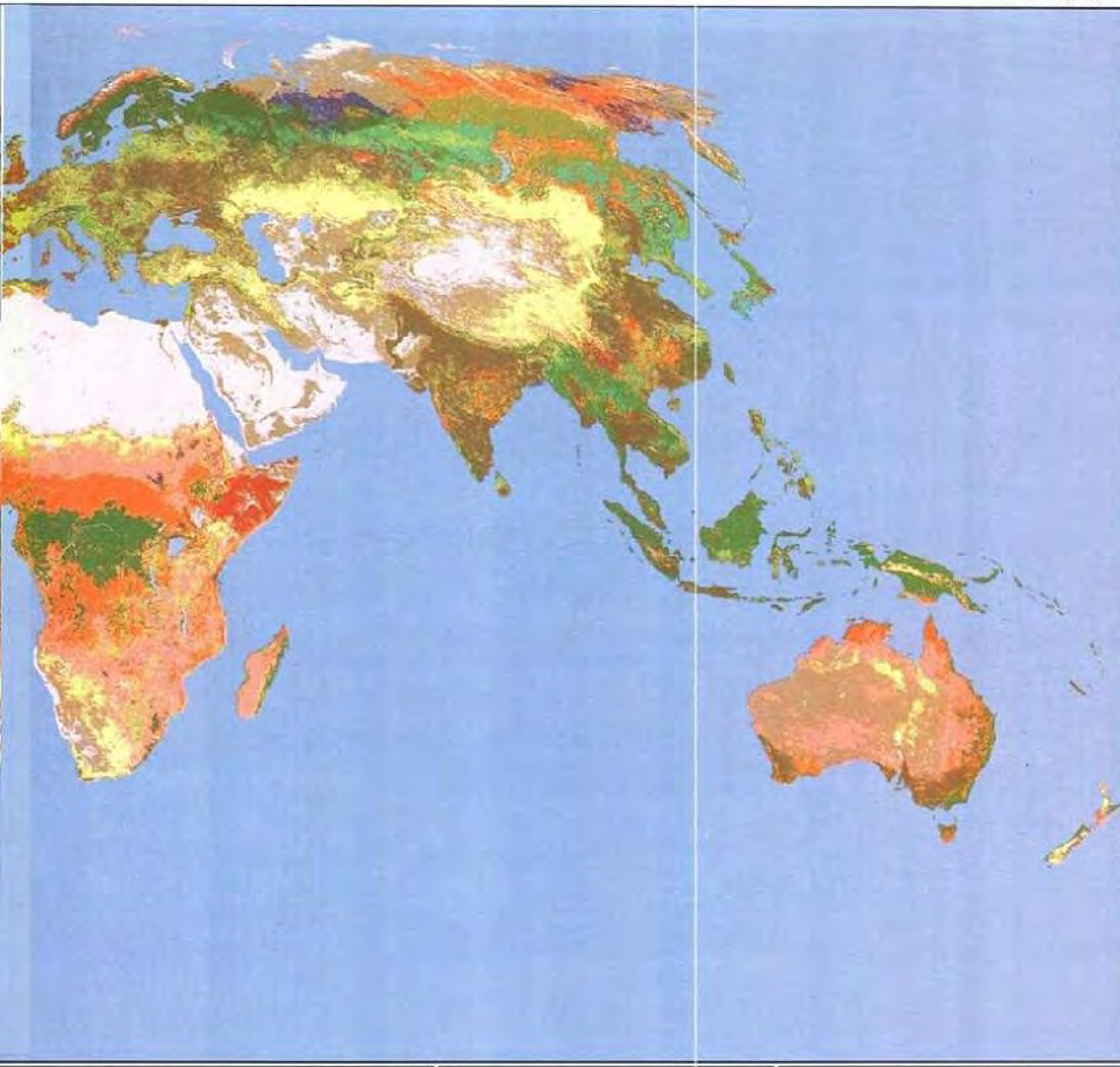


© مؤسسه گیتاشناسی



© مؤسسه گیتاشناسی


جزایر ملکه الیزابت
جزیره السمر
گروئنلند
دریای چوکچی
دریای بوفورت
جزایر پاری
جزیره ویکتوریا
جزیره بافین
خلیج بافین
کوههای بروکس
کوههای آلاسکا
مک کینلی ۶۱۹۴
لوگان ۶۰۵۰
چوکوتسکی
ایسلند
خلیج هودسن
دریای برینگ
خلیج آلاسکا
امریکای شمالی
شبه جزیره لابرادور
دریای لابرادور
دماغه فارول
جزایر الوشن (امریکا)
کوههای آپالاش
اقیانوس اطلس شمالی
اقیانوس کبیر (آرام) شمالی
۲۳۹۹ آلبرت
ویتنی ۴۴۱۸
جزایر برمودا
جزایر هاوائی
خلیج مکزیک
جزایر هندغربی
مدار رأس السرطان
جزایر قناری
پوئرتوریکو ۹۲۰۰
کیمن ۷۶۸۰
دریای کارائیب
کانال پاناما
کیپ ورد
امریکای مرکزی
جزایر پولینزی
جزایر گالاپاگوس
خط استوا (نیمگان زمین)
۶۲۶۷ چیمبورازو
جنگلهای آمازون
امریکای جنوبی
۷۷۵۸ رومانش
جزایر مارکیز
۶۷۶۸ واسکاران
فیجی
اقیانوس کبیر (آرام) جنوبی
آنکوهوما ۶۵۵۰
اقیانوس اطلس جنوبی
سنت هلنا
مدار رأس الجدی
پولینزی فرانسه
۶۸۹۳ اوخوز دل سالادو
۶۹۶۰ آکونکاگوآ
جزیره شمالی
زلاندنو
جزیره جنوبی
گاف
جزایر فالکلند
جزایر جورجیای جنوبی
گذرگاه دریک
دریای اسکاتیا
ساندویچ ۸۴۲۸
جزایر شتلند جنوبی
مدار قطبی جنوب (جنوبگان)
شبه جزیره جنوبگان
دریای آمونسن
دریای ودل
نقشه طبیعی جهان
قله (ارتفاع به متر)
ژرفنا (عمق به متر)
مقیاس: ۱:۹۷،۰۰۰،۰۰۰
کیلومتر ۲۰۰۰ ۱۰۰۰ ۰ ۱۰۰۰
۱۶۰° ۱۲۰° ۸۰° ۴۰° ۰°



نقشه پوشش گیاهی جهان

راهنمای نقشه

۱ - جنگل های برگ‌سوزنی همیشه‌سبز
۲ - جنگل های برگ‌پهن همیشه‌سبز
۳ - جنگل های برگ‌سوزنی خزان‌دار
۴ - جنگل های برگ‌پهن خزان‌دار
۵ - جنگل های مختلط
۶ - بوته‌زار و درختچه‌زارهای بسته
۷ - بوته‌زار و درختچه‌زارهای باز
۸ - ساواناي جنگلی
۹ - ساوانا
۱۰ - علفزار و چمنزار
۱۱ - باتلاق، مرداب و اراضی آبگیر
۱۲ - اراضی تحت کشاورزی
۱۳ - مناطق مسکونی (شهری)
۱۴ - اراضی تحت کشاورزی / روئیدنی های طبیعی
۱۵ - برف و یخ
۱۶ - نواحی لم‌یزرع
۱۷ - دریا و رودخانه

راهنمای طبقه بندی نمودارها

طبقه‌بندی عمومی	طبقه‌بندی «برنامهٔ بین‌المللی زیست کرهٔ زمین»
جنگل / درختزار	۱ - جنگل های برگ سوزنی همیشه سبز ۲ - جنگل های برگ پهن همیشه سبز ۳ - جنگل های برگ سوزنی خزان‌دار ۴ - جنگل های برگ پهن خزان‌دار ۵ - جنگل های مختلط
بوته‌زار	۶ - بوته‌زار و درختچه‌زارهای بسته ۷ - بوته‌زار و درختچه‌زارهای باز
علفزار و ساوانا	۸ - ساواناي جنگلی ۹ - ساوانا ۱۰ - علفزار و چمنزار
عوارض آبی	۱۱ - باتلاق، مرداب و اراضی آبگیر
اراضی کشاورزی	۱۲ - اراضی تحت کشاورزی ۱۴ - اراضی تحت کشاورزی / روئیدنی های طبیعی
مناطق شهری	۱۳ - مناطق مسکونی (شهری)
یخ و برف	۱۵ - برف و یخ
نواحی لم‌یزرع	۱۶ - نواحی لم‌یزرع

© مؤسسه گیتاشناسی

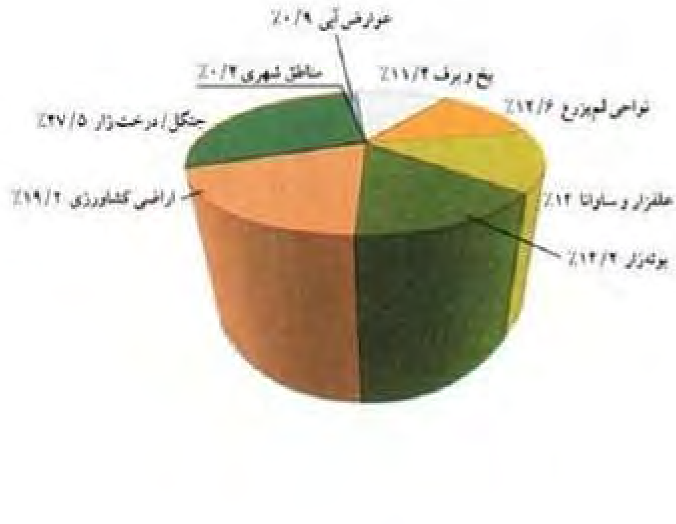


بیشتر نقشه های پوشش زمین، تنها نمایی کلی از شرایط عمومی سطح زمین را نمایش می‌دهند. این گونه نقشه ها معمولاً به گونه‌ای نامناسب و با سطح نامعینی از صحت و دقت با استفاده از منابع و مآخذ گوناگون تهیه می‌شوند. همچنین بیشتر آنها شامل یک عنصر آب و هوایی تعریف شده در یک طبقه‌بندی خاص هستند که به یک ترکیب ناهمجانس از پوشش زمین به صورتی که هست و آن طور که می‌تواند باشد، منجر می‌شود. از سال ۱۹۹۲ سیستم داده‌ها و اطلاعات «برنامهٔ بین‌المللی زیست کرهٔ زمین»، مشغول کار بر روی یک مجموعهٔ داده پوشش گیاهی جهانی بوده‌اند که کمبودهای نقشه های قبلی را جبران کند. نقشهٔ حاضر نتیجهٔ این فعالیت است که بر اساس عکس های هوایی سالهای ۹۳-۱۹۹۲ به مقیاس هر کیلومتر یک نقطه، در سال ۱۹۹۷ تهیه شده است.

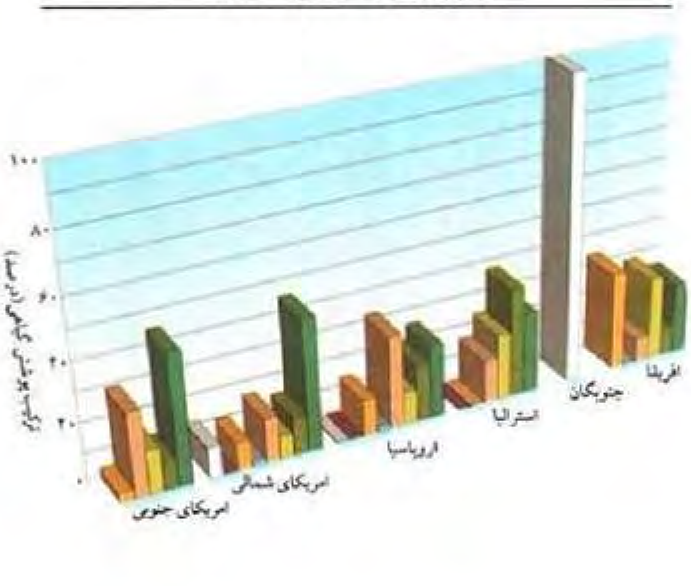
مجموعهٔ اطلاعات نهایی، با استفاده از جمع آوری بیش از ۴۴۰۰ گیگابایت اطلاعات، با قدرت تفکیک بالا، که از طریق ماهواره‌هائی که در مدار قطبی قرار داشته‌اند، تهیه شده است. این ماهواره‌ها هر روز تصاویری از سطح تمام زمین در مقیاس ۱ کیلومتر به یک نقطه تهیه می‌کنند. از تصاویر ۲۳ ماهواره جهت تهیهٔ این نقشه استفاده شده است. در حال حاضر نیز میزان صحت این نقشه در حال بررسی است و برای این منظور ۴۰۰ تصویر جدید ماهواره‌ای با قدرت تفکیک بالا توسط ۲ ماهواره امریکایی و فرانسوی تهیه شده است.

طبقه‌بندی ارائه شده در این نقشه، با نقشه های مشابه آن متفاوت است. به طور مثال در این طبقه‌بندی توندرا و جنگل‌های پر باران استوایی وجود ندارد. زیرا مبنای تهیهٔ این نقشه بر آن بوده تا پوشش زمین را بر اساس ساختار آن توصیف کند و به طور ویژه، سه جزء زیست‌بوم سطح زمین، مدت عمر برگها، و نوع برگها را مد نظر قرار دهد، زیرا جوامع علمی بیش از آن که به شرایط و تمایزات آب و هوایی و رویشی‌های جهان علاقمند باشند، به بررسی تغییرات در سطح جهانی علاقمندند.

ترکیب پوشش گیاهی جهان



ترکیب پوشش گیاهی قاره‌ها جهان



© مؤسسه گیتاشناسی



نقشه سیاسی جهان

راهنما

- مرز بین المللی
- مرز دریایی
- پایتخت
- شهر مهم

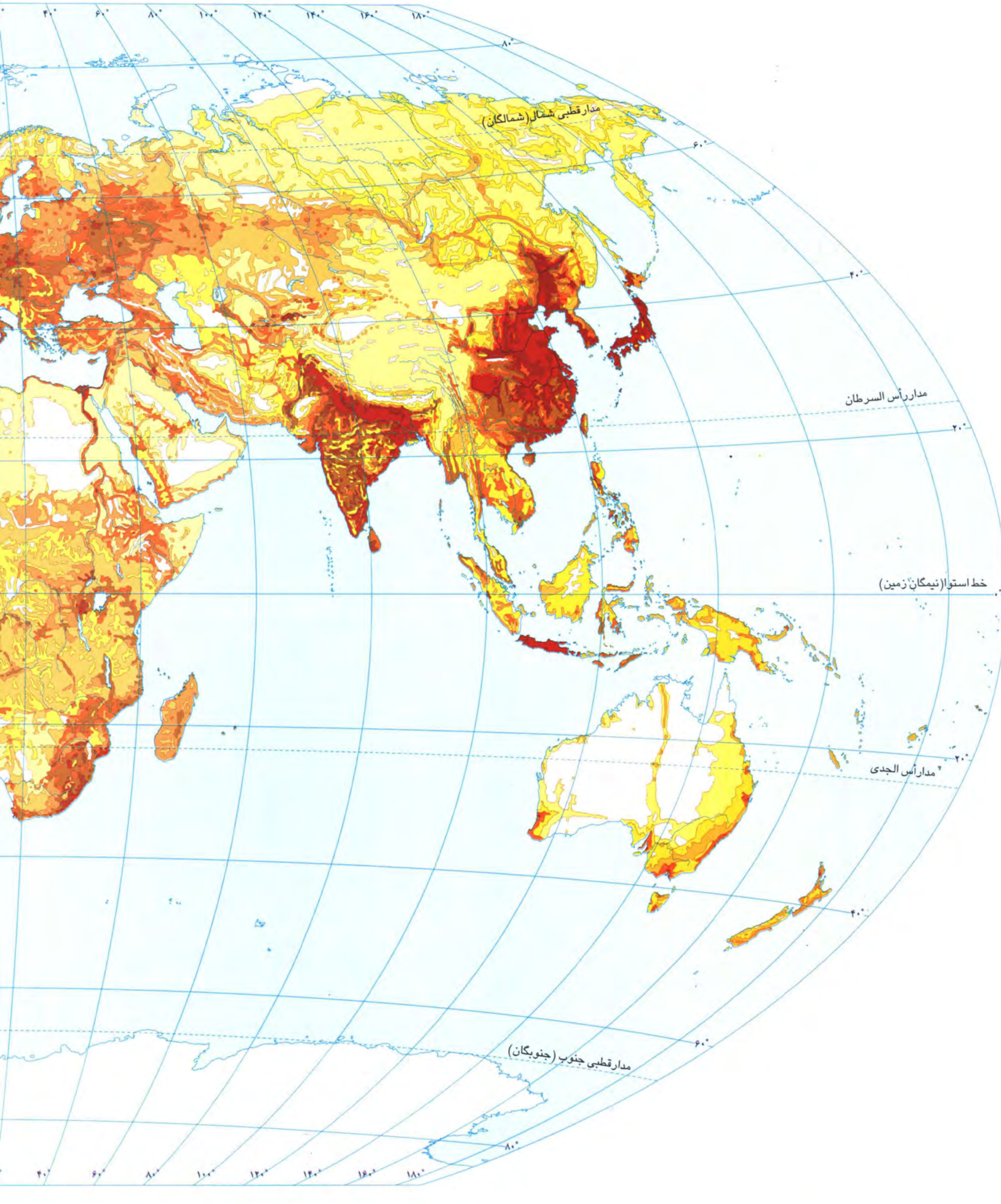
© مؤسسه گیتاشناسی



مقیاس: ۱:۶۳,۵۰۰,۰۰۰
(در مدارهای ۴۵ درجه شمالی وجنوبی)

کیلومتر ۶۰۰۰　۴۵۰۰　۳۰۰۰　۱۵۰۰　۰　۱۵۰۰

© مؤسسه گیتاشناسی

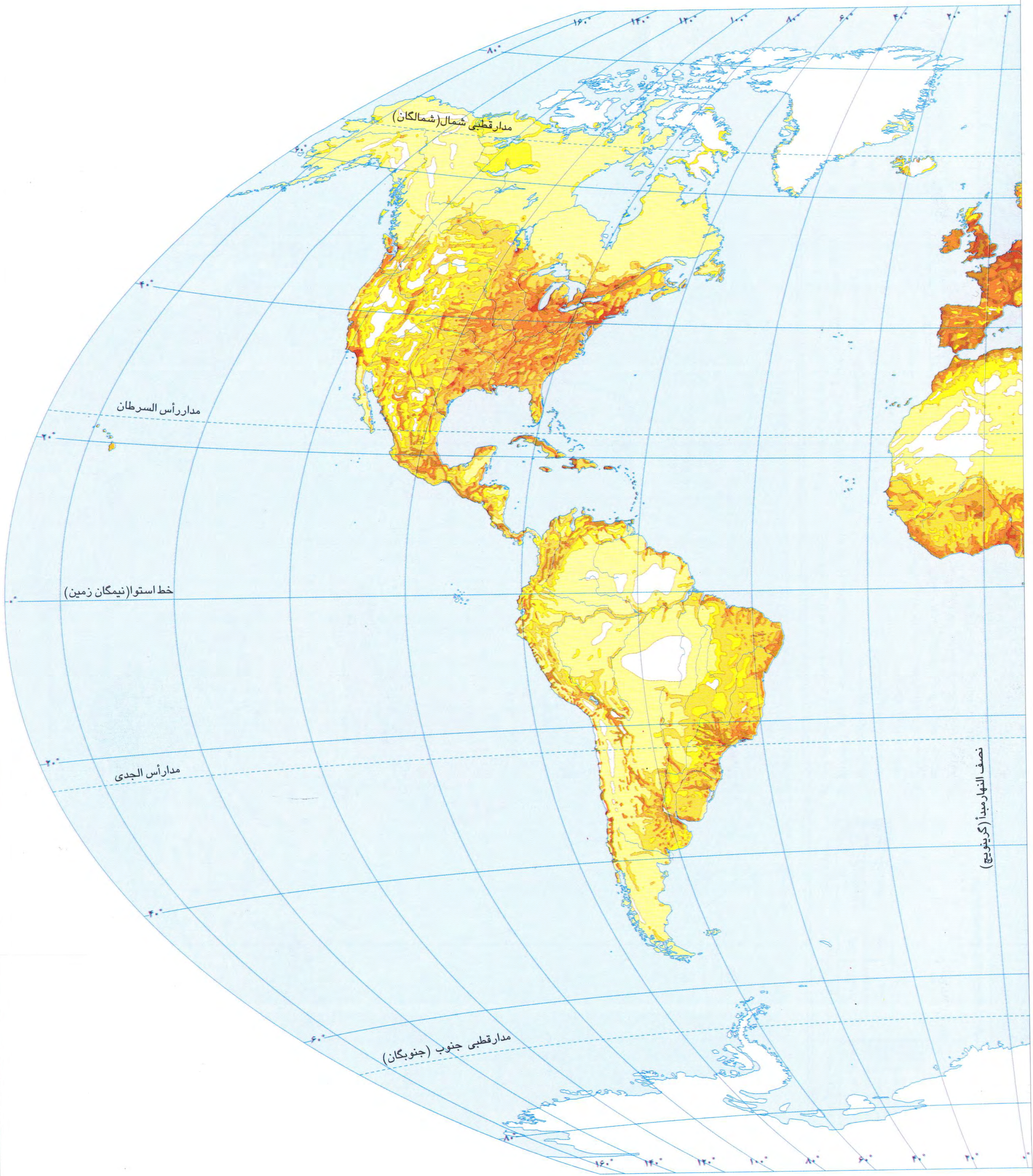


نقشه توزیع جمعیت جهـــان

مقیاس: ۱:۸۰,۰۰۰,۰۰۰

کیلومتر ۶۰۰۰ ۴۵۰۰ ۳۰۰۰ ۱۵۰۰ ۰ ۱۵۰۰

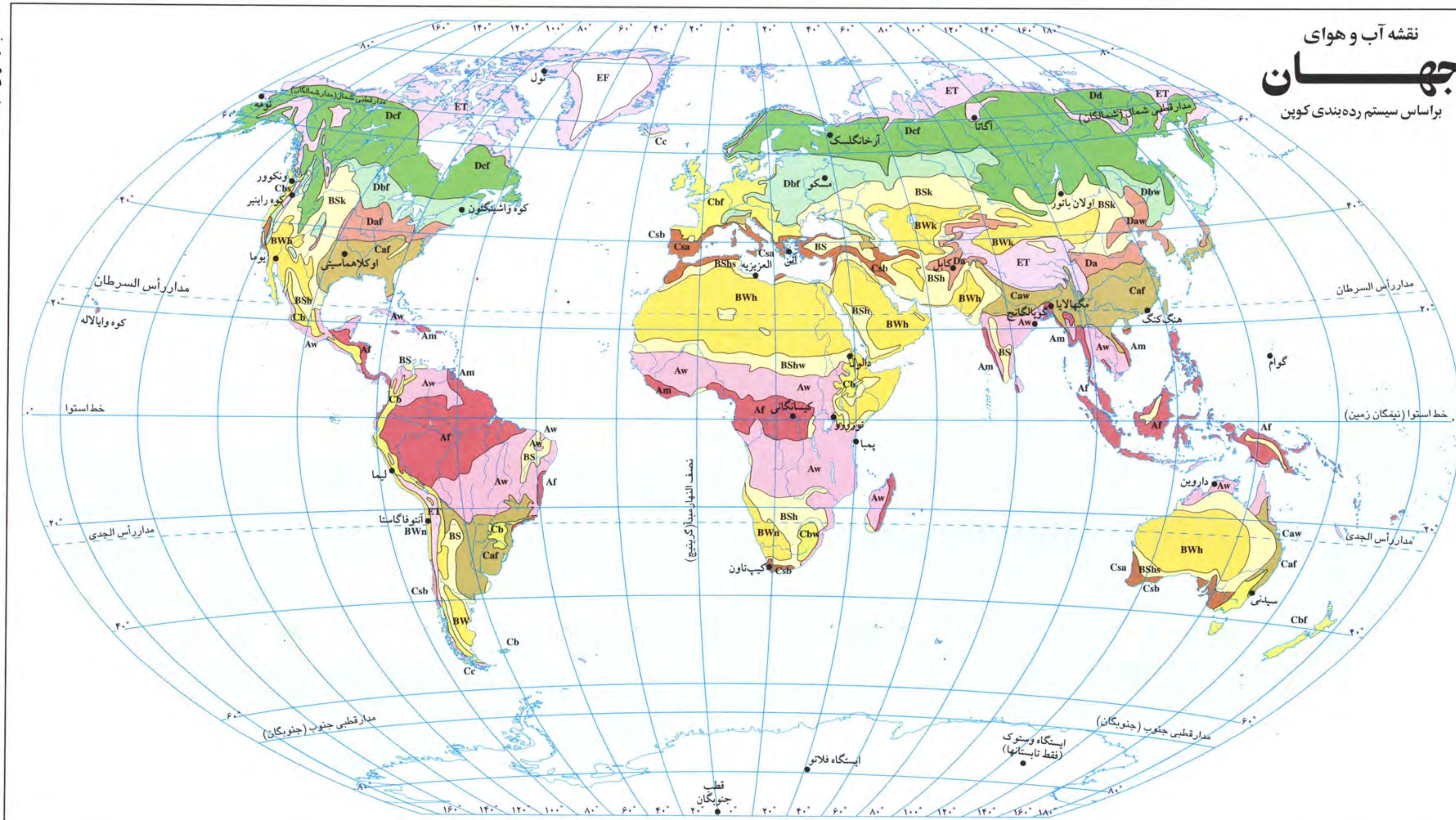
© مؤسسه گیتاشناسی



۰ ۲ ۴ ۱۰ ۲۰ ۴۰ ۱۰۰ ۲۰۰

توزیع جمعیت در هرکیلومتر مربع

© مؤسسه گیتاشناسی



مناطق قطبی		اقلیم سرد و مرطوب		اقلیم گرم و مرطوب		اقلیم خشک		اقلیم استوایی	
EF	پوشش یخی	Dc Dd	نیمه منجمد	Cb Cc	منطقه معتدله	BS	استپ	Aw As	ساوانا (علفزار استوایی)
ET	توندرا	Db	تابستان خنک قاره‌ای	Ca	نیمه گرمسیری مرطوب	BW	کویر	Af Am	جنگلهای بارانی
		Da	تابستان گرم قاره‌ای	Cs	مدیترانه‌ای				

A- آب و هوای بارانی بدون زمستان: خنک‌ترین ماه بالای ۱۸ درجه سانتیگراد
B- آب و هواهای خشک؛ محدوده‌ها بوسیلهٔ فرمولهایی بر اساس میزان تأثیرات بارندگی‌ها معین شده است
BS- آب و هوای استپی یا نیمه خشک
BW- کویر یا آب و هوای خشک
C- آب و هوای بارانی با زمستانهای ملایم: خنک‌ترین ماه بین صفر تا ۱۸ درجه سانتیگراد؛ گرمترین ماه بالای ۱۰ درجه سانتیگراد
D- آب و هوای بارانی با زمستانهای سخت: سردترین ماه زیر صفر درجه سانتیگراد؛ گرمترین ماه بالای ۱۰ درجه سانتیگراد

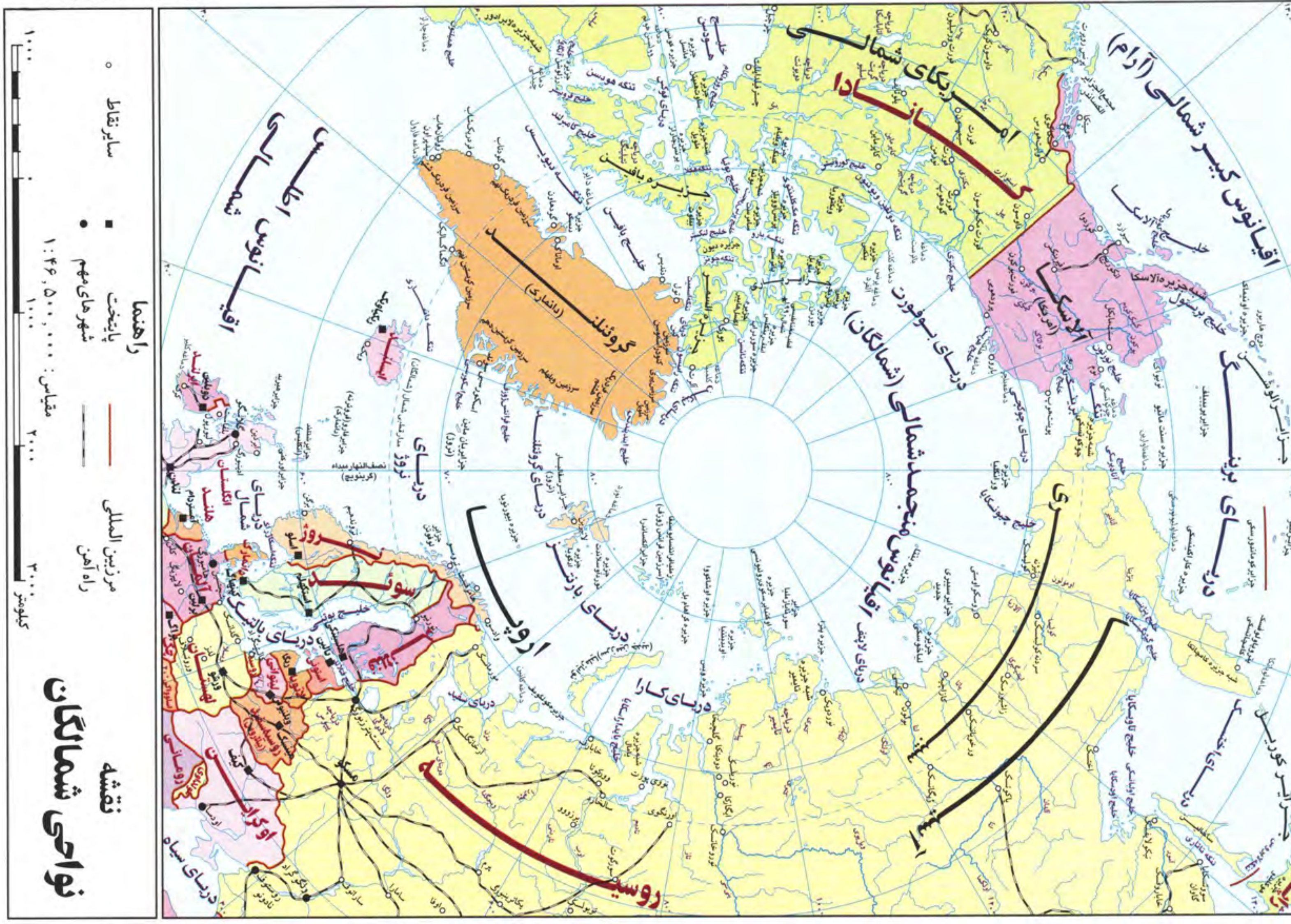
E- آب و هوای قطبی بدون فصل گرم: گرمترین ماه زیر ۱۰ درجه سانتیگراد
ET- آب و هوای توندرا: گرمترین ماه بین صفر تا ۱۰ درجه سانتیگراد
EF- یخبندان دائمی: همه ماهها زیر صفر درجه سانتیگراد
a- گرمترین ماه بالای ۲۲ درجه سانتیگراد
b- گرمترین ماه زیر ۲۲ درجه سانتیگراد
c- کمتر از چهار ماه بالای ۱۰ درجه سانتیگراد
d- کمتر از چهار ماه بالای ۱۰ درجه سانتیگراد اما با سرمای سخت: سردترین ماه زیر ۳۸- درجه سانتیگراد
f- بارندگی و رطوبت پایدار در تمام طول سال

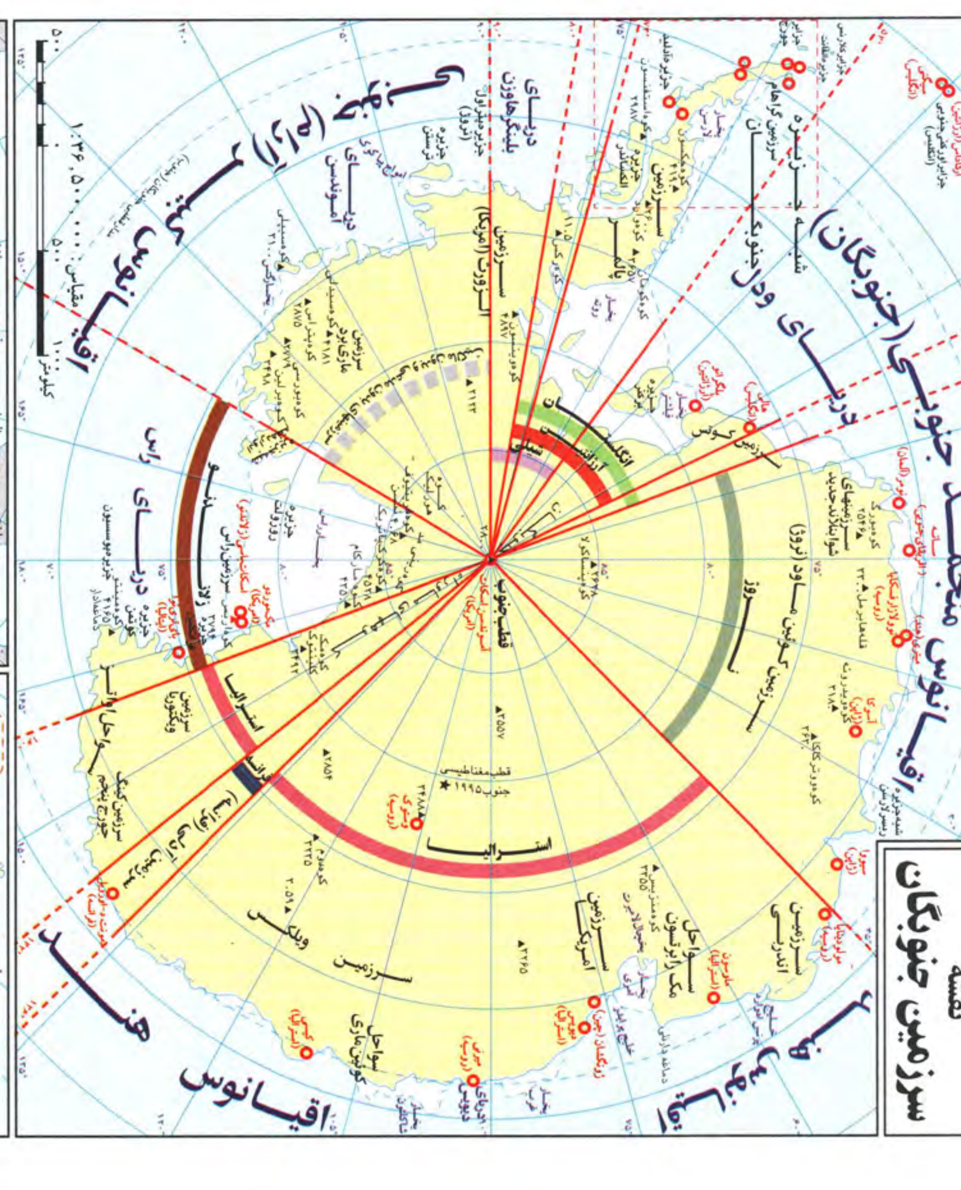
h- خشک گرمتر: تمام ماههای بالای صفر درجه سانتیگراد
k- خشک خنکتر: حداقل یک ماه زیر صفر درجه سانتیگراد
m- باران مانسون: فصل خشک کوتاه، اما در بقیه ایام سال با باران سنگین جبران می‌شود
n- مه مکرر
s- فصل خشک در تابستان
w- فصل خشک در زمستان

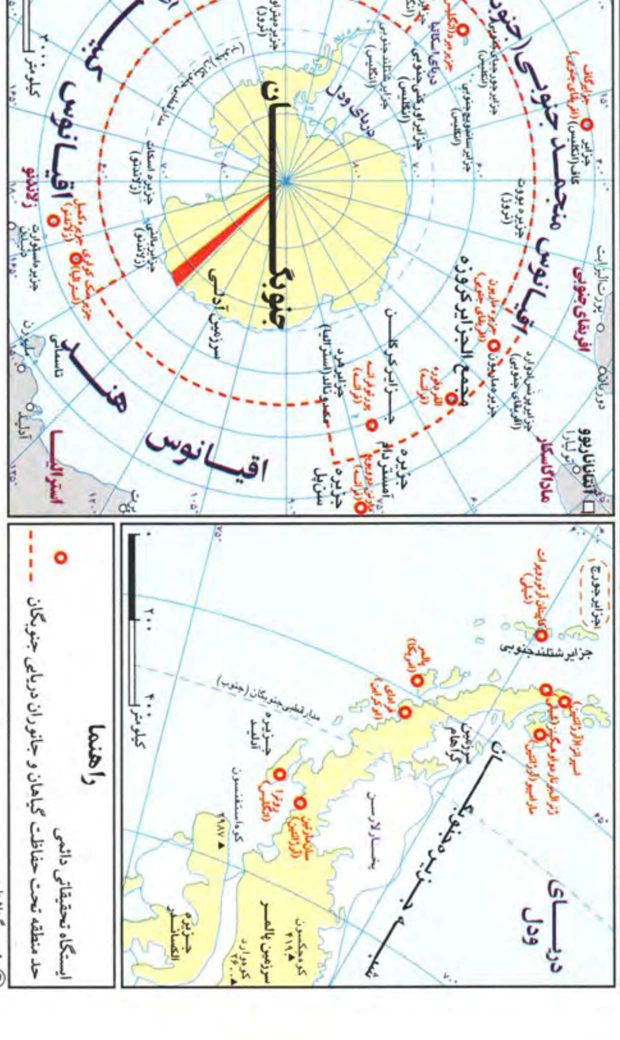
مقیاس: ۱:۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰

کیلومتر ۸۰۰۰ ۶۰۰۰ ۴۰۰۰ ۲۰۰۰ ۰ ۲۰۰۰

© مؤسسه گیتاشناسی

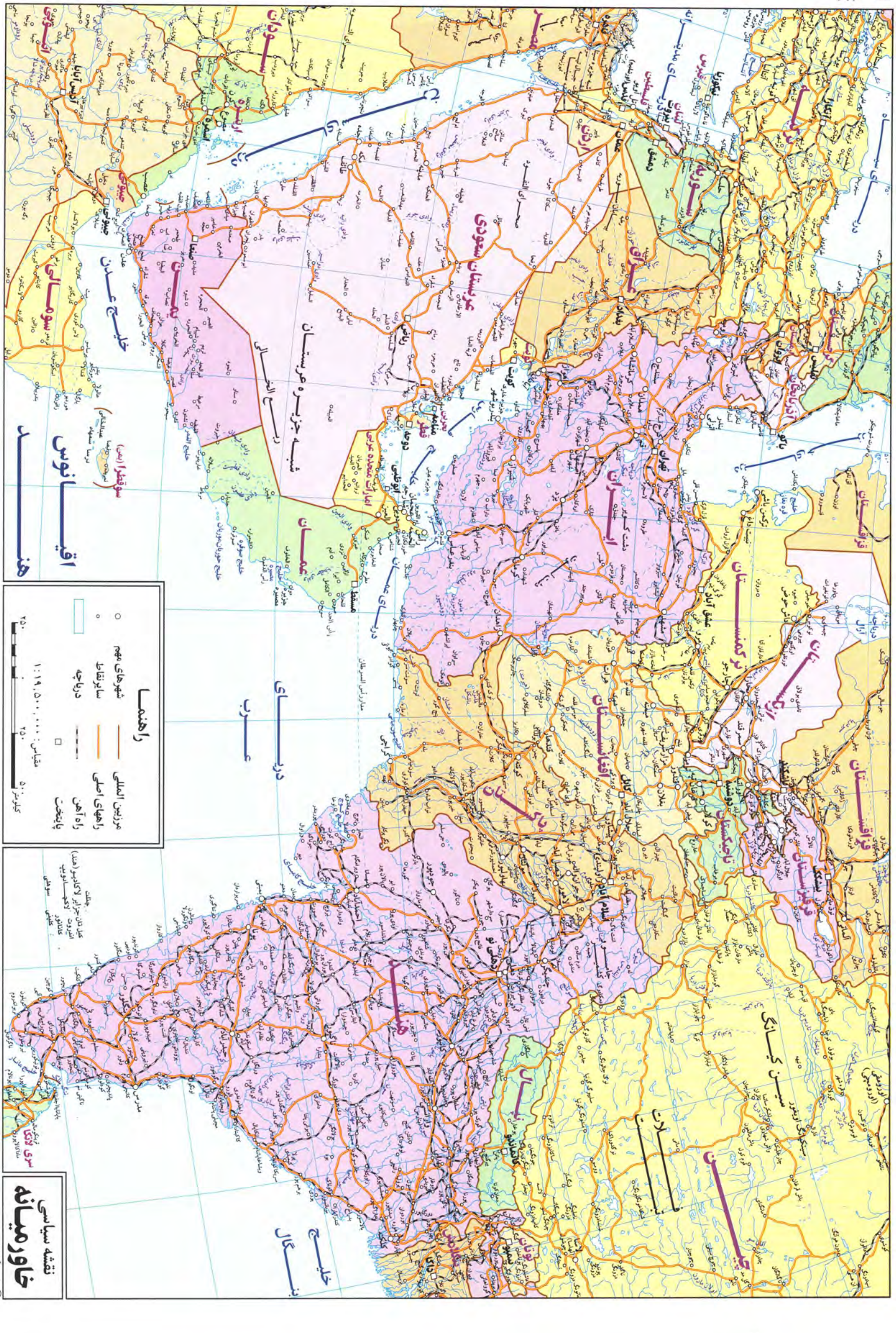

نقشه
نواحی شمالگان
راهنما
پایتخت
شهرهای مهم
سایر نقاط
مرز بین المللی
راه آهن
مقیاس ۱:۴۶،۵۰۰،۰۰۰
کیلومتر
اقیانوس منجمد شمالی
اقیانوس کبیر شمالی (آرام)
اقیانوس اطلس شمالی
آمریکای شمالی
کانادا
آلاسکا (آمریکا)
گروئنلند (دانمارک)
اروپا
روسیه
آسیا
دریای برینگ
دریای بوفورت
دریای بارنتز
دریای کارا

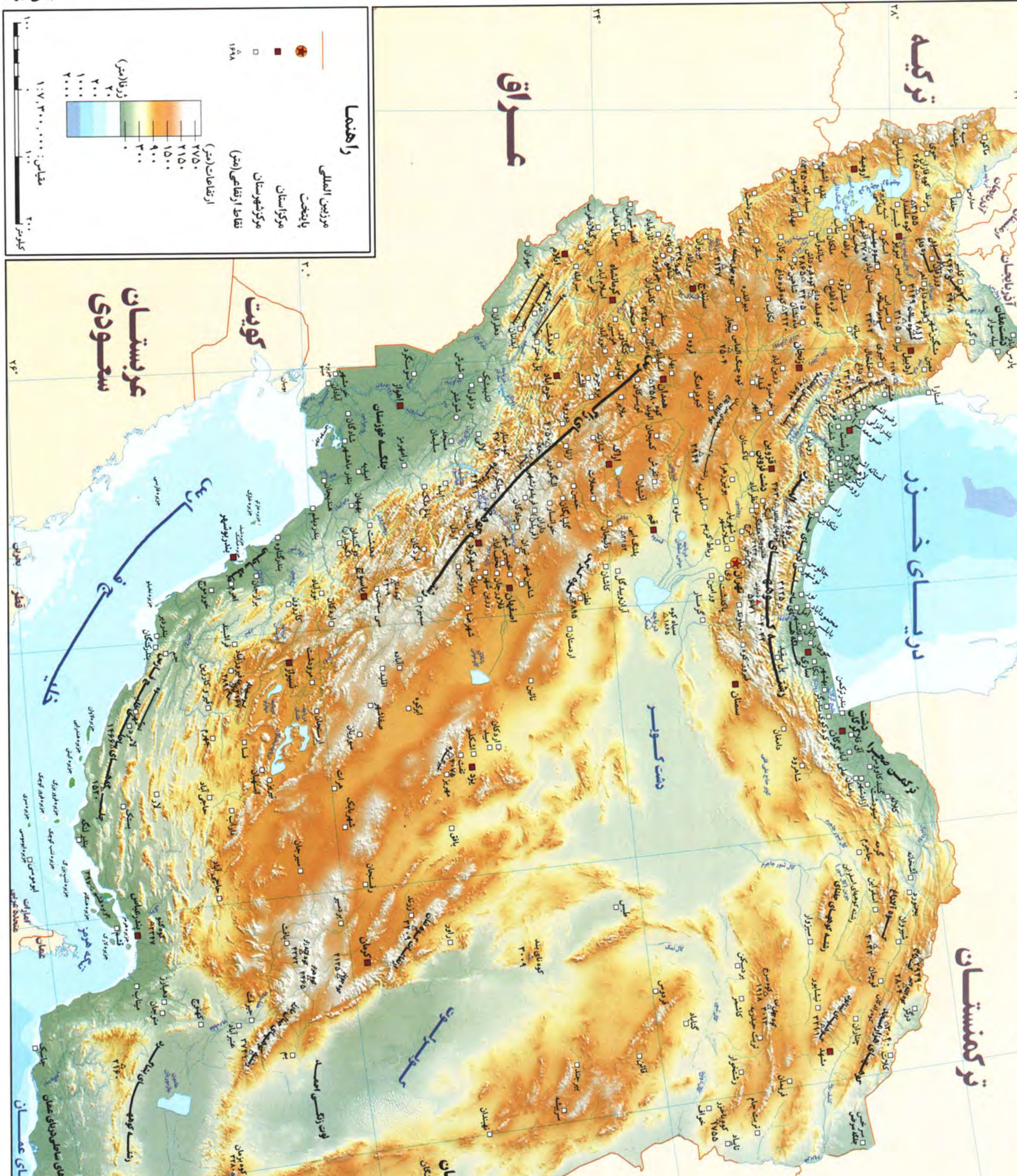

نقشه
سرزمین جنوبگان
اقیانوس منجمد جنوبی (جنوبگان)
اقیانوس اطلس
اقیانوس هند
اقیانوس کبیر جنوبی (آرام)
دریای راس
دریای ودل
شبه جزیره گراهام
قطب جنوب
استرالیا
نروژ
مقیاس ۱:۳۶،۵۰۰،۰۰۰

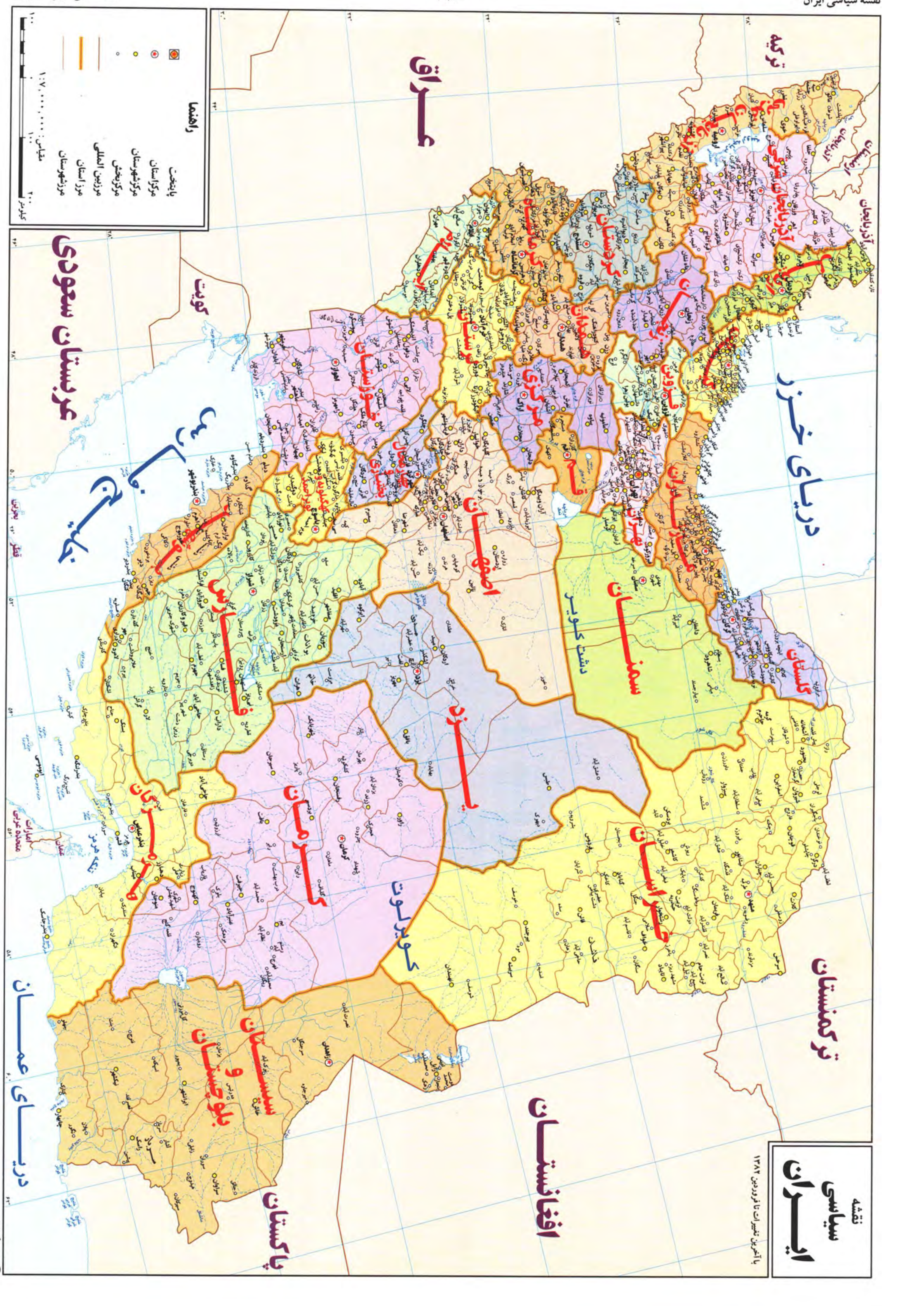

اقیانوس منجمد جنوبی (جنوبگان)
اقیانوس هند
اقیانوس کبیر جنوبی (آرام)
جنوبگان
دریای ودل
راهنما
ایستگاه تحقیقاتی دائمی
حد منطقه تحت حفاظت گیاهان و جانوران دریایی جنوبگان
© مؤسسه گیتاشناسی

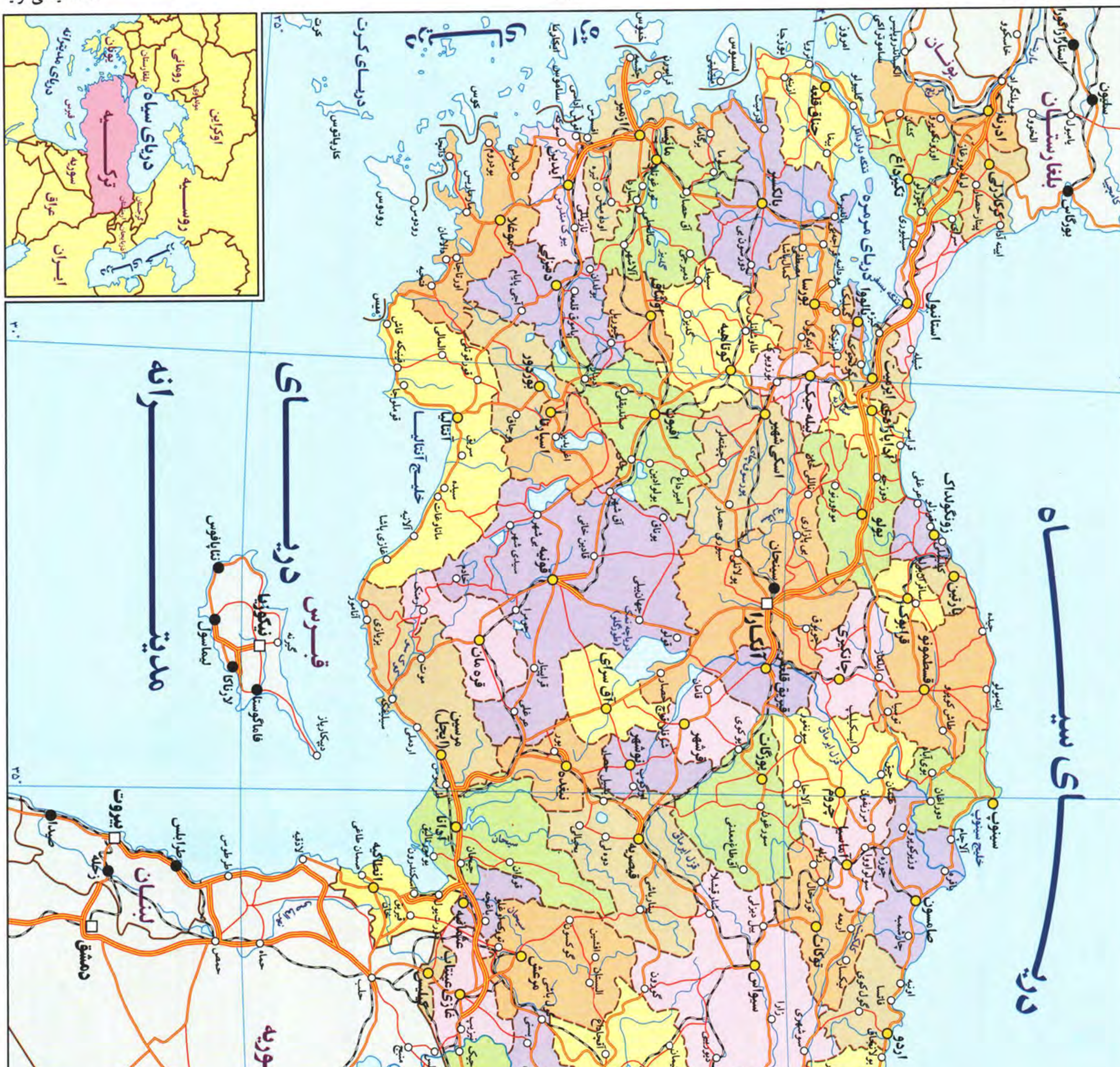

اقیانوس اطلس شمالی
اقیانوس منجمد شمالی
اقیانوس هند
دریای خزر
کوههای اورال
ارتفاعات ولگا
جلگه سیبری غربی
کوههای گیدان
کوههای کوریاک
دریای برینگ
جزایر الوشن
دریای اختسک
جزایر کوریل
مجمع الجزایر ژاپن
کوههای سیخوت آلین
کوههای شینگان بزرگ
صحرای گبی
کوههای آلتای
ارتفاعات قزاقستان
دریای چین جنوبی
خلیج بنگال
دریای عرب
مجمع الجزایر مالدیو
جزایر بریتانیا
دریای آرافورا
مدار رأس السرطان
نقشه طبیعی آسیا
راهنما
پایتخت
قله (ارتفاع به متر)
مقیاس ۱:۵۷،۰۰۰،۰۰۰
© مؤسسه گیتاشناسی

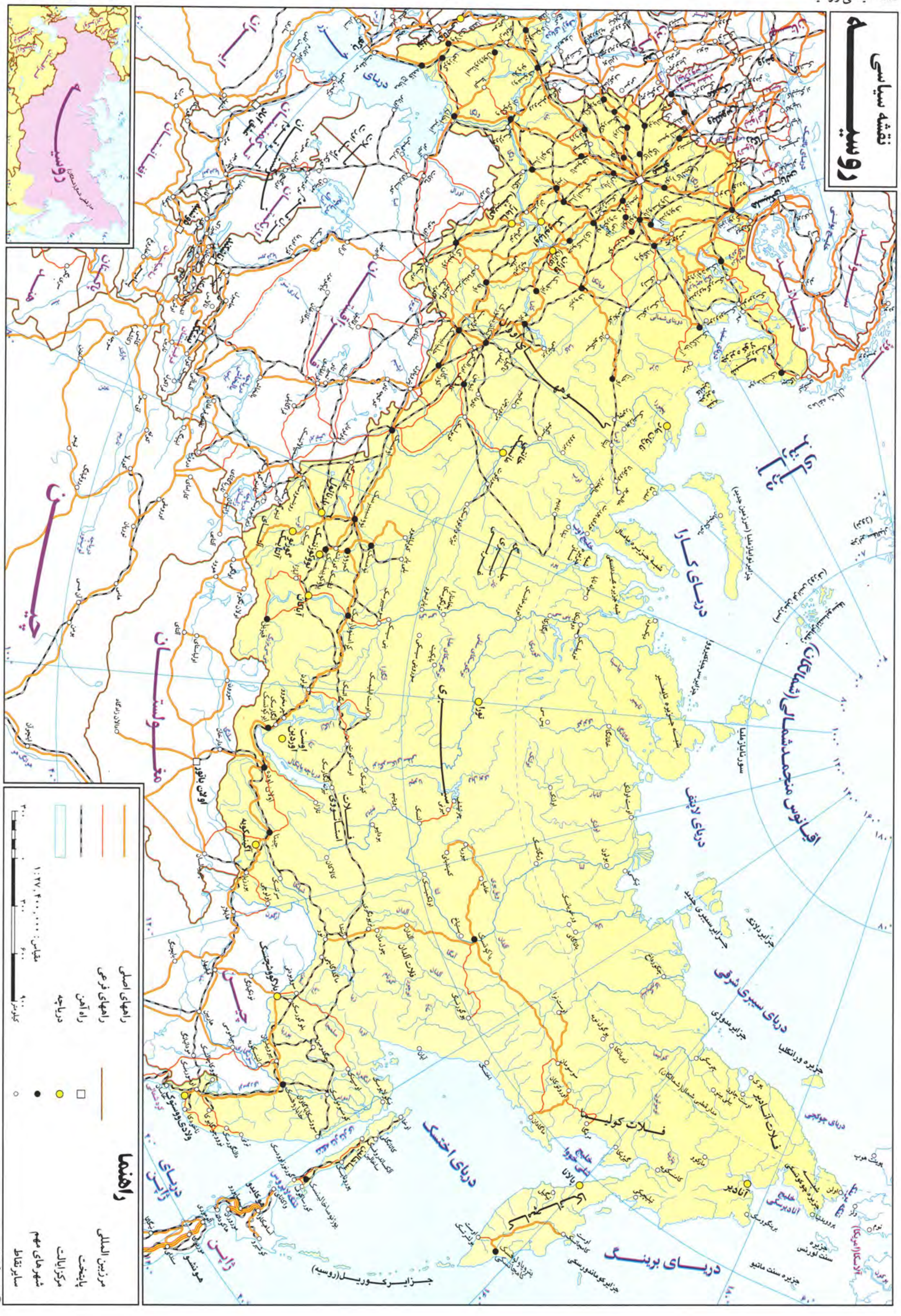

نقشه سیاسی آسیا
راهنما
مرز بین المللی
راههای اصلی
راه آهن
پایتخت
شهرهای مهم
سایر نقاط
روسیه
سیبری
قزاقستان
مغولستان
جمهوری خلق چین
هند
ایران
عربستان سعودی
یمن
عمان
پاکستان
افغانستان
ژاپن
فیلیپین
اندونزی
مالزی
تایلند
سومالی
استرالیا
پاپوآ گینه نو
اقیانوس هند
اقیانوس کبیر شمالی (آرام)
اقیانوس منجمد شمالی
دریای عرب
خلیج بنگال
دریای چین جنوبی
دریای خزر
دریای ژاپن
دریای اختسک
دریای برینگ


نقشه سیاسی
خاورمیانه
راهنما
مرزهای بین المللی
راههای اصلی
راه آهن
پایتخت
شهرهای مهم
سایر نقاط
دریاچه
کیلومتر


نقشه طبیعی ایران
راهنما
مرز بین المللی
پایتخت
مرکز استان
مرکز شهرستان
نقاط ارتفاعی (متر)
ارتفاعات (متر)
ترکیه
عراق
کویت
عربستان سعودی
ترکمنستان
افغانستان
پاکستان
دریای خزر
خلیج فارس
دریای عمان
دشت کویر

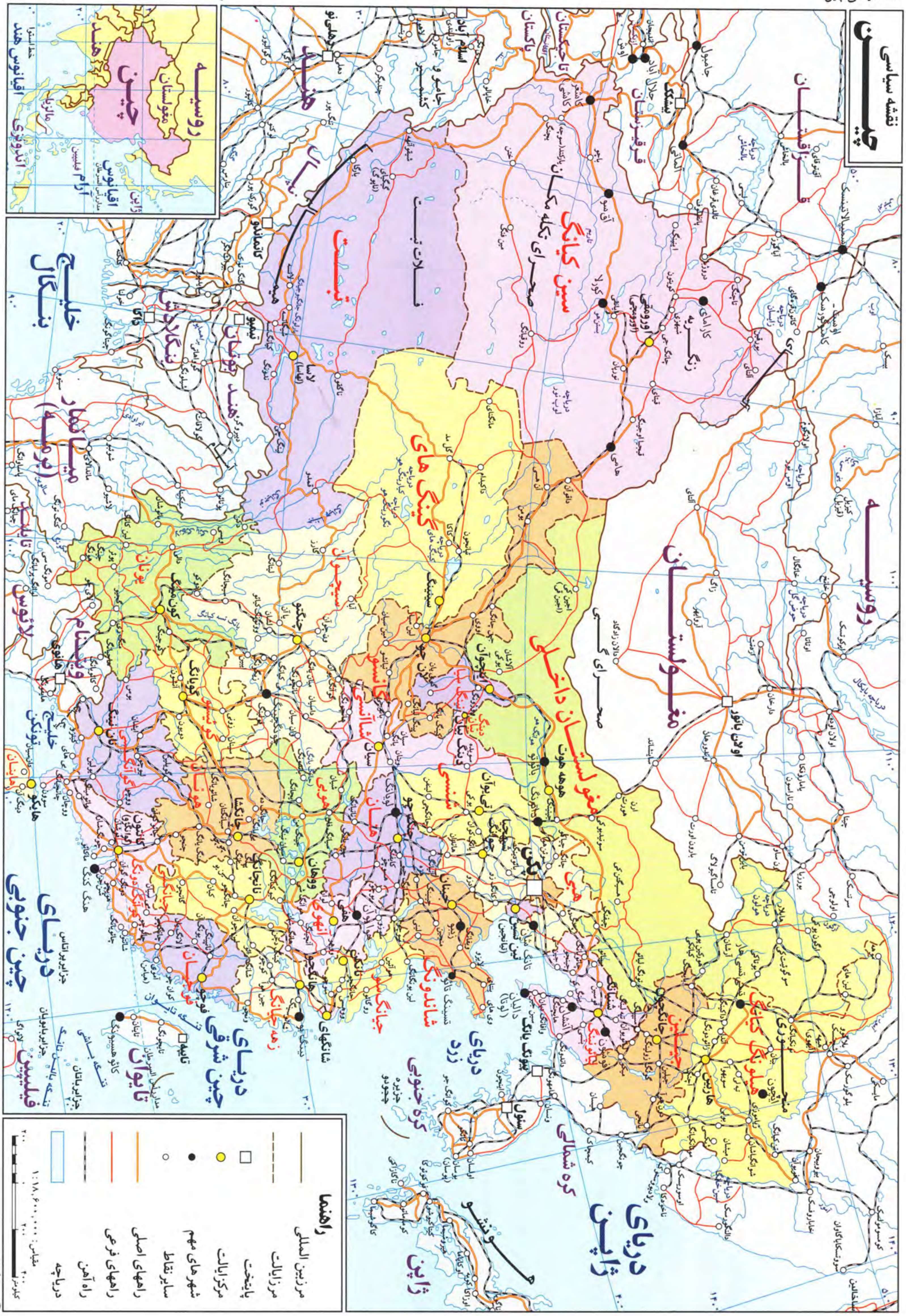

نقشه
سیاسی
ایران
ترکیه
آذربایجان
عراق
کویت
عربستان سعودی
ترکمنستان
افغانستان
پاکستان
دریای خزر
خلیج فارس
دریای عمان
دشت کویر
کویر لوت
اصفهان
یزد
کرمان
فارس
سمنان
خراسان
سیستان و بلوچستان
هرمزگان
خوزستان
تهران
قم
مرکزی
همدان
کردستان
کرمانشاه
ایلام
لرستان
گلستان
مازندران
گیلان
زنجان
قزوین
بوشهر
راهنما


نقشه سیاسی
ترکیه
راهنما
مرز بین المللی
مرز ایالت
پایتخت
مرکز ایالت
شهرهای مهم
سایر نقاط
اتوبان
راههای اصلی
راههای فرعی
راه آهن
دریاچه
دریاچه نمک
دریای سیاه
دریای مدیترانه
دریای اژه
قبرس
سوریه
عراق
ایران
لبنان
اردن
بلغارستان
یونان
گرجستان
ارمنستان
آنکارا
استانبول


روسیه
نقشه سیاسی
راهنما
مرز بین المللی
پایتخت
مرکز ایالت
شهرهای مهم
سایر نقاط
راههای اصلی
راههای فرعی
راه آهن
دریاچه
اقیانوس منجمد شمالی
دریای کارا
دریای لاپتف
دریای سیبری شرقی
دریای برینگ
دریای اختسک
مغولستان
چین

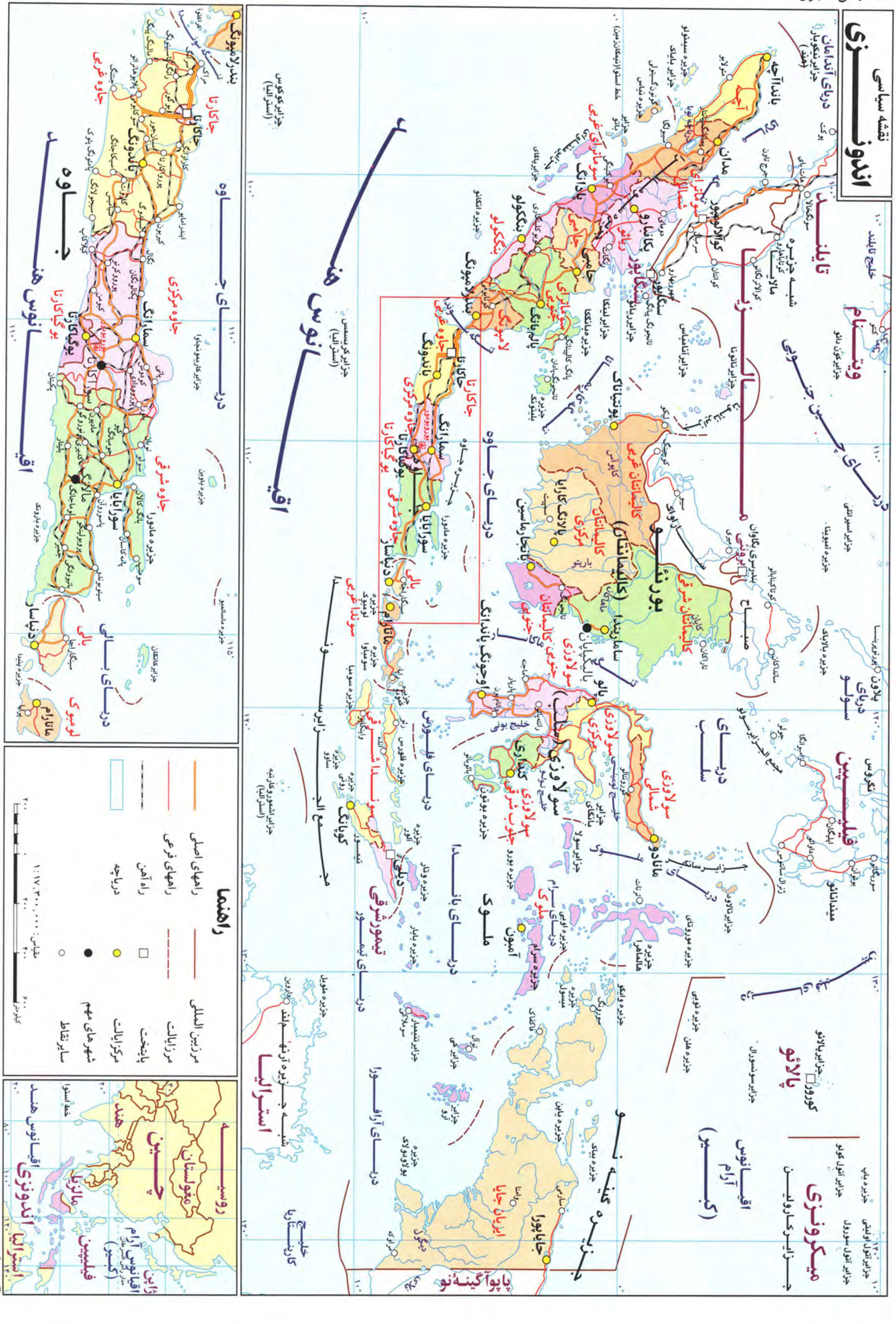


© مؤسسه گیتاشناسی

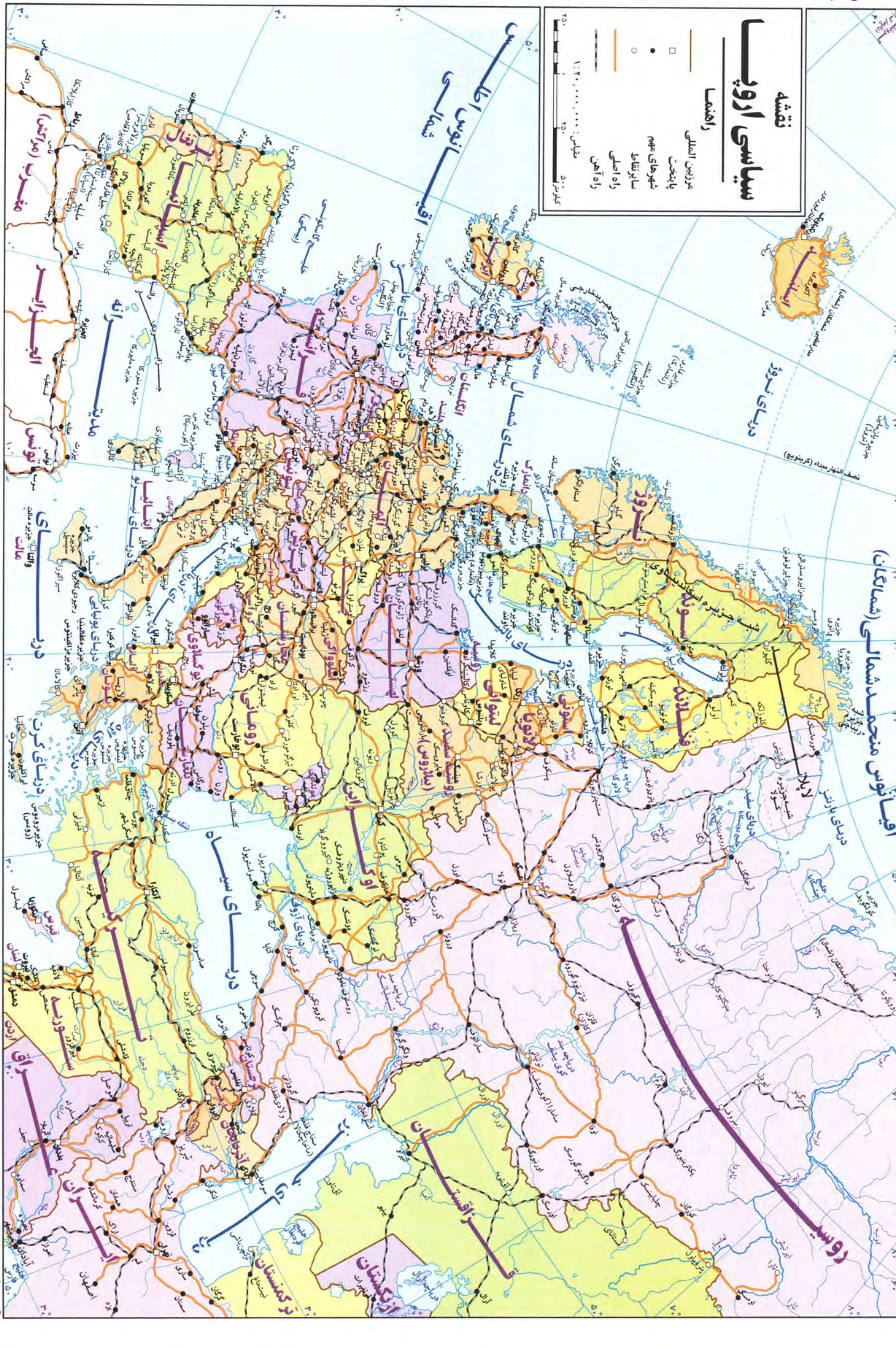

نقشه سیاسی چین
چین
روسیه
مغولستان
قزاقستان
قرقیزستان
تاجیکستان
پاکستان
هند
نپال
بوتان
بنگلادش
میانمار (برمه)
لائوس
ویتنام
تایلند
کره شمالی
کره جنوبی
ژاپن
دریای ژاپن
دریای زرد
دریای چین شرقی
دریای چین جنوبی
خلیج بنگال
خلیج تونکن
تایوان
فیلیپین
تبت
سین کیانگ
مغولستان داخلی
صحرای گبی
صحرای تکله مکان
فلات تبت
راهنما
مرزبین المللی
مرز ایالت
پایتخت
مرکز ایالت
شهرهای مهم
سایر نقاط
راههای اصلی
راههای فرعی
راه آهن
دریاچه
مؤسسه گیتاشناسی



© مؤسسه گیتاشناسی


نقشه سیاسی
اندونزی
راهنما
مرز بین المللی
مرز ایالات
پایتخت
مرکز ایالات
شهرهای مهم
سایر نقاط
راههای اصلی
راههای فرعی
راه آهن
دریاچه
مقیاس ۱:۱۷،۲۰۰،۰۰۰
اقیانوس هند
اقیانوس آرام (کبیر)
استرالیا
پاپوآ گینهٔ نو
مالزی
فیلیپین
میکرونزی
پالائو
تایلند
ویتنام
جاوه
جاکارتا


نقشه
طبیعی اروپا
راهنما
پایتخت
قله (ارتفاع به متر)
اقیانوس اطلس شمالی
اقیانوس منجمد شمالی
جزایر بریتانیا
شبه جزیره اسکاندیناوی
دریای بالتیک
دریای سیاه
دریای خزر
جلگه اروپای شرقی
ارتفاعات ولگا
کوه های اورال
دریای مدیترانه
دریای شمال
نصف النهار مبدأ (گرینویچ)

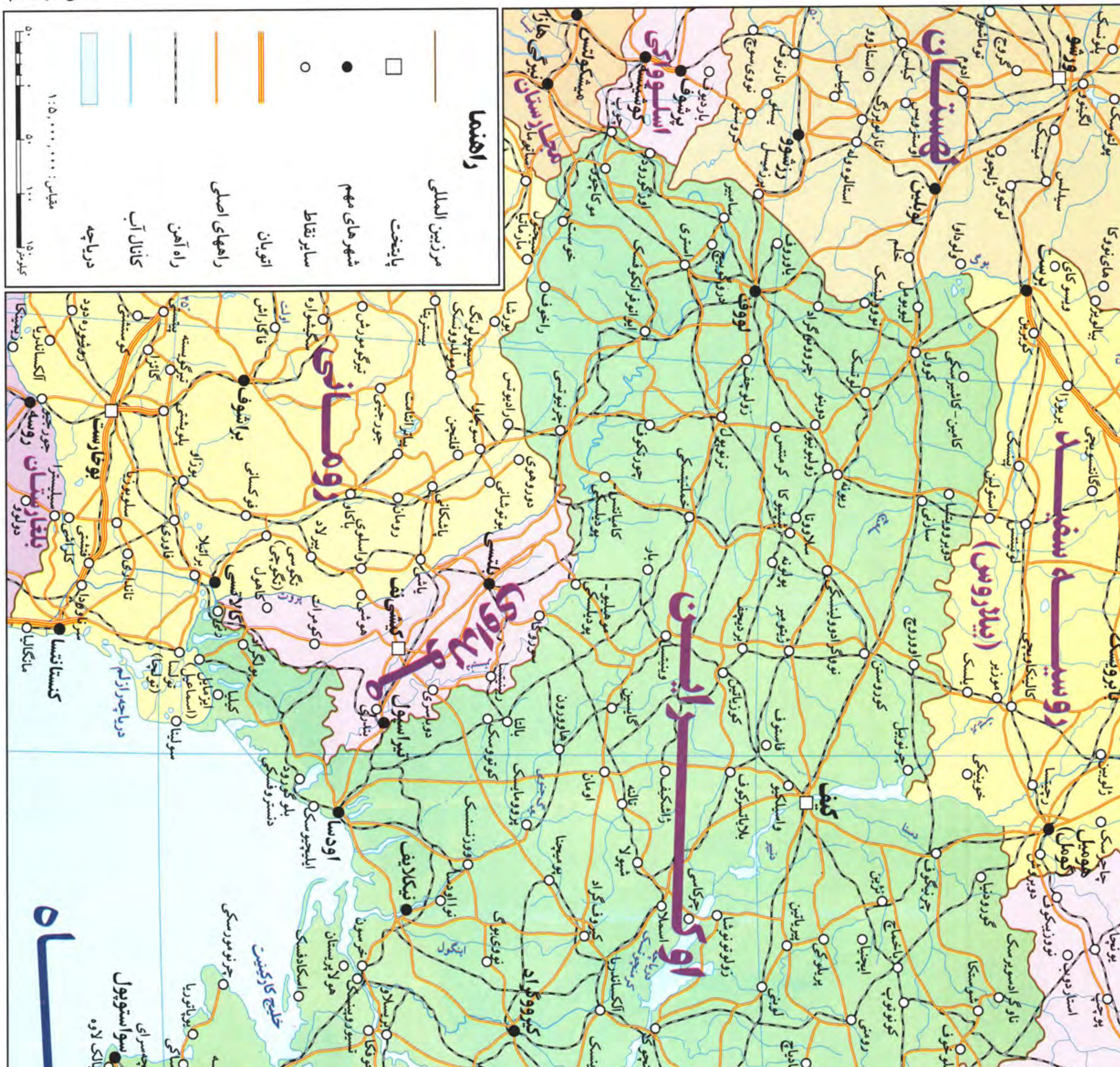

نقشه سیاسی اروپا
راهنما
مرز بین المللی
پایتخت
شهرهای مهم
سایر نقاط
راه اصلی
راه آهن
اقیانوس اطلس شمالی
اقیانوس منجمد شمالی (شمالگان)
دریای نروژ
دریای شمال
دریای بالتیک
دریای مدیترانه
دریای سیاه
دریای خزر
روسیه
قزاقستان
ایران
عراق
سوریه
ترکیه
الجزایر
تونس
مغرب (مراکش)
ترکمنستان
ازبکستان



© مؤسسه گیتاشناسی



© مؤسسه گیتاشناسی

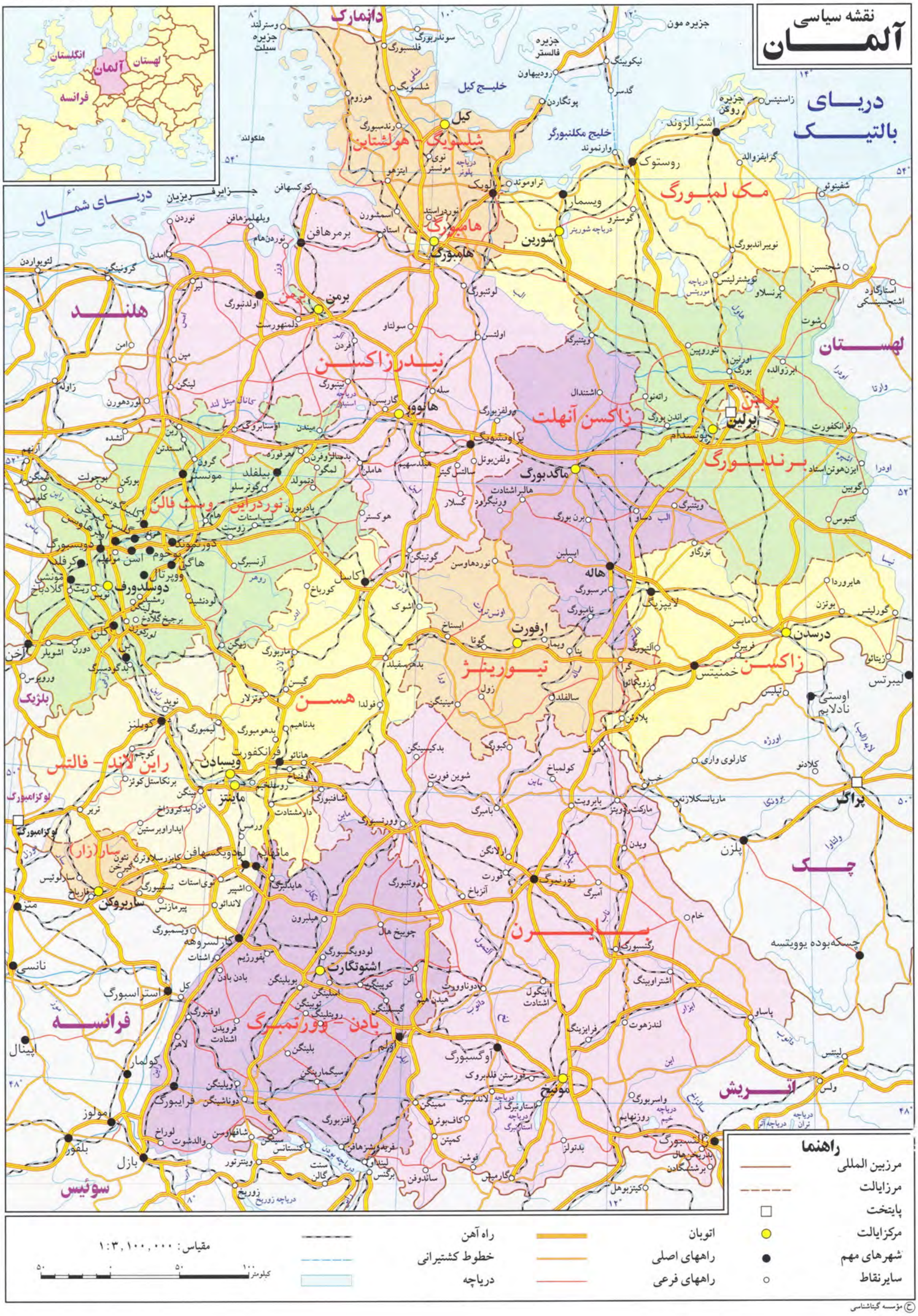

نقشه سیاسی
شرق اروپا
راهنما
مرزبین المللی
پایتخت
شهرهای مهم
سایر نقاط
اتوبان
راههای اصلی
راه آهن
کانال آب
دریاچه
اوکراین
روسیه
روسیه سفید (بیلاروس)
لهستان
اسلواکی
مجارستان
رومانی
مولداوی
بلغارستان
دریای سیاه
دریای آزوف
کیف
اودسا
خارکوف
سواستوپول
کیشینف
بوخارست
مینسک
ورشو
لوبلین
لووف
دنیپروپتروفسک
زاپوروژیه
نیکلایف
خرسون
سیمفروپل
دونتسک
لوگانسک
ماریوپل
روستوف نادونو
کراسنودار
سوچی
ورونژ
کورسک
بلگورود
اورل
سومی
گومل
برست
کنستانتسا
یالتا
کرچ
آناپا
نووروسیسک
برایلا
گالاتس
براشوف
خلیج کارکینیت
خلیج تاگانروک
دریاچه کاخوفکا



© مؤسسه گیتاشناسی



© مؤسسه گیتاشناسی



© مؤسسه گیتاشناسی



© مؤسسه گیتاشناسی



© مؤسسه گیتاشناسی


اسپانیا
نقشه سیاسی
راهنما
مرزبین المللی
مرزایالات
پایتخت
مرکزایالات
شهرهای مهم
سایرنقاط
اتوبان
راههای اصلی
راههای فرعی
راه آهن
دریاچه
اقیانوس اطلس شمالی
دریای مدیترانه
خلیج گاسکونی (بیسکی)
خلیج لیون
فرانسه
پرتغال
آندورا
مغرب
الجزایر
مادرید
لیسبون
جزایر بالئار (اسپانیا)
جزایر قناری (اسپانیا)
اقیانوس اطلس شمالی
خلیج والنسیا



راهنما

■ پایتخت

▲ قله (ارتفاع به متر)

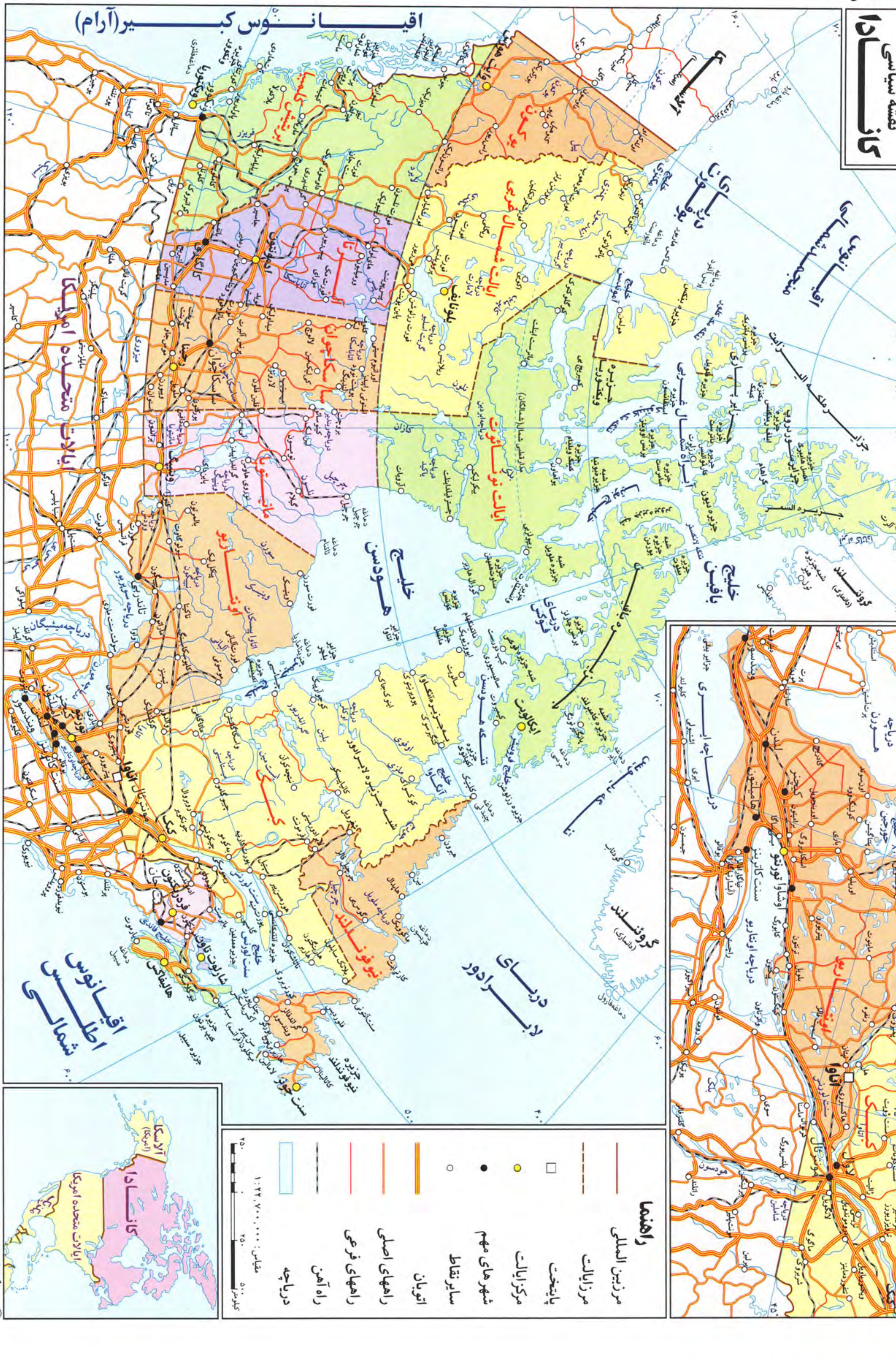
مقیاس: ۱:۳۳,۰۰۰,۰۰۰

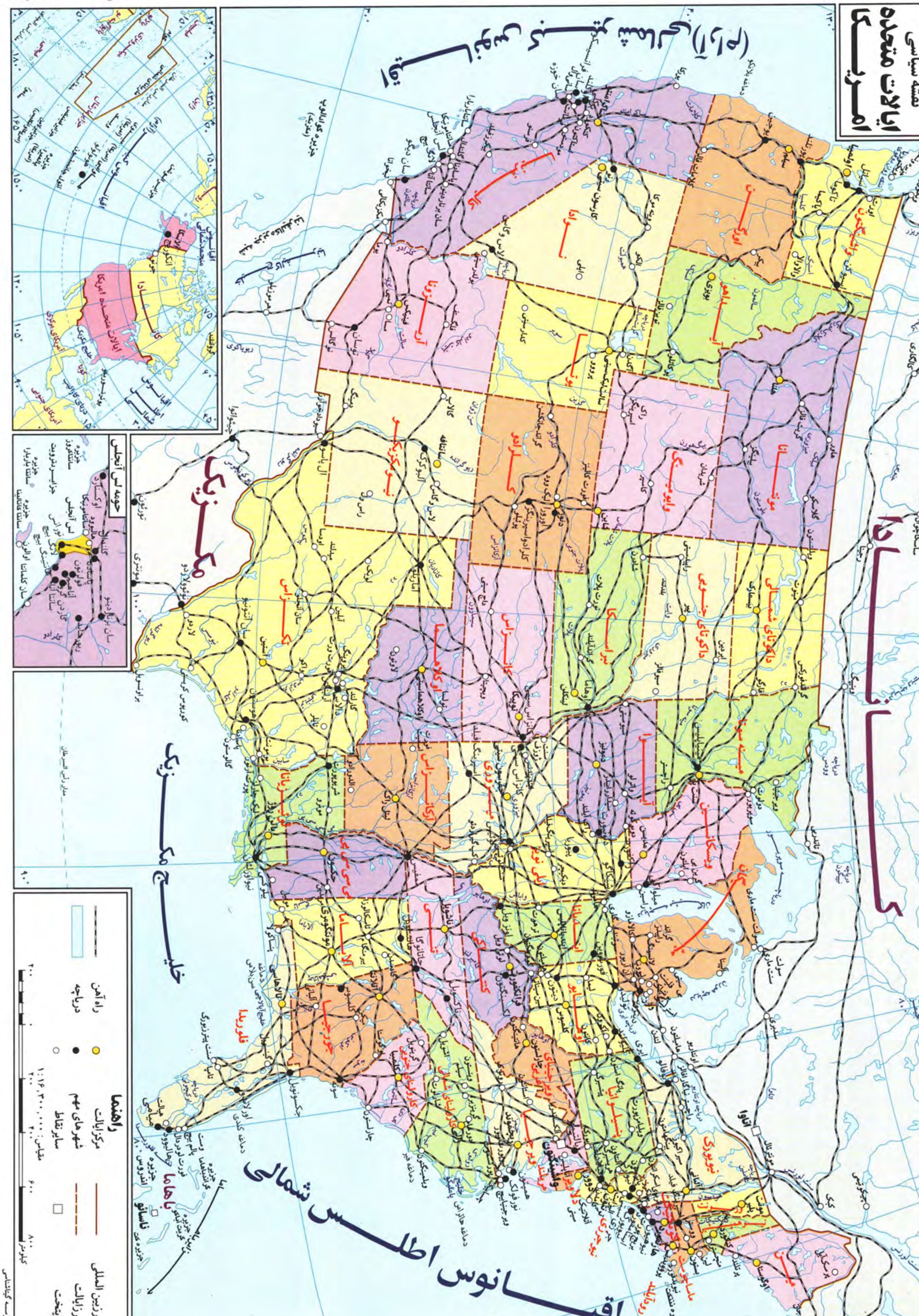
کیلومتر ۱۵۰۰ ۱۰۰۰ ۵۰۰ ۰ ۵۰۰

نقشه طبیعی امریکای شمالی

© مؤسسه گیتاشناسی


اقیانوس منجمد شمالی
گروئنلند (دانمارک)
کانادا
ایالات متحده امریکا
مکزیک
اقیانوس اطلس شمالی
اقیانوس کبیر شمالی (آرام)
خلیج مکزیک
دریای کارائیب
خلیج هودسن
دریای لابرادور
آلاسکا (امریکا)
کوبا
کلمبیا
ونزوئلا
برزیل
نقشه
سیاسی
امریکای شمالی
راهنما
مرزبین المللی
پایتخت
شهرهای مهم
سایرنقاط
راه اصلی
راه آهن
مقیاس: ۱:۳۴،۰۰۰،۰۰۰
کیلومتر
© مؤسسه گیتاشناسی


کانادا نقشه سیاسی
اقیانوس کبیر (آرام)
اقیانوس منجمد شمالی
اقیانوس اطلس شمالی
ایالات متحده امریکا
خلیج هودسن
دریای لابرادور
گرونلند (دانمارک)
راهنما
مرز بین المللی
مرز ایالات
پایتخت
مرکز ایالات
شهرهای مهم
سایر نقاط
اتوبان
راههای اصلی
راههای فرعی
راه آهن
دریاچه
مقیاس ۱:۴۲,۷۰۰,۰۰۰
کیلومتر
© مؤسسه گیتاشناسی


نقشه سیاسی
ایالات متحده
امریکا
کانادا
مکزیک
خلیج مکزیک
اقیانوس اطلس شمالی
راهنما



نقشه طبیعی امریکای جنوبی

راهنما

■ پایتخت

▲ قله (ارتفاع به متر)

مقیاس: ۱:۲۸،۰۰۰،۰۰۰

۵۰۰ ۰ ۵۰۰ ۱۰۰۰ ۱۵۰۰ کیلومتر

© مؤسسه گیتاشناسی



نقشه سیاسی امریکای جنوبی

راهنما

مرزبین المللی	شهرهای مهم ●	راه اصلی
پایتخت □	سایرنقاط ○	راه آهن

مقیاس: ۱:۳۴,۰۰۰,۰۰۰

کیلومتر ۵۰۰ ۰ ۵۰۰ ۱۰۰۰ ۱۵۰۰

© مؤسسه گیتاشناسی


برزیل نقشه سیاسی
اقیانوس اطلس شمالی
اقیانوس اطلس جنوبی
اقیانوس کبیر (آرام) جنوبی
کلمبیا
ونزوئلا
گویان
سورینام
گویان فرانسه
اکوادور
پرو
بولیوی
پاراگوئه
آرژانتین
اوروگوئه
شیلی
راهنما
مرز بین المللی
مرز ایالات
پایتخت
مرکز ایالات
شهرهای مهم
سایر نقاط
اتوبان
راههای اصلی
راههای فرعی
سایر راهها
راه آهن
دریاچه
اسامی ایالتها
۱- ریو گرانده جنوبی
۲- سانتا کاتارینا
۳- سائوپائولو
۴- ریودوژانیرو
۵- اسپیریتو سانتو
۶- سرژیپه
۷- آلاگوآس
۸- پرنامبوکو
۹- پارائیبا
۱۰- ریو گرانده شمالی
برازیلیا
سائوپائولو
ریودوژانیرو
آمازوناس
پارا
ماتوگروسو
باهیا
میناس ژرایس
گوئیاس
لیما
کیتو
بوگوتا
کاراکاس
آسونسیون
مؤسسه گیتاشناسی



© مؤسسه گیتاشناسی



نقشه
طبیعی
افریقا

راهنما

■ پایتخت

▲ قله (ارتفاع به متر)

مقیاس: ۱:۳۵,۰۰۰,۰۰۰

۵۰۰ ۰ ۵۰۰ ۱۰۰۰ ۱۵۰۰ کیلومتر

© مؤسسه گیتاشناسی



نقشه سیاسی افریقا

راهنما

مرزبین المللی	شهرهای مهم
پایتخت	سایر نقاط
راه اصلی	راه آهن

مقیاس: ۱:۳۹،۰۰۰،۰۰۰

۵۰۰ ۰ ۵۰۰ ۱۰۰۰ ۱۵۰۰ ۲۰۰۰ کیلومتر

© مؤسسه گیتاشناسی


نقشه طبیعی اقیانوسیه
راهنما
پایتخت
شهرهای مهم
سایر نقاط
قله (ارتفاع به متر)
استرالیا
اقیانوس هند
اقیانوس کبیر (آرام) جنوبی
زلاند نو
دریای تاسمان
دریای آرافورا
دریای کورال (مرجان)
جزایر فیجی


اقیانوسیه
نقشه سیاسی
استرالیا
اقیانوس هند
اقیانوس کبیر (آرام) جنوبی
پاپوآ گینه نو
زلاند نو
اندونزی
جزایر سلیمان
وانواتو
فیجی
تونگا
ساموآ
نائورو
کیریباتی
تووالو
دریای تاسمان
دریای مرجان
دریای آرافورا
دریای تیمور
خلیج بزرگ استرالیا
راهنما
مرز بین المللی
مرز ایالت
پایتخت
شهرهای مهم
سایر نقاط
راههای اصلی
راه آهن


نقشه سیاسی
استرالیا
اقیانوس کبیر (آرام) شمالی
پاپوآگینهٔ نو
پورت مورسبی
دریای بیسمارک
مجمع الجزایر بیسمارک
دریای سلیمان
جزیره گینه نو
دریای آرافورا
دریای باندا
دریای سرام
دریای ملوک
تنگه ماکاسار
سلب
اندونزی
دریای فلورس
دیلی
تیمورشرقی
دریای تیمور
جزایر سوندای کوچک
جزیره جاوه
جزیره بورنئو (کالیمانتان)
خط استوا (نیمگان زمین)
تنگه تورس
خلیج کارپنتاریا
خلیج جوزف بناپارت
داروین
آرنهم لند
سرزمین شمالی
فلات بارکلی
آلیس اسپرینگز
بیابان سیمپسون
کوئینزلند
سرزمین جزایر دریای مرجان
دریای مرجان (کورال)
دیواره بزرگ مرجانی
بریزبین
استرالیای غربی
شنزار بزرگ
صحرای گیبسون
پیل بارا
صحرای بزرگ ویکتوریا
جلگه نالاربر
پرت
استرالیای جنوبی
آدلید
خلیج بزرگ استرالیا
نیوویلز جنوبی
سیدنی
نیوکاسل
وولنگانگ
کانبرا
ویکتوریا
ملبورن
تنگه باس
تاسمانی
هوبارت
دریای تاسمان
اقیانوس هند
مدارراس الجدی
اقیانوس کبیر
میکرونزی
فیلیپین
اندونزی
استرالیا
اقیانوس هند
راهنما
مرزبین المللی
مرزایالت
پایتخت
مرکزایالت
شهرهای مهم
سایرنقاط
راههای اصلی
راههای فرعی
سایرراهها
راه آهن
کانال آب
دریاچه
مقیاس: ۱:۲۰،۰۰۰،۰۰۰
کیلومتر
© مؤسسه گیتاشناسی

بخش پنجم

سازمان‌ها و مجامع بین المللی



سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن

سازمان ملل متحد United Nations Organization (UN/UNO)

فراگیرترین سازمان بین‌المللی است که اکثر کشورهای جهان در آن عضویت دارند. این سازمان پس از بی‌اعتبار شدن «جامعهٔ ملل» که در فاصلهٔ جنگ‌های اول و دوم جهانی تشکیل شده بود، در سال‌های خاتمهٔ جنگ جهانی دوم پایه گذاری شد. اولین گام در این زمینه، صدور «اعلامیه بین‌المتحدین» بود که در ژوئن ۱۹۴۱ توسط ۱۴ کشور امضاء شد. سپس در اوت همان سال «منشور آتلانتیک» در جهت برقراری روابط بین ملل و اتحاد برای نابودی نهایی دیکتاتوری نازی، توسط رئیس جمهور وقت امریکا (فرانکلین دلانو روزولت) و نخست‌وزیر وقت انگلیس (وینستون چرچیل) صادر شد.

نمایندگان ۲۶ ملتی که علیه متجاوزان «محور» نبرد می‌کردند، در اولین روز سال ۱۹۴۲ «اعلامیه ملل متحد» را در واشینگتون امضاء کردند، که در آن بر لزوم مبارزه‌ای قاطع بر علیه اعضاء «پیمان سه جانبهٔ محور» و عدم صلح یک جانبه با این کشورها تأکید شده بود. در اکتبر سال ۱۹۴۳ در مسکو اعلامیه‌ای توسط دولت‌های امریکا، شوروی و چین امضاء شد که در آن لزوم تأسیس یک سازمان بین‌المللی که جایگزین «جامعهٔ ملل» گردد، تأیید گردیده بود. اولین گام مهم، در این راه، طی کنفرانس «دامبارتن اوکس» (امریکا)، در سال ۱۹۴۴ برداشته شد، که در آن ۴ کشور شوروی، امریکا، انگلیس و چین طرح اساسنامهٔ سازمان ملل متحد را تنظیم نمودند. در فوریه ۱۹۴۵ کنفرانس یالتا (در شوروی) تشکیل شد و در آن حق وتوی کشورهای بزرگ نیز مطرح گردید، تا بالاخره با تشکیل کنفرانس سانفرانسیسکو در ۲۵ آوریل ۱۹۴۵، نمایندگان ۵۱ ملت در جلسات عمومی کمیته‌های مختلف، منشور ۱۱۱ ماده‌ای ملل متحد را در ۱۹ فصل تنظیم کردند.

پس از تبادل نظرها و مطالعات نهایی در ۲۵ ژوئن، «منشور ملل متحد» به تصویب نمایندگان رسید و در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵، پس از آن که اکثریت امضاء کنندگان (۲۸ کشور) سند تصویب آن را تسلیم نمودند، منشور فوق قدرت اجرایی یافت. ۵۱ کشوری که در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت داشتند، اولین اعضای آن محسوب می‌شوند و تا پایان سال ۲۰۰۲ تعداد ۱۹۱ کشور به عضویت سازمان ملل متحد درآمده‌اند. برای تأمین هزینه‌های جاری سازمان ملل متحد، کشورهای عضو موظفند سالانه درصدی از بودجه سازمان ملل متحد را تأمین نمایند. بودجه این سازمان برای سال ۲۰۰۳ بالغ بر ۲,۶۲۵ میلیون دلار تعیین شده است. کمیته ویژه‌ای از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مأموریت دارد تا هر سه سال یک بار سهمیه کشورها را نسبت به تولید ناخالص ملی و درآمد سرانهٔ آنها تعیین نموده و به کشورهای عضو ابلاغ نماید. در جدول زیر تاریخ عضویت کشورهای عضو و میزان سهمیهٔ آنها در بودجهٔ سال ۲۰۰۰ آمده است:

ردیف	نام کشور	سهمیه بودجه به درصد (۲۰۰۰)	تاریخ عضویت
۱	آذربایجان	۰/۰۱۱	۲مارس ۱۹۹۲
۲	آرژانتین	۱/۱۰۳	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۳	آلبانی	۰/۰۰۳	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۴	آلمان	۹/۸۵۷	۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳
۵	آنتیگوآ و باربودا	۰/۰۰۲	۱۱نوامبر ۱۹۸۱
۶	آندورا	۰/۰۰۴	۲۸ژوئیه ۱۹۹۳
۷	آنگولا	۰/۰۱۰	۱دسامبر ۱۹۷۶
۸	اتریش	۰/۹۴۲	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۹	اتیوپی	۰/۰۰۶	۱۳نوامبر ۱۹۴۵
۱۰	اردن	۰/۰۰۶	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۱۱	ارمنستان	۰/۰۰۶	۲مارس ۱۹۹۲
۱۲	اریتره	۰/۰۰۱	۲۸مه ۱۹۹۳
۱۳	ازبکستان	۰/۰۲۵	۲مارس ۱۹۹۲
۱۴	اسپانیا	۲/۵۹۱	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۱۵	استرالیا	۱/۴۸۳	۱نوامبر ۱۹۴۵
۱۶	استونی	۰/۰۱۲	۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱
۱۷	اسرائیل	۰/۳۵۰	۱۱مه ۱۹۴۹
۱۸	اسلوواکی	۰/۰۳۵	۱۹ژانویه ۱۹۹۳
۱۹	اسلوونی	۰/۰۶۱	۲۲مه ۱۹۹۲
۲۰	افریقای جنوبی	۰/۳۶۶	۷نوامبر ۱۹۴۵
۲۱	افریقای مرکزی	۰/۰۰۱	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۲۲	افغانستان	۰/۰۰۳	۱۹نوامبر ۱۹۴۶
۲۳	اکوادور	۰/۰۲۰	۲۱دسامبر ۱۹۴۵
۲۴	الجزایر	۰/۰۸۶	۸اکتبر ۱۹۶۲
۲۵	السالوادور	۰/۰۱۲	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۲۶	امارات متحده عربی	۰/۱۷۸	۹دسامبر ۱۹۷۱
۲۷	اندونزی	۰/۱۸۸	۲۸سپتامبر ۱۹۵۰
۲۸	انگلستان	۵/۰۹۲	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۲۹	اوروگوئه	۰/۰۴۸	۱۸دسامبر ۱۹۴۵
۳۰	اوکراین	۰/۱۹۰	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۳۱	اوگاندا	۰/۰۰۴	۲۵اکتبر ۱۹۶۲
۳۲	ایالات متحده امریکا	۲۵/۰۰۰	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۳۳	ایتالیا	۵/۴۳۷	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۳۴	ایران	۰/۱۶۱	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۳۵	ایرلند	۰/۲۲۴	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۳۶	ایسلند	۰/۰۳۲	۱۹نوامبر ۱۹۴۶
۳۷	باربادوس	۰/۰۰۸	۹دسامبر ۱۹۶۶
۳۸	باهاما	۰/۰۱۵	۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳
۳۹	بحرین	۰/۰۱۷	۲۱سپتامبر ۱۹۷۱
۴۰	برزیل	۱/۴۷۱	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۴۱	برونئی	۰/۰۲۰	۲۱سپتامبر ۱۹۸۴
۴۲	بلژیک	۱/۱۰۴	۲۷دسامبر ۱۹۴۵
۴۳	بلغارستان	۰/۰۱۱	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۴۴	بلیز	۰/۰۰۱	۲۵سپتامبر ۱۹۸۱
۴۵	بنگلادش	۰/۰۱۰	۱۷ سپتامبر ۱۹۷۴
۴۶	بنین	۰/۰۰۲	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۴۷	بوتان	۰/۰۰۱	۲۱سپتامبر ۱۹۷۱
۴۸	بوتسوانا	۰/۰۱۰	۱۷اکتبر ۱۹۶۶
۴۹	بورکینافاسو	۰/۰۰۲	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۵۰	بوروندی	۰/۰۰۱	۱۸ سپتامبر ۱۹۶۲
۵۱	بوسنی و هرزگوین	۰/۰۰۵	۲۲مه ۱۹۹۲
۵۲	بولیوی	۰/۰۰۷	۱۴نوامبر ۱۹۴۵
۵۳	پاپوآ گینهٔ نو	۰/۰۰۷	۱۰اکتبر ۱۹۷۵
۵۴	پاراگوئه	۰/۰۱۴	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۵۵	پاکستان	۰/۰۵۹	۳۰سپتامبر ۱۹۴۷
۵۶	پالائو	۰/۰۰۱	۱۵دسامبر ۱۹۹۴
۵۷	پاناما	۰/۰۱۳	۱۳نوامبر ۱۹۴۵
۵۸	پرتغال	۰/۴۳۱	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۵۹	پرو	۰/۰۹۹	۳۱اکتبر ۱۹۴۵
۶۰	تاجیکستان	۰/۰۰۴	۲مارس ۱۹۹۲
۶۱	تانزانیا	۰/۰۰۳	۱۴دسامبر ۱۹۶۱
۶۲	تایلند	۰/۱۷۰	۱۶دسامبر ۱۹۴۶
۶۳	ترکمنستان	۰/۰۰۶	۲مارس ۱۹۹۲
۶۴	ترکیه	۰/۴۴۰	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۶۵	ترینیداد و توباگو	۰/۰۱۶	۱۸ سپتامبر ۱۹۶۲
۶۶	توگو	۰/۰۰۱	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۶۷	تونس	۰/۰۲۸	۱۲نوامبر ۱۹۵۶
۶۸	تونگا	۰/۰۰۱	۱۴سپتامبر ۱۹۹۹
۶۹	توالو	؟	۵سپتامبر ۲۰۰۰
۷۰	تیمور شرقی	؟	۲۷سپتامبر ۲۰۰۲
۷۱	جامائیکا	۰/۰۰۶	۱۸سپتامبر ۱۹۶۲
۷۲	جیبوتی	۰/۰۰۱	۲۰سپتامبر ۱۹۷۷
۷۳	چاد	۰/۰۰۱	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۷۴	چک	۰/۱۰۷	۱۹ژانویه ۱۹۹۳
۷۵	چین	۰/۹۹۵	۲۴اکتبر ۱۹۴۵

ردیف	نام کشور	سهمیه بودجه به درصد (۲۰۰۰)	تاریخ عضویت
۷۶	دانمارک	۰/۶۹۲	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۷۷	دومینیکا	۰/۰۰۱	۱۸دسامبر ۱۹۷۸
۷۸	دومینیکن	۰/۰۱۵	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۷۹	روآندا	۰/۰۰۱	۱۸سپتامبر ۱۹۶۲
۸۰	روسیه	۱/۰۷۷	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۸۱	روسیه سفید (بیلاروس)	۰/۰۵۷	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۸۲	رومانی	۰/۰۵۶	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۸۳	زامبیا	۰/۰۰۲	۱دسامبر ۱۹۶۴
۸۴	زلاند نو	۰/۲۲۱	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۸۵	زیمبابوه	۰/۰۰۹	۲۵اوت ۱۹۸۰
۸۶	ژاپن	۲۰/۵۷۳	۱۸دسامبر ۱۹۵۶
۸۷	سائوتومه و پرنسیپ	۰/۰۰۱	۱۶سپتامبر ۱۹۷۵
۸۸	ساحل عاج	۰/۰۰۹	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۸۹	ساموآ	۰/۰۰۱	۱۵دسامبر ۱۹۷۶
۹۰	سان‌مارینو	۰/۰۰۲	۲مارس ۱۹۹۲
۹۱	سری‌لانکا	۰/۰۱۲	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۹۲	سلیمان، جزایر	۰/۰۰۱	۱۹سپتامبر ۱۹۷۸
۹۳	سنت‌کیتس ونویس	۰/۰۰۱	۲۳سپتامبر ۱۹۸۳
۹۴	سنت‌لوسیا	۰/۰۰۱	۱۸سپتامبر ۱۹۷۹
۹۵	سنت‌وینسنت و گرنادین	۰/۰۰۱	۱۶سپتامبر ۱۹۸۰
۹۶	سنگاپور	۰/۱۷۹	۲۱سپتامبر ۱۹۶۵
۹۷	سنگال	۰/۰۰۶	۲۸سپتامبر ۱۹۶۰
۹۸	سوئد	۱/۰۷۹	۱۹نوامبر ۱۹۴۶
۹۹	سوازیلند	۰/۰۰۲	۲۴سپتامبر ۱۹۶۸
۱۰۰	سوئیس	؟	۱۰سپتامبر ۲۰۰۲
۱۰۱	سودان	۰/۰۰۷	۱۲نوامبر ۱۹۵۶
۱۰۲	سورینام	۰/۰۰۴	۴دسامبر ۱۹۷۵
۱۰۳	سوریه	۰/۰۶۴	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۰۴	سومالی	۰/۰۰۱	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۱۰۵	سیرالئون	۰/۰۰۱	۲۷سپتامبر ۱۹۶۱
۱۰۶	سیشل	۰/۰۰۲	۲۱سپتامبر ۱۹۷۶
۱۰۷	شیلی	۰/۱۳۶	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۰۸	عراق	۰/۰۳۲	۲۱دسامبر ۱۹۴۵
۱۰۹	عربستان سعودی	۰/۵۶۲	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۱۰	عمان	۰/۰۵۱	۷اکتبر ۱۹۷۱
۱۱۱	غنا	۰/۰۰۷	۸مارس ۱۹۵۷
۱۱۲	فرانسه	۶/۵۴۵	۲۴ اکتبر ۱۹۴۵
۱۱۳	فنلاند	۰/۵۴۳	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۱۱۴	فیجی	۰/۰۰۴	۱۳اکتبر ۱۹۷۰
۱۱۵	فیلیپین	۰/۰۸۱	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۱۶	قبرس	۰/۰۳۴	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۱۱۷	قرقیزستان	۰/۰۰۶	۲مارس ۱۹۹۲
۱۱۸	قزاقستان	۰/۰۴۸	۲مارس ۱۹۹۲
۱۱۹	قطر	۰/۰۳۳	۲۱سپتامبر ۱۹۷۱
۱۲۰	کامبوج	۰/۰۰۱	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۱۲۱	کامرون	۰/۰۱۳	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۱۲۲	کانادا	۲/۷۳۲	۹نوامبر ۱۹۴۵
۱۲۳	کروآسی	۰/۰۳۰	۲۲مه ۱۹۹۲
۱۲۴	کره جنوبی	۱/۰۰۶	۱۷سپتامبر ۱۹۹۱
۱۲۵	کره شمالی	۰/۰۱۵	۱۷سپتامبر ۱۹۹۱
۱۲۶	کستاریکا	۰/۰۱۶	۲نوامبر ۱۹۴۵
۱۲۷	کلمبیا	۰/۱۰۹	۵نوامبر ۱۹۴۵
۱۲۸	کنگو، جمهوری	۰/۰۰۳	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۱۲۹	کنگو، جمهوری دموکراتیک	۰/۰۰۷	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۱۳۰	کنیا	۰/۰۰۷	۱۶دسامبر ۱۹۶۳
۱۳۱	کوبا	۰/۰۲۴	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۳۲	کومور	۰/۰۰۱	۱۲نوامبر ۱۹۷۵
۱۳۳	کویت	۰/۱۲۸	۱۴مه ۱۹۶۳
۱۳۴	کیپ‌ورد	۰/۰۰۱	۱۶سپتامبر ۱۹۷۵
۱۳۵	کیریباتی	۰/۰۰۱	۱۴سپتامبر ۱۹۹۹
۱۳۶	گابون	۰/۰۱۵	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۱۳۷	گامبیا	۰/۰۰۱	۲۱سپتامبر ۱۹۶۵
۱۳۸	گرجستان	۰/۰۰۷	۳۱ژوئیه ۱۹۹۲
۱۳۹	گرنادا	۰/۰۰۱	۱۷سپتامبر ۱۹۷۴
۱۴۰	گواتمالا	۰/۰۱۸	۲۱نوامبر ۱۹۴۵
۱۴۱	گویان	۰/۰۰۱	۲۰سپتامبر ۱۹۶۶
۱۴۲	گینه	۰/۰۰۳	۱۲دسامبر ۱۹۵۸
۱۴۳	گینه استوایی	۰/۰۰۱	۱۲نوامبر ۱۹۶۸
۱۴۴	گینه بیسائو	۰/۰۰۱	۱۷سپتامبر ۱۹۷۴
۱۴۵	لائوس	۰/۰۰۱	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۱۴۶	لاتویا	۰/۰۱۷	۱۷سپتامبر ۱۹۹۱
۱۴۷	لبنان	۰/۰۱۶	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۴۸	لسوتو	۰/۰۰۲	۱۷اکتبر ۱۹۶۶
۱۴۹	لوکزامبورگ	۰/۰۶۸	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۵۰	لهستان	۰/۱۹۶	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۵۱	لیبریا	۰/۰۰۲	۲نوامبر ۱۹۴۵
۱۵۲	لیبی	۰/۱۲۴	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۱۵۳	لیتوانی	۰/۰۱۵	۱۷سپتامبر ۱۹۹۱
۱۵۴	لیختن اشتاین	۰/۰۰۶	۱۸سپتامبر ۱۹۹۰
۱۵۵	ماداگاسکار	۰/۰۰۳	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۱۵۶	مارشال، جزایر	۰/۰۰۱	۱۷سپتامبر ۱۹۹۱
۱۵۷	مالاوی	۰/۰۰۲	۱دسامبر ۱۹۶۴
۱۵۸	مالت	۰/۰۱۴	۱دسامبر ۱۹۶۴
۱۵۹	مالدیو	۰/۰۰۱	۲۱سپتامبر ۱۹۶۵
۱۶۰	مالزیا	۰/۱۸۳	۱۷سپتامبر ۱۹۵۷
۱۶۱	مالی	۰/۰۰۲	۲۸سپتامبر ۱۹۶۰
۱۶۲	مجارستان	۰/۱۲۰	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۱۶۳	مصر	۰/۰۶۵	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۶۴	مغرب	۰/۰۴۱	۱۲نوامبر ۱۹۵۶
۱۶۵	مغولستان	۰/۰۰۲	۲۷اکتبر ۱۹۶۱
۱۶۶	مقدونیه	۰/۰۰۴	۸آوریل ۱۹۹۳
۱۶۷	مکزیک	۰/۹۹۵	۷نوامبر ۱۹۴۵
۱۶۸	موریتانی	۰/۰۰۱	۲۷اکتبر ۱۹۶۱
۱۶۹	موریس	۰/۰۰۹	۲۴آوریل ۱۹۶۸
۱۷۰	موزامبیک	۰/۰۰۱	۱۶سپتامبر ۱۹۷۵
۱۷۱	مولداوی	۰/۰۱۰	۲مارس ۱۹۹۲
۱۷۲	موناکو	۰/۰۰۴	۲۸مه ۱۹۹۳
۱۷۳	میانمار	۰/۰۰۸	۱۹آوریل ۱۹۴۸
۱۷۴	میکرونزی	۰/۰۰۴	۱۷سپتامبر ۱۹۹۱
۱۷۵	نائورو	۰/۰۰۱	۱۴سپتامبر ۱۹۹۹
۱۷۶	نامیبیا	۰/۰۰۷	۲۳آوریل ۱۹۹۰
۱۷۷	نپال	۰/۰۰۴	۱۴دسامبر ۱۹۵۵
۱۷۸	نروژ	۰/۶۱۰	۲۷نوامبر ۱۹۴۵
۱۷۹	نیجر	۰/۰۰۲	۲۰سپتامبر ۱۹۶۰
۱۸۰	نیجریه	۰/۰۳۲	۷اکتبر ۱۹۶۰
۱۸۱	نیکاراگوآ	۰/۰۰۱	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۸۲	وانوآتو	۰/۰۰۱	۱۵سپتامبر ۱۹۸۱
۱۸۳	ونزوئلا	۰/۱۶۰	۱۵نوامبر ۱۹۴۵
۱۸۴	ویتنام	۰/۰۰۷	۲۰سپتامبر ۱۹۷۷
۱۸۵	هائیتی	۰/۰۰۲	۲۴اکتبر ۱۹۴۵
۱۸۶	هلند	۱/۶۳۲	۱۰دسامبر ۱۹۴۵
۱۸۷	هند	۰/۲۹۹	۳۰اکتبر ۱۹۴۵
۱۸۸	هندوراس	۰/۰۰۳	۱۷دسامبر ۱۹۴۵
۱۸۹	یمن	۰/۰۱۰	۳۰سپتامبر ۱۹۴۷
۱۹۰	یوگسلاوی	۰/۰۲۶	۱نوامبر ۲۰۰۰
۱۹۱	یونان	۰/۳۵۱	۲۵اکتبر ۱۹۴۵

عضویت برای کشورهایی که منشور ملل متحد را پذیرفته و تعهدات آن را اجرا می‌نمایند و قادر و مایلند که این تعهدات را انجام دهند، آزاد است و اعضای جدید، با توصیه شورای امنیت و کسب حداقل دو سوم آراء مجمع عمومی پذیرفته می‌شوند. مهمترین تغییراتی که در نحوهٔ عضویت کشورها پیش آمده، به شرح زیر است:

۱- اندونزی در سال ۱۹۶۵ از سازمان ملل کناره‌گیری کرد ولی در سال بعد مجدداً به آن پیوست.

۲- تانگانیکا در سال ۱۹۶۱ و زنگبار در سال ۱۹۶۳ به عضویت سازمان ملل درآمدند. در سال ۱۹۶۴ این دو کشور اتحادیهٔ تانگانیکا و زنگبار را تأسیس نمودند و کمی بعد این اتحادیه به جمهوری متحد تانزانیا تغییر نام یافت.

۳- تا سال ۱۹۷۱ حکومت تایوان به عنوان نمایندهٔ مردم چین در سازمان ملل عضویت داشت و در این سال مجمع عمومی با اکثریت آراء جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخت و با ورود این کشور به سازمان ملل، تایوان از جرگهٔ ملل متحد اخراج گردید.

۴- مالایا در سال ۱۹۵۷ به عضویت سازمان ملل درآمد و در سال ۱۹۶۳ با عنوان فدراسیون مالزیا اتحادیه‌ای با ساراواک، صباح و سنگاپور تشکیل داد. سنگاپور در سال ۱۹۶۵ با خروج از فدراسیون و اعلام استقلال، به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد.

۵- آلمان شرقی و آلمان غربی در هجدهم سپتامبر ۱۹۷۳ به عنوان دو کشور مستقل و جدا از هم به عضویت سازمان ملل درآمدند و پس از اتحاد دو آلمان در سال ۱۹۹۰، عضویت آلمان شرقی در سازمان ملل متحد لغو گردید.

۶- یمن جنوبی در چهاردهم دسامبر ۱۹۶۷ به عضویت سازمان ملل درآمد و پس از ادغام آن در جمهوری عربی یمن (شمالی) در سال ۱۹۹۰، عضویت آن نیز در این سازمان لغو گردید.

۷- جمهوری فدراتیو یوگسلاوی از اعضای اولیه سازمان ملل بود که در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ به عضویت این سازمان درآمده بود. با تجزیه این کشور به چند جمهوری مستقل (کرواسی، اسلوونی، بوسنی و هرزگوین، مقدونیه و یوگسلاوی)، جمهوری یوگسلاوی با هویت جدید از اول نوامبر ۲۰۰۰ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد.

۸- مصر و سوریه از اعضای اولیه سازمان ملل متحد بودند که در پی برگزاری همه‌پرسی ۲۱ فوریه ۱۹۵۸، با یکدیگر متحد شدند و با عنوان جمهوری متحدهٔ عربی به عضویت این سازمان درآمدند. در سیزدهم اکتبر ۱۹۶۱، دولت سوریه مجدداً خواستار عضویت مجدد خود شد و دولت مصر نیز در دوم سپتامبر ۱۹۷۱ خواستار آن شد که نام آن از جمهوری متحدهٔ عربی به جمهوری عربی مصر تغییر یابد.

۹- اتحاد جماهیر شوروی یکی از اعضای اولیه سازمان ملل متحد بود که در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ به عضویت این سازمان درآمده بود. در ۲۴ دسامبر ۱۹۹۱، بوریس یلتسین، رئیس جمهور روسیه، به دبیرکل سازمان ملل اطلاع داد که عضویت اتحاد جماهیر شوروی در شورای امنیت و سایر نهادهای سازمان ملل، با حمایت ۱۱ عضو دیگر جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به دولت روسیه واگذار شده است.

۱۰- سازمان آزادیبخش فلسطین فقط به عنوان ناظر در جلسات سازمان ملل پذیرفته شده و از حقوق عضویت برخوردار نیست.

زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد عبارتند از: اسپانیایی، انگلیسی، چینی، روسی و فرانسوی. زبان عربی نیز به زبان‌های رسمی مورد استفاده در مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی افزوده شده است.

ارکان اصلی

در منشور ملل متحد ۶ رکن اصلی برای این سازمان در نظر گرفته شده که عبارتند از: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومت، دیوان بین‌المللی دادگستری و دبیرخانه.

مجمع عمومی General Assembly

مجمع عمومی شامل کلیهٔ اعضاء سازمان ملل متحد است که هریک از آنان دارای یک رأی در جلسات مجمع عمومی می‌باشند. اجلاس عادی مجمع عمومی سالی یک بار و در سومین دوشنبه ماه سپتامبر تشکیل می‌شود که به طور کلی به مباحث سیاسی، اجتماعی اختصاص داشته و همچنین می‌تواند در تمام مسائل و امور مندرج در منشور ملل متحد بحث نماید. در صورت ضرورت، مجمع می‌تواند برای رسیدگی به مسائل و اختلافات ضروری، جلسه‌ای فوق‌العاده تشکیل دهد که در این صورت بایستی لزوم آن به تصویب اکثریت نمایندگان یا ۹ کشور از اعضای شورای امنیت رسیده باشد. به جز موارد مهم مانند توصیه دربارهٔ صلح و امنیت، انتخاب اعضاء ارکان سازمان ملل، پذیرش، تعلیق یا اخراج اعضاء، مسائل مربوط به قیمومت و امور مالی که بایستی با دو سوم آراء اعضای حاضر به تصویب برسد، سایر موارد تنها مستلزم اکثریت ساده است.

شورای امنیت Security Council

از پنج عضو دائم و ۱۰ عضو موقت تشکیل یافته که اعضاء دائمی آن: امریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه و چین بوده که دارای حق وتو می‌باشند. اعضای موقت هر دو سال یک بار انتخاب شده و نمی‌توانند برای دو دورهٔ متوالی انتخاب گردند. به موجب منشور ملل متحد، وظیفهٔ اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، طبق اصول و قواعد سازمان ملل متحد به شورای امنیت واگذار شده است.

شورای امنیت می‌تواند نسبت به موانعی که در راه صلح پدید می‌آید اقداماتی لازم از قبیل اعمال فشارهای اقتصادی به کشورهای عضو را توصیه نموده و یا حتی در بعضی مواقع می‌تواند علیه متجاوز متوسل به اقدام نظامی، با همکاری کشورهای عضو گردد. مجمع عمومی، دبیر کل سازمان ملل را به توصیه شورای امنیت منصوب می‌کند و قضات دیوان بین‌المللی دادگستری با رأی جداگانهٔ شورای امنیت و مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد، ملزم به اجرای تصمیمات شورای امنیت می‌باشند و در حقیقت پذیرفتن آرای آن برای کلیهٔ کشورها اجباری است.

شورای اقتصادی‌واجتماعی (اکوسوک) Economic and Social Council (ECOSOC)

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، متشکل از ۵۴ عضو است که هر سال به تناوب یک سوم اعضای آن برای یک دورهٔ سه ساله توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و اعضاء می‌توانند برای دورهٔ بعد نیز مجدداً انتخاب شوند.

این شورا زیر نظر مجمع عمومی فعالیت نموده و وظائف آن عبارت است از: بنیانگذاری و یا انجام دادن مطالعات، گزارش‌ها و توصیه‌هایی در مورد همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و تربیتی بین‌المللی و موضوعات مربوط به ترویج احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان و رعایت آنها و تشکیل کنفرانس‌های مربوطه و غیره. رأی‌گیری در شورا با اکثریت ساده صورت می‌گیرد و سالانه دو اجلاس در بهار و تابستان برگزار می‌کند.

شورای اقتصادی و اجتماعی، کار خود را به وسیلهٔ کمیسیون‌ها، کمیته‌ها و دستگاه‌های فرعی مختلف انجام می‌دهد. شورا ۹ کمیسیون موظف دارد که عبارتند از: آمار، جمعیت و توسعه، توسعهٔ اجتماعی، حقوق بشر، مقام زن، مواد مخدر، پیشگیری از وقوع جرم و دادگاه جنایی، علوم و تکنولوژی برای توسعه و کمیسیون توسعه پایدار. همچنین ۵ کمیسیون اقتصادی منطقه‌ای نیز در شورا متشکل شده که عبارتند از: کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (اسه)، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای امریکای لاتین و کارائیب (اکلاک)، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای آسیا و منطقه اقیانوس آرام (اسکاپ)، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای افریقا (اکا) و کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای غرب آسیا (اسکوا). شورای اقتصادی و اجتماعی همچنین وظیفه دارد با سازمان‌های غیر دولتی (ان جی او) نیز ارتباط برقرار نماید و از نظرات مشورتی آنها استفاده نماید.

شورای قیمومت Trusteeship Council

طبق منشور ملل متحد، شورای قیمومت رکن اساسی سازمان ملل برای نظارت بر سرزمین‌هایی است که زیر نظر قیمومت بین‌المللی قرار گرفته‌اند. اعضاء شورا عبارتند از: اعضاء اداره کنندهٔ سرزمین‌های تحت قیمومت، اعضای دائم شورای امنیت و تعدادی از سایر کشورها که در ادارهٔ این گونه سرزمین‌ها نقشی ندارند. به هر حال بایستی تعداد کشورهای اداره کننده و غیر اداره کننده در شورا برابر باشد. در حال حاضر، پس از استقلال آخرین سرزمین تحت قیمومت، یعنی کشور پالائو در سال ۱۹۹۴، هیچ سرزمین دیگری تحت قیمومت این شورا قرار ندارد و اعضای شورا نیز همان پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشند.

دیوان بین‌المللی دادگستری International Court of Justice

دیوان بین‌المللی دادگستری، رکن قضایی اصلی سازمان ملل بوده و فعالیت آن بر طبق اساسنامه‌ای که جزء جدایی ناپذیر منشور ملل متحد به شمار می‌رود، می‌باشد. تمام کشورهای عضو سازمان ملل می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کنند و کشورهای غیر عضو نیز با پذیرفتن صلاحیت قضایی آن، می‌توانند جهت ارائه شکایات خویش مراجعه نمایند. این دیوان صرفاً به شکایات بین کشورها رسیدگی می‌کند و دعواهای اشخاص و سازمان‌ها را نمی‌پذیرد.

اعضاء دیوان عبارتند از ۱۵ قاضی مستقل از ملیت‌های مختلف که توسط «مجمع عمومی» و «شورای امنیت» برای یک دورهٔ ۹ ساله انتخاب می‌شوند. هر یک از نامزدها بایستی جهت انتخاب، اکثریت مطلق آراء را به دست آورند و در رأی‌گیری شورای امنیت، تفاوتی میان آراء اعضاء دائمی و موقت نخواهد بود. مرکز دیوان بین‌المللی دادگستری در شهر لاهه (هلند) واقع شده است.

دبیرخانه Secretariat

دبیرخانهٔ سازمان ملل از یک دبیرکل که به توصیهٔ شورای امنیت و توسط مجمع عمومی منصوب می‌شود و تعدادی کارمند مورد نیاز سازمان در سراسر جهان تشکیل شده است. وظایف دبیرکل از این قرار است: حضور و انجام وظیفه به عنوان دبیرکل (عالی‌ترین مقام اداری سازمان ملل متحد) در کلیهٔ جلسات مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و

اجتماعی و شورای قیمومت و وظایف مشابه آن؛ تهیهٔ گزارش سالانه در بارهٔ کارهای سازمان و سایر گزارشات مکمل مورد نیاز مجمع عمومی و همچنین تعیین کارمندان.

طبق منشور ملل متحد، دبیرکل با توصیه شورای امنیت و تصویب مجمع عمومی برای یک دورهٔ پنج ساله انتخاب می‌شود، دبیرکل کنونی سازمان ملل متحد که از ژانویه ۱۹۹۷ به این سمت برگزیده شده، آقای کوفی عنان، از کشور غنا است و دبیران کل پیشین عبارت بودند از: تریگوه لی، از کشور نروژ (از فوریه ۱۹۴۶ تا نوامبر ۱۹۵۲، که استعفاء داد)؛ داگ هامرشولد، از کشور سوئد (از آوریل ۱۹۵۳ تا مرگ وی در سقوط هواپیما در سپتامبر ۱۹۶۱)؛ او تانت، از برمه یا میانمار کنونی (از نوامبر ۱۹۶۱ به عنوان دبیرکل موقت و از نوامبر ۱۹۶۲ تا دسامبر ۱۹۷۱ به عنوان دبیرکل رسمی)؛ کورت والدهایم، از کشور اتریش (از ژانویه ۱۹۷۲ تا دسامبر ۱۹۸۱)؛ خاویر پرز دکوئیار، از کشور پرو (از ژانویه ۱۹۸۲ تا دسامبر ۱۹۹۱) و پطروس پطروس غالی، از کشور مصر (از ژانویه ۱۹۹۲ تا دسامبر ۱۹۹۶).

کوفی عنان از هنگام به عهده گرفتن دبیرکلی ملل متحد، اصلاحات بسیاری را در نحوهٔ مدیریت این سازمان و حوزه‌های فعالیت آن، به ویژه در زمینهٔ توسعه و تشکیل گروه‌های حافظ صلح به انجام رسانده و برای اولین بار در تاریخ سازمان ملل متحد، پست معاون دبیر کل را ایجاد نموده است. وی از سال ۲۰۰۲ دومین دورهٔ دبیرکلی خود را آغاز کرده است.

مؤسسات تخصصی سازمان ملل Specialiezed Agencies

این مؤسسات کارگزاری‌های جداگانه و خودمختاری به شمار می‌روند که در منشور ملل متحد پیش‌بینی نشده و طبق موافقتنامه‌های خاصی با سازمان ملل متحد مرتبط بوده و از طریق دستگاه‌های هماهنگ کنندهٔ شورای اقتصادی و اجتماعی، با یکدیگر و سازمان ملل همکاری می‌کنند. مؤسسات تخصصی عبارتند از: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ سازمان بین‌المللی کار؛ سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد؛ سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)؛ سازمان جهانی بهداشت؛ بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی)؛ بنگاه مالی بین‌المللی؛ انجمن بین‌المللی توسعه؛ صندوق بین‌المللی پول؛ سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری؛ اتحادیهٔ جهانی پست؛ اتحادیه بین‌المللی مخابرات راه دور؛ سازمان جهانی هواشناسی؛ سازمان بین‌المللی کشتیرانی؛ سازمان جهانی مالکیت معنوی؛ سازمان توسعه صنعتی ملل متحد؛ صندوق بین‌المللی توسعهٔ کشاورزی و سازمان تجارت جهانی. به علاوه سازمان پیمان جامع منع آزمایش‌های هسته‌ای و سازمان منع تولید سلاح‌های شیمیایی نیز توسط مجمع عمومی ایجاد شده‌اند.

مؤسسات وابسته به سازمان ملل متحد

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (یاآا)
International Atomic Energy Agency (IAEA)

این آژانس در ژوئیه سال ۱۹۵۷ با ۸۰ عضو فعالیت خود را آغاز نمود. «یاآا» که از مؤسسات تخصصی سازمان ملل است وظیفه دارد در مورد روش‌های بهتر و امن‌تر استفاده از انرژی اتمی در مصارف صلح جویانه تحقیق و مطالعه نموده و با در اختیار گذاردن تجارب خود کشورهای در حال توسعه را در راه استفاده‌های صنعتی صلح جویانه از انرژی اتمی، منجمله در زمینهٔ مواد غذایی، کشاورزی، بهداشت، آلودگی زیست محیطی و تولید نیروی برق اتمی، یاری نماید. تا سال ۲۰۰۲ تعداد ۱۳۱ کشور، منجمله ایران، در آن عضویت داشته‌اند و مقر آن نیز در شهر وین (اتریش) می‌باشد. «یاآا» همچنین وظیفه دارد با نظارت خود، از تبدیل پسماندهای نیروگاه‌های اتمی و استفاده از آنها در صنایع نظامی جلوگیری نماید.

آژانس چند جانبه ضمانت سرمایه‌گذاری (میگا)
Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA)

این مؤسسه توسط بانک جهانی برای تشویق سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه، از طریق تضمین سرمایه گذاری‌های خارجی در این گونه کشورها به‌وجود آمده است. «میگا» تا سال ۲۰۰۰ موفق شده است تسهیلات لازم برای ۳۳ میلیارد دلار سرمایه گذاری در ۶۹ کشور در حال توسعهٔ عضو را فراهم آورد.

اتحادیه بین‌المللی مخابرات راه دور (ایتو)
International Telecommunication Union (ITU)

این اتحادیه در سال ۱۹۳۴ جانشین «اتحادیه بین‌المللی تلگراف» گردید و در سال ۱۹۴۷ به عنوان یکی از کارگزاریهای تخصصی، به سازمان ملل پیوست. از جمله اهداف آن تعیین طیف فرکانس‌های رادیویی، هماهنگی کوشش‌های بین‌المللی در جهت رفع اختلالات و در هم شدن برنامه‌های رادیویی، کوشش برای تعیین حداقل نرخ برای مخابرات راه دور، همکاری در ایجاد، توسعه و بهبود وضع مخابرات راه دور کشورهای نو استقلال و در حال توسعه، ترغیب اتخاذ ضوابط ایمنی جانی، جمع‌آوری و انتشار مطالعات و تحقیقات و پیشرفت‌های علمی در زمینهٔ مخابرات راه دور در سطح کشورهای عضو، ذکر شده است. تا سال ۲۰۰۳ تعداد ۱۹۱ کشور به عضویت «ایتو» درآمده‌اند و مقر آن نیز در ژنو (سوئیس) می‌باشد.

اتحادیه جهانی پست (یوپو) Universal Postal Union (UPU)

یا «اتحادیه پستی جهانی» که در ژوئیه سال ۱۸۷۴ با عنوان «اتحادیه عمومی پست» ایجاد شد و در سال ۱۹۴۸ با عنوان فعلی، یکی از کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل گردید. هدف از ایجاد آن کمک به سازمان دادن و بهبود بخشیدن به خدمات پستی و کمک به توسعهٔ همکاری بین‌المللی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن ذکر گردیده است. ۱۹۱ کشور تا سال ۲۰۰۳ به عضویت آن درآمده‌اند و مقر «یوپو» در برن (سوئیس) می‌باشد.

انجمن بین‌المللی توسعه (ایدا) International Development Association(IDA)

«ایدا» از مؤسسات تخصصی سازمان ملل است که در سال ۱۹۶۰ به عنوان یک دستگاه وابسته به «بانک جهانی» تأسیس گردید. هدف از ایجاد آن کمک به توسعهٔ اقتصادی کشورهای در حال توسعه‌ای که به عضویت انجمن درآمده‌اند، از طریق اعطای وام‌هایی با شرایط آسان ذکر گردیده است. وام‌های بدون بهرهٔ آن معمولاً به کشورهایی اعطاء می‌شود که درآمد سرانهٔ آنها کمتر از ۸۹۵ دلار است و بازپرداخت اقساط ۳۰ تا ۴۰ سالهٔ آن نیز ۱۰ سال پس از پرداخت وام آغاز می‌گردد. وام‌های این مؤسسه عمدتاً به منظور تأمین نیازهای اساسی مردم کشورها، از جمله آموزش و پرورش ابتدایی، خدمات بهداشتی اولیه، تأمین آب آشامیدنی، و همچنین بهبود زیرساخت‌های اقتصادی و کمک به آزادسازی اقتصادی پرداخت می‌گردد. ۱۶۱ کشور تا سال ۲۰۰۲ به «ایدا» پیوسته‌اند و مقر آن در شهر واشینگتون (امریکا) می‌باشد.

بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی / ایبرد)
International Bank for Reconstruction and Development (World Bank/IBRD)

هدف از تأسیس این بانک در دسامبر ۱۹۴۵ بدین گونه ذکر گردیده است: کمک به توسعهٔ اقتصادی کشورهای عضو و بالا بردن سطح زندگی ملت‌های جهان و اعطای وام‌هایی در جهت تولید، به مؤسسات دولتی و یا خصوصی که از ضمانت دولت برخوردار هستند. حق رأی کشورهای عضو به میزان سرمایهٔ آن کشورها در بانک بستگی دارد و به همین لحاظ دولت امریکا به خاطر بیشترین سهم سرمایه گذاری، از قدرت رأی بسیار بالایی برخوردار است. انجمن بین‌المللی توسعه، آژانس ضمانت چند جانبه سرمایه گذاری، مرکز بین‌المللی رفع اختلافات سرمایه گذاری و بنگاه مالی بین‌المللی نیز وابسته به بانک جهانی می‌باشند. ۱۸۳ کشور تا سال ۲۰۰۲ در «بانک جهانی» عضویت یافته‌اند و مقر آن در شهر واشینگتون (امریکا) می‌باشد.

برنامه جهانی خواربار (وفپ) World Food Program (WFP)

نام برنامه‌ای است که در سال ۱۹۶۳ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به وجود آمده و تحت سرپرستی مشترک سازمان ملل و «فائو» قرار دارد. مقر اجرایی این برنامه در شهر رم (ایتالیا) می‌باشد و بزرگترین مؤسسه ارائه دهندهٔ کمک‌های غذایی به کشورهای فقیر جهان، به ویژه در مواقع اضطراری و بروز جنگ می‌باشد.

برنامهٔ توسعه ملل متحد (آندپ) UN Development Program (UNDP)

برنامه‌ای است که در سال ۱۹۶۵ جایگزین «برنامهٔ گسترده کمک‌های فنی» (اپتا) و «صندوق ویژه سازمان ملل متحد» گردیده تا وظایف هر دو برنامهٔ فوق را به طور هماهنگ انجام دهد. این مؤسسه قوی‌ترین نهاد ارائه دهندهٔ کمک‌های توسعه‌ای به کشورهای در حال رشد جهان است و همه ساله نشریه گزارش توسعهٔ انسانی را در مورد بررسی وضعیت توسعهٔ انسانی منتشر می‌نماید.

بنگاه مالی بین‌المللی (ایفک) International Finance Coroation (IFC)

این مؤسسه که از کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل می‌باشد، در سال ۱۹۶۵ با عنوان وابستهٔ «بانک جهانی» تأسیس گردید. هدف از ایجاد آن توسعهٔ اقتصادی کشورهای عضو، به ویژه کشورهای در حال توسعه، از طریق ترغیب رشد تولید صنایع خصوصی این کشورها ذکر گردیده است. مقر آن در شهر واشینگتون (امریکا) بوده و تا سال ۲۰۰۲ تعداد ۱۷۴ کشور در آن عضویت داشته‌اند.

دفتر کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان (آنکر)
UN High Commissioner for Refugees (UNHCR)

از وظایف این دفتر که در ژانویهٔ ۱۹۵۱ توسط مجمع عمومی به وجود آمده، رسیدگی به وضع پناهندگانی است که در اثر ترس مستدل از تعقیب و ایذاء به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی و یا عقاید سیاسی، در خارج از موطن اصلی خود به سر می‌برند و نمی‌توانند و یا در اثر ترس از دولت مطبوع خود نمی‌خواهند تبعه یا تحت‌الحمایهٔ آن کشور باشند. امور پناهندگانی که توسط سایر کارگزاریهای سازمان ملل متحد رسیدگی می‌شود، تحت نظارت این دفتر

نمی‌باشد، مانند پناهندگان فلسطینی، که خود زیر نظر «کارگزاری امداد و نوتوانی ملل متحد برای پناهندگان فلسطین در خاور نزدیک» قرار دارند. مقر دفتر در ژنو (سوئیس) بوده و دارای شعباتی نیز در استرالیا، اتریش، الجزایر، انگلستان، امریکا، اوگاندا، ایتالیا، بلژیک، بوروندی، تانزانیا، ترکیه، کنگو (زئیر)، آلمان، مصر، سنگال، فرانسه، کلمبیا، لبنان، ماکائو، مغرب، نپال، هلند، یونان و تونس می‌باشد. «آنکر» همچنین خبرگزارانی در آرژانتین، اسپانیا، اکوادور، پرتغال، افریقای جنوبی، شیلی، کانادا، لوکزامبورگ، ونزوئلا و یوگسلاوی دارد. «آنکر» از بدو تأسیس تاکنون بیش از ۵۰ میلیون نفر از پناهندگان را تحت پوشش قرار داده و دوبار نیز طی سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۸۱ موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شده است.

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)
UN Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

«یونسکو» در نوامبر سال ۱۹۴۶ تأسیس شده و هدف از تشکیل آن کمک به صلح و امنیت جهانی از طریق ترویج همکاری میان ملت‌ها به وسیلهٔ آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ در جهت ایجاد احترام به عدالت، حکومت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان ذکر گردیده است. هیئت مجریهٔ ۵۸ نفری یونسکو برای نظارت بر برنامه‌های آن توسط کنفرانس عمومی این سازمان، مرکب از نمایندگان کشورهای عضو، انتخاب شده و حداقل سالی دوبار تشکیل جلسه می‌دهد. مقر یونسکو در شهر پاریس (فرانسه) بوده و تا سال ۲۰۰۲ تعداد ۱۸۵ کشور در آن عضویت داشته‌اند.

سازمان بین‌المللی کار (ایلو) International Labour Organization (ILO)

این سازمان طبق «معاهدهٔ ورسای» در سال ۱۹۱۹ به عنوان یک مؤسسهٔ خودمختار و وابسته به «جامعهٔ ملل» تأسیس گردید، که پس از انحلال جامعهٔ ملل در سال ۱۹۴۶ به عنوان اولین کارگزاری تخصصی، به سازمان ملل ملحق شد. از جمله اهداف آن بهبود شرایط کار و ارتقاء سطح زندگی کارگران از راه اقدامات بین‌المللی ذکر گردیده و بدین منظور، «ایلو» دولت‌ها، کارگران و کارفرمایان را گرد هم آورده، حداقل موازین بین‌المللی را به آنان توصیه می‌کند. ایلو تنها سازمان بین‌المللی است که کارگران نیز در آن نماینده دارند، زیرا در این سازمان علاوه بر دولت‌ها، کارگران و کارفرمایان کشورها نیز دارای نمایندگانی هستند. «کنفرانس بین‌المللی کار» رکن اصلی مشورتی «ایلو» است که هرسال در مقر آن (ژنو - سوئیس) برگزار می‌گردد. هیئت مدیرهٔ «ایلو» از نمایندگان ۲۸ دولت و ۱۴ نماینده کارگران و ۱۴ نمایندهٔ کارفرمایان تشکیل یافته و معمولاً سالی سه یا چهار بار در ژنو تشکیل جلسه می‌دهد. ۱۷۵ کشور در سال ۲۰۰۲ در آن عضویت داشته‌اند، این سازمان در سال ۱۹۶۹، به خاطر فعالیت‌های ۵۰ ساله‌اش، جایزهٔ صلح نوبل را به خود اختصاص داد.

سازمان بین‌المللی کشتیرانی (ایمو)
Internationl Maritime Organization (IMO)

این سازمان در طی سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۹ پایه‌گذاری گردید و از ژانویهٔ ۱۹۵۹ رسماً فعالیت خویش را آغاز نمود. از جمله اهداف آن تسهیل همکاری و مبادلهٔ اطلاعات میان دولت‌ها دربارهٔ موضوعات مربوط به کشتیرانی و ایجاد عالی‌ترین معیارهای ایمنی دریایی و دریانوردی و همچنین جلوگیری از آلودگی آب‌های اقیانوس‌ها و دریاها توسط کشتی‌ها ذکر گردیده است. ۱۶۱ کشور تا سال ۲۰۰۲ به عضویت «ایمو» درآمده‌اند و مقر آن در شهر لندن (انگلستان) قرار دارد.

سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو)
International Civil AviationOrganization (ICAO)

این سازمان به عنوان یکی از مؤسسات تخصصی سازمان ملل، در آوریل سال ۱۹۴۶ با ۲۶ عضو آغاز به کار نمود. هدف‌ها و مقاصد عمدهٔ آن که در میثاق مربوطه ذکر شده‌اند عبارت است از: توسعهٔ مطمئن و منظم هواپیمایی کشوری بین‌المللی در سراسر جهان؛ تشویق صنایع هواپیماسازی جهت مصارف صلح‌آمیز؛ تشویق ایجاد و توسعهٔ خطوط هوایی، فرودگاه‌ها و تسهیلات هوانوردی؛ برآوردن نیازهای مردم جهان برای مسافرت‌های هوایی مطمئن، مرتب، صحیح و با صرفه؛ و به طور کلی کمک به توسعهٔ کلیهٔ جنبه‌های فنی هواپیمایی کشوری بین‌المللی. در سال ۲۰۰۲ تعداد ۱۸۶ کشور در «ایکائو» عضویت داشته‌اند و مقر آن در مونترئال (کانادا) می‌باشد.

سازمان تجارت جهانی (وتو) World Trade Organization (WTO)

سازمان تجارت جهانی، به عنوان تنها نهاد بین‌المللی مرتبط با قوانین بین‌المللی حاکم بر تجارت میان ملت‌ها در سال ۱۹۹۵ به جای «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» (گات) تأسیس گردید. اگرچه سازمان تجارت جهانی به عنوان کارگزاری تخصصی سازمان ملل متحد عمل نمی‌کند، اما در عمل، همکاری‌های نزدیکی میان این دو نهاد وجود دارد.

هدف از تأسیس این سازمان، کمک به جریان آزاد مبادلات تجاری، در یک سیستم قانونمند؛ رفع اختلافات در روابط تجاری میان کشورها؛ و سازمان دادن به گفتگو و تفاهم در امور تجاری ذکر شده است. حدود ۶۰ موافقتنامه در این سازمان به تصویب رسیده که شالودهٔ اساسی سیاست‌ها و قوانین تجارت بین‌المللی را تشکیل می‌دهد.

اصول اولیه و بنیادی این موافقتنامه‌ها بر عدم تبعیض، تجارت آزاد، تشویق رقابت‌های تجاری، و ایجاد تسهیلات فوق‌العاده برای کشورهای در حال توسعه نهاده شده است. یکی از اهداف عمده «وتو» کاهش «حمایت‌های دولتی» در بازرگانی بین‌المللی است، که از طریق یکسان‌سازی یا حذف تعرفه‌های گمرکی دنبال می‌شود.

کشورهای عضو «گات» در آوریل ۱۹۹۴، سند نهایی را در مغرب مورد تأیید قرار دادند و از اول ژانویه ۱۹۹۵ این ۱۲۸ کشور به عنوان اعضای اولیه «وتو» شناخته شدند. این سازمان برای پذیرش اعضای جدید شرایط و مقررات سختی را پیش‌بینی نموده و به همین لحاظ، روند عضویت کشورها با کندی پیش می‌رود. از جمله دولت ایران نیز که در سال ۱۹۹۷ تقاضای عضویت نموده تا پایان سال ۲۰۰۲ نیز، عضویت آن مورد تأیید قرار نگرفته است. با تأیید عضویت مقدونیه در آوریل ۲۰۰۳ تعداد کشورهای عضو به ۱۴۶ کشور رسیده و مقر آن در شهر ژنو (سوئیس) واقع است.

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)
UN Industrial Development Organization (UNIDO)

«یونیدو» در ژانویه ۱۹۶۷ به عنوان یک مؤسسهٔ خودمختار در داخل تشکیلات سازمان ملل متحد به وجود آمد تا به صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه کمک کرده و آهنگ رشد آنان را تسریع نماید. همچنین ایجاد هماهنگی میان کارگزاری‌های سازمان ملل در این زمینه نیز به آن واگذار گردیده است. در سال ۱۹۸۵ به یکی از کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد تبدیل گردید. ۱۷۲ کشور در سال ۲۰۰۲ در «یونیدو» عضویت داشته‌اند و مقر آن در شهر وین (اتریش) می‌باشد.

سازمان جهانی بهداشت (وهو) World Health Organization (WHO)

«وهو» در سال ۱۹۴۸ با شرکت ۲۶ کشور به عنوان یکی از کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل تأسیس شد و هدف آن حصول عالی‌ترین سطح ممکن بهداشت برای همهٔ مردم ذکر گردیده است. از جمله وظایف آن عبارتند از: هماهنگی کارهای بهداشتی بین‌المللی، تشویق و پیشبرد فعالیت‌های ریشه‌کنی بیماری‌های واگیردار بومی و سایر بیماری‌ها؛ کمک به بهبود معیارهای آموزشی و تعلیماتی در زمینهٔ بهداشت، پزشکی و حرفه‌های وابسته به آن؛ ایجاد و ترغیب به ایجاد ضوابط بین‌المللی برای شیوه‌های تشخیص بیماری‌ها؛ و کمک به فعالیت‌هایی که در زمینهٔ بهداشت روانی به عمل می‌آید. مجمع جهانی بهداشت که هر سال با شرکت نمایندگانی از کشورهای عضو تشکیل می‌شود، سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان را تعیین می‌کند.

هیئت مدیره «وهو» متشکل از ۳۰ عضو است که توسط مجمع جهانی بهداشت انتخاب می‌شوند. در سال ۲۰۰۲ تعداد ۱۹۱ کشور در آن عضویت داشته‌اند و مقر آن در ژنو (سوئیس) می‌باشد.

سازمان جهانی مالکیت معنوی (ویپو)
World Intellectual Property Organization (WIPO)

این سازمان در سال ۱۹۷۰ تأسیس و در سال ۱۹۷۴ به جرگهٔ کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل پیوست. اهداف آن عمدتاً بدین شرح است: ترویج حمایت از مالکیت‌های معنوی در سراسر جهان از طریق همکاری میان دولت‌ها و در هنگام مناسب از طریق همکاری با سایر سازمان‌های بین‌المللی و حصول اطمینان نسبت به همکاری اداری میان دولت‌ها در تقویت موافقتنامه‌های متعدد بین‌المللی پیرامون موضوعاتی مانند علائم، طرح‌های صنعتی، طبقه‌بندی کالاها و خدمات و حمایت از نامگذاری اولیه، حمایت از آثار ادبی و هنری، حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان، عکاسان و مانند آنها. ۱۷۳ کشور در سال ۲۰۰۲ در «ویپو» عضویت داشته‌اند و مقر آن در شهر ژنو (سوئیس) می‌باشد.

سازمان جهانی هواشناسی (ومو) World Meteorogical Organization (WMO)

سازمان جهانی هواشناسی در سال ۱۹۴۷ جایگزین «سازمان بین‌المللی هواشناسی» که در ۱۸۷۸ تأسیس شده بود، گردید و از سال ۱۹۵۱، به یکی از سازمان‌های تخصصی سازمان ملل تبدیل گردید. از جمله مقاصد آن: تسهیل همکاری بین‌المللی در زمینهٔ تأسیس ایستگاه‌ها و مراکز هواشناسی؛ کمک به ایجاد و حفظ سیستم‌های معادلهٔ سریع اطلاعات هواشناسی؛ کمک به استاندارد کردن آمار و اطلاعات هواشناسی؛ استفادهٔ هرچه بیشتر از هواشناسی در هوانوردی، دریانوردی، کشاورزی و سایر فعالیت‌های انسانی؛ و تشویق پژوهش و آموزش در زمینهٔ هواشناسی ذکر شده است. در سالیان اخیر «ومو» توجه ویژه‌ای را به مسئلهٔ از میان رفتن لایهٔ اوزون، گرم شدن هوای زمین و کمبود آب آشامیدنی مبذول داشته است. ۱۸۵ کشور در سال ۲۰۰۲ در آن عضویت داشته‌اند و مقر سازمان در شهر ژنو (سوئیس) قرار دارد.

سازمان خواربار وکشاورزی ملل متحد (فائو)
Food and Agriculture Organization (FAO)

«فائو» در ۱۶ اکتبر ۱۹۴۵ تأسیس گردیده و هدف از تشکیل آن کمک به اعضاء خود برای ایجاد یک سرویس اطلاعاتی شامل حقایق و آمار مربوط به تغذیه، کشاورزی، جنگلداری، شیلات و همچنین ارزشیابی و پیش‌بینی تولید، توزیع و مصرف؛ پیشبرد اقدامات ملی و بین المللی در زمینهٔ بهبود تولید، بازاریابی، تبدیل و توزیع محصولات کشاورزی و حفظ منابع طبیعی؛ تعیین سیاست‌های مربوط به تأمین اعتبار و مبادلهٔ کالا و تضمین کمک‌های مذکور در فوق برای متقاضیان می‌باشد.

فائو بزرگترین مؤسسهٔ تخصصی سازمان ملل محسوب گردیده و دارای یک «کنفرانس عمومی» مرکب از نمایندگان همهٔ کشورهای عضو است که هر دو سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. «شورای فائو» که مرکب از نمایندگان ۴۹ کشور است توسط کنفرانس عمومی انتخاب می‌گردد. مرکز «فائو» در شهر رم (ایتالیا) قرار دارد و تا سال ۲۰۰۲ تعداد ۱۸۰ کشور به عضویت آن درآمده‌اند.

صندوق بین المللی پول (ایمف) International Monetary Fund (IMF)

صندوق بین المللی پول در کنفرانس برتون وودز، در سال ۱۹۴۴ تأسیس یافته و اهداف عمده از ایجاد آن عبارتند از: تسهیل همکاری پولی بین المللی؛ ایجاد ثبات در نرخ برابری ارزها و تنظیم این نرخ‌ها؛ کمک به برقراری یک نظام چند جانبه، پرداخت‌های ارزی و از میان برداشتن محدودیت‌های ارزی؛ و ارائه کمک‌های لازم برای تأمین منابع مالی کشورها در جهت حفظ موازنه پرداخت آنها.

وظیفه اصلی «ایمف» تأمین اعتبارات موردی و موقت برای اعضایی است که در موازنهٔ پرداخت‌های خود با مشکل مواجه شده‌اند. در عوض کشورهایی که از این اعتبارات استفاده می‌کنند، موظفند اصلاحاتی را که صندوق بین المللی پول برای رفع این اشکالات توصیه می‌نماید، اجرا کنند. تا سال ۲۰۰۲ تعداد ۱۸۱ کشور به عضویت صندوق بین المللی پول درآمده‌اند و مرکز آن در شهر واشینگتون (امریکا) قرار دارد.

صندوق بین المللی توسعهٔ کشاورزی (ایفاد)
International Fund For Agricultural Development (IFAD)

نخستین اقدام برای تأسیس «صندوق بین المللی توسعه کشاورزی» در کنفرانس جهانی خواربار (در رم) در سال ۱۹۷۴ انجام یافت و در ۲۹ دسامبر ۱۹۷۷ با تصویب مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی «سازمان ملل متحد»، «ایفاد» به عنوان یکی از کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل تأسیس گردید. از جمله اهداف آن مبارزه با گرسنگی و فقر روستائیان در کشورهای در حال توسعه از طریق ارائه وام و کمک‌های بلاعوض به منظور رشد و توسعهٔ امور کشاورزی در این گونه کشورها عنوان شده است. منابع مالی این صندوق توسط بانک جهانی، بانک‌های عمران منطقه‌ای و سایر مؤسسات وابسته به سازمان ملل، و همچنین کمک‌های داوطلبانهٔ برخی کشورها، بازپرداخت وام‌ها و درآمد حاصل از سرمایه گذاری‌های «صندوق» تأمین می‌شود. مرکز «ایفاد» در شهر رم (ایتالیا) می‌باشد.

صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)
United Nations Children's Fund (UNICEF)

این صندوق در دسامبر سال ۱۹۴۶ با عنوان «صندوق کمک‌های اضطراری بین المللی سازمان ملل متحد برای کودکان» توسط مجمع عمومی سازمان ملل به وجود آمد. در ابتدا وظیفهٔ آن کمک به کودکان صدمه دیده از جنگ بود ولی از سال ۱۹۵۰ وظایف آن گسترش پیدا کرده و به «صندوق کودکان ملل متحد» تغییر نام یافت، لیکن عنوان «یونیسف» که علامت اختصاری حروف نام قبلی آن بود، همچنان به قوت خود باقی ماند. «یونیسف» در بیش از ۱۸۹ کشور یا سرزمین غیر مستقل انجام وظیفه می‌کند و مرکز آن در نیویورک (امریکا) قرار دارد.

کارگزاری امداد و نوتوانی ملل متحد برای پناهندگان فلسطین در خاور نزدیک (آنروا)
UN Reliefs and Works Agency for Palestine Refugees in the Near East (UNRWA)

این کارگزاری در سال ۱۹۴۹ فعالیت خویش را در جهت تأمین و ارائهٔ خدمات اساسی به پناهندگان فلسطینی که پس از اشغال سرزمینشان توسط صهیونیست‌های اسرائیلی، در کشورهای همجوار اردن، لبنان، سوریه و یا کرانهٔ غربی رود اردن و نوار غزه به سر می‌بردند آغاز نمود. در ابتدا حدود ۰۰۰، ۷۵۰ فلسطینی تحت پوشش این کارگزاری قرار داشت و این رقم تا سال ۲۰۰۰ به ۳/۷ میلیون نفر رسیده است. مقر آن در حال حاضر در دو شهر غزه و عمان (اردن) قرار دارد.

کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا(اسه)
Economic Commission for Europe (ECE)

این کمیسیون در سال ۱۹۴۷ توسط «شورای اقتصادی و اجتماعی» سازمان ملل متحد به منظور ایجاد هماهنگی در اقدامات مختلف برای تسهیل فعالیت‌های مشترک در جهت نوسازی اقتصادی اروپا، ارتقاء سطح فعالیت‌های اقتصادی اروپا و همچنین حفظ و تقویت روابط اقتصادی کشورهای اروپایی و غیر اروپایی تأسیس گردید. ۵۵ کشور در سال ۲۰۰۲ در «اسه» عضویت داشته و مقر آن در شهر ژنو (سوئیس) می‌باشد.

کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای افریقا (اکا)
Economic Commission for Africa (ECA)

«اکا» در آوریل سال ۱۹۵۸ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به منظور هماهنگ کردن اقدامات مختلف جهت توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی افریقا؛ حفظ و تقویت روابط اقتصادی کشورهای افریقایی؛ و عهده‌داری و سرپرستی تحقیقات، پژوهش‌ها و مطالعات مربوط به مسائل اقتصادی و فنی تأسیس گردیده است. مقر «اکا» در شهر آدیس‌آبابا (اتیوپی) بوده و ۵۳ کشور در سال ۲۰۰۲ در آن عضویت داشته‌اند.

کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای امریکای لاتین و کارائیب (اکلاک)
Economic Commission for Latin America and the Caribbean (ECLAC)

این کمیسیون در فوریه سال ۱۹۴۸ به منظور ترویج اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی در میان کشورهای منطقهٔ امریکای لاتین، توسط «شورای اقتصادی و اجتماعی» سازمان ملل متحد تأسیس گردید. مرکز «اکلاک» در شهر سانتیاگو (شیلی) واقع است و ۴۱ کشور در سال ۲۰۰۲ در آن عضویت داشته‌اند.

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و منطقه اقیانوس آرام (اسکاپ)
Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (ESCAP)

این کمیسیون در سال ۱۹۷۴ به دنبال گسترش حوزهٔ فعالیت «اکافه» تأسیس، و جایگزین آن گردید. از اهم وظایف آن هماهنگی اقدامات مشترک در جهت ارتقاء وضعیت اقتصادی، فنی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای عضو به منظور بالا بردن سطح زندگی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین المللی؛ ایجاد شرایط مناسب برای بحث و تبادل نظر در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی بین اعضاء؛ ارائه کمک‌های فنی و خدمات مشورتی بر اساس درخواست دولت‌های عضو و تلاش در جهت جذب کمک‌های مورد نیاز از منابع خارج از «اسکاپ»؛ و ایجاد مراکز تبادل اطلاعات اقتصادی و اجتماعی در سطح منطقه ذکر گردیده است. در سال‌های اخیر حوزه فعالیت آن به گسترش بازرگانی و سرمایه گذاری میان کشورهای منطقه، انتقال تکنولوژی، خصوصی سازی و کارآفرینی، محیط زیست، مبارزه با فقر و استعمال مواد مخدر، توسعه اجتماعی و مهاجرت نیروی کار گسترش یافته است. در سال ۲۰۰۲ تعداد ۵۱ کشور در «اسکاپ» عضویت داشته‌اند و مقر آن در شهر بانکوک (تایلند) می‌باشد.

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای غرب آسیا (اسکوا)
Economic and Social Commission for Western Asia (ESCWA)

«اسکوا» توسط «شورای اقتصادی و اجتماعی» سازمان ملل متحد به منظور کمک به بالا بردن سطح فعالیت‌های اقتصادی در غرب آسیا و حفظ و تقویت روابط اقتصادی کشورهای منطقه و سایر کشورهای جهان با کشورهای عضو در سال ۱۹۷۳ تأسیس گردیده است. ۱۳ کشور در «اسکوا» عضویت دارند و مقر آن در شهر بیروت (لبنان) می‌باشد.

کنفرانس تجارت و توسعهٔ ملل متحد (اونکتاد)
UN Conference on Trade and Development (UNCTAD)

این کنفرانس در دسامبر ۱۹۶۴ به عنوان یکی از ارکان دائمی مجمع عمومی تشکیل گردیده و وظیفه دارد که: ۱- بازرگانی بین المللی را توسعه دهد. ۲- اصول سیاست‌های بازرگانی بین المللی و مسائل مربوط به آن را تنظیم نماید. ۳- فعالیت‌های سایر مؤسسات عضو سازمان ملل را در زمینهٔ بازرگانی هماهنگ کند. ۴- جهت انعقاد موافقت‌نامه‌های چند جانبه در زمینهٔ بازرگانی بین المللی اقدام نماید. ۵- مرکزی برای هماهنگ کردن بازرگانی و سیاست‌های عمرانی دولت‌ها و گروه‌های اقتصادی منطقه‌ای که به بازرگانی مربوط است، ایجاد نماید.

کنفرانس اونکتاد، به عنوان عالی‌ترین نهاد آن بایستی هر چهار سال یک بار با شرکت تمام کشورهای عضو تشکیل جلسه دهد. مقر آن در ژنو (سوئیس) بوده و در کنفرانس سال ۲۰۰۰ تعداد ۱۹۰ کشور شرکت داشته‌اند.

موسسهٔ آموزشی و پرورشی ملل متحد (یونیتار)
UN Institute for Training and Research (UNITAR)

«یونیتار» به عنوان یک مؤسسهٔ خودمختار در چهارچوب سازمان ملل متحد و متکی بر کمک‌های داوطلبانهٔ دولت‌ها و منابع غیر دولتی در سال ۱۹۶۵ به وجود آمد. از جمله وظایف آن: تعلیم افرادی از کشورهای در حال توسعه برای اشتغال به کار در سازمان‌های ملل متحد و یا ادارات دولتی کشورهایشان و همچنین انجام مطالعاتی مربوط به وظایف و هدف‌های

سازمان ملل ذکر گردیده است. مقر «یونیتار» در ژنو (سوئیس) واقع است و دفتری نیز در نیویورک (امریکا) دارد.

سایر سازمان‌ها و مجامع

در این قسمت برای تفکیک هریک از اسامی انگلیسی، فرانسه و یا اسپانیولی حروف خاصی مورد استفاده قرار گرفته که به ترتیب برای انگلیسی از نوع (Union) فرانسه *(Union)* و اسپانیولی **(Union)** استفاده شده است.

آژانس بین‌المللی انرژی (ینا) International Energy Agency (IEA)

این مؤسسه در سال ۱۹۷۴ در پاریس توسط «او اسی دی» تأسیس شده و از جمله وظایف آن بسط همکاری و هماهنگی میان کشورهای عمدهٔ مصرف کنندهٔ نفت، تقویت، تضمین و ثبات بازار جهانی نفت؛ و تحقیق و انتشار اطلاعات مربوط به انرژی‌های جایگزین نفت می‌باشد. ۲۳ کشور در آن عضویت دارند که شامل آلمان، اتریش، اسپانیا، استرالیا، امریکا، انگلستان، ایتالیا، ایرلند، بلژیک، پرتغال، ترکیه، دانمارک، زلاند نو، ژاپن، سوئد، سوئیس، فرانسه، فنلاند، کانادا، لوکزامبورگ، نروژ، هلند و یونان بوده و مقر آن در پاریس می‌باشد.

آژانس فضایی اروپا (اسا) European Space Agency (ESA)

«اسا» در سال ۱۹۷۵ به منظور اتخاذ سیاست‌های مشترک اروپایی در مورد برنامه‌های مهم تحقیقات فضایی و ایجاد آزمایشگاه‌های فضایی، موشک‌های حامل و ماهواره‌های دریانوردی، هواشناسی، اطلاعاتی (خبرگیری) و علمی تأسیس گردید. کشورهای مؤسس آن عبارتند از: آلمان، اسپانیا، انگلستان، ایتالیا، بلژیک، دانمارک، سوئد، سوئیس، فرانسه و هلند. اتریش، ایرلند، فنلاند و نروژ نیز بعدها به عضویت این مؤسسه درآمده‌اند و مقر «اسا» در پاریس می‌باشد.

اتحادیه اروپا The European Union (EU)

سنگ بنای اتحادیه اروپا با امضای پیمان مربوط به تشکیل «جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا» در سال ۱۹۵۱ که به تأسیس این جامعه در سال ۱۹۵۲ گردید، گذاشته شد. سپس در سال ۱۹۵۷ «پیمان رم» برای تأسیس «جامعهٔ اقتصادی اروپا» به امضاء رسید و همزمان با آن «جامعه انرژی اتمی اروپا» نیز تشکیل گردید. در سال ۱۹۶۵ دستور کار تشکیل نهادهای مشترک میان این سه جامعه تعیین شد و از ژانویه ۱۹۶۷ با تشکیل جامعه اروپا به اجرا درآمد.

در دسامبر ۱۹۹۱، پیمان جدیدی در شهر ماستریخت هلند به امضای سران جامعهٔ اروپا رسید که بر اساس آن اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۳ پا به عرصه وجود گذاشت. با تأسیس اتحادیه اروپا، شهروندان کشورهای عضو علاوه بر تابعیت کشورهای متبوع خود، تابعیت اتحادیه اروپا را نیز به دست آوردند. از اهداف تشکیل این اتحادیه، گسترش هرچه بیشتر همکاریهای اقتصادی و مالی؛ اتخاذ سیاست‌های مشترک در امور خارجی و دفاعی؛ و همکاری در امور قضایی و داخلی کشورهای عضو، ذکر گردیده است.

نهادهای عمدهٔ اتحادیهٔ اروپا عبارتند از: کمیسیون اروپا، که اعضای آن توسط شورای اتحادیه اروپا تعیین می‌شوند؛ شورای اتحادیه اروپا، که از سران دولت‌های عضو تشکیل گردیده و حداقل سالی دوبار، در کشوری که ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را به عهده دارد و یا شهر بروکسل، بلژیک، تشکیل جلسه می‌دهد؛ پارلمان اروپا، که اعضای آن توسط آرای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند و دیوان دادگستری جوامع اروپایی. ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا، هر شش ماه یک بار به یکی از کشورهای عضو واگذار می‌شود و امور هدایت اتحادیه با همکاری رئیس دورهٔ قبل و رئیس دورهٔ بعد که اصطلاحاً به آن عنوان «ترویکا» داده‌اند به اجرا درمی‌آید.

کشورهای آلمان، بلژیک، ایتالیا، فرانسه، لوکزامبورگ و هلند، کشورهای مؤسس شناخته می‌شوند و سایر اعضای آن عبارتند از: انگلستان (۱۹۷۳)، ایرلند (۱۹۷۳)، دانمارک (۱۹۷۳)، یونان (۱۹۸۱)، اسپانیا (۱۹۸۵)، پرتغال (۱۹۸۵)، اتریش (۱۹۹۵)، سوئد (۱۹۹۵) و فنلاند (۱۹۹۵).

یورو، واحد پول اروپایی، که از سال ۱۹۹۹ در مبادلات بانکی و نقل و انتقالات حواله‌ای در میان کشورهای عضو، رایج شده بود، از ژانویه سال ۲۰۰۲ در دوازده کشور اتحادیه اروپا به صورت سکه و اسکناس نیز رواج یافت و در طی مدت کمتر از دو ماه تمامی این دوازده کشور، پول ملی خود را از دور خارج نمودند. از میان ۱۵ عضو اتحادیه اروپا، کشورهای انگلستان، دانمارک و سوئد، هنوز از پول ملی خود استفاده می‌کنند.

در پی اعلام آمادگی اتحادیه اروپا برای پذیرش اعضای جدید، کشورهای متعددی از سراسر اروپا درخواست عضویت در این اتحادیه را نموده‌اند، که تقاضای عضویت کشورهای استونی، اسلوواکی، اسلوونی، چک، قبرس (بخش یونانی‌نشین)، لاتویا، لهستان، لیتوانی، مالت و مجارستان مورد تأیید قرار گرفته و این کشورها از سال ۲۰۰۴ رسماً به جرگه کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌پیوندند.

اتحادیهٔ اروپای غربی (وئو) Western European Union (WEU)

سازمان دفاعی مشترکی است که توسط کشورهای گروه بنلوکس، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و آلمان تأسیس گردیده و زیر نظر پیمان آتلانتیک شمالی انجام وظیفه می‌کند. مقر «وئو» در بروکسل (بلژیک) بوده و ۷ کشور در آن عضویت دارند.

اتحادیهٔ افریقا African Union

رجوع شود به سازمان وحدت افریقا.

اتحادیهٔ اقتصادی بنلوکس (بنلوکس) Benelux Economic Union (BENELUX)

اتحادیه‌ای است بین سه کشور بلژیک، هلند و لوکزامبورگ که در ابتدا از سال ۱۹۴۸، به صورت اتحادیهٔ گمرکی فعالیت داشت ولی از سال ۱۹۵۸ تبدیل به اتحادیه اقتصادی گردید. مقر آن در بروکسل (بلژیک) بوده و از بخش‌های فرعی جامعهٔ اقتصادی اروپا به شمار می‌رود (کلمهٔ «بنلوکس» از حروف اول نام سه کشور عضو تشکیل گردیده است).

اتحادیهٔ بین‌المجالس (ایپو) Inter-Parliamentary Union (IPU)

قدیمی‌ترین سازمان بین‌المللی جهان است که تا زمان حاضر فعالیت داشته و برای اولین بار در سال ۱۸۸۹ در پاریس تشکیل گردیده و سپس از سال ۱۹۲۰ به صورت کنونی احیاء گردیده است. از جملهٔ اهداف آن حفظ و تقویت دموکراسی پارلمانی، ایجاد یک اتحاد آزاد میان مجالس قانونگذاری جهان اعم از کشورهای پیشرفته یا در حال توسعه، و همچنین رفع منازعات و اختلافات بین‌المللی از طریق نمایندگان مجالس قوه مقننه ذکر شده است. مقر «ایپو» در شهر ژنو (سوئیس) بوده و در سال ۲۰۰۳ تعداد اعضای آن به ۱۴۵ کشور بالغ شده است.

اتحادیهٔ عرب (الجامعة العربیه) The Arab League

یا «جامعهٔ عرب» اتحادیه‌ای است که در سال ۱۹۴۵ با امضای پیمانی میان دولت‌های اردن، سوریه، عراق، عربستان سعودی، مصر و یمن در قاهره تشکیل گردید. هدف از تشکیل آن عمدتاً در حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشورهای عضو و ایجاد همکاری و تعاون نزدیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین آنها خلاصه می‌شود. اعضائی که بعداً به این اتحادیه پیوستند عبارتند از: لیبی، سودان، تونس، مغرب، الجزایر، بحرین، جیبوتی، کویت، لبنان، موریتانی، عمان، قطر، سومالی، امارات متحده عربی و سازمان آزادیبخش فلسطین.

در سال ۱۹۷۹ مصر به دلیل شرکت در پیمان کمپ دیوید و اتخاذ مواضع سازشکارانه با اسرائیل، از این اتحادیه اخراج گردید. مرکز آن بین سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۹ در قاهره بود که پس از تعلیق عضویت مصر، به شهر تونس انتقال یافت.

در سال ۱۹۸۹ دولت مصر مجدداً به عضویت اتحادیه پذیرفته شد و مقر آن نیز مجدداً به قاهره انتقال یافت. دبیرکل کنونی اتحادیه عرب، عمر موسی، از کشور مصر می‌باشد.

اتحادیهٔ گمرکی و اقتصادی افریقای مرکزی (اودناک)
Union Douaniere et Economique de l'Afrique Centrale

اتحادیه‌ای از کشورهای گابون، کامرون، کنگو، افریقای مرکزی، چاد، جمهوری کنگو و گینه استوایی، که از زیرمجموعه‌های «منطقه فرانک» محسوب می‌شود و در سال ۱۹۶۶، بر اساس پیمان برازاویل تأسیس یافته است. مقر آن در شهر بانگی، افریقای مرکزی قرار دارد.

انجمن بازرگانی آزاد اروپا (افتا) European Free Trade Association (EFTA)

این انجمن در سال ۱۹۶۰ توسط کشورهای اتریش، دانمارک، انگلستان، نروژ، پرتغال، سوئد و سوئیس در جهت ایجاد بازرگانی و تجارت آزاد میان کشورهای عضو و مبادلهٔ متقابل بر اساس قرارداد تعرفهٔ ترجیحی به وجود آمد. مقر «افتا» در ژنو بوده و در پی پیوستن تدریجی برخی اعضای آن به اتحادیه اروپا و عضویت کشورهای جدید، در حال حاضر فقط کشورهای ایسلند، سوئیس، لیختن اشتاین و نروژ در آن عضویت دارند.

انجمن بازرگانی آزاد اروپای مرکزی (سفتا)
Central European Free Trade Association (CEFTA)

انجمنی است که توسط ۷ کشور که سابقاً جزء بلوک شرق محسوب می شدند، به‌منظور برقراری یک منطقه آزاد تجاری میان کشورهای عضو به‌وجود آمده و بنیان آن در سال ۱۹۹۳ گذاشته شده است. کشورهای عضو عبارتند از: اسلوواکی، اسلوونی، بلغارستان، چک، رومانی، لهستان و مجارستان.

انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن)
Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

«آسه آن» در ماه اوت ۱۹۶۷ در شهر بانکوک، تایلند، به منظور تسریع در پیشرفت اقتصادی و ثبات کشورهای منطقهٔ جنوب شرقی آسیا تأسیس یافته و مقر آن در شهر جاکارتا، اندونزی قرار دارد. کشورهای اندونزی، تایلند، سنگاپور، فیلیپین و مالزیا، اعضای بنیانگذار آن محسوب می‌شوند و کشورهای برونئی (۱۹۸۴)، کامبوج (۱۹۹۹)، لائوس (۱۹۹۷)، میانمار (۱۹۹۷) و ویتنام (۱۹۹۵) نیز به تدریج به آن پیوسته‌اند. پاپوآ گینهٔ نو نیز از سال ۱۹۸۴ به عنوان عضو ناظر در جلسات آن شرکت می کند.

انجمن وحدت امریکای لاتین (آلادی)
Asociacion Latin Americana de Integracion (ALADI)

این سازمان در سال ۱۹۸۰ به جای «انجمن تجارت آزاد امریکای لاتین» (لافتا/آلالک) تأسیس گردید. عمده‌ترین اهداف آن تنظیم و پیشبرد بازرگانی امریکای لاتین به منظور تشکیل یک بازار مشترک منطقه‌ای (مانند بازار مشترک اروپا) و حذف تعرفه های گمرکی بین کشورهای عضو، عقد قراردادهای فرعی میان اعضاء و کشورهای غیر عضو، و بالا بردن سود بازرگانی از طریق اتخاذ روش های هماهنگ می باشد. ۱۱ کشور در آن عضویت دارند که در سه گروه به شرح زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

۱- کشورهای در حال توسعه (بولیوی، اکوادور، پاراگوئه).

۲- کشورهای با رشد متوسط (شیلی، کلمبیا، پرو، اوروگوئه، ونزوئلا).

۳- کشورهای توسعه یافته (آرژانتین، برزیل، مکزیک). مقر «آلادی» در شهر مونته‌ویدئو (اوروگوئه) قرار دارد.

بازار مشترک اروپا European Common Market

رجوع شود به اتحادیه اروپا.

بازار مشترک امریکای مرکزی (کاکم)
Central American Common Market (CACM)
Mercado Comun Centroamericano (MCCA)

این جامعهٔ اقتصادی در سال ۱۹۶۰ پایه گذاری گردید و مقر آن در شهر گواتمالا می باشد. اعضای آن عبارتند از: السالوادور، کستاریکا، گواتمالا، هندوراس و نیکاراگوآ.

بازار مشترک جنوبی (مرکوسور) Mercado Camun del Sur(MERCOSUR)

این بازار در سال ۱۹۹۱ در شهر بوئنوس آیرس، آرژانتین به‌وجود آمده و هدف از ایجاد آن حذف تدریجی تعرفه‌های گمرکی و برقراری مبادلات تجاری آزاد میان کشورهای عضو ذکر شده است. مقر آن در شهر بوئنوس آیرس، آرژانتین، قرار دارد و اعضای آن عبارتند از: آرژانتین، اوروگوئه، برزیل، بولیوی، پاراگوئه و شیلی.

بازار مشترک عربی Arabian Common Market

این بازار در سال ۱۹۶۵ توسط کشورهای اردن، سوریه، عراق و مصر تأسیس شده و وابسته به اتحادیه عرب است. علاوه بر کشورهای مؤسس، کویت، لیبی، موریتانی، فلسطین، سومالی، سودان، امارات متحده عربی و یمن نیز در آن عضویت دارند.

بانک توسعه آسیا (آدب) Asian Development Bank (ADB)

این بانک به عنوان یک مؤسسه مستقل در سال ۱۹۶۶ با پیشنهاد «اکافه» تشکیل گردید. مقر آن در مانیل (فیلیپین) است و در سال ۲۰۰۲ تعداد ۵۷ کشور در آن عضویت داشته‌اند که ۴۰ کشور از آسیا و اقیانوسیه، و بقیه از سایر قاره‌ها بوده‌اند. قدرت رأی اعضای آن به نسبت سهام آنان در بانک بستگی دارد و دولت ژاپن که حدود ۲۷٪ سهام آن را در اختیار دارد بزرگترین سهامدار و مؤثرترین عضو آن می باشد.

بانک توسعه اسلامی (ایدب) Islamic Development Bank (IDB)

این بانک یک مؤسسهٔ مالی بین‌المللی است که توسط وزیران دارایی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۷۳ در شهر جده تأسیس یافته است. «ایدب» به طور رسمی کار خود را از سال ۱۹۷۵ آغاز کرده و از جمله اهداف آن، پیشبرد توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی در کشورهای عضو و همینطور جوامع اسلامی سایر نقاط جهان ذکر شده است. تا سال ۲۰۰۲ تعداد کشورهای عضو به ۵۱ رسیده بود و مقر آن نیز در شهر جده، عربستان سعودی قرار دارد.

بانک توسعه ملل امریکایی (آی - آدب)
Inter-American Development Bank (I-ADB)
Banco Interamericano de Desarollo (BID)

این بانک در سال ۱۹۵۹ توسط «سازمان کشورهای امریکایی» به منظور رشد و توسعهٔ امور مالی کشورهای منطقه، بخصوص کشورهای امریکای لاتین، از طریق پرداخت وام به سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی در این گونه کشورها ایجاد گردید. ۴۶ کشور تا سال ۲۰۰۲ در آن عضویت داشته‌اند و مقر آن در شهر واشینگتون (ایالات متحده امریکا) واقع است.

بانک وحدت اقتصادی امریکای مرکزی (بسیه)
Banco Centro-americano de Integracion Economica (BCIE)

از مؤسسات وابسته به «کاکم» است که درسال ۱۹۶۱ تأسیس یافته و مقر آن در شهر تگوسیگالپا، هندوراس قرار دارد.

برنامه کلمبو/ طرح کلمبو Colombo Plan

نام کامل آن «برنامهٔ کلمبو برای همکاری در توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا» بوده و در سال ۱۹۵۰ توسط برخی کشورهای عضو جامعهٔ «ملل مشترک‌المنافع» در شهر کلمبو تأسیس یافته است. ۲۴ کشور در آن عضویت دارند و مقر آن در شهر کلمبو (سری لانکا) می باشد.

بنلوکس Benelux

رجوع شود به اتحادیه اقتصادی بنلوکس.

پارلمان اروپا European Parliament

هیئت مقننه‌ای است که به منظور وضع مقررات و قوانین مربوط به ارکان جامعهٔ اقتصادی اروپا در سال ۱۹۵۸ ایجاد گردید. در حال حاضر دارای ۶۲۶ نماینده است که از ۱۵ کشور عضو به ترتیب آلمان (۹۹ نماینده)، انگلیس، ایتالیا و فرانسه (هر کدام ۸۷ نماینده)، اسپانیا (۶۴)، هلند (۳۱)، بلژیک، پرتغال و یونان (هرکدام ۲۵ نماینده)، سوئد(۲۲)، اتریش (۲۱)، دانمارک (۱۶)، فنلاند (۱۶)، ایرلند (۱۵) و لوکزامبورگ (۶ نماینده) در آن شرکت دارند.

تا سال ۱۹۷۹ اعضای پارلمان اروپا از میان نمایندگان پارلمان‌های کشورهای عضو انتخاب می‌شدند، اما از این تاریخ به بعد، این نمایندگان، هر پنج سال یک بار، از طریق انتخابات مستقیم، در کشورهای عضو، انتخاب می‌شوند. آخرین انتخابات در سال ۱۹۹۹ برگزار گردیده و انتخابات بعدی نیز قرار است در سال ۲۰۰۴ اجرا شود. جلسات پارلمان اروپا، در شهر استراسبورگ، فرانسه برگزار می‌شود، اما دبیرخانهٔ آن در شهر لوکزامبورگ قرار دارد و کمیسیون‌های آن نیز در بروکسل، بلژیک تشکیل می گردد.

پیمان آتلانتیک شمالی North Atlantic Treaty

رجوع شود به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی.

پیمان آنزوس (پیمان پاسیفیک) Anzus Pact (Pacific Pact)

«آنزوس» یک پیمان نظامی است که در سال ۱۹۵۱ در شهر سانفرانسیسکو میان کشورهای استرالیا، زلاند نو و ایالات متحده امریکا انعقاد یافت و مقر آن در شهر کانبرا (استرالیا) می‌باشد. (کلمهٔ «آنزوس» از ترکیب حروف اول کشورهای عضو تشکیل یافته است). در سال ۱۹۸۴، دولت زلاند نو از بازدید ناوهای اتمی یا کشتی‌های مسلح به سلاح اتمی امریکا از بنادر این کشور ممانعت کرد و دولت امریکا در اعتراض به این مسئله، قراردادهای نظامی خود با زلاند نو را به حالت تعلیق درآورد و فقط به تداوم توافقات امنیتی دو کشور در چهارچوب پیمان آنزوس ادامه داد.

جامعه اروپا یا جوامع اروپایی
European Community or European Communities

دربر گیرنده و هماهنگ کنندهٔ «جامعهٔ اقتصادی اروپا»، «جامعهٔ انرژی اتمی اروپا» و «جامعهٔ زغال سنگ و فولاد اروپا» بود و ارکان اصلی اجرایی آن یک کمیسیون، یک شورای وزیران، «پارلمان اروپا» و دیوان دادگستری اروپا بود که در سال ۱۹۹۳ تماماً به اتحادیه اروپا انتقال یافت.

جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک اروپا)
European Economic Community (Common Market)

جامعه‌ای بود که توسط کشورهای بلژیک، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، لوکزامبورگ و هلند در سال ۱۹۵۷ تأسیس گردید. هدف از ایجاد بازار مشترک اروپا آن بود که با ایجاد اتحادیهٔ گمرکی بین کشورهای عضو، تعرفه‌های گمرکی را از بین برده و در مورد کشورهای غیر عضو نیز تعرفه‌های گمرکی یکنواختی به وجود آورند و همچنین مبادلات کالا، نیروی کار، سرمایه و خدمات هم به صورت آزاد بین کشورهای عضو جریان داشته باشد. انگلستان، دانمارک و ایرلند در سال ۱۹۷۳ و یونان نیز در سال ۱۹۸۱ به عضویت جامعه درآمدند. با تشکیل اتحادیه اروپا، جامعهٔ اقتصادی اروپا نیز در آن ادغام گردید.

جامعه اقیانوس آرام Pacific Community

مجمعی است از کشورهای حوزه اقیانوس آرام که در ابتدا تحت‌عنوان کمیسیون اقیانوس آرام (پاسیفیک) جنوبی فعالیت می‌کرد و سپس در سال ۱۹۹۸ به جامعه اقیانوس آرام (پاسیفیک) تغییر نام داد. درمجموع ۲۷ کشور و سرزمین غیرمستقل در آن عضویت دارند.

جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع Commonwealth of Independent States

رجوع شود به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع.

جامعهٔ اقتصادی کشورهای غرب افریقا (اکوواس)
Economic Community of West African States (ECOWAS)

این جامعه در سال ۱۹۷۵ در شهر لاگوس (نیجریه) تأسیس یافته و از جمله اهداف آن همکاری اقتصادی و ایجاد اتحادیهٔ گمرکی بین کشورهای عضو و فراهم آوردن شرایط عقد قراردادهای منطقه‌ای ذکر گردیده است. اعضای آن عبارتند از: بنین، بورکینافاسو، ساحل عاج، سنگال، سیرالئون، توگو، غنا، کیپ‌ورد، گامبیا، گینه، گینهٔ بیسائو، لیبریا، مالی، موریتانی، نیجر و نیجریه. مقر «اکوواس» در شهر لاگوس، نیجریه، واقع است.

جامعهٔ انرژی اتمی اروپا (یوراتم)
European Atomic Energy Community (Euratom)

سازمانی است که در سال ۱۹۵۸ به منظور پیشبرد توسعهٔ مشترک انرژی اتمی برای مقاصد صلح‌جویانه در میان کشورهای عضو به وجود آمده و در عین حال می‌کوشد تا بازار مشترکی برای مواد خام و تجهیزات اتمی به وجود آورد و همکاری در تحقیقات هسته‌ای و تأمین نیروی انسانی متخصص را تشویق نماید. «یوراتم» از اجزاء فرعی اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.

جامعهٔ تجارت آزاد امریکای لاتین (لافتا / آلالک)
Latin American Free Trade Association (LAFTA)

یا «انجمن تجارت آزاد امریکای لاتین» که درسال ۱۹۶۰ به منظور ایجاد یک بازار مشترک از کشورهای امریکای لاتین به وجود آمد، ولی در سال ۱۹۸۰ «انجمن وحدت امریکای لاتین» (آلادی) جایگزین آن گردید.

جامعهٔ زغال‌سنگ و فولاد اروپا (اکسک)
European Coal and Steel Community (ECSC)

این جامعه در سال ۱۹۵۲ به منظور ایجاد بازار واحدی برای فروش زغال‌سنگ، سنگ آهن و فولاد توسط ایتالیا، آلمان غربی، فرانسه و کشورهای گروه بنلوکس تشکیل گردید که بعداً کشورهای انگلستان، ایرلند، دانمارک و یونان نیز به عضویت آن درآمدند. مقر «اکسک» در لوکزامبورگ می‌باشد و زیرمجموعهٔ اتحادیه اروپا محسوب می‌شود.

جامعهٔ عرب Arab League

رجوع شود به اتحادیه عرب.

جامعهٔ فرانسه French Community / *Communaute Francaise*

جامعه‌ای است که درسال ۱۹۵۸ به منظور ایجاد هماهنگی در زمینه‌های منافع و همکاری‌های مشترک در مسائل اقتصادی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نهایتاً جایگزینی این جامعه به جای «اتحادیه فرانسه»، متشکل از کشور فرانسه و مستعمرات آن، به وجود آمد. در حقیقت این جامعه به منظور حفظ روابط فرانسه با مستعمراتی که رفته رفته مستقل گردیده و از اتحادیه فرانسه خارج می‌شدند، تشکیل گردید. لیکن بزودی کارآیی خود را از دست داد و در عوض قراردادهای فرعی و جداگانهٔ اقتصادی، فنی و مالی با هریک از کشورهای عضو جایگزین آن گردید.

جامعهٔ مالی افریقا (سی‌اف‌آ) *Communaute Financiere Africaine (CFA)*

جامعه‌ای میان برخی از کشورهای افریقایی که سابقاً تحت استعمار فرانسه قرار داشته‌اند و هدف از ایجاد آن هماهنگی امور مالی بین کشورهای عضو می‌باشد. عمدهٔ کشورهای عضو این جامعه از فرانک سی‌اف‌آ به عنوان پول رایج استفاده می‌کنند و جامعه زیرمجموعهٔ «منطقه فرانک» محسوب می‌شود.

جامعهٔ ملل League of Nations

سازمانی بین‌المللی که پس از جنگ جهانی اول به وجود آمد. از جمله اهداف آن حفظ صلح، داوری در مورد اختلاف بین کشورها و ترویج همکاری بین‌المللی بود. مرکز جامعهٔ ملل در ژنو قرار داشت و یک «مجمع عمومی» (متشکل از همهٔ کشورهای عضو)، یک «شورای جامعه» (با شرکت کلیهٔ دولت‌های بزرگ و چند عضو غیر دائم دیگر) و چند سازمان و مؤسسهٔ دیگر تشکیل می‌گردید. در آوریل سال ۱۹۴۶ جامعهٔ ملل انحلال خود را اعلام نمود و کلیهٔ ادارات و اموال آن به «سازمان ملل متحد» منتقل گردید.

جامعهٔ ملل مشترک‌المنافع

رجوع شود به ملل مشترک‌المنافع

جامعه و بازار مشترک کارائیب (کاریکوم)
Caribbean Community and Common Market (CARICOM)

بازار مشترکی است میان کشورهای حوزهٔ دریای کارائیب که در سال ۱۹۶۸ توسط کشورهای باربادوس، ترینیداد و توباگو، گویان و آنتیگوآ و باربودا پایه‌گذاری شده است. در ابتدا با عنوان «منطقه تجارت آزاد کارائیب» (کاریفتا) فعالیت می‌کرد ولی در سال ۱۹۷۳ به «کاریکوم» تغییر نام داد. مقر آن در شهر جورج تاون (گویان) بوده و سایر اعضای آن عبارتند از: دومینیکا، جامائیکا، بلیز، باهاما، گرانادا، تورکس وکایکوس، جزایر ویرجین انگلستان، سنت‌کیتس ونویس، سنت‌لوسیا، سنت‌وینسنت و گرنادین، سورینام و مونتسرات. اکثریت کشورهای عضو در سال ۱۹۷۵ «شرکت کشتیرانی کارائیب» (ناکامور) را ایجاد نمودند.

جنبش عدم تعهد Non Aligned Movement

عنوان اتحادیهٔ آزادی است میان کشورهای در حال توسعه، که شالوده و اساس آن پس از «کنفرانس باندونگ» یا «کنفرانس افریقایی- آسیایی» پی‌ریزی گردید. این کنفرانس در سال ۱۹۵۵ با تلاش و پیگیری رهبران برخی کشورها که خواهان تشکیل اتحادیه‌ای میان کشورهای جهان سوم در مقابل دو ابرقدرت شرق و غرب بودند، در شهر باندونگ با شرکت ۲۲ کشور آسیایی و ۶ کشور افریقایی برگزار گردید. از جمله اهداف آن ایجاد وحدت و یکپارچگی میان کشورهای در حال توسعه، برقراری مناسبات اقتصادی آزاد و مستقل و کمک به برقراری صلح و امنیت میان کشورهای عضو می‌باشد. تشکیلات این جنبش عبارتند از:

۱- کنفرانس سران (رهبران کشورهای غیر متعهد) که می‌بایستی هر سه سال یک بار برگزار گردد و رئیس جمهور کشور برگزار کننده کنفرانس به مدت سه سال ریاست آن را به عهده می‌گیرد.

۲- کمیتهٔ رهبری.

۳- دفتر اجرایی (کمیتهٔ هماهنگی، متشکل از ۳۶ کشور عضو که ۱۲ کشور افریقایی، ۸ کشور آسیایی، ۴ کشور امریکایی و یک کشور اروپایی به عضویت آن انتخاب می‌شوند).

۴- کنفرانس وزرای امور خارجه که می‌بایستی هر سال یک بار تشکیل شود.

اولین کنفرانس سران در سال ۱۹۶۱ با شرکت ۲۵ کشور در شهر بلگراد(یوگسلاوی)، دومین کنفرانس در سال ۱۹۰۴ و با شرکت ۴۷ کشور در شهر قاهره، سومین کنفرانس در سال ۱۹۷۰ با شرکت ۶۵ کشور در شهر لوزاکا (زامبیا)، چهارمین کنفرانس در سال ۱۹۷۳ با شرکت ۷۵ کشور عضو، ۹ کشور ناظر، ۱۳ نهضت آزادیبخش و سازمان ملل متحد در شهر الجزیره (الجزایر)، پنجمین کنفرانس در سال ۱۹۷۶ با شرکت ۷۸ کشور عضو، ۹ کشور ناظر، ۷ کشور مهمان و سازمان آزادیبخش فلسطین در شهر کلمبو (سری‌لانکا)، ششمین کنفرانس در سپتامبر ۱۹۷۹ با شرکت ۹۶ کشور عضو در شهر هاوانا(کوبا) تشکیل گردید و کنفرانس هفتم نیز که قرار بود در سپتامبر ۱۹۸۲ در شهر بغداد (عراق) برگزار شود، به دنبال اقدامات و فعالیت‌های گستردهٔ دولت ایران، در ماه مارس ۱۹۸۳ با شرکت ۱۰۰ کشور در شهر دهلی نو (هند) تشکیل گردید.

کنفرانس هشتم در سال ۱۹۸۶ در شهر هراره (زیمبابوه)، کنفرانس نهم در سال ۱۹۸۹ در بلگراد (یوگسلاوی)، کنفرانس دهم در سال ۱۹۹۲ در جاکارتا (اندونزی)، کنفرانس یازدهم در سال ۱۹۹۵ در کارتاخنا (کلمبیا)، کنفرانس دوازدهم در سال ۱۹۹۸ در شهر دوربان (افریقای جنوبی) و کنفرانس سیزدهم در فوریه سال ۲۰۰۳ در شهر کوالالامپور (مالزیا) برگزار گردید که در آن ۱۱۴ کشور شرکت داشتند و دو کشور تیمور شرقی و سنت‌وینسنت و گرنادین نیز به عضویت آن درآمدند. علاوه بر کشورهای عضو، ۱۶ کشور به عنوان ناظر و ۳۲ کشور

نیز به عنوان مهمان، در اجلاس حضور داشتند.
از جمله بنیانگذاران جنبش عدم تعهد می‌توان از: مارشال تیتو (یوگسلاوی)، جواهر لعل نهرو (هند)، جمال عبدالناصر (مصر)، قوام نکرومه (غنا)، احمد سوکارنو (اندونزی) و حبیب بورقیبه (تونس) نام برد. کنفرانس‌ها و جلسات «جنبش» در شهرهای مختلف تشکیل می‌گردد و مقر ثابتی ندارد.

دفتر بین المللی اوزان و مقیاسات
International Bureau of Weights and Measures

مرکزی بین‌المللی است که در سال ۱۸۷۵ به منظور تهیه و استاندارد کردن واحدهای اساسی مقیاسات در سراسر جهان تشکیل گردید. ۴۸ کشور در آن عضویت دارند و مرکز دفتر در شهر «سور» (جنوب شرقی پاریس - فرانسه) واقع است.

سازمان امنیت و همکاری اروپا (اوسه)
Organization for Security and Cooperation in Europe (OSCE)

در ابتدا این سازمان در سال ۱۹۷۲، تحت‌عنوان «کنفرانس امنیت و همکاری اروپا» برای برقراری گفتگوهای چندجانبه میان کشورهای اروپایی تأسیس یافت. سند نهایی هلسینکی درمورد روابط غرب و شرق در سال ۱۹۷۵ توسط این کنفرانس تهیه گردید. منشور پاریس در سال ۱۹۹۰، دامنهٔ فعالیت آن را توسعه داد و به‌حالت سازمان درآمد و اجلاس سران در سال ۱۹۹۴، رسماً این مسئله را مورد تأکید قرار داد. درحال حاضر ۵۵ کشور در آن عضویت دارند که علاوه بر تمام کشورهای اروپایی و تمام کشورهای برآمده از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای امریکا و کانادا را نیز دربر می‌گیرد. مقر «اوسه» در شهر وین، اتریش واقع است.

سازمان پلیس جنایی بین‌المللی (اینترپل)
International Criminal Police Organization (Interpol)

این سازمان در سال ۱۹۵۶ به وجود آمد و وظیفه دارد که حداکثر هماهنگی را میان ادارات پلیس کشورها به وجود آورده و اکیداً از اعمال نفوذ جریانات سیاسی، نظامی، مذهبی و نژادی در امر پلیس جنایی جلوگیری نماید. ۱۷۹ کشور منجمله ایران در «اینترپل» عضویت داشته و مرکز آن در لیون، فرانسه قرار دارد.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)
North Atlantic Treaty Organization (NATO)

عنوان تشکیلاتی است که پس از انعقاد «پیمان آتلانتیک شمالی» در سال ۱۹۴۹ به وجود آمده و هدف عمده از تأسیس آن در ابتدا ایجاد یک اتحاد نظامی قدرتمند در مقابل نیروهای کمونیست اروپا بود. کشورهای مؤسس آن عبارتند از: ایالات متحده امریکا، انگلیس، فرانسه، کانادا، بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، ایتالیا، دانمارک، نروژ، ایسلند و پرتغال. اعضای بعدی آن با تاریخ عضویت عبارتند از: ترکیه و یونان (۱۹۵۲)، آلمان غربی (۱۹۵۵)، اسپانیا (۱۹۸۲)، چک (۱۹۹۹)، لهستان (۱۹۹۹) و مجارستان (۱۹۹۹). این سازمان از ۳ رکن اصلی (دبیرخانه، شورای عالی و مرکز نظامی) تشکیل یافته که دبیرخانه تحت نظر دبیرکل و مرکز نظامی تحت فرماندهی کل اداره می‌شود. فرانسه در سال ۱۹۶۶ نیروهای نظامی خود را از «ناتو» خارج نمود، لیکن در عضویت آن باقی ماند. یونان نیز در سال ۱۹۷۴ به دنبال بروز اختلافاتی با ترکیه در مورد مسئله قبرس، نیروهای خود را از این سازمان فراخواند ولی در سال ۱۹۸۰ مجدداً به آن پیوست. مقر ناتو تا سال ۱۹۶۷ در پاریس بود و پس از آن به بروکسل (بلژیک) انتقال یافت.

سازمان عمران منطقه‌ای (آر سی دی)
Regional Cooperation for Development (RCD)

این سازمان در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ هجری شمسی) توسط کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان در شهر استانبول (ترکیه) تأسیس شده بود و از جمله اهداف آن توسعهٔ ارتباطات، جهانگردی و امور صنعتی و تجارتی بین ۳ کشور عضو و آشنا نمودن مردم آنها با فرهنگ یکدیگر می‌باشد که تا مدت‌ها بدون فعالیت بود و در سال ۱۹۸۵، سازمان همکاری اقتصادی (اکو) جایگزین آن شد.

سازمان کشورهای امریکایی Organization of American States (OAS)

این سازمان در ماه آوریل ۱۹۴۸ جایگزین «اتحادیه پان امریکن» گردید و با شرکت ۲۱ کشور از قاره‌های سه گانهٔ امریکا تأسیس یافت. از جمله وظایف آن بالا بردن اتحاد کشورهای عضو، دفاع از حق حاکمیت آنها و ارائه خدمات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فنی توسط دبیرخانهٔ مرکزی، ذکر شده است. اعضای آن عبارتند از: آنتیگوآ و باربودا، اوروگوئه، بلیز، باهاما، باربادوس، بولیوی، برزیل، کلمبیا، کستاریکا، دومینیکن، اکوادور، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، جامائیکا، مکزیک، نیکاراگوآ، پاناما، پرو، پاراگوئه، آرژانتین، شیلی، هائیتی، سورینام، سنت‌لوسیا، سنت‌کیتس و نویس، سنت وینسنت و گرنادین، ترینیداد و توباگو، امریکا، دومینیکا، کانادا، گویان، گرنادا و ونزوئلا. ۳۴ کشور و اتحادیه اروپا نیز به عنوان ناظر در آن شرکت دارند و مقر سازمان نیز در شهر واشینگتون (امریکا) می‌باشد. عضویت کشور کوبا از سال ۱۹۶۲ به حالت تعلیق درآمده است.

سازمان کشورهای صادرکنندهٔ نفت (اوپک)
Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC)

اتحادیه‌ای است بین کشورهای عمده صادرکنندهٔ نفت، که در سال ۱۹۶۰ تأسیس گردیده و هدف آن هماهنگی خط مشی کلی اعضاء و برقرار کردن قیمت‌های مورد توافق کشورهای عضو برای مواد نفتی صادراتی به کشورهای مصرف‌کننده می‌باشد. کشورهای عضو عبارتند از: ایران، الجزایر، اندونزی، امارات متحدهٔ عربی، عراق، عربستان سعودی، قطر، کویت، لیبی، نیجریه و ونزوئلا. مقر آن نیز در شهر وین (اتریش) می‌باشد.

سازمان کشورهای عربی صادرکنندهٔ نفت (اوآپک / آاوپک)
Organization of Arab Petroleum Exporting Countries (OAPEC)

سازمانی است، وابسته به اتحادیه عرب که در آن کشورهای عربی صادرکنندهٔ نفت متشکل شده‌اند. «اوآپک» در سال ۱۹۶۸ در بیروت (لبنان) تأسیس گردیده و اعضای آن عبارتند از: الجزایر، بحرین، عراق، قطر، کویت، لیبی، عربستان سعودی، سوریه، مصر و امارات متحده عربی. عضویت مصر در سال ۱۹۷۹ به حالت تعلیق درآمد، ولی از سال ۱۹۸۹ مجدداً به «اوآپک» پیوست. مقر آن در شهر کویت قرار دارد.

سازمان کنفرانس اسلامی Islamic Conference Organization (ICO)

سازمانی است که بر اساس کنفرانس‌های اسلامی تشکیل گردیده است. در سال ۱۹۶۲ برای اولین بار تشکیل اتحادیه‌ای از کشورهای اسلامی جهان در شهر مکه معظمه به وسیلهٔ ملک فیصل پادشاه وقت عربستان سعودی مطرح گردید و در سال ۱۹۶۶ اولین کنفرانس اسلامی در شهر جده تشکیل شد. از جمله وظایف و اهداف آن ایجاد همبستگی و وحدت و همکاری میان کشورهای اسلامی در زمینه‌های مذهبی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین از میان برداشتن موانع نژادی و آپارتاید و استعمار، و حمایت از ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی به جای اسرائیل ذکر گردیده است.
عالی‌ترین نهاد این سازمان، کنفرانس سران است که به طور نامنظم در سال‌های ۱۹۶۹ (رباط، مغرب)، ۱۹۷۴ (لاهور، پاکستان)، و ۱۹۸۱ (مکه معظمه، عربستان سعودی) برگزار گردید و قرار شد از سال ۱۹۹۱ به طور منظم هر سه سال یک بار در یکی از کشورهای عضو که ریاست دوره‌ای کنفرانس را به‌عهده می‌گیرد، برگزار گردد. بدین ترتیب کنفرانس سال ۱۹۹۱ در داکار (سنگال)، ۱۹۹۴ در دارالبیضا (مغرب)، ۱۹۹۷ در تهران و سال ۲۰۰۰ در دوحه (قطر) برگزار گردید.
در مجموع ۵۷ کشور، از جمله ایران در این سازمان عضویت دارند که ۲۵ کشور آن در آسیا، ۲۷ کشور در افریقا، ۲ کشور در امریکا و ۳ کشور در اروپا واقع شده‌اند. کشورهای بوسنی و هرزگوین، تایلند و افریقای مرکزی نیز به عنوان ناظر در جلسات آن شرکت می‌کنند.
سازمان کنفرانس اسلامی نهادهای متعددی را تأسیس نموده و از جمله ۴ مؤسسه تخصصی دارد که عبارتند از: خبرگزاری بین‌المللی اسلامی؛ بانک عمران اسلامی؛ سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی؛ و سازمان بنگاه‌های سخن پراکنی کشورهای اسلامی. مقر سازمان نیز در شهر جده، عربستان سعودی قرار دارد.

سازمان وحدت افریقا Organization of African Unity (OAU)

این سازمان در ماه مه سال ۱۹۶۳ با شرکت ۳۰ کشور افریقایی در شهر آدیس‌آبابا (اتیوپی) تأسیس گردید و تلاش خود را در جهت بالا بردن اتحاد و یکپارچگی کشورهای افریقایی، هماهنگ کردن امور سیاسی، دفاع از حق حاکمیت کشورهای عضو و از بین بردن مستعمرات افریقایی متمرکز نمود. تمام کشورهای مستقل افریقا به استثنای مغرب که در اعتراض به پذیرش دولت صحرا در این سازمان، از آن خارج شده است، در سازمان وحدت افریقا عضویت دارند و مرکز آن نیز در شهر آدیس‌آبابا واقع است. از سال ۲۰۰۲ نام آن به «اتحادیه افریقا» تغییر یافته است.

سازمان همکاری اقتصادی (اکو) Economic Cooperation Organization (ECO)

این سازمان در اوایل سال ۱۹۸۵ جایگزین «سازمان عمران منطقه‌ای» گردید و کشورهای مؤسس یعنی ایران، ترکیه و پاکستان موافقت نمودند که بر مبنای پیمان ازمیر به گسترش دامنهٔ فعالیت این سازمان بپردازند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تعدادی از جمهوری‌های تازه استقلال یافته نیز تقاضای عضویت در (اکو) را نمودند که بدین ترتیب تعداد اعضای آن با پذیرش آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، و همچنین افغانستان به ۱۰ کشور رسیده است. مؤسسات تخصصی «اکو» عبارتند از: اتاق بازرگانی و صنایع اکو، شرکت مشترک کشتیرانی اکو، شرکت هواپیمایی اکو، مؤسسهٔ آموزش عالی بیمه اکو، مرکز بیمه اکو، شرکت بیمه اتکایی اکو، مؤسسهٔ فرهنگی اکو، بانک

تجارت و سرمایه گذاری اکو، و بنیاد جوانان اکو. مرکز سازمان اکو در تهران قرار دارد و دبیرکل فعلی آن شمشاد احمد، از کشور پاکستان می‌باشد.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (او ا سی دی)
Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

سازمانی است که در سال ۱۹۶۱ جایگزین «سازمان همکاری اقتصادی اروپا» گردید و بدین وسیله علاوه بر کشورهای اروپایی، اعضایی نیز از سایر قاره‌ها به آن راه یافته و دامنهٔ فعالیت‌هایش بعد بین المللی یافته است. از جملهٔ اهداف آن افزایش رشد اقتصادی، ایجاد شغل و کمک به توسعهٔ اقتصاد جهانی ذکر شده است. مقر آن در شهر پاریس (فرانسه) بوده و اعضای آن عبارتند از (۱۹۸۲): اتریش، استرالیا، آلمان، اسپانیا، اسلوواکی، امریکا، ایتالیا، ایرلند، انگلستان، ایسلند، بلژیک، پرتغال، ترکیه، چک، زلاند نو، ژاپن، دانمارک، سوئد، سوئیس، فرانسه، فنلاند، کانادا، کره جنوبی، لوکزامبورگ، لهستان، مجارستان، مکزیک، نروژ، هلند و یونان.

سیستم اقتصادی امریکای لاتین (سلا)
Sistema Economico Latinoamericano (SELA)
Latin American Economic System (LAES)

جامعه‌ای است که در سال ۱۹۷۵ به دنبال اقدامات «اچه‌وریا»، رئیس جمهور وقت مکزیک در شهر پاناما پایه گذاری شد و از جملهٔ اهداف آن اتخاذ سیاست‌های پولی و اقتصادی مستقل از امریکا و برنامه‌ریزیهای مشترک برای همکاری ذکر شده است. ۲۷ کشور از امریکای جنوبی و مرکزی در آن عضویت داشته و مقر «سلا» در کاراکاس (ونزوئلا) واقع است.

شورای آنزوس

رجوع شود به پیمان آنزوس.

شورای اروپا Council of Europe

این شورا که برای اولین بار در سال ۱۹۴۹ به وجود آمد، از یک کمیتهٔ وزیران و یک مجمع مشورتی تشکیل یافته است. از جمله اهداف آن تضمین حقوق انسانی، نزدیکتر کردن اروپائیان به یکدیگر و ارائه نظرات عمومی اروپائیان در مسائل عمدهٔ سیاسی و اقتصادی می‌باشد. اعضای آن عبارتند از: آلمان، آذربایجان، آلبانی، آندورا، اتریش، ارمنستان، اسپانیا، استونی، اسلوواکی، اسلوونی، انگلستان، اوکراین، ایتالیا، ایرلند، ایسلند، بلژیک، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، پرتغال، ترکیه، چک، دانمارک، روسیه، رومانی، سان مارینو، سوئد، سوئیس، فرانسه، فنلاند، قبرس، کرواسی، گرجستان، لاتویا، لوکزامبورگ، لهستان، لیتوانی، لیختن اشتاین، مالت، مجارستان، مقدونیه، مولداوی، نروژ، هلند و یونان.

شورای بادام زمینی افریقا (ا جی سی) African Groundnut Council (AGC)

شورایی است میان برخی از کشورهای افریقایی که در زمینهٔ کنترل و تثبیت نرخ فروش بادام زمینی و همچنین سایر امور مربوط به آن فعالیت می‌کند. مقر آن در شهر لاگوس، نیجریه، قرار دارد و اعضای آن عبارتند از: گامبیا، مالی، نیجر، نیجریه، سنگال و سودان.

شورای شمالی Nordic Council

این شورا در سال ۱۹۵۲ به منظور تنظیم روابط و همکاری‌های فرهنگی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی میان کشورهای شمال اروپا به وجود آمده و اعضای آن عبارتند از: دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد. مقر رسمی این شورا در استکهلم (سوئد) قرار دارد و مقر شورای وزیران آن نیز در کپنهاگ، دانمارک، واقع است.

شورای همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (آپک)
Asia-Pacific Economic Cooperation Council (APEC)

مجمعی است غیر رسمی و مشورتی که در سال ۱۹۸۹ در جهت پیشبرد همکاری‌های اقتصادی چند جانبه در امور بازرگانی و سرمایه گذاری، میان کشورهای عضو «آسه آن» و کشورهای حوزه اقیانوس کبیر در شهر کانبرا، استرالیا، به‌وجود آمده است. درحال حاضر مقر آن در شهر سنگاپور واقع است و اعضای آن عبارتند از: استرالیا، امریکا، اندونزی، برونئی، پاپوآ گینه‌نو، پرو، تایلند، تایوان، چین، روسیه، زلاندنو، ژاپن، سنگاپور، شیلی، فیلیپین، کانادا، کره جنوبی، مالزیا، مکزیک، ویتنام و هنگ کنگ.

شورای همکاری خلیج (فارس) Cooperation Council of (Persian)Gulf

یا به عبارت کاملتر «شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس»، اتحادیه‌ای است که توسط ۶ کشور واقع در حاشیه جنوبی خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ تشکیل گردیده و مقر آن در شهر ریاض، عربستان سعودی، واقع است. اعضای آن عبارتند از: امارات متحدهٔ عربی، بحرین، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت. اجلاس سران شورا به طور عادی سالی یک بار تشکیل می‌گردد و در مواقع اضطراری نیز با درخواست دو عضو یا بیشتر ممکن است منعقد گردد. آخرین اجلاس سران آن در ماه آوریل ۲۰۰۳ برای بررسی پیامدهای جنگ امریکا علیه عراق تشکیل گردید.

کشورهای افریقا، کارائیب و اقیانوس آرام (آکپ)
Pacific, Carebean, African Countries (ACP)

عنوان مجموعه‌ای از کشورها و سرزمین‌های قارهٔ افریقا و نواحی دریای کارائیب و اقیانوس آرام (کبیر) است که عمدتاً از مستعمرات سابق کشورهای اروپایی بوده‌اند وبر اساس «پیمان لومه» (منعقده در سال ۱۹۷۹) با جامعهٔ اقتصادی اروپا همکاری داشته و این پیمان از زمان ایجاد تاکنون چندین بار مورد تجدید نظر قرار گرفته و برای دوره‌های معینی تمدید شده است. تعداد اعضای آن از ۶۰ کشور و سرزمین در سال ۱۹۶۰ به ۷۸ مورد در سال ۲۰۰۲ رسیده است.

کشورهای مستقل مشترک المنافع (سیس)
Commonwealth of Independent States (CIS)

جامعه‌ای است که در سال ۱۹۹۱، همزمان با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در شهر مینسک، روسیه سفید، توسط کشورهای روسیه، روسیه سفید و اوکراین بنیانگذاری گردید و براساس مفاد بیانیهٔ آلماآتا (آلماتی)، قزاقستان، که یازده کشور آن را امضاء نمودند رسمیت یافت. گرجستان نیز در سال ۱۹۹۳ به این جامعه پیوست. از ۱۵ جمهوری ایجاد شده از تجزیه شوروی، تنها کشورهای حوزه بالتیک، یعنی استونی، لاتویا و لیتوانی از عضویت در آن خودداری کرده‌اند. مقر «سیس» در شهر مینسک، روسیه سفید، قرار دارد.

کشورهای مشترک المنافع

رجوع شود به ملل مشترک المنافع

کمیسیون اقیانوس آرام جنوبی (سپک) South Pacific Commission (SPC)

رجوع شود به جامعه اقیانوس آرام.

کنفرانس اسلامی Islamic Conference

رجوع شود به سازمان کنفرانس اسلامی.

گروه آندی (گروه کشورهای آند) Grupo Andino

سازمانی است که توسط کشورهای واقع در ناحیه کوه‌های آند (امریکای جنوبی)، در سال ۱۹۶۹، بر اساس مفاد «توافقنامه کارتاخنا» دایر شده است. از اهداف عمدهٔ آن گسترش همکاری در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از طریق پیشبرد هماهنگ این امور ذکر گردیده است. کشورهای عضو آن عبارتند از: اکوادور، بولیوی، پرو، کلمبیا و ونزوئلا. کشور شیلی نیز تا سال ۱۹۷۶ در آن عضویت داشت. مقر گروه آندی در شهر لیما، پرو قرار دارد.

گروه هشت Group of Eight (G8)

از سال ۱۹۷۵، اجلاسی از سران هفت کشور صنعتی جهان، به‌طور سالانه برگزار شده که طی آن رهبران این کشورها به‌بررسی مسائل و مشکلات اقتصادی جهان و رایزنی دربارهٔ آنها می‌پردازند. این هفت کشور عبارتند از: امریکا، آلمان، انگلستان، ایتالیا، ژاپن، فرانسه و کانادا. در اجلاس سال ۱۹۹۸ در بیرمنگام، انگلستان، تصمیم گرفته شد که رهبر روسیه نیز به اجلاس سران گروه هفت دعوت شود که از آن هنگام، این مجمع به گروه هشت موسوم شده است.

مجمع جزایر اقیانوس آرام (پیف) Pacific Island Forum (PIF)

در ابتدا، به‌عنوان «مجمع اقیانوس آرام جنوبی»، در سال ۱۹۷۱ به‌وجود آمد و از سال ۱۹۹۹ نام آن به‌صورت کنونی تغییر یافت. این مجمع، تنها نقش مشورتی دارد و سران کشورهای عضو برای بررسی مسائل و موضوعات مربوط به منطقه اقیانوس آرام، اجلاسی سالانه را برگزار می‌کنند. مقر مجمع در شهر سووا، فیجی واقع است و اعضای آن عبارتند از: استرالیا، پاپوآ گینه‌نو، پالائو، تونگا، تووالو، جزایر سلیمان، جزایر کوک، جزایر مارشال، زلاندنو، ساموآ، فیجی، کیریباتی، میکرونزی، نائورو، نیوئه و وانوآتو.

ملل مشترک المنافع Commonwealth of Nations

یا به طور خاص «مشترک المنافع»، و یا «کشورهای مشترک‌المنافع»، عنوان جامعه‌ای است که کشورها آزادانه در آن عضویت می‌یابند و بیشتر بر اساس علایق مشترک اقتصادی تشکیل

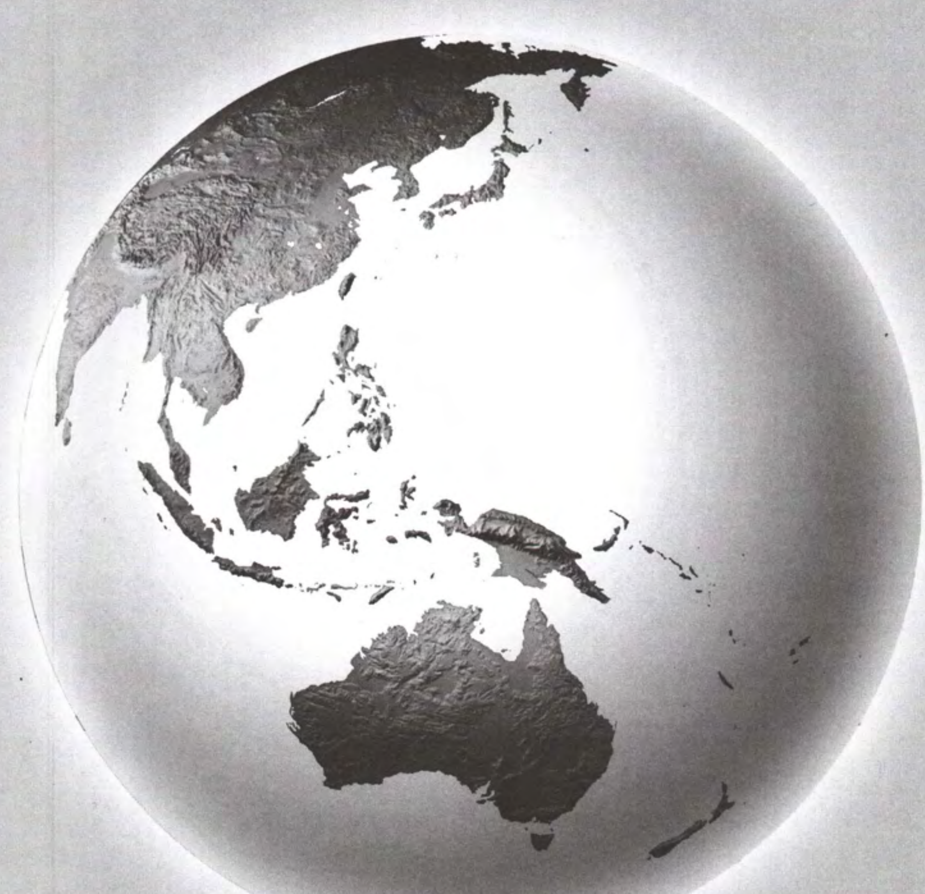
یافته است. این جامعه در سال ۱۹۳۱ با عنوان «کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیا» در جهت تداوم همکاری و نفوذ انگلستان در مستعمراتی که به استقلال می‌رسیدند، تأسیس یافت و با گسترش روزافزون استقلال این کشورها نام آن نیز تغییر یافت. در مجموع کشورهای عضو دارای دو گونه رابطه با این جامعه می‌باشند: گروهی از کشورها، پادشاه یا ملکه انگلستان را به عنوان رهبر کشور خود قبول دارند که عمدتاً سیستم حکومتی آنان به صورت فرمانداری کل است که فرماندار کل توسط پادشاه یا ملکه انگلستان تعیین می‌گردد. گروه دوم کشورهایی هستند که پادشاه یا ملکه انگلستان را به عنوان رئیس جامعه ملل مشترک‌المنافع به رسمیت می‌شناسند و نظام حکومتی این گونه کشورها به صورت جمهوری است. در سال ۲۰۰۲ تعداد کشورهای عضو بالغ بر ۵۴ کشور بوده و مقر آن نیز در لندن، انگلستان قرار دارد.

منطقه فرانک (فز) Franc Zone (FZ)

در برگیرندهٔ کلیه کشورهایی است که مایلند واحد پول خود را در رابطه با فرانک فرانسه تنظیم نمایند. عمدهٔ کشورهایی که سابقاً مستعمرهٔ فرانسه بودند، جزء این منطقه محسوب می‌شوند. فرانک سی اف آ، که در میان بیشتر کشورهای عضو جریان دارد، معادل یک سانتیم یا یک صدم فرانک فرانسه می‌باشد. مقر «فز» در پاریس، فرانسه واقع است و اعضای آن عبارتند از: افریقای مرکزی، بنین، بورکینافاسو، پولینزی فرانسه، توگو، چاد، رئونیون، ساحل عاج، سنگال، فرانسه، کالدونیای جدید، کامرون، جمهوری کنگو، کومور، گابون، گوآدلوپ، گویان فرانسه، گینه استوایی، گینه بیسائو، مارتینیک، مایوت، مالی و نیجر.

بخش ششم

واژه نامه



آ

آب‌بند LOCKS
معبر مصنوعی آب که دریچه‌ای برای متوقف ساختن یا تنظیم جریان آب در آن تعبیه می‌شود. عبور کشتی‌ها از درون کانال‌هایی که شیب تند دارند به وسیلهٔ آب‌بند صورت می‌گیرد. بدین ترتیب که کانال را به چند بخش قسمت می‌کنند و بین هر دو بخش دستگاهی شبیه حوض تعبیه می‌شود که از دو طرف به وسیلهٔ دریچه‌هایی به بخش‌های مجاور مربوط می‌گردد. هرگاه یکی از دریچه‌ها را باز کنند آب جریان یافته و سطح دو حوض مجاور را یکسان می‌سازد و در نتیجه حرکت کشتی از یک حوض به حوض مجاور میسر می‌گردد.

آبدره FIORD
شاخابه باریک و عمیقی از دریا که در خشکی پیشرفته باشد. آبدره معمولاً دارای دیواره‌های پر شیب و تندی است که از زیر آب رفتن ساحل کوهستانی یا فرسایش یخچالی عمیق یک دره ساحلی تشکیل یافته است. از این گونه عارضه در سواحل نروژ فراوان دیده می‌شود و به همین مناسبت واژه «فیورد» نیز در اصل نروژی است.

آبراهه CANAL
الف - مجرایی است که به طور مصنوعی در زمین کنده شده و برای حمل و نقل آبی به کار می‌رود. ب - رشته‌های باریکی از آب یا جویبارهای کوچکی که دو دریای مجاور را به هم بپیوندد. پ - مجرایی که به منظور آبیاری مناطق کشاورزی ایجاد شده باشد. به این مجرا کانال نیز می‌گویند.

آبرفت ALLUVIUM
موادی مانند شن و گل و لای که توسط آب رودخانه‌ها حمل شده و به تدریج به جای گذاشته می‌شوند.

آبریز CATCHMENT AREA
زمینی که آب باران کلیهٔ اراضی اطراف به آن وارد گردد و آب‌های جمع شده فقط به وسیلهٔ یک رودخانه یا یک رشته جوی از آن خارج و به دریا، یا دریاچه وارد شود. حوضه این گونه اراضی به وسیلهٔ خط الرأس بلندی‌های مشرف بر آن مسدود می‌گردد.

آبریز بسته INTERIOR DRAINAGE
آبریزی که فاقد راه خروجی بوده و دسترسی به دریا نداشته باشد. اینگونه آبریزها معمولاً به یک زمین پست منتهی شده و به دلیل افزایش میزان تبخیر و بر جای ماندن نمک، معمولاً به یک شوره‌زار یا یک دریاچه نمک تبدیل می‌گردند.

آبسرا LAKE DWELLING
خانه یا سرپناهی، که روی پایه‌هایی بر فراز آب دریاچه بنا شده باشد. نمونه‌ای از این گونه خانه‌ها امروزه در کشورهای گینه جدید و بورنئو و همچنین، در دهانه رودخانه آمازون به چشم می‌خورد. این گونه خانه‌ها، یادگاری از خانه‌های ماقبل تاریخ، به ویژه دوره نوسنگی است. بقایایی از دهکده‌های آبسرایی در سوئیس و شمال ایتالیا و جنوب آلمان و اتریش کشف شده است.

آبسنگ REEF
یا «تپه‌های زیردریایی»، صخرهٔ سنگی زیرآبی است که هنگام جزر سر آن از آب خارج شود. یک آبسنگ ممکن است که از سنگ سخت یا قلوه سنگ ایجاد شده باشد ولی اکثراً توسط فعالیت‌های مرجان‌ها به وجود می‌آیند. به این گونه سنگ‌ها صخرهٔ آبی نیز می‌گویند.

آبسنگ پشته‌ای FRINGING REEF
پشته ناهموار مرجانی که به ساحل نزدیک بوده و میان آن و خشکی اصلی را پایاب باریک و یک مرداب کم‌عمق ساحلی فرا گرفته باشد. شیب آبسنگ پشته‌ای رو به دریا تند و تقریباً به قائم نزدیک است.

آبسنگ حلقوی ATOLL
عبارت است از مجموعه‌ای از آبسنگ‌های مرجانی که به صورت دایره یا نعل اسب مجمع‌الجزایری را در دریا به وجود آورده و مرداب کم عمقی را در میان گرفته باشند. دربارهٔ نحوهٔ پیدایش این گونه آبسنگ‌ها نظریات متفاوتی ابراز شده است.

آبسنگ مرجانی CORAL REEF
آبسنگی که از اجتماع اسکلت‌های آهکی مرجانی پدید آمده باشد. آبسنگ‌های مرجانی بر سه گونه‌اند: الف - آبسنگ حلقوی ب- سد آبسنگی پ - آبسنگ پشته‌ای.

آبشار WATERFALL
ریزش قائم یا پر شیب آب یک رودخانه از ارتفاع زیاد. علت ایجاد چنین عارضه‌ای عبارت است از: الف- وجود صخره‌های سنگی مقاوم و سست در کنار یکدیگر در قسمت عرضی بستر رودخانه. ب- وارد شدن یک رودخانه از یک فلات به اراضی کم ارتفاع حاشیه آن و عبور از یک دیواره طبیعی. پ- وجود یک گسله در قسمت عرضی بستر رودخانه. ت- واقع شدن یک دره عمیق یخچالی در مسیر رودخانه. ث- عبور رودخانه از یک صخره ساحلی.

آبفشان GEYSER
چشمه آب گرمی که آب از آن در فاصله‌های زمانی معینی به شدت به خارج فوران نماید. میزان جهش آب در این گونه چشمه‌ها که معمولاً در مناطق آتشفشانی وجود دارند گاه به ۳۰ تا ۵۰ متر می‌رسد.

آبکند WATER GAP
آبراهه تنگ و طویلی که بر اثر شسته شدن زمین پدید آمده باشد. این عارضه غالباً در کوهپایه‌ها دیده شده و از فرکند کوچکتر و از دره خیلی کوچکتر است. این عارضه فقط هنگام بارندگی دارای آب بوده و در سایر موارد خشک است.

آبگیر BASIN
رجوع شود به حوضه.

آبلرزه TSUNAMI
امواج بزرگی که بر اثر وقوع زلزله در کف اقیانوس یا دریا پدید می‌آیند. زلزله دریائی اعم از این که ناشی از گسلش کف اقیانوس‌ها یا وقوع انفجارهای آتشفشانی در آنها باشد ممکن است موج‌های عظیم و مهیبی تولید کند که سرعتشان به بیش از ۸۰۰ کیلومتر در ساعت برسد و با ارتفاع حدود بیست متر به نواحی ساحلی حمله آورند.

آب معدنی MINERAL WATER
آبی است که از چشمه‌های معدنی خارج شده و در آن مقادیر زیادی املاح و گازهای محلول وجود دارد و به همین جهت برای درمان برخی بیماریها به کار می‌رود، مانند آب معدنی آبعلی، سرعین و یا ویشی در فرانسه.

آبنشین LAKE DWELLER
مردمی که در آبسرا زندگی می‌کنند.

آب و هوا CLIMATE
آب و هوا عبارت است از میانگین شرایط جوی یک منطقه در فصل‌های چهارگانه. بطور کلی مناطقی که در قسمت‌های خاوری و یا درونی قاره‌های بزرگ قرار گرفته‌اند دارای آب و هوای قاره‌ای بوده و میزان بارندگی و رطوبت هوای آنها کم و دامنهٔ تغییرات درجه حرارت آنها زیاد است. در حالی که سرزمین‌های واقع در بخش‌های غربی این قاره‌ها دارای بارندگی فراوان و رطوبت زیاد و درجه حرارت تقریباً ثابتی هستند. البته این شرایط کلی و جامع نبوده و استثناهایی در آن دیده می‌شود. علاوه بر شرایط بالا ارتفاع هر منطقه نیز در چگونگی آب و هوای آن منطقه مؤثر بوده و شرایط ویژه‌ای را به نام آب و هوای کوهستانی پدید می‌آورد. چگونگی آب و هوای نواحی استوایی تقریباً ثابت و یکنواخت است و هرچه از استوا دور و به نواحی قطبی نزدیک شویم دستخوش تغییرات وسیع‌تری می‌گردد که نمی‌توان برای آن قواعد ساده و یکسانی بیان داشت. بطور کلی عوامل مؤثر در چگونگی آب و هوای هر منطقه را می‌توان به شرح زیر دانست: درجه حرارت، تشعشع، فشار جو، باد، رطوبت و تبخیر، عرض جغرافیائی، ارتفاع، موقعیت مکانی نسبت به دریا و جریان‌های دریایی، میزان قابلیت نفوذ خاک و روئیدنی‌ها. به این اصطلاح اقلیم نیز گفته می‌شود.

آب و هواشناسی CLIMATOLOGY
دانشی است که پدیده‌هایی را که سبب پیدایش آب و هواهای گوناگون گشته مورد مطالعه قرار

داده و تأثیر آنها را بر زندگی روی کرهٔ زمین بررسی می‌کند.

آب و هوای استوائی EQUATORIAL CLIMATE

آب و هوای بخشی از کره زمین واقع در حد فاصل ۱۰ درجه عرض شمالی تا ۱۰ درجه عرض جنوبی، گرما و رطوبت زیاد از جمله مشخصات این آب و هوا بوده و به طور کلی از ۲۴ ساعت، ۱۲ ساعت آن روز و ۱۲ ساعت آن شب است. تغییرات فصلی در این آب و هوا بسیار اندک است و خورشید در تمام طول سال تقریباً عمود بر زمین می‌تابد.

آب و هوای دریائی MARITIME CLIMATE

آب و هوایی که تحت تأثیر دریا قرار گرفته و باعث خنک شدن نسبی هوا در تابستان و گرم شدن نسبی آن در زمستان شود، این گونه آب و هوا که بیشتر در کرانه‌های باختری سرزمین‌های عرض متوسط و همچنین در جزایر دیده می‌شود اغلب با مقدار محسوسی ابر و باران همراه است.

آب و هوای ساحلی INSULAR CLIMATE

آب و هوای جزایر و نواحی ساحلی که تأثیر دریا بیشتر از تأثیر خشکی باشد. از مشخصات این آب و هوا، تغییرات نسبتاً ناچیز درجه حرارت در طول روز و حتی در طول سال است.

آب و هوای قاره‌ای CONTINENTAL CLIMATE

آب و هوای درون قاره‌های بزرگ که دامنهٔ وسیع تغییرات درجه حرارت از جمله مشخصات آن بوده و به سبب دوری از اقیانوس، قابلیت باران‌زائی آن کم و منحصر به اوایل فصل تابستان است.

آب و هوای قطبی FRIGID CLIMATE

آب و هوای خاص مناطق منجمد شمالی وجنوبی که موجبات ریزش برف و یخبندان دائمی را فراهم نماید. این آب و هوا در تابستان‌خنک تا سرد و در زمستان‌فوق‌العاده سرد و طاقت‌فرساست.

آب و هوای کوهستانی MOUNTAIN CLIMATE

نوعی آب و هوا که مخصوص مناطق کوهستانی بوده و به عبارت دیگر به جای عواملی مانند عرض جغرافیائی، موقعیت مکانی و یا دوری و نزدیکی از دریا، عامل ارتفاع در آن مؤثر و سازنده باشد.

آب و هوای مدیترانه‌ای MEDITERRANEAN CLIMATE

آب و هوای ویژه سرزمین‌های پیرامون دریای مدیترانه و همچنین آب و هوای مناطق دیگری که همانند آب و هوای مدیترانه‌ای باشد. اینگونه آب و هوا معمو لاً در زمستان با بارندگی فراوان همراه بوده و در مقابل تابستان‌های آن نسبتاً گرم و خشک است. این آب و هوا از نظر کشاورزی بسیار ممتاز بوده و قابلیت آن از نظر رویش گیاهان و میوه‌جات درخور توجه است. از میوه‌جات خاص اینگونه مناطق انگور، زیتون و مرکبات است. از جمله مناطقی که دارای این گونه آب و هوا هستند، کالیفرنیای مرکزی، شیلی مرکزی، قسمت‌های جنوبی و بخش‌های شمال باختری و جنوبی استرالیا و همچنین کرانه‌های جنوبی دریای خزر را می‌توان نام برد.

آب و هوای نیم‌کم‌آب SEMIARID CLIMATE

آب و هوای درون قاره‌ای و یا آب و هوایی که در حد فاصل میان آب و هوای خاص ساوانا و آب و هوای ویژه کویرهای واقعی قرار گرفته و تقریباً به کم‌آب تمایل داشته باشد. آب و هوای نیمه خشک نیز گفته می‌شود.

آب های بین‌المللی INTERNATIONAL WATERS

آب تمام دریاها و اقیانوس‌ها، به استثنای بخش آب‌های سرزمینی که کلیهٔ کشورهای جهان، به طور یکسان، از آن بهره‌مند می‌شوند.

آب های سرزمینی (آب های ساحلی) TERRITORIAL WATERS

بخشی از آب‌های ساحلی که بر اساس قوانین بین‌المللی به سرزمین‌های مجاور تعلق داشته باشد. در «کنفرانس حقوق دریایی» سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۸۱ برگزار گردید، عرض آب‌های سرزمینی ۱۲ میل دریایی (حدود ۲۲/۲ کیلومتر) تعیین شده است.

آپاتیت APATITE

فسفات کلسیم معدنی که محتوی فلوئور یا کلر یا هردو بوده و با سختی ۵، بیشتر به رنگ‌های سبز و آبی، قهوه‌ای، بنفش، سفید و یا بی‌رنگ وجود داشته و به صورت مینرال فرعی به مقدار کم در سنگ‌های آذرین پیش می‌آید. کاربرد آن به عنوان سنگ زینتی و همچنین کودهای فسفره می‌باشد.

آپارتاید APARTHEID

یا «آپارتهید»، سیاست رسمی تبعیض و جدایی نژادی در کشور افریقای جنوبی بود که حزب ملی افریقا در سال ۱۹۴۸، پس از به قدرت رسیدن در آن کشور، به مورد اجرا گذاشت. بر اساس این سیاست اختلاط نژادی به کلی ممنوع بود و کلیهٔ امور فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و حقوقی سیاهپوستان زیر نظر «حزب ملی افریقا» قرارداشت. به دنبال مبارزات پی‌گیر مردم افریقای جنوبی، به رهبری نلسون ماندلا، سرانجام درسال ۱۹۹۰ این سیستم لغو شد.

آتشفشان VOLCANO

کوه یا قله‌ای معمو لاً مخروطی شکل که بر اثر روی هم انباشته شدن مواد گداخته‌ای که از روزنه‌ای به نام دهانه آتشفشان خارج گردیده است، پدید آمده باشد. بلندترین آتشفشان روی زمین کوه آکونکاگوآ به ارتفاع ۶۹۶۰ متر است که در رشته کوه‌های آند در امریکای جنوبی واقع شده است. بلندترین آتشفشان فعال کوه گوایاتیری به ارتفاع ۶۰۶۰ متر است که آن نیز در رشته کوه‌های آند واقع شده است.

آتشفشان خاموش DORMANT VOLCANO

آتشفشانی که در دوره‌های ماقبل تاریخ فعال بوده و بعد از آن به خاموشی گرائیده است، به این گونه آتشفشانها که در واقع آتشفشان مرده‌ای نیز هستند آتشفشان خفته هم می‌گویند.

آتشفشان مرده EXTINCT VOLCANO

آتشفشانی که در ازمنه دیرین زمین‌شناسی شکل گرفته و امروز به صورت یک آتشفشان غیر فعال و مرده به جای مانده باشد، شکل مخروطی این گونه آتشفشانها به مرور زمان از بین رفته است.

آتول ATOLL

رجوع شود به آبسنگ حلقوی.

آرسنیک ARSENIC

از عناصر شیمیایی که علامت شیمیایی آن As بوده و به سه شکل: نقره‌ای خاکستری متبلور (فلزی و شکننده)؛ سیاه‌رنگ و بی‌شکل؛ و زرد رنگ (جامد و متبلور) شناخته شده است. برای ساختن مواد رنگی، سموم حشره‌کش، گازهای سمی، رنگرزی پارچه، دباغی و پزشکی استعمال می‌شود.

آزادیخواه (لیبرال) LIBERAL

رجوع شود به لیبرالیسم.

آزبست (پنبهٔ کوهی) ASBESTOS

یک نوع کانی رشته‌ای شکل با ترکیب سیلیکات منیزیم که گاهی با آهن و یا کلیسم همراه است. نقطهٔ ذوب آن زیاد بوده ولی هدایت الکتریکی‌اش کم و غیر قابل اشتعال می‌باشد که به همین جهت برای عایق‌کاری کوره‌ها و سیم‌های برق، وسایل ضد آتش، درزبندها، صافی‌ها و غیره به صورت‌های ریسمان، ورقه‌ای و یا پارچه به کار می‌رود. ایرانیت نوعی پنبهٔ کوهی با سیمان می‌باشد. آزبست را پنبهٔ نسوز و سنگ پنبه نیز می‌نامند.

آسفالت ASPHALT

مخلوط طبیعی ئیدروکربورها، به رنگ سیاه مایل به قهوه‌ای، که در راه‌سازی، سقف‌سازی، آب‌بندی، رنگسازی، و لعاب سازی به کار می‌رود. حالت آسفالت از جامد تا نیم جامد تغییر می‌کند و بسیار چسبنده است. حرارت کم نیز آن را ذوب می‌کند.

آسیا ASIA

بزرگترین قارهٔ زمین که حدود ۴۹۲، ۰۳۶، ۴۵ کیلومترمربع وسعت دارد و حدود یک سوم خشکی‌های جهان را در بر گرفته است. بجز قسمت شمال غربی که به اروپا متصل است و برزخ باریک سوئز تماماً توسط آب احاطه شده است و طول خط سواحل آن حدود ۰۰۰، ۵۳ کیلومتر می‌باشد. کشورهای قارهٔ آسیا عبارتند از: تیمور شرقی، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قسمت آسیایی جمهوری روسیه، اردن، افغانستان، امارات متحده عربی، اندونزی، ایران، بحرین، بنگلادش، بوتان، پاکستان، تایلند، تایوان، ترکیه، چین، ژاپن، سری‌لانکا، سنگاپور، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، فلسطین، فیلیپین، قبرس، قطر، کامبوج، کره (شمالی و جنوبی)، کویت، لائوس، لبنان،

مالدیو، مالزیا، مغولستان، نپال، ویتنام، هند، یمن، میانمار (برمه)، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان.

آسیای صغیر ASIA MINOR
یا «آناطولی»، شبه جزیرهٔ واقع در منتهای غربی قارهٔ آسیا، که در حال حاضر قسمت آسیایی کشور ترکیه است. از شمال محدود است به دریای سیاه، از شرق به دریای اژه و از جنوب به دریای مدیترانه. دریای مرمره و تنگه‌های بسفرو داردانل نیز در شمال غربی آن قرار دارد.

آلومینیوم ALUMINIUM
فراوان‌ترین عنصر فلزی روی زمین با علامت شیمیایی (Al)، که نرم و سفید رنگ بوده، چگالی آن ۲/۷ و نقطهٔ ذوب آن ۶۶۰ درجه سانتی گراد می‌باشد. مشخصهٔ آن سبکی وزن، نرمی، مقاومت در برابر خوردگی و قابلیت‌هدایت حرارتی و الکتریکی مناسب می‌باشد. به علت سبکی در ساختن بدنهٔ هواپیما، اتومبیل و ظروف و به علت قابلیت تورق زیاد برای پیچیدن و لفاف کردن، و به عنوان ماده رنگ در رنگ‌کاری و همچنین در مواد منفجره به کار برده می‌شود. سنگ معدن مهم آن بوکسیت می‌باشد.

آمار STATISTICS
مجموعهٔ داده‌های عددی مربوط به یک موضوع (معمو لاً مهم)، مانند جمعیت، متوفیات، میزان تجارت داخلی یا خارجی، دما یا بارش ماهیانه، و غیره می‌باشد. علم آمار، علم و فن فراهم کردن داده‌های کمّی و تحلیل آنها است به منظور به دست آوردن نتایجی که اگرچه احتمالی می‌باشند، ولی در خور اعتماد می‌باشند.

آناناس PINEAPPLE
گیاه دائمی ناحیه گرمسیری قارهٔ امریکا، و میوه‌های خاردار و مطبوع آن. کوبا، پوئرتوریکو، و هاوایی از نظر محصول آناناس در رتبهٔ اول قرار دارند. آب و گوشت میوهٔ آن را به مقدار زیاد کنسرو می‌کنند و از برگ‌های خاردار آن رشته‌هایی به دست می‌آید که در جزایر فیلیپین با آن پارچه می‌بافند.

آنتراسیت ANTHRACITE
نوعی کانی زغالی سخت به رنگ سیاه، با درصد بالایی از کربن، که محتوی کمی هیدروکربن فرار بوده و تقریباً بدون شعله می‌سوزد.

آنتیل‌های بزرگتر GREATER ANTILLES
رجوع شود به جزایر آنتیل بزرگ.

آنتیل‌های کوچکتر LESSER ANTILLES
رجوع شود به جزایر آنتیل کوچک.

آنتیموان ANTIMONY
عنصر فلزی نسبتاً سخت و به رنگ سفید نقره‌ای با علامت شیمیایی (Sb) با چگالی ۶/۶۸ و نقطهٔ ذوب ۶۳۱ درجه سانتیگراد که بسیار شکننده بوده و هادی ضعیف حرارتی و الکتریکی می‌باشد. این فلز و اکثر ترکیبات آن سمی است. مهمترین کاربرد آن در سخت نمودن آلیاژهاست. همچنین در صفحات باطری‌ها، یاتاقان‌ها، حروف چاپی، غلاف کابل‌ها، لحیم و مهمات سربی به کار می‌رود. در قدیم به صورت سولفور به عنوان دارو و نیز آرایش ابروها توسط زنان به کار می‌رفته است.

آنیمیسم ANIMISM
یا اعتقاد به عالم روح و تجسم ارواح مردگان، عقیده‌ای است مبتنی بر این که کلیهٔ اشیاء موجود در عالم دارای شعور و مقداری شخصیت‌اند. جوامع ابتدایی درختان، کوه‌ها، سنگ‌ها و امثال آنها را دارای شخصیت و روح می‌پنداشتند و معتقد بودند که این ارواح را باید ارضاء یا اغفال کرد. آنیمیست‌ها، مجسمه‌ها و بت‌هایی را به عنوان نمادی از روح آنها می‌پرستیدند و در حقیقت بت‌پرستی نه به معنای پرستش بت‌ها بلکه به معنای پرستش و احترام به روح آنها بوده است. آنیمیسم در زمان حاضر نیز در نقاط دورافتاده افریقا، استرالیا، جزایر اقیانوس آرام (کبیر) و نواحی شمالگان (قطب شمال) پیروانی دارد.

آووکادو AVOCADO
درخت بسیار زیبای امریکایی از نوع پرسئا (Persea) با برگ‌های پیوسته سبز و میوه‌های گلابی شکل (موسوم به گلابی آلیگاتور) که پوست نازک و مغز خوراکی و روغن‌دار دارند و معمو لاً همراه با سالاد مصرف می‌شود. این درخت برای اولین بار توسط آزتک‌ها اهلی شده است.

آهن IRON
عنصر فلزی با علامت شیمیایی (Fe) که چهارمین عنصر فراوان زمین بوده و ۵۰٪ قشر زمین را تشکیل می‌دهد. چگالی آن ۷/۸ و نقطهٔ ذوب آن ۱۵۳۷ درجه سانتیگراد بوده و با کربن تولید فولاد می‌کند. آهن در میان عناصر دارای بیشترین کاربرد برای بشر بوده و رنگ خالص آن سفید نقره‌ای، براق و قابل مفتول شدن و متورق شدن می‌باشد، در مجاورت هوا به سهولت زنگ زده تولید اکسید آهن می‌نماید. اشکال تجارتی آن فولاد، چدن و آهن نورد شده می‌باشد. سنگ‌های معدن آن عبارتند از: لیمونیت، هماتیت، مانیتیت، پیریت و سیدریت.

الف

ائتلاف COALITION
به معنای به هم پیوستن احزاب برای تشکیل یا کمک به تشکیل حکومت می‌باشد. این امر فقط هنگامی صورت می‌گیرد که در سیستم‌های پارلمانی، یک حزب واحد اکثریت نداشته و در نتیجه تشکیل دولت از سوی یک حزب میسر نباشد، که در این صورت دو یا چند حزب به طور موقت با یکدیگر متحد می‌شوند تا اکثریت پارلمانی را به دست آورند و معمو لاً دولتی نیز که تشکیل می‌شود ائتلافی خواهد بود.

ابرقدرت SUPERPOWER
در سیاست بین‌المللی به نیرویی اطلاق می‌شود که شامل سرزمینی بزرگ، نیروی انسانی زیاد، ذخائر مواد اولیهٔ غنی و قدرت اقتصادی و نظامی شگرفی بوده و در عین حال خواستار سلطه‌جویی و اعمال قدرت بر سایر کشورها، و اعمال سیاست‌های استعماری و نواستعماری نیز باشد. در شرایط کنونی و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، کشور ایالات متحدهٔ امریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان شناخته می‌شود. ظاهراً پس از عملیات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، این کشور بر دخالت‌های خود در امور سایر کشورهای جهان افزوده است.

اتباع SUBJECT
رجوع شود به تبعه.

اتحادیه گمرکی CUSTOMS UNION
اتحادیه‌ای میان دو یا چند کشور که بر اساس آن از یک تعرفه مشترک گمرکی استفاده می‌شود، مانند اتحادیه گمرکی بازار مشترک اروپا.

اثرات گلخانه‌ای GREENHOUSE EFFECT
رجوع شود به گرم شدن زمین.

ارتدوکس ORTHODOX
عنوان کامل آن «کلیسای ارتدوکس شرقی» است و یکی از مذاهب مسیحی به شمار می‌رود. لفظ ارتدوکس به معنای «دارای عقیدهٔ درست» است و به پیروان این مذهب اطلاق می‌گردد. مذهب ارتدوکس در سال ۱۰۵۴ میلادی، پس ازمحکومیت «بطرک» قسطنطنیه (استانبول فعلی) توسط پاپ وقت، ایجاد گردید و از آن زمان ارتدوکس‌ها پاپ را به عنوان رهبر مسیحیان قبول ندارند.

اروپا EUROPE
کوچکترین قارهٔ جهان (به استثنای استرالیا) که حدود ۵۹۹، ۹۰۸، ۹ کیلومترمربع وسعت دارد و حدود ۷٪ خشکی‌های زمین را تشکیل می‌دهد. اروپا تقریباً به صورت شبه جزیره‌ای از قارهٔ آسیا است که - کمابیش بر حسب قرار - به وسیلهٔ کوه‌های اورال، دریای خزر، کوه‌های قفقاز، دریای سیاه، تنگهٔ بسفر، دریای مرمره، تنگهٔ داردانل و دریای اژه از آن جدا می‌شود. کشورهای قارهٔ اروپا عبارتند از: آلبانی، آلمان، آندورا، اسلوونی، کرواسی، بوسنی و هرزگوین، استونی، لاتویا، لیتوانی، مقدونیه، اسلوواکی، اوکراین، روسیهٔ سفید، مولداوی، قسمت اروپایی جمهوری روسیه، اتریش، اسپانیا، انگلستان، ایتالیا، ایرلند، ایسلند، بلژیک، بلغارستان، پرتغال، چک، دانمارک، رومانی، سان‌مارینو، سوئد، سوئیس، فرانسه، فنلاند، لوکزامبورگ، لهستان، لیختن اشتاین، مالت، مجارستان،

موناکو، نروژ، واتیکان، هلند، یوگسلاوی، یونان و قسمت اروپایی ترکیه. در برخی منابع و مآخذ، جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان نیز جزء اروپا ذکر شده است.

اروپاسیا (اوراسیا) EURASIA
نامی که از دو کلمه اروپا و آسیا گرفته شده و به دو قاره مزبور به عنوان یک قاره داده شده است.

استان PROVINCE
قسمتی از تقسیمات کشوری، که معمولاً از چند شهرستان تشکیل یافته و خود قسمتی از کشور است. حاکم استان را استاندار می‌گویند. در زمان ساسانیان، کشور ایران را به اجزائی تقسیم کرده بودند که هریک را استان و حاکم آن را استاندار می‌گفتند. واژه استان در قانون تقسیمات کشوری مصوبه ۱۳۱۶ هجری شمسی مأخوذ از همین کلمه بوده و جایگزین کلمه ایالت شده است. در مورد کشورهای بیگانه معمولاً این لفظ معادل کلمهٔ Province می‌باشد.

استبداد ABSOLUTISM
رجوع شود به حکومت مطلقه.

استپ STEPPE
واژه روسی برای علفزاری که در یک منطقه معتدله قرار گرفته و از گیاهان کوتاه‌قد و درختچه‌های خاردار که با فاصله از یکدیگر روئیده‌اند، پوشیده شده است. مانند علفزار پهناوری که از اوکراین تا منچوری گسترده شده است.

استثمار EXPLOITATION
به معنی طلب ثمر و بهره گرفتن و سوء استفاده از نیروی کار و حاصل زحمت افراد است. به طور کلی استثمار پرداخت مزد کمتر از ارزش تولید شدهٔ نیروی کار به کارگران می‌باشد که در نتیجهٔ این سیاست صاحبان سرمایه روزبروز ثروتمندتر می‌شوند، در صورتی که کارگران از حداقل رشد اقتصادی برخوردار می‌شوند.

استراتژی STRATEGY
یا «سوق‌الجیشی» در اصطلاح نظامی، به هنر طراحی و آرایش نظامی تمام مراحل جنگ گفته می‌شود که معمولاً توسط فرماندهان عالیرتبه و ستاد ارتش طرح‌ریزی می‌شود. در معنای وسیعتر (بخصوص در امور سیاسی) به تعیین خط مشی کلی یک کشور یا سازمان یا حزب و یا امثال آن که برنامهٔ مراحل بلند مدت آن را تعیین می‌کند، اطلاق می‌گردد.

استرالیا AUSTRALIA
جزیره بزرگی در جنوب شرقی آسیا در نیمکرهٔ جنوبی که میان اقیانوس هند و اقیانوس آرام (کبیر) واقع شده است. استرالیا معمولاً به تنهایی یک قاره محسوب می‌شود ولیکن همراه با جزایر اقیانوس آرام (کبیر) مرکزی و جنوبی «اقیانوسیه» نامیده می‌شود.

استعمار COLONIALISM
در لغت به معنای آباد کردن و عمران خواستن است. امروزه در اصطلاح به تسلط و بهره‌کشی سیاسی و اقتصادی یک ملت توسط ملت قوی‌تری گفته می‌شود. استعمار به معنای خاص آن مربوط به شرایطی است که کشور استعمارگر با کوچ دادن گروهی از اتباع خویش و ایجاد کوچ‌نشین‌هایی در ظاهر به اصلاح و آبادانی سرزمین تحت استعمار بپردازد، که معمولاً برای استقرار حاکمیت خود از نیروی نظامی نیز استفاده می‌کند. از اواسط قرن بیستم استعمارگران برای مقابله با رشد روزافزون آگاهی مردم مستعمرات و اوجگیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه، سیاست «نواستعماری» را در پیش گرفتند و با اعطای استقلال ظاهری به مستعمرات، روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و (در برخی موارد) نظامی خود را با آنها به منظور تداوم تسلط خویش ادامه دادند.

استقلال INDEPENDENCE
استقلال به معنای جدا بودن حاکمیت یک کشور از هر گونه سلطه و اقتدار خارجی و داخلی است.

استوا زمین EQUATOR
رجوع شود به نیمگان زمین.

اسکاندیناوی SCANDINAVIA
ناحیه‌ای در شمال اروپا، شامل سوئد، نروژ و دانمارک، که معمولاً فنلاند و ایسلند را هم جزو آن به حساب می‌آورند. شبه جزیره اسکاندیناوی نیز شامل سوئد و نروژ بوده و محدود است به دریاهای بالتیک و شمال، خلیج بوتنی، اقیانوس اطلس، اقیانوس منجمد شمالی (شمالگان) و تنگه‌های کاتگات و اسکاژراک.

اسلام ISLAM
دیانتی توحیدی که در حدود سال ۶۱۰ میلادی به وسیلهٔ حضرت محمد (ص)، آخرین پیامبر الهی، در مکه آورده شد. لفظ اسلام در قرآن به معنای مطلق، «دین خدا» و نیز مخصوصاً به معنای «دین محمد» آمده است و اصول لغوی آن به معنای تسلیم به حکم حق و رضا بودن به فرمان خدا است. دین اسلام علیرغم مخالفت مشرکین قریش، در طی مدت ۲۳ سال بعد از بعثت و درزمان حیات پیامبر تقریباً در تمام جزیرةالعرب انتشار یافت و بعد از رحلت آن حضرت به وسیلهٔ خلفا و صحابه و سایر مسلمانان، بتدریج در تمام عالم منتشر گشت. اصول اعتقادی عامهٔ مسلمانان عبارت است از اعتقاد داشتن به خدای یگانه، اصل نبوت و معاد (روز جزا)، و شیعیان علاوه بر آنها به اصول امامت و عدل نیز اعتقاد دارند.

اشکنازی ASHKENAZIM
عنوان یهودیان آلمانی در مقابل «سفارادی» که به یهودیان اسپانیا و پرتغال اطلاق می‌شود. اشکناز در کتاب مقدس نام نوه یافث وجد ساکنان اشکناز، یعنی کنارهٔ شمالی دریای سیاه است.

اصلاح دینی REFORMATION
انقلاب دینی در اروپای غربی در قرن شانزدهم که به عنوان نهضتی برای اصلاح مذهب کاتولیک آغاز شد و به نهضت «پروتستان» انجامید. از جملهٔ عوامل بروز این انقلاب، رواج فساد در دستگاه پاپی بود، که بعضی پاپ‌ها در این ایام لذات دنیوی را بر حفظ مصالح روحانی ترجیح داده و ثروت و قدرت زیادی را به طرق گوناگون کسب نموده بودند. در پی این انقلاب، فرقه‌های گوناگون مذهب پروتستان از جمله لوتری و کالونی پیدایش یافت و همچنین در انگلستان ادارهٔ امور کلیسا به دست پادشاهان افتاد و «کلیسای انگلستان» از حیطهٔ حاکمیت پاپ خارج گردید.

اطلس ATLAS
مجموعه‌ای از نقشه‌های جغرافیایی، که به صورت کتاب، مجلد شده باشد. اطلس در انواع مختلف تهیه می‌گردد که از آن جمله اطلس‌های عمومی، جغرافیائی، تاریخی، هواشناسی و نجوم، شهری، راه‌ها و غیره را می‌توان نام برد.

اعتصاب STRIKE
متوقف ساختن کار در کارگاه یا کارخانه‌ای از طرف کارگران به طور دسته‌جمعی، که اشکال و هدف‌های گوناگونی دارد و مهمترین انواع آن عبارتند از: ۱- اعتصاب اقتصادی، که در اعتراض به کمی دستمزد یا بدی شرایط کار علیه کارفرمایان صورت می‌گیرد. ۲- اعتصاب سیاسی، که هدف از آن پیشبرد مقاصد سیاسی است و لذا در وحلهٔ اول به افکار عمومی تکیه می‌کند و از نهادهای اجتماعی مانند احزاب، پارلمان و دولت استمداد می‌طلبد. ۳- اعتصاب سازمان داده شده، که از طرف سندیکا، طبق قوانین کار و دیگر قوانین مربوطه سازمان داده شده و رهبری می‌گردد. ۴- اعتصاب وحشی، که ناگهان از طرف یک یا چند کارگاه صورت می‌گیرد و به دستور و طبق رهبری سندیکای کارگران نیست. ۵- اعتصاب همدردی، که از طرف عده‌ای از کارگران به منظور همدردی با کارگران اعتصابی دیگر صورت می‌گیرد. ۶- اعتصاب کم کاری، که در آن کار ادامه می‌یابد منتهی کارگران کار را با تأنی و آهستگی انجام می‌دهند. ۷- اعتصاب تظاهری و اعتراضی (اخطاری)، که در حقیقت اعتراضی است برای گوشزد کردن مخاطرات اعتصابات بعدی و از نظر زمانی محدود است. ۸- اعتصاب گردان، که در طی آن یک سندیکا در مکان‌های مختلف به طور متناوب و پشت سر هم اعتصاب‌ها را سازمان می‌دهد. ۹- اعتصاب عمومی، که در طی آن تمام یا اکثریت کارگران یک منطقه، شهر یا کشور دست به اعتصاب می‌زنند. این گونه اعتصاب به انقلاب نزدیک است و اگر در سطح کشور اجرا شود کلیهٔ شئون اقتصادی را فلج می‌سازد.

اعلامیه حقوق بشر DECLARATION OF THE RIGHTS OF MAN
سند تاریخی منضم به قانون اساسی سال ۱۷۸۹ فرانسه که توسط امانوئل سیس، بر اساس عقاید ژان ژاک روسو تهیه شده بود و اشعار می‌داشت که همهٔ افراد بشر در مقابل قانون برابرند و حقوق همگان در برخورداری از آزادی، مالکیت، امنیت و مقاومت در مقابل سرکوب مورد تأیید قرار گرفته و آزادی بیان و مطبوعات تضمین شده بود. در سال ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب و اعلام نمود و از کلیهٔ کشورهای عضو خواست که موجبات انتشار آن را در کشورهای خود فراهم سازند. این اعلامیه دارای ۳۰ ماده است و مادهٔ اول آن می‌گوید که تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح

برادری رفتار کنند. در نیمهٔ دوم قرن بیستم نهادهای مستقل و غیر دولتی متعددی در جهت نظارت بر رعایت حقوق بشر از سوی دولت‌های جهان فعال شدند و سازمان ملل متحد نیز به ویژه ازاوایل دههٔ ۱۹۹۰ اقدامات گسترده‌ای را در این زمینه آغاز کرده است.

افریقا AFRICA

یکی از قاره‌های زمین واقع در نیمکرهٔ خاوری و در جنوب اروپا و جنوب غربی آسیا که از جهت وسعت دومین قاره زمین به شمار می‌رود و مساحتش به ۵۷۸، ۳۴۳، ۳۰ کیلومترمربع بالغ می‌گردد. گرداگرد قاره افریقا را آب فرا گرفته و از سوی شمال خاوری به وسیلهٔ آبراههٔ سوئز از خاک آسیا جدا می‌گردد. این قاره از شمال به دریای مدیترانه، از غرب به اقیانوس اطلس جنوبی و از خاور به اقیانوس هند محدود می‌شود. دریای سرخ و خلیج عدن بین قاره افریقا و قاره آسیا واقع است و دریای مدیترانه از سوی شمال این قاره را از قاره اروپا جدا می‌کند.

اقتصاد ECONOMICS

علم اقتصاد عبارت از بررسی وسایلی است که برای رفع احتیاجات مادی بشر به کار برده می‌شوند. به عبارت دیگر اقتصاد به بررسی پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد که مربوط به فعالیت بشر در راه به دست آوردن و مصرف کردن ثروت است.

اقلیت MINORITY

دسته مردمی که در یک کشور زندگی می‌کنند و از نظر زبان، مذهب، نژاد، آداب و رسوم اجتماعی و پاره‌ای علائق، با اکثریت مردم آن کشور فرق داشته باشند. به مفهوم وسیعتر به احزابی که در انتخابات پارلمانی، تعداد نمایندگان انتخاب شده آنها کمتر از نصف کل نمایندگان است نیز اطلاق می‌گردد.

اقلیم CLIMATE

رجوع شود به آب و هوا.

اقیانوس OCEAN

پهناورترین فرورفتگی‌های سطح زمین را که از آب پر شده است اقیانوس می‌نامند. بطور کلی اقیانوس‌ها حدود ۷۱ درصد سطح زمین را پوشانیده و به ترتیب وسعت عبارتند از:

نام	مساحت به کیلومترمربع	ژرف‌ترین نقطه به متر
اقیانوس آرام (کبیر)	۱۶۶،۲۴۱،۰۰۰	۱۰،۹۲۰
اقیانوس اطلس	۸۶،۵۵۷،۰۰۰	۸،۶۰۵
اقیانوس هند	۷۳،۴۲۷،۰۰۰	۷،۲۸۸

باید توجه داشت که مساحت دریاهایی که در مجاورت اقیانوس‌ها واقع شده‌اند (مانند دریای کارائیب، دریای مدیترانه و غیره) در این ارقام ذکر نشده و مساحت اقیانوس منجمد جنوبی (جنوبگان) در مساحت اقیانوس‌های اطلس، هند و آرام، و ارقام مربوط به اقیانوس منجمد شمالی (شمالگان) نیز در مساحت اقیانوس‌های اطلس و آرام منظور گردیده است.

اقیانوس‌شناسی OCEANOGRAPHY

بررسی‌های علمی در بارهٔ پدیده‌های وابسته به اقیانوس را اقیانوس شناسی می‌گویند. این دانش شامل: الف - اقیانوس شناسی طبیعی که در بارهٔ شکل و ساختمان کف اقیانوس‌ها و دما و غلظت و جریان آب آن بررسی می‌کند. ب - اقیانوس شناسی زیستی که دربارهٔ زندگی در اقیانوس‌ها گفتگو می‌کند.

اقیانوسیه OCEANIA

نام مجموع جزایر واقع در اقیانوس آرام (کبیر) مرکزی، غربی و جنوبی شامل میکرونزی، ملانزی و پولینزی که عموماً استرالیا و زلاند نو و گاهی مالزیا را نیز شامل می‌شود. اقیانوسیه اگرچه یک خشکی یکپارچه نیست ولیکن در اصطلاح به آن «قاره اقیانوسیه» نیز اطلاق می‌گردد.

الفبا ALPHABET

یا «خط» مجموعهٔ نشانه‌هایی است که برای تحریر واحدهای صوتی در یک زبان به کار می‌رود. الفباهای عمدهٔ جهان عبارت است از: چینی، سانسکریت، سیریلی، عربی، لاتینی (رومی) و یونانی.

الماس DIAMOND

خالص‌ترین نوع کربن متبلور بوده که تحت دما و فشار بسیار زیاد به وجود آمده و از این رو سخت‌ترین کانی محسوب می‌شود (سختی ۱۰). به علت همین سختی برای برش و تراش اجسام دیگر به کار رفته و به عنوان گرانترین سنگ زینتی نیز مصرف می‌شود. برلیان نوع تراشیدهٔ آن می‌باشد. واحد اندازه‌گیری آن قیراط (۰/۲ گرم) بوده و مهمترین مراکز استخراج آن کشورهای زئیر، افریقای جنوبی، غنا، آنگولا و تانزانیا می‌باشند.

امپراتوری EMPIRE

دسته‌ای از ملل یا ممالک که تحت لوای یک فرمانروا (امپراتور) وحدت یافته‌اند. عنوان امپراتوری به دولت یا حکومت تحت فرمان یک امپراتور، که دارای قلمروئی وسیع و مردمی متنوع است، نیز اطلاق می‌گردد. قدیمی‌ترین امپراتوریها در مصر، بابل، آشور، ایران، روم و مقدونیه تشکیل گردیده و در دوران متأخر می‌توان از امپراتوری‌های مغول، هند، آلمان و ژاپن نام برد، امپریالیسم را می‌توان نوع جدید امپراتوری دانست.

امپریالیسم IMPERIALISM

در اصطلاح، سیاستی است که کنترل بر مردم خارج از مرزهای خودی را به منظور استفاده از منابع اقتصادی آنها و حفظ موقعیت‌های نظامی و فروش کالاهای صادراتی به آنان تعقیب می‌کند. چون طبیعتاً مردم از قبول سلطهٔ بیگانگان بیزار می‌باشند، سیاست امپریالیسم همیشه توأم با اعمال زور و ستمگری و اجحاف بوده است. امپریالیسم بسته به شرایط، سیاست‌های متفاوتی را اتخاذ می‌نماید که در حال حاضر عمده‌ترین روش آن ایجاد بازارهای فروش با سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه، و خرید منابع و ذخایر آنها به نازل‌ترین قیمت می‌باشد و در این مسیر کشورهای استعمارگر ناگزیر از اتخاذ سیاست‌های مشترک و هماهنگ می‌باشند.

امریکا (آمریکا) AMERICA

نام اراضی نیمکرهٔ غربی (یعنی امریکای شمالی، امریکای مرکزی و امریکای جنوبی) که مجموعاً قارهٔ امریکا نامیده می‌شود. لفظ امریکا (در ایران) به طور خاص به کشور ایالات متحدهٔ امریکا اطلاق می‌گردد.

امریکای جنوبی SOUTH AMERICA

قسمت جنوبی قارهٔ امریکا که خود به تنهایی نیز یک قاره محسوب می‌شود. قارهٔ امریکای جنوبی حدود ۴۲۰، ۸۱۵، ۱۷ کیلومترمربع وسعت دارد و فقط از طریق قسمت جنوبی کشور پاناما به قارهٔ امریکای مرکزی و شمالی متصل است. کشورهای این قاره عبارتند از: آرژانتین، اکوادور، اوروگوئه، برزیل، بولیوی، پاراگوئه، پرو، سورینام، شیلی، کلمبیا، گویان، ونزوئلا و گاهی ترینیداد و توباگو نیز جزء آن محسوب می‌گردد.

امریکای شمالی NORTH AMERICA

قسمت شمالی قارهٔ امریکا که به قارهٔ امریکای شمالی موسوم است. معمولاً شامل ایالات متحدهٔ امریکا و کانادا است ولیکن در برخی مآخذ مکزیک، امریکای مرکزی و جزایر هند غربی نیز جزء آن محسوب می‌شود.

امریکای لاتین LATIN AMERICA

در اصطلاح جغرافیا، معمولاً به اراضی واقع در جنوب و جنوب شرقی ایالات متحدهٔ امریکا گفته می‌شود و مشتمل بر امریکای جنوبی وا مریکای مرکزی و هند غربی است. از جنبهٔ فرهنگی فقط به کشورها و سرزمینهایی که زبان غالب در آنها اسپانیایی یا پرتغالی یا فرانسوی است اطلاق می‌گردد.

امریکای مرکزی CENTRAL AMERICA

برزخ میان امریکای شمالی و امریکای جنوبی که به عنوان یک قاره نیز می‌توان محسوب داشت. شامل کشورهای السالوادور، بلیز، پاناما، کستاریکا، گواتمالا، نیکاراگوآ و هندوراس می‌باشد که معمولاً مکزیک نیز جزء آن به شمار می‌آید. در معنای وسیع‌تر امریکای مرکزی به جزایر هند غربی و باهاما نیز اطلاق می‌گردد.

امید به زندگی LIFE EXPECTANCY

شمارهٔ سال‌های زندگی برای متوسط افرادی که در یک واحد سرزمینی، بخصوص یک کشور، به آن سن می‌رسند. معمولاً میانگین سنی زنان و مردان هر کشور را جداگانه تعیین می‌نمایند.

امیرنشین PRINCIPALITY

منطقه‌ای که در قلمرو یک شاهزاده یا یک امیر اداره شود و امیر یا شاهزادهٔ مزبور در اداره آن دارای اختیارات قانونی باشد، مانند امیرنشین کویت و یا شاهزاده‌نشین موناکو و لیختن اشتاین.

انبوهه‌نگاری DEMOGRAPHY
بررسی و توصیف جمعیت از نظر شرایط زندگی مردم، پراکندگی جغرافیائی انسان‌ها و به ویژه زاد و مرگ و زناشوئی آنان.

انتخابات ELECTION
جریان رسمی انتخاب کردن اشخاص برای احراز نمایندگی مردم، مقام یا منصب و مسئولیتی در جامعه، از طریق آراء عمومی. انتخابات ممکن است به دو صورت مستقیم یا غیر مستقیم برگزار شود. به طور مثال در مورد انتخابات ریاست جمهوری اگر رئیس جمهور با رأی بلاواسطهٔ مردم انتخاب شود، به آن انتخابات مستقیم می‌گویند و اگر به وسیلهٔ نمایندگان منتخب مردم انتخاب شود، انتخابات غیر مستقیم نامیده می‌شود.

انحراف مغناطیسی MAGNETIC DECLINATION
زاویه میان شمال مغناطیس و شمال حقیقی (یا جغرافیایی) را انحراف مغناطیسی می‌نامند. این زاویه را بر حسب درجه و متناسب با قرار گرفتن امتداد شمال مغناطیس در سوی خاور و یا باختر شمال حقیقی انحراف خاوری و یا انحراف باختری می‌نامند که مقدار آن بر حسب زمان و موقعیت مکانی نقاط مختلف فرق می‌کند.

اندکس نقشه MAP INDEX
عبارت از فهرست یا راهنمایی است که در نقشه‌ها و یا در قسمت آخر اطلس‌های جغرافیائی به چاپ می‌رسد و به وسیلهٔ آن می‌توان اسامی مورد نظر را با سرعت بیشتری به دست آورد. معمولاً این گونه فهرست‌ها به ترتیب حروف الفبا تهیه شده و در مقابل هر نامی مختصات جغرافیائی آن نقطه، و یا موقعیت اختصاصی آن نام نسبت به تقسیمات مداری مشخص می‌گردد. در اطلس‌های جغرافیائی کنار موقعیت و یا مختصات آن عارضه جغرافیائی شماره صفحه‌ای که نام در آن درج گردیده است نیز قید می‌شود.

انقلاب REVOLUTION
دگرگونی شدید، ناگهانی و سریعی است که در اوضاع کلی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک ملت یا جامعه رخ می‌دهد. انقلاب معمولاً با خشونت، شورش و خونریزی همراه بوده ولی در بعضی انقلابات نیز این امر بدون خشونت و به تدریج انجام می‌یابد.

انگلیکان ANGLICAN
یا «جامعهٔ انگلیکان»، هیئت کلیساهایی که با کلیسای انگلستان از یک خانواده‌اند، مانند کلیسای اسقفی پروتستان امریکا، کلیسای اسقفی اسکاتلند و کلیسای ایرلند و غیره.

ایالت STATE
در تقسیمات سیاسی کشورها، عنوان هریک از منطقه‌های وسیعی است که معمولاً بزرگترین واحد تقسیماتی را تشکیل می‌دهند، محدوده و حدود اختیارات ایالات در کشورهای گوناگون متفاوت است و بستگی به مقررات و قوانین اساسی آن کشورها دارد.

ایستگاه سوختگیری FUELLING STATION
بندرگاهی که قاعدتاً برای سوختگیری کشتی‌ها ایجاد شده باشد. در گذشته سوختگیری در این بندرها به وسیلهٔ زغال سنگ انجام می‌شد و در حال حاضر با مواد نفتی انجام می‌گیرد.

ایل TRIBE
گروهی از مردم که دارای سرزمین واحد، لهجه‌ای مشترک و فرهنگ و یا راه و رسم زندگی یکسان و نسبتاً یکنواختی باشند.

ب

باب STRAIT OR CHANEL
رجوع شود به تنگه.

باتلاق SWAMP
زمینی که همواره از آب اشباع بوده و نی نسبتاً فراوانی در آن روئیده باشد. باید توجه داشت که این عارضه با ماندآب که یک باتلاق موسمی است اشتباه نشود.

باختر WEST
رجوع شود به جهات اصلی.

باد WIND
جریان افقی هوا با شدت‌های متفاوتی از آرام‌ترین تا شدیدترین آنها که توفند نام دارد.

بادام زمینی GROUND NUT
گیاهی یک ساله از تیرهٔ پروانه‌داران که خوراکی بوده و اصل آن از امریکای جنوبی است ولی در نقاط معتدل و مرطوب نیز به عمل می‌آید. دانه‌های آن را بو داده و می‌خورند یا از آنها روغن خوراکی می‌گیرند، خود گیاه برای علوفه به کار می‌رود. نام‌های دیگرش پستهٔ کوهی، پستهٔ شامی و پستهٔ زمینی می‌باشد.

بادپناه LEEWARD
طرفی که به دلیل وجود عارضه‌ای مثل یک رشته کوه یا یک دیواره، از باد در پناه باشد.

بادگیر WINDWARD
طرفی از هر عارضه، که در مقابل وزش باد قرار گرفته باشد.

باران RAIN
قطره‌های آبی که از ابر به زمین می‌چکد، باران نام دارد، این قطرات بر اثر اشباع و تراکم بخار آب موجود در جو زمین به وجود می‌آید.

بار رود RIVER LOAD
موادی که به وسیلهٔ آب یک رودخانه حمل می‌گردند. این مواد ممکن است به صورت محلول یا معلق باشند و همچنین به بار و قطعاتی که در امتداد بستر رودخانه به وسیلهٔ آب حمل می‌گردند نیز گفته می‌شود.

باریت BARITE/ BARYTES
یا «اسپات سنگین»، سولفات معدنی طبیعی باریوم که تقریباً غیر محلول است و از منابع تهیهٔ باریوم می‌باشد. از آن به عنوان محک برای سولفات‌ها و در ساختن رنگ نیز استفاده می‌شود.

باستان‌شناسی ARCHAEOLOGY
بررسی علمی در آثار بازمانده انسان، از آغاز زندگی بشر تا دورهٔ تاریخی جدید. باستان‌شناسان برای کاوش و خواندن و تعبیر و تعیین اندازه قدمت و نگهداری آثار باستانی و همچنین تعمیر و مرمت آنها از کارشناسانی مانند مورخ، دیرین‌شناس، زمین‌شناس، زبان‌شناس، شیمیدان، گیاه‌شناس، معمار، مهندس و عکاس استفاده می‌کنند.

بانتوستان BANTUSTAN
هر یک از چهار سرزمین «ترانسکی» (تأسیس ۱۹۷۶)، «بوفوتاتسوانا» (۱۹۷۷)، «وندا» (۱۹۷۹) و «سیسکی» (۱۹۸۱)، که رژیم نژادپرست افریقای جنوبی به عنوان سرزمین‌های خودمختار سیاهپوست‌نشین در داخل خاک خود ایجاد نموده بود. علیرغم ادعای افریقای جنوبی در آن دوران مبنی بر این که بانتوستانها دارای استقلال کامل داخلی هستند، این سرزمین‌ها مورد شناسایی بین‌المللی قرار نگرفتند و پس از فروپاشی نظام آپارتاید، این بانتوستانها نیز منحل شدند.

بایکوت BOYCOTT
رجوع شود به تحریم.

بخش DISTRICT
قسمتی از تقسیمات کشوری، که معمولاً از چند دهستان تشکیل یافته و خود قسمتی از شهرستان است. حاکم بخش را بخشدار میگویند. در تقسیمات سیاسی کشورهای بیگانه این لفظ معادل DISTRICT است و ممکن است برخلاف ایران بزرگترین واحد تقسیمات کشوری را تشکیل دهد.

برزخ ISTHMUS
باریکه‌ای از خشکی که دو سرزمین اصلی را به یکدیگر مربوط سازد و یا دو دریا را از هم جدا نماید. مانند برزخ پاناما، میان امریکای شمالی و امریکای جنوبی و یا برزخ سوئز که در میان قارهٔ آسیا و افریقا واقع شده و دریای مدیترانه و دریای سرخ را از هم جدا می‌کند.

برف SNOW
برف نوعی بارندگی است که از اشباع بخار آب در شرایط یخبندان پدید می‌آید. در این شرایط ذرات آب از حالت بخار، مستقیماً به حالت جامد تبدیل می‌گردند و به صورت بلورهای ستاره‌ای شکل کوچکی از یخ، تغییر شکل می‌دهند و در صورت سرد بودن لایه‌های زیرین جو، بدون آب شدن، به صورت برف، روی سطح زمین ریزش می‌کنند. به طور کلی ستونی از برف خشک (خاص مناطق خیلی سرد مانند نواحی قطبی است) تازه باریده‌ای به ارتفاع ۷۶۰ میلیمتر، معادل ستونی به ارتفاع ۲۵ میلیمتر باران، و ستونی از برف مرطوب و متراکم شده که ارتفاع ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیمتر داشته باشد، با ۲۵ میلیمتر باران برابر است.

برنج RICE
گیاهی از تیره گندمیان که در نواحی استوایی و معتدل گرمسیری می‌روید، بلندی این گیاه که مهمترین محصول دلتاهای رودهای بزرگ آسیا است به ۶۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر می‌رسد و دانه‌های آن به صورت سنبله‌ای فشرده است که در انتهای ساقه‌ها می‌روید. برنج نکوبیده را شلتوک یا شالی و کشتزارهای آنرا شالیزار می‌نامند. برنج مقدار زیادی نشاسته همراه با ویتامین ب و مواد معدنی دارد ولی پروتئین و چربی آن کم است. مهمترین کشورهای تولیدکننده برنج عبارتند از: چین، هند، ژاپن، تایلند، ویتنام، اندونزی، مصر، برزیل و امریکا. در ایران برنج بیشتر در شهرستان‌های سواحل دریای خزر کاشته می‌شود و به انواع چمپا، موازی، دمسیاه، صدری، گرده، زرچه و مانند آن تقسیم می‌گردد.

برومور BROMIDE
یا «برومید»، از نظر شیمی به نمک‌های اسید برومیدریک مانند برومور سدیم گفته می‌شود. اهمیت برومورها خصوصاً برومور پتاسیم در پزشکی است و برومور نقره در عکاسی به کار می‌رود.

برون‌بوم ENCLAVE
آن قسمت از سرزمین‌های کشوری، که به وسیلهٔ اراضی کشور دیگر محاصره شده باشد.

بریل BERYL
سیلیکات شش وجهی آلومینیوم با بریلیوم، که در سنگ‌های گرانیتی و پگماتیتی یافت می‌شود. رنگ آن سفید تا سبز کم‌رنگ می‌باشد نوع زینتی آن آبی رنگ بوده و نوع سبز روشن آن به نام زمرد جزو جواهرات بسیار قیمتی می‌باشد.

بریلیوم (بریلیم) BERYLLIUM
عنصر کمیاب فلزی نقره‌فام با علامت شیمیایی (Be)، که از لحاظ شیمیایی شبیه منیزیم است. چگالی آن ۱/۸۴ (سبک‌ترین فلز پایدار) و نقطهٔ ذوب آن ۱۲۸۰ درجه سانتیگراد است. بسیار سخت و شکننده است و سختی فولاد را زیاد میکند. آلیاژهای آن در ساختن هواپیما و موشک و اکسید آن در ساختمان رآکتورهای اتمی به کار می‌رود.

بز انقره ANGORA GOAT
یا بز آنکارا؛ گونه‌ای از بزها که منشاء آنها از آنکارا که در قدیم انقره نامیده می‌شده، دانسته می‌شود.

بستر رودخانه RIVER BED
بستر، عبارت از مجرایی است که آب در آن به طور طبیعی جریان داشته و به سوی دریا، دریاچه، کویر و باتلاق و مانند آن روان باشد.

بشکه BARREL
یکی از واحدهای اندازه‌گیری مواد نفتی است. وزن هر بشکه یا چلیک برابر ۳۰ گالن امپریال و ۴۲ گالن امریکایی یا ۱۵۹ لیتر است. هر تن مواد نفتی برابر است با ۷ تا ۸ بشکه.

بغاز BOGAZ
واژه صربستانی، به مفهوم منطقه‌ای است آهکی که به مرور به وسیلهٔ تخلیه و جابجائی آبهای سطحی، شسته شده و تنگه و یا شکافی را در سطح زمین به وجود آورده است. مانند بغازهای بسفر و داردانل در دریای مرمره (ترکیه).

بند DAM
رجوع شود به سد.

بنداب BAR
رشته‌ای از سنگریزه و شن، که در دهانه رودخانه‌هایی که به خلیج می‌ریزند تشکیل گردد. علت تشکیل این رشته، عدم وجود جریان‌های دریائی در داخل خلیج و در نتیجه ته‌نشین شدن مواد موجود در آب رودخانه‌ها در مقابل دهانه آنها است. افزایش این رسوبات اغلب باعث پر شدن خلیج و به اصطلاح کور شدن آن می‌گردد.

بندر PORT
نقطه‌ای در کرانه دریا، جایی که کشتی‌ها در کنار آن پهلو می‌گیرند و یا لنگر می‌اندازند تا در آنجا بارگیری و یا بار خود را تخلیه نمایند. این گونه نقاط معمولاً با تأسیساتی مانند اسکله و ساختمان و تسهیلات مخابراتی و ارتباطی همراه است.

بندر آزاد FREE PORT
بندر آزاد بندری است که کالاهای بازرگانی بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی به آن وارد و یا از آن صادر گردند. مانند بندر سنگاپور و بندر هنگ‌کنگ (در جنوب شرقی آسیا).

بندرگاه HARBOUR
تأسیساتی که برای دسترسی به کشتی‌های بزرگ و یا پهلوگیری آنها در کرانه دریا، ایجاد شده باشد. این تأسیسات ممکن است طبیعی و یا مصنوعی و یا ترکیبی از این دو باشد.

بودایی BUDDHISM
یا «آیین بودا»، یکی از ادیان بزرگ جهان، که مجموعهٔ اصول فلسفی و اخلاقی «بودا» است و در قرن ششم قبل از میلاد، در هندوستان رواج یافت. بعدها در سایر کشورهای آسیای شرقی نیز گسترش یافت ولیکن با پیدایش آئین هندو، در هندوستان تقریباً از میان رفت.

بودجه BUDGET
بودجه عبارت است از پیش‌بینی درآمد و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینهٔ برنامه‌ها و عملیات معینی که در دورهٔ محدودی از زمان انجام می‌شوند. کلیهٔ هزینه‌های دولت را هزینه‌های عمومی می‌نامند که عبارت است از: ۱- هزینهٔ امور عمومی مانند هزینهٔ پلیس و هزینهٔ ایجاد و حفظ امنیت و... ۲- هزینهٔ نظامی مانند قوای نظامی زمینی، هوایی، دریایی و... ۳- هزینهٔ امور اجتماعی مانند هزینهٔ آموزش و پرورش و بهداشت عمومی و... ۴- هزینهٔ اقتصادی مانند هزینهٔ تأمین آب و برق، توسعهٔ صنایع و... کلیهٔ درآمدهای دولت را درآمدهای عمومی می‌نامند که عبارت است از: ۱- درآمدهای مالیاتی شامل اقسام مالیات‌های مستقیم مانند مالیات بر درآمد و مالیات بر ارث، و مالیات غیر مستقیم مانند مالیات بر قند و شکر و کلیهٔ کالاها و خدمات مصرفی می‌باشد. ۲- درآمدهای غیر مالیاتی شامل درآمدهای حاصل از معادن نفت و غیره، سازمان‌های صنعتی و بازرگانی دولتی، خدمات دولتی مانند پست و تلگراف و برق و تلفن و غیره می‌باشد. امروزه بودجه به عنوان یک ابزار اقتصادی در دست دولت‌ها است تا بتوانند به کمک آن نابسامانیهای اقتصادی را رفع کنند. برای مثال در زمانی که رکود و بیکاری وجود دارد، دولت از طریق کاهش مالیات‌ها و افزایش هزینه‌های خود پول در گردش را زیاد کرده تا مردم برای خرید کالا و خدمات اقدام کنند که این عمل سبب تشویق تولید و سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش اشتغال و کاهش بیکاری خواهد گشت.

بور BORON
یا بُر، عنصر شیمیایی با علامت شیمیایی B، که به حالت متبلور با بلورهای زرد و نیز به صورت گرد قهوه‌ای بی‌شکل یافت می‌شود. بور نوترونهارا جذب می‌کند و به همین جهت برای مهار شکافت هسته‌ای (در رآکتورهای اتمی) به کار می‌رود.

بوران BURAN
باد شدیدی است که معمولاً در تمام فصول سال در آسیای مرکزی می‌وزد. وزش این باد در زمستان زندگی را طاقت‌فرسا ساخته و در چنین حالتی به آن سوز برف سرد یا COLD BLIZZARD می‌گویند.

بوکسیت BAUXITE
منبع اصلی آلومینیوم و کانی است مرکب از ئیدرات آلومینیوم همراه باسیلیس و ئیدروکسید آهن. مخلوط آن واکسید آهن تشکیل آجر نسوز را می‌دهد که برای‌پوشش نسوز کوره‌ها به کار می‌رود.

بهار SPRING
یکی از فصل‌های چهارگانه سال، که بین زمستان و تابستان واقع شده و در حد فاصل یکم فروردین، تا ۳۱ خرداد (برای نیمکره شمالی) و یکم مهرماه تا ۳۰ آذر (برای نیمکره جنوبی) قرار گرفته است.

بهمن AVALANCHE

توده عظیمی از برف و یخ، که از قسمت‌های بلند کوهستان لغزیده و همراه خود هزاران تن سنگ و مواد دیگر حمل می‌کند. گاهی اوقات بر اثر این رویداد، روستاها و گذرگاه‌ها و تأسیسات دیگری که غالباً با ضایعات انسانی همراه است ویران می‌گردد.

بیابان DESERT

رجوع شود به صحرا.

بیابان‌زایی DESERTATION

گسترش محیطهای بیابانی به مناطق دایر و قابل استفاده، اصطلاحاً بیابان‌زایی نامیده می‌شود. با توجه به اهمیتی که کشورهای مختلف در سالیان اخیر به حفظ محیط زیست داده‌اند، این مسئله نیز مورد توجه قرار گرفته و اقداماتی در جهت جلوگیری از بیابان‌زایی آغاز شده که به آن بیابان‌زدایی گفته می‌شود.

بیابان زدایی

رجوع شود به بیابان‌زایی.

بیسموت BISMUTH

عنصر فلزی متبلور شکننده به رنگ سفید خاکستری، با علامت شیمیایی (Bi)، که از لحاظ هدایت برق و حرارت ضعیف است. چگالی بیسموت ۸/۹ و نقطهٔ ذوب آن ۲۷۱ درجه می‌باشد. در آلیاژهای قالب‌گیری از بیسموت برای پائین آوردن نقطهٔ ذوب استفاده می‌شود. همچنین در چاپ پارچه‌های پنبه‌ای و ساختن لوازم آرایش به کار می‌رود و ترکیبات غیر محلول آن در پزشکی مورد استفاده است.

بین‌النهرین MESOPOTAMIA

لفظ بین‌النهرین به معنای بین دو رود است و به معنای خاص به جلگهٔ بین رودهای دجله و فرات در شمال خلیج فارس اطلاق می‌گردد. در معنای وسیع‌تر به ناحیه‌ای در آسیای غربی، در امتداد رودهای دجله و فرات و بین آنها، که از جنوب به شمال از خلیج فارس تا کوه‌های ارمنستان و از شرق به غرب از فلات ایران تا صحرای سوریه (بادیةالشام) ممتد است، گفته می‌شود.

پ

پا FOOT

واحد اندازه‌گیری انگلیسی، معادل ۱۲ اینچ یا یک سوم یارد و برابر ۰/۳۰۴۷۹ متر. هر پای مکعب معادل ۱۷۲۸ اینچ مکعب یا ۲۸۳۱۶/۱ سانتیمترمکعب و برابر ۶/۲۳ گالن آب است. هر فوت پوند وزن، عبارت از نیروئی است که بتواند وزنه یک پوندی را، به اندازه یک پا، به طور قائم جابجا کند. هر پای مربع برابر است با ۱۴۴ اینچ مربع یا ۰/۰۹۳ مترمربع.

پاپایا PAPAYA

درخت نخل مانند گرمسیری امریکایی، با میوه‌های زرد خوراکی که شیرهٔ آن محتوی آنزیمی موسوم به پاپائین است. میوه‌های آن را که شبیه خربزه است به صورت خام یا پخته به مصرف می‌رسانند و از عصارهٔ آن جهت ترد کردن گوشت استفاده می‌شود. در برخی مآخذ فارسی آن را خربزه درختی نامیده‌اند.

پادشاهی MONARCHY

رجوع شود به حکومت.

پارچه باتیک BATIK FABRIC

پارچه‌های پنبه‌ای که از حدود هزار سال پیش، با رنگ‌آمیزی ویژه‌ای در اندونزی تهیه می‌شود و به تدریج در برخی کشورهای غربی نیز مورد تقلید قرار گرفته است.

پارک PARK

منطقه و یا زمینی در داخل یک شهر که معمولاً با گلکاری و درختکاری و چمن‌کاری تزیین شده و برای تفریح و استراحت مردم اختصاص داده شده باشد.

پارک ملی NATIONAL PARK

منطقه‌ای که از نظر مطالعات علمی و تفریحات همگانی از جنبه‌های مختلف، مانند زندگی جانوران (حیات وحش) گیاهان و آثار باستانی، حفاظت شده اعلام گردد. از جمله معروف‌ترین پارک‌های ملی جهان، پارک ملی یلواستون (YELLOWSTONE) در ایالات متحده امریکاست، که حدود یک میلیون هکتار وسعت دارد.

پارلمان PARLIAMENT

هیئت عالی مقننهٔ یک واحد سیاسی عمده (مثل مملکت یا دولت) که در ممالک مختلف به اسامی گوناگون نامیده می‌شود. پارلمان در بیشتر کشورها خود از دو مجلس جداگانه تشکیل یافته و تعدادی از کشورها، منجمله ایران، دارای یک مجلس قانونگذاری می‌باشند.

پامپا (پامپاس) PAMPA (PAMPAS)

این واژه در اصل اسپانیائی بوده و به مفهوم علفزار معتدله‌ای در امریکای جنوبی که از کوه‌های آند تا اقیانوس اطلس گسترده شده به کار می‌رود. بخش باختری این منطقه را که پامپای خشک نام دارد یک بیابان پهناور در بر گرفته و بخش خاوری آن را پامپای مرطوب پوشانیده است. قسمت اخیر، دارای بارندگی قابل ملاحظه‌ای بوده و علف‌های بلندی آن را تحت پوشش قرار داده است. بخش بزرگی از این جلگه در حال حاضر زیر کشت رفته و محصولاتی مانند گندم، ذرت، کتان و یونجه از آن به دست می‌آید و همچنین گله‌های فراوانی از گاو و گوسفند برای پرواربندی و تهیه گوشت یخ زده در آن نگهداری می‌شود. این جلگه از نظر مشخصات طبیعی، شباهت فراوانی به استپ‌های شوروی دارد و معمولاً به صورت جمع یعنی پامپاس به کار می‌رود.

پایتخت CAPITAL

مرکز حکومت هر کشور، که در آن شاه یا رئیس جمهور و یا هیئت حاکمه آن کشور اقامت داشته و از آنجا به سراسر کشور، حکمرانی نمایند.

پاییز AUTUMN

زمان عبور کره زمین، در حد فاصل میان دو نقطه اعتدال پائیزی و انقلاب زمستانی را پائیز می‌گویند. این زمان، برای نیمکره شمالی، از یکم مهرماه تا سی‌ام آذر (۲۱ سپتامبر تا ۲۲ دسامبر) و برای نیمکره جنوبی یکم فروردین تا سی و یکم خرداد (۲۱ مارس تا ۲۱ ژوئن) است.

پتاس POTASH

نام بعضی از ترکیبات پتاسیم و بخصوص کربنات پتاسیم و ئیدروکسید پتاسیم (پتاس سوزآور) که بیشتر به عنوان نام تجارتی کربنات پتاسیم به کار می‌رود. از پتاس برای ساختن ترکیبات دیگر پتاسیم، شیشه‌های سخت و صابون استفاده می‌شود و در عین حال به عنوان کود نیز کاربرد دارد.

پتاسیم POTASSIUM

عنصر فلزی نرم نقره‌فام با علامت شیمیایی (K)، که میل ترکیبی آن با اکسیژن بقدری شدید است که معمولاً پتاسیم را در نفت نگهداری می‌کنند تا از اکسیژن و هوا محفوظ بماند. پتاسیم ارزش تجارتی نداشته ولی ترکیبات آن موارد استعمال بسیار دارد. در طبیعت به حالت آزاد یافت نمی‌شود ولی ترکیبات آن فراوان است. برای حیات ضروری است و در همهٔ مواد زنده یافت می‌شود. املاحش به عنوان کود به کار می‌رود.

پتروشیمی PETROCHEMISTRY

صنعت اشتقاق مواد شیمیایی از مواد نفتی یا گاز طبیعی. این صنعت رفته رفته گسترش یافته به طوری که امروزه ایجاد مواد مصنوعی پلاستیکی، مواد غیر آلی، گوگرد، آمونیاک و غیره را نیز در بر گرفته است. کاربرد پتروشیمی بیشتر در صنایعی مانند کشاورزی، ساختمان، نساجی و تولید لاستیک مصنوعی محسوس است. بنیان این صنعت در خلال جنگ اول جهانی، زمانی که احتیاج به مواد شیمیایی (مخصوصاً مواد منفجره) فزونی یافته بود، از امریکا سرچشمه گرفت. بعد از جنگ جهانی دوم صنعت پتروشیمی به سرعت گسترش یافت و این بیشتر به خاطر ساخت مادهٔ پلاستیکی پلی اتیلن بود. کشورهای اروپای غربی، امریکا و ژاپن از صاحبان عمدهٔ این صنعت به شمار می‌روند. در حال حاضر صنایع پتروشیمی در کشورهای نفت‌خیز منطقهٔ خلیج فارس و از جمله ایران نیز توسعه یافته است.

پرچم FLAG
یا «بیرق»، تکه پارچه‌ای است که دارای نقوش رنگین بوده و به عنوان نماد یا سمبل یک مملکت یا کشور به کار می‌رود.

پرداخت‌های انتقالی TRANSFER PAYMENTS
یا پرداخت‌های یک طرفه، مخارج دولت یا بخشی خصوصی که در مقابل آن کالا یا خدمتی دریافت نشده است، مانند مستمری‌ها، حقوق بیکاری و یارانه‌ها.

پرسترویکا PERESTROIKA
سیاست اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی، پس از روی کار آمدن میخائیل گورباچف، آخرین رهبر شوروی، که بنای آن بازسازی مدیریت اقتصادی کشور بود و تغییرات گسترده‌ای را در نحوهٔ مدیریت کلان و جزئی اتحاد جماهیر شوروی پدید آورد، امّا به نتیجهٔ دلخواه گورباچف نیز نیانجامید. این واژه در زبان روسی به معنای بازسازی می‌باشد.

پروتستان PROTESTANT
لفظ پروتستان به معنی «معترض» است و نام عمومی همهٔ فرقه‌های مسیحی، غیر از کلیساهای کاتولیک رومی و ارتدوکس شرقی و نیز عنوان اعضای این فرقه‌ها می‌باشد. پیدایش پروتستانها در قرن شانزدهم با «اصلاح دینی» آغاز گردید. مهمترین فرقه‌ها و مذاهب پروتستان عبارتند از: ادونتیست‌ها، آناباتیست‌ها، باتیست‌ها، پیرایشگری (پیوریتن)، کالونی، لوتری، متدیسم و مدرنیسم. در همهٔ ممالک، آیین پروتستان اصول آزادی فردی در امور دینی و دنیایی، قضاوت شخصی و تساهل دینی را در مقابل اطاعت از سنن و مقامات رسمی دینی، در بر دارد و به همین جهت، بسیاری از کسانی که دعوی مسیحی بودن را ندارند، هواخواه آن هستند. اساس آیین پروتستان این است که فرد مسیحی فقط در مقابل خدا مسئول است نه در برابر کلیسا، که تفسیر کتاب مقدس (انجیل) نیز بر همین مبنا صورت می‌گیرد.

پسکرانه HINTERLAND
زمین‌های واقع در پشت بندرگاه‌ها که نقش پشتیبانی و تأمین و رسانیدن کالاهای صادراتی را به بندرگاه و پخش و جذب کالاهای وارداتی از بندرگاه را عهده‌دار باشند.

پشته MOUND
تپه کوتاهی که به طور طبیعی یا مصنوعی ایجاد شده باشد و به آن تل نیز می‌گویند.

پگماتیت PEGMATITE
نوعی سنگ آذرین سخت و متراکم که دانه‌های بلورین آن بسیار درشت بوده و در دیوال‌ها، درزها و شکاف‌ها پیش می‌آید. منشأ آن بیشتر مواد گرانیتی است و مینرال‌های فرعی مانند توومالین، انواع میکا، توپاز، بریل، ولفرامیت و غیره به فراوانی در آن پیش می‌آیند. درشتی مینرال‌ها در آن گاهی به چندین متر می‌رسد و از این جهت این سنگ‌ها دارای ارزش اقتصادی مهمی می‌باشند. گرانیت پگماتیتی یکی از انواع آن است.

پل BRIDGE
طاقی که با مصالح ساختمانی بر روی رودخانه یا دره می‌سازند که از روی آن عبور کنند.

پلاتین PLATINUM
رجوع شود به طلای سفید.

پل طبیعی NATURAL BRIDGE
قوس و یا پل سنگی طبیعی که دو لب بریدگی، یا دره‌ای را به هم متصل ساخته و آب از زیر آن جریان داشته باشد. این عارضه بیشتر در زمین‌های آهکی دیده می‌شود.

پناهندهٔ سیاسی
رجوع شود به حق پناهندگی.

پنبهٔ کوهی
رجوع شود به آزبست.

پولاد (فولاد) STEEL
رجوع شود به آهن.

پول‌شویی MONEY LAUNDRY (MONEY LAUNDERING)
به‌طور خاص به‌روندی اطلاق می‌گردد که طی آن پولهای غیرقانونی فراهم آمده از قاچاق موادمخدر وفعالیت‌های مافیایی تبدیل به پول قانونی می‌شود و در این میان منشأ اصلی پولهای به‌دست آمده ناشناس باقی‌می‌ماند. اما به‌طورعام هرنوع درآمد غیرمشروع نظیرسرقت، اختلاس، فرار از مالیات، رشوه‌گیری و نظایر آن که در روند قانونی‌سازی قرار گیرد، پول‌شویی نامیده می‌شود.

پولینزی POLYNESIA
یکی از سه قسمت عمدهٔ «اقیانوسیه» که جزایر بسیار زیادی را در قسمت‌های مرکزی و جنوبی اقیانوس آرام (کبیر) شامل می‌شود. از مجموعه جزایر آن می‌توان جزایر هاوایی، ساموآ، تونگا، کوک، لاین، تووالو، و جزایر پولینزی فرانسه را نام برد. به لحاظ نژادی زلاند نو نیز جزء آن محسوب می‌گردد.

پیریت PYRITE
نام سولفورهای طبیعی بعضی از فلزات و به خصوص پیریت آهن (سولفید آهن) که از سنگ‌های معدنی فراوان و به رنگ زرد نارنجی است که گاهی آنرا «طلای سفیهان» می‌خوانند، اغلب محتوی طلا بوده و در ساختن اسید سولفوریک (جوهر گوگرد) به عنوان منبع گوگرد به کار می‌رود.

پیمینتو PIMIENTO
یا فلفل اسپانیایی، نوعی فلفل با میوه‌های کوچک که به عنوان چاشنی از آن استفاده می‌شود.

ت

تائو TAOISM
یکی از مذاهب فلسفی چین، که عمدتاً از کتاب «تائو - ته - کینگ» منسوب به «لائو-تسه» ناشی شده و «چوانگ - تسه» در روشن کردن اصول آن سهیم بوده است. «تائو» در معنی وسیع خود عبارت است از راهی که امور طبیعی با خلاقیت خودبخود و توالی منظم بر آن جریان دارند. این مذهب که از قرن پنجم میلادی به صورت یک دین در چین توسعه یافت، خدایان متعدد پیدا کرد و طریقت‌های رهبانی متعدد از آن پدید آمد.

تابستان SUMMER
الف - گرم‌ترین فصل سال را تابستان می‌گویند. دوران این فصل در نیمکره شمالی ماه‌های تیر و مرداد و شهریور و در نیمکرهٔ جنوبی، دی و بهمن و اسفند است. ب - از نظر نجومی، زمان میان انقلاب تابستانی (برابر یکم تیرماه)، و اعتدال پاییزی (یکم مهرماه) برای نیمکرهٔ شمالی و حد فاصل میان انقلاب زمستانی (برابر یکم دی‌ماه) و اعتدال بهاری (برابر یکم فروردین‌ماه) برای نیمکره جنوبی را تابستان می‌نامند.

تارو TARO
نام چندین قسم علف دائمی از نوع کولوکاسیا، که ریشه‌های ضخیم آنها نشاسته فراوان دارد و غذای عمدهٔ ساکنین بسیاری از مناطق گرمسیر و استوایی است. تاروی معمولی از جنوب شرقی آسیا به نواحی گرم افریقا و امریکا برده شده و تاروی خوراکی ریشهٔ ضخیم گوشتی دارد که دارای مواد قندی و نشاسته‌ای و پروتئین است. بعضی اقسام تارو را به علت برگ‌های پهن و بزرگ و لوله شدهٔ تزیینی، گوش فیل یا فیلگوش، آذان‌الفیل، پای گاو، رجل‌البقر و گل شیپوری نیز می‌نامند.

تاکتیک TACTIC
در اصطلاح نظامی، به هنر طراحی و آرایش نظامی در جنگ و مانورهای منطقه‌ای و مرحله‌ای اطلاق می‌گردد که معمولاً توسط فرماندهان محلی طرح‌ریزی می‌شود. در معنای وسیع‌تر (بخصوص در امور سیاسی)، به هر گونه برنامه‌ریزی مرحله‌ای گفته می‌شود که در مراحل مختلف مبارزه یا برنامهٔ کشوری یا سازمانی، دستیابی به اهداف تعیین شدهٔ استراتژیک را نزدیکتر سازد. در حقیقت تاکتیک جزئی از استراتژی و در خدمت پیشبرد آن است.

تالاب ETANG
دریاچه کم عمقی که به ویژه در یک شنزار یا در میان شن‌های ساحلی به وجود آمده باشد.

تالک (طلق) TALC
سیلیکات آبدار منیزیم که دارای ساختمان لایه‌ای می‌باشد. به علت سستی پیوند میان ورقه‌های آن، لغزانندگی آن بیشتر (از انواع دیگر سیلیکات) بوده و هنگام لمس آن چربی بیشتر احساس می‌شود. از این جهت از نوع توده‌ای آن (بنتونیت) بعنوان «گل سرشور» استفاده می‌شود. به صورت بلورهای تخت، توده‌ای، ورقه‌ای، شعاعی و متراکم متبلور شده و رنگ آن سفید متمایل به سبز یا آبی است و دارای جلای مرواریدی، سختی ۱ (نرم‌ترین کانی)، وزن مخصوص حدود ۲/۷ و کانی مشخصهٔ مناطق دگرگونی می‌باشد. تالک برای تهیهٔ پودر تالک، به عنوان مادهٔ خام سرامیک‌سازی و مادهٔ عایق به کار می‌رود. همچنین در رنگ‌سازی، کاغذ سازی، لوازم آرایش، صابون و لیزکننده‌ها، عایق های برقی و لینولئوم (پارکت) نیز مورد استفاده دارد.

تانتال (تانتالیوم) TANTALUM
عنصر فلزی کمیاب (با علامت شیمیایی Ta) که شفاف و سفید رنگ بوده ودر برابر اثرات شیمیایی بسیار مقاوم است. چگالی آن ۱۶/۶ و نقطهٔ ذوبش ۳۰۰۰ درجه سانتی‌گراد می‌باشد. کاربرد آن در ادوات الکترونیکی به عنوان گاززدا بسیار وسیع بوده و به عنوان پوشش ضد خوردگی و به جهت دارا بودن خواص عالی عایقی در صفحات خازن‌ها به کار برده می‌شود. سنگ معدن آن تانتالیت می‌باشد.

تانتالیت TANTALITE
مینرالی با ترکیب شیمیایی تانتالات آهن که معمولاً حاوی منگنز وکلمبیوم بوده و به صورت‌بلورهای درشت سیاه رنگ دیده می‌شود. تانتالیت سنگ معدن‌اصلی فلز تانتال می‌باشد.

تبعه SUBJECT
از این عنوان جهت مشخص کردن تابعیت سیاسی افراد، بخصوص هنگامی که در خارج از موطن خویش هستند، استفاده می‌گردد.

تبعیض نژادی ETHNIC DISCRIMINATION
رجوع شود به نژادپرستی.

تپه HILL
قسمت کوچکی از پوسته زمین که ارتفاع آن نسبت به زمین‌های اطراف بیشتر و برجسته‌تر باشد تپه نام دارد. با وجودی که حد فاصل مشخص و معینی میان تپه و کوه وجود ندارد مع‌الوصف برجستگی‌های کمتر از ۳۵۰ متر را تپه و بلندتر از آنرا می‌توان کوه نامید. ولی این رقم قطعیت نداشته و استثناهایی در آن دیده می‌شود.

تپه ماهور RIDGE AND VALLEY
زمینی که از ترکیب پستی و بلندی‌ها و یا رشته تپه‌ها و دره‌های نسبتاً موازی پدید آمده باشد. بلندی‌های این گونه اراضی معمولاً از، ماسه سنگ و یا مواد مقاوم دیگر ساخته شده و برعکس پستی‌ها از جنس کم دوام و ضعیف‌تری مانند رس بوده‌اند.

تجارت ترانزیت TRANSIT TRADE
رجوع شود به داد و ستد ترانزیت.

تحت‌الحمایه PROTECTED STATE
سرزمینی که از خود فرمانروا و در امور داخلی کم و بیش استقلال دارد، ولی تحت حمایت کشور دیگری است و معمولاً روابط خارجی آن در دست آن کشور است.

تحریم (SANCTION (BOYCOTT
یا «بایکوت»، نوعی مبارزهٔ منفی است که در ضمن آن مراودهٔ اقتصادی یا اجتماعی با فرد یا جماعت یا ملتی متخلف یا مقصر قطع شود. به عبارت دیگر تحریم کنندگان خود را از کالاها یا خدمات طرف مقابل محروم می‌نمایند تا وی را وادار به دادن امتیاز یا رفع تخلف نمایند. از موارد معروف آن در ایران، تحریم استعمال دخانیات در جنبش تنباکو (اوایل انقلاب مشروطیت) از طرف ملت ایران بود. در سال‌های اخیر سازمان ملل متحد چندین مورد تحریم مهم در مورد کشورهایی نظیر افریقای جنوبی (طی سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۰)، یوگسلاوی (۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱) و عراق (از سال ۱۹۹۱ تا کنون) اعمال کرده است.

ترابری TRANSPORTATION
حمل کالاهای تجارتی از یک محل به محل دیگر. این عمل ممکن است به وسیلهٔ انسان، حیوان و یا وسایل نقلیه موتوری از قبیل راه‌آهن، اتومبیل، کشتی، هواپیما و امثال آن انجام گیرد.

تراست TRUST
در اصطلاح مالی و اقتصادی، هر نوع سازمانی که سیاست بازرگانی چندین مؤسسهٔ مستقل را تحت نظارت خود درآورد و مخصوصاً بهای کالاهایی را که مؤسسات مذکور تولید می‌کنند، در بازارهای مختلف یکنواخت کرده رقابت را از بین بردارد. تراست یکی از مظاهر رژیم‌های سرمایه‌داری است که به وسیلهٔ آن سرمایه‌داران کوچک از بین برده شده وواحدهای صنعتی کوچک تحلیل می‌روند و صرف جوئی‌های زیادی در هزینهٔ تولید برای صاحبان تراست به عمل می‌آید.

تراکم جمعیت DENSITY OF POPULATION
میانگین تعداد نفراتی که در یک واحد سطح (مانند یک کیلومترمربع) از یک کشور یا یک منطقه و مانند آن زندگی می‌کنند. تراکم جمعیت هر واحد سرزمینی از تقسیم میزان جمعیت بر مساحت آن به دست می‌آید.

ترعه CANAL
رجوع شود به آبراهه.

ترور TERROR
لفظ اروپایی آن به معنی ترس و وحشت فوق‌العاده زیاد بوده و اصطلاحاً به حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که یک حزب یا فرقه، برای به دست آوردن قدرت یا حفظ اقتدار خود، با توسل به اعمال شدید آن را بر جامعه حاکم می‌کند، مانند دورهٔ ترور (وحشت) در فرانسه طی سالهای ۹۴ - ۱۷۹۳. «تروریسم یا تروریزم» نظام حکومت ترور است. «تروریست» به کسی گفته می‌شود که برای پیش بردن هدف‌های سیاسی خود (معمولاً متضمن برانداختن رژیم موجود) متوسل به اعمال شدت و ایجاد وحشت و هراس می‌شود. تروریسم نقش عمل عجولانه و لاعلاجی را برای حل مشکلات به ظاهر لاینحل بازی می‌کند.

تروی (اونس تروی) TROY OUNCE
واحد سنجش وزن در توزین طلا، نقره ومانند آن که جزئی از سلسله اوزان تروی محسوب می‌شود که در انگلستان و امریکا رایج است. نام کامل آن اونس تروی است که در این کتاب همه‌جا به اختصار تروی به کار رفته و هر تروی معادل ۳۱/۱ گرم می‌باشد.

تسونامی TSUNAMI
واژهٔ ژاپنی معادل «آبلرزه».

تصویر نقشه MAP PROJECTION
رجوع شود به سیستم تصویر نقشه.

تعرفهٔ گمرکی CUSTOMS TARIFF
رجوع شود به گمرک.

تقسیمات کشوری LOCAL DIVISIONS
یا «تقسیمات محلی» یا «تقسیمات اداری»، عبارت است از تقسیمات جزئی کشورها. این تقسیمات که برای سهولت در ادارهٔ کشور صورت می‌گیرد، معمولاً بر اساس اشتراکات قومی، نژادی، مذهبی، تاریخی، اوضاع طبیعی و امثال آنها استوار است. بسته به شرایط فرهنگی و اجتماعی و نوع حکومت حاکم بر کشورها، تقسیمات اداری با اسامی و اختیارات متفاوت تعیین می‌شود.

تقویم CALENDAR
سیستمی که بر اساس آن زمان به دوره‌های ثابت و مشخصی به نام سال، ماه، روز و غیره تقسیم می‌گردد. سال و ماه و روز خورشیدی در واقع زمان‌های طبیعی هستند و بر پایه حرکات زمین نسبت به خورشید پدید آمده‌اند، (یک سال خورشیدی ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه است). علاوه بر سیستم خورشیدی، سیستم دیگری به نام قمری نیز وجود دارد که بر اساس گردش ماه به دور زمین پدید می‌آید. یکی از مشکلات و موانع این سیستم این است که یک سال مضرب صحیحی از روز خورشیدی یا زمان گردش ماه به دور زمین نیست.

تقویم رسمی ایران IRANIAN CALENDAR
تقویم رسمی ایران هجری شمسی و بر پایه تقویم جلالی است که به موجب قانون مورخ ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ هجری شمسی برقرار گردیده است. بر طبق این قانون، اول سال، نخستین روز بهار و مبدأ آن هجرت حضرت محمد (ص)، از مکه به مدینه است. اسامی ماه‌های این

تقویم عبارتند از: فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، امرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر، دی، بهمن و اسفند، شش ماه اول سال هر کدام ۳۱ شبانه روز، ۵ ماه بعد هر یک ۳۰ شبانه روز و اسفند در سالهای عادی ۲۹ شبانه‌روز و در سال‌های کبیسه ۳۰ شبانه‌روز است. این تقویم مبتنی بر حساب نجومی است و روز اول سال یا نوروز روزی است که خورشید بین ظهر روز قبل و ظهر آن روز از نقطه برابران بهاری می‌گذرد.

تقویم گرگوری GREGORIAN CALENDAR

این تقویم که امروزه در بیشتر کشورها رایج است و به وسیلهٔ پاپ گرگوریوس در ۱۵۸۲ میلادی متداول گردیده، بر اساس تقویم ژولین حاصل گردیده است. در تقویم ژولین سال به طور متوسط ۳۶۵/۲۵ شبانه‌روز منظور گردیده بود، حال آن که سال شمسی ۳۶۵/۲۴۲۲ شبانه‌روز است. خطائی که به این ترتیب به وجود می‌آمد در قرن شانزدهم میلادی به ۱۰ شبانه‌روز بالغ شده بود و برابران بهاری از روز ۲۱ مارس به روز ۱۱ مارس منتقل گردیده بود. گرگوریوس ۱۰ شبانه‌روز از سال ۱۵۸۲ کاست و مقرر داشت که از آن سال به بعد سال‌هایی که شماره آنها به دو صفر ختم می‌شود کبیسه محسوب نگردد مگر این که این شماره‌ها به ۴۰۰ قابل قسمت باشد. در این تقویم سال از اول ژانویه آغاز می‌شود(در حالی که در تقویم ژولین معمولاً از ۲۵ مارس آغاز می‌شد) و ماه‌های آن به ترتیب عبارتند از: ژانویه ۳۱ روز، فوریه ۲۸ یا ۲۹ روز، مارس ۳۱ روز، آوریل ۳۰ روز، مه ۳۱ روز، ژوئن ۳۰ روز، ژوئیه ۳۱ روز، اوت ۳۱ روز، سپتامبر ۳۰ روز، اکتبر ۳۱ روز، نوامبر ۳۰ روز و دسامبر ۳۱ روز.

تقویم هجری شمسی HEGIRA-SOLAR CALENDAR

تقویمی است که بر اساس گردش زمین به دور خورشید محاسبه شده و مبدأ آن تاریخ هجرت محمد(ص) از مکه به مدینه است. برای توضیح بیشتر رجوع شود به تقویم رسمی ایران.

تقویم هجری قمری HEGIRA-LUNAR CALENDAR

تقویم دینی کشورهای اسلامی که تقویمی است کاملاً قمری و مبدأ آن اول محرم سالی است که حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه هجرت فرمود (جمعه ۱۶ ژوئیهٔ ۶۲۲ میلادی). این تقویم مبتنی بر گردش ماه به دور زمین است و ۳۵۴ یا ۳۵۵ شبانه روز دارد و از دوازده ماه قمری ترکیب یافته است. ماه‌های قمری با فصول سال ارتباطی ندارند و از رؤیت هر هلال تا رؤیت هلال بعدی به طول می‌انجامند و هیچ گاه از ۳۰ شبانه‌روز تجاوز نکرده و از ۲۹ شبانه‌روز نیز کمتر نمی‌شوند(تا ۴ ماه متوالی ممکن است ۳۰ شبانه‌روز باشند و یا تا ۳ ماه متوالی ۲۹ روزه محسوب گردند)، اما منجمین تقویم قمری متوسط را دارای اعتبار دانسته و طول ماه‌ها را از محرم به بعد متناوباً ۳۰ و ۲۹ روز منظور می‌دارند و طول سال قمری را به طور متوسط ۳۵۴/۳۶۷ روز به حساب می‌آورند و اضافی آن یعنی ۰/۳۶۷ شبانه‌روز را که طی سی سال بالغ بر ۱۱ شبانه‌روز می‌گردد، در هر دورهٔ سی ساله، به ترتیب در سال‌های ۲، ۵، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۹ کبیسه می‌کنند و یک شبانه‌روز به تعداد روزهای ماه ذیحجه سال‌های مزبور می‌افزایند. اسامی ماه‌های قمری عبارتست از: محرم، صفر، ربیع‌الاول، ربیع‌الثانی، جمادی‌الاول، جمادی‌الثانی، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذیقعده و ذیحجه.

تگرگ HAIL

تگرگ عبارت است از گلوله‌هایی از یخ که قطر آنها حدود ۵ میلیمتر یا بیشتر بوده و از ابر نوع کومولونیمبوس که اغلب با رعد و برق همراه است باریده می‌شود. شکل تگرگ متفاوت بوده و درشتی هر یک از دانه‌های آن گاه تا میزان قابل توجهی می‌رسد، (وزن درشت‌ترین تگرگی که تاکنون دیده شده، حدود یک کیلوگرم است). علت ایجاد تگرگ، صعود سریع هوای مرطوب به سوی طبقات سرد بالای جو، و انجماد ذرات بخار آب است. این ذرات، بتدریج درشت‌تر شده و بر وزن آنها افزوده می‌شود تا جائی که از حالت تعلیق خارج شده و به سوی سطح زمین فرو می‌ریزد. توفان تگرگ معمولاً برای کشاورزی زیان‌بخش است.

تل MOUND

رجوع شود به پشته.

تمدن CIVILIZATION

مرحله‌ای عالی و پیشرفته در دوره‌ای مشخص از حیات یک جامعه در زمینه‌های علمی و هنری که منتج از تبادل افکار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد.

تن TON

واحد اندازه‌گیری وزن که به انواع زیر شناخته می‌شود: الف - تن متریک که ۱۰۰۰ کیلوگرم یا ۲۲۰۴/۶۲۲۳ پوند است (هر تن متریک برابر ۰/۹۸۴۲۱ تن انگلیسی است) و در این کتاب نیز واحد تن بر اساس سیستم متریک به کار رفته است. ب - تن انگلیسی یا تن بلند که مقدار آن ۲۲۴۰ پوند است. پ- تن امریکائی یا تن کوتاه که ۲۰۰۰ پوند است. (هر تن امریکائی برابر ۰/۹۰۷ تن متریک است).

تندباد GALE

بادهای تندی که از نظر طبقه‌بندی بوفورت به شرح زیر درجه‌بندی می‌گردند: الف - باد ملایم با درجه ۷ و سرعت متوسط حدود ۵۵ کیلومتر در ساعت. ب - باد نیمه ملایم با درجه ۸ و سرعت متوسط حدود ۶۵ کیلومتر در ساعت. پ - باد تند با درجه ۹ و سرعت متوسط حدود ۷۵ کیلومتر در ساعت. ت - باد شدید با درجه ۱۰ و سرعت متوسط حدود ۹۰ کیلومتر در ساعت. البته بادهای درجه ۱۱ و ۱۲ نیز از نوع همین بادها شناخته شده و فقط از نظر طبقه‌بندی بوفورت به توفان و توفند تقسیم‌بندی می‌گردند.

تنگ GAP OR GORGE

دره‌ای که بیش از اندازهٔ طبیعی ژرف و تنگ باشد. دیوارهای تنگ اغلب قائم و فوق‌العاده پرشیب هستند.

تنگستن TUNGSTEN

رجوع شود به ولفرام.

تنگه CHANEL OR STRAIT

باریکه‌ای از آب، که دو دریای مجاور را به طور طبیعی به یکدیگر متصل سازد. به این عارضه باب نیز گفته می‌شود.

توپوگرافی TOPOGRAPHY

نمایش عوارض موجود هر منطقه اعم از طبیعی یا مصنوعی را توپوگرافی می‌نامند. واژه توپوگرافی از دو کلمه یونانی توپو به معنی مکان و گرافی به مفهوم نمایش یا تشریح اقتباس شده است.

توجیه نقشه MAP ORIENTATION

قرار دادن نقشه نسبت به طبیعت به وضعی که شمال نقشه در جهت شمال طبیعت و جنوب آن در جهت جنوب طبیعت قرار گیرد و یا به عبارت دیگر کلیه امتدادهای روی نقشه به موازات، و در جهت امتدادهای مشابه خود در طبیعت واقع شوند. برای استفاده هرچه بهتر از نقشه، توجیه آن با طبیعت ضروری است.

تورب PEAT

مواد گیاهی پوسیده‌ای به رنگ قهوه‌ای یا سیاه که در زیر اراضی مرطوب انباشته شده و تحت تأثیر عوامل شیمیایی، اسید، قلیایی و یا حتی خنثی قرار گرفته باشد. نوع اسیدی این مواد برای مصارف سوختی به کار می‌رود. تورب در حقیقت اولین مراحل تشکیل زغال سنگ را طی می‌کند و در برخی شرایط، از خزه‌هایی به نام اسفاگنوم در آب‌های شیرین نیز پدید می‌آید.

تورم INFLATION

افزایش بی‌تناسب مقدار پول رایج در یک کشور (خصوصاً از طریق انتشار پول کاغذی غیر قابل تبدیل به مسکوک)، یا افزایش بی‌تناسب اعتبارات نسبت به احتیاجات اقتصادی. نتیجهٔ این افزایش این است که ارزش پول پائین آمده و مردم می‌کوشند که پول خود را به کالا تبدیل کنند که این اقدام قیمت‌ها را بالا می‌برد. علاوه بر موارد فوق، احتکار یا ذخیره کردن بدون علت کالاها در انبارها و افزایش نامتناسب و عمومی دستمزدها نیز از جمله علل پیدایش تورم است. عمده‌ترین تأثیر تورم، بیشتر شدن سود بازرگانان و تنزل «درآمد واقعی» مزدبگیران و کسانی است که حقوق ثابت دارند.

توریست (جهانگرد) TOURIST

رجوع شود به جهانگردی.

توریوم (توریم) THORIUM

عنصر فلزی (علامت شیمیایی Th) با خاصیت رادیواکتیو، به رنگ سفید خاکستری و نرم، با چگالی ۱۱/۵ و نقطهٔ ذوب ۱۷۵۰ درجهٔ سانتیگراد، مقدار کم آن در آلیاژهای منیزیم شکل‌پذیری آن را بهتر نموده و با تنگستن، انتشار الکترونی را در الکترودها و رشتهٔ لامپ‌ها بهبود می‌بخشد. در انرژی اتمی نیز کاربرد داشته و املاحش در پزشکی نیز به کار می‌رود.

توزیع سنی AGE DISTRIBUTION

عبارت است از تعیین درصد نفرات گروه‌های سنی مختلف یک جامعه نسبت به مجموع افراد همان جامعه. در این کتاب برای توزیع سنی هر کشور ۴ گروه سنی صفر تا ۱۴ سال، ۱۵ تا ۲۹ سال، ۳۰ تا ۵۹ سال و بالاتر از ۶۰ سال در نظر گرفته شده است.

توفان STORM
باد شدیدی با درجه ۱۱ (طبقه‌بندی بوفورت) که سرعت آن به حدود ۹۵ تا ۱۱۵ کیلومتر در ساعت برسد.

توفند HURRICANE
باد شدیدی که از نظر طبقه‌بندی بوفورت دارای درجه ۱۲ بوده و سرعت آن به حدود ۱۲۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد. توفند که غالباً در نواحی هند غربی و خلیج مکزیک می‌وزد اغلب با ویرانی‌های وسیعی همراه بوده و دامنهٔ آن گاه تا سواحل امریکای شمالی و مرکزی و جنوبی، گسترش می‌یابد. این باد در ماه‌های سپتامبر و اکتبر به شدیدترین حالت خود می‌رسد.

تولید ناخالص داخلی GROSS DOMESTIC PRODUCT
ارزش کالاها و خدمات تولید شده توسط افراد مقیم یک کشور به قیمت تجاری.

تولید ناخالص ملی GROSS NATIONAL PRODUCT
به ارزش پولی کل کالاها و خدمات اقتصادی اعم از واحدهای اقتصادی، دولت، بیمه‌ها و سازمان‌های غیر انتفاعی (مانند مساجد، احزاب، سندیکاها، سازمان‌های خیریه و غیره)، در طی یک دورهٔ زمانی معین، که معمو لاً یک سال است، اطلاق می‌گردد.

توندرا TUNDRA
اراضی بی‌درختی که در نواحی شمالی امریکای شمالی و همچنین در سراسر مناطق شمالی قاره اروپا و آسیا واقع شده و به دلیل دارا بودن آب و هوای قطبی، اغلب از برف و یخ پوشیده شده باشد. این مناطق دارای تابستان‌های بسیار کوتاه بوده و میانگین دمای گرمترین ماه آن، از ۱۰ درجه سانتیگراد تجاوز نمی‌کند. گیاهان این نواحی بیشتر از خانواده توت بته‌ای و گلسنگ و خزه و جگن و امثال آن است.

تیتان (تیتانیوم) TITANIUM
عنصر فلزی (با علامت شیمیایی Ti) سفید رنگ نقره‌ای، ضد زنگ با چگالی ۴/۵ و نقطهٔ ذوب ۱۶۶۰ درجهٔ سانتیگراد، چهل درصد از فولاد سبک‌تر بوده ولی به همان استحکام می‌باشد. در برابر خوردگی و ترک خوردن مقاوم بوده و از این رو برای ساخت قطعات مخصوص کارخانجات شیمیایی و پره‌های توربین و کمپرسور و غیره کاربرد دارد. اکسید آن به عنوان رنگیزه سفید در ساختن رنگ‌ها و ترکیبات دیگرش به عنوان رنگیزه زرد مورد مصرف دارد. در سال‌های اخیر از برخی ترکیبات آن برای ساخت زیورآلات استفاده می‌شود.

ج

جریان‌های دریائی OCEAN CURRENTS
جابجایی آب سطحی اقیانوس‌ها را جریان‌های دریائی می‌گویند، مهمترین علت جریان‌های دریائی، وزش بادهای غالب، و اختلاف چگالی ناشی از تغییر دما یا شوری آب است. چرخش زمین نیز سبب تغییراتی در جهت جریان‌های دریائی می‌شود. مشهورترین جریان‌های دریائی، جریان گلف استریم (جریان خلیج) نام دارد. بطور کلی جهت جریان‌های دریائی در نیمکرهٔ شمالی در جهت گردش عقربه‌های ساعت و در نیمکرهٔ جنوبی مخالف جهت گردش عقربه‌های ساعت است. روی هم رفته جریان‌های دریائی، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در آب و هوا و شرایط اقلیمی دارند. مثلاً جریان آتلانتیک شمالی (جریان اقیانوس اطلس) سبب ملایمت هوای زمستان‌های نواحی شمال غرب اروپاست و برخورد جریان خلیج با جریان سرد لابرادور باعث مه غلیظ در نیوفوندلند می‌گردد.

جزایر آنتیل بزرگ GREATER ANTILLES
یا «آنتیل‌های بزرگتر»، یکی از سه قسمت عمدهٔ «هند غربی»، که شامل جزایر شمال دریای کارائیب است و جزایر عمدهٔ آن عبارتند از کوبا، جامائیکا، هیسپانیولا و پورتوریکو.

جزایر آنتیل کوچک LESSER ANTILLES
یا «آنتیل‌های کوچکتر»، یکی از سه قسمت عمدهٔ «هند غربی» که مشتمل بر جزایر جنوب و جنوب شرقی پورتوریکو است و مهمترین جزایر آن عبارتند از: جزایر ویرجین، جزایر بادگیر (ویندوارد)، جزایر بادپناه (لیوارد) و جزایر آنتیل هلند، که معمو لاً جزایر ترینیداد و توباگو و باربادوس نیز جزء جزایر آنتیل کوچک محسوب می‌شوند.

جزایر بادپناه LEEWARD ISLANDS
یا «جزایر لیوارد»، عنوان دستهٔ شمالی آنتیل‌های کوچکتر در «هند غربی»، که از پورتوریکو، در امتداد جنوب شرقی تا جزایر بادگیر ممتد است. جزایر عمدهٔ آن عبارتند از: جزایر ویرجین، گوآدلوپ، آنتیگوآ، سنت‌کیتس، مونتسرات و سنت‌مارتین.

جزایر بادگیر WINDWARD ISLANDS
یا «جزایر ویندوارد»، دستهٔ جنوبی آنتیل‌های کوچکتر در «هند غربی» که عموماً بر خطی منحنی به طرف جنوب، از جزایر بادپناه به جانب شمال شرقی ونزوئلا ممتد است. جزیره‌های عمدهٔ آن عبارتند از: مارتینیک، دومینیکا، سنت‌لوسیا، سنت‌وینسنت، گرنادا و جزایر آنتیل هلند.

جزایر لیوارد LEEWARD ISLANDS
رجوع شود به جزایر بادپناه.

جزایر ویندوارد WINDWARD ISLANDS
رجوع شود به جزایر بادگیر.

جزایر هند غربی WEST INDIES ISLANDS
رجوع شود به جزایر بادگیر.

جزیرک ISLET
جزیره کوچک و معمو لاً غیر مسکونی را گویند.

جزیره ISLAND
قطعه‌زمینی که پیرامون آن را آب فرا گرفته باشد جزیره نام دارد. جزیره ممکن است به طرق مختلفی به وجود آید، مثلاً بر اثر حرکات پوسته زمین در زیر آب، ممکن است سطح زمین بالا آمده و از آب خارج شود یا اینکه بر اثر بالا آمدن آب دریا، قسمتی از دشت ساحلی، به زیر آب رود و بلندی‌های آن از آب خارج و جزایری را پدید آورد. همچنین آتشفشان‌های زیرآبی نیز یکی دیگر از عوامل سازنده جزایر بوده و رسوبات ساحلی نیز جزیره‌های شنی پستی را می‌توانند به وجود آورند. علاوه بر موارد بالا مرجان‌ها نیز از جمله عوامل جزیره‌ساز بوده و گاه چند عامل به طور مشترک در پدید آمدن جزیره‌ای اثر می‌گذارند. بزرگترین جزیره گیتی گروئنلند است که ۵۹۰، ۱۷۵، ۲ کیلومترمربع وسعت دارد و سایر جزایر بزرگ دنیا بر حسب مساحت عبارتند از: گینه نو به مساحت ۹۴۶، ۷۸۹ کیلومترمربع و بورنئو به مساحت ۰۹۶، ۷۵۱ کیلومترمربع.

جزیره آتشفشانی VOLCANIC ISLAND
جزیره‌ای که بر اثر خروج مواد گداختهٔ درون زمین از کف اقیانوس‌ها ایجاد شده باشد. برخی از جزیره‌های آتشفشانی مدتی پس از ایجاد مجدداً به زیر آب فرو می‌روند.

جزیرة‌العرب
لفظ عربی، به معنای شبه جزیرهٔ عربستان، که به طور عام معادل کلمهٔ عربستان می‌باشد. جزیرة‌العرب توسط خلیج فارس، دریای عمان، تنگهٔ هرمز، دریای عرب، خلیج عدن، باب‌المندب و دریای سرخ محصور شده و از شمال نیز به اردن و عراق محدود می‌شود.

جزیره قاره‌ای CONTINENTAL ISLAND
جزیره‌ای که نزدیک ساحل یک قاره بوده و از نظر ساختمان شباهت تامی با قارهٔ مزبور داشته باشد. مانند جزیره سیلان که به هندوستان پیوستگی داشته و یا جزیره قشم که به سرزمین اصلی خود یعنی ایران شباهت داشته و در واقع به آن پیوسته است. در مقابل این جزایر، جزایر دیگری به نام جزایر اقیانوسی قرار دارند که ابداً ارتباطی به خشکی‌های پیرامون خود ندارند.

جزیره مرجانی CORAL ISLAND
صخره مرجانی که دور از ساحل واقع شده و به وسیله گل و لای پوشیده شده باشد. درازای این جزایر، که اغلب پهنای کمی دارند گاه تا چندین کیلومتر می‌رسد و ارتفاع آنها از چند متر تجاوز نمی‌کند. این گونه جزایر از نظر رشد گیاهان محیط مناسبی بوده و اغلب سبز و خرم هستند.

جزیره یخی ICE SHELF
تخته یخ عظیمی به شکل یک جزیره پهناور که مجاور ساحل بوده و به خط ساحلی پیوسته

باشد، مانند جزیره یخی راس‌واقع در جنوبگان کـه مساحت آن حدود ۴۱۰،۰۰۰ کیلومترمربع است.

جغرافیا (جغرافی) GEOGRAPHY

دانشی که دربارهٔ سطح زمین و عوارض طبیعی، آب و هوا، روئیدنی‌ها، خاک، فرآورده‌ها و مردم و مانند آن، و پراکندگی آنها در سطح زمین گفتگو می‌کند. هر یک از موارد مورد بحث این علم، موضوع خاصی را از قبیل زمین‌شناسی، هواشناسی، نجوم، انسان‌شناسی و زیست‌شناسی و غیره را به وجود می‌آورد که قاعدتاً جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. بطور کلی علم جغرافیا به صورت زیر طبقه‌بندی می‌گردد: الف - جغرافیای ریاضی که در بارهٔ اندازه، شکل و حرکات زمین گفتگو می‌کند. ب - جغرافیای طبیعی که در بارهٔ آب و هوا، روئیدنی‌ها و اقیانوس‌شناسی بررسی می‌کند. پ - جغرافیای انسانی که دربارهٔ پراکندگی جوامع انسانی و رابطهٔ آنها با محیط زیست گفتگو می‌کند. ت - جغرافیای سیاسی که تقسیمات سیاسی جهان را بررسی می‌کند. ث - جغرافیای اقتصادی. ج - جغرافیای تاریخی.

جغرافیای اقتصادی ECONOMIC GEOGRAPHY

جغرافیائی که دربارهٔ تولید، پخش و مصرف فرآورده‌های گوناگون، بحث می‌کند.

جغرافیای انسانی ANTHROPO GEOGRAPHY

بررسی پراکندگی جوامع انسانی، با توجه به شرایط جغرافیائی محیط زیست. رابطه این دو عامل، تشابه زیادی به رابطهٔ میان انسان‌شناسی و زیست‌شناسی و یا رابطه میان جانورشناسی و جغرافیای جانوری دارد.

جغرافیای سیاسی POLITICAL GEOGRAPHY

بخشی از جغرافیا که دربارهٔ حدود و مرز کشورها و همچنین روابط داخلی و بین‌المللی و تشکیلات اداری و اجتماعی آنها و امثال آن بحث می‌کند.

جغرافیای شهری URBAN GEOGRAPHY

شاخه‌ای از علم جغرافیا که عوامل وابسته به شهرها را مورد بررسی قرار دهد.

جغرافیای طبیعی PHYSICAL GEOGRAPHY

شاخه‌ای از جغرافیا که عوارض طبیعی زمین را مورد بررسی قرار داده و دربارهٔ شکل و ریخت پوسته زمین گفتگو می‌کند.

جلگه PLAIN

زمین مسطح و نسبتاً هموای که معمولاً ارتفاع کمی داشته باشد. این گونه اراضی، که به آن دشت نیز می‌گویند به طرق گوناگون به وجود می‌آید که هرکدام بر حسب مورد نامگذاری می‌شوند. مانند جلگه آبرفتی و جلگه ساحلی و همچنین مسیله. گیاه طبیعی غالب جلگه‌های معتدله علف است که به آن علفزار می‌گویند.

جلگه آبرفتی ALLUVIAL PLAIN

زمین نسبتاً هموار و مسطحی که در نتیجه آبرفت رودخانه‌ها به وجود آمده باشد. این گونه زمین‌ها غالباً در دلتای رودخانه‌ها و یا در مناطق سیل‌گیر دیده می‌شوند.

جلگه سیلابی FLOOD PLAIN

زمین‌های پیرامون یک رودخانه که هنگام جاری شدن سیل و طغیان، از آب پوشیده شود. سطح این اراضی معمولاً در هر طغیان از گل و لای و مواد ته‌نشستی پوشیده شده و زمین‌های کشاورزی بسیار مرغوبی را به وجود می‌آورد.

جمعیت POPULATION

تعداد نفراتی که در یک واحد سرزمینی زندگی می‌کنند.

جمعیت مطلوب OPTIMUM POPULATION

تعداد نفراتی که با توجه به امکانات محیط، بتوانند در یک منطقه زندگی کنند و از مزایای یک زندگی مناسب بهره‌مند شوند.

جمهوری REPUBLIC

در اصطلاح معمول امروز، حکومت یا مملکتی دموکراسی که رئیس آن انتخابی است و سلطان یا پادشاهی در رأس آن قرار نگرفته که بر اساس توارث آن مقام را حائز گردد. اگرچه حکومت بیشتر کشورها به طور عام جمهوری نامیده می‌شود، اما برخی از کشورها بر حسب جهت‌گیری احزاب و گروه‌های حاکم پسوندی نیز بر آن افزوده‌اند که در حقیقت نوع قانونگذاری آن کشورها را بیان می‌کند. از جمله جمهوری‌های مطرح جهان می‌توان از جمهوری خلق، جمهوری سوسیالیستی، جمهوری اسلامی، جمهوری دموکراتیک و جمهوری فدرال یا فدراتیو نام برد.

جنگ سرد COLD WAR

اصطلاحی برای توصیف دوران صف‌آرایی قدرت‌های غربی به رهبری امریکا در مقابل بلوک کمونیست به رهبری اتحاد جماهیر شوروی که از پایان جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۸۹ که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مراحل آغازین خود را طی می‌کرد، به درازا کشید. با از میان رفتن اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، جهان تک قطبی شد و امریکا به عنوان قدرت مسلط اقتصادی و نظامی جهان که به تنهایی یک چهارم اقتصاد جهان را در حیطهٔ خود داشت، توانست تنها ابرقدرت جهان شود. دولت امریکا از آن پس سعی در تحمیل شرایطی بر جهان داشته است که از آن به عنوان نظم نوین جهانی یاد می‌شود.

جنگل FOREST

منطقه‌ای از زمین که با درخت پوشیده شده باشد. جنگل در حفظ آب و خاک و حیات وحش و جلوگیری از فرسایش زمین و همچنین برای تهیه چوب ارزش بسزائی دارد. جنگل‌های روی زمین را به طور کلی به سه نوع تقسیم می‌کنند: الف - جنگل‌های استوایی، ب - جنگل‌های برگریز، پ - جنگل‌های مخروطی.

جنگلبانی (جنگلداری) FORESTRY

علم و فن اداره، حفظ و تأسیس جنگل‌ها به منظور تأمین دوام فوایدی که انسان از جنگل می‌برد. جنگلبانی رشته‌های گوناگونی دارد، از قبیل تهیهٔ چوب به عنوان محصول، حمایت جنگل (از حریق، حشرات، بیماری‌ها و سایر آفات)، اقتصاد جنگلی، حفظ حیوانات جنگلی، مهندسی جنگل و غیره.

جنگل‌زایی

رجوع شود به جنگل‌زدایی.

جنگل‌زدایی DEFORESTATION

بهره‌برداری بیش از اندازه از جنگل‌ها بدون بازسازی آنها، اصطلاحاً جنگل‌زدایی نامیده می‌شود. به علت تأثیرات مخرب این عمل در محیط زیست انسانها، در سالیان اخیر توجه ویژه‌ای از سوی جهانیان معطوف به این مسئله شده و برخی کشورها تلاش کرده‌اند تا با جنگل‌زایی و کاشتن درختان جدید به جای درختان قطع شده، با این روند مبارزه کنند.

جنگل‌های استوایی EQUATORIAL RAIN FOREST

جنگل مناطق استوایی، که در حد فاصل ۷ درجه عرض شمالی و ۷ درجه عرض جنوبی واقع شده و دارای هوای داغ و مرطوب و باران‌های سنگین و فراوان بوده و فاقد فصل خشک و بی‌باران است. به دلیل گرما و رطوبت فراوان، این گونه جنگل‌ها همواره سرسبز بوده و بسیار انبوه و پرپشت‌اند، و اغلب درختان آن به ارتفاع قابل توجهی رشد می‌کنند و مانع تابش نور خورشید به زیر خود و حتی به درختان دیگر می‌شوند. در این جنگل‌ها گیاهان فراوانی می‌رویند که در میان آنها درختان گرانبها و سخت چوبی چون آبنوس، ماهون و آهن به چشم می‌خورد. از جمله این گونه جنگل‌ها، جنگل‌های آمازون و کنگو و گینه نو را می‌توان نام برد.

جنگل‌های برگریز MONSOON FOREST

جنگلی مرکب از درختانی که در پاره‌ای فصول سال برگهایشان می‌ریزد. در جنگل‌های نواحی بادهای موسمی (مانند هند و میانمار) برگ درخت‌ها در فصل شدت گرما می‌ریزد تا خود را در مقابل تبخیر و از دست دادن رطوبت حفظ کنند. در جنگل‌های برگریز نواحی خنک و معتدل، برگ درختان در پائیز می‌ریزد و بدین وسیله درخت‌ها خود را از سرما و یخبندان زمستان حفظ می‌کنند.

جنگل‌های مخروطی CONIFEROUS FOREST

جنگلی است مرکب از درختان پیوسته سبز مخروطی، که دارای برگ‌های سوزنی هستند و اغلب چوب‌های نرم تجارتی از این جنگل‌ها به دست می‌آید. عمده‌ترین و وسیع‌ترین جنگل‌های مخروطی زمین، به شکل کمربند عظیمی در کانادای شمالی و قسمت شمال آسیا و اروپا، و همچنین در قسمت‌هایی از کوهستان آلپ گسترده شده است.

جنوب SOUTH

رجوع شود به جهات اصلی.

جَو ATMOSPHERE
هوایی که پیرامون کره زمین را فرا گرفته و شامل گازهای گوناگونی، مانند اکسیژن، ازت، دی‌اکسید کربن، آرگون و هلیوم است. میزان گازهای موجود در جو یا اتمسفر زمین به شرح زیر است: اکسیژن ۲۱ درصد، ازت ۷۸ درصد، دی‌اکسید کربن ۰/۰۳ درصد، آرگون حدود ۱ درصد، هلیوم و سایر گازها ۰/۰۱ درصد. علاوه بر گازهای مزبور، مقداری بخار آب نیز در جو زمین موجود است که اندازه آن در تغییر بوده و متناسب با فصول چهارگانه و همچنین شرایط جغرافیایی، کم و زیاد می‌گردد. در میان گازهای بالا، گاز ازت از جمله گازهای خنثی و یا بی‌اثر بوده و نقش رقیق‌کننده گاز اکسیژن را دارد. هر قدر بر ارتفاع جو افزوده شود از غلظت و تراکم هوا کاسته می‌شود ولی تا آنجایی که بررسی شده نسبت گازهای فوق جز بخار آب همچنان ثابت می‌ماند. از نظر هواشناسی مقدار آب موجود در جو (که به صورت بخار است) را رطوبت نسبی می‌گویند و درجه حرارت و فشار جو نیز، از این نظر دارای اهمیت خاصی است.

جُو BARELY
غله‌ای از نوع هوردئوم که یکی از قدیمیترین غلات زودرسی به شمار می‌رود که توسط انسان کاشته شده است. در نقاط مرتفع هم به عمل آمده و آرد آن برای تهیهٔ نان و مالت و خوراک دام به کار می‌رود. جو تا قرن شانزدهم تنها غلهٔ عمدهٔ اروپا بوده است.

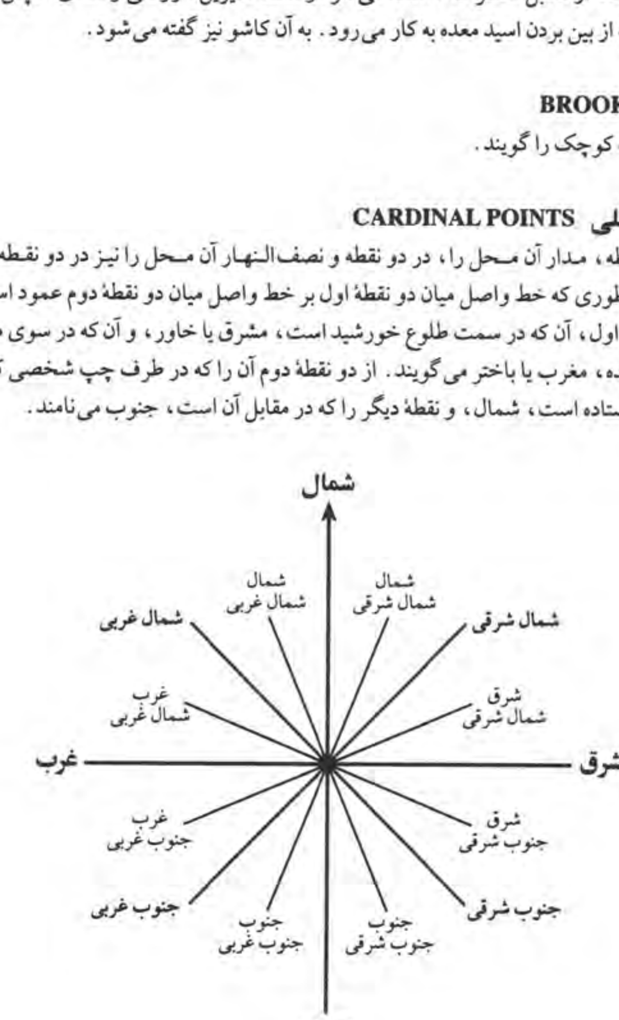
جُودوسر OATS
گیاهی از تیرهٔ گندمیان و از نوع سکاله که تقریباً در تمام نقاط معتدل و در خاک‌های کم قوت می‌روید. دانه‌هایش مانند گندم به کار می‌رود.

جوز بویا NUTMEG
دانهٔ معطر درخت پیوسته سبز Myristica Fragrans که بومی جزایر ادویه (ملوک) در اقیانوسیه است. دانه‌های آن را به صورت درسته یا خرد کرده به فروش می‌رسانند. ادویهٔ دیگری نیز از پوستی که بیرون دانه را می‌پوشاند، می‌سازند و از روغنی که از دانه‌ها و پوست آن به دست می‌آید در پزشکی و تولید لوازم آرایشی استفاده می‌شود.

جوزکابلی CASHEWS
درخت گرمسیری امریکایی، که دانه‌های قلوه‌ای شکل درشت آن در انتهای نیامی گوشتی قرار گرفته و این دانه‌ها در تجارت به قرص کمر موسوم است. از شیره تلخ آن برای محافظت چوب و کاغذ در مقابل حشرات استفاده می‌شود و هستهٔ شیرین، روغنی و مغذی آن پس از بو دادن جهت از بین بردن اسید معده به کار می‌رود. به آن کاشو نیز گفته می‌شود.

جویبار BROOK
نهر یا روانه کوچک را گویند.

جهات اصلی CARDINAL POINTS
افق هر نقطه، مدار آن محل را، در دو نقطه و نصف‌النهار آن محل را نیز در دو نقطه قطع می‌کند به طوری که خط واصل میان دو نقطهٔ اول بر خط واصل میان دو نقطهٔ دوم عمود است. از دو نقطهٔ اول، آن که در سمت طلوع خورشید است، مشرق یا خاور، و آن که در سوی مقابل آن واقع شده، مغرب یا باختر می‌گویند. از دو نقطهٔ دوم آن را که در طرف چپ شخصی که رو به خاور ایستاده است، شمال، و نقطهٔ دیگر را که در مقابل آن است، جنوب می‌نامند.



جهات فرعی SUB CARDINAL POINTS
چهار نقطه شمال، جنوب، مشرق و مغرب، دایره افق هر محل را به چهار قسمت برابر تقسیم می‌کنند (رجوع شود به جهات اصلی). برای این که در علم جغرافیا و دریانوردی و یا هوانوردی، امتدادها را با دقت بیشتر تعیین نمایند. هر یک از زوایای قائمه میان جهات اصلی را به چهار قسمت متساوی تقسیم می‌کنند و بدین ترتیب دوازده نقطه یا جهت دیگر حاصل می‌گردد که به آنها جهات فرعی می‌گویند اسامی جهات مزبور غیر از جهات اصلی به ترتیب گردش عقربه‌های ساعت از سمت شمال عبارت است از: ۱- شمال شمال شرقی ۲- شمال شرقی ۳- شرق شمال شرقی ۴- شرق جنوب شرقی ۵- جنوب شرقی ۶- جنوب جنوب شرقی ۷- جنوب جنوب غربی ۸- جنوب غربی ۹- غرب جنوب غربی ۱۰- غرب شمال غربی ۱۱- شمال غربی ۱۲- شمال شمال غربی.

جهان UNIVERSE
جهان از نظر کیهان‌شناسی، شامل همه منظومهٔ کیهانی می‌گردد و به عبارت دیگر عبارت است از کهکشان و کهکشانه‌های متعدد دیگر که با فواصل متوسط دو میلیون سال نوری از یکدیگر در فضا پراکنده شده‌اند.

جهانگردی (توریسم) TOURISM
عبارت است از مسافرت به منظور گردش، تفریح و بررسی‌های علمی در نقاط مختلف جهان، جهانگردی به عنوان یک صنعت در کشورهایی که آثار تاریخی و مراکز تفریحی مهمی دارند، از منابع عمدهٔ درآمد بوده و در این گونه کشورها برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای برای جلب جهانگردان صورت می‌گیرد.

جهان نما WORLD MAP
عبارت مصطلحی است که برای نقشه‌های نمایش دهنده کلیه نقاط کره زمین به کار می‌رود. این نقشه‌هاممکن است به صورت یکپارچه و در کادر مربع مستطیل باشد و یا این که به صورت دو نیمکره، که مجموعاً تمامی نقاط زمین را شامل می‌شود، تهیه شود.

جهانی سازی GLOBALIZATION
اصطلاحی است که در چند سال اخیر با توسعهٔ روزافزون کشورها و گسترش امور ارتباطی و از میان برداشته شدن فواصل میان کشورها رایج شده و نشان‌دهندهٔ جهانی شدن تدریجی تمامی امور است. به ویژه در امر اقتصاد، با فعال شدن سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، این مسئله خود را بیشتر نشان داده و قوانین بین‌المللی رفته رفته جایگزین قوانین داخلی کشورها می‌شود. در سایر امور مانند حقوق بشر نیز با روندی که سازمان ملل متحد طی می‌کند، در آیندهٔ نه چندان دور قوانین اجتماعی کشورها نیز بایستی با توجه به نظرات بین‌المللی شکل بگیرد. در همین زمینه می‌توان از تصویب قوانینی در مورد محیط زیست و تبعیض جنسی علیه زنان طی دههٔ ۱۹۹۰ نیز یاد کرد. سیاست جهانی‌سازی به ویژه در بعد اقتصادی آن در طی سال‌های اخیر با مخالفت‌هایی در کشورهای پیشرفته مواجه شده و برخی گروه‌های فکری و اجتماعی معتقدند که این سیاست در حقیقت در جهت پیشبرد اهداف و منافع شرکت‌های چند ملیتی و فرا ملیتی عمل می‌کند.

جهت یابی DIRECTION FINDING
یافتن جهت شمال، از نظر توجیه نقشه و راهپیمائی و موارد دیگر، یکی از ضروریات بوده و این عمل که به وسیلهٔ قطب‌نما و یا پیدا کردن ستارهٔ قطبی و یا سایه آفتاب و امثال آن انجام می‌شود، جهت‌یابی نامیده می‌شود.

جیوه (سیماب) MERCURY
عنصری فلزی با علامت شیمیایی (Hg)، مایع و نقره‌فام با چگالی ۱۳/۵ و نقطه ذوب ۳۹- درجهٔ سانتیگراد، که با بیشتر فلزات دیگر به استثناء آهن و طلای سفید، آلیاژهایی موسوم به «ملغمه» تشکیل می‌دهد. جیوه موارد استفادهٔ بسیاری از جمله در ساختن بارومتر (فشارسنج) و دماسنج داشته و همچنین ترکیباتش در پزشکی و عکاسی نیز به کار می‌رود. همهٔ ترکیبات جیوه سمی بوده و در طبیعت به مقدار بسیار کم به حالت آزاد یافت می‌شود، کانهٔ عمدهٔ آن «شنجرف» است که سولفور طبیعی جیوه می‌باشد.

چ

چاودار (دیوک) RYE
غله‌ای که مخصوصاً در نواحی مرطوب مرکز و شمال اروپا کاشته می‌شود. در زمین‌های کم قوت که گندم در آنها به عمل نمی‌آید، حاصل می‌دهد و از دانه‌های آن آرد و مشروبات الکلی مختلف مانند ویسکی و جین می‌سازند. دانه‌های آن همچنین به مصرف تغذیهٔ حیوانات می‌رسد. از چاودار یا گندم سیاه، نان مخصوصی به نام نان سیاه تهیه می‌شود.

چای ماته MATÉ TEA
رجوع شود به ماته.

چاه WELL
حفره مصنوعی استوانه شکلی که به منظور رسیدن به سطح آب‌های زیرزمینی و یا مصارف دیگر حفر شده باشد.

چاه جهنده (چاه آرتزین) ARTESIAN WELL
نوعی چاه که آب از آن به طور همیشگی فوران نماید، عملکرد این گونه چاه‌ها بدین ترتیب است که آب موجود در لایه‌های پوستهٔ زمین تحت تأثیر نیروی هیدرو استاتیک به سوی سوراخی به نام چاه که در زمین ایجاد شده فشار آورده و با جهیدن از آن خود را به سطح بالای پوستهٔ زمین می‌رساند. این گونه چاه‌ها معمولاً* در زمین‌هایی که گرداگرد آن را برجستگی‌ها و ارتفاعات فرا گرفته و به صورت گودالی درآمده باشد دیده می‌شوند.

چراگاه PASTURE
چراگاه علفزاری است که برای چرای چهارپایان اهلی اختصاص داده شود. پاره‌ای چراگاه‌ها طبیعی هستند و برخی دیگر مصنوعی بوده و با دستکاری‌هایی چند آن را آماده بهره‌برداری می‌سازند.

چراگشت TRANSHUMANCE
جابجا شدن فصلی انسان‌ها و دام‌ها، برای دستیابی به چراگاه‌های تازه را چراگشت می‌نامند، چراگشت بر سه نوع است: الف - چراگشت کوهستانی، یعنی جابجایی از کوهستان به اعماق دره‌ها در زمستان و برعکس، حرکت از اعماق دره‌ها به ارتفاعات در تابستان. ب - چراگشت مدیترانه‌ای، یعنی حرکت از سرزمین‌های گرم و خشک به ارتفاعات در تابستان و برعکس. پ - چراگشت عشایری یا حرکت از اراضی خشک و بی‌آب و علف به اراضی معتدل‌تر و پرآب و علف. به چراگشت، کوچ فصلی نیز گفته می‌شود.

چرخش زمین ROTATION OF THE EARTH
چرخش زمین به گرد محور قطبین، که به آن حرکت وضعی زمین هم گفته می‌شود. جهت این حرکت از باختر به خاور بوده وبه عبارت دیگر به حرکت ظاهری روزانه خورشید و ماه و ستارگان، که جهت آن از خاور به باختر است نیز تعبیر می‌گردد. یک دور چرخش کامل کره زمین، که عبارت از فاصله‌زمانی میان دو عبور متوالی یک نصف‌النهار از مقابل یک ستاره معین است برابر ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴/۰۹ ثانیه است که به آن یک روز نجومی می‌گویند و زمان متوسط دو عبور پیاپی یک نصف‌النهار از مقابل خورشید را که برابر ۲۴ ساعت است یک روز متوسط خورشیدی می‌نامند. سرعت چرخش زمین در روی خط استوا حدود ۱۶۷۰ کیلومتر در ساعت و در قطبین برابر صفر است. محور چرخش زمین نسبت به مدار حرکت زمین به دور خورشید زاویه ′۳۳°۶۶ تشکیل داده و همین انحراف محور باعث به وجود آمدن کوتاهی و بلندی شبانه‌روز و همچنین فصول مختلف سال می‌باشد.

چشمه SPRING
محل جوشیدن و جریان یافتن دائمی یا موقت آب از درون زمین به خارج را چشمه می‌گویند. این عارضه از نفوذ آب باران به زیر پوسته زمین و انباشته شدن آن در روی یک لایه نفوذناپذیر، و بالاخره خروج آن از نقطه‌ای به نام دهانه چشمه پدید می‌آید. از جمله چشمه‌ها، آبفشان، چشمه آب گرم، چشمه آب معدنی و چشمه‌های آتشفشانی را می‌توان نام برد.

چشمه آب گرم HOT SPRING
چشمه آب گرم عبارت از آبی است که پس از گرم شدن در مجاورت مواد گداخته درونی به بیرون پوسته زمین تراوش نماید، چشمه‌های آب گرم معمولاً* خاص مناطق آتشفشانی بوده و اغلب با مواد معدنی که بیشتر پیرامون دهانه چشمه ته‌نشین می‌گردند همراه است، آب پاره‌ای از این چشمه‌ها، دارای خاصیت درمانی است.

چشمه آب معدنی MINERAL SPRING
چشمه‌ای که املاح معدنی قابل توجهی (به جز کربنات کلسیم یا سولفات کلسیم) به صورت محلول داشته باشد. انواع چشمه‌های آب معدنی عبارتند از: الف - چشمه نمکی که حاوی املاح نمکی است. ب - چشمه گوگردی، که حاوی محلول هیدروژن سولفوره است. پ - چشمه آب آهن‌دار، که حاوی محلول ترکیبات آهن است. املاح موجود در چشمه‌های آب معدنی اغلب خاصیت درمانی دارند.

چغندر BEETROOT
گیاهی یک ساله یا دو ساله یا دائمی، از تیرهٔ اسفناجیان که در ریشه‌های ضخیم آن مواد غذایی بسیاری اندوخته می‌شود. مهم‌ترین قسم آن «چغندر قند» است که به سبب قند موجود در ریشه‌هایش کاشته می‌شود و در برخی نواحی که دما برای کشت نیشکر کافی نیست، عمده‌ترین منبع تهیه قند می‌باشد.

ح

حبوبات GRAINS
جمع «حبوب» و جمع در جمع «حب» یا «حبه» که به دانه‌های نباتات از قبیل دانه عدس، نخود و لوبیا، باقلا، ماش و مانند آن اطلاق می‌گردد.

حرکت انتقالی زمین ANNUAL MOTION OF THE EARTH
رجوع شود به مدار گردش سالیانه زمین.

حرکت وضعی زمین ROTATION OF THE EARTH
رجوع شود به چرخش زمین.

حزب PARTY
گروه سازمان یافته‌ای است که معمولاً از خط مشی و سیاست معینی برای دست‌یابی به حکومت پیروی می‌نماید. احزاب ممکن است به طرق گوناگون از جمله به طرق زیر تشکیل شوند: ۱- افرادی برای تحقق یک ایدئولوژی مشترک در یک حزب مجتمع شوند. ۲- شخصیت برجسته‌ای محور و ملاک تشکیل حزب گردد. ۳- چند سازمان و گروه سیاسی کوچکتر با اتحاد خود یک حزب بزرگتر تأسیس نمایند. ۴- یک گروه سیاسی کوچک با ایدئولوژی مشخصی شروع به فعالیت نموده و در روند تکاملی خود به یک حزب سیاسی قدرتمند تبدیل شود.

حق پناهندگی RIGHT OF ASYLUM
پناهندهٔ سیاسی فردی است که به دلیل ترس از دستگیری در محل زندگی خود، از آنجا خارج شده و به جلب حمایت سیاسی از کشور دیگر می‌پردازد. امروزه هر کشوری می‌تواند به هر فردی در داخل سرزمین خود، حمایت سیاسی یا حق پناهندگی اعطاء کند.

حق وتو VETO RIGHT
رجوع شود به وتو.

حقوق بشر HUMAN RIGHTS
رجوع شود به اعلامیه حقوق بشر.

حقوق گمرکی CUSTOMS DUTIES
رجوع شود به گمرک.

حکومت GOVERNORSHIP
چگونگی و روش ادارهٔ یک کشور یا واحد سیاسی را حکومت می‌نامند. دو روش عمدهٔ حکومت عبارت است از پادشاهی یا سلطنت و جمهوری. در حکومت سلطنتی معمولاً شخص اول مملکت بدون دخالت مستقیم و مؤثر مردم و به صورت وراثت خانواده‌ای تعیین می‌شود. در حکومت‌های جمهوری، رئیس کشور (رئیس جمهور) به انحاء مختلف توسط مردم انتخاب می‌شود. حکومت‌های سلطنتی که در آنها اختیار پادشاه توسط قانون اساسی محدود شده است، «مشروطهٔ سلطنتی» نامیده می‌شوند.

حکومت مطلقه ABSOLUTISM
یا «حکومت استبدادی»، حکومتی است که در آن اعمال حق حاکمیت در دست فرد یا افراد معدودی تمرکز یافته و از لحاظ اصول، نظارتی از طرف عامهٔ مردم یا قسمتی از مردم در امور حکومت اعمال نمی‌گردد.

حوضه BASIN
الف - منطقه‌ای که چینها و لایه‌های سطح زمین رو به سوی نقطه‌ای به نام نقطهٔ مرکزی نشست کرده و گودالی را به صورت گنبد وارونه به وجود آورده باشد. ب - آبگیر یک رودخانه و شاخه‌هایی که به آن ملحق می‌شوند. پ - منطقه‌ای که به وسیلهٔ آب یک دریاچه فرا گرفته شود. به این واژه آبگیر نیز گفته می‌شود.

حومه SUBURB
بخش‌های پیرامون مناطق مسکونی یک شهر را حومه می‌گویند.

خ

خاربیشه THORN FOREST
بوته‌زار متراکمی از درختان کوچک و بوته‌های خار که بیشتر در مناطق گرم و کم باران دیده می‌شود.

خاک SOIL
لایه نازکی از پوستهٔ زمین که از تجزیه و ترکیب سنگ‌ها به وجود آمده و از مواد معدنی ترکیب یافته باشد. در این قسمت از پوستهٔ زمین، آب و مواد آلی و هوا و پاره‌ای موجودات زنده دیده می‌شود.

خاک چینی CHINA CLAY
خاک رس سفید رنگی است که از راه شیمیائی با استفاده از سیلیکات آلومینیوم و فلدسپات موجود در گرانیت به دست می‌آید. اعمال شیمیایی برای تهیه خاک چینی که به آن کائولین نیز می‌گویند، کائولینیزاسیون نام دارد. نام کائولین از رشته کوه کائولینگ (یعنی سرزمین بلند) واقع در خاک چین، اقتباس شده. در این ناحیه صنعت سفالگری و چینی‌سازی قرن‌ها رواج داشته و نام چینی نیز ازنام کشور چین اقتباس شده است. خاک کائولین علاوه بر صنعت چینی‌سازی در سفالگری و کاغذ سازی نیز به کار می‌رود.

خاک رس CLAY
رجوع شود به رس.

خاکستر سود SODA ASH
رجوع شود به سود.

خاور EAST
رجوع شود به جهات اصلی.

خاور دور FAR EAST
یا شرق اقصی و یا شرق دور، ناحیه‌ای است مشتمل بر چین، کره، ژاپن، سرزمین‌های خاوری روسیه، جزایر فیلیپین، هندوچین، تایلند، میانمار (برمه)، مالزیا و اندونزی که گاه پاره‌ای از کشورهای اخیر جزو سرزمین‌های آسیای جنوب شرقی محسوب می‌گردند. اصطلاح خاور دور در وسیع‌ترین معنایش کشورهای هند و پاکستان و سیلان را نیز شامل می‌گردد. این اصطلاح یک واژه کاملاً اروپایی است و وجه تسمیه آن بدین مناسبت است که سرزمین‌های مذکور نسبت به کشورهای اروپایی به ویژه گردانندگان جنگ جهانی دوم یعنی انگلستان و فرانسه شرقی‌ترین کشورهای جهان محسوب گردیده‌اند.

خاورمیانه MIDDLE EAST
یا شرق وسطی و یا شرق میانه. ناحیه‌ای است در جنوب غربی آسیا و شمال خاوری افریقا که شامل ترکیه، ایران، عراق، فلسطین، اردن، لبنان، سوریه و کشورهای شبه جزیره عربستان، مصر و سودان می‌باشد. پاره‌ای از منابع افغانستان و پاکستان را نیز جزو آن محسوب می‌دارند. اصطلاح خاورمیانه در جنگ جهانی دوم به وسیلهٔ ارتش انگلستان رواج یافت و شامل منطقه‌ای است که از نظر استراتژیک و ژئوپولتیک دارای اهمیت بسیار است. در واقع خاور میانه به منزله پلی است که سه قارهٔ آسیا و اروپا و افریقا را به یکدیگر پیوند داده و منابع عظیم نفت در آن نهفته است. وجه مشترک سرزمین‌های آن علاوه بر مذهب اسلام، کم آبی و خشکی، گرمی هوا، تولید مثل نسبتاً زیاد، وجود قبایل چادرنشین، کشاورزی تقریباً ناچیز و غیره است.

خاور نزدیک NEAR EAST
یا شرق نزدیک ناحیه‌ای است مشتمل بر بخشی از آسیای غربی که در غرب آسیا قرار داشته و شامل کشورهای ترکیه، قبرس، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن هاشمی، شبه جزیره عربستان، ایران و عراق، می‌باشد. خاور نزدیک که به وسیلهٔ انگلستان متداول گردیده است، سابقاً به کشورهای شبه جزیره بالکان اطلاق می‌گردید.

خدمات SERVICES
یکی از عناصر تشکیل دهندهٔ محصول ناخالص ملی که مقدار تولیدی از اقلام لمس ناشدنی و غیر مادی را اندازه‌گیری می‌کند. به عبارت دیگر، خدمات آن دسته از مشاغلی را در بر می‌گیرد که در آن کار تولیدی انجام نمی‌شود، مانند تاکسیرانی، هواپیمایی، فروشگاه‌ها، پست و تلگراف و تلفن، بنگاه‌های تجارتی، بنگاه‌های معاملات ملکی و اتومبیل و نظایر آنها.

خرچنگ دریایی LOBSTER
یا خرچنگ دراز، نام معمولی هریک از جانوران دریایی سخت‌پوست ده پای بزرگ و دم‌دار که بزرگترین انواع آن در امریکا زندگی می‌کنند. طول خرچنگ دریایی اروپایی حداکثر تا ۴۰ سانتیمتر و نوع امریکایی آن تا ۸۰ سانتیمتر نیز می‌رسد. به لحاظ گوشت مطبوع آن، بیش از همه در سواحل اقیانوس اطلس صید می‌شود.

خشکبار DRIED FRUITS
به میوه‌های خشک شده مانند: توت، آلو، زردآلو، شفتالو، هلو، انجیر، پسته، بادام و فندق اطلاق می‌گردد.

خشکرود DRY VALLEY
دره آهکی و یا گچی، که در آن آب به طور دائم جریان نداشته باشد. فرم خشکرود در مناطق گچی، به بستر رودخانه‌های معمولی شباهت داشته و اغلب دارای دیوارهای پرشیبی بوده و گاه مسیر پرپیچ و خمی را داراست. به این عارضه مسیل نیز گفته می‌شود.

خط CHARACTER
رجوع شود به الفبا.

خط استوا EQUATOR
رجوع شود به نیمگان زمین.

خط تغییر تاریخ INTERNATIONAL DATE LINE
رجوع شود به خط روزگردان.

خط تغییر روز INTERNATIONAL DATE LINE
رجوع شود به خط روزگردان.

خط روزگردان INTERNATIONAL DATE LINE
خط روزگردان، خطی است که تقریباً بر نصف‌النهار ۱۸۰ درجه منطبق بوده و با گذشتن آن از مقابل خورشید، تاریخ به مدت یک روز تغییر می‌یابد. بدین گونه که تاریخ سمت باختری خط مزبور یک روز جلوتر از سمت خاوری آن است و به همین مناسبت مسافری که از خط مزبور به

سوی باختر عبور کند، یک روز به تاریخ خویش افزوده و برعکس شخصی که از خط مزبور به سوی خاور عبور نماید، باید یک روز از تاریخ خود بکاهد. مثلاً اگر شخصی روز جمعه از خط مزبور به سوی مغرب عبور کند باید تاریخ خود را از جمعه به شنبه تبدیل نماید و برعکس هرگاه روز جمعه از خط مزبور به سوی مشرق عبور نماید باید تاریخ را از جمعه به پنجشنبه برگرداند. این خط نسبت به نصف‌النهار ۱۸۰ درجه طوری رسم شده و جزایر و سرزمین مختلف را طوری دور زده است که اختلافی در زمان رسمی آنها پیش نیاید. خط تغییر تاریخ و خط تغییر روز، نام دیگر این خط است.

خط ساحلی COASTLINE
خط ساحلی عبارت است از: الف - حد پیشرفت امواج آب در خشکی، هنگامی که دریا به شدت توفانی باشد. ب - حد پیشرفت آب دریا در خشکی، در وضعیت جزر و مد متوسط. پ - حد پای صخره‌های ساحلی، در کرانه‌های پرشیب. به طور کلی خط ساحلی، عبارت از خطی است که دریا را طوری دور بزند که خلیج‌ها را در بر گرفته و خورها و دهانه رودخانه‌ها را قطع نماید.

خط فقر POVERTY LINE
در نمودار درآمدها، خطی است که نشان‌دهندهٔ تأمین حداقل مایحتاج زندگی است و درآمد کمتر از این میزان کفاف هزینه‌ها و معاش افراد خانواده را نخواهد کرد.

خلیج GULF OR BAY
پیشرفتگی پهناور و ژرف دریا در خشکی. این عارضه معمولاً بر اثر پیشرفت آب دریا، در فرورفتگی ویا شکست‌های ساحلی پدید می‌آید.

خلیجک INLET
رجوع شود به شاخابه.

خودمختاری AUTONOMY
استقلال گونهٔ محدود یک واحد سیاسی یا غیر آن (مثلاً یک فرقهٔ مذهبی) در ادارهٔ امور خود، در مورد سرزمین‌های تحت استعمار، خودمختاری مرحلهٔ قبل از استقلال است که طی آن مردم مستعمره توانایی ادارهٔ امور خود را به دست می‌آورند. در تقسیمات داخلی کشورها، خودمختاری عنوان آن دسته از استان‌ها یا ایالات است که به لحاظ شرایط خاص قومی، نژادی، مذهبی و نظایر آن، از استقلال محدود داخلی برخوردار بوده و فقط در امور مربوط به سیاست خارجی و دفاع، تابع دولت مرکزی می‌باشند.

خور
نام شاخابه‌هایی است از خلیج فارس، که خور موسی و خور میناب را می‌توان از آن جمله دانست. همچنین به دره‌های زیرآبی خلیج فارس نیز خور می‌گویند.

خورشید SUN
جرم مرکزی منظومهٔ شمسی، به نام کرهٔ خورشید که قطر آن ۰۰۰، ۳۹۲، ۱ کیلومتر بوده و گرمای میانگین سطح آن حدود ۵۷۰۰ درجه سانتیگراد و گرمای درونی آن، به مراتب بیشتر از این است. کرهٔ خورشید هر ۲۴/۵ روز، یک بار به دور خویش می‌چرخد و سیاره‌های آن نیز با سرعتی حدود ۱۸/۵ کیلومتر در ثانیه به گرد آن در گردشند فاصلهٔ متوسط خورشید از زمین حدود ۱۵۰ میلیون کیلومتر است.

د

داد و ستد ترانزیت TRANSIT TRADE
عبور دادن کالاهای بازرگانی از کشوری به کشور دوم از طریق راه‌های کشور سوم، مانند کالاهای اروپایی که از طریق راه‌های زمینی ترکیه به ایران وارد و یا از ایران به اروپا صادر می‌گردد. به این عمل، تجارت ترانزیت نیز می‌گویند.

دارچین CINNAMON
نام درخت‌ها و درختچه‌های مناطق حارّه و نیمه استوایی، از نوع کینامومم و نیز نام پوست معطر آنها، پوست بعضی گیاهان دیگر نیز دارچین نامیده می‌شود و بهترین نوع، دارچین هندی است که بومی سری‌لانکا است و در سایر مناطق حاره نیز به عمل می‌آید.

دامنهٔ کوه PIEDMONT
رجوع شود به کوهپایه.

دانهٔ منداب RAPE SEED
رجوع شود به منداب.

دبیرکل SECRETARY GENERAL
عنوان رئیس اداری «سازمان ملل متحد» است که توسط آراء مجمع عمومی انتخاب شده و در رأس «دبیرخانه» قرار دارد. این لفظ همچنین به رؤسای برخی از احزاب از جمله احزاب کمونیست نیز اطلاق می‌گردد.

درآمد بودجه BUDGET REVENUE
عبارت است از تمامی درآمد دولت از محل مالیات‌ها، حقوق گمرکی، صنایع و خدمات دولتی در مدت یک سال، که صرف امور جاری کشور می‌شود. برای توضیح بیشتر رجوع شود به بودجه.

درآمد سرانه PER CAPITA INCOME
عبارت است از متوسط درآمد هریک از افراد یک کشور، در طی یک سال. مقدار فوق از تقسیم درآمد ملی بر جمعیت کشور به دست می‌آید.

درآمد ملی NATIONAL INCOME
حاصل جمع کلیهٔ درآمد خالصی که در ظرف یکسال از عوامل تولیدی کشور به دست می‌آید، به اضافهٔ وجوهی که در ازای خدمات انجام شده، پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر هرگاه از «تولید ناخالص ملی»، اقلام استهلاک کالاهای سرمایه‌ای کسر شود، «تولید خالص ملی» به دست می‌آید و اگر از محصول خالص ملی مالیات غیر مستقیم و پرداخت‌های انتقالی مؤسسات را کم کنیم، درآمد ملی حاصل می‌شود.

درجه ریشتر RICHTER SCALE
سیستم متداول اندازه‌گیری درجه شدت زمین‌لرزه، که در سال ۱۹۳۵، به وسیلهٔ چارلز اف ریشتر کارشناس زمین‌لرزه انستیتو تکنولوژی کالیفرنیا ارائه شده است. این درجه‌بندی از صفر شروع شده و به ده پایان می‌یابد.

درختزار WOOD
توده‌ای از درختان یا یک جنگل کوچک را گویند.

درخت نان BREADFRUIT TREE
درخت گرمسیری از نوع آرتوکارپوس، که میوهٔ آن غذای عمدهٔ مردم نواحی استوایی اقیانوس آرام و جزایر هندغربی است و چون پخته شود، شبیه به نان می‌شود.

درون‌بوم INLAND
قسمت داخلی یک منطقه یا سرزمین را درون‌بوم می‌نامند.

دره VALLEY
شیار ممتدی که معمولاً از ارتفاعات شروع شده و به دریا یا دشت پایان می‌یابد. در پاره‌ای دره‌ها، رودخانه جریان دارد.

دره نشستی RIFT VALLEY
زمینی که میان دو گسله موازی قرار گرفته و درهٔ طویل کف تختی را پدید آورده باشد، مانند درهٔ رود اردن.

درهٔ نشستی بزرگ GREAT RIFT VALLEY
سلسله‌ای از فرو رفتگی‌ها و دره‌ها در قسمت جنوب غربی آسیا و قسمت شرقی افریقا، که به عقیدهٔ بسیاری از زمین‌شناسان، با فعالیت‌های آتشفشانی مولد کوه‌های الگون و کیلیمانجارو در ارتباط بوده است. این دره از سوریه آغاز شده و دنبالهٔ آن نهر اردن، بحرالمیت، خلیج عقبه و دریای سرخ را در بر می‌گیرد و در افریقا پس از عبور از اتیوپی، کنیا و تانزانیا تا موزامبیک امتداد می‌یابد. حداقل ارتفاع آن که در بستر بحرالمیت قرار دارد، حدود ۳۹۵ متر پایین‌تر از سطح دریا است و بلندترین نقطهٔ آن که در جنوب کنیا واقع است، حدود ۸۳۰، ۱ متر ارتفاع

دارد .

دریا SEA
قسمتی از اقیانوس که در مجاورت قاره‌ها قرار گرفته باشد مانند دریای عمان .

دریاچه LAKE
گودال تقریباً بزرگی در پوسته زمین ، که از آب پر شده باشد دریاچه نام دارد . آب پاره‌ای از دریاچه‌ها شور و پاره‌ای دیگر نسبتاً شیرین و رقیق‌تر است . دریاچه‌هایی که در سرزمین‌های پر باران و معتدل واقع شده‌اند ، اغلب دارای آب شیرین هستند و میزان واردات آن بیشتر از میزان تبخیر آن بوده و غالباً قسمتی از آن به وسیلهٔ جویبارها و رودخانه‌هایی سرریز می‌گردند . ولی دریاچه‌هایی که در مناطق کم باران و خشک قرار گرفته‌اند به دلیل فزونی میزان تبخیر بر واردات ، آب شور و غلیظی داشته و اغلب از نظر استخراج نمک و املاح دیگر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند . پاره‌ای از این گونه دریاچه‌ها در فصول گرم و خشک به کلی از آب تهی شده و خشک می‌گردند و فقط نمکزاری از آنها به جای می‌ماند . به طور کلی دریاچه‌هایی که میزان واردات آن بر میزان تبخیر آن فزونی داشته باشد جزو دریاچه‌های دائمی و آن دسته‌ای که برعکس میزان تبخیر آنها بر وارداتشان افزون باشد جزو دریاچه‌های موسمی طبقه‌بندی می‌گردند . بزرگترین دریاچه جهان دریاچه خزر (که به دلیل وسعت زیاد حتی دریای خزر نیز گفته می‌شود) . با وسعت حدود ۰۰۰ ، ۳۷۱ کیلومترمربع ، و عمیق‌ترین آنها دریاچه بایکال واقع در جنوب سیبری (روسیه) ، به ژرفای ۱۹۴۰ متر ، و پست‌ترین دریاچه بحرالمیت به ارتفاع ۳۹۵- متر ، و مرتفع‌ترین آنها دریاچه تی‌تی‌کاکا واقع در بولیوی ، به بلندی ۸۱۱ ، ۳ متر است .

دریاچه سد RESERVOIR
رجوع شودبه مخزن سد .

دریاچه شور SALT LAKE
رجوع شود به دریاچه نمک .

دریاچه طوقی OX-BOW LAKE
رودخانه‌ای که قوسی را به شکل یک دایره کامل طی کرده و سپس مسیر خود را از کنار دایره مزبور ، که به آن دریاچه طوقی می‌گویند ادامه داده باشد .

دریاچه فصلی SEASONAL LAKE
آبگیری که فقط در فصل‌های پر باران آب داشته و در سایر فصول خشک و یا به صورت شوره‌زار و یا گل‌زار درآید .

دریاچه نمک SALT LAKE
دریاچه‌ای واقع در یک منطقه گرم و خشک که آب آن بر اثر تبخیر زیاد به املاح نمکی فراوان همراه باشد ، مانند دریاچه بحرالمیت با درجه شوری ۲۴۰ در هزار (یا ۲۴۰ گرم در لیتر) و یا دریای خزر که درجه شوری آن ۱۷۰ در هزار است . به آن دریاچه شور نیز می‌گویند .

دریازنی PIRACY
یا دزدی دریایی ، دزدی مسلحانه در دریاهای آزاد که از زمان‌های قدیم سابقه داشته و در ادوار مختلف و در اثر قدرت و یا ضعف امپراتوری‌های بزرگ اینان نیز مراحل مختلف قدرت و ضعف را طی کرده‌اند و از قرن بیستم دیگر اثری از دریازنی دیده نشده است . برخی از معروف‌ترین دریازنان عبارتند از : دریک ، هاکینز ، مورگن ، لافیت ، بلکبیرد ، بارباروسا و دراگوت .

دشت PLAIN
رجوع شود به جلگه .

دشت آبرفتی ALLUVIAL PLAIN
رجوع شود به جلگه آبرفتی .

دشت ساحلی COASTAL PLAIN
دشتی که از کرانه‌های دریا شروع شده و به نزدیک‌ترین ارتفاعات ساحلی پایان یابد . دشت ساحلی در واقع حاصل مواد آبرفتی دریا بوده و معمولاً از شن و ماسه و گل و مواد گیاهی ترکیب یافته و غالباً به دست انسان تغییراتی در آن داده شده است .

دشت سیلابی FLOOD PLAIN
رجوع شود به جلگه سیلابی .

دشت یخابرفتی OUTWASH PLAIN
ریگ و شن و ماسه و مواد رسی که بر اثر آبرفت یخ‌های ذوب شده یک یخسار ، یا یک یخچال به مرور زمان ته‌نشین گردیده و منطقه نسبتاً پهناوری را به شکل دشت ، تحت پوشش قرار داده باشد .

دق PLAYA
رجوع شود به کویر .

دلتا DELTA
تجمع عظیمی از رسوبات که به صورت جزیره‌ای مسطح در مصب یک رودخانه نهشته شده باشند . عمل تجمع رسوبات هنگامی صورت می‌گیرد که مقدار مواد ته‌نشستی افزون بر مواد حمل شده در مصب رود باشد . جنس اغلب دلتاها شن و خاک رس بوده و در بعضی از انواع قدیمی آن ذخایر نفت و گاز طبیعی وجود دارد .

دماغه CAPE
نقطه یا قطعه‌ای از ساحل که در دریا پیش رفته باشد . به این عارضه رأس نیز می‌گویند .

دموکرات DEMOCRAT
طرفدار دموکراسی و در معنای وسیع کلمه معتقد به مساوات اجتماعی ، که احزاب معتقد به آن را نیز در بر می‌گیرد .

دموکراسی DEMOCRACY
یعنی حکومت مردم ، یا به عبارت دیگر نوعی از حکومت که در آن حاکمیت عالیه در دست مردم است و ممکن است مستقیماً(در مورد دموکراسی مطلق) یا به واسطهٔ نمایندگانی که مردم انتخاب می‌کنند اعمال شود (بر خلاف حکومت‌هایی که در آنها حکومت در دست یک طبقه ، یک گروه ممتاز ، یا یک فرد است) .

دموگرافی DEMOGRAPHY
رجوع شود به انبوهه‌نگاری .

دورآب OFFSHORE
نقاط و جزایر دور از ساحل در دل دریا .

دورگه HALF-BREED
از نظر نژادشناسی ، ثمرهٔ پیوند دو نژاد خالص را دورگهٔ آن نژادها می‌نامند . در اصطلاح اروپایی و لاتین به دورگهٔ سفید و سیاه «مولاتو Mulatto» ، و دورگه سرخ و سفید «مستیزو Mestizo» می‌گویند .

دورهٔ رنسانس RENAISSANCE ERA
رجوع شود به رنسانس .

دولت GOVERNMENT
عنوان قوهٔ مجریه و هیئتی که ادارهٔ کشور یا یک واحد سیاسی نظیر آن را به عهده دارد . ریاست هیئت دولت یا شورای وزیران بسته به نحوهٔ حکومت و قانون اساسی کشورها به عهدهٔ نخست‌وزیر ، صدراعظم و رئیس جمهور (یا به وسیلهٔ معاون وی) و یا در موارد نادری به عهدهٔ پادشاه می‌باشد .

دولت مرکزی CENTRAL GOVERNMENT
یا «حکومت مرکزی» اصطلاحی است که معمولاً در کشورهای فدراتیو یا نظایر آن (که هر ایالت یا استان دارای حکومت خودمختار و نسبتاً مستقل است) به دولت مستقر در پایتخت که ادارهٔ امور دفاعی و سیاست خارجی را نیز به عهده دارد ، اطلاق می‌گردد . در مواردی نیز که در یک کشور ، حکومت‌های متعددی در مناطق مختلف حاکمیت دارند و کشمکش بر سر به دست آوردن قدرت مطلق ادامه دارد ، به حکومتی که پایتخت را در اختیار دارد ، گفته می‌شود که مورد اخیر بیشتر در ادوار گذشته پیش آمده است .

دول محور
رجوع شود به محور .

دول مرکزی CENTRAL POWERS

یا «متحدین»، عنوان کشورهای آلمان، اتریش - هنگری، عثمانی (ترکیه فعلی) و بلغارستان در جنگ جهانی اول.

دولومیت DOLOMITE

۱- کربنات معدنی کلسیم و منیزیم.
۲- سنگ کربناتی که عمدتاً از دولومیت تشکیل یافته و شبیه آهک، ولی تا حدی سخت‌تر و سنگین‌تر است. سنگ‌های دولومیتی به واسطهٔ دارا بودن خلل و فرج زیاد، محل مناسبی برای ذخیره طبیعی نفت و گاز می‌باشند.

دهانهٔ آتشفشانی CRATER

گودال قیف مانندی که بر فراز قله‌های آتشفشان دیده می‌شود و محل خروج مواد گداخته و دود و گاز است.

دهانهٔ رودخانه MOUTH OF RIVER OR ESTUARY

جائی است که رودخانه به دریا متصل شده و آب تازه آن با آب دریا مخلوط می‌شود این قسمت که به آن مصب نیز گفته می‌شود معمولاً قیفی شکل است و محل مناسبی برای ایجاد بندرگاه می‌باشد.

دهستان

قسمتی از تقسیمات کشوری که معمولاً از چند روستا یا ده تشکیل یافته و خود قسمتی از یک بخش است. حاکم دهستان را دهدار می‌گویند.

دهکده VILLAGE

دهکده یا روستا، مجموعه‌ای از خانه‌های مسکونی است که کوچکتر از شهرک باشد. معمولاً دهکده فاقد شهرداری بوده و محل مسکونی کشاورزان را تشکیل می‌دهد و از نظر اداری، به وسیلهٔ دهبان اداره می‌شود.

دیپلماتیک DIPLOMATIC

رجوع شود به دیپلماسی.

دیپلماسی DIPLOMACY

فن و عمل رهبری مذاکرات بین ملت‌ها به منظور حصول سازشی که مورد رضایت متقابل همهٔ آنها باشد. همچنین به آیین و آداب و مراسم و طرق رهبری این مذاکرات نیز گفته می‌شود. «دیپلمات» کسی است که شغلش دیپلماسی باشد، یا در این فن مهارت داشته باشد. دیپلمات‌ها (که معمولاً به همهٔ کارمندان سفارتخانه‌ها اطلاق می‌شود) در کشور محل مأموریت خود دارای مصونیت‌ها و معافیت‌های دیپلماتیک از قبیل معافیت از پرداخت مالیات و توقیف و محاکمه و غیره می‌باشند.

دیکتاتوری DICTATORSHIP

رجوع شود به حکومت مطلقه.

دین RELIGION

مجموعهٔ عقاید موروثی مقبول در باب روابط انسان با آنچه مبدأ وجود وی تواند شد، و التزام بر سلوک و رفتار بر مقتضای آن عقاید. دین مسلمانی که «دین حق» نیز خوانده می‌شود و اساس آن تسلیم است به امر حق، به موجب یک حدیث نبوی عبارت است از اسلام، ایمان و احسان. اکثر مسلمین دین را عبارت از مجموعهٔ قواعد و اصولی می‌دانند که انسان را به پروردگار نزدیک می‌کند.

ذ

ذخایر نفت خام CRUDE OIL RESERVES

یا «ذخیرهٔ زیرزمینی نفت»، عبارت است از مقدار نفت خام شناخته شده در ذخایر نفتی که هنوز استخراج نشده‌اند و معمولاً آن را با واحد «بشکه» می‌سنجند.

ر

رادیوم RADIUM

عنصر فلزی کمیاب، سفیدرنگ و شفاف با علامت شیمیایی (Ra)، که از نظر تلاشی رادیواکتیوی مورد توجه بوده و دوره نیم عمر آن ۱۶۰۰ سال می‌باشد. (رادیوم پس از تجزیه به گاز رادون تبدیل می‌شود). چگالی آن ۵ و نقطهٔ ذوبش ۷۰۰ درجه می‌باشد. همراه با املاحش به میزان وسیعی در رادیوگرافی و تولید رنگ‌های شفاف مصرف می‌شود و مخلوط سولفات آن با گرد بریلیوم به عنوان منبع نوترون به کار برده می‌شود.

رأس CAPE

رجوع شود به دماغه.

رام RUM

یا رم، لیکور الکلی حاصل از تخمیر و تقطیر ملاس، نیشکر خیسانده و یا سایر محصولات نیشکر، که مرغوبترین نوع آن خاص جزایر هند غربی است. تازهٔ آن سفید است و رنگ تند بعضی از آنها، نتیجهٔ نگاهداری طولانی مدت و اضافه کردن کارامل می‌باشد.

راه ROAD

راه عبارت از شبکه ارتباطی است که به منظور حمل و نقل کالا و مسافر میان شهرها و روستاها و نقاط مهم احداث می‌گردد. انواع راه‌ها عبارتند از: الف - راه‌آهن - مسیری است متشکل از ریل‌های کنار هم نشانده که واگن‌های حمل و نقل مسافر و کالا به وسیلهٔ لکوموتیو روی آن، از جائی به جای دیگر حرکت می‌کنند. ب - راه آسفالته - راهی است زیرسازی شده که روی آن را به وسیلهٔ لایه‌ای از مخلوط قیر و شن و ماسه به نام آسفالت پوشانیده‌اند. پ - راه شنی - راهی است زیرسازی شده که سطح آن را لایه‌ای از شن و ماسه کوبیده شده پوشانیده است. این گونه راه‌ها معمولاً در تمام فصول سال قابل بهره‌برداری هستند. ت - راه خاکی - راهی است که زیرسازی نشده و سطح آن را مصالح نامقاوم و سست پوشانیده است. معمولاً راه‌های خاکی در فصول بارانی قابلیت عبور خود را از دست می‌دهند. ث - راه پیاده‌رو - راهی است که به مرور ایام و با عبور مردم از جائی به جای دیگر به وجود آمده و اغلب به وسیلهٔ انسان و حیوانات باربر، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

راه‌آهن RAILROAD

رجوع شود به راه.

راهنمای نقشه MAP LEGEND

شرح علائم و نشانه‌ها و رنگ‌هایی که در متن نقشه به کار رفته است، راهنمای نقشه نام دارد. راهنمای نقشه را معمولاً در محل مناسبی از حاشیه نقشه و یا بر حسب مورد در پشت نقشه جای می‌دهند و نمایش دهندهٔ انواع عوارضی است که در نقشه به کار رفته است. به راهنمای نقشه، علائم قراردادی نیز می‌گویند.

رئیس جمهور PRESIDENT

رئیس قوهٔ مجریه یا بالاترین مقام دولتی در یک کشور جمهوری. اختیار و قدرت رئیس جمهوری در تمام کشورهای جمهوری مساوی و یکسان نیست، بلکه در بعضی کشورها تا سطح یک مقام تشریفاتی محدود بوده و در بعضی کشورهای دیگر دارای اختیارات وسیعی می‌باشد.

رس CLAY

الف - مواد ته‌نشین شده بسیار ریز و نرمی که نگه دارنده رطوبت بوده و در صورت مخلوط شدن با آب، به ماده خمیری شکل قابل انعطافی مبدل می‌گردد. مواد اصلی این گونه خاک‌ها معمولاً از سیلیکات آلومینیوم تشکیل یافته و پس از خشک شدن به شکل قطعات نامنظمی ترک خورده و تغییر شکل می‌دهد. از ویژگی‌های خاک رس این است که پس از اشباع شدن، آب موجود در میان ذرات آن به سوی بالا رانده شده و به اصطلاح آب پس می‌دهد. بر اساس همین خاصیت از خاک رس برای پوشش سقف‌ها و جلوگیری از نفوذ آب به سوی طبقات زیر استفاده می‌شود. ب - رس، در مبحث خاکشناسی به خاکی گفته می‌شود که اندازهٔ ذرات آن از

۰/۰۰۲ میلیمتر کوچکتر باشد. پ- در مبحث معدن‌شناسی، رس به موادی گفته می‌شود که عموماً از سیلیکات آلومینیوم و سیلیکات آهن ترکیب یافته باشد.

رشته RANGE OR CHAIN
هرگونه عارضه جغرافیائی ممتدی را، زنجیره و یا رشته و یا سلسله می‌گویند. مانند رشته کوه‌هایی که به طور موازی و ممتد قرار گرفته باشند و یا رشته جزیره‌هایی که به طور ممتد در پهنه آب دریا گسترده شده باشند.

رشته کوه RANGE OF MOUNTAIN
ردیفی از کوه‌ها یا تپه‌ها. گاهی به معنی سلسله کوه استعمال می‌شود.

رشد سالانهٔ تولید ناخالص ملی
GROSS NATIONAL PRODUCT ANNUAL GROWTH
عبارت است از درصد افزایش سالانهٔ تولید ناخالص ملی نسبت به سال قبل، که این رقم معمولاً از مقایسهٔ آماری تولید ناخالص ملی در طی یک دوره مشخص تعیین می‌شود.

رفراندوم. REFERENDUM
رجوع شود به همه‌پرسی.

رگبار CLOUDBURST
بارندگی ناگهانی و شدیدی که میزان باران آن گاه تا ۱۰۰ میلیمتر در ساعت می‌رسد مدت ریزش این نوع باران غالباً کوتاه بوده و به مناطق کوچک و محدودی منحصر می‌گردد. این بارندگی اغلب با توفان و باد شدید همراه بوده و گاه خرابی و زیان‌های قابل توجهی از خود باقی می‌گذارد. این گونه بارندگی‌ها که بیشتر در بخش‌های کوهستانی دیده می‌شود به دلیل توقف ناگهانی جریان هوای گرم لایه‌های بالایی جو نواحی کوهستانی، روی می‌دهد.

رنسانس RENAISSANCE
عنوانی برای دورهٔ تحول اروپا از دورهٔ «قرون وسطی» به عصر جدید. اگرچه اصطلاح رنسانس را به دورهٔ زمانی قرون چهارده تا شانزدهم میلادی اطلاق کرده‌اند. در واقع رنسانس عبارت است از جریان‌ها و تحولات فرهنگی و علمی‌ای که در قرن چهاردهم در ایتالیا آغاز شد و در آنجا طی قرون پانزدهم و شانزدهم به اوج شکوفایی خود رسید و علم و ادب و هنر را حیات و جانی تازه بخشید. سپس رنسانس در فرانسه، اسپانیا، آلمان، فروبومان، انگلستان و باقی اروپا منتشر شد (رنسانس در زبان فرانسه به معنای تجدید حیات است).

روانه STREAM
آبی که در مجرا یا بستری جریان داشته باشد، روانه‌ها بر حسب بزرگی آنها به اسامی مختلف خوانده می‌شوند، چنان که روانه بزرگ باشد آن را رود و روانه‌های کوچک را آبنای می‌نامند و روانه‌های کوچکتر از آبنای را جویبار می‌گویند.

رود RIVER
رجوع شود به رودخانه.

رودبار
جایی که در آن، یک رودخانه بزرگ و یا چند رود جاری باشد.

رودخانه RIVER
مجرای طبیعی آب‌های سطح زمین که به سوی دریا، دریاچه‌ها و یا آبگیرهای داخلی، یک کویر یا یک رودخانه اصلی و یا باتلاق و امثال آن روان باشد.

رودشاخه DISTRIBUTARY
شاخه‌ای از دلتای یک رودخانه که بدون اتصال مجدد به شاخه اصلی به طور مستقل به دریا ختم شود.

رود فصلی SEASONAL RIVER
رودخانه‌ای که فقط در فصل‌های پرباران و یا هنگام بارندگی‌های شدید در آن آب جریان داشته باشد.

روز خورشیدی SOLAR DAY
فاصله زمانی میان دو عبور پی‌درپی خورشید از فراز نصف‌النهار معینی از زمین را یک روز خورشیدی می‌گویند. از آنجایی که مدار گردش زمین به دور خورشید بیضی بوده و محور چرخش زمین نسبت به سطح مدار مزبور قدری متمایل است، از این رو فاصله زمانی مزبور اندکی در تغییر بوده و مقدار متوسط آن را برابر ۲۴ ساعت یا ۸۶۴۰۰ ثانیه محسوب می‌دارند. طول یک روز خورشیدی، تقریباً ۴ دقیقه از طول یک روز ستاره‌ای بلندتر بوده و به همین جهت ستارگان، روزانه ۴ دقیقه زودتر از روز پیش طلوع و غروب می‌کنند.

روز خورشیدی متوسط MEAN SOLAR DAY
یک روز خورشیدی متوسط که اندازهٔ آن ۲۴ ساعت باشد، چون فاصله زمانی میان عبورهای متوالی خورشید از فراز یک نصف‌النهار با یکدیگر برابر نیستند، از این رو میانگین زمان‌های مزبور را به عنوان روز خورشیدی متوسط انتخاب می‌کنند.

روز قمری LUNAR DAY
مدت زمان میان دو عبور متوالی کره ماه از فراز یک نصف‌النهار زمین را یک روز قمری می‌گویند، که مدت آن ۲۴ ساعت و ۵۰ دقیقه است.

روز معمولی CIVIL DAY
روز خورشیدی متوسط یا روز عرفی که طول آن ۲۴ ساعت است و از یک نیمه شب شروع شده و به نیمه شب بعد پایان می‌یابد.

روز ملی NATIONAL DAY
عنوان روز پر اهمیتی است در تاریخ سیاسی - اجتماعی کشورها که معمولاً روز کسب استقلال یا روز انقلاب یا روز تغییر رژیم و امثال آن می‌باشد.

روغن کانولا CANOLA OIL
رجوع شود به منداب.

روغن‌های روانکاری LUBRICANTS
یا لیزانه، عبارت است از روغن‌هایی که به منظور کم کردن اصطکاک و پراکندن حرارت، بین سطوح متحرک ماشین‌ها به کار می‌رود. تا اواخر قرن نوزدهم از روغن‌ها یا چربی‌های حیوانی و نباتی به این منظور استفاده می‌کردند، ولی امروزه بیش از ۹۰ درصد آنها از نفت تهیه می‌شود.

روی ZINC
عنصر فلزی نرم (با علامت شیمیایی Zn)، به رنگ سفید مایل به آبی با چگالی ۷/۱ و نقطهٔ ذوب ۴۱۹ درجهٔ سانتیگراد که در حرارت معمولی شکننده و بلورین است. کاربرد اصلی آن، به مناسبت مقاومت زیاد آن در مقابل خوردگی جوی، برای پوشش روی فولاد و اندود کردن، آبکاری و پاشیدن فلزی می‌باشد. همچنین برای ریخته‌گری روی حلبی‌ها، ورق‌های پوشش بام و بعضی کارخانه‌های شیمیایی به کار برده می‌شود. اکسید آن ضد عفونی کنندهٔ با ارزشی است.

ریزابه AFFLUENT (TRIBUTARY)
جوی یا رودخانه‌ای که به جوی یا رودخانهٔ بزرگتری بپیوندد.

ریگ PEBBLE
ریگ عبارت از خرده سنگی است که به وسیلهٔ باد یا آب سائیده شده و تقریباً گرد و صیقلی گردیده باشد. از نظر اندازه ریگ درشت‌تر از شن و کوچکتر از قلوه سنگ است و قطر آن بین ۱۰ تا ۵۰ میلیمتر می‌باشد.

ز

زبان LANGUAGE
وسیلهٔ صوتی منظمی که انسان برای ارتباط با همنوع خود به کار می‌برد. این وسیله که خاص انسان است، در میان نوع بشر عمومی است.

زغال‌سنگ COAL
ماده‌ای معدنی که از بقایای گیاهان پدید آمده و دارای مقداری کربن و مقداری ترکیبات آلی و مقداری آب است. معمولاً زغال‌سنگ را برحسب میزان کربن و مواد فرّار موجود در آن و همچنین رنگ و سختی و عمر آنها طبقه‌بندی می‌کنند.

زغال قهوه‌ای (لیگنیت) LIGNITE
نوعی زغال سنگ که دارای ظاهری چوبین بوده ودر واقع مرحله دوم تبدیل مواد گیاهی به زغال‌سنگ را طی می‌کند.

زلزله EARTHQUAKE
رجوع شود به زمین‌لرزه.

زلزله دریایی TSUNAMI
رجوع شود به آبلرزه.

زمان TIME
توصیف وقوع یک رویداد مستلزم مشخص کردن لحظه وقوع و مدت دوام آن است. مقیاس زمان مبتنی بر حرکت وضعی زمین، حرکت انتقالی آن، و نوسان‌های اتمی، در انواع زیر خلاصه می‌شود: الف - زمان نجومی ب - زمان شمسی حقیقی پ - زمان شمسی متوسط ت - زمان محلی یا زمان عرفی ث - زمان عمومی یا جهانی - چون کاربرد زمان‌های محلی یا عرفی در غالب کارهای علمی و فنی با اشکالاتی مواجه می‌شود، از این رو زمان شمسی متوسط گرینیچ را به نام زمان عمومی یا زمان جهانی به کار می‌گیرند. این زمان در حمل و نقلهای جهانی و برنامه‌های پرواز هوائی رواج فراوانی دارد. ج - زمان تقویمی - مقیاس یکنواختی است برای زمان که به وسیلهٔ حرکت سیارات به دور خورشید تعریف می‌شود و به وسیلهٔ تصحیح بی‌نظمی‌های زمان شمسی متوسط، تعیین می‌شود. چ - زمان اتمی - زمانی است که از شمردن نوسان‌های ثابت پاره‌ای عناصر شیمیایی به دست آید. امروزه نوسانگرهای بسیار دقیقی ساخته شده‌اند که قادرند زمان را با دقت فوق‌العاده زیادی اندازه‌گیری کنند.

زمان رسمی STANDARD TIME
زمان متوسط مربوط به یک نصف‌النهار معین، که برای منطقه نسبتاً وسیعی تعمیم و رسمیت یافته باشد، زمان رسمی یا زمان استاندارد یا عرفی نام دارد. برای برقراری یک سیستم زمانی بین‌المللی، کره زمین را به ۲۴ قاچ ۱۵ درجه‌ای تقسیم کرده‌اند و زمان متوسط نصف‌النهار مرکزی هر قاچ را به عنوان زمان رسمی سرتاسر آن قاچ تعیین کرده‌اند. در پاره‌ای موارد استثنائی (مانند زمان رسمی ایران) نصف‌النهارهایی را که مضربی از ۷/۵ درجه و یا حتی ۳/۷۵ درجه می‌باشند، مبنای زمان رسمی قرار داده‌اند.

زمان ظاهری APPARENT TIME
زمان ظاهری یا زمان محلی، زمانی است که بر حسب گردش ظاهری خورشید اندازه‌گیری شود. بر اساس این تعریف ظهر ظاهری در واقع، لحظه‌ای است که خورشید به بلندترین نقطه مدار حرکت ظاهری خود در آسمان رسیده و اجسام روی زمین کوتاهترین سایه روزانه خود را دارا باشند.

زمان عرفی STANDARD TIME
رجوع شود به زمان رسمی.

زمان متوسط گرینیچ GREENWICH MEAN TIME (GMT)
زمان رسمی کشور انگلستان و همچنین پرتغال که بر مبنای زمان محلی گرینیچ یا زمان نصف‌النهار صفر، استوار است. این زمان از نظر تسهیل در برنامه پرواز هواپیماها و همزمان ساختن گزارش‌های هواشناسی و امثال آن نقش مؤثری ایفاء می‌کند و به عنوان زمان بین‌المللی به کار می‌رود.

زمان محلی LOCAL TIME
زمان محلی عبارت است از زمان نقاط مختلفه سطح زمین که برحسب موقعیت خورشید محاسبه گردد. مثلاً ظهر محلی هر نقطه، عبارت از لحظه‌ای است که خورشید در بلندترین وضعیت خود در آسمان آن نقطه قرار گرفته باشد، چون به طور کلی زمان بر اساس چرخش زمین حول محور خود پدید می‌آید، از این رو، کلیهٔ نقاطی که روی یک نصف‌النهار قرار گرفته‌اند همزمان خواهند بود و بدیهی است که نقاط واقع بر روی نصف‌النهارهای مختلف از نظر زمانی با یکدیگر تفاوت خواهند داشت، بدین ترتیب که نقاط خاوری از نظر زمانی جلوتر از نقاط باختری هستند. چون کره زمین در مدت ۲۴ ساعت ۳۶۰ درجه به دور خویش می‌گردد از این رو هر ساعت برابر ۱۵ درجه و یا هر ۴ دقیقه زمانی برابر یک درجه خواهد بود. زمان محلی را زمان ظاهری نیز می‌گویند.

زمرد EMERALD
سنگ قیمتی سبز شفاف از نوع بریل که بهترین جنس آن از امریکای جنوبی است. زمردهای شرقی از انواع سنگ سنباده است.

زمستان WINTER
الف - بطور کلی سردترین فصل سال را زمستان می‌گویند. ب - سه ماه دی، بهمن، اسفند (تقریباً مطابق با دسامبر، ژانویه و فوریه) در نیمکره شمالی و تیر و مرداد و شهریور (تقریباً مطابق با ژوئن، ژوئیه و اوت) در نیمکرهٔ جنوبی، فصل زمستان نام دارد. پ - از نظر نجومی، مدت زمان گردش کرهٔ زمین به دور خورشید در حد فاصل یکم دی (۲۲ دسامبر) یا نقطه انقلاب زمستانی تا اول فروردین (۲۱ مارس) یا اعتدال بهاری در نیمکره شمالی، و یکم تیر (حدود ۲۱ ژوئن) یا نقطه انقلاب تابستانی تا اول مهر (حدود ۲۲ سپتامبر) یا اعتدال پائیزی، در نیمکرهٔ جنوبی را زمستان می‌نامند.

زمین EARTH
سیاره مسکونی انسان، که در مداری میان دو سیاره زهره و مریخ به دور خورشید در گردش بوده و به یک شبه کره دو سر پهن شباهت دارد. قطر دایره استوائی زمین ۱۲،۷۵۵ کیلومتر، و قطر دایره قطبی (یا قطر دایره نصف‌النهاری) آن ۱۲،۷۱۴ کیلومتر می‌باشد. میزان فشردگی (فرورفتگی دو قطب) زمین یک دویست و نود و سوم تا ۰/۳۳ درصد است. در حالی که فشردگی شبه کره بین‌المللی که در سال ۱۹۲۴ به عنوان نزدیک‌ترین شکل هندسی به شکل واقعی زمین انتخاب شده یک دویست و نود و هفتم است. پیرامون استوائی کرهٔ زمین ۴۰،۰۷۳ کیلومتر و پیرامون نصف‌النهاری آن ۴۰،۰۰۸ کیلومتر بوده و مساحت سطح آن ۵۱۰،۲۰۰،۰۰۰ کیلومترمربع است و جرم آن ۶،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ میلیارد تن می‌باشد و چگالی آن ۵/۵ برابر از آب سنگین‌تر است. زمین از لحاظ بزرگی پنجمین و از حیث فاصله از خورشید سومین سیارهٔ منظومهٔ شمسی است و تنها سیاره‌ای است که از وجود حیات در آن اطلاع قطعی داریم و تقریباً ۴،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد. فاصلهٔ متوسط زمین از خورشید ۱۴۹،۵۰۰،۰۰۰ کیلومتر و اطراف آن را پوششی از گاز به نام جو فرا گرفته است. وسعت خشکی‌های آن حدود ۱۴۸،۹۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع، و وسعت اقیانوس‌های آن تقریباً ۳۶۱،۳۰۰،۰۰۰ کیلومترمربع است. زمین از یک سری لایه‌هایی که مانند پوست پیاز روی هم قرار گرفته‌اند تشکیل یافته که ضخامت این لایه‌ها متفاوت است و به طور کلی به سه طبقه تقسیم می‌شود، که عبارتند از: ۱- پوسته زمین ۲- زیرپوش یا جبه زمین ۳- هسته، یا تودهٔ مرکزی زمین.

زمین‌شناسی GEOLOGY
دانشی که دربارهٔ ترکیب، ساختمان و تاریخ پیدایش زمین بررسی می‌کند. دراین دانش راجع به مواد سازنده زمین و نیروهای مؤثر بر مواد مزبور و نتایج حاصله از آن و پراکندگی سنگ‌های پوسته زمین و سرگذشت زمین و همچنین گیاهان و جانورانی که در دوره‌های مختلف زمین‌شناسی وجود داشته‌اند گفتگو می‌شود. این دانش به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شود: الف - زمین‌شناسی طبیعی شامل: معدن‌شناسی، سنگ‌شناسی، زمینساخت و زمین ریخت‌شناسی. ب - زمین‌شناسی تاریخی شامل: چینه‌شناسی و دیرین‌شناسی.

زمینلاد MAINLAND
پهنهٔ وسیعی از خشکی که شامل جزء اعظم خاک یک کشور است (معمولاً در مقابل جزیره و شبه جزیره گفته می‌شود).

زمین لرزه EARTHQUAKE
جنبش سریع و محسوسی که در نتیجه جابجائی و یا جایگیری تخته سنگ‌های زیر پوسته زمین پدید آید. در نتیجه این جنبش، یک سری لرزش‌های موجی شکل پدید می‌آید و گاه تغییرات ارتفاعی پوسته زمین را باعث می‌گردد و در مواقع شدت، ضایعات و زیان‌های جانی و مالی فراوان از خود باقی می‌گذارد. زمین‌لرزه بیشتر مخصوص نواحی آتشفشانی بوده و گاه با خروش و فوران کوه‌های آتشفشان همراه می‌گردد و در حالت شدید، شکست‌ها و بریدگی‌های مهم و مشخصی در روی پوسته زمین از خود به جای می‌گذارد. بطور کلی مناطق زلزله‌خیز زمین را به سه بخش زیر می‌توان تقسیم کرد: الف - کرانه‌های باختری امریکای شمالی و جنوبی. ب - نواری که اروپای جنوبی و آسیای جنوبی را در بر می‌گیرد. پ - کمربندی واقع در اقیانوس آرام که ژاپن، فیلیپین و قسمت مهمی از شبه جزیره هند و چین را به هم متصل می‌سازد. این نکته قابل توجه است که از هزاران زمین‌لرزه‌ای که در طول سال به وقوع می‌پیوندد فقط حدود صدتای آنها با خسارت و ویرانی توأم بوده و بقیه اثر چندان مهمی از خود باقی نمی‌گذارند.

زیتون OLIVE
درخت همیشه سبز ناحیهٔ مدیترانه که از دوران قبل از تاریخ برای استفاده از میوهٔ آن در نقاط مختلف کاشته می‌شده است. میوهٔ آن به صورت سبز (در آب نمک) یا رسیده مصرف شده و همچنین از آن روغن زیتون تهیه می‌شود. ساقه و برگ زیتون از مدتی پیش از دورهٔ مسیح نشانهٔ صلح بوده است.

ژ

ژئواکونومیک GEOECONOMICS
بررسی وضعیت جغرافیایی در اقتصاد هر کشور یا منطقه، یا علم ارتباط میان محیط طبیعی و اقتصاد، اصطلاحاً ژئو اکونومیک نامیده می‌شود.

ژئوپولیتیک GEOPOLITICS
علم ارتباط میان محیط طبیعی زندگی و سیاست، اصطلاحاً ژئوپولیتیک نامیده می‌شود. اگرچه این مبحث از دوران ارسطو تا زمان حاضر سابقه داشته است، اما خصوصاً در آلمان و در اواخر قرن نوزدهم مورد توجه بسیار بیشتری قرار گرفته است.

ژرفا شیب CONTINENTAL SHELF
رجوع شود به فلات قاره.

ژرفنا DEEP OCEAN
بخشی از کف دریا یا اقیانوس که ژرفای آن بیش از ۵۵۰۰ متر باشد. ژرف‌ترین بخش شناخته شده روی زمین گودالی است به نام گودال ماریانا واقع در اقیانوس آرام به عمق ۱۰ ،۹۲۰ متر. موقعیت ژرفنا برخلاف تصور میان اقیانوس‌ها نیست بلکه بیشتر در حاشیه جزیره‌های کوهستانی به ویژه در دامنهٔ آتشفشان‌های فعال و مناطق زمین‌لرزه‌خیز دیده می‌شود.

ژوت JUTE
گیاه یک سالهٔ گرمسیری که معمولاً برای استفاده از رشته‌هایش آن را می‌کارند. رشته‌های مزبور بین پوست خارجی و چوب قرار گرفته و به سهولت جدا و خشک می‌شود. از آنها گونی، دمپایی، طناب، رشته‌های زمینه لینولئوم، مشمع‌های فرشی و پوشاک درست می‌کنند.

س

ساج TEAK
درختی بزرگ و برگریز که در چین، میانمار و تایلند می‌روید. برگ‌های بزرگ آن از ۲۵ تا ۵۰ سانتیمتر است. چوب ساج که در نور تیره می‌شود، محکم است و برای کشتی‌سازی و لوازم کشاورزی و کف‌سازی به کار می‌رود.

ساحل COAST
رجوع شود به کرانه.

سازند FORMATION
در زمین‌شناسی چینه‌بندی‌های متعلق به یک عصر را سازند می‌گویند. همچنین مجموعه چینه‌هایی که دارای خواص سنگی و یا زیستی مشترک باشند نیز سازند نامیده می‌شود. به‌علاوه، به هر دسته از سنگهای واقع در یک ناحیه کمابیش مربوط به هم را سازند می‌نامند.

ساعت HOUR
واحد زمان، که معادل یک بیست و چهارم شبانه‌روز، و ۶۰ دقیقه است.

ساعت رسمی STANDARD TIME
رجوع شود به زمان رسمی.

ساعت محلی LOCAL TIME
رجوع شود به زمان محلی.

سال YEAR
مدت زمانی که یک سیاره به دور خورشید می‌گردد سال نام دارد. از نظر نجومی سال را به انواع زیر تقسیم می‌کنند: الف - سال ستاره‌ای (SIDEREAL YEAR) که مدت آن ۳۶۵/۲۵۶۴ روز یا ۳۶۵ روز و ۶ ساعت و ۹ دقیقه و ۹/۵۴ ثانیه است. ب - سال خورشیدی (SOLAR YEAR) که عبارت از زمان متوسط یک دور گردش کامل زمین به دور خورشید است. این مدت برابر ۳۶۵/۲۴۲۲ روز یا ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵/۵۱ ثانیه است. پ - سال رسمی یا سال عرفی (CIVIL YEAR) که مدت آن ۳۶۵ روز متوسط خورشیدی است، که هر روز برابر ۲۴ ساعت است و برای جبران اعشار آن (۰/۲۴۲۲ روز)، مجموع اعشار فوق را هر چهار سال، معادل یک روز دانسته، و به سال چهارم یک روز افزوده و به آن سال کبیسه می‌گویند. مع‌الوصف چون مقدار ۰/۰۱۳۲۱۴۷۸ روز همچنان اضافه می‌ماند، لذا برای جبران آن در پایان هر قرن یک روز به سال می‌افزایند و آن را نیز سال کبیسه می‌نامند مشروط بر این که دو رقم دست چپ عدد قرن به عدد ۴ قابل قسمت باشد به این ترتیب سال‌های ۱۶۰۰ و ۲۰۰۰ میلادی و همچنین سال‌های ۱۲۰۰ و ۱۶۰۰ هجری شمسی سال کبیسه بوده و سال‌های ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ و ۱۹۰۰ میلادی و سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۴۰۰ و ۱۵۰۰ هجری شمسی سال کبیسه نخواهند بود.

سال اعتدالی TROPICAL YEAR
رجوع شود به سال خورشیدی.

سال خورشیدی SOLAR YEAR
یا سال اعتدالی، مدت زمان یک بار گردش کامل زمین به دور خورشید را یک سال خورشیدی می‌گویند که مدت آن ۳۶۵/۲۴۲۲ روز متوسط است.

سال شمسی SOLAR YEAR
رجوع شود به سال خورشیدی.

سال عرفی CIVIL YEAR
رجوع شود به سال معمولی.

سال قمری LUNAR YEAR
برابر است با دوازده ماه قمری یا ۳۵۴/۳۶۷ روز خورشیدی متوسط.

سال کبیسه LEAP YEAR
سال ۳۶۶ روزه را یک سال کبیسه می‌گویند. از آنجائی که هر دور گردش کامل زمین به دور خورشید تقریباً ۳۶۵/۲۵ روز به طول می‌انجامد از این رو هر چهار سال یک بار یک روز به تعداد روزهای سال افزوده و به جای ۳۶۵ روز آن را ۳۶۶ روز محسوب می‌دارند تا خرده‌های آن مستهلک گردد.

سال معمولی CIVIL YEAR
سال معمولی یا سال عرفی، مدت زمانی است حتی‌الامکان نزدیک به سال خورشیدی حقیقی، و مشتمل بر تعداد صحیحی روز خورشیدی متوسط، سال معمولی عادی مشتمل است بر ۳۶۵ روز و سال معمولی کبیسه مشتمل بر ۳۶۶ روز می‌باشد.

سال میلادی
رجوع شود به تقویم گرگوری.

ساوانا SAVANNAH
رجوع شود به علفزار استوایی.

سد DAM
دیواره‌ای که عمود بر جهت جریان آب رودخانه ساخته شود و آب را در پشت خود جمع

نماید. این دیواره که به آن بند نیز گفته می‌شود ممکن است از جنس خاک معمولی باشد. (بزرگترین سد خاکی جهان سد منگلا در پاکستان است) و یا با استفاده از سنگ و مصالح ساختمانی غیر قابل تراوش ساخته شود. سدها معمولاً طوری ساخته می‌شوند که یا وزن آنها در برابر نیروی آب ایستادگی کند (که به آنها سدهای سنگین می‌گویند) و یا شکل آنها نیروی آب را خنثی سازد (مانند سدهای قوسی) غیر از خاک و مصالح ساختمانی، از پاره‌ای مصالح دیگر مانند فولاد یا چوب و الوار نیز برای ساختمان سد استفاده می‌شود و علاوه بر آن ممکن است سد را به صورت تک سدی یا چند سدی بنا نهاد که در هر حال هدف از ساختمان آنها عبارت است از: الف - ذخیره آب برای کشاورزی و یا مصرف‌های انسانی. ب - استفاده از نیروی آب جمع‌آوری شده برای تولید الکتریسیته. پ - بالا آوردن سطح آب و جاری ساختن آن در آبراهه‌ها. ت - کنترل آب و جلوگیری از جاری شدن سیل.

سد آبسنگی BARRIER REEF
عبارت است از مجموعه‌ای از آبسنگ‌های مرجانی که به موازات ساحل قرار گرفته و به وسیله آب نسبتاً ژرف و پهناوری، از ساحل اصلی جدا شده باشد. برای توضیح بیشتر رجوع شود به آبسنگ مرجانی.

سراشیب قاره‌ای CONTINENTAL SLOPE
قسمتی از کف دریا و اقیانوس که از لبه خارجی فلات قاره شروع شده و تا ژرف‌ترین قسمت گسترش یافته باشد. شیب این قسمت بین ۲ تا ۵ درجه است.

سرانه زمین مزروعی PER CAPITA ARABLE LAND
میانگین مقدار زمین مزروعی است که در هر واحد سرزمینی، بخصوص یک کشور نسبت به هریک از افراد آن واحد مورد کشت واقع می‌شود.

سرچشمه SOURCE
جائی که رودخانه از آنجا آغاز شود سرچشمه نام دارد. سرچشمه یک رودخانه ممکن است چشمه، دریاچه، یخچال، مظهر یک مجرای زیرزمینی و یا یک باتلاق تراونده باشد.

سرحد BORDER
رجوع شود به مرز.

سرزمین TERRITORY
زمینی که به یک دولت تعلق داشته باشد و همچنین به پهنهٔ وسیعی از زمین نیز گفته می‌شود.

سرشماری CENSUS
شمارش رسمی جمعیت یک کشور یا یک شهر و یا یک واحد اداری که معمولاً با نوعی طبقه‌بندی از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی همراه است.

سرمایه‌داری CAPITALISM
نظام اقتصادی‌ای که در آن مالکیت خصوصی وسایل تولید در دست طبقه‌ای متمرکز شده است که فقط بخش قلیلی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند. مشخصات عمدهٔ سرمایه‌داری به شرح زیر است: ۱- مالکیت خصوصی بر ابزار تولید. ۲- تضمین آزادی فعالیت‌های اقتصادی. ۳- حداقل دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی. ۴- تعیین دستمزد کارگران توسط کارفرمایان. ۵- تعیین قیمت کالاها بر اساس شرایط بازار. سرمایه‌داری به طور کلی به سه نوع تقسیم می‌شود: ۱- سرمایه‌داری خالص، که در آن دولت به هیچ وجه در فعالیت‌های اقتصادی دخالت یا نظارت ندارد. ۲- سرمایه‌داری دولتی، که در آن در حالی که به مالکیت خصوصی احترام گذاشته می‌شود، قدرت اصلی در دست دولت است و به مالکین خصوصی در تصمیم‌گیریهای مربوط به تولید و مصرف دستور می‌دهد. ۳- سرمایه‌داری قرن بیستم، که بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمده ودر آن دولت‌های غربی به منظور ایجاد رشد اقتصادی، تثبیت قیمت‌ها، تقلیل ناامنی اقتصادی کاهش فشار استثمار سرمایه‌داران از کارگران (که در صورت ادامه یافتن سبب انهدام سیستم سرمایه‌داری می‌شد) در امور اقتصادی دخالت کردند و بسیاری از صنایع و واحدهای اقتصادی را ملی اعلام نمودند و همچنین مقرراتی در مورد روابط بین کارگران و کارفرمایان وضع کردند.

سطح دریا SEA LEVEL
تراز آب اقیانوس، در صورتی که خالی از تأثیر کشند امواج باشد.

سطح مبنای ارتفاعات MEAN SEA LEVEL
رجوع شود به سطح متوسط دریا.

سطح متوسط دریا MEAN SEA LEVEL
سطح متوسط آب دریاهای آزاد که در نتیجه اندازه‌گیری‌های متعدد به دست آمده باشد. این سطح به عنوان مبنای اندازه‌گیری ارتفاعات به کار می‌رود. این واژه را با علامت اختصاری M. S. L. نمایش می‌دهند و به این واژه سطح مبنای ارتفاعات نیز می‌گویند.

سفارادی
رجوع شود به اشکنازی.

سلسله کوه CHAIN
مجموعه‌ای از کوه‌ها، مرکب از تعدادی رشته کوه‌های موازی، و احیاناً فلاتی (به شرط آن که امتداد طولی عمومی محفوظ بماند). گاهی مترادف با رشته کوه به کار می‌رود.

سلطنت MONARSHY
رجوع شود به حکومت.

سمت یابی DIRECTION FINDING
رجوع شود به جهت‌یابی.

سنجاق
به هر یک از تقسیمات جزء یک ولایت یا ایالت، در تقسیمات اداری دولت عثمانی اطلاق می‌شد.

سنگ ROCK
مخلوطی طبیعی از ذرات مختلف که قسمت اعظم سنگکره را تشکیل داده و به سه دستهٔ اصلی سنگ‌های تهنشستی، سنگ‌های آذرین و سنگ‌های دگرگون تقسیم می‌گردد.

سنگ آهک LIMESTONE
سنگی تهنشستی، که تمام یا قسمت عمدهٔ آن کربنات کلسیم است. معمولاً سفید رنگ است ولی به سبب مواد خارجی ممکن است به رنگ‌های دیگر درآید. سنگ آهک از تهنشست و تحجر استخوان‌بندی بی‌مهرگان دریایی و گاه از رسوب‌های شیمیایی پیدایش می‌یابد. از منابع تهیهٔ آهک بوده و در استخراج آهن، ساختن سیمان پرتلند و هم به عنوان سنگ ساختمانی به کار می‌رود. از انواع مختلف آن «آهکرس»، «گل سفید»، «دولومیت» و «مرمر» است.

سنگ آهن IRON ORES
عموم کانه‌های آهن را شامل شده و مهمترین آنها عبارتند از: هماتیت (اکسید آهن)، لیمونیت (اکسید آبدار آهن)، مانیتیت (اکسید مغناطیسی آهن)، سیدریت و پیریت.

سنگکره LITHOSPHERE
پوستهٔ جامد زمین که از یک لایه نرم و نازک خاک و توده‌ای از سنگ و مواد سخت دیگر ترکیب یافته و ضخامت آن به چندین کیلومتر می‌رسد.

سنگ گچ (ژیپس) GYPSUM
سولفات کلسیم آبدار که لایه‌های وسیع آن در سنگ‌های رسوبی همراه با سنگ آهک، شیل رسوبی و یا گل رس پیش می‌آید، به صورت‌های توده‌ای، ورقه ورقه و یا رشته‌ای یافت می‌شود و برای تهیه «گچ» به کار می‌رود. گچ زنده را از حرارت دادن گچ (تا حدود ۱۲۰ درجه سانتیگراد) به دست می‌آورند.

سنگ نمک SALT
سنگی که عمدتاً از بلورهای نمک طعام (Cl Na)تشکیل شده است. تشکیل آن در دریاهای مناطق گرم و یا دریاچه‌هایی با تبخیر بالا، به صورت تراکم نمک بر اثر تبخیر زیاد و تهنشست آن به صورت لایه‌هایی در ته حوضه انجام می‌گیرد. این لایه‌ها گاهی به صورت گنبدهای نمکی به سطح زمین راه می‌یابند. کاربرد عمدهٔ آن در مواد غذایی و همچنین منبع عمدهٔ هیپوکلریت سدیم (سفیدکننده و گندزدا) می‌باشد.

سنی
یا «اهل سنت» عنوان مسلمینی که پس از قرآن، فقط فعل و قول و تقریر پیغمبر را ملاک احکام شرع می‌شمارند و صحابه و خلفای اربعه (ابوبکر، عمر، عثمان و علی «ع») را مأخذ «سنت» پیغمبر می‌دانند و بر احادیث و اقوال آنها در این موارد تکیه کرده و از روش و سنت ایشان پیروی می‌نمایند. مذاهب عمدهٔ سنی در فقه عبارت است از مذاهب ائمهٔ چهارگانه یعنی

ابوحنیفه، شافعی، مالک ابن انس و احمد ابن حنبل که پیروان آنهارا به ترتیب حنفیه، شافعیه، مالکیه و حنابله (حنبلی) می‌نامند.

سواد - باسوادی LITERACY
آشنایی با حروف الفبا در حد خواندن و نوشتن. در این کتاب منظور از درصد باسوادان یک کشور نسبت عدهٔ کسانی است که حداقل قادر به خواندن و نوشتن هستند، نسبت به مجموع کسانی که به سن سوادآموزی رسیده‌اند.

سود SODA
یا سود تجارتی یا سودا، نام معمولی کربنات بی‌آب سدیم است. چون از خاکستر بعضی از گیاهان دریایی به دست می‌آید. به طور خاص آن را خاکستر سود هم می‌خوانند. سود خالص گردی است سفید و بی‌بو که بخار آب هوا را جذب می‌کند و طعمی قلیایی دارد. نام سود به بعضی دیگر از ترکیبات سدیم نیز اطلاق می‌شود، مانند هیدروکسید سدیم که سود سوزآور خوانده می‌شود. بیکربنات سدیم به جوش شیرین معروف است.

سوسیالیسم SOCIALISM
فرضیهٔ سیاسی و اقتصادی برای اصلاح امور جامعه، مبتنی بر این که کلیهٔ عوامل و وسایل تولید و پخش کالا باید به مالکیت دسته جمعی مردم درآید و دولت به نمایندگی مردم آنهارا بر طبق اصول دموکراسی اداره کند. سوسیالیسم در معنی کامل آن با مالکیت خصوصی مخالف است و مایل به ایجاد رفاه اجتماعی از طریق اشتراک مالکیت می‌باشد.

سوق‌الجیشی STRATEGY
رجوع شود به استراتژی.

سولفور SULPHIDE/SULFIDE
در اصطلاح شیمی، ترکیب گوگرد با عنصری دیگر یا با یک رادیکال. سولفورها املاح اسید سولفیدریک یا ئیدروژن سولفوره هستند. بیشتر فلزات مستقیماً در اثر حرارت با گوگرد ترکیب می‌شوند و بدین سبب، و به سبب نامحلول بودن اغلب سولفورها درآب، سولفورهای طبیعی متعددی وجود دارد، که از کانی‌های عمدهٔ فلزات می‌باشند. از جمله سولفورهای مس، روی، جیوه، سرب، آرسنیک، آنتیموان و آهن را می‌توان نام برد.

سویا (سوژا) SOYABEAN
گیاه یکسالهٔ پروانه‌وار، که اصلش از آسیای شرقی است و کشت آن از ۵۰۰۰ سال قبل معمول بوده است. دانه‌های آن شبیه به لوبیای کوچک است و برای خوراک و استخراج روغن و پنیر و ماست از آنها استفاده می‌شود. برگ‌های آن به صورت علوفه و روغن دانه‌های آن برای مصارف مختلف به کار می‌رود.

سیاست POLITICS
علم سیاست به مطالعه و تحقیق در ماهیت حکومت و انواع آن و پدیده‌ها و تأسیسات سیاسی می‌پردازد. سیاست در جامعه دارای هدف خاصی است که همانا فراهم کردن اوضاع اخلاقی، روانی، فرهنگی و مادی مشخص در جامعه می‌باشد تا این که شهروندان آن جامعه بتوانند در کنار هم، زیستی مشترک داشته باشند.

سیسال SISAL
رجوع شود به کتان سیسال.

سیستم تصویر نقشه MAP PROJECTION
نمایش نصف‌النهارها و مدارات زمین، به صورت شبکه‌ای به نام شبکه مختصات جغرافیائی را روی صفحه‌ای مستوی، مانند صفحه کاغذ، سیستم تصویر نقشه می‌نامند. از جمله سیستم‌های تصویر، سیستم‌های استوانه‌ای، مخروطی و یا مسطحه را می‌توان نام برد. عمل تصویر در این سیستم‌ها به روش هندسی و یا ریاضی انجام می‌شود.

سیستم متریک METRIC SYSTEM
یا «مقیاس متری»، عنوان سلسله‌ای اعشاری از مقیاس‌ها است که در اواخر قرن هجدهم در فرانسه رسمیت یافت و امروزه مقیاس رسمی بسیاری از کشورها می‌باشد. مبنای این مقیاس «متر» است که برابر یک چهل میلیونیم نصف‌النهار پاریس می‌باشد واحدهای عمدهٔ مقیاس متری عبارتند از: متر، کیلوگرم و لیتر.

سیل FLOOD
آب فراوانی که بر اثر بالا آمدن سطح آب رودخانه یا دریا و دریاچه سرزمینی را به طور ناگهانی و غیر عادی فرا گیرد. سیل به گونه‌های زیر ممکن است دیده شود. الف: سیل رودخانه‌ای - سیلی است که بر اثر ازدیاد حجم آب رودخانه و عدم تکافوی ظرفیت بستر آن، بالا آمده و اراضی پیرامون آن را فرا گیرد. معمولاً این گونه سیل‌ها پس از بارندگی شدید یا آب شدن یخ‌های رودخانه جریان می‌یابند. معمولاً هر رودخانه یک مسیل طبیعی دارد که در فصول پر آبی تحت پوشش قرار می‌گیرد و در واقع زیان و خسارتی به همراه ندارد، ولی اگر بستر رودخانه یا مسیل طبیعی آن به وسیلهٔ مواد رسوبی پر شود آب اضافی ناگزیر به اراضی اطراف پراکنده شده و خطرات جانی و خرابی‌های فراوانی را به همراه دارد. ب: سیل دریاچه‌ای - این سیل معمولاً در پی بارندگی‌های استثنائی و غیر عادی رخ می‌دهد و بالطبع زمین‌های آبگیر پیرامون خود را تحت پوشش قرار می‌دهد. پ: سیل دریائی - این سیل بر اثر وقوع توفان‌های شدید و شکستن دیوارها و آب‌بندها به وقوع می‌پیوندد. ت: شکستن سد نیز یکی دیگر از عوامل وقوع سیل است، که یکی از خطرناک‌ترین و حادثه‌بارترین سیل‌هاست، مانند شکستن سد فرژوس (فرانسه) در سال ۱۹۵۹.

سیلیس SILICA
نام معمولی اکسید سیلیسیوم، که جسمی مرکب از سیلیسیوم و اکسیژن است. سیلیس خالص سفید یا بی‌رنگ می‌باشد و در طبیعت هم به صورت آزاد و هم به صورت سیلیکات‌ها فراوان است. عادی‌ترین شکل متبلور سیلیس «کوارتز» است. انواع سیلیس موارد استعمال فراوان داشته و مثلاً در ساختن شیشه و اسباب‌های بصری، لوازم الکترونیکی، در ساختمان و در سفالگری، و همچنین بعنوان سایا به کار می‌روند.

سیلیسیوم (سیلیسیم) SILICON
عنصر غیر فلز با علامت شیمیایی (Si)، که از لحاظ خواص شیمیایی مانند کربن است و با فلزات و غیر فلزات ترکیباتی می‌سازد. حدود ۲۵٪ قشر جامد زمین را سیلیسیوم تشکیل می‌دهد و بعد از اکسیژن فراوان‌ترین عناصر است. در طبیعت به شکل سیلیس و انواع سیلیکات وجود دارد، اما به حالت آزاد یافت نمی‌شود.

سیلیکات SILICATE
نام هر یک از ترکیبات سیلیسیوم و اکسیژن با یک عنصر فلزی. سیلیکات‌ها در طبیعت فراوانند و ۲۵٪ کل کانی‌های شناخته شده و ۴۰٪ کانی‌های عادی سیلیکات هستند. مهمترین سیلیکات‌های تجارتی و معروف عبارتند از: زئولیت، کائولینیت، لازوریت، کوارتز، فلدسپات، میکا، پروکسین، پنبهٔ کوهی، بریل، زمرد، زمرد کبود، گارنت، سرپانتین و طلق. شیشه مخلوطی از سیلیکاتها است.

ش

شاخابه INLET
پیشرفتگی کوچکی از آب دریا که در زبان فارسی گاه به آن خور یا خلیجک نیز گفته می‌شود.

شاخص توسعهٔ انسانی HUMAN DEVELOPMENT INDEX
رجوع شود به صفحهٔ ۶۲.

شاهزاده‌نشین PRINCIPALITY
رجوع شود به امیرنشین.

شبه جزیره PENINSULA
بخشی از خشکی که در آب پیش رفته و سه طرف آنرا آب فرا گرفته باشد مانند شبه جزیره عربستان.

شدت زمین لرزه MAGNITUDE OF AN EARTHQUAKE
شدت زمین‌لرزه را به وسیله واحدی به نام «ریشتر» که مقیاسی است که در سال ۱۹۳۵ به وسیله چارلز اف ریشتر ابداع شده مورد سنجش قرار می‌دهند. این مقیاس از یک درجه ریشتر شروع شده و تا ۱۰ درجه ریشتر افزایش می‌یابد.

شرکت چند ملیتی MULTINATIONAL CORPORATION
یک واحد بزرگ اقتصادی است که مرکز اصلی آن در یک کشور قرار دارد، اما از طریق شعبه‌هایی که تمام یا بخشی از آن متعلق به شرکت اصلی است، در سایر کشورها عمل میکند. برخی از این نوع شرکت‌ها برای حصول سود بیشتر در سیاستگذاری‌های سایر کشورها نیز اعمال نفوذ می‌کنند.

شط LARGE RIVER
لفظ عربی به مفهوم رودخانه بزرگ که بیشتر در عراق متداول است ولی در کشورهای دیگر مانند کشورهای شمال افریقا از این واژه به معنی دریاچه نمک و امثال آن استفاده می‌شود.

شکافت CLEAVAGE
تخته سنگی که تحت تأثیر فشار زیاد شکافته شده و به لایه‌های نازکی تبدیل شده باشد. شناختن شکافت از نظر استخراج معدن دارای اهمیت فراوان است.

شلغم روغنی
رجوع شود به منداب.

شمال NORTH
رجوع شود به جهات اصلی.

شمال جغرافیائی GEOGRAPHICAL NORTH
رجوع شود به شمال حقیقی.

شمال حقیقی TRUE NORTH
جهت شمالی نصف‌النهار هر نقطه را شمال حقیقی یاشمال جغرافیایی آن نقطه می‌گویند.

شمال شبکه قائم‌الزاویه GRID NORTH
اگر به شبکه جغرافیائی که از تلاقی نصف‌النهارها و مدارهای نقشه پدید می‌آید توجه کنیم مشاهده می‌شود که خطوط مزبور منحنی بوده و چهار ضلعی‌های حاصله دارای شکل و اندازه‌های متفاوت هستند. برای برطرف ساختن این مشکل، از شبکه‌بندی خاصی به نام شبکه‌بندی قائم‌الزاویه که در نتیجه تلاقی خطوط مستقیم و متعامدی به وجود می‌آید، استفاده می‌گردد. در چنین حالتی امتداد شمالی محورهای شبکه مزبور را شمال شبکه قائم‌الزاویه می‌نامند.

شمالگان ARCTIC
مناطق، آبها و یا هر چیزی که منسوب به قطب شمال کره زمین باشد، مانند مدار شمالگان (مدار قطبی شمال)، دریای شمالگان (دریای قطب شمال) و یا نواحی شمالگان یعنی نواحی پیرامون قطب شمال. واژه شمالگان به معنی اخص نواحی شمالگان نیز به کار رفته است.

شمال مغناطیسی NORTH MAGNETIC POLE
رجوع شود به قطب مغناطیسی.

شن GRAVEL
سنگ‌ریزه‌های مدوری از نوع مواد رسوبی که معمولاً با مواد نرم‌تری مانند ماسه و رس همراه است. اندازه قطر شن معمولاً ۲ تا ۱۰ میلیمتر است.

شهر CITY
مناطق مسکونی خیلی بزرگ را گویند. اصطلاح CITY در پاره‌ای از کشورهای اروپائی زمانی به کار می‌رود که شهر قدیمی بوده و از نظر مسیحیت دارای کلیسا و اسقف باشد. ضمناً به مناطقی که دارای انجمن شهر و شهرداری باشند نیز گفته می‌شود.

شهرستان TOWNSHIP
قسمتی از تقسیمات کشوری، که معمولاً از چند بخش تشکیل یافته و خود قسمتی از یک استان است. حاکم شهرستان را فرماندار می‌گویند. تا قبل از سال ۱۳۱۶ هجری شمسی که قانون تقسیمات کشوری به تصویب رسید، به جای شهرستان از واژه ولایت استفاده می‌شد.

شهرک TOWN
منطقه مسکونی که تراکم ساختمان‌ها و جمعیت آن بیشتر از یک دهکده و کمتر از یک شهر باشد.

شهروند CITIZEN
کسی که در شهر زندگی می‌کند و از حقوق و مزایای مدنی برخوردار است.

شیعه
یکی از مذاهب بزرگ دین اسلام است. در لغت عربی، شیعه به معنای پیروان و یاران است و در اصطلاح رایج به پیروان و طرفداران حضرت علی (ع) و خاندانش اطلاق گردیده و شیعه اصولاً کسی است که حضرت امیر را جانشین بلافصل پیامبر می‌داند. پس از شهادت حضرت علی (ع) و در طول قرون بعدی انشعابات متعددی در مذهب شیعه صورت گرفته و گروه‌های مختلفی از آن به وجود آمده است. «شیعهٔ امامیه» یا «اثنی عشریه» یا «جعفریه» که مذهب رسمی ایران است مهمترین فرقهٔ شیعه بوده و برخی از معروف‌ترین فرقه‌ها نیز عبارتند از: زیدیه، اسماعیلیه، ادارسه، قرامطه، نزاریه و مستعلویه.

شیل (شیست) SHALE
از سنگ‌های رسی رسوبی که به شدت مطبق و شکننده می‌باشد. با کمی فشار در امتداد سطوح لایه‌بندی، به آرامی صفحه صفحه می‌گردد.

شیل نفتی OIL SHALE
سنگی است شیستی که در آن بر اثر استحالهٔ تدریجی مواد بیتومین‌دار (آلی)، به مرور زمان نفت خام ایجاد شده است. این نفت را با روش‌های مخصوص از شیل‌های نفتی جدا نموده و سپس به مصرف می‌رسانند.

شینتو SHINTO
دین بومی قدیم ژاپن که بعدها تحت تأثیر آیین‌های کنفوسیوس و بودا تحول یافت. صورت کنونی شینتو مجموعه‌ای است از آداب و سنن که متضمن زیارت اماکن مقدسه و برپا داشتن جشن‌ها و اعیاد عمومی است و این جنبه‌ها بر جنبهٔ مذهبی آن غلبه دارد. در حال حاضر بیشتر ژاپنی‌ها علاوه بر پیروی از آیین شینتو، به بودائیسم نیز معتقد می‌باشند.

ص

صادرات EXPORTS
اجناسی که تحت عنوان اقلام تجارتی به خارج از یک کشور صادر شود. به طور کلی صادرات بر دو نوع است صادرات مرئی مانند گندم، ماشین‌آلات و امثال آن و صادرات نامرئی مانند دریافت حق ترانزیت بیمه و جهانگردی.

صادرات مجدد REEXPORT
دربرگیرندهٔ کالاهایی است که بدون هیچ تغییری، پس از واردات به یک کشور یا سرزمین مجدداً صادر می‌شود. صادرات مجدد معمولاً در بنادر یا مناطق آزاد تجاری صورت می‌گیرد.

صحرا DESERT
یا بیابان، منطقه کم باران و کم گیاهی که غالباً غیر قابل زیست بوده و به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شود. الف: منطقه گرم و بادخیزی که فشار جو آن زیاد بوده و میزان ریزش باران آن از ۲۵۰ میلیمتر کمتر و تابستان‌های بسیار گرمی داشته باشد، مانند صحرای افریقا. ب: صحراهایی که در کرانه‌های غربی یک قاره و در عرض جغرافیائی ۱۵ تا ۳۰ درجه واقع شده باشد. حاشیه ساحلی این صحراها معمولاً تحت تأثیر جریان‌های آب سرد دریائی دور از ساحل قرار داشته و درجه گرمای آنها در تابستان حدود ۱۸ درجه سانتیگراد است. مانند صحرای کالاهاری در جنوب غربی افریقا. پ: صحراهایی که در عرض جغرافیائی متوسط و در درون قاره‌ها واقع شده باشند. تابستان این گونه صحراها داغ و زمستان آنها سرد است. مانند صحرای گبی در شمال کشور چین. ت: صحراهایی برفی و یخی واقع در سرزمین‌های قطبی، مانند گروئنلند.

صخرهٔ آبی REEF
رجوع شود به آبسنگ.

صمغ عربی GUM ARABIC
یکی از انواع صمغ است که در آب حل می‌شود و از اقسام مختلف اقاقیا، خاصه اقسام افریقایی آن به دست می‌آید. رنگ آن از سفید تا سرخ تغییر کرده و در ساختن مرکب، چسب، صنایع نساجی، شیرینی‌سازی، و نیز در پزشکی (به عنوان ملین) به کار می‌رود.

صنعت INDUSTRY
در اصطلاح اقتصاد، اقدام تولیدی، بخصوص ساختن اشیاء یا اقدام در تهیهٔ بعضی از خدمات (از قبیل حمل و نقل و ارتباطات)، که سرمایه و نیروی کار نسبتاً بزرگی را به کار می‌گیرد. اصطلاح صنعت گاه به عنوان اسم جمع به فعالیت‌های تولیدی یک کشور یا یک منطقه به طور کلی و گاه در مورد فعالیت‌های مربوط به یک رشتهٔ خاص تولیدی (مثلاً صنعت فولاد سازی) به کار می‌رود.

صهیونیزم ZIONISM
نهضتی نژادپرستانه و تعصب‌آمیز که در سال ۱۸۹۷ به منظور «برقراری یک حکومت قومی یهود در سرزمین فلسطین» تشکیل گردید. صهیونیزم به واسطهٔ اعمال غیر انسانی ضد یهودیان (آنتی‌سمیتیسم) در قرون گذشته و نیمهٔ اول قرن بیستم، در میان یهودیان مقبولیت یافت و پس از جنگ جهانی دوم نیز (که در طی آن هیتلر شش میلیون یهودی را به وسیلهٔ کوره‌های آدم سوزی نابود نمود) از مشروعیت گسترده‌ای در افکار عمومی مردم جهان برخوردار گردید. صهیونیست‌های مهاجر با اتکاء به حمایت‌های استعماری و با به راه انداختن عملیات تروریستی و قتل عام‌های گسترده، مردم عرب و مسلمان فلسطین را از خانه و کاشانهٔ خود آواره نمودند و تشکیل دولت اقلیت یهودیان را در سال ۱۹۴۸ در فلسطین اشغالی اعلام نمودند. لفظ صهیونیزم از نام کوه «صهیون» واقع در نزدیکی قدس گرفته شده است.

ط

طغیان آب
رجوع شود به سیل.

طلا GOLD
عنصری فلزی، دارای رنگ زرد درخشان و براق، با علامت شیمیایی (Au)، و از گرانبهاترین فلزات است. چگالی آن ۱۹/۳ و نقطهٔ ذوبش ۱۰۶۳ درجه است. طلا از همهٔ فلزات چکشخوارتر و قابلیت مفتول شدن آن نیز بسیار زیاد است. از لحاظ شیمیایی، طلا بی‌اثر است و در هوا، حتی اگر آن را به شدت حرارت دهند تغییر عارضش نمی‌شود. معادن طلا در سراسر کرهٔ زمین یافت می‌شود و در آب دریا نیز فراوان است، ولی استخراج آن از آب دریا مقرون به صرفه نیست، مهمترین منابع طلای جهان افریقای جنوبی، روسیه، کانادا و ایالات متحدهٔ امریکا است. طلا معمولاً همراه با نقره یا فلزات دیگر، چنان در رگه‌های کوارتزی پراکنده است که به چشم دیده نمی‌شود. همچنین در نهشت‌های آبرفتی یافت می‌شود که آن را با شستن خاک (طلاشویی) و ته‌نشین کردن فلز به دست می‌آورند. طلا را عموماً به عنوان وسیله موازنهٔ معاملات بین‌المللی پذیرفته‌اند و همواره به عنوان پشتوانهٔ پول مقبول بوده است. مهمترین مورد استفادهٔ طلا در ساختن زینت‌آلات و جواهرات است.

طلای سفید (پلاتین) PLATINUM
عنصر فلزی به رنگ سفید مایل به خاکستری با علامت شیمیایی (Pt)، که از لحاظ شیمیایی بی‌اثر است. چگالی آن ۲۱/۴۶ و نقطهٔ ذوب آن ۱۷۶۹ درجه سانتیگراد می‌باشد. طلای سفیدچکشخوار و قابل مفتول شدن بوده واز آن می‌توان مفتول‌هایی به قطر یک هزارم میلیمتر ساخت. برخلاف طلا جیوه در آن بی‌اثر است و به علت مقاومت شدید طلای سفید در مقابل خوردگی، آن را (به صورت آلیاژ با فلزات دیگر) برای ساختن اسباب‌های آزمایشگاهی، سیم‌های برق و نقاط اتصال برق، استانده‌های وزنه‌ها، ودر جواهر سازی (برای ساختن ورقه‌هایی که زیر جواهرات قرار داده می‌شود)به کار می‌برند. طلای سفید در طبیعت به شکل آلیاژ با فلزات دیگر موجود است و به طرق شیمیایی آن را استخراج می‌کنند. بیش از ۸۰٪ طلای سفید جهان از کوههای اورال (روسیه) به دست می‌آید. مهمترین موارد استفادهٔ طلای سفید در جواهرسازی و دندانسازی است.

طلق TALC
رجوع شود به تالک.

طوفان STORM
رجوع شود به توفان.

طول جغرافیائی LONGITUDE
طول جغرافیائی هر نقطه از سطح زمین عبارت از قطعه قوسی است از دایرهٔ استوا که بین نصف‌النهار مبدأ (نصف‌النهار گرینیچ) و نصف‌النهار مارّ بر نقطهٔ مزبور قرار گرفته باشد. طول جغرافیائی هر نقطه متناسب با واقع شدن آن نقطه در خاور یا باختر نصف‌النهار گرینیچ به طول خاوری یا باختری تقسیم می‌گردد که اندازه هرکدام صفر تا ۱۸۰ درجه خاوری یا باختری است. پر واضح است کلیهٔ نقاطی که روی یک نصف‌النهار واقع شده‌اند، هم طول بوده و از آنجائی که تمام نصف‌النهارها در نقطه قطب به یکدیگر برخورد می‌کنند لذا مسافت میان آنها، متناسب با عرض جغرافیائی نقاط مختلف متفاوت خواهد بود. بدین ترتیب که مسافت یک درجه در روی دایره استوا برابر ۱۱۱/۳۲ کیلومتر و در عرض ۴۵ درجه معادل ۷۸/۸۴۸ کیلومتر، در عرض ۷۰ درجه برابر ۳۸/۱۸۷ کیلومتر و در قطب معادل صفر است. چون هر ۱۵ درجه طول جغرافیائی معادل یک ساعت است از این رو با در دست داشتن اختلاف میان زمان محلی و زمان متوسط گرینیچ می‌توان طول جغرافیائی هر نقطه از سطح زمین را تعیین نمود.

ع

عرض جغرافیائی LATITUDE
فاصله زاویه‌ای نقاط مختلف سطح زمین نسبت به خط استوا را عرض جغرافیائی می‌گویند که برحسب قرار گرفتن نقطه در شمال و یا جنوب خط استوا به آن عرض شمالی و یا عرض جنوبی می‌گویند. به طور کلی عرض جغرافیائی، عبارت از زاویه‌ای است که رأس آن در مرکز کره زمین واقع شده و پاره قوسی از دایرهٔ نصف‌النهار مارّ بر نقطه مورد نظر را در حد فاصل نقطه مزبور و خط استوا در بر گرفته باشد. عرض جغرافیائی در روی خط استوا، برابر صفر و در قطب‌ها معادل ۹۰ درجه است. دایره‌هایی که به موازات دایره استوا روی کره زمین رسم شوند مدارهای عرض جغرافیائی نام دارند و در واقع هرکدام از آنها مکان هندسی نقاط هم عرض جغرافیائی می‌باشند. به طور متوسط هر درجه عرض جغرافیائی معادل ۱۱۱/۰۴۲ کیلومتر یا ۶۹ مایل است.

عصر AGE
مدت زمان خاصی در تاریخ یا در رشد بشر و یا به طور اخص در تکامل فرهنگ و تمدن را عصر گویند.

عصر آهن IRON AGE
دوره‌ای در توسعه صنعت، که با آغاز استعمال عمومی آهن شروع شده و هنوز هم ادامه دارد.

عصر برنز BRONZE AGE
رجوع شود به عصر مفرغ.

عصر پارینه‌سنگی PALAEOLITHIC AGE
این دوره که نخستین بخش عصر حجر را تشکیل می‌دهد، منطبق است با اوایل دوره زیست انسان پیش از تاریخ، که از ۰۰۰، ۵۰۰ تا ۸۰۰۰ سال پیش به درازا کشیده است.

عصر حجر STONE AGE
عصر حجر واژه‌ای است که توسط دیرین‌شناسان ارائه گردیده و مقدم بر عصر برنز قرار گرفته است. انسان‌های این عصر از ابزارهای سنگی استفاده می‌کرده‌اند. این عصر که به حدود ۴۰۰۰ سال پیش محدود می‌گردد به دوره‌های پارینه‌سنگی، میانسنگی و نوسنگی تقسیم می‌گردد.

عصر مفرغ BRONZE AGE
دوره‌ای از تاریخ که انسان برای ساختن جنگ‌افزار و دیگر وسایل خویش از مفرغ که آمیزه‌ای از مس و قلع است استفاده نموده است. این دوره را که ضرورتی به دانستن مدت واقعی آن نیست عصر مفرغ یا برنز می‌نامند و در واقع معرف دوره‌ای از فرهنگ انسان‌های باستان بوده و پس از عصر حجر و قبل از عصر آهن واقع شده است.

عصر میانسنگی MESOLITHIC AGE
بخشی است از عصر حجر که از پایان عصر دیرینه سنگی تا آغاز عصر نوسنگی ادامه دارد و بین ۶۰۰۰ تا ۱۰،۰۰۰ سال به طول کشیده است.

عصر نوسنگی NEOLITHIC AGE
دورهٔ نوسنگی از اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد شروع شده و تا عصر برنز یعنی حدود ۱۴۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح ادامه می‌یابد. از مشخصات این دوره استفاده از سنگ آتش زنه، اهلی کردن جانوران، کشت غلات، سفالگری، ساختمان مقبره‌های مخصوص و ایجاد پرستشگاه‌های خاصی مانند STONEHENGE در انگلستان است.

عصر یخبندان ICE AGE
روزگاری در زمین‌شناسی که مناطق پهناوری از قاره‌ها به وسیلهٔ یخسارها و یخچالها پوشیده شده بود. در آن روزگار که مربوط به اوایل دوران چهارم زمین‌شناسی است، علاوه بر قسمت‌هایی از سطح اقیانوس‌ها، قسمت اعظم اروپا و شمال امریکا نیز زیر پوشش یخ قرار داشت که جزیره گروئنلند و نواحی قطب جنوب باقی‌مانده آن زمان است.

علائم قراردادی نقشه MAP LEGEND
رجوع شود به راهنمای نقشه.

علفزار GRASSLAND
مناطقی از کرهٔ زمین که علف و گیاهان خودرو در آن فراوان دیده شود و به دلیل عدم تکافوی باران قابلیت تبدیل به جنگل را نداشته باشد. این گونه مناطق معمولاً در حد فاصل مناطق جنگلی و سرزمین‌های کم‌باران و خشک واقع شده و به دو دسته مهم تقسیم می‌گردند: الف - علفزارهای مناطق گرم مانند ساوانا. ب - علفزارهای مناطق معتدله مانند استپ.

علفزار استوائی SAVANNAH OR TROPICAL GRASSLAND
یا ساوانا، علفزار پهناوری است که در آن علف‌های بلند و درختان و بوته‌های پراکنده‌ای روئیده باشد. باران در این گونه علفزارها معمولاً در فصل گرم می‌بارد و در سایر فصول به دلیل وزش بادهای بسامان از نفوذ ابرهای باران‌زا جلوگیری می‌شود، به همین دلیل علف‌های آن در فصل گرم تازه و شاداب بوده و ارتفاع آنها گاه تا چهار متر می‌رسد.

غ

غار CAVERN OR CAVE
فضای خالی زیرزمینی که به طور طبیعی به وجود آمده و با فضای خارج پوسته زمین، به وسیلهٔ روزنه یا دهانه‌ای پیوستگی داشته است. این عارضه به ویژه در زیر صخره‌های دریائی، جائی که به علت سستی جنس، بر اثر امواج آب شسته و خالی شده است و همچنین در زمین‌های آهکی بر اثر حل شدن مواد آهکی در آب دیده می‌شود.

غلات CEREALS
آن دسته از دانه‌های گیاهی مانند گندم، جو، چاودار (گندم سیاه)، ذرت، برنج، ارزن و امثال آن که خوراک اصلی انسان را تشکیل می‌دهند.

ف

فئودالیسم FEUDALISM
یا «فئودالیزم» یا «فئودالیته» نظامی اجتماعی و سیاسی که از پایان امپراتوری شارلمانی در اوایل قرن نهم میلادی تا ظهور حکومت‌های مطلقه در اوایل قرن هفدهم در اروپای غربی استوار بود. بدین ترتیب که پس از انقراض امپراتوری شارلمانی بسیاری از مالکین و متنفذین و اشراف، قدرت سیاسی را به خود اختصاص دادند و یک نوع ملوک‌الطوایفی به وجود آوردند، به طوری که هریک از آنها قلمروی برای خود قائل شده و اقتصادی بسته در محدودهٔ قلمرو خود را تشویق نمود. در فرانسه، آلمان و ایتالیا بسیاری از پادشاهان و شاهزادگان در ازاء دریافت کمک نظامی از رؤسای فئودالیته (یا فئودالها) قسمتی از سرزمینهای تحت قلمرو خود را به آنها می‌دادند و فئودالها بدین ترتیب قدرتمندتر شدند. در ایران نیز به نظام ارباب رعیتی فئودالیسم گفته می‌شود.

فدراتیو FEDERATIVE
نحوهٔ ادارهٔ یک فدراسیون. برای توضیح بیشتر رجوع شود به فدراسیون.

فدراسیون FEDERATION
واحدی سیاسی، متشکل از چند واحد سیاسی کوچکتر که دارای دولتی به نام دولت فدرال است. در حکومت‌های فدرال، هریک از واحدهای کوچک که معمولاً ایالت یا کشور نامیده می‌شوند، پاره‌ای از اختیارات خویش را از قبیل روابط خارجی به دولت مرکزی واگذار می‌کنند. معمولاً دول عضو دولت فدرال حق حاکمیت خود را در امور داخلی حفظ کرده و اموری از قبیل روابط خارجی، ضرب سکه، اعلان جنگ و صلح را به دولت فدرال واگذار می‌نمایند. از نمونه حکومت‌های فدرال، دولت ایالات متحدهٔ امریکا و آلمان را می‌توان نام برد.

فدرال FEDERAL
رجوع شود به فدراسیون.

فرمانداری کل GENERAL GOVERNMENT
عنوان حکومت کشورهایی در درون جامعهٔ «ملل مشترک‌المنافع» که سلطنت تشریفاتی و ظاهری پادشاه یا ملکه انگلستان را پذیرفته‌اند. معمولاً نماینده‌ای (با عنوان فرماندار کل) از سوی پادشاه (یا ملکه) انگلستان برای ادارهٔ تشریفاتی کشورهای فوق منصوب می‌گردد که در عمل دارای هیچگونه اختیار و اقتداری نبوده و نخست‌وزیر مجری و اداره کننده امور کشور می‌باشد. تا چندی پیش در ایران عنوان فرمانداری کل به بخشی از تقسیمات اداری گفته می‌شد که از لحاظ اهمیت نسبت به استان در سطح پایین‌تری قرار داشت و از چند شهرستان تشکیل شده بود.

فروبومان LOW COUNTRIES
ناحیه‌ای در شمال غربی اروپا، مشتمل بر هلند، بلژیک و لوکزامبورگ کنونی. این اصطلاح بیشتر جنبهٔ تاریخی و سیاسی داشته و ناحیهٔ فروبومان یکی از ثروتمندترین نواحی اروپای قرون وسطی و اروپای جدید و در عین حال، از میدان‌های جنگ بوده است.

فرودگاه AIRPORT
تأسیساتی که برای فرود و یا پرواز وسایل حمل و نقل هوایی ساخته شده باشد.

فروزمین GRABON
قسمتی از قشر زمین که بر اثر گسله‌هایی نسبت به زمین‌های اطراف پایین رفته باشد.

فرهنگ CULTURE
عبارت است از مجموعهٔ تجلیات (به صورت سمبل‌ها، علایم، آداب و رسوم، سنت‌ها، رفتارهای جمعی. . .) معنوی، هنری، تاریخی، ادبی، مذهبی و احساسی یک قوم یا ملت که در طول تاریخ فراهم آمده و شکل مشخصی گرفته است.

فسفات PHOSPHATE

در اصطلاح شیمی به ملح یا استر اسید فسفریک گفته می‌شود. فسفات‌ها در طبیعت فراوانند. کانی‌های فسفات، به خصوص آپاتیت و فسفریت، منشاء حیوانی داشته و از انباشته شدن بقایای حیوانی تشکیل شده‌اند. فسفات‌ها از مواد اساسی برای حیات گیاهان بوده و بیش از همه برای تهیه کودهای مصنوعی مورد استعمال دارند.

فسفر PHOSPHORUS

عنصر غیر فلز با علامت شیمیایی (P)، که بر حسب ساختمان مولکولی آن به سه شکل سفید (یا زرد)، سرخ (یا بنفش) و سیاه دیده می‌شود. به شکل آزاد در طبیعت یافت نشده و برای اولین بار از تجزیهٔ ادرار به دست آمده است. کانی‌های عمدهٔ آن عبارتند از آپاتیت و فسفریت. فسفر معمولی جامد و سفید بوده و حالت مومی دارد. خالص آن بیرنگ و شفاف، و بسیار سمی و خطرناک است (۵۰ میلیگرم آن کشنده است). فسفر سفید در دمای معمولی در هوا اکسید شده و ایجاد دود سفید اکسید فسفر می‌کند که انرژی حاصل از اکسایش به صورت نور ساطع می‌شود (این پدیده را فسفر سانس می‌نامند و وجه تسمیهٔ فسفر نیز همین است). فسفر سرخ به اندازهٔ فسفر سفید خطرناک نیست و نسبتاً پایدار بوده و در ساختن کبریت‌های بی‌خطر، گردهای آتش‌بازی، حشره‌کش‌ها، بمب‌های دودزا و مانند آنها به کار می‌رود.

فصل SEASON

یکی از تقسیمات زمانی سالانه که بر اثر حرکت انتقالی زمین و انحراف محور زمین (به اندازهٔ ۲۳°۳۰' نسبت به خط عمود بر صفحهٔ گردش زمین) به وجود می‌آید. تشکیل فصول سرد و گرم و ایجاد اختلاف دما و شرایط جوی گوناگون فصل‌ها، فقط به زاویهٔ تابش آفتاب، و طول مدت روز، در نقاط مختلف بستگی دارد و اختلاف فاصلهٔ زمین از خورشید، در تغییر دما و اوضاع جوی تأثیری ندارد. فصول چهارگانهٔ سال عبارتند از: بهار، تابستان، پائیز و زمستان. به علت انحراف محور زمین، هنگامی که در نیمکرهٔ شمالی بهار است، در نیمکرهٔ جنوبی فصل پائیز حکمفرماست و هنگام تابستان نیمکرهٔ شمالی مصادف است با زمستان نیمکرهٔ جنوبی و بالعکس. برای توضیح بیشتر رجوع شود به «بهار»، «تابستان»، «پائیز» و «زمستان».

فضا SPACE

تمام عالم به غیر از اشیاء را فضا گویند و زمین و جو و اجرام فلکی و کهکشان راه شیری و کهکشانه‌ها درون آن قرار دارند. پاره‌ای فیزیکدان‌ها فضا را به دو قسمت تقسیم کرده‌اند.
الف - فضای نزدیک، که از هشتاد کیلومتری زمین شروع شده و تا مجاورت کره ماه ادامه دارد.
ب - فضای خارجی یا فضای دور، که ناحیه‌ای است که سیارات و اقمارشان در آن حرکت میکنند و زمین در آن تأثیری ندارد. فضای خارجی گاه تا فضای بین کهکشانه‌ها نیز ادامه می‌یابد.

فلات PLATEAU

فلات عبارت از سرزمین مرتفع و تقریباً هموار و مسطحی است که گاهگاه رشته ارتفاعات و دره‌هایی نیز در آن به چشم می‌خورد و پیرامون آنها را، اغلب دامنه‌های شیب‌دار به اراضی پست مجاور متصل می‌سازد.

فلات قاره CONTINENTAL SHELF

آن قسمت از کف دریاها و اقیانوس‌هایی که پیرامون خشکی یا قاره‌ای را فرا گرفته و از حاشیه خشکی شروع شده و با شیب ملایمی (یک درجه یا کمتر) تا جایی که شیب دریا به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد ادامه پیدا می‌کند. ژرفای حاشیه خارجی این قسمت میان ۱۲۰ متر (۶۵ فاتوم) تا ۳۷۰ متر (۲۰۰ فاتوم) توصیف و ثبت شده و به طور متوسط ژرفای میانگین ۱۳۰ متر برای این منظور توصیه گردیده است. پهنای این قسمت برحسب وضعیت توپوگرافی زمین متغیر بوده و گاه به بیش از ۱۵۰ کیلومتر می‌رسد. حال آن که کرانه‌های کوهستانی دارای عرض کمتری بوده و حتی از یک کیلومتر نیز بیشتر نمی‌شود. ژرفای دریا در بعد از این قسمت یک باره به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و در نتیجه حاشیه خارجی آن به صورت پرتگاه‌های زیردریائی دیده می‌شود و در واقع کرانه زیرآبی خشکی را مشخص می‌سازد. مسئله فلات قاره و تداخل آن با قوانین بین‌المللی مالکیت بر آب‌های ساحلی، مشکلات بزرگی را از نظر ماهیگیری و منابع زیردریائی مانند نفت و گاز به وجود آورده است.

فلوئوریت FLUORITE

سنگ معدنی فلوئور کلسیم، که به صورت بلوری در رگه‌های گرانیتی، رسوبات آهکی و ذرات ماسه‌ای پیدا می‌شود و به علت ناخالصی‌های فراوان به اکثر رنگ‌ها وجود دارد. به صورت نهشته‌ای عظیم در بسیاری از مناطق یافت می‌شود. انواع توده‌های دانه‌ای، خاکی، رشته‌ای و کروی آن نیز یافت شده است. شکننده و شیشه‌ای است و به عنوان مادهٔ مهم گدازنده، در تهیه فولاد و لعاب سرامیک به کار می‌رود. همچنین در تهیهٔ اسید فلوئوریدریک، شیشه‌های شیری‌رنگ، مینا و در ساختن عدسی‌های نوری بسیار عالی نیز کاربرد دارد.

فوفل BETEL NUT

دانه یا جوز درخت فوفل که در سراسر نواحی جنوب آسیا به عنوان محرک آن را می‌جوند. طولش حدود ۵ سانتیمتر است و خال‌های قهوه‌ای و خاکستری دارد. دانه‌های رسیده را در آب می‌جوشانند و قاچ می‌کنند و در آفتاب می‌خشکانند تا به رنگ خرمایی تیره یا سرخ درآید. سپس هریک را با کمی آهک در برگی از تنبول (نوعی فلفل خزنده) می‌پیچند و می‌جوند. فوفل محتوی آلکالوئیدی موسوم به آرکولین است که محرکی ملایم است و احساس خوشی به شخص دست می‌دهد. در برخی موارد در دامپزشکی و برای از بین بردن کرم‌های روده اسب و سگ و سایر حیوانات اهلی به کار می‌رود.

فولاد (پولاد) STEEL

رجوع شود به آهن.

فیروزه TURQUOISE

یکی از جواهرات، که از جنبهٔ شیمیایی فسفات آبیده آلومینیوم و مس است. رنگ فیروزه از خاکستری سبز تا آبی آسمانی، و نوع آبی سیر آن از سایر انواع مرغوب‌تر است، ولی به سهولت گرد و غبار و چربی را جذب می‌کند ورنگش به سبز نامطلوبی تبدیل می‌شود. بهترین نوع فیروزه از ایران (نیشابور) می‌باشد.

ق

قات QAT

یا جات، بوته‌ای از نوع کاتا (Catha) دارای ساقهٔ هموار، که ارتفاعش به ۳/۵ متر می‌رسد. در برگ‌هایش که به عربی کفته نامیده می‌شود و همچنین ساقه‌های نورسش آلکالوئیدی به نام کاتین وجود دارد که جویدن آنها باعث نشاط و تخدیر می‌گردد. جویدن قات در میان مردم جیبوتی، اتیوپی و یمن بسیار رایج است و به سلامتی عقلی و بدنی معتادان آسیب می‌رساند.

قاره CONTINENT

هر یک از قطعات اصلی خشکی زمین را قاره می‌نامند. این قطعات از سنگ‌های نوع SIALIC برآمده از کف اقیانوس‌ها تشکیل یافته و جمعاً حدود ۳۰ درصد سطح کره زمین را به شرح زیر در بر گرفته‌اند: قارهٔ آسیا ۴۹۲، ۰۳۶، ۴۵ کیلومترمربع. قارهٔ اروپا ۵۹۹، ۹۰۸، ۹ کیلومترمربع. قارهٔ افریقا ۵۷۸، ۳۴۳، ۳۰ کیلومترمربع. قارهٔ اقیانوسیه (استرالیا) ۹۶۲، ۸۲۰، ۸ کیلومترمربع. قارهٔ امریکای جنوبی ۴۲۰، ۸۱۵، ۱۷ کیلومترمربع. قارهٔ امریکای شمالی و مرکزی ۳۳۱، ۶۸۰، ۲۴ کیلومترمربع. قارهٔ جنوبگان ۰۰۰، ۰۹۳، ۱۲ کیلومترمربع.

قارهٔ جنوبگان ANTARCTICA

قاره‌ای به وسعت حدود ۰۰۰، ۰۹۳، ۱۲ کیلومترمربع که در حوالی قطب جنوب زمین واقع شده است. به دلیل سرما و بادهای سرد شدید و وجود یخ‌های شناور و کوه‌های عظیم یخ، این قاره تا ایام اخیر ناشناخته مانده بود و هنوز هم اطلاعات صحیح و کاملی از آن در دسترس نیست. این قاره که پیرامون آن را یخسارها و برفناهای پهناوری فرا گرفته است، تقریباً مستدیر بوده و فلات مرکزی آن را رشته کوه‌های عظیمی که ارتفاع پاره‌ای از آنها حدود ۴۵۰۰ متر است تشکیل داده. دمای متوسط این قاره در سراسر سال زیر صفر است و در زمستان نیمکره جنوبی به حدود ۴۰- تا ۶۰- درجه می‌رسد.

قانون اساسی CONSTITUTION

مجموعهٔ اصول بنیادی یک ملت یا یک جامعهٔ سیاسی که قدرت و وظایف حکومت را معین و حقوقی را برای مردم تضمین می‌کند. قانون اساسی عموماً به دو صورت «مدون» و «عرفی» است که تقریباً تمام کشورهای جهان دارای قانون اساسی مدون می‌باشند و کشور انگلستان مهمترین کشوری است که قانون اساسی مدون ندارد.

قبیله TRIBE

رجوع شود به ایل.

قرن CENTURY
دورهٔ صد ساله، و بالاخص هریک از ادوار صد ساله‌ای که از اول هر مبدأ تاریخ به بعد یا قبل آن محاسبه شود، به طور مثال قرن اول هجری از ابتدای هجرت تا سال ۱۰۰ هجری و قرن دوم از سال ۱۰۱ تا سال ۲۰۰ هجری را شامل می‌شود. در حال حاضر ما در قرن پانزدهم هجری قمری و قرن چهاردهم هجری شمسی و قرن بیست و یکم میلادی می‌باشیم.

قرون وسطی MIDDLE AGES
در تاریخ اروپا و مخصوصاً اروپای غربی، عنوان دورهٔ بین قرون قدیم و جدید. پیش از آن اروپای غربی جزئی ازامپراتوری روم بود و پس از آن اروپای غربی مشتمل بر امپراتوری مقدس روم، ممالک انگلستان و فرانسه، و بعضی کشورهای کوچکتر. آغاز قرون وسطی را معمولاً سال ۴۷۶ میلادی (تاریخ سقوط امپراتوری روم غربی)، و انتهای آن را سال ۱۴۵۳ میلادی (تاریخ فتح قسطنطنیه توسط امپراتوری عثمانی) ذکر می‌کنند.

قطب جنوب SOUTH POLE
یکی از دو نقطه تقاطع محور زمین با سطح آن که در مقابل قطب شمال واقع شده است. معمولاً طول جغرافیائی قطب جنوب صفر محسوب می‌شود و عرض آن ۹۰ درجه جنوبی است. رجوع شود به قطبین.

قطب شمال NORTH POLE
یکی از قطب‌های زمین که در نیمکرهٔ شمالی قرار گرفته است. دو قطب شمال و جنوب در دو سر محور چرخش زمین قرار گرفته و در واقع تنها دو نقطه ثابتی هستند که سایر نقاط زمین به دور آنها می‌چرخند. رجوع شود به قطبین.

قطب مغناطیسی MAGNETIC POLE
هریک از دو قطب میدان مغناطیس زمین را قطب مغناطیسی می‌نامند. قطب شمال مغناطیسی در امریکای شمالی و قطب جنوب آن در جنوبگان (منطقه قطب جنوب) واقع شده‌اند. قطب‌های مغناطیسی به طور ثابت در یک نقطه قرار ندارند و به تدریج تغییر مکان می‌دهند. محل قطب شمال مغناطیسی در سال ۱۹۹۷ در نزدیکی جزیرهٔ «الف رینگنس» واقع در کانادا به مختصات ۱۰۴ درجه باختری و ۷۹ درجه شمالی قرار داشته و موقعیت قطب جنوب آن در سال ۱۹۹۵، در طول جغرافیایی ۱۰۸ درجه شرقی و عرض جغرافیایی ۷۹ درجه جنوبی، در جنوبگان (منطقه قطب جنوب) قرار داشته است. نکته جالب این است که قطبین شمال و جنوب مغناطیس هیچ گاه روی قطر کره زمین قرار نگرفته و خط واصل میان آن دو همواره از فاصله حدود ۱۲۰۰ کیلومتری مرکز زمین عبور می‌کند.

قطب‌نما COMPASS
قطب‌نما عبارت از محفظه مدرجی است که در داخل آن یک عقربه مغناطیسی روی پایه نوک‌تیز و لغزانی نصب گردیده است. دو سر این عقربه در حالت رهائی، جهت قطب شمال و جنوب مغناطیسی زمین را نشان می‌دهد.

قطبین POLES
شمالی‌ترین و جنوبی‌ترین نقاط زمین که در دو سر محور چرخش زمین قرار گرفته‌اند و به آنها قطب‌های جغرافیائی نیز می‌گویند.

قلع TIN
عنصر فلزی نرم با علامت شیمیایی (Sn)، سفید شفاف، ضد خوردگی، با چگالی ۷/۳ و نقطهٔ ذوب ۲۳۲ درجهٔ سانتیگراد، دارای خاصیت ضد خوردگی در مقابل محلول‌های اسیدی و قلیایی و هوای مرطوب بوده و همچنین به علت نقطهٔ ذوب کم آن، کاربرد وسیعی جهت پوشش فلزات، مفرغ‌ها و برنج‌ها دارد. سنگ معدن عمدهٔ آن کاسیتریت می‌باشد.

قله PEAK
بلندترین نقطهٔ هر کوه را قله آن کوه می‌نامند.

قمر MOON
کلیهٔ اجرام طبیعی که به دور سیارات گردش می‌کنند قمر نام دارند. این واژه بیشتر در مورد کره ماه به کار می‌رود. برای توضیح بیشتر رجوع شود به ماه.

قمر مصنوعی SATELLITE
رجوع شود به ماهواره.

قنات QANAT
یا کاریز، مجرائی است که به کمک چاه‌های متعدد در زیر زمین حفر می‌شود تا آب زیرزمین کوهپایه‌ها را به داخل دشت‌ها روان ساخته تا به مصرف کشاورزی و غیره برسد.

قوه مقننه JUDICIARY
هیئت قانونگذاری در هر واحد سیاسی، قوهٔ مقننه نامیده می‌شود. رجوع شود به پارلمان.

قهوه COFFEE
قهوه از درختان مخصوصی که در سرزمین‌های مرتفع استوایی می‌رویند به دست می‌آید. میوه قهوه از خانواده دو لپه‌ای‌ها بوده و به شکل خوشه‌های قرمز مایل به سیاه دیده می‌شود. میوه قهوه را پس از خشک کردن بو داده و سپس آسیاب کرده و جوشانده آن را به صورت نوشابه می‌نوشند. قهوه یکی از فرآورده‌های مهم کشاورزی کشورهایی چون برزیل، کلمبیا، آنگولا، مکزیک، اوگاندا، اتیوپی، اندونزی و گواتمالا به شمار می‌رود.

قیراط CARAT
واحدی برای وزن الماس، مروارید و سایر جواهرات که آن را قیراط متری هم می‌خوانند و معادل ۰/۲ گرم می‌باشد.

قیمومت TRUSTEESHIP
نظام نظارت سازمان ملل متحد بر سرزمین‌هایی که دارای استقلال نیستند. این نظام جایگزین نظام قیمومیت جامعهٔ ملل شد.

قیمومیت MANDATES
عنوان نوعی نظام سرپرستی که پس از جنگ جهانی اول، بر طبق مادهٔ ۲۲ میثاق «جامعهٔ ملل» برای ادارهٔ سرزمین‌های سابق دولت عثمانی و مستعمرات سابق آلمان برقرار شد.

ک

کائوچو RUBBER
جسم جامد معمولاً قابل ارتجاعی که از ترشح شیرابهٔ گیاهان گوناگون به دست می‌آید. کائوچوی طبیعی هیدروکربور خالصی است با وزن مولکولی زیاد که به دلیل قابلیت ارتجاع، سختی، نفوذناپذیری، چسبندگی و مقاومت، موارد استعمال فراوانی دارد.

کائولین KAOLIN
رجوع شود به خاک چینی.

کاپیتولاسیون CAPITULATION
وضع ناشی از قراردادهایی که دول زورمند و استعمارگر به دول ضعیف تحمیل می‌کنند و به موجب آن اتباع دولت‌های استعماری پس از ورود به قلمرو دولت ناتوان، تحت حاکمیت محاکم دول متبوع خود باقی می‌مانند، و در صورت ارتکاب هرگونه جرمی، محاکم کشور ضعیف حق محاکمهٔ آنها را ندارند.

کاتولیک CATHOLIC
لفظ کاتولیک به معنی «کلی» و «عمومی» است و در اصطلاح دین مسیحی، در مورد کلیسای عام و مخصوصاً کلیسای منشعب نشدهٔ قدیمی به کار می‌رود. به معنی خاص، لفظ کاتولیک معرف جامعه‌ای از مسیحیان است که رهبر روحانی آن اسقف رم یعنی پاپ است. آن دسته از کاتولیک‌هایی که دارای شعایر لاتینی هستند، «کاتولیک رومی» خوانده می‌شوند.

کاتولیک رومی ROMAN CATHOLIC
یا «کلیسای کاتولیک»، جامعهٔ مسیحیانی که اسقف رم یعنی پاپ، رئیس آنان است.

کاشو CASHEWS
رجوع شود به جوز کابلی.

کادمیوم (کادمیم) CADMIUM

عنصر فلزی نرم (علامت شیمیایی Cd)، به رنگ سفید مایل به آبی، با چگالی ۸/۶ و نقطهٔ ذوب ۳۲۱ درجهٔ سانتیگراد، دارای سنگ معدن اصلی نبوده و از سنگ معدن روی به دست می‌آید. کاربرد عمدهٔ آن در لحیم‌کاری و فلز یاتاقان، پوشش محافظ فولادها و لوازم برقی و در آبکاری برای محافظت از خوردگی آلیاژهای فولاد و مس می‌باشد.

کارتل CARTEL

دسته‌بندی صاحبان صنایع یا بازرگانان یک یا چند کشور که برای تثبیت قیمت‌ها، محدودیت تولید، محدودیت عرضه کردن کالا، تقسیم بازارهای فروش، و تقسیم منافع بین شرکت‌های عضو با هم توافق می‌کنند. چون فعالیت کارتل ممکن است جنبهٔ بین‌المللی داشته باشد، لذا دامنهٔ فعالیت آن وسیع‌تر از «تراست» است و از آن جهت که به کار تولید نیز می‌پردازد با احتکار تفاوت دارد.

کاریز QANAT

رجوع شود به قنات.

کاساوا CASSAVA

رجوع شود به مانیوک.

کاکائو CACAO

درختی استوایی، که بومی امریکای جنوبی است و نخستین بار به وسیله آزتک‌ها اهلی و مورد استفاده واقع شد، میوهٔ آن به شکل نیامی است که مغز شیرینی دارد و در آن دانه‌هایی که در تجارت کاکائو (کوکو COCOA) خوانده می‌شود، قرار گرفته است. دانهٔ پاک شدهٔ کاکائو به صورت‌های مختلف مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. چربی فراوان آنها را که با فشردن بیرون می‌آورند و «کره کاکائو» نامیده می‌شود، برای ساختن صابون‌های لطیف و مواد آرایشی و در پزشکی به عنوان ملین و شیاف به کار می‌برند و بازماندهٔ آن را نرم می‌کنند و به صورت گرد درمی‌آورند (کاکائوی معمولی) که مخلوط آن با آب یا شیر گرم به عنوان نوشابه به کار می‌رود. فرآورده‌های کاکائو به علت مقادیر زیاد چربی و ئیدرات‌های کربن و پروتئین موجود در آنها، ارزش غذایی فراوان دارند.

کالاهای سرمایه‌ای CAPITAL GOODS

هر نوع دارایی اقتصادی، غیر از زمین، که برای تولید ثروت به کار برده شود، کالای سرمایه‌ای نامیده می‌شود.

کالاهای مصرفی CONSUMER GOODS

مال یا کالای اقتصادی است که مستقیماً برای رفع نیازمندی‌ها یا خواسته‌های انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقیقت هر نوع کالایی که برای مصرف نهایی انسان، به لحاظ نیازهای فردی وی به کار رود، کالای مصرفی نامیده می‌شود و اگر همان کالا برای ایجاد کالایی دیگر یا کلاً ایجاد ثروت یا درآمد به کار رود، کالای سرمایه‌ای نامیده می‌شود.

کالاهای نیمه ساخته SEMIMANUTACTURED GOODS

آن دسته از کالاهایی را شامل می‌شود که برای ساخت کالاهای دیگر به کار می‌رود و خود به تنهایی کاربردی ندارد. از جمله این کالاها می‌توان از قطعات اتومبیل نام برد که به منظور مونتاژ در محلی دیگر تولید می‌شوند و به تنهایی مورد مصرف ندارند.

کالاهای واسطه‌ای INTERMEDIATE GOODS

کالاهایی است که در ساخت کالاهای دیگر به کار می‌رود.

کانال CANAL

رجوع شود به آبراهه.

کانتون CANTON

واحد یا بخش سیاسی یا قضایی در برخی از کشورهای اروپایی. هریک از ایالات یا کشورهای متحدی که کنفدراسیون سوئیس را تشکیل می‌دهند، یک کانتون نامیده می‌شود. در فرانسه نیز، حوزه‌های قضایی که هریک شامل تعدادی کمون است کانتون نامیده می‌شود.

کانه (سنگ معدن) ORE

کانی طبیعی، که از آن موادی مانند فلزات به نحو اقتصادی استخراج و تولید گشته و از این رو دارای ارزش می‌باشند، کانه‌ها معمولاً به صورت نهشت‌های متراکم یافت می‌شوند.

کانی (مینرال) MINERAL

مواد غیر آلی موجود در طبیعت که دارای ترکیب شیمیایی متجانس و خواص فیزیکی مشخص بوده باشند.

کانی شناسی MINERALOGY

شاخه‌ای از زمین‌شناسی که راجع به کانی‌ها گفتگو می‌کند.

کاونتی COUNTY

از اجزاً تقسیمات اداری برخی کشورها که در ابتدا فقط در انگلستان به کار می‌رفت. در کشورهای گوناگون این واحد سیاسی به طرق مختلف در تقسیمات کشوری به کار رفته و مورد استفادهٔ یکسانی به لحاظ محدوده، وسعت، درجه اهمیت و اختیارات محلی ندارد.

کبالت COBALT

عنصر فلزی (علامت شیمیایی Co) شفاف به رنگ آبی روشن با چگالی ۸/۹ و نقطهٔ ذوب ۱۴۹۲ درجه سانتیگراد، در تمام دنیا پراکنده بوده و از کانی‌های مس حاوی کبالت به دست می‌آید. برای ساختن آلیاژهای سخت به کار می‌رود و همچنین در تهیه ابزار برش برای تولید فولادهای برش، در عناصر حرارتی برای مقاومت الکتریکی، در فوق آلیاژها برای آلیاژهای مقاوم در برابر گرمای زیاد به کار برده می‌شود. «کبالت ۶۰»، در رادیوگرافی صنعتی و پزشکی مورد استفاده دارد.

کبیسه

رجوع شود به سال کبیسه.

کتان FLAX

گیاهی است به ارتفاع حدود یک متر، دارای برگ‌های نوک تیز و نیزه‌ای، و گل‌هایی کوچک و آبی رنگ. در گذشته از الیاف این گیاه در پارچه‌بافی استفاده می‌شد، ولی امروزه بیشتر دانه‌های روغنی آن را (به نام بزرک) به کار گرفته و از آن روغن بزرک که در صنعت رنگ‌سازی مورد استعمال دارد تهیه می‌کنند. این گیاه در آب و هوای خنک رشد نموده و دارای انواع زینتی نیز می‌باشد.

کتان سیسال SISAL HEMP

الیافی بافتی از برگ‌های آگاوسیسال به دست می‌آید و برای ساختن طناب‌های ضخیم به کار می‌رود.

کرانه COAST

یا ساحل، قسمتی از زمین است که حد فاصل میان آب و خشکی واقع شده باشد. این قسمت عبارت از باریکه‌ای است از خشکی که پیرامون دریا را فرا گرفته و تحت تأثیر مستقیم امواج دریا واقع شده باشد.

کربنات کلسیم CALCIUM CARBONATE

ترکیب شیمیایی کلسیم و «یون کربنات» که همه یا قسمت اعظم سنگ آهک را تشکیل می‌دهد. در صدف‌های حیوانات و به صورت «اسپات ایسلند» و مرمر نیز یافت می‌شود. کربنات کلسیم برای تهیهٔ آهک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کروم (کرم) CHROMIUM

عنصر فلزی (علامت شیمیایی Cr) سخت، شفاف، به رنگ آبی روشن با چگالی ۷/۲ و نقطهٔ ذوب ۱۸۵۰ درجهٔ سانتیگراد، که بسیار جلاپذیر است. کانی اصلی آن کرومیت است. کروم برای سخت کردن فولاد، ساختن فولادهای زنگ‌نزن، و تهیه بعضی آلیاژهای مفید به کار می‌رود. از راه آبکاری برقی (آب کروم دادن) سایر فلزات سطح آنها را زیباتر و سخت‌تر نموده و در مقابل خوردگی مصونیت می‌دهد.

کرومیت CHROMITE

سنگ معدنی متبلوری که منبع عمدهٔ استخراج کروم و ترکیبات آن است. آلیاژ «آهنکروم» را از کرومیت به دست می‌آورند. کانی‌های آن در زیمبابوه، روسیه، افریقای جنوبی، کوبا، کالدونیای جدید، و جزایر فیلیپین یافت می‌شود.

کُره زمین THE EARTH

رجوع شود به زمین.

کَره کاکائو

رجوع شود به کاکائو.

کریول CREOLE
این واژه در اصل به بازماندگان مهاجران اولیه اسپانیایی که به قارهٔ امریکا و جزایر هند غربی رفته‌اند اطلاق می‌شود و در تعمیم آن، دورگه‌های اسپانیایی و سیاهپوست را نیز در بر می‌گیرد. همچنین در برخی مواقع بازماندگان فرانسویان اولیه را در ایالات جنوبی امریکا، کریول می‌خوانند. به لحاظ زبانی نیز به زبان‌های حاصل از اختلاط زبان‌های اروپایی و زبان‌های بومی مناطق مختلف تحت استعمار، کریول گفته می‌شد.

کشاورزی AGRICULTURE
به معنی اخص، انجام دادن عملیات زراعتی بر زمین، و به معنی وسیع‌تر، علم تولید محصول و پرورش دام با استفاده از منابع طبیعی زمین را نیز شامل می‌شود.

کشور COUNTRY
واحد جغرافیائی که از چند استان تشکیل یافته و بزرگترین واحد سیاسی را تشکیل می‌دهد. این واحد معمولاً از یک سیستم حکومتی که در محلی به نام پایتخت متمرکز است، پیروی می‌نماید.

کشور شهر CITY STATE
واحد خودمختار سیاسی و اجتماعی که معمولاً از یک شهر و نواحی پیرامون آن تشکیل می‌شود مانند واتیکان.

کلریت CHLORITE
سیلیکات آبدار منیزیم، آهن و آلومینیوم، که شبیه میکاها می‌باشد، از کانی‌های سنگ‌های دگرگونی بوده و سبب سبزی رنگ شیست‌های گوناگون می‌گردد. به صورت توده‌های تخت و پولک‌های پراکنده متبلور می‌شود. اکثراً سبز بوده ولی به رنگ‌های قهوه‌ای، زرد، سفید گلی یا قرمز نیز وجود دارد. سختی آن ۲ تا ۳ و وزن مخصوص آن حدود ۳ می‌باشد.

کلسیم CALCIUM
عنصر فلزی نسبتاً نرم و شکل‌پذیر، به رنگ سفید نقره‌ای، با جلای سفید و علامت شیمیایی (Ca)، که به لحاظ فراوانی پنجمین عنصر در قشر جامد زمین است. یکی از اجزای اصلی برگ درختان، استخوان، دندان و صدف می‌باشد و هرگز به حالت آزاد در طبیعت یافت نشده ولی به صورت سنگ آهک (کربنات کلسیم)، سنگ گچ، فلوئوریت و آپاتیت موجود است. آهک زنده مادهٔ اساسی بسیار ارزانی برای صنایع شیمیایی است و موارد استعمال بی‌شمار دارد.

کلمبیت COLUMBITE
نوعی کانی که دارای کمی آهن و منگنز بوده و رنگ آن تیره و سیاه با جلای شبه فلزی و شفاف است. با وزن مخصوص ۵/۳، سختی آن ۶ می‌باشد و به واسطهٔ جانشینی مقداری تانتال به جای آهن، از آن به عنوان سنگ معدن تانتال استفاده می‌شود. فلز نیوبیوم (کلمبیوم) نیز از آن استخراج می‌گردد.

کلمبیوم COLUMBIUM
رجوع شود به نیوبیوم.

کمونیست COMMUNIST
به افراد، احزاب، دولت‌ها و نظایر آن که پیرو اصول «کمونیسم» هستند اطلاق می‌گردد.

کمونیسم COMMUNISM
یا «مرام اشتراکی»، به معنی وسیع، نظریه یا نظامی در سازمان اجتماعی، که بر طرد مالکیت خصوصی و ایجاد مالکیت اشتراکی در سطح جامعه مبتنی است. کمونیسم به معنی خاص، به معنی اصول عقاید نهضت‌هایی انقلابی است که هدف آنها برانداختن «سرمایه‌داری» و سرانجام، تأسیس جامعه‌ای است که در آن همهٔ اموال در مالکیت مشترک جامعه است، و همهٔ فعالیت‌های اقتصادی را جامعه طرح و بر آنها نظارت می‌کند و در آن توزیع اموال بر طبق اصل «از هرکس بر حسب استعداد او و به هرکس به اندازهٔ احتیاجاتش» می‌باشد. تفاوت آن با «سوسیالیسم» در این است که سوسیالیسم کوشش دارد که با روش‌هایی آزادیخواهانه متدرجاً وسایل اساسی تولید راملی کند، توزیع را بر اساس پاداش عادلانه به هرکس بر حسب کم و کیف کارش سازمان دهد (به عقیدهٔ مارکسیست‌ها، سوسیالیسم مرحله‌گذار از سرمایه‌داری کمونیسم است). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، که عمده‌ترین کشور کمونیستی جهان محسوب می‌شد، بیشتر کشورهای بلوک شرق نیز تغییر رویه داده و رفته رفته سیستم‌های متمایل به سرمایه‌داری و بازار آزاد در آنها به روی کار آمد.

کنف HEMP
گیاه یکساله‌ای از تیرهٔ پنیرکیان، که مانند کتان از الیاف آن جهت تهیهٔ طناب و گونی و پارچه‌های ضخیم استفاده می‌کنند.

کنفدراسیون CONFEDERATION
عنوان جامعه‌ای از چند کشور که به منظور همکاری متقابل و اقدام مشترک در امور دفاعی با یکدیگر متحد می‌شوند، ولی این جامعه بر شهروندان کشورهای عضو، حکومت مستقیم ندارد و معمولاً ادارهٔ امور خارجی این کشورها را نیز در دست ندارد. سوئیس، هرچند که اسماً کنفدراسیون است، عملاً به صورت «فدراسیون» اداره می‌شود.

کنفوسیوسی CONFUCIAN
یا «آیین کنفوسیوس»، که بر اساس تعالیم «کنفوسیوس» فیلسوف و متفکر چینی، در حدود قرن پنجم قبل از میلاد در چین رایج گردید و در برخی کشورهای همجوار آن نیز پیروانی دارد.

کنگره CONGRESS
مجمع یا انجمنی از نمایندگان، امرا، سفرا و مانند آنها، و در بعضی ممالک مانند ایالات متحده امریکا، عنوان هیئت مقننه یا پارلمان است.

کوارتز QUARTZ
یکی از متداولترین و عمده‌ترین کانی‌های تشکیل دهنده سطح زمین، که «سیلیس» متبلور می‌باشد. کوارتز ممکن است شفاف یا نیمه شفاف یا کدر باشد. رنگ آن بسیار متفاوت و غالباً به شکل بلورهای شش وجهی است. اگر بی‌رنگ باشد آن را «در کوهی» می‌نامند. بعضی از انواع آن عبارتند از: آمتیست (یاقوت بنفش) چشم گربه، آتشزنه و عقیق که دارای انواع رنگین مانند عقیق یمانی، عقیق شجری، یشم و بابا قوری است.

کوپرا COPRA
مغز خشک شدهٔ میوهٔ نارگیل. برای توضیحات بیشتر رجوع شود به نارگیل.

کوتوله‌ها (پیگمه‌ها) PYGMIES
دسته‌ای از انسان‌ها که قد آنها به طور متوسط کوتاهتر از ۱۳۷ سانتیمتر است. این دسته از مردم بیشتر در نواحی جنگل‌های استوائی افریقای مرکزی زندگی می‌کنند و رنگ پوست آنها زرد تیره است.

کوچ فصلی TRANSHUMANCE
رجوع شود به چراگشت.

کودتا COUP D'ETAT
اعمال ناگهانی قدرت برای برانداختن دولت، بدون رعایت قوانین مربوطه یا قانون اساسی. کودتا به معنی خاص آن برخلاف انقلاب که توسط توده‌های مردم صورت می‌گیرد، تنها تغییرناگهانی رهبر یا رهبران اصلی حکومت را سبب می‌شود. این عمل اکثراً با توسل به قوای نظامی صورت می‌گیرد.

کوه MOUNTAIN
زمینی است که نسبت به اراضی پیرامون خود به طور مشخص و چشم گیری برجسته بوده و دامنه‌های شیب‌داری داشته و از قله یا قله‌های متعددی تشکیل یافته باشد. به طور کلی برای کوه ارتفاع مشخص منظور نشده ولی می‌توان ارتفاعاتی را که بیشتر از ۶۰۰متر بلندی داشته باشد جزء کوه محسوب داشت. بلندترین کوه جهان قله اورست در رشته ارتفاعات هیمالایا واقع در آسیا است، که ۸۸۴۸ متر ارتفاع دارد.

کوهپایه PIEDMONT
یا دامنهٔ کوه، منطقه‌ای که در پای کوه واقع شده باشد.

کوهستان MOUNTAINOUS
منطقه یا ناحیه‌ای که پوشیده از کوه‌های فراوان باشد، کوهسار نیز گفته می‌شود.

کویر DESERT
حوضه و یا آبگیر جویبارها و سیلابهایی که دریاچه‌های شور و کم عمقی را به وجود آورده و پیرامون آن را شوره‌زارهای پهناور و گلزارهای قلیائی فرا گرفته باشد. این عارضه دق نیز نامیده می‌شود.

کهربا AMBER

رزین فسیل شده‌ای که در زمان‌های قدیم زمین‌شناسی به صورت صمغ از درختان مخروطی خارج می‌شده است. گاه شفاف و گاه کدر است و برای ساختن مهره، چوب سیگار و زیورآلات کوچک به کار می‌رود.

کیلووات ساعت KILOWATT-HOUR (kwh)

واحد تجارتی فروش برق به مصرف کننده، که عبارت است از مصرف یک کیلووات انرژی الکتریسیته در مدت یک ساعت. به طور مثال دستگاهی که دارای قدرت ۳ کیلووات است در هر ساعت ۳ کیلووات ساعت برق مصرف می‌کند.

گ

گاز طبیعی NATURAL GAS

گازهائی از نوع هیدروکربن که به شکل اتان و متان در خلل و فرج لایه‌های زمین جمع شده‌اند. این گازها اغلب با نفت همراه بوده و پس از تصفیه به مصرف سوخت و تولید گرما به کار می‌رود و همچنین به صورت مواد خام در کارخانه‌های پتروشیمی به مواد گوناگونی تبدیل می‌گردند. طبق بررسی‌های آماری سال ۲۰۰۰، بیشتر ذخایر گاز طبیعی جهان در کشورهای روسیه، ایران، قطر، امارات متحده عربی و عربستان سعودی شناسایی شده وروسیه به تنهایی حدود ۳۳درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را به خود اختصاص داده است.

گچ

رجوع شود به سنگ گچ.

گرافیت GRAPHITE

یا «سرب سیاه»، نوعی کربن متبلور است که به شکل دانه‌های بسیار ریز، به عنوان ماده ضد اصطکاک جامد به کار برده می‌شود. هادی مناسبی برای حرارت و برق بوده و در دماهای زیاد بدون وجود اکسیژن، پایدار است. به عنوان الکترود در چراغ‌های قوسی و کوره‌ای الکتریکی و همچنین برای ساختن بوته‌های گرافیتی نیز مصرف می‌شود. مغز مداد مخلوطی از گرافیت و گل رس است.

گرانکوه MASSIF

کوه مرتفعی که حدود آن کاملاً مشخص باشد.

گرانیت (سنگ خارا) GRANITE

فراوان‌ترین سنگ آذرین اسیدی درونی که کاملاً متبلور بوده و کانی‌های آن با چشم به خوبی دیده می‌شوند. مینرالهای عمدهٔ آن شامل کوارتز، فلدسپات و میکا می‌باشند که مینرالهای فرعی دیگری مانند آپاتیت، تورمالین و زیرکن نیز در آن به مقدار کم وجود دارد. به واسطهٔ تراکم و سختی آن به عنوان سنگ ساختمان و سنگ فرش خیابان‌ها مصرف شده و همچنین پس از صیقل به عنوان سنگ روبنای تزئینی به کار می‌رود.

گرداب WHIRLPOOL

عارضه‌ای در دریا، که بر اثر برخورد و جریان مخالف و یا روان شدن بی‌قاعده آب به درون یک کانال یا مجرا و همچنین عارضه‌ای که در پای یک آبشار پدید آید گرداب نام دارد.

گردباد WHIRL WIND

ستون درهم پیچنده‌ای از هوا که بر اثر گرم شدن سطح زمین و صعود هوای گرم به سوی طبقات بالا پدید آید. گردباد همچنان که به طبقات بالا صعود می‌کند به جلو نیز پیش می‌رود.

گردنه PASS

معبری از یک طرف کوه به طرف دیگر که از نقاط مجاور، پائین‌تر باشد. در دو طرف گردنه معمولاً دو دره از طرفین کوه سرازیر می‌شوند و در نتیجه گردنه صورت زین دارد.

گرم شدن زمین GLOBAL WARMING

افزایش تدریجی گرمای اتمسفر پایینی زمین، از دید بسیاری از دانشمندان امری است که در آینده اتفاق خواهد افتاد. نور مرئی خورشید برای رسیدن به زمین از لایه‌ای از گازهای محافظ زمین، مرکب از بخار آب، دی‌اکسید کربن، متان، نیتروژن مونوکسید و اوزون عبور می‌کند. تشعشعات ماوراء سرخ که پس از برخورد با سطح زمین به سوی فضا منعکس می‌شود، قادر به عبور از لایهٔ فوق نیست و انعکاس مجدد آن به سوی زمین باعث گرم شدن هوای زمین در حد متعادل آن یعنی حدود ۱۶ درجهٔ سانتیگراد می‌شود، که از آن تحت عنوان اثر گلخانه‌ای یاد می‌شود. با گسترش صنایع و کشاورزی و توسعهٔ وسایل حمل و نقل در دو قرن اخیر بر میزان گازهای موجود در این لایه به شدت افزوده شده و در نتیجه مقدار انعکاس مجدد تشعشعات ماوراء سرخ نیز افزایش یافته و همین امر موجب گرم‌تر شدن زمین شده است. بر اساس برخی محاسبات طی قرن اخیر حدود ۰/۶ درجه سانتیگراد بر دمای زمین افزوده شده و در صورتی که این روند ادامه یابد با گرم‌تر شدن زمین، یخ‌های قطبی آب شده و در نتیجه سطح آب اقیانوس‌ها و دریاها بالا آمده و تغییرات زیادی را در مناطق مختلف جهان موجب خواهد شد.

گلاسنوست GLASNOST

یا فضای بازسیاسی؛ سیاست فرهنگی و اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی طی نیمهٔ دوم دههٔ ۱۹۸۰، که پس از روی کار آمدن میخائیل گورباچف، آخرین دبیرکل حزب کمونیست شوروی، آغاز شد و آزادیهای زیادی در زمینهٔ انتقاد از مسائل سیاسی و تاریخی دوران شوروی رایج گشت.

گمرک CUSTOMS

مالیاتی که بر کالاهای وارداتی به کشور در مرز بسته می‌شود، ولی در بعضی کشورها این مالیات شامل صادرات نیز می‌شود. حقوق گمرکی یکی از قدیمی‌ترین انواع مالیات است که عملاً در همهٔ کشورها رایج است. تعیین و ارزیابی حقوق گمرکی از روی فهرستی صورت می‌گیرد که «تعرفهٔ گمرکی» نامیده می‌شود.

گندم WHEAT

گیاهی از تیرهٔ گندمیان از نوع تریتیکوم، که غذای اصلی و مهمترین جنس در بازار غلهٔ جهانی و به احتمال قوی نخستین دانهٔ اهلی شده به دست انسان است. گونه‌های مختلف آن را متناسب با کشت و رشد در فصول مختلف (مانند گندم پائیزی و گندم بهاری) پرورش داده‌اند و مدت‌ها است که عمده‌ترین منبع تهیهٔ نان مردمان سفیدپوست جهان می‌باشد.

گوانو GUANO

کودی حاصل از فضلهٔ خشک شدهٔ پرندگان دریایی، که در کرانه‌های استوایی، خصوصاً پرو گردآوری می‌شود. سابقاً در ساختن باروت و کود حائز اهمیت بود، اما اکنون مواد شیمیایی مصنوعی جایگزین آن شده است.

گواوا GUAVA

درخت کوچک بومی نواحی استوایی قارهٔ امریکا، و میوهٔ آن که هسته‌ای گوشتی و پردانه دارد. از میوهٔ آن ژلهٔ گواوا به دست می‌آید.

گوگرد SULFUR/ SULPHUR

عنصر غیر فلزی فعال با علامت شیمیایی (S)، به رنگ زرد که به صورت بلوری و بی‌شکل یافت می‌شود و نقطهٔ ذوب آن ۴۴۴ درجه سانتیگراد است. در طبیعت فراوان است. در ساختن باروت، انیدرید سولفورو، جوهر گوگرد، لاستیک، کبریت و حشره‌کش به کار می‌رود.

ل

لاتریت LATRITE

لایه‌ای از رسوبات که بر اثر هوازدگی سنگ‌ها، در شرایط آب و هوای مطلوب، به وجود آمده و عمدتاً از اکسیدهای آهن و آلومینیوم تشکیل یافته است. لاتریت‌های خالص دارای حدود ۹۰ تا ۱۰۰ درصد اکسیدهای آهن، آلومینیوم و تیتان بوده و از این جهت مصارف اقتصادی دارند.

لایه اوزون OZONE LAYER
لایه‌ای از جو زمین در ارتفاع حدود ۱۰ الی ۵۰ کیلومتری زمین که گاز اوزون در آن تشکیل می‌شود. این لایه از جو به علت این که تشعشعات ماوراء بنفش را جذب نموده و از نفوذ آن به سطح زمین جلوگیری می‌کند، برای موجودات زنده ارزشی حیاتی دارد. در سال‌های اخیر مشخص شده که بر اثر آلودگی بیش از حد زمین و تصاعد برخی گازهای خطرناک، در برخی نقاط زمین، به خصوص در حوالی قطب جنوب، شکاف‌هایی در لایه اوزون پدید آمده است.

لعل SPINEL
کانی بسیار سخت به فرمول آلومینیات منیزیم، که به رنگ‌های سرخ متمایل به بنفش یا متمایل به سبز، آبی، زرد و یا سیاه یافت می‌شود. سختی آن بسیار زیاد است (۷/۵ تا۸) و به همین علت به عنوان سنگ گرانبها به کار می‌رود.

لوتری LUTHERANISM
شعبه‌ای از مذهب پروتستان، که پیرو اصول «مارتین لوتر» است. مذهب لوتری صورت عمدهٔ مذاهب پروتستان در آلمان و مذهب ملی دانمارک، نروژ، سوئد، فنلاند و ایسلند می‌باشد و پیروان مذهب لوتری بزرگترین گروه پروتستانها هستند.

لیبرالیسم LIBERALISM
یا «آزادیخواهی»، اعتقاد به آزادی و فلسفهٔ آزادی و نهضت آزادی، خواه این آزادی به عنوان روش و سیاست حکومت در نظر گرفته شود، خواه به عنوان اصل نهادی جامعه یا به عنوان راه و رسم زندگی فردی و اجتماعی. احزاب لیبرال (آزادیخواه) دارای خط مشی لیبرالیستی بوده و پیروان این مکتب را لیبرالیست (آزادیخواه) می‌نامند.

لیتیوم (لیتیم) LITHIUM
عنصر فلزی نقره‌فام، با علامت شیمیایی (Li) که از فلزات قلیایی بسیار نرم و با چگالی ۰/۵ (سبک‌ترین فلز شناخته شده) و نقطهٔ ذوب ۱۸۰ درجه سانتیگراد می‌باشد. دارای میل ترکیبی شدیدی با اکسیژن بوده و از این جهت آلیاژهای لیتیوم کلسیم برای اکسیژن گیری مس و آلیاژهای آن به کار برده می‌شود. به عنوان عامل سخت‌کننده در فلزات، و همچنین افزایش مقاومت در برابر خوردگی در آلیاژهای منیزیم به کار می‌رود.

لیگنیت LIGNITE
رجوع شود به زغال قهوه‌ای.

م

مات MATTE
در فلزگری، مخلوطی از سولفورهای آهن و مس که در گداز سولفورهای معدنی بعضی از فلزات، خاصه مس، سرب و نیکل تشکیل می‌شود.

ماته (یرباماته) MATÉ (YERBA MATÉ)
یا چای پاراگوئه، درخت همیشه سبز امریکایی از نوع ایلکس که سرخپوستان امریکای جنوبی از زمانهای قدیم از برگ آن مشروب شبیه به چای تهیه می‌کنند. چای ماته دارای کافئین فراوان است.

ماسه SAND
ذرات ریزی که غالباً از جنس کوارتز بوده و از نظر اندازه به چهار دسته به شرح زیر تقسیم می‌گردند: الف - ماسه نرم به ابعاد ۰/۰۲ تا ۰/۲ میلیمتر. ب - ماسه متوسط به ابعاد ۰/۲ تا ۰/۵ میلیمتر. پ - ماسه درشت به ابعاد ۰/۵ تا ۱ میلیمتر. ت - ماسه خیلی درشت به ابعاد ۱ تا ۲ میلیمتر.

مالیات TAX
مبلغی که دولت از اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسات بر طبق قانون برای تقویت عمومی حکومت و تأمین مخارج عامه می‌گیرد. مالیات به طور کلی به دو صورت اخذ می‌گردد. ۱ - مالیات مستقیم: آن دسته از مالیات‌هایی است که مالیات دهنده مستقیماً پرداخت می‌نماید و قابل انتقال نیست، مانند مالیات بر درآمد. ۲ - مالیات غیر مستقیم: آن قسم از مالیات است که بر روی اجناس کشیده می‌شود و غیر مستقیم از مصرف‌کنندگان دریافت می‌شود. مانند مالیات بر سیگار.

مانداب MARSH
قطعه‌زمین پستی که از رطوبت اشباع شده و معمولاً* رستنی‌هایی در آن روئیده است. به عبارت دیگر زمین پست و مرطوبی که گاهگاه به زیر آب رفته و به دلیل نفوذناپذیری خاک و کمبود زهاب از گل و لای فراوانی تشکیل یافته باشد، مانداب نام دارد.

مانیوک (کاساوا) MANIOC
گیاهی از جنس MANIHOT که به صورتی گسترده در مناطق استوایی افریقا، امریکا و هند غربی به خاطر ریشهٔ غده‌ای و آبدار آن (که مملو از نشاسته است)، کاشته می‌شود. از گونه‌های مختلف این گیاه کائوچو استخراج می‌کنند و از ریشه‌های آن نیز «نشاسته کاساوا» تهیه می‌شود که به مصرف تغذیه می‌رسد.

ماه (قمر) MOON
تنها قمر زمین ماه نام دارد که هر ۲۷ روز و ۷ ساعت و ۴۳/۲۵ دقیقه (این مدت را یک ماه نجومی می‌نامند) یک بار به گرد زمین می‌گردد. فاصله زمانی میان یک هلال تا هلال بعدی ماه نیز به طور متوسط ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه است که به آن یک ماه قمری می‌گویند. یک روز ماه ۲۴ ساعت و ۵۰ دقیقه است که این مدت با اندکی کم و زیاد در تغییر است. (علت این تغییر خارج از مرکز بودن مدار گردش ماه به دور زمین و همچنین مدار گردش زمین به دور خورشید است) میانگین مسافت ماه از زمین ۳۵۴،۰۰۰ کیلومتر و جرم آن تقریباً یک هشتادو یکم جرم زمین و قطر آن حدود یک چهارم قطر زمین است. کره ماه فاقد جو و آب بوده و بالطبع فاقد حیات است. صور ماه یا اهلهٔ قمر عبارت است از: ۱ - تربیع اول که خمیدگی هلال آن به سوی باختر است. ۲ - بدر، یا قرص کامل (که به آن ماه شب چهارده نیز می‌گویند). ۳ - تربیع دوم که خمیدگی هلال آن به سوی خاور است. ۴ - ماه نو، که غیر قابل رؤیت می‌باشد. کره ماه در هر بار گردش به دور زمین فقط یکبار حول محور خود می‌چرخد و به همین مناسبت همواره فقط یک روی آن متوجه زمین است. کره ماه بر خلاف خورشید و ستارگان از خود نور ساطع نمی‌کند و فقط بازتاب نور خورشید است که به صورت مهتاب به زمین می‌تابد.

ماه قمری LUNAR MONTH
مدت زمان یک دور گردش کامل ماه به دور زمین را یک ماه قمری می‌گویند که از یک هلال تا هلال بعدی به طول می‌انجامد و مدت آن تقریباً ۲۹/۵ روز است که گاه ۲۸ روز نیز محاسبه می‌شود.

ماهواره SATELLITE
جرم کوچکی که به گرد یک سیاره گردش نماید. این جرم معمولاً* مصنوعی بوده و به آن قمر مصنوعی نیز گفته می‌شود. از جمله ماهواره‌ها می‌توان ماهواره‌های مخابراتی و هواشناسی را نام برد. تا چند سال پیش ماهواره‌ها عمدتاً تحت کنترل دولت‌های بزرگ قرار داشت، اما چندی است که ماهواره‌های تجاری نیز به منظور برقراری ارتباطات مخابراتی و پخش برنامه‌های تلویزیونی نیز به راه افتاده است.

متحدین
رجوع شود به دول مرکزی.

متدیست METHODIST
رجوع شود به پروتستان.

متفقین ALLIES
۱ - در جنگ جهانی اول، عنوان کشورهای انگلستان، فرانسه، روسیه، امریکا و هم‌پیمانان آنها (ایتالیا، ژاپن، بلژیک، صربستان، مونته‌نگرو، یونان، پرتغال، رومانی) که به منظور مقابله با «متحدین» با یکدیگر متفق شده بودند. ۲ - در جنگ جهانی دوم، عنوان کشورهای انگلستان، امریکا، شوروی، فرانسه، چین و متفقین با آنها.

مجلس مؤسسان CONSTITUENT ASSEMBLY
هیئت قانونگذاری ویژه‌ای که امور تهیهٔ قانون اساسی را به عهده دارد. در مواقعی نیز که لازم است در اصول مربوط به قانون اساسی تجدید نظر شود، بایستی مجلس مؤسسان تشکیل شود. در برخی کشورها ممکن است تغییرات قانون اساسی با تصویب اکثریت مطلق مجلس قانونگذاری نیز صورت پذیرد.

مجمع‌الجزایر ARCHIPELAGO
دسته جزایر کوچک و بزرگی که در کنار هم قرار گرفته باشند.

مجمع قانونگذاری
رجوع شود به پارلمان.

محدوده شهری
عبارت از حد خارجی شهرها است که خدمات شهری فقط تا محدوده فوق را در بر گرفته و خارج از این محدوده فاقد خدمات شهری می‌باشد.

محصولات تکمه‌ای TUBER PRODUCTS
از محصولات کشاورزی، شامل آن دسته از گیاهانی که ساقهٔ زیر خاکی آنها ضخیم شده و حاوی مواد خوراکی به خصوص نشاسته می‌باشد. سیب‌زمینی رایج‌ترین گیاه تکمه‌ای می‌باشد.

محصولات ریشه‌ای ROOT PRODUCTS
شامل آن دسته از گیاهانی است که مواد غذایی آنها در ریشهٔ آنها تجمع یافته است. از جمله این گیاهان می‌توان از هویج، ترب و چغندرقند نام برد.

محله QUARTER
هریک از مناطق نسبتاً مجزای هر شهر که به لحاظ تاریخی، اجتماعی و یا خدمات شهری قابل تفکیک باشد.

محور (دول محور) THE AXIS
در جنگ جهانی دوم، به اتحادیهٔ کشورهای آلمان، ایتالیا، ژاپن و متحدین آنها اطلاق می‌گردید.

مختصات جغرافیائی EARTH'S GRID
عموماً طول جغرافیائی و عرض جغرافیائی هر نقطه روی زمین را مختصات جغرافیائی آن نقطه می‌نامند. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به طول جغرافیائی و عرض جغرافیائی.

مخزن سد RESERVOIR
مخزن ذخیره آبی که برای مقاصد برقابی (هیدروالکتریک)، صنعتی، مصارف خانگی و یا آبیاری و امثال آن با بستن سد بر روی رودخانه‌ها به وجود آمده باشد. به مخزن سد، دریاچه سد نیز می‌گویند.

مدار PARALLEL
رجوع شود به مدارات عرض جغرافیائی.

مدارات عرض جغرافیائی PARALLELS OF LATITUDE
دوایری که به موازات نیمگان زمین عبور کرده و بر نصف‌النهارهای زمین عمود باشند، مدارهای عرض جغرافیائی نام دارند.

مدار جنوبگان ANTARCTIC CIRCLE
مداری در ۶۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض جنوبی که عبارت است از آخرین حد تابش نور خورشید در هنگام انقلاب زمستانی نیمکرهٔ جنوبی که به آن «مدار قطبی جنوب» نیز می‌گویند.

مدار حرکت انتقالی زمین ORBIT OF THE EARTH
رجوع شود به مدار گردش سالیانه زمین.

مدار حرکت ظاهری خورشید APPARENT PATH OF THE SUN
با توجه به این که خورشید نسبت به زمین ثابت بوده و زمین حول محور خویش می‌چرخد ولی چنین به نظر می‌رسد که خورشید به گرد زمین در گردش است از این رو مسیری را که خورشید ظاهراً در آسمان طی می‌کند مدار حرکت ظاهری خورشید می‌گویند. واضح است که درهر ۲۴ ساعت (یک روز خورشیدی)، خورشید یک بار این مدار را ظاهراً طی می‌نماید.

مدار رأس‌الجدی TROPIC OF CAPRICORN
مداری است در ۲۳ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جنوبی که نور خورشید فقط روز یکم دی‌ماه (مطابق با ۲۱ دسامبر) در برج جدی بر آن عمود می‌تابد.

مدار رأس‌السرطان TROPIC OF CANCER
مداری است در ۲۳ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی که نور خورشید فقط روز یکم تیرماه (مطابق با ۲۱ ژوئن) در برج سرطان بر آن عمود می‌تابد.

مدار شمالگان ARCTIC CIRCLE
مداری در ۶۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی که عبارت است از آخرین حد تابش نور خورشید در هنگام انقلاب زمستانی نیمکرهٔ شمالی که به آن «مدار قطبی شمال» نیز می‌گویند.

مدار قطبی جنوب ANTARCTIC CIRCLE
رجوع شود به مدار جنوبگان.

مدار قطبی شمال ARCTIC CIRCLE
رجوع شود به مدار شمالگان.

مدارگان TROPICS
منطقه واقع در حد فاصل میان منطقه معتدله شمالی و منطقه معتدله جنوبی که به آن منطقه حارّه نیز می‌گویند.

مدار گردش سالیانه زمین ORBIT OF THE EARTH
گردشگاه یا مدار گردش سالیانه زمین به دور خورشید، که تقریباً به شکل بیضی بوده و خورشید در یکی از دو کانون آن قرار دارد. دورترین فاصله این مدار از خورشید برابر ۱۵۲ میلیون کیلومتر است که به آن افلیون می‌گویند و کره زمین در روز ۱۳ تیرماه مطابق با ۴ ژوئیه از آن می‌گذرد و نزدیک‌ترین فاصله گردشگاه مزبور از خورشید ۱۴۷ میلیون کیلومتر است که به آن پری هلیون می‌گویند و کره زمین در روز ۱۳ دی ماه مطابق سوم ژانویه از آن عبور می‌کند. سرعت متوسط گردش زمین روی این گردشگاه (مدار) حدود ۱۰۶،۰۰۰ کیلومتر در ساعت است.

مرداب LAGOON
آب شور و کم عمقی که به وسیلهٔ زمین باریکی از دریا به طور کامل و یا ناقص جدا شده باشد. مانند مرداب انزلی در جنوب بندر انزلی.

مردم شناسی ANTHROPOLOGY
علمی است که درباره شناخت مردم بررسی می‌کند و در بارهٔ محل و زمان زیست و شکل و قیافه و انواع نژادهای انسانی و تفاوت میان آنها گفتگو می‌نماید. یکی از علومی که در مردم‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد فرهنگ حال و گذشته است.

مرز BORDER
خط یا نواری که در حد فاصل میان دو کشور یا دو سرزمین مختلف واقع شده باشد به آن سرحد نیز می‌گویند.

مرز بین‌المللی INTERNATIONAL BORDER
مرز رسمی میان کشورها را که مورد قبول تمامی و یا اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان واقع شود.

مرز طبیعی NATURAL BOUNDARY
گونه‌ای مرز بین‌المللی که از میان یک عارضه مشخص جغرافیائی مانند رودخانه عبور کرده باشد.

مرکبات CITRUS FRUIT
درختان همیشه سبزی مانند لیمو، پرتقال، توسرخ، گریپ‌فروت، نارنج، لیموترش و امثال آن که به میزان گسترده و فراوانی در مناطقی با آب و هوای مدیترانه‌ای می‌رویند.

مرمر MARBLE
گونه‌ای سنگ آهکی بلورین که بر اثر فشار و حرارت زیاد دگرگون شده و به صورت سنگ سخت و درخشانی درآمده است. از این گونه سنگ‌ها در کارهای ساختمانی و تزیینی استفاده فراوان می‌شود.

مُرمَکی MYRRH
نام درخت خاردار کوچکی از نوع کومیفورا که در افریقا و عربستان می‌روید. انواع گوناگون دارد که از آنها صمغ‌هایی موسوم به مُرّ گرفته می‌شود و برخی از انواع آن در پزشکی به کار

می‌رود.

مس COPPER
فلزی به رنگ عنابی روشن میخکی، با علامت شیمیایی (Cu)، بسیار نرم، با قابلیت هدایت حرارتی و الکتریکی مناسب که چگالی آن ۸/۹ و نقطهٔ ذوبش ۱۰۸۳ درجهٔ سانتیگراد می‌باشد. به شکل خالص در طبیعت فراوان یافت شده و کانی‌های عمدهٔ آن عبارتند از: مالاکیت، آزوریت، کوپریت، بورنیت و کالکوپیریت. کاربرد آن به میزان وسیعی به صورت سیم و مفتول جهت مصارف برقی است و از آن به عنوان فلز بنیانی آلیاژهای برنج، مفرغ، مس، نیکل، و ورشوها استفاده می‌شود.

مستعمره COLONY
رجوع شود به مهاجرنشین.

مسلمان MUSLIM
رجوع شود به اسلام.

مسیحیت CHRISTIANITY
یکی از ادیان توحیدی است که حدود ۲۰۰۰ سال پیش توسط حضرت عیسی (یکی از پیامبران اولوالعزم) آورده شده و در میان ادیان توحیدی بیشترین پیرو را دارد. کتاب مقدس مسیحیان «انجیل» است و از حدود قرن ششم میلادی، روز تولد حضرت مسیح به عنوان مبدأ تاریخ اروپائیان تعیین شده است. در مسیحیت انشعابات بسیاری رخ داده و در حال حاضر سه فرقه عمدهٔ مسیحیت را کاتولیک‌ها، ارتدوکس‌ها و پروتستان‌ها تشکیل می‌دهند.

مسیل DRY RIVER
رجوع شود به خشکرود.

مشرق EAST
رجوع شود به جهات اصلی.

مشروطهٔ سلطنتی CONSTITUTIONAL MONARCHY
رجوع شود به حکومت.

مصب ESTUARY
رجوع شود به دهانه رودخانه.

معدن MINE
محل تجمع مقدار زیادی از مواد معدنی که بسته به نوع و نحوهٔ شکل‌گیری این مواد، ممکن است در سطح یا زیرزمین واقع شود.

معدن‌شناسی MINERALOGY
رجوع شود به کانی‌شناسی.

مغرب WEST
رجوع شود به جهات اصلی.

مقیاس نقشه MAP SCALE
نسبت میان مسافت دو نقطه روی نقشه و مسافت حقیقی همان دو نقطه در طبیعت را مقیاس نقشه می‌نامند. مقیاس نقشه را ممکن است به شکل کسری که صورت آن عدد ۱ و مخرج آن تعداد دفعات کوچک شدن طبیعت است مشخص نمود و یا به شیوهٔ انگلیسی از دو واحد طولی مانند یک اینچ برابر یک مایل استفاده کرد که این روش تقریباً منسوخ شده و غالباً به همان روش اول اکتفا می‌گردد. همچنین ممکن است مقیاس نقشه را نسبت به عرض جغرافیائی استانداردی مانند خط استوا و یا مدار ۴۵° تعیین نمایند، که در این صورت مقیاس خطی آن به صورت مرکب خواهد بود. به طور کلی مقیاس نقشه به یکی از طرق زیر نمایش داده می‌شود: الف - عددی یا کسری مانند ۲۵۰۰۰۰ : ۱ ب - لفظی یا گفتاری مانند یک سانتیمتر روی نقشه برابر دو هزار و پانصد متر در طبیعت است. پ - ۱ : خطی یا ترسیمی ساده. ۲ : مقیاس خطی مرکب برای نقشه‌هایی با تصویر مرکاتور و نظایر آن.

ملاس MOLASSES
شربت غلیظ، لزج و تبلورناپذیری که غلظت آن از ۴۱ تا ۴۴ درجه آرئومتر بومه است و در تصفیهٔ قند به دست می‌آید. ملاس چغندر قند یا نیشکر برای تهیهٔ الکل و همچنین مخمر به کار می‌رود و در شیرینی‌سازی نیز گاهی به جای قند مصرف می‌شود.

ملانزی MELANESIA
نام یکی از سه مجموعه جزایر «اقیانوسیه» که شامل جزایر شرق و شمال شرقی استرالیا می‌باشد. جزایر عمدهٔ آن عبارتند از: جزایر سلیمان، کالدونیای جدید، آدمیرالتی، مجمع‌الجزایر بیسمارک، فیجی، وانوآتو (هبرید جدید) و جزیره گینهٔ نو.

ملت NATION
گروهی از مردم که از نظر تاریخ، زبان، زادگاه، عقاید و احساسات و امثال آن با هم بستگی داشته باشند. همچنین به مردمی که در یک واحد سیاسی به نام کشور زندگی می‌کنند نیز گفته می‌شود.

ملی کردن NATIONALIZATION
تملک و اداره کردن یک واحد اقتصادی از طرف دولت که قبلاً در دست افراد یا مؤسسات خصوصی یا بیگانگان بوده است. هدف عمده از این عمل یکی اعمال مالکیت ملی و دیگر کنترل ملی می‌باشد. از جمله علل موجه ملی کردن از این قرار است: ۱- وجود انحصاری که بر ضد منافع عمومی اقدام می‌کند. ۲- اهمیت اساسی صنایع عمده و مادر برای استقلال اقتصادی. ۳- رعایت اصل عقلایی کردن جریان تولید. ۴- استقرار هماهنگی میان همهٔ صنایع. بنابراین در ملی کردن، نفع مالی دولت، سود اقتصادی ملت و مصلحت سیاسی کشور وجود دارد.

مناطق آب و هوایی CLIMATIC REGION
برخی از جغرافیدانان کره زمین را از نظر آب و هوا به چهار منطقه عمده حاره، نیمه حاره، معتدله و قطبی تقسیم می‌کنند که هریک از این مناطق نیز به نواحی فرعی دیگری تقسیم می‌گردند. مثلاً منطقه حاره به نواحی استوائی، ناحیه مونسون سودانی و ناحیه کویری خشک و داغ و منطقه نیمه حاره به ناحیه نیمه حاره خشک (و یا مدیترانه‌ای)، ناحیه نیمه حاره مرطوب یا پنبه‌زار کمربندی و منطقه معتدله به ناحیه دریائی، ناحیه قاره‌ای و بالاخره منطقه قطبی که به نواحی کلاهک قطبی و توندرا تقسیم می‌شود.

مناطق پنجگانه ZONE'S
پنج منطقه زمین که از نظر آب و هوا طبقه‌بندی شده است. این مناطق عبارتند از: منطقه حارّه، منطقه معتدله شمالی، منطقه معتدله جنوبی، منطقه منجمده شمالی و منطقه منجمده جنوبی.

مناداب RAPE
گیاه یک ساله از تیرهٔ چلیپائیان که از دانه‌های آن روغنی موسوم به روغن کانولا تهیه می‌شود. گیاه دیگری از نوع اروکاستروم نیز مناداب نامیده می‌شود. در برخی مآخذ به صورت کلزا و شلغم روغنی نیز آمده است.

منطقه حارّه TORRID ZONE
رجوع شود به مدارگان.

منطقه زمانی TIME ZONE
هریک از قاچ‌های ۲۴ گانه ۱۵ درجه‌ای کره زمین که زمان متوسط نصف‌النهار مرکزی آن به عنوان زمان رسمی کشورها و یا مناطقی که کم و بیش درون قاچ‌های مزبور واقع شده‌اند، انتخاب گردد.

منطقه عرض میانه MID-LATITUDE
نواری از کرهٔ زمین که در حد فاصل ۲۳/۵ تا ۶۶/۵ درجه عرض شمالی یا جنوبی واقع شده است. این منطقه از زمین را منطقه معتدله نیز می‌نامند.

منطقه معتدله TEMPERATE ZONE
مناطقی از زمین، به نام مناطق معتدله شمالی و معتدله جنوبی، که در حد فاصل منطقه گرمسیر (استوائی) و سردسیر (منجمده) واقع شده است. آب و هوای این منطقه نسبت به حد اعتدال به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت بوده و به همین جهت عنوان «منطقه عرض میانه» را می‌توان واژه مناسبتری برای آن محسوب داشت. آب و هوای این منطقه را به پنج نوع زیر تقسیم می‌کنند: الف - معتدله بارانی با تابستان‌های داغ (علامت اختصاری این منطقه Cfa است).
ب - معتدله بارانی با تابستان‌های گرم (علامت اختصاری این منطقه Cfb است).
پ - معتدله بارانی با تابستان‌های کوتاه و خنک (علامت اختصاری این منطقه Cfe است).
ت - معتدله بارانی با تابستان های داغ و خشک (علامت اختصاری این منطقه Csa است).

ث - معتدله بارانی با تابستان‌های گرم و خشک (علامت اختصاری این منطقه Csb است).

منطقه منجمده FRIGID ZONE
مناطقی از زمین به نام مناطق منجمده شمالی و منجمده جنوبی، که دارای آب هوای فوق‌العاده سرد بوده و دائماً در حال یخبندان و ریزش برف باشد. تابش نور خورشید در این مناطق کاملاً مایل بوده و هوای آن هیچگاه گرم نمی‌شود.

منطقه نیمه استوایی SUB-TROPICAL REGION
رجوع شود به منطقه نیمه گرمسیری.

منطقه نیمه قطبی SUB-POLAR REGION
منطقه‌ای که از یک سو به توندرا و از سوی دیگر به مناطق سردی مانند استپ یا صحراهای سرد محدود باشد. به این گونه مناطق، نواحی معتدله سرد نیز می‌گویند. زمستان این نواحی فوق‌العاده سرد و طولانی و تابستان آن کوتاه و ملایم است. میزان بارندگی در این مناطق نسبتاً کم ولی برای رویش پاره‌ای درختان جنگلی مخصوص، مناسب است.

منطقه نیمه گرمسیری SUB-TROPICAL REGION
دو کمربند از کره زمین که حد فاصل مدار رأس‌السرطان و مدار ۴۰ درجه عرض شمالی (در نیمکره شمالی) و مدار رأس‌الجدی و مدار ۴۰ درجه عرض جنوبی (در نیمکره جنوبی) واقع شده باشد. تمایز چهارفصل، به ویژه زمستان و تابستان از مشخصات این منطقه بوده و آب و هوای آن به آب و هوای مدیترانه‌ای و آب و هوای مرطوب تقسیم می‌گردد. تابستان طولانی و خشک و زمستان نسبتاً پر بارش، از خصوصیات آب و هوای مدیترانه‌ای و تابستان پر باران از مشخصات مناطق مرطوب است.

منگنز MANGANESE
عنصر فلزی(علامت شیمیایی Mn) بسیار سخت، به رنگ خاکستری روشن که در هوا به سرعت کدر می‌شود. نقطهٔ ذوب آن ۱۲۴۴ درجهٔ سانتیگراد و چگالیش ۷/۴ می‌باشد. کانی‌های عمدهٔ آن پیرولوزیت و برانیت است که به شکل رسوبی می‌باشند. عنصر مهمی در آلیاژهای آهنی و غیر آهنی است. به مقدار ۲ درصد در فولادها، قابلیت سخت شدن آنها را افزایش می‌دهد. آلیاژ آن برای ریخته‌گری دارای استحکام و مقاومت در برابر خوردگی است و از این رو کاربرد وسیع در سازه‌های زیردریایی دارد.

منیزیت MAGNESITE
کانی منیزیم که به صورت کربنات کلسیم بی‌شکل بوده و به عنوان پوشش نسوز قلیایی به کار برده می‌شود.

منیزیم MAGNESIUM
عنصر فلزی با علامت شیمیایی (Mg)، نرم، چکش‌خور، سفیدرنگ و با چگالی ۱/۷ و نقطهٔ ذوب ۶۵۰ درجه سانتیگراد سبک‌ترین فلز ساختمان است. منابع اصلی آن «دولومیت» و آب دریا می‌باشد. به علت سبکی در آلیاژهایی که در ساختمان هواپیما و ماشین به کار می‌رود، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مواد خام RAW MATERIAL
موادی که به طور خام برای عمل آوردن و یا ساختن مصنوعات دیگر به کار رود مواد خام نام دارد.

موز سبز PLANTAIN
نوعی موز که در آن مواد نشاسته‌ای وجود دارد.

مولیبدن MOLYBDENUM
عنصر فلزی با علامت شیمیایی (Mo) سفید تیره رنگ، چکش‌خور، با چگالی ۱۰/۳ و نقطهٔ ذوب ۲،۶۲۰ درجه سانتیگراد، که به شکل طبیعی یافت نمی‌شود. کانی‌های عمدهٔ آن مولیبدنیت و ولفنیت است. کاربرد اصلی آن به صورت آلیاژ در فولادهاست که از شکنندگی فولادهای کروم - نیکل می‌کاهد. همچنین به شکل فلزی در لامپ‌های الکترونی و سپرهای محافظ تشعشعی و عناصر حرارتی کوره‌ها به کار می‌رود.

مهاجر EMIGRANT
شخصی که زادگاه و میهن اصلی خویش را ترک گفته و در سرزمین دیگر سکنی گزیده باشد.

مهاجرت MIGRATION
حرکت و جابجائی مردم اعم از داخلی (درون یک کشور) یا خارجی (از کشوری به کشور دیگر) را مهاجرت می‌گویند. مهاجرت ممکن است به دو علت به وقوع پیوندد: الف - رانش، به علت عواملی از قبیل سیاسی، مذهبی و اقتصادی. ب - کشش، به سبب عواملی مانند خالی از سکنه بودن سرزمین‌های مرغوب، منابع زیرزمینی و فراوانی کار.

مهاجرنشین COLONY
دسته‌ای از مردم یک کشور، که در منطقه‌ای دور از سرزمین بومی خویش به طور دسته‌جمعی زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر لفظ COLONY معادل مستعمره نیز می‌باشد. مستعمرات عموماً توسط مهاجرنشین‌ها تأسیس شده و تحت «استعمار» کشورهای قوی‌تر درآمده‌اند. در معنای وسیع‌تر تمام سرزمین‌هایی که فاقد استقلال سیاسی هستند، مستعمره خوانده می‌شوند.

میخک CLOVE
درخت پیوسته سبز جزایر ادویه و غنچه‌های ناشکفتهٔ آن، که از ادویه‌های غذایی معتبر محسوب می‌شود. این گیاه از زمان‌های قدیم در اندونزی کشت می‌شده و هنوز هم جزء اقلام صادراتی آن است. در حال حاضر در تانزانیا و ماداگاسکار نیز تولید می‌شود.

میزان تولد BIRTH RATE
عبارت است از عدهٔ نوزادان زنده برای هزار نفر سکنهٔ یک واحد سرزمینی (بخصوص کشور)، در مدت یک سال.

میزان مرگ و میر DEATH RATE
عبارت است از تعداد اشخاصی که در هر هزار نفر جمعیت یک واحد سرزمینی (بخصوص کشور)، در طول یک سال می‌میرند.

میزان مرگ و میر اطفال INFANT MORTALITY RATE
عبارت از اطفالی است که در هزار تولد، پیش از رسیدن به یک سالگی می‌میرند. معمولاً این میزان نسبت به یک واحد سرزمینی (بخصوص کشور) و در طول یک سال سنجیده می‌شود.

میکا (سنگ طلق) MICA
یکی از کانیهایی که در سنگ‌های آذرین یافت می‌شود. ترکیب میکا در حقیقت عبارت است از سیلیکات آبدار آلومینیوم همراه با یکی از فلزات قلیایی یعنی پتاسیم و سدیم، که کم و بیش با مقادیری از منیزیوم، آهن و گاهی کلسیم همراه است. اقسام مختلف میکا عبارتند از: میکای سفید، میکای سیاه، میکای سبز، میکای قهوه‌ای و میکای خاکستری، کاربرد عمده آنها، طلق چراغ و همچنین عایق‌های الکتریکی است.

میکرونزی MICRONESIA
مجموعهٔ جزایر کوچک و بی‌شماری در غرب اقیانوس آرام، شمال خط استوا و شرق فیلیپین که یکی از سه قسمت عمدهٔ «اقیانوسیه» می‌باشد. جزایر عمدهٔ آن عبارتند از: جزایر ماریانا، جزایر کارولین، جزایر مارشال، پالائو، کیریباس (جزایر گیلبرت)، گوآم و نائورو.

مینرال MINERAL
رجوع شود به کانی.

میوهٔ درخت نان BREADFRUIT
رجوع شود به درخت نان.

میوهٔ گواوا GUAVA FRUIT
رجوع شود به گواوا.

ن

ناحیه اقلیمی CLIMATIC REGION
رجوع شود به مناطق آب و هوایی.

نارگیل COCONUT
درختی در نواحی گرمسیری، از تیرهٔ نخل‌ها، که ارتفاع آن تا حدود ۴۰ متر هم می‌رسد و در تمام طول سال سبز، و دارای میوه می‌باشد. میوهٔ نارگیل از یک پوسته سخت و استخوانی کروی شکل و قسمت خوراکی داخل آن تشکیل شده و الیاف بی‌شماری نیز آن را پوشانده‌اند. میوهٔ نارس آن دارای مایع شیری رنگی است که شیر نارگیل یا آب نارگیل خوانده می‌شود و در هنگام رسیدن میوه این مایع به صورت یک قشر نرم (به ضخامت ۱/۵ تا ۲ سانتیمتر) جذب قسمت داخلی پوسته می‌شود که در حقیقت همان مغز نارگیل است. مغز نارگیل هم به مصرف تغذیه می‌رسد و هم از آن روغنی گرفته می‌شود که در تهیه مارگارین، صابون، کرم صورت وشمع به کار می‌رود. روغن نارگیل تصفیه شده نیز مصرف غذایی دارد. برای سهولت در صادرات مغز نارگیل، آن را خشک نموده و به نام «کوپرا» صادر می‌کنند.

ناسیونالیسم NATIONALISM
یا «ملی گرایی» آن احساس یا ایدئولوژیی است که بر اساس ملت دوستی استوار شده باشد. در قرن بیستم اکثر کشورهای تحت استعمار با حربهٔ ناسیونالیسم به استقلال دست یافتند.

نام بین‌المللی INTERNATIONAL NAME
نام بین‌المللی هر کشور (در این کتاب)، عبارت است از نام انگلیسی آن، که در سطح جهان مورد شناسایی و استفاده قرار می‌گیرد.

نام رسمی OFFICIAL NAME
در این کتاب، منظور عناوین رسمی کشورها است که معمولاً در آن نوع حکومت هر کشورمشخص می‌شود. مانند «جمهوری اسلامی ایران» که تعیین کنندهٔ نوع حکومت ایران است.

نام محلی LOCAL NAME
در تیتر عناوین کشورها (در این کتاب)، شاخص نامی است که مردم هر کشور به زبان محلی به سرزمین خود اطلاق می‌کنند. به طور مثال کشور آلمان در زبان آلمانی «دویچلاند» نامیده می‌شود و لفظ «آلمان» صورت فرانسوی آن است که در فارسی مصطلح شده است. در عین حال نام بین‌المللی آلمان نیز «جرمنی» می‌باشد.

نخست وزیر PRIME MINISTER
در برخی کشورها عنوان رئیس دولت یا قوهٔ مجریه است. در نظام‌های حکومتی گوناگون نقش و حدود اختیارات نخست‌وزیر متفاوت است.

نخل روغن OIL PALM
نام دسته‌ای از نخل‌ها که از فشردن میوهٔ آنها روغن نخل استخراج می‌شود، مانند نخل نارگیل و نخل روغن افریقایی و انواع نخل‌های روغنی امریکای جنوبی. روغن‌های نخل بیشتر برای ساخت صابون و صمغ به کار می‌رود، ولی در تهیه برخی روغن‌های روانکاری و مارگارین نیز استفاده می‌شود.

نخود کوپی COWPEA
گیاه یک ساله از نوع حبوبات که از قدیم‌الایام در چین و هند کاشته می‌شده و در قرن هجدهم به ایالات متحده برده شده است. به لحاظ مواد پروتئینی موجود در آن، از ارزش غذایی بالایی برخوردار است و در حال حاضر در برخی کشورهای افریقایی نیز به عمل می‌آید. در ایالات جنوبی امریکا مورد مصرف فراوان دارد و به علاوه از کاشت بوته‌های آن برای بهبود کیفیت خاک نیز استفاده می‌شود. به اسامی گوناگون نامیده شده که مهمترین آنها عبارتند از: نخود چشم سیاه، یا لوبیای چشم سیاه و لوبیای چینی.

نژاد RACE
گروهی از مردم که از نظر اصالت و وراثت طبیعی، دارای خصوصیات یکسانی باشند.

نژادپرستی RACISM
یا «راسیسم» یک نظریهٔ ضد علمی و تعصب‌آمیز است که به مفهوم وسیع آن، به برتری یک نژاد یا قوم یا ملت بر سایر ملل و اقوام معتقد است. بارزترین نمونه‌های آن را در عصر حاضر می‌توان در سیاست صهیونیست‌ها یافت.

نژادشناسی ETHNOLOGY
دانشی که به بررسی منشاء، پراکندگی و ویژگی‌های متمایز نژادها و فرهنگ اقوام بدوی می‌پردازد.

نشاسته اروروت ARROWROOT STARCH
نوعی نشاستهٔ خوراکی و زودهضم که از بعضی گیاهان امریکای جنوبی استخراج می‌شود. اروروت اصلی را از گیاه (Marant Arundinacea) که برگ‌های زیبای زینتی دارد، می‌گیرند.

نشاستهٔ کاساوا
رجوع شود به مانیوک.

نشاستهٔ گندم SEMOLINA
نوعی نشاسته که از گندم گرفته می‌شود و برای ساختن لعاب‌های غلیظ (حریره) یا رقیق غذایی، گلوکز و به ویژه ماکارونی به کار می‌رود.

نصف‌النهار MERIDIAN
دایره عظیمه‌ای که از دو قطب زمین عبور کرده و از صفر تا ۱۸۰ درجه به سوی خاور و یا صفر تا ۱۸۰ درجه به سوی باختر شماره‌گذاری شده است. دایره صفر، که آن را نصف‌النهار مبدأ می‌نامند از رصدخانه گرینیچ واقع در نزدیکی لندن عبور کرده است.

نصف‌النهار گرینیچ GREENWICH MERIDIAN
نصف‌النهاری که از رصدخانه گرینیچ (گرینویچ)، واقع در ۸ کیلومتری لندن و در ساحل جنوبی رود تیمز، عبور کرده است. نصف‌النهار گرینیچ به عنوان نصف‌النهار مبدأ برای اندازه‌گیری طول جغرافیائی به کار می‌رود.

نصف‌النهار مبدأ PRIME MERIDIAN
رجوع شود به نصف‌النهار گرینیچ.

نطرون NATRON
کربنات سدیم طبیعی یا سود ده آبه، که از بیابان‌های مصر به دست می‌آید. نام لاتینی ناتریوم برای سدیم نیز از همین کلمه نطرون گرفته شده است. به حالت محلول تقریباً در همهٔ آب‌های گرم قلیایی دیده می‌شود.

نظم نوین جهانی
رجوع شود به جنگ سرد.

نفت PETROLEUM
نفت به مفهوم کلی عبارت از مخلوطی است از هیدروکربن‌های جامد و مایع و گاز که معمولاً با حفر چاه‌های مخصوص از زیر زمین استخراج می‌گردد. طبق آمارهای سال ۲۰۰۰، بزرگترین ذخایر نفت به ترتیب در کشورهای عربستان سعودی، عراق، کویت، ایران و امارات متحده عربی شناسایی شده و حدود ۶۵ درصد نفت جهان در منطقه خاورمیانه قرار دارد.

نقره SILVER
عنصر فلزی درخشنده و براق، با علامت شیمیایی (Ag)، که به خوبی صیقل‌پذیر است. نقطهٔ ذوب نقره ۹۶۱ درجه سانتیگراد و چگالی آن ۱۰/۵ است. فلزی است چکش‌خور که قابلیت تورق آن نیز بسیار زیاد است و به خوبی مفتول می‌شود. چون نقرهٔ خالص از قابلیت انعطاف بسیاری برخوردار است معمولاً آن را با آلیاژهایی از مس مورد استفاده قرار می‌دهند. در صنعت، نقره برای ساختن وسایل مختلف و آب نقره‌کاری و آینه‌سازی به کار می‌رود و در جواهرسازی نیز از آن استفاده می‌شود. مهم‌ترین کانی آن آرژنتیت می‌باشد.

نقشه MAP
نمایش ترسیمی عوارض پوسته زمین روی موادی مانند کاغذ، پلاستیک، مقوا، پارچه و سایر مواد مشابه را که به نسبت معینی کوچک شده باشد، نقشه می گویند. یکی از خصوصیات نقشه استفاده از فن خلاصه کردن طبیعت متناسب با مقیاس و استفاده از علائم و نشانه‌هایی است که هریک معرف عارضه مخصوصی بوده و نقشه‌ای که از نظر مقیاس و علائم به طبیعت نزدیکتر باشد نقشه مقیاس بزرگ یا پلان نامیده می شود.

نقشه سیاسی POLITICAL MAP
نقشه‌ای است که جهت نمایش تفکیک کشورها و مرزهای بین‌المللی به کار رفته و در این گونه نقشه‌ها بسته به مقیاس و اندازه نقشه تقسیمات داخلی کشورها نیز مشخص می گردد.

نقشه طبیعی PHYSICAL MAP
عموماً به نقشه‌هایی اطلاق می گردد که در آن پستی و بلندی‌ها، رودها، قله‌ها و سایر عوارض طبیعی به تفکیک مشخص شوند.

نقطه ارتفاعی SPOT HEIGHT
نقطه‌ای که ارتفاع آن نسبت به سطح مبنای معینی دقیقاً تعیین و روی نقشه نمایش داده شده باشد. نقاط ارتفاعی معمولاً نسبت به سطح دریاهای آزاد تعیین می شوند.

نمک SALT
نمک طعام یا نمک معمولی یا کلرور سدیم با فرمول (ClNa) که به صورت جامد یا محلول در روی پوسته زمین دیده می شود. نمک بیشتر در حاشیه دریاچه‌های شور وجود دارد و از آب این گونه دریاچه‌ها نیز استخراج می گردد.

نمک پتاسیم (سیلویت) POTASSIUM SALT
با ترکیب کلرور پتاسیم (KCl)، که مانند نمک طعام بوده و اغلب با آن همراه است ولی به فراوانی آن نمی‌باشد. تراکم آن کمتر از نمک طعام بوده و کمی مزه تلخ دارد. معمولاً به صورت توده‌ای دانه‌ای دیده شده، دارای جلای شیشه‌ای، به رنگ‌های سفید شفاف، خاکستری، آبی، قرمز یا زرد می‌باشد.

نمکزار SALT FLAT
پوسته‌ای از املاح نمکی که کف یک دریاچه قدیمی را که به مرور خشک شده است به طور افقی پوشانیده باشد. به آن شوره‌زار نیز می گویند.

نواستعمار NEO-COLONIALISM
یا «استعمار جدید» سیاستی است که استعمارگران در قرن بیستم برای مقابله با موج جنبش‌های استقلال‌طلبانه در پیش گرفتند. در استعمار جدید، استعمارگر به طور مستقیم حکومت نمی‌کند و در عوض حکومت‌های بومی ولی وابسته را بر سر کار آورده و در حالی که به ظاهر استقلال سیاسی می‌دهد، در باطن وابستگی سیاسی و اقتصادی آنها را حفظ می‌نماید و کماکان به استثمار آنها ادامه می‌دهد. استعمارگران به منظور اغفال مردم آگاه شدهٔ مستعمرات خود، می‌کوشند تا حتی‌المقدور حکومت‌هایی را که محبوبیت مردمی دارند روی کار آورند و حتی به آنها اجازه دهند تا سیاست بی‌طرف و عدم تعهد را نیز دنبال کنند.

نیروی شبه نظامی PARA-MILITARY
در برخی کشورها، عنوان نیروی نظامی غیر حرفه‌ای یا نیمه حرفه‌ای است که توسط افراد داوطلب مردمی تشکیل می شود و دامنهٔ فعالیت آنها در کشورها و شرایط گوناگون متفاوت است.

نیروی کار LABOUR FORCE
نیروی کاری یک جامعه، عبارت است از تعداد افرادی که بر اساس قانون، در سن اشتغال قرار گرفته‌اند. این رقم مجموع بیکاران هر کشور را نیز در بر می گیرد.

نیزار CANE-BRAKE
منطقه‌ای پوشیده از نی‌های فراوان، که بلندی نی‌های آن گاه تا ۱۰ متر می‌رسد. مانند نیزار هورالعظیم در مرز ایران و عراق.

نیشکر CANE-SUGAR
گیاهی است از تیرهٔ گندمیان که ساقهٔ هوائیش، بر خلاف گندمیان دیگر، توپر است و نسج سلولی داخل ساقه محتوی مقدار زیادی شیرهٔ قندی قابل استخراج می‌باشد. از نیشکر برای تهیهٔ قند و شکر در کارخانه‌های تصفیه شکر یا قند استفاده می شود. مهمترین کشورهای دارای کشت نیشکر عبارتند از: کوبا، هاوایی، اندونزی و هندوستان. در ایران نیز نیشکر در استان خوزستان به عمل می‌آید.

نیکل NICKEL
عنصر فلزی جلادار با علامت شیمیایی (Ni)، به رنگ زرد روشن و چکش خور با چگالی ۸/۹ و نقطه ذوب ۱۴۵۵ درجهٔ سانتیگراد که از نظر نظامی دارای اهمیت می‌باشد. سنگ معدن آن را پیریت‌های مغناطیسی یا سنگ‌های پیریتی گوگردی نیکل‌دار تشکیل می‌دهد. از نیکل عمدتاً برای آلیاژ کردن فولادها به منظور استحکام بیشتر آنها، و همراه با کروم برای تهیهٔ فولادهای زنگ نزن استفاده می شود. همچنین در مغز بوبین‌های دستگاههای الکترونیک، سفید کردن آلیاژها، ضرب سکه و آبکاری نیکل (بیشتر برای اشیاء زینتی) نیز به کار می‌رود.

نیمکرهٔ جنوبی SOUTHERN HEMISPHERE
رجوع شود به نیمکرهٔ زمین.

نیمکره زمین HEMISPHERE
نیمه‌ای از کره زمین را که بر اثر عبور یک صفحه مستوی فرضی از مرکز زمین به دست آمده باشد نیمکره زمین می‌نامند. معمولاً کره زمین را به دو نیمکرهٔ شمالی و جنوبی تقسیم می‌کنند که بر اثر برش آن به واسطهٔ سطح استوا به دست می‌آید. نیمه‌ای که در شمال استوا قرار دارد نیمکره شمالی و نیمه جنوبی آن را نیمکرهٔ جنوبی می گویند همچنین کره زمین، به وسیلهٔ نصف‌النهار گرینیچ و نصف‌النهار ۱۸۰ درجه به دو نیمکرهٔ شرقی و غربی نیز تقسیم می گردد.

نیمکرهٔ شرقی EASTERN HEMISPHERE
نیمی از کرهٔ زمین که در شرق نصف‌النهار گرینیچ و غرب نصف‌النهار ۱۸۰ درجه واقع شده و معمولاً قاره‌های آسیا، اروپا، استرالیا، افریقا و جزایر مربوط به آنها جزء نیمکرهٔ شرقی محسوب می‌شوند.

نیمکرهٔ شمالی NORTHERN HEMISPHERE
رجوع شود به نیمکرهٔ زمین.

نیمکرهٔ غربی WESTERN HEMISPHERE
آن نیمه‌ای از کره زمین را که در غرب نصف‌النهار گرینیچ و شرق نصف‌النهار ۱۸۰ درجه واقع شده نیمکرهٔ غربی می‌نامند. معمولاً فقط قاره‌های سه گانهٔ امریکا و جزایر مربوط به آنها جزء نیمکرهٔ غربی محسوب می شود و قسمت‌هایی از قاره‌های اروپا و افریقا را که در این نیمکره قرار دارند جزء نیمکرهٔ شرقی ذکر می‌کنند.

نیمگان زمین EQUATOR
یا استوا زمین، دایره عظیمه‌ای است که بر محور چرخش زمین یا محور قطبین زمین عمود باشد. پیرامون این دایره ۰۷۳، ۴۰ کیلومتر است و این دایره کره زمین را به دو نیمکره شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. نیمگان زمین بر مدار صفر درجه عرض جغرافیائی منطبق بوده و در حقیقت مبدأ اندازه‌گیری‌های عرض جغرافیائی محسوب می گردد.

نیوبیوم NIUBIUM
عنصر فلزی نرم و نقره‌ای، با علامت شیمیایی (Nb)، به وزن مخصوص ۸/۵ و نقطهٔ ذوب ۲۴۶۸ درجهٔ سانتیگراد، که قبلاً کلمبیوم نامیده می‌شده است. در تهیهٔ آلیاژهای فولادی و الکترودهای جوشکاری و همچنین در مورد هدایتهای الکتریکی بسیار بالا، از نیوبیوم استفاده می شود. سنگ معدن آن «کلمبیت» می‌باشد.

و

واحه OASIS
منطقه‌ای درون کویر که دارای آب کافی بوده و برای زیست انسان و رشد گیاهان مناسب باشد. واحه ممکن است در مناطق غیر کویری، جائی که سطح آب‌های زیرزمینی بالا باشد نیز به وجود آید. واحه معمولاً از یک چاه یا چشمه آب و چند درخت و احتمالاً چند واحد مسکونی تشکیل یافته، اما ممکن است وسعت آن به چندین کیلومترمربع نیز برسد.

وادی WADI
مسیل تنگ و معمولاً خشکی که در یک ناحیه کویری واقع شده و فقط هنگام بارندگی‌های شدید در آن آب جاری می‌شود. این واژه که در اصل عربی است، بیشتر در صحرای افریقا و سرزمین‌های عربی جنوب باختری آسیا متداول است.

واردات IMPORTS
کالاهایی که در کشور یا کشورهایی ساخته و یا فراهم شده و از راه تجارتی به یک کشور دیگر وارد گردد واردات نام دارد. معمولاً چون تهیه پاره‌ای کالاها برای برخی کشورها امکان‌پذیر نبوده و یا از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نمی‌باشد، لذا آنان با استفاده از کالاهای وارداتی نیازمندی‌های خود را تأمین می‌کنند. شرایط جوی و وضع آب و هوا از جمله عوامل تعیین کننده ضرورت و میزان واردات است. مثلاً چون رشد و نمو گیاهان و میوه‌های گرمسیری یا استوائی برای کشورهای مناطق معتدله و یا سردسیر امکان‌پذیر نیست لذا با وارد کردن این گونه میوه‌ها، نیازمندی ساکنان کشورهای اخیر را تأمین می‌کنند. مسئله تخصص، کارگر و قابلیت زمین نیز از جمله عوامل مؤثر در میزان واردات است. غالب کشورها در برابر واردات، کالاهایی را که در داخله تهیه می‌کنند به کشورهای دیگر صادر می‌نمایند و سعی می‌کنند تا میان واردات و صادرات حداقل، تعادل مناسبی برقرار باشد و کوشش می‌کنند صادراتشان بر واردات فزونی گیرد. به طور کلی اقتصاد سالم و معقول آن است که صادرات بر واردات فزونی داشته باشد.

وانادیوم VANADIUM
عنصر فلزی با علامت شیمیایی (V) سفید شفاف و سخت، با چگالی ۶/۱۵ و نقطهٔ ذوب ۱۸۰۰ درجه سانتیگراد. سنگ معدن مهم آن وانادینیت می‌باشد. وانادیوم ماده‌ای بسیار سمی است و کاربرد آن در سخت نمودن فولاد و فولادهای قابل جوشکاری با استحکام زیاد و بهبود استحکام و مقاومت در برابر خوردگی آلیاژهای مس و آلومینیوم می‌باشد.

وانیل VANILLA
مادهٔ معطری که از دانهٔ نوعی گیاه ارکید بالارونده به همین نام (وانیل) استخراج می‌شود و به عنوان عطر یا چاشنی به کار می‌رود.

وتو VETO
وتو به معنای جلوگیری از عمل است و «حق وتو» حق یا توانایی جلوگیری است. بنابراین وتو یا حق وتو قدرت قانونی یک سازمان اداری یا عضوی از اعضای آن است برای جلوگیری از عمل آن سازمان یا سازمان دیگر یا اعضای آن. این لفظ در جریان قانونی فعالیت‌های سازمان ملل متحد معنای خاصی دارد. در این مورد حق وتو به معنای حق یک عضو دائمی شورای امنیت (کشورهای امریکا، روسیه، چین، فرانسه و انگلستان) برای جلوگیری از عمل تصویب شده به وسیلهٔ اعضای دیگر است.

ولفرام (تنگستن) WOLFRAM (TUNGSTEN)
عنصر فلزی به رنگ خاکستری فولادی و بسیار سخت، با علامت شیمیایی (W)، که در میان عناصر شناخته شده بالاترین نقطهٔ ذوب (۳۳۸۰ درجهٔ سانتیگراد) را دارد و چگالی آن ۱۹/۳ می‌باشد. کانی عمدهٔ آن ولفرامیت است و به علت بالا بودن نقطهٔ ذوب، در رشته درون لامپ‌ها و لامپ‌های اشعهٔ ایکس به کار برده می‌شود. همچنین به صورت کربور در فولادهای تندبر برای الکترودها و آلیاژهای سنگین، و برای ساختن فولادهای حدیده‌ای و مفرغ‌های سخت به کار می‌رود.

ه

هزینه‌های انتقالی TRANSFER EXPENDITURES
جزء هزینه‌های بودجه؛ هزینه‌های در نظر گرفته شده برای کمک به استان‌ها یا ایالت‌ها و کلاً هر هزینه‌ای که جزء هزینه‌های دولت مرکزی محسوب نشود.

هزینه‌های بودجه BUDGET EXPENDITURES
عنوان هزینه‌هایی که دولت‌ها در طی یک دورهٔ معین که معمولاً یک سال است، برای اجرای برنامه‌های اجتماعی، عمرانی، رفاهی، نظامی و مخارج عمومی دولت مصرف می‌کنند. برای توضیح بیشتر رجوع شود به بودجه.

هزینه‌های جاری CURRENT EXPENDITURES
در بودجهٔ عمومی دولت، آن بخش از هزینه‌ها را شامل می‌شود که فایدهٔ آن منحصر به یک دورهٔ مالی باشد. پرداخت حقوق کارمندان و نظایر آن جزء هزینه‌های جاری محسوب می‌شود.

هزینه‌های سرمایه‌ای CAPITAL EXPENDITURES
در مورد بودجه عمومی دولت، هزینه‌هایی را در بر می‌گیرد که فایدهٔ آن به بیش از یک دورهٔ مالی عاید می‌گردد.

هزینه‌های عمرانی DEVELOPMENT EXPENDITURES
آن بخش از هزینه‌های عمومی دولت که صرف امور بنیادی و ساختاری کشور می‌شود.

هکتار HECTARE
واحد سنجش در سیستم متریک، برابر با ۱۰،۰۰۰ مترمربع.

همه‌پرسی (رفراندوم) REFERENDUM
یا «مراجعه به آراء عمومی»، اصل یا عمل ارجاع مسئله‌ای که هیئت مقننه در باب آن حکمی صادر کرده، یا از طرف یک هیئت مقننه یا به ابتکار عمومی پیشنهاد شده است، به رأی عموم مردم، تا با دادن رأی نظر خود را نسبت به آن اظهار کنند. نحوهٔ برگزاری همه‌پرسی در قانون اساسی هر کشور تعیین شده و کشور سوئیس بیشترین مراجعه به آرای عمومی را داراست.

هند شرقی EAST INDIES
هند شرقی به مجموعهٔ مجمع‌الجزایر اندونزی اطلاق می‌گردد و در معنای وسیع آن تمامی جزایر واقع در جنوب شرقی آسیا و شمال استرالیا به انضمام جزیره گینهٔ نو را نیز شامل می‌شود. مجمع‌الجزایر فیلیپین در خارج از محدودهٔ مذکور قرار دارد.

هند غربی WEST INDIES
مجموعهٔ جزایری که بین جنوب شرقی «امریکای شمالی»، شرق «امریکای مرکزی» و شمال «امریکای جنوبی»، در اطراف دریای کارائیب واقع شده‌اند، جزایر هند غربی معمولاً به سه گروه عمدهٔ جزایر آنتیل بزرگ «آنتیل‌های بزرگتر»، جزایر آنتیل کوچک «آنتیل‌های کوچکتر» و جزایر باهاما تقسیم می‌شود. در برخی مآخذ هند غربی جزء امریکای مرکزی ذکر شده است.

هندو
رجوع شود به هندوئیسم.

هندوئیسم HINDUISM
نام آیینی است که در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد در هندوستان رواج یافته و اکنون نیز اکثر مردم هند پیرو این آیین می‌باشند. مشخصهٔ این مذهب تناسخ روح می‌باشد، به این معنی که تمام موجودات زنده جوهر وجودیشان یکی بوده و به صورت خلایقی پراکنده، که بعداً در یک وجود واحد جمع خواهند شد، خودنمایی می‌کنند. طبق اصول هندوئیسم یک نظام طبقاتی بر جامعهٔ هندوها حاکم است و اجتماع هندوها از طبقات گوناگونی تشکیل یافته، که هر طبقه یک کاست نامیده می‌شود.

هندوچین INDOCHINA
شبه جزیره‌ای است در آسیای جنوب شرقی، بین اقیانوس‌های آرام و هند، که کشورهای میانمار، تایلند، کامبوج، لائوس، ویتنام و شبه جزیره مالایا در آن واقع شده‌اند.

هوا WEATHER
وضعیت جوی یک منطقه در یک زمان معین با در نظر گرفتن عواملی چون درجه حرارت، نور خورشید، باد، ابر، مه و تبخیر، معمولاً وضعیت هوا را ساعت به ساعت یا روز به روز ثبت و گزارش می‌کنند.

هواشناسی AEROLOGY
دانشی که دربارهٔ شناخت جو (آتمسفر) گفتگو می‌نماید. پیش‌بینی وضعیت جوی از جمله کارهای هواشناسی است که به کمک اسباب‌های دقیق و نقشه‌های مخصوصی که به آنها چارت‌های هواشناسی می‌گویند انجام می‌شود. در چندین سال اخیر با رشد و توسعه ماهواره‌های هواشناسی، این امر از طریق بررسی داده‌های رقومی که توسط این ماهواره‌ها فراهم می‌شود، صورت می‌پذیرد.

ی

یاقوت RUBY
یکی از کانی‌های سنگ‌های آذرین، که بعد از الماس سخت‌ترین کانی‌ها محسوب می‌شود. ترکیب شیمیایی یاقوت آلومین خالص است که ممکن است به مقدار کم با مواد دیگر از قبیل کروم و آهن آغشته شود. در لایه‌های آتشفشانی قدیمی هند و تبت یافت می‌شود و دارای اقسام مختلف می‌باشد که مرغوب‌تر و قیمتی‌تر از همه یاقوت آتشی است.

یام (سیب‌زمینی هندی) YAM
گیاهی پیچنده که دارای ساقه‌های زیرزمینی بسیار ضخیم، با اندوخته نشاسته‌ای فراوان می‌باشد. در بعضی مناطق استوایی و نیمه استوایی مانند هندوچین، چین و ژاپن و هند به جای سیب‌زمینی مصرف می‌شود.

یخ ICE
یخ عبارت است از حالت جامد آب که چگالی آن ۰/۹ گرم در سانتیمترمکعب است و به همین جهت در مقایسه با شکل آبگون آن (با چگالی ۱ گرم در سانتیمترمکعب) سبک‌تر بوده و حالت شناور پیدا می‌کند. تقریباً حدود یک درصد سطح زمین به وسیلهٔ یخسارهای وسیعی مانند نواحی قطب جنوب و گروئنلند پوشیده شده که ضخامت آنها در بعضی مناطق از ۲۰۰۰ متر تجاوز می‌کند. یخ همچنین به شکل بلورهای کوچکی مانند ذرات برف و تگرگ و شبنم یخ زده دیده می‌شود.

یخبندان FROST
وضعیت جوی که آب در مرحله نقطه انجماد و یا زیر آن باشد. یخبندان آب باعث خرد شدن سنگ و خاک می‌گردد. گنجایش آب بر اثر یخبندان حدود ۱۰ درصد افزایش یافته و فشار حاصله از افزایش حجم به خرد شدن سنگ‌ها می‌انجامد.

یخچال GLACIER
یخچال یا یخچالهای طبیعی، عبارت است از توده یخ‌هایی در یک دره یا یک بستر که تحت تأثیر نیروی کشش زمین از بالا به پایین به آرامی روان باشد. قطر یخ در قسمت اولیه، که در واقع سرچشمه یخچال است، زیادتر و میزان آب شدن آن به دلیل سرمای زیاد کمتر و برعکس در قسمت‌های انتهایی که هوا گرمتر است از قطر و وزن یخ‌ها کاسته می‌گردد تا جایی که دیگر اثری از یخ دیده نشده و انتهای یخچال را آشکار می‌سازد.

یخسار ICE SHEET
یخسار عبارت است از توده‌های بسیار عظیمی از برف و یخ، که سرزمین‌های قطبی را پوشانیده و سطح آنها تقریباً هموار باشد. یخسارهای گروئنلند و قطب جنوب، تنها یخسارهای موجود در زمان حاضر بوده که یخسار گروئنلند سراسر شبه جزیره مزبور جز باریکه‌ای در کرانه‌های جنوبی را فرا گرفته و یخسار قطب جنوب آنچنان است که اثری از سطح زمین اصلی دیده نمی‌شود و همه‌جا زیر پوشش یخ قرار گرفته و حتی پاره‌ای جاها پا را از سرزمین اصلی فراتر نهاده و به سطح آب‌های اطراف نیز پیشرفت کرده است. به این عارضه، یخپهنه نیز می‌گویند.

یخکند FIORD
رجوع شود به آبدره.

ید IODINE
عنصر شبه فلزی و هالوژن با علامت شیمیایی (I)، به رنگ قهوه‌ای و خورندهٔ بسیار شدید فلزات، که نقطهٔ ذوب آن ۱۱۴ درجهٔ سانتیگراد بوده و به حالت آزاد در طبیعت یافت نمی‌شود. کاربرد آن بیشتر در پزشکی به عنوان محلول ضد عفونی کننده بوده و همچنین محلول ۱۰٪ آن در یدور پتاسیم را می‌توان برای زدودن قشرهای اکسید سطح فولاد به کار برد. در تهیهٔ رنگ و حجاری روی سنگ نیز مورد استفاده است.

یشم (ژاد) JADE
سیلیکات کلسیم و منیزیم که اکثراً به رنگ‌های سبز روشن متمایل به آبی و یا سفید یافت می‌شود. این کانی نیمه قیمتی بوده و مصرف تزیینی دارد. انواع آن ژادیت و نفریت می‌باشد.

یهودیت JUDAISM
یکی از ادیان توحیدی، که پیامبر آن حضرت موسی بوده و از نام قوم یهود-که حضرت موسی از آن قوم می‌باشد - اخذ گردیده است. کتاب مقدس یهودیان تورات است.

آخرین تغییرات

آرژانتین: انتخابات ریاست جمهوری ومجلس نمایندگان آرژانتین دراواخرماه آوریل ۲۰۰۳ برگزارگردید که دردور اول انتخابات ریاست جمهوری، کارلوس منم با۲۳/۴درصد آراء و نستور کارلوس کیرچنر با ۲۲ درصد آراء به دور دوم راه یافتند.

ارمنستان: روبرت کوچاریان با پیروزی در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری ماه مارس ۲۰۰۳، توانست برای بار دوم به این مقام دست یابد.

استونی: در انتخابات مجلس ریگیکوگو در مارس ۲۰۰۳، حزب مرکز ۲۸ کرسی، اتحاد برای جمهوری ۲۸ کرسی، حزب اصلاحات ۱۹ کرسی، اتحاد مردم ۱۳ کرسی، اتحاد میهنی ۷ کرسی و حزب میانه‌رو ۶ کرسی به دست آوردند و یوهان پارتس از «اتحاد برای جمهوری» به نخست‌وزیری برگزیده شد.

اسرائیل: در انتخابات پارلمانی ژانویه ۲۰۰۳، حزب لیکود توانست با کسب ۳۸ کرسی مجدداً دولت خود را تشکیل دهد و آریل شارون در مقام نخست‌وزیری ابقاء گردید. تعداد کرسی‌های سایر احزاب نیز به این شرح است: حزب کارگر ۱۹ کرسی، شینوئی و حزب مرکز ۱۵ کرسی، سازمان بین‌المللی تورات ۱۱ کرسی، اتحاد ملی ۷ کرسی، مرتس ۶ کرسی، حزب ملی مذهبی ۶ کرسی، جبهه دموکراتیک برای صلح و برابری ۳ کرسی و بقیه ۱۵ کرسی.

افریقای مرکزی: در پی وقوع یک کودتای بدون خونریزی در ماه مارس ۲۰۰۳، ژنرال فرانسوا بوزیزه، در غیاب آنگه فلیکس پاتاسه، رئیس جمهور این کشور، قدرت را به دست گرفت و با انحلال مجلس ملی، اجرای قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد.

ایالات متحده امریکا: در روز اول فوریه ۲۰۰۳، شاتل فضایی کلمبیا هنگام بازگشت به زمین دچارسانحه شد و سقوط کرد. دراین حادثه که مشابه آن درسال ۱۹۸۶ برای شاتل فضایی چلنجراتفاق افتاده بود، هفت سرنشین آن کشته شدند.
بالاخره پس از ماهها زمینه سازی و بدون رعایت قطعنامه های سازمان ملل متحد، نیروهای ارتش امریکا به همراهی نیروهای انگلیسی ازبیستم مارس ۲۰۰۳، تهاجم گستردهٔ خود علیه سرزمین عراق را آغاز کردند و از زمین، هوا و دریا این کشور را مورد حمله قراردادند. این حملات وسیع که علی رغم مخالفتهای افکارعمومی جهانیان انجام شد، خسارات و تلفات سنگینی را برمردم و ارتش عراق وارد آورد وسرانجام در نهم آوریل با اشغال کامل بغداد، فروپاشی دولت صدام حسین درعراق اعلام گردید. با سقوط دولت عراق، جورج بوش، رئیس جمهور امریکا، جی گارنر، اززنرالهای بازنشستهٔ ارتش امریکا را به عنوان حاکم نظامی عراق به کار گمارد و وعده داد که به تدریج حکومت عراق را به مردم این کشور واگذار خواهد نمود. علی‌رغم اینکه بهانهٔ حمله به عراق، نابودی سلاحهای کشتار جمعی این کشور ذکر شده بود، عملاً هیچ سلاح غیر متعارفی در عراق به دست نیامد.

بلیز: حزب اتحاد مردم در انتخابات مجلس نمایندگان که در ماه مارس ۲۰۰۳ برگزار گردید، با کسب ۵ کرسی بیشتر نسبت به انتخابات دور قبل، تعداد نمایندگان خود در مجلس نمایندگان را به ۲۲ نفر رساند. حزب اتحاد دموکراتیک اگرچه توانست ۴۵/۶ درصد آرای شرکت کنندگان را به دست آورد، اما فقط ۷ کرسی به آن تعلق گرفت. بدین ترتیب سعید ویلبرت موسی در پست نخست‌وزیری باقی ماند.

بنین: احزاب طرفدار رئیس جمهور، ماتیوکرکو، توانستند در انتخابات مجلس ملی با کسب ۵۵/۸ درصد آراء، ۵۲ کرسی را به خود اختصاص دهند. احزاب مخالف دولت نیز با کسب ۴۳ درصد آراء، ۳۱ کرسی در پارلمان این کشور به دست آوردند.

پاراگوئه: کاندیدای حزب کلرادو در انتخابات ریاست جمهوری ماه آوریل ۲۰۰۳ به پیروزی رسید. وی که نیکانور دوآرته نام دارد، توانست ۳۸/۷ درصد آراء را ازآن خود کند. انتخابات مجلس نمایندگان نیز همزمان با آن برگزار گردید که ازنتایج آن اطلاعی دردست نیست.

ترکمنستان: پرچم جمهوری ترکمنستان در اوایل سال ۲۰۰۳ تغییر یافت که در صفحهٔ ۴۸۲ آمده است. انتخابات مجلس خلق (خلق مصلحتی) در ماه آوریل ۲۰۰۳ برگزار گردید و تمامی منتخبین آن از حزب دموکرات ترکمنستان به رهبری صفر مراد نیازاف برگزیده شدند.

ترکیه: به دنبال ایجاد تغییراتی در قانون اساسی ترکیه، که توسط مجلس این کشور به وجود آمد، رجب طیب اردوغان، رهبر حزب عدالت و توسعه در انتخابات میان‌دوره‌ای به پارلمان این کشور راه یافت و از این طریق توانست به نخست‌وزیری برسد. وقوع زلزله‌ای به قدرت ۶/۴ ریشتر نواحی شرقی ترکیه را لرزاند و خسارات و تلفات زیادی را به خصوص در شهر بینگول و نواحی اطراف آن به بار آورد. بیش از ۱۱۵ نفر در این زلزله جان خود را از دست دادند.

چین: مجلس ملی خلق، طی اجلاس ویژه خود در ماه مارس ۲۰۰۳، رئیس جمهور و نخست‌وزیر جدید این کشور را تعیین نمود. طبق تصمیمات این مجلس، هو جینتائو به ریاست جمهوری رسید و ون جیابائو، جایگزین ژو رونگجی، در پست نخست‌وزیری شد.
در اواخر سال ۲۰۰۲ اولین نمونه‌های بیماری مرموزی که به «سندرم تنفسی بسیار حاد» یا به اختصار «سارس» معروف شده است، در کشور چین مشاهده شد. این بیماری مرگبار که بیشتر در کشورهای جنوب شرقی آسیا، به ویژه در چین و هنگ‌کنگ مشاهده شده است، علائمی مانند سرماخوردگی دارد، اما به سرعت موجب عفونت شدید ریه‌ها گشته و در مدت کوتاهی، به ویژه هنگامی که تشخیص داده نشود، باعث مرگ بیمار می‌گردد. بروز این بیماری و تلفات گسترده آن در چین موجب شد که تمهیدات گسترده‌ای در این کشور برای مقابله با شیوع آن در میان مردم به مورد اجرا گذاشته شود.
ویروس سارس تاکنون در۲۳ کشور جهان مشاهده شده است. براساس بررسیهایی که تا کنون به عمل آمده نخستین مورد این بیماری در ماه نوامبر ۲۰۰۲ درچین مشاهده شده وسپس در ماه فوریه ۲۰۰۳ به هنگ کنگ انتقال یافته است. مقامهای سازمان جهانی بهداشت از آن بیم دارند که انتشار سریع این ویروس درنقاط مختلف کره زمین فاجعه سال ۱۹۱۸ را تکرار کند که طی آن شیوع گسترده نوعی بیماری آنفلوانزا، موجب کشته شدن دهها میلیون نفردرکشورهای مختلف جهان شد.

عراق: علی رغم اینکه دولت عراق برای جلوگیری ازحملهٔ نظامی امریکا به این کشور، تمامی مساعی خود را به کار برد تا با همکاری کامل با سازمان ملل متحد و بازرسان ویژهٔ آن، اثبات نمایدکه دراین کشورسلاح کشتار جمعی وجود ندارد، سرانجام نیروهای امریکایی و انگلیسی با زیر پا گذاردن منشورملل متحد و در مخالفت آشکاربا قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل و همچنین افکار عمومی جهان، از نیمه شب بیستم ماه مارس ۲۰۰۳ تهاجم گسترده ای را به خاک این کشورآغاز نمودند. درطی حملات دامنه دار و وسیع امریکا و انگلستان به زیر ساختهای اقتصادی ونظامی عراق، خسارات وتلفات زیادی بر مردم این کشورتحمیل گردید.
با سقوط دولت صدام حسین در نهم آوریل، ادارهٔ اموراین کشور در اختیارنیروهای امریکایی و انگلیسی قرار گرفت و دولت امریکا جی گارنررا به عنوان حاکم نظامی این کشور منصوب نمود تا دولت آیندهٔ عراق به تدریج ادارهٔ اموراین کشوررا به دست بگیرد.

فلسطین: محمود عباس، مشهور به ابومازن درماه آوریل ۲۰۰۳ به عنوان نخست وزیر دولت خودگردان فلسطین به تأیید شورای ملی فلسطین رسید و کمی پس ازآن طرح صلح چهارجانبه امریکا، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و روسیه، موسوم به «نقشه راه» که در برگیرندهٔ برنامهٔ جامع صلح میان اسرائیل و فلسطین می باشد و درآن تشکیل دولت فلسطین تا سال ۲۰۰۵ میلادی پیش بینی شده است، تسلیم وی گردید.

کیریباتی: در انتخابات پارلمانی نوامبر و دسامبر ۲۰۰۲، حزب پایه‌های حقیقت ۱۷ کرسی را به دست آورد و حزب «از مانئابا حمایت کنید» ۱۶ کرسی را به خود اختصاص داد. تبورورو تیتو، رئیس جمهور کریباتی نیز با کسب ۵۰/۴ درصد آرای انتخابات ریاست جمهوری فوریه ۲۰۰۳ در مقام خود باقی ماند.

مالت: برگزاری انتخابات ماه آوریل ۲۰۰۳ نشان داد که گرایش مردم این کشور به احزاب سیاسی موجود فرقی نکرده و نتایج دور قبل مجدداً تکرار شد. در این انتخابات نیز مانند دور قبل، حزب ملی ۳۵ کرسی و حزب کارگر مالت ۳۰ کرسی را به دست آوردند.

مجارستان: حدود ۸۴ درصد مردم این کشور با شرکت در یک همه‌پرسی در ماه آوریل ۲۰۰۳، به پیوستن مجارستان به اتحادیه اروپا رأی مثبت دادند. بدین ترتیب کشور مجارستان در ماه مه ۲۰۰۴ به عضویت اتحادیه اروپا درخواهد آمد.

نیجریه: در انتخابات ریاست جمهوری آوریل ۲۰۰۳، اولوسگون اوباسانجو با کسب ۶۱/۹ درصد آراء بر رقیب اصلی خود محمد بوهاری، از ژنرال‌های پیشین ارتش، در مقام خود ابقاء گردید. طرفداران محمد بوهاری، دولت را به تقلب گسترده در انتخابات متهم کردند و از پذیرش انتخابات خودداری کردند. چنانچه اوباسانجو موفق به تداوم حکومت خود گردد، نخستین رئیس جمهوری خواهد بود که از سال ۱۹۶۰ تاکنون توانسته است دو دوره این مقام را حفظ نماید.
در دور اول انتخابات پارلمانی که همزمان با انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید و نتایج دور دوم آن هنوز معلوم نیست، حزب دموکراتیک خلق با کسب ۱۹۸ کرسی از ۳۱۸ کرسی اعلام شده، توانست مجدداً اکثریت خود را در مجلس نمایندگان حفظ نماید. تعداد کرسی‌های سایر احزاب نیز بدین شرح می‌باشد: حزب تمام مردم ۸۳ کرسی، اتحاد برای دموکراسی ۳۰ کرسی، بقیه ۷ کرسی.

یمن: در سومین انتخابات پارلمانی یمن، پس از وحدت دو یمن، که درآوریل ۲۰۰۳ برگزارگردید، «کنگره عمومی خلق» اکثریت قاطع خود در مجلس نمایندگان (مجلس النواب) راحفظ کرد. در این انتخابات، کنگره عمومی خلق به رهبری علی عبدالله صالح، رئیس جمهور این کشور۲۱۴ کرسی، حزب اسلامی الاصلاح ۴۰ کرسی، حزب سوسیالیست یمن ۷ کرسی، حزب ناصریست وحدت گرای خلق ۲ کرسی، حزب عربی سوسیالیستی بعث ۲ کرسی و نمایندگان منفرد ۱۴ کرسی به دست آوردند.

یونان: اجلاس سران اتحادیه اروپا و ده کشوری که قرار است در ماه مه ۲۰۰۴ به این اتحادیه بپیوندند در شهر آتن برگزار گردید و پیمان تشکیل اروپای جدید به امضای آنان رسید. کشورهای استونی، اسلوواکی، اسلوونی، چک، قبرس، لاتویا (لتونی)، لیتوانی، لهستان، مالت و مجارستان، در صورتی که در همه‌پرسی‌های جداگانه این کشورها، به تأیید برسد، از ماه مه ۲۰۰۴ به عضویت اتحادیه اروپا درخواهند آمد و بدین ترتیب تعداد اعضای این اتحادیه به ۲۵ کشور خواهد رسید.

Designed, Computerized Cartography & Printed by:
Gitashenasi Geographical & Cartographic Institute

No. 15, Ostad Shahriyar Street, Razi Street, Vali-ye- Asr Crossroads,
Enqelab-e- Eslami Ave., Postal Code: 11337,Tehran Iran ,
P.O.Box: 14155-3441: Tel: (+9821)6709335 - 6713603, Fax: 6705782,
www. gitashenasi.com; E-mail: info@gitashenasi.com

* Gitashenasi -ye- Novin-e- Keshvarha

* Compiled & Translated by: Abbas Ja`fari

* First Edition;

* Printed by: Tehran, Iran

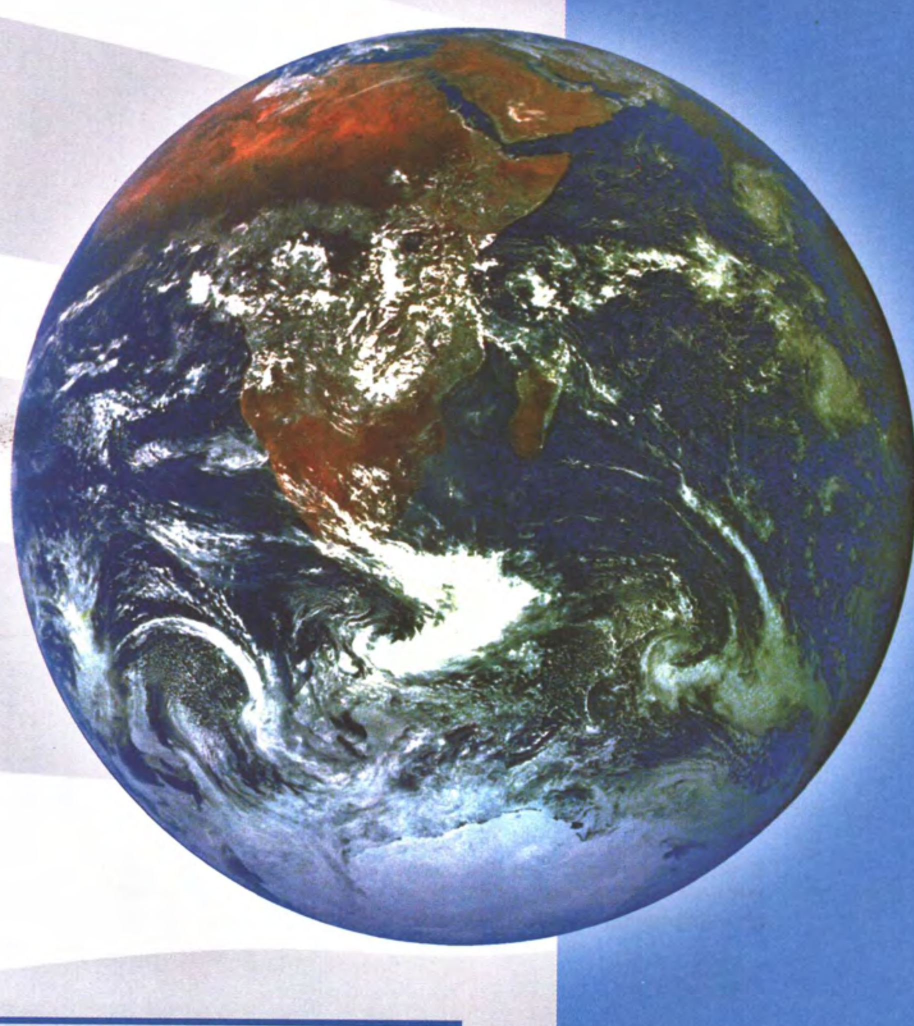
© All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photographying, recording or otherwise, without written permission of the publisher.

ISBN 964-342-143-0

375

GITASHENASI-YE-NOVIN-E-KESHVARHA

(New Geography of the Countries)



Compiled & Translated by:
ABBAS JA`FARI

GITASHENASI
Geographical & Cartographic Institute

375

GITASHENASI-YE-NOVIN-E-KESHVARHA

(New Geography of the Countries)



قیمت: ۱۶۵,۰۰۰ ریال

شابک ۰-۱۴۳-۳۴۲-۹۶۴
ISBN 964-342-143-0

GITASHENASI
Geographical & Cartographic Institute